



نِگارِش آسان

حاج شیخ عباس قمی

ترجمہ الہی قمہ ای - بخط ابوالحسن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این مجموعه **مفاتیح الجنان**
وقف عام شد برای علاقمندان **ارتباط با خدا**
جهت خواندن آسان

بهترین پاداش ما، دعا و تبلیغ شماست.

Support us by giving your blessing and endorsement.

افضل مكافئة لنا، دعاؤكم و دعائتكم.

وبسایت اصلی مجموعه آثار: www.negaresh_asan.ir

www.aparat.com/negaresh.asan

www.youtube.com/c/NegareshAsan

www.instagram.com/negaresh.asan_

www.facebook.com/easy.reading.quran

www.t.me/negareshasanpub (Telegram)

www.t.me/EasyReadingQuran (Telegram2)

eitaa.com/negaresh_asan (& quran_asan)

ble.ir/negaresh_asan (& quran_asan)

splus.ir/negaresh_asan (& quran_asan)

مجموعه آثار «نگارش آسان» را
در کانال‌های فوق دنبال کنید.



آشنایی با کتاب و مؤلف آن:

مَفَاتِيحُ الْجَنَانِ (به معنای کلیدهای بهشت‌ها) نام رایج‌ترین کتاب دعا در بین شیعیان، تألیف شیخ عباس قمی (۱۲۹۴-۱۳۵۹ق) است. این کتاب مجموعه‌ای از دعاها، مناجات‌ها، زیارات، اعمال مخصوص ایام سال و ماه و آداب و رسوم دینی است که از پیامبر اسلام و ائمه شیعیان و علما نقل شده است. مؤلف مفاتیح بخش زیادی از این کتاب را از کتاب‌های پیشین مانند اقبال سید بن طاووس و مصباح کفعمی و زاد المعاد علامه مجلسی گرفته است. متن دعاها و زیارت‌ها به عربی نوشته شده و مؤلف در آغاز بعضی دعاها توضیحات فارسی آورده است.

مفاتیح در سال ۱۳۴۴ق در مشهد منتشر و در مدت کوتاهی همه‌گیر شد. این کتاب در خانه‌ها و اماکن متبرکه شیعیان ایران یافت می‌شود و غالباً تنها منبع مورد مراجعه بسیاری از شیعیان جهان برای اعمال مستحبی و در مناسبت‌های مذهبی است. مشهورترین ترجمه آن به فارسی از مهدی الهی قمشه‌ای است. محدث قمی، کتاب الباقیات الصالحات را نیز با همان مضمون ادعیه، زیارات و نمازها به مفاتیح افزوده که در بیشتر نسخه‌ها در حاشیه مفاتیح درج شده است.

مؤلف:

عباس بن محمد رضا قمی مشهور به شیخ عباس قمی و محدث قمی از علمای شیعه در زمینه حدیث، تاریخ و خطابه است. وی صاحب تألیفات بسیاری در حوزه‌های مختلف است که معروف‌ترین آنها **مفاتیح الجنان**، **سفینة البحار** و **منتهی الآمال** است. محدث قمی در سال ۱۳۵۹ق در نجف درگذشت و در حرم امام علی (ع) دفن گردید. پسر محدث قمی نقل کرده است که پدرش تمام کتاب را با وضو نگاهشته است.

انگیزه نگارش:

شیخ عباس قمی خود می‌گوید مفاتیح را به انگیزه اصلاح کتاب **مفتاح الجنان** نوشته است که در آن زمان رایج و دعاها بدون سندی در آن بوده است: «برادران دینی از من خواسته‌اند که دعاها را سنددار کتاب **مفتاح الجنان** را جدا نموده به همراه سایر دعاها معتبر بنویسم».

با این همه شیخ عباس قمی دعاها را به همراه سند نیاورده است، بلکه فقط بیان کرده دعا را از کدام منبع نقل می‌کند. همچنین برخی از دعاها نقل شده در کتاب مفاتیح از معصومان نرسیده است و نوشته برخی از علماست، مانند دعای عدیله.

ساختار و محتوا:

معمولاً در ابتدای مفاتیح الجنان، چند سوره بلند و کوچک قرآن چاپ می‌شود. مطالب مفاتیح الجنان در چند باب دسته‌بندی شده است:

باب اول: ادعیه

شامل تعقیبات نمازها، اعمال شب و روز و ایام هفته، نمازهای معروف مثل نماز حضرت رسول (ص)، نماز امیرالمؤمنین (ع)، نماز حضرت فاطمه (س)، نماز جعفر طیار، زیارت ائمه در روزهای هفته، برخی از دعاها و مناجات‌ها چنین‌اند: (مناجات خمس عشر از

امام سجاده)، مناجات امام علی در مسجد کوفه، دعای سمات، کمیل، جوشن صغیر و جوشن کبیر، دعای مکارم الاخلاق و غیره.

باب دوم: اعمال سالیانه

این باب برای بیان اعمال مستحبی در طول سال قمری تنظیم شده است. مطالب این قسمت از ماه رجب شروع شده و با اعمال ماه جمادی الثانی و سپس اعمال نوروز و ماه‌های رومی تمام می‌شود. مناجات شعبانیه، در اعمال ماه شعبان، دعای ابوحمزه ثمالی، دعای افتتاح و دعای سحر معروف، اعمال شب‌های قدر در اعمال ماه رمضان، دعای امام حسین در روز عرفه در اعمال ماه ذی الحجة جزو معروف‌ترین و مشهورترین مطالب این بخش از مفاتیح به شمار می‌روند.

باب سوم: بخش زیارات

در این باب ابتدا مطالبی درباره آداب سفر و زیارت و نیز اذن دخول حرم‌ها ذکر شده است. نخستین زیارت، زیارت رسول خدا (ص) است که بعد از آن، زیارت حضرت فاطمه (س) و سپس زیارت ائمه بقیع آمده است. علاوه بر زیارت دوازده امام، این بخش شامل زیارت امامزادگان و بعضی از بزرگان و علمای شیعه نیز می‌شود، زیارت‌هایی مثل زیارت حضرت حمزه، مسلم بن عقیل، فاطمه بنت اسد، شهدای جنگ احد، سلمان فارسی و غیره. اعمال برخی از مساجد معروف مثل مسجد کوفه، مسجد صعصعه نیز در این بخش گنجانده شده است.

طولانی‌ترین بخش این باب به زیارت امام حسین (ع) اختصاص دارد. مشهورترین زیارت‌نامه‌های امام حسین (ع) مثل زیارت عاشورا، زیارت اربعین و زیارت وارث در این قسمت نقل شده است. دعای ندبه، دعای عهد و زیارت جامعه کبیره نیز در قسمت مربوط به زیارت امام زمان (عج) آمده است. پس از زیارت‌های مربوط به امام زمان (عج)، زیارت انبیا، زیارت حضرت معصومه (س) و زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی نقل شده است. مطلب پایانی این باب که آخرین مطلب مفاتیح در نسخه ابتدایی آن محسوب می‌شود، مطلبی است با عنوان زیارت قبور مؤمنین و دعای مربوط به آن.

منابع کتاب:

برخی منابع که شیخ عباس قمی در تألیف مفاتیح الجنان از آنها استفاده کرده و در این کتاب نام برده است، به شرح زیر است:

- ۱- اثبات الهداة نوشته شیخ حر عاملی
- ۲- الاحتجاج نوشته احمد بن علی طبرسی
- ۳- الاختیار نوشته ابن باقی
- ۴- اربعة ایام نوشته میرداماد
- ۵- الأزرية مشهور به هائیه نوشته شیخ کاظم ازری
- ۶- إعلام الوری نوشته شیخ طبرسی
- ۷- الإقبال نوشته سید بن طاووس
- ۸- الأمالی نوشته شیخ طوسی
- ۹- الأمان نوشته سید بن طاووس
- ۱۰- بحار الانوار نوشته علامه مجلسی
- ۱۱- بلد الامین نوشته کفعمی

منابع دیگری را نیز شیخ عباس قمی در کتاب مفاتیح ذکر کرده است؛ از جمله: تاریخ عالم آرای عباسی نوشته میرزا اسکندر بیگ منشی؛ تحفة الزائر نوشته علامه مجلسی، تهذیب الاحکام شیخ طوسی؛ جامع الاخبار (نویسنده مجهول)؛ جمال الاسبوع نوشته سید بن طاووس

ملحقات مفاتیح:

شیخ عباس قمی برای چاپ دوم، بخشی را با نام ملحقات به کتاب مفاتیح افزوده است. در این بخش هشت مطلب به مفاتیح افزوده شده است که به اعتقاد نویسندگان نیاز مردم به این دعاها زیاد بوده است. این هشت مطلب عبارتند از:

- دعای وداع ماه رمضان
- خطبه روز عید فطر
- زیارت جامعه ائمه المؤمنین
- دعای بعد از زیارتها
- زیارت وداع با ائمه
- رقعه‌ای برای حاجت
- دعا برای زمان غیبت امام زمان (عج)
- آداب زیارت نیابتی.

شیخ عباس برای آنکه کسی به کتاب مفاتیح چیزی نیفزاید، افراد را به لعنت خداوند و نفرین رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) و اگذار کرده است. اما علی‌رغم مخالفت او، ناشران مفاتیح بعدها بخشی را با عنوان ملحقات دوم مفاتیح به آن افزوده‌اند. این ناشران دلیل افزودن را چنین بیان کرده‌اند: «چون مصنف در مفاتیح چند دعا را به واسطه طول آن، اول آن را ذکر کرده و بقیه‌اش را نقل ننموده، ما در اینجا آن بقیه را ذکر می‌نماییم تا اشخاصی که این کتاب را دارند، محتاج به کتاب دیگر نشوند و چون در مفاتیح برای امامزاده‌ها زیارتی نقل نشده در اینجا یک زیارتی برای امامزاده‌ها نقل می‌کنیم...». از جمله این ملحقات دعای پس از نماز امام حسین (ع) و امام جواد (ع) و همچنین حدیث کساء است.

باقیات الصالحات:

باقیات الصالحات کتابی از مولف است که خود آن را در حاشیه مفاتیح نوشته و منتشر کرده است. به گفته شیخ عباس قمی نگارش این بخش در تاریخ جمعه ۱۹ محرم سال ۱۳۴۵ ق به پایان رسیده است. در چاپ‌های مختلف مفاتیح الجنان، این کتاب به همراه مفاتیح عرضه شده است. این کتاب دارای شش باب و بخشی به عنوان ملحقات است که عبارتند از:

باب اول: مختصری از اعمال شب و روز که برخی از آداب زندگی روزمره و دعا‌های ساعات روز و چگونه خواندن نماز شب در آن بیان شده است.

باب دوم: ذکر بعضی از نمازهای مستحب، که نماز هدیه به معصومان، نماز لیلۃ الدفن، نمازهای حاجت، نمازهای استغاثه و نمازهای ایام هفته از جمله آنها هستند. شیخ عباس قمی انواع استخاره و چگونه استخاره گرفتن را نیز در همین بخش آورده است.

باب سوم: دعاها و عوذات برای دردها و بیماری‌ها، که دعاهایی برای رفع دردها و بیماری‌های مختلف در آن بیان شده است.

باب چهارم: دعا‌های منتخب از کتاب کافی. دعا‌های این بخش نیز بیشتر برای رفع مشکلاتی مثل کمبود رزق و احتیاجات دنیوی است.

باب پنجم: ذکر بعضی حرزها و دعا‌های کوتاه که از کتاب مُهَجُّ الدَّعَوَاتِ و المَجْتَنِّي انتخاب شده. در این باب دعاهایی برای دور ماندن از بلاها (حرز) و نیز چند مناجات و دعاهایی برای رزق نقل شده است.

باب ششم: بیان خواص برخی سوره‌ها و آیات و ذکر بعضی ادعیه و مطالب متفرقه. خواص برخی آیات قرآن و سوره‌های آن که برای حل مشکلات روزمره کاربرد دارند، در این بخش ذکر شده است. دعا برای خواب دیدن افراد، دعای مطالعه، آداب عقیقه و استخاره با قرآن نیز در این باب قرار گرفته است.

خاتمه: مختصری از احکام اموات

چاپ و نشر:

شیخ عباس قمی مفاتیح را در سال ۱۳۴۴ق تألیف و آن را برای نخستین بار در مشهد منتشر کرد. این کتاب را خوشنویسان بزرگی چون طاهر خوشنویس، مصباح‌زاده، میرزا احمد زنجانی، محمدرضا افشاری و دیگران با خط نسخ و نستعلیق نوشته‌اند. هم‌اکنون کتاب مفاتیح الجنان به صورت بی‌شمار با قطع‌ها و شکل‌های گوناگون منتشر می‌شود. به دلیل حجم بالای این کتاب، برخی ناشران دست به گزینش مطالب آن زده و آن را به صورت «منتخب مفاتیح» یا «گزیده مفاتیح» منتشر کرده‌اند. نسخه‌ی حاضر نیز به روش «نگارش آسان» توسط هنرمند خوشنویس «ابوالحسن مظفری» طراحی و نگارش شده است که به محضر علاقمندان تقدیم می‌شود.

ترجمه‌ها:

توضیحاتی که شیخ عباس قمی ابتدای هر دعا یا زیارت یا اعمال آورده، به زبان فارسی است. اما متن دعاها و زیارت‌ها که به عربی است توسط برخی از مترجمان به فارسی ترجمه شده‌اند. معروف‌ترین و رایج‌ترین ترجمه فارسی مفاتیح، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای است. ترجمه‌های دیگری نیز توسط سید هاشم رسولی محلاتی و حسین استادولی و سایرین منتشر شده است. مفاتیح به زبان‌های دیگر از جمله انگلیسی (دست‌کم چهار ترجمه)، فرانسوی، ترکی، اردو و اسپانیایی نیز ترجمه شده است.

فهرست کتاب مفاتیح الجنان

۵۳	باب اول: ادعیه	۲۵	سوره‌هایی از قرآن کریم
۵۳	فصل اول: در تعقیبات مشترکه	۲۵	سوره یس و فضیلت آن
۶۱	فصل دوم: در تعقیبات مختصه	۳۱	سوره الرحمن و فضیلت آن
۶۱	تعقیب نماز ظهر	۳۵	سوره واقعه و فضیلت آن
۶۲	تعقیب نماز عصر	۳۸	سوره جمعه و فضیلت آن
۶۳	تعقیب نماز مغرب	۴۰	سوره تبارک و فضیلت آن
۶۴	نماز غُفَّیْلَه	۴۳	سوره نباء و فضیلت آن
۶۶	تعقیب نماز عشاء	۴۵	سوره اعلی و فضیلت آن
۶۷	تعقیب نماز صبح	۴۶	سوره شمس و فضیلت آن
۷۰	حکایت نافع برای گشایش کار	۴۷	سوره قدر و زلزله و فضیلت آن‌ها
۷۲	دعاهای طلوع و غروب آفتاب	۴۷	سوره زلزال
۷۴	فصل سوم: دعای روزها	۴۸	سوره عادیات و فضیلت آن
۷۴	دعای روز یکشنبه	۴۸	سوره کافرون و فضیلت آن
۷۵	دعای روز دوشنبه	۴۹	سوره نصر و فضیلت آن
۷۷	دعای روز سه‌شنبه	۴۹	سوره توحید و فضیلت آن
۷۸	دعای روز چهارشنبه	۵۰	فضیلت سوره‌های معوذتین
۷۹	دعای روز پنجشنبه	۵۰	سوره فلق
۸۰	دعای روز جمعه	۵۰	سوره ناس
۸۲	دعای روز شنبه		

فصل پنجم: زیارت معصومین (علیهم السلام)

۱۲۵	در روزهای هفته
۱۲۵	شنبه: زیارت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله)
۱۲۸	یکشنبه: زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)
۱۲۹	یکشنبه: زیارت حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام)
۱۳۰	دوشنبه: زیارت حضرات حسنین (علیهم السلام)
۱۳۲	سه شنبه: زیارت ائمه بقیع (علیهم السلام)
۱۳۳	چهارشنبه: زیارت امامان هفتم تا دهم (علیهم السلام)
۱۳۴	پنجشنبه: زیارت امام عسکری (علیه السلام)
۱۳۵	جمعه: زیارت حضرت صاحب الزمان (عج)
فصل ششم: در ذکر بعضی از	
۱۳۷	ادعیه مشهوره
۱۳۷	دعای صباح حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)
۱۴۲	دعای کمیل بن زیاد (رضی الله عنه)
۱۵۲	دعای عشرات
۱۵۹	دعای سمات
۱۶۷	دعای مَشلول
۱۷۵	دعاء معروف به بیستشیر
۱۷۹	دعای مُجیر
۱۸۶	دعای عَدیله
۱۹۲	دعای جوشن کبیر
۲۱۹	دعای جوشن صغیر
۲۳۲	دعاء سیفی صغیر معروف به دعاء قاموس

۸۳	فصل چهارم: اعمال شب و روز جمعه
۸۳	فضیلت شب و روز جمعه
۸۵	اعمال شب جمعه
۹۳	اعمال روز جمعه
۹۷	نماز کامله
۹۸	نماز حضرت رسول (صلی الله علیه و آله)
۹۹	نماز حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)
۱۰۲	نماز حضرت فاطمه (علیها السلام)
۱۰۳	نماز دیگر از حضرت فاطمه (علیها السلام)
۱۰۵	نماز امام حسن (علیه السلام)
۱۰۵	نماز امام حسین (علیه السلام)
۱۰۶	نماز امام زین العابدین (علیه السلام)
۱۰۶	نماز حضرت باقر (علیه السلام)
۱۰۷	نماز حضرت صادق (علیه السلام)
۱۰۸	نماز حضرت کاظم (علیه السلام)
۱۰۸	نماز حضرت امام رضا (علیه السلام)
۱۰۹	نماز حضرت جواد (علیه السلام)
۱۰۹	نماز حضرت هادی (علیه السلام)
۱۱۰	نماز امام حسن عسکری (علیه السلام)
۱۱۱	نماز حضرت صاحب الزمان (عج)
۱۱۲	نماز جناب جعفر (علیه السلام)
۱۱۵	از اعمال روز جمعه
۱۲۰	صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی

۲۵۷	۲) مناجات الشاکین	فصل هفتم: در ذکر بعضی از
۲۵۸	۳) مناجات الخائفین آیات و دعاهاى نافعہ
۲۶۰	۴) مناجات الراجین آیات اسم اعظم
۲۶۲	۵) مناجات الراجین ۲) دعای توسل
۲۶۳	۶) مناجات الشاکین دعای توسل دیگر
۲۶۵	۷) مناجات المطیعین لله ۳) دعایی از امام علی (علیه السلام) در رفع گرفتاری
۲۶۶	۸) مناجات المریدین ۴) دعای خلاصی از زندان
۲۶۸	۹) مناجات المحبین ۵) دعاء حادث نشدن تب
۲۷۰	۱۰) مناجات المتوسلین ۶) و حرز حضرت فاطمه (علیها السلام)
۲۷۱	۱۱) مناجات المفتقرین ۶) حرز حضرت امام زین العابدین (علیه السلام)
۲۷۲	۱۲) مناجات العارفین ۷) دعایی که به اجابت می رسد
۲۷۴	۱۳) مناجات الذاکرین ۸) دعایی از مهج الدعوات
۲۷۶	۱۴) مناجات المعتصمین ۹) دعائی عظیم الشان و سریع الاجابه
۲۷۷	۱۵) مناجات الزاهدین ۱۰) دعاء ایمنی
۲۷۸	مناجات منظوم حضرت علی (علیه السلام) ۱۱) از سلطان و بلاء و ظهور اعداء و ...
۲۸۱	باب دوم: اعمال ۱۱) دعای حضرت صاحب الامر (عج) برای
		فصل اول: در فضیلت و اعمال ۱۲) خلاصی محبوس - الهی عظم البلاء
۲۸۱ ماه مبارک رجب ۱۲) دعای اللهم ارزقنا توفیق الطاعه
۲۸۱ مقدمه ۱۳) دعاء حضرت حجت (عج)
۲۸۲ ۱) اعمال مشترکه ماه رجب ۱۴) دعای سلام الله الكامل
۲۸۳ دعای هر روز ماه رجب	فصل هشتم: مناجات ها
۲۸۶ دعای ماه رجب از ناحیه مقدسه مناجات خمس عشر
۲۸۹ زیارت رجبیه ۱) مناجات التائبین

- ۲۹۱ دعای یا من ارجوه لكل خیر
- ۲۹۴ لیلۃ الرغایب
- ۲۹۵ (۲) در اعمال مخصوصه ماه رجب است
- ۲۹۵ شب اول رجب
- ۲۹۹ روز اول رجب
- ۳۰۰ شب سیزدهم
- ۳۰۱ روز سیزدهم
- ۳۰۱ شب نیمه ماه رجب
- ۳۰۳ عمل ام داود نیمه رجب
- ۳۱۱ روز بیست و پنجم
- ۳۱۱ شب بیست و هفتم - شب مبعث
- ۳۱۷ روز بیست و هفتم - روز مبعث
- ۳۲۲ فصل دوم: در اعمال ماه شعبان
- ۳۲۲ در فضیلت و اعمال مشترکه و اعمال مختصه
- ۳۲۴ صلوات شعبانیه
- ۳۲۵ مناجات شعبانیه
- ۳۳۱ اعمال مختصه شعبان
- ۳۳۱ فضیلت شب اول و روز اول شعبان
- ۳۳۶ اعمال روز سوم شعبان
- ۳۳۸ فضیلت و اعمال شب نیمه شعبان
- ۳۴۸ در اعمال روز نیمه شعبان و بقیه این ماه
- اعمال شب آخر ماه شعبان
- ۳۴۹ ﴿و اول ماه مبارک رمضان﴾
- ۳۵۲ فصل سوم: ماه رمضان ، فضیلت و اعمال
- خطبه حضرت رسول (ﷺ)
- ۳۵۲ ﴿به مناسبت ماه مبارک رمضان﴾
- ۳۵۵ مطلب اول: در اعمال مشترکه ماه رمضان
- ۳۵۵ قسم اول: اعمال در هر شب و روز رمضان
- ۳۵۵ دعای اللهم ارزقنی حج بیتک الحرام
- ۳۵۶ دعای یا علی یا عظیم
- ۳۵۶ دعای اللهم ادخل علی اهل القبور
- ۳۵۹ قسم دوم: اعمال شبهای ماه رمضان
- ۳۵۹ آداب افطار و سایر اعمال شبها
- ۳۶۰ دعای افتتاح
- ۳۷۰ نماز شبهای ماه مبارک رمضان
- قسم سوم: در اعمال
- ۳۷۱ ﴿سحرهای ماه مبارک رمضان﴾
- ۳۷۱ دعای سحر: اللهم انی اسئلك من بهائک
- ۳۷۴ دعای ابو حمزه ثمالی
- ۳۹۹ دعای سحر یا عدنی فی کربتی
- ۴۰۵ مختصرترین دعای سحر
- ۴۰۶ تسبیحات سحر
- ۴۰۷ قسم چهارم: در اعمال روزهای ماه رمضان
- ۴۰۷ اول: دعای هر روز ماه مبارک رمضان
- ۴۱۶ دوم: تسبیحات روزهای ماه مبارک رمضان
- ۴۲۴ سوم: صلوات هر روز ماه مبارک رمضان
- ۴۲۹ چهارم: دعای اللهم انی اسئلك من فضلک

- | | | | |
|-----|-------------------------------------|-----|--|
| ۴۶۳ | دعای شب بیست و هفتم | ۴۳۳ | پنجم: دعای دیگر روز ماه مبارک رمضان |
| ۴۶۴ | دعای شب بیست و هشتم | ۴۳۳ | ششم: دعای دیگر روز ماه مبارک رمضان |
| ۴۶۵ | دعای شب بیست و نهم | ۴۳۳ | هفتم: دعای هر روز ماه مبارک رمضان |
| ۴۶۶ | دعای شب سی ام | ۴۳۴ | هشتم: اذکار هر روز ماه مبارک رمضان |
| ۴۶۷ | بقیه اعمال شب بیست و یکم | ۴۳۴ | نهم: صلوات در هر روز ماه مبارک رمضان |
| ۴۶۹ | شب بیست و سیّم | | مطلب دوم: در اعمال مخصوصه |
| ۴۷۱ | شب بیست و هفتم | ۴۳۴ | ۱۲ شب و روز ماه مبارک رمضان |
| ۴۷۱ | شب آخر ماه | ۴۳۴ | شب اول ماه مبارک رمضان |
| ۴۷۳ | روز سی ام | ۴۴۳ | روز اول ماه مبارک رمضان |
| ۴۷۴ | نمازهای شبهای ماه مبارک رمضان | ۴۴۸ | شب سیزدهم |
| ۴۷۵ | دعاهاى روزهای ماه رمضان | ۴۴۸ | شب پانزدهم |
| ۴۷۵ | دعای روز اول | ۴۴۹ | شب و روز نیمه ماه |
| ۴۷۶ | دعای روز دویم | ۴۴۹ | شب هفدهم |
| ۴۷۶ | دعای روز سیّم | ۴۵۱ | شب نوزدهم |
| ۴۷۶ | دعای روز چهارم | ۴۵۱ | اعمال مشترکه شبهای قدر |
| ۴۷۶ | دعای روز پنجم | ۴۵۳ | اعمال مخصوصه شب نوزدهم |
| ۴۷۶ | دعای روز ششم | ۴۵۴ | شب بیست و یکم |
| ۴۷۶ | دعای روز هفتم | ۴۵۴ | اعمال شبهای دهه آخر |
| ۴۷۷ | دعای روز هشتم | ۴۵۷ | دعای شب بیست و یکم |
| ۴۷۷ | دعای روز نهم | ۴۵۸ | دعای شب بیست و دوم |
| ۴۷۷ | دعای روز دهم | ۴۵۹ | دعای شب بیست و سیّم |
| ۴۷۷ | دعای روز یازدهم | ۴۶۰ | دعای شب بیست و چهارم |
| ۴۷۷ | دعای روز دوازدهم | ۴۶۱ | دعای شب بیست و پنجم |
| ۴۷۸ | دعای روز سیزدهم | ۴۶۲ | دعای شب بیست و ششم |

۴۹۰	فصل پنجم: در اعمال ماه ذی القعدة	۴۷۸	دعای روز چهاردهم
۴۹۰	نماز روز یکشنبه آن	۴۷۸	دعای روز پانزدهم
۴۹۱	شب بیست و پنجم (شب دحو الارض)	۴۷۸	دعای روز شانزدهم
۴۹۱	روز بیست و پنجم (روز دحو الارض)	۴۷۸	دعای روز هفدهم
۴۹۵	فصل ششم: در اعمال ماه ذی الحجه	۴۷۸	دعای روز هیجدهم
۴۹۵	دهه اول آن	۴۷۹	دعای روز نوزدهم
۴۹۹	روز اول	۴۷۹	دعای روز بیستم
۵۰۰	شب نهم، شب عرفه	۴۷۹	دعای روز بیست و یکم
۵۱۰	روز نهم، روز عرفه	۴۷۹	دعای روز بیست و دویم
۵۱۴	دعای امام حسین در روز عرفه	۴۷۹	دعای روز بیست و سیّم
۵۴۲	شب دهم	۴۷۹	دعای روز بیست و چهارم
۵۴۲	روز دهم، روز عید قربان	۴۸۰	دعای روز بیست و پنجم
۵۴۳	اعمال شب و روز هجدهم، عید غدیر	۴۸۰	دعای روز بیست و ششم
۵۴۷	نمازهای روز عید غدیر	۴۸۰	دعای روز بیست و هفتم
۵۵۳	روز بیست و چهارم، مباحله	۴۸۰	دعای روز بیست و هشتم
۵۶۰	روز آخر ذی الحجه	۴۸۰	دعای روز بیست و نهم
		۴۸۰	دعای روز سی ام
۵۶۰	فصل هفتم: در اعمال ماه محرم	۴۸۱	فصل چهارم: در اعمال ماه شوال
۵۶۰	اعمال شب و روز اول محرم	۴۸۱	شب اول - شب عید فطر
۵۶۲	اعمال شب عاشورا و روز آن	۴۸۶	روز اول - روز عید فطر
۵۷۰	فصل هشتم: در اعمال ماه صفر	۴۸۸	نماز عید فطر
۵۷۰	اعمال مشترک	۴۸۹	روز بیست و پنجم

فصل دوم: در ذکر اذن دخول	۵۷۱	روز بیستم، روزاربعین
هر یک از حرمهای شریفه	۵۷۱	روز بیست و هشتم
۵۹۳	۵۷۳	روز آخر
فصل سوم: در زیارت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)		
و حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و ائمه بقیع (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)	۵۷۳	فصل نهم: در اعمال ماه ربیع الاول
در مدینه طیبه	۵۷۳	شب اول و روز اول
۵۹۷	۵۷۳	روز هشتم، نهم، دوازدهم و چهاردهم
فضیلت زیارت حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)	۵۷۳	شب هفدهم و روز آن،
و حضرت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و ائمه بقیع (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)	۵۷۳	۵۷۳
۵۹۷	۵۷۴	میلاد حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)
کیفیت زیارت حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)		
۵۹۸		فصل دهم: در اعمال ماه ربیع الثانی
اعمال روزه منوره		
۶۰۱		و جمادی الاولى و جمادی الآخرة
۶۰۱	۵۷۵	۵۷۵
زیارت حضرت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)	۵۷۵	و اما اعمال ماه جمادی الآخرة
۶۰۶	۵۷۶	روز سوم، شهادت حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ)
زیارت حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) از بعید		
۶۰۶		فصل یازدهم: در اعمال هر ماه نو
زیارت حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) و ائمه هدی (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)		
۶۱۷	۵۷۶	و عید نوروز و ماههای رومی
در روزهای جمعه از راه دور	۵۷۶	اعمال هر ماه نو و نماز اول ماه
۶۱۸	۵۷۷	اعمال عید نوروز
صلوات بر حضرت رسول الله و فضیلت آن	۵۷۷	آداب گرفتن آب نیسان و خواص آن
۶۱۸	۵۷۹	
زیارت ائمه بقیع علیهم السلام		
۶۱۹		باب سوم: زیارتها
۶۲۵	۵۸۱	مقدمه در آداب سفر
زیارت ابراهیم بن رسول الله (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)		
۶۲۵	۵۸۷	فصل اول: در آداب زیارت
زیارت جناب فاطمه بنت اسد (عَلَيْهَا السَّلَامُ)		
۶۲۷		
زیارت حضرت حمزه (عَلَيْهِ السَّلَامُ)		
۶۲۷		
و فضیلت زیارت آن حضرت		
۶۲۹		
زیارت شهدای اُحد		
۶۳۳		
ذکر مساجد معظمه در مدینه		
۶۳۳		
(مانند مسجد قبا و ...)		
۶۳۵		
زیارت وداع حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)		
۶۳۶		

فصل چهارم: در فضیلت و کیفیت زیارت

سوم از زیارات مخصوصه: زیارت

- ۶۳۸ حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۶۳۸ فضیلت زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۶۴۱ کیفیت زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۶۵۵ دعای بعد از زیارت و نماز امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- زیارت سر امام حسین (علیه السلام)
- ۶۵۹ نزد قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۶۶۱ زیارت امین الله
- ۶۶۴ زیارت سوم امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۶۶۶ زیارت چهارم امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۶۶۷ زیارت پنجم امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۶۶۷ زیارت ششم امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۶۷۵ زیارت هفتم امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- آمدن امام سجاد (علیه السلام)
- ۶۸۰ به زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۶۸۲ ذکر وداع امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- مقصد دوم: زیارت مخصوصه امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۶۸۳ در روز عید غدیر
- ۷۰۴ زیارتی در اقبال از حضرت صادق (علیه السلام)
- دوم از زیارات مخصوصه:
- ۷۰۵ زیارت روز مولود حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم)
- در اتحاد حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم)
- ۷۱۳ با حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۷۱۵ امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روز و شب مبعث
- ۷۲۵ فصل پنجم: مسجد کوفه
- ۷۲۵ فضیلت مسجد کوفه و اعمال آن
- ۷۳۰ اعمال دکه القضاء و بیت الطشت
- ۷۳۲ بیان نماز و دعا در وسط مسجد
- ۷۳۳ اعمال ستون هفتم
- ۷۳۸ عمل ستون پنجم
- عمل ستون سوم،
- ۷۳۹ مقام امام زین العابدین (علیه السلام)
- ۷۴۳ اعمال باب الفرج معروف به مقام نوح (علیه السلام)
- ۷۴۷ اعمال محراب امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۷۴۷ مناجات حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۷۵۱ اعمال دکه حضرت صادق (علیه السلام)
- ۷۵۲ نماز حاجت در مسجد کوفه
- ۷۵۲ زیارت جناب مسلم بن عقیل (علیه السلام)
- ۷۵۶ زیارت هانی بن عروه (رضی الله عنه)
- ۷۵۷ فصل ششم: مسجد سهله و زید و صعصعه
- ۷۵۷ در فضیلت و اعمال مسجد سهله
- ۷۶۳ ذکر نماز و دعاء در مسجد زید (رضی الله عنه)
- ۷۶۵ مسجد صعصعه

- فصل هفتم: زیارات کربلا ۷۶۵
- مقصد اول: در فضیلت زیارت امام حسین (علیه السلام) ۷۶۶
- مقصد دوم: آداب زیارت امام حسین (علیه السلام) ۷۶۷
- دعا در حرم امام حسین (علیه السلام) ۷۷۴
- صلوات بر امام حسین (علیه السلام) ۷۷۶
- در اعمال حرم امام حسین (علیه السلام) ۷۷۹
- دعای وداع امام حسین (علیه السلام) ۷۸۱
- مقصد سوم: در زیارت امام حسین (علیه السلام) ۷۸۲
- و حضرت عباس (رضی الله عنه) است ۷۸۲
- مطلب اول: در زیارات مطلقه ۷۸۲
- حضرت امام حسین (علیه السلام) ۷۸۲
- زیارت اول امام حسین (علیه السلام) ۷۸۲
- زیارت دوم امام حسین (علیه السلام) ۷۸۶
- زیارت سوم امام حسین (علیه السلام) ۷۸۷
- زیارت چهارم امام حسین (علیه السلام) ۷۸۸
- زیارت پنجم امام حسین (علیه السلام) ۷۸۹
- زیارت ششم امام حسین (علیه السلام) ۷۸۹
- زیارت هفتم (وارث) امام حسین (علیه السلام) ۷۹۰
- مطلب دوم: در زیارت حضرت عباس (علیه السلام) ۸۰۱
- مطلب سیم: در زیارات مخصوصه ۸۰۸
- حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) ۸۰۸
- اول: زیارت اول رجب ۸۰۸
- دوم: زیارت امام حسین (علیه السلام) در نیمه رجب ۸۱۳
- سوم: زیارت امام حسین (علیه السلام) در نیمه شعبان ۸۱۵
- چهارم: زیارت امام حسین (علیه السلام) ۸۱۶
- در شبهای قدر ۸۱۶
- پنجم: زیارت امام حسین (علیه السلام) ۸۱۹
- در روز عید فطر و قربان ۸۲۷
- ششم: زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه ۸۳۵
- هفتم: زیارت عاشورا ۸۳۵
- اول: زیارت عاشورا معروفه ۸۴۲
- دعاء بعد از زیارت عاشورا: دعای علقمه ۸۴۸
- خبر صفوان در فضیلت زیارت عاشورا ۸۵۰
- دوم: زیارت عاشوراء غیر معروفه ۸۵۷
- زیارت اربعین ۸۶۰
- اوقات شریفه زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام) ۸۶۲
- در فضیلت و آداب ۸۶۲
- تربت مقدسه امام حسین (علیه السلام) ۸۶۷
- فصل هشتم: زیارت کاظمین ۸۶۷
- مطلب اول: فضیلت ۸۶۷
- و کیفیت زیارت کاظمین (علیه السلام) ۸۷۲
- کیفیت زیارت امام موسی کاظم (علیه السلام) ۸۷۶
- کیفیت زیارت امام جواد (علیه السلام) ۸۷۶
- زیارت مشترک ۸۸۱
- امام کاظم (علیه السلام) و امام جواد (علیه السلام) ۸۸۱
- تشریف حاج علی بغدادی ۸۸۳
- به خدمت امام زمان (عج) ۸۸۳

- ۹۴۰ وداع حضرات عسکریین (علیهم السلام)
- ۹۴۱ مقام دوم: آداب سرداب مطهر
- ۹۴۲ زیارت حضرت صاحب الزمان (آل یاسین)
- ۹۴۷ زیارت دیگر حضرت صاحب الزمان (عج)
- ۹۵۰ بقیه اعمال سرداب مطهر
- ۹۵۷ ذکر صلوات بر آن حضرت
- ۹۵۸ دعای اللهم عظم البلاء
- ۹۵۹ دعای ندبه
- امر دوم: زیارت
- ۹۷۲ اللهم بلغ مولای صاحب الزمان (علیهم السلام)
- ۹۷۳ دعای عهد
- ۹۷۶ دعا برای امام عصر (عج) در روز جمعه
- فصل یازدهم: زیارات جامعه
- ۹۸۰ مقام اول: زیارات جامعه
- ۹۸۰ زیارت اول: زیارت جامعه صغیره
- ۹۸۲ زیارت جامعه کبیره
- ۹۹۶ زیارت سوم
- ۹۹۸ زیارت چهارم
- ۹۹۹ زیارت پنجم
- ۹۹۹ مقام دوم: دعاهاى بعد از زیارت ائمه (علیهم السلام)
- ۱۰۰۱ مقام سوم: در صلوات بر حجج طاهره (علیهم السلام)
- خاتمه: زیارت انبیای عظام
- ۱۰۱۱ و امامزادگان و مؤمنین
- ۸۸۸ مطلب دوم: فضیلت مسجد شریف براهنا
- ۸۹۰ مطلب سوم: زیارت نواب اربعه
- ۸۹۱ مطلب چهارم: در زیارت جناب سلمان
- فصل نهم: زیارت حضرت رضا (علیهم السلام)
- ۸۹۷ فضیلت زیارت امام رضا (علیهم السلام)
- ۸۹۹ کیفیت زیارت امام رضا (علیهم السلام)
- ۹۰۷ دعای بعد از زیارت حضرت رضا (علیهم السلام)
- ۹۱۲ وداع زیارت حضرت رضا (علیهم السلام)
- ۹۱۳ فضیلت نماز جعفر در حرم حضرت رضا (علیهم السلام)
- ۹۱۳ ورود حضرت رضا (علیهم السلام) به قم در سفر خراسان
- ۹۱۵ پیاده رفتن شاه عباس به مشهد
- ۹۱۶ صورت کتیبه قبه مطهره حضرت رضا (علیهم السلام)
- ۹۱۷ اشعار جامی در مدح حضرت رضا (علیهم السلام)
- فصل دهم: زیارت ائمه سامرا (علیهم السلام)
- ۹۱۷ مقام اول: در زیارت امام هادی (علیهم السلام)
- و امام عسکری (علیهم السلام)
- ۹۱۷ زیارت امام هادی (علیهم السلام)
- ۹۲۰ زیارت حضرت امام حسن عسکری (علیهم السلام)
- ۹۲۶ زیارت والده امام قائم (علیهم السلام)
- ۹۳۳ زیارت جناب حکیمه دختر حضرت امام جواد (علیهم السلام)
- و عمه امام عسکری (علیهم السلام)
- ۹۳۶ جلالت حسین پسر امام هادی (علیهم السلام)
- ۹۳۹ جلالت حسین پسر امام هادی (علیهم السلام)

- ۱۰۸۹ سوره عنكبوت
- ۱۰۹۶ سوره روم
- ۱۱۰۲ سوره دخان
- ۱۱۰۵ حدیث شریف کساء
- ۱۰۱۱ مطلب اول: زیارت پیغمبران عظام (علیهم السلام)
- ۱۰۱۲ مطلب دوم: زیارت امامزادگان عظام
- ۱۰۱۲ زیارت حضرت معصومه (علیها السلام)
- ۱۰۱۶ زیارت حضرت عبدالعظیم (علیه السلام)
- ۱۰۲۰ مطلب سوم: در زیارات قبور مؤمنین

رساله باقیات صالحات

- ۱۱۱۱ مقدمه
- ۱۱۱۲ باب اول: مختصری از اعمال شب و روز

- ۱۱۱۲ فصل اول: اعمال مابین الطلوعین
- ۱۱۱۲ فضیلت وقت و ترک غفلت در وقت آن
- ۱۱۱۲ دعاء در وقت طلوع فجر صادق
- ۱۱۱۴ آداب بیت الخلا
- ۱۱۱۵ آداب وضو
- ۱۱۱۶ آداب مسجد رفتن
- ۱۱۱۷ دعای قبل از نماز
- ۱۱۱۸ آداب ورود در نماز
- ۱۱۱۹ دعای تکبیرات
- ۱۱۲۰ آداب قرائت و رکوع و سجود و قنوت
- ۱۱۲۲ فضیلت تعقیب نماز
- ۱۱۲۳ تسبیح حضرت زهراء سلام الله علیها
- ۱۱۲۴ فضیلت تسبیح تربت امام حسین (علیه السلام)
- ۱۱۲۴ استحباب سه تکبیر بعد از تمام شدن نماز
- ۱۱۲۵ دعاء بعد از فراغت از نماز

ملحقات مفاتیح الجنان

- ۱۰۲۶ اول: دعا برای وداع ماه رمضان
- ۱۰۲۶ دوم: خطبه روز عید فطر
- ۱۰۲۹ سوم: زیارت جامعه ائمه المؤمنین
- ۱۰۳۶ چهارم: دعای عالیة المضامین
- ۱۰۴۹ پنجم: زیارت وداع ائمه (علیهم السلام)
- ۱۰۵۵ ششم: کیفیت رقعہ حاجت
- ۱۰۵۷ هفتم: دعاء در غیبت امام زمان (علیه السلام)
- ۱۰۵۸ هشتم: آداب زیارت به نیابت

ملحقات دوم مفاتیح

- ۱۰۷۰ اول: دعاء بعد از زیارت امام حسین (علیه السلام)
- دوم: دعای بعد از نماز زیارت
- ۱۰۷۳ حضرت جواد (علیه السلام)
- ۱۰۷۶ زیارت دیگر حضرت امام جواد (علیه السلام)
- ۱۰۷۶ سوم: زیارت برای امامزادگان
- ۱۰۷۸ چهارم: دعاء در اعمال روز عرفه
- ۱۰۸۱ پنجم: دعای مکارم الاخلاق

- ۱۱۴۵ دعاء برای برادران مؤمن در سجده
- ۱۱۲۷ بعد از هر نماز
- ۱۱۲۸ دعای شبیه هذلی
- ۱۱۲۹ فضیلت تسبیحات اربع
- ۱۱۳۰ فضیلت تهلیل ماثور
- ۱۱۳۲ دعای مکنون و فضیلت آن
- ۱۱۳۳ فضیلت سوره توحید بعد از هر نماز
- ۱۱۳۳ دعای آمرزش گناهان
- ۱۱۳۵ دعای طول عمر
- ۱۱۳۵ فضیلت تعقیب نماز صبح
- ۱۱۳۶ ذکر تعقیبات مختصه به نماز صبح
- ۱۱۳۶ فضیلت سوره قدر و طریق تفریق ۷۶ مرتبه آن
- ۱۱۴۹ فصل سوم: اعمال مابین غروب تا وقت خواب
- ۱۱۳۶ بر شبانه و روز
- ۱۱۴۹ دعا‌های وقت غروب
- ۱۱۳۷ تعقیبات برای عافیت و تاخیر اجل
- ۱۱۵۰ آداب نماز مغرب و نافله آن
- ۱۱۳۷ فضیلت بسمله و حولقه
- ۱۱۵۲ آداب نماز عشاء و تعقیب آن
- ۱۱۳۸ دعای جامع دنیا و آخرت
- ۱۱۵۳ آداب وقت خواب و دعا‌های آن
- ۱۱۳۸ دعای اداء قرض
- ۱۱۵۴ عودۀ عقرب و احلام
- ۱۱۳۹ دعاء برای دفع پریشانی و بیماری
- ۱۱۵۴ دعای حفظ از خرابی و دزد
- ۱۱۳۹ دعای عهد
- ۱۱۵۴ آداب سرمه کشیدن
- ۱۱۴۰ فضیلت سجده شکر
- ۱۱۴۲ کیفیت سجده شکر
- ۱۱۵۵ و نماز شب
- ۱۱۴۳ سجده حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام)
- ۱۱۵۵ فضیلت نماز شب
- ۱۱۴۳ و بعضی اصحاب آن حضرت
- ۱۱۵۷ کیفیت نماز شب، پنج آیه آل عمران
- ۱۱۴۳ دعا‌های سجده شکر
- ۱۱۴۸ فصل دوم: اعمال روز -
- ۱۱۴۶ مابین طلوع و غروب آفتاب
- ۱۱۴۷ دعای وقت زوال
- ۱۱۴۷ نوافل ظهر
- ۱۱۴۷ دعای اللهم رب هذه الدعوة التامه
- ۱۱۴۸ آداب نماز ظهر
- ۱۱۴۸ آداب نماز عصر و تعقیب آن
- ۱۱۴۹ دعای رفتن از مسجد
- ۱۱۴۹ فصل سوم: اعمال مابین غروب تا وقت خواب
- ۱۱۴۹ دعا‌های وقت غروب
- ۱۱۵۰ آداب نماز مغرب و نافله آن
- ۱۱۵۲ آداب نماز عشاء و تعقیب آن
- ۱۱۵۳ آداب وقت خواب و دعا‌های آن
- ۱۱۵۴ عودۀ عقرب و احلام
- ۱۱۵۴ دعای حفظ از خرابی و دزد
- ۱۱۵۴ آداب سرمه کشیدن
- ۱۱۵۵ و نماز شب
- ۱۱۵۵ فضیلت نماز شب
- ۱۱۵۷ کیفیت نماز شب، پنج آیه آل عمران

- | | | | |
|------|---------------------------------------|------|---|
| ۱۱۷۸ | دعای تمجید | ۱۱۶۱ | نافلهٔ صبح |
| ۱۱۸۰ | صیغهٔ استغفار و فضیلت آن | | |
| ۱۱۸۱ | دعاهای مأثوره در هر روز | | فصل پنجم: ذکر بعضی اذکار |
| ۱۱۸۱ | نامهٔ یوشع بن نون | ۱۱۶۲ | دعاهای در صبح و شب |
| ۱۱۸۲ | دعای اعددت لکل هول و فضیلت آن | ۱۱۶۲ | دعاهای وقت طلوع صبح و غروب آفتاب |
| ۱۱۸۴ | استغفاری که سبب زیادتى علم یا مال شود | | دعاء برای ایمنی از شر درندگان و گزندگان و شیطان و |
| | | ۱۱۶۸ | غولان و دزدان |
| ۱۱۸۵ | باب دوم: در نمازهای مستحبّه | | ذکر صلواتی که فضیلت بسیاری |
| ۱۱۸۵ | نماز اعرابی | ۱۱۷۰ | برای آن نقل شده |
| ۱۱۸۷ | نماز هدیه | | |
| ۱۱۸۷ | نماز لیلة الدفن | ۱۱۷۱ | فصل ششم: ادعیه ساعات روز |
| ۱۱۸۹ | نماز برای اموات | ۱۱۷۱ | دعاهای ساعات روز |
| ۱۱۸۹ | نماز فرزند برای پدر و مادر | ۱۱۷۱ | دعای ساعت اول |
| ۱۱۸۹ | نماز گرسنه | ۱۱۷۲ | دعای ساعت دوم |
| ۱۱۸۹ | نماز حدیث نفس | ۱۱۷۲ | دعای ساعت سوم |
| ۱۱۹۰ | برای دفع وسوسه | ۱۱۷۳ | دعای ساعت چهارم |
| ۱۱۹۱ | نماز استخاره ذات الرقاع | ۱۱۷۴ | دعای ساعت پنجم |
| ۱۱۹۱ | معنی استخاره و کیفیت آن | ۱۱۷۴ | دعای ساعت ششم |
| | کیفیت استخاره به تسبیح | ۱۱۷۵ | دعای ساعت هفتم |
| ۱۱۹۱ | منسوب به امام عصر (عج) | ۱۱۷۵ | دعای ساعت هشتم |
| | کیفیت استخاره به قرآن | ۱۱۷۶ | دعای ساعت نهم |
| ۱۱۹۲ | در ساعاتی از ایام هفته | ۱۱۷۶ | دعای ساعت دهم |
| | ذکر نماز برای قضای دین | ۱۱۷۷ | دعای ساعت یازدهم |
| ۱۱۹۲ | و کفایت ظلم سلطان | ۱۱۷۷ | دعای ساعت دوازدهم |

۱۲۰۷	باب سوم: ادعیه آلام و اسقام	۱۱۹۳	نماز حاجت
۱۲۰۸	مقدمه	۱۱۹۳	نماز در مهمات
۱۲۰۸	دعای یا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ است	۱۱۹۴	نماز رفع عسرت و سختی
۱۲۰۹	دعای عافیت	۱۱۹۴	نماز برای زیاد شدن روزی
۱۲۱۰	دعای رفع مرض	۱۱۹۵	نماز دیگر برای زیاد شدن روزی
۱۲۱۱	دعای مادر برای مرض فرزند خود	۱۱۹۵	نماز حاجت
۱۲۱۲	ادعیه عافیت	۱۱۹۵	نماز حاجت دیگر
۱۲۱۴	تعویذ به جهت درد سر و درد گوش	۱۱۹۷	رقعه حاجت
۱۲۱۶	تعویذ به جهت درد شقیقه	۱۱۹۷	نماز حاجت دیگر
۱۲۱۶	به جهت کری گوش	۱۱۹۸	ایضا نماز حاجت
۱۲۱۶	به جهت درد دهان	۱۱۹۸	ایضا نماز حاجت در شب جمعه و شب عید قربان
۱۲۱۶	به جهت درد دندان	۱۱۹۹	ایضا نماز حاجت
۱۲۱۸	به جهت درد سینه	۱۲۰۰	وظیفه خواهنده حاجت
۱۲۱۸	به جهت سرفه	۱۲۰۱	نماز استغاثه
۱۲۱۸	به جهت درد شکم	۱۲۰۲	نماز استغاثه به حضرت بتول صلی الله علیها
۱۲۱۹	به جهت قولنج	۱۲۰۲	نماز استغاثه دیگر
۱۲۱۹	به جهت درد شکم و قولنج	۱۲۰۳	نماز حضرت حجت عج در مسجد جمکران
۱۲۱۹	به جهت ثالول	۱۲۰۳	نماز امام زمان (عج) در شب جمعه
۱۲۲۰	به جهت ورمهای بدن	۱۲۰۵	نماز خوف از ظالم
۱۲۲۰	به جهت رفع دشواری زاییدن زنان	۱۲۰۶	نماز به جهت تیزی ذهن و قوت حافظه
۱۲۲۱	به جهت باز کردن بسته شده	۱۲۰۶	نماز برای آمرزش گناهان
۱۲۲۲	تعویذ تب	۱۲۰۷	نماز وصیت
۱۲۲۵	دعای زحیر	۱۲۰۷	نماز عفو و استغفار
۱۲۲۶	دعای قرقره شکم	۱۲۰۷	ذکر نمازهای ایام هفته

- دعای برص (پیسی اندام) ۱۲۲۶
- فصل هفتم: ادعیه برای اندوه و غم
- به جهت جرب و دمل و قوباء ۱۲۲۷
- فصل هشتم: در ذکر چند دعائی
- به جهت درد عورت ۱۲۲۷
- به جهت درد زانو ۱۲۲۸
- فصل نهم: در بعض احراز و عوذات ۱۲۶۱
- به جهت درد ساقها ۱۲۲۸
- فصل دهم: ادعیه برای حوائج دنیا و آخرت ۱۲۶۳
- به جهت درد چشم ۱۲۲۸
- دعا از امام صادق (علیه السلام) ۱۲۶۳
- برای خون دماغ ۱۲۲۹
- دعاء به جهت حفظ از گناهان ۱۲۶۴
- تعویذ بطلان سحر ۱۲۲۹
- دعاء امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا ۱۲۶۴
- برای دفع شیاطین و جادوگران ۱۲۳۰
- دعای سریع الاجابة ۱۲۳۱
- حرز چشم زخم ۱۲۳۱
- از حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) ۱۲۶۹
- به جهت دفع وسوسه شیطان ۱۲۳۲
- دعای جامع دنیا و آخرت از امام صادق (علیه السلام) ۱۲۷۰
- به جهت ایمنی از دزد ۱۲۳۳
- دعای تخصیص از امام صادق (علیه السلام) ۱۲۷۲
- عوذة عقرب ۱۲۳۳
- دعای الحاح ۱۲۷۴
- به جهت رفع شر عقارب و مارها ۱۲۳۳
- دعای ابوذر ۱۲۷۷
- باب چهارم: در ادعیه ای که منتخب شده
- دعای جامع از امام باقر (علیه السلام) ۱۲۷۷
- از کتاب شریف کافی ۱۲۳۴
- دعاء از امام صادق (علیه السلام) ۱۲۸۲
- فصل اول: ادعیه صبح و شام ۱۲۳۴
- فصل دوم: دعاهاى وارده
- و حکایت عبد الرحمن ۱۲۸۲
- باب پنجم: بعض احراز و ادعیه مोजه ۱۲۹۲
- در وقت خوابیدن و بیدار شدن ۱۲۴۱
- بعض احراز و ادعیه مोजه ۱۲۹۲
- فصل سوم: ادعیه هنگام خروج از منزل ۱۲۴۳
- حرز فاطمه (سألم الله بها) ۱۲۹۲
- فصل چهارم: ادعیه پیش از نماز و بعد از آن ۱۲۴۵
- حرز حضرت امام سجاد (علیه السلام) ۱۲۹۳
- فصل پنجم: ادعیه جهت رزق ۱۲۵۰
- حرز حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) ۱۲۹۴
- فصل ششم: دعاء به جهت دین ۱۲۵۳

۱۳۱۳ مناجات طلب حوائج	۱۲۹۴ حرز حضرت امام کاظم (علیه السلام)
۱۳۱۴ حجاب حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام)	۱۲۹۵ حرز امام رضا (علیه السلام)
۱۳۱۵ حجاب حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام)	۱۲۹۷ حرز حضرت جواد (علیه السلام)
۱۳۱۶ حجاب حضرت امام محمد تقی (علیه السلام)	۱۲۹۷ حرز امام هادی (علیه السلام)
۱۳۱۶ دعای برای رفع شدت	۱۲۹۷ حرز حضرت امام عسکری (علیه السلام)
۱۳۱۶ دعای رزق	۱۲۹۸ حرز مولانا القائم (علیه السلام)
۱۳۱۷ دعای دفع شر ابلیس	۱۲۹۸ قنوت امام حسین (علیه السلام)
۱۳۱۷ دعاء به جهت زنده شدن دل دعای حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)	
۱۳۱۸ دعای تاخیر اجل	۱۲۹۹ برای امان از جن و انس
۱۳۱۸ دعای اداء دین	۱۲۹۹ دعای مجرب از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)
	باب ششم: در ذکر خواص بعضی از سوره و آیات	۱۳۰۰ دعای حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)
		 دعای امام باقر (علیه السلام)
۱۳۱۸ ۱۲ و بعضی ادعیه و متفرقات	۱۳۰۰ هنگام بیرون رفتن از خانه
۱۳۱۸ خواص بعض سوره و آیات و غیره		
۱۳۱۹ خواص سوره قدر و توحید و آیه الکرسی	۱۳۰۱ از ادعیه الوسائل الی المسائل
۱۳۱۹ خواص سوره توحید و صد آیه از قرآن	۱۳۰۱ مناجات استخاره
۱۳۱۹ خواص حمد و بعضی از سوره مختصره	۱۳۰۳ مناجات استقاله
۱۳۲۰ دعای ایمنی از سوختن و غرق شدن	۱۳۰۴ مناجات سفر
۱۳۲۰ دعای رام شدن اسب سرکش	۱۳۰۵ مناجات طلب رزق
۱۳۲۰ دعای ایمنی از درندگان	۱۳۰۷ مناجات استعاده
۱۳۲۰ دعای پیدا شدن گمشده	۱۳۰۸ مناجات طلب توبه
۱۳۲۱ دعای ایمنی از دزد	۱۳۱۰ مناجات طلب حج
۱۳۲۱ فضیلت سوره زلزله	۱۳۱۱ مناجات کشف ظلم
۱۳۲۱ خواص سوره و آیات	۱۳۱۲ مناجات شکر خدا

- ۱۳۳۱ دعای فرج از آفات خواب دیدن پیغمبر یا امام (علیه السلام) یا والدین
- ۱۳۳۲ فضیلت نوشتن بسم الله بر در خانه ۱۳۲۱ خواب دیدن از مردگان
- دعای ایمنی از سوختن ۱۳۲۲ خواب دیدن مطلب خود
- ۱۳۳۲ و هر بدی در صبح و شام ۱۳۲۳ تعلیم فرمودن حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به حضرت فاطمه (ع.ا.س.)
- ۱۳۳۲ دعای زمان غیبت ۱۳۲۳ سه مطلب پرفایده برای وقت خواب
- ۱۳۳۳ دعای پیش از خواب ۱۳۲۳ دعای مطالعه
- ۱۳۳۳ حرز چیزی که ذخیره و پنهان کنند ۱۳۲۴ دعای اداء قرض
- ۱۳۳۳ خواص قل هو الله احد و رقعۀ زراعتها ۱۳۲۴ دعای تنگی نفس و سرفه
- خواص انگشتر عقیق و نگاه کردن در صبح ۱۳۲۴ دستور العمل حضرت عیسی (علیه السلام)
- ۱۳۳۵ به آن و دعا خواندن ۱۳۲۴ برای رفع زردی صورت و ورم آن
- ۱۳۳۵ دعای دفع فراموشی ۱۳۲۴ دعای وقت دیدن صاحبان بلاء
- ۱۳۳۵ دعا و دوا به جهت زیادتى حافظه ۱۳۲۴ دعای پسر شدن حمل
- ۱۳۳۶ ایضا به جهت قوه حافظه ۱۳۲۵ دعای عقیقه
- ۱۳۳۶ دعای تمجید حق تعالی ۱۳۲۵ آداب عقیقه
- ۱۳۳۷ خاتمه: در بعضی از آداب و ادعیه موت ۱۳۲۷ دعای ختنه
- ۱۳۳۷ آداب اموات ۱۳۲۷ تفأل به قرآن مجید و استخاره به آن
- ۱۳۳۸ تأکید در امر وصیت ۱۳۲۸ دعای استخاره به قرآن عظیم
- ۱۳۳۹ عهد نامه میت ۱۳۲۸ استخاره به تسبیح
- ۱۳۳۹ نسخه ای که با میت گذارند ۱۳۲۸ منقول از سید رضی الدین آوی (رحمته الله علیه)
- ۱۳۴۱ آداب محتضر و تلقین او به کلمات فرج ۱۳۲۹ استخاره برای غیر نمودن
- ۱۳۴۲ کفن میت ۱۳۳۰ دعای رؤیت جهود و ترسا و گبر
- ۱۳۴۲ در کیفیت و آداب غسل میت ۱۳۳۰ ذمّ تشبه به کفار و میل به آنها
- ۱۳۴۳ در تکفین میت ۱۳۳۰ مذمت تراشیدن ریش
- ۱۳۴۳ در حنوط و نماز میت ۱۳۳۱ مذمت رکون به ظالم

۱۳۵۷	دعای فرج	۱۳۴۶	تشییع جنازه
۱۳۵۷	دعای نمازوتر	۱۳۴۶	دعای رویت جنازه
	دعای حزین	۱۳۴۷	شهادت چهل نفر در حق میت
۱۳۵۸	که بعد از نماز شب خوانده می شود	۱۳۴۷	آداب حمل جنازه
۱۳۶۰	دعاء برای زیادی فهم	۱۳۴۷	آداب دفن میت
۱۳۶۰	دعای حدیث قدسی	۱۳۴۸	احکام دفن اموات
	از ادعیه سرّ قدسیه هنگام بیرون رفتن از خانه خود	۱۳۴۸	دعاء برای میت
۱۳۶۱	به جهت حاجتی	۱۳۴۸	تلقین میت
۱۳۶۲	نماز و دعاء در شب زفاف		
۱۳۶۲	دعای رهبه		

فهرست ملحقات

باقیات صالحات

۱۳۵۴	دعای موجز در حمد و استغفار	۱۳۵۴	دعای دفع هول و غم
۱۳۵۴	دعاء برای رفع بیماریها و ناخوشیها	۱۳۵۴	دعای آبله ریزی
۱۳۵۵	دعاء برای خنازیر	۱۳۵۵	دعای درد کمر
۱۳۵۵	دعای درد ناف	۱۳۵۵	تعویذ هر درد
۱۳۵۵	دعای درد خاصه	۱۳۵۶	دعای درد شکم و قولنج
۱۳۵۶	دعای شخص مهموم و بلیه رسیده	۱۳۵۶	دعای امام کاظم (علیه السلام)
		۱۳۵۶	به جهت خلاصی از زندان

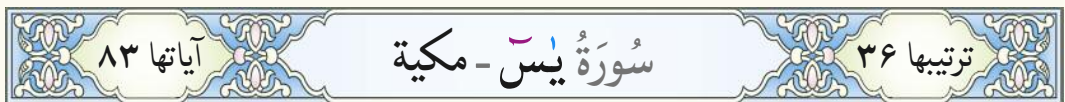
ملحقات دوم

باقیات صالحات

۱۳۶۵	دعای حضرت سجاد (علیه السلام)
۱۳۶۵	در ذکر توبه و طلب آن

فضیلت سوره یس

منقول است از مفاتیح النَّجَاح از حضرت رسول (ﷺ) منقول است که هر که سوره یس را بخواند بواسطه رضای خدای، بخشد خدای عزَّوجلَّ او را و می‌دهد به او اجر چنانکه گویا خوانده قرآن را دوازده نوبت، و هر بیمار که خوانده شود نزد او سوره یس نازل می‌شود به عدد هر حرفی از آن ده فرشته پیش او، صف می‌زنند و جهت او استغفار می‌کنند و در قبض روح او حاضرند و مشایعت جنازه او می‌کنند و نماز بر او می‌کنند و در وقت دفن او حاضرند، و هر بیماری که بخواند این سوره را در سَکَرَاتِ مرگ یا نزد او بخوانند می‌آید رضوان خازن بهشت بایک شربت از آب بهشت و به او می‌دهد پس او می‌آشامد و می‌میرد سیراب و مبعوث می‌شود سیراب و محتاج نمی‌شود به حوضی از حوضهای پیغمبران تا وقتی که داخل بهشت می‌شود و او سیراب است. * و منقول است که سوره یس به صاحبش می‌رساند خیر دنیا و آخرت را و دفع می‌کند از او بلای دنیا و هَوُلَهای آخرت را و دفع می‌کند هر شرّی را و روا می‌کند جهت او هر حاجتی را * و هر که بخواند این سوره را برابر بیست حج است برای او و هر که بشنود جهت او باشد هزار نور و هزار بقیین و هزار برکت و هزار رحمت و از او بیرون می‌آورد هر کوفتی را. * و از حضرت رسول (ﷺ) منقول است که هر که در قبرستان درآید و سوره یس بخواند خدای عزَّوجلَّ عذاب اموات را تخفیف دهد و جهت او باشد به عدد ایشان حسنات * و از حضرت امام جعفر صادق (ع) منقول است که هر که سوره یس را در روز بخواند مرزوق و محفوظ است تا شب و هر که پیش از خواب در شب بخواند موکل سازد خدای عزَّوجلَّ بر او هزار فرشته که حفظ کنند او را از شرّ هر شیطان رجیم و از هر آفتی و اگر بمیرد در آن روز خدای تعالی او را داخل بهشت سازد، الخبر.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

یس ۱) وَالْقُرْآنَ الْحَکِیْمَ ۲) اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِیْنَ ۳) عَلٰی صِرَاطٍ

یس (ای سید رسولان و ای کاملترین انسان) (۱) قسم به قرآن حکمت بیان. (۲) که تو البته از پیغمبران خدایی. (۳) که به راهی راست فرستاده شدی. (۴) (این

مُسْتَقِیْمٌ ۴) تَنْزِیْلَ الْعَزِیْزِ الرَّحِیْمِ ۵) لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا اَنْذَرِ اٰبَاؤُهُمْ

قرآن تو کتابی است که) از جانب خدای مقتدر مهربان نازل شده است. (۵) تا قومی که پدرانشان به کتب آسمانی پیشین بیم داده (و وعظ و اندرز) شدند تو هم خود آنها

فَهُمْ غٰفِلُوْنَ ۶) لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلٰی اَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا یُؤْمِنُوْنَ ۷)

را (به این قرآن) بیم دهی (و از قهر حق بترسانی) که ایشان سخت غافلند. (۶) البته وعده عذاب ما بر اکثر آنان حتمی و لازم گردید، از این رو ایمان نمی‌آورند. (۷)

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلًا فَبُهِتُوا إِلَىٰ الْاَدْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُونَ ﴿٨﴾

ما هم برگردن آنها تا زنج، زنجیرهای عذاب نهادیم در حالی که (از جهل و عناد مانند شتر) سر بلند کرده و چشم بر بسته‌اند. (۸)

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَهُمْ فَهُمْ لَا

و (راه خیر را) از پیش و پس بر آنها سد کردیم و بر چشم (هوش) شان هم پرده افکندیم پس هیچ (راه حق)

يُبْصِرُونَ ﴿٩﴾ وَ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾

نمی‌بینند. (۹) و تو آنها را بترسانی یا نترسانی یکسان است (چون دانسته با حق عناد می‌ورزند) هرگز ایمان نمی‌آورند. (۱۰)

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ

تو تنها کسی را بترسانی و اندرز کنی (و سودمند افتد) که پیرو آیات قرآن شده و از (قهر) خدای مهربان به خلوت و درپنهان می‌ترسد، اینان را به مغفرت خدا و

وَ أَجْرٍ كَرِيمٍ ﴿١١﴾ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ ءَاثَارَهُمْ

پاداش با لطف و کرم او بشارت ده. (۱۱) ما مردگان را باز زنده می‌گردانیم و کردار گذشته و آثار وجودی آینده‌شان همه را ثبت خواهیم کرد، و در لوح محفوظ

وَ كُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿١٢﴾ وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ

و روشن خدا (یا قلب امام خلیفه الله) همه چیز را به شماره آورده‌ایم. (۱۲) برای این مردم، حال آن قریه (انطاکیه) را مثل زن که

الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿١٣﴾ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا

رسولان حق برای هدایت آنها آمدند. (۱۳) که نخست دو تن از رسولان را فرستادیم و چون تکذیب کردند باز رسول سومی برای مدد و نصرت

فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ ﴿١٤﴾ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ

مأمور کردیم، و همه گفتند: ما (از جانب خدا) به رسالت برای هدایت شما آمده‌ایم. (۱۴) گفتند: شما جز اینکه مانند ما مردم، بشری هستید

مِثْلُنَا وَ مَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ﴿١٥﴾ قَالُوا رَبُّنَا

مقام دیگری ندارید و هرگز خدای رحمان چیزی را فرو نفرستاده است و جز اینکه شما مردم دروغگویی هستید هیچ درکار نیست. (۱۵) رسولان باز گفتند: خدای

يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُم لَمُرْسَلُونَ ﴿١٦﴾ وَ مَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ ﴿١٧﴾

ما می‌داند که محققاً ما فرستاده‌ایم او به سوی شما هستیم. (۱۶) و بر ما جز آنکه واضح، ابلاغ رسالت کنیم هیچ تکلیفی نیست. (۱۷)

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجِمَنَّكُمْ وَ لَنَمَسِّنَّكُمْ مِمَّا

باز منکران گفتند که ما وجود شما را به فال بد گرفتیم، اگر (از این دعوی) دست بر ندارید البته سنگسارتان خواهیم کرد و از ما به شما رنج و شکنجه سخت

عَذَابِ آئِمٍ ﴿١٨﴾ قَالُوا طَائِرُكُم مَّعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ

خواهد رسید. (۱۸) رسولان گفتند: آن فال بد که می‌گویید اگر بفهمید و متذکر شوید (آن جهلی است که) با خود شماست، بلکه شما مردم مسرف (و پرهوا و

﴿١٩﴾ وَ جَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ قَالَ يَاقَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ

هوس) هستید. (۱۹) و مردی شتابان از دورترین نقاط شهر (انطاکیه، حبیب نام) فرا رسید گفت: ای قوم من، این رسولان خدا را پیروی کنید.

﴿٢٠﴾ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ

(۲۰) از آنان که هیچ اجر و مزد رسالتی از شما نمی‌خواهند و خود (به راه حق) هدایت یافته‌اند پیروی کنید. (۲۱) و چرا باید من خدای آفریننده خود را

الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تَرْجَعُونَ ﴿٢٢﴾ أَتَأْخُذُ مِنْ دُونِهِ إِلَهًا إِنْ يُرَدَّنْ

نپرستم در صورتی که بازگشت شما (و همه خلایق) به سوی اوست. (۲۲) آیا من به جای آن خدای آفریننده یکتا، خدایانی را معبود خود گیرم

الرَّحْمَنُ بَضْرًا تَعْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونَ ﴿٢٣﴾ إِنِّي إِذَا لَفِي

که اگر آن خدای رحمن بخواید به من رنج و زبانی رسد هیچ شفاعت آن خدایان از من دفع زیان نکرده و نجاتم نتوانند داد؟ (۲۳) در این صورت پیداست که

ضَلَلٌ مُبِينٌ ﴿٢٤﴾ إِنِّي ءَامَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونَ ﴿٢٥﴾ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ

من بسیار زیانکار خواهم بود. (۲۴) پس، از من (ای رسولان) بشنوید (و گواه باشید) که به خدای شما ایمان آوردم. (۲۵) (و به او پس از گذشته شدن، در عالم برزخ) گفته شد:

قَالَ يَلَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ بِمَا غَفَر لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ

بیا داخل بهشت شو، گفت: ای کاش ملت من هم (از این نعمت) آگاه بودند. (۲۶) که خدا چگونه در حق من مغفرت و رحمت فرمود و مرا مورد لطف و کرم قرار داد.

﴿٢٧﴾ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا

(۲۷) و ما پس از او (یعنی حبیب) بر قومش هیچ لشکری از آسمان نفرستادیم (تا بر ایمان مجبورشان کنند) و هیچ این کار (با ملتی) نکرده‌ایم

مُتَزِلِينَ ﴿٢٨﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَمِدُونَ ﴿٢٩﴾ يَحْسِرَةَ

(و نخواهیم کرد). (۲۸) نبود عقوبتشان، جز یک صیحه عذاب آسمانی که به ناگاه همه هلاک شدند. (۲۹) وای بر حال

عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٣٠﴾ أَلَمْ يَرَوْا

این بندگان (گمراه لجاج) که هیچ رسولی برای هدایت آنها نیامد جز آنکه او را به تمسخر و استهزا گرفتند. (۳۰) آیا ندیدند

كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٣١﴾ وَإِنْ كُلٌّ

چه بسیار طوایفی را پیش از اینها هلاک کردیم که دیگر ابدًا به (دیوار) اینان باز نگردند؟ (۳۱) و هیچ کس (از گذشته و آینده

لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٣٢﴾ وَءَايَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا

در عالم) نیست جز آنکه همه نزد ما حاضر آورده می‌شوند. (۳۲) و یک برهان برای آنان (بر این که ما مردگان را زنده می‌کنیم) آن است که زمین مرده

وَآخَرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴿٣٣﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَجِيلٍ

را (به باران رحمت) زنده کرده و از آن دانه‌ای که قوت و روزی خلق شود می‌رویانیم. (۳۳) و در زمین باغها از نخل خرما و انگور قرار دادیم

وَاعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ

و در آن چشمه‌های آب جاری کردیم. (۳۴) تا مردم از میوه آن باغها تناول کنند و از انواع غذاهایی که (از این میوه‌ها و نباتات) به دست خود

أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾ سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا

عمل می‌آورند نیز تغذیه نمایند. آیا نباید شکر آن نعمتها به جای آرند. (۳۵) پاک و منزه است خدایی که همه ممکنات عالم را جفت آفریده چه از نباتات (و

تَنْبِتُ الْأَرْضَ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَعَايَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ

حیوانات) و چه از نفوس بشر و دیگر مخلوقات که اینان از آنها آگه نیستند. (۳۶) و برهان دیگر برای خلق (در اثبات قدرت حق) وجود شب است که ما

مِنَهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلَمُونَ ﴿٣٧﴾ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ

چون پرده روز را از آن برگیریم، ناگهان همه آنان در تاریکی فرو می‌روند. (۳۷) و نیز خورشید تابان بر مدار معین خود داریم بی هیچ اختلاف به گردش است. این

تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ

طرح و تدبیر خدای دانای مقتدر است (و برهان دیگر بر قدرت اوست). (۳۸) و نیز (گردش) ماه را (در) منازل معین مقرر کردیم تا مانند شاخه خشکیده خرما (زرد

الْقَدِيمِ ﴿٣٩﴾ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ

و لاغر به منزل اول) باز گردد (و این بر قدرت حق برهان دیگری است). (۳۹) نه (در گردش منظم عالم) خورشید را شاید که به ماه فرا رسد و نه شب بر روز

النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٤٠﴾ وَعَايَةٌ لَهُمُ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي

سبقت گیرد و هر یک بر مدار معینی (در این دریای بی‌پایان) شناورند. (۴۰) و برهان دیگر برای آنان آن که ما فرزندان آنان (یعنی بشر) را در کشتی

الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿٤١﴾ وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِنْ نَشَأْ

پر بار سوار گردانیدیم. (۴۱) و نیز برای آنها به مانند کشتی، چیزی که بر آن سوار شوند خلق کردیم (شاید اتومبیل و ترن و طیاره مقصود باشد). (۴۲) و اگر بخواهیم

نُغْرِقَهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ ﴿٤٣﴾ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ

همه را به دریا غرق کنیم که ابدان فریاد رسی و نه راه نجاتی یابند. (۴۳) مگر باز لطف و رحمت ما آنها را نجات دهد و تا وقت معین، بهره زندگی

حِينَ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ

بخشد. (۴۴) و چون مردم را گویند که در امر گذشته و آینده (دنیا و آخرت) خویش (اندیشه کنید و) تقوا پیشه کنید شاید مورد لطف و رحمت خدا گردید

تُرْحَمُونَ ﴿٤٥﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا

(روی بگردانند). (۴۵) و بر این مردم (غافل) هیچ از آیات الهی نیاید جز آنکه از آن اعراض

مُعْرِضِينَ ﴿٤٦﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ انْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا الَّذِينَ كَفَرُوا

کنند. (۴۶) و چون به آنها گویند که از آنچه خدا روزی شما قرار داده (چیزی برای خدا به فقیران) انفاق کنید، کافران به اهل ایمان جواب دهند آیا ما به کسی که

لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَنْطَعِمَهُ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

اگر خدا می‌خواست، به او هم روزی می‌داد اطعام و دستگیری کنیم؟ شما پیدا است که سخت در غلط و گمراهی هستید (و راه راست آن است که چنان که خدا به

مُبِينٍ ﴿٤٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا

فقیران احسان نکرده ما هم نکنیم). (۴۷) و کافران گویند: پس این وعده (قیامت و بهشت و دوزخ) اگر راست می‌گویید کی خواهد بود؟ (۴۸) این منکران قیامت

صَيْحَةٍ وَاحِدَةٍ تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً

انتظار نکشند جز یک صیحه (اسرافیل حق) را که (به مرگ) همه را فرا گیرد در حالی که با هم به بحث و جدل مشغول اند. (۴۹) پس نه توانایی سفارشی دارند و

وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٥٠﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ

نه به اهل بیت خود رجوع توانند کرد. (۵۰) و (چون بار دوم) در صور دمیده شود به ناگاه همه از قبرها به سوی خدای خود

رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ﴿٥١﴾ قَالُوا يُوَيْلَنَا مِّنْ بَعَثْنَا مِنْ مَّرْقَدِنَا ﴿٥١﴾ هَذَا مَا وَعَدَ

به سرعت می‌شتابند. (۵۱) و گویند: ای وای بر ما، که ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ این همان وعده خدای مهربان

الرَّحْمَنِ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ

است و رسولان همه راست گفتند. (۵۲) و آن جز یک صیحه (و یک لحظه بیس) نباشد که ناگاه تمام خلائق محشر

جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٥٣﴾ فَالْيَوْمَ لَا تظَلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تَجْزُونَ إِلَّا

به پیشگاه ما حاضر آورده خواهند شد. (۵۳) پس در آن روز کمترین ظلمی به هیچ کس نشود و جز آنچه عمل کرده‌اید، ابدًا

مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٤﴾ إِنْ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهِونَ ﴿٥٥﴾ هُمْ

جزایمی نخواهید یافت. (۵۴) اهل بهشت آن روز خوش به وجد و نشاط مشغولند. (۵۵) آنان

وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِئُونَ ﴿٥٦﴾ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ

با زنان و اقراشان در سایه‌های (درختان بهشت) بر تختهای (عزت) تکیه کرده‌اند. (۵۶) برای آنها در آنجا میوه‌های گوناگون و هر چه

مَا يَدْعُونَ ﴿٥٧﴾ سَلَّمَ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ ﴿٥٨﴾ وَامْتَاَزُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا

بخواهند آماده است. (۵۷) (فرشتگان رحمت) بر آنان از خدای مهربان سلام و تحیت رسانند. (۵۸) و (به فاسقان خطاب شود) ای بدکاران، امروز شما (از

الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٩﴾ أَلَمْ أَعْهَدَ إِلَيْكُمْ يَبْنَىٰءَ آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ

صف نیکوان) جدا شوید. (۵۹) (خطاب آید) ای آدم‌زادگان، آیا به شما سفارش ننمودم که شیطان را نپرستید، زیرا روشن است

أَنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٠﴾ وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ

که او دشمن بزرگ شماست؟! (۶۰) و مرا پرستش کنید، که این راه مستقیم (سعادت ابدی) است؟! (۶۱) و همانا خلق

أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبَلًا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ﴿٦٢﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي

بسیاری از شما نوع بشر را (این دیو) به گمراهی کشید، آیا عقل و فکرت کار نمی‌بستید (تا از مکر و فریبش بپرهیزید)؟! (۶۲) این همان دوزخی است که به شما

كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٦٣﴾ أَصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٦٤﴾ الْيَوْمَ نَخْتِمُ

(پهروان شیطان) وعده می‌دادند. (۶۳) امروز در آتش آن به کیفر کفرتان داخل شوید. (۶۴) امروز بر دهان

عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتَكَلَّمْنَا بِأَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

آن کافران مهر خموشی نهیم و دستهایشان با ما سخن گوید و پاهایشان به آنچه می‌کردند گواهی دهد.

﴿٦٥﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ

(۶۵) و اگر ما بخواهیم، دیده‌هایشان را (به گمراهی) محو و نابینا کنیم تا چون به راه سبقت گیرند کجا (با کوری و گمراهی) بصیرت یابند؟

﴿٦٦﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مِضِيًّا وَلَا

(٦٦) و اگر بخواهیم همان جا صورت آنها را مسخ کنیم (تا به شکل سگان و بوزینگان شوند) که نه (از آن صورت) بتوانند گذشت و نه (به صورت اول)

يَرْجِعُونَ ﴿٦٧﴾ وَمَنْ نَعْمَرَهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾ وَمَا

بازگشت. (٦٧) و ما هر کس را عمر دراز دهیم (به پیری) در خلقتش تغییر دهیم. آیا تعقل نمی‌کنند (که اگر عمر به دست طبیعت بود، پس از کمال به نقصان باز نمی‌گشت)؟

عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ ﴿٦٩﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ ﴿٦٩﴾

(٦٨) و نه ما او را (یعنی محمد «ص» را) شعر آموختیم و نه شاعری شایسته مقام اوست، بلکه این کتاب چیزی جز ذکر الهی و قرآن روشن بیان خدا نیست. (٦٩)

لَيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقُّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧٠﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا

تا هر که را زنده دل است (به آیاتش پند دهد و از خدا و قیامت) بترسانند و بر کافران وعده عذاب حتم و لازم گردد. (٧٠) آیا کافران ندیدند که

خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَلَكَونَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلْنَاهَا

بر آنها به دست (قدرت) خود از جمله آفریدگان چهارپایانی خلقت کردیم تا مالک آنها شوند؟ (٧١) و آن حیوانات (با عظمت و قوت)

لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ ﴿٧٢﴾

را مطیع و رام آنها ساختیم که هم بر آنها سوار شوند و هم از آنها غذا تناول کنند. (٧٢) و برای آنها در آن حیوانات منافع و آشامیدنی‌های فراوان هست، آیا شکر

أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ ﴿٧٤﴾

(این نعمتها را) نباید به جای آرند؟ (٧٣) و (مشرکان) به جای خدا، خدایانی دیگر اتخاذ کردند تا مگر (از جانب آنها) یاری شوند. (٧٤)

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحَضَّرُونَ ﴿٧٥﴾ فَلَا يَحْزَنكَ

هرگز آن خدایان کمترین نصرتی به آنها نتوانند کرد و خود این مشرکان معبودانشان را سپاهی حاضر خدمت هستند که همگی را (در قیامت در آتش دوزخ)

قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٦﴾ أَوْ لَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا

حاضر آرند. (٧٥) پس سخن این مشرکان تو را محزون نکند. ما هر آنچه پنهان و آشکار گویند همه را می‌دانیم. (٧٦) آیا انسان ندید که ما او را از نطفه ناقابل

خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ﴿٧٧﴾ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ

(چنین آراسته) خلقت کردیم؟ آن‌گاه (به جای آنکه شکرگزار باشد) دشمن آشکار ما گردید. (٧٧) و برای ما مثلی (جاهلانه) زد و آفرینش خود

خَلَقَهُ ﴿٧٨﴾ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا

را فراموش کرد، گفت: این استخوانهای پوسیده را باز که زنده می‌کند؟ (٧٨) بگو: آن خدایی زنده می‌کند که اول بار آنها

أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ

را ایجاد کرد و او به هر آفریده‌ای داناست. (٧٩) آن خدایی که از درخت سبز و تر برای انتفاع شما

الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ ﴿٨٠﴾ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ

آتش قرار داده که (برای حاجتی که خواهید) بر می‌افروزید. (٨٠) آیا آن خدایی که (خلقت با عظمت) آسمانها و زمین را آفریده،

وَالْأَرْضَ بِقَدْرِ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلْقُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾

بر آفرینش (موجود ضعیفی) مانند این کافران قادر نیست (که چون مردند باز آنها را زنده گرداند)؟ چرا (البته قادر است) و او آفریننده و داناست. (۸۱)

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾

فرمان نافذ او چون اراده خلقت چیزی کند به محض اینکه گوید: «موجود باش» بلافاصله موجود خواهد شد. (۸۲)

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

پس منزّه و پاک است خدایی که (ملک و) ملکوت هر موجود به دست (قدرت) او و بازگشت شما همه خلایق به سوی اوست. (۸۳)

فضیلت سوره الرَّحْمَنِ

از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که فرمود: مگذارید خواندن سوره الرَّحْمَنِ را، به درستی که او در دل منافقان قرار نمی‌گیرد و می‌آید از نزد خدای عزوجل در روز قیامت در صورت آدمی در بهترین صورتی و خوشترین بوئی تا آنکه می‌ایستد نزد خدای تعالی در جایی که نزدیکتر از آن نیست به خدای تعالی پس می‌گوید خدای عزوجل به آن که: کیست آنکه قیام می‌نمود به امر تو در حیات دنیا و مداومت می‌کرد در خواندن تو؟ پس او می‌گوید یارب فلان و فلان، پس سفید می‌شود رویهای ایشان، پس می‌گوید به ایشان که: شفاعت کنید هر کس را که می‌خواهید، پس شفاعت می‌کنند تا حدی که کسی نمی‌ماند که اراده شفاعت جهت او داشته باشد که شفاعت نکند پس خدای عزوجل می‌گوید به ایشان که: داخل بهشت شوید و هر جا که می‌خواهید ساکن شوید. * و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که: هر که بخواند سوره الرَّحْمَنِ را و هر جا که بخواند (فَبِأَيِّ آءِ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ) بگوید (لَا بَشِيئَةَ مِنْ آءِ الْآئِكَ رَبِّ اكْذِبْ) پس اگر در شب بخواند آنگاه بمیرد شهید مرده و اگر در روز بخواند آنگاه بمیرد شهید مرده.

ترتیبها ۵۵ سُورَةُ الرَّحْمَنِ - مَدِينَةُ آیاتها ۷۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الرَّحْمَنِ ﴿١﴾ عِلْمَ الْقُرْآنِ ﴿٢﴾ خَلْقَ الْإِنْسَانِ ﴿٣﴾ عِلْمَهُ الْبَيَانَ ﴿٤﴾

خدای بخشنده، (۱) (به رسولش) قرآن آموخت. (۲) انسان را خلق کرد. (۳) به او تعلیم نطق و بیان فرمود. (۴)

الْشَّمْسِ وَالْقَمَرِ مُجَسَّبَانِ ﴿٥﴾ وَالنَّجْمِ وَالشَّجَرِ يَسْجُدَانِ ﴿٦﴾

خورشید و ماه به حساب معین به گردشند. (۵) و گیاهان و درختان هم به سجده او سر به خاک اطاعت نهاده‌اند. (۶)

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ۗ (۷) **الَّتَطَّغُوا فِي الْمِيزَانِ** (۸) **وَاقِيمُوا**

و آسمان را او کاخی رفیع گردانید و میزان (عدل و نظم) را در عالم وضع فرمود. (۷) (و حکم کرد) که هرگز در میزان (عدل و احکام شرع من) تعدی و نافرمانی مکنید. (۸) و

الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ۙ (۹) **وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ** (۱۰)

هر چیز را به ترازوی عدل و انصاف بسنجید و هیچ در میزان، کم فروشی و نادراستی مکنید. (۹) و زمین را (با هزاران نعمت) برای (زندگانی) خلق مقرر فرمود. (۱۰) و

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ۙ (۱۱) **وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ**

که در آن میوه‌های گوناگون و نخل خرما با پوشش برگ و شکوفه و غلاف است. (۱۱) و هم حبوبات متنوع که دارای برگ و گل است و نیز ریاحین است.

۱۲ **فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ** (۱۳) **خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ**

(۱۲) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۱۳) انسان را خدا از خشک‌گلی مانند گل کوزه گران (بدین حسن

كَالْفَخَّارِ ۙ (۱۴) **وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ** (۱۵) **فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا**

و زیبایی) آفرید. (۱۴) و جنیان را از رخسند شعله آتش خلق کرد. (۱۵) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را

تُكَذِّبَانِ ۙ (۱۶) **رَبِّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبِّ الْمَغْرِبَيْنِ** (۱۷) **فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا**

انکار می‌کنید؟ (۱۶) آن خدایی که آفریننده دو مشرق و دو مغرب است (مشرق و مغرب تابستان و زمستان). (۱۷) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان

تُكَذِّبَانِ ۙ (۱۸) **مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ** (۱۹) **بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ** (۲۰)

را انکار می‌کنید؟ (۱۸) اوست که دو دریا (ی آب شور و گوارا) را به هم در آمیخت تا به هم برخورد کنند. (۱۹) و میان آن دو دریا، بَرزَخ نامی است که تجاوز به

فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۙ (۲۱) **يَخْرُجُ مِنْهُمَا الدُّلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ** (۲۲)

حدود یکدیگر نمی‌کنند. (۲۰) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۲۱) از آن دو دریا، لؤلؤ و مرجان گرانها بیرون آید. (۲۲)

فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۙ (۲۳) **وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ**

(الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۲۳) و او راست کشتیهای بزرگ بادبان برافراشته مانند کوه که به دریا

كَالْأَعْلَامِ ۙ (۲۴) **فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ** (۲۵) **كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ** (۲۶)

در گردشند. (۲۴) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۲۵) هر که روی زمین است دستخوش مرگ و فناست. (۲۶)

وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَلِ وَالْإِكْرَامِ ۙ (۲۷) **فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ**

و زنده ابدی ذات خدای با جلال و عظمت توست. (۲۷) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

۲۸ **يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ** (۲۹) **فَبِأَيِّ**

(۲۸) هر که در آسمانها و زمین است همه از او (حوادث خود را) می‌طلبند و او هر روز به شأن و کاری (در تکمیل و افاضه به خلق) پردازد. (۲۹) (الا ای جنّ و انس)

آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۙ (۳۰) **سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّه الثَّقَلَانِ** (۳۱) **فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا**

کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۳۰) ای گروه انس و جنّ به زودی به حساب کار شما هم خواهیم پرداخت. (۳۱) (الا ای جنّ و انس) کدامین

رَبِّكُمْ تَكْذِبَانَ ﴿٣٢﴾ يَمَعَشِرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ

نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۳۲) ای گروه جنّ و انس، اگر می‌توانید از اطراف آسمانها و زمین (و از قبضه قدرت الهی) بیرون شوید،

أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا ۚ لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَنِ ﴿٣٣﴾ فَبِأَيِّ

بیرون شوید (ولی این خیال محالی است زیرا) هرگز خارج از ملک و سلطنت خدا نتوانید شد. (۳۳) (الا ای جنّ و انس)

ءِالَاءِ رَبِّكُمْ تَكْذِبَانَ ﴿٣٤﴾ يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ شَوَاطِئَ مِنْ نَارٍ وَنَحَاسٍ فَلَا

کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۳۴) (اگر به کفر و طغیان گرایید) بر شما شراره‌های آتش و مس‌گداخته فروریخته شود و هیچ

تَنْتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾ فَبِأَيِّ ءِالَاءِ رَبِّكُمْ تَكْذِبَانَ ﴿٣٦﴾ فَاذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ

نصرت و نجاتی نیابید. (۳۵) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۳۶) پس آن‌گاه که آسمان شکافته شود تا چون

فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ﴿٣٧﴾ فَبِأَيِّ ءِالَاءِ رَبِّكُمْ تَكْذِبَانَ ﴿٣٨﴾ فَيَوْمَئِذٍ

گل سرخ‌گون و چون روغن مذاب و روان گردد. (۳۷) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۳۸) پس در آن روز هیچ

لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ ﴿٣٩﴾ فَبِأَيِّ ءِالَاءِ رَبِّكُمْ تَكْذِبَانَ ﴿٤٠﴾

از گناه انس و جنّ باز نپرسند (چون از گناهان خلق آگاهند). (۳۹) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۴۰)

يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمِهِمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ ﴿٤١﴾ فَبِأَيِّ

(آن روز) بدکاران به سیمایشان شناخته شوند، پس موی پیشانی آنها را با پاهایشان بگیرند (و در آتش دوزخ افکنند). (۴۱) (الا ای جنّ و انس) کدامین

ءِالَاءِ رَبِّكُمْ تَكْذِبَانَ ﴿٤٢﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٤٣﴾

نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۴۲) این همان دوزخی است که بدکاران تکذیب می‌کردند. (۴۳)

يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ءَانٍ ﴿٤٤﴾ فَبِأَيِّ ءِالَاءِ رَبِّكُمْ تَكْذِبَانَ ﴿٤٥﴾

اینک میان آن جهنّم و در حمیم سوزان آن می‌گردند. (۴۴) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۴۵)

وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ﴿٤٦﴾ فَبِأَيِّ ءِالَاءِ رَبِّكُمْ تَكْذِبَانَ ﴿٤٧﴾

و هر که از مقام خدایش بترسد او را دو باغ بهشت خواهد بود. (۴۶) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۴۷)

ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ﴿٤٨﴾ فَبِأَيِّ ءِالَاءِ رَبِّكُمْ تَكْذِبَانَ ﴿٤٩﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ

در آن دو بهشت انواع گوناگون میوه‌ها و نعمتهاست. (۴۸) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۴۹) در آن دو بهشت دو چشمه آب

﴿٥٠﴾ فَبِأَيِّ ءِالَاءِ رَبِّكُمْ تَكْذِبَانَ ﴿٥١﴾ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ﴿٥٢﴾

(تسبیم و سلسبیل) روان است. (۵۰) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۵۱) در آن دو بهشت از هر میوه‌ای دو نوع است. (۵۲)

فَبِأَيِّ ءِالَاءِ رَبِّكُمْ تَكْذِبَانَ ﴿٥٣﴾ مُتَّكِنِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَّائِنُهَا مِنْ

(الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۵۳) در حالتی که بهشتیان بر بسترهایی که آستر آنها از حریر و استبرق است

اَسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ ﴿٥٤﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٥﴾

تکیه زده‌اند و میوه درختانش در همان تکیه گاه در دسترس آنهاست. (۵۴) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۵۵)

فِيهِنَّ قَصْرَاتُ الْطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ اِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٥٦﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٧﴾

در آن بهشتها زنان زیبایی است (که به چشم پرناز جز به شوهر خود ننگرند) و دست هیچ کس از جن و انس پیش از آنها بدان زنان نرسیده است. (۵۶) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۵۷)

كَانَهُنَّ لِيَابِقُوتٍ وَ الْمَرْجَانُ ﴿٥٨﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٩﴾

آن زنان حورالعین (درصفا و لطافت) گویی یاقوت و مرجانند. (۵۸) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۵۹)

هَلْ جَزَاءُ الْاِحْسَانِ اِلَّا الْاِحْسَانُ ﴿٦٠﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦١﴾

آیا پاداش نکویی و احسان، جز نکویی و احسان است؟ (۶۰) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۶۱)

وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٢﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٣﴾

و وری آن دو بهشت دیگر است. (۶۲) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۶۳)

مُدَّ هَامَاتِنَ ﴿٦٤﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٥﴾

که درختان آن دو بهشت درمنتهای سبزی و خرمی است. (۶۴) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۶۵)

فِيهِنَّ عَيْنَانِ ﴿٦٦﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٧﴾

در آن دو بهشت نیز هر گونه میوه خوش و خرما و انار دو چشمه آب گوارا می‌جوشد. (۶۶) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۶۷)

فِيهِنَّ خَيْرٌ حَسَانٌ ﴿٦٨﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٩﴾

در آن بهشتها نیکوزنان با حسن و جمال بسیارند. (۶۸) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۶۹)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧١﴾ حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْاِحْيَامِ ﴿٧٢﴾

(الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۷۱) حورانی در سرایده‌های خود (مستور از چشم بیگانگان). (۷۲) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۷۳)

لَمْ يَطْمِثْهُنَّ اِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٧٤﴾

و (انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۷۳) که پیش از شوهران دست هیچ کس از جن و انس بدان زنان نرسیده است. (۷۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٥﴾

(الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۷۵) در حالتی که بهشتیان (با حورالعین) بر رفر فر خضر (وجد و عزت)

وَعَبَقَرِي حَسَانٌ ﴿٧٦﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٧﴾

و بساط زیبا (ی فخر و دولت) تکیه زده‌اند. (۷۶) (الا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟ (۷۷)

تَبْرَكَ اِسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَلِ وَالْاِكْرَامِ ﴿٧٨﴾

بزرگوار و مبارک نام پروردگار توست که خداوند جلال و عزت و احسان و کرامت است. (۷۸)

فضیلت سوره واقعه

نقل است که عثمان بن عفان به عیادت عبدالله بن مسعود رفت در مرضی که به آن فوت شد به او گفت که: از چه شکوه داری؟ گفت: از گناهان خود، گفت: چه چیز میل داری؟ گفت: رحمت پروردگار خود، گفت: جهت تو طیب طلب نکنم؟ گفت: طیب مرا بیمار کرده. گفت: امر نکنم که به تو عطیّه بدهند؟ گفت: در وقتی که احتیاج داشتم به من ندادی الحال که مستغنیم می دهی؟ گفت: آنچه می دهم جهت دختران تو بوده باشد، گفت: ایشان را به آن حاجتی نیست جهت اینکه من ایشان را امر کردم بخواندن سوره واقعه و من شنیده‌ام از حضرت رسول (ﷺ) که می گفت: هر که بخواند سوره واقعه را در هر شب نمی رسد به او پریشانی هرگز. * و از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل است که هر که بخواند سوره واقعه را هر شب پیش از آنکه بخوابد ملاقات کند خدای عزوجل را در حالتی که روی آن شخص چون ماه باشد در وقت تمامی آن. * و از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) منقول است که هر که مشتاق باشد به بهشت و به وصف بهشت، سوره واقعه بخواند.

ترتیبها ۵۶ سُورَةُ الْوَاقِعَةِ - مَكِّيَّة آیاتها ۹۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۱ لَيْسَ لَوْقَعَتِهَا كَاذِبَةٌ ۲ خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ ۳ اِذَا

هنگامی که آن واقعه بزرگ (قیامت) واقع می گردد. (۱) که در وقوعش هیچ کذب و جای هیچ شک و ریب نیست. (۲) آن روز (قومی را) خوار و ذلیل کند و (طایفه‌ای

رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا ۴ وَبَسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ۵ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا

(را) سربلند و رفیع گرداند. (۳) آن گاه که زمین شدید به حرکت و لرزه در آید. (۴) و کوه‌های سخت متلاشی شوند. (۵) و مانند ذرات گرد در هوا پراکنده گردند.

۶ وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ۷ فَاصْحَبُ الْمَيْمَنَةِ مَا اصْحَبُ الْمَيْمَنَةِ

(۶) و شما خلائق بر سه دسته مختلف شوید. (۷) گروهی راستان، اصحاب یمین باشند که چقدر حالشان (در بهشت ابد) نیکوست!

۸ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا اصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۹ وَالسَّبِقُونَ

(۸) و گروهی ناراستان، اصحاب شومی و شقاوتند که چقدر روزگارشان (در دوزخ) سخت است. (۹) و (طایفه سوم) آنان که (مشتاقانه در ایمان) بر همه پیشی

السَّبِقُونَ ۱۰ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ۱۱ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۱۲ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَىٰ

گرفتند و مقام تقدم یافتند. (۱۰) آنان به حقیقت مقربان درگاهند. (۱۱) آنان در بهشت بر نعمت جاودانی متنعمند. (۱۲) آنها جمعی بسیار از امم پیشینیان هستند.

۱۳ وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ ۱۴ عَلَىٰ سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ ۱۵ مَتَكِينَ عَلَيْهَا

(۱۳) و عدهٔ قلیلی از متأخران. (۱۴) آنان بر سریرهای زربفت مرصع به انواع جواهر تکیه زنند. (۱۵) همه (شادان) با یاران و دوستان روبه روی یکدیگر بر آن

مُتَقَبِّلِينَ ﴿١٦﴾ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وُلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ ﴿١٧﴾ بَاكُوبًا وَابَارِيقًا

سربرهای عزت می‌نشینند. (۱۶) و پسرانی زیبا که حسن و جوانیشان همیشگی و ابدی است گرد آنها به خدمت می‌گردند. (۱۷) با کوزه‌ها و مشربیه‌ها

وَكَاسٍ مِنْ مَعِينٍ ﴿١٨﴾ لَا يَصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُزْفُونَ ﴿١٩﴾ وَفَاكِهَةٍ مِمَّا

و جامه‌های پر از شراب ناب. (۱۸) نه هرگز از آنها (هر چه نوشند) دردمسری یابند و نه مستی عقل و رنج خمار کشند. (۱۹) و میوه خوش از هر چه

يَتَخَيَّرُونَ ﴿٢٠﴾ وَحَمٍّ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢١﴾ وَحُورٍ عِينٍ ﴿٢٢﴾ كَأَمْثَالِ

برگزینند، (۲۰) و گوشت مرغان و هر غذا که مایل باشند، (۲۱) و زنان سیه چشم زیبا صورت، (۲۲) که (در بهاء

الدُّلُودِ الْمَكْنُونِ ﴿٢٣﴾ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا

و لطافت) چون دَر و لؤلؤ مکنونند. (۲۳) (این) پاداش اعمال نیک آن بهشتیان است. (۲۴) نه آنجا هیچ حرفی لغو و بیهوده شنوند

لُغْوًا وَلَا تَأْتِيهَا ﴿٢٥﴾ إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا ﴿٢٦﴾ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا

و نه به یکدیگر گناهی برینند. (۲۵) هیچ جز سلام و تحیت و احترام هم نگویند و نشنوند. (۲۶) و اصحاب یمین هم

أَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴿٢٧﴾ فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ ﴿٢٨﴾ وَطَلْحٍ مَنضُودٍ ﴿٢٩﴾ وَظِلِّ

چه خوش روزگارند! (۲۷) در سایه درختان سدر پرمیوه بی‌خار. (۲۸) و درختان پربزرگ سایه‌دار. (۲۹) و در سایه

مَمْدُودٍ ﴿٣٠﴾ وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ ﴿٣١﴾ وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ﴿٣٢﴾ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا

بلند درختان. (۳۰) و در طرف نهر آبهای روان زلال. (۳۱) و میوه‌های بسیار. (۳۲) که هیچ وقت منقطع نشود و هیچ کس بهشتیان را از آن

مَمْنُوعَةٍ ﴿٣٣﴾ وَفَرَشٍ مَرْفُوعَةٍ ﴿٣٤﴾ إِنَّا أَنشَأْنَهُمْ إِنِشَاءً ﴿٣٥﴾ فَجَعَلْنَهُمْ

میوه‌ها منع نکند. (۳۳) و فرشهای پربها (یا فرش و زنان زیبا). (۳۴) که آنها را ما در کمال زیبایی بیافریده‌ایم. (۳۵) و همیشه آن زنان را باکره

أَبْكَارًا ﴿٣٦﴾ عَرَبًا أْتْرَابًا ﴿٣٧﴾ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٣٨﴾ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَىٰ ﴿٣٩﴾

گردانیده‌ایم. (۳۶) و شوهردوست و باغنج‌ناز و جوان و همسالان دلتواز. (۳۷) این نعمتهای بهشتی مخصوص اصحاب یمین است. (۳۸) که جمعی از پیشینیان، (۳۹)

وَثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ ﴿٤٠﴾ وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ ﴿٤١﴾ فِي

و جمعی از امت رسول آخر زمان هستند. (۴۰) و اما اصحاب شومی و شقاوت (که نامه عملشان به دست چپ است) چقدر روزگارشان سخت است! (۴۱) آنها

سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ﴿٤٢﴾ وَظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ ﴿٤٣﴾ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ﴿٤٤﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا

در عذاب باد سموم و آب گرم باشند. (۴۲) و سایه‌ای از دود آتش دوزخ. (۴۳) که نه هرگز سرد شود و نه خوش نسیم گردد. (۴۴) این عذاب، آنها را

قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ ﴿٤٥﴾ وَكَانُوا يُصْرُونَ عَلَى الْهَنْتِ الْعَظِيمِ ﴿٤٦﴾ وَكَانُوا

بدین سبب است که از این پیش به ناز و نعمت پرداختند. (۴۵) و برگناه بزرگ (شرک و عناد) لجاجت و اصرار داشتند. (۴۶) و دائم می‌گفتند:

يَقُولُونَ إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿٤٧﴾ أَوْ أَبَاؤُنَا

آیا ما چون مردیم و خاک و استخوان پوسیده شدیم، باز هم ما زنده می‌شویم؟ (۴۷) و آیا پدران

الْأُولُونَ ﴿٤٨﴾ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ﴿٤٩﴾ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ

گذشته ما زنده خواهند شد؟ (۴۸) بگو: البته تمام خلق اولین و آخرین، همه در وعده‌گاه روز معین محشر گرد آورده

مَعْلُومٌ ﴿٥٠﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيْهَا الضَّالُّونَ الْمُكْذِبُونَ ﴿٥١﴾ لَأَكْلُونَ مِنْ شَجَرٍ

می‌شوند. (۵۰) آن‌گاه شما ای گمراهان منکر (قیامت). (۵۱) از درخت زقوم تلخ دوزخ البته

مِنْ زَقُومٍ ﴿٥٢﴾ فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٥٣﴾ فَشَرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾

خواهید خورد. (۵۲) تا آنکه شکم را از آن پر می‌سازید. (۵۳) آن‌گاه همه از آب گرم جهنم بر روی آن می‌آشامند. (۵۴)

فَشَرِبُونَ شَرْبَ الْهِيمِ ﴿٥٥﴾ هَذَا نَزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٥٦﴾ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْ

بدانسان از عطرش، آن آب را می‌نوشید که شتران تشنه آب می‌آشامند. (۵۵) این است طعام و شراب کافران در روز جزا. (۵۶) ما شما را بیافریدیم پس چرا

لَا تُصَدِّقُونَ ﴿٥٧﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ﴿٥٨﴾ أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ

تصدیق نمی‌کنید؟ (۵۷) آیا ندیدید که نخست شما نطفه‌ای (بی‌قدر) بودید؟ (۵۸) آیا شما خود آن نطفه را (به صورت فرزند انسان) می‌آفرینید یا ما

﴿٥٩﴾ نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٦٠﴾ عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ

آفریننده‌ایم؟ (۵۹) ما مرگ را بر همه شما مقدر ساختیم و هیچ کس بر قدرت ما سبق نتواند برد. (۶۰) در اینکه شما را فانی کرده و خلقی دیگر

أَمْثَالَكُمْ وَ نُنشئكم فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ وَ لَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ

مثل شما بیافرینیم و شما را به صورتی (در جهانی دیگر) که اکنون از آن بی‌خبرید برانگیزیم. (۶۱) و بی‌شک شما از نشئه اول خود آگاه شدید (که از عدم به

فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ﴿٦٣﴾ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ

وجودتان آوردیم) پس چرا متذکر نمی‌شوید؟ (۶۲) آیا دیدید تخمی را که در زمین می‌کارید؟ (۶۳) آیا شما آن تخم را می‌رویانید یا ما

الزَّرْعُونَ ﴿٦٤﴾ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطًا مَّا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ﴿٦٥﴾ إِنَّا لَمُعْرَمُونَ

رویاننده‌ایم؟ (۶۴) اگر ما بخواهیم کشت و زرع شما را تباه می‌سازیم تا با حسرت و ندامت به سخنان بیهوده پردازید. (۶۵) (و گوید) که ما سخت در زبان و

﴿٦٦﴾ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ﴿٦٨﴾ أَأَنْتُمْ

گرامت افتادیم. (۶۶) بلکه به کلی محروم گردیدیم. (۶۷) آیا آبی را که شما می‌نوشید متوجه‌اید؟ (۶۸) آیا شما

أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ ﴿٦٩﴾ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ جُحًا فَلَوْ

آن آب را از ابر فرو ریختید یا ما نازل ساختیم؟ (۶۹) اگر می‌خواستیم آن آب را شور و تلخ می‌گردانیدیم، پس چرا

لَا تَشْكُرُونَ ﴿٧٠﴾ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ﴿٧١﴾ أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا

شکرگزاری نمی‌کنید؟! (۷۰) آیا آتشی که روشن می‌کنید می‌نگرید؟ (۷۱) آیا شما درخت آن را آفریدید

أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ ﴿٧٢﴾ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً وَ مَتَاعًا لِلْمُقْبِينَ ﴿٧٣﴾

یا ما آفریدیم؟ (۷۲) ما آن را مایه پند و عبرت و توشه مسافران (کوه و بیابان عالم) گردانیدیم. (۷۳)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوْعِدِ النُّجُومِ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ

پس (ای رسول) به نام بزرگ خدای خود تسبیح گو. (۷۴) سوگند به مواقع نزول ستارگان (یا آیات کریمه قرآن)، (۷۵) و این سوگند اگر بدانید

لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٍ ﴿٧٦﴾ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ ﴿٧٨﴾ لَا

بسی سوگند بزرگی است. (۷۶) که این قرآن کتابی بسیار بزرگوار و سودمند و گرامی است. (۷۷) که در لوح محفوظ سز حق مقام دارد. (۷۸) که

يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾ أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ

جز دست پاکان بدان نرسد. (۷۹) تنزیلی از پروردگار عالم است. (۸۰) آیا با این سخن (آسمانی) باز

أَنْتُمْ مَدَّهِنُونَ ﴿٨١﴾ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكْذِبُونَ ﴿٨٢﴾ فَلَوْلَا إِذَا

انکار و نفاق می‌ورزید؟ (۸۱) و بهره خود را تکذیب آن قرار می‌دهید؟ (۸۲) پس چرا هنگامی

بَلَغْتَ الْحُلُقُومَ ﴿٨٣﴾ وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ ﴿٨٤﴾ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ

که جان کسی به گلو رسد. (۸۳) و شما وقت مرگ (بر بالین آن مرده حاضرید و او را) می‌نگرید. (۸۴) و ما به او از شما نزدیک‌تریم

وَلَكِنْ لَا تَبْصُرُونَ ﴿٨٥﴾ فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ﴿٨٦﴾ تَرْجِعُونَهَا إِنْ

لیکن شما بصیرت ندارید. (۸۵) پس چرا اگر حیات به دست شما و طبیعت است و شما را آفریننده‌ای نیست. (۸۶) روح را دوباره به بدن مرده باز

كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٨٧﴾ فَمَا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٨٨﴾ فَرُوحٌ وَرِيحَانٌ وَجَنَّتْ

نمی‌گردانید اگر راست می‌گویید؟ (۸۷) پس (بدانید آن که بمیرد) اگر از مقربان درگاه خداست. (۸۸) آنجا در آسایش و نعمت و بهشت ابدی

نَعِيمٍ ﴿٨٩﴾ وَأَمَا إِنْ كَانَ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩٠﴾ فَسَلَّمَ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ

است. (۸۹) و اگر از اصحاب یمین است. (۹۰) پس (وی را بشارت دهید که) تو را (از هر رنج و درد و الم) ایمنی و

الْيَمِينِ ﴿٩١﴾ وَأَمَا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ ﴿٩٢﴾ فَنَزَلَ مِنْ حَمِيمٍ ﴿٩٣﴾

سلامت است. (۹۱) و اما اگر از منکران و گمراهان است. (۹۲) نصیبش حمیم جهنم است. (۹۳)

وَتَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ ﴿٩٤﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ﴿٩٥﴾

و جایگاهش آتش دوزخ است. (۹۴) این (وعد و وعید) البته یقین و حق و حقیقت است. (۹۵)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٩٦﴾

پس به نام بزرگ خدای خود تسبیح گو. (۹۶)

فضیلت سوره جمعه

از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که واجب است بر هر مؤمن هرگاه شیعه ما باشد که بخواند در نماز شب

جمعه سوره جمعه و سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى و در نماز ظهر آن، جمعه و منافقین و هرگاه این را به عمل

آورد چنان است که گویا عمل رسول خدا (ﷺ) را به جا آورده و ثواب و جزای او بر خداوند عزوجل بهشت است.

ترتیبها ۶۲ سُورَةُ الْجُمُعَةِ - مدنیة آیاتها ۱۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ

هر چه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش خدا که پادشاهی منزّه و پاک و مقتدر و حکیم است

الْحَكِيمِ ۱ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ

مشغولند. (۱) اوست خدایی که میان عرب امّی (یعنی قومی که خواندن و نوشتن نمی دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت که بر آنان آیات

وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ

وحی خدا تلاوت می کند و آنها را پاک می سازد و شریعت و احکام کتاب سماوی و حکمت الهی می آموزد و همانا پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی

مُبِينٍ ۲ وَآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۳

آشکار بودند. (۲) و نیز قوم دیگری از آنان را (مراد عجمند) که هنوز به عرب (در اسلام) ملحق نشده اند هدایت فرماید که او خدای مقتدر و حکیم است. (۳)

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ ۴ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۵ مَثَلُ

این (رسالت و نزول قرآن) فضل و کرامت خداست که به هر که بخواهد می دهد و خدا را فضل و رحمت نامنتهاست. (۴) و وصف حال

الَّذِينَ حَمَلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا ۶

انان که علم تورات بر آنان نهاده شد (و بدان مکلف شدند) ولی آن را حمل نکردند (و خلاف آن عمل نمودند) درمَثَل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد

بئس مثل القوم الذين كذبوا بآيات الله ۷ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

(و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد)، آری مَثَل قومی که حالشان این است که آیات خدا را تکذیب کردند بسیار بد است و خدا هرگز ستمکاران را (به راه سعادت)

الظالمين ۸ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ

زهری نخواهد کرد. (۵) بگو: ای جماعت یهود، اگر پندارید که شما به حقیقت دوستداران خدایید

ذُوْنِ النَّاسِ فَتَمَنُّوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۹ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ ۱۰ أَبَدًا

نه مردم دیگر، پس تمنای مرگ کنید اگر راست می گوئید. (۶) و حال آنکه در اثر آن کردار بد که به دست خود (برای آخرت خویش) پیش فرستاده اند

بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ ۱۱ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ۱۲ قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي

ابتدا آرزوی مرگ نخواهند کرد (بلکه از مرگ سخت ترسان و هراسانند) و خدا به (کردار) ستمکاران داناست. (۷) بگو: عاقبت مرگی که از آن می گریزید

تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ وَ مَلِيقِكُمْ ثُمَّ تَرُدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ

شما را البته ملاقات خواهد کرد و پس از مرگ به سوی خدایی که دانای پیدای و پنهان است بازگردانیده می‌شوید

فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ

و او شما را به آنچه می‌کرده‌اید آگاه می‌سازد. (۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه (شما را) برای

لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُّوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ

نماز روز جمعه بخوانند فی‌الحال به ذکر خدا بشتابید و کسب و تجارت رها کنید که این

خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا

اگر بدانید برای شما بهتر خواهد بود. (۹) پس آن‌گاه که نماز پایان یافت (بعد از ظهر جمعه

فِي الْأَرْضِ وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ

باز در پی کسب و کار خود رفته و روی زمین منتشر شوید و از فضل و کرم خدا (روزی) طلبید، و یاد خدا بسیار کنید تا مگر رستگار و

تُفْلِحُونَ ﴿١٠﴾ وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَ تَرَكُوا قَائِمًا

سعادت‌مند گردید. (۱۰) و این مردم (سست ایمان) چون تجارتی یا لهو و بازیچه‌ای ببینند بدان شتابند و تورا در نماز تنها گذارند بگو که آنچه نزد خداست

قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوَ مِنْ التِّجَارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّزُقِينَ ﴿١١﴾

(یعنی ثواب آخرت و بهشت ابد) بسیار برای شما از لهو و لعب و تجارت (های دنیا) بهتر است و خدا بهترین روزی‌دهنده است. (۱۱)

فضیلت سوره تبارک

از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) منقول است که هر که بخواند سوره تبارک الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ در مکتوبه پیش از آنکه بخوابد پیوسته در امان خدای تعالی خواهد بود تا داخل صبح شود و در امان خدای تعالی خواهد بود روز قیامت تا داخل بهشت شود. * و قطب راوندی از ابن عباس نقل کرده که مردی خیمه زد بر روی قبری و ندانست که آن قبر است پس خواند سوره تبارک الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ را پس شنید صیحه زنده‌ای را که گفت: این سوره مُنْجِيَه است پس این مطلب را به حضرت رسول (ﷺ) عرض کرد آن حضرت فرمود: آن سوره نجات دهنده است از عذاب قبر.

آیاتها ۳۰

سُورَةُ الْمَلِكِ - مَكِّيَّة

ترتیبها ۶۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

تَبْرَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمَلَكُوتُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ الَّذِي خَلَقَ

بزرگوار خدایی که سلطنت ملک هستی به دست قدرت اوست و بر همه چیز تواناست. (۱) خدایی که مرگ و

الْمَوْتَ وَالْحَيٰوةَ لِيَبْلُوَكُمْ اَيْكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُوْرُ ﴿٢﴾

زندگانی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدام نیکوکارتر (و خلوص اعمالش بیشتر) است و او مقتدر و بسیار آمرزنده است. (۲)

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوٰتٍ طِبَاقًا ۚ مَا تَرٰى فِي خَلْقِ الرَّحْمٰنِ مِنْ تَفَوُّتٍ

آن خدایی که هفت آسمان بلند را به طبقاتی منظم بیافرید و هیچ در نظم خلقت خدای رحمان بی‌نظمی و نقصان نخواهی یافت،

فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرٰى مِنْ فُطُوْرٍ ﴿٣﴾ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ

باز بارها به دیده عقل بنگر تا هیچ نقص و خلل هرگز در آن توانی یافت؟ (۳) باز دوباره به چشم بصیرت دقت کن تا دیده خرد،

اِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيْرٌ ﴿٤﴾ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمٰوٰتِ الدُّنْيَا

زبون و خسته (نقصی نیافته) به سوی تو باز گردد. (۴) و ما آسمان دنیا را به چراغهای انجم رخشان

بِمَصٰبِيْحٍ وَجَعَلْنٰهَا رُجُوْمًا لِّلشَّيْطٰنِ ۚ وَاَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيْرِ

زیب و زیور دادیم و به تیر شهاب آن ستارگان، شیاطین را رانديم و عذاب آتش فروزان را بر آنها مهیا ساختیم.

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ ۚ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ﴿٥﴾ اِذَا الْقَوٰ

(۵) و بر آنان که به خدای خود کافر شدند عذاب جهنم که بسیار بد منزلگاهی است مهیاست. (۶) که چون به آن

فِيْهَا سَمِعُوْا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُوْرٌ ﴿٧﴾ تَكَادُ تَمِيْزُ مِنَ الْغَيْظِ ۚ كُلَّمَا

جهنم در افتند فریاد منکری چون شهیق خران از آتش چون دیگ جوشان می‌شنوند. (۷) (دوخ از خشم کافران) نزدیک است شکافته و قطعه قطعه شود،

اَلْقٰى فِيْهَا فَوْجٌ سَاَلَهُمْ خَزَنَتُهَا اَلَمْ يٰتِكُمْ نَذِيْرٌ ﴿٨﴾ قَالُوْا بَلٰى قَدْ

هر فوجی را که به آتش در افکنند خازنان جهنم از آنها پرسند: آیا پیغمبری برای راهنمایی شما نیامد؟ (۸) آنها در جواب گویند: آری، ما

جَاۤءَنَا نَذِيْرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللّٰهُ مِنْ شَيْءٍ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا فِي ضَلٰلٍ

را رسول بیم‌دهنده حق آمد ولی ما تکذیب او کردیم و گفتیم که خدا چیزی (از آسمان) نفرستاده و جز اینکه شما رسولان سخت به گمراهی و ضلالتید

كَبِيْرٍ ﴿٩﴾ وَقَالُوْا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ اَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِيْ اَصْحٰبِ السَّعِيْرِ ﴿١٠﴾

هیچ نیست. (۹) و گویند: اگر ما در دنیا (سخن انبیا) می‌شنیدیم یا به دستور عقل رفتار می‌کردیم از دوزخیان نبودیم. (۱۰)

فَاعْتَرَفُوْا بِذَنبِهِمْ فَسُحِقًا لِاصْحٰبِ السَّعِيْرِ ﴿١١﴾ اِنَّ الَّذِيْنَ يَخْشَوْنَ

آنجا به گناه خود معترف شوند (که سودی ندارد و خطاب رسد) که اهل آتش افروخته (قهر، از رحمت حق) دور باد. (۱۱) همانا آنان که از خدای خود در پنهان

رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَاَجْرٌ كَبِيْرٌ ﴿١٢﴾ وَاَسْرُوْا قَوْلَكُمْ اَوْ اجْهَرُوْا

می‌ترسند آنها را آموزش و پاداش بزرگ (بهشت ابد) خواهد بود. (۱۲) و شما سخن پنهان گویند یا آشکار، در علم حق

بِهٖ اِنَّهٗ و عَلِيْمٌ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ﴿١٣﴾ اَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَ هُوَ اللّٰطِيْفُ

یکسان است، که خدا به اسرار دلها هم البته داناست. (۱۳) آیا آن خدایی که خلق را آفریده، عالم به اسرار آنها نیست؟ و حال آنکه او بر باطن و ظاهر همهٔ امور

الْخَبِيْرُ ﴿١٤﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ ذَلُوْلًا فَاَمْشُوْا فِيْ مَنَاكِبِهَا

عالم آگاه است. (۱۴) او آن خدایی است که زمین را برای شما نرم و هموار گردانید پس شما در پست و بلندی‌های آن حرکت کنید و از روزی

وَ كَلُوْا مِنْ رِّزْقِهٖ وَ اِلَيْهٖ النُّشُوْرُ ﴿١٥﴾ ءَاَمِنْتُمْ مِّنْ فِى السَّمٰوٰتِ اَنْ يَّخْسِفَ

او خورید و (بدانید که) بازگشت همهٔ خلایق به سوی اوست. (۱۵) آیا از (قهر) خدایی که در آسمان مقتدر و حکمفرماست ایمنید که شما را به زمین

بِكُمْ الْاَرْضُ فَاِذَا هِيَ تَمُوْرٌ ﴿١٦﴾ اَمْ اَمِنْتُمْ مِّنْ فِى السَّمٰوٰتِ اَنْ يَّرْسِلَ عَلَيْكُمْ

فرو برد در حالی که زمین به موج و اضطراب در افتد؟ (۱۶) آیا از قهر خدای مقتدری که در (زمین و) آسمان حکمفرماست ایمنید که تبدادی

حٰصِبًا فَسَتَعْلَمُوْنَ كَيْفَ نَذِيْرٌ ﴿١٧﴾ وَ لَقَدْ كَذَبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ

بفرستد و بر سر شما سنگ ببارد تا بدانید که وعدهٔ عذاب من چگونه است؟ (۱۷) و همانا امم پیش از اینها نیز (رسولان ما را) تکذیب کردند پس

فَكَيْفَ كَانَ نَكِيْرٌ ﴿١٨﴾ اَوْ لَمْ يَرَوْا اِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفْتٍ وَ يَقْبِضْنَ

(بنگرید) چگونه سخت آنها را هلاک کردم. (۱۸) آیا مرغان هوا را نمی‌نگردند که بالای سرشان پر گشوده، گاه بی حرکت و گاه با حرکت بال پرواز می‌کنند؟

مَا يُمْسِكُهُنَّ اِلَّا الرَّحْمٰنُ اِنَّهٗ وَ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيْرٌ ﴿١٩﴾ اَمَّنْ هٰذَا الَّذِيْ هُوَ

کسی جز خدای مهربان آنها را (در فضا) نگاه نمی‌دارد، که او به احوال همهٔ موجودات کاملاً بیناست. (۱۹) آیا آن کیست که سپاه و مددکار شما

جُنْدٌ لَّكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِّنْ دُوْنِ الرَّحْمٰنِ اِنَّ الْكٰفِرُوْنَ اِلَّا فِىْ غُرُوْرٍ ﴿٢٠﴾

باشد و همه‌گونه شما را در برابر خدای مهربان یاری تواند کرد؟ پس کافران جز در غرور و فریبی بیش نیستند. (۲۰)

اَمَّنْ هٰذَا الَّذِيْ يَرْزُقُكُمْ اِنْ اَمْسَكَ رِزْقَهٗ وَ بَلْ لَّجُوْا فِىْ عَتُوْ و نَفُوْرٍ ﴿٢١﴾

آیا آن کیست که اگر خدا از شما رزق خود بازگیرد او روزی به شما تواند داد؟ بلکه کافران دانسته در طغیان و عصیان لجاج ورزند و از حق اعراض می‌کنند. (۲۱)

اَفَمَنْ يَّمْشِيْ مُكْبًٔا عَلٰى وَجْهِهٖ اَهْدٰى اَمَّنْ يَّمْشِيْ سَوِيًّا عَلٰى صِرَاطٍ

آیا آن کس که (در کفر و جهالت) سرنگون به رو در افتاده یا آن که با قامت راست به راه راست (ایمان) است کدام بهتر

مُسْتَقِيْمٌ ﴿٢٢﴾ قُلْ هُوَ الَّذِيْ اَنْشَاكُمْ وَ جَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَ الْاَبْصَارَ

هدایت یافته‌اند؟ (۲۲) بگو: اوست خدایی که شما را از نیستی به هستی آورد و دو گوش و چشم و دل به شما عطا کرد (تا

وَ الْاَفْعٰدَةَ قَلِيْلًا مَا تَشْكُرُوْنَ ﴿٢٣﴾ قُلْ هُوَ الَّذِيْ ذَرَاكُمْ فِى الْاَرْضِ وَ اِلَيْهٖ

شکر گوید) حال آنکه بسیار کم از نعم او شکرگزاری می‌کنید. (۲۳) بگو: اوست خدایی که شما را در زمین (از خاک) برانگیخت و (پس از مرگ) باز به سوی او

تُحْشَرُوْنَ ﴿٢٤﴾ وَ يَقُوْلُوْنَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٢٥﴾ قُلْ اِنَّمَا

محشور می‌شوید. (۲۴) و کافران (به تمسخر) گویند: این وعدهٔ قیامت کی خواهد بود اگر شما راست می‌گویید؟ (۲۵) بگو: علم آن تنها

الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٦﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّتَتْ وُجُوهُ

نزد خداست و من منحصرًا وظیفه‌ام این است که شما را (از عذاب حق) بترسانم. (۲۶) که چون کافران آن عذاب سخت را نزدیک خود به چشم مشاهده کنند

الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ ﴿٢٧﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنِ أَهْلَكْنِي

رخسار آنها (از خوف) زشت و سیاه شود و به آنها گویند: این همان عذابی است که جداً درخواست می‌کردید. (۲۷) بگو: چه تصور می‌کنید؟ اگر خدا من و

اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمْنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ الْيَمِّ ﴿٢٨﴾ قُلْ

مؤمنانی که با منند همه را هلاک کند یا لطف و رحمت فرماید آیا آنان که کافرند چه کسی از عذاب دردناک نجاتشان خواهد داد؟ (۲۸) بگو:

هُوَ الرَّحْمَنُ ءَامَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ

(آن که به سویش می‌خوانم) او خدای مهربان است که ما به او ایمان آورده و بر او توکل کردیم و به زودی شما را معلوم شود کیست که آشکارا به ضلالت و گمراهی

مُبِينٌ ﴿٢٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنِ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ ﴿٣٠﴾

است؟ (۲۹) بگو: چه تصور می‌کنید؟ اگر آب (که مایهٔ زندگانی) شما (است) همه به زمین فرو رود کیست که باز آب روان و گوارا برای شما پدید آرد؟ (۳۰)

فضیلت سوره النبأ

شیخ صدوق از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: هر که بخواند سوره عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ را، از سال بیرون نشود که زیارت کند بیت الله الحرام را هرگاه مداومت کند بر آن در هر روز. * و شیخ طبرسی در مجمع البیان از ابی بن کعب روایت کرده که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود که: هر که بخواند سوره عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ را سیراب فرماید حق تعالی او را از شراب سرد در روز قیامت * و بدان که در روایات اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده که نبأ عظیم ولایت است و آنکه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نبأ عظیم است (هُوَ النَّبَأُ الْعَظِيمُ وَ فُلُكُ نُوحٍ * وَ بَابُ اللَّهِ وَ انْقَطَعَ الْخِطَابُ).

آیاتها ۴۰

سُورَةُ النَّبَاِ - مَكِّيَّةٌ

ترتیبها ۷۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ﴿١﴾ عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ ﴿٢﴾ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ﴿٣﴾

(مردم) از چه خبر مهمی پرسش و گفتگو می‌کنند؟ (۱) از خبر بزرگ (قیامت). (۲) که در آن با هم به جدال و اختلاف کلمه برخاستند. (۳)

كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿٥﴾ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مَهْدًا ﴿٦﴾

چنین نیست به زودی خواهند دانست. (۴) و باز چنین نیست (که منکران پنداشته‌اند) البته به زودی آگاه می‌شوند. (۵) آیا ما زمین را مهد آسایش خلق نگردانیدیم؟ (۶)

وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا ﴿٧﴾ وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ﴿٨﴾ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا

و کوه‌ها را عماد و نگهبان آن نساختیم؟ (۷) و شما را جفت (زن و مرد) آفریدیم. (۸) و خواب را برای شما مایهٔ استراحت قرار دادیم.

﴿٩﴾ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ﴿١٠﴾ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ﴿١١﴾ وَبَنَيْنَا

(۹) و (پردهٔ سیاه) شب را ساتر (احوال خلق) گردانیدیم. (۱۰) و روز روشن را برای تحصیل معاش آنان مقرر داشتیم. (۱۱) و بر فراز شما

فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ﴿١٢﴾ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا ﴿١٣﴾ وَأَنْزَلْنَا مِنْ

هفت آسمان محکم بنا کردیم. (۱۲) و چراغی (چون خورشید) رخشان بر افروختیم. (۱۳) و از فشار و

الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ﴿١٤﴾ لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ﴿١٥﴾ وَجَنَّتِ الْفَاوَا

تراکم ابرها آب باران فرو ریختیم. (۱۴) تا بدان آب، دانه و گیاه رویانیم. (۱۵) و باغهای پر درخت (و انواع میوه‌ها) پدید آوریم.

﴿١٦﴾ إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ كَانَ مِيقَاتًا ﴿١٧﴾ يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا

(۱۶) همانا روز فصل (یعنی روز قیامت) وعده‌گاه خلق است. (۱۷) آن روزی که در صور بدمند و فوج فوج (به محشر) در آید.

﴿١٨﴾ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ﴿١٩﴾ وَسِيرتِ الْجِبَالِ فَكَانَتْ

(۱۸) و درهای آسمان به ابواب مختلف گشوده شود (تا هر فوجی از دری شتابند). (۱۹) و کوه‌ها را به گردش آرند تا به مانند سراب

سَرَابًا ﴿٢٠﴾ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿٢١﴾ لِلطَّغِيئِ مَائِبًا ﴿٢٢﴾ لِبِئْسَ فِيهَا

گردد. (۲۰) همانا دوزخ کمینگاه (کافران و بد کاران) است. (۲۱) آن دوزخ جایگاه مردم سرکش ستمکار است. (۲۲) که در آن قرنهای بمانند (و عذاب

أَحْقَابًا ﴿٢٣﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿٢٤﴾ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا

کشند). (۲۳) هرگز در آنجا هیچ هوای خنک و شراب (طهور) نیاشامند. (۲۴) مگر آبی پلید و سوزان که حمیم و غساق جهنم است به آنها دهند.

﴿٢٥﴾ جَزَاءً وَفَاقًا ﴿٢٦﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ﴿٢٧﴾ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

(۲۵) کیفری که با اعمال آنها موافق است. (۲۶) زیرا آنها به حقیقت امید به روز حساب نداشتند. (۲۷) و آیات ما را سخت تکذیب

كَذَابًا ﴿٢٨﴾ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ﴿٢٩﴾ فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا

کردند. (۲۸) و حال آنکه حساب هر چیزی را ما در کتابی (به احصاء) رقم کرده‌ایم. (۲۹) پس بچشید (کیفر را) که هرگز بر شما چیزی جز عذاب دوزخ

عَذَابًا ﴿٣٠﴾ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿٣١﴾ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ﴿٣٢﴾ وَكَوَاعِبَ

نیفزاییم. (۳۰) متقیان را در آن جهان مقام گشایش و هرگونه آسایش است. (۳۱) باغها و تاکستانهاست. (۳۲) و دختران زیبایی دلربا که همه

أَتْرَابًا ﴿٣٣﴾ وَكَأْسًا دِهَاقًا ﴿٣٤﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا ﴿٣٥﴾

در خوبی و جوانی مانند یکدیگرند. (۳۳) و جامهای پر از شراب (طهور). (۳۴) هرگز در آنجا سخن بیبوده و دروغ نشنوند. (۳۵)

جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ﴿٣٦﴾ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

این (نعمتهای ابدی) مزدی به عطاء و حساب پروردگار توست. (۳۶) خدایی که آسمانها و زمین و همهٔ مخلوقات را در بین آسمان و زمین است بیافریده

الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ﴿٣٧﴾ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ

همان خدای مهربان که کسی (از سطوتش) با او به گفتگو نتواند لب گشود. (۳۷) روزی که آن فرشته بزرگ روح القدس با همه فرشتگان صف زده

صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿٣٨﴾ ذَلِكَ الْيَوْمَ

و به نظم برخیزند و هیچ کس سخن نگوید جز آن کسی که خدای مهربانش به سخن اذن دهد و او سخن به صواب گوید. (۳۸) چنین روز حتمی و محقق خواهد

الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا ﴿٣٩﴾ إِنَّا أَنْزَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ

بود، پس هر که می خواهد نزد خدای خود (در آن روز) مقام و منزلتی یابد (امروز بکوشد). (۳۹) ما شما را از روز عذاب که نزدیک است ترسانیده و آگاه ساختیم،

يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴿٤٠﴾

روزی که هر کس هر چه کرده در پیش روی خود حاضر بیند و کافر در آن روز گوید که ای کاش خاک بودم (تا چنین نمی سوختیم). (۴۰)

فضیلت سوره اعلیٰ

شیخ صدوق از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که هر که سوره سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى را در فریضه یا نافله بخواند، در روز قیامت به او گویند که: از هر دری از درهای بهشت که می خواهی داخل شو.

آیاتها ۱۹

سُورَةُ الْأَعْلَى - مَكِّيَّة

ترتیبها ۸۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ﴿١﴾ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ﴿٢﴾ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى

(ای رسول) نام خدای خود را که برتر و بالاتر است به پاکی یاد کن. (۱) آن خدایی که خلق کرد و به حد کمال خود رسانید. (۲) آن خدایی که (هر چیز را) قدر و اندازه‌ای داد

﴿٣﴾ وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُ وَغَثَاءً أَحْوَى ﴿٥﴾ سَنَقِرُكَ فَلَا

(و به راه کمالش) هدایت نمود. (۳) آن خدایی که گیاه را سبز و خرم از زمین برویانید. (۴) و آن گاه خشک و سیاهش گردانید. (۵) ما تو را قرائت آیات قرآن چندان آموزیم

تَنْسَى ﴿٦﴾ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى ﴿٧﴾ وَنُيَسِّرُكَ

که هیچ فراموش نکنی. (۶) مگر آنچه خدا خواهد که او به امور آشکار و پنهان عالم آگاه است. (۷) و ما تو را بر طریقه (شریعت سهل و آسان موفق

لِلْيُسْرَى ﴿٨﴾ فَذَكَرْنَاكَ نَفْعَ الذِّكْرِ ﴿٩﴾ سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَخْشَى ﴿١٠﴾

می‌داریم. (۸) پس (خلق را) متذکر ساز اگر سودمند افتد. (۹) البته هر که خداترس باشد پند می‌گیرد. (۱۰)

وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ﴿١١﴾ الَّذِي يَصِلُ النَّارَ الْكُبْرَى ﴿١٢﴾ ثُمَّ لَا يَمُوتُ

و آن که شقی‌ترین مردم است از آن دوری گزیند. (۱۱) همان کس که عاقبت به آتش بسیار سخت دوزخ در افتد. (۱۲) و در آن دوزخ نه بمیرد

فِيهَا وَلَا يَحْيِي ۱۳ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ۱۴ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ۱۵

و نه زنده ماند. (۱۳) حقا فلاح و رستگاری یافت آن کسی که تزکیه نفس کرد. (۱۴) و به ذکر نام خدا به نماز و طاعت پرداخت. (۱۵)

بَلْ تُوَثِّرُونَ ۱۷ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۱۶ وَالْآخِرَةَ خَيْرًا وَابْقَى ۱۷

(اما شما مردم از جهل و غفلت از پی این سعادت نروید) بلکه زندگانی دنیا را بگزینید و عزیز دارید. (۱۶) در صورتی که منزل آخرت بسی بهتر و پاینده‌تر (از دنیای

ان هذا لفي الصحف الأولى ۱۸ صحف إبراهيم و موسى ۱۹

چند روزه) است. (۱۷) این گفتار به حقیقت در کتب پیشین ذکر شده. (۱۸) بخصوص در صحف ابراهیم و تورات موسی (مفصل بیان گردیده است). (۱۹)

فضیلت سوره والشمس

در مجمع البیان از ابی بن کعب از حضرت پیغمبر (ﷺ) نقل کرده که کسی که سوره والشمس را بخواند گویا تصدق داده هر چه که بتابد بر آن شمس و قمر.

ترتیبها ۹۱ سُورَةُ الشَّمْسِ - مَكِّيَّة آیاتها ۱۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ۱ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا ۲ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا

قسم به آفتاب و تابش آن (هنگام رفتش). (۱) و قسم به ماه آن‌گاه که در پی آفتاب تابان در آید. (۲) و قسم به روز هنگامی که جهان را روشن سازد.

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ۴ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ۵ وَالْأَرْضِ وَمَا

(۳) و به شب وقتی که عالم را در پرده سیاهی کشد. (۴) و قسم به آسمان بلند و آن که این کاخ رفیع را بنا کرد. (۵) و به زمین و آن که آن را

طَحَّهَا ۶ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ۷ فَالْهَمَّهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۸ قَدْ

بگسترده. (۶) و قسم به نفس انسان و آن که او را به حد کمال بیافزاید. (۷) و به او شر و خیر او را الهام کرد. (۸) که هر کس نفس خود را

أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۹ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ۱۰ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا

از گناه پاک سازد به یقین رستگار خواهد بود. (۹) و هر که او را پلید گرداند البته زیانکار خواهد گشت. (۱۰) طایفه ثمود از سرکشی (پیغمبر خود را) تکذیب کردند.

إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا ۱۲ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا

(۱۱) هنگامی که شقی‌ترینشان برانگیخته شد. (۱۲) و رسول خدا به آنها گفت: این ناقه آیت خداست، از خدا بترسید و آن را سیراب گردانید.

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمُ رَبُّهُمُ بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا ۱۴

(۱۳) آن قوم رسول را تکذیب و ناقه او را پی‌کردند، خدا هم آنان را به گناهشان هلاک و شهرشان را با خاک یکسان نمود. (۱۴)

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ۱۵

و هیچ‌بک از هلاک آنها نمی‌داشت. (۱۵)

فضیلت سوره قدر

از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که هر که سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** را در نماز فریضه بخواند منادی از جانب پروردگار او را ندا کند که خدا گناهان گذشته تو را آمرزید عمل از سرگیر.

ترتیبها ۹۷ سُورَةُ الْقَدْرِ - مَكِّيَّة آیاتها ۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۱ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ۲

ما این قرآن عظیم‌الشان را در شب قدر نازل کردیم. (۱) و چه تو را به عظمت این شب قدر آگاه تواند کرد؟ (۲)

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ۳ تَنْزِيلُ الْمَلَكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا

شب قدر از هزار ماه بهتر و بالاتر است. (۳) در این شب فرشتگان و روح (یعنی جبرئیل) به اذن خدا از هر فرمان و دستور الهی نازل

بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ۴ سَلَّمَ هِيَ حَتَّى مَطَّلِعَ الْفَجْرَ ۵

می‌شوند (و سرنوشت و مقدرات خلق را نازل می‌گردانند). (۴) این شب (رحمت و سلامت و تهنیت است تا صبحگاه). (۵)

فضیلت سوره زلزله

و از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) مروی است که هر که چهار مرتبه **إِذَا زُلْزِلَتْ** را بخواند مثل آن کسی است که همه قرآن را خوانده.

ترتیبها ۹۹ سُورَةُ الزَّلْزَلَةِ - مَدِينِيَّة آیاتها ۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْزَالَهَا ۱ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ۲

هنگامی که زمین به سخت‌ترین زلزله خود به لرزه درآید. (۱) و بارهای سنگین اسرار درون خویش (که گنجها و معادن و اموات و غیره است) همه را از دل خاک

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ۝۳ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ۝۴ بَانَ رَبَّكَ

بیرون افکند. (۲) و آدمی (از فرط حیرت) گوید: زمین را چه پیش آمده؟ (۳) آن هنگام زمین مردم را به حوادث خویش آگاه می‌سازد. (۴) که خدا به او چنین

أَوْحَىٰ لَهَا ۝۵ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ۝۶ فَمَنْ

الهام کند. (۵) در آن روز قیامت مردم از قبرها پراکنده بیرون آیند تا (پاداش) اعمال آنها را (در حساب و میزان حق) به آنان بنمایند. (۶) پس هر کس

يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۝۷ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ۝۸

به قدر ذره‌ای کار نیک کرده باشد (پاداش) آن را خواهد دید. (۷) و هر کس به قدر ذره‌ای کار زشتی مرتکب شده آن هم به کیفرش خواهد رسید. (۸)

فضیلت سوره عادیات

در خبر است که هر که مداومت بر خواندن آن کند با حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) محشور گردد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَالْعَدِيَّتِ صَبْحًا ۝۱ وَالْمُورِيَّتِ قَدْحًا ۝۲ فَاَلْمُغِيرَتِ صَبْحًا ۝۳

قسم به اسبانی که نفسشان به شماره افتاد. (۱) و در تاختن از سم خود بر سنگ آتش افروختند. (۲) و (بر دشمن شبیخون زند تا) صبحگاه (آنها را) به غارت

فَاثْرَنَ بِهِ نَقْعًا ۝۴ فَوْسَطَنَ بِهِ جَمْعًا ۝۵ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ

گرفتند. (۳) و گرد و غبار از دیار کفار بر انگیختند. (۴) و سپاه دشمن را همه در میان گرفتند. (۵) که انسان نسبت به پروردگارش

لَكَنُودٌ ۝۶ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكَ لَشَهِيدٌ ۝۷ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ

ناسپاس است. (۶) و خود او بر این ناسپاسی محققاً گواه است. (۷) و هم او بر حب مال دنیا سخت فریفته و بخیل است.

۝۸ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ ۝۹ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ۝۱۰

(۸) آیا آدمی نمی‌داند که روزی آنچه در دل قبرهاست همه بیرون ریخته می‌شود؟ (۹) و آنچه در دلها پنهان است همه را پدیدار سازند؟ (۱۰)

إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ خَبِيرٌ ۝۱۱

محققاً آن روز پروردگارشان بر (نیک و بد کردار) آنها کاملاً آگاه است. (۱۱)

فضیلت سوره کافرون

در احادیث بسیار وارد شده فضیلت خواندن سوره قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ در نمازهای فریضه و نافله و

آنکه خواندن آن رُبْع قرآن است.

ترتیبها ۱۰۹ سُوْرَةُ الْكَافِرُوْنَ - مکیه آیاتها ۶

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ۱ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ۲ وَلَا أَنْتُمْ عِبُدُونَ

بگو که ای کافران (مشرك). (۱) من آن بتان را که شما به خدایی می‌پرستید هرگز نمی‌پرستم. (۲) و شما هم آن خدای یکتایی را که من پرستش می‌کنم

مَا أَعْبُدُ ۳ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ۴ وَلَا أَنْتُمْ عِبُدُونَ مَا أَعْبُدُ ۵

پرستش نمی‌کنید. (۳) نه من هرگز خدایان باطل شما را عبادت می‌کنم. (۴) و نه شما یکتا خدای معبود مرا عبادت خواهید کرد. (۵)

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ۶

پس اینک دین (شرك و جهل) شما برای شما باشد و دین (توحید و خداپرستی) من هم برای من (تا روزی که به امر حق شما را از شرك برگردانم). (۶)

فضیلت سوره نصر

در احادیث بسیار وارد شده خواندن سوره نصر در فریاض و نوافل سبب نصرت بر اعداء است.

ترتیبها ۱۱۰ سُوْرَةُ النَّصْرِ - مدنیه آیاتها ۳

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ۱ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ

چون هنگام فتح و فیروزی با یاری خدا فرا رسد (مراد فتح مکه است). (۱) و مردم را بنگری که فوج فوج به دین خدا داخل می‌شوند (و تو را به رسالت تصدیق

أَفْوَاجًا ۲ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ ۳ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ ۴ وَكَانَ تَوَابًا ۳

می‌کنند). (۲) در آن وقت خدای خود را حمد و ستایش کن و (از لوث شرك) پاک و منزّه دان و از او مغفرت و آمرزش طلب که او خدای بسیار توبه‌پذیر است. (۳)

فضیلت سوره توحید

در احادیث بسیار وارد شده فضیلت خواندن سوره توحید، ثلث قرآن است.

ترتیبها ۱۱۲ سُوْرَةُ الْإِخْلَاصِ - مکیه آیاتها ۴

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۱ اللَّهُ الصَّمَدُ ۲ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۳

بگو: حقیقت این است که خدا یکتاست. (۱) آن خدایی که (از همه عالم) بی نیاز (و همه عالم به او نیازمند) است. (۲) نه کسی فرزند اوست

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَكُفُوا أَحَدٌ ۴

و نه او فرزند کسی است. (۳) و نه هیچ کس مثل و مانند و همتای اوست. (۴)

فضیلت سوره‌های معوذتین

در احادیث بسیار وارد شده آنکه چون شخص از منزل خود بیرون رود مُعَوِّذَتَیْنِ را بخواند چشم بد به او ضرر نرساند و کسی که در خواب ترسد در وقت خواب این دو سوره را با آیه‌الکرسی بخواند.

ترتیبها ۱۱۳ سُورَةُ الْفَلَقِ - مکیة آیاتها ۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۱ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۲ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ

بگو: من پناه می‌جویم به خدای فروزنده صبح روشن. (۱) از شر مخلوقات (شریر و مردم بداندیش). (۲) و از شر شب تارینگامی که در آید.

۳ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّثَاتِ فِي الْعُقَدِ ۴ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۵

(۳) و از شر زنان افسونگر که (به جادو) در گره‌ها بدمند. (۴) و از شر حسود بدخواه چون شراره آتش رشک و حسد بر افروزد. (۵)

ترتیبها ۱۱۴ سُورَةُ النَّاسِ - مکیة آیاتها ۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۱ مَلِكِ النَّاسِ ۲ إِلَهِ النَّاسِ ۳

بگو: من پناه می‌جویم به پروردگار آدمیان. (۱) پادشاه آدمیان. (۲) یکتا معبود آدمیان. (۳)

۴ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۵ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۵

از شر وسوسه‌گر نهانی. (۴) آن شیطان که وسوسه و اندیشه بد افکند در دل مردمان. (۵)

۶ مِنْ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۶

چه آن شیطان از جنس جن باشد و یا از نوع انسان. (۶)

وَلَا تَكْفُرْ بِاللَّهِ الْمَنَّانِ الَّذِي أَنزَلَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ حَقًّا وَنُورًا
وَلَا تَكْفُرْ بِاللَّهِ الْمَنَّانِ الَّذِي أَنزَلَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ حَقًّا وَنُورًا

و چون بندگانم در باره من از تو پرسش کنند

بگو من نزدیک‌ترم

کِتَابُ مَفَاتِيحِ الْجَنَانِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مُحَمَّدَ مِفْتَاحًا لِذِكْرِهِ * وَ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ نَاطِقَةً

ستایش خداوندی را سزا است که حمد را کلید ذکر خود قرار داد * و تمامی موجودات را گویا به ستایش

بِحَمْدِهِ وَ شُكْرِهِ * وَ الصَّلَاةَ وَ السَّلَامَ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ الْمَشْتَقِ اسْمُهُ وَ

و سپاسگزاری خود آفرید * و درود و سلام بر پیامبرش محمد باد که نامش از نام او که

مِنْ اسْمِهِ الْمَحْمُودِ * وَ عَلَى ءَالِهِ الطَّاهِرِينَ أُولَى الْمَكَارِمِ وَ الْجُودِ

محمود است جدا گشته * و هم بر خاندان طاهرینش باد که صاحبان خوبیها و جودند.

و بعد چنین گوید این فقیر بی بضاعت و متمسک به احادیث اهل بیت رسالت علیهم السلام، عباس بن محمد رضا القمّی ختم الله لهما بِالْحُسْنَى وَ السَّعَادَةِ که بعضی از اخوان مؤمنین از این داعی درخواست نمودند که کتاب مفتاح الجنان را که متداول شده بین مردم مطالعه نمایم و آنچه از ادعیه آن کتاب که سند دارد ذکر نمایم و آنچه را که سندش به نظر نرسیده ذکر نمایم و اضافه کنم بر آن بعضی ادعیه و زیارات معتبره که در آن کتاب ذکر نشده. پس احقر خواهش ایشان را اجابت نموده و این کتاب را به همان ترتیب جمع آورده و نامیدم آن را به مَفَاتِيحِ الْجَنَانِ و مرتّب گردانیدم آن را بر سه باب.

باب اوّل در تعقیب نمازها و دعاهاى ایّام هفته و اعمال شب و روز جمعه و بعضی ادعیه مشهوره و مناجات خمس عشره و غیرها.


باب دوّم در اعمال ماههای سال و فضیلت و اعمال روز نوروز و اعمال ماههای رومی.

باب سیّم در زیارات و آنچه مناسب آن باب است امید که اخوان مؤمنین بروفق آن عمل نمایند و این گنه کار روسیاه را از دعا و زیارات و طلب مغفرت فراموش نفرمایند.

باب اول

در تعقیب نمازها، و دعاهای ایام هفته، و اعمال شب و روز جمعه،
و بعض ادعیه مشهوره، و مناجات خمس عشره و غیرها

فصل اول: در تعقیبات مشترکه منقول از مصباح شیخ طوسی (رحمته) و غیره

پس هرگاه سلام نماز دادی سه مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** بگو و بلند کن در هر یک دستها را تا محاذی گوشها 

پس بگو: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا * وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ * لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**

خدایی به جز خدای یکتای عالم نیست * و ما تسلیم حکم او هستیم * معبودی به جز خدا نیست

وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ * مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ * وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ *

و ما جز او هیچکس را پرستش نمی‌کنیم * و طاعت ما خالص برای اوست * هر چند خلاف میل مشرکان است *

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا * وَرَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ * لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ * وَحْدَهُ * وَ

خدایی به جز خدای ما نیست که پروردگار ما و پدران پیشین ما است * خدایی به جز خدا نیست که او یکتای

وَحْدَهُ * أَنْجَزَ وَعْدَهُ * وَنَصَرَ عَبْدَهُ * وَأَعَزَّ جُنْدَهُ * وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ


یکتا است * او به عهد خود وفا کند * و بنده خود را یاری کند * و سپاه خود را عزت دهد * و به تنهایی لشکرهای مخالف

وَحْدَهُ * فَلَهُ الْمُلْكُ * وَ لَهُ الْحَمْدُ * يُحْيِي وَيُمِيتُ * وَيُمِيتُ وَيُحْيِي *

را در هم شکند * پس ملک هستی و ستایش خلق مختص اوست * که زنده کند و بمیراند * و باز بمیراند و زنده کند *

وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ * بِيَدِهِ الْخَيْرُ * وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ *  پس بگو:

و او خود زنده است که هرگز نمیرد * هر خیر به دست اوست * و قادر به هر چیز اوست *

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ * وَآتُوبُ إِلَيْهِ *  پس بگو:

آمرزش می‌طلبم از خدا که جز او خدایی نیست جز او که زنده و پاینده است * و من به درگاهش به توبه باز می‌گردم *

اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ * وَافِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ * وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ

ای خدا مرا از نزد خود به خود راهنمایی فرما * و بر من از فضل و احسانت افزا کن * و رحمتت را بر من

رَحْمَتِكَ * وَانْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ * سُبْحَانَكَ يَا إِلَهَ الْأَنْتَ * اغْفِرْ

منبسط گردان * و برکاتت را بر من نازل نما * منزهی تو که جز تو خدایی نیست * تمام

لِي ذُنُوبِي كُلِّهَا جَمِيعًا * فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعًا إِلَّا أَنْتَ

گناهانم را بخش * که جز تو کسی که گناه خلق را تمام بخشد نیست

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ * وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ

* خدایا درخواست می‌کنم از هر خیری که علم تو به آن محیط است * و پناه می‌برم به تو از هر شری که

شَرِّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي

علم تو به آن محیط است * خدایا من از تو در تمام امور عافیت

كُلِّهَا * وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ * وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ

می‌طلبم * و به تو پناه می‌برم از خواری دنیا و عذاب آخرت * و پناه می‌برم به نور ذات

الْكَرِيمِ * وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تَرَامُ * وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ *

بزرگواری * و به عزتت که عزتی فوق آن نیست * و توانائیت که هیچ چیز سرپیچی از آن نتواند کرد *

مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ * وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا * وَمِنْ شَرِّ كُلِّ

که مرا حفظ کنی از شر دنیا و آخرت * و شر دردها تمام دردهای عالم * و از شر هر

دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا * إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * وَلَا حَوْلَ

جانوری که تو مهارش را داری * به درستی که پروردگارم بر روش درستی است * و قدرت و نیرویی

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ الَّذِي لَا يَمُوتُ *

جز از خدای بلند رتبه بزرگ نتواند بود * توکل و اعتماد می‌کنم بر آن زنده‌ای که هرگز نخواهد مرد *

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ

و سپاس مخصوص آن خدایی است که فرزندی ندارد * و بر او شریکی در ملک و سلطنت نخواهد بود

* وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنْ الذَّلِّ وَكِبَرِهِ تَكْبِيرًا * پس تسبیح می‌کنی

* و یاوری که بر عزتش افزاید نخواهد داشت و او را به بزرگی و بزرگواری یاد کن *

تسبیح حضرت زهراء (علیها السلام) * و می‌گویی پیش از آنکه از موضع خود حرکت کنی ده مرتبه: أَشْهَدُ أَنْ

گواهی دهم که

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَلَا شَرِيكَ لَهُ * وَاللَّهُ وَاحِدًا أَحَدًا فَرْدًا صَمَدًا

خدایی جز آن خدای یکتا نیست خدایی است بی شریک * و یگانه و فرد و یکتا و غنی از خلق است و هم جفت ندارد

لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا * مؤلف گوید که: فضیلت این تهلیل بسیار وارد شده خصوصاً

و فرزندی برای او نیست. *

در تعقیب نماز صبح و شام و هنگام طلوع و غروب آفتاب * پس می‌گویی: سُبْحَانَ اللَّهِ كَلِمًا

منزه است خدا هر چه

سَبَّحَ اللَّهُ شَيْءٌ * وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُسَبَّحَ * وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ * وَكَمَا

او را تسبیح کند * و چنانکه خدا دوست دارد که تسبیح او کنند * و چنانکه او شایسته است * و چنانکه

يَنْبَغِي لِكْرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَلِمًا حَمِدَ اللَّهُ شَيْءٌ

سزاوار مقام بزرگواری و عزت و جلالت اوست * و ستایش خاص خداست در زبان هر موجودی

وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ * وَ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ * وَ كَمَا يَنْبَغِي لِكْرَمِ

و سپاسی که خدا دوست دارد * و ستایشی که شایسته اوست * و آنسان که سزاوار مقام بزرگی

وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ * وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَلِمًا هَلَّلَ اللَّهُ شَيْءٌ * وَ كَمَا يُحِبُّ

عزت و جلالت اوست * و خدایی به جز خدای یکتا نیست چنانکه هر چیز خدا را

اللَّهُ أَنْ يَهْلَلَ * وَ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ * وَ كَمَا يَنْبَغِي لِكْرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ

به یکتایی یاد کند * و آنگونه که خدا خواهد که به یکتایی یاد شود * و آنگونه یکتایی که در خور اوست و سزاوار ذات بزرگوار و عزت

جَلَالِهِ * وَاللَّهُ أَكْبَرُ كَلِمًا كَبَّرَ اللَّهُ شَيْءٌ * وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ

و جلال اوست * و بزرگ است خدا چنانکه هر چیز خدا را به بزرگی یاد کند * و آنگونه که خدا خواهد که

يُكَبَّرَ * وَ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ * وَ كَمَا يَنْبَغِي لِكْرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ *

به بزرگی یاد شود * و آنگونه بزرگی که در خور اوست * و سزاوار ذات بزرگوار و عزت و جلال اوست *

سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى

پاک و منزه است خدا و ستایش مخصوص خداست و جز او خدایی نیست و خدا را به بزرگی یاد می‌کنم برای

كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَ بِهَا عَلَيَّ * وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ * مِمَّنْ كَانَ أَوْ

هر نعمت او که عطا کرده به من * و به همه افراد خلق خود * از تمام آنچه از خلائق بوده یا

يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

تا قیامت به وجود آید * خدایا درود بر محمد (ص) و آل او

مُحَمَّدٌ * وَاسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا أَرْجُو وَخَيْرِ مَا لَا أَرْجُو * وَاعُوذُ بِكَ

فرست * و از تو هر گونه خیر را مسئلت می‌نمایم چه امید به آن داشته چه نداشته باشم * و به تو پناه می‌برم

مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَا أَحْذَرُ * پس می‌خوانی سوره حمد * و آیه

از هر شر چه از آن در حذر باشم یا نباشم. *

الكرسى * وشهد الله * و آیه ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ

بگو ای پیمبر بارخدا یا ای پادشاه ملک هستی تو هر که را خواهی ملک و سلطنت

تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ

بخشی و از هر که خواهی بگیری و به هر که خواهی عزت و اقتدار بخشی و هر که را خواهی خوار گردانی هر خیر و نیکویی

الْخَيْرِ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿آل عمران-۲۶﴾ * و آیه سخره و آن سه آیه است از سوره

به دست تو است و تنها تو بر هر چیز توانائی *

اعراف: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ

پروردگار شما آن خدائی است که آسمانها و زمین را در شش روز خلق

اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ

کرد آنگاه به خلقت عرش پرداخت روز را به پرده شب درپوشاند که با شتاب در پی آن پوید و خورشید و ماه

و الْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مَسْخَرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ

و ستارگان به امر او مسخر گردید (ای بندگان) آگاه باشید که ملک آفرینش خاص خداست و حکم نافذ فرمان اوست که منزه و

رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿۵۴﴾ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

بلندمرتبه و آفریننده عالمیان است (۵۴) خدای خود را به تضرع و زاری و به صدای آهسته (که به اخلاص نزدیک است) بخوانید (و بر خلق ستم مکنید) که خدا

﴿۵۵﴾ وَلَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ

هرگز ستمکاران را دوست نمیدارد (۵۵) هرگز در روی زمین پس از آنکه کار آن به امر حق و شرع رسول حق نظم و صلاح یافت به فساد و تباه‌کاری برنخیزید و

رَحِمَتِ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۵۶﴾ پس می‌گویی سه مرتبه: ﴿سُبْحَانَ

خدا را هم از زراه ترس هم از روی امید بخوانید که البته رحمت او به نیکوکاران نزدیک است (۵۶) * پاک و منزه

رَبِّكَ رَبُّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ * وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

است خدای تو که برتر از توصیف است و مقتدر و بی‌همتا است * و درود بر رسولان او * و ستایش خاص

رَبِّ الْعَالَمِينَ * پس می‌گویی سه مرتبه: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَالِ مُحَمَّدٍ

خدای جهانیان است * خدایا درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد

وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا * وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ

* و در کارم فرج و گشایش مرحمت کن * و از جایی که گمان دارم و از

وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ * واین دعایی است که جبرئیل تعلیم حضرت یوسف (علیه السلام) کرد

جایی که گمان ندارم مرا روزی بخش. *

هنگامی که در زندان بود * پس بگیر ریش خود را به دست راست و کف دست چپ را بگشا به جانب آسمان

وَبِغَوْهَتْ مَرْتَبَةٍ: يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

ای خدای محمد و آل محمد * درود فرست بر حضرت محمد (ص)

مُحَمَّدٍ * وَعَجَّلْ فَرْجَ آلِ مُحَمَّدٍ * و بگو نیز به همان حال سه مرتبه (بگیر ریش خود را

و آتش * و فرجشان را نزدیک فرما *

به دست راست و کف دست چپ را بگشا به جانب آسمان): يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ * صَلَّى عَلَى

ای صاحب جلالت و کرامت * رحمت فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَارْحَمْنِي وَاجْرِنِي مِنَ النَّارِ * پس می خوانی

بر محمد و آل محمد * و رحم کن بر من و پناه ده مرا از آتش *

دوازده مرتبه: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * و می گوئی: اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

بار خدایا من از حضرتت می طلبم با توسل به نام

الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَكِ * وَاسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

مستور پنهان تو که پاک و پاکیزه و مبارک است * و از حضرتت می طلبم با توسل به اسم

الْعَظِيمِ * وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ * يَا وَاهِبَ الْعَطَايَا * وَيَا مُطْلَقَ

بزرگ تو * و سلطنت ازلی تو * ای عطا بخش بی عوض * و ای آزاد کننده

الْأَسَارِي * وَيَا فَكَاكَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ * اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

اسیران * و ای رهاننده خلائق از آتش دوزخ * از حضرتت می طلبم که درود فرستی بر محمد (ص)

وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَانْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ * وَانْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا

و آل محمد (ص) * و مرا هم از آتش قهر خود آزاد گردانی * و از دنیا با ایمان سالم

سَالِمًا * وَ(اَنْ) تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ اٰمِنًا * وَانْ تَجْعَلَ دُعَائِي اَوَّلَهُ فَلَاحًا

بیرون بری * و در بهشت امن و امانم داخل فرمایی * و دعای مرا در اول به رستگاری

وَأَوْسَطَهُ وَنَجَاحًا * وَءَاخِرَهُ وَصَلَاحًا * إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ *

* و در وسط به فیروزی * و در آخر به صلاح حالم اجابت فرمایی * زیرا که تویی عالم به اسرار غیب عالم.

و در صحیفه علویه است در تعقیب هر فریضه: يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ * سَمِعَ عَنْ سَمْعٍ * وَيَا

ای خدایی که تو را سخنی از سخن دیگر مشغول نتواند کرد * و ای

مَنْ لَا يَغْلِطُهُ السَّائِلُونَ * وَيَا مَنْ لَا يَبْرُمُهُ * الْحَاحُ الْمَلْحِينِ * أَذْقَنِي

خدایی که تو را نتواند سؤال بی حد و حصر خلق به اشتباه و خطا بیندازد * و الحاح محتاجان تو را خسته نکند * ای خدا

بَرِّدْ عَفْوِكَ وَحَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ * وَنِزْمِي گویی: اَللّٰهُمَّ هَذِهِ صَلَاتِي

لذت عفو و شیرینی لطف و رحمت و مغفرتت را به من بچشان. * ای خدا این نماز من

صَلَّيْتُهَا * لَا لِحَاجَةَ مِنْكَ إِلَيْهَا * وَلَا رَغْبَةَ مِنْكَ فِيهَا * الْأَتْعَظِيمًا

که به جا آوردم * تو را به آن نیازی نیست * و میل و رغبتی به آن نخواهد بود * جز آنکه من به تعظیم

وَطَاعَةً * وَاجَابَةٌ لَكَ إِلَى مَا أَمَرْتَنِي بِهِ * اَللّٰهُمَّ إِنْ كَانَ فِيهَا خَلَلٌ أَوْ

جلال تو و اطاعت فرمان تو * و اجابت امر تو بجای آوردم * ای خدای من اگر در این نماز خلل و فسادی

نَقْصٌ مِنْ رُكُوعِهَا أَوْ سُجُودِهَا فَلَا تُؤَاخِذْنِي * وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِالْقَبُولِ

رخ داده در رکوع و سجودش (لطف کن) و از من مؤاخذه مفرما * و به فضل و رحمتت بپذیر

وَالْغُفْرَانَ * وَنِزْمِي خوانی عقب هر نماز این دعا را که پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) تعلیم امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) نموده

و بر من بیخش. *

برای حافظه: سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ * سُبْحَانَ مَنْ لَا

پاک و منزّه است خدایی که اعتنا به اهل عالم ندارد * پاک و منزّه خدایی که

يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِاللَّوَانِ الْعَذَابِ * سُبْحَانَ الرَّءُوفِ الرَّحِيمِ * اَللّٰهُمَّ

اهل زمین را به عذابهای گوناگون آنان که مستحقند گرفتار نمی‌کند * منزّه است خدای رؤوف رحیم * ای خدای من

اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي نُورًا وَبَصْرًا وَفَهْمًا وَعِلْمًا * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

در دل من نور معرفت و بصیرت و فهم و دانش خود مقرر فرما * که تو را بر هر چیز قدرت و توانایی کامل است. *

* و در مصباح کفعمی است که سه مرتبه بگو بعد از نمازها: اُعِذْ نَفْسِي وَدِينِي وَاهْلِي وَمَالِي

در پناه خدا می‌فرستم خود را و دین و اهل بیت و مال

وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي فِي دِينِي * وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي * وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي * وَمَنْ

و فرزند و برادران خود را * و آنچه را که خدا روزیم کرده * و خاتمه عملم را * و هر که را

يَعْنِينِي أَمْرُهُ * بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

به من مربوط است * همه را به خدای یکتای فرد بی‌نیازی که او را پدر و فرزند نیست

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَكُفُوًا أَحَدٌ * وَبِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ * وَمِنْ

* و بی‌کفو و مانند است می‌سپارم * و به خدای صبحگاه * از شر هر چه خلق فرموده * و از شر

شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ * وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ * وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ

هر تاریکی هرگاه شدت یافت * و از شر زنان ساحره که به سحر در گره‌ها می‌دمند * و از شر هر حسودی که

إِذَا حَسَدَ * وَبِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ

به حسد برخیزد * و به رب آدمیان * و پادشاه آدمیان * و خدای آدمیان * از شر وسوسه‌های

الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ * وَاز

شیطان خناسی * که در دل‌های مردم وسوسه می‌کند * چه شیطان انسی و چه شیطان جن باشد.

خط شیخ شهید منقول است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرموده هر که خواهد که خدا او را در قیامت بر اعمال بد

او مطلع نگرداند و دیوان گناهان او نگشاید باید که بعد از هر نماز این دعا بخواند: اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ

خدایا البته به آمرزش تو

أَرْجِي مِنْ عَمَلِي * وَإِنَّ رَحْمَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ ذَنْبِي * اللَّهُمَّ إِنَّ كَانِ ذَنْبِي

بیشتر امیدوارم تا به عمل خود * و البته رحمت تو وسیعتر از گناه من است * خدایا اگر چه گناه من نزد تو

عِنْدَكَ عَظِيمًا فَعَفْوِكَ أَعْظَمُ مِنْ ذَنْبِي * اللَّهُمَّ إِنَّ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا أَنْ أَبْلُغَ

بزرگ است اما عفو و بخشش تو بزرگتر از گناه من است * خدایا اگر من لایق آن نیستم که رحمت

رَحْمَتَكَ * فَرَحْمَتِكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَتَسْعَنِي * لِأَنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ

به من برسد * رحمت و لطف تو لایق است که به من رسا باشد و مرا فرا گیرد * زیرا همه چیز عالم را رحمت

شَيْءٍ * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * و از ابن بابویه (رضی الله عنه) منقول است که فرموده:

فرا گرفته * ای خدای ارحم الراحمین.

چون از تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها فارغ شوی بگو: اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ * وَمِنْكَ

خدایا سلام نام توست * و سلامت خلق

السَّلَامُ * وَ لَكَ السَّلَامُ * وَ إِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ * سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ

از جانب توست * و برای توست * و به کلی هر سلامتی و پاکی از نقص بازگشت او به توست * پاک و منزّه است خدای

العِزَّةَ عَمَّا يَصِفُونَ * وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

رب العزة از هر چه وصف او کنند * و درود بر رسولان خدا * و ستایش مخصوص خدای رب العالمین است *

* السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ * السَّلَامُ عَلَى

بر تو باد ای رسول خدا درود و رحمت و برکات خداوندی * و درود بر امامان

الْأئِمَّةِ الْهَادِينَ الْمُهْدِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ

هدایت کننده خلق و هدایت یافتگان بسوی خدا * و درود بر تمام پیغمبران خدا و فرستادگان

وَ مَلَائِكَتِهِ * السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ * السَّلَامُ

و فرشتگان او * درود بر ما مؤمنان و بندگان نیکوکار خدا * درود بر

عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَيَّ

علی امیر المؤمنین (ع) * و درود بر حضرت حسن (ع) و حسین (ع) بزرگ

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ * السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

تمام جوانان اهل بهشت * درود بر حضرت علی بن الحسین (ع)

زَيْنِ الْعَابِدِينَ * السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ *

زیور بخش اهل عبادت * درود بر حضرت محمد باقر فرزند علی (ع) که کاشف علوم انبیاء است *

السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ * السَّلَامُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ

درود بر حضرت جعفر صادق (ع) فرزند حضرت محمد باقر (ع) * درود بر موسی بن جعفر (ع) که

الْكَاظِمِ * السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا * السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ

کاظم غیظ است * درود بر روان پاک علی بن موسی حضرت رضا (ع) * درود بر روان پاک محمد بن علی

عَلِيِّ الْجَوَادِ * السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَادِي * السَّلَامُ عَلَى

حضرت جواد الائمه (ع) * درود بر علی بن محمد حضرت هادی (ع) * درود بر حضرت

الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْزَكِيِّ الْعَسْكَرِيِّ * السَّلَامُ عَلَى الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ

حسن بن علی پاکیزه روح ملقب به حضرت عسکری (ع) * درود بر حضرت محمد بن الحسن

الْقَائِمِ الْمُهْدِيِّ * صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ * پس هر حاجت که داری از خدا

امام مهدی قائم * رحمت خاص خدا بر تمام آن روانهای پاک باد. *

بطلب * شیخ کفعمی فرموده بعد از نمازها می گوئی: رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا * وَ بِالْإِسْلَامِ

خوشنودم از آنکه خدای رب من است * و اسلام

هِيَ لَكَ رِضًا وَ لِي فِيهَا صَلَاحٌ اَلْاَقْصِيَّتَهَا * يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ *

که رضای تو و صلاح من است همه را بر آورده گردان * ای خدای ارحم الراحمین *

ءَامِيْنَ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ * و می گوئی ده مرتبه: بِاللّٰهِ اَعْتَصَمْتُ * وَ بِاللّٰهِ اَتَّقُ

دعایم را ای پروردگار عالم به کرمت اجابت فرما. * به خدا متوسل می شوم * و به او اعتماد دارم

* وَ عَلٰى اللّٰهِ اتَوَكَّلُ * پس می گوئی: اَللّٰهُمَّ اِنْ عَظُمْتَ ذُنُوْبِيْ فَانْتَ اَعْظَمُ

* و بر او در هر کار توکل می کنم. * خدایا اگر گناهان من عظیم است تو بزرگتر از آنی

* وَ اِنْ كَبُرْتَ تَفْرِيطِيْ فَانْتَ اَكْبَرُ * وَ اِنْ دَامَ بُخْلِيْ فَانْتَ اَجْوَدُ *

* و اگر تفریط و تجاوز من بسیار تو از آن بزرگتری * و اگر بخل و حسد من دائم است جود و بخشش تو بی نهایت است *

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ عَظِيْمَ ذُنُوْبِيْ بَعْظِيْمَ عَفْوِكَ * وَ كَثِيْرَ تَفْرِيطِيْ بظَاهِرِ

خدایا گناهان بزرگ مرا به عفو و بخشش بزرگ خود ببخش * و تجاوز بسیار مرا به کرم و بزرگواری

كِرْمِكَ * وَ اقْمَعْ بُخْلِيْ بِفَضْلِ جُودِكَ * اَللّٰهُمَّ مَا بَنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ

آشکار در گذر * و ظلمت بخلم را به نور فضل و بخشش خود نابود گردان * ای خدا هر نعمت که ما بندگان راست همه از توست

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ * اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوْبُ اِلَيْكَ *

* خدایی جز تو نیست * و از تو آمرزش می طلبم و بسوی تو از هر گناه باز می گردم. *

تعقیب نماز عصر منقول از متهجّد:

اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ * اَلرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ * ذُو (ذَا)

طلب آمرزش می کنم از خدایی که جز او خدایی نیست اوست زنده و پاینده ابدی * اوست بخشنده و مهربان * اوست

الْجَلالُ وَ الْاَكْرَامُ * وَ اَسْأَلُهُ * اَنْ يَّتُوْبَ عَلَيَّ * تُوْبَةً عَبْدٍ ذَلِيْلٍ خَاضِعٍ

صاحب جلال و بزرگواری * و درخواست می کنم که توبه ام بپذیری * توبه این بنده ذلیل پست

* فَقِيْرٍ بَائِسٍ * مُسْكِيْنٍ مُسْتَكِيْنٍ مُسْتَجِيْرٍ * لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا

* گدای پریشان روزگار * بیچاره زمین گیر پناه آورنده به تو * که از خود دارای هیچ نفع

وَ لَا ضَرًّا * وَ لَا مَوْتًا وَ لَا حَيَاةً وَ لَا نَشُوْرًا * پس می گوئی: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ

و ضرری نیست * و مرگ و زندگی و حشر و نشرش هیچ به اختیار او نیست * خدایا پناه به تو می برم

بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ * وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ * وَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ *

از نفسی که از دنیا سیری ندارد * و از قلبی که خاشع نباشد * و از علمی که نفع نبخشد *

وَمِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ * وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ

و از نمازی که بالا نرود * و از دعایی که به اجابت نرسد * خدایا از تو می‌طلبم آسانی حال

بَعْدَ الْعُسْرِ * وَالْفَرْجَ بَعْدَ الْكُرْبِ * وَالرِّخَاءَ بَعْدَ الشَّدَّةِ * اللَّهُمَّ

را بعد از عسرت * و گشایش پس از رنج و مشقت * و فراوانی نعمت پس از سختی و شدت * ای خدا

مَا بَنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ *

هر نعمتی که ما بندگان راست هم از جانب توست * خدایی غیر تو نیست * از تو آمرزش می‌طلبم و به سوی تو از گناه باز می‌گردم. *

و از حضرت صادق (علیه السلام) منقولست که هر که استغفار کند بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه بیامزد

حق تعالی از او هفتصد گناه * و روایت شده از حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) که هر که بخواند

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ رَابِعًا مِنْ مَرْتَبَةٍ بَكَدَّرَ لِأَنَّ فِيهِ أَوْ دَرُوزَ قِيَامَتٍ مِثْلَ عَمَلِهَايَ خَلَايِقٍ دَرَابِينِ

روز * و مستحب است خواندن دعای عشرات در هر صبح و مساء و افضل اوقات آن بعد از عصر روز جمعه

است و آن دعا بعد از این مذکور خواهد شد. *

تعقیب نماز مغرب منقول از مصباح متهجّد:

بَعْدَ أَنْ تَسْبِيحَ زَهْرًا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَيَّ كُوْنِي: إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا

همانا خدا و فرشتگانش بر پیغمبر درود می‌فرستند * شما

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

هم ای گروه مؤمنان بر او درود و تحیت کامل فرستید * ای خدا درود فرست

مُحَمَّدِ النَّبِيِّ * وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ * پس می‌گوئی هفت مرتبه:

بر محمد رسول خود * و بر ذریه او و اهل بیت او. *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

به نام خدای بخشنده مهربان * هیچکس را قوت و نیرویی نیست جز به خدای بزرگ بلند مقام.

* وَسَهْ مَرْتَبَةٍ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرَهُ *

* ستایش مخصوص خداست که او هر چه خواهد می‌کند و جز او هیچکس دیگر هر چه خواهد نتواند کرد.

* پس می‌گوئی: سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعًا *

* پاک و منزهی ای خدایی که جز تو خدایی نیست * گناهانم را از کرم همه را به کلی ببخش *

فَانَهُ **و** لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعًا إِلَّا أَنْتَ **❀** پس نافله مغرب را به جامی آوری و

که هیچکس جز تو بخشنده گناهان نیست. *

آن چهار رکعت است به دو سلام و تکلم مکن مابین آنها و شیخ فرموده روایت شده که در رکعت اول سوره قل یا آیه الكافرون بخوانند و در رکعت دوم قل هو الله احد و در دورکت دیگر هر چه خواسته باشند و روایت

شده که حضرت امام علی النقی علیه السلام در رکعت سوم سوره حمد و اول سوره حدید می خواند تا و هو علم بذات الصدور و در رکعت چهارم حمد می خواند و آخر سوره حشر یعنی از لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ تا آخر سوره **❀** و مستحب است که بخوانند در سجده آخر نوافل در هر شب و خصوصاً در شب جمعه هفت

مرتبه: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ **❀** وَ اسْمِكَ الْعَظِيمِ **❀****

ای خدا از تو درخواست می‌کنم به حق ذات بزرگوار تو * و نام بزرگ

و مُلْكِكَ الْقَدِيمِ **❀** أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ ءَالِهِ **❀** وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي **❀**

و ملک ازلی تو * که درود بر محمد و آتش فرستی * و گناه بزرگ مرا

الْعَظِيمِ **❀** إِنَّهُ **و** لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ **❀** و چون از نافله فارغ شدی پس هر چه

بخشی * که جرم بزرگ را جز تو بزرگی نتواند بخشید. *

می خواهی تعقیب می خوانی **❀** و می‌گوئی ده مرتبه: **مَا شَاءَ اللَّهُ **❀** لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ **❀****

آنچه خدا خواهد می‌شود * و هیچ قدرت و قوتی جز به خدا نیست *

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ **❀** پس می‌گوئی: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ **❀****

و از خدا آمرزش می‌طلبم. * ای خدا از تو درخواست می‌کنم آنچه را که موجب حتمی رحمت *

وَ عَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ **❀** وَ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ **❀** وَ مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ **❀** وَ الْفَوْزَ **❀**

و مغفرت توست * و نجات از آتش دوزخ * و هر بلیه و عذاب را * وصول به

بِالْجَنَّةِ وَ الرِّضْوَانِ فِي دَارِ السَّلَامِ **❀** وَ جَوَارِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ

بهشت را و رضا و خوشنودی تو را در منزلگاه سلامت * در جوار پیغمبر تو حضرت محمد که

وَ ءَالِهِ السَّلَامِ **❀** اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ **❀** لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ **❀**

سلام بر او و آل او باد * ای خدا هر نعمت به ما بندگان رسد همه از جانب توست * خدایی جز تو نیست *

أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ **❀** و می‌خوانی مابین نماز مغرب و عشاء **نماز غفیله** را و آن دورکت

از تو آمرزش می‌طلبم و به سوی تو از گناه خود باز می‌گردم. *

است در رکعت اول بعد از حمد می خوانی: ﴿وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ

و یاد آر حال یونس از هنگامی که از میان قوم خود غضبناک بیرون رفت و چنین پنداشت که ما

نَقَدَرَ عَلَيْهِ * فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * سُبْحَانَكَ إِنِّي

اوارا هرگز در مضیقه نمی افکنیم * فریاد کرد که الهای خدایی به جز ذات یکتای تو نیست * تو از شرک منزهی و من از ستمکاران

كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الغَمِّ * وَكَذَلِكَ

بر نفس خودم به حالم ترحم فرما * پس ما دعای او را مستجاب کردیم و او را از گرداب غم نجات دادیم * و ما اهل ایمان

نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ ﴿﴾ * و در رکعت دوم بعد از حمد می خوانی: ﴿وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ

را اینگونه نجات می دهیم. * و نزد خداست کلیدهای گشایش

الغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ * وَيَعْلَمُ مَا فِي البُرِّ وَالبَحْرِ * وَمَا تَسْقُطُ مِنَ

پنهانی که کسی جز او بر آنها آگاه نیست * و او هر چه در بیابان و دریاست همه را می داند * و برگری از درخت

ورقةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا * وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ * وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ

نمی افتد جز آنکه می داند * و نیست دانه ای در تاریکیهای زمین * و نیست هیچ تر و خشکی مگر آنکه در

الْأُفُقِ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿﴾ * پس دستها را به قنوت برمی داری و می گوئی: اَللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

کتاب روشن علم خدا (یعنی قرآن) موجود است. * ای خدا از تو درخواست می کنم

بِمَفَاتِحِ الغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

به حق اسرار پنهانی که جز تو کسی دانای آن اسرار نیست * که درود بر محمد (ص) و آل او فرستی

﴿﴾ * وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا ﴿﴾ * به جای این کلمه حاجت ذکر می کنی پس می گوئی: اَللّهُمَّ

* و حاجتهای من چنین و چنان را بر آوری * خدایا تو

أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي * وَالْقَادِرُ عَلَيَّ طَلِبَتِي * تَعْلَمُ حَاجَتِي * فَاسْأَلُكَ

ولی نعمت من هستی * و قادر بر انجام مقصود من * حاجتم را می دانی * پس در خواستم

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي ﴿﴾ * و حاجت خود

از تو این است که قسم به حق محمد و آل او علیهم السلام که حاجتم را بر آوری. *

را می طلبی که روایت شده که هر که این نماز را به جا آورد و حاجت خود را بخواهد حق تعالی به او عطا فرماید

آنچه را که خواهد. ﴿﴾

تعقیب نماز عشاء منقول از متهجّد:

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ لِي عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِي * وَإِنَّمَا أَطْلُبُهُ * وَبِخَطَرَاتٍ تَخْطُرُ

ای خدا من از جایگاه روزی خودم آگه نیستم * تنها رزق خود را به خیالی که بر دلم وارد

عَلَى قَلْبِي * فَاجُولُ فِي طَلْبِهِ الْبُلْدَانُ * فَاَنَا فِيْمَا أَنَا طَالِبٌ كَأَحْيِرَانِ

می‌شود می‌طلبم * و در دور شهرها در طلب روزی می‌روم * پس من در آنچه طالب او هستم مانند شخص متحیرم

* لَا أَدْرِي أِنِّي سَهْلٌ هُوَ أَمْ فِي جَبَلٍ * أَمْ فِي أَرْضٍ أَمْ فِي سَمَاءٍ * أَمْ فِي بَرٍّ أَمْ

* که نمی‌دانم روزیم در صحراست یا در کوه * یا در زمین یا در آسمان است * یا در خشکی است

فِي بَحْرٍ * وَ عَلَى يَدِي مَنْ؟ * وَ مِنْ قَبْلِ مَنْ؟ * وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ عِلْمَهُ * وَ

یا در دریا * و به دست کیست * و پیش کیست * و می‌دانم که علم آن نزد

عِنْدَكَ * وَ اسْبَابُهُ * وَ بِيَدِكَ * وَ أَنْتَ الَّذِي تَقْسِمُهُ * وَ بِلُطْفِكَ * وَ

توست * و اسباب روزی من هر چه هست به دست توست * و تو به لطف و کرم قسمت می‌کنی *

وَ تُسَبِّبُهُ * وَ بِرَحْمَتِكَ * اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ * وَ اجْعَلْ يَا

و سبب آن رزق را به مهربانی خود بر میانگیزی * خدایا پس درود فرست بر محمد و آل او * و رزقی که به من

رَبِّ رِزْقَكَ لِي وَاسِعًا * وَ مَطْلَبُهُ سَهْلًا * وَ مَا خَذَهُ قَرِيبًا * وَ لَا تَعْنِي

عطا می‌کنی وسیع فرما * و راه طلب آن را آسان گردان * و از مأخذ نزدیکی مقرر ساز * و مرا در طلب

بَطْلِبُ مَا لَمْ تُقَدِّرْ لِي فِيهِ رِزْقًا * فَإِنَّكَ غَنِيٌّ عَنِ عَذَابِي (عَنَائِي) *

چیزی که بر من روزی مقدر نفرموده‌ای به مشقت مینداز * که تو از رنج و عذاب من بی‌نیازی *

وَ أَنَا فَاقِيرٌ إِلَى رَحْمَتِكَ * فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ * وَ جُدْ عَلَى عَبْدِكَ

و من محتاج به رحمت نامنتهای توام * پس درود فرست بر محمد و آل او * و بخشش فرما بر بنده خود

بِفَضْلِكَ إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ * مؤلف گوید این دعا از ادعیه طلب رزق است * وَ مُسْتَحَبٌ

به فضل و رحمت خویش که فضل و کرم تو بسیار عظیم است. *

است نیز در تعقیب عشاء هفت مرتبه سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** بخواند * و آنکه در نماز و تیره و آن دو رکعت

نافله نشسته است بعد از نماز عشاء صد آیه از قرآن بخوانند و مستحب است عوض صد آیه سوره

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ در یک رکعت و سوره **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** در رکعت دیگر بخوانند. *

تعیب نماز صبح منقول از متهدج:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنْ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد (ص) * و مرا در آنجا که حق به اختلاف و شبهه در افتد

الْحَقِّ بِإِذْنِكَ * إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ *

از جانب خود هدایت فرما * که تو هر کس را بخواهی به راه راست هدایت می‌فرمایی. *

وَمِي كَوْنِي دَه مَرْتَبَه: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الرَّاضِينَ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد (ص) که اوصیاء پسندیدگان

الْمَرْضِيِّينَ * بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ * وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ

خدا و خلقند * با نیکوتر تحیت * و درود و برکت فرست بر آنان به نیکوتر برکات خود

وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ * وَرَحْمَةُ اللَّهِ

* و درود بر آنها و بر ارواح و ابدان پاک آنها * و رحمت و برکات خدا

وَبَرَكَاتِهِ * * واین صلوات در عصرهای جمعه نیز وارد شده با فضیلت بسیار و بگو نیز: اللَّهُمَّ

بر آنها باد. *

أَحْيِنِي عَلَى مَا أَحْيَيْتَ عَلَيْهِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ * وَامْتِنِي عَلَى مَا

مرا زنده بدار بر آنچه علی بن ابی طالب (ع) را زنده داشتی * و بمیران بر آنچه که

مَاتَ عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ * وَبِغَوْصِ مَرْتَبَه: اسْتَغْفِرُ

علی بن ابی طالب بر آن مرد که بر او درود باد. * از خدا آمرزش

اللَّهُ وَاتُوبُ إِلَيْهِ * وَصِد مَرْتَبَه: اسْأَلُ اللَّهَ الْعَافِيَةَ * وَصِد مَرْتَبَه:

می‌طلبم و بسوی او از گناه بر می‌گردم. * از خدا عافیت می‌طلبم *

اسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ * وَصِد مَرْتَبَه: وَاسْأَلُهُ الْجَنَّةَ * وَصِد مَرْتَبَه: اسْأَلُ

به خدا از آتش دوزخ پناه می‌برم. * و از او بهشت برین را مسئلت می‌کنم. * حورالعین را

اللَّهُ الْحُورَ الْعَيْنَ * وَصِد مَرْتَبَه: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ * وَصِد

از خدا درخواست می‌کنم. * خدایی جز آن خدای یکتا که سلطان حق و آشکار است نخواهد بود. *

مَرْتَبَه تَوْحِيد * وَصِد مَرْتَبَه: صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَصِد مَرْتَبَه:

درود خدا بر محمد (ص) و آل محمد (ع). *

سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ * وَ لَا حَوْلَ

پاک و منزه است خدا و ستایش مخصوص اوست و خدایی جز آن ذات یکتا نیست و خدا بزرگتر از حد وصف است * و قدرت و

وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * وَ صد مرتبه: مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ * وَ لَا

توانایی جز به آن خدای بزرگ بلند مرتبه نیست. * هر چه خدا خواهد می شود * و هیچ

حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * پس بگو: أَصْبَحْتُ لِلَّهِ

قدرتی جز برای خدای بزرگ بلند مرتبه نیست. * خدایا صبح کردم در حالی که

مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ الْمَنِيِّ * الَّذِي لَا يُطَاوِلُ وَ لَا يُجَاوِلُ * مِنْ شَرِّ كُلِّ

به رشته بلند و محکم (توحید) تو چنگ زدم * که هیچ رشته از آن بلندتر و محکمتر نیست * که مرا حفظ کنی از

غَاشِمٍ وَ طَارِقٍ * مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَ مَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ

شر هر ظالم و دزد رهن * و از شر مخلوقات دیگری که خلق فرموده ای و از هر چه آفریده ای

الصَّامِتِ وَ النَّاطِقِ * فِي جَنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِبَاسِ سَابِغَةٍ وَ لَاءِ

از گویا و خموش * که ترسناک باشد مرا در پناهت حفظ کنی و در لباس زیبای محبت

أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ * مُحْتَجِبًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي إِلَى آذِيَةٍ * بِجِدَارِ

اهل بیت پیغمبرت مستور گردانی * و از هر ذی شری که قصد آذیت من کند * به سنگر محکم

حَصِينٍ * الْأَخْلَاصِ فِي الْأَعْتَرَفِ بِحَقِّهِمْ * وَ التَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ *

اخلاص تو * و اقرار به حقانیت اهل بیت * و چنگ زدن به رشته محبت اهل بیت در آمدم *

مُوقِنًا أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَ مَعَهُمْ وَ فِيهِمْ وَ بِهِمْ * أُولَى مِنْ وَالْوَا * وَ أَجَانِبِ

درحالی که یقین دارم که حق از اهل بیت است و با آنهاست و در دست آنهاست و به آنها راه حق توان یافت * هر که را آنها دوست دارند دوست می دارم * و از هر

مَنْ جَانِبُوا * فَاعِذْنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا اتَّقِيهِ * يَا عَظِيمِ

چه دوری جویند دوری می جویم * پس بار الها مرا از شر هر چه از آن می ترسم در پناه خود بدار * ای خدای بزرگ

حَجَزْتُ الْأَعَادِي عَنِّي بِبَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ * (و) اَنَا جَعَلْنَا

من دفع دشمنانم را به یاری تو که آفریننده آسمانها و زمینی می کنم * که فرمودی ما سدی

مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَاعْشِينَاهُمْ فَهُمْ لَا يَبْصُرُونَ *

محکم در پیش رو و سدی از پشت سر آن دشمنان (اهل ایمان) قرار دادیم و ما در آن سد آنها را احاطه کنیم که هیچ نبینند.


* و این دعا در هر صبح و شام خوانده می شود و آن دعاء امیر المؤمنین (علیه السلام) است در لیلۃ المبیت *

و در تهذیب روایت شده که هر که بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید: **سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ**

پاک و منزه است خدای بزرگ و حمد و ستایش

وَبِحَمْدِهِ * وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ حق تعالی او را عافیت دهد

او را می‌کنم * و هیچ قوت و قدرت جز به خدای بزرگ بلند مرتبه نخواهد بود. *

از کوری و دیوانگی و جذام و فقر و خانه بر سر فرود آمدن یا خرافت در هنگام پیری  و شیخ کلینی از حضرت


صادق (علیه السلام) روایت کرده که هر که بعد از نماز صبح و نماز مغرب بگوید هفت مرتبه: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ**

به نام خدای بخشنده

الرَّحِيمِ * لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ حق تعالی دفع کند از او هفتاد

مهربان * هیچ قدرت و توانایی جز به خدای بزرگ بلند مرتبه نخواهد بود. *

نوع از انواع بلا که آسانتر آنها باد و پیسی و دیوانگی باشد و اگر شقی باشد محو شود از اشقیاء و نوشته شود از

سُعداء  و نیز از آن حضرت روایت کرده که برای دنیا و آخرت و رفع درد چشم این دعا را بعد از نماز صبح و

مغرب بخوانند: **اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْكَ * صَلِّ**

خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق محمد و آل محمد (ص) * که درود

عَلِیٍّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاجْعَلِ النُّورَ فِیْ بَصْرِیْ وَالبَصِیْرَةَ فِیْ

فرستی بر محمد و آل محمد (ص) * و نور در چشم ظاهر من قرار دهی و بصیرت و معرفت

دِیْنِیْ * وَالیَقِیْنَ فِیْ قَلْبِیْ * وَالإِخْلَاصَ فِیْ عَمَلِیْ وَالسَّلَامَةَ فِیْ نَفْسِیْ *

در دینم * و یقین کامل در دل من * و اخلاص در عمل من و سلامتی در شخص من *

وَالسَّعَةَ فِیْ رِزْقِیْ * وَالشُّكْرَ لَكَ اَبَدًا مَا اَبْقِیْتَنِیْ  شیخ ابن فهد در عده

و وسعت در رزق من عطا فرمایی * و به سپاسگزاری تو باشم مادامی که مرا باقی داری. *

الدَّاعِیْ از حضرت امام رضا (علیه السلام) نقل کرده که هر که بگوید در عقب نماز صبح این کلام را حاجتی طلب نکند

مگر آنکه آسان شود برای او و کفایت کند حق تعالی آنچه را که مهم او است: **بِسْمِ اللَّهِ * وَصَلِّ**

به نام خدا * و درود

اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * ﴿وَافْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ﴾ * إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ

خدا بر محمد و آل او * و کار خود را به خدا می‌گذارم * که او به حال بندگان

بِالْعِبَادِ * فَوْقَهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكْرُوا * ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ﴾ *

بصیر است * پس خدا حفظ کرد هر بدی را که مکر دشمنان بر انگیزد * و خدایی جز تو ای ذات یکتا نیست *

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ * فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنَ

پاک و منزهی تو و من از ستمکارانم * پس ما دعای او را مستجاب کردیم و او را از دریای غم

الْغَمِّ * وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ * ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ *

نجات دادیم * و اینچنین مؤمنان را نجات خواهیم داد * خدا ما را کافی است و او بهترین وکیل است *

فَأَنْقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ * مَا شَاءَ اللَّهُ

به نعمت خدا و فضل خدا چنان برخوردار شوند که دیگر هیچ بدی به آنها نرسد * آنچه خدا خواست می‌شود

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ * مَا شَاءَ اللَّهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ * مَا شَاءَ

و هیچ قدرت و توانایی جز قدرت خدا نیست * آنچه خدا خواست می‌شود نه آنچه مردم بخواهند * آنچه خدا

اللَّهُ وَإِنْ كَرِهَ النَّاسُ * حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ * حَسْبِيَ الْخَالِقُ

خواست می‌شود هر چند مردم نخواهند * خدای رب العالمین مرا کافی از دیگران است * خدای آفریننده عالم

مِنَ الْمَخْلُوقِينَ * حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ * حَسْبِيَ اللَّهُ رَبُّ

مرا کافی از خلق است * خدای روزی دهنده مرا کافی از روزی خواران است * خدایی که پروردگار عالم است مرا

الْعَالَمِينَ * حَسْبِيَ مَنْ هُوَ حَسْبِي * حَسْبِيَ مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي

کافی از دیگران است * کافی است آنکه مرا کافی است * کافی است آنکه همیشه مرا کافی است *

حَسْبِيَ مَنْ كَانَ مُذْكَرْتُ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي * حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ *

کافی است آنکه تا بوده‌ام و هستم مرا کافی است * کافی است مرا خدای یکتایی که جز او خدایی نیست *

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿١٥٦﴾

بر او توکل کرده‌ام و اوست پروردگار عرش با عظمت. *

حکایت نافع برای گشایش کار:

مؤلف گوید که شیخ ما ثقة الاسلام نوری نور الله مرقدّه در کتاب دار السلام از شیخ خود مرحوم خلد مقام عالم

ربّانی جناب حاج ملافتحعلی سلطان آبادی (رحمته) نقل فرموده که فاضل مقدّس آخوند ملا محمد صادق عراقی

در غایت سختی و پریشانی و بد حالی بود و به هیچ وجه برای او گشایشی نمی شد تا آنکه شبی در خواب دید که

در یک وادی خیمه بزرگی با قبه سرپا است، پرسید: این خیمه از کیست؟ گفتند: از کوه حصین و غیاث مضطرّ مستکین حضرت قائم مهدی و امام منتظر مرضی عَجَلُ اللّٰهُ فَرَجُهُ می باشد. پس به تعجیل خدمت حضرت مشرف گردید و سختی حال خود را به آن حضرت عرض کرد و از آن بزرگوار دعائی برای گشایش کار و رفع غمّ خویش خواست، آن حضرت او را حواله فرمود به سیدی از اولاد خود و اشاره فرمود به او و به خیمه او. آخوند از خدمت آن حضرت بیرون شد و رفت به همان خیمه که حضرت به آن اشاره فرموده بود دید سید سَنَد، و حَبْر مُعْتَمَد، عالم اَمَجَد مُؤَيَّد جناب آسید محمد سلطان آبادی است در آن خیمه و در روی سجاده نشسته مشغول دعا و قرائت است. آخوند بر سید سلام کرد و حکایت حال را برای او نقل کرد، پس سید برای گشایش امر و وسعت رزق، او را دعائی تعلیم نمود. پس از خواب بیدار شد در حالی که آن دعا در خاطر او بود و قصد کرد خانه سید را، و پیش از این خواب، آخوند از سید، مُنافر و تَارک او بود به جهتی که آن را ذکر نمی کرد. پس چون به خدمت سید رسید او را به همان نحو که در خواب دیده بود دید در مصلاّی خود نشسته مشغول ذکر و استغفار است، سلام کرد، سید جواب سلام داد و تبسمی نمود مثل آنکه از قضیه مطلع باشد، پس آخوند برای گشایش امر خویش دعائی خواست، پس سید تعلیم او نمود همان دعائی را که در خواب به او تعلیم فرموده بود، پس آخوند مشغول به آن دعا شد به اندک زمانی دنیا از هر طرف به او روی آورد و از سختی و بدحالی بیرون آمد. *

و مرحوم حاج ملا فتحعلی رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَيْهِ سید را مدح می کرد مدح بلیغی، و او را ملاقات کرده بود و مقداری از زمان هم شاگردی او نموده بود. اما آنچه را که سید تعلیم آخوند کرده بود در خواب و بیداری پس سه چیز است

۱) اول: آنکه در عقب فجر دست بر سینه گذارد و هفتاد مرتبه **يَا فَتَّاحُ** بگوید ۲) دوم: مواظبت کند به خواندن این دعا که در کافی است و حضرت رسول (ﷺ) تعلیم فرمود آن را به مردی از صحابه که مبتلا بود به ناخوشی و پریشانی، و از برکت خواندن این دعا به اندک زمانی ناخوشی و پریشانی از او برطرف شد.

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ * تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ * وَالْحَمْدُ

هیچ توانایی و قدرتی جز به خواست خدا نیست * توکل کردم بر خدایی که زنده ابدی است و هرگز نمیرد * و ستایش

لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ * وَ لَمْ

مخصوص خدایی است که فرزند نگرفته * و شریکی در ملکش وجود نداشته * و قدرت

يَكُنْ لَهُ وُلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَ كَبْرَهُ تَكْبِيرًا ۳) سوم: در عقب نمازهای صبح بخواند دعائی

بی نهایتش از یاری هر کس بی نیاز است و من او را به بزرگی یاد می کنم. *

را که از شیخ ابن فهد نقل شد و این اُردار را باید غنیمت شمرد و به خواندن مواظبت نمود و از فوائد آن غفلت ننمود.

در سجده شکر: و بدان که سجده شکر بعد از نمازها مستحب مؤکد است و دعا و اذکار بسیار در آن حال

وارد شده. * و از حضرت امام رضا (علیه السلام) منقول است که اگر خواهی صد مرتبه **شُکْرًا شُکْرًا** بگو و اگر

خواهی صد مرتبه **عَفْوًا عَفْوًا**. * و نیز از آن حضرت منقول است که کمتر آنچه در این سجده گویند آن است

که سه مرتبه بگویند **شُکْرًا لِلَّهِ** **دعا‌های طلوع و غروب آفتاب:** و نیز بدان که در وقت طلوع

آفتاب و وقت غروب آفتاب، ادعیه و اذکار بسیار از حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ائمه طاهرین (علیهم السلام)

مأثور گردیده است و تحریص و ترغیب بی شمار بر محافظت این دو وقت در آیات و اخبار وارد شده است، و ما در

این مختصر به ذکر چند دعای معتبر اکتفا می‌کنیم **۱** **اول:** مشایخ حدیث به سندهای معتبره از

حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده‌اند که فریضه و واجب است بر هر مسلمان که ده مرتبه پیش از طلوع آفتاب

و ده مرتبه پیش از غروب این دعا را بخواند: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ** * **لَهُ**

خدایی جز خدای یکتا نیست یگانه و بی‌شریک است * مالک

الْمَلِكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ * يَحْيِي وَ يَمِيتُ * وَ يَمِيتُ وَ يَحْيِي * وَ هُوَ حَيٌّ لَا

ملک وجود است و ستایش مخصوص اوست * که به قدرت کامله زنده می‌کند و می‌میراند * و باز میراند و زنده می‌گرداند * و او خود زنده ابدی

يَمُوتُ * بِيَدِهِ الْخَيْرُ * وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * و در بعضی از روایات است که اگر

است * هر خیر در جهان به دست اوست * و او بر هر چیز تواناست. *

ترک شود قضا کنید که لازم است. **۲** **دویم:** و نیز از آن حضرت در روایات معتبره وارد شده که پیش از طلوع

و غروب آفتاب ده مرتبه بگو: **أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ**

به خدای شنوای دانا پناه می‌برم از وسوسه‌های پنهانی شیاطین

* **وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ** * **إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ** **۳** **سیم:** و نیز از

* و باز به خدا پناه می‌برم از اینکه بر من حاضر شوند * که خدا البته شنوای دعا و دانای احوال است. *

آن حضرت روایت شده که چه مانع است شما را که در هر صبح و شام سه مرتبه این دعا را بخوانید: **اللَّهُمَّ**

ای خدایی

مُقَلِّبِ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ * ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ * وَ لَا تُزِغْ قَلْبِي

که دیده و دل را تو می‌گردانی * دل مرا بر دین خود ثابت بدار * و هرگز به تاریکی

بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي * وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً * إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ *

گمراهی پس از هدایت می‌فکن * و از جانب خود به من لطف خاص رحمت فرما * که تنها تویی بخشنده بی‌عوض *

وَاجْرِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ * اللَّهُمَّ امدد لي في عمري * وَاَوْسِعْ عَلَيَّ

و مرا از آتش قهرت به رحمت بی‌منت‌هایت پناه ده * ای خدا عمر مرا طولانی * و رزقم را

فِي رِزْقِي * وَانْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ * وَإِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي أَمِّ الْكِتَابِ

وسیع فرما * و رحمت خود را بر من مبسوط گردان * و اگر من در علم تو در لوح ام‌الکتاب قضا

شَقِيًّا فَاجْعَلْنِي سَعِيدًا * فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَتَثْبُتُ * وَعِنْدَكَ

شقی بوده‌ام تو مرا به کرم‌ت سعادت‌مند گردان * که تنها تومی‌توانی هر چیز را محو کنی و به جایش چیز دیگر اثبات فرمایی * و لوح ام‌الکتاب

أَمُّ الْكِتَابِ ﴿٤﴾ چهارم: و نیز از آن حضرت منقول است که در هر صبح و شام این دعا را بخوان:

قضا و قدر به دست توست. *

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ * وَالْحَمْدُ

ستایش مخصوص خدایی است که هر چه بخواهد میکند و جز او هیچکس نتواند هر چه خواهد کند * ستایش

لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ * الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ * اللَّهُمَّ

مخصوص خداست آنگونه ستایشی که خدا می‌پسندد * ستایش مخصوص خداست آنگونه ستایشی که سزاوار اوست * ای خدا مرا

أَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَعَالَ مُحَمَّدٍ * وَأَخْرِجْنِي مِنْ

داخل گردان در هر خیری که داخل فرمودی محمد (ص) و آل محمد (ع) را * و از هر شری

كُلِّ شَرٍّ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَعَالَ مُحَمَّدٍ * صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

که آنها را خارج فرمودی خارج ساز * و درود فرست بر ذات مقدسه محمد (ص)

وَعَالَ مُحَمَّدٍ ﴿٥﴾ پنجم: در هر صبح و شام ده مرتبه بگو: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

و آل محمد (ع). * پاک و منزّه است خدا و ستایش مخصوص اوست

وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ﴿٦﴾ و از جمله دعاهای در این دو وقت دعای عَشْرَاتِ اسْت

و خدایی جز آن ذات یکتا نیست و خدا بزرگتر از حد وصف است. *

که بعد از این خواهد آمد.

فصل سوم:

در ذکر دعاهای ایام هفته منقول از ملحقات صحیفه سجّادیه

دعای روز یکشنبه: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ *

به نام خدای بخشنده مهربان *

بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ لَا اَرْجُوْا اِلَّا فَضْلَهُ * وَ لَا اَخْشِیْ اِلَّا عَدْلَهُ * وَ لَا

به نام خدایی که جز به فضل و رحمتش به چیزی امیدوار نیستیم * و غیر از عدل و دادش از چیزی نمی ترسم * و جز به قول او

اَعْتَمَدُ اِلَّا قَوْلَهُ * وَ لَا اُمْسِكُ اِلَّا بِجَبَلِهِ * بِكَ اَسْتَجِیْرُ یَا ذَا الْعَفْوِ

(و کتاب او) به چیزی اعتماد ندارم * و جز به رشته (اخلاص و محبت) اش به چیزی چنگ نمی زنم * به تو پناه می برم ای خدای

وَ الرَّضْوَانِ مِنَ الظُّلْمِ وَ الْعُدْوَانِ * وَ مِنْ غَیْرِ الزَّمَانِ * وَ تَوَاتُرِ

صاحب عفو و خوشنودی از ظلم و تعدی خلق * و از تغییرات و حوادث روزگار * و غم و اندوه

الْاِحْزَانِ * وَ طَوَارِقِ الْمَحْذٰثِ * وَ مِنْ اِنْقِضَاءِ الْمُدَّةِ قَبْلَ التَّاهِبِ

پی در پی * و پیش آمدهای سخت ناگوار * و از اینکه عمرم به سر آید و خود را مهیا و آماده سفر آن جهان

وَ الْعُدَّةِ * وَ اِیْکَ اَسْتَرْشِدُ لِمَا فِیهِ الصَّلَاحُ وَ الْاِصْلَاحُ * وَ بِكَ اَسْتَعِیْنُ

نکرده باشم * و از تو می طلبم که رهبری به هر خیر و صلاح و اصلاح امورم بفرمایی * و از تو یاری می طلبم

فِیْمَا یَقْتَرِنُ بِهِ النَّجَاحُ وَ الْاِنْجَاحُ * وَ اِیْکَ اَرْغَبُ فِی لِبَاسِ الْعَافِیَةِ

که مرا با هر چه فتح و فیروزی و کامروایی است مقرون سازی * و تنها از تو خواهانم که مرا لباس عافیت کامل

وَ تَمَامِهَا * وَ شَمُوْلِ السَّلَامَةِ وَ دَوَامِهَا * وَ اَعُوْذُ بِكَ یَا رَبِّ مِنْ هَمَزَاتِ

(از هرنج و غم) بیوشانی * و سلامتی دائم (از هر درد و الم) عطا کنی * و به تو پناه می برم ای خدا از وسوسه های

الشَّیْطٰنِ * وَ اَحْتَرِزُ بِسُلْطٰنِکَ مِنْ جَوْرِ السَّلَاطِیْنِ * فَتَقَبَّلْ مَا کَانَ

شیاطین * و در پناه سلطنت تو از ظلم و جور سلاطین امان می جویم * پس تو نماز و

مِنْ صَلَاتِیْ وَ صَوْمِیْ * وَ اجْعَلْ غَدِیْ وَ مَا بَعْدَهُ اَفْضَلَ مِنْ سَاعَتِیْ

روزه و طاعتم بپذیر * و فردا و پس فردای مرا نیکوتر از این ساعت و این روزم

وَ یَوْمِیْ * وَ اَعِزَّنِیْ فِی عَشِیْرَتِیْ وَ قَوْمِیْ * وَ اَحْفَظْنِیْ فِی یَقْظَتِیْ وَ نَوْمِیْ

قرار ده * و مرا در میان خویش و قبیله و قومم عزیز گردان * و از هر شری در خواب و بیداری محفوظم بدار

فَإِنَّتَ اللَّهُ خَيْرَ حَافِظًا * وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ

* که تویی خدای بهترین نگهبان خلق * و مهربانترین اهل عالم * خدایا به درگاه تو آمده

إِلَيْكَ فِي يَوْمِي هَذَا وَمَا بَعْدَهُ * مِنَ الْأَحَادِ * مِنَ الشَّرِكِ وَالْإِحَادِ *

* و بیزاری می‌جویم از امروز و همیشه ایام بعد آن از یکایک * شرک و کفر و کجروی *

وَأَخْلَصُ لَكَ دُعَائِي تَعَرُّضًا لِلْإِجَابَةِ * وَأَقِيمُ عَلَى طَاعَتِكَ رَجَاءً

* و به درگاهت به اخلاص دعا می‌کنم که در معرض اجابت قرار گیرد * و عمری بر طاعتت پایداری می‌کنم به امید

لِلثَّابَةِ * فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ خَيْرِ خَلْقِكَ الدَّاعِي إِلَى حَقِّكَ * وَأَعِزَّنِي

* ثواب تو * پس درود فرست بر محمد (ص) که بهترین خلق تو و خواننده خلق بسوی معرفت و توحید توست * و مرا عزیز گردان

بِعِزَّتِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ * وَاحْفَظْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ * وَاخْتَمِّ

* به عزت ابدی خود که ذلت از پی آن نیست * و محفوظ بدار به دیده خود که خواب نخواهد داشت * و کارم را به بریدن

بِالْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ أَمْرِي * وَبِالْمَغْفِرَةِ عُمْرِي * إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ *

* از خلق و توجه کامل به تو به پایان آورم * و عمرم را به آمرزش و مغفرت خود ختم کن * که تو بسیار بخشنده و مهربانی *

دعای روز دوشنبه: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

* به نام خدای بخشنده مهربان *

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُشْهَدْ أَحَدًا حِينَ فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ * وَلَا

* ستایش مخصوص خدایی است که هنگام خلقت آسمانها و زمین هیچکس را به حضور نخواست (و از مشورت بی‌نیاز بود) * و هنگام

اتَّخَذَ مُعِينًا حِينَ بَرَأَ النَّسَمَاتِ * لَمْ يُشَارِكْ فِي الْإِلَهِيَّةِ * وَلَمْ يُظَاهَرْ

* آفریدن جنبنندگان عالم معین و یاری نگرفت * در الهیت بی‌شریک و انباز * و در عین یکتایی (برای آفرینش

فِي الْوَحْدَانِيَّةِ * كَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ غَايَةِ صِفَتِهِ * وَالْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ

* عالم) از معاون بی‌نیاز بود * زبانها از حق وصفش عاجز * و عقلا از کنه معرفتش

مَعْرِفَتِهِ * وَتَوَاضَعَتِ الْجَبَابِرَةُ لِهَيْبَتِهِ * وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِخَشْيَتِهِ *

* مدهوش * و گردنکشان در مقام هیبتش خوار و متواضع * و بزرگان از هراس قهرش پست و حقیر *

وَأَنْقَادَ كُلِّ عَظِيمٍ لِعَظَمَتِهِ * فَلَكَ الْحَمْدُ مُتَوَاتِرًا مُتَسِقًا * وَمُتَوَالِيًا

* و هر بزرگی در مقابل عظمتش رام و ذلیل است * پس ستایش ابدی جامع و کامل * و پی در پی

مُسْتَوْسِقًا (مُسْتَوْثِقًا) * وَصَلَوَاتُهُ * عَلَى رَسُولِهِ أَبَدًا * وَسَلَامُهُ دَائِمًا *

* مخصوص توست * و درود ابدی * و تحیت دائمی تو بر رسول

سَرْمَدًا * اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِي هَذَا صَلاَحًا * وَ أَوْسَطَهُ * وَ فَلَاحًا *

تو باد * بار خدایا تو اول این روز را خیر و صلاح * و وسطش را فیروزی *

وَ آخِرَهُ وَ نِجَاحًا * وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمٍ أَوَّلُهُ وَ فَرْعٌ * وَ أَوْسَطُهُ وَ جَزَعٌ *

و آخرش را کامروایی بخش * و پناه می‌برم به تو از آن روزی که اول آن فرع و ترس * و وسطش جزع و فریاد *

وَ آخِرَهُ وَ وَجَعٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ نَذْرٍ نَذَرْتَهُ * وَ كَلِّ وَعْدٍ

و آخرش درد و رنج است * خدایا از تو آمرزش می‌طلبم از هر نذر * و عهد و

وَعْدَتِهِ * وَ كَلِّ عَهْدٍ عَاهَدْتَهُ * ثُمَّ لَمْ أَفِ بِهِ * وَ أَسْأَلُكَ فِي مَظَالِمِ

وعدای که کردم * و بدان وفا نکردم * و باز از تو درخواست می‌کنم در ظلمی که به بندگان تو کردم و حتی که

عِبَادِكَ عِنْدِي * فَإِيْمًا عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِكَ أَوْ أَمَةٍ مِنْ إِمَائِكَ * كَانَتْ لَهُ وَ

بر من دارند که به لطف و کرمت ادا فرمایی * پس هر کس از بندگان تو یا کنیزکان تو * که مظلومه‌ای از

قَبْلِي مَظْلَمَةٌ ظَلَمْتُهَا إِيَّاهُ فِي نَفْسِهِ * أَوْ فِي عَرَضِهِ أَوْ فِي مَالِهِ * أَوْ فِي

او بر من است که ستمی بر او کرده‌ام چه به شخص او * و چه به آبروی او یا در مال * و اهل و

أَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ * أَوْ غَيْبَةً اغْتَبْتَهُ بِهَا * أَوْ تَحَامُلٌ عَلَيْهِ بِمَيْلٍ أَوْ هَوًى

عیال او و فرزندان او * یا غیبتی از او کرده‌ام * یا بر او بار گرانی نهاده‌ام به سبب حب نفس یا هوای ریاست

* أَوْ أَنْفَةٍ أَوْ حَمِيَّةٍ * أَوْ رِيَاءٍ أَوْ عَصَبِيَّةٍ * غَائِبًا كَانِ أَوْ شَاهِدًا *

* یا به کبر و حسد * یا ریا و عصبیت * به هر کس ستم کرده‌ام از غائب و حاضر *

وَ حَيًّا كَانِ أَوْ مَيِّتًا * فَقَصْرَتْ يَدِي وَ ضَاقَ وَسْعِي عَنْ رَدِّهَا إِلَيْهِ *

و زنده و مرده * که دستم از ادای حق او کوتاه و مجالم از پرداختش تنگ است *

وَ التَّحَلُّلُ مِنْهُ * فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ يَمْلِكُ الْحَاجَاتِ * وَ هِيَ مُسْتَجِيبَةٌ

و نتوانم از او حلیت خواست * پس از تو ای کسی که مالک حوایج خلقی * و به محض خواست تو و در

لِمَشِيَّتِهِ * وَ مُسْرَعَةً إِلَى إِرَادَتِهِ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

آن اراده تو * همه حاجتها مستجاب است * از تو می‌طلبم که بر محمد و آل محمد (ص) درود فرستی

وَ أَنْ تُرْضِيَهُ عَنِّي بِمَا (بِسْمِ) شِئْتَ * وَ تَهَبَ لِي مِنْ عِنْدِكَ رَحْمَةً

* و آن بنده را که بر او ستمی کرده‌ام هر گونه خواهی از من راضی گردانی * و مرا از جانب خود رحمتی بی‌حد عطا کنی

إِنَّهُ * لَا تَنْقُصُكَ الْمَغْفِرَةُ * وَ لَا تُضْرِكُ الْمَوْهَبَةُ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

* که آمرزش تو را نقصان * و بخشش تو را زیان نرساند * ای مهربانترین عالم

اللَّهُمَّ أَوْلَنِي فِي كُلِّ يَوْمٍ اثْنَيْنِ نِعْمَتَيْنِ مِنْكَ تَنْتِنِ سَعَادَةً فِي

* خدایا به من در این روز دوشنبه دو نعمت از جانب خود عطا فرما * که آن دو یکی سعادت

أَوَّلِهِ بِطَاعَتِكَ * وَنِعْمَةً فِي آخِرِهِ بِمَغْفِرَتِكَ * يَا مَنْ هُوَ الْإِلَهُ

در اول روز به طاعت توست * و دوم نعمت در آخر روز به آمرزش تو * ای کسی که خدایی بس تو راست *

وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ سِوَاهُ

گناهان را جز تو کسی نتواند بخشید *

دعای روز سه شنبه: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

به نام خدای بخشنده مهربان *

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ حَقُّهُ * كَمَا يَسْتَحِقُّهُ وَحَمْدًا كَثِيرًا * وَأَعُوذُ بِهِ

حمد و ستایش مخصوص خدا و لایق او * و حق اوست چنان ستایشی که سزاوار اوست حمدی بسیار * و پناه می‌برم

مِنْ شَرِّ نَفْسِي * إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي * وَأَعُوذُ بِهِ

به خدا از شر نفس خود * زیرا نفس اماره انسان را به کارهای زشت ناروا سخت وامی‌دارد جز آنکه خدا به لطف خاص خود آدمی را نگهدارد * و پناه می‌برم

مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الَّذِي يَزِيدُنِي ذَنْبًا إِلَى ذَنْبِي * وَاحْتَرِزُ بِهِ مِنْ كُلِّ

به خدا از شر شیطان که پیوسته گناهی بر سر گناه من می‌افزاید * و به او پناه می‌برم از جور و ظلم

جَبَّارٍ فَاجِرٍ * وَسُلْطَانٍ ظَالِمٍ * وَدَشْمَنٍ قَوِيٍّ وَقَاهِرٍ * اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي

هر ستمکار فاجر * و سلطان ظالم * و دشمن قوی و قاهر * بار خدایا مرا از سپاه

مِنْ جُنْدِكَ * فَإِنَّ جُنْدَكَ هُمْ الْغَالِبُونَ * وَاجْعَلْنِي مِنْ حِزْبِكَ * فَإِنَّ

خود قرار ده * که سپاه تو منحصرأ همیشه فاتح و غالبند * و مرا از حزب خود مقرر فرما * که حزب

حِزْبِكَ هُمُ الْمَفْلُحُونَ * وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيَائِكَ * فَإِنَّ أَوْلِيَاءَكَ

تو منحصرأ پیوسته فیروزند * و مرا از دوستان خود قرار ده * که البته دوستان تو (در دو عالم) هیچ ترس

لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * اللَّهُمَّ اصْلِحْ لِي دِينِي فَإِنَّهُ عِصْمَةٌ

و غم و اندوهی در دل ندارند * خدایا دین مرا اصلاح فرما که دین مایه حفظ همه شئون

أَمْرِي * وَاصْلِحْ لِي آخِرَتِي فَإِنَّهَا دَارُ مَقَرِّي * وَالْيَهَا مِنْ مُجَاوِرَةِ

من است * و عالم آخرتم را اصلاح فرما که آنجا منزل ابدی من است * و جایگاه قرار من از آزار مردم

اللَّئَامِ مَقَرِّي * وَاجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ * وَالْوَفَاةَ رَاحَةً لِي مِنْ

پست دنیا است * و عمر و حیاتم را مایه زیادتی هر کار خیر قرار ده * و مرگم را موجب راحتی از

كُلَّ شَرِّ الشُّومِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * وَتَمَامِ عِدَّةِ الْمُرْسَلِينَ

هر گونه شرور گردان * خدایا درود فرست بر محمد (ص) ختم پیغمبرانت * و بر تمام عده رسولانت

وَ عَلَيَّ اَهْلِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ * وَ اَصْحَابِهِ الْمُتَجَبِّينَ * وَ هَبْ لِي

* و بر آل اطهار او که پاک و پاکیزگان عالمند * و بر اصحاب برگزیده او که از نیکان جهانند * و مرا در این

فِي الثُّلَاثِ ثَلَاثًا * لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ * وَ لَا غَمًّا اِلَّا اَذْهَبْتَهُ * وَ

روز سه شنبه سه چیز عطا فرما * نخست آنکه هر چه گناه کرده‌ام همه را ببخش * دوم هر غمی در دل دارم همه را زایل گردان *

وَ لَا اَعْدُوًّا اِلَّا دَفَعْتَهُ * وَ بِبِسْمِ اللّٰهِ خَيْرِ الْاَسْمَاءِ * بِسْمِ اللّٰهِ رَبِّ الْاَرْضِ

سوم هر دشمنی دارم تو دفع آن دشمن کن * به حق نام خدا که بهترین نامهاست * من به نام خدا که آفریننده زمین و

وَ السَّمَاءِ * اَسْتَدْفِعُ كُلَّ مَكْرُوهِ اَوَّلِهِ * وَ سَخَطِهِ * وَ اَسْتَجْلِبُ كُلَّ

آسمان است * از خود دفع همه گونه شر و ناگواریها می‌کنم که اول آنها غضب خداست * و هم به نام او که محبوب است

مَحْبُوبِ اَوَّلِهِ * وَ رِضَاَهُ * فَ اَخْتَمُ لِي مِنْكَ بِالْغُفْرَانِ يَا وَلِيَّ الْاِحْسَانِ *

می‌طلبم که اول آنها رضای خداست * پس تو ای خدای صاحب کرم و احسان ختم کار مرا از نزد خود مغفرت و آمرزش فرما *

دعای روز چهارشنبه: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ *

به نام خدای بخشنده مهربان *

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ لِبَاسًا * وَ النَّوْمَ سُبَاتًا * وَ جَعَلَ النَّهَارَ

ستایش مخصوص خداست که شب را لباس و پوشش خلق قرار داد * و خواب را قوت و آسایش مردم * و روز را برای جنبش

نَشُورًا * لَكَ الْحَمْدُ اَنْ بَعَثْتَنِي مِنْ مَرَقَدِي * وَ لَوْ شِئْتَ جَعَلْتَهُ * وَ

و کار * ای خدا تو سزاوار حمدی که مرا از خوابگاهم برانگیختی * و اگر می‌خواستی خواب مرا ابدی

سَرْمَدًا * حَمْدًا دَائِمًا لَا يَنْقَطِعُ اَبَدًا * وَ لَا يُحْصِي لَهٗ اَلْمَخْلَاقُ عَدَدًا

قرار می‌دادی * آن حمدی که دائم و پیوسته و بی‌حد و ابدی است * و خلائق شمار آن نتوانند (و ندانند)

* اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ اَنْ خَلَقْتَ فَسَوَّيْتَ * وَ قَدَّرْتَ وَ قَضَيْتَ * وَ اَمَّتْ

* ای خدا ستایش تو را سزا باشد که عالم را خلق کردی و نیکو آراستی * و هر چیزی را حدی مقدر کردی و سرنوشتی مقرر فرمودی * تو میراندی

وَ اَحْيَيْتَ * وَ اَمْرَضْتَ وَ شَفَيْتَ * وَ عَافَيْتَ وَ اَبْلَيْتَ * وَ عَلَيَّ

و زنده کردی * و بیمار کردی و شفا بخشیدی * و سلامتی دادی و مبتلا ساختی * تو بر

الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ * وَ عَلَيَّ الْمَلِكِ اِحْتَوَيْتَ * اَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ

کل عالم حاکمی * و بر تمام ملک وجود متصرف و محیطی * ای خدا تو را به دعا می‌خوانم

ضَعَفَتْ وَسَيْلَتُهُ * وَانْقَطَعَتْ حَيْلَتُهُ * وَاقْتَرَبَ أَجَلُهُ * وَتَدَانِي

مانند کسی که وسیله او ضعیف شده * و کارش به بیچارگی کشیده * و اجلش نزدیک گردیده * و آرزویش در

فِي الدُّنْيَا اَمَلُهُ * وَاشْتَدَّتْ اِلَى رَحْمَتِكَ فَاقْتَهُ * وَعَظُمَتْ

دنیا تدریجاً اندک شده * و حاجتمندی‌اش به رحمت و کرم تو بسیار شدت یافته * و به سبب تقصیر در طاعت،

لِتَفْرِيطِهِ حَسْرَتُهُ * وَكَثُرَتْ زَلَّتُهُ وَوَعَثْرَتُهُ * وَخَلَصَتْ لِرُوحِكَ

اندوه و حسرتش عظیم * و لغزش و خطایش بسیار است * و با توبه خالص به ذات بزرگوار تو

تَوَبَّتُهُ * فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * وَ عَلَيَّ اَهْلِ بَيْتِهِ

روی آورده است * پس درود فرست بر محمد (ص) خاتم رسولان * و بر اهل بیت او که

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ * وَارْزُقْنِي شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

پاکان و پاکیزگان عالمند * و شفاعت محمد صلی الله علیه و آله را روزی

وَءَالِهِ * وَلَا تَحْرِمْنِي صُحْبَتَهُ * اِنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * اَللّٰهُمَّ

من گردان * و مرا از صحبت او محروم مگردان * (و کرم فرما) که مهربانترین مهربانان عالم تویی * بار خدایا

اَقْضِ لِي فِي الْاَرْبَعَاءِ اَرْبَعًا * اجْعَلْ قُوَّتِي فِي طَاعَتِكَ * وَنَشَاطِي فِي

در این روز چهارشنبه بر من چهار چیز مقرر فرما * و مرا در طاعت خود نیرومند کن * و در عبادتت با نشاط

عِبَادَتِكَ * وَرَغْبَتِي فِي ثَوَابِكَ * وَزُهْدِي فِيمَا يُوجِبُ لِي اَلِيْمَ عِقَابِكَ

گردان * و در هوایت راغب و مشتاق ساز * و از آنچه موجب عذاب دردناک توست دور و بی‌رغبت فرما

اِنَّكَ لَطِيْفٌ لِّمَا تَشَاءُ *

* (و لطف کن) که تو را هر چه خواهی، لطف و رحمت نامنتها است *

دعای روز پنجشنبه: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ *

به نام خدای بخشنده مهربان *

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَذْهَبَ اللَّيْلَ مُظْلَمًا بِقُدْرَتِهِ * وَجَاءَ بِالنَّهَارِ

ستایش مخصوص خداست که شب تار را به قدرت کامله از جهان ببرد * و روز روشن را از لطف و رحمت به جای آن بیاورد

مُبْصَرًا بِرَحْمَتِهِ * وَكَسَانِي ضِيَاءَهُ * وَ اَنَا فِي نِعْمَتِهِ * اَللّٰهُمَّ فَكَمَا

* و روشنی روز پس از شب تار مرا فرا گرفت در حالی که متنعم به نعمت اویم * ای خدا چنانکه مرا برای

اَبْقَيْتَنِي لَهُ * فَابْقِنِي لِامْتَالِهِ * وَصَلِّ عَلَيَّ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَءَالِهِ * وَلَا

این روز باقی داشتی برای روزهای بسیار مثل این روز هم باقی بدار * و درود بر پیغمبر محمد (ص) و آل او فرست * و مرا

تَفَجَعَنِي فِيهِ وَ فِي غَيْرِهِ مِنَ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ بِارْتِكَابِ الْمَحَارِمِ *

در این روز و شبان و روزان دیگر مبتلا مگردان به غم و درد و اندوه به سبب ارتکاب افعال حرام *

وَ اِكْتِسَابِ الْمَآثِمِ * وَ ارْزُقْنِي خَيْرَهُ * وَ خَيْرَ مَا فِيهِ وَ خَيْرَ مَا بَعْدَهُ * وَ

و کسب گناهان * و هر خیری که بر این روز * و در این روز و بعد از این روز مقدر کرده‌ای مرا نصیب گردان

* وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ * وَ شَرَّ مَا فِيهِ وَ شَرَّ مَا بَعْدَهُ * اللَّهُمَّ اِنِّي بِذِمَّةِ

* و هر شری بر این روز و در این روز و بعد از این روز است از من رفع فرما * خدایا من به عهد و

الْاِسْلَامِ اتَّوَسَّلُ اِلَيْكَ * وَ بِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ اَعْتَمِدُ عَلَيْكَ * وَ بِمُحَمَّدِ

رشته اسلام به درگاه تو متوسل * و به حرمت و عظمت قرآن بر درگاه تو متکی هستم * و به مقام حضرت محمد

الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ اَسْتَشْفِعُ لَدَيْكَ * فَاعْرِفْ اللَّهُمَّ

مصطفی صلی الله علیه و آله نزد تو شفاعت می‌طلبم * پس بار خدایا کاری که

ذِمَّتِي الَّتِي رَجَوْتُ بِهَا قَضَاءَ حَاجَتِي * يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ

به بر آمدن حاجتم امیدوار کند مرا بیاموز * ای مهربانترین مهربانان عالم * بار خدایا

اقْضِ لِي فِي الْاَحْمِيسِ خَمْسًا * لَا يَتَّسِعُ لَهَا اِلَّا كَرْمُكَ * وَ لَا يُطِيقُهَا اِلَّا

در این روز پنجشنبه پنج چیز بر من مقدر فرما * که جز کرم تو گنجایش آن ندارد * و جز نعمتهای بی‌پایان

نِعْمِكَ * سَلَامَةً اَقْوَى بِهَا عَلَي طَاعَتِكَ * وَ عِبَادَةً اَسْتَحِقُّ بِهَا

تو طاقت آن نیابد * نخست آنکه سلامتی بخش که بر طاعتت توانا باشم * دیگر به عبادتی موفقم کن که به آن

جَزِيلٌ مَثُوبَتِكَ * وَ سَعَةً فِي الْحَالِ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ * وَ اَنْ تُوَمِّنَنِي فِي

مستحق ثواب عظیم تو شوم * دیگر در حال من رزق وسیع از طریق حلال نصیب فرما * دیگر مرا در مواضع

مَوَاقِفِ الْخَوْفِ بِاَمْنِكَ * وَ تَجْعَلَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْهُمُومِ وَ الْغُمُومِ فِي

بیمناک به امان خود ایمن گردان * دیگر مرا از حوادث پر غم و اندوه عالم در پناه

حِصْنِكَ * وَ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ ءَالِ مُحَمَّدٍ * وَ اجْعَلْ تَوْسُلِي بِهِ

خود آور * و درود بر محمد (ص) و آل محمد فرست * و توسل مرا به آن بزرگوار شفیع من قرار ده

شَافِعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَافِعًا * اِنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ *

و سودمند برای سفر آخرتم گردان * زیرا تنها تویی که مهربانترین مهربانان عالمی *

دعای روز جمعه: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

به نام خدای بخشنده مهربان *

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ الْإِنشَاءِ وَالْإِحْيَاءِ * وَالْآخِرِ بَعْدَ فَنَاءِ الْأَشْيَاءِ

ستایش مخصوص خداست که اول است پیش از ایجاد جهان و احیاء زندگان * و آخر است پس از فنا و زوال موجودات عالم

الْعَلِيمِ الَّذِي لَا يَنْسِي مِنْ ذِكْرِهِ * وَلَا يَنْقُصُ مِنْ شُكْرِهِ * وَلَا

* دانایی است که هرگز چیزی فراموش نکند * و از نعمتش بر شکرگزاران کم نگذارد * و کسی که

يَخِيبُ مَنْ دَعَاهُ * وَلَا يَقْطَعُ رَجَاءَ مَنْ رَجَاهُ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ

دعا کند به درگاهش محروم ننماید * و کسی که به او چشم امید دارد ناامید نگرداند * خدایا تو را گواه می‌گیرم

وَ كَفَى بِكَ شَهِيدًا * وَ أَشْهَدُ جَمِيعَ مَلَائِكَتِكَ وَ سَكَّانِ (سَكَّانِ)

گواهی تو کافی است * و باز گواه می‌گیرم جمیع فرشتگان تو و ساکنان آسمانها

سَمَاوَاتِكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ * وَ مَنْ بَعَثْتَ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَ رَسُلِكَ

و حاملان عرش تو را * و پیغمبران و رسولانی که مبعوث بر خلق فرمودی

وَ أَنْشَأْتَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ * أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

* و هر چه از انواع گوناگون خلق که آفریدی همه را گواه می‌گیرم * و گواهی می‌دهم که تویی خدای عالم و جز تو هیچ خدایی

أَنْتَ * وَ حُدُّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ * وَ لَا عَدِيلَ * وَ لَا خَلْفَ لِقَوْلِكَ * وَ لَا

نیست * تو یکتا و بی‌شریک و بی‌مثل و ماندی * قول تو را خلاف و تغییری نخواهد

تَبْدِيلَ * وَ أَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ * أَدَّى

بود * و گواهی می‌دهم که حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده (خاص) تو و پیغمبر (بزرگ) توست * هر چه از بار وحی و رسالت

مَا حَمَلْتَهُ * وَ إِلَى الْعِبَادِ * وَ جَاهَدَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَقَّ الْجِهَادِ * وَ أَنَّهُ

به دوش او نهادی همه را به بندگان تو رسانیدی * و در راه (اطاعت) خدای عز و جل، حق کوشش را بجای آورد * و او به

بَشَرٍ بِمَا هُوَ حَقٌّ مِنَ الثَّوَابِ * وَ أَنْذَرَ بِمَا هُوَ صِدْقٌ مِنَ الْعِقَابِ *

آنچه از ثواب نعمتهای هستی حق و حقیقت بود به خلق بشارت داد * و به آنچه صدق بود از عقاب و عذابهای دوزخ بترسانید *

اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ مَا أَحْيَيْتَنِي * وَ لَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي

بار خدایا مرا در دین خود تا زنده‌ام خواهم که ثابت بداری * و به ظلمت گمراهی دلم را تاریک مگردان پس از آنکه به نور هدایت روشن ساختی

وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً * إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ * صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ

* و از جانب خود رحمت عطا فرما * که همانا تویی بخشنده بی‌عوض * خدایا درود فرست

وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ * وَ اجْعَلْنِي مِنْ اتِّبَاعِهِ وَ شِيعَتِهِ * وَ احْشُرْنِي فِي

بر محمد و آل محمد * و مرا از پیروان و شیعیان آن حضرت قرار ده * و در زمره آن بزرگوار در

زَمْرَتِهِ * وَ وَفَّقْنِي لِادَاءِ فَرَضِ الْجُمُعَاتِ وَ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيَّ فِيهَا

قیامت محشور گردان * و مرا توفیق ده بر اداء فریضه روزهای جمعه و بر طاعتهایی که در این روز

مِنَ الطَّاعَاتِ * وَقَسَمْتَ لِأَهْلِهَا مِنَ الْعَطَاءِ فِي يَوْمِ الْجُزَاءِ

بر من واجب نموده‌ای * و بر عطاهایی که در آن برای اهلس در روز جزا نصیب گردانیده‌ای موفق بدار *

إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ *

که همانا تویی یکتا خدای مقتدر حکیم *

دعای روز شنبه: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ *

به نام خدای بخشنده مهربان *

بِسْمِ اللّٰهِ كَلِمَةً (كَلِمَةً) الْمُعْتَصِمِينَ * وَمَقَالَةَ الْمُتَحَرِّزِينَ * وَ أَعُوذُ

به نام خدا که ورد زبان پاکان از گناه * و ذکر دایم پرهیزکاران عالم است * و به خدای تعالی

بِاللّٰهِ تَعَالَى مِنْ جَوْرِ الْمُجَائِرِينَ * وَ كَيْدِ الْحَاسِدِينَ * وَ بَغْيِ الظَّالِمِينَ

پناه می‌برم از جور ستمکاران * و مکر حسودان * و ظلم بیدادگران جهان

* وَ أَحْمَدُهُ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ * اللَّهُمَّ أَنْتَ الْوَاحِدُ بِلَا شَرِيكَ * *

* و حمد می‌کنم او را فوق حمد ستایش کنندگان * خدایا تویی یگانه بی‌شریک و انباز *

وَ الْمَلِكُ بِلَا تَمْلِكِ * لَا تَضَادُ فِي حُكْمِكَ * وَ لَا تَنَازِعُ فِي مَلِكِكَ * *

و پادشاه از ملک جهان بی‌نیاز * که هیچکس به ضدیت فرمان تو * و به نزاع در سلطنت بر نخیزد *

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ * وَ أَنْ تُوزِعَنِي مِنْ

از تو درخواست می‌کنم که بر محمد (ص) بنده (خاص) و پیغمبر بزرگت رحمت فرستی * و مرا شکر نعمتهایت

شُكْرَ نِعْمَاكَ مَا تَبْلُغُ بِي غَايَةَ رِضَاكَ * وَ أَنْ تُعِينَنِي عَلَيَّ طَاعَتِكَ

چنان بیاموزی که به منتهای خوشنودیت نائل گردم * و نیز مرا بر طاعت خود یاری کنی

وَ لَزُومِ عِبَادَتِكَ * وَ اسْتِحْقَاقِ مَثُوبَتِكَ بِلُطْفِ عِنَايَتِكَ * *

و بر ملازمت بندگیت * و استحقاق ثوابت به لطف و عنایت مدد فرمایی *

وَ تَرْحَمَنِي بِصَدِّي (وَ صِدِّي) عَنِ مَعْصِيَتِكَ مَا أَحْيَيْتَنِي * وَ تَوْفَّقْنِي لِمَا

و بر من ترحمی کنی که مرا در همه عمر از معصیت بر طاعت خود اعراض دهی * و مادامی که در این جهانم باقی

يَنْفَعُنِي مَا أَبْقَيْتَنِي * وَ أَنْ تَشْرَحَ بَكِتَابِكَ صَدْرِي * وَ تَحْطَّ بِتِلَاوَتِهِ

می‌داری به کاری موفقم بدار که مرا سودمند باشد * و به علوم و اسرار کتاب خود مرا شرح صدر عطا کن * و به قرائت قرآن گناهم

وَزْرِي * وَتَمَنِّحَنِي السَّلَامَةَ فِي دِينِي وَنَفْسِي * وَلَا تُوحِشْ بِي أَهْلَ

را محو گردان * و در دین و ایمان جسم و جانم را سلامت بخش و خلقم را خوش کن * که آنان که باید با من انس گیرند از

أَنْسِي * وَتَتَمَّ احْسَانَكَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي * كَمَا أَحْسَنْتَ

من وحشت نکنند * و با من چنانکه در گذشته عمر احسان کردی * در بقیه عمر هم

فِيمَا مَضَى مِنْهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

لطف و احسان فرما ای مهربانترین مهربانان عالم *

فصل چهارم:

در فضیلت و اعمال شب و روز جمعه

* بدان که شب و روز جمعه را امتیاز تام است از سایر لیالی و ایام به مزید رفعت و شرافت و نباهت * از رسول

خدا (ﷺ) روایت شده که شب جمعه و روز جمعه بیست و چهار ساعت است و در هر ساعت حق تعالی ششصد

هزار کس را از جهنم آزاد کند * و از حضرت صادق (ع) وارد شده که هر که بمیرد ما بین زوال روز پنجشنبه تا

زوال روز جمعه خدا پناه دهد او را از فشار قبر * و نیز از آن حضرت منقول است که جمعه را حقی و حرمتی

عظیم هست پس زنهار که ضایع نگردانی حرمت آن را و تقصیر مکن در چیزی از عبادت حق تعالی در آن روز و

تقرب جو بسوی خدا به عمل های شایسته و ترک نما جمیع محرّمات خدا را زیرا که خدا ثواب طاعات را

مضاعف می گرداند و عقوبت گناهان را محو می نماید و درجات مؤمنان را در دنیا و عقبی بلند می گرداند *

و شبش در فضیلت مانند روز است اگر توانی که شب جمعه را زنده داری به نماز و دعا تا صبح بکن به درستی که

خداوند عالم در شب جمعه ملائکه را برای مزید کرامت مؤمنان به آسمان اول می فرستد که حسنات ایشان را

زیاده گردانند و گناهان ایشان را محو کنند و حق تعالی واسع العطا و کریم است * و نیز در حدیث معتبر از



حضرت مروی است که گاه هست که مؤمن دعا می کند برای حاجتی و حق تعالی قضای حاجت او را تاخیر


می کند تا اینکه در روز جمعه حاجت او را بر آورد و برای فضیلت جمعه مضاعف گرداند * و فرمود که چون

برادران یوسف (ع) از حضرت یعقوب (ع) استدعای طلب آمرزش گناهان خود کردند گفت سَوْفَ

أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي یعنی (بعد از این استغفار خواهم کرد برای شما از پروردگار خود) حضرت فرمود که تأخیر






کرد که در سحر شب جمعه دعا کند تا مستجاب گردد ❀ و نیز از آن حضرت مروی است که چون شب جمعه می آید ماهیان دریا سر از آب بیرون می آورند و وحشیان صحرا گردن می کشند و حقّ تعالی را ندا می کنند که پروردگارا ما را عذاب مکن به گناه آدمیان ❀ و از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) منقول است که حقّ سبحانه و تعالی امر می نماید ملکی را که در هر شب جمعه از بالای عرش ندا می کند از اوّل شب تا آخر شب از جانب ربّ اعلی که آیا بنده مؤمنی هست که پیش از طلوع صبح برای آخرت و دنیای خود مرا بخواند تا من دعای او را مستجاب کنم آیا بنده مؤمنی هست که پیش از طلوع صبح از گناه خود توبه کند پس من توبه او را قبول کنم آیا بنده مؤمنی هست که من روزی او را تنگ کرده باشم و از من سؤال کند که روزی او را زیاد گردانم پیش از طلوع صبح پس روزی او را گشاده گردانم آیا بنده مؤمن بیماری هست که از من سؤال کند پیش از طلوع صبح که او را شفا دهم تا او را عافیت کرامت کنم آیا بنده مؤمن غمگین محبوسی هست که پیش از طلوع صبح از من سؤال کند که او را از زندان رها کنم و غمش را فرج دهم پس دعایش را مستجاب گردانم آیا بنده مؤمن مظلومی هست که از من سؤال کند پیش از صبح برای دفع ستم ظالم تا من از برای او انتقام بکشم و حقّش را به او برگردانم پیوسته این ندا را می کند تا طلوع صبح ❀ و از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) منقول است که حقّ تعالی جمعه را از همه روزها برگزیده و روزش را عید گردانیده و شبش را مثل روزش گردانیده ❀ و از جمله فضیلت روز جمعه آن است که هر حاجت که در آنروز از خدا سؤال کنند برآورده می شود و اگر جماعتی مستحقّ عذاب شوند چون شب جمعه و روز جمعه را دریابند و دعا کنند خدا آن عذاب را از ایشان برمی گرداند و امور مقدّره را حقّ تعالی در شب جمعه مبرم و محکم می گرداند پس شب جمعه بهترین شبها و روزش بهترین روزها است ❀ و از حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده که پرهیزید از گناه در شب جمعه که عقوبت گناهان در آن شب مضاعف است چنانچه ثواب حسنات، مضاعف است و هر که معصیت خدا را در شب جمعه ترک کند حقّ تعالی گناهان گذشته او را ببامزد و هر که در شب جمعه معصیتی را علانیه بکند حقّ تعالی او را به گناهان جمیع عمرش عذاب کند و عذاب آن گناه را بر او مضاعف کند ❀ و به سند معتبر از حضرت امام رضا (علیه السلام) منقول است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود که روز جمعه سیّد و بزرگتر روزها است حقّ تعالی در آن روز ثواب حسنات را مضاعف می دهد و گناهان را محو می نماید و درجات را بلند می گرداند و دعوات را مستجاب می گرداند و شدّت ها و غمها را زایل می گرداند و


حاجت‌های بزرگ را برمی‌آورد و روز مزید است که خدا رحمت‌های خود را نسبت به بندگان زیاد می‌گرداند و جماعت بسیار از آتش جهنم آزاد می‌سازد پس هر که بخواند خدا را در آن روز و بشناسد حق و حرمت آن را حق است بر خداوند تعالی که او را از آتش جهنم آزاد گرداند پس اگر در روز جمعه یا شب آن بمیرد، ثواب شهیدان دارد و در قیامت ایمن از عذاب الهی مبعوث می‌گردد و هر که استخفاف به حرمت جمعه نماید و حق او را ضایع گرداند که نماز جمعه به جا نیاورد یا محرّمات الهی را در آن به عمل آورد بر خدا لازم است که او را به آتش جهنم بسوزاند مگر آنکه توبه کند  و به سندهای بسیار معتبر از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) منقول است که آفتاب طالع نگردیده است در روزی که بهتر از روز جمعه باشد و چون مرغان در روز جمعه به یکدیگر برمی‌خورند سلام می‌کنند و می‌گویند امروز روز شایسته‌ای است  و به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که هر که روز جمعه را دریابد باید که به کاری به غیر از عبادت مشغول نگردد زیرا که در آن روز خدا گناه بندگان را می‌آمرزد و رحمت خود را بر ایشان نازل می‌گرداند و فضایل شب و روز جمعه زیاده از آن است که در این مختصر ذکر شود.

اما اعمال شب جمعه: پس آن بسیار است و ما در اینجا اکتفا می‌کنیم بذکر چند عمل  اول: بسیار گفتن

سُبْحَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و بسیار صلوات فرستادن همانا روایت شده

پاک و منزّه است خدا و خدا بزرگتر از حد و وصف است و خدایی جز آن ذات یکتا نیست

که جمعه شبش نورانی است و روزش بسیار روشن پس بسیار بگوئید: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و بسیار صلوات بفرستید بر محمد و آل محمد (علیهم السلام).  و در روایت دیگر اقل صلوات در این شب صد مرتبه است و آنچه زیاده کنی بهتر است  و از حضرت صادق (علیه السلام) مروی است که صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) در شب جمعه برابر است با هزار حسنه و محو می‌کند هزار سیئه را و بالا می‌برد هزار درجه  و مستحب است که بسیار صلوات بفرستند بر محمد و آل محمد صلوات اللّٰهِ عَلَيْهِمْ بعد از نماز عصر روز پنجشنبه تا آخر روز جمعه  و به سند صحیح از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که چون عصر روز پنجشنبه می‌شود ملائکه از آسمان به زیر می‌آیند با قلم‌های طلا و صحیفه‌های نقره و نمی‌نویسند در پسین پنجشنبه و شب جمعه و روز جمعه تا آفتاب غروب کند به غیر از صلوات بر محمد و آل محمد  و شیخ طوسی فرموده که


مستحب است در روز پنجشنبه صلوات فرستادن بر پیغمبر (ﷺ) هزار مرتبه  و مستحب است آنکه بگوید

در آن: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** * و **عَجِّلْ فَرَجَهُمْ** * و **وَأَهْلِكَ**

بار خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد * و تعجیل فرما فرج ایشان را * و نابود و

عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأُولَىٰ وَالْآخِرِينَ و گفتن این صلوات صد مرتبه از

هلاک گردان دشمن ایشان را از جن و انس از خلق اولین و آخرین *

بعد عصر پنجشنبه تا آخر روز جمعه فضیلت بسیار دارد  و نیز شیخ فرموده مستحب است که در آخر روز

پنجشنبه استغفار کنند به این نحو: **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ** *

از خدای یکتا که هیچ خدایی جز آن ذات زنده پاینده ابد نیست آمرزش می طلبم *

وَآتُوبُ إِلَيْهِ تَوْبَةً عَبْدٍ خَاضِعٍ مَسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ * **لَا يَسْتَطِيعُ**

و به درگاه او از گناه به توبه باز می گردم * توبه بنده ای که خاضع به درگاه توست و فقیر و عاجز و ناتوان است * که از خود

لِنَفْسِهِ صَرَفًا وَلَا عَدْلًا * **وَلَا نَفْعًا وَلَا ضَرًّا** * **وَلَا حَيَاةً وَلَا مَوْتًا**

رفع شری نتواند کرد * و نیز بر سود و زیان * و موت و حیات و خیر و شر خود










وَلَا نَشُورًا * **وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعِثْرَتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ**

قادر نیست * و بر محمد (ص) و عترت پاکش که همه

الْأَخْيَارِ الْأَبْرَارِ * **وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا**  دویم: آنکه در شب جمعه این سوره ها را بخواند


از نیکان و برگزیدگان عالمند * درود و تحیت فراوان فرست. *


که از برای هر یک فواید و ثواب بسیار روایت شده:  بنی اسرائیل  کهف  سه طسین  الم سجده

 یس  ص  أَحْقَاف  واقعة  حم سجده  حم دُخان  طور  اقْتَرَبَتْ  جمعه

و اگر فرصت ندارد اختیار کند و سوره های قبل آن را زیرا که روایت شده از حضرت صادق (علیه السلام) که هر که در هر

شب جمعه سوره بنی اسرائیل بخواند نمیرد تا به خدمت حضرت قائم (علیه السلام) برسد و از اصحاب آن حضرت باشد

 و فرمود که: هر که سوره کهف را در هر شب جمعه بخواند نمیرد مگر شهید و حق تعالی او را در روز قیامت با

شهداء محشور گرداند و با ایشان باز دارد  و فرمود که: هر که هر سه طسین را در شب جمعه بخواند از دوستان

خدا باشد و در امان و حمایت حق تعالی باشد و فقرو تنگدستی در دنیا به او نرسد و در آخرت خدا از بهشت

آنقدر به او عطا کند که او راضی گردد و زیاده از رضا به او کرامت فرماید و صد زن از حوریان بهشت به او تزویج نماید ❁ و فرمود که: هر که سوره الم سجده در هر شب جمعه بخواند حقّ تعالی در قیامت نامه او را به دست راست او دهد و او را بر اعمال او حساب نکند و از رفقاء محمّد و آل او (علیّه السلام) باشد ❁ و به سند معتبر از حضرت باقر (علیّه السلام) منقول است که: هر که سوره ص را در شب جمعه بخواند از خیر دنیا و عقبی آنقدر به او عطا کنند که نداده باشند مگر به پیغمبر مرسل یا ملک مقرب و داخل بهشت گردانند او را با هر که خواهد از اهل خانه او حتی خادمی که او را خدمت کرده است اگر چه داخل عیال او نباشد و در حدّ شفاعت کردن او نباشد ❁ و از حضرت صادق (علیّه السلام) منقول است که: هر که در شب جمعه یا روز جمعه سوره أَحْقَافَ را بخواند در دنیا به او ترسی و بیمی نرسد و در آخرت از فزع و ترس روز قیامت ایمن باشد ❁ و فرمود که: هر که هر شب جمعه سوره واقعه را بخواند خدا او را دوست دارد و او را محبوب گرداند و در دنیا بد حالی و تنگدستی نبیند و هیچ آفت از آفات دنیا به او نرسد و از رفقاء حضرت امیر المؤمنین (علیّه السلام) باشد و این سوره مخصوص امیر المؤمنین (علیّه السلام) است ❁ و روایت است که: هر که بخواند سوره جمعه را در هر شب جمعه خواهد بود کفّاره مابین جمعه تا جمعه دیگر ❁ و همین فضیلت وارد شده از برای کسی که سوره کهف را در هر شب جمعه بخواند و همچنین برای کسی که آن را بعد از ظهر و عصر روز جمعه بخواند ❁ و بدان که نمازهای بسیار در شب جمعه وارد شده از آن جمله نماز حضرت امیر المؤمنین (علیّه السلام) و دیگر دو رکعت نماز در هر رکعت حمد و پانزده مرتبه اِذَا زُلْزِلَتْ، روایت شده که هر که این نماز را به جا آورد ایمن کند خدا او را از عذاب قبر و از هول های روز قیامت. ❁ ۳ سیّم: آنکه در رکعت اول نماز مغرب و عشاء سوره جمعه بخواند و در دویم مغرب توحید و در دویم عشاء اَعْلَى بخواند. ❁ ۴ چهارم: آنکه ترک کند خواندن شعر را زیرا که در حدیث صحیح از حضرت صادق (علیّه السلام) منقول است که: مکروه است روایت شعر برای روزه دار و مُحْرِم و در حرم و در روز جمعه و شب ها راوی گفت هر چند شعر حقی باشد فرمود هر چند شعر حقّ باشد ❁ و در حدیث معتبر از حضرت صادق (علیّه السلام) منقول است که: حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود که هر که یک شعر بخواند در شب جمعه یا در روز جمعه در آن شب و در آن روز بهره ای از ثواب به غیر آن نداشته باشد ❁ و به روایت معتبر دیگر در آن شب و آن روز نمازش مقبول نگردد ❁ ۵ پنجم: دعاء در حقّ مؤمنین بسیار کند چنانکه حضرت زهراء (علیها السلام) می نموده و اگر از برای ده نفر از برادران مؤمن که مرده باشند طلب آمرزش کند روایت شده که

بهشت برای او واجب گردد ﴿۶﴾ ششم: آنکه بخواند دعاهای وارده در آن را و آنها بسیار است و ما به ذکر قلیلی از آنها اکتفا می‌نمائیم ﴿۷﴾ به‌سند صحیح از حضرت صادق (علیه‌السلام) منقول است که: هر که در شب جمعه در سجده آخر نافله شام هفت مرتبه این دعا را بخواند چون فارغ شود آمرزیده شده باشد ﴿۸﴾ و اگر در هر شب چنین کند بهتر

است و دعا این است: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ * وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ**

بار خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق ذات بزرگوارت * و نام بزرگت

* **أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمِ ﴿۹﴾**

* که بر محمد و آل محمد (ص) رحمت فرستی و از گناه بزرگ من درگذری. *

و از حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) منقول است که: هر که هفت مرتبه این دعا را بخواند در شب جمعه یا روز جمعه اگر در

آن شب یا آن روز بمیرد داخل بهشت شود و دعا این است: **اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ**

خدایا تویی پروردگار من * و جز تو خدایی نیست

* **خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ * وَفِي قَبْضَتِكَ وَنَاصِيَّتِي بِيَدِكَ**

* تو آفریدی مرا و من بنده تو و فرزند کنیز توام * و در سرنجه قدرتت زبونم و موی جبین من به دست توست

* **أَمْسَيْتُ عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ * أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ شَرِّ**

* و به عهد تا بتوانم روز را شب می‌کنم * و از سر هر چه بد کرده‌ام به درگاه رضای تو

مَا صَنَعْتُ * أَبِؤُ بِنِعْمَتِكَ (بِعَمَلِي) وَ أَبِؤُ بِذَنْبِي (بِذُنُوبِي) * فَاغْفِرْ لِي

پناه می‌آورم * هی به من نعمت فرا می‌رسد و از من معصیت صادر می‌شود * پس گناهانم به کرم‌ت

ذُنُوبِي * إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ ﴿۱۰﴾ و شیخ طوسی و سید و کفعمی و سید بن

ببخش * که کسی جز تو گناهانم را نتواند بخشید. *

باقی‌گفته‌اند که مستحب است در شب جمعه و روز آن و شب عرفه و روز آن این دعا بخوانند و ما دعا را از

مصباح شیخ نقل می‌کنیم و دعا این است: **اللَّهُمَّ مِنْ تَعَبًا وَتَهِيًّا * وَاعْدًا وَاسْتِعْدًا**

خدایا هر کس برای ورود بر مخلوقی * به امید لطف و احسانی خود را مهیا ساخته

* **لِوَفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رَفْدِهِ وَطَلَبَ نَائِلِهِ وَجَائِزَتَهُ * فَالِيكَ يَا**

* و برای جایزه و عطا می‌رود و خود را برای عرض حاجت آماده و مستعد می‌گرداند * من هم

رَبِّ تَعَبِيَّتِي وَاسْتِعْدَادِي * رَجَاءَ عَفْوِكَ وَطَلَبَ نَائِلِكَ وَجَائِزَتِكَ

ای خدا اینگونه به درگاه تو آمده * به امید عفو تو و درخواست عطای تو و جایزه و احسان تو

فَلَا تُخَيِّبْ دُعَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ (السَّائِلُ) * وَلَا يَنْقُصُهُ *

* پس مرا در دعا محروم مکن ای کسی که هیچ سائلی را از درت محروم نخواهی کرد * و عطایت کم

نَائِلٌ * فَاِنِّي لَمْ اَتِكَ ثِقَةً بِعَمَلٍ صَالِحٍ عَمِلْتَهُ * وَلَا لَوْفَادَةِ مَخْلُوقٍ

نخواهد گشت * ای خدا من نه به اعتماد بر عمل نیک خود به درگاه تو آمدهام * و نه به هیچ مخلوقی وارد شده

رَجَوْتَهُ * اَتَيْتُكَ مُقِرًّا عَلَى نَفْسِي بِالْاِسَاءَةِ وَالظُّلْمِ * مُعْتَرِفًا بِاَنَّ

و امیدی دارم * بلکه به درگاه تو به اقرار بدکاری و ستم بر نفس خود آمدهام * و اعتراف می‌کنم که

لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُدْرَ * اَتَيْتُكَ اَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ (عَلَوْتَ)

هیچ حجت و عذری بر گناه خود ندارم * پس به درگاهت به امید عفو عظیمت آمدهام آن عفو و احسانی که

بِهِ عَنِ (عَلَى) الْمُخَاطِبِينَ (الْمُخْطَبِينَ) * فَلَمْ يَمْنَعْكَ طَوْلُ عَكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمٍ

به آن از همه خطاکاران درگذشتی * و طول مدت اصرار آنها بر گناه بزرگ مانع از

الْجُرْمِ اَنْ عُدَّتْ عَلَيْهِمُ بِالرَّحْمَةِ * فَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ * وَاسِعَةٌ وَ عَفْوُهُ *

عفو نگردید و بر آنها به رحمت بازگشتی * پس ای خدایی که رحمتت واسع است و عفو تو بسیار

عَظِيمٌ * يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ * لَا يَرُدُّ غَضَبَكَ اِلَّا حِلْمَكَ * وَلَا

عظیم * ای خدای بزرگ ای خدای بزرگ ای خدای بزرگ * آتش غضبت را جز آب حلمت خاموش نتواند کرد * و از

يُنْجِي مِنْ سَخَطِكَ اِلَّا التَّضَرُّعُ اِلَيْكَ * فَهَبْ لِي يَا اِلَهِي فَرْجًا بِالْقُدْرَةِ

غضبت نجاتی جز تضرع بدرگاهت نیست * خدایا باز بر من ببخش و گشایشی در کارم عطا کن به قدرت کامله‌ای

الَّتِي تُحْيِي بِهَا مَيِّتَ الْبِلَادِ * وَلَا تُهْلِكُنِي غَمًّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي *

که هر شهر و دیار مرده را به آن زنده ساختی * و مرا به غم و حسرت هلاک مکن تا دعایم مستجاب گردانی *

وَتَعْرِفْنِي الْاِجَابَةَ فِي دُعَائِي * وَادْقِنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ اِلَى مُنْتَهَى اَجَلِي *

و به من بنما مستجاب شدن دعایم را * و به من طعم آسایش و سلامتی (از عذابت را) تا آخر عمر بچشان *

وَلَا تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي * وَلَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ * وَلَا تُمْكِنْهُ مِنْ عُنُقِي *

و مرا به شماتت دشمن گرفتار مکن * و دشمن را بر من مسلط مگردان * و چیره مساز *

اَللّٰهُمَّ (اَللّٰهُمَّ) اِنْ وُضِعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي * وَاِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي

خدایا اگر تو مرا پست کنی آن کیست که مرا رفعت و بلندی بخشد * و اگر تو مرا بلند مرتبه کنی آن کیست که مرا

يَضْعُنِي * وَإِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَعْرِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ * أَوْ

پست تواند کرد * و اگر تو مرا به غضب هلاک کنی آن کیست که در کار بندهات با تو معارضه * یا

يَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرِهِ * وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ * وَلَا فِي

درخواستی تواند کرد * و البته می دانم که در حکم تو هیچ ظلم و جوری نیست * و در انتقام تو

نَقِمَتِكَ عَجَلَةٌ * وَإِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ * وَإِنَّمَا يَحْتَاجُ إِلَى

عجله و شتابی نخواهد بود * آنکس در انتقام تعجیل کند که از فوت وقت بترسد * و آنکس به ظلم نیازمند است

الظُّلْمِ الضَّعِيفُ * وَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَنِ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا * اللَّهُمَّ

که ضعیف و ناتوان باشد * و تو ای خدا از این نواقص امکانی، بی اندازه منزهی و از این عیوب مخلوق بسیار بزرگتر و برتری * خدایا

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ فَاعِذْنِي * وَاسْتَجِيرُ بِكَ فَاجِرْنِي * وَاسْتَرْزُقْكَ فَارْزُقْنِي

من به درگاه تو پناه آورده ام مرا پناه ده * و از تو امان می طلبم مرا امان ده * و از تو روزی می خواهم مرا روزی ده

* وَاتَّوَكَّلْ عَلَيْكَ فَاكْفِنِي * وَاسْتَنْصِرْكَ عَلَى عَدُوِّي (عَدُوِّكَ) فَانصُرْنِي

* و بر تو توکل می کنم پس مرا کفایت فرما * و از تو بر دشمنانم یاری می طلبم مرا یاری فرما

* وَاسْتَعِينُ بِكَ فَاعِنِّي * وَاسْتَغْفِرْكَ يَا إِلَهِي فَاغْفِرْ لِي * ءَامِينَ ءَامِينَ

* و از تو مدد می خواهم مرا مدد فرما * و از تو پوزش می خواهم پس مرا ببخش ای پروردگار من * آمین آمین

ءَامِينَ ﴿٧﴾ هفتم: آنکه بخواند دعای کمیل را که در فصل بعد مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی. ﴿٨﴾ هشتم:

آمین. *

آنکه بخواند دعای اللَّهُمَّ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى که در شب عرفه نیز خوانده می شود و بیاید انشاء

ای خدا ای شاهد اسرار نهان

اللَّهِ تَعَالَى. ﴿٩﴾ نهم: آنکه ده مرتبه بگوید: يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ * يَا بَاسِطَ

ای خدایی که فضل و کرمت بر خلق دایم است * و دو دست عطا

الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ * يَا صَاحِبَ الْمَوَاهِبِ السَّنِيَّةِ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ

و بخششت به جانب بندگان دراز است * ای صاحب بخششهای بزرگ * درود فرست بر محمد و آتش

و ءَالِهِ خَيْرَ الْوَرَى سَجِيَّةً * وَ اغْفِرْ لَنَا يَا ذَا الْعُلَى فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ

که در اصل خلقت و فطرت بهترین خلقند * ای خدای بلند مرتبه در همین شب گناه ما را ببخش. *

و این ذکر شریف در شب عید فطر نیز خوانده می شود ﴿١٠﴾ دهم: انار تناول کند چنانکه حضرت صادق (ع) در

در هر شب جمعه میل می فرمود و اگر در وقت خوابیدن بخورد شاید بهتر باشد چه آنکه روایت شده که هر که در

وقت خوابیدن انار بخورد ایمن خواهد بود در نفس خود تا صبح کند. و سزاوار است که هرگاه انار بخورد دستمالی در زیر آن پهن کند که دانه اش را ضبط کند و بعد از آن بخورد و در انار خود دیگری را شریک نکند ❀
 شیخ جعفر بن احمد قمی (رحمته الله) در کتاب عروس از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که هر که ما بین دو

رکعت نافله صبح و فریضه صبح صد مرتبه بگوید: **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ** ❀

منزه است پروردگار بزرگ من و ستایش او را سزااست ❀

اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ حقّ تعالی در بهشت مسکنی برای او بنا کند و شیخ و سید و

از خدا، پروردگار خود آموزش می طلبم و به سوی او باز می گردم ❀

دیگران این دعا را ذکر کرده اند و گفته اند که مستحبّ است که در سحر شب جمعه این دعا را بخوانند: **اللَّهُمَّ**

خدایا

صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ ❀ **وَ هَبْ لِي الْغَدَاةَ رِضَاكَ** ❀ **وَ اَسْكِنْ قَلْبِي**

بر محمد و آلش رحمت فرست ❀ و همین صبحگاه مرا خوشنودی خود عطا فرما ❀ و دلم را محل

خَوْفِكَ ❀ **وَ اَقْطَعْهُ عَمَّنْ سِوَاكَ** ❀ **حَتَّى لَا اَرْجُو وَ لَا اَخَافُ اِلَّا اِيَّاكَ** ❀

خوف خود ❀ و منقطع از غیر خود گردان ❀ تا به کسی غیر تو امیدوار نباشم و از کسی جز تو نترسم ❀

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ ❀ **وَ هَبْ لِي ثَبَاتَ الْيَقِينِ** ❀ **وَ مَحْضَ**

خدایا بر محمد و آلش درود فرست ❀ و یقین ثابت به من عطا کن ❀ و اخلاص

الْاِخْلَاصِ ❀ **وَ شَرَفَ التَّوْحِيدِ** ❀ **وَ دَوَامَ الْاِسْتِقَامَةِ** ❀ **وَ مَعْدِنَ الصَّبْرِ**

کامل ❀ و شرافت توحید ❀ و دوام و پیوستگی در قیام به طاعت کرامت کن ❀ و دلم را محل مقام صبر

❀ **وَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَ الْقَدْرِ** ❀ **يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ السَّائِلِينَ** ❀ **يَا مَنْ**

❀ و رضای به قضا و قدر خود قرار ده ❀ ای بر آورنده حاجتهای سائلان ❀ ای

يَعْلَمُ مَا فِي ضَمِيرِ الصَّامِتِينَ ❀ **صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ** ❀ **وَ اَسْتَجِبْ**

دانای ضمیر خاموشان ❀ بر محمد (ص) و آل او درود فرست ❀ و دعای مرا مستجاب

دُعَائِي ❀ **وَ اغْفِرْ ذَنْبِي** ❀ **وَ اَوْسِعْ رِزْقِي** ❀ **وَ اقْضِ حَوَائِجِي فِي نَفْسِي**

گردان ❀ و گناهم ببخش ❀ و رزقم وسیع فرما ❀ و حاجتهای خود و برادران

وَ اِحْوَانِي فِي دِينِي وَ اَهْلِي ❀ **الْهِي طَمُوحُ الْاَمَالِ قَدْ خَابَتْ اِلَ دَيْدِكَ** ❀

دینیم و اهل بیت و بستگانم همه را برآور ❀ خدایا هر آرزوی بی شک ناکامی و حرمان است مگر آنکه به تو آرزومند است ❀

وَمَعَاكِفُ الْهَمِّ قَدْ تَعَطَّلَتْ إِلَّا عَلَيْكَ * وَ مَذَاهِبُ الْعُقُولِ قَدْ

و هر همتی به یقین تباه و نابود است مگر آنکه بر تو همت گمارد * و راههای اندیشه همه بسته است

سَمَتْ إِلَّا إِلَيْكَ * فَانْتَ الرَّجَاءُ * وَ إِلَيْكَ الْمُلْتَجَا * يَا أَكْرَمَ مَقْصُودِ

مگر راه بسوی تو * پس تویی امید خلق * و پناه خلق درگاه توست * ای بزرگترین مقصود

وَ أَجْوَدَ مَسْئُولِ * هَرَبْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي يَا مَلَجًا الْهَارِبِينَ بِأَثْقَالِ

و ای نیکوترین مطلوب * ای خدا ای پناه گریختگان من با بار گناهان سنگینی که بر

الذُّنُوبِ أَحْمَلُهَا عَلَى ظَهْرِي * لَا أَجِدُ لِي إِلَيْكَ شَافِعًا سِوَى مَعْرِفَتِي

دوش خود دارم به درگاه تو می‌گریزم * و شفיעی به درگاه تو نمی‌یابم مگر معرفتم به عنایت‌های تو

بِأَنَّكَ أَقْرَبُ مِنْ رَجَاءِ الطَّالِبُونَ * وَ أَمَلُ مَا لَدَيْهِ الرَّاعِبُونَ * يَا مَنْ

که تو نزدیکترین کسی که امیدواران عالم درگاهش را می‌طلبند * و مشتاقان تمام به عطا و احسانش آرزومندند * ای خدایی

فَتَقَّ الْعُقُولُ بِمَعْرِفَتِهِ * وَ أَطْلَقَ الْأَلْسُنَ بِحَمْدِهِ * وَ جَعَلَ مَا أَمْتَنَ بِهِ

که عقلها را به نور معرفت دیده بگشودی * و زبانها را به حمد و ثنایت باز کردی * و نعمت و احسانت را بر

عَلَى عِبَادِهِ فِي كِفَاءٍ لِتَأْدِيَةِ حَقِّهِ (آنال به حقه) * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

بندگان تا همه به حقشان برسند به حد کفایت بخشیدی * درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع)

* وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ عَلَى عَقْلِي سَبِيلًا * وَ لَا لِلْبَاطِلِ عَلَى عَمَلِي

* و شیطان را بر عقل من راه مده * و باطل را در کار من رهبر

دَلِيلًا * وَ چون صبح روز جمعه طالع شود این دعا بخواند: أَصْبَحْتُ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ وَ ذِمَّةِ

مگردان. * صبح کردم در عهد خدا و عهد

مَلَائِكَتِهِ * وَ ذِمَّةِ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * وَ ذِمَّةِ مُحَمَّدٍ

فرشتگان خدا * و پیغمبران و رسولان او علیهم السلام * و بر عهد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ * وَ ذِمَّةِ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ

حضرت محمد صلی الله علیه و آله * و بر عهد جانشینانش که اهل بیت او هستند علیهم

السَّلَامُ * ءَامَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ عَلَانِيَتِهِمُ

السلام * ایمان آوردم به سر و پنهان آل محمد علیهم السلام و آشکار

وَ ظَاهِرِهِمْ وَ بَاطِنِهِمْ * وَ أَشْهَدُ أَنَّهُمْ فِي عِلْمِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ كَمُحَمَّدٍ

و ظاهر و باطن آن بزرگواران * و گواهی می‌دهم که آنها در مقام علم حق و اطاعت حق مانند محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وروایت شده که هر که در روز جمعه پیش از نماز صبح سه مرتبه بگوید:

صلی الله علیه و آله هستند. *

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَآتُوبُ إِلَيْهِ گناهانش

آمرزش می‌خواهم از خدا که هیچ خدایی جز آن ذات یکتا نیست و او زنده پاینده ابدی است و از گناه به درگاهش باز می‌گردم

آمرزیده شود اگر چه بیشتر از کف دریا باشد.

اما اعمال روز جمعه: پس آن بسیار است و در اینجا اکتفا می‌شود به چند عمل **۱** **اول:** آنکه در نماز

صبح آن در رکعت اول سوره جمعه بخواند و در رکعت دوم توحید **۲** **دوم:** آنکه بعد از نماز صبح پیش از آنکه

سخن بگوید این دعا بخواند تا کفاره گناهان او باشد از جمعه تا جمعه دیگر: **اللَّهُمَّ مَا قُلْتُ فِي**

ای خدا هر سخنی در این

جُمُعَتِي هَذِهِ مِنْ قَوْلٍ * أَوْ حَلَفْتُ فِيهَا مِنْ حَلْفٍ * أَوْ نَذَرْتُ

روز جمعه گفته‌ام * و یا قسمی یاد کرده‌ام * و یا نذری نموده‌ام * در این روز

فِيهَا مِنْ نَذْرٍ فَمَشِيَّتِكَ بَيْنَ يَدَيِ ذَلِكَ كُلِّهِ * فَمَا شِئْتَ مِنْهُ أَنْ يَكُونَ

همه آنها را موقوف بر مشیت تو گردانیده‌ام (و به خواست تو انجامش مربوط است) * پس هر چه را مشیت توست انجام

كَانَ * وَ مَا لَمْ تَشَأْ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ * اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ تَجَاوَزْ عَنِّي * اللَّهُمَّ

یابد * و هر چه مشیت تو نیست انجام نیابد * خدایا مرا ببخش و از گناهم در گذر * خدایا

مَنْ صَلَّيْتُ عَلَيْهِ فَصَلَّوْا تِي عَلَيْهِ * وَ مَنْ لَعَنْتُ فَلَعْنَتِي عَلَيْهِ *

هر کس را تو بر او درود فرستادی من هم بر او درود می‌فرستم * و هر کس را تو لعن و طرد کردی من هم بر او لعن می‌کنم. *

و اَقْلًا در هر ماهی یک مرتبه این عمل را به جا آورد * و روایت است که هر که بعد از نماز صبح در روز جمعه بنشیند

و مشغول تعقیب باشد تا آفتاب طلوع گردد در فردوس اعلی هفتاد درجه برای او بلند گردانند و شیخ طوسی روایت

کرده است که سُنَّتْ است که این دعا را در تعقیب نماز صبح روز جمعه بخواند: **اللَّهُمَّ اِنِّي تَعَمَّدْتُ**

خدایا من قصد درگاه تو کردم

إِلَيْكَ بِحَاجَتِي * وَ أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ الْيَوْمَ فَقْرِي وَ فَاقَتِي وَ مَسْكَنَتِي *

با حاجت خود * و بسوی تو در این روز فقر و درماندگی و بی‌نوازی وارد شدم *

فَانَا لِمَغْفِرَتِكَ اَرْجِي مَنِي لِعَمَلِي * وَ لِمَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ اَوْسَعُ مَنِي

که من به بخشش تو امیدوارترم تا به عمل خود و البته بخشش و رحمتت وسیعتر از گناهان

ذُنُوبِي * فَتَوَلَّ قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا * وَ تَيْسِيرِ (تَيْسِيرِ) ذَلِكَ

من است * پس تو هر حاجتی دارم به کرمت ادا فرما که بر آن قادری و بر تو آسان است و من هم به درگاهت

عَلَيْكَ وَ لِفَقْرِي اِلَيْكَ * فَاِنِّي لَمْ اُصِبْ خَيْرًا قَطُّ اِلَّا مِنْكَ * وَ لَمْ

فقیر و محتاجم * و من خیری هرگز غیر از جانب تو نیافته‌ام و شری از من غیر از تو کسی هرگز

يَصْرِفُ عَنِّي سَوْءًا قَطُّ اَحَدٌ سِوَاكَ * وَ لَسْتُ (وَلَيْسَ) اَرْجُو لِاٰخِرَتِي وَ دُنْيَايَ

دفع نکرده است * و من به هیچکس امید ندارم برای آخرتم و دنیایم و برای روز فقر و بیچارگیم آن روزی که همه مردم مرا تنها در

وَ لَا لِيَوْمٍ فَقْرِي يَوْمٌ يَفْرُدُنِي النَّاسُ حُفْرَتِي وَ اَفْضَى اِلَيْكَ بِذَنْبِي سِوَاكَ

قیر می‌گذارند و جز تو کسی مرا از گناهان خالی نمی‌کند.

۳ سیّم: روایت است که هر که بعد از نماز ظهر و نماز صبح در روز جمعه و غیر جمعه بگوید: **اللَّهُمَّ صَلِّ**

خدایا بر محمّد

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَّلْ فَرَجَهُمْ

نمیرد تا حضرت قائم (علیه السلام) را در یابد و اگر و خاندان محمّد درود فرست و طلوع ظهورشان را زود گردان *

صد مرتبه این صلوات را بخواند حقّ تعالی شصت حاجت او را بر آورد سی از حاجات دنیا و سی از حاجات آخرت

۴ چهارم: بعد از نماز صبح سوره الرَّحْمَن بخواند و بعد از **فَبَايَ اِلَّا رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ**

کدامین نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟

بگوید **لَا بَشِيءٍ مِّنْ اِلَّاكَ رَبِّ اَكْذِبُ** ۵ پنجم: شیخ طوسی (رحمته الله) فرموده که سنت است

هیچ یک از نعمتهای تو را ای پروردگارم تکذیب نمی‌کنم *

بعد از نماز صبح روز جمعه صد مرتبه توحید و صد مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرستد و صد مرتبه

استغفار کند و هریک از این سوره‌ها را بخواند: * نساء * هود * کهف * صافات * الرَّحْمَن ۶ ششم: سوره

أَحْقَاف و مؤمنین بخواند از حضرت صادق (علیه السلام) مروی است که: هر که در هر شب جمعه یا هر روز جمعه سوره

أَحْقَاف بخواند ترسی در دنیا به او نرسد و از فزع اکبر قیامت ایمن گردد ۷ و نیز فرموده: هر که سوره مؤمنین

را در هر جمعه مداومت نماید خداوند تعالی ختم فرماید اعمال او را به سعادت و منزل او در فردوس اعلیٰ با

پیغمبران و مرسلین باشد ﴿۷﴾ هفتم: سوره **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** را بخواند پیش از طلوع آفتاب ده مرتبه و دعا کند تا دعایش مستجاب شود ﴿۸﴾ و روایت شده که حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) چون صبح روز جمعه می شد آیه الکرسی می خواند تا ظهر و چون از نمازها فارغ می شد شروع می کرد به خواندن سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** و بدانکه از برای خواندن آیه الکرسی **عَلَى التَّنْزِيلِ** در روز جمعه فضیلت بسیار روایت شده ﴿۸﴾ هشتم: **غُسل جمعه** کند و آن از سنت های مؤکده است و روایت شده که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود که: یا علی در هر جمعه غسل کن اگر چه باید که قوت روز خود را بفروشی و آب بخری و غسل کنی و گرسنه بمانی زیرا که هیچ سنتی بزرگتر از این نیست ﴿۹﴾ و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که: هر که در روز جمعه غسل کند و این دعا را بخواند:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا

گواهی می دهم که خدایی جز ذات یگانه پروردگار بی انباز نیست * و گواهی می دهم که محمد بنده (خاص)

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاجْعَلْنِي

او و پیغمبر اوست * بار خدایا درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد * و مرا از

مِنَ التَّوَابِينَ * وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ برای او طهارتی باشد تا جمعه آینده یعنی از

توبه کنندگان * و پاکان بگردان *

گاهان پاک شود یا اعمال او با طهارت معنوی و مقبول واقع شود و احوط آن است که تا ممکن شود غسل

جمعه را ترک نکنند و وقت آن بعد از طلوع فجر است تا زوال آفتاب و هر چه به زوال نزدیک شود بهتر است ﴿۹﴾

نهم: سر را به خطمی بشوید که امان می بخشد از پیسی و دیوانگی ﴿۱۰﴾ دهم: ناخن و شارب بگیرد که فضیلت

زیاد دارد و روزی را زیاد می کند و از گناه پاک می کند تا جمعه دیگر و امان می بخشد از دیوانگی و خوره و پیسی

و در آن حین بخواند: **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ عَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** و در

به نام خدا و به یاد خدا و بر روش محمد و خاندان محمد

گرفتن ناخن ابتدا کند به انگشت کوچک دست چپ و ختم کند به انگشت کوچک دست راست و همچنین کند

در گرفتن ناخن‌های پای خود نیز  پس ریزه‌های ناخن را دفن کند  یازدهم: بوی خوش به کار برد و جامه‌های پاکیزه خود را بپوشد  دوازدهم: تصدق کند که موافق روایتی صدقه در شب جمعه و روز آن هزار برابر اوقات دیگر است  سیزدهم: آنکه برای اهل و عیال چیز نیکوی تازه از میوه و گوشت بخرد تا شاد شوند به آمدن جمعه  چهاردهم: هنگامی که ناشتا است انار بخورد و هفت برگ کاسنی پیش از زوال بخورد و از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) مروی است که هر که یک انار در روز جمعه ناشتا بخورد تا چهل روز دلش را نورانی گرداند و اگر دو انار بخورد تا هشتاد روز و اگر سه انار بخورد تا صد و بیست روز و وسوسه شیطان را از او دور گرداند و هر که وسوسه شیطان از او دور گردد معصیت خدا نکند و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت شود  و شیخ در مصباح فرموده فضیلت بسیار روایت شده در خوردن انار در روز جمعه و در شب آن  پانزدهم: خود را از کارهای دنیا فارغ سازد و مشغول به آموختن مسائل دین خود شود نه آنکه روز جمعه را صرف کند به سیر و گشت و تفریح در باغها و مزارع مردم و مصاحبت با اراذل و بیعاران و مسخره‌گی و عیب‌گوئی مردمان و خنده‌های قهقهه و خواندن اشعار و خووض در باطل و امثال اینها که مفاسدش زیاده از آن است که ذکر شود  و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که: اُف باد بر مسلمانی که در هفته، روز جمعه را صرف آموختن مسائل دین خود نگرداند و برای این امر خود را از کارهای دیگر فارغ نسازد  و از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) منقول است که: هر گاه ببینید که در روز جمعه مرد پیری تواریخ جاهلیت و کفر را برای مردم نقل می‌کند سنگ ریزه بر سرش بزنید  شانزدهم: هزار مرتبه صلوات بفرستد و از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) مروی است که هیچ عبادتی در روز جمعه نزد من محبوبتر نیست از صلوات بر محمد و آل مطهر او **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ**  مؤلف گوید که اگر فرصت نکرد اقلاً صد مرتبه صلوات را ترک نکند تا در قیامت روی او نورانی شود  و روایت شده که هر که در روز جمعه صد مرتبه صلوات فرستد و صد مرتبه **أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي** و **وَأَتُوبُ إِلَيْهِ** بگوید و صد مرتبه توحید بخواند البته آمرزیده شود * و نیز روایت است که صلوات بر محمد و آل محمد در ما بین ظهر و عصر برابر است با هفتاد حج  هفدهم: زیارت حضرت رسول و ائمه طاهرين **سَلَامُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ** نماید و بیاید کیفیت آن در باب زیارات  هیجدهم: به زیارت اموات و زیارت قبر پدر و مادری یکی از ایشان برود که فضیلت دارد * و از حضرت باقر (علیه السلام) روایت شده که زیارت کنید مردگان را در روز

جمعه که می‌دانند کیست که به زیارت ایشان رفته است و شاد می‌شوند ﴿۱۹﴾ نوزدهم: دعای ندبه را که از اعمال اعیاد اربعه است بخواند و بیاید بعد از این در محل خودش انشاء الله تعالی ﴿۲۰﴾ بیستم: بدانکه از برای روز جمعه به غیر از نافله آن که بیست رکعت است * و کیفیت آن بنا بر مشهور، آن است که شش رکعت آن در وقتی که آفتاب پهن شود به جا آورده شود و شش رکعت دیگر وقت چاشت و شش رکعت دیگر نزدیک زوال و دو رکعت بعد از زوال پیش از فریضه و یا آنکه شش رکعت اول را بعد از نماز جمعه یا ظهر به جا آورد، به نحوی که در کتب فقهاء و مصابیح ذکر شده * نمازهای دیگر نیز نقل شده و آنها بسیار است و ذکر بعضی از آنها در اینجا مناسب است اگر چه اکثر آنها اختصاصی به جمعه ندارد لکن در روز جمعه به جا آوردن آنها افضل است از جمله آنها است **نماز کامله** که شیخ و سید و شهید و علامه و دیگران به سندهای معتبر بسیار از حضرت امام جعفر

صادق (علیه السلام) روایت کرده‌اند از اباء گرام آن حضرت که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود که: هر که در روز جمعه پیش از زوال چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت سوره حمد را ده مرتبه و هر یک از **قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ** و **قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ** و **قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ** و **قُلْ يَا اَيُّهَا الْكَافِرُونَ** و آیه الکرسی را ده مرتبه و به روایت دیگر **اَنَا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** و آیه **شَهِدَ اللهُ** را نیز هر یک ده مرتبه بخواند و چون از چهار رکعت نماز فارغ شود صد مرتبه استغفار کند و صد مرتبه بگوید: **سُبْحَانَ اللهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا اِلَهَ اِلَّا**

پاک و منزه است خدا و ستایش مخصوص اوست و خدایی جز آن ذات

اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ * و **لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ** پس صد مرتبه

یکتا نیست و خدا بزرگتر از حد وصف است * و قدرت و توانایی جز به آن خدای بزرگ بلند مرتبه نیست *

صلوات بفرستد، پس هر که این عمل را به جا آورد حق تعالی دفع کند از او شرّ اهل آسمان و شرّ اهل زمین و شرّ شیطان و شرّ پادشاهان جائرا تا آخر خبر که تمامش در ذکر فضیلت این نماز است ﴿۲۱﴾ **نماز دیگر**، حارث همدانی از حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) روایت کرده است که اگر توانی در روز جمعه ده رکعت نماز بکن و رکوع و سجودش را تمام به جا آوری و بعد از هر دو رکعت صد مرتبه بگو **سُبْحَانَ اللهِ وَ بِحَمْدِهِ** که فضیلت بسیار دارد ﴿۲۲﴾ **نماز دیگر**، به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که: هر که سوره ابراهیم و سوره حجر را در دو رکعت در روز جمعه بخواند، هرگز پریشانی و دیوانگی و بلائی به او نرسد. و از جمله آنهاست:

نماز حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)

سید بن طاوس (رحمته الله) به سند معتبر از حضرت امام رضا (علیه السلام) روایت کرده است که از آن حضرت سؤال کردند از نماز حضرت جعفر طیار (رحمته الله) حضرت فرمود که: چرا غافلی از نماز حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) شاید حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) نماز جعفر را نکرده باشد و شاید جعفر نماز حضرت را کرده باشد راوی عرض کرد پس تعلیم کن آن نماز را به من حضرت فرمود که: دو رکعت نماز می کنی در هر رکعت یک مرتبه فاتحه و پانزده مرتبه سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** می خوانی پس در رکوع و بعد از سر برداشتن و در سجده اول و بعد از سر برداشتن و در سجده دویم و بعد از سر برداشتن در هر یک پانزده مرتبه سوره قدر را می خوانی پس تشهد می خوانی و سلام می گوئی و چون فارغ شوی میان تو و خدا گناهی نمی ماند مگر آنکه آموزیده شده است و هر حاجت که بطلبی رواست و بعد از آن این دعا را می خوانی:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ * لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا

خدایی جز آن خدای یکتا که پروردگار ما و پدران پیش از ماست نیست * خدایی به جز خدا که یگانه و یکتاست نیست

وَخَنَّ لَهُ * مُسْلِمُونَ * لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ * وَ

و ماتسلیم فرمان او هستیم * خدایی به جز خدای یکتا نیست و ما غیر او کسی را نمی پرستیم

الَّذِينَ * لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ * لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ * وَحْدَهُ * وَحْدَهُ * وَ

و دین و ایمان ما خالص برای اوست هر چند مشرکان مایل نباشند * خدایی به جز خدا نیست که یکتای یکتاست *

أَنْجَزَ وَعَدَهُ * وَ نَصَرَ عَبْدَهُ * وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ * وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ

و وعده او قطعی است * و بنده اش را یاری می کند * و سپاهش را عزیز می گرداند * و لشکرها (ی دشمنان حق) را به تنهایی

وَحْدَهُ * فَلَهُ الْمُلْكُ * وَ لَهُ الْحَمْدُ * (لِلَّهِ الْمُلْكُ * وَ الْحَمْدُ) * وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

در هم می شکند * ملک وجود از اوست و حمد و ستایش مخصوص اوست * و او به قدرت کامله بر هر چیز

قَدِيرٌ * اللَّهُمَّ أَنْتَ نُورُ السَّمَاوَاتِ * وَ الْأَرْضِ * وَ مَنْ فِيهِنَّ * فَ لَكَ الْحَمْدُ

تواناست * خدایا تویی نور آسمانها و زمین و روشنی بخش هر کس که در میان آنهاست * پس ستایش مخصوص توست

وَ أَنْتَ قِيَامُ السَّمَاوَاتِ * وَ الْأَرْضِ * وَ مَنْ فِيهِنَّ * فَ لَكَ الْحَمْدُ * وَ أَنْتَ الْحَقُّ

و تویی بر پا کننده آسمانها و زمین و هر که در آنهاست * پس ستایش خاص توست و تو حقی

*** وَ وَعْدُكَ الْحَقُّ (حَقُّ) * وَ قَوْلُكَ حَقُّ * وَ أَنْجَازُكَ حَقُّ * وَ الْجَنَّةُ حَقُّ**

* و وعده تو حق است * و کلام تو حق است * و عزم تو حق است * و بهشت حق

وَالنَّارُ حَقٌّ (وَأَنْتَ أَحَقُّ) * اللَّهُمَّ لَكَ أَسَلَمْتُ * وَبِكَ ءَامَنْتُ *

* و دوزخ حق است * خدایا من تسلیم حکم توام * و به تو ایمان آورده *

وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ * وَ بِكَ خَاصَمْتُ * وَ إِلَيْكَ حَاكَمْتُ * يَا رَبِّ يَا

و بر تو توکل کرده‌ام * و به واسطه تو با دشمن مبارزه می‌کنم * و قضاوت را به سوی تو می‌آورم * ای خدا ای

رَبِّ يَا رَبِّ * اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَ آخَرْتُ * وَ أَسْرَرْتُ وَ أَعْلَنْتُ * أَنْتَ

خدا ای خدا * گناهم را از گذشته و آینده * از آشکار و پنهان هر چه کرده‌ام به کرم

الهِ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ ءَالِ مُحَمَّدٍ * وَ اغْفِرْ لِي

بخش * خدایا جز تو خدایی نیست * بر محمد (ص) و آل محمد درود فرست * و از گناهم در گذر

وَ ارْحَمْنِي * وَ تُبَّ عَلَيَّ * إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (وفى المتجهّد: كَرِيمٌ رَعُوفٌ

و به حالم ترحم کن * و توبه‌ام بپذیر * که البته تو توبه پذیر و مهربانی *

رَحِيمٌ بَدَلَ التَّوَّابِ الرَّحِيمِ) * عَلَامَهُ مَجْلِسِي (عَلَيْهِ) گفته که این نماز از نمازهای مشهوره است و عامّه و خاصّه

در کتب خود روایت کرده‌اند و بعضی این را از نمازهای روز جمعه شمرده‌اند و از روایت اختصاصی معلوم نمی‌شود و ظاهراً در سایر آیام هم توان کرد.

و از جمله نمازها نماز حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) است

شیخ و سید از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده‌اند که: فرمود هر که از شماها چهار رکعت نماز امیر المؤمنین (علیه السلام)

را به جا آورد از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و حاجت‌های او برآورده شود، بخواند در

هر رکعت حمد یک مرتبه و پنجاه مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و چون فارغ شود این دعا را بخواند که تسبیح آن

حضرت است: سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ * سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ

پاک و منزّه است خدایی که نشانه‌هایش نابود نمی‌شود * منزّه است خدایی که گنج‌هایش نقصان

خَزَائِنُهُ * سُبْحَانَ مَنْ لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ * سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْفَدُ مَا

نمی‌یابد * منزّه است خدایی که مفاخرش زوال نخواهد یافت * منزّه است خدایی که آنچه نزد اوست از خیر و نعمتهایش

عِنْدَهُ * سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ * سُبْحَانَ مَنْ لَا يَشَارِكُ أَحَدًا

تمامی ندارد * منزّه است خدایی که دوران سلطنتش ابدی است * منزّه است خدایی که در کارش هیچکس را شریک

فِي أَمْرِهِ * سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ * پس دعا کند بعد از این و بگوید: يَا مَنْ عَفَا عَنِ

نمی‌گرداند * منزّه است خدایی که غیر او خدایی نیست. * ای خدایی که از

السَّيِّئَاتِ وَ لَمْ يُجَازِ بِهَا * اِرْحَمْ عَبْدَكَ يَا اللَّهُ * نَفْسِي نَفْسِي * اَنَا

گناهان بندگان در گذشته و کیفر نمی‌کنی * به حال این بنده‌ات ترحم فرما خدایا * مرا به کرم‌ت دریاب * من

عَبْدُكَ يَا سَيِّدَاهُ * اَنَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ يَا رَبَّاهُ * إِلَهِي بِكَيْنُونَتِكَ

بنده توام ای سید و مولای من * من بنده توام که در حضور تو به دعا آمده‌ام ای پروردگار * خدایا به سر ذات تو قسم

يَا أَمَلَاهُ يَا رَحْمَانَاهُ يَا غِيَاثَاهُ * عَبْدُكَ عَبْدُكَ لَا حِيلَةَ لَهُ * يَا مُنْتَهَى

ای آرزوی من ای مهربان بر خلق ای فریادرس خلق * من بنده توام آن بنده‌ای که به کلی بیچاره است * ای منتهای

رَغْبَتَاهُ * يَا مُجْرِي الدَّمِّ فِي عُرُوقِي * يَا سَيِّدَاهُ يَا مَالِكَاهُ * أَيَا هُوَ أَيَا

آرزوی من * ای گرداننده خون در عروق من * ای آقای من ای صاحبم * ای هو ای

هُوَ * يَا رَبَّاهُ * عَبْدُكَ عَبْدُكَ لَا حِيلَةَ لِي وَلَا غِنَى بِي عَنْ نَفْسِي * وَلَا

هو * ای پروردگار عالم * این بنده بنده بیچاره توست که از خود هیچ ندارد * و بر نفع

أَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا * وَلَا أَجِدُ مِنْ أَصَانِعِهِ * تَقَطَّعَتْ أَسْبَابُ

و ضرر خودش هیچ توانایی نیست * و کسی که از او چاره جویم نمی‌یابم * اسباب چاره‌ها همه از من

الْمُخْدَايِعِ عَنِّي * وَ اضْمَحَلَّ كُلُّ مَظْنُونٍ عَنِّي * أَفْرَدَنِي الدَّهْرُ إِلَيْكَ *

قطع شده است * و هر جا گمان نیک می‌بردم از نظرم نابود گردید * اینک روزگار مرا تنها و غریب به درگاه تو آورده

فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ هَذَا الْمَقَامَ * يَا إِلَهِي بَعْلِمِكَ كَأَنَّ هَذَا كَلَهُ * وَ

که در پیشگاه حضور تو ایستاده‌ام * ای خدای من آنچه گفتم همه مشهود علم ازلی توست * و

فَكَيْفَ أَنْتَ صَانِعُ بِي * وَ لَيْتَ شِعْرِي كَيْفَ تَقُولُ لِدُعَائِي * اتَّقُولُ

تا تو (به لطف و احسان) با من چه کنی * و کاش می‌دانستم که پاسخ دعای من چه خواهی فرمود * آیا دعایم

نَعْمَ أَمْ تَقُولُ لَا * فَإِنْ قُلْتَ لَا * فَيَا وَيْلِي يَا وَيْلِي * يَا عَوْلِي

اجابت کرده یا رد می‌کنی * پس اگر رد کنی مرا و از تو محروم شوم * پس وای بر من ... * ای وای

يَا عَوْلِي يَا عَوْلِي * يَا شِقْوَتِي يَا شِقْوَتِي * يَا ذُلِّي يَا ذُلِّي يَا

بر فقر و بینوایی من ... * ای وای بر شقاوت و بدبختی من ... * ای وای بر ذلت و خواری

ذُلِّي * إِلَى مَنْ وَمِمَّنْ أَوْ عِنْدَ مَنْ أَوْ كَيْفَ أَوْ مَاذَا أَوْ إِلَى أَيِّ شَيْءٍ الْجَا

من ... * دیگر به سوی که روم و از که و نزد که و چگونه و یا به چه درگاه پناه آورم

وَمَنْ أَرْجُو * وَ مَنْ يَجُودُ عَلَيَّ بِفَضْلِهِ حِينَ تَرْفُضُنِي يَا وَاسِعَ

* و به جود و احسان که امیدوار باشم * هنگامی که ای خدا تو مرا رد کنی (و از درگاه کرمت برائی) ای وسیع

الْمَغْفِرَةِ * وَإِنْ قُلْتَ نَعَمْ * كَمَا هُوَ الظَّنُّ بِكَ وَالرَّجَاءُ لَكَ *

بخشش * و اگر مرا قبول کنی و مقبول درگاه تو شوم * چنانکه گمان من به تو این است و امیدم به کرم تو چنین *

فَطُوبَى لِي * أَنَا السَّعِيدُ وَأَنَا الْمَسْعُودُ فَطُوبَى لِي * وَأَنَا الْمَرْحُومُ يَا

پس در این حال خوشا بر احوال من * منم در این صورت سعادتمند و خوشبخت پس خوشا بر احوال من * و من لایق ترحمم

مُتْرَحِمٌ يَا مُتَرَفٌّ يَا مُتَعَطِفٌ يَا مُتَجَبِّرٌ (مُتَحَنِّنٌ) يَا مُتَمَلِّكٌ يَا مُقْسِطٌ

ای خدای بسیار رحیم و رئوف و بسیار مهربان ای خدای بسیار جبار و مقتدر ای خدای عادل دادگر

لَا عَمَلٌ لِي أَبْلُغُ بِهِ نَجَاحَ حَاجَتِي * أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ و

* مرا عملی که قابل بر آمدن حاجتم باشد نیست * از تو درخواست می‌کنم به حق آن اسمی که در سر غیب خود پنهان

فِي مَكُونٍ غَيْبِكَ * وَ اسْتَقَرَّ عِنْدَكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى شَيْءٍ سِوَاكَ *

داشته‌ای و نزد تو محفوظ است * و از نزد تو به سوی هیچکس غیر تو خارج نخواهد شد *

أَسْأَلُكَ بِهِ وَ بِكَ وَ بِهِ * فَإِنَّهُ أَجَلٌ وَ أَشْرَفُ أَسْمَائِكَ * لَا شَيْءَ لِي

از تو به آن اسم مستلت می‌کنم به حق آن اسم و به حق خودت و آن نام * که اجل و اشرف نامهای توست * مرا به غیر از این نام

غَيْرِ هَذَا * وَ لَا أَحَدَ أَعُوذُ عَلَيَّ مِنْكَ * يَا كَيِّنُونَ يَا مُكُونُ * يَا

توسلی نیست * و کسی بیش از تو بر من سودمند نیست * ای هستی صرف ای هست کن جهان هستی * ای

مَنْ عَرَفَنِي نَفْسَهُ * يَا مَنْ أَمَرَنِي بِطَاعَتِهِ * يَا مَنْ نَهَانِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ

کسی که خود را به من شناسا کردی * ای خدایی که مرا به طاعت خود امر کردی * و از عصیان خود نهی فرمودی

* وَ يَا مَدْعُو يَا مَسْئُولُ * يَا مَطْلُوبًا إِلَيْهِ * رَفُضْتُ وَصِيَّتَكَ الَّتِي

* ای کسی که همه تو را می‌خوانند و از تو می‌خواهند * و مطلوب همه تویی * ای خدا من سفارش تو

أَوْصَيْتَنِي وَ لَمْ أَطِعْكَ * وَ لَوْ أَطَعْتُكَ فِيمَا أَمَرْتَنِي لَكَفَيْتَنِي * مَا

را ترک گفتم و اطاعتت نکردم * و اگر در آنچه مرا امر می‌فرمودی تو را اطاعت می‌کردم * البته برای هر امر

قُمْتُ إِلَيْكَ فِيهِ * وَ أَنَا مَعَ مَعْصِيَتِي لَكَ رَاجٍ * فَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَا

به درگاه تو می‌آدمم مرا کفایت می‌فرمودی * و من با وجود آنکه معصیت تو کردم به لطف تو امیدوارم پس حاجتم برآور * و بین من

رَجَوْتُ * يَا مُتْرَحِمًا لِي * أَعِزَّنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي * وَ مِنْ فَوْقِي

و امیدها که به تو دارم جدایی می‌فکن * ای بسیار مهربان با من * از هر شری که از پیش رو * و پشت سر و بالا

وَمِنْ تَحْتِي وَمِنْ كُلِّ جِهَاتِ الْإِحَاطَةِ بِي * اللَّهُمَّ بِمُحَمَّدٍ سَيِّدِي *
 و زیر و از هر جانب به من احاطه کند مرا در پناه خود گیر * خدایا تو را قسم می‌دهم به محمد (ص) سید من *

وَبِعَلِيِّ وَوَلِيِّ * وَبِالْأئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اجْعَلْ عَلَيْنَا
 و به علی مولای من * و به ائمه هادیان من علیهم السلام که درود و

صَلَوَاتِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ * وَأَوْسِعْ عَلَيْنَا مِنْ رِزْقِكَ * وَاقْضِ
 تحیت و رأفت و رحمتت را بر ما مقرر بدار * و رزق خود را بر ما وسیع گردان * و دین

عَنَّا الدَّيْنَ وَجَمِيعَ حَوَائِجِنَا * يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ * إِنَّكَ عَلَى
 ما ادا فرما و کلیه حاجت‌های ما برآور * ای خدا ای خدا ای خدا * تنها تو

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * پس حضرت فرمود که هر که این نماز را به جا آورد و این دعا را بخواند چون فارغ شود
 بر همه امور عالم توانا هستی. *

نماند مابین او و خداوند تعالی گناهی مگر آنکه آمرزیده شود مؤلف گوید که احادیث بسیار در فضیلت خواندن
 این چهار رکعت نماز در شب و روز جمعه وارد شده و اگر بعد از نماز بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ الْعَرَبِيِّ
 و آله وارد شده که گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود و چنان باشد که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده

باشد و حق تعالی گرسنگی و تشنگی قیامت را از او رفع کند. *

واز جمله نماز حضرت فاطمه صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا است

روایت شده که حضرت فاطمه (ع) دو رکعت نماز می‌کرد که جبرئیل (ع) تعلیم او کرده بود در رکعت اول بعد از
 سوره حمد صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دوم بعد از حمد صد مرتبه سوره توحید می‌خواند و چون سلام

می‌گفت این دعا را می‌خواند: سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ * سُبْحَانَ
 منزه است خدای صاحب عزت و مقام بلند * منزه است خدای

ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ * سُبْحَانَ ذِي الْمَلِكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ *
 صاحب جلال و کبریایی و عظمت * منزه است خدای صاحب ملک فاخر ازلی *

سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ * سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ
 منزه است خدایی که لباس حسن و جمال به قامت خود آراسته * منزه است خدایی که ردای - نور

وَالْوَقَارِ * سُبْحَانَ مَنْ يَرَىٰ أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا * سُبْحَانَ مَنْ يَرَىٰ

وقار در بر دارد * منزه است خدایی که اثر پای مورچه را در سنگ سخت سیاه می‌بیند * منزه است خدایی که

وَقَعَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ * سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا لَا هَكَذَا غَيْرُهُ * وَسَيِّدِ

خط سیر مرغ را در هوا می‌بیند * منزه است خدایی که تنها او بدین کمال است و غیر وی دارای این کمال نیست. *

گفته است که در روایت دیگر وارد شده است که بعد از این نماز تسبیح مشهور حضرت فاطمه (ع) را که بعد از

هر نماز خوانده می‌شود بخواند و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد * و شیخ در

مصباح المتهدجین فرموده نماز حضرت فاطمه (ع) دو رکعت است در رکعت اول حمد و صد مرتبه قَدْرُ و در

دویم حمد و صد مرتبه توحید * و چون سلام داد تسبیح زهراء (ع) بخواند * پس بگوید سُبْحَانَ

ذِي الْعِزِّ الشَّامِحِ تا آخر تسبیح که ذکر شد * پس فرموده و سزاوار است کسی که این نماز را به جامی آورد

چون از تسبیح فارغ شود زانوها و ذراع‌ها را برهنه نماید و بچسباند همه مواضع سجود خود را به زمین

بدون حاجز و حایلی و حاجت بخواهد و دعا کند آنچه می‌خواهد * و بگوید در همان حال سجده:

يَا مَنْ لَيْسَ غَيْرُهُ * رَبُّ يَدْعِي * يَا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ * وَاللهُ يَجْثِي * يَا مَنْ

ای خدایی که غیر تو نیست پروردگاری که او را در دعا بخوانند * ای کسی که نیست فوق تو خدایی که از او بترسند * ای کسی که

لَيْسَ دُونَهُ * وَمَلِكٌ يَتَّقِي * يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ * وَوَزِيرٌ يُوْتِي * يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ * وَ

غیر تو پادشاهی نیست که از او بپرهیزند * ای سلطانی که تو را وزیر می‌دهد * و حاجب و درباری نیست

حَاجِبٌ يَرِثِي * يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ * وَبَوَّابٌ يَغْشِي * يَا مَنْ لَا يَزِدَادُ عَلَيَّ كَثْرَةَ

که به درگاهش آیند * و به رشوه وسیله به سویش برانگیزند * ای خدایی که هر چه محتاجان از تو بیشتر

السُّؤَالِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا * وَ عَلَيَّ كَثْرَةُ الذُّنُوبِ إِلَّا عَفْوًا وَ صَفْحًا *

سؤال کنند جود و کرمت افزون می‌شود * و هر چه بندگان گناه بیش کنند عفو و گذشت تو بیشتر می‌شود *

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ * وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا * وَ به جای این کلمه

درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) * و حواجج مرا بر آور. *

حاجات خود را از خدا بخواهد * نماز دیگر از حضرت فاطمه (ع) شیخ و سید روایت کرده‌اند از صفوان که

محمد بن علی حلبی روز جمعه خدمت حضرت صادق (ع) شرفیاب شد و سؤال کرد که می‌خواهم مرا عملی

تعلیم فرمائی که بهترین اعمال باشد در این روز، حضرت فرمود که: من نمی‌دانم کسی را که بزرگتر باشد نزد

رسول خدا (ﷺ) از حضرت فاطمه (علیها السلام) و نمی دانم چیزی را افضل از آنچه تعلیم کرد پیغمبر (ﷺ) فاطمه (علیها السلام) را فرمود که هر که صبح کند در روز جمعه پس غسل کند و قدم‌ها را بگستراند و چهار رکعت نماز کند به دو سلام بخواند در رکعت اول بعد از حمد توحید پنجاه مرتبه و در رکعت دوم بعد از حمد وَالْعَادِيَاتِ پنجاه مرتبه و در رکعت سیم بعد از حمد اِذَا زُلْزِلَتْ پنجاه مرتبه و در رکعت چهارم بعد از حمد اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ پنجاه مرتبه و این سوره نصر است و آخر سوره‌ای است که نازل شده و چون از نماز فارغ شود این دعا بخواند:

الهي و سيدي * من تهيا او تعبي او اعد او استعد لوفادة مخلوق

ای خدای من و سید من * هر که بر در مخلوقی به امید لطف و عطا و منفعت و فضل و احسان و جایزه می‌رود

رجاء رفته و فوائده و نائله و فواضله و جوائزه * فاليك يا الهي

و برای عرض حاجت خود را ساخته و مهیا و آماده و مستعد می‌گرداند * ای خدا به درگاه تو

كانت تهيتي و تعبتي * و اعدادي و استعدادي * رجاء فوائدك

اینگونه ساخته و آماده * و مهیا و مستعد * به امید عطا و جود

و معروفك * و نائلك و جوائزك * فلا تخيبني من ذلك * يا من

و بخشش * و احسان و جایزه تو آمدهام * پس خدایا مرا از آن بخشش‌ها محروم مکن * ای کسی که

لا تخيب عليه مسألة السائل * و لا تنقصه عطية نائل * فاني لم

سائلی را در سؤال محروم نخواهی کرد * و گنج عطای تو از بخشش کم نخواهد گشت * و من بر در احسانت

ءاتك بعمل صالح قدمته * و لا شفاعة مخلوق رجوته * اتقرب

نه به اتکاء بر عمل صالحی که انجام داده‌ام آمدهام * و نه هیچ مخلوقی را * غیر محمد

اليك بشفاعته الا محمداً و اهل بيته صلواتك عليه و عليهم *

و آل محمد رحمت‌های تو بر او و بر ایشان برای تقرب به درگاهت شفیع آورده‌ام *

اتيبتك ارجو عظيم عفوك الذي عدت به على الخطائين عند

به درگاهت آمدهام به امید عفو بزرگ تو که برای خطا کارانی آماده ساخته‌ای که

عكوفهم على المحارم * فلم يمنعك طول عكوفهم على المحارم

عمری بر گناهان اصرار کرده‌اند * و طول مدت اصرارشان بر گناهان تو را مانع

ان جدت عليهم بالمغفرة * و انت سيدي العواد بالنعماء * و انا

از عفو و مغفرت بر آنها نگردید * و تو سید من هستی و بخشش و احسان عادت و ذاتی توست * چنانکه

الْعَوَادُ بِالْخَطَايَا * أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ أَنْ تَغْفِرَ لِي

گناهکاری عادت من است * و از تو درخواست می‌کنم به حق محمد و آل پاکش که از گناه

ذَنبِي الْعَظِيمِ * فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ * يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ

بزرگ من درگذری * که گناه بزرگ را کسی غیر تو ای خدای بزرگ نمی‌بخشد * ای خدای بزرگ ای خدای بزرگ

يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ * مؤلف گوید که سید بن طاوس در

ای خدای بزرگ ای خدای بزرگ ای خدای بزرگ ای خدای بزرگ. *

جمالُ الأَسْبُوعِ از برای هریک از ائمه (علیهم‌السلام) نمازی با دعا ذکر نموده شایسته است در اینجا ذکر شود فرموده

نماز امام حسن (علیهم‌السلام)

در روز جمعه و آن چهار رکعت است مثل نماز امیرالمؤمنین (علیهم‌السلام)، نماز دیگر از آن حضرت در روز جمعه و آن نیز

چهار رکعت است در هر رکعت حمد یک مرتبه و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بیست و پنج مرتبه (دُعاء امام حسن (علیهم‌السلام))

اللَّهُمَّ إِنِّي اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ * وَاتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ

خدایا من به درگاه تو تقرب می‌جویم با جود و کرمت * و تقرب می‌جویم بوسیله محمد (ص)

عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ * وَاتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَانْبِيَاءِكَ

بنده خاص و فرستاده تو * و تقرب می‌جویم بوسیله فرشتگان مقرب و پیغمبران

وَرُسُلِكَ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَ عَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ

و رسولان تو * که درود فرستی بر محمد (ص) بنده خاص خود و رسول خود و بر آل محمد (ع)

* وَ أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي * وَ تَسْتُرَ عَلَيَّ ذُنُوبِي وَ تَغْفِرَ لِي * وَ تَقْضِيَ لِي

* و اینکه از لغزش من درگذری * و گناهانم را مستور گردانی و ببخشی * و حاجتهای


حَوَائِجِي * وَ لَا تُعَذِّبَنِي بِقَبِيحِ كَانِ مِنِّي * فَإِنَّ عَفْوَكَ وَ جُودَكَ

مرا برآوری * و مرا به اعمال قبیح معذب نگردانی * که ای خدا عفو و بخشش تو مرا هم

يَسَعُنِي * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

فرا می‌گیرد * که البته تو بر همه چیز قادر هستی. *

نماز امام حسین (علیهم‌السلام) چهار رکعت است در هر رکعت سوره فاتحه پنجاه مرتبه و سوره توحید پنجاه مرتبه

و در رکوع فاتحه و توحید هر یک ده مرتبه و چون از رکوع سر برداری هر یک را ده مرتبه و همچنین در سجده اولی و در بین دو سجده و در سجده دویم هر یک ده مرتبه  و چون از چهار رکعت فارغ شدی و سلام گفتی این دعا بخوان **اللَّهُمَّ أَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِأَدَمَ وَ حَوَاءَ** تا آخر دعاء که فی الجمله طولانی است. (و تمام این دعا در اول ملحقات دوم مفاتیح الجنان صفحه ۱۰۷۰ آورده شده است)

نماز امام زین العابدین (علیه السلام) چهار رکعت است در هر رکعت حمد یک مرتبه و توحید صد مرتبه.

(دعاء آن حضرت): **يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ * وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ * يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ**

ای خدایی که جمال و نیکویی را آشکار می‌کنی * و زشتی را پنهان می‌سازی * ای خدایی که به گناه

بِالْجَرِيرَةِ وَ لَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ * يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ * يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ *

مؤاخذه نمی‌کنی و پرده گنهکاران را نمی‌دری * ای صاحب عفو بزرگ * که از بدان به نیکویی در می‌گذری *

يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ * يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ * يَا صَاحِبَ كُلِّ

ای که مغفرتت بسیار * و دو دستت به لطف و رحمت گشوده است * ای آگه از هر

نَجْوَى * يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى * يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ * يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ *

راز نهمان * ای پناه و مرجع در شکایت خلقان * ای بزرگوار گناه بخش و مهربان * ای امید بزرگ امیدواران *

يَا مُبْتَدَأَ الْبَالِغِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا * يَا رَبَّنَا وَ سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا * يَا

ای بخشنده نعمتهای بی‌سابقه استحقاق * ای پروردگار و سید ما و آقای ما * و

غَايَةَ رَغْبَتِنَا * أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ *

منتهای مطلوب ما * از تو درخواست می‌کنم ای خدا که درود بر محمد (ص) و آل محمد (ع) فرستی. *

نماز حضرت باقر (علیه السلام) دو رکعت است در هر رکعت حمد یک مرتبه و **سُبْحَانَ اللَّهِ**

پاک و منزه است خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ صد مرتبه. * دعاء آن حضرت: **اللَّهُمَّ**

و ستایش مر خدای راست و خدایی جز ذات (یگانه) پروردگار نیست و خدا از هر چیز بزرگ است. * ایها از تو

إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا حَلِيمٌ ذُو (ذَا) أَنَاةٍ * غَفُورٌ وَ دُودٌ * أَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي

درخواست می‌کنم ای خدای با حلم و بردبار * و بخشنده و مهربان * که از گناهان من

سَيِّئَاتِي * وَ مَا عِنْدِي بِحَسَنٍ مَا عِنْدَكَ * وَ أَنْ تُعْطِيَنِي مِنْ عَطَائِكَ

درگذری * و بدیهای مرا به نیکوئیهای خود ببخشی * و به من از عطای (بی‌حساب) خود آنقدر عطا کنی که

مَا يَسْعُنِي * وَتَلْهَمَنِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِي الْعَمَلَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ

مرا به وسعت آرد * و به من الهام کنی که در هر نعمتی که مرا عطا نمودی به راه طاعت تو و اطاعت رسالت

رَسُولِكَ * وَ أَنْ تُعْطِيَنِي مِنْ عَفْوِكَ اسْتَوْجِبُ بِهِ كِرَامَتَكَ * اللَّهُمَّ

به کار برم * و از عفو خود به من آنقدر عطا کنی که مستحق محبت و کرامت تو شوم * ای خدا

أَعْطِنِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ * فَإِنَّمَا أَنَا بِكَ

به من آنچه در خور عطا نامنتهای توست عطا کن * نه آنچه در خور من است * که منحصر من به تو

وَلَمْ أَصِبْ خَيْرًا قَطُّ إِلَّا مِنْكَ * يَا أَبْصَرَ الْأَبْصَرِينَ * وَيَا أَسْمَعَ

متوسلم و خیری هرگز به جز از درگاه تو به من نرسیده است * ای بیناترین بینایان عالم * و ای شنواترین

السَّمْعِينَ * وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ * وَيَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ *

شنوندگان عالم * ای عادلترین حاکمان عالم * ای پناه پناه آورندگان *

وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ *

ای اجابت کننده دعاهای بیچارگان * درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع).

نماز حضرت صادق (علیه السلام) دو رکعت است در هر رکعت حمد یک مرتبه و آیه شَهِدَ اللَّهُ صد مرتبه.

* دُعَاءُ آن حضرت: يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ * يَا جَابِرَ كُلِّ كَسِيرٍ (كَسِيرٍ) * وَيَا

ای آفریننده هر مخلوق * ای آرام بخش هر شکسته دل * و ای

حَاضِرَ كُلِّ مَلَأٍ * وَيَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى * وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ * وَيَا

حاضر در هر جمع * و ای آگاه از هر راز پنهان * و ای دانای اسرار پنهان * و ای

شَاهِدًا (شَاهِدٌ) غَيْرَ غَائِبٍ * وَ غَالِبًا (غَالِبٌ) غَيْرَ مَغْلُوبٍ * وَيَا

شاهد غیر پنهان * ای به قدرت کامله غالب ابدی شکست ناپذیر * ای

قَرِيبًا (قَرِيبٌ) غَيْرَ بَعِيدٍ * وَيَا مُؤْنِسَ كُلِّ وَحِيدٍ * وَيَا حَيَّ مُحْيِي

نزدیک غیر دور * و ای مونس هر تنها * و ای زنده حیات بخش

الْمَوْتَى * وَ مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ * أَلْقَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ * وَيَا

مردگان * و میراننده زندگان * که نگهبان هر شخصی با هر چه می‌کند * و ای

حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ *

زنده هنگامی که هیچ زنده نبود * خدایی جز تو خدای یکتا نیست * درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) *

نماز حضرت کاظم (علیه السلام) دو رکعت است در هر رکعت حمد یک مرتبه و توحید دوازده مرتبه. * دُعاء آن

حضرت: **الهی خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لَكَ * وَ ضَلَّتِ الْأَحْلَامُ فَيْكَ * وَ وَجَلَ**

خدایا آوازه‌ها نزد تو با خشوع است * و عقول نزد تو حیران * و هر

كُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ * وَ هَرَبَ كُلُّ شَيْءٍ إِلَيْكَ * وَ ضَاقتِ الْأَشْيَاءُ دُونَكَ *

موجودی از تو ترسان * و هر ترسانی بسوی تو گریزان است * و هر چیز جز تو (جز به یاد تو) در تنگی است *

وَ مَلَأَ كُلُّ شَيْءٍ نُورَكَ * فَانْتَ الرَّفِيعُ فِي جَلَالِكَ * وَ أَنْتَ الْبَهِيُّ فِي

و نور تو همه موجودات را پر کرده است * پس تنها تو بلند مرتبه‌ای در بزرگواری * و نور و زیبا و پر بهایی

جَمَالِكَ * وَ أَنْتَ الْعَظِيمُ فِي قَدْرَتِكَ * وَ أَنْتَ الَّذِي لَا يُودِكُ شَيْءٌ * يَا

در حسن و جمال * و تو بزرگی در مقام قدرت * و تویی که هیچ چیز تو را خسته و درمانده نمی‌سازد * ای

مُزَلَّ نِعْمَتِي * يَا مُفْرَجَ كُرْبَتِي * وَ يَا قَاضِي حَاجَتِي أَعْطِنِي مَسْئَلَتِي

نعمت بخش من * ای دلگشای من از هر غم و دلتنگی * ای بر آورنده حاجت من درخواست مرا

بِإِلَهِ الْأَنْتَ * ءَأَمَنْتُ بِكَ مُخْلِصًا لَكَ دِينِي * أَصْبَحْتُ عَلَى

عطا فرما به حق یکتایی خود * من به تو ایمان آورده‌ام با اخلاص در دینم * صبح کردم در حالی

عَهْدِكَ وَ وَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ * أَبُوءُ لَكَ بِالنِّعْمَةِ * وَ اسْتَغْفِرُكَ مِنْ

که تا بتوانم بر عهد و پیمان و وعده تو استوار باشم * و به نعمت سوی تو رجوع کنم * و از گناهان به درگاه تو استغفار

الذُّنُوبِ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ * يَا مَنْ هُوَ فِي عُلُوِّهِ دَانَ * وَ فِي دُنُوِّهِ عَالَ

کنم که غیر تو کسی گناهان را نتواند بخشید * ای خدایی که در نهایت بلندی مقام نزدیک است * و در عین نزدیکی بلند مرتبه‌ای

*** وَ فِي إِشْرَاقِهِ مُنِيرٌ * وَ فِي سُلْطَانِهِ قَوِيٌّ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ ءَالِهِ ***

* و اشراق جمال تو روشنی بخش عالم است * و پادشاهی تو در منتهای قدرت است * درود فرست بر محمد (ص) و آل او. *

نماز حضرت امام رضا (علیه السلام) شش رکعت است در هر رکعت حمد یک مرتبه و هَلْ أَتَى عَلَى

الْإِنْسَانِ دَهَ مَرْتَبَةٍ. * دُعاء آن حضرت: **يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي * وَيَا وَلِيَّيْ فِي نِعْمَتِي**

ای رفیق من در سختی‌ها * و ای دوست من در نعمت و خوشی‌ها

*** وَيَا إِلَهِي وَ إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ * يَا رَبَّ**

* و ای خدای من و خدای ابراهیم (ع) و اسمعیل (ع) و اسحاق (ع) و یعقوب (ع) * ای رب

كَهَيْعَصَ وَيَسَ وَ الْقُرْآنَ الْحَكِيمَ * أَسْأَلُكَ يَا أَحْسَنَ مَنْ سَأَلَ *

کهیعیص و یس و قرآن با علم و حکمت * درخواست می‌کنم از تو ای نیکوترین کسی که از او سؤال کنند *

وَيَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطِيَ وَيَا خَيْرَ مُرْتَجَى * أَسْأَلُكَ

و بهترین کسی که او را بخوانند و بخشنده‌ترین کسی که عطا بخشد و بهترین کسی که به او امیدوار توان بود * سؤال می‌کنم

أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ *

که درود فرستی بر محمد (ص) و آل محمد (ع). *

نماز حضرت جواد(علیه السلام) دو رکعت است در هر رکعت حمد یک مرتبه و توحید هفتاد مرتبه. * دُعاء آن

حضرت: اللَّهُمَّ رَبَّ الْأَرْوَاحِ الْفَانِيَةِ * وَالْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ * أَسْأَلُكَ

ای خدای آفریننده روحهایی که از جهان فانی رفته * و بدنهای کهنه پوسیده شده * درخواست می‌کنم

بِطَاعَةِ الْأَرْوَاحِ الرَّاجِعَةِ إِلَى أَجْسَادِهَا (أَحْبَابِهَا) * وَبِطَاعَةِ الْأَجْسَادِ

به طاعت روحهایی که به امر تو به بدن باز می‌گردند * و به طاعت بدنهایی که پس از تفرق با عروق

الْمُلْتَمَةِ بِعُرُوقِهَا * وَبِكَلِمَتِكَ النَّافِذَةِ بَيْنَهُمْ * وَأَخْذِكَ الْحَقِّ مِنْهُمْ

و اعضاء همه ملتئم و مجموع می‌گردند * و به امر نافذ تو میان آنها * و به آن حقی که تو از همه

وَ الْخَلَائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ يَنْتَظِرُونَ فَصَلِّ قَضَائِكَ * وَ يَرْجُونَ

باز خواهی گرفت در حالی که خلائق در پیشگاه حضور تو منتظر حکم تو * و امیدوار

رَحْمَتِكَ وَ يَخَافُونَ عِقَابَكَ * صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ *

رحمت تو و ترسان از عقاب تواند * درود فرست بر محمد و آل محمد *

وَ اجْعَلِ النُّورَ فِي بَصْرِي * وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي * وَ ذَكَرَكَ بِاللَّيْلِ

و نور در چشم من * و یقین و ایمان در قلب من * و ذکر دائم خود را

وَ النَّهَارَ عَلَيَّ لِسَانِي * وَ عَمَلًا صَاحِحًا فَارْزُقْنِي *

به شب و روز بر زبان من جاری کن * و عمل صالح روزی من گردان. *

نماز حضرت هادی(علیه السلام) دو رکعت است در رکعت اول سوره حمد و یس و در رکعت دویم سوره حمد و

الرَّحْمَنِ. * دُعاء آن حضرت: يَا بَارِيَا وَصُولُ * يَا شَاهِدَ كُلِّ غَائِبٍ * وَيَا قَرِيبَ

ای نیکویی کننده ای با همه خلق پیوسته و عطا بخش * ای شاهد هر پنهان * و ای نزدیک

غَيْرَ بَعِيدٍ * وَيَا غَالِبُ غَيْرِ مَغْلُوبٍ * وَيَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ

غیر دور * و ای غالب بر همه خلق بدون شکست * و ای کسی که هیچکس جز تو نداند چگونه هستی

يَا مَنْ لَا تُبَلِّغُ قُدْرَتَهُ * أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْرُوجِ

* ای کسی که به کنه قدرتت عقل نتوان رسید * از تو درخواست می‌کنم ای خدا به حق اسم پنهان و سر نهان

الْمَكْتُومِ عَمَّنْ شِئْتَ * أَطْهَرَ الْمُطَهَّرِ الْمُقَدَّسِ * أَلْأَنُورِ التَّامِّ * أَحْيَى

تو که از هر که خواستی مستور است * که پاک و پاکیزه و با قدس * و نزهت نورانی کامل * زنده

الْقَيُّومِ الْعَظِيمِ * نُورِ السَّمَاوَاتِ وَنُورِ الْأَرْضِينَ * عَالِمِ الْغَيْبِ

ابدی بزرگ * نور (و نوربخش) آسمانها و نور زمینها * عالم به اسرار غیب

وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ الْعَظِيمِ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و شهادت بزرگ و بلند مقام و عظیم الشأن هستی * درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد.

نماز امام حسن عسکری (علیه السلام) چهار رکعت است در دو رکعت اول بعد از حمد پانزده مرتبه

سوره إِذَا زُلْزِلَتْ و در دو رکعت دویم بعد از حمد پانزده مرتبه توحید. * دَعَاءُ أَنْ حَضَرَتْ: اللَّهُمَّ إِنِّي

خدایا از تو درخواست

أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ * لِأَنَّ إِلَهَ الْأَنْتَ الْبَدِيءُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ * وَأَنْتَ

می‌کنم و می‌دانم که ستایش مخصوص توست * و خدایی به جز تو نیست که پیش از هر موجودی تو بوده‌ای * و تو پاینده

أَحْيَى الْقَيُّومِ * لِأَنَّ إِلَهَ الْأَنْتَ الَّذِي لَا يُدْرِكُ شَيْءٌ * وَأَنْتَ كُلَّ يَوْمٍ فِي

ابدی هستی و خدایی به جز تو نیست تویی که عزتت را ذلت نیست * و تو هر روزی در شأن و

شأن * لِأَنَّ إِلَهَ الْأَنْتَ * خَالِقُ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى * الْعَالَمِ بِكُلِّ شَيْءٍ

کاری هستی * خدایی جز تو نیست * که خالق هر چه دیده شود و دیده نشود * تویی به همه موجودات بدون

بغَيْرِ تَعْلِيمٍ * أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ وَالنَّعْمَائِكَ * بِأَنَّكَ اللَّهُ الرَّبُّ الْوَاحِدُ

تعلیم کس، دانایی * از تو درخواست می‌کنم به نعمتهای ظاهر و باطن تو * که تویی خدای یکتا و پروردگار یگانه

لِأَنَّ إِلَهَ الْأَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

* خدایی جز تو نیست که بخشنده و مهربانی * و از تو درخواست می‌کنم که تویی خدایی که به جز تو خدایی

أَنْتَ * أَلْوَتْرُ الْفَرْدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ * الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ

نیست * تویی تنهای فرد یکتا غنی و نیاز بخش * که تو را پدر و فرزندی نیست * و هیچکس کفو

لَهُ وَ كَفَوْا أَحَدٌ * وَ أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * أَلَلَّطِيفُ الْخَبِيرُ

و مانند تو نخواهد بود * و از تو درخواست می‌کنم که تویی خدایی که جز تو خدایی نیست * به اسرار خلق دانا و آگاهی

* أَلْقَائِمُ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ * الرَّقِيبُ الْحَفِيفُ * وَ أَسْأَلُكَ

* و نگهبان هر شخص با هر چه می‌کند * و مراقب و نگهدار خلقی * و از تو درخواست

بِأَنَّكَ اللَّهُ الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ * وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ * وَ الْبَاطِنُ

می‌کنم که خدای عالم و اول پیش از هر چیز * و آخر بعد از هر چیز * و پنهان درون

دُونَ كُلِّ شَيْءٍ * أَلْضَارُّ النَّافِعُ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ * وَ أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ

هر چیز هستی * و ضرر و نفع به دست توست و تو حکیم و دانایی * و از تو درخواست می‌کنم

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * أَحَى الْقِيَوْمِ * أَلْبَاعِثُ الْوَارِثِ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ *

که خدایی و جز تو خدایی نیست * که زنده و پاینده ابدی هستی * و برانگیزنده مردگان و وارث همه خلق و مهربان و نعمت بخش *

بَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ * ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ * وَ ذُو الطَّوْلِ وَ ذُو

آفریننده آسمانها و زمین هستی * صاحب جلال و بزرگواری * و خداوند فضل و احسانی

الْعِزَّةِ وَ ذُو السُّلْطَانِ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * أَحَطَّتْ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا *

و صاحب عزت و سلطنت ابدی * هیچ خدایی جز تو نیست * به همه عالم تو احاطه داری *

وَ أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ *

و عدد هر چیز را تو به شماره توانی آورد * درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) . *

نماز حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه دورکعت است می‌خوانی در هر رکعت

سوره حمد راتَا إِلَيْكَ نَعْبُدُ وَ إِلَيْكَ نَسْتَعِينُ و چون به این آیه رسیدی آن را صد مرتبه می‌گویی و در

مرتبه آخر سوره را تمام می‌کنی پس قل هو الله احد را یکبار می‌خوانی * و چون از نماز فارغ شدی این دعا

رامی‌خوانی: اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ * وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ * وَ انْكَشَفَ الْغَطَاءُ

خدایا بلای بزرگ روی به ما آورده * و اتمام حجت روشن گردید * و پرده از روی کار بیفتاد

* وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ بِمَا وَسَعَتِ السَّمَاءُ * وَ إِلَيْكَ يَا رَبَّ الْمُشْتَكِي

* و زمین با همه وسعت بر ما تنگ شد و آسمان رحمت را منع کرد * و ما شکایت از سختیها نزد تو می‌کنیم

وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

* و بر تو در هر حال ناخوش و خوش توکل می‌کنیم * خدایا درود فرست بر محمد (ص)

وَ آلِ مُحَمَّدٍ * الَّذِينَ أَمَرْتَنَا بِطَاعَتِهِمْ * وَ عَجَّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ

و آل محمد (ع) * آنان که ما را به طاعت آنان امر فرمودی * و خدایا فرج آنها را نزدیک کن

بِقَائِمِهِمْ وَ أَظْهِرْ أَعْزَاؤَهُمْ * يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ * يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ

به ظهور قائم آل محمد (ع) و عزت او را آشکار کن * ای محمد و ای علی * ای علی و ای محمد *

اَكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ * يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ * يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ

مرا کفایت کنید که شما کفایت کن من هستید * ای محمد و ای علی * ای علی و ای محمد *

أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ * يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ * يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ

مرا یاری کنید که شما یاری کننده من هستید * ای محمد و ای علی * ای علی و ای محمد *

أَحْفَظَانِي فَإِنَّكُمَا حَافِظَايَ * يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ * يَا مَوْلَايَ

مرا نگهداری کنید که شما نگهبان من هستید * ای مولای من ای صاحب الزمان * ای مولای من

يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ * يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ * الْغَوْثُ الْغَوْثُ

ای صاحب الزمان * ای مولای من ای صاحب الزمان * پناه آورده ام پناه آورده ام

الْغَوْثُ * أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي * الْأَمَانَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ

پناه آورده ام * مرا دریاب مرا دریاب مرا دریاب * مرا امان ده مرا امان ده مرا امان ده.

و از جمله نمازها **نماز جناب جعفر (علیه السلام)** که اکسیر اعظم و کبریت احمر است و به سندهای بسیار

معتبره با فضیلت بسیار که عمده آموزش گناهان عظیمه است وارد شده و افضل اوقات آن صدرنهار جمعه

است و آن چهار رکعت است به دو تشهد و دو سلام در رکعت اول بعد از سوره حمد **إِذَا زُلْزِلَتْ** می‌خواند و در

رکعت دوم سوره **وَ الْعَادِيَاتِ** و در رکعت سیم **إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ** و در رکعت چهارم **قُلْ هُوَ اللَّهُ**

أَحَدٌ و در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت، پانزده مرتبه می‌گوید **سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ**

إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ و در رکوع همین تسبیحات راده مرتبه می‌گوید و چون سر از رکوع برمی‌دارد ده مرتبه

و در سجده اول ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجده دوم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن پیش از

آنکه برخیزد ده مرتبه در هر چهار رکعت چنین می‌کند که مجموع سیصد مرتبه شود. * شیخ کلینی از ابو سعید

مدائنی روایت کرده که حضرت صادق (علیه السلام) بمن فرمود: آیا تعلیم نکنم ترا چیزی که بگویی آن را در نماز جعفر

گفتم: بلی تعلیم فرما. فرمود: چون در سجده آخر چهار رکعت نماز رسیدی و از تسبیحات فارغ شدی بگو:

سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ * سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ

منزه است خدایی که لباس عزت و وقار در بر اوست * منزه است خدایی که به بزرگی خود بر ما کرم

و تَكْرَمَ بِهِ * سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ * سُبْحَانَ مَنْ

و احسان می‌فرماید * منزه است خدایی که تسبیح روا نیست مگر برای او * منزه است خدایی که

أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ * سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ * سُبْحَانَ

علمش به هر چیز محیط است * منزه است خدای صاحب نعمت و منت * منزه است

ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ *
 خدای صاحب قدرت و مکرمت * خدایا از تو درخواست میکنم به عهدهای عزت عرش تو (که اسرار علم توست) *

و مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ * وَاسْمِكَ الْأَعْظَمِ * وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ

و منتهای رحمت کتاب تو (که حقایق توحید و معرفت است) * و به اسم اعظم تو * و به کلمات تام و کامل تو (که انبیاء

الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَعَدْلًا * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ * وَفَعَلَ بِي

و اولیاء تواند) که از جهت صدق و راستی و عدالت به حد کمال رسید * که بر محمد (ص) و آل محمد (ع) درود فرستی * و حاجتهای

كَذَا وَكَذَا به جای این کلمه حاجات خود را بخواهد * و شیخ و سید از مفضل بن عمر روایت کرده‌اند که

مرا برآوری. *

گفت: دیدم روزی حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) را که نماز جعفر به جا آوردند پس دستها را بلند کردند و این دعا

خواندند يَا رَبِّ يَا رَبِّ به قدری که یک نفس وفا کند يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ به قدریک نفس رَبِّ رَبِّ باز به قدر

یک نفس يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ باز به قدریک نفس يَا حَيُّ يَا حَيُّ به قدریک نفس يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ

باز به قدریک نفس يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ هفت مرتبه يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ هفت مرتبه، پس خواندند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ * وَأَنْطِقُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ * وَأَمَجِّدُكَ

خدایا من به حسن ستایش تو افتتاح سخن می‌کنم * و زبان به ثنای تو می‌گشایم * و مجد و

وَلَا غَايَةَ لِمَدْحِكَ * وَأَثْنِي عَلَيْكَ وَمَنْ يَبْلُغُ غَايَةَ ثَنَائِكَ * وَآمَدُ

بزرگواری تو را مدح می‌گویم * در صورتی که مدح و ثنای تو را حد و نهایت نیست * و کیست که به منتهای مجد

مَجْدِكَ * وَ اَنْى لِخَلِيقَتِكَ كُنْه مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ * وَ اَى زَمَنْ لَمْ تَكُنْ

و ثنای تو تواند رسید * و مخلوق تو را کجا یاری آنکه به کنه معرفت و مجد و بزرگی تو رسد * چه زمانی بوده که تو

مَمْدُوحًا بِفَضْلِكَ * مَوْصُوفًا بِمَجْدِكَ * عَوَادًا عَلَى الْمَذْنِبِينَ

ممدوح به فضل و احسان * موصوف به مجد و کرامت نبوده‌ای * تو بر گنهکاران به حلم و بردباری

بِحِلْمِكَ * تَخَلَّفَ سُكَّانُ اَرْضِكَ عَنْ طَاعَتِكَ * فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ

بسیار احسان کنی * و هر چه ساکنان زمین از اطاعتت سرپیچی کنند * باز تو بر آنها از لطف مهربان

عَطُوفًا بِجُودِكَ جَوَادًا بِفَضْلِكَ * عَوَادًا بِكَرَمِكَ * يَا لَ اِلَهَ الْاِاَنْتَ

خواهی بود و به فضل و احسان بخشش خواهی کرد * و به کرم عطا خواهی فرمود * ای که به جز تو خدایی نیست

الْمَنَّانُ * ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ * پس حضرت فرمود که: ای مُفَضَّل هرگاه تو را حاجت

که نعمت بخشنده * و صاحب جلال و کرامتی. *

ضروری بوده باشد نماز جعفر را بکن و این دعا را بخوان و حوائج خود را از خدا طلب کن که برآورده می شود

انشاء الله تعالی * مؤلف گوید که شیخ طوسی برای برآمدن حاجت از حضرت صادق (ع) روایت کرده که

فرمود: روزه بگیر روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را * و چون آخر روز پنجشنبه شود تصدق بده برده

مسکین هر مسکینی مدی از طعام * پس چون روز جمعه شود غسل کن و برو به صحرا و نماز جعفر را به جا آور

و برهنه کن زانوها را و بچسبان به زمین و بگو: يَا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمِيلَ * وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ (عَلَى)

ای خدایی که جمال و نیکویی را آشکار می کنی * و زشتی را پنهان می سازی

* يَا مَنْ لَمْ يُوَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ * وَ لَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ * يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ *

* ای خدایی که به گناه مؤاخذه نمی کنی * و پرده گنهکاران را نمی دری * ای صاحب عفو بزرگ *

* يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ * يَا وَاَسِعَ الْمَغْفِرَةِ * يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ *

که از بدان به نیکویی در می گذاری * ای که مغفرتت بسیار * و دو دستت به لطف و رحمت گشوده است *

* يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى * وَ مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى * يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ *

ای آگه از هر راز نهنان * ای پناه و مرجع در شکایت خلقتان * ای بزرگوار گناه بخش *

* يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ * يَا عَظِيمَ الْمَنْ * يَا مُبْتَدَأَ بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا *

و ای مهربان * ای امید بزرگ امیدواران * ای بخشنده نعمتهای بی سابقه استحقاق

المُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ يَا عَالِمًا لَا يَعْلَمُ * صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

دل‌های پریشان در تاریکی عالم * ای دانای بی‌معلم * درود فرست بر محمد (ص)

وَأَلِ مُحَمَّدٍ * وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ * وَذِكْرُهُ

و آل محمد (ع) * و با من آن کن که سزاوار توست * ای خدایی که نام او دوی دردها * و یاد او

شِفَاءٌ * وَطَاعَتُهُ غِنَاءٌ (غَنَى) * اِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ *
شفاى امراض * و اطاعت او بی‌نیازی است * ترحم کن بر حال کسی که سرمایه‌اش امیدواری به تو *

و سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ * سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ *
و وسیله‌اش گریه و زاری به درگاه توست * منزهی تو، هیچ خدایی غیر تو نیست * ای مهربان ای صاحب منت بر خلق *

و وسیله‌اش گریه و زاری به درگاه توست * منزهی تو، هیچ خدایی غیر تو نیست * ای مهربان ای صاحب منت بر خلق *

يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ * يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ای پدید آورنده آسمانها و زمین * ای صاحب جلال و بزرگواری *

بیست و دویم: نماز ظهر روز جمعه را به جمعه و منافقین و عصر را به جمعه و توحید بخواند شیخ صدوق

روایت کرده از حضرت صادق (علیه السلام) که فرمود از چیزهایی که واجب و لازم است بر هر مؤمنی که شیعه ما باشد

آنکه بخواند در شب جمعه نماز را به سوره جمعه و (سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى) و در نماز ظهر آن، سوره

جمعه و منافقین پس هرگاه این کار را کرد گویا عمل نموده به عمل رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) و ثواب و جزاء او بر خدا

بهشت خواهد بود * و شیخ کلینی به سند حسن کالصحیح از حلبی روایت کرده که گفت سؤال کردم از

حضرت صادق (علیه السلام) که هرگاه در روز جمعه تنها نماز گزارم یعنی نماز جمعه نخوانم و چهار رکعت نماز ظهر را

بخوانم آیا بلند قرائت کنم فرمود بلی و فرمود بخوان به سوره جمعه و منافقین در روز جمعه بیست و سییم:

شیخ طوسی (رحمته الله) در مصباح در ذکر تعقیب بعد از ظهر از روز جمعه روایت کرده از حضرت صادق (علیه السلام) که: هر که

بخواند روز جمعه بعد از سلام هفت مرتبه حمد و هفت مرتبه (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) و هفت مرتبه (قُلْ

أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و هفت مرتبه (قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ) و هفت مرتبه (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) و

بخواند آخر سوره بَرَاءة (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ) و آخر حَشْر که (لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا

الْقُرْآنَ) باشد تا آخر سوره و پنج آیه آل عمران (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) تا (إِنَّكَ لَا

تُخَلِّفُ الْمِيعَادَ) از این جمعه تا جمعه دیگر کفایت شردشمنان و بلاهازاو بشود بیست و چهارم:

و نیز از آن حضرت روایت کرده که: هر که بعد از نماز صبح یا بعد از نماز ظهر بگوید: **اللَّهُمَّ اجْعَلْ**

بار خدایا قرار ده

صَلَوَاتِكَ وَصَلَاةَ مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

درود خودت و درود فرشتگان و پیامبرانت را بر محمد (ص) و آل محمد (ع)

نوشته نشود بر او گناهی تا یکسال ❀ و نیز فرموده که هر که بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

خدایا درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) و فرجشان را نزدیک گردان. *

را درک نماید مؤلف گوید که: اگر دعای اول را سه دفعه بعد از فریضه ظهر جمعه بخواند برای او امان باشد از

بلاها تا جمعه دیگر ❀ و نیز روایت شده که هر که میان دو نماز روز جمعه صلوات بر محمد و آل محمد

بفرستد ثوابش معادل هفتاد رکعت نماز باشد ❀ بیست و پنجم: بخواند دعای (یا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا

تَرْحَمُهُ الْعِبَادُ) و دعای (اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ) و این هر دو از ادعیه صحیفه کامله است ❀ ۲۶

بیست و نهم: شیخ در مصباح فرموده روایت شده از ائمه (علیهم السلام) که هر که در روز جمعه دو رکعت نماز کند بعد از

نماز ظهر بخواند در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه قل هو الله احد و بعد از نماز بگوید:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ الَّتِي حَشَوْهَا الْبَرَكَةُ ❀ و عمارها

خدایا مرا از اهل بهشت قرار ده که درونش همه برکت است ❀ و کارکنانش

الْمَلَائِكَةُ ❀ مع نبینا محمد صلّى الله عليه وآله ❀ و ابینا ابراهیم

همه فرشتگانند ❀ با پیغمبر ما حضرت محمد که درود فرستند خدا بر او و آتش ❀ و با پدر ما حضرت ابراهیم

عَلَيْهِ السَّلَامُ ❀ تا جمعه دیگر بلائی و فتنه‌ای به او نرسد و حق تعالی جمع کند میان او و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

علیه السلام *

و ابراهیم (علیهم السلام). علامه مجلسی (رحمته الله) فرموده که اگر این دعا را غیر سید بخواند به جای (و ابینا)، (و آبیّه) بگوید

❀ بیست و هفتم: روایت شده که بهترین اوقات صلوات در روز جمعه بعد از عصر است و صد مرتبه می گوئی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ❀ و عَجِّلْ فَرَجَهُمْ ❀ و شیخ فرموده و

خدایا درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) ❀ و فرجشان را نزدیک گردان. *

روایت شده که مستحب است صد مرتبه بگوئی: **صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ**

درود خدا و فرشتگان و پیغمبران

و رُسُلِهِ * وَ جَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ السَّلَامُ عَلَيهِ

و رسولانش * و جميع خلق او بر محمد (ص) و آل محمد (ع) * و سلام بر او

وَ عَلَيهِمْ * وَ عَلَي ارواحِهِمْ وَ اجْسَادِهِمْ * وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ *

و بر آل او * و بر جسم و جان پاک آنها * و رحمت و برکات الهی بر آنان باد. *

و شیخ جلیل ابن ادريس در سرائر از جامع بزنطی نقل کرده که ابو بصیر گفت: شنیدم از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام)

که می فرمود: صلوات بر محمد و آل محمد در ما بین ظهر و عصر معادل هفتاد رکعت است و کسی که بگوید بعد

از عصر روز جمعه: **اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ**

خدایا درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) که اوصیاء پسندیده تواند

بِافْضَلِ صَلَوَاتِكَ * وَ بَارِكْ عَلَيهِمْ بِافْضَلِ بَرَكَاتِكَ * وَ السَّلَامُ

با بهترین درودها * و برکت ده به بهترین برکات خود * و سلام

عَلَيهِمْ وَ عَلَي ارواحِهِمْ وَ اجْسَادِهِمْ * وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ *

بر آنها و بر جسم و جان پاک آنان و رحمت و برکات الهی بر آنان باد. *

خواهد بود برای او مثل ثواب عمل جنّ و انس در آن روز. * مؤلف گوید که: این صلوات شریفه در کتب

مشایخ حدیث به سندهای بسیار معتبر با فضیلت‌های بسیار نقل شده و اگر ده مرتبه و اگر نه هفت مرتبه بخواند

افضل است. زیرا که از حضرت صادق (علیه السلام) روایت است که هر که بعد از نماز عصر روز جمعه پیش از آنکه از جای نماز

خود برخیزد ده مرتبه این صلوات را بخواند صلوات فرستند بر او ملائکه از این جمعه تا جمعه آینده همین ساعت.

و نیز از آن حضرت روایت است که چون نماز عصر روز جمعه را ادا کنی هفت مرتبه این صلوات را بخوان و شیخ

کلینی در کافی روایت کرده که چون روز جمعه نماز را ادا کردی بگو: **اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ**

خدایا درود فرست بر محمد (ص) و آل

مُحَمَّدٍ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِافْضَلِ صَلَوَاتِكَ * وَ بَارِكْ عَلَيهِمْ

محمد (ع) که اوصیاء پسندیده تواند با بهترین درودها * و برکت ده به

بِافْضَلِ بَرَكَاتِكَ * وَ السَّلَامُ عَلَيهِ وَ عَلَيهِمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ *

بهترین برکات خود * و سلام بر او و بر آنها و رحمت و برکات الهی بر آنان باد. *

* به درستی که هر که این صلوات را بعد از نماز عصر بخواند بنویسد حق تعالی برای او صد هزار حسنه و محو

فرماید از او صد هزار سیئه و بر آورد صد هزار حاجت او را و بلند فرماید برای او صد هزار درجه * و نیز فرموده که

روایت شده که هر که این صلوات را هفت مرتبه بگوید خداوند رد کند بر او به عدد هر بنده ای حسنه ای و عملش در آنروز مقبول باشد و بیاید در روز قیامت در حالتی که ما بین دیدگان او نوری باشد، و در اعمال روز عرفه بیاید صلواتی که هر که آن را بخواند محمد و آل محمد صلوات الله و سلامه و علیهم را مسرور نماید ﴿۲۸﴾ بیست و هشتم: بعد از عصر هفتاد مرتبه بگوید: **اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ تَا حَقَّ تَعَالَى** گناهان او را بیامزد ﴿۲۹﴾ بیست و نهم: صد مرتبه **اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ** بخواند ﴿۳۰﴾ از حضرت امام موسی (علیه السلام) روایت شده که:

خدا را در روز جمعه هزار نسیم رحمت است که هر بنده را آنچه خواهد از آن رحمتها عطا فرماید پس هر که بعد از عصر روز جمعه صد مرتبه **اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ** بخواند حق تعالی آن هزار رحمت را مضاعف گرداند و به او عطا فرماید ﴿۳۰﴾ سی ام: بخواند دعای عشرات را که بعد از این خواهد آمد ﴿۳۱﴾ سی و یکم: شیخ طوسی (رحمته الله) فرموده که ساعت استجاب دعا ساعت آخر روز جمعه است تا غروب آفتاب و سزاوار است که دعا در آن ساعت بسیار بکند ﴿۳۲﴾ و روایت شده که ساعت استجاب آن وقتی است که فرورد نصف قرص خورشید و نصف دیگرش غروب نکرده باشد ﴿۳۳﴾ و حضرت فاطمه صلوات الله علیها در آن وقت دعا می کرد پس مستحب است دعا در آن وقت و مستحب است که بخواند دعای مروی از نبی (صلی الله علیه و آله) را در ساعت استجاب دعا:

سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ

پاک و منزهی تو خدایا هیچ خدایی غیر از تو نیست * ای مهربان ای صاحب منت بر خلق * ای پدید آورنده آسمانها

وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ و بخواند در ساعت آخر روز جمعه دعای سمات را که

و زمین * ای صاحب جلال و بزرگواری. *

بعد از این بیاید انشاء الله ﴿۳۴﴾ و بدان که روز جمعه از چند جهت اختصاص و تعلق به امام عصر عجل الله فرجه دارد یکی آنکه ولادت با سعادت آن حضرت در آن روز بوده، دیگر آنکه ظهور موفور السرور آن جناب در روز جمعه خواهد بود و ترقب و انتظار فرج در آنروز بیشتر از روزهای دیگر است، و بیاید در زیارت مختصه به آن حضرت در آن روز:




هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَ هُوَ يَوْمُكَ * الْمَتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ * وَ الْفَرَجُ فِيهِ

امروز روز جمعه است و آن روز توست * که انتظار رود در آن آشکار شدنت * و گشایش در آن

لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدِكَ * بلکه عید بودن روز جمعه و شمردن آن را یکی از عیدهای چهارگانه

برای اهل ایمان به دستانت *

حقیقتاً به جهت آن روز شریف است که زمین را از لوث شرک و کفر و قذارات معاصی و از وجود جبّارین و ملحدین و کافرین و منافقین پاک و پاکیزه می فرماید و به اظهار کلمه حق و اعلاء دین و شرایع ایمان چشم و دل مؤمنین مخصوصین را در آنروز روشن و منور و مسرور و خورسند خواهد فرمود: **وَ اشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا**

پس شایسته است که در این روز صلوات کبیرا بخوانی  و بخوانی دعائی را که حضرت امام رضا (علیه السلام) امر فرموده به خواندن آن برای صاحب الامر (علیه السلام) **اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتِكَ الدَّعَاءَ وَبَيَّادِ** ذکر آن در آخر اعمال سرداب در باب زیارات  و نیز بخوانی دعائی را که شیخ ابو عمر و عمروی قدس الله روحه به ابو علی بن همّام املاء کرده و فرموده که آن را بخوانند در زمان غیبت قائم آل محمد علیه وعلیه السلام، و چون آن صلوات و این دعا طولانی است و این مختصر گنجایش ندارد ما ذکر نمودیم طالبین رجوع کنند به مصباح المتهدّد و جمال الأسبوع  بلی شایسته است در اینجا ذکر کنیم **صلوات منسوبه به ابوالحسن ضراب اصفهانی** را که شیخ و سید در اعمال عصر روز جمعه آنرا ذکر نموده اند و سید فرموده که این صلوات مروی از مولای ما حضرت مهدی صلوات الله علیه است و اگر ترک کردی تعقیب عصر روز جمعه را به جهت عذری پس ترک مکن این صلوات را هرگز به جهت امری که مطلع کرده ما را خداوند جلّ جلاله به آن پس سند آنرا با نسخه صلوات نقل کرده، لکن شیخ در مصباح فرموده که این صلوات مروی از حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) است که بیرون آمده به سوی ابوالحسن ضراب اصفهانی به مکه و ما سند آن را ذکر نکردیم به جهت اختصار نسخه آن این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ
 به نام خدای بخشنده مهربان * خدایا درود فرست بر محمد (ص) سید رسولان

*** وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ * وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الْمُنْتَجِبِ فِي الْمِيثَاقِ *
 * و خاتم پیغمبران * و حجت خدا بر تمام خلق عالم * برگزیده حق در روز عهد الهی ***

*** الْمُصْطَفَى فِي الظُّلَالِ * الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ * الْبَرِيِّ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ *
 * اختیار شده حق در سایه عنایت * و پاک و پاکیزه از هر نقص و آفت * مبرا از هر عیب ***

*** الْمُؤْمَلِ لِلنَّجَاةِ * الْمُرْتَجِي لِلسَّفَاعَةِ * الْمَفْوُضِ إِلَيْهِ دِينَ اللَّهِ *
 * قبله امان خلق برای نجات در عذاب * و محل امیدواری برای شفاعت * آنکه دین خدا به او تفویض شده است (و بواسطه او**

**اللَّهُمَّ شَرِّفْ بَنِيانَهُ * وَ عَظِّمْ بَرَهَانَهُ * وَ أَفْلِحْ حُجَّتَهُ * وَ أَرْفَعْ
 * تبلیغ شده است) * خدایا شرافت بنیان * و عظمت برهانش را ابدی گردان * و حجتش را آشکار فرما * و درجه او**

**دَرَجَتَهُ * وَ أَضِيْ نُورَهُ * وَ بَيِّضْ وَجْهَهُ * وَ أَعْطِهِ الْفَضْلَ وَ الْفَضِيلَةَ *
 * را بلند * و نورش را روشن تر * و رویش را سفیدتر * و عطا کن به او هر فضل و هر کمال**

*** وَ الْمَنْزِلَةَ وَ الْوَسِيلَةَ * وَ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ * وَ اَبْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا *
 * و منزلت و مقام توسل * و رتبه بلند * و او را به مقام محمود شفاعت که**

يَغْبُطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَ الْأَخْرُونَ * وَ صَلَّى عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ *

رشک اولین و آخرین است برانگیز * و درود فرست بر امیر المؤمنین (ع) *

وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ * وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ * وَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ *

و وارث علم پیغمبران * و پیشوای پاکان و نیکان عالم * و سید جانشینان پیغمبر (ص) *

وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ صَلَّى عَلَى أَحْسَنِ بَنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ *

* و حجت پروردگار عالم بر خلق * و درود فرست بر حسن (ع) فرزند علی (ع) پیشوای اهل ایمان *

وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ * وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ صَلَّى عَلَى الْحُسَيْنِ *

* و وارث علم پیغمبران * و حجت پروردگار عالم بر بندگان * و درود فرست بر حسین بن *

بَنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ * وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ * وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ *

علی (ع) پیشوای اهل ایمان * و وارث علم رسولان * و حجت پروردگار عالم بر بندگان *

وَ صَلَّى عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ * وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ *

* و درود فرست بر علی بن الحسین (ع) پیشوای اهل ایمان * و وارث علم رسولان *

وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ *

و حجت پروردگار عالم بر بندگان * و درود فرست بر محمد بن علی (ع) پیشوای اهل ایمان *

وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ * وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ صَلَّى عَلَى جَعْفَرِ بْنِ *

و وارث علم رسولان * و حجت پروردگار عالم بر بندگان * و درود فرست بر جعفر بن *

مُحَمَّدِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ * وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ * وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ *

محمد الصادق (ع) پیشوای اهل ایمان * و وارث علم رسولان * و حجت پروردگار عالم بر بندگان *

وَ صَلَّى عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ * وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ *

و درود فرست بر موسی بن جعفر کاظم (ع) پیشوای مؤمنان * و وارث علم پیغمبران *

وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ صَلَّى عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ *

و حجت پروردگار عالم بر بندگان * و درود فرست بر علی بن موسی (ع) پیشوای مؤمنان *

وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ * وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ *

و وارث علم پیغمبران * و حجت پروردگار عالم بر بندگان * و درود فرست بر محمد بن علی (ع) *

إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ * وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ * وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ صَلَّى *

پیشوای مؤمنان * و وارث علم پیغمبران * و حجت پروردگار عالم بر بندگان * و درود فرست *

عَلَىٰ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ * وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ * وَحُجَّةِ

بر علی بن محمد النقی (ع) پیشوای مؤمنان * و وارث علم پیغمبران * و حجت

رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَصَلِّ عَلَىٰ أَحْسَنِ بَنِي عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ * وَوَارِثِ

پروردگار عالم بر بندگان * و درود فرست بر حسن بن علی العسکری (ع) پیشوای اهل ایمان * و وارث

الْمُرْسَلِينَ * وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَصَلِّ عَلَىٰ الْخَلْفِ الْهَادِي

علم پیغمبران * و حجت پروردگار عالم بر بندگان * و درود فرست بر فرزند امام هادی حضرت

الْمَهْدِيِّ * إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ * وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ * وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

مهدی (ع) * پیشوای اهل ایمان * و وارث علم پیغمبران * و حجت پروردگار عالم بر بندگان

* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيِّمَةِ الْهَادِينَ * أَلْعُلَمَاءِ

* خدایا درود فرست بر محمد (ص) و اهل بیت او که امامان هادی خلق * دانایان

الصَّادِقِينَ * الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ * دَعَائِمِ دِينِكَ * وَ أَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ *

راستگویان * نیکوکاران پرهیزکاران اهل عالم‌اند * ستونهای دین تو * و ارکان مقام توحید *

وَ تَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ * وَ حُجَجِكَ عَلَىٰ خَلْقِكَ * وَ خُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ

و مفسران وحی * و حجت‌های تو بر تمام خلق تواند * و خلیفه الله در روی زمین تواند

* الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ * وَ اصْطَفَيْتَهُمْ عَلَىٰ عِبَادِكَ * وَ ارْتَضَيْتَهُمْ

* آن بزرگوارانی که تو آنان را برای خود برگزیدی * و بر تمام بندگان برتری دادی * و برای اجرای دین خود

لِدِينِكَ * وَ خَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ * وَ جَلَلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ *

انتخاب فرمودی * و مخصوصشان به مقام معرفت کامل نمودی * و آنها را به لطف و کرمیت جلالت بخشیدی *

وَ غَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ * وَ رَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ * وَ غَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ *

و آنها را غرق دریای رحمت خود کردی * و به نعمت خاص خود پروراندی * و آنها را از حکمت‌های خود غذا دادی *

وَ الْبَسْتَهُمْ نُورَكَ * وَ رَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ * وَ حَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ *

و از نور خود لباس پوشانیدی * و مقامشان را در ملکوت خود رفیع گردانیدی * و فرشتگان را گردشان به خدمت گماشتی *

وَ شَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

و تو خود پیغمبرت را که درود تو بر او و آلش باد به آنها شرافت بخشیدی * خدایا درود فرست بر محمد (ص) و بر

وَ عَلَيْهِمْ صَلَاةٌ زَاكِيَةٌ نَامِيَةٌ كَثِيرَةٌ دَائِمَةٌ طَيِّبَةٌ * لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ

آتش درودی خالص و رو به زیادت و فراوان و پیوسته و پاکیزه * که جز تو کسی به آن ثنا نتواند کرد

وَلَا يَسْعَهَا إِلَّا عِلْمُكَ * وَلَا يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ * اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ

* و جز علم تو آن را فرا نگیرد * و غیر تو کسی بشمار نیارد * خدایا درود فرست بر

وَلَيْكَ الْمُحْيِي سُنَّتِكَ * أَلْقَائِمٌ بِأَمْرِكَ * أَلْدَاعِي إِلَيْكَ * أَلدَّلِيلُ

وَلِيَّ خُودٍ وَ زَنْدِهٖ كَنْدِهٖ شَرْعِ خُودِ * كِهٖ بِهٖ اَمْرُ تُو قِيَامِ كَنْدِ * وَ بِهٖ سُوِي تُو دَعْوَتِ كَنْدِ * وَ خَلَقْتَ رَا بِهٖ رَاهِ

عَلَيْكَ * حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ * وَ خَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ * وَ شَاهِدِكَ

تُو دَلَالَتِ كَنْدِ * وَ اَن حُجَّتِ تُو بَر خَلْقِ اَسْتِ * وَ خَلِيفَهٗ تُو دَر هَمِهٖ رُوِي زَمِيْنِ اَسْتِ * وَ گُوَاهِ بَر

عَلَى عِبَادِكَ * اللَّهُمَّ اعِزَّ نَصْرَهُ * وَ مَدِّ فِي عُمُرِهِ * وَ زَيِّنِ الْأَرْضَ بِطُولِ

بَنْدِگَانِ تُوَسْتِ * خُدَايَا بِهٖ اُو عِزَّتِ بَا نَصْرَتِ * وَ طُوُلِ عَمْرِ عَطَا كَنْ * وَ زَمِيْنِ رَا بِهٖ نَعْمَتِ بَقَايِشِ

بَقَائِهِ * اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ * وَ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ *

زِيُوُر بَخِشِ * بَار خُدَايَا اُو رَا اَز ظَلَمِ حَسُوْدَانِ نِگَاهِ دَارِ * وَ اَز شَرِّ مَكْرِ خَلْقِ دَر پِنَاهِ خُودِ بَدَارِ *

وَ اَزْجُرْ عَنْهُ ارَادَةَ الظَّالِمِينَ * وَ خَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجُبَّارِينَ * اللَّهُمَّ

وَ اِرَادَهٗ سَتْمَكَارَانِ رَا اَز اُو بَغْرَدَانِ * وَ اُو رَا اَز دَسْتِ جُوُر جِبَارَانِ رَهَايِي دِهٖ * بَار خُدَايَا

أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ شَيْعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ * وَ خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ

بِهٖ اُو عَطَا فَرْمَا دَر حَقِّ خُودِ اَن بَزْرگُوَارِ وَ ذَرْبِهٖ اُو وَ شَيْعِيَانِشِ وَ رَعِيْتِشِ * وَ خَاصِّ وَ عَامِّ دُوَسْتَانِشِ

وَ عَدُوِّهِ * وَ جَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا مَا تَقَرَّبَ بِهِ عَيْنَهُ * وَ تَسَرَّبَ بِهِ نَفْسَهُ * وَ

وَ حَتِّي دَشْمَانِشِ * وَ تَمَامِ اَهْلِ دُنْيَا عَطَا كَنْ اَنكِهٖ مُوجِبِ رُوْشْنِي چِشْمِ * وَ شَادِي رُوْحِ اُوَسْتِ

وَ بَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا أَمَّلَهُ * وَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

* وَ اُو رَا بِهٖ كَامَلْتَرِيْنِ اَرْزُوِيْشِ دَر دُنْيَا وَ اَخْرَتِ بَرَسَانِ * كِهٖ تُو بَر هَر چِيْزِ كِهٖ خُوَاهِي قَادَرِي

* اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا أَمْتَحَى (مُحْيِي) مِنْ دِينِكَ * وَ أَحْيِ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ

* خُدَايَا اَنچِهٖ اَز دِيْنِ تُو مَحُو شُدِهٖ اَسْتِ بِهٖ وُجُوْدِ اُو تَازِهٖ گَرْدَانِ * وَ اَنچِهٖ اَز كِتَابِ تُو رَا تَغْيِيْرِ دَادِهٖ اَنْدِ بِهٖ وُجُوْدِشِ

كِتَابِكَ * وَ أَظْهَرْ بِهِ مَا غَيَّرَ مِنْ حُكْمِكَ * حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ * وَ عَلَيَّ

زَنْدِهٖ سَازِ * وَ اَنچِهٖ اَز حَكْمَتِهَايِ تُو رَا دَرْگُوْنِ كَرْدِهٖ اَنْدِ بِهٖ وُجُوْدِ اُو ظَاهِرِ كَنْ * تَا اَنكِهٖ دِيْنِ تُو بَازِ طَرَاوْتِ

يَدِيهِ غَضًّا جَدِيدًا خَالِصًا مُخْلِصًا * لَا شَكَّ فِيهِ * وَ لَا شَبَهَةَ مَعَهُ * وَ

تَازِهٖ يَابِدِ * وَ خَالِصِ اَز شَائِبِهٖ اُوَاهِمِ گَرْدِ * وَ شَكِّ وَ شَبِهِهٖ دَر اَن رَاهِ نِيَابِدِ * وَ بَاطِلِ وَ بَدْعَتِ

* وَ لَا بَاطِلَ عِنْدَهُ * وَ لَا بَدْعَةَ لَدَيْهِ * اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ

اَز اَن دُوُر گَرْدِ * بَار خُدَايَا بِهٖ نُوْرِ جَمَالِ اُو تَارِيكِيَهَايِ عَالَمِ رَا رُوْشِنِ گَرْدَانِ *

وَهْدَّ بَرَكْنَهُ كُلَّ بَدْعَةٍ * وَاهْدَمَ بَعِزَّهُ كُلَّ ضَلَالَةٍ * وَاقْصَمَ بِهِ كُلَّ

و بنای هر بدعت را به قدرت او ویران ساز * و هر گمراهی را به دوران عزتش نابود ساز * و هر گردنکشی را به دست او

جَبَّارٍ * وَآخَمَدُ بَسِيفِهِ كُلَّ نَارٍ * وَاهْلِكُ بَعْدَلِهِ جَوْرَ كُلِّ جَائِرٍ *

در هم شکن * و به شمشیر او آتش هر فتنه را خاموش گردان * و به عدل او جور ستمکاران را از زمین بر انداز *

وَاجْرُ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ * وَاذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ * اَللّٰهُمَّ

و او را بر سر همه حاکمان فرمانروا کن * و به دور سلطنتش هر سلطنت را ذلیل ساز * بار خدایا

اذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ * وَاهْلِكُ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ * وَامْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ *

هر که مخالف اوست ذلیل کن * و هر که دشمن اوست هلاکش گردان * و هر که با او مکر اندیشد به مکر مجازات کن *

وَاسْتَاوَصِلْ مَنْ جَحَدَهُ وَحَقَّهُ * وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ * وَسَعَى فِي

و هر که انکار حق او کند * و امرش را خوار شمارد * و بخواهد نور او را

اطْفَاءِ نُورِهِ * وَارَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى

خاموش کند * و ذکر او را از میان مردم ببرد او را نابود گردان * خدایا درود فرست بر محمد مصطفی (ص)

* وَ عَلَى الْمُرْتَضَى * وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ * وَالْحَسَنَ الرَّضَا * وَالْحُسَيْنَ

* و بر علی مرتضی (ع) * و بر فاطمه زهرا (ع) * و بر حسن (ع) صاحب مقام رضا * و بر حسین (ع)

الْمُصَفَّى * وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ مَصَابِيحِ الدُّجَى * وَاعْلَامِ الْهُدَى *

صاحب مقام برگزیده * و بر جمیع اوصیاء پیغمبر که همه چراغ شام تار عالمند * و نشانهای هدایت

وَمَنَارِ التَّقَى * وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى * وَالْحَبْلِ الْمَتِينِ * وَالصِّرَاطِ

و مظاهر تقوی * و حلقه محکم * و زنجیر مستحکم حق * و راه

الْمُسْتَقِيمِ * وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَوَلَاةِ عَهْدِكَ وَالْأئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ * وَمَدِّ


راست خدایند * و درود فرست بر ولی خودت و ولیعهدان تو و پیشوایان از فرزندان او * طول

فِي أَعْمَارِهِمْ * وَزِدْ فِي أَعْمَالِهِمْ * وَبَلِّغْهُمْ أَقْصَى أَمَالِهِمْ دِينًا وَدُنْيَا

عمرشان مرحمت فرما * و زیستشان را زیاد کن * و آنان را به بالاترین آرزوی دین و دنیا و

وَآخِرَةَ * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * و بدانکه موافق روایتی شب شنبه حکم

آخرت برسان * به درستی که تو بر هر چیز توانایی *

شب جمعه را دارد و شایسته است آنچه در شب جمعه خوانده می شد در آن شب نیز خوانده شود. 

فصل پنجم: در تعیین اسامی نبی و ائمه علیهم السلام به روزهای هفته

وزیارت ایشان در هر روز

سید بن طاووس در جَمَالُ الْأَسْبُوعِ گفته ابن بابویه (ع) مُسْنَدًا از صقر بن ابی دُلف روایت کرده که چون متوکل حضرت امام علی النقی (ع) را بِسْرَمَنْ رَأَى طلبید روزی به خدمت آن حضرت رفتم خبری از احوال آن جناب بگیرم و آن حضرت را نزد رزاقی، حاجب متوکل محبوس کرده بودند چون نزد او رفتم گفتم: چه کار داری؟ گفتم: به دیدن شما آمده‌ام. ساعتی باهم نشستیم و از هرگونه صحبتی باهم کردیم تا آنکه مردم را متفرق کرد و مجلس خلوت شد. باز پرسید که برای چه آمده‌ای؟ من همان جواب اوّل را دادم. گفتم: گویا آمده‌ای که خبری از مولای خود بگیری؟ من ترسیدم، گفتم: مولای من خلیفه است. گفتم: ساکت شو که مولای تو بر حقّ است و من نیز اعتقاد تو را دارم. گفتم: الحمد لله. پس گفتم: آیا می‌خواهی نزد او بروی؟ گفتم: بلی. گفتم: قدری بنشین تا صاحب البرید از نزد او بیرون آید. من نشستم تا وقتی که صاحب البرید بیرون شد. آن وقت پسرکی را مأمور کرد که مرا به نزد آن حضرت ببرد. چون به خدمت آن جناب رسیدم دیدم بر روی حصیری نشسته است و در برابرش قبری کنده‌اند. پس سلام کردم حضرت جواب داد. فرمود: بنشین پس فرمود که: برای چه آمده‌ای؟ گفتم: آمده‌ام که از احوال شما خبری بگیرم پس چون نظرم بر قبر افتاد گریستم. حضرت فرمود که: گریه مکن که در این وقت از ایشان آسیبی به من نمی‌رسد. گفتم: الحمد لله. پس گفتم: ای سید من حدیثی از رسول خدا (ص) روایت شده که معنی آن را نمی‌فهمم. فرمود: چیست آن حدیث؟ عرض کردم: **لَا تُعَادُوا الْأَيَّامَ فَتُعَادِيكُمْ** یعنی دشمنی نکنید با روزها که آنها با شما دشمنی خواهند کرد. فرمود: مُراد از ایام و روزها ما هستیم مادامی که به پا است آسمانها وزمین، **شنبه** اسم رسول خدا (ص) است و **یکشنبه** امیرالمؤمنین (ع) و **دوشنبه** حسن و حسین (ع) و **سه‌شنبه** علی بن محمد بن علی و جعفر بن محمد (ع) و **چهارشنبه** موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی (ع) و منم و **پنجشنبه** فرزندانم حسن (ع) و **جمعه** فرزندانم است و به سوی او جمع می‌شوند اهل حقّ. این است معنی ایام پس دشمنی مکنید با ایشان در دنیا که دشمنی کنند با شما در آخرت. پس فرمود: وداع کن و بیرون رو که ایمن نیستیم بر تو و می‌ترسم اذیتتی به تو رسد. و بعد سید این حدیث را به سند دیگر از قطب راوندی نقل کرده آنگاه فرمود: **ذکر زیارت حضرت رسول (ص) در روز خود که روز شنبه باشد:**

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُهُ *
 و گواهی می‌دهم که هیچ خدایی جز خدای یکتا نیست * که شریک و انباز ندارد * و گواهی می‌دهم که تویی رسول او

* وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رَسُولَاتِ
 * و تویی حضرت محمد بن عبد الله (ص) پیغمبر خدا * و گواهی می‌دهم که تو محققا رسالت‌های خدای خود را تبلیغ

رَبِّكَ * وَ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ * وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ
 کامل فرمودی * و امتت را وعظ و نصیحت کردی * و جهاد در راه خدا با زبان حکمت و

وَالْمَوْعِظَةَ الْحَسَنَةَ * وَ آدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ * وَ أَنَّكَ قَدْ
 موعظه نیکو نمودی * و آنچه از جانب خدا به ادای آن مأمور شدی کاملا انجام دادی * و البته نهایت رأفت و

رَوَّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ * وَ غَلِظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ وَ عَبَدْتَ اللَّهَ
 محبت را با اهل ایمان * و کمال خشونت و سختگیری را بر کافران روا داشتی و بندگی خدا را به اخلاص

مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ * فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمَكْرَمِينَ *
 نمودی تا به مقام یقین کامل رسیدی * پس خدا تو را به اشرف مقامات مکرمان و مقربان خود برساند *

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشَّرْكِ وَالضَّلَالِ * اللَّهُمَّ
 ستایش خدای را که به وجود تو ما را از شرک و ضلالت نجات داد * خدایا درود

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ *
 فرست بر محمد (ص) و آل او * و قرار ده درود خود را و درود فرشتگان *

وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ * وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ * وَ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ
 و پیغمبران و رسولان * و بندگان صالح خود را و همه اهل آسمانها و

وَ الْأَرْضِينَ * وَ مَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِينَ وَ الْأَخْرِينَ *
 زمینها * و هر کس که تو را تسبیح می‌کند ای پروردگار عالم از اولین و آخرین خلق درود همه را *

عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ * وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ * وَ نَجِيبِكَ
 بر حضرت محمد (ص) بنده خاص توست که رسول * و پیغمبر و امین وحی * و برگزیده

وَ حَبِيبِكَ وَ صَفِيِّكَ وَ صِفْوَتِكَ * وَ خَاصَّتِكَ وَ خَالِصَّتِكَ *
 و حبیب تو و بنده پاک و منزّه * و خاص و خالص تو *

وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ * وَ أَعْطَهُ الْفَضْلَ وَ الْفَضِيلَةَ * وَ الْوَسِيلَةَ
 و منتخب تو از تمام خلق * و به او عطا فرما مقام برتری بر همه پیغمبران * و مقام وساطت

و الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ * وَ اَبَعَثَهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ * بِهِ الْاَوْلُونَ

و درجه رفیع شفاعت را * و او را به مقام محمود (شفاعت کبری) که غبطه اولین و آخرین خلق

و الْاٰخِرُونَ * اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ * وَلَوْ اَنَّهٗمْ اِذْ ظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ

است برسان * بار الها تو خود فرمودی به رسول گرامت که هرگاه بندگان که بر نفس خود ستم کردند نزد تو به توبه باز آیند

* فَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمُ الرَّسُوْلُ * لَوْجَدُوا اللّٰهَ تَوَّابًا

* و از خدا مغفرت طلبند و رسول بر آنها آمرزش از خدا طلبد * البته آن بندگان خدا را توبه پذیر و مهربان

رَحِيْمًا * اَلِهٰی فَقَدْ اَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوْبِي * فَصَلِّ

خواهند یافت * پس بارها به درگاه پیغمبر تو برای توبه و استغفار و بازگشت از گناه آمده‌ام * تو هم

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِهٖ وَاغْفِرْهَا لِي * يَا سَيِّدِنَا اَتُوْجِّهْ بِكَ * وَ باهَلْ

درود فرست بر محمد و آلش و از گناهانم درگذر * ای سید من بوسیله شما * و اهل بیت

بَيْتِكَ اِلَى اللّٰهِ تَعَالٰی رَبِّكَ وَ رَبِّيْ لِيْغْفِرَ لِيْ * پس سه مرتبه بگو: اَنَا لِلّٰهِ

شما به درگاه خدا رو آورده‌ام که پروردگار من و توست تا مرا ببخشد * البته ما همه از

وَ اَنَا اِلَيْهٖ رَاجِعُونَ * پس بگو: اَصْبْنَا بِكَ يَا حَبِيْبَ قُلُوْبِنَا * فَمَا اَعْظَمَ

جانب خدا آمده و بسوی او باز می‌گردیم * ما به واسطه شما مصیبت دیده‌ایم ای محبوب دل‌های ما * چه مصیبت

الْمُصِيبَةِ بِكَ حَيْثُ انْقَطَعَ عَنَّا الْوَحْيُ * وَ حَيْثُ فَقَدْنَاكَ فَاِنَّا لِلّٰهِ

بزرگی که از فقدان شما وحی از ما منقطع گردید * و اکنون که به فراق شما مبتلا شدیم پس ما هم از جانب خدا

وَ اِنَّا اِلَيْهٖ رَاجِعُونَ * يَا سَيِّدِنَا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ * صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكَ

و به سوی خدا باز خواهیم گشت * ای سید ما ای رسول خدا * درودهای الهی بر تو و

وَ عَلٰی اٰلِ بَيْتِكَ (الطَّيِّبِيْنَ) الطَّاهِرِيْنَ * هٰذَا يَوْمُ السَّبْتِ وَ هُوَ يَوْمُكَ *

بر اهل بیت طاهرین تو باد * این روز شنبه که متعلق به شماست *

وَ اَنَا فِيْهِ ضَيْفُكَ وَ جَارُكَ * فَاصْفِنِيْ وَ اجْرِنِيْ * فَاِنَّكَ كَرِيْمٌ تُحِبُّ

و من در مهمانی تو و به همسایگی تو آمده‌ام * مرا به مهمانی خود بپذیر و به درگاهت پناه ده * که تو بسیار کریمی

الضِّيَافَةَ * وَ مَأْمُورٌ بِالْاِجَارَةِ * فَاصْفِنِيْ وَ اَحْسِنْ ضِيَاْفَتِيْ * وَ اجْرِنَا

و مهماندوست * و از جانب خدا مأموری به پناه دادن خلق * پس مرا مهمان خود کن و نیکو ضیافتم فرما * و در جوار

وَ اَحْسِنْ اِجَارَتَنَا * بِمَنْزِلَةِ اللّٰهِ عِنْدَكَ وَ عِنْدَ اٰلِ بَيْتِكَ * وَ بِمَنْزِلَتِهِمْ

خود مرا نیکو پناه ده * به حق منزلت و مقام خدا نزد تو و نزد اهل بیت تو * و به منزلت و مقام آنها

عِنْدَهُ ۞ وَبِمَا اسْتَوَدَّ عَكُمْ مِنْ عِلْمِهِ ۞ فَإِنَّهُ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ ۞

نزد خدا و به اسراری که از علمش به شما ودیعه سپرده است * که البته خدا بزرگترین بزرگواران است. *

جامع این کتاب عباس قمی عَفِيَ عَنْهُ گوید که من هرگاه خواستم زیارت کنم آن حضرت را به این زیارت، اول زیارت می‌کنم آن حضرت را به نحوی که حضرت امام رضا (علیه السلام) تعلیم بَرَنْطی فرموده، بعد از آن این زیارت را می‌خوانم و کیفیت آن چنان است که روایت شده به سند صحیح که ابن ابی نصر خدمت امام رضا (علیه السلام) عرض کرد که: بعد از نماز چگونه صلوات و سلام بر حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) باید فرستاد؟ فرمود می‌گوئی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ۞ السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای رسول خدا و رحمت و برکات خدا بر تو باد * سلام بر تو ای

يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ ۞ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ ۞ السَّلَامُ عَلَيْكَ

حضرت محمد بن عبد الله (ص) * سلام بر تو ای برگزیده خدا * سلام بر تو

يَا حَبِيبَ اللَّهِ ۞ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ ۞ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

ای حبیب خدا * سلام بر تو ای دوست خاص خدا * سلام بر تو ای

أَمِينَ اللَّهِ ۞ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ ۞ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ

امین وحی خدا * گواهی می‌دهم که تو پیغمبر و فرستاده خدایی * و گواهی می‌دهم که تو محمد بن عبد الله

اللَّهِ ۞ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ ۞ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ

(بنده خاص خدایی) * و گواهی می‌دهم که کاملاً امتت را وعظ و نصیحت فرمودی * و جهاد در راه خدا نمودی

۞ وَعَبَدْتَهُ ۞ حَتَّىٰ آتَيْكَ الْيَقِينَ ۞ فَجَزَاكَ اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ۞ أَفْضَلَ

* و خدا را به اخلاص بندگی کردی تا به مقام یقین کامل (وقت مرگ) رسیدی * پس خدا تو را ای رسول حق پاداش دهد * نیکوتر از هر

مَا جَزَىٰ نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ ۞ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ۞

پاداشی که به هر پیغمبر برای هدایت امت داده است * خدایا درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) *

أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ ۞ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ۞

بهترین درودی که بر ابراهیم (ع) و آلش فرستادی * که تو بسیار ستوده صفات و بزرگواری. *

زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام): به روایت آن کسی که در بیداری مشاهده کرد که جناب

صاحب الزمان (علیه السلام) آن حضرت را به این کلمات زیارت کرد در روز یکشنبه که روز آن حضرت است: **السَّلَامُ**

سلام

عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ * وَالدَّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمُضِيئَةِ * الْمَثْمَرَةِ

بر شجره طیبه نبوت پیغمبر * و بر کهن درخت آل هاشم باد که درختی است نورانی * و ثمر دهنده

بِالنَّبْوَةِ * الْمُونِقَةِ (الْمُونَعَةِ) بِالْإِمَامَةِ * وَعَلَى ضَجِيعِكَ أَدَمَ

به نبوت * که با (گل و ریاحین) امامت آراسته است * و سلام بر دو هم جوار تو آدم

وَنُوحَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ

و نوح علیهما السلام * سلام بر تو و بر اهل بیت پاک و منزّه

الطَّاهِرِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ *

تو باد * سلام بر تو و بر فرشتگان اطراف تو *

وَالْمُحَافِينَ بِقَبْرِكَ * يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * هَذَا يَوْمُ الْأَحَدِ

و اطراف قبر مطهر تو باد * ای مولای من ای امیر اهل ایمان * این روز یکشنبه

وَ هُوَ يَوْمُكَ وَ بِاسْمِكَ * وَ أَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَ جَارُكَ * فَاضْفِنِي

متعلق به شما و به نام شماست * و من در این روز مهمان شما هستم و در جوار شما * مرا به مهمانی بپذیر

يَا مَوْلَايَ وَ أَجْرْنِي * فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الضِّيَافَةَ وَ مَأْمُورٌ بِالْإِجَارَةِ *

ای مولای من و مرا پناه ده * که تو بسیار بزرگوار و کریم و مهمان نوازی و از جانب خدا مأمور پناه دادن خلقی *

فَأَفْعَلْ مَا رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ * وَ رَجَوْتُهُ مِنْكَ * بِمَنْزِلَتِكَ وَ عَالِ بَيْتِكَ

پس چیزی را که من به رغبت و شوق به درگاه تو آمده‌ام * و از تو امید آن دارم ادا فرما * به حق منزلت تو و اهل بیت

عِنْدَ اللَّهِ * وَ مَنْزِلَتَهُ عِنْدَكُمْ * وَ بِحَقِّ ابْنِ عَمِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

تو نزد خدا * و منزلت خدا نزد شما * و به حق ابن عم تو رسول خدا

عَلَيْهِ وَ عَالِهِ وَ سَلَّمَ * وَ عَلَيْهِمْ (عَلَيْكُمْ) أَجْمَعِينَ *

که درود و تحیت خدا بر او * و بر آل او تماماً باد. *

زِيَارَتِ حَضْرَتِ فَاطِمَةَ زَهْرَاءَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ): السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُتَّحِنَةً * أُمَّتَحَنَكَ

سلام بر تو باد ای آزموده * نزد خدایی

(اللَّهُ) الَّذِي خَلَقَكَ * فَوَجَدَكَ لَمَّا أُمَّتَحَنَكَ صَابِرَةً * أَنَا لِكَ مُصَدِّقٌ

که تو را آفرید * و در آنچه آزمود صابر یافت * من مقام رفیع شما را تصدیق می‌کنم

صَابِرٌ عَلَىٰ مَا آتَىٰ بِهِ أَبُوكَ وَوَصِيَّهُ * صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا *

* و خود او را در کار شرع که بر پدر تو وصی او * که درود خدا بر آنان باد فرستاد امیدوارم *

وَأَنَا أَسْأَلُكَ إِنْ كُنْتَ صَدَقْتَكَ إِلَّا الْحَقَّتْ بِي بِتَصَدِيقِي لَهُمَا لِتَسْرَ

و من از شما درخواست می‌کنم که هرگاه من شأن و مقام شما را به حق تصدیق کرده‌ام شما هم مرا به مصدقان و مؤمنان به آن دو

نَفْسِي * فَاشْهَدِي أَنِّي ظَاهِرٌ (ظَاهِرٌ) بِوِلَايَتِكَ * وَوَلَايَةِ آلِ بَيْتِكَ

بزرگوار (بیغمبر و وصیش) ملحق کنی تا دلشاد گردم و گواه باشی * که من با اخلاص کامل متوسلم به دوستی شما

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ * اَيْضًا زِيَارَتُ حَضْرَتِ زَهْرَاءَ (عَالِيهَا)

و اهل بیت شما صلوات الله عليهم اجمعين. *

بِهِ رَوَايَتٌ دِيْغَرٌ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُمْتَحَنَةً * أَمْتَحَنِكَ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ

سلام بر تو باد ای آزموده * نزد خدایی که تو را آفرید پیش از آنکه تو را

أَنْ يَخْلُقَكَ * وَكُنْتَ لِمَا أَمْتَحَنَكَ بِهِ صَابِرَةً * وَنَحْنُ لِكَ أَوْلِيَاءُ

بیافریند آزمود * و تو را در آنچه امتحان کرد ثابت و صابر یافت * و ما شیعیان، شما را دوستدار

مُصَدِّقُونَ * وَلِكُلِّ مَا آتَىٰ بِهِ أَبُوكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

و تصدیق کننده‌ایم * و به هر چه بر پدرت صلی الله علیه و آله از جانب خدا آمده همه را ایمان داریم

* وَآتَىٰ بِهِ وَوَصِيَّهُ * عَلَيْهِ السَّلَامُ مُسْلِمُونَ * وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ

* و بر هر چه وصی او علیه السلام دستور داده تسلیم او هستیم * و خدایا از تو درخواست می‌کنیم که

إِذْ كُنَّا مُصَدِّقِينَ لَهُمْ * أَنْ تُلْحِقَنَا بِتَصَدِيقِنَا بِالذَّرَجَةِ الْعَالِيَةِ *

چون ما آن بزرگواران را تصدیق کرده‌ایم * به آن تصدیق و ایمان ما را به درجه عالی (بهشتی) برسانی *

لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوِلَايَتِهِمُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ *

تا به خود بشارت این مقام را بدهیم که ما به واسطه ولایت و دوستی آن بزرگواران (از گناه) پاک می‌گردیم. *

روز دوشنبه: روز امام حسن و امام حسین (ع) است. در زیارت امام حسن (ع) می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

سلام بر تو باد ای فرزند رسول پروردگار عالم * سلام بر تو باد ای فرزند

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ * السَّلَامُ

امیر المؤمنین (ع) * سلام بر تو باد ای فرزند فاطمه زهراء (ع) * سلام بر

عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ * السَّلَامُ

تو باد ای دوست خدا * سلام بر تو باد ای بنده خاص خدا * سلام بر تو باد

عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ * السَّلَامُ

ای امین سر خدا * سلام بر تو باد ای حجت خدا بر خلق * سلام بر

عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِرَاطَ اللَّهِ * السَّلَامُ

تو باد ای نور خدا * سلام بر تو باد ای راه راست خدا * سلام بر

عَلَيْكَ يَا بَيَانَ حُكْمِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ *

تو باد ای مبین حکم خدا * سلام بر تو باد ای یاری کننده دین خدا *

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَرُّ

سلام بر تو باد ای سید منزّه نیکوکار * سلام بر تو باد ای

الْوَفِيُّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْأَمِينُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالِمُ

بزرگوار وفادار * سلام بر تو باد ای استوار و امین در دین خدا * سلام بر تو باد ای دانای

بِالتَّوْبِيلِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْهَادِيَ الْمَهْدِي * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

به تاویل قرآن * سلام بر تو باد ای هدایت کننده هدایت یافته * سلام بر تو باد ای پاک

الطَّاهِرُ الزَّكِيُّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيُّ النَّقِيُّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

و منزّه از هر عیب * سلام بر تو باد ای پرهیزکار پاکیزه رفتار * سلام بر تو باد

أَيُّهَا الْحَقُّ الْحَقِيقُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ الصَّدِيقُ * السَّلَامُ

ای مقام حق و حقیقت * سلام بر تو باد ای شهید با اَکمل رتبه ایمان * سلام بر

عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ *

تو باد ای ابا محمد حسن بن علی و رحمت و برکات خدا بر تو باد. *

زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام): السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ *

سلام بر تو باد ای فرزند رسول خدا *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدَةِ

سلام بر تو باد ای فرزند امیر المؤمنین * سلام بر تو باد ای

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ * وَ ءَاتَيْتَ الزَّكَاةَ *

فرزند بزرگ زنان عالم * گواهی می‌دهم که تو نماز را بپا داشتی * و زکوة را عطا فرمودی *

وَأَمَرْتُ بِالْمَعْرُوفِ * وَنَهَيْتُ عَنِ الْمُنْكَرِ * وَعَبَدْتُ اللَّهَ مُخْلِصًا

و امر به معروف * و نهی از منکر فرمودی * و خدا را به اخلاص پرستش کردی

* وَجَاهَدْتُ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ * فَعَلَيْكَ السَّلَامُ

* و در راه خدا جهاد کردی و حق جهاد را به جا آوردی تا آنکه به مقام یقین (وقت رحلت) رسیدی * پس سلام من مادامی که

مَنِي مَا بَقِيَتْ * وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ * وَ عَلَى ءَالَ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ

من در عالم باقی هستم و مادامی که شب و روز باقی است * بر تو و بر اهل بیت طیب و

الطَّاهِرِينَ * أَنَا يَا مَوْلَايَ مَوْلَى لَكَ وَ لَأَلِ بَيْتِكَ * سَلَّمَ لِمَنْ سَأَلَكُمْ

طاهر تو باد * ای مولای من، من دوستدار شما و خاندان شما هستم * تسلیم آن کس که تسلیم شماست

* وَ حَرْبٍ لِمَنْ حَارِبَكُمْ * مُؤْمِنٍ بِسِرِّكُمْ وَ جَهْرِكُمْ * وَ ظَاهِرِكُمْ

* و جنگجو با هر کس که به جنگ با شماست * و به سرّ و علن * و ظاهر و باطن شما

وَ بِأَطْنِكُمْ * لَعَنَ اللَّهُ أَعْدَاءَكُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ * وَ أَنَا أَبْرءُ

ایمان و اعتقاد دارم * خدا دشمنان شما را از اولین و آخرین همه را لعنت کند * و من به خدای

إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْهُمْ * يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ * يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا

متعال از دشمنان شما بیزاری می جویم * مولای من ای ابا محمد * ای مولای من ای

عَبْدَ اللَّهِ * هَذَا يَوْمُ الْاِثْنَيْنِ وَ هُوَ يَوْمُكُمْ وَ بِأَسْمِكُمْ * وَ أَنَا فِيهِ

ابا عبد الله * این روز دوشنبه است که متعلق به شماست و به نام شماست * و من در این روز

ضَيْفَكُمْ * فَاضِيفَانِي وَ أَحْسِنَا ضَيْفَاتِي * فَنِعْمَ مِنْ اسْتِضْيَافٍ بِهِ

مهمان شمایم * پس مرا در سر سفره احسان خود بپذیرید * و نیکو مهمانی کنید که شما بهترین

أَنْتُمْ * وَ أَنَا فِيهِ مِنْ جَوَارِكُمْ * فَاجِيرَانِي فَانْكُمَا مَأْمُورَانِ

مهمان نوازید * و من در این روز در جوار شما پناهنده‌ام * مرا از لطف پناه دهید که البته شما از جانب خدا مأمور به

بِالضِّيَافَةِ وَ الْإِجَارَةِ * فَصَلِّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَ ءَالِكُمَا الطَّيِّبِينَ *

ضیافت امت و پناه دادن خلکید * پس درود خدا بر شما باد و بر اهل بیت شما که پاکان عالمند. *

روز سه شنبه به اسم حضرت امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق (علیهم السلام) است. زیارت کن

ایشان را بدین زیارت: **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا خُزَانَ عِلْمِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ**

سلام بر شما (حضرت امام زین العابدین و حضرت باقر و حضرت صادق «ع») باد ای خازنان گنجینه علم خدا * سلام بر شما باد

يَا تَرَاجِمَةَ وَحَىٰ اللَّهُ * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أُمَّةَ الْهُدَىٰ * السَّلَامُ

ای مفسران وحی خدا * سلام بر شما ای پیشوایان هدایت خلق * سلام بر

عَلَيْكُمْ يَا أَعْلَامَ التَّقَىٰ * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلَادَ رَسُولِ اللَّهِ * أَنَا

شما باد ای نشانه‌های روشن تقوی * سلام بر شما باد ای فرزندان رسول خدا * من به حقانیت

عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ * مُسْتَبْصِرٌ بِشَانِكُمْ * مُعَادٍ لِأَعْدَائِكُمْ * مُوَالٍ

و امامت شما شناسا و معترفم * و به شأن و مقام شما بصیرم * با دشمنان شما دشمن * و با دوستان

لِأَوْلِيَاءِكُمْ * يَا أَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَالِي

شما دوستم * پدر و مادرم فدای شما درود خدا بر شما باد * خدایا من چنانکه اول آنها (پیغمبر) را

أَخْرَهُمْ كَمَا تَوَالَيْتُ أَوْلَهُمْ * وَ أَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَ لِيَجَةَ دُونَهُمْ * وَ أَكْفُرُ

دوست می‌دارم محققا آخر آنها (اهل بیت او) را دوست می‌دارم * و به جز آنها از هر که مدعی مقام آنهاست بیزارم * و به

بِالْجَبْتِ وَ الطَّاعُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَىٰ * صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

جبت و طاغوت ستمکار (و مدعیان دروغ) و بت لات و عزی کافرم * درود خدا بر شما باد

يَا مَوَالِيَّ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْعَابِدِينَ

ای پیشوایان من و رحمت و برکات خدا * درود بر تو باد ای بزرگ اهل عبادت

وَ سَلَاةَ الْوَصِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَاقِرَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ * السَّلَامُ

و عنصر پاک اوصیاء پیغمبر * سلام بر تو ای حامل علوم پیغمبران حق * درود

عَلَيْكَ يَا صَادِقًا مُصَدِّقًا فِي الْقَوْلِ وَ الْفِعْلِ * يَا مَوَالِيَّ هَذَا يَوْمُكُمْ

بر تو ای صادق مصدق در گفتار و کردار * ای پیشوایان من این روز سه‌شنبه

وَ هُوَ يَوْمُ الثَّلَاثَاءِ * وَ أَنَا فِيهِ ضَيْفٌ لَكُمْ وَ مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ فَاضِيفُونِي

متعلق به شماس است * و من در این روز مهمان شما هستم و پناهنده به شما پس از من مهمان‌نوازی کنید

وَ أَجِيرُونِي بِمَنْزِلَةِ اللَّهِ عِنْدَكُمْ * وَ أَعَالَ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

و مرا پناه دهید به مقام و منزلتی که خدا را نزد شماس است * و اهل بیت شما که خوبان و پاکان عالمند. *

روز چهارشنبه به اسم حضرت موسی بن جعفر و امام رضا و امام محمد تقی و امام علی النقی (علیه السلام)

است. بگو در زیارت ایشان: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

درود بر شما (یعنی موسی بن جعفر و حضرت رضا و امام محمد تقی و امام علی النقی «ع») باد ای پیشوایان من * سلام بر شما باد

يَا حُجَّجَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ *

ای حجت‌های الهی * سلام بر شما باد ای انوار خدا در ظلمات عالم *

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ آلِ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبِينَ

درود و رحمت خدا بر شما باد و بر اهل بیت شما که خوبان و پاکان

الطَّاهِرِينَ * يَا أَبَتِي أَنْتُمْ وَأُمِّي * لَقَدْ عَبَدْتُمُ اللَّهَ مُخْلِصِينَ * وَجَاهِدْتُمْ

عالمند * پدر و مادر من فدای شما * حقا که شما به اخلاص کامل بندگی خدا را کردید * و حق جهاد

فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّىٰ آتَيْتُكُمْ الْيَقِينَ * فَلَعَنَ اللَّهُ أَعْدَائِكُمْ

در راه خدا را به جا آوردید تا آنکه به مقام یقین (وقت رحلت) رسیدید * باری لعن خدا بر هر کس از جن

مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ * وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّيْكُمُ مِنْهُمْ يَا مَوْلَايَ

و انس که دشمن شماست باد * و من بسوی خدا و به سوی شما از آن دشمنان بی‌زاری می‌جویم ای امام من

يَا أَبَا إِبْرَاهِيمَ مُوسَىٰ بَنَ جَعْفَرَ * يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَىٰ

ای موسی بن جعفر (ع) * ای امام من ای علی بن موسی الرضا (ع)

* يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ * يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ

* ای امام من ای محمد بن علی التقی (ع) * ای امام من ای علی بن

عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ * أَنَا مَوْلَىٰ لَكُمْ * مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَجَهْرِكُمْ * مُتَضَيِّفٌ

محمد النقی (ع) * من از دوستان شمایم * و ایمان و اعتقاد به پنهان و آشکار شما دارم * و در این روز

بِكُمْ فِي يَوْمِكُمْ هَذَا وَهُوَ يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ * وَمُسْتَجِيرٌ بِكُمْ * فَاضِيفُونِي

چهارشنبه به مهمانی شما آمده‌ام * و به شما پناه آورده‌ام * پس مرا به مهمانی

وَاجِيرُونِي بِآلِ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ *

و در پناه خود بپذیرید به حق خاندان شما که همه از خوبان و پاکان عالمند. *

روز پنجشنبه روز حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) است. بگودر زیارت آن حضرت: السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای ولی خدا

يَا وَلِيَّ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَخَالِصَتَهُ * السَّلَامُ

(ای حسن عسکری «ع») * سلام بر تو ای حجت خدا و بنده خاص و خالص خدا * سلام بر

عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِينَ * وَوَارِثَ الْمُرْسَلِينَ * وَحُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ

تو ای پیشوای اهل ایمان * و وارث علم پیغمبران * و حجت پروردگار عالمیان

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَىٰ آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ * يَا مَوْلَايَ

* درود خدا بر تو و بر خاندان تو که خوبان و پاکان عالمند * ای امام من

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ * أَنَا مَوْلَى لَكَ وَ لِأَلِ بَيْتِكَ * وَ هَذَا

ای حضرت امام حسن عسکری * من دوست شما و خاندان شما هستم * و در

يَوْمِكَ وَ هُوَ يَوْمُ الْاِخْمِيسِ * وَ أَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ * وَ مُسْتَجِيرُكَ فِيهِ *

این روز پنجشنبه مهمان * و پناهنده به شما هستم * پس از من

فَاحْسِنْ ضِيَافَتِي وَ اجَارَتِي * بِحَقِّ آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ *

به لطف مهمان نوازی کن و مرا در جوارت پناه ده * به حق خاندان تو که خوبان و پاکان عالمند. *

روز جمعه روز حضرت صاحب الزمان (عجل الله فرجه) و به نام آن جناب است و همان روزی است که در آن روز ظهور

خواهد فرمود. بگوید زیارت آن حضرت: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ***

سلام بر تو ای حجت خدا در همه روی زمین *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ

سلام بر تو ای مظهر خدا در میان خلق * سلام بر تو ای نور خدا که به این نور

الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ * وَ يُفْرَجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ

اهل هدایت به حق هدایت می‌یابند * و به این نور فرج برای اهل ایمان حاصل می‌شود * سلام بر

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْخَائِفُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ

تو ای پاکیزه جان از ترس پنهان * سلام بر تو ای ولی الله ناصح مردم

* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ

* سلام بر تو باد ای کشتی نجات خلق * سلام بر تو ای سرچشمه آب

الْحَيَاةِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَىٰ آلِ بَيْتِكَ

زندگانی * سلام بر تو باد درود خدا بر تو و بر خاندان تو که همه خوبان

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ

و پاکان عالمند * سلام بر تو باد خدا آن وعده نصرت و ظهور سلطنت که تو را

مِنَ النَّصْرِ * وَ ظُهُورَ الْأَمْرِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ * أَنَا مَوْلَاكَ *

وعده داده * بزودی مقرر فرماید * سلام بر تو باد ای مولای من * منم غلام تو *

عَارِفٌ بِأَوْلَادِكَ وَ أُخْرَاكَ * اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ وَ بِأَلِ بَيْتِكَ

و دوستدار تو و شناسای مقام اول و آخر شما (از پیغمبر «ص» تا امام زمان «ع») * به واسطه تو به درگاه خدا تقرب می‌جویم

* وَ أَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ وَ ظُهُورَ الْحَقِّ عَلَى يَدَيْكَ * وَ أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ

* و به انتظار ظهور تو و ظهور سلطنت حق بر دست قدرت تو می‌باشم * و از خدا درخواست می‌کنم که

يُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ يَجْعَلَنِي مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ لَكَ *

درود فرستد بر محمد و آل محمد * و مرا از منتظران تو *

وَ التَّابِعِينَ وَ النَّاصِرِينَ لَكَ عَلَى أَعْدَائِكَ * وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ

و از پیروان و یاری‌کنندگان تو بر علیه دشمنانت قرار دهد * و از جمله دوستانی که به

يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيَائِكَ * يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ * صَلَوَاتُ

فیض شهادت در رکاب تو می‌رسند بگرداند * ای مولای من ای صاحب الزمان * درود خدا

اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ بَيْتِكَ * هَذَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ هُوَ يَوْمُكَ *

بر تو باد و بر آل بیت تو * این روز جمعه است که متعلق به توست *

الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ * وَ الْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ * وَ قَتْلُ

که در این روز همه انتظار تو دارند * و فرج و فتح برای اهل ایمان به دست شما * و قتل و

الْكَافِرِينَ بِسَيْفِكَ * وَ أَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَ جَارُكَ * وَ أَنْتَ يَا

هلاکت کفار به شمشیر توست * و من ای مولایم در این روز مهمان تو و در پناه توام * و تو مولای

مَوْلَايَ كَرِيمٍ مِنْ أَوْلَادِ الْكِرَامِ * وَ مَأْمُورٌ بِالضِّيَافَةِ وَ الْإِجَارَةِ * فَاصْفِنِي

کریم و از خاندان کرم و بزرگواری هستی * و از جانب خدا مأمور به مهمان‌نوازی و پناه دادن خلقی * پس مرا به

وَ اجْرِنِي * صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ * سِيدِ بْنِ

مهمانی ببذیر * و در جوار خود پناه ده دروهای خدا بر تو و بر خاندان تو باد که همه از پاکان عالمند. *

طاوُس (رضی الله عنه) گفته که من بعد از این زیارت مُتَمَثِّلٌ می‌شوم به این شعر و اشاره می‌کنم به آن حضرت و می‌گویم:

نَزِيلِكَ حَيْثُ مَا اتَّجَهْتَ رِكَابِي * وَ ضَيْفِكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْبِلَادِ

من بر تو نازل می‌شوم هر کجا که راحل‌ام روی آورد و مرا وارد نماید و میهمان تو هستم در هر کجا که باشم از شهرها

فصل ششم: در ذکر بعضی از ادعیه مشهوره

از جمله **دعای صباح** حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و آن این است: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ**
 به نام خدای بخشنده

الرَّحِيمِ * اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبَلُّجِهِ * وَ سَرَّحَ قِطْعَ
 مهربان * ای خدایی که صبح روشن را با نطق فصیح اشراق و زبان گویای نور هویدا ساختی * و شب تار را

اللَّيْلِ الْمُظْلَمِ بَغْيَاهِبِ تَلْجُلْجِهِ * وَ اتَّقَنَّ صُنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَّارِ فِي
 با قطعات سیاه ظلمت هول انگیز به عالم فرستادی * و (کشتی) آسمان را (در این دریای بیکران) با گردشی به حد معین و

مَقَادِيرِ تَبَرُّجِهِ * وَ شَعَّشَعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَاجُجِهِ * يَا مَنْ دَلَّ
 نظمی زیبا و متقن برانگیختی * و شعله‌نور خورشید تابان را پرتوی فروزان عطا کردی * ای خدایی که هستی‌اش

عَلَى ذَاتِهِ بَدَاتِهِ * وَ تَنَزَّهَ عَنِ مُجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ * وَ جَلَّ عَنِ مَلَأَمَةٍ
 دلیل هستی اوست * و ذات پاکش منزّه از جنسیت و شباهت به مخلوقات اوست * و حقیقتش برتر از سنخیت ماهیات

كَيْفِيَّاتِهِ * يَا مَنْ قَرَّبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ * وَ بَعُدَ عَنِ لِحَظَاتِ
 و کیفیات عالم خلقت است * ای خدایی که وجودش بر دیده باطن و فکرتهای عقول پیداست * و از چشم حس ظاهرین

الْعُيُونِ * وَ عِلْمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ * يَا مَنْ أَرَقَدَنِي فِي مَهَادِ أَمْنِهِ
 دور و ناپیداست * و به همه اشیا پیش از ایجاد عالم داناست * ای خدایی که مرا در مهد امن و امان لطف و کرم به

وَ أَمَانِهِ * وَ أَيَقْظَنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مَنَنِهِ وَ إِحْسَانِهِ * وَ كَفَّ
 خواب بردی * و به انواع نعمت و احسان باز بیدار کردی * و دست

أَكْفَ السُّوءِ عَنِّي بِيَدِهِ وَ سُلْطَانِهِ * صَلَّى اللَّهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ إِلَيْكَ
 بدخواهان را به قدرت و سلطنت از من کوتاه گردانیدی * خدایا درود فرست بر آن رسولی که در تاریکترین شب شرک و ضلالت، خلق

فِي اللَّيْلِ الْأَلْيَلِ * وَ الْمَاسِكِ مِنْ أَسْبَابِكَ بِجَبَلِ الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ
 را به راه توحید و معرفت دعوت کرد * و اشرف اسباب دعوت و بلندتر و محکمتر رشته هدایت را (که قرآن است) وسیله گردانیدی

*** وَ النَّاصِعِ الْحَسَبِ فِي ذُرْوَةِ الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ * وَ الثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَى**
 آن رسولی که حسب و نسبش بر شانه برومند پاکترین و بلند مقامترین مردان عالم قرار داشت * و جان پاکش در زمان جاهلیت با همه

زَحَالِفِهَا فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ * وَ عَلَى ءَالِهِ الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفِينَ الْأَبْرَارِ *
 لغزشها (و شرک و ضلالت خلق) در پرستش خدا ثابت قدم بود * و درود فرست بر اهل بیتش که همه برگزیدگان و پاکان و نیکوکاران عالمند *

وَ افْتَحِ اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِيحَ الصَّبَاحِ بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَ الْفَلَاحِ *

و ای خدا بر ما درگاه صبح را با کلید رحمت و رستگاری بگشا *

وَ الْبَسْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خَلْعِ الْهُدَايَةِ وَ الصَّلَاحِ * وَ اغْرَسِ اللَّهُمَّ

و بهترین خلعت هدایت و صلاح را بر من بیوشان * و در آبشخور قلب من

بِعَظَمَتِكَ فِي شَرْبِ جَنَانِي يَنَابِيعَ الْخُشُوعِ * وَ اجْرِ اللَّهُمَّ لِهَيْبَتِكَ مِنْ

ای خدا به شهود و بزرگواریت نهال خشوع و تواضع بنشان * و از ترس خود ای خدا بر اطراف

ءَامَاقِي زَفَرَاتِ الدَّمُوعِ * وَ ادِّبِ اللَّهُمَّ نَزْقَ الْحُرْقِ مَنِي بَازِمَةِ الْقَنُوعِ *

چشم چشمه‌های اشک جاری ساز * و نفس سرکش بدخوی مرا ای خدا با مهار فقر و خواری به درگاهت مؤدب گردان *

إِلَهِي إِنْ لَمْ تَبْتَدِنِي الرَّحْمَةَ مِنْكَ بِحَسَنِ التَّوْفِيقِ * فَمَنْ السَّالِكُ

خدایا اگر لطف و رحمتت در اول مرا به حسن توفیق دست نمی‌گرفت * دیگر که مرا در

بِي إِلَيْكَ فِي وَاضِحِ الطَّرِيقِ * وَ إِنْ أَسَلَمْتَنِي أَنَا تَكْ لِقَائِدِ الْأَمَلِ

راه روشن به سوی تو هدایت می‌کرد * و اگر مدارای تو مرا به دست امل و آرزوهای باطل

وَ الْمُنَى * فَمَنْ الْمُقِيلُ عَثْرَاتِي مِنْ كَبَوَاتِ الْهُوَى * وَ إِنْ خَذَلَنِي نَصْرُكَ

می‌سپرد * دیگر که مرا از لغزشهای هوی و هوس باز می‌گردانید * و اگر هنگام جنگ نفس

عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَ الشَّيْطَانِ * فَقَدْ وَكَلَنِي خِذْلَانِكَ إِلَى حَيْثُ

با شیطان تو مرا یاری نمی‌کردی * و به خود وا می‌گذاشتی خذلان تو کارم را به سختی

النَّصَبِ وَ الْحَرَمَانِ * إِلَهِي اتْرَانِي مَا آتَيْتَكَ الْأَمِنْ حَيْثُ الْأَمَالِ * أَمْ

و ناامیدی می‌کشانید * خدایا تو می‌دانی که چیزی جز امیدواریها به تو مرا به درگاهت نمی‌آورد * و چون

عَلَقْتُ بِأَطْرَافِ حِبَالِكَ * الْأَحِينِ بَاعَدْتَنِي ذُنُوبِي عَنْ دَارِ (ضَرِيَّةِ)

گناهان مرا از دار وصال تو دور کند * جز به رشتۀ لطف و کرم بی‌انتهای تو چنگ

الْوَصَالِ * فَبَسَسَ الْمَطِيئَةَ الَّتِي امْتَطَتْ نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا * فَوَاهَا لَهَا

نمی‌زنم * ای خدا این مرکب سرکش هوی و هوس که نفس بر آن سوار است بسیار مرکب بد رفتاری است * وای بر این نفس و هوی

لَمَا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونَهَا وَ مَنَاهَا * وَ تَبَّأَ لَهَا لِحْرَاتِهَا عَلَى سَيِّدِهَا

که آمل باطل و آرزوهای زشت در نظرش زیبا جلوه کرده ای نابود شود * این نفس اماره که بر فرمان سید و مولای خود جرئت

وَ مَوْلَاهَا * إِلَهِي قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِي * وَ هَرَبْتُ إِلَيْكَ

عصیان می‌کند * خدایا حلقه بر در رحمتت به دست امیدواری می‌زنم * و به درگاه کرمت پناه می‌آورم

لَا جِدًّا مِنْ فَرَطِ أَهْوَائِي * وَ عَلَّقْتُ بِأَطْرَافِ حَبَالِكَ أَنَامِلَ وَلَائِي *

و از تعدی هوای نفس به سوی تو می‌گریزم * و به اطراف رشته‌های عنایتت به دست دوستی چنگ می‌زنم *

فَاصْفَحِ اللَّهُمَّ عَمَّا كُنْتُ (كَانَ) أَجْرَمْتَهُ * مِنْ زَلَلِي وَ خَطَائِي * وَ أَقْلَنِي *

که ای پروردگار از سر جرم و خطا و لغزشهایم درگذری * و از در افتادندم

مِنْ صَرَعَةِ رَدَائِي * فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ مُعْتَمِدِي وَ رَجَائِي *

به وادی هلاکت نگاهداری * زیرا که تویی ای پروردگار سید و مولای و محل اعتماد و امید من *

وَ أَنْتَ غَايَةُ مَطْلُوبِي وَ مُنَايَ * فِي مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ * إِلَهِي كَيْفَ تَطْرُدُ *

و تویی در دنیا و عقبی * مقصود و آرزوی من * خدایا چگونه بنده مسکینی را که

مَسْكِينًا اتَّجَا إِلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ هَارِبًا * أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ *

از گناهِش به درگاه تو پناه آورده و به سوی تو می‌گریزد تو او را از در کرمت می‌رانی * یا چگونه ناامید کنی

مُسْتَرْتِدًّا قَصِدَ إِلَى جَنَابِكَ سَاعِيًّا (صَاقِبًا) * أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَمْآنَ *

راه جویی را که ازاده کرده سوی آستانت شتابان * یا چگونه منع کنی تشنه‌ای را

وَ رَدَّ إِلَى حِيَاضِكَ شَارِبًا * كَلًّا وَ حِيَاضُكَ مُتْرَعَةٌ فِي ضَنْكَ الْمُحُولِ *

که وارد شده به سوی حوضهای تو که بنوشد * حاشا و حوضهای تو لبریز است در تنگنای خشکسالی

* وَ بَابُكَ مَفْتُوحٌ لِطَلْبِ وَ الْوُغُولِ * وَ أَنْتَ غَايَةُ الْمَسْئُولِ (السَّئُولِ) *

* و در رحمتت گشوده است برای ورود و جاگیری * و تویی اعلی کمال مطلوب و منتهی

وَ نَهَايَةُ الْمَأْمُولِ * إِلَهِي هَذِهِ أَرْمَةٌ نَفْسِي عَقَلْتُهَا بِعِقَالِ مَشِيَّتِكَ *

مرتبه آرزو * خدایا این است مهار نفس سرکش من که به رشته رضا و مشیتت محکم بسته‌ام *

وَ هَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي دَرَاتُهَا بِعَفْوِكَ وَ رَحْمَتِكَ * وَ هَذِهِ أَهْوَائِي *

و این است بار گناهانم که به مدد عفو و مرحمتت از دوش خود می‌افکنم * و این است هواهای

الْمُضِلَّةِ وَ كَلَّتْهَا إِلَى جَنَابِ لَطْفِكَ وَ رَأْفَتِكَ * فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي *

نفس گمراه کننده‌ام که کارش را به لطف و عاطفت وا می‌گذارم * پس این صبحگاه مرا ای خدا

هَذَا نَازِلًا عَلَى بَضِيَاءِ الْهُدَى * وَ بِالسَّلَامَةِ (وَ السَّلَامَةِ) فِي الدِّينِ *

با انوار هدایتت بر من منور ساز * و با سلامتی من در دین و دنیا

وَ الدُّنْيَا * وَ مَسَائِي جَنَّةً مِنْ كَيْدِ الْعَدِي (الْأَعْدَاءِ) * وَ وَقَايَةً مِنْ *

مقرر فرما * و شامگاهانم را سپر از مکر دشمنان * و نگهدارنده از هواهای

مُرْدِيَاتِ الْهَوَىٰ * إِنَّكَ قَادِرٌ عَلَىٰ مَا تَشَاءُ * تَوْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ *

مهلک نفس قرار ده * که البته تو بر هر چیز بخواهی قادری * به هر که خواهی ملک و سلطنت می‌بخشی *

وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ * وَتَعِزُّ مَن تَشَاءُ * وَتَذِلُّ مَن تَشَاءُ *

و از هر که خواهی باز می‌گیری * و عزیز گردانی هر که را خواهی * و خوار کنی هر که را خواهی *

بِيَدِكَ الْخَيْرُ * إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ * وَتُولِجُ

به دست توست خیر * که تو البته بر هر چیز توانایی * شب را در پرده روز پنهان می‌کنی * و روز را در

النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ * وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ * وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ

ظلمت شب مستور می‌گردانی * و زنده را از خاک مرده بر می‌انگیزی * و مرده را باز از زنده بیرون می‌آوری

* وَتَرْزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ

* و به هر که خواهی بی‌حساب رزق و روزی می‌دهی * عالم را خدایی جز تو نیست پاک خدایی که همه به ستایش

وَبِحَمْدِكَ * مَنْ ذَا يَعْرِفُ قَدْرَكَ فَلَا يَخَافُكَ * وَمَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا

تو مشغولند * آن کیست که قدر و مقام تو را بشناسد و از عظمت و جلالت ترسان نباشد * و کیست که نداند تو کیستی و دلش از

يَهَابُكَ * أَلْفَتْ بِقُدْرَتِكَ الْفِرْقَ * وَفَلَقْتَ بِلُطْفِكَ الْفَلَقَ * وَأَنْزَلْتَ

هیبتت هراسان نباشد * تو فرق مختلف را به قدرت کامله متحد کردی * و شکفتی به لطف خود سپیده دم را * و روشن نمودی

بِكْرَمِكَ دِيَاجِي الْغَسَقِ * وَأَنْهَرْتَ الْمِيَاهَ مِنَ الصَّمِّ الصِّيَاخِيدِ

به کرم خودت شبهای تار را * و از درون سنگ خارا چشمه‌های آب ناگوار و گوارا

عَذْبًا وَأَجَاجًا * وَأَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَاجًا * وَجَعَلْتَ

جاری نمودی * و از ابر متراکم باران فرود آوردی * و خورشید رخشان

الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِيَّةِ سِرَاجًا وَهَاجًا * مِنْ غَيْرِ أَنْ تُمَارِسَ فِيمَا

و ماه تابان را دو چراغ فروزان خلق گردانیدی * بی‌آنکه دریایی در آنچه

ابْتَدَأَتْ بِهِ لُغُوبًا وَلَا عِلَاجًا * فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَالْبَقَاءِ *

آفریدی به آن خستگی را و نه چاره جویی * پس ای آنکه تنها است در عزت و جاودانی *

وَقَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَتْقِيَاءِ *

و غلبه کرده بر بندگان خود به مرگ و نابودی * خدایا درود فرست بر محمد (ص) و آل او که متقی‌ترین اهل عالمند *

وَأَسْمَعُ نِدَائِي * وَاسْتَجِبْ دُعَائِي * وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي

و ندای مرا بشنو * و دعای مرا اجابت فرما * و امید و آرزوی مرا به فضل و کرمت متحقق گردان

یا خیر من دُعِی لکشفِ الضُّرِّ * وَ الْمَأْمُولِ لِكُلِّ (فِي كُلِّ) عُسْرٍ

* ای بهترین کسی که او را در هر سختی و آسانی * برای دفع بلیات و نیل به مقاصد

و یُسِّرُ * بِكَ أَنْزَلْتُ حَاجَتِي فَلَا تَرُدَّنِي مِنْ سَنِي (بَابِ) مَوَاهِبِكَ

خوانند * ای خدا حاجتم را به درگاه تو آورده‌ام تا مرا از بهترین مواهب و عالیترین الطاف خود

خَائِبًا * يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

محروم نگردانی * ای کریم ای کریم ای کریم * به حق رحمتت ای مهربانترین مهربانان عالم *

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ * آنگاه در حالت سجده

و درود فرست بر بهترین خلقت محمد (ص) و تمامی اهل بیتش *

بگوئید: اَللّٰهُ قَلْبِي مَحْجُوبٌ * وَ نَفْسِي مَعْيُوبٌ * وَ عَقْلِي مَغْلُوبٌ *

خدایا دلم (از شهود تو) در حجاب است * و نفس آلوده به عیبها * و عقلم مغلوب به هوی *

وَ هَوَائِي غَالِبٌ * وَ طَاعَتِي قَلِيلٌ * وَ مَعْصِيَتِي كَثِيرٌ * وَ لِسَانِي مُقَرَّرٌ

و هوای نفس بر عقل مسلط است * و طاعتم اندک * و معصیتم بسیار است * و زبانم به گناهان خود

بِالذُّنُوبِ * فَكَيْفَ حَيْلَتِي يَا سَتَّارَ الْعُيُوبِ * وَ يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ *

مقر و معترف است * اینک چه چاره توانم کرد ای پنهان کننده عیبها * و دانای اسرار غیبها *

و يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ * اغْفِرْ ذُنُوبِي كُلَّهَا بِحَرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

و ای برطرف کننده حزن و اندوهها * از گناهانم تمام درگذر به حرمت محمد (ص) و

مُحَمَّدٍ * يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

آل محمد (ع) * ای بخشنده ای بخشنده ای بخشنده * به حق رحمتت ای مهربانترین مهربانان عالم. *

مؤلف گوید که: علامه مجلسی (رحمته الله) این دعا را در کتاب دعای بحار و در کتاب صلوة با بیان ذکر نموده و فرموده

که: این دعا از ادعیه مشهوره است و من در کتب معتبره آن را نیافتم مگر در مصباح سیّد بن باقی رضوان الله

علیه * و نیز فرموده: مشهور خواندن این دعا است بعد از فریضه صبح. * و سیّد بن باقی روایت کرده آن را بعد

از نافله صبح و به هر کدام عمل شود خوب است. *

دعای کمیل بن زیاد (رضی الله عنه)

و آن از ادعیه معروفه است و علامه مجلسی (رحمته الله) فرموده که: آن بهترین دعاهاست و آن دعای خضر (رضی الله عنه) است. حضرت امیرالمؤمنین (رضی الله عنه) آن را تعلیم کمیل که از خواص اصحاب آن حضرت است فرموده. در شبهای نیمه شعبان و در هر شب جمعه خوانده می شود و برای کفایت از شر اعداء و فتح باب رزق و آمرزش گناهان نافع است و شیخ و سید آن را نقل نموده اند و من آن را از مصباح المتجهّد نقل می کنم و آن دعاء شریف این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ * وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي

خدایا از تو درخواست می کنم به آن رحمت بی انتهایت که همه موجودات را فرا گرفته است * و به توانایی بی حدت که

قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ * وَ خَضَعَ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ * وَ ذَلَّ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ * وَ بِجَبْرُوتِكَ

بر هر چیز مسلط و قاهر است * و همه اشیاء خاضع و مطیع اوست و تمام عزت ها در مقابلش ذلیل و زبون است * و به مقام جبروت

الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ * وَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ * وَ بِعِظَمَتِكَ

و بزرگیت که همه قدرت ها برابر او مغلوب است * و به عزت و اقتدارت که هر مقتدری از مقاومتش عاجز است * و به عظمت و بزرگیت

الَّتِي مَلَأْتَ كُلَّ شَيْءٍ * وَ بِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ * وَ بِوَجْهِكَ

که سراسر عالم را مشحون کرده است * و به سلطنت و پادشاهیت که بر تمام قوای عالم برتری دارد * و به ذات پاکت که

الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ * وَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأْتَ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ

پس از فناء همه موجودات، باقی ابدی است * و به نام های مبارکت که در همه ارکان عالم هستی تجلی کرده است

* وَ بِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ * وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ

* و به علم ازلیت که بر تمام موجودات محیط است * و به نور تجلی ذاتت که همه عالم را روشن

كُلَّ شَيْءٍ * يَا نُورِ يَا قُدُّوسُ * يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ

ساخته است * ای نور حقیقی و ای منزّه از توصیف * ای پیش از همه سلسله و بعد از همه موجودات پسین

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ * اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ

خدایا ببخش آن گناهی را که پرده عصمت را پاره می کند * خدایا ببخش آن گناهی را که بر من

الَّتِي تُنَزِّلُ النَّقْمَ * اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ * اللَّهُمَّ اغْفِرْ

کیفر عذاب نازل می کند * خدایا ببخش آن گناهی را که در نعمت را به روی من می بندد * خدایا ببخش

لِي الذُّنُوبِ الَّتِي تَحْبَسُ الدُّعَاءَ * اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَنْزِلُ

آن گناهی را که مانع قبولی دعاهایم می‌شود * خدایا ببخش آن گناهی را که بر من بلا

الْبَلَاءِ * اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اذْنَبْتَهُ * وَكُلَّ خَطِيئَةٍ اَخْطَاْتُهَا *

می‌فرستد * خدایا هر گناهی که مرتکب شده‌ام را ببخش * و هر خطایی که از من سر زده را ببخش *

اللَّهُمَّ اِنِّي اتَّقَرَّبُ اِلَيْكَ بِذِكْرِكَ * وَاسْتَشْفَعُ بِكَ اِلَى نَفْسِكَ *

ای خدا من به یاد تو، به سویت تقرب می‌جویم * و تو را نزد تو شفیع می‌آورم *

وَ اَسْئَلُكَ بِجُودِكَ اَنْ تَدِينَنِي مِنْ قُرْبِكَ * وَ اَنْ تُوْزِعَنِي شُكْرَكَ * وَ اَنْ

و از درگاه جود و کرمت مسئلت می‌کنم که مرا به مقام قرب خود نزدیک سازی * و شکر و سپاست را به من بیاموزی * و ذکر و توجه

تُلهِمَنِي ذِكْرَكَ * اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ * اَنْ

حضرتت را بر من الهام کنی * خدایا از تو مسئلت می‌کنم با سؤالی از روی خضوع و ذلت و خشوع و مسکنت * که کار

تُسَامِحَنِي وَ تَرْحَمَنِي * وَ تَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا * وَ فِي جَمِيعِ

بر من آسان بگیری و به حالم ترحم کنی * و مرا به قسمت مقدر خود، خوشنود و قانع بسازی * و در هر حال مرا

الْاَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا * اللَّهُمَّ وَ اَسْئَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اَشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ * وَ

متواضع گردانی * خدایا من از تو، مانند سائلی درخواست می‌کنم که در شدت فقر و بیچارگی باشد *

وَ اَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ * وَ عَظَّمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ * وَ

و تنها به درگاه تو در سختی‌های عالم، عرض حاجت کند * و شوق و رغبتش به نعم ابدی که حضور توست باشد *

اللَّهُمَّ عَظَّمَ سُلْطَانِكَ وَ عَلَامَكَ * وَ خَفِيَ مَكْرَكَ وَ ظَهَرَ اَمْرَكَ

ای خدا پادشاهی تو بسیار با عظمت است و مقامت بسی بلند است * و مکر و تدبیرت در امور پنهان است و فرمانت در جهان هیواست

وَ غَلَبَ قَهْرَكَ وَ جَرَتْ قُدْرَتُكَ * وَ لَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ *

* و قهرت بر همه غالب است و قدرتت در همه عالم نافذ است * و کسی از قلمرو حکومتت فرار نتواند کرد

اللَّهُمَّ لَا اَجِدُ لَذُنُوبِي غَافِرًا * وَ لَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا * وَ لَا لِشَيْءٍ مِنْ

* خدایا من جز تو کسی نمی‌یابم که گناهانم ببخشد * و بر اعمال زشتم پرده پوشد * و کارهای بدم (را از لطف

عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ * لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ

و کرم) به کار نیک مبدل کند (جز تو کسی نمی‌یابم) * خدایی جز تو نیست ای ذات پاک و منزّه، و به

وَ بِحَمْدِكَ * ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ تَجَرَّاتُ بِجَهْلِي * وَ سَكَنْتُ اِلَى قَدِيمِ

حمد تو مشغولم * ستم نمودم به خودم و دلیری کردم به نادانی خود * و خاطر ام آسوده به این بود که همیشه

ذَكَرَكَ لِي وَمَنَّكَ عَلَيَّ * اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ * وَكَمْ مِنْ

مرا یاد کردی و بر من لطف و احسان فرمودی * ای خدا، ای مولای من چه بسیار کارهای زشتم که پوشاندی * و چه بسیار

فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلْتَهُ * (أَمَلْتَهُ) * وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ * وَكَمْ مِنْ

بلاهای سخت که از من دور گردانیدی * و چه بسیار از لغزش‌ها که مرا نگاه داشتی * و چه بسیار ناپسندها

مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ * وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ * وَنَشْرْتَهُ *

که از من دور کردی * و چه بسیار تعریف نیکو که من لایق آن نبودم، و تو از من بر زبان‌ها منتشر ساختی

اللَّهُمَّ عَظْمَ بَلَائِي * وَأَفْرَطَ بِي سُوءِ حَالِي * وَقَصْرَتَ (قَصْرَتَ) بِي

* ای خدا غمی بزرگ در دل دارم * و حالی بسیار ناخوش دارم * و اعمالی نارسا

أَعْمَالِي * وَقَعَدْتَ بِي أَغْلَالِي * وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدَ أَمَلِي (ءَامَلِي) *

دارم * و زنجیرهای علایق مرا در بند کشیده * و آرزوهای دور و دراز دنیوی از هر سودی مرا باز داشته

وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بَغُرُورِهَا * وَنَفْسِي بِجَنَائِثِهَا (بِخِيَانَتِهَا) * وَمَطَالِي *

و دنیا به خدعه و غرور * و نفسم به جنایت، فریبم داده است *

يَا سَيِّدِي فَاسْأَلْكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَجُوبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي

ای خدای بزرگ و سید من به عزت و جلالت قسم، که دعای مرا از اجابتت منع نکند عمل بد و افعال

وَفَعَالِي * وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي * وَلَا

زشت من * و مرا به قبايح پنهانم، مفتضح و رسوا نگردانی که تنها تو بر آن آگاهی * و (کرم

تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمَلْتَهُ * فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي

کن (و) زود به عقوبتم مگیر بر آنچه در خلوت به جا آورده‌ام، از اعمال بد و ناشایسته

* وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي * وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي * وَكُن اللَّهُمَّ

* و تقصیر و نادانی * و کثرت اعمال غفلت و شهوت که کرده‌ام * ای خدا به عزت

بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ (فِي الْأَحْوَالِ كُلِّهَا) رَءُوفًا * وَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ

و جلالت سوگند که با من در همه حال رأفت و رحمت فرما * و در جمیع امور مهربانی

عَطُوفًا * إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ * أَسْأَلُهُ * وَكَشَفَ ضُرِّي وَالنَّظْرَ فِي

کن * ای خدا، ای پروردگار، جز تو من، چه کسی را دارم * تا از او درخواست کنم که غم و رنجم را برطرف سازد و به مالم از لطف

أَمْرِي * إِلَهِي وَ مَوْلَايَ أَجْرِيَتْ عَلَيَّ حَكْمًا * اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي *

توجه کند * ای خدا ای مولای من تو بر من حکم و دستوری مقرر فرمودی و من در آن به نافرمانی، پیرو هوای نفس گردیدم *

وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي * فَعَرَّيْتُ بِمَا أَهْوَىٰ وَأَسْعَدَهُ * عَلَيَّ

و حفظ نکردم خود را از وسوسه دشمن (نفس) * که معصیت‌ها را در نظرم جلوه‌گر ساخته و فریبم داد و قضای آسمانی

ذَلِكَ الْقَضَاءُ * فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَىٰ عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ (مِنْ نَقْضِ)

نیز مساعدت کرد * تا آنکه من قدم بیرون نهادم در این رفتار از بعضی حدود و

حُدُودِكَ * وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ * فَلَكَ الْحَمْدُ (الْحُجَّةُ) عَلَيَّ فِي جَمِيعِ

احکامت * و در بعضی اوامرت راه مخالفت پیمودم * حال در تمام این امور تو را ستایش

ذَلِكَ * وَلَا حُجَّةَ لِي فِيَمَا جَرَىٰ عَلَيَّ فِيهِ قِضَاؤُكَ * وَالزَّمَنِي حُكْمُكَ

می‌کنم * و مرا در آنچه رفته است بر تو هیچ حجتی نخواهد بود، با آنکه در او قضای تو بوده * و حکم (تکوینی) و امتحان و آزمایش تو،

وَبَلَاؤُكَ * وَقَدْ آتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَاسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي *

مرا بر آن ملزم ساخته * و با این حال بار خدایا به درگاهت باز آمده‌ام پس از تقصیر و ستم بر نفس خود *

مُعْتَذِرًا نَادِمًا * مُنْكَسِرًا مُسْتَقْبِلًا * مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا * مُقْرَأًا مُذْعِنًا

با عذرخواهی و پشیمانی * و شکسته‌دلی و تقاضای عفو * و آمرزش و توبه و زاری * و تصدیق و اعتراف بر

مُعْتَرِفًا * لَا أَجِدُ مَفْرَأًا مِمَّا كَانَ مِنِّي * وَلَا مَفْرَعًا اتَّوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي

گناه خود * نه از آنچه کردم مفری دارم * و نه جایی که برای اصلاح کارم بدانجا روی کنم و پناه ببرم

* غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي * وَادْخَالَكَ أَيَّامِي فِي سَعَةِ (مِنْ) رَحْمَتِكَ * اللَّهُمَّ

* مگر آنکه تو باز عذرم بپذیری * و مرا در پناه رحمت بی‌منتهایت داخل کنی * ای خدا

(إِلَهِي) فَأَقْبِلْ عُذْرِي وَارْحَمْ شِدَّةَ ضَرْبِي * وَفَكِّنِي مِنْ شِدِّ وَثَاقِي * يَا

عذرم بپذیر و بر این حال پریشانم ترحم فرما * و از بند سخت گناهانم رهایی بخش * ای

رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي * يَا مَنْ بَدَأَ

پروردگار من، بر تن ضعیف و نازکی پوست و بی‌طاقتی استخوانم ترحم کن * خدایی که در اول،

خَلَقِي وَذَكَرِي وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَتَغْذِيَّتِي * هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ

به وجودم سرفراز، و به لطف یادم کردی و به تربیت و نیکی، پرورشم دادی و به‌غذا عنایت داشتی * اینک به‌همان سابقه کرم و احسانی که پیش

وَ سَالَفِ بَرِّكَ بِي * يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ رَبِّي * أَتْرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ

از این با من داشتی، بر من ببخش * ای خدای من ای سید و پروردگار من * آیا باورکنم که مرا در آتش می‌سوزانی با وجود آنکه به توحید و

تَوْحِيدِكَ * وَ بَعْدَ مَا انْطَوَىٰ عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ * وَ لَهَجَ بِهِ

یکتائیات گرویدم * و با آنکه دلم به نور معرفت تو روشن گردید * و زبانم

لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ * وَاعْتَقَدَهُ وَضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ * وَبَعْدَ صِدْقِ

به ذکرت گویا شد * و در باطنم عقد محبت تو استوار گردید * و بعد از آنکه از روی

اعترافی و دُعائی خاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ * هِيَهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ

صدق و خضوع و مسکنت به مقام ربوبیتت اعتراف کردم * بسیار دور است که تو کریم‌تری از اینکه، از نظر بیاندازی کسی که

مَنْ رَبِّيْتَهُ * أَوْ تَبِعِدَ (تُبَعِدَ) مَنْ أَدْنَيْتَهُ * أَوْ تَشْرُدَ مَنْ أَوَيْتَهُ * أَوْ

او را پرورش داده‌ای * یا آنکه دور کنی کسی را که نزد خود کشیده‌ای * یا برانی آنکه را که به او جا داده‌ای * یا

تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ * وَرَحِمْتَهُ * وَ لَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي

بسیاری به سوی بلاء آنکه را که به او کفایت کرده‌ای و رحم نموده‌ای * و ای کاش بدانستمی ای خدای من

وَ الْهَيِّ وَ مَوْلَايَ * اتَّسَلَطَ النَّارَ عَلَى وَجْهِ خَرَّتْ لِعَظْمَتِكَ سَاجِدَةً

و سید و مولای من * که آیا تو آتش قهرت را مسلط می‌کنی بر آن رخسارها که در پیشگاه عظمتت سر به سجده عبودیت نهاده‌اند

* وَ عَلَى السَّنِّ نَطَقْتَ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَ بِشُكْرِكَ مَادِحَةً * وَ عَلَى

* یا بر آن زبانها که از روی حقیقت و راستی، ناطق به توحید تو و گویا به حمد و سپاس تو هستند * یا بر آن

قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِالْهَيْتِكَ مُحَقَّقَةً * وَ عَلَى ضَمَائِرِ حَوْتٍ مِنَ الْعِلْمِ

دلها که به خدایی تو از روی صدق و یقین معترفند * یا بر آن جانها که از علم و معرفت

بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً * وَ عَلَى جَوَارِحِ سَعَتٍ إِلَى أَوْطَانِ تَعَبُدِكَ

در پیشگاه جلالت خاضع و خاشعند * یا بر آن اعضایی که مشتاقانه به مکانهای عبادت و جایگاه طاعتت

طَائِعَةً * وَ أَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً * مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَ لَا

می‌شتابند * و به اعتقاد کامل از درگاه کرم‌ت آرمزش می‌طلبند * و هیچکس به تو این گمان نمی‌برد (که بندگان را

أَخْبَرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ * يَا كَرِيمُ يَا رَبَّ * وَ أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ

بسوزانی) و چنین خبری از تو به ما بندگان نرسیده * ای خدای با فضل و کرم * در صورتی که خودت بی‌طاقتیم را

قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَ عُقُوبَاتِهَا * وَ مَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى

بر اندک رنج و عذاب دنیا و آلامش می‌دانی * و آنچه در دنیا از بد آمدنی‌های آن، بر اهلس

أَهْلِهَا عَلَى أَنْ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَ مَكْرُوهٌ * قَلِيلٌ مَكْثُهُ * وَ يَسِيرٌ بَقَائُهُ * وَ قَصِيرٌ

جاری شود با آنکه رنج و الم دنیا اندک است * و زمانش کم است و دوامش ناچیز است و مدتش

مُدَّتُهُ * فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَ جَلِيلٍ (حُلُولِ) وَ قُوعِ الْمَكَارِهِ

کوتاه است * پس من چگونه آورم عذاب عالم آخرت را و آلام سخت آن

فِيهَا * وَ هُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مَدَّتُهُ * وَيَدُومُ مَقَامُهُ * وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ

عالم را * و حال آنکه مدت آن عذاب طولانی است و زیست در آن همیشگی است * و هیچ بر اهل عذاب در آنجا

لأنه * لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَ انْتِقَامِكَ * وَ هَذَا مَا لَا

تخفیفی نیست چندان که آن عذاب تنها از غضب و قهر و انتقام توست * که هیچکس از

تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ * يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ لِي (بِ) وَ أَنَا عَبْدُكَ

اهل آسمان و زمین تاب و طاقت آن را ندارد * ای سید من، پس چگونه تاب آن عذاب آورم، که من بنده

الضَّعِيفِ الذَّلِيلِ * أَحْقِرُ الْمَسْكِينِ الْمُسْتَكِينِ * يَا إِلَهِي وَ رَبِّي

ناتوان ذلیل تو هستم * و حقیر و فقیر و دور مانده * ای خدای من ای پروردگار من

وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ * لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو * وَ لِمَا مِنْهَا أَضْجُ

و سید و مولای من * از کدامین سختی‌های امورم به‌سویت شکایت کنم * و از کدام یک به درگاهت بنالم

وَ أَبِي * لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَ شِدَّتِهِ أَمْ لِطُولِ الْبَلَاءِ وَ مَدَّتِهِ * فَلَنْ

و گریه کنم * از دردناکی عذاب آخرت بنالم یا از طول مدت آن بلای سخت، زاری کنم * پس تو

صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ * وَ جَمَعْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ

مرا اگر به انواع عقوبت با دشمنانت معذب گردانی * و با اهل عذابت همراه کنی

* وَ فَرَّقْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَ أَوْلِيَائِكَ * فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي

* و از جمع دوستان و خاصانت جدا سازی * در آن حال گیرم که ای خدای من و سید

وَ مَوْلَايَ وَ رَبِّي * صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ *

و مولای من و پروردگار من * بر آتش عذاب تو صبوری کنم، چگونه بر فراق تو صبر توانم کرد *

وَ هَبْنِي (يَا إِلَهِي) صَبَرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى

و گیرم آنکه بر حرارت آتشت شکبیا باشم، چگونه چشم از لطف و کرمیت توانم

كَرَامَتِكَ * أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَ رَجَائِي عَفْوِكَ * فَبِعِزَّتِكَ يَا

پوشید * یا چگونه در آتش دوزخ ساکن شوم با این امیدواری که به عفو و رحمت بی‌منتهایت دارم * باری به عزتت ای

سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ * أَقْسِمُ صَادِقًا لَنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا * لِأَضِجَنَّ إِلَيْكَ

سید و مولای من * به راستی سوگند می‌خورم که اگر مرا با زبان گویا (به دوزخ) گذاری * من در میان اهل

بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمْلِينَ (الْأَمْلِينَ) * وَ لِأَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ

آتش ناله همی کنم مانند دادخواهان * و بسی فریاد می‌زنم به‌سویت مانند شیون

المُسْتَصْرِخِينَ * وَ لَابْكِينَ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ * وَ لَأَنَادِيَنَّكَ آيِنَ

گریه‌کنندگان * و بنالم به آستانت مانند عزیزگم‌کردگان * و به صدای بلند تو را

كُنْتُ يَا وَليَّ الْمُؤْمِنِينَ * يَا غَايَةَ أَمَالِ الْعَارِفِينَ * يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِيثِينَ

می‌خوانم که ای یاور اهل ایمان * و ای منتهای آرزوی عارفان * و ای فریادرس فریادخواهان

* يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ * وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ * أَفْتِرَاكَ سُبْحَانَكَ

* و ای دوست دل‌های راستگویان * و ای یکتا خدای عالمیان * آیا درباره‌ی تو ای خدای پاک

يَا إِلَهِي وَ بِحَمْدِكَ * تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَجِنَ (يُسَجِّنُ) فِيهَا

و منزه و ستوده صفات گمان می‌توان کرد * که بشنوی در آتش، فریاد بنده مسلمی را که به نافرمانی در دوزخ

بِمُخَالَفَتِهِ * وَ ذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ * وَ حُبَسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا

زندانی شده * و سختی عذابت را به کیفر گناه می‌چشد * و میان طبقات جهنم محبوس

بِجُرْمِهِ وَ جَرِيرَتِهِ * وَ هُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤْمِلٍ لِرَحْمَتِكَ

گردیده، به جرم و عصیان * و ضجه و ناله‌اش بسوی تو بلند است با چشم انتظاری و امیدواری به رحمت بی‌منتهایت *

وَ يُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ * وَ يَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرَبُّوبِيَّتِكَ * يَا

و به زبان اهل توحید تو را می‌خواند * و به ربوبیت متوسل می‌شود * ای

مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَ هُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ * أَمْ

مولای من، باز چگونه در آتش عذاب خواهد ماند، در صورتی که به سابقه حلم نامنتهایت چشم دارد * یا

كَيْفَ تَوَلَّمَهُ النَّارُ وَ هُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَ رَحْمَتَكَ * أَمْ كَيْفَ يَحْرِقُهُ

چگونه آتش به او رنج رساند و حال آنکه به فضل و کرمیت امیدوار است * یا چگونه شاره‌های آتش

لَهَيْبِهَا (لَهَيْبًا) * وَ أَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ * وَ تَرَى مَكَانَهُ * أَمْ كَيْفَ يَشْتَمَلُ

او را بسوزاند با آنکه تو خدای کریم، ناله‌اش را می‌شنوی و مکانش را می‌بینی * یا چگونه شعله‌های دوزخ

عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ * أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّقُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا

بر او احاطه کند، با آنکه ضعف و بی‌طاقتیش را می‌دانی * یا چگونه به خود پیچد و در طبقات آتش مضطرب بماند،

وَ أَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ * أَمْ كَيْفَ تَرْجُرُهُ زَبَانِيَّتِهَا وَ هُوَ يُنَادِيكَ يَا

با آنکه تو به صدق (دعای) او آگاهی * یا چگونه مأموران دوزخ او را زجر کنند، با آنکه به صدای یا رب یا رب تو را

رَبِّهِ * أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتْرَكَهُ * (فَتَتْرَكُهُ) فِيهَا

می‌خواند * یا چگونه به فضل تو امید آزادی از آتش دوزخ داشته باشد و تو او را به دوزخ واگذاری *

هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ * وَلَا مُشَبِّهٌ لِمَا

هیئات که هرگز این گمان نرود و هرگز از فضل تو چنین معروف نباشد * و این معامله به رفتار

عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَاحْسَانِكَ * فَبِالْيَقِينِ اقْطَعْ لَوْ

با بندگان موحدت شباهت ندارد، که همه احسان و عطا بوده * پس من به یقین قاطع می‌دانم

لَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاحِدِيكَ * وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ اخْلَادِ

که اگر تو بر منکران خدایت حکم به آتش قهر خود نکرده بودی * و فرمان همیشگی عذاب دوزخ را به معاندان

مُعَانِدِيكَ * لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا * وَمَا كَانَ (كَانَتْ) لِأَحَدٍ

نداده بودی * محققاً تمام آتش دوزخ را سرد و سالم می‌کردی * و هیچکس را در

فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مَقَامًا (مَقَامًا) * لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ * أَقْسَمْتُ

آتش جای و منزل نمی‌دادی * و لیکن تو ای خدا، نام‌های مبارکت مقدس است * و قسم یاد کرده‌ای

أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ * وَأَنْ تُخَلِّدَ

که دوزخ را از کافران پر گردانی، جمیع جن و انس * و معاندان را در آن عذاب

فِيهَا الْمُعَانِدِينَ * وَأَنْتَ جَلُّ ثَنَاؤِكَ قَلْتَ مُبْتَدَأًا * وَتَطَوَّلَتْ

جاویدان سازی * و ستایش بی‌حد تو را سزاست که با وجود آنکه خویش را ثنا گفتی * و بهمه انعام نمودی،

بِالْأَنْعَامِ مُتَكَرِّمًا * أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ *

(در کتاب خود فرمودی) * آیا (در آخرت) اهل ایمان با فاسقان یکسانند؟ هرگز یکسان نیستند *

الهِیَ وَسَيِّدِي * فَاسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا * وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي

ای خدای من و سید من * از تو درخواست می‌کنم به مقام قدر (و آن قدرت ازلی) * که مقدرات عالم بدان کردی

حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا * وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ اجْرِيَّتُهَا أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ

و به مقام قضای مبرم * که بر هر که فرستادی غالب و قاهر شدی، که مرا ببخشی و درگذری در

الْمِیْلَةِ * وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ * كُلَّ جُرْمٍ اجْرَمْتَهُ * وَكُلَّ ذَنْبٍ اذْنَبْتَهُ * وَ

همین شب * و در همین ساعت * هر جرمی که کرده‌ام * و هر گناهی که کرده‌ام

وَكُلَّ قَبِيحٍ اسْرَرْتَهُ * وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتَهُ * وَكُلَّ مَكْرَمَةٍ اَوْ اَعْلَنْتَهُ *

* و هر کار زشتی که پنهان داشته‌ام * و هر عملی که به جهالت مرتکب شده‌ام و هر عملی که پوشیده یا ظاهر داشته‌ام *

أَخْفَيْتَهُ * أَوْ أَظْهَرْتَهُ * وَكُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ

به آشکار یا در پنهان * و هر کار بدی که فرشتگان عالم پاک را مأمور نگارش آن کرده‌ای

اَلَّذِيْنَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُوْنُ مِنْيْ * وَ جَعَلْتَهُمْ شُهُوْدًا عَلَيَّ مَعَ

* که آن فرشتگان را به حفظ هر چه کرده‌ام موکل ساختی * و شاهد اعمالم با جوارح و اعضای من

جَوَارِحِيْ * وَ كُنْتَ اَنْتَ الرَّقِيْبَ عَلَيَّ مِنْ وَّرَائِهِمْ * وَ الشَّاهِدَ لِمَا

گردانییدی * و فوق آن فرشتگان، تو خود مراقب من هستی * و شاهد و ناظر بر آن

خَفِيْ عَنْهُمْ * وَ بَرَحْمَتِكَ اَخْفَيْتَهُ * وَ بِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ * وَ اَنْ تُوَفِّرَ

اعمال من * که از فرشتگان هم به رحمت پنهان داشته‌ای * و به فضل پوشاندی (همه را بخشی) * و نیز درخواست

حَظِّيْ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَنْزَلْتَهُ * وَ (تَنْزَلُهُ) * اَوْ اِحْسَانَ فَضْلَتِهِ * وَ (تَفْضَلُهُ) * اَوْ بِرِّ

می‌کنم که مرا بهره بسیار بخشی از هر خیری که می‌فرستی * و هر احسانی که می‌افزایی * و هر نیکیی

نَشَرْتَهُ * وَ (تَنْشُرُهُ) * اَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ * وَ (تَبْسُطُهُ) * اَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ * اَوْ خَطَا

که منتشر می‌سازی * و هر رزق و روزی که وسیع می‌گردانی * و هر گناه که می‌بخشی * و هر خطا که بر آن

تَسْتَرُهُ * يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ * يَا اِلٰهِيْ وَ سَيِّدِيْ وَ مَوْلَايِ وَ مَالِكِ رِزْقِيْ

پرده می‌کشی * ای رب من ای رب من ای رب من * ای خدای من ای سید و مولای من و ای کسی که زمام اختیارم به دست اوست

يَا مَنْ بَيَّدهٔ نَاصِيَّتِيْ * يَا عَلِيْمًا بَضْرِيْ (بِفَقْرِيْ) * وَ مَسْكِنَتِيْ * يَا خَيْرًا

* ای واقف از حال زار و ناتوانم * ای آگاه از بینوایی و وضع پریشانم * ای آگاه به

بِفَقْرِيْ وَ فَاقَتِيْ * يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ * اَسْئَلُكَ بِحَقِّكَ وَ قُدْسِكَ

احتیاج و بی‌چیزیم * ای رب من ای رب من ای رب من * از تو درخواست می‌کنم به حق حقیقت و به ذات مقدست

وَ اَعْظَمَ صِفَاتِكَ وَ اَسْمَائِكَ * اَنْ تَجْعَلَ اَوْقَاتِيْ مِنْ (فِي) اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ

و بزرگترین صفات و اسماء مبارکت * که اوقات مرا در شب و روز به یاد خود

بِذِكْرِكَ مَعْمُوْرَةً * وَ بِخِدْمَتِكَ مَوْصُوْلَةً * وَ اَعْمَالِيْ عِنْدَكَ مَقْبُوْلَةً

معمور گردانی * و پیوسته به خدمت بندگی‌ات بگذرانی * و اعمالم را مقبول حضرتت فرمایی *

حَتَّى تَكُوْنَ اَعْمَالِيْ وَ اَوْرَادِيْ (اِرَادَتِيْ) كَلْمًا وَرِدًا وَّاحِدًا * وَ حَالِيْ فِي

تا کردار و گفتارم همه یک جهت و خالص برای تو باشد * و احوالم تا ابد به

خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا * يَا سَيِّدِيْ يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِيْ * يَا مَنْ اِلَيْهِ شَكُوْتُ

خدمت و طاعتت مصروف گردد * ای سید من، ای کسی که تمام اعتماد و توکلم بر اوست * و شکایت از احوال پریشانم

اِحْوَالِيْ * يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ * قُوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِيْ * وَ اَشَدُّ

به حضرت اوست * ای رب من ای رب من ای رب من * (لطفی کن) و به اعضا و جوارح در مقام بندگیت قوت بخش * و دلم را عزم

عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي * وَهَبْ لِي الْجِدْفِي خَشِيَّتِكَ * وَالدَّوَامَ فِي

ثابت ده * و ارکان وجودم را به خوف و خشیت، محکم ساز * و پیوسته به

الْإِتِّصَالَ بِخِدْمَتِكَ * حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ * وَأَسْرِعْ

خدمت در حضرتت بدار * تا آنکه من در میدان طاعتت بر همه پیشینیان سبقت گیرم * و از همه

إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ (الْمُبَادِرِينَ) * وَاشْتِاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتِاقِينَ *

شتابندگان به درگاهت زودتر آیم * و عاشقانه با مشتاقان به مقام قرب حضرتت بشتابم *

وَادْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ * وَأَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ * وَاجْتَمِعْ

و مانند اهل خلوص به تو نزدیک گردم * و بترسم از تو مانند ترسیدن یقین‌کنندگان * و با اهل ایمان

فِي جَوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ * اللَّهُمَّ * وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَارِدْهُ * وَمَنْ كَادَنِي

در جوار رحمتت همنشین باشم * خدایا، و هر که به من بد اندیشد تو مجازاتش کن * و هر که مکر ورزد

فَكَدْهُ * وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ * وَاقْرِبْهُمْ

به کیفرش برسان * و مرا به لطف و رحمتت نصیب بهترین بندگانت عطا کن * و مقام

مَنْزِلَةً مِنْكَ * وَأَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ * فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ

مقربترین و مخصوصترین خاصان حضرتت کرامت فرما * که هیچکس جز به فضل و رحمتت این مقام نخواهد یافت و باز جود

وَ جُدِّي بِجُودِكَ * وَاعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ * وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ *

و بخشش بی‌عوضت از من دریغ مدار * بزرگی و مهربانی کن * و مرا به رحمت و وسعتهات از شر دو عالم محفوظ بدار *

وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا * وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِيمًا * وَمَنْ عَلَيَّ

و زبانم را به ذکر خود گویا ساز * و دلم را از عشق و محبت بی‌تاب گردان * و بر من منت

بِحُسْنِ اجَابَتِكَ * وَاقْلِنِي عَثْرَتِي * وَاغْفِرْ زَلَّتِي * فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ

گذار و دعایم مستجاب فرما * و از لغزشم بگذر * و خطایم ببخش * که تو خود به بندگان از

عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ * وَامْرَتَهُمْ بِدُعَائِكَ * وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ *

لطف، دستور عبادت دادی * و امر به دعا فرمودی * و اجابت (دعا) را ضمانت کردی *

فَالْيَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي * وَالْيَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي * فَبِعِزَّتِكَ

ای پروردگار، پس اینک من به دعا رو به سوی تو آوردم * و دست حاجت به درگاه تو دراز کردم * پس به عزت و جلالت

اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مَنَائِي * وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي *

قسم که دعایم مستجاب گردان و مرا به آرزویم (که وصال توست) برسان * و امیدم را به فضل و کرماتت ناامید مگردان *

وَ أَكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي * يَا سَرِيعَ الرِّضَا * اغْفِرْ

و از شر دشمنانم از جن و انس کفایت فرما * ای که از بندگان بسیار زود راضی می‌شوی * ببخش بر بنده‌ای

لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ * فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ * يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ

که به جز دعا و تضرع به درگاهت، چیزی ندارد * که تو هر چه بخواهی می‌کنی * ای که نامت دوی دردمندان

وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ وَ طَاعَتُهُ وَ غِنَى * اِرْحَمَ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ

و یادت شفا‌ی بیماران است و طاعتت بی‌نیازی از هر چه در جهان * ترحم کن به کسی که سرمایه‌اش امید به توست

* وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ * يَا سَابِغَ النِّعَمِ * يَا دَافِعَ النِّقَمِ * يَا نُورَ

* و اسلحه‌اش گریه است * ای بخشنده کاملترین نعمت * ای دفع کننده هر بلاء و مصیبت * ای نور

الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ * يَا عَالِمًا لَا يَعْلَمُ * صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ

دل‌های وحشت‌زده در ظلمات (فراق) * ای دانای علم ازل تا ابد، بی‌آموختن * درود فرست بر محمد «ص»

وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَفْعَلُ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ رَسُولُهُ

و آل محمد «ع» * و با من آن کن که لایق حضرت توست * و درود و رحمت خدا بر رسول گرامیش

وَ الْأَئِمَّةِ الْمَيَامِينِ مِنْ أَهْلِ أَهْلِهِ * وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا [كَثِيرًا] 

و امامان با برکات از اهل بیتش * و سلام و تحیت بسیار بر آن بزرگواران باد *

دعای عَشْرَات از دعاهای بسیار معتبره است و ما بین نسخ آن اختلاف است و ما آنرا از مصباح شیخ

نقل می‌کنیم و مستحب است خواندن آن در هر صبح و شام و افضل اوقات آن بعد از عصر جمعه است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ * وَ لَا إِلَهَ إِلَّا

به نام خدای بخشنده مهربان * پاک و منزّه است خدا و ستایش مخصوص خداست * و هیچ خدایی جز

اللَّهُ * وَ اللَّهُ أَكْبَرُ * وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ *

خدای یکتا نیست * و خدا بزرگتر از هر چیز است * و قدرت و نیرویی جز از خدای - بلند مرتبه عظیم الشان نخواهد بود *

سُبْحَانَ اللَّهِ ءَأَنَاءَ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ * سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْغَدُوِّ

خدا را تسبیح می‌کنم در ساعات شب و حدود روز * خدا را تسبیح می‌کنم وقت صبح

وَ الْأَصَالِ * سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ * سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ

و عصر * خدا را تسبیح می‌کنم اول شب و اول روز * خدا را تسبیح می‌کنم

تُمْسُونَ وَ حِينَ تَصْبِحُونَ * وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

چون شام کنند و صبح کنند * و ستایش مخصوص اوست در آسمانها و زمین

وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تَظْهَرُونَ * يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ * وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ

و هنگام شب و چون روز به نیمه رسد * آن خدایی که زنده را از مرده * و مرده را از زنده بیرون

الْحَيِّ * وَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا * وَ كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ * * سُبْحَانَ

می آورد * و زمین را بعد از مرگ (و خزان) آن باز زنده می گرداند * و همین گونه شما هم پس از مرگ زنده می شوید * منزه است پروردگارت

رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ * وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ

خدای صاحب عزت از هر چه خلق توصیف او کنند * و سلام بر رسولان او * و ستایش مخصوص خدای

رَبِّ الْعَالَمِينَ * سُبْحَانَ ذِي الْمَلِكِ وَ الْمَلَكُوتِ * سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ

عالمیان است * پاک و منزه است خدای صاحب ملک و ملکوت * منزه است خدای صاحب

وَ الْجَبْرُوتِ * سُبْحَانَ ذِي الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعَظَمَةِ * أَلَمَلِكِ الْحَقِّ

عزت و اقتدار * منزه است خدای صاحب بزرگی و شأن عظیم * پادشاه حقیقی

الْمُهَيْمِنِ (الْمُبِينِ) الْقُدُّوسِ * سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ

بلند مقام * پاک و منزه است خدای سلطان عالم که زنده ابد است که نمی میرد

* سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ الْقُدُّوسِ * سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ

* منزه است خدای سلطان عالم که زنده ابد است پاکیزه صفات * منزه است خدای پاینده ابدی *

سُبْحَانَ الدَّائِمِ الْقَائِمِ * سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ * سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى

منزه است خدای زنده پاینده * منزه است خدای عظیم الشأن من * منزه است خدای بلند مرتبه من *

سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ * سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى * سُبْحَانَهِ وَ تَعَالَى

منزه است خدای زنده پاینده * منزه است خدای بلند مرتبه ترین موجود * منزه است و متعالی *

سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ * رَبَّنَا وَ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ * سُبْحَانَ الدَّائِمِ غَيْرِ

و بسیار منزه است و پاکیزه صفات * پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و روح * منزه است خدا که وجودش دائم و ابدی است و یک

الْغَافِلِ * سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ * سُبْحَانَ خَالِقِ مَا يُرَى وَ مَا

لحظه از خلق غافل نیست * منزه است خدا که ناآموخته عالم است * منزه است خدا که آفریننده دیدنیها و

لَا يَرَى * سُبْحَانَ الَّذِي يَدْرِكُ الْأَبْصَارَ * وَ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ * وَ هُوَ

نادیدنیها است * منزه است خدا که بندگان را می بیند * و چشم خلق او را نمی بیند * و هم او

اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ مِنْكَ فِي نِعْمَةٍ وَخَيْرٍ وَبَرَكَاتٍ

لطیف است و دانا * خدایا من شب را از لطف تو صبح گردانیدم در حال نعمت و خیر و برکت

وَ عَافِيَةٍ * فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ ءَالِهِ * وَ اَتِمِّمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَ خَيْرَكَ

و عافیت * پس درود بر محمد (ص) و آل او فرست * و این نعمت و خیر و برکت و عافیت را

وَ بَرَكَاتِكَ وَ عَافِيَتِكَ بِنَجَاةٍ مِنَ النَّارِ * وَ ارْزُقْنِي شُكْرَكَ وَ عَافِيَتِكَ

بر من کامل گردان به اینکه از آتش دوزخ هم نجاتم دهی * و مرا شکر خود و عافیت

وَ فَضْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ اَبَدًا مَا اَبَقَيْتَنِي * اللَّهُمَّ بِنُورِكَ اهْتَدَيْتُ *

و فضل و کرمت مادامی که هستم روزی گردانی * خدایا من به نور تو هدایت یافتم *

وَ بِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْتُ * وَ بِنِعْمَتِكَ اَصْبَحْتُ وَ اَمْسَيْتُ * اللَّهُمَّ إِنِّي

و به فضل تو بی نیاز شدم * و به نعمتت صبح و شام کردم * خدایا تو را

اَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيدًا * وَ اَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَ اَنْبِيَاءَكَ

گواه می‌گیرم و گواهی تو کافی است * و باز گواه می‌گیرم فرشتگان و پیغمبران

وَ رُسُلَكَ * وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ سُكَّانَ سَمَاوَاتِكَ وَ اَرْضِكَ

و رسولان * و حاملان عرش و ساکنان زمین و آسمانها

(اَرْضِيكَ) وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ * بِاَنَّكَ اَنْتَ اللهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ * وَ حُدَّكَ لَا

و همه خلق تو را * که معتقدم به اینکه تو خدای یکتایی و هیچ خدایی جز تو نیست * و احادی شریک

شَرِيكَ لَكَ * وَ اَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ *

تو نخواهد بود * و اینکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده خاص و پیغمبر توست *

وَ اَنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * تُحْيِي وَ تُمِيتُ * وَ تُمِيتُ وَ تُحْيِي * وَ اَشْهَدُ

و اینکه تو بر هر چیز قادری * تویی که خلق را زنده می‌کنی و می‌میرانی * و می‌میرانی و زنده می‌گردانی * و گواهی می‌دهم

اَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ * وَ اَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَ (اَنَّ) النَّشُورَ حَقٌّ * وَ السَّاعَةَ اَتِيَةٌ *

که بهشت * و دوزخ حق است و روز رستاخیز حق است * و ساعت قیامت خواهد

لَا رَيْبَ فِيهَا * وَ اَنَّ اللهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ * وَ اَشْهَدُ اَنَّ عَلِيَّ بْنَ اَبِي

آمد بدون شک * و خدا هر که در قبر است بر می‌انگیزد * و گواهی می‌دهم که علی بن

طَالِبِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا حَقًّا * وَ اَنَّ الْاِثْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ هُمْ الْاِثْمَةُ

ابی طالب (ع) امیر المؤمنین البته بر حق است * و یازده فرزندش همه امامان هدایت یافته

الْهُدَاةَ الْمَهْدِيُونَ * غَيْرِ الضَّالِّينَ وَلَا الْمُضِلِّينَ * وَانَّهُمْ أَوْلِيَاؤُكَ

و پیشوایان هدایت خلقتند * نه گمراه و نه گمراه کننده امتند * و آن امامان اولیاء تو

الْمُصْطَفُونَ * وَحِزْبِكَ الْغَالِبُونَ * وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

و برگزیدگان تو * و حزب غالب و فاتح تواند * و خاصان و منتخبان تو از میان خلقتند

وَ نَجَبًا وَاُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْتَ جَبْتَهُمْ لِدِينِكَ * وَ اخْتَصَصْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ

* و خالصان (در ایماند) که تو به خلوص آنها را برای حفظ دین خود انتخاب کردی * و میان خلق اختصاص دادی

وَ اصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ * وَ جَعَلْتَهُمْ حُجَّةً عَلَى الْعَالَمِينَ *

* و بر بندگان برگزیدی * و آنان را حجت بر اهل عالم گردانیدی *

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَ السَّلَامَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ * اللَّهُمَّ اكْتُبْ لِي

درود تو و سلام و تحیت و رحمت و برکاتت بر آنان باد * خدایا این شهادت

هَذِهِ الشَّهَادَةَ عِنْدَكَ حَتَّى تُلْقِنِيهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ * وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ

را نزد خود در نامه علمم بنویس تا روز قیامت مرا به یاد آوری * و تو از من خوشنود باشی

إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ * اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَصْعَدُ أَوَّلَهُ *

* که تو بر خیرخواهی قادری * خدایا ستایشی مخصوص توست که اولش بالا رود

وَ لَا يَنْفَدُ آخِرُهُ * اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا تَضَعُ لَكَ السَّمَاءُ كَنَفِيهَا

و آخرش بی پایان باشد * خدایا ستایشی مخصوص توست که آسمان به تواضع برای تو بال

(كَنَفِيهَا) * وَ تَسْبِحُ لَكَ الْأَرْضُ وَ مَنْ عَلَيْهَا * اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا

بیفکند * و زمین و اهلس تو را تسبیح گوید * خدایا ستایشی مخصوص توست که سرمدی و ابدی

سَرْمَدًا أَبَدًا لَا انْقِطَاعَ لَهُ * وَ لَا نَفَادَ وَ لَكَ يَنْبَغِي وَ إِلَيْكَ يَنْتَهِي * فِي

و بی انتهاست و تمامی نیابد و آن ستایش لایق حضرت تو باشد و به تو منتهی گردد و آن ستایش در وجود تجلی کند * و

وَ عَلَيَّ وَ لَدَيَّ وَ مَعِيَ وَ قَبْلِي وَ بَعْدِي وَ أَمَامِي وَ فَوْقِي وَ تَحْتِي * وَ إِذَا

برای من و نزد من و با من و پیش از من و بعد از من و پیش رو و بالا و زیر * و چون

مُتُّ وَ بَقِيْتُ فَرْدًا وَ حِيدًا ثُمَّ فَنَيْتُ * وَ لَكَ الْحَمْدُ إِذَا نُشِرْتُ

بمیرم و منفرد و تنها و بی یار و یاور مانم و آنگاه که فنا شوم در همه حال آن ستایش به جا آرم * و تو را ستایش می کنم هنگامی که

وَ بُعِثْتُ * يَا مَوْلَايَ * اللَّهُمَّ وَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ

باز زنده و برانگیخته شوم * ای صاحب اختیار من * خدایا و تو را حمد و شکر به تمام انواع حمد

مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمَائِكَ كُلِّهَا * حَتَّى يَنْتَهَى الْحَمْدُ إِلَى مَا

و ستایشهای تو بر جمیع نعمتهای بی پایان تو * تا آنکه حمد من ای پروردگار من پسند تو گردد

تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى * اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ أَكْلَةٍ وَشَرِبَةٍ وَبَطْشَةٍ

و موجب خوشنودی تو شود * خدایا تو را حمد می کنم بر هر خوراک که تناول کنم و هر شربت که بنوشم و در هر

وَقَبْضَةٍ وَبَسْطَةٍ * وَفِي كُلِّ مَوْضِعٍ شَعْرَةٍ * اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا

زور بازو و گرفتن و رها کردن * و بر هر مویی که بر اندامم هست * خدایا تو را ستایش می کنم به حمدی که

خَالِدًا مَعَ خَلْقِكَ * وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لَهُ وَ دُونَ عِلْمِكَ *

ابدی باشد به ابدیت تو * و تو را حمد می کنم به حمدی که منتهی نشود مگر به علم تو *

وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا أَمَدَ لَهُ وَ دُونَ مَشِيَّتِكَ * وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا

و تو را حمد می کنم به حمدی که مدتی ندارد جز مشیت تو * و حمد می کنم تو را به حمدی که

لَا أَجْرَ لِقَائِهِ إِلَّا رِضَاكَ * وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ *

اجر قائلش جز خوشنودی تو نباشد * و تو را حمد می کنم بر حلم تو بعد از علم تو *

وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ * وَ لَكَ الْحَمْدُ بَاعِثَ الْحَمْدِ

و بر عفو تو پس از قدرتت * و حمد تو را سزااست که حمد را تو برانگیخته

وَ لَكَ الْحَمْدُ وَارِثَ الْحَمْدِ * وَ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيعَ الْحَمْدِ * وَ لَكَ الْحَمْدُ

و باز به تو باز می گردد * و حمد تو را سزااست از اول پیدایش حمد * و

مُنْتَهَى الْحَمْدِ * وَ لَكَ الْحَمْدُ مُبْتَدِعَ الْحَمْدِ * وَ لَكَ الْحَمْدُ مُشْتَرِي

انتهای آن * و حمد سزاوار توست که حمد را تو در بنده ایجاد کنی * و حمد تو را سزااست که مشتری

الْحَمْدِ * وَ لَكَ الْحَمْدُ وَلِيَّ الْحَمْدِ * وَ لَكَ الْحَمْدُ قَدِيمَ الْحَمْدِ * وَ لَكَ

حمدی * و صاحب حمد و حمد تو را سزااست * که قدیم ذاتی * و حمد تو را سزااست

الْحَمْدُ صَادِقَ الْوَعْدِ * وَفِي الْعَهْدِ عَزِيزَ الْجُنْدِ * قَائِمَ الْمَجْدِ * وَ لَكَ

که وعدهات صدق * و عهدت پایدار و سپاهت مقتدر و غالب است * و بزرگواریت ثابت * و حمد

الْحَمْدُ رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ * مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ * مُنْزِلَ (مُنْزَلِ) الْآيَاتِ مِنْ

تو را سزااست که درجاتت بلند است * و دعای خلق را تو مستجاب می کنی و آیات با عظمت

فَوْقَ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ * عَظِيمَ الْبَرَكَاتِ * مُخْرِجَ النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ *

و برکت را از بالای هفت آسمان تو نازل می گردانی * و روشنی را از تاریکی تو بیرون می آوری *

و مَخْرَجَ مَنْ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ * مُبَدِّلِ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ

و هر کس در تاریکی است تو به عالم نور می‌آوری * و تویی که بدیها را به خوبیها مبدل کرده

* وَ جَاعِلِ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ * اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ غَافِرِ الذَّنْبِ *

* مطابق خوبیها درجه و مقام می‌دهی * خدایا حمد سزاوار توست که بخشنده گناه *

وَ قَابِلِ التَّوْبِ * شَدِيدِ الْعِقَابِ ذَا الطَّلُوعِ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَهِيكَ

و پذیرنده توبه بندگانی * و بسیار سخت عقاب و صاحب لطف و احسانی * خدایا غیر تو نیست و بازگشت همه

الْمَصِيرِ * اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى * وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي

به سوی توست * خدایا تو را حمد می‌کنم در شب چون جهان را تاریک کند * و تو را حمد می‌کنم در روز

النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى * وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى * وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ

چون جهان را روشن سازد * و تو را حمد می‌کنم در آخر و در اول * و تو را حمد می‌کنم به عدد

كُلِّ نَجْمٍ وَ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ * وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الثَّرَى وَ الْحَصَى

ستارگان و عدد ملائکه آسمان * و تو را حمد می‌کنم به عدد خاک و ریگ و

وَ النَّوَى * وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي جَوِّ السَّمَاءِ * وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ

هسته‌های عالم * و تو را حمد می‌کنم به عدد هر چه در میان آسمان * و تو را حمد می‌کنم به عدد

مَا فِي جَوْفِ الْأَرْضِ * وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْزَانِ مِيَاهِ الْبِحَارِ * وَ لَكَ

هر چه در جوف زمین است * و تو را حمد می‌کنم به عدد وزن آب دریاها * و تو را

الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْرَاقِ الْأَشْجَارِ * وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ

حمد می‌کنم به عدد برگ درختان * و تو را حمد کنم به عدد هر چه در روی زمین است

* وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابُكَ * وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحَاطَ

* و تو را حمد می‌کنم به عدد آنچه در لوح و کتاب تو به شمارش آید * و تو را حمد می‌کنم به عدد آنچه علم تو به آن

بِهِ عِلْمُكَ * وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ وَ الْهَوَامِّ وَ الطَّيْرِ وَ الْبَهَائِمِ

احاطه دارد * و تو را حمد می‌کنم به عدد جن و انس و خزندگان و مرغان هوا

وَ السَّبَاعِ * حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ * كَمَا تَحِبُّ رَبَّنَا وَ تَرْضَى

و چرندگان و درندگان * به حمدی بسیار نیکو و با برکت در آن حمد * آن گونه که تو ای خدای

* وَ كَمَا يَنْبَغِي لِكْرَمِ وَجْهِكَ وَ عِزِّ جَلَالِكَ * پس می‌گویی ده مرتبه: لَا إِلَهَ

من دوست داری و موجب خوشنودی تو * و لایق مقام ذات بزرگوار و عز و جلال توست * هیچ خدایی

إِلَّا اللَّهَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ * وَهُوَ اللَّطِيفُ

به جز خدا نیست او یکتا و بی شریک است * ملک وجود همه از اوست و ستایش مخصوص او * و او لطیف است

الْخَبِيرُ * وده مرتبه: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

و دانا * هیچ خدایی به جز خدای یکتا نیست او یگانه و بی شریک است * و ملک وجود از او و ستایش خاص

الْحَمْدُ * يُحْيِي وَيُمِيتُ * وَيُمِيتُ وَيُحْيِي * وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ * بِيَدِهِ

اوست * که خلق را زنده می کند و می میراند * و می میراند و باز زنده می کند * و او خود زنده ابدی است * و هر خیر و نیکی

الْخَيْرِ * وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * وده مرتبه: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

به دست اوست * و او بر هر چیز تواناست * آمرزش می طلبم از خدایی که به جز او

هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَآتُوبُ إِلَيْهِ * وده مرتبه: يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ * وده مرتبه: يَا رَحْمَنُ

خدای زنده ابدی نیست و به سوی او از گنه باز می گردم * ای خدا ای خدا * ای بخشنده

يَا رَحْمَنُ * وده مرتبه: يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ * وده مرتبه: يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

ای بخشنده * ای مهربان ای مهربان * ای پدید آورنده آسمانها و زمین

* وده مرتبه: يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ * وده مرتبه: يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ * وده مرتبه: يَا حَيُّ

* ای صاحب جلال و بزرگواری * ای مهربان و ای صاحب منت بر خلق * ای زنده

يَا قَيُّومُ * وده مرتبه: يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * وده مرتبه: يَا اللَّهُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

ای پاینده * ای زنده ابدی که هیچ خدایی جز تو نیست * ای خدا ای که هیچ خدایی جز تو نیست

* وده مرتبه: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وده مرتبه: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

* به نام خدای بخشنده مهربان * بار خدایا درود فرست بر محمد (ص)

وَآلِ مُحَمَّدٍ * وده مرتبه: اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * وده مرتبه: عَامِينَ عَامِينَ

و آل محمد (ع) * خدایا آنچه را که سزاوار توست با من به جای آور * آمین آمین

* وده مرتبه: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * پس می گویی: اللَّهُمَّ اصْنَعْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * و

* بگو ای محمد (ص) او خدای یگانه است * خدایا با من آن کن که لایق بزرگواری توست *

وَلَا تَصْنَعْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ * فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ * وَأَنَا

نه آنکه سزاوار من است * که تو لایق آنی که از تو بترسند و از تو مغفرت و آمرزش طلبند * و من

أَهْلُ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا * فَارْحَمْنِي يَا مَوْلَايَ * وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

اهل گناهان و خطاهای بسیارم * پس به حالم ترحم کن ای مولای من * که تو مهربانترین مهربانان عالمی

❁ و نیزه مرتبه می‌گویی: **لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ** ❁ **تَوَكَّلْتُ عَلَىٰ الْحَيِّ الَّذِي**

* هیچ قدرت و نیرویی جز از خدا نیست * بر او توکل و اعتماد می‌کنم بر آن خدایی که

لَا يَمُوتُ ❁ **وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ**

زندهٔ ابدی است * و حمد مخصوص خداست که فرزندی نگرفته و شریکی در ملک و

فِي الْمَلِكِ ❁ **وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَ كِبْرَهُ تَكْبِيرًا** ❁

سلطنت ندارد * و قدرتش از یاری خلق بی‌نیاز است و او را پیوسته به بزرگی یاد کن. *

دعای سمات: معروف به دعای شبور. که مستحب است خواندن آن در ساعت آخر روز جمعه. و مخفی نماند

که این دعا از ادعیه مشهوره است و اکثر علماء سلف برای این دعا مواظبت می‌نموده‌اند. و در مصباح شیخ طوسی

و جمال الأسبوع سید بن طاوس و کتب کفعمی به سندهای معتبر از جناب محمد بن عثمان عمروی رضوان

الله علیه که از نوآب حضرت صاحب الأمر (علیه السلام) است و از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق (علیهما السلام) روایت

شده و علامه مجلسی (رحمته الله) آن را با شرح در بحار ذکر کرده و آن دعای موافق مصباح شیخ این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ [الْأَعْظَمِ] ❁ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ

خدایا از تو درخواست می‌کنم به نام بزرگ تو آن نام که بسی بزرگتر * و با عزت و جلال و گرامیترین

الْأَكْرَمِ ❁ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَىٰ مَغَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ لِلْفَتْحِ

نامهاست * آن نامی که هرگاه به آن خوانده شوی برای گشایش درهای بسته آسمان

بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ ❁ وَ إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَىٰ مَضَائِقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ

به رحمت و برکت گشوده گردد * و هرگاه خوانده شوی بر مشکلات و تنگناهای حوادث روی زمین به فراخی

لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ ❁ وَ إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَىٰ الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيْسَّرَتْ ❁

و سهولت مبدل گردد * و چون خوانده شوی بر هر کار دشوار عالم سهل و آسان گردد *

وَ إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَىٰ الْأَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ ❁ وَ إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَىٰ

و چون برای زنده شدن مردگان به آن نام خوانده شوی همه زنده شوند * و چون برای دفع غم

كُشِفَ الْبَأْسَاءُ وَ الضَّرَّاءُ انْكَشَفَتْ ❁ وَ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ ❁

و درد و مصیبتها خوانده شوی همه برطرف شود * و سوگند به جلال ذات بزرگوارت *

أَكْرَمِ الْوُجُوهِ ❁ وَ أَعَزِّ الْوُجُوهِ الَّذِي عَنَّتْ لَهُ الْوُجُوهُ ❁ وَ خَضَعَتْ

که مکرمترین * و با عزت‌ترین ذوات است و گردنکشان عالم * پیشش دلیل

لَهُ الرِّقَابُ * وَ خَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ * وَ وَجَلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ

و خاضع * و از هیبتش خاموش شود صداهای هر ذی صوتی است * و دلها (ی اهل دل) از ترس او

مَخَافَتِكَ * وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي بِهَا تُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا

هراسان است * و قسم به قدرتت که آسمان را از افتادن بر زمین نگاه می‌دارد جز آنکه اراده

بِأَذْنِكَ * وَ تُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا * وَ بِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ

تو باشد * و آسمانها و زمین را از زوال و فنا حفظ می‌کند * سوگند به مشیت که جهانها در

(كَانَ) لَهَا الْعَالَمُونَ * وَ بِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

مقابلش پست و مطیع است * و به کلمه (کن) مشیت فعلیهات که زمین و آسمانها را بدان خلق کردی

* وَ بِحِكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ * وَ خَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ

* و به حکمت بالغهات که (اسرار) عجائب عالم را بدان آفریدی * و هم به حکمت تاریکی را

وَ جَعَلْتَهَا لَيْلًا * وَ جَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَنًا (مَسْكَنًا) * وَ خَلَقْتَ بِهَا النُّورَ

شب عالم قرار دادی * و زمان آرامش خلق کردی * و روشنی را خلق کردی

* وَ جَعَلْتَهُ نَهَارًا * وَ جَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُورًا مُبْصِرًا * وَ خَلَقْتَ بِهَا

* و روز جهان ساختی * و سبب بیداری برای کار و جنبش مخلوقات گردانیدی * و خورشید را بدان

الشَّمْسَ وَ جَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً * وَ خَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَ جَعَلْتَ

حکمت آفریدی و آن را فروزان کردی * و ماه را آفریدی و آن را

الْقَمَرَ نُورًا * وَ خَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَ جَعَلْتَهَا نُجُومًا وَ بُرُوجًا *

تابان ساختی * و ستارگان را بدان آفریدی و آن کرات نور را به قسمتهایی مقدر و بروجی مخصوص معین کردی *

وَ مَصَابِيحَ وَ زِينَةً وَ رُجُومًا * وَ جَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَ مَغَارِبَ

و چراغها نمودی و زیور و رجم اوهام خلق ساختی * و مشرق و مغربها برای آن مقرر

وَ جَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَ مَجَارِيَ * وَ جَعَلْتَ لَهَا فَلَكَآ وَ مَسَابِيحَ *

فرمودی و محل طلوع و سیر آن را * و مدار حرکت و شناوری آنها را در این دریای بیکران تعیین کردی *

وَ قَدَّرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَاحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا * وَ صَوَّرْتَهَا

و در آسمان منازل و مدار هر یک منظم داشتی و همه را نیکو مقدر ساختی * و به صورتهای

فَاحْسَنْتَ تَصَوِيرَهَا * وَ أَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ أَحْصَاءً وَ دَبَّرْتَهَا

زیبا آفریدی * و به نامهای مبارک خود آنها را کاملاً به شمار آوردی

بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيرًا * وَ أَحْسَنَتَ (فَاحْسَنَتَ) تَدْبِيرَهَا * وَ سَخَّرْتَهَا

و به حکمت و عنایت * به نیکوترین تدبیر نظام فلک را منظم نمودی * و دو آیت بزرگ

بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَ سُلْطَانِ النَّهَارِ * وَ السَّاعَاتِ وَ (عَرَفْتَ بِهَا) عَدَدَ

شب و روز (به حرکتی منظم) مسخر کردی * اوقات و شماره (ماه و) سال را و حساب کار را

السِّنِينَ وَ الْحِسَابِ * وَ جَعَلْتَ رُؤْيَتَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرًّا وَاحِدًا

بدان منوط ساختی * و همه خلق را در دیدن آن یکسان قرار دادی

* وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَ رَسُولَكَ *

* و باز ای خدا از تو درخواست می‌کنم به مجد و عظمتت که به آن در میان ملائکه قدوسی با بنده و رسالت *

مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَقْدَسِينَ * فَوْقَ أَحْسَاسِ (أَحْسَاسِ)

موسی بن عمران علیه السلام سخن گفتی * در مقامی فوق ادراک فرشتگان

الْكُرُوبِيِّينَ (الْكُرُوبِيِّينَ) فَوْقَ غَمَائِمِ النُّورِ * فَوْقَ تَابُوتِ الشَّهَادَةِ * فِي

کروبی و فوق ابرها و حجابهای نور * و فوق صندوق شهادت * در جلوی

عَمُودِ النَّارِ * وَ فِي طُورِ سَيْنَاءَ * وَ فِي (إِلَى) جَبَلِ حُورَيْثَ * فِي الْوَادِ

عمود آتش مانند چراغ در شب روشن میکردی * و هم در کوه طور سیناء * و در کوه حوریت * که نخستین بار آنجا

الْمُقَدَّسِ * فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ * مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْإَيْمَنِ مِنْ

به موسی وحی فرستادی در وادی مقدس * در بقعه مبارکه * طور ایمن (با موسی) از این درخت معهود

الشَّجَرَةِ * وَ فِي أَرْضِ مِصْرَ بِتِسْعِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ * وَ يَوْمَ فَرَقْتَ لِبَنِي

تکلم فرمودی * و باز در سرزمین مصر با نه معجزه روشن معروف * و باز روزی که دریا را

إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ * وَ فِي الْمُنْبَجَسَاتِ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ فِي

برای بنی اسرائیل شکافتی * و باز در جوشش و انفجار (دوازده چشمه آب از سنگ) که معجزات عجیبی در دریای سوف

بِحَرِّ سُوْفٍ * وَ عَقَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْغَمْرِ كَالْحِجَارَةِ *

هویدا ساختی * و آب را در لجه دریا مانند سنگ منجمد گردانیدی *

وَ جَاوَزْتَ بَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ * وَ تَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى عَلَيْهِمْ بِمَا

و بنی اسرائیل را از آن (دریا) مانند خشکی بگذرانیدی * و کلمه نیکوی (حسن قضای) خود را درباره آن قوم بواسطه ثبات آنها در

صَبَرُوا * وَ أَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا

دین خدا کامل فرمودی * و آنها را وارث و مالک شرق و غرب زمین (مصر و شامات) که با برکت بر اهل عالم است

لِلْعَالَمِينَ * وَاغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ * وَمَرَاكِبَهُ فِي الْيَمِّ * وَبِاسْمِكَ

گردانیدی * و فرعون و سپاه و مرکبها و قومش را غرق دریای هلاک ساختی * و باز سوگند

الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ [الْأَعْظَمِ] * الْأَعَزَّ الْأَجَلَّ الْأَكْرَمِ * وَبِمَجْدِكَ الَّذِي

به نام بزرگت و بزرگتر * و با عزت و جلالتر و گرامیتیرین نامت * و به آن نور مجد و

تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَى كَلِيمِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سَيْنَاءَ * وَلِابْرَاهِيمَ

عظمتت که برای موسی کلیمت علیه السلام به طور سینا تجلی کردی * و پیش از او

عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلِيلِكَ مِنْ قَبْلِ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ * وَ لِإِسْحَاقَ

برای ابراهیم خلیلت علیه السلام در مسجد خیف تجلی کردی * و برای اسحاق

صَفِيكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ شَيْعِ (سَبْعِ) * وَ لِيَعْقُوبَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ

صفی با خلوصت علیه السلام در چاه شیع تجلی کردی * و برای یعقوب پیغمبرت

السَّلَامُ فِي بَيْتِ إِبْرَاهِيمَ * وَ أَوْفَيْتَ لِابْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِيثَاقِكَ *

علیه السلام در بیت ایل تجلی کردی * و به آن مجد و عظمت که بدان برای ابراهیم خلیل وفای به عهد و میثاق نمودی *

وَ لِإِسْحَاقَ بِحَلْفِكَ وَ لِيَعْقُوبَ بِشَهَادَتِكَ * وَ لِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ *

و برای اسحاق علیه السلام به سوگند و برای یعقوب به گواهی * و برای مؤمنان عالم به وعده‌هایت وفا کردی *

وَ لِلدَّاعِينَ بِأَسْمَائِكَ فَاجَبْتَ * وَ بِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ

و برای دعا کنندگان به نامهای مبارکت اجابت فرمودی * و به آن مجد و عظمتت که بر موسی بن عمران

عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى قُبَّةِ الرُّمَّانِ (الرَّمَّانِ) * وَ بِآيَاتِكَ الَّتِي

علیه السلام در (جایگاه عبادتشی) قبه رمان پدید آمد * و به آن معجزاتی که در

وَقَعْتَ عَلَى أَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْغَلْبَةِ * بِآيَاتِ عَزِيزَةٍ *

سرزمین مصر آشکار شد با بزرگی و عزت و غلبه (بر دشمنان) * به معجزات بزرگ و ادله قوی *

وَ بِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ * وَ بِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ * وَ بِشَانِ الْكَلِمَةِ التَّامَّةِ *

و قدرت با عزت * و باز به عزت توانا * و شأن (و مقام) کلمه کامل (کن) *

وَ بِكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ أَهْلِ

و به آن کلماتی که تفضل نمودی به آنها برای اهل آسمانها و زمین و اهل

الدُّنْيَا وَ [أَهْلِ] الْأُخْرَةِ * وَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ

دنیا و اهل آخرت * و به آن رحمت (واسعه) که بدان بر جمیع خلق منت گذاردی

وَبِاسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي أَقَمْتَ بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ * وَبِنُورِكَ الَّذِي قَدَّ

* و به استطاعت و قدرتی که بر عالمیان به آن اقامه (حجت) نمودی * و به آن نور تجلی که کوه طور

خَرَمٍ مِنْ فَرْعِهِ طُورِ سَيْنَاءَ * وَبِعِلْمِكَ وَجَلَالِكَ وَكِبْرِيَاءِكَ * وَعِزَّتِكَ

از دهشت آن در افتاد (و متلاشی شد) * و به علم و جلال بزرگی و بزرگواری * و سطوت

وَ جَبْرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقْلِلْهَا الْأَرْضُ * وَانْخَفَضَتْ لَهَا السَّمَاوَاتُ *

و جبروتت که در مقابلش زمین به پا نماند * و آسمانها به زیر افتد *

وَ أَنْزَجَرَلَهَا الْعُمُقُ الْأَكْبَرُ * وَرَكَدَتْ لَهَا الْبِحَارُ وَالْأَنْهَارُ * وَخَضَعَتْ

و عمق اکبر (اقیانوس بیکران عالم) از ترس آن مضطرب و متموج گردید * و دریاها و نهرها از جنبش باز ماند * و کوهها

لَهَا الْجِبَالُ * وَسَكَنْتْ لَهَا الْأَرْضُ بِمَنَاقِبِهَا * وَاسْتَسَلَمَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ

فرو افتاد * و زمین با همه پست و بلندیهایش از حرکت باز ایستاد * و خلائق همگی تسلیم

[كُلُّهَا] * وَخَفَقَتْ لَهَا الرِّيَّاحُ فِي جَرِيَانِهَا * وَخَدَمَتْ لَهَا النَّيْرَانُ فِي

آن شدند * و بادها در جریانش از هم مضطرب گردید * و آتشفشانها در آتشکدهها

أَوْطَانِهَا * وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عُرِفَتْ لَكَ بِهِ الْغَلْبَةُ دَهْرَ الدُّهُورِ *

خاموش شد * و به آن سلطنت و پادشاهیت که به قهر و غلبه (بر همه قوای عالم) در روزگاران بی پایان معروف *

وَ حَمَدَتْ بِهِ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ * وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَةَ الصِّدْقِ الَّتِي

و در آسمانها و زمینها ستایش گردید * و به آن کلمه (رحمتت) که به صدق و حقیقت سبقت یافت (تاج کرامتت)

سَبَقَتْ لِأَبِينَا آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ذُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ * وَ أَسْأَلُكَ

بر سر نهاد) بر پدر ما آدم علیه السلام و فرزندانش به لطف و رحمت * و باز ای خدا

بِكَلِمَتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ * وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ

از تو درخواست می‌کنم به آن کلمه‌ای که بر همه عالم غالب آمد * و به آن نور ذات مقدس که به کوه طور

لِلْجَبَلِ * فَجَعَلْتَهُ دَكَاً * وَ خَرَّمَ مُوسَى صَعْقاً * وَ بِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ

تجلی کردی * و آن را متلاشی ساختی * و موسی را بیهوش در افکندی * و به مجد و بزرگی که در

عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ * فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَ رَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ *

طور سینا ظاهر نمودی * و به آن با بنده خود و رسولت موسی بن عمران سخن گفتی * و به طلعت نورانیت که در ساعیر (جایگاه

وَ بَطَّلَعْتَكَ فِي سَاعِيرٍ * وَ ظَهَرْتَكَ فِي جَبَلِ فَارَانَ * بَرَبَوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ

مناجات عیسی) بر آشکار نمودی * و به ظهورت که در کوه فاران (به قرب مکه بر خاتم رسولانت) تجلی کردی * (و آن تجلی با عظمت) در مقامات عالیه قدسیان

وَجُنُودِ الْمَلَائِكَةِ الصَّافِينَ * وَخُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ *

* و سپاه صف زده فرشتگان * و ملائکه با خشوع و تسبیح و تقدیس گویان انجام یافت *

وَبَرَكَاتِكَ الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ * فِي

و به آن برکات کاملی که به واسطه ابراهیم خلیل خود علیه السلام * در امت

أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَبَارَكْتَ لِإِسْحَاقَ صَفِيكَ فِي

محمد صلی الله علیه و آله برکت و رحمت عطا کردی * و به واسطه اسحاق با اخلاصت در امت

أُمَّةٍ عِيسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ * وَبَارَكْتَ لِيَعْقُوبَ إِسْرَائِيلَ فِي أُمَّةٍ

عیسی علیهما السلام برکت و رحمت فرستادی * و به واسطه یعقوب بنده خاصت در امت موسی

مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ * وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

علیهما السلام برکت دادی * و از همه کاملتر به آن برکت و رحمتی که به واسطه حبیب خود حضرت محمد صلی الله

وَآلِهِ فِي عِزَّتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ [وَأُمَّتِهِ] * اللَّهُمَّ وَكَمَا غَبْنَا عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ

علیه و آله در میان عزت و ذریت و امتش عطا فرمودی * خداوندا چنانکه ما در آن مقامات حاضر نبودیم و مشاهده نمودیم

نَشْهَدُهُ * وَآمَنَّا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ صِدْقًا وَعَدْلًا * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و به چشم ندیدیم * اما به همه از روی صدق و درستی ایمان آوردیم * تو ای خدا درود فرست بر محمد «ص»

وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تُبَارِكَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ تَرْحَمَ عَلَيَّ

و آل محمد «ع» * و برکت عطا کن بر محمد «ص» و آل محمد «ع» * و رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرْحَمْتَ عَلَيَّ

محمد «ص» و آل محمد «ع» * بهترین درود و برکت و رحمتی که بر ابراهیم «ع»

إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ * إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ فَعَالَ لِمَا تُرِيدُ * وَأَنْتَ

و آتش فرستادی * که تو ستوده صفات و بزرگواری و مقتدری که هر چه اراده کنی انجام می دهی * و تو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (شَهِيدٌ) * پس حاجت خود را ذکر کرده و می گویی: اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا

بر هر چیز توانایی * خدایا به حق این دعای

الدُّعَاءِ * وَبِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا * وَلَا يَعْلَمُ

شریف * و به حق این نامهای مبارک که به تفسیر آن * و باطن معنی کسی

بِاطْنَهَا غَيْرُكَ * صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ

آگاه نیست جز تو * که درود فرست بر محمد «ص» و آل محمد «ع» * و با من (بنده مسکینت) آن کن که

أَهْلُهُ * وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ * وَأَغْفِرْ لِي مِنْ ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا

تو را لایق است * نه آنکه مرا سزاوار است * و گناهانم از گذشته و آینده همه

وَمَا تَأَخَّرَ * وَوَسَّعَ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ * وَكَفَّنِي مَثُونَةَ إِنْسَانٍ سَوْءٍ

را ببخش * و روزی وسیع از رزق حلال مرا نصیب کن * و از شر انسان بد

* وَجَارِ سَوْءٍ * وَقَرِينِ سَوْءٍ * وَسُلْطَانِ سَوْءٍ * إِنَّكَ عَلَىٰ مَا تَشَاءُ

* و همسایه بد * و همنشین بد * و سلطان بد مرا کفایت فرما * که تو بر هر چیز

قَدِيرٌ * وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ * ءَامِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ * مؤلف گوید که: در بعض نسخ

توانا * و به همه امور عالم دانایی * ای پروردگار عالم این دعا را اجابت فرما *

است بعد از وَ أَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ که هر حاجت داری ذکر کن و بگو: يَا اللَّهُ يَا حَنَّانُ يَا

ای خدا ای دوستدار بندگان و نعمت بخش

مَنَّانٌ * يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ * يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ * يَا أَرْحَمَ

به آنان * ای آفریننده زمین و آسمان * ای خدای با جلال و عظمت و بخشش و کرامت * ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ * تا آخر. * و علامه مجلسی از مصباح سید بن باقی

مهربانان عالم * خدا به حق این دعای شریف *

نقل کرده که بعد از دعای سمات این دعا را بخواند: اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ وَبِحَقِّ هَذِهِ

خدایا به حق این دعای شریف و به حق این

الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا * وَلَا تَأْوِيلَهَا وَلَا بَاطِنَهَا وَلَا ظَاهِرَهَا

اسماء مقدس که به تفسیر * و تأویلش و به ظاهر و باطنش کسی جز تو آگاه

غَيْرُكَ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَالِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَرْزُقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا

نیست * که درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) * و خیر دنیا و آخرت مرا

وَالْآخِرَةِ * پس حاجت خود را بطلبد و بگوید: وَأَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * وَلَا تَفْعَلْ

نصیب گردان * و با من آن کن که لایق کرم توست * نه آنکه

بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ * وَأَنْتَقِمَ لِي مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ * و نام دشمن را بگوید: وَأَغْفِرْ

سزاوار من است * و انتقام مرا از فلان پسر فلان بکش * و گناهانم

لِي مِنْ ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا * وَ مَا تَأَخَّرَ * وَلِوَالِدِيَّ * وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ

را از گذشته و آینده همه را ببخش * و از گناه پدر و مادر من و جمیع مردان و زنان

وَالْمُؤْمِنَاتِ * وَوَسَّعَ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ * وَكَفَّنِي مَوْتَةَ إِنْسَانٍ

اهل ایمان درگذر * و از رزق حلال روزی من وسیع گردان * و از شر انسان بد

سَوْءٍ وَجَارِ سَوْءٍ * وَسُلْطَانَ سَوْءٍ وَقَرِينَ سَوْءٍ * وَيَوْمَ سَوْءٍ وَسَاعَةِ

و همسایه بد * و سلطان بد و همنشین بد * و روز بد و ساعت بد مرا

سَوْءٍ * وَانْتَقَمَ لِي مِمَّنْ يَكِيدُنِي وَمِمَّنْ يَبْغِي عَلَيَّ * وَيُرِيدُ بِي وَبَاهِلِي

کفایت کن * و از هر کس با من مکر کند و آنکه ظلم کند * و به اهل بیت

وَأَوْلَادِي * وَإِخْوَانِي وَجِيرَانِي وَقَرَابَاتِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و فرزندان * و برادران من و همسایگان و خویشان من از مرد و زن اهل ایمان اراده جور و ستم نماید از همه

ظُلْمًا * إِنَّكَ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ * وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ * آمِينَ رَبَّ

انتقام بکش * که تو بر هر چیز توانایی * و به همه امور عالم دانایی * ای پروردگار عالم

الْعَالَمِينَ * پس بگوید: **اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءَ**

این دعا را اجابت فرما * خدایا به حق این دعا شریف به فقیران اهل ایمان

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَالثَّرْوَةِ * وَعَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ

از مرد و زن غنا و ثروت مرحمت فرما * و بیماران اهل ایمان را

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصِّحَّةِ * وَعَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

از مرد و زن شفا و سلامتی بخش * و بر احیاء و زندگان اهل ایمان از

بِاللُّطْفِ وَالْكَرَامَةِ * وَعَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ

مرد و زن لطف و کرم کن * و بر مردگان اهل ایمان از مرد و زن مغفرت و

وَالرَّحْمَةِ * وَعَلَى مُسَافِرِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ

رحمت فرما * و مسافران اهل ایمان را از مرد و زن به وطنشان سالم و با سود

سَالِمِينَ غَانِمِينَ * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ

و غنیمت برگردان * به حق رحمت و اسعادت ای مهربانترین مهربانان عالم * و درود خدا بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * وَعِزَّتِهِ الطَّاهِرِينَ * وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا

آقای ما محمد (ص) خاتم پیغمبران * و اهل بیت طاهربینش * و سلام و تحیت

كثِيرًا * و شیخ بن فهد گفته که مستحب است بعد از دعاء سمات بگوئی: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ**


بسیار باد. * خدایا از تو درخواست می‌کنم

بِحُرْمَةِ هَذَا الدُّعَاءِ * وَبِمَافَاتٍ مِنْهُ مِنَ الْأَسْمَاءِ * وَبِمَا يَشْتَمِلُ

به مقام محترم این دعا * و به آنچه در آن از نامهای مذکور نشده * و به آنچه مشتمل است

عَلَيْهِ مِنَ التَّفْسِيرِ وَالتَّدْبِيرِ * الَّذِي لَا يُحِيطُ بِهِ إِلَّا أَنْتَ *

از تفسیر و تدبیر * که غیر تو هیچکس به آن احاطه ندارد *

أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا * وَبِهِ جَاءَ كَذَا وَكَذَا حَاجَتُ خُودِ رَا بَخْوَهِدِ. 

که حاجتهای دنیا و آخرتم را برآوری. *

دعای مشلول موسوم به دعاء «الشَّابُّ الْمَأْخُودُ بِذَنْبِهِ»

منقول از کتب کفعمی و مهج الدعوات، و آن دعائی است که تعلیم فرموده آن را حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

به جوانی که به واسطه گناه و ستم در حق پدر خویش شل شده بود. پس این دعا را خواند. در خواب حضرت

رسول (صلی الله علیه و آله) را دید که دست بر اندام او مالید و فرمود: محافظت کن بر اسم اعظم خدا که کار تو به خیر خواهد بود

پس بیدار شد در حالتی که تندرست بود و دعا این است: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ**

خدایا از تو درخواست می‌کنم به نام تو

اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ * يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ * يَا حَيُّ

بسم الله الرحمن الرحيم * ای خدای با جلال و عظمت و کرامت * ای زنده پاینده ابدی * ای زنده‌ای

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * يَا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ * وَلَا كَيْفَ هُوَ * وَلَا آيْنَ

که خدایی جز تو نیست * ای هویتی که غیر او کس نداند کیست او و چیست * و چگونه است * و

هُوَ * وَلَا حَيْثُ هُوَ إِلَّا هُوَ * يَا ذَا الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ * يَا ذَا الْعِزَّةِ

کجاست * و به چه حیثیت است * ای خداوند ملک و ملکوت * ای صاحب عزت

وَالْمَجْبُورَاتِ * يَا مَلِكُ يَا قُدُّوسُ * يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ * يَا مَهِيْمِنُ يَا عَزِيْزُ

و اقتدار * ای پادشاه عالم، ای پاک و منزّه * ای ذات بی‌نقص و عیب، ای ایمنی بخش * ای با جلال، ای با عزت

*** يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ * يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ * يَا مُصَوِّرُ يَا مُفِيدُ * يَا مُدَبِّرُ**

* ای با قدرت، ای با عظمت * ای آفریننده، ای پدید آورنده * ای صورت آفرین، ای سود بخشنده * ای نظم دهنده عالم،

يَا شَدِيْدُ * يَا مُبْدِئُ يَا مُعِيدُ * يَا مُبِيدُ يَا وَدُودُ * يَا مَحْمُودُ يَا

ای محکم کار * ای مبدء ایجاد، ای مرجع خلق * ای مهلك ظالمان، ای دوست خوبان * ای ستوده صفات، ای

مَعْبُودٌ * يَا بَعِيدُ يَا قَرِيبُ * يَا مُجِيبُ يَا رَقِيبُ * يَا حَسِيبُ يَا بَدِيعُ

معبود خلق * ای دور از همه، ای نزدیک به همه * ای پذیرنده، ای نگهبان * ای به شمار آورنده هر چیز، ای ابد کننده

يَا رَفِيعُ يَا مَنِيعُ * يَا سَمِيعُ يَا عَلِيمُ * يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ * يَا حَكِيمُ يَا

* ای رفیع مقام، ای بلند مرتبه * ای شنوا، ای دانا * ای بردبار، ای صاحب کرم * ای حکیم، ای

قَدِيمُ * يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ * يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ * يَا دَيَّانُ يَا مُسْتَعَانُ * يَا

قدیم الذات * ای بلند مقام، ای بزرگ شأن * ای دوست بندگان، ای نعمت بخش خلق * ای جزا دهنده، ای یاری کننده * ای

جَلِيلُ يَا جَمِيلُ * يَا وَكِيلُ يَا كَفِيلُ * يَا مُقِيلُ يَا مُنِيلُ * يَا نَبِيلُ يَا

با جلالت، ای با حسن و جمال * ای کارگزار، ای کفالت کننده * ای بخشنده لغزشها، ای رساننده نعمت * ای ذات با عظمت، ای

دَلِيلُ * يَا هَادِيُ يَا بَادِيُ * يَا أَوَّلُ يَا آخِرُ * يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ * يَا

رهنما * ای رهبر، ای ابتدای هر چیز * ای اول، ای آخر * ای ظاهر، ای باطن هستی * ای

قَائِمُ يَا دَائِمُ * يَا عَالِمُ يَا حَاكِمُ * يَا قَاضِيُ يَا عَادِلُ * يَا فَاصِلُ يَا

استوار، ای ابدی * ای دانا، ای حکمفرما * ای داور خلق، ای با عدل و داد * ای جدا از همه، ای

وَاصِلُ * يَا طَاهِرُ يَا مُطَهَّرُ * يَا قَادِرُ يَا مُقْتَدِرُ * يَا كَبِيرُ يَا مُتَكَبِّرُ *

پیوسته با همه * ای ذات پاک، ای پاک کننده * ای توانا، ای با اقتدار * ای بزرگ، ای با عظمت *

يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ * يَا صَمَدٌ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

ای یگانه، ای یکتا * ای بی نیاز، ای که نه دارای فرزندی و نه خود فرزند کسی * و نه هیچکس او را مثل

كُفُوًا أَحَدٌ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَصِيحَةٌ * وَلَا كَانَ مَعَهُ وَزِيرٌ * وَلَا اتَّخَذَ

و مانند است * و نباشد برای او همسری * و نه به معاون * و

مَعَهُ مُشِيرًا * وَلَا أَحْتَاغُ إِلَى ظَهِيرٍ * وَلَا كَانَ مَعَهُ مِنْ آلِهِ غَيْرُهُ * وَلَا

مشاور * و پشتیبان نیازمند * و نه هیچ خدایی جز او با وی بوده است * (همیشه یکتایی و) هیچ

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * فَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا * يَا عَلِيُّ يَا

خدایی جز تو نیست * تو برتر از شرکی و از آنچه ستمکاران درباره تو گویند بسیار بزرگتر و برتری * ای بلند مرتبه، ای

شَامِخُ يَا بَاذِخُ * يَا فَتَّاحُ يَا نَفَّاحُ * يَا مُرْتَاخُ يَا مُفْرَجُ * يَا نَاصِرُ يَا

عالی رتبه، ای عظیم الشأن * ای گشاینده، ای بخشنده * ای فرج بخش دلها * ای یاری کننده، ای

مُنْتَصِرُ * يَا مَدْرِكُ يَا مَهْلِكُ * يَا مُنْتَقِمُ يَا بَاعِثُ * يَا وَارِثُ يَا طَالِبُ

یاری دهنده مظلومان * ای دریا بنده بندگان، ای هلاک کننده ستمگران * ای انتقام کننده، ای بر انگیزنده * ای وارث، ای طالب

يَا غَالِبُ يَا مَنْ لَا يَفُوتُهُ هَارِبٌ * يَا تَوَّابُ يَا أَوَّابُ يَا وَهَّابٌ * يَا

* ای غالب، ای که هیچکس از تو فرار نتواند کرد * ای توبه پذیر خلق، ای دادرس دل‌های نالان، ای بخشنده بی‌عوض * ای

مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ * يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ * يَا مَنْ حَيْثُ مَا دُعِيَ أَجَابَ *

* آفریننده سببهای عالم * ای گشاینده درهای بسته * ای که هرگاه بخواندت اجابت می‌کنی *

يَا طَهُورُ يَا شَكُورُ * يَا عَفُوياً غَفُورُ * يَا نُورَ النُّورِ * يَا مَدْبِرَ الْأُمُورِ

* ای پاک و منزّه، ای نعمت‌بخش شاکران * ای آمرزنده، ای بخشنده گناهان * ای روشنی نور حقیقی * ای مدبر امور عالم

يَا لَطِيفُ يَا خَبِيرُ * يَا مُجِيرُ يَا مُنِيرُ * يَا بَصِيرُ يَا ظَهِيرُ * يَا كَبِيرُ

* ای مهربان، ای آگاه از خلق * ای پناه دهنده، ای روشنی‌بخش * ای مدد کار * ای خدای بزرگ،

يَا وَتَرُ * يَا فَرْدُ يَا أَبَدُ * يَا سَنَدُ يَا صَمَدُ * يَا كَافِي يَا شَافِي * يَا وَافِي

* ای یکتا * ای یگانه، ای ابدی الذات * ای نگهبان عالم، ای غنی الذات * ای کفایت کننده، ای شفا بخشنده * ای وفا کننده،

يَا مُعَافِي * يَا مُحَسِّنُ يَا مُجَمِّلُ * يَا مُنْعَمُ يَا مُفْضِلُ * يَا مُتَكَرِّمُ يَا

* ای عافیت بخش * ای احسان کننده، ای نکوکار * ای نعمت بخش * ای بزرگوار، ای

مُتَفَرِّدُ * يَا مَنْ عَلَا فَقَهَرَ * يَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ * يَا مَنْ بَطَنَ فَخَبَرَ * يَا

* یکتایی * که از بلندی مقام بر همه قاهری * که از استغناء بر همه توانایی * که از نهانی بر هر چیز آگاهی * ای که

مَنْ عَبْدَ فَشَكَرَ * يَا مَنْ عَصَى فَغَفَرَ * يَا مَنْ لَا تَحْوِيهِ (يَحْوِيهِ) الْفِكْرُ

هر که پرستش کند پاداشش می‌دهی * ای که هر که معصیت کند می‌بخشی * ای که عقل و فکرت بر تو احاطه نتواند کرد

وَلَا يَدْرِكُهُ وَبَصَرٌ * وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَثَرٌ * يَا رَازِقَ الْبَشَرِ * يَا مُقَدِّرَ

و به چشم دیده نشوی * و نه چیزی از تو پنهان است * ای روزی دهنده بشر * ای تعیین کن همه

كُلِّ قَدَرٍ * يَا عَالِي الْمَكَانِ * يَا شَدِيدَ الْأَرْكَانِ * يَا مُبَدِّلَ الزَّمَانِ * يَا

مقدرات عالم * ای بلند منزلت * ای محکم دستگاه * ای تغییر دهنده زمان * ای

قَابِلَ الْقُرْبَانِ * يَا ذَا الْمَنِّ وَالْإِحْسَانِ * يَا ذَا الْعِزَّةِ وَالسُّلْطَانِ * يَا

پذیرنده قربانی * ای صاحب نعمت و احسان * ای دارای عزت و سلطنت ابدی * ای

رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ * يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ * يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ

بخشنده، ای مهربان * ای که هر روز شأنی داری غیر شأن روز دیگر * ای که هیچ کاری تو را از کار دیگر

عَنْ شَأْنٍ * يَا عَظِيمَ الشَّانِ * يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ مَكَانٍ * يَا سَامِعَ

باز نمی‌دارد * ای عظیم الشان * ای که به هر مکان حاضری * ای که صدا

الْأَصْوَاتِ * يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ * يَا مُنْجِحَ الطَّلِبَاتِ * يَا قَاضِيَ

را می شنوی * ای که دعاها را مستجاب می کنی * ای بر آورنده - خواهش نیازمندان * ای روا کننده

الْحَاجَاتِ * يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ * يَا رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ * يَا مُقِيلَ الْعَثْرَاتِ *

حاجتهای خلقان * ای فرستنده برکت به بندگان * ای ترحم کننده به چشم گریان * ای عفو کننده از لغزشها *

يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ * يَا وَليَّ الْمَحْسَنَاتِ * يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ * يَا مُؤْتِيَ

ای برطرف کننده غمها * ای دوستدار نیکیها * ای بلند کن مرتبهها * ای عطا بخش

السُّؤْلَاتِ * يَا مُحْيِيَ الْأَمْوَاتِ * يَا جَامِعَ الشَّتَاتِ * يَا مُطَّلِعًا عَلَى

سائلان * ای حیات بخش مردگان * ای جمع آورنده متفرقها * ای آگه از نیت

النِّيَّاتِ * يَا رَادًّا مَا قَدَفَاتِ * يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهَ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ * يَا مَنْ

باطنها * ای برگرداننده درگذشتهها * ای کسی که بر او مشتبه نشود صداها * ای کسی

لَا تُضَجِّرُهُ الْمَسْئَلَاتُ * وَلَا تَغْشَاهُ الظُّلُمَاتُ * يَا نُورَ الْأَرْضِ

که منضجر نشود از سؤالها * و نپوشاند او را ظلمتها * ای نور زمین

وَالسَّمَاوَاتِ * يَا سَابِغَ النِّعَمِ * يَا دَافِعَ النِّقَمِ * يَا بَارِيَّ النَّسَمِ * يَا

و آسمانها * ای تمام بخشنده نعمتها * ای برطرف کننده رنج و مها * ای آفریننده آدمها * ای

جَامِعَ الْأُمَّمِ * يَا شَافِيَ السَّقَمِ * يَا خَالِقَ النُّورِ وَالظُّلْمِ * يَا ذَا الْجُودِ

جمع آورنده ملتها * ای شفا بخش دردها * ای خالق نور و ظلمتها * ای صاحب جود

وَالْكَرَمِ * يَا مَنْ لَا يَطَأُ عَرْشَهُ قَدَمٌ * يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ * يَا أَكْرَمَ

و کرم * ای که نرسد بر عرش عزت هیچ قدمی * ای بخشنده ترین بخشنندگان * ای کریمترین

الْأَكْرَمِينَ * يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ * يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ * يَا جَارَ

کریمان * ای شنواترین شنوندگان * ای بیناترین بینایان * ای پناهده

الْمُسْتَجِيرِينَ * يَا أَمَانَ الْمُخَافِينَ * يَا ظَهَرَ اللَّاجِينَ * يَا وَليَّ الْمُؤْمِنِينَ

پناه آورندگان * ای ایمنی بخش ترسندگان * ای پشت و پناه پناهجویان * ای یاور اهل ایمان

* يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِيثِينَ * يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ * يَا صَاحِبَ كُلِّ غَرِيبٍ

* ای فریادرس فریاد خواهان * ای منتهای مقصود طالبان * ای رفیق غریبان

* يَا مُوَسَّسَ كُلِّ وَحِيدٍ * يَا مَلْجَأَ كُلِّ طَرِيدٍ * يَا مَأْوَى كُلِّ شَرِيدٍ * يَا

* ای مونس بی کسان * ای پناه آوارگان * ای جای بخش گریختگان * ای

حَافِظَ كُلِّ ضَالَّةٍ * يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ * يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ

نگهدار گمشدگان * ای ترحم کننده به پیران سالخورده * ای روزی دهنده طفلان خورد سال

* يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ * يَا فَائِدَ كُلِّ أَسِيرٍ * يَا مُغْنِيَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ

* ای مومیکن شکسته دلان * ای آزاد کن زندانیان * ای بی نیاز کننده بدبختان و فقیران

* يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ * يَا مَنْ لَهُ التَّدْبِيرُ وَالتَّقْدِيرُ * يَا مَنْ

* ای نگهدار پناهندگان ترسان * ای کسی که هر تدبیر و تقدیر به اراده اوست * ای کسی که

الْعُسَيْرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ * يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى تَفْسِيرٍ * يَا مَنْ هُوَ عَلَى

هر مشکلی بر او آسان است * ای کسی که بی نیاز از شرح و تعریف است * ای کسی که بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ خَبِيرٌ * يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ

همه چیز توانایی * ای کسی که به هر چیز آگاهی * ای کسی که بر هر چیز بینایی

* يَا مُرْسِلَ الرِّيَّاحِ * يَا فَالِقَ الْأَصْبَاحِ * يَا بَاعِثَ الْأَرْوَاحِ * يَا ذَا الْجُودِ

* ای فرستنده بادها * ای شکافنده عمود صبح * ای برانگیزنده جانها * ای صاحب جود

وَ السَّمَّاحِ * يَا مَنْ بِيَدِهِ كُلُّ مِفْتَاحٍ * يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ * يَا سَابِقَ كُلِّ

و کرامت * ای کسی که کلید مهمات به دست اوست * ای شنونده هر صدا * ای سبقت گیرنده بر هرچه

فَوْتٍ * يَا مُحْيِيَ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ * يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي * يَا حَافِظِي

در گذشته * ای زنده کننده تمام نفوس پس از مرگ * ای ذخیره روز سختی من * ای نگهدار من

فِي غُرْبَتِي * يَا مُوْنِسِي فِي وَحْدَتِي * يَا وَليِّي فِي نِعْمَتِي * يَا كَهْفِي حِينَ

در غربتی * ای مونس من در تنهایی * ای ولی نعمت من * ای پناه من هنگامی که همه

تُعِينِي الْمَذَاهِبُ * وَتُسَلِّمُنِي الْأَقَارِبُ * وَيُخَذِّلُنِي كُلُّ صَاحِبٍ * يَا

راهها بر من بسته شود * و خویشان مرا تسلیم حوادث کنند * و رفیقان تمام مرا واگذارند * ای

عِمَادٍ مِّنْ لَا عِمَادَ لَهُ * يَا سَنَدَ مِّنْ لَا سَنَدَ لَهُ * يَا ذُخْرَ مِّنْ لَا ذُخْرَ

اعتماد بیچارگان * ای دلیل آوارگان * ای ذخیره

لَهُ * يَا حِرْزَ مِّنْ لَا حِرْزَ لَهُ * يَا كَهْفَ مِّنْ لَا كَهْفَ لَهُ * يَا كَنْزَ

بینوایان * ای نگهدار بی کسان * ای پناه بی پناهان * ای گنجینه

مِّنْ لَا كَنْزَ لَهُ * يَا رُكْنَ مِّنْ لَا رُكْنَ لَهُ * يَا غِيَاثَ مِّنْ لَا غِيَاثَ لَهُ * يَا

فقیران * ای دستگیر از پا افتادگان * ای فریادرس بی یاوران * ای

جَارَ مَنْ لَا جَارَ لَهُ * يَا جَارِيَ اللَّصِيقَ * يَا رُكْنِي الْوَثِيقَ * يَا إِلَهِي

همسایه بی‌خانمان * ای همسایه پیوسته به من * ای پناه محکم من * ای خدای من

بِالتَّحْقِيقِ * يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ * يَا شَفِيقُ يَا رَفِيقُ * فَكُنِي مِنِّي

به حقیقت و یقین * ای پروردگار خانه کعبه کهنسال * ای خدای مهربان، ای رفیق بندگان * مرا از زنجیرهای

حَلَقِ الْمَضِيقِ * وَاصْرِفْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَ غَمٍّ وَ ضِيقٍ * وَ اكْفِنِي شَرَّ

سخت حوادث رهایی ده * و هم و غم و تنگدستی مرا تمام برطرف کن * و از شری که طاقت

مَا لَا أُطِيقُ * وَ اعِنِّي عَلَى مَا أُطِيقُ * يَا رَادَّ يُونُسَ عَلَى يَعْقُوبَ * يَا

آن ندارم نگهداری کن * و بر آنچه طاقت دارم مرا یاری فرما * ای برگرداننده یوسف به پدرش یعقوب (ع) * ای

كَاشِفِ ضُرِّ أَيُّوبَ * يَا غَافِرَ ذَنْبِ دَاوُدَ * يَا رَافِعَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ

برطرف کننده رنج و درد ایوب (ع) * ای بخشنده گناه (ترک اولی) داود (ع) * ای بلند کننده عیسی بن مریم (ع)

وَ مُنْجِيَهُ * مِنْ أَيْدِي الْيَهُودِ * يَا مُجِيبَ نِدَاءِ يُونُسَ فِي الظُّلُمَاتِ * يَا

و نجات بخش او از دست یهود * ای اجابت کننده دعای یونس (ع) در ظلمات دریا * ای

مُصْطَفَى مُوسَى بِالْكَلِمَاتِ * يَا مَنْ غَفَرَ لِأَدَمَ خَطِيئَتَهُ * وَ رَفَعَ أَدْرِيَسَ

برگزیننده موسی (ع) بر اخذ کلمات وحی * ای آنکه از خطای آدم (ع) در گذشتی و ادریس (ع) را

مَكَانًا عَلِيًّا بِرَحْمَتِهِ * يَا مَنْ نَجَّى نُوحًا مِنَ الْغَرَقِ * يَا مَنْ أَهْلَكَ

به مقام بلند بردی به رحمت خود * ای خدایی که نوح (ع) را از غرق دریا نجات دادی * ای خدایی که قوم

عَادًا الْأُولَى * وَ ثَمُودَ فَمَا أَبْقَى * وَ قَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ * إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ

عاد اول را * و از پی آن ثمود را هلاک کردی و هیچ از آنها باقی نگذاشتی * و قوم نوح (ع) را * که بسی طاغی و ستمکارتر بودند

أَظْلَمَ وَ أَطْفَى * وَ الْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى * يَا مَنْ دَمَّرَ عَلَى قَوْمِ لُوطَ

پیش از عاد و ثمود هلاک کردی * و قوم لوط را که پیرو هوی بودند شهرشان واژگون کردی * ای خدایی که قوم لوط را سرنگون ساختی *

وَ دَمَّ دَمَّ عَلَى قَوْمِ شَعِيبَ * يَا مَنْ اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا * يَا مَنْ اتَّخَذَ

و بر قوم شعیب قهر و خشم کردی * ای خدایی که ابراهیم (ع) را خلیل خود اختیار کردی * و موسی (ع) را همکلام

مُوسَى كَلِيمًا * وَ اتَّخَذَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عَلَيْهِمُ الْجَمْعِينَ

خود فرمودی * و محمد صلی الله علیه و آله را که درود خدا بر او و همه آل او باد حبیب خود

حَبِيبًا * يَا مُؤْتِي لَقْمَانَ الْحِكْمَةَ * وَ الْوَاهِبَ لِسُلَيْمَانَ مَلَكًا لَا

گردانیدی * ای خدایی که به لقمان حکمت عطا کردی * و سلیمان را آن ملک و سلطنت بخشیدی

يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ * يَا مَنْ نَصَرَ ذَا الْقَرْنَيْنِ عَلَى الْمُلُوكِ الْجَبَابِرَةِ

که پس از او هیچکس شایسته آن نبود * ای خدایی که ذو القرنین پیغمبر را بر پادشاهان جبار، نصرت و فیروزی بخشیدی

* يَا مَنْ أَعْطَى الْخَضِرَ الْحَيَاةَ * وَرَدَّ لِيُوشَعَ بْنِ نُونٍ الشَّمْسَ بَعْدَ

* ای خدایی که خضر پیغمبر را زندگی جاوید عطا کردی * و برگرداندی برای یوشع بن نون آفتاب را پس

غُرُوبِهَا * يَا مَنْ رَبَطَ عَلَى قَلْبِ أُمِّ مُوسَى * وَأَحْصَنَ فَرْجَ مَرْيَمَ ابْنَتِ

از غروب * ای خدایی که قلب مادر موسی را علاقه‌مند ساختی (و به فرزندش در پیوستی) * و پاک و مطهر داشتی رحم مریم دختر

عِمْرَانَ * يَا مَنْ حَصَّنَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا مِنَ الذَّنْبِ * وَ سَكَّنَ عَن مُوسَى

عمران را * و یحیی پسر زکریا را از گناه محفوظ داشتی * و فرو نشاندی از موسی (نسبت به برادر و قومش)

الْغَضَبَ * يَا مَنْ بَشَّرَ زَكَرِيَّا بِيَحْيَى * يَا مَنْ فَدَى إِسْمَاعِيلَ مِنَ

خشم را * ای خدایی که حضرت زکریا را به فرزندش یحیی بشارت دادی * ای خدایی که برای اسماعیل به

الذَّبْحِ بِذَبْحِ عَظِيمٍ * يَا مَنْ قَبَلَ قُرْبَانَ هَابِيلَ * وَ جَعَلَ اللَّعْنَةَ عَلَى

ذبح عظیم فدا فرستادی * ای خدایی که قربانی هابیل را پذیرفتی * و لعن را برای قابیل مقرر

قَابِيلَ * يَا هَا زِمَ الْأَحْزَابِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * صَلَّى عَلَى

داشتی * ای خدایی که لشکرها را برای فتح محمد صلی الله علیه و آله شکست دادی * ای خدا درود فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَعَلَى جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ

بر محمد (ص) و آل محمد (ع) * و بر جمیع پیغمبران و فرشتگان مقربت

* وَ أَهْلَ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ * وَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَسْئَلَةٍ سَأَلْتُكَ بِهَا أَحَدٌ

* و بر جمیع اهل طاعتت * و از تو درخواست می‌کنم به هر چه هر یک از بندگانی که از آنها خوشنود بودی

مِمَّنْ رَضِيَتْ عَنْهُ * فَحَتَمْتَ لَهُ * وَ عَلَى الْإِجَابَةِ * يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا

از تو درخواست کردند * و اجابت آنها را بر خود حتم کردی * ای خدا ای خدا ای

اللَّهُ * يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ * يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ * يَا

خدا * ای بخشنده ای بخشنده * ای مهربان ای مهربان ای مهربان * ای

ذَا الْجَلَالِ وَ الْأَكْرَامِ * يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْأَكْرَامِ * يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْأَكْرَامِ *

صاحب جلال و بزرگواری * ای صاحب جلال و بزرگواری * ای صاحب جلال و بزرگواری *

بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ * أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ * أَوْ

به آن (جلال و بزرگواریت) به آن به آن به آن به آن به آن * از تو درخواست می‌کنم به هر اسمی که خود را به آن اسم خواندی * و

أَنْزَلْتَهُ فِي شَيْءٍ مِنْ كُتُبِكَ * أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ *

در یکی از کتب نازل فرمودی * یا اسمی که آن را در علم غیبت برای خود مخصوص گردانیدی *

وَبِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ * وَبِمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ * وَبِمَا

و به بلند منزلتهای با عزت عرشت * و به منتهای رحمت کتابت * و به آن

لَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ * وَالْبَحْرِ يَمْدَةٌ * مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ

کلماتی که اگر تمام اشجار زمین قلم شود * و هفت دریا مداد

أَبْحُرٍ * مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ * إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ * وَأَسْأَلُكَ

گردد * کلمات خدا تمام نخواهد شد * که خدا را مقام عزت و حکمت بی‌نهایت است * و از تو باز

بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الَّتِي نَعْتَهَا فِي كِتَابِكَ * فَقُلْتُ * وَاللَّهِ الْأَسْمَاءُ

درخواست می‌کنم به نیکوترین نامهای تو که در کتاب آسمانی خود قرآن وصف کردی * و فرمودی: و برای خداست نیکوترین نامها

الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا * * وَقُلْتُ ادْعُونِي اسْتَجِبْ لَكُمْ * * وَقُلْتُ

خدا را شما بندگان به آن نامها بخوانید * و باز فرمودی: مرا بخوانید تا اجابت کنم * و باز فرمودی:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي * فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾

ای پیغمبر هرگاه بندگان از تو بپرسند * من بسیار به آنها نزدیکم و هرگاه مرا به دعا خوانند دعایشان را مستجاب می‌کنم

* * وَقُلْتُ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ * لَا تَقْنَطُوا مِن

* و باز فرمودی: ای بندگان من که ظلم و اسراف بر نفس خود کردید * از رحمت نامنتهای خدا

رَحْمَةِ اللَّهِ * إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا * إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ *

نامید نباشید * که خدا البته جمیع گناهان را می‌آمرزد * زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است

* * وَأَنَا أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي * * وَأَدْعُوكَ يَا رَبِّ * * وَأَرْجُوكَ يَا سَيِّدِي *

* از تو درخواست می‌کنم ای خدای من * و تو را به دعا می‌خوانم ای پروردگار من * و به تو امیدوارم ای سید من *

وَأَطْمَعُ فِي إِجَابَتِي يَا مَوْلَايَ كَمَا وَعَدْتَنِي * * وَقَدْ دَعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتَنِي

و طمع دارم که دعای مرا اجابت کنی * ای مولای من چرا که خود وعده فرمودی و من چنانکه امر کردی دعا کردم پس تو هم با من

* * فَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * * يَا كَرِيمٌ * * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ *

آن کن که تو سزاوار آنی ای خدای کریم * و ستایش مخصوص پروردگار عالم است *

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ * * پس ذکرکن حاجت خود را که برآورده است

و درود خدا بر محمد (ص) و همه آل او باد. *

ان شاء الله تعالی، و در روایت مهج الدعوات است که نمی خوانی این دعا را مگر آنکه با طهارت باشی. ❁

دعاء معروف به یستشیر

سید بن طاوس در مهج الدعوات از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل کرده است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) این دعا را تعلیم من نمود و امر کرد مرا که برای هر شدت و رخا این دعا را بخوانم و تعلیم نمایم به خلیفه بعد از خود و ترک ننمایم این دعا را تا حق تعالی را ملاقات نمایم و فرمود که: یا علی هر صبح و شام این دعا را بخوان که گنجی است از گنجهای عرش الهی. پس ابی بن کعب التماس کرد که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فضیلت این دعا را بیان فرماید حضرت بعضی از ثواب بسیار آن را فرمود، هر که طالب است رجوع به کتاب مهج نماید و دعا این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * أَحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ * أَلَمَلِكُ

به نام خدای بخشنده مهربان * ستایش مخصوص خدای یکتاست که هیچ خدایی نیست جز او * که پادشاه

الْحَقُّ الْمُبِينُ * أَلْمَدَبِرُ بِلَا وَزِيرٍ * وَلَا خَلْقَ مِنْ عِبَادِهِ يَسْتَشِيرُ * أَلْأَوَّلُ

ابدی عالم است * بی‌وزیر و معاون * و بی‌مشورت با بندگان تدبیر نظم جهان کند * اول است

غَيْرُ مَوْصُوفٍ (مَصْرُوفٍ) * وَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ الْخَلْقِ * أَلْعَظِيمُ الرَّبُّوبِيَّةِ

در وجود و ذاتش به وصف در نیاید * وجودش پس از فنای مخلوقات باقی ابدی است * شأن ربوبیتش عظیم *

نُورِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ (وَالْأَرْضِ) * وَ فَاطِرُهُمَا وَ مَبْتَدِعُهُمَا * بِغَيْرِ

نور حقیقی و مبدع و آفریننده زمینها و آسمانهاست * این کاخ با عظمت را آفریده * و بی‌ستون

عَمَدٍ خَلَقَهُمَا وَ فَتَقَهُمَا فَتَقًا * فَقَامَتِ السَّمَاوَاتُ طَائِعَاتٍ بِأَمْرِهِ

بر پا داشت و همه را از یکدیگر جدا گردانید * که آسمانها به طاعتش قیام کردند *

وَ اسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ بِأَوْتَادِهَا فَوْقَ الْمَاءِ * ثُمَّ عَلَا رَبُّنَا فِي السَّمَاوَاتِ

و زمینها با کوههای عظیم آن به روی آب به فرمانش آرام گرفتند * پس آنگاه (بندگان بدانند که) مقام بلند پروردگار ما در

الْعُلَى * أَلرَّحْمَنِ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى * لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي

آسمانهای بلند * بر عرش با عظمت (وجود) محیط است * که هر چه در آسمانها و در زمین است

الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مَا تَحْتَ الثَّرَى * فَاِنَا اَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ

و بین آنها در زیر کره خاک، همه ملک اوست * باری ای خدا، من (بنده ضعیف) گواهی می‌دهم که تنها تویی خدایی *

لَا رَافِعَ لِمَا وَضَعْتَ * وَلَا وَاضِعَ لِمَا رَفَعْتَ * وَلَا مُعَزِّلَ لِمَنْ أَدَلَّتْ *
 که نیست بالا برنده‌ای به آنچه پائین آوری * و نیست فرود آورنده‌ای به آنچه تو بالا بری * و نیست عزیز کننده‌ای بر آنکه خوارش کنی *

وَلَا مُدَلِّلَ لِمَنْ أَعَزَّتْ * وَلَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ * وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ *
 و نیست خوار کننده‌ای بر آنکه عزیزش کنی * و نیست مانعی بر آنچه تو عطا کنی * و نیست عطا کنی بر آنچه تو مانع شوی *

وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * كُنْتَ إِذْ لَمْ تَكُنْ سَمَاءً مَبْنِيَّةً * وَلَا
 * و تویی یکتا خدایی که هیچ غیر تو خدایی نیست * تو بودی هنگامی که نه آسمانی برپا بود * و نه

أَرْضٌ مَدْحِيَّةٌ * وَلَا شَمْسٌ مُضِيَّةٌ * وَلَا لَيْلٌ مُظْلِمَةٌ * وَلَا نَهَارٌ مُضِيٌّ *
 زمینی گسترده بود * و نه خورشیدی درخشان بود * و نه شبی تاریک * و نه روزی روشن وجود داشت *

وَلَا بَحْرٌ لَجِيٌّ * وَلَا جَبَلٌ رَاسٌ * وَلَا نَجْمٌ سَارٌ * وَلَا قَمَرٌ مُنِيرٌ * وَلَا
 * و نه دریایی موج * و نه کوهی استوار * و نه ستارگانی گردان * و نه ماهی تابان * و نه

رِيحٌ تَهْبٌ * وَلَا سَحَابٌ يَسْكَبُ * وَلَا بَرْقٌ يَلْمَعُ * وَلَا رَعْدٌ يَسْبِحُ *
 بادی وزنده * و نه ابری ریزنده * و نه برقی درخشنده * و نه رعدی غرنده موجود بود *

وَلَا رُوحٌ تَنْفَسُ * وَلَا طَائِرٌ يَطِيرُ * وَلَا نَارٌ تَتَوَقَّدُ * وَلَا مَاءٌ يَطْرُدُ *
 * و نه روحی که تنفس کند * و نه مرغی که پرواز کند * و نه آتشی که فروزان گردد * و نه آبی که جاری شود در عالم بود *

كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ * وَ كَوْنَتْ كُلُّ شَيْءٍ * وَ قَدَرْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ *
 * تو پیش از همه موجودات بودی * که تمام اشیاء را تو ایجاد کردی * و به قدرت ازلی بر همه ممکنات قادر هستی *

وَ ابْتَدَعْتَ كُلَّ شَيْءٍ * وَ اغْنَيْتَ وَ افْقَرْتَ * وَ اَمْتَّ وَ اَحْيَيْتَ *
 و کلیه حقایق موجودات را تو بدون سابقه ابداع نمودی * تو خلق را غنی کنی و فقیر گردانی * و بمیرانی و زنده سازی *

وَ اَضْحَكْتَ وَ ابْكَيْتَ * وَ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ * فَتَبَارَكَتَ يَا اللَّهُ
 و خندان کنی و گریان سازی * تویی که بر عرش وجود عالم محیطی * بس بزرگواری تو ای خدا و برتر

وَ تَعَالَيْتَ * أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْخَلَّاقُ الْمَعِينُ (الْعَلِيمُ)
 (از درک عقل و اندیشه) * تویی خدای یکتایی که هیچ خدایی جز تو نیست که آفریننده و یاری کننده خلقی *

أَمْرِكَ غَالِبٌ * وَ عِلْمُكَ نَافِذٌ * وَ كَيْدُكَ غَرِيبٌ * وَ وَعْدُكَ صَادِقٌ *
 امر تو بر همه غالب * و علمت نافذ است * مکر و تدبیرت بی نظیر است * و وعدهات صدق *

وَ قَوْلُكَ حَقٌّ * وَ حُكْمُكَ عَدْلٌ * وَ كَلَامُكَ هُدًى * وَ وَحْيُكَ نُورٌ *
 و سخنت حق است * حکم تو عدل و داد * و کلامت هدایت و ارشاد است * و وحی تو نور (علم و معرفت) است *

و رَحْمَتِكَ وَاسِعَةً * وَ عَفْوِكَ عَظِيمٍ * وَ فَضْلِكَ كَثِيرٍ * وَ عَطَاؤُكَ

و رحمتت (بر عموم خلق) واسع است * و عفو و بخششت بزرگ * و فضل و احسانت بسیار * و عطایت

جَزِيلٍ * وَ حَبْلِكَ مَتِينٍ * وَ اِمْكَانِكَ عَتِيدٍ * وَ جَارِكَ عَزِيزٍ * وَ بَأْسُكَ

بی شمار * و رشته تو بسی محکم است * و تمکین و مددت برای خلق مهیاست * آنکه در پناه تو با عزت است * و قهر و انتقامت

شَدِيدٍ * وَ مَكْرُكَ مَكِيدٍ * اَنْتَ يَا رَبِّ مَوْضِعُ كُلِّ شَكْوَى * [وَ] حَاضِرٌ

سخت است * مکر و مؤاخذات از اهل مکر شدید است * تویی ای پروردگار من مرجع شکوه‌های خلق * در هر جمع تو

كُلِّ مَلَا * [وَ] شَاهِدُ كُلِّ نَجْوَى * مُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ * مُفْرَجُ كُلِّ حُزْنٍ

حاضر و ناظری * و بر هر سر پنهانی بصیر و آگاهی * درگاه تو مرجع هر حاجت است * و تو رافع هر غم

(حَزِينٍ) * غَنِي كُلِّ مَسْكِينٍ * حِصْنُ كُلِّ هَارِبٍ * اَمَانُ كُلِّ خَائِفٍ * حِرْزُ

و اندوهی * غنا و دارایی هر فقیری * پناه هر گریخته * و ایمنی بخش هر دل ترسانی * نگهدار

الضُّعْفَاءِ * كَثْرُ الْفُقَرَاءِ * مُفْرَجُ الْغَمِّ * مُعِينُ الصَّالِحِينَ * ذَلِكَ اللهُ

ضعیفانی * و گنج فقیرانی * نشاط بخش غمگینانی * یار و یاور نیکوکارانی * چنین خدایی است

رَبُّنَا لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ * تَكْفِي مِنْ عِبَادِكَ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ * وَ اَنْتَ جَارُ

پروردگار ما که غیر از او خدایی نیست * تو کفایت می کنی امور هر بنده را که بر تو توکل کند * و پناهی آن کس را که

مَنْ لَازِبِكَ وَ تَضَرَّعَ اِلَيْكَ * عِصْمَةٌ مَنْ اِعْتَصَمَ بِكَ * نَاصِرٌ مَنْ اَنْتَصَرَ

به تو پناهنده شود و به درگاهت زاری کند * و نگهداری آن کس را که در حفظ و امان تو درآید * یار و یاور آن کس را که از تو

بِكَ * تَغْفِرُ الذُّنُوبَ لِمَنْ اسْتَغْفَرَكَ * جَبَّارُ الْجَبَابِرَةِ * عَظِيمُ الْعُظَمَاءِ

یاری طلبد * در می گذری از گناه هر که به درگاهت توبه و استغفار کند * تو مسلط و قاهر بر تمام جباران عالمی * و بزرگ بزرگان

كَبِيرُ الْكِبَرَاءِ * سَيِّدُ السَّادَاتِ * مَوْلَى الْمَوَالِي * صَرِيحُ الْمُسْتَصْرِخِينَ

* و سر سرکردگان * سید اعظام * و مولای اکارم ملک وجودی * تو فریادرس فریادخواهانی

* مُنْفَسٌ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ * مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ * اَسْمَعُ

* و شاد کن دل‌های غمگینان * و مستجاب کننده دعای بیچارگان مضطر * شنواترین

السَّامِعِينَ * اَبْصَرُ النَّاطِرِينَ * اَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ * اَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ

شنوندگان * و بیناترین بینایان * و عادلترین حاکمان * و سریعترین حسابگران

اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * خَيْرُ الْغَافِرِينَ * قَاضِي حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ * مُغِيثُ

و مهربانترین مهربانان * و بهترین بخشندگان * و بر آورنده حاجات اهل ایمان * و فریادرس

الصَّالِحِينَ * أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ * أَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا

نیکان و صالحان * تویی خدای یکتا که جز تو خدای پروردگار عالمیان نخواهد بود * تو خالق (بزرگی) و من مخلوق

الْمَخْلُوقُ * وَأَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ * وَأَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْعَبْدُ

(ضعیف) توام * تو مالکی و من مملوک توام * تو پروردگار و من بنده توام

* وَأَنْتَ الرَّازِقُ وَأَنَا الْمَرْزُوقُ * وَأَنْتَ الْمُعْطَى وَأَنَا السَّائِلُ *

* تو روزی بخشی و من روزی خور توام * تو عطابخش و من فقیر سائل توام *

وَأَنْتَ الْجَوَادُ وَأَنَا الْبَخِيلُ * وَأَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ * وَأَنْتَ

تو با جود و کرمی و من لئیم و بخیل * تو خدای قوی و من بنده ضعیفم * تو خدای

الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ * وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ * وَأَنْتَ السَّيِّدُ وَأَنَا

عزیزی و من بنده ذلیل * تو خدای بی‌نیازی و من بنده نیازمند * تو سید منی و من

الْعَبْدُ * وَأَنْتَ الْغَافِرُ وَأَنَا الْمُسِيءُ * وَأَنْتَ الْعَالِمُ وَأَنَا الْجَاهِلُ *

عبد توام * تو بخشنده و من گنهکار * تو دانایی و من نادان *

وَأَنْتَ الْمُحْلِمُ وَأَنَا الْعَجُولُ * وَأَنْتَ الرَّحْمَنُ وَأَنَا الْمَرْحُومُ * وَأَنْتَ

تو بردباری و من عجول * تو ترحم کننده‌ای و من رحمت شده * تو

الْمُعَافِي وَأَنَا الْمُبْتَلَى * وَأَنْتَ الْمُجِيبُ وَأَنَا الْمُضْطَرُّ * وَأَنَا أَشْهَدُ

عافیت بخشی و من مبتلی و دردمند * تو بر آورنده حاجت بیچارگانی و من مضطر و بیچاره * و من گواهی می‌دهم

بَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * أَلْمُعْطَى عِبَادَكَ بِلَا سَوْأَلٍ * وَأَشْهَدُ

که تنها تویی خدای یکتا و هیچ خدایی نیست غیر از تو * که به بندگان بدون سؤال عطا می‌کنی * و گواهی می‌دهم

بَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الْمُتَفَرِّدُ الصَّمَدُ الْفَرْدُ * وَالْيَكَّ الْمَصِيرُ

که تویی خدای یگانه یکتای متفرد غنی فرد * و بازگشت (همهٔ خلایق) به سوی توست

* وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ * وَاغْفِرْ

* و درود خدا بر محمد «ص» و اهل بیت او که همه پاکیزگان و پاکان عالمند * و از گناهان

لِي ذُنُوبِي * وَاسْتُرْ عَلَيَّ عِيُوبِي * وَافْتَحْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَرِزْقًا

من درگذر * و عیبهایم بپوشان * و از جانب خود در رحمت و رزق وسعت به رویم

وَاسِعًا * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * وَاحْمَدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَحَسْبُنَا

بگشا * ای مهربانترین مهربانان عالم * و ستایش مختص پروردگار عالم است * و خدای ما را

اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ * وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ *
 کفایت است و نیکو وکیلی است * و هیچ قوت و توانایی کسی را جز به خدای بلند مرتبه بزرگ نخواهد بود. *

دعای مُجیر: دعائی است رفیع الشان مروی از حضرت رسول (ﷺ) جبرئیل برای آن حضرت آورد در وقتی که در مقام ابراهیم (علیه السلام) مشغول به نماز بود. و کفعمی در بلد الامین و مصباح این دعا را ذکر کرده و در حاشیه آن اشاره به فضیلت آن نموده از جمله فرموده: هر که این دعا را در ایام البیض ماه رمضان بخواند گناهانش آمرزیده شود اگر چه به عدد دانه‌های باران و برگ درختان و ریگ بیابان باشد و برای شفاء مریض و قضاء دین و غنا و توانگری و رفع غم خواندن آن نافع است و دعا این است:

سُبْحَانَكَ يَا اللَّهُ * تَعَالَيْتَ يَا رَحْمَنُ * اجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ *
 پاک و منزهی ای خدا * بلند مرتبه‌ای ای بخشاینده * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا رَحِيمُ * تَعَالَيْتَ يَا كَرِيمُ * اجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ *
 پاک و منزهی ای مهربان * بلند مرتبه‌ای ای کریم * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا مَلِكُ * تَعَالَيْتَ يَا مَالِكُ * اجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ *
 پاک و منزهی ای پادشاه وجود * بلند مرتبه‌ای ای مالک عالم * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا قُدُّوسُ * تَعَالَيْتَ يَا سَلَامُ * اجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ *
 پاک و منزهی ای ذات کامل میرا از نقص * بلند مرتبه‌ای ای سلامت بخش * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا مُؤْمِنُ * تَعَالَيْتَ يَا مَهِيْمُنُ * اجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ *
 پاک و منزهی ای ایمن کن ترسناکان * بلند مرتبه‌ای ای شاهد عالمیان * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا عَزِيزُ * تَعَالَيْتَ يَا جَبَّارُ * اجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ *
 پاک و منزهی ای با عزت و اقتدار * بلند مرتبه‌ای ای با جبروت و جلال * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا مُتَكَبِّرُ * تَعَالَيْتَ يَا مُتَجَبِّرُ * اجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ *
 پاک و منزهی ای با کبریا * بلند مرتبه‌ای ای صاحب بزرگی و جلالت * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا خَالِقُ * تَعَالَيْتَ يَا بَارِئُ * اجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ *
 پاک و منزهی ای آفریننده عالم * بلند مرتبه‌ای ای پدید آورنده خلق * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا مُصَوِّرُ * تَعَالَيْتَ يَا مُقَدِّرُ * اجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ *
 پاک و منزهی ای صورت آفرین * بلند مرتبه‌ای ای تقدیر کننده امور * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا هَادِي * تَعَالَيْتَ يَا بَاقِي * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای رهنمای خلق * بلند مرتبه‌ای ای باقی ابدی * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا وَهَّابُ * تَعَالَيْتَ يَا تَوَّابُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای بخشنده بی‌عوض * بلند مرتبه‌ای ای توبه پذیر * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا فَتَّاحُ * تَعَالَيْتَ يَا مُرْتَّاحُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای گشاینده درهای رحمت * بلند مرتبه‌ای ای وسعت بخش * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا سَيِّدِي * تَعَالَيْتَ يَا مَوْلَايَ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای سید من * بلند مرتبه‌ای ای مولای من * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا قَرِيبُ * تَعَالَيْتَ يَا رَقِيبُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای نزدیک به خلق * بلند مرتبه‌ای ای نگهبان عالم * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا مُبْدِي * تَعَالَيْتَ يَا مُعِيدُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای پدید آورنده * بلند مرتبه‌ای ای باز گرداننده * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا حَمِيدُ * تَعَالَيْتَ يَا مَجِيدُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای ستوده صفات * بلند مرتبه‌ای ای صاحب مجد * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا قَدِيمُ * تَعَالَيْتَ يَا عَظِيمُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای ذات قدیم * بلند مرتبه‌ای ای حقیقت بزرگ * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا غَفُورُ * تَعَالَيْتَ يَا شَكُورُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای آمرزنده گناهان * بلند مرتبه‌ای ای نعمت بخش شاکران * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا شَاهِدُ * تَعَالَيْتَ يَا شَهِيدُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای گواه خلق * بلند مرتبه‌ای ای مشاهده کننده عالم * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا حَنَّانُ * تَعَالَيْتَ يَا مَنَّانُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای مهربان * بلند مرتبه‌ای ای نعمت بخش * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا بَاعِثُ * تَعَالَيْتَ يَا وَارِثُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای برانگیزاننده خلقان * بلند مرتبه‌ای ای ارث بر عالمیان * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا مُجِي * تَعَالَيْتَ يَا مُمِيتُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای زنده کننده مردگان * بلند مرتبه‌ای ای میراننده زندگان * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا شَفِيقُ * تَعَالَيْتَ يَا رَفِيقُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای مهربان با شفقت * بلند مرتبه‌ای ای رفیق با عنایت * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا اَنِيسُ * تَعَالَيْتَ يَا مُونِسُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای انیس خلق * بلند مرتبه‌ای ای مونس بندگان * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا جَلِيلُ * تَعَالَيْتَ يَا جَمِيلُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای با جلالت و بزرگی * بلند مرتبه‌ای ای با حسن و جمال * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا خَبِيرُ * تَعَالَيْتَ يَا بَصِيرُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای آگاه از امور خلق * بلند مرتبه‌ای ای بینای به احوال بندگان * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا حَفِيٌّ * تَعَالَيْتَ يَا مَلِيٌّ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای حقیقت پنهانی * بلند مرتبه‌ای ای غنی الذات * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا مَعْبُودُ * تَعَالَيْتَ يَا مَوْجُودُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای معبود حقیقی * بلند مرتبه‌ای ای موجود بالذات * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا غَفَّارُ * تَعَالَيْتَ يَا قَهَّارُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای بخشنده گناه * بلند مرتبه‌ای ای با قهر و سطوت * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا مَذْكَورُ * تَعَالَيْتَ يَا مَشْكَورُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای یادآورنده * بلند مرتبه‌ای ای پاداش بخشنده * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا جَوَادُ * تَعَالَيْتَ يَا مَعَادُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای بخشنده بی عوض * بلند مرتبه‌ای ای پناه بی‌پناهان * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا جَمَالُ * تَعَالَيْتَ يَا جَلالُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای نیکو * بلند مرتبه‌ای ای بزرگ * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا سَابِقُ * تَعَالَيْتَ يَا رَازِقُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای پیش از همه * بلند مرتبه‌ای ای روزی دهنده خلق * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا صَادِقُ * تَعَالَيْتَ يَا فَالِقُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای صادق الوعد * بلند مرتبه‌ای ای شکافنده روشنی * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا سَمِيعُ * تَعَالَيْتَ يَا سَرِيعُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای شنوای دعای خلق * بلند مرتبه‌ای ای زود اجابت کننده * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا رَفِيعُ * تَعَالَيْتَ يَا بَدِيعُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای رفیع منزلت * بلند مرتبه‌ای ای نو به نو پدید آورنده * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا فَعَّالُ * تَعَالَيْتَ يَا مُتَعَالُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای عمل کننده نظام عالم * بلند مرتبه‌ای ای بزرگوار * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا قَاضِي * تَعَالَيْتَ يَا رَاضِي * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای داور خلق * بلند مرتبه‌ای ای خوشنود * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا قَاهِرُ * تَعَالَيْتَ يَا طَاهِرُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای غالب قاهر * بلند مرتبه‌ای ای پاک و منزّه * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا عَالِمُ * تَعَالَيْتَ يَا حَاكِمُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای دانای به خلق * بلند مرتبه‌ای ای حکمفرمای به حق * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا دَائِمُ * تَعَالَيْتَ يَا قَائِمُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای هستی همیشگی * بلند مرتبه‌ای ای قائم بالذات * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا عَاصِمُ * تَعَالَيْتَ يَا قَاسِمُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای حفظ کننده * بلند مرتبه‌ای ای قسمت کننده * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا غَنِي * تَعَالَيْتَ يَا مُغْنِي * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای ذات بی‌نیاز * بلند مرتبه‌ای بی‌نیاز کننده * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا وَفِي * تَعَالَيْتَ يَا قَوِي * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای وفا کننده به عهد * بلند مرتبه‌ای ای توانای مطلق * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا كَافِي * تَعَالَيْتَ يَا شَافِي * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای کفایت کننده امور * بلند مرتبه‌ای ای شفا بخش بیماران * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا مُقَدِّمُ * تَعَالَيْتَ يَا مُؤَخِّرُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای مقدم دارنده * بلند مرتبه‌ای ای مؤخر کننده * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا أَوَّلُ * تَعَالَيْتَ يَا آخِرُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای اول موجود * بلند مرتبه‌ای ای آخر هستی * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا ظَاهِرُ * تَعَالَيْتَ يَا بَاطِنُ * اَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای ذات پیدا * بلند مرتبه‌ای ای حقیقت پنهان * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا رَجَاءُ * تَعَالَيْتَ يَا مُرْتَجَى * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای امید امیدواران * بلند مرتبه‌ای ای مرجع آرزوها * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْمَنِّ * تَعَالَيْتَ يَا ذَا الطَّوْلِ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای خداوند نعمت * بلند مرتبه‌ای ای خداوند احسان * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا حَىُّ * تَعَالَيْتَ يَا قَيُّوْمُ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای زنده ابدی * بلند مرتبه‌ای ای نگهدار عالم * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا وَاحِدُ * تَعَالَيْتَ يَا أَحَدُ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای خدای یگانه * بلند مرتبه‌ای ای خدای یکتا * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا سَيِّدُ * تَعَالَيْتَ يَا صَمَدُ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای سید خلق * بلند مرتبه‌ای ای غنی مطلق * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا قَدِيرُ * تَعَالَيْتَ يَا كَبِيرُ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای توانا * بلند مرتبه‌ای ای بزرگ * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا وَالِي * تَعَالَيْتَ يَا مُتَعَالِي (عَالِي) * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای سلطان عالم * بلند مرتبه‌ای ای برتر از همه عالم * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا عَلِيُّ * تَعَالَيْتَ يَا أَعْلَى * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای با علو با شأن * بلند مرتبه‌ای ای بالاتر * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا وَلِيُّ * تَعَالَيْتَ يَا مَوْلى * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای صاحب اختیار عالم * بلند مرتبه‌ای ای سلطان عالم * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا ذَارِيُّ * تَعَالَيْتَ يَا بَارِيُّ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای آفریننده * بلند مرتبه‌ای پدید آورنده * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا خَافِضُ * تَعَالَيْتَ يَا رَافِعُ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای ذلیل و پست کننده * بلند مرتبه‌ای ای رفعت بخشنده * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا مُقْسِطُ * تَعَالَيْتَ يَا جَامِعُ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای عدل و داد کننده * بلند مرتبه‌ای ای جمع آورنده متفرق‌ها * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا مُعِزُّ * تَعَالَيْتَ يَا مُذِلُّ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای عزیز کننده * بلند مرتبه‌ای ای خوار کننده * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا حَافِظُ * تَعَالَيْتَ يَا حَفِيظُ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای نگهبان * بلند مرتبه‌ای ای نگهدار * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا قَادِرُ * تَعَالَيْتَ يَا مُقْتَدِرُ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای ذات قادر * بلند مرتبه‌ای ای سلطان مقتدر * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا عَلِيمُ * تَعَالَيْتَ يَا حَلِيمُ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای دانا * بلند مرتبه‌ای ای بردبار * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا حَكَمُ * تَعَالَيْتَ يَا حَكِيمُ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای داور * بلند مرتبه‌ای ای با حکمت و عنایت * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا مُعْطَى * تَعَالَيْتَ يَا مَانِعُ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای عطا بخش * بلند مرتبه‌ای ای مانع عطا * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا ضَارُّ * تَعَالَيْتَ يَا نَافِعُ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای ضرر رساننده * بلند مرتبه‌ای ای سود بخشنده * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا مُجِيبُ * تَعَالَيْتَ يَا حَسِيبُ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای اجابت کننده دعای خلق * بلند مرتبه‌ای ای به حساب آورنده بندگان * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا عَادِلُ * تَعَالَيْتَ يَا فَاصِلُ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای خدای عادل * بلند مرتبه‌ای ای جدا کننده * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا لَطِيفُ * تَعَالَيْتَ يَا شَرِيفُ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای با لطف و کرم * بلند مرتبه‌ای ای با عزت و شرف * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا رَبُّ * تَعَالَيْتَ يَا حَقُّ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای پروردگار * بلند مرتبه‌ای ای ثابت ابدی * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا مَاجِدُ * تَعَالَيْتَ يَا وَاحِدُ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای با مجد و بزرگی * بلند مرتبه‌ای ای ذات یگانه * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا عَفُوُّ * تَعَالَيْتَ يَا مُنْتَقِمُ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای عفو کننده * بلند مرتبه‌ای ای انتقام کننده * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا وَاسِعُ * تَعَالَيْتَ يَا مُوسِعُ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

پاک و منزهی ای وسیع رحمت * بلند مرتبه‌ای ای گشایش و وسعت بخش * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا رَعُوفٌ * تَعَالَيْتَ يَا عَطُوفٌ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرٌ

پاک و منزهی ای مهربان * بلند مرتبه‌ای ای با عطوفت * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا فَرْدٌ * تَعَالَيْتَ يَا وَتَرٌ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرٌ

پاک و منزهی ای یکتا * بلند مرتبه‌ای ای خدای بی‌همتا * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا مُقِيتٌ * تَعَالَيْتَ يَا مُحِيطٌ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرٌ

پاک و منزهی ای نگهدارنده حد هر کس * بلند مرتبه‌ای ای احاطه کننده * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا وَكِيلٌ * تَعَالَيْتَ يَا عَدْلٌ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرٌ

پاک و منزهی ای وکیل امور بندگان * بلند مرتبه‌ای ای همه عدل و داد * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا مُبِينٌ * تَعَالَيْتَ يَا مَتِينٌ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرٌ

پاک و منزهی ای آشکار کننده * بلند مرتبه‌ای ای استحکام بخش * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا بَرٌّ * تَعَالَيْتَ يَا وَدُودٌ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرٌ

پاک و منزهی ای نیکو * بلند مرتبه‌ای ای دوستدار ما * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا رَشِيدٌ * تَعَالَيْتَ يَا مُرْشِدٌ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرٌ

پاک و منزهی ای توانای دانا * بلند مرتبه‌ای ای رهنما * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا نُورٌ * تَعَالَيْتَ يَا مُنُورٌ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرٌ

پاک و منزهی ای نور * بلند مرتبه‌ای ای روشنی بخش * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا نَصِيرٌ * تَعَالَيْتَ يَا نَاصِرٌ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرٌ

پاک و منزهی ای یاور * بلند مرتبه‌ای ای یاری بخش * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا صَبُورٌ * تَعَالَيْتَ يَا صَابِرٌ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرٌ

پاک و منزهی ای بردبار * بلند مرتبه‌ای ای شکیبا * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا مُحْصِيٌ * تَعَالَيْتَ يَا مُنْشِئٌ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرٌ

پاک و منزهی ای به شمار آورنده * بلند مرتبه‌ای ای ایجاد کننده * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا سُبْحَانَ * تَعَالَيْتَ يَا دَيَانَ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرٌ

پاک و منزهی ای ذات میرا از نقص * بلند مرتبه‌ای ای کیفر بخش * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا مُغِيثٌ * تَعَالَيْتَ يَا غِيَاثٌ * أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرٌ

پاک و منزهی ای فریادرس * بلند مرتبه‌ای ای پناه خلق * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا فَاطِرُ * تَعَالَيْتَ يَا حَاضِرُ * اجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ *

پاک و منزهی ای آفریننده * بلند مرتبه‌ای ای حاضر و ناظر بر خلق * ما را از آتش در پناه خود آور ای پناه بخش *

سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْعِزِّ وَالْجَمَالِ * تَبَارَكَتَ يَا ذَا الْجَبْرُوتِ وَالْجَلَالِ *

پاک و منزهی ای دارای عزت و جمال * بزرگواری ای صاحب جبروت و جلال *

سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ *

پاک و منزهی ای خدای یکتا که جز تو خدایی نیست * و من بنده‌ای از ستمکارانم *

فَاسْتَجِبْنَا لَهُ * وَ نَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ * وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ *

پس دعای وی مستجاب کردیم و او را از غم و اندوه نجات دادیم * و ما این گونه اهل ایمان را نجات خواهیم داد *

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى [سَيِّدِنَا] مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ

و درود و تحیت خدا بر سید ما محمد و بر تمام اهل بیت او باد * و ستایش مختص خداست

رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ * وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ

که پروردگار عالمیان است * و خدا ما را کفایت است و نیکو وکیلی است * و هیچ توانایی و قدرتی

إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ *

جز به خدای بلند مرتبه‌ای بزرگ نخواهد بود *

دعای عدیله: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

به نام خدای بخشنده مهربان * خدا گواهی می‌دهد که هیچ خدایی جز ذات یکتایی

هُوَ * وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ * لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ

او نیست * و همچنان فرشتگان و صاحبان علم که برپا است به عدالت * که خدایی جز آن یگانه ذات با اقتدار و

الْحَكِيمُ * إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ * وَ أَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ

حکمت نیست * همانا دین نزد خدا اسلام است * و من بنده ضعیف

الْمُذْنِبُ الْعَاصِي الْمَحْتَاجُ الْحَقِيرُ * أَشْهَدُ لِمُنْعِمِي وَ خَالِقِي وَ رَازِقِي

گناهکار عاصی محتاج حقیر و پست * گواهی می‌دهم بر یگانگی خدا که منعم و خالق و رازق من است

وَ مُكْرِمِي * كَمَا شَهِدَ لِدَاتِهِ * وَ شَهِدَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ * وَ أُولُو الْعِلْمِ

و مرا اکرام می‌کند * چنانچه خدا خود بر یگانگی خویش گواهی داد * و فرشتگان * و بندگان دانا

مِنْ عِبَادِهِ * بَأَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ * ذُو النِّعَمِ وَ الْإِحْسَانِ * وَ الْكَرَمِ

گواهی دادند * بر اینکه خدایی جز آن ذات یکتا نیست * که خداوند نعمت و احسان * و کرم

وَالْإِمْتِنَانِ * قَادِرِ أَزَلِي * عَالِمِ أَبَدِي * حَيِّ أَحَدِي * مَوْجُودِ سَرْمَدِي

و بخشش است * قدرتش ازلی * و علمش ابدی است * زنده متفرد * و موجود سرمدی است

* سَمِيعِ بَصِيرِ * مُرِيدِ كَارِهِ * مُدْرِكِ صَمَدِي * يَسْتَحِقُّ هَذِهِ الصِّفَاتِ

* شنوا و بینا * و با اراده و کراهت * علم و ادراک به همهٔ امور عالم است غنی بالذات است * و ذات فرد بسیطش به ذاته (بدون تغییر)

* وَ هُوَ عَلِيٌّ مَا هُوَ عَلَيْهِ فِي عِزِّ صِفَاتِهِ * كَانَتْ قَوِيًّا قَبْلَ وُجُودِ الْقُدْرَةِ

* و در عین بی‌نیازی از صفات زائد بر ذات مستوجب این صفات کمالیه است * آن ذات ازلی توانا و قادر است پیش از

وَالْقُوَّةِ * وَ كَانَتْ عَلِيمًا قَبْلَ إِيجَادِ الْعِلْمِ وَالْعِلَّةِ * لَمْ يَزَلْ سُلْطَانًا

معنی قدرت * و عالم است پیش از وجود علم و اسباب دانایی * همیشه پادشاه وجود است

إِذْ لَا مَمْلَكَةَ وَلَا مَالَ * وَ لَمْ يَزَلْ سُبْحَانًا عَلَى جَمِيعِ الْأَحْوَالِ

پیش از آنکه ملک و مالی باشد * و همیشه ذات پاکش در همه - احوال منزه و مستغنی از غیر است *

وُجُودِهِ * قَبْلَ الْقَبْلِ فِي أَزْلِ الْأَزَالِ * وَ بَقَاؤُهُ * بَعْدَ الْبَعْدِ مِنْ غَيْرِ انْتِقَالِ

وجودش قبل از هر قبلی در ازل آزال بوده * و بعد از هر بعدی بدون تغییر حال تا ابد باقی

وَلَا زَوَالِ * غَنِيٌّ فِي الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ * مُسْتَعْنٍ فِي الْبَاطِنِ وَالظَّاهِرِ * لَا

خواهد بود * و ذاتش در آغاز و انجام آفرینش بی‌نیاز از خلق است * و در ظاهر و باطن مستغنی از عالم است * در حکم

جَوْرِ فِي قَضِيَّتِهِ * وَلَا مَيْلَ فِي مَشِيَّتِهِ * وَلَا ظَلَمَ فِي تَقْدِيرِهِ * وَلَا مَهْرَبَ

او هیچ ظلم و جور نیست * و در مشیتش میل خصوصی نخواهد بود * و در حق هیچکس ستم نکرده * و از حکم و فرمانش

مِنْ حُكُومَتِهِ * وَلَا مَلْجَأَ مِنْ سَطَوَاتِهِ * وَلَا مَنْجَا مِنْ نِقْمَاتِهِ

نتوان به جایی گریخت * و پناهی نتوان یافت از قهرش * و از غضب و انتقامش محل نجاتی نیست *

سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ وَغَضَبُهُ * وَلَا يَفُوتُهُ أَحَدٌ إِذَا طَلَبَهُ * أَزَاحَ الْعِلَلَ

رحمت او بر غضبش سبقت گیرد * و هر که طالب رحمت او باشد محروم نخواهد شد * برطرف کرد موانع را

فِي التَّكْلِيفِ وَ سَوَّى التَّوْفِيقَ بَيْنَ الضَّعِيفِ وَالشَّرِيفِ * مَكَنَ أَدَاءَ

آنگاه بندگان را مکلف بطاعت خود فرمود و موفقیت بر طاعت را در ضعیف و قوی یکسان قرار داد * و همه را بر اطاعت

الْمَأْمُورِ * وَ سَهَّلَ سَبِيلَ اجْتِنَابِ الْمَحْظُورِ * لَمْ يَكْلِفِ الطَّاعَةَ إِلَّا

امرش متمکن گردانید * و راه ترک گناه و دوری از عصیان را آسان کرد * و بار تکلیف طاعتش را بر کسی ننهاد

دُونَ الْوَسْعِ وَالطَّاقَةِ * سُبْحَانَهُ * مَا أَبْيَنَ كَرَمَهُ * وَ أَعْلَى شَانَهُ *

مگر کمتر از قدر و وسعت و طاقت * منزه است خدا چقدر کرمش بر خلق آشکار است * و مرتبه‌اش بلند است *

سُبْحَانَهُ وَمَا أَجَلَ نَيْلِهِ * وَأَعْظَمَ أَحْسَانَهُ * بَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنَ

منزه است خدا چقدر عطایش بیشتر * و احسانش بزرگتر است * فرستاد پیامبران را برای آنکه عدلش را

عَدَلَهُ * وَنَصَبَ الْأَوْصِيَاءَ لِيُظْهِرَ طَوْلَهُ * وَفَضَلَهُ * وَجَعَلْنَا مِنْ

آشکار سازد * و جانشینان پیامبران را برای آن معین کرد که فضل و احسانش را پدید گرداند * و ما را از امت

أُمَّةٍ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ * وَخَيْرِ الْأَوْلِيَاءِ * وَأَفْضَلِ الْأَصْفِيَاءِ * وَاعْلَى

سید انبیاء «ص» * و بهترین اوصیاء * و افضل خاصان خود * و بلند مرتبه‌ترین

الْأَزْكَيَاءِ * مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ * ءَامِنًا بِهِ وَبِمَا

پاکان عالم * حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم قرار داد * ما هم (بحمد الله) به او ایمان آوردیم و به هر چه

دَعَانَا إِلَيْهِ * وَبِالْقُرْآنِ الَّذِي أَنْزَلَهُ عَلَيْهِ * وَبِوَصِيهِ الَّذِي نَصَبَهُ * وَ

ما را به آن دعوت کرد گرویدیم * و به قرآن که بر او نازل کرد * و به وصی او که روز غدیرش به خلافت

يَوْمَ الْغَدِيرِ * وَأَشَارَ بِقَوْلِهِ هَذَا عَلَى إِلَيْهِ * وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأئِمَّةَ الْأَبْرَارَ

منسوب کرد * و در سخنش اشاره به او فرمود که این است علی «ع» جانشین من * و گواهی می‌دهم که امامان نیکوکار

* وَاخْتَلَفَاءَ الْأَخْيَارِ بَعْدَ الرَّسُولِ الْمُخْتَارِ * عَلَى قَامِعِ الْكُفَّارِ * وَمِنْ

* و جانشینان برگزیده بعد از رسول مختار اول علی «ع» است * که کشنده مشرکین و کفار بود * و بعد از

بَعْدَهُ سَيِّدِ أَوْلَادِهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ * ثُمَّ أَخُوهُ السَّبِطِ التَّابِعِ لِمَرْضَاتِ

علی «ع» بزرگتر فرزندش حضرت حسن «ع» * پس از او برادرش سبط پیغمبر تابع رضای خدا

اللَّهِ الْحُسَيْنِ * ثُمَّ الْعَابِدِ عَلِيٍّ * ثُمَّ الْبَاقِرِ مُحَمَّدٍ * ثُمَّ الصَّادِقِ

حضرت حسین «ع» * پس از او فرزندش علی بن الحسین زین العابدین «ع» * و بعد از او فرزندش باقر العلوم محمد «ع» * و بعد فرزندش

جَعْفَرِ * ثُمَّ الْكَاطِمِ مُوسَى * ثُمَّ الرِّضَا عَلِيٍّ * ثُمَّ التَّقِيِّ مُحَمَّدٍ * ثُمَّ

امام جعفر صادق «ع» * و بعد فرزندش امام موسی کاظم «ع» * و بعد فرزندش امام علی الرضا «ع» * و بعد فرزندش امام محمد تقی «ع» * و بعد

النَّقِيِّ عَلِيٍّ * ثُمَّ الزَّكِيِّ [الْعَسْكَرِيِّ] الْحَسَنِ * ثُمَّ الْحُجَّةِ الْخَلْفِ الْقَائِمِ

فرزندش امام علی النقی «ع» * و بعد فرزندش امام حسن عسکری «ع» پاکیزه صفات * و بعد از او فرزندش حجت الهی جانشین

الْمُنْتَظَرِ الْمَهْدِيِّ * الْمَرْجَى الَّذِي بَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا * وَبِئْمَنِهِ

قائم منتظر حضرت مهدی «ع» * که چشم امید عالم به اوست و دنیا به بقای او باقی است * و به برکتش

رُزْقِ الْوَرَى * وَبُوجُودِهِ ثَبَتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ * وَبِهِ يَمْلَأُ اللَّهُ

به خلق روزی می‌رسد * زمین و آسمان به وجودش برقرار است * و به واسطه او خدا

الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا * بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا * وَ أَشْهَدُ أَنَّ

زمین را پر از عدل و داد کند * پس از آنکه پر از ظلم و جور و بیداد گشته باشد * و گواهی می‌دهم که

أَقْوَالَهُمْ حُجَّةً * وَ امْتِثَالَهُمْ فَرِيضَةً * وَ طَاعَتَهُمْ مَفْرُوضَةٌ * وَ مَوَدَّتَهُمْ

گفتارشان بر ما حجت * و امتثال امرشان واجب است * و اطاعتشان فرض است * و محبتشان به حکم

لِأَزْمَةِ مَقْضِيَّةٍ * وَ الْاِقْتِدَاءَ بِهِمْ مُنْجِيَّةٍ * وَ مُخَالَفَتَهُمْ مُرْدِيَّةٍ * وَ هُمْ

ازلی حق لازم است * و پیروی آنها موجب نجات * و مخالفتشان سبب هلاک است * و آنها

سَادَاتُ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ * وَ شَفَعَاءُ يَوْمِ الدِّينِ * وَ أئِمَّةُ أَهْلِ

به حقیقت بزرگان تمام بهشتیان * و شفیعان روز جزا * و پیشوایان

الْأَرْضِ عَلَى الْيَقِينِ * وَ أَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ

اهل زمین به طور یقین * و بهترین جانشینان مرضی خدا هستند * و باز گواهی می‌دهم

الْمَوْتَ حَقًّا * وَ مُسَائِلَةَ الْقَبْرِ حَقًّا * وَ الْبَعْثَ حَقًّا * وَ النَّشُورَ حَقًّا

که مرگ حق است * و سؤال فرشتگان در قبر حق است * و برانگیخته شدن مردگان حق است * و روز حشر و نشر حق است

* وَ الصِّرَاطَ حَقًّا * وَ الْمِيزَانَ حَقًّا * وَ الْحِسَابَ حَقًّا * وَ الْكِتَابَ

* و پل صراط در قیامت حق است * و سنجش اعمال حق است * و حساب خلق حق است * و کتاب و نامه عمل

حَقًّا * وَ الْجَنَّةَ حَقًّا * وَ النَّارَ حَقًّا * وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا

حق است * و بهشت حق است * و دوزخ حق است * و ساعت قیامت بی‌هیچ شک خواهد آمد

* وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ * اللَّهُمَّ فَضْلُكَ رَجَائِي * وَ كَرَمُكَ

* و خدا البته مردگان را از قبرها بر انگیزد * بار الها فضل و کرم تو مایه امید من است * و لطف

وَ رَحْمَتُكَ أَمَلِي * لَا عَمَلَ لِي اسْتَحِقُّ بِهِ الْجَنَّةَ * وَ لَا طَاعَةَ لِي

و رحمت آرزوی من * عملی که به آن مستحق بهشت شوم نکردم * و طاعتی که

اسْتَوْجِبُ بِهَا الرِّضْوَانَ * إِلَّا أَنِّي اعْتَقَدْتُ تَوْحِيدَكَ وَ عَدْلَكَ *

موجب رضای تو شود به جا نیاوردم * جز آنکه معتقد به توحید و عدل توام *

وَ ارْتَجَيْتُ إِحْسَانَكَ وَ فَضْلَكَ * وَ تَشَفَّعْتُ إِلَيْكَ بِالنَّبِيِّ وَ ءَالِهِ مِنْ

و چشم امیدم به فضل و احسان توست * و به درگاهت پیغمبر و آل او را که دوستدار تواند

أَحَبَّتِكَ * وَ أَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ * وَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * وَ صَلَّى اللَّهُ

شفیع آورده‌ام * و تو خود کریمترین کریمان * و مهربانترین مهربانان عالمی * و درود خدا

عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ * الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ * وَ سَلَّمَ

بر پیغمبر ما محمد «ص» و آل او * که همه پاکان و پاکان عالمند * و تحیت

تَسْلِيمًا كَثِيرًا كَثِيرًا * وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ *

بسیار بسیار بر آنان باد * و هیچ قدرت و توانایی کسی را جز به خدای بلند مرتبه بزرگ نخواهد بود *

اللَّهُمَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اِنِّي أُوَدِّعُكَ يَقِينِي هَذَا * وَ ثَبَاتٍ دِينِي *

پروردگارا ای مهربانترین مهربانان عالم * من ایمان و این یقین خود را (که در این دعا اظهار نمودم) * و ثبات در دین و ایمانم را به تو امانت می سپارم *

وَ أَنْتَ خَيْرٌ مُسْتَوْدِعٍ * وَقَدْ أَمَرْتَنَا بِحِفْظِ الْوَدَائِعِ * فَرَدَّهُ وَ عَلَى وَقْتِ

و تو بهترین امانتداری * و البته تو مرا امر به حفظ امانت کردی * پس این امانت را تو در وقت حضور

حُضُورِ مَوْتِي * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * مؤلف گوید که: در دعاهاى مأثوره

مرگ به من باز گردان * به حق رحمتت ای مهربانترین مهربانان عالم. *

است: اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ. وَ عَدِيلِهِ عِنْدَ الْمَوْتِ

ای خدا من پناه به تو می برم از برگشتن در وقت مرگ *

یعنی عدول کردن از حق به باطل در وقت مردن و آن چنان است که شیطان نزد محتضر حاضر شود و وسوسه

کند و او را در تشکیک اندازد تا آنکه او را از ایمان بیرون کند و از این جهت است که در دعاها استعاذه از آن شده

و جناب فخر المحققین (رحمته الله) فرموده که هر که خواهد از آن سالم بماند استحضار کند ادله ایمان و اصول خمس را

با ادله قطعی و صفای خاطر و بسپرد آن را به حق تعالی که در وقت حضور موت به او رد فرماید به این طریق که

بگوید بعد از عقاید حقه: اللَّهُمَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اِنِّي قَدْ أُوَدِّعُكَ يَقِينِي

بار الها ای رحیمتر رحم کنندگان * به درستی من امانت سپارم به تو عقیده

هَذَا * وَ ثَبَاتٍ دِينِي * وَ أَنْتَ خَيْرٌ مُسْتَوْدِعٍ * وَقَدْ أَمَرْتَنَا بِحِفْظِ

خودم را * و استحکام دینم * و تو بهترین امانتداری * و به تحقیق امر کرده ای ما را به

الْوَدَائِعِ * فَرَدَّهُ وَ عَلَى وَقْتِ حُضُورِ مَوْتِي * پس بر حسب فرمایش آن بزرگوار خواندن

نگهداری امانتها * پس برگردان آن را به من هنگام رسیدن مرگم. *

این دعای شریف عدیله و استحضار معنی آن در خاطر برای سلامت جستن از خطر عدیله عِنْدَ الْمَوْتِ نافع

است. و اما اینکه این دعا مأثور است یا از منشآت علماء است، خَرِيتَ (به معنی استاد) صناعت علم حدیث و

روایت و جامع شمل اخبار ائمه (علیهم السلام) عالم متبحر خبیر و محدث ناقد بصیر شیخنا الأکرم و المحدث الأعظم

مولانا الحاج میرزا حسین النوری نور الله مرقدہ فرموده: **وَ أَمَّا دُعَاءُ الْعَدِيلَةِ الْمَعْرُوفَةِ** *

فَهُوَ مِنْ مُؤَلَّفَاتِ بَعْضِ أَهْلِ الْعِلْمِ لَيْسَ بِمَأْثُورٍ وَلَا مَوْجُودٍ فِي كُتُبِ

حَمَلَةِ الْأَحَادِيثِ وَنَقَادِهَا * و بدانکه شیخ طوسی از محمد بن سلیمان دیلمی روایت کرده

است که به خدمت حضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم که شیعیان تو می گویند که: ایمان بر دو قسم است یکی

مستقر و ثابت و دیگر آنکه به امانت سپرده شده است و زایل می گردد. پس به من بیاموز دعائی را که هرگاه آن را

بخوانم ایمان من کامل گردد و زایل نشود فرمود که بگو بعد از هر نماز واجب: **رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا** *

راضی و خشنودم به اینکه خدا رب من است *

وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا * **وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا** * **وَبِالْقُرْآنِ**

و محمد صلی الله علیه و آله پیغمبر من است * و اسلام دین من است * و قرآن کتاب

كِتَابًا * **وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً** * **وَبِعَلِيِّ وَوَلِيِّهِ وَآمَامًا** * **وَبِالْحَسَنِ**

من است * و کعبه قبله من است * و حضرت علی (ع) امام من است * و حضرت امام حسن (ع)

وَ الْحُسَيْنِ * **وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ** * **وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ** * **وَ جَعْفَرِ بْنِ**

و حضرت امام حسین (ع) * و حضرت علی بن الحسین (ع) * و حضرت محمد بن علی (ع) * و حضرت جعفر بن

مُحَمَّدٍ * **وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ** * **وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى** * **وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ**

محمد (ع) * و حضرت موسی بن جعفر (ع) * و حضرت علی بن موسی (ع) * و حضرت محمد بن علی (ع) *

وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ * **وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ** * **وَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ**

و حضرت علی بن محمد (ع) * و حضرت حسن بن علی (ع) * و حضرت حجة بن الحسن *

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أئِمَّةً * **اللَّهُمَّ انِّي رَضِيتُ بِهِمْ أئِمَّةً**

که صلوات خدای بر همه آنان باد امامان منند * خدایا من به اینکه اینان امامان و پیشوایان منند راضی و خشنودم *

فَارْضِنِي لَهُمْ * **إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** *

تو هم ای خدا مرا به خوشنودی آنان بدار * که تو بر هر چیز توانایی.

دعای جوشن کبیر

در بلد الامین و مصباح کفعمی است و آن مروی است از حضرت سیّد السّاجدین از پدرش از جدّ بزرگوارش حضرت رسول صلی الله علیه و علیهم اجمعین و این دعا را جبرئیل (علیه السلام) آورد برای پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در یکی از غزوات در حالی که بر تن آن حضرت جوشن گرانی بود که سنگینی آن بدن مبارکش را به درد آورده بود پس جبرئیل عرض کرد که یا محمد پروردگارت تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید که بکن این جوشن را و بخوان این دعا را که او امان است از برای تو و امت تو. پس شرحی در فضیلت این دعا ذکر فرموده که مقام نقل تمامش نیست. از جمله آنکه هر که آن را بر کفن خویش نویسد حقّ تعالی حیا فرماید که او را به آتش عذاب کند و هر که آن را به نیت در اوّل ماه رمضان بخواند حقّ تعالی او را روزی فرماید لیلۃ القدر و خلق فرماید برای او هفتاد هزار فرشته که تسبیح و تقدیس کنند خدا را و ثوابش را برای او قرار دهند پس فضیلت بسیار نقل کرده تا آنکه فرموده: و هر که بخواند او را در ماه رمضان سه مرتبه حرام فرماید حقّ تعالی جسد او را بر آتش جهنّم و واجب فرماید برای او بهشت را و دو ملک بر او موکّل فرماید که حفظ کنند او را از معاصی و در امان خدا باشد مدتّ حیات خود و در آخر خبر است که جناب امام حسین (علیه السلام) فرمود: وصیت کرد پدرم علی بن ابی طالب صلوات الله علیه به حفظ این دعا و آنکه بنویسم آن را بر کفن او و تعلیم کنم آن را به اهل خود و ترغیب کنم ایشان را به خواندن آن، و آن هزار اسم است و در آن است اسم اعظم. فقیر گوید: که از این خبر دو چیز مستفاد می‌شود یکی استحباب نوشتن این دعا به کفن چنانچه علامه بحر العلوم عطر الله مرقدّه در ذره به آن اشاره فرموده:

<p>وَسُنَّ أَنْ يُكْتَبَ بِالْأَكْفَانِ</p> <p>مستحب است که نوشته شود به کفنها</p>	<p>شَهَادَةُ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ</p> <p>شهادت اسلام و ایمان</p>
<p>وَهَكَذَا كِتَابَةُ الْقُرْآنِ</p> <p>و هم چنین نوشتن قرآن</p>	<p>وَالْجَوْشَنُ الْمَنْعُوتُ بِالْأَمَانِ</p> <p>و جوشن که آن را به امان وصف کرده‌اند</p>

دوم: استحباب خواندن این دعا در اوّل ماه رمضان. و اما خواندن آن در خصوص شبهای قدر در خبر ذکری از آن نیست. لیکن علامه مجلسی قدس الله روحه در زاد المعاد در ضمن اعمال شبهای قدر فرموده: و در بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در هر یک از این سه شب بخوانند. و کافی است فرمایش آن

بزرگوار ما را در این مقام **أَحَلَّهُ اللَّهُ دَارَ السَّلَامِ**. بالجمله این دعا صد فصل است و هر فصلی مشتمل بر، ده اسم

الهی است و در آخر هر فصل باید گفت: **سُبْحَانَكَ يَا لَإِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * أَلْغَوْتُ الْغَوْتِ**

پاک و منزهی تو ای خدائی که جز تو خدائی نیست * به تو پناه آوردم

* **خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ** * و در بلد الامین است که در اول هر فصل **بِسْمِ اللَّهِ** بگویند و در

* ما را از آتش قهرت آزاد کن ای پروردگار من *

آخرش: **سُبْحَانَكَ يَا لَإِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * أَلْغَوْتُ الْغَوْتِ * صَلِّ عَلَيَّ**

پاک و منزهی تو ای خدائی که جز تو خدائی نیست * به تو پناه آوردم * درود بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَخَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ * يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

محمد (ص) و آل او فرست * ما را از آتش قهرت آزاد کن ای پروردگار من * ای صاحب جلال و بزرگواری *

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * و آن دعایین است:

ای مهربانترین مهربانان عالم. *

۱) **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اللَّهُ * يَا رَحْمَنُ * يَا رَحِيمُ * يَا**

(۱) خدایا از تو درخواست می‌کنم به اسم مبارکت ای الله * ای بخشنده * ای مهربان * ای

كَرِيمُ * يَا مُقِيمُ * يَا عَظِيمُ * يَا قَدِيمُ * يَا عَلِيمُ * يَا حَلِيمُ * يَا حَكِيمُ

کریم * ای نگهدار * ای بزرگ * ای قدیم * ای دانا * ای بردبار * ای حکیم

* **سُبْحَانَكَ يَا لَإِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * أَلْغَوْتُ الْغَوْتِ * خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا**

* پاک و منزهی تو ای خدائی که جز تو خدائی نیست * به تو پناه آوردم * ما را از آتش قهرت آزاد کن ای پروردگار

رَبِّ * يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ * يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ * يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ

من * (۲) ای بزرگ بزرگان * ای اجابت کننده دعای خلقان * ای بخشنده مرتبه‌های بلند

* **يَا وَليَّ الْمُحْسِنَاتِ * يَا غَافِرَ الْمُخْطِيَاتِ * يَا مُعْطِيَ الْمَسْئَلَاتِ**

* ای دوستدار نیکوئی‌ها * ای آمرزنده خطاها * ای عطا کننده سوال‌ها

* **يَا قَابِلَ التَّوْبَاتِ * يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ * يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ * يَا دَافِعَ**

* ای پذیرنده توبه‌ها * ای شنونده صداها * ای دانای سر نهان‌ها * ای برطرف کننده

الْبَلِيَّاتِ * يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ * يَا خَيْرَ الْفَاتِحِينَ * يَا خَيْرَ

بلاها * (۳) ای بهترین آمرزندگان * ای بهترین گشاینندگان * ای بهترین

النَّاصِرِينَ * يَا خَيْرَ الْحَاكِمِينَ * يَا خَيْرَ الرَّازِقِينَ * يَا خَيْرَ الْوَارِثِينَ *

یاوران * ای بهترین داوران * ای بهترین روزی دهندگان * ای بهترین وارثان *

يَا خَيْرَ الْحَامِدِينَ * يَا خَيْرَ الذَّاكِرِينَ * يَا خَيْرَ الْمُتَزِلِينَ * يَا خَيْرَ

ای بهترین ستایش کنندگان * ای بهترین یاد کنندگان * ای بهترین نازل کنندگان * ای بهترین

المُحْسِنِينَ * ﴿٤﴾ يَا مَنْ لَهُ الْعِزَّةُ وَالْجَمَالُ * يَا مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ وَالْكَمَالُ

احسان کنندگان * (۴) ای آنکه عزت و جمال، مختص اوست * ای آنکه قدرت و کمال، مختص اوست

يَا مَنْ لَهُ الْمَلَكُ وَالْجَلَالُ * يَا مَنْ هُوَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالُ * يَا

* ای آنکه دارایی و جلال، مختص اوست * ای آنکه بزرگ و بلند مرتبه‌ای * ای

مُنْشَأَ السَّحَابِ الثَّقَالِ * يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ * يَا مَنْ هُوَ سَرِيعُ

پدیدآورنده ابرهای سنگین * ای آنکه قوت و مکر و انتقامش بسیار سخت است * ای آنکه محاسباتش زود

الْحِسَابِ * يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْعِقَابِ * يَا مَنْ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ *

و آسان است * ای آنکه عقابش بسیار سخت است * ای آنکه پاداش نیکوی (بهشت) نزد اوست *

يَا مَنْ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ * ﴿٥﴾ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَنَّانُ

ای آنکه اصل علوم و حقایق، نزد اوست * (۵) خدایا از تو درخواست می‌کنم به نام مبارکت ای مشفق

* يَا مَنَّانُ * يَا دَيَّانُ * يَا بُرْهَانَ * يَا سُلْطَانَ * يَا رِضْوَانَ * يَا غُفْرَانَ *

* ای نعمت بخش * ای پاداش دهنده * ای دلیل گمراهان * ای پادشاه عالم * ای مایه خشنودی خلق * ای بخشنده گناهان

* يَا سُبْحَانَ * يَا مُسْتَعَانَ * يَا ذَا الْمَنِّ وَالْبَيَانَ * ﴿٦﴾ يَا مَنْ تَوَاضَعَ

* ای پاک و منزله ازتقص * ای عون و یاور بندگان * ای بخشنده نعمت نطق و بیان * (۶) ای آنکه مقابل عظمت،

كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ * يَا مَنْ اسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ * يَا مَنْ ذَلَّ كُلُّ

تمام موجودات متواضع‌اند * ای آنکه پیش قدرت، همه اشیاء تسلیم‌اند * ای آنکه در برابر عظمت

شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ * يَا مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ * يَا مَنْ انْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ

همه اشیاء ذلیل‌اند * ای آنکه در مقام هیبت، همه اشیاء خاضع و ترسان‌اند * ای آنکه از ترس تو کلیه موجودات،

مِنْ خَشْيَتِهِ * يَا مَنْ تَشَقَّقَتْ الْجِبَالُ مِنْ مَخَافَتِهِ * يَا مَنْ قَامَتْ

مطیع و منقاداند * ای آنکه کوه‌ها از خوف، متزلزل‌اند * ای آنکه آسمان‌ها

السَّمَاوَاتُ بِأَمْرِهِ * يَا مَنْ اسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ بِأَذْنِهِ * يَا مَنْ يُسَبِّحُ

به امرت پایدار است * ای آنکه زمین‌ها به فرمانت برقرار است * ای آنکه رعد به تسبیح

الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ * يَا مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَىٰ أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ * ﴿٧﴾ يَا غَافِرَ

و ستایش تو در خروش است * ای پادشاهی که اعتنا و احتیاجی به اهل مملکت نداری * (۷) ای بخشنده

الْمُخْطَايَا * يَا كَاشِفَ الْبَلَايَا * يَا مُنْتَهَى الرَّجَايَا * يَا مُجْزِلَ الْعَطَايَا

گناهان * ای برطرف کننده بلاها * ای منتهای امیدها * ای معطی بزرگ عطاها

* يَا وَاهِبَ الْهَدَايَا * يَا رَازِقَ الْبَرَايَا * يَا قَاضِيَ الْمَنَايَا * يَا سَامِعَ

* ای بخشنده هدیه‌ها * ای روزی دهنده بندگان * ای برآورنده حاجات و آرزوها * ای شنونده

الشُّكَايَا * يَا بَاعِثَ الْبَرَايَا * يَا مُطْلِقَ الْأَسَارِي * ﴿٨﴾ يَا ذَا الْحَمْدِ

شکوه‌ها * ای برانگیزنده خلائق * ای آزاد کننده اسیران * (۸) ای صاحب حمد

وَالثَّنَاءِ * يَا ذَا الْفَخْرِ وَالْبَهَاءِ * يَا ذَا الْمَجْدِ وَالسَّنَاءِ * يَا ذَا الْعَهْدِ

و ثناء * ای صاحب تفاخر و ابهت * ای صاحب مجد و بزرگی * ای صاحب عهد

وَالْوَفَاءِ * يَا ذَا الْعَفْوِ وَالرِّضَاءِ * يَا ذَا الْمَنِّ وَالْعَطَاءِ * يَا ذَا الْفَصْلِ

و وفاء * ای صاحب عفو و خشنودی * ای صاحب نعمت و احسان * ای صاحب فصل خصومت

وَالْقَضَاءِ * يَا ذَا الْعِزِّ وَالْبَقَاءِ * يَا ذَا الْجُودِ وَالسَّخَاءِ * يَا ذَا الْأَلَاءِ

و داوری * ای صاحب عزت و ابدیت * ای صاحب جود و سخاوت * ای صاحب انواع نعمت‌های

وَالنَّعْمَاءِ * ﴿٩﴾ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مَانِعٌ * يَا دَافِعٌ * يَا رَافِعٌ

ظاهر و باطن * (۹) خدایا از تو مسئلت می‌کنم به اسم مبارکت ای منع کننده * ای برطرف کننده * ای بلند کننده

* يَا صَانِعٌ * يَا نَافِعٌ * يَا سَامِعٌ * يَا جَامِعٌ * يَا شَافِعٌ * يَا وَاسِعٌ * يَا

* ای آفریننده * ای نفع رساننده * ای شنونده * ای جمع آورنده * ای شفاعت کننده * ای وسیع رحمت * ای

مُوسِعٌ * ﴿١٠﴾ يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ * يَا خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ * يَا رَازِقَ كُلِّ

وسعت بخش * (۱۰) ای آفریننده هر مصنوع * ای خلق کننده هر مخلوق * ای روزی دهنده

مَرْرُوقٍ * يَا مَالِكَ كُلِّ مَمْلُوكٍ * يَا كَاشِفَ كُلِّ مَكْرُوبٍ * يَا فَارِجَ كُلِّ

هر روزی خوار * ای مالک هر ملک و دارائی * ای برطرف کننده هر رنج و سختی * ای زایل کننده

مَهْمُومٍ * يَا رَاحِمَ كُلِّ مَرْحُومٍ * يَا نَاصِرَ كُلِّ مَخْذُولٍ * يَا سَاتِرَ كُلِّ

هر غم و اندوه * ای ترحم کننده هر مرحوم * ای یاری کننده به هر بی‌کس * ای پرده‌پوش

مَعْيُوبٍ * يَا مَلْجَأَ كُلِّ مَطْرُودٍ * ﴿١١﴾ يَا عِدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي * يَا رَجَائِي

عیوب خلق * ای پناه گریختگان * (۱۱) ای ذخیره من در روز سختی * ای امید من

عِنْدَ مُصِیْبَتِي * يَا مُؤْنِسِي عِنْدَ وَحْشَتِي * يَا صَاحِبِي عِنْدَ غُرْبَتِي *

هنگام مصیبت * ای مؤنس من هنگام ترس و وحشت * ای رفیق من در حال غربت *

يَا وَلِيِّي عِنْدَ نِعْمَتِي * يَا غِيَاثِي عِنْدَ كُرْبَتِي * يَا دَلِيلِي عِنْدَ حَيْرَتِي * يَا

ای دوستدار و ولی من در حال نعمت * ای فریادرس من وقت سختی من * ای دلیل و رهبر من وقت حیرانی من * ای

غَنَائِي عِنْدَ افْتِقَارِي * يَا مَلْجَأِي عِنْدَ اضْطِرَارِي * يَا مُعِينِي عِنْدَ

دائمی من در روز نیازمندی * ای پناه من وقت اضطراب و پریشانی * ای یاور و دادرسی من هنگام

مَفْزَعِي * ﴿۱۲﴾ يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ * يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ * يَا سِتَّارَ الْعُيُوبِ

ترس و هراس * (۱۲) ای دانای همه عوالم غیب و اسرار نهان * ای بخشنده گناهان * ای پرده پوش عیبها

* يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ * يَا مَقْلَبَ الْقُلُوبِ * يَا طَيِّبَ الْقُلُوبِ * يَا

* ای برطرف کننده رنج و مشقتها * ای گرداننده دلها * ای طیب دلها * ای

مُنُورَ الْقُلُوبِ * يَا اَنْيَسَ الْقُلُوبِ * يَا مُفْرِجَ الْهَمُومِ * يَا مَنْفَسَ الْغُومِ

روشنی بخش دلها * ای انیس پاک دلها * ای برطرف کننده اندوهها * ای زایل کننده غمها

* ﴿۱۳﴾ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا جَلِيْلُ * يَا جَمِيْلُ * يَا وَكِيْلُ * يَا

* (۱۳) خدایا از تو درخواست می کنم به اسم مبارکت ای با جلال * ای با جمال * ای نگهدار خلق * ای کفیل امر

كَفِيْلُ * يَا دَلِيْلُ * يَا قَبِيْلُ * يَا مُدِيْلُ * يَا مُنِيْلُ * يَا مُقِيْلُ * يَا مُحِيْلُ

بندگان * ای دلیل و رهنما * ای توجه دارنده به عالم * ای غالب بر دولتها * ای عطابخش * ای درگذرنده از لغزشها * ای متصرف در عالم

* ﴿۱۴﴾ يَا دَلِيْلَ الْمُتَحِيْرِيْنَ * يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيْثِيْنَ * يَا صَرِيْحَ

* (۱۴) ای رهنمای متحیران * ای دادرسی دادخواهان * ای فریادرس

الْمُسْتَصْرَحِيْنَ * يَا جَارَ الْمُسْتَجِيْرِيْنَ * يَا اَمَانَ الْمُخَافِيْنَ * يَا عَوْنَ

فریادکنندگان * ای پناه بخش پناه جویندگان * ای امان قلب ترسندگان * ای یاور

الْمُؤْمِنِيْنَ * يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِيْنِ * يَا مَلْجَأَ الْعَاصِيْنَ * يَا غَافِرَ

اهل ایمان * ای ترحم کننده به حال مسکینان * ای ملجاء و پناه اهل عصبان * ای آمرزنده

الْمُذْنِبِيْنَ * يَا مُجِيْبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّيْنَ * ﴿۱۵﴾ يَا ذَا الْجُوْدِ وَالْاِحْسَانِ

گناهکاران * ای اجابت کننده دعای مضطربین و پریشان حالان * (۱۵) ای صاحب جود و احسان

* يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْاِمْتِنَانِ * يَا ذَا الْاَمْنِ وَالْاَمَانِ * يَا ذَا الْقُدْسِ

* ای دارای فضل و کرم و نعمت به بندگان * ای بخشنده امنیت و امان * ای خداوند پاک و

وَالسُّبْحَانَ * يَا ذَا الْحِكْمَةِ وَالْبَيَانَ * يَا ذَا الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانَ * يَا

منزه از نقصان * ای دارای حکمت و علم به همه خلقتان * ای دارای لطف و رحمت بی پایان * ای

ذَا الْحُجَّةِ وَالْبُرْهَانَ * يَا ذَا الْعُظْمَةِ وَالسُّلْطَانَ * يَا ذَا الرَّافَةِ

صاحب دلیل و برهان * ای صاحب عظمت و سلطنت بر عالمیان * ای دارای رأفت

وَالْمُسْتَعَانَ * يَا ذَا الْعَفْوِ وَالْغُفْرَانَ * ۱۶ * يَا مَنْ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ *

و یاورى بندگان * ای صاحب عفو و آمرزش معصیت کاران * (۱۶) ای آنکه پروردگار تمام موجوداتی *

يَا مَنْ هُوَ اللَّهُ كُلِّ شَيْءٍ * يَا مَنْ هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ * يَا مَنْ هُوَ صَانِعُ كُلِّ

ای آنکه خدای همه مخلوقاتى * ای آنکه آفریننده کلیه ممکناتی * ای آنکه سازنده کل

شَيْءٍ * يَا مَنْ هُوَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ * يَا مَنْ هُوَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ * يَا مَنْ هُوَ فَوْقَ

اشیائی * ای آنکه پیش از همه موجوداتی * ای آنکه بعد از تمام موجوداتی * ای آنکه بالای

كُلِّ شَيْءٍ * يَا مَنْ هُوَ عَالِمٌ بِكُلِّ شَيْءٍ * يَا مَنْ هُوَ قَادِرٌ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ *

همه موجوداتی * ای آنکه دانای به تمام اشیائی * ای آنکه توانای بر همه اشیائی *

يَا مَنْ هُوَ يَبْقَىٰ وَيَفْنَىٰ كُلِّ شَيْءٍ * ۱۷ * اَللّٰهُمَّ اِنِّىۤ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا

ای آنکه تنها باقی اوست و همه چیز دیگر فانی است * (۱۷) خدایا از تو درخواست می‌کنم به اسم مبارکت ای خدای

مُؤْمِنٍ * يَا مَهِيْمٍ * يَا مُكُونٍ * يَا مُلْقِنٍ * يَا مَبِيْنٍ * يَا مَهَوْنٍ * يَا

ایمنی‌بخش * ای مقتدر بزرگ * ای آفریننده عالم * ای آموزنده خلق * ای روشن کننده امور * ای آسان کننده * ای

مُمْكِنٍ * يَا مَزِيْنٍ * يَا مَعْلِنٍ * يَا مَقْسِمٍ * ۱۸ * يَا مَنْ هُوَ فِي مَلِكِهِ مُقِيمٌ

قدرت‌بخشنده * ای زینت‌بخش * ای آشکار سازنده * ای قسمت کننده هر چیز * (۱۸) ای آنکه در شاهی و مملکت برقراری

* يَا مَنْ هُوَ فِي سُلْطَانِهِ قَدِيْمٌ * يَا مَنْ هُوَ فِي جَلَالِهِ عَظِيْمٌ * يَا مَنْ هُوَ

* ای آنکه سلطنتت قدیم و ابدی است * ای آنکه در جلال و جبروت، بزرگی * ای آنکه

عَلَىٰ عِبَادِهِ رَحِيْمٌ * يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ * يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ

بر بندگان مهربانی * ای آنکه بر همه چیز دانایی * ای آنکه بر معصیت کاران حلیم و بردباری (نه غضبناک

حَلِيْمٌ * يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيْمٌ * يَا مَنْ هُوَ فِي صُنْعِهِ حَكِيْمٌ * يَا مَنْ

و زودخشم) * ای آنکه بر امیدواران به لطف، کریم و بخشنده‌ای * ای آنکه در آفرینش با علم و حکمتی * ای آنکه

هُوَ فِي حِكْمَتِهِ لَطِيْفٌ * يَا مَنْ هُوَ فِي لُطْفِهِ قَدِيْمٌ * ۱۹ * يَا مَنْ لَا يُرْجَىٰ

در عین حکمتت با لطف و عنایتی * ای آنکه لطف و رحمتت ازلی است * (۱۹) ای آنکه به جز فضل و رحمتت

الْأَفْضَلُ * يَا مَنْ لَا يُسْئَلُ إِلَّا عَفْوُهُ * يَا مَنْ لَا يُنْظَرُ إِلَّا بَرُّهُ * يَا مَنْ

امیدواری نیست * ای آنکه به جز عفو و بخشش جای درخواستی نیست * ای آنکه جز به احسان تو چشم امیدی نیست * ای آنکه جز عدل

لَا يُخَافُ إِلَّا عَدْلَهُ * يَا مَنْ لَا يَدُومُ إِلَّا مَلَكُهُ * يَا مَنْ لَا سُلْطَانَ إِلَّا

تو جای ترسی نیست (یعنی اگر به عدل رفتار کنی همه از اعمالشان ترسند) * ای آنکه جز پادشاهی تو هیچ حکومتی پاینده نیست * ای آنکه هیچ سلطنتی

سُلْطَانُهُ * يَا مَنْ وَسِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ * يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ وَ

جز پادشاهی تو نیست * ای آنکه رحمت و اسعادت، همه اشیاء را فرا گرفته است * ای آنکه رحمت بر غضبت سبقت

غَضَبُهُ * يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ * يَا مَنْ لَيْسَ أَحَدٌ مِثْلَهُ *

گرفته است * ای آنکه علمت به همه چیز احاطه دارد * ای خدائی که هیچکس مانند تو نیست *

﴿۲۰﴾ يَا فَارِجَ لَهْمَ * يَا كَاشِفَ الْغَمِّ * يَا غَافِرَ الذَّنْبِ * يَا قَابِلَ التَّوْبِ

(۲۰) ای شادکن دل‌های اندوهناک * ای نشاطبخش خاطر غمناک * ای آمرزنده گناه خلق * ای پذیرنده توبه بندگان

* يَا خَالِقَ الْخَلْقِ * يَا صَادِقَ الْوَعْدِ * يَا مُوفِيَ الْعَهْدِ * يَا عَالِمَ السِّرِّ

* ای آفریننده خلق * ای راست وعده * ای وفاکننده به عهد * ای دانای سر عالم

* يَا فَالِقَ الْحَبِّ * يَا رَازِقَ الْأَنَامِ * ﴿۲۱﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا

* ای رویاننده روزی * ای روزی دهنده خلق * (۲۱) خدایا از تو درخواست می‌کنم به اسم مبارکت ای خدای

عَلِيٍّ * يَا وَفِيٍّ * يَا غَنِيٍّ * يَا مَلِيٍّ * يَا حَفِيٍّ * يَا رَضِيٍّ * يَا زَكِيٍّ * يَا بَدِيٍّ

بلند مرتبه * ای وفاکننده * ای بی‌نیاز از عالم * ای دارای مطلق * ای مهربان به خلق * ای دلپسند خوشنودی بخش * ای خدای پاک * ای پدید آورنده

* يَا قَوِيٍّ * يَا وَليٍّ * ﴿۲۲﴾ يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلِ * يَا مَنْ سَتَرَ الْقَبِيحِ * يَا

* ای توانای مطلق * ای دوست‌دار عالم * (۲۲) ای آنکه حسن و جمال‌ها را آشکار می‌سازی * ای آنکه قبیح و زشتی‌ها را پنهان می‌سازی * ای

مَنْ لَمْ يُوَاخِذْ بِالْجُرَيْرَةِ * يَا مَنْ لَمْ يَهْتِكِ السِّرَّ * يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ * يَا

آنکه بندگان را به گناه نمی‌گیری (و سخت مواخذه نمی‌کنی) * ای آنکه پرده کس نمی‌دری * ای بزرگ بخشش * ای

حَسَنَ التَّجَاوُزِ * يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ * يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ * يَا

نیکوگذشت * ای بی‌حد و وسیع آمرزش * ای دو دست (فضل و احسان) گشوده بر رحمت * ای

صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى * يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى * ﴿۲۳﴾ يَا ذَا النِّعْمَةِ السَّابِغَةِ

آگاه از هر راز نهن * ای مرجع هر شکوه و حاجت خلق * (۲۳) ای نعمت‌بخش بی‌حد و حساب

* يَا ذَا الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ * يَا ذَا الْمِنَّةِ السَّابِقَةِ * يَا ذَا الْحِكْمَةِ الْبَالِغَةِ

* ای دارای رحمت وسیع بی‌پایان * ای صاحب احسان پیش (از وجود و پیش از سؤال خلق) * ای دارای حکمت بی‌انتها

يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْكَامِلَةِ * يَا ذَا الْحُجَّةِ الْقَاطِعَةِ * يَا ذَا الْكِرَامَةِ الظَّاهِرَةِ

* ای دارای قدرت کامله * ای دارای حجت و برهان روشن * ای صاحب کرامت آشکار

يَا ذَا الْعِزَّةِ الدَّائِمَةِ * يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينَةِ * يَا ذَا الْعِظْمَةِ الْمُنِيعَةِ

* ای دارای عزت ابدی * ای دارای قوت استوار * ای دارای بزرگی و عظمت *

۲۴ يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ * يَا جَاعِلَ الظُّلُمَاتِ * يَا رَاحِمَ الْعِبْرَاتِ

(۲۴) ای آفریننده آسمان‌ها * ای قراردهنده ظلمات * ای ترحم کننده به چشم گریان

يَا مُقِيلَ الْعَثْرَاتِ * يَا سَاتِرَ الْعَوْرَاتِ * يَا مُحْيِيَ الْأَمْوَاتِ * يَا مُنْزِلَ

* ای پذیرنده توبه خطاکاران * ای پوشاننده عیوب و زشتی‌ها * ای زنده کننده مردگان * ای نازل کننده

الْآيَاتِ * يَا مُضَعِفَ الْحَسَنَاتِ * يَا مَاحِيَ السَّيِّئَاتِ * يَا شَدِيدَ

آیات * ای افزون کننده حسنات * ای محوکننده سیئات * ای سخت انتقام کننده

النَّقِمَاتِ * ۲۵ اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُصَوِّرُ * يَا مُقَدِّرُ * يَا

(از ستمگران) * (۲۵) خدایا از تو درخواست می‌کنم به نام مبارکت ای صورت آفرین * ای تقدیرکننده امورعالم * ای مدیر

مُدَبِّرُ * يَا مُطَهِّرُ * يَا مُنَوِّرُ * يَا مُمِيسِرُ * يَا مُبَشِّرُ * يَا مُنْذِرُ * يَا مُقَدِّمُ

نظام آفرینش * ای پاک کننده * ای روشن کننده * ای آسان کننده مشکلات خلق * ای بشارت دهنده * ای ترساننده * ای مقدم کن پیش افتادگان

يَا مُؤَخِّرُ * ۲۶ يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ * يَا رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرَامِ * يَا رَبَّ

* ای مؤخرکن پس ماندگان * (۲۶) ای خدای خانه مسجدالحرام * ای پروردگار ماه با احترام * ای رب بلد

الْبَلَدِ الْحَرَامِ * يَا رَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ * يَا رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ * يَا رَبَّ

و شهر محرم (مکه) معظم * ای خدای رکن و مقام (بیت الله) * ای خدای مشعرالحرام * ای خدای

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ * يَا رَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ * يَا رَبَّ النُّورِ وَالظَّلَامِ * يَا

مسجد الحرام * ای خدای فرمان حلال و حرام * ای آفریننده روشنی و تاریکی * ای

رَبَّ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ * يَا رَبَّ الْقُدْرَةِ فِي الْأَنَامِ * ۲۷ يَا أَحْكَمَ

خداوند تحیت و درود * ای آفریننده قدرت در خلق * (۲۷) ای حاکم‌ترین

الْحَاكِمِينَ * يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ * يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ * يَا أَطْهَرَ

حکم فرمایان * ای عادل‌ترین داوران * ای صادق‌ترین صادقان * ای پاک و

الطَّاهِرِينَ * يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ * يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ * يَا أَسْمَعَ

منزه‌ترین پاکان * ای بهترین آفرینندگان * ای سریع‌ترین محاسبان * ای بهترین

السَّامِعِينَ * يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ * يَا اشْفَعِ الشَّافِعِينَ * يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِينَ

شنوندگان * ای بهترین بینایان * ای بهترین شفیعان * ای کریم‌ترین کریمان عالم

۲۸ * يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ * يَا سِنْدَ مَنْ لَا سِنْدَ لَهُ * يَا ذُخْرَ مَنْ

(۲۸) * ای اعتماد بیچارگان * ای نگهدار افتادگان * ای ذخیره

لَا ذُخْرَ لَهُ * يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ * يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ * يَا

بینوایان * ای نگهبان درماندگان * ای پناه بی‌پناهان * ای افتخار

فَخْرَ مَنْ لَا فَخْرَ لَهُ * يَا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ * يَا مُعِينَ مَنْ لَا مُعِينَ لَهُ *

آنکه افتخارش تنها به تو است * ای عزت بخش آنکه تنها از تو عزت می‌طلبد * ای یاور بی‌یاوران *

يَا اَنْيْسَ مَنْ لَا اَنْيْسَ لَهُ * يَا اَمَانَ مَنْ لَا اَمَانَ لَهُ * ۲۹ * اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

ای انیس بی‌مونسان * ای امان بخش بی‌پناهان * (۲۹) * خدایا از تو درخواست

اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَاصِمُ * يَا قَائِمُ * يَا دَائِمُ * يَا رَاحِمُ * يَا سَالِمُ

می‌کنم به نام مبارکت ای نگهدار گناه * ای نگهبان عالم * ای هستی دائم * ای مهربان به خلق * ای ذات بی‌نقص و عیب

* يَا حَاكِمُ * يَا عَالِمُ * يَا قَاسِمُ * يَا قَابِضُ * يَا بَاسِطُ * ۳۰ * يَا

* ای داور * ای دانا * ای قسمت بخشنده * ای گیرنده * ای دهنده بی‌عطا * (۳۰) ای

عَاصِمَ مَنْ اسْتَعَصَمَهُ * يَا رَاحِمَ مَنْ اسْتَرْحَمَهُ * يَا غَافِرَ مَنْ

عصمت بخش هرکه از تو عصمت طلبد * ای ترحم کننده به هرکه طالب رحمت باشد * ای بخشنده

اسْتَغْفَرَهُ * يَا نَاصِرَ مَنْ اسْتَنْصَرَهُ * يَا حَافِظَ مَنْ اسْتَحْفَظَهُ * يَا

هر که از تو آموزش طلبد * ای یاری کننده هر که از تو یاری طلبد * ای نگهدارنده هر که از تو محافظت طلبد * ای

مُكْرَمَ مَنْ اسْتَكْرَمَهُ * يَا مُرْشِدَ مَنْ اسْتَرْشَدَهُ * يَا صَرِيحَ مَنْ

کرم کننده به هر که از تو کرم خواهد * ای رهنمای هر که از تو هدایت خواهد * ای فریادرس هر که تو

اسْتَصْرَحَهُ * يَا مُعِينَ مَنْ اسْتَعَانَهُ * يَا مُغِيثَ مَنْ اسْتَعَاثَهُ *

را به فریاد خواهی طلبد * ای معین هر که از تو نصرت طلبد * ای پناه هر که از تو پناه طلبد *

۳۱ * يَا عَزِيْزًا لَا يُضَامُ * يَا لَطِيْفًا لَا يُرَامُ * يَا قَيُّوْمًا لَا يَنَامُ * يَا دَائِمًا

(۳۱) ای عزیز که ذلیل کسی نخواهد بود * ای لطیفی که حقیقتش را نتوان یافت * ای پاینده و نگهدار عالم که هرگز خواب نگیرد * ای هستی ابدی

لَا يَفُوْتُ * يَا حَيًّا لَا يَمُوْتُ * يَا مَلِكًا لَا يَزُوْلُ * يَا بَاقِيًا لَا يَفْنَى *

که نیست نشود * ای زنده ابدی که هرگز نمیرد * ای پادشاهی که شاهیش انتها ندارد * ای باقی همیشگی که هرگز فنا نگردد *

يَا عَالِمًا لَا يَجْهَلُ * يَا صَمَدًا لَا يُطْعَمُ * يَا قَوِيًّا لَا يَضْعَفُ ﴿٣٢﴾ اَللّٰهُمَّ

ای دانائی که به هیچ امر جاهل نباشد * ای بی‌نیازی که به طعام محتاج نخواهد بود * ای قوی و توانا که هرگز ناتوان نشود * (۳۲) خدایا

اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اَحَدٌ * يَا وَاحِدٌ * يَا شَاهِدٌ * يَا مَاجِدٌ * يَا

از تو درخواست می‌کنم به نام مبارکت ای یکتا * ای یگانه * ای شاهد عالم * ای بامجد و کرم * ای ستایش‌کننده

حَامِدٌ * يَا رَاشِدٌ * يَا بَاعِثٌ * يَا وَارِثٌ * يَا ضَارٌّ * يَا نَافِعٌ ﴿٣٣﴾

(ذات خود) * ای رهنمای خلق * ای برانگیزننده (مردگان) * ای وارث (عالمیان) * ای زبان رساننده زبان کاران * ای سودبخشنده به خلقان * (۳۳) ای

اَعْظَمُ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ * يَا اَكْرَمُ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ * يَا اَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ * يَا

باعظمت‌ترین بزرگان * ای کریم‌تر از هر کریم * ای مهربان‌تر از هر مهربان * ای

اَعْلَمُ مِنْ كُلِّ عَلِيمٍ * يَا اَحْكَمُ مِنْ كُلِّ حَكِيمٍ * يَا اَقْدَمُ مِنْ كُلِّ قَدِيمٍ *

داناتر از هر دانا * ای حکیم‌تر از هر حکیم * ای قدیم‌تر از هر قدیم *

يَا اَكْبَرُ مِنْ كُلِّ كَبِيرٍ * يَا اَلطَّفُ مِنْ كُلِّ لَطِيفٍ * يَا اَجَلُّ مِنْ كُلِّ جَلِيلٍ

ای بزرگ‌تر از هر بزرگ * ای بالطف‌تر از هر لطیف * ای باجلال‌تر از هر-ذی جلال

* يَا اَعَزُّ مِنْ كُلِّ عَزِيزٍ ﴿٣٤﴾ يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ * يَا عَظِيمَ الْمَنِّ * يَا كَثِيْرَ

* ای عزیزتر از هر باعزت * (۳۴) ای درگذشت‌کننده به بزرگواری * ای نعمت‌بخش بزرگ * ای عطاکننده

اَلْخَيْرِ * يَا قَدِيْمَ الْفَضْلِ * يَا دَائِمَ اللَّطْفِ * يَا لَطِيْفَ الصَّنْعِ * يَا

خیر بسیار * ای فضل و احسانت، ازلی * ای لطف و کرمت همیشگی * ای صنعت در کمال دقت * ای

مُنْفَسِ الْكَرْبِ * يَا كَاشِفَ الضَّرِّ * يَا مَالِكَ الْمَلِكِ * يَا قَاضِيَ الْحَقِّ

برطرف‌کننده اندوه و مصائب * ای رفع‌کننده درد و رنج و آلام * ای مالک ملک وجود * ای حاکم به حق و حقیقت

* ﴿٣٥﴾ يَا مَنْ هُوَ فِي عَهْدِهِ وَفِي * يَا مَنْ هُوَ فِي وَفَائِهِ قَوِيٌّ * يَا مَنْ هُوَ فِي

* (۳۵) ای آنکه در عهد، وفاداری * ای آنکه در وفاداری، توانائی * ای آنکه در توانائی

قُوَّتِهِ عَلِيٌّ * يَا مَنْ هُوَ فِي عُلُوِّهِ قَرِيْبٌ * يَا مَنْ هُوَ فِي قُرْبِهِ لَطِيْفٌ

بلندمرتبه‌ای * ای آنکه در عین علو مرتبه، به همه نزدیکی * ای آنکه در عین قرب و نزدیکی، از همه پنهانی

* يَا مَنْ هُوَ فِي لُطْفِهِ شَرِيْفٌ * يَا مَنْ هُوَ فِي شَرَفِهِ عَزِيْزٌ * يَا مَنْ هُوَ فِي

* ای آنکه در عین لطف، با شرافتی * ای آنکه در عین شرافت، با عزت و اقتداری * ای آنکه در عین

عِزِّهِ عَظِيْمٌ * يَا مَنْ هُوَ فِي عَظْمَتِهِ مَجِيْدٌ * يَا مَنْ هُوَ فِي مَجْدِهِ حَمِيْدٌ

اقتدار، باعظمتی * ای آنکه در عین عظمت، بزرگواری * ای آنکه در عین بزرگواری، ستوده صفاتی

۳۶ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا كَافِي * يَا شَافِي * يَا وَافِي * يَا مُعَافِي

* (۳۶) خدایا از تو درخواست می‌کنم به نام مبارکت ای کفایت کننده * ای شفابخشنده * ای وفاکننده * ای سلامت‌بخش

یا هَادِي * يَا دَاعِي * يَا قَاضِي * يَا رَاضِي * يَا عَالِي * يَا بَاقِي

* ای رهنمای خلق * ای دعوت کننده (به بهشت) * ای حاکم بر جهانیان * ای خشنود (از مطیعان) * ای بلندمرتبه * ای وجود باقی * (۳۷)

يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَهُ * يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَاشِعٌ لَهُ * يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ

ای آنکه در پیشگاه عظمت همه خاضعند * ای آنکه همه برای تو خاشع و موجودند * ای آنکه همه اشیاء برای

كَائِنٌ لَهُ * يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مَوْجُودٌ بِهِ * يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مُنِيبٌ إِلَيْهِ * يَا

تو موجودند * ای آنکه همه اشیاء به تو موجودند * ای آنکه همه به سویت (به توبه و انابه) بازمی‌گردند * ای

مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَائِفٌ مِنْهُ * يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ * يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ

آنکه همه اشیاء از تو ترسان و هراسانند * ای آنکه همه اشیاء به تو استوارند * ای آنکه همه موجودات بازگشتان

صَائِرٌ إِلَيْهِ * يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ * يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا

به سوی تست * ای آنکه تسبیح همه اشیاء ستایش تست * ای آنکه جز ذات و تجلی ذات همه چیز باطل

وَجْهَهُ * يَا مَنْ لَا مَفْرَأَ إِلَّا إِلَيْهِ * يَا مَنْ لَا مَفْزَعَ إِلَّا إِلَيْهِ * يَا مَنْ لَا

و نابود است * (۳۸) ای آنکه جز درگاهت مفرّ و گریزگاهی نیست * ای آنکه غیر لطف (دل‌های زار نالان را) پناهی نیست * ای آنکه به جز

مَقْصَدَ إِلَّا إِلَيْهِ * يَا مَنْ لَا مَنجَا مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ * يَا مَنْ لَا يَرْغَبُ إِلَّا إِلَيْهِ

تو مقصد و مقصودی نیست * ای آنکه نجاتی (از قهرت) جز درگاه رحمت نیست * ای آنکه بندگان را شوق و رغبتی جز به سوی تو نیست

يَا مَنْ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِهِ * يَا مَنْ لَا يَسْتَعَانُ إِلَّا بِهِ * يَا مَنْ لَا

* ای آنکه کسی را قوت و توانائی جز به تو نیست * ای آنکه کسی یاری جز از تو نمی‌طلبد * ای آنکه کسی

يُتَوَكَّلُ إِلَّا عَلَيْهِ * يَا مَنْ لَا يَرْجَى إِلَّا هُوَ * يَا مَنْ لَا يَعْبُدُ إِلَّا هُوَ

توکل و اعتماد جز به تو نمی‌کند * ای آنکه کسی جز به تو امید ندارد * ای آنکه کسی جز تو (به حق) پرستش نمی‌شود * (۳۹)

يَا خَيْرَ الْمَرْهُوبِينَ * يَا خَيْرَ الْمَرْغُوبِينَ * يَا خَيْرَ الْمَطْلُوبِينَ * يَا خَيْرَ

ای بهترین کسی که خلق از او می‌ترسند * ای بهترین کسی که خلق به او شوق و رغبت کنند * ای بهترین (کمال) مطلوب * ای بهترین کسی

الْمَسْئُولِينَ * يَا خَيْرَ الْمَقْصُودِينَ * يَا خَيْرَ الْمَذْكُورِينَ * يَا خَيْرَ

که بر او عرض حاجت کنند * ای بهترین مقصود خلق * ای بهترین کسی که از او یاد کنند * ای بهترین کسی که

الْمَشْكُورِينَ * يَا خَيْرَ الْمَحْبُوبِينَ * يَا خَيْرَ الْمَدْعُوبِينَ * يَا خَيْرَ

شکر و ستایش او گویند * ای بهترین محبوب عالم * ای بهترین کسی که به درگاهش دعا کنند * ای بهترین

الْمُسْتَانِسِينَ ﴿٤٠﴾ اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا غَافِرُ ﴿٤٠﴾ يَا سَاتِرُ

کسی که با او انس گیرند * (۴۰) خدایا از تو درخواست می‌کنم به نام مبارکت ای بخشنده گناه * ای پوشندهٔ عیوب *

يَا قَادِرُ ﴿٤٠﴾ يَا قَاهِرُ ﴿٤٠﴾ يَا فَاطِرُ ﴿٤٠﴾ يَا كَاسِرُ ﴿٤٠﴾ يَا جَابِرُ ﴿٤٠﴾ يَا ذَاكِرُ ﴿٤٠﴾ يَا نَاظِرُ

ای توانای مطلق * ای قاهر غالب * ای آفرینندهٔ خلق * ای شکننده * ای جبران کننده * ای یاد کننده * ای نظردارنده

﴿٤١﴾ يَا مَنْ خَلَقَ فَسْوَى ﴿٤١﴾ يَا مَنْ قَدَّرَ فَهَدَى ﴿٤١﴾ يَا مَنْ

* ای یاری کننده * (۴۱) ای آنکه خلق کردی و بیماراستی * ای آنکه هرکس را سرنوشتی مقدر و به سویی هدایت کردی * ای آنکه

يَكْشِفُ الْبَلْوَى ﴿٤١﴾ يَا مَنْ يَسْمَعُ النَّجْوَى ﴿٤١﴾ يَا مَنْ يَنْقِذُ الْغَرْقَى ﴿٤١﴾ يَا مَنْ

هر بلیه و سختی را رفع می‌کند * ای آنکه راز خلق را می‌شنوی * ای آنکه غرق شدگان را (از گرداب) می‌رهانی * ای آنکه خلق را

يُنْجِي الْهَلْكَى ﴿٤١﴾ يَا مَنْ يَشْفِي الْمَرْضَى ﴿٤١﴾ يَا مَنْ اَضْحَكَ وَابْكى ﴿٤١﴾ يَا

از هلاک نجات می‌دهی * ای آنکه بیماران را شفا می‌بخشی * ای آنکه بندگان را شاد و خندان و غمگین و گریان می‌سازی * ای

مَنْ اَمَاتَ وَ اَحْيَى ﴿٤٢﴾ يَا مَنْ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْاُنْثَى ﴿٤٢﴾ يَا مَنْ

آنکه خلق را می‌میراند و باز زنده می‌گردانی * ای آنکه هر چیز را جفت نر و ماده خلق کردی * (۴۲) ای آنکه

فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ سَبِيْلَهُ ﴿٤٢﴾ يَا مَنْ فِي الْاَفَاقِ اٰيَاتُهُ ﴿٤٢﴾ يَا مَنْ فِي الْاٰيَاتِ

در صحرا و دریا، راه به سوی توست * ای آنکه در آفاق، آیات و ادله هستی توست * ای آنکه در آیات و عجائب عالم،

بُرْهَانَهُ ﴿٤٢﴾ يَا مَنْ فِي الْمَمَاتِ قَدْرَتُهُ ﴿٤٢﴾ يَا مَنْ فِي الْقُبُوْرِ عِبْرَتُهُ ﴿٤٢﴾ يَا مَنْ

دلیل وجود اوست * ای آنکه در مرگ و فناى خلقان، برهان قدرت اوست * ای آنکه در قبرهای مردگان، عبرت از کار اوست * ای آنکه در

فِي الْقِيَامَةِ مُلْكُهُ ﴿٤٢﴾ يَا مَنْ فِي الْحِسَابِ هَيْبَتُهُ ﴿٤٢﴾ يَا مَنْ فِي الْمِيزَانِ

عالم قیامت، ملک و سلطنت اوست * ای آنکه در حساب خلق، هیبت و سطوت اوست * ای آنکه در میزان اعمال،

قَضَائِهِ ﴿٤٣﴾ يَا مَنْ فِي الْجَنَّةِ ثَوَابُهُ ﴿٤٣﴾ يَا مَنْ فِي النَّارِ عِقَابُهُ ﴿٤٣﴾ يَا مَنْ

حکم عدل اوست * ای آنکه در بهشت ابد، پاداش اوست * ای آنکه در آتش دوزخ، عقاب و مجازات اوست * (۴۳) ای آنکه

اِلَيْهِ يَهْرَبُ الْمُخَافُونَ ﴿٤٣﴾ يَا مَنْ اِلَيْهِ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ ﴿٤٣﴾ يَا مَنْ اِلَيْهِ

دل‌های ترسان سوی او می‌گریزند * ای آنکه گنه‌کاران به درگاه او فزع و زاری می‌کنند * ای آنکه پشیمانان

يَقْصِدُ الْمُنِيبُونَ ﴿٤٣﴾ يَا مَنْ اِلَيْهِ يَرْغَبُ الزَّاهِدُونَ ﴿٤٣﴾ يَا مَنْ اِلَيْهِ يَلْجَأُ

از گناه رو به سوی او آورند * ای آنکه اهل زهد و ورع به او مشتاقند * ای آنکه متحیران عالم

الْمُتَحَيِّرُونَ ﴿٤٣﴾ يَا مَنْ بِهِ يَسْتَأْنِسُ الْمُرِيدُونَ ﴿٤٣﴾ يَا مَنْ بِهِ يَفْتَخِرُونَ

به او پناه می‌برند * ای آنکه مشتاقان به او انس می‌گیرند * ای آنکه دوستان خدا

الْمُحِبُّونَ * يَا مَنْ فِي عَفْوِهِ يَطْمَعُ الْخَاطِئُونَ * يَا مَنْ إِلَيْهِ يَسْكُنُ

به او فخر می‌کنند * ای آنکه خطاکاران به عفو و بخشش او چشم طمع دارند * ای آنکه اهل یقین به او

الْمُوقِنُونَ * يَا مَنْ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ * ﴿٤٤﴾ اَللّٰهُمَّ اِنِيْ اَسْئَلُكَ

آرام دل یابند * ای آنکه اهل توکل به او توکل می‌کنند * (۴۴) خدایا از تو درخواست می‌کنم به نام مبارکت

بِاسْمِكَ يَا حَبِيبُ * يَا طَيِّبُ * يَا قَرِيبُ * يَا رَقِيبُ * يَا حَسِيبُ *

ای حبیب (خاصان) * ای طیب (دردمندان) * ای نزدیک به همهٔ خلقان * ای مراقب و حافظ بندگان * ای پاک نژاد *

يَا مُهَيَّبُ * يَا مُثِيبُ * يَا مُجِيبُ * يَا خَيْرُ * يَا بَصِيرُ * ﴿٤٥﴾ يَا اقْرَبَ

ای باهیت * ای پاداش دهنده * ای اجابت کننده * ای آگاه از هر چیز * ای بینای همهٔ امور * (۴۵) ای نزدیک‌تر

مِنْ كُلِّ قَرِيبٍ * يَا اَحَبَّ مِنْ كُلِّ حَبِيبٍ * يَا اَبْصَرَ مِنْ كُلِّ بَصِيرٍ * يَا

از هر نزدیک * ای دوستدارتر از هر دوست * ای بیناتر از هر بینا * ای

اَخْبَرَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ * يَا اَشْرَفَ مِنْ كُلِّ شَرِيفٍ * يَا اَرْفَعَ مِنْ كُلِّ رَفِيعٍ

آگاه‌تر از هر آگاه * ای بزرگوارتر از هر باشرافت * ای بلند مرتبه‌تر از هر بلندمقام

* يَا اقْوَى مِنْ كُلِّ قَوِيٍّ * يَا اغْنَى مِنْ كُلِّ غَنِيٍّ * يَا اجْوَدَ مِنْ كُلِّ جَوَادٍ *

* ای تواناتر از هر توانا * ای داراتر از هر دارا * ای باکرم‌تر از هر کریم *

يَا اَرَّافَ مِنْ كُلِّ رَعُوْفٍ * ﴿٤٦﴾ يَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوْبٍ * يَا صَانِعًا غَيْرَ

ای مهربان‌تر از هر مهربان * (۴۶) ای قاهر و غالبی که هرگز مغلوب نشود * ای آفریننده‌ای که او

مَصْنُوْعٌ * يَا خَالِقًا غَيْرَ مَخْلُوْقٍ * يَا مَالِكًا غَيْرَ مَمْلُوْكٍ * يَا قَاهِرًا

را کس نیافریده * ای خالقی که او مخلوق کسی نیست * ای مالک عالم که نه مملوک است * ای غالب و قاهری

غَيْرَ مَقْهُورٍ * يَا رَافِعًا غَيْرَ مَرْفُوْعٍ * يَا حَافِظًا غَيْرَ مَحْفُوْظٍ * يَا

که هرگز مقهور نشود * ای بلندمرتبه که برتر از او نیست * ای نگهبان عالم که خود محتاج نگهبان نیست * ای یاور خلق

نَاصِرًا غَيْرَ مَنصُورٍ * يَا شَاهِدًا غَيْرَ غَائِبٍ * يَا قَرِيبًا غَيْرَ بَعِيدٍ *

که خود به یاری نیازمند نیست * ای پیدائی که هرگز پنهان نیست * ای نزدیکی که از هیچ کس دور نیست *

﴿٤٧﴾ يَا نُورَ النُّورِ * يَا مُنَوَّرَ النُّورِ * يَا خَالِقَ النُّورِ * يَا مُدَبِّرَ النُّورِ * يَا

(۴۷) ای نور روشنی‌ها * ای روشنی‌بخش نورها * ای آفرینندهٔ نور * ای نظام‌بخشدهٔ نور * ای

مُقَدِّرَ النُّورِ * يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ * يَا نُورًا قَبْلَ كُلِّ نُورٍ * يَا نُورًا بَعْدَ كُلِّ نُورٍ

اندازه‌بخشدهٔ نورها * ای روشنی هر نور * ای نور پیش از وجود هر نور * ای نور بعد از هر نور

یا نُورًا فَوْقَ كُلِّ نُورٍ * یا نُورًا لَيْسَ كَمِثْلِهِ نُورٌ * ﴿۴۸﴾ یا مَنْ عَطَاكَ وَ

* ای نور فوق هر نور * ای نوری که به مانند او نوری نیست * (۴۸) ای آنکه عطای او

شَرِيفٌ * یا مَنْ فَعَلَهُ وَ لَطِيفٌ * یا مَنْ لَطْفُهُ وَ مَقِيْمٌ * یا مَنْ اِحْسَانُهُ وَ

باشرافت است * ای آنکه فعل او بالطف و محبت است * ای آنکه لطفش پایدار است * ای آنکه احسانش قدیم

قَدِيْمٌ * یا مَنْ قَوْلُهُ وَ حَقٌّ * یا مَنْ وَعْدُهُ وَ صِدْقٌ * یا مَنْ عَفْوُهُ وَ فَضْلٌ

و ازلی است * ای آنکه کلامش حق است * ای آنکه وعده‌اش صدق است * ای آنکه بخششش و عفویش با تفضل و کرم است

یا مَنْ عَذَابُهُ وَ عَدْلٌ * یا مَنْ ذِكْرُهُ وَ حَلْوٌ * یا مَنْ فَضْلُهُ وَ عَمِيْمٌ * ﴿۴۹﴾

* ای آنکه عذابش از روی عدل است * ای آنکه یاد او شیرین است * ای آنکه فضل و رحمتش عام است * (۴۹)

اللَّهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ یا مُسَهِّلٌ * یا مُفْصِلٌ * یا مُبَدِّلٌ * یا مُذَلِّلٌ

خدایا از تو درخواست می‌کنم به نام مبارکت ای آسان‌کننده کارها * ای جداسازنده امور عالم * ای تبدیل‌کننده (بدی به نیکی) * ای رام‌کننده (سرکشان)

یا مُنْزِلٌ * یا مُنَوِّلٌ * یا مُفْضِلٌ * یا مُجْزِلٌ * یا مُمَهِّلٌ * یا مُجْمِلٌ

* ای نازل‌کننده (رحمت) * ای عطابخش * ای بافضل و کرم * ای بخشنده نعمت بزرگ * ای مهلت‌دهنده (بدان برای توبه) * ای نیکوئی‌کننده (با خلق) *

﴿۵۰﴾ یا مَنْ یَرِیْ وَ لَا یُرِیْ * یا مَنْ یَخْلُقُ وَ لَا یُخْلَقُ * یا مَنْ یَهْدِیْ وَ لَا

(۵۰) ای آنکه می‌بیند و دیده نمی‌شود * ای آنکه همه را می‌آفریند و خود آفریده نباشد * ای آنکه رهنمای عالم است و نیاز به

یَهْدِیْ * یا مَنْ یُحِیْ وَ لَا یُحِیْ * یا مَنْ یَسْئَلُ وَ لَا یَسْئَلُ * یا مَنْ یُطْعَمُ

رهنما ندارد * ای آنکه همه را حیات دهد و کس او را حیات ندهد * ای آنکه از همه سؤال کند و کس از او سؤال نتواند کرد * ای آنکه همه را روزی دهد و خود

وَ لَا یُطْعَمُ * یا مَنْ یُجِیْرُ وَ لَا یُجَارُ عَلَیْهِ * یا مَنْ یَقْضِیْ وَ لَا یُقْضِیْ

از طعام بی‌نیاز است * ای آنکه همه به او پناه برند و او به کس پناه نبرد * ای آنکه بر همه داور است و کسی بر او

عَلَیْهِ * یا مَنْ یُحْکَمُ وَ لَا یُحْکَمُ عَلَیْهِ * یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ

داور نیست * ای آنکه بر همه حکمفرماست و کسی بر او حکمفرما نیست * ای آنکه نه او را فرزندی است و نه خود فرزند کسی است

یَکُنْ لَهُ وَ کَفُوًّا أَحَدٌ * ﴿۵۱﴾ یا نِعَمَ الْمُحْسِبِ * یا نِعَمَ الطَّیِّبِ * یا نِعَمَ

و نه هیچ‌کس مثل و مانند او نیست * (۵۱) ای محاسب نیکو * ای طیب نیکو * ای نگهبان

الرَّقِیْبِ * یا نِعَمَ الْقَرِیْبِ * یا نِعَمَ الْمُجِیْبِ * یا نِعَمَ الْحَبِیْبِ * یا

نیکو * ای نزدیک نیکو * ای اجابت‌کننده نیکو * ای حیب (و محبوب) نیکو * ای

نِعَمَ الْكَفِیْلِ * یا نِعَمَ الْوَكِیْلِ * یا نِعَمَ الْمَوْلَى * یا نِعَمَ النَّصِیْرِ * ﴿۵۲﴾

کفایت‌کننده نیکو * ای وکیل نیکو * ای صاحب اختیار نیکو * ای یاور نیکو * (۵۲)

يَا سُرُورَ الْعَارِفِينَ * يَا مَنَى الْمُحِبِّينَ * يَا أُنَيْسَ الْمُرِيدِينَ * يَا حَبِيبَ

ای مایه نشاط عارفان * ای آرزوی دل محبان * ای مونس مشتاقان * ای دوستدار

التَّوَابِينَ * يَا رَازِقَ الْمُقْلِينَ * يَا رَجَاءَ الْمُذْنِبِينَ * يَا قَرَّةَ عَيْنٍ

توبه کنندگان * ای روزی دهنده فقیران * ای مایه امید گنهکاران * ای نور چشم (و سرور قلب)

الْعَابِدِينَ * يَا مُنْفَسَ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ * يَا مُفْرَجَ عَنِ الْمَغْمُومِينَ * يَا

عبادت کنندگان * ای شاد کن پریشان خاطران * ای نشاط بخش غمناکان * ای

إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * ﴿٥٣﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا رَبَّنَا * يَا

خدای اولین و آخرین خلقان * (۵۳) خدایا از تو درخواست می‌کنم به نام مبارکت ای پروردگار ما * ای

الْهَنَا * يَا سَيِّدَنَا * يَا مَوْلَانَا * يَا نَاصِرَنَا * يَا حَافِظَنَا * يَا دَلِيلَنَا *

معبود ما * ای سید ما * ای مولای ما * ای یاور ما * ای نگهدار ما * ای دلیل و رهنمای ما *

يَا مُعِينَنَا * يَا حَبِيبَنَا * يَا طَبِيبَنَا * ﴿٥٤﴾ يَا رَبَّ النَّبِيِّينَ وَالْأَبْرَارِ *

ای یار و معین ما * ای حبیب و محبوب ما * ای طبیب هر درد ما * (۵۴) ای پروردگار پیغمبران و خوبان *

يَا رَبَّ الصِّدِّيقِينَ وَالْأَخْيَارِ * يَا رَبَّ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ * يَا رَبَّ الصَّغَارِ

ای پروردگار راستگویان و نیکوکاران * ای پروردگار دوزخ و بهشت رضوان * ای پروردگار کودکان

وَالْكِبَارِ * يَا رَبَّ الْحُبُوبِ وَالثَّمَارِ * يَا رَبَّ الْأَنْهَارِ وَالْأَشْجَارِ * يَا

و بزرگان * ای پروردگار حبوبات و میوه درختان * ای پروردگار رودخانه‌ها و درخت‌ها * ای

رَبَّ الصَّحَارَى وَالْقِفَارِ * يَا رَبَّ الْبَرَارَى وَالْبُحَارِ * يَا رَبَّ اللَّيْلِ

پروردگار صحرا و بیابان * ای پروردگار بر و بحر (خشکی و دریا) * ای پروردگار شب

وَالنَّهَارِ * يَا رَبَّ الْأَعْلَانِ وَالْأَسْرَارِ * ﴿٥٥﴾ يَا مَنْ نَفَذَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَمْرَهُ و

روز * ای پروردگار موجودات پیدا و پنهان * (۵۵) ای آنکه امرش در هر چیز نافذ است

* يَا مَنْ لِحَقِّ كُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ و * يَا مَنْ بَلَغَتْ إِلَى كُلِّ شَيْءٍ قُدْرَتُهُ و *

* ای آنکه علمش به هر چیز محیط است * ای آنکه قدرتش به هر چیز رسا است *

يَا مَنْ لَا تُحْصِي الْعِبَادُ نِعْمَهُ و * يَا مَنْ لَا تَبْلُغُ الْخَلَائِقُ شُكْرَهُ و * يَا مَنْ

ای آنکه نعمتش را بندگان حساب نتوانند * ای آنکه خلائق از عهده شکرش برنیابند * ای آنکه

لَا تُدْرِكُ الْأَفْهَامُ جَلَالَهُ و * يَا مَنْ لَا تَنَالُ الْأَوْهَامُ كُنْهَهُ و * يَا مَنْ الْعَظْمَةُ

جلالش را عقول و افهام، درک نکنند * ای آنکه اندیشه و افکار، به کنه ذاتش پی نبرد * ای آنکه لباس عظمت

وَ الْكِبْرِيَاءِ رِدَائِهِ * يَا مَنْ لَا تَرُدُّ الْعِبَادَ قَضَائِهِ * يَا مَنْ لَا مَلِكَ إِلَّا

و بزرگی مخصوص اوست * ای آنکه بندگان از حکم قضایش سرپیچی نتوانند * ای آنکه جز ملک و پادشاهی او، شاه

مَلِكُهُ * يَا مَنْ لَا عَطَاءَ إِلَّا عَطَائِهِ * ﴿٥٦﴾ يَا مَنْ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى * يَا

و ملکی نیست * ای آنکه جز عطا و بخشش او عطائی نیست * (۵۶) ای آنکه عالیترین مثال، مخصوص اوست * ای

مَنْ لَهُ الصِّفَاتُ الْعُلْيَا * يَا مَنْ لَهُ الْأَخْرَةُ وَالْأُولَى * يَا مَنْ لَهُ الْجَنَّةُ

آنکه عالیترین صفات مخصوص اوست * ای آنکه انجام و آغاز آفرینش از اوست * ای آنکه بهشت جایگاه ابدی

الْمَاوَى * يَا مَنْ لَهُ الْآيَاتُ الْكُبْرَى * يَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى *

از اوست * ای آنکه او را ادله و آیات بزرگ (در عالم) موجود است * ای آنکه نیکوترین نامها مخصوص اوست *

يَا مَنْ لَهُ الْحُكْمُ وَالْقَضَاءُ * يَا مَنْ لَهُ الْهَوَاءُ وَالْفَضَاءُ * يَا مَنْ لَهُ

ای آنکه حکم و فرمان مختص اوست * ای آنکه هوا و فضای بی‌نهایت عالم برای اوست * ای آنکه

الْعَرْشُ وَالشَّرَى * يَا مَنْ لَهُ السَّمَوَاتُ الْعُلَى * ﴿٥٧﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

عرش و زمین ملک اوست * ای آنکه آسمان‌های بلند ملک اوست * (۵۷) خدایا از تو درخواست می‌کنم

بِاسْمِكَ يَا عَفُوٌّ * يَا غَفُورٌ * يَا صَبُورٌ * يَا شَكُورٌ * يَا رَعُوفٌ * يَا

به نام مبارکت ای بخشنده * ای آمرزنده * ای صبور، بردبار * ای پذیرنده شکر بندگان * ای با رأفت * ای

عَطُوفٌ * يَا مَسْئُولٌ * يَا وَدُودٌ * يَا سُبُوحٌ * يَا قُدُّوسٌ * ﴿٥٨﴾ يَا مَنْ فِي

با عاطفت * ای مطلوب و مقصود عالم * ای مهربان * ای پاک * ای منزّه * (۵۸) ای آنکه در آسمان‌ها

السَّمَاءِ عَظَمَتُهُ * يَا مَنْ فِي الْأَرْضِ آيَاتُهُ * يَا مَنْ فِي كُلِّ شَيْءٍ دَلَائِلُهُ *

آثار عظمتش پدیدار است * ای آنکه در زمین آیات و نشانهای قدرتش نمودار است * ای آنکه در هر چیز ادله و برهان‌های وجود اوست

يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ * يَا مَنْ فِي الْجِبَالِ خَزَائِنُهُ * يَا مَنْ يَبْدَأُ

* ای آنکه عجایب صنع او به دریاها است * ای آنکه گنج‌های او در کوه‌ها است * ای آنکه در اول، خلق را

الْمُخْلَقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ * يَا مَنْ إِلَيْهِ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ * يَا مَنْ أَظْهَرَ فِي

بیافریند و باز برمی‌گرداند * ای آنکه بازگشت امور عالم همه به اوست * ای آنکه لطفش را

كُلِّ شَيْءٍ لُطْفَهُ * يَا مَنْ أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ خَلْقَهُ * يَا مَنْ تَصَرَّفَ

در هر چیز آشکار گردانید * ای آنکه هر چیز را در کمال نیکویی آفرید * ای آنکه قدرتش در

فِي الْخَلَائِقِ قَدْرَتَهُ * ﴿٥٩﴾ يَا حَبِيبَ مَنْ لَا حَبِيبَ لَهُ * يَا طَيِّبَ مَنْ

همه عالم خلقت متصرف است * (۵۹) ای دوست کسی که در عالم (جز تو) دوستی ندارد * ای طیب کسی که

لَا طَبِيبَ لَهُ وَ * يَا مُجِيبَ مَنْ لَا مُجِيبَ لَهُ وَ * يَا شَفِيقَ مَنْ لَا شَفِيقَ

در عالم طبیعی ندارد * ای پذیرنده کسی که هیچ کسش نپذیرد * ای دوستدار کسی که دوست مشفق

لَهُ وَ * يَا رَفِيقَ مَنْ لَا رَفِيقَ لَهُ وَ * يَا مُعِثَ مَنْ لَا مُعِثَ لَهُ وَ * يَا دَلِيلَ

ندارد * ای رفیق کسی که (جز تو) رفیقی ندارد * ای پناه‌بخش کسی که پناهی ندارد * ای رهنمای

مَنْ لَا دَلِيلَ لَهُ وَ * يَا اَنْبِيسَ مَنْ لَا اَنْبِيسَ لَهُ وَ * يَا رَاحِمَ مَنْ لَا رَاحِمَ لَهُ وَ

کسی که رهنمائی ندارد * ای انبیس آنکه انبسی ندارد * ای ترحم کننده بر کسی که هیچ کس به او رحم نکند

* يَا صَاحِبَ مَنْ لَا صَاحِبَ لَهُ وَ * ﴿٦٠﴾ يَا كَافِيَ مَنْ اسْتَكْفَاهُ * يَا

* ای یار و یاور آنکه (جز تو) یار و یاور ندارد * (۶۰) ای کفایت کننده امور کسی که از تو کفایت طلبد * ای

هَادِيَ مَنْ اسْتَهْدَاهُ * يَا كَالِيَّ مَنْ اسْتَكَلَاهُ * يَا رَاعِيَ مَنْ اسْتَرَعَاهُ *

هدایت کننده کسی که از تو هدایت طلبد * ای نگهبان آنکه از تو نگهبانی خواهد * ای مراعات کننده آنکه از تو رعایت جوید

يَا شَافِيَ مَنْ اسْتَشْفَاهُ * يَا قَاضِيَ مَنْ اسْتَقْضَاهُ * يَا مُغْنِيَ مَنْ اسْتَغْنَاهُ

ای شفا بخشنده آنکه از تو شفا خواهد * ای حاکم عدل آنکه تو را به حکمیت طلبد * ای بی‌نیاز کننده هر که از تو غنا و بی‌نیازی خواهد

* يَا مُؤْنِيَ مَنْ اسْتَوْفَاهُ * يَا مُقْوِيَ مَنْ اسْتَقْوَاهُ * يَا وَليَّ مَنْ اسْتَوْلَاهُ *

* ای وفا کننده با کسی که از تو وفاداری خواهد * ای قدرت‌بخش هر که از تو قدرت طلبد * ای دوست کسی که ترا به دوستی و یابوری طلبد

* ﴿٦١﴾ اَللّٰهُمَّ اِنِىْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا خَالِقُ * يَا رَازِقُ * يَا نَاطِقُ * يَا

(۶۱) خدایا از تو درخواست می‌کنم به نام مبارکت ای آفریننده * ای روزی دهنده * ای گویا * ای

صَادِقُ * يَا فَالِقُ * يَا فَارِقُ * يَا فَاتِقُ * يَا رَاتِقُ * يَا سَابِقُ * يَا سَامِقُ

صادق * ای شکافنده هر چیز * ای جداکننده اشیاء * ای گشاینده بسته‌ها * ای بسته‌کن گشوده‌ها * ای سابق بر همه موجودات * ای برتر از همه اشیاء

* ﴿٦٢﴾ يَا مَنْ يُقَلِّبُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ * يَا مَنْ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَ الْاَنْوَارَ

* (۶۲) ای آنکه شب و روز را می‌گرداند * ای آنکه تاریکی و روشنی ما را مقرر داشته‌ای

* يَا مَنْ خَلَقَ الظِّلَّ وَ الْحَرَّ وَ الْبُرُوقَ * يَا مَنْ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ * يَا مَنْ

* ای آنکه سایه و گرمای آفتاب را قرار داده‌ای * ای آنکه آفتاب و ماه را مسخر کرده‌ای * ای آنکه

قَدَّرَ الْخَيْرَ وَ الشَّرَّ * يَا مَنْ خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ * يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ

خیر و شر را مقدر فرموده‌ای * ای آنکه مرگ و زندگانی را آفریده‌ای * ای آنکه آفریدن و حکمفرمائی در جهان آفرینش

وَ الْاَمْرُ * يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وِلْدًا * يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ شَرِيكٌ

مختص اوست * ای آنکه هم جفت و فرزندی اتخاذ ننموده‌ای * ای آنکه شریکی در ملک

فِي الْمَلِكِ * يَا مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ * ﴿٦٣﴾ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَرَادَ

وجود ندارد * ای آنکه قدرت نامنتهایش از یاری غیر، بی‌نیاز است * (۶۳) ای آنکه از مقصود مشتاقان

الْمُرِيدِينَ * يَا مَنْ يَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ * يَا مَنْ يَسْمَعُ أَيْنَ الْوَاهِنِينَ

آگاهی * ای آنکه از ضمیر خاموشان باخبری * ای آنکه ناله خسته دلان را می‌شنوی

* يَا مَنْ يَرَى بُكَاءَ الْخَائِفِينَ * يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ * يَا

* ای آنکه گریه ترسندگان را مشاهده می‌کند * ای آنکه سائل و فقیران را، حاجت روا می‌سازد * ای

مَنْ يَقْبَلُ عُذْرَ التَّائِبِينَ * يَا مَنْ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ * يَا مَنْ لَا

آنکه عذر اهل توبه را می‌پذیری * ای آنکه اعمال مفسدان عالم را اصلاح نمی‌کند * ای آنکه

يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ * يَا مَنْ لَا يَبْعُدُ عَنْ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ * يَا أَجُودَ

اجر نیکوکاران را ضایع نمی‌گردانی * ای آنکه دور از قلب عارفان نخواهی بود (بلکه آنجا منزل داری) * ای با جود و

الْأَجُودِينَ * ﴿٦٤﴾ يَا دَائِمَ الْبَقَاءِ * يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ * يَا وَاسِعَ الْعَطَاءِ

بخشش‌ترین عالم * (۶۴) ای باقی ابدی * ای شنونده دعای خلق * ای وسیع بخشش

* يَا غَافِرَ الْخَطَا * يَا بَدِيعَ السَّمَاءِ * يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ * يَا جَمِيلَ الثَّنَاءِ

* ای آمرزنده گناهان * ای پدیدآورنده آسمان * ای نیکو آزمایش * ای زیبا ستایش

* يَا قَدِيمَ السَّنَاءِ * يَا كَثِيرَ الْوَفَاءِ * يَا شَرِيفَ الْجَزَاءِ * ﴿٦٥﴾ اَللّٰهُمَّ اِنِي

* ای قدیم مجد و سناء * ای بسیار باوفا * ای پاداشت باشرافت * (۶۵) خدایا از تو

اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا سَتَّارَ * يَا غَفَّارَ * يَا قَهَّارَ * يَا جَبَّارَ * يَا صَبَّارَ

درخواست می‌کنم به نام مبارکت ای پرده‌پوش * ای آمرزنده * ای باقهر و سطوت * ای جبران کننده * ای باصبر و بردبار

* يَا بَارَّ * يَا مُخْتَارَ * يَا فَتَّاحَ * يَا نَفَّاحَ * يَا مَرْتَّاحَ * ﴿٦٦﴾ يَا مَنْ خَلَقَنِي

* ای نکوکار * ای مختار خلق * ای گشاینده * ای عطابخشده * ای وسعت دهنده (۶۶) ای آنکه مرا آفریدی

وَسَوَّأَنِي * يَا مَنْ رَزَقَنِي وَرَبَّأَنِي * يَا مَنْ أَطْعَمَنِي وَسَقَّأَنِي * يَا مَنْ

و زیبا آراستی * ای آنکه مرا روزی دادی و تربیت کردی * ای آنکه مرا آب و طعام عطا کردی * ای آنکه مرا به قرب

قَرَّبَنِي وَادَّنَانِي * يَا مَنْ عَصَمَنِي وَكَفَّأَنِي * يَا مَنْ حَفَظَنِي وَكَلَّأَنِي * يَا

خود آورده و از نزدیکان قرار دادی * ای آنکه مرا از گنه محفوظ داشتی و کفایت امرم نمودی * ای آنکه مرا محافظت کردی و اعتماد بخشیدی * ای آنکه مرا

مَنْ أَعَزَّنِي وَآغْنَانِي * يَا مَنْ وَفَّقَنِي وَهَدَّأَنِي * يَا مَنْ ءَانَسَنِي وَءَاوَأَنِي

گرامی داشتی و بی‌نیاز گردانیدی * ای آنکه مرا توفیق دادی و هدایت فرمودی * ای آنکه مرا به خود انس و نزد خویش مأوی دادی *

يَا مَنْ أَمَاتَنِي وَأَحْيَانِي * ۶۷ * يَا مَنْ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ * يَا مَنْ

ای آنکه مرا میرانیدی و باز زنده گرداندی * (۶۷) ای آنکه حق و حقیقت را به کلمات وحی ثابت کردی * ای آنکه

يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ * يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ * يَا مَنْ لَا تَنْفَعُ

توبهٔ بندگان را پذیرفتی * ای آنکه میان شخص و قلبش حائل شدی * ای آنکه شفاعت هیچ کس

الْشَّفَاعَةَ إِلَّا بِإِذْنِهِ * يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ * يَا مَنْ لَا

الآبَاجِزَاتِ سَوْدَ نَدَارٍ * ای آنکه از همه داناتری به کسی که از راهت گمراه است * ای آنکه فرامانت را

مُعَقَّبَ حُكْمِهِ * يَا مَنْ لَا رَادَّ لِقَضَائِهِ * يَا مَنْ انْقَادَ كُلِّ شَيْءٍ لِأَمْرِهِ * ۶۸ *

هیچ چیز تأخیر نیندازد * ای آنکه قضای تو را هیچ چیز نگرداند * ای آنکه حکمتت نافذ در همهٔ موجودات است *

يَا مَنْ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ * يَا مَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا

ای آنکه آسمان‌ها به دست قدرتت درهم پیچیده شود * ای آنکه بادها را برای بشارت

بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ * ۶۸ * يَا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ مِهَادًا * يَا مَنْ جَعَلَ الْجِبَالَ

رحمت پیش فرستادی * (۶۸) ای آنکه زمین را مهد آسایش قرار دادی * ای آنکه کوه‌ها را نگهبان زمین

أَوْتَادًا * يَا مَنْ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا * يَا مَنْ جَعَلَ الْقَمَرَ نُورًا * يَا

مقرر داشتی * ای آنکه خورشید را چراغ روشن عالم قرار دادی * ای آنکه ماه را (برای شب تار) روشنی بخشیدی * ای

مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ لِبَاسًا * يَا مَنْ جَعَلَ النَّهَارَ مَعَاشًا * يَا مَنْ جَعَلَ

آنکه شب را لباس و ستر عالم ساختی * ای آنکه روز را برای معاش خلق قرار دادی * ای آنکه خواب را مایهٔ ثبات

النَّوْمِ سُبَاتًا * يَا مَنْ جَعَلَ السَّمَاءَ بِنَاءً * يَا مَنْ جَعَلَ الْأَشْيَاءَ أَزْوَاجًا

و آرامش گردانیدی * ای آنکه عمارت آسمان را بنا نمودی * ای آنکه هر چیز را جفت آفریدی

* يَا مَنْ جَعَلَ النَّارَ مِرْصَادًا * ۶۹ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا

* ای آنکه آتش دوزخ را در کمین (کافران و ستمگران) داشتی * (۶۹) خدایا از تو درخواست می‌کنم به نام مبارکت ای

سَمِيعٌ * يَا شَفِيعٌ * يَا رَفِيعٌ * يَا مَنِيْعٌ * يَا سَرِيعٌ * يَا بَدِيعٌ * يَا كَبِيرٌ

شنوا * ای شفیع * ای بلند مرتبه * ای بلند مقام * ای زود اجابت کننده * ای پدیدآورندهٔ عالم * ای خدای بزرگ

* يَا قَدِيرٌ * يَا خَبِيرٌ (مُنِيرٌ) * يَا مُجِيرٌ * ۷۰ * يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ * يَا

* ای توانا * ای دانا * ای پناه‌بخش (بی‌پناهان) * (۷۰) ای زندهٔ ابدی، پیش از هرچه زنده است * ای

حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ * يَا حَيُّ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ حَيٌّ * يَا حَيُّ الَّذِي

زندهٔ پس از هرچه زنده است * ای زنده‌ای که هیچ زنده مثل و مانندت نیست * ای زنده‌ای که

لَا يُشَارِكُهُ وَحَيٌّ * يَا حَيُّ الَّذِي لَا يَحْتَاجُ إِلَى حَيٍّ * يَا حَيُّ الَّذِي يُمِيتُ

هیچ زنده شریک تو نیست * ای زنده‌ای که به هیچ زنده‌ای نیازمند نیستی (بلکه به ذات اقدسست همه محتاج اند) * ای زنده ابدی که هر

کُلِّ حَيٍّ * يَا حَيُّ الَّذِي يَرْزُقُ كُلَّ حَيٍّ * يَا حَيًّا لَمْ يَرِثِ الْحَيَاةَ مِنْ حَيٍّ

زنده را می‌میرانی * ای زنده‌ای که هر زنده را روزی می‌بخشی * ای زنده‌ای که از کسی زندگی را ارث نبردی (بلکه به ذات خود زنده بودی)

* يَا حَيُّ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى * يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمٌ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ

* ای زنده‌ای که مرده را زنده می‌کنی * ای زنده ابدی، ای پاینده و نگهبان عالم هرگزت سستی و خواب فرا نگیرد

* ﴿٧١﴾ يَا مَنْ لَهُ وَذِكْرٌ لَا يُنْسَى * يَا مَنْ لَهُ وَنُورٌ لَا يُطْفِئُ * يَا مَنْ لَهُ وَنِعْمٌ

* (۷۱) ای آنکه یاد او فراموش نخواهد شد * ای آنکه نور او خاموش نخواهد شد * ای آنکه نعمتش به حد

لَا تُعَدُّ * يَا مَنْ لَهُ وَمُلْكٌ لَا يَزُولُ * يَا مَنْ لَهُ وَثَنَاءٌ لَا يُحْصَى * يَا مَنْ لَهُ وَ

و شمار نباید * ای آنکه ملک و سلطنتش را زوال نخواهد بود * ای آنکه حمد و ثنایش به انتها نرسد * ای آنکه جلال و

جَلَالٌ لَا يُكْفَى * يَا مَنْ لَهُ وَكَمَالٌ لَا يَدْرِكُ * يَا مَنْ لَهُ وَقَضَاءٌ لَا يَرُدُّ

بزرگیش چگونگی ندارد * ای آنکه کمالش در ادراک ننگد * ای آنکه فرمان قضایش رد نخواهد گشت *

يَا مَنْ لَهُ وَصِفَاتٌ لَا تُبَدَّلُ * يَا مَنْ لَهُ وَنُعُوتٌ لَا تُغَيَّرُ * ﴿٧٢﴾ يَا رَبَّ

ای آنکه صفاتش تغییر و تبدیل نپذیرد * ای آنکه نعوتش متغیر نخواهد شد * (۷۲) ای پروردگار

الْعَالَمِينَ * يَا مَالِكَ يَوْمَ الدِّينِ * يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ * يَا ظَهَرَ اللَّاجِينَ

عالمیان * ای پادشاه روز جزا * ای منتهای مقصد طالبان * ای پشتیبان پناه آوردگان

* يَا مُدْرِكَ الْهَارِبِينَ * يَا مَنْ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ * يَا مَنْ يُحِبُّ التَّوَابِينَ

* ای دریابنده گریختگان * ای آنکه صابران را دوست داری * ای آنکه توبه کنندگان را دوست داری *

يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ * يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ * يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ

ای آنکه پاکیزگان را دوست می‌داری * ای آنکه نیکوکاران را دوست می‌داری * ای آنکه از همه کس به

بِالْمُهْتَدِينَ * ﴿٧٣﴾ اَللّٰهُمَّ اِنِيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا شَفِيقُ * يَا رَفِيقُ

هدایت یافتگان دانتری * (۷۳) خدایا از تو درخواست می‌کنم به نام مبارکت ای شفیق و مهربان * ای رفیق (باندگان) *

يَا حَفِيزُ * يَا مُحِيطُ * يَا مُقِيتُ * يَا مُغِثُ * يَا مُعِزُّ * يَا مُدِلُّ * يَا

ای نگهدار خلق * ای محیط به عالم * ای قوت‌بخشنده * ای فریادرس * ای عزیزکننده * ای ذلیل کننده * ای

مُبْدِئُ * يَا مُعِيدُ * ﴿٧٤﴾ يَا مَنْ هُوَ اَحَدٌ بِلَا ضِدٍّ * يَا مَنْ هُوَ فَرْدٌ بِلَا نَدٍّ

آغازکننده خلقت * ای بازگرداننده (قافله وجود) * (۷۴) ای آنکه یکتای بی‌همتاست * ای آنکه فرد بی‌مانند است

یا مَنْ هُوَ صَمَدٌ بِلَا عَیْبٍ * یا مَنْ هُوَ وَتَرٌ بِلَا کَیْفٍ * یا مَنْ هُوَ

* ای آنکه غنی ذات بی عیب است * ای آنکه یکتاست بدون کیفیت * ای آنکه حاکم

قاضی بلا حیف * یا مَنْ هُوَ رَبٌّ بِلَا وَزِیرٍ * یا مَنْ هُوَ عَزِیزٌ بِلَا ذُلٍّ * یا

است بدون هیچ ظلم و جور * ای آنکه سلطان و متصرف است در همه عالم بدون معین * ای آنکه عزیز ابدیست، هرگز ذلت نبیند * ای

مَنْ هُوَ غَنیٌ بِلَا فَقْرٍ * یا مَنْ هُوَ مَلِکٌ بِلَا عَزْلِ * یا مَنْ هُوَ مَوْصُوفٌ

آنکه بی نیاز ابدیست هرگز نیازمند نشود * ای آنکه پادشاه ابدی عالم است بی آنکه کسی معزولش تواند کرد * ای آنکه به هر وصف کمال بی شباهت

بِلَا شَبِیْهِ * ﴿۷۵﴾ یا مَنْ ذِکْرُهُ وَ شَرَفٌ لِّلذَّاكِرِینَ * یا مَنْ شُکْرُهُ وَ فَوْزٌ

به خلق موصوف است * (۷۵) ای کسی که به یاد او بودن شرافت یادکنندگان است * ای کسی که شکر و سپاسش سعادت و

لِلشَّاكِرِینَ * یا مَنْ حَمْدُهُ وَ عِزٌّ لِّلْحَامِدِینَ * یا مَنْ طَاعَتُهُ وَ نِجَاةٌ

فیروزی شکرگزاران است * ای کسی که ستایش و حمدش عزت ستایش کنندگان است * ای کسی که طاعتش نجات

لِلْمُطِیْعِینَ * یا مَنْ بَابُهُ وَ مَفْتُوحٌ لِّلطَّالِبِینَ * یا مَنْ سَبِیلُهُ وَ وَاضِحٌ

مطیعان است * ای کسی که درگاهش باز، به روی طالبان است * ای کسی که راهش برای بازگردندگان (از گناه)

لِلْمُنِیْبِینَ * یا مَنْ آیَاتُهُ وَ بَرَهَانٌ لِّلنَّاظِرِینَ * یا مَنْ کِتَابُهُ وَ تَذْکِرَةٌ

واضح و روشن است * ای کسی که آیات قدرتش برای اهل نظر بهترین برهان است * ای کسی که کتابش موجب تذکر و تنبیه

لِلْمُتَّقِینَ * یا مَنْ رِزْقُهُ وَ عُمُومٌ لِّلطَّائِعِینَ وَ الْعَاصِینَ * یا مَنْ رَحْمَتُهُ وَ

متقیان است * ای کسی که رزقش عموم اهل طاعت و معصیت را شامل است * ای کسی که رحمت (خاص)

قَرِیبٌ مِنَ الْمُحْسِنِینَ * ﴿۷۶﴾ یا مَنْ تَبَارَکَ اسْمُهُ * یا مَنْ تَعَالَى جَدُّهُ وَ

او به نیکوکاران نزدیک است * (۷۶) ای آنکه مبارک است نامش * ای آنکه بلند مرتبه است شأنش

* یا مَنْ لَا إِلَهَ غَیْرُهُ * یا مَنْ جَلَّ ثَنَائُهُ * یا مَنْ تَقَدَّسَتْ أَسْمَائُهُ *

* ای آنکه هیچ خدایی غیر از او نیست * ای آنکه ثنای او برتر از حد فکرت است * ای آنکه نامهایش همه پاکیزه است *

یا مَنْ یَدُومُ بَقَائُهُ * یا مَنْ الْعِظْمَةُ بِهَائِهِ * یا مَنْ الْکِبْرِیَاءُ رِذَائُهُ *

ای آنکه بقایش ابدی است * ای آنکه عظمت و بزرگی حسن و جمال اوست * ای آنکه تکبر و بزرگواری مخصوص اوست *

یا مَنْ لَا تُحْصِیْ آيَاتُهُ * یا مَنْ لَا تُعَدُّ نِعْمَاتُهُ * ﴿۷۷﴾ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ

ای آنکه نعمت‌های پنهان و باطنی او بی حساب است * ای آنکه نعمت‌های ظاهر و آشکار او بی شمار است * (۷۷) خدایا از تو درخواست می‌کنم

بِاسْمِکَ یا مُعِینُ * یا اَمِینُ * یا مُبِینُ * یا مَتِینُ * یا مَکِینُ * یا رَشِیدُ

به نام مبارکت ای یاری کننده * ای امان‌بخشنده * ای آشکارکننده (هرنیکوئی) * ای استوار * ای ثابت * ای با قوت

یا حمیدُ * یا مجیدُ * یا شدیدُ * یا شهیدُ ﴿۷۸﴾ یا ذا العرشِ المَجیدِ

* ای ستوده صفات * ای با مجد و عظمت * ای (با مهر و قهر) شدید * ای شاهد و گواه عالم * (۷۸) ای صاحب عرش با عظمت

یا ذا القولِ السدیدِ * یا ذا الفعلِ الرشیدِ * یا ذا البطشِ الشدیدِ

* ای صاحب قول و رأی محکم * ای صاحب فعل درست و مستحکم * ای صاحب انتقام سخت

یا ذا الوعدِ و الوعدِ * یا من هو الولیُّ الحَمیدُ * یا من هو فعالُ

* ای صاحب وعده‌های ثواب و عقاب * ای آنکه سلطان عالم و ستوده اوصافی * ای آنکه هر چه اراده کنی البته

لما یریدُ * یا من هو قریبٌ غیر بَعیدٍ * یا من هو علیٰ کلِّ شئیءٍ شهیدُ

انجام خواهی داد * ای آنکه نزدیکی و از خلق دور نیستی * ای آنکه بر هر چیز گواه و آگاهی

یا من هو لیسَ بظلامٍ للعبیدِ ﴿۷۹﴾ یا من لا شریکَ له و لا وزیرُ

* ای آنکه کم‌ترین ستم بر هیچ بنده نخواهی کرد * (۷۹) ای آنکه شریک و معاونی نداری *

یا من لا شبیهَ (شَبَه) له و لا نظیرُ * یا خالقَ الشمسِ و القمرِ المنیرِ

ای آنکه مثل و مانندی نداری * ای آنکه آفریننده مهر و ماه رخشانی

یا مُغنیَ البائسِ الفقیرِ * یا رازقَ الطفلِ الصَّغیرِ * یا راحمَ الشَّیخِ

* ای بی‌نیازکننده نیازمند پریشان حال * ای روزی دهنده کودکان * ای ترحم کننده

الکبیرِ * یا جابرَ العَظَمِ الکسیرِ * یا عَصَمَةَ الخائفِ المُستجیرِ

به پیران * ای جبران کننده شکسته استخوان * ای نگهدار هر که بترسد و به تو پناه آورد *

یا من هو بعباده خیرٌ بصیرٌ * یا من هو علیٰ کلِّ شئیءٍ قَدیرٌ ﴿۸۰﴾ یا

ای آنکه به احوال بندگان آگاه و بینائی * ای آنکه بر هر چیز قادر و توانائی * (۸۰) ای

ذا الجودِ و النعمِ * یا ذا الفضلِ و الکرمِ * یا خالقَ اللوحِ و القلمِ

صاحب جود و نعمت‌ها * ای صاحب فضل و کرامت‌ها * ای آفریننده لوح و قلم *

یا باریَ الذرِّ و النسمِ * یا ذا البأسِ و النقمِ * یا مُلهمَ العربِ و العجمِ

ای آفریننده گیاه و آدمیان * ای صاحب عذاب و انتقام * ای الهام کننده به عرب و عجم

یا کاشفَ الضرِّ و الالمِ * یا عالمَ السِّرِّ و الهممِ * یا رَبَّ البیتِ

* ای برطرف کننده هر رنج و الم * ای دانای اسرار نیات دل‌ها * ای پروردگار خانه کعبه

و الحَرَمِ * یا من خلقَ الأشياءَ مِنَ العدمِ ﴿۸۱﴾ اللَّهُمَّ انی اسئَلُکَ

و حرم * ای آنکه موجودات را از نیستی به هستی آوردی * (۸۱) خدایا از تو درخواست می‌کنم به نام مبارکت

بِاسْمِكَ يَا فَاعِلٌ * يَا جَاعِلٌ * يَا قَابِلٌ * يَا كَامِلٌ * يَا فَاصِلٌ * يَا وَاَصِلٌ

ای فاعل (هرکار خیرجهان) * ای مقررکننده امورعالم * ای پذیرنده (عذربنندگان) * ای موجود کامل * ای جداکننده (میان حق و باطل) * ای پیوند دهنده

* يَا عَادِلٌ * يَا غَالِبٌ * يَا طَالِبٌ * يَا وَاَهْبٌ * ﴿۸۲﴾ يَا مَنْ أَنْعَمَ بِطَوْلِهِ

* ای حاکم باعدل و داد * ای غالب و مسلط برعالمیان * ای خواستار (نیکان) * ای بخشنده بی عوض * (۸۲) ای کسی که انعامش صرف احسان است

* يَا مَنْ أَكْرَمَ بِجُودِهِ * يَا مَنْ جَادَ بِلَطْفِهِ * يَا مَنْ تَعَزَّزَ بِقُدْرَتِهِ * يَا

* ای کسی که احسانش صرف بخشش است * ای کسی که بخششش صرف لطف است * ای کسی که عز و اقتدارش به قدرت ازلی است * ای

مَنْ قَدَّرَ بِحِكْمَتِهِ * يَا مَنْ حَكَمَ بِتَدْبِيرِهِ * يَا مَنْ دَبَّرَ بِعِلْمِهِ * يَا

کسی که قدرتش از روی حکمت است * ای کسی که حکمش منظم نظام عالم است * ای کسی که نظام عالمش از علم ذاتی است * ای کسی که عفو

مَنْ تَجَاوَزَ بِحِلْمِهِ * يَا مَنْ دَنَى فِي عُلُوِّهِ * يَا مَنْ عَلَا فِي دُنُوِّهِ * ﴿۸۳﴾ يَا مَنْ

وگذشتش به حلم و بردباری است * ای کسی که نزدیک به همه است در عین بلند مرتبه * ای کسی که بلند مرتبه است در عین نزدیکی به همه * (۸۳) ای آنکه

يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ * يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ * يَا مَنْ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ * يَا مَنْ

هر چه بخواهد می آفریند * ای آنکه هر چه بخواهد می کند * ای آنکه هر که را بخواهد هدایت می کند * ای آنکه

يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ * يَا مَنْ يَعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ * يَا مَنْ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ * يَا

هر که را بخواهد گمراه می گرداند * ای آنکه هر که را بخواهد عذاب می کند * ای آنکه هر که را بخواهد می آمرزد * ای آنکه

مَنْ يُعِزُّ مَنْ يَشَاءُ * يَا مَنْ يَذِلُّ مَنْ يَشَاءُ * يَا مَنْ يُصَوِّرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا

هر که را بخواهد عزیز می گرداند * ای آنکه هر که را بخواهد ذلیل می سازد * ای آنکه در رحمها هر صورتی بخواهد

يَشَاءُ * يَا مَنْ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ * ﴿۸۴﴾ يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ

می نگارد * ای آنکه هر که را بخواهد به رحمت خود مخصوص می گرداند * (۸۴) ای کسی که هم جفت

صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا * يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا * يَا مَنْ لَا يُشْرِكُ فِي

و فرزند ایجاد نکرده است * ای کسی که برای هر چیز قدر و اندازه معین کرده است * ای کسی که احدی را در فرمانش

حُكْمِهِ أَحَدًا * يَا مَنْ جَعَلَ (مِنْ) الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا * يَا مَنْ جَعَلَ فِي

شریک نساخته است * ای کسی که فرشتگان را پیغام آوران خود گردانیده است * ای کسی که در آسمان

السَّمَاءِ بُرُوجًا * يَا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا * يَا مَنْ خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ

برجها قرار داده است * ای کسی که زمین را قرار و آرامگاه ساخته است * ای کسی که نوع بشر را از آب (نطفه)

بَشَرًا * يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمْدًا * يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا *

آفریده است * ای کسی که برای همه چیز مدتی مقرر داشته است * ای کسی که به هر چیز علمش احاطه نموده است *

يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا * ۸۵ * اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اَوَّلُ

ای کسی که شماره هر چیز را می‌داند * (۸۵) خدایا از تو درخواست می‌کنم به نام مبارکت ای اول

يَا اٰخِرُ * يَا ظَاهِرُ * يَا بَاطِنُ * يَا بَرُّ * يَا حَقُّ * يَا فَرْدُ * يَا وَتَرُ *

* ای آخر * ای پیدا * ای پنهان * ای نیکو * ای ثابت * ای یکتا * ای بی‌همتا *

يَا صَمَدُ * يَا سَرْمَدُ * ۸۶ * يَا خَيْرَ مَعْرُوفٍ عَرِفَ * يَا اَفْضَلَ مَعْبُودٍ

ای بی‌نیاز * ای موجود سردی * (۸۶) ای بهترین نیکوئی که می‌توان یافت * ای بهترین معبودی که پرستش

عَبْدُ * يَا اَجَلَ مَشْكُورٍ شَكَرَ * يَا اَعَزَّ مَذْكُورٍ ذَكَرَ * يَا اَعْلَى مَحْمُودٍ

توان کرد * ای بزرگ‌ترین کسی که شکر و سپاسش به‌جای آورند * ای باعزت‌ترین کسی که از او یاد کنند * ای بلندمرتبه‌ترین کسی که

حُمِدَ * يَا اَقْدَمَ مَوْجُودٍ طَلَبَ * يَا اَرْفَعَ مَوْصُوفٍ وُصِفَ * يَا اَكْبَرَ

ستایش او به‌جای آورند * ای پیش از هر موجودی که به طلب او برآیند * ای عالی‌ترین ذاتی که او را توصیف کنند * ای بزرگ‌ترین

مَقْصُودٍ قَصِدَ * ۸۷ * يَا اَكْرَمَ مَسْئُولٍ سِئِلَ * يَا اَشْرَفَ مَحْبُوبٍ عِلِمَ *

مقصودی که جویای او باشند * ای کم‌ترین کسی که از او حاجت خواهند * ای شریف‌ترین محبوبی که توان یافت * (۸۷)

يَا حَبِيبَ الْبَاكِيْنَ * يَا سَيِّدَ الْمُتَوَكِّلِيْنَ * يَا هَادِيَ الْمُضِلِّيْنَ * يَا وَلِيَّ

ای محبوب دیده‌های گریان * ای آقای توکل‌کنندگان * ای هدایت‌کننده گمراهان * ای یار و

الْمُؤْمِنِيْنَ * يَا اَنْبَسَ الذَّاكِرِيْنَ * يَا مَفْرَعَ الْمَلْهُوْفِيْنَ * يَا مُنْجِيَّ

دوستدار اهل ایمان * ای مونس دل‌هائی که به یاد تو اند * ای فریادرس ستم‌دیدگان * ای نجات‌بخش

الصَّادِقِيْنَ * يَا اَقْدَرَ الْقَادِرِيْنَ * يَا اَعْلَمَ الْعَالَمِيْنَ * يَا اِلَهَ الْخَلْقِ

صادقان * ای تواناترین مقتدران * ای داناترین دانایان * ای خدای تمام

اَجْمَعِيْنَ * ۸۸ * يَا مَنْ عَلَا فَقَهَرَ * يَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ * يَا مَنْ بَطَنَ

عالمیان * (۸۸) ای آنکه از بلندی مقام بر خلق غالبی * ای آنکه چون مالک الملکی قادر مطلق * ای آنکه چون باطن عالمی از

فَخْبَرَ * يَا مَنْ عَبَدَ فَشَكَرَ * يَا مَنْ عَصَى فَغَفَرَ * يَا مَنْ لَا تُحْوِبُهُ

همه چیزآگاهی * ای آنکه هرکس پرستش کند پاداش می‌دهی * ای آنکه هرکس عصیان کند او را می‌بخشی * ای آنکه فکر و اندیشه به تو

الْفِكْرُ * يَا مَنْ لَا يَدْرِكُهُ بَصَرٌ * يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ اَثْرٌ * يَا رَازِقَ

احاطه نتواند کرد * ای آنکه چشمی تو را درک نخواهد کرد * ای آنکه اثر هیچ موجودی از تو پنهان نیست * ای روزی دهنده

الْبَشَرِ * ۸۹ * اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَافِظَ

بشر * ای تقدیرکننده امور عالم * (۸۹) خدایا از تو درخواست می‌کنم به نام مبارکت ای نگهدارخلق

یا باریُّ یا ذاریُّ یا باذخُّ یا فارحُّ یا فاتحُّ یا کاشفُّ یا

* ای آفریننده خلق * ای پدیدآورنده خلق * ای بلند مقام * ای برطرف کننده غمها * ای گشاینده درها * ای رفع کننده رنجها * ای

ضامنُّ یا امرُّ یا ناهیُّ ﴿۹۰﴾ یا من لا یعلم الغیب الا هو یا من

ضامن بندگان * ای امرکننده به نیکیها * ای نهی کننده از بدیها * (۹۰) ای آنکه هیچ کس جز او دانای غیب نیست * ای آنکه

لا یصرف السوء الا هو یا من لا یخلق الخلق الا هو یا من لا یغفر

رنج و بلا را جز او برطرف نمی گرداند * ای آنکه خلق را جز او کسی نمی آفریند * ای آنکه گناه خلق را

الذنب الا هو یا من لا یتیم النعمة الا هو یا من لا یقلب القلوب

کسی جز او نمی بخشد * ای آنکه نعمت را جز او کسی تمام نمی کند * ای آنکه کسی جز او تصرف در

الا هو یا من لا یدبر الامر الا هو یا من لا ینزل الغیث الا هو یا

دلها نمی کند * ای آنکه جز او مدیر نظام عالم نمی باشد * ای آنکه جز او کسی باران فرو نمی بارد * ای

من لا یبسط الرزق الا هو یا من لا یحیی الموتی الا هو ﴿۹۱﴾ یا معین

آنکه جز او کسی رزق را وسیع نمی گرداند * ای آنکه جز او کسی مردگان را زنده نمی گرداند * (۹۱) ای یار

الضعفاء یا صاحب الغرباء یا ناصر الاولیاء یا قاهر الأعداء

ناتوانان * ای هم صحبت غریبان * ای یار و مددکار دوستان * ای قاهر و غالب بر دشمنان

یا رافع السماء یا انیس الاصفیاء یا حبیب الاتقیاء یا کثر

* ای رفعت دهنده آسمان * ای انیس دل پاکان و برگزیدگان * ای دوست متقیان * ای گنج

الفقرء یا اله الاغنیاء یا اكرم الكرماء ﴿۹۲﴾ یا کافیا من کل شیء

فقیران * ای خدای دولتمندان * ای کریم ترین کریمان * (۹۲) ای کفایت کننده از هر چیزی

یا قائما علی کل شیء یا من لا یشبهه و شیء یا من لا یزید فی ملکه

* ای نگهبان هر چیزی * ای بی مثل و مانند * ای آنکه در ملکش چیزی

شیء یا من لا یخفی علیه شیء یا من لا ینقص من خزائنه شیء

نمی افزاید * ای آنکه چیزی بر او پنهان نیست * ای آنکه چیزی از گنج هایش کاسته نمی شود *

یا من لیس کمثله شیء یا من لا یعزب عن علمه شیء یا من هو

ای آنکه هیچ چیز مثل و مانندش نیست * ای آنکه چیزی از محیط علمش بیرون نیست * ای آنکه

خبر بکل شیء یا من وسعت رحمته و کل شیء ﴿۹۳﴾ اللهم انی

به همه چیز آگاهی * ای آنکه رحمتت همه چیز را فرا گرفته * (۹۳) خدایا از تو

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُكْرَمٌ * يَا مُطْعَمٌ * يَا مُنْعَمٌ * يَا مُعْطَى * يَا مُغْنَى

درخواست می‌کنم به نام مبارکت ای اکرام کننده * ای طعام بخشنده * ای انعام دهنده * ای عطا بخشنده * ای بی‌نیاز کننده

يَا مُقْنَى * يَا مُغْنَى * يَا مُجَبِي * يَا مُرَضِي * يَا مُنْجِي * ﴿٩٤﴾ يَا أَوَّلَ كُلِّ

* ای سرمایه دهنده * ای فانی کننده * ای زنده کننده * ای خشنود سازنده * ای نجات دهنده * (۹۴) ای اول و

شَيْءٍ وَّ آخِرَهُ * يَا إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ وَّ مَلِيكَهُ * يَا رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَّ صَانِعَهُ *

آخر همه موجودات * ای خدای هر چیز و مالک آن * ای پروردگار هر چیز و سازنده آن

يَا بَارِئَ كُلِّ شَيْءٍ وَّ خَالِقَهُ * يَا قَابِضَ كُلِّ شَيْءٍ وَّ بَاسِطَهُ * يَا مُبْدِئَ

* ای پدیدآورنده هر چیز و آفریننده آن * ای قبض و بسط کننده همه موجودات (گیرنده و گستراننده) * ای نخست آفریننده

كُلِّ شَيْءٍ وَّ مُعَيِّدَهُ * يَا مُنْشِئَ كُلِّ شَيْءٍ وَّ مُقَدِّرَهُ * يَا مُكُونَ كُلِّ شَيْءٍ

هر چیز و بازگرداننده آن * ای ایجاد کننده هر چیز و مقدرات آن * ای وجود بخشنده هر چیز و

وَّ مُحَوِّلَهُ * يَا مُجَبِي كُلِّ شَيْءٍ وَّ مُمَيِّتَهُ * يَا خَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ وَّ وَارِثَهُ *

تغییر دهنده احوال آن * ای زنده کننده هر چیز و میراننده آن * ای خالق هر چیز و وارث هستی آن

﴿٩٥﴾ يَا خَيْرَ ذَاكِرٍ وَّ مَذْكُورٍ * يَا خَيْرَ شَاكِرٍ وَّ مَشْكُورٍ * يَا خَيْرَ حَامِدٍ

* (۹۵) ای بهترین یادکننده و یادآور شده * ای بهترین پاداش شکردهنده و سپاس کرده شده * ای بهترین ستایش آورنده

وَّ مُحَمَّدٍ * يَا خَيْرَ شَاهِدٍ وَّ مَشْهُودٍ * يَا خَيْرَ دَاعٍ وَّ مَدْعُودٍ * يَا خَيْرَ

و ستایش شده * ای بهترین شاهد عالم و مشهود خلق * ای بهترین دعوت کننده و دعوت شده به خیرات بندگان * ای بهترین

مُجِيبٍ وَّ مُجَابٍ * يَا خَيْرَ مُونِسٍ وَّ أُنِيسٍ * يَا خَيْرَ صَاحِبٍ

اجابت کننده دعا و پذیرنده آن * ای بهترین انیس و مونس خلقان * ای بهترین رفیق و

وَّ جَلِيسٍ * يَا خَيْرَ مُقْصُودٍ وَّ مُطْلُوبٍ * يَا خَيْرَ حَبِيبٍ وَّ مُحَبُّوبٍ * ﴿٩٦﴾

هم‌نشین بندگان * ای بهترین مقصود و مطلوب (عارفان) * ای بهترین حبیب و محبوب (خاصان) * (۹۶)

يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعَاهُ مُجِيبٌ * يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ أَطَاعَهُ حَبِيبٌ * يَا مَنْ

ای آنکه هر که به درگاهت دعا کند اجابت می‌کنی * ای آنکه هر کس اطاعتت کند او را دوست می‌داری * ای آنکه

هُوَ أَلِيٌّ مِّنْ أَحَبِّهِ * يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ اسْتَحْفَظَهُ رَقِيبٌ * يَا مَنْ

هر که را دوست داری به او نزدیک هستی * ای آنکه هر کس از تو محافظت طلبد او را حفظ و مراقبت می‌کنی * ای آنکه در حق کسی

هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ * يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ * يَا مَنْ هُوَ فِي عَظْمَتِهِ

که به تو امیدوار است کرم می‌فرمائی * ای آنکه درباره کسی که نافرمانیت کند حلم می‌کنی * ای آنکه در عین عظمت و بزرگی رثوف

رَحِيمٌ * يَا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ عَظِيمٌ * يَا مَنْ هُوَ فِي إِحْسَانِهِ قَدِيمٌ * يَا

و مهربانی * ای آنکه در انجام حکمت بزرگواری * ای آنکه لطف و احسانت قدیم است * ای

مَنْ هُوَ بِمَنْ أَرَادَهُ وَعَلِيمٌ * ﴿۹۷﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُسَبِّبٌ *

آنکه به هر کس اراده و اشتیاق تو دارد آگاهی * (۹۷) خدایا از تو درخواست می‌کنم به نام مبارکت ای سبب‌ساز *

يَا مُرْغَبٌ * يَا مُقَلَّبٌ * يَا مُعَقَّبٌ * يَا مُرْتَبٌ * يَا مُخَوْفٌ * يَا مُحْذِرٌ *

ای میل و رغبت‌بخش * ای پدیدآورنده انقلاب * ای به عقب آورنده * ای ترتیب دهنده امورعالم * ای ترساننده * ای بیم دهنده

يَا مُذَكِّرٌ * يَا مُسَخِّرٌ * يَا مُغَيِّرٌ * ﴿۹۸﴾ يَا مَنْ عَلِمَهُ وَسَابِقٌ * يَا

* ای به یاد آورنده * ای مسخر کننده * ای تغییر دهنده حالات عالمیان * (۹۸) ای آنکه علم او سابق بر ایجاد است * ای

مَنْ وَعَدَهُ وَصَادِقٌ * يَا مَنْ لَطْفُهُ وَظَاهِرٌ * يَا مَنْ أَمْرُهُ وَغَالِبٌ * يَا مَنْ

آنکه وعده او صادق است * ای آنکه لطف و مرحمتش آشکار است * ای آنکه حکمش بر جهانیان غالب است * ای آنکه

كِتَابُهُ وَمُحْكَمٌ * يَا مَنْ قَضَائِهِ وَكَائِنٌ * يَا مَنْ قُرْآنُهُ وَمَجِيدٌ * يَا مَنْ

کتاب تو محکم است * ای آنکه قضای تو وجودش حتم است * ای آنکه قرآن تو بزرگوار است * ای آنکه

مُلْكُهُ وَقَدِيمٌ * يَا مَنْ فَضْلُهُ وَعَمِيمٌ * يَا مَنْ عَرْشُهُ وَعَظِيمٌ * ﴿۹۹﴾ يَا مَنْ

ملکت قدیم است * ای آنکه فضل و احسانت شامل همه خلق است * ای آنکه عرش تو با عظمت است * (۹۹) ای آنکه

لَا يَشْغَلُهُ وَسَمِعَ عَنِ سَمِعٍ * يَا مَنْ لَا يَمْنَعُهُ وَفَعَلَ عَنِ فَعَلٍ * يَا مَنْ

شنیدن سخنی از سخن دیگر تو را مشغول نمی‌سازد * ای آنکه کاری از کار دیگر تو را منع نمی‌کند * ای آنکه

لَا يَلْهِيهِ قَوْلٌ عَنِ قَوْلٍ * يَا مَنْ لَا يَغْلُظُهُ وَسُؤَالٌ عَنِ سُؤَالٍ * يَا مَنْ

گفتاری از گفتار دیگر تو را غافل نمی‌سازد * ای آنکه سؤال بنده‌ای از سؤال بنده دیگر تو را به اشتباه و خطا نمی‌اندازد * ای آنکه

لَا يَجْجِبُهُ شَيْءٌ عَنِ شَيْءٍ * يَا مَنْ لَا يَبْرِمُهُ وَالْحَاحُ الْمَلْحِينِ * يَا مَنْ هُوَ

تو را چیزی مجاب چیز دیگر نمی‌شود * ای آنکه اصرار و الحاح بندگان تو را نمی‌رنجاند * ای کسی

غَايَةُ مُرَادِ الْمُرِيدِينَ * يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى هِمَمِ الْعَارِفِينَ * يَا مَنْ هُوَ

که منتهای آرزوی مشتاقانی * ای کسی که منتهای همت عارفانی * ای آنکه

مُنْتَهَى طَلَبِ الطَّالِبِينَ * يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ ذَرَّةٌ فِي الْعَالَمِينَ * ﴿۱۰۰﴾

منتهای درخواست طالبانی * ای آنکه ذره در جهانیان از تو پنهان نیست * (۱۰۰)

يَا حَلِيمًا لَا يَعْجَلُ * يَا جَوَادًا لَا يَبْخُلُ * يَا صَادِقًا لَا يُخْلَفُ * يَا

ای بردباری که تعجیل در عقوبت نمی‌کنی * ای جوادی که بخل در ذات تو نیست * ای صادقی که وعده هرگزت خلاف نمی‌شود * ای

وَهَابًا لَا يَمَلُّ * يَا قَاهِرًا لَا يُغْلَبُ * يَا عَظِيمًا لَا يُوصَفُ * يَا عَدَلًا

بخشنده که ابداً ملول نمی‌شود * ای قاهر و غالبی که هرگز مغلوب نمی‌شود * ای بزرگواری که به وصف در نمی‌آید * ای باعدالتی که

لَا يَحِيفُ * يَا غَنِيًّا لَا يَفْتَقِرُ * يَا كَبِيرًا لَا يَصْغُرُ * يَا حَافِظًا لَا يَغْفُلُ

هرگز جور نمی‌کند * ای بی‌نیازی که هرگز محتاج نمی‌شود * ای بزرگی که هرگز ذلت و کوچکی نداری * ای نگهبانی که ابداً غفلت نخواهی کرد

* سُبْحَانَكَ يَا لَإِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * أَلْغَوْتَ الْغَوْتَ

* پاک و منزهی ای خدائی که هیچ خدائی جز تو نیست * به فریادرس به فریادرس *

خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ

و ما را از آتش قهر و عذابت نجات ده پروردگار ما *

دعای جوشن صغیر: در کتب معتبره به شرحی مبسوط‌تر از شرح جوشن کبیر نقل شده و کفعمی در

حاشیه بلد الامین فرموده که: این دعائی است رفیع الشأن عظیم المنزلة و چون موسی هادی عباسی قصد

قتل حضرت کاظم (علیه السلام) نمود آن حضرت این دعا را خواند، جدش پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را در خواب دید که به او

فرمود: حق تعالی هلاک خواهد کرد دشمن تو را و این دعا در مهج الدعوات سید بن طاووس نیز نقل شده و

مابین نسخه کفعمی و سید اختلاف است و ما موافق بلد الامین کفعمی نقل نمودیم و آن دعا این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِلَهِي كَمْ مِنْ عَدُوٍّ أَنْتَضَى عَلَيَّ سَيْفَ

به نام خدای بخشنده * مهربان * خدایا چه بسیار دشمنی که شمشیر عداوت

عَدَاوَتِهِ * وَ شَحَذَ لِي ظُبَّةَ مَدِينَتِهِ * وَ أَرْهَفَ لِي شِبَا حَدِّهِ * وَ دَافَ

بر من کشید * و خنجر کین تیز کرد * و نیزه و سنان از خشم تند نمود * و سمومات کشنده

لِي قَوَاتِلَ سُمُومِهِ * وَ سَدَّدَ إِلَيَّ (نَحْوِي) صَوَائِبَ سِهَامِهِ * وَ لَمْ تَنْمَ عَنِّي

را بر قتل من آماده ساخت * و به تیرهایی که به هدف می‌رسید مرا سخت نشانه کرد * و چشمش به خواب

عَيْنُ حِرَاسَتِهِ * وَ اضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ * وَ يَجْرِعَ عَنِّي ذُعَافَ

نمی‌رفت از مراقبت من * و در دل داشت که مرا آماج هر رنج و شکنجه کند * و شربت ناگوار مرگ

مَرَارَتِهِ * فَنَظَرْتُ (نَظَرْتُ) إِلَى ضَعْفِي عَنْ أَحْتِمَالِ الْفَوَاحِشِ * وَ عَجَزِي

پچشاند * و تو ای خدا آن دشمن را از من دفع نمودی که نظر بر ضعف و ناتوانی من کردی * و مرا بی‌طاقت از ستمهای

عَنِ الْإِنْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ * وَ وَحَدَّثَنِي فِي كَثِيرٍ مِمَّنْ نَاوَانِي

او دیدی و عاجز از مدد جستن بر آنکه با من به جنگ برخاسته بود یافتی * و تنهاییم در بسیاری از آنکه مرا اندیشیده

وَ ارْصَدْ لِي فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ فِكْرِي فِي الْارْصَادِ لَهُمْ بِمِثْلِهِ * فَايَدْتَنِي

* و کمین قرار داده مرا در آنچه نمی‌رسد اندیشه‌ام در معامله نمودن با ایشان به مانند آن * پس کمک کردی مرا

بِقُوَّتِكَ * وَ شَدَدْتَ اَزْرِي بِنُصْرَتِكَ * وَ فَلَلْتَ لِي حَدَّهُ * (شَبَا حَدِّهِ)

به توانایی خودت * و محکم کردی تو بازویم را به یاریت * و کند نمودی برایم نیزی تیغ دشمن را

وَ خَذَلْتَهُ * بَعْدَ جَمْعِ عَدِيدِهِ وَ حَشِدِهِ (حَشْدُهُ) * وَ اَعْلَيْتَ كَعْبِي

* و منکوب کردی او را پس از آن همه تهیه و تجهیز سپاهش * و برتری دادی مرا

عَلَيْهِ * وَ وَجَّهْتَ مَا سَدَدَ اِلَيَّ مِنْ مَكَائِدِهِ اِلَيْهِ * وَ رَدَدْتَهُ عَلَيْهِ *

بر او * و برگرداندیدی آنچه را محکم کرده بود به سویم از حيله‌ها، به سوی خودش * و برگشت نمودی آن را بر او *

وَ لَمْ يَشْفِ غَلِيلَهُ * وَ لَمْ تَبْرُدْ حَزَاوَاتُ غَيْظِهِ * وَ قَدْ عَضَّ عَلَيَّ

و فرو نشست تشنگی او * و سرد نشد سوزشهای خشم او * در حالی که از غیضش بر من، انگشت

انامله * وَ اَدْبَرَ مَوْلِيًا قَدْ اَخْفَقَتْ سَرَايَاهُ * فَلكَ اَلْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ

به دندان گزید * و پشت به فرار داد و سرنگون شد پرچمهای او * پس برای توست حمد ای پروردگارم از آن جهت

مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ * وَ ذِي اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ * صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ

که تو آن توانایی که مغلوب نشوی * و بردباری که هرگز شتاب نخواهد کرد * درود فرست بر محمد (ص) و آل او

وَ اجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ * وَ لِالْاٰتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ * اَللهِي

* و مرا از شکرگزاران نعمت * و یاد کنندگان احسانهایت قرار ده * خدایا

وَ كَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ * وَ نَصَبٍ لِي اَشْرَاكٍ مَصَائِدِهِ * وَ وَكَلَّ بِي

چه بسیار ستمگری که در پی من مکرها اندیشید * و دامها برای شکارم افکند * و از پی

تَفَقَّدَ رِعَايَتَهُ * وَ اَضْبَا اِلَى اَضْبَاءِ السَّبْعِ لَطْرِيْدَتِهِ اَنْتَظَارًا لِانْتِهَازِ

جستجویم موکل انگیخت * و مانند درنده‌ای که برای شکار خود کمین کرده در کمینگاه من به انتظار

فُرْصَتِهِ * وَ هُوَ يُظْهِرُ بِشَاشَةِ الْمَلَقِ * وَ يَبْسُطُ (لِي) وَجْهًا غَيْرَ طَلِقِ

فرصت بود * و برای فریب من متملقانه رخساره‌اش نشان می‌داد * و روی باز و چهره‌ خندان بی‌حقیقت می‌نمود

فَلَمَّا رَايْتَ دَخَلَ سَرِيْرَتَهُ * وَ قُبِحَ مَا اَنْطَوَى عَلَيْهِ لِشْرِيْكِهِ فِي

* پس تو ای خدا چون خیانت و کینه‌ نهایی او را با من دیدی * و زشتی و سوء نیتی که در دل داشت با من که با او هم آئین

مِلَّتِهِ * وَ اَصْبَحَ مُجَلَبًا لِي (الِي) فِي بَغِيهِ * اَرْكَسْتَهُ * لِامْرَاسِهِ * وَ اَتَيْتَ

بودم * و رشته‌ ظلم و طغیان را که می‌کشید مشاهده کردی * تو هم به انتقام او را به مغز در افکندی * و بنیادش

بُنْيَانَهُ **و** مِنْ أَسَاسِهِ **و** فَصَرَعْتَهُ **و** فِي زُبَيْتِهِ **و** وَأَرَدَيْتَهُ **و** (رَدَيْتَهُ **و**) فِي مَهْوَى

را از بیخ و بن برکندی * و سپس در پرتگاه هلاک * و چاه عقوبتش

حَفْرَتِهِ **و** وَ جَعَلْتَ خَدَّهُ **و** طَبَقًا لِتُرَابِ رِجْلِهِ **و** وَ شَغَلْتَهُ **و** فِي بَدَنِهِ

در انداختی * و صورتش را با خاک پایش همسر کردی * و او را به کار بدنش و امر معاش و روزیش مشغول

وَرَزَقَهُ **و** وَرَمَيْتَهُ **و** بِجَجْرِهِ **و** وَ خَنَقْتَهُ **و** بَوْتَرِهِ **و** وَ ذَكَّيْتَهُ **و** بِمَشَاقِصِهِ

گردانیدی * و او را هم نشانه کردی به سنگ ستمش * و طناب ظلمش را به گلوی خودش افکندی * و به تیغش هلاکش کردی

و كَبَبْتَهُ **و** لِمَنْخَرِهِ **و** وَ رَدَدْتَ كَيْدَهُ **و** فِي لِحْرِهِ **و** وَ رَبَّقْتَهُ **و** (وَّثَقْتَهُ **و**)

* و بینی‌اش به خاک مالیدی * و به کمند مکرش حلقش را فشردی * و او را در بند پشیمانی

بِنْدَامَتِهِ **و** وَ فَسَاتِهِ **و** (أَفْنَيْتَهُ **و**) بِجَسْرَتِهِ **و** فَاسْتَخَذَا وَ تَضَاءَلَ بَعْدَ نَخْوَتِهِ

گرفتار کردی * و به دام حسرت و ندامتش مبتلا ساختی * تا آنکه پس از همه کبر و نخوت، ذلیل و خوار شد

وَ انْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ **و** ذَلِيلًا مَأْسُورًا فِي رِبْقِ حِبَالَتِهِ (حَبَائِلِهِ) الَّتِي

* و بعد از همه دعوی سربلندی، پست گردید * و خود اسیر شد در طنابهای مکر و تزویری که

كَانَ يَوْمَئِذٍ أَنْ يَرَانِي فِيهَا يَوْمَ سَطْوَتِهِ **و** وَقَدْ كَدْتُ يَا رَبِّ لَوْلَا رَحْمَتُكَ

آرزو داشت در آن اسیری مرا روز قدرتش * و ای پروردگار من اگر رحمتت شامل حال من نمی‌شد نزدیک بود که

أَنْ يَحُلَّ بِي مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ **و** فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ

آن رنج و بلا که به او رسید بر سر من وارد آید * پس تو را حمد می‌کنم ای خدا، که تو آن مقتدری که هرگز مغلوب نخواهد شد

وَ ذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ **و** صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ **وَ** آلِ مُحَمَّدٍ **وَ** اجْعَلْنِي

* و آن بردباری که هرگز شتاب نکند * درود فرست ای خدا بر محمد (ص) و آل محمد * و مرا از

لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ **وَ** لِأَلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ **وَ** إِلَهِي **وَ** كَمَ مِنْ

شکرگزاران نعمت‌های خود قرار بده * و متذکر احسانهایت گردان * ای خدا چه بسیار

حَاسِدٍ شَرِقٍ بِجَسْرَتِهِ (بِحَسَدِهِ) **وَ** عَدُوٍّ شَجِيٍّ بَغِيْظِهِ **وَ** سَلَقْنِي بِجَدِّ

حسودانی که حسدش را بر من آشکار * و کینه‌اش را پنهان ساخت * و مرا هدف تیر زبان

لِسَانِهِ **وَ** وَخَزَنِي بِمُوقِ عَيْنِهِ **وَ** جَعَلْنِي غَرَضًا (جَعَلَ عَرْضِي) لِمَرَامِيهِ

تند گردانید * و به گوشه چشم، خشمگین به من نگریست * و آبروی مرا نشانه تهمت‌ها قرار داد

وَ قَلَدْنِي خِلَالًا لَمْ تَزَلْ فِيهِ **وَ** نَادَيْتُكَ (فَنَادَيْتُ) يَا رَبِّ مُسْتَجِيرًا بِكَ

* و کمر دشمنی مرا محکم بست * و من همیشه ای خدا تو را به یاری خواندم به تو پناه جستم

وَإِثْقًا بِسُرْعَةِ اجَابَتِكَ * مُتَوَكِّلًا عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَعَرَّفُهُ * مِنْ حُسْنِ

* به سرعت اجابت و یاری تو اطمینان کامل داشتم * و توکل و اعتمادم بر آن بود که تو همیشه از من نیکو

دِفَاعِكَ * عَالِمًا أَنَّهُ * لَا يُضْطَهَدُ مِنْ أَوَى إِلَى ظِلِّ كَنَفِكَ * وَلَنْ تَقْرَعَ

دفاع کردی * و به یقین می‌دانستم که هر کس در سایهٔ حمایت در آید ابدًا مغلوب نشود * و آنکه در حصار و سنگر

الْحَوَادِثِ (الْفَوَاحِشِ) * مَنْ بَجَا إِلَى مَعْقِلِ الْإِنْتِصَارِ بِكَ * فَحَصَّنْتَنِي مِنْ

یاری جستن از تو پناهنده شود هرگز سنگ حوادث بر سرش نخورد * پس مرا به قدرت کامله‌ات از شر آن دشمنان و حسودان

بِأَسِهِ بِقُدْرَتِكَ * فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ * مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ * وَذِي آنَاةٍ

پناه دادی و محافظت کردی * ای خدا ستایش مخصوص توست که تو آن مقتدری که هرگز مغلوب نخواهد شد * و آن بردباری که

لَا يَعْجَلُ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

هرگز شتاب نخواهد کرد * درود فرست بر محمد «ص» و آل محمد «ع» * و مرا از شکرگزاران نعمت‌های خود

الشَّاكِرِينَ * وَالْأَلْيَاكُ مِنَ الذَّاكِرِينَ * إِلَهِي * وَكَمْ مِنْ سَحَابٍ مَكْرُوهٍ

قرار بده * و متذکر احسانهایت گردان * ای خدا چه بسیار ابر تیره که

جَلِيَّتِهَا * وَسَمَاءٍ نِعْمَةٍ أَمْطَرْتَهَا * وَجَدَاوِلٍ كَرَامَةٍ أَجْرِيَّتَهَا * وَاعْيُنٍ

برطرف کردی * و از آسمان نعمت باران رحمت باریدی * و در نه‌های کرم‌ت آب رحمت جاری نمودی * و چشم‌های

أَحْدَاثٍ طَمَسَتْهَا * وَنَاشِئَةٍ رَحْمَةٍ نَشَرْتَهَا * وَجَنَّةٍ عَافِيَةِ الْبَسْتِهَا

فتنه انگیزان را برکندی * و رحمت با نشو و نمای خود را وسیع و منتشر ساختی * و لباس عافیت پوشاندی

* وَغَوَامِرٍ كُرْبَاتٍ كَشَفْتَهَا * وَأُمُورٍ جَارِيَةٍ قَدَّرْتَهَا * لَمْ تُعْجِزْكَ إِذْ

* و رنج و مصائب سخت را رفع کردی * و امور جاریه را مقدر و منظم ساختی * هر چه در عالم خواستی آن چیز به محض اراده از

طَلَبْتَهَا * وَلَمْ تَمْتَنِعْ مِنْكَ إِذَا أَرَدْتَهَا * فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ * مِنْ مُقْتَدِرٍ

حُكْمَتِ سَرِيبِجِي نَتَوَانَسْت * و امتناع از تو نورزید زمانی که اراده کردی * پس ای خدا ستایش مخصوص توست که تو آن مقتدری که

لَا يُغْلَبُ * وَذِي آنَاةٍ لَا يَعْجَلُ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ *

هرگز مغلوب نخواهد شد * و آن بردباری که تعجیل (در عقوبت) نکند * درود فرست بر محمد «ص» و آل محمد «ع» *

وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ * وَالْأَلْيَاكُ مِنَ الذَّاكِرِينَ * إِلَهِي

و مرا از شکرگزاران نعمت‌های خود قرار بده * و متذکر احسانهایت گردان * ای خدا

وَكَمَّ مِنْ ظَنِّ حَسَنٍ حَقَّقَتْ * وَمِنْ كَسْرِ أَمْلَاقٍ جَبَرَتْ * وَمِنْ مَسْكَنَةٍ

چه بسیار حسن ظنی که واقع گردانیدی * و چه اندازه عسرت و بینوایی ما را جبران نمودی * و فقر و مسکنت

فَادِحَةٍ حَوَّلَتْ * وَ مِنْ صَرَعَةٍ مَهْلِكَةٍ نَعَشَتْ (أَنْعَشَتْ) * وَ مِنْ مَشَقَّةٍ

سخت ما را به غنا مبدل کردی * و چه بسیار افتاده در مرض و هلاکت را که سلامت بخشیدی * و رنج و مشقت را به

أَرْحَتْ * لَا تَسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَ هُمْ يَسْأَلُونَ * وَ لَا يَنْقُصُكَ مَا أَنْفَقْتَ

راحت رسانیدی * تو هر چه کنی (مختاری و) مسئول کسی نیستی و خلق (به آنچه کنند) مسئولند * ملک تو به بخشش کم نگردد

* وَ لَقَدْ سَأَلْتَ فَأَعْطَيْتَ * وَ لَمْ تَسْأَلْ فَابْتَدَأْتَ * وَ اسْتَمِيحَ بَابُ

* و هرگاه بندگان از تو درخواست کردند عطا کردی * اگر نکردند باز ابتدا به احسان فرمودی * همیشه درگاه

فَضْلِكَ فَمَا أَكْدَيْتَ * آيَاتِ الْأَنْعَامِ وَ امْتِنَانًا وَ الْأَتَّطُولَا يَا رَبِّ

کرمت باز بود * و بر هیچکس بخل نمودی و جز از انعام و بخشش و احسان به خلق

وَ إِحْسَانًا * وَ آيَاتُ (يَا رَبِّ) إِلَّا أَنْتَهَاكَ مُحْرَمَاتِكَ * وَ اجْتِرَاءً عَلَى

ابا کردی * و من هم از جهل از هر کار جز هتک حرمت اوامر تو * و جز بی‌باکی به

مَعَاصِيكَ * وَ تَعْدِيًا لِحُدُودِكَ * وَ غَفْلَةً عَن وَعِيدِكَ * وَ طَاعَةً لِعَدُوِّي

معصیت * و متعدی از حدود طاعت * و فراموشی از وعده‌های عقاب * و پیروی شیطان که دشمن با من و

وَ عَدُوِّكَ * لَمْ يَمْنَعَكَ يَا إِلَهِي وَ نَاصِرِي إِخْلَالِي بِالشُّكْرِ عَن اِتِّمَامِ

توست ابا کردم * و با این حال ای خدای من و ناصر و مددکار من ناسپاسی و کفران من تو را از احسان تمام

إِحْسَانِكَ * وَ لَا حَجَزَنِي ذَلِكَ عَن ارْتِكَابِ مَسَاخِيظِكَ * اللَّهُمَّ وَ هَذَا

باز نداشت * و نفس من هم با کمال احسانت باز از معاصی و خطاکاری دست نکشید * ای خدای من در این

(فهذا) مَقَامُ عَبْدٍ ذَلِيلٍ * اعْتَرَفَ لَكَ بِالتَّوْحِيدِ * وَ أَقْرَعَ عَلَى نَفْسِهِ

جایگاه بنده ذلیل تو اعتراف کرد * به توحید و یگانگی تو * و تقصیر

بِالتَّقْصِيرِ فِي آدَاءِ حَقِّكَ * وَ شَهِدَ لَكَ بِسُبُوحِ نِعْمَتِكَ عَلَيْهِ * وَ جَمِيلِ

از آداء حق طاعتت * و گواهی داد که نعمتت را بر او به حد کمال رسانیدی * و عادتت

عَادَتِكَ عِنْدَهُ * وَ إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ * فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي مِنْ

با او نیکی و احسان بود * پس ای خدای من و سید من

فَضْلِكَ مَا أُرِيدُهُ (سَبَبًا) إِلَى رَحْمَتِكَ * وَ اتَّخِذْهُ سَلْمًا أَعْرَجُ فِيهِ إِلَى

مرا آنچه سبب وصول به رحمت تو * و وسیله عروج به مقام

مَرْضَاتِكَ * وَ ءَامِنُ بِهِ مِنْ سَخِيظِكَ بِعِزَّتِكَ وَ طَوْلِكَ * وَ بِحَقِّ نَبِيِّكَ

رضای تو * و موجب ایمنی از غضب توست عطا فرما به حق مقام عزت و جود و احسانت * و به حق پیغمبر اکرمت

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ

محمد صلی الله علیه و آله * پس ستایش مخصوص توست که تو آن مقتدری که هرگز مغلوب نشود

* وَ ذِي آنَاةٍ لَا يَعْجَلُ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ اجْعَلْنِي

* و آن بردباری که هرگز شتاب نکند * درود فرست بر محمد «ص» و آل محمد «ع» * و مرا از

لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ * وَالْأَلْيَاكِ مِنَ الذَّاكِرِينَ * إِلَهِي * وَ كَمْ مِنْ

شکرگزاران نعمت‌های خود قرار بده * و متذکر احسانهایت گردان * خدایا چه بسیار بنده‌ای

عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ فِي كَرْبِ الْمَوْتِ وَ حَشْرَجَةِ الصَّدْرِ * وَ النَّظَرَ إِلَى

که شب و روزش می‌گذرد در حالی که به مرض و خطر مرگ گرفتار و در جهان دل‌تنگ و اندوهناک است * و مرگ را که

مَا تَقْشَعُرُّ مِنْهُ الْجُلُودُ * وَ تَفْزَعُ لَهُ الْقُلُوبُ * وَ أَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ

بدن‌ها از او لرزان * و دل‌ها از آن ترسان است به چشم می‌نگرد * و من از این بلاها همه

كُلِّهِ * فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ * وَ ذِي آنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

در عاقبت * پس ستایش مخصوص توست که تو آن مقتدری که هرگز مغلوب نشود * و آن بردباری که هرگز شتاب نکند

* صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ اجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ

درود فرست بر محمد «ص» و آل محمد «ع» * و مرا از شکرگزاران نعمتت قرار ده *

وَ لِأَلْيَاكِ مِنَ الذَّاكِرِينَ * إِلَهِي * وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ سَقِيمًا

و متذکر احسانهایت گردان * خدایا چه بسیار بنده‌ای که شب و روزش می‌گذرد به حال سخت

مُوجِعًا (مُدْنِفًا) فِي آنَةٍ وَ عَوِيلٍ * يَتَقَلَّبُ فِي غَمِّهِ لَا يَجِدُ مَحِيصًا * وَ لَا

بیماری و درد و الم و ناله و فریاد می‌کند * و با غم و اندوه در بستر بیماری به دست راست و چپ می‌گردد * نه

يُسْبِغُ طَعَامًا وَ لَا (يَسْتَعْدِبُ) شَرَابًا * وَ أَنَا فِي صِحَّةٍ مِنَ الْبَدَنِ وَ سَلَامَةٍ

گریزگاهی می‌یابد و نه طعام و شرابی بر او گواراست * و من در حال تندرستی و سلامت‌بدن و آسودگی و آسایش

مِنَ الْعَيْشِ * كُلُّ ذَلِكَ مِنْكَ * فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ

زندگانی می‌کنم * همه اینها از فضل و کرم توست * پس تو را حمد می‌کنم که تو آن مقتدری که هرگز مغلوب نشود

* وَ ذِي آنَاةٍ لَا يَعْجَلُ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ اجْعَلْنِي

* و آن بردباری که هرگز شتاب نکند * درود فرست بر محمد «ص» و آل محمد «ع» * و مرا از

لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ * وَالْأَلْيَاكِ مِنَ الذَّاكِرِينَ * إِلَهِي * وَ كَمْ مِنْ

شکرگزاران نعمت‌های خود قرار بده * و متذکر احسانهایت گردان * خدایا و چه بسیار

عَبْدِ أَمْسَىٰ وَ أَصْبَحَ خَائِفًا مَّرْعُوبًا (مُسَهَّدًا) مُشْفِقًا وَجَلًّا هَارِبًا

بنده‌ای که شب و روزش می‌گذرد در حال ترس و هراس و اضطراب و بیمناکی از دشمن به هر سو

طَرِيدًا مُنْجِحْرًا فِي مَضِيْقٍ * وَ مَخْبَاةٍ مِنَ الْمَخَابِيءِ * قَدْ ضَاقتْ

می‌گریزد و به هر سوراخی فرار می‌کند * تنگنای خفایی که در آن پنهان شود می‌جوید * و روی زمین

عَلَيْهِ الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا لَا يَجِدُ حَيْلَةً * وَ لَا مَنجَىٰ وَ لَا مَاوَىٰ * وَ أَنَا فِي

با همه فراخی بر او تنگ شده است و چاره‌ای نمی‌یابد * و پناهی و جایگاهی ندارد * و من از تمام

أَمْنٍ وَ طُمَآنِينَةٍ وَ عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ * فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ

این رنج و بلاها ایمن و آسوده خاطر و سلامت هستم * پس پروردگارا تو را حمد می‌کنم که تو آن مقتدری که هرگز

لَا يُغْلِبُ * وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ * صَلَّىٰ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ *

مغلوب نشود * و آن بردباری که هرگز شتاب نکند * درود فرست بر محمد «ص» و آل محمد «ع» *

وَ اجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ * وَ لِأَلْيَتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ * اَللّٰهُمَّ

و مرا از شکرگزاران نعمت‌های خود قرار بده * و متذکر احسانهایت گردان * ای خدای من

وَ سَيِّدِي وَ كَمٍ مِنْ عَبْدِ أَمْسَىٰ وَ أَصْبَحَ مَغْلُوبًا مُكْبَلًا فِي الْحَدِيدِ

و سید من و چه بسیار بنده‌ای که شب و روزش می‌گذرد در حالی که با تبعید از وطن زیر غل و زنجیر آهن به دست

بَايِدِي الْعُدَاةِ لَا يَرْحَمُونَهُ * وَ فَقِيدًا مِنْ أَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ * مُنْقَطِعًا عَنِ

دشمن اسیر است و هیچ بر او ترحم نمی‌کنند * از اهل و عیال و اولادش محروم * و از برادران

أَخْوَانِهِ وَ بَلَدِهِ * يَتَوَقَّعُ كُلَّ سَاعَةٍ بَايَ قِتْلَةٍ يُقْتَلُ * وَ بَايَ مِثْلَةٍ

و یاران شهر و وطنش دور گشته * و هر ساعت در انتظار است که آخر او را چه نوع خواهند کشت * و چگونه اعضاء بدنش را

يُمَثِّلُ بِهِ * وَ أَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ * فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ

قطعه می‌کند * و من از همه این بلاها در آسایشم * پس پروردگارا تو را حمد می‌کنم که تو آن مقتدری که هرگز

لَا يُغْلِبُ * وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ * صَلَّىٰ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ *

مغلوب نشود * و آن بردباری که هرگز تعجیل نکند * درود فرست بر محمد «ص» و آل محمد «ع» *

وَ اجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ * وَ لِأَلْيَتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ * اَللّٰهُمَّ

و مرا از شکرگزاران نعمت‌های خود قرار بده * و متذکر احسانهایت گردان * خدایا

وَ كَمٍ مِنْ عَبْدِ أَمْسَىٰ وَ أَصْبَحَ يُقَاسَىٰ الْحَرْبَ وَ مُبَاشِرَةً لِقِتَالِ بِنَفْسِهِ

و چه بسیار بنده‌ای که شب و روزش می‌گذرد در حالی که در میدان جنگ با رنج و مشقت به شخصه با دشمن روبرو است

قَدْ غَشِيَتْهُ الْأَعْدَاءُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ بِالسُّيُوفِ وَالرِّمَاحِ وَءَالَةَ الْحَرْبِ

* و از هر طرف دشمنان با شمشیر و نیزه و تیر و سنان بر او احاطه کرده‌اند و او در میان آهن

يَتَقَعَّقُ فِي الْحَدِيدِ * قَدْ بَلَغَ مَجْهُودَهُ * لَا يَعْرِفُ حِيلَةَ * وَلَا يَجِدُ

و فولاد با نعره و فریاد * در منتهای رنج و الم می‌کوشد * و به راه و چاره‌ای پی نمی‌برد * و محل فراری

مَهْرَبًا قَدْ أَدْنَفَ بِالْجِرَاحَاتِ * أَوْ مَتَشَحَّطًا بَدَمِهِ تَحْتَ السَّنَابِكِ

نمی‌یابد، از کثرت جراحت بدنش رنجور * و غرق خون زیر سم اسبان و پای جنگجویان با

و الْأَرْجُلِ * يَتَمَنَّى شَرْبَةَ مِنْ مَاءٍ * أَوْ نَظْرَةَ إِلَى أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ * (و) لَا

لب عطشان افتاده * به آرزوی جرعه آب روان * یا نظاره به روی زن و فرزندان * بدون توانایی

يَقْدِرُ عَلَيْهَا * وَ أَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ * فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ

بر آن جان می‌سپارد * و من از تمام این رنج و آلام در آسایش و سلامتیم * پس پروردگارا تو را حمد می‌کنم که تو آن

مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ * وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَءَالِ مُحَمَّدٍ

مقتدری که هرگز مغلوب نشود * و آن بردباری که هرگز شتاب نکند * درود فرست بر محمد «ص» و آل محمد «ع»

وَ اجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ * وَ لِأَلْيَتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ * اَللّٰهُ

* و مرا از شکرگزاران نعمت‌های خود قرار بده * و متذکر احسانهایت گردان * خدایا

وَ كُمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ فِي ظُلُمَاتِ الْبِحَارِ * وَ عَوَاصِفِ الرِّيَّاحِ

و چه بسیار بنده‌ای که شب و روز می‌گذرد در تاریکیهای دریاها * به دست بادهای سخت هول انگیز

وَ الْأَهْوَالِ وَ الْأَمْوَاجِ يَتَوَقَّعُ الْغَرَقَ وَ الْهَلَاكَ * لَا يَقْدِرُ عَلَى حِيلَةٍ * أَوْ

و امواجی که جز غرق و هلاکت از آن امواج انتظاری نیست * و چاره‌ای ندارد * و یا

مُبْتَلَى بِصَاعِقَةٍ أَوْ هَدْمٍ أَوْ حَرَقٍ أَوْ شَرَقٍ أَوْ خَسْفٍ أَوْ مَسْخٍ أَوْ قَذْفٍ

گرفتار صاعقه یا خرابی و ویرانی یا آتش سوزان یا شراری فروزان یا زلزله و فرو رفتن به زمین یا مسخ یا به تهمت افتاده و مبتلاست

* وَ أَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ * فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ

* و من از تمام این رنج و آلام در آسایش و عافیتیم * پس تو را حمد می‌کنم که تو آن مقتدری که هرگز

لَا يُغْلَبُ * وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَءَالِ مُحَمَّدٍ

مغلوب نشود * و آن بردباری که هرگز شتاب نکند * درود فرست بر محمد «ص» و آل محمد «ع»

وَ اجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ * وَ لِأَلْيَتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ * اَللّٰهُ

و مرا از شکرگزاران نعمت‌های خود قرار بده * و متذکر احسانهایت گردان * خدایا

وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَىٰ وَاصْبَحَ مُسَافِرًا شَاخِصًا عَنْ أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ

و چه بسیار بنده‌ای که شب و روزش می‌گذرد در سفرها و همیشه دور از زن و فرزندش

مُتَحِيرًا فِي الْمَفَاوِزِ * تَائِهًا مَعَ الْوُحُوشِ وَالْبَهَائِمِ وَالْهُوَامِ * وَحِيدًا

* به حال حیرت در بیابانها * وحشت زده با وحشیان بیابان و با چرندگان و گزندگان * یکه و تنها به سختی

فَرِيدًا * لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلًا * أَوْ (و) مُتَازِيًا بَرْدًا أَوْ حَرًّا

عمر می‌گذراند * و راه و چاره نمی‌جوید و راه به جایی نمی‌برد * یا به سرما و گرمای سخت

أَوْ جُوعًا أَوْ عُرْيًا أَوْ غَيْرَهُ مِنَ الشَّدَائِدِ * مِمَّا أَنَا مِنْهُ خَلَوْتُ فِي عَافِيَةٍ

یا به گرسنگی و برهنگی و دیگر سختیهای عالم با رنج و الم بسر می‌برد * و من از تمام این آلام و زحمت آسوده

مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ * فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ * وَذِي أَنَاةٍ

در سلامت و عافیتیم * پس ای پروردگار تو را حمد می‌کنم که تو آن مقتدری که هرگز مغلوب نشود * و آن بردباری که

لَا يَعْجَلُ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

هرگز شتاب نکند * درود فرست بر محمد «ص» و آلش * و مرا از شکرگزاران نعمت‌های خود

الشَّاكِرِينَ * وَاللَّائِكِ مِنَ الذَّاكِرِينَ * إِلَهِي وَسَيِّدِي * وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ

قرار بده * و متذکر احسانهایت گردان * ای خدای من و مولای من * و چه بسیار بنده‌ای که

أَمْسَىٰ وَاصْبَحَ فَقِيرًا عَائِلًا عَارِيًا مُمْلَقًا * مُخْفِقًا مَهْجُورًا (خَائِفًا)

شب و روزش با فقر و عیالمندی و بی‌نواایی می‌گذرد و برهنگی و بی‌چیزی * و اندوه و خلق از او دوری جسته

جَائِعًا ظَمْئًا * يَنْتَظِرُ مَنْ يَعُودُ عَلَيْهِ بِفَضْلِ * أَوْ عَبْدٌ وَجِيهٍ عِنْدَكَ

و گرسنه و تشنه * منتظر است که پیش از آنکه آبرویش بریزد یکی بر او احسانی کند * یا چه بسیار بنده آبرومند نزد تو که غلام مردم

هُوَ أَوْجَهُ مِنِّي عِنْدَكَ * وَاشْدُ عِبَادَةَ لَكَ * مَغْلُولًا مَقْهُورًا * قَدْ حَمَلْ

است با آنکه از من که آزادم پیش تو آبرومندتر است * و کوشش او در عبادتت بیش از من است * و باز در بند مقهور است * بار

ثَقْلًا مِنْ تَعَبِ الْعَنَاءِ * وَشِدَّةِ الْعُبُودِيَّةِ * وَكُلْفَةِ الرِّقِّ * وَثَقْلِ

سنگین رنج * و سختی بردگی * و با تکلف و زحمت رقیبت * کارهای سخت انجام دهد و اجرتش را به

الضَّرِيْبَةِ * أَوْ مُبْتَلًى بِبَلَاءٍ شَدِيدٍ * لَا قَبْلَ لَهُ (بِهِ) إِلَّا بِمَنِّكَ عَلَيْهِ *

مولایش بپردازد * یا به بلاهای شدید طاقت فرسا مبتلا باشد * و رهایی از آن جز به لطف و احسان تو نباید *

وَإِنَّا الْمَخْدُومُ الْمُنْعَمُ * الْمُعَافَى الْمُكْرَمُ فِي عَافِيَةٍ مِمَّا هُوَ فِيهِ *

و من خود خدمتگزار و برده نیستم و مخدوم و متنعم * و آسوده و محترم با عافیت و خوشی به سر می‌برم و از تمام این رنجها آسودهام *

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ * وَ ذِي اٰنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

پس تمام این نعم تو را حمد می‌کنم که تو آن مقتدری که هرگز مغلوب نشود * و آن بردباری که هرگز شتاب نکند

* صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ اجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ

* درود فرست بر محمد «ص» و آل محمد «ع» * و مرا از شکرگزاران نعمت‌های خود قرار بده

* وَ لِاٰلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِيْنَ * اَلِهِيَّ وَ سَيِّدِي وَ كَمِّ مِنْ عَبْدٍ اَمْسِي

* و متذکر احسانهایت فرما * خدایا و سید من چه بسیار بنده‌ای که شب و روزش می‌گذرد

وَ اَصْبَحَ عَلِيًّا مَرِيضًا سَقِيمًا مُدْنِفًا عَلَىٰ فُرْشِ الْعِلَّةِ وَ فِي لِبَاسِهَا *

در حالی که علیل و مریض سخت و دردمند و بیمار است و در بستر بیماری و لباس مرض خفته *

يَتَقَلَّبُ يَمِيْنًا وَ شِمَالًا * لَا يَعْرِفُ شَيْئًا مِنْ لَذَّةِ الطَّعَامِ * وَ لَا مِنْ لَذَّةِ

و از شدت درد به راست و چپ می‌غلتد * و چاره نمی‌یابد او را طعام * و شراب ناگوار

الشَّرَابِ * يَنْظُرُ اِلَىٰ نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيْعُ لَهَا ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا *

است * و به خود با نگاه حسرت می‌نگرد در آن حال بر نفع و ضرر خود هیچ قادر نباشد *

وَ اَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ * فَلَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ

و من به فضل و کرم تو از همه این رنج و بلاها در آسایشم * پس (شکر تو) ای خدای پاک و منزّه که جز تو خدایی نیست،

مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يَغْلِبُ * وَ ذِي اٰنَاةٍ لَا يَعْجَلُ * صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ

تو آن مقتدری که هرگز مغلوب نشود * و آن بردباری که هرگز شتاب نکند * درود فرست بر محمد «ص» و آل

مُحَمَّدٍ * وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِيْنَ * وَ لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ *

محمد «ع» * و مرا از عبادت کنندگان * و مرا از شکرگزاران نعمت‌های خود قرار بده *

وَ لِاٰلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِيْنَ * وَ اَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ *

و متذکر احسانهایت فرما * و بر من رحم کن به حق رحمت و اسعادت ای مهربانترین مهربانان عالم *

مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي وَ كَمِّ مِنْ عَبْدٍ اَمْسِي وَ اَصْبَحَ وَ قَدْ دَنَا يَوْمُهُ * مِنْ

ای مولای من و ای سید من و چه بسیار بنده‌ای که شب و روزش می‌گذرد در حالی که مرض مرگش

حَتْفِهِ * وَ اَحَدَقَ بِهِ مَلِكُ الْمَوْتِ فِي اَعْوَانِهِ * يُعَالِجُ سَكْرَاتِ الْمَوْتِ

فرا رسیده * و ملک الموت و اعوانش بر او چشم دوخته * و حال سكرات موت و احاطه مرگ را بی چاره

وَ حِيَاضَهُ * تَدُوْرُ عَيْنَاهُ يَمِيْنًا وَ شِمَالًا * يَنْظُرُ اِلَىٰ اَحْبَابِهِ وَ اَوْدَائِهِ

علاج می‌طلبد * و چشمهایش بر چپ و راست دور می‌زند * و به محبان و دوستان و خاصانش

وَ اَخْلَاهُ * قَدْ مَنَعَ مِنَ الْكَلَامِ * وَ حُجِبَ عَنِ الْمَخْطَابِ يَنْظُرُ اِلَى

می‌نگرد * و زبانش بیاری سخن گفتن ندارد * و از گفتار باز مانده به خود با نگاه حسرت

نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا * وَ اَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ

می‌نگرد و هیچ بر سود و زیان خود قادر نیست * و من از تمام این بلا و رنجها ای خدا به لطف

بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ * فَلَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ *

و کرمت در آسایشم * پس ای خدای پاک و منزّه که خدایی جز تو نیست، تو آن مقتدری که هرگز مغلوب نشود *

وَ ذِي اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ * صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ اجْعَلْنِي

و آن بردباری که ابدا شتاب نکند * درود فرست بر محمد «ص» و آل محمد «ع» * و مرا از

لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ * وَ لِاَلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ * وَ اَرْحَمَنِي

شکرگزاران نعمت‌های خود قرار بده * و متذکر احسانهایت فرما * و بر من ترحم کن به حق

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي * وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسَى

رحمت و اسعادت ای مهربانترین مهربانان عالم * ای سید و مولای من * و چه بسیار بنده‌ای که شب

وَ اصْبَحَ فِي مَضَائِقِ الْحُبُوسِ وَ السُّجُونِ وَ كَرِبَهَا وَ ذَلَّهَا وَ حَدِيدِهَا *

و روزش در تنگنای حبس و زندانها با رنج و ذلت و غل و زنجیر می‌گذرد *

يَتَدَاوَلُهُ اَعْوَانُهَا وَ زَبَانِيَّتُهَا * فَلَا يَدْرِي اَيُّ حَالٍ يَفْعَلُ بِهِ * وَ اَيُّ مَثَلَةٍ

و زندانیانها و مأموران زندان او را دست به دست از حبسی به حبس دیگر می‌برند * و نمی‌داند با او چه خواهند کرد * و کدام اعضای

يُمَثِّلُ بِهِ * فَهُوَ فِي ضُرٍّ مِنَ الْعَيْشِ * وَ ضَنْكٍ مِنَ الْحَيَاةِ * يَنْظُرُ اِلَى

بدنش را خواهند برید * و در این حال به سختی معیشت می‌کند * و در تنگی، زندگانی را می‌گذراند * بر خود به نظر

نَفْسِهِ حَسْرَةً * لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا * وَ اَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ

حسرت می‌نگرد * قادر بر نفع و ضرری بر خویش نیست * و من به لطف و کرم تو

كُلِّهِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ * فَلَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ *

از این رنج سختیها همه آسوده‌ام * پس خدایی جز ذات تو ای ذات پاک و منزّه نیست تو آن مقتدری که هرگز مغلوب نشود *

وَ ذِي اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ * صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ اجْعَلْنِي لَكَ

* و آن بردباری که هرگز شتاب نکند * پس درود فرست بر محمد «ص» و آل محمد «ع» * و مرا از اهل عبادت

مِنَ الْعَابِدِينَ * وَ لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ * وَ لِاَلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ *

خود گردان * و مرا از شکرگزاران نعمت‌های خود قرار بده * و متذکر احسانهایت ساز *

وَ اَرْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ * وَ كَمَّ مِنْ

و به حالم ترحم فرما ای مهربانترین مهربانان * ای سید و مولای من * و چه بسیار بنده‌ای

عَبْدٌ اَمْسَى وَ اَصْبَحَ قَدْ اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ * وَ اَحْدَقَ بِهِ الْبَلَاءُ

که شب و روزش می‌گذرد در حالی که به قضای آسمانی پی در پی گرفتار است * و بلا به او احاطه کرده است

* وَ فَارَقَ اَوْدَاءَهُ وَ اَحْبَاءَهُ وَ اَخِلَاءَهُ * وَ اَمْسَى اَسِيْرًا حَقِيْرًا ذَلِيْلًا

* و همهٔ دوستان و محبان و خاصانش از او دورند * و روز را شب می‌کند به حال اسیری و ذلت

فِي اَيْدِي الْكُفَّارِ وَ الْاَعْدَاءِ * يَتَدَاوِلُوْنَهُ يَمِيْنًا وَ شِمَالًا * قَدْ حُصِرَ

و خواری به دست کافران و دشمنان * به هر طرفش از راست و چپ می‌کشند * و از گودال تیرهٔ زندانی به

فِي الْمَطَامِيْرِ * وَ ثَقُلَ بِالْحَدِيْدِ * لَا يَرِيْ شَيْْءًا مِنْ ضِيَاءِ الدُّنْيَا

زندان تاریک دیگرش * با زنجیر آهن می‌کشند * چشمش به روشنی عالم نمی‌افتد

وَ لَا مِنْ رَوْحِهَا * يَنْظُرُ اِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً * لَا يَسْتَطِيْعُ لَهَا ضَرْبًا وَ لَا

و نسیمی به او نمی‌وزد * به حال خود با نظر تأسف و حسرت می‌نگرد * و قادر بر نفع و ضرر خویش

نَفْعًا * وَ اَنَا خَلُوْ مِنْ ذَلِكْ كُلِّهِ بِجُوْدِكَ وَ كَرَمِكَ * فَلَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ

نیست * و من از تمام این رنجها آسوده‌ام به لطف و کرم تو * پس خدایی جز تو

سُبْحَانَكَ مِنْ مُّقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ * وَ ذِي اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ * صَلَّى عَلَيَّ

ای ذات پاک و منزّه نیست تو آن مقتدری که هرگز مغلوب نشود * و آن بردباری که هرگز شتاب نکند * پس درود فرست

مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِيْنَ * وَ لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بر محمد و آل محمد * و مرا از اهل عبادت گردان * و مرا از شکرگزاران نعمت‌های خود

الشَّاكِرِيْنَ * وَ لِالْاَيْتِكَ مِنَ الذَّاكِرِيْنَ * وَ اَرْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ

قرار بده * و پیوسته متذکر احسانهایت فرما * و به حالم ترحم کن به حق رحمتت ای مهربانترین

الرَّاحِمِيْنَ * وَ عَزَّتِكَ يَا كَرِيْمٌ * لَا طَلْبَنَ مِمَّا لَدَيْكَ * وَ لَا لِحْنَ عَلَيْكَ

مهربانان عالم * و به عزتت قسم ای خدای کریم * که من از آنچه نزد توست * درخواست می‌کنم

(اَللِّحْنَ اِلَيْكَ) * وَ لَا مَدَّنَ يَدِيْ نَحْوَكَ مَعَ جُرْمِهَا اِلَيْكَ يَا رَبِّ * فَبِمَنْ اَعُوْذُ

به اصرار * و دست حاجتم را با وجود آنکه گنهکار است به سوی تو دراز می‌کنم * ای پروردگارم پس به که پناه آرم

* وَ بِمَنْ الْوَدُّ * لَا اَحَدًا لِيْ اِلَّا اَنْتَ * اَفْتَرُدُّنِيْ وَ اَنْتَ مَعُوْلِيْ * وَ عَلَيْكَ

* و به که پناهنده شوم * نیست کسی برایم جز تو * آیا برانی مرا و تو پناهگاه منی * و بر توست

مُتَكَلِّي * أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ وَ عَلَى السَّمَاءِ فَاسْتَقَلَّتْ *

توکل من * از تو درخواست می‌کنم به حق آن اسم شریفی که بر آسمان نهادی، بنیانش محکم گردید *

وَعَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ * وَعَلَى الْجِبَالِ فَرَسَتْ * وَعَلَى اللَّيْلِ فَظَلَمَ *

و بر زمین قرار دادی، زمین آرام یافت * و بر کوهها خواندی، استوار گردید * و بر شب خواندی، ظلمانی شد *

وَعَلَى النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ * أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ *

* و بر روز خواندی، روشن گردید * قسم به آن اسم که بر محمد «ص» و آل محمد «ع» درود فرست * و *

تَقْضِي لِي حَوَائِجِي كُلِّهَا * وَتَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلِّهَا * صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا *

حاجتهای مرا برآور * و ببخش بر من گناهانم همه را * از کوچک و بزرگ *

و تَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ مَا تُبَلِّغُنِي بِهِ شَرَفَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ * يَا *

* و رزقم را بدانگونه وسعت بخش که به آن شرف دنیا و آخرت یابم * ای *

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * مَوْلَايَ بِكَ اسْتَعْنْتُ * فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ *

مهربانترین مهربانان عالم * ای مولای من به تو پناهنده شده‌ام * پس بر محمد «ص» و آل محمد «ع» درود *

مُحَمَّدٍ وَاعْنِي * وَبِكَ اسْتَجَرْتُ فَاجْرِنِي * وَاعْنِي بِطَاعَتِكَ عَنِ *

فرست و مرا یاری فرما * و من در جوار رحمت تو آمدم مرا پناه ده * و به طاعت خود از طاعت بندگانت *

طَاعَةِ عِبَادِكَ * وَبِمَسْأَلَتِكَ عَنِ مَسْأَلَةِ خَلْقِكَ * وَانْقَلَبْنِي مِنَ ذُلِّ *

بی‌نیاز گردان * و به درخواست حوائج من از تو، از درخواست حاجت از خلقت مرا مستغنی ساز * و مرا (به کرم) از ذلت فقر *

الْفَقْرِ إِلَى عِزِّ الْغِنَى * وَمِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ * فَقَدْ فَضَّلْتَنِي *

به عزت غنا و دولت رسان * و از ذلت معصیت به عزت طاعت گرامی دار * که تو مرا به فضل و کرمت *

عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ جُودًا مِنْكَ وَكَرَمًا * لَا بِاسْتِحْقَاقِي مِنْي * إِلَهِي *

بر بسیاری از مخلوقات فضیلت و برتری عطا کردی * نه به استحقاق من * پس ای خدای من *

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ * صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاجْعَلْنِي *

در همه این احوال تو را حمد می‌کنم بر این همه * درود فرست بر محمد «ص» و آل محمد «ع» * و مرا از *

لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ * وَاللَّا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنَ الذَّاكِرِينَ * [وَإِرْحَمْنِي *

شکرگزاران نعمت‌های خود قرار بده * و متذکر احسانهایت فرما * و به حال من *

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ] * سِپِسْ بِه سَجْدَه بَرُو وَبِگُو: سَجَدَ وَجْهِي الذَّلِيلُ *

ترحم فرما ای مهربانترین مهربانان * روی ذلیل من پیش روی *

لَوْجَهَكَ الْعَزِيزِ الْجَلِيلِ * سَجَدَ وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي لَوْجَهَكَ الدَّائِمِ

عزیز بزرگواریت به خاک افتاده * روی فرتوت فانی من پیش روی دائم باقی تو به خاک

الْبَاقِي * سَجَدَ وَجْهِي الْفَقِيرُ لَوْجَهَكَ الْغَنِيِّ الْكَبِيرِ * سَجَدَ وَجْهِي

افتاده * روی فقیر من پیش روی غنی با عظمتت به خاک افتاده * روی و گوش

وَ سَمْعِي وَ بَصْرِي وَ حُمِي وَ دَمِي وَ جِلْدِي وَ عَظْمِي * وَ مَا أَقَلَّتِ

و چشم و گوشت و خون و پوست و استخوان من * و هر عضو من که بر زمین

الْأَرْضُ مِنِّي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * اللَّهُمَّ عُدْ عَلَيَّ جَهْلِي بِحِلْمِكَ * وَ عَلَيَّ

قرار دارد همه پیش خدای پروردگار عالم به خاک افتاده است * پروردگارا بر جهالت من به حلم خود باز گرد * و بر

فَقْرِي بِغِنَاكَ * وَ عَلَيَّ ذُلِّي بِعِزِّكَ وَ سُلْطَانِكَ * وَ عَلَيَّ ضَعْفِي بِقُوَّتِكَ

فقر من به غنای خود * و بر خواری من به عزت و سلطنت خود بازگرد * و بر ضعف من به قوت خود

* وَ عَلَيَّ خَوْفِي بِأَمْنِكَ * وَ عَلَيَّ ذُنُوبِي وَ خَطَايَايَ بِعَفْوِكَ وَ رَحْمَتِكَ

* و بر ترس و هراسم به ایمنی خود * و بر خطا و گناهانم به عفو و رحمت خود باز گرد

يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرٍ [فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ]

ای خدای بخشنده مهربان * خدایا من به تو دفاع می‌کنم در مقاومت و سینه سختی دشمن خود (فلان پسر فلان) *

وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ فَكَفِّنِيهِ بِمَا كَفَيْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَ أَوْلِيَاءَكَ

و از شر او به تو پناه می‌برم تا مرا کفایت کنی بدانگونه که انبیاء

مِنْ خَلْقِكَ * وَ صَالِحِي عِبَادِكَ مِنْ فِرَاعِنَةِ خَلْقِكَ * وَ طُغَاةِ

و اولیاء * و بندگان صالح خود را از فراعنه * و اهل ظلم و طغیان

عِدَاتِكَ * وَ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

کفایت کردی * و از شر تمام اشرار خلقت به تو پناه می‌برم * به رحمت و مهربانیت ای مهربانترین مهربانان *

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ

که تو بر هر چیز قادری * و خدا ما را کفایت است و نیکو وکیل برای ما خواهد بود *

دعاء سیفی صغیر معروف به دعاء قاموس:

شیخ اجل ثقة الإسلام نوری عطر الله مرقدہ در صحیفه ثانیه علویّه آن را ذکر کرده و فرموده که: از برای این

دعا در کلمات ارباب طلسمات و تسخیرات شرح غریبی است، و از برای او آثار عجیبه ذکر کرده‌اند و من چون

اعتماد بر آن نداشتیم ذکر نکردم لکن اصل دعا را ذکر می‌کنم تَسَامُحًا وَتَأْسِيًّا بِالْعُلَمَاءِ الْأَعْلَامِ و دعا این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * رَبِّ ادْخِلْنِي فِي لُجَّةِ بَحْرِ أَحَدِيَّتِكَ *

به نام خدای بخشنده * مهربان * پروردگارا مرا در لجة بحر (معرفت) احدیتت داخل گردان *

وَ طَمَّطَامِ يَمِّ وَ حُدَانِيَّتِكَ * وَ قَوْنِي بِقُوَّةِ سَطْوَةِ سُلْطَانِ فِرْدَانِيَّتِكَ *

و در میان دریای وحدانیت مستغرق ساز * و به قوت اقتدار و سلطنت یگانگی خود مرا قوی گردان *

حَتَّىٰ أَخْرَجَ إِلَىٰ فِضَاءِ سَعَةِ رَحْمَتِكَ * وَ فِي وَجْهِ لَمَعَاتِ بَرَقِ الْقُرْبِ

تا آنکه به سوی فضای رحمت و اسعوات در آیم * در حالی که از آثار حمایت و لطف روشنایی برق قرب

مِنْ أَثَارِ حِمَايَتِكَ * مَهِيْبًا بِهَيْبَتِكَ * عَزِيْزًا بِعِنَايَتِكَ * مُتَجَلِّلاً

در رخسارم پدیدار گردد * و از هیبت و سطوتت هبیتی در وجودم منعکس شود * و به عنایت * و تزکیه و

مُكْرَمًا بِتَعْلِيمِكَ * وَ تَزْكِيَّتِكَ * وَ الْبَسْنِي خَلْعَ الْعِزَّةِ وَ الْقَبُولِ

تعلیم تو به مقام عزت و جلال و بزرگواری برسم * و مرا لباس عزت بپوشان * و از مقبولان درگاهت گردان *

وَ سَهْلٍ لِي مَنَاهِجِ الْوَصْلَةِ وَ الْوُصُولِ * وَ تَوَجُّنِي بَتَاجِ الْكِرَامَةِ

و پیمودن طرق ارتباط و وصول به حضرتت را بر من سهل فرما * و سرم را به تاج کرامت و وقار

وَ الْوَقَارِ * وَ الْفِ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَحِبَّائِكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَ دَارِ الْقَرَارِ

سرفراز کن * و دلم را با دوستانت در دار دنیا و آخرت انس و الفت بخش *

وَ ارْزُقْنِي مِنْ نُورِ اسْمِكَ هَيْبَةً وَ سَطْوَةً تَنْقَادُ لِي الْقُلُوبُ وَ الْأَرْوَاحُ

و از نور اسم مبارکت هیبت و جلالی روزی من گردان که دلها و روانها همه مرا مطیع و منقاد شوند *

وَ تَخَضَعُ لَدَيَّ النُّفُوسُ وَ الْأَشْبَاحُ * يَا مَنْ ذَلَّتْ لَهُ رِقَابُ الْجَبَابِرَةِ

و جان و تنها همه نزد من خاضع گردند * ای کسی که گردنکشان جبار پیش تو ذلیل *

وَ خَضَعَتْ لَدَيْهِ أَعْنَاقُ الْأَكَاسِرَةِ * لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنَاجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ

و سر پادشاهان به درگاهت خاضع است * و ملجاء و پناهی از تو جز به سوی تو نیست

وَ لَا إِعَانَةَ إِلَّا بِكَ * وَ لَا اتِّكَاءَ إِلَّا عَلَيْكَ * ادْفَعْ عَنِّي كَيْدَ الْمُحَاسِدِينَ

* و یاری جز به وجود تو نخواهد بود * و اعتماد جز بر تو نتوان کرد * ای خدا از من مکر حسودان

وَ ظُلْمَاتِ شَرِّ الْمُعَانِدِينَ * وَ ارْحَمْنِي تَحْتَ سَرَادِقَاتِ عَرْشِكَ * يَا

* و ظلمت شر معاندان را رفع فرما * و به حالم ترحم کن تا زیرسرا پرده‌های عرش تو درآیم * ای

اَكْرَمَ الْاَكْرَمِينَ * اَيْدِ ظَاهِرِي فِي تَحْصِيلِ مَرَاضِيكَ * وَ نَوْرَ قَلْبِي

کریمترین کریمان عالم * تنم را در انجام آنچه رضای توست نیرومند ساز * و قلبم و باطن

وَ سِرِّي بِالْاِطْلَاعِ عَلَى مَنَاهِجِ مَسَاعِيكَ * اِلٰهِي كَيْفَ اَصْدُرُ عَنْ

ذاتم را به معرفت بر طرق سلوک بسوی خویش روشن گردان * الهی چگونه از

بَابِكَ بِخِيْبَةٍ مِنْكَ * وَ قَدْ وَرَدَتْهُ * عَلَى ثِقَةٍ بِكَ؟ * وَ كَيْفَ تُوَيْسُنِي

درگاه تو محروم برگردم * و حال آنکه وارد شده‌ام به آن به اعتماد تو؟ * و چگونه تو مرا از عطا و

(تُوَيْسُنِي) مِنْ عَطَائِكَ * وَ قَدْ اَمَرْتَنِي بِدُعَائِكَ؟ * وَ هَا اَنَا مُقْبِلٌ عَلَيْكَ

رحمت نامنتهایت مایوس خواهی کرد * و حال آنکه مرا به دعا امر فرمودی؟ * و اکنون من به درگاه تو روی نموده

مُلْتَجِئٌ اِلَيْكَ * بَاعِدْ بَيْنِي وَ بَيْنَ اَعْدَائِي كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ اَعْدَائِي *

و به سویت پناه آورده‌ام * تو میان من و دشمنانم دوری افکن چنانکه دوری افکندی میان دشمنانم *

اِخْتِطَفَ اَبْصَارَهُمْ عَنِّي بِنُورِ قُدْسِكَ وَ جَلالِ مَجْدِكَ * اِنَّكَ

به نور قدس و جلال و بزرگواریت قسم که چشم آن دشمنان را از دیدن من نابینا گردان * که تو آن

اَنْتَ اللّٰهُ الْمُعْطِي الْجَلالِ النِّعَمِ الْمُكْرَمَةِ لِمَنْ نَاجَاكَ بِلَطَائِفِ

یکتا خدایی که عطا بخش نعمتهای بزرگ با کرامت و عزتی به هر که با تو به راز و نیاز آید به حق لطائف

رَحْمَتِكَ * يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ * يَا ذَا الْجَلالِ وَ الْاِكْرَامِ * وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَى

رحمتت * ای خدای زنده ابدی و پاینده سردمی * ای ذات با جلالت و بزرگواری * و درود فرست بر

سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ اَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

سید ما و پیغمبر ما محمد (ص) و بر همه اهل بیت او که پاکیزگان و پاکان عالمند. *

فصل هفتم: در ذکر بعض آیات و دعاهاى نافعه مختصره

که انتخاب کردم از کتب معتبره. ۱) اَوَّلُ: سَيِّدَ اَجَلِ سَيِّدِ عَلِيٍّ خَانَ شِيْرَازِي رِضْوَانُ اللّٰهِ عَلَيْهِ در کتاب کلم طیب

نقل فرموده که: اسم اعظم خدای تعالی آن است که افتتاح او اللّٰهُ و اختتام او هُوَ اَسْت و حروفش نقطه ندارد

وَ لَا يَتَغَيَّرُ قِرَاءَتُهُ * اُعْرَبْ اَمْ لَمْ يَعْربْ و این در قرآن مجید در پنج آیه مبارکه از پنج سوره است:

«بقره آیه ۲۵۵» و «آل عمران آیه ۲ الی ۴» و «نساء آیه ۸۷» و «طه آیه ۸» و «تغابن آیه ۱۳». شیخ مغربی گفته

هر که این پنج آیه مبارکه را وارد خود قرار دهد و هر روز یازده مرتبه بخواند هر آینه آسان شود برای او هر مهمی

از کُلِّی و جُزئِی بزودی انشاء اللّٰهُ تعالی و آن پنج آیه این است:

﴿۱﴾ **اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ** ﴿۲﴾ تا آخر آیه الكرسي ﴿۲﴾ **اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا**

(۱) خدا آن ذات یکتاست و خدایی نخواهد بود جز او که زنده و پاینده ابدی است (۲) خدا آن ذات یکتاست و خدایی جز او

هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ﴿۳﴾ نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ ﴿۴﴾

که زنده و پاینده ابدی است نخواهد بود * برای تو فرستاد این کتاب آسمانی را به حق و حقیقت در حالی که تصدیق کتب آسمانی دیگر را می‌کند *

وَ أَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ ﴿۵﴾ وَ أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ ﴿۶﴾

و کتاب تورات و انجیل را هم از آن پیش فرستاد برای هدایت خلق * و فرقان

﴿۳﴾ **اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ** ﴿۴﴾ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ ﴿۵﴾

(۳) خدا آن ذات یکتاست که جز او خدایی نیست * هر آینه جمع کند شما را در روز قیامت که نیست شکی در آن *

وَ مِنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ﴿۶﴾ ﴿۷﴾ **اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ** ﴿۸﴾ لَهُ الْأَسْمَاءُ

و سخن که راست‌تر از سخن خدا خواهد بود (۴) خدا آن ذات یکتاست که جز او خدایی نیست * نامهای نیکو

الْحُسْنَى ﴿۹﴾ ﴿۱۰﴾ **اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ** ﴿۱۱﴾ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۱۲﴾ ﴿۱۳﴾

مختص اوست (۵) خدا آن ذات یکتاست که جز او خدایی نیست و بر او باید اهل ایمان توکل کنند *

﴿۲﴾ دویم: دعای توسل

علامه مجلسی (رحمته الله) فرموده که در بعضی از کتب معتبره نقل کرده‌اند از محمد بن بابویه که این دعاء توسل را از ائمه روایت کرده است و گفته است که در هیچ امری نخواندم مگر آنکه اثر اجابت را به زودی یافتم. این است دعا:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ ﴿۱﴾ مُحَمَّدٍ

خدایا از تو درخواست می‌کنم و در دعا رو به تو می‌آورم به وسیله پیغمبر رحمت * محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ﴿۲﴾ يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﴿۳﴾ يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ

صلی الله علیه و آله * ای ابوالقاسم ای رسول خدا * ای پیشوای رحمت حق

﴿۴﴾ يَا سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا ﴿۵﴾ إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ

* ای سید و مولای ما * همه ما رو به تو آورده‌ایم و به حضرت متوسل شده و تو را شفیع خود به درگاه

إِلَى اللَّهِ ﴿۶﴾ وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا ﴿۷﴾ يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ ﴿۸﴾

خدا آورده‌ایم * و تو را برای انجام حاجاتمان نزد خدا مقدم داشته‌ایم * ای آبرومند نزد خدا *

إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ ﴿۹﴾ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۰﴾ يَا عَلِيَّ بْنَ

ما را پیش حضرت حق شفاعت فرما * ای ابا الحسن ای امیر مؤمنان * ای علی بن

اَبِيْطَالِبٍ * يَا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ * يَا سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا * اِنَّا تَوَجَّهْنَا

ای طالب * ای حجت خدا بر خلق * ای سید و مولای ما * همه ما رو به تو آورده ایم

وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ * وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا

و به حضرت متوسل شده و تو را شفیع خود به درگاه خدا آورده ایم * و تو را برای انجام حاجاتمان نزد خدا مقدم داشته ایم

* يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللّٰهِ * اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ * يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ

* ای آبرومند نزد خدا * ما را پیش حضرت حق شفاعت فرما * ای فاطمه زهرا

يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ * يَا قَرَّةَ عَيْنِ الرَّسُوْلِ * يَا سَيِّدَتْنَا وَ مَوْلَاتِنَا * اِنَّا

ای دخت محمد * ای نور دیده پیغمبر خدا * ای سیده و مولای ما * همه ما

تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ * وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ

رو به تو آورده ایم و به حضرت متوسل شده و تو را شفیع خود به درگاه خدا آورده ایم * و تو را برای انجام حاجاتمان نزد خدا

حَاجَاتِنَا * يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللّٰهِ * اِشْفَعِيْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ * يَا اَبَا مُحَمَّدٍ

مقدم داشته ایم * ای آبرومند نزد خدا * ما را پیش حضرت حق شفاعت فرما * ای ابا محمد

يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ * اَيُّهَا الْمُجْتَبَى يَا بَنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ * يَا حُجَّةَ اللّٰهِ

ای حسن بن علی * ای مجتبی ای پسر رسول خدا * ای حجت خدا

عَلَى خَلْقِهِ * يَا سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا * اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا

بر خلق * ای سید و مولای ما * همه ما رو به تو آورده ایم و به حضرت متوسل شده و تو را شفیع خود

بِكَ اِلَى اللّٰهِ * وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا * يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللّٰهِ *

به درگاه خدا آورده ایم * و تو را برای انجام حاجاتمان نزد خدا مقدم داشته ایم * ای آبرومند نزد خدا *

اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ * يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ * اَيُّهَا الشَّهِيدُ

ما را پیش حضرت حق شفاعت فرما * ای ابا عبد الله ای حسین بن علی * ای شهید

يَا بَنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ * يَا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ * يَا سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا *

ای پسر رسول خدا * ای حجت خدا بر خلق * ای سید و مولای ما *

اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ * وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

همه ما رو به تو آورده ایم و به حضرت متوسل شده و تو را شفیع خود به درگاه خدا آورده ایم * و تو را برای انجام حاجاتمان

يَدَيِّ حَاجَاتِنَا * يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللّٰهِ * اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ * يَا

نزد خدا مقدم داشته ایم * ای آبرومند نزد خدا * ما را پیش حضرت حق شفاعت فرما * ای

أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ * يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ يَا بَنَ رَسُولِ

أبا الحسن ای علی بن الحسین * ای زین العابدین ای فرزند رسول

اللَّهِ * يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ * يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا * إِنَّا تَوَجَّهْنَا

خدا * ای حجت خدا بر خلق * ای سید و مولای ما * همه ما رو به تو آورده‌ایم و به

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ * وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا

حضرت متوسل شده و تو را شفیع خود به درگاه خدا آورده‌ایم * و تو را برای انجام حاجت‌مان نزد خدا مقدم داشته‌ایم

* يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ * اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ * يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ

* ای آبرومند نزد خدا * ما را پیش حضرت حق شفاعت فرما * ای ابا جعفر ای محمد

بَنَ عَلِيٍّ * أَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ * يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ *

بن علی * ای باقر العلوم ای فرزند رسول خدا * ای حجت خدا بر خلق *

يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا * إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ

ای سید و مولای ما * همه ما رو به تو آورده‌ایم و به حضرت متوسل شده و تو را شفیع خود به درگاه خدا آورده‌ایم

* وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا * يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ * اِشْفَعْ لَنَا

* و تو را برای انجام حاجت‌مان نزد خدا مقدم داشته‌ایم * ای آبرومند نزد خدا * ما را پیش حضرت حق

عِنْدَ اللَّهِ * يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ * أَيُّهَا الصَّادِقُ

شفاعت فرما * ای ابا عبدالله ای جعفر بن محمد * ای صادق

يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ * يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ * يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا

ای فرزند رسول خدا * ای حجت خدا بر خلق * ای سید و مولای ما

* إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ * وَقَدَّمْنَاكَ

* همه ما رو به تو آورده‌ایم و به حضرت متوسل شده و تو را شفیع خود به درگاه خدا آورده‌ایم * و تو را برای انجام

بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا * يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ * اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ * يَا

حاجت‌مان نزد خدا مقدم داشته‌ایم * ای آبرومند نزد خدا * ما را پیش حضرت حق شفاعت فرما * ای

أَبَا الْحَسَنِ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ * أَيُّهَا الْكَاسِمُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ

أبا الحسن ای موسی بن جعفر * ای کاسم ای فرزند رسول خدا

* يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ * يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا * إِنَّا تَوَجَّهْنَا

* ای حجت خدا بر خلق * ای سید و مولای ما * همه ما رو به تو آورده‌ایم

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ * وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا

و به حضرت متوسل شده و تو را شفیع خود به درگاه خدا آورده‌ایم * و تو را برای انجام حاجاتمان نزد خدا مقدم داشته‌ایم

يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ * اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ * يَا اَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ

* ای آبرومند نزد خدا * ما را پیش حضرت حق شفاعت فرما * ای ابا الحسن ای علی بن

مُوسَى * أَيُّهَا الرِّضَا يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ * يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ * يَا

موسی * ای رضا ای فرزند پیغمبر خدا * ای حجت خدا بر خلق * ای

سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا * اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ *

سید و مولای ما * همه ما رو به تو آورده‌ایم و به حضرت متوسل شده و تو را شفیع خود به درگاه خدا آورده‌ایم *

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا * يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ * اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ

و تو را برای انجام حاجاتمان نزد خدا مقدم داشته‌ایم * ای آبرومند نزد خدا * ما را پیش حضرت حق شفاعت

اللَّهِ * يَا اَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ * أَيُّهَا التَّقِيُّ الْجَوَادُ يَا بْنَ رَسُولِ

فرما * ای ابا جعفر ای محمد بن علی * ای تقی جواد ای فرزند رسول

اللَّهِ * يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ * يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا * اِنَّا تَوَجَّهْنَا

خدا * ای حجت خدا بر خلق * ای سید و مولای ما * همه ما رو به تو آورده‌ایم

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ * وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا

و به حضرت متوسل شده و تو را شفیع خود به درگاه خدا آورده‌ایم * و تو را برای انجام حاجاتمان نزد خدا مقدم داشته‌ایم

يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ * اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ * يَا اَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ

* ای آبرومند نزد خدا * ما را پیش حضرت حق شفاعت فرما * ای ابا الحسن ای علی بن

مُحَمَّدٍ * أَيُّهَا الْهَادِي النَّقِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ * يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ

محمد * ای هادی نقی ای فرزند رسول خدا * ای حجت خدا بر خلق

يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا * اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى

* ای سید و مولای ما * همه ما رو به تو آورده‌ایم و به حضرت متوسل شده و تو را شفیع خود به درگاه خدا

اللَّهِ * وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا * يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ * اِشْفَعْ

آورده‌ایم * و تو را برای انجام حاجاتمان نزد خدا مقدم داشته‌ایم * ای آبرومند نزد خدا * ما را پیش

لَنَا عِنْدَ اللَّهِ * يَا اَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ * أَيُّهَا الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ

حضرت حق شفاعت فرما * ای ابا محمد ای حسن بن علی * ای زکی عسکری

يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ * يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ * يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا

ای فرزند رسول خدا * ای حجت خدا بر خلق * ای سید و مولای ما

إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ * وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

* همه ما رو به تو آورده‌ایم و به حضرتت متوسل شده و تو را شفیع خود به درگاه خدا آورده‌ایم * و تو را برای انجام حاجتمان

يَدَيَّ حَاجَاتِنَا * يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ * إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ * يَا وَصِيَّ

نزد خدا مقدم داشته‌ایم * ای آبرومند نزد خدا * ما را پیش حضرت حق شفاعت فرما * ای وصی

الْحُسْنِ وَالْخَلْفِ الْحُجَّةِ * أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ يَا بَنَ رَسُولِ

حضرت حسن عسکری ای جانشین حجت الهی * ای قائم منتظر مهدی ای فرزند رسول

اللَّهِ * يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ * يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا * إِنَّا تَوَجَّهْنَا

خدا * ای حجت خدا بر خلق * ای سید و مولای ما * همه ما رو به تو آورده‌ایم

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ * وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا

و به حضرتت متوسل شده و تو را شفیع خود به درگاه خدا آورده‌ایم * و تو را برای انجام حاجتمان نزد خدا مقدم داشته‌ایم

* يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ * إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ * پس حاجات خود را بطلبد که برآورده

* ای آبرومند نزد خدا * ما را پیش حضرت حق شفاعت فرما *

می‌شود انشاء الله تعالی و در روایت دیگر وارد شده که بعد از این بگوید: يَا سَادَتِي وَمَوَالِيَّ * إِنِّي

ای سید و موالی و امامان من * من از روی

تَوَجَّهْتُ بِكُمْ أَيْمَتِي وَعُدَّتِي * لِيَوْمِ فَقْرِي وَحَاجَتِي إِلَى اللَّهِ * وَتَوَسَّلْتُ

خلوص رو به شما آورده‌ام که پیشوایان من هستم و ذخیره من * برای روز فقر و حاجتم به سوی خدا خواهید بود * و به شما

بِكُمْ إِلَى اللَّهِ * وَاسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ * فَاشْفَعُوا لِي عِنْدَ اللَّهِ

متوسل شده‌ام به درگاه خدا * و شما را برای خود نزد خدا شفیع آورده‌ام * پس مرا نزد حضرت حق شفاعت کنید

* وَاسْتَنْقِذُونِي مِنْ ذُنُوبِي عِنْدَ اللَّهِ * فَإِنَّكُمْ وَسِيلَتِي إِلَى اللَّهِ *

* و نجاتم دهید از عقاب و کیفر گناهانم * که شما بزرگواران وسیله نجات من نزد خدا هستید *

وَبِحُبِّكُمْ وَبِقُرْبِكُمْ أَرْجُو نَجَاةً مِنَ اللَّهِ * فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ رَجَائِي *

و به دوستی شما و تقرب به شما امید نجات دارم از خدا * پس مایه امیدواری من نزد خدا شوید *

يَا سَادَتِي يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ * وَلَعَنَّ اللَّهُ

ای پیشوایان من ای اولیاء خدا * درود خدا بر همه شما باد * و لعنت خدا

اعْدَاءَ اللَّهِ ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۰﴾

بر ستمکاران در حق شما که دشمنان خدا هستند از اولین و آخرین خلق * این دعا را ای پروردگار عالمیان اجابت فرما *

مؤلف گوید که: شیخ کفعمی در بلد الامین دعاء مبسوطی نقل کرده موسوم به دعاء فرج و این دعاء توسل در ضمن آن مذکور است و گمانم آن است که دوازده امام خواجه نصیرالدین همین دعاء توسل است که مُرکَّب کرده‌اند با صلوات بر حجج طاهره که در یک خطبه بلیغه است که کفعمی در اواخر مصباح آن را ذکر فرموده، و سید علی خان در کلم طیب از قبس المصباح شیخ صهرشتی دعاء توسلی نقل کرده به شرحی که مقام را گنجایش ذکر آن نیست و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى ابْنَتِهِ وَعَلَى ابْنَيْهَا * وَاسْأَلْكَ بِهِمْ أَنْ

خدایا درود فرست بر محمد و دخترش و هر دو فرزندش * و به مقام اینان از تو درخواست می‌کنم

تُعِينَنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَرِضْوَانِكَ * وَ أَنْ تُبَلِّغَنِي بِهِمْ أَفْضَلَ مَا بَلَغْتَ

که مرا بر طاعت و مقام رضا و رضوانت یاری کنی * و به واسطه آنان بهتر مقامی به هر کس از دوستانت

أَحَدًا مِنْ أَوْلِيَائِكَ * إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ

دادی مرا عطا کنی * که تویی صاحب کرم و بخشش بی‌عوض * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ * إِلَّا أَنْتَقَمْتَ بِهِ مِنْ

امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام * که از هر که به من ظلم و ستم

ظَلَمَنِي وَغَشَمَنِي * وَءَاذَانِي وَانْطَوَى عَلَى ذَلِكَ * وَكَفَيْتَنِي بِهِ مَوْنَةً

کرده و جور * و آزار نموده و در قصد آزار من است تو انتقام کنی * و به واسطه آن بزرگوار مرا کفایت کنی از مؤنه

كُلِّ أَحَدٍ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ

و دسترس هر کس * ای مهربانترین مهربانان عالم * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق ولی خود علی

بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ * إِلَّا كَفَيْتَنِي بِهِ مَوْنَةً كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ *

بن الحسین علیه السلام * که اندیشه تسلط هر شیطان گمراه کننده را از من منع کنی *

وَسُلْطَانٍ عَنِيدٍ * يَتَّقُوهُ عَلَى بَطْشِهِ * وَيَنْتَصِرُ عَلَيَّ بِجُنْدِهِ * إِنَّكَ

و شر اندیشه هر سلطان مخالف حق * که بر من با نیرویش سخت گیرد * و با سپاهش بر جفایم یاری طلبد کفایت فرما * که تویی

جَوَادٌ كَرِيمٌ يَا وَهَّابٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

صاحب جود و کرم ای بخشنده بی‌عوض * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق ولی خود حضرت محمد بن علی

وَجَعَفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ * إِلَّا اعْتَنَيْتَنِي بِهِمَا عَلَىٰ أَمْرٍ آخِرَتِي

الباقر و جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام * که به وسیلهٔ اینان مرا به طاعت و رضایت

بِطَاعَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ * وَ بَلَغْتَنِي بِهِمَا مَا يُرْضِيكَ * إِنَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا

در کار آخرتم یاری کنی * و به واسطهٔ آن بزرگواران مرا به آنچه موجب رضا و خوشنودی توست نایل سازی * که تو به قدرت کامله هر

تُرِيدُ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ مُوسَىٰ بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ *

چه بخواهی توانی کرد * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق ولی خود موسی بن جعفر علیه السلام *

إِلَّا عَافَيْتَنِي بِهِ فِي جَمِيعِ جَوَارِحِي مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ * يَا جَوَادُ

که به من در جمیع اعضاء و جوارح ظاهر و باطنم عافیت و سلامت بخشی * ای صاحب جود

يَا كَرِيمُ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَىٰ

و کرم بر خلق * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق ولی خود علی بن موسی الرضا

عَلَيْهِ السَّلَامُ * الْأَسْلَمْتَنِي بِهِ فِي جَمِيعِ أَسْفَارِي * فِي الْبَرَارِي وَ الْبِحَارِ

علیه السلام * که به واسطهٔ آن بزرگوار مرا در سفرهای * خشکی و دریا

* وَ الْجِبَالِ وَ الْقِفَارِ * وَ الْأَوْدِيَةِ وَ الْغِيَاضِ * مِنْ جَمِيعِ مَا أَخَافُهُ *

* و کوه و صحرا * و رود و بیشه همه جا مرا سلامت بداری * و از هر چه ترس و هراس دارم

وَ أَحْذَرُهُ * إِنَّكَ رَعُوفٌ رَحِيمٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ مُحَمَّدٍ

محافظت کنی * که تو خدای رئوف و مهربانی * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق ولی خود حضرت محمد

بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ * الْأَجِدْتُ بِهِ عَلِيٌّ مِنْ فَضْلِكَ * وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ

بن علی علیه السلام * که به واسطهٔ آن بزرگوار از فضل و کرمت بر من ببخش * و به لطف و رحمت

عَلِيٍّ مِنْ وَسْعِكَ * وَ وَسَّعْتَ عَلَيَّ رِزْقَكَ * وَ أَغْنَيْتَنِي عَمَّنْ سِوَاكَ *

وسیعت تفضل فرما * و روزی با وسعت بخش * و از غیر خود مرا بی‌نیاز گردان

وَ جَعَلْتَ حَاجَتِي إِلَيْكَ وَ قَضَاهَا عَلَيْكَ * إِنَّكَ لِمَا تَشَاءُ قَدِيرٌ *

و قرار دهی حاجتم را به سوی خودت و دادن آن را بر خودت * که تو البته بر هر چه خواهی توانایی *

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ *

خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق ولی خود حضرت علی بن محمد علیهما السلام *

إِلَّا اعْتَنَيْتَنِي بِهِ عَلَىٰ تَأْدِيَةِ فُرُوضِكَ * وَ بَرِّ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ * وَ سَهَّلْ

که مرا بر اداء فرضهایم به تو * و نیکی به برداران ایمانی‌ام یاری کنی * و این کار

ذَلِكْ لِي * وَاقْرُنْهُ بِالْخَيْرِ * وَاعْنِي عَلَى طَاعَتِكَ بِفَضْلِكَ يَا رَحِيمُ *

بر من آسان کن * و با خیر (و حسن عاقبت) قرین گردان * و مرا بر طاعتت به فضل و کرمت یاری کن ای خدای مهربان *

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ *

خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق ولی خود حضرت حسن بن علی علیهما السلام *

إِلَّا أَعْنَتَنِي بِهِ عَلَى أَمْرٍ آخِرْتَنِي بِطَاعَتِكَ وَرِضْوَانِكَ * وَ سَرَرْتَنِي فِي

که مرا بر کار آخرتم که طاعت و رضای توست یاری کنی * و در این منزل انتقال و

مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

منزل ابدی مرا مسرور داری * به مقام رحمتت ای مهربانترین مهربانان عالم * خدایا از تو درخواست می‌کنم

بِحَقِّ وَلِيِّكَ وَ حُجَّتِكَ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ * إِلَّا أَعْنَتَنِي بِهِ

به حق ولی تو و حجتت بر خلق حضرت صاحب الزمان علیه السلام * که مرا در

عَلَى جَمِيعِ أُمُورِي * وَ كَفَيْتَنِي بِهِ مِئُونَةَ كُلِّ مُوَدِّ وَ طَاعٍ وَ بَاعٍ *

همه امور یاری کنی * و اندیشه هر موذی بد اندیش و هر طاغی ستمکار را از من کفایت کنی *

وَ أَعْنَتَنِي بِهِ فَقَدْ بَلَغَ مَجْهُودِي * وَ كَفَيْتَنِي بِهِ كُلَّ عَدُوٍّ وَ هَمٍّ وَ غَمٍّ

و به واسطه آن بزرگوار به کارم مدد فرمایی که کار من به نهایت سختی رسیده است * و شر هر دشمن و هر اندوه و غم و دین را

وَ دَيْنٍ * وَ عَنِّي وَ عَنِ وَلَدِي وَ جَمِيعِ أَهْلِي وَ إِخْوَانِي * وَ مَنْ يَعْينِي

برطرف گردانی * از من و فرزندانم و خاندانم و برادرانم * و هر که مرا در کاری

أَمْرُهُ وَ خَاصَّتِي * ءَامِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٣﴾ سَيِّمٌ: شیخ کفعمی در بلد الامین دعائی

یاری کند و خاصانم * ای پروردگار عالمین این دعا را اجابت فرما. *

مروّی از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل کرده که، هر ملهوف و مکروب و محزون و گرفتار و ترسانی بخواند آن را،

حَقَّ تَعَالَى أَوْ أَفْرَجَ كَرَامَتَ فَرْمَايِدَ وَأَنْ دَعَا فِيهِ اسْت: يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ * وَيَا ذُخْرَ

ای اعتماد بیچارگان * ای ذخیره

مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ * وَيَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ * وَيَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ *

بینوایان * ای نگهبان بیچارگان * ای نگهدار افتادگان

* وَيَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ * وَيَا كَثْرَ مَنْ لَا كَثْرَ لَهُ * وَيَا عِزَّ

* ای پناه بی‌پناهان * و ای گنج آنکه جز تو گنجی ندارد * و ای عزت آنکه

مَنْ لَا عِزَّ لَهُ * يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ * يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ * يَا عَوْنَ الضُّعْفَاءِ *

جز تو وسیله عزت ندارد * ای عفو کننده با بزرگواری * ای در گذرنده به نیکویی * ای یاور ناتوانان *

يَا كَثْرَ الْفُقَرَاءِ * يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ * يَا مُنْقِذَ الْغَرَقَى * يَا مُنْجِيَ الْهَلَكَى *

ای گنج فقیران * ای مایه امید بزرگ * ای نجات دهنده غرق شدگان * ای رهاننده به هلاکت رسیدگان *

يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ * يَا مُنْعَمُ يَا مُفْضِلُ * أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ *

* ای احسان کننده، ای نیکو کار * ای با فضل و کرم به خلق * تویی خدایی که

سَوَادُ اللَّيْلِ وَ نُورُ النَّهَارِ * وَ ضَوْءُ الْقَمَرِ وَ شِعَاعُ الشَّمْسِ * وَ حَفِيفُ

ظلمت شب و روشنی روز * و نور ماه و شعاع خورشید * و صدای درختان و

الشَّجَرِ وَ دَوَى الْمَاءِ * يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ *

جنبش و زمزمه آنها همه ذکر سجده توست * ای خدا ای خدا ای خدا * جز تو خدایی نیست *

وَ حَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ * يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهُ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

تو یگانه و یکتایی و شریک نداری * ای پروردگار ما ای خدا * درود فرست بر محمد و آل محمد

* وَ أَفْعَلُ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ * * پس بطلب، هر چه حاجت داری. * مؤلف گوید که: از برای فرج

* و با من آن کن که لایق توست *

و رفع گرفتاری و غم نیز نافع است، مواظبت بر این ذکر که حضرت جواد (علیه السلام) تعلیم فرموده: يَا مَنْ يَكْفِي

ای آنکه کفایت

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ * وَ لَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ * اِكْفِي مَا اَهْمَنِي * چهارم: دعاء

از همه چیز می‌کنی * و هیچ چیز از تو کفایت نمی‌کند * مهمات امور مرا کفایت فرما *

خلاص شدن از زندان و بند، سید بن طاووس (رحمته الله) در مَهْجُ الدَّعَوَاتِ فرموده: روایت شده که شخصی در شام

محبوس بود مدت طولی، پس در خواب دید حضرت زهراء (علیها السلام) را که به او فرمود: بخوان این دعا را و به او تعلیم

فرمود، پس چون خواند از بند خلاص شد و به خانه خود رفت، و آن دعا این است: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ الْعَرْشِ

خدایا به حق عرش

وَ مِنْ عِلَاهُ * وَ بِحَقِّ الْوَحْيِ وَ مِنْ اَوْحَاهُ * وَ بِحَقِّ النَّبِيِّ وَ مِنْ نَبَاہُ *

و آنکه بر بالای اوست * و به حق وحی و آنکه وحی به او می‌رسد * و به حق پیغمبر و آنکه به او پیغام می‌دهد *

وَبِحَقِّ الْبَيْتِ وَمَنْ بَنَاهُ * يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ * يَا جَامِعَ كُلِّ فَوْتٍ * يَا

و به حق خانه (کعبه) و آنکه خانه را بنا کرد * ای شنونده هر صدا * ای جمع کننده هر چه (به ظاهر) نابود شود * و ای

بَارِئِ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ * وَ ءَاتِنَا

برانگیزاننده جانها پس از مرگ * درود فرست بر محمد و اهل بیتش * و به ما

وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا * فَرَجًا

و تمام مرد و زن اهل ایمان در مشرق و مغرب عالم * فرج و گشایش

مِنْ عِنْدِكَ عَاجِلًا * بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ

عاجلا از جانب خود عطا فرما * به حق گواهی ما بر اینکه خدایی جز تو نیست * و محمد بنده (خاص) و

وَ رَسُولُكَ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ * وَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

فرستاده توست * که درود خدا بر او و بر آل او و ذریه او باد * که همه نیکان و پاکان عالمنده

* وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا ﴿٥﴾ پنجم: سید بن طاووس (رحمته الله علیه) در مَهْجُ الدَّعَوَاتِ روایتی از سلمان نقل

* و تحیت کامل فراوان بر آنان باد.

فرموده که در آخرش مذکور است چیزی که حاصلش این است: حضرت فاطمه (علیها السلام) آموخت به من کلامی که

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله آموخته بود و در وقت صبح و شام آن را می خواند و فرمود: اگر می خواهی

در دنیا هرگز، تو را تب نگیرد مداومت کن بر آن و آن این است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

به نام خدای بخشنده مهربان *

بِسْمِ اللَّهِ النُّورِ * بِسْمِ اللَّهِ نُورِ النُّورِ * بِسْمِ اللَّهِ نُورٍ عَلَى نُورٍ * بِسْمِ

به نام مبارک خدا که نور عالم است * به نام مبارک خدا که نور نور عالم است * به نام

اللَّهِ الَّذِي هُوَ مَدْبِرُ الْأُمُورِ * بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ *

مبارک خدا آن نام که مدبر امور عالم است * به نام مبارک خدا آن نام که نور را از نور آفرید (یعنی عالم و آدم را از نور خود آفرید) *

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ * وَ أَنْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ *

ستایش خدا را که نور (وجود عالم و نور جان آدم) را از نور (جمال خود) آفرید * و نور (تجلی خود) را بر طور سینا *

فِي كِتَابِ مَسْطُورٍ * فِي رَقٍّ مَنشُورٍ * بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ * عَلَى نَبِيِّ مَحْبُورٍ *

در کتاب مسطور تورات نازل کرد * در صحیفه گشوده * به قدری که مقدر نمود * بر پیغمبر عالم و صالح خود *

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ * وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ * وَعَلَى السَّرَّاءِ

ستایش خدا را که نزد تمام موجودات به عزت مذکور * و به فخر و جلالت معروف است * و در حال آسایش

و الضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ * وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

و سختی باید شکر گزار او بود * و درود خدا بر سید ما حضرت محمد (ص) و اهل بیت طاهرینش باد.

* سلمان گفت چون از حضرت فاطمه (علیها السلام) آموختم آن را، به خدا قسم به بیشتر از هزار نفر از اهل مکه و مدینه

که مبتلا به تب بودند آموختم، پس همه شفا یافتند به اذن خدای تعالی. **۶ ششم: حرز حضرت امام زین**

العابدين (علیهم السلام)، سید بن طاووس (رحمه الله) در دو موضع از مَهَج، این حرز شریف را از حضرت امام زین العابدین (علیه السلام)

نقل کرده: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ * يَا أَبْصَرَ

به نام خدای بخشنده مهربان * ای شنواترین شنوندگان عالم * ای بیناترین

النَّاطِرِينَ * يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ * يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ * يَا خَالِقَ

بینایان جهان * ای سریعترین محاسبان * ای با عدل و دادترین حاکمان * ای آفریننده

الْمَخْلُوقِينَ * يَا رَازِقَ الْمَرْزُوقِينَ * يَا نَاصِرَ الْمَنْصُورِينَ * يَا أَرْحَمَ

خلقان * ای روزی دهنده عالمیان * ای یاری کننده یاری شدگان * ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ * يَا دَلِيلَ الْمُتَحِيرِينَ * يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ * اغْنِنِي يَا

مهربانان * ای راهنمای سرگشتگان * ای فریادرس دادخواهان * به فریاد من

مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ * اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * يَا صَرِيحَ

برس ای پادشاه روز جزا * ما تنها تو را می‌پرستیم و از تو یاری می‌طلبیم * ای فریادرس

الْمَكْرُوبِينَ * يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ * اَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

غمدیدگان * ای مستجاب کننده دعای پریشان خاطران * تویی خدای آفریننده عالم

* اَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * أَلَمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ الْكَبْرِيَاءُ رِذَاؤُكَ *
* تویی خدایی که جز تو خدایی نیست * سلطان حقیقی عالمی و آشکار کننده حقایق، تکبر مخصوص توست *

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى * وَعَلَى عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى * وَ فَاطِمَةَ

خدایا درود فرست بر محمد مصطفی (ص) * و بر علی مرتضی * و بر فاطمه

الزَّهْرَاءِ * وَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى * وَ الْحَسْنَ الْمُجْتَبَى * وَ الْحُسَيْنَ الشَّهِيدَ

زهرا * و بر خدیجه کبری * و بر حسن مجتبی * و حسین شهید

بِكَرْبَلَاءَ * وَ [عَلِيَّ] بِنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ * وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

به کربلا * و بر علی بن الحسین زین العابدین * و محمد بن علی

الْبَاقِرِ * وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ * وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَازِمِ *

الباقر * و جعفر بن محمد الصادق * و موسی بن جعفر الکاظم *

وَ عَلِيَّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا * وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ * وَ عَلِيَّ بْنِ مُحَمَّدٍ

و علی بن موسی الرضا * و محمد بن علی التقی * و علی بن محمد

التَّقِيِّ * وَ الْحَسَنِ [بِنِ عَلِيٍّ] الْعَسْكَرِيِّ * وَ الْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ

التقی * و حسن [بن علی] العسکری * و حجت خدا و قائم به حق

الْإِمَامِ [الْمُنْتَظَرِ] * صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ * اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ

مهدی (ع) امام (منتظر) * درود خدا بر همه آن بزرگواران باد * خدایا دوست بدار هر کس اینان را

وَالْأَهْمُ * وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُمْ * وَ أَنْصِرْ مَنْ نَصَرَهُمْ * وَ اخْذِلْ مَنْ

دوست بدارد * و دشمن بدار هر که اینان را دشمن بدارد * و یاری کن هر که اینان را یاری کند * و خوار گردان هر که اینان را

خَذَلَهُمْ * وَ الْعَنْ مَنْ ظَلَمَهُمْ * وَ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْصِرْ

خوار گرداند * و لعنت کن هر که به اینان ظلم کند * و فرج آل محمد را زود و نزدیک گردان * و شیعیان آل

شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ * [وَ أَهْلِكَ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ] * وَ ارْزُقْنِي رُؤْيَةَ قَائِمِ

محمد (ص) را یاری فرما * و دشمنان آل محمد (ص) را نابود فرما * و چشمم را به جمال قائم آل محمد

آلِ مُحَمَّدٍ * وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ وَ أَشْيَاعِهِ * وَ الرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ *

روشن گردان * و مرا از پیروان و شیعیان * و خوشنودان به فعل آنان قرار ده *

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ﴿٧﴾ هفتم: شیخ کفعمی در بلد الامین دعائی از حضرت امام

به حق رحمتت ای مهربانترین مهربانان عالم. *

زین العابدین (علیه السلام) نقل کرده و فرموده: این دعا را مقاتل بن سلیمان از آن حضرت روایت کرده، و هم گفته،

هر که صد مرتبه آن را بخواند و دعایش مستجاب نگردد لعنت کند مُقاتل را، این است دعا: **الْهِیَ کَيْفَ**

خدایا چگونه تو را بخوانم

أَدْعُوكَ وَ أَنَا أَنَا * وَ کَيْفَ اقْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ وَ أَنْتَ أَنْتَ الْهِیَ إِذَا

در صورتی که من من (معصیت کار) هستم * و چگونه امیدم را از تو قطع کنم در صورتی که تو تویی * خدایا هرگاه از تو

لَمْ أَسْأَلْكَ فَتُعْطِنِي * فَمَنْ ذَا الَّذِي أَسْأَلُهُ وَيُعْطِينِي * إِلَهِي إِذَا لَمْ

درخواست نکردم تو به من عطا فرمایی * پس کیست آنکه چون درخواست کنم عطا می‌کند * خدایا هرگاه

أَدْعُوكَ (أَدْعُكَ) فَتَسْتَجِيبَ لِي * فَمَنْ ذَا الَّذِي أَدْعُوهُ فَيَسْتَجِيبُ لِي *
تو را نخوانم باز حاجتم برآوری * پس کیست آنکه هرگاه او را بخوانم حاجتم روا می‌گرداند *

إِلَهِي إِذَا لَمْ أَتَضَرَّعْ إِلَيْكَ فَتَرْحَمْنِي * فَمَنْ ذَا الَّذِي أَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ
خدایا هرگاه زاری به درگاه تو نکرده‌ام باز به من ترحم می‌کنی * پس کیست آنکه چون زاری کنم

فَيَرْحَمْنِي * إِلَهِي فَكَمَا فَلَقْتَ الْبَحْرَ لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَنَجَّيْتَهُ *
ترحم خواهد کرد * خدایا چنانکه دریا را برای موسی علیه السلام شکافتی و او را نجات دادی

* أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَأَنْ تُنَجِّنِي مِمَّا أَنَا فِيهِ *
پس از تو درخواست می‌کنم که درود فرستی بر محمد (ص) و آل او * و مرا هم از این حالی که در او هستم نجات بخشی *

وَتَفَرِّجَ عَنِّي فَرْجًا عَاجِلًا غَيْرَ أَجَلٍ * بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
و به من فرج و گشایش عاجل عطا کنی * به فضل و رحمت (نامنتهای) خود ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ ﴿٨﴾ هشتم: سیدبن طاوس (رضی الله عنه) در مَهَجُ الدَّعَوَاتِ از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده

مهربانان. *

که فرمود: جبرئیل خدمت حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) عرض کرد یا نبی الله، بدانکه هیچ پیغمبری را به قدر تو دوست

نداشته‌ام پس بسیار بگو: اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى وَلَا تَرَى * وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى *
خدایا تو همه را می‌بینی و هیچکس تو را نمی‌بیند * و تو به منظره‌ای هستی که بلندتر از حد ادراک است *

وَأَنَّكَ تَرَى وَلَا تَرَى * وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى *
و سیر و رجوع تمام خلق به پیشگاه توست * و سرای آخر و اول عالم از توست * و زندگانی

الْمَمَاتِ وَالْمَحْيَا * وَرَبِّ أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَذِلَّ أَوْ أُخْزَى ﴿٩﴾ نهم: کفعمی
و مرگ به دست توست * پروردگارا به تو پناه می‌برم از ذلیل و خوار شدن. *

در بلد الأمين دعائی مروی از حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) نقل کرده و فرموده: عظیم الشان و سریع الإجابة

است، و آن این است: اللَّهُمَّ إِنِّي أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ التَّوْحِيدُ
خدایا من در محبوبترین اشیاء نزد تو که توحید است تو را اطاعت کردم

وَلَمْ أَعْصِكَ فِي أَبْغَضِ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ الْكُفْرُ * فَاغْفِرْ لِي مَا

* و تو را معصیت نکردم در مبغوضترین امور که کفر است * پس تو مابین این دو را هر چه کردم

بَيْنَهُمَا * يَا مَنْ إِلَيْهِ مَفْرَى * ءَامِنِي مِمَّا فَرَعْتُ مِنْهُ إِلَيْكَ * اللَّهُمَّ

بر من ببخش * ای خدایی که مفر و پناه من به سوی توست * مرا از هر چه می‌ترسم تو ایمن گردان * خدایا

اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعْاصِيكَ * وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ

معصیتهای بسیار مرا ببخش * و طاعت اندک مرا بپذیر

يَا عُدَّتِي دُونَ الْعُدَدِ * وَيَا رَجَائِي وَالْمُعْتَمَدِ * وَيَا كَهْفِي وَالسَّنْدِ

* ای تنها وسیله من * ای مایه امید و اعتماد من * ای پناه و نگهبان من

وَيَا وَاحِدًا يَا أَحَدًا * يَا قُلَّ هُوَ اللَّهُ أَحَدًا * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ

* ای یگانه‌ای یکتا * ای آنکه این سوره توحید وصف توست * (ای رسول ما) بگو به خلق او خدای یکتاست * که او از همه بی‌نیاز و همه به او نیازمندند * نه کسی

وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَكُفُوًا أَحَدًا * أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ اصْطَفَيْتَهُمْ

فرزند او و نه او فرزند کسی است * و نه هیچکس مثل و همتای اوست * به حق آنان که برگزیدی

مِنْ خَلْقِكَ * وَلَمْ تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَدًا * أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

از میان خلق * و هیچکس را مثل و مانندشان قرار ندادی * که درود فرست بر محمد

وَءَالِهِ * وَتَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ

و آتش * و با من آن کن که تو را لایق است * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق مقام

الْكُبْرَى * وَالْمُحَمَّدِيَّةِ الْبَيْضَاءِ * وَالْعُلُوِّيَّةِ الْعُلْيَا (الْعُلْيَاءِ) * وَبِجَمِيعِ

توحید بزرگ تو * و به مقام دره بیضای محمدیت * و به علو مرتبه علویت * و به جمیع

مَا احْتَجَجْتَ بِهِ عَلَيَّ عِبَادِكَ * وَبِالْإِسْمِ الَّذِي حَبَبْتَهُ * عَنْ خَلْقِكَ

حجت‌های تو بر خلق * و به آن نامی که از تمام خلق پنهان داشته‌ای

فَلَمْ يَخْرُجْ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ * صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَءَالِهِ * وَاجْعَلْ لِي مِنْ

* که از طرف تو جز به سوی تو نیامد * که بر محمد (ص) و آتش درود فرستی * و در همه کار

أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا * وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ احْتَسَبُ وَمِنْ حَيْثُ

من گشایش عطا کنی * و از جایی که من گمان دارم و از جایی که گمان ندارم

لَا احْتَسَبُ * إِنَّكَ تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ * پس حاجت خود را بطلب

مرا روزی بخشی * که البته تو به هر که خواهی روزی بی‌حساب عطا می‌کنی.

۱۰ دهم: کفعمی در مصباح دعائی نقل کرده و فرموده: سید بن طاوس این دعا را برای ایمنی از سلطان و بلاء

و ظهور اعداء و خوف فقر و تنگی سینه ذکر کرده و آن از ادعیه صحیفه سجّادیه است پس، هرگاه ترسیدی از ضرر

آنچه ذکر شد بخوان آن را، این است دعا: **يَا مَنْ تَحَلَّى بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ * وَيَا مَنْ يَفْتَأُ**

ای خدایی که گره ناگواریهای عالم به او گشایش می‌یابد * ای خدایی که سختیهای

بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ * وَيَا مَنْ يَلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رُوحِ الْفَرَجِ *

جهان به او آسان می‌گردد * ای آنکه از او درخواست می‌شود برون شدن از غم و اندوه به حقیقت شادی و خرمی *

ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ * وَتَسَبَّبَتْ بِلَطْفِكَ الْأَسْبَابُ * وَجَرَى

مشکلات عالم پیش قدرتت رام گردند * و اسباب وجود هر چیز به لطف و کرمیت نظام یافته است * قضا

بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ * وَمَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ * فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ

به قدرت تو جاری * و هر چیز عالم به اراده تو امضاء می‌گردد * پس هر چه بخواهی به مجرد

دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ * وَبِإِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُزَجَّرَةٌ * أَنْتَ الْمَدْعُوُّ

خواست بدون فرمانت اطاعت کند * و هر چه بخواهی به صرف اراده بدون نهیت منجر گردد * تو را در مهمات

لِلْمُهْمَاتِ * وَأَنْتَ الْمَفْرَعُ فِي الْمَلِمَاتِ * لَا يَنْدِفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ

عالم می‌خوانند * و به درگاه تو در پریشانیها تضرع و زاری می‌کنند * هیچ رنجی دفع نشود مگر آنکه تو مندفع گردانی

*** وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ * وَقَدْ نَزَلَ بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ**

* و تو برطرف سازی * و ای خدا گران حوادثی به من رسیده که مرا در هم شکسته

تَكَادَنِي ثِقَلُهُ * وَالْمَبِيُّ مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمَلُهُ * وَبِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ * وَ

و پریشان حال ساخته * و مشکلاتی بر من وارد شده که مرا به رنج و غم افکنده * به قدرت تو آن امور بر من

عَلَى * وَبِسُلْطَانِكَ وَجْهَتَهُ * إِلَى * فَلَا مُصْدِرَ لِمَا أَوْرَدْتَ * وَلَا

وارد آمده * و به اقتدار تو بر من رو آورده * پس غمی که تو آوردی کسی دیگر نتواند برد * و مشکلی

صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ * وَلَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ * وَلَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ

که تو فرستی غیر تو نتواند برطرف کرد * و دری که تو بر بندی دیگری نتواند گشود * و اگر بگشایی نتواند بست

*** وَلَا مَبْسِرَ لِمَا عَسَّرْتَ * وَلَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ * فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ**

* آنچه را تو مشکل کنی کسی آسان نتواند ساخت * و آنکه را تو خوار سازی کسی یاری نتواند کرد * پس درود فرست ای خدا بر

وَأَلِهِ * وَافْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بَطْوَلِكَ * وَاكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ

محمد و آتش * و بر من به فضل و احسان در وسعت و آسایش بگشا * و به قدرتت در قلبم لشکر هم و غم

الْهَمِّ بِجَوْلِكَ * وَأَنْلِنِي حُسْنَ النَّظْرِ فِيمَا شَكَوْتُ * وَادْقِنِي حَلَاوَةَ

را درهم شکن * و به من در آنچه شکایت از آن دارم حسن ظن و خوش بینی عطا فرما * و شیرینی صنعت را

الصَّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ * وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجًا هَنِئًا *

در آنچه درخواست می‌کنم به من بچشان * و از جانب خود به من رحمت و گشایش و خوشگواری عنایت فرما *

وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا وَحَيًّا * وَلَا تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِمَامِ عَنْ

و برای من از لطف خود از هر جا راه خروجی الهام فرما * و مرا از کار ملازمت

تَعَاهِدِ فَرُوضِكَ * وَاسْتِعْمَالِ سُنَنِكَ (سُنَّتِكَ) * فَقَدْ ضِيقْتُ لِمَا نَزَلَ

و وظایف بندگیت * و به جای آوردن سنن و احکامات به هیچ کار مشغول مگردان * ای خدا از حوادثی که

بِي يَا رَبِّ ذُرْعًا * وَامْتَلَأْتُ بِحِمْلِ مَا حَدَثَ عَلَيَّ هَمًّا * وَأَنْتَ الْقَادِرُ

به من رسیده سینه‌ام تنگ * و دلم پر از هم و غم گردیده * و تو بر دفع آنچه بدان مبتلا

عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ * وَدَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ * فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ وَإِنْ

و به آن گرفتارم توانایی * پس تو آن (غم و دل‌تنگیم) را به کرم‌ت برطرف گردان * و هر چند من مستوجب

لَمْ اسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ * يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ * وَذَا الْمَنْ الْكَرِيمِ * فَاَنْتَ

این لطف تو نباشم * ای صاحب عرش بزرگ * ای صاحب نعمت با کرامت * پس تو

قَادِرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۱﴾ یازدهم: کفعمی در بیلد الامین

قادری ای مهربانترین مهربانان عالم * دعایم را اجابت فرما ای پروردگار عالمیان. *

فرموده این دعاء حضرت صاحب الامر (علیه السلام) است که تعلیم فرمود آن را به شخصی که محبوس بود پس خلاص

شد: **الهي** عَظْمَ الْبَلَاءِ * وَبِرِحِ الْخُفَاءِ * وَانْكَشَفِ الْغَطَاءَ * وَانْقَطَعَ

خدایا بلا و مصایب ما بزرگ شد * و بیچارگی ما بسی روشن * و پرده از روی کار برداشته شد * و امیدم

الرَّجَاءِ * وَضَاقَتِ الْأَرْضُ * وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ * وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ

نامیدم شد * و زمین (با همه پهنآوری) بر ما تنگ آمد و آسمان رحمتش از ما منع گردید * و تنها تویی یاور و

وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكِي * وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَةِ وَالرَّخَاءِ * **اللَّهُمَّ**

معین ما و مرجع شکایت ما * و یگانه اعتماد ما در هر سختی و آسانی بر لطف توست * خدایا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا

درود فرست بر محمد و آل محمد * که صاحب امر الهی (و مقام خلافت) هستند و بر ما اطاعتشان را

طَاعَتَهُمْ * وَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزَلَتَهُمْ * فَفَرِّجْ عَلْنَا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا

واجب کردی * و به واسطه این مطاع بودن مقامشان را به ما شناساندی * پس به حق منزلت و قدر آنها که به ما فرج و

قَرِيبًا * كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ * يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ * يَا عَلِيُّ

گشایش زود * و نزدیک چون چشم بهم زدن یا زودتر عطا فرما * ای محمد و ای علی * ای علی

يَا مُحَمَّدُ * اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ * وَانصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِ *

و ای محمد * شما مرا کفایت کنید که شما کافی هستید * و مرا یاری کنید که شما یاران منید *

يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ * أَلْغُوْثَ الْغَوْثِ الْغَوْثِ * ادْرِكْنِي

ای مولای من ای صاحب الزمان * فریادرس فریادرس فریادرس * مرا دریاب

ادْرِكْنِي ادْرِكْنِي * السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ * الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ

مرا دریاب مرا دریاب * همین ساعت همین ساعت همین ساعت * زود زود زود

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ ﴿١٢﴾ دوازدهم: و نیز کفعمی

* ای مهربانترین مهربانان * به حق محمد و آل اطهارش *

در مصباح فرموده این دعاء حضرت مهدی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ است: **اللَّهُمَّ ارزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ**

خدایا ما را توفیق طاعت

وَبَعْدَ الْمَعْصِيَةِ * وَصِدْقِ النِّيَّةِ * وَعِرْفَانِ الْحُرْمَةِ * وَاَكْرَمِنَا

* و دوری از معصیت روزی گردان * و نیت با خلوص * و حقیقت و معرفت به آنچه نزد تو محترم است عطا فرما * و ما را به هدایت

بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ * وَسَدِّ السَّنَنِ بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ * وَامَلَأْ

و استقامت (در راه توحید) کرامت فرما * و زبان ما را به صدق و صواب و سخن حکمت گویا ساز * و دل ما را

قُلُوبِنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ * وَطَهَّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ

از علم و معرفت پر گردان * و شکم ما را از غذای حرام (شبهه) پاک دار

وَ اكْفِفْ أَيْدِينَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ * وَ اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ

* و دست ما را از ظلم به خلق و سرقت نگه دار * و چشم ما را از نابکاری

الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ * وَ اسدِّ أَسْمَاعِنَا عَنِ الْمَغْوِ وَالْغَيْبَةِ * وَ تَفَضَّلْ

و خیانت ببند * و گوش ما را از شنیدن سخن بیهوده و غیبت بندگان مسدود گردان * و بر علما

عَلَىٰ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ * وَعَلَىٰ الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ

و دانشمندان ما به زهد و حسن عمل * و بر دانش طلبان به جدیت و شوق و رغبت

و الرِّغْبَةَ * وَعَلَىٰ الْمُسْتَمْعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةَ * وَعَلَىٰ مَرْضَىٰ

تفضل فرما * و بر مستمعین به پیروی و پند شنیدن * و بر بیماران

الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ * وَعَلَىٰ مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ *

اسلام به شفاء و آسایش * و بر اموات اسلام به رأفت و مهربانی ترحم فرما *

وَعَلَىٰ مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ * وَعَلَىٰ الشُّبَّابِ بِالْإِنَابَةِ

و بر پیران ما به وقار و متانت * و بر جوانان به توبه

والتَّوْبَةَ * وَعَلَىٰ النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ * وَعَلَىٰ الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَّاضُعِ

و انابت * و بر زنان به حیاء و عفت * و بر اغنیاء به تواضع

و السَّعَةِ * وَعَلَىٰ الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ * وَعَلَىٰ الْغُرَاةِ بِالنَّصْرِ

و علو همت * و بر فقراء به صبر و قناعت * و بر سپاهیان به فتح

و الغَلْبَةِ * وَعَلَىٰ الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَالرَّاحَةِ * وَعَلَىٰ الْأُمْرَاءِ بِالْعَدْلِ

و نصرت * و بر اسیران به آزادی و استراحت * و بر فرمانداران به عدل

و الشَّفَقَةِ * وَعَلَىٰ الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ وَحُسْنِ السِّيَرَةِ * وَبَارِكْ

و شفقت * و بر رعیت به انصاف و حسن سیرت تفضل فرما * و حاجیان

لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ * وَاقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ

و زواران اسلام را به توشه و مخارجشان برکت عطا فرما * و حج و عمره‌ای که بر ذمه آنان

الْحُجِّ وَالْعُمْرَةِ * بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ﴿۱۱۳﴾ سیزدهم: در

فرض کردی ادا فرما * به فضل و رحمتت ای مهربانترین مهربانان عالم. *

مهج ذکر شده که این دعاء حضرت حجّة (علیه السلام) است: **الهِى بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ * وَبِحَقِّ مَنْ**

خدایا به حق هر کس که با تو مناجات می‌کند * و هر که تو را

دَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ * [صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ] * وَتَفَضَّلْ عَلَىٰ

در بیابان و دریا به دعا می‌خواند * که درود فرست بر محمد و آلش * و تفضل فرما

فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ وَالثَّرْوَةِ * وَعَلَىٰ مَرْضَىٰ الْمُؤْمِنِينَ

در حق فقیران اهل ایمان به توانگری و ثروت * و بر بیماران اهل ایمان

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصِّحَّةِ * وَعَلَىٰ أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

به شفاء و صحت * و بر زندگان اهل ایمان

بِاللُّطْفِ وَالْكَرَمِ (الْكَرَامَةِ) * وَعَلَىٰ أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

به لطف و کرامت * و بر مردگان اهل ایمان

بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ * وَعَلَىٰ غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَىٰ

به آمرزش و رحمت * و بر غریبان اهل ایمان به بازگشتن

أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ * بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ ﴿۱۴﴾ چهاردهم: سید

به و نشان با سلامت و منفعت * به حق محمد و تمامی اهل بیتش *

علی خان در کلم طیب فرموده: این استغاثه ای است به حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه هر جا که باشی

در رکعت نماز به حمد و هر سوره که خواهی بگذار. پس رو به قبله زیر آسمان بایست و بگو: **سَلَامُ اللَّهِ**

کامل سلام

الْكَامِلِ التَّامِ الشَّامِلِ الْعَامِ * وَصَلَوَاتِهِ الدَّائِمَةُ * وَبَرَكَاتِهِ الْقَائِمَةُ

و تمام خدای متعال سلام عام و شامل (مراتب کمال) * و رحمتی پیوسته * و برکاتی پاینده

التَّامَّةُ * عَلَىٰ حُجَّةِ اللَّهِ * وَوَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ * وَخَلِيفَتِهِ عَلَىٰ

و کامل * بر حجت خدا و ولی او در روی زمین حق و شهرهای او * و بر خلیفه او

خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ * وَسَلَالَةِ النَّبُوَّةِ * وَبَقِيَّةِ الْعِتْرَةِ وَالصَّفْوَةِ * صَاحِبِ

بر خلق و بندگان خدا * و بر پاک فرزند نبوت * و باقیمانده برگزیده عترت * حضرت

الزَّمَانِ * وَمُظْهِرِ الْإِيمَانِ * وَمُلَقِّنِ (مُعَلِّنِ) أَحْكَامِ الْقُرْآنِ * وَمُطَهِّرِ

صاحب الزمان * و آشکار کننده ایمان * و تعلیم دهنده احکام قرآن * و پاک کننده زمین

الْأَرْضِ * وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَالْعَرْضِ * وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ

از جور و طغیان * و ناشر بنیان عدل و احسان در طول و عرض جهان * حجت قائم و مهدی منتظر

الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرَضِيِّ (الْمُرْتَضَى) * وَابْنِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ * الْوَصِيِّ

برگزیده خدا * و فرزند ائمه پاکان عالم * و وصی فرزند اوصیاء

ابْنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ * الْهَادِي الْمَعْصُومِ ابْنَ الْأَيْمَةِ الْهُدَاةِ

پسندیده پیغمبر خاتم * که رهنمای خلق و دارای مقام عصمت است، فرزند امامانی که همه با مقام عصمت

الْمَعْصُومِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ * الْمُسْتَضْعَفِينَ *

هادیان خلقند * سلام بر تو ای عزت بخش اهل ایمان که در دوران ضعیف و ناتوانند *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُذِلَّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ * السَّلَامُ

سلام بر تو ای ذلیل و خوار کننده کافران متکبر ستمکار * سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ

بر تو ای مولای من ای صاحب زمان * سلام بر تو ای فرزند رسول خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ

* سلام بر تو ای فرزند امیر المؤمنین * سلام بر تو ای فرزند فاطمه

الزَّهْرَاءِ * سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْأَيْمَةِ الْحُجَّجِ

زهرا * بزرگ زنان عالم * سلام بر تو ای فرزند امامان و حجت‌های خدا

الْمَعْصُومِينَ * وَالْإِمَامَ عَلَى الْمَخْلُوقِ أَجْمَعِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ

که معصومانند * و پیشوایان بر همه خلق عالم * سلام بر تو ای مولای من

سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوَلَايَةِ * أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا

* سلام و تحیت خالصانه با ایمان به ولایت و امامت تو * گواهی می‌دهم که تو پیشوای رهنمای عالمی به گفتار و کردار

* وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا

* و تویی آنکه جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد پس از آنکه پر از جور و بیداد گردیده است

* فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ * وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ * وَقَرَّبَ زَمَانَكَ * وَكَثَّرَ

* پس خدا ظهورت را زود گرداند * و خروجت را آسان * و زمان سلطنتت را نزدیک سازد * و بسیار نماید

أَنْصَارَكَ وَأَعْوَانَكَ * وَأَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ * فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ

یاران و یاورانت را * و وعده ظفری که به تو فرموده به زودی روا گرداند * او راستگوترین سخن گوینان است

﴿ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ * وَنَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً

که خود فرموده ما می‌خواهیم بر اهل ایمان که بدان آنان را ضعیف و ناتوان کردند منت گذاشته * و آنها را پیشوایان خلق

وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴾ * يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ * يَا ابْنَ رَسُولِ

قرار دهیم و وارث (اهل زمین) گردانیم * ای مولای من ای صاحب الزمان * ای فرزند رسول

اللَّهِ * حَاجَتِي كَذَا وَكَذَا (وبه جای کذا و کذا حاجات خود را ذکر کند) * فَاشْفَعْ لِي فِي

خدا * حاجت‌های من آنکه (خدا بدارد مرا بر آنچه رضای اوست و خیر و سعادت دنیا و عقبی عطا فرماید) * پس تو در برآمدن حاجاتم

نَجَاحِهَا * فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي * لَعَلِمِي أَنْ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ

به درگاه خدا شفاعت کن * که من به شما در بر آمدن حاجتم رو آورده‌ام * زیرا می‌دانم که شما را نزد خدا

شَفَاعَةٌ مَقْبُولَةٌ * وَ مَقَامًا مَحْمُودًا * فَبِحَقِّ مَنْ اخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ *

شفاعت مقبول * و مقام پسندیده بلند است * پس به حق آنکس که شما را به فرمان خلافتش مخصوص کرد *

وَ ارْتَضَاكُمْ لِسِرِّهِ * وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ *

و برای حفظ اسرار علم خود برگزید * و به حق آن شأن و مقامی که شما را نزد خداست *

سَلِ اللَّهُ تَعَالَى فِي نَجْحِ طَلْبَتِي * وَ اجَابَةِ دَعْوَتِي * وَ كَشْفِ كُرْبَتِي *

که از خدا درخواست کنی که همه مطالب و حوایجم را برآورد * و دعاهایم مستجاب کند * و غم و اندوهم برطرف گرداند. *

و بخواه، هر چه خواهی که برآورده می‌شود انشاء الله تعالی. مؤلف گوید که: بهتر آن است که در رکعت اول

نماز این استغاثه بعد از حمد سوره انا فتحنا بخواند و در رکعت دوم اذ جاء نصر الله

فصل هشتم در مناجات است: مناجات خمس عشرة لمولانا علی بن الحسین (علیه السلام)

علامه مجلسی (رحمته الله) در بحار فرموده که: من یافتم این مناجات را مروی از آن حضرت در کتب بعض اصحاب

رضوان الله علیهم. **۱ المُنَاجَاتُ الْأُولَى: مُنَاجَاتُ التَّائِبِينَ**

مناجات اول: مناجات توبه‌کنندگان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِلَهِي الْبَسْتَنِي الْخَطِيَا ثَوْبَ مَذَلَّتِي *

به نام خدای بخشنده مهربان * خدایا خطا و گناهان، مرا لباس خواری و ذلت پوشانیده *

وَ جَلَلَنِي التَّبَاعِدُ مِنْكَ لِبَاسَ مَسْكِنَتِي * وَ أَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ جُنَايَتِي *

و دوری تو جامه عجز و بینوایی بر تنم انداخته * و جنایت بزرگ (هوای نفس پرستی) مرا دل مرده ساخته *

فَاحْيِهِ بِتَوْبَةٍ مِنْكَ يَا أَمَلِي وَ بُغْيَتِي * وَيَا سُوْلِي وَ مُنِيَّتِي * فَوَعَزَّتْكَ *

* تو ای خدا از رجوع به لطف و کرمت باز این مرده دلم زنده گردان * ای مقصد و مقصود و مطلوب و آرزوی من * قسم به عزت

مَا أَجِدُ لِدُنُوبِي سِوَاكَ غَافِرًا * وَ لَا أَرَى لِكُسْرِي غَيْرَكَ جَابِرًا * وَ قَدْ

که من کسی که گناهانم را ببخشد غیر تو نمی‌دانم * و آنکه در هم شکستگی‌های امورم را جبران کند جز تو نمی‌بینم * من با آه

خَضَعْتُ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ * وَ عَنَوْتُ بِالْإِسْتِكَانَةِ لَدَيْكَ * فَإِنْ طَرَدْتَنِي

و ناله و کمال خضوع به درگاهت آمده‌ام * و به خواری و مذلت به سویت رو آورده‌ام * پس اگر تو مرا

مِنْ بَابِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ * وَإِنْ رَدَدْتَنِي عَنْ جَنَابِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ * فَوَا اسْفَاهُ

از در برائی دیگر به که رو آورم * و اگر تو مرا در کنی به که پناه برم * پس آه از تأسف

مِنْ خَجَلْتِي وَافْتِضَاحِي * وَوَالْهَفَاهُ مِنْ سُوءِ عَمَلِي وَاجْتِرَاحِي *

و حسرت خجلت و افتضاح من * و وای از اندوه و غم مصائب و کردار زشت من *

أَسْأَلُكَ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ الْكَبِيرِ * وَيَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ * أَنْ

از تو درخواست می‌کنم ای بخشنده گناه بزرگ * و ای جبران کننده هر - شکسته استخوان * که

تَهَبَ لِي مُوَبِقَاتِ الْجُرَائِرِ * وَتَسْتُرَ عَلَيَّ فَاضِحَاتِ السَّرَائِرِ * وَلَا تُخْلِنِي

بخشی گناهان مهلك خطرناکم * و بپوشانی زشتی‌های پنهانی فضاحت آورم * و مرا در

فِي مَشْهَدِ الْقِيَامَةِ مِنْ بَرْدِ عَفْوِكَ وَغَفْرِكَ * وَلَا تُعْرِنِي مِنْ جَمِيلِ صَفْحِكَ

عرصه قیامت از نسیم خوش عفو و عنایتت جدا مساز * و از نیکویی بخشش و پرده پوشش محروم

وَ سَتْرِكَ * اَللّٰهُمَّ ظَلَلْتُ عَلَى ذُنُوبِيْ غَمَامَ رَحْمَتِكَ * وَ ارْسَلْ عَلَيَّ عِيُوْبِيْ

مگردان * خدایا سایه ابر رحمتت را بر سر گناهان (سوزان) من بینداز * و باران لطف و محبتت را بر عیوب و

سَحَابَ رَأْفَتِكَ * اَللّٰهُمَّ هَلْ يَرْجِعُ الْعَبْدُ الْاَبْقُ اِلَى مَوْلَاهُ * اَمْ هَلْ

پلیدی‌های اعمالم بهاران * خدایا آیا بنده گریخته به جایی جز به درگاه مولایش رجوع تواند کرد * یا از

يُجِيرُهُ * مِنْ سَخَطِهِ اَحَدٌ سِوَاهُ * اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ النَّدَمُ عَلَى الذَّنْبِ تَوْبَةً

خشم و غضب مولایش غیر او احدی حمایتش تواند نمود * خدایا اگر پشیمانی از گناه توبه است

فَانِيْ وَعِزَّتِكَ مِنَ النَّادِمِيْنَ * وَ اِنْ كَانَ الْاِسْتِغْفَارُ مِنَ الْخَطِيئَةِ حِطَّةً

قسم به عزتت که من از پشیمانانم * و اگر استغفار و طلب آمرزش کردن موجب محو گناه است

فَانِيْ لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِيْنَ * لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى * اَللّٰهُمَّ بِقُدْرَتِكَ

(به لطفت) من از آمرزش طلبانم * تو را سزد که (بر ما) عتاب کنی تا باز خوشنود گردی * خدایا قسم به قدرتت

عَلَيَّ تَبُّ عَلَيَّ وَبِحِلْمِكَ عَلَيَّ * اِعْفُ عَلَيَّ * وَبِعِلْمِكَ بِيْ * اِرْفُقْ بِيْ

بر من که توبه‌ام ببذیر و به حلمت بر عصیانم * که از من درگذر * و به علمت به احوالم * که با من به رفق و محبت نظر فرما

* اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الَّذِيْ فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا اِلَى عَفْوِكَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ *

* خدایا تویی که دری از عفو و بخششت به روی بندگان باز کردی و نامش توبه نهادی *

فَقُلْتُ ﴿ تَوَبُّوْا اِلَى اللّٰهِ تَوْبَةً نَّصُوْحًا ﴾ * فَمَا عُدْرٌ مِّنْ اَغْفَلَ دُخُوْلَ

و (در کتابت) فرمودی: ای بندگان به درگاه من به توبه با حقیقت باز آییید (تا از گناهانتان درگذرم) * پس عذر آنکه از این در که باز

الْبَابَ بَعْدَ فَتْحِهِ * اَلِهِيَ اِنْ كَانَ قَبْحَ الذَّنْبِ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنْ

کردی غافل است چه خواهد بود * ای خدا اگر گناه از من زشت است عفو

الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ * اَلِهِيَ مَا اَنَا بِاَوَّلِ مَنْ عَصَاكَ فَتُبَّتْ عَلَيْهِ * وَتَعَرَّضَ

از تو زیباست * ای خدا من اولین بنده نیستم که گنه کرده و تو از او درگذشتی * و به درگاه

لِمَعْرُوفِكَ فَجَدَّتْ عَلَيْهِ * يَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّ * يَا كَاشِفَ الضَّرِّ * يَا

کرمت آمد و به او احسان کردی * ای دادرس پریشان دلان * ای برطرف سازنده غم و رنج و زیان * ای

عَظِيمَ الْبِرِّ * يَا عَلِيمًا بِمَا فِي السِّرِّ * يَا جَمِيلَ السِّتْرِ (السِّتْرُ) * اسْتَشْفَعْتُ

بزرگ احسان * ای آگاه از سر بندگان * ای نیکو پرده پوش بر گناهان * جود و رحمت

بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ اِلَيْكَ * وَ تَوَسَّلْتُ بِجَنَابِكَ (بِجَنَابِكَ) وَ تَرَحُّمِكَ

نامنتهای تو را به سوی تو شفیع می‌گردانم * و به جناب تو و مهربانیت نزد تو توسل

لَدَيْكَ * فَاسْتَجِبْ دُعَائِي * وَلَا تُخَيِّبْ فِيكَ رَجَائِي * وَتَقَبَّلْ تَوْبَتِي

می‌جویم * پس دعایم مستجاب کن * و از امیدی که به لطف تو دارم محروم نگردان * و توبه‌ام قبول فرما

* وَ كَفِّرْ خَطِيئَتِي بِمَنِّكَ وَ رَحْمَتِكَ * يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

* و خطاهایم به کرم و رحمت محو گردان * ای مهربانترین مهربانان عالم *

۲) الثَّانِيَّةُ: مُنَاجَاةُ الشَّاكِيْنَ

دوم: مناجات شکوه‌کنندگان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * اَلِهِيَ اِلَيْكَ اَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ اِمَارَةً *

به نام خدای بخشنده مهربان * خدایا به تو شکایت می‌کنم از نفس زشتم که مرا بسیار به بدی‌ها وامی‌دارد *

وَ اِلَى الْاِخْطِيَاةِ مُبَادِرَةً * وَ بِمَعَاصِيكَ مُوَلَعَةً * وَ لِسَخَطِكَ مُتَعَرِّضَةً

و به هر خطا سبقت می‌گیرد * و به معصیتت بسیار حریص است * و مرا به معرض خشم و غضب می‌افکند

تَسْلُكَ بِي مَسَالِكِ الْمَهَالِكِ * وَ تَجْعَلُنِي عِنْدَكَ اَهْوَنَ هَالِكٍ * كَثِيْرَةً

* و مرا دایم به راه هلاکت می‌کشاند * و نزد توام خوارترین هلاک شدگان خواهد * این نفس زشت طفره و تعلقش

الْعَلَلِ * طَوِيْلَةَ الْاَمَلِ * اِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجَزَّعُ * وَ اِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمَنَعُ

در طاعت بسیار * و حرص آن به دنیا دراز است * اگر شری به او روی آورد بی‌تابی نموده * و اگر خیری به او رسد منع احسان می‌کند

* مِيَالَةً اِلَى اللَّعْبِ وَ اللّٰهُو * مَمْلُوءَةً بِالْغَفْلَةِ وَ السَّهْوِ * تُسْرِعُ بِي

* بسیار مایل به لهو و لعب است * و پر از غفلت و فراموشی * به سرعت مرا به مهالک و

إِلَى الْحَوْبَةِ * وَتُسَوِّفُنِي بِالتَّوْبَةِ * **إِلَهِي** أَشْكُو إِلَيْكَ عَدُوًّا يُضِلُّنِي *

خطرات می‌کشد * و توبه‌ام را به وعده و تأخیر می‌افکند * خدایا به سوی تو شکایت می‌کنم از دشمنی نفس که مرا گمراه می‌کند *

و شَيْطَانًا يُغْوِينِي * قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْوَاسِ صَدْرِي * وَأَحَاطَتْ هَوَاجِسُهُ * و

و از شیطانی که مرا به راه باطل می‌کشد * و سینه‌ام را پر از وسوسه و خیالات فاسده می‌گرداند * و اوهام او بر دلم

بِقَلْبِي * يُعَاضِدُ لِي الْهَوَىٰ وَ يُزِينُ لِي حُبَّ الدُّنْيَا * وَ يَحُولُ بَيْنِي

احاطه می‌کند * تا به هوا پرستیم مدد کرده و حب دنیا را بر من جلوه می‌دهد * و میان من و طاعت

وَ بَيْنَ الطَّاعَةِ وَ الزُّلْفَىٰ * **إِلَهِي** إِلَيْكَ أَشْكُو قَلْبًا قَاسِيًا * مَعَ

و مقام قربت جدایی می‌افکند * خدایا به تو شکایت می‌کنم از دلی سخت * که

الْوَسْوَاسِ مُتَقَلِّبًا * وَ بِالرَّيْنِ وَ الطَّبَعِ مُتَلَبِّسًا * وَ عَيْنًا عَنِ الْبُكَاءِ

به دست وسوسه بگردد * و زنگار خودسری و خوی زشت در پوشد * و از چشمی که از

مِنْ خَوْفِكَ جَامِدَةً * وَ إِلَىٰ مَا يَسْرُهَا طَامِحَةٌ * **إِلَهِي** لَا حَوْلَ لِي

خوف تو اشک (شوق) نریزد * و به هر چه خوشش آید نظر اندازد * خدایا مرا قوه

وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِقُدْرَتِكَ * وَ لَا نَجَاةَ لِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا إِلَّا بِعِصْمَتِكَ *

و قدرتی جز به توانایی تو نیست * و راه نجاتی از آلام و ناگواری‌های دنیا جز به حفظ تو ندارم *

فَأَسْأَلُكَ بِبَلَاغَةِ حِكْمَتِكَ * وَ نَفَازِ مَشِيَّتِكَ * أَنْ لَا تَجْعَلَنِي لِغَيْرِ

از تو درخواست می‌کنم به حکمت بالغه * و مشیت نافذات * که مرا جز به معرض

جُودِكَ مُتَعَرِّضًا * وَ لَا تُصَيِّرْنِي لِلْفِتَنِ غَرَضًا * وَ كُنْ لِي عَلَى الْأَعْدَاءِ

جود و احسانت در نیآوری * و آماج تیر بلا و فتنه نگردانی * و مرا بر دشمنان نصرت

نَاصِرًا * وَ عَلَى الْمَخَازِي وَ الْعُيُوبِ سَاتِرًا * وَ مِنَ الْبَلَاءِ (الْبَلَايَا) وَاقِيًا

فرما * و بر رسوایی و عیوبم پرده درکش * و از بلاها حفظ کن

* وَ عَنِ الْمَعَاصِي عَاصِمًا * بِرَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

* و از گناهان نگاهدار * به حق رأفت و رحمتت ای مهربانترین مهربانان عالم *

۳. الثَّالِثَةُ: مُنَاجَاتُ الْمُخَافِينَ

سوم: مناجات بیمناکان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * **إِلَهِي** أَتْرَاكَ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِكَ تَعَذِّبُنِي * أَمْ

به نام خدای بخشنده مهربان * ای خدا آیا باور کنم که بعد از ایمان به تو باز مرا عذاب می‌کنی * یا بعد

بَعْدَ حُبِّي أَيَاكَ تَبَعِدَنِي * أَمْ مَعَ رَجَائِي لِرَحْمَتِكَ وَصَفْحِكَ تَحْرِمُنِي *

از دوستی تو باز مرا از خود دور می‌گردانی * یا با آنکه به لطف و رحمت چشم امید دارم باز محروم سازی *

أَمْ مَعَ اسْتِجَارَتِي بِعَفْوِكَ تُسَلِّمُنِي * حَاشَا لِرَجَائِي لِرَحْمَتِكَ وَصَفْحِكَ تَحْرِمُنِي *

یا با آنکه به عفو تو پناه آوردم باز مرا تسلیم عتاب خواهی کرد * حاشا از ذات بزرگوار کریمت که ناامیدم گردانی *

لَيْتَ شِعْرِي أَلِ الشَّقَاءِ وَلَدَتْنِي أُمِّي * أَمْ لِلْعَنَاءِ رَبَّتْنِي * فَلَيْتَهَا *

* ای کاش می‌دانستم که مرا برای بدبختی مادرم زانیده * یا برای رنج پرورش داده * کاش *

لَمْ تَلِدْنِي وَ لَمْ تُرَبِّبْنِي * وَ لَيْتَنِي عَلِمْتُ أَمِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي *

نمی‌زائیدی و نمی‌پروریدی * و ای کاش می‌دانستم که مرا از اهل سعادت مقرر داشته‌ای *

وَ بِقُرْبِكَ وَ جَوَارِكَ خَصَّصْتَنِي * فَتَقَرَّرْ بِذَلِكَ عَيْنِي * وَ تَطْمَئِنِّ لَهُ وَ *

و برای مقام قرب و جوارت مخصوص گردانیده‌ای * تا دلم شاد و دیده‌ام روشن * و قلبم آرام *

نَفْسِي * إِلَهِي هَلْ تَسْوَدُ وَجُوهًا خَرَّتْ سَاجِدَةً لِعَظَمَتِكَ * أَوْ تُحْرِسُ *

می‌گردید * ای خدا آیا روی آنان که پیش عظمتت به خاک افتادند سیاه می‌گردانی * یا زبان *

السَّنَةِ نَطَقَتْ بِالثَّنَاءِ عَلَى مَجْدِكَ وَ جَلَالَتِكَ * أَوْ تَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ *

آنان که بر مجد و بزرگواریت ثنا گفتند لال می‌سازی * یا دل‌هایی که در پرده‌های آن عشق و محبت تو *

انطوت على محبتك * أَوْ تَصِمُّ أَسْمَاعًا تَلَذَّذَتْ بِسَمَاعِ ذِكْرِكَ فِي *

پنهان است سیاه و تاریک می‌گردانی * یا آن گوش‌هایی که به شنیدن ذکر تو لذت برند، *

إِرَادَتِكَ * أَوْ تَغْلُ أَكْفَارَ رَفَعْتَهَا الْأُمَالَ إِلَيْكَ رَجَاءً رَافِتِكَ * أَوْ تُعَاقِبُ *

کر خواهی نمود * یا آن دست‌هایی که به آرزو و امیدواری به درگاه کرمت بلند گردند به غل و زنجیر قهر خواهی بست * یا بدن‌هایی *

أَبْدَانًا عَمِلَتْ بِطَاعَتِكَ حَتَّى نَحَلْتْ فِي مُجَاهَدَتِكَ * أَوْ تُعَذِّبُ *

را که در راه طاعتت رنج برده و به جهد و کوشش در عبادتت لاغر شدند عتاب خواهی کرد * یا آن پاهایی که *

أَرْجُلًا سَعَتْ فِي عِبَادَتِكَ * إِلَهِي لَا تُغْلِقْ عَلَى مَوْحِدِكَ أَبْوَابَ *

سعی در راه بندگیت کردند عذاب می‌کنی * خدایا درهای رحمت را به روی بندگان *

رَحْمَتِكَ * وَ لَا تُحِبِّبْ مُشْتَاقِيكَ عَنِ النَّظَرِ إِلَى جَمِيلِ رُؤْيَتِكَ *

موحدت نبند * و مشتاقانت را از مشاهده جمالت در حجاب محرومی نیفکن *

إِلَهِي نَفْسٌ أَعَزَّتْهَا بِتَوْحِيدِكَ كَيْفَ تَذَلُّهَا بِمَهَانَةِ هِجْرَانِكَ *

خدایا آن جان را که عزت توحید بخشیدی چگونه باز خوار و ذلیل هجرانت خواهی کرد *

وَضَمِيرٌ اِنْعَقَدَ عَلَى مَوَدَّتِكَ كَيْفَ تَحْرَقُهُ وِجْرَارَةٌ نِيرَانِكَ ۞ اِلَهِي

و دلی را که در کمند عشق و محبت بر بستی، چگونه در آتش قهرت می‌سوزانی * خدایا

اَجْرُنِي مِنَ الْيَمِّ غَضَبِكَ ۞ وَعَظِيمِ سَخَطِكَ ۞ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ ۞ يَا

مرا در پناه خود گیر از خشم و غضبت * که بسیار سخت است * ای پر محبت و رأفت، ای احسان کننده به بندگان * ای

رَحِيمُ يَا رَحْمَانُ ۞ يَا جَبَّارُ يَا قَهَّارُ ۞ يَا غَفَّارُ يَا سَتَّارُ ۞ نَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ

بخشنده ای مهربان * ای جبران کننده، ای قهر کننده * ای آمرزنده، ای پرده پوش * به حق رحمت بی‌نهایت که مرا

مِنْ عَذَابِ النَّارِ ۞ وَفَضِيحَةِ الْعَارِ ۞ اِذَا امْتَاَزَ الْاٰخِيَارُ مِنَ الْاَشْرَارِ ۞

از آتش عذابت نجات بخش * و از رسوایی و ننگ محفوظ دار * در روزی که نیکان از بدان جدا می‌شوند *

وَحَالَتِ الْاَحْوَالُ وَهَالَتِ الْاَهْوَالُ ۞ وَقُرْبِ الْمُحْسِنُونَ وَبَعْدَ

و هنگام مقامات و حالات فرا می‌رسد و عقبات هول انگیز پدیدار می‌شود * و نیکوکاران به مقام قرب رسند و بدکاران دور

الْمُسِيئُونَ ۞ ﴿وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ ۞

از لطف و رحمت گردند * و همه به کیفر اعمالشان کاملاً می‌رسند و به هیچکس ستمی نخواهد شد *

﴿ ۴ ﴾ الرَّابِعَةُ: مُنَاجَاتُ الرَّاجِيْنَ

چهارم: مناجات امیدواران

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ۞ يَا مَنْ اِذَا سَأَلَهُ عَبْدٌ اَعْطَاهُ ۞ وَاِذَا اَمَلَ

به نام خدای بخشنده مهربان * ای خدایی که هرگاه بنده‌ای از او سؤال کند عطا خواهد کرد * و هرگاه

مَّا عِنْدَهُ وَبَلَغَهُ وَاِذَا اَقْبَلَ عَلَيْهِ قَرْبَهُ وَاَدْنَاهُ ۞ وَاِذَا جَاهَرَهُ وَاِذَا

امیدی به او داشته باشد به امیدش می‌رساند * و هرگاه بنده‌ای به او رو آورد مقربش می‌گرداند * و هرگاه علناً

بِالْعَصِيَّانِ سَتَرَ عَلٰی ذَنْبِهِ وَغَطَّاهُ ۞ وَاِذَا تَوَكَّلَ عَلَيْهِ اَحْسَبَهُ ۞ وَكَفَاهُ

معصیتش کند بر گناهایش پرده کشد و بپوشاند * و هرگاه بنده‌ای بر او توکل کند امورش را کفایت کند

اِلَهِي مِّنَ الَّذِي نَزَلَ بِكَ مُلْتَمِسًا قِرَاكَ فَمَا قَرَيْتَهُ ۞ وَمِنَ الَّذِي اَنَاخَ

* ای خدا آن کیست که وارد بر تو شد و درخواست مهمانی کرد و تو مهمان نوازی نکردی * و آن کیست که به امید

بِبَابِكَ مُرْتَجِيًّا نَدَاكَ فَمَا اَوْلَيْتَهُ ۞ اِيْحْسِنُ اِنْ اَرْجَعُ عَنْ بَابِكَ

عطای تو به درگاهت فرود آمد و محرومش ساختی * آیا نیکوست که من از

بِالْخَيْبَةِ مَصْرُوفًا ۞ وَ لَسْتُ اَعْرِفُ سِوَاكَ مَوْلٰی بِالْاِحْسَانِ مَوْصُوفًا

درگاهت محروم برگردم * در صورتی که من مولایی که به لطف و احسان معروف باشد جز تو نمی‌شناسم

كَيْفَ أَرْجُو غَيْرَكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ وَبِيَدِكَ * وَكَيْفَ أَوْمَلُ سِوَاكَ وَالْخَلْقُ

* چگونه به غیر تو امید داشته باشم در صورتی که هر خیر و نیکی‌یی به دست توست * و چگونه آرزومند جز تو باشم در حالی که

وَالْأَمْرُ لَكَ * أَقْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ وَقَدْ أَوْلَيْتَنِي مَا لَمْ أَسْأَلْهُ مِنْ فَضْلِكَ

آفرینش و حکم بر خلق مخصوص توست * آیا از تو قطع امید کنم در صورتی که از تو درخواست نکرده از فضلت بمن احسان‌ها کردی

أَمْ تَفْقِرُنِي إِلَى مِثْلِي وَأَنَا أَعْتَصِمُ بِجَبَلِكَ * يَا مَنْ سَعَدَ بِرَحْمَتِهِ

* یا تو مرا به گدایی مثل خودم محتاج می‌کنی در حالی که به رشتۀ لطف تو چنگ زده‌ام * ای خدایی که به رحمت تو

الْقَاصِدُونَ * وَلَمْ يَشْقُ بِنِقْمَتِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ * كَيْفَ أَنْسَاكَ وَلَمْ

سعادت یافتند ارادتمندان * و از انتقام تو رنج و سختی ندیده‌اند آمرزش طلبان * ای خدا چگونه تو را فراموش کنم در صورتی که تو

تَزَلْ ذَاكِرِي * وَكَيْفَ الْهُوَ عِنْدَكَ وَأَنْتَ مُرَاقِبِي * إِلَهِي بِذِيلِ كَرَمِكَ

همیشه مرا در نظر داری * و چگونه از تو غافل‌گردم در صورتی که تو پیوسته مراقب حالم هستی * ای خدا من به ذیل عنایت

أَعْلَقْتُ يَدِي * وَلِنَيْلِ عَطَايَاكَ بَسَطْتُ أَمْلِي * فَاخْلِصْنِي بِمُخَالَصَةِ

و لطفت دست دراز کرده‌ام * و برای نیل به عطا و کرمت دامن آرزویم را باز نموده‌ام * پس خدایا مرا در مقام توحیدت

تَوْحِيدِكَ * وَاجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَةِ عِبِيدِكَ * يَا مَنْ كُلُّ هَارِبٍ إِلَيْهِ يَلْتَجِئُ

خالص‌گردان * و یکی از بندگان خاص خود قرار ده * ای خدایی که هر کس به هر جا بگریزد به سوی او پناه برد

وَ كُلُّ طَالِبٍ إِيَّاهُ يَرْتَجِي * يَا خَيْرَ مَرْجُو * وَيَا أَكْرَمَ مَدْعُو * وَيَا

* و هر که هر چه بخواهد از درگاه او امیدوار است * ای بهترین کسی که به او امید توان داشت * ای کریمترین کسی که از او درخواست توان کرد * ای

مَنْ لَا يَرُدُّ سَأْلَهُ * (يَرُدُّ سَأْلَهُ) * وَلَا يُخَيِّبُ أَمَلَهُ * (يُخَيِّبُ أَمَلَهُ) * يَا مَنْ

خدایی که سائل را به درگاهش محروم نمی‌سازد * و آرزومند را مأیوس نمی‌کند * ای خدایی که

بَابَهُ وَمَفْتُوحِ لِدَاعِيهِ * وَحِجَابِهِ وَمَرْفُوعِ لِرَاجِيهِ * أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ

درگاهش به روی سائلان باز * و حجابش را به روی امیدواران برانداخته است * ای خدا به کرمت درخواست دارم

أَنْ تَمَنَّيَ عَلَيَّ مِنْ عَطَايِكَ بِمَا تَقَرَّرُ (تَقَرَّرُ) بِهِ عَيْنِي * وَمِنْ رَجَائِكَ بِمَا

که بر من منت گذاری و از عطایت که چشمم را روشن کند کرم فرمایی * و از امیدی که به تو دارم

تَطْمَئِنُّ بِهِ نَفْسِي * وَمِنْ الْيَقِينِ بِمَا تَهَوَّنُ بِهِ عَلَيَّ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا *

دل‌م مطمئن سازی * و یقینی که رنج و مصایب دنیا را بر من آسان کند *

وَتَجَلُّوْهُ عَنْ بَصِيرَتِي غَشَوَاتِ الْعَمَى * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

و از چشم بصیرتم پرده‌های جهل و ظلمت بر اندازد به من عطا کنی * به حق رحمت بی‌پایانت ای مهربانترین مهربانان عالم *

☆ الْخَامِسَةُ: مُنَاجَاتُ الرَّاعِبِينَ

پنجم: مناجات‌میل‌کنندگان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِلَهِي إِنْ كَانَ قَلَّ زَادِي فِي الْمَسِيرِ إِلَيْكَ *

به نام خدای بخشنده * مهربان * ای خدا اگر زاد و توشه من در سفر به سوی تو اندک است *

فَلَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ * وَإِنْ كَانَ جُرْمِي قَدْ أَخَافَنِي مِنْ

همانا حسن ظنم به اعتماد بر تو بسیار است * و اگر جرمم مرا از عقوبت

عُقُوبَتِكَ * فَإِنَّ رَجَائِي قَدْ أَشْعَرَنِي بِالأَمْنِ مِنْ نِقْمَتِكَ * وَإِنْ كَانَ ذَنْبِي

می‌ترساند * امیدم به کرمت مرا نوید ایمنی از انتقامت می‌بخشد * و اگر گناهم مرا

قَدْ عَرَضَنِي لِعِقَابِكَ * فَقَدْ أَدْنَيْ حُسْنَ ثِقَتِي بِثَوَابِكَ * وَإِنْ أَنَا مَتْنِي

به معرض عقابت می‌آورد * وثوق و اطمینانم به ثوابت اشاره می‌کند * و اگر غفلت

الْغَفْلَةُ عَنِ الاستِعْدَادِ لِلِقَائِكَ * فَقَدْ نَبَهْتَنِي الْمَعْرِفَةَ بِكَرَمِكَ

مرا از مهیای لقای تو بودن به خواب انداخت * ایمان و معرفتم به لطف و کرمت متذکر و

وَأَإِنَّكَ * وَإِنْ أَوْحَشَ مَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ فَرَطَ الْعَصِيانِ وَ الطُّغْيَانِ *

آگاهم می‌سازد * و اگر افراط جرم و عصیان و سرکشی و طغیانم مرا به وحشت و اضطراب انداخته *

فَقَدْ أَنَسَنِي بُشْرَى الْغَفْرَانِ وَ الرِّضْوَانِ * أَسْأَلُكَ بِسُبْحَاتِ وَجْهِكَ

بشارت مغفرت و خوشنودیت آرام خاطر می‌بخشد * ای خدا از تو درخواست می‌کنم به اشراق جمال

وَ بِأَنْوَارِ قُدْسِكَ * وَ ابْتَهَلُ إِلَيْكَ بِعَوَاطِفِ رَحْمَتِكَ وَ لَطَائِفِ بَرِّكَ *

و انوار ذات بی مثلت * و التماس می‌کنم به عواطف مهربانی و لطائف احسانت *

أَنْ تَحَقِّقَ ظَنِّي بِمَا أَوْمَلُهُ * مِنْ جَزِيلِ إِكْرَامِكَ * وَ جَمِيلِ أَنْعَامِكَ * فِي

که امیدهایی که به تو دارم از اکرام بزرگ * و انعام نیکویت * در

الْقُرْبَى مِنْكَ وَ الزُّلْفَى لَدَيْكَ * وَ التَّمَتُّعَ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ * وَهَا أَنَا

مقام قرب و جوارت محققا عطا فرمایی * و به مشاهده حسن و جمالت مرا بهره‌مند گردانی * و اینک

مُتَعَرِّضٌ لِنَفْحَاتِ رَوْحِكَ وَ عَطْفِكَ * وَ مُتَتَّجِعٌ غَيْثِ جُودِكَ وَ لُطْفِكَ

من خود را در معرض نسیم عنایت و لطفت درآورده * و تقاضای باران جود و رحمت می‌نمایم

* فَأَرْجُو مِنْ سَخَطِكَ إِلَى رِضَاكَ * هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ * رَاجِعٌ أَحْسَنَ مَا

* و از غضب تو به سوی لطفت می‌گریزم * و از تو به سوی تو گریزانم * و امید آنچه نزد تو بهتر است

لَدَيْكَ * مَعُولٌ عَلَىٰ مَوَاهِبِكَ * مُفْتَقِرٌ إِلَىٰ رِعَايَتِكَ * اَللّٰهُمَّ مَا بَدَأْتَ

از تو دارم * اعتمادم همه بر بخشش‌های توست * و به رعایت و نگهداری تو محتاجم * ای خدا نعمتی که از

بِهٖ مِنْ فَضْلِكَ فَتَمِّمَهُ * وَ مَا وَهَبْتَ لِي مِنْ كَرَمِكَ فَلَا تَسْلُبْهُ * وَ مَا

فضل و کرمت آغاز فرمودی به انجام رسان * و آنچه به من از کرم بخشیدی باز مگیر * و گناهیانی

سَتَرْتَهُ عَلَيَّ بِحِلْمِكَ فَلَا تَهْتِكْهُ * وَ مَا عَلِمْتَهُ مِنْ قَبِيحِ فِعْلِي

را که به حلمت پنهان داشته‌ای پرده از آن بر مدار * و از فعل زشتی که آگاهی

فَاغْفِرْهُ * اَللّٰهُمَّ اسْتَشْفَعْتُ بِكَ اِلَيْكَ * وَ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْكَ * اَتَيْتَكَ

درگذر * ای خدا تو را به درگاه تو شفیع خود ساخته * و از قهر تو به سوی تو پناه می‌آورم * آمده‌ام به درگاهت

طَامِعًا فِي احْسَانِكَ * رَاغِبًا فِي امْتِنَانِكَ * مُسْتَسْقِيًا وَاِبِلَ طَوْلِكَ *

در حالی که به احسان تو چشم طمع * و به نعمت‌های دیده‌ی رغبت دارم * تشنه‌ی باران احسانت * و

مُسْتَمْطِرًا غَمَامَ فَضْلِكَ * طَالِبًا مَرْضَاتِكَ * قَاصِدًا جَنَابِكَ * وَ اَرَادًا

و ابر عنایتت بوده * و طالب رضا و خوشنودیت * و اراده‌ی توجه به درگاهت داشته * و وارد

شَرِيْعَةً رَفِدِكَ * مُلْتَمِسًا سُنَى الْخَيْرَاتِ مِنْ عِنْدِكَ * وَ اَفِدًا اِلَى حَضْرَةِ

بر جویبار عطایت شده * و درخواست عالیترین خیرات از لطف تو می‌کنم * در حالی که به حضرتت که بسیار نیکویی

جَمَالِكَ * مُرِيدًا وَجْهَكَ * طَارِقًا بِابِكَ * مُسْتَكِينًا لِعِظْمَتِكَ وَ جَلَالِكَ

به مهمانی وارد شده * و خواهان مشاهده‌ی تو بوده * و حلقه بر در رحمت می‌زنم * و به شهود عظمت و جلالت بسی نیازمندم

* فَافْعَلْ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ * مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ * وَ لَا تَفْعَلْ بِي مَا

* پَسْ بِاَمِنْ اَنْ كُنْ كَمَا شَايَسْتَهُ اَنْىَ اَزْ بَخْشَايِشْ وَ مَهْرَبَانِي * نَهْ اَنْجَهْ شَايَسْتَهُ

اَنَا اَهْلُهُ * مِنَ الْعَذَابِ وَ النَّقْمَةِ * بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ *

من است از عذاب و انتقام تو * به حق رحمتت ای مهربانترین مهربانان عالم *

۶ السَّادِسَةُ: مُنَاجَاةُ الشَّاكِرِيْنَ

ششم: مناجات سپاس‌گزاران

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ * اَللّٰهُمَّ اَذْهَلْنِي عَنْ اِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابِعُ

به نام خدای بخشنده مهربان * ای خدا نعمت‌های پی در پی تو مرا از انجام وظیفه‌ی شکرگزاری

طَوْلِكَ * وَ اعْجَزْنِي عَنْ اِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلِكَ * وَ شَغَلْنِي عَنْ

غافل کرد * و فیضان دریای کرمت مرا از ستایش عاجز گردانید * و عطای پیوسته‌ات

ذَكَرَ مَحَامِدِكَ تَرَادُفُ عَوَائِدِكَ * وَ أَعْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي

مرا از ذکر اوصاف جمالت باز داشته * و مرحمت‌های متوالیات مرا از نشر و بیان نیکوئی‌هایت ناتوان

أَيَادِيكَ * وَ هَذَا مَقَامٌ مِّنْ اعْتِرَافٍ بِسُبُوحِ النِّعْمَاءِ * وَ قَابِلُهَا بِالتَّقْصِيرِ

ساخته * این (ناتوانی) مقام کسی است که به نعمت‌های بی‌شمار وسیع تو معترف * و با تقصیر در (ادای شکر) آن نعمت‌ها مواجه است

وَ شَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَ التَّضْيِيعِ * وَ أَنْتَ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ

* و بر خود گواهی دهد که نفس خود را ضایع و مهمل گذاشته است * و با این حال تو بسیار با رأفت و مهربان

الْبَرُّ الْكَرِيمُ * الَّذِي لَا يُخَيِّبُ قَاصِدِيهِ * وَلَا يَطْرُدُ عَنْ فَنَائِهِ أَمَلِيهِ

* و با کرم و احسان * که هیچکس که رو به تو آورد محروم نکرده * و احدی را که به تو چشم امید دارد دور از درگاه کرمت نخواهی فرمود

بِسَاحَتِكَ تَحُطُّ رِحَالُ الرَّاجِينَ * وَ بَعْرَصَتِكَ تَقِفُ أَمَالُ

* ای که امیدواران همه به ساحت قدس تو بار افکنند * و طالبان عطا به عرصه عنایتت

الْمُسْتَرْفِدِينَ * فَلَا تُقَابِلُ أَمَالَنَا بِالتَّخْيِيبِ وَ الْإِيَّاسِ * وَ لَا تُلْبِسُنَا

اقامت کنند * امیدهایی که به تو داریم با مایوسی روبرو نگردان * و جامه

سُرْبَالِ الْقَنُوطِ وَ الْإِبْلَاسِ * اَللّٰهُ تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظِمِ الْإِيَّاسِ شُكْرِي

نومیدی نپوشان * ای خدا شکر من در مقابل نعمت‌های بزرگ تو بسیار ناچیز

وَ تَضَاءَلُ فِي جَنْبِ إِكْرَامِكَ أَيَّامِي ثَنَائِي وَ نَشْرِي * جَلَلْتَنِي نِعْمَتِكَ

* و حمد و ثنای من در قبال اکرام و عنایتت بسی ناقابل است * و نعمت انوار ایمان مرا

مِنْ أَنْوَارِ الْإِيْمَانِ حُلَلًا * وَ ضَرَبْتَ عَلَيَّ لَطَائِفَ بَرَكَاتِكَ مِنَ الْعِزِّ كَلَلًا *

بیارسته به زیورهای مجلل * و لطائف جود و کرمت تاج عزت بر سرم نهاده *

وَ قَلَّدْتَنِي مِنْكَ قَلَائِدَ لَا تَحُلُّ * وَ طَوَّقْتَنِي أَطْوَاقًا لَا تَفُلُّ * فَعَالَاؤُكَ

و احسان‌هایت رشته‌های علاقه‌ای * و طوق‌های شرافتی بر گردنم افکنده که دیگر گشوده نگردد * آنقدر

جَمَّةٌ ضَعْفَ لِسَانِي عَنْ إِحْصَائِهَا * وَ نِعْمَاؤُكَ كَثِيرَةٌ قَصُرَ فَهْمِي عَنْ

نعمت‌های تو زیاد است که زبانت از شمارش ناتوان * و به حدی بسیار است که فهمم از ادراکش

إِدْرَاكِهَا * فَضْلًا عَنْ اسْتِقْصَائِهَا * فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ

قاصر است * تا چه رسد که همه را بتواند اندازه یافت * پس من چگونه توانم شکر آن نعم را به‌جای آورم *

وَ شُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرِ * فَكَلَّمَا قُلْتُ لَكَ الْحَمْدُ * وَ جَبَّ

و حال آنکه شکر تو گفتن شکر بر آن لازم است * پس من هر چه حمد و شکر گویم بر آن * تو را نیز

عَلَىٰ لَدَيْكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ * إِلَهِي فَكَمَا غَدَيْتَنَا بِلُطْفِكَ *
 حمد و شکر دیگر باید گفت * ای خدا چنانکه ما را در اول به لطف خود غذا دادی *

وَرَبَّيْتَنَا بِصُنْعِكَ * فَتَمِّمْ عَلَيْنَا سَوَابِغَ النِّعَمِ * وَادْفَعْ عَنَّا مَكَارِهِ
 و در مهد حکمت و صنّعات پرورش دادی * پس نعمتهای بی حدت را بر ما به اتمام رسان * و ناگواری‌های انتقامت را

النِّقَمِ * وَءَاتِنَا مِنْ حُظُوظِ الدَّارَيْنِ أَرْفَعَهَا وَاجْلَاهَا * عَاجِلًا وَءَاجِلًا
 دفع گردان * و به ما در دو عالم بالاتر و بزرگتر * حظ و بهره را کرامت فرما

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ حُسْنِ بِلَائِكَ * وَ سُبُوحِ نِعَمَائِكَ * حَمْدًا يُوَافِقُ
 * و ستایش مخصوص توست بر ابتلاء و آزمایش نیکویت * و وفور نعمت‌هایت * آن گونه ستایشی که

رِضَاكَ * وَيَمْتَرِي الْعَظِيمِ مِنْ بَرَكَ وَ نَدَاكَ * يَا عَظِيمُ يَا كَرِيمُ *
 پسند توست * و احسان و عطای بزرگ تو را بر ما قرار می‌دارد * ای خدای بزرگ با کرم و احسان *

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

به حق رحمتت ای مهربانترین مهربانان عالم *

۷) السَّابِعَةُ: مُنَاجَاتُ الْمُطِيعِينَ لِلَّهِ

هفتم: مناجات پیروان خدا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * اللَّهُمَّ الْهَمْنَا طَاعَتَكَ * وَ جَنَّبْنَا
 به نام خدای بخشنده مهربان * ای خدا طاعت و بندگیت را به قلب ما الهام کن * و عصیانت را

مَعْصِيَتِكَ * وَيَسِّرْ لَنَا بُلُوغَ مَا نَتَمَنَّى مِنْ ابْتِغَاءِ رِضْوَانِكَ * وَ أَحْلِلْنَا
 از ما دور ساز * و بر ما آسان گردان راه وصول به آنچه آرزومندیم از شوق مقام رضای توست * و ما را در میان

بُحْبُوحَةِ جَنَانِكَ * وَ اقْشَعْ عَن بَصَائِرِنَا سَحَابَ الْإِرْتِيَابِ * وَ اكْشِفْ
 جاودانی بهشت منزل کرامت کن * و از چشم بصیرت و دل‌های آگاه ما ابرهای تاریک * و پرده‌های

عَنْ قُلُوبِنَا أَغْشِيَةَ الْمَرِيَةِ وَ الْحِجَابَ * وَ أَزْهِقِ الْبَاطِلَ عَنْ ضَمَائِرِنَا
 ظلمانی شک و ریب را دور ساز * و میل به باطل را از باطن ما نابود گردان

وَ اثْبِتِ الْحَقَّ فِي سَرَائِرِنَا * فَإِنَّ الشُّكُوكَ وَ الظُّنُونِ لَوَاقِحُ الْفِتَنِ *
 * و برقرار دار حق و حقیقت را در سریرت ما * زیرا شک و گمانهای فاسد پیوندهای فتنه و فساد شده *

وَ مَكْدَرَةٌ لَصَفْوِ الْمَنَاحِجِ وَ الْمَنَنِ * اللَّهُمَّ احْمِلْنَا فِي سَفْنِ نَجَاتِكَ *
 و عیش خوش ما را به عطایا و نعم ناگوار می‌سازند * خدایا ما را در کشتی‌های نجاتت بنشان *

وَمَتَّعْنَا بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ * وَأَوْرَدْنَا حِيَاضَ حُبِّكَ * وَادَّقْنَا حَلَاوَةَ

و ما را به لذت مناجات خود کامیاب گردان * و بر جویبارهای محبتت وارد ساز * و به ما شیرینی مقام قرب

وَدِّكَ وَقُرْبِكَ * وَاجْعَلْ جِهَادَنَا فِيكَ * وَهَمَّنَّا فِي طَاعَتِكَ * وَأَخْلَصْ

و دوستیت را بچشان * و کوشش ما را در خود قرار ده * و همت ما را به طاعت خود مصروف دار * و ما را در

نِيَاتِنَا فِي مُعَامَلَتِكَ * فَاِنَّا بِكَ وَ لَكَ وَ لَا وَسِيلَةَ لَنَا إِلَيْكَ إِلَّا أَنْتَ *

معامله با تو نیت خالص عطا کن * که ما هر چه هستیم به تو و از توایم و وسیله به سوی تو جز تو نداریم *

الهِ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ * وَ اَلْحَقْنِي بِالصَّاحِحِينَ الْأَبْرَارِ

ای خدا قرار ده مرا از برگزیدگان و خوبان * و به نیکان صالحان ملحق ساز

السَّابِقِينَ إِلَى الْمَكْرُمَاتِ * الْمُسَارِعِينَ إِلَى الْخَيْرَاتِ * الْعَامِلِينَ

* که آنان به مقامات عالیه سبقت گرفته * و به سوی اعمال خیر می‌شتابند * و به کار شایسته باقی

لِلْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ * السَّاعِينَ إِلَى رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ

و پایدار (که معرفت و طاعت است) می‌پردازند * و به درجات رفیعه می‌کوشند * که تو البته بر هر چیز

شَيْءٍ قَدِيرٌ * وَ بِالْإِجَابَةِ جَدِيرٌ * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

قادر هستی * و به مستجاب کردن دعای بندگان سزاواری * به حق رحمتت ای مهربانترین مهربانان عالم *

۸) الثامنة: مناجات المریدین

هشتم: مناجات ارادتمندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * سُبْحَانَكَ مَا أَضْيَقُ الطُّرُقَ عَلَى مَنْ لَمْ

به نام خدای بخشنده مهربان * پاک و منزهی ای پروردگار اگر تو راهنما نباشی چقدر راه‌ها

تَكُنْ دَلِيلَهُ * وَ مَا أَوْضَحَ الْحَقَّ عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ وَ سَبِيلَهُ * إِلَهِي

تنگ و دشوار است * و اگر تو هدایت کنی چقدر راه حق واضح و هویداست * خدایا

فَاسْأَلُكَ بِنَا سُبُلِ الْوُصُولِ إِلَيْكَ * وَ سَيِّرْنَا فِي أَقْرَبِ الطُّرُقِ لِلْوُفُودِ

ما را مستقیم به راه وصلت ببر * و به نزدیکترین طریق برای ورود بر حضرتت رهسپار

عَلَيْكَ * قَرِّبْ عَلَيْنَا الْبَعِيدَ * وَ سَهِّلْ عَلَيْنَا الْعَسِيرَ الشَّدِيدَ *

گردان * دور را به ما نزدیک ساز * و سخت و مشکل را بر ما آسان فرما *

وَ اَلْحَقْنَا بِعِبَادِكَ الَّذِينَ هُمْ بِالْبِدَارِ إِلَيْكَ يُسَارِعُونَ * وَ بِأَبِكَ عَلَى

و ما را به آن بندگان خاصت که با سرعت به سوی تو مبادرت می‌جویند * و دائم حلقه

الدَّوَامِ يَطْرُقُونَ * وَإِيَّاكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَعْبُدُونَ * وَهُمْ مِنْ هَيْبَتِكَ

بر در تو می‌زنند * و شب و روز تو را پرستش می‌کنند * و از هیبت و عظمتت ترسان و هراسانند

مُشْفِقُونَ * الَّذِينَ صَفِيَتْ لَهُمُ الْمَشَارِبُ وَ بَلَغَتْهُمْ الرَّغَائِبُ *

ملحق فرما * همان بندگان پاک که آب از سرچشمه صفای توحید نوشاندی و به آرزویشان رسانیدی *

وَ أَنْجَحْتَ لَهُمُ الْمَطَالِبَ * وَقَضَيْتَ لَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ الْمَأْرَبَ *

و حاجت‌هایشان برآوردی * و به مقاصد عالی‌شان به فضل و کرمت نایل ساختی *

وَ مَلَأْتَ لَهُمْ ضَمَائِرَهُمْ مِنْ حُبِّكَ * وَ رَوَيْتَهُمْ مِنْ صَافِي شَرِبِكَ * فَبِكَ

و پر فرمودی دل‌هایشان را از محبت خود * و آن تشنگان جرعهٔ وصلت را از آب صاف خود سیراب گردانیدی * پس

إِلَى لَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ وَصَلُوا * وَ مِنْكَ أَقْصَى مَقَاصِدِهِمْ حَصَلُوا * فَيَا

به لطف تو به مقام لذت مناجات رسیدند * و از کرمت منتهای مقصودشان را که مشاهدهٔ توست یافتند * پس ای

مَنْ هُوَ عَلَى الْمُقْبِلِينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ * وَ بِالْعَطْفِ عَلَيْهِمْ عَائِدٌ مُفْضِلٌ

خدایی که به هر که رو سوی تو آورد توجه و اقبال کرده * و با عطف و مهر فضل و احسان می‌کنی

وَ بِالْغَافِلِينَ عَنْ ذِكْرِهِ رَحِيمٌ رَعُوفٌ * وَ يَجْذِبُهُمْ إِلَى بَابِهِ وَ دُودٌ عَطُوفٌ

* و به آنان که از یاد تو غافلند هم رؤف و مهربان هستی * و با عاطفه و لطف و جاذبهٔ محبت آنها را نیز به درگاهت می‌کشانی

أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ أَوْفَرِهِمْ مِنْكَ حَظًّا * وَ أَعْلَاهُمْ عِنْدَكَ مَنَزَلًا

* و از تو (ای خدا) درخواست می‌کنم که بهرهٔ مرا از فضل خود بیشتر * و منزلتم را نزد خویش بالاتر از همهٔ آنان قرار دهی

وَ اجْزَلِهِمْ مِنْ وَدِّكَ قِسْمًا * وَ أَفْضَلِهِمْ فِي مَعْرِفَتِكَ نَصِيبًا * فَقَدْ

* و قسمتم را از دوستی و عشق و محبتت بزرگتر * و نصیب معرفتم را به تو افزونتر گردانی * که من

انْقَطَعَتْ إِلَيْكَ هِمَّتِي * وَ انْصَرَفَتْ نَحْوَكَ رَغْبَتِي * فَانْتَ لَا غَيْرَكَ

ای خدا توجهم از همه منقطع به سوی تو * و دلم مشتاق توست * تویی مقصودم نه

مُرَادِي * وَ لَكَ لَا لِسَوَاكَ سَهْرِي * وَ لِقَاؤُكَ قَرَّةٌ عَيْنِي *

غیر تو * از شوق توست بیدار و کم خوابم * و لقاوت نور دیدگانم *

وَ وَصَلِكَ مِنْ نَفْسِي * وَ إِلَيْكَ شَوْقِي * وَ فِي مَحَبَّتِكَ وَ لَهْيِي * وَ إِلَى هَوَاكَ

و مقام وصلت تنها آرزوی من است * شوقم منحصر به تو * و سرگردان و واله محبت توام * دلباختهٔ

صَبَابَتِي * وَ رِضَاكَ بَغِيَّتِي * وَ رُؤْيَتِكَ حَاجَتِي * وَ جَوَارِكَ طَلْبِي * وَ قَرْبِكَ

هوای توام * غرض و مقصودم خوشنودی توست * و به مشاهدهٔ تو نیازمندم * و نعمت جوارت مطلوب من است * و مقام قربت

غَايَةُ سُؤْلِي * وَفِي مُنَاجَاتِكَ رَوْحِي وَرَاحَتِي * وَعِنْدَكَ دَوَاءٌ عَلَيَّ *

منتهای خواهش من است * و حال مناجات با تو فرح و آرامش خاطر من است * و دواى مرض

وَ شِفَاءٌ عَلَيَّ * وَ بَرْدٌ لَوْعَتِي * وَ كَشْفٌ كُرْبَتِي * فَكُنْ أُنَيْسِي فِي وَحْشَتِي

و شفاى قلب سوزانم * و تسکین حرارت دل * و رافع غم و اندوهم بیش توست * پس ای خدا تو در حال وحشت و هولناکی انیس و مونس من باش

وَ مُقْبِلٌ عَثْرَتِي * وَ غَافِرٌ زَلَّتِي * وَ قَابِلٌ تَوْبَتِي * وَ مُجِيبٌ دَعْوَتِي *

* و بپذیر عذر لغزشهایم * و از زشتیهایم درگذر * و توبه‌ام قبول * و دعایم اجابت فرما *

وَ وَلِيٌّ عِصْمَتِي * وَ مُغْنِيٌّ فِائِقَتِي * وَ لَا تَقْطَعْنِي عَنْكَ * وَ لَا تَبْعُدْنِي مِنْكَ

و از گناهکاری مرا نگهداری کن * و از فقر غنی گردان * و مرا جدا * و دور نگردان از خود

يَا نَعِيمِي وَ جَنَّتِي * وَيَا دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي * [يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ]

* ای تو نعمت و بهشت * و دنیا و آخرت من * ای مهربانترین مهربانان عالم *

۹ النَّاسِعَةُ: مُنَاجَاتُ الْمُحِبِّينَ

نهم: مناجات دوستان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِلَهِي * مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ

به نام خدای بخشنده مهربان * ای خدا آن کیست که شیرینی محبت را چشید

فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا * وَ مَنْ ذَا الَّذِي أُنْسَ بِقُرْبِكَ فَابْتَغِي عَنْكَ حَوْلًا *

و جز تو کسی را خواست * و آن کیست که به مقام قرب تو انس یافت و لحظه‌ای روی از تو گردانید *

إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ اصْطَفَيْتَهُ * وَ لِقُرْبِكَ * وَ وَايَتِكَ * وَ أَخْلَصْتَهُ * وَ

ای خدا ما را از آنان قرار ده که برای مقام قرب و دوستی خود برگزیده‌ای * و خالص برای

لُودِكَ * وَ مَحَبَّتِكَ * وَ شَوْقَتَهُ * وَ إِلَى لِقَائِكَ * وَ رَضِيَّتَهُ * وَ بَقْضَائِكَ *

عشق و محبت نموده‌ای * و به لقايت مشتاق * و به قضایت خوشنود نموده‌ای *

وَ مَنْحَتَهُ * وَ بِالنَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ * وَ حَبْوَتَهُ * وَ بِرِضَاكَ * وَ أَعَدَّتَهُ * وَ

و نعمت دیدارت را به او عطا کرده‌ای * و برای مقام رضایت برگزیده‌ای * و از برای فراق و

مِنْ هَجْرِكَ * وَ قِلَاقِكَ * وَ بَوَاتَهُ * وَ مَقْعَدَ الصِّدْقِ فِي جِوَارِكَ * وَ خَصَصْتَهُ * وَ

هجرات در پناه خود گرفته‌ای * و در جوار خود در نشیمنگاه عالم صدق و حقیقت او را جای داده‌ای * و به رتبه معرفت

بِمَعْرِفَتِكَ * وَ أَهْلَتَهُ * وَ لِعِبَادَتِكَ * وَ هَيَّمْتَ قَلْبَهُ * وَ لِرَادَتِكَ *

مخصوص گردانیده‌ای * و لایق پرستش خود نموده‌ای * و دلباخته محبت *

وَاجْتَبَيْتَهُ وَمُشَاهَدَتِكَ * وَاخْلَيْتَ وَجْهَهُ لَكَ * وَفَرَّغْتَ فُرَادَهُ *
 و برگزیده برای مشاهده خویش گردانیده‌ای * و یک‌جهت روی او را به سوی خود آورده‌ای * و قلبش را از هر چه جز دوستی توست

مُحِبِّكَ * وَرَغَبْتَهُ فِيمَا عِنْدَكَ * وَالْهَمَّتَهُ ذِكْرَكَ * وَأَوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ *
 خالی ساخته‌ای * و او را راغب به آنچه نزد توست گردانیده‌ای * و ذکرت را به او الهام کرده * و شکرش را به او آموخته‌ای

وَشَغَلْتَهُ بِطَاعَتِكَ * وَصَيَّرْتَهُ مِنْ صَالِحِي بَرِيَّتِكَ * وَاخْتَرْتَهُ *
 * و به طاعتت سرگرمش نموده‌ای * و از صالحان خلق خود قرارش داده‌ای * و برای مناجات

لِمَنَاجَاتِكَ * وَقَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّ شَيْءٍ يَقْطَعُهُ عَنْكَ * اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا
 انتخابش نموده‌ای * و از هر چه او را از تو دور کند علاقه‌اش را بریده‌ای * ای خدا ما را از آنان قرار ده

مِمَّنْ دَابَّوهُمُ الْأَرْتِيحُ إِلَيْكَ وَالْحَنِينُ * وَدَهَرَهُمُ الزَّفْرَةُ وَالْأَنِينُ *
 که بالفطره به تو شادمان و خوشند و از دل ناله شوق می‌کشند * و همه عمر با آه و ناله (عاشقانه) اند *

جَبَاهَهُمْ سَاجِدَةً لِعَظَمَتِكَ * وَعَيُونَهُمْ سَاهِرَةً فِي خِدْمَتِكَ * وَدَمُوعَهُمْ
 پیشانی‌شان در پیشگاه عظمتت به سجده * و چشم‌هایشان بیدار در خدمتت * و اشک

سَائِلَةً مِنْ خَشْيَتِكَ * وَقُلُوبَهُمْ مُتَعَلِّقَةً بِمَحَبَّتِكَ * وَأَفْعَدْتَهُمْ
 دیدگانشان از خوفت جاری * و دلهایشان علاقه‌مند عشق و محبتت * و قلب‌هایشان را

مُنْخَلَعَةً مِنْ مَهَابَتِكَ * يَا مَنْ أَنْوَارُ قُدْسِهِ لِأَبْصَارِ مُحِبِّهِ رَائِقَةٌ *
 جلال و مهابتت از عالم برکنده است * ای خدایی که انوار قدسش به چشم دوستان در کمال روشنی است *

وَسُبُوحَاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ عَارِفِيهِ شَائِقَةٌ * يَا مَنْ قُلُوبُ الْمُشْتَاقِينَ
 و تجلیات ذاتش بر قلوب عارفان او شوق و نشاط انگیز است * ای آرزوی دل مشتاقان

وَيَا غَايَةَ أَمَالِ الْمُحِبِّينَ * أَسْأَلُكَ حُبَّكَ * وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ *
 * ای منتهای مقصود محبان * از تو درخواست می‌کنم دوستی تو را * و دوستی دوستدارانت را

وَ حُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوَصِّلُنِي إِلَى قُرْبِكَ * وَ أَنْ تَجْعَلَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا
 * و دوست داشتن هر کاری که مرا به مقام قرب تو رساند * و هم درخواست دارم که خود را از هر چه غیر توست بر من

سِوَاكَ * وَ أَنْ تَجْعَلَ حُبِّي إِلَيْكَ قَائِدًا إِلَى رِضْوَانِكَ * وَ شَوْقِي إِلَيْكَ
 محبوب‌تر گردانی * و محبتم را منجر به مقام خوشنودی خود سازی * و شوقم را به تو

ذَائِدًا عَنْ عَصِيَانِكَ * وَ أَمُنُّ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ عَلَيَّ * وَ أَنْظُرَ بَعَيْنِ الْوُدِّ
 بیش از عصیان‌ت قرار دهی * و بر من به یک نظر کردن بر جمالت منت گذار * و به من به چشم لطف

وَالْعَطْفِ إِلَيَّ * وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ * وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْأَسْعَادِ

و محبت بنگر * و هیچ وقت روی از من مگردان * و مرا از اهل سعادت و سالکان طریق محبت

وَالْحُظْوَةِ (الْحُظْوَةُ) عِنْدَكَ يَا مُجِيبُ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

نزد خود گردان ای اجابت کننده * ای مهربانترین مهربانان عالم *

۱۰ العاشرة: مناجات المتوسلين

دهم: مناجات متوسلین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِلَهِي لَيْسَ لِي وَسِيلَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَاطِفُ

به نام خدای بخشنده مهربان * خدایا مرا به سوی تو وسیله جز عواطف مهربانیت

رَأْفَتِكَ * وَلَا لِي ذَرِيعَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَارِفُ رَحْمَتِكَ * وَشَفَاعَةُ نَبِيِّكَ

نیست * و دست آویزی غیر عطاهای رحمانیت * و شفاعت پیغمبر

نَبِيِّ الرَّحْمَةِ * وَمُنْقَذِ الْأُمَّةِ مِنَ الْغَمَّةِ * فَاجْعَلْهُمَا لِي سَبَبًا إِلَى نَيْلِ

رحمتت * که نگهدار امت از رنج و آلام دو عالم است نخواهد بود * پس تو این دو را برای من

غُفْرَانِكَ * وَصَيِّرْهُمَا لِي وَصْلَةً إِلَى الْفَوْزِ بِرِضْوَانِكَ * وَقَدْ حَلَّ رَجَائِي

وسیله آمرزش * و سبب وصول به مقام سعادت و بهشت رضوانت قرار ده * قافله امید من وارد حریم

بِحَرَمِ كَرَمِكَ * وَحَطَّ طَمَعِي بِفَنَاءِ جُودِكَ * فَحَقِّقْ فِيكَ أَمَلِي وَاخْتِمْ

کرمت گردیده * و راحله طمعم به آستان احسانت فرود آمده * پس تو ای خدا آرزویی که به کرمت دارم بر آور و کارم را

بِالْخَيْرِ عَمَلِي * وَاجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَتِكَ الَّذِينَ أَحَلَّتْهُمْ بِحُبُوحَةِ

ختم به خیر گردان * و مرا از آن بندگان خاص باصفای خود قرار ده که در میان بهشت خود

جَنَّتِكَ * وَبَوَّاتِهِمْ دَارَ كَرَامَتِكَ * وَأَقَرَّرْتَ أَعْيُنَهُمْ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ يَوْمَ

در آوردی * و در منزل کرامت و عزت جایگاه بخشیدی * و به مشاهده حسن و جمالت در روز ملاقاتت دیده‌هایشان

لِقَائِكَ * وَأَوْرَثْتَهُمْ مَنَازِلَ الصِّدْقِ فِي جَوَارِكَ * يَا مَنْ لَا يَفِدُ الْوَافِدُونَ

روشن کردی * و آنان را وارث منزلهای حقیقت در جوار خود گردانیدی * ای خدایی که هیچکس وارد بر کسی

عَلَى أَكْرَمِ مَنْهُ * وَلَا يَجِدُ الْقَاصِدُونَ أَرْحَمَ مِنْهُ * يَا خَيْرَ مَنْ خَلَا بِهِ

کریم‌تر از تو نشده است * و حاجتمندی شخصی رحیم و مهربان‌تر از تو نیافته است * ای بهترین کسی که بی‌کسان در خلوت

وَحِيدٌ * وَيَا أَعْطَفَ مَنْ أَوَى إِلَيْهِ طَرِيدٌ * إِلَى سَعَةِ عَفْوِكَ مَدَدْتُ

عنايتت راه یافتند * و مهربانتر شخصی که گریختگان به سویت پناه گرفتند * ای خدا من به سوی وسیع مقام عفو تو دست امید

يَدِي * وَبَذِيلِ كَرَمِكَ أَعْلَقْتُ كَفِّي * فَلَا تُؤَلِّنِي الْحَرْمَانَ * وَلَا تُبَلِّنِي

دراز کردهام * و به ذیل کرم و احسانت چنگ زدهام * پس ای خدا مرا به نا امیدي بر مگردان * و مبتلا مساز

بِالْخَيْبَةِ وَالْحُسْرَانِ * يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ * [يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ]

به زیان و حرمان * ای شنوای دعای خلق * ای مهربانترین مهربانان عالم *

﴿۱۱﴾ الْحَادِي عَشَرَ: مُنَاجَاتُ الْمُفْتَقِرِينَ

یازدهم: مناجات تهیدستان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِلَهِي كَسْرِي لَا يَجْبِرُهُ إِلَّا لَطْفُكَ وَحَنَانُكَ

به نام خدای بخشنده مهربان * ای خدا کسر و نقصان مرا چیزی جز لطف و عطایت تدارک نمی‌کند

* وَفَقْرِي لَا يَغْنِيهِ إِلَّا عَطْفُكَ وَاحْسَانُكَ * وَرَوْعَتِي لَا يَسْكِنُهَا إِلَّا

* فقر و بینوائیم را به جز عطوفت و احسانت بدل به غنا نمی‌سازد * و ترس و اضطرابم را جز امان تو

أَمَانُكَ * وَذِلَّتِي لَا يُعْزِئُهَا إِلَّا سُلْطَانُكَ * وَأَمْنِيَّتِي لَا يَبْلِغُنِيهَا إِلَّا

ایمنی نمی‌بخشد * و ذلت و خواریم را غیر سلطنتت هیچ بدل به عزت نمی‌گرداند * و کسی مرا به آرزویم نمی‌رساند

فَضْلُكَ * وَخَلَّتِي لَا يَسُدُّهَا إِلَّا طَوْلُكَ * وَحَاجَّتِي لَا يَقْضِيهَا غَيْرُكَ

جز کرمت * و درگاه فقر و نداریم را جز عطایت نمی‌بندد * و حاجتم را جز تو کسی روا نمی‌سازد

* وَكَرْبِي لَا يَفْرِجُهُ إِلَّا سَوِي رَحْمَتِكَ * وَضُرِّي لَا يَكْشِفُهُ إِلَّا غَيْرَ رَأْفَتِكَ

* و غم و اندوهم را جز رحمت بی‌پایانت بدل به شادی نمی‌کند * و رنج و آلام را جز رأفت و مهربانیت برطرف نمی‌سازد

* وَغَلَّتِي لَا يَبْرِدُّهَا إِلَّا وَصْلُكَ * وَلَوْعَتِي لَا يَطْفِئُهَا إِلَّا لِقَاؤُكَ * وَشَوْقِي

* و حرارت اشتیاقم را جز وصالت فرو نمی‌نشانند * و شعله سوز و گدازم را جز لقایت خاموش نمی‌کند * و بر آتش

إِيَّاكَ لَا يَبْلُغُنِي إِلَّا النَّظْرُ إِلَى وَجْهِكَ * وَقَرَارِي لَا يَقْرُدُّونَ دُنُوِي مِنْكَ

شوقم چیزی جز نظر به جمالت آب نمی‌زند * و دلم جز به قرب تو جایی آرام نمی‌گیرد

* وَلَهْفَتِي لَا يَبْرِدُّهَا إِلَّا رَوْحُكَ * وَسَقَمِي لَا يَشْفِيهِ إِلَّا طِبُّكَ * وَغَمِّي

* و اندوه و حسرتم را جز نسیم رحمتت زایل نمی‌کند * و دردم را جز توجهت کسی شفا نمی‌دهد * و چیزی

لَا يَزِيلُهُ إِلَّا اقْرَبُكَ * وَجُرْحِي لَا يَبْرِئُهُ إِلَّا صَفْحُكَ * وَرَيْنَ قَلْبِي لَا

جز قرب تو غم از دلم نمی‌برد * و بر جراحتم جز بخشش مرهم نمی‌گذارد * و زنگار قلبم را

يَجْلُوهُ إِلَّا عَفْوُكَ * وَوَسْوَاسُ صَدْرِي لَا يَزِيحُهُ إِلَّا أَمْرُكَ * فَيَا مُنْتَهَى

جز عفوت پاک نمی‌سازد * و وسواس و اندیشه‌های باطل درونم را جز فرمان تو زایل نتواند کرد * پس ای خدایی که

أَمَلِ الْأُمَلِينَ * وَيَا غَايَةَ سُؤْلِ السَّائِلِينَ * وَيَا أَقْصَى طَلِبَةِ الطَّالِبِينَ

تو منتهای آرزوی آرزومندانی * و مقصود نهائی نیازمندی * و عالیترین مطلوب طالبان

* وَيَا أَعْلَى رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ * وَيَا وَلِيَّ الصَّالِحِينَ * وَيَا أَمَانَ الْمُخَافِينَ

* و بالاترین خواهش خواهشمندانی * و یار و دوستدار درستکاران * و ایمنی بخش دلهای ترسان

* وَيَا مُجِيبَ [دَعْوَةٍ] الْمُضْطَرِّينَ * وَيَا ذُخْرَ الْمُعْدِمِينَ * وَيَا كَثْرَ

* و اجابت کننده دعای پریشان خاطران * و ذخیره بینوایان * و گنجینه

الْبَائِسِينَ * وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ * وَيَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الْفُقَرَاءِ

بیچارگانی * و فریادرس فریاد خواهانی * و برآورنده حوایج فقیران

وَالْمَسَاكِينَ * وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ * وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * لَكَ

و مسکینان * و کریمترین کریمان * و مهربانترین مهربانان عالمی * ای خدا

تَخَضُّعِي وَ سُوَالِي * وَالْيَكُ تَضَرُّعِي وَ ابْتِهَالِي * أَسْأَلُكَ أَنْ تُنِيلَنِي

خضوع و مسألتم برای تو * و تضرع و زاریم به درگاه توست * از تو درخواست می‌کنم که مرا به آسایش

مِنْ رَوْحِ رِضْوَانِكَ * وَتُدِيمَ عَلَيَّ نِعْمَ امْتِنَانِكَ * وَهَا أَنَا بِبَابِ كَرَمِكَ

مقام رضا و خوشنودیت نائل سازی * و پاینده داری نعمتهایی که به من عطا کرده‌ای * که من اکنون به درگاه کرمیت

وَاقِفٌ * وَلِنَفْحَاتِ بَرِّكَ مُتَعَرِّضٌ * وَبِحَبْلِكَ الشَّدِيدِ مُعْتَصِمٌ *

ایستاده‌ام * و در معرض نسیم الطافت درآمده * و به رشته محکم تو چنگ زده *

وَبِعُرْوَتِكَ الْوَثْقَى مُتَمَسِكٌ * إِلَهِي أَرْحَمَ عَبْدِكَ الذَّلِيلِ * ذَا اللِّسَانِ

و به حلقه مطمئن تو درآویخته‌ام * ای خدا ترحم کن به حال بنده ذلیلت * که زبانش

الْكَلِيلِ * وَالْعَمَلِ الْقَلِيلِ * وَآمِنٌ عَلَيْهِ بِطَوْلِكَ الْجَزِيلِ * وَكَنْفُهُ

از شرم بسته * و عملش اندک است * و بر من عطای بزرگ خود منت گذار * و مرا در

تَحْتَ ظِلِّكَ الظَّلِيلِ * يَا كَرِيمٌ يَا جَمِيلٌ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

حمایت سایه پایداریت بدار * ای خدای باکرم و حسن و جمال * ای مهربانترین مهربانان عالم *

﴿۱۲﴾ الثَّانِيَةَ عَشَرَ: مُنَاجَاتُ الْعَارِفِينَ

دوازدهم: مناجات عارفان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِلَهِي قَصْرَتِ الْأَلْسُنُ عَنْ بُلُوغِ ثَنَائِكَ

به نام خدای بخشنده مهربان * ای خدا زبان‌ها از بلوغ به حد ثنا و ستایشی

كَمَا يَلِيْقُ بِجَلَالِكَ * وَ عَجَزَتِ الْعُقُولُ عَنْ ادْرَاكِ كُنْهِ جَمَالِكَ *

که سزاوار توست قاصر * و عقل‌ها از ادراک کنه جمالت عاجز است *

وَ انْحَسَرَتِ الْأَبْصَارُ دُونَ النَّظْرِ إِلَى سُبْحَاتِ وَجْهِكَ * وَ لَمْ تَجْعَلْ

و دیده‌ها از نزدیکی به انوار جمالت خسته و نابینا * و برای خلق

لِلْخَلْقِ طَرِيقًا إِلَى مَعْرِفَتِكَ * إِلَّا بِالْعَجْزِ عَنْ مَعْرِفَتِكَ * إِلَهِي

راهی به مقام معرفتت * الا به اظهار عجز از معرفتت قرار ندادی * ای خدا

فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَرَسَّخَتْ (تَوَشَّجَتْ) أَشْجَارُ الشُّوقِ إِلَيْكَ فِي

ما را از آن بندگان قرار ده که نهال‌های شوق لقاییت در باغ دل‌هایشان

حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ * وَ أَخَذَتْ لَوْعَةً مَحَبَّتِكَ بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ * فَهَمُّ

سبز و خرم گشته * و سوز محبت سراسر قلب آنها را فرا گرفته است * از آن رو آنان

إِلَى أَوْكَارِ الْأَفْكَارِ يَا وَن * وَ فِي رِيَاضِ الْقُرْبِ وَ الْمُكَاشَفَةِ يَرْتَعُونَ *

در آشیان‌های افکار عالی انس نشیمن ساخته * و به باغهای مقام قرب و شهود می‌خرامند *

وَ مِنْ حِيَاضِ الْمَحَبَّةِ بِكَاسِ الْمَلَاظِفَةِ يَكْرَعُونَ * وَ شَرَائِعِ الْمُصَافَاةِ

و از سرچشمه محبت با جام لطف می‌آشامند * و در جویبار صفا

يَرْدُونَ * قَدْ كَشَفَ الْغَطَاءَ عَنْ أَبْصَارِهِمْ * وَ انْجَلَتْ ظِلْمَةُ الرَّيْبِ

درآمده * در حالی که پرده از مقابل چشم‌هایشان برافتاده * و ظلمت شک و ریب

عَنْ عَقَائِدِهِمْ وَ ضَمَائِرِهِمْ * وَ انْتَفَتْ مُخَالَجَةُ الشَّكِّ عَنْ قُلُوبِهِمْ

از باطنشان زایل گردیده * و خلجان شکوک و اوهام باطل از دل‌هایشان

وَ سَرَائِرِهِمْ * وَ انْشَرَحَتْ بِتَحْقِيقِ الْمَعْرِفَةِ صُدُورُهُمْ * وَ عَلَتْ

برطرف شده * و به استوار شدن معرفت شرح صدر دارای سعه نظر شده * و به سبقت گرفتن

لِسَبْقِ السَّعَادَةِ فِي الزَّهَادَةِ هَمْمُهُمْ * وَ عَذَبَ فِي مَعِينِ الْمُعَامَلَةِ

به سعادت و زهد همت عالی یافته‌اند * و آب خوشگوار از نهر طاعت حق

شَرِبَهُمْ * وَ طَابَ فِي مَجْلِسِ الْأَنْسِ سِرُّهُمْ * وَ آمَنَ فِي مَوْطِنِ الْمَخَافَةِ

نوشیدند * و در محفل انس با خدا سرپریشان نیکو * و امن شد در جایگاه خوف و هراس

سِرْبَهُمْ * وَ اطمَانتْ بِالرُّجُوعِ إِلَى رَبِّ الْأَرْبَابِ أَنْفُسُهُمْ * وَ تَيَقَّنَتْ

راهشان * و به سبب رجوع دائم به خدای رب الارباب نفوسشان مطمئن گردیده * و به فیروزی

بِالْفَوْزِ وَالْفَلَاحِ أَرْوَاهُمْ * وَقَرَّتْ بِالنَّظْرِ إِلَىٰ مَحْبُوبِهِمْ أَعْيُنُهُمْ *
و رستگاری به رتبه یقین رسید ارواحشان * و به واسطه نظر به جمال محبوبشان چشم روشن و دلشادند *

وَ اسْتَقَرَّ بِادْرَاكِ السُّؤْلِ وَ نَيْلِ الْمَأْمُولِ قَرَارُهُمْ * وَ رَجَحَتْ فِي بَيْعِ
و چون به مقصود رسیده و به آرزویشان نایل شدند آرامش خاطر یافتند * و در معامله فروختن

الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ تِجَارَتُهُمْ * اَللهِ مَا الَّذِ خَوَاطِرُ الْاَلِهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَى
دنیا به آخرت سود کامل بردند * ای خدای من چقدر لذت بخش است یاد تو که به الهام خطور کند

الْقُلُوبِ * وَ مَا أَحَلَّى الْمَسِيرِ إِلَيْكَ بِالْأَوْهَامِ فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ *
بر دلها * و چه اندازه شیرین است سیر کردن فکر و اندیشه‌ها به سوی تو در پرده‌های غیب *

وَ مَا أَطْيَبَ طَعْمَ حُبِّكَ * وَ مَا أَعَذَّبَ شَرِبَ قُرْبِكَ * فَاعِدْنَا مِنْ
چقدر طعم محبتت خوش و شربت قرب تو گواراست * پس ما را ای خدا به درگاهت پناه ده که از

طَرْدِكَ وَ ابْعَادِكَ * وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَحْصِ عَارِفِيكَ * وَ اصْلِحْ عِبَادِكَ *
آن در مرانی و دور مگردانی * و ما را از خاصترین عارفان * و صالحترین بندگانت قرار ده *

وَ اصْدَقِ طَائِعِيكَ * وَ اخْلَصْ عِبَادِكَ * يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ * يَا كَرِيمُ
و از راستگوترین اهل طاعتت * و پاک و خالصترین اهل عبادتت گردان * ای خدای بزرگ ای با عزت و جلال * ای با کرم

يَا مُنِيلُ * بِرَحْمَتِكَ وَ مِنْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *
و احسان * به حق رحمت و عطاییت ای مهربانترین مهربانان عالم *

۱۳) الثَّالِثَةُ عَشْرَ: مُنَاجَاتُ الذَّاكِرِينَ

سیزدهم: مناجات یادکنندگان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * اَللهِ لَوْ لَا الْوَاجِبُ مِنْ قَبُولِ اَمْرِكَ
به نام خدای بخشنده مهربان * ای خدای من اگر امر تو واجب القبول نبود

لَنْزَهَتْكَ مِنْ (عَنْ) ذِكْرِي اِيَّاكَ * عَلَىٰ اَنْ ذِكْرِي لَكَ بِقَدْرِي لَا بِقَدْرِكَ *
من تو را منزّه و پاکتر از آن می‌دانستم که ذکر تو کنم * با وجود آنکه ذکر من تو را به قدر فهم من است نه به قدر مقام تو *

وَ مَا عَسَىٰ اَنْ يَبْلُغَ مِقْدَارِي حَتَّىٰ اَجْعَلَ مَحَلًّا لِتَقْدِيسِكَ * وَ مِنْ
و قدر من بدان مقام نزدیکتر شد که محل تقدیس تو شود * و اینکه ذکر

اَعْظَمَ النِّعَمِ عَلَيْنَا جَرِيَانُ ذِكْرِكَ عَلَي السَّنْتِنَا * وَ اِذْنُكَ لَنَا
تو بر زبان ما جاری است یکی از نعمت‌های بزرگ توست بر ما * و اجازه تو

بُدْعَائِكَ وَتَنْزِيهِكَ وَتَسْبِيحِكَ * اِلٰهِي فَالِهَمَّنَا ذِكْرَكَ فِي الْخَلَاءِ

که تو را بخوانیم و تنزیه و تسبیح گوئیم * ای خدا پس ذکرت را در خلوت و در

وَالْمَلَأِ * وَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ * وَالْإِعْلَانِ وَالْإِسْرَارِ * وَفِي السَّرَّاءِ

جمعیت * و در شب و روز * و در ظاهر و باطن * و در هر حال خوش و ناخوش به ما

وَالضَّرَّاءِ * وَءَانَسْنَا بِالذِّكْرِ الْخَفِيِّ * وَاسْتَعْمَلْنَا بِالْعَمَلِ الزَّكِيِّ *

الهام فرما * و به ذکر پنهان که دل ما به یاد تو باشد الهام ده * و ما را به عمل با اخلاص *

وَالسَّعْيِ الْمَرْضِيِّ * وَجَازِنَا بِالْمِيزَانِ الْوَفِيِّ * اِلٰهِي بِكَ هَامَتِ

و کوشش پسندیده مشغول ساز * و به میزان کامل بگذران * ای خدای من دل‌های واله و حیران

الْقُلُوبُ الْوَالِهَةُ * وَ عَلَى مَعْرِفَتِكَ جُمِعَتِ الْعُقُولُ الْمُتَبَايِنَةُ * فَلَا

پا بست عشق و محبت توست * و بر مقام معرفت تمام عقول مختلف متفقند * که

تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ إِلَّا بِذِكْرِكَ * وَلَا تَسْكُنُ النُّفُوسُ إِلَّا عِنْدَ رُؤْيَاكَ *

دل‌های بندگان جز به یاد تو اطمینان نیابد * و نفوس قدسی جز به دیدارت آرام نگیرد *

أَنْتَ الْمُسَبِّحُ فِي كُلِّ مَكَانٍ * وَالْمَعْبُودُ فِي كُلِّ زَمَانٍ * وَالْمَوْجُودُ

تویی که در هر مکان (در زمین و آسمان) تسبیح و ستایشت کنند * و معبود عالمی در هر زمان * همه وقت

فِي كُلِّ أَوَانٍ * وَالْمَدْعُوبُ بِكُلِّ لِسَانٍ * وَالْمُعَظَّمُ فِي كُلِّ جَنَانٍ *

موجودی * و به هر زبان تو را می‌خوانند * و در هر دل به عظمت یاد می‌شوی *

وَاسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بَغَيْرِ ذِكْرِكَ * وَمِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بَغَيْرِ أَنْسِكَ *

ای خدا از تو آموزش می‌طلبم از هر لذت و خوشی به غیر یاد تو * و از هر آسایشی به جز انس با تو *

وَمِنْ كُلِّ سُورٍ بَغَيْرِ قُرْبِكَ * وَمِنْ كُلِّ شُغْلٍ بَغَيْرِ طَاعَتِكَ * اِلٰهِي أَنْتَ

و هر نشاطی جز مقام قرب تو * و هر کاری غیر طاعتت * ای خدا تو در

قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا

کتاب کریمت فرمودی و کلام تو حق است: «ای اهل ایمان خدا را بسیار یاد کنید و صبح

وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ * وَقُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: ﴿فَاذْكُرُونِي

و شام به ستایش و تسبیحش بپردازید» * و باز فرمودی: «مرا یاد کنید تا شما را

أَذْكُرْكُمْ﴾ * فَاْمَرْتَنَا بِذِكْرِكَ * وَوَعَدْتَنَا عَلَيْهِ أَنْ تَذْكُرَنَا تَشْرِيفًا

یاد کنم» * پس ما را به ذکر خود امر فرمودی * و وعده دادی که چون یاد تو کنیم از ما یاد کنی تو * یاد تو ما را

لَنَا وَتَفْخِيمًا وَاعْظَامًا * وَهَا نَحْنُ ذَاكِرُوكَ كَمَا أَمَرْتَنَا * فَاَنْجِزْ لَنَا

شرافت و عزت و عظمت بخشد * اکنون ما به فرمان تو از تو یاد می‌کنیم * تو هم بر حسب وعده‌ات

مَا وَعَدْتَنَا * يَا ذَاكَرَ الذَّاكِرِينَ * وَيَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

از ما یاد کن * ای که از یاد کنندگان یاد می‌کنی * ای مهربانترین مهربانان عالم *

﴿۱۴﴾ الرَّابِعَةُ عَشْرُ: مُنَاجَاتُ الْمُعْتَصِمِينَ

چهاردهم: مناجات پناهندگان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * اللَّهُمَّ يَا مَلَاذَ اللَّائِذِينَ * وَيَا مَعَاذَ

به نام خدای بخشنده مهربان * خدایا ای پناه بخش پناه آورندگان * و ای پناه

الْعَائِذِينَ * وَيَا مُنْجِيَ الْهَالِكِينَ * وَيَا عَاصِمَ الْبَائِسِينَ * وَيَا

پناهندگان * و ای نجات بخش به هلاکت افتادگان * و ای نگهدار بیچارگان * و ای

رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ * وَيَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّينَ * وَيَا كَثْرَ الْمُفْتَقِرِينَ *

ترحم کننده به حال مسکینان * و ای اجابت کننده دعای پریشانان * و ای گنجینه فقیران *

وَيَا جَابِرَ الْمُنْكَسِرِينَ (الْبَائِسِ الْمُسْتَكِينِ) * وَيَا مَأْوَى الْمُنْقَطِعِينَ *

و ای جبران کننده دل شکستگان * و ای جای بخش از همه کس بریدگان *

وَيَا نَاصِرَ الْمُسْتَضْعَفِينَ * وَيَا مُجِيرَ الْخَائِفِينَ * وَيَا مُغِيثَ

و ای یاری کننده ضعیفان * و ای پناه ده ترسناکان * و ای فریادرس

الْمَكْرُوبِينَ * وَيَا حِصْنَ الْلَاجِئِينَ * إِنْ لَمْ أَعِذْ بِعِزَّتِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ *

ستمدیدگان * و ای حصار محکم پناه آورندگان * اگر من به مقام عزت و اقتدار تو پناه نبرم *

وَإِنْ لَمْ أَلْذُ بِقُدْرَتِكَ فَبِمَنْ أَلْذُ * وَقَدْ أَجْتَنِي الذُّنُوبُ إِلَى التَّشْبِثِ

دیگر به که پناهنده شوم * مرا گناهان بی حساب ناچار کرده که به دامان

بِأَذْيَالِ عَفْوِكَ * وَأَحْوَجْتَنِي إِلَى اسْتِفْتِاحِ أَبْوَابِ صَفْحِكَ *

عفو تو چنگ زدم * و خطاهای بی‌شمار محتاج نموده که از درهای لطف و بخششت گشایش طلبم *

وَدَعَتْنِي الْإِسَاءَةُ إِلَى الْإِنَاخَةِ بِفِنَاءِ عِزِّكَ * وَحَمَلْتَنِي الْمَخَافَةَ مِنْ

و کردار زشت، راحلهام را به درگاه عزت و بزرگواری تو فرود آورده * و ترس از انتقام تو

نَقَمَتِكَ عَلَى التَّمَسُّكِ بِعُرْوَةِ عَطْفِكَ * وَمَا حَقُّ مَنْ اعْتَصَمَ بِجِبْلِكَ

مرا بر آن داشته که دست در حلقه عطوفتت زدم * و هرگز کسی که به رشته کرمت چنگ زد مستحق

أَنْ يُجَذَلَ * وَلَا يَلِيْقُ بِمَنْ اسْتَجَارَ بِعِزِّكَ أَنْ يُسَلَّمَ أَوْ يَهْمَلَ * إِلَهِي فَلَا

حرمان نباشد * و آنکه به مقام عزت پناهنده شود سزاوار تسلیم به بلا و بی‌تفاتی نخواهد بود * پس ای خدا

تُحْلِنَا مِنْ حِمَايَتِكَ * وَلَا تُعْرِنَا مِنْ رِعَايَتِكَ * وَ ذُنَا عَنْ مَوَارِدِ

ما را از حفظ و حمایتت وامگذار * و از رعایت و لطفت دور مساز * و محفوظ دار

الْهَلَكَةِ * فَاِنَّا بِعَيْنِكَ وَ فِي كَنَفِكَ وَ لَكَ * اَسْأَلُكَ يَا اَهْلَ خَاصَّتِكَ

از هلاکت * که پیش چشم عنایت و در کنف حمایت توایم * و از تو درخواست می‌کنم به حق خاصان درگاهت

مِنْ مَلَائِكَتِكَ * وَ الصَّالِحِينَ مِنْ بَرِيَّتِكَ * اَنْ تَجْعَلَ عَلَيْنَا وَاقِيَةً

از ملائکه مقرب * و نیکان خلقت که برای ما نگهداری قرار دهی * که از مهالک

تُنَجِّنَا مِنَ الْهَلَكَاتِ * وَ تُجَنِّبُنَا مِنَ الْاَفَاتِ * وَ تُكِنُّنَا مِنْ دَوَاهِي

نجات بخشد * و از بلا و آفت دور دارد * و از مصائب سخت

الْمُصِيبَاتِ * وَ اَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْنَا مِنْ سَكِينَتِكَ * وَ اَنْ تُغَشِّيَ وُجُوهُنَا

مانع گردد * و باز از تو درخواست می‌کنم که وقار و سکینه‌ای به ما کرامت کنی * که روی دل ما را به انوار عشق

بِاَنْوَارِ مَحَبَّتِكَ * وَ اَنْ تُوَوِّبِنَا اِلَى شَدِيدِ رُكْنِكَ * وَ اَنْ تَحْوِيَنَا فِي

و محبت تو بپوشاند * و ما را به رکن محکم خود (توحید و معرفت) جای بخش * و از هر جانب به حفظ

اَكْنَفِ عِصْمَتِكَ * بِرَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

و عصمت فراگیر * به حق رأفت و رحمتت ای مهربانترین مهربانان عالم *

۱۵) الْخَامِسَةُ عَشْرَ: مُنَاجَاتُ الزَّاهِدِينَ

پانزدهم: مناجات زهد پیشگان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * اِلَهِي اَسْكَنْتُنَا دَارًا حَفَرَتْ لَنَا حُفَرَ

به نام خدای بخشنده مهربان * ای خدا ما را در این خانه دنیا منزل دادی که به مکر چاهها بر سر

مَكْرَهَا * وَ عَلَّقْتُنَا بِاَيْدِي الْمَنَایَا فِي حَبَائِلِ غَدْرَهَا * فَاِلَيْكَ

راه ما کنده * و ما را دست آمال و آرزوها (نفس) به رشته‌های خدعه و فریبش آویخته * از تو

نَلْتَجِئُ مِنْ مَكَائِدِ خُدَعِهَا * وَ بِكَ نَعْتَصِمُ مِنَ الْاِغْتِرَارِ بِزَخَارِفِ

درخواست می‌کنم که ما را از مغرور شدن * به زخارف دنیا و زیب و زیورش

زِينَتِهَا * فَاِنهَا الْمُهْلِكَةُ طُلَابَهَا * اَلْمُتَلَفَةُ حَلَالِهَا * اَلْمَحْشُوَّةُ

نگاه داری * که این دنیا طالبانش را هلاک می‌سازد * و واردانش را نابود می‌گرداند * این دنیا

بِالْأَفَاتِ * وَالْمَشْحُونَةِ بِالنَّكَبَاتِ * **إِلَهِي** فَزَهِّدْنَا فِيهَا * وَ سَلِّمْنَا

پر از بلا * و آفت و رنج و نکبت است * ای خدا تو ما را زهد و بی‌علاقگی در دنیا عطا کن * و از شرش جان ما را

مِنْهَا * بِتَوْفِيقِكَ * وَعِصْمَتِكَ * وَ انْزِعْ عَنَّا جَلَابِيبَ مُخَالَفَتِكَ

به سلامت بدار * به توفیق و نگهداریت * و از بر ما جامه‌های مخالفت خود را بر کن

* وَ تَوَلَّ أُمُورَنَا بِحُسْنِ كِفَايَتِكَ * وَ أَوْفِرْ مَزِيدَنَا مِنْ سَعَةِ رَحْمَتِكَ *

* و به حسن کفایتت متصدی امور ما باش * و از رحمت بی‌حدت عطا همیشه ما را بپزای *

وَ أَجْمَلِ صَلَاتِنَا مِنْ فَيْضِ مَوَاهِبِكَ * وَ اغْرَسْ فِي أَفْعِدَتِنَا أَشْجَارَ

و از موهبت‌های فیضت انعام ما را بهتر گردان * و در باغ دل‌های ما نهال‌های عشق و محبت

مَحَبَّتِكَ * وَ اَتِمِّمْ لَنَا أَنْوَارَ مَعْرِفَتِكَ * وَ اَذِقْنَا حَلَاوَةَ عَفْوِكَ * وَ لَذَّةَ

را بنشان * و بر ما به حد کمال رسان انوار معرفتت را * و شیرینی عفو و بخشش * و لذت آموزش خود را

مَغْفِرَتِكَ * وَ اقْرُرْ أَعْيُنَنَا يَوْمَ لِقَائِكَ بِرُؤْيَيْتِكَ * وَ اخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا

به ما بچشان * و روز ملاقات چشم ما را به شهود جمالت روشن گردان * و حب دنیا را از دل ما

مِنْ قُلُوبِنَا * كَمَا فَعَلْتَ بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ * وَ الْإِبْرَارِ مِنْ

ببرون کن * چنانکه با بندگان نیکوکار با صفا * و خاصان درگاهت

خَاصَّتِكَ * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ *

چنین فرمودی * به حق رحمت بی‌پایانت ای مهربانترین مهربانان عالم * و ای کریم کریمان *

مناجات منظومه حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه الصلوة والسلام

منقول از صحیفه علویّه **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

به نام خدای بخشنده مهربان

لَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَالْعُلَى تَبَارَكَتْ تُعْطَى مِنْ تَشَاءٍ وَ تَمْنَعُ

ستایش مخصوص توست ای خداوند بخشش و بزرگی و مقام بلند بزرگواری تو را سزد که به هرکه خواهی عطا کنی و از هرکه خواهی منع کنی

إِلَهِي وَ خَلَقِي وَ حِرْزِي وَ مَوْلِي أَلَيْكَ لَدَى الْأَعْسَارِ وَ الْيُسْرِ أَفْزَعُ

ای خدای آفریننده من و نگهبان و پناه من من در هر حال سختی و آسودگی به سوی تو می‌نالم

إِلَهِي لَنْ جَلَّتْ وَ جَمَّتْ خَطِيئَتِي فَعَفُوكَ عَنْ ذَنْبِي أَجَلٌ وَ أَوْسَعُ

ای خدا اگر چه گناه من بزرگ و بسیار است باز عفو و بخشش تو از گناه من بزرگتر و وسیعتر است

إِلَهِي لَنْ أَعْطَيْتُ نَفْسِي سُؤْلَهَا

ای خدا اگر من خواهشهای نفس خود را پیروی کردم

إِلَهِي تَرَى حَالِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي

ای خدا تو حال زار مرا می‌بینی و از فقر و پریشانیم آگاهی

إِلَهِي فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَلَا تَزْغْ

ای خدا امید مرا قطع مکن و به نومیدی تاریک مگردان

إِلَهِي لَنْ خَيَّبْتَنِي أَوْ طَرَدْتَنِي

ای خدا تو اگر مرا نومید کنی یا از درگاهت برانی

إِلَهِي أَجْرُنِي مِنْ عَذَابِكَ إِنِّي

ای خدا مرا از قهر و عذابت در پناه خود گیر که من

إِلَهِي فَأَنْسِنِي بِتَلْقِينِ حُجَّتِي

ای خدا به من حاجتی بیاموز که مرا مایهٔ انس و آرامی گردد

إِلَهِي لَنْ عَذَّبْتَنِي أَلْفَ حِجَّةٍ

ای خدا اگر مرا هزار سال عذاب کنی

إِلَهِي أَذْقَنِي طَعْمَ عَفْوِكَ يَوْمَ لَا

ای خدا شیرینی و لذت عفو تو را روزی به من بچشان

إِلَهِي لَنْ لَمْ تَرَعْنِي كُنْتُ ضَائِعًا

ای خدا اگر توبه کردم رعایت حال من نکنی کارم ضایع است

إِلَهِي إِذَا لَمْ تَعْفُ عَنِّي غَيْرَ مُحْسِنٍ

ای خدا اگر تو از غیر مردم نیکوکار عفو و بخشش نفرمایی

إِلَهِي لَنْ فَرَّطْتُ فِي طَلْبِ التَّقَى

ای خدا اگر من در راه تقوی کوتاهی کردم

إِلَهِي لَنْ أَخْطَأْتُ جَهْلًا فَطَالَمَا

ای خدا اگر من از جهل و نادانی خطاها کرده‌ام

إِلَهِي ذُنُوبِي بَدَّتِ الطُّودَ وَاعْتَلَّتْ

ای خدا گناهان من از کوههای بلند افزون‌تر و بالاتر است

إِلَهِي لَنْ أَعْطَيْتُ نَفْسِي سُؤْلَهَا

ای خدا اگر من خواهشهای نفس خود را پیروی کردم

إِلَهِي تَرَى حَالِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي

ای خدا تو حال زار مرا می‌بینی و از فقر و پریشانیم آگاهی

إِلَهِي فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَلَا تَزْغْ

ای خدا امید مرا قطع مکن و به نومیدی تاریک مگردان

إِلَهِي لَنْ خَيَّبْتَنِي أَوْ طَرَدْتَنِي

ای خدا تو اگر مرا نومید کنی یا از درگاهت برانی

إِلَهِي أَجْرُنِي مِنْ عَذَابِكَ إِنِّي

ای خدا مرا از قهر و عذابت در پناه خود گیر که من

إِلَهِي فَأَنْسِنِي بِتَلْقِينِ حُجَّتِي

ای خدا به من حاجتی بیاموز که مرا مایهٔ انس و آرامی گردد

إِلَهِي لَنْ عَذَّبْتَنِي أَلْفَ حِجَّةٍ

ای خدا اگر مرا هزار سال عذاب کنی

إِلَهِي أَذْقَنِي طَعْمَ عَفْوِكَ يَوْمَ لَا

ای خدا شیرینی و لذت عفو تو را روزی به من بچشان

إِلَهِي لَنْ لَمْ تَرَعْنِي كُنْتُ ضَائِعًا

ای خدا اگر توبه کردم رعایت حال من نکنی کارم ضایع است

إِلَهِي إِذَا لَمْ تَعْفُ عَنِّي غَيْرَ مُحْسِنٍ

ای خدا اگر تو از غیر مردم نیکوکار عفو و بخشش نفرمایی

إِلَهِي لَنْ فَرَّطْتُ فِي طَلْبِ التَّقَى

ای خدا اگر من در راه تقوی کوتاهی کردم

إِلَهِي لَنْ أَخْطَأْتُ جَهْلًا فَطَالَمَا

ای خدا اگر من از جهل و نادانی خطاها کرده‌ام

إِلَهِي ذُنُوبِي بَدَّتِ الطُّودَ وَاعْتَلَّتْ

ای خدا گناهان من از کوههای بلند افزون‌تر و بالاتر است

اکنون چرا در مرغزار پشیمانی می‌کنم

و تو مناجات و راز و نیاز پنهانم را می‌شنوی

دلَم را که چشم امیدم همه بر عطای بی‌انتهای توست

دیگر کیست که به وی امیدوار باشم و که را نزد تو شفیع آرم

بندهٔ اسیر و ذلیل توام و ترسان و خاضع به درگاه تو

در آن ساعت سخت که قبر منزل و خوابگاه من خواهد بود

باز رشتهٔ امیدم از رحمتت قطع نخواهد گشت

که مال و فرزندان را در آن روز سودی نخواهد بود

و اگر از لطف رعایت کنی تباه نخواهم گشت

پس آنان که به هوای نفس زشتکارند که آنها را خواهد بخشید

اینک از پی عفو و بخشش بی‌حساب تو می‌آیم

امیدم به کرم و رحمتت بسیار بوده تا آنجا که گویند چقدر بی‌پاک است

و عفو و بخشش تو از گناه من بسی بزرگتر و بلندتر است

الهِ يُنَجِّي ذِكْرَ طَوْلِكَ لَوْعَتِي

ای خدا یاد لطف و احسان تو سوز دل و پریشانیم را آرام می‌بخشد

وَ ذِكْرُ الْخَطَايَا الْعَيْنَ مِنِّي يُدَمِّعُ

و یاد خطاها و گناهان دیده‌ام گریان می‌سازد

الهِ اَقْلَبْنِي عَثْرَتِي وَ اَمَحْ حَوْبَتِي

ای خدا از خطایم درگذر و گناهانم را محو کن

فَانِي مُقَرَّرٌ خَائِفٌ مُتَضَرِّعٌ

زیرا من به گناه خود مقر و از آن ترسان و به درگاه تو نالانم

الهِ اِنلِنِي مِنْكَ رَوْحًا وَ رَاحَةً

ای خدا تو از جانب خود مرا نشاط و آرامش خاطر عطا کن

فَلَسْتُ سِوَى اَبْوَابِ فَضْلِكَ اَقْرَعُ

که من جز درهای فضل و کرمت را نمی‌کوبم

الهِ لَنْ اَقْصِيْتَنِي اَوْ اَهَنْتَنِي

ای خدا اگر تو مرا از درگاه کرمت برانی یا خوار گردانی

فَمَا حِيْلَتِي يَا رَبِّ اَمْ كَيْفَ اَصْنَعُ

پس چه چاره اندیشی و چکار توانم کرد

الهِ حَلِيفُ الْحُبِّ فِي اللَّيْلِ سَاهِرٌ

ای خدا آنکه مشتاق نوست شب همه را بیدار است

يُنَاجِي وَ يَدْعُو وَ الْمَغْفَلُ يَهْجَعُ

و به مناجات و دعا مشغول اما غافلان تا به صبح در خوابند

الهِ وَ هَذَا الْمَخْلُوقُ مَا بَيْنَ نَائِمٍ

ای خدا این مخلوق ضعیف بین خواب و بیداری است

وَ مُنْتَبِهٍ فِي لَيْلِهِ يَتَضَرَّعُ

و بسی به درگاهت ناله و تضرع می‌کند

وَ كُلُّهُمْ يَرْجُو نَوَالِكَ رَاجِيًا

و همه به احسانت چشم دارند و به رحمت

لِرَحْمَتِكَ الْعُظْمَى وَ فِي الْاِحْتِدَادِ يَطْمَعُ

بی‌پایان تو امیدوارند و به بهشت ابدت طمع بسته‌اند

الهِ يُمَيِّنُنِي رَجَائِي سَلَامَةً

ای خدا امیدواریم به لطف تو مرا نوید سلامت می‌دهد

وَ قَبِيحُ خَطِيئَاتِي عَلَيَّ يُشْنَعُ

ولی قبیح اعمال مرا به سرزنش و رسوایی می‌کشد

الهِ فَاِنْ تَعَفَوْ فَعَفْوُكَ مُنْقِذِي

ای خدا اگر مرا ببخشی عفو تو نجات بخش من است

وَ الْاِفْبَالُ الذَّنْبِ الْمَدْمِرُ اُصْرِعُ

و گرنه من به گناه مهلک هلاک خواهم شد

الهِ بِحَقِّ الْهَاشِمِيِّ مُحَمَّدٍ

ای خدا به حق پیغمبر هاشمی محمد (ص)

وَ حُرْمَةِ اطِّهَارِهِمْ لَكَ خُضَعُ

و به حرمت بندگان پاکت که نزد تو خاضع و خاشعند

الهِ بِحَقِّ الْمُصْطَفَى وَ ابْنِ عَمِّهِ

ای خدا به حق مصطفی (ص) و پسر عمش علی (ع)

وَ حُرْمَةِ اَبْرَارِهِمْ لَكَ خُشَعُ

و احترام نیکان که همه به درگاهت متواضعند

الهِ فَاِنْ شَرْنِي عَلَيَّ دِينَ اَحْمَدٍ

ای خدا مرا بر دین پیغمبرت احمد (ص) محشور گردان

مُنِيْبًا تَقِيًّا قَانِتًا لَكَ اَخْضَعُ

در حالی که به درگاهت با ناله و انابه و تقوی و تواضع آیم

وَ لَا تَحْرِمْنِي يَا اِلٰهِي وَ سَيِّدِي

ای خدای من و ای سید و مولای من مرا محروم مگردان

شَفَاعَتَهُ الْكُبْرَى فِذَاكَ الْمَشْفَعُ

از شفاعت کبرای پیغمبرت که شفاعت او پذیرفته است

وَصَلِّ عَلَيْهِمْ مَا دَعَاكَ مُوحِدٌ وَ نَاجَاكَ أَخِيَّارٌ بِبَابِكَ رُكْعٌ

و درود فرست بر او و آتش مادامی که نیکان و موحدان دعا و مناجات کنند و به درگاهت راکع باشند

و نیز در صحیفه علویّه مناجاتی دیگر منظوم از آنحضرت نقل کرده که اول آن **يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ** است

چون مشتمل بر کلمات مشکله و لغات غریبه بود و بنا بر اختصار است ما آن را ذکر نمودیم.

ثَلَاثَ كَلِمَاتٍ مِنْ مَوْلَانَا عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُنَاجَاتِ:

سه کلمه از مولایمان علی علیه السلام در مناجات:

إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا * وَ كَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي

ای خدا مرا این عزت بس که بنده تو باشم * و این فخرم بس که پروردگارم

رَبًّا * أَنْتَ كَمَا أَحَبُّ فَأَجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ *

تو باشی * تو آنچنانی که من دوست دارم پس مرا آن سان که می خواهی بگردان. *

باب دوم

در اعمال ماههای سال و فضیلت و اعمال روز نوروز

و اعمال ماههای رومی و در آن چند فصل است

فصل اول: در فضیلت و اعمال ماه مبارک رجب

بدان که این ماه و ماه شعبان و ماه رمضان در شرافت تمامند و روایت بسیار در فضیلت آنها وارد شده * بلکه از حضرت رسول (ﷺ) روایت شده که ماه رجب ماه بزرگ خدا است * و ماهی در حرمت و فضیلت به آن نمی رسد و قتال با کافران در این ماه حرام است. * و رجب ماه خداست و شعبان ماه من است * و ماه رمضان ماه امت من است. کسی که یک روز از ماه رجب را روزه دارد مستوجب خشنودی بزرگ خدا گردد و غضب الهی از او دور گردد و دری از درهای جهنم بر روی او بسته گردد. * و از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) منقول است که هر که یک روز از ماه رجب را روزه بدارد آتش جهنم یک ساله راه، از او دور شود و هر که سه روز از آن را روزه دارد بهشت او را واجب گردد. * و ایضاً فرمود که: رجب نام نهری است در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر، هر که یک روز از

رجب را روزه دارد البته از آن نهر بیاشامد * و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرموده که: ماه رجب ماه استغفار اُمّت من است، پس در این ماه بسیار طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده و مهربان است * و رجب را اَصَبّ می گویند زیرا که رحمت خدا در این ماه بر اُمّت من بسیار ریخته می شود. پس بسیار بگوئید: **اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ اَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ** * و ابن بابویه به سند معتبر از سالم روایت کرده است که گفت: رفتم به خدمت حضرت صادق (علیه السلام) در اواخر ماه رجب که چند روز از آن مانده بود چون نظر مبارک آن حضرت بر من افتاد فرمود که: آیا روزه گرفته ای در این ماه؟ گفتم: نه والله ای فرزند رسول خدا، فرمود که: آنقدر ثواب از تو فوت شده است که قدر آن را به غیر خدا کسی نمی داند. به درستی که این ماهی است که خدا آن را بر ماههای دیگر فضیلت داده و حرمت آن را عظیم نموده و برای روزه داشتن آن، گرمی داشتن را بر خود واجب گردانیده. پس گفتم: **يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ** اگر در باقیمانده این ماه روزه بدارم آیا به بعضی از ثواب روزه داران آن فایز می گردم؟ * فرمود: ای سالم هر که یک روز از آخرین ماه روزه بدارد خدا او را ایمن گرداند از شدت سَكَراتِ مرگ و از هَوْلِ بعد از مرگ و از عذاب قبر، و هر که دو روز از آخرین ماه روزه دارد بر صراط به آسانی بگذرد و هر که سه روز از آخرین ماه روزه دارد ایمن گردد از ترس بزرگ روز قیامت و از شدتها و هوله های آن روز و برات بیزاری از آتش جهنّم به او عطا کنند * و بدان که از برای روزه ماه رجب فضیلت بسیار وارد شده است * و روایت شده که اگر شخص قادر بر آن نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند تا ثواب روزه آن را دریابد:

سُبْحَانَ إِلَهِ الْجَلِيلِ * سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ *

پاک و منزّه است خدای با جلالت * پاک و منزّه است آن خدایی که تسبیح جز برای او سزاوار نیست *

سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ * سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْعِزَّ وَ هُوَ لَهُ وَ أَهْلُهُ *

پاک و منزّه است خدای عزیز با اکرام * پاک و منزّه است آن خدایی که جامه عزت بر اوست و او اهل عزت است. *

و اما اعمال آن پس بر دو قسم است:

قسم اول: اعمال مشترکه آن است که متعلّق به همه ماه است و اختصاصی به روز معین ندارد و آن چند امر است **۱** اول: آنکه در تمام ایام ماه رجب بخواند این دعا را * که روایت شده حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) در حجر در غُرّه رجب خواند:

يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ * وَيَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ * لِكُلِّ

ای خدایی که مالک حاجتهای فقیران * و دانا به اسرار خاموشانی * هر سؤالی را

مَسْئَلَةٍ مِنْكَ سَمِعَ حَاضِرٌ * وَ جَوَابٌ عَتِيدٌ * اَللّٰهُمَّ وَ مَوَاعِيدِكَ

همان لحظه می شنوی * و پاسخش را آماده داری * ای خدا وعده های تو

الصَّادِقَةِ * وَ اَيَادِيكَ الْفَاضِلَةَ * وَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةَ * فَاسْئَلُكَ

همه صادق * و نعمت فراوان * و رحمتت وسیع است * پس از تو درخواست

اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ اَنْ تُقْضِيَ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا

می کنم که بر محمد (ص) و آل محمد درود فرستی * و حوائج مرا در دنیا و آخرت

وَ الْاٰخِرَةِ * اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲﴾ دُوَيْم: بخواند این دعا را که حضرت صادق (علیه السلام)

برآوردی * که البته تو بر هر چیز توانایی. *

در هر روز ماه رجب می خوانند: خَابَ الْوَافِدُونَ عَلٰی غَيْرِكَ * وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ

کسی که بر غیر تو وارد شود محروم است * و آنکه به غیر تو رو کند

الْاَلَكِ * وَ ضَاعَ الْمَلْمُومُونَ الْاَبَكِ * وَ اَجْدَبَ الْمُتَجَعُّونَ الْاَمِنِ اَنْتَجَعَ

زبانکار است * و هر که به درگاه غیر تو رود محتاج گشته * و هر که از غیر فضل و کرم تو درخواست کرد بی برگ

فَضْلِكَ * بَابِكَ مَفْتُوحٌ لِرَاغِبِيْنَ * وَ خَيْرِكَ مَبْدُولٌ لِّلطَّالِبِيْنَ *

و نوا گردید * درگاه لطف تو به روی مشتاقان باز * و خیر و احسانت برای طالبان مبذول است *

وَ فَضْلِكَ مُبَاحٌ لِّلسَّائِلِيْنَ * وَ نَيْلِكَ مُتَاحٌ لِّلْاُمَلِيْنَ * وَ رِزْقِكَ مَبْسُوطٌ

و فضل و کرمت برای سائلان مباح * و عطایت برای امیدواران مهیا * و رزقت برای اهل معصیت هم

لِمَنْ عَصَاكَ * وَ حِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ * عَادَتِكَ الْاِحْسَانُ اِلٰى

گسترده است * و حلمت بر هر که رو به تو آورد متوجه است * و عادتت احسان به

الْمُسِيئِيْنَ * وَ سَبِيْلِكَ الْاِبْقَاءُ عَلٰی الْمُتَمْتِدِيْنَ * اَللّٰهُمَّ فَاهْدِنِيْ هُدٰى

بدکاران است * و طریقهات مدارا با سرکشان * ای خدا مرا به راه هدایت

الْمُهْتَدِيْنَ * وَ ارْزُقْنِيْ اَجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِيْنَ * وَ لَا تَجْعَلْنِيْ مِنَ الْغَافِلِيْنَ

رهبری فرما * و مرا نصیب گردان کوشش جهد کنندگان به طاعتت را * و از غافلان دور از رحمتت

الْمُبْعَدِيْنَ * وَ اغْفِرْ لِيْ يَوْمَ الدِّيْنِ ﴿۳﴾ سَيِّم: شیخ در مصباح فرموده معلی بن خنیس از

مگردان * و از گناهم روز جزا درگذر. *

حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: بخوان در ماه رجب: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرًا**

ای خدا از تو درخواست می‌کنم که مرا صبر

الشَّاكِرِينَ لَكَ * وَ عَمَلًا خَائِفِينَ مِنْكَ * وَ يَقِينَ الْعَابِدِينَ لَكَ *

شکرگزاران عطا کنی * و عمل خدا ترسان * و یقین اهل عبادت را نصیبم فرمایی *

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ * وَ أَنَا عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ * أَنْتَ الْغَنِيُّ

ای خدا تو بلند مقام و بزرگی * و من بنده بینوای فقیر توام * تو غنی و

الْحَمِيدُ * وَ أَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ * وَ آمِنُ

ستوده صفات * و من عبد ذلیل توام * ای خدا درود فرست بر محمد (ص) و آلش * و منت گذار

بِعَنَّاكَ عَلَى فَقْرِي * وَ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي * وَ بِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعْفِي *

بر من به غنایت بر فقرم * و به حلمت بر جهل * و به توانائیت بر ناتوانی من *

يَا قَوِيَّ يَا عَزِيزُ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ

ای توانای با عزت * ای خدا درود فرست بر محمد (ص) و آلش که اوصیاء پسندیده رسول تواند

*** وَ اكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * مؤلف**

* و مهمات امور دنیا و آخرت مرا کفایت فرما * ای مهربانترین مهربانان عالم. *

گوید که: سید بن طاووس نیز این دعا را در اقبال روایت کرده و از روایت او ظاهر می‌شود که این دعا، جامعترین

دعاهاست و در همه اوقات می‌توان خواند. **۴** چهارم: و نیز شیخ فرموده که مستحب است بخوانند در هر

روز این دعا را: **اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِغَةِ * وَ الْأَلَاءِ الْوَازِعَةِ * وَ الرَّحْمَةِ**

ای خدای صاحب عطاهاى فراوان * و نعمتهاى گوناگون * و رحمت

الْوَاسِعَةِ * وَ الْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ * وَ النِّعَمِ الْجَسِيمَةِ * وَ الْمَوَاهِبِ

بی‌پایان * و قدرت کامل بر هر چیز * و نعم بزرگ * و موهبتهای

الْعَظِيمَةِ * وَ الْيَادِي الْجَمِيلَةِ * وَ الْعَطَايَا الْجَزِيلَةَ * يَا مَنْ لَا يُنْعَتُ

ستبرگ * و بخششهای نیکو * و عطاهاى عظیم * ای خدایی که وصف

بِتَمَثِيلٍ * وَ لَا يُمَثَلُ بِنَظِيرٍ * وَ لَا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ * يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقًا

به مثال در نیاید * و مانند‌ی بر او تصور نشود * و به هیچ قدرتی مغلوب نگردد * ای آنکه خلق کردی و روزی دادی *

وَاللّٰهُمَّ فَانطِقْ * وَابْتَدِعْ فَشْرِعْ * وَعَلَا فَارْتَفِعْ * وَقَدَّرْ فَاحْسَنَ *

و الهام کردی و نطق دادی * و ابداع کردی و شروع به آفرینش کردی * و مقامت برتر است * امور را نیکو تقدیر کردی *

وَ صَوَّرَ فَاتَّقَنَ * وَ احْتَجَّ فَابْلَغَ * وَ اَنعمَ فَاسْبَغَ * وَ اعطَى فَاجْزَلَ *

و هر صورت نگاشتنی محکم * و هر حجت آوردی بلیغ * و هر نعمت بخشیدی فراوان * و عطایت افزون *

وَ مَنَحَ فَافْضَلَ * يَا مَنْ سَمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ نَوَاطِرَ (خَوَاطِرَ) الْاَبْصَارِ *

و جودت افزون از حد است * ای که عزتت به مقام بلندی است که چشمهای بینای دل بدانجا نرسد *

وَ دَنَا فِي اللُّطْفِ فَجَازَ هَوَاجِسَ الْاَفْكَارِ * يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمَلِكِ فَلَا

و لطفت نزدیک به همه است تا آنکه در قوه فکرها خطور نکند * ای آنکه منفرد به ملک و سلطنت عالمی

نَدَّ لَهُ * وَ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ * وَ تَفَرَّدَ بِالْاَلَاءِ وَ الْكِبْرِيَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ * وَ

پس تو را شریک در قدرت و شاهی نیست * و در نعمت بخشی و بزرگواری بی مانندی که ضدی

فِي جَبْرُوتِ شَانِهِ * يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ

در شأن و جلال نداری * ای آنکه در بزرگی و هیبت عقول و اوهام عالی

الْاَوْهَامِ * وَ اِنْحَسَرَتْ دُونَ اِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ اَبْصَارِ الْاَنَامِ * يَا

متحیر است * و به کمتر پایه ادراک عظمتت دیده صاحب نظران عاجز است * ای

مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ * وَ خَضَعَتِ الرَّقَابُ لِعَظَمَتِهِ * وَ وَجَلَتْ

آنکه وجوه سران عالم پیش هیبت متواضع * و گردن عالمی مقابل عظمتت خاضع * و دلهای خلق

الْقُلُوبُ مِنْ خَيْفَتِهِ * اَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْمِدْحَةِ الَّتِي لَا تَنْبَغِي اِلَّا لَكَ *

از ترست هراسان است * از تو درخواست دارم به حق این ستایش که لایق غیر تو نیست *

وَ بِمَا وَايَتْ بِهِ عَلَي نَفْسِكَ لِذَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * وَ بِمَا ضَمِنْتَ

که به آنچه وعده دادی و بر خود لازم کردی که به دعا کنندگان با ایمانت عطا کنی * و به آنچه اجابت

الْاِجَابَةِ فِيهِ عَلَي نَفْسِكَ لِلذَّاعِينَ * يَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ * وَ اَبْصَرَ

آن را بر خود ضمانت کردی برای دعا کنندگان * ای شنواترین شنوندگان * و ای بیناترین

النَّاطِرِينَ * وَ اَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ * يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ * صَلَّى عَلَي مُحَمَّدٍ

بینایان عالم * و سریعتر محاسبان * ای صاحب اقتدار کامل * درود فرست بر محمد (ص)

خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَي اَهْلِ بَيْتِهِ * وَ اَقْسَمُ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرِ

خاتم پیغمبران و بر اهل بیت او * و در این ماه بهترین قسمت را نصیب

مَا قَسَمْتَ * وَ احْتَمَّ لِي فِي قَضَائِكَ خَيْرًا مَا حَتَمْتَ * وَ اخْتَمَّ لِي

من گردان * و در قصد و قدرت خیر و سعادت را بر من از اموری که حتم نموده‌ای گردان * و مرا در خاتمه از آنان

بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ خَتَمْتَ * وَ اَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا * وَ اَمْتَنِي

که ختم کارشان بر سعادت کردی قرار ده * و مرا با وسعت و فراوانی زنده بدار * و با سرور و

مَسْرُورًا وَ مَغْفُورًا * وَ تَوَلَّيْتَنِي مِنْ مُسَاءَلَةِ الْبَرْزَخِ * وَ اَدْرَأْ عَنِّي

نشاط و مغفرت بمیران * و از سؤال و جواب در عالم برزخ تو خود متصدی نجاتم باش * و نکبر و منکر

مُنْكَرًا وَ نَكِيرًا * وَ اَرْعَيْتَنِي مَبَشِّرًا وَ بَشِيرًا * وَ اجْعَلْ لِي اِلَى رِضْوَانِكَ

را از من دفع کن * و فرشتهٔ بشارت را به چشم من بنما * و طریقم را به سوی بهشت

وَ جَنَّاتِكَ (جَنَاتِكَ) مَصِيرًا * وَ عَيْشًا قَرِيرًا * وَ مُلْكًا كَبِيرًا * وَ صَلِّ

و رضوانت قرار ده * و زندگانیم را خوش * و ملک کبیر نصیبم فرما * و درود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ كَثِيرًا * مؤلف گوید که: این دعائی است که در مسجد صَعْصَعَه نیز خوانده

بر محمد و آلش بسیار فرست. *

می شود. ﴿۵﴾ پنجم: شیخ روایت کرده که بیرون آمد از ناحیه مقدسه بردست شیخ کبیرابی جعفر محمد بن عثمان

بن سعید (رضی الله عنه) این توفیق شریف، بخوان در هر روز از ایام رجب: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ *

به نام خدای بخشنده مهربان *

اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِمَعَانِیْ جَمِیْعٍ مَا یَدْعُوْكَ بِهِ وِلَاةُ اَمْرِكَ * اَلْمَامُوْنُوْنَ

ای خدا از تو درخواست می‌کنم به جمیع معانی آنچه صاحبان امرت دعا کنند * آنان که بر سر

عَلٰی سِرِّكَ * اَلْمُسْتَبْشِرُوْنَ بِاَمْرِكَ * اَلْوٰصِفُوْنَ لِقُدْرَتِكَ * اَلْمُعْلِنُوْنَ

تو امین * و به امرت مستبشر و شاد خاطرند * و به شرح توصیف قدرتت * و به بیان عظمتت

لِعَظَمَتِكَ * اَسْئَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِیْهِمْ مِنْ مَّشِیَّتِكَ * فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ

مشغولند * درخواست می‌کنم به آنچه مشیتت در آنان ناطق است * که معدن اسرار کلمات خود

لِكَلِمَاتِكَ * وَ اَرْكَانَا التَّوْحِیْدِكَ وَ اٰیَاتِكَ * وَ مَقَامَاتِكَ الَّتِیْ لَا تَعْطِیْلُ

قرارشان دادی * و ارکان توحید تو و آیات * و مقامات تو که در آن آیات تعطیل نخواهد

لَهَا فِیْ كُلِّ مَكَانٍ * یَعْرِفُكَ بِهَا مِنْ عَرَفِكَ * لَا فَرْقَ بَیْنَكَ وَ بَیْنَهَا اِلَّا

بود در هر مکان * هر که تو را شناسد به آن آیات شناسد * و میان تو و آنها جدایی نیست جز آنکه

أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ * فَتَقَّهَا وَرَتَّقَهَا بِيَدِكَ * بَدَّوْهَا مِنْكَ وَعَوَّدَهَا

آنان بنده مخلوق تواند * فتق و رتق آن آیات به دست تو * و آغاز و انجامش به سوی

إِلَيْكَ * أَعْضَادٌ وَأَشْهَادٌ * وَمَنَاةٌ وَأَذْوَادٌ * وَحَفْظَةٌ وَرُؤَادٌ * فِيهِمْ

توست * پشتیبان دین تو و گواه * و حامی و مدافع * و نگهبان و مبلغان دین تواند * که از تو

مَلَاتَ سَمَاءَكَ وَارْضَكَ * حَتَّى ظَهَرَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * فَبِذَلِكَ

و آنها آسمان و زمین تو پر است * برای آنکه آشکار شود که خدایی جز تو نیست * پس به آن

أَسْأَلُكَ * وَبِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ * وَبِمَقَامَاتِكَ وَعَلَامَاتِكَ * أَنْ

درخواست می‌کنم * و به مواقع عز و جلال و به رحمانیت * و به مقامات و نشانه‌های تو * که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَالِهِ * وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيمَانًا وَتَثْبِيتًا * يَا بَاطِنًا فِي

درود فرستی بر محمد (ص) و آلش * و بر ایمان و پایداریم بیفزایی * ای نهان در

ظُهُورِهِ * وَظَاهِرًا فِي بَطُونِهِ وَمَكْنُونِهِ * يَا مُفْرَقًا بَيْنَ النُّورِ وَالذِّجْوَرِ

عین آشکاری * و ای پیدا در عین پنهانی * ای جدا کننده نور و ظلمت

* يَا مَوْصُوفًا بِغَيْرِ كُنْهِ * وَمَعْرُوفًا بِغَيْرِ شَبْهِ * حَادٌّ كُلِّ مَحْدُودٍ

* ای وصف شده ولی نه به کنه ذات * و ای شناخته شده نه به مشابه * ای اندازه بخش هر محدود

وَ شَاهِدَ كُلِّ مَشْهُودٍ * وَ مُوجِدَ كُلِّ مُوجُودٍ * وَ مُحْصِيَ كُلِّ مَعْدُودٍ

و گواه هر مشهود * و آفریننده هر موجود * و به شمار آورنده هر معدود

وَ فَاقِدَ كُلِّ مَفْقُودٍ * لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ * أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ

و فاقد گرداننده هر مفقود * معبودی غیر تو در عالم نیست * تویی اهل کبریا و جلال و جود

يَا مَنْ لَا يُكَيِّفُ بِكَيْفٍ * وَلَا يُؤَيِّنُ بِأَيِّنٍ * يَا مُحْتَجِبًا عَنْ كُلِّ عَيْنٍ

ای کسی که او را کیفیت نیست * و دارای مکان نیست * ای پنهان از هر دیده

* يَا دَيْمُومٌ يَا قَيُّومٌ * وَ عَالِمٌ كُلِّ مَعْلُومٍ * صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَالِهِ

* ای وجود دایم ابدی و ای پاینده * و دانای همه امور عالم * درود فرست بر محمد (ص) و آلش

وَ عَلَيَّ عِبَادِكَ الْمُتَجَبِّينَ * وَ بَشْرِكَ الْمُحْتَجِّينَ * وَ مَلَائِكَتِكَ

و بر بندگان برگزیده‌ات * و بشر پرده دارانت * و فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ * وَ إِلَهُمُ الصَّافِينَ الْحَافِينَ * وَ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا

مقربت * و خاموشان صف زده و مهیای فرمانت * و در این ماه رجب

الْمُرَجَّبِ الْمُكْرَمِ * وَ مَا بَعْدَهُ * مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرْمِ * وَ أَسْبَغَ عَلَيْنَا فِيهِ

معظم مکرم * و بعد از این ماههای مکرم دیگر به ما برکت عطا کن * و نعمت فراوان در آن به ما

النِّعَمِ * وَ أَجْزَلْنَا فِيهِ الْقِسْمَ * وَ أَبْرَرْنَا فِيهِ الْقِسْمَ * بِاسْمِكَ

کرامت فرما * و قسمت ما در این ماه بسیار گردان * و سوگند ما را بری ساز * به حق اسم

الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ لِأَجْلِ الْأَكْرَمِ * الَّذِي وَضَعْتَهُ * عَلَى النَّهَارِ فَاضَاءً

اعظم اعظم و باجلال و بزرگواری * که آن اسم را بر روز نهادی روشن شد

* وَ عَلَى اللَّيْلِ فَظَلَمَ * وَ اغْفِرْ لَنَا مَا تَعَلَّمْنَا * وَ مَا لَا نَعْلَمُ *

* و بر شب قرار دادی تاریک گشت * و هر گناهی که ما می‌دانیم و نمی‌دانیم بخش *

وَ اعْصِمْنَا مِنَ الذَّنُوبِ خَيْرِ الْعِصْمِ * وَ اكْفِنَا كَوَافِي قَدْرِكَ * وَ ائْمُنْ

و ما را از گناهان با بهترین مقام عصمت معصوم گردان * و ما را به تقدیر خود کفایت فرما * و به ما

عَلَيْنَا بِحَسَنِ نَظْرِكَ * وَ لَا تَكِلْنَا إِلَى غَيْرِكَ * وَ لَا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكَ

منت گذار به حسن نظرت * و ما را به غیر خود وا نگذار * و ما را محروم از خیر و احسانت مگردان

* وَ بَارِكْ لَنَا فِيمَا كَتَبْتَهُ * لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا * وَ اصْلِحْ لَنَا خَبِيئَةَ

* و در آنچه سرنوشت عمر ما قرار داده‌ای برکت بخش * و باطن ما را صالح

أَسْرَارِنَا * وَ اعْظِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ * وَ اسْتَعْمِلْنَا بِحَسَنِ الْإِيمَانِ *

گردان * و به ما از جانب خود امان عطا کن * و ما را بدار به حسن ایمان و عمل نیکو *

وَ بَلِّغْنَا شَهْرَ الصِّيَامِ * وَ مَا بَعْدَهُ * مِنَ الْأَيَّامِ وَ الْأَعْوَامِ * يَا ذَا الْجَلَالِ

و ما را تا به ماه روزه * و ما بعد آن از ایام و سالها عمر ده * ای خدای صاحب

وَ الْإِكْرَامِ * ششم: و نیز شیخ روایت کرده که بیرون آمد از ناحیه مقدسه بردست شیخ ابوالقاسم (رحمته الله)

جلال و بزرگواری. *

این دعاء در ایام رجب: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ * مُحَمَّدِ بْنِ

ای خدا از تو درخواست می‌کنم به حق دو مولود در ماه رجب * محمد بن

عَلِيِّ الثَّانِي * وَ ابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَجَبِّ * وَ اتَّقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ

علی دوم * و فرزندش علی بن محمد که برگزیده توست * و به آنها تقرب می‌جویم به سوی تو

خَيْرِ الْقَرَبِ * يَا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ طَلِبَ * وَ فِيمَا لَدَيْهِ رُغْبَ *

بهترین تقرب را * ای کسی که هر نیکی را از تو طلبند * و به آنچه نزد توست همه مشتاقند *

أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ أَوْبَقْتَهُ ذُنُوبَهُ ۖ وَ أَوْثَقْتَهُ عُيُوبَهُ ۖ

از تو درخواست می‌کنم چون کسی که غریق گناه است و گناهانش او را به هلاکت کشیده * و عیبهایش او را به گرو گرفته

فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دَعْوَبَهُ ۖ وَ مِنَ الرَّزَايَا خُطُوبَهُ ۖ يَسْأَلُكَ

* پس دیرگاه بر خطا عادت کرده * و کارش با غم و رنج و اندوه می‌گذرد * از تو درخواست

التَّوْبَةَ وَ حُسْنَ الْأَوْبَةِ ۖ وَ النُّزُوعَ عَنِ الْحُوبَةِ ۖ وَ مِنَ النَّارِ فَكَأَنَّكَ

پذیرفتن توبه و حسن قبول آن * و بیرون آمدن از گناه را دارد * و اینکه از آتش دوزخش

رَقَبْتَهُ ۖ وَ الْعَفْوَ عَمَّا فِي رِبْقَتِهِ ۖ فَانْتَ مَوْلَايَ أَعْظَمَ أَمَلِهِ وَ ثِقْتِهِ

آزاد سازی * و هر چه به ذمه اوست عفو فرمایی * که تو مولای منی و بزرگتر آرزو و

ثِقْتَهُ ۖ) اللَّهُمَّ ۖ وَ أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ ۖ وَ وَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ

و ثوقم تویی * ای خدا و درخواست می‌کنم به مسائل شریفه * و اسبابهای عالییه تو

أَنْ تَتَّعِمَدَنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ ۖ وَ نِعْمَةٍ وَازِعَةٍ ۖ

* که مرا در این ماه غرق رحمت بی‌پایانت گردانی * و نعم فراوان عطا کنی *

وَ نَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا قَانِعَةٍ ۖ إِلَى نَزُولِ الْحَافِرَةِ ۖ وَ مَحَلِّ الْأَخْرَةِ ۖ وَ مَا

و نفسی که به رزق تو قانع باشد بخشی * تا روز فرود آمدن در قبر * و منزل آخرت * و آنچه

هِيَ إِلَيْهِ صَائِرَةٌ ﴿٧﴾ هفتم: و نیز شیخ روایت کرده از جناب ابوالقاسم حسین بن روح (رضی الله عنه) که نایب

نفوس به سویش می‌شتابند. *

خاص حضرت صاحب الأمر (علیه السلام) است که فرمود: زیارت کن در هر مشهدی که باشی از مشاهد مشرفه در ماه

رجب به این زیارت، می‌گویی چون داخل شدی: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدْنَا مَشْهَدَ

ستایش خدای راست که ما را به حضور اولیاء و دوستانش

أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ ۖ وَ أَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ ۖ وَ صَلَّى

در ماه رجب رسانید * و بر ما از حق آنها واجب کرد آنچه واجب کرد * و درود

اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ ۖ وَ عَلَى أَوْصِيَائِهِ الْحُجْبِ ۖ اللَّهُمَّ

خدای بر محمد برگزیده (ص) * و بر اوصیای او که در پرده محجوبند * بار خدایا

فَكَمَا أَشْهَدْتَنَا مَشْهَدَهُمْ (مَشَاهِدَهُمْ) ۖ فَانْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ ۖ وَ أَوْرِدْنَا

پس چنانکه ما را به حضورشان رسانیدی * به وعده‌گاه آنها هم که بهشت است برسان * و به منزل و

مُورِدَهُمْ * غَيْرِ مُحَلِّينَ عَنْ وَرْدِ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ وَالْخُلْدِ * وَالسَّلَامُ

مأوی آنها بپر * و در دار آنها که دار ابدی و بهشت مخلد است وارد گردان * و سلام

عَلَيْكُمْ * اِنِّي (قَدْ) قَصَدْتُكُمْ وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْئَلَتِي وَحَاجَتِي *

بر شما باد * من قصد درگاه شما کردم و کرم شما را به گرو حاجت و سؤال خود گرفته‌ام *

وَ هِيَ فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ * وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ فِي دَارِ الْقَرَارِ مَعَ

و آن سؤال آزاد شدنم از آتش دوزخ است * و منزل یافتن با شما و با شیعیان پاکتان

شَيْعَتِكُمُ الْاَبْرَارِ * وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ *

بر قرارگاه بهشتی * و سلام بر شما باد که صبر در بلا کردید پس چه نیکو مقام بهشت را یافتید *

اَنَا سَأَلْتُكُمْ وَءَامَلْتُكُمْ فِيمَا إِلَيْكُمْ التَّفْوِيزُ * وَعَلَيْكُمْ التَّعْوِيزُ

من سائل به درگاه شمایم و امیدم به خیری است که مفوض به شماست * و عوض آن بر شماست

فَبِكُمْ يُجَبَّرُ الْمَهِيضُ * وَيُشْفَى الْمَرِيضُ * وَمَا تَزْدَادُ الْاَرْحَامُ وَمَا

* پس به واسطه آن دل‌های شکسته جبران می‌شود * و مریض شفا می‌یابد * و رحم‌ها زیاد یا

تَغْيِضُ * اِنِّي بِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ (مُؤْمِنٌ) * وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ * وَعَلَى اللّٰهِ بِكُمْ

کم می‌زاید * من به حقیقت شما ایمان دارم * و به قول شما تسلیم * و بر خدا

مُقَسِّمٌ فِي رَجْعِي بِحَوَائِجِي * وَقَضَائِهَا وَامْضَائِهَا وَانْجَاحِهَا

به شما سوگند یاد می‌کنم در بازگشتم در حوایج * و ادای حوایجم و امضاء و برآوردن حاجت‌هایم

وَ اِبْرَاحِهَا (اِبْرَاحِهَا) * وَبَشَوْنِي لَدَيْكُمْ وَصَلَاحِهَا * وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ

و بزرگ شدنش * مطابق شغونی که مرا نزد شماست و مصلحت آنها * و سلام بر شما

سَلَامٌ مُّودِعٌ * وَ لَكُمْ حَوَائِجُهُ مُودِعٌ (مُودِعٌ) * يَسْئَلُ اللّٰهَ اِلَيْكُمْ

سلام وداع کننده * که حاجت‌هایش نزد شما ودیعه است * و از خدا درخواست می‌کند بازگشت

الْمَرْجِعُ * وَسَعِيهِ (سَعِيهِ) اِلَيْكُمْ غَيْرِ (غَيْرِ) مُنْقَطِعٌ * وَ اِنْ يَرْجِعْنِي مِنْ

به سوی شما را * و سعی او به سوی شما منقطع بشود * و از درگاه شما به سوی

حَضْرَتِكُمْ خَيْرٌ مَّرْجِعٍ اِلَى جَنَابِ مُرْعٍ * وَ خَفْضِ عَيْشٍ مُّوسِعٍ *

بهترین بازگشت رجوع کند به آستان با خیر و برکت * و عیش وسیع *

وَ دَعَا وَ مَهْلٍ اِلَى حِينِ (خَيْرِ) الْاَجَلِ * وَ خَيْرِ مَصِيرٍ وَ مَحَلِّ فِي النِّعَمِ

و راحت و پاینده تا هنگام اجل * و منزل و محلم را نیکو در بهشت پر نعمت

الْأَزَلِ * وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبِلِ * وَدَوَامِ الْأَكْلِ * وَشُرْبِ الرَّحِيقِ *

ازلی * و زندگانی پسندیده * و اکل و شرب دائم * و رحیق *

وَالسَّلْسِلِ (السَّلْسَبِيلِ) وَعَلَّ وَنَهَلَ * لَا سَامَ مِنْهُ وَلَا مَلَلَ * وَرَحْمَةَ

و سلسبیل و آشامیدن گوارا * که هیچ از آن ناگوار و ملال نباشد * و رحمت

اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ وَتَحِيَّاتِهِ عَلَيْكُمْ * حَتَّى الْعُودِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ *

خدا و برکاتش و تحیت و لطفش * تا هنگام بازگشت به حضور شما *

وَالْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ * وَالْحُشْرِ فِي زُمَرَتِكُمْ * وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ *

و فایز شدن در بازگشت شما * و محشور شدن در زمره شما * و رحمت و برکات خدا بر

عَلَيْكُمْ * وَصَلَوَاتِهِ وَتَحِيَّاتِهِ * وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ *

شما باد * و درود او و تحیت و ثنای آن خدا * و او ما را کفایت است و نیکو وکیلی است. *

هشتم: سید بن طاوس (رضی الله عنه) روایت کرده از محمد بن ذکوان که معروف به سجاد است (برای آنکه آن قدر سجده

کرد و گریست در سجود، که نابینا شد) گفت: عرض کردم به حضرت صادق (علیه السلام) فدای تو شوم این ماه رجب است،

تعلیم بنما مرادعائی در آن که حق تعالی مرابه آن نفع بخشد. حضرت فرمود: بِنِوَيْسِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ بگوید هر روز از رجب در صبح و شام و در عقب نمازهای روز و شب: يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ

ای خدایی که از او امید هر خیر و احسان دارم

* وَءَامِنُ سَخَطَهُ * عِنْدَ (مِنْ) كُلِّ شَرٍّ * يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ *

* و نزد هر شری از خشم او ایمنی می جویم * ای آنکه عطا می کنی بسیار را به کم

* يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ * يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ * وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ *

* ای آنکه هر که سؤال کند عطا می کنی * ای آنکه به هر که سؤال نکند و تو را هم نشناسد باز

تَحْنُنًا مِنْهُ وَرَحْمَةً * أَعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ * جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا

از لطف و رحمتت عطا می کنی * عطا فرما مرا که از تو درخواست می کنم * جمیع خوبیهای دنیا

وَجَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ * وَاصْرَفْ عَنِّي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ * جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا

و جمیع خوبیهای آخرت را * و دفع فرما از من به درخواستم از تو * جمیع شرور

وَ (جَمِيعَ) شَرِّ الْأَخِرَةِ * فَإِنَّهُ * وَ غَيْرَ مَنْقُوصٍ * مَا أَعْطَيْتَ * وَ زِدْنِي مِنْ

دنیا و آخرت را * زیرا عطای تو بی نقص است * و از فضل و کرمت بهره من

فَضْلِكَ يَا كَرِيمٌ * راوی گفت پس گرفت حضرت محاسن شریف خود را در پنجه چپ خود و خواند این

بیفزای ای خدای کریم *

دعا را به حال التجا و تضرع به حرکت دادن انگشت سبابه دست راست، پس گفت بعد از این: يَا ذَا الْجَلَالِ

ای صاحب جلال

وَ الْأَكْرَامِ * يَا ذَا النِّعْمَاءِ وَ الْجُودِ * يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ * حَرَمِ شَيْبَتِي

و بزرگواری * ای صاحب نعمتها و جود * ای صاحب عطا و کرم * به کرمت محاسنم را بر آتش

عَلَى النَّارِ * ۹ * نهم: از حضرت رسول (ﷺ) روایت شده که هر که در ماه رجب صد مرتبه بگوید:

دوزخ حرام گردان.

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ * وَ حُدَّهُ * لَا شَرِيكَ لَهُ * وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ

آمرزش می طلبم از خداوندی که معبودی جز او نیست * یگانه است شریکی برای او نیست * و به سوی او بازگشت می کنم

و ختم کند آن را به صدقه، ختم فرماید حق تعالی برای او به رحمت و مغفرت. و کسی که چهار صد مرتبه بگوید

بنویسد برای او اجر صد شهید. ۱۰ * دهم: و نیز از آن حضرت مروی است که کسی که بگوید در ماه رجب هزار

مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بنویسد خداوند عزَّ وَجَلَّ برای او صد هزار حسنه و بنا فرماید برای او صد شهر در بهشت.

۱۱ * یازدهم: روایت است کسی که در رجب در وقت صبح هفتاد مرتبه و در وقت پسین نیز هفتاد مرتبه بگوید:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ * وَ چون تمام کرد دستها را بلند کند و بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ تُبْ

عَلَيَّ پس اگر در ماه رجب بمیرد خدا از او راضی باشد و آتش او را مس نکند به برکت رجب. ۱۲ * دوازدهم: در

جمیع این ماه هزار مرتبه بگوید: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ ذَا الْجَلَالِ وَ الْأَكْرَامِ * مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ وَ الْأَثَامِ

تا خداوند رحمان او را بیامزد. ۱۳ * سیزدهم: سید در اقبال فضیلت بسیار از حضرت رسول (ﷺ) نقل کرده

برای خواندن قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ده هزار مرتبه یا هزار مرتبه یا صد مرتبه در ماه رجب و نیز روایت کرده که هر

که در روز جمعه ماه رجب صد مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند برای او نوری باشد در قیامت که او را به بهشت

بکشاند. ۱۴ * چهاردهم: سید روایت کرده که هر که در ماه رجب یک روز روزه بدارد و چهار رکعت نماز گذارد

بخواند در رکعت اول صد مرتبه آیه الکرسی و در رکعت دوم دو بیست مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ تا جای

خود را در بهشت ببیند یا دیده شود برای او. ﴿۱۵﴾ پانزدهم: و نیز سیّد روایت کرده از حضرت رسول (ﷺ) که هر که در روز جمعه ماه رجب چهار رکعت نماز کند مابین ظهر و عصر، بخواند در هر رکعتی حمد یک مرتبه و آیه الكرسي هفت مرتبه و **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** پنج مرتبه پس ده مرتبه بگوید **اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ** * و **اَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ** بنویسد حقّ تعالی برای او از روزی که این نماز را گذارده تا روزی که بمیرد هر روزی هزار حسنه و عطا فرماید او را به هر آیه‌ای که خوانده، شهری در بهشت از یاقوت سرخ و به هر حرفی قصری در بهشت از دُر سفید و تزویج فرماید او را حور العین و راضی شود از او به غیر سخط و نوشته شود از عابدین و ختم فرماید برای او به سعادت و مغفرت (الخبر). ﴿۱۶﴾ شانزدهم: سه روز از این ماه را که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد روزه بدارد زیرا که روایت شده هر که در یکی از ماه‌های حرام این سه روز را روزه بدارد حقّ تعالی برای او ثواب نهصد سال عبادت بنویسد. ﴿۱۷﴾ هفدهم: در تمام ماه رجب شصت رکعت نماز کند به این طریق که در هر شب آن دو رکعت به جا آورد بخواند در هر رکعت حمد یک مرتبه و **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** سه مرتبه و **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** یک مرتبه و چون سلام دهد دستها را بلند کند و بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ * يُحْيِي
 خدایی به جز خدا نیست که او یکتاست و انبازی ندارد * پادشاهی مر او را سزاست و ستایش سزاوار اوست * زنده کند
وَيُمِيتُ * وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ * بِيَدِهِ الْخَيْرُ * وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 و بمیراند * و او خود زنده‌ای است که هرگز نمیرد * هر خیر به دست اوست * و قادر به هر چیز اوست
*** وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ * وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * اللَّهُمَّ**
 * و بازگشت همه به سوی اوست * و قدرت و نیرویی جز از خدای بلند رتبه بزرگ نتواند بود * بار خدایا
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَآلِهِ * و بکشد دستها را به صورت خود. از حضرت رسول (ﷺ)
 درود فرست بر محمد (ص) پیغمبر امی و آل پاکش. *

مروی است که کسی که این عمل را به جا آورد حقّ تعالی دعای او را مستجاب گرداند و ثواب شصت حجّ و شصت عمره به او عطا فرماید. ﴿۱۸﴾ هیجدهم: از حضرت رسول (ﷺ) مروی است کسی که در یک شب از ماه رجب بخواند صد مرتبه **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** در دو رکعت نماز، پس گویا صد سال روزه گرفته در راه خدا، و حقّ تعالی

در بهشت صد قصر به او مرحمت فرماید، هر قصری در جوار پیغمبری از پیغمبران (علیهم السلام). ﴿۱۹﴾ نوزدهم: و نیز

از آن حضرت مروی است که هر که در یک شب از شبهای رجب ده رکعت نماز کند. بخواند در هر رکعتی حمد و

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ یک مرتبه و توحید سه مرتبه بیامزد حق تعالی هر گناهی که کرده (الخبر). ﴿۲۰﴾

بیستم: علامه مجلسی در زاد المعاد فرموده که: از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) منقول است که حضرت رسول

(صلی الله علیه و آله) فرمود: که هر که در هر شب و هر روز ماه رجب و شعبان و رمضان سه مرتبه هر یک از حمد و آیه الکرسی

و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ

بخواند و سه مرتبه بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ * وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

پاک و منزّه است خدای بزرگ و حمد و ستایش او را می‌کنم * و جز خداوند معبودی نیست

وَ اللَّهُ أَكْبَرُ * وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * و سه مرتبه

و خداوند بزرگتر است * و هیچ قوت و قدرت جز به خدای بزرگ و بلند مرتبه نخواهد بود *

بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ * و سه مرتبه بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ

بار خدایا درود فرست بر محمد و خاندان محمد * بار خدایا ببامرز

لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ * و چهار صد مرتبه بگوید: اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ *

بر مؤمنین و مومنات * آمرزش می‌طلبم از خداوند و به سوی او بازگشت می‌کنم *

خداوند تعالی گناهانش را ببامرز اگر چه به عدد قطره‌های باران و برگ درختان و کف دریاها باشد (الخبر). ﴿۲۱﴾

و نیز علامه مجلسی فرموده: که در هر شب از شبهای این ماه هزار مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وارد شده است و بدان

که شب جمعه اول ماه رجب را لیلة الرغائب می‌گویند و از برای آن عملی از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) وارد شده با

فضیلت بسیار که سید در اقبال و علامه در اجازه بنی زهره نقل کرده‌اند. از جمله فضیلت او آنکه گناهان بسیار

به سبب او آمرزیده شود و آنکه هر که این نماز را بگذارد چون شب اول قبر او شود حق تعالی بفرستد ثواب این

نماز را به سوی او به نیکوتر صورتی با روی گشاده و درخشان و زبان فصیح پس با وی گوید: ای حبیب من

بشارت باد تو را که نجات یافتی از هر شدت و سختی. گوید: تو کیستی به خدا سوگند که من روئی بهتر از روی تو

ندیدم و کلامی شیرینتر از کلام تو نشنیده‌ام و بوئی بهتر از بوی تو نبویدم. گوید: من ثواب آن نماز که در فلان

شب از فلان ماه از فلان سال به جا آوردی آدمم امشب به نزد تو تا حق تو را ادا کنم و مونس تنهائی تو باشم و

وحشت را از تو بردارم و چون در صور دمیده شود من سایه بر سر تو خواهم افکند در عرصه قیامت، پس خوشحال باش که خیر از تو معدوم نخواهد شد هرگز. و کیفیت آن چنان است که روز پنجشنبه اول آن ماه را روزه می داری چون شب جمعه داخل شود ما بین نماز مغرب و عشاء دوازده رکعت نمازی می گذاری هر دو رکعت به یک سلام و در هر رکعت از آن یک مرتبه حمد و سه مرتبه **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَ دَوَّازِدَهُ مَرْتَبَةً قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ**

می خوانی و چون فارغ شدی از نماز هفتاد مرتبه می گوئی: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ**

بار خدایا درود فرست بر محمد پیامبر

الْأُمِّيِّ وَ عَلَى آئِهِ (وَ آئِ آلِ مُحَمَّدٍ) پس به سجده می روی و هفتاد مرتبه می گوئی: **سُبُّوحٌ**

اممی * و بر خاندان او * پاک و

قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ پس سر از سجده برمی داری و هفتاد مرتبه می گوئی:

منزه است * پروردگار فرشته و روح *

رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ پس

پروردگار من بیامرزد و رحم کن و درگذر از آنچه میدانی * به راستی تویی والای بزرگ *

باز به سجده می روی و هفتاد مرتبه می گوئی: **سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ**

پاک و منزه است * پروردگار فرشته و روح *

پس حاجت خود را می طلبی که انشاء الله برآورده خواهد شد. و بدان نیز که در ماه رجب زیارت حضرت امام رضا (علیه السلام) مندوب است و اختصاصی دارد چنانچه عمره در این ماه فضیلت دارد و روایت شده که تالی حج است در فضیلت * و منقول است که جناب علی بن الحسین (علیه السلام) مُعْتَمِرٌ شده بود در ماه رجب و شبانه روز نماز در نزد کعبه می گذاشت و پیوسته در سجده بود در شب و روز و این ذکر از آن حضرت شنیده می شد که در سجده می گفت:

عَظَمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ * فَلِيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ *

گناه از بندهات بزرگ شد * پس البته گذشت از جانب تو نیکوست *

قِسْمِ دَوِيمٍ: در اعمال مخصوصه ایام و لیالی ماه رجب است

شب اول: شب شریفی است و در آن چند عمل است **۱** اول آنکه چون هلال را ببند بگوید:

اللَّهُمَّ أَهْلَهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَ الْإِيمَانِ * وَ السَّلَامَةِ وَ الْإِسْلَامِ * رَبِّي

بار خدایا نو گردان آن را بر ما به اطمینان و ایمان * و سلامتی و فرمان بردن * پروردگار من

و رَبِّكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ * و نیز از حضرت رسول (ﷺ) منقول است که چون هلال رجب را می دید

و پروردگار توست خداوند عزیز و ارجمند *

می گفت: **اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي رَجَبٍ وَ شَعْبَانَ * وَ بَلِّغْنَا شَهْرَ رَمَضَانَ ***

بار خدایا مبارک گردان بر ما در ماه رجب و شعبان * ما را به ماه رمضان برسان *

وَ اعِنَا عَلَى الصِّيَامِ وَ الْقِيَامِ * وَ حِفْظِ اللِّسَانِ * وَ غَضِّ البَصَرِ *

و ما را بر روزه داری و شب زنده داری یاری کن * و زبانمان نگهدار * و چشمانمان را فرو بند *

وَ لَا تَجْعَلْ حَظَّنَا مِنْهُ الْجُوعَ وَ الْعَطَشَ * ۲ دویم: غسل کند چنانکه بعضی از علماء

و تنها نصیب ما را از آن، گرسنگی و تشنگی قرار مده *

فرموده اند: از حضرت رسول (ﷺ) مروی است که هر که درک کند ماه رجب را و غسل کند در اوّل و وسط و آخر

آن، بیرون آید از گناهان خود مانند روزی که از مادر متولد شده. **۳** سیّم: زیارت کند حضرت امام حسین (علیه السلام)

را. **۴** چهارم: بعد از نماز مغرب بیست رکعت نماز کند به حمد و توحید، و بعد از هر دو رکعت سلام دهد تا

محفوظ بماند خود و اهل و مال و اولادش و از عذاب قبر در پناه باشد و از صراط بی حساب مانند برق بگذرد.

۵ پنجم: بعد از نماز عشاء دو رکعت نماز کند، بخواند در رکعت اوّل حَمْدُ و «الْمَنْ نَشْرَحُ» یک مرتبه و توحید سه

مرتبه و در رکعت دویم حَمْدُ و «الْمَنْ نَشْرَحُ» و توحید و مُعَوِّذَتَيْنِ را، و چون سلام نماز داد سی مرتبه **لَا إِلَهَ إِلَّا**

اللَّهُ بگوید و سی مرتبه صَلَوَاتِ بفرستند تا حقّ تعالی گناهان او را ببامرزد مانند روزی که از مادر متولد شده.

۶ ششم: آنکه بخواند سی رکعت نماز در هر رکعت حمد و **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** یک مرتبه و توحید

سه مرتبه. **۷** هفتم: به جا آورد آنچه را که شیخ در مصباح متهجّد ذکر نموده و فرموده: (ذکر عمل شب اوّل

رجب) روایت کرده است ابوالبختری وهب بن وهب از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) از پدرش از جدّش از

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که آن حضرت را خوش می آمد که فارغ سازد خود را چهار شب در تمام سال یعنی

احیا بدارد آن شبها را به عبادت. و آن چهار شب: شب اوّل رجب و شب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عید

قربان بود. * و روایت شده است از ابو جعفر ثانی حضرت امام محمد جواد (علیه السلام) که فرمود: مستحبّ است که هر

آدمی بخواند این دعا را در شب اوّل رجب بعد از عشاء آخره: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ ***

ای خدا از تو درخواست می کنم به اینکه تو پادشاهی *

وَ أَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرٌ * وَ أَنْتَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ * اللَّهُمَّ

و تو بر هر چیز مقتدری * و تویی که هر چه بخواهی از امرت موجود می‌شود * ای خدا

إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

من رو به تو آورده‌ام به وسیله پیغمبرت محمد (ص) که پیغمبر رحمت است * که درود خدا بر او و آل او باد

* يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ * إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي

* ای محمد (ص) ای رسول خدا * من تو را وسیله به درگاه خدا که رب من و توست قرار می‌دهم

لِيُنْجِحَ (إِلَى) بِكَ طَلِبَتِي * اللَّهُمَّ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ

تا به آبروی شما روا شود حاجت‌هایم * خدایا به حق پیغمبرت محمد (ص) و امامان از اهل بیتش

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ * أَنْجِحْ طَلِبَتِي * پس سؤال کن حاجتت را، و روایت کرده

که درود خدا بر او و آنها باد * که حوایجم را برآور. *

است علی بن حدید که حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) بعد از فراغ از نماز شب در حال سجده می‌گفت: لَكَ

ای خدا

الْمُحَمَّدَةُ إِنَّ اطَّعْتَكَ * وَ لَكَ الْحُجَّةُ إِنَّ عَصَيْتَكَ * لَا صُنْعَ لِي وَ لَا

تو را حمد می‌کنم اگر تو را اطاعت کنم * و تو راست حجت اگر معصیت تو کنم * نه من و نه غیر من

لِغَيْرِي فِي إِحْسَانِ الْإِبْكَ * يَا كَائِنٌ (كَائِنًا) قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ * وَ يَا مُكُونٌ

کاری بر نیکی حال خود نتوانیم کرد مگر تو بخواهی * ای موجود قبل از هر چیز * و ای موجود کننده

كُلِّ شَيْءٍ * أَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيلَةِ

هر چیز * تو بر هر چیز قادری * ای خدا من از عدول از دین تو هنگام

عِنْدَ الْمَوْتِ * وَ مِنْ شَرِّ الْمَرْجِعِ فِي الْقُبُورِ * وَ مِنَ النَّدَامَةِ يَوْمَ الْأَزْفَةِ

مرگ به تو پناه می‌برم * و از شر بازگشتن در قبر * و از پشیمانی روز رستاخیز

* فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تَجْعَلَ

* پس از تو درخواست می‌کنم که درود فرستی بر محمد (ص) و آل محمد (ع) * و عیش و

عَيْشِي عَيْشَةَ نَقِيَّةً * وَ مَيَّتِي مَيِّتَةً سَوِيَّةً * وَ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا كَرِيمًا *

زندگانی مرا پاکیزه گردانی * و مرگم را مرگی معتدل * و جای بازگشتم را منزل شرافت و کرامت قرار ده *

غَيْرِ مُخْزٍ وَ لَا فَاضِحٍ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْأَئِمَّةِ * يَنْبَاعِ

نه جای خوار و رسوایی * خدایا درود فرست بر محمد (ص) و آلش که پیشوای خلق * و سرچشمه

الْحِكْمَةِ * وَأُولَى النِّعْمَةِ * وَمَعَادِنِ الْعِصْمَةِ * وَأَعِصَمَنِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ

حکمت * و ولی نعمت * و معدن عصمت و طهارتند * و مرا به توجه آنها از هر کار بد

سُوءٍ * وَلَا تَأْخُذْنِي عَلَى غِرَّةٍ وَلَا [عَلَى] غَفْلَةٍ * وَلَا تَجْعَلْ عَوَاقِبَ

نگه دار * و مرا در حال مغروریت و غفلت مگیر * و عاقبت اعمالم را حسرت

أَعْمَالِي حَسْرَةً * وَارْضَ عَنِّي فَإِنَّ مَغْفِرَتَكَ لِظَالِمِينَ وَأَنَا مِنْ

و ندامت قرار مده * و از من راضی شو که مغفرت و عفو تو برای ستمکاران است و من هم

الظَّالِمِينَ * اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ * وَأَعْطِنِي مَا لَا يَنْقُصُكَ * فَإِنَّكَ

از ستمکارانم * ای خدا گناه من را که به تو ضرری نمی‌رساند ببخش * و از رحمت که هیچ کم نمی‌شود به من عطا فرما * زیرا که تویی

الْوَسِيعَ رَحْمَتُهُ * أَلْبَدِيعِ حِكْمَتِهِ * وَأَعْطِنِي السَّعَةَ وَالِدَعَةَ *
که رحمت بی حد و پایان است * و حکمت بی‌مانند است * و مرا به کرم و وسعت و آسایش

و الْأَمْنَ وَالصِّحَّةَ * وَالْبُخُوعَ وَالْقُنُوعَ * وَالشُّكْرَ وَالْمُعَافَاةَ
و ایمنی و صحت بخش * و فروتنی و قناعت * و شکرگزاری و عافیت

* وَالتَّقْوَى وَالصَّبْرَ * وَالصِّدْقَ عَلَيْكَ وَعَلَى أَوْلِيَائِكَ * وَالْيَسَرَ
* و پرهیزگاری و صبر و شکیبایی ده * و راستگویی با تو و اولیاء تو * و گشایش و

و الشُّكْرَ * وَأَعْمَمُ بِذَلِكَ يَا رَبِّ أَهْلِي وَوَلَدِي وَأَخْوَانِي فَيْكَ * وَمَنْ
سپاسگزاری عطا کن * و هم مرا و هم اهل بیت و فرزندان با ایمانم را و برادران دینی من * و هر که را

أَحَبَّبْتُ وَأَحَبَّنِي * وَوَلَدْتُ وَوَلَدَنِي * مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ يَا
که دوست می‌دارم و او مرا دوست می‌دارد * و اولاد و آباء من * از مسلمین و اهل ایمان و دعایم اجابت کن

رَبِّ الْعَالَمِينَ * ابن اُشَیْمِ گفته این دعاء بعد از هشت رکعت نماز شب و پیش از نماز وتر است.

ای پروردگار عالم.

آنگاه سه رکعت وتر را به جامی آوری، پس چون سلام دادی بگودر حالتی که نشسته باشی: **الْحَمْدُ لِلَّهِ**
ستایش خدای را که

الَّذِي لَا تَنْفَعُ خِزَانَتُهُ * وَلَا يَخَافُ عَامِنُهُ * رَبِّ إِنْ ارْتَكَبْتُ

گنجهای رحمتش به پایان نمی‌رسد * و هر که را ایمنی داده دیگر ترس ندارد * ای خدای من اگر من مرتکب

الْمَعَاصِيَ فَذَلِكَ ثِقَةٌ (ثِقَةٌ) مِنِّي بِكَرَمِكَ * إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ

گناه شده‌ام به واسطه وثوق و اطمینان به کرم و عفو تو بوده * که البته تو توبه بندگان را می‌پذیری

وَتَعْفُو عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ * وَتَغْفِرُ الزَّلَّلَ * وَإِنَّكَ (فَائِنَكَ) مُجِيبٌ *

* و گناهانشان را عفو کرده * و لغزش و خطایشان را می‌بخشی * زیرا تو از لطف دعای خلق را

لِدَاعِيكَ وَمِنْهُ قَرِيبٌ * وَأَنَا تَائِبٌ إِلَيْكَ مِنَ الْخَطَايَا * وَرَاغِبٌ *

اجابت می‌کنی و با بندگان به رحمتت نزدیکی * و من از گناهانم به سوی تو توبه می‌کنم * و میل و آرزویم

إِلَيْكَ فِي تَوْفِيرِ حَظِّي مِنَ الْعَطَايَا * يَا خَالِقَ الْبَرَايَا * يَا مُنْقِذِي *

از کرمت آنکه بهره‌ام از عطاهایت وافر گردانی * ای آفریننده خلائق * ای نجات بخش

مِنْ كُلِّ شَدِيدَةٍ (شَدَّةٍ) * يَا مُجِيرِي مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ * وَفِرَّ عَلَى السَّرُورِ *

من از هر سختی * ای پناه دهنده من از هر خطر * مرا نشاط و سرور عطا کن

وَ أَكْفِنِي شَرَّ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ (فَائِنَكَ) * فَأَنْتَ اللَّهُ عَلَى نِعْمَائِكَ *

* و شر عاقبت‌های کار از من کفایت فرما * زیرا تویی خدا که بر نعمتها

وَ جَزِيلِ عَطَائِكَ مَشْكُورٌ * وَ لِكُلِّ خَيْرٍ مَذْخُورٌ * و بدان که علماء از برای

و عطا‌های عظیمت همه شکرگزار * و از برای هر نیکی‌ی لطف تو ذخیره خلق است. *

هر شب این ماه، نماز مخصوصی ذکر فرموده‌اند که مقام را گنجایش نقل آن نیست.

روز اول رجب

روز شریفی است و در آن چند عمل است. ۱) **اول:** روزه گرفتن، روایت شده که حضرت نوح (عَلَيْهِ السَّلَام) در این روز به

کشتی سوار شد و امر فرمود کسانی را که با او بودند روزه بدارند و هر که این روز را روزه بدارد، آتش جهنم یک سال

راه از او دور شود. ۲) **دوم:** غسل کند. ۳) **سیم:** زیارت امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَام) کند. شیخ روایت کرده از بشیر دَهَّان

از امام جعفر صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) که فرمود: هر که زیارت کند حسین بن علی (عَلَيْهِمَا السَّلَام) را در روز اول رجب، بیامرزد خداوند

عالم او را البته. ۴) **چهارم:** بخواند دعای طویلی که سید در اقبال نقل فرموده. ۵) **پنجم:** شروع کند به نماز

سلمان (عَلَيْهِ السَّلَام) بدین طریق که ده رکعت نماز گذارد و بعد از هر دو رکعت سلام دهد و در هر رکعت یک مرتبه حمد و سه

مرتبه سوره توحید و سه مرتبه **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** بخواند و بعد از هر سلام دست‌ها را بلند کند و بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَحْدَهُ * لَا شَرِيكَ لَهُ * لَهُ الْمُلْكُ * وَ لَهُ الْحَمْدُ * يُحْيِي

جز خداوند معبودی نیست * او یگانه است برایش همتایی نیست * فرمانروایی و ستایش برای اوست * زنده می‌کند

وَيُمِيتُ * وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ * بِيَدِهِ الْخَيْرُ * وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و می میراند * و او زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد * نیکی به دست اوست * و او بر هر چیزی تواناست *

پس بگوید: **اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ * وَلَا مُعْطَى لِمَا مَنَعْتَ * وَلَا يَنْفَعُ**

بار خدایا بازدارنده‌ای نیست برای آنچه ببخشی * و بخشاینده‌ای نیست برای آنچه باز بداری * و شخص کوشا را

ذَا الْجُدِّ مِنْكَ الْجُدُّ * پس دستها را بر روی خود کشد و در روز نیمه ماه نیز این نماز را به همین

از کوشش تو بی‌نیاز نمی‌کند *

کیفیت بخواند، لکن عوض این دعا بعد از علی **كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** بگوید: **إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا فَرْدًا**

معبودی یگانه یکتا تک

صَمَدًا * لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا * و در روز آخر ماه نیز چنین کند لکن بعد از علی

بی‌نیاز * که همدمی نگرفته و فرزندی ندارد *

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بگوید: **وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ * وَلَا حَوْلَ**

و درود فرست خداوند بر محمد و خاندان او که پاکانند * و جنبش

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * پس دستها را بر روی خود بکشد و حاجت خود را بطلبد و از

و نیرویی جز به خدا نیست خدای برتر و بزرگ *

فوائد این نماز نباید غفلت نمود که آن بسیار است * بدان که از برای حضرت سلمان نیز نماز دیگری است در روز

اول این ماه، ده رکعت در هر رکعت حمد یک مرتبه و توحید سه مرتبه با فضیلت بسیار که مجملش آموزش

گناهان و محفوظ بودن از فتنه قبر و عذاب روز قیامت و رفتن جذام و برص و ذات الجنب از خواننده آن است و

سید نیز برای این روز، چهار رکعت نماز نقل کرده هر که خواهد به اقبال مراجعه کند و در این روز سنه (۵۷) پنجاه

و هفت به قولی ولادت حضرت باقر (علیه السلام) واقع شده و لکن مختار داعی در سیّم صفر است * و در روز دوم این

ماه به قولی ولادت با سعادت حضرت امام علی نقی (علیه السلام) است سنه ۲۱۲ و شهادت آن حضرت در سیّم سنه

(۲۵۴) دویست و پنجاه و چهار در سُرْمَنْ رَأَى واقع شده * روز دهم به قول ابن عیّاش ولادت حضرت امام

محمد تقی (علیه السلام) واقع شده. * شب سیزدهم: بدان که مستحب است در هریک از ماه رجب و شعبان و

رمضان آنکه در شب سیزدهم دو رکعت نماز بگذارند در هر رکعت حمد یک مرتبه و بیس و تَبَارَكَ الْمَلِكُ و توحید

بخوانند * و در شب چهاردهم چهار رکعت به دو سلام به همین کیفیت * و در شب پانزدهم شش رکعت

به سه سلام به همین کیفیت از حضرت صادق (علیه السلام) مروی است که هر که چنین کند جمیع فضیلت این سه ماه را در یابد و جمیع گناهانش غیر از شرک آمرزیده شود. ❀ روز سیزدهم: اول ایام البیض است و ثواب بسیاری برای روزه این روز و دو روز بعد وارد شده و اگر کسی خواهد عمل امّ داؤد به جا آورد باید این روز را روزه بگیرد و در این روز بنا بر مشهور بعد از سی سال از عام الفیل ولادت با سعادت حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) در میان کعبه مُعَظَّمَه واقع شده است. ❀ شب نیمه ماه رجب: شب شریفی است و در آن چند عمل است ❶ اول: غسل ❷ دوم: احیاء آن به عبادت چنانکه علامه مجلسی فرموده. ❸ سیّم: زیارت امام حسین (علیه السلام) ❹ چهارم: شش رکعت نماز که در شب سیزدهم ذکر شد. ❺ پنجم: سی رکعت نماز در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و این نماز را سید از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) نقل کرده با فضیلت بسیار. ❻ ششم: دوازده رکعت نماز هر دو رکعت به یک سلام و در هر رکعت هریک از سوره حمد و توحید و فلق و ناس و آیه الکرسی و قدر را چهار مرتبه

بخواند و بعد از سلام چهار مرتبه بگوید: **اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي** ❀ **لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا** ❀ **وَلَا**

خدا خداوند است پروردگار من ❀ چیزی را برایش همتا نگیرم ❀ و غیر از

أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيًّا و هر چه می خواهد بخواند و این نماز را بدین طریق سید از حضرت صادق (علیه السلام)

او سرپرستی نگیرم ❀

روایت کرده ❀ و لکن شیخ در مصباح فرموده: روایت کرده داود بن سرحان از حضرت صادق (علیه السلام) که فرمود: به جا می آوری در شب نیمه رجب دوازده رکعت نماز می خوانی در هر رکعت حمد و سوره و چون فارغ شدی از نماز می خوانی بعد از آن حمد و مُعَوِّذَتَيْنِ و سوره اخلاص و آیه الکرسی را چهار مرتبه و می گوئی بعد از آن

سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ ❀ **وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ** چهار مرتبه ❀ پس

پاک و منزّه است خداوند ❀ و ستایش مخصوص اوست ❀ و جز خداوند معبودی نیست ❀ و خداوند بزرگتر است ❀

می گوئی **اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي** ❀ **لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا** ❀ **وَمَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ**

خدا خداوند است پروردگار من ❀ چیزی را برایش همتا نگیرم ❀ و هیچ قوت و قدرتی جز به خدای

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و به جامی آوری در شب بیست و هفتم نیز مثل این را ❀ روز نیمه رجب: روز مبارکی است

والای بزرگ نیست ❀

و در آن چند عمل است **۱** اول: غسل **۲** دوم: زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام) از ابن ابی بصیر منقول است که گفت سؤال کردم از حضرت امام رضا (علیه السلام) که در چه ماه زیارت کنیم امام حسین (علیه السلام) را؟ فرمود: در نیمه رجب و نیمه شعبان **۳** سیم: نماز سلمان به نحوی که در روز اول گذشت **۴** چهارم: چهار رکعت نماز

بخواند و بعد از سلام دست خود را پهن کند و بگوید: **اللَّهُمَّ يَا مُدِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ * وَيَا مُعِزَّ**

ای خدا ای ذلیل کننده سرکشان جبار * و ای عزت بخش

الْمُؤْمِنِينَ * أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تَعَيَّنِي الْمَذَاهِبُ * وَأَنْتَ بَارِي خَلْقِي

اهل ایمان * تویی پناه من هنگامی که مذاهب و افکار مرا خسته و درمانده سازد * تویی که به صرف رحمت و لطف

رَحْمَةً بِي * وَقَدْ كُنْتَ عَن خَلْقِي غَنِيًّا * وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ

مرا آفریدی * در حالتی که از خلقتم بی نیاز بودی * و اگر رحمتت شاملم نمی شد من از

الْهَالِكِينَ * وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي * وَلَوْلَا نَصْرُكَ أَيَّامِي

هلاک شدگان بودم * و تو مرا بر دشمنان یاری می دهی * و اگر نصرت و یاری تو نبود همانا

لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ * يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا * وَمُنْشِئَ

من در مقابل دشمن مفتضح و رسوا بودم * ای فرستنده رحمت از معادن رحمت * و ای پدید آورنده

الْبُرْكََةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا * يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشَّمُوحِ وَالرَّفْعَةِ * وَ

برکت از موضعهای آن * ای آنکه ذات خود را به مقام شامخ بلند مخصوص گردانیده ای * و

فَأَوْلِيَاؤَهُ * بَعِزَّهُ يَتَعَزَّزُونَ * وَيَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ

تا آنکه دوستانت به عزت و جلال تو سرفراز شوند * و ای کسی که پادشاهان عالم در مقابل عظمتت طوق ذلت

عَلَى أَعْنَاقِهِمْ * فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ * أَسْأَلُكَ بِكَيْنُونِيَّتِكَ

به گردن نهاده اند * و همه از هیبتت ترسانند * از تو درخواست می کنم به حق کینونیت ذاتت

الَّتِي اشْتَقَقْتُهَا مِنْ كِبْرِيَاؤِكَ * وَأَسْأَلُكَ بِكِبْرِيَاؤِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتُهَا

که از کبریائیت مشتق گردانیدی * و از کبریائیت که از عزت

مِنْ عِزَّتِكَ * وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ * وَ

مشتق نمودی * و درخواست می کنم به حق عزتت که بر عرش عالم وجود استیلا دادی * و

فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ * فَهُمْ لَكَ مَذْعُونُونَ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

و به آن عزت همه عالم را به آن آفریدی * تا همه در پیشگاه تو به بندگی مذل و معترفند * درود فرست بر

مُحَمَّدٌ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ * روایت است که هر صاحب غمی این دعا را بخواند حق تعالی او را از اندوه و غم

محمد (ص) و اهل بیت او. *

آسایش بخشد ﴿۵﴾ پنجم: عمل ام داود که عمده اعمال این روز است و برای برآمدن حاجات و کشف کُرَبات و دفع ظلم ظالمان مؤثر است و کیفیت آن بنا بر آنچه در مصباح شیخ است آن است که چون خواهد این عمل را به جا آورد روزه بگیرد روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را، پس در روز پانزدهم نزد زوال غسل کند و چون وقت زوال داخل شود نماز ظهر و عصر را به جا آورد در حالتی که رکوع و سجودشان را نیکو کند و در موضع خلوتی باشد که چیزی او را مشغول نسازد و انسانی با او تکلم ننماید * پس چون از نماز فارغ شود رو به قبله کند و بخواند حمد را صد مرتبه و سوره اخلاص را صد مرتبه و آیه الکرسی را ده مرتبه و بعد از اینها بخواند سوره انعام * و بنی اسرائیل * و کهف * و لقمان * و یس * و صافات * و حم سجده * و حمعسق * و حم دخان * و فتح * و واقعه * و مُلک * و ن * و اِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ * و ما بعدش را تا آخر قرآن * و چون از اینها فارغ شود بگوید در حالتی که رو

به قبله باشد: **صَدَقَ اللهُ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ** *

صدق است کلام خدای بزرگ * که هیچ خدایی جز او نیست او زنده پاینده است *

ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الَّذِي لَيْسَ

و صاحب جلالت و بزرگواری * و بخشش و مهربانی * و حلم و کرم است * آن خدایی که هیچکس

كَمَثَلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الْبَصِيرُ الْخَبِيرُ شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ

مثل و مانندش نیست * و او شنوا و دانا * و بینا و آگاه است * ذاتش خود گواهی دهد که

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا

هیچ خدایی جز او نیست * و فرشتگان و دانایان عالم همه گواهی می دهند * و او نگهدار عدل و داد است * و خدایی جز آن

هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ بَلَغَتْ رُسُلُهُ الْكِرَامُ وَ أَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ

ذات با حکمت و عزت و اقتدار نیست * و رسولان بزرگوارش تبلیغ امر او نمودند * و من بر این امور چون شاهدان دیگر شاهد

الشَّاهِدِينَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الْمَجْدُ وَ لَكَ الْعِزُّ وَ لَكَ

و گواه می باشم * ای خدا ستایش و مجد * و عزت و

الْفَخْرُ وَ لَكَ الْقَهْرُ وَ لَكَ النِّعْمَةُ وَ لَكَ الْعِظْمَةُ وَ لَكَ الرَّحْمَةُ

و فخر * و قهر همه مخصوص توست و نعمت * و بزرگواری و مهربانی *

وَلَكَ الْمَهَابَةُ وَ لَكَ السُّلْطَانُ * وَ لَكَ الْبَهَاءُ وَ لَكَ الْإِمْتِنَانُ * وَ لَكَ

و هیبت و پادشاهی * و بهاء و بخشش * و پاکی

التَّسْبِيحُ وَ لَكَ التَّقْدِيسُ * وَ لَكَ التَّهْلِيلُ وَ لَكَ التَّكْبِيرُ * وَ لَكَ مَا

و پاکیزگی * و یکتایی و کبریایی اختصاص به تو دارد * و در ملک وجود آنچه

يُرَى وَ لَكَ مَا لَا يُرَى * وَ لَكَ مَا فَوْقَ السَّمَاوَاتِ الْعُلَى * وَ لَكَ مَا تَحْتَ

به چشم دیده شود و آنچه دیده نشود * و آنچه فوق آسمانهای بلند * و زمینهای

الثَّرَى * وَ لَكَ الْأَرْضُونَ السُّفْلَى * وَ لَكَ الْأَخِرَةُ وَ الْأُولَى * وَ لَكَ مَا

پست * و هر چه زیر زمین است * و دنیا و آخرت همه از توست * و هر حمد

تَرْضَى بِهِ مِنْ الثَّنَاءِ وَ الْحَمْدِ وَ الشُّكْرِ وَ النَّعْمَاءِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

و ثناء و شکر بر نعماء که تو پسندی خاص توست * ای خدا درود فرست بر

جَبْرَائِيلَ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ * وَ الْقَوِيَّ عَلَى أَمْرِكَ * وَ الْمُطَاعَ فِي

جبرئیل که امین وحی است * و در اطاعت امرت نیرومند * و در سماوات

سَمَاوَاتِكَ وَ مَحَالِّ كَرَامَاتِكَ * أَلْمُتَحَمِّلَ لِكَلِمَاتِكَ * أَلْنَّاصِرَ

و مقامات عالی از جانب فرمانده مطاع است * و نگهبان سخنان وحی * و یاری کننده

لِأَنْبِيَائِكَ * أَلْمُدْمِرَ لِأَعْدَائِكَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مِيكَائِيلَ مَلِكِ

پیغمبران * و هلاک کننده دشمنان توست * ای خدا درود فرست بر میکائیل که فرشته

رَحْمَتِكَ * وَ الْمَخْلُوقَ لِرَأْفَتِكَ * وَ الْمُسْتَغْفِرَ الْمُعِينَ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ

رحمت است * و برای ظهور رأفت خلق شده * و آموزش طلب و یاری رسان بر اهل طاعتت

* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِسْرَافِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ * وَ صَاحِبِ الصُّورِ

* ای خدا درود فرست بر اسرافیل که حامل عرش * و صاحب صور و ندای

الْمُنْتَظَرِ لِأَمْرِكَ * أَلْوَجَلَ الْمُشْفِقِ مِنْ خَيْفَتِكَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

توست و آماده فرمان * و ترسان و هراسان از خوف توست * خدایا درود فرست بر

حَمَلَةَ الْعَرْشِ الطَّاهِرِينَ * وَ عَلَى السَّفَرَةِ الْكَرَامِ الْبَرَّةِ الطَّيِّبِينَ *

حاملان عرش که از پاکانند * و هم بر سفیران بزرگوار نیکوکار پاکیزه‌ات *

وَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْكَرَامِ الْكَاتِبِينَ * وَ عَلَى مَلَائِكَةِ الْجَنَانِ *

و هم بر فرشتگان با کرامت نویسنده اعمال * و هم بر فرشتگان خازن بهشت *

وَ خَزَنَةِ النَّيْرَانِ * وَ مَلِكِ الْمَوْتِ وَ الْأَعْوَانِ * يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ *

و دوزخت * و بر ملک الموت و اعوانش * ای خدای صاحب جلال و بزرگواری *

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى آبِنَا آدَمَ بَدِيعِ فِطْرَتِكَ * الَّذِي كَرَّمْتَهُ وَ بِسُجُودِ

خدایا درود فرست بر پدر ما آدم ابوالبشر خلق بدیع بی نظیرت * که او را شرافت بخشیدی و مسجود

مَلَائِكَتِكَ * وَ ابْحَتَهُ وَ جَنَّتِكَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمْنَا حَوَاءَ الْمُطَهَّرَةِ

فرشتگانش ساختی * و بهشت را بر او مباح فرمودی * و هم درود فرست بر حوا مادر ما پاک

مِنَ الرَّجْسِ * الْمُصَفَّاءَةِ مِنَ الدَّنَسِ * الْمَفْضَلَةِ مِنَ الْإِنْسِ * الْمَتَرَدَّةِ

و پاکیزه از پلیدی * و آلودگی * که از نوع آدمیانش فضیلت دادی * و در میان (بهشت) مقامات قدس

بَيْنَ مَحَالِ الْقُدْسِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى هَابِيلَ وَ شِيثَ * وَ اَدْرِيسَ وَ نُوحَ

اجازه رفت و آمدش دادی * خدایا درود فرست بر هابیل و شیث * و ادریس و نوح

* وَ هُودَ وَ صَالِحَ * وَ اِبْرَاهِيمَ وَ اِسْمَاعِيلَ * وَ اِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ *

* و هود و صالح * و ابراهیم و اسمعیل * و اسحاق و یعقوب *

وَ يُوسُفَ وَ الْأَسْبَاطَ * وَ لُوطَ وَ شُعَيْبَ * وَ أَيُّوبَ وَ مُوسَى * وَ هَارُونَ

و یوسف - و اسباط یعقوب * و لوط و شعیب * و ایوب و موسی * و هرون

وَ يُوْشَعَ * وَ مِيْشَا وَ الْخَضِرَ * وَ ذِي الْقَرْنَيْنِ وَ يُونُسَ * وَ الْيَاسَ

و یوشع * و میشا و خضر * و ذی القرنین و یونس * و الیاس

وَ الْيَسَعَ * وَ ذِي الْكِفْلِ وَ طَالُوتَ * وَ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ * وَ زَكَرِيَّا

و یسع * و ذی الكفل و طالوت * و داود و سلیمان * و زکریا

وَ شَعْيَا * وَ يَحْيَى وَ تُوْرَخَ * وَ مَتَّى وَ اِرْمِيَا * وَ حَيْقُوقَ وَ دَانِيَالَ *

و شعیا * و یحیی و تورخ * و متی و ارمیا * و حیقوق و دانیال *

وَ عَزِيْرَ وَ عِيْسَى * وَ شَمْعُوْنَ وَ جَرَجِيْسَ * وَ الْحَوَارِيْنَ وَ الْاِتْبَاعَ *

و عزیز و عیسی * و شمعون و جرجیس * و حواریین و تابعان آنها *

وَ خَالِدٍ وَ حَنْظَلَةَ وَ لُقْمَانَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ *

و خالد و حنظله و لقمان * خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد *

وَ اِرْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ * وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ *

و رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و برکت ده بر محمد و آل محمد *

كَمَا صَلَّيْتَ وَرَحِمْتَ (وَتَرَحَّمْتَ) وَبَارَكْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ

چنانکه درود و رحمت و برکت بر ابراهیم و آتش فرستادی

إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ * وَالسُّعَدَاءِ

* که تویی سزاوار حمد و ثناء و مجد و بزرگواری * خدایا درود فرست بر اوصیای پیغمبرانت * و سعیدان

وَالشُّهَدَاءِ * وَائِمَّةِ الْهُدَى * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدَالِ وَالْأَوْلَادِ *

و شهیدان * و پیشوایان هدایت خلق * خدایا درود فرست بر ابدال و اولاد *

وَالسُّيَاحِ وَالْعِبَادِ * وَالْمُخْلِصِينَ وَالزُّهَادِ * وَأَهْلَ الْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ

و سیاحان و اهل عبادت * و بندگان با اخلاص و زهد * و اهل کوشش و جهد

* وَأَخْصَصَ مُحَمَّدًا وَأَهْلَ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ * وَأَجْزَلَ

* بر همه درود فرست و محمد و اهل بیت را به بهترین درود * و بزرگترین مقام کرامت

كِرَامَاتِكَ * وَبَلَّغَ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ مِنْ تَحِيَّةٍ وَسَلَامًا * وَزَدَهُ فَضْلًا

مخصوص گردان * و به روح و جسد شریفش از من تحیت و سلام رسان * و بر فضیلت و

وَشَرَفًا وَكِرْمًا * حَتَّىٰ تُبَلِّغَهُ أَعْلَىٰ دَرَجَاتِ أَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ

شرافت و بزرگواریش بیفزا * تا آنکه او را به عالیترین درجات اهل شرافت از انبیاء

وَالْمُرْسَلِينَ * وَالْأَفْضَلِ الْمُقْرَبِينَ * اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَىٰ مَنْ سَمَّيْتُ

و رسل * و بهترین مقربان درگاهت برسانی * خدایا درود فرست بر آنان که نام بردم

وَمَنْ لَمْ أَسْمِ مِنْ مَلَائِكَتِكَ * وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلَ طَاعَتِكَ *

و یا نام نبردم از فرشتگان * و انبیاء و رسل و اهل طاعت *

وَأَوْصَلَ صَلَوَاتِي إِلَيْهِمْ وَإِلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ * وَاجْعَلْهُمْ إِخْوَانِي فِيكَ

و درود مرا به آنها و به ارواح پاک آنها برسان * و آنها را برادران من در راهت

وَأَعْوَانِي عَلَىٰ دُعَائِكَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيْكَ * وَبِكِرْمِكَ إِلَيَّ

و یاوران من در دعای به درگاهت قرار ده * ای خدا من تو را به سوی تو شفیع می‌گردانم * و به کرمیت به سوی

كِرْمِكَ * وَبِجُودِكَ إِلَىٰ جُودِكَ * وَبِرَحْمَتِكَ إِلَىٰ رَحْمَتِكَ * وَبِأَهْلِ

کرمیت * و به جودت به سوی جودت * و به رحمتت به سوی رحمتت * و به اهل طاعتت

طَاعَتِكَ إِلَيْكَ * وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِكُلِّ مَا سَأَلَكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْهُمْ * مِنْ

به سوی تو متوسل می‌شوم * و از تو درخواست می‌کنم آنچه از خواهشهای بلند مرتبه مقبول تو * که این

مَسْئَلَةٌ شَرِيفَةٌ غَيْرُ مَرْدُودَةٍ * وَ بِمَا دَعَوَكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَيْرِ

بندگانی که نام بردم از تو درخواست کنند * و هر دعای مستجاب آنها که نومیدی

مُخِيبَةٍ * يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِیْمُ * يَا حَلِیْمُ يَا كَرِیْمُ * يَا عَظِیْمُ يَا

در آن نیست * ای خدا ای بخشنده ای مهربان * ای بردبار ای کریم * ای بزرگ ای

جَلِیْلُ * يَا مُنِیْلُ يَا جَمِیْلُ * يَا كَفِیْلُ يَا وَكِیْلُ * يَا مُقِیْلُ يَا مُجِیْرُ *

بزرگوار * ای عطا بخش ای نیکو * ای کفیل خلق ای وکیل * ای گذشت کننده ای پناه دهنده *

يَا خَبِیْرُ يَا مُنِیْرُ * يَا مُبِیْرُ يَا مَنِیْعُ * يَا مُدِیْلُ يَا مُحِیْلُ * يَا كَبِیْرُ يَا

ای آگاه ای روشن کننده * ای هلاک کننده ای با مناعت * ای دولت بخش ای با تدبیر * ای بزرگ ای

قَدِیْرُ * يَا بَصِیْرُ يَا شَكُوْرُ * يَا بَرُّ يَا طَهْرُ * يَا طَاهِرُ يَا قَاهِرُ * يَا

توانا * ای بینا ای پاداش دهنده شاکران * ای نیکو ای پاک * ای پاکیزه ای قادر غالب * ای

ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ * يَا سَاطِرُ يَا مُحِیْطُ * يَا مُقْتَدِرُ يَا حَفِیْظُ * يَا مُتَجَبِّرُ *

پیدا ای پنهان * ای ساتر گناهان ای محیط به خلق * ای با اقتدار ای نگهبان * ای جبران کننده

يَا قَرِیْبُ * يَا وَدُوْدُ يَا حَمِیْدُ * يَا مَجِیْدُ يَا مُبْدِئُ * يَا مُعِیْدُ يَا شَهِیْدُ

ای نزدیک * ای مهربان ای ستوده صفات * ای با مجد و عزت ای آفریننده * ای برگرداننده ای گواه

* يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمَلُ * يَا مُنْعَمُ يَا مُفْضَلُ * يَا قَابِضُ يَا بَاسِطُ * يَا

* ای احسان کننده ای نیکویی کننده * ای نعمت بخش ای افزونی بخش * ای باز گیرنده ای گستراننده * ای

هَادِیُّ يَا مُرْسِلُ * يَا مُرْشِدُ يَا مُسَدِّدُ * يَا مُعْطِیُّ يَا مَانِعُ * يَا دَافِعُ يَا

رهنما ای فرستنده * ای هدایت کننده ای قوت بخشنده * ای عطا بخش ای منع کننده * ای دفع کننده ای

رَافِعُ * يَا بَاقِیُّ يَا وَاقِیُّ * يَا خَلَاقُ يَا وَهَابُ * يَا تَوَّابُ يَا فَتَّاحُ * يَا نَفَّاحُ

رفعت بخش * ای باقی ابدی ای نگهدار * ای آفریننده ای بخشنده بی‌عوض * ای توبه پذیر ای گشاینده * ای بخشنده

يَا مُرْتَّاحُ * يَا مَنْ بَیْدُهُ كُلُّ مِفْتَاحٍ * يَا نَفَّاعُ يَا رَعُوْفُ * يَا عَطُوْفُ يَا

ای سود دهنده * ای کسی که هر کلید به دست توست * ای منفعت بخش ای مهربان * ای با عطوفت ای

كَافِیُّ * يَا شَافِیُّ يَا مُعَافِیُّ * يَا مُكَافِیُّ يَا وَفِیُّ * يَا مُهَيِّمُنُ يَا عَزِیْزُ * يَا

کفایت کننده * ای شفا بخشنده ای صحت بخش * ای پاداش دهنده ای وفادار * ای نگهبان ای با عزت * ای

جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ * يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ * يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ * يَا نُورُ يَا

جبران کننده ای با تکبر و جلال * ای سلام ای ایمنی بخش * ای یکتا ای بی‌نیاز * ای نور ای

مَدْبَرٌ * يَا فَرْدُ يَا وَتَرٌ * يَا قُدُّوسُ يَا نَاصِرٌ * يَا مُونِسُ يَا بَاعِثُ * يَا

تدبیر کننده * ای متفرد ای یگانه * ای منزله ای یاری کننده * ای مونس ای برانگیزنده مردگان *

وَارِثُ يَا عَالِمٌ * يَا حَاكِمُ يَا بَادِي * يَا مَتَّعَالِي يَا مُصَوِّرٌ * يَا مُسَلِّمٌ

وارث بندگان ای دانا * ای حکم فرما ای پدید آور * ای بلند مقام ای صورت نگار * ای سلامت بخش

يَا مُتَّحِبُّ * يَا قَائِمُ يَا دَائِمٌ * يَا عَلِيمُ يَا حَكِيمٌ * يَا جَوَادُ يَا بَارِيٌ

ای دوست * ای قائم به ذات ای ابدی الذات * ای با علم ای با حکمت * ای با جود و بخشش ای آفریننده

يَا بَارِيَا سَارٌ * يَا عَدْلُ يَا فَاصِلٌ * يَا دِيَانُ يَا حَنَّانُ * يَا مَنَّانُ يَا

* ای نیکوکار ای ناپیدا * ای دادگر ای جدا کننده * ای کیفر دهنده ای مشفق و مهربان * ای اهل احسان ای

سَمِيعٌ * يَا بَدِيعُ يَا خَفِيرٌ * يَا مُعِينٌ (مُعِيرٌ) يَا نَاشِرٌ * يَا غَافِرُ يَا قَدِيمٌ

شنوا * ای پدید آور ای پناه بخش * ای یاور ای نشر دهنده * ای آمرزنده ای قدیم الذات

يَا مُسَهِّلُ يَا مُبَسِّرٌ * يَا مُمِيتُ يَا مُحْيِي * يَا نَافِعُ يَا رَازِقُ * يَا مُقْتَدِرُ

* ای سهل و آسان گیر * ای میراننده ای زنده کننده * ای سود بخشنده ای روزی دهنده * ای با اقتدار

(مُقْتَدِرٌ) يَا مُسَبِّبٌ * يَا مُغِيثُ يَا مُغْنِي يَا مُقْنِي * يَا خَالِقُ يَا رَاصِدٌ

ای سبب ساز * ای فریادرس ای بی نیازی بخش ای سرمایه بخش * ای آفریدگار ای مراقب *

يَا وَاحِدُ يَا حَاضِرٌ * يَا جَابِرُ يَا حَافِظُ * يَا شَدِيدُ يَا غِيَاثُ * يَا

ای یگانه ای حاضر * ای جبران کننده ای حفظ کننده * ای محکم کار ای فریادرس * ای

عَائِدُ يَا قَابِضُ * يَا مَنْ عَلَا فَاسْتَعَلَى * فَكَانَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى *

فایده رسان ای قبض کننده * ای که بلند مقامی و از هر مقام بلند که تصور شود برتری * و به بالاترین منظری *

يَا مَنْ قَرَّبَ فَدَنَا * وَبَعْدَ فَنَائِي * وَعِلْمِ السَّرِّ وَآخْفِي * يَا مَنْ إِلَيْهِ

ای کسی که نزدیک و بسیار نزدیکی * و دوری و بسیار دوری * و دانای اسرار و پنهانترین اسراری * ای کسی که

التَّدْبِيرِ وَ لَهُ الْمَقَادِيرُ * وَيَا مَنْ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ * يَا مَنْ هُوَ

تدبیر و تقدیر امور عالم با اوست * و ای کسی که هر مشکل نزدش آسان است * ای کسی که

عَلَى مَا يَشَاءُ قَدِيرٌ * يَا مُرْسِلَ الرِّيَّاحِ * يَا فَالِقَ الْأَصْبَاحِ * يَا بَاعِثَ

بر هر چیز تواناست * ای فرستنده بادهای * و پدید آورنده صبحها * و برانگیزنده

الْأَرْوَاحِ * يَا ذَا الْجُودِ وَالسَّمَّاحِ * يَا رَادَّ مَا قَدَفَاتِ * يَا نَاشِرَ الْأَمْوَاتِ

روحها * ای صاحب جود و بخشش * ای برگرداننده گذشتهها * ای زنده کن مردهها

يَا جَامِعَ الشَّاتِ * يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ * وَيَا فَاعِلَ مَا

* ای گرد آورنده پراکنده‌ها * ای روزی بخش به هر که خواهی بی حساب * و ای کسی که هر چه بخواهی

يَشَاءُ كَيْفَ يَشَاءُ * وَيَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ * يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ * يَا حَيًّا

و هر گونه بخواهی توانی کرد * ای صاحب جلال و بزرگواری * ای زنده پاینده ابدی * ای زنده هنگامی

حِينَ لَا حَيَّ * يَا حَيُّ يَا مُحْيِي الْمَوْتِ * يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * بَدِيعُ

که هیچکس زنده نیست * ای زنده ای که مردگان را زنده می‌کند * ای زنده‌ای که خدایی جز تو نیست * ای

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ * يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَالِ مُحَمَّدٍ

پدید آورنده زمین و آسمانها * ای خدا و آقای من * درود فرست بر محمد و آل محمد

* وَارْحَمِ مُحَمَّدًا وَعَالَ مُحَمَّدٍ * وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَالَ مُحَمَّدٍ *

* و رحمت فرست بر محمد و آلش * و برکت ده بر محمد و آلش *

كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحَّمْتَ (تَرَحَّمْتَ) عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَالَ إِبْرَاهِيمَ *

چنانکه درود و برکت و رحمت فرستادی بر ابراهیم و آلش *

إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ * وَارْحَمْ ذُلِّي وَفَاقْتِي وَفَقْرِي * وَانْفِرَادِي

که همانا تو ستوده صفات و بزرگواری * ای خدا و به خواری من و بر فقر و فاقه * و تنهایی و

وَوَحْدَتِي * وَخُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ * وَاعْتِمَادِي عَلَيْكَ * وَتَضَرُّعِي

بی کسیم ترحم کن * و به فروتنی در پیشگاه تو * و اعتمادم به تو * و تضرع و زاریم به درگاه تو

إِلَيْكَ * أَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَاضِعِ الذَّلِيلِ * الْخَاشِعِ الْخَائِفِ * الْمَشْفِقِ

کرم فرما * ای خدا تو را می‌خوانم به دعایی با حال خضوع و خشوع * و ذلت و ترس * و هراس

الْبَائِسِ * الْمُهِنِ الْحَقِيرِ * الْجَائِعِ الْفَقِيرِ * الْعَائِذِ الْمُسْتَجِيرِ *

و پریشانی * و خواری و بی مقداری * و گرسنگی و فقر * و در حالتی که به تو پناه آورده *

الْمُقَرَّبِ ذَنْبِهِ * الْمُسْتَغْفِرِ مِنْهُ * الْمُسْتَكِينِ لِرَبِّهِ * دُعَاءَ مَنْ

و معترف است به گناه خود * و از تو آمرزش می‌طلبد * و به درگاه خدای خود زاری می‌کند * تو را می‌خواند به دعای

أَسْلَمَتْهُ ثِقَتُهُ وَ (نَفْسُهُ) * وَرَفَضَتْهُ أَحِبَّتُهُ * وَعَظَمَتْ فَجِيعَتُهُ * وَ

کسی که باران معتمدش او را تسلیم بلا کرده * و دوستانش او را ترک گفته باشند * و مصیبتش سخت باشد *

دُعَاءَ حَرَقِ حَزَنِ * ضَعِيفِ مَهِينِ * بَائِسِ مُسْتَكِينِ بِكَ مُسْتَجِيرِ *

دعای کسی که در آتش حزن و اندوه می‌سوزد * ناتوان و خوار * و پریشان حال و بی‌نواست و به تو پناه آورده *

اللَّهُمَّ وَاسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِيكٌ * وَأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ * وَأَنَّكَ

ای خدا و از تو درخواست می‌کنم که تو پادشاه ملک وجودی * و هر چه خواهی به امرت موجود می‌شود * و بر هر

عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ * وَاسْأَلُكَ بِحَرْمَةِ هَذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ * وَالْبَيْتِ

چیز توانا هستی * و از تو درخواست می‌کنم به حرمت این ماه (رجب) * و به شهر

الْحَرَامِ * وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ * وَالرُّكْنَ وَالْمَقَامِ * وَالْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ

محرم (مکه) * و بیت الحرام * و رکن و مقام * و شعارها و عبادتهای بزرگ

وَ بِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ * يَا مَنْ وَهَبَ لِأَدَمَ شَيْئًا

* و به حق پیغمبر اکرم محمد (ص) که بر او و آلش سلام باد * ای خدایی که به آدم ابو البشر شیث را عطا کردی

وَ لِإِبْرَاهِيمَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ * وَيَا مَنْ رَدَّ يُوسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ

* و به ابراهیم اسمعیل و اسحاق را * ای خدایی که یوسف را به یعقوب برگرداندی

وَ يَا مَنْ كَشَفَ بَعْدَ الْبَلَاءِ ضُرَّ أَيُّوبَ * يَا رَادَّ مُوسَى عَلَى أُمِّهِ * وَ زَائِدَ

* و ای آنکه رنج و درد ایوب را پس از ابتلا برطرف ساختی * ای آنکه موسی را به مادرش برگرداندی * و علم

الْخَضْرَى فِي عِلْمِهِ * وَيَا مَنْ وَهَبَ لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ * وَ لَزَكَرِيَّا يُحْيَى *

و دانش خضر را افزودی * ای آنکه به داود سلیمان را عطا کردی * و به زکریا یحیی را *

وَ لِمَرْيَمَ عِيسَى * يَا حَافِظَ بِنْتِ شَعِيبَ * وَيَا كَافِلَ وُلْدِ أُمِّ مُوسَى (عَنْ

و به مریم عیسی را بخشیدی * ای نگهدار دختر شعیب (زن موسی) * و ای کفالت کننده فرزند مادر

وَالِدَتِهِ) * أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَغْفِرَ لِي

موسی * از تو درخواست می‌کنم که درود بر محمد و آلش فرستی * و گناهان مرا

ذُنُوبِي كُلِّهَا * وَ تَجِيرَنِي مِنْ عَذَابِكَ * وَ تُوَجِّبَ لِي رِضْوَانَكَ * وَ أَمَانَكَ

تمام بیامری * و مرا از عذابت در پناه گیری * و مقام رضای خود را * و امان

وَ إِحْسَانَكَ * وَ غُفْرَانَكَ وَ جَنَانَكَ * وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَفْكَ عَنِّي كُلَّ

و احسان * و غفران و بهشت و رضوانت را به من عطا فرمایی * و باز درخواست می‌کنم از تو که هر حلقه تنگ

حَلْقَةٍ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنْ يُؤْذِنِي * وَ تَفْتَحَ لِي كُلَّ بَابٍ * وَ تَلِينَنِي لِي كُلَّ

عداوتی میان من و آزار کنندگان من است باز کنی * و هر در خیر به رویم بگشایی * و هر کار مشکل را بر من

صَعْبٍ * وَ تُسَهِّلَ لِي كُلَّ عَسِيرٍ * وَ تُحْرَسَ عَنِّي كُلَّ نَاطِقٍ بَشَرٍ *

سهل کنی * و هر سختی را آسان سازی * و هر که را بر من زبان بد گشاید زبانش ببندی *

وَتَكْفَ عَنِّي كُلَّ بَاعٍ * وَتَكَبَّتْ (عَنِّي) كُلَّ عَدُوِّ لِي وَحَاسِدٍ * وَتَمْنَعُ

و شر هر ستمگر را از من دفع کنی * و هر دشمن و حسودم را به رو در افکنی * و هر ظالم را

مَنِّي كُلَّ ظَالِمٍ * وَتَكْفِينِي كُلَّ عَائِقٍ يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ حَاجَتِي *
از من منع فرمایی * و هر چه مانع میان من و حاجتهای من است *

وَ يُجَاوِلُ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَ طَاعَتِكَ * وَيَثْبُطَنِي عَنْ عِبَادَتِكَ * يَا

و خواهد که میان من و طاعتت جدایی افکند * و مرا از عبادتت باز دارد او را از من کفایت کنی * ای

مَنْ الْجَمِّ الْجُنَّ الْمُتَمَرِّدِينَ * وَقَهَرَ عُنَاةَ الشَّيَاطِينِ * وَاذَلَّ رِقَابَ

آنکه دیو سرکش را لجام کرده‌ای * و گردنکشان شیاطین را مقهور ساخته‌ای * و متکبران و جباران عالم

الْمُتَجَبِّرِينَ * وَرَدَّ كَيْدَ الْمُتَسَلِّطِينَ عَنِ الْمُسْتَضْعَفِينَ * أَسْأَلُكَ

را ذلیل نموده‌ای * و مکر و فریب مقتدران را از ضعیفان برگردانیده‌ای * از تو درخواست می‌کنم

بِقُدْرَتِكَ عَلَى مَا تَشَاءُ * وَتَسْهِيلِكَ لِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ * أَنْ

به حق قدرتت که به هر چه خواهی شامل است * و به آسان بودن نذرت هر چه را بخواهی و هر گونه بخواهی * که

تَجْعَلَ قَضَاءَ حَاجَتِي فِيمَا تَشَاءُ * پس سجده کن بر زمین و بر خاک بگذار دو طرف روی خود

حاجتهای مرا هر چه را می‌خواهی روا گردانی. *

رَاوَبُكُو: اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ * وَبِكَ ءَامَنْتُ * فَارْحَمْ ذُلِّي وَفَاقَتِي *

خدایا برای تو سجده می‌کنم * و به تو ایمان دارم * تو به خواری و پریشانیم ترحم کن *

وَاجْتِهَادِي وَتَضَرُّعِي * وَمَسْكَنَتِي وَفَقْرِي إِلَيْكَ يَا رَبِّ * وکوشش کن

که جهد و کوششم و زاری * و مسکنت و فقرم به درگاه توست ای پروردگار من. *

که اشک بریزد چشمهای تو اگر چه به قدر سرمگسی (سوزنی) باشد، به درستی که این علامت استجاب است.

روز بیست و پنجم: سنه صد و هشتاد و سه شهادت حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) به سن پنجاه و پنج

سالگی در بغداد واقع شده و آن روزی است که اَحْزَان آل محمد (علیهم السلام) و شیعیان ایشان تازه می شود. شب

بیست و هفتم: شب مبعث و از لیبالی متبرکه است و در آن چند عمل است. ۱) اول: شیخ در مصباح فرموده:

روایت شده از حضرت ابو جعفر امام جواد (علیه السلام) که فرمود: همانا در رجب شبی است که بهتر است از آنچه که

می تابد بر آن آفتاب و آن شب بیست و هفتم رجب است که در صبح آن پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله) به رسالت مبعوث

گردید و به درستی که از برای عامل در آن شب از شیعه ما اجر عمل شصت سال است. به خدمت آن حضرت عرض

شد که عمل در آن شب چیست؟ فرمود: چون به جا آوردی نماز عشا را و به رختخواب رفتی پس بیدار می شوی هر ساعتی که خواستی از شب تا پیش از نیمه آن و به جا می آوری دوازده رکعت نماز. می خوانی در هر رکعتی حمد و سوره ای از سوره های کوچک مفصل. و مفصل از سوره محمد است تا آخر قرآن پس چون سلام دادی در هر دو رکعتی و فارغ شدی از نمازها می نشینی بعد از سلام و می خوانی حمد را هفت مرتبه و **مُعَوِّذَتَيْنِ** را هفت مرتبه و **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** هر کدام را هفت مرتبه و **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَأَيَّةُ الْكُرْسِيِّ**

هر کدام را هفت مرتبه * و بخوان در عقب همه این دعا را: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا**

سپاس مخصوص آن خدایی است که فرزندی ندارد

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِوَالِيٍّ مِنَ الذَّلِّ *

* و او را شریک و انبازی در ملک و سلطنت نخواهد بود * و یاوری که بر عزتش افزایش نخواهد داشت *

وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ عَرْكِ عَلَى أَرْكَانِ عَرْشِكَ

و او را به بزرگی و بزرگواری یاد کن * خدایا از تو درخواست می کنم به حقیقت عزت تو که بر پایه های عرش توست

وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ * وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ

* و به منتهای رحمت از کتاب تو (و لوح محفوظت) * و به اسم اعظم اعظمت

وَذِكْرِكَ الْأَعْلَى الْأَعْلَى * وَبِكَلِمَاتِكَ التَّامَاتِ * أَنْ تُصَلِّيَ

* و ذکر بلند بلند بلندت * و به کلمات تام و تمامت * که درود فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * پس بخوان هر دعائی که

بر محمد و آلش * و با من آن کنی که سزاوار بزرگی توست. *

خواستی * و مستحب است غسل در این شب و گذشت در شب نیمه نمازی که در این شب نیز خوانده می شود.

۲ دوم: زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که افضل اعمال این شب است و از برای آن حضرت در این شب

سه زیارت است که در باب زیارات به آن اشاره خواهد شد انشاء الله. * و بدان که ابو عبدالله محمد بن بطوطه

که یکی از علماء اهل سنت است و در ششصد سال پیش از این زمان بوده در سفرنامه خود که معروف است به

رحلة ابن بطوطه در بیان ورود خود از مکه معظمه به نجف اشرف ذکر کرده روضه و قبر مبارک مولایمان

امیرالمؤمنین (علیه السلام) را و گفته اهل این شهر تمامی رافضی هستند و از برای این روضه مبارکه کراماتی ظاهر شده

* از جمله آنکه در شب بیست و هفتم ماه رجب که نام آن شب نزد اهل آنجا لَيْلَةُ الْمَحْيَا است می آورند از عراقین و خراسان و بلاد فارس و روم، هر شل و مفلوج و زمین گیری که هست و جمع می شود از آنها قریب سی چهل نفر در آنجا پس بعد از عشا می آورند این مبتلایان را نزد ضریح مقدس و مردم جمع می شوند و منتظرند خوب شدن و برخاستن آنها را و این جماعت مردم بعضی نماز می خوانند و بعضی ذکر می گویند و بعضی قرآن تلاوت می کنند و بعضی تماشای روزه می کنند تا آنکه بگذرد نصف یا دو ثلث از شب، آن وقت جمیع این مبتلایان و زمین گیران که حرکت نمی توانستند بکنند برمی خیزند در حالیکه صحیح و تندرست می باشند و علتی در آنها نیست و می گویند **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ * عَلِيُّ وَوَلِيُّ اللَّهِ *** و این امری است مشهور و مستفیض و من خودم آن شب را در آنجا درک نکردم لکن از مردمان ثقه که اعتماد بر قول آنها بود شنیدم و هم دیدم در مدرسه ای که مهمانخانه آن حضرت است سه نفر زمین گیر که قادر بر حرکت نبودند، یکی از اهل روم و دیگری از اهل اصفهان و سیمی از اهل خراسان بود از آنها پرسیدم چگونه شما خوب نشده اید و اینجا مانده اید گفتند ما به شب بیست و هفتم نرسیده ایم و همین جا مانده ایم تا شب بیست و هفتم آینده که شفا بگیریم و از برای این شب مردم زیاد از شهرها جمع می شوند و بازار بزرگی اقامه می شود تا مدت ده روز. * فقیر گوید: مبادا استبعاد کنی این مطلب را همانا معجزات و کراماتی که از این مشاهد مشرفه بروز کرده و به تواتر رسیده زیاده از آن است که احصا شود * و در ماه شوال گذشته سنه هزار و سیصد و چهل و سه در حرم مطهر حضرت ثامن الائمه الهداة و ضامن الائمه العصاة مولانا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ سه نفر زن که هر کدام به سبب مرض فلج و نحو آن زمین گیر شده بودند و اطباء و دکترا از معالجه آنها عاجز شده بودند شفا یافتند و این معجزات از آن قبر مطهر بر همه واضح و آشکارا گردید مانند نمودار شدن خورشید در سماء صاحبیه مثل باز شدن در دروازه نجف اشرف بر روی عربهای بادیه و به حدی این مطلب واضح بود که نقل شد دکترهایی که مطلع بر مرضهای آن زنها بودند تصدیق نمودند با آنکه در این باب خیلی دقیق بودند بلکه بعضی از آنها تصدیق خود را بر شفاء آنها نوشتند و اگر ملاحظه اختصار و عدم مناسبت محل نبود قصه آنها را نقل می نمودم.

وَلَقَدْ أَجَادَ شَيْخُنَا الْحُرَّ الْعَامِلِيَّ فِي أَرْجُوْرَتِهِ.

راستی که زیبا سروده شیخ ما شیخ حر عاملی در قصیده‌اش

وَمَا بَدَأَ مِنْ بَرَكَاتٍ مَشْهُدَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَمْسَهُ مِثْلُ غَدِهِ

و آنچه آشکار شده از خیر و نیکی در هر روز، دیروزش همانند فردای اوست

وَ كَشَفَا الْعَمَى وَالْمَرَضِيَّ بِهِ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ فِي أَعْتَابِهِ

و همانند بهبودی نابینایان و بیماران به وسیله‌ی او پذیرفته می‌شود دعا در بارگاههای او

۳ سیِّم: شیخ کفعمی در بلد الامین فرموده که در شب مبعث این دعا را بخواند: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ**

پروردگارا از تو درخواست می‌کنم

بِالتَّجَلِّي (بِالتَّجَلِّي) الْأَعْظَمِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِنَ الشَّهْرِ الْمَعْظَمِ * وَالْمُرْسَلِ

به حق بزرگترین تجلی تو در این شب و این ماه بزرگ (رجب) * و فرستاده

الْمُكْرَمِ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا أَنْتَ بِهِ مِنَّا

گرامی * که درود فرستی بر محمد و آل محمد و آتش * و اینکه بیامری گناهیانی را که تو از ما به آنها

أَعْلَمُ * يَا مَنْ يَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ * اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي لَيْلَتِنَا هَذِهِ الَّتِي

دانتری * ای آنکه تو دانایی و ما نادانیم * ای خدا برکت به ما عطا کن در این شبی که بر سایر شبها

بَشَرَفِ الرَّسَالَةِ فَضَّلْتَهَا * وَبِكِرَامَتِكَ أَجَلَلْتَهَا * وَبِالْمَحَلِّ الشَّرِيفِ

فضیلتش دادی به واسطه شرف رسالت * و به کرم خودجلالتش بخشیدی * و به مقام شرافتش

أَحَلَلْتَهَا * اللَّهُمَّ فَاِنَّا نَسْأَلُكَ بِالْمَبْعَثِ الشَّرِيفِ * وَالسَّيِّدِ

در آوردی * خدایا ما از تو درخواست می‌کنیم به این مبعث با شرافت * و سید

اللطيف * وَالْعَنْصَرِ الْعَفِيفِ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَأَنْ

با لطف و مهر * و آن عنصر عقیف * که درود بر محمد و آتش فرستی * و اعمال

تَجْعَلَ أَعْمَالَنَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي سَائِرِ اللَّيَالِي مَقْبُولَةً * وَذُنُوبَنَا

ما را در این شب و دیگر شبها مقبول گردانی * و از گناهان ما

مَغْفُورَةً * وَحَسَنَاتِنَا مَشْكُورَةً * وَسَيِّئَاتِنَا مَسْتُورَةً * وَقُلُوبَنَا

در گذری * و اعمال نیک ما را پاداش نیکو دهی * و اعمال بد ما را مستور سازی * و دلهای ما را

بِحَسَنِ الْقَوْلِ مَسْرُورَةً * وَأَرْزَاقِنَا مِنْ لَدُنْكَ بِالْيُسْرِ مَدْرُورَةً * اللَّهُمَّ

به حسن قول (و مژده بهشت) شاد گردانی * و روزی ما را از جانب خود به آسانی فراوان کنی * ای خدا

إِنَّكَ تَرَىٰ وَلَا تُرَىٰ * وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَىٰ * وَإِنَّ إِلَيْكَ الرَّجْعَىٰ

تو همه ما را می‌بینی و هیچکس تو را نخواهد دید * و تو در بلندترین منظری * و بازگشت همه

وَالْمُنْتَهَىٰ * وَإِنَّ لَكَ الْمَمَاتَ وَالْمَحْيَا * وَإِنَّ لَكَ الْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ *

و پایان تمام به سوی توست * و مرگ و زندگی و دنیا و آخرت از توست *

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذَلَّ وَنُحْزَىٰ * وَأَنْ نَأْتِيَ مَا عَنْهُ تَنْهَىٰ * اللَّهُمَّ

ای خدا ما به تو پناه می‌بریم از ذلت و خواری * و از آنکه چیزی را که نهی کرده‌ای به‌جای آریم * ای خدا

إِنَّا نَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ * وَنَسْتَعِيدُكَ مِنَ النَّارِ * فَأَعِدْنَا مِنْهَا

ما از رحمت و لطفت از تو درخواست بهشت می‌کنیم * و به کرم تو از آتش دوزخ پناه می‌جوییم * پس ما را به قدرتت

بِقُدْرَتِكَ * وَنَسْأَلُكَ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ * فَأَرْزُقْنَا بِعِزَّتِكَ * وَاجْعَلْ أَوْسَعَ

پناه بخش * و از تو درخواست حور العین می‌کنیم * به عزتت نصیب ما گردان * و روزی وسیعتر

أَرْزَاقِنَا عِنْدَ كِبَرِ سِنِنَا * وَاحْسِنْ أَعْمَالِنَا عِنْدَ اقْتِرَابِ ءِجَالِنَا *

را هنگام پیری ما قرار ده * و در آخر عمر اعمال ما را نیکو گردان *

وَاطَّلِ فِي طَاعَتِكَ وَمَا يُقَرِّبُ إِلَيْكَ * وَيُحْطِىٰ عِنْدَكَ وَيُزِلُّ لَدَيْكَ

در طاعتت و عمر ما را دراز کن در آنچه ما را به تو نزدیک کند * و بهره‌مند و مقرب

أَعْمَارِنَا * وَاحْسِنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِنَا وَأُمُورِنَا مَعْرِفَتِنَا * وَلَا تَكِلْنَا

گرداند * و ما را در هر حال و هر کار معرفت کامل عطا فرما * و به هیچ یک از

إِلَىٰ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَيَمُنَّ عَلَيْنَا * وَتَفَضَّلْ عَلَيْنَا بِجَمِيعِ حَوَائِجِنَا

خلقت و امگذار تا بر ما منت گذارد * و به فضل و کرم تمام حوایج دنیا

لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ * وَابْدَأْ بِأَبَائِنَا وَابْنَائِنَا وَجَمِيعِ إِخْوَانِنَا الْمُؤْمِنِينَ

و آخرت ما را برآور * و آنچه را ما بر خود از تو درخواست نمودیم

فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْنَاكَ لِأَنْفُسِنَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ إِنَّا

اول به پدران و فرزندان و برادران ایمانی ما عطا کن ای مهربانترین مهربانان عالم * خدایا ما از تو

نَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ * وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

درخواست می‌کنیم به حق اسم اعظمت * و سلطنت ابدیت * درود فرستی بر محمد (ص)

وَأَهْلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظِيمَ * إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا

و آتش * و گناه بزرگ ما را ببخشی * که گناه بزرگ ما را جز بزرگ کسی

الْعَظِيمِ * اللَّهُمَّ وَ هَذَا رَجَبُ الْمَكْرَمِ الَّذِي أَكْرَمْتَنَا بِهِ أَوَّلَ أَشْهُرِ

نمی‌بخشد * ای خدا و این ماه رجب گرامی است که تو به ما کرامت فرمودی و نخستین ماه

الْحُرْمِ * أَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ * فَلَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ *

حرام است * که میان امتها به ما از کرم عطا کردی * پس تو را سپاس می‌کنم ای صاحب جود و کرم *

فَأَسْأَلُكَ بِهِ وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ * الْأَجَلِ الْأَكْرَمِ * الَّذِي

پس از تو درخواست می‌کنم به حرمت این ماه و به حق اسم اعظم اعظم اعظمت * و بزرگتر و گرامی‌ترت * که تو او را

خَلَقْتَهُ * فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ * فَلَا يُخْرِجُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

خلق کردی و در سایه تو قرار و آرام یافت * و از تو به سوی غیر تو بیرون نگردید * درخواست می‌کنم که

مُحَمَّدٍ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ * وَ أَنْ تَجْعَلَنَا مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ

درود فرستی بر محمد و اهل بیت پاک او * و اینکه ما را هم از آنان که در این ماه به طاعتت پرداختند

* وَ الْأَمِلِينَ فِيهِ لِشَفَاعَتِكَ * اللَّهُمَّ هِدِنَا إِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ * وَ اجْعَلْ

* و چشم امید به شفاعتت دارند قرار دهی * ای خدا ما را به راه راست هدایت فرما * و آرامگاه

مَقِيلِنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ * فِي ظِلِّ ظَلِيلٍ وَ مُلْكٍ جَزِيلٍ * فَإِنَّكَ

ما را نزد خود بهترین آرامگاه قرار ده * در سایه ابدی رحمتت و ملک با عظمت آخرتت * که تو ما را

حَسْبُنَا وَ نَعْمَ الْوَكِيلُ * اللَّهُمَّ اقْلِبْنَا مُفْلِحِينَ مُنْجِحِينَ * غَيْرَ

کافی هستی و بهترین وکیل و نگهبان مایی * خدایا ما را از اهل فلاح و رستگاران عالم گردان * نه از

مَغْضُوبٍ عَلَيْنَا وَ لَا ضَالِّينَ * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ

غضب شدگان و گمراهان * به حق رحمت بی‌پایانت ای مهربانترین مهربانان عالم * خدایا از تو

أِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ * وَ بِوَجِبِ رَحْمَتِكَ * أَلْسَلَامَةً مِنْ كُلِّ

درخواست می‌کنم به حق مغفرتت که بر خود فرض کردی و به رحمتت که بر خویش واجب گردانیدی * که مرا از هر گناه

إِثْمٍ * وَ الْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ * وَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ * وَ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ *

سالم بدار * و به هر کار نیک بهره‌مند ساز * و به بهشت کامیاب گردان * و از دوزخ نجات بخش *

اللَّهُمَّ دَعَاكَ الدَّاعُونَ وَ دَعْوَتَكَ * وَ سَأَلَكَ السَّائِلُونَ وَ سَأَلْتُكَ *

ای خدا من هم چون همه اهل دعا تو را خواندم * و چون دیگر درخواست کنندگان از تو درخواست کردم *

وَ طَلَبَ إِلَيْكَ الطَّالِبُونَ وَ طَلَبْتُ إِلَيْكَ * اللَّهُمَّ أَنْتَ الثِّقَّةُ وَ الرَّجَاءُ *

و مانند سایر حاجت‌مندان از تو حاجت طلبیدم * خدایا تویی مایه اطمینان و امید خلق *

وَإِلَيْكَ مُنْتَهَى الرَّغْبَةِ فِي الدُّعَاءِ * اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ *
و منتهای رغبت و آرزوی عالم در دعا و تضرع به درگاه توست * خدایا پس درود فرست بر محمد و آلش *

وَاجْعَلِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي * وَالنُّورَ فِي بَصْرِي * وَالنَّصِيحَةَ فِي صَدْرِي *
و قلبم را یقین * و دیده‌ام را نور * و سینه‌ام را صدق و صفا کرامت کن

وَذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى لِسَانِي * وَرِزْقًا وَاسِعًا غَيْرَ مَمْنُونٍ *
و ذکرت را شب و روز بر زبان من جاری ساز * و رزق وسیع بی‌خطر و بی‌منت

وَلَا مَحْظُورٍ فَارْزُقْنِي * وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي * وَاجْعَلْ غِنَايَ فِي
خلق پس تو مرا روزی ده * و در هر چه روزیم کردی برکت بخش * و ذاتم را مستغنی

نَفْسِي * وَرَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *
از خلق * و به آنچه نزد توست مشتاق گردان * به حق رحمت ای مهربانترین مهربانان عالم.

سَجْدَةً بَرُّوْا وَبِغَوْا: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِمَعْرِفَتِهِ * وَخَصَّنَا بِوِلَايَتِهِ *
ستایش خدای را که ما را به معرفتش هدایت کرد * و به دوستی و محبتش مخصوص گردانید *

وَوَفَّقَنَا لَطَاعَتِهِ * شُكْرًا شُكْرًا * صد مرتبه. * پس سر از سجود بردار و بگو: اللَّهُمَّ
و به طاعتش موفق داشت * خدا را شکر * خدایا

إِنِّي قَصِدْتُكَ بِحَاجَتِي * وَاعْتَمَدْتُ عَلَيْكَ بِمَسْئَلَتِي * وَتَوَجَّهْتُ
حاجتم را به درگاه تو آوردم * و بر انجام درخواستم به تو اعتماد یافتم * و به وسیله پیشوایان

إِلَيْكَ بِأُمَّتِي وَسَادَتِي * اللَّهُمَّ انْفَعْنَا بِحُبِّهِمْ * وَأُورِدْنَا مَوْرِدَهُمْ *
و بزرگان دین به تو روی آوردم * خدایا ما را به دوستی آنها سودمند گردان * و در منزلگاه آنان جای ده *

وَارْزُقْنَا مُرَافَقَتَهُمْ * وَادْخِلْنَا الْجَنَّةَ فِي زَمْرَتِهِمْ * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
و رفاقتشان را نصیب ما کن * و در زمره آن بزرگواران ما را به بهشت داخل ساز * و به حق رحمت ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ * و این دعا را سید برای روز مبعث ذکر کرده. * روز بیست و هفتم: از جمله اعیاد عظیمه است
مهربانان عالم. *

و روزی است که حضرت رسول (ﷺ) در آن روز به رسالت مبعوث گردید و جبرئیل به پیغمبری بر آن حضرت

نازل شد و از برای آن چند عمل است. ۱) اول: غسل. ۲) دوم: روزه و آن یکی از چهار روزی است که در تمام

سال امتیاز دارد برای روزه گرفتن و برابر است با روزه هفتاد سال. ۳) سیّم: بسیار صلوات فرستادن. ۴) چهارم:

زیارت حضرت رسول و امیرالمؤمنین علیهما و آلهما السَّلامُ. پنجم: شیخ در مصباح فرموده از ریّان بن الصّلت مروی است که حضرت امام جواد (علیه السلام) در زمانی که در بغداد بود روز نیمه رجب و روز بیست و هفتم را روزه گرفت و جمیع حشم آن حضرت روزه گرفتند و ما را امر فرمود که به جا آوریم دوازده رکعت نماز که خوانده شود در هر رکعت حمد و سوره و بعد از فراغ از نمازها خوانده شود هر یک از حمد و توحید و مُعوذتین چهار مرتبه و

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ * وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ * وَ لَا حَوْلَ

جز خداوند معبودی نیست و خداوند بزرگتر است * و پاک و منزّه است خداوند و ستایش برای خداست * و هیچ جنبش

وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * چهار مرتبه * اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا

و نیرویی جز خداوند نیست * خداوند خداوند پروردگار من است چیزی را برایش شریک نگیرم

چهار مرتبه * لَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا * چهار مرتبه * ششم: و نیز شیخ روایت کرده از جناب

* هیچ احدی را برای پروردگارم شریک نگیرم *

ابوالقاسم حسین بن رُوح (رضی الله عنه) که فرموده: به جا می آوری در این روز دوازده رکعت نماز، می خوانی در هر رکعت

حمد و سوره ای که آسان باشد و تشهّد می خوانی و سلام می دهی و می نشینی * و می گوئی بین هر دو رکعتی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ * ستایش خدا را که فرزندی نگرفته * و شریکی در ملک وجود ندارد *

وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ * وَ كِبْرَهُ تَكْبِيرًا * يَا عِدَّتِي فِي مَدَّتِي * يَا

و به قدرت کامله از یاری خلق بی نیاز است * و او را به کبریایی و عظمت یاد کن * ای ذخیره من در همه عمر * ای رفیق من در بدبختی * ای دوستدار من در نعمت * ای دادرس من در هر چه بخواهم * ای روا کننده

صَاحِبِي فِي شِدَّتِي * يَا وَلِيَّيْ فِي نِعْمَتِي * يَا غِيَاثِي فِي رَغْبَتِي * يَا نَجَاحِي

در حاجت من * ای حافظ من در غیاب من * ای پناه من در تنهایی * ای انیس

فِي حَاجَتِي * يَا حَافِظِي فِي غَيْبَتِي * يَا كَافِيَّ فِي وَحْدَتِي * يَا أَنْسِي فِي

وَحْشَتِي * أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي * فَلَكَ الْحَمْدُ * وَأَنْتَ الْمُقِيلُ عَثْرَتِي

حال وحشت من * تو ساتر عیبهای منی * پس ستایش مخصوص توست * و تو از لغزشهای من در می گذاری

فَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْتَ الْمُنْعَشُّ صَرَعْتِي * فَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ * صَلِّ عَلَيَّ

* ستایش مخصوص توست * تو دستگیر منی چون افتادم * ستایش مخصوص توست * درود فرست

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ اسْتَرْ عَوْرَتِي * وَ ءَامِنُ رَوْعَتِي * وَ اَقْلِنِي عَثْرَتِي

بر محمد و آل محمد * و عیبهای من بپوشان * و از ترسم ایمنی بخش * و از لغزشم درگذر

وَ اصْفَحْ عَن جُرْمِي * وَ تَجَاوَزْ عَن سَيِّئَاتِي فِي اصْحَابِ الْجَنَّةِ * وَ عَدَّ

* و جرمم را عفو کن * و از گناهانم بگذر و در میان اهل بهشت * که وعده صدق

الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ * پس چون فارغ شدی از نماز و دعای خوانی هریک از حمد

و حقیقت به آنان دادند مرا داخل گردان. *

وَ اخْلَاصِ وَ مُعَوِّذَتَيْنِ وَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ رَاهِفْتِ مَرْتَبَةً * و بعد می گوئی:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ * وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ

جز خداوند معبودی نیست و خداوند بزرگتر است * و پاک و منزّه است خداوند و هیچ جنبش و نیرویی جز خداوند نیست *

هفت مرتبه * و بعد می گوئی هفت مرتبه: اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي * لاَ أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا * و می خوانی

خداوند خداوند پروردگار من است چیزی را برایش شریک نگیرم *

هر دعا که خواهی. ﴿۷﴾ هفتم: در اقبال و در بعض نسخ مصباح است که مستحب است در این روز این دعا را

بخوانند: يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ وَ التَّجَاوُزِ * وَ ضَمَّنَ نَفْسَهُ الْعَفْوَ وَ التَّجَاوُزَ

ای خدایی که ما را امر به عفو و گذشت از یکدیگر کردی * و خود هم از خطای بندگان عفو

يَا مَنْ عَفَا وَ تَجَاوَزَ * أَعْفُ عَنِّي وَ تَجَاوِزْ يَا كَرِيمُ * اللَّهُمَّ وَ قَدْ أَكْدَى

و گذشت فرمودی * از من هم ای خدای کریم درگذر * ای خدا من در آنچه می طلبم به رنج

الطَّلَبِ * وَ أَعَيْتِ الْحِيلَةَ وَ الْمَذْهَبَ * وَ دَرَسْتِ الْأَمَالَ * وَ انْقَطَعَ

و سختی افتادم * و از راه و چاره جویی عاجزم * و آرزوها نابود * و امید من

الرَّجَاءُ إِلاَّ مِنْكَ * وَ حَدَّكَ لاَ شَرِيكَ لَكَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سَبِيلَ

قطع گردید از غیر تو * یکتای بی شریک * ای خدا من یافتم که

الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً * وَ مَنَاهِلَ الرَّجَاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً * وَ أَبْوَابَ

راه هر مقصودی به سوی تو باز است * و سرچشمه هر امید و آرزو که به تو دارند پر آب است * و درهای

الدُّعَاءُ لِمَنْ دَعَاكَ مُفْتَحَةً * وَالِاسْتِعَانَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مُبَاحَةً *

اجابت به روی هر که دعا کند به درگاهت باز است * و یاری برای کسی که از تو یاری طلبد مباح و مهیاست *

وَاعْلَمْ أَنَّكَ لِدَاعِيكَ بِمَوْضِعِ اجَابَةٍ * وَ لِلصَّارِحِ إِلَيْكَ بِمَرَصِدٍ *

و من می‌دانم که تو دعای هر که بخواندت به مقام اجابت می‌گذاری * و هر که تو را فریاد کند کاملاً مراقبی *

إِغَاثَةٍ * وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالضَّمَانِ بَعْدَتِكَ عَوْضًا مِنْ مَنَعِ *

و به فریادش می‌رسی * و می‌دانم که در تضرع به درگاه جود و کرمت و التزام به وعدهات عوضاً کاملی است *

الْبَاخِلِينَ * وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَثَارِينَ * وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ *

از منع و بخل سفله‌گان * و بی‌نیازی از ثروت توانگران خواهد بود * و می‌دانم که تو از خلق *

عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجِبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ * وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ أَفْضَلَ *

پنهان نیستی جز آنکه آرزوها و اعمال ناروا میان تو و خلق حجاب گردد * و می‌دانم که بهترین توشه آنکه *

زَادَ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ عَزْمَ ارَادَةٍ يَخْتَارُكَ بِهَا * وَقَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ *

به سوی تو سفر کند همانا اراده ثابت است و خالص که تنها تو را بخواند * و دل من با اراده ثابت با تو *

قَلْبِي * وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعَاكَ بِهَا رَاجٍ بَلَّغْتَهُ وَأَمَلَهُ * أَوْ صَارِحًا *

راز و نیاز می‌کند * پس من تو را می‌خوانم به آن دعایی که هر امیدواری کرد به امیدش رسانیدی * و هر فریاد خواهی *

إِلَيْكَ أَغْتَتِ صَرَخْتَهُ * أَوْ مَلْهُوفٍ مَكْرُوبٍ فَرَجَّتْ كَرْبَهُ * أَوْ *

را به فریادش رسیدی * و هر درمانده اندوهناکی را دلشاد گردانیدی * و یا *

مُذْنِبٍ خَاطِئٍ غَفَرْتَ لَهُ * أَوْ مُعَافَى أَتَمَمْتَ نِعْمَتَكَ عَلَيْهِ * أَوْ *

مجرم و خطا کار را آمرزیدی * یا سلامت یافته را نعمت کامل کردی * یا *

فَقِيرٍ أَهْدَيْتَ غِنَاكَ إِلَيْهِ * وَلِتِلْكَ الدَّعْوَةُ عَلَيْكَ حَقٌّ وَعِنْدَكَ مَنزَلَةٌ *

فقیر را از غنای خود بر او هدیه فرستادی * و به اینچنین دعای خالص که برای تو حق و نزد تو مقامی دارد *

إِلَّا صَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَقَضَيْتَ حَوَائِجِي حَوَائِجِ *

* تو را می‌خوانم که بر محمد (ص) و آلش درود فرستی * و حاجتهای دنیا و آخرت *

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ * وَهَذَا رَجَبُ الْمُرَجَّبِ الْمَكْرَمِ * الَّذِي أَكْرَمْتَنَا بِهِ *

مرا روا سازی * و این است ماه رجب با عظمت * و کرامت و نخستین *

أَوَّلُ أَشْهُرِ الْحُرْمِ * أَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ * يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ *

ماه حرام * که به ما از میان امتهای اکرام کردی * ای صاحب جود و کرم *

فَنَسئَلُكَ بِهِ وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ * الْأَجَلِ الْأَكْرَمِ *

پس از تو درخواست می‌کنیم به حرمت این ماه و به اسم اعظم اعظم اعظمت * که بزرگتر و گرامیترین نام توست *

الَّذِي خَلَقْتَهُ وَ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ * فَلَا يُخْرِجُ مِنْكَ إِلَىٰ غَيْرِكَ * أَنْ تُصَلِّيَ

که آن را آفریدی و در ظل خود آرامش دادی * و از تو به سوی غیر تو بیرون نگردید * که بر

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ * وَ تَجْعَلْنَا مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ

محمد و اهل بیت پاکش درود فرستی * و ما را از کسانی که در این ماه به طاعتت

بِطَاعَتِكَ * وَ الْأَمِلِينَ فِيهِ بِشَفَاعَتِكَ * اللَّهُمَّ وَ اهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ

پرداخته * و به شفاعت چشم امید دارند قرار دهی * ای خدا و ما را به راه راست

السَّبِيلِ * وَ اجْعَلْ مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ فِي ظِلِّ ظَلِيلٍ * فَإِنَّكَ

هدایت فرما * و آرامگاه ما را نزد خود در سایه پاینده خود بهترین منزل قرار ده * که تو

حَسْبُنَا وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ * وَ السَّلَامُ عَلَىٰ عِبَادِهِ الْمُصْطَفِينَ * وَ صَلَوَاتُهُ وَ

ما را کافی و نیکو نگهبانی * سلام بر بندگان برگزیده او * و تحیت

(صَلَاتُهُ) عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ * اللَّهُمَّ وَ بَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي

و رحمتهايش بر همه آنان باد * ای خدا و برکت ده به ما در این روز (مبعث) که

فَضَلْتَهُ * وَ بِكَرَامَتِكَ جَلَلْتَهُ * وَ بِالْمَنْزِلِ الْعَظِيمِ الْأَعْلَىٰ أَنْزَلْتَهُ * وَ

آن را فضیلت و کرامت و جلالت بخشیدی * و در بلندترین مقام با عظمتش قرار دادی *

صَلَّ عَلَىٰ مَنْ فِيهِ إِلَىٰ عِبَادِكَ أَرْسَلْتَهُ * وَ بِالْمَحَلِّ الْكَرِيمِ أَحَلَلْتَهُ * وَ

درود فرست بر آن کسی که در این روزش به سوی بندگان به رسالت فرستادی * و به محل قرب و کرامتش منزل دادی

* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً دَائِمَةً تَكُونُ لَكَ شُكْرًا وَ لَنَا ذِكْرًا *

* ای خدا درود فرست بر او درودی که پیوسته تو را شکر و سپاس باشد و مرا ذخیره *

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا * وَ اخْتِمْ لَنَا بِالسَّعَادَةِ إِلَىٰ مُنْتَهَىٰ أَعْمَالِنَا

و کار ما را آسان گردان * و خاتمه کار ما را سعادت گردان تا انتهای عمر

* وَ قَدْ قَبِلْتَ الْيَسِيرَ مِنْ أَعْمَالِنَا * وَ بَلَّغْتَنَا بِرَحْمَتِكَ أَفْضَلَ أَمَانِنَا

* و همانا تو اعمال اندک ما را پذیرفتی * و به لطف و رحمتت ما را به بهترین آرزوهایمان رسانیدی

* إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ *

* که البته تو بر هر چیز توانایی * و درود و تحیت فرست بر محمد (ص) و آلش. *

مؤلف گوید که: این دعا را حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) خواند در آن روزی که آن جناب را به جانب بغداد حرکت دادند و آن روز بیست و هفتم رجب بود و این دعا از مذخور ادعیه رجب است. **۸** هشتم: سید در اقبال فرموده بخواند: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالنَّجْلِ الْأَعْظَمِ الدُّعَاءِ**. و این دعا به روایت کفعمی در اعمال شب این روز گذشت. **روز آخر ماه:** غسل در آن وارده شده و روزه اش سبب آموزش گناهان گذشته و آینده است و نماز سلمان به نحوی است که در روز اول گذشت.

فصل دویم: در فضیلت و اعمال ماه شعبان است

بدان که شعبان ماه بسیار شریفی است و منسوب است به حضرت سید انبیاء (صلی الله علیه و آله) و آن حضرت این ماه را روزه می داشت و وصل می کرد به ماه رمضان و می فرمود: شعبان ماه من است هر که یک روز از ماه مرا روزه بدارد بهشت او را واجب شود * و از حضرت صادق (علیه السلام) روایت است که چون ماه شعبان داخل می شد حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) اصحاب خود را جمع می نمود و می فرمود: ای گروه اصحاب من می دانید این چه ماهی است؟ این ماه شعبان است و حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) می فرمود: شعبان ماه من است پس روزه بدارید در این ماه برای محبت پیغمبر خود و برای تقرب به سوی پروردگار خود بحق آن خدایی که جان علی بن الحسین به دست قدرت اوست سوگند یاد می کنم که از پدرم حسین بن علی (علیه السلام) شنیدم که فرمود: شنیدم از امیرالمؤمنین (علیه السلام) که هر که روزه دارد شعبان را برای محبت پیغمبر خدا و تقرب به سوی خدا، دوست دارد خدا او را و نزدیک گرداند او را به کرامت خود در روز قیامت و بهشت را برای او واجب گرداند. * و شیخ روایت کرده از صفوان جمال که گفت: فرمود به من حضرت صادق (علیه السلام) که وادار کن کسانی را که در ناحیه و اطراف تو هستند بر روزه شعبان. گفتیم: فدایت شوم مگر می بینی در فضیلت آن چیزی؟ فرمود: بلی به درستی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هرگاه می دید هلال شعبان را امر می فرمود منادی را که ندا می کرد در مدینه، ای اهل مدینه من رسولم از جانب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به سوی شما، می فرماید: آگاه باشید به درستی که شعبان ماه من است پس خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من یعنی روزه بدارد آن را. * پس گفت حضرت صادق (علیه السلام) که امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمود: که فوت نشد از من روزه شعبان از زمانی که شنیدم منادی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ندا کرد در شعبان، و فوت نخواهد شد از من تا مدتی که حیات دارم انشاء الله تعالی. * پس می فرمود که: روزه دو ماه

که شعبان و رمضان باشد توبه و مغفرت است از خدا. * و روایت کرده اسماعیل بن عبد الخالق که گفت: بودم نزد حضرت صادق (علیه السلام) که در میان آمد ذکر روزه شعبان، حضرت فرمود که: در فضیلت روزه شعبان چنین و چنان است، حتی آنکه مردی مرتکب خون حرام می شود پس روزه می گیرد شعبان را، نفع می بخشد او را و آمرزیده می شود. * و بدان که اعمال این ماه شریف بر دو قسم است: اعمال مشترکه و اعمال مختصه، اما اعمال مشترکه پس آن چند امر است: **۱** اول: هر روز هفتاد مرتبه بگویند: **اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَ اَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ** **۲** دویم: هر روز هفتاد مرتبه بگویند **اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ** * و **اَتُوْبُ اِلَيْهِ** * و در بعضی روایات **اَلْحَيُّ الْقَيُّوْمُ** پیش از **الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ** است و عمل به هر دو خوب است * و از روایات مستفاد می شود که بهترین دعاها و ذکرها در این ماه، استغفار است * و هر که هر روز از این ماه استغفار کند هفتاد مرتبه، مثل آن است که هفتاد هزار در ماههای دیگر استغفار کند. **۳** سیّم: تصدّق کند در این ماه اگر چه به نصف دانه خرمایی باشد تا حق تعالی بدن او را بر آتش جهنّم حرام گرداند. * از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که از آن جناب سؤال کردند از فضیلت روزه رجب، فرمود: چرا غافلید از روزه شعبان؟ راوی عرض کرد: یابن رسول الله چه ثواب دارد کسی که یک روز از شعبان را روزه بدارد؟ فرمود: به خدا قسم بهشت ثواب اوست. عرض کرد: یابن رسول الله بهترین اعمال در این ماه چیست؟ فرمود: تصدّق و استغفار. هر که تصدّق کند در ماه شعبان حق تعالی آن را تربیت کند همچنان که یکی از شما شتر بیچّه اش را تربیت می کند تا آنکه در روز قیامت برسد به صاحبش در حالتی که به قدر کوه اُحُد شده باشد. **۴** چهارم: در تمام این ماه هزار بار بگویند: **لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ * وَ لَا نَعْبُدُ اِلَّا اِيَّاهُ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ * وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ** که ثواب بسیار دارد از جمله آنکه عبادت هزار ساله در نامه عملش بنویسند. **۵** پنجم: در هر پنجشنبه این ماه دو رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد بار صلوات بفرستد تا حق تعالی بر آورد هر حاجتی که دارد از امر دین و دنیای خود و روزه اش نیز فضیلت دارد، * و روایت شده که در هر روز پنجشنبه ماه شعبان زینت می کنند آسمانها را، پس ملائکه عرض می کنند خداوندایا بیامرز روزه داران این روز را و دعای ایشان را مستجاب گردان * و در خبر نبوی است که هر که روز دوشنبه و پنجشنبه شعبان را روزه دارد حقّ تعالی بیست حاجت از حوائج دنیا و بیست حاجت از حاجتهای آخرت او را بر آورد. **۶** ششم: در

این ماه صلوات بسیار فرستند. ﴿۷﴾ هفتم: در هر روز از شعبان در وقت زوال و در شب نیمه آن بخواند این

صلوات مرویه از حضرت امام زین العابدین (علیه السلام): **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**

خدایا درود فرست بر محمد «ص» و آتش

﴿ شَجَرَةَ النَّبُوَّةِ ﴾ و ﴿ مَوْضِعَ الرِّسَالَةِ ﴾ و ﴿ جَايْغَاهَ رَفْتِ ﴾ و ﴿ أَمَدَ فَرَشْتِكَا ﴾

* که درخت نبوتند * و محل رسالت * و جایگاه رفت و آمد فرشتگان *

و ﴿ مَعْدِنَ الْعِلْمِ ﴾ و ﴿ أَهْلَ بَيْتِ الْوَحْيِ ﴾ **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ**

و معدن علم و حکمت * و خاندان وحی‌اند * خدایا درود فرست بر محمد «ص»

﴿ مُحَمَّدٍ ﴾ ﴿ أَلْفِكَ الْجَارِيَةِ فِي الدُّجَى الْغَامِرَةِ ﴾ ﴿ يَأْمَنُ مِنْ رَكْبِهَا ﴾ و ﴿ يَغْرَقُ

و آتش * که آنان کشتی دریای معرفتند و روان در اعماق آن دریا * هر کس بر آن کشتی در آید از غرق ایمن است * و هر کس در نیاید

﴿ مِنْ تَرْكِهَا ﴾ ﴿ أَلْتَقَدِّمَ لَهُمْ مَارِقَ ﴾ و ﴿ أَلْتَأَخَّرُ عَنْهُمْ زَاهِقَ ﴾ و ﴿ أَللَّازِمَ

به دریای هلاکت غرق خواهد شد * هر کس بر آنها تقدم جوید از دین خارج شود * و هر کس از آنان عقب ماند نابود گردد * و هر کس

﴿ لَهُمْ لِأَحَقَّ ﴾ **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** ﴿ أَلْكَهْفِ الْمُحْصِينَ

همراه آنان باشد ملحق به آنها خواهد شد * خدایا درود فرست بر محمد «ص» و آتش * که حصار محکم امتند

﴿ وَغِيَاثِ الْمُضْطَّرِّ الْمُسْتَكِينِ ﴾ و ﴿ مَلْجَا الْهَارِبِينَ ﴾ و ﴿ عِصْمَةِ

* و فریادرس بیچارگان و درماندگان * و پناه گریختگان * و نگهبان

﴿ الْمُعْتَصِمِينَ ﴾ **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** ﴿ صَلَاةً كَثِيرَةً

عصمت طلبان‌اند * خدایا درود فرست بر محمد «ص» و آتش * درود بسیار که آن

﴿ تَكُونُ لَهُمْ رِضَى ﴾ و ﴿ حَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ آدَاءَ وَقَضَاءَ ﴾ ﴿ بِحَوْلِ

درود موجب خشنودی آنها باشد * و ادای حق آنها بر ما شود * به حول

﴿ مِنْكَ وَقُوَّةِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴾ **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**

و قوه تو ای خدای عالمیان * خدایا درود فرست بر محمد «ص» و آتش *

﴿ الطَّيِّبِينَ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ الَّذِينَ أَوْجَبَتْ حُقُوقَهُمْ ﴾ و ﴿ فَرَضَتْ

که پاکان و نیکان و برگزیدگان عالمند * که بر ما واجب کردی حقوقشان را * و طاعت

﴿ طَاعَتَهُمْ وَوَلَايَتَهُمْ ﴾ **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** ﴿ وَاعْمُرْ

و محبتشان را فرض نمودی * خدایا درود فرست بر محمد «ص» و آتش * و قلب مرا

قَلْبِي بِطَاعَتِكَ * وَلَا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ * وَارْزُقْنِي مُوَاَسَاةً مِّنْ قَتَرْتِ

بِه طاعتت پر نور و معمور ساز * و مرا به عصیان خود رسوا و خوار مگردان * و روزیم کن که مواسات کنم با

عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ * بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ * وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ

فقیران که رزقشان تنگ نمودی * به وسعتی که از فضل و کرمت به من عطا کردی * تا عدالت تو را منتشر

عَدْلِكَ * وَاحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ * وَهَذَا شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ *

گردانم * و مرا زنده بدار در سایهٔ عنایتت * و این است شعبان ماه رسولت سید پیغمبران *

شَعْبَانَ الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ * الَّذِي كَانَ رَسُولُ

که این ماه را به رحمت و رضا و خوشنودیت در پوشیده‌ای * و رسولت

اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ * يَدَّابُ فِي صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ * فِي

صلی الله علیه و آله و سلم * جهد و کوشش بسیار به نماز و روزه * در شبها

لِيَالِيهِ وَآيَاتِهِ * بِخَوْعًا لَكَ فِي إِكْرَامِهِ وَاعْظَامِهِ * إِلَى مَحَلِّ حِمَامِهِ

و روزهای این ماه داشت * و برای فروتنی به درگاه تو این ماه را تا به آخر محترم و گرامی می‌داشت

* اللَّهُمَّ فَاعِنَا عَلَى الْإِسْتِنَانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ * وَنَيْلِ الشَّفَاعَةِ لَدَيْهِ *

* ای خدا پس تو ما را هم یاری فرما بر پیروی سنتش * و به شفاعتش نایل گردان *

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْهُ لِي شَفِيعًا مُشْفَعًا * وَطَرِيقًا إِلَيْكَ مَهْيَعًا * وَاجْعَلْنِي

خدایا و حضرتش را برای من شفیع مقبول الشفاعه قرار ده * و طریق مستقیم هموار به سوی خود گردان * و مرا پیرو آن

لَهُ * وَمُتَّبِعًا * حَتَّى الْقَائِلِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنِّي رَاضِيًا * وَعَنْ ذُنُوبِي غَاضِيًا

بزرگوار ساز * تا روزی که تو را ملاقات می‌کنم که روز قیامت است در آن روز از من خوشنود باشی * و از گناهانم چشم پوشی

* قَدْ أَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانَ * وَأَنْزَلْتَنِي دَارَ الْقَرَارِ

* در حالی که لطف و رحمتت را بر من حتم فرموده و مرا در منزل همیشگی * بهشت ابد که محل

وَ مَحَلِّ الْأَخْيَارِ ﴿٨﴾ هشتم: بخواند این مناجات مرویه از ابن خالویه را که نقل کرده و گفته این

خوبان است منزل دهی. *

مناجات حضرت امیرالمؤمنین و امامان از فرزندان او (علیهم السلام) است که در ماه شعبان می‌خوانند: اللَّهُمَّ صَلِّ

ای خدا درود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ * وَاسْمَعْ نِدَائِي

فرست بر محمد و آلش * و چون تو را بخوانم دعای مرا اجابت فرما * و هرگاه تو را

إِذَا نَادَيْتُكَ * وَأَقْبَلَ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ * فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ * وَوَقَفْتُ

ندا کنم، ندایم بشنو * و چون با تو مناجات کنم به حال توجه فرما * که من به سوی تو گریخته‌ام * و در حضور حضرتت

بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ * رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ ثَوَابِي *

ایستاده در حالی که به درگاهت به حال پریشانی تضرع و زاری می‌کنم * و به آنچه نزد توست، چشم امید به پاداش خود دارم *

وَتَعَلَّمُ مَا فِي نَفْسِي * وَتَخْبُرُ حَاجَتِي * وَتَعْرِفُ ضَمِيرِي * وَلَا يَخْفَى

و تو از دلم آگاهی * و حاجتم را می‌دانی * و ضمیر مرا می‌شناسی * و هیچ امری

عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ * وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أَبْدِيَّ بِهِ مِنْ مَنطِقِي

از امور دنیا و آخرت من، بر تو پنهان نیست * و آنچه می‌خواهم که به زبان اظهار کنم و از

وَ اتَّفَوَّهُ بِهِ مِنْ طَلْبَتِي * وَ أَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي * وَ قَدْ جَرَتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ

حوائج من سخن گویم، همه را می‌دانی * و (می‌دانی) آنچه برای حسن عاقبتم به تو امید دارم * و حکم تقدیر تو

يَا سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ عُمُرِي * مِنْ سَرِيرَتِي وَ عِلَانِيَّتِي *

بر من ای سید من تا آخر عمر جاری و نافذ است * (آنچه که) در باطن و ظاهر من (هست) *

وَ بَيْدِكَ لَا بَيْدَ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَ نَقْصِي وَ نَفْعِي وَ ضَرِّي * إِلَهِي أَنْ حَرَمْتَنِي

و هر زیادت و نقصان که بر من وارد آمده، همه به دست توست نه غیر تو و (هر آنچه از) سود و زیان * ای خدا اگر تو مرا از رزقت محروم

فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي * وَ أَنْ خَذَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي * إِلَهِي أَعُوذُ

سازی دیگر که تواند مرا روزی دهد * و اگر تو مرا خوار گردانی که مرا یاری تواند کرد * ای خدا به تو

بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَ حُلُولِ سَخَطِكَ * إِلَهِي أَنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ

پناه می‌برم از غضب تو و از ورود خشم و سخطت * ای خدا اگر من لایق رحمتت

لِرَحْمَتِكَ * فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ * إِلَهِي كَأَنِّي

نیستم * تو لایقی که بر من از فضل و کرم بی‌پایانت جود و بخشش کنی * ای خدای من، گویا

بِنَفْسِي وَاقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ * وَ قَدْ أَظْلَمْتُ حَسَنَ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ * فَقُلْتُ

من اکنون در حضور تو ایستاده‌ام * و حسن توکل من بر تو به سرم سایه لطف انداخته * و آنچه از کرم و احسان

(فَفَعَلْتُ) مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * وَ تَغَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ * إِلَهِي أَنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى

تو را شایسته است با من به‌جا آورده‌ای و عفو و آمرزشت مرا فرا گرفته است * ای خدا اگر تو مرا عفو کنی، که از تو

مِنْكَ بِذَلِكَ * وَ أَنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَ لَمْ يَدْنِي (يَدْنُ) مِنْكَ عَمَلِي *

سزاوارتر به عفو است * و اگر اجل من نزدیک شد و عمل صالحم مرا به تو نزدیک نکرد *

فَقَدْ جَعَلْتُ الْأَقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسَيَلْتِي * إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى

من هم اقرار به گناهانم را وسیله عفو تو قرار داده‌ام * خدایا من در توجهم به نفس خود

نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا * فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا * إِلَهِي لَمْ يَزَلْ بَرُكَ

بر خویش ستم کردم * پس ای وای بر نفس من اگر تو او را نیامیزی * ای خدا چنانکه لطف و احسانت

عَلَى أَيَّامِ حَيَاتِي * فَلَا تَقْطَعْ بَرُكَ عَنِّي فِي مَمَاتِي * إِلَهِي كَيْفَ آيَسُ مِنْ

در تمام مدت زندگی شامل حالم بود * پس در مرگ مرا از احسانت محروم مساز * ای خدا چگونه مأیوس از

حُسْنِ نَظْرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي * وَأَنْتَ لَمْ تُؤَلِّنِي (تَوْلْنِي) إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي

احسانت بعد مردنم شوم * و حال آنکه تو در تمام عمرم با من جز به نیکی و احسان عمل نکردی

* إِلَهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * وَعُدَّ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ مُذْنِبٌ

* ای خدا با من آن کن که تو را شاید (نه آنچه مرا باید) * و باز هم ترحم فرما به فضل و کرم بر گنهاری که در

قَدْ غَمَّرَهُ وَجْهَهُ * إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا * وَأَنَا أَحْوَجُ

لِجَهِّ غَنَاهُ مِنْ جَهْلِ وَ نَادَانِي فَرُو رَفْتَهُ * ای خدا تو در دار دنیا گناهانم را از تمام خلق پنهان داشتی * و من محتاج‌ترم

إِلَى سَتْرِهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرَةِ * (إِلَهِي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ) إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا

به ستارتیت، در آخرت (بیش از دنیا) * و چون لطف کردی و گناهانم را

لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ * فَلَا تَفْضُحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ رُءُوسِ

بر هیچ بنده صالحی آشکار نکردی * پس روز قیامت هم مرا مفتضح و رسوا در حضور جمیع خلائق

الْأَشْهَادِ * إِلَهِي جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِي * وَ عَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِي * إِلَهِي

مگردان * خدایا جود و بخششت بساط آرزوی مرا گسترده * و عفو تو بهتر از عمل من است * ای خدا

فَسُرَّنِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضَى فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ * إِلَهِي اعْتَذَرِي إِلَيْكَ

مرا به لقاء خود شاد گردان آن روزی که میان بندگان حکم می‌کنی * ای خدا من به درگاهت عذر می‌خواهم

اعْتَذَارُ مَنْ لَمْ يَسْتَغْنِ عَنْ قَبُولِ عُدْرِهِ * فَاقْبَلْ عُدْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ

چون کسی که به قبول عذر، سخت محتاج است * پس عذرم بپذیر ای کریم‌ترین کسی که

اعْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ * إِلَهِي لَا تَرُدَّ حَاجَتِي * وَلَا تُخَيِّبْ طَمَعِي *

گنهکاران از او معذرت می‌طلبند * ای خدا حاجتم را رد مکن * و دست طمعم را از درگاهت محروم برمگردان *

وَلَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجَائِي وَ أَمَلِي * إِلَهِي لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي * وَ لَوْ

و امید و آرزویم را از لطف و کرمت منقطع مساز * ای خدا اگر تو اراده خواری من داشتی، به هدایت و احسانت سرفرازم نمی‌کردی * و اگر

أَرَدْتُ فَضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي * إِلَهِي مَا أَظْنُكَ تَرُدُّنِي فِي حَاجَةٍ قَدْ

می‌خواستی مرا رسوا سازی، در دنیا معافم نمی‌فرمودی * ای خدای من هرگز به تو این گمان نمی‌برم که حاجتی که به تو

أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي طَلِبِهَا مِنْكَ * إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا * دَائِمًا

دارم و عمرم را در طلبش فانی کردم، باز روان سازی * ای خدا حمد و ثنا مختص توست حمد ابدی * و دایم

سَرْمَدًا * يَزِيدُ وَلَا يَبِيدُ كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى * إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي

سرمدی * که همی بیفزاید و هرگز فنا نپذیرد، چنانکه تو دوست بداری و بپسندی * ای خدا اگر مرا به جرمم مؤاخذه کنی،

أَخَذْتَكَ بِعَفْوِكَ * وَإِنْ أَخَذْتَنِي بِذُنُوبِي أَخَذْتَكَ بِمَغْفِرَتِكَ * وَإِنْ

تو را به عفو تو مؤاخذه می‌کنم * و اگر مرا به گناهانم بازخواست کنی تو را به مغفرت باز خواست کنم * و اگر مرا

أَدَخَلْتَنِي النَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا إِنْ أَحْبَبَكَ * إِلَهِي إِنْ كَانَ صَغْرُفِي

به آتش دوزخ ببری اهل آتش را آگاه خواهم کرد، که من تو را دوست می‌داشتم * ای خدا اگر در مقابل

جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي * فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي * إِلَهِي كَيْفَ

طاعتت، عملم اندک است * در مقابل رجاء و امید به کرمت، آرزویم بسیار است * ای خدا چگونه

أَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخَيْبَةِ مَحْرُومًا * وَقَدْ كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ

از درگاه لطف محروم و ناامید برگردم * در صورتی که به جود و احسان تو حسن ظن بسیار داشتم

أَنْ تَقْلِبَنِي بِالنَّجَاةِ مَرْحُومًا * إِلَهِي وَقَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي شِرَّةِ السَّهْوِ

که به حالم ترحم کرده و عاقبت از اهل نجاتم می‌گردانی * ای خدا عمرم را فانی ساختم با درد و غفلت

عَنْكَ * وَأَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرَةِ التَّبَاعُدِ مِنْكَ * إِلَهِي فَلَمْ أَسْتَيْقِظْ

از تو * و بفرسودم جوانیم را، در مستی بعد از تو * ای خدا پس بیدار نشدم

أَيَّامَ اغْتِرَارِي بِكَ * وَرَكُونِي إِلَى سَبِيلِ سَخَطِكَ * إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ

روزگاری را که مغرور کرمتم بودم * و به راه سخط و غضبت می‌رفتم * ای خدا من بنده تو

وَإِبْنُ عَبْدِكَ * قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ * مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ * إِلَهِي أَنَا

و فرزند بنده توام * که در پیشگاه حضور ایستاده‌ام * و کرم و رحمت را به سویت، وسیله خود قرار داده‌ام * ای خدا منم

عَبْدٌ أَتَنَصَّلُ إِلَيْكَ مِمَّا كُنْتُ أَوَاجِهَكَ بِهِ مِنْ قِلَّةِ اسْتِحْيَائِي مِنْ

بنده‌ای که به عذر خواهی به درگاهت آمده‌ام از اعمال زشتی که به‌جا آورده‌ام به واسطه قلت حیا به حضورت

نَظْرِكَ * وَأَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ إِذِ الْعَفْوَ نَعْتُ لِكَرَمِكَ * إِلَهِي لَمْ يَكُنْ

و در نظرت * و از تو عفو و بخشش می‌طلبم که عفو، وصف کرم توست * ای خدا من ندارم

لِي حَوْلٍ فَانْتَقِلْ بِهِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ إِلَّا فِي وَقْتٍ أَيْقِظْتَنِي لِمَحَبَّتِكَ

قدرتی را که از معصیت باز گردم مگر آنکه تو به عشق و محبت مرا بیدار گردانی *

وَ كَمَا أَرَدْتَ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ * فَشَكَرْتُكَ بِإِدْخَالِي فِي كَرَمِكَ * وَ لِتَطْهِيرِ

یا آنکه چنانکه تو می‌خواهی باشم * و شکر تو گویم، چون مرا به کرمت داخل کردی * و قلبم را

قَلْبِي مِنْ أَوْسَاخِ الْغَفْلَةِ عِنْدَكَ * اَللّٰهُمَّ اَنْظُرْ اِلَى نَظَرٍ مِّنْ نَّادِيَّتِهِ * وَ

از پلیدی‌های غفلت، پاک و پاکیزه گردانیدی * ای خدا از لطف به حال من چنان بنگر که به کسی که او را خواندی و اجابت

فَاجَابِكَ * وَ اسْتَعْمَلْتَهُ * وَ بِمَعُونَتِكَ فَاطَاعَكَ * يَا قَرِيبًا لَا يَبْعُدُ عَن

کرد، می‌نگری * و به کار طاعت و اداشتی و اطاعتت نمود * ای نزدیکی که هرگز دور از آنکه فریفته

الْمُغْتَرِّبِهِ * وَ يَا جَوَادًا لَا يَبْخُلُ عَمَّنْ رَجَا ثَوَابَهُ * اَللّٰهُمَّ هَبْ لِي قَلْبًا

توست نمی‌شوی * و ای با جود و کرمی که هرگز بخل بر آنکه امید احسانت دارد، نمی‌کنی * ای خدا به من دلی عطا کن

يُدْنِيهِ مِنْكَ شَوْقَهُ * وَ لِسَانًا يَرْفَعُ اِلَيْكَ صِدْقَهُ * وَ نَظْرًا يَقْرَبُهُ * وَ

که مشتاق مقام قرب تو باشد * و زبانی که سخن صدقش، به سوی تو بالا رود * و نظر حقیقتی که

مِنْكَ حَقَّهُ * اَللّٰهُمَّ اِنْ مِّنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرِ مَجْهُولٍ * وَ مِّنْ لَّا ذَبَكَ غَيْرُ

تقرب تو جوید * ای خدا آنکه به تو معروف شد، هرگز مجهول و بی‌نام نشود * و هر که به تو پناه آورد هرگز

مَخْذُولٍ * وَ مِّنْ اَقْبَلَتْ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ (مَمْلُولٍ) * اَللّٰهُمَّ اِنْ مِّنْ اَنْتَهَجَ

خوار نگردد * و هر که تو به او توجه کنی بنده دیگری نشود * ای خدا هر که به تو راه

بِكَ لِمُسْتَنْبِرٍ * وَ اِنْ مِّنْ اَعْتَصَمَ بِكَ لِمُسْتَجِيرٍ * وَ قَدْ لَذَّتْ بِكَ يَا

یافت، روشن شد * و هر که به تو پناه بُرد، پناه یافت * و من به درگاه تو پناه آورده‌ام پس تو

اَللّٰهُمَّ * فَلَا تُخَيِّبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ * وَ لَا تُحْجِبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ * اَللّٰهُمَّ

ای خدا * حسن ظن مرا به رحمتت نومید مساز * و از فروغ رأفت و عنایتت مرا محجوب مگردان * ای خدا

اَقْمِنِي فِي اَهْلِ وَاوَالِيَّتِكَ مُقَامًا مِّنْ رَّجَا الزِّيَادَةِ مِنْ مَحَبَّتِكَ * اَللّٰهُمَّ

مرا در میان اولیاء خود مقام آن‌کس را بخش که به امید زیاد شدن محبت توست * ای خدا

وَ اَلْهَمْنِي وَ لَهَا بِذِكْرِكَ اِلَى ذِكْرِكَ * وَ هَمَّتِي فِي رَوْحِ نَجَاحِ اَسْمَائِكَ

و مرا واله و حیران یاد خود، برای یاد خود گردان * و همتم را بر نشاط و فیروزی در اسماء خود و مقام

وَ مَحَلِّ قُدْسِكَ * اَللّٰهُمَّ بِكَ عَلَيْكَ اِلَّا الْحَقَّتَنِي بِمَحَلِّ اَهْلِ طَاعَتِكَ *

قدس خویش موقوف ساز * ای خدا به ذات پاکت و به حقی که تو را بر خلق است قسم، که مرا به اهل طاعتت ملحق ساز *

وَالْمَثْوَى الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ * فَاِنِّي لَا اَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعًا * وَلَا اَمْلِكُ

و منزل شایسته از مقام رضا و خوشنودیت عطا فرما * که من قادر نیستم دفع شری از خود کنم * یا جلب نفعی

لَهَا نَفْعًا * اَللّٰهُ اَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمَذْنِبُ * وَ مَمْلُوكُكَ الْمُنِيبُ

برای خود کنم * ای خدا من بنده ضعیف گنهکار هستم * و بنده توبه‌کار پر عیب و نقص

(الْمُعِيبُ) * فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفَتْ عَنْهُ وَجْهَكَ * وَ حَجَبَهُ سَهْوَهُ وَ

توأم * پس مرا از آنان که روی از آنها می‌گردانی قرار مده * و (از آنان که) به غفلت از عفت و محجوب

عَنْ عَفْوِكَ * اَللّٰهُ هَبْ لِي كَمَالَ الْاِنْقِطَاعِ اِلَيْكَ * وَ اِنْرِ ابْصَارَ قُلُوبِنَا

شدند، قرار مده * ای خدا مرا وارستگی کامل به سوی خود عطا فرما * و روشن ساز دیده‌های دل ما را، به

بُضِيَاءٍ نَظَرَهَا اِلَيْكَ * حَتَّى تَحْرِقَ ابْصَارُ الْقُلُوبِ حُجَبَ النُّورِ *

نوری که به آن نور تو را مشاهده کند * تا آنکه دیده بصیرت ما حجاب‌های نور را بر درد *

فَتَصِلْ اِلَى مَعْدِنِ الْعِظْمَةِ * وَ تَصِيرْ اَرْوَاحَنَا مَعْلَقَةً بَعزِ قُدْسِكَ *

و به نور عظمت واصل گردد * و جان‌های ما به مقام قدس عزتت بپیوندد *

اَللّٰهُ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ وَ فَاجَابَكَ * وَ لَاحِظْتَهُ وَ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ

ای خدا مرا از آنان قرار ده که چون او را ندا کنی تو را اجابت می‌کند * و چون به او متوجه شوی از تجلی جلال و عظمتت مدهوش می‌گردد

* فَنَاجِيْتَهُ سِرًّا وَ عَمَلٌ لَكَ جَهْرًا * اَللّٰهُ لَمْ اَسْلُطْ عَلٰى حُسْنِ ظَنِّي

* پس تو با او در باطن راز می‌گویی و او به عیان به کار تو مشغول است * ای خدا بر حسن ظنم به تو یأس و ناامیدی

قُنُوطِ الْاَيَّاسِ * وَ لَا اِنْقَطَعَ رَجَائِيْ مِنْ جَمِيْلِ كَرَمِكَ * اَللّٰهُ اِنْ كَانَتْ

مسلط مساز * و دست امیدم از دامن کرم نیکویت، جدا مگردان * ای خدا اگر خطاهایم

الْخَطَايَا قَدْ اَسْقَطْتَنِيْ لَدَيْكَ * فَاصْفَحْ عَنِّيْ بِحُسْنِ تَوْكَلِيْ عَلَيْكَ *

مرا نزد تو پست و خوار گردانیده * هم به واسطه حسن اعتمادم به تو از من عفو کن *

اَللّٰهُ اِنْ حَطَّتْ نِيَّتِي الدُّنُوبُ مِنْ مَكَارِمِ لَطْفِكَ * فَقَدْ نَبَهْتَنِي الْيَقِيْنَ اِلَى

ای خدا اگر گناهانم مرا از لطف و کرامت‌هایت دور کرده * مقام یقینم مرا به کرم و عفوافتت

كَرَمِ عَطْفِكَ * اَللّٰهُ اِنْ اَنَا مَتْنِي الْغَفْلَةُ عَنْ الْاِسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ * فَقَدْ

تذکر می‌دهد * و اگر غفلت مرا به خواب غرور افکند از مهیای لقای تو شدن * معرفتم

نَبَهْتَنِي الْمَعْرِفَةَ بِكَرَمِ الْاِثْنِكَ * اَللّٰهُ اِنْ دَعَانِي اِلَى النَّارِ عَظِيْمِ عِقَابِكَ

به نعمت‌های بزرگواریت، بیدار می‌گرداند * ای خدا اگر عقاب و انتقام تو مرا به آتش دوزخ خواند

فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْجَنَّةِ جَزِيلُ ثَوَابِكَ * إِلَهِي فَفَلَكَ أَسْأَلُ وَالْيَكَّ أَبْتَهَلُ *

* ثواب و عنایتت مرا به سوی بهشت ابد دعوت کرد * ای خدا پس من هر چه بخواهم از تو خواهم و به درگاهت با ناله و زاری

وَأَرْغَبُ * وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَالِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَجْعَلَنِي

و شوق و رغبت می‌نالم * و از تو می‌طلبم که درود فرستی بر محمد «ص» و آل محمد * و مرا از آنان قرار

مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ * وَلَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ وَلَا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ *

دهی که دائم به یاد تو هستند * و هرگز عهد تو نشکنند و شکر و سپاست را لحظه‌ای فراموش نکنند *

وَلَا يَسْتَخْفُ بِأَمْرِكَ * إِلَهِي وَالْحَقْنِي بِنُورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ * فَاكُونَ

و امرت را سبک نشمرند * ای خدا و مرا به نور مقام عزتت که بهجت و نشاطش از هر لذت بالاتر است در پیوند * تا آنکه

لَكَ عَارِفًا * وَعَنْ سِوَاكَ مُنْحَرَفًا * وَمِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا * يَا ذَا


شناختی تو باشم * و از غیر تو رو بگردانم * و از تو ترسان و مراقب فرمان باشم * ای خدای


الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ * وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَعَالِهِ الظَّاهِرِينَ


صاحب جلال و بزرگواری * و درود خدا بر رسولش محمد «ص» و بر اهل بیت پاکش

وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا * واین از مناجاتهای جلیل القدر آئمه (علیهم السلام) است و بر مضامین عالیه

* و سلام و تحیت بسیار باد *

مشمول است و در هر وقت که حضور قلبی باشد خواندن آن مناسب است. 

و اما اعمال مختصه شعبان.  شب اول: نمازهای بسیار در اقبال ذکر شده از جمله دوازده رکعت

به حمد و یازده مرتبه توحید.  روز اول: روزه اش فضیلت بسیار دارد * و از حضرت صادق (علیه السلام) روایت است

که هر که روزه بگیرد روز اول شعبان را، واجب شود برای او بهشت البته. * و سید بن طاوس ثواب بسیاری نقل

کرده از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) برای کسی که سه روز اول این ماه را روزه دارد و در شبهای آنها دو رکعت نماز کند در

هر رکعت حمد یک مرتبه و توحید یازده مرتبه. * و بدان که در تفسیر امام (علیه السلام) خبری در فضیلت شعبان و روز

اول آن ذکر شده که فوائد بسیار در آن مندرج است * و شیخ ماثقة الاسلام نوری نور الله مرقدہ آن خبر را ترجمه

نموده و در آخر کتاب کلمه طیبیه ذکر فرموده. و چون آن خبر طولانی است و مقام را گنجایش تمام آن نیست ما

مختصر آن را در اینجا ذکر می‌کنیم: حاصل آن خبر آن است که حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) در روز اول شعبانی


گذشت به جماعتی که در مسجدی نشسته بودند و در امر قدر و امثال آن گفتگو می‌کردند و بلند شده بود

صداهای ایشان و سخت شده بود لجاجت و جدال ایشان پس حضرت ایستاد و برایشان سلام کرد. آنها جواب سلام دادند و برای آن جناب برخاستند و خواهش کردند که نزد ایشان بنشیند. آن حضرت به ایشان اعتنائی نکرد * و فرمود: ای گروهی که سخن می‌گویید در چیزی که نفع نمی‌رساند آیا ندانستید که خدای تعالی را بندگانی است که ساکت کرده ایشان را خوف بدون آنکه عاجز باشند از گفتن یا لال باشند بلکه ایشان هرگاه به خاطر آرند عظمت خداوند را شکسته می‌شود زبانهایشان و کنده می‌شود دلهایشان و می‌رود عقلهایشان و مبهوت می‌شوند به جهت اعزاز و اجلال و اعظام خداوند، پس هرگاه به خود آمدند از این حالت رو می‌آورند به سوی خدا به کردارهای پاکیزه می‌شمرند نفسهای خود را با ستمکاران و خطاکاران و حال آنکه ایشان منزهند از تقصیر و تفریط مگر آنکه ایشان راضی نمی‌شوند برای خدا به کردار اندک و بسیار نمی‌شمرند برای او عمل زیاد را و پیوسته مشغولند به اعمال پس ایشان چنانند که هر وقت نظر کنی به ایشان ایستادگانند به عبادت ترسان و هراسان در بیم و اضطرابند پس کجائید شما از ایشان ای گروه تازه کارها. آیا ندانستید که داناترین مردم به قدر ساکت‌ترین ایشانند از آن و اینکه جاهلترین مردم به قدر سخنگوترین ایشانند در او. * ای گروه تازه کارها امروز غره شعبان کریم است، نامیده است او را پروردگار ما شعبان به جهت پراکنده شدن خیرات. به تحقیق که باز کرده پروردگار شما در او درهای حسنات خود را و جلوه داده به شما قصرها و خیرات او را به قیمت ارزانی و کارهای آسانی پس بخرید آن را و جلوه داده برای شما ابلیس لعین شعبهای شرور و بلاهای خود را و شما پیوسته می‌کوشید در گمراهی و طغیان و متمسک می‌شوید به شعبهای ابلیس و رو می‌گردانید از شعبهای خیرات که باز شده برای شما درهای او * و این غره ماه شعبان است و شعبهای خیرات او نماز است و روزه و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و بر والدین و خویشان و همسایگان و اصلاح ذات البین و صدقه بر فقراء و مساکین بر خود کلفت می‌دهید چیزی را که برداشته شده از شما یعنی امر قضا و قدر و چیزی که نهی کرده شده اید از فرو رفتن در آن از کشف سرهای خدا که هر که تفتیش کند از آنها از تباه شدگان است. آگاه باشید به درستی که اگر شما واقف شوید بر آنچه مهیا فرموده، پروردگار عزوجل برای مطیعین از بندگانش در امروز هر آینه باز خواهید داشت خود را از آنچه در او هستید و شروع خواهید کرد در آنچه امر کردند شما را به آن. گفتند: یا امیر المؤمنین (علیه السلام) و چیست آنکه آن را خداوند مهیا فرموده در این روز برای مطیعین خود؟ * پس حضرت

نقل فرمود قصه آن لشکری را که رسول خدا (ﷺ) به جهاد کفار فرستاده بود و دشمنان شب بر ایشان شبیخون زدند و آن شبی تاریک و سخت ظلمانی بود و مسلمانان در خواب بودند کسی از ایشان بیدار نبود جز زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه و قتاده بن نعمان و قیس بن عاصم منقری که هر کدام در یک جانب ایشان بیدار و مشغول نماز و قرآن خواندن بودند. دشمنان مسلمانان را تیرباران کردند و به واسطه تاریکی و ندیدن مسلمانان دشمنان را، تا از آنها احتراز کنند نزدیک بود که هلاک شوند که ناگاه از دهان این چند نفر نورهایی ساطع شد که لشکرگاه مسلمانان را روشن کرد و سبب قوت و دلیری ایشان شده پس شمشیر کشیده و دشمنان را کشته و زخم‌دار و اسیر نمودند و چون مراجعت نمودند و برای حضرت رسول (ﷺ) نقل کردند فرمود: این نورها به جهت اعمال این برادران شما است در غره ماه شعبان، پس یک یک آن اعمال را حضرت نقل کردند * تا آنکه فرمودند: چون روز اول شعبان می شود پراکنده می کند ابلیس لشکر خود را در اطراف زمین و آفاق آن و می گوید به ایشان که سعی کنید در کشیدن بعضی از بندگان خدا را به سوی خود در این روز و بدرستی که خدای عزوجل پراکنده می کند ملائکه را در اطراف زمین و آفاق او و به ایشان می فرماید: به راستی نگاه دارید بندگان مرا و ارشاد کنید ایشان را پس همه ایشان نیکبخت می شوند به شما، مگر آنکه امتناع و سرکشی کند پس به درستی که او از حد گذشته، می گردد در حزب ابلیس و جنود او، به درستی که خداوند عزوجل چون روز اول ماه شعبان می شود امر می کند به درهای بهشت پس باز می شود و امر می کند درخت طوبی را پس نزدیک می کند شاخه‌های خود را بر این دنیا * آنگاه ندا می کند منادی پروردگار عزوجل: ای بندگان خدا این شاخه‌های درخت طوبی است پس در آویزید به او که بلند کند شما را به سوی بهشت و این شاخه‌های درخت زقوم است پس بترسید از او که نبرد شما را به سوی دوزخ. * رسول خدا (ﷺ) فرمود: قسم به آنکه مرا به راستی به رسالت مبعوث نموده که هر که فراگیرد دری از خیر و نیکی را در این روز پس به تحقیق که در آویخته به شاخه‌ای از شاخه‌های درخت طوبی، پس او کشانده است او را به سوی بهشت * و هر که فراگیرد دری از شر را در امروز پس به تحقیق که در آویخته به شاخه‌ای از شاخه‌های درخت زقوم پس آن کشانده است او را به سوی آتش. * آنگاه فرمود رسول خدا (ﷺ) پس هر کس که نماز مستحبی کند امروز برای خدا پس در آویخته به شاخه‌ای از آن. * و هر که روزه گیرد در این روز پس به تحقیق که در آویخته به شاخه‌ای از آن. * و

هر که صلح دهد میان زن و شوهرش یا پدر و فرزندش یا خویشاوندانش یا مرد وزن همسایه‌اش یا مرد وزن بیگانه پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای. * و کسی که تخفیف دهد پریشانی را از طلبی که از او دارد یا کم کند از آن پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای * و کسی که نظر کند در حساب خود پس ببیند قرض کهنه را که صاحبش از آن مأیوس شده پس ادا کند آن را پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن * و کسی که کفالت کند یتیمی را پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای. * و کسی که باز دارد سفیهی را از عرض مؤمنی پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای. * و کسی که بخواند قرآن یا چیزی از آن را پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای. * و کسی که یاد آرد خدای را و بشمرد نعمتهای او را و شکر کند پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای. * و کسی که عیادت کند مریضی را پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای. * و کسی که نیکی کند پدر و مادر خود یا یکی از آنها را پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای. * و کسی که پیش از این روز به غضب آورده بود ایشان را پس خوشنودشان کرد در این روز پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای. * و هر که تشییع کند جنازه‌ای را پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای. * و کسی که تسلیت دهد در آن مصیبت زده را پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای. * و همچنین هر کسی که به جا آورد چیزی را از ابواب خیر در این روز پس به تحقیق درآویخته از آن به شاخه‌ای. * آنگاه فرمود رسول خدا (ﷺ): قسم به آنکه مرا به راستی به پیغمبری مبعوث فرموده که هر کس که فراگیرد دری از شر و گناه را در این روز پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از شاخه‌های درخت زقوم پس آن کساننده است او را به سوی آتش، * آنگاه فرمود: قسم به آنکه مرا به راستی به پیغمبری فرستاده که هر کس تقصیر کند در این روز نماز واجب خود را و ضایع کند آن را پس به تحقیق که درآویخته از آن درخت به شاخه‌ای. * و هر کس که بیاید در نزد او فقیری ضعیف می‌داند بدی حال او را و او قادر است بر تغییر حالش بدون آنکه ضرری به او برسد و کسی هم نیست که از او نیابت کند و بنشیند به جای او پس واگذار او را که ضایع شود و هلاک گردد و دست او را نگیرد پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن. * و کسی که عذرخواهی کند از او بدکاری پس نپذیرد عذر او را آنگاه عقوبت نکند او را به قدر بدی او بلکه بیفزاید بر آن پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن. * و کسی که جدایی اندازد میان شوهری با زنش یا پدر با فرزندش یا برادر با برادرش یا خویشی با خویشش یا میان دو همسایه یا میان دو رفیق

یا دو خواهر پس به تحقیق که در آویخته از آن به شاخه‌ای. * و کسی که سخت بگیرد بر تنگدستی و حال آنکه می‌داند تنگدستی او را پس بیفزاید بر غیظ او بلای او پس به تحقیق که در آویخته از آن به شاخه‌ای. * و کسی که بر او دینی باشد پس منکر شود آن را بر صاحبش و تعدی کند بر او تا آنکه باطل کند دین او را پس به تحقیق که در آویخته از آن به شاخه‌ای. * و کسی که جفا کند یتیمی را و آزار رساند او را و مال او را تباه کند پس به تحقیق که در آویخته به شاخه‌ای از آن. و کسی که داخل شود در عرض برادر مؤمن خود و وادارد مردم را بر آن پس به تحقیق که در آویخته به شاخه‌ای از او. * و کسی که آوازه خوانی کند به قسمی از خوانندگی که برانگیزاند در آن خواندن بر معاصی پس به تحقیق که در آویخته به شاخه‌ای از او. * و کسی که بنشیند بشمارد کارهای قبیح خود را در جنگها و انواع ستم خود را بر بندگان خدا و افتخار کند بر آن پس به تحقیق که در آویخته به شاخه‌ای از آن. * و کسی که همسایه‌اش مریض شده پس او را عیادت نکرد محض استخفاف به شأن او پس به تحقیق که در آویخته به شاخه‌ای از آن. * و کسی که همسایه‌اش مُرد پس مشایعت نکرد جنازه او را به جهت خوار بودن او در نظرش پس به تحقیق که در آویخته از آن به شاخه‌ای. * و کسی که اعراض کند از مصیبت زده و جفا کند او را محض حقارت و کوچکی او در نزدش پس به تحقیق که در آویخته از آن به شاخه‌ای. * و کسی که عاق کند پدر و مادر خود یا یکی از آن دو را پس به تحقیق که در آویخته به شاخه‌ای از آن. * و کسی که پیش، ایشان را عاق کرده بود و خوشنود نکرد ایشان را امروز و حال آنکه قدرت دارد بر آن پس به تحقیق که در آویخته به شاخه‌ای از آن. * و همچنین هرکس بکند کاری از سایر اقسام شر را پس به تحقیق که در آویخته به شاخه‌ای از آن. * و قسم به آنکه مرا به راستی به پیغمبری فرستاده که در آویختگان به شاخه‌های درخت طوبی بلند می‌کند ایشان را آن شاخه‌ها به سوی بهشت، آنگاه رسول خدا (ﷺ) نظر خود را به جانب آسمان انداخت اندکی و می‌خندید و مسرور بود. آنگاه نظر مبارک را به زیر انداخت به سوی زمین، پس پیشانی مبارک را درهم کشید و روی مبارکش تُرش شد، آنگاه رو کرد به اصحاب خود و فرمود: قَسَمَ به آنکه فرستاده محمد را به راستی به پیغمبری که دیدم به تحقیق درخت طوبی را که بلند می‌شد و بلند می‌کرد آنان که به او در آویخته بودند به سوی بهشت. و دیدم بعضی از ایشان که در آویخته بودند به یک شاخه از آن و بعضی در آویخته بودند به دو شاخه از آن یا به چند شاخه بر حسب فرا گرفتن ایشان مرطاعت را و به درستی که هر آینه می‌بینم زید بن حارثه را که در آویخته به بیشتر شاخه‌های از آن. پس

آن شاخه‌ها بلند می‌کند او را به اعلیٰ علیین بهشت، پس از این جهت خندیدم و خوشحال شدم پس نگاه کردم به سوی زمین پس قسم به آنکه مرا برستی به پیغمبری فرستاده که دیدم درخت زقوم را که پایین می‌رفت شاخه‌های او و پایین می‌برد در آویختگان به او را به سوی دوزخ و دیدم پاره‌ای از ایشان را در آویخته به شاخه‌ای و دیدم پاره‌ای از ایشان که در آویخته به دو شاخه یا به چند شاخه بر حسب فرا گرفتن او مرقبایح را و به درستی که هر آینه می‌بینم بعضی از منافقین را که در آویخته به بیشتر شاخه‌های او و آنها فرو می‌برند او را به اسفل درکات او، پس از این جهت روی خود را تشرش کردم و پیشانی را درهم کشیدم.  روز سیّم: روز مبارکی است که شیخ در مصباح فرموده: در این روز متولد شد جناب حسین بن علی (علیه السلام) و بیرون آمد توقیع شریف به سوی قاسم بن علاء همدانی وکیل حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) که مولای ما حسین (علیه السلام) متولد شد روز پنجشنبه سیّم شعبان پس روزه بگیر

آن روز را * و این دعا را در آن روز بخوان: **اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِیْ هَذَا الْیَوْمِ**

ای خدا از تو درخواست می‌کنم به حق مولود در این روز (حضرت حسین «ع»)

* **الْمَوْعُودِ بِشَهِادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَ وِلَادَتِهِ * بَكْتَهُ السَّمَاءُ وَ مَنْ**

* که پیش از آنکه متولد شود به یکتایی تو گواهی داد * و هنوز قدم به سنگلاخ دنیا نگذاشته

فِیْهَا * وَ الْاَرْضُ وَ مَنْ عَلَیْهَا * وَ لَمَّا یَطَا (یَطَا) لِابْتِیْهَا قَتِیلَ الْعَبْرَةِ *

* آسمان * و زمین و هر چه در اوست به مظلومیش گریست * کشته شد تا خلق بر او بگریند

وَ سَیِّدِ الْاَسْرَةِ الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ یَوْمَ الْکُرَّةِ الْمَعْوَضِ مِنْ قَتْلِهِ *

* آن‌کس که سید قبیله و بزرگ عالم بود آنکه به انتقام خون پاکش در رجعت ظفر و نصرت پایدار خواهد یافت *

اَنَّ الْاِئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ * وَ الشِّفَاءَ فِیْ تَرْبَتِهِ * وَ الْفَوْزَ مَعَهُ فِیْ اَوْبَتِهِ *

* و امامان و پیشوایان دین از نسل پاک اوست * و شفای هر مرض در تربت او * و هر که را محبت اوست *

وَ الْاَوْصِیَاءَ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَ غِیْبَتِهِ * حَتّٰی یُدْرِكُوا الْاَوْتَارَ *

در رجعتش پس از قائم آل محمد (ع) و طول غیبت فیروز خواهد بود * تا آنکه به خونخواهی

وَ یَثَارُوا الشَّارَ * وَ یَرْضُوا الْجَبَّارَ * وَ یَكُونُوا خَیْرًا نَّصَارَ * صَلَّى اللهُ

او برخیزند * و خدا را خوشنود سازند * و بهترین یاران دین خدا باشند * درود خدا

عَلِیْهِمْ مَعَ اَخْتِلَافِ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ * اللَّهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ اِلَیْكَ اَتَوْسَلُ *

بر آنان تا روز و شب در جهان برقرار است * بارالها به حق آنها به درگاه تو توسل می‌جویم *

وَ أَسْأَلُ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ مُسِيءٍ إِلَى نَفْسِهِ مِمَّا فَرَطَ فِي يَوْمِهِ

و درخواست می‌کنم مانند گناهکاری که معترف به گناه خود است و از افراط کاری روز و شب بر خویش

وَأَمْسِهِ * يَسْأَلُكَ الْعِصْمَةَ إِلَى مَحَلِّ رَمْسِهِ * اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

ستم کرده * از تو درخواست می‌کند که ایمانش را تا وقت مرگ محفوظ داری * بارالها درود فرست بر محمد (ص)

وَ عِزَّتِهِ * وَ أَحْشَرْنَا فِي زَمْرَتِهِ * وَ بَوَّأْنَا مَعَهُ دَارَ الْكِرَامَةِ وَ مَحَلَّ

و عزت پاکش * و ما را در زمره آن بزرگوار محشور گردان * و در دار کرامت بهشت و محل اقامت ابد با او

الْإِقَامَةَ * اللَّهُمَّ وَ كَمَا أَكْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِهِ فَأَكْرَمْنَا بِزَلْفَتِهِ * وَ أَرْزَقْنَا

قرین ساز * خدایا چنانکه به ما معرفتش را عطا فرمودی * تقرب و رفاقت

مُرَافَقَتَهُ وَ سَابِقَتَهُ * وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ * وَ يَكْثُرُ الصَّلَاةُ

با سبقت حضرتش را نیز عطا فرما * و ما را از آنان قرار ده که تسلیم فرمان اویند * و درود بر او چون نامش

عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ * وَ عَلَى جَمِيعِ أَوْصِيَاءِهِ وَ أَهْلِ أَصْفِيَاءِهِ الْمَمْدُودِينَ

یاد شود بسیار فرستند * و هم درود بر جمیع اوصیاء و جانشینانش و اهل برگزیده‌اش

مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْاِثْنَيْ عَشَرَ النُّجُومِ الزُّهْرِي * وَ الْحُجَّجِ عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ

که تو آنان را دوازده نفر در شمار آوردی * که آنها ستارگان روشن و حجت‌های تو بر جمیع بشرند

* اللَّهُمَّ وَ هَبْ لَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهَبَةٍ * وَ أَنْجِحْ لَنَا فِيهِ كُلَّ

* خدایا در این روز به ما بهترین موهبت را عطا فرما * و کلیه حوایج ما

طَلِبَةٍ * كَمَا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ * وَ عَاذَ فُطْرُسَ بِمَهْدِهِ

را برآور * چنانچه حسین (ع) را به جدش محمد (ص) عطا فرمودی * و فطرس ملک را به مقام خود برگردانیدی *

فَنَحْنُ عَائِدُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ * نَشْهَدُ تَرْتَبَهُ * وَ نَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ *

و ما پناه جسته به قبر مطهرش پس از شهادتش * و بر تربت پاکش حضور یافته * و رجعت آن بزرگوار را منتظریم *

ءَامِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ * پس می‌خوانی بعد از این به دعای حسین (علیه السلام) و این آخردعای آن حضرت

این دعای ما را اجابت کن ای پروردگار عالم. *

است در روزی که بسیار شده بود دشمنان او یعنی روز عاشورا: اللَّهُمَّ أَنْتَ مُتَعَالَى الْمَكَانِ

* ای خدای بلند مقام *

عَظِيمِ الْجَبْرُوتِ * شَدِيدِ الْمِحَالِ * غَنِيٌّ عَنِ الْخَلْقِ * كَمَا مَلِكٌ كَبْرِيَايَ أَوْ پَهْنَاوَرِ

با جلال و جبروت * محکم تدبیر * بی‌نیاز از خلق * که ملک کبریایی او پهناور

قَادِرٌ عَلَىٰ مَا تَشَاءُ * قَرِيبٌ الرَّحْمَةِ * صَادِقُ الْوَعْدِ * سَابِغُ النِّعْمَةِ

* و قدرتت به هر چیز شامل * و رحمتت به همه نزدیک * وعدهات صدق * و حقیقت نعمتت فراوان

حَسَنُ الْبَلَاءِ * قَرِيبٌ إِذَا دُعِيَ * مُحِيطٌ بِمَا خَلَقْتَ * قَابِلُ التَّوْبَةِ

* امتحانت نیکو * هر کس تو را بخواند * به او نزدیک خواهی بود * و هر که به درگاهت

لِمَنْ تَابَ إِلَيْكَ * قَادِرٌ عَلَىٰ مَا أَرَدْتَ * وَ مُدْرِكٌ مَا طَلَبْتَ * وَ شَكُورٌ

توبه کند می‌پذیری * هر چه بخواهی توانی کرد * هر چه طلبی بیابی * به شکرگزاران

إِذَا شُكِرْتَ * وَ ذَكَرْتُ إِذَا ذُكِرْتُ * أَدْعُوكَ مُحْتَاجًا * وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ

پاداش می‌دهی * و هر که به یاد تو باشد از او یاد می‌کنی * من ای خدا با فقر و احتیاج تو را می‌خوانم * و از بینوایی به درگاهت

فَقِيرًا * وَ أَفْزَعُ إِلَيْكَ خَائِفًا * وَ أَبْكِي إِلَيْكَ مَكْرُوبًا * وَ أَسْتَعِينُ بِكَ

با شوق می‌آیم * و با خوف و هراس به درگاهت می‌نالم * و از رنج و آلام عالم می‌گریم * و از تو بر ضعف و ناتوانیم

ضَعِيفًا * وَ أَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ كَافِيًا * أَحْكُمُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا (بِالْحَقِّ) *

مدد می‌طلبم * و برای کفایت امورم بر تو توکل می‌کنم * پس خدایا تو میان ما و قوم ما به حق حکم فرما *

فَإِنَّهُمْ غَرَّبُونَا وَ خَدَعُونَا * وَ خَذَلُونَا وَ غَدَرُوا بِنَا * وَ قَتَلُونَا وَ نَحْنُ

که این قوم ما را مغرور ساخته و با ما خدعه کردند * و ما را ترک گفته و یاری نکردند و به مکر و فریب ما را شهید کردند * در صورتی

عِتْرَةَ نَبِيِّكَ * وَ وُلْدٌ (وُلْدٌ) حَبِيبِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ * الَّذِي

که ما عترت پیغمبر تو بودیم * و فرزندان حبیب تو محمد بن عبد الله * که تو


اصْطَفَيْتَهُ * بِالرِّسَالَةِ * وَ ائْتَمَنْتَهُ * عَلَيَّ وَ حَيْكَ * فَاجْعَلْ لَنَا مِنْ


او را به رسالت برگزیدی * و بر وحی خود امین قرار دادی * ای خدا پس در امور ما

أَمْرِنَا فَرَجًا وَ مَخْرَجًا * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * ابن عیاش گفت

گشایش و آسایش عطا فرما * به حق رحمت بی‌پایانت ای مهربانترین مهربانان عالم. *

شنیدم از حسین بن علی بن سفیان بزوفری که می‌گفت: حضرت صادق (علیه السلام) می‌خواند این دعا را در این روز و

فرموده که این دعا از دعاهای روز سیم شعبان است و آن روز ولادت حسین (علیه السلام) است.  شب سیزدهم:

أَوَّلَ لَيْلَالِي بَيْضِ اسْتِ وَ كَيْفِيَّةِ نَمَازِ امْشَبِ وَ دَوَّ شَبِّ بَعْدَ دَرِّ مَآهِ رَجَبِ غَاضَتْ.  شب نیمه شعبان: شب

بسیار مبارکی است از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت است که از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) سؤال شد

از فضل شب نیمه شعبان فرمود: آن شب افضل شبهاست بعد از لیلة القدر، در آن شب عطا می‌فرماید خداوند

به بندگان فضل خود را و می‌آموزد ایشان را به مَنْ و كَرَمِ خَویِش، * پس سعی و کوشش کنید در تقرب جستن به سوی خدای تعالی در آن شب پس به درستی که آن شبی است که خدا قسم یاد فرموده به ذات مقدس خود که دست خالی برنگرداند سائلی را از درگاه خود مادامی که سؤال نکند معصیت را. و آن شب آن شبی است که قرار داده حَقّ تعالی آن را از برای ما به مقابل آنکه قرار داده شب قدر را برای پیغمبر ما (ﷺ) * پس کوشش کنید در دُعا و ثنا بر خدای تعالی (الخبر). * و از جمله برکات این شب مبارک آن است که ولادت با سعادت حضرت سلطان عصر امام زمان ارواحنا له الفداء در سحر این شب سنه دویست و پنجاه و پنج در سُرْمَنْ رَای واقع شده و باعث مزید شرافت این لیلَه مبارکه شده * و از برای این شب چند عمل است: **۱** اول: غسل است که باعث تخفیف گناهان می‌شود. **۲** دویم: احیاء این شب است به نماز و دعاء و استغفار چنانچه امام زین العابدین (علیه السلام) می‌کردند و در روایت است که هر که احیا دارد این شب را، نمیرد دل او در روزی که دلها بمیرند. **۳** سیّم: زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام) است که افضل اعمال این شب و باعث آمرزش گناهان است و هر که خواهد با او مصافحه کند روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر، زیارت کند آن جناب را در این شب و اَقَلّ زیارت آن حضرت آن است که به بامی برآید و به جانب راست و چپ نظر کند پس سر به جانب آسمان کند * پس زیارت کند آن حضرت را به این کلمات **السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ** * **السَّلَامُ عَلَیْكَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکَاتُهُ** * و هر کس در هر کجا باشد در هر وقت که آن حضرت را به این کیفیت زیارت کند امید است که ثواب حجّ و عمره برای او نوشته شود و ما زیارت مخصوصه این شب را در باب زیارات ذکر خواهیم نمود انشاء الله تعالی. **۴** چهارم: خواندن این دعا که شیخ و سید نقل کرده‌اند و به منزله زیارت امام زمان صلوات الله و سلامه علیه است:

اللّٰهُمَّ بِحَقِّ لَیْلَتِنَا [هَذِهِ] وَ مَوْلُودِهَا وَ حُجَّتِکَ * وَ مَوْعُودِهَا الَّتِی

خدایا به حق این شب نیمه شعبان و مولود در این شب و حجت موعود * آنکه فضلی دیگر

قَرَنْتَ اِلَی فِضْلِهَا فَضْلاً * فَتَمَّتْ کَلِمَتُکَ صِدْقاً وَ عَدَلاً لَا مُبَدِّلَ

بر مقام فضیلتش افزودی * که کلمات تو را تغییر دهد در عالم نیست و آیات را کسی پس کلمه توحید تو از جهت صدق و عدالت

لِکَلِمَاتِکَ * وَ لَا مَعْقَبَ لِآیَاتِکَ * نُوْرُکَ الْمَتَالِقِ * وَ ضِیَآؤُکَ الْمَشْرِقِ

به حد کمال رسید * و کسی تعقیب نتواند کرد * آن کلمات ظاهرات انوار مشعشع * و روشنی فروزنده توست

وَ الْعِلْمَ النُّورِي فِي طَخِيَاءِ الدِّيَجُورِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ * جَلَّ مَوْلِدُهُ وَ

* و رهنمای نور معرفت در این شب تاریک عالم همان امام غایب پنهان از نظرها * که مولدش معظم

وَ كَرَمَ مُحْتَدَهُ وَ * وَالْمَلَائِكَةَ شَهَدَهُ وَ * وَاللَّهَ نَاصِرَهُ وَ * وَ مُؤَيَّدَهُ وَ * إِذَا

* و محل ظهورش مکرم است * و فرشتگان گواهان اویند * و خدا یاور و نیرو بخش او هنگامی که وعده

عَانَ مِيعَادَهُ وَ * وَالْمَلَائِكَةَ (فَالْمَلَائِكَةُ) أَمَدَادَهُ وَ * سَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا

ظهورش فرا رسد * و فرشتگان یاریش کنند * او شمشیر قهر خداست که

يَنْبُو * وَ نُوْرُهُ الَّذِي لَا يَخْبُو * وَ ذُو الْحِلْمِ الَّذِي لَا يَصْبُو * مَدَارُ الدَّهْرِ

گند نگردهد * و نور خداست که خاموش نشود * و صاحب مقام حلم است که سبک سر نگردهد * و مدار روزگار

وَ نَوَامِيسُ الْعَصْرِ * وَ وِلَاةُ الْأَمْرِ * وَ الْمَنْزِلُ عَلَيْهِمْ مَا يَنْتَزِلُ (يَنْزِلُ) فِي

* و حافظ و نگهدار دور زمان است * و والیان امرند * که آنچه نازل می‌شود در شب قدر

لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَ أَصْحَابُ الْحَشْرِ وَ النَّشْرِ * تَرَاجِمَةٌ وَ حِيَهُ * وَ وِلَاةُ

بر آنها نزول یابد * و آنها صاحبان حشر و نشر خلق * و مترجم و مفسران وحی حق * و نگهبان امر

أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ * اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَي خَاتِمَتِهِمْ وَ قَائِمَتِهِمُ الْمَسْتُورِ عَنْ

و نهی خدا هستند * پروردگارا پس تو بر امام خاتم و قائم آن ائمه هدی که پنهان است

عَوَالِمِهِمُ * اللَّهُمَّ وَ ادْرِكْ بِنَا أَيَّامَهُ وَ * وَ ظُهُورَهُ وَ قِيَامَهُ وَ * وَ اجْعَلْنَا

درود فرست * بارالها و ما را به ایام ظهور او * و قیامش برسان * و ما را از نصرت کنندگان

مِنْ أَنْصَارِهِ * وَ اقْرِنْ ثَارَنَا بِثَارِهِ * وَ اكْتَبْنَا فِي أَعْوَانِهِ وَ خُلَصَائِهِ *

قرار ده * و خون او چون خواهی ما را با خون او قرین گردان * و ما را در دفتر یاران و خاصانش ثبت فرما *

وَ أَحْيِنَا فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ * وَ بِصُحْبَتِهِ غَانِمِينَ * وَ بِحَقِّهِ قَائِمِينَ *

و ما را در دولت او با تنعم و خوشی زنده بدار * و به صحبتش بهره‌مند گردان * و به حق او استوار ساز *

وَ مِنْ السُّوءِ سَالِمِينَ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و از هر بدی محفوظ دار * ای مهربانترین مهربانان عالم * و ستایش مخصوص خداست که پروردگار عالمیان است

وَ صَلَوَاتُهُ عَلَي (وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي) سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

* و درود بر سید ما حضرت محمد (ص) خاتم پیغمبران و

وَ الْمُرْسَلِينَ * وَ عَلَي أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ * وَ عِزَّتِهِ النَّاطِقِينَ *

رسولان است * و بر خاندان صادق * و عزت ناطق آن بزرگوار *

وَالْعَنَ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ * وَاحْكُم بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَا اَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ.

و لعنت بر جميع ظالمان جهان * و تو میان ما و ظالمان عالم حکم فرما که بهترین حکمفرمایی.

۵ پنجم: شیخ روایت کرده از اسماعیل بن فضل هاشمی که گفت: تعلیم کرد مرا حضرت صادق (علیه السلام) این

دعا را که بخوانم آن را در شب نیمه شعبان: **اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ**

ای خدا تو زنده پاینده و بلند مرتبه بزرگ *

الْخَالِقُ الرَّازِقُ * الْمُحْيِي الْمُمِيتُ * الْبَدِيءُ الْبَدِيعُ * لَكَ الْجَلالُ

خالق عالمی و روزی دهنده خلق * و زنده کننده و میراننده * و پدید آورنده از نو و بی سابقه * جلال مخصوص توست

وَلَكَ الْفَضْلُ * وَلَكَ الْحَمْدُ * وَلَكَ الْمَنُّ * وَلَكَ الْجُودُ * وَلَكَ الْكَرَمُ

و فضل و کرم مخصوص توست * و ستایش مخصوص توست و احسان * و جود و کرم مخصوص توست *

وَلَكَ الْأَمْرُ * وَلَكَ الْمَجْدُ * وَلَكَ الشُّكْرُ * وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ * يَا

و فرمانروایی و مجد و بزرگواری و شکرگزاری خاص توست * یکتایی و شریک نداری * ای

وَاحِدٌ يَا أَحَدٌ * يَا صَمَدٌ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ * وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَكُفُوًا

یگانه و ای یکتا * و ای بی نیاز ای که نه فرزندی داری و نه خود فرزند کسی * و نه تو را مثل و ماندنی

أَحَدٌ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاكْفِنِي

است * درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) * و مرا بیامرز و به حالم ترحم کن و مهماتم را

مَا أَهَمَّنِي * وَاقْضِ دِينِي * وَوَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي * فَإِنَّكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

کفایت فرما * و دینم را ادا * و روزیم را وسیع گردان * که تو در این شب امور خلق را به حکمت بالغه

كُلَّ أَمْرٍ حَكِيمٍ تَفْرُقُ * وَمَنْ تَشَاءُ مِنْ خَلْقِكَ تَرْزُقُ * فَارْزُقْنِي وَأَنْتَ

همه از یکدیگر جدا ساخته * و هر که را بخواهی از خلق خود روزیش فراوان کنی * پس مرا روزی وسیع بخش که

خَيْرُ الرَّازِقِينَ * فَإِنَّكَ قُلْتَ وَأَنْتَ خَيْرُ الْقَائِلِينَ النَّاطِقِينَ

تو بهترین روزی دهندگانی * زیرا تو خود فرمودی و تو بهترین گویندگانی که از فضل و کرم خدا بطلبید *

﴿وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ﴾ * فَمِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ * وَإِيَّاكَ قَصَدْتُ

پس من اکنون از فضل تو درخواست می‌کنم * و در حوائج خود * قصد درگاه کرم تو می‌کنم * و به

وَابْنَ نَبِيِّكَ اعْتَمَدْتُ * وَلَكَ رَجَوْتُ * فَارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

فرزندان پیغمبرت توسل جسته و اعتماد می‌کنم * و منحصرأ به تو امیدوارم * پس به حالم ترحم فرما ای مهربانترین مهربانان عالم.

۶ ششم: بخواند این دعا را که حضرت رسول (ﷺ) در این شب می خواندند: **اللَّهُمَّ اقْسِمْنَا**

بار خدایا نصیب ما فرمای

مِنْ خَشِيَّتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ مَعْصِيَتِكَ * وَ مِنْ طَاعَتِكَ مَا

از ترست آنچه حایل باشد میان ما و گناه و معصیت تو * و از طاعت و فرمانبرداریت

تُبَلِّغُنَا بِهِ رِضْوَانِكَ * وَ مِنْ الْيَقِينِ مَا يَهْوُنُ عَلَيْنَا بِهِ مُصِيبَاتُ الدُّنْيَا

آنچه ما را به رضوانت رساند * و از یقین به اندازه‌ای که آسان کند بر ما مصیبت‌های دنیا را

اللَّهُمَّ امْتِعْنَا بِاسْمَاعِنَا وَ أَبْصَارِنَا وَ قُوَّتِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا * وَ اجْعَلْهُ

* بار خدایا ما را بهرمنند گردان به گوشه‌ایمان و دیده‌هایمان و نیرویمان چندانکه زنده داریمان * و آن را

الْوَارِثِ مِنَّا * وَ اجْعَلْ ثَارَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمْنَا * وَ انْصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا

به وارث ما بده * و خون ما را به گردن کسی نه که ستممان کرده * و پیروز کن ما را بر آنکه با ما دشمنی کرده

*** وَ لَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا * وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَهُمْنَا وَ لَا مَبْلَغَ**

* و قرار مده مصیبت ما را در دین ما * و دنیا را بزرگتر همت ما قرار مده و نه آخر دسترس دانش

عِلْمِنَا * وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

و علم ما * و چیره مکن بر ما کسی که رحم نکند بر ما * به رحمت تو ای ارحم

الرَّاحِمِينَ * و این دعای جامع کاملی است و خواندن آن در اوقات دیگر نیز غنیمت است و از عوالی اللّٰثالی

الراحمین. *

نقل شده که حضرت رسول (ﷺ) همیشه این دعا را می خواندند. ۷ هفتم: بخواند صلوات هر روز را که در

وقت زوال می خواند. ۸ هشتم: بخواند دعای کمیل را که ورودش در این شب است و در باب اول گذشت.

۹ نهم: آنکه هریک از **سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** را صد مرتبه

بگوید تا خداوند تعالی گناهان گذشته او را بیامزد و برآورد حاجتهای دنیا و آخرت او را. ۱۰ دهم: شیخ در

مصباح روایت کرده از ابویحیی در ضمن خبری در فضیلت شب نیمه شعبان که گفت: گفتم به مولای خودم

حضرت صادق (علیه السلام) که بهترین دعاها در این شب کدام است؟ فرمود: هرگاه به جا آوردی نماز عشا را پس دو

رکعت نماز گزار، بخوان در رکعت اول حمد و سوره جحد که **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** باشد و بخوان در رکعت

دویم حمد و سوره توحید که **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** است پس چون سلام دادی بگو **سُبْحَانَ اللَّهِ** سی و

سه مرتبه و **الْحَمْدُ لِلَّهِ** سی و سه مرتبه و **اللَّهُ أَكْبَرُ** سی و چهار مرتبه * پس بگو: **يَا مَنْ إِلَيْهِ**

ای کسی که

مَلَجًا الْعِبَادَ (یَلْجَأُ الْعِبَادَ) **فِي الْمَهْمَاتِ** * **وَالِيَهُ يَفْزَعُ الْخَلْقُ فِي الْمَلَمَاتِ**

بندگان در غم و اندوه‌های سخت به او پناه برند * و در مصائب و دردها به درگاه او زاری کنند

* **يَا عَالِمَ الْجَهْرِ وَالْخَفِيَّاتِ** (و) **يَا مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ خَوَاطِرُ الْأَوْهَامِ**

* ای دانای هر چه آشکار و پنهان است * ای کسی که فکر و اندیشه دلها و رفت و آمد خیالات

* **وَتَصَرَّفُ الْمُحْطَرَاتِ** * **يَا رَبَّ الْخَلَائِقِ وَالْبَرِيَّاتِ** * **يَا مَنْ بِيَدِهِ**

* و خاطرات بر او پنهان نیست * ای پروردگار خلایق و آفریدگار * ای آنکه ملکوت

مَلَكَوتُ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ * **أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ** * **أُمَّتُ إِلَيْكَ**

زمینها و آسمانها به دست قدرت توست * تویی آن خدا که خدایی نیست جز تو * من به کلمه توحید

بِإِلَهِ الْأَنْتَ * **فِيَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ** * **أَجْعَلْنِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِمَّنْ**

لا اله الا الله به تو ایمان آورده‌ام * پس ای خدای یگانه که جز تو خدایی نیست * تو مرا در این شب از آنان قرار ده که

نَظَرْتَ إِلَيْهِ فَرَحْمَتَهُ * **وَسَمِعْتَ دُعَاءَهُ وَفَاجَبْتَهُ** * **وَعَلِمْتَ**

نظر لطف به او کرده و به حالش ترحم فرمودی * و دعایش را اجابت کردی * و دانستی توبه و

اسْتِقَالَتَهُ وَفَاقَلْتَهُ * **وَتَجَاوَزْتَ عَنِ سَالِفِ خَطِيئَتِهِ وَعَظِيمِ**

بارگشت او را و توبه‌اش پذیرفتی * و درگذشتی از خطاهای گذشته و گناهان

جَرِيرَتِهِ * **فَقَدْ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبِي** * **وَلَجأتُ إِلَيْكَ فِي سِتْرِ عِيُوبِي**

بزرگ او * زیرا من از گناهانم به تو پناه آورده * و در نهان ساختن عیبهایم به درگاه تو ملتجی شدم

* **اللَّهُمَّ فَجِدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ** * **وَاحْطُطْ خَطَايَايَ بِحِلْمِكَ وَعَفْوِكَ**

* ای خدا پس تو به فضل و کرمت بر من جود و احسان فرما * و به حلم و عفو تو گناهانم را بریز *

وَتَعَمَّدَنِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ بِسَابِغِ كَرَامَتِكَ * **وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ أَوْلِيَائِكَ**

و مرا در این شب به کرامت کامل خود درپوش * و مرا در این شب از اولیاء خود قرار ده

الَّذِينَ اجْتَبَيْتَهُمْ لَطَاعَتِكَ * **وَاخْتَرْتَهُمْ لِعِبَادَتِكَ** * **وَاجْعَلْتَهُمْ**

آنان که برای طاعتت برگزیدی * و به کار عبادتت انتخاب فرمودی * و از خاصان

خَالِصَتِكَ وَصَفْوَتِكَ * **اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ سَعَدَ جَدُّهُ** * **وَتَوْفَرَ مِنْ**

و خالصان خود قرار دادی * ای خدا مرا از آنان قرار ده که از کوشش خود به سعادت رسیدند * و از خیرات

الْخَيْرَاتِ حَظَّهُ * وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ سَلِمَ فَنَعَمَ * وَ فَازَ فَعْنِمَ * وَ اكْفِنِي

بهره وافر یافتمند * و از آنان که در زندگانی با وجود سلامت متنعم گردید * و با فیروزی بهره‌مند شد * و ای خدا شر اعمال

شَرِّ مَا اسَلَفْتُ * وَ اعْصِمْنِي مِنَ الْاَزْدِيَادِ فِي مَعْصِيَتِكَ * وَ حَبِّبْ اِلَيَّ

گذشته‌ام را از من کفایت فرما * و در آینده از آنکه بر عصیانهایم بیفزایم مرا حفظ کن * و محبوب من گردان

طَاعَتِكَ * وَ مَا يَقْرِبُنِي مِنْكَ * وَ يُزِلْفَنِي عِنْدَكَ * سَيِّدِي اِلَيْكَ يَلْبِجًا

طاعت و عبادتت را * که موجب تقرب به حضرت توست * ای سید من گریختگان به سوی

الْهَارِبُ * وَ مِنْكَ يَلْتَمِسُ الطَّالِبُ * وَ عَلَيَّ كَرَمِكَ يَعْوَلُ الْمُسْتَقْبِلُ

تو می‌آیند * و طالبان به درگاه تو التماس و درخواست می‌کنند * و آنان که از گناه بازگشته و تائب گردند اعتمادشان

التَّائِبُ * اَدَّبَتْ عِبَادَكَ بِالتَّكْرُمِ * وَ اَنْتَ اَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ * وَ اَمَرْتُ

بر کرم توست * تو به بندگانت دستور کرامت و بزرگواری دادی * و خود بزرگووارترین عالمی * و به آنها امر به عفو

بِالْعَفْوِ عِبَادَكَ * وَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ * اَللّٰهُمَّ فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ

و بخشش از یکدیگر کردی * و تو خود بخشنده و مهربانی * ای خدا مرا از امیدی که به کرمت دارم

مِنْ كَرَمِكَ * وَ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنْ سَابِغِ نَعْمِكَ * وَ لَا تُخَيِّبْنِي مِنْ جَزِيلِ

مایوس مکن * و از نعمت کاملت ناامید مگردان * و محروم مساز مرا از

قِسْمِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ لِاهْلِ طَاعَتِكَ * وَ اجْعَلْنِي فِي جَنَّةٍ مِنْ شِرَارِ

قسمتهای بزرگت در این شب که برای اهل طاعتت است * و مرا از مخلوقات شریرت در حفظ

بَرِيَّتِكَ * رَبِّ اِنْ لَمْ اَكُنْ مِنْ اَهْلِ ذَلِكَ * فَاَنْتَ اَهْلُ الْكَرَمِ وَالْعَفْوِ

خود بدار * ای خدا اگر من بر آنچه مسئلت کردم قابل نیستم * تو اهل کرم و بخشش

و الْمَغْفِرَةِ * وَ جُدْ عَلَيَّ بِمَا اَنْتَ اَهْلُهُ * لَا بِمَا اسْتَحِقُّهُ * فَقَدْ

و آمرزشی * بر من به آنچه سزاوار مقام توست کرم فرما * نه آنچه استحقاق من است * چون به تو

حَسَنَ ظَنِّي بِكَ * وَ تَحَقَّقْ رَجَائِي لَكَ * وَ عَلِقْتُ نَفْسِي بِكَرَمِكَ

حسن ظن و امیدواری دارم * به امیدم نایل گردان * و جانم به کرمت بسته است *

فَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * وَ اَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ * اَللّٰهُمَّ وَ اَخْصَصْنِي مِنْ

و تو مهربانترین مهربانان * و بزرگووارترین بزرگواران عالمی * بارالها مرا مخصوص گردان از

كَرَمِكَ بِجَزِيلِ قِسْمِكَ * وَ اَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابَتِكَ * وَ اغْفِرْ لِي

کرمت به قسمتهای بزرگ * و من به عفو تو از عقابتت پناه می‌برم * خدایا آن گناهانم

الذَّنْبَ الَّذِي يَجْبَسُ عَلَيَّ (عَنِّي) الْخُلُقَ * وَيُضَيِّقُ عَلَيَّ الرِّزْقَ * حَتَّىٰ

را که خلق را از من مجبوس * و رزق را بر من تنگ می‌سازد ببخش * تا به

أَقْوَمَ بِصَالِحِ رِضَاكَ * وَ أَنْعَمَ بِجَزِيلِ عَطَائِكَ * وَ أَسْعَدَ بِسَابِغِ

مصالح خوشنودی تو پردازم * و به عطا بزرگت انعام بخش * و به نعمتهای کاملت

نِعْمَائِكَ * فَقَدْ لَذْتُ بِحَرَمِكَ * وَ تَعَرَّضْتُ لِكِرْمِكَ * وَ اسْتَعَدْتُ

نیکی‌بختم ساز * که من به حریم قدس تو پناه آورده * و خود را در معرض کرمت درآورده‌ام * و به عفو

بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ * وَ بِحِلْمِكَ مِنْ غَضَبِكَ * فَجَدُّ بِمَا سَأَلْتِكَ *

از انتقامت * و به حلمت از غضبت پناه جسته‌ام * پس مرا آنچه درخواست کرده‌ام عطا فرما *

وَ أَنْلِ مَا التَّمَسْتُ مِنْكَ * أَسْأَلُكَ بِكَ لَا بِشَيْءٍ هُوَ أَعْظَمُ مِنْكَ *

و به آنچه التماس نموده‌ام نایل ساز * از تو سؤال می‌کنم به حق تو که از تو بزرگتری نیست *

به سجده می‌روی و می‌گوئی: يَا رَبِّ بَيْسَتْ مَرْتَبَةٌ * يَا اللَّهُ هَفْتُ مَرْتَبَةً * لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

هفت مرتبه * مَا شَاءَ اللَّهُ دَهْ مَرْتَبَةً * لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ دَهْ مَرْتَبَةً * پس صلوات می‌فرستی بر پیغمبر

و آل او (علیهم‌السلام) و می‌خواهی از خدا حاجت خود را پس قسم به خدا که اگر حاجت بخوایی به سبب این عمل به عدد

قطرات باران هر آینه برساند به تو خداوند عَزَّوَجَلَّ آن حاجت‌ها را به کرم عمیم و فضل جسیم خود. ﴿۱۱﴾ یازدهم:

شیخ طوسی و کفعمی فرموده‌اند که بخواند در این شب: اَللّٰهُمَّ تَعَرَّضْ لَكَ فِي هَذَا اللَّيْلِ

خدایا متعرضان خود را در این شب به تو

الْمُتَعَرِّضُونَ * وَ قَصْدَكَ الْقَاصِدُونَ * وَ أَمَلْ فَضْلَكَ وَ مَعْرُوفَكَ

عرضه داشتند * و قاصدان به درگاهت آمدند * و طالبان آرزوی فضل و احسانت

الطَّالِبُونَ * وَ لَكَ فِي هَذَا اللَّيْلِ نَفَحَاتٌ وَ جَوَائِزٌ * وَ عَطَايَا وَ مَوَاهِبُ

دارند * و برای تو در این شب لطفها و جایزه‌ها * و عطاها و بخشش‌هاست

تَمَنُّ بِهَا عَلَيَّ مِنْ تَشَاءٍ مِنْ عِبَادِكَ * وَ تَمَنَعَهَا مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ

* که منت نهی بدانها به هر که خواهی از بندگانت * و آنها را از آنکه بدان اعتنایی نداشته‌ای

الْعِنَايَةَ مِنْكَ * وَ هَا أَنَا ذَا عُبَيْدِكَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ * أَلْمُؤْمِلُ فَضْلَكَ

باز داری * اکنون من این بنده کوچک توام * که به تو آرزومندم از فضل

و مَعْرُوفَكَ * فَإِنْ كُنْتَ يَا مَوْلَايَ تَفَضَّلْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ عَلَى أَحَدٍ

و احسانت * و اگر باشی تو ای مولای من تفضل کنی در این شب بر یکی

مَنْ خَلَقَكَ * وَ عُدْتَ عَلَيْهِ بِعَائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ * فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

از خلقت * و عطا کنی به او جایزه‌ای از مهربانی خود * پس رحمت فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ * الْخَيْرِينَ الْفَاضِلِينَ * وَ جُدْ عَلَى

و آل محمد (ص) که پاک و پاکیزه * و نیک و فاضلند * و بر من از فضل

بَطْوَلِكَ وَ مَعْرُوفِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ * وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ

و احسانت ببخش ای پروردگار جهانیان * و درود و رحمت خدا بر محمد (ص) خاتم

النَّبِيِّينَ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ * وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا * إِنَّ اللَّهَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

پیغمبران و آل او که پاکیزه‌اند * و سلام و تحیت فراوان باد * زیرا خدا حمید و مجید است

* اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَ * فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَ * إِنَّكَ لَا

* بار خدایا من تو را می‌خوانم همچنان که امر فرمودی * پس دعایم مستجاب کن همانطور که وعده فرمودی * زیرا که

تُخَلِّفُ الْمِعَادَ * وَ این دعائی است که در سحرها در عقب نماز شفع خوانده می‌شود. ۱۲ دوازدهم:

تو خلف وعده نمی‌کنی. *

بخواند بعد از هر دو رکعت از نماز شب و شفع و بعد از دعاها و ترو دعاهائی را که شیخ و سیّد نقل کرده‌اند. ۱۳

سیزدهم: به جا آورد سجده‌ها و دعاهایی را که از رسول خدا (ﷺ) روایت شده * از جمله روایتی است که شیخ

از حماد بن عیسی از ابان بن تغلب روایت کرده که گفت حضرت صادق (ع) فرمودند: شب نیمه شعبانی داخل

شد و بود رسول خدا (ﷺ) در آن شب نزد عایشه، همین که نصف شب شد برخاست رسول خدا (ﷺ) از

رختخواب خود برای عبادت پس چون بیدار شد عایشه، یافت که پیغمبر (ﷺ) بیرون رفته از رختخواب او و

داخل شد براو آنچه که فروگیرد زنها را یعنی غیرت، و گمان کرد که آن حضرت رفته پیش بعض زنهاى خود، * پس

برخاست و پیچید بر خود شمله یعنی چادر خود را و قسم به خدا که شمله او از ابریشم و کتان و پنبه نبود و لکن

تار آن مو و پود آن از گرکهای شتر بود و جستجو می‌کرد رسول خدا (ﷺ) را در حجره‌های زنهاى دیگرش حجره

به حجره پس در این بین که در جستجوی آن حضرت بود به ناگاه نظرش افتاد بر رسول خدا (ﷺ) که در سجده

است، مثل جامه‌ای که چسبیده شده بر روی زمین * پس نزدیک آن حضرت شد شنید که می‌گوید در سجده خود:

سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَ خِيَالِي * وَ ءَامَنَ بِكَ فُؤَادِي * هَذِهِ يَدَايَ وَ مَا

سجده کند برای تو سراپای وجودم و خیالم * و معتقد است به تو دلم * این است هر دو دستم

جَنِيَّتَهُ * عَلَيَّ نَفْسِي * يَا عَظِيمُ (عَظِيمًا) تَرْجِي (يَرْجِي) لِكُلِّ عَظِيمٍ *

و هر چه جنایت کردم بر خودم * ای بزرگواری که امید به اوست برای هر بزرگی *

اغْفِرْ لِي الْعَظِيمَ * فَانَّهُ * لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا الرَّبُّ الْعَظِيمُ * پس

ببیمرز برایم گناهان بزرگ را * زیرا گناه بزرگ را جز پروردگار بزرگ نمی‌آمرزد *

بلند کرد سر خود را و دوباره برگشت به سجده و شنید عایشه که می‌گوید: اَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ

پناه می‌برم به نور وجه تو

الَّذِي اَضَاءَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْاَرْضُونَ * وَ اُنْكَشَفَتْ لَهُ الظُّلُمَاتُ

که روشنی گرفت از آن آسمانها و زمینها * و برداشته شد بدان تاریکیها

وَ صَلَحَ عَلَيْهِ اَمْرُ الْاَوَّلِينَ وَ الْاٰخِرِينَ مِنْ فُجَاةٍ نَقَمْتِكَ * وَ مِنْ تَحْوِيلِ

* و به شد و اصلاح یافت بر آن کار اولین و آخرین از ناگهانی عذابت * و از تحویل و از

عَافِيَّتِكَ * وَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ * اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا تَقِيًّا نَقِيًّا * وَ مِنْ

جا شدن عافیتت * و از زوال نعمتت * بار خدایا روزی من کن دلی پرهیزگار و پاک * و از

الشِّرْكِ بَرِيءًا لَا كَافِرًا وَلَا شَقِيًّا * پس بر خاک نهاد دو طرف روی خود را و گفت: عَفَّرْتُ

شکر بیزار نه کافر و نه بدبخت * گذاشتم

وَجْهِي فِي التُّرَابِ * وَ حَقَّ لِي اَنْ اَسْجُدَ لَكَ * پس همین که خواست رسول خدا (ﷺ)

روی خود را بر خاک * و مرا سزااست که سجده کنم برایت *

برگردد، شتافت عایشه به سوی رختخواب خود، پس رسول خدا (ﷺ) آمد به رختخواب او و شنید که نفس

بلند می‌زند فرمود: چیست این نفس بلند آیا ندانسته‌ای که چه شبی است امشب؟ این شب نیمه شعبان است

که در آن قسمت می‌شود روزبها و در آن نوشته می‌شود اجلها و در آن نوشته می‌شود روندگان به حج * و

به درستی که خدای تعالی می‌آمرزد در این شب از خلق خود بیشتر از عدد موهای بزهای قبیله کلب و

می‌فرستد خدای تعالی ملائکه خود را از جانب آسمان به سوی زمین در مکه. ﴿۱۴﴾ چهاردهم: نماز جناب

جعفر را به جا آورد چنانکه شیخ از حضرت امام رضا (ع) روایت کرده. ﴿۱۵﴾ پانزدهم: به جا آورد نمازهای این

شب را و آن بسیار است از جمله نمازی است که روایت کرده ابو یحیی صنّعی از حضرت باقر و صادق (علیهم السلام) و هم روایت کرده اند از آن دو بزرگوار سی نفر از کسانی که وثوق و اعتماد است به ایشان که آن دو بزرگوار فرمودند که:

هرگاه شب نیمه شعبان شد پس به جا آور چهار رکعت نماز، بخوان در هر رکعت حمد و **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ**

صد مرتبه * پس چون فارغ شدی بگو: **اللَّهُمَّ اِنِیْ اِلَیْكَ فَقِیْرٌ * وَ مِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ**

بار خدایا من به تو محتاجم * و از عذابت ترسان

مُسْتَجِیْرٌ * اللَّهُمَّ لَا تُبَدِّلْ اِسْمِیْ * وَ لَا تُغَيِّرْ جِسْمِیْ * وَ لَا تُجْهِدْ

و پناهنده ام * بار خدایا عوض مکن نامم را * و دگرگون مساز تنم را * و سخت مکن

بَلَائِیْ * وَ لَا تُشْمِتْ بِیْ اَعْدَائِیْ * اَعُوْذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ * وَ اَعُوْذُ

بلایم را * و شاد مکن به من دشمنم را * و پناه می برم به عفو از عقابت * و پناه می برم

بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ * وَ اَعُوْذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ * وَ اَعُوْذُ بِكَ

به رحمتت از عذابت * و پناه می برم به رضای تو از خشمت * و پناه می برم به تو

مِنْكَ * جَلَّ ثَنَاؤُكَ * اَنْتَ كَمَا اَثْنَيْتَ عَلٰی نَفْسِكَ * وَ فَوْقَ مَا یَقُوْلُ

از تو * والا است ستایشت * تو همچنانی که خود را ستودی * و برتر از آنچه گویند

الْقَائِلُوْنَ * و بدان که فضیلت بسیار وارد شده برای خواندن صد رکعت نماز در این شب در هر رکعتی یک

گویندگان. *

مرتبه حمد و ده مرتبه توحید و گذشت در ماه رجب دستور العمل شش رکعت نماز در این شب به حمد و بیس و

تَبَارُکَ وَ تَوْحِیْدًا. * روز نیمه شعبان: عید مولود شریف امام دوازدهم مَوْلَانَا و اِمَامُنَا الْمَهْدِیُّ حضرت حجة

بن الحسن صاحب الزمان صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ وَ عَلٰی اٰبَائِهِ است: **وَ یَسْتَحَبُّ زِیَارَتَهُ وَ عَلَیْهِ**

و مستحب است زیارت آن حضرت

السَّلَامُ فِیْ کُلِّ زَمَانٍ وَ مَکَانَ * وَ الدُّعَاءُ بِتَعْجِیْلِ الْفَرَجِ عِنْدَ زِیَارَتِهِ *

که بر او سلام باد در هر زمان و هر مکان * و درخواستم از خدا برای تعجیل در فرجش هنگام زیارتش *

وَ تَتَاكَّدُ زِیَارَتَهُ وَ فِی السَّرْدَابِ بِسَرِّ مَنْ رَءَاى * وَ هُوَ الْمُتَیَقِّنُ ظَهْرَهُ وَ

و تاکید شده زیارت آن حضرت در سرداب و سامرا * و آنکه قطعی است ظهور

وَ تَمَلُّکُهُ * وَ اِنَّهُ یَمَلُّ الْاَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا * کَمَا مَلَّتْ ظُلْمًا

و فرمانروایی اش * و به راستی که او زمین را با قسط و عدل پر کند * همانطور از ظلم و ستم

وَ جَوْرًا * در اعمال بقیه این ماه است: از حضرت امام رضا (علیه السلام) منقول است که هر که سه روز از آخر
پر شده باشد *

ماه شعبان روزه بدارد و به ماه مبارک رمضان وصل کند حق تعالی ثواب روزه دو ماه متوالی برای او بنویسد * و
ابوالصلت هروی روایت کرده است که در جمعه آخر ماه شعبان به خدمت حضرت امام رضا (علیه السلام) رفتم حضرت
فرمود که ای ابوالصلت اکثر ماه شعبان رفت و این جمعه آخر آن است پس تدارک و تلافی کن در آنچه از این ماه
مانده است تقصیرهایی را که در ایام گذشته این ماه کرده‌ای و بر تو باد که رُو آوری بر آنچه نافع است برای تو و
دعا و استغفار بسیار بکن و تلاوت قرآن مجید بسیار بکن و توبه کن به سوی خدا از گناهان خود تا آنکه چون ماه
مبارک در آید خالص گردانیده باشی خود را از برای خدا و مگذار در گردن خود امانت و حق کسی را مگر آنکه ادا
کنی و مگذار در دل خود کینه کسی را مگر آنکه بیرون کنی و مگذار گناهی را که می‌کرده‌ای مگر آنکه ترک کنی و
از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و آشکار امور خود و هر که بر خدا توکل کند خدا بس است او را * و بسیار

بخوان در بقیه این ماه این دعا را: **اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ**
بار خدایا اگر ما را در گذشته از ماه شعبان

شَعْبَانَ * فَاعْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ * به درستی که حق تعالی در این ماه آزاد می‌گرداند
نیامرزیده‌ای * در باقیمانده از آن پس بیامرز ما را *

بندهای بسیار از آتش جهنم برای حرمت ماه مبارک رمضان * و شیخ از حارث بن مُغیره نضری روایت کرده که

حضرت صادق (علیه السلام) می‌خواند در شب آخر شعبان و شب اول ماه رمضان: **اللَّهُمَّ إِنْ هَذَا الشَّهْرُ**
خدایا این ماه

الْمُبَارَكِ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنُ * وَ جَعَلَ هُدًى لِلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ
مبارک (رمضان) که در آن قرآن نازل شد * و مقرر گردید برای هدایت مردم و ادله روشن برای راهنمایی

الْهُدَى وَ الْفُرْقَانَ قَدْ حَضَرَ * فَسَلِّمْنَا فِيهِ وَ سَلِّمَهُ لَنَا * وَ تَسَلَّمَهُ
و جدا ساختن حق و باطل اینک فرا رسید * و ما را در این ماه و ماه را برای ما سلامت بدار * و برای ما

مِنَّا فِي يَسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ * يَا مَنْ أَخَذَ الْقَلِيلَ وَ شَكَرَ الْكَثِيرَ *
این ماه را آسایش و عافیت مسلم دار * ای آنکه طاعت اندک ما بندگان را اخذ کرده و مقابلش پاداش بسیار عطا می‌کنی *

اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ * اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ لِي اِلَى كُلِّ خَيْرٍ سَبِيلاً

از من هم این قلیل طاعت بپذیر * ای خدا از تو درخواست می‌کنم که به هر کار خیری مرا راه نشان دهی

* وَ مِنْ كُلِّ مَا لَا تُحِبُّ مَانِعًا * يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * يَا مَنْ عَفَا عَنِّي

* و از هر چه محبوب تو نیست مرا مانع شوی * ای مهربانترین مهربانان عالم * ای کسی که از من

وَ عَمَّا خَلَوْتُ بِهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ * يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْنِي بِاِرْتِكَابِ

و از بدیهایی که از شرم خلق پنهان داشتم درگذشتی * و ای کسی که مرا به ارتکاب گناهان

الْمَعَاصِي * عَفْوِكَ عَفْوِكَ يَا كَرِيمَ * اِلٰهِهِ وَعَظَّتْنِي فَلَمْ اَتَّعِظْ

مؤاخذه نفرمودی * عفو تو عفو تو شامل حالم باد ای ذات بزرگواری * خدای من تو مرا موعظه کردی (در کتابت) و من نشنیدم

* وَ زَجَرْتَنِي عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ اَنْزَجِرْ * فَمَا عُذْرِي فَاَعْفُ عَنِّي يَا

* و از هر حرام انزجار دادی و من ترک نمودم * چه عذر به درگاهت آورم از من درگذر ای خدای

كَرِيمَ * عَفْوِكَ عَفْوِكَ * اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ *

با کرم و بخشش * عفو تو عفو تو شامل حالم باد * ای خدا از تو درخواست می‌کنم راحتی در وقت مرگ *

وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ * عَظَمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ * فَلَیْحَسُنَ التَّجَاوُزُ

و آمرزش هنگام حساب * اگر گناه از بنده بزرگ است * عفو و بخشش از تو

مِنْ عِنْدِكَ * يَا اَهْلَ التَّقْوَى وَيَا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ * عَفْوِكَ عَفْوِكَ * اللَّهُمَّ

نیکو است * ای که تقوی و آمرزش سزاوار توست * عفو تو عفو تو شامل حالم باد * ای خدا

اِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ اُمَّتِكَ * ضَعِيفٌ فَقِيرٌ اِلَى رَحْمَتِكَ *

من بنده تو فرزند بنده و کنیز توام * ضعیف و ناتوانم و به رحمت بی‌پایانت محتاج *

وَ اَنْتَ مُنْزِلُ الْغَنِيِّ وَ الْبَرَكَةِ عَلَى الْعِبَادِ * قَاهِرٌ مُقْتَدِرٌ * اَحْصَيْتَ

و تویی که ثروت و برکت نازل بر بندگانت می‌کنی * تو قاهر و مقتدری * تو اعمال خلق

اَعْمَالَهُمْ * وَ قَسَمْتَ ارْزَاقَهُمْ * وَ جَعَلْتَهُمْ مُخْتَلِفَةً السَّنْتَهُمْ وَ الْوَانَهُمْ

به شمار آورده * و روزیشان تقسیم کرده‌ای * و زبانهاشان مختلف و رنگهاشان گوناگون ساختی

* خَلَقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ * وَ لَا يَعْلَمُ الْعِبَادُ عِلْمَكَ * وَ لَا يَقْدِرُ الْعِبَادُ

* خلقتی پس از خلقتی دیگر آفریدی * بندگان از علم تو آگاه نیستند * و به قدر و مقامت

قَدْرِكَ * وَ كَلْنَا فَقِيرٌ اِلَى رَحْمَتِكَ * فَلَا تَصْرَفْ عَنِّي وَجْهَكَ * وَ اجْعَلْنِي

پی نتوانم برد * و همه ما خلائق به رحمت محتاجیم * پس تو به کرم و بزرگواری خود روی از من مگردان * و قرار ده مرا

مِنْ صَاحِبِي خَلْقِكَ فِي الْعَمَلِ وَالْأَمَلِ وَالْقَضَاءِ وَالْقَدَرِ * اللَّهُمَّ ابْقِنِي

از شایستگان خلقت در مقام عمل و آرزو و در قضا و قدر * خدایا مرا با

خَيْرَ الْبَقَاءِ * وَافْنِي خَيْرَ الْفَنَاءِ عَلَى مَوْلَاةٍ أَوْلِيَانِكَ * وَمُعَادَاةِ

بهترین حال باقی بدار * و در بهترین حال بمیران که آن حال دوستی با اولیاء توست * و دشمنی

أَعْدَائِكَ * وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ * وَالرَّهْبَةَ مِنْكَ * وَالْخُشُوعَ وَالْوَفَاءَ

با اعدایت * و شوق لقايت * و ترس از قهر و جلالت * و حال خشوع به درگاهت و وفای به عهدت

والتَّسْلِيمَ لَكَ * وَالتَّصَدِيقَ بِكِتَابِكَ * وَاتِّبَاعَ سُنَّةِ رَسُولِكَ *

و به تسلیم و رضایت * و با تصدیق به کتابت * و پیروی از سنت پیغمبرت *

اللَّهُمَّ مَا كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَكٍّ أَوْ رَيْبَةٍ * أَوْ جُحُودٍ أَوْ قَنُوطٍ * أَوْ فَرَحٍ

ای خدا آنچه در دلم از شک و ریب * و انکار و یأس و نومیدی * و شادی و سرکشی

أَوْ بَذْخٍ أَوْ بَطْرِ * أَوْ خِيَلَاءٍ أَوْ رِبَاءٍ أَوْ سُمْعَةٍ * أَوْ شِقَاقٍ أَوْ نِفَاقٍ * أَوْ

و عیاشی و اسراف * یا تکبر و خودپسندی یا ربا کاری و خودنمایی * یا شقاوت و نفاق و دورویی * یا

كُفْرٍ أَوْ فَسُوقٍ * أَوْ عَصِيَانٍ أَوْ عِظْمَةٍ * أَوْ شَيْءٍ لَا تُحِبُّ * فَاسْأَلْكَ

کفر و فسق * و گناه یا بزرگی نخوت * یا هر چه تو نپسندی * از تو درخواست می‌کنم که

يَا رَبِّ أَنْ تُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ * أَيْمَانًا بَوَّعِدَكَ * وَوَفَاءً بَعْهَدِكَ * وَرِضًا

همه این اوصاف را بدل کنی به ایمان به وعده‌های خود * و وفای به عهدت * و رضا

بِقَضَائِكَ * وَزُهْدًا فِي الدُّنْيَا * وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ * وَآثَرَةَ

و خوشنودی به قضایت * و زهد در دنیا * و شوق و رغبت به آنچه نزد توست * و آگاهی

وَ طَمَآنِينَةً وَ تَوْبَةً نَصُوحًا * أَسْأَلُكَ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ * إِلَهِي

و اطمینان خاطر و توبه نصوح * که من از تو می‌طلبم این امور را ای پروردگار عالم * ای خدای من

أَنْتَ مِنْ حِلْمِكَ تُعْصِي * وَ مِنْ كَرَمِكَ وَ جُودِكَ تُطَاعُ * فَكَانَكَ لَمْ

تو بس با حلم و بردباری خلق که تو را معصیت می‌کنند گویا نمی‌بینی * و بس با جود و کرمی اطاعتت که می‌کنند * گویا هیچ

تُعْصَ (تر) * وَأَنَا وَمَنْ لَمْ يَعْصِكَ سَكَّانُ أَرْضِكَ * فَكُنْ عَلَيْنَا بِالْفَضْلِ

معصیت نکرده‌اند * و من با هر که معصیت نکرده است همه ساکنان زمین توایم * پس با ما به فضل و رحمتت

جَوَادًا * وَبِالْخَيْرِ عَوَادًا * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى

کرم فرما * و به عادتت که خیر و احسان است رفتار کن * ای مهربانترین مهربانان عالم * و درود بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً دَائِمَةً لَا تُحْصَى وَلَا تُعَدُّ * وَلَا يَقْدِرُ قَدْرَهَا غَيْرُكَ

محمد (ص) و آلش درودی پیوسته * که جز تو کسی آن را به حد و شمار و قدر و اندازه در نیابد

* يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

* ای مهربانترین مهربانان. *

فصل سیّم: در فضیلت و اعمال ماه مبارک رمضان

شیخ صدوق به سند معتبره روایت کرده از حضرت امام رضا (علیه السلام) از پدران بزرگواران خود از حضرت امیرالمؤمنین علیه و علی اولاده السلام که فرمود: خطبه‌ای خواند برای ما روزی حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: ایُّها النَّاسُ به درستی که رو کرده است به سوی شما ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش، ماهی است که نزد خدا بهترین ماهها است و روزهایش بهترین روزها است و شبهایش بهترین شبها است و ساعتهاش بهترین ساعتها است و آن ماهی است که خوانده‌اند شما را در آن به سوی ضیافت خدا و گردیده‌اید در آن از اهل کرامت خدا. نفسهای شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما ثواب عبادت دارد و عملهای شما در آن مقبول است و دعا‌های شما در آن مستجاب است. پس سؤال کنید از پروردگار خود به نیتهای درست و دل‌های پاکیزه از گناهان و صفات ذمیمه که توفیق دهد شما را برای روزه داشتن آن و تلاوت کردن قرآن در آن. به درستی که شقی و بد عاقبت کسی است که محروم گردد از آمرزش خدا در این ماه عظیم و یاد کنید به گرسنگی و تشنگی شما در این ماه تشنگی و گرسنگی روز قیامت را و تصدّق کنید بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم نمائید پیران خود را و رحم کنید کودکان خود را و نوازش نمائید خویشان خود را و نگاه دارید زبانهای خود را از آنچه نباید گفت و بپوشید دیدهای خود را از آنچه حلال نیست شما را نظر کردن به سوی آن و بازدارید گوشهای خود را از آنچه حلال نیست شما را شنیدن آن و مهربانی کنید با یتیمان مردم تا مهربانی کنند بعد از شما با یتیمان شما و بازگشت کنید به سوی خدا از گناهان خود و بلند کنید دستهای خود را به دعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نمازها بهترین ساعتها است. نظر می‌کند حق تعالی در این اوقات به رحمت به سوی بندگان خود و جواب می‌گوید ایشان را هرگاه او را مناجات کند و لبیک می‌گوید ایشان را هرگاه او را ندا کنند و مستجاب می‌گرداند هرگاه او را بخوانند. * ای گروه مردمان به درستی که جانهای شما در گرو کرده‌های شما است پس از گرو بدر

آوردید به طلب آموزش از خدا و پشتهای شما گران بار است از گناهان شما، پس سبک گردانید آنها را به طول دادن سجده‌ها. و بدانید که حق تعالی سوگند یاد کرده است به عزت و جلال خود که عذاب نکند نمازگذارندگان و سجده‌کنندگان در این ماه را و نترساند ایشان را به آتش جهنم در روز قیامت. * **أَيُّهَا النَّاسُ** هر که از شما افطار دهد روزه دار مؤمنی را، در این ماه از برای او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته. * پس بعضی از اصحاب گفتند: یا رسول الله همه ما قدرت بر آن نداریم حضرت فرمود: بپرهیزید از آتش جهنم به افطار فرمودن روزه داران اگر چه به نصف دانه خرما باشد و اگر چه به یک شربت آبی باشد به درستی که خدا این ثواب را می‌دهد کسی را که چنین کند اگر قادر بر زیاده از این نباشد. * **أَيُّهَا النَّاسُ** هر که خُلُق خود را در این ماه نیکو گرداند بر صراط آسان بگذرد در روزی که قدمها بر آن لغزد * و هر که سبک گرداند در این ماه خدمت غلام و کنیز خود را، خدا در قیامت حساب او را آسان گرداند. * و هر که در این ماه شرّ خود را از مردم باز دارد حق تعالی غضب خود را در قیامت از او باز دارد * و هر که در این ماه یتیم بی‌پدری را گرامی دارد خدا او را در قیامت گرامی دارد * و هر که در این ماه صلّه و احسان کند با خویشان خود، خدا وصل کند او را به رحمت خود در قیامت و هر که در این ماه قطع احسان خود از خویشان خود بکند خدا در قیامت قطع رحمت خود از او بکند * و هر که نماز سنتی در این ماه بکند خدا برای او برات بیزاری از آتش جهنم بنویسد. * و هر که در این ماه نماز واجبی را ادا کند خدا عطا کند به او ثواب هفتاد نماز واجب که در ماههای دیگر کرده شود. * و هر که در این ماه بسیار بر من صلوات فرستد خدا سنگین گرداند ترازوی عمل او را در روزی که ترازوهای اعمال سبک باشد. * کسی که یک آیه از قرآن در این ماه بخواند ثواب کسی دارد که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد * **أَيُّهَا النَّاسُ** به درستی که درهای بهشت در این ماه گشاده است پس سؤال کنید از پروردگار خود که بروی شما نه‌بندد و درهای جهنم در این ماه بسته است، پس سؤال کنید از پروردگار خود که بر روی شما نگشاید و شیاطین را در این ماه غلّ کرده‌اند پس سؤال کنید از خدا که ایشان را بر شما مسلط نگرداند الخ. * و شیخ صدوق روایت کرده که چون ماه رمضان داخل می‌شد حضرت رسول (ﷺ) آزاد می‌کرد هر اسیری که بود و عطا می‌نمود هر سائلی را. * مؤلف گوید که: ماه رمضان ماه خداوند عالمیان است و شریفترین ماهها است و ماهی است که درهای آسمان و درهای بهشت و رحمت گشوده می‌شود و درهای جهنم بسته می‌شود و در آن شبی است که عبادت در آن بهتر

است از عبادت هزار ماه * پس تأمل نما که چگونه خواهی بود در شب و روز خود و چگونه نگاه می داری اعضاء و جواح خود را از معصیتهای پروردگار خود و مبادا شبها در خواب باشی و روزها غافل از یاد خدا. * همانا در خبر است که در آخر هر روز از روزهای ماه رمضان در وقت افطار حق تعالی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد می کند و چون شب جمعه و روز جمعه می شود در هر ساعتی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد می کند که هر یک مستوجب عذاب شده باشند و در شب و روز آخر ماه به عدد آنچه در تمام ماه آزاد کرده است آزاد می کند. * پس ای عزیز مبادا بیرون رود ماه رمضان و گناهان تو باقی مانده باشد و در هنگامی که روزه داران مزدهای خود را بگیرند تو از جمله محرومان و زیانکاران باشی. و تقرب بجوی به سوی خداوند تبارک و تعالی به تلاوت کردن قرآن مجید در شبها و روزهای این ماه و به ایستادن به نماز و جدّ و جهد کردن در عبادت و به جا آوردن نمازها در اوقات فضیلت و کثرت استغفار و دعا. **فَعَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ وَمَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ وَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ وَ إِلَى قَابِلٍ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ** امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر که در ماه رمضان آمرزیده نشود تا سال آینده آمرزیده نشود مگر آنکه در عرفات حاضر شود.

و نگاه دارد خود را از چیزهایی خدا حرام کرده است و از افطار کردن بر چیزهای حرام. * و رفتار کن به نحوی که مولای ما حضرت صادق (علیه السلام) وصیت نموده و فرموده که: هرگاه روزه داری می باید که روزه دارد گوش و چشم و مو و پوست و جمیع اعضاء تو یعنی از محرّمات بلکه از مکروهات. و فرمود باید که روز روزه تو مانند روز افطار تو نباشد. * و نیز فرموده که: روزه نه همین از خوردن و آشامیدن است تنها، بلکه باید در روز روزه نگاه داری زبان خود را از دروغ و پیوشانید دیده های خود را از حرام و با یکدیگر نزاع مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و مجادله مکنید و سوگند دروغ مخورید بلکه سوگند راست نیز، و دشنام مدهید و فحش مگوئید و ستم مکنید و بی خردی مکنید و دلتنگ مشوید و غافل مشوید از یاد خدا و از نماز، و خاموش باشید از آنچه نباید گفت و صبر کنید و راستگو باشید و دوری کنید از اهل شرّ و اجتناب کنید از گفتار بد و دروغ و افتراء و خصومت کردن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن چینی کردن و خود را مُشْرِف به آخرت دانید و منتظر فرج و ظهور قائم آل محمد (علیه السلام) باشید و آرزومند ثوابهای آخرت باشید و توشه اعمال صالحه برای سفر آخرت بردارید. و بر شما باد به آرام دل و آرام تن و خضوع و خشوع و شکستگی و مذلت مانند بنده ای که از آقای خود ترسد. و ترسان باشید

از عذاب خدا و امیدوار باشید رحمت او را و باید پاک باشد ای روزه‌دار دل تواز عیبها و باطن تواز حیلها و مکرها و پاکیزه باشد بدن تواز کثافتها و بیزاری بجوی به سوی خدا از آنچه غیر اوست و در روزه ولایت خود را خالص گردانی از برای او و خاموش باشی از آنچه حق تعالی نهی کرده است تواز آن در آشکارا و پنهان. و بررسی از خداوند قهار آنچه سزاوار ترسیدن او است در پنهان و آشکار. و ببخشی روح و بدن خود را به خدای عزوجل در ایام روزه خود و فارغ گردانی دل خود را از برای محبت او و یاد او. و بدن خود را به کارفرمائی در آنچه خدا تو را امر کرده است به آن و خوانده است به سوی آن اگر همه اینها را به عمل آوری آنچه سزاوار روزه داشتن است به عمل آورده‌ای و فرموده خدا را اطاعت کرده‌ای و آنچه کم کنی از آنها که بیان کردم از برای تو به قدر آن از روزه تو کم می‌شود از فضل آن و ثواب آن. * به درستی که پدرم گفت: رسول خدا (ﷺ) شنید که زنی در روز روزه‌ای جاریه خود را دشنام داد، حضرت طعمی طلبید آن زن را گفت: بخور. زن گفت: من روزه‌ام. فرمود: چگونه روزه‌ای که جاریه خود را دشنام دادی؟ روزه از خوردن و آشامیدن تنها نیست، به درستی که حق تعالی روزه را حجابی گردانیده است از سایر امور قبیحه از کردار بد و گفتار بد چه بسیار کمند روزه‌داران و چه بسیارند گرسنگی کشندگان. * و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود که: چه بسیار روزه‌داری که بهره‌ای نیست او را از روزه به غیر از تشنگی و گرسنگی، و چه بسیار عبادت‌کننده‌ای که نیست او را بهره‌ای از عبادت به غیر تعب، ای خوشا خواب زیرکان که بهتر از بیداری و عبادت احمقان است و خوشا افطار کردن زیرکان که بهتر از روزه داشتن بی‌خردان است. * و روایت شده از جابر بن یزید از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) که حضرت رسول (ﷺ) به جابر بن عبدالله فرمود: ای جابر این ماه رمضان است، هر که روزه بدارد روز آن را و بایستد به عبادت پاره‌ای از شبش را و باز دارد از حرام شکم و فرج خود را و نگاه دارد زبان خود را بیرون رود از گناهان خود مثل بیرون رفتن او از ماه. جابر گفت: یا رسول الله چه نیکو است این حدیث که فرمودی. فرمود: ای جابر و چقدر سخت است این شرطهایی که نمودم. و بالجمله اعمال این ماه شریف در دو مطلب و یک خاتمه ذکر می‌شود.

مطلب اول: در اعمال مشترکه این ماه است و آن بر چهار قسم است.

قسم اول: اعمالی است که در هر شب و روز این ماه به جا آورده می‌شود. سید بن طاوس روایت کرده از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم (علیه السلام) که فرمودند: می‌گوئی در ماه رمضان از اول تا به آخر آن بعد از هر فریضه:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ مَا

خدایا مرا روزی کن حج بیت الحرام * در این سال و در همه سال * مادامی

أَبْقَيْتَنِي فِي يَسْرِ مِنْكَ * وَ عَافِيَةٍ وَ سَعَةِ رِزْقٍ * وَ لَا تُخَلِّني مِنْ تِلْكَ

که عمرم را باقی داری با آسایش * و عافیت و وسعت رزق * و مرا دور مدار

الْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ * وَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ * وَ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ

از آن موقفهای عالی * و مشاهد مشرفه * و زیارت قبر پیغمبرت

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ * وَ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَكُنْ لِي

که درودت بر او و بر آتش باد * و در جمیع احتیاجات دنیا و آخرت یاری کن

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيمَا تَقْضِي وَ تَقْدِرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَمومِ فِي لَيْلَةِ

* ای خدا از تو درخواست می‌کنم که در آنچه از قضا و قدرت اموری را در شب قدر حتمی

الْقَدْرِ * مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَ لَا يُبَدَّلُ * أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ

قرار دادی * که دیگر برگشت و تغییر و تبدیل نخواهد داشت * که مرا از آن حجج

بَيْتِكَ الْحَرَامِ * الْمَبْرُورِ حَجَّهُمْ * الْمَشْكُورِ سَعِيَهُمْ * أَلْمَغْفُورِ

بیت الحرامت قرار دهی * که حجتشان پسندیده * و سعیشان پذیرفته * و گناهانشان

ذُنُوبِهِمْ * أَلْمُكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ * وَ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَ تَقْدِرُ

آمرزیده است * و اعمال بدشان بخشیده شده است * و قرار ده در قضا و قدرت

أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي (فِي طَاعَتِكَ) * وَ تُوسِعَ عَلَيَّ رِزْقِي * وَ تُؤَدِّيَ عَنِّي أَمَانَتِي

که عمر مرا طولانی * و رزقم را وسیع * و امانات و قرضم را ادا

وَ دِينِي * ءَامِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ * وَ مِي خَوَانِي عَقَبِ نَمَازِهَي فَرِيضَه: يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ

فرمایی * این دعا را اجابت فرما ای پروردگار عالم. * ای خدای بلند مقام ای بزرگوار

* يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ * أَنْتَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ * الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ *

* ای آمرزنده ای مهربان * تویی خدای بزرگ * که هیچ مثل و مانندی ندارد *

وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ * وَ هَذَا شَهْرُ عَظَمَتِهِ * وَ كَرَمَتِهِ * وَ شَرَفَتِهِ * وَ

و به گفتار و کردار خلق شنوا و بیناست * و این ماه است که مقامش را عظیم کردی و کرامت * و شرافت

وَ فَضْلَتِهِ * عَلَى الشُّهُورِ * وَ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِي فَرَضْتَ صِيَامَهُ * عَلَى

و فضیلتش بر سایر ماهها دادی * و این ماه است که روزه اش بر من واجب گردانیدی *

و هُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ * الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ * هُدًى لِّلنَّاسِ

و این ماه رمضان است * که در آن قرآن را نازل فرمودی * برای راهنمایی مردم

و بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ * وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ * وَجَعَلْتَهَا

و روشن کردن راه هدایت و جدا نمودن حق از باطل * و شب قدر را در این ماه مقرر داشتی * که آن شب

خَيْرًا مِّنَ الْآلِفِ شَهْرٍ * فَيَا ذَا الْمَنِّ وَلَا يَمْنُ عَلَيْكَ * مَنَّ عَلَىٰ بَفَاكَ

بر هزار ماه برتری دادی * پس ای خدایی که بر همه منت داری و هیچکس بر تو منت ندارد * بر من منت گزار در میان آن همه

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ * فَيَمَنْ تَمَنَّٰ عَلَيْهِ * وَادْخِلْنِي الْجَنَّةَ * بِرَحْمَتِكَ يَا

بندگان که منت گزارده‌ای * و از آتش دوزخ نجات بخش * و به بهشت ابدت داخل گردان * به حق رحمت بی‌پایانت

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * و شیخ کفعمی در مصباح و بلد الامین و شیخ شهید در مجموعه خود از

ای مهربانترین مهربانان عالم.

حضرت رسول (ﷺ) نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمود: هر که این دعا را در ماه رمضان بعد از هر نماز واجب بخواند

حَقَّ تَعَالَىٰ بِيَمْرُزِدْ غَنَاهَانَ أَوْ رَأَىٰ تَارُوزَ قِيَامَتِ وَ دَعَا فِيهِ اسْت: اَللّٰهُمَّ اَدْخِلْ عَلٰى اَهْلِ الْقُبُوْرِ

ای خدا تو بر اهل قبور نشاط و سرور

السُّرُوْرَ * اَللّٰهُمَّ اَغْنِ كُلَّ فَقِيْرٍ * اَللّٰهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ * اَللّٰهُمَّ اكْسُ

عطا کن * خدا یا هر فقیر را بی‌نیاز گردان * خدا یا هر گرسنه را سیر گردان * خدا یا هر برهنه را

كُلَّ عُرْيَانٍ * اَللّٰهُمَّ اقْضِ دِيْنَ كُلِّ مَدِيْنٍ * اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنِّ كُلِّ مَكْرُوْبٍ

لباس پوشان * خدا یا دین هر مدیونی را ادا فرما * خدا یا هر غمگینی را دلشاد ساز

* اَللّٰهُمَّ رُدِّ كُلَّ غَرِيْبٍ * اَللّٰهُمَّ فَكِّ كُلِّ اَسِيْرٍ * اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ كُلَّ فَاْسِدٍ

* خدا یا هر غریبی را به وطن باز رسان * خدا یا هر اسیری را آزاد گردان * خدا یا مفسد امور

مِّنْ اُمُوْر الْمُسْلِمِيْنَ * اَللّٰهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيْضٍ * اَللّٰهُمَّ سَدِّ فُقْرَنَا

مسلمانان را اصلاح فرما * خدا یا هر مریض را شفا عنایت کن * خدا یا به غنای خود جلو فقر

بِغِنَاكَ * اَللّٰهُمَّ غَيِّرْ سَوْءَ حَالِنَا بِحَسَنِ حَالِكَ * اَللّٰهُمَّ اقْضِ عَنَّا

ما را ببند * خدا یا بدیهای حال ما را به خوبی صفات خودت تغییر ده * خدا یا دین ما را

الدِّيْنَ * وَ اَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ * اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ * و شیخ کلینی در

ادا فرما * و فقر ما را بدل به غنا و بی‌نیازی گردان * که تو ای خدا بر هر چیز توانایی.

کافی روایت کرده از ابو بصیر که حضرت صادق (علیه السلام) در ماه رمضان این دعا را می خواند: **اللَّهُمَّ اِنِي بِكَ**

خدایا من به وسیله تو

وَمِنْكَ اَطْلُبُ حَاجَتِي * وَ مِنْ طَلَبِ حَاجَةٍ اِلَى النَّاسِ فَاِنِي لَا اَطْلُبُ

و از لطف تو حاجتم را می طلبم * و هر کس از خلقت حاجت می طلبد بطلبد من از غیر تو

حَاجَتِي اِلَّا مِنْكَ * وَ حَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ * وَ اَسْئَلُكَ بِفَضْلِكَ

حاجت نمی طلبم * تو یکتایی و شریک برای تو نیست * و درخواست می کنم به فضل تو

وَ رِضْوَانِكَ * اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ * وَ اَنْ تَجْعَلَ لِي فِي

و خشنودیت * که درود فرستی بر محمد (ص) و اهل بیتش * و مرا امسال از

عَامِي هَذَا اِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ سَبِيلاً * حِجَّةً مَبْرُورَةً مُتَقَبَّلَةً زَاكِيَةً

حاجیان بیت الحرامت قرار دهی * که حجشان نیکو و مقبول و پاکیزه و خالص

خَالِصَةً لَكَ * تَقَرُّبًا عَيْنِي * وَ تَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتِي * وَ تَرْزُقَنِي اِنْ اَغْضَّ

برای توست * که به آن حج در قیامت دیده ام روشن * و درجه ام رفیع گردد * و نیز روزیم گردان که چشم

بَصْرِي * وَ اَنْ اَحْفَظَ فَرْجِي * وَ اَنْ اَكْفَّ بِهَا عَنْ جَمِيعِ مَحَارِمِكَ *

از حرام بپوشم * و عفت خود حفظ گردانم * و از جمیع آنچه حرام کرده ای خود را نگاه دارم *

حَتَّى لَا يَكُونَ شَيْءٌ اَثَرَ عِنْدِي مِنْ طَاعَتِكَ وَ خَشِيَّتِكَ * وَ الْعَمَلُ بِمَا

تا در عالم چیزی محبوب تر نزد من از طاعت و خشیت تو * و عملی که محبوب

اَحْبَبْتُ * وَ التَّرْكَ لِمَا كَرِهْتُ وَ نَهَيْتَ عَنْهُ * وَ اَجْعَلَ ذَلِكَ فِي يَسْرٍ

توست * و ترک آنچه ممنوع و ناپسند توست نباشد * و این کار را بر من سهل و آسان

وَ يَسَارٍ وَ عَافِيَةٍ * وَ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ * وَ اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ وَفَاتِي

و راحت گردان * و سهل عطا کن هر چه به من انعام فرمودی * و از تو ای خدا درخواست می کنم که وفات مرا

قَتْلًا فِي سَبِيلِكَ تَحْتَ رَايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ اَوْلِيَائِكَ * وَ اَسْئَلُكَ اَنْ تَقْتُلَ

کشته شدن در راه خود قرار دهی زیر پرچم دین پیغمبرت با اولیاء و دوستانت * و باز از تو می طلبم که به دست من

بِ اَعْدَائِكَ وَ اَعْدَاءِ رَسُوْلِكَ * وَ اَسْئَلُكَ اَنْ تُكْرِمَنِي بِهَوَانٍ مِّنْ شَيْءٍ

دشمنان را و دشمنان رسولت را به قتل رسانی * و از تو می طلبم که مرا گرمی کنی به خوار کردن هر که را

مِنْ خَلْقِكَ * وَ لَا تُهِنِّي بِكَرَامَةٍ اَحَدٍ مِّنْ اَوْلِيَائِكَ * اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مَعَ

از خلقت بخواهی * و خوارم نگردانی به گرمی کردن احدی از اولیاء و دوستانت * بارالها مرا با

الرَّسُولِ سَبِيلًا * حَسْبِيَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ * مؤلف گوید که: این دعاء موسوم به

رسولت همراه ساز * خدا مرا کفایت است هر چه خواست خداست نیکو است. *

دعای حجّ است. سید در اقبال از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده خواندن آن را در شبهای ماه رمضان بعد از مغرب. * و کفعمی در بلد الامین گفته که مستحب است خواندن آن در هر روز از ماه رمضان و در شب اول نیز. * و شیخ مفید در مقنعه برای خصوص شب اول نقل کرده بعد از نماز مغرب. * و بدانکه بهترین اعمال در شبها و روزهای ماه مبارک رمضان خواندن قرآن است و بسیار باید خواند چه آنکه قرآن در این ماه نازل شده است، و وارد شده که هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه رمضان است و در ماههای دیگر هر ماهی یک ختم سنت است و اقلّش شش روز است و در ماه رمضان در هر سه روز یک ختم سنت است و اگر روزی یک ختم تواند بکند خوب است. * علامه مجلسی (رحمته الله) فرموده که: در حدیث است که بعضی از ائمه (علیهم السلام) در این ماه چهل ختم قرآن و زیاده می کردند، * و اگر هر ختم قرآنی را ثوابش را به روح مقدّس یکی از چهارده معصوم (علیهم السلام) هدیه کند ثوابش مضاعف گردد. * و از روایتی ظاهر می شود که اجر چنین کسی آن است که با ایشان باشد در روز قیامت * و در این ماه دعا و صلوات و استغفار بسیار باید نمود و **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** بسیار باید گفت. * و روایت شده که جناب امام زین العابدین (علیه السلام) چون ماه رمضان داخل می شد تکلم نمی کرد مگر به دعاء و تسبیح و استغفار و تکبیر و باید اهتمام بسیار نمود به عبادت و نافله های شب و روز. **قسم دویم:** اعمالی است که در شبهای ماه رمضان باید به جا آورد و آن چند امر است: **۱** اول: افطار است و مستحب است که بعد از نماز شام افطار کند مگر آنکه ضعف بر او غلبه کرده باشد یا جمعی منتظر او باشند. **۲** دوم: آنکه افطار کند با چیز پاکیزه از حرام و شُبّهات و بهتر آن است که به خرما یا حلال افطار کند تا ثواب نمازش چهارصد برابر گردد و به خرما و آب و به رطب و به لبن و به حلوا و به نبات و به آب گرم به هر کدام که افطار کند نیز خوب است. **۳** سیّم: آنکه در وقت افطار دعاهای وارده آن را بخواند از جمله آنکه بگوید: **اللَّهُمَّ لَكَ صُمْتُ * وَ عَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ * وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ** (خدایا برای تو روزه گرفتم و با روزی تو افطار کنم و بر تو توکل کنم) تا خدا عطا کند به او ثواب هر کسی را که در این روز روزه داشته. و اگر دعای **اللَّهُمَّ رَبِّ النُّورِ الْعَظِيمِ** را که سید و کفعمی روایت کرده اند بخواند فضیلت بسیار یابد. * و روایت شده که حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) هرگاه می خواست افطار کند می گفت: **بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ لَكَ صُمْنَا * وَ عَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا * فَتَقَبَّلْ (فَتَقَبَّلَهُ) مِنَّا * إِنَّكَ أَنْتَ**

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (خدایا برای تو روزه گرفتیم و با روزی تو افطار کنیم پس از ما بپذیر که برستی توشنوا و دانایی).

۴ چهارم: در لقمه اول بگوید: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * يَا وَّاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِيْ تَا خدا او را بیامرزد، و در خبر است که در آخر هر روز از روزهای ماه رمضان خدا هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد می کند پس از حق تعالی بخواه که تو را یکی از آنها قرار دهد. ۵ پنجم: در وقت افطار سوره قدر بخواند. ۶

ششم: در وقت افطار تصدق کند و افطار دهد روزه داران را اگر چه به چند دانه خرما یا شربت آبی باشد. * و از حضرت رسول (ﷺ) مروی است که کسی که افطار دهد روزه داری را، از برای او خواهد بود مثل اجر آن روزه دار بدون آنکه از اجرا و چیزی کم شود، و هم از برای او خواهد بود مثل آن عمل نیکویی که به جا آورد آن افطار کننده به قوه آن طعام * و آیه الله علامه حلی در رساله سعدیه از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرمود: هر مؤمنی که اطعام کند مؤمنی را لقمه ای در ماه رمضان، بنویسد حق تعالی برای او اجر کسی که سی بنده مؤمن آزاد کرده باشد و از برای او باشد نزد حق تعالی یک دعای مستجاب. ۷ هفتم: در هر شب خواندن هزار مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ وَاَرَادَ اسْت. ۸ هشتم: در هر شب صد مرتبه (حم دُخان) را بخواند اگر میسر شود. ۹ نهم: سید

روایت کرده که هر که این دعا را بخواند در هر شب ماه رمضان آمرزیده شود گناهان چهل سال او: اَللّٰهُمَّ

ای خدا

رَبِّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي اَنْزَلْتَ فِيْهِ الْقُرْآنَ * وَ افْتَرَضْتَ عَلٰی عِبَادِكَ

ای رب ماه رمضان که در این ماه قرآن را نازل کردی * و بر بندگانت واجب فرمودی

فِيْهِ الصِّيَامَ * صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ ارْزُقْنِيْ حَجَّ بَيْتِكَ

روزه را * درود فرست بر محمد و آل محمد * و مرا حج بیت الحرامت را

الْمَحْرَامِ فِيْ عَامِيْ هَذَا وَ فِيْ كُلِّ عَامٍ * وَ اغْفِرْ لِيْ تِلْكَ الذُّنُوْبَ الْعِظَامَ *

در این سال و در همه سال نصیب گردان * و آن گناهان بزرگ مرا بیامرز *

فَاِنَّهٗ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا رَحْمٰنُ يَا عَلٰمُ * دهم: در هر شب بخواند بعد از مغرب

که آن گناهان را جز تو کسی ای خدا بخشنده دانا نمی آمرزد. *

دعای حجّ را که در قسم اول گذشت. ۱۱ یازدهم: بخواند در هر شب از ماه رمضان: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَفْتَتِحُ

ای خدا من افتتاح ستایش

الثَّنَاءُ بِحَمْدِكَ * وَ أَنْتَ مُسَدِّدٌ لِصَوَابِ بِمَنْكَ * وَ أَيْقَنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ

را به حمد تو می‌کنم * و به نعمت و احسانت راه حق و صواب را می‌جوییم * و یقین دارم که تو

أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ * وَ أَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي

مهربانترین مهربانان عالمی در موضع عفو و بخشش * و سخت‌ترین منتقمی

مَوْضِعِ النَّكَالِ وَ النَّقْمَةِ * وَ أَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ

در مقام عقاب و انتقام * و بزرگترین جبارانی در جای بزرگی

وَ الْعِظْمَةِ * اللَّهُمَّ أَذْنَتِي لِي فِي دُعَائِكَ وَ مَسْئَلَتِكَ * فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ

و کبریاپی * ای خدا تو به ما اجازه دادی که به درگاهت دعا کنیم و حاجت طلبیم * پس ای خدای شنوا سپاس

مَدْحَتِي * وَ اجِبْ يَا رَحِيمٌ دَعْوَتِي * وَ اَقِلْ يَا غَفُورٌ عَثْرَتِي * فَكَمْ يَا

مرا بپذیر * و دعایم اجابت فرما * و از لغزشم به کرمت درگذر * که چه بسیار

الهِى مِنْ كَرْبَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا * وَ هُمُومٍ (غُمُومٍ) قَدْ كَشَفْتَهَا * وَ عَثْرَةٍ قَدْ

تو غصه و اندوهها را برطرف کرده‌ای * و هم و غم‌ها را زایل ساخته‌ای * و لغزشها

أَقَلْتَهَا * وَ رَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا * وَ حَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتَهَا * الْحَمْدُ

بخشیده‌ای * و رحمتها منتشر بر خلق نموده‌ای * و زنجیرهای بلا را در هم گسسته‌ای * ستایش

لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَ شَرِيكٌ فِي

خدای را که جفت و فرزندی نگرفته * و او را شریکی نیست در ملک

الْمَلِكِ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كِبْرَهُ تَكْبِيرًا * الْحَمْدُ لِلَّهِ

وجود * و قدرت کاملش بی‌نیاز از یار و مددکار است و بزرگترین تکبیر و ستایش را سزاوار است * ستایش خدا راست

بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا * عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

به جمیع اوصاف کمالیه‌اش * بر تمام نعمت‌های بی‌شمارش * ستایش خدا راست که

لَا مُضَادَّ لَهُ وَ فِي مُلْكِهِ * وَ لَا مُنَازِعَ لَهُ وَ فِي أَمْرِهِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

در ملکش هیچ ضد و مخالفی ندارد * و در امر و فرمانش خصمی کشمکش نتواند * ستایش خدا را که

لَا شَرِيكَ لَهُ وَ فِي خَلْقِهِ * وَ لَا شَبِيهَ (شَبَه) لَهُ وَ فِي عِظَمَتِهِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ

در آفرینش او را شریک نباشد * و در بزرگی و بزرگواری او را مانند نیست * سپاس خدای راست

الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَ حَمْدُهُ * الظَّاهِر بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ * أَلْبَاسِطُ

که امرش در خلق نافذ و اوصافش آشکار * و مجد و بزرگواریش به لطف و کرمش پدیدار است * و دست عنایتش

بِالْجُودِ يَدُهُ ۝ الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ ۝ وَلَا تَزِيدُهُ ۝ (بِزَيْدِهِ) كَثْرَةُ

به جود و بخشش بر خلق گشاده * گنجینه‌های رحمتش نقصان نپذیرد * و کثرت عطا و بخشش

الْعَطَاءِ الْجُودًا وَكِرَمًا ۝ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ ۝ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

جز بر جود و کرامتش نیفزاید * که او بسیار با عزت و اقتدار و بخشش است * خدایا از تو درخواست می‌کنم

قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ ۝ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ ۝ وَ غِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٍ ۝

اندکی از بسیار حاجتم را * با آنکه به او سخت حاجتمندم * و تو از آن حاجت از ازل بی‌نیاز بودی *

وَ هُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ ۝ وَ هُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ ۝ اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ

و همان قلیل حاجت نزد من بسیار است * و برای تو ادایش سهل و آسان * ای خدا آمرزش تو از

ذَنْبِي ۝ وَ تَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي ۝ وَ صَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِي ۝ وَ سَتْرَكَ عَلَيَّ

گناهم * و گذشتت از خطاهایم * و بخششت از ظلمم * و پرده پوشیت

(عَنْ) قَبِيحِ عَمَلِي ۝ وَ حِلْمِكَ عَنْ كَثِيرٍ (كَبِيرٍ) جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ

بر عمل زشتم * و حلم و بردباریت بر جرم و گناه بسیارم که به عمد

خَطَايَ (خَطِيئَةٍ) وَ عَمْدِي ۝ أَطْمَعُنِي فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا اسْتَوْجِبُهُ ۝

یا خطا کردم * مرا به طمع انداخت که از تو درخواست کنم چیزی را که استحقاق آن

مِنْكَ ۝ الَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ ۝ وَ أَرَيْتَنِي مِنْ قُدْرَتِكَ ۝ وَ عَرَفْتَنِي

ندارم * و تو به لطف و رحمتت روزیم گردانیدی * و قدرتت را در آن به من نشان دادی * و اجابتت

مِنْ إِجَابَتِكَ ۝ فَصِرْتُ أَدْعُوكَ آمِنًا ۝ وَ أَسْأَلَكَ مُسْتَانِسًا ۝ لَا خَائِفًا

را شناساندی * تا با دل مطمئن تو را خواندم * و با انس و رغبت * و بی‌ترس مهابت

وَلَا وَجَلًا ۝ مُدَلًّا عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ (بِهِ) إِلَيْكَ ۝ فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي

از تو حاجت طلبیدم * و با ناز و دلال بر تو آنچه می‌خواستم تقاضا کردم * و اگر دیر حاجتم

(عَلَيَّ) عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ ۝ وَ لَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي ۝

برآوردی از نادانی بر تو عتاب کردم * در صورتی که تأخیر حاجتم مرا بهتر بوده *

لَعَلِّمَكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ ۝ فَلَمْ أَرِ مَوْلَى (مُؤَمَّلًا) كَرِيمًا أَصْبَرَ عَلَيَّ عَبْدٌ

چون تو دانا به عاقبت امور خلقی * پس من هیچ مولای کریمی را بر بنده لثیمی صبورتر از تو

لَيْمٍ مِنْكَ عَلَيَّ يَا رَبِّ ۝ إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأَوْلِيَّ عَنْكَ ۝ وَ تَتَحَبَّبُ إِلَيَّ

بر خود ندیدم ای پروردگار من * تو مرا دعوت می‌کنی من از تو روی می‌گردانم * تو محبت افزون می‌سازی

فَاتَبَغَّضُ إِلَيْكَ * وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ * كَانَ لِي التَّطَوُّلُ عَلَيْكَ

و من با تو به خشم می آیم * و با من دوستی و شفقت می فرمایی و من از جهل نمی پذیرم * که گویا مرا بر تو حق نعمت و منت است

فَلَمْ (ثُمَّ لَمْ) يَمْنَعَكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي وَ الْإِحْسَانِ إِلَيَّ * وَ التَّفَضُّلِ

(نه تو را بر من) * و این ناسپاسی من مانع از افاضه رحمت و احسانت بر من نشد * و از فضل

عَلَى بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ * فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ * وَ جُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ

و جود و کرمت نکاست * پس به حال این بنده نادانت ترحم کن * و به فضل و احسانت

إِحْسَانِكَ * إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ * الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا لِكَ الْمَلِكِ مُجْرَى الْفَلَكَ

بر او ببخش * که تو بسیار با بخشش و کرمی * ستایش مخصوص خداست که مالک ملک است و روان ساز کشتی های عالم

* مُسَخَّرِ الرِّيَّاحِ فَالِقِ الْأَصْبَاحِ * دِيَّانِ الدِّينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الْحَمْدُ

* و مسخر کننده بادهای و پدید آورنده صبحگاهان از شب * حکم فرمای روز جزا و پروردگار عالمیان * ستایش

لِلَّهِ عَلَى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ *

خدا را بر حلم او پس از علمش * و ستایش خدا را بر عفو او پس از قدرتش *

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى طَوْلِ أَنَاتِهِ فِي غَضَبِهِ * وَ هُوَ قَادِرٌ (الْقَادِرُ) عَلَى مَا

و ستایش خدا را بر حلم و بردباری طولانی او در مقام غضبش * در صورتی که بر هر چه خواهد

يُرِيدُ * الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ بِأَسْطِ الرِّزْقِ * فَالِقِ الْأَصْبَاحِ ذِي

توانا است * ستایش مخصوص خداست که آفریننده خلق و گستراننده خوان روزی بر خلق * و پدید آورنده صبحگاهان

الْجَلَالِ وَ الْأَكْرَامِ * وَ الْفَضْلِ (وَ التَّفَضُّلِ) وَ الْإِنْعَامِ (الْإِحْسَانِ) الَّذِي بَعْدَ فَلَا

و صاحب جلال و بزرگواری * و فضل و انعام آن خدایی که از نظرها دور است و دیده نخواهد

يُرَى * وَ قَرَبَ فَشْهَدَ النَّجْوَى * تَبَارَكَ وَ تَعَالَى * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ

شد * و به همه نزدیک است ناظر رازهای پنهان است * اوست بزرگوار و بلند مرتبه * ستایش مخصوص خدایی است که نه کسی

لَهُ وَ مُنَازِعٌ يَعَادِلُهُ * وَ لَا شَبِيهَ يُشَاكِلُهُ * وَ لَا ظَهِيرٌ يَعَاذُهُ * قَهَرٌ

که مقابلش به خصومت برخیزد * و نه شریکی که مانندش باشد * و نه معینی که مددکار او شود * عزیزان

بِعِزَّتِهِ الْأَعْزَاءِ * وَ تَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظَمَاءُ * فَبَلَّغْ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ

در مقابل عزتش همه مقهورند * و بزرگان همه در پیشگاه عظمتش فروتن و خاضعند * و قدرت کاملش بر هر چه خواهد رسا است

* الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ * وَ يَسْتُرُ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَ أَنَا

* ستایش خدا را که چون او را ندا کنم جواب دهد * و هر عیب و نقص را بر من بپوشاند در حالی که مرتکب

أَعَصِيهِ * وَيُعْظِمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا أَجَازِيهِ * فَكَمْ مِنْ مَوْهَبَةٍ هَبِيئَةً

معصیت او هستم * و مرا نعمت بزرگ می‌بخشد و شکرش نمی‌گزارم * پس چه بسیار موهبت و بخشش گرانبها

قَدْ أَعْطَانِي * وَعَظِيمَةً مَخُوفَةً قَدْ كَفَانِي * وَبَهْجَةً مُونِقَةً قَدْ أَرَانِي *

مرا عطا کرد * و چه امور هولناک سخت را از من دفع کرد * و شادمانی‌های شگفت‌انگیز را نمودارم ساخت *

فَأُثِنِّي عَلَيْهِ حَامِدًا * وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحًا * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ

پس من هم او را به ستایش ثنا گویم * و به پاکی منزله از هر عیب بودن یاد کنم * ستایش مختص خدایی است که پرده‌ای که

حِجَابُهُ * وَلَا يُغْلَقُ بَابُهُ * وَلَا يُرَدُّ سَأَلُهُ * وَلَا يُخَيَّبُ (يَخِيْبُ)

او نهد کس ندرد * و دری که او بگشاید کس نبندد * کسی که از او درخواست کند مردود نشود * و هر که به او چشم امید

ءَامِلُهُ * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ * وَيُنَجِّي (يُنْجِي) الصَّالِحِينَ

دارد محروم نخواهد گشت * ستایش خدا را که ترسناکان را ایمنی بخشد * و صالحان را نجات

(الصَّادِقِينَ) * وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ * وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ * وَيَهْلِكُ

دهد * و ضعیفان را بلند گرداند * و گردنکشان را خوار سازد * پادشاهان را

مُلُوكًا * وَيَسْتَخْلِفُ آخِرِينَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ * مُبِيرِ

هلاک سازد و دیگران را به‌جای آنان بنشانند * ستایش خدای را که درهم شکننده سرکشان است * و هلاک کننده

الظَّالِمِينَ * مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ * نَكَالِ الظَّالِمِينَ * صَرِيحِ الْمُسْتَصْرِخِينَ

ستمکاران است * و دریابنده گریزندگان * و به کیفر رساننده ظالمان * فریادرس فریاد خواهان است

* مَوْضِعِ حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ * مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ

* و مرجع حاجت نیازمندان * و محل اعتماد اهل ایمان * ستایش خدای را که

خَشِيَّتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاءُ وَ سُكَّانُهَا * وَ تَرَجِفُ الْأَرْضُ وَ عِمَارُهَا *

آسمان و ساکنانش از ترس او می‌نالند * و زمین و اهلهش بر خود می‌لرزند *

وَ تَمْوِجُ الْبِحَارِ وَ مَنْ يَسْبِحُ فِي غَمْرَاتِهَا * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا

و دریا و هر که در اعماقش شناور است جوشان و خروشانند * ستایش خدای را که ما را به این (دین توحید)

لِهَذَا * وَ مَا كُنَّا لَنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ

هدایت کرد * و اگر ما را خدا راهنمایی نمی‌کرد ما خود به آن هدایت نمی‌یافتیم * ستایش مخصوص خداست که خلق می‌کند

وَلَمْ يَخْلُقْ * وَيَرْزُقْ وَلَا يَرْزَقُ * وَيُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ * وَيَمِيتُ الْأَحْيَاءَ

و کسی او را خلق نکرده * و روزی می‌دهد و خود روزی نمی‌خواهد * طعام می‌خوراند و خود از طعام مستغنی است * زنده‌ها را

وَيُحْيِي الْمَوْتَى * وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ * بِيَدِهِ الْخَيْرُ * وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

می‌میراند و مرده‌ها را زنده می‌سازد * و خود زندهٔ ابدی است * هر خیر و نیکی‌یی به دست اوست * و او بر هر چیز

قَدِيرٌ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ * وَآمِينَكَ وَصَفِيكَ

تواناست * خدایا درود فرست بر محمد (ص) بندهٔ مقربت و رسول * و آمین و وحیت و برگزیده

وَ حَبِيبِكَ * وَ خَيْرَتِكَ (خَلِيلِكَ) * مِنْ خَلْقِكَ * وَ حَافِظِ سِرِّكَ * وَ مُبْلِغِ

و حبیبیت * و مختار تو از خلق * و حافظ سرّ تو * و رسانندهٔ رسالت

رِسَالَاتِكَ * أَفْضَلُ وَ أَحْسَنُ وَ أَجْمَلُ وَ أَكْمَلُ وَ أَزْكَى * وَ أُنْمِي

به خلق * بر او فرست درودی افزونتر و خوبتر و نیکوتر و کاملتر و خالصتر * و نامی

وَ أَطْيَبَ وَ أَطْهَرَ وَ أَسْنَى * وَ أَكْثَرَ (أَكْبَرَ) * مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ

و مؤثرتر و خوشتر و پاک و پاکیزه‌تر * و بلند مرتبه‌تر درودی بیش از آنچه درود و برکت *

وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ * وَ سَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ (خَلْقِكَ)

و رحمت و تهنیت * و تحیت فرستادی بر هر یک از بندگان خاصت

* وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ صِفْوَتِكَ * وَ أَهْلَ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ

* و پیغمبران و رسولانت و خاصان * و اهل کرامت و عزت از میان خلق

* اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * وَ وَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

* خدایا درود فرست بر علی «ع» پیشوای اهل ایمان * و وصی پیغمبر خدای جهانیان

* عَبْدِكَ وَ وَلِيِّكَ وَ أَخِي رَسُولِكَ * وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ * وَ آيَتِكَ

* و بندهٔ خاص و ولی و دوستدار تو و برادر رسالت * و حجت بر خلق تو * و آیت

الْكُبْرَى * وَ النَّبِيَّ الْعَظِيمَ * وَ صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ * فَاطِمَةَ

و نشانهٔ بزرگت * و خبر با شأن و عظمتت * و درود فرست بر صدیقهٔ طاهره * حضرت فاطمه «س»

(الزَّهْرَاءِ) سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * وَ صَلِّ عَلَى سِبْطِي الرَّحْمَةِ * وَ إِمَامِي

سیدهٔ زنان عالم * و هم درود فرست بر دو سبط پیغمبر رحمت * و دو پیشوای

الْهُدَى * الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ * وَ صَلِّ عَلَى

هدایت * حضرت حسن «ع» و حسین «ع» دو سید جوانان اهل بهشت * و هم درود فرست

أُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ عَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ * وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ * وَ جَعْفَرِ بْنِ

بر امامان و پیشوایان اسلام حضرت علی بن الحسین «ع» * و محمد بن علی «ع» * و جعفر بن

مُحَمَّدٍ * وَ مُوسَىٰ بْنِ جَعْفَرٍ * وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَىٰ * وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ

محمد «ع» * و موسی بن جعفر «ع» * و علی بن موسی الرضا «ع» * و محمد بن علی التقی «ع»

وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ * وَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ * وَ الْخَلْفَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ *

و علی بن محمد النقی «ع» * و حسن بن علی العسکری «ع» * و خلف او امام هادی و مهدی *

حُجْبَكَ عَلَىٰ عِبَادِكَ * وَ أَمْنًا فِي بِلَادِكَ * صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً

اینها حجت‌های تو بر بندگانت هستند * و امین‌های تو در شهر و دیار عالم * درود بسیار و دایم بر آنان فرست

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ * وَ الْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ *

* خدایا درود فرست بر ولی خود صاحب الامر «ع» * امام قائم منتظر *

وَ حُفَّهُ * وَ احْفَظْهُ) بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبِينَ * وَ أَيْدِهِ بِرُوحِ الْقُدْسِ يَا رَبَّ

و او را به سپاه فرشتگان مقربت فراگیر * و به روح القدس مؤید بدار ای پروردگار

الْعَالَمِينَ * اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَىٰ كِتَابِكَ * وَ الْقَائِمَ بِدِينِكَ *

عالمین * خدایا او را مقرر فرما تا دعوت به کتاب آسمانی تو کند * و به ترویج دین تو قیام فرماید *

أَسْتَخْلِفُهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ * مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ

و او را خلیفه خود در زمین گردان چنانکه پیشینیان او را امام و خلیفه گردانیدی * و او را تمکین ده

الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ * وَ أَبْدَلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا * يَعْْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ

برای حفظ دین او که پسند توست * و خوف او را پس از این مدت بدل به ایمنی گردان * تا تو را بپرستد و هیچ به تو

بِكَ شَيْئًا * اللَّهُمَّ اعِزَّهُ * وَ اعِزُّ بِهِ * وَ انصُرْهُ * وَ انصُرْ بِهِ * وَ انصُرْهُ

شکر نیابد * خدا او را عزت بخش و ما را به ظهورش عزیز گردان * و او را یاری کن و ما را به او یاری فرما * و او را نصرت

نَصْرًا عَزِيزًا * وَ افْتَحْ لَهُ * وَ فَتْحًا يَسِيرًا * وَ اجْعَلْ لَهُ * مِنْ لَدُنْكَ

کامل با عزت و اقتدار بخش * و به آسانی جهان را به دست او فتح کن * و از جانب خود او را سلطنت و

سُلْطَانًا نَصِيرًا * اللَّهُمَّ اظْهَرِ بِهِ دِينَكَ وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ * حَتَّىٰ لَا يَسْتَخْفِيَ

قدرت عنایت فرما * خدایا به دست او دینت را و سنت پیغمبرت را آشکار ساز * تا آنکه دیگر چیزی

بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ * اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي

از حق و حقیقت از ترس احدی از خلق مخفی نماند * خدایا ما از تو امید و اشتیاق داریم که دولت با کرامت آن امام زمان

دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ * تَعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ * وَ تَذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ * وَ

را به ظهور آوری * و اسلام و اهلس را به آن عزت بخشی * و نفاق و اهل نفاق را ذلیل و خوار گردانی

و تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ * وَ الْقَادَةَ إِلَى سَبِيلِكَ *

* و ما را در آن دولت حقه اهل دعوت به طاعتت * و از پیشوایان راه هدایت قرار دهی *

و تَرْزُقْنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * اَللّٰهُمَّ مَا عَرَفْتَنَا مِنْ اَلْحَقِّ

و به واسطه آن بزرگوار به ما کرامت دنیا و آخرت عطا فرمایی * خدایا آنچه از حق که ما را به آن شناسا کردی به عمل

فَحَمَلْنَاهُ * وَ مَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَبَلِّغْنَاهُ * اَللّٰهُمَّ اَلْمَمَّ بِهِ شَعْنُنَا * وَ اشْعَبْ

آن هم وادار کن * و آنچه نشناخته‌ایم به معرفتش برسان * خدایا پریشانی ما را به آن جمع گردان * و پراکندگی امور ما

بِهِ صَدَعْنَا * وَ ارْتَقِ بِهِ فَتَقْنَا * وَ كَثُرَ بِهِ قَلْتُنَا * وَ اعَزَّزْ (اعز) بِهِ

را به وجود او اصلاح فرما * و شکاف و تفرقه‌های ما را اتحاد بخش * و عده قلیل ما را بسیار گردان * و ذلت ما را به وجودش

ذَلَّتْنَا * وَ اغْنِ بِهِ عَائِلْنَا * وَ اقْضِ بِهِ عَنْ مُغْرَمِنَا (مغرمنا) * وَ اجْبِرْ بِهِ

بدل به عزت ساز * و نیاز ما را بدل به بی‌نیازی گردان * و دین ما را به برکتش ادا فرما * و فقر ما را

فَقْرَنَا * وَ سُدِّ بِهِ خَلْتُنَا * وَ يَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا * وَ بَيِّضْ بِهِ وُجُوهُنَا

جبران فرما * و نقص ما را مسدود ساز * و مشکلات ما را به برکتش آسان گردان * و به وجود او ما را روسفید گردان

وَ فَلَکَ بِهِ اَسْرَنَا * وَ اَنْجِحْ بِهِ طَلِبْتُنَا * وَ اَنْجِزْ بِهِ مَوَاعِيدِنَا *

* و اسیران ما را آزاد ساز * و حاجت‌های ما روا گردان * و وعده‌هایی که دادی منجز گردان *

وَ اسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنَا * وَ اعْطِنَا بِهِ سُؤْلَنَا * وَ بَلِّغْنَا بِهِ مِنَ الدُّنْيَا

و به برکتش دعا‌های ما مستجاب * و درخواست‌های ما عطا فرما * و به آرزو‌هایی که در

وَ الْآخِرَةِ اَمَالِنَا * وَ اعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا * يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ *

دنیا و آخرت داریم برسان * و به ما فوق آنچه مایلیم عطا فرما * ای بهترین سؤال شدگان *

وَ اَوْسَعَ الْمُعْطِينَ * اشْفِ بِهِ صُدُورَنَا * وَ اَذْهَبْ بِهِ غِيْظَ قُلُوبِنَا *

و وسیع نظرتر از همه عطا کنندگان * و به برکت او دردهای باطنی ما را شفا بخش * به او خشم دل‌های ما را فرو نشان *

وَ اِهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِكَ * اِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ

و به وجودش ما را با همه اختلاف که شده است به حق به التفاتت هدایت فرما * که تو البته هر که را خواهی

اِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * وَ اَنْصُرْنَا بِهِ عَلٰى عَدُوْكَ وَ عَدُوْنَا اِلَهَ الْحَقِّ (المُخْلَقِ)

به راه راست هدایت می‌فرمایی * و به ظهور او ما را نصرت بخش بر دشمنان تو و دشمنان ما ای خدای به حق این دعا را به کرمی

ءَامِينَ * اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْكُو اِلَيْكَ فَقَدْ نَبِيْنَا * صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ *

مستجاب فرما * بارالها ما به درگاه تو شکایت می‌کنیم از فقدان پیغمبرت * صلوات الله علیه و آله باد *

و غَيْبَةَ وَلِينَا (امامنا) * و كَثْرَةَ عَدُوْنَا * و قَلَّةَ عَدَدِنَا * و شِدَّةَ الْفِتَنِ

و از غیبت امام ما * و بسیاری دشمن ما * و کمی عدد ما * و فتنه‌های سخت

بِنَا * و تَظَاهِرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا * فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ ءَالِهِ (ءَالِ مُحَمَّدٍ) *

بر ما * و غلبه محیط روزگار بر ما * پس درود بر محمد «ص» و آلش فرست *

وَ اعِنَا عَلَيَّ ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تَعْجَلُهُ * وَ بَصْرٍ تَكْشِفُهُ * وَ نَصْرٍ

و ما را در همه این امور یاری کن به فتح عاجلی از جانب خود * و برطرف ساختن رنج و سختی * و نصرت

تُعْزُهُ * وَ سُلْطَانَ حَقِّ تَظْهَرُهُ * وَ رَحْمَةً مِنْكَ تَجَلِّلُنَاهَا * وَ عَافِيَةً

با اقتدار * و عزت و سلطنت حقه که تو آشکار گردانی * و رحمتی از توجهت که بر همه ما شامل گردد * و لباس

مِنْكَ تُلْبَسُنَاهَا * بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ﴿۱۲﴾ دوازدهم: در هر شب

عافیت که ما را بپوشاند * به حق رحمت نامنهایت ای مهربانترین مهربانان عالم *

بخواند: **اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَادْخِلْنَا** * وَ فِي عَلِيِّينَ فَارْفَعْنَا *

ای خدا ما را به رحمتت در صف صالحان داخل گردان * و در بهشت علیین مقام بلند بخش *

وَ بَكَاسٍ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبِيلٍ فَاسْقِنَا * وَ مِنْ اَحْوَرِ الْعَيْنِ

و به کاسه آب گوآرا از چشمه سلسبیل سیراب گردان * و با حور العین

بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا * وَ مِنْ الْوُلْدَانِ الْمُخْلِدينَ كَانَهُمْ لَوْلُوْهُ مَكْنُونٌ

هم صحبت ساز * و از پسران ابدی بهشت که مانند دُرّ و لؤلؤ در صدفند

فَاخْدِمْنَا * وَ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ وَ لُحُومِ الطَّيْرِ فَاطْعِمْنَا * وَ مِنْ ثِيَابِ

خدمتگزار ساز * و از میوه‌های بهشتی و مرغ بریان آن روزی ما گردان * و از لباس

السُّنْدُسِ وَ الْحَرِيرِ وَ الْاِسْتَبْرَقِ فَالْبَسْنَا * وَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ حَجَّ بَيْتِكَ

سندس و پرنیان و استبرق جامه پوشان * و به ثواب لیلۃ القدر و ثواب حج

الْحَرَامِ وَ قَتَلًا فِي سَبِيلِكَ فَوْقَ لَنَا * وَ صَالِحِ الدُّعَاءِ وَ الْمَسْئَلَةِ

بیت الحرام و شهادت در راه تو موفق بدار * و دعا و درخواستهای

فَاَسْتَجِبْ لَنَا (يَا خَالِقُنَا اَسْمَعْ وَ اسْتَجِبْ لَنَا) * وَ اِذَا جَمَعْتَ الْاَوَّلِينَ

شایسته ما را مستجاب گردان * و در قیامت که خلق اولین و آخرین را

وَ الْاٰخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَارْحَمْنَا * وَ بَرَاءَةَ مِنَ النَّارِ فَاكْتُبْ لَنَا * وَ فِي

جمع می‌گردانی در آن روز به حال ما ترحم کن * و برات بیزاری از جهنم برای ما بنویس * و در

جَهَنَّمَ فَلَا تَغْلُنَا * وَفِي عَذَابِكَ وَهَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا * وَ مِنْ الزَّقُومِ

دوزخ ما را به زنجیر قهر مکش * و به عذاب و خواری مبتلا مگردان * و از زقوم جهنم

و الضَّرْبِيعِ فَلَا تَطْعَمْنَا * وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فَلَا تَجْعَلْنَا * وَفِي النَّارِ عَلَى

و گیاه تلخ دوزخ قوت ما مگردان * و ما را با شیاطین همراه مگردان * و در آتش

وَجُوهِنَا فَلَا تَكْبِنَا (تَكْبِنَا) * وَ مِنْ ثِيَابِ النَّارِ وَ سَرَابِيلِ الْقِطْرَانِ

جهنم به رو مینداز * و پیراهن و ثوب چرکین دوزخیان به ما

فَلَا تَلْبِسْنَا * وَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لَ إِلَهِ الْآلَاءِ أَنْتَ * بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

میوشان * و از هر بدی در دو عالم ای خدایی که جز تو خدایی نیست * به حق لا اله الا انت

فَنَجِّنَا ﴿۱۳﴾ سیزدهم: از حضرت صادق (علیه السلام) روایت است که در هر شب ماه رمضان می خوانی: **اللَّهُمَّ**

نجات بخش. *

إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَ تُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ فِي الْأَمْرِ

از تو درخواست می کنم که مقرر فرمایی در قضا و قدر حتمی و

الْحَكِيمِ * مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَلَا يَبْدَلُ * أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ

حکیمانه خود * از آن قضایی که برگشت ندارد و تبدیل نشود * اینکه مرا در زمره حاجیان

بَيْتِكَ الْحَرَامِ * الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ * الْمَشْكُورِ سَعِيهِمْ * الْمَغْفُورِ

بیت الحرام بنویسی * آنان که حشاشان به درستی و نیکویی گذارده شود * و از کوشش و جهد آنان قدرانی شود * و گناهانشان

ذُنُوبِهِمْ * الْمُكَفَّرِ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ (عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ) * وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي

آمرزیده * و سیئات و بدیهایشان جبران شود * و اینکه مقرر فرمایی در قضا

وَ تُقَدِّرُ * أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي فِي خَيْرٍ وَ عَافِيَةٍ * وَ تَوْسِعَ فِي رِزْقِي *

و قدرت * درازی عمرم را در خیر و تندرستی * و فراوان کنی روزیم را *

وَ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ * وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي ﴿۱۴﴾ چهاردهم:

و قرار دهی مرا از کسانی که یاری کنی به او دینت را * و به جای من دیگری را نگذاری. *

در انیس الصالحین است که در هر شب از شبهای ماه رمضان بخواند: **أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ**

پناه می برم به جلال وجه

الْكَرِيمِ * أَنْ يَنْقُضِيَ عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ * أَوْ يَطَّلِعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي

کریمت * که ماه رمضان از من بگذرد * یا سپیده دم این شب بر من

هذه * و لك قبلي تبعه أو ذنب تعذبي عليه ﴿١٥﴾ پانزدهم: شیخ کفعمی در

بر آید * و از برای تو در ذمه من پیگرد یا گناهی باقی ماند که بدان عذابم فرمایی. *

حاشیه بلد الامین از سید بن باقی نقل کرده که فرموده: مستحب است در هر شب ماه رمضان دو رکعت نماز در

هر رکعت حمد و توحید سه مرتبه * و چون سلام داد بگوید: **سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَفِيظٌ لَا يَغْفُلُ**

منزه است آن خدایی که او حافظ است و غفلت نکند

* **سُبْحَانَ مَنْ هُوَ رَحِيمٌ لَا يَعْجَلُ** * **سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُوُ** *

* منزه است آن خدایی که او مهربان است و شتاب نکند * منزه است آنکه او همیشه برپا و ثابت است و از یاد نبرد *

سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا يَلْهُوُ * پس بگوید تسبیحات اربع (سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ

پاک و منزه است آنکه او جاوید است و ساحت کبریایش دور از لهو و بازی است *

لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ) راهفت مرتبه * پس بگوید: **سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ**

منزهی تو منزهی تو

سُبْحَانَكَ يَا عَظِيمُ اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ * پس ده مرتبه صلوات بفرستد بر

منزهی تو * ای خدای بزرگ گناه بزرگم را ببامرز *

پیغمبر و آل او (علیهم السلام). کسی که این دو رکعت نماز را به جا آورد بیمارزد حق تعالی از برای او هفتاد هزار گناه الخ.

﴿١٦﴾ شانزدهم: در خبر است که هر که در هر شب از ماه رمضان سوره (أَنَا فَتَحْنَا) در نماز مستحبی بخواند آن

سال محفوظ بماند * و بدان که از اعمالی که در شبهای ماه رمضان مستحب است به جا آورده شود هزار رکعت

نماز است در مجموع این ماه که مشایخ و أعاضم علماء در کتب خود که در فقه یا عبادات نوشته اند به آن اشاره

نموده اند. و اما کیفیت به جا آوردن آن پس احادیث در باب آن مختلف است و آنچه موافق روایت ابن ابی قره

است از حضرت جواد (علیه السلام) و مختار شیخ مفید در کتاب غریبه و اشراف بلکه مختار مشهور است، آن است که در

دهه اول و دهه دویم ماه رمضان در هر شبی بیست رکعت خوانده شود هر دو رکعت به یک سلام به این طریق

که هشت رکعت آن را بعد از نماز مغرب بخواند و دوازده رکعت دیگر را بعد از نماز عشاء و در دهه آخر در هر شب

سی رکعت بخواند. باز هشت رکعت آن را بعد از نماز مغرب و بیست و دو رکعت دیگر را بعد از نماز عشاء و مجموع

این نمازها هفتصد رکعت می شود و باقیمانده را که سیصد رکعت است در شبهای قدر بخواند. یعنی شب

نوزدهم صد رکعت و شب بیست و یکم صد رکعت و شب بیست و سیّم صد رکعت پس مجموع هزار رکعت شود. و به ترتیب دیگر نیز وارد شده و تفصیل کلام در جای دیگر است و این مقام را گنجایش بسط نیست و امید که اهل خیر در عمل به این هزار رکعت نماز مسامحه و سهل انگاری نکرده از فیض آن خود را بهره مند نمایند. ❀

و روایت شده که می خوانی بعد از هر دو رکعت از نافله های ماه رمضان: **اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي**

خدایا مقرر فرمای در قضا و قدرت

و تَقْدِرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَمِومِ * وَ فِيمَا تَفَرَّقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ * فِي لَيْلَةِ

که از امر حتمی است * و در آنچه جدا فرمایی از امر حکیمانه * در شب

الْقَدْرِ * أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ * الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ *

قدر * که مرا از حاجیان بیت حرمت قرار دهی * آنها که حجتشان درست و نیکو انجام شود *

الْمَشْكُورِ سَعِيهِمْ * الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ * وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي فِي

و سعی آنها قدردانی * و گناهانشان آمرزیده شود * و از تو درخواست می کنم که عمرم در طاعت و عبادت

طَاعَتِكَ * وَ تَوْسِعَ لِي فِي رِزْقِي * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ❀ قِسْمِ سَيِّمٍ: در اعمال

دراز فرمایی * و در روزیم وسعت مرحمت فرمایی * ای مهربانترین مهربانان عالم. *

سحرهای ماه مبارک رمضان است و آن چند امر است. ❶ اول: سُحُور خوردن و ترک نکردن سحور را اگر چه به

یک دانه خرما یا زبون یا شربت آب باشد و بهترین سُحُورها سُبُوق یعنی قاوت و خرما است. و وارد شده که حق

تعالی و ملائکه صلوات می فرستند بر آنها که استغفار می کنند در سَحَرها و سُحُور می خورند. ❷ دوم: سوره

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ در وقت سحور بخواند که هر که این سوره مبارکه را در وقت افطار کردن و سُحُور بخواند در مابین

این دو وقت، ثواب کسی داشته باشد که در راه خدا در خون خود بغلطفد. ❸ سیّم: بخواند دعای عظیم الشانی

را که از حضرت امام رضا (علیه السلام) نقل شده که فرموده این دعایی است که حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) در

سحرهای ماه رمضان می خوانند: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاهُ * وَ كُلِّ**

خدایا من از تو درخواست می کنم به حق نورانی ترین مراتب انوارت * در صورتی که

بَهَائِكَ بِهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

تمام مراتب آن نورانی است * خدایا پس درخواست می کنم به حق تمام مراتب نورانیتت * خدایا از تو درخواست می کنم

جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ * وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ

به حق نیکوترین مراتب جمالت * در صورتی که تمام مراتب جمالت نیکو است * خدا یا پس درخواست می‌کنم به حق تمام

كَلِمَةٍ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِأَجَلِهِ * وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلٌ *

مراتب جمالت * خدا یا از تو درخواست می‌کنم به حق عالیترین مراتب جلالت * در صورتیکه تمام مراتب جلالت عالیست *

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كَلِمَةٍ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ

خدا یا پس از تو درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب جلالت * خدا یا از تو درخواست می‌کنم به حق بزرگترین مراتب

بِأَعْظَمِهَا * وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ

عظمتت * در صورتی که تمام مراتب عظمتت بزرگ است * خدا یا پس درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب

كُلِّهَا * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ * وَكُلُّ نُورِكَ نَيْرٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي

عظمتت * خدا یا از تو درخواست می‌کنم به حق روشنترین مراتب نورت * در صورتی که تمام مراتب نورت روشن است * خدا یا پس

أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كَلِمَةٍ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا * وَكُلُّ

از تو درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب نورت * خدا یا از تو درخواست می‌کنم به وسیعترین مراتب رحمتت * در صورتی که

رَحْمَتِكَ وَأَسِعَةٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا * اللَّهُمَّ إِنِّي

تمام مراتب رحمتت وسیع است * خدا یا از تو درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب رحمتت * خدا یا از تو

أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِأَتْمَمِّهَا * وَكُلُّ كَلِمَاتِكَ تَامَةٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي

درخواست می‌کنم به کاملترین کلماتت * در صورتی که جمیع کلماتت کامل است * خدا یا پس

أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْمَلِهِ *

از تو درخواست می‌کنم به حق تمام کلماتت * خدا یا از تو درخواست می‌کنم به عالیترین مراتب کمالت *

وَكُلُّ كَمَالِكَ كَامِلٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ كَلِمَةٍ * اللَّهُمَّ إِنِّي

در صورتی که تمام مراتب آن عالی است * خدا یا پس از تو درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب کمالت * خدا یا از تو

أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا * وَكُلُّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي

درخواست می‌کنم به بزرگترین نام‌هایت * در صورتی که تمام نام‌هایت بزرگ است * خدا یا پس

أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّهَا *

از تو درخواست می‌کنم به حق تمام نام‌هایت * خدا یا از تو درخواست می‌کنم به عالیترین مراتب عزتت *

وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزِيزَةٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

در صورتی که تمام مراتب آن عالی است * خدا یا پس از تو درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب عزتت * خدا یا از تو درخواست

مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا * وَكُلِّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةً * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

می‌کنم به حق نافذترین مراتب مشیتت * در صورتی که تمام مراتب آن نافذ است * خدایا پس درخواست می‌کنم

بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي

به حق تمام مراتب مشیتت * خدایا از تو درخواست می‌کنم به آن قدرت کاملت

اسْتَطَلَّتْ بِهَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ * وَكُلِّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةً * اللَّهُمَّ إِنِّي

که بر همه اشیا احاطه دارد * در صورتی که تمام مراتب قدرتت احاطه بر اشیا دارد * خدایا پس

أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِإِنْفِذِهِ * وَكُلِّ

درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب قدرتت * خدایا درخواست می‌کنم به حق نافذترین مراتب علمت * در صورتی که

عِلْمِكَ نَافِذٍ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

تمام مراتب علمت نافذ است * خدایا پس درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب علمت * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق

قَوْلِكَ بِأَرْضَاهُ * وَكُلِّ قَوْلِكَ رَضِيٍّ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ *

پسندیده‌ترین سخن‌هایت * در صورتی که تمام سخن‌هایت پسندیده است * خدایا پس درخواست می‌کنم به تمام سخن‌هایت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ بِأَحَبِّهَا إِلَيْكَ * وَكُلِّهَا (وَكُلِّ مَسَائِلِكَ)

خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق محبوبترین حاجتی که برآورده‌ای * در صورتی که تمام حاجت‌ها که

إِلَيْكَ حَبِيبَةٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

برآورده‌ای محبوب است * خدایا پس درخواست می‌کنم به حق تمام حاجاتی که برآورده‌ای * خدایا از تو درخواست می‌کنم

مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ * وَكُلِّ شَرَفِكَ شَرِيفٍ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

به شریفترین مراتب شرافتت * در صورتی که تمام مراتب آن شریف است * خدایا پس درخواست می‌کنم به حق

بشَرَفِكَ كُلِّهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ * وَكُلِّ

تمام مراتب شرافتت * خدایا از تو درخواست می‌کنم به ابدیتیرین مقام پادشاهیت * در صورتی که

سُلْطَانِكَ دَائِمٍ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي

تمام آن ابدی است * خدایا پس درخواست می‌کنم به حق تمام مقام پادشاهیت * خدایا از تو

أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ * وَكُلِّ مُلْكِكَ فَآخِرٍ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

درخواست می‌کنم به حق نیکوترین مراتب ملکیت * در صورتی که تمام مراتب آن نیکو است * خدایا پس درخواست می‌کنم

بِمُلْكِكَ كُلِّهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عُلُوكَ بِأَعْلَاهُ * وَكُلِّ عُلُوكَ عَالٍ

به تمام مراتب ملکیت * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق عالیترین مراتب بلندت * در صورتی که تمام مراتب آن عالی است

اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِعُلُوکِ کَلِّهِ * اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ مِّنْکَ بِاَقْدَمِهِ

* خدایا پس درخواست می‌کنم به تمام مقامات بلندت * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق قدیمترین احسان‌هایت

وَ کُلِّ مِّنْکَ قَدِیْمٍ * اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِمِّنْکَ کَلِّهِ * اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ

* در صورتی که تمام احسان‌هایت قدیم است * خدایا پس درخواست می‌کنم به تمام احسان‌هایت * خدایا از تو درخواست

مِّنْ اٰیٰتِکَ بِاَکْرَمِهَا * وَ کُلِّ اٰیٰتِکَ کَرِیْمَةً * اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ

می‌کنم به حق گرامیترین آیاتت * در صورتی که تمام آیاتت گرامی است * خدایا پس درخواست می‌کنم

بِاٰیٰتِکَ کَلِّهَا * اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِمَا اَنْتَ فِیْهِ مِنَ الشَّانِ وَ الْجَبْرُوتِ

به حق تمام آیاتت * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق هر چه که در آن شأن و جبروت جمع است

وَ اَسْئَلُكَ بِکُلِّ شَأْنٍ وَ حُدَّةٍ وَ جَبْرُوتٍ وَ حُدَّهَا * اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ

* و به حق هر شأنی تنها و هر جبروتی تنها * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق

بِمَا تُجِیْبُنِیْ (به) حِیْنَ اَسْئَلُكَ * فَاجِبْنِیْ یَا اَللّٰهُ * پس هر حاجت که داری از خدا

آن چیزی که اگر تو را به آن چیز بخوانم اجابت می‌کنی * پس تو دعایم اجابت فرما ای خدا *

بطلب که البته برآورده است. ﴿۴﴾ چهارم: در مصباح شیخ است که روایت کرده ابو حمزه ثمالی که حضرت

امام زین العابدین (علیه السلام) در ماه رمضان بیشتر از شب را نماز می‌کرد * و چون سحر می‌شد این دعا را می‌خواند:

اَللّٰهُمَّ لَا تُؤَدِّبْنِیْ بِعُقُوْبَتِکَ * وَ لَا تَمْکُرْ بِیْ فِیْ حِیْلَتِکَ * مِنْ اَیْنِ لِّیْ الْخِیْرِ

خدایا مرا به عقاب خود آذین مفرما * و به مجازات عملم به مکر و حیله‌ات به عقوبت ناگهانیت غافلگیر مکن * ای خدا کجا خیری

یَا رَبِّ * وَ لَا یُوْجَدُ اِلَّا مِنْ عِنْدِکَ * وَ مِنْ اَیْنِ لِّیْ النِّجَاةُ * وَ لَا تُسْتَطَاعُ

توانم یافت * در صورتی که خیر جز پیش تو نیست * و از کجا راه نجاتی خواهم جست * و حال آنکه جز به لطف تو

اِلَّا بِکَ * لَا الَّذِیْ اَحْسَنَ اسْتَغْنٰی عَنْ عَوْنِکَ وَ رَحْمَتِکَ * وَ لَا الَّذِیْ

نجات میسر نیست * ای خدا نه آنکس که نیکوکار است از یاری تو و لطف و رحمتت مستغنی است * و نه آنکه

اَسَاءَ وَ اجْتَرَا عَلَیْکَ * وَ لَمْ یَرْضِکَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِکَ * یَا رَبِّ یَا رَبِّ

بدکار است و بر حکم تو بی‌باکی کرده * و به راه رضا و خوشنودیت نرفته از قدرتت بیرون است * ای رب من ای رب من

یَا رَبِّ اَنْقَدِرْ بَکُوْیْدِیْ تَا اَنْکَ نَفْسٌ قَطَعَتْ شَوْد. * بِکَ عَرَفْتُکَ * وَ اَنْتَ دَلَلْتَنِیْ عَلَیْکَ

ای رب من * من تو را به تو شناختم * و تو مرا بر وجود خود دلالت فرمودی

و دَعَوْتِي إِلَيْكَ * وَ لَوْ لَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

* و به سوی خود خواندی * و اگر تو نبودی من نمی‌دانستم تو چیستی * ستایش خدای را که من او را

أَدْعُوهُ فَيَجِيبُنِي * وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ يَدْعُونِي * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

می‌خوانم و او اجابت می‌کند * و هر چند وقتی که او مرا می‌خواند تندی و کاهلی می‌کنم * و ستایش خدای را که

الَّذِي أَسْأَلُهُ وَ فَيُعْطِينِي * وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلًا حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي *

چون از او چیزی درخواست کنم به من عطا می‌کند * و هر چند هنگامی که او از من قرض می‌خواهد من بخل می‌ورزم *

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ حَاجَتِي * وَ أَخْلُو بِهِ حَيْثُ

و ستایش خدای را که برای هر حاجتی هرگاه او را خواستم ندا خواهم کرد * و هر وقتی برای راز و نیاز

شِئْتُ لِسِرِّي * بغير شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا

با او خلوت توانم کرد * و بدون هیچ واسطه و شفیع حاجتم را روا می‌سازد * سپاس خدای را که تنها او را

أَدْعُو غَيْرَهُ * وَ لَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

به دعا می‌خوانم نه غیر او را * و اگر از غیر او حاجت می‌خواستم دعایم مستجاب نمی‌کرد * و سپاس خدای را که

الَّذِي لَا أَرْجُو غَيْرَهُ * وَ لَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي * وَالْحَمْدُ

به او چشم امید دارم نه به غیر او * و اگر به غیرش امید می‌داختم مرا ناامید می‌گردانید * ستایش خدای را

لِلَّهِ الَّذِي وَكَلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي * وَ لَمْ يَكُنْ لِي إِلَى النَّاسِ فِيهِينُونِي *

که کار مرا به حضرتش واگذاشت و گرامیم داشت * و به غیرش وا نگذاشت تا خوارم گرداند *

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

ستایش خدای را که با من اظهار کمال دوستی فرمود با آنکه از من بی‌نیاز بود * و سپاس خدای را که از خطا و گناهانم

يَجْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَأَنِّي لَا ذَنْبَ لِي * فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَ أَحَقُّ

حلم و بردباری کرد چنانکه گویی گناهی از من سر نزده است * پس خدای من بیشم محبوبترین موجود است و به حمد و ستایش من

بِحَمْدِي * اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سَبِيلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً * وَ مَنَاهِلَ

او را سزاوارتر از همه عالم است * ای خدامن راه حوایج خلق را به سوی تو باز می‌بینم * و چشمهای امید

الرَّجَاءِ إِلَيْكَ (لَدَيْكَ) مُتْرَعَةً * وَ الْأَسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَلَكَ مُبَاحَةً

بندگان را به درگاهت پر آب می‌یابم * و یاری جستن به فضل و کرمات بر هر کس به تو آرزومند است مباح و آسان است

* وَ أَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً * وَ أَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِي

* و درهای دعای فریاد خواهان به سوی تو باز است * و محققاً می‌دانم که تو آماده‌ای

﴿لِلرَّاجِينَ﴾ بِمَوْضِعِ اجَابَةٍ * وَ لِلْمَلْهُوفِينَ ﴿لِلْمَلْهُوفِ﴾ بِمَرَصِدِ اغَاثَةٍ * وَ اَنَّ

برای حاجت امیدواران * و مراقب حال پریشان خاطرانی * و می دانم که در نالیدن

فِي اللّٰهِفِ اِلَى جُودِكَ وَ الرِّضَا بِقَضَائِكَ عِوَضًا مِنْ مَنَعِ الْبَاخِلِينَ *

به درگاه جود و احسانت و در رضای به قضا و قدرت بهترین عوضی است از بخل مردم بخیل *

وَ مَنْدُوحَةً عَمَّا فِي اَيْدِي الْمُسْتَثَارِينَ * وَ اَنَّ الرَّاحِلَ اِلَيْكَ قَرِيبٌ

و بی نیازی از اندوخته در دست دنیا طلبان است * و هر که به سوی تو سفر کند راهش

الْمَسَافَةِ * وَ اَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَن خَلْقِكَ اِلَّا اَنْ تَحْجِبَهُمُ الْاَعْمَالُ

بسیار نزدیک * و تو از نظر بصیرت خلق پنهان نیستی جز آنکه آمال و آرزوهایی که به غیر تو دارند حجاب آنها

﴿الْاُمَالُ﴾ دُونَكَ * وَ قَدْ قَصَدْتُ اِلَيْكَ بِطَلْبَتِي * وَ تَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ بِحَاجَتِي

از شهود جمالت گردیده است * و من جویای توام * و در حوایجم رو به تو آورده ام

* وَ جَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثَتِي * وَ بَدْعَائِكَ تَوْسُلِي مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ

* و به درگاه تو استغاثه کرده و پناه می جویم * و در دعای متوسل به لطف توام بدون آنکه لایق آن باشم که

لَا اسْتِمَاعَكَ مِنِّي * وَ لَا اسْتِجَابَ لِعَفْوِكَ عَنِّي * بَلْ لَثَقْتِي بِكَرَمِكَ *

دعای مرا مستجاب کنی * یا مستوجب عفو و بخشش گردانی * بلکه توجهم به تو به صرف کرم و احسان توست *

وَ سَكُونِي اِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ * وَ لِحُجِّي اِلَى الْاِيْمَانِ بِتَوْحِيدِكَ * وَ يَقِيْنِي

و اطمینان خاطرم به صدق وعده (لطف) تو * و پناهم بر ایمان به یکتایی توست * و یقینم

﴿وَوَقَيْتِي﴾ بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي اَنَّ لِرَبِّ لِي غَيْرُكَ * وَ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ * وَ حُدَّكَ

به معرفت حضرتت که می دانم مرا پروردگاری غیر تو نیست * و جز تو خدایی نخواهد بود * تو یکتا

لَا شَرِيكَ لَكَ * اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْقَائِلُ وَ قَوْلُكَ حَقٌّ * وَ وَعْدُكَ صِدْقٌ

و بی شریکی ای خدا * تو خود فرمودی و سخن تو حق * و وعده تو حقیقت

﴿الصِّدْقُ﴾ * ﴿وَ اسْئَلُوا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهِ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيْمًا﴾ *

است * فرمودی: «هر چه می خواهید از خدا فضل و کرم بخواهید که خدا به شما بندگان همیشه مهربان است» *

وَ لَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي اَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَ تَمْنَعُ الْعَطِيَّةَ *

و ای مولای من این از صفات نیست که بندگان را امر به سؤال کنی و چون سؤال کنند عطای خود را از آنها دریغ داری *

وَ اَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى اَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَ الْعَائِدُ عَلَيْهِمْ

و حال آنکه تو را بر اهل مملکتت عطاهای بی شمار است و به واسطه رأفت و محبتت به خلق

بِتَحْنِ رَافَتِكَ (بِحَسَنِ نِعْمَتِكَ) * **الهی رَبِّتَنِي فِي نِعْمِكَ وَاحْسَانِكَ**

نعمتت بر آنها پی‌درپی خواهد بود * ای خدا تویی که در انواع نعم و احسان هنگامی که کودکی بودم

صَغِيرًا * وَنَوَّهْتَ بِاسْمِي كَبِيرًا * فَيَا مَنْ رَبَّنِي فِي الدُّنْيَا بِاحْسَانِهِ

مرا پروراندیدی * و در بزرگی هم سربلندی و نام نیکو دادی * پس ای خدایی که مرا در دنیا به فضل و احسان

*** وَتَفَضَّلَهُ (بِفَضْلِهِ) وَنِعْمَهُ * وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ ***

* و نعم بی‌پایان پرورش دادی * و در آخرت اشارت به عفو و کرمت فرمودی *

مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي (دَلَّتَنِي) عَلَيْكَ * وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ *

معرفتم به تو ای مولای من دلیل و رهبر من به سوی توست * و محبتم نزد حضرتت واسطه و شفیع من است *

*** وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ * وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى شَفَاعَتِكَ ***

و من از دلیل خود چون تو راهنمای منی مطمئنم * و از شفیعم چون تو می‌پذیری دلم آرام است *

أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ * رَبِّ أَنْاجِيكَ بِقَلْبٍ

ای سید من تو را می‌خوانم به زبانی که از فرط گناه لال گردیده * ای پروردگار با تو راز و نیاز می‌کنم با دلی که

قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ * أَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِبًا رَاغِبًا رَاجِيًا خَائِفًا * إِذَا

از کثرت جرم به وادی هلاکت در افتاده * ای خدا تو را می‌خوانم با دلی که هراسان و ترسان است از قهر تو و امیدوار به کرم توست * چون

رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذَنْبِي فَرَعْتُ * وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمَعْتُ * فَإِنَّ عَفْوَتُ

به گناهان خود ای مولای من می‌نگرم زار می‌نالم * و چون به کرم بی‌پایان تو نظر می‌کنم امیدوار می‌گردم * پس اگر مرا ببخشی

(غَفَرْتَ) فَخَيْرٌ رَاحِمٍ * وَإِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ * حُجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرَاتِي

رواست که تو بهترین مهربانی * و اگر عذاب کنی ستم نکرده‌ای * حجت من بر جرأت درخواست حاجت از تو

عَلَى مَسْأَلَتِكَ مَعَ اِتِّبَانِي مَا تَكْرَهُ جُودَكَ وَكَرَمَكَ * وَعِدَّتِي فِي شِدَّتِي

با آنکه کردارم همه ناپسند بوده همانا بخاطر کرم و بخشش توست * و پناه آوردنم در حال سختی به درگاه تو

مَعَ قَلَّةِ حَيَاتِي رَافَتِكَ وَرَحْمَتِكَ * وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تَخِيبَ بَيْنَ ذَيْنِ

با بی‌حیایی و بی‌باکیم به موجب رأفت و مهربانی توست * و البته امیدم آن است که با اینگونه قبايح و زشتی‌هایم باز از آرزوهای

وَذَيْنِ مُنِيَّتِي * فَحَقِّقْ رَجَائِي * وَاسْمَعْ دُعَائِي * يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ

که به تو دارم محرومم نگردانی * پس امیدم برآور * و دعایم اجابت فرما * ای بهترین کسی که اهل دعا به درگاهش رو آورند

*** وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ * عَظُمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي * وَسَاءَ عَمَلِي ***

* و نیکوتر شخصی که امیدواران بر او عرض نیاز کنند * آرزویم ای سید من بزرگ * و کردارم زشت است *

فَاعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمَلِي * وَلَا تَوَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي * فَإِنَّ

پس تو به عفو و بخشش خود به قدر آرزویم عطا کن * و به اعمال زشتم مؤاخذه مفرما * زیرا

كِرْمِكَ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ * وَحِلْمِكَ يَكْبُرُ عَنْ مَكْفَاةِ

کرم و بزرگواریت برتر از آن است که گناهکاران را مجازات کنی * و حلمت بیش از آنکه مقصرین را به

الْمُقْصِرِينَ * وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ * هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ *

کیفر رسانی * و من ای سید من به فضل و کرمت پناه آورده * و از قهر تو به سوی لطفت می‌گریزم *

مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتِ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا * وَمَا أَنَا يَا رَبِّ

وعدۀ عفو و بخششت از کسی که به تو حسن ظن دارد مسلم و قطعی است * و من ذرۀ ناچیز

وَمَا خَطَرِي * هَبْنِي بِفَضْلِكَ * وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ * أَيُّ رَبِّ جَلَلَنِي

ای خدا کیستم * مرا به فضل و کرمت ببخش * و به عفو و رحمتت بر من منت گذار * ای پروردگار من

بَسِطْرِكَ * وَاعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكِرْمِ وَجْهِكَ * فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَيَّ

کردار زشتم در پرده دار * و از گناهانم به بزرگواری ذاتت درگذر * که اگر بر گناهم کسی غیر از تو

ذَنْبِي غَيْرِكَ مَا فَعَلْتَهُ * وَلَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَا اجْتَنَبْتَهُ * لَا

آگاه می‌شد البته آن گنه نمی‌کردم * و اگر از تعجیل می‌ترسیدم هم از خطا اجتناب می‌نمودم * نه از

لَانَكَ أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ (إِلَى) * وَآخَفُ الْمَطْلَعِينَ (عَلَيَّ) * بَلْ لَانَكَ يَا رَبِّ

این رو که تو از دیگران * در نظرم بی‌قدر و اهمیت‌تری * بلکه بدین سبب که تو بهترین

خَيْرِ السَّاتِرِينَ * وَأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ (وَأَحْلَمِ الْأَحْلَمِينَ) * وَأَكْرَمِ الْأَكْرَمِينَ

ستاران و پرده‌پوشان * و نیکوترین حکمفرمایان * و بزرگواریت‌ترین بزرگواران عالمی

* سَتَارِ الْعُيُوبِ * غَفَارِ الذُّنُوبِ * عَلَامِ الْغُيُوبِ * تَسْتُرِ الذَّنْبِ بِكِرْمِكَ

* تویی که بر عیب‌های خلق پرده پوشی * و برگناهانشان ببخشی * و بر اسرار غیب آگاهی * گناه بندگانت را به کرمت می‌پوشانی

* وَتَوَخَّرِ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ * فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ

* و کیفر آنها را از حلم و بردباری به تأخیر می‌افکنی * پس ستایش تو را می‌کنم بر مقام حلمت بعد از علم ازلیت

* وَ عَلَيَّ عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ * وَ يَحْمِلُنِي وَيَجَرِّئُنِي عَلَيَّ مَعْصِيَتِكَ

* و بر صفت عفو تو پس از قدرت کاملت * ای خدا حلم بی‌پایانت مرا بر معصیت تو وادار می‌کند

حِلْمِكَ عَنِّي * وَيَدْعُونِي إِلَى قَلَةِ الْحَيَاءِ سَتْرِكَ عَلَيَّ * وَيَسْرِعُنِي إِلَى

و جرات می‌دهد * و پرده‌پوشی و ستاریت به بی‌شرم و حیایی می‌خواند * و معرفتم

التَّوْبُ عَلَىٰ مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَ عَظِيمِ عَفْوِكَ * يَا

به رحمت بی‌انتهایت و عفو بی‌حسابت مرا جسور کرده و به سرعت بر آنچه حرام کردی می‌گذارد * ای

حَلِيمٍ يَا كَرِيمٍ * يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ * يَا غَافِرَ الذَّنْبِ * يَا قَابِلَ التَّوْبِ *

خدای بردبار بزرگوار * ای زنده ابدی * ای بخشنده گناه * و ای پذیرنده توبه *

يَا عَظِيمَ الْمَنِّ * يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ * أَيْنَ سِتْرِكَ الْجَمِيلِ؟ * أَيْنَ عَفْوِكَ

ای بزرگ نعمت و منت * ای احسان کننده همیشگی * کجاست پرده پوشی عظیم تو؟ * کجاست عفو

الْجَلِيلِ؟ * أَيْنَ فَرَجِكَ الْقَرِيبِ؟ * أَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعِ؟ * أَيْنَ رَحْمَتِكَ

بزرگوارانه تو؟ * کجاست گشایش نزدیک تو؟ * کجاست فریادرسی سریع تو؟ * کجاست رحمت

الْوَاسِعَةِ؟ * أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةِ؟ * أَيْنَ مَوَاهِبِكَ الْهَنِيئَةِ؟ * أَيْنَ

واسعه تو؟ * کجاست عطاهای نیکوی تو؟ * کجاست موهبت‌های گوارای تو؟ * کجاست

صَنَائِعِكَ السَّنِيَّةِ؟ * أَيْنَ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ؟ * أَيْنَ مِنْكَ الْجُسْمِ؟ * أَيْنَ

مرحمت‌های پر بهای تو؟ * کجاست فضل و کرم بی‌حد تو؟ * کجاست نعمت بزرگ تو؟ * کجاست

إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ؟ * أَيْنَ كَرَمِكَ يَا كَرِيمٍ؟ * بِهِ (وَبِمُحَمَّدٍ وَ ءَالِ مُحَمَّدٍ)

احسان همیشگی تو؟ * کجاست کرم تو ای خدای کریم؟ * به حق آن کرم

فَاسْتَنْقِذْنِي * وَ بِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي * يَا مُحْسِنٍ يَا مُجْمَلٍ * يَا مُنْعِمٍ

که مرا نجات ده * و به حق رحمتت که از ورطه هلاکت‌م خلاص کن * ای خدای با احسان، ای نیکوکار * ای نعمت بخش،

يَا مُفْضِلٍ * لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي النَّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَىٰ أَعْمَالِنَا * بَلْ

ای با فضل و کرم * ما بر نجات از قهر و عقابت اعتماد بر اعمال خود نداریم * بلکه

بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا * لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ * تُبَدِّئُ

تمام نظر ما به فضل و احسان توست * زیرا که تو شایسته‌ای که خلق از تو بترسند و هم به مغفرت امیدوار باشند * هم اول

بِالْإِحْسَانِ نَعْمًا * وَ تَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا * فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ؟

با خلق احسان می‌کنی * هم به کرمت از گناهانشان می‌گذری * پس من نمی‌دانم شکر کدام را به‌جای آورم؟

* أَجْمِيلٍ مَا تَنْشُرُ؟ * أَمْ قَبِيحٍ مَا تَسْتُرُ؟ * أَمْ عَظِيمٍ مَا أَبْلَيْتَ

* آیا شکر نیکی‌هایی که از من معروف کردی؟ * یا زشتی‌هایی که پرده پوشی نمودی؟ * یا بلاها و امتحانات سختی که بر ما آسان

وَ أَوْلَيْتَ؟ * أَمْ كَثِيرٍ مَا مِنْهُ نَجَيْتَ وَ عَافَيْتَ؟ * يَا حَبِيبَ مَنْ

ساختی و ما را بر آن فایق و مؤید داشتی؟ * یا بلاهای بسیار که از آن نجات داده و عافیت بخشیدی؟ * ای دوستدار کسی که

تَحَبَّبَ إِلَيْكَ * وَيَا قُرَّةَ عَيْنٍ مِّنْ لَّذِيكَ وَ انْقَطَعَ إِلَيْكَ * أَنْتَ

با تو محبت ورزد * ای شادی قلب کسی که رو به درگاه تو آورد و از همه بگسلد و با تو پیوندد * تو

الْمُحْسِنُ وَ نَحْنُ الْمُسِيئُونَ * فَتَجَاوَزُ يَا رَبِّ عَنْ قَبِيحٍ مَا عِنْدَنَا

نیکوکاری و ما زشت کرداریم * پس تو ای پروردگار به نیکوئی خود

بِجَمِيلٍ مَا عِنْدَكَ * وَ أَيْ جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا يَسَعُهُ وَ جُودِكَ؟ * أَوْ أَيْ زَمَانٍ

از قبايح ما درگذر * کدامین جهالت و بد کاری است که لطف و کرم تو آن را فرا نمی‌گیرد؟ * یا چه زمانی است که

أَطْوَلُ مِنْ أَنْاتِكَ؟ * وَ مَا قَدْرُ أَعْمَالِنَا فِي جَنبِ نِعْمِكَ؟ * وَ كَيْفَ

پیش از زمان حلم توست؟ * و اعمال نیک ما در مقابل نعمت‌های تو چه ارزش دارد؟ * و چگونه اعمال

نَسْتَكْثُرُ أَعْمَالًا نَقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ (كَرَامَتِكَ)؟ * بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَيَّ

زشتمان را با وجود لطف و کرم بی‌انتهایت بسیار بدانیم؟ * آری چگونه مجال بر گناهکاران

الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ؟ * يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ * يَا بَاسِطَ

با وجود رحمت واسعه بی‌پایانت تنگ خواهد شد؟ * ای صاحب آموزش بی‌حساب * ای آنکه دست تو

الْيَدِينَ بِالرَّحْمَةِ * فَوَعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي لَوْ نَهَرْتَنِي (انْتَهَرْتَنِي) مَا بَرَحْتَ

به رحمت مبسوط است * باری قسم به مقام عزت و بزرگیت ای سید من که اگر مرا از درگاهت برانی هرگز از این در

مِنْ بَابِكَ * وَ لَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ

به جایی نمی‌روم * و از تملق و التماس به حضرتت دست برنمی‌دارم زیرا تو را به جود و کرم کامل

وَ كَرَمِكَ * وَ أَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ * تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ

شناخته‌ام * و تو هر چه خواهی به قدرت کامله می‌کنی * هر که را بخواهی به هر قدر و

كَيْفَ تَشَاءُ * وَ تَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ * لَا تَسْأَلُ عَنْ

هر گونه عذاب کنی * و هر که را بخواهی هر قدر و هر قسم ترحم فرمایی خواهی کرد * و کسی را نرسد که بر کار تو

فِعْلِكَ * وَ لَا تَنَازِعُ فِي مُلْكِكَ * وَ لَا تَشَارِكُ فِي أَمْرِكَ * وَ لَا تُضَادُّ فِي

چون و چرا کنی * و در ملک هستی با تو گفتگو آغازد * و در هر امر و فرمان با ذات یکتاپست مشارکت کند * و در حکم مبرمت

حُكْمِكَ * وَ لَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ * لَكَ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ

مخالفت برانگیزد * و احدی را نرسد که بر نظم و تدبیرت خرده‌گیری و اعتراض کند * خلق و آفرینش خاص تو و حکم و فرمان بر

تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * يَا رَبِّ هَذَا مَقَامٌ مِّنْ لَّذِيكَ * وَ اسْتَجَارَ

خلق مخصوص توست بزرگوار خدایی که پروردگار عالم است * ای خدا این است مقام آنکس که به درگاه تو روی آورده * و به لطف و

بِكْرَمِكَ * وَالْفِ احْسَانِكَ وَنِعْمِكَ * وَاَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَضِيقُ

کرمت پناه جسته * و با نعم و احسانت الفت گرفته * و تو آن ذات با جود و بخششی که جامه عفو

عَفْوِكَ * وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ * وَلَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ * وَقَدْ تَوَثَّقْنَا مِنْكَ

تنگ نیست * و فضل تو نقصان پذیر نخواهد بود * و رحمتت کم نیست * و ما هم تمام وثوق و اطمینان خاطرمان

بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ * وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ * وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ * افْتِرَاكَ (تَرَكَ)

به عفو همیشگی * و فضل و کرم بی حد * و رحمت نامنهای توست * ای پروردگار آیا چنین پنداریم که تو بر خلاف حسن ظنی

يَا رَبِّ تَخْلِفُ ظُنُونَنَا؟ * أَوْ تَخَيِّبُ أَمَالَنَا؟ * كَلَّا يَا كَرِيمٌ فَلَيْسَ هَذَا

که به حضرتت داریم با ما رفتار می کنی؟ * یا ما را از امید و آرزوهایی که به تو داریم محروم می سازی؟ * هرگز به تو ای خدای

ظَنُّنَا (ظَنُّنَا) بِكَ * وَلَا هَذَا فِيكَ طَمَعُنَا (طَمَعُنَا) * يَا رَبِّ إِنَّ لَنَا فِيكَ

کریم چنین گمان نمی بریم * و اینگونه از کرمت انتظار نداریم * ای خدا ما را به حضرتت

أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا * إِنَّ لَنَا فِيكَ رَجَاءً عَظِيمًا * عَصَيْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو

آمال و آرزوهای بسیار * و امید بزرگ است * تو را معصیت کردیم و امید

أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا * وَدَعَوْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا * فَحَقِّقْ

پرده پوشی داریم * تو را در دعا خواندیم و امید اجابت داریم * پس ای مولای ما، ما را به امید

رَجَائِنَا مَوْلَانَا * فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمَالِنَا * وَلَكِنْ عَلِمَكَ

و آرزویمان برسان * که ما می دانیم که به اعمال زشت خود چیزی جز محرومی از رحمتت مستحق نیستیم * لیکن اینکه تو به احوال

فِينَا وَ عَلِمْنَا بِأَنَّكَ لَا تَصْرَفُنَا عَنْكَ * وَ إِن كُنَّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ

ما دانایی و به فقر و بیچارگی ما آگاهی و میدانیم که از درگاه فیضت محروم باز نمیگردیم * ما را راغب و امیدوار به درگاه کرمت آورد

لِرَحْمَتِكَ * فَانْتَ أَهْلُ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَ عَلَى الْمُدْنِبِينَ بِفَضْلِ

و با آنکه ما مستوجب رحمت نیستیم * تو شایسته آنی که بر ما و گناهکاران به فضل و رحمت وسیعت جود و

سَعَتِكَ * فَاْمُنَّ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ * وَ جَدَّ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُحْتَاجُونَ

بخشش کنی * پس تو به آنچه لایق بزرگواری توست به ما احسان فرما * و بر ما کرم کن که بسیار محتاج

إِلَى نَيْلِكَ * يَا غَفَّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا * وَ بِفَضْلِكَ اسْتَعْنَيْنَا

عطای توایم * ای خدای بخشنده ما را به نور معرفتت هدایت فرمودی * و به فضل و رحمتت از غیر بی نیاز گردانیدی *

وَ بِنِعْمَتِكَ (فِي نِعْمِكَ) أَصْبَحْنَا وَ أَمْسَيْنَا * ذُنُوبُنَا بَيْنَ يَدَيْكَ

و به نعمتت شب و روز پرورش یافتیم * گناهان ما پیش تو هویداست * از تو ای خدا از آن گناهان

نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَ نَتُوبُ إِلَيْكَ * تَتَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ

طلب عفو و آمرزش میکنیم و به درگاہت به توبه باز می‌گردیم * ای خدا تو درحق ما به نعمت‌های گوناگون محبت و مهربانی می‌کنی

وَ نَعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ * خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ * وَ شَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ *

و ما در مقابل به نافرمانی و گناه می‌پردازیم * خیر و برکات تو پیوسته بر ما نازل میشود * و شر و بدکاری ما به سوی تو بالا می‌رود *

وَ لَمْ يَزَلْ وَ لَا يَزَالُ مَلِكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ (عَنَّا) بِعَمَلٍ قَبِيحٍ * فَلَا يَمْنَعُكَ

و تو همیشه از ازل تا ابد پادشاه با کرم و احسانی که اعمال زشت همیشگی ما

ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطُنَا بِنِعْمِكَ * وَ تَتَفَضَّلُ عَلَيْنَا بِإِلَّاكَ *

مانع از آن نیست * که ما را غرق نعمت‌های ظاهر و باطن به فضل و احسان خود گردانی *

فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ وَ أَعْظَمَكَ * وَ أَكْرَمَكَ مُبَدِّئًا وَ مُعِيدًا *

پس منزهی تو و چقدر حلم و بزرگی لطف و کرمت در آغاز و انجام آفرینش بی‌پایان است *

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ * وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ * وَ كَرَّمَ صَنَائِعُكَ وَ فِعَالُكَ * أَنْتَ

ای خدا نام‌های پاکت منزّه * و ثنا و ستایشت بزرگ * و آثار و افعالت همه نیکو است * ای خدای

الهِ أَوْسَعُ فَضْلًا * وَ أَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايَسَنِي بِفَعْلِي وَ خَطِيئَتِي

من فضل وسیع بی‌پایان * و حلم عظیم بی‌انتهایت برتر از آن است که مرا با فعل من و گناه من مقایسه نمایی

* فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي * اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ

* از من درگذر از من درگذر از من درگذر ای سید من ای سید من ای سید من * خداوندا ما را به یاد خود مشغول ساز

* وَ أَعِدْنَا مِنْ سَخَطِكَ * وَ أَجْرْنَا مِنْ عَذَابِكَ * وَ ارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ

* و از قهر و غضبت امان بخش * و از عذابت در جوار رحمتت پناه ده * و از عطاهای بی‌حسابت روزی ما گردان

* وَ أَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ * وَ ارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ * وَ زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ

* و به فضل و کرم ما ما نیکوی و احسان فرما * و حج بیت الحرامت را نصیب ما گردان * و زیارت قبر پیغمبرت

* صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

* که درود و رحمت و مغفرت و خوشنودیت بر او و بر اهل بیتش باد زیارت قبرش را روزی ما گردان

* إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ * وَ ارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ * وَ تَوْفَّنَا عَلَى مِلَّتِكَ

* که تو البته به خلق نزدیکی * و از لطف دعایشان اجابت می‌کنی * ای خدا طاعتت را عوض هر کار نصیب ما گردان

وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ * اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ

و ما را بر آیین خود و بر سنت پیغمبرت که درود بر او و بر آتش باد بمیران * خدایا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و بر آنها

وَ اَرْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا * اَجْزُهُمَا بِالْاِحْسَانِ اِحْسَانًا *

رحمت فرست که آنان در خردسالی مربی من بودند * و پاداش احسان‌های آنها که به من کرده‌اند در حقشان احسان فرما *

وَ بِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا * اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ * اَلْاَحْيَاءِ

و گناهانشان ببخش * خدایا بر تمام مرد و زن اهل ایمان * از زندگان و مردگان

مِنْهُمْ وَ الْاَمْوَاتِ * وَ تَابِعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ (فِي الْخَيْرَاتِ) * اَللّٰهُمَّ

مغفرتت را شامل گردان * و میان ما و آنها به خیر و احسانت پیوند ده * بار الهی

اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَ مَيِّتِنَا * وَ شَاهِدِنَا وَ غَائِبِنَا * ذَكَرْنَا وَ اَنْثَانَا (اِنْثَانَا) *

زنده و مرده ما مسلمانان * و حاضر و غایب * و مرد و زن

صَغِيرِنَا وَ كَبِيرِنَا * حُرِّنَا وَ مَمْلُوكِنَا * كَذَبِ الْعَادِلُونَ بِاللّٰهِ *

و صغیر و کبیر * و آزاد و بنده ما همه را ببخش و بیامرز * آری آنان که از خدا برگشتند *

وَ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا * وَ خَسِرُوا خُسْرَانًا مُّبِينًا * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی

به دورترین وادی ضلالت و گمراهی در افتادند * و آشکار به زبان سخت گرفتار شدند * خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ اَخْتَمْ لِيْ بِخَيْرٍ * وَ اَكْفِنِيْ مَا اَهْمَنِيْ مِنْ اَمْرِ

محمد «ص» و آل محمد «ع» * و کارم را ختم به خیر گردان * و مهمات امور دنیا و آخرتم

دُنْيَايَ وَ اٰخِرَتِيْ * وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مِنْ لَا يَرْحَمُنِيْ * وَ اجْعَلْ عَلَيَّ

را کفایت فرما * و آنکه به حالم رحم نکند بر من مسلط مگردان * و بر من از جانب خود

مِنْكَ وَاقِيَةً بَاقِيَةً * وَ لَا تَسْلُبْنِيْ صَالِحَ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ * وَ ارْزُقْنِيْ

نگهبانی همیشه مقرر بدار * و نعمت‌های شایسته‌ای که به من عطا کردی از من باز مگیر * و از فضل

مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَّاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا * اَللّٰهُمَّ احْرُسْنِيْ بِحِرَاسَتِكَ *

و کرمت به من روزی وسیع حلال پاکیزه روزی فرما * ای خدا مرا در پناه مراقبتت نگهداری کن *

وَ احْفَظْنِيْ بِحِفْظِكَ * وَ اَكْلَانِيْ بِكَلَاءَتِكَ * وَ ارْزُقْنِيْ حَجَّ بَيْتِكَ

و در سایه محافظت * و ظل حمایت از هر بلا محفوظ دار * و حج بیت الحرام

الْحَرَامِ * فِيْ عَامِنَا هَذَا وَ فِيْ كُلِّ عَامٍ * وَ زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَ الْاِئِمَّةِ

را * در این سال و همه سال دیگر نصیب گردان * و زیارت قبر پیغمبر «ص» و ائمه هدی

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * وَ لَا تُخَلِّنيْ يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيْفَةِ

علیهم السلام را روزی کن * و از آن مشاهد مشرفه

و الْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ * اللَّهُمَّ تَبَّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَعْصِيكَ * وَالْهَمْنِي

* و مواقف با کرامت دور مگردان * ای خدا حال توبه‌ای به من عطا کن که دیگر هرگز معصیت نکنم * و تا هستم

الْخَيْرِ وَالْعَمَلِ بِهِ * وَ خَشْيَتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا أَبْقَيْتَنِي * يَا رَبَّ

کار خیر را به قلبم الهام کن * و در عملش موفقم ساز و شب و روز مرا خدا ترس گردان * ای پروردگار

الْعَالَمِينَ * اللَّهُمَّ إِنِّي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّأْتُ (تَعَبَّيْتُ) * وَقُمْتُ

عالم * ای خدا من چندان که به عزم و جزم با خود گفتم و خویش را مهیا و آماده طاعتت ساختم * و در

لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ * وَ نَاجَيْتُكَ الْقِيَّتَ عَلَى نَعَاسًا إِذَا صَلَّيْتُ

پیشگاه تو به نماز ایستادم * آن هنگام مرا به خواب انداختی * و حال راز

وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاتِكَ إِذَا نَاجَيْتُ مَا لِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَّحْتُ

و نیاز از من گاه مناجات باز گرفتی * ای خدا چه شد که هر چه با خود عهد کرده و گفتم که از این پس سرپرتم نیکو

سَرِيرَتِي * وَ قُرْبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي * عَرَضْتُ لِي بَلِيَّةٌ

خواهد شد * و به مجامع اهل توبه و مقام توابین نزدیک می‌شوم * بلیه و حادثه‌ای پیش آمد که

أَزَلْتُ قَدَمِي * وَ حَالَتْ بَيْنِي وَ بَيْنَ خِدْمَتِكَ * سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ

به عهد ثابت قدم نماندم * و آن بلیه میان من و خدمتت حایل گردید * ای سید من شاید تو از درگاه

بَابِكَ طَرَدْتَنِي * وَ عَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي * أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخْفًا

لطفت مرا رانده‌ای * و از خدمت بندگیت دورم ساخته‌ای * یا شاید دیدی من حق بندگیت را خفیف شمردم بدین جهت

بِحَقِّكَ فَاقْصَيْتَنِي * أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي * أَوْ

از درت مرا دور کردی * یا آنکه دیدی من از تو روی گردانم بدین سبب بر من غضب فرمودی * یا آنکه

لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ (الْكُذَّابِينَ) فَرَفَضْتَنِي * أَوْ لَعَلَّكَ

در مقام دروغگویانم یافتی لذا از نظر عنایتت دور افکندی * یا شاید دیدی

رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي * أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ

که من شکرگزاری از نعمت‌هایت نمی‌کنم مرا محروم ساختی * یا شاید مرا در مجالس اهل علم نیافتی به خواری

الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي * أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ

و خذلانم انداختی * یا شاید مرا در میان اهل غفلت یافتی بدین جرم از رحمتت

ءَايَسْتَنِي * أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي ءَالَفَ مَجَالِسِ الْبَطَالِينَ فَبَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ

نومیدم کردی * یا شاید دیدی در مجالس اهل باطل الفت گرفته‌ام مرا میان آنها

خَلَيْتَنِي * أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي * أَوْ لَعَلَّكَ

یا گذاشتی * یا شاید دوست نداشتی دعایم را بشنوی از درگاهت دورم کردی * یا شاید

بَجْرَمِي وَ جَرِيرَتِي كَافِيَتَنِي * أَوْ لَعَلَّكَ بِقَلَّةِ حَيَاتِي مِنْكَ جَارِيَتَنِي *

به جرم و گناهم مکافات کردی * یا شاید به بی‌شرم و حیایی با حضرتت مجازاتم نمودی *

فَإِنَّ عَفْوَتَ يَا رَبِّ فَطَالَ مَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي * لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيْ

به هر حال اگر ای خدای من عفو کنی شایسته است که پیش از من چه بسیار از گنهکاران را عفو کرده‌ای * چرا که لطف و کرم

رَبِّ يَجِلُّ عَنْ مَكَا فَاةِ الْمُقْصِرِينَ * وَ أَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ

ای خدا برتر و بالاتر از آن است که بندگان مقصر را به کیفر رسانی * و من به فضل و رحمت پناه آورده و از تو

إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ (مُتَنَجِّزٌ) مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا *

به سوی تو می‌گریزم که عفو و بخششت از کسی که به تو حسن ظن دارد وعده قطعی است *

إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا * وَ أَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايِسَنِي بِعَمَلِي

ای خدای من فضل و رحمتت وسیع‌تر * و حلم و بردباریت بزرگتر از آن است که با من به علمم مقایسه کنی

أَوْ أَنْ تَسْتَرِنِي بِخَطِيئَتِي * وَ مَا أَنَا يَا سَيِّدِي وَ مَا خَطْرِي * هَبْنِي

* یا مرا به گناهم خوار گردانی * و من کیستم ای مولای من و چه قابلیت دارم * مرا به فضل و کرم

بِفَضْلِكَ سَيِّدِي * وَ تَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ * وَ جَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ * وَ اعْفُ

بخش ای سید من * و به عفو تو بر من منت گذار * و به لطفت بر زشتییم پرده پوشی کن * و از توبیخ

عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ * سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ * وَ أَنَا

و تهدیدم به ذات بزرگواریت درگذر * ای سید من من آن طفل صغیرم که توام پرورانی * و آن

الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ * وَ أَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ * وَ أَنَا الْوَضِيعُ

نادانم که توام دانش بخشیدی * و آن گمراهم که توام هدایت کردی * و آن خوار و ذلیل که

الَّذِي رَفَعْتَهُ * وَ أَنَا الْخَائِفُ الَّذِي أَمَنْتَهُ * وَ الْجَائِعُ الَّذِي أَشْبَعْتَهُ *

توام عزت و رفعت دادی * و آن ترسانم که توام ایمن ساختی * و آن گرسنه‌ام که توام سیر کردی

وَ الْعَطْشَانُ الَّذِي أَرَوَيْتَهُ * وَ الْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ * وَ الْفَقِيرُ الَّذِي

* و آن تشنه‌ام که توام سیراب کردی * و برهنه‌ام که پوشانیدی * و فقیری که بی‌نیاز

أَغْنَيْتَهُ * وَ الضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ * وَ الذَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ *

کردی * و ناتوانی که توانایش دادی * و ذلیلی که عزیزش گردانیدی *

وَالسَّقِيمِ الَّذِي شَفِيَّتَهُ * وَالسَّائِلِ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ * وَالْمَذْنِبِ

و مریضی که شفا بخشیدی * و سائلی که به او عطا کردی * و گنهکاری که

الَّذِي سَتَرْتَهُ * وَالْمُخَاطِئِ الَّذِي أَقْلَتَهُ * وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَرْتَهُ *

بر گنهنش پرده پوشیدی * و خطا کاری که عذرش پذیرفتی * و اندکی که بسیارش نمودی

* وَالْمُسْتَضْعَفُ الَّذِي نَصَرْتَهُ * وَأَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي أَوْيْتَهُ * أَنَا

* و مغلوب و ناتوانی که یاریش کردی * و گریخته و آواره‌ای که جایگاهش دادی * من

يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكَ فِي الْخَلَاءِ * وَلَمْ أُرَاقِبَكَ فِي الْمَلَأِ * أَنَا

ای خدا همان کسم که نه در خلوت از تو شرم و حیا کردم * و نه در جمعیت مراقب وظایف بندگیت بودم * منم

صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى * أَنَا الَّذِي عَلَى سَيِّدِهِ اجْتَرَى * أَنَا الَّذِي

که مصایب و حوادث بزرگ بر من روی آور است * منم آن بنده‌ای که بر مولای خود جرأت و جسارت نموده * منم آنکه

عَصَيْتُ جِبَارَ السَّمَاءِ * أَنَا الَّذِي أَعْطَيْتُ عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ

خدای جبار آسمان را نافرمانی کرده * من آن کسم که بر معصیت‌های بزرگ رشوه

(الْمَعَاصِي جَلِيلٍ) الرُّشَا * أَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْعَى

داده * من آن کسم که هنگامی که مژده پیش آمد گناهی به او دادند به سوی آن گناه شتابان می‌رفت

* أَنَا الَّذِي أَمَهَلْتَنِي فَمَا أَرْعَوَيْتُ * وَ سَتَرْتُ عَلَى فَمَا اسْتَحْيَيْتُ *

* منم آنکه مهلتم در عصیان برای توبه دادی و من از گنه باز نگشتم * و بر من پرده پوشی کردی باز هم شرم و حیا نکردم *

وَعَمِلْتُ (عَلِمْتُ) بِالْمَعَاصِي فَتَعَدَيْتُ * وَأَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ (عِنْدَكَ)

و به معصیت پرداخته و از حد تجاوز کردم * و مرا از نظر انداختی باز هم

فَمَا بِالْيَتِّ * فَبِحِلْمِكَ أَمَهَلْتَنِي * وَ بَسْتَرِكَ سَتَرْتَنِي * حَتَّى كَانَكَ

باک نداشتم * و باز به حلم و بردباریت مهلتم دادی * و از کرم زشتیم در پرده داشتی * تا آنجا که گویی گناهانم را

أَغْفَلْتَنِي * وَمِنْ عَقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي * حَتَّى كَانَكَ اسْتَحْيَيْتَنِي

فراموش کرده‌ای * و از کیفر گناهان معافم داشته‌ای * که گویا از من شرم کرده‌ای

إِلَهِي لَمْ أَعْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ * وَأَنَا بَرُّوْبَيْتِكَ جَاحِدٌ * وَلَا

ای خدا من هنگامی که به معصیتت پرداختم * عصیان از راه انکار خداوندیت نکردم * و فرمانت

بِأَمْرِكَ مُسْتَخْفٌ * وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ * وَلَا لَوْعِيدِكَ مَتَهَاوِنٌ *

را خفیف نشمردم * و سینه در مقابل عقابت سپر نکردم * و وعده مجازاتت را خوار و بی‌اهمیت ندانستم *

لَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ * وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي * وَغَلَبَنِي هَوَايَ * وَأَعَانَنِي

بلکه عیبانی بود عارض شد * و نفس زشت بر من شبهه کاری کرد * و هوی و هوس غلبه کرد * و بدبختی

عَلَيْهَا شَقَوْتِي * وَغَرَّنِي سِتْرَكَ الْمُرْخِي عَلَيَّ * فَقَدْ عَصَيْتَكَ وَخَالَفْتَكَ

کمک نمود * و ستاری و پرده پوشیت مغرورم ساخت * تا آنکه به کوشش و اختیار به عصیان و

بِجَهْدِي * فَالآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي * وَ مِنْ أَيْدِي الْمُخْصَمَاءِ

مخالفت پرداختم * اکنون از عذاب تو که مرا نجات خواهد داد؟ * و فردا از دست دشمنان

غَدًا مَنْ يَخْلِصُنِي * وَ بِجِبَلٍ مَنْ اتَّصَلِ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي *

که خلاصم تواند کرد؟ * و اگر تو رشته محبت را از من بریدی دیگر به رشته که چنگ زخم؟ *

فَوَاسِوَاتِنَا (اسفا) عَلَيَّ مَا أَحْصَى كِتَابِكَ * مِنْ عَمَلِي الَّذِي لَوْلَا مَا أَرْجُو

پس وای به رسوائیم در آن هنگام که کتاب تو تمام اعمالم را به شمار آورده * که اگر امیدم

مِنْ كَرَمِكَ * وَ سَعَةِ رَحْمَتِكَ * وَ نَهَيْكَ إِيَّايَ عَنِ الْقُنُوطِ لَقَنْطُتُ

کرم * و رحمت بی انتهایت نبود * و نهی تو از نومیدی گنهکاران وقتی که متذکر اعمال زشت خود می شدم

عِنْدَ مَا أَتَذَكَّرُهَا * يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ * وَ أَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ *

به کلی ناامید می گردیدم * ای بهترین کسی که او را به دعا بخواند * و نیکوترین کسی که به کرشم امیدوار باشند *

اللَّهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ اتَّوَسَّلُ إِلَيْكَ * وَ بِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ اعْتَمِدُ إِلَيْكَ *

ای خدا به عهد و پیمان اسلام به سوی تو توسل جسته * و به حرمت قرآن و ایمان به آن درگاهت اعتماد می طلبم *

وَ بِحُبِّي النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْقُرَشِيِّ الْهَاشِمِيِّ الْعَرَبِيِّ التَّهَامِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ *

و به دوستیم نسبت به پیغمبر امی قرشی هاشمی عربی تهامی مکی مدنی نزد تو تقرب می جویم

* أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ * فَلَا تُوحِشْ اسْتِنْسَانَ إِيْمَانِي * وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي

* پس تو لطفی کن و انس مرا * به واسطه ایمانم به تو بدل به وحشت مگردان * و پاداشم را پاداش

ثَوَابٍ مِنْ عَبْدٍ سِوَاكَ * فَإِنْ قَوْمًا ءَامَنُوا بِالسَّنَنِ لِيَحْقِنُوا بِهِ

آنکه غیر تو را پرستیده قرار مده * زیرا قومی به زبان ایمان آوردند تا از شمشیر اسلام خونشان

دِمَاءَهُمْ * فَادْرِكُوا مَا أَمَلُوا * وَإِنَّا ءَامَنَّا بِكَ بِالسَّنَنِ وَقُلُوبُنَا لَتَعْفُو

محفوظ ماند * و به این آرزو رسیدند * و ما هم با دل و زبان به تو ایمان آوردیم تا از گناهانمان

عَنَّا * فَادْرِكْنَا (فَادْرِكْ بِنَا) مَا أَمَلْنَا * وَ ثَبَّتْ رَجَاءَكَ فِي صُدُورِنَا * وَلَا

درگذری * ما را هم به آرزویمان برسان * و امیدواری به کرم خود را بر ما ثابت و محقق گردان * و دل های ما را

تُرْغُ قُلُوبُنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا * وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ

پس از آنکه هدایت یافتیم به تاریکی و گمراهی میفکن * و از جانب خود بر ما رحمت فرست که همانا تویی بخشنده

الْوَهَّابُ * فَوَعِزَّتِكَ لَوْ أَنْتَهَرْتَنِي مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ * وَلَا كَفَفْتُ

بی‌عوض * باری به مقام عزت قسم که اگر مرا از در لطف برانی هرگز از درگاهت به جایی نخواهم رفت * و از تملق و

عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَلْهِمَ قَلْبِي (يَا سَيِّدِي) مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ

التماس به حضرتت دست نخواهم کشید چرا که قلبم شناسا و گواه کرم و رحمت بی‌پایان

رَحْمَتِكَ * إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ وَإِلَى مَنْ يَلْتَجِي

توست * آری بنده جز به درگاه مولایش کجا رود و مخلوق به که پناهنده

الْمَخْلُوقِ إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ * إِلَهِي لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ * وَ مَنَعْتَنِي

شود جز به خالقش * ای خدا اگر گردنم را به زنجیرهای قهرت می‌بندی * و عطایت را

سَيِّبِكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ * وَ دَلَلْتَ عَلَيَّ فُضَائِحِي عِيُونَ الْعِبَادِ *

از میان همه خلق از من منع کنی * و فضیحت و رسوایی‌هایم به چشم بندگان عیان سازی *

وَ أَمَرْتَ بِي إِلَى النَّارِ * وَ حُلَّتْ بَيْنِي وَ بَيْنَ الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتَ رَجَائِي

و فرمان دهی که مرا به آتش دوزخ کشند * و میان من و نیکان جدایی افکنی باز هرگز رشته امیدم از تو قطع

مِنْكَ * وَ مَا صَرَفْتَ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ * وَ لَا خَرَجَ حُبُّكَ مِنْ قَلْبِي

نخواهد شد * و از امیدی که به عفو و بخششت دارم منصرف نمی‌شوم * و محبتت از دلم بیرون نخواهد رفت

* أَنَا لَا أَنْسِي أَيَادِيكَ عِنْدِي * وَ سَتَرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا * سَيِّدِي

* من ای خدا عطا و بخشش‌ها * و پرده پوشی‌هایت را بر من در دار دنیا هرگز فراموش نخواهم کرد * ای سید

أَخْرَجَ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي * وَ أَجْمَعَ بَيْنِي وَ بَيْنَ الْمُصْطَفَى وَ ءَالِهِ

من حب دنیا را از دلم بیرون بر * و میان من و حضرت مصطفی و «ص»

* خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ * وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ

* منتخب از تمام خلق * و خاتم پیغمبرانت محمد «ص» که درود خدا بر او و آتش باد جمع گردان

* وَ أَنْقَلْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ * وَ أَعْنَى بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي * فَقَدْ

* و مرا به درجه و مقام اهل توبه و بازگشت به درگاهت برسان * و مرا بر گریه به حال خود یاری کن * که

أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَ الْأَمَالِ عُمْرِي * وَ قَدْ نَزَلَتْ مَنَزَلَةَ الْأَيْسِينَ مِنْ

سخت عمرم را به تسویف و آرزوهای باطل از دست دادم * و اینک به جایی رسیده‌ام که از خوبی و اصلاح نفس خود

خَيْرِي (حَيَاتِي) * فَمَنْ يَكُونُ اسْوَاَ حَالًا مِنِّي * اِنْ اَنَا نُقِلْتُ عَلٰی مِثْلِ

به کلی نامیدم * پس از من بدحال و تبه روزگارتر کیست * وای اگر من با چنین حال منتقل شوم

حَالِي اِلَى قَبْرِی (قَبْرِ) لَمْ اُمَهِّدْ لِرَقْدَتِي * وَلَمْ اَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ

به جانب قبری که برای خوابگاه خود مهیا نکرده * و با عمل صالح فرش در آن بستر

لَضَجَعْتِي * وَ مَا لِي لَا اَبْكِي وَلَا اَدْرِي اِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي * وَ اَرِي

نگستردم * و چرا نگریم در صورتی که نمی‌دانم مصیرم تا کجاست و به کجا می‌روم * و اکنون

نَفْسِي تُخَادِعُنِي * وَ اَيَّامِي تُخَاتِلُنِي * وَ قَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ (فَوْقَ) رَاسِي

می‌بینم که نفس با من خدعه می‌کند * و روزگار با من مکر می‌ورزد * در حالی که عقاب مرگ بر سرم

اَجْنَحَةُ الْمَوْتِ * فَمَا لِي لَا اَبْكِي * اَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي * اَبْكِي لِظُلْمَةِ

پر و بال گشوده است * پس چرا نگریم * می‌گریم بر جان دادنم * می‌گریم بر تاریکی

قَبْرِی * اَبْكِي لِضَيْقِ مُحَدِي * اَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرِ اَيَّايَ *

قبرم * می‌گریم بر تنگی جای ابدی خودم * می‌گریم برای سؤال منکر و نکیر از من *

اَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِی عَرِيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقْلِي عَلٰی ظَهْرِي *

می‌گریم بر آن حالتی که از قبر برهنه و خوار و ذلیل بیرون آمده و بار سنگین اعمالم را بر پشت گرفته‌ام *

اَنْظُرُ مَرَّةً عَنِ يَمِينِي وَ اٰخَرِي عَنِ شِمَالِي * اِذَا اِخْلَاطُ فِي شَانِ غَيْرِ شَانِي

گاهی به جانب راست خود می‌نگرم و گاهی به جانب چپ * در آن حال که خلائق هر کسی به کاری غیر کار من مشغولند

* لِكُلِّ امْرٍ مِنْهُمْ يَوْمٌ شَانٌ يَغْنِيهِ * وَ جَوْهٌ يَوْمٌ مَسْفَرَةٌ *

* و هر شخص در آن روز محتاج کار خویش است و از توجه به غیر بی‌نیاز * در آن روز گروهی رو سفید *

ضَاكِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ * وَ جَوْهٌ يَوْمٌ مَسْفَرَةٌ * تَرَهَّقَهَا قَتْرَةٌ *

و خندان لب و دلشادند * و گروهی رخسارشان گردآلود عصیان * و در غبار ذلت و خواری مستور

وَ ذَلَّةٌ * سَيِّدِي عَلَيكَ مَعْوَلِي وَ مَعْتَمِدِي وَ رَجَائِي وَ تَوَكَّلِي * وَ بِرَحْمَتِكَ

است * ای سید من همه اطمینان و اعتماد من و تمام امید و توکلم به تو * و علاقه خاطریم به رحمت

تَعَلَّقِي * تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ تَشَاءٍ * وَ تَهْدِي بِكَرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ *

و لطف توست * تویی که هر که را بخواهی به رحمتت نایل می‌سازی * و هر که را دوست داری به کرامتت هدایت می‌کنی *

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰی مَا نَقَيْتَ مِنَ الشَّرِكِ قَلْبِي * وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلٰی بَسْطِ

پس تو را ستایش می‌کنم برای آنکه قلب مرا از لوث شرک پاکیزه ساختی * و تو را سپاس میکنم برای آنکه زبانم را به ذکرت

لِسَانِي * أَفْبِلِسَانِي هَذَا الْكَمَالَ أَشْكُرُكَ * أَمْ بَغَايَةِ جُهْدِي (جَهْدِي) فِي

گشودی * آیا من بدین زبان لال شکر و سپاس تو توانم گفت * یا با کمال جهد و کوشش در عمل رضا

عَمَلِي أَرْضِيكَ * وَ مَا قَدَّرَ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ * وَ مَا قَدَّرَ

و خوشنودیت به دست تو نام آورد * زبان من در قبال شکر تو بی قدر * و عملم در جنب

عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعْمِكَ وَ إِحْسَانِكَ (إِلَى) * إِلَهِي إِنْ (الْآنَ) جُودَكَ بَسَطَ

نعمت و احسانت ناچیز است * ای خدا همانا جود و کرم تو دست امید و آرزویم را

أَمَلِي * وَ شُكْرِكَ قَبْلَ عَمَلِي * سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي * وَ إِلَيْكَ (مِنْكَ)

دراز گشوده * و بخشش تو عمل (ناقابلم) را پذیرفته * ای سید من شوق و رغبتم همه به سوی توست * و بیم و هراسم

رَهْبَتِي * وَ إِلَيْكَ تَأْمِيلِي * وَ قَدْ سَاقَنِي إِلَيْكَ أَمَلِي * وَ عَلَيْكَ (إِلَيْكَ) يَا

هم از توست * آرزویم به تو منتهی است * و امید من مرا به درگاه تو می کشد * و بر درگاه تو

وَ أَحَدِي عَكَفْتُ (عَلَقْتُ) هِمَّتِي * وَ فِيمَا عِنْدَكَ انْبَسَطْتُ رَغْبَتِي *

ای یگانه ام همتم معتكف شده * و در آنچه به حضور توست شوقم گشاده *

وَ لَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَ خَوْفِي * وَ بِكَ أَنْسَتْ مَحَبَّتِي * وَ إِلَيْكَ الْقِيَّتُ

و تمام امید و هراسم از تو * و انس و محبتم منحصر به تو * و به سوی تو دو دست

بِيَدِي * وَ بِجَبَلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي * (يَا) مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي

امید گشوده ام * و به رشته طاعتت با هراس درآویخته ام * ای مولای من به یاد تو دلم زنده است

* وَ بِمُنَاجَاتِكَ بَرَدْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي * فَيَا مَوْلَايَ وَ يَا مُؤَمِّلِي وَ يَا

* و به مناجاتت رنج ترس (فراق) را از خود تسکین می دهم * پس ای مولای من و ای آرزوی دل من

مُنْتَهَى سُؤْلِي * فَرَّقَ بَيْنِي وَ بَيْنَ ذَنْبِي الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ * فَإِنَّمَا

و ای منتهای مقصودم * تو میان من و گناهانم که مانع ملازمت طاعتت می شود جدایی افکن * که من

أَسْأَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فِيكَ * وَ عَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ وَ

به امید همیشگی و آرز و طمع بزرگ * که به حضرتت داشته ام از تو درخواست حاجت می کنم

عَلَى نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ * فَالْأَمْرُ لَكَ وَ حُدُكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

که تو بر ذات خویش رأفت و رحمت به بندگان را لازم کرده ای * پس ای خدا فرمان در همه عالم با توست و تو را شریکی نیست

* وَ الْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ * وَ كُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ *

* و خلق همه عیال و ریزه خور خوان احسان تو اند و در قبضه قدرت تو * و همه موجودات عالم پیش حضرتت خاضع و فروتنند *

تَبَارَكَتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ * اَللّٰهُمَّ اِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي * وَكَلَّ

بزرگوار خدایی ای پروردگار عالمیان * ای خدا در آن هنگام که حجت من قطع می‌شود * و زبانه

عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي * وَطَاشَ عِنْدَ سُؤْلِكَ اَيُّايَ لُبِّي * فَيَا عَظِيمَ رَجَائِي

از جوابت لال * و عقل و هوشم مضطرب می‌گردد در آن حال بر من ترحم فرما * ای امید بزرگ من

* لَا تَخَيِّبْنِي اِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي * وَلَا تَرُدَّنِي لِجَهْلِي * وَلَا تَمْنَعْنِي لِقَلَّةِ

* گاه فقر و فاقه سخت مرا از کرمت محروم مساز * و به واسطهٔ جهل و نادانیم از درگاهت مران * و به کم صبری منعم از

صَبْرِي * اَعْطِنِي لِفَقْرِي * وَارْحَمْنِي لضعْفِي * سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعْتَمِدِي

لطفت مکن * و چون فقیرم عطایم بخش * و چون ناتوانم به حالم ترحم کن * ای سید من تمام اعتماد و

وَمُعْوَلِي وَرَجَائِي وَتَوَكُّلِي * وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي * وَبِفَنَائِكَ اَحْطُ

اطمینان خاطر و امید و توکل من به توست * و به رحمت بی‌پایانت دل بسته‌ام * و به درگاه احسانت

رَحْلِي * وَبِجُودِكَ اَقْصِدُ (اَقْصُرُ) طَلَبْتِي * وَبِكَرَمِكَ اَيُّ رَبِّ اسْتَفْتِحُ

بار افکنده‌ام * و به جود و بخشش از تو مقصودم را می‌طلبم * و به امید کرمت ای پروردگار دست دعا به سوی

دُعَائِي * وَلَدَيْكَ اَرْجُو فَاقَتِي (ضِيَاْفَتِي) * وَبِعِنَاكَ اَجْبِرُ عِيْلَتِي * وَتَحْتِ

می‌گشایم * و فقر و بی‌نواسیم را نزد تو آورده * و پریشانی و نداریم را به غنا و بی‌نیازی تو جبران می‌کنم * و زیر

ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي * وَاِلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ اَرْفَعُ بَصْرِي * وَاِلَى مَعْرُوفِكَ

سایهٔ عفو و ایستاده‌ام * و به جود و کرمت چشم گشوده * و به احسان قدیمت همیشه

اَدِيْمُ نَظْرِي * فَلَا تُحْرِقْنِي بِالنَّارِ وَ اَنْتَ مَوْضِعُ اَمَلِي * وَ لَا تُسْكِنِي

نظر دارم * پس مرا به آتش (قهرت) مسوزان که تو محل امیدواری منی * و در هاویهٔ دوزخم جای

الْهَآوِيَةِ فَاِنَّكَ قَرَّةٌ عَيْنِي * يَا سَيِّدِي لَا تُكْذِبْ ظَنِّي بِاِحْسَانِكَ

مده که تو روشنی چشمم و نشاط قلب منی * ای سید من حسن ظنم را به عطا و احسانت ثابت گردان

وَمَعْرُوفِكَ فَاِنَّكَ ثِقْتِي * وَ لَا تَحْرِمْنِي ثَوَابِكَ فَاِنَّكَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي

که تو محل وثوق منی * و از ثواب خود محرومم مساز چرا که از فقر و پریشانیم آگاهی *

اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ قَدْ دَنَا اَجَلِي * وَ لَمْ يَقْرَبْنِي مِنْكَ عَمَلِي * فَقَدْ جَعَلْتُ

ای خدا اگر اجل من نزدیک شده * و عملم مرا به مقام قرب تو نرسانید * من هم

الْاِعْتِرَافَ اِلَيْكَ بِذَنْبِي * وَ سَأَلْتُ عَلِيَّ * اَللّٰهُمَّ اِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ اَوْلَى

اعتراف به گناهم را * اسباب عذر گردانیده‌ام * ای خدا اگر تو عفو کردی که سزاوارتر

مِنْكَ بِالْعَفْوِ * وَإِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعَدَلَ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ * أَرْحَمَ فِي هَذِهِ

از تو به عفو است * و اگر عذاب کردی که از تو در حکم عادل تر است * خدا در این دنیا به حال

الدُّنْيَا غُرْبَتِي * وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي * وَفِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي * وَفِي اللَّحْدِ

غربتم رحم کن * و هنگام مرگ بر غم و حسرتم * و در لحد به تنهایی * و وحشتم

وَحْشَتِي * وَإِذَا نَشَرْتَ لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذَلَّ مَوْقِفِي * وَاغْفِرْ لِي

رحم کن * و چون برای حساب نامه عملم گشوده شود به حال ذلتم در پیشگاه عظمتت ترحم فرما * و گناهانی را که

مَا خَفِيَ عَلَيَّ مِنَ الْأَدْمِيَيْنِ مِنْ عَمَلِي * وَأَدْمَلِي مَا بِهِ سَتَرْتَنِي * وَأَرْحَمَنِي

از چشم مردم پنهان است بر من ببخش * و لطفی که به آن گناهم را مستور کرده‌ای برقرار دار * باز هم ترحم کن

صَرِيعًا عَلَى الْفِرَاشِ تَقْلِبْنِي أَيْدِي أَحَبَّتِي * وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُودًا

آنگاه که در بستر مرگ افتاده‌ام و قادر بر حرکت نیستم و دست دوستان مرا حرکت می‌دهد * و تفضل فرما آنگاه که

عَلَى الْمُغْتَسَلِ يَقْلِبْنِي (يُغَسِّلُنِي) صَالِحٌ جَيْرَتِي * وَتَحَنَّنْ عَلَيَّ مَحْمُولًا

در وقت غسل دادن دست همسایگان صالح به راست و چپم می‌گرداند * و لطف و مهربانی کن آنگاه که

قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي * وَجُدْ عَلَيَّ مَنَقُولًا قَدْ نَزَلَتْ بِكَ

خویشاںم اطراف جنازه‌ام را برگرفته‌اند * و آنگاه که از این جهان رخت بر بستم و در قبر بر حضرتت

وَحِيدًا فِي حُفْرَتِي * وَأَرْحَمَ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ غُرْبَتِي * حَتَّى لَا

غریب و تنها وارد شدم * بر من ببخش و در آن منزل تازه بر غربتم ترحم فرما * تا آنجا هم

أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ * يَا سَيِّدِي إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي هَلَكْتُ * سَيِّدِي

انس و الفت به غیر تو نگیرم * ای سید من اگر تو مرا به خود واگذاری هلاک خواهم شد * ای آقای من

فَبِمَنْ أَسْتَعِيثُ إِنْ لَمْ تَقْلِبْنِي عَثْرَتِي * فَالِي مَنْ أَفْزَعُ إِنْ فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ

اگر تو از لغزش‌هایم درنگذری پس من به سوی که پناه برم * و به درگاه که زاری کنم و اگر عنایتت در خوابگاه مرگ

فِي ضَجْعَتِي * وَإِلَى مَنْ التَّجَىُّ إِنْ لَمْ تَنْفَسْ كُرْبَتِي * سَيِّدِي مَنْ لِي

شامل حالم نشود * به کدام در پناهنده شوم اگر تو غم و اندوهم زایل نگردانی * ای آقای من اگر تو به من

وَمَنْ يَرْحَمُنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي * وَفَضْلٌ مِنْ أَوْمَلِ إِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ

رحم نکنی من که را دارم و که به من رحم خواهد کرد * و اگر فضل تو شاملم نگردد به فضل و کرم که روز بیچارگی

يَوْمَ فَاقَتِي * وَإِلَى مَنْ الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضَى أَجَلِي * سَيِّدِي لَا

امیدوار باشم * و به سوی که از گناهمان آنگاه که اجلم فرا رسد توانم گریخت * ای آقای من مرا عذاب

تُعَذِّبَنِي وَ اَنَا اَرْجُوكَ **الهي** (اللهم) حَقِّقْ رَجَائِي * وَ اَمِنْ خَوْفِي * فَاِنَّ

مکن چرا که به تو امیدوارم * ای خدا امیدم را به حضرت کریمت ثابت و محقق ساز * و ترسم را به ایمنی مبدل گردان * که

كثْرَةَ ذُنُوبِي لَا اَرْجُو فِيهَا (لها) اِلَّا عَفْوَكَ * سَيِّدِي اَنَا اَسْأَلُكَ مَا لَا

از بسیاری گناهان جز به عفو و بخشش به جایی امید ندارم * ای سید من از تو چیزی می‌طلبم

اَسْتَحِقُّ وَ اَنْتَ اَهْلُ التَّقْوَى وَ اَهْلُ الْمَغْفِرَةِ * فَاغْفِرْ لِي وَ الْبَسْنِي مِنْ

که استحقاق آن ندارم اما تو اهل تقوی و آمرزشی * پس تو از من درگذر و به نظر لطف

نَظْرِكَ ثَوْبًا يَغْطِي عَلَيَّ التَّبِعَاتِ * وَ تَغْفِرْهَا لِي وَ لَا اَطَالِبُ بِهَا اِنَّكَ

لباسی که زشتی‌هایم بپوشاند در پوشان * و از آن اعمال زشت درگذر که دیگر مؤاخذهام نفرمایی * چرا که تو

ذُو مَنْ قَدِيمٍ * وَ صَفْحٍ عَظِيمٍ * وَ تَجَاوِزِ كَرِيمٍ **الهي** اَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ

صاحب احسان همیشگی * و بخشش عظیم * و گذشت بزرگوارانه‌ای * ای خدا تو آن کریمی که احسانت

سَيِّبِكَ عَلَيَّ مِنْ لَا يَسْأَلُكَ * وَ عَلَيَّ الْمُجَاهِدِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ * فَكَيْفَ

بر آنکس هم که از تو درخواست نکند افاضه میشود * بلکه بر منکران خدائیت هم می‌رسد * پس چگونه بر آنکس

سَيِّدِي بِمَنْ سَأَلَكَ * وَ اَيُّقِنَنَّ اَنَّ اَلْحَلْقَ لَكَ * وَ الْاَمْرَ اِلَيْكَ * تَبَارَكَتَ

که از تو مسئلت کرده * و به یقین کامل می‌داند که خلق همه از تو * و فرمان بر خلق مختص توست نخواهد رسید * بزرگوار

وَ تَعَالَيْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ * سَيِّدِي عَبْدُكَ بِبَابِكَ اَقَامَتَهُ الْمُخْصَصَةَ

و بلند مرتبه‌ای ای پروردگار عالم * ای آقای من بنده مسکین تو را فقر و بیچارگی به درگاه کرم تو

بَيْنَ يَدَيْكَ * يَقْرَعُ بَابَ اِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ * (وَ يَسْتَعْتَفُ جَمِيلَ نَظْرِكَ بِمَكْنُونٍ

باز داشته * و حلقه بر در احسانت به دعا می‌زند

رَجَائِكَ) * فَلَا تُعْرَضُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي * وَ اَقْبَلْ مِنِّي مَا اَقُولُ * فَقَدْ

* پس تو به بزرگواری و کرم روی از وی مگردان * و تقاضایم قبول فرما * که من

دَعَوْتُ (دَعْوَتِكَ) بِهَذَا الدُّعَاءِ * وَ اَنَا اَرْجُو اَنَّ لَا تُرَدِّنِي مَعْرِفَةَ مِنِّي بِرَأْفَتِكَ

به این دعای (مفصل) تو را خواندم * و امید آن دارم که دعایم رد نفرمایی چرا که من به رأفت و مهربانی

وَ رَحْمَتِكَ **الهي** اَنْتَ الَّذِي لَا يُجْفِيكَ سَائِلٌ * وَ لَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ

تو آگاهم * ای خدا تو آن کریمی که سائل تو را خسته نمی‌کند * و از بخشش تو را نقصانی نمی‌رسد *

اَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَ فَوْقَ مَا نَقُولُ **اللهم** اِنِّي اَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا

تو در اوصاف کمال به مقامی که خود ستایش خویش توانی کرد و برتری از آنچه ما بگوییم * ای خدا من از تو درخواست می‌کنم صبری نیکو *

وَفَرَجًا قَرِيبًا * وَقَوْلًا صَادِقًا * وَاجْرًا عَظِيمًا * اَسْأَلُكَ يَا رَبِّ مِنْ

و گشایشی نزدیک * و زبانی گویای به صدق و حقیقت * و پاداشی بزرگ از تو درخواست می‌کنم * ای پروردگار از خیر

الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ * اَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا

و خوبی‌ها همه را آنچه دانسته و آنچه را ندانسته‌ام * باز درخواست می‌کنم ای خدا از بهترین آنچه

سَأَلُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ * يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ * وَأَجُودَ مَنْ أَعْطَى

بندگان صالحت از تو درخواست کردند * ای بهترین کسی که از او درخواست توان کرد * و ای بهترین عطا بخش

* اَعْطِنِي سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَاهْلِي وَوَالِدِي وَوَلَدِي (وَلَدِي) وَاهْلِي حُزَانَتِي

* درخواست مرا درباره شخص خود و اهل بیتم و والدینم و خاندانم و برادران خدا پرستم

وَإِخْوَانِي فِيكَ * (وَ) أَرْغِدْ عَيْشِي * وَأَظْهَرْ مَرْوَتِي * وَأَصْلِحْ جَمِيعَ

همه را عطا فرما * و عیشم را خوش * و مروت و فتوتم را محکم و آشکارا گردان * و جمیع احوالم را

أَحْوَالِي * وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلَّتْ عُمُرُهُ * وَحَسَنَتْ عَمَلُهُ * وَاتَّمَمَّتْ

اصلاح فرما * و مرا از آنان قرار ده که عمرش طولانی * و عملش نیکو * و نعمت را

عَلَيْهِ نِعْمَتُكَ * وَرَضِيَتْ عَنْهُ * وَأَحْيَيْتَهُ * وَحَيَاةً طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ

بر او کامل گردانیده‌ای * و از او خوشنودی * و حیات خوش با نشاط دایم

السُّرُورِ * وَأَسْبَغَ الْكِرَامَةَ وَاتَمَّ الْعَيْشَ * إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ

ابدی * با نیکوترین مکرمت و تمامترین زندگانی به او مرحمت فرموده‌ای * که تو خدایی و هر چه بخواهی به قدرت کامله

وَلَا تَفْعَلُ (يَفْعَلُ) مَا يَشَاءُ غَيْرَكَ * اللَّهُمَّ خُصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ *

می‌کنی و غیر تو کسی هر چه بخواهد نتواند کرد * ای خدای من مرا به ذکر خاص خود مخصوص گردان *

وَلَا تَجْعَلْ شَيْئًا مِمَّا اتَّقَرَّبُ بِهِ فِي آئِنَاءِ اللَّيْلِ * وَأَطْرَافِ النَّهَارِ رِبَاءً

و هر عمل که برای تقرب به حضرتت به‌جای آورم در ساعات شب * و اطراف روز ربیاء و

وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشْرًا وَلَا بَطْرًا * وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ * اللَّهُمَّ

خودنمایی و بطالت و عیاشی قرار مده * و مرا از بندگان خاشع خود بگردان * خدایا

أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ * وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ * وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْاهْلِ

مرا روزی وسیع عطا کن * و نعمت امنیت بخش * و اهل و مال و فرزندم را مایه

وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ * وَالْمُقَامَ فِي نِعْمِكَ عِنْدِي * وَالصِّحَّةَ فِي الْجَسْمِ *

روشنی چشم و شادی خاطر گردان * و نعمتهایی که مرا عطا کرده‌ای پاینده ساز * و تنم را سالم *

وَ الْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ * وَ السَّلَامَةَ فِي الدِّينِ * وَ اسْتَعْمَلَنِي بِطَاعَتِكَ

و بدنم را نیرومند * و دینم را (از دست شیطان) محفوظ دار * و پیوسته عمرم را به کار طاعت

وَ طَاعَةَ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي

خود و رسالت محمد صلی الله علیه و آله بدار و مرا از آن بندگان که نزد تو نصیبشان از همه

* وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَ

وافرتر است مقرر فرما * هم در خیر و برکتی که نازل کرده‌ای و می‌کنی *

وَ تَنْزِلُهُ وَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَ مَا أَنْتَ مُنْزِلُهُ وَ فِي كُلِّ سَنَةٍ

در ماه مبارک رمضان در شب قدر * و هم آنچه در هر سال نازل خواهی کرد و از رحمت که منتشر بر خلق می‌گردانی

مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا * وَ عَافِيَةٍ تُلْبَسُهَا * وَ بَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا * وَ حَسَنَاتٍ

نصیب ده * و هم لباس عافیتی که به بندگان می‌پوشانی بر من بیوشان * و هر بلیه و آلامی که برطرف می‌کنی * و خوبیها

تَتَقَبَّلُهَا * وَ سَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا * وَ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ *

که می‌گردانی * و گناهایی که از آن در می‌گذری مرا بهره‌مند ساز * و هم ای خدا حج بیت الحرام را *

فِي عَامِنَا (عَامِي) هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ * وَ ارْزُقْنِي رِزْقًا وَاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ

در این سال و همه سال دیگر * و رزق وسیع از فضل و کرم بی‌پایانت نصیبم

الْوَاسِعِ * وَ اصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَاءَ * وَ اقْضِ عَنِّي الدِّينَ

فرما * و شر و بدی‌ها را ای آقای من از من دفع گردان * و دین و مظلوم را به کرمت ادا ساز

وَ الظُّلُمَاتِ حَتَّى لَا آتَاذُنِي بَشَيْءٍ مِنْهُ * وَ خُذْ عَنِّي بِأَسْمَاعٍ وَ أَبْصَارٍ

تا دیگر در اذیت و رنج و غم از قبل هیچ یک از آنها نباشم * و چشم و گوش دشمنان و

أَعْدَائِي وَ حُسَادِي وَ الْبَاغِينَ عَلَيَّ * وَ انصُرْنِي عَلَيْهِمْ * وَ اقْرَأْ عَيْنِي

حسودان و بیدادگران را بر من ببند * و مرا بر آنها منصور و غالب گردان * و دیده‌ام

(وَ حَقِّقْ ظَنِّي) * وَ فَرِّحْ قَلْبِي * وَ اجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَ كَرْبِي فَرَجًا وَ مَخْرَجًا

روشن * و دلم شاد فرما * و از هر هم و غم و پریشانیم گشایش و رهایی بخش

* وَ اجْعَلْ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمِي * وَ اكْفِنِي

* و هر که از قصد با من سوء قصدی کند زیر قدم قدرتم پایمالش ساز * و شر شیطان

شَرَّ الشَّيْطَانِ وَ شَرَّ السُّلْطَانِ وَ سَيِّئَاتِ عَمَلِي * وَ طَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ

و شر سلطان و شر اعمال بدم را از من کفایت فرما * و از تمام گناهان مرا پاک

كُلِّهَا * وَاجْرِنِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ * وَادْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ * وَزَوْجَنِي

گردان * و به عفو و کرمت از آتش دوزخم نجات بخش * و به لطف و رحمتت به بهشت ایدم داخل گردان * و به فضلت

مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ * وَالْحَقْنِي بِأَوْلِيَاءِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

با حور العینم قرین ساز * و مرا با اولیاء صالح خود یعنی محمد و آلش محشور گردان که آنان

الْأَبْرَارِ * الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ * صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى

نیکیبان * و پاکان و پاکیزگان و برگزیدگان عالمند * درود و رحمت و برکاتت بر آنها

أَجْسَادِهِمْ وَ أَرْوَاحِهِمْ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ * إِلَهِي وَ سَيِّدِي

باد و بر جسم و جان آنان باد * ای خدای من و سید من *

وَ عِزَّتِكَ وَ جَلَالِكَ لِنِّ تَطَلَّبْتَنِي بِذُنُوبِي لِأَطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ * وَ لِنِّ

به عزت و جلالت قسم که اگر تو از من به گناهانم بازخواست کنی من هم به عفو و بخششت از تو بازخواست خواهم کرد * و اگر

تَطَلَّبْتَنِي بِلُؤْمِي لِأَطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ * وَ لِنِّ ادْخَلْتَنِي النَّارَ لِأُخْبِرَنَّ

از من به خواریم بازخواست کنی من هم به کرم و بزرگواریت از تو بازخواست خواهم کرد * و اگر به دوزخم داخل سازی اهل آتش را

أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ * إِلَهِي وَ سَيِّدِي إِنْ كُنْتَ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَاءِكَ

از محبتم به تو آگاه می‌سازم * ای خدای من و سید من اگر تو بر غیر اولیاء خود و اهل طاعت خویش

وَ أَهْلَ طَاعَتِكَ فَالِي مَنْ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ * وَإِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ

بخشایی پس گناهکاران به درگاه که تضرع و زاری کنند * و اگر تو با غیر وفاداران اکرام

الْوَفَاءِ بِكَ * فَبِمَنْ يَسْتَعِيثُ الْمُسِيئُونَ * إِلَهِي إِنْ ادْخَلْتَنِي النَّارَ

و احسان نفرمایی * پس بدکاران به درگاه که پناهنده شوند * ای خدا اگر مرا در آتش ببری

فَفِي ذَلِكَ سُورُورٌ عَدُوِّكَ * وَإِنْ ادْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَفِي ذَلِكَ سُورُورٌ نَبِيِّكَ

در این صورت دشمنت (شیطان) شاد می‌شود * و اگر در بهشت ببری پیغمبرت شاد خواهد شد

* وَ أَنَا وَاللَّهُ أَعْلَمُ أَنَّ سُورُورَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُورُورِ عَدُوِّكَ

* و من قسم به خدا یقین دارم که تو سرور پیغمبرت را دوست‌تر داری از سرور دشمنت *

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ * وَ خَشْيَةً مِنْكَ * وَ تَصَدِّقًا

ای خدا از تو درخواست می‌کنم که دلم را مملو از دوستی خود گردانی * و سراسر قلبم را پر خوف و خشیت خود * و تصدیق

بِكِتَابِكَ * وَ إِيمَانًا بِكَ * وَ فِرْقًا مِنْكَ * وَ شَوْقًا إِلَيْكَ * يَا ذَا الْجَلَالِ

به کتاب خود * و ایمان کامل به حضرتت گردانی * و دلم را پر غم و اندوه خود * و شوق لقای خویش سازی * ای خدای صاحب

وَ الْاِكْرَامِ * حَبِّ اِلَى لِقَاءِكَ * وَ اَحَبِّ لِقَائِي * وَ اجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ

جلال و بزرگواری * ملاقات خود را محبوب من * و ملاقات مرا محبوب خود گردان * و در هنگام لقای خویش

الرَّاحَةِ * وَ الْفَرَجِ وَ الْكِرَامَةِ * اَللّٰهُمَّ اَحْقِنِيْ بِصَالِحٍ مِّنْ مَّضَىٰ

برایم راحتی * و گشایش و کرامت مقرر فرما * ای خدا مرا به صالحان گذشته در پیوند *

وَ اجْعَلْنِيْ مِنْ صَالِحٍ مِّنْ بَقِيٍّ * وَ خُذْ بِيْ سَبِيْلِ الصّٰلِحِيْنَ * وَ اعِنِّيْ

و از صالحان باقی قرار ده * و به راه صالحان رهوار ساز * و مرا بر

عَلَى نَفْسِيْ بِمَا تَعَيَّنَ بِهِ الصّٰلِحِيْنَ عَلَى اَنْفُسِهِمْ * وَ اَخْتِمْ عَمَلِيْ

مخالفت هوای نفس خود به آنچه صالحان را یاری کردی مدد فرما * و ختم کارم را نیکوترین

بِاِحْسَنِهِ * وَ اجْعَلْ ثَوَابِيْ مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ * وَ اعِنِّيْ عَلَى صَالِحٍ

عمل گردان * و پاداشم را از آن عمل نیک به رحمتت، بهشت ابد قرار ده * و مرا یاری کن که هر نعمتی که به من عطا کرده‌ای به

مَا اَعْطَيْتَنِيْ * وَ ثَبَّتَنِيْ يَا رَبِّ * وَ لَا تَرُدَّنِيْ فِيْ سَوْءٍ اِسْتَنْقَذْتَنِيْ مِنْهُ يَا

شایستگی و صلاح کار بندم * و مرا ای خدا ثابت قدم مدار * و به سوی بلا و مهلکه‌ای که از آنم نجات داده‌ای برنگردان ای

رَبِّ الْعَالَمِيْنَ * اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ اِيْمَانًا لَا اَجَلَ لَهُ وَ دُونَ لِقَائِكَ

پروردگار عالم * ای خدا از تو درخواست می‌کنم ایمان ثابتی که تا روز لقای تو باقی ماند *

اَحْيِيْ مَا اَحْيَيْتَنِيْ عَلَيْهِ * وَ تَوَفَّنِيْ اِذَا تَوَفَّيْتَنِيْ عَلَيْهِ * وَ اَبْعَثْنِيْ اِذَا

و بر آن ایمان تا زنده‌ام مرا باقی دار * و بر آن بمیران * و بر آن ایمانم در

بَعَثْتَنِيْ عَلَيْهِ * وَ اَبْرئِ قَلْبِيْ مِنَ الرِّيَاءِ وَ الشُّكِّ وَ السَّمْعَةِ فِيْ دِيْنِكَ

قیامت برانگیز * و دلم را از ریا و خود نمایی و شک و ظاهر سازی در دینت بیزار گردان *

حَتَّى يَكُوْنَ عَمَلِيْ خَالِصًا لَكَ * اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِيْ بَصِيْرَةً فِيْ دِيْنِكَ

تا عملم خالص برای تو باشد * ای خدا مرا بصیرتی در دین خود *

وَ فَهْمًا فِيْ حُكْمِكَ * وَ فَفْهًا فِيْ عِلْمِكَ * وَ كَفْلِيْنَ مِنْ رَحْمَتِكَ

و فراستی در حکم خود * و فهم و هوشی در علم کتاب خویش عطا فرما * و کفلین از رحمتت بخش *

وَ وَّرَعًا يَجْزُنِيْ عَن مَّعَاصِيكَ * وَ بَيِّضْ وَجْهِيْ بِنُورِكَ * وَ اجْعَلْ

و مقام ورعی بخش که مانع از هر چه عصیان توست شود * و به نور معرفتت روسفیدم کن * و میل و رغبتم را

رَغْبَتِيْ فِيمَا عِنْدَكَ * وَ تَوَفَّنِيْ فِيْ سَبِيْلِكَ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُوْلِكَ صَلَّى

به آنچه در جهان باقی نزد توست معطوف گردان * و مرا به راه (رضای) خود و بر آیین پیغمبرت

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَشْلِ * وَالْهَمِّ

صلی الله علیه و آله بمیران * ای خدا پناه می‌برم به تو از صفات رذیله کسالت و مهملی * و اندوه

وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ * (وَالذَّلَّةِ) وَالْمَسْكِنَةِ وَالْفَقْرِ

و هراس و ترس و بد دلی و بخل و غفلت و قسوت قلب * و فقر و

وَالْفَاقَةِ * وَكُلِّ بَلِيَّةٍ وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ * وَاعُوذُ

بیچارگی * و هر بلیه و رنج و هر زشتی ظاهر و باطن * و نیز پناه می‌برم

بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ * وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ * وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ * وَدُعَاءٍ لَا

به تو از نفسی که قناعت نکند * و شکمی که از دنیا سیر نشود * و دلی که از تو خاشع و ترسان نباشد * و از دعایی

يُسْمَعُ * وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ * وَاعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي

که مستجاب نشود * و عملی که سود نبخشد * و نیز پناه می‌برم به تو ای خدا که جان و دین و مال

* وَ عَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ

* و هر نعمتی روزیم کردی همه را از دستبرد دیو رجیم محفوظ داری * که البته تو شنوای

الْعَلِيمُ * اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ * وَلَا أَجِدُ مِنْ دُونِكَ

دانایی * ای خدا هیچکس مرا از قهر تو پناه نتواند داد * و جز تو ملجاء و پناهی

مُلْتَحِدًا * فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ * وَلَا تَرُدَّنِي بِهَلَكَةٍ

ندارم * پس مرا در دنیا و عقبی به هیچ یک از عقوبت‌هایت مبتلا مگردان * و به هیچ مهلکه

و لَا تَرُدَّنِي بِعَذَابِ الْإِيمِ * اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي * وَاعْلُ (كَعْبِي) وَذِكْرِي *

و عذاب دردناک باز میفکن * ای خدا عملم بپذیر * و نامم بلند گردان *

وَارْفَعْ دَرَجَتِي * وَحُطِّ وَزْرِي * وَلَا تَذَكِّرْنِي بِخَطِيئَتِي * وَاجْعَلْ ثَوَابَ

و درجه‌ام رفیع ساز * و گناهم بریز * و خطایم را یاد آورم مساز * و پاداش نشستن

مَجْلِسِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ * وَاعْطِنِي يَا

و سخن گفتن و دعا و تضرع را رضا و خوشنودیت و بهشت ابدت قرار ده * و ای خدا به کرمیت

رَبِّ جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ * وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ * إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا رَبِّ

هر چه درخواست کردم همه را عطا فرما * و زیاده بر آن از فضل و رحمت ببخش * که دل من ای پروردگار عالم به سوی تو

الْعَالَمِينَ * اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ (الْعَفْوُ وَأَمْرَتُنَا) أَنْ نَعْفُو عَمَّنْ

مایل و مشتاق است * ای خدا تو در کتابت آیاتی نازل فرمودی که ما از هر کس در حقمان ظلم و ستم کرده

ظَلَمْنَا * وَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَاعْفُ عَنَّا * فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا

عفو کنیم * و ما در حق نفس خود ظلم کردیم تو هم از ظلم ما عفو فرما * که تو در این عفو و بخشش از ما سزاوارتری *

وَأَمَرْتَنَا أَنْ لَا نَرُدَّ سَائِلًا عَنْ أَبْوَابِنَا * وَقَدْ جِئْتِكَ سَائِلًا فَلَا تَرُدَّنِي

و باز به ما امر فرمودی که سائلی را از درگاه خود محروم برنگردانیم * و من هم سائلم به درگاه کرمت پس مرا

الْأَبْقَضَاءِ حَاجَتِي * وَأَمَرْتَنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا

تا حاجتم روا نسازی باز مگردان * و باز امر فرمودی که در حق هر که در ملک و تصرف ماست نیکی و احسان کنیم *

وَمَنْ أَرْقَاؤُكَ فَاعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ * يَا مَفْرَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي * وَيَا

و ما بندگان توایم تو هم در حق ما نیکی کن و از آتش قهرت آزادمان ساز * ای آنکه هنگام بلا و رنج ملجاء و پناه * و در

غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي * إِلَيْكَ فَرَعْتُ * وَبِكَ اسْتَعَثْتُ وَ لَذْتُ * لَا الْوُدَّ

سختی‌ها فریادرس مایی * من به درگاه تو می‌نالیم * و تو را فریادرس می‌دانم و به تو پناه آورده‌ام * نه به کسی

بِسِوَاكَ * وَلَا أَطْلُبُ الْفَرْجَ إِلَّا مِنْكَ * فَاغْنِنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَفْكُ

دیگر جز تو * و از دری جز درگاهت گشایشی نمی‌طلبم * پس تو ای خدا به فریادم رس و عقده‌های قلبم بگشا

الْأَسِيرِ (يَقْبَلُ الْيَسِيرَ) * وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ * اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ * وَاعْفُ

ای آنکه اسیران را آزاد می‌کنی * و از گناهکاران بسیار در می‌گذری * از من هم این عمل کم بپذیر * و از

عَنِ الْكَثِيرِ * إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا

گناهان بسیارم درگذر * که تو بسیار مهربان و آمرزنده‌ای * ای خدا من از تو درخواست می‌کنم ایمانی ثابت

تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي * وَيَقِينًا (صَادِقًا) * حَتَّىٰ أَعْلَمَ أَنَّهُ * لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا

که همیشه در قلبم برقرار باشد * و یقینی کامل تا بدانم که به من جز آنچه قلم تقدیر تو نگاشته

كُتِبَتْ لِي * وَرَضْنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

نخواهد رسید * و مرا در زندگانی به هر چه قسمتم کردی راضی و خشنود سازی * ای مهربانترین مهربانان عالم *

۵ پنجم: و نیز شیخ فرموده که در سحر این دعا را می‌خوانی: يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي * وَيَا

ای قوت و ذخیره روز رنج و غم من * و ای

صَاحِبِي فِي شِدَّتِي * وَيَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي * وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي * أَنْتَ

یار و یاور روز سختی من * ای ولی نعمت من * و ای منتهای آرزوی من * تویی که

السَّاتِرُ عَوْرَتِي * وَ الْمُؤْمِنُ رَوْعَتِي * وَ الْمُقِيلُ عَثْرَتِي * فَاعْفِرْ لِي

عیب و زشتیهای مرا می‌پوشانی * و از هر چه هراسان و بیمناکم ایمن می‌سازی * و لغزشهایم را عفو کرده * و از خطاهایم

خَطِيئَتِي * اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ خُشُوعَ الْاِيْمَانِ قَبْلَ خُشُوعِ الذَّلِّ فِي

دور می‌گذری * ای خدا از تو درخواست می‌کنم که از روی ایمان و شوق زار و نالان باشم پیش از آنکه در آتش دوزخ به ذلت و

النَّارِ * يَا وَاحِدُ يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ * يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَّ لَمْ يُولَدْ * وَّ لَمْ

خواری بنالم * ای ذات یگانه و یکتا ای غنی بالذات * ای آنکه نه فرزند کسی و نه کسی فرزند تو * و نه

يَكُنْ لَهُ وَّ كُفُوًا اَحَدٌ * يَا مَنْ يَعْطِي مَنْ سَاَلَهُ وَّ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَّ رَحْمَةً * *

هیچکس مثل و مانند توست * ای آنکه هر که از تو هر چه درخواست کند به صرف عطف و مهربانی عطا می‌کنی *

وَّ يَبْتَدِي بِالْخَيْرِ مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ تَفْضُلًا مِنْهُ وَّ كَرَمًا * بِكَرَمِكَ الدَّائِمِ

و به آنکه درخواست چیزی هم نکند بی‌سابقه تقاضا به مجرد فضل ابدی * و کرم دائم عطا خواهی کرد

* صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَّ هَبْ لِي رَحْمَةً وَّ اَسْعَةً جَامِعَةً * *

* درود فرست بر محمد و آل محمد (ع) * و مرا رحمت واسعه نامنتهای جامع عطا کن *

اَبْلُغْ بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَّ الْاٰخِرَةِ * اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْتَغْفِرُكَ لِمَا تَبَّتْ اِلَيْكَ

تا به آن رحمت به خیر دنیا و آخرت رسم * ای خدا من از تو آمرزش می‌طلبم از آن گناهی که با وجود توبه

مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ * وَّ اَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ خَيْرٍ اَرَدْتُ بِهِ وَّ جَهَكَ فَخَالَطَنِي

باز مرتکب آن شدم * و نیز آمرزش می‌طلبم از این گناه که هر کار خیر خواستم خالص برای تو به جا آورم هوای نفس در آن مداخله

فِيهِ مَا لَيْسَ لَكَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَّ اَعْفُ عَنِّ

کرد و غرضی غیر رضای تو را در آن وارد ساخته * ای خدا درود فرست بر محمد و آل محمد (ع) * و از ظلم و

ظَلْمِي وَّ جُرْمِي بِحِلْمِكَ وَّ جُودِكَ يَا كَرِيمٌ * يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَاِئِلَهُ وَّ

گناهم به حلم و بخشش ای خدای بزرگوار درگذر * ای خدایی که هیچ سائلی را محروم نمی‌کنی

* وَّ لَا يَنْفِدُ نَائِلَهُ وَّ * يَا مَنْ عَلَا فَلَاشِيءَ فَوْقَهُ وَّ * وَّ دَنَا فَلَاشِيءَ دُونَهُ وَّ

* و عطایت را قطع نمی‌گردانی * ای خدایی که از بلندی مقام کسی فوق او نیست * و از نزدیکی نزدیکتر از او نیست

* صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَّ اَرْحَمْنِي يَا فَالِقَ الْبَحْرِ لِمُوسَى * *

* ای خدا بر محمد و آلش درود فرست * و بر من ترحم کن ای که دریا را برای موسی (ع) شکافتی *

اَللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ * اَلْسَاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ * اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي

در همین شب همین شب همین شب * همین ساعت همین ساعت همین ساعت * ای خدا دل‌م را از

مِنَ النِّفَاقِ * وَّ عَمَلِي مِنَ الرِّبَا * وَّ لِسَانِي مِنَ الْكِذْبِ * وَّ عَيْنِي مِنَ

نفاق پاک کن * و عمل‌م را از ربا * و زبانم را از دروغ * و چشمم را

الْحَيَانَةَ * فَإِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ * يَا رَبِّ هَذَا

از خیانت پاکیزه دار * که تو از خیانت نظر چشمها و اندیشه دلها آگاهی * ای خدا این حال

مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ * هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ * هَذَا

کسی است که به سوی تو از آتش دوزخ پناه می‌برد * و این حال کسی است که از آتش به تو پناهنده است * و از

مَقَامُ الْمُسْتَعِيثِ بِكَ مِنَ النَّارِ * هَذَا مَقَامُ الْهَارِبِ إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ * هَذَا

عذاب آتش تو را فریادرس می‌خواهد * و از دوزخ به سوی تو برمی‌گردد *

هَذَا مَقَامٌ مَنْ يَبُوءُ لَكَ بِخَطِيئَتِهِ * وَيَعْتَرِفُ بِذَنْبِهِ * وَيَتُوبُ إِلَى رَبِّهِ

این است حال کسی که از خطاهایش به سوی تو باز می‌گردد * و اقرار به گناهان خود دارد * و به درگاه خدای خود توبه می‌کند

* هَذَا مَقَامُ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ * هَذَا مَقَامُ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ * هَذَا

* این است حال فقیر پریشان * این است حال پناه آورنده ترسان * این است

مَقَامُ الْمَحْزُونِ الْمَكْرُوبِ * هَذَا مَقَامُ الْمَغْمُومِ (الْمَحْزُونِ) الْمَهْمُومِ * هَذَا

حال رنج دیده پژمان * این است حال غمگین مهموم *

هَذَا مَقَامُ الْغَرِيبِ الْغَرِيقِ * هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَوْحِشِ الْفَرِيقِ * هَذَا

این است حال غریب و بی‌کس غرق دریای حیرت * این است حال آواره هراسان * این است

مَقَامٌ مَنْ لَا يَجِدُ لَذَنْبِهِ غَافِرًا غَيْرَكَ * وَلَا لَضَعْفِهِ مُقَوِّبًا إِلَّا أَنْتَ * وَلَا

حال کسی که برای گناهش جز تو آمرزنده ندارد * و ضعف و ناتوانیش را جز تو کس قوت نبخشد * و همش

لَهُمْ مَفْرَجًا سِوَاكَ * يَا اللَّهُ يَا كَرِيمٌ * لَا تَحْرَقْ وَجْهِي بِالنَّارِ بَعْدَ

و غمش را جز تو کس برطرف نکند * ای خدا ای بزرگوار رخسار مرا به آتش مسوزان پس از

سُجُودِي لَكَ * وَتَعْفِيرِي بِغَيْرِ مَنْ مَنِي عَلَيْكَ * بَلْ لَكَ الْحَمْدُ وَالْمَنْ

سجدهام برای تعظیم تو * و جبهه به خاک مالیدن بی‌منت به پیشگاه تو * بلکه تو را بر من حق ستایش و منت

* وَالتَّفَضُّلُ عَلَيَّ * اِرْحَمَ اَيُّ رَبِّ اَيُّ رَبِّ * بگوید تا آنکه نفس قطع شود:

* و فضل و نعمت است بر من * رحم فرما ای پروردگار ای پروردگار *

ضَعْفِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي * وَرِقَّةَ جِلْدِي * وَتَبَدُّدَ اَوْصَالِي * وَتَنَاشُرَ

به حال ضعف و ناتوانی و بیچارگیم * و بدن بی‌طاقتم * و اعصاب متفرق * و گوشت

لِحْمِي وَجَسْمِي وَجَسَدِي * وَوَحْدَتِي وَوَحْشَتِي فِي قَبْرِي * وَجَزَعِي

از هم پاشیده و جسم و بدن * و حال وحدت تنهایی و وحشتم در قبر * و بی‌صبری

مِنْ صَغِيرِ الْبَلَاءِ * أَسْأَلُكَ يَا رَبُّ قُرَّةَ الْعَيْنِ وَالْإِغْتِبَاطَ يَوْمَ الْحُسْرَةِ

و جزعم از بلای کوچک * ای خدا از تو نشاط و آسایش و چشم روشنی در روز قیامت که روز حسرت

و النَّدَامَةِ * بَيِّضُ وَجْهِی يَا رَبُّ يَوْمَ تَسْوَدُّ الْوُجُوهُ * ءَامِنٌ مِّنَ الْفَزَعِ

و ندامت است می‌طلبم * در آن روزی که روی‌ها (از گناه) سیاه است تو مرا روسفید گردان * و از آن هول بزرگ محشر مرا

الْأَكْبَرِ * أَسْأَلُكَ الْبُشْرَى يَوْمَ تَقَلُّبُ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ * وَالْبُشْرَى

ایمنی بخش * از تو می‌طلبم در روزی که دلها و چشمها منقلب و هراسان است * مرا مژده رحمت و مغفرت

عِنْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْجُوهُ عَوْنًا (لِي) فِي حَيَاتِي *

دهی و همچنین هنگام مفارقت از دنیا * ستایش خدای را که به او امیدوارم و از او در زندگانی یاری می‌طلبم *

وَأَعِدُّهُ وَذَخْرًا لِيَوْمِ فَاغْتَابِي * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ وَلَا أَدْعُو غَيْرَهُ *

و امید به رحمتش را برای روز فقر و بیچارگیم ذخیره می‌کنم * ستایش خدایی را که تنها او را می‌خوانم و غیر او را نمی‌خوانم

و لَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَخَيَّبَ دُعَائِي * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْجُوهُ وَلَا

* که اگر غیر او را بطلبم او مرا محروم خواهد ساخت * ستایش خدایی را که به او

أَرْجُو غَيْرَهُ * وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي * الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنْعِمِ

امیدوارم و بس * اگر به غیر او امیدوار باشم او مرا ناامید می‌گرداند * ستایش خدایی را که او را

الْمُحْسِنِ الْمَجْمَلِ الْمَفْضَلِ * ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ * وَلِي كُلِّ نِعْمَةٍ *

بر خلق نعمت و احسان و لطف و بخشش است * و صاحب جلال و بزرگواری * و صاحب هر نعمت

و صَاحِبِ كُلِّ حَسَنَةٍ * وَ مُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ * وَ قَاضِي كُلِّ حَاجَةٍ *

و نیکویی است * و منتهای هر شوق و رغبت * و برآورنده هر حاجت *

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَارْزُقْنِي الْيَقِينَ وَحَسَنَ الظَّنِّ

ای خدا درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) * و مقام یقین و حسن ظن به حضرتت مرا

بِكَ * وَ اثْبَتْ رَجَاءَكَ فِي قَلْبِي * وَ اقْطَعْ رَجَائِي عَمَّنْ سِوَاكَ * حَتَّى لَا

عطا فرما * و رجاء و امید به رحمتت را در قلبم ثابت بدار * و از غیر خود امیدم را قطع کن * تا آنکه جز تو

أَرْجُو غَيْرَكَ * وَلَا اتَّقِ إِلَّا بَكَ * يَا لَطِيفًا لِمَا تَشَاءُ (يَشَاءُ) * الطُّفْلِ لِي

به هیچکس امیدوار نباشم * و به غیر تو وثوق و اعتماد نکنم * ای با لطف و محبت به هر چه خواهی در حق من * در جمیع

فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى * يَا رَبُّ إِنِّي ضَعِيفٌ عَلَى النَّارِ فَلَا

احوال لطف کن و هر چه دوست داری نصیبم فرما * ای پروردگار من ضعیفم و تاب آتش ندارم مرا

تُعَذِّبُنِي بِالنَّارِ * يَا رَبِّ * اَرْحَمُ دُعَائِي * وَتَضَرُّعِي وَخَوْفِي * وَذَلِي

به آتش قهرت مسوزان * ای پروردگار من دعای مرا از کرم اجابت فرما * و به زاری و ترس * و ذلت و

وَمَسْكَنتِي * وَتَعْوِيدِي وَتَلْوِيدِي * يَا رَبِّ اِنِّي ضَعِيفٌ عَنْ طَلَبِ

فقرم رحم کن * و پناه و استغاثه‌ام بپذیر * ای پروردگار من، من بسیار ضعیف و ناتوانم از دریافتن

الدُّنْيَا * وَانْتَ وَاَسِعَ كَرِيمٌ * اَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِقُوَّتِكَ عَلَي ذَلِكِ *

احتیاجات دنیوی * و تو را لطف و کرم وسیع است * از تو درخواست می‌کنم ای پروردگار به توانایی *

وَ قَدْرَتِكَ عَلَيْهِ * وَغِنَاكَ عَنْهُ * وَحَاجَتِي اِلَيْهِ * اَنْ تَرْزُقَنِي فِي عَامِي

و قدرتی که بر آن داری * و بی‌نیازی و غنای ذاتی * و احتیاج من * بر آنکه در این

هَذَا * وَشَهْرِي هَذَا * وَيَوْمِي هَذَا * وَسَاعَتِي هَذِهِ * رِزْقًا تُغْنِينِي بِهِ

سال * و این ماه * و این روز * و این ساعت * روزیم را بی‌نیاز از

عَنْ تَكْلِيفِ مَا فِي اَيْدِي النَّاسِ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ * اَيُّ رَبِّ

رنج و آزار مردم و بی‌تکلیف و توجه به دست خلق عطا کنی روزی حلال مطبوع و پاکیزه‌ای * ای پروردگار من

مِنْكَ اَطْلُبُ * وَ اِلَيْكَ اَرْغَبُ * وَ اِيَّاكَ اَرْجُو * وَ اَنْتَ اَهْلُ ذَلِكِ * لَا

از تو درخواست می‌کنم * و به تو مشتاق و آرزومندم * و امید من تنها تویی * و به غیر تو چشم امید ندارم * که

اَرْجُو غَيْرَكَ * وَ لَا اَتَقِ الْاَبْكَ * يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اَيُّ رَبِّ ظَلَمْتُ

شایسته امیدواری * تویی اعتمادم * ای مهربانترین مهربانان عالم * ای پروردگار من به نفس خود

نَفْسِي * فَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَعَافِنِي * يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ * وَيَا جَامِعَ

ستم کرده‌ام * و به حالم رحم کن و عافیت و حسن عاقبتم عطا فرما * ای شنونده هر صوت و هر دعا * و ای جمع آورنده

كُلِّ فَوْتٍ * وَيَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ * يَا مَنْ لَا تَغْشَاهُ الظُّلُمَاتُ

هر فوت و انقضاء * و آفریننده نفوس پس از موت و فناء * ای آنکه ظلمتهای عالم حاجب بصیرتت نباشد

* وَ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْاَصْوَاتُ * وَ لَا يَشْغَلُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ * اَعْطِ

* و بی‌اشتباه صدای خلق را می‌شنوی * و هیچ کار تو را از کار دیگر غافل نگرداند * ای خدا

مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَفْضَلَ مَا سَأَلَكَ * وَ اَفْضَلَ مَا سَأَلْتِ

به پیغمبرت محمد که رحمت بر او و آتش باد عطایی مرحمت کن که بهترین عطایی باشد * که تا کنون

لَهُ * وَ اَفْضَلَ مَا اَنْتَ مَسْئُولٌ لَهُ * وَ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ * وَ هَبْ لِي الْعَافِيَةَ

او بر خود * و یا امت بر او از تو سؤال کرده‌اند و یا تاقیامت بر او از تو درخواست کنند * و مرا هم به کرم‌ت عافیت

حَتَّى تَهْنِئَ الْمَعِيشَةَ * وَ اخْتَمَ لِي بِخَيْرٍ حَتَّى لَا تَضُرَّنِي الذُّنُوبُ *

عطا فرما تا زندگانی را بر من گوارا سازی * و عاقبتم را ختم به خیر گردانی تا هیچ گناه مرا به زیان نیفکند *

اللَّهُمَّ رَضِّنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي * حَتَّى لَا أَسْأَلَ أَحَدًا شَيْئًا * اللَّهُمَّ صَلِّ

ای خدا مرا به هر چه قسمت فرمودی راضی و خوشنود بدار * تا دگر از هیچکس جز تو چیزی نطلبم * ای خدا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَالِ مُحَمَّدٍ * وَ افْتَحْ لِي خَزَائِنَ رَحْمَتِكَ * وَ ارْحَمْنِي

درود فرست بر محمد و آلش * و در گنجهای رحمتت را بر من بگشا * و در حقم مرحمتی فرما

رَحْمَةً لَا تُعَذِّبُنِي بَعْدَهَا أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * وَ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ

که پس از آن دیگر تا ابدم در دنیا و آخرت عذاب نفرمایی * و از فضل و رحمت بی‌پایانت

الْوَاسِعِ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا * لَا تُفْقِرُنِي إِلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ * سِوَاكَ * تَزِيدُنِي

روزی حلال مطبوع پاکیزه‌ام نصیب گردان * که غیر خود به هیچکس محتاج نگردانی * تا شکرم را بر

بذَلِكَ شُكْرًا * وَ إِلَيْكَ فَاقَةً وَ فَقْرًا * وَ بِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ غِنًى وَ تَعَفُّفًا

آن نعمت بی‌فیزی * و فقر و حاجتم به حضرتت افزون کنی * و به کرم خود از غیر خود بی‌نیازم گردانی

* يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ * يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ * يَا مَلِيكَ يَا مُقْتَدِرُ

* ای خدای با لطف و احسان * ای با عطوفت و نعمت ای با فضل و کرم * ای سلطان مقتدر

* صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَالِ مُحَمَّدٍ * وَ اكْفِنِي الْمَهْمَ كُلَّهُ * وَ اقْضِ لِي

* درود فرست بر محمد و آل محمد * و همه مهمات امور مرا کفایت کن * و حسن عاقبت

بِالْحُسْنَى * وَ بَارِكْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي * وَ اقْضِ لِي جَمِيعَ حَوَائِجِي

بر من مقدر فرما * و در تمام امورم برکت عطا کن * و جمیع حوائجم را برآور

* اللَّهُمَّ يَسِّرْ لِي مَا أَخَافُ تَعْسِيرَهُ * وَ تَعَسَّرَهُ * فَإِنَّ تَيْسِيرَ مَا أَخَافُ

* ای خدا مشکلاتی که در جهان از آن ترسانم بر من آسان ساز * که هر چه را از سختی آن

تَعْسِيرَهُ * وَ تَعَسَّرَهُ * عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ * وَ سَهْلٌ لِي مَا أَخَافُ حُزُونَتَهُ *

می‌ترسم بر تو بسیار سهل و آسان است * و هم آنچه را از ناهنجاریش بیمناکم سهل گردان *

وَ نَفْسٌ عَنِّي مَا أَخَافُ ضَيْقَهُ * وَ كَفَّ عَنِّي مَا أَخَافُ هَمَّهُ * وَ غَمَّهُ *

و فراخی از تنگنای هولناک عالمم عطا کن * و هم و غم امور مخوف عالم از دلم دور دار *

وَ اصْرِفْ عَنِّي مَا أَخَافُ بَلِيَّتَهُ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ امْلَأْ

و ابتلاء و گرفتاری از کارم برطرف ساز * ای مهربانترین مهربانان عالم * ای خدا دلم را

قَلْبِي حُبًّا لَكَ * وَ خَشْيَةً مِنْكَ * وَ تَصَدِيقًا لَكَ * وَ اِيْمَانًا بِكَ *

مملو از محبت خود گردان * و از ترس خود * و یقین بر تو * و ایمان *

وَ فَرَقًا مِنْكَ * وَ شَوْقًا اِلَيْكَ * يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ * اَللّٰهُمَّ اِنَّ لَكَ

و اشتیاق * و خشیت خویش پر ساز * ای خدای صاحب جلال و کرامت * ای خدا تو را

حُقُوقًا فَتَصَدَّقْ بِهَا عَلَيَّ * وَ لِلنَّاسِ قَبْلِي تَبِعَاتٌ فَتَحْمَلْهَا عَنِّي *

بر من حقوق بسیار است احسان و کرم فرما * و حقوق بندگان هر که را بر من حقی است تو خود ادا فرما *

وَ قَدْ اَوْجَبْتَ لِكُلِّ ضَيْفٍ قَرِي * وَ اَنَا ضَيْفُكَ فَاجْعَلْ قِرَايَ اللِّيْلَةِ

و تو بر هر مهمانی پذیرایی لازم فرمودی * و من مهمان توام پذیرایی مرا در این شب بهشت ابد

الْجَنَّةِ * يَا وَهَّابَ الْجَنَّةِ * يَا وَهَّابَ الْمَغْفِرَةِ * وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ

مقرر فرما * ای بخشنده بی منت و عوض * ای آمرزنده گناه بی منت * هیچ قدرت و توانایی جز به تو در عالم نخواهد بود. *

۶ ششم: می خوانی دعای ادريس را که شيخ و سيد روايت کرده اند، طالب آن رجوع به مصباح يا اقبال

نماید. ۷ هفتم: می خوانی اين دعا را که مختصرترين دعاهاى سحراست و در اقبال است: يَا مَفْزَعِي

ای آنکه هنگام بلا

عِنْدَ كَرْبَتِي * وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي * اِلَيْكَ فَرَعْتُ * وَ بِكَ اسْتَعْتْتُ

و رنج ملجأ و پناه * و در سختیها فریادرس منی * من به درگاه تو می نالم * و تو را فریادرس می دانم

وَ بِكَ لُذْتُ لَا اَلُوذُ بِسِوَاكَ * وَ لَا اَطْلُبُ الْفَرَجَ اِلَّا مِنْكَ * فَاعْثِنِي

* و به تو پناه آورده ام نه به کسی دیگر جز تو * و از دری جز درگاهت گشایشی نمی طلبم * پس تو ای خدا

وَ فَرِّجْ عَنِّي * يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ * وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ * اِقْبَلْ مِنِّي

به فریادم رس * و عقده های قلبم بگشا * ای آنکه عمل اندک و ناچیز بندگان را می پذیری * و از گناهکاران بسیار در می گذاری * از

الْيَسِيرِ * وَ اعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ * اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ * اَللّٰهُمَّ اِنِي

من هم این عمل کم را بپذیر * و از گناهان بسیارم درگذر * که تو بسیار مهربان و آمرزنده ای * ای خدا من از تو

اَسْأَلُكَ اِيْمَانًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي * وَ يَقِينًا حَتَّى اَعْلَمَ اَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي

درخواست می کنم ایمانی ثابت که همیشه در قلبم برقرار باشد * و یقینی کامل تا بدانم که به من جز آنچه قلم تقدیر

اَلَا مَا كَتَبْتَ لِي * وَ رَضْنِي مِنْ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي * يَا اَرْحَمَ

تو نگاشته نخواهد رسید * و مرا در زندگانی به هر چه قسمتم کردی راضی و خوشنود ساز * ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ * يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي * وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي * وَيَا وَايِي فِي

مهربانان عالم * ای قوت و ذخیره روز رنج و غم من * ای یار و یاور روز سختی من * و ای ولی نعمت

نِعْمَتِي * وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي * أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي * وَالْأَمْنُ رَوْعَتِي

من * ای منتهای آرزوی من * تویی که عیب و زشتیهای مرا می‌پوشانی * و از هر چه هراسان و بیمناکم ایمن می‌سازی

* وَالْمُقِيلُ عَثْرَتِي * فَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ﴿۸﴾ هشتم:

* و لغزشهایم را عفو کرده * و از خطاهایم در می‌گذری * ای خدا جرم و خطایم را ببخش * ای مهربانترین مهربانان عالم *

می‌خوانی این تسبیحات را که در اقبال است نیز: سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ جَوَارِحَ الْقُلُوبِ *

منزه است خدایی که آگاه است بر تأثرات دلها *

سُبْحَانَ مَنْ يُحْصِي عَدَدَ الذُّنُوبِ * سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ

منزه است خدایی که بر عدد گناهان خلق آگاه است * منزه است خدایی که هیچ رازی در آسمان

فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ * سُبْحَانَ الرَّبِّ الْوَدُودِ * سُبْحَانَ الْفَرْدِ

و زمین بر او پنهان نیست * منزه است پروردگار مهربان * منزه است خدای یکتای

الْوَتْرِ * سُبْحَانَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ * سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ

بی‌همتا * منزه است خدای بزرگ و بزرگتر از ادراک عقول * منزه است خدایی که به اهل مملکت خود احتیاج

مَمْلَكَتِهِ * سُبْحَانَ مَنْ لَا يُؤَاخِذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِالْوَأَنِ الْعَذَابِ *

و اعتنایی ندارد * منزه است خدایی که اهل زمین را با آنکه مستوجب عقوبتند به انواع عذاب نمی‌گیرد *

سُبْحَانَ الْحَنَّانِ الْمَنَّانِ * سُبْحَانَ الرَّءُوفِ الرَّحِيمِ * سُبْحَانَ الْجَبَّارِ

منزه است خدای با عطوفت و احسان * منزه است خدای با رأفت و رحمت * منزه است خدای جبار

الْجَوَادِ * سُبْحَانَ الْكَرِيمِ الْحَلِيمِ * سُبْحَانَ الْبَصِيرِ الْعَلِيمِ * سُبْحَانَ

با جود و بخشش * منزه است خدای بزرگوار بردبار * منزه است خدای بینای دانا * منزه است

الْبَصِيرِ الْوَاسِعِ * سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى أَقْبَالِ النَّهَارِ * سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى

خدای بصیر * منزه است خدای عالم * و او را ستایش می‌کنم هنگامی که

أَدْبَارِ النَّهَارِ * سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى أَدْبَارِ اللَّيْلِ وَأَقْبَالِ النَّهَارِ (سُبْحَانَ اللَّهِ

شب روز می‌گردد * و ستایش می‌کنم خدای عالم را هنگامی که روز شب می‌گردد *

عَلَى أَقْبَالِ النَّهَارِ وَأَدْبَارِ اللَّيْلِ * سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى أَقْبَالِ النَّهَارِ وَأَقْبَالِ اللَّيْلِ) * وَلَهُ الْحَمْدُ

و در هنگامی که شب در پرده روز پنهان می‌گردد * و ستایش

و الْمَجْدُ وَالْعِزَّةُ وَالْكَرْبِيَاءُ * مَعَ كُلِّ نَفْسٍ وَكُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ *

و مجد و عظمت و بزرگی مخصوص اوست * در هر نفس کشیدن و هر چشم بر هم زدن *

و كُلِّ لَمْحَةٍ سَبَقَ فِي عِلْمِهِ * سُبْحَانَكَ مِلاَ مَا أَحْصَى كِتَابُكَ *

و هر اشاره که در علم او گذشته * او را تسبیح و تنزیه می‌کنم ای خدا به حدی که کتاب علم تو احصا کند *

سُبْحَانَكَ زَنَةَ عَرْشِكَ * سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ * و بدان که علما

منزهی به سنجش عرش با عظمت خود * و منزهی منزهی منزهی.

فرموده‌اند که اگر نیت روزه را بعد از سُحُور بکند بهتر است و از اول شب تا به آخر شب نیت می‌توان کرد و همین که می‌داند و قصد دارد که فردا از برای خدا روزه می‌گیرد و امساک از مفطرات می‌کند بس است و شایسته است که در سَحَرها نماز شب را ترک نکند و تهجد بعمل آورد.

قسم چهارم: در اعمال روزهای ماه رمضان است و آن چند چیز است. ۱) اول: بخواند هر روز این دعا را که

شیخ و سیّد نقل کرده‌اند: **اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ * الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ**

ای خدا این است ماه رضانی * که در آن قرآن را برای هدایت مردم نازل فرمودی

هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ * وَهَذَا شَهْرُ الصِّيَامِ

* و برای ادله هدایت و امتیاز حق از باطل فرستادی * و این ماه روزه‌داری

وَ هَذَا شَهْرُ الْقِيَامِ * وَ هَذَا شَهْرُ الْإِنَابَةِ * وَ هَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ *

* و ماه قیام به عبادت * و ماه توبه * و انابه *

وَ هَذَا شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ * وَ هَذَا شَهْرُ الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ * وَالْفَوْزِ

و ماه مغفرت و رحمت است * این ماه آزادی از دوزخ * و ماه فیروزی به بهشت

بِالْجَنَّةِ * وَ هَذَا شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ * الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

ابد است * و ماهی است که شب قدر * بهتر از هزار ماه در این ماه است

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاعْنِي عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ

* ای خدا پس درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) * و مرا به روزه و نماز این ماه موفق ساز

*** وَسَلِّمْهُ لِي * وَسَلِّمْهُ لِي * وَسَلِّمْهُ لِي * وَاعْنِي عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ عَوْنِكَ * وَوَفِّقْنِي**

* و این ماه را بر من * و مرا بر این ماه خوش و سالم گردان * و با بهترین یاریت

فِيهِ لَطَاعَتِكَ * وَ طَاعَةَ رَسُولِكَ وَ أَوْلِيَاءِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ *

بر طاعت خود * و طاعت رسول (ص) و اولیاء خویش که درود خدا بر آنان باد مرا مدد فرما *

وَ فَرَّغْنِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَ دُعَائِكَ * وَ تِلَاوَةِ كِتَابِكَ * وَ اعْظُمْ (عَظْمٌ) لِي

و فراغتم ده تا همه را به عبادت و دعا * و تلاوت قرآن تو پردازم و در این ماه

فِيهِ الْبَرَكَةُ * (وَ أَحْرِزْ لِي فِيهِ التَّوْبَةَ) * وَ أَحْسِنْ لِي فِيهِ الْعَافِيَةَ (الْعَاقِبَةَ) *

برکت کامل * و عافیت نیکو *

وَ اصِحِّ فِيهِ بَدَنِي * وَ اَوْسِعْ (لِي) فِيهِ رِزْقِي * وَ اكْفِنِي فِيهِ مَا اَهْمَنِي *

و صحت بدن * و وسعت رزقم عطا کن * و مهمات امور مرا در آن کفایت فرما *

وَ اسْتَجِبْ فِيهِ دُعَائِي * وَ بَلِّغْنِي فِيهِ رَجَائِي * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و دعایم را در آن مستجاب گردان * و به امید و آرزویم برسان * خدایا درود فرست بر محمد (ص)

وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ اذْهَبْ عَنِّي فِيهِ النَّعَاسَ وَ الْكَسَلَ * وَ السَّامَةَ وَ الْفَتْرَةَ

و آل محمد (ع) * و در این ماه بی‌حالی و کسالت * و خستگی و سستی

* وَ الْقَسْوَةَ وَ الْغَفْلَةَ وَ الْغَرَّةَ * وَ جَنِّبْنِي فِيهِ الْعِلَلَ وَ الْأَسْقَامَ * وَ الْهَمُومَ

* و قساوت قلب و غفلت و غرور را از من دور ساز * و تمام آلام و اسقام * و غم

وَ الْأَحْزَانَ * وَ الْأَعْرَاضَ وَ الْأَمْرَاضَ * وَ الْمُخْطَايَا وَ الذُّنُوبَ * وَ اصْرِفْ

و اندوهها * و حوادث ناگوار و بیماری * و خطا و گناهان را از من برطرف گردان * و مرا

عَنِّي فِيهِ السُّوْءَ (الْأَسْوَاءَ) * وَ الْفَحْشَاءَ * وَ الْجُهْدَ وَ الْبَلَاءَ وَ التَّعَبَ

از هر عمل بد و زشت * و کار پر مشقت و از هر بلا و زحمت

وَ الْعَنَاءَ * إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

باز دار * که تویی اجابت کننده دعای خلق * ای خدا درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع)

* وَ اعْذِنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * وَ هَمَزِهِ وَ لَمَزِهِ * وَ نَفْثِهِ وَ نَفْخِهِ

* و مرا از شر شیطان مردود * و عیب‌جویی و بدگویی * و القاء افکار پلید

* وَ وَسْوَستِهِ وَ تَشْبِيْطِهِ (وَ بَطْشِهِ) * وَ كَيْدِهِ وَ مَكْرِهِ * وَ حَبَائِلِهِ وَ خَدَعَهُ

* و وسوسه او به بطالت و کسالت انداختن او * و کید و مکر او * و دامها و خدعه

* وَ أَمَانِيَّهِ وَ غُرُورِهِ * وَ فِتْنَتِهِ وَ شَرْكِهِ * وَ أَحْزَابِهِ وَ اتِّبَاعِهِ * وَ أَشْيَاعِهِ

* و فریب او و مغرور ساختن * و فتنه‌انگیزی او * و حزبهای او و پیروان * و شیعیان

وَ أَوْلِيَائِهِ * وَ شُرَكَائِهِ وَ جَمِيعَ مَكَائِدِهِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و دوستان * و همکاران و همهٔ مکرهای او در پناه خود محفوظ دار * ای خدا درود فرست بر محمد (ص)

وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ ارْزُقْنَا قِيَامَهُ وَ صِيَامَهُ * وَ بُلُوغَ الْأَمَلِ فِيهِ وَ فِي قِيَامِهِ

و آل محمد (ع) * و مرا به نماز و روزه * و آرزوهای خود در این ماه موفق گردان و در قیام به طاعت

وَ اسْتِكْمَالَ مَا يُرْضِيكَ عَنِّي صَبْرًا وَ احْتِسَابًا * وَ اِيْمَانًا وَ يَقِيْنًا

* و استکمال روح به هر چه تو را از من خشنود سازد با صبر و با اخلاص * و ایمان و یقین بدار

ثُمَّ تَقْبَلْ ذَلِكَ مِنِّي بِالْأَضْعَافِ الْكَثِيْرَةِ * وَ الْأَجْرَ الْعَظِيْمَ * يَا رَبَّ

* آنگاه عملم را با افزایش بسیار * و اجر عظیم به کرمت قبول فرما * ای پروردگار

الْعَالَمِيْنَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ ارْزُقْنِي (وَ ارْزُقْنَا)

عالم * ای خدا درود فرست بر محمد و آل محمد * و حج و عمره

الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ * (وَ اُجِدَّ) وَ الْاِجْتِهَادَ وَ الْقُوَّةَ وَ النَّشَاطَ * وَ الْاِنَابَةَ

مقبول روزیم گردان * و در راه طاعت کوشش و توانایی بخش و نشاط * و حال و

وَ التَّوْبَةَ * (وَ التَّوْفِيْقَ) وَ الْقُرْبَةَ وَ الْخَيْرَ (وَ الْمَقْبُوْلَ) وَ الرَّغْبَةَ وَ الرَّهْبَةَ

توبه و انابه * و مقام تقرب و عمل نیک مقبول روزی کن * با شوق و رغبت و با خوف

وَ التَّضَرُّعَ وَ الْخُشُوْعَ * وَ الرِّقَّةَ وَ النِّيَّةَ الصَّادِقَةَ * وَ صِدْقَ اللِّسَانِ

* و تضرع و فروتنی * و رقت قلب و نیت پاک * و زبان صدق و حقیقت

وَ الْوَجَلَ مِنْكَ * وَ الرَّجَاءَ لَكَ * وَ التَّوَكَّلَ عَلَيْكَ * وَ الثِّقَةَ بِكَ * وَ الْوَرَعَ

* و با بیم از تو * و امید به تو * و توکل بر تو * و اعتماد به حضرتت * و پرهیزکاری

عَنْ مَحَارِمِكَ * مَعَ صَالِحِ الْقَوْلِ * وَ مَقْبُوْلِ السَّعْيِ * وَ مَرْفُوْعِ الْعَمَلِ

از هر چه نزد تو حرام است * و هم گفتار با مصلحت * و سعی و کوشش مقبول * و عمل بالا رونده

وَ مُسْتَجَابِ الدَّعْوَةِ * وَ لَا تَحُلْ بَيْنِي وَ بَيْنَ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ بَعْرَضٍ

* و دعای مستجاب همه را عطا فرما * و میان من و آنهایی که از تو درخواست کردم هیچ حایل و مانع از پیش آمدها

وَ لَا مَرَضٍ * وَ لَا هَمٍّ وَ لَا غَمٍّ وَ لَا سَقَمٍ * وَ لَا غَفْلَةٍ وَ لَا نِسْيَانٍ * بَلْ

و درد * و غم و اندوه و بیماری * و غفلت و فراموشی قرار مده * بلکه

بِالتَّعَاهُدِ وَ التَّحْفِظِ لَكَ وَ فِيكَ * وَ الرَّعَايَةِ لِحَقِّكَ * وَ الْوَفَاءِ بَعَهْدِكَ

کاملا هر عملم با توجه به امر تو و با خودداری و تحفظ برای تو * و در راه رضای تو * و مراعات حق تو * وفای به عهد

و وَعَدِكَ * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و پیمان تو * و یقین به وعده تو انجام یابد * ای مهربانترین مهربانان عالم * ای خدا درود فرست بر

وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ اقْسَمْ لِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تَقْسِمُهُ * لِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ *

محمد (ص) و آل محمد (ع) * و قسمت مرا بهترین قسمت بندگان شایستهات قرار ده *

وَ اعْطِنِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تُعْطِي أَوْلِيَاءَكَ الْمُقْرَبِينَ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ

و مرا نیکوتر از آنچه به دوستان مقربت عطا کرده‌ای از رحمت و مغفرت

وَ التَّحَنُّنِ وَ الْإِجَابَةِ * وَ الْعَفْوِ وَ الْمَغْفِرَةِ الدَّائِمَةِ * وَ الْعَافِيَةِ

* و لطف اجابت دعا * و عفو گناه و آمرزش ابدی خطا * و سلامت

وَ الْمُعَافَاةِ * وَ الْعَتَقِ مِنَ النَّارِ * وَ الْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ * وَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

و آسایش * و آزادی از آتش دوزخ * و فیروزی بهشت ابد * و خیر دنیا و آخرت عطا کن

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ اجْعَلْ دُعَائِي فِيهِ إِلَيْكَ

* ای خدا درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) * و دعای مرا در این ماه به حضرتت

وَاصِلًا * وَ رَحْمَتَكَ وَ خَيْرِكَ إِلَيَّ فِيهِ نَازِلًا * وَ عَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا

واصل گردان * و رحمت و احسانت را بر من در این ماه نازل فرما * و عملم را در آن مقبول

وَ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا * وَ ذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا * حَتَّى يَكُونَ نَصِيبِي

* و سعی و کوششم را در این ماه بپذیر * و گناهم را ببخش * تا آنکه نصیب من در این ماه

فِيهِ الْأَكْثَرَ (الْأَكْبَرَ) * وَ حَظِّي فِيهِ الْأَوْفَرَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

حد اکثر ثواب * و حظ و بهره‌ام کاملترین بهره باشد * ای خدا درود فرست بر محمد (ص)

مُحَمَّدٍ * وَ وَفَّقْنِي فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ عَلَى أَفْضَلِ حَالٍ * تُحِبُّ أَنْ يَكُونَ

و آلت (ع) * و مرا در این ماه بر احیای شب قدر با بهترین احوالی که تو دوست داری * همه دوستانت

عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَائِكَ * وَ ارْضَاهَا لَكَ * ثُمَّ اجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ

بر آن حال باشد * و نزد تو خوشتر است موفق گردان * و پس از توفیق آن شب قدر را به از

أَلْفِ شَهْرٍ * وَ ارْزُقْنِي فِيهَا أَفْضَلَ مَا رَزَقْتَ أَحَدًا مِمَّنْ بَلَغْتَهُ وَايَاهَا

هزار ماه بر من قرار ده * و مرا بهتر از نصیب هر کس که به فضیلت شب قدرش رسانیدی

وَ اكْرَمْتَهُ وَايَاهَا * وَ اجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ عِتْقَائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ * وَ طَلْقَائِكَ

* و بدان شب سرفرازش نمودی روزی گردان * و مرا در این شب از آزاد گردیدگان از جهنم * و آتش قهرت

مِنَ النَّارِ * وَ سَعْدَاءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

قرار ده * و از سعادت یافتگان به آمرزش و رضای خود مقرر دار * ای مهربانترین مهربانان عالم

* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ ارْزُقْنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا الْجَدَّ

* ای خدا درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) * و ما را در این ماه جهد و

وَ الْاجْتِهَادَ * وَ الْقُوَّةَ وَ النَّشَاطَ * وَ مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى * اللَّهُمَّ رَبَّ

کوشش * و قوت و نشاط به عبادت * و آنچه تو دوست داری و مورد رضای توست نصیب فرما * ای خدا

الْفَجْرِ وَ لَيَالِ عَشْرِ (وَ اللَّيَالِي الْعَشْرِ) * وَ الشَّفْعَ وَ الْوَتْرَ * وَ رَبَّ شَهْرِ

ای آفریننده صبحگاه و ده شبانگاه * و خدای شفع و وتر * و ای خدای

رَمَضَانَ * وَ مَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ * وَ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَ ميكائيلَ *

ماه رمضان * و قرآنی که در این ماه نازل کردی * و ای پروردگار جبرئیل و میکائیل *

وَ اسْرَافِيلَ وَ عِزْرَائِيلَ * وَ جَمِيعَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقْرَبِينَ * وَ رَبَّ اِبْرَاهِيمَ

و اسرافیل و عزرائیل (چهار ملک بزرگ) * و جمیع ملائکه مقرب * و پروردگار ابراهیم خلیل

وَ اسْمَاعِيلَ * وَ اسْحَقَ وَ يَعْقُوبَ * وَ رَبَّ مُوسَى وَ عِيسَى * وَ جَمِيعَ

و اسماعیل * و اسحق و یعقوب * و پروردگار موسی و عیسی * و جمیع

النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ * وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ

پیغمبران مرسل * و پروردگار محمد خاتم پیغمبران * که درود بر او و بر

وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ * وَ اسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ * وَ بِحَقِّكَ

تمام آن پیغمبران باد * و از تو ای خدا درخواست می‌کنم به حق تو بر آن رسولان و به حق آنها بر تو * و به حق

الْعَظِيمِ * لَمَّا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ * وَ نَظَرْتَ اِلَى

بزرگ تو * بر او (ص) و بر آلش (ع) و بر جمیع پیغمبران که رحمت کامل فرستادی * و نظر لطف

نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ * تَرْضَى بِهَا عَنِّي رَضَى لَا سَخَطَ (تَسَخُطَ) عَلَيَّ بَعْدَهُ وَ اَبَدًا

و مرحمتی بر من بفرما * که دیگر همیشه از من راضی و خشنود باشی و هرگز غضب نفرمایی

* وَ اَعْطَيْتَنِي جَمِيعَ سُؤْلِي وَ رَغْبَتِي وَ اٰمِنِيَّتِي وَ اِرَادَتِي * وَ صَرَفْتَ عَنِّي

* و به تمام درخواستها و شوق و آرزوها و مقاصد قلبیم برسانی * و آنچه ناگوار

مَا اَكْرَهُهُ وَ اَحْذَرُ * وَ اَخَافُ عَلَيَّ نَفْسِي وَ مَا لَا اَخَافُ * وَ عَن اَهْلِي

است بر من * و از آن بیم و هراس دارم یا ندارم از من * و اهل و مال

وَمَالِي وَآخْوَانِي وَذُرِّيَّتِي * اللَّهُمَّ إِلَيْكَ فَرَرْنَا مِنْ ذُنُوبِنَا فَأَوِنَا تَائِبِينَ

و برادران و ذریه من بگردانی * ای خدا به درگاه تو از گناهان میگریزیم پس تو ما را که از کرده‌های زشت خود تائبیم در پناه خویش

* وَتُبَّ عَلَيْنَا مُسْتَعْفِرِينَ * وَاعْفِرْ لَنَا مَتَعُوذِينَ * وَاعِدْنَا مُسْتَجِيرِينَ

جای ده * و توبه ما را که از حضرتت آمرزش میطلبیم بپذیر * و از ما پناهندگان به درگاهت درگذر * و ما را که رو به جوارت آورده‌ایم

* وَاجْرْنَا مُسْتَسْلِمِينَ * وَلَا تَحْذُلْنَا رَاهِبِينَ * وَءَامِنَا رَاغِبِينَ

پناه ده * و به ما که تسلیم امر توایم زینهار ده * و ما را که از قهرت ترسانیم رسوا و خوار مگردان * و ما مشتاقان ایمن ساز

* وَشَفِّعْنَا سَائِلِينَ * وَأَعْطِنَا إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ * قَرِيبٌ مُجِيبٌ

* و بما سائلان و فقیران به شفاعت خود عطا فرما * که تو به ما بندگان نزدیکی * و دعای خلق را میشنوی و اجابت میفرمایی *

اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ * وَأَحَقُّ مَنْ سَأَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ * وَلَمْ يَسْأَلْ

ای خدا تو سید و مولای منی * و من بنده توام و بنده سزاوارتر آنکه از مولای خود حاجت طلبد * آیا بندگان

الْعِبَادُ مِثْلَكَ كَرَمًا وَجُودًا * يَا مَوْضِعَ شَكْوَى السَّائِلِينَ * وَيَا

از چون تو مولای با جود و کرمی حاجت نخواهند * ای مرجع شکایت سائلان و فقیران * ای

مُنْتَهَى حَاجَةِ الرَّاْغِبِينَ * وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ * وَيَا مُجِيبَ

منتهای خواهش مشتاقان * و ای پناه داد خواهان * و ای اجابت کننده

دَعْوَةِ الْمُضْطَّرِّينَ * وَيَا مَلْجَأَ الْهَارِبِينَ * وَيَا صَرِيحَ الْمُسْتَصْرِخِينَ

دعای پریشان خاطران * و ای پناه بی‌پناهان * و ای فریادرس فریاد خواهان

* وَيَا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ * وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ * وَيَا فَارِجَ

* ای پروردگار ضعیفان * و ای برطرف کننده رنج و غم غم‌دیدگان * و ای نشاط بخش

هَمِّ الْمَهْمُومِينَ * وَيَا كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ * يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا

دل اندوهناکان * و ای برطرف کن غصه‌های بزرگ * ای خدا ای بخشنده

رَحِيمٌ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * (وَيَا أَيُّهَ الْمَكْنُونِ مِنْ كُلِّ عَيْنٍ لِمُرْتَدِي بِالْكَبْرِيَاءِ)

مهربان * ای مهربانترین مهربانان عالم *

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَعُيُوبِي * وَإِسَاءَتِي

بر محمد (ص) و آلش (ع) رحمت فرست * و از گناهان و اعمال ناپسند و زشتکاری من * و ظلم

و ظَلَمِي وَجُرْمِي * وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي * وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ

و جور * و اسرافم بر نفس خویش از همه به کرمات درگذر * و از فضل و رحمت مرا

وَرَحْمَتِكَ فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا (لَا يَمْلِكُهَا) غَيْرِكَ * وَأَعْفُ عَنِّي * وَاغْفِرْ

روزی گردان * که غیر تو کسی مالک آن نیست * و از سر تقصیرم درگذر * و همه

لی كُلِّ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي * وَأَعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عَمْرِي * وَاسْتُرْ

گناهان گذشته‌ام را ببخش * و در آتیۀ عمر از هر گناهم نگاه دار * و زشتیهای

عَلَى وَ عَلَى وَالِدِي وَ وَلَدِي * وَ قَرَابَتِي وَ أَهْل حُرَانَتِي * وَ (كُلِّ) مَنْ كَانَ

من و والدین و فرزندان * و خویشان و بستگانم را مستور ساز * و هر که از من

مِنِّي بِسَبِيلِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * فَإِنَّ ذَلِكَ

به راه اهل ایمان است از زن و مرد در دنیا و آخرت گناه همه را مستور گردان * که بخشش همه

كُلَّهُ * وَ بِيَدِكَ * وَ أَنْتَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ * فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا سَيِّدِي * وَلَا تَرُدَّ

به دست توست * و مغفرت و رحمتت بسیار وسیع است * پس تو ای مولای من مرا از آن رحمت بی‌پایان محروم مگردان * و دعایم

دُعَائِي وَ لَا يَدِي إِلَى نَحْرِي * حَتَّى تَفْعَلَ ذَلِكَ بِي * وَ تَسْتَجِيبَ لِي

را رد مکن و دستم را به گردنم میند * و تا این حد بر من سخت مگیر * و هر چه درخواست کردم

جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ * وَ تَزِيدَنِي مِنْ فَضْلِكَ * فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

همه را مستجاب کن * و بیش از این هم به فضل و کرمات عطا فرما * که تو بر هر چیز خواهی توانایی

* وَ نَحْنُ إِلَيْكَ رَاغِبُونَ * اللَّهُمَّ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (كُلُّهَا) * وَ الْأَمْثَالُ

* و ما به تو مشتاق و محتاجیم * ای خدا نامهای نیکو و بزرگی خاص توست * و مظاهر

الْعُلْيَا * وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ الْأَلَاءُ * أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

عالی * و انواع نعمتها مخصوص توست * به حق نامت که در بسم الله الرحمن

الرَّحِيمِ * إِنْ كُنْتَ قَضَيْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَنْزِلَ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ

الرحیم است * هرگاه در این شب نزول ملائکه و روح را مقدر

فِيهَا * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَالِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي

فرموده‌ای * پس بر محمد (ص) و آلش (ع) رحمت فرست و نام مرا در زمره سعدها

السُّعْدَاءِ * وَ رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ * وَ أَحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ * وَ إِسَاءَتِي

قرار ده * و روحم را با شهیدان محشور گردان * و کار نیکم را در مقام علیین برسان * و کار بدم

مَغْفُورَةً * وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي * وَ إِيمَانًا لَا يَشُوبُهُ

را بیامرز * و نیز مرا یقینی عطا کن که دائم در قلمم ثابت ماند * و هرگز شک در آن

شَكَ * وَرَضَى بِمَا قَسَمْتَ لِي * وَءَاتَنِي (تَرْتِينِي) فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

راه نیاید * و به هر چه در عالم قسمتت قرار دادی راضی و خشنود گردان * و در دنیا نیکویی و در آخرت هم نیکویی

الْآخِرَةِ حَسَنَةً * وَقِنِي عَذَابَ النَّارِ * وَإِنْ لَمْ تَكُنْ قَضَيْتَ فِي هَذِهِ

(بهشت ابد) عطا فرما * و از آتش دوزخم محفوظ دار * و هرگاه در این شب نزول ملائکه

اللَّيْلَةِ تَنْزِلَ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا * فَأَخِّرْنِي إِلَى ذَلِكَ * وَارْزُقْنِي

و روح را مقدر نکرده‌ای * عمر مرا تا آن شب به تأخیر انداز * و در آن شب

فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ * وَطَاعَتَكَ وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ * وَصَلِّ عَلَيَّ

ذکر و شکر خود * و طاعت و عبادتت با خلوص نصیبم فرما * و بر محمد (ص)

مُحَمَّدٍ وَعَالِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * يَا أَحَدًا يَا

و آتش (ع) رحمت فرست بهترین رحمتها * ای مهربانترین مهربانان عالم * ای خدای یکتای

صَمَدٌ * يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ اِغْضَبِ الْيَوْمَ لِمُحَمَّدٍ وَ لِأَبْرَارِ عِزَّتِهِ * وَاقْتُلْ

غنی بالذات * ای رب پیغمبرت محمد امروز برای انتقام از دشمنان محمد و آتش خشم فرما * همه

أَعْدَاءَهُمْ بَدَدًا * وَ أَحْصِهِمْ عَدَدًا * وَ لَا تَدْعُ عَلَيَّ ظَهْرَ الْأَرْضِ مِنْهُمْ

دشمنانشان را * تماما به قتل و هلاکت رسان * و یک تن از آنها را روی زمین

أَحَدًا * وَ لَا تَغْفِرْ لَهُمْ أَبَدًا * يَا حَسَنَ الصُّحْبَةِ * يَا خَلِيفَةَ النَّبِيِّينَ

باقی مگذار * و از گناهانشان هرگز مگذر * ای خدای رفیق نیکو * و ای خلیفه پیامبران

* أَنْتَ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * أَلْبَدِيِّءُ الْبَدِيعِ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ *

* تو مهربانترین مهربانان عالمی * آفریننده و از نو پدید آورنده‌ای و هیچ مثل و مانندی نداری *

وَ الدَّائِمُ غَيْرُ الْغَافِلِ * وَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ * أَنْتَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنِ

و هرگز از هیچکس غفلت نخواهی کرد * و زنده ابدی که هرگز نمیرد * و هر روز فضل و شأن و مقامی داری *

أَنْتَ خَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ * وَ نَاصِرُ مُحَمَّدٍ * وَ مُفْضِلُ مُحَمَّدٍ * أَسْأَلُكَ

تو خلیفه محمد * و یاور او * و برتری بخش او بر سایر پیمبرانی * از تو درخواست

أَنْ تَنْصُرَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ * وَ خَلِيفَةَ مُحَمَّدٍ * وَ الْقَائِمَ بِالْقِسْطِ مِنْ

می‌کنم که وصی * و جانشین محمد (ص) را * و همه جانشینانش که نگهبان

أَوْصِيَاءِ مُحَمَّدٍ * صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ * اعْطَفْ عَلَيْهِمْ نَصْرَكَ

عدل و دادند * و درود خدا بر آنان باد همه را یاری فرمایی * و نصرت خود را به آنها معطوف گردانی *

يَا اِلَهَ الْاِاِنَّتَ * بِحَقِّ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ * صَلَّى عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ

ای آنکه خدایی جز تو نیست * به حق لا اله الا انت * بر محمد و آل رحمت فرست

* وَاَجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَّ الْاٰخِرَةِ * وَاَجْعَلْ عَاقِبَةَ اَمْرِي اِلَى

* و مرا در دنیا و آخرت با آنها قرار ده * و عاقبت کارم مغفرت

غُفْرَانِكَ وَّ رَحْمَتِكَ * يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ * وَكَذٰلِكَ نَسَبْتَ نَفْسَكَ

و رحمتت مقرر فرما * ای مهربانترین مهربانان عالم * و تو خود را بدین مهربانی منسوب

يَا سَيِّدِي بِالْمَلَطِيْفِ (بِالْمَلَطِيْفِ) * بَلِي اِنَّكَ لَطِيْفٌ * فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

کردی ای سید و مولای من * به نام لطیف تو قسم که آری تو بسیار مهربانی * پس بر محمد

وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ الطُّفُّ (بِي اِنَّكَ لَطِيْفٌ) لِمَا تَشَاءُ * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

و آتش رحمت فرست و با من مهربان باش * که تو با هر که خواهی بسی مهربان هستی * ای خدا بر محمد

وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ ارْزُقْنِي الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ فِيْ عَامِنَا هٰذَا * وَ تَطَوَّلْ عَلٰى

و آتش درود فرست * و مرا در این سال و همه سال دیگر حج و عمره نصیب فرما * و از لطف

بِجَمِيْعِ حَوَائِجِيْ لِلْاٰخِرَةِ وَ الدُّنْيَا * پس سه مرتبه بگوید: اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّيْ

تمام حوائج دنیا و آخرتم را برآور * از خدای متعال پروردگارم

وَ اَتُوْبُ اِلَيْهِ * اِنْ رَبِّيْ قَرِيْبٌ مُّجِيْبٌ * اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّيْ وَ اَتُوْبُ اِلَيْهِ

آمرزش می طلبم * که به خلق نزدیک و اجابت کننده دعا است * از خدا آمرزش می طلبم

اِنْ رَبِّيْ رَحِيْمٌ وَّ دُوْدٌ * اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّيْ وَ اَتُوْبُ اِلَيْهِ * اِنَّهُ وَاَنْ كَانَ غُفَّارًا

* که بسیار رئوف و مهربان است * از خدای متعال پروردگارم آمرزش می طلبم و به درگاهش باز می گردم * که آمرزشش

(غُفُوْرًا) * اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ اِنَّكَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ * رَبِّ اِنِّيْ عَمِلْتُ سُوْءًا

بسیار است * ای خدا مرا ببامرز که محققا تو مهربانترین مهربانان عالمی * ای پروردگار من بد کردم

وَ ظَلَمْتُ نَفْسِيْ * فَاغْفِرْ لِيْ اِنَّهُ وَا لَا يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ * اَسْتَغْفِرُ

* و ستم بر خویش نمودم * تو مرا ببامرز که جز تو کسی گناهان را نتواند آمرزید * از خدا آمرزش

اللّٰهُ الَّذِيْ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ * اَلْحَلِيْمُ الْعَظِيْمُ الْكَرِيْمُ * اَلْغَفَّارُ

می طلبم ای خدایی که جز او خدایی نیست و او زنده و پاینده * و بردبار و بزرگووار و کریم * و آمرزنده

لِلذَّنْبِ الْعَظِيْمِ * وَ اَتُوْبُ اِلَيْهِ * اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غُفُوْرًا

گناه بزرگ است * و از گناه خود به درگاه کرمش باز می گردم * و از خدا آمرزش می طلبم که البته او بسیار آمرزنده

رَحِيمًا ﴿۱﴾ پس این دعا را بخواند: **اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ**

و مهربان است * ای خدا از تو درخواست می‌کنم که بر محمد (ص) و آتش (ع)

مُحَمَّدٍ ﴿۲﴾ وَاَنْ تَجْعَلَ فِیْمَا تَقْضِیْ وَتُقَدِّرُ ﴿۳﴾ مِنَ الْاَمْرِ الْعَظِیْمِ الْمَحْتَمِیْمِ

رحمت فرستی * و از جمله امور مهم بزرگ * که در شب قدر * در قضا

فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ ﴿۴﴾ مِنْ الْقَضَاءِ الَّذِیْ لَا یُرَدُّ وَلَا یُبَدَّلُ ﴿۵﴾ اَنْ تَكْتُبَنِیْ مِنْ

و قدر خود حتمی و قطعی مقرر فرموده‌ای * مرا هم از آن حاجیان کعبه

حُجَّاجِ بَیْتِكَ الْحَرَامِ ﴿۶﴾ الْمَبْرُورِ حَاجِهِمْ ﴿۷﴾ الْمَشْكُورِ سَعِیْهِمْ ﴿۸﴾

خود قرار ده * که حجشان مقبول و کامل است * و سعی آنها را پذیرفته‌ای *

الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ ﴿۹﴾ الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَیِّئَاتِهِمْ ﴿۱۰﴾ وَاَنْ تَجْعَلَ فِیْمَا تَقْضِیْ

و گناهانشان را آمرزیده‌ای * و اعمال بدشان را محو نموده‌ای * و نیز در قضا و قدرت

وَتُقَدِّرُ ﴿۱۱﴾ اَنْ تُطِیْلَ عُمُرِیْ ﴿۱۲﴾ وَتُوسِعَ رِزْقِیْ ﴿۱۳﴾ وَتُوَدِّیْ عَنِّیْ اَمَانَتِیْ وَدِیْنِیْ

مقرر فرما * که عمرم را طولانی * و رزقم را وسیع گردانی * و بر ادای امانت و دینم موفق بداری

﴿۱۴﴾ اَمِّیْنَ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ ﴿۱۵﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِیْ مِنْ اَمْرِیْ فَرَجًا وَ مَخْرَجًا ﴿۱۶﴾

* ای پروردگار عالم این دعاها را از کرم اجابت فرما * ای خدا در امور من گشایش و آسایشی عطا فرما *

وَ ارْزُقْنِیْ مِنْ حَیْثُ اَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَیْثُ لَا اَحْتَسِبُ ﴿۱۷﴾ وَ اَحْرُسْنِیْ

و از جایی که گمان داشته یا گمان ندارم مرا روزی ده * و از هر چه ناروا است

مِنْ حَیْثُ اَحْتَرَسُ وَ مِنْ حَیْثُ لَا اَحْتَرَسُ ﴿۱۸﴾ وَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ

چه من خود را محافظت کنم چه نکنم تو مرا محفوظ بدار * و بر محمد و آل محمد درود بسیار

مُحَمَّدٍ ﴿۱۹﴾ وَ سَلِّمْ كَثِیْرًا ﴿۲۰﴾ دَوْمَ: و فرموده‌اند می‌خوانی این تسبیحات را در هر روز ماه رمضان

فرست * و سلام و تحیت فراوان ارزانی فرما. *

از اوّل تا به آخر آن ده جزء است هر جزء آن مشتمل برده **سُبْحَانَ اللَّهِ ﴿۱﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ**

منزه است خدای آفریننده

النَّسَمِ ﴿۲﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ ﴿۳﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْاَزْوَاجِ كُلِّهَا ﴿۴﴾

بندگان * منزه است خدای صورت آفرین * منزه است خدای که همه موجودات را جفت آفرید *

سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَ النُّوْرِ ﴿۵﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ

منزه است خدای که نور و ظلمت را برای نظم جهان قرار داد * منزه است خدای که دانه و بذرها در زمین

وَ النَّوَى * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى

بر شکافت * منزه است خدای که آفریننده تمام موجودات است * منزه است خدای که آنچه به چشم دیده شود و آنچه دیده نشود

وَ مَا لَا يَرَى * سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ * سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

همه را او آفریده است * منزه است خدای به مقدار کلمات نامنتهای او * منزه است خدای پروردگار جهان و جهانیان

* سُبْحَانَ اللَّهِ السَّمِيعِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَسْمَعُ مِنْهُ * يَسْمَعُ مِنْ فَوْقِ

* منزه است خدای شنوایی که شنواتر از او نیست * از بالای عرش

عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ * وَيَسْمَعُ مَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ *

تا زیر هفتم زمین می شنود * و در تاریکی بیابان و دریا می شنود *

وَ يَسْمَعُ الْأَيْنِ وَالشَّكْوَى * وَيَسْمَعُ السِّرِّ وَ أَخْفَى * وَيَسْمَعُ

و ناله و زاری خلق را می شنود * راز و پنهانترین سخن خلق را * و وسوسه

وَ سَاوِسَ الصُّدُورِ * وَيَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَ لَا

درون دلها را می شنود * و هیچ صوتی از شنوایی

يُصَمُّ سَمْعَهُ وَ صَوْتٌ ﴿٢﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ * سُبْحَانَ اللَّهِ

او فوت نخواهد شد * منزه است خدای آفریننده بندگان * منزه است خدای

الْمُصَوِّرِ * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا * سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ

صورت آفرین * منزه است خدایی که همه موجودات را جفت آفرید * منزه است خدایی که نور و ظلمت را

الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ * سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى * سُبْحَانَ اللَّهِ

برای نظم عالم مقرر فرمود * منزه است خدایی که شکافنده بذر و دانه هاست در زمین * منزه است خدای که آفریننده

خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَ مَا لَا يَرَى * سُبْحَانَ

تمام موجودات است * منزه است خدای که آنچه به چشم دیده شود و آنچه دیده نشود همه را او آفریده است * منزه است

اللَّهُ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ * سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * سُبْحَانَ اللَّهِ الْبَصِيرِ

خدای به مقدار کلمات نامنتهای او * منزه است خدای پروردگار عالمیان * منزه است خدای

الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَبْصَرَ مِنْهُ * يُبْصِرُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ

بینایی که هیچ بیناتر از او نیست * و هر چیزی را از بالای عرش گرفته تا زیر هفتم

أَرْضِينَ * وَ يُبْصِرُ مَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ * لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ

زمین می بیند * و هر چه در تاریکی بیابان و دریاست می بیند * و دیده ها او را نخواهد دید

وَهُوَ يَدْرِكُ الْأَبْصَارَ * وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ * (و) لَا تَغْشَى (تَغْشَى) بَصْرَهُ

و او همه را می‌بیند * و او بسی لطیف و نا پیداست * و به همه امور عالم و آگاه است * نه تاریکی مانع

الظُّلْمَةَ * وَلَا يَسْتَتِرُ مِنْهُ بَسْتَرٌ * وَلَا يُوَارِي مِنْهُ جِدَارٌ * وَلَا يَغِيبُ

بینایی او شود * و نه پرده * و نه دیواری حجاب بصیرتش گردد * و نه هیچ چیز

عَنْهُ بَرٌّ وَلَا بَجْرٌ * وَلَا يَكُنْ (يَكُنْ) مِنْهُ جَبَلٌ مَا فِي أَصْلِهِ * وَلَا قَلْبٌ مَا

از بیابان و دریا * و آنچه در این کوهها (از جواهر و معادن) * و نه اسرار

فِيهِ * وَلَا جَنْبٌ مَا فِي قَلْبِهِ * وَلَا يَسْتَتِرُ مِنْهُ صَغِيرٌ وَلَا كَبِيرٌ * وَلَا

دلها * و اندیشه درونها بر او پنهان است * و نه هیچ بزرگ و کوچک * و نه

يَسْتَخْفِي مِنْهُ صَغِيرٌ لَصْغَرِهِ * وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي

خردی چیزی بر او موجب خفا است * و نه چیزی در آسمان و زمین بر او پنهان

السَّمَاءِ * هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ * لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

است * اوست خدایی که شما را در رحم مادران هر گونه بخواد می‌نگارد * و هیچ خدایی جز آن ذات با اقتدار و عزت

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ * سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ

و حکمت نخواهد بود * منزه است خدای آفریننده بندگان * منزه است خدای صورت آفرین

* سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا * سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ

* منزه است خدایی که همه موجودات را جفت آفرید * منزه است خدایی که نور و ظلمت را برای نظم عالم

وَالنُّورِ * سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ

مقرر فرمود * منزه است خدایی که شکافنده بذر و دانه‌ها است در زمین * منزه است خدای که آفریننده تمام موجودات

شَيْءٍ * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى * سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ

است * منزه است خدای که هر چه به چشم دیده شود و دیده نشود همه را او آفریده است * منزه است خدای به مقدار کلمات

كَلِمَاتِهِ * سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَنْشِئُ

نامنتهای او * منزه است خدای پروردگار عالمیان * منزه خدایی که ابرهای سنگین بار

السَّحَابِ الثَّقَالَ * وَيَسْبِغُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ * وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ

را ایجاد کرد * و غرش رعد تسبیح و ستایش اوست * و فرشتگان از او ترسان و هراسانند

* وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ * وَيُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بَشْرًا

* و برق و صاعقه را همی فرستد یا به هر که خواهد اصابت کند * و بادها را برای بشارت

بَيْنَ يَدَي رَحْمَتِهِ * وَيُنزِلُ الْمَاءَ مِنَ السَّمَاءِ بِكَلِمَتِهِ * وَيَنْبِتُ النَّبَاتَ

پیشاپیش رحمت باز فرستد * و باران را از آسمان به امر نافذ خود فرو بارد * و به قدرت کامله گیاه و درختان

بِقُدْرَتِهِ * وَيَسْقُطُ الْوَرَقَ (يَسْقُطُ الْوَرَقَ) بَعْلَمِهِ * سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي

را از زمین برویاند * و باز به علم و قدرت او برگ درختان را فرو ریزد * منزه است خدایی که در زمین و

لَا يَعْزَبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ * وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ

آسمان هیچ ذره از ذرات موجودات از حیطة تصرفش بیرون نیست * و هر چه از ذره کوچکتر یا بزرگتر

وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٤﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ * سُبْحَانَ

همه در دفتر علم و حکمتش ضبط است * منزه است خدای آفریننده بندگان * منزه است

اللَّهُ الْمُصَوِّرُ * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا * سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ

خدای صورت آفرین * منزه است خدایی که همه موجودات را جفت آفرید * منزه است خدایی که

الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ * سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى * سُبْحَانَ اللَّهِ

نور و ظلمت برقرار فرمود * منزه است خدایی که بذر و دانه‌ها را در زمین بر شکافت * منزه است خدای که

خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَىٰ وَمَا لَا يَرَىٰ * سُبْحَانَ

آفریننده تمام موجودات است * منزه است خدای که هر چه به چشم دیده شود و دیده نشود همه را او آفریده است * منزه است خدای

اللَّهُ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ * سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي

به مقدار کلمات نامنتهای او * منزه است خدای پروردگار عالمیان * منزه است خدایی که

يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ * وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ * وَكُلُّ شَيْءٍ

می‌داند بار حمل آبستنان عالم * جنسیت در رحمها چه نقصان و چه زیادت خواهد یافت * و مقدار هر چیز در

عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ * عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ * الْأَكْبَرِ الْمُتَعَالِ * سَوَاءٌ

علم ازلی او معین است * و او به غیب و شهود عالم دانا است * و بزرگتر از حد ادراک و برتر از هر وصف و اندیشه است * در

مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَ الْقَوْلِ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ * وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ

پیشگاه ازلی او اینکه شما سخن به راز گوید یا آشکار * در ظلمت شب یا روشنی روز همه

وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ * لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ * يُحْفَظُونَهُ

یکسان است * برای هر چیز پاسبانها از پیش رو و پشت سر برگماشته * که به امر خدا

مِنْ أَمْرِ اللَّهِ * سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَىٰ

او را نهبانی کند * منزه است خدایی که زندگانی را می‌میراند و مردگان را باز زنده می‌گرداند

وَيَعْلَمُ مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ * وَيَقْرَأُ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ

* و آنچه زمین از آنها می‌کاهد * یا در رحمها به خواست او قرار می‌یابد با وقت معین همه را

مُسَمَّىٰ ﴿٥﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ * سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ *

می‌داند * منزه است خدایی که آفرینندهٔ بندگان است * و منزّه است خدایی که صورت آفرین است *

سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا * سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ

منزه است خدایی که همه چیز را جفت آفرید * منزه است خدایی که نور و ظلمت را برای نظم عالم

وَالنُّورِ * سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ

مقرر فرمود * منزه است خدایی که بذر و دانه‌ها را در زمین بر شکافت * منزه است خدای که آفرینندهٔ تمام موجودات

شَيْءٍ * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَىٰ وَمَا لَا يَرَىٰ * سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادَ

است * منزه است خدای که هر چه به چشم دیده شود و دیده نشود همه را او آفریده است * منزه است خدای به مقدار کلمات

كَلِمَاتِهِ * سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * سُبْحَانَ اللَّهِ مَالِكِ الْمَلِكِ

نامنتهای او * منزه است خدای پروردگار عالمیان * پاک و منزهی ای خدا که مالک الملک وجودی *

تَوْتَى الْمَلِكِ مَنْ تَشَاءُ * وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِمَّنْ تَشَاءُ * وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ

و به هر که خواهی ملک و سلطنت می‌بخشی * و از هر که خواهی باز می‌گیری * و هر که را خواهی عزت و اقتدار می‌دهی

* وَتَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ (بِيَدِهِ) الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ *

* و هر که را خواهی ذلیل و خوار می‌گردانی و هر خیر و سعادت به دست توست * و تو را بر همه چیز کمال قدرت و توانایی است *

تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ * وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ * تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ

تویی که شب تار را در روز روشن * و روز روشن را در شب تار به قدرت کامله داخل می‌گردانی * و انسان زنده را از نطفهٔ مرده

وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ * وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٦﴾ سُبْحَانَ

و جسد مرده را باز از انسان زنده بیرون می‌آوری * و هر که بخواهی بی‌حساب روزی عطا می‌کنی * منزّه است

اللَّهُ بَارِئِ النَّسَمِ * سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ

خدای آفرینندهٔ بندگان * منزّه است خدای صورت آفرین * منزّه است خدایی که همهٔ موجودات را جفت

كُلِّهَا * سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ * سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ

آفرید * منزّه است خدای که نور و ظلمت را بر نظم عالم مقرر فرمود * منزّه است خدای که بذر و دانه‌ها را

الْحَبِّ وَالنَّوَى * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ

در زمین بر شکافت * منزّه است خدایی که آفرینندهٔ همهٔ موجودات است * منزّه است خدایی که هر چه به چشم دیده شود

مَا يُرَىٰ وَ مَا لَا يُرَىٰ * سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ * سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ

و دیده نشود همه را او آفریده است * منزه است خدا به قدر کلمات نامنهای او * منزه است خدای پروردگار

الْعَالَمِينَ * سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ

عالم و عالمیان * منزه است خدایی که کلید عالم غیب نزد اوست و غیر او کسی بر آن آگاه نیست

وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ * وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرْقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا * وَ لَا

* و هر چه در بر و بحر عالم است همه را می‌داند * و برگی از درخت آفرینش نیفتد مگر به علم و مشیت او * و به

حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ * وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٧﴾

یک دانه در اعماق زمین آگاه است * و هیچ تر و خشکی نیست جز اندر دفتر علم او ضبط است *

سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ * سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَصُورِ * سُبْحَانَ اللَّهِ

منزه است خدای آفریننده بندگان * منزه است خدای صورت آفرین * منزه است خدایی که

خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا * سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَ النُّورِ *

همه موجودات عالم را جفت آفرید * منزه است خدایی که نور و ظلمت را بر نظم عالم مقرر فرمود *

سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَ النَّوَى * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ *

منزه است خدایی که بذر و دانه‌ها را در زمین بر شکافت * منزه است خدایی که آفریننده همه موجودات است *

سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَىٰ وَ مَا لَا يُرَىٰ * سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ

منزه است خدای که هر چه به چشم دیده شود و دیده نشود همه را او آفریده است * منزه است خدا به قدر کلمات نامنهای او

* سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُحْصِي مِدْحَتَهُ

* منزه است خدا پروردگار عالمیان * منزه است خدای که سخن گویان فصیح به کمترین پایه توصیف

الْقَائِلُونَ * وَ لَا يَجْزِي بِنَائِهِ الشَّاكِرُونَ الْعَابِدُونَ * وَ هُوَ كَمَا قَالَ

او نرسند * و عابدان و سپاسگزاران عالم هرگز ادای شکر و سپاس نعمتهایش نتوانند کرد * و او چنان است که

وَ فَوْقَ مَا نَقُولُ (يَقُولُ الْقَائِلُونَ) * وَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ * كَمَا أَتَىٰ عَلَىٰ نَفْسِهِ *

خود وصف کند و برتر از آنچه ما توصیف کنیم * ذات پاک خدای سبحانه چنان است که خود ثنا و ستایش خود تواند کرد *

﴿وَ لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ * وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ

و هیچکس احاطه به چیزی از علمش نتواند کرد جز آنچه او خواهد * کرسی خود عزت و تخت سلطنتش آسمانها

وَ الْأَرْضِ * وَ لَا يَؤُودُهُ * وَ حِفْظُهُمَا وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ ﴿٨﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ

و زمین را فرا گرفته * و نگهداری آسمانها و زمین او را خسته نسازد و او خدای بلند مرتبه بزرگ است * منزه است خدایی که

بَارِئِ النَّسَمِ * سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ

آفرینندهٔ بندگان است * منزه است خدای صورت آفرین * منزه است خدایی که همه چیز را جفت

کَلَّمَهَا * سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ * سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ

آفرید * منزه است خدایی که نور و ظلمت را برای نظم جهان مقرر فرموده * منزه است خدایی که بذر و دانه را

الْحَبِّ وَالنَّوَى * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ

در جوف زمین برشکافت * منزه است خدایی که آفرینندهٔ همهٔ موجودات است * منزه است خدایی که هر چه به چشم دیده شود

مَا يُرَىٰ وَمَا لَا يُرَىٰ * سُبْحَانَ اللَّهِ مَدَادِ كَلِمَاتِهِ * سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ

و دیده نشود همه را او آفریده است * منزه است خدا به قدر کلمات نامتناهی او * منزه است خدای پروردگار

الْعَالَمِينَ * سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا

عالم و عالمیان * منزه است خدایی که هر چه درون زمین فرو شود و هر چه از زمین بیرون آید

* وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا * وَلَا يَشْغَلُهُ * مَا يَلِجُ فِي

* و آنچه از آسمان فرود آید و آنچه بر آسمان بالا رود همه را می‌داند * و او را حساب آنچه به زمین

الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا * عَمَّا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا *

فرو شود و آنچه از زمین برآید غافل نسازد * از حساب آنچه از آسمان فرود آید و به آسمان بالا رود *

وَلَا يَشْغَلُهُ * مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا * عَمَّا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ

و نیز آنچه از آسمان نازل و به آسمان عروج کند او را غافل نسازد * از آنچه به زمین فرو شود

وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا * وَلَا يَشْغَلُهُ * عِلْمُ شَيْءٍ عَنِ عِلْمِ شَيْءٍ * وَلَا يَشْغَلُهُ * و

و از آن برآید * و ابداء علم به چیزی از علم به چیز دیگر بر او مشتبه نشود * و نه هرگز آفریدن

خَلَقَ شَيْءٍ عَنِ خَلْقِ شَيْءٍ * وَلَا حِفْظَ شَيْءٍ عَنِ حِفْظِ شَيْءٍ * وَلَا يُسَاوِيهِ

چیزی از آفریدن چیز دیگر او را باز دارد * و نه نگهداری چیزی از نگهداری دیگر چیزی وی را مانع گردد * و نه چیزی با او

شَيْءٌ * وَلَا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ * لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ * وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

مساوی و مشابه * و عدیل و نظیر تواند بود * و نه چیزی مثل و مانند اوست * و او شنوا و بیناست

۹ سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ * سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ * سُبْحَانَ اللَّهِ

* منزه است خدایی که آفرینندهٔ بندگان است * منزه است خدایی که صورت آفرین است * منزه است خدایی

خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا * سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ *

که همه چیز را جفت آفرید * منزه است خدایی که نور و ظلمت را برای نظم جهان مقرر فرمود *

سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ *
منزه است خدایی که بذر و دانه را در جوف زمین بر شکافت * منزه است خدایی که آفریننده همه موجودات است *

سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَىٰ وَ مَا لَا يَرَىٰ * سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادِ كَلِمَاتِهِ
منزه است خدایی که هر چه به چشم دیده شود و دیده نشود همه را او آفریده است * منزه است خدای به قدر کلمات نامنتهای او

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * سُبْحَانَ اللَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ *
منزه است خدای پروردگار جهان و جهانیان * منزه است خدایی که پدید آورنده آسمانها و زمین است *

﴿ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ مِّثْنَىٰ وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ
* و ملائیک را فرستادگان خود * و دارای دو بال و سه بال و چهار بال قرار داد و هر چه در آفرینش

فِي الْمَخْلُوقِ مَا يَشَاءُ * إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ
بخواهد به قدرت کامل می‌افزاید * و او بر هر چیز توانا است * دری که او از رحمت

مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا * وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ * مِنْ بَعْدِهِ *
به روی خلق بگشاید کس نتواند بست * و دری که او ببندد جز او کسش نتواند گشود *

وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿ ۱۰ ﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ * سُبْحَانَ اللَّهِ
و او خدای با اقتدار و عزت و حکمت است * منزه است خدایی که آفریننده بندگان است * منزه است خدای

الْمُصَوِّرِ * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا * سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ
صورت آفرین * منزه است خدایی که همه چیز را جفت آفرید * منزه است خدایی که نور و ظلمت

الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ * سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى * سُبْحَانَ اللَّهِ
را برای نظم عالم مقرر فرمود * منزه است خدایی که بذر و دانه را در جوف زمین بر شکافت * منزه است خدایی که

خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ * سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَىٰ وَ مَا لَا يَرَىٰ * سُبْحَانَ
آفریننده همه موجودات است * منزه است خدایی که هر چه به چشم دیده شود و نشود همه را او آفریده است * منزه است

اللَّهُ مِدَادِ كَلِمَاتِهِ * سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي
خدا به قدر کلمات نامنتهای او * منزه است خدا پروردگار جهان و جهانیان * منزه است خدایی که

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ * ﴿ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا
هر چه در زمین و آسمانها است همه را می‌داند * هیچ رازی سه کس با هم نگویند جز آنکه خدا

هُوَ رَابِعُهُمْ * وَ لَا خَمْسَةَ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ * وَ لَا آدْنَىٰ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثَرَ
چهارم آنها * و پنج کس جز آنکه خدا ششم آنها * و نه کمتر از آن و نه بیشتر

الْأَهْوَمَعَهُمْ أَيْنَمَا كَانُوا * ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ * إِنَّ اللَّهَ

جز آنکه خدا هر جا باشند با آنهاست * آنگاه همه را روز قیامت به نتیجه نیک و بد اعمالشان آگاه خواهد ساخت * که خدا

بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۳﴾ سیّم: و نیز فرموده اند می خوانی این صلوات را در هر روز ماه رمضان: ﴿۳﴾

بر کلیه امور دانا است * خدا

اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا

و فرشتگانش بر رسول خاتم (ص) درود می فرستند * ای اهل ایمان تمام بر او درود و تحیت کامل

عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا * لَبَّيْكَ يَا رَبِّ وَ سَعْدَيْكَ * وَ سُبْحَانَكَ

فرستید و تسلیم فرمان او باشید * ای پروردگار من تو را اجابت کرده و از لطف و کرمات سعادت میطلبم * و تو از

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

هر نقص و آرایش خلق منزهی * ای خدا بر محمد و آلش رحمت و برکت فرست

* كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ * إِنَّكَ حَمِيدٌ

* چنانکه بر ابراهیم خلیل و آلش رحمت و برکت فرستادی * زیرا تو ستوده صفات

مَجِيدٌ * اللَّهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ * كَمَا رَحِمْتَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ

و بزرگواری * ای خدا بر محمد و آلش ترحم فرما * چنانکه بر ابراهیم و آلش ترحم

إِبْرَاهِيمَ * إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ * اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

فرمودی * زیرا تو ستوده صفات و بزرگواری * خدایا تحیت فرست بر محمد و آلش

* كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ * اللَّهُمَّ اٰمِنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

* چنانکه در همه عالم بر پیغمبر بزرگت نوح تحیت فرستادی * خدایا بر محمد و آلش نعمت

مُحَمَّدٍ * كَمَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

فرست * چنانکه بر موسی و هارون فرستادی * ای خدا درود فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ * كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

و آلش * چنانکه ما را به وجود او شرافت بخشیدی * ای خدا بر محمد و آلش رحمت فرست

* كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ ابْعَثْهُ

* چنانکه ما را به وجودش هدایت فرمودی * ای خدا بر محمد و آلش رحمت فرست * و او را به مقام

مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ * عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

محمود مبعوث فرما آن مقامی که اولین و آخرین خلق بر آن مقام بلند رشک می برند * تحیت حق بر محمد

السَّلَامُ كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ * عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ

و آل اطهارش باد هر چه خورشید طالع می‌شود و غروب می‌کند * بر محمد و آلش تحیت حق باد

كُلَّمَا طَرَفَتْ عَيْنٌ أَوْ بَرَقَتْ * عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا ذَكَرَ

هر چه خلق چشم بر هم زند و دیده بگشایند * بر محمد و آلش تحیت حق باد هر چه خلق متذکر

السَّلَامُ * عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهُ مَلِكًا أَوْ قَدَّسَهُ * وَ

شوند * بر محمد و آلش تحیت حق باد هر چه ملک خدا را تسبیح و تقدیس کند

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْأَوَّلِينَ * وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

* سلام بر محمد و آلش در اولین خلق * و سلام بر محمد و آلش در آخرین

فِي الْأَخْرَيْنِ * وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ * اللَّهُمَّ

آفرینش * و سلام بر محمد و آلش در دنیا و آخرت * ای خدا ای

رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ * وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ * وَرَبَّ الْحِجْلِ وَالْحَرَامِ * أَبْلِغْ

پروردگار شهر مکه محرم * و کعبه معظم و پروردگار رکن و مقام * و ای پروردگار حلال و حرام * بر

مُحَمَّدًا نَبِيَّكَ عَنَّا السَّلَامَ (وَ أَهْلَ بَيْتِهِ عَنَّا أَفْضَلَ تَحِيَّةً وَ السَّلَامَ) * اللَّهُمَّ

پیغمبرت محمد از جانب ما درود فرست * خدایا محمد را

أَعْطِ مُحَمَّدًا مِنَ الْبَهَاءِ وَالنُّصْرَةِ * وَالسَّرُورِ وَالْكَرَامَةِ * وَالْغِبْطَةِ

شوکت و بهجت * و سرور و کرامت * و افضلیت

وَالْوَسِيلَةِ * وَالْمَنْزِلَةِ وَالْمَقَامِ * وَالشَّرَفِ وَالرِّفْعَةِ * وَالشَّفَاعَةِ

و وساطت * و منزلت رفیع و مقام بلند عطا فرما * و شرافت و رفعت * و مرتبه شفاعت

عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ * أَفْضَلَ مَا تَعْطَى أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ * وَأَعْطِ مُحَمَّدًا

نزد خود در قیامت کرامت کن * و بهتر از آنچه به هر یک از خلق عطا کرده‌ای عنایت فرما * و هر نیکویی به خلق

فَوْقَ مَا تَعْطَى الْمُخْلَاقِ مِنَ الْخَيْرِ * أَعْصَابًا (مُضَاعَفَةً) كَثِيرَةً لَا يُحْصِيهَا

عطا کرده‌ای بالاتر از آن و چندین برابر آن به حضرت محمد عطا فرما * عطایی که از بسیاری کسی جز تو

غَيْرِكَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * أَطِيبَ وَأَطْهَرَ وَأَزْكَى

حساب نتواند کرد * ای خدا بر محمد و آل محمد رحمت فرست * رحمتی پاک و پاکیزه‌تر

وَأَنْمِي * وَأَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * وَعَلَى

و نیکوتر و فزاینده‌تر * و بهتر از آنچه بر اولین و آخرین خلق

أَحَدٍ مِّنْ خَلْقِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

مرحمت کردی * ای مهربانترین مهربانان عالم * ای خدا درود فرست بر امیر المؤمنین علی

* وَ وَالٍ مِّنْ وَالِيهِ * وَ عَادٍ مِّنْ عَادَاهُ * وَ ضَاعِفٍ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ

* با دوستانش دوست و یار و یاور باش * و با دشمنانش دشمن باش * و آنان که در ریختن خون پاکش شرکت کردند

فِي دَمِهِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ

به سخت‌ترین عذاب معذب ساز * ای خدا رحمت فرست بر فاطمه دختر پیغمبر گرامیت محمد (ص)

السَّلَامُ * (وَ وَالٍ مِّنْ وَالِيهَا * وَ عَادٍ مِّنْ عَادَاهَا * وَ ضَاعِفٍ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهَا) *

که بر او و بر آلش درود باد * و بر آنان که پیغمبرت را

وَ الْعَنَ مِّنْ أَذَى نَّبِيِّكَ فِيهَا * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ

به واسطه ظلم و آزار فاطمه آزدند لعنت فرست * خدایا بر حسن و حسین دو پیشوای بزرگ

إِمَامِي الْمُسْلِمِينَ * وَ وَالٍ مِّنْ وَالِيهِمَا * وَ عَادٍ مِّنْ عَادَاهُمَا * وَ ضَاعِفٍ

مسلمین رحمت فرست * و با دوستانشان دوست و یاور باش * و با دشمنانشان دشمن باش * و آنان که

الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دِمَائِهِمَا (دِمَهُمَا) * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ

در ریختن خون پاکشان شرکت کردند به سخت‌ترین عذاب معذب گردان * خدایا درود فرست بر

الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ * وَ وَالٍ مِّنْ وَالِيهِ * وَ عَادٍ مِّنْ عَادَاهُ *

علی بن الحسین (ع) پیشوای مسلمین * و دوستانش را دوست دار * و دشمنانش را دشمن دار * و آنکس که

وَ ضَاعِفٍ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ * (شَرِكَ فِي دَمِهِ) * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و آنکس که در ریختن خون پاکش شرکت کرد به سخت‌ترین عذاب معذب گردان * خدایا درود فرست بر

بْنِ عَلِيِّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ * وَ وَالٍ مِّنْ وَالِيهِ * وَ عَادٍ مِّنْ عَادَاهُ * وَ ضَاعِفٍ

محمد بن علی (ع) پیشوای مسلمین * و دوستانش را دوست دار * و دشمنانش را دشمن دار * و آنکس که

الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ * (شَرِكَ فِي دَمِهِ) * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

در ریختن خون پاکش همت گماشت به سخت‌ترین عذاب معذب گردان * خدایا درود فرست بر جعفر بن محمد (ع)

إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ * وَ وَالٍ مِّنْ وَالِيهِ * وَ عَادٍ مِّنْ عَادَاهُ * وَ ضَاعِفٍ

پیشوای مسلمین * و دوستانش را دوست دار * و دشمنانش را دشمن دار * و آنکس که بر او ستم

الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ * (شَرِكَ فِي دَمِهِ) * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ

کرد به سخت‌ترین عذاب معذب گردان * خدایا درود فرست بر موسی بن جعفر (ع)

إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ * وَ وَالٍ مِّنْ وَالَاهُ * وَ عَادٍ مِّنْ عَادَاهُ * وَ ضَاعِفٍ

پیشوای مسلمین * و دوستانش را دوست دار * و دشمنانش را دشمن دار * و آنکس را که در ریختن

الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ (ظَلَمَهُ) * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى

خون پاکش شرکت کرد به سخت‌ترین عذاب معذب گردان * خدایا درود فرست بر علی بن موسی (ع)

إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ * وَ وَالٍ مِّنْ وَالَاهُ * وَ عَادٍ مِّنْ عَادَاهُ * وَ ضَاعِفٍ

پیشوای مسلمین * و دوستانش را دوست بدار * و دشمنانش را دشمن دار * و آنکس را که

الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ (ظَلَمَهُ) * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ

در ریختن خون پاکش شرکت کرد به سخت‌ترین عذاب معذب گردان * خدایا درود فرست بر محمد بن علی (ع)

عَلَى إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ * وَ وَالٍ مِّنْ وَالَاهُ * وَ عَادٍ مِّنْ عَادَاهُ * وَ ضَاعِفٍ

پیشوای مسلمین * و دوستانش را دوست بدار * و دشمنانش را دشمن دار * و آنکس که در ریختن

الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ (شَرِكَ فِي دَمِهِ) * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ

خون پاکش اقدام و بر او ستم نمود به سخت‌ترین عذاب معذب گردان * خدایا درود فرست بر علی بن محمد (ع)

إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ * وَ وَالٍ مِّنْ وَالَاهُ * وَ عَادٍ مِّنْ عَادَاهُ * وَ ضَاعِفٍ

پیشوای مسلمین * و دوستانش را دوست بدار * و دشمنانش را دشمن دار * و آنکه بر او ظلم

الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ (شَرِكَ فِي دَمِهِ) * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

و ستم نمود به سخت‌ترین عذاب معذب گردان * خدایا درود فرست بر حسن بن علی (ع)

إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ * وَ وَالٍ مِّنْ وَالَاهُ * وَ عَادٍ مِّنْ عَادَاهُ * وَ ضَاعِفٍ

پیشوای مسلمین * و دوستانش را دوست بدار * و دشمنانش را دشمن دار * و آنکه بر او ستم کرد

الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ (شَرِكَ فِي دَمِهِ) * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُخَلَّفِ مِنْ بَعْدِهِ

به سخت‌ترین عذاب معذب فرما * خدایا درود فرست بر جانشین بعد از امام حسن عسکری (ع)

إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ * وَ وَالٍ مِّنْ وَالَاهُ * وَ عَادٍ مِّنْ عَادَاهُ * وَ عَجَلِ فَرْجِهِ

پیشوای مسلمین * و دوستانش را دوست بدار * و دشمنانش را دشمن دار * و تعجیل در ظهور فرجش بفرما

* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْقَاسِمِ وَالطَّاهِرِ ابْنَيْ نَبِيِّكَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رَقِيَّةَ

* خدایا رحمت فرست بر قاسم و طاهر دو فرزند گرامی پیغمبرت (ص) * خدایا رحمت فرست بر رقیه

بِنْتِ نَبِيِّكَ * وَالْعَنْ مَنْ أَدَى نَبِيِّكَ فِيهَا * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمِّ كَلْثُومَ

دختر پیغمبرت * و بر آنکس که به ظلم و آزار او پیغمبرت را بیازارد لعنت فرست * خدایا رحمت فرست بر ام کلثوم

بِنْتِ نَبِيِّكَ * وَالْعَنْ مَنْ أَدَّى نَبِيِّكَ فِيهَا * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكَ

دختر پیغمبر اکرمت * و بر آنکس که به ظلم و آزار او پیغمبرت (ص) را بیازارد لعنت فرست * خدایا رحمت فرست بر ذریه پیغمبر

* اللَّهُمَّ اخْلُفْ نَبِيِّكَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ * اللَّهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ *

محترمت * خدایا اهل بیت پیغمبرت را جانشین او قرار ده * خدایا به اهل بیت رسالت در زمین قدرت و حکومت عطا فرما *

* اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ عَدَدِهِمْ وَمَدَدِهِمْ * وَأَنْصَارِهِمْ عَلَى الْحَقِّ فِي السِّرِّ

خدایا ما را در ظاهر و باطن در عداد آنها و معینان * و یاورانشان در راه حق محسوب

وَالْعَلَانِيَةِ * اللَّهُمَّ اطْلُبْ بِذِحْلِهِمْ وَوَتْرِهِمْ وَدِمَائِهِمْ * وَكَفِّ عَنَّا

دار * خدایا تو از ستمهایی که به آنها شد از دشمنانشان انتقام کش * و دفع و منع فرما

وَعَنْهُمْ وَعَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ بَأْسِ كُلِّ بَاعٍ وَ طَاعٍ * وَ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ

از سر ما و از آن ائمه مسلمین و هر مرد و زن با ایمان ظلم و جور هر بیدادگر و گردنکش * و هر جنبنده‌ای که زمام حیاتش

أَخَذَ بِنَاصِيَتِهَا * إِنَّكَ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا * سید بن طاوس فرموده

به دست توست * زیرا تو به قهر و سطوت از همه سخت گیرتر و عقابت از هر کس شدیدتر است. *

وَمِثْلِي: يَا عِدَّتِي فِي كَرْبَتِي * وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي * وَيَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي

ای ذخیره روز غم و اندوه من * و ای یاور و مونس هنگام سختیهای من * ای ولی نعمت من

* وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي * أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي * وَ الْمُؤْمِنُ رَوْعَتِي *

* ای منتهای آرزوی من * تویی که عیبهای مرا مستور می‌سازی * و از هر بیم و خطر دلم را آرام می‌بخشی *

وَالْمُقِيلُ عَثْرَتِي * فَاعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * و می‌گوئی:

و از خطا و لغزشهایم در می‌گذری * پس به کرم‌ترین مهربانان عالم *

* اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لَهُمْ لَا يُفَرِّجُهُ وَ غَيْرِكَ * وَ لِرَحْمَةِ لَا تُنَالُ إِلَّا بِكَ *

خدایا هنگامی که غم و دلنگی سخت رو آورد جز تو کسی گشایش آن نتواند * تو را به دعا می‌خوانم و آن رحمت بی‌انتها که جز به

وَلِكَرْبٍ لَا يَكْشِفُهُ * إِلَّا أَنْتَ * وَ لِرَغْبَةٍ لَا تُبْلَغُ إِلَّا بِكَ * وَ لِحَاجَةٍ لَا

لطف تو کس به آن نایل نشود * از تو می‌خواهم و گاه رنج و عناء که غیر تو کس دفع آن نکند تو را یاد می‌کنم * و برای

يَقْضِيهَا إِلَّا أَنْتَ * اللَّهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ مَا أَذْنَتَ لِي بِهِ مِنْ

رسیدن به آرزو * و حاجتی که غیر تو کس روا نکند تو را می‌طلبم * ای خدا همان گونه که از شأن خود

مَسْأَلَتِكَ * وَ رَحْمَتِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ * فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ سَيِّدِي

به ما اجازه مسئلت و عرض حاجت دادی * پس آن حوائج را به شأن کرمت هم ای

الْإِجَابَةُ لِي فِيمَا دَعَوْتُكَ * وَعَوَائِدُ الْإِفْضَالِ فِيمَا رَجَوْتُكَ * وَالنَّجَاةُ

سید من اجابت فرما * و بر آنچه به کرم و افضال تو امیدوارم بر آن بیفزای * و از آنچه ترسانم

مِمَّا فَرَعْتُ إِلَيْكَ فِيهِ * فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا أَنْ أَبْلُغَ رَحْمَتَكَ * فَإِنَّ

مرا نجات بخش * که اگر من قابل رحمتت نیستم و لایق نمی باشم * رحمت

رَحْمَتِكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَتَسْعَنِي * وَإِنْ لَمْ أَكُنْ لِلْإِجَابَةِ أَهْلًا فَانْتَ

و لطف تو لایق است که مرا فرا گیرد * و اگر دعای من قابل اجابت نیست

أَهْلُ الْفَضْلِ * وَرَحْمَتِكَ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَلِلَّسَّغْنِي رَحْمَتِكَ * يَا

سعه رحمت بی انتهایت همه را فرا خواهد گرفت * ای خدای با لطف

الهِ يَا كَرِيمٌ * أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ

و کرم * از آن ذات کریم درخواست می کنم * که بر محمد و آلش

وَ أَهْلَ بَيْتِهِ * وَأَنْ تُفَرِّجَ هَمِّي * وَتَكْشِفَ كُرْبِي وَغَمِّي * وَتَرْحَمَنِي

درود فرستی * و هم و غم * و رنج و عذابم را برطرف سازی * و به لطف و رحمتت

بِرَحْمَتِكَ * وَتَرْزُقَنِي مِنْ فَضْلِكَ * إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ * قَرِيبٌ

به حالم ترحم کنی * و از فضل و کرم روزیم عطا فرمایی * که تو محققا به خلق نزدیکی و شنوای دعا * و اجابت کننده

مُجِيبٌ ﴿٤﴾ چهارم: و نیز شیخ و سید فرموده اند در هر روز بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

حاجتهای بندگانی. * ای خدا از تو درخواست می کنم

فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ * وَكُلِّ فَضْلِكَ فَاضِلٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ

از بهترین فضل و کرمت * و تمام فضل و کرم تو بهتر است * پس ای خدای من از تمام فضل و کرمت

كُلِّهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِأَعْمِهِ * وَكُلِّ رِزْقِكَ عَامٌ * اللَّهُمَّ

درخواست می کنم * ای خدا از تو درخواست می کنم از شاملترین رزقهای تو * و حال اینکه تمام رزق تو شامل است * پس ای

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَطَائِكَ بِأَهْنَأِهِ *

خدا از همه رزقهای تو می طلبم * ای خدا از تو درخواست می کنم از گواراترین عطای تو *

وَ كُلِّ عَطَائِكَ هَنِيءٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَطَائِكَ كُلِّهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي

و حال آنکه همه عطاهایت گوارا است * پس ای خدا از تمام عطاهایت از تو درخواست می کنم * ای خدا از تو

أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْجَلِهِ * وَكُلِّ خَيْرِكَ عَاجِلٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

درخواست می کنم عاجلترین خیرهای تو را * و حال آنکه تمام خیرهای تو عاجل است * پس ای خدا از تمام

بَخْرِكَ كُلِّهِ * اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ اِحْسَانِكَ بِاِحْسَنِهِ * وَكُلِّ

خبرهای تو درخواست می‌کنم * ای خدا از تو درخواست می‌کنم از نیکوترین احسانهایت * و حال آنکه

احْسَانِكَ حَسَنٌ * اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاحْسَانِكَ كُلِّهِ * اللَّهُمَّ اِنِّیْ

تمام احسانهایت نیکو است * پس ای خدا از تمام احسانهایت درخواست می‌کنم * ای خدا از تو درخواست

اَسْئَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِیْ بِهِ حِیْنَ اَسْئَلُكَ * فَاجِبْنِیْ یَا اللَّهُ * وَصَلِّ عَلِیْ

می‌کنم به آن چیزی که اگر تو را بخوانم به آن همان ساعت اجابت می‌فرمایی * پس ای خدا دعایم اجابت فرما * و بر محمد

مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُرْتَضِیْ * وَرَسُولِكَ الْمُصْطَفِیْ * وَآمِیْنِكَ وَنَجِیْكَ

درود فرست که بندهٔ پسندیده * و پیمبر برگزیدهٔ توست * و امین وحی و رسول برتری یافته از جانب تو

دُونَ خَلْقِكَ * وَنَجِیْبِكَ مِنْ عِبَادِكَ * وَنَبِیِّكَ بِالصِّدْقِ وَحَبِیْبِكَ *

دون سایر خلق * و نیکو نژادترین بندگانت * و پیغمبر و حبیب تو به صدق و حقیقت * و

وَصَلِّ عَلِیْ رَسُوْلِكَ * وَخَیْرَتِكَ مِنَ الْعَالَمِیْنَ * الْبَشِیْرِ النَّذِیْرِ *

و درود فرست بر آن رسول گرامی * و برگزیدهٔ تو از عالمیان * آن پیغمبر بشارت آور به رحمت و ترساننده از قهر و عذاب * و

السَّرَاجِ الْمُنِیْرِ * وَ عَلِیْ اَهْلِ بَیْتِهِ الْاَبْرَارِ الطَّاهِرِیْنَ * وَ عَلِیْ مَلَائِكَتِكَ

آن چراغ روشن الهی * و بر اهل بیت بزرگوار و پاک سیرت او درود باد * و نیز درود بر فرشتگان مقرب

الَّذِیْنَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ * وَ حَجَبْتَهُمْ عَنْ خَلْقِكَ * وَ عَلِیْ

که آنان را لایق پیشگاه حضور خود فرمودی * و از خلق در حجاب داشتی * و درود بر

اَنْبِیَائِكَ الَّذِیْنَ یَنْبُؤْنَ عَنْكَ بِالصِّدْقِ * وَ عَلِیْ رَسُوْلِكَ الَّذِیْنَ

پیغمبرانت که از جانب تو بر خلق به صدق و حقیقت خبر آوردند * و بر رسولانی که آنان را

خَصَّصْتَهُمْ بِوَحِیِّكَ * وَ فَضَّلْتَهُمْ عَلِیْ الْعَالَمِیْنَ بِرِسَالَاتِكَ * وَ عَلِیْ

به وحی خود مخصوص گردانیدی * و بر عالمیان به رسالت فضیلت بخشیدی * و نیز درود بر

عِبَادِكَ الصَّالِحِیْنَ الَّذِیْنَ اَدْخَلْتَهُمْ فِی رَحْمَتِكَ * الْاِئِمَّةَ الْمُهْتَدِیْنَ

بندگان شایستهٔ تو که در مقام رحمت خاص خود وارد کردی * و آنها را پیشوایان هدایت یافته

الرَّاشِدِیْنَ * وَ اَوْلِیَائِكَ الْمُطَهَّرِیْنَ * وَ عَلِیْ جَبْرِیْلِ وَ مِیْكَائِیْلِ

رهنمای خلق * و دوستان پاک خود قرار دادی * و نیز درود بر جبرئیل و میکائیل

وَ اِسْرَافِیْلِ وَ مَلِكِ الْمَوْتِ * وَ عَلِیْ رِضْوَانَ خَازِنِ الْجَنَانِ * وَ عَلِیْ

و اسرافیل و عزرائیل ملک مأمور مرگ * و بر رضوان ملک خازن بهشت * و بر

مَالِكِ خَازِنِ النَّارِ * وَرُوحِ الْقُدُسِ * وَالرُّوحِ الْأَمِينِ * وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ

مالک ملک مأمور دوزخ * و بر روح القدس * و روح الامین * و بر ملائکه مقرب

الْمُقَرَّبِينَ * وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَافِظِينَ عَلَى * بِالصَّلَاةِ الَّتِي تُحِبُّ أَنْ

حاملان عرش * و بر دو ملک نگهبان من * بر همه اینان درود و رحمت فرست آنگونه رحمتی که

يُصَلِّيَ بِهَا عَلَيْهِمْ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلُ الْأَرْضِينَ * صَلَاةً طَيِّبَةً كَثِيرَةً

تو می‌پسندی و تمام اهل آسمان و زمین به واسطه آن رحمت و درود فرستند * درود و رحمتی پاکیزه و بسیار

* مُبَارَكَةً زَاكِيَةً نَامِيَةً * ظَاهِرَةً بَاطِنَةً * شَرِيفَةً فَاضِلَةً * تُبَيِّنُ (تُبَيِّنُ)

* با برکت و نیکوی و فزاینده * در ظاهر و باطن * و با شرافت و فضیلت * که به آن رحمت خاص

بِهَا فَضْلُهُمْ عَلَى الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * اللَّهُمَّ (وَ) أَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ

برتری آنان را بر خلق اولین و آخرین آشکار سازی * خدایا به حضرت محمد (ص) وسیله

* وَالشَّرْفَ وَالْفَضِيلَةَ * وَاجْزِهِ (عَنَّا) خَيْرًا مَا جَزَيْتَ نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ

* و شرافت و فضیلت عطا فرما * و اجر نبوتش را بهتر از اجر تمام پیغمبران کرامت فرما

* اللَّهُمَّ وَاعْطِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * مَعَ كُلِّ زَلْفَةٍ زَلْفَةً *

* ای خدا و عطا کن به محمد که درود خدا بر او و آلش باد * با هر مقام قربی قربی دیگر *

وَمَعَ كُلِّ وَسِيلَةٍ وَسِيلَةً * وَمَعَ كُلِّ فَضِيلَةٍ فَضِيلَةً * وَمَعَ كُلِّ شَرَفٍ

و با هر وسیله وسیله دیگر * و با هر فضیلت فضیلت دیگر * و با هر شرافت

شَرَفًا * تُعْطَى (اللَّهُمَّ اعْطِ) مُحَمَّدًا وَآلَهُ * يَوْمَ الْقِيَامَةِ * أَفْضَلَ مَا

شرف دیگر * و در قیامت محمد (ص) و آلش را * بهتر از آنچه به هر یک از

أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ مُحَمَّدًا صَلَّى

خلق اولین و آخرین دادی عطا فرما * خدایا محمد که درود خدا بر او

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * أَدْنَى الْمُرْسَلِينَ مِنْكَ مَجْلِسًا * وَافْسَحْهُمْ فِي

و آلش باد را * از تمام پیغمبران نزد خویش مقامش را مقربتر ساز * و در بهشت ابد

الْجَنَّةِ عِنْدَكَ مَنَزَلًا * وَاقْرِبْهُمْ إِلَيْكَ وَسِيلَةً * وَاجْعَلْهُ أَوَّلَ شَافِعٍ

منزلش را در جوار خود وسیعتر از همه * و وسیله او را نزدیکتر مقرر فرما * و آن بزرگوار را اول شفیع محشر

* وَ أَوَّلَ مُشَفِّعٍ * وَ أَوَّلَ قَائِلٍ * وَانْجَحْ سَائِلٍ * وَابْعَثْهُ الْمَقَامَ

* و اولین پذیرفته شفاعت * و اول ناطق * و سائل فیروز به مقصود قرار ده * و او را به مقام محمودی

الْمَحْمُودَ الَّذِي يَغِيبُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

که رشک خلق اولین و آخرین است برسان * ای مهربانترین مهربانان عالم *

وَ اسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَالِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تَسْمَعَ صَوْتِي *

و از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی * و اینکه به فریادم توجه *

وَ تُجِيبَ دَعْوَتِي * وَ تَجَاوِزَ عَنِّ خَطِيئَتِي * وَ تَصْفَحَ عَنِّ ظَلَمِي *

و دعایم را اجابت کنی * و از خطایم درگذری * و از ظلم و ستم من عفو و اغماض فرما *

وَ تُنْجِحَ طَلِبَتِي * وَ تَقْضِيَ حَاجَتِي * وَ تُنْجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي * وَ تُقِيلَ

و به آرزویم برسان * و حوائجم برآور * و آنچه از بهشت و رحمت و وعده فرمودی حتمی و منجز گردان * و از لغزشم

عَثْرَتِي * وَ تَغْفِرَ ذُنُوبِي * وَ تَعْفُوَ عَنِّ جُرْمِي * وَ تُقْبِلَ عَلَيَّ * وَ لَا تُعْرَضَ

بگذر * و جرم و گناهانم ببخش * و به من توجه فرما * و روی از من مگردان * و به حالم ترحم

عَنِّي * وَ تَرْحَمْنِي * وَ لَا تُعَذِّبْنِي * وَ تُعَافِنِي * وَ لَا تُبْتَلِنِي * وَ تَرْزُقْنِي

کن * و بر گناهان عذابم مکن و به مؤاخذات مبتلی مکن * و معافم فرما و پاکیزه‌تر * و وسیعترین

مِنَ الرِّزْقِ الطَّيِّبِ * وَ أَوْسَعَهُ * وَ لَا تُحْرِمْنِي يَا رَبِّ * وَ اقْضِ عَنِّي دَيْنِي

رزق نصیبم بگردان * و مرا ای پروردگار از درگاهت محروم مگردان * و دین مرا ادا فرما

* وَ ضَعْ عَنِّي وَزْرِي * وَ لَا تُحْمَلْنِي مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ يَا مَوْلَايَ * وَ ادْخِلْنِي

* و از وزر و گناهم درگذر * و باری که طاقت آن ندارم بر دوشم مگذار ای سید و مولای من * مرا در

فِي كُلِّ خَيْرٍ ادْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ عَالِ مُحَمَّدٍ * وَ أَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ

هر خیر و سعادت که محمد و آلش را داخل کردی داخل گردان * و از هر زشت و ناخوب

سُوٍّ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ عَالِ مُحَمَّدٍ * صَلِّوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ

که محمد و آلش را بیرون آوردی * که درود تو بر محمد و آلش باد مرا هم بیرون آور

* وَ السَّلَامَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ * وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ * پس سه مرتبه بگو:

* و سلام و تحیت * و رحمت و برکات حق بر آنان باد *

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي * فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي * پس بگو:

ای خدا من به درگاهت دعا می‌کنم چون مرا امر به دعا کردی * پس تو بر حسب وعدهات مستجاب گردان *

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ * مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ * وَ غِنَاكَ

خدایا من از تو درخواست می‌کنم اندکی از بسیار * با حاجت فراوان من بدان * و بی‌نیازی تو

عَنْهُ قَدِيمٌ * وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ * وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ * فَاْمُنْ عَلَيَّ

از آن دیرین است * و آن از برای من بسیار است * و بر تو اندک و آسان * پس بر من بدان حاجت منت

بِه * اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * اٰمِيْنَ رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿۵﴾ پنجم خواندن این دعا

گذارد * زیرا که تو بر هر چیز توانایی * آمین ای پروردگار جهانیان. *

است: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَدْعُوْكَ كَمَا اَمَرْتَنِيْ * فَاسْتَجِبْ لِيْ كَمَا وَعَدْتَنِيْ * و چون

خدایا من به راستی تو را می‌خوانم چنانچه مرا بدان امر فرمودی * پس تو هم مرا اجابت فرما چنانچه وعده‌ام دادی *

طولانی است به جهت اختصار آن را ذکر نکردیم، هر که طالب است به اقبال یا زادالمعاد رجوع کند. ﴿۶﴾

ششم: شیخ مفید در کتاب مُقْنَعِه روایت کرده از ثقه جلیل علی بن مهزیار، از حضرت امام محمد تقی (ع) که

مستحب است آنکه بسیار بگوئی در هر وقت از شب و روز ماه رمضان از اوّل ماه تا آخر: يَا ذَا الَّذِي كَانَ

ای آنکه پیش از

قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ * ثُمَّ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ * ثُمَّ يَبْقَى وَيَفْنِي كُلَّ شَيْءٍ * يَا ذَا الَّذِي

هر چیز بوده * سپس هر چیز را آفرید * و او باقی است و هر چیز فانی شود * ای آنکه

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ * وَيَا ذَا الَّذِي لَيْسَ فِي السَّمَاوَاتِ الْعُلَى * وَلَا

به مانند او چیزی نیست * ای آنکه در آسمانهای بلند * و نه در

فِي الْاَرْضِيْنَ السُّفْلَى * وَلَا فَوْقَهُنَّ وَلَا تَحْتَهُنَّ * وَلَا بَيْنَهُنَّ اِلَهٌ يَّعْبُدُ

زمینهای پست * و نه بالای آنها و نه در زیر آنها * و نه در میان آنها * معبود به حقی که پرستش شود

غَيْرُهُ * لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا يَقْوَى عَلَيَّ اِحْصَاءُهَا اِلَّا اَنْتَ * فَصَلِّ عَلَيَّ

جز او نیست * حمد مر تو راست آن سپاس که جز تو کس نتواند آن را شمرد * پس درود فرست

مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ * صَلَاةٌ لَا يَقْوَى عَلَيَّ اِحْصَاءُهَا اِلَّا اَنْتَ ﴿۷﴾ هفتم:

بر محمد (ص) و آل محمد * درودی که جز تو کس نتواند آن را شمرد. *

شیخ کفعمی در بلد‌الأمین و مصباح از اختیار سید بن باقی نقل کرده که هر که بخواند این دعا را در هر روز ماه

رمضان بیامزد حق تعالی گناهان چهل ساله او را: اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ * الَّذِي اَنْزَلْتَ

بار خدایا ای پروردگار ماه رمضان * که فرو فرستادی

فِيهِ الْقُرْآنَ * وَ افْتَرَضْتَ عَلَيَّ عِبَادَكَ فِيهِ الصِّيَامَ * اَرْزُقْنِي حَجَّ

در آن قرآن را * و بر بندگانت در آن روزه را واجب فرمودی * مرا حج خانه

بَيْتِكَ الْحَرَامِ * فِي هَذَا الْعَامِ وَ فِي كُلِّ عَامٍ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الْعِظَامَ

محترمت * در این سال و در هر سال روزی فرما * و گناهان بزرگم را به من ببخش

فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ * هشتم: در هر روز صد مرتبه این

* زیرا که آنها را جز تو کس نیامرزد ای خدای صاحب جلالت و بزرگواری. *

ذَكَرَ رَا بَگُوِيْدَ كِه مَحَدَّثَ فَيْضَ دَر خَلَاصَةِ الْأَذْكَارِ ذَكَرَ فَرْمُودَه: سُبْحَانَ الضَّارِّ النَّافِعِ *

منزه است خدای ضار و نافع *

سُبْحَانَ الْقَاضِي بِالْحَقِّ * سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى * سُبْحَانَهُ وَ بِحَمْدِهِ

منزه است خدای داور به حق * منزه است خداوند بلند مرتبه بلند مقام * منزه است و او را حمد می‌کنم

سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى * نهم: شیخ مفید در مُقْنَعَه فرموده و از سُنَنِ ماه رمضان صلوات فرستادن

* منزه است و برتر و بالاتر. *

بر رسول خدا (ﷺ) است در هر روز صد مرتبه و اگر زیادتر فرستاد افضل است.

مطلب دویم - در اعمال مخصوصه شب و روز ماه مبارک رمضان است

شب اول: در آن چند عمل است. ۱) اول: آنکه طلب هلال کند و بعضی استهلال این ماه را واجب دانسته‌اند.

۲) دویم: چون رؤیت هلال کرد اشاره به هلال نکند بلکه رو به قبله کند و دستها را به آسمان بلند کند و

خطاب کند هلال را و بگوید: رَبِّي وَ رَبِّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * اللَّهُمَّ أَهْلَهُ وَ عَلَيْنَا

پروردگار من و پروردگار تو پروردگار جهانیان است * خدایا این ماه را بر ما نو کن

بِالْأَمْنِ وَ الْإِيْمَانِ * وَ السَّلَامَةِ وَ الْإِسْلَامِ * وَ الْمُسَارَعَةِ إِلَى مَا تُحِبُّ

با امنیت و ایمان * و تندرستی و مسلمانی * و سبقت گرفتن و شتاب در آنچه تو دوست داری و آن را

وَ تَرْضَى * اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا * وَ اَرْزُقْنَا خَيْرَهُ وَ عَوْنَهُ *

می‌پسندی * خدایا در این ماه ما را برکت ده * و روزی ده ما را از خیر و کمک آن *

وَ اصْرِفْ عَنَّا ضَرَّهُ وَ شَرَّهُ * وَ بَلَاءَهُ وَ فِتْنَتَهُ * و روایت شده که حضرت

و بگردان از ما زیان و بدی و شر * و بلا و فتنه آن را. *

رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) چون رؤیت می کرد هلال ماه رمضان را، روی شریف را به جانب قبله می فرمود و می گفت: **اللَّهُمَّ**

بار خدایا

أَهْلَهُ وَعَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ * وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ * وَالْعَافِيَةِ

نو کن این ماه را بر ما به امنیت و ایمان * و تندرستی و اسلام * و عافیت

الْمُجَلَّةِ * وَدِفَاعِ الْأَسْقَامِ * (وَالرِّزْقِ الْوَاسِعِ) وَالْعَوْنِ عَلَى الصَّلَاةِ

شایان * و دفع بیماریها * و کمک به نماز و روزه

وَالصِّيَامِ وَالْقِيَامِ * وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ * اللَّهُمَّ سَلِّمْ لَنَا شَهْرَ رَمَضَانَ

و شب زنده داری * و تلاوت قرآن * بار خدایا ما را برای ماه رمضان سالم بدار *

وَتَسَلِّمْهُ مِنَّا * وَ سَلِّمْ لَنَا فِيهِ حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا شَهْرَ رَمَضَانَ * وَقَدْ

و آن را از ما دریافت * و ما را در آن سالم دار تا ماه رمضان بر ما بگذرد * و تو ما را

عَفَوْتَ عَنَّا * وَ غَفَرْتَ لَنَا وَ رَحِمْتَنَا * و از حضرت صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) منقول است که چون

عفو کرده باشی * و ما را آمرزیده باشی و بر ما رحم نموده باشی *

رؤیت هلال نمودی بگو: **اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ * وَقَدْ افْتَرَضْتَ**

بار خدایا ماه رمضان آمد * و روزه اش را به ما واجب

عَلَيْنَا صِيَامَهُ * وَ أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ * وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ

و فرض گردانیدی * و قرآن را در آن نازل گردانیدی که راهنمای مردمان * و گواهیهای هدایت

الْهُدَى وَالْفُرْقَانَ * اللَّهُمَّ اعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ * وَ تَقَبَّلْهُ مِنَّا * وَ سَلِّمْ لَنَا

و تمیز حق و باطل است * بار خدایا ما را در روزه گرفتن آن یاری فرما * و از ما قبول کن به کرمت * و ما را در آن

فِيهِ * وَ سَلِّمْ لَنَا مِنْهُ * وَ سَلِّمْ لَنَا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ * إِنَّكَ عَلَى

سالم دار * و دریاب ما را از آن و سالم دار برای ما را راحتی و عافیت از جانب تو * به درستی که

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمٌ ۝۳ سیّم: بخواند دعاء چهل و سیّم صحیفه کامله را در

تو بر هر چیز توانایی * ای بخشاینده مهربان. *

وقت رؤیت هلال. سیّد بن طاووس روایت کرده که روزی حضرت امام زین العابدین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در راهی می گذشت که

نظر کرد به هلال ماه رمضان پس آن حضرت ایستاد و گفت: **أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ الدَّائِبُ**

ای ماه آسمانی ای مخلوق و فرمانبر ایزد * ای آنکه

السَّرِيعُ * الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ * الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكَ التَّدْبِيرِ *

در منازل فلکی به تقدیر الهی شتابان شبان و روزان می‌گردی * و در مدار آسمانی به طاعت حق دایم دور می‌زنی *

ءَامَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلْمَ * وَ اَوْضَحَ بِكَ الْبُهْمَ * وَ جَعَلَكَ ءَايَةً مِّنْ

من به خدایی که شبان تار را به تو روشن داشته * و راههای مبهم و ناپیدا را به تو پیدا ساخته ایمان آورده‌ام * که تو را

ءَايَاتٍ مَُّلْكِهِ * وَ ءَعْلَامَةٍ مِّنْ عِلْمَاتِ سُلْطَانِهِ * فَحَدِّثْ بِكَ الزَّمَانَ

یکی از آیات قدرت * و ادله سلطنت خویش قرار داد * و حدود زمان را به سیر تو بر بندگان معین فرمود

* وَ اَمْتَهَنَكَ بِالْكَمَالِ وَ النُّقْصَانِ * وَ الطُّلُوعِ وَ الْاَفْوَلِ * وَ الْاِنَارَةِ

* و فقر و حاجت را به زیادت و نقصان * و طلوع و غروب * و روشنی

وَ الْكُسُوفِ * فِي كُلِّ ذَلِكْ اَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ * وَ اِلَى اِرَادَتِهِ سَرِيعٌ *

و خسوف بر خلق آشکارا کرد * و در تمام این حالات تو فرمانبردار خدایی * و به اراده او می‌شتابی *

سُبْحَانَهُ * مَا ءَعْجَبَ مَا دَبَّرَ مِنْ اَمْرِكَ * وَ الْطَفَ مَا صَنَعَ فِي شَانِكَ

منزه است خدای که چگونه شگفت تدبیری در کار آفرینش تو کرد * و لطف و زیبایی صنع خویش را نمودار ساخت

* جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرِ حَادِثٍ لِاَمْرِ حَادِثٍ * فَاسْئَلِ اللّٰهَ رَبِّيَّ وَ رَبَّكَ *

* تو را کلید قفل بسته زمان و ظهورت را هر ماه نو برای تاریخ و تعیین حادثه نو قرار داد * پس ای ماه نو من از خدای ربی من *

وَ خَالِقِيَّ وَ خَالِقِكَ * وَ مُقَدِّرِيَّ وَ مُقَدِّرِكَ * وَ مُصَوِّرِيَّ وَ مُصَوِّرِكَ * اَنْ

و تو و آفریننده ما * و نظم و تقدیر فرمای امور ما * و صورت آفرین ما درخواست می‌کنم * که

يُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ ءَالِ مُحَمَّدٍ * وَ اَنْ يَّجْعَلَكَ هِلَالَ بَرَكَتٍ لَا تَمَحُّقُهَا

درود بر محمد و آلش فرستد * و تو را ماه با برکتی بر ما قرار دهد که آن برکت را روزگاران محو

الْاَيَّامِ * وَ طَهَارَةٍ لَا تَدْنِسُهَا الْاَثَامُ * هِلَالَ اَمْنٍ مِّنَ الْاَفَاتِ * وَ سَلَامَةٍ

نگرداند * و پاکی از آلایش عطا کند که دیگر هرگز آن را گناهان به پلیدی نیالاید * ماه ایمنی از آفات * و سلامتی از زشتی و

مِنَ السَّيِّئَاتِ * هِلَالَ سَعْدٍ لَا نَحْسَ فِيهِ * وَ يَمِّنٍ لَا نَكْدَ مَعَهُ * وَ يُسِّرَ

سیئات گرداند * ماه سعد و سعادت بی هیچ نحوست * ماه میمنت و مسرت بی هیچ رنج و زحمت مقرر فرماید * و همه کار را در این

لَا يَمَازِجُهُ * وَ عُسْرٍ * وَ خَيْرٍ لَا يَشُوْبُهُ * وَ شَرٍّ * هِلَالَ اَمْنٍ وَ اِيْمَانٍ * وَ نِعْمَةٍ

ماه بر ماه سهل و آسان * و بی هیچگونه سختی و مشقت و با خیر و بدون شر بگرداند * و در این ماه امن و ایمان * و نعمت

وَ اِحْسَانٍ * وَ سَلَامَةٍ وَ اِسْلَامٍ * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ ءَالِ مُحَمَّدٍ

و احسان * و سلامتی و تسلیم حکم یزدان نصیب ما گرداند * پروردگارا بر محمد و آلش درود فرست

وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ * وَأَزْكَى مَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ * وَأَسْعَدَ

* و ما را از بهترین کسان که ماه بر آنها طلوع می‌کند * و نیکوتر مردمان که به ماه می‌نگرند قرار ده * و سعادتمندتر کسی که

مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ * وَوَقَفْنَا اللَّهُمَّ فِيهِ لِطَاعَةِ وَالتَّوْبَةِ * وَاعْصِمْنَا

تو را در این ماه پرستش می‌کند گردان * و ای خدا به ما توفیق طاعت و توبه از گناهان عطا کن * و از خطا

فِيهِ مِنَ الْأَثَامِ وَالْحُوبَةِ * وَأَوْزَعْنَا فِيهِ شُكْرَ النِّعْمَةِ * وَالْبِسْنَا فِيهِ

و عصبان در آتیه محفوظ دار * و در این ماه به ما شکر نعمت خود بیاموز * و لباس عافیت

جُنَّ الْعَافِيَةِ * وَاتَّمَمْ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الْمُنَّةَ * إِنَّكَ

بیوشان * و به استكمال نفس در طاعتت نعمت را بر ما به حد کمال رسان * که تو

أَنْتَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ * وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ

نعمت بخش و ستوده صفاتی * و درود خدای بر محمد (ص) و آل پاکش باد

وَاجْعَلْ لَنَا فِيهِ عَوْنًا مِنْكَ عَلَى مَا نَدَبْتَنَا إِلَيْهِ مِنْ مُفْتَرَضِ طَاعَتِكَ

* و ای خدا تو بر آنچه از طاعتت ما را بر آن دعوت فرموده‌ای اعانت فرمای

وَ تَقَبَّلْهَا إِنَّكَ الْأَكْرَمُ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ * وَالْأَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ * ءَامِينَ

* و طاعت ما را بپذیر که تو کریمترین کریمانی * و مهربانترین مهربانان عالمی * فرمان تو را

ءَامِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤﴾ چهارم: مجامعت با حلال خود کند و این از خصوصیات این ماه است و الا

اجابت کردیم ای پروردگار عالمیان. *

در ماههای دیگر جماع در شب اول مکروه است. ﴿٥﴾ پنجم: غسل شب اول ماه کند و روایت شده که هر که در

شب اول ماه رمضان غسل کند خارش بدن به او نرسد تا ماه رمضان آینده. ﴿٦﴾ ششم: در نهر جاری غسل کند

و سی کف آب بر سر بریزد تا با طهارت معنوی باشد تا ماه رمضان آینده. ﴿٧﴾ هفتم: زیارت قبر امام حسین (علیه السلام)

کند تا گناهانش ریخته شود و ثواب حجّاج و معتمرین آن سال را دریابد. ﴿٨﴾ هشتم: از این شب ابتدا کند به

خواندن هزار رکعت نماز این ماه به نحوی که در آخر قسم دوم ذکر شد. ﴿٩﴾ نهم: دو رکعت نماز کند در این شب

در هر رکعت حمد و سوره انعام بخواند و سؤال کند که حق تعالی کفایت کند او را و نگاه دارد او را از آنچه می‌ترسد

و از دردها. ﴿١٠﴾ دهم: بخواند دعای **اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ** که در شب آخر ماه شعبان گذشت.

﴿١١﴾ یازدهم: بعد از نماز مغرب دستها را بلند کند و بخواند این دعاء وارده از حضرت جواد (علیه السلام) را که در اقبال است:

اللَّهُمَّ يَا مَنْ يَمْلِكُ التَّدْبِيرَ * وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * يَا مَنْ يَعْلَمُ

ای خدائی که تدبیر امور عالم * به دست قدرت اوست * و از اشاره به گوشه

خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ * وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ * وَتَجَنُّ الضَّمِيرُ * وَهُوَ اللَّطِيفُ

چشمها * و سر دلها * و راز درونها آگاه است * که او خدای لطیف دانای به تمام اسرار

الْخَبِيرُ * اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ نَوَى فَعَمِلَ * وَلَا تَجْعَلْنَا مِمَّنْ شَقِيَ

عالم است * ای خدا ما را از آن بندگان صالح گردان که چون نیت کنند در پی آن عمل نمایند * و از آنان که به کسالت

فَكَسَلَ * وَلَا مِمَّنْ هُوَ عَلَى غَيْرِ عَمَلٍ يَتَّكِلُ * اللَّهُمَّ صَحِّحْ أَسْوَائَنَا

محروم از سعادتند * و آنان که به کاری نکرده اعتماد کنند و پاداش خواهند مگردان * خدایا بدن ما را از امراض

مِنَ الْعِلَلِ * وَأَعِنَّا عَلَى مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا مِنَ الْعَمَلِ * حَتَّى يَنْقِضَى

سالم دار * و به ادای عملی که بر ما فرض کرده‌ای اعانت فرما * تا آنکه چون این ماه

عَنَا شَهْرُكَ هَذَا * وَقَدْ آدَيْنَا مَفْرُوضَكَ فِيهِ عَلَيْنَا * اللَّهُمَّ اعِنَّا عَلَى

منقضی شود * ما هم ادای واجبات تو را کرده باشیم * خدایا در این ماه ما را به روزه آن

صِيَامِهِ * وَوَفَّقْنَا لِقِيَامِهِ * وَنَشِطْنَا فِيهِ لِلصَّلَاةِ * وَلَا تَحْجِبْنَا مِنْ

باری کن * و برای قیام طاعت توفیق عطا فرما * و در نماز نشاط کرامت کن * و ما را از قرائت قرآن

الْقِرَاءَةِ * وَسَهِّلْ لَنَا فِيهِ آيَتَاءَ الزَّكَاةِ * اللَّهُمَّ لَا تَسْلُطْ عَلَيْنَا وَصَبًا

محجوب مساز * و در این ماه ما را بر ادای زکوة به آسانی موفق دار * ای خدا بر ما بیماری

وَلَا تَعَبًا وَلَا سَقَمًا وَلَا عَطْبًا * اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا الْإِفْطَارَ مِنْ رِزْقِكَ

و رنج و درد و هلاک را مسلط مگردان * ای خدا افطار ما را از رزق حلال خود روزی

الْحَلَالِ * اللَّهُمَّ سَهِّلْ لَنَا فِيهِ مَا قَسَمْتَهُ * وَمِنْ رِزْقِكَ * وَيَسِّرْ مَا قَدَرْتَهُ * وَ

گردان * ای خدا در این ماه رزقی که قسمت ما فرموده‌ای به آسانی برسان * و هر چه نصیب و تقدیر ما کرده‌ای

مِنْ أَمْرِكَ * وَاجْعَلْهُ حَلَالًا طَيِّبًا * نَقِيًّا مِنَ الْأَثَامِ * خَالِصًا مِنَ الْأَصَارِ

به امر خود سهل فرما * و حلال و دلپسند * و پاکیزه از ظلم و گناه * و خالص از خطا

وَالْأَجْرَامِ * اللَّهُمَّ لَا تَطْعِمْنَا إِلَّا طَيِّبًا غَيْرَ خَبِيثٍ وَلَا حَرَامٍ * وَاجْعَلْ

و زشتی گردان * ای خدا به ما طعامی پاک و نیکیو از سفره احسانت بخش نه حرام و پلید * و روزی

رِزْقَكَ لَنَا حَلَالًا لَا يَشُوبُهُ دَنَسٌ وَلَا أَسْقَامٌ * يَا مَنْ عِلْمُهُ بِالسَّرِّ

ما را رزق حلالی کن که هیچ ممزوج با ناپاکی و امراض نباشد * ای خدای که علمش به اسرار ظاهر

كَلِمَةٍ بِالْأَعْلَانِ * يَا مُتَفَضِّلًا عَلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ * يَا مَنْ هُوَ عَلَى

و امور باطن یکسان است * ای آنکه بر بندگان به فضل و کرم احسان می‌کنی * ای آنکه تو را بر همه

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * وَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ خَيْرٌ * أَلْهَمْنَا ذِكْرَكَ * وَ جَنَّبْنَا

کار عالم قدرت کامل است * و به همه امور آفرینش آگاهی * به ما یاد خود را الهام فرما * و از اموری که موجب سختگیری

عَسْرَكَ * وَ أَنْلْنَا يُسْرَكَ * وَ اهْدِنَا لِلرِّشَادِ * وَ وَفَّقْنَا لِلسَّدَادِ *

توست دور دار * و به آسانی‌ها موفق ساز * و ما را به راه رشاد هدایت فرما * و به کار درست توفیق عطا کن *

وَ اعْصِمْنَا مِنَ الْبَلَايَا * وَ صُنَّا مِنَ الْأَوْزَارِ وَ الْخَطَايَا * يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ

و از بلیه و گناهان محفوظ گردان * و از خطا و لغزشها نگاهدار * ای آنکه گناهان بزرگ را

عَظِيمَ الذُّنُوبِ غَيْرُهُ * وَ لَا يَكْشِفُ السُّوءَ إِلَّا هُوَ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

جز تو کسی نمی‌بخشد * و درد و غم و اندوه را جز تو کسی برطرف نمی‌گرداند * ای مهربانترین مهربانان عالم

* وَ أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ * وَ اجْعَلْ

* و بزرگوارترین کریمان * بر محمد و آل پاکش رحمت فرست * و روزه ما را

صِيَامَنَا مَقْبُولًا * وَ بِالْبِرِّ وَ التَّقْوَى مَوْصُولًا * وَ كَذَلِكَ فَاجْعَلْ سَعِينَا

مقبول ساز * و از اعمال نیکو و تقوای ما محسوب دار * و همچنین در طاعتت سعی ما بپذیر و پاداش

مَشْكُورًا * وَ قِيَامَنَا مَبْرُورًا * وَ قَرَأَانَا (وَقِرَاءَتَنَا) مَرْفُوعًا * وَ دُعَاءَنَا

عطا فرما * و قیام و نماز ما را پسندیده * و قرائت قرآن ما را به آسمان قبولت بالا بر * و دعای ما را

مَسْمُوعًا * وَ اهْدِنَا لِلْحُسْنَى (الْحُسْنَى) * وَ جَنَّبْنَا الْعُسْرَى * وَ يَسِّرْنَا

مستجاب فرما * و به هر کار نیکو ما را هدایت کن * و از سختیها دور ساز * و به آسانیها

لِلْيُسْرَى * وَ اَعْلِنَا الدَّرَجَاتِ * وَ ضَاعِفْنَا لَنَا الْحَسَنَاتِ * وَ اقْبَلْ

موفق دار * و ما را درجات و مقامات عالی عطا فرما * و بر حسنات ما بیفزای * و روزه و

مِنَّا الصَّوْمَ وَ الصَّلَاةَ * وَ اسْمَعْ مِنَّا الدَّعَوَاتِ * وَ اغْفِرْ لَنَا الْخَطِيئَاتِ

نماز ما را مقبول درگاهت بگردان * و دعاهاى ما مستجاب کن * و خطاهای ما ببخش

* وَ تَجَاوَزْ عَنَّا السَّيِّئَاتِ * وَ اجْعَلْنَا مِنَ الْعَامِلِينَ الْفَائِزِينَ *

* و از اعمال بد ما درگذر * و ما را از نیکوکاران و فیروزمندان قرار ده *

وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ * حَتَّى يَنْقُضَى شَهْرُ

و از غضب شدگان و گمراهان قرار مده * تا آنکه چون ماه رمضان

رَمَضَانَ عَنَا * وَقَدْ قَبِلْتَ فِيهِ صِيَامَنَا وَ قِيَامَنَا * وَ زَكَّيْتَ فِيهِ

درگذرد * نماز و روزه ما را پذیرفته * و اعمال ما را نیک و خالص

أَعْمَلَنَا * وَ غَفَرْتَ فِيهِ ذُنُوبَنَا * وَ أَجَزَلْتَ فِيهِ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ نَصَبْنَا

فرموده * و گناهانمان را آمرزیده باشی * و از هر خیر و سعادت بزرگترین قسمت به ما عطا فرمایی

* فَإِنَّكَ إِلَٰهَ الْمُجِيبِ * وَ الرَّبُّ الْقَرِيبُ (الرَّقِيبُ) * وَ أَنْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ

* که البته تنها تو خدای اجابت کننده * و پروردگار نگهبان خلق و نزدیک به بندگانی * و به تمام امور عالم محیط

مُحِيطٌ ﴿۱۲﴾ دوازدهم: بخواند در این شب این دعای مأثور از حضرت صادق (علیه السلام) را که در اقبال است:

هستی. *

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ * مُنَزَّلَ الْقُرْآنِ * هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي

بار خدایا تویی پروردگار ماه رمضان * فرو فرستنده قرآن * این ماه رمضان است که قرآن را

أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ * وَأَنْزَلْتَ فِيهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ

در آن نازل فرمودی * و در آن نشانه‌های روشن از هدایت و تمیز حق از باطل قرار دادی

* اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ * وَ أَعِنَّا عَلَى قِيَامِهِ * اللَّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنَا

* خدایا ما را روزه گرفتن در این ماه روزی فرما * و ما را بر قیام و نماز در آن یاری کن * بار خدایا این ماه را

وَ سَلِّمْنا فِيهِ * وَ تَسَلِّمْهُ مِنَّا فِي يَسْرٍ مِنكَ وَ مَعَاْفَاةٍ * وَ اجْعَلْ فِيْمَا

برای ما سالم دار * و ما را هم در آن سلامت بدار و بگیر از ما آن را در سلامتی و عافیت و مقرر فرمای * در قضا

تَقْضِي وَ تُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَمِمْ * وَ فِيْمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي

و قدرت که از آن گریزی نیست * و در آنچه جدا فرمایی در آن از امور حکیمانه

لَيْلَةِ الْقَدْرِ * مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَ لَا يُبَدَّلُ * أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ

در شب قدر * از قضایی که برگشت ندارد و تبدیل نپذیرد * اینکه بنویسی مرا

حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ * الْمَبْرُورِ حَجَّهُمْ * الْمَشْكُورِ سَعْيِهِمْ *

از حاجیان بیت الحرام * آنان که حجشان نیکو است * و سعیشان قدردانی شود *

الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ * الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ * وَ اجْعَلْ فِيْمَا تَقْضِي

و گناهانشان آمرزیده گردد * و بد کرداریشان جبران گردد * (و ای خدا) مقرر فرما

وَ تُقَدِّرُ * أَنْ تُطِيلَ لِي فِي عُمْرِي * وَ تَوْسِعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ ﴿۱۳﴾

در قضا و قدرت * برای من طول عمر * و فراخی بر من از روزی حلال. *

سیزدهم: بخواند دعای چهل و چهارم صحیفه کامله را. ﴿۱۴﴾ چهاردهم: بخواند: **اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا شَهْرٌ**

رَمَضَانَ، الخ که سید در اقبال نقل فرموده و بسیار طولانی است. ﴿۱۵﴾ پانزدهم: بخواند: **اللَّهُمَّ إِنَّهُ**

بار خدایا به درستی

قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ * اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ

که ماه مبارک رمضان فرا رسیده * بار خدایا تویی پروردگار ماه رمضان که نازل فرمودی در آن

الْقُرْآنَ * وَ جَعَلْتَهُ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ * اللَّهُمَّ فَبَارِكْ لَنَا

قرآن را * و قرار دادی آن را گواهیها بر هدایت و تمیز حق و باطل بار * خدایا ما را برکت ده

فِي شَهْرِ رَمَضَانَ * وَأَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَصَلَوَاتِهِ * وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا * رَوَيْتَ

در ماه رمضان * و به ما کمک و یاری فرمای در روزه و نماز آن * و بپذیر آن را از ما *

است که حضرت رسول (ﷺ) چون ماه رمضان داخل می شد این دعا را می خواند. ﴿۱۶﴾ شانزدهم: و نیز روایت

است که حضرت رسول (ﷺ) در شب اول ماه رمضان این دعا را می خواندند: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي**

سپاس خدای را که

أَكْرَمَنَا بِكَ أَيُّهَا الشَّهْرُ الْمُبَارَكُ * اللَّهُمَّ فَقُونَا عَلَى صِيَامِنَا وَقِيَامِنَا

ما را به تو گرمی داشت ای ماه مبارک * بار خدایا ما را به روزه ما در آن توانایی مرحمت فرما و هم در شب زنده داریش

*** وَثَبَّتْ أقدامَنَا * وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ * اللَّهُمَّ أَنْتَ**

* و قدمهای ما را ثابت و محکم دارد * و ما را پیروزی بخش بر قوم کافران * بار خدایا

الْوَاحِدُ فَلَا وَلَدَ لَكَ * وَأَنْتَ الصَّمَدُ فَلَا شِبْهَ لَكَ * وَأَنْتَ الْعَزِيزُ

تو یگانه ای و فرزندی نداری * و تو بی نیازی و مانندی نداری * و تو عزیز

فَلَا يُعْزِكَ شَيْءٌ * وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ * وَأَنْتَ الْمَوْلَى وَأَنَا الْعَبْدُ

و چیزی باعث عزت نباشد * و تویی غنی و منم درویش * و تویی مولا و منم بنده

*** وَأَنْتَ الْغَفُورُ وَأَنَا الْمُذْنِبُ * وَأَنْتَ الرَّحِيمُ وَأَنَا الْمُخْطِئُ ***

* و تویی آمرزنده و منم گناهکار * و تویی مهربان و منم خطاکار *

وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ * وَأَنْتَ الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ * أَسْأَلُكَ

و تویی آفریننده و منم آفریده شده * و تویی زنده و منم مرده * از تو درخواست می کنم

بِرَحْمَتِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي * وَتَجَاوَزَ عَنِّي * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

که به کرمت مرا بیامیزی و بر من ترحم فرمایی * و از من بگذری * زیرا که تو بر هر چیز قادر و

قَدِيرٌ ﴿۱۷﴾ هفدهم: در باب اول گذشت ذکر استحباب خواندن دعای جوشن کبیر در اول ماه رمضان. ﴿۱۸﴾

توانایی. *

هیجدهم: بخواند دعاء حجّ را که در اول ماه گذشت. ﴿۱۹﴾ نوزدهم: چون ماه رمضان شروع شود سزاوار است

تکثیر تلاوت قرآن و مروی است که حضرت صادق (علیه السلام) در وقت تلاوت قرآن قبل از قرائت این دعا را می خواندند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا كِتَابُكَ الْمُنَزَّلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلَى رَسُولِكَ *
 بار خدایا من گواهی می‌دهم که این کتاب توست که فرود آمده از نزد تو بر رسولت *

مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَكَلَامُكَ النَّاطِقُ عَلَى
 محمد بن عبد الله که درود خدا بر او و آلش باد * و سخن گویای توست

لِسَانَ نَبِيِّكَ * جَعَلْتَهُ وَهَادِيًا مِنْكَ إِلَى خَلْقِكَ * وَحَبْلًا مُتَّصِلًا فِيمَا
 به زبان پیغمبرت * که آن را راهنما از خود به سوی خلقت قرار دادی * و رشته پیوسته

بَيْنَكَ وَبَيْنَ عِبَادِكَ * اللَّهُمَّ إِنِّي نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَكِتَابَكَ * اللَّهُمَّ
 میان تو و بندگانت * خدایا من گشودم فرمان تو کتاب تو را * خدایا نگاه

فَأَجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ عِبَادَةً * وَقِرَاءَتِي فِيهِ فِكْرًا * وَفِكْرِي فِيهِ اِعْتِبَارًا
 مرا در آن عبادت * و خواندن مرا در آن از روی اندیشه * و فکرت و اندیشه مرا در آن عبرت‌آور قرار ده

* وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ اتَّعَظَ بِبَيَانِ مَوَاعِظِكَ فِيهِ * وَاجْتَنَبَ مَعَاصِيكَ
 * و مرا از آنان که به بیان مواظت تو پند گیرد قرار ده * و هم از آنان که از معاصی تو کناره نماید بگردان

* وَلَا تَطْبَعُ عِنْدَ قِرَاءَتِي عَلَى سَمْعِي * وَلَا تَجْعَلْ عَلَيَّ بَصْرِي غِشَاوَةً
 * و در هنگام قرائت و خواندنش بر گوشم مهر مزن * و بر چشمم پرده نگیر

* وَلَا تَجْعَلْ قِرَاءَتِي قِرَاءَةً لَا تَدْبُرُ فِيهَا * بَلْ اجْعَلْنِي اتْدَبُرُ آيَاتِهِ
 * و خواندن مرا بی تدبیر مگردان * بلکه مرا صاحب تدبیر و اندیشه در آیاتش

وَاحْكَامَهُ * وَاجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ غَفْلَةً *
 و احکامش قرار ده * که مقررات دینت را فرا گیرم * و نظر مرا در آن غفلت و بی‌خبری قرار مده

وَلَا قِرَاءَتِي هَذَا * إِنَّكَ أَنْتَ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ * و بعد از قرائت قرآن مجید این دعا

و قراتم را هدر و بی‌فایده مفرمای * زیرا که تو مهربان و با لطفی. *

رامی خوانند: **اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ قَرَأْتُ مَا قَضَيْتَ مِنْ كِتَابِكَ * الَّذِي أَنْزَلْتَهُ * و**

بار خدایا به درستی که من آنچه را که تقدیر فرموده بودی از کتابت خواندم * آن کتابی که

عَلَى نَبِيِّكَ الصَّادِقِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا * و

فرو فرستادی بر پیغمبر راستگویت که درود خدای بر او و آتش باد * پس سپاس تو راست پروردگار ما *

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُجِلُّ حَلَالَهُ * وَ يُجْرِمُ حَرَامَهُ * وَ يُؤْمِنُ بِمُحْكَمِهِ

خدایا مرا از آنان که حلالش را حلال * و حرامش را حرام دانند قرار ده * و هم از آنان که ایمان به محکم

وَ مُتَشَابِهِهِ * وَ اجْعَلْ لِي أَنْسًا فِي قَبْرِي * وَ أَنْسًا فِي حَشْرِي * وَ اجْعَلْنِي

و متشابه آن دارند بگردان * و قرار ده آن را انیس قبرم * و مونس در محشرم * و مرا از آنان که

مِمَّنْ تُرْقِيهِ (تُرْقِيهِ) بِكُلِّ آيَةٍ قَرَأَهَا دَرَجَةً فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ * آمِينَ رَبَّ

به هر آیه‌ای که بخوانند بالا روند درجه‌ای در اعلا علیین قرار ده * آمین ای پروردگار

الْعَالَمِينَ * روز اول: و در آن چند عمل است. ۱ اول: غسل کردن در آب جاری و ریختن سی کف

جهانیان. *

آب بر سر که باعث ایمنی از جمیع دردها و بیماریها است در تمام سال. ۲ دوم: کفی از گلاب بر رو بزند تا از

خواری و پریشانی نجات یابد و قدری هم بر سر خود بزند تا در آن سال از سرسام ایمن شود. ۳ سیّم: دو

رکعت نماز اول ماه و تصدّق را به عمل آورد. ۴ چهارم: دو رکعت نماز کند در رکعت اول، حمد و انا فتحنا

و در رکعت دوم حمد و هر سوره که خواهد بخواند تا حق تعالی جمیع بدیها را در آن سال از او دور گرداند و در

حفظ خدا باشد تا سال آینده. ۵ پنجم: بعد از طلوع فجر این دعا بخواند: **اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ**

بار خدایا ماه رمضان

شَهْرُ رَمَضَانَ * وَ قَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ * وَ أَنْزَلْتَ فِيهِ

فرا رسیده * و به تحقیق که تو روزه‌اش را بر ما واجب گردانیدی * و قرآن را در آن نازل

الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ * وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانَ * اللَّهُمَّ اعْنَا

فرمودی که آن راهنمای مردمان است * و نشانه‌های روشن از هدایت و تمیز حق و باطل * بار خدایا ما را

عَلَى صِيَامِهِ * وَ تَقَبَّلَهُ مِنَّا * وَ تَسَلَّمَهُ مِنَّا * وَ سَلَّمَهُ لَنَا فِي يَسْرِ

بر گرفتن روزه آن یاری کن * و از ما بپذیر * و بگیر از ما آن را در سلامتی * و برای ما سالم بدار در آسایش

مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٦﴾ ششم: بخواند دعاء چهل و چهارم

و عافیت از تو * به درستی که تو بر هر چیز توانایی. *

صحیفه کامله را اگر در شب نخوانده. ﴿٧﴾ هفتم: علامه مجلسی در زادالمعاد فرموده کلینی و شیخ طوسی و

دیگران به سند صحیح روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمود که: در ماه مبارک رمضان در اول

سال یعنی روز اول ماه چنانچه علماء فهمیده اند این دعا را بخوان، و فرمود که هر که این دعا را برای رضای خدا

و بی شائبه اغراض فاسده و ریا بخواند در آن سال به او نرسد فتنه و گمراهی و نه آفتی که ضرر رساند به دین او

یا بدن او و حق تعالی او را حفظ کند از شر آنچه در آن سال واقع می شود از بلاها. و دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ لَهُ وَ كُلُّ شَيْءٍ * وَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي

ای خدا از تو درخواست میکنم به حق آن نام تو که همه چیز او را مطیع است * و به حق رحمت بی منتهایت که همه

وَسَعَتْ كُلُّ شَيْءٍ * وَ بِعَظَمَتِكَ الَّتِي تَوَاضَعُ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ * وَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي

موجودات عالم را فرا گرفته است * و به حق بزرگی و عظمتت که همه چیز نزدش کوچک و متواضع است * و به عزتت که پیش آن

قَهَرَتْ كُلُّ شَيْءٍ * وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي خَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ * وَ بِجَبْرُوتِكَ الَّتِي

عزت همه مقهور و مغلوبند * و به قوت و قدرتت که همه نزد آن قدرت زبون و خاضعند * و به جلال و جبروتت که

غَلَبَتْ كُلُّ شَيْءٍ * وَ بِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ * يَا نُورَ يَا قُدُّوسَ

بر هر موجودی غالب و قاهر است * و به علم ازلیتت که بر همه عالم هستی محیط است * ای نور و ای قدوس

* يَا أَوَّلًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ * وَيَا بَاقِيًا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ * يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ

* ای اول پیش از هر چیز * و ای باقی بعد از هر چیز * ای خدا ای مهربان *

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَغَيَّرُ النَّعْمَ

بر محمد (ص) و آتش درود فرست * و آن گناهانم که نعمت ها را تغییر می دهد بیامرز *

وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَنْزِلُ النَّقْمَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ

و آن گناهانم که بر جانم رنج و عقوبت است بیخس * و هم آن گناهانم که رشته امیدم از تو قطع می کند

الرَّجَاءَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ

عفو کن * و هم آن گناهانم که دشمنان را برمی انگیزد بیامرز * و هم آن گناهانم که دعاهایم

الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي يُسْتَحَقُّ بِهَا نُزُولُ الْبَلَاءِ *

مردود می‌گرداند ببخش * و هم آن گناهانم که مرا مستحق نزول بلا می‌کند عفو فرما *

وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبَسُ غَيْثَ السَّمَاءِ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

و هم آن گناهان که باران آسمان رحمت را منع می‌کند بیامرز * و هم آن گناهان مرا که پرده از روی

تَكْشِفُ الْغَطَاءَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ * وَ اغْفِرْ لِي

کار زشتم برمی‌دارد ببخش * و هم آن گناهان مرا که بر فنا و نابودیم شتاب می‌کند ببخش * و هم آن گناهان مرا

الذُّنُوبَ الَّتِي تَوْرَثُ النَّدَمَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ *

که موجب پشیمانی است ببخش * و هم آن گناهان مرا که پرده عصمت را می‌برد بیامرز *

وَ الْبَسَنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ الَّتِي لَا تُرَامُ * وَ عَافِنِي مِنْ شَرِّ مَا أَحَازِرُ

و بر من جوشن محکم حفظ خود بیوشان * و مرا از شر و زیان هر چه در شب

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ * اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ

و روز آینده این سال ترسانم سلامت دار * ای خدای هفت آسمان

* وَ رَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ * وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ * وَ رَبَّ الْعَرْشِ

* و زمین * و هر چه در آنها و مابین آنها است * و خدای عرش

الْعَظِيمِ * وَ رَبَّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ * وَ رَبَّ إِسْرَافِيلَ

با عظمت * و خدای هفت دو گانه (سوره حمد) و قرآن بزرگ * و پروردگار اسرافیل

وَ مِيكَائِيلَ وَ جِبْرَائِيلَ * وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * سَيِّدِ

و میکائیل و جبرئیل * و خدای محمد که درود خدا بر او و آلش باد * که سید

الْمُرْسَلِينَ * وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * أَسْأَلُكَ بِكَ وَ بِمَا سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ

رسولان * و خاتم پیغمبران است * از تو درخواست می‌کنم به حق ذات اقدس و به آنچه تو خود را نام نهادی

يَا عَظِيمِ * أَنْتَ الَّذِي تَمَنَّيْتُ بِالْعَظِيمِ * وَ تَدْفَعُ كُلَّ مَحْذُورٍ * وَ تُعْطِي

ای خدای بزرگ * تویی که حق نعمت بزرگ بر بندگان داری * و هر خطری را از خلق دفع می‌کنی * و هر گونه

كُلَّ جَزِيلٍ * وَ تُضَاعِفُ (مِنْ) الْحَسَنَاتِ بِالْقَلِيلِ وَ بِالكَثِيرِ * وَ تَفْعَلُ

نعم بزرگ عطا می‌فرمایی * و حسنات را از کم و زیاد مضاعف می‌گردانی * و هر چه

مَا تَشَاءُ يَا قَدِيرٌ * يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ

بخواهی می‌کنی ای خدای با قدرت * ای خدای مهربان * بر محمد و آلش رحمت فرست

وَالْبَسْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ سِتْرَكَ * وَنَضِرْ وَجْهِي بِنُورِكَ *

* و مرا در آینده عمر لباس مستوری بپوشان * و رویم را به نور خود زیبا و نورانی گردان *

وَ احْبَبْنِي بِمَحَبَّتِكَ * وَ بَلِّغْنِي رِضْوَانَكَ وَ شَرِيفَ كِرَامَتِكَ * وَ جَسِيمَ

و به محبت خود مرا دوست و محبوب ساز * و به مقام رضا و رضوانت و شرف لطف و کرامتت * و عطای بزرگت

عَطِيَّتِكَ * وَ اعْطِنِي مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ * وَ مِنْ خَيْرِ مَا اَنْتَ مُعْطِيهِ

نایل فرما * و از بهتر آنچه نزد توست * و بهتر آنچه به احدی از خلق

اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ * وَ الْبَسْنِي مَعَ ذَلِكَ عَافِيَّتِكَ * يَا مَوْضِعَ كُلِّ

عطا می کنی مرا عطا کن * و با وجود این مرا لباس عافیتت بپوشان * ای محل هر شکوه

شَكْوَى * وَيَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى * وَيَا عَالَمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ * وَيَا دَافِعَ مَا

و هر درد دل * و ای آگاه از هر راز پنهان * و ای دانای هر سر پنهان * و ای برطرف کننده

تَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ * يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ * يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ * تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّةِ

هر بلا که خواهی از خلق * ای بخشنده با کرامت * ای نیکو درگذرنده * مرا بر ملت ابراهیم

اِبْرَاهِيمَ وَ فِطْرَتِهِ * وَ عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ سُنَّتِهِ

و فطرت توحید او بمیران * و بر دین حضرت محمد که درود خدا بر او و آتش باد و سنت سنیة او

* وَ عَلَى خَيْرِ الْوَفَاةِ * فَتَوَفَّنِي مُوَالِيًا لِاَوْلِيَائِكَ * وَ مُعَادِيًا لِاَعْدَائِكَ

* و با نیکوترین مرگ بمیران * که در آن حال مرگ دوستان تو را دوست دارم * و دشمنانت را دشمن باشم

* اَللّٰهُمَّ وَ جَنِّبْنِي فِي هَذِهِ السَّنَةِ كُلَّ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ يُّبَاعِدُنِي

* ای خدا و در این سال از هر عمل و قول و فعلی که مرا از تو دور سازد دور

مِنْكَ * وَ اجْلِبْنِي اِلَى كُلِّ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْكَ فِي هَذِهِ

گردان * و به سوی عملی و قول و فعلی که به تو نزدیک سازد همی

السَّنَةِ * يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * وَ اَمْنَعْنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ

کشان * ای مهربانترین مهربانان * و باز دار مرا از هر عملی و قولی و فعلی

يَكُونُ مِنِّي اَخَافُ ضَرَرَ عَاقِبَتِهِ * وَ اَخَافُ مَقْتَكَ اَيَّامِي عَلَيْهِ * حِذَارَ

که از زیان عاقبتش بترسم * و یا ترسم که از خشم و غضب

اَنْ تَصْرَفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي * فَاسْتَوْجِبْ بِهِ نَقْصًا مِنْ حَظِّي لِي

روی از من بگردانی * و مستوجب آن شوم که حظم نزد تو ناقص و بهره ام اندک

عِنْدَكَ يَا رَعُوفٌ يَا رَحِيمٌ * اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ فِي

گردد ای خدای رؤوف ای مهربان * ای خدای مرا در این سال آینده در حفظ خود

حِفْظِكَ * وَفِي جِوَارِكَ وَفِي كَنْفِكَ * وَجَلِّئِنِي سِتْرَ عَافِيَتِكَ * وَهَبْ

* و در جوار خویش بدار و در حمایت خود قرار ده * و زشتکاریم در پرده عافیتت کاملا بپوشان * و کرامت و رحمت نامنتهایت

لِي كِرَامَتِكَ * عَزِّ جَارِكَ * وَجَلِّ ثَنَائِكَ * وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ * اللَّهُمَّ

به من عطا فرما * که هر که در جوار توست عزیز است * و ثنا و ستایشت بزرگ * و جز تو در عالم هستی خدایی نیست * ای

اجْعَلْنِي تَابِعًا لِصَاحِبِي مَنْ مَضَى مِنْ أَوْلِيَائِكَ * وَالْحَقْنِي بِهِمْ *

خدا مرا پیرو صالحان پیشین که دوستانان تو بودند قرار ده * و به آنان ملحق کن *

وَاجْعَلْنِي مُسْلِمًا لِمَنْ قَالَ بِالصِّدْقِ عَلَيْكَ مِنْهُمْ * وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ

و تسلیم آنان که درباره تو سخن به صدق و حقیقت گویند گردان * و به تو پناه می‌برم

(يَا إِلَهِي) أَنْ تُحَيِّطَ بِي خَطِيئَتِي وَظُلْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي * وَاتَّبَاعِي

ای خدا از آنکه ظلم و اسرافم به نفس خود * و پیروی

لِهَوَايَ * وَاشْتِغَالِي بِشَهَوَاتِي * فَيَحُولُ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ

هوی * و مشغولی به شهوات بر من احاطه کند * و حایل شود آن میان من و رحمت تو

وَرِضْوَانِكَ * فَأَكُونُ مَنَسِيًّا عِنْدَكَ * مُتَعَرِّضًا لِسَخِطِكَ وَنِقْمَتِكَ

و رضوان تو * پس باشم فراموش شده نزد تو * و به خشم و غضب و انتقامت متعرض شوی

* اللَّهُمَّ وَفِقْنِي لِكُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَاهُ بِي عَنْيَ * وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى

* ای خدا بر هر عمل صالح که به آن از من خوشنود شوی مرا موفق دار * و مرا به خود نزدیک ساز

* اللَّهُمَّ كَمَا كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَوْلَ عَدُوِّهِ

* ای خدا چنانکه پیغمبرت محمد که درود خدا بر او و آتش باد را از هول دشمنان کفایت فرمودی

* وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ * وَكَشَفْتَ غَمَّهُ * (كَرْبَهُ) * وَصَدَقْتَهُ * وَعَدَدَكَ *

* و حزن * و غمش برطرف نمودی * و وعده نصرتت را بر او انجام دادی *

وَانْجَزْتَ لَهُ * وَعَهْدَكَ * اللَّهُمَّ فَبِذَلِكَ فَكْفَنِي هَوْلَ هَذِهِ السَّنَةِ *

و عهدهت را وفا کردی * ای خدا مرا از حوادث هولناک این سال *

وَءَافَاتِهَا وَاسْقَامَها * وَفِتْنَتِهَا وَشُرُورِها * وَأَحْزَانِها وَضِيقَ

و درد و رنج و آفتهای آن * و شرور و فتنه‌ها * و غم و اندوه‌های آن و سختی معیشت

الْمَعِاشِ فِيهَا * وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ الْعَافِيَةِ * بِتَمَامِ دَوَامِ النِّعْمَةِ

در این سال محفوظ دار * و به لطف و رحمت مرا به کمال عافیت و آسایش * با تمام نعمت و دوام آن

عِنْدِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي * أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ أَسَاءَ وَظَلَمَ وَاسْتَكَانَ

تا ساعت آخر عمر برخوردار ساز * ای خدا از تو درخواست می‌کنم در خواست کسی که بر خود ستم کرده و با ذلت و خواری و اعتراف

وَاعْتَرَفَ * وَاسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضَى مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي حَصَرْتَهَا

به گناهان به درگاهت روی آورده * و درخواست می‌کنم که از تمام گناهان گذشته‌ام که در نامه عملم فرشتگان با تمام

حَفَظْتِكَ * وَاحْصَتَهَا كِرَامٌ مَلَائِكَتِكَ عَلَيَّ * وَ أَنْ تَعْصِمَنِي إِلَهِي

خصوصیت محفوظ داشته‌اند * و ملائکه با کرم تو بر من به شمار آورده‌اند از همه درگذری * و در آنچه

(اللَّهُمَّ) مِنَ الذُّنُوبِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي * يَا اللَّهُ يَا

از عمرم باقی است تا ساعت آخر مرا از گناهان نگاه داری * ای خدا ای

رَحْمَنُ يَا رَحِيمٌ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ * وَ ءَاتِنِي كُلَّ

بخشنده ای مهربان * بر محمد (ص) و آلش رحمت فرست * و مرا در آنچه درخواست کردم

مَا سَأَلْتُكَ وَ رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ * فَإِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالْدُعَاءِ * وَ تَكَفَّلْتَ

و در آن به تو راغب و امیدوار بودم همه را عطا فرما * زیرا تو به دعا و درخواست مرا امر فرمودی * و اجابت دعایم را

لِي بِالْإِجَابَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * فقیر گوید که سید این دعا را در شب اول ماه ذکر فرموده.

بر خویش فرض کردی * ای مهربانترین مهربانان عالم. *

🌸 **روز ششم:** سینه دو بیست و یک مردم بیعت کردند با حضرت امام رضا (علیه السلام) و سید روایت کرده که برای

شکرانه این نعمت دو رکعت نماز در این روز بگذارند، در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه توحید بخوانند.

🌸 **شب سیزدهم:** اول لیالی بیض است و در آن سه عمل است. ۱) اول: غسل. ۲) دوم: چهار رکعت

نماز، در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید. ۳) سیّم: دو رکعت نماز که در شب سیزدهم رجب و

شعبان نیز خوانده می‌شود، در هر رکعت بعد از حمد، **يُسُّ وَ تَبَارَكَ الْمَلِكُ** و توحید بخواند 🌸 و در **شب**

چهاردهم: این نماز خوانده می‌شود به چهار رکعت به دو سلام. و در سابق در شرح دعای مجیر گذشت که هر

که آن را در ایام البیض ماه رمضان بخواند گناهانش آمرزیده شود اگرچه به عدد قطرات باران و برگ درختان و

ریگ بیابان باشد. 🌸 **شب پانزدهم:** از لیالی متبرکه است و در آن چند عمل است. ۱) اول: غسل. ۲)

دوم: زیارت امام حسین (علیه السلام). **۳** سیّم: شش رکعت نماز به حمد و یس و تبارک و توحید. **۴** چهارم: صد رکعت نماز، در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید بخواند. شیخ مفید در مقنعه از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت کرده که هر که این عمل را به جا آورد حق تعالی بفرستد به سوی او ده ملائکه که دفع کنند از او دشمنان او را از جنّ و انس و بفرستند سی فرشته نزد مَوْتِ او که او را ایمن کنند از آتش. **۵** پنجم: روایت شده که از حضرت صادق (علیه السلام) سؤال کردند که چه می فرمائی در حق کسی که حاضر شود نزد قبر حسین (علیه السلام) در شب نیمه ماه رمضان؟ فرمود: به به. کسی که نماز گذارد نزد قبر آن حضرت در شب نیمه ماه رمضان ده رکعت بعد از نماز عشاء و این نماز غیر از نافله شب باشد و بخواند در هر رکعت بعد از حمد، **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** ده مرتبه و پناه ببرد به خداوند تعالی از آتش جهنّم، حق تعالی او را آزاد از آتش ثبت فرماید و از دنیا نبرد تا در خواب به بیند ملائکه ای که بشارت دهند او را به بهشت و ملائکه ای که ایمن گردانند او را از آتش. **روز نیمه: سنه دوم** ولادت باسعادت حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) واقع شد. و شیخ مفید فرموده که تولّد امام محمد تقی (علیه السلام) در سنه صد و پنج در این روز بوده لکن مشهور در غیر این روز است، به هر حال روز بسیار شریفی است و صدقات و مَبْرَآت در آن فضیلت بسیار دارد. **شب هفدهم:** شب بسیار مبارکی است و در آن شب لشکر حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) با لشکر کَفَّارِ قریش ملاقات کردند در بدر و در روزش جنگ بدر واقع شد و حق تعالی لشکر آن حضرت را بر مشرکین ظفر داد و آن اعظم فتوحات اسلام بود لهذا علماء فرموده اند که: در آن روز مستحب است صدقه و شکر خدا بسیار نمودن و غسل و عبادت در شبش نیز فضیلت عظیم دارد. * مؤلف گوید که: روایات بسیار وارد شده که در آن شب بَدْر حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) با اصحاب فرمود: کیست امشب برای ما برود از چاه آب بکشد بیاورد؟ اصحاب سُکوت کردند و هیچکدام اقدام بر این کار نکردند، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) مشکى برداشت به طلب آب بیرون رفت و آن شب شبی بود سرد و باد می آمد و ظلمت داشت، پس رسید به چاه آب و آن چاهی بود بسیار گود و تاریک و آن حضرت دَلْوِی نیافت تا از چاه آب کشد لاجرم به چاه پایین رفت و مشک را پر کرد و بیرون آمد، رو کرد به آمدن که ناگاه باد سختی برخورد به آن حضرت که آن جناب از سختی آن نشست تا برطرف شد پس برخاست و حرکت فرمود که ناگاه باد سختی دیگر مانند آن آمد، آن حضرت

نشست تا او نیز رَدَّ شد دیگر باره برخاست برود. مرتبه سیم نیز همان نحو بادی رسید و آن حضرت نشست و چون رَدَّ شد برخاست و خود را به حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسانید. حضرت پرسید که: یا ابا الحسن برای چه دیر آمدی؟ عرض کرد که: سه مرتبه بادی به من رسید که بسیار سخت بود و مرا لرزه فرا گرفت و مکثم به جهت برطرف شدن آن باها بود. فرمود: آیا دانستی آنها چه بود یا علی؟ عرض کرد: نه، فرمود: آن اول جبرئیل بود با هزار فرشته که بر تو سلام کرد و سلام کردند و دیگری میکائیل بود با هزار فرشته که بر تو سلام کرد و سلام کردند و پس از آن اسرافیل بود با هزار ملائکه که سلام کرد بر تو و سلام کردند و اینها فرود آمدند به جهت مَدَدِ ما.

* فقیر گوید که: اشاره به همین است قول آن کسی که گفته که از برای امیر المؤمنین (علیه السلام) در یک شب سه هزار و سه منقبت بوده * و اشاره به همین نموده سید حمیری در شعر خود در مدح آن حضرت:

وَ الْمَرْءُ عَمَّا قَالَ مَسْئُولٌ

و مرد از هر چه بگوید مسئول است

أَقْسِمُ بِاللَّهِ وَ وَالِائِهِ

سوگند می‌خورم به خدا و نعمتهای او

عَلَى التَّقَى وَالْبِرِّ مَجْبُولٌ

بر پرهیزکاری و نیکی سرشته شده است

إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ

به درستی که علی بن ابی طالب

وَ أَحْجَمَتْ عَنْهَا الْبَهَائِلُ

و بزرگان و پردلان از ترس جنگ فرار کنند

كَانَ إِذَا الْحَرْبُ مَرَّتْهَا الْقَنَا

چون آتش جنگ به واسطه نیزه‌ها برافروخته شود

أَبْيَضَ مَاضِي الْحَدِّ مَصْقُولٌ

شمشیر تیز صیقلی شده

يَمْشِي إِلَى الْقِرْنِ وَ فِي كَفِّهِ

علی می‌رود به طرف حریف خود و در دست اوست

أَبْرَزَهُ لِلْقَنْصِ الْغَيْلُ

که آنها را برای شکار کردن بیرون کرده باشند

مَشَى الْعَفْرُنَا بَيْنَ أَشْبَالِهِ

مانند راه رفتن شیر در میان بچه‌های خود

عَلَيْهِ مِيكَالٌ وَ جَبْرِيلُ

بر او میکائیل و جبرئیل

ذَاكَ الَّذِي سَلَّمَ فِي لَيْلَةٍ

و علی آن کس است که سلام کرد در یک شب

أَلْفٍ وَ يَتْلُوهُمْ سَرَّافِيلُ

و در دنبال آنها اسرافیل با هزار فرشته

مِيكَالٌ فِي أَلْفٍ وَ جَبْرِيلُ فِي

میکائیل و جبرئیل با هزار فرشته

كَانَهُمْ طَيْرٌ أَبَابِيلُ

شده بودند گویا آنها مرغهای دسته دسته بودند

لَيْلَةٍ بَدْرٌ مَدَدًا أَنْزَلُوا

در شب بدر برای کمک و یاری پیغمبر اکرم نازل

شب نوزدهم: اول شبهای قدر است و شب قدر همان شبی است که در تمام سال شبی به خوبی و فضیلت آن نمی‌رسد و عمل در آن بهتر است از عمل در هزار ماه و در آن شب تقدیر امور سال می‌شود و ملائکه و روح که اعظم ملائکه است در آن شب به اذن پروردگار به زمین نازل می‌شوند و به خدمت امام زمان (علیه السلام) مشرف می‌شوند و آنچه برای هرکس مقدر شده است بر امام زمان (علیه السلام) عرض می‌کنند و اعمال شبهای قدر بر دو نوع است. یکی آنکه در هر سه شب باید کرد و دیگر آنکه مخصوص است به هر شبی. **اما اول:** پس آن چند چیز است: **۱** اول: غسل است. علامه مجلسی (رحمته الله) فرموده که غسل این شبها را مقارن غروب آفتاب کردن بهتر است که نماز شام را با غسل بکند. **۲** دوم: دو رکعت نماز است در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه توحید بخواند و بعد از فراغ هفتاد مرتبه **اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ** بگوید. در روایت نبوی (ص) است که از جای خود برنخیزد تا حق تعالی او را و پدر و مادرش را بیامزد (الخبر). **۳** سیّم: قرآن مجید را بگشاید و بگذارد در مقابل خود و بگوید:

اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَمَا فِيهِ * وَ فِيهِ اسْمُكَ

بار خدایا من از تو درخواست می‌کنم به کتاب نازل شده تو و به حق آنچه در آن است * و در آن

الْاَكْبَرُ * وَ اَسْمَاؤُكَ الْحُسْنٰى * وَ مَا يَخَافُ وَيَرْجٰى * اَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ

نام بزرگ * و نامهای نیکوی توست * و آنچه بیم و امید است * که مرا از آزادشدگان

عُقَاتِكَ مِنَ النَّارِ پس هر حاجت که دارد بخواند. **۴** چهارم: آنکه موصّف شریف را بگیرد

خود از آتش قرار دهی. *

و بر سر بگذارد و بگوید: **اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ * وَ بِحَقِّ مَنْ اَرْسَلْتَهُ بِهِ ***

خدایا به حق این قرآن * و به حق کسی که به او فرستادی آن را *

وَ بِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيهِ * وَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ * فَلَا اَحَدًا اَعْرِفُ

و به حق هر مؤمنی که در آن او را ستودی * و به حق تو بر آنها * که احدی شناساتر

بِحَقِّكَ مِنْكَ * پس ده مرتبه بگوید: **بِكَ يَا اللهُ *** و ده مرتبه: **بِمُحَمَّدٍ *** و ده مرتبه:

به حق تو از خودت نیست * به حق تو ای خداوند * به حق محمد *

بِعَلِيٍّ * و ده مرتبه: **بِفَاطِمَةَ *** و ده مرتبه: **بِالْحَسَنِ *** و ده مرتبه: **بِالْحُسَيْنِ *** و ده مرتبه:

به حق علی * به حق فاطمه * به حق حسن * به حق حسین *

بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ * وده مرتبه: بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ * وده مرتبه: بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ *
 به حق علی بن الحسین * به حق محمد بن علی * به حق جعفر بن محمد *

* وده مرتبه: بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ * وده مرتبه: بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى * وده مرتبه: بِمُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ *
 به حق موسی بن جعفر * به حق علی بن موسی * به حق محمد بن جعفر *

بِنِ عَالِيٍّ * وده مرتبه: بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ * وده مرتبه: بِأَحْسَنِ بْنِ عَلِيٍّ * وده مرتبه: بِعَلِيٍّ *
 به حق علی بن محمد * به حق علی بن محمد * به حق حسن بن علی *

بِالْحُجَّةِ * پس هر حاجت که داری طلب کن. ﴿۵﴾ پنجم: زیارت کند امام حسین (علیه السلام) را، در خیر است
 به حق حضرت حجت *

که چون شب قدر می شود منادی از آسمان هفتم ندا می کند از بطنان عرش که حق تعالی آمرزیده هر که را

که به زیارت قبر حسین (علیه السلام) آمده. ﴿۶﴾ ششم: احیا بدارد این شبها را. همانا روایت شده هر که احیا کند شب

قدر را، گناهان او آمرزیده شود هر چند به عدد ستارگان آسمان و سنگینی کوهها و کیل دریاها باشد. ﴿۷﴾

هفتم: صد رکعت نماز کند که فضیلت بسیار دارد و افضل آن است که در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید

بخواند. ﴿۸﴾ هشتم: بخواند: اللَّهُمَّ اِنِّي اَمْسَيْتُ لَكَ عَبْدًا دَاخِرًا * لَا اَمْلِكُ
 بار خدایا من شام کردم بنده ای آستان بوست * که مالک

لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا * وَلَا اَصْرَفُ عَنْهَا سُوءًا * اَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلِيًّا
 سود و زیانی نیستم * و نتوانم از خود بدی را بگردانم * بدان بر خود گواهی

نَفْسِي * وَ اَعْتَرَفُ لَكَ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَ قَلَّةِ حِيلَتِي * فَصَلِّ عَلِيًّا مُحَمَّدًا
 می‌دهم * و به آستان تو به ناتوانی و بیچارگی خود اعتراف می‌کنم * پس بر محمد (ص) و

وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ اَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ
 آل محمد (ع) درود فرست * و به من و همه مؤمنین و مؤمنات آنچه از آمرزش

مِنَ الْمَغْفِرَةِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ * وَ اَتِمِّمْ عَلَيَّ مَا اَتَيْتَنِي * فَاِنِّي عَبْدُكَ
 در این شب وعده فرمودی وفا کن * و آنچه بر من مرحمت فرمودی تمام و کمال گردان * زیرا که من بنده

الْمَسْكِينِ الْمُسْتَكِينِ الضَّعِيفِ الْفَقِيرِ الْمَهِينِ * اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي

مسکین و مستمند و ناتوان و درویش و خوار توام * بار خدایا مرا از بیادت فراموش کار

نَاسِيًا لِّذِكْرِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي * وَلَا (غَافِلًا) لِأِحْسَانِكَ فِيمَا أَعْطَيْتَنِي *

مگردان در آنچه به من عطا کردی * و نه از احسانت در آنچه به من دادی *

وَلَا أَيْسًا مِنْ إِبْطَاتِكَ * وَإِنْ أَبْطَأْتُ عَنِّي فِي سَرَاءٍ (كُنْتُ) أَوْ ضَرَاءٍ *

و نه نومید از اجابتت * و اگر چه کندی باشد بر من در نمان باشم یا در زیان *

أَوْ شِدَّةٍ أَوْ رَخَاءٍ * أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ بَلَاءٍ * أَوْ بُؤْسٍ أَوْ نِعْمَاءٍ * إِنَّكَ سَمِيعٌ

یا سختی یا آسایش * یا عافیت یا بلاء * یا در تنگی یا در نعمت * به درستی که تو

الدُّعَاءُ * و این دعا را کفعمی از امام زین العابدین (علیه السلام) روایت کرده که در این شبهای خوانده در حال

شنوای دعایی. *

قیام و قعود و رکوع و سجود. * و علامه مجلسی (رحمته الله) فرموده که بهترین اعمال در این شبهای، طلب آمرزش و دعا برای

مطالب دنیا و آخرت خود و پدر و مادر و خویشان خود و برادران مؤمن زنده و مرده ایشان است و اذکار و صلوات

بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) آنچه مقدور شود * و در بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در این

سه شب بخوانند. فقیر گوید که: دعای جوشن در سابق گذشت. * و روایت شده که خدمت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله)

عرض شد که اگر من درک کنم شب قدر را چه از خداوند خود بخواهم؟ فرمود: عافیت را. و اما **دویم**: یعنی

اعمال مخصوصه این شبهای. پس اعمال شب نوزدهم چند چیز است. **۱** اول: صد مرتبه: **أَسْتَغْفِرُ**

از خداوند پروردگارم

اللَّهِ رَبِّي وَآتُوبُ إِلَيْهِ **۲** دویم: صد مرتبه: **اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ**

آمرزش می خواهم و از گناه به سوی او باز می گردم * بار خدایا بر قاتلان امیرالمومنین لعنت فرست *

۳ سیم: بخواند دعای **يَا ذَا الَّذِي كَانَ رَاكِعًا فِي رِجْلِ النَّبِيِّ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ** **اللَّهُمَّ**

بار خدایا

اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَمِومِ * وَفِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ

مقرر فرما در قضا و قدرت از امر حتمی که (کسی را از آن گریزی نیست و) * در آنچه جدا کنی

الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَفِي الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَلَا يُبَدِّلُ * أَنْ

از امور حکیمانه در شب قدر * و در قضایی که تغییر نمی کند و رد و بدل نمی شود * که

تَكْتُبُنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ * الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ * الْمَشْكُورِ

بنویسی مرا از حاجیان بیت الحرامت * آنان که حشاش قبول * و کوشش آنان

سَعِيهِمْ * الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ * الْمُكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ * وَاجْعَلْ فِيمَا

قدرانی شود * و آمرزیده گردد گناهانشان * و جبران شود بدکرداریهایشان * و مقرر فرما

تَقْضَى وَتَقْدِرُ * أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي * وَتُوسِعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي * وَتَفْعَلَ بِي

در آنچه قضا و قدر داری * که دراز باشد عمرم * و فراخ کنی بر من روزیم را * و بفرمایی

كَذَا وَكَذَا * و به جای این کلمه حاجت خود را ذکر کند. * و شب بیست و یکم: فضیلتش زیادتر از

با من چنین و چنان. *

شب نوزدهم است و باید اعمال آن شب را از غسل و احیاء و زیارت و نماز هفت قل هو الله و قرآن بر سر

گرفتن و صد رکعت نماز و دعای جوشن کبیر و غیرها در این شب به عمل آورد و در روایات تأکید شده در غسل و

احیاء و جدّ و جهد در عبادت در این شب و شب بیست و سیّم. * و آنکه شب قدر یکی از این دو شب است و در چند

روایت است که از معصوم سؤال کردند که معین فرمایید که شب قدر کدامیک از این دو شب است؟ تعیین نکردند

بلکه فرمودند: مَا أَيْسَرُ لَيْلَتَيْنِ فِيمَا تَطْلُبُ يَا آنکه فرمودند: مَا عَلَيْكَ أَنْ تَفْعَلَ

چقدر مناسب است هر دو شب برای آنچه می خواهی چه شود که تو کار نیک را

خَيْرًا فِي لَيْلَتَيْنِ وَنَحْوِ ذَلِكَ * وَقَالَ شَيْخُنَا الصَّدُوقُ فِيمَا أَمَلِي عَلَى

انجام دهی در هر دو شب و چیزهایی امثال این. شیخ ما صدوق نظر شیعه را فرمود

الْمَشَايِخِ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ مِنْ مَذْهَبِ الْإِمَامِيَّةِ * وَ مِنْ أَحْيِي هَاتَيْنِ

در آنچه دیکته کرده بر بزرگان در یک مجلسی * و فرمودند هر کسی این دو شب را

اللَّيْلَتَيْنِ بِمُذَاكِرَةِ الْعِلْمِ فَهُوَ أَفْضَلُ * و بالجمله از این شب شروع کند به دعاهای

به گفتگوی مسائل علمی زنده بدارد، آن بهتر است. *

شبهای دهه آخر که از جمله این دعا است که شیخ کلینی در کافی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود:

مِي گویی در دهه آخر ماه رمضان در هر شب: اَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ * أَنْ يَنْقُضِي

پناه می برم به جلال وجه کریمت * که ماه رمضان

عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ * أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ * وَلَكَ قَبْلِي ذَنْبٌ

از من بگذرد * یا سپیده دم این شب بر من بر آید * و از برای تو در ذمه من پیگرد یا

أَوْ تَبَعَةٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ * و کفعمی در حاشیه بلد الامین نقل کرده که حضرت صادق (علیه السلام) در هر

گناهی باقی ماند که بدان عذابم فرمایی. *

شب از دهه آخر بعد از فریاض و نوافل می خواند: **اللَّهُمَّ اِدِّعْنَا حَقَّ مَا مَضَى مِنْ شَهْرِ**

بار خدایا ادا کن از بهر ما حق آنچه گذشته از

رَمَضَانَ * وَ اغْفِرْ لَنَا تَقْصِيرَنَا فِيهِ * وَ تَسَلَّمَهُ مِنَّا مَقْبُولًا * وَ لَا

ماه رمضان * و بیامرز تقصیر ما را در آن * و بگیر آن را از ما پذیرفته و مقبول * و مؤاخذه

تَوَاخِذَنَا بِاسْرَافِنَا عَلَى انْفُسِنَا * وَ اجْعَلْنَا مِنَ الْمَرْحُومِينَ * وَ لَا

مکن ما را به اسراف ما بر نفسهامان * و ما را از رحمت شدگان مقرر فرما * و ما

تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَحْرُومِينَ * و فرمود هر که بگوید این را بیامرزد حق تعالی تقصیری که از او سرزده

را از محرومان مگردان. *

در ایام گذشته از ماه رمضان و نگه دارد او را از معاصی در بقیه ماه * و از جمله سید بن طاوس در اقبال از ابن ابی

عُمَيْرٍ از مَازِم نقل کرده که حضرت صادق (علیه السلام) در هر شب از دهه آخر می خواند: **اللَّهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِي**

ای خدا تو که در کتاب

كِتَابِكَ الْمَنْزِلَ * شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي اَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ * هُدًى لِلنَّاسِ

آسمانی خود فرمودی * ماه رمضان ماهی است که قرآن برای هدایت مردم * و حجت

وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ * فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ بِمَا

و برهان و فرق میان حق و باطل نازل گردید * پس احترام این ماه را به واسطه نزول قرآن

اَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ * وَ خَصَّصْتَهُ بِبَلِيَّةِ الْقَدْرِ * وَ جَعَلْتَهَا خَيْرًا

به عظمتت یاد کردی * و شب قدر را به آن مخصوص فرمودی * و مقام آن شب را

مِنَ الْاَلْفِ شَهْرٍ * اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ اَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدْ اِنْقَضَتْ * وَ لِيَا لِيَه

بهتر از هزار ماه قرار دادی * ای خدا اینک روزهای ماه رمضان منقضی می شود * و شبهای آن

قَدْ تَصَرَّمَتْ * وَ قَدْ صَرَّتْ يَا اَلٰهِي مِنْهُ اِلَى مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي *

در می گذرد * و حال مرا چگونه در این ماه گذشت تو بهتر از من می دانی *

و أَحْصَى لِعَدَدِهِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ * فَاسْأَلْكَ بِمَا سَأَلْتَكَ بِهِ

و به شمار اعمالم از همه خلق آگاه تری * پس من از تو درخواست می‌کنم

مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبُونَ * وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلُونَ * وَ عِبَادَكَ الصَّالِحُونَ

به آنچه ملائکه مقرب * و پیمبران مرسل * و بندگان شایسته تو از تو درخواست کردند

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تَفْكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

* که بر محمد و آل محمد رحمت فرستی * و مرا هم گردن از زنجیر آتش دوزخ برهان *

وَ تَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ * وَ أَنْ تَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَ كَرَمِكَ

و به بهشت رحمتت به کرم داخل گردان * و بر من به عفو و کرمت تفضل فرما *

وَ تَتَقَبَّلَ تَقَرُّبِي * وَ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي * وَ تَمَنَّ عَلَيَّ (الَّتِي) بِالْأَمْنِ يَوْمَ

و تقرب و توسل را به درگاهت بپذیر * و دعایم را مستجاب کن * و در آن روز سخت بر خوف و هراس قیامت

الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ أَعَدَدْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ * اللَّهُمَّ * وَ أَعُوذُ بِوَجْهِكَ

مرا از هول وحشت که در آن روز سخت بر بدکاران مهیا ساخته‌ای منت گذار و ایمن گردان * و من به ذات

الْكَرِيمِ * وَ بِجَلَالِكَ الْعَظِيمِ * أَنْ يَنْقُضِيَ أَيَّامَ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ لِيَالِيهِ

بزرگواری * و به جلال عظمتت پناه می‌برم * که روز و شبهای ماه مبارک بگذرد *

وَ لَكَ قَبْلِي تَبَعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تَوَّأَخِذْنِي بِهِ * أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تَقْتَصَّهَا

و هنوز بر من از عصیان جرم و گناهی باقی باشد که مرا به آن گناه مؤاخذه کنی * یا خطایی کرده باشم

مَنِّي * لَمْ تَغْفِرْهَا لِي * سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي * أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا

که نبخشی * و خواهی که از من انتقام آن کشی * ای سید و مولای من ای آقای من * از تو ای خدایی که جز تو در عالم هستی

أَنْتَ * إِذْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * إِنْ كُنْتَ رَضِيتَ عَنِّي فِي هَذَا الشَّهْرِ

خدایی نیست مسألت می‌کنم * به حق اینکه یگانه و بی‌شریکی * که اگر در این ماه از من راضی شده‌ای *

فَارْزُدْ عَنِّي رِضًا * وَ إِنْ لَمْ تَكُنْ رَضِيتَ عَنِّي * فَمِنَ الْآنَ فَارْضَ عَنِّي

بر رضا و خوشنودیت بیفزای * و اگر تا حال از من راضی نشده‌ای * پس همین ساعت از من راضی شو

* يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * يَا اللَّهُ يَا أَحَدًا يَا صَمَدًا * يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ

* ای مهربانترین مهربانان عالم * ای خدا ای ذات یکتا ای غنی بالذات * ای آنکه نه فرزند کسی و نه کس

يُولَدُ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَ كَفَوْا أَحَدًا * وَ بَسِيَّارَ بَگو: يَا مَلِيَّنَ الْحَدِيدِ لِدَاوُدَ

فرزند تو * و نه مثل و مانند توست. * ای خدایی که آهن را به دست داود

عَلَيْهِ السَّلَامُ * يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَالْكَرْبِ الْعِظَامِ عَنْ أَيُّوبَ عَلَيْهِ

علیه السلام نرم کردی * ای آنکه درد و رنجهای عظیم را از ایوب علیه السلام برطرف

السَّلَامُ * أَي مَفْرَجِ هَمِّ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ * أَي مَنْفَسِ غَمِّ يَوْسُفَ

کردی * ای نشاط بخش دل اندوهناک یعقوب علیه السلام * ای شاد کن خاطر غمگین یوسف

عَلَيْهِ السَّلَامُ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * كَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَأَنْ

علیه السلام * بر محمد و آلش جمیعاً رحمت فرست * بدان رحمت

تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ * وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا

که شایسته اعطای توست * و با من آن کن که تو را شایسته است * نه آنچه مرا

أَنَا أَهْلُهُ * وَاز جملہ این دعاهاست کہ در کافی مسنداً و در مقنعه و مصباح مُرسلاً نقل شدہ کہ می گوئی

سزاوار است. *

در لیلہ اولی یعنی در شب بیست و یکم: يَا مُوَلِّجَ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ * وَ مُوَلِّجَ النَّهَارِ فِي

ای خدایی که شب را درون روز * و روز را درون شب پنهان

اللَّيْلِ * وَ مُخْرِجَ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ * وَ مُخْرِجَ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ * يَا

ساختی * و زنده را از مرده * و مرده را از زنده بیرون آوردی * ای خدایی

رَازِقٍ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ * يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ * يَا اللَّهُ يَا رَحِيمُ *

که به هر کس خواهی بی حساب روزی دهی * ای خدا ای رحمن * ای خدا ای مهربان *

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ * لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى * وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا *

ای خدا ای خدا ای خدا * همه نامهای نیکو مخصوص توست * و نشانهای مقام بلند *

وَ الْكِبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ * أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ *

و بزرگی و هر انعام و احسان به تو اختصاص دارد * از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آلش رحمت فرستی *

وَ أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ * وَ رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ *

و نام مرا در این شب در صف اهل سعادت ثبت فرمایی * و روح مرا با شهیدان (راه خدا) محشور سازی *

* وَ إِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ * وَ إِسَاءَتِي مَغْفُورَةً * وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا *

* و طاعتم را در مقام علیین رسانی * و از کار زشتم درگذری * و مقام یقینی که هیچ

تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي * وَ إِيمَانًا يَذْهَبُ الشَّكَّ عَنِّي * وَ تُرْضِيَنِي بِمَا

از قلبم جدا نشود * و ایمانی که شک و ریب را از من دور سازد به من عطا کنی * و به هر چه نصیبت فرموده‌ای

قَسَمْتَ لِي * وَءَاتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً * وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً * وَقَنَا

راضی و خوشنودم سازی * و ما را در دنیا هر چه نیکوست * و در آخرت هر چه نیکوست عطا فرمایی * و از آتش

عَذَابِ النَّارِ الْحَرِيقِ * وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ * وَالرَّغْبَةَ

سوزان دوزخ نگاه داری * و در این ماه مرا شکر و ذکر * و شوق لقای خود

الْيَكَّ وَالْإِنَابَةَ * وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ

و توبه و انابه به درگاهت نصیبت گردانی * و مرا موفق سازی بر آنچه محمد و آل محمد

عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * ❁ دعای شب بیست و دویم: يَا سَالِحَ النَّهَارِ مِنْ

علیهم السلام را توفیق عطا فرمودی. * ای آنکه روز روشن را از

اللَّيْلِ فَإِذَا نَحْنُ مُظْلَمُونَ * وَمُجْرَى الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّهَا بِتَقْدِيرِكَ * ❁

شب تاری برآوردی تا جهان بر ما تاریک شدی * و ای آنکه سیر خورشید را به حکم تقدیرت به مدار خود به گردش آوردی * ❁

يَا عَزِيزِيَا عَلِيمٌ * وَمُقَدِّرِ الْقَمَرِ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ

ای ذات با عزت و ای دانای مطلق * ای آنکه گردش ماه را منزلهای معین مقدر فرمودی تا آنکه مانند شاخه خرما به منزل اول بازگردد

* يَا نُورَ كُلِّ نُوْرٍ * وَمُنْتَهَىٰ كُلِّ رَغْبَةٍ * وَوَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ * يَا اَللّٰهُ يَا

* ای روشنی بخش هر نور * و ای منتهای هر آرزو * و صاحب هر نعمت * ای خدای

رَحْمَنٌ * يَا اَللّٰهُ يَا قُدُّوسٌ * يَا اَحَدٌ يَا وَاَحِدٌ يَا فَرْدٌ * يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ

رحمن * ای پاک از هر نقص و عیب * ای ذات یکتا و یگانه و فرد * ای خدا ای خدا

يَا اَللّٰهُ * لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى * وَ الْاَمْثَالُ الْعُلْيَا * وَ الْكِبْرِيَاءُ

ای خدا * نامهای نیکو مخصوص توست * و نشانهای مقام بلند * و بزرگی و هر انعام و احسان

وَ الْاِلاٰءُ * اَسْئَلُكَ اَنْ تَصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ (عَلٰى) اَهْلِ بَيْتِهِ * وَ اَنْ تَجْعَلَ

به تو اختصاص دارد * از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آلش درود فرستی * و نام مرا در این شب

اَسْمِي فِي هَذِهِ الْمَلِيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ * وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ * وَ اِحْسَانِي

در صف اهل سعادت ثبت فرمایی * و روح مرا با شهیدان محشور سازی * و طاعتم را در

فِي عَلِيٍّ * وَ اِسَاءَتِي مَغْفُوْرَةً * وَ اَنْ تَهَبَ لِي يَقِيْنًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي * ❁

مقام علیین رسانی * و از اعمال زشتم در گذری * و مقام یقینی که هرگز از قلبم جدا نشود * ❁

وَ اِيْمَانًا يَذْهَبُ الشُّكَّ عَنِّي * وَ تُرْضِيْنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي * وَءَاتِنَا فِي

و ایمانی که هر شک و ریب را از من دور سازد به من عطا کنی * و به هر چه نصیبت فرموده‌ای راضی و خوشنودم سازی * و ما را

الدُّنْيَا حَسَنَةً * وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ * وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ *

در دنیا هر چه نیکوست * و در آخرت هر چه نیکوست عطا فرمایی * و از آتش سوزان دوزخ نگاهداری *

وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ * وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ * وَالتَّوْفِيقَ

و در این ماه مرا شکر و ذکر * و شوق لقای خود و توبه و انابه به درگاهت نصیب گردانی * و هر آنچه

لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ * دعای

محمد و آل محمد علیهم السلام را توفیق عطا فرمودی موفق سازی *

شب بیست و سیم: يَا رَبِّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَاعِلَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ *

ای خدای شب قدر و ای آنکه مقام شب قدر را بهتر از هزار ماه گردانیدی *

وَرَبِّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ * وَالْجِبَالِ وَالْبَحَارِ * وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوَارِ * وَالْأَرْضِ

و ای خدای شب و روز * و کوه و دریا * و ظلمت و نور * و زمین

وَالسَّمَاءِ * يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ * يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ * يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ

و آسمان * ای آفریننده ای صورت آفرین * ای با مهر و عطوفت و نعمت * ای خدا ای مهربان

* يَا اللَّهُ يَا قَيُّوْمُ * يَا اللَّهُ يَا بَدِيعُ * يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ * لَكَ

* ای خدا ای قائم و نگهبان * ای خدای آفریننده بدایع * ای خدا ای خدا ای خدا * نامهای

الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى * وَالْأَمْثَالَ الْعُلْيَا * وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْأَلَاءِ * أَسْأَلُكَ

نیکو مخصوص توست * و نشانهای مقام بلند * و بزرگی و هر انعام و احسان به تو اختصاص دارد * از تو درخواست

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

میکنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی * و نام مرا در این شب در صف اهل سعادت ثبت

فِي السُّعْدَاءِ * وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ * وَاحْسَانِي فِي عَالِيَيْنَ * وَإِسَاءَتِي

فرمایی * و روح مرا با شهیدان محشور سازی * و طاعتم را در مقام علیین رسانی * و از اعمال زشتم

مَغْفُورَةً * وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي * وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشُّكَّ

درگذری * و مقام یقینی که هرگز از قلبم جدا نشود * و ایمانی که هر شک را از من دور سازد به من

عَنِّي * وَتَرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي * وَءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً * وَفِي

عطا کنی * و به هر چه نصیبم فرموده‌ای راضی و خشنودم سازی * و ما را در دنیا هر چه نیکو است * و در آخرت

الْآخِرَةِ حَسَنَةً * وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ * وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ

هر چه نیکو است عطا فرمایی * و از آتش سوزان دوزخ نگاهداری * و در این ماه مرا

و شُكْرِكَ * وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْإِنَابَةَ * وَ التَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ * وَ

ذکر و شکر * و شوق لقای خود و توبه و انابه به درگاهت نصیب گردانی * و هر آنچه محمد

مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * و روایت کرده محمد بن عیسی به

و آل محمد را توفیق عطا فرمودی موفق سازی *

سند خود از صالحین (علیهم السلام) که فرمودند: مکرر می کنی در شب بیست و سیم از ماه رمضان این دعا را در حال

سجود و قیام و قعود و بر هر حالی که هستی در تمام ماه و هر چه ممکنت شود و هر زمانی که حاضر شود تو را

یعنی یادت آید این دعا در روزگار حیانت. * می گوئی بعد از ستایش کردن حق تعالی به بزرگواری و فرستادن

صلوات بر پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ * و به جای فلان بن فلان بگو:

خدایا بوده باش برای ولایت *

الْحُجَّةِ بْنِ الْحُسَيْنِ * صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَىٰ آبَائِهِ * فِي هَذِهِ السَّاعَةِ

حجة بن الحسن (ع) * صلوات بر او و بر پدران او * در این ساعت

* وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ * وَ لِيًّا وَ حَافِظًا * وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا * وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا

و در هر ساعت * سرپرست و نگهدار * و پیشوا و یاور * و راهنما و دیده بان

* حَتَّى تَسْكِنَهُ * وَ أَرْضَكَ طَوْعًا * وَ تَمَتَّعَهُ * فِيهَا طَوِيلًا * و می خوانی نیز:

* تا او را در زمینت (به سلطنت) بنشانی به رغبت مردم * و بهره دهی او را مدت بسیار *

يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ * يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ * يَا مُجْرِيَ الْبُحُورِ * يَا مَلِيْنَ

ای مدبر کارها * ای برانگیزنده هر که در قبرهاست * ای روان کننده دریاها * ای نرم کننده

الْحَدِيدِ لِداوُدَ * صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ افْعَلْ بِي كَذَا

آهن برای داود * درود فرست بر محمد و آل محمد * و بکن با من چنین

وَ كَذَا * و به جای این کلمه حاجات خود را بخواهد الَلِيْلَةَ اللَّيْلَةَ * و بلند کن دستهای خود را به

و چنان *

سوی آسمان یعنی در وقت گفتن يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ تا آخر و بگو این دعا را در حال رکوع و سجود و ایستاده و

نشسته و مکرر کن آن را و بگو آن را نیز در شب آخر ماه رمضان. * دعای شب بیست و چهارم: يَا فَالِقَ

ای آنکه صبح را

الإصباح * و جاعل الليل سكنا * و الشمس و القمر حسباناً *

گریبان شکافتی * و شام را برای سکونت و آرامش خلقان مقرر داشتی * و خورشید و ماه را به حسابی منظم گرد عالم به گردش آوردی *

يا عزيز يا عليم * يا ذا المن و الطول * و القوة و الحول * و الفضل

ای با عزت و اقتدار ای دانا * ای صاحب نعمت و احسان * و قدرت بی پایان * و فضل

و الإنعام * و الجلال و الأکرام * يا الله يا رحمن * يا الله يا فرد يا

و انعام * و جلال و بزرگواری * ای خدا ای مهربان * ای خدا ای یکتای

وتر * يا الله يا ظاهرياً باطنياً * يا حي لا اله الا انت * لك الاسماء

بی همتا * ای خدا ای پیدا ای پنهان * ای زنده ابد که جز تو خدا در ملک وجود نیست * اسماء نیکو

الحسنى * و الأمثال العلیا * و الکبرياء و الألاء * أسئلك أن تصلى

مخصوص توست * و نشانهای مقام بلند * و بزرگی و هر انعام و احسان به تو اختصاص دارد * از تو درخواست می‌کنم

على محمد و آل محمد * و أن تجعل اسمی في هذه الليلة في

که بر محمد و آلش درود فرستی * و نام مرا در این شب در صف اهل سعادت

السعداء * و روحی مع الشهداء * و احسانی في علیین * و اسألتی

ثبت فرمایی * و روح مرا با شهیدان محشور سازی * و طاعتم را در مقام علیین رسانی * و از اعمال

مغفورة * و أن تهب لی یقیناً تباشربہ قلبی * و ایماناً یذهب الشک

زشتم درگذری * و مقام یقینی که هرگز از قلبم جدا نشود * و ایمانی که هر شکمی را از من دور سازد

عنی * و رضی بما قسمت لی * و ائتانی فی الدنيا حسنة * و فی الآخرة

به من عطا کنی * و به هر چه نصیب فرموده‌ای راضی و خشنودم سازی * و ما را در دنیا هر چه نیکوست * و در آخرت

حسنة * و قنا عذاب النار الحریق * و ارزقنی فیها ذکرك و شکرک

هر چه نیکوست عطا فرمایی * و از آتش سوزان دوزخ نگاهداری * و در این ماه مرا ذکر و شکر

* و الرغبة الیک و الإنابة * و التوفیق لما وفقت له * و محمداً

* و شوق لقای خود و توبه و انابه به درگاهت نصیب گردانی * و آنچه محمد و آل محمد

و آل محمد علیه و علیهم * دعای شب بیست و پنجم: يا جاعل الليل

علیهم السلام توفیق عطا فرمودی مرا موفق سازی. * ای خدایی که شب تاریک را

لباساً * و النهار معاشاً * و الأرض مهاداً * و الجبال أوتاداً * يا الله

لباس ظلمت جهان * و روز روشن را برای نظم معاش جهانیان مقرر داشتی * و زمین را بستر آسایش خلق * و کوهها را نگهبان قرار دادی * ای

يَا قَاهِرُ * يَا اَللهُ يَا جَبَّارُ * يَا اَللهُ يَا سَمِيعُ * يَا اَللهُ يَا قَرِيبُ *

خدا ای قاهر * ای خدا ای غالب * ای خدا ای شنوا * ای خدا ای نزدیک به خلق *

يَا اَللهُ يَا مُجِيبُ * يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ * لَكَ اَلْاَسْمَاءُ اَلْحُسْنٰى *

ای خدا ای اجابت کننده دعا * ای خدا ای خدا ای خدا * نامهای نیکو مخصوص توست *

وَ اَلْاَمْثَالُ اَلْعُلِيَّاءِ * وَ اَلْكَبْرِيَاءِ وَ اَلْاَلَاءِ * اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ

و نشانهای مقام بلند * و بزرگی و هر انعام و احسان به تو اختصاص دارد * از تو درخواست می‌کنم که بر محمد

وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ اَنْ تَجْعَلَ اِسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ * وَ رُوْحِي

و آلش درود فرستی * و نام مرا در این شب در صف اهل سعادت ثبت فرمایی * و روح مرا با

مَعَ الشُّهَدَاءِ * وَ اِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ * وَ اِسْءَاتِي مَغْفُورَةً * وَ اَنْ تَهَبَ

شهیدان محشور سازی * و طاعتم را در مقام علین رسانی * و از اعمال زشتم درگذری * و مقام یقینی

لِي يَقِيْنًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي * وَ اِيْمَانًا يَذْهَبُ الشَّكَّ عَنِّي * وَ رَضٰى بِمَا

که هرگز از قلبم جدا نشود * و ایمانی که هر شک و ریب را از من دور سازد به من عطا کنی * و به هر چه نصیب فرموده‌ای

قَسَمْتُ لِي * وَ اَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً * وَ فِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً * وَ قَنَا

راضی و خشنودم سازی * و ما را در دنیا هر چه نیکو است * و در آخرت هر چه نیکو است عطا فرمایی * و ما را

عَذَابَ النَّارِ اَلْمُحْرِيقِ * وَ اَرْزُقْنِي فِيْهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ * وَ الرَّغْبَةَ

از آتش سوزان دوزخ نگاهداری * و در این ماه شکر و ذکر * و شوق لقای خود و توبه

اِلَيْكَ وَ الْاِنَابَةَ * وَ التَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ

و انابه به درگاهت نصیب گردانی * و بر آنچه محمد و آل محمد علیهم السلام را توفیق

عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * دعای شب بیست و ششم: يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ

عطا فرمودی موفق سازی. *

ءَايَتِيْنَ * يَا مَنْ مَحَا اَيَّةَ اللَّيْلِ وَ جَعَلَ اَيَّةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً * لَتَبْتَغُوا

قرار دادی * و نشانه شب محو و تیره ساختی و نشانه روز را تابان و درخشان نمودی * تا از فضل

فَضْلًا مِنْهُ وَ رِضْوَانًا * يَا مُفْصِلَ كُلِّ شَيْءٍ تَفْصِيْلًا * يَا مُاجِدُ يَا

و کرمت خلق روزی طلبند و رضای تو جویند * ای آنکه هر چیز را تو حد و فصل کامل معین کردی * ای صاحب مجد و کرم ای

وَهَابُ * يَا اَللهُ يَا جَوَادُ * يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ * لَكَ اَلْاَسْمَاءُ

بخشنده بی‌عوض * ای خدا ای صاحب جود و عطا * ای خدا ای خدا ای خدا * نامهای نیکو

الْحُسْنَى * وَالْأَمْثَالَ الْعُلْيَا * وَالْكَبْرِيَاءَ وَالْأَلَاءَ * أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

مخصوص توسل * و نشانهای مقام بلند * و بزرگی و هر انعام و احسان به تو اختصاص دارد * از تو درخواست می‌کنم

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي

که بر محمد و آلش درود فرستی * و نام مرا در این شب در صف اهل سعادت

السُّعْدَاءِ * وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ * وَاحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ * وَإِسَاءَتِي

ثبت فرمایی * و روح مرا با شهیدان محشور سازی * و طاعتم را در مقام علیین رسانی * و از اعمال

مَغْفُورَةً * وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي * وَإِيمَانًا يَذْهَبُ الشَّكَّ

ز شتم درگذری * و مقام یقینی که هرگز از قلبم جدا نشود * و ایمانی که هر شک و ریب را از من دور سازد

عَنِّي * وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي * وَءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً * وَفِي

به من عطا کنی * و به هر چه نصیب فرموده‌ای راضی و خشنودم سازی * و ما را در دنیا هر چه نیکوست * و در آخرت

الْآخِرَةِ حَسَنَةً * وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْمُحْرِيقِ * وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ

هر چه نیکو است عطا فرمایی * و از آتش سوزان دوزخ نگاهداری * و در این ماه مرا شکر

وَ شُكْرَكَ * وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْإِنَابَةَ * وَ التَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ

و ذکر * و شوق لقای خود و توبه و انابه به درگاهت نصیب گردانی * و بر آنچه محمد و

مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ * دَعَايَ شَبِّ بَيْسْتِ وَ

آل محمد علیهم السلام را توفیق عطا فرمودی موفق سازی.

هفتم: يَا مَادَّ الظِّلِّ وَ لَوْ شِئْتَ لَجَعَلْتَهُ سَاكِنًا * وَ جَعَلْتَ الشَّمْسَ

ای آنکه سایه خورشید را منبسط نمودی تا همه را فرا گرفت و اگر خواستی ساکن ساختی * و خورشید را

عَلَيْهِ دَلِيلًا * ثُمَّ قَبَضْتَهُ (إِلَيْكَ) قَبْضًا يَسِيرًا * يَا ذَا الْجُودِ وَ الطَّوْلِ *
رهبر آن گردانیدی * و پس از انبساط و فرا گرفتن عالم باز اندک اندک قبض کردی * ای صاحب جود و کرم و بزرگواری *

وَ الْكَبْرِيَاءَ وَالْأَلَاءَ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ * الرَّحْمَنُ

و نعمتهای ظاهر و باطن تویی * که جز تو خدایی نیست * دانای عالم غیب و شهودی * و بخشنده

الرَّحِيمُ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * يَا قُدُّوسُ يَا سَلَامُ * يَا مُؤْمِنُ يَا مَهِيْمُنُ * يَا

و مهربانی * خدایی جز تو نیست * ای ذات پاک از هر آلیش ای منزّه از هر عیب * ای برتر از هر چه هست * ای

عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ * يَا اللَّهُ يَا خَالِقُ * يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ * يَا

مقتدر و قاهر و غالب ای متکبر * ای خدا ای آفریننده * ای پدید آورنده ای نگارنده صورتهای خلق * ای

اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ * لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى * وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا *

خدا ای خدا ای خدا * نامهای نیکو مخصوص توست * و نشانهای مقام بلند و بزرگی *

وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ * أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَالِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ

و هر انعام و احسان به تو اختصاص دارد * از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آلش درود فرستی * و نام

تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ * وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ *

مرا در این شب در صف اهل سعادت ثبت فرمایی * و روح مرا با شهیدان محشور سازی *

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ * وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً * وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِرُ

و طاعتم را در مقام علیین رسانی * و از اعمال زشتم درگذری * و مقام یقینی که هرگز از قلبم

بِهِ قَلْبِي * وَإِيمَانًا يَذْهَبُ الشَّكَّ عَنِّي * وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي *

جدا نشود * و ایمانی که هر شک و ریب را از من دور سازد به من عطا کنی * و به هر چه قسمت و نصیب فرموده‌ای راضی و خشنودم سازی *

وَأَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً * وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً * وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

و ما را در دنیا هر چه نیکوست * و در آخرت هر چه نیکوست عطا فرمایی * و از آتش سوزان دوزخ

الْحَرْبِ * وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ * وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ *

نگاهداری * و در این ماه مرا شکر و ذکر * و شوق لقای خود و توبه و انابه به درگاهت نصیب فرمایی *

والتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَعَالِ مُحَمَّدٍ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

و بر آنچه محمد و آل محمد علیهم السلام را توفیق عطا فرمودی *

وَعَلَيْهِمْ * دعای شب بیست و هشتم: يَا خَازِنَ اللَّيْلِ فِي الْهَوَاءِ * وَخَازِنَ

موفق سازی. * ای آنکه شب تار را در آسمان * و نور را

النُّورِ فِي السَّمَاءِ * وَمَانِعَ السَّمَاءِ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ الْبَازِنَةُ *

در فضا مخزون کردی * و سقف آسمان را از افتادن بر زمین جز به فرمانت نگاهداری *

و حَابِسَهُمَا أَنْ تَزُولَا * يَا عَلِيمُ يَا عَظِيمُ * يَا غَفُورًا يَا دَائِمًا * يَا اللَّهُ

و از زوال و فنا حفظ گردانی * ای دانا ای بزرگ * ای آمرزنده ای دائم ابدی * ای خدا

يَا وَارِثُ * يَا بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ * يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ * لَكَ

ای وارث خلق پس از مرگ * ای برانگیزنده مردگان از قبرها * ای خدا ای خدا ای خدا * نامهای

الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى * وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا * وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ * أَسْأَلُكَ

نیکو مخصوص توست * و نشانهای مقام بلند و بزرگی * و هر انعام و احسان به تو اختصاص دارد * از تو

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

درخواست می‌کنم که بر محمد و آلش درود فرستی * و نام مرا در این شب در صف اهل سعادت

فِي السُّعْدَاءِ * وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ * وَاحْسَانِي فِي عَالِيَيْنَ * وَإِسَاءَتِي

ثبت فرمایی * و روح مرا با شهیدان محشور سازی * و طاعتم را در مقام علین رسانی * و از اعمال

مَغْفُورَةً * وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي * وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ

زشتم درگذری * و مقام یقینی که هرگز از قلبم جدا نشود * و ایمانی که هر شک و ریب را از من دور سازد به من

عَنِّي * وَتَرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي * وَءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً * وَفِي

عطا کنی * و به هر چه نصیب فرموده‌ای راضی و خشنودم سازی * و ما را در دنیا هر چه نیکوست * و در آخرت

الْآخِرَةِ حَسَنَةً * وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ * وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ

هر چه نیکوست عطا فرمایی * و از آتش سوزان دوزخ نگاهداری * و در این ماه مرا شکر

وَ شُكْرَكَ * وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْإِنَابَةَ * وَ التَّوْفِيقَ لِمَا وَقَّعْتَ لَهُ

و ذکر * و شوق لقای خود و توبه و انابه به درگاهت نصیب فرمایی * و بر آنچه محمد

مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِمُ * دَعَايَ شَبِّ بَيْسْتِ وَنَهْمِ:

و آل محمد علیهم السلام را توفیق عطا فرمودی موفق سازی. *

يَا مُكْوَرَّ اللَّيْلِ عَلَى النَّهَارِ * وَ مُكْوَرَّ النَّهَارِ عَلَى اللَّيْلِ * يَا عَلِيمُ يَا

ای آنکه شب را گرد روز * و روز را گرد شب می‌گردانی * ای دانا و ای

حَكِيمُ * يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ * وَ سَيِّدَ السُّادَاتِ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * يَا أَقْرَبَ

حکیم * ای شاه شاهان * و بزرگ بزرگان عالم وجود * خدایی جز تو در ملک هستی نیست * ای که

إِلَى مَنْ حَبَلَ الْوَرِيدِ * يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ * لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

به من از رگ گردن نزدیکتری * ای خدا ای خدا ای خدا * نامهای نیکو مخصوص توست

وَ الْأَمْثَالَ الْعُلْيَا * وَ الْكِبْرِيَاءَ وَ الْأَلَاءَ * أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

* و نشانهای مقام بلند و بزرگی * و هر انعام و احسان به تو اختصاص دارد * از تو درخواست می‌کنم که بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ * وَرُوحِي

و آلش درود فرستی * و نام مرا در این شب در صف اهل سعادت ثبت فرمایی * و روح مرا با

مَعَ الشُّهَدَاءِ * وَاحْسَانِي فِي عَالِيَيْنَ * وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً * وَأَنْ تَهَبَ

شهیدان محشور سازی * و طاعتم را در مقام علین رسانی * و از اعمال زشتم در گذری * و مقام یقینی که

لِي يَقِينًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي * وَ اِيْمَانًا يَذْهَبُ الشُّكَّ عَنِّي * وَ تُرَضِّيَنِي

هرگز از قلبم جدا نشود * و ایمانی که هر شک و ریب را از من دور سازد به من عطا کنی * و به آنچه نصیبم فرموده‌ای

بِمَا قَسَمْتَ لِي * وَ اَتَانَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً * وَ فِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً * وَ قَنَا

راضی و خشنودم سازی * و ما را در دنیا هر چه نیکوست * و در آخرت هر چه نیکوست عطا فرمایی * و از آتش

عَذَابِ النَّارِ الْمَحْرِيْقِ * وَ اَرْزُقْنِي فِيْهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ * وَ الرَّغْبَةَ اِلَيْكَ

سوزان دوزخ نگاهداری * و در این ماه مرا ذکر و شکر * و شوق و لقای خود و توبه و انابه به درگاهت

وَ الْاِنَابَةَ * وَ التَّوْفِيْقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ * صَلَّى

نصیب گردانی * و بر آنچه محمد و آل محمد علیهم السلام را

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِم * دَعَايَ شَبِّ سَيِّئَاتِهِمُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا شَرِيْكَ لَهُ * وَ

توفیق عطا فرمودی موفق سازی. * ستایش مخصوص خداست که شریک ندارد *

الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ * وَ عِزِّ جَلَالِهِ * وَ كَمَا هُوَ اَهْلُهُ * وَ

و ستایش مخصوص خداست ستایشی که مخصوص آن ذات آن خدای بزرگوار * و آن ذات با عزت و جلال است * و شایسته

* يَا قُدُّوسُ يَا نُوْرُ * يَا نُوْرَ الْقُدُسِ * يَا سُبُوْحُ يَا مُنْتَهَى التَّسْبِيْحِ * وَ

و لایق اوست * ای نور ای نور پاک * ای منزّه از هر عیب و آرایش * ای منتهای پاکیزگی *

يَا رَحْمَنُ يَا فَاعِلَ الرَّحْمَةِ * يَا اَللَّهُ يَا عَلِيْمُ يَا كَبِيْرُ * يَا اَللَّهُ يَا

ای بخشنده ای آفریننده رحمت * ای خدا ای دانا ای بزرگ * ای خدا ای

لَطِيْفُ يَا جَلِيْلُ * يَا اَللَّهُ يَا سَمِيْعُ يَا بَصِيْرُ * يَا اَللَّهُ يَا اَللَّهُ يَا اَللَّهُ

ذات لطیف ای بزرگوار * ای خدا ای شنوا ای بینا * ای خدا ای خدا ای خدا

* لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى * وَ الْاَمْثَالُ الْعُلْيَا * وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ الْاَلَاءُ * وَ

* نامهای نیکو مخصوص توست * و نشانهای مقام بلند و بزرگی * و هر انعام و احسان به تو اختصاص دارد *

اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ اَنْ تَجْعَلَ اِسْمِيْ فِي

از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی * و نام مرا در این شب

هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ * وَ رُوْحِيْ مَعَ الشُّهَدَاءِ * وَ اِحْسَانِيْ فِي

در صف اهل سعادت ثبت فرمایی * و روح مرا با شهیدان محشور سازی * و طاعتم را در مقام

عَلِيّينَ * وَ اِسْءَاتِيْ مَغْفُوْرَةً * وَ اَنْ تَهَبَ لِيْ يَقِيْنًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي * وَ

علیین رسانی * و از اعمال زشتم درگذری * و مقام یقینی که هرگز از قلبم جدا نشود *

وَإِيمَانًا يَذْهَبُ الشُّكَّ عَنِّي * وَتَرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي * وَءَاتِنَا فِي

و ایمانی که هر شک و ریب را از من دور سازد به من عطا کنی * و به هر چه نصیبت فرموده‌ای راضی و خشنودم سازی * و ما را

الدُّنْيَا حَسَنَةً * وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً * وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرْبِقُ *

در دنیا هر چه نیکوست * و در آخرت هر چه نیکوست عطا فرمایی * و از آتش سوزان دوزخ نگاهداری *

وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ * وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ * وَالتَّوْفِيقَ

و در این ماه مرا شکر و ذکر * و شوق لقای خود و توبه و انابه به درگاهت نصیب گردانی * و بر آنچه

لَمَّا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَوَعَلَيْهِمْ *

محمد و آل محمد و محمد علیهم السلام را توفیق عطا فرمودی موفق سازی.

بقیه اعمال شب بیست و یکم: کفعمی از سید بن باقی نقل کرده که در شب بیست و یکم می‌خوانی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاقْسِمْ لِي حِلْمًا يَسُدُّ عَنِّي

ای خدا بر محمد و آل محمد درود فرست * و مرا حلمی روزی گردان که به آن حلم درگاه جهالت را

بَابِ الْجَهْلِ * وَهَدِي تَمَنُّ بِهٖ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ ضَلَالَةٍ * وَغَنِي تَسُدُّ بِهٖ عَنِّي

به روی من بندی * و هدایتی نصیب کن که به منت و عنایتت هر گونه ضلالت را از من دور گردانی * و بی‌نیازی عطا کن که در فقر را از هر

بَابِ كُلِّ فَقْرٍ * وَقُوَّةً تَرُدُّ بِهَا عَنِّي كُلَّ ضَعْفٍ * وَعِزًّا تَكْرُمُنِي بِهٖ عَنِّ

سویی بر من مسدود کنی * و نیرویی بخش که هر ضعف و ناتوانی را از من بازگردانی * و عزتی مرحمت فرما که هر ذلت و خواری را مبدل به

كُلِّ ذَلٍّ * وَرَفْعَةً تَرْفَعُنِي بِهَا عَنِّ كُلِّ ضَعْفَةٍ * وَآمِنًا تَرُدُّ بِهٖ عَنِّي كُلَّ

بزرگواری فرمایی * و رفعت مقامی بخش که مرا از هر پستی و حقارت حفظ گرداند * و آن ایمنی عطا کن که به آن ایمنی ترس و خوفی را

خَوْفٍ * وَعَافِيَةً تَسْتُرُنِي بِهَا عَنِّ كُلِّ بَلَاءٍ * وَعِلْمًا تَفْتَحُ لِي بِهٖ كُلَّ

از من دور سازی * و عافیتی کرامت کن که هر بلا و مصیبت را از من دور گردانی * و علمی عطا فرما که درگاه هر یقین را به روی

يَقِينٍ * وَيَقِينًا تَذْهَبُ بِهٖ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ * وَدُعَاءً تَبْسُطُ لِي بِهٖ الْإِجَابَةَ

من بگشایی * و یقینی ده که هر شک و ریب را به آن از دلم زایل گردانی * و حال دعایی اجابت کن که به اجابت قرین

فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ * وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ يَا كَرِيمُ

گردانی در همین شب * و در همین ساعت همین ساعت همین ساعت ای خدای با لطف و کرم

* وَخَوْفًا تَنْشُرُ (تَيْسِرُ) لِي بِهٖ كُلَّ رَحْمَةٍ * وَعِصْمَةً تَحُولُ بِهَا بَيْنِي

* خوف خود را در دلم فرا دار که به واسطه آن هر گونه رحمت را برابم منتشر گردانی * و مرا عصمتی از خطا و گناه بخش که به آن

وَبَيْنَ الذُّنُوبِ * حَتَّىٰ أَفْلَحَ بِهَا عِنْدَ الْمَعْصُومِينَ عِنْدَكَ * بِرَحْمَتِكَ

میان من و گناهانم حایل سازی * تا آنکه به آن عصمت نزد معصومان مظفر و سرفراز باشم * به حق رحمت بی‌پایانت

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * وروایت شده که در شب بیست و یکم حمّاد بن عثمان بر حضرت صادق (علیه السلام)

ای مهربانترین مهربانان عالم. *

وارد شد، حضرت سؤال کرد که غسل کرده‌ای؟ عرض کرد بلی فدایت شوم. پس حضرت حصیری طلبید و حمّاد را نزدیک خود طلبید و مشغول نماز شد و پیوسته آن حضرت نماز خواند و حمّاد نیز خود را به آن حضرت چسبانیده بود و نماز می‌خواند تا از نمازهای خویش فارغ شدند، پس آن حضرت دعا کرد و حمّاد آمین گفت تا صبح طلوع کرد، آن جناب اذان و اقامه گفت و بعضی از غلمان خود را طلبید و پیش ایستاد و نماز صبح خواند، در رکعت اول حمد و قدر و در دویم حمد و توحید خواند، و بعد از نماز مشغول به تسبیح و تحمید و تقدیس و ثنای بر خدا و صلوات بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و دعا برای مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات شد پس سر به سجده نهاد و مقداریک ساعت به جز نفس چیزی از آن جناب شنیده نشد پس از آن این دعا را خواند:

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * مَقْلَبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ تا آخر دعا که در اقبال است * و شیخ کلینی روایت کرده که حضرت باقر (علیه السلام) در شب بیست و یکم و سیّم دعا می‌خواند تا نیمه شب و بعد از آن شروع می‌نمود به نماز خواندن. * و بدان که در هر شب از شبهای این دهه غسل مستحب است و روایت شده که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در هر شب این دهه غسل می‌کرد * و اعتکاف در این دهه مستحب است و فضیلت بسیار دارد و افضل اوقات اعتکاف است و روایت شده که مقابل دو حجّ و دو عمره است:

وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَاخِرُ *

رسم رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان بود * که چون دهه آخر ماه رمضان می‌شد *

اعْتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ وَ ضَرَبَتْ لَهُ * قُبَّةٌ مِنْ شَعْرٍ * وَ شَمَّرَ الْمِيزَرَ

در مسجد معتکف می‌شد و چادری موئین برایش می‌زدند * و کمر را محکم می‌بست

وَ طَوَى فِرَاشَهُ * و بدانکه در این شب در سنه چهلّم واقع شد شهادت مولای ما حضرت

و بستر خواب را جمع می‌کرد *

امیرالمؤمنین (علیه السلام) و در این شب تجدید می‌شود احزان آل محمد (علیهم السلام) و اشیاع ایشان و روایت شده که در آن شب مانند شب شهادت امام حسین (علیه السلام) برداشته نشد سنگی از روی زمین مگر آنکه در زیر آن خون تازه بود.

* شیخ مفید فرموده که در این شب صلوات بسیار بفرستد و سعی و کوشش کند در نفرین بر ظالمان آل محمد (علیهم السلام) و لعن بر قاتل امیرالمؤمنین (علیه السلام). **روز بیست و یکم** روز قتل حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و مناسب است زیارت آن جناب و کلمات حضرت خضر (علیه السلام) که به منزله زیارت آن حضرت است در این روز. **شب بیست و سیّم** در هدیه الزائر ذکر شده از دو شب قدر سابق افضل است و از احادیث بسیار مستفاد می شود که شب قدر همین است و این شب جهنی است و در این شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر می گردد، و از برای این شب غیر از اعمالی که با دو شب سابق شریک است چند عمل دیگر است. **۱** اول: خواندن سوره عنکبوت * و روم که حضرت صادق (علیه السلام) قسم یاد فرموده که خواننده این دو سوره در این شب از اهل بهشت است. **۲** دوم: خواندن حم دُخان. **۳** سیّم: خواندن سوره قدر هزار مرتبه. **۴** چهارم: آنکه تکرار کند در این شب بلکه در تمام اوقات این دعا را: **اللَّهُمَّ كُنْ لَوَلِيِّكَ** (الخ) و ذکر آن در ضمن ادعیه شبهای دهه آخر بعد از دعاء شب بیست و سیّم گذشت. **۵** پنجم: بخواند:

اللَّهُمَّ اَمُدِدْ لِي فِي عُمُرِي * وَاَوْسِعْ لِي فِي رِزْقِي * وَاَصِحِّ لِي جِسْمِي *

ای خدا مرا عمر طولانی ده * و رزقم را وسیع گردان * و تنم را سالم بدار *

وَبَلِّغْنِي اَمَلِي * وَاِنْ كُنْتُ مِنَ الْاَشْقِيَاءِ فَاَمْحِنِي مِنَ الْاَشْقِيَاءِ *

و به آرزوهایم نایل ساز * و اگر نام من در دفتر اهل شقاوت است محو گردان *

وَ اَكْتُبْنِي مِنَ السُّعَدَاءِ * فَاِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزِلَ عَلٰى نَبِيِّكَ

و از اهل سعادت رقم زن * که تو در کتاب آسمانی که بر پیامبر مرسل خود * که رحمت بر او

الْمُرْسَلِ * صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ * يَمْحُو اللّٰهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ

و آل او باد فرستادی * فرمودی خدا هر چه را بخواهد محو و هر چه را بخواهد اثبات می کند و اصل کتاب آفرینش نزد اوست

وَ عِنْدَهُ وَاَمُّ الْكِتَابِ * ششم بخواند: اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَ فِيمَا

هر تصرف و تغییر در عالم تواند داد. * ای خدا آنچه به قضا و قدر خود

تُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُمِ * وَ فِيمَا تَفَرَّقُ مِنَ الْاَمْرِ الْحَكِيمِ * فِي لَيْلَةِ

حتم و قطعی گردانیده ای * و در آنچه از فرمان مقام حکمت ازلیت * حد و تمیز اشیاء را در شب قدر

الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَلَا يَبْدُلُ * اَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ

مقرر داشته که دیگر آن حکم هیچ قابل تغییر و تبدیل نیست در آن * مقام مرا از حاجیان

بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا * الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ * الْمَشْكُورِ سَعِيَهُمْ *

کعبه محترم خود گردان در این سال * آنهایی که حجشان مقبول * و سיעشان پسندیده و لایق پاداش تو هستند *

الْمَغْفُورِ ذُنُوبَهُمْ * الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ * وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي

و گناهانشان بخشیده‌ای * و زشتیهایشان مستور و محو ساخته‌ای * مرا از آنان قرار ده و نیز در

وَتَقْدِرُ * أَنْ تَطِيلَ عَمْرِي * وَتَوْسِعَ لِي فِي رِزْقِي ﴿٧﴾ هفتم: بخواند این دعا را که

قضا و قدرت * عمر مرا طولانی * و رزقم را وسیع مقرر فرما. *

دراقبال است: يَا بَاطِنًا فِي ظُهُورِهِ * وَيَا ظَاهِرًا فِي بُطُونِهِ * وَيَا بَاطِنًا لَيْسَ

ای خدایی که در عین پیدایی پنهانی * و ای که در عین پنهانی پیدایی * ای خدایی که از چشم ظاهر پنهانی

يُخْفِي * وَيَا ظَاهِرًا لَيْسَ يُرَى * يَا مَوْصُوفًا لَا يَبْلُغُ بَكَيْنُونَتِهِ

و از دیده دل پنهان نیستی * و ای پیدای نادیدنی * ای آنکه هیچ حد و تعریف و مدح و توصیف به

مَوْصُوفٍ * وَلَا حَدٌّ مَحْدُودٌ * وَيَا غَائِبًا (غَائِبٌ) غَيْرَ مَفْقُودٍ * وَيَا

کینونت ذات * و کنه حقیقت او نخواهد رسید * ای غایب از نظر که همیشه حاضری * و ای حاضری که

شَاهِدًا (شَاهِدٌ) غَيْرَ مَشْهُودٍ * يُطَلَبُ فَيُصَابُ * وَلَا يَجْلُو (لَمْ يَجْلُ) مِنْهُ

به چشم مشاهده نخواهی شد * هر که تو را طلبید به تو خواهد رسید * و هیچ آسمان و زمین

السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَا بَيْنَهُمَا طَرْفَةَ (طَرْفَةٌ) عَيْنٍ * لَا يَدْرِكُ بِكَيْفِ

و ما بین زمین و آسمان یک لحظه جایی از تو خالی نیست * و حیثیت علم و ادراک تو را

(بَكَيْفٍ) * وَلَا يُؤَيِّنُ بَايِنٍ (بَايِنٌ) وَلَا بِجَيْثٍ (بَجَيْثٌ) * أَنْتَ نُورُ النَّارِ * وَرَبُّ

کیفیت نیست * و مکان و جایگاه و جهت برای تو نخواهد بود * تو نور نورها * و شاه شاهان

الْأَرْبَابِ * أَحَطَّتْ بِجَمِيعِ الْأُمُورِ * سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ *

عالمی * علمت به تمام امور عالم محیط است * منزّه خدایی که مثل و مانندش در ملک هستی نیست *

وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ * سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا * وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ *

و شنوا و بیناست * منزّه خدایی که او بدین اوصاف است * و جز او هیچکس بدین اوصاف نیست. *

پس دعا می‌کنی بدانچه خواهی. ﴿٨﴾ هشتم: آنکه غیر از غسل اول شب، غسلی نیز در آخر شب کند. و

بدانکه از برای غسل و احیاء این شب * و زیارت امام حسین (علیه السلام) * و صد رکعت نماز فضیلت بسیار و تأکید شده

شیخ در تهذیب روایت کرده از ابوبصیر از حضرت صادق (علیه السلام) که فرمود: در شبی که امید می‌رود شب قدر باشد

صد رکعت نماز کن، بخوان در هر رکعت **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را ده مرتبه. گفتیم فدایت شوم اگر قوّت نداشته باشم ایستاده به جا آورم؟ فرمود: نشسته به جا آور، گفتیم اگر قوّت نداشته باشم نشسته به جا آورم؟ فرمود: به جا آور به همان حالی که به قفا خفته‌ای در فراش خود، * و از دعائم الاسلام روایت است که حضرت رسول (ﷺ) در دهه آخر ماه رمضان رختخواب خود را جمع می‌کرد و کمر خود را محکم می‌بست برای عبادت و در شب بیست و سیّم اهل خود را بیدار می‌کرد و آنها را که خواب رُزوده بود آب به صورتشان می‌پاشید و حضرت فاطمه صلوات الله علیها نمی‌گذاشت در این شب احدی از اهلش بخوابد و علاج می‌فرمود خواب آنها را به کمی طعام و مهیا می‌کرد آنها را برای احیاء آن شب از روز، یعنی امر می‌فرمود که روز را خواب و استراحت کنند که شب خوابشان نبرد و احیا بدارند و می‌فرمود: محروم کسی است که از خیر امشب محروم بماند. و روایت شده که حضرت صادق (علیه السلام) سخت مریض شده بود، چون شب بیست و سیّم ماه رمضان شد موالی خود را امر فرمود که حرکتش دادند به مسجد بردند و آن شب را در مسجد بود تا به صبح. * علامه مجلسی (رحمته الله) فرموده که: هر مقدار قرآن که ممکن باشد در این شب بخواند * و دعاهای صحیفه کامله را بخواند، خصوصاً دعای مکارم الاخلاق و دعای توبه * و روزهای این شبها را نیز باید حرمت داشت و به عبادت و تلاوت و دعا به سر آورد زیرا که در احادیث معتبره وارد شده است که روز قدر در فضیلت مثل شب قدر است. **شب بیست و هفتم**: بالخصوص غسل وارد شده * و منقول است که حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) در این شب این دعا را مکرر می‌خواند از اوّل شب تا به آخر شب:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَانِي عَن دَارِ الْغُرُورِ * وَ الْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ *

بار خدایا دوری گزیدن از خانه غرور و فریب را روزی من فرما * و هم بازگشت به سوی خانه جاویدان *

وَ الْإِسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ * شب آخر ماه: شب بسیار مبارکی است

و هم آمادگی برای مرگ را پیش از فرا رسیدنش روزی من گردان. *

و از برای این شب چند عمل است: **۱** اول: غسل. **۲** دوّم: زیارت امام حسین (علیه السلام). **۳** سیّم: خواندن

سوره انعام * و کهف * و یس * و صد مرتبه **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ**. **۴** چهارم: بخواند این دعا را که

شیخ کلینی از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرده: **اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ * الَّذِي أَنْزَلْتَ**

بار خدایا این ماه رمضان است * که در آن قرآن را

فِيهِ الْقُرْآنَ * وَقَدْ تَصَرَّم * وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ يَا رَبِّ * أَنْ يَطَّلِعَ

نازل فرمودی * روی بر تافت و درگذشت * و من به آبروی کریمت پروردگارا پناه می‌برم * از اینکه

الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ * أَوْ يَتَصَرَّمْ شَهْرَ رَمَضَانَ * وَلَكَ قَبْلِي تَبَعَةٌ أَوْ

سپیده دم این شب بر من برآید * یا بگذرد ماه رمضان * و در عهده من از برایت مسئولیت یا

ذَنْبٌ * تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي بِهِ يَوْمَ الْقَاكِ * ۵ پنجم: بخواند دعاء یا مُدْبِرَ الْأُمُورِ که

بزهی ماند * که بدان خواهی روز ملاقات کیفرم دهی. *

در اعمال شب بیست و سیّم گذشت. ۶ ششم: وداع کند ماه رمضان را به دعاهای وداع که شیخ کلینی و

صدوق و شیخ مفید و طوسی و سید بن طاووس رضوان الله علیهم نقل کرده‌اند. و شاید بهترین آنها دعای
چهل و پنجم صحیفه کامله باشد و سید بن طاووس روایت کرده است از حضرت صادق (علیه السلام) که هر که در شب آخر

ماه رمضان وداع کند آن ماه شریف را و بگوید: اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِي

بار خدایا این را آخرین دوران روزه گرفتن من قرار مده

لِشَهْرِ رَمَضَانَ * وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَطَّلِعَ فَجْرُ هَذِهِ اللَّيْلَةِ إِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَ لِي

در ماه رمضان * و به تو پناه می‌برم از اینکه سپیده دم این شب برآید جز آنکه مرا محققا بیامری *

* بیامرزد حق تعالی او را پیش از آنکه صبح کند و روزی فرماید او را توبه و انابه. * سید و شیخ صدوق از جابر بن
عبدالله انصاری روایت کرده‌اند که گفت: رفتم به خدمت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در جمعه آخر ماه رمضان چون
نظر آن حضرت بر من افتاد، فرمود که: ای جابر این آخر جمعه‌ای است از ماه رمضان پس آن را وداع کن و بگو:

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِنَا يَا هُ * فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنِي

بار خدایا این را آخرین دوران روزه داری ما در آن قرار مده * و اگر قرار دهی پس مرا بخشیده شده

مَرْحُومًا * وَلَا تَجْعَلْنِي مَحْرُومًا * پس به درستی که هر که این دعا را در این روز بخواند به یکی

و رحمت شده بگردان * و محروم قرار مده *

از دو خصلت نیکو ظرف می‌یابد، یا به رسیدن به ماه رمضان آینده یا به آموزش خدا و رحمت بی انتها. * و سید بن

طاووس و کفعمی نقل کرده‌اند از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) که فرمود: هر که در شب آخر ماه رمضان ده رکعت نماز

گذارد بخواند در هر رکعت حمد یک مرتبه و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ده مرتبه بگوید در رکوع و سجود ده مرتبه

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ * وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ * وبعد از هر دو رکعت

پاک و منزّه است خدا و ستایش مخصوص اوست * و خدایی جز آن ذات یکتا نیست و او بزرگتر از حد وصف است. *

تشهّد بخواند و سلام دهد و چون از تمام ده رکعت فارغ شد و سلام داد هزار مرتبه استغفار کند (اَسْتَغْفِرُ

اللَّهُ وَآتُوبُ إِلَيْهِ) و بعد از استغفار سر به سجده گذارد * و بگوید در حال سجود: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ

ای زنده ای پاینده

* يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ * يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا * يَا

* ای صاحب جلالت و بزرگواری * ای بخشنده در دنیا و آخرت و مهربان در هر دو * ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا *

مهربانترین مهربانان عالم * ای خدا و معبود اولین و آخرین * گناهان ما را ببامرز *

و تَقَبَّلْ مِنَّا صَدَقَاتَنَا وَصِيَامَنَا وَقِيَامَنَا * قسم به حق آنکه مرا به راستی به نبوت

و نماز و روزه و عبادت و شب زنده داری ما را بپذیر. *

مبعوث فرموده که جبرئیل مرا خبر داد از اسرافیل از پروردگار خود تبارک و تعالی که سراز سجده بر نداشته باشد

که ببامرز خدا او را و قبول فرماید از او ماه رمضان را و بگذرد از گناهان او (الخبر) * و این نماز در شب عید فطر نیز

روایت شده و لکن در آن روایت است که تسبیح اربع را در رکوع و سجود عوض تسبیح رکوع و سجود بخواند و به

جای اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا تا به آخر دارد اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي * وَ تَقَبَّلْ صَوْمِي وَ صَدَقَاتِي

گناهانم را ببامرز * و روزهام بپذیر و همینطور نماز و

وَ قِيَامِي * روز سی ام: سید برای روز آخر دعائی نقل کرده که اولش این است (اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَرْحَمُ

شب زنده داریم *

الرَّاحِمِينَ) و چون در این روز غالب مردم قرآن ختم می کنند سزاوار است که بعد از ختم بخوانند دعای چهل

و دوم صحیفه کامله را * و اگر خواسته باشند این دعای مختصر را بخوانند که شیخ از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل کرده:

اللَّهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرِي * وَ اسْتَعْمِلْ بِالْقُرْآنِ بَدَنِي * وَ نَوِّرْ

بار خدایا سینه ام را به قرآن بگشای * و تنم را به قرآن بگمار * و دیده ام را

بِالْقُرْآنِ بَصْرِي * وَأَطْلِقَ بِالْقُرْآنِ لِسَانِي * وَأَعِنِّي عَلَيْهِ مَا أَبْقَيْتَنِي

به قرآن روشنی ده * و زبانی را به قرآن باز کن * و بدان تا زنده هستم یاریم فرمای

فَانَهُ * لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ * و نیز بخواند این دعا را که از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

* زیرا که هیچ قوت و توانایی جز به وجود تو نیست. *

نیز روایت شده: **اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اِخْبَاتِ الْمُخْبِتِينَ * وَ اِخْلَاصِ الْمُوقِنِينَ**

بار خدایا من از تو درخواست می‌کنم دل نهادن دلدادگان * و متوجهان و اخلاص معتقدان

و مُرَافَقَةِ الْاَبْرَارِ * وَ اسْتِحْقَاقِ حَقَائِقِ الْاِيْمَانِ * وَ الْغَنِيْمَةِ مِنْ كُلِّ

* و همراهی با نیکان * و استحقاق حقایق و واقعیات ایمان را * و بهره از هر خیر

بِرٍّ * وَ السَّلَامَةِ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ * وَ وُجُوبِ رَحْمَتِكَ * وَ عَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ

و خوبی * و سلامتی از هر گناه و بزهکاری * و فرض رحمت و مهتر * و تصمیمات مغفرت و آمرزش را

وَ الْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ * وَ النِّجَاةِ مِنَ النَّارِ * (خاتمه) در بیان نمازهای شبها و دعاها

* و رسیدن و کامیابی به بهشت و رهایی از دوزخ را. *

روزها که مشهور است و علامه مجلسی (رحمته الله) در زادالمعاد در فصل آخر اعمال ماه رمضان ذکر فرموده و احقر در

اینجا اکتفا می‌کنم به آنچه که آن بزرگوار نگاشته فرموده. **نماز شب اول:** چهار رکعت، در هر رکعت بعد از حمد

پانزده مرتبه توحید. **دوم:** چهار رکعت، در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه **اَنَا اَنْزَلْنَاهُ. سَبِّم:** ده رکعت، در

هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید. **چهارم:** هشت رکعت، در هر رکعت حمد و بیست مرتبه **اَنَا اَنْزَلْنَاهُ.**

پنجم: دو رکعت، در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ**

وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ . ششم: چهار رکعت: در هر رکعت حمد و سوره **تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمَلِكُ. هفتم:** چهار

رکعت، در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه **اَنَا اَنْزَلْنَاهُ. هشتم:** دو رکعت، در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید

و بعد از سلام هزار مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ. نهم:** شش رکعت، میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و هفت

مرتبه آیه الکرسی و بعد از اتمام پنجاه مرتبه **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ. دهم:** بیست

رکعت، در هر رکعت حمد و سی مرتبه توحید. **یازدهم:** دو رکعت، در هر رکعت حمد و بیست مرتبه **اَنَا اَعْطَيْتَنِيكَ**

الْكُوْثَرَ. دوازدهم: هشت رکعت، در هر رکعت حمد و سی مرتبه **اَنَا اَنْزَلْنَاهُ. سیزدهم:** چهار رکعت، در

هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید. **چهاردهم:** شش رکعت، در هر رکعت حمد و سی مرتبه **اِذَا زُلْزِلَتْ.**

پانزدهم: چهار رکعت، در دو رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه توحید و در دو رکعت دیگر پنجاه مرتبه توحید.

شانزدهم: دوازده رکعت، در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه **اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ بِرَبِّكَ**. **هفدهم:** دو رکعت، در رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد و در رکعت دوم حمد و صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه **لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ**.

هیجدهم: چهار رکعت، در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه **اِنَّا اَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ**. **نوزدهم:** پنجاه رکعت، با حمد و پنجاه مرتبه **اِذَا زُلْزِلَتْ** و گویا مراد آن باشد که در هر رکعت یک مرتبه بخواند زیرا که مشکل است در یک شب دو هزار و پانصد مرتبه **اِذَا زُلْزِلَتْ** خواندن. **بیستم و بیست و یکم و بیست و دوم و بیست و سیّم و بیست و چهارم:** در هر یک هشت رکعت، به هر سوره که میسر شود. **بیست و پنجم:** هشت رکعت، در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید. **بیست و ششم:** هشت رکعت، در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید.

بیست و هفتم: چهار رکعت، در هر رکعت حمد و **تَبَارَكَ الَّذِىْ بِيْدهِ الْمَلِكُ** و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید. **بیست و هشتم:** شش رکعت، در هر رکعت حمد و صد مرتبه آیه الکرسی و صد مرتبه توحید و صد مرتبه **کُوْثَرَ** و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد. فقیر گوید: نماز شب بیست و هشتم موافق آنچه من یافتم بدین کیفیت است: شش رکعت نماز کند به فاتحه الکتاب و ده مرتبه آیه الکرسی و ده مرتبه **کُوْثَرَ** و ده مرتبه قل هو الله احد و صد مرتبه صلوات بفرستد بر پیغمبر (ﷺ). **بیست و نهم:** دو رکعت، در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید. **سی ام:** دوازده رکعت: در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و این نمازها چنانچه مذکور شد هر دو رکعت به یک سلام است.

و اما دعاهای روزهای ماه رمضان:

از ابن عباس روایت کرده اند که حضرت رسول (ﷺ) فضیلت بسیار از برای روزه هر روز ماه مبارک رمضان بیان فرمود و از برای هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و ثواب بسیار از برای آن دعا ذکر کرده و ما به اصل دعا اکتفا می نمایم.

دعای **روز اول:** **اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِىْ فِيْهِ صِيَامَ الصّٰئِمِيْنَ * وَ قِيَامِىْ فِيْهِ**

خدایا روزه مرا در این روز مانند روزه داران حقیقی قرار ده * و اقامه نماز مرا مانند

قیام القائمین * وَ نَبْهِنِىْ فِيْهِ عَنِ نَوْمَةِ الْغٰفِلِيْنَ * وَ هَبْ لِيْ جُرْمِىْ فِيْهِ

نمازگزاران واقعی مقرر فرما * و مرا از خواب غافلان هوشیار ساز * و هم در این روز جرم و گناه مرا

يَا اِلَهَ الْعَالَمِينَ * وَاعْفُ عَنِّي يَا عَافِيَا عَنِ الْمَجْرِمِينَ * **روز دویم: اللَّهُمَّ**

بخش ای خدای عالمیان * و از زشتی‌هایم عفو فرما ای عفو کننده از گناهکاران عالم * خدایا

قَرَّبْنِي فِيهِ اِلَى مَرْضَاتِكَ * وَجَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنِقْمَاتِكَ *

مرا در این روز به رضا و خشنودیت نزدیک ساز * و از خشم و غضبت دور ساز *

وَ وَفَّقْنِي فِيهِ لِقِرَاءَةِ آيَاتِكَ * بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * **روز سیم:**

و برای قرائت آیات قرآنت موفق گردان * به حق رحمتت ای مهربانترین مهربانان عالم *

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الذِّهْنَ وَالتَّنْبِيهَ * وَبَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ

خدایا در این روز مرا هوش و بیداری نصیب فرما * و از سفاقت و جهالت و کار باطل

وَ التَّمْوِيهِ * وَاجْعَلْ لِي نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنَزِّلُ فِيهِ * بِجُودِكَ يَا اَجُودَ

دور گردان * و از هر خیری که در این روز نازل می‌فرمایی مرا نصیب بخش * به حق جود و کرمیت ای جود

الْاَجُودِينَ * **روز چهارم: اللَّهُمَّ قَوِّنِي فِيهِ عَلَى اِقَامَةِ اَمْرِكَ * وَادِقِّنِي فِيهِ**

بخشش دارترین عالم * خدایا مرا در این روز برای اقامه و انجام فرمانت قوت بخش * و حلاوت و شیرینی

حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ * وَ اَوْزِعْنِي فِيهِ لِادَاءِ شُكْرِكَ بِكْرَمِكَ * وَ اَحْفَظْنِي فِيهِ

ذکرت را به من بچشان * و برای ادای شکر خود به کرمیت مهیا ساز * و در این روز به حفظ و

بِحَفْظِكَ وَ سِتْرِكَ * يَا اَبْصَرَ النَّاطِرِينَ * **روز پنجم: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ**

پرده پوشی مرا از گناه محفوظ دار * ای بصیرترین بینایان عالم * خدایا مرا در این روز از توبه

مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ * وَ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الْقَائِتِينَ *

و استغفار کنندگان قرار ده * و از بندگان صالح مطیع خود مقرر فرما *

وَ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ اَوْلِيَاءِكَ الْمُقَرَّبِينَ * بِرَأْفَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

و هم در این روز مرا از دوستان مقرب درگاه خود قرار ده * به حق لطف و رأفتت ای مهربانترین مهربانان عالم *

روز ششم: اللَّهُمَّ لَا تَخْذَلْنِي فِيهِ لِتَعَرُّضِ مَعْصِيَتِكَ * وَلَا تَضْرِبْنِي بِسَيِّئَاتِ

ای خدا مرا در این روز به واسطه ارتکاب عصیانت خوار مساز * و به ضرب تازیانه قهرت

نِقْمَتِكَ * وَ زَحْزَحْنِي فِيهِ مِنْ مُوجِبَاتِ سَخَطِكَ * بِمَنِّكَ وَ اَيَادِيكَ

کیفر مکن * و از موجبات خشم و غضبت دور گردان * به حق احسان و نعمت‌های تو به خلق

* يَا مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاْغِبِينَ * **روز هفتم: اللَّهُمَّ اعْنِي فِيهِ عَلَى صِيَامِهِ**

* ای منتهای آرزوی مشتاقان * ای خدا مرا در این روز بر روزه و اقامه نماز

و قِيَامِهِ * وَ جَنَّبَنِي فِيهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَ آثَامِهِ * وَ ارْزُقْنِي فِيهِ ذِكْرَكَ

یاری کن * و از لغزش‌ها و گناهان دور ساز * و ذکر دائم نصیب

بَدْوَامِهِ * بِتَوْفِيقِكَ يَا هَادِيَ الْمُضْلِينَ * **روز هشتم: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ**

فرما * به حق توفیق بخشی خود ای رهنمای گمراهان عالم * ای خدا در این روز مرا

رَحْمَةَ الْيَتَامِ * وَ اطْعَامِ الطَّعَامِ * وَ اِفْشَاءِ السَّلَامِ * وَ صُحْبَةَ الْكِرَامِ

ترحم به یتیمان * و اطعام به گرسنگان * و افشاء و انتشار سلام در مسلمانان * و مصاحبت نیکان نصیب فرما

* بِطَوْلِكَ يَا مَدْجَا الْأَمَلِينَ * **روز نهم: اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيبًا مِنْ**

* به حق انعامت ای پناه آرزومندان عالم * ای خدا مرا نصیبی از رحمت واسعة

رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ * وَ اِهْدِنِي فِيهِ لِبرَاهِينِكَ السَّاطِعَةِ * وَ خُذْ بِنَاصِيَتِي

خود عطا فرما * و به ادله روشن خود هدایت فرما * و پیشانی مرا بگیر و به سوی رضا و خشنودی

إِلَى مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةِ * بِمَحَبَّتِكَ يَا أَمَلِ الْمُشْتَاقِينَ * **روز دهم: اللَّهُمَّ**

که جامع (هر نعمت) است سوق ده * به حق دوستی و محبتت ای آرزوی مشتاقان * ای خدا

اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ * وَ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْفَائِزِينَ

مرا در این روز از آنان که بر تو توکل کنند * و نزد تو فوز و سعادت یابند

لَدَيْكَ * وَ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُقْرَبِينَ إِلَيْكَ * بِأِحْسَانِكَ يَا غَايَةَ

قرار ده * و مرا از آنان که مقربان درگاه تو باشند قرار ده * به حق احسانت ای منتهای

الطَّالِبِينَ * **روز یازدهم: اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ فِيهِ الْإِحْسَانَ * وَ كَرِّهِ إِلَيَّ فِيهِ**

آرزوی طالبان * ای خدا در این روز احسان و نیکویی را محبوب من * و فسق و معاصی

الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ * وَ حَرِّمْ عَلَيَّ فِيهِ السَّخَطَ وَ النَّيْرَانَ * بِعَوْنِكَ

را ناپسند من قرار ده * و در این روز خشم و آتش قهت را بر من حرام گردان * به یاری خود

يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ * **روز دوازدهم: اللَّهُمَّ زَيِّنِي فِيهِ بِالسُّتْرِ وَ الْعَفَافِ**

ای فریادرس فریاد خواهان * ای خدا در این روز مرا به زیور ستر و عفت نفس بیاری

* وَ اسْتُرْنِي فِيهِ بِلِبَاسِ الْقَنُوعِ وَ الْكِفَافِ * وَ احْمِلْنِي فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ

* و به جامه قناعت و کفاف بپوشان * و به کار عدل و انصاف

وَ الْإِنصَافِ * وَ ءَامِنِّي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ * بِعِصْمَتِكَ يَا عِصْمَةَ

بدار * و از هر چه ترسانم مرا ایمن ساز * به نگهبانی خود ای نگهدار و عصمت بخش

اَلْحَائِفِيْنَ ﴿۱﴾ رُوزِ سِيزْدَهَمِ: اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِيْ فِيْهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْاَقْدَارِ ﴿۲﴾ وَصَبْرِنِيْ

خدا ترسان عالم * ای خدا در این روز مرا از پلیدی و کثافات پاک ساز * و بر حوادث

فِيْهِ عَلَيْ كَائِنَاتِ الْاَقْدَارِ ﴿۳﴾ وَوَقْفِنِيْ فِيْهِ لِلتَّقَىٰ وَصَحْبَةِ الْاَبْرَارِ ﴿۴﴾

خیر و شر قضا و قدرت صبر و تحمل عطا کن * و بر تقوی و پرهیزکاری و مصاحبت نیکوکاران موفق دار *

بِعَوْنِكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الْمَسَاكِيْنَ ﴿۵﴾ رُوزِ چِهَارْدَهَمِ: اَللّٰهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِيْ فِيْهِ

به یاری خود ای مایه شادی و اطمینان خاطر مسکینان * ای خدا در این روز مرا به لغزش‌هایم

بِالْعَثْرَاتِ ﴿۶﴾ وَاقْلِنِيْ فِيْهِ مِنَ الْخَطَايَا وَالْهَفْوَاتِ ﴿۷﴾ وَلَا تَجْعَلْنِيْ فِيْهِ

مؤاخذه مفرما * و عذر خبط و خطاهایم بپذیر * و مرا هدف

غَرَضًا لِلْبَلَايَا وَالْاَفَاتِ ﴿۸﴾ بَعِزَّتِكَ يَا عِزَّ الْمُسْلِمِيْنَ ﴿۹﴾ رُوزِ يَازْدَهَمِ: اَللّٰهُمَّ

تیر بلاها و آفت‌ها قرار مده * به حق عزت و جلالت ای عزت بخش اهل اسلام * ای خدا

ارْزُقْنِيْ فِيْهِ طَاعَةَ الْمُحَاشِعِيْنَ ﴿۱۰﴾ وَاشْرَحْ فِيْهِ صَدْرِيْ بِاِنَابَةِ الْمُخْبِتِيْنَ

در این روز طاعت بندگان خاشع خود را نصیب من گردان * و سینه‌ام را برای انابه همانند بازگشت خاضعان باز کن

﴿۱۱﴾ بِاَمَانِكَ يَا اَمَانَ الْمُحَاشِفِيْنَ ﴿۱۲﴾ رُوزِ شَانِزْدَهَمِ: اَللّٰهُمَّ وَفِّقْنِيْ فِيْهِ لِمُوَافَقَةِ

* ای ایمنی دل‌های ترسان * ای خدا در این روز مرا بر موافقت نیکان

الْاَبْرَارِ ﴿۱۳﴾ وَجَنِّبْنِيْ فِيْهِ مُرَافَقَةَ الْاَشْرَارِ ﴿۱۴﴾ وَءَاوِنِيْ فِيْهِ بِرَحْمَتِكَ اِلَىٰ (فِي)

موفق بدار * و از رفاقت اشرار جهان دور گردان * و مرا در بهشت دار القرار به رحمت

دَارِ الْقَرَارِ ﴿۱۵﴾ بِالْهَيْتِكَ يَا اِلَهَ الْعَالَمِيْنَ ﴿۱۶﴾ رُوزِ هَفْدَهَمِ: اَللّٰهُمَّ اِهْدِنِيْ فِيْهِ

منزل ده * به حق الهیت و معبودیتت ای خدای عالمیان * ای خدا در این روز مرا به اعمال

لِصَالِحِ الْاَعْمَالِ ﴿۱۷﴾ وَاقْضِ لِيْ فِيْهِ الْحَوَائِجَ وَالْاَمَالَ ﴿۱۸﴾ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ اِلَىٰ

صالح راهنمایی کن * و حاجت‌ها و آرزوهایم برآورده ساز * ای کسی که نیازمند به

التَّفْسِيْرِ وَالسُّؤَالِ ﴿۱۹﴾ يَا عَالِمًا بِمَا فِيْ صُدُوْرِ الْعَالَمِيْنَ ﴿۲۰﴾ [صَلِّ

شرح و سؤال بندگان نیستی * ای خدایی که به سراسر خلقات آگاهی * درود

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَءَالِهِ الطَّاهِرِيْنَ] ﴿۲۱﴾ رُوزِ هَجْدَهَمِ: اَللّٰهُمَّ نَبِّهْنِيْ فِيْهِ لِبَرَكَاتِ

فرست بر محمد «ص» و آل اطهار او * ای خدا مرا در این روز برای برکات سحرها

اَسْحَارِهِ ﴿۲۲﴾ وَنُوْرٍ فِيْهِ قَلْبِيْ بِضِيَاءِ اَنْوَارِهِ ﴿۲۳﴾ وَخُذْ بِكُلِّ اَعْضَائِيْ اِلَىٰ

بیدار و متنبه ساز * و دلم را به روشنی انوار سحر منور گردان * و تمام اعضاء را برای آثار و برکات

تَبَاعْ أَثَارِهِ * بِنُورِكَ يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ * **روز نوزدهم: اللَّهُمَّ وَفِّرْ**

این روز مسخر فرما * به حق نور خود ای روشنی بخش دل‌های عارفان * ای خدا در این

فِيهِ حَظِّي مِنْ بَرَكَاتِهِ * وَ سَهِّلْ سَبِيلِي إِلَى خَيْرَاتِهِ * وَلَا تَحْرِمْنِي قَبُولِ

روز بهره مرا از برکاتش وافر گردان * و به سوی خیراتش راهم را سهل و آسان ساز * و از حسنات مقبول آن

حَسَنَاتِهِ * يَا هَادِيًا إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ * **روز بیستم: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ**

مرا محروم مساز * ای راهنمای به سوی دین حق آشکار * ای خدا در این روز به روی من

أَبْوَابِ الْجَنَانِ * وَ اغْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ النَّيرانِ * وَ وَفَّقْنِي فِيهِ لِتِلَاوَةِ

درهای بهشت‌ها بگشا * و درهای آتش دوزخ ببند * و مرا توفیق تلاوت قرآن

الْقُرْآنِ * يَا مُنْزِلَ السَّكِينَةِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ * **روز بیست و یکم: اللَّهُمَّ**

عطا فرما * ای فرود آورنده وقار و سکینه بر دل‌های اهل ایمان * ای خدا

اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ دَلِيلًا * وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ

در این روز مرا به سوی رضا و خشنودی خود راهنمایی کن * و شیطان را بر من مسلط

سَبِيلًا * وَ اجْعَلْ الْجَنَّةَ لِي مَنزَلًا وَ مَقِيلًا * يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ

مگردان * و بهشت را منزل و مقام قرار ده * ای برآورنده حاجات طالبان *

* **روز بیست و دویم: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ فَضْلِكَ * وَ انزِلْ عَلَيَّ فِيهِ**

ای خدا در این روز به روی من درهای فضل و کرم بگشا * و بر من برکات را نازل

بَرَكَاتِكَ * وَ وَفَّقْنِي فِيهِ لِمَوْجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ * وَ اسْكِنِي فِيهِ بِحُبُوحَاتِ

فرما * و بر موجبات رضا و خوشنودیت موقم بدار * و در وسط بهشت‌هایت مرا

جَنَاتِكَ * يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ * **روز بیست و سیم: اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي**

مسکن ده * ای پذیرنده دعای مضطر پریشان * ای خدا در این روز مرا

فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ * وَ طَهَّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ * وَ امْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ

از گناهان پاکیزه گردان * و از هر عیب و نقص پاک ساز * و دلم در آزمایش رتبه دل‌های

بِتَقْوَى الْقُلُوبِ * يَا مُقِيلَ عَثْرَاتِ الْمَذْنِبِينَ * **روز بیست و چهارم: اللَّهُمَّ**

اهل تقوی بخش * ای پذیرنده عذر لغزش‌های گناهکاران * ای خدا

إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيهِ مَا يَرْضِيكَ * وَ أَعُوذُ بِكَ مِمَّا يُؤْذِيكَ * وَ أَسْأَلُكَ

در این روز از تو درخواست می‌کنم آنچه را که رضای تو در اوست * و به تو پناه می‌برم از آنچه تو را ناپسند است * و از تو

التَّوْفِيقَ فِيهِ لِأَنَّهُ أَطِيعَكَ وَلَا أَعْصِيكَ * يَا جَوَادَ السَّائِلِينَ * **روز بیست**

توفیق می‌خواهم که در این روز همه را به فرمان تو باشم و هیچ نافرمانی نکنم * ای جود و عطا بخش سؤال کنندگان *

وَبِنَجْمِ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُحِبًّا لِأَوْلِيَائِكَ * وَمُعَادِيًّا لِأَعْدَائِكَ * مُسْتَنًّا

ای خدا مرا در این روز محب دوستانت * و عدو دشمنانت قرار ده * و در راه

بِسُنَّةِ خَاتَمِ أَنْبِيَائِكَ * يَا عَاصِمَ قُلُوبِ النَّبِيِّينَ * **روز بیست و ششم:**

و روش به طریقه و سنت خاتم پیغمبرانت بدار * ای عصمت بخش دل‌های پیغمبران *

اللَّهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا * وَ ذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا * وَ عَمَلِي فِيهِ

ای خدا در این روز سعیم را (در راه طاعتت) بپذیر * و گناهانم را در این روز ببخش * و عملم را

مَقْبُولًا * وَ عَيْبِي فِيهِ مُسْتُورًا * يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ * **روز بیست و هفتم:**

مقبول * و عیبم را مستور گردان * ای بهترین شنوای دعای خلق *

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَ صَيْرَ أُمُورِي فِيهِ مِنَ الْعُسْرِ إِلَى

ای خدا در این روز فضیلت لیلۃ القدر را نصیب من گردان * و تمام امور و کارهای مشکل مرا

الْيُسْرِ * وَاقْبَلْ مَعَاذِيرِي وَحُطَّ عَنِّي الذَّنْبُ وَالْوِزْرُ * يَا رءُوفًا بِعِبَادِهِ

آسان گردان * و عذرهایم بپذیر و وزر و گناهانم محو و نابود ساز * ای رئوف و مهربان در

الصَّالِحِينَ * **روز بیست و هشتم:** اللَّهُمَّ وَفَّرْ حَظِّي فِيهِ مِنَ النَّوَافِلِ * وَ أَكْرَمْنِي

حق صالحان * ای خدا در این روز به اعمال نافله و مستحبات مرا بهره‌ وافر عطا فرما * و به حاضر

فِيهِ بِأَحْضَارِ الْمَسَائِلِ * وَ قَرَّبْ فِيهِ وَسِيلَتِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ

و آماده ساختن مسائل در حقم کرم فرما * و وسیله مرا بین وسایل و اسباب به سوی حضرتت نزدیک ساز

* يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ * أَحْمَاحُ الْمَلْحِينَ * **روز بیست و نهم:** اللَّهُمَّ غَشْنِي فِيهِ

* ای خدایی که سماجت و الحاح بندگان تو را باز نخواهد داشت * ای خدا در این روز مرا به رحمت

بِالرَّحْمَةِ * وَ ارْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَ الْعِصْمَةَ * وَ طَهَّرْ قَلْبِي مِنْ غِيَاهِبِ

خود درپوشان * و هم توفیق و حفظ از گناهان روزی فرما * و دلم را از تاریکی‌های شکوک و

التُّهْمَةِ * يَا رَحِيمًا بِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ * **روز سی‌ام:** اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي

اوهام باطل پاک دار * ای خدای مهربان بر اهل ایمان * ای خدا در این روز روزه مرا

فِيهِ بِالشُّكْرِ وَ الْقَبُولِ * عَلَى مَا تَرْضَاهُ وَ يَرْضَاهُ الرَّسُولُ * مُحْكَمَةً

با جزای خیر و مقبول حضرتت قرار ده * که پسند حضرتت و پسند رسولت گردد * و فروع آن را

فُرُوْعُهُ وَ بِالْأَصُولِ * بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ ءَالِهِ الطَّاهِرِينَ * وَ الْحَمْدُ

به واسطهٔ اصول آن محکم اساس گردان * به حق سید ما حضرت محمد «ص» و آل اطهارش * و ستایش

لِللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * مؤلف گوید که: در تقدیم و تأخیر دعاها و عبادات هریک در کتب دعوات مختلف

خدای را که پروردگار عالمیان است *

ذکر کرده اند چون روایتش را معتبر نمی دانم متعرض ذکر آنها نشدم و دعای روز بیست و هفتم را کفعمی در روز بیست و نهم ذکر کرده است و موافق مذهب شیعه در روز بیست و سیّم خواندن دور نیست که آنسب باشد انتهی.

فصل چهارم در اعمال ماه شوال است

شب اول از جمله لیالی شریفه است و در فضیلت و ثواب عبادت و احیای آن احادیث بسیار وارد شده و روایت شده است که آن شب کمتر از شب قدر نیست و از برای آن چند عمل است. ۱) اول: غسل است در وقتی که غروب کرد آفتاب. ۲) دوّم: احیاء آن شب به نماز و دعا و استغفار و سؤال از حقّ تعالی و بیئتوته در مسجد. ۳) سیّم: آنکه بخواند در عقب نماز مغرب و عشاء و نماز صبح و عقب نماز عید:

اللَّهُ أَكْبَرُ * اللَّهُ أَكْبَرُ * لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَاللَّهُ أَكْبَرُ * اللَّهُ أَكْبَرُ * وَاللَّهُ

خدای بزرگ است * خدای بزرگ است * معبودی به حق جز ذات پروردگار نیست * و خدا بزرگتر است * خدای بزرگ است * و

الْحَمْدُ * الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَانَا * وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَوْلَانَا * ۴

ستایش مر خدا راست * سپاس خدا راست بر آنچه ما را هدایت و راهنمایی فرمود و شکر خدا را بر آنچه ما را بخشود. *

چهارم: آنکه چون نماز مغرب و نافله آن را خواند دستها را به سوی آسمان بلند کند و بگوید: يَا ذَا الْمَنِّ

ای صاحب منّت

وَ الطَّوْلِ * يَا ذَا الْجُودِ * يَا مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ نَاصِرَهُ * صَلِّ عَلَى

و فضل * ای صاحب جود و بخشش * ای برگزین محمد و یاور او * رحمت فرست

مُحَمَّدٍ وَ ءَالِ مُحَمَّدٍ * وَ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَحْصَيْتَهُ * وَ هُوَ عِنْدَكَ

بر محمد و آل محمد (ع) * و بیامرز برایم هر گناهی را که شمرده ای * و آن در دفتر اعمال و کتاب

فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ * پس به سجده برود و صد مرتبه در سجده بگوید اَتُوبُ إِلَى اللَّهِ پس هر حاجت

مبین ثبت شده است. *

که دارد از حقّ تعالی بخواهد که انشاء الله برآورده خواهد شد * و در روایت شیخ است که بعد از نماز مغرب به

سجده رود و بگوید: **يَا ذَا الْحَوْلِ يَا ذَا الطَّوْلِ * يَا مُصْطَفِيَا مُحَمَّدًا وَنَاصِرَهُ** و

ای صاحب جنبش و ای صاحب بخشش * ای برگزین محمد (ص) و یاور او

*** صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ** و

* رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و بیامرز برایم هر گناهی را که نموده‌ام و مرتکب شده‌ام

وَنَسِيتُهُ وَاَنَا * وَهُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ * پس بگوید صد مرتبه **اَتُوبُ اِلَى**

و آن را از یاد برده‌ام * و آن در کتاب مبین است *

اللَّهِ . ۵ پنجم: زیارت کند امام حسین (علیه السلام) را که فضیلت بسیار دارد و زیارت مخصوصه این شب در باب

زیارات بیاید انشاء الله. ۶ ششم: ده مرتبه بگوید ذکر: **يَا دَائِمَ الْفَضْلِ** را که در اعمال شب جمعه

گذشت. ۷ هفتم: به جا آورد ده رکعت نمازی که در شب آخر ماه رمضان گذشت. ۸ هشتم: به جا آورد دو

رکعت نماز، در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه توحید و در دوم یک مرتبه بخواند و بعد از سلام سر به سجده

بگذارد * و صد مرتبه بگوید: **اَتُوبُ اِلَى اللَّهِ * پس بگوید: يَا ذَا الْمَنِّ وَ الْجُودِ * يَا ذَا الْمَنِّ**

ای صاحب منت و بخشش * ای صاحب منت

وَ الطَّوْلِ * يَا مُصْطَفِيَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * صَلِّ عَلَيَّ

و جود و فضل * ای برگزین محمد صلی الله علیه و آله * رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَافْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا * و به جای آن حاجات خود را بطلبید * و روایت است

محمد و آتش * و با من چنین و چنان کن *

که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) این دو رکعت را به این کیفیت به جا می آورد پس سر از سجده برمی داشت و

می فرمود: به حق آن خداوندی که جانم به دست قدرت اوست هر که این نماز را بکند هر حاجت از خدا بطلبد

البته عطا کند و اگر به عدد ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا بیامرز * و در روایت دیگر به جای هزار مرتبه

توحید، صد مرتبه وارد شده لکن نماز را بعد از نماز مغرب و نافله آن باید به جا آورد. * و شیخ و سیّد بعد از این نماز

این دعا را نقل کرده اند: **يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ * يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ * يَا رَحِيمُ يَا**

ای خدا ای خدا ای خدا * ای بخشاینده ای خدا * ای مهربان

اللَّهُ * يَا مَلِكُ يَا اللَّهُ * يَا قُدُّوسُ يَا اللَّهُ * يَا سَلَامُ يَا اللَّهُ * يَا مُؤْمِنُ

ای خدا * ای پادشاه ای خدا * ای پاک ای خدا * ای سالم از نقص ای خدا * ای تصدیق کننده

يَا اللَّهُ * يَا مَهِيْمِنُ يَا اللَّهُ * يَا عَزِيْزُ يَا اللَّهُ * يَا جَبَّارُ يَا اللَّهُ * يَا

ای خدا * ای گواه ای خدا * ای ارجمند و با عزت ای خدا * ای جبار ای خدا * ای

مُتَكَبِّرُ يَا اللَّهُ * يَا خَالِقُ يَا اللَّهُ * يَا بَارِئُ يَا اللَّهُ * يَا مُصَوِّرُ يَا اللَّهُ

صاحب بزرگی ای خدا * ای آفریننده ای خدا * ای پدید آورنده ای خدا * ای صورت آفرین ای خدا

يَا عَالِمُ يَا اللَّهُ * يَا عَظِيْمُ يَا اللَّهُ * يَا عَلِيْمُ يَا اللَّهُ * يَا كَرِيْمُ يَا اللَّهُ

ای دانا ای خدا * ای بزرگ ای خدا * ای آگاه ای خدا * ای صاحب کرم ای خدا

يَا حَلِيْمُ يَا اللَّهُ * يَا حَكِيْمُ يَا اللَّهُ * يَا سَمِيْعُ يَا اللَّهُ * يَا بَصِيْرُ يَا

ای بردبار ای خدا * ای صاحب حکمت ای خدا * ای شنوا ای خدا * ای بینا ای

اللَّهُ * يَا قَرِيْبُ يَا اللَّهُ * يَا مُجِيْبُ يَا اللَّهُ * يَا جَوَادُ يَا اللَّهُ * يَا

خدا * ای نزدیک ای خدا * ای اجابت کننده ای خدا * ای جود کننده ای خدا * ای

مَاجِدُ يَا اللَّهُ * يَا مَلِيْ يَا اللَّهُ * يَا وَفِيْ يَا اللَّهُ * يَا مَوْلى يَا اللَّهُ * يَا

بزرگوار ای خدا * ای دوست ای خدا * ای وفا کننده ای خدا * ای مولی ای خدا * ای

قَاضِي يَا اللَّهُ * يَا سَرِيْعُ يَا اللَّهُ * يَا شَدِيْدُ يَا اللَّهُ * يَا رَعُوْفُ يَا اللَّهُ

حکم کننده ای خدا * ای سریع ای خدا * ای با شدت ای خدا * ای مهربان ای خدا

يَا رَقِيْبُ يَا اللَّهُ * يَا مَجِيْدُ يَا اللَّهُ * يَا حَفِيْظُ يَا اللَّهُ * يَا مُحِيْطُ

* ای نگهبان ای خدا * ای بزرگوار ای خدا * ای حفظ کننده ای خدا * ای احاطه کننده

يَا اللَّهُ * يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ يَا اللَّهُ * يَا أَوَّلُ يَا اللَّهُ * يَا آخِرُ يَا اللَّهُ

ای خدا * ای آقای آقایان ای خدا * ای اول ای خدا * ای آخر ای خدا

يَا ظَاهِرُ يَا اللَّهُ * يَا بَاطِنُ يَا اللَّهُ * يَا فَآخِرِيَا اللَّهُ * يَا قَآهِرِيَا

* ای ظاهر کننده ای خدا * ای باطن ای خدا * ای فخر کننده ای خدا * ای غلبه کننده ای

اللَّهُ * يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهُ * يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهُ * يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهُ * يَا وَدُوْدُ يَا

خدا * ای پروردگار ای خدا * ای پروردگار ای خدا * ای پروردگار ای خدا * ای دوست ای

اللَّهُ * يَا نُوْرِيَا اللَّهُ * يَا رَافِعُ يَا اللَّهُ * يَا مَآنِعُ يَا اللَّهُ * يَا دَافِعُ يَا

خدا * ای نور ای خدا * ای بلند کننده ای خدا * ای منع کننده ای خدا * ای دفع کننده ای

اللَّهُ يَا فَاتِحُ يَا اللَّهُ يَا نَفَّاحُ (نَفَّاعٌ) يَا اللَّهُ يَا جَلِيلُ يَا اللَّهُ يَا

خدا * ای گشاینده ای خدا * ای نفع رساننده ای خدا * ای بزرگ ای خدا * ای

جَمِيلُ يَا اللَّهُ يَا شَهِيدُ يَا اللَّهُ يَا شَاهِدُ يَا اللَّهُ يَا مُغِيثُ يَا

نیکو ای خدا * ای گواه ای خدا * ای گواهی دهنده ای خدا * ای پناه دهنده ای

اللَّهُ يَا حَبِيبُ يَا اللَّهُ يَا فَاطِرُ يَا اللَّهُ يَا مُطَهِّرُ يَا اللَّهُ يَا مَلِكُ

خدا * ای دوست ای خدا * ای آفریننده ای خدا * ای پاک کننده ای خدا * ای پادشاه

(مَلِكٌ) يَا اللَّهُ يَا مُقْتَدِرُ يَا اللَّهُ يَا قَابِضُ يَا اللَّهُ يَا بَاسِطُ يَا

ای خدا * ای تقدیر کننده ای خدا * ای قبض کننده ای خدا * ای پهن کننده ای

اللَّهُ يَا مُحْيِي يَا اللَّهُ يَا مُمِيتُ يَا اللَّهُ يَا بَاعِثُ يَا اللَّهُ يَا

خدا * ای زنده کننده ای خدا * ای میراننده ای خدا * ای برانگیزاننده ای خدا * ای

وَارِثُ يَا اللَّهُ يَا مُعْطِي يَا اللَّهُ يَا مُفْضِلُ يَا اللَّهُ يَا مُنْعِمُ يَا اللَّهُ

وارث ای خدا * ای عطا کننده ای خدا * ای فضل دهنده ای خدا * ای نعمت دهنده ای خدا

يَا حَقُّ يَا اللَّهُ يَا مُبِينُ يَا اللَّهُ يَا طَيِّبُ يَا اللَّهُ يَا مُحْسِنُ يَا

* ای راست ای خدا * ای آشکار کننده ای خدا * ای پاکیزه ای خدا * ای احسان کننده ای

اللَّهُ يَا مُجْمَلُ يَا اللَّهُ يَا مُبْدِئُ يَا اللَّهُ يَا مُعِيدُ يَا اللَّهُ يَا

خدا * ای نیکی کننده ای خدا * ای آغاز کننده ای خدا * ای عود دهنده ای خدا * ای

بَارِئُ يَا اللَّهُ يَا بَدِيعُ يَا اللَّهُ يَا هَادِيُ يَا اللَّهُ يَا كَافِيُ يَا اللَّهُ

پدید کننده ای خدا * ای نو کننده ای خدا * ای هدایت کننده ای خدا * ای کفایت کننده ای خدا *

يَا شَافِيُ يَا اللَّهُ يَا عَلِيُّ يَا اللَّهُ يَا عَظِيمُ يَا اللَّهُ يَا حَنَّانُ يَا اللَّهُ

ای شفا دهنده ای خدا * ای بلند مرتبه ای خدا * ای بزرگ ای خدا * ای بخشنده ای خدا

يَا مَنَّانُ يَا اللَّهُ يَا ذَا الطَّوْلِ يَا اللَّهُ يَا مُتَعَالِيُ يَا اللَّهُ يَا عَدْلُ

* ای احسان کننده ای خدا * ای صاحب نعمت ای خدا * ای بلند عالی ای خدا * ای عادل

يَا اللَّهُ يَا ذَا الْمَعَارِجِ يَا اللَّهُ يَا صَادِقُ يَا اللَّهُ يَا صَدُوقُ يَا

ای خدا * ای صاحب بلندیها ای خدا * ای راستگو ای خدا * ای راست گفتار ای

اللَّهُ يَا دَيَّانُ يَا اللَّهُ يَا بَاقِيُ يَا اللَّهُ يَا وَاقِيُ يَا اللَّهُ يَا ذَا الْجَلَالِ

خدا * ای جزا دهنده ای خدا * ای باقی ای خدا * ای نگهدار ای خدا * ای صاحب جلال

يَا اَللّٰهُ * يَا ذَا الْاِكْرَامِ يَا اَللّٰهُ * يَا مَحْمُوْدُ يَا اَللّٰهُ * يَا مَعْبُوْدُ يَا اَللّٰهُ

ای خدا * ای صاحب کرامت ای خدا * ای پسندیده ای خدا * ای پرستیده شده ای خدا

* يَا صَانِعُ يَا اَللّٰهُ * يَا مُعِيْنُ يَا اَللّٰهُ * يَا مُكُوْنُ يَا اَللّٰهُ * يَا فِعَالُ يَا

* ای صانع ای خدا * ای یاری کننده ای خدا * ای خلقت کننده ای خدا * ای فعال ای

اَللّٰهُ * يَا لَطِيْفُ يَا اَللّٰهُ * يَا غَفُوْرُ يَا اَللّٰهُ (يَا جَدِيْلُ يَا اَللّٰهُ) * يَا شَكُوْرُ

خدا * ای با لطف ای خدا * ای آمرزنده ای خدا * ای شکور

يَا اَللّٰهُ * يَا نُورِ يَا اَللّٰهُ * يَا قَدِيْرُ (قَدِيْمٌ) يَا اَللّٰهُ * يَا رَبّاهُ يَا اَللّٰهُ * يَا

ای خدا * ای نور ای خدا * ای با قدرت ای خدا * ای پروردگار ای خدا * ای

رَبّاهُ يَا اَللّٰهُ * يَا رَبّاهُ يَا اَللّٰهُ * يَا رَبّاهُ يَا اَللّٰهُ * يَا رَبّاهُ

پروردگار ای خدا * ای پروردگار ای خدا * ای پروردگار ای خدا * ای پروردگار

يَا اَللّٰهُ * يَا رَبّاهُ يَا اَللّٰهُ * يَا رَبّاهُ يَا اَللّٰهُ * يَا رَبّاهُ يَا

ای خدا * ای پروردگار ای خدا * ای پروردگار ای خدا * ای پروردگار ای

اَللّٰهُ * اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَتَمَنَّ عَلَيَّ

خدا * از تو خواهم که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد * و منت نهی بر من

بِرِضَاكَ * وَتَعْفُو عَنِّي بِحِلْمِكَ * وَتَوْسِعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ

به رضایت خود * و بگذری از من به بردباریت * و فراوان کنی روزیم را از حلال و پاک

* وَ مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ * وَ مِنْ حَيْثُ لَا اَحْتَسِبُ * فَاِنِّي عَبْدُكَ لَيْسَ

* و از آنجا که گمان دارم و از آنجا که گمان ندارم * زیرا من بنده توام و نیست

لِي اَحَدٌ سِوَاكَ * وَلَا اَحَدٌ اَسْأَلُهُ وَغَيْرِكَ * يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ * مَا

طرفدارم احدی جز تو * و از احدی خواهش نکنم جز تو * ای مهربانترین مهربانان عالم * آنچه را

شَاءَ اَللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ * پس به سجده می روی و می گویی: يَا اَللّٰهُ

خدا خواست بشود و هیچ قوت و نیرویی جز به خدای بلند بزرگ نخواهد بود * ای خدا

يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ * يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ * يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ * بِكَ تُنْزَلُ كُلُّ

ای خدا ای خدا * ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار * ای نازل کن برکات * هر حاجتی به تو

حَاجَةٌ * اَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ فِي مَخْزُوْنِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ * وَ الْاَسْمَاءِ

نازل شود * از تو درخواست می کنم به هر نامی که در خزینۀ غیب توست * و نامهای

المَشْهُورَاتِ عِنْدَكَ الْمَكْتُوبَةِ عَلَى سُرَادِقِ عَرْشِكَ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

مشهورات که نوشته ای بر سراپرده های عرشت * که بر محمد و

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَقْبَلَ مِنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ * وَتَكْتُبَنِي مِّنْ

آل محمد (ع) رحمت فرستی * و از من ماه رمضان را قبول فرمایی * و مرا از واردین

الْوَافِدِينَ إِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ * وَتَصْفَحَ لِي عَنِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ *

به بیت الحرامت بنویسی * و از گناهان بزرگم چشم پوشی *

وَتَسْتَخْرِجَ لِي يَا رَبِّ كُنُوزَكَ يَا رَحْمَنُ ﴿٩﴾ نهم: چهارده رکعت نماز کند، بخواند در هر

و گنجهایت را ای پروردگار درآوری ای بخشاینده. *

رکعتی حمد و آیه الکرسی و سه مرتبه قل قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ تا برای او باشد به هر رکعتی ثواب عبادت چهل

سال و عبادت هر که روزه گرفته و نماز خوانده در آن ماه. ﴿۱۰﴾ دهم: شیخ در مصباح فرموده که در آخر شب

غسل کن و بنشین در جای نماز خود تا طلوع فجر. روز اول: روز عید فطر است و اعمال آن چند چیز است.

﴿۱﴾ اول: آنکه بخوانی بعد از نماز صبح و نماز عید آن تکبیراتی را که در شبش بعد از نماز فریضه می خواندی.

﴿۲﴾ دویم: آنکه بخوانی بعد از نماز صبح دعائی را که سیّد روایت کرده (اللَّهُمَّ إِنِّي تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ

بِمُحَمَّدٍ إِمَامِي) الخ. و شیخ این دعا را بعد از نماز عید ذکر فرموده. ﴿۳﴾ سیّم: بیرون کردن زکوة فطره

است از هر سری صاعی پیش از نماز عید به تفصیلی که در کتب فقهیه است. و بدانکه زکوة فطره واجب مؤکّد

است و شرط قبولی روزه ماه رمضان و سبب حفظ تا سال دیگر است و حق تعالی آن را مقدّم بر نماز ذکر فرموده

در این آیه شریفه: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى * وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ﴿۴﴾ چهارم: غسل است و بهتر

آن است که اگر ممکن شود از نهر غسل کنی و وقت آن بعد از طلوع فجر است تا زمان به جا آوردن نماز عید

چنانچه شیخ فرموده و در جزء روایتی است که غسل را در زیر سقفی بکن * و چون خواستی غسل کنی بگو:

اللَّهُمَّ إِيْمَانًا بِكَ * وَتَصَدِيقًا بِكِتَابِكَ * وَاتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

خدایا از روی ایمان به تو * و تصدیق به کتاب تو * و پیروی روش پیغمبرت

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * پَسِ بِسْمِ اللَّهِ بگو و غسل کن * و چون از غسل فارغ شدی بگو:

محمد صلی الله علیه و آله *

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ كَفَّارَةً لِدُنُوبِي * وَطَهِّرْ دِينِي * اللَّهُمَّ اذْهَبْ عَنِّي الدَّنَسَ

خدایا آن را قرار ده کفاره گناهان من * و پاک کن دینم را * خدایا چرکی و ناپاکی (دل را) از من دور کن. *

۵ پنجم: پوشیدن جامه نیکو و به کار بردن بوی خوش و رفتن به صحرا در غیر مکه برای نماز کردن در زیر

آسمان. ۶ ششم: پیش از نماز عید در اول روز افطار کنی و بهتر آن است که به خرما یا به شیرینی باشد و شیخ

مفید فرموده: مستحب است تناول کردن مقدار کمی از تربت سیدالشهداء (علیه السلام) که شفا است از برای هر دردی.

۷ هفتم: آنکه چون مهیا شدی از برای رفتن به نماز عید بیرون نروی مگر بعد از طلوع آفتاب، * و آنکه بخوانی

دعاهائی را که سید در اقبال نقل کرده از جمله از ابو حمزه ثمالی روایت کرده از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) که

فرمود: بخوان در عید فطر و قربان و جمعه وقتی که مهیا شدی به جهت بیرون رفتن به نماز، این دعا را:

اللَّهُمَّ مِنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَوْ تَعَبًا * أَوْ أَعَدَّ * وَاسْتَعَدَّ لِفَوَادَةٍ إِلَى

ای خدا هر که در این روز تهیه دیده و ساز و برگ عید فراهم کرده * و مهیا و مستعد آن است که به دیدن

مَخْلُوقٍ * رَجَاءٍ رَفْدِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ وَ عَطَايَاهُ * فَإِنَّ إِلَيْكَ يَا

مخلوقی رود * به امید عطا و بخشش و فضل و احسان آنها * من هم ای

سَيِّدِي * تَهَيَّئْتِي وَ تَعَبَيْتِي * وَ اِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رَفْدِكَ

سید من * مهیا شده و ساز و برگ دیده * و آماده و مستعد گردیده‌ام به امید

وَ جَوَائِزِكَ * وَ نَوَافِلِكَ وَ فَوَاضِلِكَ * وَ فَضَائِلِكَ وَ عَطَايَاكَ * وَ قَدْ

بخشش و جایزه * و فضل و کرم و عطاهای تو * و در این صبحگاه من

غَدَوْتُ إِلَى عِيدٍ مِنْ أَعْيَادِ أُمَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

عیدی است از اعیاد امت پیغمبرت محمد صلی الله علیه و آله * و چیزی از

وَ عَلَى آلِهِ * وَ لَمْ أَفِدْ إِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ أَثِقُ بِهِ قَدَمْتَهُ * وَ لَا

عمل صالح در این روز به پیشگاه نیآورده‌ام که وثوق به خلوص * و شایستگی آن برای تقدیم به حضرتت

تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ أَمَلْتَهُ * وَ لَكِنْ أَتَيْتُكَ خَاضِعًا مُقِرًّا بِدُنُوبِي *

داشته باشم * و به هیچ مخلوقی روی حاجت و امید نیآورده‌ام * و لیکن به درگاه تو با ذلت و خضوع و اقرار و اعتراف به گناهان *

وَ إِسَاءَتِي إِلَى نَفْسِي * يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ * اَغْفِرْ لِي الْعَظِيمُ

و ظلم بدکاریم به نفس خود روی آورده‌ام * ای خدای بزرگ ای خدای بزرگ ای خدای بزرگ * از گناهان بزرگ

مَنْ ذُنُوبِي * فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ إِلَّا أَنْتَ * يَا إِلَهَ الْإِنْسَانِ

من درگذر * که گناه بزرگ را نمی‌بخشد جز ذات بزرگوار تو * که جز تو خدایی نیست

* يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ﴿۸﴾ هشتم: خواندن **نماز عید** است و آن دو رکعت است، در رکعت اول حمد

* ای مهربانترین مهربانان عالم. *

و سوره اعلیٰ بخواند و بعد از قرائت پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیری این قنوت را بخواند: **اللَّهُمَّ** (أَنْتَ

ای خدا ای که

أَهْلًا) أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظْمَةِ * وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ * وَأَهْلَ الْعَفْوِ

عظمت و کبریایی شایسته و مخصوص توست * و جود و بخشش و جلال و جبروت به تو اختصاص دارد * و لایق عفو

و الرَّحْمَةِ * وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ * أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ *

و رحمت * و سزاوار ترس از عصیان و آمرزش گناهان تویی * از تو درخواست می‌کنم به حق این روز *

الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا * وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

که برای مسلمین عید قرار دادی * و برای محمد صلی الله علیه و آله

ذُخْرًا وَشَرَفًا وَمَزِيدًا * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ

ذخیره و زیادت مقام گردانیدی * درخواست دارم که درود بر محمد (ص) و آتش فرستی * و مرا هم

تَدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تُخْرِجَنِي

در هر سعادت که محمد (ص) و آل محمد (ع) را داخل گردانیدی داخل سازی * و از هر بدی که

مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ * صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ

محمد (ص) و آل محمد (ع) را خارج ساختی مرا نیز خارج گردانی * که درود بر

و عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ

محمد و آل او باد * ای خدا من از تو درخواست می‌کنم بهتر چیزی را که بندگان شایسته‌ات

الصَّاحِبُونَ * وَأَعُوذُ بِكَ فِيهِ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّاحِبُونَ

از تو درخواست کردند * و پناه می‌برم به تو از آنچه بندگان صالحت به تو پناه

(الْمُخْلِصُونَ) * پس تکبیر ششم بگوید و به رکوع رود و بعد از رکوع و سجود برخیزد به رکعت دوم و بعد از

بروند *

حمد سوره (وَالشَّمْسِ) بخواند، پس چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیری آن قنوت را بخواند و چون فارغ شد

تکبیر پنجم گوید و به رکوع رود پس نماز را تمام کند و بعد از سلام تسبیح زهراء (علیها السلام) بفرستد * و بعد از نماز عید دعا‌های بسیار وارد شده است و شاید بهترین آنها دعای چهل و ششم صحیفه کامله باشد * و مستحب است که نماز عید در زیر آسمان و بر روی زمین بدون فرش و بُوریا واقع شود و آنکه برگردد از مُصلی از غیر آن راهی که رفته بود * و دعا کند از برای برادران دینی خود به قبولی اعمال. ۹ * نهم: زیارت کند امام حسین (علیه السلام) را. ۱۰ * دهم: بخواند دعای ندبه را که بعد از این بیاید انشاء الله تعالی. * و سید بن طاوس فرموده که چون از دعا فارغ

شود به سجده رود و بگوید: **أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِ حَرِّهَا لَا يُطْفِئُهَا إِلَّا جَدِيدُهَا لَا**

به تو پناه می‌برم از دوزخ که سوزشش خاموش نگردد * و تازه‌اش کهنه

يَبْلَى * وَ عَطْشَانُهَا لَا يَرْوِي * پس بگذارد گونه راست را و بگوید: **إِلَهِي لَا تَقْلِبْ**

نشود * و تشنه‌اش سیراب نگردد * خدایا چهره‌ام را

وَجْهِي فِي النَّارِ بَعْدَ سُجُودِي * وَ تَعْفِيرِي لَكَ بِغَيْرِ مَنْ مَنِّي عَلَيْكَ *

زیر و رو مگردان در آتش پس از آنکه سجده‌ات کردم * و برای تو به خاک ساییدم بی‌منت من بر تو *

بَلْ لَكَ الْمَنُّ عَلَيَّ * پس بگذارد گونه چپ را و بگوید: **إِرْحَمْ مَنْ أَسَاءَ وَ اقْتَرَفَ**

بلکه تو را بر من منت است * رحم کن بر آنکه بدکرداری کرد و نافرمانی

وَ اسْتَكَانَ وَ اعْتَرَفَ * پس برگردد به حال سجده و بگوید: **إِنْ كُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ**

نمودم و بیچاره شد و اقرار کرد * اگر من بد بنده‌ای هستم

فَأَنْتَ نِعْمَ الرَّبُّ * عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ * فَلَیْحَسُنَ الْعَفْوُ مِنْ

تو چه خوب خدایی هستی * بزرگ است گناه از بنده‌ات * پس باید خوب باشد گذشت

عِنْدِكَ يَا كَرِيمُ * پس بگوید: **(الْعَفْوُ الْعَفْوُ) صد مرتبه. *** آنگاه سید فرموده: **وَلَا تَقْطَعْ**

از نزد تو ای کریم * (گذشت گذشت) مگذران این

يَوْمَكَ هَذَا بِاللَّعِبِ وَ الْأَهْمَالِ * وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ أَمْرُودُ أَمْ مَقْبُولُ

روز خود را به بازی و اهمال * و تو نمی‌دانی که اعمالم پذیرفته است یا

الْأَعْمَالِ * فَإِنْ رَجَوْتَ الْقَبُولَ فَقَابِلْ ذَلِكَ بِالشُّكْرِ الْجَمِيلِ * وَ إِنْ

رد شده است * پس اگر امید قبول داری به شکرانهٔ جمیل به مقابله پرداز * و اگر از رد آن

خِفْتَ الرَّدِّ فَكُنْ أَسِيرَ الْحُزْنِ الطَّوِيلِ * روز بیست و پنجم: سنه صد و چهل و

بیمناکی دستخوش و گرفتار حزن و اندوه طولانی باش *

هشت به قول بعضی وفات امام جعفر صادق (علیه السلام) واقع شده و بعضی روز وفات را نیمه رجب گفته‌اند و سبب وفات آن حضرت زهری بوده که در انگور به آن حضرت خورانیده بودند و روایت شده که چون هنگام وفات آن حضرت شد چشمهای خود را گشود و فرمود که خویشان مرا جمع کنید، چون همه جمع شدند به سوی ایشان نظر کرد و فرمود: شفاعت ما نمی‌رسد به کسی که نماز را سبک بشمارد و اعتنا به شأن او ننماید.

فصل پنجم در اعمال ماه ذی القعدة

بدان که این ماه اول ماههای حرام است که حق تعالی در قرآن مجید ذکر فرموده، و سید بن طاوس روایتی نقل کرده که ذی القعدة محلّ اجابت دعا است در وقت شدت. * و در روز یکشنبه این ماه نمازی با فضیلت بسیار از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت کرده که مجملش آن است که هر که آن را به جا آورد توبه‌اش مقبول و گناهش آمرزیده شود و خصماء او در روز قیامت از او راضی شوند و با ایمان بمیرد و دینش گرفته نشود و قبرش گشاده و نورانی گردد و والدینش از او راضی گردند و مغفرت شامل حال والدین او و ذریه او گردد و توسعه رزق پیدا کند و ملک الموت با او در وقت مردن مدارا کند و به آسانی جان او بیرون شود و کیفیت آن چنان است که در روز یکشنبه غسل کند و وضو بگیرد و چهار رکعت نماز گذارد در هر رکعت حمد یک مرتبه و **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** سه مرتبه و **مُعَوَّذَتَيْنِ** یک مرتبه، پس استغفار کند هفتاد مرتبه و ختم کند استغفار را به:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * پس بگوید: **يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ** *

جنبش و توانایی جز به خدای بلند مرتبه بزرگ نخواهد بود * عزیز ای غفار *

اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ ذُنُوبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ

بیامرز گناهانم را و گناهان جمیع مؤمنین و مؤمنات را * زیرا که

الذُّنُوبِ إِلَّا أَنْتَ * فقیر گوید ظاهر آن است که این استغفار مذکور و دعای بعد از نماز باید به جا

بیامرزد گناهان را جز تو. *

آورد، * و بدان که روایت شده که هر که در یکی از ماههای حرام سه روز متوالی که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد روزه بدارد ثواب نهد سال عبادت برای او نوشته شود، و شیخ اجلّ علی بن ابراهیم قمی فرموده که: در ماههای حرام گناهان مضاعف می‌شود و همچنین حسنات. **روز یازدهم**: سینه صد و چهل و هشت روز ولادت

با سعادت حضرت امام رضا (علیه السلام) است. **شب پانزدهم:** شب مبارکی است خداوند نظر رحمت می فرماید بر بندگان مؤمنین خود و کسی که در این شب به طاعت حق تعالی مشغول باشد از برای او باشد اجر صد نفر سائق یعنی روزه دار مُلازم مسجد که معصیت نکرده باشد خدا را طرفه العینی چنانکه در روایت نبوی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) است. پس این شب را مغتنم شمار و مشغول کن خود را به طاعت و عبادت و نماز و طلب حاجات از خدا، * همانا روایت شده که هر که سؤال کند در این شب حاجتی از خداوند تعالی، به او عطا خواهد شد. **روز بیست و سیّم:** سنه دویست و سه به قولی شهادت حضرت امام رضا (علیه السلام) واقع شده و زیارت آن حضرت از نزدیک و دور سُنت است:

قَالَ السَّيِّدُ بْنُ طَاوُوسٍ فِي الْأَقْبَالِ: وَرَأَيْتُ فِي بَعْضِ تَصَانِيفِ أَصْحَابِنَا

سید بن طاووس در کتاب اقبال فرمود: در بعضی نوشته‌های اصحاب غیر عرب

الْعَجْمِ رَضُوا لِلَّهِ عَلَيْهِمْ * أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ أَنْ يُزَارَ مَوْلَانَا الرَّضَا

که خوشنودی بر آنها باد دیدم * به راستی که مستحب است زیارت شود مولای ما امام رضا

عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ ثَالِثِ وَ عِشْرِينَ مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ مِنْ قُرْبٍ أَوْ بَعْدِ *

علیه السلام در روز بیست و سوم ذی‌قعدة از نزدیک یا دور *

بِبَعْضِ زِيَارَاتِهِ الْمَعْرُوفَةِ * أَوْ بِمَا يَكُونُ كَالزِّيَارَةِ مِنَ الرَّوَايَةِ بِذَلِكَ *

با بعضی زیاراتش که معروف است * یا به آنچه همانند زیارت روایات به این معنی باشد *

شب بیست و پنجم: شب دَحْوُ الْأَرْضِ است (یعنی پهن شدن زمین از زیر خانه کعبه بر روی آب) و از لیبالی شریفه است که رحمت خدا در آن نازل می شود و قیام به عبادت در آن اجر بسیار دارد و از حَسَن بن علی و شَأ روایت است که گفت من کودک بودم که با پدرم در خدمت امام رضا (علیه السلام) شام خوردیم در شب بیست و پنجم ماه ذی‌القعدة پس فرمود که: امشب حضرت ابراهیم (علیه السلام) و حضرت عیسی (علیه السلام) متولد شده‌اند و زمین از زیر کعبه پهن شده است پس هر که روزش را روزه بدارد چنان است که شصت ماه را روزه داشته باشد، * و به روایت دیگر است که فرمود: در این روز حضرت قائم (علیه السلام) قیام خواهد نمود. **روز بیست و پنجم:** روز دَحْوُ الْأَرْضِ است و یکی از آن چهار روز است که در تمام سال به فضیلت روزه ممتاز است و در روایتی روزه اش مثل روزه هفتاد سال است و در روایت دیگر کفاره هفتاد سال است. * و هر که این روز را روزه بدارد و شبش را به عبادت به سر آورد از برای او عبادت صد سال نوشته شود و از برای روزه دار این روز هر چه در میان آسمان و زمین است استغفار کند و

این روزی است که رحمت خدا در آن منتشر گردیده و از برای عبادت و اجتماع به ذکر خدا در این روز اجر بسیاری است و از برای این روز به غیر از روزه و عبادت و ذکر خدا و غسل و دو عمل وارد است: **۱** اول: نمازی که در کتب شیعه قُمیین روایت شده و آن دو رکعت است در وقت چاشت، در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سوره وَالشَّمْسُ

بخواند و بعد از سلام نماز بخواند: **لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ** * پس دعا کند

جنش و توانایی جز به خدای بلند مرتبه بزرگ نخواهد بود *

و بخواند: **يَا مُقِيلَ الْعَثْرَاتِ اَقْلَنِي عَثْرَتِي** * **يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ اَجِبْ**

ای درگذرنده از لغزشها از لغزشم درگذر * ای اجابت کننده دعوتها دعوت

دَعْوَتِي * **يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ اِسْمِعْ صَوْتِي** * **وَ اِرْحَمْنِي وَ تَجَاوَزْ عَنِّي**

و دعایم اجابت فرما * ای شنوای آواها صدایم بشنو * و به من رحم کن * و از بد کرداریم بگذر

سَيِّئَاتِي وَ مَا عِنْدِي * **يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ** **۲** دویم: خواندن این دعا است که

و از آنچه نزد من است * ای خدای صاحب جلالت و بزرگواری. *

شیخ در مصباح فرموده مستحب است خواندن آن: **اللَّهُمَّ دَاحِيَ الْكَعْبَةِ** * **وَ فَالِقَ الْحَبَّةِ**

ای خدا ای که زمین کعبه را بگسترانیدی * و دانه را در جوف زمین

* **وَ صَارِفَ اللَّزْبَةِ** * **وَ كَاشِفَ كُلِّ كَرْبَةٍ** * **أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ**

شکافتی * و سختیها را از بندگان برطرف ساختی * و هر غم و اندوه را از دلها زایل نمودی * از تو درخواست می‌کنم در

أَيَّامِكَ الَّتِي أَعْظَمْتَ حَقَّهَا * **وَ أَقَدَمْتَ سَبْقَهَا** * **وَ جَعَلْتَهَا عِنْدَ**

این روز از ایام تو که حق آن را بزرگ شمردی * و بر سایر ایام از جهت شرف مقدم داشتی * و این روز را نزد

الْمُؤْمِنِينَ وَ دِيْعَةً * **وَ إِلَيْكَ ذَرِيعَةً** * **وَ بِرَحْمَتِكَ الْوَسِيعَةِ** * **أَنْ تُصَلِّيَ**

اهل ایمان به ودیعت گذاشتی * و آن را وسیله خود قرار دادی * قسم به این روز و به رحمت وسیع بی‌نهایت * که بر

عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُنْتَجَبِ فِي الْمِيثَاقِ الْقَرِيبِ يَوْمَ التَّلَاقِ * **فَاتَّقِ**

محمد (ص) بنده صالح خود که تو در عهد و پیمان که به روز ملاقات نزدیک است او را برگزیدی * تا بسته را او

كُلِّ رَتَقٍ * **وَ دَاعٍ إِلَى كُلِّ حَقٍّ** * **وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَطْهَارِ الْهُدَاةِ الْمَنَارِ**

به روی خلق گشود * و عالمی را به سوی حق دعوت فرمود رحمتت بر او * و بر آل اطهارش باد که آنان هادیان و چراغ علم و معرفت

* **دَعَائِمِ الْجَبَّارِ** * **وَ وِلَاةِ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ** * **وَ أَعْطَانَا فِي يَوْمِنَا هَذَا مِنْ**

* و ارکان هدایت به سوی خدای بزرگوارند * و حاکم بر بهشت و بر دوزخند * و ای خدا هم در این روز از

عَطَائِكَ الْمَخْرُوفِ غَيْرِ مَقْطُوعٍ وَلَا مَمْنُونٍ ﴿مَمْنُونٍ﴾ تَجْمَعُ لَنَا بِهِ

گنج عطای پر بهای خود که مستور و نامقوع و بی منت است به ما عطا فرما * و بر آن عطا اضافه فرما توفیق توبه و

التَّوْبَةِ وَحُسْنِ الْاُوبَةِ يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَاكْرَمَ مَرْجُوٍّ يَا كَفِيَّ يَا وَفِيَّ

حسن بازگشت به درگاهت * ای بهتر از هر کس که از او حاجت خواهند و با کرم تر کسی که به او روی آرند * ای کفایت کننده امور خلق

يَا مَنْ لَطْفُهُ وَخَفِيُّ الطَّفِ لِي بِلَطْفِكَ وَاَسْعِدْنِي بِعَفْوِكَ

ای وفادار * ای که لطفش پنهان است * به حق لطف و کرمت که با من لطف و محبت کن * و از من درگذر و به عفو و بخشش مرا سعادتمند

وَاَيِّدْنِي بِنَصْرِكَ وَلَا تَنْسِنِي كَرِيمَ ذِكْرِكَ بِوَلَاةِ امْرِكَ وَاَحْفَظْهُ سِرِّكَ

ساز * و به یاری و نصرتت مؤید فرما * و از یاد با شرف و کرامتت به وسیله امیران * و نگهبانان خود (انبیاء) محروم مگردان

وَاَحْفَظْنِي مِنْ شَوَائِبِ الدَّهْرِ اِلَى يَوْمِ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ وَاَشْهَدْنِي

* و از آرایش روزگار و مکر و شوائب دهر تا روز محشر و هنگام رستاخیز محفوظ دار * و دوستان و

اَوْلِيَاءِكَ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسِي وَاَحْلُولِ رَمْسِي وَاَنْقِطَاعِ عَمَلِي

اولیاء خود را روز خروج روح * و هنگام مرگ و وقت اجل * و انقطاع عمل به بالینم حاضر ساز *

وَاَنْقِضَاءِ اَجَلِي اللَّهُمَّ وَاذْكُرْنِي عَلَى طَوْلِ الْبَلِيِّ اِذَا حَلَلْتُ بَيْنَ

تا با مشاهده آنان از جهان بروم * ای خدا و مرا زمان طولانی درد * و ابتلایم میان

اَطْبَاقِ الشَّرِيِّ وَنَسِيْنِي النَّاسُونَ مِنَ الْوَرِيِّ وَاَحِلِّنِي دَارَ الْمَقَامَةِ

طبقات خاک * که همه خلائق مرا فراموش کرده اند تو مرا یاد کن * و به دار اقامت وارد فرما

وَبَوِّنِي مَنْزِلَ الْكِرَامَةِ وَاَجْعَلْنِي مِنْ مُرَافِقِي اَوْلِيَاءِكَ وَاَهْلِي

* به آن منزل با کرامت و عزت جای ده * و مرا با اولیاء خود * و خاصان

اَجْتِبَائِكَ وَاَصْطِفَائِكَ وَاَبَارِكْ لِي فِي لِقَائِكَ وَاَرْزُقْنِي حُسْنَ

و برگزیدگانت رفیق گردان * و در آن روز لقاء خود را بر من مبارک ساز * و توفیق حسن عملی

الْعَمَلِ قَبْلَ حُلُولِ الْاَجْلِ بَرِيئًا مِنَ الزَّلِّلِ وَسَوْءِ الْخَطْلِ اللَّهُمَّ

پاک و منزله از خطا * و خلل پیش از ورود اجل عطا فرما * ای خدا

وَاُورِدْنِي حَوْضَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاَسْقِنِي مِنْهُ

و بر حوض پیغمبرت حضرت محمد صلی الله علیه و آله وارد گردان * و از آن به شربتی گوارا

مَشْرَبًا رَوِيًّا سَائِغًا هَنِئِيًّا لَا اَظْمَأُ بَعْدَهُ وَلَا اَحْلَاوْرَدَهُ وَلَا عَنَهُ

و خوش چنانم سیراب کن که دیگر هرگز نه تشنه شوم * و نه دیگر از ورود بر آن حوض مردود و رانده شوم * و آنجا

اِذَاذُ * وَاجْعَلْهُ لِي خَيْرَ زَادٍ * وَ اَوْفِي مِيعَادِ يَوْمِ يَقُومُ الْاَشْهَادُ * اَللّٰهُمَّ

را بهترین زاد * و کاملترین منزلگاهم قرار ده * در روزی که شاهدان قیام کنند * ای خدا

وَ الْعَنْ جَبَابِرَةَ الْاَوَّلِيْنَ وَ الْاٰخِرِيْنَ * وَ بِحَقُوْقِ (مُحَقَّقِ) اَوْلِيَّائِكَ

و لعنت فرست بر جباران و ستمگران اولین و آخرین * و آنان که حقوق و مقام اولیاء تو را (به غصب و تعدی) به خود

الْمُسْتَاثْرِيْنَ * اَللّٰهُمَّ وَ اقْصِمْ دَعَائِمَهُمْ * وَ اَهْلِكَ اَشْيَاعَهُمْ وَ عَامِلَهُمْ

اختصاص دادند * ای خدا و بنیان ظلم و بیدادشان را در هم بشکن * و پیروان و عامل و مدد کارانشان را هلاک ساز

* وَ عَجِّلْ مَهَالِكَهُمْ * وَ اسْلُبْهُمْ مَمَالِكَهُمْ * وَ ضَيِّقْ عَلَيْهِمْ مَسَالِكَهُمْ

* و در هلاکتشان تسریع فرما * و کشورهای آنان را از آنها بگیر * و راهها را بر آنان تنگ ساز

* وَ الْعَنْ مُسَاهِمَهُمْ وَ مُشَارِكَهُمْ * اَللّٰهُمَّ وَ عَجِّلْ فَرَجَ اَوْلِيَّائِكَ *

* و شریک در منفعت آنها را هم لعنت کن * ای خدا و به دوستان و اولیاء خود به زودی فرج و آسایش عطا فرما *

وَ اَرْدُدْ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ * وَ اَظْهَرِ بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ * وَ اجْعَلْهُ لِدِيْنِكَ

و حقوق آنان را بدیشان بازگردان * و امام قائم آنها را به حق ظاهر گردان * و بر اقامهٔ دینت به او

مُنْتَصِرًا * وَ بِاَمْرِكَ فِيْ اَعْدَائِكَ مُؤْتَمِرًا * اَللّٰهُمَّ اَحْفَفْهُ بِمَلَايِكَةِ

نصرت بخش * و به حکم و فرمان بر دشمنانت اقتدار بخش * ای خدا و به سپاه ملائک او را

النَّصْرِ * وَ بِمَا اَلْقَيْتَ اِلَيْهِ مِنَ الْاَمْرِ فِيْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ مُنْتَقِمًا لَكَ حَتَّىٰ

یاری کن * و به آن فرمانی که در شب قدر بر حکومتش تقدیر فرمودی او را به انتقام از دشمنان برانگیز تا

تَرْضَىٰ * وَ يَعُوْدُ دِيْنِكَ بِهِ وَ عَلٰى يَدَيْهِ جَدِيْدًا غَضًا * وَ يَمْحُضُ الْحَقَّ

خشنود گردی * و دین و شرع تو که ضعیف شده از نو به دست او باز گردد * و کاملاً حق را پاک و خالص

مَحْضًا * وَ يَرْفُضُ الْبَاطِلَ رَفْضًا * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلٰى جَمِيْعِ

(از تصرف باطل) کند * و باطل را به کلی محو و نابود گرداند * خدایا بر او و بر آباء طاهربینش

اَبَائِهِ * وَ اجْعَلْنَا مِنْ صَحْبِهِ وَ اَسْرَتِهِ * وَ اَبْعَثْنَا فِيْ كَرَّتِهِ * حَتَّىٰ

درود فرست * و ما را از اصحاب و سپاهیانش قرار ده * و ما را در رجعتش برانگیز * تا آنکه

نَكُوْنَ فِيْ زَمَانِهِ مِنْ اَعْوَانِهِ * اَللّٰهُمَّ اَدْرِكْ بِنَا قِيَامَهُ * وَ اَشْهَدْنَا

در زمان دولتت ما از یاوران او باشیم * ای خدا ما را به درک حضورش هنگام قیام موفق دار * که دوران

اَيَّامَهُ * وَ صَلِّ عَلَيْهِ (عَلٰى مُحَمَّدٍ) * وَ اَرْدُدْ اِلَيْنَا سَلَامَهُ * وَ السَّلَامُ

سلطنتت را مشاهده کنیم * و درود بر او * و سلام او را به ما باز رسان * و سلام

عَلَيْهِ (عَلَيْهِمْ) وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ❁ و بدانکه میرداماد رحمة الله در رساله اربعة ایام

و تحیت و رحمت و برکت بر او و بر آباء طاهرینش باد. ❁

خود در بیان اعمال روز دحو الارض فرموده که: زیارت حضرت امام رضا (علیه السلام) در این روز افضل اعمال مستحبّه و آکد آداب مسنونّه است ❁ و همچنین زیارت آن حضرت در روز اول ماه رجب الفرد نیز به غایت مؤکد و محثوث علیّه است. **روز آخر ماه:** سنه دویست و بیست بنابر مشهور حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) به زهر معنصم در بغداد شهید شد و این بعد از دو سال و نیم تقریباً از فوت مأمون گذشته بود چنانکه خود آن جناب می فرمود: **الْفَرَجُ بَعْدَ الْمَأْمُونِ بِثَلَاثِينَ شَهْرًا** و این کلمه مُشعر است بر آنکه آن حضرت از سوء معاشرت مأمون در کمال اذیت و صدمه بود که مرگ خود را فرج و گشایش خود تعبیر نموده چنانکه پدر بزرگوارش حضرت امام رضا (علیه السلام) در زمان ولایتعهد خود نیز چنین بوده و در هر جمعه که از مسجد جامع مراجعت می فرمود به همان حالی که عرق دار و غبار آلوده بود دستها را به درگاه الهی بلند می کرد و می گفت: الهی اگر فرج و گشایش امر من در مرگ من است پس همین ساعت در مرگ من تعجیل فرما. و پیوسته در غم و غصّه بود تا از دنیا رحلت فرمود و حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) در وقتی که وفات کرد از سنّ شریفش بیست و پنج سال و چند ماهی گذشته بود، قبر شریفش در بقعه مبارکه کاظمیه در پشت سر جدّ بزرگوارش حضرت امام موسی (علیه السلام) واقع است.

فصل ششم در اعمال ماه ذی الحجّه

بدان که این ماه از ماههای شریفه است و چون این ماه داخل می شد صلحای صحابه و تابعین اهتمام عظیم در عبادت می کردند و دهه اول آن ایامش ایام معلّومات است که در قرآن مجید ذکر آن شده است و در نهایت فضیلت و برکت است ❁ و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مروی است که عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی نزد حق تعالی محبوبتر نیست از این دهه و از برای این دهه اعمالی است. ❶ **اول:** روزه گرفتن نه روز اول این دهه که ثواب روزه تمام عمر دارد. ❷ **دویم:** خواندن دو رکعت نماز مابین مغرب و عشاء در تمام شبهای این دهه، در هر رکعت بعد از حمد بخواند یک مرتبه توحید و آیه:

❁ **وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً ❁ وَاتَّمَنَّاهَا بَعَشْرًا ❁ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ**

و وعده گذاشتیم با موسی سی شب ❁ و تمدیدش کردیم ده شب دیگر ❁ پس تمام شد میقات

أَرْبَعِينَ لَيْلَةً * وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا

پروردگارش چهل شب * و موسی به برادرش هارون گفت جانشین من باش در قومم و مصلح باش

تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ * بخواند تا با ثواب حاجیان شریک شود. ﴿۳﴾ سیّم: از روز اول تا عصر

و به راه مفسده جویان مرو. *

روز عرفه در عقب نماز صبح و پیش از مغرب بخواند این دعا را که شیخ و سید از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده اند:

اللَّهُمَّ هَذِهِ الْأَيَّامُ الَّتِي فَضَّلْتَهَا عَلَيَّ الْأَيَّامِ وَ شَرَّفْتَهَا * قَدْ بَلَّغْتَنِيهَا

ای خدا این ایامی است که بر سایر ایام سال فضیلت و شرف بخشیدی * و مرا به لطف و رحمتت به درک

بِمَنِّكَ وَ رَحْمَتِكَ * فَانزِلْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ * وَ أَوْسِعْ عَلَيْنَا فِيهَا

این ایام نایل گردانیدی * پس برکات خود را در این ایام بر ما نازل فرما * و نعمتهایت را بر ما

مِنْ نِعْمَائِكَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

وسیع گردان * ای خدا از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی

* وَ أَنْ تَهْدِينَا فِيهَا لِسَبِيلِ الْهُدَى * وَ الْعَفَافِ وَ الْغِنَى * وَ الْعَمَلِ فِيهَا

* و ما را به راه هدایت * و طریق عفت و بی‌نیازی از خلق راهنمایی کن * و به عملی که موجب رضا و

بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى * وَيَا سَامِعَ

خشنودی توست در این ایام موفق دار * ای خدا از تو درخواست می‌کنم ای خدا ای که مرجع هر شکایت * و شنوای

كُلِّ نَجْوَى * وَيَا شَاهِدَ كُلِّ مَلَأٍ * وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

هر راز درونی * و شاهد هر موجودی * و دانای هر سر پنهانی * از تو درخواست می‌کنم که

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تَكْشِفَ عَنَّا فِيهَا الْبَلَاءَ * وَ تَسْتَجِيبَ

بر محمد (ص) و آلش درود فرستی * و در این ایام بلا را از ما برطرف گردانی * و دعای ما را

لَنَا فِيهَا الدُّعَاءَ * وَ تُقَوِّبِنَا فِيهَا وَ تَعِينِنَا * وَ تَوْفِقَنَا فِيهَا لِمَا تُحِبُّ

مستجاب فرمایی * و به ما قوت بخشی و اعانت کنی * و بر آن عملی که تو دوست داری

رَبَّنَا وَ تَرْضَى * وَ عَلَيَّ مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا مِنْ طَاعَتِكَ * وَ طَاعَةَ رَسُولِكَ

ای خدا و بدان خشنودی * و بر آنچه بر ما از طاعت خود * و رسول خویش و صاحبان مقام ولایت

وَ أَهْلِ وَ أَوْلِيَّتِكَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * أَنْ تُصَلِّيَ

فرض کردی بر همه موفق گردانی * ای خدا از تو درخواست می‌کنم ای مهربانترین مهربانان عالم * که بر

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَهَبَ لَنَا فِيهَا الرِّضَا * إِنَّكَ سَمِيعٌ

محمد و آلش درود و رحمت فرستی * و ما را هم در این ایام مقام رضا و تسلیم عطا کنی * که البته تو

الدُّعَاءِ * وَلَا تَحْرِمْنَا خَيْرًا مَا تُنَزِّلُ فِيهَا مِنَ السَّمَاءِ * وَطَهِّرْنَا مِنَ

شنوای دعای بندگانی * و ما را از خیراتی که در این ایام از آسمان رحمتت نازل می‌فرمایی محروم مگردان * و ما را

الذُّنُوبِ يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ * وَأَوْجِبْ لَنَا فِيهَا دَارَ الْمُخْلُودِ * اَللَّهُمَّ صَلِّ

از پلیدی گناهان پاک ساز ای خدای دانای غیبتها * و بر ما در این ایام بهشت ابد را واجب گردان * ای خدا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَلَا تَتْرُكْ لَنَا فِيهَا ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ * وَلَا

بر محمد (ص) و آلش درود فرست * و بر ما هم در این ایام هیچ گناهی مگذار مگر آنکه بیمارزی * و هیچ

هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ * وَلَا دَيْنًا إِلَّا قَضَيْتَهُ * وَلَا غَائِبًا إِلَّا أَدَيْتَهُ * وَلَا

غمی مگر آنکه برطرف گردانی * و هیچ دینی مگذار مگر آنکه عطا فرمایی * و هیچ غایبی جز آنکه او را فرا رسانی * و هیچ

حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا سَهَّلْتَهَا وَيَسَّرْتَهَا * إِنَّكَ عَلَى

حاجتی از حوائج دنیا و آخرت جز آنکه برآوری و مشکل آن را سهل و آسان سازی * که تو را ای

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * اَللَّهُمَّ يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ * يَا رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ * يَا

خدا بر هر چیز کمال توانایی است * ای خدا ای دانای اسرار پنهان * ای با مرحمت به چشمهای گریان * ای

مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ * يَا رَبَّ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ * يَا مَنْ لَا تَتَشَابَهُ

مستجاب کننده دعای بندگان * ای آفریننده بسیار زمین و آسمان * ای خدایی که صدا

عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ * صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاجْعَلْنَا فِيهَا مِنْ

و ندای خلق هیچ بر تو اشتباه نکرده * بر محمد (ص) و آلش درود فرست * و در این ایام شریف ما را

عَتَقَائِكَ وَطَلْقَائِكَ مِنَ النَّارِ * وَالْفَائِزِينَ بِجَنَّتِكَ * وَالنَّاجِينَ

از آنان که از آتش دوزخ آزاد و رها می‌کنی مقرر فرما * و از فیروزی یافتگان به بهشت ابدت قرار ده * و از نجات یافتگان

بِرَحْمَتِكَ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

از عذابت گردان * به رحمت بی‌پایانت ای مهربانترین مهربانان * و درود و رحمت خدا بر سید ما

وَآلِهِ أَجْمَعِينَ ﴿٤﴾ چهارم: در هر روز از دهه بخواند پنج دعائی را که حضرت جبرئیل برای حضرت

محمد (ص) و آلش تمام باد. *

عیسی (علیه السلام) از جانب حق تعالی هدیه آورده که در ایام این دهه بخواند و آن پنج دعای این است: (۱) أَشْهَدُ

گواهی می‌دهم

أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ * بِيَدِهِ

که نیست معبود حقی جز خدای * که یگانه است و شریک ندارد * مر او راست پادشاهی و ستایش او را سزد * و خوبی

الْخَيْرِ * وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * ﴿۲﴾ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَحْدَهُ * وَ

و نیکی به دست قدرت اوست * و او بر هر چیزی تواناست * گواهی می‌دهم که خدایی جز ذات یگانه پروردگار نیست * که

لَا شَرِيكَ لَهُ * أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا * ﴿۳﴾ أَشْهَدُ

شریک ندارد * یکتا و بی‌نیاز است همسر و فرزند نگیرد * گواهی می‌دهم که معبود حقی

أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَلِدْ وَلَمْ

جز پروردگار یگانه نیست * که شریک ندارد * یکتا و بی‌نیاز است فرزند ندارد

يُولَدَ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَكُفْوًا أَحَدٌ * ﴿۴﴾ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَحْدَهُ * وَ

و فرزند نبوده * و نباشد برایش همتا احدی * گواهم که نیست معبود حقی جز خدای یگانه * که

لَا شَرِيكَ لَهُ * لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ * يُحْيِي وَيُمِيتُ * وَهُوَ حَيٌّ

شریک ندارد * از اوست ملک و پادشاهی و ستایش و حمد مرا او راست * زنده کند و بمیراند * و او زنده

لَا يَمُوتُ * بِيَدِهِ الْخَيْرُ * وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * ﴿۵﴾ حَسْبِيَ اللَّهُ

است نمیرد * به دست اوست خیر * و او بر هر چیز تواناست * بس است مر خدا را

وَكَفَى * سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا * لَيْسَ وَرَاءَ اللَّهِ مُنْتَهَى * أَشْهَدُ لِلَّهِ

و کافی است * شنود خدا از هر که دعا کند * نیست وراء خدا نهایتی * گواهی دهم برای خدا

بِمَا دَعَا * وَ أَنَّهُ بَرِيءٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَ * وَ أَنَّهُ لِلَّهِ الْأَخِرَةُ وَالْأُولَى * ﴿۶﴾

بدانچه دعوت کرده * و به اینکه بیزار است از هر که تبری جوید * و اینکه از خداست آخرت و دنیا. *

پس حضرت عیسی (علیه السلام) ثواب بسیاری نقل کرد برای خواندن هریک از این پنج دعا را صد مرتبه و دور نیست

چنانکه علامه مجلسی (رحمته الله) فرموده اگر کسی هر روز هریک از این دعاها را ده مرتبه بخواند عمل به روایت کرده

باشد و اگر هر روز هر یک را صد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود. ﴿۵﴾ پنجم: بخواند در هر روز این دهه این

تهلیلات را که از امیرالمؤمنین (علیه السلام) منقول است با ثواب بسیار و اگر روزی ده مرتبه بخواند بهتر است:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ * لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ أَمْوَاجِ

نیست معبود حقی جز خدای بر شمارهٔ شبها و روزگاران * نیست معبود حقی جز خدا به شمارهٔ

الْبُحُورِ * لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ * لَا إِلَهَ إِلَّا

موجهای دریاها * نیست معبود حقی جز خدا و رحمتش به است از آنچه جمع کنند * نیست معبود حقی

اللَّهُ عَدَدَ الشَّوْكِ وَالشَّجَرِ * لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبْرِ * لَا

جز خدا به شماره خار و درخت * نیست معبود حقی جز خدا به شماره مو و کرک * نیست

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الْحَجَرِ وَالْمَدْرِ * لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ لَمَحِ الْعَيْونِ

معبود حقی جز خدا به شماره سنگ و کلوخ * نیست معبود حقی جز خدا به شماره به هم زدن چشمها

* لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ وَ (فِي) الصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ * لَا إِلَهَ

* نیست معبود حقی جز خدا در شب که بگردد و صبح که برآید * نیست معبود حقی

إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الرِّيحِ فِي الْبَرَارِيِّ وَالصُّخُورِ * لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ الْيَوْمِ

جز خدا به شماره بادهای در بیابانها و سنگها * نیست معبود حقی جز خدا از امروز

إِلَى يَوْمٍ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ * رُوزِ أَوَّلٍ: روز بسیار مبارکی است و در آن چند عمل وارد است: ۱

تا روزی که دمیده شود در صور. *

اول: روزه که ثواب روزه هشتاد ماه دارد. ۲ دوم: خواندن نماز حضرت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و شیخ فرموده که: روایت

شده که آن چهار رکعت است به دو سلام مثل نماز امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در هر رکعت حمد یک مرتبه و توحید

پنجاه مرتبه و بعد از سلام تسبیح آن حضرت بخواند * و بگوید: سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ

منزه است (خدای) صاحب عزت شامخ

الْمُنِيفِ * سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ * سُبْحَانَ ذِي الْمَلِكِ

و بلند و عالی (مقام) * منزه است (خدای) صاحب جلالت با شکوه و بزرگ * منزه است (خدای) صاحب

الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ * سُبْحَانَ مَنْ يَرَى آثَرَ النَّمْلَةِ فِي الصِّفَا *

ملک با افتخار دیرین * منزه است کسی که ببیند جای پای مورچه را بر خارا سنگ *

سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ * سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا

منزه است کسی که ببیند خط سیر پرنده را در هوا * منزه است آنکه او چنین است

وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ * ۳ سیّم: دو رکعت نماز پیش از زوال به نیم ساعت، در هر رکعت حمد

و دیگری چنین نیست. *

یک مرتبه و هر یک از توحید و آیه الكرسي و قدرده مرتبه. ۴ چهارم: هر که از ظالمی ترسد در این روز بگوید:

حَسْبِي حَسْبِي حَسْبِي * مِنْ سُوَالِي عَلِمَكَ بِجَالِي * تاحق تعالی کفایت

بس است بس است بس است * از درخواست من دانستن تو حال مرا *

کند شر ظالم را از او. * و بدان که در این روز تولد شده حضرت ابراهیم خلیل (علیه السلام)، و در این روز به روایت شیخین

تزیوج شده حضرت فاطمه با امیرالمؤمنین (علیه السلام). **روز هفتم:** سنه صد و چهارده وفات حضرت امام محمد

باقر (علیه السلام) در مدینه واقع شده و روز حزن شیعه است. **روز هشتم:** روز ترویبه است و روزه اش فضیلت دارد و روایت

شده که کفاره شصت سال است * و شیخ شهید غسل این روز را مستحب دانسته. **شب نهم:** از لیاالی متبرکه و

شب مناجات با قاضی الحاجات است و توبه در آن شب مقبول و دعا در آن مستجاب است و کسی که آن شب را

به عبادت به سر آورد، اجر صد و هفتاد سال عبادت داشته باشد و از برای آن شب چند عمل است: **۱** **اول:**

بخواند این دعا را که روایت شده هر که بخواند آن را در شب عرفه یا در شبهای جمعه خداوند بیامزد او را:

اللَّهُمَّ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى * وَ مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى * وَ عَالَمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ

ای خدا ای شاهد اسرار نهان و دانای راز پنهان * و مرجع هر شکایت ستمدیدگان * و دانای هر نهان

* وَ مُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ * يَا مُبْتَدئًا بِالنَّعْمِ عَلَى الْعِبَادِ * يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ

* و برآورنده هر حاجت نیازمندان * ای آنکه بی سابقه تقاضا انواع نعمتها به بندگان عطا کردی * ای آنکه با کرامت و لطف گناه گناهکاران

* يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ * يَا جَوَادُ * يَا مَنْ لَا يُوَارِي مِنْهُ لَيْلٌ دَاجٌ * وَلَا

را عفو می کنی * و با نیکویی از خطاها در میگذری * ای بخشنده بی عوض * ای آنکه نه تاریکی شب چیزی را بر تو پنهان سازد * و نه دریای

بَجْرٌ عَجَاجٌ * وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ * وَلَا ظَلَمٌ ذَاتُ ارْتِجَاجٍ * يَا مَنْ

پر موج و آشوب * و نه آسمان با برج و بنیان * و نه ظلمتهای پوشاننده امری را بر تو مخفی گرداند * ای آنکه

الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِيَاءٌ * أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ * الَّذِي تَجَلَّيْتَ

تاریکی نزد تو روشنی است * درخواست می کنم از اشراق نور ذات بزرگواریت * که به

بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكَاً * وَ خَرَّمُوسَى صَعِقًا * وَ بِأَسْمِكَ الَّذِي رَفَعْتَ

کوه طور تجلی کردی و طور را منکد * و موسی را مدهوش ساختی * و به آن نام مبارکت که بدان نام

بِهِ السَّمَاوَاتِ بِأَعْمَدٍ * وَسَطَّحْتَ بِهِ الْأَرْضَ عَلَى وَجْهِ مَاءٍ جَمَدٍ *

لطف آسمانها را بی ستون برافراشتی * و زمین را به روی آب منجمد بگستریدی *

وَ بِأَسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْمَكْتُوبِ الطَّاهِرِ * الَّذِي إِذَا دُعِيَ

و به آن نام که گوهر مخزون و در مکنون و سر مکتوب پاک توست * که بدان نام هر که تو را خواند

بِهَاجَبَتْ * وَ إِذَا سُئِلْتَ بِهِ أَعْطَيْتَ * وَ بِاسْمِكَ السُّبُوحِ الْقُدُوسِ

اجابت کردی * و هر چه به آن نام از تو درخواست کردند عطا فرمودی * و به نام سبح و قدوس

الْبُرْهَانَ الَّذِي هُوَ نُورٌ عَلَى كُلِّ نُورٍ * وَ نُورٌ مِنْ نُورٍ * يُضِيءُ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ

و برهانت که آن نور فوق هر نور است * و نور صادر از نوری است * که روشنی بخش تمام انوار است

وَ إِذَا بَلَغَ الْأَرْضَ انْشَقَّتْ * وَ إِذَا بَلَغَ السَّمَاوَاتِ فَتَحَتْ * وَ إِذَا بَلَغَ

* که هر گاه بر زمین رسد زمین را بشکافت * و چون به آسمان رسد درهای سماوات را بگشاید * و چون به عرش رسد

الْعَرْشِ اهْتَزَّ * وَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَرْتَعِدُ مِنْهُ فَرَائِصُ مَلَائِكَتِكَ *

از هیبتش عرش بلرزد * و به آن نامی که از شنیدنش اندام ملائیک مرتعش گردد *

وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ جِبْرِئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ * وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

و از تو درخواست می‌کنم به حق جبرائیل و میکائیل و اسرافیل * و به حق حضرت

الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَمِيعِ

محمد مصطفی که درود و رحمت بر وی و آتش * و بر تمام پیامبران و

الْمَلَائِكَةِ * وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي مَشَى بِهِ الْخَضِرُ عَلَى قُلُلِ (ظَلَّلِ) الْمَاءِ *

فرشتگان باد * و به آن نامی که خضر پیغمبر (ع) به ذکر آن نام بر امواج دریا می‌رفت *

كَمَا مَشَى بِهِ عَلَى جَدَدِ الْأَرْضِ * وَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَلَقْتَ بِهِ الْبَحْرَ

آن گونه که بر زمین هموار می‌رفت * و به آن نامی که دریا را بدان نام بر موسی

لِمُوسَى * وَ أَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ * وَ أَنْجَيْتَ بِهِ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ

شکافتی * و فرعون و قومش را غرق * و موسی بن عمران و همراهانش را

وَ مِنْ مَعَهُ * وَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ مِنْ

نجات دادی * و به نامی که موسی بن عمران تو را بدان نام

جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ * فَاسْتَجَبْتَ لَهُ * وَ الْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ *

به جانب طور ایمن خواند * و تو او را اجابت کردی و محبتت را بر او القا کردی *

وَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ أَحْيَا عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ الْمَوْتَى * وَ تَكَلَّمَ فِي الْمَهْدِ

و به نامی که عیسی بن مریم بدان نام مردگان را زنده گردانید * و به کودکی در گهواره

صَبِيًّا * وَ أَبْرَأَ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ * وَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

سخن گفت * و کوری و برص را به فرمان تو شفا بخشید * و به نامی که جمیع ملائکه

حَمَلَةَ عَرْشِكَ * وَ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ * وَ حَبِيبِكَ

حاملان عرش تو * و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل * و حبیب تو

مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَ مَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبُونَ * وَ أَنْبِيَائِكَ

حضرت محمد صلی الله علیه و آله * و فرشتگان مقرب * و انبیاء

الْمُرْسَلُونَ * وَ عِبَادِكَ الصَّالِحُونَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ

* و بندگان صالح از اهل آسمانها و زمینها همه تو را بدان نام خواندند

وَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ ذُو النُّونِ * إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ

* و به نامی که چون ذو النون تو را بدان نام خواند * هنگامی که از انکار قومش غضبناک روی گردانید به اطمینان آنکه تو

نَقْدِرَ (تَقْدِرُ) عَلَيْهِ * فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ * أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * سُبْحَانَكَ

بر او سخت نخواهی گرفت * در حالی که در ظلمات تو را ندا کرد و تو را خواند * که ای خدایی که جز تو هیچ خدایی نیست * تو از

أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الظَّالِمِينَ * فَاسْتَجَبْتَ لَهُ * وَ نَجَّيْتَهُ * مِنَ الْغَمِّ *

شُرک و شریک منزهی و من در حق خود از ستمکارانم * و تو دعای او را اجابت کردی و از غم نجاتش دادی *

وَ كَذَلِكَ تُنَجِّي (تُنَجِّي) الْمُؤْمِنِينَ * وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

و همچنین مؤمنان را نجات خواهی داد * و به نام بزرگی که داود پیغمبر بدان نامت

دَاوُدَ * وَ خَرَلَكَ سَاجِدًا * فَغَفَرْتَ لَهُ * وَ ذَنْبَهُ * وَ بِاسْمِكَ الَّذِي

خواند * و از عظمتت به خاک افتاد و سر به سجده نهاد * و تو از گناهش درگذشتی * و به آن نام تو که

دَعَاكَ بِهِ أَسِيَّةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ * إِذْ قَالَتْ * رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي

آسیه زن فرعون تو را بدان نام خواند * و در دعا گفت پروردگارا تو بر من خانه‌ای در بهشت

الْجَنَّةِ * وَ نَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ * وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ *

بنا کن * و از فرعون و عمل (زشت) وی مرا نجات بخش * و از این قوم ستمکاران برهان *

فَاسْتَجَبْتَ لَهَا دُعَاءَهَا * وَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ * إِذْ حَلَّ بِهِ

و تو دعایش را اجابت فرمودی (و حاجتش را روا کردی) * و به آن نامی که ایوب پیغمبر (ع) * آنگاه که درد و رنج و بلا بدو روی آورد

الْبَلَاءِ فَعَافَيْتَهُ * وَ آتَيْتَهُ وَ أَهْلَهُ * وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ

تو را به آن نام خواند و تواش عافیت بخشیدی * و به رحمت خاص خود اهل و مالش را باز دو چندان عطا کردی * و اهل

وَ ذِكْرِي لِلْعَابِدِينَ * وَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يَعْقُوبُ * فَرَدَدْتَ

عبادت را متذکر ساختی * و به آن نامت که یعقوب نبی تو را بدان نام خواند * و تو

عَلَيْهِ بَصْرَهُ * وَقُرَّةَ عَيْنِهِ يُوسُفَ * وَجَمَعْتَ شَمْلَهُ * وَبِاسْمِكَ

دیدگان * و نور دیدگانش یوسف را به او باز گردانیدی * و خاطرش جمع و غم پریشانیش دور کردی * و به آن نامت که

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ سُلَيْمَانُ * فَوَهَبْتَ لَهُ * مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

سلیمان (ع) تو را به آن نام خواند * و تواش ملک و سلطنتی که بعد از او هیچکس شایسته آن نبود به او عطا کردی

* إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ * وَبِاسْمِكَ الَّذِي سَخَّرْتَ بِهِ الْبُرَاقَ لِمُحَمَّدٍ

که بس بخشنده بی‌عوض تو خواهی بود * و به آن نامت که بدان نام براق به رسالت

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ * إِذْ قَالَ تَعَالَى: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى

محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم عطا فرمودی * که خود در قرآن مبارک یاد کردی که منزّه خدایی که

بَعْدَهُ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾ * وَقَوْلُهُ:

بنده‌اش (محمد «ص») را شبانگاه از مسجد الحرام به سوی مسجد اقصی سیر داد * و باز فرمودی

﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا

منزه خدایی که این را مطیع ما گردانید و گرنه هرگز ما بر آنها تسلط نمی‌یافتیم * و ما همه به سوی خدا

لَمُنْقَلِبُونَ﴾ * وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَنَزَّلَ بِهِ جِبْرِيلُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى

باز خواهیم گشت * و به آن نامت که جبرئیل امین بدان نام بر محمد مصطفی صلی الله

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ آدَمُ * فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ * وَ

علیه و آله فرود آمد * و به آن نامت که آدم تو را بدان نام خواند * گناهِش را بخشیدی

وَأَسْكَنْتَهُ * وَجَنَّاتِكَ * وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ * وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ

و در بهشت رضوانش مسکن دادی * و از تو درخواست می‌کنم به حق قرآن بزرگ * و به حق محمد

خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * وَبِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ * وَبِحَقِّ فَصْلِكَ يَوْمَ الْقَضَاءِ * وَبِحَقِّ

مصطفی (ص) خاتم پیغمبران * و به حق ابراهیم خلیل (ع) * و به حق روز قیامت که فصل قضای توست * و به حق

الْمَوَازِينِ إِذَا نُصِبَتْ * وَالصُّحُفِ إِذَا نُشِرَتْ * وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَمَا

میزانهایی که نصب گردد * و آن نامه‌های اعمال که گشوده شود * و به حق قلم قدرت و آنچه

جَرَى * وَاللُّوحِ وَمَا أَحْصَى * وَبِحَقِّ الْأَسْمِ الَّذِي كَتَبْتَهُ * عَلَى سُرَادِقِ

بر آن بگردد * و به حق لوح (امکان) و آنچه در آن لوح به شمار آمده است * و به حق آن اسمی که دو هزار

الْعَرْشِ قَبْلَ خَلْقِكَ الْخَلْقَ وَالْدُنْيَا * وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ بِالْفِيْءِ عَامِ

سال پیش از آفرینش خلق و عالم دنیا * و خورشید و ماه و آسمان بر سرادق عرش نگاشتی

وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَحَدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * وَ أَنْ مُحَمَّدًا

* و شهادت می‌دهم که هیچ خدایی جز خدای یکتای عالم نیست * و او بیگانه است و شریک ندارد * و محمد (مصطفی ص) بنده

عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ * وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ فِي خَزَائِنِكَ * الَّذِي

(خاص) و رسول اوست * و از تو ای خدا درخواست می‌کنم به آن نامی که گوهر مخزون در گنجهای توست * آن نامی که

اسْتَأْثَرْتُ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ * لَمْ يَظْهَرْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ

در علم غیب نزد خود بر خویش انتخاب و اختصاص دادی * که احدی از خلق بر آن آگاه نیست

لَا مَلِكٌ مُقَرَّبٌ * وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ * وَلَا عَبْدٌ مُصْطَفَى * وَ أَسْأَلُكَ

* نه ملک مقرب * و نه پیغمبر مرسل * و نه هیچ بنده برگزیده‌ای از آن نام آگاه است * و باز از تو

بِاسْمِكَ الَّذِي شَقَقْتَ بِهِ الْبِحَارَ * وَ قَامَتْ بِهِ الْجِبَالُ * وَ اخْتَلَفَ

درخواست می‌کنم به آن نامی که دریاها را بدان نام شکافتی * و کوهها را به آن بپا داشتی * و رفت و آمد شب و روز

بِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ * وَ بِحَقِّ السَّبْعِ الْمَثَانِي * وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ * وَ بِحَقِّ

را بدان نام برقرار داشتی * و به حق سبعمثانی * و قرآن بزرگ * و به حق آن فرشتگان مکرم

الْكَرَامِ الْكَاتِبِينَ * وَ بِحَقِّ طه و يس * وَ كَهَيْعَصَ وَ حَمَعَسَقَ * وَ بِحَقِّ

که نویسنده اعمال نیک بندگانند * و به حق طه و یس * و کهعیص و حمعسق * و به حق

تَوْرَةِ مُوسَى * وَ انجِيلِ عِيسَى * وَ زَبُورِ دَاوُدَ * وَ فِرْقَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى

تورات موسی (ع) * و انجیل عیسی (ع) * و زبور داود (ع) * و فرقان محمد (ص) که درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَ عَلَى جَمِيعِ الرُّسُلِ * وَ بَاهِيًا شَرَاهِيًا * اللَّهُمَّ

و رحمتت بر او و بر آل او * و بر جمیع پیغمبران باد * و به حق آهیا شراهیا * ای خدا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ تِلْكَ الْمُنَاجَاةِ * الَّتِي كَانَتْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مُوسَى بْنِ

از تو درخواست می‌کنم به حق آن راز و نیازی * که میان تو و موسی بن

عِمْرَانَ * فَوْقَ جَبَلِ طُورِ سَيْنَاءَ * وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ

عمران * بالای کوه طور سینا بود * و از تو درخواست می‌کنم به اسمی که

مَلِكِ الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْأَرْوَاحِ * وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَتَبَ عَلَى

به فرشته قابض ارواح تعلیم دادی * و از تو درخواست می‌کنم به آن اسمی که به قلم قدرت

وَرَقِ الزَّيْتُونِ * فَخَضَعْتَ النَّيْرَانَ لِتِلْكَ الْوَرَقَةِ * فَقُلْتَ يَا نَارُ كُونِي

بر ورق زیتون نوشتی * و آتش را بر او خاضع ساختی * و فرمودی ای آتش،

بَرْدًا وَسَلَامًا ﴿۱﴾ * وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَيَّ سُرَادِقِ

سرد و سالم باش * و از تو درخواست می‌کنم به آن اسمی که بر سرپردهٔ مجد

الْمَجْدِ وَالْكَرَامَةِ * يَا مَنْ لَا يُجْفِيهِ سَائِلٌ * وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ * يَا

و کرامت نگاشتی * ای خدایی که از اصرار گدایان سائل هرگز ملول نشود * و عطایش از بخشش کم نگردد * ای

مَنْ بِهِ يُسْتَعَاثُ وَإِلَيْهِ يُلْجَأُ * اسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ *

خدایی که فریادرس خلقی و ملجاء و پناه بندگان * از تو درخواست می‌کنم به مقامات با مجد و عزت عرش خود *

وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ * وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ * وَجَدِّكَ الْأَعْلَى *

و منتهای لطف و رحمتت از آیات کتاب مرقوم تو که قرآن عزیز است * و به حرمت اسم اعظم تو * و مقام عزت بلند مرتبهٔ تو *

وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الْعُلَى * اللَّهُمَّ رَبَّ الرِّيَّاحِ وَمَا ذَرَّتْ * وَالسَّمَاءِ

و کلمات کامل عالی‌رتبهات * ای خدا ای آفرینندهٔ بادهای و هر چه به وزش بادهای در جهان پراکنده شود * و ای آفرینندهٔ آسمان

وَمَا أَظَلَّتْ * وَالْأَرْضِ * وَمَا أَقَلَّتْ * وَالشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَّتْ

و هر چه بر او سایه افکند و زمین و هر چه بر دورش گیرد * و دیوان و آنچه گمراه کنند

* وَالْبَحَارِ وَمَا جَرَّتْ * وَبِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ عَلَيْكَ حَقٌّ * وَبِحَقِّ

* و دریاها و آنچه (در آن) روان باشد * و به حق هر حق و حقیقتی * و به حق

الْمَلَائِكَةِ الْمُقْرَبِينَ * وَالرُّوحَانِيِّينَ وَالْكَرُوبِيِّينَ * وَالْمُسْبِحِينَ

ملائکهٔ مقرب * و روحانیین و فرشتگان کربوی بلند مقام * که بدون خستگی

لَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا يَفْتُرُونَ * وَبِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ * وَبِحَقِّ كُلِّ

شب و روز به ذکر و تسبیح حضرت مشغولند * و به حق ابراهیم خلیل تو * و به حق

وَلِيِّ يُنَادِيكَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ * وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ * يَا

هر ولی و بندهٔ خاص که بین صفا و مروه تو را ندا کرده * و دعایش اجابت فرمودی * ای

مُجِيبُ اسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ * وَبِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ * أَنْ تَغْفِرَ لَنَا

اجابت کنندهٔ دعای خلق * به حق این دعا و اسماء مذکوره * از تو درخواست می‌کنم

مَا قَدَّمْنَا وَمَا أَخْرْنَا * وَمَا أَسْرَرْنَا وَمَا أَعْلَنَّا * وَمَا أَبَدَيْنَا وَمَا

که از گناه گذشته و آینده * که پنهان یا آشکار * ظاهر و باطن به جای آوردیم * و آنچه

أَخْفَيْنَا * وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا * إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * بِرَحْمَتِكَ

کردیم که تو بدان دانتر از مایی از همه به منما * که تو قادر بر هر چیزی * به حق رحمتت

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * يَا حَافِظَ كُلِّ غَرِيبٍ * يَا مُؤِنِسَ كُلِّ وَحِيدٍ * يَا

ای مهربانترین مهربانان عالم * ای نگهدار هر غریب دور از وطن * ای مؤنس هر بی‌کس و تنها * ای

قُوَّةَ كُلِّ ضَعِيفٍ * يَا نَاصِرَ كُلِّ مَظْلُومٍ * يَا رَازِقَ كُلِّ مَحْرُومٍ * يَا مُؤِنِسَ

توانایی هر ناتوان * ای یاری ده هر مظلوم * ای روزی بخش هر مرحوم * ای انیس

كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ * يَا صَاحِبَ كُلِّ مُسَافِرٍ * يَا عِمَادَ كُلِّ حَاضِرٍ * يَا

دل‌های هراسان * ای رفیق هر مسافر * ای نگهبان هر حاضر * ای

غَافِرَ كُلِّ ذَنْبٍ وَ خَطِيئَةٍ * يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ * يَا صَرِيخَ

بخشنده هر خطا و گناهان * ای فریادرس فریادخواهان * ای دادرس

الْمُسْتَصْرِخِينَ * يَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ * يَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ

آه و ناله کنندگان * ای برطرف کننده اندوه غمدیدگان * ای نشاط بخش دل‌های غمناکان

* يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ * يَا مُنْتَهَى غَايَةِ الطَّالِبِينَ * يَا مُجِيبَ

* ای آفریننده زمینها و آسمانهای گردان * ای آخرین مقصد مشتاقان * ای اجابت کننده

دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ * يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ * يَا دِيَانَ

دعای پریشان حالان * ای مهربانترین مهربانان عالم * ای پروردگار عالمیان * ای حاکم

يَوْمِ الدِّينِ * يَا اَجْوَدَ الْاَجْوَدِينَ * يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِينَ * يَا اَسْمَعَ السَّمَاعِينَ

روز جزا * ای بخشنده‌ترین بخشنندگان * ای باکرمترین کریمان * ای شنواترین شنوایان

* يَا اَبْصَرَ النَّاطِرِينَ * يَا اَقْدَرَ الْقَادِرِينَ * اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَغَيَّرُ

* ای بیناترین بینایان * ای تواناترین توانایان * (تو به لطف و کرم) از من ببخش آن گناهانم را که نعمت را

النِّعَمَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُوْرَثُ النَّدَمَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

دگرگون می‌سازد * از من ببخش آن گناهانی که موجب پشیمانی و حسرت شود * از من ببخش آن گناهانی که موجب

تُوْرَثُ السَّقَمَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ * وَ اغْفِرْ لِي

درد و امراض شود * از من ببخش آن گناهانی که پرده عصمت را می‌برد * از من ببخش

الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبَسُ قَطْرَ السَّمَاءِ

آن گناهانی که دعا را مردود می‌گرداند * از من ببخش آن گناهانی که باران آسمان را منع می‌کند

* وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

* از من ببخش آن گناهانی که مرگ و فناء را تعجیل و عمر را کوتاه می‌سازد * از من ببخش آن گناهانی که

تَجَلَّبُ الشَّقَاءَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ * وَ اغْفِرْ لِي

جلب شقاوت و محرومی می‌کند * از من ببخش آن گناهایی که هوا را تیره و تاریک می‌کند * از من ببخش

الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغَطَاءَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ

آن گناهایی که پرده از کارم برمی‌دارد * از من ببخش گناهان را که جز تو کسی نبخشد آنها را

يَا اللَّهُ * وَ احْمِلْ عَنِّي كُلَّ تَبَعَةٍ لِأَحَدٍ مِّنْ خَلْقِكَ * وَ اجْعَلْ لِي مِّنْ

ای خدا * و بار هر حقوقی از خلق به دوش من است از دوشم بردار * و آسانی و فرج

أَمْرِي فَرَجًا وَ مَخْرَجًا وَ يُسْرًا * وَ انزِلْ يَقِينِكَ فِي صَدْرِي * وَ رَجَاءَكَ

و گشایشی در کارم عطا فرما * و مقام یقینت را به قلبم نازل * و رجاء و امیدواری بر دلم

فِي قَلْبِي * حَتَّى لَا أَرْجُو غَيْرَكَ * اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ عَافِنِي فِي مَقَامِي

فرود آور * تا به جز تو به هیچکس امیدوار نباشم * ای خدا در این منزلگام از شرور عالم مرا محافظت فرما و عافیت بخش *

وَ اصْحَبْنِي فِي لَيْلِي وَ نَهَارِي * وَ مِّنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِّنْ خَلْفِي * وَ عَن

و شب و روز با من یار و همراه باش * که از پیش روی و پشت سر * و از راست

يَمِينِي وَ عَن شِمَالِي * وَ مِّنْ فَوْقِي وَ مِّنْ تَحْتِي * وَ يَسِّرْ لِي السَّبِيلَ

و چپ * بالای سر و پایین پایم شری به من نرسد * و راه آخرت و طریق سعادت را بر من آسان گردان *

وَ احْسِنْ لِي التَّيْسِيرَ * وَ لَا تَخْذَلْنِي فِي الْعَسِيرِ * وَ اهْدِنِي يَا خَيْرَ دَلِيلٍ

و آسان گرفتن (امور این عالم را) بر من سهل ساز * و در مشکلات عالم مرا به ذلت و خواری مگذار * و مرا رهبری فرما ای بهترین دلیل

* وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِي الْأُمُورِ * وَ لَقِّنِي كُلَّ سُورٍ * وَ اِقْلِبْنِي إِلَى

و رهبر خلق * و مرا در کارها به خود وامگذار * و هر چه مایه نشاط و سرور است به قلبم الهام فرما * و مرا به اهل

أَهْلِي بِالْفَلَاحِ وَ النَّجَاحِ * مُحْبُورًا فِي الْعَاجِلِ وَ الْأَجَلِ * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ

در دنیا و عقبی با فیروزی و رستگاری * و حال و جد و نشاط بازگردان * زیرا تو بر

شَيْءٍ قَدِيرٌ * وَ ارزُقْنِي مِّنْ فَضْلِكَ * وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِّنْ طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ *

هر چیز توانائی * و از فضلت مرا روزی بخش * و از پاکیزه‌ترین روزیهات به من وسعت ده *

وَ اسْتَعْمَلْنِي فِي طَاعَتِكَ * وَ اجْرِنِي مِّنْ عَذَابِكَ وَ نَارِكَ * وَ اِقْلِبْنِي إِذَا

و مرا به کار طاعتت برگمار * و از آتش قهر و عذابت پناه ده * و هنگام رحلت به

تَوَفَّيْتَنِي إِلَى جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ

باغ بهشت از لطف و رحمتت منزل ده * ای خدا من به تو پناه می‌برم از زوال نعمت

وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ * وَمِنْ حُلُولِ نَقِمَتِكَ * وَمِنْ نُزُولِ عَذَابِكَ *

* و از دست دادن عافیت * و نزول قهر * و از نزول عذابت *

وَاعْوِذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ * وَدَرْكِ الشَّقَاءِ * وَمِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ *

* و باز به تو پناه می‌برم از سختی بلاء و خذلان * و درک شقاوت و حرمان * و از قضای بد *

وَشِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ * وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ * وَمِنْ شَرِّ مَا فِي

و شماتت دشمن * و شروری که از آسمان فرود آید * و شری که به وعید و تهدید فاسقان در

الْكِتَابِ الْمُنَزَّلِ * اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْأَشْرَارِ * وَلَا مِنَ أَصْحَابِ

کتاب آسمانی منزل فرمودی * ای خدا مرا از فرقه اشرار قرار مده * و از اهل آتش دوزخ

النَّارِ * وَلَا تَحْرِمْنِي صُحْبَةَ الْأَخْيَارِ * وَأَحْيِي حَيَاةَ طَيِّبَةٍ * وَتَوْفِي

مگردان * و از صحبت و همنشینی اخیار محروم مساز * و به زندگانی خوش زنده اید گردان * و هنگام وفاتم را

وَفَاةً طَيِّبَةً تُلْحِقُنِي بِالْأَبْرَارِ * وَارْزُقْنِي مُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ فِي مَقْعَدِ

روز خوش ساز و به زمره نیکان و بندگان نکوکار ملحق فرما * در آن منزلگاه صدق و حقیقت

صَدَقَ عِنْدَ مَلِيكَ مُقْتَدِرٍ * اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بِلَائِكَ

زود خداوند عزت و سلطنت روزی گردان * ای خدا تو را حمد می‌کنم بر حسن امتحان و

وَصُنْعِكَ * وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْإِسْلَامِ وَاتِّبَاعِ السُّنَّةِ * يَا رَبِّ كَمَا

مراتب احسانت * و تو را حمد می‌کنم بر نعمت اسلام و ایمان و پیروی طریق پیغمبرت * ای خدا چنانکه پیمبران

هَدَيْتَهُمْ لِدِينِكَ * وَعَلَّمْتَهُمْ كِتَابَكَ * فَاهْدِنَا وَعَلِّمْنَا * وَلَكَ الْحَمْدُ

خود را به دین خود هدایت فرمودی * و کتاب آسمانی خود را به آنان پیاموختی * ما را هم هدایت کن و تعلیم فرما * و تو را

عَلَى حُسْنِ بِلَائِكَ وَصُنْعِكَ عِنْدِي خَاصَّةً * كَمَا خَلَقْتَنِي فَاحْسَنْتَ

حمد می‌کنم بر حسن امتحان و خصوص لطف و احسانت بر من * تو مرا به خلقت نیکو

خَلَقْتَنِي * وَعَلَّمْتَنِي فَاحْسَنْتَ تَعْلِيمِي * وَهَدَيْتَنِي فَاحْسَنْتَ

آفریدی * و به من نیکو تعلیم دادی * و نیکو هدایتی

هِدَايَتِي * فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى أَنْعَامِكَ عَلَى قَدِيمًا وَحَدِيثًا * فَكَمْ مِنْ

فرمودی * پس تو را حمد و ستایش می‌کنم بر انعام همیشگی قدیم و جدیدت بر من * چه بسیار

كُرْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ فَرَجْتَهُ * وَكَمْ مِنْ غَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ نَفَسْتَهُ *

حزن و اندوهها ای سید من از من برطرف ساختی * و چه بسیار غصه‌ها که بدل به نشاط فرمودی *

وَكَمْ مِنْ هَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ كَشَفْتَهُ ۖ * وَكَمْ مِنْ بَلَاءٍ يَا سَيِّدِي قَدْ

چه بسیار هم و غمها که زایل ساختی * و بلا و مصیبتها که ای سید من به لطف از من

صَرَفْتَهُ ۖ * وَكَمْ مِنْ عَيْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ سَتَرْتَهُ ۖ * فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ

بگردانیدی * و چه بسیار عیب و زشتیهایم را که از کرم ببوشانیدی * پس حمد و سپاس در هر حال

كُلِّ حَالٍ فِي كُلِّ مَثْوًى وَ زَمَانٍ * وَ مُنْقَلَبٍ وَ مَقَامٍ (مَقَامٍ) * وَ عَلَىٰ هَذِهِ

تو را سزد در هر مکان و هر زمان * و هر سفر و حضر * و بر این حال که هستیم

الْحَالِ وَ كُلِّ حَالٍ ۖ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَفْضَلِ عِبَادِكَ نَصِيْبًا فِي هَذَا

و تمام احوال دیگر * ای خدا امروز از هر خیر و نعمت که قسمت می‌فرمایی * و هر

الْيَوْمِ مِنْ خَيْرِ تَقْسِمِهِ ۖ * أَوْ ضُرِّ تَكْشِفِهِ ۖ * أَوْ سُوءِ تَصْرِفِهِ ۖ * أَوْ بَلَاءٍ

رنج و المی که برطرف می‌سازی * و هر زشتی و بدی که از خلق دور می‌گردانی * و هر بلا که دفع می‌کنی * و هر خیر و رحمت که

تَدْفَعُهُ ۖ * أَوْ خَيْرِ تَسْوِفِهِ ۖ * أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا ۖ * أَوْ عَافِيَةٍ تَلْبِسُهَا

می‌فرستی * و منبسط می‌فرمایی * هر لباس عافیت که بر اندام بندگان می‌پوشانی * از تمام این نعمتها نصیب مرا

فَإِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۖ وَبِيَدِكَ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ۖ وَ أَنْتَ

نصیب بهترین بندگانت عطا فرما * که تو بر هر چیز توانایی * و گنجهای آسمان و زمین همه به‌دست توست * و تو

الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ الْمُعْطَىٰ الَّذِي لَا يَرُدُّ سَأْلَهُ ۖ * وَ لَا يُخَيِّبُ أَمَلَهُ ۖ *

خدای یگانه با کرم و بخششی که هیچ سائلی از درگاهت محروم باز نخواهد گشت * و هیچ امیدواری ناامید نخواهد شد *

وَ لَا يَنْقُصُ نَائِلُهُ ۖ * وَ لَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ ۖ * بَلْ يَزِدَادُ كَثْرَةً وَ طَيِّبًا

و هر که هر چه بخواهد بدون نقصان خواهد یافت * و ملک بی‌پایان تو به بخشش تمام نگردهد * بلکه چون ملک تو نامنتهای و فوق

وَ عَطَاءٍ وَ جُودًا ۖ * وَ ارْزُقْنِي مِنْ خَزَائِنِكَ الَّتِي لَا تَفْنَىٰ ۖ * وَ مِنْ رَحْمَتِكَ

نامنتهای است * از بخششهای عطا وجود و کرمت بیشتر و افزونتر شود * و مرا از گنجهای بی‌انتهایت * و از رحمت واسعه

الْوَاسِعَةِ ۖ * إِنَّ عَطَاءَكَ لَمْ يَكُنْ مُحْظُورًا ۖ * وَ أَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بی‌پایان روزی بخش * که عطای تو از هیچکس ممنوع نیست * و تو بر هر چیز قادر و توانایی

ۖ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ﴿٢﴾ دویم: بخواند آن هزار مرتبه (به نقل کفعمی)

* به حق رحمت وسیعت ای مهربانترین مهربانان عالم. *

تسبیحات عشر را که سید ذکر فرموده و بیاید در اعمال روز عرفه. ﴿٣﴾ سیم: بخواند دعاء **اللَّهُمَّ مِنْ تَعَبًا**

وَ تَهِيًّا را که در روز عرفه و شب و روز جمعه نیز وارد است و گذشت ذکر آن در اعمال شب جمعه. ﴿٤﴾ چهارم:

زیارت کند امام حسین (علیه السلام) و زمین کربلا را و بماند در آنجا تا روز عید تا آنکه از شر آن سال نگاه داشته شود.

روز نهم: روز عرفه و از اعیاد عظیمه است اگرچه به اسم عید نامیده نشده است و روزی است که حق تعالی بندگان خویش را به عبادت و طاعت خود خوانده و موائد جود و احسان خود را برای ایشان گسترانیده و شیطان در این روز خوار و حقیرتر و رانده تر و خشمناکترین اوقات خواهد بود. و روایت شده که حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) شنید در روز عرفه صدای سائلی را که از مردم سؤال می نمود. فرمود به او ای بر تو آیا از غیر خدا سؤال می کنی در این روز؟ و حال آنکه امید می رود در این روز برای بچه های در شکم آنکه فضل خدا شامل آنها شود و سعید شوند، و از برای این روز اعمالی چند است: **۱** اول: غسل. **۲** دویم: زیارت امام حسین (علیه السلام) که مقابل هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد بلکه بالاتر است و احادیث در کثرت فضیلت زیارت آن حضرت در این روز متواتر است و اگر کسی توفیق یابد که در این روز در تحت قبه مقدسه آن حضرت باشد ثوابش کمتر از کسی که در عرفات باشد نیست بلکه زیاده و مقدم است و کیفیت زیارت آن حضرت بعد از این در باب زیارات بیاید انشاء الله تعالی. **۳** سیّم: بعد از نماز عصر پیش از آنکه مشغول به خواندن دعاهای عرفه شود دو رکعت نماز به جا آورد در زیر آسمان و اعتراف و اقرار کند نزد حق تعالی به گناهان خود تا فایز شود به ثواب عرفات و گناهایش آمرزیده گردد. پس مشغول شود به اعمال و ادعیه عرفه که از حج طاهره صلوات الله علیهم روایت شده و آنها زیاده از آن است که در این مختصر ذکر شود لکن ما به مقداری که این کتاب گنجایش آن را داشته باشد نقل می کنیم. * شیخ کفعمی در مصباح فرموده: مستحب است روزه روز عرفه برای کسی که ضعف پیدا نکند از دعا خواندن * و مستحب است غسل پیش از زوال * و زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز و شب عرفه * و چون وقت زوال شد زیر آسمان رُود و نماز ظهر و عصر را با رکوع و سجود نیکو به عمل آورد و چون فارغ شود دو رکعت نماز کند در رکعت اول بعد از حمد، توحید و در دویم بعد از حمد **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** بخواند بعد از آن چهار رکعت نماز گذارد در هر رکعت بعد از حمد توحید پنجاه مرتبه بخواند. فقیر گوید که این نماز همان نماز حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) است که در اعمال روز جمعه گذشت * پس فرموده: بخوان این تسبیحات را که مروی از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) است و سید بن طاووس در اقبال ذکر فرموده: **سُبْحَانَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ**

منزه آن خدایی که عرش با عظمت او

عَرْشُهُ * **سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْأَرْضِ حُكْمُهُ** * **سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْقُبُورِ**

در آسمان است * منزه است آن خدایی که فرمانش در زمین است * منزه است آن خدایی که در قبرها قضای او

قَضَاؤُهُ * سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْبَحْرِ سَبِيلُهُ * سُبْحَانَ الَّذِي فِي النَّارِ

جاری شده * منزه است آن خدایی که در دریا راه دارد * منزه است آن خدایی که در دوزخ

سُلْطَانُهُ * سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ * سُبْحَانَ الَّذِي فِي

فرمانفرمایی دارد * منزه است خدایی که در بهشت است رحمتش * منزه است خدایی که عدالتش

الْقِيَامَةِ عَدْلُهُ * سُبْحَانَ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاءَ * سُبْحَانَ الَّذِي بَسَطَ

در قیامت ظاهر می‌شود * منزه است خدایی که آسمان را برافراشت * منزه است خدایی که زمین

الْأَرْضَ * سُبْحَانَ الَّذِي لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنجَىٰ مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ * پس بگو:

را بگسترده * منزه است خدایی که جز به درگاه او پناه و راه نجاتی نیست *

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ * وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ * صد مرتبه،

منزه است خدای و ستایش مخصوص اوست * و معبود به حقی جز خدای نیست و خدا بزرگتر از هر چیز است *

و بخوان توحید صد مرتبه * و آیه الکرسی صد مرتبه * و صلوات بر محمد و آل محمد صد مرتبه *

و بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ

نیست معبود به حقی جز خدای یگانه * که انبازی ندارد * و پادشاهی و ستایش او را سزد

يُحْيِي وَيُمِيتُ * وَيُمِيتُ وَيُحْيِي * وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ * بِيَدِهِ

* زنده کند و بمیراند * و بمیراند و زنده کند * و او زنده است که هرگز نمیرد * به دست اوست هر خیر

الْخَيْرِ * وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ

و نیکی * و او بر هر چیزی تواناست * آمرزش می‌طلبم از خدای که نیست

إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ * وَآتُوبُ إِلَيْهِ * يَا اللَّهُ ده مرتبه،

معبودی به حق جز او که زنده و پاینده است * و به سوی او باز می‌گردم * ای خدا *

يَا رَحْمَنُ ده مرتبه، * يَا رَحِيمُ ده مرتبه، * يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

ای بخشنده * ای مهربان * ای آفریننده آسمانها و زمین

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ * ده مرتبه، * يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ ده مرتبه، * يَا حَنَّانُ

* ای صاحب جلال و بزرگواری * ای زنده و پاینده * ای بخشنده

يَا مَنَّانُ ده مرتبه، * يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ده مرتبه، * آمین * پس بگو:

ای نعمت دهنده * ای که نیست معبود به حقی جز ذات مقدست * آمین *

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ * يَا مَنْ يَحُولُ

بار خدایا من از تو درخواست می‌کنم ای خدایی که او از رگ گردن به من نزدیکتر است * ای خدایی که

بَيْنَ الْمَرَّةِ وَقَلْبِهِ * يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأَفْقِ الْمُبِينِ * يَا

میان مرد و دلش حایل شوی * ای خدایی که در منظر اعلی و افق مبینی * ای

مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى * يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ * وَهُوَ

خدایی که بخشاینده و بر عرش با عظمت استواری * ای که به مانندش چیزی نیست * و او

السَّمِيعُ الْبَصِيرُ * أَسْأَلُكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَالِ مُحَمَّدٍ * وَبِخَوَافِ

شنوا و بیناست * از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی *

حاجت خود را که برآورده خواهد شد انشاءالله تعالی. ﴿﴾ پس بخوان این صلوات را که از حضرت صادق (علیه السلام)

منقول است که هر که بخواد مسرور کند محمد و آل محمد (علیهم السلام) را در صلوات برایشان بگوید: اللَّهُمَّ يَا

ای خدا ای

أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى * وَيَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ * وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحِمَ *

بخشنده‌ترین عطا بخش * و ای بهترین درخواست شده * و ای رحیم‌ترین استرحام شده *

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَالِهِ فِي الْأَوَّلِينَ * وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَالِهِ

بار خدایا بر محمد و آلش رحمت فرست در اولین * و بر محمد و آلش در آخرین

فِي الْأَخِيرِينَ * وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَالِهِ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى * وَصَلِّ عَلَى

رحمت فرست * و بر محمد و آلش رحمت فرست در ملاء اعلی و عالم بالا * و بر محمد

مُحَمَّدٍ وَعَالِهِ فِي الْمُرْسَلِينَ * اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا وَعَالَهُ الْوَسِيلَةَ

و آلش رحمت فرست در رسولان * بار خدایا به محمد و آلش عطا کن وسیله

وَالْفَضِيلَةَ * وَالشَّرْفَ وَالرَّفْعَةَ وَالدَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ * اللَّهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ

و فضیلت * و شرف و رفعت و درجه بزرگ و بلند را * بار خدایا من به محمد

بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَالِهِ وَلَمْ أَرَهُ * فَلَا تَحْرِمْنِي فِي (يَوْمِ) الْقِيَامَةِ

که بر او و آلش درود و رحمت خدا باد ایمان آوردم در حالی که او را ندیدم * پس مرا در روز قیامت از دیدارش

رُؤْيَيْتَهُ * وَارْزُقْنِي صُحْبَتَهُ * وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ * وَاسْقِنِي مِنْ حَوْضِهِ

محرورم مگردان * و صحبت و همنشینی او را روزیم گردان * و مرا بر دین و ملتش بمیران * و از حوضش مرا بنوشان

مَشْرِبًا رَوِيًّا سَائِغًا هَنِيئًا * لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ وَ أَبَدًا * إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

نوشیدنی سیر و گوارا * که هرگز پس از آن تشنه نشوم * به درستی که تو بر هر چیز

قَدِيرٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ لَمْ أَرَهُ *
توانایی * بار خدایا من به محمد که درود و رحمت خدای بر او و بر آتش باد ایمان آوردم در حالی که او را ندیدم *

فَعَرَفَنِي فِي الْجَنَانِ وَجْهَهُ * اللَّهُمَّ بَلِّغْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
پس در بهشت روی (منبرش) را به من بنمای * بار خدایا به محمد که بر او و آتش رحمت خدای باد

مِنِّي تَحِيَّةٌ كَثِيرَةٌ وَ سَلَامًا * پس بخوان دعاء ام داود را که ذکر آن در اعمال ماه رجب گذشت.

* از من تحیت و سلام فراوان برسان *

* پس بگو این تسبیح را که ثواب آن احصاء نمی شود از کثرت، و ما به جهت اختصار ترک کردیم ذکر آن را و آن

تسبیح این است: سُبْحَانَ اللَّهِ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ * وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ

منزه است خدایی که پیش از هر چیز است * و منزه است خدایی که بعد از هر چیز است

* وَ سُبْحَانَ اللَّهِ مَعَ كُلِّ أَحَدٍ * وَ سُبْحَانَ اللَّهِ يَبْقَى رَبَّنَا وَ يَفْنَى كُلُّ

* و منزه است خدایی که با هر کس است * و منزه است خدایی که باقی است پروردگار ما و فنا شود

أَحَدٍ * وَ سُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحًا يَفْضُلُ تَسْبِيحَ الْمُسَبِّحِينَ فَضْلًا

همه کس * و منزه است خدا تنزیهی که برتر است از تسبیح مسبحان برتری

كَثِيرًا قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ * وَ سُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحًا يَفْضُلُ تَسْبِيحَ

بسیار پیش از هر کس * و منزه است خدا تنزیهی که برتر است از تسبیح

الْمُسَبِّحِينَ فَضْلًا كَثِيرًا بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ * وَ سُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحًا

مسبحان برتری فراوان پس از هر کس * و منزه است خدای به تنزیهی که

يَفْضُلُ تَسْبِيحَ الْمُسَبِّحِينَ فَضْلًا كَثِيرًا مَعَ كُلِّ أَحَدٍ * وَ سُبْحَانَ اللَّهِ

برتر است از تسبیح تسبیح کنندگان برتری بسیار با هر کس * و منزه است خدای

تَسْبِيحًا يَفْضُلُ تَسْبِيحَ الْمُسَبِّحِينَ فَضْلًا كَثِيرًا لِرَبَّنَا الْبَاقِي وَ يَفْنَى

به تنزیهی که برتر است از تسبیح مسبحان برتری بسیار برای پروردگار باقی ما و فنا شود

كُلِّ أَحَدٍ * وَ سُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحًا لَا يُحْصَى وَ لَا يَدْرَى * وَ لَا يَنْسَى

هر چیز * و منزه است خدای به تنزیهی که شماره نشود و دانسته نشود * و فراموش نشود

وَلَا يَبْلَى * وَلَا يَفْنَى وَلَا يَسْ لَهُ * مُنْتَهَى * وَ سُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحًا

و کهنه نشود * و فانی نشود و بی نهایت باشد * و منزه است خدای به تنزیهی که

يَدُومُ بَدَوَامِهِ * وَيَبْقَى بَبَقَائِهِ فِي سِنِي الْعَالَمِينَ وَ شَهُورِ الدُّهُورِ *

بپاید به دوام او * و بماند با ماندن او در سالهای جهانیان و ماههای روزگاران *

وَ أَيَّامِ الدُّنْيَا وَ سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ * وَ سُبْحَانَ اللَّهِ أَبَدًا أَبَدًا *

و روزهای دنیا و ساعت‌های شب و روز * و منزه است خدای همیشه جاودان *

وَ مَعَ الْأَبَدِ مِمَّا لَا يُحْصِيهِ الْعَدَدُ * وَ لَا يُفْنِيهِ الْأَمَدُ * وَ لَا يَقْطَعُهُ الْأَبَدُ

و با جاودانی که نتوان شمرد آن را * و گذشت روزگار آن را نیست نکند * و نبرد دنیا له آن هرگز

* وَ تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ * پس بگو: وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ *

* و بزرگ است خدا بهترین آفرینندگان * و ستایش مر خدای راست پیش از هر کس *

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ * تا آخر دعا، لکن به جای هر (سُبْحَانَ اللَّهِ)، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ

و ستایش مر خدای راست پس از هر کس *

بگو. و چون به (أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ) رسیدی بگو: (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ) تا به آخر به جای

(سُبْحَانَ اللَّهِ)، (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) می گوئی * و بعد از آن بگو: (وَاللَّهُ أَكْبَرُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ) تا

به آخر که به جای (سُبْحَانَ اللَّهِ)، (اللَّهُ أَكْبَرُ) می گوئی * پس می خوانی دعای: اَللَّهُمَّ مَنْ تَعَبًا

وَ تَهَيَّبًا رَاكِعًا در اعمال شب جمعه گذشت. * پس بخوان دعای علی بن الحسین (علیه السلام) را که شیخ طوسی در مصباح

المتهجّد ذکر فرموده: اَللَّهُمَّ أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ، مؤلف گوید: که این دعا چون دعای در مَوْقِفِ عَرَافَاتِ

بود بعلاوه هم بسیار طولانی بود ما ذکر نمودیم. * و بخوان نیز در این روز با خشوع و رِقَّتِ دعای آن حضرت که در

صحیفه کامله است و آن دعای چهل و هفتم است و مشتمل است بر جمیع مطالب دنیا و آخرت صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى

مُنَشِيهَا. * و از جمله دعاهای مشهور این روز **دعای حضرت سید الشهداء (علیه السلام)** است. بشرو بشیر پسران

غالب اَسَدِي روایت کرده اند که پسین روز عَرَفَه در عرفات در خدمت آن حضرت بودیم، پس از خیمه خود بیرون

آمدند با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان با نهایت تَدَلُّل و خشوع، پس در جانب چپ کوه ایستادند و روی

مبارک را به سوی کعبه گردانیدند و دستها را برابر رو برداشتند مانند مسکینی که طعام طلبد و این دعا را خواندند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ * وَ لَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ * وَ لَا

ستایش مخصوص آن خدایی است که هیچکس در عالم سر از حکم و فرمانش نتواند کشید * و بخشش او را منع نتواند کرد * و هیچ

کس صنعیه صنع صانع * وَ هُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ * فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ *

صناعتی در آفرینش مانند صنع او پدید نتواند ساخت * و اوست بخشنده بی پایان * و انواع بدایع مخلوقات را بیافرید *

وَ اتَّقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ * لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَاعُ * وَ لَا تَضِيعُ عِنْدَهُ

و به حکمت بالغه صنایع را متقن فرمود * نه چیزی در جهان پدید آید که از نظر عنایتش هرگز پنهان گردد * و نه آنچه

الْوَدَائِعُ (أَتَى بِالْكِتَابِ الْجَامِعِ * وَ بَشَّرَ الْإِسْلَامَ النُّورِ السَّاطِعِ * وَ لِلْخَلِيقَةِ صَانِعٍ * وَ هُوَ

نزدش و دیعه نهند هیچگاه نابود شود *

الْمُسْتَعَانَ عَلَى الْفَجَائِعِ) * جَازِي كُلِّ صَانِعٍ * وَ رَائِسُ كُلِّ قَانِعٍ * وَ رَاحِمُ كُلِّ

عمل هر کس را پاداش دهد * و امور اهل قناعت را اصلاح کند * به حال هر کس به درگاهش تضرع و زاری کند

ضَارِعٍ * وَ مُنْزِلُ الْمَنَافِعِ * وَ الْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ * وَ هُوَ

ترحم فرماید * هر منفعت را به خلق او نازل گرداند * چنانکه کتاب جامع را با نور علم و اشراق ایمان او نازل فرمود * اوست که

لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ * وَ لِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ * وَ لِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ * وَ لِلجَبَابِرَةِ

دعای بندگان را مستجاب می گرداند * و گرفتاریهایشان را دفع میکند * و مقامشان را بالا میبرد * و گردنکشان را سرکوب

قَامِعٌ * فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ * وَ لَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ * وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ * وَ هُوَ

میکند * پس غیر آن ذات یکتا هیچ خدایی نیست و او را عدیل نباشد * و مثل و مانند ندارد * شنوای

السَّمِيعِ الْبَصِيرِ الْلطِيفِ الْخَبِيرِ * وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * اَللَّهُمَّ

دعای خلق و بینای امور عالم است به دقایق اشیاء بصیر و آگاه است * و بر هر چیز توانایی و قدرت کامل دارد * ای خدا

إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ * وَ أَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ * مُقَرًّا (مُقَرًّا) بِأَنَّكَ رَبِّي * وَ أَنَّ

من اشتیاق دارم * و به یکتائیت گواه و به ربوبیتت معترفم * و می دانم که تو مربی و پروردگار منی و

إِلَيْكَ مَرْدِي * ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكُورًا *

بازگشت من به سوی توست * تو در اول که من نابود بودم به من نعمت وجود بخشیدی *

وَ خَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ * ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ * أَمِنَّا لِرَيْبِ الْمُنُونِ

و مرا از خاک بیافریدی * آنگاه در صلب پدرانم جای دادی و از حوادث زمان و موانع دهر

* وَ اخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَ السِّنِينَ * فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُلْبِ الْإِلَى رَحِمٍ

* و اختلاف و تغییرات روزگاران مرا محفوظ داشتی * تا آنکه پی درپی از یکایک پشت پدرانم به

فِي تَقَادُمٍ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ * وَالْقُرُونِ الْحَالِيَةِ * لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ

رحم مادران انتقال یافتم در آن ایام پیشین * و دوران گذشته * و از آنجا که با من رأفت و مهربانی

بِي وَ لُطْفِكَ لِي (بِ) * وَ احْسَانِكَ إِلَيَّ * فِي دَوْلَةِ أُمَّةٍ لِكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا

داشتی و نظر لطف و احسان مرا * در دور سلطنت پیشوایان کفر و ضلالت که عهد تو را

عَهْدَكَ * وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ * لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي (رَأْفَةً مِنْكَ وَ تَحَنُّنًا عَلَيَّ) لِلَّذِي

شکستند * و رسولانت را تکذیب کردند به دنیا نیاوردی * و لیکن زمانی بوجود آوردی که از برکت پیشوای توحید حضرت

سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ وَ يَسَّرْتَنِي * وَ فِيهِ أَنْشَأْتَنِي * وَ مِنْ قَبْلِ

خاتم پیغمبرانت مقام هدایت که در علم ازلیت مقرر بود بر من میسر فرمودی * و در این عصر هدایت مرا پرورش دادی * و از این

ذَلِكَ رَوَّفْتَنِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ * وَ سَوَّابِعِ نِعْمِكَ * فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي

پیش هم پیوسته با من نیکویی و مهربانی کردی * و به نعمت فراوانم متنعم ساختی * تا آنگاه که آفرینشم به

مِنْ مَنِيْ يُمْنِي * وَ اسَكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جَلْدٍ *

مشیتت از آب نطفه فرمودی * و در ظلمات سه گانه در میان لحم و دم مسکن دادی *

لَمْ تُشْهَدْنِي خَلْقِي (لَمْ تُشْهَرْنِي بِخَلْقِي) * وَ لَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي *

نه مرا از کیفیت خلقتم آگه ساختی * و نه کاری در آفرینشم به من واگذار کردی *

ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامًّا سَوِيًّا *

تا آنکه مرا بر آن رتبه معرفت و هدایت علم ازلی با خلقت کامل و آراسته به دنیا آوردی *

وَ حَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا * وَ رَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَنًا مَرِيًّا *

و در گهواره که کودکی ناتوان بودم مرا نگهداشتی * و از شیر مادر غذایی گوارا روزیم کردی *

وَ عَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ * وَ كَفَلْتَنِي الْأُمَّهَاتِ الرَّوَاحِمَ (الرَّحَائِمَ)

و دلهای دایگان را به من مهربان ساختی * مادران مهربان را برای محافظتم

* وَ كَلَّاتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَنِّ * وَ سَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَ النِّقْصَانِ *

* از آسیب جن و شیطان برگماشتی * و از عیب و نقصان خلقتم را پیراستی *

فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمٌ يَا رَحْمَنٌ * حَتَّى إِذَا اسْتَهَلَّتْ نَاطِقًا بِالْكَلامِ *

به هر حال بسی بلند مرتبه خدای مهربانی * پس آنگاه که زبانم به سخن گشودی *

أَتَمَّمْتَ عَلَيَّ سَوَابِعَ الْإِنْعَامِ * وَ رَبَّيْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ * حَتَّى إِذَا

و نعمت بی حدت بر من تمام کردی * و در هر سال به تربیتت فزونت شد * و خلقتم

اَكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي * وَ اَعْتَدَلْتُ مِرَّتِي (سِرِّيَّتِي) * اَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ

مقام کمال یافت * و قوای جسم و جانم به حد اعتدال رسید * پس حجت را بر من الزام نمودی

بَانَ الِّهْمَّتِي مَعْرِفَتَكَ * وَ رَوَعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ (فِطْرَتِكَ) *

و معرفت خود را به قلبم الهام فرمودی * و در عجایب حکمتهای خویش چشم عقلم را حیران ساختی *

وَ اَيْقَظْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَ اَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ * وَ نَبَّهْتَنِي

و مرا بیدار و هشیار کردی تا در آسمان و زمین بدایع مخلوقات را مشاهده کنم * و مرا به یاد خود و شکر نعمتهای

لِشُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ * وَ اَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ * وَ فَهَّمْتَنِي مَا

بی حد خویش متذکر ساختی * و فرض نمودی بر من طاعت و عبادت را * و فهم علوم و حقایقی که پیمبرانت به وحی آوردند به

جَاءَتْ بِهِ رُسُلِكَ * وَ يَسَّرْتَ لِي تَقْبُلَ مَرْضَاتِكَ * وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ فِي

من عطا فرمودی * و روح بزرگ مرا برای فهم پذیرفتن عطا کردی * و به سعه صدر در یافتن مقام رضا و تسلیم را بر من آسان کردی * و در تمام

جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَ لَطْفِكَ * ثُمَّ اِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ (حُرِّ) الشَّرِيِّ * لَمْ

این مرحمتها بر من به اعانت و لطف خود منت گذاری * سپس که مرا از بهترین خاک بیافریدی * و برای

تَرْضَى لِي يَا اِلٰهِي نِعْمَةً (بِنِعْمَةٍ) دُونَ اٰخَرِي * وَ رَزَقْتَنِي مِنْ اَنْوَاعِ الْمَعَاشِ

آسایش من به یک نوع نعمت راضی نشدی * بلکه به انواع نعمتهای بیشمار مرا متنعم ساختی * و به هر گونه

* وَ صُنُوفِ الرِّيَاشِ * بِمَنْكَ الْعَظِيمِ الْاَعْظَمِ عَلَيَّ * وَ اِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ

طعام و لباس و اثاث زندگی برخوردارم کردی * و همه صرف لطف بی حد * و احسان نامتناهی تو

اِلَيَّ * حَتَّى اِذَا اَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ * وَ صَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ *

بود * و چون هر گونه نعمت را بر من تمام کردی * و هر گونه رنج و بلا را از من برطرف نمودی *

لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي وَ جُرَاتِي عَلَيْكَ * اَنْ دَلَلْتَنِي اِلَيَّ (عَلَيَّ) مَا يُقَرِّبُنِي اِلَيْكَ

باز جهل و بی باکی من تو را مانع از این لطف بزرگ نشد * که دلالتم کنی و به هر چه سبب خشم و غضب توست

* وَ وَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ * فَاِنْ دَعَوْتُكَ اَجَبْتَنِي * وَ اِنْ سَأَلْتُكَ

* و به مقام قرب خود موفق سازی * و با همه بیباکی و گناه باز هر وقت تو را خواندم اجابت کردی * و چون از تو درخواستی

اَعْطَيْتَنِي * وَ اِنْ اَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي * وَ اِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي كُلَّ ذَلِكَ

کردم عطا فرمودی * و اگر تو را اطاعت کردم پاداش کامل دادی * و اگر شکر تو به جای آوردم بر نعمتم افزودی

اِكْمَالًا (اِكْمَالًا) لِاِنْعَمِكَ عَلَيَّ * وَ اِحْسَانِكَ اِلَيَّ * فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ

همه این لطفها را فرمودی تا نعمت * و احسانت را بر من به حد کمال رسانی * زهی پاک و منزّه خدایی که

مَنْ مَبْدِيٌّ مُعِيدٌ حَمِيدٌ مُجِيدٌ * وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ * وَ عَظُمَتْ

پدید آورنده آفرینش و بازگرداننده خلقی ستوده صفات و با مجد و عزتی * نامهای مقدست پاک * و نعمتهایت

ءِ الْأَوْكُ * فَايٌّ (فای) نِعْمَكَ يَا إِلَهِي أَحْصِي عَدَدًا وَ ذِكْرًا * أَمْ أَيْ عَطَايَاكَ

بزرگ * پروردگارا چه نوع از نعمتهای بی حسابت به ذکر و شمار توان آورد * کدام یک از عطاهايت را به وظیفه

أَقُومُ بِهَا شُكْرًا * وَ هِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ (اکثر) مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ * أَوْ

شکرش قیام توان کرد * در صورتی که نعمتت بیش از آن است که حساب دانان به شمار آرند * یا

يَبْلُغُ عِلْمًا بِهَا الْمُحَافِظُونَ * ثُمَّ مَا صَرَفَتْ وَ دَرَاتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ

حافظان به آن دانا شوند * و باز پروردگارا آن رنج و زینها را که از من به مرحمت

وَ الضَّرَاءِ * أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَ السَّرَاءِ * وَ أَنَا (فأنا) أَشْهَدُ

دفع کردی * بیش از آن همه نعمت و عافیت است که به ظاهر مشاهده می‌کنم * و من گواهی می‌دهم برای خدا

يَا إِلَهِي بِحَقِيْقَةِ إِيْمَانِي * وَ عَقْدِ عَزْمَاتِ يَقِيْنِي * وَ خَالِصِ صَرِيْحِ

از خلوص و حقیقت ایمانم به عهد قلبم * که از فرایض مقام یقین من است * و توحیدی خالص

تَوْحِيْدِي * وَ بَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيْرِي * وَ عِلَاقِ مَجَارِي نُوْرِ بَصْرِي *

و پاک از شایبه * و از باطن سر ضمیرم * و از رشته‌های بینش نور چشمم *

وَ أَسَارِيْرِ صَفْحَةِ جَبِيْنِي * وَ خَرَقِ مَسَارِبِ نَفْسِي (نفسی) * وَ خَذَارِيْفِ

و اسرار نقشهای جبینم * و شکاف راههای نفسهایم * و مخزن و محفظه

مَارِنِ عَرْنِيْنِي * وَ مَسَارِبِ سِمَاحِ (صِمَاح) سَمْعِي * وَ مَا ضَمَّتْ وَ أَطْبَقَتْ

شامه‌ام * و روزنه‌های وصول امواج صوتی به سماخ و استخوان سامعه‌ام * و آنچه را هر دو لبم

عَلَيْهِ شَفْتَايَ * وَ حَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي * وَ مَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَ فَكِّي

از بر هم نهادن می‌پوشاند * و به حرکات بی‌شمار زبانم * و محل ارتباط فک بالا و فک پایینم

* وَ مَنَابِتِ أَضْرَاسِي * وَ مَسَاغِ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي * وَ حِمَالَةِ أُمَّ رَاسِي

* و مکان روییدن دندان * و عصب قوه ذابیه که جایگاه ادراک گوارایی طعام و شراب است * و آن استخوان که ام رأس من بر

* وَ بَلُوْعِ فَاْرِغِ حَبَائِلِ (بَلُوْعِ حَبَائِلِ بَارِع) عُنُقِي * وَ مَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُوْرُ

آن استوار است * و وسعتگاهی که مکان رشته‌های اعصاب گردن من است * و آنچه فضای سینه من بر آن

صَدْرِي * وَ (جَمَل) حَمَائِلِ حَبْلِ وَتِيْنِي * وَ نِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي * وَ أَفْلَازِ

محیط است * و آنجا که رشته رگ و تینم حمایل است * و آنجا که پرده قلبم * و قطعات اطراف جگرم

حَوَاشِي كَبِدِي * وَ مَا حَوْتُهُ شَرَّاسِيفُ اضْلَاعِي * وَ حِقَاقُ (حِقَاقُ)

بدان مرتبط است * و شراسیف (دنده‌های) استخوان و غضروف پهلو * و سربندهای

مَفَاصِلِي * وَ قَبْضُ (قَبْضُ) عَوَامِلِي * وَ اطْرَافُ (اطْرَافِ) اَنَامِلِي * وَ حَمِي

مفاصل من * و قبض (و بسط) قوای عامله من * و سر انگشتان من * و گوشت

وَ دَمِي * وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي * وَ عَصْبِي وَ قَصْبِي * وَ عِظَامِي وَ مَخِي

و خون * و موی و پوست * و اعصاب و ورید و شریان من * و استخوانها و مغز و رگ

وَ عُرُوقِي * وَ جَمِيعُ (جَمِيعُ) جَوَارِحِي * وَ مَا اَنْتَسَجَ عَلٰی ذٰلِكَ اَيَّامٌ

و پی‌های من * و تمام اندامم * انساج پرده‌ها و غشاهایی که دوران شیر خواریم

رِضَاعِي * وَ مَا اَقْلَتِ الْاَرْضُ مِنِّي * وَ نَوْمِي وَ يَقْظَتِي وَ سَكُونِي

منسوج شده * و آنچه زمین از من در پشت خود برداشته است * و خواب و بیداری من و آرامش

وَ حَرَكَاتِ رُكُوعِي وَ سُجُودِي * اِنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَ اجْتَهَدْتُ مَدِي

و جنبش من و رکوع و سجود من * که از بسیاری آنها اگر به قصد و کوشش در ضبط آنها عمری

الْاَعْصَارِ وَ الْاَحْقَابِ * لَوْ عَمَّرْتَهَا اِنْ اُوْدِي شُكْرًا وَاحِدَةً مِّنْ اَنْعَمِكَ

بپردازم طول مدت عصرها و بلکه قرن‌ها * اگر عمر کنم شکر یکی از آن نعمتها را نتوانم

مَا اسْتَطَعْتُ ذٰلِكَ * الْاَبْمَنِكَ الْمَوْجِبِ عَلٰی بِي شُكْرِكَ اَبَدًا جَدِيدًا

کرد * مگر باز به نعمت دیگری که آن نیز بر من شکری سر از نو

وَ ثَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا * اَجَلٌ * وَلَوْ حَرَصْتُ اَنَا وَ الْعَادُونَ مِّنْ اَنَامِكَ

* و ستایشی تازه واجب گرداند * آری * و اگر من و تمام حساب دانان عالم خلقت بخوایم

اَنْ نُّحْصِيَ مَدِي اِنْعَامِكَ سَالِفِهِ (سَالِفَةً) وَ اَنِفِهِ (اَنِفَةً) * مَا حَصْرَنَاهُ

نهایت نعمتهایت از گذشته و حال و آینده را احصاء و شماره کنیم * هرگز بر حساب

عَدَدًا * وَ لَا اَحْصَيْنَاهُ اَمَدًا * هِيَّهَاتَ اِنِّي ذٰلِكَ * وَ اَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي

و شماره‌اش * و درک نهایتش قادر نخواهیم بود * هیهات کجا توانیم * در صورتی که تو خود در کتاب

كِتَابِكَ النَّاطِقِ * وَ النَّبَا الصَّادِقِ * وَ اِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللّٰهِ لَا

ناطق قرآن (که مبین حق و حقیقت است) بیان فرمودی * که اگر خواهید که نعمتهای خدا را بشمار آرید

تُحْصَوْهَا * صَدَقَ كِتَابُكَ اللّٰهُمَّ وَ اَنْبَاؤُكَ * وَ بَلَغْتَ اَنْبِيَاؤُكَ

هرگز نتوانید * و البته کتاب و اخبار تو ای خدا صدق و حقیقت است * سخنی است که به پیمبران

وَرُسُلِكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ * وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ

و رسولانت الهام شده و از مقام وحیت نازل گردیده است * و دین خود را به آن وحی و روی آن کتاب تشریح کردی

* غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَجِدِّي * وَ مَبْلَغِ طَاعَتِي (طَاقَتِي)

* و علاوه بر اینکه من ای خدا شهادت می‌دهم با تمام توجه و کمال جدیت * و به قدر طاعت و طاقتم وسعت

و وَسَعِي * وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا

فکر و معرفتم * و با مقام ایمان و یقین می‌گویم * که حمد و ستایش مخصوص خدایی است که فرزند ندارد

فَيَكُونُ مَوْرُوثًا * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ * وَفِيمَا ابْتَدَعَ

تا وارثی بر او باشد * و شریکی در سلطنت ندارد تا در ابداع و اختراعش کسی مخالفت و ضدیت کند

* وَلَا وَلِيٍّ مِنَ الذَّلِّ فَيُرْفِدَهُ * وَفِيمَا صَنَعَ * فَسُبْحَانَهِ * وَسُبْحَانَهِ * لَوْ

* و قدرت کامله‌اش در صنع و ابداع محتاج به معاونت کسی نیست تا او را یاری کند * منزّه است خدای یکتایی * که اگر

كَانَ فِيهِمَا إِلَهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا * وَتَفَطَّرَتَا * سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ

جز او خدایانی بودند نظم آسمان و زمین فاسد گشتی و از هم گسیختی * منزّه است خدای یگانه

الْأَحَدِ الصَّمَدِ * الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ *

یکتا که غنی بالذات است * فرزندی ندارد و خود فرزند کسی نباشد * و هیچکس مثل و مانند او نیست *

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ * وَأَنْبِيََائِهِ

ستایش خدای را آن گونه ستایش که فرشتگان مقرب * و انبیاء مرسل

الْمُرْسَلِينَ * وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * وَآلِهِ

کنند * و درود به حبیب برگزیده او محمد خاتم پیغمبرانش * و بر آل او که

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَ سَلَّمَ * پس شروع فرمود آن حضرت در سؤال، و

همه پاکان و پاکیزگان عالم و بندگان خاص خالص اویند *

اهتمام نمود در دعا و آب از دیده‌های مبارکش جاری بود پس گفت: **اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ**

ای خدا بمن آن مقام ترس و خشیت از جلال و عظمتت را

كَأَنِّي أَرَاكَ * وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ * وَلَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ * وَخِرْلِي فِي

عطا کن که گویا تو را مبینم * و مرا به تقوی و طاعت سعادت بخش * و به عصیان شقاوتمند مگردان * و قضا و قدرت

قَضَائِكَ * وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ * حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخْرَتْ * وَلَا

را بر من خیر * و مبارک ساز * تا در خوش و ناخوش مقدراتت آنچه دیر می‌خواهی بر من زودتر دوست ندارم * و آنچه

تَاخِرَ مَا عَجَّلْتَ * اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي * وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي *

زودتر می خواهی دیرتر مایل نباشم * خدایا مرا به بی نیازی در نفس * و یقین در قلب *

وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي * وَ النُّورَ فِي بَصْرِي * وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي * وَ مَتَعْنِي *

و اخلاص در عمل * و نور در چشم * و بصیرت در دین عطا فرما * و به اعضاء و جوارحم *

بِجَوَارِحِي * وَ اجْعَلْ سَمْعِي وَ بَصْرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي * وَ انصُرْنِي عَلَى *

بهره مند کن * و گوش و چشم را دو وارث من گردان * و بر هر کس به من ظلم می کند *

مَنْ ظَلَمَنِي * وَ ارِنِي فِيهِ ثَارِي وَ مَثَارِي * وَ اقْرَبْ بِذَلِكَ عَيْنِي * اللَّهُمَّ *

مرا یاری فرما * و انتقام و تسلط را نمودار ساز * و بدان تسلط بر ظالم مرا دلشاد گردان * ای خدا *

اَكْشِفْ كُرْبَتِي * وَ اسْتَرْعُورْتِي * وَ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي * وَ اخْسَأْ شَيْطَانِي *

تو غمهایم برطرف * و عیبهایم مستور ساز * و از خطاهایم درگذر * و شیطانم را بران *

وَ فَكِّ رَهَانِي * وَ اجْعَلْ لِي يَا اَللهِ الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْاٰخِرَةِ وَ الْاُولَى *

* و ذمه ام (از هر حقوق) برهان * و ای خدای من در دنیا و آخرت به من عالیترین درجه را عطا فرما *

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي * فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا * وَ لَكَ *

* ای خدا تو را ستایش می کنم که به قدرت کامله مرا آفریدی * پس آنگاه شنوا و بینا گردانیدی * و تو را *

الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي * فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا (حَيًّا) سَوِيًّا رَحْمَةً بِي * وَ قَدْ *

ستایش می کنم که چون مرا آفریدی * از لطف و عنایتی که به من داشتی خلقتم را نیکو آراستی * در صورتی که *

كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا * رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي * رَبِّ بِمَا *

از وجود من بی نیاز بودی * پروردگارا چون مرا ایجاد کردی فطرت و طبیعتم را مقام اعتدال بخشیدی * پروردگارا *

اَنْشَأْتَنِي فَاحْسَنْتَ صُورَتِي * رَبِّ بِمَا احْسَنْتَ اِلَيَّ (بِي) وَ فِي نَفْسِي *

چنانکه مرا خلق کردی و صورتم زیبا نگاشتی * پروردگارا چنانکه مرا چنانکه مرا مراقبت *

عَافَيْتَنِي * رَبِّ بِمَا كَلَّاتَنِي وَ وَفَّقْتَنِي * رَبِّ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي *

کردی * و توفیق دادی * پروردگارا چنانکه به من انعام فرمودی و هدایتم کردی *

رَبِّ بِمَا اَوْلَيْتَنِي وَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَعْطَيْتَنِي * رَبِّ بِمَا اطْعَمْتَنِي وَ سَقَيْتَنِي *

* پروردگارا چنانکه مرا برگزیدی و از هر خیرم عطا نمودی * پروردگارا چنانکه مرا غذا دادی و سیرایم کردی *

رَبِّ بِمَا اغْنَيْتَنِي وَ اقْنَيْتَنِي * رَبِّ بِمَا اعَنْتَنِي وَ اعَزَّزْتَنِي * رَبِّ بِمَا *

* پروردگارا چنانکه مرا بی نیاز گردانیدی * و سرمایه و عزت بخشیدی * پروردگارا چنانکه مرا به لباس *

الْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي * وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي * صَلِّ

کرامت خاص در پوشانیدی * و از مصنوعات به حد کافی در دسترس من نهادی چنانکه این موهبتها را فرمودی * هم

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدَّهْوَرِ * وَصُرُوفِ

درود فرست بر محمد و آل محمد * و در سختیهای روزگاران * و حوادث شبان و

الليالي والأيام * وَنَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الآخِرَةِ * وَاكْفِنِي

روزان مرا یاری کن * و از هول و خطرهای دنیا و غم و اندوه آخرت نجات بخش * و از شر

شَرِّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الأَرْضِ * اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي * وَمَا أَحْذَرُ

اعمال ستمکاران روی زمین محفوظم دار * ای خدا تو از هر چه بترسم کفایت کن * و از آنچه هراسانم

فَقِنِي * وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَاحْرُسْنِي * وَفِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي * وَفِي

نگاهم دار * و در جان و دین محافظتم فرما * و در سفر نگهداری کن * و در اهل

أَهْلِي وَمَالِي فَاخْلُفْنِي * وَفِي مَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي * وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي

و مال مرا جانشین عطا کن * و در آنچه نصیبم کردی برکت بخش * و مرا در پیش خود خوار

* وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي * وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْأَنْسِ فَسَلِّمْنِي *

* و در چشم مردم بزرگ ساز * و از شر جن و انس سلامتم دار *

وَبِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي * وَبِسِرِّي فَلَا تُخْزِنِي * وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي

و به گناهانم رسوا مگردان و به اندیشه‌های باطنیم مفتضح * و به عمل (ناشایسته‌ام) مبتلا مساز

* وَنِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي * وَالْإِلَهِي غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكِلْنِي

* و نعمتهایت را از من مگیر * و مرا به غیر خودت واگذار مکن * ای خدا مرا به که وا می‌گذاری به خویش و

إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي * أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمُنِي * أَمْ إِلَى الْمُسْتَضْعَفِينَ

نزدیکان که از من علاقه برند * یا به دور و بیگانگان که با من خشونت و نفرت آغازند * یا به آنان که مرا ضعیف و ناتوان خواهند

لِي * وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكَ أَمْرِي * أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي * وَبَعْدَ دَارِي

* در صورتی که تو پروردگار من و مالک امور من هستی * به تو از غربت و ذلت خود شکایت می‌کنم * از دوری منزلت شکایت می‌کنم *

وَهُوَ أُنَى عَلِيٍّ مِنْ مَلِكْتَهُ وَأَمْرِي إِلَهِي فَلَا تُحِلِّ عَلَيَّ غَضَبَكَ * فَإِنْ

و از ذلت و خواریم در مقابل کسی که او را مالک امر من گردانیدی به تو می‌نالیم * ای خدا پس تو بر من قهر و غضب نکن * که

لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي (سَوَاك) * سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنْ عَافَيْتَكَ

باک از چیزی غیر معصیت تو ندارم * آن هم ای ذات منزّه سهل است که لطف و عافیت

أَوْسَعُ لِي * فَاسْأَلُكَ يَا رَبُّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ وَالْأَرْضُ

مرا وسیعتر است * پس از تو ای پروردگار من درخواست می‌کنم به نور جمالت بر زمین و آسمان

وَالسَّمَاوَاتُ * وَكَشَفْتَ (انْكَشَفْتَ) بِهِ الظُّلُمَاتُ * وَصَلِحَ بِهِ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ

تابش کرده * و ظلمت را از جهان برانداخته * و اصلاح امر اولین و آخرین بدان

وَالْآخِرِينَ * أَنْ لَا تُمِيتَنِي عَلَى غَضَبِكَ * وَلَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ * لَكَ

بسته است * که مرا در حال قهر و غضبت نمیرانی * و خشمت بر من نازل نگردانی * که می‌توانی

الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * رَبُّ الْبَلَدِ

از خشم به لطف باز آیی و از من خشنود شوی پیش از آنکه غضب فرمایی * عالم را خدایی جز تو نیست * که خدای

الْحَرَامِ * وَالْمَشْعَرَ الْحَرَامِ * وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحَلَّتْهُ الْبَرَكَةُ *

مکه * و مشعر الحرام * و بیت العتیق و در آن حرم برکت و رحمت فرود آوردی *

وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا * يَا مَنْ عَفَا عَن عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ * يَا

و آنجا را مقام امن و امان برای مردم قرار دادی * ای آنکه به حلم از گناهان بزرگ بندگان درگذشتی * و از

مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ * يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ * يَا عِدَّتِي فِي

فضل نعمت را بر خلق به حد کمال رسانیدی * و عطاهای بزرگ به کرم عطا کردی * ای ذخیره روز

شِدَّتِي * يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي * يَا غِيَاثِي فِي كَرْبَتِي * يَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي

سختی من * ای همدم وقت تنهایی من * ای فریادرس من هنگام رنج و بلا * ای ولی نعمت من

* يَا إِلَهِي * وَالْهَءَاءِ بَائِي إِبْرَاهِيمَ * وَاسْمَاعِيلَ * وَاسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ *

* ای خدای من و خدای پدران من ابراهیم و اسمعیل * و اسحاق و یعقوب *

وَرَبِّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ (میکال) وَاسْرَافِيلَ * وَرَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ

و ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل * و ای پروردگار محمد خاتم

النَّبِيِّينَ * وَآلِهِ الْمُنْتَجَبِينَ * وَمُنْزِلِ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ * وَالرُّبُورِ

انبیاء * و آل برگزیده پاکش * ای خدای فرستنده کتاب تورات و انجیل * و زبور

وَالْفُرْقَانَ * وَمُنْزِلِ كَهْيَعَصَ * وَطِهَ وَيَسَّ * وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ * أَنْتَ

و فرقان * و فرستنده کهیعص * و طه و یس * و تمام قرآن حکیم * ای خدا تویی

كَهْفِي حِينَ تَعَيَّنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا * وَتَضِيقُ بِي الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا

پنجم هرگاه طرق زندگانی با همه وسعت بر من مشکل شود * و زمین با همه فراخی بر من

﴿بِمَا رَحَّبْتُ﴾ * وَ لَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ * وَأَنْتَ مُقِيلٌ عَثْرَتِي

تنگ گردد * اگر رحمت شامل حالم نگردد مسلم از اهل هلاکت خواهیم بود * و تویی که از لغزشم بر می‌گردانی و گناهانم

* وَ لَوْلَا سِتْرُكَ أَيَّامِي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ * وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ

مستور می‌سازی * که اگر پرده پوشی تو نبود البته رسوا و مفتضح می‌گردیدم * و تو به یاریت مرا بر دشمنان

عَلَى أَعْدَائِي * وَ لَوْلَا نَصْرُكَ أَيَّامِي (لِي) لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ * يَا مَنْ

ظفر می‌بخشی * که اگر نصرت نبود من مغلوب دشمن می‌شدم * ای آنکه ذات

خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَالرَّفْعَةِ * فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَعْتَرُونَ * يَا مَنْ

خود را به علو مقام و رفعت مخصوص گردانیدی * و دوستانانت را به عزت خود عزیز ساختی * ای آنکه

جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نَيْرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ * فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ

پادشاهان را به درگاهت طوق مذلت به گردن نهادی * که سخت از قهر و سطوتت هراسان

خَائِفُونَ * يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ * وَ غَيْبَ مَا تَأْتِي

و ترسانند * ای آنکه بر نگاه گوشه چشمها و اسرار پنهان در دلها * و حوادث آتیۀ سلسله زمان و

بِهِ الْأَزْمِنَةُ وَالذُّهُورُ * يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ * يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ

دور روزگاران بر همه آگاهی * ای آنکه چگونگی آن ذات پنهان را کسی جز او آگاهی ندارد * ای آنکه حقیقت او را

مَا هُوَ إِلَّا هُوَ * يَا مَنْ لَا (يَعْلَمُ مَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ) يَعْلَمُهُ وَالْأَهُوَ * يَا مَنْ كَبَسَ

جز او هیچکس نمی‌داند * ای آنکه بر او غیر او کس آگاه نیست * ای آنکه زمین را

الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ * وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ * يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ

در آب فرو بردی * و هوا را به آسمان سد بستی * ای آنکه او را گرامیترین نامهاست

* يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا * يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسِفَ فِي

* ای صاحب کرمی که هرگز احسانش منقطع نشود * ای آنکه قافله (مصر) را برای (نجات) یوسف در

الْبَلَدِ الْقَفْرِ * وَ مُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَ جَاعِلَهُ وَ بَعْدَ الْعَبُودِيَّةِ مَلِكًا

بیابان فقر نگاهداشتی * و از قعر چاهش برآوردی و پس از بندگی به او شاهی رسانیدی

* يَا رَادَّهُ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ *

* ای که یوسف را به یعقوب باز گردانیدی پس از آنکه دو چشمش از خون و اندوه سفید گشت و غم دل پنهان می‌داشت *

يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَ الْبَلَاءِ عَنِ أَيُّوبَ * وَ (يَا) مُمْسِكَ يَدِي إِبْرَاهِيمَ عَنِ

ای برطرف کننده رنج و آلام ایوب * و نگهدارنده دو دست ابراهیم خلیل در

ذَبِحَ ابْنَهُ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَ فَنَاءِ عُمُرِهِ * يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَّبَ

سن پیری و پایان عمر از ذبح فرزندش اسمعیل * ای آنکه دعای زکریا را مستجاب کردی و یحیی را در پیری به او

لَهُ * وَيَحْيَى * وَ لَمْ يَدَعْهُ فَرْدًا وَحِيدًا * يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ

عظا فرمودی * و او را تنها و بی‌کس (و وارث) نگذاشتی * ای آنکه یونس را از شکم ماهی بیرون

الْحُوتِ * يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ * وَ جَعَلَ فِرْعَوْنَ

آوردی * ای آنکه دریا را برای بنی اسرائیل شکافتی و آنان را نجات دادی * و فرعون و سپاهش

وَ جُنُودَهُ * مِنَ الْمَغْرِقِينَ * يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيِ

را غرق دریای هلاکت نمودی * ای آنکه بادهای را به بشارت پیشاپیش (باران) رحمت

رَحْمَتِهِ * يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ * يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ

فرستادی * ای آنکه در کیفر معصیت کاران خلق تعجیل نفرمایی * ای آنکه ساحران عصر موسی را

السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طَوْلِ الْجُحُودِ * وَقَدْ غَدَوْا فِي نِعْمَتِهِ يَا أَكْلُونَ رِزْقَهُ * وَ

بعد از مدت‌ها کفر و انکار از عذاب نجات بخشیدی * در صورتی که دایم به نعمت متنعم بودند و روزیت را خوردند

وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ * وَقَدْ حَادَوْهُ وَ نَادَوْهُ وَ كَذَّبُوا رُسُلَهُ * يَا اللَّهُ يَا

* و غیر تو را پرستیدند * و به دشمنی خدا و شرک به او برخاستند و پیمبرانش را انکار کردند * ای خدا ای

اللَّهُ * يَا بَدِيءُ * يَا بَدِيعُ (بَدِيعًا) لَأَنْدَ (بَدءً) لَكَ * يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ

خدا * ای پدید آورنده بی‌سابقه * ای که بی‌مثلی و مانند نداری * ای ذات دائم ابدی که هرگز فنا نپذیری

يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ * يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى * يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ

* ای زنده ازلی هنگامی که هیچ زنده‌ای نبود * ای زنده کن مردگان * ای آنکس هر کس را با هر چه کسب و کار کند

بِمَا كَسَبَتْ * يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي * وَ عَظُمَتْ خَطِيئَتِي

نگهبانی کنی * ای آنکه من شکر تو را اندک کنم و باز از نعمت محروم نساختی * و خطای بزرگ و بسیار کردم

فَلَمْ يَفْضَحْنِي * وَ رَأَانِي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي (يَحْذُنِّي) * يَا مَنْ

و مرا رسوا نکردی * و مرا در حال عصیان بسیار دیدی و بی‌آبرویم نفرمودی * ای آنکه

حَفِظَنِي فِي صَغْرِي * يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي * يَا مَنْ آيَادِيهِ عِنْدِي لَا

مرا در کودکی (از آفات) حفظ فرمودی * ای آنکه مرا در پیری روزی دادی * ای آنکه الطاف و نعمتهایش

تُحْصِي * وَ نِعْمَهُ لَا تُجَازِي * يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَ الْإِحْسَانِ *

شمرده نشده * و سپاس گفته نشود * ای آنکه با من به خیر و احسان روی آورده *

و عَارِضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ * يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ

و من در عوض زشتی و عصیان نمودم * ای آنکه مرا بر مقام ایمان هدایت کردی پیش از آنکه

أَعْرَفَ شُكْرَ الْإِمْتِنَانِ * يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي * وَ عُرْيَانًا

به شکر نعمت شناسا گردم * ای آنکه در حال مرض تو را خواندم و مرا شفا بخشیدی * و در حال برهنگی خواندم

فَكَسَانِي * وَ جَائِعًا فَاشْبَعَنِي * وَ عَطْشَانَ فَارْوَانِي * وَ ذَلِيلًا فَاعَزَّنِي

لباس پوشانیدی * و در حال گرسنگی و تشنگی خواندم طعامم دادی * و سیرابم نمودی * و در ذلت خواندم عزیزم فرمودی

* وَ جَاهِلًا فَعَرَفَنِي * وَ وَحِيدًا فَكَثَّرَنِي * وَ غَائِبًا فَرَدَدَنِي * وَ مُقَدَّلًا

* و در نادانی به مقام معرفت رسانیدی * و در تنهایی جمعیتم دادی * و غایب از اهل و وطن شدم به وطن بازم گردانیدی * و در فقر و

فَاعْغَانِي * وَ مُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي * وَ غَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي * وَ أَمْسَكْتُ

بینوایی خواندم غنی گردانیدی * یاری طلبیدم مظفر و منصورم ساختی * و در حال غنا بودم دارائیم باز نگرفتی * و اگر از خواندنت

عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَاِبْتَدَانِي * فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي *

در این احوال خودداری کردم باز ابتدا به احسان فرمودی * پس ستایش و سپاس مخصوص توست ای آنکه عذر لغزشهایم پذیرفتی *

و نَفْسٍ كُرْبَتِي * وَ اجَابَ دَعْوَتِي * وَ سَتَرَ عَوْرَتِي * وَ غَفَرَ ذُنُوبِي * وَ بَلَغَنِي

و غم و اندوهم برطرف ساختی * و دعایم اجابت فرمودی * و گناهانم بخشیدی * و به مطلوبم

طَلَبَتِي * وَ نَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي * وَ اِنْ اَعَدَّ نِعْمَكَ وَ مِنْكَ وَ كَرَامَتِي

رسانیدی * و بر دشمن یاری و نصرتم دادی * به هر حال نعمت و احسانها و عطاهای گرامیت را

مِنْحِكَ لَا اَحْصِيهَا * يَا مَوْلَايَ اَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ * اَنْتَ الَّذِي اَنْعَمْتَ

هرگز به شمار نتوانم آورد * ای مولای من تویی که عطا فرمودی * تویی که نعمت دادی

* اَنْتَ الَّذِي اَحْسَنْتَ * اَنْتَ الَّذِي اَجْمَلْتَ * اَنْتَ الَّذِي اَفْضَلْتَ

* تویی که احسان کردی * تویی که نیکویی کردی * تویی که فضل و کرامت فرمودی

* اَنْتَ الَّذِي اَكْمَلْتَ * اَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ * اَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ * اَنْتَ

* تویی که (لطف را) کامل گردانیدی * تویی که روزی بخشیدی * تویی که توفیق دادی * تویی که

الَّذِي اَعْطَيْتَ * اَنْتَ الَّذِي اَغْنَيْتَ * اَنْتَ الَّذِي اَقْنَيْتَ * اَنْتَ الَّذِي

به خلق عطا فرمودی * تویی که فقیر را غنی ساختی * تویی که سرمایه دادی * تویی که

ءَاوَيْتَ * اَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ * اَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ * اَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ

پناه دادی * تویی که امور بندگانت را کفایت کردی * تویی که هدایت کردی * تویی که خوبان را عصمت از گناه کرامت کردی

أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ * أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ * أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ * أَنْتَ

* تویی که گناهان را مستور ساختی * تویی که گناهان را آمرزیدی * تویی که عذر گناهان را پذیرفتی * تویی که

الَّذِي مَكَّنْتَ * أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ * أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ * أَنْتَ الَّذِي

تمکن و جاه بخشیدی * تویی که عزت و جلال دادی * تویی که اعانت فرمودی * تویی که

عَضَدْتَ * أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَ * أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ * أَنْتَ الَّذِي شَفَّيْتَ

مدد فرمودی * تویی که تأیید توانایی دادی * تویی که یاری فرمودی * تویی که بیماران را شفا دادی

أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ * أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ * تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ *

* تویی که عافیت بخشیدی * تویی که اکرام فرمودی * تویی که برتری دادی *

فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا * وَ لَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا * ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي *

پس حمد و ستایش مخصوص توست * و شکر و ستایش دایم تو را سزااست * باز ای خدای من *

الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْهَا لِي * أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ * أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ

به گناهانم مقر و معترفم پس تو به کرم از من درگذر * من آن بنده‌ام که بد کردم * من همانم که خطا کردم

أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ * أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ * أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ * أَنَا الَّذِي

* من همانم که اهتمام به عصیان کردم * من همانم که نادانی کردم * من همانم که غفلت ورزیدم * من همانم که

سَهَوْتُ * أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ * أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ * أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ

سهو کردم * من همانم که به خود اعتماد کردم * و من همانم که (به خواهش دل) عمدا کردم * من همانم که وعده کردم

وَ أَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ * أَنَا الَّذِي نَكَّثْتُ * أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ *

* و مخالفت نمودم * و من همانم که عهد خود شکستم * من همانم که اقرار کردم *

أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَ عِنْدِي * وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي * فَاغْفِرْهَا

من همانم که اعتراف به نعمت و عطاییت بر خود کردم * و باز به گناهان رجوع نمودم * پس چون معترف و تائبم از آن گناهان

لِي * يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ * وَ هُوَ الْغَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ *

درگذر * ای خدایی که گناهان بندگانت هیچ تو را زیان نخواهد داشت * و از طاعتشان هم البته بی‌نیاز خواهی بود *

وَ الْمَوْفِقُ مِنْ عَمَلِ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَ رَحْمَتِهِ * فَلَكَ الْحَمْدُ

و هم آنان که عملی شایسته می‌کنند به توفیق و اعانت و رحمت می‌کنند * پس ای خدای من و مولای من

إِلَهِي وَ سَيِّدِي * إِلَهِي أَمْرَتِي فَعَصَيْتُكَ * وَ نَهَيْتَنِي فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ

ستایش مخصوص توست * ای خدا تو مرا امر کردی و من عصیان امرت کردم * تو نهی کردی و من مرتکب نهیت شدم

فَاصْبَحْتُ لَإِذَا بَرَاءَةً لِي فَاعْتَذِرْ * وَلَا إِذَا قُوَّةً فَاَنْتَصِرْ * فَبِأَيِّ شَيْءٍ

* اکنون نه کسی که گناهانم میرا و پاک سازد * و نه صاحب قدرتی که از او بر دفع عذاب یاری طلبم * پس با

أَسْتَقْبِلُكَ (أَسْتَقِيلُكَ) يَا مَوْلَايَ * أَسْمَعِي أُمَّ بَصْرِي أُمَّ بِلِسَانِي أُمَّ

چه وسیله رو به سوی تو آورم * آیا به قوه شنوایی یا بینایی یا به وسیله زبان معذرت خواهم یا

بِيَدِي أُمَّ بِرَجُلِي * أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمًا عِنْدِي * وَبِكُلِّهَا عَصِيَّتُكَ يَا

به دست و پا خدمتی توانم * آیا این قوا و اعضاء که مرا است همه نعمتهای تو نیست * و به همه آنها معصیت تو نکردم ای

مَوْلَايَ * فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ * يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ

مولای من * پس تو را بر من اتمام حجت است و راه هر اعتراض بستهای * کسی که مرا از زجر پدران و مادران هم

أَنْ يَزْجُرُونِي * وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يَعْیِرُونِي * وَمِنَ السَّلَاطِينِ

مستور و محفوظ داشتی * و از سرزنش خویشان و برادران * و قهر و عقاب پادشاهان نگهداری

أَنْ يَعْاقِبُونِي * وَلَوْ أَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا

فرمودی * و اگر اینان ای مولای من چنانکه تو مطلعی بر زشتی و رسوائیهای من مطلع می‌بودند ابدا مهلت

أَنْظُرُونِي * وَكَرْفُضُونِي وَقَطْعُونِي * فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ * يَا

نمی‌دادند * و مرا از خود می‌رانند و به کلی از من می‌بریدند * باری من همین بنده (پر گناه) که در حضورت * ای

سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَاصِرٌ حَقِيرٌ * لَا ذُو بَرَاءَةٍ فَاعْتَذِرْ * وَلَا ذُو قُوَّةٍ

سید من سرافکنده و خوار و ذلیل و عاجز و ناچیزم * نه بر تبرئه خود عذری توانم آورد * و نه بر نجات خود صاحب قدرتی

فَاَنْتَصِرْ * وَلَا حُجَّةً فَاحْتَجُّ بِهَا * وَلَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتِرْ * وَلَمْ أَعْمَلْ

که از او یاری طلبم * و نه حجت و دلیلی که به آن متمسک شوم * و نه توانم گفت که من این گناه نکرده * و این

سُوءًا وَمَا عَسَى الْجُحُودُ * وَلَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي * كَيْفَ

کار زشت به جا نیاورده‌ام * و اگر انکار کنم ای مولای من آن انکار به حال من نفعی نخواهد داشت * چگونه

وَإِنِّي ذَلِكَ * وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمَلْتُ (عَلِمْتُ) *

از انکار خود سود یابم * در صورتی که تمام اعضاء و جوارحم بر هر چه کرده‌ام به یقین و بی‌هیچ شک و ریب همه

وَ عَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ إِنَّكَ سَائِلِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ * وَأَنَّكَ

بر علیه من گواهند * و تو محققا از امور بزرگ از من سؤال خواهی کرد * و تو البته حاکمی

الْحَكْمُ (الْحَكِيمُ) الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ * وَعَدْلُكَ مَهْلِكِي * وَمِنْ كُلِّ

به عدل و هرگز جور و جفا به کسی نخواهی کرد * و همان عدل تو مرا هلاک خواهد کرد * و از عدل تو

عَدْلِكَ مَهْرَبِي * فَاِنْ تُعَذِّبْنِي يَا اِلٰهِي فَبِذُنُوْبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ * وَاِنْ

باز به عدل کل تو پناه می‌طلبم * پس هرگاه عذاب کنی به کیفر گناهان من است و پس از اتمام حجت بر من است * و اگر

تَعَفُّ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكِرَمِكَ * لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ * سُبْحَانَكَ

بر من ببخشی از حلم و جود و کرم توست * هیچ خدایی جز تو نیست * منزهی تو

اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ * لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ * سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ

و من از ستمکارانم * هیچ خدایی جز تو نیست * منزهی تو و من از درگاه لطفت مغفرت و

المُسْتَغْفِرِيْنَ * لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ * سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُوَحِّدِيْنَ

آمرزش می‌خواهم * هیچ خدایی جز تو نیست * منزّه تو و من از یکتا پرستانم

* لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ * سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِيْنَ * لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ *

* هیچ خدایی جز تو نیست * منزهی تو و من از قهرت سخت ترسانم * هیچ خدایی جز تو نیست *

سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجَلِيْنَ * لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ * سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ

منزهی تو و من از سطوتت سخت بیمناک و هراسانم * هیچ خدایی جز تو نیست * منزهی تو من به درگاه کرمت

مِنَ الرَّاجِيْنَ * لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ * سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاْغِبِيْنَ * لَا

از امیدوارانم * هیچ خدایی جز تو نیست * منزهی تو و من به شهود جملت از مشتاقانم * هیچ

اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ * سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمَهْلِيْنَ * لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ *

خدایی جز تو نیست * منزهی تو و من به یکتائیت مقرر و معترفم * هیچ خدایی جز تو نیست *

سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِيْنَ * لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ * سُبْحَانَكَ اِنِّي

منزهی تو و من به درگاهت از سائلان و فقیرانم * هیچ خدایی جز تو نیست * منزهی تو و من

كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِيْنَ * لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ * سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ

تو را از تسبیح و تنزیه گوینم * هیچ خدایی جز تو نیست * منزهی تو و من از تکبیر گوینم مقام

المُكْبِرِيْنَ * لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ * سُبْحَانَكَ رَبِّيْ وَرَبِّ اَبَائِيْ الْاَوَّلِيْنَ *

کبریایی توام * هیچ خدایی جز تو نیست * منزهی تو که خدای من و خدای پدران پیشین من هستی *

اللّٰهُمَّ هَذَا ثَنَائِيْ عَلَيْكَ مُمَجِّدًا * وَ اِخْلَاصِيْ لِدِكْرِكَ مُوَحِّدًا *

ای خدای من این است ثنا و ستایش من در پیشگاه مجد و عزتت * و اخلاص من در ذکر مقام توحید و یکتائیت *

وَ اِقْرَارِيْ بِاِلٰتِكَ مُعَدِّدًا * وَ اِنْ كُنْتُ مُقَرَّرًا اِنِّي لَمْ اُحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا

و اقرار و اعتراف من به نعمتهایی که به شمار آوردم * گرچه معترفم که نعمتهایت را از بس

وَسُبُوغِهَا وَتَظَاهِرِهَا * وَتَقَادِمِهَا إِلَى حَادِثٍ * مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي

زیاد و فراوان و هویداست * در وجود حادث من سبقت داشته * آن نعمتها را به شمار نتوانم آورد که از

(تَتَعَمَّدُنِي) بِهِ * مَعَهَا مِنْذُ خَلَقْتَنِي * وَبِرَاتِنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ * مِنَ الْإِغْنَاءِ

عهد ازل مرا منظور داشتی * و با آن نعمتها از بدو خلقت و اول زندگانی * و احتیاجم را به غنا و بی‌نیازی

مِنَ (بَعْدِ) الْفَقْرِ * وَكَشْفِ الضَّرِّ * وَتَسْبِيبِ الْيُسْرِ * وَدَفْعِ الْعُسْرِ *

مبذل ساختی * و رفع رنج و الم را از من فرمودی * و اسباب و وسایل آسایش عطا کردی * و دفع هر سختی نمودی *

وَ تَفْرِيجِ الْكَرْبِ * وَ الْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ * وَ السَّلَامَةِ فِي الدِّينِ * وَ لَوْ

و از هر غم و اندوهم رهناندی * و عافیت در تن * و سلامت در دین بخشیدی * باری ای منعم حقیقی

رَفَدْنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْأَخِيرِينَ *

نعمتت بر من آن قدر بسیار و بی‌حد و شمار است که اگر خلق اولین و آخرین مرا بر ذکر آن نعمتها کمک کنند *

مَا قَدَرْتُ وَ لَا هَمُّ عَلَى ذَلِكَ * تَقَدَّسَتْ وَ تَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ

باز نه من و نه تمام اولین و آخرین بر شمارش قادرند * ای ذات پاک بلند مرتبه پروردگار بزرگ کریم

رَحِيمٍ * لَا تَحْصِيءُ الْأَوْكُ * وَ لَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ * وَ لَا تَكْفِي نِعْمَاؤُكَ * صَلَّ

مهربان * نعمتهایت به شمار نیاید * و ثنایت را جز تو کس نتواند * و نعمتهایت را سپاسگزاری و پاداش ندارد * درود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ اَتِمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَكَ * وَ اَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ

فرست بر محمد و آل محمد * و نعمتت را بر ما به حد کمال رسان * و ما را به طاعتت سعادتمند گردان

* سُبْحَانَكَ يَا إِلَهَ الْأَنْتَ * اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمَضْطَرَّ * وَ تَكْشِفُ

* تو منزله از شرک و شریکی و هیچ خدایی جز تو نیست * ای خدا البته تو دعای بندگان مضطر و پریشان را اجابت کنی * و هر رنج

السُّوءِ * وَ تُغِيثُ الْمَكْرُوبَ * وَ تَشْفِي السَّقِيمَ * وَ تُغْنِي الْفَقِيرَ * وَ تُجَبِّرُ

و الم را برطرف گردانی * و غمدیدگان را به فریاد رسی * و بیماران را شفا بخشی * و فقیران را غنی گردانی * و جبران حال

الْكَاسِرِ * وَ تَرْحَمُ الصَّغِيرَ * وَ تُعِينُ الْكَبِيرَ * وَ لَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ *

شکسته دلان کنی * به کودکان ترحم * و به بزرگان یاری فرمایی * نه جز تو کسی را یار و یاوری *

وَ لَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ * وَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ * يَا مُطَّلِقَ الْمَكْبَلِ الْأَسِيرِ *

و نه فوق تو در عالم قادری است * و تو بلند مرتبه و بزرگ خدایی و بس * ای خدایی که اسیران و زندانیان را از حبس آزاد کنی *

يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ * يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ * يَا مَنْ لَا

و به طفل صغیر روزی بخشی * ای پناه هر دل ترسان که به تو پناهنده شود * ای خدای یکتایی

شَرِيكَ لَهُ * وَلَا وَزِيرَ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَعْطَنِي فِي

که هیجت شریک و مددکاری نیست * درود فرست بر محمد و آل محمد * و در این آخر روز

هَذِهِ الْعَشِيَّةِ * أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ * وَأَنْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ

هر نعمت که به هر یک از بندگان عطا می‌کنی * به من بهترین آن را عطا فرما * از انواع نعمت ظاهر که به خلق

نِعْمَةً تُولِيهَا * وَءَالَآءِ تُجَدِّدُهَا * وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا * وَكُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا

می‌بخشی * و نعمت باطن که همی تجدید می‌کنی و تازه می‌گردانی * و بلیه و مصیبتها که برطرف می‌سازی * و اندوه و غمی که

* وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا * وَحَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُهَا * وَسَيِّئَةٍ تَتَغَمَّدُهَا * إِنَّكَ

زایل می‌کنی * و دعایی که مستجاب می‌گردانی * و عمل نیکی که از لطف میپذیری * و کار زشتی که میپوشانی * که البته

لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَيْرٌ * وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ

تو با لطف ازلی و علم ذاتی بر تمام امور آگاهی * و بر کلیه اشیاء قادری * ای خدا تو نزدیکترین کسی که از او مسئلت

دُعَى * وَاسْرِعْ مِنْ أَجَابٍ * وَ أَكْرَمُ مَنْ عَفَا * وَ أَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى *

توان کرد * و زودتر از همه کس دعای ما را اجابت می‌کنی * و از هر بخشنده کرم و بزرگواریت بیشتر * و عطایت وسیعتر است *

وَ أَسْمَعُ مَنْ سَأَلَ * يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا * لَيْسَ

و سائلان را بهتر از هر کس اجابت کنی * ای که در دنیا و آخرت به خلق با لطف و بخششی * و در دو عالم

كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ * وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ * دَعْوَتِكَ فَاجِبْتَنِي * وَ سَأَلْتُكَ

بر بندگان مهربانی * مقصود بی‌مثل و ماندی و جز تو آرزویی نداریم * هر وقت دعا کردم اجابت فرمودی * و مسئلت نمودم

فَاعْطَيْتَنِي * وَ رَغِبْتُ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي * وَ وَثِقْتُ بِكَ فَنَجَّيْتَنِي *

عطا فرمودی * و اظهار شوق نمودم با من مهربانی کردی * و بر مهالک و سختیها بر تو اعتماد کردم مرا نجات دادی *

وَ فَرَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي * اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ * وَ رَسُولِكَ

و هرگاه به درگاهت زاری کردم مرا کفایت فرمودی * ای خدا درود فرست بر محمد که بنده * و رسول و

وَ نَبِيِّكَ * وَ عَلَى ءَالِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ * وَ تَمِّمْ لَنَا نِعْمَاءَكَ

فرستاده‌توست * و بر همه اهل بیتش که نیکویان و پاکان عالمند * و نعمتهایت را بر ما به حد کمال رسان

* وَ هِنَّا عَطَاءَكَ * وَ اَكْتَبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ * وَ لِأَنَّكَ ذَاكِرِينَ * ءَامِينَ

* و عطایت را بر ما گوارا ساز * و ما را از شکر گزاران * و متذکران نعمتهای خویش محسوب دار * و این دعا را

ءَامِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ * اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرٌ * وَ قَدَرَ فَقَهْرٌ * وَ عَصَى

از کرم اجابت فرما ای رب العالمین * ای خدا ای آنکه بر ملک وجود مالکی * و بر هر چیز توانا و قادری و قاهر * عیب و نقصان

فَسْتَرْ * وَ اسْتَغْفِرْ فَعَفَّرَ * يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ * وَ مِنْتَهَى اَمَلِ

خلق را مستور می‌داری * و چون آمرزش طلبند می‌آمرزی * ای آخرین مقصود طالبان و مشتاقان عالم * و ای منتها آرزوی

الرَّاجِينَ * يَا مَنْ احاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا * وَ وَسِعَ الْمُسْتَقْبِلِينَ رَافَةً

دل امیدواران * ای آنکه علم ازلیت بر هر چیز محیط * و حلم و رأفت و رحمت بر

وَ رَحْمَةً وَ حِلْمًا * اللَّهُمَّ اِنَّا نَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ * اَلَّتِي

عذر خواهان وسیع است * ای خدا ما در این عصر که تماش شرف و عظمت بخشیدی * به

شَرَفْتَهَا وَ عَظَمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ * وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

وسیله پیغمبر و رسول گرامیت حضرت محمد (ص) * که برگزیده خلق

* وَ اَمِينِكَ عَلٰى وَحْيِكَ * اَلْبَشِيرِ النَّذِيرِ * اَلسَّرَاجِ الْمُنِيرِ * اَلَّذِي

* و امین وحی * و مبشر و منذر اهل زمین * و چراغ روشن عالم است به درگاه تو روی آوردیم * همان

انَعَمْتَ بِهِ عَلٰى الْمُسْلِمِينَ * وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ * اللَّهُمَّ

پیغمبری که به جودش نعمت بزرگ به مسلمین عطا کردی * و او را رحمت واسع بر جهانیانش قرار دادی * بار خدایا

فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * كَمَا مُحَمَّدٌ اَهْلٌ لِّذَلِكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ

درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) * که او از جانب تو لایق این درود است ای خدای بزرگ

* فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلٰى اٰلِهِ الْمُنْتَجِبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ اَجْمَعِينَ *

* درود فرست بر او و بر اهل بیتش که همه از برگزیدگان و نیکویان و پاکان عالمند *

وَ تَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَا * فَالِيكَ عَجَّتِ الْاَصْوَاتُ بِصُوفِ اللُّغَاتِ *

و زشتیهای ما را پرده عفو و بخشش بپوشان * تویی که به درگاه رحمت فریاد و فغان خلق به انواع زبانها بلند است *

فَاَجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ * نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ * وَ بَيْنَ

پس ما را هم در این عصر * از هر خیر و سعادت که میان بندگان قسمت می‌کنی نصیبی کامل عطا

عِبَادِكَ * وَ نُوْرٍ تَهْدِيْ بِهِ * وَ رَحْمَةً تَنْشُرُهَا * وَ بَرَكَةً تُنْزِلُهَا * وَ عَافِيَةً

فرما * و از هر نوری که به آن نور خلق را هدایت می‌کنی * و رحمتی که بر عالمیان میسر می‌سازی * و برکتی که نازل می‌گردانی * و

تُجَلِّلُهَا * وَ رِزْقٍ تَبْسُطُهُ * يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ اَقْلِبْنَا فِي هَذَا

لباس عافیتی که می‌پوشانی * و رزقی که وسعت دهی * ای مهربانترین مهربانان عالم * ای خدا ما را در این هنگام

الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ * وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ

رستگاری و فیروزی بخش و از آنان که نیکو کاری و بهره‌مندی یافتند قرار ده * و از محرومان مگردان

وَلَا تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ * وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ فَضْلِكَ * وَلَا

* و از رحمت بی‌پایانت ما را بی‌بهره مساز * و از چشم امیدى که به فضل و کرمت داریم ناامید مساز * و از

تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ * وَلَا لِفَضْلِ مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ عَطَائِكَ

رحمتت ما را محروم مگردان * و از آن فضیلت و مرتبت که از عطایت چشم انتظار

قَانِطِينَ وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ * وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ * يَا أَجُودَ

داریم نومید مگردان * و از درگاه کرمت ما را مأیوس و مردود مگردان * ای با جود

الْأَجُودِينَ * وَ أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ * إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ * وَ لِبَيْتِكَ الْحَرَامِ

و بخشش * و با لطف و کرمترین * به درگاه تو با یقین به فضل و احسانت روی آورده * و دعوت به خانه کعبهات را اجابت

ءَامِّينَ قَاصِدِينَ * فَاعِنَّا عَلَىٰ مَنَاسِكِنَا * وَ اكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا * وَ اعْفُ

کرده‌ایم و قصد زیارت آن داریم * پس تو ای خدا بر اعمال حج ما را یاری فرما * و حج ما را کامل و مقبول گردان * و از

عَنَا وَ عَافِنَا * فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيَّدِينَا * فَهِيَ بِذِلَّةِ الْإِعْتِرَافِ

تقصیرات ما درگذر * و عافیت و آسایش عطا فرما * که ما دستی با ذلت و خواری اعتراف به گناه به درگاهت

مَوْسُومَةً * اللَّهُمَّ فَاعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ * وَ اكْفِنَا مَا

دراز کرده‌ایم * ای خدا ما را به کرمت در این عصر هر چه درخواست می‌کنیم به ما عطا فرما * و در مهماتی که از تو

اسْتَكْفِينَاكَ * فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ * وَ لَا رَبَّ لَنَا غَيْرَكَ * نَافِذُ فِينَا

به لطف و رحمتت می‌طلبیم ما را یاری کن * که ما بر کفایت امورمان جز تو کسی نداشته * و پروردگاری غیر تو نداریم * فرمان تو

حُكْمُكَ * مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ * عَدْلٌ فِينَا قِضَاؤُكَ * اقْضِ لَنَا الْخَيْرَ

در ما نافذ است * و علمت به ما محیط * حکم قضا و قدرت در حق ما عدل است * تو در حق ما خیر مقدر فرما

* وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ * اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْأَجْرِ

* و ما را از اهل خیر و صلاح قرار ده * ای خدا بر ما به صرف جود و کرم خود فرض و لازم ساز که ما را پاداش عظیم *

وَ كَرِيمَ الذُّخْرِ * وَ دَوَامَ الْيُسْرِ * وَ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ * وَ لَا

و ذخیره گرانبها * و آسایش دایم کرامت کنی * و گناهان ما را تمام ببخش * و ما را

تُهْلِكُنَا مَعَ الْهَالِكِينَ وَ لَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ * يَا أَرْحَمَ

با مستحقین هلاک و عذاب به هلاکت مرسان و از ما رأفت و رحمتت را باز مگیر * ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَاعْطَيْتَهُ * وَ

مهربانان * ای خدا ما را در این هنگام از آنان قرار ده که از تو درخواست کردند و تو به آنها عطا فرمودی *

و شَكَرَكَ فَرَدَّتَهُ * وَ تَابَ (ثَابَ) إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ * وَ تَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ

و شکر تو را به جای آوردند و تو بر نعمت افزودی * و به درگاهت توبه کردند و تو توبه‌شان پذیرفتی * و تیری از جمیع

ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَعَفَرْتَهَا لَهُ * يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ * اللَّهُمَّ وَ نَقْنَا (وَوَقْنَا)

گناهان جستند و تو همه را آمرزیدی * ای صاحب جلال و بزرگواری * ای خدا ما را به هر کار خیر موفق دار

وَ سَدِّدْنَا (وَ اعْصَمْنَا) وَ اقْبَلْ تَضَرُّعَنَا * يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ * وَيَا أَرْحَمَ

و بر طاعتت قوی گردان و تضرع ما را به درگاهت بپذیر * ای بهترین کسی که از او چیزی درخواست کنند * و مهربان‌تر شخصی

مَنْ اسْتَرْحَمَ * يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ * وَلَا حِطُّ الْعَيْونِ

که از او ترحم جویند * ای خدایی که بر تو چیزی از حرکت مژگان * و اشاره به گوشه چشمان

* وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ * وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ

* و آنچه در مکنون ضمیر استقرار یابد * و نهانیهای دلها پیچیده و پوشیده نیست

* الْأَكْلُ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ * وَ وَسِعَهُ حِلْمُكَ * سُبْحَانَكَ

* به تحقیق تمام اینها را دانشت فرا گرفته * و حلمت گشادگی بخشیده * منزهی تو

وَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا * تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ

و بالاتر و برتر از آنچه بیدادگران و کافران بگویند برتری بزرگ * تسبیح گوید تو را آسمانهای هفت گانه

السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ وَ مَنْ فِيهِنَّ * وَ إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ * فَلَكَ

و زمینها و آنچه در بین آنهاست * همه به تسبیح و تقدیست مشغولند و هیچ در عالم نیست جز آنکه تو را تسبیح می‌کند * پس هر

الْحَمْدُ وَ الْمَجْدُ وَ عُلُوُّ الْمَجْدِ * يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ * وَ الْفَضْلُ

ستایش و مجد و بلندی و عزت مخصوص توست * ای خدای صاحب مقام و جلال و بزرگواری * و فضل

وَ الْإِنْعَامِ * وَ الْإِيَادِي الْجِسَامِ * وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ

و احسان * و نعمتهای بزرگ * تنها تویی دارای جود و بخشش و رأفت و مهربانی

* اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ * وَ عَافِنِي فِي بَدَنِي وَ دِينِي

* ای خدا تو از رزق حلال مرا روزی وسیع ده * و سلامتی و آسایش در تن و دینم عطا فرما *

وَ ءَامِنٌ خَوْفِي * وَ أَعْتَقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ * اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي * وَلَا

و در خوف و هراسم ایمنی عطا کن * و از آتش دوزخم آزاد گردان * ای خدا مرا به مکر خود مبتلا مگردان * و به عذاب

تَسْتَدْرِجْنِي وَ لَا تَخْدَعْنِي * وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ * پَسِ

استدرج به عقوبت سختم مگیر و مرا رسوا مکن * و شر فاسقان جن و انس را از من دور ساز *

سر و دیده خود را به سوی آسمان بلند کرد و از دیده‌های مبارکش آب می‌ریخت مانند دو مشک و به صدای بلند

گفت: **يَا سَمْعَ السَّامِعِينَ * يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ * وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ**

ای شنواترین شنوندگان * و بیناترین بینایان * و سریعترین محاسبان

و يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ

* و مهربانترین مهربانان عالم * درود فرست بر محمد (ص) و آل او که بزرگان و با خیر و برکت‌ترین

الْمَيَامِينِ * وَاسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا

عالمیاند * و از تو ای خدا درخواست دارم آن حاجتم را که اگر عطا کنی دیگر از هر چه محروم کنی

مَنْعَتِي * وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي * أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ

زیان ندارم * و اگر آن حاجتم روا نسازی دیگر هر چه عطا کنی نفعی به حالم ندارد * درخواست دارم که از

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ * لَكَ الْمَلِكُ

آتش دوزخم رهایی بخشی * خدایی جز تو نیست * که یکتایی و شریک نداری * و ملک وجود و

وَلَكَ الْحَمْدُ * وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * يَا رَبِّ يَا رَبِّ * پس مکرر می‌گفت

ستایش مخصوص توست * و تو بر هر چیز قادری * ای پروردگار ای پروردگار عالم *

يَا رَبِّ و کسانی که دور آن حضرت بودند تمام گوش داده بودند به دعاء آن حضرت و اکتفا کرده بودند به آمین

گفتن پس صداهایشان بلند شد به گریستن با آن حضرت تا غروب کرد آفتاب و بار کردند و روانه جانب مشعر

الحرام شدند * مؤلف گوید که: کفعمی دعاء عرفه امام حسین (علیه السلام) را در بلد الامین تا اینجا نقل فرموده و علامه

مجلسی در زاد المعاد این دعای شریف را موافق روایت کفعمی ایراد نموده و لکن سیّد بن طاووس در اقبال بعد

از **يَا رَبِّ يَا رَبِّ** این زیادتى را ذکر فرموده: **إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ * فَكَيْفَ لَا**

ای خدای من در وقت غنا و ثروت فقیرم و به تو محتاجم * تا چه رسد

أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي * إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي * فَكَيْفَ لَا أَكُونُ

به هنگام فقر و بینوایی * ای خدای من در حال دانایی باز نادانم * تا چه رسد

جَهُولًا فِي جَهْلِي * إِلَهِي إِنَّ خْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ وَ سُرْعَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ

به وقت نادانی * ای خدا پس تدبیرت مختلف و گوناگون و تقدیراتت سریع التحول است

مَنْعَا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ * بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ * وَالْيَاسِ مِنْكَ

* بندگان با معرفت را این تدبیر و تقدیر مانع می‌شود * از اینکه بر عطاء و نعمت آرام یافته و خاطر جمع شوند * یا در بلا و سختی

فِي بَلَاءٍ * إِلَهِي مَنِّي مَا يَلِيْقُ بِلُؤْمِي * وَ مِنْكَ مَا يَلِيْقُ بِكَرَمِكَ * إِلَهِي

از لطف نامید باشند * ای خدا از من آن سزد * که به مقام بزرگواری و کرمت شایسته است * ای خدا

وَصَفَتْ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّافِقَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي * اَفْتَمَنَعَنِي

تو پیش از آنکه این وجود ضعیف مرا بیافرینی خود را به رحمت و لطف با من توصیف کردی * آیا اکنون بر این وجود

مِنْهُمَا بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفِي * إِلَهِي إِنْ ظَهَرْتَ الْمَحَاسِنُ مِنِّي فَبِفَضْلِكَ

ناتوان از آن لطف و رحمت منع خواهی کرد * ای خدا اگر کارهای نیکویی از من پدید آید آن از فضل و عطای توست

وَلَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ * وَإِنْ ظَهَرْتَ الْمَسَاوِي مِنِّي فَبِعَدْلِكَ * وَ لَكَ

* و تو را بر من منت است * و اگر اعمال زشتی آشکار گردد آن به عدل توست * و تو را بر

الْحُجَّةُ عَلَيَّ * إِلَهِي كَيْفَ تَكَلَّنِي وَقَدْ تَكَلَّلْتَ لِي (تَوَكَّلْتُ) * وَ كَيْفَ

من حجت است * ای خدا چگونه مرا به خود وا می‌گذاری در صورتیکه تو خود متکفل امور هستی * یا چگونه کسی بر من ظلم

أَضَامُ وَأَنْتَ النَّاصِرُ لِي * أَمْ كَيْفَ أَخِيْبُ وَأَنْتَ الْحَفِيُّ بِي * هَا أَنَا

تواند کرد در صورتیکه تو ناصر و یاور من هستی * و چگونه من از لطف محروم مانم در صورتیکه تو در حق من رؤف و مهربانی * آری

أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ * وَ كَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌ أَنْ

من به درگاهت به فقر و بیچارگیم متوسل می‌شوم * و چگونه فقر که راه به ناحیهٔ قدس تو ندارد وسیلهٔ من

يَصِلَ إِلَيْكَ * أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَ هُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ * أَمْ

تواند بود * یا من چگونه از حال خود بر تو شکایت کنم در صورتیکه حالم بر تو پنهان نیست * یا چگونه سخنم ترجمان درون

كَيْفَ أَتَرْجِمُ بِمَقَالِي وَ هُوَ مِنْكَ بَرَزُ إِلَيْكَ * أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ أُمَّالِي

تواند بود در صورتیکه آن سخن تو آشکار به سوی تو می‌گردد * یا چگونه تو از امید و آرزوهایی که به کرمت دارم ناامیدم

وَهِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ * أَمْ كَيْفَ لَا تُحَسِّنُ أَحْوَالِي وَ بِكَ قَامَتْ * إِلَهِي

خواهی کرد در صورتیکه آن آرزوها بر درگاه چون تو کریمی وارد است * یا چگونه احوال مرا نیکو نگردانی و حال آنکه قیام احوالم به توست * ای

مَا الطَّفِكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي * وَ مَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَبِيحِ فَعْلِي * إِلَهِي

خدا چقدر تو با من لطف و محبت داری با آنکه جهل و ناسپاسیم بسیار است * و چقدر در حق من مهربانی با آنکه کردارم زشت است * ای

مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَ أَبْعَدَنِي عَنْكَ * وَ مَا أَرَأَفَكَ بِي * فَمَا الَّذِي يَجْجِبُنِي

خدا تو چه اندازه به من نزدیکی و من تا چه حد از تو دورم * و چقدر تو با من رأف داری * و باز آن چیست که مرا از تو

عَنْكَ ۞ إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَتَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ ۞ أَنْ مُرَادَكَ

محبوب داشته * ای خدا من از اختلاف تأثرات و گوناگون شدن تحولات جهان بر من دانستم * غرض تو از آفرینش من آن است

مَنْ أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ ۞ حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ ۞ إِلَهِي كَلَّمَا

که تو خود را در هر چیز به من شناسا کنی * و من در هیچ یک از امور عالم از تو غافل و جاهل نباشم * ای خدا هر چه بی قدری و

أَخْرَسَنِي لَوْهِي أَنْطَقَنِي كَرَمُكَ ۞ وَكَلَّمَا أَيْسَتَنِي أَوْصَافِي أَطْمَعَتَنِي

خواریم زبان مرا لال میکند کرم و بزرگواریت باز نطقم را گویا میگرداند * و هر چه اوصاف من مرا مأیوس میسازد احسان تو

مِنْكَ ۞ إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ وَمَسَاوِي ۞ فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مَسَاوِيَهُ

مرا به طمع می آورد * ای خدا کسی که محاسن و خوبیهایش بدی است * پس چگونه زشتی و بدبهایش بد

مَسَاوِي ۞ وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي ۞ فَكَيْفَ لَا تَكُونُ دَعَاوِيَهُ

نخواهد بود * و کسی که حقیقتهایش دعوی باطل است * چگونه دعوی بی حقیقتش باطل

دَعَاوِي ۞ إِلَهِي حُكْمُكَ النَّافِذُ ۞ وَمَشِيَّتُكَ الْقَاهِرَةُ ۞ لَمْ يَتْرُكْ لِذِي

نخواهد بود * ای خدا فرمان نافذ * مشیت قاهر غالبت * نه جای سخن بر گوینده

مَقَالٍ مَقَالًا ۞ وَلَا لِذِي حَالٍ حَالًا ۞ إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتَهَا ۞ وَحَالَةٍ

باقی گذارد * و نه حال ثابتی بر صاحب حالی * ای خدا چه بسیار شد که بنای طاعتی گزاردم * و عزم

شَيْدَتَهَا ۞ هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ ۞ بَلْ أَقَالَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ ۞

محکم نمودم * و آن عزم و بنای مرا عدل تو منهدم ساخت، * نه، بلکه فضل تو مرا از آن عزم برگردانید *

إِلَهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أُنِي وَإِنْ لَمْ تَدَمْ الطَّاعَةَ مِنِّي فَعَلًا جَزْمًا ۞ فَقَدْ دَامَتْ

ای خدا تو خود می دانی و آگاهی که اگر من در مقام عمل دایم به طاعتت اشتغال ندارم * البته در دل عزم محبت

مَحَبَّةً وَعَزْمًا ۞ إِلَهِي كَيْفَ أَعَزَمُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ ۞ وَكَيْفَ لَا أَعَزَمُ

و طاعتت را دایم دارم * ای خدا چگونه بر کار طاعتت عزم کنم و حال آنکه تویی قاهر * و چگونه عزم نکنم در صورتی که

وَأَنْتَ الْأَمْرُ ۞ إِلَهِي تَرَدَّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ ۞ فَاجْمَعْنِي

تویی آمر * ای خدا چون به یکایک آثار که برای شناسائیت توجه کنم راه وصول و شهودت بر من دور گردد * پس مرا

عَلَيْكَ بِخِدْمَةٍ تُوصلُنِي إِلَيْكَ ۞ كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي

خدمتی فرما که به وصال و شهود جمالت زود رساند * چگونه من به آثاری که در وجود خود محتاج

وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ ۞ أَيْ كَوْنٌ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ ۞ حَتَّى

تواند بر وجود تو استدلال کنم * آیا موجودی غیر تو ظهوری دارد که از آن ظهور و پیدایی تو نیست * تا او

يَكُونُ هُوَ الْمُمْهَرِّ لَكَ * مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ *

سبب پیدایی تو شود * تو کی از نظر پنهانی تا به دلیل و برهان محتاج باشی *

وَمَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوَصِّلُ إِلَيْكَ * عَمِيَّتْ عَيْنٌ *

و کی از ما دور شدی تا آثار و مخلوقات ما را به تو نزدیک سازد * کور باد چشمی که تو را نمی‌بیند

لَا تَرَكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا * وَ خَسِرْتَ صَفْقَةَ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ *

با آنکه همیشه تو مراقب و همنشین او هستی * و در زبان باد بنده‌ای که نصیبی از عشق و محبت

نَصِيبًا * إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرَّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ * فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ *

نیافت * ای خدا تو امر کردی که خلق برای شناسائیت رجوع به آثار کنند * اما مرا رجوع ده به تجلیات انوار

الْأَنْوَارِ وَ هِدَايَةِ الْأَسْتَبْصَارِ * حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ *

و به رهنمایی مشاهده و استبصار * تا بی توجه به آثار به شهود حضرتت نایل گردم

إِلَيْكَ مِنْهَا مَصُونِ السِّرِّ عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهَا * وَ مَرْفُوعِ الْهَمَّةِ عَنِ *

که چون به مقام معرفت وارد شوم سر درونم توجه به آثار نکرده * و همتم بلندتر

الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * إِلَهِي هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ *

از نظر به آنها باشد * که تنها تو بر هر چیز توانایی * ای خدا من این بنده‌ام که ذلت و خواریم

يَدَيْكَ * وَ هَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ * مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ *

زودت پیداست * و این حال پریشانم که از تو پنهان نیست * از تو ای خدا وصال تو را می‌خواهم *

وَبِكَ اسْتَدِلُّ عَلَيْكَ * فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ * وَ أَقْمِنِي بِصِدْقِ *

و به وجود تو دلیل بر وجود تو می‌طلبم * پس مرا به نور خود به کوی وصالت رهبری کن * و به صدق و خلوص

الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ * إِلَهِي عَلَّمَنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونَ * وَ صُنِّي *

بندگی در حضورت پایدار گردان * ای خدا مرا از علم مخزون خود بیاموز * و در سرا پرده

بِسِرِّكَ الْمَصُونِ * إِلَهِي حَقَّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ * وَ اسْلِكْ بِي *

خود محفوظ دار * ای خدا روانم را به حقایق مقربان درگاهت بیاری * و به مسلک و طریقه

مَسْلِكَ أَهْلِ الْجَذْبِ * إِلَهِي اغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي * وَ بِاخْتِيَارِكَ *

مجدوبان رهسپار ساز * ای خدا مرا به علم و تدبیر کاملت از تدبیرم در کار خویش بی‌نیاز گردان * و به اختیار خود امور دو عالمم

عَنْ اخْتِيَارِي * وَ أَوْقِفْنِي عَلَى مَرَاكِزِ اضْطِرَارِي * إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ *

را منظم ساز و به اختیار من کارم را وامگذار * و در مواضع اضطرار و پریشانی مرا واقف گردان * ای خدا مرا از خواری

ذَلِّ نَفْسِي * وَ طَهِّرْنِي مِنْ شَكِّي وَ شِرْكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي * بِكَ أَنْتَصِرُ

نفسم رهایی ده * و از پلیدی شک و شرک جانم پاک ساز پیش از آنکه مرگم فرا رسد * من از تو یاری می‌طلبم

فَأَنْصُرْنِي * وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَلَا تَكِلْنِي * وَ أَيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي *

مرا یاری فرما * و بر تو توکل می‌کنم پس مرا وا مگذار * و از تو درخواست می‌کنم پس ناامیدم مگردان *

وَ فِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي * وَ بِجَنَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تَبْعِدْنِي *

و به تفضل و کرم تو چشم دارم پس محرومم مساز * و به بندگی حضرتت خود را منتسب می‌دانم پس دورم از الطافت مگردان *

وَ بِبَابِكَ أَقِفُ فَلَا تَطْرُدْنِي * إِلَهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ * عِلَّةٌ مِنْكَ

و به درگاه کرمت آمده‌ام از آن درگاهم مران * ای خدا خوشنودی و محبتت منزّه‌تر از آن است که از طرف تو نقص و عیب یابد

* فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ * عِلَّةٌ مِنِّي؟ * إِلَهِي أَنْتَ الْغَنِيُّ بِذَاتِكَ أَنْ يَصِلَ

* پس چگونه از طرف من تواند یافت با آنکه محبتت به بندگان ذاتی است ذی سببی از طرف تو هم معلل نخواهد بود * ای خدا تو

إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ * فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي * إِلَهِي إِنْ الْقَضَاءَ

غنی به ذات خودی و نفعی از طرف تو به ذاتت عاید نگردهد * پس چگونه از من مستغنی نباشی * ای خدا قضا و

وَ الْقَدْرَ يُمِينِي * وَ إِنْ الْهَوَى بَوَثَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي * فَكُنْ أَنْتَ

قدر تو مرا آرزومند می‌کند * و هوای نفس به زنجیر علاقه‌های شهوت اسیر می‌گرداند * پس تو ای خدا

النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَ تَبْصُرَنِي * وَ أَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَعْنِي

مرا یاری کن و بصیرت و بینایی ده و بر نفسم غلبه و نصرت بخش * و به فضل و کرمت مرا غنی گردان

بِكَ عَنْ طَلْبِي * أَنْتَ الَّذِي أَشْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ * حَتَّى

تا به لطف تو از سعی و طلب خود بی‌نیاز گردم * تویی که به انوار تجلی بر دل اولیاء و خاصانت اشراق کردی * تا به مقام

عَرَفُوكَ وَ وَحَدُوكَ * وَ أَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ

معرفت نایل شدند و تو را به یکتایی شناختند * تویی که از دل دوستان و مشتاقانت توجه اغیار را محو کردی

* حَتَّى لَمْ يُجِبُوا سِوَاكَ * وَ لَمْ يَلْجَأُوا إِلَى غَيْرِكَ * أَنْتَ الْمُونِسُ لَهُمْ

* تا غیر تو را دوست نداشته * و جز درگاهت به جایی پناه نبرند * تویی یار و مونس آنان

حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمُ الْعَوَالِمُ * وَ أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَتَ

چون عوالم آنها را متوحش سازند * تویی که چون آنان از هر نشان و برهان دور شدند خود آنان را

لَهُمُ الْمَعَالِمُ * مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ * وَ مَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ * لَقَدْ

راهنمایی کردی * آنکه تو را نیافت چه یافته * و آنکه تو را یافت چه نیافته است * هر کس

خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا * وَ لَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْكَ مُتَحَوِّلاً *

به هر چه غیر تو مایل شد از هر چیز محروم شد * و هر که روی طلب از تو گردانید زیانکار گردید *

كَيْفَ يَرْجِي سِوَاكَ * وَ أَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ * وَ كَيْفَ يُطَلِّبُ

چگونه چشم امید به غیر تو کند * در صورتی که تو هرگز قطع احسان از بندگان نکرده و نخواهی کرد * و چگونه از غیر تو چیزی

مِنْ غَيْرِكَ وَ أَنْتَ مَا بَدَلْتَ عَادَةَ الْإِمْتِنَانِ * يَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّاءَهُ حَلَاوَةَ

طلبند و حال آنکه تو عادت لطف را تغییر نداده و نخواهی داد * ای آنکه شیرینی آنست را به دوستان

الْمُؤَانَسَةِ * فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ * وَ يَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ

چشاندی * تا تنها در حضور تو به تملق ایستادند * ای آنکه اولیاء و خاصانت را به لباس هیبت

مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ * فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ * أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ

و جلال بیاراستی * تا در حضرتت عذر خواه آمد و آمرزش طلبیدند * تو یاد بندگان کنی قبل از آنکه بندگان

الذَّاكِرِينَ * وَ أَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ * وَ أَنْتَ

از تو یاد کنند * و تو ابتدا به احسان کنی پیش از آنکه عابدان به تو روی آرند * تویی که

الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلْبِ الطَّالِبِينَ * وَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لَمَّا وَهَبْتَ

به جواد و بخشش ذاتی به خلق عطا می کنی پیش از آنکه طالبان حاجت درخواست کنند * تو آن بخشنده بی عوضی که

لَنَا مِنَ الْمُسْتَقْرِضِينَ * إِلَهِي أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ *

از آنچه به ما عطا کردی باز از ما قرض می خواهی * ای خدا مرا از در رحمتت بطلب تا به تو واصل شوم *

وَ أَجْذِبُنِي بِمَنِّكَ حَتَّى أَقْبَلَ عَلَيْكَ * إِلَهِي إِنْ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ

و به جاذبه احسانت مجذوبم کن تا یک جهت روی دل به سوی تو کنم * ای خدا هرگز امیدم از تو قطع نمی شود

* وَ إِنْ عَصَيْتُكَ كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزَالِنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ * فَقَدْ دَفَعْتَنِي

* هر چند نافرمانیت کنم چنانکه از دلم ترس تو برطرف نمی گردد هر چند اطاعتت کنم * که مرا همه عالم

الْعَوَالِمُ إِلَيْكَ * وَ قَدْ أَوْعَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ * إِلَهِي كَيْفَ

به سوی تو افکند * و آگاهیم به کرم و بزرگواریت مرا به درگاه تو کشانید * ای خدا چگونه ناامید

أَخِيْبٌ وَ أَنْتَ أَمَلِي * أَمْ كَيْفَ أَهَانُ وَ عَلَيْكَ مُتَكَلِّي * إِلَهِي كَيْفَ

باشم در صورتیکه تو آرزوی منی * یا چگونه کسم خوار تواند کرد با آنکه اعتمادم بر توست * ای خدا چگونه

أَسْتَعِزُّ وَ فِي الذَّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي * أَمْ كَيْفَ لَا أَسْتَعِزُّ وَ إِلَيْكَ نَسَبْتَنِي *

دعوی عزت کنم و حال آنکه مرا در ذلت متمکن ساخته ای * و چگونه دارای تاج عزت نباشم در صورتیکه نسبت بندگی به تو دارم *

الهي كَيْفَ لَا افْتَقِرُوا أَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ اَقَمْتَنِي * أَمْ كَيْفَ افْتَقِرُوا

ای خدا چگونه فقیر و مسکین نباشم در صورتی که توام در میان فقیران گماشتی * و چگونه فقیر باشم با

وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ اغْنَيْتَنِي * وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ * تَعَرَّفْتَ

آنکه تو به جود و کرمت مرا بی‌نیاز گردانیدی * و تویی آنکه جز تو خدایی نیست * تو خود را بر هر چیز

لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهَلَكُ شَيْءٌ * وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ *

معروف و مشهور ساختی که هیچ موجودی از معرفتت جاهل نیست * و تویی که در همه موجودات تجلی کردی *

فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ * وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ * يَا مَنْ اسْتَوَى

و خود را به من نشان دادی در هر چیز آشکارا تو را دیدم * تویی که بر هر چیز پیدایی * ای آنکه به رحمت واسعه و تجلی نور جمال

بِرَحْمَانِيَّتِهِ * فَصَارَ الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ * مَحَقَّتْ الْأَثَارُ بِالْأَثَارِ *

بر همه عالم احاطه کردی * تا آنکه عرش وجود امکانی در سطوع انوار وجوبیت پنهان گردید * آثار وجودی را به آثار وجودی

و مَحَوَّتِ الْأَغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ * يَا مَنْ احْتَجَبَ فِي

دیگر نابود کردی * و اغیار را به احاطه مدار انوار تجلیات خود محو نمودی * ای آنکه در سرا پرده‌های

سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرَكَهُ * الْأَبْصَارُ * يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ

نور قاهر عرش جلالت از دیده‌ها پنهان گشتی * ای آنکه به کمال بهاء و نورانیت تجلی کردی

فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْإِسْتِوَاءَ (مِنَ الْإِسْتِوَاءِ) * كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ

تا به عظمت و جلال تمام مراتب وجود را فرا گرفتی * چگونه پنهانی با آنکه تو تنها پیدایی

* أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ *

* یا چگونه غایبی با آنکه تو تنها همه جا حاضر همه را نگرهانی * و بر هرچیز توانا و مقتدری *

و الْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ * و بالجمله کسی که توفیق یابد و این روز را در عرفات باشد ادعیه و اعمال

و ستایش تنها مخصوص خدای یکتا است. *

بسیار دارد * و بهترین اعمال در این روز دعا است و در تمام ایام سال این روز شریف به جهت دعا امتیازی دارد و

دعا از برای برادران مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد و روایت وارده در حال عبدالله بن جندب (رضی الله عنه) در موقف

عرفات و دعای او برای برادران مؤمن خود مشهور است و روایت زید نرسی در حال ثقه جلیل القدر معاویه بن

وهب در موقف و دعای او در حق یک یک از اشخاصی که در آفاق بودند و روایت او از حضرت صادق (علیه السلام) در

فضیلت این کار، شایسته ملاحظه و دیدار است و رجاء واثق از برادران دینی آنکه اقتدا به این بزرگواران نموده و

مؤمنین را در دعا بر خود ایثار نموده و این گناه کار و سیاه را یکی از آن اشخاص شمرده و در حال حیات و ممات از دعای خیر فراموشم نفرمایند * و بخوان در این روز زیارت جامعه سیّم را و در آخر روز عرفه بخوان:

يَا رَبِّ اِنْ ذُنُوبِي لَا تَضُرُّكَ * وَاِنْ مَغْفِرَتِكَ لِي لَا تَنْقُصُكَ * فَاَعْطِنِي مَا

ای پروردگار به درستی که گناهان من تو را زیان ندارد * و به درستی که آمرزش تو مرا از تو نکاهد * پس به من مرحمت فرمای

لَا يَنْقُصُكَ * وَ اَغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ * وَايْضًا بَخْوَان: اَللّٰهُمَّ لَا تَحْرِمْنِيْ خَيْرَ

آنچه را که نگاهد * و بپامرز برایم آنچه را که تو را زیان ندارد * بار خدایا مرا از خیر آنچه نزد توست

مَا عِنْدَكَ لِشَرِّ مَا عِنْدِيْ * فَاِنْ اَنْتَ لَمْ تَرْحَمْنِيْ بِتَعْبِيْ وَ نَصْبِيْ * فَلَا

محروم مگردان به شر آنچه نزد من است * اگر تو به من رحم نکنی به رنج و زحمتم * پس مرا

تَحْرِمْنِيْ اَجْرَ الْمُصَابِ عَلٰی مُصِيبَتِهِ * مؤلف گوید که: سیّد بن طاووس در ضمن ادعیه

از اجر مصیبت دیده بر مصیبتش محروم مگردان. *

روز عرفه فرموده که: چون نزدیک شود غروب آفتاب بگو: بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ

لِلّٰهِ (الدّعاء). و این همان دعای عشرات است که سابق گذشت، پس شایسته است دعای عشرات را که در هر

صبح و شام مستحب است خواندن آن در آخر روز عرفه ترک نکنند و این اذکار عشراتی را که کفعمی نقل کرده

همان اذکار آخر دعا عشرات است که سیّد نقل فرموده. **شب دهم:** از لیالی متبرکه و از آن چهار شبی است که

احیاء آنها مندوب است و درهای آسمان در این شب باز است. و سنت است در آن زیارت امام حسین (علیه السلام) و

دعاء يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَي الْبَرِيَّةِ که در شب جمعه گذشت. **روز دهم:** روز عید قربان است و بسیار روز

شریفی است و اعمال آن چند چیز است. ۱) **اول:** غسل است که در این روز سنت مؤکد است و بعضی از علماء

واجب دانسته اند. ۲) **دویم:** نماز عید است به همان نحو که در عید فطر ذکر شد، لکن در این روز مستحب

است که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی شود. ۳) **سیّم:** خواندن دعاهائی که وارد شده پیش از نماز عید و

بعد از آن و در اقبال ذکر شده و شاید بهترین دعاهای این روز دعای چهل و هشتم صحیفه کامله باشد که اوّل

آن: اَللّٰهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُّبَارَكٌ است پس آن را بخواند. * و دعای چهل و ششم: يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا

يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ را نیز بخواند. ۴) **چهارم:** خواندن دعای ندبه است که بعد از این خواهد آمد انشاء الله

تعالی. ۵) **پنجم:** قربانی است که سنت مؤکد است. ۶) **ششم:** خواندن تکبیرات است برای کسی که در

منی باشد عقیب پانزده نماز که اوّلش نماز ظهر روز عید است و آخرش نماز صبح روز سیزدهم، و کسانی که در

سایر شهرها هستند بخوانند عقیب ده نماز از ظهر روز عید تا صبح دوازدهم. * و تکبیرات موافق

روایت صحیح در کافی این است: **اللَّهُ أَكْبَرُ * اللَّهُ أَكْبَرُ * لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَاللَّهُ أَكْبَرُ**

خداى بزرگتر است * خدا بزرگ است * نیست معبود حقى جز پروردگار و خداى بزرگ است

* **اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ * اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَىٰ مَا هَدَانَا * اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَىٰ**

* خدا بزرگتر است و ستایش مخصوص خداست * خدا بزرگ است بر آنچه ما را راهنموده * خداى بزرگتر است بر

مَا رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا آبَلْنَا * و مستحب است

آنچه به ما روزى کرده از چهار پایان بى‌زبان * و ستایش خدا راست بر این آزمایش *

تکرار این تکبیرات عقب نمازها به قدر امکان و خواندن بعد از نوافل. **روز پانزدهم:** سنه ۲۱۲ ولادت حضرت

امام علی نقی (علیه السلام) واقع شده. **شب هیجدهم:** شب عید غدیر و شب با شرافتی است سید در اقبال دوازده

رکعت نماز به یک سلام به کیفیتی مخصوص برای این شب با دعائی نقل کرده است **روز هیجدهم:** روز عید

غدیر و عید الله الاکبر و عید آل محمد (علیهم السلام) است و عظیم‌ترین اعیاد است و مبعوث نفرموده حق تعالی

پیغمبری را مگر آنکه عید کرده است این روز را و حرمت آن را دانسته است و نامش در آسمان روز عهد معهود است

و نامش در زمین روز میثاق مأخوذ و جمع مشهود است. * و روایت است که از حضرت صادق (علیه السلام) پرسیدند که

آیا مسلمانان را عیدی هست غیر از جمعه و اضحی و فطر؟ فرمود: بلی عیدی هست که از همه حرمتش بیشتر

است. راوی گفت کدام عید است فرمود که: آن روزی است که نصب کرد حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) امیرالمؤمنین (علیه السلام)

را به خلافت خود و فرمود که: هر که من مولی و آقای اویم پس علی مولی و آقا و پیشوای او است و آن روز هیجدهم

ذی الحجه است. راوی گفت که: چه کار در آن روز باید کرد؟ فرمود که: باید روزه بدارید و عبادت کنید و محمد و

آل محمد (علیهم السلام) را یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید. * و وصیت کرد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) امیرالمؤمنین (علیه السلام) را که

این روز را عید گرداند و هر پیغمبری وصی خود را وصیت می کرد که این روز را عید گردانند. * و در حدیث ابن ابی

نصر بن زنی است از حضرت رضا (علیه السلام) که فرمود: ای پسرابی نصر هر کجا که باشی سعی کن که روز غدیر نزد قبر

مطهر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) حاضر شوی، به درستی که خدا در این روز می آمرزد از هر مرد مؤمن و زن

مؤمنه گناه شصت ساله ایشان را و در این روز آزاد می کند از آتش جهنم دو برابر آنچه آزاد کرده است در ماه

رمضان و شب قدر و شب فطر، و یک درهم که در این روز به برادران مؤمن بدهی برابر است با هزار درهم که در اوقات دیگر بدهی و احسان کن در این روز به برادران مؤمن خود، و شاد گردان هر مرد مؤمن و زن مؤمنه را، به خدا قَسَم که اگر مردم فضیلت این روز را بدانند چنانکه باید هر آینه هر روز ده مرتبه ملائکه با ایشان مصافحه کنند، و بالجمله تعظیم این روز شریف لازم و اعمال آن چند چیز است: **۱** **اول:** روزه که کفاره شصت سال گناه است و در خبری است که برابر است با روزه عمر دنیا و معادل است با صد حجّ و صد عمره. **۲** **دویم:** غسل. **۳** **سیم:** زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و سزاوار است که انسان هر کجا باشد سعی کند خود را به قبر مطهر آن حضرت برساند و از برای آن جناب در این روز سه زیارت مخصوصه نقل شده که یکی از آنها زیارت معروفه به آمینُ الله است که از نزدیک و دور خوانده می شود و آن از زیارات جامعه مطلقه است نیز و در باب زیارات بیاید انشاء الله تعالی. **۴** **چهارم:** بخواند تعویذی را که سید در اقبال از حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت کرده. **۵** **پنجم:** دو رکعت نماز کند و به سجده رود و صد مرتبه شکر خدا کند پس سر از سجده بردارد و بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ * وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ * وَأَنَّكَ

ای خدای من از تو درخواست می کنم که حمد و ستایش مخصوص توست * که یکتایی و بی شریک * و یگانه

وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ * لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفْوًا أَحَدٌ *

و فرد و غنی بالذاتی * نه فرزند کس و نه کسی فرزند توست * و نه هیچکس مثل و همتای توست *

وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ * يَا مَنْ هُوَ كُلَّ

که حضرت محمد (ص) بنده (خاص) و فرستاده تو بر خلق است درود تو بر او و آل او باد * ای خدا تو را هر روز

يَوْمٍ فِي شَأْنٍ * كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تَفْضَلْتَ عَلَيَّ * بِأَنْ جَعَلْتَنِي مِنْ

کار و شأنی است * چنانکه از شأن توست که بر من تفضل فرمودی * و مرا از اهل اجابت خود

أَهْلِ اجَابَتِكَ * وَ أَهْلَ دِينِكَ وَ أَهْلَ دَعْوَتِكَ * وَ وَفَّقْتَنِي لِذَلِكَ فِي

مقرر داشتی * و اهل دین خود و لایق دعوت خویش گردانیدی * و بر این کار در

مُبْتَدَأِ خَلْقِي * تَفْضُلًا مِنْكَ وَ كَرَمًا وَ جُودًا * ثُمَّ أَرَدَفْتَ الْفَضْلَ

بدو خلقت من * از تفضل و کرم و جودت مرا موفق داشتی * سپس در پی فضل خود

فَضْلًا * وَ الْجُودَ جُودًا * وَ الْكِرَمَ كَرَمًا * رَافَةً مِنْكَ وَ رَحْمَةً * إِلَى أَنْ

فضلی دیگر * و از پی جودت جود دیگر * و از پی کرمی دیگر * از راه رأفت و رحمت خود بر من فرمودی * تا آنکه

جَدَدْتَ ذَلِكَ الْعَهْدَ لِي تَجْدِيدًا بَعْدَ تَجْدِيدِكَ خَلْقِي * وَ كُنْتُ نَسِيًّا

این عهد بر من مجدد کردی پس از خلقت من * و من به کلی فراموش شده بودم

مَنْسِيًّا نَاسِيًّا سَاهِيًّا غَافِلًا * فَاتَمَمْتَ نِعْمَتَكَ بَانَ ذِكْرَتِي ذَلِكَ *

و یا سهو و نسیان و غفلت (از نعمتهایت) بود * پس تو نعمت را بر من تمام عطا کردی که مرا در نظر داشتی *

وَمَنْتَ بِهِ عَلِيٌّ * وَ هَدَيْتَنِي لَهُ * فَلْيَكُنْ مِنْ شَانِكَ يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي

و به نعمت ممنون گردانیدی * و برای نعمت کامل مرا هدایت کردی * ای خدای من و سید و مولای من

وَ مَوْلَايَ أَنْ تَتِمَّ لِي ذَلِكَ * وَ لَا تَسْلُبْنِيهِ حَتَّى تَتَوَفَّانِي عَلَى ذَلِكَ *

(درخواستم از تو این است که) این نعمت ایمان را * بر من تا هنگامی که مرا بمیرانی باقی بداری *

وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ * فَإِنَّكَ أَحَقُّ الْمُنْعَمِينَ أَنْ تُتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ * اللَّهُمَّ

تا تو از من خوشنود باشی * که البته ذی حقتر منعمانی نعمت را بر من کامل گردان * ای خدا فرمان تو را

سَمِعْنَا وَ اطَّعْنَا وَ اجْبُنَا دَاعِيكَ بِمَنْكَ * فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا

شنیده و اطاعت کردیم و رسولت را که به سوی تو ما را دعوت کرد به لطف تو اجابت کردیم * پس تو را سپاس برآمزش تو

وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ * ءَأَمْنَا بِاللَّهِ وَ حُدَّهُ * لَا شَرِيكَ لَهُ * وَ بِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ

پروردگارا که بازگشت ما به سوی توست * ما به خدای یکتای بی شریک ایمان آوردیم * و به رسول او حضرت محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ * وَ صَدَّقْنَا وَ اجْبُنَا دَاعِيَ اللَّهِ * وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ

صلی الله علیه و آله گرویدیم * و تصدیق به نبوتش کردیم و او را که به سوی خدا می خواند اجابت کردیم * امر پیغمبر

فِي مَوَالَاةِ مَوْلَانَا وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ * أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

تو را پیروی کردیم درباره دوستی و اطاعت مولای ما و مولای همه مؤمنان * امیر المؤمنین علی بن

عَبْدِ اللَّهِ وَ أَخِي رَسُولِهِ * وَ الصِّدِّيقِ الْأَكْبَرِ * وَ الْحُجَّةِ عَلَيَّ بِرَبِّتِهِ *

ابی طالب (ع) که بنده خداست و برادر رسول او * و صدیق اکبر * و حجت خدا بر خلق است *

الْمُؤَيَّدِ بِهِ نَبِيِّهِ * وَ دِينَهُ الْحَقِّ الْمُبِينِ * عَلِمًا لِدِينِ اللَّهِ * وَ خَازِنًا

و به وجود او پیغمبر و دین خدا که بر حق بودنش آشکار است مؤید و منصور شد * و او علم گردید برای حفظ دین خدا * چون او

لِعِلْمِهِ * وَ عَيْبَةَ غَيْبِ اللَّهِ * وَ مَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ * وَ أَمِينَ اللَّهِ عَلَيَّ

مخزن علم حق * و صندوق اسرار غیب الهی است * و امین خدا بر خلق * و موضع سر

خَلْقِهِ * وَ شَاهِدَهُ * فِي رَبِّتِهِ * اللَّهُمَّ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي

خدا * و شاهد به حق در میان خلق است * ای خدا ای پروردگار ما ندای رسولی که خلق را به ایمان

لِلْإِيمَانِ * أَنْ آمَنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا * رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا * وَكْفِّرْ

به خدا می خواند * به ندایش ایمان آوردیم * پروردگارا پس گناهان ما را ببامرز * و زشتیهای

عَنَّا سَيِّئَاتِنَا * وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ * رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى

ما را مستور ساز * و ما را با نیکوکاران عالم بمیران و محشور ساز * پروردگارا ما و از کرمت به ما آنچه را که بر پیمبرانت

رُسُلِكَ * وَلَا تَحْزُنْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ * إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ * فَاِنَّا يَا

وعده دادی عطا فرما * و ما را در قیامت خوار مگردان * که تو هرگز خلاف وعده نخواهی کرد * ای خدا ما

رَبَّنَا بِمَنِّكَ وَ لَطْفِكَ أَجَبْنَا دَاعِيكَ * وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَ صَدَقْنَاهُ *

به لطف و احسان تو (ایمان آورده و) و پیغمبرت را اجابت کردیم * و رسولت را پیروی نمودیم * و آن بزرگوار را

وَ صَدَقْنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ * وَ كَفَرْنَا بِالْحَبِيبِ وَ الطَّاغُوتِ * فَوَلْنَا مَا

و سید و مولای مؤمنان را تصدیق کردیم * و به جبت و طاغوت کافر شدیم * پس تو ایمان و ولایت

تَوَلَّيْنَا * وَ أَحْشَرْنَا مَعَ أُمَّتِنَا * فَاِنَّا بِهِمْ مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ * وَ لَهُمْ

ما را حفظ کن * و ما را با ائمه خود محشور فرما * که ما به آن بزرگواران به یقین ایمان آورده * و تسلیم امر

مُسْلِمُونَ * ءَامَنَّا بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ * وَ شَاهَدِهِمْ وَ غَائِبِهِمْ *

آنها هستیم * به باطن و ظاهر آن امامان * و شاهد و غایب آنها *

وَ حَيِّهِمْ وَ مَيِّتِهِمْ * وَ رَضِينَا بِهِمْ أُمَّةً وَ قَادَةَ وَ سَادَةً * وَ حَسَبْنَا بِهِمْ

و زنده و مرده ایشان ایمان داریم * و به امامت آنها و پیشوایی و آقایی آنها بر خود راضی و خوشنودیم * و واسطه بین ما

بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ دُونَ خَلْقِهِ * لَا نَبْتَغِي بِهِمْ بَدَلًا وَ لَا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ

و خدا آنان دون دیگر خلقان کافی خواهند بود * و بدلی به جای آنها نمی طلبیم و به وسیله ای جز آنها توسل

وَ لِيَجْزِيَ * وَ بَرَّئْنَا إِلَى اللَّهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ

نمی جوئیم * و به درگاه خدا بیزار می جوئیم از هر کس که با آنها به محاربه برخیزد از جن و انس

مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ * وَ كَفَرْنَا بِالْحَبِيبِ وَ الطَّاغُوتِ وَ الْأَوْثَانِ

و از خلق اولین و آخرین * و کافریم به جبت و طاغوت (یعنی دشمنان آنها) و بتهای

الْأَرْبَعَةِ * وَ أَشْيَاعِهِمْ وَ اتَّبَاعِهِمْ * وَ كُلِّ مَنْ وَالَاهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ

چهارگانه * و شیعیان و پیروانشان * و هر که آنها را دوست دارد از جن و انس

مِنَ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ * اللَّهُمَّ اِنَّا نَشْهَدُكَ اِنَّا نَدِينُ بِمَا دَانَ بِهِ

از اول تا آخر روزگار * ای خدا ما تو را گواه خود می گیریم که ما به دینی که

مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِمْ * وَقَوْلُنَا مَا قَالُوا *
 محمد و آل محمد * صلی الله علیه و آله دارند گرویدیم * و قول ما قول آنها *

وَدِينُنَا مَا دَانُوا بِهِ * مَا قَالُوا بِهِ قَلْنَا * وَمَا دَانُوا بِهِ دَنَا * وَمَا أَنْكَرُوا *
 و آیین ما آیین آنها است * هر چه آنها گفتند در دین بدان قایلیم * و هر دینی دارند آن را اختیار کردیم * و هر چه را آنها منکرند

أَنْكَرْنَا * وَمَنْ وَالُوا وَالَيْنَا * وَمَنْ عَادُوا عَادِينَا * وَمَنْ لَعَنُوا لَعَنَّا *
 ما هم انکار کرده * و هر چه را دوست دارند ما دوست میداریم * و با هر که دشمنند ما نیز دشمنیم * و به هر که لعنت کنند ما هم

وَمَنْ تَبَرَّأُوا مِنْهُ تَبَرَّأْنَا مِنْهُ * وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنَا عَلَيْهِ *
 لعن کنیم * و از هر که بیزاری جویند ما هم بیزاری جوییم * و با هر که مهربانند ما هم مهربانیم *

ءَامِنًا وَسَلْمًا وَرِضِينًا وَاتَّبَعْنَا مَوَالِينَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ *
 ما به آن امامان خود ایمان آورده و تسلیم امر آنها و راضی به رضای آنها هستیم درود خدا بر روان پاک آنها باد *

اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لَنَا ذَلِكَ وَلَا تَسْلُبْنَاهُ * وَاجْعَلْهُ مُسْتَقِرًّا ثَابِتًا عِنْدَنَا *
 ای خدا پس تو این نعمت ایمان را بر ما تمام گردان و کامل فرما و این کمال از ما مگیر * و مستقر و ثابت

وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَعَارًا * وَآحِينًا مَا أَحْيَيْتَنَا عَلَيْهِ * وَآمِنًا إِذَا آمَنَّا *
 نزد ما گردان * و عاریت قرار مده * و ما را بر این زنده دار * و بر آن

عَلَيْهِ * ءَالَ مُحَمَّدٍ أَيْمَتُنَا * فِيهِمْ نَاتَمُّ وَآيَاهُمْ نُوَالِي * وَعَدُوَّهُمْ *
 بمیران * که آل محمد امامان ما هستند * ما هم به آنها اقتدا کرده و آنها را دوست داریم * و دشمن آنان را

عَدُوَّ اللَّهِ نُعَادِي * فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ *
 که دشمن خدا است دشمن داریم * پس تو حشر ما را با آنها قرار ده در دنیا و آخرت و از مقربان خود گردان

فَإِنَّا بِذَلِكَ رَاضُونَ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *
 پس باز به سجده رود و صد مرتبه

* که ما به این نعمت راضی و خوشنودیم * ای مهربانترین مهربانان عالم *

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَصَدِّ مَرْتَبَةً شُكْرًا لِلَّهِ بَكُوَيْدٍ وَرَوَايَةٍ شَدِيدَةٍ هَرَّكَهَ أَيْنِ عَمَلٍ رَا بَهْ جَا أَوْرَدَ ثَوَابَ كَسَى

داشته باشد که در روز عید غدیر نزد حضرت رسول خدا (ﷺ) حاضر شده باشد و با آن حضرت بیعت کرده باشد

بر ولایت (الخبر). * و بهتر آنکه این نماز را نزدیک به زوال گذارد که حضرت رسول (ﷺ) در آن ساعت امیر

المؤمنین (ﷺ) را در غدیر خم به امامت و خلافت برای مردم نصب فرمود و در رکعت اول قدر و در دویم توحید

بخواند. ۶ ششم: غسل کند و دو رکعت نماز کند پیش از زوال به نیم ساعت در هر رکعت حمد یک مرتبه و قُلَّ

هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ده مرتبه و آیه الکرسی ده مرتبه و **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** ده مرتبه بخواند که مقابل صد هزار حجّ و صد هزار عمره و باعث برآوردن خداوند کریم است حوائج دنیا و آخرت او را به آسانی و عافیت. و مخفی نماند که در اقبال در ذکر این نماز، سوره قدر مقدم بر آیه الکرسی ذکر شده و علامه مجلسی در زاد المعاد متابعت اقبال نموده و قدر را مقدّم داشته چنانکه احقر نیز در کتب دیگر چنین کرده ام لکن فعلاً آنچه تتبع کرده ام آیه الکرسی را مقدّم بر قدر بیشتر دیدم و احتمال آنکه در اقبال سهوی شده از قلم مبارک سیّد یا ناسخین در این نماز، هم در عدد حمد و هم در مقدّم داشتن قدر بر آیه الکرسی و یا آنکه این عمل مستقلی باشد غیر از آن نماز خیلی بعید است و الله تعالی العالم. * و بهتر آنکه بعد از این نماز این دعا را بخواند: **رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا (الدُّعَاءُ بطوله).**

۷ هفتم: بخواند دعاء ندبه را. ۸ هشتم: بخواند این دعا را که سید بن طاوس از شیخ مفید نقل کرده:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ * وَ عَلِيٍّ وَلِيِّكَ * وَ الشَّانِ

ای خدا من از تو درخواست می‌کنم به حق محمد (ص) پیغمبر تو * و علی (ع) ولی و بنده خاص تو * و به آن شأن

وَ الْقَدْرِ الَّذِي خَصَّصْتَهُمَا بِهِ دُونَ خَلْقِكَ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و مقامی که به آن دو بزرگوار اختصاص دادی دون سایر خلق مسئلت دارم * که درود بر محمد (ص)

وَ عَلِيٍّ * وَ أَنْ تَبْدَأَ بِهِمَا فِي كُلِّ خَيْرٍ عَاجِلٍ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و علی (ع) فرستی * و از هر خیر و خوبی عاجل ابتدا به آنها عطا کنی * ای خدا درود فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ * الْأَئِمَّةِ الْقَادَةِ * وَ الدُّعَاةِ السَّادَةِ * وَ النُّجُومِ الزَّاهِرَةِ

و آل محمد * امامان و قائدان شرع الهی * و داعیان و بزرگان دین خدا * و ستارگان رخشنده (آسمان ایمان)

*** وَ الْأَعْلَامِ الْبَاهِرَةِ * وَ سَائِسَةِ الْعِبَادِ * وَ أَرْكَانِ الْبِلَادِ * وَ النَّاقَةِ**

* و نشانهای روشن حق * و پیشوایان بندگان * و ستونهای بلاد (و شهرستان توحید) آزادگان (یعنی رادمردان عالم) * و ناقه

الْمُرْسَلَةِ * وَ السَّفِينَةِ النَّاجِيَةِ الْجَارِيَةِ فِي الدُّجَى الْغَامِرَةِ * اللَّهُمَّ

فرستاده شده * و کشتی نجات در اعماق دریا (ی معرفت و خدانشناسی) * ای خدا

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * خَزَانِ عِلْمِكَ * وَ أَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ *

درود فرست بر محمد و آل محمد (ع) * گنجورهای علم تو * و ارکان توحید و معرفت *

وَ دَعَائِمِ دِينِكَ * وَ مَعَادِنِ كِرَامَتِكَ * وَ صِفَوَاتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ * وَ خَيْرَتِكَ

و ستونهای دین * و معدنهای بخشش و کرمت * و خاص و خالصان آفرینش تو * و برگزیدگان

مَنْ خَلَقَكَ * الْأَتْقِيَاءَ الْأَنْقِيَاءَ * النَّجَبَاءَ الْأَبْرَارَ * وَالْبَابَ الْمُبْتَلَى

خلق تو * که متقیان و پاکیزگان * و بزرگواران و نیکویان خلائقند * و درگاه مبتلی به

بِهِ النَّاسُ * مَنْ آتَاهُ نَجَا * وَمَنْ آبَاهُ هَوَى * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَآلِ

مردم * که هر کس به آن درگاه لطف درآید نجات یابد * و هر کس امتناع ورزد هلاک شود * ای خدا درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ * أَهْلَ الذِّكْرِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَسْئَلَتِهِمْ * وَذَوِيَ الْقُرْبَى الَّذِينَ

محمد * که اهل و برگزیده تواند خلق را امر به سؤال در علوم آسمانی از آن بزرگواران کردی * و آنان ذوی القربی رسولند * که

أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ * وَفَرَضْتَ حَقَّهُمْ * وَجَعَلْتَ الْجَنَّةَ مَعَادَ مَنْ اقْتَصَّ

امر به محبت آنها فرمودی * و ادای حقشان را فریضه خلق نمودی و بهشت را مکان کسی که پیرو آنهاست

ءَاثَارَهُمْ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَآلِ مُحَمَّدٍ * كَمَا أَمَرُوا بِطَاعَتِكَ

قرار دادی * ای خدا درود بر محمد و آل محمد فرست * چون خلق را به طاعت تو امر کردند

* وَنَهَوْا عَنْ مَعْصِيَتِكَ * وَدَلُّوا عِبَادَكَ عَلَى وَحْدَانِيَّتِكَ * اللَّهُمَّ إِنِّي

* و از عصیان تو نهی کردند * و بندگانت را بر وحدانیت راهنمایی کردند * ای خدا من از تو

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَنَجِيبِكَ * وَصَفْوَتِكَ وَآمِينِكَ * وَرَسُولِكَ

درخواست می‌کنم به حق محمد (ص) پیغمبر تو و برگزیده‌ات * و بنده خاص خالصت و امین وحی * و فرستاده تو

إِلَى خَلْقِكَ * وَبِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * وَيَعْسُوبِ الدِّينِ * وَقَائِدِ الْغُرِّ

به سوی خلق * و به حق امیر المؤمنین * و پیشوای دین * و قاید سلسله

الْمُحَجَّلِينَ * أَلْوَصِيِّ الْوَفِيِّ * وَالصَّدِيقِ الْأَكْبَرِ * وَالْفَارُوقِ بَيْنَ الْحَقِّ

نیکان عالم * آن وصی وفادار پیغمبر * و صدیق اکبر * و آنکه میان حق و باطل جدا کننده

وَ الْبَاطِلِ * وَالشَّاهِدِ لَكَ * وَالدَّالِّ عَلَيْكَ * وَالصَّادِعِ بِأَمْرِكَ *

کامل است * و شاهد و نماینده توست * و رهنمای خلق به سوی تو * و آنکه فرمان تو را با صدای رسا به عالم رسانید *

وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ * لَمْ تَأْخُذْهُ فَيْكَ لَوْمَةٌ لَأِئِمَّ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

و در راه دین تو مجاهده بلیغ کرد * و هیچ باک از ملامت بدگویان نداشت تو را * قسم می‌دهم * که اولاً بر

مُحَمَّدٍ وَعَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَجْعَلَنِي فِي هَذَا الْيَوْمِ * الَّذِي عَقَدْتَ فِيهِ

محمد و آل محمد درود فرستی * و آنگاه در این روز شریف غدیر * که عقد خلافت

لَوْلِيِّكَ الْعَهْدَ فِي أَعْنَاقِ خَلْقِكَ * وَاكْمَلْتَ لَهُمُ الدِّينَ مِنَ الْعَارِفِينَ

و عهد ولایت علی (ع) را بر گردن خلقت نهادی * و دین را به ولایتش به حد کمال رسانیدی در این روز مرا از عارفان

بِحُرْمَتِهِ * وَ الْمُقْرَبِينَ بِفَضْلِهِ * مِنْ عِتْقَائِكَ وَ طَلْقَائِكَ مِنَ النَّارِ *

قرار دهی و به احترام این روز * و به حق مؤمنان معترف به شرافت این روز * که مرا از آزاد شدگان از آتش دوزخ مقرر فرمایی *

وَ لَا تُشْمِتْ بِي حَاسِدِي النَّعَمِ * اَللّٰهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَهُ عِيدَكَ الْاَكْبَرَ *

و از حسودان نعمت آسوده داری * ای خدا چنانکه این روز را بزرگترین عید خود قرار دادی

* وَ سَمَّيْتَهُ وَ فِي السَّمَاءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ * وَ فِي الْاَرْضِ يَوْمَ الْمِيثَاقِ *

* و در آسمان روز عهد و پیماناش نام نهادی * و در زمین روز اخذ

الْمَاخُودِ * وَ الْجَمْعُ الْمَسْئُولِ * صَلَّى عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ اَقْرَبُ *

میثاق * و روز جمع سؤال * خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد (ع) * و چشم ما را

بِهٖ عِيُونَنَا * وَ اجْمَعْ بِهٖ شَمْلَنَا * وَ لَا تُضِلَّنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا *

به جمال آنها روشن ساز * و تفرقه ما را به او جمع گردان * و بعد از نعمت هدایت ما را از ضلالت و گمراهی حفظ فرما *

وَ اجْعَلْنَا لِانْعَمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ * يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ *

و ما را از شکرگزاران نعمتهایت مقرر فرما * ای مهربانترین مهربانان عالم * ستایش خدای را

الَّذِي عَرَّفْنَا فَضْلَ هَذَا الْيَوْمِ * وَ بَصَرْنَا حُرْمَتَهُ * وَ كَرَّمْنَا بِهٖ *

که ما را به شرافت و به فضیلت و احترام این روز * شناسا و بصیر گردانید * و به این روز ما مسلمین را

وَ شَرَّفْنَا بِمَعْرِفَتِهِ * وَ هَدَانَا بِنُورِهِ * يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ *

گرامی داشت * و شرف معرفتش را به ما عطا فرمود * ای رسول خدا و ای امیر اهل ایمان

* عَلَيْكُمْ وَ عَلٰى عِتْرَتِكُمْ وَ عَلٰى مُحِبِّيْكُمْ مِّنِّيْ اَفْضَلُ السَّلَامِ مَا *

* از من بر شما دو بزرگوار و عترت و دوستانتان بهترین سلام و تحیت باد مادامی که

بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ * وَ بِكُمْ اَتَوَجَّهُ اِلَى اللّٰهِ رَبِّيْ وَ رَبِّكُمْ فِي نَجَاحِ *

شب و روز در جهان باقی است * و من شما را وسیله توجه به خدای خودم و خدای شما در

طَلَبْتِيْ * وَ قَضَاءِ حَوَائِجِيْ * وَ تَيْسِيْرِ اُمُوْرِيْ * اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ *

انجام مقاصد * و بر آمدن حوایج * و آسان شدن کارهای مشکلم قرار می‌دهم * ای خدا من از تو درخواست

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ اَنْ *

می‌کنم به حق محمد و آل محمد * که درود بر محمد و آلش فرستی * و لعنت بر

تَلْعَنَ مَنْ جَحَدَ حَقَّ هَذَا الْيَوْمِ * وَ اَنْكَرَ حُرْمَتَهُ * فَصَدَّ عَنْ سَبِيْلِكَ *

منکران حق این روز غدیر * و مخالفان احترام * آنکه راه دین تو را به روی مردم بستند

لِإِطْفَاءِ نُورِكَ * فَابِي اللَّهِ إِلَّا أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ * اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنِ أَهْلِ بَيْتِ

تا آنکه نور تو را خاموش کنند * اما خدای متعال جز آنکه نور وحی و چراغ حجت خود را بر خلق روشن بدارد نخواهد کرد * ای خدا تو بر اهل

مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ * وَ اكْشِفْ عَنْهُمْ وَ بِهَمَّ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُرْبَاتِ *

بیت رسول محمد (ص) فرج و گشایش عطا فرما * و غم و آلام آنها را برطرف گردان و به برکت آنان از دل مؤمنان هر هم و غم و اندوه را برطرف ساز *

اللَّهُمَّ امْلَأِ الْأَرْضَ بِهَمِّ عَدْلًا * كَمَا مِلْتَّ ظُلْمًا وَ جَوْرًا * وَ أَنْجِزْ لَهُمْ

ای خدا به وجود آنها زمین را از عدل و داد پر گردان * چنانکه پر از ظلم و عدوان گردیده است * و وعده فرج و سلطنت الهیه

مَا وَعَدْتَهُمْ * إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ * و اگر بتواند بخواند دعاهاى مبسوطه را که سید در

را که به ایشان داده‌ای منجز گردان * که تو هرگز خلاف وعده نخواهی کرد. *

اقبال روایت کرده. ﴿۹﴾ نهم: آنکه چون مؤمنی را ملاقات کند این تهنیت را بگوید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي**

سپاس خدای را که

جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

قرار داد ما را از متمسکان به ولایت امیر المؤمنین علیه السلام و پیشوایان و امامان که بر آنان درود باد *

و نیز بخواند: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِهَذَا الْيَوْمِ * وَ جَعَلَنَا مِنَ الْمُؤْفِينَ**

سپاس خدای راست که ما را بدین روز گرامی داشته * و ما را از وفا کنندگان به عهدی که بما سپرده

بِعَهْدِهِ الْيَنَّا * وَ مِيثَاقِهِ الَّذِي وَاثَقْنَا بِهِ مِنْ وِلَايَةِ وِلَاةِ أَمْرِهِ * وَ الْقَوَامِ

قرار داده است * و قرار داده ما را از وفا کنندگان پیمانی که از ما گرفته است برای ولایت والیان امرش * و قائمان

بِقِسْطِهِ * وَ لَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْجَاهِدِينَ وَ الْمَكْذِبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿۱۰﴾ دهم:

به عدلش * و ما را از منکران و تکذیب کنندگان به روز قیامت نکرده است. *

آنکه صد مرتبه بگوید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ كَمَالَ دِينِهِ وَ تَمَامَ نِعْمَتِهِ ***

سپاس خدای را که مقرر فرموده کمال دین و تمامیت نعمت خود را *

بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ * و بدان که در این روز

بر ولایت حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب که بر او درود و سلام باد. *

شریف از برای پوشیدن جامه‌های نیکو * و زینت کردن * و بوی خوش استعمال نمودن * و شادی کردن و شاد

نمودن شیعیان امیر المؤمنین (علیه السلام) * و عفو از تقصیرات ایشان * و برآوردن حاجات ایشان * و صلح ارحام * و

توسعه بر عیال * و اطعام مؤمنان * و افطار دادن روزه داران * و مصافحه با مؤمنین * و رفتن به زیارت ایشان *

و تَبَسُّمِ كَرْدَنِ بَر رُویشَان * و هَدَايَا فَرَسْتَادَنِ بَر ایشَان * و شُكْرِ اِلهِی بَه جَا آوَرْدَنِ بَه جِهَتِ نَعْمَتِ بَزْرَگِ وِلَايَتِ *
و بَسِيَارِ فَرَسْتَادَنِ صَلَوَاتِ * و اِكْتِثَارِ دَر عِبَادَاتِ و طَاعَاتِ اَز بَرای هَر يَكِ فَضِيلَتِي عَظِيمِ اسْتِ و يَكِ دَرهَمِ كِه كَسِي
دَر اِين رُوز بَه بَرادَرِ مَوْمِنِ خُود بَدَهْدِ بَر اَبَر اسْتِ بَا صَد هِزَارِ دَرهَمِ دَر غَيْرِ اِينِ رُوز و طَعَامِ دَادَنِ بَه مَوْمِنِي دَر اِينِ رُوز
مِثْلِ طَعَامِ دَادَنِ بَه جَمِيعِ پِيغمِبَرانِ و صَدِيقانِ اسْتِ * و دَر خُطْبَه حَضْرَتِ اميرِالمُؤْمِنينِ (عَلَيْهِ السَّلَام) اسْتِ دَر رُوزِ غَدِيرِ
كِه هَر كِه اِفْطَارِ دَهْدِ مَوْمِنِ رُوزِه دَار رَا دَر شَبِ و قَوتِ اِفْطَارِشِ مِثْلِ اُنِ اسْتِ كِه دَه فِئَامِ رَا اِفْطَارِ دَادَه بَاشَد. شَخْصِي
بَر خَاسْتِ عَرَضِ كَرْدِ يَا اميرِالمُؤْمِنينِ فِئَامِ چِيسْت؟ فَرمود: صَد هِزَارِ پِيغمِبَر و صَدِيقِ و شَهيدِ. پَس چِگونَه خُواهد
بُود دَر كَثْرَتِ فَضِيلَتِ حَالِ كَسِي كِه جَمْعِي اَز مَوْمِنينِ و مَوْمِنَاتِ رَا كِفَالَتِ كَنْدِ پَس مَن ضَامِنِ او هِستَم بَر خُداوندِ
تَعَالِي اِمَانِ او رَا اَز كَفَرِ و فَقْرِ الخ. * و بِالْجَمْلَه فَضِيلَتِ اِينِ رُوزِ شَرِيفِ زِيَادَه اَز اُنِ اسْتِ كِه ذِكْرِ شُودِ و اِينِ رُوزِ، رُوزِ
قَبُولِي اَعْمَالِ شِيعِيانِ و رُوزِ بَر طَرَفِ شَدَنِ غَمهايِ ايشَانِ اسْتِ * و اِينِ رُوزِي اسْتِ كِه حَضْرَتِ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَام) بَر
سَاحرانِ غَلْبَه كَرْدَه و خُداوندِ آتَشِ رَا بَر اَبَر اِهيمِ خَليلِ (عَلَيْهِ السَّلَام) سَرْدِ و سَلَامَتِ كَرْدَه و حَضْرَتِ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَام) يَوشَعِ بِنِ
نُونِ رَا وَصِي خُودِ گَرْدَانِيدَه و حَضْرَتِ عيسَى (عَلَيْهِ السَّلَام) شَمْعُونِ الصَّفَارِ رَا وَصِي خُودِ قَرارِ دَادَه و حَضْرَتِ سَلِيمانِ (عَلَيْهِ السَّلَام)
رَعِيَّتِ خُودِ رَا بَر اسْتِخْلَافِ اَصِيفِ بِنِ بَر خِيَا اِشْهَادِ كَرْدَه و جَنابِ رَسولِ خُدا (ﷺ) مَا بَيْنِ اصْحَابِ خُودِ بَرادَرِي
اَفْكَندَه * و لَهْذا شايِستَه اسْتِ دَر اِينِ رُوزِ عَقْدِ اخُوَّتِ بَا اخِوانِ مَوْمِنينِ. * و كَيْفِيَّتِ اُنِ بَه نَحْوِي كِه شَيْخِ مَادِرِ
مَسْتَدْرِكِ و سَايِلِ اَز كِتَابِ زَادِ الفَرْدوسِ نَقْلِ فَرمودَه چِنينِ اسْتِ كِه بَگُذَارَدِ دَسْتِ رَاسْتِ خُودِ رَا بَر دَسْتِ رَاسْتِ

برادر مؤمن خود و بگوید: **وَ اخِيَّتِكَ فِي اللَّهِ * وَ صَافِيَّتِكَ فِي اللَّهِ * وَ صَافِحَتِكَ**

با تو برادر شدم در راه خدا * و صفا کردم با تو در راه خدا * و دست دادم با تو

فِي اللَّهِ * وَ عَاهَدْتُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ وَ كُتِبَهُ وَ رُسُلَهُ وَ أَنْبِيَاءَهُ *

در راه خدا * و عهد کردم با خدا و فرشتگانش و کتابهایش و رسولانش و پیامبرانش *

وَ الْأَئِمَّةَ الْمَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * عَلَى أَنِّي إِنْ كُنْتُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ

و امامان معصوم علیهم السلام * بر اینکه اگر من از اهل بهشت و مشمول شفاعت

وَ الشَّفَاعَةِ * وَ أُذِنَ لِي بِأَنْ أَدْخَلَ الْجَنَّةَ * لَا أَدْخُلُهَا إِلَّا وَ أَنْتَ مَعِي *

بوده باشم * و رخصت یافتم که داخل جنت و بهشت شوم داخل آن نروم مگر اینکه تو با من باشی *

آنگاه برادر مؤمن بگوید: **قَبِلْتُ** پس بگوید: **أَسْقَطْتُ عَنْكَ جَمِيعَ حَقُوقِ الْأَخُوَّةِ**

پذیرفتم * ساقط کردم از تو جمیع حقوق برادری را

❦ مَا خَلَا الشَّفَاعَةَ وَالدُّعَاءَ وَالزِّيَارَةَ ❦ و محدث فیض نیز در خلاصه الاذکار صیغه

* غیر از شفاعت و دعاء و زیارت. *

اخوت را قریب به همین نحو ذکر نموده آنگاه فرموده: پس قبول نماید طرف مقابل از برای خود یا موکل خود به لفظی که دلالت بر قبول نماید پس ساقط کنند از همدیگر جمیع حقوق اخوت را ماسوای دعا و زیارت. **روز**

بیست و چهارم: بنا بر اشتهار روزی است که مَبَاهَلَه کرد رسول خدا (ﷺ) با نصاری نجران و پیش از آنکه خواست مَبَاهَلَه کند عبا بردوش مبارک گرفت و حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) را داخل در زیر عبا نمود و گفت: پروردگارا هر پیغمبری را اهل بیتهی بوده است که مخصوص ترین خلق بوده اند به او،

خداوند اینها اهل بیت منند پس از ایشان برطرف کن شک و گناه را و پاک کن ایشان را پاک کردنی. پس جبرئیل نازل شد و آیه تطهیر در شأن ایشان آورد. پس حضرت رسول (ﷺ) آن چهار بزرگوار را بیرون برد از برای مَبَاهَلَه، چون نگاه نصاری بر ایشان افتاد و حقیقت آن حضرت و آثار نزول عذاب مشاهده کردند جرات مَبَاهَلَه نمودند و استدعای مصالحه و قبول جزیه نمودند. * و در این روز نیز حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حال رکوع

انگشتی خود را به سائل داد و آیه **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ** در شأنش نازل شد. و بالجمله این روز، روز شریفی است و در آن چند عمل وارد است: **۱** اول: غسل. **۲** دویم: روزه. **۳** سیّم: دو رکعت نماز و آن مثل روز عید غدیر است در وقت و کیفیت و ثواب و آیه الکرسی که در نماز مَبَاهَلَه است تا **هَمَّ فِيهَا خَالِدُونَ** است.

۴ چهارم: خواندن دعای مَبَاهَلَه که شبیه به دعای سحرهای ماه رمضان است. و شیخ و سیّد هر دو نقل کرده اند لکن مابین روایات آن دو بزرگوار اختلاف کثیر است و من اختیار می کنم روایت شیخ را در مصباح

فرموده: دعاء روز مَبَاهَلَه روایت شده با فضیلت آن از حضرت صادق (علیه السلام) می گوئی: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ**

خدایا از تو درخواست می کنم

مَنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاءٍ * وَكُلِّ بَهَائِكَ بِهِي * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كَلِّهِ

به حق نورانیترین مراتب انوارت * در صورتی که تمام مراتب آن نورانی است * خدایا پس درخواست می کنم به حق تمام مراتب

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِأَجَلِّهِ * وَكُلِّ جَلَالِكَ جَلِيلٍ * اللَّهُمَّ

نورانیتت * خدایا از تو درخواست می کنم به حق عالیترین مراتب جلالت * در صورتی که تمام مراتب جلالت عالی است * خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كَلِّهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ *

پس از تو درخواست می کنم به حق تمام مراتب جلالت * خدایا از تو درخواست می کنم به حق نیکوترین مراتب جمالت *

وَكُلِّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ * اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ * اللَّهُمَّ اِنِّیْ

در صورتی که تمام مراتب جمالت نیکو است * خدایا پس درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب جمالت * خدایا تو را می‌خوانم

اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي * فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي * اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ

آنچنان که دستورم دادی * پس دعایم اجابت فرمای همچنانکه وعده‌ام فرمودی * خدایا از تو درخواست می‌کنم

مِنْ عَظَمَتِكَ بِاعْظَمِهَا * وَكُلِّ عَظَمَتِكَ عَظِيْمَةً * اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ

به حق بزرگترین مراتب عظمتت * در صورتی که تمام مراتب عظمتت بزرگ است * خدایا پس درخواست می‌کنم

بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا * اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِانْوَرِهِ * وَكُلِّ نُورِكَ نَيْرٍ

به حق تمام مراتب عظمتت * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق روشنترین مراتب نورت * در صورتیکه تمام مراتب نورت روشن

* اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ * اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ

است * خدایا پس از تو درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب نورت * خدایا از تو درخواست می‌کنم به وسیعترین مراتب

بِاَوْسَعِهَا * وَكُلِّ رَحْمَتِكَ وَاَسِعَةً * اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا

رحمتت * در صورتی که تمام مراتب رحمتت وسیع است * خدایا پس از تو درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب رحمت

* اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي * فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي * اللَّهُمَّ

* خدایا از تو خواهانم و تو را می‌خوانم چنانکه مرا امر فرمودی * پس مرا اجابت فرمای همچنانکه به من وعده فرمودی * خدایا

اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِاَكْمَلِهِ * وَكُلِّ كَمَالِكَ كَامِلٌ * اللَّهُمَّ اِنِّیْ

از تو درخواست می‌کنم به حق عالیترین کمالت * در صورتی که جمیع مراتب کمالت کامل است * خدایا پس از تو

اَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهِ * اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِاَتَمِّهَا *

درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب کمالت * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق کاملترین کلماتت *

وَكُلِّ كَلِمَاتِكَ تَامَةً * اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا * اللَّهُمَّ اِنِّیْ

در صورتی که جمیع کلماتت کامل است * خدایا پس از تو درخواست می‌کنم به حق تمام کلماتت * خدایا از تو

اَسْأَلُكَ مِنْ اَسْمَائِكَ بِاَكْبَرِهَا * وَكُلِّ اَسْمَائِكَ كَبِيْرَةً * اللَّهُمَّ اِنِّیْ

درخواست می‌کنم به حق نامهایت که بزرگند * در صورتی که تمام نامهایت بزرگ است * خدایا پس درخواست

اَسْأَلُكَ بِاَسْمَائِكَ كُلِّهَا * اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي * فَاسْتَجِبْ

می‌کنم به حق تمام نامهایت * خدایا از تو خواهانم و تو را می‌خوانم همچنانکه مرا امر فرمودی * پس مرا اجابت فرمای

لِي كَمَا وَعَدْتَنِي * اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِاعْزَّهَا * وَكُلِّ عِزَّتِكَ

چنانکه وعده دادی * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق عالیترین مراتب عزتت * در صورتی که تمام مراتب آن

عَزِيزَةٌ ۞ اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا ۞ اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْأَلُكَ مِنْ

عالی است * خدایا پس درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب عزتت * خدایا از تو درخواست می‌کنم به

مَشِيَّتِكَ بِاَمْضَاهَا ۞ وَ كُلِّ مَشِيَّتِكَ مَا ضِيَّةٌ ۞ اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْأَلُكَ

حق نافذترین مراتب مشیتت * در صورتی که تمام مراتب آن نافذ است * خدایا پس درخواست می‌کنم به

بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا ۞ اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ الَّتِي اسْتَطَلْتَ بِهَا عَلٰی

تمام مراتب مشیتت * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق آن قدرت کاملت که بر همه اشیا

كُلِّ شَيْءٍ ۞ وَ كُلِّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيْلَةً ۞ اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا

احاطه دارد * در صورتی که تمام مراتب قدرتت احاطه به اشیا دارد * خدایا پس درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب قدرتت

۞ اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِيْ ۞ فَاسْتَجِبْ لِيْ كَمَا وَعَدْتَنِيْ ۞ اَللّٰهُمَّ

* خدایا من تو را می‌خوانم چنانکه دستورم فرمودی * پس مرا اجابت فرمای چنانکه وعده‌ام دادی * خدایا از تو

اِنِیْ اَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِانْفِذِهِ ۞ وَ كُلِّ عِلْمِكَ نَافِذٌ ۞ اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْأَلُكَ

درخواست می‌کنم به حق نافذترین مراتب علمت * در صورتی که تمام مراتب علمت نافذ است * خدایا پس از تو درخواست می‌کنم

بِعِلْمِكَ كُلِّهِ ۞ اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِارْضَاهُ ۞ وَ كُلِّ قَوْلِكَ

به حق تمام مراتب علمت * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق پسندیده‌ترین سخنهایت * در صورتی که تمام سخنهایت

رَضِيٌّ ۞ اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ ۞ اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْأَلُكَ مِنْ

پسندیده است * خدایا پس از تو درخواست می‌کنم به حق تمام سخنهایت * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق

مَسْأَلِكَ بِاَحْبَبِهَا ۞ وَ كُلِّهَا اِلَيْكَ حَبِيْبٌ ۞ اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْأَلُكَ بِمَسْأَلِكَ

محبوبترین حاجتی که برآورده‌ای * در صورتی که تمام حاجت‌ها که برآورده‌ای محبوب است * خدایا پس درخواست می‌کنم به حق

كُلِّهَا ۞ اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِيْ ۞ فَاسْتَجِبْ لِيْ كَمَا وَعَدْتَنِيْ ۞

تمام حاجتی که برآورده‌ای * خدایا تو را می‌خوانم چنانکه دستورم فرمودی * پس مرا اجابت کن چنانکه وعده‌ام فرمودی

۞ اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِاشْرَفِهِ ۞ وَ كُلِّ شَرَفِكَ شَرِيْفٌ ۞ اَللّٰهُمَّ

خدایا از تو درخواست می‌کنم به شریفترین مراتب شرافتت * در صورتی که تمام مراتب آن شریف است * خدایا پس

اِنِیْ اَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ ۞ اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِاَدْوَمِهِ ۞

درخواست می‌کنم به تمام مراتب شرافتت * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق ابدیترین مقامات پادشاهیت

وَ كُلِّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ ۞ اَللّٰهُمَّ اِنِیْ اَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ ۞ اَللّٰهُمَّ اِنِیْ

در صورتی که تمام مقامات آن ابدی است * خدایا پس درخواست می‌کنم به حق تمام مقامات پادشاهیت * خدایا درخواست

أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ * وَكُلِّ مُلْكِكَ فَأَخْرَهُ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

می‌کنم به حق نیکوترین مراتب ملکیت * در صورتی که تمام مراتب آن نیکو است * خدا یا پس درخواست می‌کنم

بِمُلْكِكَ كُلِّهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي * فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا

به تمام مراتب ملکیت * خدا یا من تو را می‌خوانم چنانکه مرا امر فرمودی * پس مرا اجابت فرمای چنانکه وعده‌ام

وَعَدْتَنِي * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَلَائِكَ بِأَعْلَاهُ * وَكُلِّ عَلَائِكَ عَالٍ

فرمودی * خدا یا از تو درخواست می‌کنم به حق عالیترین مراتب بلندت * در صورتی که تمام مراتب آن عالی است

* اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَلَائِكَ كُلِّهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ

* خدا یا پس درخواست می‌کنم به حق تمام مقامات بلندت * خدا یا از تو درخواست می‌کنم به حق گرامیترین و

بِأَعْجَبِهَا * وَكُلِّ آيَاتِكَ عَجِيبَةٍ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِآيَاتِكَ كُلِّهَا

عجیبترین آیات * در صورتی که تمام آیات عجیب و شگفت است * خدا یا پس درخواست می‌کنم به حق تمام آیات

* اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِأَقْدَمِهِ * وَكُلِّ مَنِّكَ قَدِيمٍ * اللَّهُمَّ إِنِّي

* خدا یا از تو درخواست می‌کنم به حق قدیمیترین احسانهایت * در صورتی که تمام احسانهایت قدیم است * خدا یا پس

أَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي * فَاسْتَجِبْ لِي

درخواست می‌کنم به حق تمام احسانهایت * بار خدا یا من تو را می‌خوانم چنانکه دستورم فرمودی * پس مرا اجابت فرمای

كَمَا وَعَدْتَنِي * اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا (مِمَّا) أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشُّؤْنِ

چنانکه وعده‌ام دادی * خدا یا از تو درخواست می‌کنم به حق هر چه که در آن شئون و جبروت

وَالْمَجْبُوتِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَكُلِّ جَبْرُوتٍ * اللَّهُمَّ وَ إِنِّي

جمع است * خدا یا پس درخواست می‌کنم به حق هر شأنی و هر جبروتی * خدا یا از تو درخواست

أَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ * يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ *

می‌کنم به حق آن چیزی که اگر تو را به آن چیز بخوانم اجابت می‌کنی ای خدا * ای خدایی که نیست خدایی جز تو *

أَسْأَلُكَ بِبِهَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * أَسْأَلُكَ بِجَلَالِ لَا إِلَهَ

از تو درخواست می‌کنم به نور لا اله الا انت * ای خدایی که معبودی جز تو نیست * از تو درخواست می‌کنم به جلال

الْإِنْتِ * يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * أَسْأَلُكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ

لا اله الا انت * ای خدایی که معبودی جز تو نیست * از تو درخواست می‌کنم به حق لا اله الا انت * خدا یا من تو را می‌خوانم

كَمَا أَمَرْتَنِي * فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ

چنانکه دستورم فرمودی * پس مرا اجابت فرمای چنانکه وعده‌ام فرمودی * خدا یا من از تو درخواست می‌کنم به حق عامترین

بَاعَمِهِ * وَكُلِّ رِزْقِكَ عَامٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي

مراتب رزقت * در صورتی که تمام مراتب رزقت عام است * خدایا از تو درخواست می‌کنم به تمام مراتب رزقت * خدایا از تو

أَسْأَلُكَ مِنْ عَطَائِكَ بِأَهْنَأِهِ * وَكُلِّ عَطَائِكَ هَنِيءٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

درخواست می‌کنم به حق گواراترین عطایت * در صورتی که تمام مراتب عطایت گوار است * خدایا پس درخواست می‌کنم

بِعَطَائِكَ كُلِّهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْجَلِهِ * وَكُلِّ خَيْرِكَ

به تمام مراتب عطایت * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق عاجلترین مراتب خیرت * در صورتی که تمام مراتب خیرت

عَاجِلٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ

عاجل است * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب خیرت * خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق فاضلترین

بِأَفْضَلِهِ * وَكُلِّ فَضْلِكَ فَاضِلٌ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ *

مراتب فضلت * در صورتی که تمام مراتب بخشایشت زیاد است * خدایا پس درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب فضلت *

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي * فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي * اللَّهُمَّ

خدایا من تو را می‌خوانم چنانکه دستورم فرمودی * پس مرا اجابت فرمای چنانکه وعده‌ام دادی * خدایا

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَابْعَثْنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ * وَالتَّصْدِيقِ

درود فرست بر محمد و آل محمد * و مرا بر گرویدن به تو * و تصدیق نمودن

بِرَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامِ * وَالْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ * وَالْبِرَاءَةِ

پیغمبرت که بر او و آلش درود باد برانگیز * و نیز مرا بر دوستی و ولایت (امیر المؤمنین) علی بن ابی طالب * و بی‌زاری

مِنْ عَدُوِّهِ * وَالْإِيْتِمَامِ بِالْأئِمَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * فإِنِّي قَدْ

از دشمنانش * و پیروی از امامان از آل محمد که بر آنان درود باد برانگیزان * پس به درستی که

رَضِيتُ بِذَلِكَ يَا رَبِّ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ فِي

من بدان راضیم ای پروردگار * بار خدایا درود فرست بر محمد (ص) بنده تو و رسولت در

الْأَوَّلِينَ * وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ * وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَأِ

اولین * و درود فرست بر محمد (ص) در آخرین * و درود فرست بر محمد (ص) در ملاء

الْأَعْلَى * وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِينَ * اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا

اعلی * و درود فرست بر محمد (ص) در رسولان * بار خدایا عطا کن محمد (ص) را

الْوَسِيلَةَ * وَالشَّرْفَ وَالْفَضِيلَةَ وَالدرَجَةَ الْكَبِيرَةَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

(منبر) وسیله * و شرف و فضیلت و مقام بزرگ * بار خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَتَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي * وَبَارِكْ لِي فِيمَا آتَيْتَنِي

محمد و آل محمد * و به آنچه روزیم دادی مرا قانع فرمای * و هر چه به من دادی برایم مبارک ساز

* وَاحْفَظْنِي فِي غَيْبَتِي * وَكُلَّ غَائِبٍ هُوَ لِي * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

* و مرا در غیبت خود * و هر غایبی که دارم (از هر گونه بدی در پناهت) حفظ کن * بار خدایا درود فرست بر

وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَابْعَثْنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ * وَالتَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ *

محمد (ص) و آل محمد * و مرا بر ایمان به تو * و تصدیق رسول (گرامیت) برانگیزان *

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانِكَ

بار خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد (ع) * و از تو درخواست می‌کنم بهترین خوبیهای

وَالْجَنَّةِ * وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخِطِكَ وَالنَّارِ * اللَّهُمَّ صَلِّ

رضوان و بهشت * تو را و به تو پناه می‌برم از بدترین بد خشمت و دوزخ * بار خدایا

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاحْفَظْنِي مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ * وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ

درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد * و مرا از هر مصیبت * و بلیت

* وَمِنْ كُلِّ عَقُوبَةٍ * وَمِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ * وَمِنْ كُلِّ بَلَاءٍ * وَمِنْ كُلِّ شَرِّ

* و از هر زجر و عقوبت * و از هر گونه فتنه * و از هر بلاء * و شر *

وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ * وَمِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ * وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزُلُ مِنْ

و از هر گونه گزند و ناخوشی * و از هر گونه مصیبت * و پیش آمد بد و آفتی که نازل گردیده یا نازل گردد

السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ * وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ * وَفِي هَذَا الْيَوْمِ

از آسمان به سوی زمین در پناه لطف محفوظ بدار در این ساعت * و در این شب * و در این روز

* وَفِي هَذَا الشَّهْرِ * وَفِي هَذِهِ السَّنَةِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

* و در این ماه * و در این سال * بار خدایا درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ * وَأَقْسِمُ لِي مِنْ كُلِّ سُورٍ * وَمِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ * وَمِنْ كُلِّ اسْتِقَامَةٍ

محمد * و مرا بهره‌مند گردان از هر شادی * و از هر خرمی * و از هر پایداری و استقامت

* وَمِنْ كُلِّ فَرْجٍ * وَمِنْ كُلِّ عَافِيَةٍ * وَمِنْ كُلِّ سَلَامَةٍ * وَمِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ

* و از هر فرج * و از هر عافیت و تندرستی * و سلامتی * و از هر کرامت

* وَمِنْ كُلِّ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ * وَمِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ * وَمِنْ كُلِّ سَعَةٍ

* و از هر رزق و روزی وسیع حلال پاکیزه * و از هر نعمت * و از هر وسعت که

نَزَلَتْ أَوْ تَنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ * وَ فِي هَذِهِ

نازل شده یا نازل شود از آسمان به زمین * در این ساعت * و در این

اللَّيْلَةِ * وَ فِي هَذَا الْيَوْمِ * وَ فِي هَذَا الشَّهْرِ * وَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ * اللَّهُمَّ

شب * و در این روز * و در این ماه * و در این سال * بار خدایا

إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ أَخْلَقْتَ وَجْهِي عِنْدَكَ * وَ حَالَتُ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ *

اگر گناهانم چهره‌ام را نزد تو فرسودند * و میان من و تو حایل شدند *

وَ غَيَّرْتَ حَالِي عِنْدَكَ * فَانِي أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي لَا يُطْفَأُ *

و حال مرا در حضرتت دگرگون کرده‌اند * پس من از تو درخواست دارم به نور پاکت که خاموش نگردد *

وَ بِوَجْهِ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ الْمُصْطَفَى * وَ بِوَجْهِ وَلِيِّكَ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى *

و به آبروی حضرت محمد مصطفی (ص) حبیب تو * و به آبروی ولایت علی مرتضی

وَ بِحَقِّ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ أَنْتَ جَبَبْتَهُمْ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ *

و به حق اولیائت که برگزیدی آنان را * که درود فرستی بر محمد و آل محمد

وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِي * وَ أَنْ تَعْصِمَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي *

و آنچه از گناهان در گذشته دارم بیامری * و در آینده عמר از گناهان (در پناه لطف) نگهم داری *

وَ أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ أَنْ أَعُودَ فِي شَيْءٍ مِنْ مَعْاصِيكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي *

و به تو پناه می‌برم بار خدایا که به چیزی از نافرمانی و معصیت تو بازگشت نمایم هرگز تا زنده‌ام داری *

حَتَّى تَتَوَفَّانِي * وَ أَنَا لَكَ مُطِيعٌ * وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ * وَ أَنْ تَخْتِمَ لِي عَمَلِي

تا جانم بگیری * و من مطیع تو * و تو از من راضی و خوشنود باشی * و عملم را ختم به خیر و عاقبت

بِأَحْسَنِهِ * وَ تَجْعَلَ لِي ثَوَابَهُ الْجَنَّةِ * وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * يَا

به خیر فرمایی * و ثواب آن را بهشت برایم مقرر فرمایی * و اینکه آنچه تو اهل آنی با من به‌جای آری * ای

أَهْلَ التَّقْوَى * وَ يَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ * صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ *

اهل تقوی * و ای اهل آمرزش * درود فرست بر محمد و آل محمد *

وَ أَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ﴿٥﴾ پنجم: بخواند دعایی که شیخ و سید

و بر من ترحم فرما به رحمت تو امید دارم ای مهربانترین مهربانان عالم. *

روایت کرده‌اند بعد از دو رکعت نماز و هفتاد مرتبه استغفار. و اول آن الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ است * و

شایسته است در این روز تصدق بر فقراء به جهت تأسی به مولای هر مؤمن و مؤمنه امیر المؤمنین (علیه السلام) * و زیارت کردن آن حضرت و انسب خواندن زیارت جامعه است. **روز بیست و پنجم:** روز شریفی است و روزی است که **هَلْ أَتَىٰ** در حق اهل بیت نازل شده به جهت آنکه سه روز روزه گرفتند و افطار خود را به مسکین و یتیم و اسیر دادند و به آب افطار نمودند و شایسته است که شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) در این ایام خصوص در شب بیست و پنجم تأسی به موالی خود نمایند در تصدق به مساکین و ایتام و سعی در اطعام ایشان و این روز را روزه بدارند * و چون بعض علماء این روز را روز مباحله می دانند مناسب است زیارت جامعه و دعاء مباحله را نیز در این روز بخوانند.

روز آخر ذی الحجه: که آخر سال عرب است سیّد در اقبال موافق یک روایت ذکر کرده که دو رکعت نماز کند در هر رکعت حمد یک مرتبه و ده مرتبه **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و ده مرتبه آیه الکرسی بخواند * و بعد از نماز بگوید:

اللَّهُمَّ مَا عَمِلْتُ فِي هَذِهِ السَّنَةِ مِنْ عَمَلٍ نَهَيْتَنِي عَنْهُ * وَ لَمْ تَرْضَهُ * وَ

بار خدایا آنچه من در این سال کردم از کارهایی که مرا از آن نهی فرمودی * و مورد پسندت نبود

*** وَ نَسَيْتَهُ * وَ لَمْ تَنْسَهُ * وَ دَعَوْتَنِي إِلَى التَّوْبَةِ بَعْدَ اجْتِرَائِي عَلَيْكَ**

* و من فراموش کرده‌ام و تو از آن نگذشتی * و مرا پس از گستاخی و جرئت بر گناه در حضرتت به توبه دعوت فرمودی

*** اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ فَاعْفِرْ لِي * وَ مَا عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ يَقْرِبُنِي**

* بار خدایا پس من از آن طلب آمرزش می‌کنم از تو پس بیامرز مرا * و آنچه به جای آوردم از عملی که

إِلَيْكَ فَأَقْبَلْهُ مِنِّي * وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْكَ يَا كَرِيمُ * پس چون گفت این را،

مرا به تو نزدیک گرداند بپذیر از من * و امیدم را از درگاه کرمت قطع مگردان ای کریم. *

شیطان گوید وای بر من هر چه من تَعَب کشیدم در حق او در این سال همه را خراب کرد به این کلمات و شهادت دهد سال گذشته برای او که سال خود را به خیر ختم نمود.

فصل هفتم در اعمال ماه محرم است

بدان که این ماه، ماه حُزن اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان ایشان است و از حضرت امام رضا (علیه السلام) روایت است که چون ماه محرم داخل می شد پدر مرا کسی خندان نمی دید و اندوه و حُزن پیوسته بر او غالب می شد تا روز دهم، چون روز عاشورا می شد آن روز، روز مصیبت و حزن و گریه او بود و می فرمود: امروز روزی است که حسین (علیه السلام) شهید شده است. **شب اول:** سیّد در اقبال برای این شب چند نماز ذکر فرموده. **۱** اول: صد رکعت، در هر

رکعت حمد و توحید بخواند. ﴿۲﴾ دویم: دو رکعت، در رکعت اول حمد و انعام و در دویم حمد و بیس. ﴿۳﴾ سیم: دو رکعت، در هر رکعت حمد و یازده **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** در روایت است از حضرت رسول (ﷺ) که هر که در این شب این دو رکعت نماز را به جا آورد و صبحش را که اول سال است روزه بدارد مثل کسی است که تمام سال را مداومت به خیر کرده و در آن سال محفوظ باشد و اگر بمیرد به بهشت برود. * و نیز سید برای هلال این ماه دعاء مَبْسُوطی ذکر فرموده و اگر ممکن شود احیا بدارد این شب را به دعا و نماز و خواندن قرآن. **روز اول:** بدان که اول محرم اول سال است و در آن دو عمل وارد است. ﴿۱﴾ اول: روزه است و در روایت ریّان بن شیبب از حضرت امام رضا (علیه السلام) مروی است که هر که در این روز روزه بدارد و خدا را بخواند خداوند دعای او را مستجاب کند چنانکه دعای زکریّا را مستجاب نمود. ﴿۲﴾ دویم: از حضرت امام رضا (علیه السلام) منقول است که حضرت رسول (ﷺ) روز اول محرم دو رکعت نماز می کرد * و چون فارغ می شد دستها را بلند می کرد و این دعا را سه دفعه می خواند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ إِلَهُ الْقَدِيمِ * وَ هَذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ * فَاسْأَلُكَ فِيهَا

خدایا تو معبود قدیمی * و این است سال تازه ای * پس از تو در آن درخواست

الْعَصْمَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ * وَ الْقُوَّةَ عَلَى هَذِهِ النَّفْسِ الْأَمَارَةِ بِالسُّوءِ *

حفظ از شیطان * و نیرو و قوت بر این نفس اماره بدخواه دارم *

وَ الْأَشْتَغَالَ بِمَا يُقْرِبُنِي إِلَيْكَ * يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ * يَا

و نیز اشتغال بدانچه مرا (در عمل) به تو نزدیک گرداند * ای کریم ای صاحب جلال و بزرگواری * ای

عِمَادٍ مِنْ لَا عِمَادَ لَهُ * يَا ذَخِيرَةَ مَنْ لَا ذَخِيرَةَ لَهُ * يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ

پشتیبان کسی که نگهدارنده و پشتیبانی ندارد * ای ذخیره کسی ذخیره ای ندارد * ای پناه

لَهُ * يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ * يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ * يَا كَثْرَ مَنْ

بی پناهان * ای دادرس بی کسان * ای پشتوان بی پشتوانان * ای گنجینه

لَا كَثْرَ لَهُ * يَا حَسْنَ الْبَلَاءِ * يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ * يَا عِزَّ الضُّعْفَاءِ * يَا

بی گنجان * ای نیک آزمایش * ای بزرگ امیدواری * و از عز و شکوه ناتوانان * ای

مُنْقِدَ الْغَرَقَى * يَا مُنْجِي الْهَلْكَى * يَا مُنْعِمَ يَا مُجْمِلَ * يَا مُفْضِلَ يَا

نجات دهنده غریقان * ای نجات بخش هالکان * ای نعمت ده ای نیکو * ای بخشنده ای

مُحْسِنَ * أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَ نُورُ النَّهَارِ * وَ ضَوْءُ

خوشرفتار * تویی که برای تو سیاهی شب و روشنی روز * و تابش

الْقَمَرِ وَ شُعَاعِ الشَّمْسِ * وَ دَوَى الْمَاءِ وَ حَفِيفِ الشَّجَرِ * يَا اللَّهُ لَا

ماه و شعاع خورشید * و شرشر آب و صدای درخت سجده کرد * ای خدا انبازی

شَرِيكَ لَكَ * اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا خَيْرًا مِمَّا يَظُنُّونَ * وَ اغْفِرْ لَنَا مَا لَا

برای تو نیست * بار خدایا ما را به از آنچه گمان برند بگردان * و آنچه از (بدیهای) ما ندانند

يَعْلَمُونَ * وَ لَا تَوَاحِدْنَا بِمَا يَقُولُونَ * حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ * عَلَيْهِ

ببامرز * و بدانچه گویند از ما بازخواست مفرمای * بس است مرا خدای نیست معبود حق جز او * بر او

تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ * ءَأَمْنَا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَ مَا يَذَّكَّرُ

توکل کردم و اوست پروردگار عرش بزرگ * به او گرویدیم هر چه هست از نزد پروردگار ما است و یاد آور

الْأُولَ الْأَلْبَابِ * رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا * وَ هَبْ لَنَا مِنْ

نشود جز صاحبان خرد * پروردگارا کج مکن دلهای ما را پس از آنکه راه نمودی ما را * و ببخش برای ما

لَدُنْكَ رَحْمَةً * إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ * شیخ طوسی فرموده که: مستحب است روزه دهه

از پیش خودت رحمت * زیرا که تویی پر بخشش. *

اول محرم و لکن روز عاشورا امساک نماید از طعام و شراب تا بعد از عصر، آن وقت به قدر کمی تربت تناول نماید.

و سید روایت کرده فضیلت روزه تمام ماه را و آنکه روزه او نگه میدارد صائم آن را از هر گناهی. **روز سیم:** روزی

است که حضرت یوسف (علیه السلام) از زندان بیرون شده، هر که آن روز را روزه دارد آسان فرماید حق تعالی بر او کارهای

مشکل را و برطرف کند از او اندوه را و در روایت نبوی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) است که دعایش مستجاب شود. **روز نهم:** روز

تاسوعا است، از حضرت صادق (علیه السلام) روایت است که فرمود: تاسوعا روزی بود که جناب امام حسین (علیه السلام) و

اصحابش را در کربلا محاصره کردند و سپاه شام بر قتال آن حضرت اجتماع کردند و ابن مرجانه و عمر سعد

خوشحال شدند به سبب کثرت سپاه و بسیاری لشکر که برای آنها جمع شده بود و جناب امام حسین (علیه السلام) و

اصحابش را ضعیف شمردند و یقین کردند که یآوری از برای آن حضرت نخواهد آمد و اهل عراق او را مدد

نخواهند نمود پس فرمود: پدرم فدای آن ضعیف غریب. **شب دهم:** شب عاشورا است و سید در اقبال از برای

این شب دعا و نمازهای بسیار با فضیلتیهای بسیار نقل کرده از جمله صد رکعت نماز هر رکعت به حمد و سه

مرتبه قل هو الله احد * و بعد از فراغ از جمیع بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ * وَ لَا

پاک و منزّه است خدا و ستایش مخصوص اوست * و خدایی

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ * وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ *

جز آن ذات یکتا نیست و او بزرگتر از حد وصف است. * جنبش و توانایی جز به خدای بلند مرتبه بزرگ نخواهد بود *

هفتاد مرتبه، و در روایت دیگر بعد از **الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ** استغفار نیز ذکر شده. * و از جمله چهار رکعت در آخر شب در هر رکعت بعد از حمد هریک از آیه الکرسی و توحید و فلق و ناس راده مرتبه بخواند و بعد از سلام صد مرتبه توحید بخواند. * و از جمله چهار رکعت نماز در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و این نماز مطابق است با نماز امیرالمؤمنین (علیه السلام) که فضیلت بسیار دارد * و بعد از نماز فرموده: ذکر خدا بسیار کند و صلوات بسیار بفرستد بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و لعن کند بر دشمنان ایشان آنچه می تواند. * و در فضیلت احیاء این شب روایت کرده که مثل آن است که عبادت کرده باشد به عبادت جمیع ملائکه و عبادت در آن مقابل هفتاد سال است * و اگر کسی را توفیق شامل حال شود در این شب در کربلا باشد و زیارت امام حسین (علیه السلام) کند و بیتوته نزد آن جناب نماید تا صبح، خدا او را محشور فرماید آلوده به خون امام حسین (علیه السلام) در جمله شهداء با آن حضرت. **روز دهم:** روز شهادت **أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام)** و روز مصیبت و حزن ائمه اطهار (علیهم السلام) و شیعیان ایشان است و شایسته است که شیعیان در این روز مشغول کاری از کارهای دنیا نگردند و از برای خانه خود چیزی ذخیره نکنند و مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشند و تعزیت حضرت امام حسین (علیه السلام) را اقامه نمایند و به ماتم اشتغال نمایند به نحوی که در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود اشتغال می نمایند * و زیارت کنند آن حضرت را به زیارت عاشوراء که بعد از این بیاید انشاء الله تعالی. * و سعی کنند در نفرین و لعن بر قاتلان آن حضرت و یکدیگر را تعزیت گویند

در مصیبت آن جناب * و بگویند: **أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ**

بزرگ فرماید خدای اجر و مزد ما را در سوگواری و مصیبت ما بر حسین

السَّلَامُ * وَ جَعَلَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ * مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ

علیه السلام * و بگرداند ما و شما را از خونخواهان او * با ولی خود حضرت امام

الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * و شایسته است در این روز مقتل

مهدی از آل محمد که بر ایشان درود باد. *

بخوانند و یکدیگر را بگریانند، * روایت شده که چون حضرت موسی (علیه السلام) مأمور شد به ملاقات جناب خضرو تعلم از او، اول چیزی که در وقت ملاقات بین ایشان مذاکره شد آن بود که آن عالم حدیث نمود برای حضرت

موسی مُصیبت‌ها و بلاهایی که بر آل محمد (علیهم‌السلام) وارد می‌شود پس گریستند هر دو، و سخت شد گریستن ایشان. * و روایت شده از ابن عباس که گفت: در ذیقار خدمت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) رسیدم، صحیفه‌ای بیرون آورد به خط خود و املاء پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و خواند برای من از آن و در آن صحیفه بود مَقْتَلِ امام حسین (علیه‌السلام) و آنکه چگونه کشته می‌شود و کی می‌کشد او را و کی یاری می‌کند او را و کی با او شهید می‌شود، پس گریه کرد آن حضرت گریه سختی و مرا به گریه درآورد. فقیر گوید که: اگر مقام را گنجایش بود مختصر مَقْتَلی در اینجا ذکر می‌کردم لکن محلّ را گنجایش نیست. هرکه خواهد رجوع کند به کُتُبِ ما، در مَقْتَلِ. * و بالجمله اگر کسی در این روز نزد قبر امام حسین (علیه‌السلام) باشد و مردم را آب دهد مثل کسی باشد که لشکر آن حضرت را آب داده باشد و با آن جناب در کربلا حاضر شده باشد، * و خواندن هزار مرتبه توحید در این روز فضیلت دارد و روایت شده که خداوند رحمان نظر رحمت به سوی او کند. و سید برای این روز دعایی نقل کرده است شبیه به دعاء عشرات بلکه ظاهر آن است که خود آن دعا باشد موافق بعضی روایات آن. * و شیخ از عبدالله بن سنان از حضرت صادق (علیه‌السلام) چهار رکعت نماز و دعایی نقل کرده که در این روز در وقت چاشت باید به عمل آورد و ما به ملاحظه اختصار ذکر نکردیم. (هرکه طالب است به زادالمعاد رجوع نماید) * و نیز شایسته است که شیعیان در این روز امساک کنند از خوردن و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کنند و در آخر روز بعد از عصر افطار کنند به غذایی که اهل مصیبت می‌خورند مثل ماست یا شیر و امثال آنها نه مثل غذاهای لذیذه * و آنکه جامه‌های پاکیزه بپوشند و بندها را بگشایند و آستین‌ها را بالا کنند به هیئت صاحبان مصیبت. * و علامه مجلسی در زادالمعاد فرموده: و بهتر آن است که روز نهم و دهم را روزه ندارند زیرا که بنی امیه این دو روز را برای بَرکَت و شماتت بر قتل آن حضرت روزه می‌داشتند و احادیث بسیار در فضیلت این دو روز و روزه آنها بر حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بسته‌اند. و از طریق اهل بیت (علیهم‌السلام) در مذمت روزه این دو روز خصوصاً روز عاشورا وارد شده است. * و ایضاً بنی امیه علیهم‌اللعنة از برای برکت آذوقه سال را در روز عاشورا در خانه ذخیره می‌کرده‌اند. لهذا از حضرت امام رضا (علیه‌السلام) منقول است که هر که ترک کند سعی در حوائج خود را در روز عاشورا و پی‌کاری نرود حق تعالی حوائج دنیا و آخرت او را برآورد و هرکه روز عاشورا روز مصیبت و اندوه و گریه او باشد حق تعالی روز قیامت را روز فَرَح و سُرُور و شادی او گرداند و دیده‌اش در بهشت به ما روشن گردد. و هرکه روز عاشورا را روز برکت نامد و از برای منزل خود در آن روز چیزی ذخیره کند خدا آن ذخیره را برای او مبارک نگرداند و در روز قیامت با یزید و عبیدالله بن زیاد و عمر بن سعد

عَلَيْهِمُ اللَّعْنَةُ محشور گردد. * پس باید که در روز عاشورا آدمی مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد و مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشد و امر کند اهل خانه خود را که تعزیه آن حضرت را بدارند و مشغول ماتم باشند چنانکه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود می باشند * و در آن روز امساک کند از خوردن و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کند و در آخر روز بعد از عصر افطار کند اگر چه به شربت آبی باشد و روزه تمام ندارد مگر آنکه در خصوص آن روز روزه واجبی داشته باشد که به نذریا مثل آن بر او واجب شده باشد که آن روز را روزه باید بگیرد و در آن روز آذوقه در خانه ذخیره نکند و نخندد و مشغول لهو و لعب نگردد * و هزار مرتبه بر قاتلان آن حضرت لعنت کند و بگوید:

اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مؤلف گوید از کلام این بزرگوار معلوم شد

بار خدایا لعنت کن بر کشندگان امام حسین علیه السلام. *

که احادیثی که در فضیلت روز عاشورا است مجعول و بر حضرت رسول (ﷺ) بسته اند و صاحب شفاء الصدور در شرح این فقره از زیارت عاشورا: (اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمَّيَّةَ) کلام را در این مقام بسط داده مُلَحَّصَشْ آنکه: تبرک بنی امیه به این یوم مَشْهُوم بر چند وجه است: یکی آنکه ذخیره قوت و آذوقه را در این روز سُنَّتْ شمردند و آن آذوقه را تا سال دیگر مایه سعادت و سعه رزق و رَعْدِ عَيْشِ دانستند. چنانچه در اخبار اهل بیت (علیهم السلام) از باب تعریض به ایشان نهی از این مطلب مکرر وارد شده است. و دیگر اقامه مراسم عید است از توسعه رزق بر عیال و تجدید ملابِس و قَصِّ شَارِبِ و تَقْلِيمِ اَطْفَارِ و مَصَافِحِه و تَعْبِيدَاتِ دیگر که طریقه بنی امیه و اتباع ایشان بر او جاری است. و دیگر التزام به روزه این روز است که اخبار کثیره در فضل او وضع کرده اند و مُتَمَرِّم به صیام این روزند. امر چهارم از وجوه تبرک به یوم عاشورا اینکه دعا و طلب حوائج را در این روز مستحب دانسته اند و به جهت این کار مناقب و فضائلی برای این روز به جَعَلِ و وَضَع افترا کردند و دعاهایی چند تلفیق کرده تعلیم عاصیان نمودند تا امر مُلْتَبَسِ و کار مشتبه شود چنانچه خُطْبِه اِی که در بلاد خود در این روز می خوانند برای هر نبی و سبیل و شرفی در این روز زیاد می کنند مثل اِخْمَادِ نَارِ نَمْرُودِ و قَرَارِ سَفِينِه نوح و اِغْرَاقِ جُنْدِ فِرْعَوْنِ و اِنْجَاءِ عِيسَى از دار بیهودان. * چنانچه شیخ صدوق از جبله مکیّه نقل کرده که شنیدم از میثم تَمَّارِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ که فرمود: وَاللَّهِ مِی كَشْنَدِ اِیْنِ اُمَّتِ پسر پیغمبر خود را در محرم در روز دهم و هر آینه اعداء حق سبحانه و تعالی این روز را روز برکت قرار دهند و همانا این کار شدنی است و پیشی گرفته است در علم خدای تعالی و من می دانم

اورا به عهدی که از مولایم امیرالمؤمنین (علیه السلام) به من رسیده، تا آنکه جبّله می گوید: گفتم چگونه مردم روز قتل حسین (علیه السلام) را روز برکت قرار می دهند؟ پس میثم بگریست و فرمود: حدیثی وضع کنند که او روزی است که خدای تعالی در او توبه آدم را قبول کرد با اینکه خدای تعالی در ذی حجه توبه آدم را قبول کرد و گمان می کنند که او روزی است که خدای تعالی، یونس را از شکم ماهی بیرون آورد. با اینکه خدای تعالی یونس را در ذی قعدة از شکم ماهی برآورد و گمان می کنند که او روزی است که سفینه نوح بر جُودِی قرار گرفت با اینکه استواء سفینه در روز هیجدهم ذی حجه بوده و گمان می کنند که او روزی است که خدا دریا را برای موسی در او بشکافت با اینکه این کار در ربیع الاول بود. و بالجمله با اینهمه تصریح و تأکید که در خبر میثم شده و در حقیقت از علائم نبوت و امامت و دلیل حقیقت طریقه شیعه است که اخبار یقینی چنان داده است و مضمون او مطابق با واقع محسوس است. * عَجَب است که دعایی بر طبق این اکاذیب تلفیق شده و در کتب بعضی بی خبران که غافل بوده اند مذکور و بدست عوام داده شده و البته خواندن آن دعا بدعت و محرّم است و آن دعا این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * سُبْحَانَ اللَّهِ مَلَأَ الْمِيزَانَ * وَ مُنْتَهَى
به نام خداوند بخشنده مهربان * پاک و منزّه خداوند به پری میزان * و نهایت

الْعِلْمِ * وَ مَبْلَغِ الرِّضَا وَ زِنَةِ الْعَرْشِ * بعد از دوسه سطر دارد ده مرتبه صلوات بفرستد
دانش * و سرحد رضا و زینت عرش *

و بگوید: يَا قَابِلَ تَوْبَةِ آدَمَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ * يَا رَافِعَ اِدْرِيسَ اِلَى السَّمَاءِ
ای قبول کننده توبه آدم در روز عاشورا * ای بالا برنده ادریس به سوی آسمان

يَوْمَ عَاشُورَاءَ * يَا مُسَكِّنَ سَفِينَةِ نُوحٍ عَلَي الْجُودِيِّ يَوْمَ عَاشُورَاءَ * يَا
در روز عاشورا * ای اسکان دهنده کشتی نوح در کنار (کوه) جودی در روز عاشورا * ای

غِيَاثَ اِبْرَاهِيمَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ ، الخ و شک نیست که این دعا را یکی از نواصب
فریادرس ابراهیم از آتش در روز عاشورا *

مدینه یا خواجه مسقط یا امثال اینها جعل کرده و تتمیم ظلم بنی امیه را نموده، تمام شد ملخص کلام صاحب
شفاء الصدور. * و بالجمله در آخر روز عاشورا سزاوار است که یادآوری از حال حرم امام حسین (علیه السلام) و دختران و
اطفال آن حضرت که در این وقت در کربلا اسیر اعداء و مشغول به حزن و بکاء بودند و مصیبت‌هایی بر ایشان

گذشته که در خاطر هیچ آفریده خُطور نکند و قلم را تاب نوشتن نباشد و لَقَدْ أَجَادَ مَنْ قَالَ :

راستی چه زیبا سروده هر که این را سروده:

مُجْمَلَةٌ ذِكْرَةٌ لِمُدَّكِرٍ

به طور اجمال یاد کنم برای خلق جاری شود

مَا بَيْنَ مِحْطِ الْجَفُونِ وَالزُّبُرِ

مابین چشم من و اوراق و کتابها

وَاللَّهِ مَا قَدْ طُبِعَتْ مِنْ حَجَرٍ

سوگند به خدای من سنگ سخت نیستم

بَيْنَهُمَا فِي مَدَامِعِ حُمُرٍ

و میان آسمان و زمین پر از اشک خونین است

که تصویرش زده آتش به جانم

شنیدن کی بود مانند دیدن

فَاجَعَةٌ إِنْ أَرَدْتُ أَكْتُبُهَا

مصیبتی که اگر بخواهم آن را بنویسم

جَرَتْ دُمُوعِي فَحَالَ حَائِلُهَا

اشک‌های من پس حائل شود

وَقَالَ قَلْبِي بَقِيَا عَلَيَّ فَلَا

و دل من با من می‌گوید به من رحم کن

بَكَتْ لَهَا الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَمَا

زمین و آسمان و بر آن فاجعه گریسته

من از تحریر این غم ناتوانم

ترا طاقث نباشد از شنیدن

پس برخیز و سلام کن بر رسول خدا و علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن مجتبی و سایر امامان از ذریه سید الشهداء (علیهم‌السلام) و ایشان را تعزیت بگو بر این مصائب عظیمه با دل بریان و چشم گریان * و بخوان این زیارت را:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ

درود بر تو باد ای وارث حضرت آدم برگزیده خدای * درود بر تو باد ای وارث نوح

نَبِيِّ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

پیغمبر خدا * درود بر تو باد ای وارث ابراهیم دوست خدا * درود بر تو باد

يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ *

ای وارث موسی هم سخن خدا * درود بر تو باد ای وارث عیسی روح الله *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

درود بر تو باد ای وارث حضرت محمد حبیب خدا * درود باد بر تو ای وارث

عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيِّ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الشَّهِيدِ

علی امیر المؤمنین ولی خدا * درود باد بر تو ای وارث حسن شهید

سَبْطِ رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

سبط رسول خدا * درود باد بر تو ای زاده رسول خدا * درود باد بر تو

يَا بَنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ * وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

ای پسر بشیر و ترساننده * و پسر آقای وصیین * درود باد بر تو ای پسر

فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * السَّلَامُ

فاطمه سیده زنان جهان * درود باد بر تو ای ابا عبد الله * درود باد

عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ

بر تو ای مختار خدا و پسر مختار خدا * درود باد بر تو ای خون خدا و زاده

ثَارِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَتْرُ الْمَوْتُورُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ

خون او * درود باد بر تو ای کشته‌ای که خونخواهانت کشته شدند * درود باد بر تو ای

الْهَادِي الزَّكِي * وَ عَلَى أَرْوَاحِ حَلَّتْ بِفَنَائِكَ * وَ أَقَامَتْ فِي جِوَارِكَ *

امام رهبر پاک * و بر ارواحی که به آستانت خفتند * و در جوارت آرامیدند *

وَ وَفَدَتْ مَعَ زُورِكَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مَّا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ

و وارد شدند با زائرینت * درود باد بر تو از من مادامی که بمانم و بماند شب و روز

* فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِكَ الرَّزِيَّةُ * وَ جَلَّ الْمُصَابُ فِي الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ

* پس به تحقیق بزرگ شد به تو مصیبت * و انبوه شد سوگ در مؤمنین و مسلمانان

* وَ فِي أَهْلِ السَّمَاوَاتِ أَجْمَعِينَ * وَ فِي سُكَّانِ الْأَرْضِينَ * فَاِنَّا لِلَّهِ وَ اِنَّا

* و در همه اهل آسمانها * و در ساکنان زمین * پس به درستی که ما از برای خداییم و ما به سوی

إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * وَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ * وَ عَلَيْكَ وَ عَلَى

او بازگشت کنندگانیم * و درودهای متصل خدا و برکات و تحیات خدا بر تو و بر

ءَابَائِكَ الطَّاهِرِينَ الطَّيِّبِينَ الْمُنتَجِبِينَ * وَ عَلَى ذُرَارِيهِمُ الْهُدَاةِ

پدران پاک و پاکیزه و برگزیدگان * و بر اولادان هدایت کننده و هدایت یافته

الْمَهْدِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ عَلَيْهِمْ * وَ عَلَى رُوحِكَ وَ عَلَى

ایشان * درود باد بر تو ای مولای من و بر ایشان * و بر روان تو و بر روان

أَرْوَاحِهِمْ * وَ عَلَى تَرَبَّتِكَ وَ عَلَى تَرَبَّتِهِمْ * اللَّهُمَّ لِقِهِمْ رَحْمَةً وَ رِضْوَانًا

ایشان * و بر تربت (پاک) تو و بر تربت ایشان * خدایا به رحمت و رضایت و روح

وَ رُوحًا وَ رِيحَانًا * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * يَا بَنَ

و ریحان با آنان ملاقات فرمای * درود بر تو باد ای مولایم ای ابا عبد الله * ای زاده

خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * وَيَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ * وَيَا بَنَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

خاتم پیغمبران * و ای پسر آقای وصی‌ها * و ای پسر سیده زهای جهانیان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدَ يَا بَنَ الشَّهِيدِ * يَا أَخَ الشَّهِيدِ يَا أَبَا الشَّهِدَاءِ

* درود بر تو باد ای شهید ای پسر شهید * ای برادر شهید ای پدر شهید

اللَّهُمَّ بَلِّغْهُ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ * وَفِي هَذَا الْوَقْتِ

* بار خدایا او را برسان از من در این ساعت و در این روز * و در این وقت

وَفِي كُلِّ وَقْتٍ * تَحِيَّةَ كَثِيرَةٍ وَ سَلَامًا * سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ

و در همه وقت * تحیت بسیار و سلام * درود خدای بر تو باد و رحمت خدای

و بَرَكَاتُهُ * وَيَا بَنَ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ * وَ عَلَى الْمُسْتَشْهِدِينَ مَعَكَ سَلَامًا

و برکاتش ای پسر آقای جهانیان * و بر شهدای همراهت درود پیوسته

مُتَّصِلًا مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ * السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الشَّهِيدِ

تا پیوسته است شب و روز * درود باد بر حسین پسر علی شهید

السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ * السَّلَامُ عَلَى الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ

* درود باد بر علی بن حسین شهید * درود باد بر (حضرت) عباس پسر (حضرت) امیر المؤمنین

الْمُؤْمِنِينَ الشَّهِيدِ * السَّلَامُ عَلَى الشَّهِدَاءِ مِنْ وَوَلَدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

که به درجه شهادت رسید * درود باد بر شهیدان از فرزندان امیر المؤمنین (ع) *

السَّلَامُ عَلَى الشَّهِدَاءِ مِنْ وَوَلَدِ الْحَسَنِ * السَّلَامُ عَلَى الشَّهِدَاءِ مِنْ وَوَلَدِ

درود باد بر شهداء از فرزندان امام حسن (ع) * درود باد بر شهداء از فرزندان امام

الْحُسَيْنِ * السَّلَامُ عَلَى الشَّهِدَاءِ مِنْ وَوَلَدِ جَعْفَرٍ وَ عَقِيلٍ * السَّلَامُ عَلَى

حسین (ع) * درود باد بر شهیدان از فرزندان جعفر و عقیل * درود باد بر

كُلِّ مُسْتَشْهِدٍ مَعَهُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَالِ مُحَمَّدٍ

هر شهید همراه آنها از مؤمنان * بار خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

و بَلِّغْهُمْ عَنِّي تَحِيَّةَ كَثِيرَةٍ وَ سَلَامًا * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ

* و برسان ایشان را از من تحیت فراوان و سلام * درود باد بر تو ای رسول خدا

أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعِزَاءَ فِي وَوَلَدِكَ الْحُسَيْنِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ

* سر سلامتی خوبی دهد تو را خدای درباره فرزندان حسین * درود باد بر تو ای فاطمه

أَحْسَنَ اللَّهُ لِكَ الْعَزَاءِ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ

* سر سلامتی خوبی دهد تو را خدا درباره فرزندت حسین * درود باد بر تو ای امیر

الْمُؤْمِنِينَ * أَحْسَنَ اللَّهُ لِكَ الْعَزَاءِ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

* مؤمنان * سر سلامتی خوبی دهد تو را خدای درباره فرزندت حسین * درود باد بر تو

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ * أَحْسَنَ اللَّهُ لِكَ الْعَزَاءِ فِي أَخِيكَ الْحُسَيْنِ * يَا

ای ابا محمد الحسن * سر سلامتی خوبی دهد خدای تو را درباره برادرت حسین * ای

مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَنَا ضَيْفُ اللَّهِ وَضَيْفُكَ * وَجَارُ اللَّهِ وَجَارُكَ

* مولایم ای ابا عبد الله من مهمان خدا و مهمان توام * و پناهنده به خدا و پناهنده به توام

وَلِكُلِّ ضَيْفٍ وَجَارٍ قَرِي * وَقِرَايَ فِي هَذَا الْوَقْتِ أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ

* و برای هر مهمان و پناهنده پذیرایی باشد * و پذیرایی من در این وقت این است که بخواهی

سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى * أَنْ يَرْزُقَنِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ * إِنَّهُ سَمِيعٌ

از خدای سبحانه و تعالی * که روزی من گرداند رهایی تنم از آتش * زیرا که او شنوای

الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ * رُوزِ بَيْسْتِ وَبِنَجْمِ: به قول جمعی از علماء در سال نود و چهار یا روز

دعا و نزدیک است و اجابت کننده. *

دوازدهم سال نود و پنج که آن سال راسنة الفقهاء می گفتند حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) از دنیا رحلت فرموده.

فصل هشتم در اعمال ماه صفر است

بدان که این ماه معروف به نُحُوسَت است و برای رفع نُحُوسَت هیچ چیز بهتر از تصدق و ادعیه و استعاذات وارده

نیست * و اگر کسی خواهد که محفوظ ماند از بلاهای نازله در این ماه در هر روز ده مرتبه بخواند چنانکه محدث

فیض و غیره فرموده: يَا شَدِيدَ الْقُوَى * وَيَا شَدِيدَ الْمِحَالِ * يَا عَزِيزِيَا عَزِيزِي

ای سخت نیرو * و ای سخت گیر * ای با عزت ای عزیز

يَا عَزِيزِي * ذَلَّتْ بِعَظَمَتِكَ جَمِيعُ خَلْقِكَ * فَكَفَنِي شَرَّ خَلْقِكَ * يَا

ای با عزت * از بزرگیت تمام خلقت در پیشگاه تو خوار است * پس شر خلقت را از من کفایت فرما * ای

مُحْسِنِيَا مُجْمَلِي * يَا مَنْعِي يَا مُفْضِلِي * يَا لِإِلَهِ الْإِنْتِ * سُبْحَانَكَ

احسان کننده ای نیکوکار * ای نعمت بخش ای عطا ده * ای که نیست معبود حقی جز تو * منزهی تو

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ * فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ * وَكَذَلِكَ

به درستی که من از ظالمانم * پس اجابت کردیم برایش و نجاتش دادیم از غم * و همچنین

نُجِّي الْمُؤْمِنِينَ * وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

نجات دهیم مؤمنان را * و رحمت خدای بر محمد و آل پاک و پاکیزه‌اش.

🌸 و سید دعایی برای هلال این ماه روایت کرده. **روز اول:** سنه‌سی و هفتم شروع به جنگ صفین شد و در این روز سنه شصت و یکم به قولی سر مبارک حضرت سید الشهداء (علیه السلام) را وارد دمشق کردند و بنی امیه آن روز را عید قرار دادند و آن روزی است که تازه می‌شود در آن آحزان:

كَانَتْ مَاتِمٌ بِالْعِرَاقِ تَعْدُهَا

روزهای غم و ماتم عراق بود که

أَمْوِيَّةٌ بِالشَّامِ مِنْ أَعْيَادِهَا

بنی‌امیه در شام عید خودشان می‌شمردند

و در این روز و به قولی روز سیّم سنه صد و بیست و یک زید بن علی بن الحسین شهید شده. **روز سیّم:** سید بن طاووس از کتب اصحابنا الامامیه نقل کرده که مستحب است در این روز دو رکعت نماز، در رکعت اول حمد و **إِنَّا فَتَحْنَا** و در دویم حمد و توحید بخواند و بعد از سلام صد مرتبه صلوات بفرستد و صد مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ الْعَنْ آلَ أَبِي سَفْيَانَ * و صد مرتبه استغفار کند پس حاجت خود را بخواهد. **روز هفتم:**

خدایا لعنت کن آل ابی سفیان را *

به قول شهید و کفعمی و دیگران و به قول شیخین در روز بیست و هشتم سنه پنجاهم شهادت حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) واقع شده. و در این روز سنه (۱۲۸) ولادت حضرت امام موسی (علیه السلام) در ابواء که نام منزلی است مابین مکه و مدینه واقع شده. **روز بیستم:** روز اربعین و به قول شیخین روز رُجوع حرم امام حسین (علیه السلام) است از شام به مدینه و روز ورود جابر بن عبدالله انصاری است به کربلا به جهت زیارت امام حسین (علیه السلام) و او اول زائر آن حضرت است و زیارت آن حضرت در این روز مستحب است. * و از حضرت عسکری (علیه السلام) روایت شده که فرمود: علامات مؤمن پنج چیز است، پنجاه و یک رکعت نماز فریضه و نافله در شب و روز گذاردن، و زیارت اربعین کردن و انگشتر بردست راست کردن، و جبین را در سجده بر خاک گذاشتن و بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را بلند گفتن. * و شیخ در تهذیب و مصباح زیارت مخصوصه این روز را از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرده و ما انشاء الله آن را در باب زیارات نقل خواهیم نمود. **روز بیست و هشتم:** سنه یازدهم روز وفات حضرت

خاتم الأنبياء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ است و روز وفات روز دوشنبه بوده بالاتفاق و در وقت وفات سنین عمر مبارکش به شصت و سه رسیده بود، چهل سال از سن شریفش گذشته بود که وحی بر حضرتش نازل شد و بعد از آن سیزده سال در مکه مردم را دعوت به خداپرستی نمود و پنجاه و سه سال داشت که به مدینه هجرت فرمود و در سال دهم هجرت وفات فرمود و امیرالمؤمنین (علیه السلام) متوجه غسل و حنوط آن حضرت شد و بعد از تغسیل و تکفین بر آن جناب نماز گذارد پس دسته دسته اصحاب آمدند و بدون امام بر آن حضرت نماز گذاردند. و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن جناب را در حجره طاهره در همان محلی که از دنیا رفته بود مدفون ساخت از انس بن مالک روایت است که چون از دفن پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فارغ شدیم حضرت فاطمه (علیها السلام) سوی من آمد و گفت: ای انس چگونه نفس شما همراهی کرد که خاک به صورت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بریزید پس گریست و فرمود:

يَا أَبَتَاهُ أَجَابَ رَبًّا دَعَاهُ
يَا أَبَتَاهُ مِنْ رَبِّهِ مَا آدَنَاهُ

پدر جان به پروردگاری که او را دعوت کرد پاسخ داد / پدر جان به پروردگار خود چه نزدیکی

وَلِنَعْمَ مَا قِيلَ (و چه خوب گفته): ای دو جهان زیر زمین از چه ای خاک نه ای خاک نشین از چه ای

* و به روایت معتبر است که آن مُخَدَّرَه مشتی از خاک پاک آن قبر مطهر گرفت و بر دیدگان گذاشت و گفت:

مَاذَا عَلَى الْمُشْتَمِ تَرِبَةً أَحْمَدٍ
أَنْ لَا يَشَمَّ مَدَى الزَّمَانِ غَوَالِيَا

سزاوار است که کسی که تریب احمد را بویید / در طول روزگار عطری نبودی

صَبَّتْ عَلَى مَصَائِبٍ لَوْ أَنَّهَا
صَبَّتْ عَلَى الْأَيَّامِ صِرْنَ لِيَالِيَا

ناگواریها و مصایبی بر من اصابت نمود که / اگر به روزها وارد شده بود شب می گردیدند

* و شیخ یوسف شامی در دُرِّ النَّظِيمِ نقل کرده که آن حضرت این اشعار را در مرثیه پدر فرموده:

قُلْ لِلْمَغْيِبِ تَحْتِ أَثْوَابِ الثَّرَى
إِنْ كُنْتَ تَسْمَعُ صَرَخَتِي وَنِدَائِيَا

بگو با آن نهان گردیده در زیر جامه های خاک / ناله ها و فریادهای جانکاه و ندایم را بشنو

صَبَّتْ عَلَى مَصَائِبٍ لَوْ أَنَّهَا
صَبَّتْ عَلَى الْأَيَّامِ صِرْنَ لِيَالِيَا

بر من مصایب و ناگواریهایی وارد آمد که / آن مصایب به روزها وارد می شد شبهای (تار) می گردید

لَا آخِشَ مِنْ ضَيْمٍ وَكَانَ حِمَالِيَا

و بیم و ترس از ظلم در سایهٔ حمایت او نداشتم

قَدْ كُنْتُ ذَاتَ حِمَىٰ بِظِلِّ مُحَمَّدٍ

من در سایهٔ حمایت محمد (ص) بودم

ضَيْمِي وَادْفَعْ ظَالِمِي بِرِدَائِيَا

و از ظلم می‌ترسم در حالیکه دافع و حامی من لباس من است

فَالْيَوْمَ أَخْضَعُ لِلذَّلِيلِ وَآتَقِي

لیکن امروز در برابر ناکسان به ناگزیر خاضع شده

شَجْنَا عَلَىٰ غُصْنِ بَكِيَّتِ صَبَاحِيَا

ناله کند و بگیرد من صبحگاهان می‌گیرم

فَإِذَا بَكَتْ قُمْرِيَّةٌ فِي لَيْلِهَا

پس چون شبانگاه قمری‌ای بر شاخساران

وَلَا جَعَلَنَّ الدَّمْعَ فَيْكَ وَشَاحِيَا

مونس خویشتن و گوهر اشک غم را زیور و گلوبند خود

فَلَا جَعَلَنَّ الحُزْنَ بَعْدَكَ مُوسِيَا

پس قرار دهم سوگ و حزن و غم را بعد از تو

روز آخر ماه: سنه دویست و سه به قول شیخ طبرسی و ابن اثیر شهادت امام رضا (علیه السلام) واقع شده به آن‌گور مَسْمُوم. سن مبارکش به پنجاه و پنج رسیده بود و قبر شریفش واقع شد در خانه حمید بن قحطبه در قریه سناباد از ارض طوس و در آن خانه است قبر رشید نیز.

فصل نهم در اعمال ماه ربیع الاول است

شب اول: سال سیزدهم بعثت مبداء هجرت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) بود از مکه معظمه به مدینه منوره و در آن شب در غار ثور مختفی شد و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) جان خود را فدای جان شریف او نمود و در جای آن حضرت خوابیده از شمشیرهای قبایل مشرکین پروا نکرد و فضل خود و مواساة و برادری خود را با حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) بر جمیع عالم ظاهر گردانید. * و آیه کریمه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾ در شأنش نازل شد * روز اول علماء گفته‌اند مستحب است که برای تشکر نعمت سلامتی رسول خدا و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما روزه بدارند * و زیارت آن دو بزرگوار در این روز مناسب است. و سید در اقبال برای این روز دعایی نقل فرموده. و در این روز به قول شیخ و کفعمی حضرت عسکری (علیه السلام) وفات کرده و مشهور روز هشتم است. و شاید در چنین روز، اول مرض آن حضرت بوده. **روز هشتم:** سنه دویست و شصت و فوات حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) واقع شده و حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه به منصب جلیل امامت فایز گردیده مناسب است آن دو بزرگوار را در این روز زیارت کردن. **روز نهم:** روز عید بزرگ و روز عید بقر است و از برای آن شرح بزرگی است که در جای خود ذکر شده. و روایتی نقل شده که هر که در این روز چیزی انفاق کند گناهانش آمرزیده شود * و گفته‌اند که مستحب است در این روز اطعام برادران مؤمن و خوشنود گردانیدن ایشان و توسعه دادن در نفقه و پوشیدن جامه‌های نو و شکر و عبادت حق تعالی کردن و این روز، روز برطرف

شدن غمها است و روز بسیار شریفی است و چون روز هشتم ماه وفات امام حسن عسکری (علیه السلام) بوده این روز، روز اول امامت حضرت صاحب الزمان أزواج العالمین فداءه و سبب مزید شرافتش خواهد بود. **روز دوازدهم:** به قول جناب کلینی و مسعودی و مشهور بین عامه، ولادت با سعادت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) است و مستحب است در آن دو رکعت نماز، در رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** و در دوم سه مرتبه توحید و در این روز نیز آن حضرت به مدینه ورود فرمود. و شیخ فرموده که در مثل چنین روز از سنه صد و سی و دو دولت بنی مروان منقضی شد. **روز چهاردهم:** سنه شصت و چهار، یزید بن معاویه به درکات جحیم شتافت و در اخبار الدول است که یزید به مرض ذات الجنب در حوران از دنیا رفت جنازه اش را به دمشق آوردند و در باب صغیر او را دفن کردند و قبرش اینک مزبله می باشد و سنین عمرش به سی و هفت رسیده بود و خلافتش سه سال و نه ماه طول کشید انتهی. **شب هفدهم:** شب ولادت حضرت خاتم الأنبیاء صلوات الله علیه و شب بسیار مبارکی است و سید نقل کرده که در مثل چنین شب نیز قبل از هجرت به یکسال معراج آن حضرت بوده. **روز هفدهم:** بنا بر مشهور بین علماء امامیه روز ولادت با سعادت حضرت خاتم الأنبیاء محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) است و معروف آن است که ولادت با سعادتش در مکه معظمه در خانه خود آن حضرت واقع شده در روز جمعه در وقت طلوع فجر در عام الفیل در ایام سلطنت انوشیروان عادل. و نیز در این روز شریف سنه هشتاد و سه ولادت حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) واقع شده و باعث مزید فضل و شرافت این روز گردیده. و بالجمله این روز روز بسیار شریفی است و از برای آن چند عمل است. **۱** اول: غسل. **۲** دوم: روزه و از برای آن فضیلت بسیار است و روایت شده که هر که این روز را روزه بدارد ثواب روزه یک سال خدا برای او بنویسد و این روز یکی از آن چهار روز است که در تمام سال به فضیلت روزه ممتاز است. **۳** سییم: زیارت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) از نزدیک و دور. **۴** چهارم: زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به همان زیارتی که حضرت صادق (علیه السلام) کرده و تعلیم محمد بن مسلم فرموده و بیاید انشاء الله در باب زیارت. **۵** پنجم: در وقتی که روز بلند شود دو رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** و ده مرتبه توحید بخواند و بعد از سلام در مصلائی خود بنشیند و این دعا بخواند: **اللَّهُمَّ أَنْتَ حَيٌّ لَا تَمُوتُ الخ.** و این دعای مبسوطی است و چون سَنَدش را منتهی به معصوم ندیدم مراعات اختصار را اَهَمَّ دیدم، هر که طالب است رجوع به زاد المعاد نماید. **۶** ششم: آنکه مسلمانان این روز را تعظیم بدارند و تصدق و خیرات بنمایند و مؤمنین را مسرور کنند و به زیارت مشاهد مشرفه روند. و سید در اقبال شرحی از لزوم تعظیم این روز ذکر نموده و فرموده که: من یافتم طایفه نصاری و

جمعی از مسلمین را که تعظیم بزرگی از روز ولادت عیسی (علیه السلام) می نمایند و تعجب کردم که چگونه مسلمانان قانع شدند که روز مولود پیغمبرشان که اعظم از همه پیغمبران است به این مرتبه از تعظیم باشد که ادون از تعظیم نصاری است مولد عیسی (علیه السلام) را.

فصل دهم در ماه ربیع الثانی و جمادی الاولی و جمادی الآخره است

سید بن طاووس برای هر روز از اول این سه ماه دعایی نقل کرده و شیخ مفید فرموده که: در روز دهم ماه ربیع الثانی سنه دویست و سی و دو حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) متولد شده است و روز شریف بسیار مبارکی است و مستحب است که به شکر این نعمت عظمی روزه بدارند. * و در روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه جمادی الاولی زیارت حضرت فاطمه زهراء صلوات الله علیها و اقامه ماتم آن مظلومه مناسب است زیرا که در روایت صحیحی وارد شده که آن حضرت بعد از پدر بزرگوار خود هفتاد و پنج روز در دنیا بود و وفات فرمود. و بنا بر مشهور که وفات حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در بیست و هشتم صفر بوده باید وفات آن مخدّره در یکی از این سه روز واقع شده باشد. و در روز نیمه سنه سی و شش فتح بصره بر امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ولادت حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) شده و زیارت هر دو امام در این روز مناسب است. * و اما اعمال ماه جمادی الآخرة: پس سید بن طاووس رضی الله عنه نقل کرده است که در این ماه در هر وقت که خواهد چهار رکعت نماز بکند یعنی به دو سلام، در رکعت اول بخواند حمد و یک مرتبه آیه الکرسی و بیست و پنج مرتبه **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** و در رکعت دوم حمد و یک مرتبه **الْهِكْمِ التَّكَاثُرِ** و بیست و پنج مرتبه **قُلْ هُوَ اللَّهُ** و در رکعت سیم حمد و یک مرتبه **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** و بیست و پنج مرتبه **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ** و در رکعت چهارم، حمد و یک مرتبه **إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ** و بیست و پنج مرتبه **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ** و بعد از سلام رکعت چهارم هفتاد مرتبه بگوید: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ** و هفتاد مرتبه: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى مُحَمَّدٍ** پس سه مرتبه بگوید: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ**، پس سربه سجده گذارد و بگوید سه مرتبه: **يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ * يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ * يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ** * پس هر حاجت که دارد از حق تعالی طلب نماید. هر که چنین کند خدا خودش را و مالش را و زنان و فرزندان او را و دین و دنیای او را تا سال دیگر حفظ کند و اگر در این

سال بمیرد بر شهادت بمیرد یعنی ثواب شهیدان داشته باشد. **روز سیّم:** سنه یازدهم وفات حضرت فاطمه (علیها السلام) واقع شده، پس باید در این روز شیعیان به مراسم تعزیت آن حضرت قیام نمایند و زیارت آن مظلومه و نفرین بر ظالمان و غاصبان حق او کنند. * و سیّد بن طاووس در اقبال ذکر فرموده این زیارت را برای آن حضرت بعد از ذکر وفات آن

حضرت در این روز: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ**

درود بر تو باد ای بانوی زنان جهان * درود و سلام بر تو باد

يَا وَالِدَةَ الْمُحْجَجِ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ

ای مادر امامان همه مردم * درود باد بر تو ای ستمدیده ای که

الْمَمْنُوعَةَ حَقَّهَا * پس بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّتِكَ وَابْنَةِ نَبِيِّكَ * وَزَوْجَةِ

حقت را به زور گرفتند * بار خدایا رحمت فرست بر کنیزت و دختر پیغمبرت * و همسر

وَصِيِّ نَبِيِّكَ * صَلَاةٌ تَزْلِفُهَا فَوْقَ زُلْفَى عِبَادِكَ الْمَكْرَمِينَ مِنْ أَهْلِ

وصی پیغمبرت * رحمتی که او را برتر از نزدیکی بندگان گرامیت از اهل آسمانها و

السَّمَاوَاتِ وَاهْلِ الْأَرْضِينَ * به تحقیق که روایت شده است که هر که به این زیارت آن حضرت

اهل زمینها نزدیک گرداند. *

را زیارت کند و از خدا طلب آمرزش کند حق تعالی گناهانش را بیامرزد و او را داخل بهشت گرداند. * مؤلف گوید

که: نجّل سیّد بن طاووس نیز این زیارت را در کتاب زوائد الفوائد نقل کرده و گفته که مختص به روز وفات آن حضرت

که سیّم ماه جمادی الآخرة باشد. و کیفیت زیارت را به این طریق فرموده که نماز می کنی نماز زیارت یا نماز خود آن

حضرت را و آن دو رکعت است در هر رکعت بعد از حمد شصت مرتبه سوره **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** می خوانی و اگر

نتوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** بخوان و در رکعت دوم سوره **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ**

و چون سلام گفתי بگو **السَّلَامُ عَلَيْكَ** تا آخر زیارت مذکوره. **روز بیستم:** سال پنجم یا دوم از بعثت ولادت با

سعادت حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) واقع شده و در آن چند عمل مناسب است. **۱** اول: روزه. **۲** دوم:

خیرات و صدقات بر مؤمنین. **۳** سیّم: زیارت آن بی بی دنیا و آخرت و بیاید کیفیت زیارت آن حضرت بعد از این.

فصل یازدهم در اعمال هر ماه نو و اعمال عید نوروز و اعمال ماههای رومی است

اما اعمال هر ماه نو چند چیز است. **۱** اول: خواندن دعاهاى منقوله در وقت رؤیت هلال که بهترین آنها

دعای چهل و سیّم صحیفه کامله است که در اول ماه رمضان ذکر شد. **۲** دوم: خواندن هفت مرتبه سوره

حمد برای دفع درد چشم. ﴿۳﴾ سیّم: اندکی پنیر خوردن. روایت است که هرکس مقید کند خود را به خوردن آن در اوّل هر ماه امید است که حاجتش در آن ماه ردّ نشود. ﴿۴﴾ چهارم: در شب اوّل دو رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند و از حق تعالی سؤال کند که او را از هر ترسی و دردی ایمن گرداند و نبیند در آن ماه امری را که مکروه او باشد. ﴿۵﴾ پنجم: در روز اوّل دو رکعت نماز کند، در رکعت اوّل بعد از حمد سی مرتبه **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و در رکعت دوّم بعد از حمد سی مرتبه **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** بخواند و بعد از نماز تصدّقی کند. چون چنین کند سلامتی خود را در آن ماه از حق تعالی بخرد. * و از بعضی روایات نقل است که بعد از نماز بخواند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ

به نام خداوند بخشنده مهربان * و نیست جنبدهای در زمین مگر آنکه بر خداست

رِزْقُهَا * وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا * كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ *

روزیش * و می‌داند خدا جایگاه و پایگاهش را همه اینها در دفتری روشن است *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَ إِن يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ

به نام خداوند بخشنده مهربان * اگر خدا زیانی به تو رساند برطرف کننده‌ای

لَهُ وَ الْأُهو * وَ إِن يردك بخير فلا راد لفضله * يصيب به من

جز خود او ندارد * و اگر خیر برایت خواهد جلوگیری برای فضل او نباشد * برساند آن را به

يشاء من عباده * وَ هو الغفور الرحيم * بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

هر که خواهد از بندگانش * و اوست آمرزنده مهربان * به نام خداوند بخشنده

الرحيم * سيجعل الله بعد عسر يسرا * ما شاء الله لا قوة

مهربان * به زودی خداوند بعد از سختی آسانی دهد * آنچه خدا خواهد شود نیست قوت

الابالله * حسبنا الله و نعم الوكيل * وَ افوض امرى الى الله

و نیرویی جز به خدا * بس است خدا برای ما و چه خوب و کیلی است * و واگذارم کارم را به خدا

ان الله بصير بالعباد * لا اله الا انت * سبحانك انى

* زیرا که خدا بینا به بندگان است * نیست معبود حقى جز تو * منزهی به راستی

كنت من الظالمين * رب انى لما انزلت الى من خير فقير *

من بودم از ستمکاران * پروردگارا من بدانچه برابم فرستی از خیر و خوبی نیازمندم *

رب لا تذرني فردا * و انت خير الوارثين * و اما اعمال عید نوروز:

پروردگارا مگذارم تنها * و تو بهترین وارثانی. *

پس چنان است که حضرت صادق (علیه السلام) به مُعَلَّى بن خنیس تعلیم فرموده که: چون روز نوروز شود غسل کن و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش و به بهترین بوهای خوش خود را خوشبوگردان و در آن روز روزه بدار پس چون از نماز پیشین و پسین و نافله‌های آن فارغ شوی چهار رکعت نماز بگذار یعنی هر دو رکعت به یک سلام و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** بخوان و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه سوره **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** و در رکعت سیم بعد از حمد ده مرتبه سوره **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و در رکعت چهارم بعد از حمد ده مرتبه **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ** و **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ** بخوان * و بعد از نماز به سجده شکر برو

و این دعا را بخوان: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَالِ مُحَمَّدٍ * الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ**

بار خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد (ع) * اوصیاء پسندیده

*** وَ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ * وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ**

* و هم بر همه پیامبران و فرستادگانت به بهترین رحمت‌هایت * و برکت ده بر

بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ * وَ صَلِّ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ * اللَّهُمَّ بَارِكْ

ایشان به بهترین برکاتت * و بر جسم و جانشان رحمت فرست * بار خدایا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَالِ مُحَمَّدٍ * وَ بَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا * الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَ

بر محمد و آل محمد برکت ده * و به ما در این روزی که برتریش دادی * و گرامیش نمودی

وَ كَرَّمْتَهُ وَ شَرَّفْتَهُ وَ عَظَّمْتَ خَطَرَهُ * اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِيْمَا أَنْعَمْتَ

و شرافت و بزرگیش بخشیدی برکت ده * بار خدایا مرا در آنچه در آن بر من انعام کردی

بِهِ عَلَيَّ * حَتَّى لَا أَشْكُرَ أَحَدًا غَيْرَكَ * وَ وَسَّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي * يَا ذَا الْجَلَالِ

برکت ببخش * تا به غیر از تو دیگری را سپاس نکنم * و در روزیم گشایش و وسعت ده * ای صاحب

وَ الْإِكْرَامِ * اللَّهُمَّ مَا غَابَ عَنِّي فَلَا يَغِيبَنَّ عَنِّي عَوْنُكَ وَ حِفْظُكَ * وَ مَا

جلال و بزرگواری * بار خدایا هر چه از من نهان باشد پس کمک و نگهداری تو از من نهان مباد * و هر چیز

فَقَدْتُ مِنْ شَيْءٍ فَلَا تَفْقِدْنِي عَوْنُكَ عَلَيْهِ * حَتَّى لَا أَتَكَلَّفَ مَا لَا أَحْتَاجُ

را گم کنم پس مبادا گمم کنی یاریت را * تا به رنج و زحمت نیفتم برای آنچه محتاج

إِلَيْهِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ * چون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده شود، و بسیار بگو

آن نیستم ای صاحب جلالت و بزرگواری *

یا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ . ❁ اما اعمال ماههای رومی: پس ما در اینجا اکتفا می‌کنیم به آنچه که در زادالمعاد است. سید جلیل علی بن طاوس (رحمته الله علیه) روایت کرده است که روزی جمعی از اصحاب نشسته بودند، حضرت رسالت پناه (رحمته الله علیه) داخل شد و برایشان سلام فرمود و ایشان جواب سلام گفتند. پس حضرت فرمود که: می‌خواهید تعلیم نمایم شما را دوائی که جبرئیل مرا تعلیم کرده است که محتاج به دوائی اطبا نبوده باشم؟ پس حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و سلمان و دیگران سؤال نمودند که آن دوا چیست؟ حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطاب نمود و فرمود که: در ماه نیسان رومی آب باران می‌گیری و سوره فاتحه کتاب و آیه الكرسی و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ هر یک را هفتاد بار می‌خوانی و به روایت دیگر سوره اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ رَانِيزَهْفَتَاد مرتبه می‌خوانی و هفتاد مرتبه اللَّهُ أَكْبَرُ و هفتاد مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ می‌گوئی و هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد می‌فرستی و هفت روز در بامداد و پسرین از آن آب می‌آشامی، به حق آن خداوندی که مرا براستی بر خلق مبعوث گردانیده است سوگند یاد می‌کنم که جبرئیل گفت که: حق تعالی بردارد از کسی که این آب را می‌آشامد هر دردی را که در بدنش باشد و عافیت بخشد او را و بیرون کند دردها را از بدن او و استخوانهای او و اگر در لوح دردی برای او مقدر شده باشد محو نماید. و به حق پروردگاری که مرا به حق فرستاده اگر فرزند نداشته باشد و فرزند خواهد آب نیسان را به آن نیت بیاشامد او را فرزند روزی گردد و اگر زن عقیم باشد و فرزند نیاورد و از این آب با نیت بیاشامد فرزند از او بوجود آید و اگر مرد و زن پسر خواهند یا دختر، از آن آب بیاشامند مقصود ایشان به عمل آید چنانچه حق تعالی می‌فرماید: ﴿يَهْبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهْبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ ۝ أَوْ يَزُوْجَهُمْ ذُكْرَانًا وَ إِنَاثًا وَ يَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا﴾ یعنی: (حق تعالی می‌بخشد هر که را خواهد دختران و هر که را خواهد پسران یا جفت می‌گرداند برای ایشان پسران و دختران یعنی هر دو را به ایشان عطا می‌کند و هر که را خواهد عقیم و بی فرزند گرداند) پس حضرت فرمود که: اگر کسی درد سرداشته باشد و از این آب بیاشامد صداع او ساکن گردد به قدرت الهی. و اگر درد چشم داشته باشد و در چشمهای خود قطره‌ای از این آب بچکاند و بیاشامد و چشمهای خود را از آن آب بشوید به اذن خدای تعالی شفا یابد. و آشامیدن از آن آب بُن دندانها را محکم گرداند و دهان را خوشبو کند و لعاب بُن دندانها را کم کند و بلغم را کم کند و تَحْمَهُ و امْتِلَا به سبب خوردن طعام و آشامیدن آب به هم نرساند و از بادهای قولنج و غیر آن متأذی نگردد و درد پشت و درد شکم بهم نرساند و از زُکام آزار نکشد و درد دندان بهم نرساند و درد معده و کرم معده را زایل

گرداند و محتاج به حجامت نگردد و از مرض بواسیر و خارش بدن و آبله و دیوانگی و خوره و پیسی و رُعاف و قیّ نجات یابد و کور و لال و کر و زمینگیر نشود و آب سیاه در دیده اش نزول نکند و دردی که موجب افطار روزه و نقصان نماز او باشد او را عارض نگردد و از وسوسه های جنیان و شیاطین متأذی نگردد. پس حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود که: جبرئیل گفت هر که از این آب بیاشامد و به جمیع دردهائی که در مردم می باشد مبتلا باشد موجب شفا از جمیع آنها گردد. پس جبرئیل گفت: به حق خداوندی که تو را به راستی فرستاده هر که این آیات را بر این آب بخواند و بیاشامد حق تعالی دلش را مملو گرداند از نور و روشنی و الهام خود را در دل او وارد سازد و حکمت بر زبان او جاری گرداند و پر کند دل او را از فهم و بینائی و به او عطا کند از کرامتها آنچه به احدی از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت و هزار رحمت بر او بفرستد و غش و خیانت و غیبت و حسد و بَغی و کبر و بخل و حرص و غضب را از دل او بردارد و از عداوت و دشمنی مردم و بدگویی ایشان نجات یابد و موجب شفاء جمیع امراض او گردد. * مؤلف گوید که: این روایت مشهور به عبدالله بن عمر منتهی می شود و به این سبب سندش ضعیف است و فقیر به خط شیخ شهید دیدم که این روایت را از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت کرده بود با همین خواص و سوره ها اما آیات و اذکار را به این روش روایت کرده است که می خوانی بر آب نیسان فاتحة الكتاب و آیه الكرسي و قل يا ايها الكافرون و سبح اسم ربك الاعلى و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد هريك راهفتاد مرتبه و می گوئی هفتاد مرتبه لا اله الا الله و هفتاد مرتبه الله اكبر و هفتاد مرتبه اللهم صل على محمد و آل محمد و هفتاد مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و در خواص آن مذکور است که اگر در زندان باشد و از آن آب بیاشامد از حبس نجات یابد و سردی بر طبع او غالب نگردد و اکثر آن خواص که مذکور شد در این روایت نیز مذکور است. و آب باران مطلقاً مبارک است و منفعت دارد خواه در نیسان بیارد و خواه در غیر آن. چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) منقول است که بیاشامید آب آسمان را که پاک کننده بدن شما است و دردها را دفع می کند چنانچه حق تعالی می فرماید: ﴿ اذ يغشاكم النعاس امانة منه و ينزل عليكم من السماء ماء ليطهركم به و يذهب عنكم رجز الشيطان و ليربط على قلوبكم و يثبت به الاقدام ﴾ (می فرستد حق تعالی بر شما از آسمان آبی برای آنکه پاک گرداند شما را به آن و ببرد از شما وسوسه شیطان را و دلهای شما را محکم گرداند و ثابت گرداند به آن قدمهای شما را). و در عمل نیسان بهتر آن است که اگر جمعی خوانند هر یک مجموع آن سوره ها و اذکار

را هفتاد مرتبه بخوانند و از برای آنها که می خوانند فایده اش عظیمتر و ثوابش بیشتر است. و در این سالها بعد از بیست و سه روز که از نوروز بگذرد تقریباً داخل نیشان ماه رومی می شوند و ماه نیشان سی روز است * و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که در هفتم حزیران البته حجامت بکن و اگر میسر نشود در چهاردهم بکن و اول حزیران تقریباً هشتاد و چهارم نوروز است و آن نیز سی روز است و حزیران ماه نحسی است چنانچه در حدیث معتبر منقول است که در خدمت حضرت صادق (علیه السلام) ماه حزیران مذکور شد حضرت فرمود که: این ماهی است که حضرت موسی در این ماه نفرین کرد بر بنی اسرائیل و در یک شب و یک روز سیصد هزار کس ایشان مردند. و باز به سند معتبر از آن حضرت منقول است که حق تعالی اجلها را در ماه حزیران نزدیک می گرداند یعنی موت در آن بسیار می باشد. * و بدانکه ماههای رومی بنایش بر حرکت آفتاب است و عدد آنها دوازده است بدین ترتیب: تشرین الاول، تشرین الآخر، کانون اول، کانون آخر، شباط، آذر، نیشان، ایار، حزیران، تموز، آب، ایلول. و چهار ماه را سی می گیرند که آنها تشرین الاخر و نیشان و حزیران و ایلولند، و هفت دیگر غیر شباط را، سی و یک می گیرند و شباط را در سه سال متوالی بیست و هشت می گیرند و در سال چهارم که سال کبیسه ایشان است بیست و نه می گیرند و سال ایشان سیصد و شصت و پنج روز و ربعی است و تشرین الاول که اول سال ایشان است در این سالها موافق نوزده درجه میزان است و تفصیلش در کتاب بحار الانوار مذکور است و چون این ماهها در احادیث مذکور شده است مجملی در اینجا ایراد نمودیم. انتهی.

باب سیّم در زیارات است

و مشتمل است بر یک مقدمه و چند فصل و یک خاتمه:

مقدمه در آداب سفر است

چون اراده سفر کنی سزاوار آن است که روزه بداری روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را و اختیار نمائی روز شنبه را یا روز سه شنبه را یا روز پنجشنبه را و اجتناب کن از سفر کردن در روز دوشنبه و چهارشنبه و پیش از ظهر روز جمعه و از سفر کردن در این ایام که در این نظم واقع شده:

هفت رُوزی نحس باشد در مَهی زان حذر کن تا نیابی هیچ رنج

سه و پنج و سیزده با شانزده بیست و یک با بیست و چهار و بیست و پنج

در بعضی روایات نقل شده که بیست و یکم سفر کردن خوبست و در روز هشتم و بیست و سیّم خوب نیست. و سفر مکن در محاق شهر و در حالیکه قمر در برج عقرب باشد و اگر ضرورتی حاصل شود برای سفر کردن در این

اوقات دعا‌های سفر را بخوان و تصدّق کن و هر وقت که خواهی به سفر رو. * و روایت شده که مردی از اصحاب حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) اراده سفری کرد، خدمت آن حضرت رسید تا وداع کند با آن جناب، حضرت به او فرمود که: پدرم علی بن الحسین (علیه السلام) هرگاه اراده می نمود که بیرون رود به سوی بعضی املاک خود، می خرید سلامتی خود را از خدا به آنچه آسان بود برای او یعنی به دادن صدقه به هر چه که ممکن بود و این در وقتی بود که پای خود را در رکاب می گذاشت و چون به سلامت از سفر مراجعت می کرد شکر می کرد خدا را و تصدّق می داد به آنچه که ممکن بود. آن مرد وداع کرد و رفت و به جا نیاورد آنچه را که آن حضرت فرموده بود پس هلاک شد در راه، این خبر به امام محمد باقر (علیه السلام) رسید فرمود: این مرد پند داده شد اگر می پذیرفت، * و سزاوار است که پیش از متوجّه شدن غسل بکنی پس جمع می کنی اهل خود را نزد خود و دو رکعت نماز می گذاری و از خدا خیر خود را سؤال می نمائی و آیه الکرسی می خوانی و حمد و ثنای الهی به جا می آوری و صلوات بر

حضرت رسول و آل او صلواتُ اللّهِ عَلَیْهِمْ می فرستی * و می گوئی: **اللّهُمَّ اِنِ اسْتَوَدِعَكَ الْیَوْمَ**

بار خدایا من به تو سپردم امروز

نَفْسِی وَ اَهْلِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی * و مَنْ کَانَ مَنِّی بِسَبِیْلِ الشَّاهِدِ

خودم و خاندانم و داراییم و فرزندانم * و هر کس با من راهی دارد چه حاضر است

مِنْهُمْ وَ الْغَائِبِ * **اللّهُمَّ** حَفِظْنَا بِحِفْظِ الْاِیْمَانِ وَ احْفَظْ عَلَیْنَا

از آنها و چه غایب * بارالها ما را نگهدار به نگهداری ایمان و حفظ کن بر ما

* **اللّهُمَّ** اجْعَلْنَا (اجْمَعْنَا) فِی رَحْمَتِكَ * وَ لَا تَسْلُبْنَا فَضْلَكَ اِنَّا اِلَیْكَ

* بار خدایا قرار ده ما را در رحمتت * و فضلت را از ما مگیر زیرا که ما به سوی

رَاغِبُونَ * **اللّهُمَّ** اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ * وَ کِثَابَةِ

تو مشتاقیم * بار خدایا ما به تو پناه می بریم از سختی سفر * و نومید

الْمُنْقَلَبِ * وَ سَوْءِ الْمَنْظَرِ فِی الْاَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ فِی الدُّنْیَا

برگشتن * و دیدار بدی در اهل و مال و فرزند در دنیا و

وَ الْاٰخِرَةِ * **اللّهُمَّ** اِنِ اتَّوَجَّهْتُ اِلَیْكَ * هَذَا التَّوَجُّهُ طَلَبًا لِمَرْضَاتِكَ *

آخرت * بار خدایا من رو می کنم به درگاه تو * در این توجه که جویای رضای توام *

وَ تَقَرُّبًا اِلَیْكَ * (اللّهُمَّ) فَبَلِّغْنِی مَا اَوْمَلْتَهُ * وَ اَرْجُوهُ فِیْكَ وَ فِی اَوْلِیَائِكَ

و نزدیک شوم به سوی تو * پس برسان مرا بدانچه آرزو دارم و امیدوارم از تو و اولیائت

یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * پس وداع کن اهل خود را * و برخیز و بر در خانه بایست و تسبیح حضرت

* ای مهربانترین مهربانان عالم. *

فاطمه (علیها السلام) را بخوان و سوره حمد را از پیش رو و از جانب راست و از جانب چپ بخوان و همچنین آیه الکرسی

راز سه جانب بخوان * و بگو: **اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي * وَ عَلَيْكَ خَلَفْتُ**

بار خدایا به درگاه تو روی آوردم * و بر عهده تو به جا گذاشتم

أَهْلِي وَ مَالِي وَ مَا خَوَّلْتَنِي * وَ قَدْ وَثِقْتُ بِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي * يَا مَنْ لَا

خاندان و داراییم را و آنچه به من دادی * من به تو وثوق دارم مرا نومید مساز * ای که نومید

يُخَيِّبُ مَنْ أَرَادَهُ * وَ لَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفَظَهُ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

نشود هر که او را قصد کند * و گم نشود هر که او را حفظش کند * بار خدایا رحمت فرست بر محمد

وَ ءَالِهِ * وَ احْفَظْنِي فِيمَا غَبْتُ عَنْهُ * وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي يَا اَرْحَمَ

و آل محمد * و حفظ کن مرا در آنچه از آن غایبم * و مرا به خودم وامگذار ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ * الدُّعَاءُ پَسِ بَخْوَانِ سُوْرَةِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ رَايَزْدَهٗ مَرْتَبَهٗ وَ سُوْرَةِ اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ وَاٰيَةَ

مهربانان عالم. *

الکرسی و سوره قل اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ وَ قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ پس دست بر جمیع بدن خود بمال

وَ تَصَدَّقْ كُنْ بِهٖ هَرَجَهٗ مِيْسِرًا بِشَدِّ * وَ بگو: **اللَّهُمَّ اِنِّي اشْتَرَيْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ سَلَامَتِي**

خدایا من خریدم بدین صدقه سلامتی خود

* وَ سَلَامَةَ سَفَرِي وَ مَا مَعِيَ * اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ

* و سلامتی سفرم را و آنچه با خود دارم * بار خدایا حفظ کن مرا و حفظ کن آنچه با من است

* وَ سَلِّمْ عَلَيَّ وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ * وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ

* و سلامت دار مرا و سلامت دار آنچه با من است * و برسان مرا و آنچه با من است به رسانیدن نیکو

الْجَمِيْلِ * و با خود بردار عصائی از چوب درخت بادام تلخ که روایت شده که هر که به سفری رود و با خود

و خوش *

بردارد عصاء بادام تلخ * و بخواند: **وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلَقَّاءَ مَدِيْنٍ تَا وَ اللّٰهُ عَلٰی مَا نَقُوْلُ وَ كَيْلٍ وَ**

این در سوره قصص است حق تعالی او را ایمن گرداند از هر سَبُعِ دَرْتَنده و از هر دزد ظلم کننده و از هر حیوان صاحب زهری تا به خانه خود برگردد و با او باشد هفتاد و هفت ملک که طلب آموزش کند برای او تا برگردد و عصا را بگذارد. * و سُنَّت است که با عمامه بیرون روی و سر عمامه در زیر حنک بگردانی تا اینکه به تو آسیبی نرسد از دزد

و غرق شدن و سوختن و قدری از تربت امام حسین (علیه السلام) با خود بردار * و در وقت برداشتن بگو: **اللَّهُمَّ هَذِهِ**

خدایا این

طِينَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لِيكَ وَ بِنِ وَلِيكَ * اتَّخَذْتُهَا حِرْزًا

خاک قبر حسین علیه السلام است * که ولی توست و پسر ولی توست * برگرفتم آن را تا پناهم

لِمَا أَخَافُ وَ مَا لَا أَخَافُ * وَ بَا خُودِ بَرْدَارِ اَنگِشْتَرِ عَقِيقِ وَ فِی رُوزِجِ وَ خُصُوصِ اَنگِشْتَرِیِ کِه عَقِيقِ

باشد از آنچه می ترسم و از آنچه نمی ترسم *

آن زرد باشد و بر یک طرفش نقش باشد **مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ * اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ** * و بر طرف

دیگرش **مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ**، * سید بن طاوس در امان الاخطار روایت کرده از ابو محمد قاسم بن علا از صافی

خادم امام علی النقی (علیه السلام) که گفت: رخصت طلبیدم از آن حضرت که به زیارت جدش امام رضا (علیه السلام) بروم.

فرمود که: با خود انگشتری داشته باش که نگینش عقیق زرد باشد و نقش نگین **مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا**

بِاللَّهِ * اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ * باشد و بر روی دیگر نگین **مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ** نقش کرده باشند چون این انگشتر

را با خود داری امان یابی از شر دزدان و راهزنان و برای سلامتی تو تمام تر است و دین ترا حفظ کننده تر است.

خادم گوید: بیرون آمدم و انگشتری که حضرت فرمود بهم رسانیدم و برگشتم که وداع کنم، چون وداع آن

حضرت کرده برگشتم و دور شدم، فرمود که: مرا برگردانند چون برگشتم، فرمود: ای صافی گفتم **لَبَّيْكَ يَا سَيِّدِي**.

فرمود که: انگشتر فیروزه هم باید با خود داشته باشی به درستی که میان طوس و نیشابور شیری بر خواهد خورد

به تو و قافله را منع خواهد کرد از رفتن، تو پیش برو و این انگشتر را به شیر بنما و بگو مولای من می گوید که دور

شو از راه. * و باید که بر یک طرف نگین فیروزه **اللَّهُ الْمَلِكُ** نقش کنی و بر طرف دیگر **الْمَلِكُ لِلَّهِ**

الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ زیرا که نقش انگشتر امیر المؤمنین (علیه السلام) **اللَّهُ الْمَلِكُ** بود، چون خلافت بر آن جناب

برگشت **الْمَلِكُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ** نقش کرد و نگینش فیروزه بود و چنین نگین امان می بخشد از

حیوانات درنده و باعث ظفر و غلبه می شود در جنگها. صافی گوید که: رفتم به سفر و به خدا سوگند در همان

مکان که حضرت فرموده بود شیر بر سر راه آمد و آنچه فرموده بود به عمل آوردم و شیر برگشت. چون از زیارت

برگشتم آنچه گذشته بود به خدمت آن جناب عرض کردم فرمود که: یک چیز ماند نگفتی، اگر خواهی من نقل کنم گفتم: ای آقای من شاید فراموش کرده باشم، فرمود که: شبی در طوس نزدیک قبر شریف شب را به سر می بردی گروهی از جنیان به زیارت قبر آن حضرت آمده بودند آن نگین را در دست تو دیدند و نقش آن را خواندند پس آن را از دست تو به در آورده، بردند به نزد بیماری که داشتند و آن انگشتر را در آبی شسته آب آن را به بیمار خود خوراندند و بیمارشان صحت یافت پس انگشتر را برگردانیدند و تو در دست راست کرده بودی ایشان در دست چپ تو کردند، تو از این مطلب تعجب بسیار کردی و سبب آن را ندانستی و نزدیک سر خود یاقوتی یافته، برداشتی و الحال همراه تو است ببر بازار و آن را به هشتاد اشرفی خواهی فروخت و این یاقوت هدیه آن جنیان است که برای تو آورده بودند. خادم گفت: یاقوت را به بازار بردم و به هشتاد اشرفی فروختم، همچنانکه سیدم فرموده بود. و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که کسی که بخواند آیه الکرسی را در سفر در

هر شب سالم بماند و سالم بماند آنچه با اوست و بگوید: **اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَسِيرِي عِبْرًا**
 بار خدایا رفتار مرا عبرت *

وَ صَمْتِي تَفَكْرًا * و کلامی ذکرًا * و از حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) مروی است که فرمود:
 و خاموشیم را اندیشه * و گفتارم را ذکر قرار ده *

من پروا نمی کنم هرگاه بگویم این کلمات را اگر جمع شوند برای ضرر من جنّ و انس: **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ**
 به نام خدا و به ذات خدا

وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ * و **فِي سَبِيلِ اللَّهِ** * **اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَسَلْتُ نَفْسِي**
 * و از خدا و به سوی خدا * و در راه خدا * بار خدایا خود را به تو تسلیم کردم

وَ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي * و **إِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي** * **فَاَحْفَظْنِي بِحِفْظِ**
 و به درگاه تو روی آوردم * و به تو واگذاردم کارم را * پس مرا حفظ فرمای به حفظ

الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيْ وَ مِنْ خَلْفِي * و **عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي** * و **مِنْ**
 ایمان از جلو و دنبال سر * و از راست و از چپ من * و از بالای

فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي * و **ادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ** * **فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ**
 سر من و از زیر پایم * و دفع کن از من به قدرت و حول خود * به درستی که هیچ جنبش و توانی نیست

إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * مؤلف گوید: ادعیه و آداب سفر بسیار است و ما در اینجا اقتصار
 مگر به خداوند بلند مرتبه بزرگ مقام. *

می‌کنیم به ذکر چند ادب: **۱** اول: آنکه سزاوار است برای شخص هرگاه سوار می‌شود بِسْمِ اللّٰهِ را ترک نکند.

۲ دوم: آنکه نفقه خود را حفظ کند و در جای محکم بگذارد زیرا که روایت شده که از فقه مسافر است حفظ کردن نفقه خود. **۳** سیّم: آنکه در سفر اعانت رفاقت کند و از خدمت و کار کردن در حوائج ایشان مضایقه نکند تا حق تعالی بر طرف کند از او هفتاد و سه اندوه و پناه دهد او را در دنیا از هم و غم و بر طرف کند از او اندوه بزرگ روز قیامت را. * و روایت است که حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) سفر نمی‌کرد مگر با اشخاصی که شناسند آن حضرت را، برای آنکه در راه اعانت آنها نماید زیرا که هرگاه می‌شناختند آن جناب را نمی‌گذاشتند که آن حضرت کاری بکند. * و از اخلاق شریفه حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) نقل شده که وقتی با اصحاب در سفر بود خواستند گوسفندی بکشند، یکی گفت: کشتن گوسفند با من، دیگری گفت: کندن پوست او با من و دیگری گفت: پختن او با من، حضرت فرمود: جمع کردن هیزمش با من، گفتند یا رسول الله این کار را ما خواهیم کرد شما زحمت نکشید، فرمود: می‌دانم شما این کار را خواهید کرد لکن من خوشم نمی‌آید که از شما امتیازی پیدا کنیم زیرا که حق تعالی کراهت دارد که ببیند بنده خود را که فضیلت داده خودش را به رفقایش. * و بدان که ثقیل‌ترین مردم در سفر نزد رفقا آن کسی است که با آنکه اعضایش صحیح و سالم است تنبلی می‌کند و مشغول کاری نمی‌شود و منتظر است که رفقای او کارهای او را بکنند. **۴** چهارم: آنکه مسافر مصاحبت کند با کسی که نظیر او باشد در انفاق کردن.

۵ پنجم: آنکه نیاشامد از آب هر منزلی مگر بعد از آنکه ممزوج کند او را به آب منزل قبل * و شایسته و لازم است برای مسافر که با خود بردارد از خاک بلد خویش و از طینتی که تربیت بر آن شده است و هر منزلی که وارد می‌شود مقداری از آن خاک بریزد در ظرف آب خود و آن را حرکت دهد پس بگذارد تا آب صاف شود آن وقت بنوشد. **۶**

ششم: آنکه اخلاق خود را نیکو کند و حلم را زینت خود کند و بیاید در آداب زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام) آنچه مناسب اینجا است. **۷** هفتم: آنکه توشه از برای سفر خود بردارد و از شرف آدمی است که توشه خود را نیکو گرداند به خصوص در سفر مکه. بلی در سفر زیارت امام حسین (علیه السلام) توشه را از چیزهای لذیذ قرار دادن مانند بریانی و حلواها و غیره محبوب نیست، چنانکه بیاید این مطلب در باب زیارت آن حضرت. و ابن اعمش گفته:

تَطْيِيبُهُ الزَّادَ مَعَ الْإِكْثَارِ

توشه نیکو و فراوان فراهم نمودن است

مِنْ شَرَفِ الْإِنْسَانِ فِي الْأَسْفَارِ

از شرف آدمی اندر سفرها

أَخْلَاقُهُ زِيَادَةٌ عَلَى الْحَضَرِ

بیش از زمان حضر نیکو سازد

وَلْيُحْسِنِ الْإِنْسَانُ فِي حَالِ السَّفَرِ

و باید که آدمی اخلاق خود را در حال سفر

مَنْ كَانَ حَاضِرًا مِنَ الْإِخْوَانِ

برادران دینی حاضر باشد بر سر خوان بخواند

وَلْيَدْعُ عِنْدَ الْوَضْعِ لِلْإِخْوَانِ

و باید که به هنگام سفره گستردن هر که را از

لَمْ يُسْخِطِ اللَّهَ وَلَمْ يَجْلِبْ أَدَىٰ

جایی که گناه و خشم خدا و آزار (برادران) نباشد

وَلْيُكْثِرِ الْمَزْحَ مَعَ الصَّحْبِ إِذَا

و باید که شوخی و مزاح با یاران زیاد کند تا

إِخْوَانِهِ فِيهَا إِلَىٰ أَنْ يَرِحَ لَا

بر برادران دینی‌اش تا از آنجا کوچ نماید

مَنْ جَاءَ بَلَدَةً فَذَا صَيْفٌ عَلَىٰ

کسی که به شهری درآمد مهمان باشد در آن شهر

يُرُّ لَيْلَتَيْنِ ثُمَّ لِيَأْكُلَ

خانه است و از غذای معمول استفاده می‌نماید

تا دو شب پذیرایی می‌شود سپس مثل سایر اهل

۸ هشتم: آنچه خیلی مهم است در سفر مراعات آن محافظت بر نمازهای فریضه است که به جا آورده شود با شرایط و حدود در اوایل اوقات، چه آنکه بسیار مشاهده شده از حجّاج و زوّار که در طریق مسافرت ضایع کردند نمازهای فریضه خود را به جهت آنکه در وقت به جا نیاوردند یا به جا آوردند سواره و در محمل یا با تیمم یا با نجاست بدن یا جامه و امثال اینها که تمام از بی مبالاتی و استخفافشان به شأن نماز بوده. * و حال آنکه در روایت است از حضرت صادق (علیه السلام) که فرمود: نماز فریضه بهتر است از بیست حج و یک حجّ، بهتر است از خانه‌ای که پراز طلا باشد و آن طلاها را تصدّق دهند تا تمام شود. * و ترک مکن بعد از نمازهای مقصوره گفتن سی مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ * وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ** را که تأکید در آن وارد شده است.

فصل اوّل: در آداب زیارت است

و آن بسیار است و در اینجا به چند چیز اکتفا می‌شود: ۱ اوّل: غسل پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت. ۲ دوّم: ترک کلام بیهوده و لغو و مخاصمه و مجادله در راه. ۳ سیّم: غسل برای زیارت هر امامی و آنکه بخواند دعای وارده آن را و بیاید آن در اوّل زیارت وارث. ۴ چهارم: طهارت از حدث کبری و صغری. ۵ پنجم: پوشیدن جامه‌های پاک و پاکیزه و نو و نیکو است سفید بودن رنگ آن. ۶ ششم: در وقت رفتن به روضه مقدسه گامها را کوتاه برداشتن و به آرامی و وقار سیر نمودن و خاضع و خاشع بودن و سر به زیر انداختن و به بالا و اطراف خود التفات ننمودن. ۷ هفتم: خوشبو نمودن خود را در غیر زیارت امام حسین (علیه السلام). ۸ هشتم: در وقت رفتن به حرم مطهر، زبان را به ذکر تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل و تمجید مشغول کردن و به صلوات فرستادن بر محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) دهان را معطر نمودن. ۹ نهم: بر در حرم شریف ایستادن

واذن دخول طلبیدن و سعی در تحصیل رقت قلب و خضوع و شکستگی خاطر نمودن به تصوّر و فکر در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور. و اینکه می بیند ایستادن او را و می شنود کلام او را و جواب می دهد سلام او را چنانچه به همه اینها شهادت می دهد در وقت خواندن اذن دخول و تدبیر در محبت و لطفی که به شیعیان و زائران خود دارند و تأمل در خرابیهای حال خود و خلافتها که به آن بزرگواران کرده و فرموده های بی حد که از ایشان نشنیده و آزارها و اذیتها که از او به ایشان یا به خاصان و دوستان ایشان رسیده که برگشتن آن به آزدن ایشان است و اگر برآستی در خود نگرد قدمهایش از رفتن باز ایستد و قلبش هراسان و چشمش گریان شود و این روح تمام آداب است * و شایسته است در اینجا ذکر کنیم اشعار سخاوی و روایتی را که علامه مجلسی (رحمته) در بحار از کتاب عیون المعجزات نقل فرموده اما اشعار سخاوی که شایسته است در آن حال تمثّل به آنها این است:

وَيَنْزِلُ الرَّكْبُ بِمَعْنَاهُمْ

و قافله به منزل امن و امان وارد می شود

قَالُوا غَدًا نَأْتِي دِيَارَ الْحَمِي

گفتند فردا به سرهای ایشان که خرمگاه است می رسیم

أَصْبَحَ مَسْرُورًا بَلْقِيَاهُمْ

بامدادان به دیدارشان مسرور و شاد گردد

فَكُلُّ مَنْ كَانَ مُطِيعًا لَهُمْ

پس هر کس که فرمانبردار ایشان باشد

بِأَيِّ وَجْهِ اتَّلَقَاهُمْ

و به کدام روی آنان را ملاقات نمایم

قُلْتُ فَلِي ذَنْبٌ فَمَا حَيْلِي

من گفتم من بزهکارم چیست چاره من

لَا سِيِّمًا عَمَّنْ تَرَجَاهُمْ

خصوصا از آنکس که امیدوار آنها باشد

قَالُوا أَلَيْسَ الْعَفْوُ مِنْ شَانِهِمْ

گفتند مگر شان و کار آنان بخشش نیست

أَرْجُوهُمْ طَوْرًا وَآخِشَاهُمْ

در حالی که گاهی امیدوارم به آنان و گاهی بیم دارم

فَجِئْتُمْ أَسْعَى إِلَىٰ بَابِهِمْ

پس آمدم به نزدشان و شتافتم به در خانه شان

و هم بگوید:

شاهها چه تراسگی بباید
گر من شوم آن سگ تو شاید
هستم سگکی ز حبس جسته
بر شاخ گل هوات بسته
خود را به خودی کشیده از جل
پیش تو کشیده از سردل
افکن نظری بر این سگ خویش
سنگم مزن و مرانم از پیش
(منه).

و نیز شایسته است متمثّل شود به این اشعار:

هَا عَبْدُكَ وَقِفْ ذَلِيلٌ
قَدْ عَزَّ عَلَىٰ سَوْءِ حَالِي
يَا أَكْرَمَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ
عَنْ بَابِكَ لَا يَرُدُّ سَائِلٌ
بِالْبَابِ يَمُدُّ كَفَّ سَائِلٌ
مَا يَفْعَلُ مَا فَعَلْتُ عَاقِلٌ

و اما آن روایت شریف چنین است که وقتی ابراهیم جمّال که یکی از شیعیان بوده خواست خدمت علی بن یقطين (رضی الله عنه) برسد چون ابراهیم ساربان بود و علی بن یقطين وزیر هارون رشید بود و به حسب ظاهر شأن ابراهیم نبود که در مجلس علی وارد شود لهذا او را راه نداد اتفاقاً در همان سال علی بن یقطين به حج مشرف شد، در مدینه خواست خدمت حضرت موسی بن جعفر (رضی الله عنه) مشرف شود حضرت او را راه نداد. روز دوم در بیرون خانه علی آن حضرت را ملاقات نمود، عرضه داشت که ای سید من تقصیر من چه بوده که مرا راه ندادید؟ فرمود: به جهت آنکه راه ندادی برادرت ابراهیم جمّال را و حق تعالی ابا فرموده از آنکه سعی تو را قبول فرماید مگر بعد از آنکه ابراهیم تو را عفو نماید. علی گفت گفتم: ای سید و مولای من ابراهیم را من در این وقت کجا ملاقات کنم من در مدینه ام و او در کوفه است. فرمود: هرگاه شب داخل شود تنها برو به بقیع بدون آنکه کسی از اصحاب و غلامان تو بفهمد، در آنجا شتری زین کرده خواهی دید آن شتر را سوار می شوی و به کوفه می روی. علی بن یقطين شب به بقیع رفت و همان شتر را سوار شد به اندک زمانی در خانه ابراهیم جمال رسید شتر را خوابانید و در را کوبید ابراهیم گفت: کیست؟ گفت: علی بن یقطينم. ابراهیم گفت: علی بن یقطين بر در خانه من چه می کند؟! فرمود: بیرون بیا که امر من عظیم است و قسم داد که او را اذن دخول دهد. چون داخل شد گفت ای ابراهیم آقا و مولی ابا فرمود که عمل مرا قبول نماید مگر آنکه تو از من بگذری، گفت: **غَفَرَ اللَّهُ لَكَ** پس علی بن یقطين صورت خود را بر خاک گذاشت و ابراهیم را قسم داد که پا روی صورت من گذار و صورت مرا زیر پای خود بمال. ابراهیم امتناع نمود، علی او را قسم داد که چنین کند، پس ابراهیم پا بصورت علی بن یقطين گذاشت و رخ او را زیر پای خود بمالید و علی می گفت: **اللَّهُمَّ شَهِدْ**، بار الها تو شاهد باش. پس بیرون آمد و سوار شد و همان شب به مدینه برگشت و شتر را بر در خانه حضرت موسی بن جعفر (رضی الله عنه) خوابانید، آن وقت حضرت او را اذن داد بر آن جناب وارد شد و حضرت از او قبول فرمود. از ملاحظه این خبر معلوم می شود که حقوق اخوان به چه اندازه است. **۱۰** دهم: بوسیدن عتبه عالیّه و آستانه مبارکه است و شیخ شهید (رضی الله عنه) فرموده که: اگر زیارت کننده سجده کند و نیت کند که از برای خدا سجده می کنم به شکر اینکه مرا به این مکان رسانیده بهتر خواهد بود. **۱۱** یازدهم: مقدّم داشتن پای راست در وقت داخل شدن و مقدّم داشتن پای چپ در وقت بیرون آمدن مانند مساجد. **۱۲** دوازدهم: رفتن به نزد ضریح مطهر به نحوی که بتواند خود را به آن بچسباند و توهم آنکه دور ایستادن ادب است و هم است زیرا که وارد شده تکیه کردن بر ضریح و بوسیدن آن. **۱۳** سیزدهم: در وقت زیارت پشت به قبله و رو به قبر منور ایستادن، و ظاهراً این ادب مختص به معصوم است و چون از خواندن زیارت فارغ شد گونه راست را به ضریح بگذارد و به حال تضرّع

۱۸ هبجد هم: خواندن سوره یس در رکعت اول و سوره الرُّحْمَن در رکعت دوم، اگر برای آن زیارتی که نماز آن می خواند کیفیت مخصوصی ذکر نفرموده باشند * و آنکه دعا کند بعد از نماز به آنچه وارد شده یا به آنچه در خاطر او می رسد برای دین و دنیای خود و تعمیم دهد در دعا زیرا که آن به اجابت نزدیکتر است. ۱۹ نوزدهم: شیخ شهید (رحمته) فرموده که: کسی که داخل حرم مطهر شود و ببیند که نماز جماعت منعقد شده است ابتدا به نماز کند پیش از آنکه زیارت کند و همچنین ترک کند زیارت را و داخل نماز شود اگر وقت نماز شده و اگر نه ابتدا کردن به زیارت اولی است چه آن غایت مقصد او است و اگر در بین زیارت نماز پیا شد مستحب است از برای زائران که زیارت را قطع کنند و روی آورند به نماز و کراهِت دارد ترک آن و بر ناظر حَرَم است که مردم را امر کند به نماز. ۲۰ بیستم: شیخ شهید (رحمته) از جمله آداب زیارت شمرده تلاوت کردن قرآن نزد ضَرایحِ مطهره و هدیه کردن آن را به روح مقدس مَزُور و نفع آن به زیارت کننده عاید می شود و متضمن تعظیم مَزُور است. ۲۱ بیست و یکم: ترک نمودن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و بیهوده و اشتغال به صحبت‌های دنیویّه که همیشه در هر جا مذموم و قبیح و مانع رزق و جالب قساوت قلب است خصوص در این بقاعِ مُطهره و قُبابِ سامیه که خدای تعالی خبر می دهد از بزرگی و جلالَت آنها در سوره نُور ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ﴾ الآية. ۲۲ بیست و دویم: بلند نکردن صدای خود در وقت زیارت چنانچه در هدیه الزائرین ذکر کردم. ۲۳ بیست و سیّم: وداع کردن امام (علیه السلام) را در وقت بیرون رفتن از بلد آن حضرت به ماثوریا به غیر آن. ۲۴ بیست و چهارم: توبه و استغفار نمودن به جهت گناهان و بهتر کردن حال و کردار و گفتار خود را بعد از فراغ از زیارت از آنچه دارا بود پیش از زیارت. ۲۵ بیست و پنجم: انفاق کردن به قدر میسور بر خادمان آستانه شریفه و سزاوار است که خدام آن محل شریف از اهل خیر و صلاح و صاحب دین و مروّت باشند و تحمّل نمایند آنچه از زائرین می بینند و خشم خود را بر آنها فرو نشانند و غلظت و دُرُشتی بر آنها ننمایند و بر قضاء حوائج محتاجین اقدام کنند و غُربا را راهنمایی و دلالت کنند اگر راه مقصد را گم نمایند و بالجمله بایست خدام را که به حقیقت و راستی مشغول شوند در خدمات لازمه از تنظیف و حراست و محافظت زائران و غیره. ۲۶ بیست و ششم: انفاق و احسان بر فقراء مجاورین و مساکین متعففین بلد امام (علیه السلام) خصوصاً سادات و اهل علم و مُنقَطِعین که به مرارت غربت و تنگدستی مبتلا و همواره علم تعظیم شعائر الله را برپا نموده و دارا هستند جهاتی را که ملاحظه هریک از آنها کافی است در لزوم اعانت و رعایت. ۲۷ بیست و هفتم: شیخ شهید فرموده که: از جمله آداب تعجیل کردن در بیرون رفتن است در وقتی که دَرِک کرد حَظّ خود را از زیارت برای مزید تعظیم و احترام و شدّت شوق به رجوع و نیز فرموده که: در وقتی که زنها می خواهند زیارت کنند بایست که خود را جدا کنند از مردان و تنها زیارت کنند

و اگر در شب زیارت کنند اولی است و باید که تغییر وضع کنند یعنی لباس خوب و عالی را به لباس پست بدل کنند که شناخته نشوند و مخفی و پنهان بیرون آیند که کسی کمتر ایشان را ببیند و شناسد و اگر با مردان زیارت کنند نیز جایز است اگر چه مکروه است. مؤلف گوید: از این کلمات معلوم شد کثرت قبح و شناعة آنچه متعارف شده فعلاً که زنها به اسم تشرّف به زیارت خود را آرایش نموده با لباسهای نفیس از خانه‌ها بیرون می‌آیند و در حریمهای مطهره مزاحمت با نامحرمان نموده و فشار به بدنهای ایشان داده یا خود را متصل به ضرایح مطهره نموده یا در قبله مردمان نشسته مشغول به زیارت خواندن شده، و حواس مردم را پیریشان نموده عبّادان محل را از زائرین و نمازگذارندگان و مُتَضَرِّعین و گریه‌کنندگان از کار خود بازداشته و داخل در زمره صَادِّین عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ شده‌الی غیر ذلک. و فی الحقیقه بایست این زیارت از آن زنها از منکرات شرع شمرده شود نه عبادات و داخل در موبقات شود نه قُرْبَات. * از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به اهل عراق فرمود:

يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ: نَبِئْتُ أَنْ نَسَائِكُمْ يُوَافِقِينَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا

ای اهل عراق: به من خبر رسیده که زنه‌ای شما می‌رسند به مردها در راه (یعنی برمی‌خورند به نامحرمان در کوچه و بازار)

تَسْتَحْيُونَ. وَقَالَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَا يُغَارُ. وَفِي الْفَقِيهِ رَوَى الْأَصْبَغُ بِنُ

آیا حیا نمی‌کنید شماها؟! و فرمود: لعنت خدای به کسی که حیا نمی‌کند. و در فقیه روایت کرده اصبغ بن نباته

نَبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ * قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: يَظْهَرُ فِي

از امیر المؤمنین علیه السلام * گفت شنیدم می‌فرمود: آشکار می‌شود در

أَخْرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ * وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ نِسْوَةِ كَاشِفَاتِ

آخر الزمان و نزدیکی ساعت (ظهور) * و آن بدترین زمانهاست زنان بی‌حجاب

عَارِيَاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ * دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ * مَا نِلَاتِ إِلَى

عریان زینت نمودگان خارج شدگان از دین * داخل شدگان در فتنه‌ها * مایل و علاقمند

الشَّهَوَاتِ * مُسْرِعَاتِ إِلَى اللَّذَاتِ * مُسْتَحِلَّاتِ الْمُحَرَّمَاتِ * فِي جَهَنَّمَ

به شهوترانی * شتاب‌کنندگان به سوی لذات و عیاشی * حلال داندۀ حرامها * در دوزخ

خَالِدَاتٍ ۲۸ بیست و هشتم: سزاوار است وقتی که زوار بسیار است کسانی که سبقت به ضریح گرفته‌اند

همیشه ماندگان *

تخفیف دهند زیارت را و بیرون روند تا دیگران نیز مثل آنها به قرب ضریح فائز گردند. * مؤلف گوید که: ما در مقام

زیارت امام حسین (علیه السلام) نقل خواهیم کرد آدابی که زائرین آن جناب باید مراعات آنها را نمایند.

فصل دوم در ذکر اذن دخول هر یک از حریمهای شریفه

و در اینجا ذکر می شود دو اذن دخول. **۱** اول: شیخ کفعمی فرموده چون خواستی داخل شوی به مسجد

حضرت رسول (ﷺ) یا در یکی از مشاهد مشرفه ائمه (علیهم السلام) پس بگو: **اللَّهُمَّ اِنِّي وَقَفْتُ عَلٰى**

پروردگارا من بر درگاه محترمی

بَابٍ مِنْ اَبْوَابِ بِيوتِ نَبِيِّكَ * صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ * وَ قَدْ مَنَعْتَ

ایستاده‌ام از درهای سرای پیغمبر تو * که درود تو بر او و بر آل اطهارش باد * و تو خلق را

النَّاسَ اَنْ يَدْخُلُوْا اِلَّا بِاِذْنِهِ * فَقُلْتُ * يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَدْخُلُوْا

از ورود در آن سرای بدون اذن منع کردی * که فرمودی ای اهل ایمان شما در خانه‌های

بِيوتِ النَّبِيِّ اِلَّا اَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ * اللَّهُمَّ اِنِّي اَعْتَقِدُ حَرَمَةَ صَاحِبِ هٰذَا

پیغمبر (ص) (و فرزندان پاکش) بی اجازه داخل نشوید * پروردگارا من به حرمت صاحب این

الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِيْ غَيْبَتِهِ * كَمَا اَعْتَقِدُهَا فِيْ حَضْرَتِهِ * وَاَعْلَمُ اَنَّ

خانه و این مشهد و حرم شریف معتقدم در غیب * و ممتش چنانکه در حضور و حیات او * و البته میدانم

رَسُوْلَكَ وَاٰخِلَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * اَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يَرْزُقُوْنَ * يَرُوْنَ

که پیغمبر تو و جانشینانش علیهم السلام * همه نزد تو زنده ابدند و روزی میخورند * و مقام

مَقَامِيْ وَاَسْمَعُوْنَ كَلَامِيْ * وَاِيْرُدُوْنَ سَلَامِيْ * وَاَنْتَ حَاجِبٌ عَنِّ

مرا نزد قبر مطهر خود می بینند * و سلام مرا شنیده و پاسخ می دهند * و اکنون تو بر گوش من

سَمِعِيْ كَلَامَهُمْ * وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِيْ بِلَذِيْذِ مُنَاجَاتِهِمْ * وَاِنِّي

پرده افکنده‌ای که سخن آنها را نشنوم * اما به لذت راز و نیاز با آنها در لطف به رویم گشودی * و من

اَسْتَاذِنُكَ يَا رَبِّ اَوَّلًا * وَاَسْتَاذِنُ رَسُوْلَكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ

خدایا نخست از تو اذن می طلبم * و دوم اجازه از رسول تو که درود خدا بر او و بر

ثَانِيًا * وَاَسْتَاذِنُ خَلِيْفَتِكَ اِمَامَ الْمَفْرُوْضِ (الْمَفْتَرَضِ) عَلٰى طَاعَتِهِ * وَاَسْتَاذِنُ

آلش باد * و نیز اجازه از جانشین پیغمبرت امام واجب اطاعه بر من * حضرت (هر یک از ائمه که حرم اوست،

فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ * به جای فلان بن فلان نام ببرد آن امامی را که می خواهد زیارت کند و همچنین نام

مثلا علی بن موسی الرضا علیه السلام) *

پدرش را ببرد مثلاً اگر در زیارت امام حسین (علیه السلام) است بگوید: **الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ**

و اگر در زیارت امام رضا (علیه السلام) است بگوید: **عَلِيٌّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ** و هكذا * پس بگوید:

وَالْمَلَائِكَةُ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْبَقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا * أَدْخُلْ يَا رَسُولَ

و سوم از فرشتگان که مقیم این حرم شریفند و موکلند بر این بقعه مبارک اذن می‌خواهم * پس ای رسول خدا

اللَّهُ * أَدْخُلْ يَا حُجَّةَ اللَّهِ * أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقْرَبِينَ

اذن می‌دهید تا داخل گردم * آیا وارد شوم ای حجت خدا * آیا وارد شوم ای فرشتگان مقرب خدا

الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ * فَاذَنْ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا

که مقیمان این مشهد مبارکید * رخصت ده ای مولای من به در آمدن من در حرم بهترین رخصتی

أَذَنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ * فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَانْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ

که به هر یک از اولیاء و دوستانت داده‌ای * که اگر من لایق نیستم تو لایق خواهی

لَهُ (لَهُ) * پس ببوس عتبه مبارکه را و داخل شو و بگو: **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ * وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ**

بود * به نام خدا و به ذات خدا * و در راه خدا

*** وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي**

* و بر طریقت و آیین رسول خدا صلی الله علیه و آله * ای خدا بر من ببخش و

وَ ارْحَمْنِي * وَ تَبَّ عَلَىٰ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ * ۲ دوم: اذن دخولی است که

به من ترحم کن * و به توبه‌ام ببذیر که تو بسیار توبه پذیر خلق و مهربان به بندگانی. *

علامه مجلسی (رحمته الله) از نسخه قدیمه از مؤلفات اصحاب برای دخول در سرداب مقدس و بقاع منوره ائمه (علیهم السلام)

نقل فرموده و آن چنان است که می‌گوئی: **اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ بَقْعَةٌ طَهَّرْتَهَا * وَ عَقَوْتُ**

ای خدا همانا این جایگاه بقعه‌ای است که تو پاک و محترم داشته‌ای * و محلی است که تو

شَرَّفْتَهَا * وَ مَعَالِمَ زَكَاةِهَا * حَيْثُ أَظْهَرْتَ فِيهَا آدِلَةَ التَّوْحِيدِ * ۳

شرافت بدان بخشیده‌ای * و مقاماتی است که تو پاکیزه فرموده‌ای * تا ادله و براهین توحید از این مقامات به ظهور آید *

وَ أَشْبَاحَ الْعَرْشِ الْمَجِيدِ * الَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ مُلُوكًا لِحِفْظِ النَّظَامِ

و تمثالهای عرش مجید باشد * که صاحبانش را به مقام سلطنت برای حفظ نظام خلق برگزیدی

وَاخْتَرْتَهُمْ رُؤَسَاءَ لِكُلِّ سَبْتٍ لِّجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ * وَبَعَثْتَهُمْ لِقِيَامِ الْقِسْطِ فِي ابْتِدَاءِ

* و به جهت ریاست بر تمام خاص و عام اختیار کردی * و برای اقامه عدل و داد در میان خلق از بدو

الْوُجُودِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ * ثُمَّ مَنَنْتَ عَلَيْهِمْ بِاسْتِنَابَةِ أَنْبِيَائِكَ *
آفرینش تا روز قیامت مبعوث گردانیدی * پس بر آنان نعمت خلافت و جانشینی پیغمبرانت را عطا کردی *

لِحِفْظِ شُرَائِعِكَ * وَ أَحْكَامِكَ * فَ اكْمَلْتَ بِاسْتِخْلَافِهِمْ رِسَالَةَ

تا شرایع * و احکام تو را حفظ کنند * تا به واسطه خلافت آنها رسالت پیغمبران را به حد نتیجه

الْمُنْذَرِينَ * كَمَا أَوْجَبْتَ رِيَّاسَتَهُمْ فِي فِطْرِ الْمُكَلَّفِينَ * فَسُبْحَانَكَ

و کمال رسانی * چنانکه بر امت پذیرفتن ریاست و امامت آنها را فرض و واجب گردانیدی بر فطرت مکلفان * باری تو چه منزّه خدایی

مَنْ إِلَهٍ مَا أَرَأَيْكَ * وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَنْ مَلَكَ مَا أَعْدَلُكَ * حَيْثُ طَابَقَ

و چقدر با بندگان رؤف و مهربانی * هیچ خدایی جز تو ذات یکتا نیست تو چه با عدل و انتظام سلطانی * که

صُنْعَكَ مَا فَطَرْتَ عَلَيْهِ الْعُقُولَ * وَ وَا فَقَ حُكْمَكَ مَا قَرَّرْتَهُ * وَ فِي

صنع آفرینشت طبق فطرت عقول خردمندان است * و حکم تکوین را وفق فهم عقل

الْمَعْقُولِ وَالْمَنْقُولِ * فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى تَقْدِيرِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ *

و نقل مقرر داشتی * پس تو را ستایش سزاست بر تقدیر حسن نظام زیبایی *

وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى قَضَائِكَ الْمَعْلَلِ بِأَكْمَلِ التَّعْلِيلِ * فَسُبْحَانَ مَنْ

و تو را سپاس باید بر حکم قضا که معلل و مربوط به نیکوترین وجه است * پس منزّه است خدایی

لَا يُسْأَلُ عَنْ فَعْلِهِ * وَلَا يَنْزَعُ فِي أَمْرِهِ * وَ سُبْحَانَ مَنْ كَتَبَ عَلَى

که احدی را حق سؤال از کار او نخواهد بود * و منازعه در امرش نتوان کرد * و منزّه خدایی که بر ذات خود لطف

نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ قَبْلَ ابْتِدَاءِ خَلْقِهِ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا

و رحمت به خلق را فرض و لازم فرموده پیش از بدو آفرینش خلق * و ستایش خدایی را که بر ما به نعمت وجود

بِحُكْمٍ يَقُومُونَ مَقَامَهُ * لَوْ كَانَ حَاضِرًا فِي الْمَكَانِ * لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

حکم فرمایانی که قائم مقام حقد منت نهاد * اگر خدا در مکانی بود جانشین مکانش بودند * و نیست خدایی جز خدای یگانه

الَّذِي شَرَّفْنَا بِأَوْصِيَاءَ يَحْفَظُونَ الشَّرَائِعَ فِي كُلِّ الْأَزْمَانِ * وَاللَّهُ أَكْبَرُ

که به واسطه اوصیاء پیغمبران که حافظان شرایع الهی در هر عصرند ما را شرافت بخشید * و خدا بزرگتر است

الَّذِي أَظْهَرَهُمْ لَنَا بِمُعْجَزَاتٍ يَعْجِزُ عَنْهَا الثَّقَلَانِ * لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

آن خدایی که رسولان را با معجزاتی که جن و انس از آن عاجزند میان خلق آشکار ساخت * که هیچ قدرت و نیرویی نیست

الْبَالِغِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * الَّذِي اجْرَانَا عَلَى عَوَائِدِهِ الْجَمِيلَةِ فِي الْأُمَمِ

جز به خواست خدا و قدرت کامله او که بلند مرتبه و بزرگ است * آنکه ما را بر عواید و صفات جمیله بداشت در میان

السَّالِفِينَ * اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشَّانَاءُ الْعَلِيُّ * كَمَا وَجَبَ لَوَجْهِكَ

امتهای گذشته * پروردگارا پس حمد و ثنا و ستایش بلند مرتبه خاص توست * چنانکه نور جمالت را

الْبَقَاءِ السَّرْمَدِيِّ * وَكَمَا جَعَلْتَ نَبِيَّنَا خَيْرَ النَّبِيِّينَ * وَمُلُوكَنَا

بقای سرمدی ضروری است * و چنانکه پیغمبر ما را بهترین پیغمبران مقرر داشتی * و پادشاهان ما را

أَفْضَلَ الْمَخْلُوقِينَ * وَاخْتَرْتَهُمْ عَلَى عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ * وَفَقْنَا

بهترین و فاضلترین خلق قرار دادی * و آنان را به علم و دانش بر عالمیان برگزیدی * ای خدا

لِلسَّعَى إِلَى أَبْوَابِهِمُ الْعَامِرَةِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ * وَاجْعَلْ أَرْوَاحَنَا

ما را توفیق سعی و کوشش در وصول به درگاه رحمت پایدار ابدی آنها عطا کن * و روح ما

تَحِنُّ إِلَى مَوْطِئِ أَقْدَامِهِمْ * وَنُفُوسَنَا تَهْوَى النَّظَرَ إِلَى مَجَالِسِهِمْ

(شیعیان) را مشتاق محل اقدام (و شهود و مقام) * و مشاهده شریفه آنان

وَعَرَصَاتِهِمْ * حَتَّى كَانْنَا نَخَاطِبُهُمْ فِي حُضُورِ أَشْخَاصِهِمْ * فَصَلَّى

بگردان * تا آنکه هنگام زیارتشان گویا ما با شخص بزرگوار آنها حضورا مخاطبه و صحبت می‌کنیم * پس درود

اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سَادَةِ غَائِبِينَ * وَ مِنْ سُلَالَةِ طَاهِرِينَ * وَ مِنْ أئِمَّةِ

و رحمت الهی بر آنان باد که سید غائبان عوالم ارواح قدس * و نسل پاکان عالم وجود * و پیشوایان

مَعْصُومِينَ * اللَّهُمَّ فَاذَنْ لَنَا بِدُخُولِ هَذِهِ الْعَرَصَاتِ * الَّتِي اسْتَعْبَدَتْ

معصوم خلقند * پروردگارا پس ما را اذن ده که داخل شویم در این عرصه‌ها (ی محترم و بقعه‌های شریف با برکت) * که اهل

بِزِيَارَتِهَا أَهْلُ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ * وَارْسِلْ دُمُوعَنَا بِخُشُوعِ الْمَهَابَةِ

زمین و آسمانها را متعبد و ملتزم به زیارتش فرمودی * و اشک دیدگان ما را با تذلل و خشوع از مهابت جلالشان جاری گردان

* وَذَلَّلْ جَوَارِحَنَا بِذَلِّ الْعُبُودِيَّةِ وَفَرَضِ الطَّاعَةِ * حَتَّى نَقْرَبَ مَا يَجِبُ

* و با ذل بندگی خود و فرض طاعت آن امامان بر حق * تا ما به اوصاف کمال

لَهُمْ مِنَ الْأَوْصَافِ * وَنَعْتَرِفَ بِأَنَّهُمْ شَفَعَاءُ الْخَلَائِقِ إِذَا نُصِبَتْ

لازم ذات آنها اقرار کنیم * و به مقام شفاعت خلق بر آنها در قیامت که روز اعراف و نصب

الْمَوَازِينَ فِي يَوْمِ الْأَعْرَافِ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ

موازین اعمال است اعتراف کنیم * و ستایش خدای را و سلام بر بندگان

اصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ ﴿۱۰﴾ پس بیوس عتبه را و داخل شود در حالتی که خاشع

برگزیده خدا حضرت محمد (ص) و آل اطهارش باد. *

و گریان باشی پس به درستی که آن اذن دخول است از ایشان صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ .

فصل سیم

در زیارت حضرت رسول خدا و فاطمه زهراء و ائمه بقیع صلوات الله عليهم اجمعین در مدینه طیبه: بدان که مستحب مؤکد است در حق قاطبه مردم بخصوص حجاج، مشرف شدن به زیارت روضه مطهره و آستانه منوره، فخر عالمیان حضرت سید المرسلین محمد بن عبدالله صلوات الله و سلامه علیه و آله و ترک زیارت آن حضرت باعث آن می شود که جفا شود در حق او در روز قیامت. * و شیخ شهید فرموده که: اگر مردم ترک زیارت آن حضرت کنند بر امام است که ایشان را مجبور کند به رفتن به زیارت آن حضرت زیرا که ترک زیارت آن حضرت موجب جفای محرم است. * شیخ صدوق از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود هرگاه احدی از شما حج کند باید که حجش را ختم کند به زیارت ما، زیرا که این از تمامی حج است. و نیز روایت کرده از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که فرمود: تمام کنید حج خود را به زیارت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) که ترک زیارت آن حضرت بعد از حج، جفا و خلاف ادب است و شما را امر به این کرده اند و بروید به زیارت قبری چند که حق تعالی لازم گردانیده است بر شما حق آنها و زیارت آنها را، و روزی از حق تعالی طلب کنید نزد آن قبرها. * و نیز از ابوالصلت هروری روایت کرده که گفت: به خدمت حضرت امام رضا (علیه السلام) عرض کردم که چه می فرمائی یابن رسول الله در حدیثی که اهل آن روایت می کنند که مؤمنین در بهشت زیارت می کنند پروردگارش را از منازل خود، کنایه از آنکه معنی حدیث اگر درست باشد چیست؟ با آنکه متضمن است چیزی را که به حسب ظاهر با اعتقاد حق درست نمی آید؟ پس حضرت جواب او را فرمودند به این طریق که: ای اباالصلت حق تعالی پیغمبرش محمد (صلی الله علیه و آله) را افضل گردانید از جمیع خلقش از پیغمبران و ملائکه و طاعت او را طاعت خود و بیعت با او را بیعت با خود شمرد و زیارت او را زیارت خود شمرده چنانچه فرموده: ﴿مَنْ يُطِيعَ الرَّسُولَ فَقَدْ اطاع الله﴾ و فرموده: ﴿انَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ انَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ و حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرموده که: هر که مرا زیارت کند در حال حیات یا بعد از فوت من چنان است که حق تعالی را زیارت کرده باشد، الخ. * و حمیری در قُربُ الإسناد از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده: هر که مرا زیارت کند در حیات من یا بعد از فوت من، شفیع او گردم در روز قیامت. * و در حدیثی است که حضرت

صادق (علیه السلام) روز عیدی در مدینه بود پس رفت به زیارت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و بر آن حضرت سلام کرد و فرمود که: ما بر اهل همه شهرها فضیلت داریم خواه مکه و خواه غیر مکه به سبب زیارت و سلام ما بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله).

* و شیخ طوسی (رحمته الله) در تهذیب از یزید بن عبدالمکمل روایت کرده و او از پدرش از جدش که گفت: به خدمت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) مشرف شدم پس آن حضرت ابتدا فرمود به سلام بر من، پس از من پرسید که برای چه آمده‌ای؟ عرض کردم از برای طلب برکت و ثواب، فرمود که: خبر داد مرا پدرم و اینک حاضر است که هر که بر او و بر من سه روز سلام کند حق تعالی بهشت را از برای او واجب گرداند. گفتیم: در حیات او و شما؟ فرمود: بلی و همچنین بعد از موت ما. * علامه مجلسی (رحمته الله) فرموده که: در حدیث معتبر از عبدالله بن عباس منقول است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود که: هر که امام حسن (علیه السلام) را در بقیع زیارت کند قدمش بر صراط ثابت باشد در روزی که قدمها از آن لغزد. * و در مقنعه از حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود: هر که مرا زیارت کند گناهانش آمرزیده شود و فقیر و پریشان نمیرد. * و شیخ طوسی (رحمته الله) در تهذیب از حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت کرده که هر که زیارت کند امام جعفر صادق (علیه السلام) و پدرش حضرت باقر (علیه السلام) را درد چشم نکشد و بیماری و دردی به او نرسد و مبتلانمیرد. * و ابن قولویه در کامل حدیث طولانی از هشام بن سالم از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که از جمله فقرات او این است که مردی به خدمت حضرت صادق (علیه السلام) شرفیاب شد و عرض کرد که: آیا زیارت باید کرد پدرت را؟ فرمود: بلی. عرض کرد: چه چیز است از برای آنکه زیارت کند او را؟ فرمود که: بهشت از برای او است اگر اعتقاد به امامت او داشته باشد و متابعت او کند. عرض کرد: کسی که اعراض کند از زیارت او چه خواهد داشت؟ فرمود: حسرت خواهد داشت در یوم الحسرة که روز قیامت است (الخ). و احادیث در این باب بسیار است و ما را همین مقدار کافی و وافی است. **اما کیفیت زیارت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله):** پس چنین است هرگاه وارد شدی انشاء الله تعالی مدینه پیغمبر (صلی الله علیه و آله) پس غسل کن برای زیارت. * و چون خواستی داخل مسجد آن حضرت شوی بایست نزد در و بخوان آن اذن دخول اول را و داخل شو از در جبرئیل و مقدم دار پای راست را در وقت دخول * پس صد مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** بگو. * پس دو رکعت نماز تحیت مسجد بگذار و برو به سمت

حجره شریفه و دست بمال بر آن و بیوس آن را * و بگو: **اَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ * اَسْلَامٌ**

سلام بر تو ای فرستاده پروردگار * سلام

عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ * اَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ * اَسْلَامٌ

بر تو ای پیغمبر خدا * سلام بر تو ای محمد بن عبد الله * سلام

عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ * أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَهٗ * وَأَقَمْتَ

بر تو ای خاتم پیغمبران * شهادت می‌دهم که تو فرمان رسالت خود را از جانب حق به خلق رسانیدی * و نماز را

الصَّلَاةَ * وَءَاتَيْتَ الزَّكَاةَ * وَآمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ * وَنَهَيْتَ عَنِ

به پا داشتنی * و زکوة به فقیران عطا کردی * و امر به معروف * و نهی از منکر

الْمُنْكَرِ * وَعَبَدْتَ اللّٰهَ مُخْلِصًا حَتَّىٰ آتَاكَ الْيَقِينَ * فَصَلَّوْا لِلّٰهِ

فرمودی * و عبادت حضرت احدیت را خالص برای خدا به جا آوردی تا به مقام یقین و شهود رسیدی * پس

عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ * وَ عَلَىٰ اَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ * پس بایست نزدستون پیش

درود خدا بر تو * و بر اهل بیت طاهرینت باد *

که از جانب راست قبر است رو به قبله که دوش چپ به جانب قبر باشد و دوش راست به جانب منبر که آن موضع

رسول خدا (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ) است * و بگو: أَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ * وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * و

شهادت می‌دهم که خدایی جز خدا * که یکتا و بی‌شریک است موجود نیست *

وَ أَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَّرَسُولُهُ * وَ أَشْهَدُ اَنَّكَ رَسُوْلُ اللّٰهِ * و

و شهادت می‌دهم که محمد (ص) بنده او و رسول اوست * و ای رسول خدا من به یقین گواهی می‌دهم که تو رسول و فرستاده خدایی

وَ اَنَّكَ مُحَمَّدُ بِنِ عَبْدِ اللّٰهِ * وَ أَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ * و

* و محمد (ص) فرزند عبد الله * و هم گواهی می‌دهم که تو رسالت‌های پروردگارت را که مأمور به ابلاغ آن بودی همه را به خلق

* وَ نَصَحْتَ لِامْتِكَ * وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ * وَ عَبَدْتَ اللّٰهَ حَتَّىٰ

رسانیدی * و امتت را نصیحت و هدایت کامل فرمودی * و در راه دین خدا جهاد کردی * و خدا را عبادت کردی تا

آتَاكَ الْيَقِينَ * بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ * وَ اَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ

به مقام یقین و شهود رسیدی * و به حکمت و موعظه نیکو به خدا دعوت فرمودی * و وظیفه رسالتت را

مِنَ الْحَقِّ * وَ اَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ * وَ غَلْظَتْ عَلَيَّ الْكَافِرِينَ

از حق ادا کردی * و البته به رأفت و عطوفت کامل با اهل ایمان * و شدت و سختی با کافران رفتار کردی

* فَبَلَّغَ اللّٰهُ بِكَ اَفْضَلَ شَرَفٍ مَّحَلِّ الْمُكْرَمِينَ * اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

* تا آنکه خدا تو را به عالیترین مرتبه شرافت نیکویان عالم رسانید * سپاس خدای را که

اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشَّرْكِ وَ الضَّلَالَةِ * اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ

ما امت را به واسطه رسالتت از ورطه شرک و ضلالت نجات داد * بار الها درود و

و صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ * وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ * وَ عِبَادِكَ

توحیت تو و فرشتگان مقرب * و پیامبران مرسل * و بندگان

الصَّالِحِينَ * وَ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ * وَ مَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ

صالح * و جمع اهل آسمانها و زمینها * و هر که تو را تسبیح گفت

الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْأَخِيرِينَ * عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ

از خلق اولین و آخرین * ای پروردگار جهانیان باد بر محمد که بنده خاص توست

وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ نَجِيِّكَ * وَ حَبِيبِكَ وَ صَفِيِّكَ * وَ خَاصَّتِكَ

و رسول و پیغمبر و امین سر و راز دان * و حبیب تو و بنده خالص * و برگزیده مخصوص

وَ صَفْوَتِكَ * وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ * اللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ *

و پاکیزه روحترین * و مختار از تمام خلق توست * ای خدا او را درجه رفیع *

وَ آتِهِ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ * وَ ابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ

و وسیله بهشت برین بر خلق عطا فرما * و او را مقام محمود که بر آن مقام خلق اولین و آخرین همه غبطه می‌خورند

وَ الْآخِرُونَ * اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ * وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ

مبعوث فرما * ای خدا تو خود فرمودی و اگر مردم هنگامی که بر نفس خود ستم کردند به سوی تو می‌آمدند

فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ * وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا *

و از درگاه خدا آمرزش می‌طلبیدند * و رسول خدا بر آنها طلب مغفرت می‌کرد خدا را بسیار توبه پذیر و مهربان می‌یافتند *

* وَ إِنِّي آتَيْتُكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي * وَ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ

ای رسول خدا من به توجیه * و توسل به شما به درگاه خدا که پروردگار من

رَبِّي وَ رَبِّكَ * لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي * وَ اِذَا تَوَجَّهْتُ بِكَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

و توست رو آورده‌ام * با توبه از گناهانم درگذرد. *

و رو به قبله کن و دستها را بردار و حاجت خود را بطلب، به درستی که سزاوار است که برآورده شود انشاء الله تعالی.

* و ابن قولویه به سند معتبر روایت کرده از محمد بن مسعود که گفت: دیدم حضرت صادق (علیه السلام) را که به نزد قبر

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) آمد و دست مبارک خود را بر قبر گذاشت * و گفت: أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ

از خدایی که تو را برگزید

وَاخْتَارَكَ * وَهَدَاكَ وَهَدَىٰ بِكَ * أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ * پس فرمود: **إِنَّ اللَّهَ**

و اختیار کرد * و رهنمود تو را و به سبب تو هدایت فرمود سؤال می‌کنم * که رحمت فرستد بر تو * به راستی خدا

و مَلَائِكَتَهُ * يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ

و فرشتگانش رحمت خواهند برای پیغمبر * ای کسانی که گرویدید رحمت خواهید برای او

و سَلِّمُوا تَسْلِيمًا * شیخ در مصباح فرموده که چون فارغ شدی از دعاء در نزد قبر شریف پس

و درود فراوان فرستید. *

برو به نزد منبر و دست بر آن بمال و بگیرد و قبّه پائین منبر را که مثل انار می ماند و به مال صورت و چشمهای خود

را به آن پس به درستی که در آن شفای چشم است و بایست نزد منبر و حمد و ثنای الهی به جا آورد و حاجت خود

را بطلب پس به درستی که رسول خدا (ﷺ) فرمود که: مابین قبر و منبر من باغی است از باغهای بهشت و منبر

من بردری است از درهای بهشت. پس می روی به مقام نبی (ﷺ) و نماز می کنی در آنجا آنچه خواهی و نماز

بسیار کن در مسجد پیغمبر (ﷺ) پس به درستی که نماز در آن معادل با هزار نماز است و هرگاه داخل مسجد

می شوی یا بیرون می روی صلوات بفرست بر آن حضرت و نماز گذار در خانه فاطمه صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا و برو در

مقام جبرئیل (عَلَيْهِ السَّلَام) و آن در زیر ناودان است. پس به درستی که محل ایستادن جبرئیل (عَلَيْهِ السَّلَام) در وقت اذن دخول

خواستن از پیغمبر (ﷺ) آنجا بوده * و بگو: **أَسْأَلُكَ أَيُّ جَوَادٍ أَيُّ كَرِيمٍ * أَيُّ قَرِيبٍ أَيُّ**

از تو سؤال می‌کنم ای جواد ای با کرم و بخشش * ای نزدیک ای

بَعِيدٍ * أَنْ تَرُدَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ * پس زیارت کن حضرت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَام) را از نزد روضه مطهره و

دور * که برگردانی بر من نعمت را *

اختلاف شده در موضع قبر آن مظلومه، طایفه ای گفته اند که مدفون است در روضه ای که مابین قبر و منبر باشد

* و بعضی دیگر گفته اند که در خانه خودش است و فرقه سیّم گفته اند که در بقیع مدفون است و آنچه بیشتر

اصحاب ما بر آن می باشند آن است که زیارت شود آن مظلومه از نزد روضه * و کسی که آن معظّمه را زیارت کند در

این سه موضع افضل است و چون ایستادی در این مواضع از برای زیارت آن مُمْتَحَنه * بگو: **يَا مُمْتَحَنَةُ**

ای آنکه خدایی

امْتَحَنِكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ * فوجدك لما امتحنك

که تو را خلق کرد پیش از خلقت بیازمود * و در آن آزمایش بر هر گونه بلا و مصیبت تو را شکبیا

صَابِرَةٌ * وَ زَعَمْنَا أَنَّا لِكَ أَوْلِيَاءُ وَ مُصَدِّقُونَ * وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا

و بردبار گردانید * و ما چنین پنداریم که دوستان شما هستیم و مقام بزرگی شما را تصدیق می‌کنیم * و بر هر دستور

آتَانَا بِهِ أَبُوكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ * وَ آتَى (ءَاتَانَا) بِهِ وَصِيَّهُ * فَانَا

و تعلیمات الهی که پدر شما و وصی‌اش که درود حق بر او و آتش باد برای ما آورد صبور و مطیع خواهیم بود * پس ما درخواست

نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ * إِلَّا الْحَقَّتْنَا بِتَصَدِّقِنَا لَهُمَا * لِنُبَشِّرَ

می‌کنیم هرگاه که مصدق و مؤمن به شما هستیم * که ما را به واسطه این تصدیق به رسول و وصیش خدا به شما ملحق فرماید * تا

أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ * وَ مُسْتَحَبَّ اسْتِ نِيزَ أَنْكَه بَگُوِيْد: أَلْسَلَامُ

به ما مژده رسد که به واسطه دوستی شما ما را از گناهان پاک سازد * سلام بر

عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ * أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ * أَلْسَلَامُ

تو ای دختر رسول خدا * سلام بر تو ای دختر پیغمبر خدا * سلام

عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ * أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ * *

بر تو ای دختر حبیب خدا * سلام بر تو ای دختر دوست خاص خدا *

أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ * أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ

سلام بر تو ای دختر بنده خالص خدا * سلام بر تو ای دختر امین خدا

* أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ * أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ

* سلام بر تو ای دختر بهترین خلق خدا * سلام بر تو ای دختر

أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ مَلَائِكَتِهِ * أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ

بهترین پیغمبران و رسولان و فرشتگان خدا * سلام بر تو ای دختر بهترین

الْبَرِيَّةِ * أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ

خلق * سلام بر تو ای سیده زنان عالم از اولین و آخرین

* أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَ خَيْرِ الْمَخْلُوقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ * *

* سلام بر تو ای زوجه ولی خدا (امیر المؤمنین) و بهترین تمام خلق بعد از رسول خدا *

أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ * *

سلام بر تو ای مادر حسن و حسین دو سید جوانان اهل بهشت *

أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ * أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ

سلام بر تو ای صدیقه طاهره که به راه دین شهید گردیدی * سلام بر تو ای آنکه خدا از تو خوشنود و تو از

الْمَرْضِيَّةُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

خدا خوشنودی * سلام بر تو ای صاحب فضیلت و پاکیزه صفات * سلام بر تو

أَيَّتُهَا الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ * السَّلَامُ

ای انسیه حوراء * سلام بر تو ای ذات متقی پاک گوهر * سلام بر

عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ

تو ای آنکه به الهام خدا دانا بودی * سلام بر تو ای مظلوم (و دارای عصمت) که حق تو را

الْمَغْضُوبَةُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا لِمُضْطَهَدَةُ الْمَقْهُورَةُ * السَّلَامُ

غضب کردند * سلام بر تو ای ستم کشیده و مقهور دشمنان دین * سلام بر

عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ * وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * صَلَّى

تو ای فاطمه دختر رسول خدا * و رحمت و برکات حق بر تو باد * درود

اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ * أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضِيَّتِ عَلَى بَيْنَةِ

خدا بر تو و بر جسم و جان تو باد * گواهی می‌دهم که چون تو از جهان رفتی با مقام یقین و دلیل روشن از

مَنْ رَيْكَ * وَأَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

جانب پروردگار بودی * و هر که تو را مسرور و شاد ساخته رسول خدا که درود خدا بر او و آتش باد را شاد ساخته

* وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَمَنْ

* و هر که در حق تو جفا و ظلم کرد به رسول خدا که درود خدا بر او و آتش باد ظلم و جفا کرده * و هر که

أَذَاكَ فَقَدْ أَذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَمَنْ وَصَلَكَ

تو را آزرده کرد رسول خدا که درود خدا بر او و آتش باد را آزرده است * و هر که به تو پیوست

فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ

به رسول خدا که درود خدا بر او و آتش باد پیوسته * و هر که از تو بریده از

قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * لِأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ

رسول خدا که درود خدا بر او و آتش باد بریده است * زیرا تو پاره تن پیغمبر

الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ (كَمَا قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) * أَشْهَدُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ

و روح مقدس آن بزرگواری * خدا را گواه می‌گیرم و رسول او و فرشتگان را

وَمَلَأْنَاكَتَهُ * أَنِي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ * سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَتْ

که من از آن کس راضیم که شما از او راضی هستید * و خشمگینم از هر که شما از او خشمگین

عَلَيْهِ * مُتَبَّرٌ مِّمَّنْ تَبَرَّاتِ مِنْهُ * مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتِ * مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتِ

هستید * بیزارم از آنکه شما از او بیزارید * دوستم با آنکه شما با او دوستید * و دشمنم با هر که شما با او دشمنید

* مُبْغِضٍ لِمَنْ أَبْغَضْتِ * مُحِبٍّ لِمَنْ أَحْبَبْتِ * وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا

* ناراضیم از هر که شما از او ناراضی هستید * و محبوب من است هر که محبوب شماست * و بر صدق گواهی من خدا کافی

وَ حَسِيبًا وَ جَارِيًا وَ مُثِيبًا * پس صلوات می فرستی بر حضرت رسول و ائمه اطهار (علیهم السلام).

است که گواه و محاسب و جزا دهنده و ثواب بخشنده است. *

مؤلف گوید: که ما در روز سیم جمادی الآخره زیارتی دیگر برای حضرت فاطمه صلوات الله علیها نقل کردیم و

علما نیز زیارت مبسوطی برای آن مظلومه نقل کرده اند و آن مثل همین زیارت است که از شیخ نقل کردیم اول

آن: اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللّٰهِ است تا اَشْهَدُ اللّٰهَ وَ رَسُوْلَهُ وَ مَلَائِكَتَهُ وَ که از

اینجا به بعد به این نحو است: اَشْهَدُ اللّٰهَ وَ مَلَائِكَتَهُ وَ اَنِي وَاٰلِي وَاٰلِ اَهْلِهِ وَاَصْحَابِهِ وَاُمَّةٍ اَتَتْ رَسُوْلَهُ

خدا را گواه می گیرم و پیغمبران و فرشتگان را خدا را گواه می گیرم و فرشتگان را که من دوستم با دوستان شما * و دشمنم

لِمَنْ عَادَاكَ * وَ حَرْبٍ لِمَنْ حَارَبَكَ * اَنَا يَا مَوْلَاتِي بِكَ وَ بِاَبِيكَ وَ بِعَلِّكَ

با دشمنان شما * و با هر که محاربه کند با شما محارم * من ای مولای من به مقام عصمت و عظمت تو و پدر بزرگوارت و شوهر

* وَ الْاِئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ مُوقِنٌ * وَ بَوْلَايَتِهِمْ مُؤْمِنٌ * وَ لِبَطَاعَتِهِمْ مُلْتَزِمٌ

* و فرزندان که پیشوایان دین منند یقین دارم * و به ولایت و امامت شما ایمان دارم * و ملتزم اطاعت شما هستم *

اَشْهَدُ اَنَّ الدِّينَ دِينُهُمْ * وَ الْحُكْمَ حُكْمُهُمْ * وَ هُمْ قَدْ بَلَّغُوا عَنِ اللّٰهِ

گواهی می دهم که دین همان است که آنها راست * و حکم خدا همان حکم است که آنها کنند * و آنها حکم خدا را البته

عَزَّ وَ جَلَّ * وَ دَعَوْا اِلَى سَبِيْلِ اللّٰهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ

به خلق رسانیدند * و امت را به راه خدا به طریق حکمت و برهان و پند و اندرز نیکو دعوت کردند *

لَا تَأْخُذْهُمْ فِي اللّٰهِ لَوْمَةٌ لَّائِمٌ * وَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْكَ وَ عَلٰی اَبِيكَ

و از ملامت لائمان نیندیشیدند * و درود بر تو و بر پدر بزرگوار

وَ بِعَلِّكَ * وَ ذُرِّيَّتِكَ الْاِئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ

و شوهر * و ذریه و فرزندان که امامان پاک گوهرند * ای پروردگار درود فرست بر محمد (ص) و

بَيْتِهِ * وَ صَلِّ عَلٰی الْبُتُوْلِ الطَّاهِرَةِ * الصِّدِّيقَةِ الْمَعْصُومَةِ * اَلَّتَّقِيَّةِ

اهل بیتش * و درود فرست بر بتول طاهره * و صدیقه معصومه * بانقوای

النَّقِيَّةِ * الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ * الزَّكِيَّةِ الرَّشِيدَةِ * الْمَظْلُومَةِ الْمَقْهُورَةِ

پاکیزه روح * که از خدا راضی است و خدا از او راضی است * پاک گوهر با رشد و هدایت * و مظلوم و مقهور امت

الْمَغْضُوبَةِ (الْمَغْضُوبِ) حَقُّهَا * الْمَمْنُوعَةِ (الْمَمْنُوعِ) ارْثُهَا الْمَكْسُورَةِ

* که حقش را غصب * و ارثش را منع کردند و استخوان پهلویش

الْمَكْسُورِ ضَلَعُهَا * الْمَظْلُومِ بَعْلُهَا * الْمَقْتُولِ وَلَدُهَا * فَاطِمَةُ بِنْتُ

را شکستند * و به شوهرش ستم نمودند * و فرزندش را شهید کردند * ای خدا فاطمه

رَسُولِكَ * وَبَضْعَةَ لَحْمِهِ * وَصَمِيمَ قَلْبِهِ * وَفِلْدَةَ كَبِدِهِ * وَالنُّخْبَةَ

دخت رسول توست * و پاره تن * و باطن قلب * و جگر گوشه پیغمبر توست * تحت

(وَالتَّحِيَّةِ) مِنْكَ لَهُ * وَالتَّحْفَةَ خَصَّصْتَ بِهَا وَصِيَّهُ * وَحَبِيبَةَ

و درود از تو بر او باد * و او تحفه گرانهای توست که خاصه به وصی رسولت اعطا فرمودی * و حبیب

(وَحَبِيبَهُ) الْمُصْطَفَى * وَقَرِينَةَ (وَقَرِينَهُ) الْمُرْتَضَى * وَسَيِّدَةَ النِّسَاءِ

حضرت مصطفی * و قرین حضرت مرتضی * و بزرگ زنان عالم *

و مُبَشِّرَةَ الْأَوْلِيَاءِ * حَلِيفَةَ الْوَرَعِ وَالزُّهْدِ * وَتَفَاحَةَ الْفَرْدَوْسِ

و بشارت دهنده اولیاء * و ملازم ورع و زهد * و سیب باغ فردوس *

و الْمَخْلَدِ الَّتِي شَرَفْتَ مَوْلِدَهَا بِنِسَاءِ الْجَنَّةِ * وَ سَلَّلْتَ مِنْهَا أَنْوَارَ

و بهشت خلد تو مولدش را به شرف زنان بهشتی شرافت دادی * و انوار ائمه طاهرین را از نسل پاک

الْأَيِّمَةِ * وَارْحَيْتَ دُونَهَا حِجَابَ النُّبُوَّةِ * اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهَا صَلَاةَ

او مقرر داشتی * و در برابرش پرده نبوت را بیاویختی * پروردگارا درود فرست بر او درودی که

تَزِيدُ فِي مَحَلِّهَا عِنْدَكَ * وَ شَرَفَهَا لَدَيْكَ * وَ مَنَزَلَتَهَا مِنْ رِضَاكَ

مقامش نزد تو بیفزاید * و نزد تو شرافت یابد * و از مقام رضا و خشنودیت منزلت گیرد *

وَ بَلَّغَهَا مِنْ تَحِيَّةٍ وَ سَلَامًا * وَ آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي حُبِّهَا فَضْلًا

از ما تحیت و سلام به روح پاک آن بزرگوار برسان * و به واسطه دوستی و محبت او ما را فضل

وَ إِحْسَانًا * وَ رَحْمَةً وَ غُفْرَانًا * إِنَّكَ ذُو الْعَفْوِ الْكَرِيمِ * مؤلف گوید که: شیخ

و احسان * و رحمت و مغفرت کرامت فرما * که تو ای خدا دارای مقام عفو با لطف و کرامتی. *

در تهذیب فرموده که: آنچه روایت شده در فضل زیارت آن معظمه بیشتر است از آنکه احصا شود * و علامه

مجلسی از مصباح الأنوار نقل کرده که از حضرت فاطمه صلوات الله علیها روایت شده که فرمود پدرم با من

فرمود که: هر که بر تو صلوات بفرستد بیامزد حق تعالی او را و ملحق سازد او را به من در هر کجا باشم از بهشت.

زیارت حضرت رسول (ﷺ) از بعید:

علامه مجلسی در زادالمعاد در اعمال عید مولود که روز هفدهم ربیع الاول است فرموده شیخ مفید و شهید و سید بن طاوس رحمهم الله گفته اند که چون در غیر مدینه طیبه خواهی که حضرت رسول (ﷺ) را زیارت کنی غسل بکن و شبیه به قبر در پیش روی خود بساز و اسم مبارک آن حضرت را بر آن بنویس و بایست و دل خود را

متوجه آن حضرت گردان * و بگو: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ***

شهادت می‌دهم که خدایی جز خدا * که یگانه و بی‌شریک است موجود نیست *

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ * وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

و شهادت می‌دهم که محمد (ص) بنده خدا و رسول اوست * و محققا او سید خلق اولین و آخرین است

*** وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ أَهْلِ**

* و بی‌شک او سید پیغمبران و رسولان الهی است * پروردگارا درود فرست بر او و بر اهل بیتش

بَيْتِهِ الْأَيْمَةِ الطَّيِّبِينَ * پس بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ * السَّلَامُ

که پیشوایان پاکان عالمند. * سلام بر تو ای رسول خدا * سلام

عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بر تو ای خلیل خدا * سلام بر تو ای خبر دهنده از خدا * سلام بر تو ای

صَفِيَّ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَحْمَةَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ

برگزیده خدا * سلام بر تو ای رحمت خدا بر خلق * سلام بر تو ای مختار خدا از

اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَجِيبَ اللَّهِ

بندگان * سلام بر تو ای دوست خدا * سلام بر تو ای نجیب و شریفترین خلق نزد خدا

*** السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ**

* سلام بر تو ای خاتم پیغمبران * خدا سلام بر تو ای سید رسولان خدا

*** السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِمًا بِالْقِسْطِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاتِحَ الْخَيْرِ ***

* سلام بر تو ای آنکه اساس عدل را بر پا داشتی * سلام بر تو ای فاتح هر خیر و سعادت *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْوَحْيِ وَالتَّنْزِيلِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَبْلَغًا

سلام بر تو ای معدن وحی خدا و نزول فرشتگان * سلام بر تو ای تبلیغ کننده

عَنْ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السِّرَاجُ الْمُنِيرُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

احکام الهی * سلام بر تو ای چراغ روشن (علوم آسمانی) * سلام بر تو ای بشارت آورنده

مُبَشِّرُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَذِيرُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُنْذِرُ * السَّلَامُ

رحمت به خلق * سلام بر تو ای ترساننده خلق از عذاب خدا * سلام بر تو ای انذار کننده امت * سلام

عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يُسْتَضَاءُ بِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ

بر تو ای نور خدا که خلق بدان نور روشنی (علم و ایمان) می‌یابند * سلام بر تو و بر اهل بیت

بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى

که پاکیزه طینت و پاک گوهر و راهنما و راه یافتگان به سوی خداوند * سلام بر تو و بر

جَدِّكَ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ * وَ عَلَى أَبِيكَ عَبْدَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَى أُمَّكَ

جدت حضرت عبد المطلب * و بر پدرت حضرت عبد الله * سلام بر مادرت

ءَامِنَةَ بِنْتِ وَهَبٍ * السَّلَامُ عَلَى عَمِّكَ حَمْرَةَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ * السَّلَامُ

آمنه بنت وهب * سلام بر عموی تو حضرت حمزه سید الشهداء * سلام

عَلَى عَمِّكَ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ * السَّلَامُ عَلَى عَمِّكَ وَ كَفِيلِكَ

بر عموی تو عباس بن عبد المطلب * سلام بر عموی تو و کفیل تو حضرت

أَبِي طَالِبٍ * السَّلَامُ عَلَى ابْنِ عَمِّكَ جَعْفَرِ الطَّيَّارِ فِي جَنَانِ الْمُحَلَّدِ *

ابو طالب * سلام بر پسر عمویت جعفر طیار که در بهشت ابد به پرواز است *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَحْمَدُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای محمد (ص) * سلام بر تو ای احمد * سلام بر تو ای

يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى الْأَوَّلِينَ وَ الْأَخِيرِينَ * وَ السَّابِقَ إِلَى طَاعَةِ رَبِّ

حجت خدا بر خلق اولین و آخرین * که به طاعت خدا از همه سبقت

الْعَالَمِينَ * وَ الْمُهَيَّمِنَ عَلَى رُسُلِهِ * وَ الْخَاتِمَ لِنَبِيِّائِهِ * وَ الشَّاهِدَ

گرفتی * و بر جمیع انبیاء و رسل تفوق و برتری یافتی * و خاتم انبیاء شدی * و شاهد

عَلَى خَلْقِهِ * وَ الشَّفِيعَ إِلَيْهِ * وَ الْمَكِينَ لَدَيْهِ * وَ الْمُطَاعَ فِي مَلَكُوتِهِ

بر تمام خلق گردیدی * و شفیع خلق به سوی خدا * و صاحب منزلت نزد خدا * و مطیع فرشتگان در عالم ملکوت خدا

* الْأَحْمَدَ مِنَ الْأَوْصَافِ * الْمُحَمَّدَ لِسَائِرِ الْأَشْرَافِ * الْكَرِيمَ عِنْدَ

* و دارای پسندیده‌ترین اوصاف * و صاحب بهترین شرافت * و کرامت نزد

الرَّبِّ * وَ الْمُكَلَّمِ مِنْ وَّرَاءِ الْحُجُبِ * الْفَائِزِ بِالسَّبَاقِ * وَ الْفَائِتَ

خدا * ای آنکه از پس حجابهای نور خدا را با تو تکلم است * و تو را فیروزی تقدم بر خلق است * و کسی را

عَنِ الدَّحَاقِ * تَسْلِيمِ عَارِفٍ بِحَقِّكَ * مُعْتَرِفٍ بِالتَّقْصِيرِ فِي قِيَامِهِ

یارای الحاق به تو نیست * سلامی به تو می فرستم که آن سلام از روی معرفت به مقام توست * و باز معترفم به تقصیر در ادای حق

بِوَأَجِبِكَ * غَيْرِ مُنْكَرٍ مَا انْتَهَى إِلَيْهِ مِنْ فَضْلِكَ * مُوقِنٍ بِالْمَزِيدَاتِ

تو و قیام به واجب آن * و هرگز انکار مقام فضیلت تو را که منتها الیه هر فضل و کمال است نمی کنم * و یقین به مزید عنایت

مِنْ رَبِّكَ * مُؤْمِنٍ بِالْكِتَابِ الْمُنَزَّلِ عَلَيْكَ * مُحَلِّلِ حَلَالِكَ * مُحَرِّمِ

خدا در حق شما دارم * و به کتاب آسمانی قرآن که به تو نازل گردید ایمان دارم * حلال شما را حلال * و حرامت را

حَرَامِكَ * أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَعَ كُلِّ شَاهِدٍ * وَ اتَّحَمَّلَهَا عَنْ كُلِّ

حرام می دانم * ای رسول خدا من و همه گواهان عالم شهادت می دهم * و تحمل می کنیم از

جَاهِدٍ * أَنْكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ * وَ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ * وَ جَاهَدْتَ

هر منکری * که رسالتهای خدا را به امت رسانیدی * و نصیحت و اندرز به خلق کردی * و جهاد

فِي سَبِيلِ رَبِّكَ * وَ صَدَعْتَ بِأَمْرِهِ * وَ احْتَمَلْتَ الْأَذَى فِي جَنْبِهِ

در راه پروردگارت نمودی * و فرمان او را با صدای رسا به خلق رسانیدی * و اذیت خلق را در راه خدا تحمل کردی

* وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ الْجَمِيلَةِ *

* و دعوت به راه خدا با حکمت و برهان و به اندرز و پند نیکو فرمودی *

وَ أَدَيْتَ الْحَقَّ الَّذِي كَانَ عَلَيْكَ * وَ أَنْكَ قَدْ رَوَّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ *

و وظیفه رسالتت را ادا کردی * و با اهل ایمان با کمال رأفت *

وَ غَلِظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ * وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ *

و با کافران در نهایت شدت بودی * و خدا را خالص بی شائبه شک و ریب عبادت کردی تا به مقام یقین رسیدی

* فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكَ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ * وَ أَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقْرَبِينَ *

* آنگاه خدا تو را به شرافتمندترین مقام اهل کرامت * و عالیترین رتبه مقربان درگاهش *

وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ * حَيْثُ لَا يَدْحَقُّكَ لِأَحَقِّ * وَ لَا يَفُوقُكَ

و رفیعترین درجات پیمبرانش رسانید * که دیگر هیچکس به مقام تو نخواهد رسید * و هیچ بلند مرتبه

فَائِقُ * وَ لَا يَسْبِقُكَ سَابِقُ * وَ لَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِكَ طَامِعُ * الْحَمْدُ

بر تو تفوق نخواهد یافت * و احدی بر تو سبقت نتواند گرفت * و کسی طمع وصول به رتبه تو نتواند کرد * ستایش

لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الْهَلَكَةِ * وَ هَدَانَا بِكَ مِنَ الضَّلَالَةِ *

خداى را كه به واسطهٔ تو ما را از مهلكه نجات داد * و از ظلمت و گمراهى *

وَ نَوَّرْنَا بِكَ مِنَ الظُّلْمَةِ * فَجَزَاكَ اللهُ يَا رَسُولَ اللهِ مِنْ مَبْعُوثٍ *

به نور هدايت تو رهانيد * بارى اى رسول خدا خداييت كه تو را مبعوث كرد پاداش دهد *

أَفْضَلَ مَا جَازَى (جَزَى) نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ * وَ رَسُولًا عَمَّنْ أَرْسَلَ إِلَيْهِ * بِأَبِي *

كاملتر پاداشى كه پيغمبر و رسولى از خدا * به واسطهٔ تربيت امتش يافت * پدر *

أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللهِ * زُرْتِكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ * مُقِرًّا بِفَضْلِكَ *

و مادرم فدای تو اى رسول خدا * من به زيارتت آمدم در حالى كه به حق تو عارف * و به فضل و شرافتت معترفم *

مُسْتَبْصِرًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ * وَ خَالَفَ أَهْلَ بَيْتِكَ * عَارِفًا بِالْهُدَى *

و مى دانم كه هر كس با تو * و اهل بيتت راه مخالفت پويد گمراه گردد * و شناسا هستم *

الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ * بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وَدَيْ * *

كه شما راهنماى خلكيد * پدر و مادرم و خود و عيال و فرزندانم به فدای تو باد *

أَنَا أَصَلِّي عَلَيْكَ كَمَا صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ * وَ صَلَّى عَلَيْكَ مَلَائِكَتُهُ * وَ *

من درود مى فرستم بر روح پاكت چنانكه خدا * و فرشتگان و پيغمبران و *

وَ أَنْبِيَائِهِ * وَ رُسُلُهُ * وَ صَلَاةٌ مُتَّبِعَةٌ وَ آفِرَةٌ مُتَّوَصِلَةٌ لَا انْقِطَاعَ لَهَا *

رسولان خدا درود فرستادند * درودى مى فرستم پى در پى و پيوسته و وافر و غير منقطع *

وَ لَا أَمَدَ وَ لَا أَجَلَ * صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ *

* و بدون وقت و مدت محدود * درود خدا بر تو و بر اهل بيت پاک و پاكيگان *

الطَّاهِرِينَ * كَمَا أَنْتُمْ أَهْلُهُ * پس دستها را بگشا و بگو: اللَّهُمَّ اجْعَلْ جَوَامِعَ *

باد * كه شما لايق درود خداييد * پروردگارا تو جميع صلوات *

صَلَوَاتِكَ * وَ نَوَامِي بَرَكَاتِكَ * وَ فَوَاضِلَ خَيْرَاتِكَ * وَ شَرَائِفَ *

خود را * و بركات * با افزايش و فواضل خيرات * و شرافتها *

تَحِيَّاتِكَ وَ تَسْلِيمَاتِكَ * وَ كَرَامَاتِكَ وَ رَحْمَاتِكَ * وَ صَلَوَاتِ *

و تحيات و سلام * و كرامت و رحمتهايت را * با جميع صلوات *

مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ * وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ * وَ أئِمَّتِكَ الْمُنتَجِبِينَ *

فرشتگان مقرب * و پيغمبران مرسل * و امامان برگزيده *

وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ * وَ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ * وَ مَنْ سَبَّحَ لَكَ

* و بندگان شایسته * و همه اهل آسمانها و زمینها * و هر کس تو را تسبیح کند

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْأَخِيرِينَ * عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ

ای پروردگار عالم از خلق اولین و آخرین * تمام آن صلوات و تحیات را عطا فرما بر حضرت محمد (ص) بنده خاص خود

وَ شَاهِدِكَ * وَ نَبِيِّكَ وَ نَذِيرِكَ * وَ أَمِينِكَ وَ مَكِينِكَ * وَ نَجِيكَ

و رسول و شاهد * و پیغمبر پاک خود و نذیر خود * و امین وحی خود و صاحب رتبه و مکانت خود * و نجات بخشنده

وَ نَجِيْبِكَ * وَ حَبِيْبِكَ وَ خَلِيْلِكَ * وَ صَفِيْكَ وَ صَفْوَتِكَ * وَ خَاصَّتِكَ

و برگزیده * و حبیب و خلیل * و با صفا و پاک * و بنده خاص

وَ خَالِصَّتِكَ * وَ رَحْمَتِكَ وَ خَيْرِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ * نَبِيِّ الرَّحْمَةِ

خالص خود * و مظهر رحمت و بهترین نیکیان خلق تو * که او پیغمبر رحمت است

وَ خَازِنِ الْمَغْفِرَةِ * وَ قَائِدِ الْخَيْرِ وَ الْبِرَّةِ * وَ مُنْقِذِ الْعِبَادِ مِنَ الْهَلَاكَةِ

و خازن و مالک مغفرت است * و قائد خیر و برکت است * و نجات بخشنده خلق به امر تو

بِأَذْنِكَ * وَ دَاعِيهِمْ إِلَى دِينِكَ الْقِيَمِ بِأَمْرِكَ * أَوَّلِ النَّبِيِّينَ مِيثَاقًا

از هلاکت * و دعوت کننده امت به دین محکم و پایدار توست * رسولی که اول پیغمبران در عهد و میثاق است

وَ آخِرِهِمْ مَبْعَثًا * الَّذِي غَمَسْتَهُ فِي بَحْرِ الْفَضِيلَةِ * وَ الْمَنْزِلَةِ الْجَلِيلَةِ

و آخر آنها در بعثت آن رسولی * که او را در دریای فضل و کمال غوطه ور کردی * و منزلت بزرگ

وَ الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ * وَ الْمُرْتَبَةِ الْخَطِيْرَةِ * وَ أَوْدَعْتَهُ الْأَصْلَابَ

* و درجه بلند * و رتبه عظیم به او عنایت فرمودی * و نور پاک او را در اصلاص

الطَّاهِرَةِ * وَ نَقَلْتَهُ مِنْهَا إِلَى الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ * لُطْفًا مِنْكَ لَهُ

پاک پدران * و از آنجا به ارحام مطهر مادران منتقل داشتی * و آن به لطف و عنایت

وَ تَحَنُّنًا مِنْكَ عَلَيْهِ * إِذْ وَكَلْتَ لَصَوْنَهُ وَ حِرَاسَتَهُ * وَ حَفِظَهُ

و عطوفت تو بود از حق او * که بر صیانت و حفظ و حراستش * به قدرت

وَ حِيَاظَتِهِ * مِنْ قُدْرَتِكَ عَيْنًا عَاصِمَةً * حَجَبْتَ بِهَا عَنْهُ مَدَانِسَ

کامله خود * دیدبان غیبی نگهدارنده قرار دادی * و بر او حفظ خود راه هر دنس و زشتی

الْعَهْرِ * وَ مَعَائِبَ السَّفَاحِ * حَتَّى رَفَعْتَ بِهِ نَوَاطِرَ الْعِبَادِ * وَ أَحْيَيْتَ

و نابکاری * و معایب زنا و بد عملی را به کلی بستی * تا آنکه دیده بندگان را به مقام رفعتش بینا کردی * و مردگان

بِه مَيْتِ الْبِلَادِ * بَانَ كَشَفْتَ عَنْ نُورِ وِلَادَتِهِ ظُلْمَ الْأَسْتَارِ * وَالْبَسْتِ

شهر را به نور وجودش احیا فرمودی * که چون پرده‌ای از نور او به ولادتش برداشتی پرده ظلمت‌های جاهلیت را برگشود * و حله

حَرَمِكَ بِه حَلَّلَ الْأَنْوَارِ * اَللّٰهُمَّ فَكَمَا خَصَّصْتَهُ وَبَشَرَفِ هَذِهِ الْمَرْتَبَةِ

نور را بر آن حرم و ناموس الهی پوشانیدی * پروردگارا پس چنانکه تو او را به شرافت خاص خود مخصوص به این رتبه

الْكَرِيمَةِ * وَذَخِرْ هَذِهِ الْمَنْقِبَةَ الْعَظِيمَةَ * صَلِّ عَلَيْهِ كَمَا وَفَى بِعَهْدِكَ

بلند فرمودی * و این منقبت بزرگ را بر او ذخیره کردی * باز درود فرست بر آن پیغمبر گرامی که او به عهد تو وفا کرد

* وَبَلِّغْ رِسَالَاتِكَ * وَقَاتِلْ أَهْلَ الْجُحُودِ عَلَى تَوْحِيدِكَ * وَقَطِّعْ رَحِمَ

* و رسالتت را به خلق تبلیغ نمود * و با اهل کفر و جحود در راه معرفت و توحید تو قتال کرد * و قطع رحم

الْكُفْرِ فِي اعْزَازِ دِينِكَ * وَلَبَسَ ثَوْبَ الْبَلْوَى فِي مُجَاهَدَةِ أَعْدَائِكَ *

کفر و شرک در راه اعزاز دین تو نمود * و در جهاد با اعداء و دشمنان جامه هر رنج و بلا در تن پوشید *

وَ أَوْجَبْتَ لَهُ * وَبِكُلِّ آذَى مَسَّهُ * أَوْ كَيْدٍ أَحَسَّ بِهِ مِنْ الْفِتْنَةِ الَّتِي

و تو نیز در مقابل هر آزار که در این راه دید * و هر کید و خدعه و مکر به او از هر گروهی که قصد

حَاوَلَتْ قَتْلَهُ * فَضِيلَةٌ تَفُوقُ الْفَضَائِلَ * وَيَمْلِكُ بِهَا الْجَزِيلَ مِنْ

قتل او داشتند به او رسید * به عوض فضیلتی فوق هر فضل و کمال به او عطا فرمودی * و او را مالک عطیه

نَوَالِكَ * وَقَدْ (فَلَقَدْ) أَسْرَّ الْحُسْرَةَ * وَأَخْفَى الزَّفْرَةَ * وَتَجَرَّعَ الْغَصَّةَ

بزرگ نمودی * و او غم و شراره اندوه جان فرسا را * و جرعه زهر آگین غصه‌ها را * در دل پنهان می‌داشت

* وَ لَمْ يَتَخَطَّ مَا مَثَلْ لَهُ * وَحَيْكَ (مِثْلَ مِنْ وَحَيْكَ) * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ

* و از آنچه به وحی تو به او می‌رسید هرگز تخطی نمی‌کرد * بار پروردگارا درود فرست

وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَاةً تَرْضَاهَا لَهُمْ * وَ بَلِّغُهُمْ مِنَّْا تَحِيَّةً كَثِيرَةً

بر آن پیمبر بزرگ و بر اهل بیتش درودی که تو خود می‌پسندی بر آنها * و تحیت و سلام

وَ سَلَامًا * وَءَاتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي (مِنْ) مُوَالَاتِهِمْ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا *

بسیار * و به ما نیز به واسطه دوستی آنها فضل و احسان *

وَ رَحْمَةً وَ غُفْرَانًا * إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ * پس چهار رکعت نماز زیارت بکن به

و رحمت و مغفرتت را عنایت فرما * که تو صاحب فضل و عطای بزرگ بی‌انتهایی *

دو سلام با هر سوره که خواهی و چون فارغ شوی تسبیح فاطمه زهرا (علیها السلام) را بخوان * پس بگو: اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ

پروردگارا تو در

قُلْتَ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * ﴿۱﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا

کتاب خود به نبی خود حضرت محمد که درود خدا بر او و آتش باد فرمودی * اگر هنگامی که امت بر نفس خود

أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ * وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ * لَوَجَدُوا

ظلم و ستم کنند پیش تو آیند و از خدا طلب عفو و بخشش کرده * و از رسول درخواست طلب مغفرت کنند * البته

اللَّهُ تَوَابًا رَحِيمًا * ﴿۲﴾ وَلَمْ أَحْضِرْ زَمَانَ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ

خدا را آمرزنده و مهربان خواهند یافت * و من زمان رسالت که به او و آتش درود باد در نیافتم

اللَّهُمَّ * وَقَدْ زَرْتَهُ * وَرَاغِبًا تَائِبًا * مِنْ سَيِّئِ عَمَلِي * وَمُسْتَغْفِرًا لَكَ

* در حالی که به زیارتش شتافتم با شوق و رغبت و توبه از عمل زشت خود * و در طلب عفو و آمرزش

مِنْ ذُنُوبِي * وَمَقْرًا لَكَ بِهَا * وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّي * وَتَوَجَّهًا إِلَيْكَ

گناهانم از درگاه تو * و حالی نزد تو به گناهان خود اقرار می‌کنم * و تو از من به گناهانم آگاه‌تری * و با توسل

بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ * صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ * فَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ بِمُحَمَّدٍ

به رسالت که پیغمبر رحمت است به تو رو آورده‌ام * پس تو ای خدا به حق محمد و آل محمد

وَأَهْلَ بَيْتِهِ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ * وَمِنَ الْمُقْرَبِينَ * يَا مُحَمَّدُ

و اهل بیتش مرا نزد خود وجیه و آبرومند در دنیا و عقبی گردان و از مقربان درگاهت قرار ده * ای محمد

يَا رَسُولَ اللَّهِ * يَا أَبَا أَنْتَ وَآمِي يَا نَبِيَّ اللَّهِ * يَا سَيِّدَ خَلْقِ اللَّهِ * إِنِّي

ای رسول خدا * پدر و مادرم به فدایت * ای نبی خدا ای سید خلق عالم * من

أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي * لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي * وَيَتَقَبَّلَ مِنِّي عَمَلِي

به وسیله تو به خدای عالم که پروردگار تو و من است رو آورده‌ام * تا از گناهانم بگذرد * و اعمالم قبول فرماید

* وَيَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي * فَكُنْ لِي شَفِيعًا عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي * فَنِعْمَ

* و حوائجم برآورد * پس تو ای رسول خدا نزد خدای خود و خدای من مرا شفاعت کن * که پروردگارا

الْمَسْئُولُ الْمَوْلَى رَبِّي * وَنِعْمَ الشَّفِيعُ أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ * عَلَيْكَ وَعَلَى

و مولای من نیکو مولایی * و تو ای محمد که سلام بر تو و اهل بیت باد

أَهْلَ بَيْتِكَ السَّلَامُ * اللَّهُمَّ * وَأَوْجِبْ لِي مِنْكَ الْمَغْفِرَةَ وَ الرَّحْمَةَ *

نیکو شفیعی هستی * پروردگارا و تو رحمت و آمرزش مرا *

و الرِّزْقَ الْوَاسِعَ الطَّيِّبَ النَّافِعَ * كَمَا أُوجِبَتْ لِمَنْ أَتَى نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا

با رزق وسیع حلال و طیب نافع بر خود حتم و لازم فرما * چنانکه هر کس که

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَهُوَ حَيٌّ فَاقْرَأْ لَهُ وَبِذُنُوبِهِ * وَاسْتَغْفِرْ لَهُ * وَ

در زمان پیغمبریت به حضور می‌رسید * و اقرار به گناهانش می‌کرد * و رسول تو بر او

رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ * فَغَفَرْتَ لَهُ * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

طلب آموزش می‌کرد * تو او را می‌آموزیدی اکنون مرا هم به رحمتت بیامرز ای مهربانترین مهربانان عالم

اللَّهُمَّ * وَقَدْ أَمَلْتُكَ وَرَجَوْتُكَ * وَقُمْتَ بَيْنَ يَدَيْكَ * وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ * وَ

* پروردگارا من آرزومند تو و امیدم به درگاه توست * و با شوق و رغبت به تو * و اعراض از غیر

عَمَّنْ سِوَاكَ * وَقَدْ أَمَلْتُ جَزِيلَ ثَوَابِكَ * وَإِنِّي لَمَقْرٌ (مَقْرٌ) غَيْرُ مُنْكَرٍ

به حضور تو ایستاده‌ام * و در حد کمال آرزومند ثواب بزرگ توام * ابدا منکر گناهانم نیستم

وَتَائِبٌ إِلَيْكَ مِمَّا اقْتَرَفْتُ * وَعَائِدٌ بِكَ فِي هَذَا الْمَقَامِ مِمَّا قَدَّمْتُ

* بلکه معترف و تائب و شرمنده به درگاهت از اعمالی که مرتکب شده * و پناه به تو آورده‌ام در این مقام

مِنَ الْأَعْمَالِ الَّتِي تَقَدَّمْتُ إِلَيْهَا فِيهَا * وَنَهَيْتَنِي عَنْهَا * وَأَوْعَدْتَ عَلَيْهَا

از آن گناهی که پیش فرستاده‌ام * تو در سابق علمت مرا از آن نهی کردی * و بر آن وعده عقاب

الْعِقَابَ * وَأَعُوذُ بِكَرَمِ وَجْهِكَ أَنْ تُقِيمَنِي مَقَامَ الْخُزْيِ وَالذُّلِّ * يَوْمَ

دادی * و باز پناه به تو می‌برم به کرم ذاتی و لطف ازلی تو که مرا به مقام محرومیت و خذلان و خواری مقیم نگردانی * در آن

تَهْتِكُ فِيهِ الْأَسْتَارَ * وَتَبْدُو فِيهِ الْأَسْرَارَ وَالْفَضَائِحَ * وَتَرْعَدُ فِيهِ

روزی که پرده‌ها بردرند * و اسرار خلق و فضیحتهای بندگان آشکار گردد * و شانه‌ها به لرزه درآید

الْفَرَائِصُ * يَوْمَ الْحُسْرَةِ وَالنَّدَامَةِ * يَوْمَ الْأَفْكَةِ * يَوْمَ الْأَزْفَةِ * يَوْمَ

* که آن روز روز حسرت و ندامت و پشیمانی است * و روز پدید آمدن افک و زشتیهای خلق است * روز شناختن هر کس نتیجه اعمال

التَّغَابُنِ * يَوْمَ الْفَصْلِ * يَوْمَ الْجُزْأِ * يَوْمًا كَانَ مِقْدَارُهُ * خَمْسِينَ أَلْفَ

خود است * روز غبن و زبان بدکاران * و روز فصل و جدایی خوبان و بدان * و روز کيفر و پاداش بندگان است * آن روز مقدارش

سَنَةٍ * يَوْمَ النَّفْخَةِ * يَوْمَ تَرْجَفُ الرَّاجِفَةُ * تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ * يَوْمَ

پنجاه هزار سال است * و روز نفخه صور است * که جهان را بلرزاند * و از پی آن نفخه، نفخه دیگر درآید * آن روز

النَّشْرِ * يَوْمَ الْعَرْضِ * يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ * يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ

روز نشر نامه عمل است * روز عرض بر کردگار است * روزی است که مردم در حضور رب العالمین قیام کنند * روزی است که

مِنْ أَخِيهِ وَآمِهِ وَآبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ * يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضُ وَآكِنَافُ

هر کس از برادر و مادر و پدر و زن و فرزند خود می‌گریزد * روزی است که زمین و اطراف آسمان

السَّمَاءِ * يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا * يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلَى اللَّهِ

شکافته شود * روزی که هر نفسی از جانب خود جدال و دفاع کند * روزی که خلق به خدا بازگردند

فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا * يَوْمَ لَا يَغْنَى مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

و به نتیجه اعمالشان آگاه گردند * روزی که دوستی از برای دوست خود اثری ندارد و از کسی به آنها یاری نرسد

إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ * إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ * يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ

* جز آنکه خدا به حالش ترحم کند * که خدا تنها بر خلق مقتدر و مهربان است * روزی که به سوی خدایی که دانای

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ * يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقُّ * يَوْمَ يُخْرَجُونَ

عالم غیب و شهود است باز می گردند * روزی که به سوی خدا که مولای شما است به حق باز می گردند * روزی که سر

مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا * كَانَهُمْ إِلَى نُصْبٍ يُوفِضُونَ * وَ كَانَهُمْ جَرَادٌ

از قیرها به سرعت برآورده * گویی به سوی بنها و نتیجه پرستش غیر خدا می شتابند * و به مانند ملخ

مُنْتَشِرٌ * مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ إِلَى اللَّهِ * يَوْمَ الْوَاقِعَةِ * يَوْمَ تَرْجُ الْأَرْضُ

منتشر شوند * و شتابان به سوی داعی به طرف خدا می روند * روز واقعه بزرگ * روز زلزله

رَجًّا * يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ * وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ * وَ لَا يُسْئَلُ

زمین * روزی که آسمان مانند مس گداخته * و کوهها چون پشم زده شده گردد * و دوستی

حَمِيمٌ حَمِيمًا * يَوْمَ الشَّاهِدِ وَ الْمَشْهُودِ * يَوْمَ تَكُونُ الْمَلَائِكَةُ صَفًّا

از حال دوستی نپرسد * روز شاهد و مشهود است * آن روز فرشتگان صف در صف

صَفًّا * اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ بِمَوْقِفِي فِي هَذَا الْيَوْمِ * وَ لَا

ایستاده اند * پروردگارا در آن روز سخت موقف مرا جای آسایش گردان * و در آن روز

تُخْزِنِي فِي ذَلِكَ الْمَوْقِفِ (الْيَوْمِ) بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي * وَ اجْعَلْ يَا رَبِّ

مرا خوار مگذار با آن جنایات و زشتکاریها که بر نفس خود کرده ام * و در آن روز

فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَعَ أَوْلِيَائِكَ مُنْطَلِقِي * وَ فِي زَمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ

سیر مرا با دوستان و اولیاء خود * و حشرم را در زمره محمد (ص) و آل اطهارش

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَحْشَرِي * وَ اجْعَلْ حَوْضَهُ مَوْرِدِي * وَ فِي الْغُرِّ الْكِرَامِ

علیهم السلام مقرر گردان * و حوض کوثر او را محل ورودم قرار ده * و جایگاهم را مقام عزت

مَصْدَرِي * وَ اعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي * حَتَّى أَفُوزَ بِحَسَنَاتِي * وَ تَبَيِّضَ بِهِ

کرامت فرما * و کتابم را به دست راستم عطا فرما * تا به حسنات خود رستگار و فیروز گردم * و بدین سبب

وَجْهِي * وَ تَيْسِرَ بِهِ حِسَابِي * وَ تُرَجِّحَ بِهِ مِيزَانِي * وَ أَمْضِي مَعَ

در آن روز رو سفیدم گردان * و حسابم را سهل و آسان ساز * و میزان حسناتم را سنگین تر گردان * و مرا با

الْفَائِزِينَ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ * إِلَى رِضْوَانِكَ وَ جَنَّاتِكَ إِلَهَ الْعَالَمِينَ

رستگاران و بندگان شایسته خود * رهسپار بهشت رضوان ای پروردگار عالمیان قرار ده

* اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تَفْضَحَنِي فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ * بَيْنَ يَدَيِ

* پروردگارا به تو پناه می‌برم که به گناهان و زشتیهاییم در آن روز * مرا در میان خلق

الْمُخْلَاطِقِ بِجَرِيرَتِي * أَوْ أَنْ الْقَى الْحَزَى وَالنَّدَامَةَ بِخَطِيئَتِي * أَوْ أَنْ تُظْهَرَ

مفتضح و رسوا سازی * و مرا به خواری و پشیمانی به خطاهایم در اندازی * و یا آنکه افعال بدم

فِيهِ سَيِّئَاتِي عَلَى حَسَنَاتِي * أَوْ أَنْ تُنَوِّهَ بَيْنَ الْمُخْلَاطِقِ بِأَسْمِي * يَا كَرِيمُ

را بر اعمال نیکم غلبه دهی * تا میان خلق محشر بد نامم سازی * ای خدای کریم

يَا كَرِيمُ * أَلْعَفْوُ الْعَفْوِ * أَلَسْتَرُ السَّتْرِ * اللَّهُمَّ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ يَكُونَ

ای خدای کریم * از تو عفو می‌طلبم از تو عفو می‌طلبم * در پرده بپوش در پرده بپوش * پروردگارا و به تو پناه

فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ فِي مَوَاقِفِ الْأَشْرَارِ مَوْقِفِي * أَوْ فِي مَقَامِ الْأَشْقِيَاءِ مَقَامِي

می‌برم از آنکه در آن روز من در جایگاه اشرار مقام یابم * یا در محل اشقیاء منزل گیرم

* وَإِذَا مَيَّزْتَ بَيْنَ خَلْقِكَ فَسُقْتَ كَلًّا بِأَعْمَالِهِمْ زَمْرًا إِلَى مَنَازِلِهِمْ *

* و ای خدا چون میان خلق سعید و شقی آن روز امتیاز و جدایی افکنی *

فَسُقْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ * وَ فِي زُمْرَةِ أَوْلِيَائِكَ الْمُتَّقِينَ

مرا به رحمت خود در طبقه صالحان و سعادت‌مندان سوق ده * و در زمره دوستان و متقیانم به سوی

إِلَى جَنَّتِكَ * يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ * پس وداع کن آن حضرت را و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ

بهشتهای خود فرست * ای پروردگار عالم. * سلام بر تو

يَا رَسُولَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَشِيرُ النَّذِيرُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای رسول خدا * سلام بر تو ای بشارت آورنده به خوبان و ترساننده بدان * سلام بر تو

أَيُّهَا السِّرَاجُ الْمُنِيرُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّفِيرُ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ

ای چراغ روشن (نور هدایت خدا) * سلام بر تو ای سفیر خدا میان

خَلْقِهِ * أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ

خلق * شهادت می‌دهم ای رسول خدا که تو در صلب نور وجود مردان بزرگ و بلند همت

وَ الْأَرْحَامِ الْمَطَهَّرَةِ * لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا * وَلَمْ تُلْبَسْكَ

* و رحم زنان پاکیزه و منزه و پاک فطرت به وجود آمدی * و هرگز آرایش و ناپاکیهای جاهلیت گهر پاک تو را نیلود * و در تو

مِنْ مُدْلَهَمَاتِ ثِيَابِهَا * وَ أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكَ * وَ بِالْأَئِمَّةِ

دوران جاهلیت لباس ظلمت و ناپاکی خود نپوشانید * و گواهی می‌دهم ای رسول خدا که من به نبوت شما * و ولایت امامان

مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ * مُوقِنٌ بِجَمِيعِ مَا آتَيْتَ بِهِ رَاضٍ مُؤْمِنٌ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ

از اهل بیت شما ایمان دارم * و به آنچه از جانب خدا آوردید به مقام یقین هستم و به همه خشنود و با ایمانم * و گواهی می‌دهم

الْأَئِمَّةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ أَعْلَامُ الْهُدَى * وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى * وَ الْحُجَّةَ عَلَى

که امامان از اهل بیت تو همه اعلام و نشانه‌های هدایت * و رشتۀ محکم خدا * و حجت خلق

أَهْلِ الدُّنْيَا * اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ

بر اهل دنیا هستند * پروردگارا این زیارت مرا آخر عهد زیارت رسالت قرار

السَّلَامِ * وَ إِن تَوَفَّيْتَنِي فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي

مده * و اگر مرا قبض روح کردی شهادت می‌دهم در عالم ممات خود به آنچه در حیات خود شهادت

حَيَاتِي * إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ * وَ أَنْ

دادم * به اینکه تو ای خدا بی‌هیچ شک خدایی هستی * یکتا و بدون شرک شریک * و محققا

مُحَمَّدًا عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ * وَ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ أَوْلِيَاؤُكَ

محمد (ص) بنده خاص تو و رسول گرامی توست * و البته امامان از اهل بیت او دوست و ولی تو

وَ أَنْصَارُكَ * وَ حُجَجَكَ عَلَى خَلْقِكَ * وَ خُلَفَاؤُكَ فِي عِبَادِكَ * وَ أَعْلَامَكَ

و یاری کنندگان دین تو * و حجت بر خلق تو اند * و خلیفه تو و به‌جای رسول تو از بین بندگان تو اند * و در بلاد تو

فِي بِلَادِكَ * وَ خُزَانَ عِلْمِكَ * وَ حَفَظَةَ سِرِّكَ * وَ تَرَاجِمَةَ وَحْيِكَ *

نشانه‌های وجود و رحمت تو اند * و خازنان گنج علم تو اند * و نگهبانان سر تو * و مفسران وحی تو اند *

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ بَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

پروردگارا درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد * و به روح پاک پیغمبر خود محمد (ص) و آل او

فِي سَاعَتِي هَذِهِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ * تَحِيَّةً مِنِّي وَ سَلَامًا * وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

در این ساعت و در همه ساعات * تحیتی و سلامی از من بفرست * و سلام بر تو

يَا رَسُولَ اللَّهِ * وَ رَحْمَةً اللَّهُ وَ بَرَكَاتَهُ * لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي

ای رسول خدا * و رحمت و برکات خدا بر تو باد * و این سلام را خدا آخر تسلیم من

عَلَيْكَ * شیخ در مصباح و سید در جمال الأسبوع در اعمال روز جمعه فرموده‌اند که مستحب است

قرار ندهد. *

زیارت حضرت رسول و ائمه (علیهم‌السلام) در روز جمعه * و روایت کرده‌اند از حضرت صادق (علیه‌السلام) که فرمود: هر که خواهد زیارت کند قبر رسول خدا و قبر امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و قبرهای سایر حجج طاهره (علیهم‌السلام) را و در شهر خود باشد پس در روز جمعه غسل کند و دو جامه پاکیزه بپوشد و بیرون رود به صحرائی * و به روایت دیگر بر بام خانه‌ای بالا رود پس چهار رکعت نماز بگذارد با هر سوره که میسر شود، پس چون تشهد و سلام نماز دهد

برخیزد رو به قبله * و بگوید: **السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته** و *

سلام بر تو ای پیغمبر و رحمت و برکات خدا *

السلام عليك ايها النبي المرسل و الوصي المرتضى و السيدة

سلام بر تو ای نبی مرسل * و بر وصی تو مرتضی (ع) * و بر دخترت سیده

الكبرى و السيدة الزهراء و السبطان المنتجبان و الاولاد

کبری * و سیده زهرا اطهر * و بر دو سبط برگزیده تو (حسن و حسین) * و بر اولادش

الاعلام و الامناء المنتجبون (المستخزنون) جئت انقطاعا اليكم

که اعلام و نشانه‌های خدا * و امنای الهی و برگزیدگان حقند * من منقطع از همه به سوی

و الي ابايكم و ولدكم الخلف على بركة الحق فقلبي لكم مسلم

شما و پدران * و فرزندان خلف شما برای ادراک برکات خدا آمدم * پس قلب من تسلیم فرمان شماست

و نصرتي لكم معدة حتى يحكم الله بدينه فمعكم معكم لامع

* و برای یاری شما مهیا هستم * تا روزی که خدا حکم کند به حق دین خود * پس من با شما البته با شما هستم

عدوكم اني لمن القائلين بفضلكم مقرر رجعتكم لانكر لله

نه با دشمنان شما * من البته قائل به فضیلت * و مقرر و معترف به رجعت شما هستم * و هرگز انکار هیچ قدرتی از قدرتهای

قدرة و لا ازعم الا ما شاء الله سبحان الله ذي الملك و الملكوت

خدا نمی‌کنم * و معتقد نیستم جز آنچه مشیت خداست * که خدا منزله از هر نقص و بزرگی است و مالک ملک و ملکوت است

يسبح الله باسمائه جميع خلقه و السلام على ارواحكم

* تسبیح می‌کند به نامهای او تمام خلق او * و سلام بر ارواح و اجسام

و اجسادكم و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته * مؤلف گوید

شما باد * و باز سلام من و رحمت و برکات خدا بر شما باد. *

که: روایات بسیار وارد شده که از هر کجا سلام و صلوات بر حضرت رسول (ﷺ) فرستاده شود به آن حضرت برسد. * و در روایتی وارد شده که ملکی موکل است بر آنکه هر مؤمنی که بگوید: **صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ** وَ سَلَّمَ آن ملک در جواب او گوید: **وَ عَلَيْكَ** پس از آن به حضرت پیغمبر (ﷺ) عرض کند یا رسول الله! فلان شخص سلام بر شما رسانید آن حضرت فرماید: **وَ عَلَيْهِ السَّلَامُ**. * و در روایت معتبر است که آن حضرت فرمود: هر که زیارت کند قبر مرا بعد از موت من، خواهد بود مثل کسی که هجرت کرده بسوی من در حیات من پس هرگاه استطاعت ندارید که به زیارت قبر من بیائید سلام بفرستید به سوی من که آن سلام می رسد به من. و اخبار به این مضمون بسیار است * و ما در باب اول در ذکر زیارت حجج طاهره در ایام هفته دوزیارت برای حضرت رسول (ﷺ) در روز شنبه نقل کردیم، اگر خواستی به آنجا رجوع کن و به فیض خواندن آن خود را نائل ساز. * و شایسته است صلوات فرستادن بر آن حضرت به آن صلواتی که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر آن جناب فرستاده در یکی از خطب خود در روز جمعه چنانچه در روضه کافی است: **﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ**

به راستی و درستی خدای و فرشتگانش

يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿

رحمت می فرستند بر پیغمبر * ای کسانی که گرویدید رحمت فرستید بر او و درود فرستید بسیار

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

* بار خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد (ع) * و برکت ده بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَتَحَنَّنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

محمد * و مهر ورز بر محمد و آل محمد (ع) * و درود فرست بر محمد (ص) و آل

مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ

محمد (ع) * به مانند بهترین رحمت و برکت و ترحم و مهرورزی و درودی که

عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا

به ابراهیم و آل ابراهیم نموده و فرستادی * زیرا که تو ستوده صفات و بزرگواری * بار خدایا به محمد عطا فرمای

الْوَسِيلَةَ وَالشَّرْفَ وَالْفَضِيلَةَ وَالْمَنْزِلَةَ الْكَرِيمَةَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ

وسیلت و شرف و فضیلت * و بزرگواری و مقام گرامی * بار خدایا محمد (ص)

*- و بیاید در زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در اذن دخول رواق مطهرش زیارت مختصری از حضرت پیغمبر (ﷺ) (منه).

مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ أَعْظَمَ مَخْلَاقٍ كُلَّهُمْ شَرَفًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ * وَاقْرَبَهُمْ

و آل محمد را بزرگترین خلاق قرار ده از همه برتر و بزرگتر در شرافت روز قیامت * و نزدیکتر از همه

مِنْكَ مَقْعَدًا * وَأَوْجَهُمْ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَاهًا * وَأَفْضَلَهُمْ عِنْدَكَ

به خودت در جلوس * و آبرومندتر از همه نزد تو روز قیامت در جاه و مقام * و برتر از همه در نزد تو

مَنْزِلَةً وَنَصِيبًا * اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا أَشْرَفَ الْمَقَامِ * وَحِبَاءَ السَّلَامِ

از حیث مقام و برخورداری * بار خدایا به محمد (ص) عطا کن شریفترین مقام و خلعت * و جایزه سلام

* وَشَفَاعَةَ الْإِسْلَامِ * اللَّهُمَّ وَالْحَقْنَا بِهِ غَيْرَ خَزَايَا * وَلَا نَاكِثِينَ

* و شفاعت در اسلام را * بار خدایا و برسان ما را به او در حالی که نه رسوا و خوار باشیم * و نه پیمان شکن

وَلَا نَادِمِينَ وَلَا مُبَدِّلِينَ * إِلَهَ الْحَقِّ ءَامِينَ * وَيُبَايِدُ دَرَاوِخَ رَبِّاتِ ذِكْرِ صَلَوَاتِي

و نه پشیمان و نه عوض شده * معبود حق آمین. * و بیاید در او خراب زیارت ذکر صلواتی

بر آن حضرت و آل او (علیهم السلام). زیارت ائمه بقیع (علیهم السلام)

یعنی حضرت امام حسن مجتبی و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق (علیهم السلام). چون خواستی

زیارت کنی این بزرگواران را باید به عمل آوری آنچه در آداب زیارات ذکر شد از غسل و طهارت و پوشیدن

جامه‌های پاک و پاکیزه و استعمال بوی خوش و رخصت طلبیدن در دخول و نحو اینها * و بگویند: يَا مَوَالِيَّ

ای مولی و

يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ * عَبْدُكُمْ وَابْنُ أُمَّتِكُمُ الدَّلِيلُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ *

سروران من ای فرزندان رسول خدا * من بنده و فرزند کنیز و خدمتگزار شما هستم که حضور شما خوارم *

وَالْمُضْعَفُ (الْمُضْعَفُ) فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ * وَالْمُعْتَرَفُ بِحَقِّكُمْ * جَاءَكُمْ

و در مقابل علو قدر و مقام شما ناتوان * و معترفم به حق (امامت) شما * اینک آمده‌ام

مُسْتَجِيرًا بِكُمْ * قَاصِدًا إِلَى حَرَمِكُمْ * مُتَقَرِّبًا إِلَى مَقَامِكُمْ * مُتَوَسِّلًا

سوی شما * و قاصد حرم مطهر شما * برای تقرب به مقام شما * و توسل به سوی خدای تعالی

إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ * أَدْخُلْ يَا مَوَالِيَّ * أَدْخُلْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ * أَدْخُلْ

به توسط شما جسته‌ام * پس آیا اجازه میدهید که به حرم شما در آیم * آیا داخل حرم شوم ای سروران * من آیا داخل حرم شوم

يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ الْمَقِيمِينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ * وَ

ای اولیاء خدا * آیا داخل حرم شوم ای فرشتگان خدا که به گرد حرم حلقه زده و مقیم این آستان مبارکید. *

بعد از خشوع و خضوع و رقت داخل شو و پای راست را مقدم دار و بگو: **اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا** * **وَ الْحَمْدُ**

خدا بزرگ است چنانکه در اندیشه نمی‌گنجد * و ستایش

لِلَّهِ كَثِيرًا * **وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ آصِيلاً** * **وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ**

بسیار مخصوص اوست * و صبح و شام خدا را تسبیح می‌گویم * و ستایش خاص خدای فرد یکتا

* **الْمَاجِدِ الْوَاحِدِ** * **الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ** * **الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ** * **الَّذِي مَنَّ**

* و غنی الذات * با مجد و کرامت * و نعمت بخشنده و مهربان است * که بر من

بَطَوَّلَهُ * **وَ سَهَّلَ زِيَارَةَ سَادَاتِي بِإِحْسَانِهِ** * **وَ لَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ**

منت گذارد * تا به زیارت سادات و امامان من مرا موفق ساخت * و مرا از زیارتشان محروم

مَمْنُوعًا * **بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ** * پس نزدیک قبور مقدسه ایشان برو و پشت به قبله و رو به قبر

نگردانید * بلکه احسان و جود کرد.

ایشان کن و بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا أُمَّةُ الْهُدَى** * **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى**

سلام بر شما ای پیشوایان هدایت خلق * سلام بر شما ای که اهل تقوای کامل هستید

* **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْمُحْجَجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا** * **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا**

* سلام بر شما ای حجت‌های خدا بر اهل دنیا * سلام بر شما ای

الْقَوَامُ فِي الْبَرِيَّةِ بِالْقِسْطِ * **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ** * **السَّلَامُ**

نگهبانان خلاق به عدل * سلام بر شما ای اهل صفا و اخلاص * سلام

عَلَيْكُمْ * **أَلِ رَسُولِ اللَّهِ** * **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى** * **أَشْهَدُ أَنَّكُمْ**

بر شما ای آل پیغمبر خدا * سلام بر شما ای اهل مناجات و راز دار خدا * گواهی می‌دهم که شما تبلیغ دین

قَدْ بَلَّغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ * **وَ كَذَّبْتُمْ وَ أَسِءَ إِلَيْكُمْ**

و نصیحت خلق و صبر در بلا و آزار خلق در راه خدا کردید * و امت تکذیب مقام شما کردند و بدیها و آزار در حق شما کردند

فَغَفَرْتُمْ * **وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ** * **وَ أَنْ تَطَاعْتَكُمْ**

و همه را بخشیدید * و گواهی می‌دهم که شما یبید امامان هادی و راهنمای خلق * و البته طاعت شما

مَفْرُوضَةٌ * **وَ أَنْ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ** * **وَ أَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا**

واجب * و سخن شما صدق و حقیقت است * و شما امت را دعوت به خدا کردید و آنها اجابت نکردند *

وَ أَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا * **وَ أَنَّكُمْ دَعَايُمُ الدِّينِ وَ أَرْكَانُ الْأَرْضِ** * **لَمْ**

و امر کردید و امتثال امر نکردند * و شما یبید ستونهای دین و ارکان زمین * و پیوسته

تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ * يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ * وَيَنْقَلِبُكُمْ مِنْ

عنایت خدا * شما را از اصلب و ارحام پاک‌ی به صلب * و ارحام پاک دیگر

أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ * لَمْ تُدَنَّسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجُهَلَاءُ * وَ لَمْ تَشْرِكْ

منتقل ساخت * که ابدأ از دنس و آلودگیهای جاهلیت پاک و منزه گردیده * و اصلا فتن و هواهای نفسانی در

فِيكُمْ فَتَنُ الْأَهْوَاءِ * طَبْتُمْ وَ طَابَ مَنَبِتُكُمْ * مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دِيَانٌ

وجود شما شرکت و تصرف نکرد * پاک و منزهد و منشاء وجود شما پاک و پاکیزه است * و خدای دیان به نعمت وجود شما بر ما

الِدِّينِ * فَجَعَلَكُمْ فِي بَيْوتِ آذِنِ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ * وَيَذْكَرُ فِيهَا اسْمَهُ وَ

منت گذاشت * پس شما را در خاندانی قرار داد که به آن خاندان اذن خدا مقام بلند کرامت فرموده * و ذکر نام خود را از آن بلند کرد *

وَ جَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا * وَ كَفَّارَةً لذنُوبِنَا * إِذْ اخْتَارَكُمْ

و درود و تحیات ما را برای شما جدا واسطه رحمت خود * و کفاره گناهان بر ما مقرر داشت * هنگامی که نعمت وجود

اللَّهُ لَنَا * وَ طَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنَّ عَلَيْنَا مِنْ وِلَايَتِكُمْ * وَ كُنَّا عِنْدَهُ وَ

شما را برای ما اختیار فرمود * و خلقت ما را طیب و طاهر برای قبول ولایت شما گردانید * و ما در نزد خدا معین و

مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ * مُعْتَرِفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ * وَ هَذَا مَقَامٌ مَن

موسوم به علم شما * و معترف به تصدیق و اعتقاد به ولایت شما هستیم * و این مقام زیارت که اکنون ایستاده‌ام جایگاه کسی

أَسْرَفَ وَ أَخْطَأَ * وَ اسْتَكَانَ وَ أَقْرَبَ مَا جَنَى * وَ رَجَا بِمَقَامِهِ الْخُلَاصَ

است که دارای گناه و اسراف و خطا * و مسکنت است و اقرار می‌کند به جنایت خود * و همه امیدش در این مقام خلاصی خود است

* وَ أَنْ يَسْتَنْقِذَهُ * بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلَكِي مِنَ الرَّدَى * فَكُونُوا لِي

* که به واسطه شفاعت شما خدا او را از سقوط در مهالک نجات دهد * پس شما برای ما نزد خدا

شَفَعَاءَ * فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا * وَ اتَّخَذُوا

شفاعت کنید که من از شوق و محبت بر شما وارد شدم زمانی که مردم دنیا از در خانه شما دور می‌شدند

آيَاتِ اللَّهِ هُزُوا * وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا * (در اینجا سربالاکن بگو): يَا مَنْ هُوَ

و آیات خدا را استهزاء می‌کردند * و بر آنها تکبر و سرکشی داشتند * ای خدایی که

قَائِمٌ لَا يَسْهُو * وَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو * وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ * لَكَ الْمَنُّ بِمَا

همیشه حاضری و سهو نداری * و پیوسته ناظری فراموشی در تو نیست * و به تمام موجودات احاطه داری * منت بر من تو راست

وَفَقْتَنِي * وَ عَرَفْتَنِي بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ * إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ * وَ جَهَلُوا

که مرا موفق داشتی * و به مقام اولیاء خود به زیارتشان شناسا کردی * وقتی که این درگاه را بندگان جاهل تو بستند * و معرفت

مَعْرِفَتَهُ **و** **وَاسْتَخَفُوا بِحُجَّتِهِ** **وَ مَالُوا إِلَى سِوَاهُ** **فَكَانَتِ الْمِنَّةُ مِنْكَ**

به نور ولایت نیافتند * و حقیق را سبک پنداشتند * و میل به جانب دیگر نمودند * پس منت از تو بر من است

عَلَى مَعَ اقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ **فَلَكَ الْحَمْدُ اِذْ كُنْتُ**

و اقوام و طوایفی که مانند من به این نعمت ولایت اختصاص دادی * ستایش تو را که من به این مقام

عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا **فَلَا تَحْرَمْنِي مَا رَجَوْتُ **و** لَا**

زیارت اولیاء خود نزد تو مذکور و در کتاب علم تو ثبت و مکتوبم * پس مرا از آنچه امیدوارم محروم مگردان * و ناامید

تُخَيِّبَنِي فِيمَا دَعَوْتُ **بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ **وَ** ءَالِهِ الطَّاهِرِينَ **وَ** صَلَّى اللَّهُ**

از اجابت دعایم مفرما * به حق حرمت محمد و آل اطهارش که

عَلَى مُحَمَّدٍ **وَ** ءَالِ مُحَمَّدٍ **﴿﴾** پس دعاکن از برای خود به هر چه خواهی. * و شیخ طوسی (رحمته)

درود خدا بر او و آل او باد. *

در تهذیب فرموده که: بعد از آن هشت رکعت نماز زیارت بکن یعنی از برای هر امامی دو رکعت. و شیخ طوسی *

و سید بن طاوس گفته اند که چون خواهی ایشان را وداع کنی بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَيُّمَّةَ الْهُدَى**

سلام بر شما باد ای پیشوایان هدایت

وَ رَحْمَةُ اللَّهِ **وَ بَرَكَاتُهُ **وَ** اسْتَوْدِعْكُمْ اللَّهُ **وَ** اقْرَأْ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ**

* و رحمت و برکات خدای بر شما باد * وداع و بدرود کنم با شما و به خدا سپارم شما را و به شما سلام می‌دهم

ءَامِنًا بِاللَّهِ **وَ بِالرَّسُولِ **وَ** بِمَا جِئْتُمْ بِهِ **وَ** دَلَلْتُمْ عَلَيْهِ **اللَّهُمَّ****

* ایمن داریم به خدا و به پیغمبر و به آنچه شما آوردید * و راهنمایی به آن فرمودید * بار خدایا

فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ **﴿﴾** پس دعا بسیار کن و از خدا سؤال کن که دیگر بار تو را به زیارت ایشان

پس بنویس ما را از گواهان. *

برگرداند و آخر عهد تو نباشد از زیارت ایشان. * و علامه مجلسی (رحمته) در بحار، زیارت مبسوطی از یکی از نسخ

قدیمه ایراد فرموده و چون به تصریح ایشان و دیگران بهترین زیارت برای ایشان زیارات جامعه است که

انشاء الله بعضی از آنها بعد از این مذکور خواهد شد، ما در این مقام به همین قدر اکتفا نمودیم. و در باب اول در

ذکر زیارات حج طاهره (علیها السلام) در ایام هفته زیارتی برای جناب امام حسن (علیها السلام) و زیارتی برای این سه امام

دیگر نقل کردیم از آنها غفلت نشود. * و بدان که ما در زیارت هر یک از حج طاهره (علیها السلام) غیر از ائمه بقیع

صلوات الله علیهم صلواتی برای صاحب زیارت ذکر می‌کنیم و در صلوات بر این بزرگواران اکتفا می‌کنیم به

صلواتی که در آخر باب زیارات ذکر می شود به آنجا رجوع کن و به ذکر صلوات بر ایشان، میزان اعمال حسنه خود را سنگین نما. * و نیز بدان که کثرت شوق این مهجور شکسته به آن مشاهد مشرفه مرا وادار می کند که از قصیده هائیه فاضل اوحدی مادح آل احمدی جناب شیخ آزری رضوان الله علیه که از شیخ الفقهاء العظام خاتم المجتهدین الفخام شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام نقل شده که آرزوی می کرد که آن قصیده در نامه عمل او نوشته شود و جواهر در نامه عمل آزری چند شعری که مناسب با این مقام است در اینجا ذکر نموده خود را به آن مشغول نمایم. قال (علیه السلام):

وَأَدْمَى تِلْكَ الْعُيُونَ بِكَاهَا

چشمان همه از گریه خونین به خضاب است

مُقَلَّةٌ لَكِنْ الْهُوَى أَبْكَاهَا

در دیده ولی دیده ام از عشق پر آب است

لَيْسَ يَقْوَى رَضْوَى عَلَى مُلْتَقَاهَا

کز آنکه رضوی همه اندر تب و تاب است

بِذِمَامٍ مِنْ سَيِّدِ الرَّسْلِ طَه

ظل مه طه که سر رسل و جناب است

أَوْفَرُ الْعَرَبِ ذِمَّةٌ أَوْفَاهَا

اندر عربش ذمه رساتر چه طناب است

خَبْرُ الْكَائِنَاتِ مِنْ مُبْتَدَاهَا

ز آغاز جهان هر خبری کان به حساب است

أَخَذَتْ مِنْهُمَا الْعُقُولُ نَهَاها

کازان خردوندخت هر آن فکر صواب است

كَمَا نَوَّهَتْ بِاصْبَحِ ذُكَاهَا

بر ارض و چه صبحی که از و مشک نصاب است

كُلُّ قَوْمٍ عَلَى اخْتِلَافٍ لُغَاهَا

هر قوم به هر گونه زبانی به کتاب است

فَوْقَ عُلُوِّيَّةِ السَّمَاءِ سُفْلَاهَا

تا فوق فلک پست زمینی که در آب است

إِنَّ تِلْكَ الْقُلُوبَ أَقْلَقَهَا الْوَجْدُ

دلها همه از وجد پریشان و خراب است

كَانَ أَنْكَى الْمُخْطُوبِ لَمْ يَبِكْ مِنْي

جانکاه ترین مشکل من گریه نیاورد

كُلُّ يَوْمٍ لِلْحَادِثَاتِ عَوَادٍ

هر روز پر از حادثه هایی است غم انگیز

كَيْفَ يُرْجَى الْإِخْلَاصُ مِنْهُنَّ إِلَّا

امید خلاصی نبود زان همه جز در

مَعْقَلُ الْمُخَائِفِينَ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ

دژ بهر هراسان بود از هر بد و بیمی

مَصْدَرُ الْعِلْمِ لَيْسَ إِلَّا لَدَيْهِ

سرچشمه علم است بجز در بر او

فَاضٌ لِلْخَلْقِ مِنْهُ عِلْمٌ وَحِلْمٌ

بارید به خلق از وی هم دانش و هم حلم

نَوَّهَتْ بِاسْمِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ

نامش به سماوات فراز است و بلند است

وَ غَدَتْ تَنْشُرُ الْفَضَائِلَ عَنْهُ

کردند از او نشر فضائل به همه جا

طَرِبَتْ لِاسْمِهِ الثَّرَى فَاسْتَطَالَتْ

از نام وی آمد به طرب خاک و برافراشت

تَاهَتْ الْأَنْبِيَاءُ فِي مَعْنَاهَا

افکار رسل در حق او همچو سراب است

فَهِيَ الصُّورَةُ الَّتِي لَنْ تَرَاهَا

زیرا که همان است که در دیده نیاب است

وَهُوَ الْغَايَةُ الَّتِي اسْتَقْصَاهَا

او غایت ایجاد همه خلق حساب است

فَرَأَى ذَاتَ أَحْمَدٍ فَاجْتَبَاهَا

تا احمد از آن جمله پسندید و برآورد

قَدْ بَنَاهَا التَّقَى فَاعْلَابِنَاهَا

کان ساخت ز تقوی و فراز از خرد و هوش

أَذِنَ اللَّهُ أَنْ يُعَزَّزَ حِمَاهَا

از اذن خدا صاحب هر عزت رفعت

كَمَا لَا يُرِيدُ إِلَّا رِضَاهَا

چونانکه خدا غیر رضاشان ندهد پند

وَبِأَعْلَى أَسْمَائِهِ سَمَاهَا

اسماء اجلش همه را نام بر آنها است

خَافِيَاتِ سُبْحَانَ مَنْ أَبْدَاهَا

در پرده منزه بود آن کو به عیان بر

هِيَ أَقْلَامُ حِكْمَةٍ قَدْ بَرَاهَا

کانرا قلم حکمت خود ساخت فرهمند

كُلُّ عَيْنٍ مَكْفُوفَةٌ عَيْنَاهَا

چشمان دگر کور که در حیرت و شکند

يَهْتَدِي النُّجْمُ بِاتِّبَاعِ هُدَاهَا

ره یافته اختر ز پی طاعت ایشان

مَسْمَعًا كُلِّ حِكْمَةٍ مَنظَرَاهَا

در مسمع و در منظر حکمت همگانند

جَازَ مِنْ جَوْهَرِ التَّقْدُسِ ذَاتًا

از گوهر تقدیس گذر کرد به ذاتش

لَا تُجَلُّ فِي صِفَاتِ أَحْمَدَ فِكْرًا

اندیشه میازار به اوصاف محمد

أَيُّ خَلْقٍ خَلَقَ لِلَّهِ أَعْظَمُ مِنْهُ

از خلق خدا اعظم از او کیست بگو

قَلْبَ الْخَافِقِينَ ظَهْرًا لِبَطْنِ

از خلق دو عالم همه را زیر و زیر کرد

لَسْتُ أَنْسِي لَهُ مَنَازِلَ قُدْسٍ

من کی بکنم منزلت قدس فراموش

وَرِجَالًا أَعَزَّةً فِي بُيُوتِ

آن مردم با عزت و ایبات نبوت

سَادَةٍ لَا تُرِيدُ إِلَّا رِضَى اللَّهِ

سادات بشر غیر رضی الله نخواهند

خَصَّهَا مِنْ كَمَالِهِ بِالْمَعَانِي

از جمله کمالات معانی همه زانها است

لَمْ يَكُونُوا لِلْعَرْشِ إِلَّا كُنُوزًا

بر عرش بجز گنج نباشند مقرر

كَمْ لَهُمُ السَّنُّ عَنِ اللَّهِ تَنْبِي

با چند زبان داده خبرها ز خداوند

وَهُمُ الْأَعْيُنُ الصَّحِيحَاتُ تَهْدِي

آنها همه چشمان صحیح ره حقد

عُلَمَاءُ أُمَّةٍ حُكَمَاءُ

هم عالم و هم رهبر و فرزانه حکیمان

قَادَةُ عِلْمِهِمْ وَرَأَى حِجَاهُمْ

هم رهبر هر دانش و هر رای صوابند

مَا أَبَالِي وَلَا أُهَيْلَتُ عَلَى الْأَرْضِ ضِ السَّمَاوَاتِ بَعْدَ نَيْلِ وَلَاهَا

باکم نه اگر بر زیر ارض بیفتند افلاک پس از نیل و لاشان به محمد

ذکر سایر زیارات در مدینه طیبه نقل از مصباح الزائر و غیره

زیارت ابراهیم بن رسول الله (ﷺ)، می ایستی نزدیک قبر و می گوئی: **السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ**

سلام بر رسول خدا (ص)

* **السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ** * **السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ** * **السَّلَامُ عَلَى**

* سلام بر پیغمبر خدا * سلام بر حبیب خدا * سلام بر

صَفِيِّ اللَّهِ * **السَّلَامُ عَلَى نَجِيِّ اللَّهِ** * **السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ**

بنده خالص خدا * سلام بر برگزیده خدا * سلام بر محمد بن عبد الله

* **سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ** * **وَ خَيْرَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ**

* سید انبیاء و خاتم پیغمبران * و مختار و منتخب از تمام خلق آسمان و

وَ سَمَائِهِ * **السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ** * **السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ**

زمین نزد خدا * سلام بر تمام انبیاء و رسل * سلام بر شهیدان و

وَ السُّعْدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ * **السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ**

سعیدان و صالحان * سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا

* **السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرُّوحُ الزَّكَاةُ** * **السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّفْسُ**

* سلام بر تو (ای ابراهیم) ای روح پاک * سلام بر تو ای نفس قدسی

الشَّرِيفَةُ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا السُّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ** * **السَّلَامُ عَلَيْكَ**

شریف * سلام بر تو ای نسل پاک احمد (ص) * سلام بر تو ای

أَيَّتُهَا النَّسْمَةُ الزَّكَاةُ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَيْرِ الْوَرَى** * **السَّلَامُ**

بنده پاکیزه صفات * سلام بر تو ای فرزند بهترین خلق * سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمَبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ**

بر تو ای پسر پیغمبر برگزیده خدا * سلام بر تو ای فرزند رسول مبعوث بر تمام

الْوَرَى * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ** * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ**

خلق * سلام بر تو ای فرزند آنکه خوبان را بشارت و بدان را بیم دهنده به لطف و قهر خدا است * سلام بر تو ای

السِّرَاجُ الْمُنِيرُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

فرزند چراغ روشن هدایت * سلام بر تو ای فرزند کسی که خدایش به وحی قرآن مؤید داشت * سلام بر تو

يَا بَنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَالْجَانِّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ صَاحِبِ الرَّايَةِ

ای پسر فرستاده خدا بر تمام انس و جن * سلام بر تو ای پسر صاحب رایت و علامت

وَالْعَلَامَةِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشَّفِيعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

شفاعت کبری * سلام بر تو ای پسر شفیع روز قیامت * سلام بر تو ای فرزند

يَا بَنَ مَنْ حَبَّاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

کسی که خدایش مخصوص به کرامت گردانید * سلام و تحیت و رحمت و برکات خدا بر روح پاک تو باد

* أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ انْعَامِهِ قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ

* گواهی می‌دهم که خدا برای تو دار نعمتهای خود را اختیار کرد پیش از آنکه

أَحْكَامَهُ * أَوْ يَكْفِكَ حَلَالَهُ * وَحَرَامَهُ * فَنَقَلَكَ إِلَيْهِ طَيْبًا زَاكِيًا

احکام * و تکالیف حرام و حلال الهی بر تو فرض و واجب گردد * پس تو را به سوی خود پاک و پاکیزه و خوشنود منتقل به بهشت

مَرْضِيًّا * طَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجَسٍ * مُقَدَّسًا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ * وَبَوَّئَكَ جَنَّةَ

رضوان کرد * در حالی که پاک و طاهر از هر ناپاکی * و مقدس و منزّه از هر دنس و پلیدی بودی * و تو را به جنة المأوی

الْمَأْوَى * وَرَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى * وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَاةَ

منزل داد * و به درجات عالیة بهشتی بالا برد * و درود خدا بر تو باد درودی که به آن

تَقَرَّبَ بِهَا عَيْنُ رَسُولِهِ * وَتُبِّلَغُهُ * أَكْبَرَ مَمْلُوكِهِ * اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ

چشم رسول خدا (ص) روشن گردد * و او را به بزرگترین آمال خود برساند * پروردگارا تو بهترین

صَلَوَاتِكَ وَأَزْكَاهَا * وَأَنْمِي بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاهَا * عَلَى رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ

درود و کاملترین * و نامیترین برکات خود را و وافیترین آن را * مخصوص گردان بر رسول و پیغمبر خود

* وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ * مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * وَعَلَى مَنْ نَسَلَ مِنْ

* و برگزیده خلق خود * حضرت محمد (ص) خاتم پیغمبران * و بر نسل پاک

أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ * وَعَلَى مَنْ خَلَفَ مِنْ عَتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ * بِرَحْمَتِكَ

از اولاد طیب و طاهرش * و بر بازماندگان عترت پاکش قرار ده * به حق رحمت واسعات

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ * وَابْرَاهِيمَ

ای مهربانترین مهربانان عالم * پروردگارا از تو درخواست می‌کنم به حق محمد (ص) خاصترین بندگان تو * و فرزندش

نَجَلَ نَبِيَّكَ * أَنْ تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا * وَ ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا *

ابراهیم * که بر سعی و رنج من در راه زیارت آنها اجر عطا فرما * و گناه مرا به واسطه حرمت آنها ببخش *

وَ حَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً * وَ عَاقِبَتِي بِهِمْ حَمِيدَةً * وَ حَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَةً *

و زندگی مرا به شرافت آنها سعید * و عاقبتم نیکو * و حوائجم برآورده *

وَ أَعْمَالِي بِهِمْ مَرْضِيَةً * وَ أُمُورِي بِهِمْ مَسْعُودَةً * وَ شُؤُونِي بِهِمْ *

* و اعمال نیک و پسندیده خود ساز * و جمیع امورم را به واسطه آنها مسعود * و شئون وجودم *

مَحْمُودَةً * اللَّهُمَّ وَ أَحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ * وَ نَفْسَ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَ ضَيْقٍ *

را محمود گردان * پروردگارا مرا توفیق نیکویی عطا فرما * و هر مضیق و هر هم و غم عالم را از خاطرم برطرف ساز *

اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي عِقَابَكَ * وَ اَمْنَحْنِي ثَوَابَكَ * وَ اَسْكِنْنِي جَنَّاتَكَ * وَ ارْزُقْنِي *

پروردگارا مرا از موجبات عقاب خود دور گردان * و به من ثواب عظیم خویش عطا فرما * و در بهشت رحمتت مرا منزل ده * و رضوان *

رِضْوَانَكَ وَ اَمَانَكَ * وَ اَشْرِكْ لِي فِي صَالِحِ دُعَائِي وَ اِلْدِي وَ وُلْدِي *

و خوشنودی و امان خود کرامت کن * و پدر و مادر و فرزندان مرا نیز در ثواب صالح دعایم شریک فرما *

وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ * اَلْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ اَلْاَمْوَاتِ * اِنَّكَ وَلِيٌّ *

و نیز جمیع مرد و زن اهل ایمان * از زندگان و مردگان را هم شریک ساز * که تو البته ولی و *

اَلْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ * اَمِينُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * پس می خواهی حاجتهای خود را * و دور کعت

صاحب اختیار کارهای باقیات صالحات بندگان * آمین پروردگار عالم. *

نماز زیارت می گذاری. * **زیارت جناب فاطمه بنت آسد** والده حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام):

مِ اِيَسْتِي نَزْدَ قَبْرِ اَنْ مُخَدَّرَه وَ مِي گُوئِي: اَلْسَّلَامُ عَلٰى نَبِيِّ اللّٰهِ * اَلْسَّلَامُ عَلٰى رَسُوْلِ

سلام بر پیغمبر خدا * سلام بر رسول

اللّٰهِ * اَلْسَّلَامُ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ * اَلْسَّلَامُ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ

خدا * سلام بر محمد (ص) سید فرستادگان خدا * سلام بر محمد (ص)

الْاَوَّلِينَ * اَلْسَّلَامُ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْاٰخِرِينَ * اَلْسَّلَامُ عَلٰى مَنْ بَعَثَهُ

سید اولین * سلام بر محمد سید آخرین * سلام بر آنکه خدا بعثتش را

اللّٰهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ * اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةً لِّلّٰهِ

رحمت بر عالم و عالمیان گردانید * ای رسول حق سلام و رحمت و برکات خدا

وَبَرَكَاتِهِ ۝ السَّلَامُ عَلَىٰ فَاطِمَةَ بِنْتِ اسَدٍ الْهَاشِمِيَّةِ ۝ السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو باد * سلام بر فاطمه بنت اسد هاشمیه (والده امیر المؤمنین) * سلام بر تو

أَيُّهَا الصِّدِيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ ۝ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ ۝

ای صدیقه پسندیده خدا * سلام بر تو ای دارای مقام تقوی و پاکیزگی *

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْكَرِيمَةُ الرَّضِيَّةُ ۝ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَافِلَةَ

سلام بر تو ای صاحب مقام کرامت و رضا و تسلیم * سلام بر تو ای کسی که امور

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ۝ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ ۝ السَّلَامُ

خاتم انبیاء محمد مصطفی را کفالت نمودی * سلام بر تو ای والده سید الوصیین امیر المؤمنین * سلام

عَلَيْكَ يَا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَىٰ رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ۝ السَّلَامُ

بر تو ای آنکه شفقت و مهربانیت بر رسول خدا خاتم پیغمبران به حد کامل بود * سلام

عَلَيْكَ يَا مَنْ تَرَبَّيْتُهَا لَوْلَىٰ اللَّهِ الْأَمِينِ ۝ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ رُوحِكَ

بر تو ای آنکه تربیت ولی خدا و امین حق به تو اختصاص یافت * سلام بر تو و بر جسم

وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ ۝ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَلَدِكَ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ ۝

و جان پاک تو باد * سلام و رحمت و برکات خدا بر تو و بر فرزندت (علی «ع») باد

۝ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتَ الْكِفَالََةَ ۝ وَأَدَيْتَ الْأَمَانَةَ ۝ وَاجْتَهَدْتَ فِي

* گواهی می‌دهم که تو کفالت را نیکو به‌جا آوردی * و ادای امانت کاملاً کردی * و در راه رضای خدا سعی و

مَرَضَاتِ اللَّهِ ۝ وَبَالِغْتَ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ ۝ عَارِفَةٌ بِحَقِّهِ ۝ مُؤْمِنَةٌ

مجاهدت داشتی * و در محافظت رسول خدا نهایت کوشش نمودی * در حالی که عارف به مقام نبوت او بودی * و ایمان

بِصِدْقِهِ ۝ مُعْتَرِفَةٌ بِنُبُوَّتِهِ ۝ مُسْتَبْصِرَةٌ بِنِعْمَتِهِ ۝ كَافِلَةٌ بِتَرْبِيَّتِهِ ۝

به راستی * و اعتراف به رسالتش داشتی * و بصیرت به نعمت کامل وجودش یافتی * و به تکفل آموزش می‌پرداختی *

مُشْفِقَةٌ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۝ وَاقِفَةٌ عَلَىٰ خِدْمَتِهِ ۝ مُخْتَارَةٌ رِضَاهُ ۝ (مُؤَثَّرَةٌ هَوَاهُ)

بر شخص او بسیار مشفق و مهربان بودی * و به خدمت حضرتش ایستاده * و میل و رضای او را بر هر چیز مقدم داشتی

۝ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَىٰ الْإِيمَانِ ۝ وَالتَّمَسُّكِ بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ ۝

* و گواهی می‌دهم که تو با ایمان * و با تمسک به اشرف ادیان از جهان رفتی *

رَاضِيَةٌ مَرْضِيَّةٌ ۝ طَاهِرَةٌ زَكِيَّةٌ ۝ تَقِيَّةٌ نَقِيَّةٌ ۝ فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ

در حالتی که راضی و خوشنود از خدا * و پاک و مطهر * و پاکیزه و منزّه از هر زشتی و ناپسند بودی * پس خدای هم از تو

وَأَرْضَاكَ وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنزِلَكَ وَمَاوَكَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَالِ

خوشنود و راضی بود و تو را خوشنود کرد و به بهشت برین منزل و مأوی داد * بارالها درود فرست بر محمد

مُحَمَّدٍ * وَانْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا * وَثَبَّتْنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا * وَلَا تَحْرِمْنِي

و آل محمد (ع) * و مرا به زیارت فاطمه منتفع * و به محبتش پایدار و ثابت گردان * و مرا با او و اولاد طاهرینش محشور

شَفَاعَتِهَا * وَشَفَاعَةَ الْأَيِّمَةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا * وَارْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا * وَاحْشُرْنِي

فرما و از شفاعت او * و شفاعت امامان از ذریه او محروم مفرما * و مرافقت و دوستی او روزی گردان * و با او

مَعَهَا وَمَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ * اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي

و فرزندان پاکش محشور گردان * بار الها این زیارت را آخر عهدم به زیارتش قرار

أَيَّاهَا * وَارْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي * وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي

مده * بلکه باز هم عاده آن همیشه مادامی که عمرم باقی است نصیبم فرما * و چون مرا به سرای آخرت بری آنجا هم با او

فِي زَمْرَتِهَا * وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

و در زمره او محشور ساز * و به شفاعتش واصل گردان * به حق رحمت و بخشش بی انتهایت ای مهربانترین مهربانان عالم *

اللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ * وَمَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ * أَغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ

بارالها به حق مقام * و منزلت این بزرگوار (فاطمه بنت اسد) نزد تو * که مرا و والدینم را و جمیع مردان

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ * وَءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً * وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

و زنان اهل ایمان را ببخش و بیامرز * و ما را در دنیا ثواب و حسنه * و در آخرت نیز اجر و حسنه کامل عطا فرما

* وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ * پس دو رکعت نماز زیارت می خوانی و دعای کنی به آنچه

* و به کرم و رحمتت ما را از عذاب آتش دوزخ محفوظ بدار. *

خواهی و منصرف می شوی. **زیارت حضرت حمزه رضی الله عنه در اُحد:**

چون به زیارت آن حضرت رفتی می گوئی نزد قبرش: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ ***

سلام بر تو ای عم رسول خدا *

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ * السَّلَامُ

صلی الله علیه و آله * سلام بر تو ای بهترین شهیدان راه خدا * سلام

عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ * وَأَسَدَ رَسُولِهِ * أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ

بر تو ای شیر خدا و شیر رسول خدا * گواهی می دهم که تو در راه دین خدای عز و جل

عَزَّوَجَلَّ * وَجَدْتَ بِنَفْسِكَ * وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ * وَكُنْتَ فِيمَا

جهاد کامل کردی * و جان نثار نمودی * و رسول خدا را یاری کردی * و به آنچه نزد

عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ * رَاغِبًا * بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي آتَيْتَكَ (مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ

خدا است مشتاق بودی * پدر و مادرم فدای تو باد * من به زیارت

بِزِيَارَتِكَ) * مُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * بِذَلِكَ رَاغِبًا

برای تقرب به خدا و رسول او * صلی الله علیه و آله آمدم * به شوق

إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ * ابْتَغَى بِزِيَارَتِكَ (بِذَلِكَ) خَلَاصَ نَفْسِي * مُتَعَوِّذًا

شفاعت * و طلب زیارت برای استخلاص نفس خود * و به حضرتت از

بِكَ مِنْ نَارٍ أَسْتَحَقُّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي * هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي

آتش دوزخ که مثل من جنایت کار بر نفس خود مستحق آن آتش است پناهنده شدم * و از گناهان

الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي * فَرَعَا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي * آتَيْتَكَ

بسیارم که بر پشت خود که مانند حطب بسته‌ام به درگاه کرمت گریخته‌ام * به تو متضرع و به رحمت خدای امیدوارم * به

مِنْ شِقَّةٍ بَعِيدَةٍ * طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ * وَقَدْ أَوْقَرْتُ ظَهْرِي

درگاهت از راه دور پر مشقت آمده‌ام * به این امید که گردنم از زنجیر آتش دوزخ آزاد شود * در حالتی که بر پشتم از بار سنگین

ذُنُوبِي * وَآتَيْتُ اسْخَطَ رَبِّي * وَ لَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْزَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي

گناهان آن قدر است * که خدا را خشمگین می‌سازد * و احدی که به سوی او زاری کنم بهتر از

مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ * فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فَقْرِي وَحَاجَتِي * فَقَدْ

شما اهل بیت رحمت نیافته‌ام * باری در روز فقر و حاجتم مرا شفاعت کن * که به

سَرَّتْ إِلَيْكَ مَحْزُونًا * وَآتَيْتَكَ مَكْرُوبًا * وَ سَكَبْتُ عَبْرَتِي عِنْدَكَ

درگاهت با غم * و رنج * و اندوه و چشم گریان

بَاكِئًا * وَصَرَّتْ إِلَيْكَ مُفْرَدًا * وَأَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِصَلَاتِهِ * وَحَثَّنِي

آمده‌ام * و بی‌کس و تنها بدین در شتافته‌ام * و تو از آن بزرگواری که من به توصل و پیوستن به او از جانب خدا مأمورم * و خدا

عَلَى بَرِّهِ * وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ * وَهَدَانِي لِحُبِّهِ * وَرَغَبْنِي فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ

مرا ترغیب به بر او * و راهنمایی بر فضیلت او نموده * و هدایت به دوستی او فرموده * و مرا تشویق به ورود به درگاه او

* وَالْهَمْنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ * أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مِنْ تَوْلَاكُمْ

* و ملهمم به طلب حوائج نزد او گردانیده است * شما اهل بیتهی هستید که هر کس پیروی از شما کند شقی نخواهد شد

وَلَا يَخِيبُ مَنْ آتَاكُمْ * وَلَا يَجْسُرُ مَنْ يَهْوَاكُمْ * وَلَا يَسْعُدُ مَنْ

* و هر که به درگاه کرم شما خانواده آید محروم نمی شود * و هر که در دلش هوای شما باشد زیانکار نمی گردد * و هر که با شما دشمن

عَادَاكُمْ * پس رو به قبله می کنی و دو رکعت نماز زیارت به جا می آوری * و بعد از فراغ خود را به قبر

باشد هرگز به سعادت نمی رسد. *

می چسبانی و می گوئی: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ انِي**

بار الها بر محمد و آل محمد درود فرست * خدایا من

تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلِزْوَمِي لِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ *

خود را در معرض لطف و رحمتت در آورده ام به واسطه ملازمت قبر عموی پیغمبرت که درود خدا بر او و آتش باد *

لِيُجِيرَنِي مِنْ نِقْمَتِكَ (وَ سَخِطِكَ وَ مَقْتِكَ) فِي يَوْمٍ تَكْثُرُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ *

که مرا از خشم و غضب و انتقام خود پناه دهی در روزی که صدا و فریادهای خلق بسیار باشد *

وَتَشْغَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ * وَ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا * فَإِنْ تَرَحَّمَنِي

و هر کس به کار خود مشغول * و از شخص خود دفاع می کند * اگر تو بر من در این روز

الْيَوْمَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيَّ وَ لَا حُزْنٌ * وَ إِنْ تَعَاقَبَ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَيَّ

ترحم کنی دیگر مرا خوف غم و اندوهی نخواهد بود * و اگر عقاب کنی مولای مقتدری بر بنده

عَبْدِهِ * وَ لَا تُخَيِّبْنِي بَعْدَ الْيَوْمِ * وَ لَا تَصْرِفْنِي بَغَيْرِ حَاجَتِي * فَقَدْ

خود * پس در این روز مرا از کرمت محروم مگردان * و مرا از درگاه لطفت بی انجام حاجت برمگردان * که من

لِصِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ * وَ تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ * وَ رَجَاءَ

به قبر عموی رسولت ملصق شده * و به حضرتت به واسطه او تقرب جسته ام و در طلب خشنودی تو * و به امید

رَحْمَتِكَ * فَتَقَبَّلَ مِنِّي * وَ عُدَّ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي * وَ بَرَأْتِكَ عَلَيَّ

رحمت بی انتهایت * پس از من بپذیر * و به حلم خود بر جهل من بازگرد * و به رأفت و رحمتت

جَنَائِي نَفْسِي * فَقَدْ عَظَمَ جُرْمِي * وَ مَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي * وَ لَكِنْ

جنايتم را بر نفس خود ببخش * که بسی گناهم بزرگ است * و نمی ترسم که تو بر من ظلم کنی * لیکن

أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ * فَانْظُرِ الْيَوْمَ تَقَلُّبِي عَلَيَّ قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ * فَبِهِمَا

از اعمال زشت خود در هنگام حساب ترسانم * پس ای خدا امروز نظر لطف به حالم کن که بقبر عموی رسولت روی آورده ام * پس به آبروی

فَكَنِي مِنَ النَّارِ * وَ لَا تُخَيِّبْ سَعْيِي * وَ لَا يَهْوِنَنَّ عَلَيْكَ ابْتِهَالِي * وَ لَا

رسولت و عم او که مرا از آتش جهنم آزاد فرما * و سعی مرا نصیب حرمان مگردان * و تضرع و ناله ام را به درگاهت خوار و ناچیز مشمار * و

تَحْجِبَنَّ عَنْكَ صَوْتِي * وَ لَا تَقْلِبْنِي بَغَيْرِ حَوَائِجِي * يَا غِيَاثَ كُلِّ

فریاد و ناله‌ام موجب حجاب مساز * و بی‌اداء حاجتم از درگاهت برمگردان * ای پناه دهنده

مَكْرُوبٍ وَ مَحْزُونٍ * وَ يَا مُفْرَجًا عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرَانَ الْغَرِيقَ *

هر غمگین و رنج دیده‌ای * گشایش بخش هر دل پر اندوه و حسرت و حیران غرقه *

الْمُشْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ * فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ انْظُرْ إِلَى

مشرف بر هلاکت * پس بر محمد و آل محمد درود فرست * و به من نظر لطفی

نَظْرَةً لَا أَشْقَى بَعْدَهَا أَبَدًا * وَ ارْحَمْ تَضَرُّعِي وَ عَبْرَتِي وَ انْفِرَادِي *

کن که دیگر تا ابد شقی نگردم * و بر ناله زار من و اشک چشم و تنهایی من ترحم فرما *

فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ * وَ تَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ *

که من به خشنودی تو امیدوارم * و طالب و جویای آن خیر و سعادتیم که جز تو احدی عطا نخواهد کرد *

فَلَا تَرُدَّ أَمَلِي * اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَاقِبُ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ وَ جَزَائِهِ

پس آرزوی من برآور * خدایا اگر عقاب کنی مولایی با قدرت بر مجازات بنده‌ات هستی و کیفرش

بِسُوءٍ (وَ جَزَاءٌ سُوءٌ) فِعْلُهُ * فَلَا أَخِيْبَنَّ الْيَوْمَ * وَ لَا تَصْرِفْنِي بَغَيْرِ حَاجَتِي

به موجب عمل زشت اوست * پس بار الها امروز مرا از رحمت محروم مگردان * و تا حاجتم بر نیآوری از درگاهت برمگردان

* وَ لَا تَخِيْبَنَّ شَخْوصِي وَ وِفَادَتِي * فَقَدْ انْفَدْتُ نَفْقَتِي * وَ اتَعَبْتُ

* و بر این درگاه ایستاده‌ام و وارد شده‌ام هرگز نامیدم بازمگردان * که من نفقه و زاد خود را تمام صرف کرده‌ام * و بدنم را

بَدَنِي * وَ قَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ * وَ خَلَفْتُ الْأَهْلَ وَ الْمَالَ وَ مَا خَوْلْتَنِي *

به تعب و رنج سفر انداختم * و قطع بیابانها کردم * و اهل بیت و مال و آنچه مرا عطا کردی همه را واگذاردم *

وَ أَثَرْتُ مَا عِنْدَكَ عَلَى نَفْسِي * وَ لَذْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ * صَلَّى اللَّهُ

و چیزی که نزد توست اختیار کردم * بر خویشتن و به قبر عم پیغمبرت * صلی الله علیه و آله

عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَ تَقَرَّبْتُ بِهِ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ * فَعُدَّ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي

پناه آوردم * و به او تقرب جستیم در طلب رضا و خشنودی تو * پس تو به حلم خود بر جهالت من بازگرد و مؤاخذه مکن

* وَ بَرَأْفَتِكَ عَلَى ذَنْبِي * فَقَدْ عَظَمَ جُرْمِي * بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمَ يَا كَرِيمَ

* و به رأفت و رحمتت بر گناهم مگیر * که بسیار گناه من بزرگ است * ببخش به رحمت نامنهایت ای خدای کریم ای خدای کریم.

✿ مؤلف گوید که: مداخل جناب حمزه سلام‌الله‌علیه و فضیلت زیارت آن حضرت بیشتر از آن است که ذکر

شود. فخرالمحققین (رحمته اللہ علیہ) در رساله فخریه فرموده: مستحب است زیارت حمزه و باقی شهداء به اُحد، زیرا که روایت شده از حضرت رسول (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) که فرمود: هر که زیارت کند مرا و زیارت نکند عمّم حمزه را، همانا مرا جفا کرده. * و این فقیر در بیت‌الاحزان فی مصائب سیدة النّسوان نقل کردم که حضرت فاطمه صلوات اللہ علیها بعد از وفات پدر بزرگوار خود هر هفته روز دوشنبه و پنجشنبه به زیارت حمزه و شهداء احد می‌رفت و نماز می‌خواند و دعا می‌کرد در آنجا، و ترک نکرد تا وفات فرمود. * و محمود بن لبید گفته که: آن سیده جلیله سر قبر حمزه می‌رفت و گریه می‌کرد و من در یکی از روزها به زیارت حمزه مشرف شدم دیدم که آن مظلومه نزد قبر حمزه مشغول به گریه است، من صبر کردم تا گریه‌اش ساکن گشت. نزدیک رفتم و سلام کردم و گفتم: یا سیدة النّسوان به حقّ خدا قسم است که رگهای دلم را قطع کردی از این گریه‌ات. فرمود: ای ابا عمرو برای من شایسته است گریستن زیرا که به من رسیده است مصیبت بهترین پدرها، رسول خدا (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم)، پس فرمود: وا شوقاهُ الی رسول اللہ (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) * و انشاد کرد:

اِذَا مَاتَ يَوْمًا مَيِّتَ قَلَّ ذِكْرُهُ وَ ذَكَرَ ابْنِي مُذْ مَاتَ وَاللَّهِ أَكْثَرُ

هنگامی که روزی مُرد مُرده‌ای یادش کم شود و خاطرهُ پدرِ من وقتی که مرد والله زیاد شد

و شیخ مفید فرموده: وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * أَمْرًا فِي حَيَاتِهِ

و بود رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ * فرمان می‌داد در زمان حیاتش

بِزِيَارَةِ قَبْرِ حَمْزَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ * وَ كَانَ يَلْمُ بِهِ وَ بِالشَّهْدَاءِ * وَ لَمْ تَزَلْ

به زیارت قبر حمزه علیه السلام * و نزول می‌فرمود برای زیارت او و شهدا * و پیوسته

فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بَعْدَ وَفَاتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * تَعْدُو إِلَى

فاطمه زهرا علیها السلام بعد از وفات رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ صبح می‌کرد * به سوی قبر

قَبْرِهِ وَ تَرُوحُ * وَ الْمُسْلِمُونَ يَنْتَابُونَ عَلَى زِيَارَتِهِ * وَ مُلَازِمَةٌ قَبْرِهِ *

حضرت حمزه (ع) می‌رفت * و مسلمانان پی در پی برای زیارت قبر حضرت حمزه (ع) و ملازمت قبرش می‌رفتند. *

زیارت قبور شهداء رضوان الله عليهم به اُحد:

می‌گوئی در زیارت ایشان: السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ *

سلام بر رسول خدا (ص) * سلام بر پیغمبر خدا *

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ

سلام بر محمد بن عبد الله (ص) * سلام بر اهل بیت او که پاکان عالمند

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ

* سلام بر شما ای شهیدان اهل ایمان * سلام بر شما ای اهل

بَيْتِ الْإِيمَانِ وَالتَّوْحِيدِ * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ

بیت ایمان و توحید * سلام بر شما ای یاری کنندگان دین خدا و یاری کنندگان

رَسُولِهِ * عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ * سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى

رسول خدا * صلی الله علیه و آله * سلام بر شما باد که برای خدا در جهاد و بلاها صبر کردید تا منزلگاه عاقبت

الدَّارِ * أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ * وَاصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ * وَأَشْهَدُ

نیکی یافتید * گواهی می‌دهم که شما را محققا خدا اختیار کرد * و از خاصان رسولش قرار داد * و گواهی می‌دهم

أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ * وَذَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَعَنْ

که البته شما در راه خدا جهاد کردید و حق جهاد را به‌جای آوردید * و از دین خدا و از پیغمبر خدا و آیین اسلام کاملا

نَبِيِّهِ * وَجَدْتُمْ بَأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ * وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَاتِلْتُمْ عَلَىٰ مِنْهَاجِ

دفاع نمودید * و برای او جان فدا کردید * و گواهی می‌دهم که شما محققا بر دین و آیین رسول خدا

رَسُولِ اللَّهِ * فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَعَنْ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ

کشته شدید * پس خدا از طرف رسول و اهل اسلام به شما بهترین پاداش را عطا

الْجُزَاءِ * وَعَرَفْنَا وَجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ * وَمَوْضِعِ إِكْرَامِهِ * مَعَ

فرماید * و درجات شما را هم به ما در بهشت رضوان * و اهل کرامتش بشناساند * که آنجا

النَّبِيِّينَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشُّهَدَاءَ وَالصَّالِحِينَ * وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا

رفیق و همنشین شما باشیم با پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان * که نیکی رفیقانی هستید

* أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ * وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ * وَأَنَّكُمْ

* و گواهی می‌دهم که شما حزب و لشکر خدا بودید * البته و هر کس با شما جنگ کرد با خدا جنگیده * و محققا

لِمَنْ الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ * الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ * فَعَلَىٰ

شما از سعادتمندان و از مقربان درگاه خدایید * آنان که نزد خدا زنده‌اند و به رزق کامل نزد حق متنعم‌اند * پس

مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ * أَتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ

هر آنکس که با شما قتال کرد لعنت خدا و فرشتگان و جمیع مردم به او * من ای اهل توحید

التَّوْحِيدِ زَائِرًا وَبِحَقِّكُمْ عَارِفًا * وَبِزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا * وَبِمَا

به سوی شما آدمم برای زیارت شما * با شناسایی مقام شما و به زیارت شما تقرب به خدا می‌طلبم * و به هر چه

سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ * وَ مَرَضِي الْأَفْعَالِ عَالِمًا * فَعَلَيْكُمْ سَلَامٌ

که سبق یافته از اعمال شریف * و افعال پسندیده دانسته به حق تقرب می‌جویم * پس بر شما

اللَّهُ وَ رَحْمَتُهُ وَ بَرَكَاتُهُ * وَ عَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ * لَعْنَةُ اللَّهِ وَ غَضَبُهُ

سلام خدا و رحمت و برکات او باد * و بر کسی که با شما قتال کرد * لعنت و خشم و غضب حق

وَ سَخَطُهُ * اللَّهُمَّ انْفَعْنِي بِزِيَارَتِهِمْ * وَ ثَبِّتْنِي عَلَى قَصْدِهِمْ * وَ تَوَفَّنِي

باد * بارالها مرا به زیارت اینان بهره‌مند گردان * و بر قصد و نیت پاک آنها مرا هم ثابت قدم بدار * و به آیینی

عَلَى مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ * وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ

که آنها را میرانیدی مرا هم به آن آیین بمیران * و با آنان همنشین گردان در محل و منزلگاه رحمت

* أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا فَرَطٌ * وَ نَحْنُ بِكُمْ لِأَحْقُونَ * وَ مِیْ خَوَانِي سُوْرَةِ اِنَّا

* گواهی می‌دهم که بر ما سبقت گرفتید * و ما هم به شما ملحق خواهیم شد. *

انزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَ بَعْضِي كَقَوْلِهِمْ نَزِدُكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ * وَ بَعْضِي كَقَوْلِهِمْ نَزِدُكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ

و برمی‌گردد انشاء الله تعالی. **ذکر مساجد مُعَظَّمِه در مدینه مُنَوَّرِه**

از جمله مسجد قبا است که بنا شده بر پرهیزکاری از روز اول، و روایت شده که هر که برود به آن مسجد و دورکعت

نماز در آن گذارد برگردد با ثواب عمره، پس برو به این مسجد شریف و دورکعت نماز تحیت مسجد به جا آور * و

بخوان تسبیح زهراء (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را * پس بخوان زیارت جامعه را که اَوْلَشَ السَّلَامُ عَلَى اَوْلِيَاءِ اللَّهِ است و ما

آن را زیارت اول جامعه قرار می‌دهیم و بیاید در او اَخْرَبَابِ اِنْشَاءِ اللَّهِ. * پس بخوان خدا را و بگو: يَا كَانِنَا قَبْلَ

كُلِّ شَيْءٍ و این دعائی است طولانی نقلش منافی با اختصار است، هر که خواهد به مزار بحار رجوع کند. * و

نماز می‌گذاری در مشربه ام ابراهیم یعنی غرفه مادر حضرت ابراهیم بن رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) که آن مسکن و محل

نماز حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بوده است. * و در مسجد فضیخ که در نزدیکی مسجد قبا است و آن را مسجد رد شمس

نیز می‌گویند * و در مسجد فتح که مسجد احزاب نیز می‌گویند * و چون در مسجد فتح از نماز فارغ شدی بگو:

يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ * وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ * وَيَا مُغِيثَ

ای فریادرس گرفتاران * و ای اجابت‌کن بیچارگان * و ای دادس

الْمَهْمُومِينَ * اَكْشِفْ عَنِّي ضُرِّي وَ هَمِّي وَ كَرْبِي وَ غَمِّي * كَمَا كَشَفْتَ

اندوه‌خواران * برطرف فرمای از من سختی و اندوه و گرفتاری و غم مرا * چنانکه

عَنْ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَمَّهُ وَكَفَيْتَهُ وَهَوْلَ عَدُوِّهِ

از وجود نازنین پیامبرت * که درود خدا بر او و آل گرامیش باد اندوهش را برطرف کردی * و هراس و هول دشمنش را کفایت فرمودی *

وَكَفَيْتَ مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و کفایت فرمای آنچه را برای من از امر دنیا و آخرت اهمیت دارد * ای مهربان‌ترین مهربانان عالم *

نماز می‌گذاری در خانه حضرت امام زین‌العابدین * و خانه امام جعفر صادق (علیه‌السلام) * و مسجد سلمان * و

مسجد امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) که مُحاذی قبر حمزه است * و مسجد مباحله آنقدر که بتوانی. * و دعا می‌کنی به

آنچه خواهی انشاءالله تعالی.

زیارت وداع

هرگاه خواستی از مدینه بیرون آئی غسل کن و برو نزد قبر پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و به عمل آور آنچه پیشتر می‌کردی پس

وداع کن آن حضرت را * و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ * اَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ

سلام بر تو باد ای فرستاده خدا * سپردم تو را به خدا و خواستارم

وَاسْتَرْعِيكَ * وَاقْرَأْ عَلَيْكَ السَّلَامَ * ءَامَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا جِئْتَ بِهِ

رعایتت را * و به تو درود می‌فرستم * و به خدای و آنچه تو آوردی

وَ دَلَلْتَ عَلَيَّ * اَللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ ءَاخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ

* و به آن دلالت نمودی ایمان دارم * بار خدایا این را آخر دیدار و عهد من برای زیارت تربت پیامبرت قرار مده

فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ * فَإِنِّي أَشْهَدُ مِمَّا تَنِي عَلَى مَا شَهِدْتَ عَلَيْهِ فِي

* پس اگر جانم را پیش از آن بستانی * پس به درستی که من گواهی دهم در مماتم بر آنچه گواهی دادم بر آن در حیات

حَيَاتِي * أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ

و زندگیم * که نیست معبودی به حق جز ذات تو * و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده

عَلَيْهِ وَآلِهِ * و حضرت صادق (علیه‌السلام) دروداع قبر پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به یونس بن یعقوب فرموده که بگو:

و فرستاده توست *

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ * اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ ءَاخِرَ تَسْلِيمِي

رحمت خدای بر تو باد * سلام وداع و درود بر تو خدای قرار ندهد آخرین سلام دادن من

عَلَيْكَ * مؤلف گوید که: ما در کتاب هدیه الزائرین در بیان تکالیف زوار در مدینه طیبه گفتیم از چیزهائی

به تو. *

که مهم است برای ایشان آنکه، مادامی که در مدینه معظمه هستند فرصت را غنیمت دانسته نماز بسیار کنند در مسجد حضرت رسول (ﷺ)، که نماز در آنجا مقابل ده هزار نمازی است که در جای دیگر کرده شود و بهترین مکانهای مسجد روضه است که مابین قبر و منبر است * و بدان که چنانکه شیخ ما در تحیّه فرموده: مقدار خوابیدن جسّد مبارک پیغمبر ما و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین از زمین اشرف است از کعبه معظمه به اتفاق جمیع فقهاء. چنانچه شهید (رحمته) در قواعد تصریح به آن نموده * و در حدیث حسن از حضرمی منقول است که حضرت صادق (علیه السلام) مرا امر فرمود که: در مسجد رسول خدا (ﷺ) بسیار نماز کنم تا بتوانم و فرمود که: همیشه تو را میسر نمی شود که به این مکان شریف بیائی الخ. * و شیخ طوسی (رحمته) در تهذیب به سند معتبر از مرازم نقل کرده که حضرت صادق (علیه السلام) فرمود که: روزه گرفتن در مدینه و نماز کردن نزد ستونها واجب نیست بلکه واجب همان نماز پنجگانه و روزه ماه رمضان است و لکن هر که خواهد روزه بدارد بهتر است از برای او. * و فرمود بسیار نماز کنید در این مسجد شریف تا توانید که بهتر است از برای شما. و بدانید که آدمی گاه هست که زیرک می باشد در کار دنیا، مردم او را مدح می کنند که چه بسیار زیرک است فلانی. پس چون باشد کسی که در امر آخرت زیرک باشد. * و زیارت کن حضرت رسول الله (ﷺ) را در هر روز مکرر و همچنین ائمه بقیع را به اندازه ای که ممکن است ترا * و هر وقت که مشاهده کردی حجره حضرت رسول (ﷺ) را سلام بکن بر آن حضرت و مادامی که در مدینه هستی مواظب خود باش و خود را حفظ کن از گناهان و مظالم، و تدبّر و تفکر کن در شرافت آنجا خصوص در مسجد شریف که قدمهای مبارک حضرت رسول (ﷺ) بر آن زمینها گذاشته شده و آن بزرگوار در کوچه و بازار آن تردد فرموده و در مسجد آن نماز خوانده و آنجا موضع وحی و تنزیل است و حضرت جبرئیل و ملائکه مقربین آنجا فرود می آمدند و **وَلِنِعْمَ مَا قَبِيلٌ** :

أَرْضٌ مَشِي جِبْرِيلُ فِي عَرَصَاتِهَا **وَاللَّهُ شَرَفَ أَرْضِهَا وَ سَمَائِهَا**

زمینی که جبرئیل امین در عرصه آن راه رفته و خدای (بزرگ) زمین و آسمانش را شرف داده و تا ممکن شود تو را تصدّق کن در مدینه خصوص در مسجد و به خصوص به سادات و ذرّیه رسول (ﷺ) که ثواب جزیل و اجر عظیم بر آن مترتب است. * و علامه مجلسی (رحمته) فرموده که: در روایت معتبر وارد شده است که درمی که در آنجا تصدّق کنند برابر است با ده هزار درهم که در جاهای دیگر تصدّق کنند * و اگر ممکن شود تو را اختیار کن مجاورت آن بلد طیب را که مجاورت در مدینه مستحب است و احادیث مستفیضه در فضیلت آن وارد شده:

سَقَى اللَّهُ قَبْرًا بِالْمَدِينَةِ غَيْثَهُ **فَقَدْ حَلَّ فِيهِ الْأَمْنُ بِالْبَرَكَاتِ**

سیراب سازد خدای قبر مدینه را به بارانش پس به تحقیق درآمد در آن امنیت به برکات

نَبِيَّ الْهُدَى صَلَّى عَلَيْهِ عَلَيْهِ مَلِيكُهُ وَ وَ بَلَغَ عَنَا رُوحَهُ التُّحَفَاتِ

پیغمبر هدایت که رحمت فرستاد بر او فرشتگان حق و از ما به روان پاکش تحفه‌های درود باد

وَ صَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُ مَا ذَرَّ شَارِقٌ وَ لَاحَتْ نَجُومُ اللَّيْلِ مُبْتَدِرَاتِ

و خدا بر او رحمت فرستد آنگاه که روز بدرخشد و شبانگاه ستارگان تابندگی نمایند

فصل چهارم

در فضیلت و کیفیت زیارت مولای ما حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

و در آن چند مطلب است. **مطلب اول:** در فضیلت زیارت آن حضرت است. شیخ طوسی به سند صحیح از محمد بن مسلم از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: خداوند خلق نفرموده مخلوقی بیشتر از ملائکه و به درستی که هر روزی نازل می شوند هفتاد هزار ملک و بیایند به بیت المعمور و طواف می کنند به دور آن و چون از طواف آنجا فارغ شدند به طواف کعبه می روند و چون از طواف کعبه فارغ شدند به سوی قبر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می آیند و سلام می کنند بر آن حضرت پس از آن می آیند به سوی قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) و سلام می کنند بر آن حضرت، بعد از آن می آیند نزد قبر حسین (علیه السلام) و سلام می کنند بر آن جناب پس از آن به آسمان بالا می روند و مثل ایشان هر روز نازل می شود تا روز قیامت. * پس فرمود آن حضرت که هر که زیارت کند امیرالمؤمنین (علیه السلام) را و عارف به حق آن حضرت باشد یعنی آن جناب را امام واجب الطاعة و خلیفه بلا فصل داند و از روی تجرّب و تکبّر به زیارت نیامده باشد حق تعالی بنویسد از برای او اجر صد هزار شهید و گناهان گذشته و آینده او را بیماریزد و مبعوث گردد در روز قیامت از جمله ایمنان از احوال آن روز و آسان گرداند بر او حساب را و استقبال نمایند او را ملائکه و چون برگردد از زیارت او را مشایعت نمایند تا به خانه خود برگردد و اگر بیمار شود به عیادت او بیایند و اگر بمیرد متابعت جنازه او بکنند و از برای او طلب آمرزش نمایند تا قبرش. * و سید عبدالکریم بن طاوس در فَرْحَةَ الْغَرِيِّ از آن حضرت روایت کرده که فرمود: هر که پیاده به زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) برود حق تعالی به هر گامی ثواب یک حج و یک عمره برای او بنویسد. و اگر پیاده برگردد به هر گامی ثواب دو حج و دو عمره از برای او بنویسد. * و نیز از آن حضرت روایت کرده که به ابن مارد فرمود: ای پسر مارد هر که زیارت کند جدّم امیرالمؤمنین (علیه السلام) را عارفاً بِحَقِّهِ بنویسد حق تعالی از برای او به عدد هر گامی حج مقبول و عمره پسندیده ای، ای پسر مارد وَاللَّهِ نَمِي خُورِدِ آتَشِ جَهَنَّمَ قَدَمِي رَا كِه غَبَارِ آلوده شود در زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) خواه پیاده رُود خواه سواره، ای پسر مارد بنویس این حدیث را به آب طلا. * و نیز از حضرت

صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: ما می گوئیم که در پشت کوفه قبری هست که پناه نمی برد به آن قبر دردناکی مگر آنکه حق تعالی او را شفا کرامت فرماید. * مؤلف گوید که: از اخبار معتبره ظاهر می شود که حق تعالی قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اولاد طاهرینش را مَعْقِلِ خَائِفِينَ و مَلْجَا مُضْطَرِّينَ و اَمَانَ اهل زمین قرار داده، هر غمناکی که نزد او برود غمش زایل گردد و هر دردناکی که خود را به او بمالد شفا گیرد و هر که به آن پناه برد در امان باشد. * سید عبدالکریم بن طاوس روایت کرده از محمد بن علی شیبانی که گفت من و پدرم و عمم حسین به نحو پنهانی در شب رفتیم به زیارت قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) و این در سال دویست و شصت و چیزی بود و من کودکی صغیر بودم، چون رسیدیم به نزد قبر آن حضرت دیدیم که آن قبر مطهر دورش سنگهای سیاه گذاشته شده و بنائی ندارد پس ما نزدیک آن رفتیم بعضی از ما شروع کرد به خواندن قرآن و بعضی دیگر مشغول به نماز شد و بعضی مشغول به زیارت در این حال بودیم که ناگاه دیدیم شیری به جانب ما می آید چون نزدیک ما آمد به فاصله یک نیزه، ما از آن محل شریف دور شدیم آن حیوان به نزدیک قبر رفت و شروع کرد به مالیدن ذراع خود بر قبر، یکی از ما نزدیک او رفت و مشاهده کرد او را، شیر متعزّض او نشد او برگشت و ما را به حال شیر خبر داد پس ترس از ما برطرف شد و همگی نزدیک او رفتیم و او را مشاهده کردیم دیدیم که در ذراع او جراحتی است و آن دست مجروح را به قبر آن حضرت می مالید پس یک ساعت با این حال بود آنگاه برفت و ما دیگر باره به حال اوّل خود به نماز و زیارت و قرائت قرآن برگشتیم. * و شیخ مفید نقل کرده که روزی هارون الرشید به آهنگ شکار از کوفه بیرون رفت و به جانب غَرَبِینَ و تَوْبَه توجّه نمود و در آنجا آهوانی دید فرمان داد تا بازهای شکاری و کلاب (سگان) مَعْلَم را برای شکار آهوان رها کردند و بر آنها بتاختند، آهوان که چنین دیدند فرار کرده به پشته ای پناه بردند و در آنجا بیارمیدند، بازها در ناحیه ای بیفتادند و تازیها باز شدند و رشید از این مطلب در عجب شد، دیگر باره آهوان از فراز پشته به نشیب آمدند بازها و تازیها آهنگ ایشان نمودند، دیگر باره آهوان به آن پشته پناه بردند و جانوران شکاری از قصد ایشان برگشتند تا سه مرتبه کار بدینگونه رفت، هارون سخت در عجب شد غلامان خود را امر کرد که تعجیل کنید و مردی را که از حال این مکان با خبر باشد بیاورید، غلامان رفتند و از قبيله بنی اسد پیرمردی را حاضر کردند، هارون از وی پرسید که حال این پُشته چیست؟ و در این مکان چه کیفیتی است؟ گفت: اگر مرا امان می دهی قصّه آن را به عرض می رسانم. گفت: با خدا عهد کردم که تو را اذیت نکنم و در امان باشی الحال آنچه دانی بگو. گفت: خبر داد مرا پدرم از پدران خود که می گفتند قبر مطهر امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این پشته واقع است و حق تعالی آن را حرم امن و امان خود قرار داده که هر چه به آن پناه

بِرَدِّ دَرَامَانِ بَاشِد. * فقیر گوید: در امثال عرب است که می‌گویند **أَحْمَى مِنْ مُجِيرِ الْجَرَادِ** یعنی فلانی حمایت‌کننده از کسی که در پناه او است بیشتر از پناه دهنده ملخها است و قصه آن: چنان است که مردی بادیه‌نشین از قبیله طّیّ که نامش مُدَلج بن سُوید بود، روزی در خیمه خود نشسته بود دید جماعتی از طایفه طّیّ آمدند و جوال و ظرفهائی با خود دارند، پرسید: چه خبر است؟ گفتند: ملخهای بسیار در اطراف خیمه شما فرود آمده‌اند آمدیم آنها را بگیریم. مُدَلج که این را شنید برخاست سوار اسب خود شد و نیزه خود را بر دست گرفت و گفت: به خدا سوگند هر کس متعرض این ملخها شود من او را خواهم کشت **أَيُّكُونُ الْجَرَادُ فِي جَوَارِي ثُمَّ تَرِيدُونَ أَخَذَهُ** آیا این ملخها در جوار و پناه من باشند و شما آنها را بگیرید؟ چنین چیزی نخواهد شد، پیوسته از آنها حمایت کرد تا آفتاب گرم شد ملخها پریدند و رفتند آن وقت گفت: این ملخها از جوار من منتقل شدند دیگر خود دانی با آنها. * و صاحب قاموس گفته: **ذُو الْأَعْوَادِ** لقب شخصی خیلی عزیز بوده که بعضی گفته‌اند جدّ اکثم بن صیفی بوده، طایفه مُضَرّ هر سال خراجی به او می‌دادند و چون پیر شد او را بالای سربری می‌نشانیدند و در میان قبایل و میان عرب برای جابیت خراج او را طواف می‌دادند و به حدّی عزیز و محترم بود که هر ترسانی خود را به سربر او می‌رسانید ایمن می‌گشت و هر ذلیل و خواری که به نزد سربر او می‌آمد عزیز و ارجمند می‌گردید و هر گرسنه‌ای که به نزد او می‌رسید از گرسنگی می‌رهید انتهی. * پس هرگاه سربر یک مرد عربی به این مرتبه از عزّت و رفعت رسد چه عجب دارد حق تعالی قبر ولّیّ خود را که حامل سربرش جبرئیل و میکائیل و امام حسن و امام حسین (علیهم‌السلام) بوده‌اند معقل خائفین و ملجاء هاربین و فریادرس بیچارگان و شفاء دردمندان قرار داده باشد * پس در هر کجا باشی خود را به او برسان و تا ممکن شود خود را به او بچسبان و الحاح کن تا به فریاد تو برسد و تو را از هلاکت دنیا و آخرت نجات دهد.

بِنَجَاةِ الْعُصَاةِ يَوْمَ لِقَاهَا

رهایمی گناهکاران به روز رستخیز

لُذِّ اِلَى جُودِهِ تَجِدُهُ زَعِيمًا

به جودش پناه بر او را زعیمی بیاب در

سَامِعٌ مَا تَسِرُّ مِنْ نَجْوَاهَا

و اجابت‌کننده و شنوای سرّ و راز است

عَائِدٌ لِلْمُؤْمَلِينَ مُجِيبٌ

او برآورنده آرزوی آرزومندان

در دارالسلام از شیخ دیلمی نقل شده که روایت کردند جماعتی از صلحاء نجف اشرف که کسی در خواب دید که از قبری که در آن مشهد شریف و بیرون آن است ریسمانی کشیده شده متصل به قبّه شریفه حضرت حبّال‌الله المتین امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه، پس آن شخص انشاد کرد:

إِذَا مِتُّ فَأَدْفِنِي إِلَى جَنْبِ حَيْدَرٍ أَبِي شَبْرٍ أَكْرَمَ بِهِ وَ شَبِيرٍ

آنگاه که مرگم فرا رسید مرا جنب حیدر دفن بنمای که پدر گرامی شبر و شبیر (حسن و حسین) است

فَلَسْتُ أَخَافُ النَّارَ عِنْدَ جَوَارِهِ وَ لَا أَتَّقِي مِنْ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ

که در جوار لطفش من از آتش دوزخ نمی‌هراسم و پرهیز و ترسی از منکر و نکیر ندارم

فَعَارٌ عَلَى حَامِي الْحَمِي وَ هُوَ فِي الْحَمِي إِذَا ضَلَّ فِي الْبَيْدَاءِ عِقَالُ بَعِيرٍ

زیرا که بر حامی در حین حمایت عار است هنگامی که عقال شتری در حوزه حمایتش گم شود

مطلب دوم در کیفیت زیارت آن حضرت است

بدان که زیارات منقوله برای آن حضرت بر دو قسم است: یکی مطلقه که مقيّد به وقتی از اوقات نیست و دیگر مخصوصه که عکس آن است و این زیارات در ضمن دو مقصد بیان می‌شود: **مقصد اول:** در زیارات مطلقه است و آنها بسیار است و ما اکتفا می‌کنیم در اینجا به ذکر چند زیارت. **۱** اول: زیارتی است که شیخ مفید و شهید و سید بن طاوس و دیگران ذکر کرده‌اند و کیفیت آن چنان است که هرگاه اراده زیارت نمائی غسل کن و دو جامه پاک بپوش و به چیزی از بوی خوش خود را خوشبو کن و اگر نیابی و نکنی نیز مجزی است و چون از خانه بیرون آمدی بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ (تَوَجَّهْتُ) مِنْ مَنْزِلِي أِبْغَى فَضْلِكَ * وَ أَزُورُ وَصِيَّ نَبِيِّكَ

بار خدایا من از خانام بیرون آمدم که فضلت را بجویم * و زیارت نمایم وصی

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا * اللَّهُمَّ فَيَسِّرْ ذَلِكَ لِي * وَ سَبِّبِ الْمَزَارَ لَهُ * وَ

پیغمبرت را که درود تو بر آن دو باد * بار خدایا آن را برایم میسر ساز * و فراهم فرمای زیارت او را *

وَ أَخْلَفْنِي فِي عَاقِبَتِي وَ حَزَانَتِي بِأَحْسَنِ الْخِلَافَةِ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و در انجام کارم جانشین من باش و در کسانم به بهترین جانشینی * ای مهربانترین مهربانان عالم *

❁ پس روانه شود در حالی که زبانت گویا باشد به ذکر: **الْحَمْدُ لِلَّهِ * وَ سُبْحَانَ اللَّهِ * وَ لَا**

هر حمدی مخصوص خداست * و منزه است خدا * و نیست

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ❁ و چون رسیدی به خندق کوفه بایست و بگو: **اللَّهُ أَكْبَرُ * اللَّهُ أَكْبَرُ * اللَّهُ أَكْبَرُ أَهْلَ**

خدایی جز ذات پروردگار * خدای بزرگ است * خدای بزرگ است که اهل

الْكِبْرِيَاءِ وَ الْمَجْدِ وَ الْعِزَّةِ * اللَّهُ أَكْبَرُ أَهْلَ التَّكْبِيرِ وَ التَّقْدِيسِ

کبریاء و مجد و عزت و بزرگی است * خدای بزرگ است که اهل بزرگ شمردن و منزه داشتن و پاک دانستن

وَ التَّسْبِيحِ وَ الْأَلَاءِ * اللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ * اللَّهُ أَكْبَرُ

و نیز مهربانیها است * خدا بزرگتر است از آنچه بترسم و بر حذر از آنم * خدا بزرگ است که تکیه‌گاه

عِمَادِي وَ عَلَيْهِ اتَّوَكَّلُ * اللَّهُ أَكْبَرُ رَجَائِي وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ * اللَّهُمَّ أَنْتَ

من است و بر او توکل دارم * خدای بزرگ است که یگانه امید من است و به سویش انابه و بازگشت میکنم * بار خدایا تویی

وَلِيُّ نِعْمَتِي * وَ الْقَادِرُ عَلَى طَلْبَتِي * تَعَلَّمُ حَاجَتِي * وَ مَا تُضْمِرُهُ *

ولی نعمت من * و توانا و قادر بر خواسته من * می‌دانی حاجتم را * و آنچه در نهاد و

هُوَ جَسُ الصُّدُورِ * وَ خَوَاطِرُ النُّفُوسِ * فَاسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى

ضمیر گیرد جهشهای سینه‌ها * و پرش نفسها و دلها * پس از تو درخواست می‌کنم به محمد مصطفی

الَّذِي قَطَعْتَ بِهِ حُجَجَ الْمُحْتَجِّينَ * وَ عُدْرَ الْمُعْتَذِرِينَ * وَ جَعَلْتَهُ *

که به وجود گرامیش دلیل دلیل تراشان را * و عذر آوران را قطع کردی * و او را رحمت محض

رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ * أَنْ لَا تَحْرِمَنِي ثَوَابَ زِيَارَةِ وِلِيِّكَ * وَ أَخِي نَبِيِّكَ أَمِيرِ

برای جهانیان قرار دادی * اینکه مرا از ثواب زیارت ولی تو * و برادر پیغمبرت امیر مؤمنان

الْمُؤْمِنِينَ وَ قَصْدَهُ * وَ تَجْعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ الصَّالِحِينَ وَ شِيعَتِهِ الْمُتَّقِينَ

محروم نفرمایی و نیز از قصدش * و مرا از واردان شایسته‌اش و از پیروان پرهیزکارش قرار دهی

* بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * و چون نمودار شود برای توفقه شریفه آن حضرت بگو:

* به رحمت (واسعات) ای مهربانترین مهربانان عالم *

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا اخْتَصَنِي بِهِ مِنْ طَيْبِ الْمَوْلِدِ * وَ اسْتَخْلَصَنِي

سپاس خدای راست بر آنچه مرا بدان از پاکي ولادت برگزید * و خالص گردانید

إِكْرَامًا بِهِ مِنْ مَوَالِدِ الْأَبْرَارِ * السَّفَرَةَ الْأَطْهَارِ * وَ الْخَيْرَةَ الْأَعْلَامِ *

مرا به گرمی داشتن از دوستی نیکان * و سفیران پاک و برگزیدگان * که نشانه‌های (فضیلت و حقیقت) اند *

اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ سَعْيِي إِلَيْكَ * وَ تَضَرَّعِي بَيْنَ يَدَيْكَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ

بار خدایا پس (به کرمتم) سعی مرا به درگاهت بپذیر * و زاری مرا در برابرت (قبول کن) * و گناهای را که

الَّتِي لَا تَخْفَى عَلَيْكَ * إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمَلِكُ الْغَفَّارُ * مؤلف گوید که: چون

بر تو پوشیده نیست بیامرز * زیرا که تویی خداوند و پادشاه پر آمرزش و غفار. *

در وقت دیدن قبه منوره یک حال نشاط و شوقی برای زائر روی می‌دهد که میل دارد در آن وقت تمام توجه خود

را به آن جناب نماید و به هر لسانی و بیانی که تواند مدح و ثنای آن بزرگوار گوید. خصوص زائر اگر از اهل علم و کمال

باشد دوست می‌دارد که اگر شعر بلیغی در نظر داشته باشد در آن حال به آن تمثیل جوید لذا به خاطر رسید که این

چند شعر را از قصیده هائیه اُزریه که مناسب این مقام است ذکر نمایم و رجاء واثق که سلامی از جانب این صاحب

صحیفه سواد به آن صاحب قُبِه بِيضَاء بنماید و از دُعای خیر فراموشم نفرماید، وَ الْأَشْعَارُ هَذِهِ:

بِقُلُوبٍ تَقَلَّبَتْ فِي جَوَاهِهَا

بر دلی در سوز غلطان مهلتی

أَيُّهَا الرَّاحِبُ الْمَجْدُ رُوَيْدًا

ای سوار تندرو ده مهلتی

وَ أَخْلَعَ النَّعْلَ دُونَ وَادِي طَوَاهِهَا

کفش بر کن پیش از آن واد بخوع

إِنْ تَرَأْتِ أَرْضَ الْغَرَبِيِّنَ فَاخْضَعُ

گر نجف گشت نمایان کن خضوع

الْأَعْلَى وَ أَنْوَارِ رَبِّهَا تَغْشَاهَا

از فرازش نور رب آمد به چشم

وَ إِذَا شِمْتَ قَبَّةَ الْعَالَمِ

گنبد عالم چه برقت زد به چشم

تَتَمَنَّى الْأَفْلَاكَ لَمْ تَرَاهَا

بوسه بر خاکش زند افلاک هان

فَتَوَاضَعُ فَتَمَّ دَارَةَ قَدْسٍ

کن تواضع عرصه قدس است آن

وَ الْمُحْشَا تَصْطَلِي بِنَارِ غَضَاهَا

با دلی از شعله عشقش فزون

قُلْ لَهُ وَ الدَّمُوعُ سَفْحٌ عَقِيقٍ

گو به او با دیده‌ای پر اشک و خون

الَّتِي عَمَّ كُلَّ شَيْءٍ نَدَاهَا

کز کفش هر چیز می‌گیرد عطا

يَا بَنَ عَمِّ النَّبِيِّ أَنْتَ يَدُ اللَّهِ

زاد عم مصطفی دست خدا

فَلَكْ أَيْاتُهُ الَّتِي أَوْحَاهَا

تو هست آیاتی که وحی آمد بدو

أَنْتَ قَرَأْنُهُ الْقَدِيمِ وَ أَوْصَا

ای تو قرآن قدیم و وصف

هِيَ مِثْلُ الْأَعْدَادِ لَا تَتَنَاهَى

که شمارش چون عدد ناید به دست

خَصَّكَ اللَّهُ فِي مَآثِرِ شَتَّى

امتیازاتی خدایت داده است

قَدِيتَ وَ اسْتَمَرَّ فِيهَا قَدَاهَا

پر ز خاشاک آید و ماند در او

لَيْتَ عَيْنًا بَغَيْرِ رَوْضِكَ تَرَعَى

کاش چشمی کان چرد بر غیر تو

وَ السَّمَا خَيْرٌ مَا بِهَا قَمَرَاهَا

در فلک بهتر ز کل شمس و قمر

أَنْتَ بَعْدَ النَّبِيِّ خَيْرُ الْبَرِيَا

بعد پیغمبر توئی بهتر بشر

أَنَّهَا مِثْلُهَا لَمَّا أَخَاهَا

همچنان او را برادر می‌نشد

لَكَ ذَاتٌ كَذَاتِهِ حَيْثُ لَوْلَا

هست ذاتت همچو ذاتش ورنه

كَانَ مِنْ جَوْهَرِ التَّجَلَّى غِذَاهَا

کز تجلی بد خوراک آن ز اصل

قَدْ تَرَاضَعْتُمَا بِشَدَى وَصَالٍ

شیر خورده هر دو از پستان وصل

يَا آخَا الْمُصْطَفَى لَدَى ذُنُوبٍ هِيَ عَيْنُ الْقَذَا وَ أَنْتَ جَلَاهَا

ای برادر مصطفی باری گناه خار چشم است ده آن را جلا

لَكَ فِي مَرْتَقَى الْعُلَى وَالْمَعَالِي دَرَجَاتٍ لَا يُرْتَقَى آدَانَهَا

در علو و در معالی پایه‌ها بر شدی کادناى آن شد نارسا

لَكَ نَفْسٌ مِنْ مَعْدِنِ اللَّطْفِ صِيغَتْ جَعَلَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ فِدَاهَا

جانت از کان لطافت بوته شد حق فدای آن کند هر جان که بُد

* و چون به دروازه نجف برسی بگو: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا** * و ما كنا لنهتدي

سیاس و حمد مر خدای راست که ما را بدین هدایت و رهنمونی کرد * و اگر رهنمونی نمی‌کرد ما را

لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ * **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَيَّرَنِي بِبَلَادِهِ** * وَ حَمَلَنِي عَلَى

خدای ما هرگز هدایت نمی‌یافتیم * سیاس مخصوص خدا است که ما را در شهرهای خود سیر داد * و بر دوش چهار پایانش

دَوَابِّهِ * وَ طَوَى لِي الْبَعِيدَ * وَ صَرَفَ عَنِّي الْمَحْذُورَ * وَ دَفَعَ عَنِّي

حمل و سوار کرد * و راه دور را برای من درنوردید * و محذور را از من برطرف کرد * و دور کرد از من

الْمَكْرُوهَ حَتَّى أَقْدَمَنِي حَرَمَ أَخِي رَسُولِهِ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آئِهِ *

هر مکروه را تا به حرم مطهر برادر رسول خود * که درود و رحمت خدا بر او و بر آل گرامیش باد مرا رسانید *

پس داخل شهر شو و بگو: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْخَلَنِي هَذِهِ الْبُقْعَةَ الْمُبَارَكَةَ الَّتِي**

سیاس و حمد خدا راست که مرا در این بقعه با برکتی که برکت داد خدای در

بَارَكَ اللَّهُ فِيهَا * وَ اخْتَارَهَا لِوَصِيِّ نَبِيِّهِ * **اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهَا شَاهِدَةً لِي**

آن داخل فرمود * آن بقعه که خدا برای وصی پیغمبرش اختیار فرمود * پس خداوندا آن را گواه و شاهد من قرار ده *

* پس چون به درگاه اول برسی بگو: **اللَّهُمَّ لِبابِكَ وَقَفْتُ** * وَ بِفَنَائِكَ نَزَلْتُ

بار الها من به درگاه تو ایستاده‌ام * و به آستان تو وارد شدم

* وَ بِجَبَلِكَ اعْتَصَمْتُ * وَ لِرَحْمَتِكَ تَعَرَّضْتُ * وَ بِوَلِيِّكَ صَلَوَاتِكَ

* و به رشته تو چنگ زدم * و خود را در معرض رحمت در آوردم * و به ولی تو (امیر المؤمنین)

عَلَيْهِ تَوَسَّلْتُ * فَاجْعَلْهَا زِيَارَةً مَقْبُولَةً * وَ دُعَاءً مُسْتَجَابًا *

توسل جستم * پس زیارتم را مقبول * و دعایم را مستجاب فرما *

پس چون به درصحن برسی بگو: **اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْحَرَمَ حَرَمُكَ** * وَ الْمَقَامَ مَقَامُكَ

بارالها این حرم حرم توست * و مقام مقام (بنده خاص) توست

وَ اَنَا اَدْخُلُ اِلَيْهِ اَنَا جِيكَ بِمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي * وَ مِنْ سِرِّي وَ نَجْوَايَ

* و من بر او داخل شده‌ام تا با تو راز و نیاز کنم به چیزی که تو از من به آن داناتری * و از سرّ و راز نهانم بهتر آگاهی

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْحَنَّانِ الْمَنَّانِ * اَلْمُتَطَوِّلِ الَّذِي مِنْ تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لِي

* ستایش خدای راست که دارای عطوفت و نعمت و احسان است * و از احسانش در حق من این است که زیارت مولای من را

زِيَارَةَ مَوْلَايَ بِاِحْسَانِهِ * وَ لَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِ مَمْنُوعًا * وَ لَا عَنْ

بر من به کرشم سهل و آسان ساخت * و مرا از زیارتش محروم نساخت * و از ولایت

وَلَايَتِهِ مَدْفُوعًا * بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ * اَللّٰهُمَّ كَمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِ

و دوستیش دور نگردانید * بلکه از لطف و احسان نصیبم فرمود * پروردگارا چنانکه بر من منت به معرفتش گذاشتی

فَاَجْعَلْنِي مِنْ شَيْعَتِهِ * وَ اَدْخَلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِ * يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

* هم از شیعیانش مرا قرار ده * و به شفاعتش در بهشت ابدم داخل ساز * ای مهربانترین مهربانان عالم.

پس داخل صحن شو و بگو: الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِهِ وَ مَعْرِفَةَ

ستایش خدای را که از کرم معرفت خود و معرفت رسول خود * و معرفت

رَسُولِهِ * وَ مَنْ فَرَضَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ * وَ رَحْمَةً مِنْهُ لِي * وَ تَطَوُّلًا مِنْهُ عَلَيَّ

امامی که طاعتش را بر من فرض نموده نصیبم فرمود * این از صرف رحمت * و منت و احسانش بر من بود

وَ مَنْ عَلَيَّ بِالْاِيْمَانِ * الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَدْخَلَنِي حَرَمَ اَخِي رَسُولِهِ *

* و بر من به نعمت ایمان منت گذاشت * ستایش خدای راست که مرا وارد حرم مطهر برادر رسول خود کرد *

وَ اَرَانِيهِ عَافِيَةً * الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ زُوَارِ قَبْرِ وَصِيِّ رَسُولِهِ

و با حال عافیت آن حرم را به من نشان داد * و ستایش خدای راست که مرا از زواران قبر برادر رسول خود قرار داد

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ * وَ حُدَّهُ * لَا شَرِيكَ لَهُ * وَ اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا

* و شهادت می‌دهم که خدایی جز خدای یکتای عالم نیست * و او را شریک نخواهد بود * و شهادت می‌دهم که محققا

عَبْدُهُ * وَ رَسُولُهُ * جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ * وَ اَشْهَدُ اَنْ عَلِيًّا عَبْدُ اللّٰهِ

محمد (ص) بنده او و فرستاده اوست * که به حق از جانب خدا آمده * و شهادت می‌دهم که یقینا علی بنده خداست

وَ اَخُو رَسُولِ اللّٰهِ * اللّٰهُ اَكْبَرُ * اللّٰهُ اَكْبَرُ * اللّٰهُ اَكْبَرُ * لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ

* و برادر رسول خداست * خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است * خدایی جز خدای یکتا نیست

وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ * وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَيَّ هِدَايَتِهِ * وَ تَوْفِيْقِهِ لِمَا دَعَا اِلَيْهِ مِنْ

و خدا بزرگتر است * و ستایش خدای راست بر هدایت * و توفیق دادن او به ما برای پیمودن طریق دین او که ما را

سَبِيلِهِ * اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَفْضَلُ مَقْصُودٍ * وَ أَكْرَمُ مَا تَنِي * وَقَدْ أَتَيْتَكَ مُتَقَرِّبًا

بر آن خواند * بارالها تو بهترین مقصود * و بزرگوارترین کسی که به درگاه او برای حاجت آیند * و من ای خدا آمده‌ام

الْيَكُ بَنِيكَ نَبِيَّ الرَّحْمَةِ * وَ بَاخِيهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ

به درگاهت تا به حضرتت تقرب جویم و به پیغمبر رحمتت * و برادرش امیر المؤمنین علی بن ابی طالب

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ * فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَلَا تُخَيِّبْ سَعْيِي

علیهم السلام تقرب یابم * پس درود فرست بر محمد و آل محمد * و سعی مرا در این راه قرین حرمان مگردان

* وَ انْظُرْ إِلَى نَظْرَةٍ رَحِيمَةٍ تَنْعَشُنِي بِهَا * وَ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي

* و به حال من نظری از روی رأفت و رحمت بیفکن که به آن یک نظر به کار خود پردازم * و همه عمر به طاعتت بسر برم و مرا نزد

الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * وَ چون به دروای برسی بایست و بگو: السَّلَامُ

خود در دنیا و آخرت آبرومند گردان * و از مقربان درگاهت ساز. * سلام بر

عَلَى رَسُولِ اللَّهِ * آمِينَ اللَّهُ عَلَى وَحْيِهِ * وَ عَزَائِمِ أَمْرِهِ * الْخَاتَمِ لِمَا

رسول خدا * که امین وحی خداست * و امین عزائم امور (یعنی امور بزرگ و اسرار مهم الهی) است * خاتم انبیاء

سَبَقَ * وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ * وَ الْمَهْيِمِنِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ * وَ رَحْمَةِ

سابق * و فاتح و مبدأ علوم آسمانی و حقایق عقلی برای امم و دانشمندان آینده * و ارفع از تمام آنها * و رحمت

اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ * السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ السَّكِينَةِ * السَّلَامُ عَلَى

خدا و برکاتش بر او باد * سلام بر صاحب وقار و سکینه * سلام بر شخص

الْمَدْفُونِ بِالْمَدِينَةِ * السَّلَامُ عَلَى الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ * السَّلَامُ عَلَى

مدفون در مدینه طیبه * سلام بر پیغمبر منصور مؤید * سلام بر ابی القاسم

أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ * وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ * پس داخل

محمد بن عبد الله * و رحمت و برکات خدای بر او باد. *

رَوَاقِ شَوْ وَ دَرَوْقِ دَاخِلِ شَدْنَ پَی رَاسْتِ رَا مَقْدَمِ دَارِ وَ بَایسْتِ بَر دَر حَرَمِ وَ بَگو: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا

شهادت می‌دهم که خدایی جز خدای

اللَّهُ * وَحْدَهُ * لَا شَرِيكَ لَهُ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ * وَ رَسُولُهُ * وَ

یکتا نیست * که او را شریک نخواهد بود * و شهادت می‌دهم که محمد (ص) بنده و فرستاده اوست *

جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِهِ * وَ صَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ

که از جانب او به حق آمد * و رسولان الهی را تصدیق به رسالتشان فرمود * سلام بر تو ای رسول

اللَّهُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ وَخَيْرَتَهُ * مِنْ خَلْقِهِ * السَّلَامُ

خدا * سلام بر تو ای حبیب خدا و سلام بر تو ای برگزیده خدا از خلق عالم * سلام

عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدَ اللَّهِ * وَ أَخِي رَسُولِ اللَّهِ * يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ

بر تو ای امیر المؤمنین بنده (خاص) خدا * و برادر رسول خدا * ای مولای من ای

الْمُؤْمِنِينَ * عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ * وَ ابْنُ أُمَّتِكَ * جَاءَكَ مُسْتَجِيرًا

امیر اهل ایمان * بنده تو و فرزند بنده تو * و فرزند کنیز تو به درگاه تو آمده * و به عهد تو

بِذِمَّتِكَ * قاصِدًا إِلَى حَرَمِكَ * مُتَوَجِّهًا إِلَى مَقَامِكَ * مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ

پناه آورده * و قاصد حرم مطهر توست * و توجّهش به مقام رفیع تو * و به وسیله تو تقرب به

تَعَالَى بِكَ * أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ * أَدْخُلْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * أَدْخُلْ يَا

درگاه خدا می‌جوید * آیا اذن می‌دهی ای مولای من * در حرم مطهرت داخل شوم آیا ای امیر مؤمنان * به حرمت

حُجَّةَ اللَّهِ * أَدْخُلْ يَا أَمِينَ اللَّهِ * أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقِيمِينَ

داخل شوم ای حجت خدا * به حرمت داخل شوم ای امین سر خدا * داخل شوم آیا ای فرشتگان مقیم

(الْمُقَرَّبِينَ) فِي هَذَا الْمَشْهَدِ * يَا مَوْلَايَ أَتَأْذَنُ لِي بِالِدُخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذْنَتْ

این درگاه داخل شوم در این مشهد * ای مولای من آیا اذن می‌دهی اذنی که به یکی از

لأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ * فَإِنْ لَمْ أَكُنْ لَهُ * وَأَهْلًا فَأَنْتَ أَهْلٌ لَذَلِكَ * پس عَتَبَهُ

دوستانت خواهی داد * و اگر من قابل نیستم از تو این عنایت شایسته است *

را بیوس و مقدم داری پای راست را پیش از پای چپ و داخل شو و در حال داخل شدن بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ

به نام خدا و به ذات او

* وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ *

* و در راه خدا * و بر ملت و آیین رسول خدا * صلی الله علیه و آله *

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي * وَ تَبَّ عَلَيَّ * إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ *

بار الها مرا ببامرز و بر من ترحم فرما * و توبه‌ام بپذیر * که تو توبه پذیر و مهربان به خلق هستی *

پس برو تا محاذی قبر مطهر شوی و توقّف نما پیش از رسیدن به قبر و رو به قبر کن و بگو: السَّلَامُ مِنْ

سلام از جانب

اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ * آمِينَ اللَّهُ عَلَى وَحْيِهِ وَ رِسَالَاتِهِ * وَ عَزَائِمِ

خدا بر محمد (ص) رسول خدا * و امین بر وحی و رسالت‌های خدا * و امور مهم

أَمْرِهِ * وَ مَعْدِنِ الْوَحْيِ وَ التَّنْزِيلِ * الْأَخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ * وَ الْفَاتِحِ لِمَا

و اسرار بزرگ حق * و معدن وحی و تنزیل حق * خاتم پیغمبران گذشته * و فاتح علوم آسمانی

أَسْتَقْبِلُ * وَ الْمَهْمِيمِنِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ * الشَّاهِدِ عَلَى الْخَلْقِ * السَّرَاجِ

برای آینده * و عالیتر و کاملتر از همه * شاهد و نگهبان بر خلق * چراغ روشن

الْمُنِيرِ * وَ السَّلَامِ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

عالم * و سلام و برکات و رحمت خدا بر او باد * بار الهی درود فرست

مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْمَظْلُومِينَ * أَفْضَلِ وَ أَكْمَلِ وَ أَرْفَعِ * وَ أَشْرَفِ مَا

بر محمد (ص) و اهل بیت مظلومش * افضل و اکمل و رفیعتر * و شریفترین

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ * وَ رُسُلِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ * اللَّهُمَّ صَلِّ

درود و رحمتی که بر احدی از رسولان * و پیمبران و خالصان درگاهت فرستادی * بار خدایا درود

عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ * وَ خَيْرِ خَلْقِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ * وَ أَخِي رَسُولِكَ

فرست بر امیر المؤمنین بنده (خاص) * و بهترین خلق تو بعد از پیغمبرت * و برادر رسولت

وَ وَصِيِّ حَبِيبِكَ * الَّذِي أَنْتَجَبْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ * وَ الدَّلِيلِ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ وَ

و وصی حبیب * تو که او را از خلق عالم برگزیدی * و راهنما گردانیدی بر هر که به رسالت و سفارت

بِرِسَالَاتِكَ * وَ دِيَانَ الدِّينِ بَعْدَكَ * وَ فَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ *

مبعوث فرمودی * و آنکه حاکم در دین خدا به عدل توست * و فیصل حکم تو میان خلق است *

وَ السَّلَامِ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ

سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد * بار خدایا درود فرست بر پیشوایان

وُلْدِهِ * الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِكَ مِنْ بَعْدِهِ * الْمُطَهَّرِينَ الَّذِينَ ارْتَضَيْتَهُمْ

از اولاد * آن پیغمبر که نگهبانان دین به امر تو اند * بعد از او و پاک و معصومند که تو آنان را برای

أَنْصَارًا لِدِينِكَ * وَ حَفِظَةَ لِسْرِكَ * وَ شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِكَ * وَ أَعْلَامًا

یاری دینت پسندیده‌ای * و حافظان اسرار تو * و شاهدان بر خلق * و نشان هدایت

لِعِبَادِكَ * صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ * السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى

بر بندگان خود قرار دادی * صلوات تو بر تمام آنان باد * سلام بر امیر المؤمنین

بْنِ أَبِي طَالِبٍ * وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَلِيفَتِهِ * وَ الْقَائِمِ بِأَمْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ

علی بن ابی طالب * وصی رسول خدا و خلیفه او * و قائم به امر او (یعنی حاکم و حافظ دین خدا) بعد از او امیر المؤمنین

سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ * وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ * وَالسَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ

* و سید وصیین * که رحمت و برکات خدا بر او باد * سلام بر فاطمه دختر

رَسُولِ اللَّهِ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * وَالسَّلَامُ

رسول خدا * صلی الله علیه و آله * که سید زنان عالم است * سلام بر

عَلَى الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ * سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ

حضرت حسن و حسین (ع) * که این دو سید جوانان اهل بهشتند میان خلق عالم

السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ * وَالسَّلَامُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ

* سلام بر امامان راهنما * سلام بر پیغمبران و رسولان

السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْمُسْتَوْدَعِينَ * وَالسَّلَامُ عَلَى خَاصَّةِ اللَّهِ مِنْ

* سلام بر ائمه هدی که ودایع نبوت نزد آنهاست * سلام بر بنده محبوب خاص خدا است از

خَلْقِهِ * وَالسَّلَامُ عَلَى الْمُتَوَسِّمِينَ * وَالسَّلَامُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ

تمام خلق او * سلام بر اهل هوش و فراست (یعنی ائمه هدی) * سلام بر اهل ایمان آنان که به امر خدا (و نصرت

قَامُوا بِأَمْرِهِ * وَوَأَزَرُوا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ * وَخَافُوا بِخَوْفِهِمْ * وَالسَّلَامُ عَلَى

دین خدا) قیام کردند * و اولیاء خدا را یاری نمودند * و به ترسیدن آنها ترسیدند * سلام بر

الْمَلَائِكَةِ الْمُقْرَبِينَ * وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ *

فرشتگان مقرب * سلام بر ما (شیعیان) و بر بندگان شایسته خدا باد *

بِرُوتَا بَابِئِئِي نَزْدِيك قَبْرُو رُو بُو قَبْرُو پِئِئِئِي بُو قَبْلُو كُن وَبِئُو: السَّلَامُ عَلِيك يَا امِير الْمُؤْمِنِينَ

سلام بر تو ای امیر اهل ایمان

السَّلَامُ عَلِيك يَا حَبِيْبَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلِيك يَا صَفْوَةَ اللَّهِ *

* سلام بر تو ای حبیب خدا * سلام بر تو ای بنده خالص خدا *

السَّلَامُ عَلِيك يَا وَلِيَّ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلِيك يَا حُجَّةَ اللَّهِ * السَّلَامُ

سلام بر تو ای ولی خدا * سلام بر تو ای حجت خدا * سلام

عَلِيك يَا اِمَامَ الْهُدَى * السَّلَامُ عَلِيك يَا عِلْمَ التَّقَى * السَّلَامُ عَلِيك

بر تو ای پیشوای هدایت خلق * سلام بر تو ای علم و نماینده اهل تقوی * سلام بر تو

اِيهَا الْوَصِيُّ الْبَرُّ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْوَفِيُّ * السَّلَامُ عَلِيك يَا اَبَا الْحُسَيْنِ

ای وصی نیکوی متقی پاکیزه صفات وفادار * سلام بر تو ای پدر حضرت حسن

وَ الْحُسَيْنِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ

و حسین (ع) * سلام بر تو ای ستون دین حق * سلام بر تو ای بزرگ اوصیاء

الْوَصِيِّينَ * وَ آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ دِيَانَ يَوْمِ الدِّينِ * وَ خَيْرَ الْمُؤْمِنِينَ

پیغمبر * و امین حضرت رب العالمین * و حاکم روز جزا (به امر خدا) * و بهترین اهل ایمان

* وَ سَيِّدِ الصِّدِّيقِينَ * وَ الصَّفْوَةَ مِنْ سُلَالَةِ النَّبِيِّينَ * وَ بَابَ حِكْمَةِ

* و سید صدیقان * و خالصان (در محبت خدا) از ذریه پیغمبران * و درگاه علم و حکمت

رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ خَازِنَ وَحْيِهِ * وَ عَيْبَةَ عِلْمِهِ * وَ النَّاصِحَ لِأُمَّةٍ نَبِيِّهِ

پروردگار عالمیان * و خزینه دار وحی خدا * و گنجینه علم الهی * و ناصح و راهنمای امت پیغمبر خدا

* وَ التَّالِيَ لِرَسُولِهِ * وَ الْمَوَاسِيَ لَهُ * وَ النَّاطِقَ بِحُجَّتِهِ * وَ الدَّاعِيَ

* و تالی و ثانی پیغمبر حق * و مواسات کننده با رسول با جان خویش * و ناطق به حجت الهی * و دعوت کننده

إِلَى شَرِيعَتِهِ * وَ الْمَاضِيَ عَلَى سُنَّتِهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ

خلق به شریعت و آیین خدا * و سالک بر طریقتش * بارالها من گواهی می‌دهم که او آنچه را که رسول تو بر او

عَنْ رَسُولِكَ مَا حُمِّلَ * وَ رَعَى مَا اسْتَحْفَظَ * وَ حَفِظَ مَا اسْتَوْدَعَ

بار علوم نهاد که به خلق رساند همه را کاملاً رسانید * و رعایت آنچه باید محفوظ دارد * از اسرار وحی کاملاً فرمود

وَ حَلَّلَ حَلَالِكَ * وَ حَرَّمَ حَرَامَكَ * وَ أَقَامَ أَحْكَامَكَ * وَ جَاهَدَ النَّاكِثِينَ

و حلال دین تو را حلال * و حرام آن را حرام گردانید * و احکام دین تو را بپا داشت * و با ناکثان که بیعت دین را شکستند

فِي سَبِيلِكَ * وَ الْقَاسِطِينَ فِي حُكْمِكَ * وَ الْمَارِقِينَ عَنْ أَمْرِكَ * صَابِرًا

در راه رضای تو جهاد کرد * و هم با قاسطین در حکم تو * و گردنکشان از فرمان تو کاملاً جهاد فرمود * با صبر

مُحْتَسِبًا * لَا تَأْخُذُهُ فِيكَ لَوْمَةٌ لَأْتِمَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا

و تحمل شدید و خستگی ناپذیر * و بی‌آنکه از ملامت بدکیشان در راه تو باک داشته باشد * خدایا درود و رحمت فرست

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ * وَ أَصْفِيَائِكَ * وَ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ

بر او بهترین درود و رحمتی که بر احدی از اولیاء * و اصفیاء * و اوصیاء پیغمبران خود فرستادی

اللَّهُمَّ هَذَا قَبْرُ وَلِيِّكَ * الَّذِي فَرَضْتَ طَاعَتَهُ * وَ جَعَلْتَ أَعْنَاقَ

بار خدایا این قبر مطهر ولی توست * آنکس که اطاعتش را بر ما امت واجب فرمودی * و به گردن بندگان

عِبَادِكَ مُبَايَعَتَهُ * وَ خَلِيفَتِكَ الَّذِي بِهِ تَأْخُذُ وَ تُعْطَى * وَ بِهِ تُثِيبُ

بیعت خلافتش را گذاردی * و او خلیفه توست که به عهد ولایت او می‌گیری و عطا می‌کنی * و ثواب و

وَتُعَاقِبُ * وَقَدْ قَصَدْتُهُ * وَطَمَعًا لِمَا أَعَدَدْتَهُ * لِأَوْلِيَائِكَ * فَبِعَظِيمِ

عقاب می‌فرمایی * و من قصد زیارتش به طمع ثوابی که برای اولیاء خود بر این زیارت مهیا داشته‌ای آمدم * پس

قَدْرِهِ عِنْدَكَ * وَجَلِيلِ خَطَرِهِ لَدَيْكَ * وَقَرَبِ مَنَزَلَتِهِ مِنْكَ * صَلَّى عَلَيَّ

به عظمت قدرش نزد تو * و جلال و مقامش حضور تو * و قرب و منزلتش نسبت به حضرتت * که درود بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * فَإِنَّكَ أَهْلُ الْكَرَمِ

محمد و آتش فرست * و با من آن کن که تو سزاواری * که تو البته اهل لطف و جود

وَالْجُودِ * وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ * وَعَلَى ضَجِيعِكَ آدَمَ وَنُوحَ

و کرمی * و سلام بر تو ای مولای من * و بر دو تن همجوار تو در این بقعه که آدم و نوح‌اند (ع) *

وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ * پس ضریح را بیوس و در جانب سربایست و بگو: يَا مَوْلَايَ

و رحمت و برکات خدا بر شما باد *

إِلَيْكَ وَفُودِي * وَبِكَ اتَّوَسَّلُ إِلَى رَبِّي فِي بُلُوغِ مَقْصُودِي * وَأَشْهَدُ أَنَّ

بر تو وارد گردیده‌ام * و به تو توسل به سوی پروردگار در نیل مقاصدم می‌جویم * و گواهی می‌دهم که

الْمُتَوَسِّلَ بِكَ غَيْرُ خَائِبٍ * وَالطَّالِبَ بِكَ عَنْ مَعْرِفَةِ غَيْرِ مَرْدُودٍ *

هر کس به تو توسل جست ناامید نخواهد شد * و آنکه به واسطه تو از خدا حاجت طلبد از درگاه (حق) *

الْأَبْقَضَاءِ حَوَائِجِهِ * فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي فِي قَضَاءِ

جز به اداء (حق) باز نخواهد گشت * پس تو ای بزرگوار بر من نزد خدا که پروردگار من و توسل شفاعت کن که

حَوَائِجِي * وَتَيْسِيرِ أُمُورِي * وَكَشْفِ شِدَّتِي * وَغَفْرَانِ ذَنْبِي * وَسَعَةِ

حواججم را برآورده * و مشکلات امورم را آسان * و شداید و سختیهایم را برطرف * و گناهانم را آمرزیده * و رزقم

رِزْقِي * وَتَطْوِيلِ عُمُرِي * وَاعْطَاءِ سُؤْلِي فِي آخِرَتِي وَدُنْيَايَ * اللَّهُمَّ

وسیع * و عمرم دراز * و مسئلههایم در دنیا و آخرت اعطا گردد * ای خدای من

الْعَن قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * اللَّهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ *

لعنت فرست بر قاتلان امیر المؤمنین * ای خدای من لعنت فرست بر قاتلان حسن و حسین (ع) *

اللَّهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ الْأَئِمَّةِ * وَعَذِبَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا لَا تَعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنْ

ای خدای من لعنت فرست بر قاتلان ائمه هدی * و آنان را به عذاب الیم معذب گردان عذابی که احدی را به آن سختی

الْعَالَمِينَ * عَذَابًا كَثِيرًا لَا انْقِطَاعَ لَهُ * وَلَا أَجَلَ وَلَا أَمَدَ بَمَا شَاقُوا

عذاب نکنی * عذابی بسیار و لا یقطع و ابدی * و به واسطه ظلم و جوری که در حق

وَأَلَا أَمْرُكَ * وَاعِدَّ لَهُمْ عَذَابًا لَمْ تَحِلَّهُ * وَبِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ * اللَّهُمَّ

والبیان امر تو کردند * و بر آنان عذابی مهیا ساز که به هیچیک از خلق چنان عذاب وارد نسازی * ای خدا

وَادْخُلْ عَلَى قَتْلَةِ أَنْصَارِ رَسُولِكَ * وَعَلَى قَتْلَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * وَعَلَى

و قاتلان یاران رسول * و قاتلان امیر المؤمنین (علی «ع») * و قاتلان

قَتْلَةِ الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ * وَعَلَى قَتْلَةِ أَنْصَارِ الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ *

حسن و حسین (ع) * و قاتلان انصار حسن و حسین (ع) *

وَقَتْلَةِ مَنْ قُتِلَ فِي وِلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ أَجْمَعِينَ * عَذَابًا أَلِيمًا مُضَاعَفًا

و قاتلان کسانی را که در راه دوستی آل محمد (ع) شهید شدند * همه را به عذابی دردناک و مضاعف

فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ * لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ * وَهُمْ فِيهِ مُبْلَسُونَ

در پست‌ترین طبقات جهنم وارد گردان * که هرگز عذاب آنها تخفیف نیابد * و در آن عذاب سخت نومید

مَلْعُونُونَ * نَاكِسُوا رُؤُسَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ * قَدْ عَايَنُوا النَّدَامَةَ وَالْحَزْنَ

مردود * سر به زیر انداخته و رسوا نزد پروردگار خود باشند * ندامت و پشیمانی و ذلت

الطَّوِيلَ لِقَتْلِهِمْ عِتْرَةَ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ * وَاتَّبَاعَهُمْ مِنْ عِبَادِكَ

طویل را آنجا معاینه کنند به کیفر اینکه کشتند عترت پیغمبران و رسولان * و پیروان آنها را که بندگان

الصَّاحِحِينَ * اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ فِي مُسْتَسِرِّ السَّرِّ * وَظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ فِي

شایسته تو بودند * ای خدا لعن فرست بر آنها در سرّ مستسر خود * و در عالم ظاهر

أَرْضِكَ وَسَمَاوَاتِكَ * اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيَائِكَ * وَحَبِّبْ

در زمین و آسمان خود * ای خدا مرا قدم صدق و ایمان ثابت نسبت به اولیاء خود عطا کن * و محبوب ساز

إِلَى مَشَاهِدِهِمْ وَمُسْتَقْرَهُمْ * حَتَّى تُلْحِقَنِي بِهِمْ * وَتَجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعًا

در دل من مشاهد مشرفه آنان را و مستقر آنها * تا زمانی که مرا هم روز رحلت به آنها ملحق کنی * و مرا

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * پس ضریح را ببوس و پشت به قبله بایست

در دنیا و آخرت از پیروان ایشان مقرر فرما * ای مهربانترین مهربانان عالم.

و روبرو به جانب قبر امام حسین (علیه السلام) کن و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * السَّلَامُ

سلام بر تو ای ابا عبد الله * سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ

بر تو ای فرزند رسول الله * سلام بر تو ای فرزند امیر المؤمنین * سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ * سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای پسر فاطمه زهراء * سیده زنان اهل بهشت * سلام بر تو ای

يَا اَبَا الْاِئِمَّةِ الْهَادِيْنَ الْمَهْدِيْنَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَرِيحَ الدَّمْعَةِ

پدر امامان راهنمای هدایت یافته * سلام بر تو ای فرو ریزنده اشک

السَّاكِبَةِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُصِيبَةِ الرَّاتِبَةِ * السَّلَامُ

چشمان * سلام بر تو ای صاحب مصیبت دائم * سلام

عَلَيْكَ وَ عَلَى جَدِّكَ وَ اَبِيكَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى اُمِّكَ وَ اَخِيكَ *

بر تو و بر جد و پدر بزرگوارت باد * سلام بر تو و بر مادر اطهر و بر برادر گرامیت باد *

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْاِئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَ بَنِيكَ * اَشْهَدُ لَقَدْ طَيَّبَ اللهُ

سلام بر تو و بر امامان از ذریت و فرزندان باد * گواهی می‌دهم که خدا خاک را به واسطه تو

بِكَ التُّرَابَ * وَ اَوْضَحَ بِكَ الْكِتَابَ * وَ جَعَلَكَ وَ اَبَاكَ * وَ جَدَّكَ

خوشبوی و نیکو گردانید * و به وجود تو حقایق کتاب الهی واضح گردید * و خدا تو را و پدر * و جد

وَ اَخَاكَ * وَ بَنِيكَ عِبْرَةً لِأُولَى الْاَلْبَابِ * يَا بَنَ الْمَيَامِينِ الْاَطْيَابِ

و برادر * و فرزندان تو را مایه عبرت و هدایت خردمندان عالم قرار داد * ای حسین ای فرزند پاکان و نیکویان که

التَّالِيْنَ الْكِتَابِ * وَجَّهَتْ سَلَامِي اِلَيْكَ * صَلَوَاتُ اللهِ وَ سَلَامُهُ وَ

تلاوت کتاب آسمانی مختص آنهاست * سلام خود را با توجه به سوی تو فرستادم * صلوات و درود خدا و سلام و تحیتش

عَلَيْكَ * وَ جَعَلَ اَفْئِدَةَ مِنَ النَّاسِ تَهْوِي اِلَيْكَ * مَا خَابَ مَنْ تَمَسَّكَ

بر تو باد * و قلوب پاکان از مردم را به سوی مشتاق گرداند محروم و نومید نگشت * هر کس به تو متمسک

بِكَ * وَ بِحَا اِلَيْكَ * پس برونزد پای قبر بایست و بگو: السَّلَامُ عَلَى اَبِي الْاِئِمَّةِ *

گشت * و به درگاهت پناه آورد * سلام بر پدر بزرگوار پیشوایان خلق *

وَ خَلِيلِ النَّبُوَّةِ * وَ الْمَخْصُوصِ بِالْاِخْوَةِ * السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ الدِّينِ

و خلیل مقام نبوت * و مخصوص به برادری پیغمبر (ص) * سلام بر بزرگ دین

وَ الْاِيْمَانِ * وَ كَلِمَةِ الرَّحْمَنِ * السَّلَامُ عَلَى مِيزَانِ الْاَعْمَالِ * وَ مَقْلَبِ

و ایمان * و کلمه رحمت رحمن * سلام بر میزان اعمال * و منقلب کننده

الْاَحْوَالِ * وَ سَيْفِ ذِي الْجَلَالِ * وَ سَاقِي السَّلْسَبِيلِ الزَّلَالِ * السَّلَامُ

احوال * و شمشیر با قدرت حضرت ذو الجلال * و ساقی (کوثر) و صهای ناب سلسبیل * سلام

عَلَى صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ * وَوَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ * وَالْحَاكِمِ يَوْمَ الدِّينِ *

بر شایسته‌ترین اهل ایمان * و وارث علم پیغمبران و حاکم روز جزا *

السَّلَامُ عَلَى شَجَرَةِ التَّقْوَى * وَ سَامِعِ السَّرِّ وَالنَّجْوَى * السَّلَامُ عَلَى

سلام بر شجره طیبه تقوی * و شنوای سرّ و سخنان پنهان * سلام بر

حُجَّةِ اللَّهِ الْبَالِغَةِ * وَ نِعْمَتِهِ السَّابِغَةِ * وَ نِقْمَتِهِ الدَّامِغَةِ * السَّلَامُ

حجت بالغه خدا * و نعمت واسعه * و عذاب درهم شکننده صف دشمنان * سلام

عَلَى الصِّرَاطِ الْوَاضِحِ * وَالنَّجْمِ الْمَلِئِحِ * وَالْإِمَامِ النَّاصِحِ * وَالزِّنَادِ

بر راه روشن خدا * و ستاره درخشان ولایت * و پیشوای ناصح مهربان * و روشنی بخش

الْقَادِحِ * وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ * **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ**

دلهای قابل هدایت * سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد * **پس بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ**

عَلَى بَنِ أَبِي طَالِبٍ * أَخِي نَبِيِّكَ * وَوَلِيِّهِ وَنَاصِرِهِ * وَوَصِيِّهِ وَوَزِيرِهِ

پسر حضرت ابو طالب * برادر رسالت * و دوستدار و یار و یاور * و وصی و وزیر او

* وَ مُسْتَوْدِعِ عِلْمِهِ * وَ مَوْضِعِ سِرِّهِ * وَ بَابِ حِكْمَتِهِ * وَ النَّاطِقِ

* و مخزن علم * و گنجینه اسرار * و باب حکمت رسول * و ناطق به حجت و برهان

بِحُجَّتِهِ * وَ الدَّاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ * وَ خَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ * وَ مُفْرَجِ

پیغمبر (ص) * و دعوت کننده خلق به شریعت و آیین او * و خلیفه پیغمبر (ص) در میان امتش * و رافع

الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ * قَاصِمِ الْكُفْرَةِ * وَ مَرْغَمِ الْفَجْرَةِ * الَّذِي جَعَلْتَهُ

رنج و غم و اندوه از حضرتش * و شکننده سپاه کفر * و ذلیل کننده فاجران * همان بزرگواری که

مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى * **اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ** * وَ عَادِ مَنْ

منزلتش را به رسالت مانند هارون نسبت به موسی قرار دادی * ای خدا دوست دار هر که او را دوست دارد * و دشمن بدار آن کس

عَادَاهُ * وَ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ * وَ أَخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ * وَ الْعَنْ مَنْ نَصَبَ

که او را دشمن دارد * و یاری کن هر که او را یاری کرد * و خوار ساز هر که او را خوار گردانید * و لعنت کن از خلق

لَهُ * مِنْ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * وَ صَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ

اولین و آخرین هر کس را که به عداوت او برخاست * و درود فرست بر آن حضرت بهترین و کاملترین

مِنْ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ * **يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ** * پس برگرد به جانب سراز برای زیارت

درودی که بر احدی از اوصیاء رسولانت می‌فرستی * ای پروردگار عالمیان. *

حضرت آدم (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و نوح (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و در زیارت آدم بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ** * **السَّلَامُ**

سلام بر تو ای آدم صفی و برگزیده خدا * سلام

عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ** * **السَّلَامُ عَلَيْكَ**

بر تو ای حبیب خدا * سلام بر تو ای امین وحی خدا * و ای پیامبر

يَا أَمِينَ اللَّهِ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ** * **السَّلَامُ عَلَيْكَ**

حق * سلام بر تو ای خلیفه خداوند در روی زمین * سلام بر پدر

يَا أَبَا الْبَشَرِ * **السَّلَامُ** (سلام الله) **عَلَيْكَ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ** * **وَ عَلَى**

نوع بشر * سلام بر تو و بر روح تو و بر جسم تو باد * و بر

الطَّاهِرِينَ مِنْ وُلْدِكَ وَ ذُرِّيَّتِكَ * **وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَاةً لَا يُحْصِيهَا**

پاکان از فرزندان و از ذریه تو باد * و درود فرستد خدا بر تو درودی که آن را غیر رحمت و برکات خدا احصاء

الْأَهُو * **وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ** * و در زیارت نوح (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا**

نتواند کرد * و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد. * سلام بر تو ای

نَبِيَّ اللَّهِ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ** * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ**

پیغمبر خدا * سلام بر تو ای برگزیده خدا * سلام بر تو ای ولی خدا

* **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ** * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَيْخَ الْمُرْسَلِينَ**

* سلام بر تو ای حبیب خدا * سلام بر تو باد ای شیخ پیغمبران

* **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ** * **صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ** * **عَلَيْكَ**

* سلام بر تو باد ای امین وحی خدا در روی زمین * سلام خدا و رحمت حق بر تو باد

* **وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ** * **وَ عَلَى الطَّاهِرِينَ مِنْ وُلْدِكَ** * **وَ رَحْمَةُ اللَّهِ**

* و بر روح تو و بر جسم تو باد * و بر پاکان از فرزندان نیز * سلام و رحمت و برکات

وَ بَرَكَاتُهُ * پس شش رکعت نماز بکن، دو رکعت برای امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، دو رکعت اول بعد از سوره فاتحه

خدا باد *

الکتاب، سوره الرحمن بخوان و دو رکعت دوم سوره یس و بعد از نماز تسبیح حضرت فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را بخوان و

طلب آموزش از خدا بکن و از برای خود دعا کن * و بگو: **اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ**

به درستی که من دو رکعت نماز را خواندم

هُدِيَّةً مِّنِي إِلَى سَيِّدِي وَمَوْلَايَ * وَلِيكَ وَأَخِي رَسُولِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

* هدیت به سوی سید و آقای خودم و مولای من از من باد * ولی تو و برادر فرستاده و رسول تو حضرت امیر المؤمنین

وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ

* و سید اوصیاء علی بن ابی طالب که درود تو پروردگارا بر او و بر آل گرامیش باد

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي * وَاجْزِنِي

* بار خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و بپذیر آن را از من * و بر آن مرا جزا و

عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ * اللَّهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ * وَلَكَ رَكَعْتُ * وَلَكَ

پاداش مرحمت فرما از پاداش نیکوکاران * خدایا برای تو نماز خواندم * و برای تو رکوع کردم و برای تو

سَجَدْتُ * وَحَدَّكَ شَرِيكَ لَكَ * لِأَنَّهُ لَا تَكُونُ إِلَّا تَجُوزُ الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ

سجود کردم * یکتایی، تو را انبازی نیست * زیرا که نمی‌باشد نماز و رکوع و سجود

وَالسُّجُودَ إِلَّا لَكَ * لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

جز برای تو * زیرا که تویی خدایی که نیست معبود به حقی جز تو * بار خدایا

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَتَقَبَّلْ مِنِّي زِيَارَتِي * وَاعْطِنِي سُؤْلِي * بِمُحَمَّدٍ

بر محمد و آل محمد رحمت فرست * و زیارتم را از من بپذیر * و درخواستم را * به حق محمد و آل طاهرینش

وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ * وَچهار رکعت دیگر را هدیه آدم (عليه السلام) و نوح (عليه السلام) گردان پس سجده شکر به جا

به من عطا فرمای *

أُورِدُ رَسْجِدَهُ بِنُورٍ * اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ * وَبِكَ اعْتَصَمْتُ * وَعَلَيْكَ

بار خدایا به درگاهت روی آوردم * و به تو اعتصام و نگهداری خواستم * و ای خدا بر تو

تَوَكَّلْتُ * اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي * فَكَفِنِي مَا أَهَمَّنِي وَمَا لَا يَهْمُنِي

توکل نمودم * بار خدایا تو ثقه من و امید منی * پس مرا آنچه که مهم است برای من کفایت فرما و آنچه را که مهم نیست

* وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي * عَزَّ جَارُكَ * وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ * وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ

* و آنچه را که تو بدان دانی نسبت به من * عزیز است پناهندات * و ستایشت والا است * و خداوندی جز تو نیست

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَقَرِّبْ فَرَجَهُمْ * پس جانب راست رو را بر

رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و فرج آنان را نزدیک گردان *

زَمِينٍ غَدَارٍ وَبِغَوٍّ * اِرْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ * وَتَضَرَّعِي إِلَيْكَ * وَوَحْشَتِي مِنْ

رحم کن خواری و تذلل مرا در پیشگاهت * و زاریم را به درگاهت * و وحشتم را

النَّاسِ * وَ اَنْسَى بِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ * پس جانب چپ رو را بر زمین گذار
از مردم * و انسم را به تو ای کریم ای کریم ای کریم *

و بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّي حَقًّا حَقًّا * سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُدًا وَرَقًا *
معبودی حق سزاوار پرستش جز تو نیست پروردگارم حق حق است * سجده کردم به تو ای پروردگار از پرستش و بندگی *

اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي * يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ * پس
بار خدایا به درستی که کردار و عمل من و عبادت من ضعیف است * پس آن را زیاد کن برایم ای کریم ای کریم ای کریم *

بروبه سجود و صد مرتبه بگو: شُكْرًا و جهد کن در دعا که این موضع طلبیدن مطالب است و استغفار بسیار
بکن که محلّ آرمزش گناهان است و حاجات خود را از خدا طلب نما که مقام استجابت دعاها است. * و سیّد
بن طاوس در مزار و غیر او گفته اند که هر نمازی که به جا می آوری چه فریضه و چه نافله مادامی که در نجف

می باشی بخوان بعد از آن این دعا را: اللَّهُمَّ لَا بَدَّ مِنْ أَمْرِكَ * وَلَا بَدَّ مِنْ قَدْرِكَ * وَلَا
ای خدا امر و فرمان تو * بر همه عالم بالضرورة ثابت و لازم است * و قضاء و

بَدَّ مِنْ قَضَائِكَ * وَلَا حَوْلَ قُوَّةِ إِلَّا بِكَ * اللَّهُمَّ فَمَا (کَمَا) قَضَيْتَ
قدر تو حتم و قطعی است * و هیچ حول و قوه ای جز به واسطه تو کسی را نخواهد بود * بار خدایا پس آنچه را که

عَلَيْنَا مِنْ قَضَاءٍ * أَوْ قَدَّرْتَ عَلَيْنَا مِنْ قَدْرِ * فَأَعْطِنَا مَعَهُ وَ صَبْرًا يَقْهَرُهُ وَ
بر ما به حکم قضا * و یا به فرمان قدر معین فرموده ای * به ما صبر و تحمل عطا فرما چنان صبری که

وَ يَدْمَعُهُ * وَ اجْعَلْهُ لَنَا صَاعِدًا رِضْوَانِكَ * يَنْمِي فِي حَسَنَاتِنَا
غالب و قاهر شود * و به مقام عالی بهشت رضوانت بالا برد * و در حسنات و اعمال نیک ما

وَ تَفْضِيلِنَا * وَ سُودِدْنَا وَ شَرَفْنَا * وَ مَجَّدْنَا وَ نَعَّمَانَا * وَ كَرَّمْتَنَا
و برتری یافتن ما * و سیادت و شرف * و بزرگی ما و نعمتهای ما * در دنیا و آخرت و کرامت ما

فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * وَ لَا تَنْقُصْ مِنْ حَسَنَاتِنَا * اللَّهُمَّ وَ مَا أَعْطَيْتَنَا
در دنیا و آخرت بیفزاید * و از کارهای نیک ما خیری را ناقص مگذار * ای خدا و آنچه به ما از عطا

مِنْ عَطَاءٍ * أَوْ فَضَّلْتَنَا بِهِ مِنْ فَضِيلَةٍ * أَوْ أَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ كَرَامَةٍ *
و جود خود می بخشی * یا در حق ما برتری و فضیلت * یا کرامت لطف می فرمایی *

فَاعْطِنَا مَعَهُ وَ شُكْرًا يَقْهَرُهُ وَ يَدْمَعُهُ * وَ اجْعَلْهُ لَنَا صَاعِدًا
با آنها هم شکرگزاری عطا فرما آن شکر که قاهر و غالب باشد * و ما را به درجات بلند بهشت رضوانت

رِضْوَانِكَ * وَ فِي حَسَنَاتِنَا وَ سُودِدِنَا وَ شَرَفِنَا * وَ نِعْمَائِكَ (نَعْمَانَا)

بالا برد * و در اعمال نیک و سیادت و بزرگی و شرافت * و نعمتها و کرامت تو

وَ كَرَامَتِكَ (كَرَامَتُنَا) فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * (اللَّهُمَّ) وَ لَا تَجْعَلْ لَنَا أَشْرًا وَ لَا

در دنیا و آخرت بر ما بیفزاید * پروردگارا و آن نعمتها را مایه شهوت رانی

بَطْرًا * وَ لَا فِتْنَةً وَ لَا مَقْتًا * وَ لَا عَذَابًا وَ لَا خِزْيًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

و عیاشی * و فتنه و فساد * و بالنتیجه موجب عقاب و غضب تو و خواری دنیا و آخرت ما نگردد

* اللَّهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ عَثْرَةِ اللِّسَانِ * وَ سُوءِ الْمَقَامِ * وَ خِفَّةِ الْمِيزَانِ

* خدایا ما پناه می‌بریم به تو از لغزش زبان * و بدی مقام * و سبکی میزان

* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ لَقْنَا حَسَنَاتِنَا فِي الْمَمَاتِ

* بار خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد (ع) * و به ما در عالم بعد از مرگ حسناتمان را به ما بنما * و اعمال ما را

* وَ لَا تَرِنَا اَعْمَالَنَا حَسْرَاتٍ * وَ لَا تُخْرِزْنَا عِنْدَ قَضَائِكَ * وَ لَا تَفْضَحْنَا

مایه حسرت و پشیمانی به ما ارائه مفرما * و هنگام قضای خود ما را خوار و ذلیل مساز * و روزی که تو را ملاقات میکنیم آن روز ما

بَسِيئَاتِنَا يَوْمَ نَلْقَاكَ * وَ اجْعَلْ قُلُوبَنَا تَذَكُّرَكَ وَ لَا تَنْسَاكَ * وَ تَحْشَاكَ

را به اعمال زشتیمان مفتضح مگردان * و دلهای ما را تا روز محشر چنان گردان که دایم به یاد تو باشد * و هرگز تو را فراموش نکند

كَانَهَا تَرَاكَ * حَتَّى تَلْقَاكَ * وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ بَدِّلْ

و چنان از تو ترسان باشد * که گویی تو را به چشم می‌بیند * و درود فرست بر محمد و آل محمد * و اعمال بد ما را

سَيِّئَاتِنَا حَسَنَاتٍ * وَ اجْعَلْ حَسَنَاتِنَا دَرَجَاتٍ * وَ اجْعَلْ دَرَجَاتِنَا

به عمل نیکو مبدل ساز * و اعمال نیک ما را موجب رفعت درجات * و درجات را غرفه‌های

غُرُفَاتٍ * وَ اجْعَلْ غُرُفَاتِنَا عَالِيَاتٍ * اللَّهُمَّ وَ اَوْسِعْ لِفَقِيرِنَا مِنْ سَعَةِ

بهشتی * و غرفه‌ها را عالیترین مقامات مقرر فرما * ای خدا و بر فقیرای ما وسعت رزق عطا کن از آن وسعت

مَا قَضَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ مِنْ

و رحمت که بر خود فرض فرمودی * خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد * و بر ما

عَلَيْنَا بِالْهُدَى مَا أَبْقَيْتَنَا * وَ الْكِرَامَةَ مَا أَحْيَيْتَنَا * وَ الْكِرَامَةَ (وَ الْمَغْفِرَةَ)

تا زنده‌ایم به کرامت * و هدایت خود منت گذار * و چون ما را میراندی

ذَا تَوَفَّيْتَنَا * وَ الْحَفِظِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِنَا * وَ الْبَرَكَةِ فِيمَا رَزَقْتَنَا

بر ما ببخش * و بقیه عمر ما را از گناه حفظ کن * و در آنچه رزق ما کرده‌ای برکت ده

وَالْعَوْنُ عَلَىٰ مَا حَمَلْتَنَا * وَالثَّبَاتُ عَلَىٰ مَا طَوَّقْتَنَا * وَلَا تُؤَاخِذْنَا

و بر اداء تکالیفی که بر ما نهاده‌ای ما را یاری فرما * و بر آنچه به ما طاقت آن را دادی ثبات قدم هم عطا فرما * و از ما به ظلم و

بِظَلْمِنَا * وَلَا تُقَايِسْنَا بِجَهْلِنَا * وَلَا تَسْتَدْرِجْنَا بِخَطَايَانَا * وَاجْعَلْ

ستمکاریهایمان مؤاخذه مفرما * و جهل و نادانی ما را قیاس مگیر * و ما را به خطاء و گناهانمان معذب به عذاب استدراج مگردان * و آنچه

أَحْسَنَ نَقُولُ ثَابِتًا فِي قُلُوبِنَا * وَاجْعَلْنَا عِظْمَاءَ عِنْدَكَ * وَاذَلَّةً فِي

از ایمان بر زبان داریم بهتر و کاملتر از آن را در قلوب ما ثابت بدار * و ما را نزد خود بزرگ * و به چشم خودمان

أَنْفُسِنَا * وَانْفَعْنَا بِمَا عَلَّمْتَنَا * وَزِدْنَا عِلْمًا نَافِعًا * وَاعُوذُ بِكَ مِنْ

ناچیز و خوار ساز * و به علمی که به ما عطا فرمودی ما را منتفع گردان * و بر علم نافع ما بیفزای * و پناه می‌برم به تو

قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ * وَمِنْ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ * وَمِنْ صَلَوةٍ لَا تُقْبَلُ * أَجْرْنَا مِنْ

از قلبی که خاشع * و چشمی که اشکبار نباشد * و نمازی که پذیرفته نشود * و از فتنه‌های بد

سُوءِ الْفِتَنِ * يَا وَلِيَّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * سید در مصباح الزائر فرموده دعاء دیگر که

ما را در پناه خود گیر * ای ولی من در دنیا و آخرت *

مستحب است در عقب نماز زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) خوانده شود: يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا

ای خدا ای خدا ای خدا * ای

مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ الخ. * فقیر گوید که این دعاء همان دعاء صفوان است که معروف شده

جواب دهنده به درخواست ناچاران *

به دعاء علقمه و خواهد آمد انشاءالله در ذیل زیارت عاشورا. * و بدان که مستحب است زیارت سر امام حسین (علیه السلام)

در نزد قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام)، و در وسائل و مستدرک یک باب برای آن مرقوم داشته‌اند. و در مستدرک از مزار

محمد ابن المشهدی نقل کرده که حضرت صادق (علیه السلام) زیارت کرد سر امام حسین (علیه السلام) را نزد سر امیرالمؤمنین (علیه السلام)

و نماز گذارد نزد آن چهار رکعت * و زیارت این است: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ *

سلام بر تو باد ای پسر فرستاده خدا *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الصِّدِيقَةِ

سلام بر تو باد ای پسر امیر المؤمنین * سلام بر تو باد ای پسر حضرت صدیقه

الطَّاهِرَةِ * سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا

پاکیزه * سیده زنان جهانیان * سلام بر تو باد ای مولای من ای

عَبْدِ اللَّهِ * وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ * أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ

ابا عبد الله * و رحمت و برکات خدای بر تو باد * گواهی می‌دهم که تو برپا داشتی نماز را

* وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ * وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ * وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ * وَتَلَوْتَ

* و پرداختی زکوة را * و امر به معروف * و نهی از منکر نمودی * و قرآن را

الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ * وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ * وَصَبَرْتَ عَلَى

چنانکه بایست خواندی * و در راه حق چنانکه بایست و شایسته بود جهاد نمودی * و درباره آزار در راه حق

الَّذِي * فِي جَنْبِهِ مُحْتَسِبًا * حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ * وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ

و خدا صبر ورزیدی * صلاح اندیش * تا تو را مرگ فرا رسید * و گواهی دهم کسانی که

خَالَفُوكَ وَحَارَبُوكَ * وَأَنَّ الَّذِينَ خَذَلُوكَ * وَالَّذِينَ قَتَلُوكَ * مَلْعُونُونَ

با تو مخالفت کردند و جنگ کردند * و آنان که تو را واگذاشتند و ترک یاریت کردند * و آنان که تو را کشتند * همه‌شان

عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ * وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى * لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمِينَ

ملعونند بر زبان پیغمبر امی * و هر آنکه بر تو افتراء بست خوار و نومید است * خدای ستمکاران بر شما را

لَكُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ *

از اولین و آخرین لعنت کند * و عذاب دردناک را بر آنان دو چندان نماید *

آتَيْتَكَ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ * زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ * مُوَالِيًا

ای مولای من ای پسر رسول خدا نزد تو آمدم * برای زیارت شناسا به مقام تو * و دوستدار

لِأَوْلِيَائِكَ * مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ * مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ

دوستانت * و دشمن دشمنانت * بینا به پرتو رستگاری و هدایتی که تو پیشوای آنی

* عَارِفًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ * فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ * مؤلف گوید که: اگر

* و عارف هستم به گمراهی مخالفانت * پس برای من پیش پروردگارت شفاعت کن. *

همین زیارت را در مسجد حنّانه بخوانند نیز مناسب است زیرا که شیخ محمد بن المشهدی روایت کرده است

که حضرت صادق (علیه السلام) در مسجد حنّانه حضرت امام حسین (علیه السلام) را چنین زیارت کرد و چهار رکعت نماز گذارد.

* و مستور نماند آنکه مسجد حنّانه از مساجد شریفه نجف اشرف است و در خبر رسیده که سر مبارک امام

حسین (علیه السلام) آنجا است * و در خبری است که حضرت صادق (علیه السلام) در آنجا دو رکعت نماز کرد، پرسیدند از آن

حضرت که این چه نمازی است؟ فرمود: این موضع سر جدم حسین بن علی (علیه السلام) است که آن را در اینجا

گذاشتند چون از کربلا آمدند. آنگاه آن را به نزد عبیدالله بن زیاد بردند * و روایت شده از آن حضرت که فرمودند:

در آنجا این دعا را بخوان: **اللَّهُمَّ أَنْكَ تَرَى مَكَانِي * وَ تَسْمَعُ كَلَامِي * وَلَا يَخْفَى**

بار خدایا به درستی که تو جای مرا می بینی * و سخن مرا می شنوی * و بر تو چیزی

عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِي * وَ كَيْفَ يَخْفَى عَلَيْكَ مَا أَنْتَ مُكُونُهُ * وَ بَارئُهُ * وَ

از کار من پوشیده نیست * و چگونه بر تو مخفی باشد آنچه تو آفریننده و هستی بخش آنی

*** وَ قَدْ جِئْتُكَ مُسْتَشْفِعًا بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ * وَ مُتَوَسِّلًا بِوَصِيِّ**

* و به تحقیق من به سوی تو آمدم شفاعت جو هستم به پیغمبر تو که پیغمبر رحمت است * و متوسل به وصی رسول

رَسُولِكَ * فَاسْأَلُكَ بِهَمَا ثَبَاتِ الْقَدَمِ وَ الْهُدَى * وَ الْمَغْفِرَةَ فِي الدُّنْيَا

و فرستاده تو * پس از تو به مقام آن دو درخواست می کنم ثبات قدم و هدایت * و آمرزش در

وَ الْآخِرَةِ * زيارت دویم: زیارت معروفه به امین الله است که در نهایت اعتبار است و در تمام کتب

دنیا و آخرت. *

مزاربه و مصابیح نقل شده است. * و علامه مجلسی (رحمته الله) فرمود که: آن بهترین زیارات است از جهت متن و سند،

و باید که در جمیع روضات مقدسه بر این مواظبت نمایند * و کیفیت آن چنان است که به سندهای معتبر روایت

شده از جابر از امام محمد باقر (رحمته الله) که امام زین العابدین (رحمته الله) به زیارت امیرالمؤمنین (رحمته الله) آمد و نزد قبر آن

حضرت ایستاد و گریست * و گفت: **السلام عليك يا امين الله في ارضه * و حجتته * و**

سلام بر تو ای امین پروردگار در زمین * و حجت خدای

على عباده * السلام عليك يا امير المؤمنين * اشهد أنك جاهدت

بر بندگانش * سلام بر تو ای امیر مؤمنان * گواهی می دهم که تو در راه خدا جهاد کردی

في الله حق جهاده * و عملت بكتابه * و اتبعت سنن نبيه صلى

و حق جهاد در دین خدا را به جا آوردی * و دستورهای کتاب خدا را کار بستی * و سنتهای رسولش که درود خدا

الله عليه و آله * حتى دعاك الله الى جواره * فقبضك اليه باختياره

بر او و آتش باد را پیروی کردی * و در پایان عمر که خدا تو را به جوار رحمت خود دعوت فرمود * و به اراده خود روح پاکت را قبض کرد

*** و الزم أعدائك المحجة مع مالك من الحجج البالغة على جميع**

* و بر دشمنانت حجت را الزام کرد با آنکه در وجود تو حجت های بالغه الهیه بر جمیع خلق

خلقه * اللهم فاجعل نفسي مطمئنة بقدرك * راضية بقضائك * و

تمام بود * بارالها تو جان مرا مطمئن به قدر * و راضی به قضای خویش بگردان *

مَوْلَعَةً بِذِكْرِكَ وَ دُعَائِكَ * مُحِبَّةً لَصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ * مَحْبُوبَةً فِي

و مشتاق و حریص به ذکر و دعای خود فرما * و دوستدار خاصان اولیاء خویش * و محبوب در

أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ * صَابِرَةً عَلَى نَزُولِ بَلَائِكَ * شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ

اهل زمین و آسمان خود ساز * و با صبر و شکیبا هنگام نزول بلای خود * شکرگزار مزید

نِعْمَائِكَ * ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ الْإِيك * مُشْتَاقَةً إِلَى فَرَحَةِ لِقَائِكَ * مُتَزَوِّدَةً

نعمتهای ظاهر * و متذکر نعمتهای باطن خود گردان * و مشتاق ابتهاج لقای خود فرما * و مرا به

التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ * مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ * مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ

تهیه زاد تقوی برای روز جزا * و به طریقت اولیاء و خاصان خود بدار * و دور از طریقت دشمنان

أَعْدَائِكَ * مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَ ثَنَائِكَ * پَسِ بِپَهْلَوَى رُوى مَبَارَكِ خُودِ

خویش ساز * و مرا به جای اشتغال به کار دنیا به حمد و ثنای خود مشغول دار *

رَابِرَقْبِرْكَ گِذَاشْت وَ گِفت: **اللَّهُمَّ** إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّتِينَ إِلَيْكَ وَالْهَيْةُ * وَ سَبِيلَ الرَّاعِبِينَ

ای خدا دلهای خاشعان و خدا ترسان در تو واله و حیران است * و راههای مشتاقان

إِلَيْكَ شَارِعَةً * وَ أَعْلَامَ لِقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةً * وَ أَفِيدَةَ الْعَارِفِينَ

به جانب تو باز است * و نشانه‌های آنان که قاصد کوی تو اند نشانهایی روشن است * و قلوب عارفان از

مِنْكَ فَازِعَةً * وَ أَصْوَاتَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةً * وَ أَبْوَابَ الْإِجَابَةِ

شهود جلالت هراسان * و صدای دعای بندگان اهل دعا به درگاه تو بلند * و درهای اجابت دعا

لَهُمْ مَفْتَحَةً * وَ دَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةً * وَ تَوْبَةَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ

به روی آنها باز است * و دعای اهل مناجات مستجاب * و توبه آنان که به درگاه تو باز می‌گردند

مَقْبُولَةً * وَ عِبْرَةَ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةً * وَ الْإِغَاثَةَ لِمَنْ اسْتَعَاثَ

پذیرفته است * و چشم گریان آنان که از خوف تو گریانند مورد لطف و رحمت است * و فریادرسی تو بر آنان که

بِكَ مَوْجُودَةً (مَبْدُولَةً) * وَ الْإِعَانَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُولَةً (مَوْجُودَةً) *

به درگاهت فریاد و دادخواهی کنند مهیا است * و یاریت بر آنان که از تو یاری می‌طلبند مبدول است *

وَ عِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِرَةً * وَ زَلَلَ مِنْ اسْتِقَالِكَ مُقَالَةً * وَ أَعْمَالَ

و وعده‌هایت برای بندگان منجر و محقق است * و لغزش آنان که به درگاهت عذرخواه آیند بخشیده خواهد شد * و عمل

الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً * وَ أَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةً *

نیکوکاران نزد تو محفوظ است * و رزق جمیع خلق از جانب تو نازل *

وَعَوَائِدِ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةٌ * وَذُنُوبِ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ *

و مزید عطای تو به آنان واصل * و گناهان آمرزش طلبان آمرزیده خواهد شد *

وَحَوَائِجِ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةٌ * وَجَوَائِزِ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوفَّرَةٌ *

و حاجتهای خلق نزد تو برآورده است * و سائلان را از درگاهت نزد تو عطاى وافر *

وَعَوَائِدِ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ * وَمَوَائِدِ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ * وَمَنَاهِلُ

و مزید احسان پی در پی است * و مائده بر آنان که از خوان احسانت روزی می‌طلبند مهیا است * و سرچشمه‌ها

الظَّمَاءِ (لَدَيْكَ) مُتَرَعَّةٌ * اَللّٰهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِيْ * وَاقْبَلْ ثَنَائِيْ * وَاجْمَعْ

برای تشنگان پر آب است * ای خدا دعای مرا مستجاب فرما * و حمد و ثنایم را بپذیر * و میان من

بَيْنِيْ وَبَيْنَ اَوْلِيَائِيْ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ * وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ

و اولیاء و محبوبانم جمع گردان * به حق محمد و علی و فاطمه * و حسن و حسین

اِنَّكَ وَلِيٌّ نُّعْمَائِيْ * وَ مُنْتَهَى مُنَايَ * وَ غَايَةُ رَجَائِيْ فِيْ مُنْقَلَبِيْ وَ مَثْوَايَ

* این دعا را اجابت فرما * که تو ای خدا ولی نعمتها و منتهای آمل و آرزوهای * و آخرین امید من هم در حیات دنیا و هم در سرای

* و در کامل‌الزیارة بعد از این زیارت این فقرات نیز مسطور است: اَنْتَ الْهَيِّ وَ سَيِّدِيْ وَ مَوْلَايَ

آخرت تو هستی * تو معبود و سید و مولای منی

اِغْفِرْ لْاَوْلِيَائِنَا * وَ كَفِّ عَنَّا اَعْدَائِنَا * وَ اشْغَلْهُمْ عَنَّا اَذَانَا * وَ اَظْهَرْ

* بیامرز دوستان ما را * و دشمنان ما را از ما دفع فرمای * و از آزار و اذیت ما بازشان دار * و پدیدار کن

كَلِمَةَ الْحَقِّ وَ اجْعَلْهَا الْعُلْيَا * وَ اَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَ اجْعَلْهَا

سخن حق را و آن را برتر قرار ده * و زیر پای کن سخن باطل را و بگردان و قرار ده آن را

السُّفْلَى * اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ * پس حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود که: هر که از

پایین‌تر * به درستی که تو بر هر چیزی توانایی. *

شیعیان ما این زیارت و دعا را نزد قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) یا نزد قبر یکی از ائمه (علیهم السلام) بخواند البته حق تعالی این

زیارت و دعا او را در نامه‌ای از نور بالا برد و مهر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را بر آن بزند و چنین محفوظ باشد تا

تسلیم نمایند به قائم آل محمد (علیه السلام) پس استقبال نماید صاحبش را به بشارت و تحییت و کرامت انشاء الله

تعالی. * مؤلف گوید که: این زیارت شریفه هم از زیارات مطلقه محسوب می‌شود و هم از زیارات مخصوصه روز

غدیر و هم از زیارات جامعه که در جمیع روضات مقدسه ائمه (علیهم السلام) خوانده می‌شود.

زیارت سیم: سید عبدالکریم بن طاووس از صفوان جمال روایت کرده است که گفت چون با حضرت صادق (علیه السلام) وارد کوفه شدیم در هنگامی که آن حضرت نزد ابوجعفر دوانقی می رفتند، فرمود که: ای صفوان شتر را بخوابان که این نزدیک قبر جدّم امیرالمؤمنین (علیه السلام) است پس فرود آمدند و غسل کردند و جامه را تغییر دادند و پاهای را برهنه کردند و فرمودند که: تو نیز چنین کن. پس روانه شدند به جانب نجف و فرمودند که گامها را کوتاه بردار و سر را به زیر انداز که حق تعالی برای تو به عدد هر گامی که برمی داری صد هزار حسنه می نویسد و صد هزار گناه محو می کند و صد هزار درجه بلند می کند و صد هزار حاجت برمی آورد و می نویسد برای تو ثواب هر صدیق و شهید که بوده باشد یا کشته شده باشد، پس آن حضرت می رفتند و من می رفتم با آن حضرت با آرام دل و آرام تن و تسبیح و تنزیه و تهلیل خدا می کردیم تا رسیدیم به تلّها، پس نظر کردند به جانب راست و چپ و به چوبی که در دست داشتند خطی کشیدند پس فرمودند: جستجو نما پس طلب کردم، اثر قبری یافتم پس آب دیده بر روی مبارکش جاری شد و گفت: **﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾** و گفت: **السَّلَامُ**

ما از برای خداییم و ما به سوی او بازگشت کنندگانیم * سلام بر

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبِرُّ التَّقِيُّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ *

تو باد ای وصی نیکوی منزّه متقی * سلام بر تو ای خبر بزرگ عالم (که ولایت و امامت بزرگترین آیت خداست) *

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الرَّشِيدُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبِرُّ الزَّكِيُّ

سلام بر تو ای راستگوی رشید * سلام بر تو ای نیکوکار پاک و منزّه

*** السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا**

* سلام بر تو ای وصی پیغمبر رب العالمین * سلام بر تو ای

خَيْرَةَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ * أَشْهَدُ أَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ * وَخَاصَّةٌ

مختار خدا بر خلق عالم * گواهی می دهم که محققا تو حبیب خدا * و بنده خاص

اللَّهِ وَخَالِصَتُهُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ * وَمَوْضِعَ سِرِّهِ * وَعَيْبَةَ

و خالص خدا می باشی * سلام بر تو ای ولی خدا * و محل سر * و مخزن

عِلْمِهِ * وَخَازِنَ وَحْيِهِ * پس خود را به قبر چسبانیدند و گفتند: **بَابِي أَنْتَ وَآمِي يَا**

علم * و خزینه دار گوهرهای وحی و اسرار الهی * پدر و مادرم فدای تو ای

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * بَابِي أَنْتَ وَآمِي يَا حُجَّةَ الْخِصَامِ * بَابِي أَنْتَ وَآمِي يَا

امیر مؤمنان * پدر و مادرم فدای تو ای حجت بر علیه دشمنان * پدر و مادرم فدای تو ای

بَابُ الْمَقَامِ * يَا أَبَتِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا نُورَ اللَّهِ التَّامَّ * أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ

درگاه هر مقصود * پدر و مادرم فدای تو ای نور تام کامل خدا * گواهی می‌دهم که تو آنچه را مأمور ابلاغ آن شدی

عَنْ اللَّهِ * وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * مَا حُمِلَتْ

از جانب خدا * و رسول خدا صلی الله علیه و آله همه را به خلق رسانیدی * و آنچه به حفظ

وَرَعَيْتَ مَا اسْتَحْفِظْتَ * وَحَفِظْتَ مَا اسْتَوْدَعْتَ * وَحَلَلْتَ حَلَالَ

آن مأمور بودی رعایت حفظش فرمودی * و آنچه به ودیعه به تو سپرده شده محفوظ داشتی * و حلال خدای

اللَّهِ * وَحَرَمْتَ حَرَامَ اللَّهِ * وَأَقَمْتَ أَحْكَامَ اللَّهِ * وَلَمْ تَتَعَدَّ حُدُودَ

را حلال * و حرام خدا را حرام * و کلیه احکام الهی را به پا داشتی * و ابدا تجاوز از حدود الهی

اللَّهِ * وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ

نکردی * و به عبادت خدا با خلوص کامل پرداختی تا هنگامی که به مقام یقین رسیدی * درود خدا بر تو

وَعَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِكَ * پس برخاست آن حضرت و در بالای سر آن حضرت چند رکعت نماز

و بر امامان بعد از تو *

کرد و فرمود که: ای صفوان هر که زیارت کند امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به این زیارت و این نماز را بکند برگردد به سوی

اهلش و حال اینکه گناهانش آمرزیده شده باشد و عملش مقبول و پسندیده شده باشد و بنویسد برای او ثواب

هر که زیارت آن حضرت کرده باشد از ملائکه. صفوان گفت: بر سبیل تعجب که (ثواب هر که زیارت کند آن

حضرت را از ملائکه؟) فرمود: بلی در هر شبی هفتاد قبیله از ملائکه، آن حضرت را زیارت می‌کنند. پرسید که هر

قبیله چه مقدارند؟ فرمود که: صد هزار ملک. پس آن حضرت به قهقری یعنی به پشت بیرون آمدند و در اثنای

بیرون آمدن می‌گفتند:

يَا جَدَاهُ يَا سَيِّدَاهُ * يَا طَيْبَاهُ يَا طَاهِرَاهُ * لَا جَعَلَهُ

ای جدم ای آقایم * ای پاک و پاکیزه * خدا این زیارت را

اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْكَ * وَرَزَقَنِي الْعُودَ إِلَيْكَ * وَالْمَقَامَ فِي حَرَمِكَ *

آخرین عهد و دیدار تو قرار ندهد * و بازگشت به سویت را روزیم گرداند * و همچنین جا گرفتن در حرمت *

وَ الْكُونَ مَعَكَ * وَمَعَ الْأَبْرَارِ مِنْ وُلْدِكَ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ * وَعَلَى

و بودن با تو و با نیکان از اولاد و فرزندان تو را * رحمت خدای بر تو باد

الْمَلَائِكَةِ الْمُمَدِّقِينَ بِكَ * صفوان گفت که: به آن حضرت عرض کردم که رخصت می‌دهید

و بر فرشتگانی که گرد تو می‌باشند. *

خبر دهم اصحاب خود را از اهل کوفه و نشان این قبر را به ایشان بدهم؟ فرمود: بلی. و در همی چند دادند که من قبر را مرمت و اصلاح کردم. **زیارت چهارم:** در مستدرک الوسائل از مزار قدیم نقل کرده که روایت است از مولای ما امام محمد باقر (علیه السلام) که فرمود با پدرم رفتیم به زیارت قبر جدّم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام)

در نجف پس ایستاد پدرم نزد قبر مطهر و گریست و گفت: **السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْأَيُّمَةِ * وَ خَلِيلِ**

سلام بر پدر پیشوایان دین و دولت و خاص * و خلیل

النُّبُوَّةِ * وَ الْمَخْصُوصِ بِالْأَخُوَّةِ * السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ الْإِيمَانِ *

مقام نبوت * و برادر رسول خدا * سلام بر پیشوای ایمان *

وَ مِيزَانَ الْأَعْمَالِ * وَ سَيْفِ ذِي الْجَلَالِ * السَّلَامُ عَلَى صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ

و میزان اعمال * و شمشیر خدای صاحب جلال * و سلام بر صالحترین اهل ایمان

*** وَ وَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ * الْحَاكِمِ فِي يَوْمِ الدِّينِ * السَّلَامُ عَلَى شَجَرَةِ**

* و وارث علم پیغمبران * و حکمفرمای روز جزا * سلام بر درخت

التَّقْوَى * السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ الْبَالِغَةِ * وَ نِعْمَتِهِ السَّابِغَةِ * وَ نِقْمَتِهِ

تقوی * سلام بر حجت بالغه خدا * و نعمت واسعه * و عذاب و قهر

الدَّامِغَةِ * السَّلَامُ عَلَى الصِّرَاطِ الْوَاضِحِ * وَ النَّجْمِ اللَّائِحِ * وَ الْإِمَامِ

الهی باد * سلام و رحمت و برکات خدا بر راه روشن حق * و ستاره رخشان هدایت * و پیشوای

النَّاصِحِ * وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ * * أَنْكَاهُ گفت: **أَنْتَ وَسَيِّلَتِي إِلَى اللَّهِ**

خیرخواه امت باد * و رحمت و برکات حق بر تو باد * ای امیر مؤمنان تو وسیله من

وَ ذَرِيعَتِي * وَ لِي حَقُّ مَوْلَاتِي وَ تَأْمِينِي * فَكُنْ لِي شَفِيعِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ

به سوی خدای * و مرا حق موالات و دوستی تو و چشم آرزو و آمالم به جانب توست * پس نزد خدای

وَ جَلَّ فِي الْوُقُوفِ عَلَى قَضَاءِ حَاجَتِي * وَ هِيَ فَكَأَنَّ رُقْبَتِي مِنَ النَّارِ *

عز و جل بر ادای حاجتم * که آزاد شدنم از آتش دوزخ است مرا شفاعت فرما *

وَ اصْرِفْنِي فِي مَوْقِفِي هَذَا بِالنُّجْحِ * (و) بِمَا سَأَلْتَهُ * كُلَّهُ بِرَحْمَتِهِ

و از این محل زیارت مرا با موفقیت و نجات * و اجابت تمام مسئلهایم به رحمت و قدرت خدا

وَ قَدْرَتِهِ * اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً * وَ لُبّاً رَاجِحاً * وَ قَلْباً زَكِياً *

بازگردان * بارالها مرا عقل کامل نصیب گردان * و مغز ممتاز * و قلب پاک با تزکیه و تهذیب

وَعَمَلًا كَثِيرًا * وَادَبًا بَارِعًا * وَاجْعَلْ ذَلِكَ كَلِمَةً لِي * وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ

و عمل صالح بسیار * و ادب عالی عطا فرما * و تمام این نعم را بر نفع من مقرر دار * نه بر ضرر

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * **زیارت پنجم:** شیخ کلینی روایت کرده از حضرت

* به حق رحمت (بی انتهایت) ای مهربانترین مهربانان عالم.

ابوالحسن ثالث امام علی النقی (علیه السلام) که می گوئی نزد قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام): **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا**

سلام بر تو ای

وَلِيِّ اللَّهِ * أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ * وَأَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ * صَبَرْتَ

ولی خدا * تو اول مظلوم عالمی * و نخستین کسی که حق او غصب شد * و باز

وَاحْتَسَبْتَ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ * فَاشْهَدْ أَنَّكَ لَقِيتَ اللَّهَ * وَأَنْتَ شَهِيدٌ

با صبر و شکیبا بودی تا هنگام رحلت * پس گواهی می دهی که تو خدا را با مقام شهادت ملاقات کردی

عَذَّبَ اللَّهُ قَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ وَجَدَّدَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ * جُنَّتْكَ

خدا قاتلت را به انواع عذاب معذب و دائم عذابش را مجدد گرداند * من آدمم به درگاه حضرتت

عَارِفًا بِحَقِّكَ * مُسْتَبْصِرًا بِشَانِكَ * مُعَادِيًّا لِأَعْدَائِكَ وَ مِنْ ظَلَمَكَ

در حالی که عارف به حق امامت * و بصیر به شأن ولایت بودم * و دشمن با دشمنان و ظالمان در حق تو

أَلْقَى عَلَى ذَلِكَ رَبِّي أَنْشَاءَ اللَّهُ * يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ لِي ذُنُوبًا كَثِيرَةً *

* و بدین حال ایمان خدا را ملاقات خواهم کرد انشاء الله * ای ولی خدا مرا گناهان بسیار است *

فَاشْفَعْ لِي إِلَى رَبِّكَ * فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَعْلُومًا * وَإِنَّ لَكَ عِنْدَ

تو به درگاه پروردگارت مرا شفاعت فرما * که تو را نزد خدا مقام رفیعی است معلوم * و تو را نزد خدا

اللَّهِ جَاهًا وَ شَفَاعَةً * وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى * ﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ

جاه و شعونات و مقام شفاعت کبری است * که ایزد متعال فرمود * شفاعت نمی کند کسی جز آن کس که خدا از او

رَضِيَ * **زیارت ششم:** زیارتی است که جماعتی از علما روایت کرده اند از جمله آنها است شیخ

خوشنود است.

محمد بن المشهدی، که فرموده: روایت کرده است محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره که گفت: بیرون

رفتم با صفوان بن جمّال و جمعی از اصحاب ما به جانب نجف و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را زیارت کردیم

پس چون فارغ شدیم صفوان روی خود را گردانید به سوی قبر حضرت امام حسین (علیه السلام) و گفت زیارت می کنم

حضرت امام حسین (علیه السلام) را از این مکان از بالای سر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) * و صفوان گفت که: با حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) به اینجا آمدم و حضرت چنین زیارت و نماز کرد و دعا خواند که من می‌کنم و فرمود که: ای صفوان این زیارت را ضبط کن و این دعا را بخوان و همیشه حضرت امیرالمؤمنین و امام حسین (علیه السلام) را به این نحو زیارت کن که من ضامنم بر خدا که هر که ایشان را چنین زیارت کند و این دعا را بخواند خواه از نزدیک و خواه از دور، اینکه زیارتش مقبول باشد و عملش مزد داده شود و سلامش به ایشان برسد و پسندیده گردد و حاجتهایش برآورده شود هر چند عظیم باشد. * مؤلف گوید که: تتمه این خبر در فضل این عمل بیاید در عقب دعاء صفوان در زیارت روز عاشورا انشاءالله و زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) این است، رو به قبر آن حضرت بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ * السَّلَامُ

سلام بر تو باد ای رسول خدا * سلام بر تو ای دوست خاص خدا * سلام

عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَى مَنْ اصْطَفَاهُ اللَّهُ وَ اخْتَصَّهُ وَ

بر تو ای امین اسرار وحی خدا * سلام بر آن کس که خدا او را برگزید و مقام مخصوص داد *

وَ اخْتَارَهُ وَ مِنْ بَرِيَّتِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللَّهِ مَا دَجَى اللَّيْلُ

و او را از تمام خلق خود اختیار کرد * سلام بر تو ای خلیل خدا مادامی که شب تار

وَ غَسَقَ * وَأَضَاءَ النَّهَارِ وَ أَشْرَقَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا صَمَتَ صَامِتٌ

و ظلمانی * و روز روشن و نورانی است * سلام بر تو مادامی که صامت * و ناطق به سکوت

* وَ نَطَقَ نَاطِقٌ * وَ ذَرَّ شَارِقٌ * وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ * السَّلَامُ عَلَى

و نطق پرداخته * و ذره بر دم آفتاب تابان پدید آید * سلام و رحمت و برکات الهی بر تو باد * سلام بر

مَوْلَانَا امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ * صَاحِبِ السَّوَابِقِ وَ الْمَنَاقِبِ

مولای ما امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) * که دارای فضایل سابق و مناقب است

* وَ النَّجْدَةِ وَ مُبِيدِ الْكُتَّابِ * الشَّدِيدِ الْبَاسِ * الْعَظِيمِ الْمِرَاسِ

* و بزرگی و بزرگواری و در هم شکننده سپاه * و لشکرهای نیرومند * و شجاعان قوی پنجه *

الْمَكِينِ الْآسَاسِ * سَاقِي الْمُؤْمِنِينَ بِالْكَاسِ مِنْ حَوْضِ الرَّسُولِ

و قدرتهای محکم پایه * و ساقی اهل ایمان است با جام شراب طهور از حوض کوشر

الْمَكِينِ الْأَمِينِ * السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ النَّهْيِ * وَ الْفَضْلِ وَ الطَّوَائِلِ

رسول مقتدر امین * سلام بر صاحب عقل کامل * و فضایل و نعم (بی شمار)

وَ الْمَكْرُمَاتِ وَ النَّوَائِلِ * السَّلَامُ عَلَى فَارِسِ الْمُؤْمِنِينَ * وَ لَيْثِ

* و مکارم و عطایای کامله الهیه * سلام بر (مولای ما) یگانه فارس (میدان) ایمان * و شیر (بیشه)

الْمُوحِدِينَ * وَ قَاتِلِ الْمُشْرِكِينَ * وَ وَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ رَحْمَةِ

موحدان * و قاتل مشرکان * و وصی رسول خدای جهان * سلام و رحمت

اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ * السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَيْدَهُ اللَّهُ بِجَبْرَائِيلَ * وَ أَعَانَهُ بِمِيكَائِيلَ

و برکات خدا بر او باد * سلام بر کسی که خدایش به (وحی) جبرئیل امین مؤید گردانید * و به میکائیل یاری فرمود

وَ أَرْزَلَهُ فِي الدَّارَيْنِ * وَ حَبَاهُ بِكُلِّ مَا تَقَرَّبَهُ الْعَيْنُ * وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

و او را در دو عالم مقرب کرد * و هر چه موجب شرف و نشاط قلب است به او عطا فرمود * و درود خدا

وَ عَلَى ءَالِهِ الطَّاهِرِينَ * وَ عَلَى أَوْلَادِهِ الْمُتَّجِبِينَ * وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ

بر او و بر آل طاهرینش * و فرزندان گرامیش * و بر پیشوایان

الرَّاشِدِينَ * الَّذِينَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ * وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ * وَ فَرَضُوا

هدایت * که امر به معروف * و نهی از منکر کردند * و نماز را که فریضه الهی است

عَلَيْنَا الصَّلَوَاتِ * وَ أَمَرُوا بِإِتْيَاءِ الزَّكَاةِ * وَ عَرَّفُونَا صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ

آنها به ما تعلیم دادند * و امر به اداء زکوة کردند * و روزه ماه مبارک رمضان

وَ قِرَاءَةَ الْقُرْآنِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * وَ يَعْسُوبَ الدِّينِ

* و قرائت قرآن عظیم را آنها به ما آموختند * سلام بر تو ای امیر اهل ایمان * و پیشوای ملک دین

وَ قَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

* و قائد و امیر رو سفیدان عالم * سلام بر تو ای درگاه خدا * سلام بر تو

يَا عَيْنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ * وَ يَدَهُ الْبَاسِطَةَ * وَ أذنهَ الْوَاعِيَةَ * وَ حِكْمَتَهُ

ای چشم بینای حق * و دست مبسوط و مقتدر خدا * و گوش شنوا * و مظهر حکمت

الْبَالِغَةَ * وَ نِعْمَتَهُ السَّابِغَةَ * وَ نِقْمَتَهُ الدَّامِغَةَ * السَّلَامُ عَلَى قَسِيمِ

بالغه * و نعمت منبسط حق * و قهر و غضب مهلك خدا * سلام بر قسمت کننده

الْجَنَّةِ وَ النَّارِ * السَّلَامُ عَلَى نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَى الْأَبْرَارِ * وَ نِقْمَتِهِ عَلَى

بهشت و جهنم * سلام بر نعمت خدا بر نیکوکاران * و غضب حق بر

الْفُجَّارِ * السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُتَّقِينَ الْأَخْيَارِ * السَّلَامُ عَلَى أَخِي

بدکاران * سلام بر سید نیکویان پارسا * سلام بر برادر

رَسُولِ اللَّهِ * وَابْنِ عَمِّهِ وَزَوْجِ ابْنَتِهِ * وَالمَخْلُوقِ مِنْ طِينَتِهِ * السَّلَامُ

رسول خدا * و پسر عم او و داماد او * آنکه از طینت آن رسول خلق شده * سلام

عَلَى الْأَصْلِ الْقَدِيمِ * وَالْفَرْعِ الْكَرِيمِ * السَّلَامُ عَلَى الثَّمَرِ الْجَنِيِّ *

بر اصل و حقیقت قدیم * و فرع با کرامت و جود * سلام بر میوه رسیده (درخت آفرینش) *

السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ * السَّلَامُ عَلَى شَجَرَةِ طُوبَى وَ سِدْرَةِ

سلام بر حضرت ابی الحسن علی (ع) * سلام بر درخت طوبای بهشتی و سدره المنتهای حسن

الْمُنْتَهَى * السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ * وَنُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ * وَابْرَاهِيمَ

و کمال * سلام بر آدم صفی پاک نهاد * و نوح پیغمبر اولوالعزم خدا * و سلام بر ابراهیم

خَلِيلِ اللَّهِ * وَمُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ * وَعِيسَى رُوحِ اللَّهِ * وَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ

خلیل خدا * و بر موسای هم صحبت با خدا * و عیسی روح پاک خدا * و سلام بر محمد (ص) حبیب و محبوب

اللَّهِ * وَ مَنْ بَيْنَهُمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ * وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ

خدا * و آنان از پیغمبران و صدیقان * و شهیدان راه خدا و بندگان صالح خدا که ما بین این پیغمبران بودند

وَ حَسَنَ أَوْلَادِكَ رَفِيقًا * السَّلَامُ عَلَى نُورِ الْأَنْوَارِ * وَ سَلِيلِ الْأَطْهَارِ

* که آنان نیکو رفیقان هستند * سلام بر نور الانوار * و برگزیده پاکان عالم

وَ عَنَّا صِرَ الْأَخْيَارِ * السَّلَامُ عَلَى وَالِدِ الْأَئِمَّةِ الْأَبْرَارِ * السَّلَامُ عَلَى

* و ارکان نیکان جهان * سلام بر پدر بزرگوار ائمه (اطهار) که پیشوای نیکوکاران عالمند * سلام بر

حَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ * وَجَنِبِهِ الْمَكِينِ * وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ * السَّلَامُ

رشته محکم خدا * و طرفدار با تمکین و اقتدار (دین) خدا * سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد * سلام

عَلَى أَمِينِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتِهِ * وَ الْحَاكِمِ بِأَمْرِهِ * وَ الْقَيِّمِ بِدِينِهِ

بر امین (سر) خدا در روی زمین و خلیفه خدا * و حاکم به فرمان خدا * و نگهبان دین خدا

وَ النَّاطِقِ بِحِكْمَتِهِ * وَ الْعَامِلِ بِكِتَابِهِ * أَخِ الرَّسُولِ وَ زَوْجِ الْبَتُولِ

* و ناطق به حکمت خدا * و عامل به کتاب خدا * که برادر رسول (ص) و زوج بتول است

وَ سَيْفِ اللَّهِ الْمَسْلُوقِ * السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الدَّلَالَاتِ * وَ الْآيَاتِ

* و شمشیر برکشیده قهر خداست * سلام بر صاحب ادله * و آیات

الْبَاهِرَاتِ * وَ الْمَعْجَزَاتِ الْقَاهِرَاتِ (الرَّاهِرَاتِ) * وَ الْمُنْجِي مِنَ الْهَلَكَاتِ

روشن * و معجزات قاهر و آشکار * و نجات دهنده خلق از مهالک روزگار

الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ مُحْكَمَ الْآيَاتِ فَقَالَ تَعَالَى * وَإِنَّهُ فِي أَمِّ الْكِتَابِ

* یعنی سلام بر آن کسی که خدای متعال * در آیات محکم کتاب خود

لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ * السَّلَامُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ الرَّضِيِّ * وَوَجْهَهُ

نامش را ذکر فرموده * سلام بر اسم نیکوی خدا * و روی

الْمُضِيِّ * وَجَنْبِهِ الْعَلِيِّ * وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * السَّلَامُ عَلَى

رخشان * و جنبه با علو شأن الهی * سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد * سلام بر

حُجَجِ اللَّهِ وَ أَوْصِيَاءِهِ * وَ خَاصَّةِ اللَّهِ وَ أَصْفِيَاءِهِ * وَ خَالِصَتِهِ

حجتهای خدا و اوصیاء حق * و خاصان و خالصان * و برگزیدگان بندگان خدا که

وَ أَمْنَائِهِ * وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ * قَصْدْتُكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِينَ اللَّهُ

امین اسرار اویند * و رحمت و برکت خدا بر آنان باد * ای مولای من ای امین حق و حجت بالغه

وَ حُجَّتَهُ * زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ * مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ * مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ

الهی * من به قصد زیارت آمده‌ام در حالتی که عارف به حقانیت * و دوستدار دوستان * و دشمن بدخواهان هستم

مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ بِزِيَارَتِكَ * فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكَ * فِي

* و به زیارتت به درگاه خدا تقرب می‌جویم * پس مرا نزد خدای من و تو شفاعت فرما * تا

خُلَاصِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ * وَقَضَاءِ حَوَائِجِي * حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

گردنم از بند عذاب آتش قهر خود برهاند * و حوایجم را در دنیا و آخرت برآورد *

پس خود را به قبر بچسبان و قبر را بیوس و بگو: سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمَقْرَبِينَ

سلام خدا و فرشتگان مقربش

وَ الْمُسَلِّمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * وَ النَّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ

* و آنان که به دل تسلیم فرمان تو اند ای امیر اهل ایمان * و به فضیلت و برتری تو ناطق

وَ الشَّاهِدِينَ عَلَى أَنَّكَ صَادِقٌ أَمِينٌ صَدِيقٌ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ

* و به صدق و امانت و کمال راستی و حقیقت تو گواه و معترفند سلام آنها و رحمت و برکات خدا

وَ بَرَكَاتُهُ * أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهَّرَ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ مُطَهَّرٌ

بر تو باد * گواهی می‌دهم که ذات پاک تو از هر آلاینش پاکیزه و از آباء پاک گوهر پاکیزه جان بوجود آمدی *

أَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَ وَلِيَّ رَسُولِهِ بِالْبَلَاغِ وَ الْأَدَاءِ * وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ

گواهی می‌دهم بر تو ای ولی خدا و ای ولی رسول خدا که تو امر خدا را به خلق رسانیدی و تکلیف الهی را ادا کردی * و باز گواهی

جَنبُ اللَّهِ وَبَابُهُ * وَ أَنْكَ حَبِيبُ اللَّهِ وَ وَجْهَهُ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ *

می‌دهم که تو جنب خدایی و درگاه خدایی * و حبیب و محبوب خدایی و وجه خدایی که خلق از آن وجه باید به سوی خدا آیند *

وَ أَنْكَ سَبِيلُ اللَّهِ * وَ أَنْكَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِهِ (رَسُولِ اللَّهِ) * صَلَّى

و تو راه خدا * و بنده خدا و برادر رسول خدایی * که درود خدا

اللَّهُ عَلَيْهِ وَءَالِهِ * أَتَيْتَكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِزِيَارَتِكَ * رَاغِبًا

بر او و آل او باد * من به سوی تو برای تقرب به درگاه خدا به زیارت آمدم * و با شوق

إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ * أَبْتَغِي بِشَفَاعَتِكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ *

و رغبت و چشم امید به شفاعتت * و از آن شفاعت آزادی خود را از آتش (قهر خدا) می‌طلبم *

مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنَ النَّارِ * هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي *

و به تو از آن آتش پناه می‌برم * و از گناهانم که بار سنگینی بر پشت نهاده‌ام گریزانم *

فَزَعًا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي * أَتَيْتَكَ اسْتَشْفِعُ بِكَ يَا مَوْلَايَ *

با تضرع و زاری به درگاه تو و امیدواری به رحمت پروردگارم * آمدم تا از حضرت تو درخواست شفاعت کنم *

وَ اتَّقَرَّبُ بِكَ إِلَى اللَّهِ لِيَقْضِيَ بِكَ حَوَائِجِي * فَاشْفَعْ لِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

و به واسطه تو به درگاه خدا تقرب جویم که (به پرتو آبروی حضرتت) خدا حاجاتم برآورد * پس ای امیر اهل ایمان

إِلَى اللَّهِ * فَاِنِّي عَبْدُ اللَّهِ وَ مَوْلَاكَ وَ زَائِرُكَ * وَ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامُ

مرا شفاعت فرما * که من بنده (گنجه‌کار) خدا و غلام دوستدار توام و زوار تو ام * و تو را نزد خدا

الْمَحْمُودُ * وَ الْجَاهُ الْعَظِيمُ * وَ الشَّانُ الْكَبِيرُ * وَ الشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ

مقام محمود شفاعت * و جاه و مرتبه بزرگ است * و شفاعتت نزد او پذیرفته است

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ ءَالِ مُحَمَّدٍ * وَ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

* خدایا درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) * و درود فرست بر امیر المؤمنین

عَبْدِكَ الْمُرْتَضَى * وَ أَمِينِكَ الْأَوْفَى * وَ عُرْوَتِكَ الْوَثْقَى * وَ يَدِكَ الْعُلْيَا

بنده پسندیده تو * و امین کامل (بر اسرار غیب) تو * و حلقه محکم دست توست * که بالای همه دستها است

* وَ جَنْبِكَ الْأَعْلَى * وَ كَلِمَتِكَ الْحُسْنَى * وَ حُجَّتِكَ عَلَى الْوَرَى

* و جنب اعلا (و طرفدار به حد اعلا) تو * و کلمه نیکوی تو * و حجت بالغه بر خلق

* وَ صَدِيقِكَ الْأَكْبَرِ * وَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ * وَ رُكْنِ الْأَوْلِيَاءِ * وَ عِمَادِ

* و صدیق اکبر است * و بزرگ اوصیاء پیغمبر * و رکن اولیاء خدا است * و عماد

الْأَصْفِيَاءِ * أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * وَيَعْسُوبِ الدِّينِ * وَقُدُوةِ الصَّالِحِينَ *

و معتمد برگزیدگان خدا * و امیر اهل ایمان * و سلطان دین * و پیشوای صالحین *

وَ إِمَامِ الْمُخْلِصِينَ * الْمَعْصُومِ مِنَ الْخُلَلِ * الْمَهْدَبِ مِنَ الزَّلَلِ *

و امام اهل اخلاص * و معصوم از خطاء * و مبراء از لغزش *

الْمُطَهَّرِ مِنَ الْعَيْبِ * الْمُنَزَّهِ مِنَ الرَّيْبِ * أَخِي نَبِيِّكَ * وَ وَصِيِّ

و پاک از هر نقص و عیب * و منزّه از شک و ریب * برادر رسول توست * و وصی

رَسُولِكَ * أَلْبَائِتِ عَلَى فِرَاشِهِ * وَالْمُوَاسِي لَهُ وَ بِنَفْسِهِ * وَ كَاشِفِ

او * و آن شخص است که بر بستر پیغمبرت شب بخفت * و با جان خود مواسات با پیغمبر نمود * و گرد غم و اندوه دشمن

الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ * الَّذِي جَعَلْتَهُ * سَيْفًا لِنُبُوتِهِ * وَ آيَةً لِرِسَالَتِهِ

را از روی او پاک ساخت * آن کس است که * تو او را شمشیر قهر پیغمبرت قرار دادی * و آیت و معجزه رسالت او

وَ شَاهِدًا عَلَى أُمَّتِهِ * وَ دَلَالَةً عَلَى حُجَّتِهِ (حُجَّتِهِ) * وَ حَامِلًا لِرَايَتِهِ

* و شاهد صدق برای امت او * و دلیل و حجت حقانیت او * و نگهدار پرچم

وَ وَقَايَةً لِمُهْجَتِهِ * وَ هَادِيًا لِأُمَّتِهِ * وَ يَدًا لِبَاسِهِ * وَ تَاجًا لِرَأْسِهِ *

* و نگهبان قلب او * و راهنمای امت او * و دست توانای نیرومند * و تاج شرف و افتخار *

وَ أَبَا لِسْرِهِ * وَ مِفْتَاحًا لِظَفْرِهِ * حَتَّى هَزَمَ جِيُوشَ الشَّرِكِ بِأَذْنِكَ

و باب علم و اسرار علوم لدنی او * و کلید فتح و فیروزی پیغمبرت قرار دادی * تا آنکه او یک تنه لشکرهای شرک به اذن تو درهم

وَ أَبَادَ عَسَاكِرَ الْكُفْرِ بِأَمْرِكَ * وَ بَدَلَ نَفْسَهُ * مَرَضَاةَ رَسُولِكَ *

شکست * و عساکر کفر و ضلالت را به فرمان تو همه را هلاک ساخت * و در راه رضای رسولت جان نثار کرد *

وَ جَعَلَهَا وَقْفًا عَلَى طَاعَتِهِ * فَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ صَلَاةً دَائِمَةً بَاقِيَةً

و جانش را وقف بر اطاعت رسول تو کرد * پس پروردگارا درود و رحمت خود را بر او فرست درودی که تا ابد دائم و باقی است

❁ پس بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ * وَ الشَّهَابُ الثَّاقِبُ * وَ النُّورُ

سلام بر تو ای ولی خدا * و ای شهاب ثاقب * و نور متعاقب (ای اختر رخشان نافذ و نور علم

الْعَاقِبُ * يَا سَلِيلَ الْأَطَائِبِ * يَا سِرَّ اللَّهِ * إِنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى

ثابت باقی) * ای اصل عنصر پاکان عالم * ای سر خدا (ای علی مرتضی) * بین من و خدای متعال گناهان

ذُنُوبًا قَدْ أَثْقَلَتْ ظَهْرِي * وَ لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاهُ * فَبِحَقِّ مَنْ أَيْتَمَّنَكَ

بسیاری است * که عفوش جز به رضا و خشنودی شما میسر نیست * پس تو را قسم می‌دهم به حق آن خدایی که تو را بر

عَلَى سِرِّهِ * وَاسْتَرَعَاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ * كُنْ لِي إِلَى اللَّهِ شَفِيعًا * وَ مِنْ

مخزن سر خود امین ساخت * و رعایت امر خلق را از تو خواست * که مرا به درگاه خدا شفاعت کن * و از آتش

النَّارِ مُجِيرًا * وَ عَلَى الدَّهْرِ ظَهِيرًا * فَاِنِّي عَبْدُ اللَّهِ وَ لِيكَ وَ زَائِرُكَ

قهر خدا پناه ده * و بر سختیهای روزگار مرا یاری فرمای * زیرا من بنده خدا و دوست تو و زوار تو ام

* صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ * پس شش رکعت نماز زیارت بکن و هر دعا که خواهی بکن و بگو: السَّلَامُ

* درود خدا بر تو باد. * سلام بر

عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا * مَا بَقِيْتُ

تو باد ای امیر مؤمنان * بر تو باد از طرف من درود خدا همیشه * تا بمانم

وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ * پس اشاره کن و متوجه شو به جانب قبر امام حسین (علیه السلام) و بگو:

و بمانند شب و روز *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ *

سلام بر تو ای ابا عبد الله * سلام بر تو ای پسر پیغمبر خدا *

آتَيْتُكُمْ زَائِرًا وَ مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى رَبِّي وَ رَبِّكُمْ * وَ مُتَوَجِّهًا إِلَى

آمده‌ام به زیارت هر دوی شما و توسل جویان به درگاه خدای تعالی پروردگار من و پروردگار شما * و متوجهم به

اللَّهِ بِكُمْ * وَ مُسْتَشْفِعًا بِكُمْ إِلَى اللَّهِ فِي حَاجَتِي هَذِهِ * وَ بَخْوَانِ تَا آخِرِ

درگاه خدا به وسیله شما * و درخواست شفاعت از شما دارم به درگاه خدا در این حاجت خود. *

دَعَايَ صَفْوَانٍ: (إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ) پس رو به قبله کن و بخوان از اول دعا: يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ

به راستی او نزدیک و اجابت کننده است ای خدا ای پروردگار

يَا اللَّهُ * يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ * وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ

ای پروردگار * ای اجابت کننده دعای بیچارگان * و ای برطرف کننده گرفتاری گرفتاران

* تَا: وَ أَصْرَفَنِي بِقَضَاءِ حَاجَتِي * وَ كِفَايَةَ مَا أَهْمَنِي هَمُّهُ * مِنْ أَمْرِ

* برگردان مرا با حاجت روا شده * و کفایت آنچه پیش من مهم است از امر

دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * پس ملتفت شو به جانب قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام)

دنیا و آخرت من * ای مهربانترین مهربانان عالم. *

وَ بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * وَ السَّلَامُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

سلام بر تو باد ای امیر مؤمنان * و سلام باد بر ابی عبد الله

الْحُسَيْنِ * مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ * لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ

الحسین (ع) * تا من زنده باشم و بمانم و تا بماند روز و شب * این زیارت را خدای آخر زیارت و دیدار من

مِنِّي لِزِيَارَتِكُمَا * وَلَا فَرَقَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا * مؤلف گوید که: قبل از این ذکر

از شما قرار ندهد * و خدا میان من و شما جدایی نیندازد. *

شد که دعای صفوان همان است که مشهور شده به دعای علقمه و بیاید ذکر آن در زیارت روز عاشورا انشاءالله.

زیارت هفتم: زیارتی است که سید بن طاووس در مصباح الزائر نقل کرده به این کیفیت که قصد کن باب

السلام یعنی درگاه روضه مقدسه امیرالمؤمنین (علیه السلام) که ضریح مقدس نمایان می شود پس بگوسی و چهار مرتبه:

اللَّهُ أَكْبَرُ * وَبِغَوْ: سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ * وَ أَنْبِيَائِهِ

خدا بزرگتر است سلام خدا و سلام ملائکه مقرب * و پیغمبران

الْمُرْسَلِينَ * وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ * وَ جَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ

مرسل خدا * و بندگان صالح * و جمیع شهیدان و صدیقان

عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَى

بر تو ای امیر مؤمنان * سلام بر آدم صفی (ع) بنده خالص خدا * سلام بر

نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَى مُوسَى

نوح نبی خدا * سلام بر ابراهیم خلیل دوست خاص خدا * سلام بر موسای کلیم الله

كَلِيمِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ حَبِيبِ

هم سخن خدا * سلام بر عیسی روح الله * سلام بر محمد حبیب

اللَّهُ * وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * السَّلَامُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ الرَّضِيِّ * وَوَجْهِهِ

خدا * سلام و رحمت و برکات خدا بر آنان باد * سلام بر نام پسندیده خدا * و نور وجه

الْعَلِيِّ * وَ صِرَاطِهِ السَّوِيِّ * السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدَبِ الصَّفِيِّ * السَّلَامُ

متعالی خدا * و راه راست و مستقیم خدا * سلام بر بنده مهذب خالص خدا * سلام

عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ * وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * السَّلَامُ

بر ابی الحسن علی بن ابی طالب (ع) * سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد * سلام

عَلَى خَالِصِ الْأَخْلَاءِ * السَّلَامُ عَلَى الْمَخْصُوصِ بِسَيِّدَةِ النِّسَاءِ *

بر خالصترین دوستان خدا * سلام بر آنکه مخصوص بود به همسری زهراء سیده زنان عالم *

السَّلَامُ عَلَى الْمَوْلُودِ فِي الْكَعْبَةِ الْمَزُوجِ فِي السَّمَاءِ * السَّلَامُ عَلَى

سلام بر آنکه تولدش در خانه کعبه و عقد ازدواجش در آسمان بود * سلام بر

أَسَدِ اللَّهِ فِي الْوُغَى * السَّلَامُ عَلَى مَنْ شَرَفَتْ بِهِ مَكَّةَ وَمِنَى * السَّلَامُ

شیر خدا در هنگام جنگ * سلام بر آنکه مکه و منی به واسطه او شرافت یافت * سلام

عَلَى صَاحِبِ الْحَوْضِ وَ حَامِلِ اللِّوَاءِ * السَّلَامُ عَلَى خَامِسِ أَهْلِ

بر صاحب حوض (کوثر) و حامل لوای شفاعت * سلام بر خامس آل

الْعَبَاءِ * السَّلَامُ عَلَى الْبَائِتِ عَلَى فِرَاشِ النَّبِيِّ * وَ مُقَدِّهِ بِنَفْسِهِ مَنْ

عباء * سلام بر آنکه در فراش پیغمبر (ص) خفت * و جانش را فدای پیغمبر خدا برای حفظ او

الْأَعْدَاءِ * السَّلَامُ عَلَى قَالِعِ بَابِ خَيْبَرَ * وَ الدَّاحِيِ بِهِ فِي الْفُضَاءِ *

از دشمنان کرد * سلام بر آنکه در خیبر با آن عظمت را برکند * و آن در را در فضاء نگاهداشت *

السَّلَامُ عَلَى مُكَلِّمِ الْفِتْيَةِ فِي كَهْفِهِمْ بِلِسَانِ الْأَنْبِيَاءِ * السَّلَامُ عَلَى

سلام بر آنکه با اصحاب كهف آن جوانمردان موحد به زبان پیغمبران سخن گفت * سلام بر آنکه چاه خشک

مُنْبِعِ الْقَلْبِ فِي الْفَلَا * السَّلَامُ عَلَى قَالِعِ الصَّخْرَةِ * وَقَدْ عَجَزَ عَنْهَا

در بیابان را به اعجاز منبع آب کرد * سلام بر آنکه سنگی را از زمین به تنهایی برکند * که مردان شجاع

الرِّجَالِ الْأَشْدَاءِ * السَّلَامُ عَلَى مُخَاطَبِ الثَّعْبَانِ عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ

بسیاری از آن عاجز ماندند * سلام بر آنکه در منبر کوفه با ازدها به زبان

بِلِسَانِ الْفُصْحَاءِ * السَّلَامُ عَلَى مُخَاطَبِ الذِّئْبِ * وَ مُكَلِّمِ الْجُمُجُمَةِ

فصیح سخن گفت * سلام بر آنکه با گرگ * و با استخوان سر

بِالنَّهْرَوَانِ * وَقَدْ نَخَرَتِ الْعِظَامُ بِالْبَلَاءِ * السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الشَّفَاعَةِ

پوسیده مردهای * در نهروان سخن گفت * سلام بر صاحب مقام شفاعت در

يَوْمِ الْوَرَى * وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ * السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الزَّكِيِّ

روز محشر * سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد * سلام بر امام و پیشوای پاک

حَلِيفِ الْمِحْرَابِ * السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الْمُعْجَزِ الْبَاهِرِ * وَ النَّاطِقِ

و منزله شهید در محراب عبادت * سلام بر دارای معجزات ظاهر و باطن * و سخنهای

بِالْحِكْمَةِ وَ الصَّوَابِ * السَّلَامُ عَلَى مَنْ عِنْدَهُ تَأْوِيلُ الْمُحْكَمِ

صدق و ثواب و حکمت * سلام بر آنکه علم تأویل محکم و متشابه کتاب خدا

وَالْمُتَشَابِهِ * وَ عِنْدَهُ * أُمُّ الْكِتَابِ * السَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ رُدَّتْ عَلَيْهِ

نزد اوست * و حقایق ام کتاب نزد اوست * سلام بر آنکه آفتاب پس از آنکه در

الشَّمْسُ حِينَ تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ * السَّلَامُ عَلَيَّ مُجِي اللَّيْلِ الْبَهِيمِ

حجاب مغرب پنهان گشت به اعجاز او برگردید * سلام بر آنکه شبهای تار با چشم اشکبار به

بِالتَّهَجُّدِ وَالْإِكْتِيَابِ * السَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ خَاطِبِهِ * جَبْرِئِيلُ بِأَمْرَةٍ

تهجد و نماز شب زنده‌دار بود * سلام بر آنکه جبرئیل به یقین بر او به لقب

الْمُؤْمِنِينَ بِغَيْرِ ارْتِيَابٍ * وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * السَّلَامُ عَلَيَّ سَيِّدِ

امیر المؤمنین خطاب کرد * سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد * سلام بر بزرگ

السَّادَاتِ * السَّلَامُ عَلَيَّ صَاحِبِ الْمَعْجَزَاتِ * السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ عَجَبَ

بزرگان عالم * سلام بر صاحب آیات و معجزات * سلام بر آنکه ملائکه هفت آسمان

مِنْ حَمَلَاتِهِ فِي الْحُرُوبِ مَلَائِكَةُ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ * السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ نَاجَى

از حمله‌هایش در میدان جنگ حیران گشتند * سلام بر آنکه تنها او با رسول خدا (ص) به نجوی و

الرَّسُولَ * فَقَدَمَ بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاهُ صَدَقَاتٍ * السَّلَامُ عَلَيَّ أَمِيرِ الْجَبُوشِ

اسرار پنهان سخنها گفت * و بر آن نجوی صدقه‌ها داد * سلام بر امیر لشکرهای رسول خدا (ص)

وَ صَاحِبِ الْغَزَوَاتِ * السَّلَامُ عَلَيَّ مُخَاطَبِ ذُنُبِ الْفَلَوَاتِ * السَّلَامُ

و صاحب (فتح و نصرت) جنگها * سلام بر آنکه با گریه بیابانها سخن گفت * سلام

عَلَيَّ نُورِ اللَّهِ فِي الظُّلُمَاتِ * السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ فَقَضَى

بر نور خدا در ظلمات عالم * سلام بر آنکه آفتاب بر او پس از غروب برگشت

* مَا فَاتَهُ * مِنْ الصَّلَاةِ * وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * السَّلَامُ عَلَيَّ أَمِيرِ

* تا نمازش که فوت شده بود ادا فرمود * سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد * سلام بر

الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَيَّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَيَّ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ

امیر المؤمنین * سلام بر سید وصیین * سلام بر پیشوای متقیان

* السَّلَامُ عَلَيَّ وَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَيَّ يَعْسُوبِ الدِّينِ

* سلام بر وارث علم پیغمبران * سلام بر بزرگ دین اسلام * سلام

السَّلَامُ عَلَيَّ عِصْمَةِ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَيَّ قُدْوَةِ الصَّادِقِينَ * وَرَحْمَةُ

سلام بر حافظ و نگهبان اهل ایمان * سلام بر پیشوای اهل حقیقت و صدق * سلام و رحمت

اللَّهُ وَبَرَكَاتِهِ * وَالسَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ الْأَبْرَارِ * وَالسَّلَامُ عَلَى أَبِي الْأَيُّمَةِ

و برکات خدا بر او باد * سلام بر حجت نیکویان عالم * سلام بر پدر ائمه

الْأَطْهَارِ * وَالسَّلَامُ عَلَى الْمَخْصُوصِ بَدِي الْقَفَّارِ * وَالسَّلَامُ عَلَى سَاقِي

اطهار * سلام بر آنکه مخصوص گشت به ذوالفقار * سلام بر ساقی

أَوْلِيَائِهِ مِنْ حَوْضِ النَّبِيِّ الْمُخْتَارِ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * مَا أَطْرَدَ

اولیاء و دوستان خدا از حوض کوثر رسول مختار * صلی الله علیه و آله * سلام بر او مادامی که

اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ * وَالسَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْعَظِيمِ * وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ أَنْزَلَ اللَّهُ

شب و روز جهان برقرار است * سلام بر نبیاء عظیم و خبر بزرگ عالم اسلام * سلام بر آنکه خدا در شانش

فِيهِ * وَإِنَّهُ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ * وَالسَّلَامُ عَلَى صِرَاطِ

نازل کرد * [و این کتاب نزد ما بسی بلند پایه و محکم اساس است] * سلام بر راه راست و

اللَّهُ الْمُسْتَقِيمِ * وَالسَّلَامُ عَلَى الْمَنْعُوتِ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ

صراط مستقیم خدا * سلام بر آنکه در کتب آسمانی تورات و انجیل و قرآن حکیم نعت و ثنایش

الْحَكِيمِ * وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * پس می اندازی خود را بر ضریح و می بوسی آن را و

مذکور است * سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد. *

مِ غَوِيٍّ: يَا أَمِينَ اللَّهِ * يَا حُجَّةَ اللَّهِ * يَا وَلِيَّ اللَّهِ * يَا صِرَاطَ اللَّهِ

ای امین اسرار الهی * ای حجت خدا * ای ولی خدا * ای راه خدا *

زَارِكَ عَبْدُكَ وَوَلِيِّكَ * أَلَّا تَذُبُّ قَبْرَكَ * وَالْمَنِيخُ رَحْلَهُ * وَبِفَنَائِكَ

بنده و دوست تو به زیارت آمده * و به قبر شریف پناه آورده * و به درگاه (کرمت) رحل اقامت افکنده *

الْمُتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ * وَالْمُسْتَشْفَعُ بِكَ إِلَى اللَّهِ * زِيَارَةَ مَنْ

و بدین وسیله به درگاه خدای عز و جل تقرب می جوید * و از تو طلب شفاعت به سوی خدا می کند * و برای زیارت

هَجَرَ فَيْكَ صَحْبَهُ * وَجَعَلَكَ بَعْدَ اللَّهِ حَسْبَهُ * أَشْهَدُ أَنَّكَ الطُّورُ

از تمام مصاحبان دور گشته * و بعد از خدا تو را کافی از همه دانسته * گواهی می دهم که تویی طور

وَالْكِتَابُ الْمَسْطُورُ * وَفِي الرِّقِّ الْمَنْشُورِ * وَبِحُرِّ الْعِلْمِ الْمَسْجُورِ

* و کتاب مسطور * و صحیفه منتشر و مبسوط * و دریای علم فروزان

* يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنَّ لِكُلِّ مَزُورٍ عِنَايَةً فَيَمِّنُ زَارَهُ * وَقَصْدَهُ * وَآتَاهُ * وَأَنَا

* ای ولی خدا هر کس را که به زیارتش آیند به زور و قاصدان درگاهش که بر او واردند لطف و کرم مبذول دارد * و من

وَلِيكَ وَقَدْ حَطَّطْتُ رَحْلِي بِفَنَائِكَ * وَ لِحَاجَاتِي إِلَى حَرَمِكَ * وَ لَذْتُ

دوستدار تو ام * و به درگاهت رحل اقامت افکنده‌ام * و به حرم مطهرت ملتجی * و به ضریح شریف

بِضَرْبِحِكَ * لِعِلْمِي بِعَظِيمِ مَنَزَلَتِكَ * وَ شَرَفِ حَضْرَتِكَ * وَ قَدْ أَثْقَلْتُ

پناهنده شدم * چون عظمت مقام و منزلتت * و شرافت حضرتت را نزد خدا می‌دانم * و بار گناهان

الذُّنُوبُ ظَهْرِي * وَ مَنَعْتَنِي رُقَادِي * فَمَا أَجِدُ حِرْزًا وَ لَا مَعْقَلًا * وَ لَا

پشتم را سنگین * و خواب را سلب کرده * و از آن گناهان هیچ پناه و مأمن * و ملجئی

مَلْجَأًا إِلَّا إِلَيْهِ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى * وَ تَوَسَّلْتُ بِكَ إِلَيْهِ * وَ اسْتَشْفَاعِي

جز درگاه خدا * و توسل به حضرتت * و طلب شفاعت به درگاه او ابدًا

بِكَ لَدَيْهِ * فَهَا أَنَا ذَا نَازِلٍ بِفَنَائِكَ * وَ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهٌ عَظِيمٌ *

نمی‌یابم * اینک من به درگاه کرمت واردم * و تو را نزد خدا جاه و منزلت عظیم

وَ مَقَامٌ كَرِيمٌ * فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ اللَّهِ رَبِّكَ يَا مَوْلَايَ * پس بیوس ضریح را و روی

و مقام کریم است * پس ای مولای من نزد خدای متعال پروردگارت مرا شفاعت فرمای. *

خود را به قبله کن و بگو: اللَّهُمَّ اِنِّي اتَّقَرَّبُ اِلَيْكَ يَا اَسْمَعَ السَّمْعِينَ * وَ يَا

ای خدا من به سوی تو تقرب می‌جویم ای شنواتر از همه شنوندگان * و ای

أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ * وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ * وَ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ *

بیناتر از تمام بینایان عالم * و ای سریعتر از کل محاسبان * و ای بخشنده‌تر از همه سخاوتمندان *

بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * رَسُولِكَ إِلَى الْعَالَمِينَ * وَ بِأَخِيهِ وَ ابْنِ عَمِّهِ

به حق محمد خاتم پیامبران * که رسول تو بر خلق عالم است * و به حق برادر و ابن عمش

الْأَنْزِعِ الْبَطِينِ * أَلْعَالَمِ الْمُبِينِ * عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * وَ الْحَسَنِ

آن انزع بطین * دانای مبین حقایق * علی امیر مؤمنان * و به حق حضرت

وَ الْحُسَيْنِ الْأَمَامَيْنِ الشَّهِيدَيْنِ * وَ بَعْلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ *

حسن و حسین دو امام شهید * و به حق علی بن الحسین زین العابدین *

وَ بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ * وَ بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ زَكِيِّ

و به حق محمد بن علی باقرالعلوم دانای علوم پیشین * و به حق جعفر بن محمد مهربترین

الصَّدِيقِينَ * وَ بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاضِمِ الْمُبِينِ * وَ حَبِيسِ الظَّالِمِينَ

صدیقان * و به حق موسی بن جعفر مثل اعلاى واضح کظم غیظ و حلم و بردباری * و محبوس به زندان ستمکاران

و بَعْلِ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الْأَمِينِ * وَ بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ عِلْمِ

* و به حق حضرت علی بن موسی الرضا امین * و به حق حضرت محمد بن علی جواد الأئمه علم و راهنمای

الْمُهْتَدِينَ * وَ بَعْلِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرِّ الصَّادِقِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ * وَ بِالْحَسَنِ

طالبان هدایت * و به حق علی بن محمد آن یگانه نیکوکار صادق سید اهل عبادت * و به حق

بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ وَ لِيٍّ الْمُؤْمِنِينَ * وَ بِالْخَلْفِ الْحُجَّةِ صَاحِبِ

حضرت حسن بن علی عسکری ولی و حافظ اهل ایمان * و به حق خلیفه خدا

الْأَمْرِ مُظَهَّرِ الْبُرَاهِينِ * أَنْ تَكْشِفَ مَا بِي مِنَ الْهَمُومِ * وَ تَكْفِينِي شَرَّ

و حجت زمان حضرت صاحب الأمر * که آشکار کننده ادله و براهین حق است * به حق این بزرگواران که ای خدا هموم و غموم

الْبَلَاءِ الْمَحْتُومِ * وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُومِ * بِرَحْمَتِكَ يَا

قلب مرا برطرف ساز و شر بلای حتمی عالم را از من رفع * و کفایت فرما و مرا از آتش گدازنده دوزخ * در پناه گیر به حق رحمت

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * پس دعاکن برای هر چه بخواهی و وداع نما آن حضرت را و برگرد. * مؤلف گوید

بی‌انتهایت یا ارحم الراحمین. *

که: سیّد عبدالکریم بن طاووس در فَرْحَةَ الْعَرِيِّ روایت کرده که حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) وارد کوفه شد و داخل شد در مسجد آن و در مسجد بود ابو حمزه ثمالی که از زاهدین اهل کوفه و مشایخ آنجا بود پس حضرت دو رکعت نماز گذاشت. ابو حمزه گفت: نشنیدم لهجه‌ای پاکیزه‌تر از او نزدیکش رفتم تا بشنوم چه می‌گوید

شنیدم می‌گوید: **إِلَهِي إِنْ كَانَ (كُنْتُ) قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ**

خدایا اگر من تو را عصیان ورزیدم پس تو را در محبوبترین چیزها

الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ * و این دعائی است معروف. مؤلف گوید که: ذکر این دعا بعد از این در اعمال کوفه بیاید.

اطاعت نمودم *

* و آنکه ابو حمزه گفت که: آن بزرگوار آمد نزد ستون هفتم و نعلین را کند و ایستاد و دستها را تا برابر گوش بلند کرد و تکبیری گفت که جمیع موهای بدن من از دهشت آن راست ایستاد پس چهار رکعت نماز گذارد و رکوع و سجودش را نیکو به عمل آورد * پس این دعا را خواند: **(إِلَهِي إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ)** تا آخر دعا. و موافق روایت سابقه آن بزرگوار برخاست و رفت. ابو حمزه گفت که: من عقب او رفتم تا مناخ کوفه (و آن مکانی بود که شتران را در آنجا می‌خوابانیدند) دیدم در آنجا غلام سیاهی است و با او است شتر گزیده و ناقه. گفتم با او، ای سیاه این مرد کیست؟ گفت: **(أَوْ يَخْفَى عَلَيْكَ شَمَائِلُهُ)** از سیما و شمایلش او را نشناختی؟ او

علی بن الحسین است. ابوحمزه گفت: پس خود را انداختم روی قدمهای آن حضرت بوسیدم آن را که آن جناب نگذاشت و با دست خود سر مرا بلند کرد و فرمود: مکن، سجود نشاید مگر برای خداوند عزوجل. گفتم: یا بن رسول الله برای چه اینجا آمدید؟ فرمود که: از برای آنچه که دیدی (یعنی نماز در مسجد کوفه) و اگر مردم بدانند که چه فضیلتی است در آن بیابند به سوی آن اگرچه به روش کودکان خود را بر زمین کشند یعنی بیابند هر چند در نهایت سختی باشد راه رفتن بر ایشان مانند اطفالی که راه نیفتاده اند نشسته حرکت می نمایند. پس فرمود: آیا میل داری که زیارت کنی با من قبر جدّم علی بن ابیطالب (علیه السلام) را؟ گفتم: بلی. پس حرکت فرمود و من در سایه ناچه او بودم و حدیث می کرد مرا تا رسیدیم به غریبین و آن بقعه‌ای بود سفید که نور آن می درخشید. پس از شتر خویش پیاده شد و دو طرف روی خود را بر آن زمین گذاشت و فرمود: ای ابا حمزه این قبر جدّم علی بن ابیطالب (علیه السلام) است. پس زیارت کرد آن حضرت را به زیارتی که اول آن (السَّلَامُ عَلَی سَمِ اللّهِ الرَّضِیِّ وَ نُورِ وَجْهِهِ الْمُضِیِّ) است پس وداع کرد با آن قبر مطهر و رفت به سوی مدینه و من برگشتم به سوی کوفه. * مؤلف گوید که: از ذکر نکردن سید این زیارت را در فرجه تأسف می خوردم و در جستجوی آن بودم تا اینکه یک زیارتی که برای حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده ملاحظه کردم، زیارتی که در اول آن این دو جمله باشد نیافتم مگر این زیارت شریف که جمله اولش موافق است و جمله دوم مختلف. پس شاید که این زیارت همان زیارت باشد و این اختلاف چندان ضرر ندارد و اگر گویی که اول این زیارت (سَلَامُ اللّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ) است نه (السَّلَامُ عَلَی سَمِ اللّهِ الرَّضِیِّ) گوئیم اول زیارت همان (السَّلَامُ عَلَی سَمِ اللّهِ الرَّضِیِّ) است و سلام‌های سابق به منزله اذن دخول و طلب رخصت است و شاهد بر این مطلب تطبیق این زیارت است با زیارت روز مولود که کمال مشابهت را با هم دارند رجوع کن به آنجا تا بر تو معلوم شود. * و نیز بدان که در زیارت ششم و زیارت روز مولود این دو جمله بدون لفظ «نور» می باشد اما نه در اول زیارت واللّهُ العالم. * و بالجمله ما را از زیارات مطلقه همین هفت زیارت که نقل کردیم کافی است و اگر کسی بیش از این خواسته باشد بخواند زیارات جامعه را. * و بخواند نیز زیارت مبسوطی را که بعد از این برای روز غدیر نقل می کنیم زیرا که روایت شده بخواندن آن زیارت در هر وقت و در هر کجا که شخص باشد و باید غنیمت شمرد زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و نماز در آن حرم مطهر را زیرا که نماز در نزد آن بزرگوار مقابل دویست هزار نماز است. * و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که هر که زیارت کند امام مفترض الطّاعه را و نماز گذارد نزد او چهار رکعت نوشته شود برای او حجّه و عمره و ما در هدیه الزائرین اشاره کردیم به فضیلت مجاورت قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام)

لکن بشرط آنکه مجاور، حَقِّ جوار آن حضرت را ملحوظ داشته باشد و این مطلب بسیار مشکلی است که برای هرکس ممکن نیست و مقام را مقتضی ذکر آن نیست. طالبین رجوع کنند به کلمه طیبیه.

ذکر وداع امیرالمؤمنین (علیه السلام)

چون خواستی وداع کنی آن حضرت را بخوان این وداع را که بعد از زیارت پنجم مذکور در کتب علما نقل شده:

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * اَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَاسْتَرْعِيكَ

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد * با تو از خدا تقاضای وداع می‌کنم و از تو رعایت و نظر و لطف می‌طلبم

* وَاقْرَأْ عَلَيْكَ السَّلَامَ * ءَامِنًا بِاللَّهِ وَبِالرُّسُلِ وَبِمَا جَاءَتْ بِهِ

* و سلام وداع خوانده * من ایمان به خدا و رسولانش دارم و آنچه آورده‌اند *

وَدَعَتْ إِلَيْهِ وَدَلَّتْ عَلَيْهِ * فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ * اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ

و خلق را بدان خواندند و راهنمایی کردند به همه ایمان آورده‌ام * پس مرا از شاهدان و گواهان اهل ایمان بنگارید * پروردگارا

ءَاخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي أَيَّاهُ * فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ * فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي

آخرین عهد من در زیارت او قرار مده * پس هرگاه مرا قبض روح کردی * من در مرگ خود

مَمَاتِي عَلَى شَهَدَتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي * أَشْهَدُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا

گواهی می‌دهم بر آنچه در زمان حیاتم گواهی دادم * یعنی همیشه گواهی می‌دهم که علی امیر اهل ایمان است *

وَالحُسَيْنِ وَالحُسَيْنِ * وَعلِيَّ بْنِ الحُسَيْنِ * وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ

و حسن و حسین * و علی بن الحسین * و محمد بن علی و جعفر بن

بْنَ مُحَمَّدٍ * وَ موسىَ بْنَ جَعْفَرٍ * وَ عَلِيَّ بْنَ موسىَ * وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ

محمد * و موسی بن جعفر * و علی بن موسی * و محمد بن علی *

وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ * وَ الحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ * وَ الحُجَّةَ بْنَ الحُسَيْنِ * صَلَوَاتُكَ

و علی بن محمد * و حسن بن علی * و حجة بن الحسن (ع) * که درود و رحمت خدا

عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أُمَّتِي * وَ أَشْهَدُ أَنَّ مَنْ قَتَلَهُمْ وَ حَارَبَهُمْ مُشْرِكُونَ

بر جمیع آنان باد آنها همه امامان منند * و نیز گواهی می‌دهم که هر کس با آنها به جنگ و قتال برخیزد مشرک است *

وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْهِمْ فِي اسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الجَحِيمِ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ مَنْ حَارَبَهُمْ لَنَا

و کسی که بر زبان رد کند در پست‌ترین طبقات جهنم است * و نیز گواهی می‌دهم که هر کس با آنها به جنگ برخیزد

أَعْدَاءُ * وَنَحْنُ مِنْهُمْ بَرَاءٌ * وَأَنْتُمْ حِزْبُ الشَّيْطَانِ * وَعَلَىٰ مَنْ قَتَلَهُمْ

او از دشمنان ما * و ما از او بری و بیزاریم * و البته او حزب شیطان است * و لعنت خدا و

لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ * وَمَنْ شَرِكَ فِيهِمْ وَمَنْ سَرَّهُ

ملائک و جمیع مردم بر قاتلان ایشان * و مشارکان در قتلشان و کسی که به قتل آنها

قَتَلَهُمْ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَالتَّسْلِيمِ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

خوشنود باشی * ای پروردگار من از تو درخواست می‌کنم بعد از تحیت و درود و تسلیم خود * که تو کاملاً

مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ * وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ * وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ *

درود فرستی بر محمد و علی و فاطمه * و حسن و حسین * و علی و محمد *

وَجَعْفَرٍ وَمُوسَىٰ * وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ * وَعَلِيٍّ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُجَّةِ * وَلَا

و جعفر و موسی * و علی و محمد * و علی و حسن و حجت بن الحسن بر همه درود و تحیت فرستی * و

تَجَعَّلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِ * فَإِنْ جَعَلْتَهُ * فَاحْشُرْنِي مَعَ هَؤُلَاءِ

زیارت را آخرین عهد من با آنها قرار ندهی * و هرگاه آخرین زیارت آنها قرار دادی پس مرا با آن امامان که نامشان

الْمُسَمِّينَ الْأئِمَّةِ * اللَّهُمَّ وَذَلَّلْ قُلُوبَنَا لَهُمْ بِالطَّاعَةِ * وَالْمُنَاصِحَةِ

ذکر شد محشور فرما * پروردگارا و دل‌های ما را مطیع و خاضع در اطاعت * و قبول نصیحتشان

وَالْمَحَبَّةِ * وَحَسَنَ الْمُوَازَرَةِ وَالتَّسْلِيمِ * **مقصد دویم:** در زیارات مخصوصه

و محبت * و حسن خدمت و تسلیم اوامرشان بگردان. *

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و آنها چند زیارت است: ۱) **اول:** زیارت روز غدیر است که روایت شده از حضرت

امام رضا (علیه السلام) که به ابن ابی نصر فرمود: ای ابن ابی نصر هر جا که باشی حاضر شو در روز غدیر نزد قبر

امیرالمؤمنین (علیه السلام)، به درستی که حق تعالی می‌آمرزد در این روز از مرد مؤمن و زن مؤمنه گناه شصت ساله را و

آزاد می‌کند از آتش جهنم دو برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و در شب قدر و شب فطر (الخبر). و بدان که

برای این روز شریف چند زیارت نقل شده. ۱) **اول:** زیارت امین الله که در زیارت دویم مطلقه گذشت. ۲)

دویم: زیارتی است که به سندهای معتبره از حضرت امام علی نقی (علیه السلام) نقل شده که زیارت کردند حضرت

امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به آن در روز غدیر در سالی که معتمد آن حضرت را طلبیده بود. و کیفیت آن چنان است

که چون اراده زیارت نمائی بایست بر دَرِ قَبِّهِ مَنْوَرَه و رخصت طلب نما و شیخ شهید گفته که غسل می‌کنی و

پاکترین جامه‌های خود را می‌پوشی و اذن دخول می‌طلبی می‌گوئی: **اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَىٰ بَابٍ** و

این همان اذن دخول اول است که ما در اول باب نقل کردیم * پس پای راست را مقدم دار و داخل شو و برو به

نزدیک ضریح مقدس و پشت به قبله در برابر ضریح بایست و بگو: **السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ**

سلام بر محمد فرستاده خدا

اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ * وَ صَفْوَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ *

که خاتم پیغمبران * و سید رسولان * و بنده خاص خالص پروردگار عالم است *

أَمِينِ اللَّهِ عَلَى وَحْيِهِ * وَ عَزَائِمِ أَمْرِهِ * وَ الْخَاتَمِ لِمَا سَبَقَ * وَ الْفَاتِحِ

و امین خدا بر اسرار وحی اوست * و عزیمتهای فرمان * و خاتم پیغمبران * و رجال الهی گذشته

لِمَا اسْتَقْبَلَ * وَ الْمَهْيَمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ * وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ *

و فاتح آینده * و عالیتر و بلند مقامتر از همه عالم * سلام و رحمت و برکات خدا *

وَ صَلَوَاتِهِ وَ تَحِيَّاتِهِ * السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ * وَ مَلَائِكَتِهِ

و درووها و تحیات حق بر او باد * سلام بر پیغمبران و رسولان الهی * و بر فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ * وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ *

مقرب * و بندگان شایسته خدا * سلام بر تو ای امیر مؤمنان *

وَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ * وَ وَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ * وَ وَلِيِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ مَوْلَى

و سید اوصیاء * و وارث علم انبیاء * و ولی پروردگار عالم * و مولای من

وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ * وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَى

و سرور اهل ایمان * سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد * سلام بر تو ای آقای من

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ * وَ سَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ * وَ حُجَّتَهُ

ای امیر اهل ایمان * ای امین اسرار خدا در روی زمین * و سفیر خدا بر خلق * و حجت

الْبَالِغَةَ عَلَى عِبَادِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ * وَ صِرَاطَهُ

بالغه الهی بر بندگان * سلام بر تو ای دین محکم و استوار * و راه

الْمُسْتَقِيمَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ * الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ

مستقیم خدا * سلام بر تو ای خیر بزرگ عالم * که امت در آن راه اختلاف پیمودند

وَ عَنْهُ يُسْأَلُونَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * ءَامَنْتَ بِاللَّهِ

و مسئول حق خواهند بود * سلام بر تو ای امیر مؤمنان * ای آنکه تو به خدا وقتی ایمان آوردی

وَهُمْ مُشْرِكُونَ * وَصَدَقْتَ بِالْحَقِّ وَهُمْ مُكَذِّبُونَ * وَجَاهَدْتَ (فِي اللَّهِ)

که امت همه هنوز مشرک بودند * و هنگامی که تو حق را تصدیق کردی آنها همه تکذیب نمودند * و تو در راه دین خدا با کمال

وَهُمْ مُحْجَمُونَ (مُجْمَحُونَ) * وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ * صَابِرًا

شجاعت جهاد می کردی و آنها همه ترسان و گریزان بودند * و تو خدا را پرستش می کردی با اخلاص کامل در دین * با شکیبایی

مُحْتَسِبًا حَتَّىٰ آتَاكَ الْيَقِينُ * أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ * السَّلَامُ

و بردباری تا آنکه به مقام یقین نایل شدی * الا ای اهل عالم لعنت خدا بر ظالمان و ستمکاران عالم باد * سلام

عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ * وَيَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِينَ * وَإِمَامَ الْمُتَّقِينَ *

بر تو ای سید ملت اسلام * و پیشوای اهل ایمان * و امام صاحبان تقوی *

وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمَحْجَلِينَ * وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ * أَشْهَدُ أَنَّكَ أَخُو

و قائد روسفیدان و آبرومندان و نیکویان عالم * سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد * گواهی می دهم که

رَسُولِ اللَّهِ وَوَصِيِّهِ * وَوَارِثِ عِلْمِهِ وَآمِينِهِ * عَلَىٰ شَرْعِهِ * وَخَلِيفَتِهِ *

تو برادر رسول خدائی و وصی * و وارث علم رسول خدا و امین بر حفاظ شرع او * و خلیفه رسول در میان

فِي أُمَّتِهِ * وَأَوَّلُ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ * وَصَدَقَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَىٰ نَبِيِّهِ * وَأَشْهَدُ

امت او * و اول کسی که به دعوت او به خدا ایمان آورد * و به آنچه بر پیغمبرش نازل فرمود تصدیق کرد * و گواهی می دهم

أَنَّهُ * قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ مَا أَنْزَلَهُ * فِيكَ * فَصَدَّعَ بِأَمْرِهِ * وَأَوْجَبَ عَلَىٰ

که او رسانید از جانب خدا آنچه را باید درباره تو به خلق برساند * پس امر خدا را به صدای بلند رسانید * و بر امت لزوم

أُمَّتِهِ فَرَضَ طَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ * وَعَقَدَ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ * وَجَعَلَكَ

طاعتت و محبتت را فرض و واجب گردانید * و بر بیعت و امامت عقد و پیمان از امت گرفت * و تو را اولی

أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ * كَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ كَذَلِكَ * ثُمَّ أَشْهَدُ اللَّهَ

و سزاوارتر از نفوس اهل ایمان بر خود آنها قرار داد * چنانکه خدای متعال چنین مقرر داشته بود * سپس خدا را بر امت

تَعَالَىٰ عَلَيْهِمْ * فَقَالَ السَّتُّ قَدْ بَلَغْتُ * فَقَالُوا اللَّهُمَّ بَلَىٰ * فَقَالَ اللَّهُمَّ

گواه گرفت * که فرمود آیا من حکم خدا را درباره خلافت علی به شما نرسانیدم؟ * همه گفتند بلی یا رسول الله * پس

أَشْهَدُ وَكَفَىٰ بِكَ شَهِيدًا * وَحَاكِمًا بَيْنَ الْعِبَادِ * فَلَعَنَ اللَّهُ جَا حِدَ

رسول خدا گفت خدایا تو گواه باش * که گواهی و حکم تو میان بندگان کفایت می کند * پس لعن خدا باد بر آنان

وَلَايَتِكَ بَعْدَ الْإِقْرَارِ * وَنَاكَثَ عَهْدِكَ بَعْدَ الْمِيثَاقِ * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ

که ولایت و امامت را بعد از اقرار انکار کردند * و عهد و پیمان را شکستند * و گواهی می دهم که تو

وَفِيَتْ بَعْدَ اللَّهِ تَعَالَى * وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى مُوفٍ لَكَ بِعَهْدِهِ * وَمَنْ أَوْفَى

به عهد خدای متعال وفا کردی * و خدا هم به عهد تو وفا کرد * و هر که وفا کند

بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ * فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ

به عهدی که خدا بر او بسته البته اجر عظیم از حق خواهد یافت * و باز گواهی می‌دهم که تو

الْمُؤْمِنِينَ * الْحَقُّ الَّذِي نَطَقَ بِوَلَايَتِكَ التَّزْيِيلُ * وَأَخَذَ لَكَ الْعَهْدَ

به حق و حقیقت امیر اهل ایمانی * که آیات قرآن آسمانی بر ولایت و امامت ناطق است * و رسول حق بر امت

عَلَى الْأُمَّةِ بِذَلِكَ الرَّسُولِ * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَعَمَّكَ وَأَخَاكَ الَّذِينَ تَاجَرْتُمْ

بر خلافت الهیات عهد و پیمان گرفت * و باز گواهی می‌دهم که تو و عمویت و برادرت (جعفر) به فدا کردن

اللَّهُ بِنَفْسِكَ * فَاَنْزَلَ اللَّهُ فِيكُمْ * إِنْ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

جانتان با خدا تجارت کردید * تا آنکه خدا در حق شما این آیات نازل کرد * ان الله اشترى من المؤمنين

أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَّهُمْ الْجَنَّةُ * يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ

انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة * يقاتلون في سبيل الله فيقتلون

وَيُقْتَلُونَ * وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ * وَمَنْ أَوْفَى

و یقتلون * وعدا علیه حقا فی التوریه و الإنجیل و القرآن * و من اوفی

بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ * فَاسْتَبَشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ * وَذَلِكَ هُوَ

بعهدہ من اللہ * فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به * و ذلك هو

الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * أَتَّابِعُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ * أَسَائِحُونَ الرَّكَعُونَ

الفوز العظيم * اتتابعون العابدون الحامدون * السائحون الركعون

السَّاجِدُونَ * الْأُمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ * وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ * وَالْحَافِظُونَ

الساجدون * الأمرون بالمعروف * و الناهون عن المنکر * و الحافظون

حُدُودِ اللَّهِ * وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ * أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الشَّاكَّ

لحدود الله * و بشر المؤمنین * از گواهی می‌دهم ای امیر اهل ایمان که هر کس درباره امامت

فِيكَ مَا ءَامَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ * وَأَنَّ الْعَادِلَ بِكَ غَيْرَكَ عَانِدٌ (عَادِلٌ) عَنِ

شک کند محققا به رسول امین خدا نیابوده است * و هر که دیگری را بر تو همانند و عدیل گردانید کفر و عناد

الدِّينِ الْقَوِيمِ * الَّذِي ارْتَضَاهُ لَنَا رَبُّ الْعَالَمِينَ * وَاكْمَلَهُ بِوَلَايَتِكَ

ورزیده است در دین محکم و استواری * که پروردگار عالمیان بر ما پسندیده و انتخاب فرموده * و آن دین را به ولایت و محبت تو

يَوْمَ الْغَدِيرِ * وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنَى بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ * ﴿وَ أَنْ هَذَا

روز غدیر به حد کمال رسانید * و باز گواهی می‌دهم که در کلام خدای مقتدر مهربان مقصود تویی که فرمود * ﴿وَ أَنْ هَذَا

صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ * وَ لَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بِكُمْ عَنْ

صراطی مستقیما فاتبعوه * و لا تتبعوا السبیل فتنفرق بکم عن

سَبِيلِهِ * ﴿ضَلَّ وَاللَّهُ وَ أَضَلَّ مَنْ اتَّبَعَ سِوَاكَ * وَ عِنْدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ

سبیله * ﴿قسم به خدا که هر کسی متابعت غیر تو را کرد هم خود گمراه شد و هم مردم را گمراه کرد * و هر که با تو دشمنی کرد با

عَادَاكَ * اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ وَ أَطَعْنَا * وَ اتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ

حق عناد و لجاج ورزید * بارالها فرمان تو را شنیدیم * و اطاعت کرده و راه مستقیم تو را پیروی

فَاهِدْنَا * رَبَّنَا وَ لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا إِلَى طَاعَتِكَ * وَ اجْعَلْنَا

کردیم * پس تو ای پروردگار دل‌های ما را پس از نور هدایتت به راه طاعت از ظلمت گمراهی نگاهدار * و ما را از شکرگزاران

مِنَ الشَّاكِرِينَ لِأَنْعَمِكَ * وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ لِلْهُوَى مُخَالَفًا * وَ لِلتَّقَى

نعمت‌هایت (خصوص نعمت ولایت علی «ع») مقرر فرما * و باز گواهی میدهم که تو همیشه با هوای نفس مخالف * و با تقوی

مُخَالَفًا * وَ عَلَى كَظْمِ الْغَيْظِ قَادِرًا * وَ عَنِ النَّاسِ عَافِيًا غَافِرًا * وَ إِذَا

هم پیمان * و بر فرو بردن خشم توانا بودی * و از بدیهای مردم طریق عفو و غفران پیمودی * و از هنگامی که خلق عصیان از فرمان

عَصَى اللَّهُ سَاخِطًا * وَ إِذَا أَطِيعَ اللَّهُ رَاضِيًا * وَ بِمَا عَهْدَ إِلَيْكَ عَامِلًا

خدا می‌کردند سخت خشمناک می‌شدی * و چون راه طاعت می‌پیمودند خوشنود می‌گشتی * و به هر چه پیمان داشتی به‌جا می‌آوردی

* رَاعِيًا لِمَا اسْتَحْفِظْتَ * حَافِظًا لِمَا اسْتَوْدَعْتَ * مَبْلَغًا مَا حَمَلْتَ

* و آنچه را باید محفوظ داری کاملا رعایت کرده در نظر داشتی * و آنچه تو را به ودیعت سپردند محافظت فرمودی * و آنچه از فرمان حق به عهده داشتی

* مُنْتَظِرًا مَا وَعَدْتَ * وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَا اتَّقَيْتَ ضَارِعًا * وَ لَا أَمْسَكَتَ

* که به خلق تبلیغ کنی کردی * و باز گواهی میدهم که محققا تقیه‌تو از دشمنان * نه از جهت خوری بود بلکه رضای خدا را در آن دانستی * و خودداری

عَنْ حَقِّكَ جَازِعًا * وَ لَا أَحْجَمْتَ عَنْ مُجَاهَدَةِ غَاصِبِيكَ (غَاصِيكَ)

تو از گرفتن حق خلافتت نه از جهت جزع و عجز تو بود * و صبر کردند از جهاد آنانکه حقت را غصب کردند نه از جهت

نَاكِلًا * وَ لَا أَظْهَرْتَ الرِّضَى بِخِلَافِ مَا يُرِضِي اللَّهُ مَدَاهِنًا * وَ لَا وَهَنْتَ

ناخوانی بود * و هرگز اظهار رضایت بر خلاف رضای خدا از آنها نکردی از راه مداهنه * و نفاق

لِمَا أَصَابَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ لَا ضَعُفْتَ وَ لَا اسْتَكْنَتَ عَنْ طَلَبِ

و ستمها که به تو رسید * نه از راه سستی تسلیم دشمنان شدی و از طلب حق خود ابدًا

حَقِّكَ مُرَاقِبًا * مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ تَكُونَ كَذَلِكَ * بَلْ إِذْ ظَلِمْتَ احْتَسَبْتَ

کوتاهی نکردی * و از جهت زبونی و ناتوانی و ترس که چنین کس بودی * بلکه ظلمی که به تو کردند در راه دین

رَبِّكَ * وَفَوَّضْتَ إِلَيْهِ أَمْرَكَ * وَذَكَرْتَهُمْ فَمَا ادَّكُرُوا * وَوَعظْتَهُمْ فَمَا

رضای خدا را منظور داشتی * و کارت را به خدا واگذاشتی * و مخالفان و دشمنانت را به ذکر پند و اندرز دادی * آنها

اتَعَضُّوا * وَخَوَّفْتَهُمُ اللَّهَ فَمَا تَخَوَّفُوا * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

تغافل ورزیدند * و از خدا ترسانیدی آنان خدا ترس نشدند * و باز گواهی می‌دهم که تو ای امیر اهل ایمان

جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ * حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ * وَقَبَضَكَ

* محققا در راه خدا جهاد کامل کرده و حق مجاهدت را به جای آوردی * تا هنگامی که خدایت در جوار رحمت خود طلبید * و به

إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ * وَالزَّمَ أَعْدَائَكَ الْحُجَّةَ بِقَتْلِهِمْ إِيَّاكَ * لِتَكُونَ الْحُجَّةَ

دست رضا و اختیار قبض روح شریف کرده و به سوی خود برد * و دشمنانت که تو را به قتل رسانیدند * به حجت

لَكَ عَلَيْهِمْ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ * السَّلَامُ

ملزم و محکوم ساخت * تا آنکه حجت بالغه بر تمام خلق با تو بود * سلام بر تو

عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا * وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ

ای امیر اهل ایمان * تو بندگی خدا را با خلوص تام به جا آوردی * و در راه خدا با شکیبایی و حلم

صَابِرًا * وَجَدْتَ بِنَفْسِكَ مُحْتَسِبًا * وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ * وَاتَّبَعْتَ

مجاهده فرمودی * و به فرمان حق جان خود را فدا ساختی * و طبق کتاب خدا عمل * و از سنت

سُنَّةِ نَبِيِّهِ * وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ * وَءَاتَيْتَ الزَّكَاةَ * وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ

رسول (ص) پیروی کردی * و نماز را به پا داشتی * و زکوة به مستحقان ادا کردی * و تا حد قدرت و توانایی امر به معروف

* وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ مَا اسْتَطَعْتَ * مُبْتَغِيًا مَا عِنْدَ اللَّهِ * رَاغِبًا

* و نهی از منکر کردی * و همه را برای طلب رضا و نعم الهی * و شوق و رغبت به وعده‌های رحمت

فِيمَا وَعَدَ اللَّهُ * لَا تَحْفَلُ بِالنَّوَائِبِ * وَلَا تَهْنُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ * وَلَا

حق انجام دادی * و در نواب و سختیهای روزگار باک نداشتی * و سست نگشتی * و از

تُحْجَمُ عَنْ مُحَارِبِ * أَفَكَ مَنْ نَسَبَ غَيْرَ ذَلِكَ إِلَيْكَ * وَافْتَرَى بَاطِلًا

جنگها باز نایستادی * و هر که غیر از این اوصاف سخنی درباره تو گفت * دروغ و بهتان باطل و

عَلَيْكَ * وَأَوْلَى لِمَنْ عِنْدَ عَنكَ * لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ *

بی‌حقیقت است * و لایق دشمنان و معاندان توست * تو همانا در راه دین خدا حق مجاهدت فرمودی *

وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى صَبْرًا حَسَابًا * وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَصَلَّى

و بر آزار امت صبر و شکیبایی را رعایت کردی * و تویی اول شخص که به خدا ایمان آورد و نماز او را

لَهُ * وَجَاهِدَ وَابْدَى صَفْحَتَهُ فِي دَارِ الشَّرِكِ * وَالْأَرْضُ مَشْحُونَةٌ

به پا داشت * در دیار شرک و بت پرستی * که از کفر و ضلالت مشحون بود * و شیطان روشن

ضَلَالَةً * وَالشَّيْطَانُ يُعْبَدُ جَهْرَةً * وَأَنْتَ الْقَائِلُ لَا تَزِيدُنِي كَثْرَةَ

و آشکار معبود مردم در آن سرزمین * تو چون روی آوردی عرض اندام نمودی و تو آنکه فرمودی نه اجتماع مردم

النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً * وَلَا تَفَرِّقْهُمْ عَنِّي وَحِشَةً * وَلَوْ أَسْلَمَنِي النَّاسُ

به گرداگرد من موجب عزت و تکبر من شود * و نه تفرق مردم از دور من مرا به وحشت و اضطراب آرد * اگر تمام مردم

جَمِيعًا لَمْ أَكُنْ مُتَضَرِّعًا * اِعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ فَعَزَّزْتَ * وَءَاثَرْتُ الْآخِرَةَ

مرا تسلیم کنند ابدًا زار و نالان نخواهم بود * تو از خدا عصمت و نگهبانی طلب کردی که عزت یافتی * و آخرت را بر دنیا اختیار کردی

عَلَى الْأُولَى فَزَهَّدْتَ * وَآيِدَكَ اللَّهُ وَهَدَاكَ * وَأَخْلَصَكَ وَاجْتَبَاكَ *

که از دنیا زهد ورزیدی * و خدا تو را مؤید فرمود و هدایت به سوی خود کرد * و اخلاص کامل در توحید عطا فرمود تو را از تمام امت برگزید *

فَمَا تَنَاقَضَتْ أَعْمَالُكَ * وَلَا اخْتَلَفَتْ أَقْوَالُكَ * وَلَا تَقَلَّبَتْ أَحْوَالُكَ

نه هرگز اعمال تناقض * و نه گفتارت اختلاف داشت * و نه احوالت دگرگون و متغیر گشت

* وَلَا ادَّعَيْتَ وَلَا افْتَرَيْتَ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا * وَلَا شَرِهْتَ إِلَى الْمُحْطَامِ

* و نه هرگز ادعایی در دین خدا کردی و نه دروغ و افترا بستی * و نه هرگز حرص و شره بر متاع ناقابل دنیا داشتی

* وَلَا دَنَسَكَ الْأَثَامُ * وَلَمْ تَزَلْ عَلَى بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّكَ * وَيَقِينٍ مِنْ أَمْرِكَ

* و نه هرگز دنس و پلیدی معاصی جان پاکت را آلوده ساخت * و همیشه از جانب خدا با بینه و برهان روشن بودی * و با مقام

تَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * أَشْهَدُ شَهَادَةَ حَقِّ * وَأَقْسِمُ

یقین در همه کارت * خلق را هدایت به طریق حق و راه راست کردی * باز به حق شهادت می‌دهم * و به خدا

بِاللَّهِ قَسَمَ صِدْقٍ * أَنْ مُحَمَّدًا وَءَالَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ سَادَاتُ

به راستی قسم یاد می‌کنم * که حضرت محمد و آل اطهارش صلوات الله علیهم آنان سید و پیشوایان

الْمَخْلُوقِ * وَأَنَّكَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ * وَأَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَوَلِيُّهُ *

خلق بودند * و محققا تو ای امیر مؤمنان مولای من و مولای تمام اهل ایمانی * و تو به حقیقت بنده خدا و ولی خدا *

وَإِخْوَانُ الرَّسُولِ وَوَصِيَّهُ وَوَارِثُهُ * وَأَنَّهُ الْقَائِلُ لَكَ * وَالَّذِي بَعَثَنِي

و برادر رسول خدا (ص) و وصی او و وارث او هستی * و تویی آن کس که رسول (ص) در حقت گفت * به آن خدایی که مرا به حق

بِالْحَقِّ مَا ءَامَنَ بِي مِنْ كَفَرٍ بِكَ * وَلَا اقْرَبُ بِاللَّهِ مِنْ جَحْدِكَ * وَقَدْ ضَلَّ

مبعوث گردانید ایمان به من نیاورده آن کس که به تو کافر شود * و اقرار به خدا نداشته آن کس که تو را انکار کند * و محققا گمراه

مَنْ صَدَّ عَنْكَ * وَلَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ * وَلَا إِلَى مَنْ لَا يَهْتَدِي بِكَ * وَهُوَ

است آنکه امت را از تو باز داشت * و به خدا و رسالت من هدایت نیافته آن کس که به سوی تو هدایت نیافت * و این سخن

قَوْلِ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ * وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا * *

پروردگار من عز و جل است که فرمود * من البته آمرزنده گناهان آن کسم که توبه کند و ایمان آورده و عمل صالح کند * *

ثُمَّ اهْتَدَى إِلَى وِلَايَتِكَ * مَوْلَايَ فَضْلِكَ لَا يَخْفَى * وَنُورِكَ لَا يُطْفَأُ

و سپس به ولایت و امامت علی (ع) هدایت یابد * ای مولای من فضیلت و برتری تو پنهان * و نور تو خاموش شدنی

(لَا يُطْفِئُ) * وَأَنَّ مِنْ جَحْدِكَ الظُّلُومَ الْأَشْقَى * مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى

نخواهد بود * و البته آنان که تو را انکار کردند ستمکار و شقی ترین خلق بودند * و تویی که حجت خدا بر

العِبَادِ * وَالْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ * وَالْعُدَّةُ لِلْمَعَادِ * مَوْلَايَ لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ

بندگان * و هادی خلق به راه رشاد * و دوستیات ذخیره روز معاد است * ای مولای من خدا در

فِي الْأُولَى مَنَزَلَتِكَ * وَاعْلَى فِي الْأُخْرَةِ دَرَجَتِكَ * وَبَصْرَكَ مَا عَمِيَ عَلَى

اول مقام تو را منزلت رفیع داد * و در آخرت عالیتترین رتبه عطا فرمود * و تو را بینا گردانید در آنچه مخالفان

مَنْ خَالَفَكَ * وَحَالِ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَوَاهِبِ اللَّهِ لَكَ * فَلَعَنَ اللَّهُ

کور و نابینا بودند * لذا میان تو و امامت که موهبت خدا بر تو بود حایل و مانع شدند (و تو را از آن مقام منع کردند) * پس خدا

مُسْتَحِلِّي الْحُرْمَةِ مِنْكَ * وَذَائِدِي الْحَقِّ عَنْكَ * وَأَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْأَخْسَرُونَ

لعنت کند آنان را که حرمت مقامت را بردند * و حق تو را از تو گرفتند * و باز گواهی می‌دهم که همه آنان از زیانکارترانند

* الَّذِينَ تَلْفَحُ وُجُوهُهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالْحُجُونَ * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا

* که فرا گیرد آتش به رویشان و در دوزخ زشت منظر باشند * و باز گواهی می‌دهم که تو

أَقْدَمْتَ وَلَا أَحْجَمْتَ * وَلَا نَطَقْتَ وَلَا أَمْسَكْتَ إِلَّا بِأَمْرِ مِنَ اللَّهِ

اقدام به کاری نکردی و از امری باز ننشستی * و سخنی نگفتی و سکوتی نکردی جز به امر خدای متعال

وَرَسُولِهِ * قُلْتَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ * لَقَدْ نَظَرْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى

و رسول او * تو خود گفستی قسم به آنکه جانم به آنکه دست قدرت او است * که رسول صلی الله علیه و آله

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * أَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قَدَمًا * فَقَالَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي

به من می‌نگریستی * هنگامی که بر همه سبقت گرفته و شمشیر می‌زدی * و فرمود یا علی تو نسبت به من

بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى * إِلَّا أَنَّهُ * لَا نَبِيَّ بَعْدِي * وَأَعْلَمُكَ أَنَّ مَوْتَكَ

به منزله هارونی نسبت به موسی (ع) * جز اینکه پیغمبری بعد من نخواهد بود * و تو را آگاه کنم که در حیات

و حَيَاتِكَ مَعِيَ وَ عَلَى سُنَّتِي * فَوَاللَّهِ مَا كَذَبْتُ وَلَا كَذَبْتُ * وَلَا

و ممات همه جا با من و با سنت من خواهی بود * و من کذب هرگز نگفتم و رسول (ص) به من کذب نفرموده * و هرگز

ضَلَلْتُ وَلَا ضَلَّ بِي * وَلَا نَسِيتُ مَا عَهَدَ إِلَيَّ رَبِّي * وَإِنِّي لَعَلَى بَيْنَةِ

من گمراه نشده‌ام و کسی به واسطه من گمراه نگشته * و هرگز عهد خدا را فراموش نکردم * و من با دلیل و برهان از جانب

مِنْ رَبِّي * بَيْنَهَا لِنَبِيِّهِ وَ بَيْنَهَا النَّبِيُّ لِي * وَإِنِّي لَعَلَى الطَّرِيقِ الواضِحِ

پروردگارم بودم * آن برهانی که خدا به رسول خود داد و او همان برهان را بر من روشن ساخت * و من البته به طریق حق کلمه به

الْفِظْهُ وَ لَفْظًا * صَدَقْتُ وَ اللّٰهُ وَ قُلْتُ الْحَقَّ * فَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ سَاوَأَكَ

کلمه واضح و آشکارا رفتم * تو صدق فرمودی به خدا قسم و به حق سخن گفتمی * پس خدا لعنت کند کسی را که تو را مساوی

بِمَنْ نَاوَأَكَ * وَ اللّٰهُ جَلَّ اسْمُهُ * يَقُولُ * هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ

کرد با مردم جاهلی که از تو دور بودند یا آهنگ مقام تو کردند * در صورتی که خدا فرموده * آیا آنانکه دانا هستند با آنانکه نادانند

وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ * فَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مِنْ فَرَضِ اللّٰهُ عَلَيْهِ

مساوی هستند؟ * پس خدا لعنت کند آنان را که عدل و همانند تو شمردند کسانی را که خدا و رسول پیشوایی و امامت تو را

وَلَايَتِكَ * وَ أَنْتَ وَ لِي اللّٰهُ وَ أَخُو رَسُولِهِ * وَ الذَّابُّ عَنْ دِينِهِ * وَ الَّذِي

بر آنان فرض کرده بود * و تو ولی خدا و برادر رسول خدایی * و یگانه مدافع و طرفدار دین خدا * و تو آن کسی که

نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ * قَالَ اللّٰهُ تَعَالَى * وَ فَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِينَ

به برتریش قرآن ناطق است * آنجا که این آیات را فرمود * او فضل الله المجاهدين

عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا * دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً * وَ كَانَ

علی القاعدين اجرا عظيمًا * درجات منه و مغفرة و رحمة * و كان

اللّٰهُ غَفُورًا رَحِيمًا * وَ قَالَ اللّٰهُ تَعَالَى * أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ

الله غفورا رحيمًا * که در این آیه مبارکه مجاهدين مقصود علی (ع) است * [اجعلتم سقاية الحاج و عمارة

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ * كَمَنْ آمَنَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ

المسجد الحرام * كمن آمن بالله و اليوم الآخر * و جاهد في سبيل الله * لا يستوون

اللّٰهُ * لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللّٰهِ * وَ اللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ * الَّذِينَ

عند الله * و الله لا يهدي القوم الظالمين * که در این آیه مبارکه هم (کمن آمن بالله و اليوم الآخر و جاهد في سبيل الله) مراد علی

ءَامَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ

(ع) است * [الذين آمنوا و هاجروا و جاهدوا فى سبيل الله باموالهم و انفسهم

دَرَجَةً عِنْدَ اللّٰهِ * وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ * يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم بِرَحْمَةٍ

اعظم درجه عند الله * و اولئك هم الفائزون * يبشرهم ربهم برحمة

مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ * وَ جَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا * إِنْ

منه و رضوان * و جنات فيها نعيم مقیم خالدین فیها ابدًا * إن

اللّٰهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ * أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَخْصُوصُ بِمَدْحَةِ اللّٰهِ

الله عنده اجر عظیم * که این آیه مبارکه هم مراد علی بن ابی طالب است * باز شهادت می دهیم ای امیر مؤمنان که تو مخصوص به

الْمُخْلِصُ لِبَطَاعَةِ اللّٰهِ * لَمْ تَبْغِ بِالْهُدَىٰ بَدَلًا * وَ لَمْ تُشْرِكْ بِعِبَادَةِ

مدح خدایی * که خدا را به اخلاص کامل پرستش کردی * و ابدا هدایت خدا را به چیزی نفروختی * و در پرستش پروردگارت هرگز

رَبِّكَ أَحَدًا * وَ أَنَّ اللّٰهَ تَعَالَىٰ اسْتَجَابَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ

احدی را شریک قرار ندادی * و همانا خدای تعالی دعای رسولش صلی الله علیه و آله را در حق تو

فِيكَ دَعْوَتُهُ * ثُمَّ أَمَرَهُ بِأَظْهَارِ مَا أَوْلَاكَ لِأُمَّتِهِ * إِعْلَاءَ لِسَانِكَ *

مستجاب کرد * سپس خدا پیمبرش را مأمور کرد که اولویت امامت را بر امت اظهار کند * تا علو شأن و مقام تو بر امت هویدا گردد *

وَ إِعْلَانًا لِبرْهَانِكَ * وَ دَحْضًا لِلْبَاطِلِ * وَ قَطْعًا لِلْمَعَاذِيرِ * فَلَمَّا

و برهان حقانیت بر خلق آشکار شود * و سخنان باطل مخالفان محو و نابود شود * و بهانه های مردم منقطع گردد * و به واسطه

أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَاسِقِينَ * وَ اتَّقَىٰ فِيكَ الْمُنَافِقِينَ * أَوْحَىٰ إِلَيْهِ رَبُّ

اینکه رسول از فتنه و فساد فاسقان امت بیمناک بود * و درباره تو از منافقین خائف بود * خدای رب العالمین به او

الْعَالَمِينَ * ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ * وَ إِنْ لَمْ

وحی فرستاد * که ای رسول آنچه از پروردگارت بر تو نازل شد به امت برسان * که اگر نرسانی

تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ * وَ اللّٰهُ يَعْصَمُكَ مِنَ النَّاسِ * فَوَضَعَ عَلَىٰ

رسالت خدا را ابدا تبلیغ نکرده ای * که خدا تو را حفظ خواهد کرد * پس از نزول آیه رسول زحمت مسیر

نَفْسِهِ أَوْ زَارَ الْمَسِيرِ * وَ نَهَضَ فِي رَمَضَانَ الْهَجِيرِ * فَخَطَبَ وَ أَسْمَعَ

سفر را بر خود نهاد * و در بیابان ریگزار و گرمای سخت قیام کرد * خطبه ای فرمود و با ندای بلند به همه امت شنواید

وَ نَادَىٰ فَابْلَغْ * ثُمَّ سَأَلَهُمْ أَجْمَعٌ * فَقَالَ هَلْ بَلَّغْتُ * فَقَالُوا اللّٰهُمَّ بَلِّ

و حکم خدا را ابلاغ کرد * و پس از ابلاغ از امت سؤال کرد * که ای مردم آیا من امر خدا را به شما ابلاغ کردم؟ * همه عرض کردند

فَقَالَ اللَّهُ اشْهَدْ * ثُمَّ قَالَ السَّتُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ *

بلی یا رسول الله * پس از آن عرض کرد خدایا تو گواه باش * سپس باز گفت که آیا من بر مؤمنان اولی از خودشان نیستم *

فَقَالُوا بَلَىٰ * فَاخْذْ بِيَدِكَ وَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَاهُ *

مردم همه عرض کردند بلی یا رسول الله * و آنگاه دست تو را بگرفت و فرمود من کنت مولا فهدا علی مولا *

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ * وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ * وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ * وَاخْذُلْ

بارالها دوست دار هر که علی را دوست دارد * و دشمن دار هر که علی را دشمن دارد * و یاری کن هر که علی را یاری کند * و خوار گردان هر که

مَنْ خَذَلَهُ * فَمَا ءَامَنَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ عَلَىٰ نَبِيِّهِ إِلَّا قَلِيلٌ * وَلَا

علی را خوار خواهد * و باز ای امیر اهل ایمان مردم به آنچه خدا در حق تو به رسولش نازل فرمود جز اندکی مردم باز ایمان نیاوردند * و

زَادَ أَكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَحْسِيرٍ * وَلَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ فِيكَ مِنْ قَبْلِ وَهْمٍ

اکثرشان جز زیان بر خود نیفزودند * و همانا خدا ازین بیش درباره تو آیاتی نازل فرمود و اکثر امت کراهت و نفرت از قبول

كَارَهُونَ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ

آن داشتند * (مانند این آیات قرآن) [یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینہ... الخ] معنی آنکه آن قومی که خدا آنها را

يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ * أَذَلَّةٌ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَىٰ

دوست دارد و آنها خدا را * و نسبت به اهل ایمان خوار و متواضع هستند * و نسبت به کافران با عزت و

الْكَافِرِينَ * يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ * ذَلِكَ

مناعتند * و در راه دین جهاد کنند * از ملامت خلق باک ندارند * مراد از آن قوم علی (ع) و

فَضَّلَ اللَّهُ يَوْمَئِذٍ مَنِشَاءً * وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ * إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ

شیعیان اوست و آیه در شأن علی است * و باز مانند این آیه [انما ولیکم الله و رسوله

وَ رَسُولُهُ * وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

و الذین آمنوا... الخ] که این آیه هم در شأن امیر المؤمنین علیه السلام هنگامی که در نماز و در حال رکوع

وَهُمْ رَاكِعُونَ * وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ

زکوة به سائل اعطا کرد نازل گردید * و این آیه [و من يتول الله و رسوله و الذین آمنوا... الخ] که در شأن

اللَّهُ هُمُ الْغَالِبُونَ * رَبَّنَا ءَامَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا

علی (ع) نازل شد هنگامی که دیگران در جنگی پشت به حکم خدا و رسول کردند آن حضرت

مَعَ الشَّاهِدِينَ * رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا * وَهَبْ لَنَا مِنْ

رفت و در جنگ فتح کرد و باز آمد * و آیه [ربنا آما بما انزلت... الخ] که این آیات

لَدُنْكَ رَحْمَةً * إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ * اللَّهُمَّ اِنَّا نَعْلَمُ أَنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ

همه در شأن علی (ع) است * پروردگارا ما به یقین می‌دانیم که این آیات حق است و از جانب تو

مِنْ عِنْدِكَ * فَالْعَنْ مَنْ عَارَضَهُ * وَ اسْتَكْبَرَ * وَ كَذَبَ بِهِ وَ كَفَرَ *

نازل گردیده * پس ای خدا لعنت کن آنان را که با علی (ع) به ظلم معارضه کردند و گردن کشی و سرپیچی نموده و او را تکذیب نموده

* وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

و کافر شدند * و زود باشد که بدانند آنان که ستم کردند که به کجا خواهند رفت * سلام بر تو ای

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ * وَ أَوَّلَ الْعَابِدِينَ * وَ أَرْهَدَ الزَّاهِدِينَ

امیر مؤمنان * و سید اوصیاء * و اول عابدان حق * و زاهدترین اهل زهد و تقوی

* وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ * وَ صَلَوَاتِهِ * وَ تَحِيَّاتِهِ * أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعَامِ

* سلام خدا بر تو باد * و درود و رحمت و تحیات الهی * توئی که برای خدا طعام

عَلَى حُبِّهِ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا لِرُجْحَةِ اللَّهِ * لَا تُرِيدُ مِنْهُمْ جَزَاءً

به مسکین و یتیم و اسیر دادی با وجودی که خود احتیاج به آن طعام داشتی * و از آنها هیچ پاداش و

وَ لَا شُكْرًا * وَ فِيكَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى * وَ يُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ

سپاسگزاری نخواستی * و باز در حق تو خدا نازل کرد [و یؤثرون علی انفسهم و لو

كَانَ بِهِمْ خِصَاصَةٌ * وَ مَنْ يُوقِ شَحْنَهُ فَوَلَيْكَ هُمْ الْمَفْلُحُونَ *

كان بهم خصاصة * و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون] *

* وَ أَنْتَ الْكَاطِمُ لِلْغَيْظِ وَ الْعَافِي عَنِ النَّاسِ * وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

و تویی مقصود و فرد اکمل از [و الکاظمین الغیظ و العافین عن الناس و الله یحب المحسنین]

* وَ أَنْتَ الصَّابِرُ فِي الْبِئْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبِئْسِ * وَ أَنْتَ الْقَاسِمُ

* و تویی فرد اتم و مصداق اکمل [الصابرین فی البیساء و الضراء و حین البیس] * و تویی امام قسمت کننده (حقوق امت و بیت المال)

بِالسُّوِيَّةِ * وَ الْعَادِلُ فِي الرَّعِيَّةِ * وَ الْعَالَمُ بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ

به تساوی * و سلطان با عدالت کامل در حق رعیت * و عالم به حدود الهی در میان جمیع خلق

* وَ اللَّهُ تَعَالَى أَخْبَرَ عَمَّا أَوْلَاكَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ * أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا

* و خدای متعال خبر داد از سبب آنکه تو را به فضل خود برتری داد و اولویت داد در آنجا که فرمود * [افمن کان مؤمنا

كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ * أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ *

کمن کان فاسقا لا یستوون] * و فرمود [اما الذین آمنوا و عملوا الصالحات *

فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۰﴾ وَأَنْتَ الْمَخْصُوصُ

فلهم جنات الماوی نزلا بما كانوا یعملون * و انت المخصوص علم

بِعِلْمِ التَّنْزِيلِ ﴿۱۱﴾ وَحُكْمِ التَّأْوِيلِ ﴿۱۲﴾ وَنَصِّ الرَّسُولِ ﴿۱۳﴾ وَلَكَ الْمَوَاقِفُ

تنزیل قرآن * و حکم تأویل آن * و نص رسول به امامت مخصوص توست * و فتح و فیروزی مخصوص و منحصر به دست ید الاهی

الْمَشْهُودَةِ ﴿۱۴﴾ وَالْمَقَامَاتِ الْمَشْهُورَةِ ﴿۱۵﴾ وَالْأَيَّامِ الْمَذْكُورَةِ ﴿۱۶﴾ يَوْمَ بَدْرٍ

تو بود در مواقع سخت مشهود خلق * و مقامات مشکل مشهور امت * و ایام صعب ناگوار * مانند

وَيَوْمِ الْأَحْزَابِ ﴿۱۷﴾ إِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ

روز جنگ بدر و روز جنگ احزاب (که به غزوه خندق مشهور است) * که در آن ایام خدا

﴿۱۸﴾ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظَّنُونَا ﴿۱۹﴾ هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زُلْزَالًا

مؤمنان را امتحان کرد و همه سخت متزلزل و مضطرب شدند * و منافقان امت و آنان که

شَدِيدًا ﴿۲۰﴾ وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ ﴿۲۱﴾ مَا وَعَدَنَا

دلهاشان مریض بود گفتند * وعدههای خدا و رسول به ما غرور و

اللَّهِ وَرَسُولَهُ وَالْأَغْرُورًا ﴿۲۲﴾ وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ ﴿۲۳﴾ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا

فریبی بیش نبود * و طایفه ای از آنان گفتند * ای اهل یثرب زمین دیگر اینجا مقام نتوانید

مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا ﴿۲۴﴾ وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ ﴿۲۵﴾ يَقُولُونَ إِنَّا بِيُوتِنَا

کرد باز گردید * و گروهی از رسول (ص) اذن معافیت از جنگ می گرفتند * ما در خانههای خود عورت و زنان و دختران

عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ ﴿۲۶﴾ إِن يُرِيدُونَ الْإِفْرَارًا ﴿۲۷﴾ وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿۲۸﴾ ﴿۲۹﴾ وَلَمَّا

بی سرپرست داریم در صورتی که چنین نبود * و قصدی جز فرار از جهاد نداشتند * و خدا فرمود * چون مؤمنان

رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ ﴿۳۰﴾ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ ﴿۳۱﴾ وَصَدَقَ

غوغای دشمن را در جنگ احزاب دیدند * گفتند که این همان فتح و نصرتی است که خدا و رسول به ما وعده داده اند * و راست

اللَّهُ وَرَسُولُهُ ﴿۳۲﴾ وَمَا زَادَهُمُ الْإِيمَانًا وَتَسْلِيمًا ﴿۳۳﴾ فَكَتَلَتْ عَمْرَهُمُ

وعده دادند * آن غوغا چیزی جز به مقام ایمان و تسلیم آنها نیفزود * یا علی در آن هنگام بود که تو عمرو آنها را کشتی

وَهَزَمَتْ جَمْعَهُمْ ﴿۳۴﴾ ﴿۳۵﴾ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغِيظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا

و جمعیت لشکریانشان را منهزم و مغلوب ساختی * و خدا آن کافران را با دلهای پر خشم برگردانید و به هیچ خیری نایل نشدند

﴿۳۶﴾ وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ ﴿۳۷﴾ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا ﴿۳۸﴾ ﴿۳۹﴾ وَيَوْمَ أُحُدٍ

* و خدا مؤمنان را از رنج کارزار بیاسود که خدا را بر عالمیان نیروی بی حد و اقتدار کامل است * و باز در روز جنگ اُحد *

﴿ اذ يَصْعَدُونَ وَلَا يَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ ۖ وَالرَّسُولُ يَدْعُهُمْ فِي آخِرِهِمْ ۖ ﴾

که کار بسیار سخت و دشوار بر مسلمانان گردید و این آیه راجع به آن است [اذ یصعدون و لا یلؤون... الخ] * در آن حال

﴿ وَأَنْتَ تَذُودُ بِهِمُ الْمُشْرِكِينَ عَنِ النَّبِيِّ ذَاتِ الْيَمِينِ وَذَاتِ الشَّمَالِ ۖ ﴾

سخت جنگ احد تو تنها با برق شمشیرت مشرکان را از آزار پیغمبر از چپ و راست دور ساختی و دفع

﴿ حَتَّى رَدَّهُمُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمَا خَائِفِينَ ۖ وَنَصْرَبِكَ الْخَاذِلِينَ ۖ وَيَوْمَ آسِيبُ دُشْمَنِ مِنْ سُرُورٍ ۖ ﴾

تا آنکه خدا (به نصرت و عنایت خود) کافران را با ترس و

﴿ حُنَيْنٍ عَلَىٰ مَا نَطَقَ بِهِ التَّنْزِيلُ ۖ ﴾ ﴿ اذْءَعْجَبْتَكُمْ كَثْرَتِكُمْ فَلَمْ تُغْنِ هِرَاسَ أَرْضِ تَعْرِضَ تُو و پِیغمبر (ص) برگردانید * و لشکر شکست خورده را به واسطه تو خدا

عَنْكُمْ شَيْئًا ۖ وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ۖ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ

نصرت و فیروزی بخشید * و باز در روز جنگ حنین چنانکه قرآن بدان ناطق است

﴿ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ ۖ وَالْمُؤْمِنُونَ إِذْءَعْجَبْتُمْ كَثْرَتَكُمْ... الخ] * و در این آیه مقصود از کلمه مؤمنین یا علی تویی و یاران (و

﴿ أَنْتَ وَمَنْ يَلِيكَ ۖ وَعَمَّكَ الْعَبَّاسُ يُنَادِي الْمُنْهَزِمِينَ ۖ يَا أَصْحَابَ

محبان تو) * و در آن حال عمومی تو عباس به صدای بلند در حالی که لشکر رو به فرار می‌گذاشت ندا می‌کرد * ای اصحاب

﴿ سُورَةِ الْبَقَرَةِ ۖ يَا أَهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ ۖ حَتَّى اسْتَجَابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ

سوره بقره * و ای اهل بیعت شجره * تا آنکه قومی ندای عباس را اجابت کردند * و در

﴿ كَفَيْتَهُمُ الْمَوْنَةَ ۖ وَتَكَفَّلْتَ دُونَهُمُ الْمَعُونَةَ ۖ فَعَادُوا أَيْسِينَ مِنْ

آن هنگام یا علی تو تنها کسی بودی که مؤنت و زحمت جنگ را از سپاه اسلام برداشتی * و متکفل یاری دین بدون مساعدت

﴿ الْمَثُوبَةِ ۖ رَاجِينَ وَعَدَّ اللَّهُ تَعَالَىٰ بِالتَّوْبَةِ ۖ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ ۖ

آنها شدی * با آنکه لشکر مایوس از ثواب جنگ شدند چون به جنگ پشت کردند * و به توبه و انابه به عفو خدا امیدوار بودند و این

﴿ ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ ۖ ﴾ ﴿ وَأَنْتَ حَائِزٌ دَرَجَةِ

است کلام خدا در این واقعه * [ثم یتوب الله من بعد ذلك علی من یشاء] * و تو یا علی در آن روز دارای درجه

﴿ الصَّبْرِ ۖ فَائِزٌ بِعَظِيمِ الْأَجْرِ ۖ وَيَوْمَ خَيْبَرَ إِذْ أَظْهَرَ اللَّهُ خَوَرَ الْمُنَافِقِينَ

و مقام صبر * و نایل به اجر عظیم خدا بودی * و باز در روز جنگ خیبر که خدا ضعف و سستی منافقین را بر مؤمنین آشکار کرد

﴿ وَقَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ۖ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۖ ﴾ ﴿ وَلَقَدْ كَانُوا

* و کافران را قطع امید و شکست سخت نصیب گشت * و حمد خدا را که رب تمام عوالم است * و در صورتی که

عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُولُونَ الْآدْبَارَ * وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا *

لشکر اسلام عهد با خدا و رسول کرده بودند که در جهاد به جنگ پشت نکنند * و مسئول عهد خدا بودند *

مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ * وَالْمَحَبَّةُ الْوَاضِحَةُ * وَالنِّعْمَةُ السَّابِغَةُ

ای مولای من تویی حجت بالغه خدا * و طریق واضح حق * و نعمت واسعه الهی

وَالْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ * فَهَنِيئًا لَكَ بِمَا آتَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ * وَتَبًّا

و برهان روشن * پس تو را آن همه فضل و برتری که از جانب خدا عطا شده گوارا باد * و محروم باد آن کس که از جهل

لِشَانِكَ ذِي الْجَهْلِ * شَهِدْتَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمِيعَ

با تو عناد و شماتت کرد * تویی یا علی که در جمیع جنگها با پیغمبر صلی الله علیه و آله حاضر بودی و به اتفاق او در راه خدا

حُرُوبِهِ وَ مَغَازِيهِ * تَحْمَلُ الرَّايَةَ أَمَامَهُ * وَ تَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قَدَامَهُ *

جهاد می‌کردی * و پرچم اسلام را پیشاپیش پیغمبر (ص) می‌بردی * و در جلو او شمشیر به فرق دشمنان می‌زدی

ثُمَّ لِحَزْمِكَ الْمَشْهُورِ وَ بَصِيرَتِكَ فِي الْأُمُورِ * أَمَرَكَ فِي الْمَوَاطِنِ وَ لَمْ

* و چون حزم و تدبیر و بصیرت در امور مشهور بود * تو را پیغمبر در بسیار مواطن فرمانفرما کرد و هیچکس بر تو

يَكُنْ عَلَيْكَ أَمِيرٌ * وَ كَمِ مِنْ أَمْرِ صَدَّكَ عَنْ أَمْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ التَّقَى

امیر و فرمانفرما نبود * و چه بسیار اموری که تقوی تو را از عزم و اقدام در آن امور بازداشت

وَ اتَّبَعَ غَيْرَكَ فِي مِثْلِهِ الْهَوَى * فَظَنَّ الْجَاهِلُونَ أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا إِلَيْهِ

* و غیر تو دیگران در آن کار به هوای نفس اقدام می‌کردند * آنگاه مردم جاهل می‌پنداشتند تو از آن

انْتَهَى * ضَلَّ وَاللَّهُ الظَّانُّ لِدَلِيلِكَ وَمَا اهْتَدَى * وَ لَقَدْ أَوْضَحْتَ مَا

عاجز بودی * و البته هر که چنین پندارد عقلش گمراه است * تو خود در مقام عمل تمام اشکالات را بر آنان

أَشْكَلَ مِنْ ذَلِكَ لِمَنْ تَوَهَّمُوا وَ امْتَرَى * بِقَوْلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ * قَدْ

که توهم باطل درباره تو کردند و افترا بستند واضح و روشن ساختی * به کلام معجز نظامت صلوات الله عليك * آنجا که

يَرَى الْحَوْلَ الْقَلْبُ وَجَهَ الْحَيَلَةَ * وَ دُونَهَا حَاجِزٌ مِنْ تَقْوَى اللَّهِ *

فرمودی چه بسا مردم حيله گر متقلب در کارها راهی به حيله بازی پیدا می‌کنند * در صورتی که خدا ترسی اهل تقوی را

فَيَدْعُهَا رَأَى الْعَيْنِ * وَ يَنْتَهِزُ فُرْصَتَهَا مِنْ لَا حَرِيحَةَ (جَرِيحَةَ) لَهُ * وَ فِي

از اقدام به آن کار باز می‌دارد * و به رأی العین ترک می‌کند * و آنکه درد دین ندارد در آن کار اقدام

الدِّينِ * صَدَقْتَ وَاللَّهُ وَ خَسِرَ الْمُبْطِلُونَ * وَ إِذَا مَا كَرَّكَ النَّاكِثَانَ

می‌کند * به خدا راست فرمودی یا امیرالمؤمنین و اهل باطل زبانکاران عالمند * و باز هنگامی که آن دو عهد شکن با تو مکر کرده

فَقَالَا نُرِيدُ الْعُمْرَةَ * فَقُلْتَ لَهُمَا لَعَمْرُكُمَا مَا تُرِيدَانِ الْعُمْرَةَ * لَكِنْ

و گفتند ما عزم عمره داریم * و تو در جوابشان فرمودی که به جان خودتان که دروغ می‌گویید شما قصد عمره ندارید * بلکه

تُرِيدَانِ الْغَدْرَةَ * فَاخَذْتَ الْبَيْعَةَ عَلَيْهِمَا * وَ جَدَدْتَ الْمِيثَاقَ *

به فکر خدعه با من بر آمده‌اید * پس تو از آن دو بیعت گرفتی * و تجدید عهد و پیمان کردی *

فَجَدُّا فِي النِّفَاقِ * فَلَمَّا نَبَهْتَهُمَا عَلَىٰ فِعْلِهِمَا أَغْفَلَا وَ عَادَا وَ مَا انْتَفَعَا

و آنان در نتیجه نفاق خود را جدیتر کردند * و آنگاه که تو آنان را بر فعلشان آگاه و تنبیه ساختی باز تغافل کرده و هیچ منتفع از تذکر تو

* وَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهِمَا خُسْرًا * ثُمَّ تَلَاهُمَا أَهْلَ الشَّامِ فَسَرَّتْ إِلَيْهِمْ

نشدند * و عاقبت کارشان خسران گردید * سپس از پی مخالفت (طلحه و زبیر) اهل شام به مخالفت برخاستند باز به دفع آنان شتافتی پس

بَعْدَ الْأَعْذَارِ * وَ هُمْ يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ * وَ لَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ * هَمَجٌ

از آنکه اعداز و اتمام حجت بر آنها کردی * و آنها به دین حق ایمان نیاورده * و در قرآن تدبیر نکردند * که آن مردم پست

رِعَاعٌ ضَالُّونَ * وَ بِالَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ فَيْكَ كَافِرُونَ * وَ لِأَهْلِ الْخِلَافِ

احمق گمراه بودند * و به آیتی که خدا بر رسول محمد (ص) درباره خلافت تو فرستاد کافر شدند * و با

عَلَيْكَ نَاصِرُونَ * وَ قَدْ أَمَرَ اللَّهُ بِاتِّبَاعِكَ * وَ نَدَبَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَىٰ

مخالفتان تو همدست شدند * در صورتی که خدا امت را به پیروی تو مأمور کرد * و اهل ایمان را به یاری تو

نَصْرِكَ * وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ * وَ كُونُوا مَعَ

خواند * آنجا که فرمود [یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله * و کونوا مع الصادقین] * که مقصود از صادقان در این آیه علی (ع) و یازده فرزند و

الصَّادِقِينَ * مَوْلَايَ بَكَ ظَهَرَ الْحَقُّ * وَ قَدْ نَبَذَهُ الْخَلْقُ * وَ أَوْضَحْتَ

شیعیان او هستند * ای مولای من به واسطه وجود تو دین حق آشکار گردید * در حالی که مردم همه آن دین را پشت سرافکندند * و تو

السُّنَنَ بَعْدَ الدُّرُوسِ وَ الطَّمَسِ * فَلَكَ سَابِقَةُ الْجِهَادِ عَلَىٰ تَصْدِيقِ

تنها سنن و احکام الهی را واضح و روشن ساختی بعد از آنکه مندرس و محو و پامال شده بود * پس تو هم بر تنزیل و نصوص قرآن

التَّنْزِيلِ * وَ لَكَ فَضِيلَةُ الْجِهَادِ عَلَىٰ تَحْقِيقِ التَّوْبِيلِ * وَ عَدُوَّكَ عَدُوَّ

بر جهاد سبقت گرفتی * و هم فضیلت جهاد در راه دین بر تآویل و حقیقت قرآن مخصوص تو گردید * تویی که دشمن

اللَّهِ * جَا حِدٌ لِرَسُولِ اللَّهِ * يَدْعُو بِاطِلَالٍ * وَ يَحْكُمُ جَائِرًا * وَ يَتَأَمَّرُ

خدا را دشمن * و رسول خدا را منکر است * و خلق را به راه باطل می‌خواند * و به جور و بیداد حکم میکند * و امارت و حکومتش

غَاصِبًا * وَ يَدْعُو حِزْبَهُ إِلَى النَّارِ * وَ عَمَّارٌ يُجَاهِدُ وَ يَنَادِي بَيْنَ

به غصب و ظلم است * و پیروان خود را به آتش دوزخ دعوت می‌کند * و عمار یاسر از جانب تو به جهاد با دشمنانت رفت و بین

الصَّفِينِ * الرُّوْحَ الرَّوَّاحِ إِلَى الْجَنَّةِ * وَلَمَّا اسْتَسْقَى فَسَقَى اللَّبْنَ *

دو صف ایستاد * و ندا کرد که ای مردم ای یاران علی بکشید در جنگ * و بشتابید بسوی بهشت و هنگامی که در جنگ تشنه شد

كَبَّرَ وَقَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * آخِرُ شَرَابِكَ *

* و به او به جای آب هنگام جان دادن شیر نوشانیدند زبان به الله اکبر گشود و گفت * رسول خدا صلی الله علیه و آله در حق من

مِنَ الدُّنْيَا ضِيَاحٌ مِّنْ لَّبَنِ * وَ تَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ * فَاعْتَرَضَهُ *

فرمود آخر شربت که تو در دنیا نوشی شیر است * و تو را ای عمار سپاه ستمکار شهید خواهند کرد * در این حال بود

أَبُو الْعَادِيَةِ الْفَزَارِيُّ فَقَتَلَهُ * فَعَلَى أَبِي الْعَادِيَةِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ لَعْنَةُ *

که ابو العادیه فزاری به مبارزه او درآمد و آن بزرگوار را شهید کرد * پس بر قاتل عمار (ابو العادیه) از خدا

مَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ أَجْمَعِينَ * وَ عَلَى مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ * وَ سَلَّتَ *

و جمیع ملائکه و پیغمبران خدا لعنت باد * و بر هر که شمشیر بر روی تو ای امیر مؤمنان کشید * یا تو

سَيْفِكَ عَلَيْهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ إِلَى يَوْمِ *

شمشیر بر روی او کشیدی * که البته از مشرکان و منافقان خواهد بود تا قیامت لعنت

الدِّينِ * وَ عَلَى مَنْ رَضِيَ بِمَا سَأَلَكَ وَ لَمْ يَكْرَهُهُ * وَ اغْمَضَ عَيْنَهُ *

باد * و نیز بر هر کس که راضی به آزار تو باشد و دفاع از اذیت بر تو نکند * و چشم پوشی

وَلَمْ يَنْكُرْ * أَوْ أَعَانَ عَلَيْكَ بِيَدٍ أَوْ لِسَانٍ * أَوْ قَعَدَ عَن نَّصْرِكَ * أَوْ *

* و یا با دست یا زبان با دشمنانت یاری کند * یا از یاری تو خودداری کرده * و

خَذَلَ عَنِ الْجِهَادِ مَعَكَ * أَوْ غَمَطَ فَضْلَكَ وَ جَحَدَ حَقَّكَ * أَوْ عَدَلَ *

از جهاد باز ایستد * یا مقام فضل و برتری تو را بر تمام امت خوار و کوچک گرداند و حق امامت را انکار کند * یا از تو

بِكَ مَن جَعَلَكَ اللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ * وَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ *

عدول به غیر کند و حال آنکه خدا تو را ولی بر او از نفس او قرار داد بر تمام اینان لعنت باد * و سلام

اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ سَلَامُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ * وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ أَعْلَى الطَّاهِرِينَ *

و درود و تحیات و رحمت و برکات الهی بر تو * و بر امامان آل پاک تو باد

إِنَّهُ * حَمِيدٌ مَّجِيدٌ * وَ الْأَمْرُ الْأَعْجَبُ * وَ الْخَطْبُ الْأَفْطَعُ بَعْدَ جَحْدِكَ *

* که خدا پسندیده صفات و با مجد و بزرگواری است * و امر عجیبت و حادثه ناگوارتر بعد از غصب

حَقَّكَ * غَضَبُ الصِّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَدَكَا * وَ رَدُّ *

امامت تو * غصب فدک حضرت صدیقه طاهره سیده زنان عالم بود * و رد کردن

شَهَادَتِكَ وَ شَهَادَةِ السَّيِّدِينَ سُلَّاتِكَ * وَ عِتْرَةَ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ

شهادت تو و دو سید اهل بهشت حضرت امام حسن و حضرت امام حسین فرزندان * که عترت پیغمبر خدا

عَلَيْكُمْ * وَقَدْ أَعَلَى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ * وَ رَفَعَ مَنَزَلَتَكُمْ

بودند * درود و رحمت خدا بر شما اهل بیت پیغمبر (ص) باد که خدا شما را بر تمام امت بلند مرتبه تر * و منزلت شما را رفیعتر قرار داد

* وَ ابَانَ فَضْلَكُمْ وَ شَرَّفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ * فَازْهَبْ عَنْكُمْ الرَّجْسَ

* و فضل و شرافت شما را بر اهل عالم آشکار کرد * و شما را از هر رجس و ناپاکی

وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا * قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ * إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا *
پاک و منزّه ساخت * خدای عز و جل فرمود: انسان طبعاً و خلقتاً حریص و ناشکیبا است *

اِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا * وَ اِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا * اِلَّا الْمُصَلِّينَ *

هر گاه شری به او برسد به جزع و ناله درآید * و چون به خیری نایل گردد از حرص منع احسان می‌کند * مگر اهل نماز *

فَاسْتَشْنَى اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ الْمُصْطَفَى * وَ اَنْتَ يَا سَيِّدَ الْاَوْصِيَاءِ مِنْ

که مراد پیغمبر برگزیده‌اش * و شخص تو ای امیر مؤمنان است که از تمام خلق تو سید اوصیاء

جَمِيعِ الْخَلْقِ * فَمَا اَعَمَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ * ثُمَّ اَفْرَضُوكَ سَهْمَ

رسولی * پس چه اندازه در گمراهی سرگشته و حیران ماندند آنان که در امر امامت و سلطنت الهیه درباره تو ستم کردند * آنگاه از

ذَوِي الْقُرْبَى مَكْرًا * وَ اَحَادُوهُ عَنِ اَهْلِهِ جَوْرًا * فَلَمَّا اَالَ الْاَمْرَ الْيَدَكَ

راه مکر و خدعه سهم ذوی القربی را بر تو فرض و لازم گردانیدند * و به ظلم و جور از اهل آن فدک و حقوق ذوی القربی را

اَجْرِيَّتَهُمْ عَلَيَّ مَا اَجْرِيَا * رَغْبَةً عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَكَ * فَاشْبَهَتْ

منع کردند * و سپس که امر خلافت به تو بازگشت باز از آن برای رضای حق درگذشتی * پس حال مظلومی

مَحْنَتِكَ بِهِمَا مَحْنِ الْاَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَ الْوَحْدَةِ وَ عَدَمِ

و محنت و آلام تو به محن و آلام پیغمبران علیهم السلام شبیه بود در هنگامی که آنها تنها و بی‌یار

الْاَنْصَارِ * وَ اَشْبَهَتْ فِي الْبَيَاتِ عَلَى الْفِرَاشِ الذَّبِيحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ *

و یاور بودند * و باز حال تو در شبی که به جای پیغمبر (ص) به بستر او خفتی شبیه به حال

اِذَا جَبْتَ كَمَا اَجَابَ * وَ اطَّعْتَ كَمَا اطَّاعَ اِسْمَاعِيلُ صَابِرًا مُحْتَسِبًا

اسماعیل ذبیح الله است * که چون پدرش به او گفت ای پسر عزیز من در خواب

اِذْ قَالَ لَهُ * يَا بَنِي اِنِّي اَرَى فِي الْمَنَامِ اَنِّي اَذْبَحُكَ * فَانظُرْ مَاذَا تَرَى *

مأمور به ذبح تو گردیده‌ام * رأی تو در این کار چیست *

مأمور به ذبح تو گردیده‌ام * رأی تو در این کار چیست *

قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ *

در پاسخ گفت ای پدر هر چه مأموری از جانب خدا انجام ده که مرا انشاء الله از صابران خواهی یافت *

وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا آبَاتِكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَآمَرَكَ أَنْ

همچنین تو را نیز چون رسول خدا صلی الله علیه و آله مأمور کرد * که در بستر او

تَضَجَّعَ فِي مَرَقِدِهِ وَاقِيًّا لَهُ * وَبَنَفْسِكَ * أَسْرَعْتَ إِلَىٰ إِجَابَتِهِ مُطِيعًا *

بخوابی * رسول خدا (ص) را به زودی اجابت کردی *

وَ لِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوْطِنًا * فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ * وَ أَبَانَ

و خود را به جای رسول (ص) برای کشته شدن آماده ساختی * خدا هم طاعتت را پاداش داد * و کار نیکوی تو را

عَنْ جَمِيلٍ فَعَلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ * * وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ

بر امت آشکار کرد به قولش جل ذکره تعالی در آیه * [و من الناس من يشري نفسه

ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ * * ثُمَّ مَحْنَتِكَ يَوْمَ صِفِّينَ * وَقَدْرَفَعْتَ الْمَصَاحِفَ

ابتغاء مرضاة الله] * باز رنج و محنتت در جنگ صفین بسیار بود * در حالی که به مکر و حيلة معاویه قرآنها را بر سر نیزه

حِيلَةً وَمَكْرًا * فَأَعْرَضَ الشُّكُّ وَعَزَفَ الْحَقُّ * وَ اتَّبَعَ الظَّنُّ * أَشْبَهَتْ

بلند کردند * و مردم را به شک و شبهه انداختند و آیین حق را به بازی گرفتند * و گمان خود را پیروی کردند * آن هنگام

مِحْنَةَ هَارُونَ إِذْ أَمَرَهُ مُوسَىٰ عَلَىٰ قَوْمِهِ * فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ وَ هَارُونَ يُنَادِي

غصه تو شبیه به هارون برادر موسی بود که او را بر امت امیر گردانید * و مردم از گردش متفرق شدند و هر چه هارون آنان را

بِهِمْ وَيَقُولُ * يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ * وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي

ندا کرد و گفت شما به این گوساله سامری امتحان می‌شوید * پروردگار شما خدای رحمان است، پیرو من باشید

وَاطِيعُوا أَمْرِي * قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ *

و امر مرا اطاعت کنید * قوم موسی به هارون گفتند ما بر پرستش گوساله ثابت مانیم تا موسی به سوی ما بازگردد

وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا رَفَعْتَ الْمَصَاحِفَ * قُلْتَ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا

* همچنین بود حال تو هنگامی که قرآنها را بالای نیزه کردند * و تو فرمودی ای مردم این فتنه و خدعه

وَ خُدَعْتُمْ * فَعَصَوْكُمْ وَ خَالَفُوا عَلَيْكُمْ * وَ اسْتَدْعَوْا نَصَبَ الْحَكَمِيِّينَ

و امتحان شماست * آنان با تو راه مخالفت پیموده و عصیان امر تو کردند * و از تو تقاضای نصب دو حاکم کردند پس تو

فَأَبَيْتَ عَلَيْهِمْ * وَ تَبَرَّاتَ إِلَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ * وَ فَوَّضْتَهُ إِلَيْهِمْ *

از نصب حکمین ابا کردی * و از فعل زشت آنها به سوی خدا بی‌بزاری جستی * و کار را به ناچار به آنها وا گذاردی *

فَلَمَّا اسْفَرَ الْحَقُّ وَسَفِهَ الْمُنْكَرُ * وَاعْتَرَفُوا بِالزَّلْلِ وَالْجَوْرِ عَنِ الْقَصْدِ

آنگاه که حق آشکار شد و سفاهت و عمل زشتشان معلوم آمد * و به خطای خود و جور و خلاف خود اعتراف کردند از آن بعد باز

اِخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ * وَالزُّمُوكَ عَلَى سَفِهِ التَّحْكِيمِ الَّذِي آيَاتُهُ وَأَحْبُوهُ

راه اختلاف کلمه و نفاق پیمودند * و حکم سفیهانهای را که از آنها تقاضا کردند و تو ابا کردی و آنان دوست داشتند

وَ حَضْرَتَهُ وَأَبَا حُوا ذَنْبَهُمُ الَّذِي اقْتَرَفُوهُ * وَأَنْتَ عَلَى نَهْجِ بَصِيرَةٍ

* و تو خطا و مخاطر شمردی باز آنها گناه که خود مرتکب شدند مباح و روا شمردند * و تو همیشه با بصیرت و طریق

وَهْدَى * وَهُمْ عَلَى سُنَنِ ضَلَالَةٍ وَعَمَى * فَمَا زَالُوا عَلَى التَّفَاقِ مُصْرِبِينَ

هدایت بودی * و آنها بر طریق گمراهی و نابینایی رفتند * و در راه ضلالت تردد می‌کردند تا آنکه خدا وبال و کیفر

وَ فِي الْغَى مُتَرَدِّدِينَ حَتَّى أَذَاقَهُمُ اللَّهَ وَبَالَ أَمْرِهِمْ * فَاَمَاتَ بِسَيْفِكَ

کار زشتشان را به آنها چشانید تا آنکه معاندان و مخالفت همه شقی و بدبخت شدند * و با شمشیر تو

مَنْ عَانِدَكَ فَشَقِي وَهُوَى * وَ أَحْبَبِي بِحُجَّتِكَ مَنْ سَعَدَ فَهَدَى صَلَوَاتُ

به قعر جهنم در افتادند * و سعادتمندان اصحاب به حجت و ارشاد تو هدایت یافته و زنده

اللَّهُ عَلَيْكَ غَايِبَةٌ وَرَائِحَةٌ * وَ عَاكِفَةٌ وَ ذَاهِبَةٌ * فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ

جاوید گردیدند پس درود خدا بر تو در تمام آغاز * و انجام حرکات و سکانات * ای که هیچ مدح کننده‌ای به اوصاف کمالیات

وَصَفِكَ * وَلَا يُحِبُّ الطَّاعِنُ فَضْلَكَ * أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةَ *

احاطه نخواهد کرد * و طاعنان و دشمنان هم باز به مقام فضل و کمال تو محیط نتوانند گشت * تو از حیث عبادت و بندگی خدا بهترین خلق *

وَ أَخْلَصَهُمْ زَهَادَةً * وَ أَذَبَهُمْ عَنِ الدِّينِ * أَقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجَهْدِكَ

و از جهت زهد و تقوی خالصترین بندگان * و از همه کس در دفع دشمنان دین سخت‌تر بودی * تویی که با مجاهده بسیار حدود و ارکان دین اسلام

وَ فَلَلْتَ عَسَاكِرَ الْمَارِقِينَ بِسَيْفِكَ * تَحْمَدُ لَهَبِ الْحُرُوبِ بَيْنَانِكَ

را استوار کردی * و عساکر گردنکشان را به شمشیرت شکست دادی و از پا در آوردی * و به سرپنجه قدرت آتش جنگها را خاموش ساختی

وَ تَهْتِكُ سُتُورَ الشُّبُهَةِ بِيَانِكَ * وَ تَكْشِفُ لَبْسَ الْبَاطِلِ عَنْ صَرِيحِ

* و پرده شبهات را با لسان معجز بیان بردیدی * و حق صرف را از باطل محض آشکارا

الْحَقِّ * لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لِأَنْتُمْ * وَ فِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَ غِنَى عَنْ

گردانیدی * هرگز در دین خدا از ملامت بدگویان باگ نداشتی * و به مدح و عنایت خدای متعال خود را

مَدْحِ الْمَادِحِينَ * وَ تَقْرِيضِ الْوَاصِفِينَ * قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

از مدح * و توصیف خلق بی‌نیاز دانستی * خدای تعالی فرمود [مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ * فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ * وَمِنْهُمْ

رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه * فمنهم من قضى نحبه و منهم

مَنْ يَنْتَظِرُ * وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا * * وَلَمَّا رَأَيْتَ أَنَّ قَتَلْتَ النَّاكِثِينَ

من ينتظر * و ما بدلوا تبديلا * * و چون که با عهد شکنان و ستمگران و مارقان به عزم

وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ * وَصَدَقَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

جنگ و قتال برخاستی * و صدق وعده رسول خدا صلی الله علیه و آله را آشکارا

وَعَدَهُ * * فَأَوْفَيْتَ بَعْدَهُ * قُلْتَ أَمَا إِنْ أَنْ تُخْضَبَ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ * أَمْ

کردی * و به عهد رسول خدا وفا کردی * و فرمودی آیا اینک نرسیده زمانی که محاسنم از خون سرم خضاب گردد * آیا کی شقیترین

مَتَى يُبْعَثُ أَشْقَاهَا * * وَاثِقًا بِأَنَّكَ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّكَ * * وَبَصِيرَةً مِنْ

افراد امت بر این کار مبعوث خواهد شد * و در کمال وثوق و اطمینان بودی از حجت و بینة پروردگار خود به حقانیت * و با بصیرت

أَمْرِكَ * * قَادِمٌ عَلَىٰ اللَّهِ * * مُسْتَبْشِرٌ بِبَيْعِكَ الَّذِي بَايَعْتَهُ * * بِهِ * * وَذَلِكَ

و بینایی در همه کارت اقدام فرمودی * و از سفراین جهان که بر خدا وارد شدی * با مبايعه خداست بسی شاد خاطر خواهی بود * و این

هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * * اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَنْبِيَائِكَ * * وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ

است رستگاری و فیروزی بزرگ * پروردگارا لعنت فرست به جمیع انواع لعن و عذاب بر قاتلان پیغمبران * و اوصیاء

بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ * * وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ * * وَالْعَنْ مَنْ مِنْ غَضَبِ وَلِيِّكَ

پیغمبران خود * و آن قاتلان را به حرارت آتش دوزخت واصل ساز * و نیز لعنت کن کسی را که حق ولی تو را

حَقَّهُ * * وَانْكَرْ عَهْدَهُ * * وَجَحْدَهُ * * وَبَعْدَ الْيَقِينِ وَالْإِقْرَارِ بِالْوِلَايَةِ لَهُ * * وَ

غضب کرد * و پس از اقرار * و بعد از یقین به ولایت او در روز غدیر که روز تکمیل دین حق بود باز عهد او

يَوْمَ اكْمَلْتَ لَهُ الدِّينَ * * اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ ظَلَمَهُ * * وَ

و بیعت با او را انکار کرد * پروردگارا لعنت فرست بر قاتلان امیر المؤمنین و بر هر که در حق او ظلم کرد

* * وَأَشْيَاعَهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ * * اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي الْحُسَيْنِ وَقَاتِلِيهِ * *

* و بر پیروان و انصار قاتلانش هم لعنت فرست * پروردگارا بر قاتلان و ظالمان * و پیروان دشمنان

وَالْمُتَابِعِينَ عَدُوَّهُ * * وَنَاصِرِيهِ * * وَالرَّاضِينَ بِقَتْلِهِ وَخَاذِلِيهِ لَعْنًا

حسین * و بر آنانکه به قتل آن حضرت خوشنود بودند و آنانکه یاری او نکردند بر همه آنان لعنت و عذاب بسیار شدید

وَبَيْلًا * * اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ وَمَانِعِيهِمْ حَقُوقَهُمْ * *

فرست * پروردگارا لعنت فرست بر اولین ظالمی که در حق آل محمد ظلم و ستم کرد و مانع از حق آنها گردید *

اللَّهُمَّ خُصَّ أَوْلَ ظَالِمٍ وَ غَاصِبٍ لِأَلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ * وَ كَلَّ مُسْتَنِّ *
 پروردگارا اولین ظالم و غاصب حق آل محمد را * و هر کس تا قیامت سنت او را پیروی کرد

بِمَا سَنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ (وَآلِ مُحَمَّدٍ) خَاتَمِ
 مخصوص به لعن خود بگردان * پروردگارا بر محمد خاتم رسولان خود * و بر

النَّبِيِّينَ * وَ عَلَى عَلِيِّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ * وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ * وَاجْعَلْنَا
 سید اوصیاء و امیر المؤمنین علی (ع) * و آل اطهار او درود و رحمت فرست * و ما را از آنان که

بِهِمْ مُتَمَسِّكِينَ * وَ بَوْلَايَتِهِمْ مِنَ الْفَائِزِينَ الْأَمْنِينَ * الَّذِينَ لَا خَوْفَ
 رشته عهدشان را محکم نگهداشت * و به واسطه ولایت و محبت آنها به فوز و سعادت ابد رسید و ایمن از عذاب دوزخ گردید * که دیگر ابدا

عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ * مؤلف گوید که: ما در کتاب هدیه الزائرین اشاره کردیم به سند این
 هیچ خوف و اندوهی در دل ندارند مقرر فرما. *

زیارت و آنکه این زیارت را در هر روز از نزدیک و دور می شود خواند و این فایده جلیله ای است که البته راغبین در
 عبادت و شائقین زیارت حضرت شاه ولایت (علیه السلام) آن را غنیمت خواهند شمرد. ۳ سیّم: زیارتی است که در
 اقبال از حضرت صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: هرگاه در روز عید غدیر نزد قبر شریف حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)
 باشی نزدیک قبر شریف آن حضرت برو و بعد از نماز و دعا و اگر در شهرهای دیگر باشی اشاره کن به جانب آن

حضرت بعد از نماز: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَ أَخِي نَبِيِّكَ * وَ وَزِيرِهِ
 خدایا درود فرست بر ولی خود و برادر پیغمبر * و وزیر او

وَ حَبِيبِهِ وَ خَلِيلِهِ * وَ مَوْضِعَ سِرِّهِ وَ خَيْرَتِهِ مِنْ أَسْرَتِهِ * وَ وَصِيَّهُ
 و حبیب او و دوست خالص او * و محل سر او و منتخب او از خاصانش * و وصی او

وَ صَفْوَتِهِ * وَ خَالِصَتَهُ وَ أَمِينَهُ وَ وَلِيَّهُ * وَ أَشْرَفَ عِزَّتِهِ الَّذِينَ آمَنُوا
 و برگزیده * و دوست خاص و خالص و امین و یاور و ناصر او * و اشرف افراد عزتت که به او ایمان

بِهِ * وَ أَبِي ذَرِيَّتِهِ * وَ بَابَ حِكْمَتِهِ * وَ النَّاطِقَ بِحُجَّتِهِ * وَ الدَّاعِيَ
 آوردند * و پدر ذریه او * و باب علم و حکمت او * و ناطق به حجت و برهان او * و دعوت کننده خلق

إِلَى شَرِيعَتِهِ * وَ الْمَاضِيَ عَلَى سُنَّتِهِ * وَ خَلِيفَتَهُ عَلَى أُمَّتِهِ * سَيِّدِ
 به شریعت مقدسه * و باقی بر طریقت و سنت * و جانشین او بر امت او * آنکه بزرگ

الْمُسْلِمِينَ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * وَ قَائِدَ الْغُرِّ الْمُحْجَلِينَ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ
 مسلمانان و امیر اهل ایمان * و پیشوای آبرومندان و رو سفیدان عالم درود و رحمتی ای خدا بر آن حضرت فرست که افضل باشد از

عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ * وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ * اللَّهُمَّ إِنِّي

هر تحیت و رحمتی که بر یکی از خلقان * و خاصان درگاهت و اوصیاء پیغمبرانت فرستادی * پروردگارا من

أَشْهَدُ أَنَّهُ * وَقَدْ بَلَغَ عَنْ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا حَمَلَ * وَرَعَى

گواهی می‌دهم که محققا آن حضرت آنچه را باید از طرف پیغمبرت به امت تبلیغ کند کاملا تبلیغ کرد * و رعایت آنچه باید

مَا اسْتَحْفِظُ * وَحَفِظَ مَا اسْتَوْدِعُ * وَحَلَّ حَلَالَكَ * وَحَرَّمَ حَرَامَكَ

محفوظ دارد نمود * و آنچه بدو به ودیعه سپرده شد نگهبانی کرد * و حلال تو را حلال * و حرامت را حرام دانست

* وَ أَقَامَ أَحْكَامَكَ * وَ دَعَا إِلَى سَبِيلِكَ * وَ وَالَا أَوْلِيَاءَكَ وَ عَادَى

* و احکام تو را به پاداشت * و خلق را به راه تو دعوت کرد * و با دوستان تو دوستی و با دشمنانت

أَعْدَائِكَ * وَ جَاهَدَ النَّكَثِينَ عَنْ سَبِيلِكَ * وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ

دشمنی کرد * و با عهد شکنان دین تو * و عدول کنندگان و سرکشان از فرمان تو

عَنْ أَمْرِكَ * صَابِرًا مُحْتَسِبًا مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ * لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ

جهاد کرد * و با کمال صبر و تحمل همیشه رو به سوی تو داشت و هرگز از خدا رو نگردانید * و در راه خدا

لَوْمَةً لِأَنَّهُ حَتَّى بَلَغَ فِي ذَلِكَ الرِّضَا * وَ سَلَّمَ إِلَيْكَ الْقَضَاءَ * وَ عَبْدَكَ

ملامت بدگویان او را از فرمانت باز نداشت * تا آنکه در کار فرمان قضای تو به مقام رضا و خوشنودیت نایل شد * و با اخلاص کامل

مُخْلِصًا * وَ نَصَحَ لَكَ مُجْتَهِدًا حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينَ * فَقَبَضْتَهُ إِلَيْكَ

تو را پرستش کرد * و در نصیحت و دلالت خلق به راه حق برای رضای تو هنگام رحلت کوشش کرد * پس آنگاه که او را قبض روح

شَهِيدًا سَعِيدًا * وَ لِيًّا تَقِيًّا * رَضِيًّا زَكِيًّا * هَادِيًّا مَهْدِيًّا * اللَّهُمَّ صَلِّ

فرمودی با مقام شهادت * و ولایت و تقوای کامل * مقام رضای تو بود و با تزکیه نفس * و هادی و مهدی امت بود * خدایا

عَلَى مُحَمَّدٍ * وَ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ

درود و رحمت فرست بر محمد * و بر او نیکوتر رحمتی که بر یکی از پیغمبرانت و خاصان

وَ أَصْفِيَاءِكَ * يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ * مؤلف گوید که: سید در مصباح الزائر برای این روز شریف

درگاهت فرستادی * ای پروردگار عالم هستی. *

زیارتی دیگر نقل کرده که اختصاصش به این روز معلوم نمی‌شود و آن مرکب از دو زیارت است که علامه مجلسی

آن را زیارت دوم و سیم تحفه قرار داده. (۲) دویم از زیارات مخصوصه، زیارت روز مولود حضرت

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) است. شیخ مفید و شهید و سید بن طاوس روایت کرده‌اند که حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام)

زیارت کرد حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در هفدهم ربیع الأول به این زیارت. و تعلیم فرمود آن را به ثقه جلیل القدر محمد بن مسلم ثقفی (رضی الله عنه) و فرمود به او که چون بیائی به مشهد امیرالمؤمنین (علیه السلام) پس غسل زیارت کن و بیوش پاکیزه ترین جامه های خود را و به بوی خوش خود را معطر نما و برو به آرامی و وقار. پس چون

برسی به باب السلام یعنی بر در حرم مطهر رو به قبله بایست و سی مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ بگو** * و بگو: **السلام**

سلام بر

عَلَى رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَى الْبَشِيرِ النَّذِيرِ

رسول خدا * سلام بر بهترین خلق خدا * سلام بر پیغمبر بشیر و نذیر خلق

السِّرَاجِ الْمُنِيرِ * وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * السَّلَامُ عَلَى الطَّهْرِ الطَّاهِرِ

و چراغ روشن عالم * سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد * سلام بر پاک و منزّه از هر گناه

*** السَّلَامُ عَلَى الْعَلَمِ الزَّاهِرِ * السَّلَامُ عَلَى الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ * السَّلَامُ**

* سلام بر شخصیت بارز رخشنده * سلام بر او که از جانب خدا مؤید و منصور بود * سلام

عَلَى أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ * وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * السَّلَامُ عَلَى

بر حضرت ابی القاسم محمد مصطفی (ص) * و رحمت و برکات خدا بر او باد * سلام بر

أَنْبِيَاءِ اللَّهِ الْمُرْسَلِينَ * وَعِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ * السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ

پیامبران و رسولان * و بندگان صالح خدا * سلام بر فرشتگانی که

اللَّهُ الْحَافِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ وَبِهَذَا الضَّرِيحِ اللَّائِذِينَ بِهِ * پس به نزدیک قبر برو

گرد این حرم شریف و این ضریح مبارک احاطه کرده و پناه آورده اند *

و بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِمَادَ**

سلام بر تو ای (بهترین وصی و) جانشین اوصیای پیامبران * سلام بر تو ای عماد و نگهبان

الْأَتْقِيَاءِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْأَوْلِيَاءِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ

اهل تقوی * سلام بر تو ای ولی امور اولیاء حق * سلام بر تو ای سید شهیدان

الشُّهَدَاءِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آيَةَ اللَّهِ الْعُظْمَى * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

(راه خدا) * سلام بر تو ای بزرگترین آیت و حجت الهی * سلام بر تو ای

خَامِسَ أَهْلِ الْعَبَاءِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ الْإِتْقِيَاءِ

پنجم اهل عبا * سلام بر تو ای پیشوای روسفیدان و آبرومندان اهل تقوی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْأَوْلِيَاءِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْمُوحِدِينَ

* سلام بر تو ای پناه و نگهبان اولیاء خدا * سلام بر تو ای زیب و زینت اهل توحید

النُّجَبَاءِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَ الْأَخْلَاءِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ

با شرافت * سلام بر تو ای اخلاص بخش دوستان خدا * سلام بر تو ای پدر بزرگوار امامان

الْأُمَّةِ الْأَمْنَاءِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْحَوْضِ وَحَامِلَ اللِّوَاءِ *

و پیشوایان با امانت * سلام بر تو ای صاحب و ساقی حوض کوثر و حامل لوی احمد (و پرچم شفاعت) *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَسِيمَ الْجَنَّةِ وَ لَظِي * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ شَرِفَتْ

سلام بر تو ای قسمت کننده بهشت و دوزخ * سلام بر تو ای آنکه مکه و منی به تو

بِه مَكَّةَ وَ مِنْى * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَحْرَ الْعُلُومِ وَ كَنْفَ الْفُقَرَاءِ *

شرافت و احترام یافت * سلام بر تو ای دریای علوم و پناه فقیران به حق *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ وُلِدَ فِي الْكَعْبَةِ * وَ زُوِّجَ فِي السَّمَاءِ بِسَيِّدَةِ النِّسَاءِ

سلام بر تو ای آنکه در خانه کعبه متولد شدی * و عقد تزویج در آسمان با سید زنان عالم بسته شد

وَ كَانَ شُهُودَهَا الْمَلَائِكَةُ الْأَصْفِيَاءِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِصْبَاحَ

* و شاهدان این عقد ملائکه برگزیده خدا بودند * سلام بر تو ای چراغ

الضُّبْيَاءِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ خَصَّهُ النَّبِيُّ بِجَزِيلِ الْحَبَاءِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

روشن * سلام بر تو ای آنکه پیغمبرت به عطای بزرگ مخصوص کرد * سلام بر تو

يَا مَنْ بَاتَ عَلَى فِرَاشِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ * وَ وَقَاهُ بِنَفْسِهِ شَرَّ الْأَعْدَاءِ *

ای آنکه بر خوابگاه پیغمبر خاتم رسولان خفتی * و به جان خود دفع شر دشمنان از وجود شریفش کردی *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ رَدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ فَسَامِيَ شَمْعُونَ الصَّفَا * السَّلَامُ

سلام بر تو ای آنکه آفتاب برای تو از مغرب بازگشت تا تو بر شمعون الصفا برتری یافتی * سلام

عَلَيْكَ يَا مَنْ أَنْجَى اللَّهُ سَفِينَةَ نُوحٍ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَخِيهِ * حَيْثُ التَّطَمَّ

بر تو ای آنکه خدا به نام مبارک تو و برادرت کشتی نوح را از دریا نجات داد * هنگامی که از امواج

الْمَاءِ حَوَّلَهَا وَ طَمَى * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَابَ اللَّهُ بِهِ وَ بِأَخِيهِ عَلَى

و تلاطم دریا به خطر افتاد * سلام بر تو ای آنکه خدا به واسطه او و برادرش توبه آدم صفی را پذیرفت آنگاه که

عَادَمٌ اذْغَوَى * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَلَكَ النِّجَاةَ الَّذِي مِنْ رُكْبِهِ نَجَا * وَ مَنْ

به غوایت و عصیان درافتاد * سلام بر تو ای کشتی نجات امت که هر کس در این کشتی نجات درآمد نجات یابد * و هر که

تَاخَّرَ عَنْهُ هَوَىٰ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ خَاطَبَ الشُّعْبَانَ وَذُنُبَ الْفَلَاحِ

از آن باز ماند هلاک شود * سلام بر تو ای آنکه با ازدها و گری صحرای خطاب کرد

* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ * السَّلَامُ

* سلام بر تو ای امیر اهل ایمان * و رحمت و برکات الهی بر تو باد * سلام

عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَىٰ مَنْ كَفَرَ وَآنَابَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ

بر تو ای حجت خدا بر آن کس که کافر شد و بازگشت * سلام بر تو ای پیشوای

ذَوِي الْأَبْيَابِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْحِكْمَةِ وَفَصْلَ الْخُطَابِ *

خردمندان عالم * سلام بر تو ای معدن حکمت الهی و فصل خطاب *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عِنْدَهُ وَعِلْمُ الْكِتَابِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ

سلام بر تو ای آنکه علم کتاب الهی نزد اوست * سلام بر تو ای

يَوْمِ الْحِسَابِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاصِلَ الْحُكْمِ النَّاطِقِ بِالصَّوَابِ *

میزان روز قیامت * سلام بر تو ای آنکه حکم را جدا کننده و به راه صواب و طریق حق ناطق و دعوت کننده ای *

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُتَّصِدِّقُ بِالْخَاتَمِ فِي الْمَحْرَابِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای آنکه خاتم در محراب نماز به فقیر صدقه دادی * سلام بر تو ای کسی

يَا مَنْ كَفَى اللَّهُ لِمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ بِهَيَوْمِ الْأَحْزَابِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

که در روز جنگ احزاب (خندق) با دشمنان تو به تنهایی از قتال مؤمنان کافی بودی * سلام بر تو ای کسی که

مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ الْوَحْدَانِيَّةَ وَآنَابَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَاتِلَ خَيْبَرَ وَقَالِعَ

در وحدانیت خدا در کمال اخلاص بودی و به درگاه او پیوسته باز می شدی * سلام بر تو ای کشته کننده کفار خیبر و کننده

الْبَابِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ دَعَاهُ خَيْرُ الْأَنَامِ لِلْمَبِيتِ عَلَىٰ فِرَاشِهِ *

در خیبر * سلام بر تو ای کسی که بهترین خلق تو را برای خفتن در خوابگاه خود دعوت کرد *

فَاسْلَمَ نَفْسَهُ وَ لِلْمَنِيَّةِ وَ أَجَابَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ لَهُ وَ طُوبَىٰ

و تو جان خود را تسلیم مرگ کردی و دعوت پیغمبر خدا را اجابت نمودی * سلام بر تو ای کسی که مقام طوبی (سرفرازی و بهجت)

وَ حُسْنِ مَأْتَابٍ * وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ عِصْمَةِ

و نیکی منزل رجعت مخصوص اوست * و رحمت و برکات الهی بر تو باد * سلام بر تو ای صاحب مقام ولایت در

الدِّينِ وَ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمَعْجَزَاتِ *

نگهبانی و حفظ دین اسلام و ای بزرگ بزرگان عالم * سلام بر تو ای صاحب معجزات *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ فِي فَضْلِهِ سُورَةُ الْعَادِيَاتِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای کسی که در شأن و فضیلت او سوره و العاديات نازل گردید * سلام بر تو ای

يَا مَنْ كُتِبَ اسْمُهُ فِي السَّمَاءِ عَلَى السَّرَادِقَاتِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

آنکه نامت در آسمان بر سراپردهها مسطور است * سلام بر تو ای مظهر کرامات

مُظْهَرِ الْعَجَائِبِ وَالْآيَاتِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْغَزَوَاتِ * السَّلَامُ

و آیات و معجزات شگفت انگیز * سلام بر تو ای امیر سپاه اسلام در جنگها * سلام

عَلَيْكَ يَا مُخْبِرًا بِمَا غَبَرَ وَبِمَا هُوَ آتٍ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُخَاطَبَ

بر تو ای خبر دهنده در گذشته و آینده عالم * سلام بر تو ای خطاب کننده

ذُنُبِ الْفَلَوَاتِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتِمَ الْحَصَى وَ مَبِينِ الْمَشْكَلاتِ

به گری بیابان * سلام بر تو ای خاتم و آخرین فرد کمال و دانش و مبین تمام مشکلات عالم

* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عَجَبَتْ مِنْ حَمَلَاتِهِ فِي الْوَعَى مَلَائِكَةُ

* سلام بر تو ای آنکه از آهنگ و حملات در میدان جنگ فرشتگان آسمان حیرت

السَّمَاوَاتِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَاجَى الرَّسُولَ * فَقَدَّمَ بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاهُ

کردند * سلام بر تو ای آنکه با رسول خدا راز گفتی * و پیش از آن نجوی و راز، صدقه‌های آن را

الصَّدَقَاتِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ الْأَئِمَّةِ الْبَرَّةِ السَّادَاتِ * وَرَحْمَةَ

اعطا کردی * سلام بر تو ای پدر بزرگوار امامان نیکوکاران بزرگ عالم * و تحیت

اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي الْمَبْعُوثِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

و برکات خدا بر تو باد * سلام بر تو ای تالی مرتبه مبعوث شده * سلام بر تو ای

وَارِثَ عِلْمِ خَيْرِ مَوْرُوثٍ * وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

وارث علم بهترین ارث دهنده * و رحمت و برکات خدا بر تو باد * سلام بر تو ای

سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ (الْمُؤْمِنِينَ) * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ * السَّلَامُ

بزرگ اوصیای پیغمبر * سلام بر تو ای پیشوای اهل تقوی * سلام

عَلَيْكَ يَا غِيَاثَ الْمَكْرُوبِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ *

بر تو ای پناه غمدیدگان * سلام بر تو ای پناه و حافظ اهل ایمان *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهَرَ الْبَرَاهِينِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طَهَّ وَبَسَّ * السَّلَامُ

سلام بر تو ای آشکار کننده حجت و براهین * سلام بر تو ای طاهرا و یاسین * سلام

عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَصَدَّقَ فِي صَلَاتِهِ

بر تو ای رشته محکم خدا * سلام بر تو ای کسی که در نماز انگشتی پر بهای

بِحَاتَمِهِ عَلَى الْمَسْكِينِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَالِعَ الصَّخْرَةِ عَنْ فَمِ الْقَلِيبِ

خود را به فقیر صدقه دادی * سلام بر تو ای کننده سنگ عظیم از چاه قلبی

* وَمُظْهِرِ الْمَاءِ الْمَعِينِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ * وَيَدَهُ

* و پدید آورنده آب صاف گوارا * سلام بر تو ای دیده بنیای خدا * و دست

الْبَاسِطَةَ * وَ لِسَانَهُ الْمَعْبَرِ عَنْهُ فِي بَرِيَّتِهِ أَجْمَعِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

گشاده * و زبان گویای الهی بر تمام خلق * سلام بر تو ای

يَا وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ * وَ مُسْتَوْدِعَ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * وَ صَاحِبَ

وارث علم پیامبران خدا * و محل ودیعه و امانت اسرار علم اولین و آخرین * و صاحب

لِوَاءِ الْحَمْدِ * وَ سَاقِي أَوْلِيَاءِهِ مِنْ حَوْضِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

لوی حمد * و ساقی شراب طهور از حوض کوثر خاتم انبیاء برای دوستان خدا * سلام بر تو ای

يَا يَعْسُوبَ الدِّينِ * وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَوَالِدَ الْأَيْمَةِ الْمَرْضِيَّينَ

سلطان بزرگ دین * و پیشوای روسفیدان و آبرومندان عالم و پدر بزرگوار امامان و پیشوایان پسندیده خدا

* وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ * السَّلَامُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ الرَّضِيِّ * وَ وَجْهَهُ

* و رحمت و برکات خدا بر تو باد * سلام بر نام پسندیده خدا * و روی درخشان

الْمُضِيِّ * وَ جَنْبِهِ الْقَوِي * وَ صِرَاطِهِ السَّوِي * السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ

حق * و جانب قوی حق * و راه عدل و داد الهی * سلام بر پیشوای

التَّقِيِّ الْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ * السَّلَامُ عَلَى الْكَوْكَبِ الدَّرِيِّ * السَّلَامُ عَلَى

با تقوای کامل و اخلاص خاص به حق * سلام بر ستاره رخشنده * سلام بر

الْإِمَامِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيٍّ * وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ * السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ

پیشوای عالم حضرت ابی الحسن علی * و رحمت و برکات ایزد بر او باد * سلام بر ائمه طاهرين پیشوایان

الْهُدَى * وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى * وَ أَعْلَامِ التَّقَى * وَ مَنَارِ الْهُدَى * وَ ذَوِي

هدایت خلق * و چراغهای نورانی (شب تاریک) ظلمانی عالم * و اعلام و نشاندهندگان مراتب تقوی * و مشعلهای پر نور * و

النُّهْيِ * وَ كَهْفِ الْوَرَى * وَ الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى * وَ الْحُجَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا

صاحبان عقل کامل * و پناه خلق * و رشته محکم و استوار حق * و حجت خدا بر اهل دنیا

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * وَالسَّلَامُ عَلَى نُورِ الْأَنْوَارِ * وَحُجَّةِ الْجَبَّارِ

* و رحمت و برکات خدا بر آن بزرگواران باد * باز سلام بر روشنی بخش انوار * و حجت خدای جبار

وَوَالِدِ الْأَئِمَّةِ الْأَطْهَارِ * وَقَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ * الْمُخْبِرِ عَنِ الْأَثَارِ

* و پدر بزرگوار ائمه اطهار * و قسمت کننده بهشت و دوزخ * و خبر دهنده از حوادث و آثار

الْمُدْمِرِ عَلَى الْكُفَّارِ * مُسْتَنْقِذِ الشَّيْعَةِ الْمُخْلِصِينَ مِنْ عَظِيمِ

* و هلاک کننده کفار * و نجات دهنده شیعیان با اخلاص از بلا و عقوبت

الْأَوْزَارِ * السَّلَامُ عَلَى الْمَخْصُوصِ بِالطَّاهِرَةِ التَّقِيَّةِ ابْنَةِ الْمُخْتَارِ

* گناهان بزرگ * سلام برآنکه به زوجیت تقیه طاهره دخت رسول مختار مخصوص گردید *

الْمَوْلُودِ فِي الْبَيْتِ ذِي الْأَسْتَارِ * الْمَزُوجِ فِي السَّمَاءِ بِالْبِرَّةِ الطَّاهِرَةِ

* و در خانه کعبه متولد گشت * و عقد زوجیتش با زهرای طاهره مطهره محبوب و

الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ * وَالِدَةِ الْأَئِمَّةِ الْأَطْهَارِ * وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

* مرضی خدا شد * که زهرای اطهر مادر پیشوایان پاکیزه است * و رحمت خدا و برکات حق بر او باد

السَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ * وَعَلَيْهِ يُعْرَضُونَ

* سلام بر خبر بزرگ عالم که در او به اختلاف کلمه برخاستند * و بر خلق عرضه دارند

وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ * السَّلَامُ عَلَى نُورِ اللَّهِ الْأَنْوَارِ * وَضِيَائِهِ الْأَزْهَرِ

* و از آن سؤال شوند * سلام بر رخشانتر نور خدا * و ضیائیه ازهر

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ

* و برکات خدا بر او باد * سلام بر تو ای ولی خدا و حجت خدا *

وَخَالِصَةَ اللَّهِ وَخَاصَّتَهُ * أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ * لَقَدْ

* و بهترین بنده خاص و خالص خدا * گواهی می‌دهم که تویی ولی خدا و حجت الهی * و همانا

جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ * وَاتَّبَعْتَ مِنْهَا رَسُولَ اللَّهِ

* تو در راه خدا حق کوشش و مجاهدت را انجام دادی * و طریق رسول خدا صلی الله

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَحَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ * وَحَرَّمْتَ حَرَامَ اللَّهِ

* علیه و آله را کاملاً پیروی کردی * و حکم حلال * و حرام خدا را اجرا کردی

وَشَرَعْتَ أَحْكَامَهُ * وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ * وَأَمَرْتَ

* و احکام خدا را مقرر گردانیدی * و نماز و زکوة را به پا داشتی * و امر به

بِالْمَعْرُوفِ * وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ * وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ صَابِرًا

معروف * و نهی از منکر فرمودی * و در راه دین خدا حد کامل مجاهدت و کوشش کردی در مقابل جور و آزار امت صبر و شکیبایی

نَاصِحًا مُجْتَهِدًا * مُحْتَسِبًا عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمِ الْأَجْرِ * حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ

و نصیحت و اندرز و خیر خواهی فرمودی در حالی که با جهد وافی * و مراقبت کامل نزد خدا اجر عظیم یافتی * همه عمر تا هنگام

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ دَفَعَكَ عَنْ حَقِّكَ * وَأَزَالَكَ عَنْ مَقَامِكَ * وَلَعَنَ اللَّهُ

رحلت از این جهان * پس خدا لعنت کند کسی را که تو را از حق خود منع کرد * و از مقامت دور کردند * و لعنت خدا

مَنْ بَلَغَهُ * ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ * أَشْهَدُ اللَّهَ * وَمَلَائِكَتَهُ * وَأَنْبِيَاءَهُ * وَرَسُولَهُ * وَ

بر آن کس که این ظلم را چون به او خبر رسید بدان راضی گردید * خدا را گواه می‌گیرم و فرشتگان و انبیاء و رسل او را

أَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكَ * وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةٌ

* که من دوست با دوستان تو * و دشمن با دشمنان توام * سلام و رحمت و برکات

اللَّهُ * وَبَرَكَاتُهُ * پس خود را به قبر بچسبان و قبر را ببوس و بگو: أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ

خدای بر تو باد. * گواهی می‌دهم که تو کلام

كَلَامِي * وَتَشْهَدُ مَقَامِي * وَأَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ بِالْبَلَاغِ وَالْإِدَاءِ * يَا

مرا می‌شنوی و قیامم را در حضور مشاهده می‌کنی * و گواهی می‌دهم ای ولی خدا که تو تبلیغ دین و اداء وظيفه امامت کردی * ای

مَوْلَايَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ * يَا أَمِينَ اللَّهِ يَا وَلِيَّ اللَّهِ * إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ

مولای من ای حجت خدا * ای امین خدا ای ولی خدا * همانا میان من و خدای

عَزَّوَجَلَّ ذُنُوبًا قَدْ أَثْقَلْتَ ظَهْرِي * وَمَنْعَتَنِي مِنَ الرَّقَادِ * وَذِكْرُهَا

عز و جل گناهایی است که پشت مرا سنگین کرده * و مرا از خواب و آسایش باز داشته * و تذکر آن گناهان

يُقَلِّقُ أَحْشَائِي * وَقَدْ هَرَبْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالْيَيْكِ * فَبِحَقِّ مَنْ

اعضاء و احشاء مرا به لرزه می‌آورد * و من به سوی خدای عز و جل و تو گریخته و پناه آورده‌ام * پس سوگند

أَتْتَمَنَكَ عَلَى سِرِّهِ * وَاسْتَرَعَاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ * وَقَرْنَ طَاعَتِكَ بِطَاعَتِهِ

به حق خدائی که تو را بر سر خود امین گردانید * و برای رعایت و تربیت خلقت تو را برگزید * و طاعتش را به طاعت تو

* وَمُؤَالَاتِكَ بِمُؤَالَاتِهِ * كُنْ لِي إِلَى اللَّهِ شَفِيعًا * وَ مِنَ النَّارِ مُجِيرًا *

* و دوستیش را به دوستی تو قربین گردانید * که از من نزد خدا شفاعت کنی * و از آتش دوزخم نجات بخشی *

وَ عَلَى الدَّهْرِ ظَهِيرًا * پس باز خود را به قبر بچسبان و قبر را ببوس و بگو: يَا وَلِيَّ اللَّهِ *

و بر حوادث دهر یاریم فرمای. * ای ولی خدا *

يَا حُجَّةَ اللَّهِ * يَا بَابَ حِطَّةِ اللَّهِ * وَلِيكَ وَزَائِرِكَ * وَاللَّائِدُ بِقَبْرِكَ

ای حجت خدا * ای باب حط گناهان از جانب خدا * دوست تو و زوار تو * و پناهنده به قبر مطهر تو

* وَالنَّازِلُ بِفَنَائِكَ * وَالْمُنِيخُ رَحْلَهُ * فِي جَوَارِكَ * يَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ

* و فرود آمده به درگاه تو * و بار افکنده در جوار لطف تو * از تو درخواست می‌کند

لَهُ * إِلَى اللَّهِ فِي قَضَاءِ حَاجَتِهِ * وَنُجْحِ طَلِبَتِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ *

که او را نزد خدا شفاعت کنی بر قضاء حوائج * و انجام مقاصدش در دنیا و آخرت *

فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ أَجْهًا الْعَظِيمَ * وَالشَّفَاعَةَ الْمَقْبُولَةَ * فَاجْعَلْنِي يَا

که همانا تو را نزد خدا جاه و منزلت بزرگ است * و شفاعت مقبول * پس ای مولای من

مَوْلَايَ مِنْ هَمِّكَ * وَأَدْخِلْنِي فِي حِزْبِكَ * وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى

مرا از اهل همت خود * و داخل در حزب خود گردان * و سلام بر تو و بر

ضَجِيعِكَ ءَادَمَ وَنُوحَ * وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدَيْكَ الْحُسَيْنِ

دو پیغمبر خدا آدم و نوح هم جوار تو * و نیز سلام بر تو و دو فرزند تو حسن

وَالْحُسَيْنِ * وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ * وَرَحْمَةَ اللَّهِ

و حسین * و ائمه طاهریں از ذریه تو * سلام و رحمت و برکات

وَبَرَكَاتِهِ * 🌸 آنگاه شش رکعت نماز زیارت بکن دو رکعت برای حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و دو رکعت

خدا بر شما باد. *

برای جناب آدم (علیه السلام) و دو رکعت برای جناب نوح (علیه السلام). و بسیار بخوان خدای تعالی را که به اجابت خواهد

رسید. انشاء الله تعالی. * مؤلف گوید که: صاحب مزار کبیر گفته که این زیارت را در هفدهم ربیع الاول در نزد طلوع

آفتاب باید به عمل آورد و علامه مجلسی (رحمته الله علیه) فرموده که: این زیارت بهترین زیارات است و به سندهای معتبر

در کتب معتبره مذکور است و ظاهر بعضی از روایات آن است که خصوصیت به این روز ندارد و در هر وقت که این

زیارت را به عمل آورند خوب است. * مؤلف گوید که: اگر کسی گوید که چگونه است در روز مولود پیغمبر (صلی الله علیه و آله)

یا مبعث آن حضرت زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) وارد شده و زیارت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) روایت نشده با آنکه

شایسته بود که زیارت مخصوصی برای حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در این اوقات وارد شده باشد؟ جواب گوئیم که: این

به جهت شدت اتصال این دو بزرگوار و کمال اتحاد این دو نور پاک است با هم که هر که زیارت کند امیرالمؤمنین (علیه السلام)

را زیارت کرده حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) را و شاهد بر این از قرآن آیه: **أَنْفُسَنَا** است. **وَهُوَ فِي آيَةِ التَّبَاهُلِ**

* **نَفْسُ الْمُصْطَفَى لَيْسَ غَيْرَهُ وَإِيَّاهَا.** * و از اخبار بسیاری از روایات است از جمله شیخ محمد بن المشهدی روایت کرده از حضرت صادق (علیه السلام) که فرمود: مردی اعرابی به خدمت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) مشرف شد و عرض کرد یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) منزل من دور است از منزل تو و من مشتاق زیارت و دیدن تو می شوم می آیم به زیارت جناب تو و ملاقات تو برایم حاصل نمی شود و ملاقات می کنم علی بن ابیطالب (علیه السلام) را. پس مرا مأنوس می کند به حدیث و مواعظ خود و من برمی گردم با حال اندوه و حسرت بر ندیدن تو. فرمود: هر که زیارت کند علی را مرا زیارت کرده و هر که او را دوست دارد، مرا دوست داشته و کسی که دشمن دارد او را مرا دشمن داشته است، برسان این را به قوم خود از جانب من، و هر که برود به زیارت او پس به تحقیق که به نزد من آمده و من جزا خواهم داد او را روز قیامت و جبرئیل و صالح المؤمنین. * و در حدیث معتبری از حضرت صادق (علیه السلام) مروی است که چون زیارت کنی جانب نجف را زیارت کن عظام آدم (علیه السلام) و بدن نوح (علیه السلام) و جسم علی بن ابیطالب (علیه السلام) را به درستی که زیارت کرده خواهی بود پدران گذشته را و محمد (صلی الله علیه و آله) خاتم پیغمبران را و علی (علیه السلام) بهترین اوصیا را. * و در زیارت ششم گذشت که فرمودند رو به قبر امیر المؤمنین (علیه السلام) بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ * (إِلَى غَيْرِ

سلام بر تو ای رسول خدا * سلام بر ای برگزیده خدا *

ذَلِكَ): وَ لَقَدْ أَجَادَ الشَّيْخُ جَابِرٌ فِي تَسْمِيئِهِ لِلْقَصِيدَةِ الْأَزْرِيَّةِ *
و چه زیبا سرود شیخ جابر در تسمیض (یک بیت را به چهار پایه سرودن) در قصیده ازریه *

بِقَوْلِهِ مُشِيرًا إِلَى الْقُبَّةِ الْعَلَوِيَّةِ.

با این گفته اش اشاره کنان به گنبد بلند و والایش

فِيهِ لِطَهْرٍ أَحْمَدِ أَيِّ نَفْسٍ

که در آن است برای احمد بس پاک چه جان عزیزی

فَاعْتَمَدَ لِلنَّبِيِّ أَعْظَمَ رَمْسٍ

پس اعتماد کن بر پیامبر به بزرگترین قبر از وی

فَتَوَاضَعُ فَتَمَّ دَارَةَ قُدْسٍ

پس تواضع کن زیرا که آنجاست خانه پاک

أَوْ تَرَى الْعَرْشَ فِيهِ أَنْوَرُ شَمْسٍ

یا ببینی عرش خدا را در آن همانند خورشید نورانی

تَتَمَّى الْأَفْلَاكُ لَتَمَّ ثَرَاهَا

آرزو کنند افلاک، بوسیدن خاکش را

* و حکیم سنائی گفته:

مرتضائی که کرد یزدانش	همره جان مصطفی جانش
هر دو یک قبله و خردشان دو	هر دو یک روح و کالبدشان دو
دو رونده چو اخترگردون	دو برادر چو موسی و هارون
هر دو یک دُرُزیک صَدَف بودند	هر دو پیرایه شرف بودند
تانه بگشاد علم حیدر دَرُ	ندهد سُنَّت پیمبر بَرُ

۳ سیِّم: از زیارات مخصوصه: **زیارت شب مَبْعَث و روز آن** است یعنی بیست و هفتم رَجَب و در آن سه زیارت است. ۱ اول: زیارت رَجَبِیَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدُنَا مَشْهَدًا أَوْلِيَّائِهِ که در اعمال ماه رجب گذشت و آن زیارتی است که در ماه رجب در هر یک از مشاهد مشرفه خوانده می شود. لکن صاحب مزار قدیم و شیخ محمد بن المشهدی آن را از زیارات مخصوصه شب مبعث نیز شمرده اند. و چون آن زیارت را خواندی فرموده اند بعد از آن دو رکعت نماز زیارت به جا آور و آنچه خواهی دعا کن. ۲ دویم: زیارت **الْسَّلَامُ عَلَى أَبِي الْأَيُّمَّةِ وَمَعْدِنِ النَّبُوَّةِ** است که علامه مجلسی (رحمته الله) آن را زیارت هفتم تحفه قرار داده، صاحب مزار قدیم گفته که آن مختص است به شب بیست و هفتم رجب چنانکه ما در هدیه الزائر آن را ذکر کردیم. ۳ سیِّم: زیارتی است که شیخ مفید و سید و شهید نقل نموده اند به این طریق که چون خواستی در شب مبعث یا رُوز آن زیارت کنی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بایست بر دَرِ قَبِّهِ شریفه مقابل قبر آن حضرت و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَحْدَهُ * لَا شَرِيكَ لَهُ * وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا

گواهی می دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست * که فرد و بی شریک است * و گواهی می دهم که محمد

عَبْدُهُ * وَرَسُولُهُ * وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُ اللَّهِ

بنده خاص و رسول اوست * و نیز گواهی می دهم که همانا علی بن ابی طالب امیر اهل ایمان بنده خاص خدا

*** وَأَخُو رَسُولِهِ * وَأَنَّ الْأَيُّمَّةَ الطَّاهِرِينَ مِنْ وُلْدِهِ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى**

* و برادر رسول خداست * و ائمه طاهرین فرزندانش همه حجتهای خدا

خَلْقِهِ * پس داخل شو و بایست نزدیک قبر آن حضرت به نحوی که روی خود را به جانب قبر کرده باشی

بر خلق اند. *

و قبله را در پشت خود قرار دهی آنگاه صدمرتبه تکبیر بگو * و بگو: **الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ**

سلام بر تو ای وارث علم آدم

خَلِيفَةَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ صَفْوَةَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

خليفة الله * سلام بر تو ای وارث حضرت نوح برگزیده خدا * سلام بر تو

يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ

ای وارث ابراهیم خلیل خدا * سلام بر تو ای وارث موسای کلیم (سخنگوی با) خدا

* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

* سلام بر تو ای وارث عیسی روح الله * سلام بر تو ای وارث

مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ

حضرت محمد (ص) سید رسولان خدا * سلام بر تو ای امیر اهل ایمان * سلام

عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ * السَّلَامُ

بر تو ای پیشوای متقیان * سلام بر تو ای سید جانشینان پیغمبران * سلام

عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ

بر تو ای وصی و جانشین رسول خدای رب العالمین * سلام بر تو ای وارث علم

الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

اولین و آخرین * سلام بر تو ای خبر بزرگ عالم * سلام بر

أَيُّهَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْكَرِيمُ * السَّلَامُ

تو ای راه راست حق * سلام بر تو ای پاکیزه و منزّه از عیوب و صاحب کرم * سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ التَّقِيُّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ * السَّلَامُ

بر تو ای وصی با تقوای کامل * سلام بر تو ای پاک سیرت و پسندیده خدا * سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ الْمُضِيءُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ *

بر تو ای ماه فروزنده * سلام بر تو ای صدیق اکبر (بزرگترین مصدق به خدا و عالم غیب) *

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السِّرَاجُ

سلام برفارق اعظم (بزرگترین مشخص و حاکم بین حق و باطل) * سلام بر تو ای چراغ روشن (علم)

الْمُنِيرُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِلْمَ التَّقَى

و (ایمان) * سلام بر تو ای پیشوای هدایت * سلام بر تو ای نماینده مقام کامل تقوی

* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الْكُبْرَى * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاصَّةَ اللَّهِ

* سلام بر تو ای بزرگترین حجت خدا بر خلق * سلام بر تو ای خاص

وَ خَالِصَتَهُ * وَ أَمِينَ اللَّهِ وَ صَفْوَتَهُ * وَ بَابَ اللَّهِ وَ حُجَّتَهُ * وَ مَعْدِنَ

و خالص خدا * و امین و برگزیده او * و درگاه خدا و حجت الهی * و معدن

حُكْمَ اللَّهِ وَ سِرَّهُ * وَ عَيْبَةَ عِلْمِ اللَّهِ وَ خَازِنَهُ * وَ سَفِيرَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ

حکم و اسرار الهی * و مخزن و خزینهدار علم الهی * و سفیر خدا در میان خلق

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ * وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ * وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ

* گواهی می‌دهم که تو (ارکان دین و) نماز را به پا داشتی * و زکوة به فقیران دادی * و امر به معروف

وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ * وَ اتَّبَعْتَ الرَّسُولَ * وَ تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقًّا

* و نهی از منکر فرمودی * و کاملاً رسول اکرم را پیروی کردی * و به مقام حقیقت و حد اکمل کتاب خدا

تَلَاوْتَهُ * وَ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ * وَ وَفَيْتَ بَعْدَ اللَّهِ * وَ تَمَّتْ بِكَ كَلِمَاتُ

را تلاوت کردی * و از جانب خدا تبلیغ نمودی * و به عهد خدا وفا کردی * و کلمات الله به وجود تو به

اللَّهِ * وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ * وَ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ صَلَّى

حد کمال رسید * و در راه دین مجاهده و کوشش را به جای آوردی * و در راه خدا و رسول صلی الله علیه

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَ جَدْتَ بِنَفْسِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا * مُجَاهِدًا عَنِ

و آله خیرخواه بودی * و به جان عزیز خود با صبر و رنج * و مجاهدت در دفاع از دشمنان

دِينِ اللَّهِ * مُوقِيًا لِرَسُولِ اللَّهِ * طَالِبًا مَا عِنْدَ اللَّهِ * رَاغِبًا فِيمَا وَعَدَ

دین حق * و حفظ رسول خدا فداکاری کردی * و همه را برای طلب رضای حق * و شوق ثواب و وعده خدا

اللَّهُ * وَ مَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيدًا * وَ شَاهِدًا وَ مَشْهُودًا *

و بر دین حق که بر آن بودی * از جهان درگذشتی در حالی که شهید شدی * و شاهد و مشهود خدا بودی *

فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ رَسُولِهِ وَ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ أَهْلِهِ مِنْ صَدِيقٍ أَفْضَلَ

پس خدایت از طرف رسول اکرم و دین اسلام و اهل اسلام از اعمال چنین صدیقی بهترین پاداش

الْجُزَاءِ * أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلَامًا * وَ أَخْلَصَهُمْ إِيْمَانًا *

عطا کند * گواهی می‌دهم که تو اول قوم در گرویدن به اسلام بودی * و خالصترین ایمان *

وَ أَشَدَّهُمْ يَقِينًا * وَ أَخَوْفَهُمْ لِلَّهِ * وَ أَعْظَمَهُمْ عَنَاءً * وَ أَحَوْطَهُمْ عَلَى

و کاملترین یقین * و خداترس‌ترین مردم * و پر رنج و مشقت‌ترین اصحاب * و مراقب‌ترین

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَ أَفْضَلَهُمْ مَنَاقِبَ * وَ أَكْثَرَهُمْ

به حال رسول خدا صلی الله علیه و آله بودی * و تو در اوصاف کمال از همه اصحاب پیغمبر افضل * و سوابق و شرافت

سَوَابِقَ * وَ أَرْفَعَهُمْ دَرَجَةً * وَ أَشْرَفَهُمْ مَنَزَلَةً * وَ أَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ *
 بیشتر * و رتبهات بلندتر * و منزلتت شریفتر بود * و تو گرامیترین اصحاب رسول خدا بودی *

فَقَوِيَّتَ (قَوِيَّتَ) حِينَ وَهَنُوا * وَ لَزِمْتَ مِنْهَا جَرَسُورَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ *
 تو بودی تنها نیرومند و قوی هنگامیکه سایرین سست و ناپایدار می‌گردیدند * و تو ملازم طریق رسول صلی الله علیه

وَ آلِهِ * وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ خَلِيفَتَهُ حَقًّا * لَمْ تَنَازِعْ بِرِغْمِ الْمُنَافِقِينَ *
 و آله بودی * و نیز گواهی می‌دهم که تو به حق و حقیقت جانشین پیغمبر * و بدون نزاع به رگم اهل نفاق

وَ غِيْظِ الْكَافِرِينَ * وَ ضِغْنِ الْفَاسِقِينَ * وَ قَمْتِ بِالْأَمْرِ حِينَ فَشَلُوا *
 * و خشم کافران * و کینه مردم فاسق * و تو به امر رواج دین قیام کردی هنگامی که دیگران ترسان و هراسان شدند

وَ نَطَقْتَ حِينَ تَتَعْتَعُوا * وَ مَضَيْتَ بِنُورِ اللَّهِ إِذْ وَقَفُوا * فَمَنْ اتَّبَعَكَ *
 * تو هنگامی که قوم عاجز از گفتار می‌شدند تو گویا به حقایق دین بودی * و با نور الهی هنگامی که دیگران درمی‌ماندند تو در می‌گذشتی * پس

فَقَدْ أَهْتَدَى (هُدَى) * كُنْتَ أَوْلَهُمْ كَلَامًا * وَ أَشَدَّهُمْ خِصَامًا * وَ أَصَوْبَهُمْ *
 هر کس تو را پیروی کرد به حقیقت هدایت یافت * تو اول قوم در سخن و بیان حقایق * و نیرومندترین آنان در هنگام جنگ و نبرد

مَنْطِقًا * وَ أَسَدَّهُمْ رَأْيًا * وَ أَشْجَعَهُمْ قَلْبًا * وَ أَكْثَرَهُمْ يَقِينًا * وَ أَحْسَنَهُمْ *
 با دشمن بودی * و رأی تو محکمترین آراء * و دلت شجاعترین دلها * یقینت بیشتر * و عملت

عَمَلًا * وَ أَعْرَفَهُمْ بِالْأُمُورِ * كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ أَبًا رَحِيمًا * إِذْ صَارُوا *
 نیکوتر * و شناساترین اصحاب (به امور علمی و اجتماعی) * تو برای اهل ایمان پدری مهربان بودی * که آنان را به منزلهٔ خاندان

عَلَيْكَ عِيَالًا * فَحَمَلْتَ أَثْقَالَ مَا عَنْهُ ضَعُفُوا * وَ حَفِظْتَ مَا أَضَاعُوا *
 خود می‌شمردی * کارهای سنگین که در تحملش ناتوان بودند تو بر دوش می‌گرفتی * و آنچه را که دیگران ضایع و مهمل می‌گذاشتند

وَ رَعَيْتَ مَا أَهْمَلُوا * وَ شَمَرْتَ إِذْ جَبَنُوا * وَ عَلَوْتَ إِذْ هَلَعُوا *
 تو آن را حفظ و رعایت می‌کردی * هنگامی که آنها ترسان و گریزان بودند تو دلیرانه آهنگ می‌نمودی * و چون دیگران هراس

وَ صَبَرْتَ إِذْ جَزَعُوا * كُنْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا صَبًّا * وَ غِلْظَةً *
 و جزع می‌کردند تو با علو همت شکیبا بودی * تو بر کافران عذاب الیم * و سخت و خشنماک

وَ غِيْظًا * وَ لِلْمُؤْمِنِينَ غِيْثًا وَ خِصْبًا وَ عِلْمًا * لَمْ تُفَلِّلْ حُجَّتَكَ *
 بودی * و بر اهل ایمان باران رحمت نعمت و بحر علم و دانش بودی * حجت و برهان تو هرگز کند نداشت *

وَ لَمْ يَنْغِ قَلْبُكَ * وَ لَمْ تَضْعَفْ بَصِيرَتَكَ * وَ لَمْ تَجِبْ نَفْسَكَ * كُنْتَ *
 قلب پاک منورت ابد زبغ و تاریکی نیافت * و دیدهٔ بصیرتت هرگز ضعیف نگشت * و روان پاکت هرگز جبن و هراس نداشت * تو

كَالْجَبَلِ لَا تَحْرِكُهُ الْعَوَاصِفُ * وَلَا تَزِيلُهُ الْقَوَاصِفُ * كُنْتَ كَمَا قَالَ

مانند کوهی بودی که ابد از بادهای تند نلرزد * و از صرصر سخت از پا در نیاید * تو چنان بودی که

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَوِيًّا فِي بَدَنِكَ * مُتَوَاضِعًا فِي نَفْسِكَ

رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصفت فرمود، در جسم نیرومند * در نفس قدسی متواضع

* عَظِيمًا عِنْدَ اللَّهِ * كَبِيرًا فِي الْأَرْضِ * جَلِيلًا فِي السَّمَاءِ * لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ

* در نزد خدا عظیم الشأن * در روی زمین بزرگ * در اهل آسمان با جلال * در شخص تو بر احدی جای نکته‌گیری

فِيكَ مَهْمَزٌ * وَلَا لِقَائِلَ فِيكَ مَغْمَزٌ * وَلَا لِخَلْقٍ فِيكَ مَطْمَعٌ * وَلَا لِأَحَدٍ

و عیب جویی وجود ندارد * نه مردم طماع در تو طمع توانند کرد * و نه نابه‌جا و ناحق کسی به تو امیدی

عِنْدَكَ هَوَادَةٌ * يُوْجَدُ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ عِنْدَكَ قَوِيًّا عَزِيزًا * حَتَّى

تواند داشت * مردم خوار و ناتوان نزد تو عزیز و توانایند * تا آنکه حق آنان را از سرکشان

تَأْخُذَ لَهُ وَبِحَقِّهِ * وَالْقَوِيُّ الْعَزِيزُ عِنْدَكَ ضَعِيفًا (ذَلِيلًا) * حَتَّى تَأْخُذَ

قوی بگیرد * و مردم قوی و با عز و اقتدار نزد تو خوار و ذلیلند * تا آنکه حق مظلومان را از آن

مِنْهُ الْحَقُّ * الْأَقْرَبُ وَالْبَعِيدُ عِنْدَكَ فِي ذَلِكَ سَوَاءٌ * شَأْنُكَ الْحَقُّ

ظالمان بازستانی * نزد تو در حکم مذکور دور و نزدیک یکسانند * شأن و کار تو حق

وَالصِّدْقُ وَالرَّفْقُ * وَقَوْلُكَ حُكْمٌ وَحَتْمٌ * وَآمْرُكَ حِلْمٌ وَعَزْمٌ *

و صدق و مرافقت است * و سخن تو حکم خدا است * شأن و خلق تو حلم و بردباری و عزم ثابت است *

وَرَأْيُكَ عِلْمٌ وَحَزْمٌ (وَجَزْمٌ) * اِعْتَدَلْ بِكَ الدِّينُ * وَسَهْلَ بِكَ الْعَسِيرُ

و رأی تو علم مآل اندیشی است * دین اسلام به وجود تو عدل و استحکام یافت * و هر امر مشکل به دست تو آسان گشت

* وَأُطْفِئَتْ بِكَ النَّيْرَانُ * وَقَوِيٌّ بِكَ الْإِيمَانُ * وَثَبَتَ بِكَ الْإِسْلَامُ *

* آتش جنگ و فتنه‌ها به نیروی تو خاموش گردید * و ایمان به واسطه تو قوت گرفت * و اسلام ثبات یافت *

وَهَدَّتْ مُصِيبَتُكَ الْأَنَامَ * فَاِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَا جِعُونَ * لَعَنَ اللَّهُ مَنْ

مصیبت تو خانه خلق را ویران ساخت * باری ما همه از جانب خدا آمده و به سوی او باز می‌گردیم * خدا لعنت کند آنکه

قَتَلَكَ * وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ خَالَفَكَ * وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ افْتَرَى عَلَيْكَ * وَلَعَنَ

تو را شهید کرد * و خدا لعنت کند آن کس که با تو مخالفت نمود * و خدا لعنت کند آن کس را که بر تو افترا بست * و خدا

اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَغَضَبَكَ حَقًّا * وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي

لعنت کند آنان را که به تو ظلم و ستم کردند و حق تو را غضب کردند * و خدا لعنت کند آن کس را این خبر به او رسید راضی

بِهِ * اِنَّا اِلَى اللّٰهِ مِنْهُمْ بَرَاءٌ * لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً خَالَفَتْكَ * وَ جَحَدَتْ

و شادمان گردید * ما از آنان به درگاه خدا بی‌زاری می‌جوئیم * خدا لعنت کند امتی را که با تو مخالفت کرد * و مقام ولایت را

و لَآئِكَ * وَ تَظَاهَرَتْ عَلَيْكَ وَ قَتَلْتِكَ * وَ حَادَتْ عَنْكَ وَ خَذَلْتِكَ

انکار نمود * و بر علیه تو همدست شدند و به قتل تو برخاستند * و راه خلق را به سوی تو بستند و تو را مخدول و خوار داشتند

* اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَثْوَاهُمْ * وَ بَسَسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ

* سپاس خدای را که آتش دوزخ را مأوی آنان کرد * که بسیار بد منزلگاهی است برای واردانش *

اَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ وَ وَلِيَّ رَسُوْلِهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ بِالْبَلَاغِ

گواهی می‌دهم برای تو ای ولی خدا و رسول او صلی الله علیه و آله که تو تبلیغ دین

وَ الْاَدَاءِ (وَ التَّصِيْحَةِ) * وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ حَبِيْبُ (جَنَّبُ) اللّٰهِ وَ بَابُهُ * وَ اَنَّكَ

و اداء و وظیفه امامت کردی * و نیز گواهی می‌دهم که تو دوستدار و محبوب خدایی و درگاه رحمت خدا هستی * و همانا

جَنَّبُ (حَبِيْبُ) اللّٰهِ وَ وَجْهَهُ الَّذِي مِنْهُ يُوْتِي * وَ اَنَّكَ سَبِيْلُ اللّٰهِ * وَ اَنَّكَ

تو جنب حق و وجه خدا و همانا تو آن جنب الله و وجه الهی که از آن جانب و از آن وجه به سوی خدا توجه باید کرد * و توئی راه خدا * و توئی

عَبْدُ اللّٰهِ وَ اَخُو رَسُوْلِهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ * اَتَيْتِكَ زَائِرًا لِعَظِيْمِ

بنده خاص خدا و برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله * من به زیارت تو آمده‌ام به واسطه شأن عظیم

حَالِكَ وَ مَنَزَلَتِكَ عِنْدَ اللّٰهِ وَ عِنْدَ رَسُوْلِهِ * مُتَقَرِّبًا اِلَى اللّٰهِ بِزِيَارَتِكَ

و قرب و منزلتی که تو را نزد خدا و نزد رسول اوست * و به زیارتت تقرب به خدا می‌جوئیم

* رَاغِبًا اِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ * اَبْتَغِي بِشَفَاعَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي * مُتَعَوِّذًا

* و شوق و رغبت به شفاعتت دارم * که به آن شفاعت، نجات * و خلاصی خود را از آتش دوزخ

بِكَ مِنَ النَّارِ * هَارِبًا مِنْ ذُنُوْبِي الَّتِي اَحْتَطَبْتُهَا عَلٰی ظَهْرِي * فَرَعًا اِلَيْكَ

در پناه تو می‌طلبم * و از گناهانم که باری سنگین بر پشت خود افکنده‌ام فرار می‌کنم * در حالتی که با جزع و زاری

رَجَاءً رَحْمَةً رَبِّي * اَتَيْتُكَ اَسْتَشْفِعُ بِكَ يَا مَوْلَايَ اِلَى اللّٰهِ * وَ اَتَقَرَّبُ

به سوی تو و امیدواری به رحمت پروردگارم * به درگاهت آمده‌ام که مرا شفاعت کنی ای مولای من نزد خدا * به واسطه تو

بِكَ اِلَيْهِ لِيَقْضِيَ بِكَ حَوَائِجِي * فَاشْفَعْ لِي يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ اِلَى اللّٰهِ

شفاعت و تقرب می‌جوئیم تا حوائجم برآورده شود * پس تو ای امیر اهل ایمان مرا نزد خدا شفاعت فرما

* فَاِنِّي عَبْدُ اللّٰهِ وَ مَوْلَاكَ وَ زَائِرُكَ * وَ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ الْمَقَامُ الْمَعْلُوْمُ *

* که من خدا را بنده (پر گناه) و تو را دوستدار و زوارم * و تو را هم نزد خدا مقام تقرب معلوم *

وَ الْجَاهُ الْعَظِيمُ * وَ الشَّانُ الْكَبِيرُ * وَ الشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ * اللَّهُمَّ

و جاه و منزلت * و شأن کبیر است و عظیم * و شفاعتت نزد حق مقبول و پذیرفته است * خدایا

صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ صَلِّ عَلَي عَبْدِكَ وَ أَمِينِكَ الْاَوْفَى *

درود و رحمت فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) * و درود فرست بر بنده خاص و امین سر کامل خود *

وَ عُرْوَتِكَ الْوَثْقَى * وَ يَدِكَ الْعُلْيَا * وَ كَلِمَتِكَ الْحُسْنَى * وَ حُجَّتِكَ

و رشتۀ محکم * و دست بالا * و کلمۀ نیکوتر * و حجت تو

عَلَى الْوَرَى * وَ صَدِيقِكَ الْاَكْبَرِ سَيِّدِ الْاَوْصِيَاءِ * وَ رُكْنِ الْاَوْلِيَاءِ *

بر خلق * و بزرگترین تصدیق کننده تو سید اوصیاء * و رکن و عماد اولیاء *

وَ عِمَادِ الْاَصْفِيَاءِ * اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَعْسُوبِ الْمُتَّقِينَ * وَ قُدْوَةِ

برگزیدگان حضرت امیر المؤمنین و پیشوای متقین * و بزرگ راستگویان

الصَّدِيقِينَ * وَ اِمَامِ الصَّالِحِينَ * الْمَعْصُومِ مِنَ الزَّلَلِ * وَ الْمَفْطُومِ مِنَ

با ایمان * و امام صالحان * معصوم از خطاء * و لغزش و

الْخَلَلِ * وَ الْمُهَذَّبِ مِنَ الْعَيْبِ * وَ الْمُطَهَّرِ مِنَ الرَّيْبِ * اَخِي نَبِيِّكَ

خلل * و پاکیزه از عیب * و پاک از شک و ریب * برادر رسول تو

وَ وَصِيِّ رَسُوْلِكَ * وَ الْبَائِتِ عَلَي فِرَاشِهِ * وَ الْمُوَاسِي لَهُ وَ بِنَفْسِهِ *

و وصی او * و آنکه در فراش پیغمبرت خفت * و جان را نثار او کرد *

وَ كَاشِفِ الْكَرْبِ عَن وَجْهِهِ * الَّذِي جَعَلْتَهُ سَيْفًا لِنُبُوْتِهِ * وَ مَعْجَزًا

و رافع و دافع هم و غم و رنج و تعب از پیغمبر * آن کسی که او را شمشیر تبلیغ نبوت * و معجزه مقام رسالت

لِرِسَالَتِهِ * وَ دِلَالَةً وَاضِحَةً مُحِجَّتَهُ * وَ حَامِلًا لِرَايَتِهِ * وَ وَقَايَةَ

قرار دادی * و دلیل روشن بر حقانیت حجت‌های حق * برای نگهداری پرچم دین رسول * و حفاظت قلب

لِمُهْجَتِهِ * وَ هَادِيًا لِأُمَّتِهِ * وَ يَدًا لِبَاسِهِ * وَ تَاجًا لِرَاسِهِ * وَ بَابًا

منور او * و هادی امت * و بازوی توانای قوه دفاع * و تاج عزت و سلطنت بر سر پیغمبر * درگاه فتح

لِنَصْرِهِ * وَ مِفْتَاحًا لِظَفْرِهِ * حَتَّى هَزَمَ جُنُودَ الشِّرْكِ بِأَيْدِكَ * وَ اَبَادَ

و نصرت او * و کلید فیروزی پیغمبر گشت * تا آنجا که سپاهیان شرک را به یاری تو درهم شکست * و لشکریان

عَسَاكِرَ الْكُفْرِ بِأَمْرِكَ * وَ بَدَلَ نَفْسِهِ فِي مَرْضَاتِكَ وَ مَرْضَاةِ رَسُوْلِكَ

کفر را به فرمان تو * با جان نثاری در راه رضای تو و رضای پیغمبرت همه را به هلاکت رسانیدی

وَجَعَلَهَا وَقْفًا عَلَى طَاعَتِهِ * وَ مَجْنًا دُونَ نَكْبَتِهِ * حَتَّى فَاضَتْ

* و نفس قدسی خود را وقف طاعت رسول (ص) * و سپهر بر دفع آلام نکبات از وجود او گردانید * تا روزی که هنگام رحلت

نَفْسُهُ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كَفِّهِ * وَ اسْتَلَبَ بَرْدَهَا * وَ مَسَحَهُ * وَ

پیغمبر صلی الله علیه و آله بر دست او جان به حق تسلیم کرد * و با حال سرد شدن جسد مطهرش سردی بدن را ربود * و به دست

عَلَى وَجْهِهِ * وَ اعَانَتْهُ مَلَائِكَتُكَ عَلَى غُسْلِهِ وَ تَجْهِيْزِهِ * وَ صَلَّى

مسح بر صورت پیغمبر اکرم فرمود * و آنگاه در غسل و تجهیز رسول (ص) فرشتگان کمک او بودند * و او بر پیغمبر خدا

عَلَيْهِ * وَ وَاَرَى شَخْصَهُ * وَ قَضَى دَيْنَهُ * وَ اَنْجَزَ وَعْدَهُ * وَ لَزِمَ

نماز خواند * و جسد پاکش را در قبر پنهان کرد * و دین او را ادا نمود * وعده او را انجام داد * عهد و پیمانش را

عَهْدَهُ * وَ اَحْتَذَى مِثَالَهُ * وَ حَفِظَ وَصِيَّتَهُ * وَ حِينَ وَجَدَ اَنْصَارًا

ملازمت فرمود * و مطابق رویه پیغمبر کاملاً رفتار کرد * و وصیتش را حفظ فرمود * و هنگامی که یار و انصار یافت

نَهَضَ مُسْتَقِلًّا بِاَعْبَاءِ الْاِخْلَافَةِ * مُضْطَلَعًا بِاَثْقَالِ الْاِمَامَةِ * فَنَصَبَ

به استقلال مقام خلافت خود * و تحمل شداید سلطنت با عدل و داد کامل قیام فرمود * پس پرچم

رَايَةَ الْهُدَى فِي عِبَادِكَ * وَ نَشَرَ ثَوْبَ الْاَمْنِ فِي بِلَادِكَ * وَ بَسَطَ الْعَدْلَ

هدایت میان بندگان تو برافراشت * و در تمام بلاد اسلام لباس امن و آمان در پوشانید * و بساط عدل و داد را میان

فِي بَرِيَّتِكَ * وَ حَكَمَ بِكِتَابِكَ فِي خَلِيْقَتِكَ * وَ اَقَامَ الْحُدُودَ * وَ قَمَعَ

خلق بگسترد * و به کتاب تو در بین بندگان حکم فرمود * و حدود الهی را اقامه و اجراء کرد * ریشه کفر و جحود

الْمُجْحُوْدَ * وَ قَوْمَ الزَّيْغِ * وَ سَكَنَ الْغَمْرَةَ * وَ اَبَادَ الْفِتْرَةَ * وَ سَدَّ الْفُرْجَةَ

را برکند * شک و شبهات زیغ و ضلالت را اصلاح فرمود * فتنه و پرانندگی امت را آرام * و سستی و ضعف اسلام را نابود * و شکاف

وَ قَتَلَ النَّاَكِثَةَ وَ الْقَاسِطَةَ وَ الْمَارِقَةَ * وَ لَمْ يَزَلْ عَلَى مِنْهَا جَ رَسُوْلٍ

و رخنه‌های دشمنان را مسدود کرد * و با عهد شکنان و بیدادگران و مرتدان از دین قتال کرد * و پیوسته بر روش

اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَ وَتِيْرَتِهِ وَ لَطْفِ شَاكِلَتِهِ * وَ جَمَالِ

و طریقه پیغمبر صلی الله علیه و آله بود * و بر لطف و عواطف صورت * و حسن و جمال سیرت

سِيْرَتِهِ * مُقْتَدِيًّا بِسُنَّتِهِ * مُتَعَلِّقًا بِهَمَّتِهِ * مُبَاشِرًا لِطَرِيْقَتِهِ *

رسول * و پیرو سنت * و همی علاقه‌مند به همت و افکار بلند آن حضرت * و ملازم طریقت وی بود *

وَ اَمَثَلْتَهُ * وَ نَصَبُ عَيْنِيْهِ * يَحْمِلُ عِبَادَكَ عَلَيْهَا * وَ يَدْعُوهُمْ اِلَيْهَا اِلَى

و امثال و مقاصد عالی رسول نصب العینش بود * و بندگان تو را بر آن مقاصد و امیداشت * و دعوت می‌کرد تا هنگامی که

أَنْ خَضِبَتْ شَيْبَتَهُ وَمِنْ دَمِ رَأْسِهِ اللَّهُمَّ فَكَمَا لَمْ يُؤْثِرْ فِي طَاعَتِكَ

محاسن مبارکش به خون سرش خضاب شد * پروردگارا چنانکه او هیچگاه شک را

شَكَاَ عَلَى يَقِينٍ * وَلَمْ يُشْرِكْ بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ * صَلَّى عَلَيْهِ صَلَاةٌ

بر یقین مقدم نداشت * و یک لحظه به تو مشرک نگشت * تو هم درود و رحمت فرست بر او

زَاكِيَةٌ نَامِيَةٌ * يَلْحَقُ بِهَا دَرَجَةُ النَّبُوَّةِ فِي جَنَّتِكَ * وَبَلَّغَهُ مِنَّا تَحِيَّةً

رحمتی با نشو و نما * که به آن رحمت در بهشت ابدت به مقام نبوت در پیوندد * و سلام و تحیت ما را هم

وَسَلَامًا * وَءَاتَانَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مُوَالَاتِهِ فَضْلًا وَاحْسَانًا * وَمَغْفِرَةً

به آن حضرت برسان * و به ما در راه محبت او فضل و احسان * و آمرزش و خشنودی خود را

وَرِضْوَانًا * إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْجَسِيمِ * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

عطا فرما * زیرا تو ای خدا صاحب فضل بزرگ و لطف بی نهایت هستی * به حق رحمت نامنتهایت ای مهربانترین مهربانان عالم.

🌸 پس بیوس ضریح را و روی راست خود را بگذار بر آن و بعد از آن روی چپ را و میل کن به سمت قبله و نماز

زیارت به جای آور و آنچه خواهی بعد از نماز دعا کن * و بگو بعد از فرستادن تسبیح زهراء (ع): اللَّهُمَّ إِنَّكَ

پروردگارا تو مرا

بَشَّرْتَنِي عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ

بر زبان مبارک پیغمبر و فرستاده خود حضرت محمد صلوات الله علیه و آله بشارت دادی *

فَقُلْتَ ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ اللَّهُمَّ

که در کتاب خود فرمودی و ای رسول ما بشارت ده آنان که ایمان آوردند که آنها را نزد خدا قدم صدق است * پروردگارا

وَإِنِّي مُؤْمِنٌ بِجَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ * فَلَا تَقْفِنِي

و من البته به جمیع پیامبران و رسولانت صلوات الله علیهم ایمان دارم * پس بعد از آنکه

بَعْدَ مَعْرِفَتِهِمْ مَوْقِفًا تَفْضِحُنِي فِيهِ عَلَى رُءُوسِ الْأَشْهَادِ * بَلِّ قَفْنِي

معرفت به آنها یافته‌ام مرا در موقفی که آنجا مرا رسوا کنی نگاه مدار * بلکه مرا با رسولانت به موقف

مَعَهُمْ * وَتَوَفَّنِي عَلَى التَّصْدِيقِ بِهِمْ * اللَّهُمَّ وَأَنْتَ خَصَصْتَهُمْ

کرامت بدار * و مرا با تصدیق و ایمان به آنها بمیران * پروردگارا و تو خود آن رسولان را مخصوص به کرامت

بِكِرَامَتِكَ * وَآمَرْتَنِي بِاتِّبَاعِهِمْ * اللَّهُمَّ وَإِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ

خود فرمودی * و مرا به پیروی آنان امر کردی * پروردگارا و من بنده تو و زوار توام *

مُتَقَرِّبًا إِلَيْكَ بِزِيَارَةِ أَخِي رَسُولِكَ * وَ عَلَى كُلِّ مَاتِيٍّ وَ مَزُورٍ * حَقٌّ

که به سوی تو به واسطه زیارت برادر رسولت تقرب می‌جویم * و هر که به درگاه کسی و زیارت کسی آید * بر آن کس

لَمَنْ آتَاهُ وَ زَارَهُ * وَ أَنْتَ خَيْرُ مَاتِيٍّ وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ * فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا

حق خواهد داشت * و تو بهتر و کریمتر کسی هستی که به درگاه و زیارتش آید * پس از تو درخواست می‌کنم ای خدا

رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ * يَا جَوَادُ يَا مَاجِدُ * يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ * يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ

ای بخشنده مهربان * ای صاحب جود و مجد و کرم * ای خدای فرد غنی الذات * ای آنکه نه تو را فرزندی است

وَ لَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَ كُفُوًا أَحَدٌ * وَ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا

و نه فرزند کسی * و نه تو را احدی مثل و مانند است * و نه زن و فرزندی از تو

* أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تَجْعَلَ تَحْفَتِكَ إِيَّايَ مِنْ

* درخواست می‌کنم که درود بر محمد و آلش فرستی * و تحفه و ثواب زیارت برادر رسولت را

زِيَارَتِي أَخَا رَسُولِكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ * وَ أَنْ تَجْعَلَ لِي مِمَّنْ يُسَارِعُ

بر من آزادیم از آتش دوزخ قرار دهی * و مرا از آنان که در کارهای خیر سرعت می‌کنند

فِي الْخَيْرَاتِ * وَ يَدْعُوكَ رَغْبًا وَ رَهْبًا * وَ تَجْعَلَ لِي مِنَ الْمُحَاشِعِينَ *

مقرر فرمایی * و از آنان که با شوق و رغبت و ترس و هيبت تو را به دعا می‌خوانند * و از اهل خضوع و خشوع گردانی *

اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنَّتَ عَلَيَّ بِزِيَارَةِ مَوْلَايَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ * وَ وَلايَتِهِ

پروردگارا تو به نعمت زیارت مولایم علی بن ابی طالب * و به ولایت و معرفتش بر من

وَ مَعْرِفَتِهِ * فَاجْعَلْ لِي مِمَّنْ يَنْصُرُهُ وَ يَنْتَصِرُ بِهِ * وَ مَنْ عَلَيَّ بِنَصْرِكَ

منت گذاری * پس کرم فرما و مرا از یاران و ناصران او در دین تو * و از یاری طلبان از حضرتش برای

لِدِينِكَ * اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ شِيعَتِهِ * وَ تَوْفَنِي عَلَى دِينِهِ * اللَّهُمَّ

دین خود بگردان * پروردگارا و مرا از شیعیانش قرار ده * و بر دین و آیین او بمیران * پروردگارا

أَوْجِبْ لِي مِنَ الرَّحْمَةِ وَ الرَّضْوَانِ * وَ الْمَغْفِرَةِ وَ الْإِحْسَانِ * وَ الرَّزْقِ

از رحمت (نامنتها) و خشنودی * و مغفرت و احسان بر من نصیبی لازم گردان * و رزق

الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ الْحَمْدُ

وسیع حلال پاکیزه و آنچه تو را سزد به من عطا فرما * ای مهربانترین مهربانان عالم و ستایش

لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * مؤلف گوید که: در روایت معتبر منقول است که حضرت خضر (علیه السلام) در روز

مخصوص خدای آفریننده عالم است. *

شهادت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) گریه کنان و استرجاع گویان به سرعت آمد و ایستاد بر در خانه

امیرالمؤمنین (علیه السلام) پس گفت: **رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ * كُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلَامًا**

خدا تو را رحمت فرستد ای ابا الحسن * تو بودی اول قوم در اسلام

*** وَأَخْلَصَهُمْ إِيْمَانًا * وَأَشَدَّهُمْ يَقِينًا * وَأَخَوْفَهُمْ لِلَّهِ * و شمرد بسیاری**

* و خالصترین ایشان در ایمان * و محکمترین آنها در یقین * و صاحب خوفترشان برای حق *

از فضائل آن حضرت را قریب به همین عباراتی که در همین زیارت مذکور است پس اگر در این روز این زیارت نیز خوانده شود مناسب است و اصل آن کلمات که به منزله زیارت روز شهادت است در هدیه ذکر کرده ایم هر که خواهد به آنجا رجوع کند. * و نیز بدان که ما پیش از این در ضمن اعمال شب مبعث کلامی از رحله ابن بطوطه نقل کردیم که متعلق بود به این روضه شریفه صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى مُشْرِفِهَا شایسته است به آنجا رجوع شود.

فصل پنجم

در فضیلت کوفه و مسجد بزرگ آن و اعمال آن مسجد و زیارت جناب مسلم است. بدان که کوفه

یکی از آن چهار بلدی است که حق تعالی آن را اختیار فرموده و طور سنین تفسیر به آن شده و در روایت است

که آن حرم خدا و حرم رسول (ﷺ) و حرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) است و یک درهم تصدق در آن حساب می شود

به صد درهم در جای دیگر، و دو رکعت نماز در آن حساب می شود به صد رکعت. * **و اما فضیلت مسجد کوفه:**

پس زیاده از آن است که ذکر شود و بس است در شرافت آن که یکی از آن چهار مسجدی است که سزاوار است

شدِّ رحال شود به سمت آنها به جهت درک فیوضات آنها و یکی از آن موطن است که مسافر مخیر است در آن

مابین قصر و اتمام نماز. * و نماز فریضه در آن معادل حج مقبول و معادل هزار نماز است که در جای دیگر به

جای آورده شود. * و در روایات وارد شده که محلّ نماز پیغمبران است و محلّ نماز حضرت مهدی صلوات الله

علیه خواهد شد. * و در روایتی هزار پیغمبر و هزار وصی پیغمبر در آن نماز کرده و از بعضی روایات استفاده شود

که مسجد کوفه افضل است از مسجد اقصی که در بیت المقدس است * و ابن قولویه از امام محمد باقر (علیه السلام)

روایت کرده که فرمود: اگر مردم بدانند که چه فضیلت دارد مسجد کوفه هر آینه از شهرهای دور تهیّه زاد و راحله

کنند و به سوی این مسجد بیایند. * و فرمود که: نماز واجب در آن برابر است با حج مقبول و نماز نافله برابر عمره

مقبوله و به روایت دیگر نماز فریضه و نافله در آن مثل حج و عمره ای است که با رسول خدا (ﷺ) کرده باشند.

* شیخ کلینی و غیر او از مشایخ عظام روایت کرده اند از هارون بن خارجه که حضرت صادق (علیه السلام) به من فرمود:

ای هارون چه مقدار مسافت است بین تو و بین مسجد کوفه، یک میل می شود؟ گفتم: نه. فرمود: به جا می آوری همه نمازهای خود را در آنجا؟ گفتم: نه. فرمود: اگر من نزدیک آن مسجد بودم امید داشتم که از من فوت نمی شد یک نماز در آن. و هیچ می دانی که چیست فضیلت آن موضع؟ نبوده بنده صالحی و نه پیغمبری مگر آنکه نماز گذارده در مسجد کوفه حتی آنکه رسول خدا (ﷺ) در شبی که او را به معراج می بردند جبرئیل به آن حضرت گفت: می دانی که در کجائی یا رسول الله؟ الآن مقابل مسجد کوفه می باشی. فرمود: پس رخصت بطلب از پروردگار من تا بروم در آن و دو رکعت نماز گذارم. پس جبرئیل از حق تعالی اذن طلب کرد، حق تعالی اذن مرحمت فرمود پس فرود آورد آن حضرت را و آن جناب دو رکعت نماز گذاشت در آن. * و به درستی که جانب راست آن باغی است از باغهای بهشت و میان آن باغی است از باغهای بهشت و عقب آن باغی است از باغهای بهشت و به درستی که نماز واجب در آن برابر است با هزار نماز. و نافله در آن مقابل است با پانصد نماز. و نشستن در آن بدون تلاوت و ذکر عبادت است، و اگر مردم بدانند که چه فضیلت است در آن بیایند به سوی آن اگر چه به روش کودکان خود را بر زمین کشند. * و در روایت دیگر است که نماز واجب در آن مقابل حج است و نماز نافله مقابل عمره. * و گذشت در ذیل زیارت هفتم حضرت امیر (علیه السلام) اشاره به فضیلت این مسجد شریف. و از بعضی روایات معلوم می شود که جانب راست این مسجد افضل است از جانب چپ آن. * و اما اعمال مسجد کوفه: پس

به نحوی که در مصباح الزائر و غیره است آن است که چون داخل کوفه شدی بگو: **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ**

به نام خدا و (خدایی) خدا

وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله *

و در راه خدا * و بر ملت رسول خدا صلی الله علیه و آله *

اللَّهُمَّ أَنْزِلْ لِي مَنزِلًا مُبَارَكًا * وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ * پس روانه شو به سوی

پروردگارا مرا (در جوار خود) منزلی مبارک عطا کن * که تو بهترین کسی هستی که بر درگاه او نزول کنند *

مسجد کوفه و در حال رفتن بگو: **اللَّهُ أَكْبَرُ * وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ ***

خدای بزرگ است * و خدایی جز ذات مقدس پروردگار نیست * و ستایش مخصوص خداست *

وَ سُبْحَانَ اللَّهِ * تا وارد شوی به در مسجد پس بایست نزد در و بگو: **السلامُ علی سیدنا**

و خدا پاک منزله است * تحیت و سلام بر سید ما

رَسُولِ اللَّهِ * مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ آلهِ الطَّاهِرِينَ * السلامُ علی

رسول خدا * حضرت محمد بن عبد الله و آل پاکش باد * سلام و تحیت

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ * وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ * وَعَلَى

بر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب * و رحمت و برکات خدا بر او باد * و بر

مَجَالِسِهِ وَمَشَاهِدِهِ * وَمَقَامِ حِكْمَتِهِ * وَأَثَارِ آبَائِهِ آدَمَ وَنُوحَ

مجالس او و مشاهد شریف * و مقام حکمت او * و آثار (و علوم و خیرات) پدرانش حضرت آدم و نوح *

وَإِبْرَاهِيمَ وَاسْمَعِيلَ * وَتَبْيَانَ (بَنِيَّانَ) بَيْنَاتِهِ * السَّلَامَ عَلَى الْإِمَامِ

و ابراهیم و اسماعیل * و حجت و بینات روشن او باد * سلام بر امام حکیم

الْحَكِيمِ الْعَدْلِ الصِّدِّيقِ الْأَكْبَرِ * الْفَارُوقِ بِالْقِسْطِ الَّذِي فَرَّقَ اللَّهُ بِهِ

با عدل و داد باد که بزرگترین با ایمان * و فاروق حق از باطل است به عدالت آن کس که خدا به وجود او

بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ * وَالْكَفْرِ وَالْإِيمَانِ * وَالشِّرْكِ وَالتَّوْحِيدِ

میان حق و باطل * و کفر و ایمان * و شرک و توحید را جدا نمود *

لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ * وَيُحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ * أَشْهَدُ أَنَّكَ

تا با وجود آن حضرت هر که هلاک شود دانسته * و هر که سعادت حیات ابد یابد دانسته به این مقام رسد * گواهی می‌دهم

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * وَخَاصَّةً نَفْسَ الْمُتَجَبِّينَ * وَزَيْنَ الصِّدِّيقِينَ

که تو امیر اهل ایمانی * و خلاصه و لباب برگزیدگان خدا * و زینب و زینت مؤمنان کامل *

وَ صَابِرِ الْمُتَمَتِّحِينَ * وَأَنَّكَ حَكَمَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ * وَقَاضَى أَمْرَهُ

و با صبر و شکیباترین آزمودگان عالم هستی * و تو البته حکم و داور خدا در روی زمین * و قاضی به امر او *

وَبَابِ حِكْمَتِهِ * وَعَاقِدِ عَهْدِهِ * وَالنَّاطِقِ بِوَعْدِهِ * وَالْحَبْلِ الْمَوْصُولِ

و در علم و حکمت او * و محکم دارنده عهد او * و گویا به وعده او * و رشته محکم

بَيْنَهُ * وَبَيْنَ عِبَادِهِ * وَكَهْفِ النَّجَاةِ * وَمِنْهَاجِ التَّقَى * وَالدَّرَجَةِ

ما بین خدا و بندگان او * و پناهگاه نجات * و طریقه تقوی * و صاحب بلندترین

الْعُلْيَا * وَمُهَيِّمِنِ الْقَاضِيِ الْأَعْلَى * يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِكَ اتَّقَرَّبُ إِلَى

درجه و منزلت * و بالاترین حاکم و گواه در عالم * ای امیر اهل ایمان من به درگاه خدا به واسطه تو سل

اللَّهِ زُلْفَى * أَنْتَ وَلِيِّيَ وَوَسِيلَتِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ *

به تو تقرب می‌جویم * تو ولی و ناصر و محبوب منی و سید و وسیله من در دنیا و آخرت *

داخل مسجد می‌شوی. مؤلف گوید که: بهتر آن است که از دری که در عقب مسجد است که مشهور است به

باب الفیل داخل شوی پس می گوئی: **اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ** * هذا مقام

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است * اینجا مقامی است

الْعَائِدِ بِاللَّهِ * وَبِمُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَبِوَلَايَةِ

که پناهنده به خدا * و حبیب او محمد صلی الله علیه و آله * و ولایت

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * وَالْأئِمَّةِ الْمَهْدِيِّينَ الصَّادِقِينَ النَّاطِقِينَ الرَّاشِدِينَ *

امیر المؤمنین می شوم * و ولایت ائمه هدی که صادقان و ناطقان به حق و ارشاد کننده خلقتند *

الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا * رَضِيتُ بِهِمْ أئِمَّةَ

آنان که خدا ذواتشان را از لوث و ناپاکی شرک و عصیان پاک و منزه گردانید * من به امامت و پیشوایی آنان و هدایت

وَهُدَاةً وَمَوَالِي * سَلَّمْتُ لِأَمْرِ اللَّهِ لَا أَشْرِكُ بِهِ شَيْئًا * وَلَا أَتَّخِذُ مَعَ

و محبت آنها خشنود و راضیم * و به امر خدا تسلیم و هرگز چیزی را شریک او نخوانم * و با وجود خدا ولی و سلطانی

اللَّهِ وَلِيًّا * كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا * حَسْبِيَ اللَّهُ

در عالم اتخاذ نکنم * آنان که از خدا رو گردانیدند دروغ گفتند و سخت در گمراهی دور از حقیقت افتادند * مرا خدا کافی

وَأَوْلِيَاءَ اللَّهِ * أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * وَأَشْهَدُ

است و اولیاء خدا * گواهی می دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست * و او را شریکی نیست * و گواهی می دهم

أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَأَنَّ عَلِيًّا

که حضرت محمد * صلی الله علیه و آله بنده خاص و رسول اوست * و نیز گواهی می دهم که

وَالْأئِمَّةَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَوْلِيَاءِي * وَحُجَّةَ اللَّهِ

علی علیه السلام و ائمه هداة از فرزندانش علیهم السلام همه اولیاء من * و حجت های الهی اند

عَلَى خَلْقِهِ * آنگاه برو به جانب ستون چهارم که در جنب باب انماط و برابر ستون پنجم است و آن

بر خلق عالم *

ستون حضرت ابراهیم (علیه السلام) است. پس چهار رکعت نماز کن دور کعبه آن را با حمد و قل **هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و دو

رکعت دیگر را با حمد و **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ *** پس چون فارغ شدی از نماز تسبیح حضرت زهراء (علیها السلام)

را بگو * و بعد از آن بگو: **السَّلَامُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ الرَّاشِدِينَ * الَّذِينَ**

سلام بر آن بندگان شایسته حق که هادیان راه خدایند * و خدا

أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا * وَ جَعَلَهُمْ أَنْبِيَاءَ

نفوسشان را از لوث شرک و عصیان پاک و مبرا ساخته * و آنان را پیغمبران

مُرْسَلِينَ * وَ حُجَّةً عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ * وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ *

مرسل * و حجت‌های خود بر خلق عالم قرار داده * و سلام بر رسولان حق *

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ * وهفت مرتبه بگو:

و ستایش خاص خدا پروردگار عالم است * تقدیر و حکم خدای مقتدر دانا این است *

سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ * پس بگو: نَحْنُ عَلَى وَصِيَّتِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ

سلام بر نوح پیغمبر در میان خلق * ما ثابت قدم در عمل و اداء وصیت و سفارش توایم ای ولی اهل ایمان

* أَلَّتِي أَوْصَيْتَ بِهَا ذُرِّيَّتَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ وَ الصَّادِقِينَ (وَ الصَّادِقِينَ) *

* همان وصیتی که بر ذریه خود از رسولان حق و صادقان در ایمان کردی *

وَ نَحْنُ مِنْ شِيعَتِكَ وَ شِيعَةَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ *

و ما شیعیان تو هستیم و شیعیان پیغمبرمان حضرت محمد * که درود و رحمت خدا بر او و بر آل او *

وَ عَلَيْكَ وَ عَلَى جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ * وَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الصَّادِقِينَ (الصَّادِقِينَ) *

و بر تو (یا علی) و بر تمام رسولان حق * و پیغمبران و صادقان در ایمان باد *

وَ نَحْنُ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ * وَ دِينِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ * وَ الْأَئِمَّةِ الْمَهْدِيِّينَ

و نیز ما بر طریقه و ملت توحید ابراهیم * و دین حضرت محمد پیغمبر امی * و امامان هدایت یافته

* وَ وِلَايَةِ مَوْلَانَا عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَى الْبَشِيرِ النَّذِيرِ *

* و ولایت مولای ما علی امیر اهل ایمان ثابتیم * سلام بر بشار دهنده نیکویان و بیم دهنده بدکاران *

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتُهُ وَ وَرْضَوَانُهُ وَ بَرَكَاتُهُ * وَ عَلَى وَصِيِّهِ

و تحیت و رحمت و خشنودی و برکات خدا بر او باد * و بر وصی او

وَ خَلِيفَتِهِ الشَّاهِدِ لِلَّهِ مِنْ بَعْدِهِ عَلَى خَلْقِهِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ *

و جانشین او که شاهد و گواه خدا بر خلق است بعد از پیغمبر که علی امیر المؤمنین است *

الصَّادِقِ الْأَكْبَرِ * وَ الْفَارُوقِ الْمُبِينِ * الَّذِي أَخَذَتْ بَيْعَتَهُ * (أَخَذَتْ بَيْعَتَهُ) *

و صدیق اکبر * و فاروق حق و باطل در حد کمال است * آن کسی که در امر خلافتش بر عالمیان

عَلَى الْعَالَمِينَ * رَضِيَتْ بِهِمْ أَوْلِيَاءَ وَ مَوَالِيَّ * وَ حُكَّامًا فِي نَفْسِي وَ وُلْدِي

از امت بیعت گرفتی * من به آن امامان بر ولایت و دوستی آنها خشنود و راضی هستم * و آنان حاکم بر نفس من و فرزند

وَأَهْلِي * وَمَالِي وَقِسْمِي * وَحِلِّي وَاحْرَامِي * وَإِسْلَامِي وَدِينِي

* و اهل * و مال من و نصیب من * و در حل باشم یا در حال احرام * و بر اسلام من و دین

* وَ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي * وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي * أَنْتُمْ الْأَيَّمَةُ فِي الْكِتَابِ *

* و دنیا و آخرتم * و زنده و مرده من بر همه حاکم و فرمانروا هستند * شما بزرگواران و پیشوایان خلق و در حکم کتاب خدا هستید *

وَفَصْلِ الْمَقَامِ وَفَصْلِ الْخُطَابِ * وَاعْيُنُ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَنَامُ * وَأَنْتُمْ

و فیصل مقام و خطاب حق از باطل * و شما میباید دیدگان زنده‌ای که خواب ندارد * و شما

حُكَمَاءَ اللَّهِ * وَبِكُمْ حَكَمَ اللَّهُ * وَبِكُمْ عُرِفَ حَقُّ اللَّهِ * لَا إِلَهَ إِلَّا

حکماء الهی هستید * و به واسطه شما خدا میان خلق حکم کرد * و به شما حق خدا بر خلق شناخته شد * خدایی جز خدای

اللَّهُ * مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ * أَنْتُمْ نُورُ اللَّهِ مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا وَ مِنْ خَلْفِنَا

یکتا نیست * و محمد رسول اوست * و شما نور خدا در پیش نظر ما مردم فعلی و آنکه پس از ما به عالم دنیا آید

* أَنْتُمْ سُنَّةُ اللَّهِ الَّتِي بِهَا سَبَقَ الْقَضَاءُ * يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَا لَكُمْ

* شما آن سنت و طریقه خدایید که قضای حق بدان حکم کرده * ای امیر المؤمنین من در مقابل امر شما

مُسَلِّمٌ تَسْلِيمًا لَا أُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا * وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيًّا *

تسلیم صرف هستم و چیزی را به خدا شریک نگردانم * و جز خدا را ولی سلطان خود و عالم ندانم *

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي بِكُمْ * وَمَا كُنْتُ لِأَهْتَدِي لَوْلَا أَنَّ هَدَانِي

ستایش خاص خداست که مرا به واسطه شما هدایت کرد * مرا اگر خدا هدایت نمی فرمود هرگز راه حق

اللَّهُ * اللَّهُ أَكْبَرُ * اللَّهُ أَكْبَرُ * اللَّهُ أَكْبَرُ * اللَّهُ أَكْبَرُ * الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَانَا

را نمی یافتم * خدا بزرگتر * خدا بزرگتر * خدا بزرگتر است * ستایش خدای را بر آنچه ما را هدایت فرمود.

﴿ **أَعْمَالُ دَكَّةَ الْقَضَاءِ وَبَيْتِ الطُّشْتِ:** بدان که دکه‌ی القضاة دکانچه‌ای بوده در مسجد که امیر المؤمنین (علیه السلام)

بر روی آن می نشستند و قضاوت و حکم می نمودند و در آن موضع ستون کوتاهی بوده که در آن نوشته بود

آیه کریمه **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَبِئَاتِ الطُّشْتِ** همان محلّی است که ظاهر شده معجزه

امیر المؤمنین (علیه السلام) در باب آن دختر بی شوهری که یک وقتی در میان آب بوده که زالویی در شکمش داخل

شده و کم کم از مکیدن خون بزرگ شده بود و شکم آن دختر را نیز بزرگ کرده بود برادران دختر گمان حمل به او

بردند و خواستند او را بکشند، برای حکم آن نزد امیر المؤمنین (علیه السلام) آمدند حضرت امر فرمود در جانب مسجد

برده کشیدند و آن دختر را پس آن پرده نشانیدند و قابله کوفه را امر فرمود که او را تفتیش کند. قابله پس از

تفتیش عرض کرد یا امیرالمؤمنین این دختر آبستن است و فرزند در شکم دارد پس حضرت امر فرمود طشتی مملو از لجن آوردند و دختر را بر روی آن نشانیدند. آن زالو که بوی لجن شنید از شکم دختر بیرون آمد. و در بعضی از روایات است که حضرت دست دراز کرد، و از کوههای شام قطعه برفی آورد و نزدیک آن طشت نهاد تا آن حیوان از شکم دختر بیرون آمد. * و نیز بدان که مشهور در ترتیب اعمال مسجد آن است که بعد از اعمال ستون چهارم می روند به وسط مسجد و اعمال آنجا را به جامی آورند و اعمال دکه القضاء و بیت الطشت را در آخر همه بعد از فراغ از دکه حضرت صادق (علیه السلام) به جامی آورند و لکن ما به همان ترتیبی که سید بن طاووس در مصباح الزائر و علامه مجلسی در بحار و شیخ خضر در مزار نقل کرده اند اعمال را ذکر می نمائیم و اگر کسی خواسته باشد به ترتیب مشهور عمل نماید اعمال دکه القضاء و بیت الطشت را بعد از ستون چهارم به جا نیاورد و بگذارد در آخر بعد از اعمال دکه حضرت صادق (علیه السلام) به جا آورد. * بالجمله می گوئیم پس برو به سوی دکه القضاء و در آنجا دو

رکعت نماز کن به حمد و هر سوره که خواهی و چون فارغ شدی بگو تسبیح زهرا (علیها السلام) را * و بگو: **يَا مَالِكِي**

ای مالک من و

و مَمْلِكِي * وَ مُتَعَمِدِي (مُعْتَمِدِي) بِالنِّعَمِ الْجِسَامِ مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ *

تملیک کن من * و آنکه غریق نعمتم ساختی بدون استحقاق *

وَجْهِي خَاضِعٌ لِمَا تَعْلُوهُ الْأَقْدَامُ * لِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ * لَا تَجْعَلْ

وجه من برای تو خاضع است برای آنچه زیر قدمها است * برای جلال وجه کریمت * این شدت

هَذِهِ الشَّدَّةَ وَلَا هَذِهِ الْمِحْنَةَ مُتَّصِلَةً بِاسْتِیْصَالِ الشَّافَةِ * وَ اَمْنَحْنِي

و این محنت و گرفتاری را همیشه قرار مده به ریشه کنی * و مرا از

مِنْ فَضْلِكَ مَا لَمْ تَمْنَحْ بِهِ أَحَدًا مِنْ غَيْرِ مَسْئَلَةٍ * أَنْتَ الْقَدِيمُ الْأَوَّلُ

فضل خود ببخش آنچه را که احدی را بدون درخواست بدان نبخشایی * تویی قدیم اول

الَّذِي لَمْ تَزَلْ وَلَا تَزَالُ * صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ * وَ اغْفِرْ لِي

که پیوسته بوده و هستی * درود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و بیامرز مرا

وَ اَرْحَمْنِي وَ زَكِّ عَمَلِي * وَ بَارِكْ لِي فِي أَجَلِي * وَ اجْعَلْنِي مِنْ عِتْقَائِكَ

و بر من رحم کن و عملم را پاک کن * و عمرم را برکت بخش * و مرا از آزاد شدگان و

وَ طَلْقَائِكَ مِنَ النَّارِ * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اعمال بیت الطشت:

رهایی یافتگان از آتش بگردان و قرار ده * به حق رحمتت ای مهربانترین مهربانان عالم. *

که متصل است به دکه قضاء، نماز کن در آنجا دو رکعت و بعد از سلام تسبیح کن، * پس بگو: **اللَّهُمَّ اِنِّی**

پروردگارا من

ذَخَرْتُ تَوْحِیدِی اِیَّاکَ * وَ مَعْرِفَتِی بِکَ * وَ اِخْلَاصِی لَکَ وَ اِقْرَارِی

یگانه پرستی و معرفت * و شناسایی تو را * و اخلاص و اقرار به ربوبیت و خدایی تو را اندوخته

بِرُبُوبِیَّتِکَ * وَ ذَخَرْتُ وِلاَیةَ مَنْ اَنْعَمْتَ عَلَیَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ مِنْ بَرِیَّتِکَ *

کردم * و نیز ذخیره گردانیده‌ام دوستی آنان را که از خلق خود معرفتشان را به من انعام فرمودی *

مُحَمَّدٍ وَ عِزَّتِهِ صَلَّى اللهُ عَلَیْهِمْ * لِیَوْمٍ فَزَعِی اِلَیْکَ عَاجِلًا وَ اَجَلًا

یعنی محمد و عزت پاکش که درود خدا بر آنان باد * برای روز فزع و نیاز و هراسم به تو در دنیا و عقبی

*** وَ قَدْ فَزَعْتُ اِلَیْکَ وَ اِلَیْهِمْ یَا مَوْلَای فِی هَذَا الِیَوْمِ * وَ فِی مَوْقِفِی هَذَا**

* و من در این روز و در این جایگاه ای مولای من به درگاه تو * و به سوی ایشان فزع و زاری دارم

*** وَ سَأَلْتُکَ مَا دَتِی (ما زکی) مِنْ نِعْمَتِکَ * وَ اِزَاحَةَ مَا اَخْشَاہُ مِنْ نِقْمَتِکَ**

* و از تو درخواست می‌کنم کسش نعمت را * و برکناری آنچه می‌ترسم آن را از عذاب تو

*** وَ الْبَرکةَ فِیْمَا رَزَقْتَنِیهِ * وَ تَحْصِینَ صَدْرِی مِنْ کُلِّ هَمٍّ وَ جَائِحَةٍ**

* و برکت در آنچه مرا روزی فرمودی * و اینکه سینه‌ام را از ورود هر اندوه و ناگواری و نافرمانی

وَ مَعْصِیَةٍ * فِی دِینی وَ دُنْیایِ وَ اٰخِرَتِی * یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ * و نقل شده

و گناه * در دین و دنیا و آخرت در پناه لطف محفوظ داری * ای مهربانترین مهربانان عالم *

که حضرت صادق (علیه السلام) در بیت الطشت دو رکعت نماز کردند. **بیان نماز و دعا در وسط مسجد: دو رکعت**

نماز می‌کنی در وسط مسجد، در رکعت اول حمد می‌خوانی با قلُّ هُوَ اللهُ اَحَدٌ و در رکعت دوم حمد و قلُّ یا

اَیُّهَا الْکَافِرُونَ پس وقتی که سلام دادی تسبیح زهرا (علیها السلام) را بخوان * و بگو: **اللَّهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ**

بارالها تویی سلام

وَ مِنْکَ السَّلَامُ * وَ اِلَیْکَ یَعُودُ السَّلَامُ * وَ دَارُکَ دَارَ السَّلَامِ * حَیْنَا

و از توست سلام * و به سوی تو برمی‌گردد سلام * و خانه تو دار السلام است * پروردگارا ما را

رَبَّنَا مِنْکَ بِالسَّلَامِ * اللَّهُمَّ اِنِّی صَلَّیْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ اِبْتِغَاءَ رَحْمَتِکَ

به سلام تحیت فرست از خود * بار خدایا من این نماز را برای طلب رحمت و خشنودی تو

وَرِضْوَانِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ * وَ تَعْظِيمًا لِمَسْجِدِكَ * اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ

و آمرزش تو * و بزرگ داشت مسجدت خواندم * بارالها پس درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ عَالِ مُحَمَّدٍ * وَ ارْفَعَهَا فِي عَلِيِّينَ * وَ تَقَبَّلْهَا مِنِّي يَا أَرْحَمَ

محمد و آتش * و برآور آن نماز را در علیین * و از من بپذیر آن را ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ * مؤلف گوید که: این مقام را دُكَّةُ الْمِعْرَاجِ گفته‌اند و ظاهراً به ملاحظه آن است که در شب

مهربانان عالم. *

معراج حضرت رسول (ﷺ) از حق تعالی رخصت طلبید و در اینجا فرود آمد و دو رکعت نماز گذاشت و در اوّل

فصل روایت آن گذشت. **اعمال ستون هفتم:** و آن مقامی است که در آن حق تعالی توفیق توبه به آدم (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

داده پس برو به طرف ستون هفتم و بایست در نزد آن رو به قبله و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ عَلَيَّ

به نام خدا و به ذات خدا * و بر

مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَالِهِ * وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * مُحَمَّدٌ

ملت و آیین رسول خدا * صلی الله علیه و آله * و هیچ خدایی جز خدای یکتای عالم نیست * محمد (ص)

رَسُولُ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيَّ آدَمَ وَ أُمَّنَا حَوَاءَ * السَّلَامُ عَلَيَّ هَابِيلَ

رسول خداست * سلام بر پدر اول ما حضرت آدم ابو البشر و بر مادر ما حواء * سلام بر هابیل

الْمَقْتُولِ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا عَلَيَّ مَوَاهِبِ اللَّهِ وَ رِضْوَانِهِ * السَّلَامُ عَلَيَّ

که به ظلم و ستم کشته شد بر مواهب الهی و رضوان او * سلام بر

شَيْثٍ (شَيْثٌ) صَفْوَةِ اللَّهِ الْمُخْتَارِ الْأَمِينِ * وَ عَلَيَّ الصَّفْوَةِ الصَّادِقِينَ

حضرت شیث بنده خالص خدا و برگزیده امین حق * و بر اهل صفای راستگو

مِنْ ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ * أَوْلَهُمْ وَ آخِرِهِمْ * السَّلَامُ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ

از ذریه پاکان و خوبان عالم * از اول تا آخر * سلام بر ابراهیم و اسماعیل

* وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ * وَ عَلَيَّ ذُرِّيَّتِهِمُ الْمُخْتَارِينَ * السَّلَامُ عَلَيَّ

* و اسحاق و یعقوب * و بر ذریه برگزیده آنان * سلام بر

مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيَّ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

موسای متکلم با خدا * سلام بر عیسی روح قدس الهی * سلام بر حضرت محمد

بَنِ عَبْدِ اللَّهِ * خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * وَذُرِّيَّتِهِ

بن عبد الله * خاتم پیغمبران حق * سلام بر امیر المؤمنین * و بر ذریه طیبین

الطَّيِّبِينَ * وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فِي الْأَوَّلِينَ *

و طاهرینش * سلام و رحمت و برکات خدا بر اینان باد * سلام بر شما در خلق اولین *

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فِي الْأَخِيرِينَ * السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ * السَّلَامُ

سلام بر شما در خلق آخرین * سلام بر فاطمه زهراء * سلام بر

عَلَى الْأَئِمَّةِ الْهَادِيْنَ * شُهَدَاءِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ * السَّلَامُ عَلَى الرَّقِيبِ

امامان و پیشوایان هادی خلق * که گواهان خدا بر خلائقند * سلام بر نگهبان

الشَّاهِدِ عَلَى الْأَمَمِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * پس نماز می کنی نزد آن ستون چهاررکعت،

و گواه خلق برای خدای آفریننده عالم.

می خوانی در رکعت اول حمد و انا انزلناه و در رکعت دوم حمد و قل هو الله احد و در رکعت سیم و چهارم

به همین نحو و چون فارغ شدی بگو تسبیح زهرا (ع) را * پس بگو: اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ قَدْ عَصَيْتَكَ

پروردگارا اگر من تو را بسی معصیت کردم

* فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي الْإِيمَانِ مِنِّي بِكَ مَنَّا مِنْكَ عَلَى * لَا مَنَّا مِنِّي (به)

* اما در ایمانم به تو گرچه آن هم نعمت و منتی است از تو بر من * نه آنکه من منت

عَلَيْكَ * وَأَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ لَكَ (إِلَيْكَ) لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا *

بر تو دارم * و نیز تو را در (توحید که) از همه نزد تو محبوبتر است تو را اطاعت کردم و بر تو فرزندی نگرفتم *

وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكَ * وَقَدْ عَصَيْتَكَ فِي أَشْيَاءٍ كَثِيرَةٍ عَلَى غَيْرِ وَجْهِ

و در ملک وجود کس را با تو شریک نخواندم * و در بسیاری امور که نافرمانی تو کردم باز از روی مکابره

الْمُكَابِرَةِ لَكَ * وَالْخُرُوجِ عَنْ (مِنْ) عِبُودِيَّتِكَ * وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ

و لجاج با تو نبود * و در مقام سرکشی از قید بندگیت * و انکار ربوبیت نبودم

* وَلَكِنْ اتَّبَعْتُ هَوَايَ * وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ عَلَى وَالْبَيَانِ

* و لیکن پیروی هوای نفس * و لغزش و وسوسه شیطان مرا به عصیان افکند بعد از اتمام حجت و بیان از جانب تو

* فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرِ ظَالِمٍ لِي وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي وَتَرْحَمْنِي *

* حالی اگر مرا عذاب کنی موجبش گناهانم بوده و تو بر من ابدًا ظلم نکرده‌ای و اگر مرا عفو کنی و بر من ترحم کنی *

فَبَجُودِكَ وَكَرَمِكَ يَا كَرِيمُ * اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي لَمْ يَبْقَ لَهَا إِلَّا رَجَاءٌ عَفْوِكَ

ای خدای کریم به موجب لطف وجود و کرم توست * پروردگارا گناهان من دست آویزی بر آن باقی نمانده جز امید عفو تو

* وَقَدْ قَدَّمْتُ أُمَّةَ الْحَرَمَانِ * فَاِنَا أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مَا لَا اسْتَوْجِبُهُ *
* و همانا من وسیله محرومیت خود را پیش فرستادم * پس حالی از تو درخواست می‌کنم چیزی را که مستوجب آن ابدًا نیستم *

وَ أَطْلُبُ مِنْكَ مَا لَا اسْتَحِقُّهُ * اللَّهُمَّ إِنَّ تَعَذِّبَنِي فَبِذُنُوبِي وَ لَمْ

و طلب می‌کنم آن را که مستحق آن ابدًا نخواهم بود * پروردگارا اگر تو مرا عذاب کنی پس سبب گناهان من است و تو

تَظْلِمَنِي شَيْئًا * وَ اِنْ تَغْفِرْ لِي فَخَيْرٌ رَاحِمٍ اَنْتَ يَا سَيِّدِي * اللَّهُمَّ

بر من هیچ ظلم و ستم نکرده‌ای * و اگر مرا ببخشی و بیامیزی بهترین ترحم کنندگان تویی ای آقای من * پروردگارا

اَنْتَ اَنْتَ * وَ اَنَا اَنَا * اَنْتَ الْعَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ * وَ اَنَا الْعَوَادُ بِالذُّنُوبِ

تو تویی * و من منم * تو را عادت همیشه آمرزش و مغفرت است * و مرا گناه

* وَ اَنْتَ الْمَتَفَضِّلُ بِالْحِلْمِ * وَ اَنَا الْعَوَادُ بِالْجَهْلِ * اللَّهُمَّ فَاِنَا اسْأَلُكَ

* و تو به حلم و بردباری تفضل می‌کنی * و من به جهالت باز می‌گردم * پروردگارا پس من از تو درخواست می‌کنم

يَا كَنْزَ الضُّعْفَاءِ * يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ * يَا مُنْقِذَ الْغَرَقِيِّ * يَا مُنْجِيَ الْهَلَكِيِّ

ای گنج ناتوانان * و ای امید بزرگ عالم * ای رهایی بخش غرق شدگان * و نجات بخش هلاک شوندهگان

* يَا مُمِيتَ الْاَحْيَاءِ * يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى * اَنْتَ اللَّهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ * اَنْتَ

* و میراننده زندگان * و زنده کننده مردگان * تویی خدای یکتایی که جز تو خدایی نیست * تویی

الَّذِي سَجَدَ لَكَ شُعَاعُ الشَّمْسِ وَ دَوِيُّ الْمَاءِ * وَ حَفِيفُ الشَّجَرِ *
که نور خورشید به تو سجده کند و زمزمه آب * و نوای درختان *

وَ نُورُ الْقَمَرِ * وَ ظُلْمَةُ اللَّيْلِ وَ ضَوْءُ النَّهَارِ * وَ خَفَقَانُ الطَّيْرِ * فَاَسْأَلُكَ

و نور ماه * و ظلمت شب و روشنی روز * و پرواز مرغان * پس از تو درخواست می‌کنم

اللَّهُمَّ يَا عَظِيمَ بِحَقِّكَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اِلَهِي الصَّادِقِينَ * وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

ای خدای بزرگ به حق تو بر محمد و آل محمد که همه صادقانند * و به حقی که محمد

وَ اِلَهِي الصَّادِقِينَ عَلَيْكَ * وَ بِحَقِّكَ عَلَيَّ * وَ بِحَقِّ عَلِيٍّ عَلَيَّ *
و آل او راستگویانند بر تو دارند * و به حق علی بر تو * و به حق تو بر علی *

وَ بِحَقِّكَ عَلَيَّ فَاطِمَةَ * وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ عَلَيْكَ * وَ بِحَقِّكَ عَلَيَّ الْحَسَنَ *
و به حق تو بر فاطمه زهراء * و به حق فاطمه بر تو * و به حق تو بر حسن *

وَ بِحَقِّكَ عَلَيَّ فَاطِمَةَ * وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ عَلَيْكَ * وَ بِحَقِّكَ عَلَيَّ الْحَسَنَ *
و به حق تو بر فاطمه زهراء * و به حق فاطمه بر تو * و به حق تو بر حسن *

وَ بِحَقِّكَ عَلَيَّ فَاطِمَةَ * وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ عَلَيْكَ * وَ بِحَقِّكَ عَلَيَّ الْحَسَنَ *
و به حق تو بر فاطمه زهراء * و به حق فاطمه بر تو * و به حق تو بر حسن *

وَبِحَقِّ الْحَسَنِ عَلَيْكَ * وَبِحَقِّكَ عَلَى الْحُسَيْنِ * وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْكَ

و به حق حسن بر تو * و به حق تو بر حسین * و به حق حسین بر تو

* فَإِنَّ حَقُّوهُمْ عَلَيْكَ مِنْ أَفْضَلِ أَنْعَامِكَ عَلَيْهِمْ * وَبِالشَّانِ الَّذِي

* که حقوق محمد و آلش بر تو آن هم از بزرگترین احسان و انعام توست بر آن خاندان * و به حق شأنی که

لَكَ عِنْدَهُمْ * وَبِالشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ * صَلِّ عَلَيْهِمْ يَا رَبِّ صَلَاةَ

تو را نزد آنهاست * و به شأنی که آنها را نزد توست ایزدا * درود فرست بر آنها درود و رحمتی

دَائِمَةً مُنْتَهَى رِضَاكَ * وَاغْفِرْ لِي بِهِمُ الذُّنُوبَ الَّتِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ * وَارْضَ

دائم که منتهای رضای تو در آن است * و طفیل آنها گناهان مرا که بین من و توست ببخش و بیامرز * و خلقت را

عَنِّي خَلْقَكَ * وَاتِّمِّمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ * كَمَا اتَّمَمْتَهَا عَلَيَّ يَا أَبَائِي مِنْ قَبْلُ

هم از من خشنود بدار * و نعمت را چنانکه بر پدران پیشین من تمام و کامل کردی * بر من هم کامل گردان

* وَلَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ عَلَيَّ فِيهَا امْتِنَانًا * وَامْنًا عَلَيَّ كَمَا

* و برای هیچ یک از مخلوق به گردنم در آن نعمتها بار منت مگذار * و تو خود بر من منت گذار

مَنْنْتَ عَلَيَّ يَا أَبَائِي مِنْ قَبْلُ * يَا كَهَيْعَصَ * اللَّهُمَّ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ

چنانکه بر پدرانم از پیش من منت گذاردی * ای کهیعیص * پروردگارا چنانکه درود فرستادی

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * فَاسْتَجِبْ لِي دُعَائِي فِيمَا سَأَلْتُ * يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ

بر محمد و آلش * دعای مرا هم در آنچه از تو درخواست کردم مستجاب فرما * ای خدای کریم ای کریم

يَا كَرِيمُ * پَسْ بَرُوْبِهِ سَجْدَةٌ وَدَرَسَجْدَةٌ بَگُو: يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَيَّ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ *

ای کریم * ای خدایی که تو قادری بر روا کردن حاجت سائلان *

وَيَعْلَمُ مَا فِي ضَمِيرِ الصَّامِتِينَ * يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ * يَا مَنْ

و آگاهی از درون خاموشان * ای خدایی که نیازمند به تفسیر و توضیح خلق نیستی * چشم

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ * يَا مَنْ أَنْزَلَ الْعَذَابَ عَلَيَّ

بر هم زدن و راز پنهانی دلها همه را می‌دانی * ای خدایی که عذاب بر قوم یونس

قَوْمَ يُونُسَ وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ * فَدَعَا وَتَضَرَّعُوا إِلَيْهِ فَكَشَفَ

نازل کردی و یونس می‌خواست قوم معذب شوند * و آنها دعا و تضرع به درگاهت کرده و آن عذاب را

عَنْهُمْ الْعَذَابَ * وَمَتَّعَهُمْ إِلَى حِينٍ * قَدْ تَرَى مَكَانِي وَتَسْمَعُ دُعَائِي *

برطرف کردی * و تا هنگام مقدری باز آن قوم را متمتع در زندگانی ساختی * همانا مکان مرا هم می‌بینی و دعایم را می‌شنوی *

وَتَعَلَّمَ سِرِّي وَعَلَانِيَّتِي وَحَالِي * صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ *
 و از حالم و سر درونم و ظاهر امورم آگاهی * درود فرست بر محمد و آل محمد (ع) *

وَ أَكْفَنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي * پس هفتاد مرتبه بگو: یا
 و تمام امور مهم دین و دنیا و آخرت مرا هم کفایت فرما *

سَيِّدِي * پس سراز سجده بردار و بگو: يَا رَبِّ اسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذَا الْمَوْضِعِ وَ بَرَكَةَ
 سید و آقای من * پروردگارا از تو درخواست می‌کنم برکت این موضع و برکت اهل

أَهْلِهِ * وَ اسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي مِنْ رِزْقِكَ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا * تَسْوِقُهُ إِلَيَّ
 آن را * و درخواست می‌کنم که مرا روزی دهی از رزق حلال و نیکو و پاکیزه خود * که آن

بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ * وَ أَنَا خَائِضٌ فِي عَافِيَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * مؤلف
 به حول و قوه تو به من رسید * و من در عافیت و آسایش باشم ای مهربانترین مهربانان عالم. *

گوید که: در مزار قدیم در دعای این مقام بعد از یا کریم یا کریم یا کریم و پیش از سجده ذکر کرده دعای

اللَّهُمَّ يَا مَنْ تَحَلَّى بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِهِ كَمَا زَادَ عَلَيْهِ صَحِيفَةُ سَجَادِيهِهِ اسْتِ وَ دَرَبَابِ أَوَّلِ غَدَشْتِ. * پس

از آن فرمود آنگاه بگو: اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعَلَّمْتَ وَلَا أَعْلَمُ * وَ تَقَدَّرَ وَلَا أَقْدِرُ * وَ أَنْتَ
 پروردگارا همانا تو به همه امور عالم دانایی و من نادانم * و تقدیر امور عالم با توست با من نیست * و تویی

عَلَّامُ الْغُيُوبِ * صَلَّى اللَّهُمَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ اغْفِرْ لِي
 دانای کل اسرار غیب * درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا بیامرز * و به من

وَ أَرْحَمَنِي وَ تَجَاوَزْ عَنِّي * وَ تَصَدَّقْ عَلَيَّ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * يَا أَرْحَمَ
 ترحم فرما و از گناهانم درگذر * و عطایی که تو را سزد به من تصدق فرما * ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ * آنگاه به سجده برو و بگو: يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ الْخ * و بدان نیز که
 مهربانان عالم *

احادیث در فضیلت این ستون هفتم بسیار وارد شده و شیخ کلینی به سند معتبر روایت کرده که امیرالمؤمنین (علیه السلام) رو به این ستون نماز می‌کرد و نزدیک می‌ایستاد که میان آن حضرت و ستون آنقدر فاصله بود که بزنی بگذرد. * و در روایت معتبر دیگر وارد شده است که در هر شب شصت هزار ملک از آسمان نازل می‌شوند و نزد ستون هفتم نماز می‌کنند و در شب دیگر ملائکه دیگر به این عدد می‌آیند و دیگر هیچیک عود نمی‌کنند تا روز قیامت. * و در

حدیث معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که ستون هفتم مقام حضرت ابراهیم است. * و نیز شیخ کلینی در کافی به سند صحیح از ابواسمعیل سراج روایت کرده که معاویه بن وهب دست مرا گرفت و گفت: ابو حمزه ثمالی دست مرا گرفت و گفت که: اصبع بن نباته دست مرا گرفت و ستون هفتم را به من نشان داد و گفت که: این ستون مقام حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که نزد آن نماز می کرد. * و امام حسن (علیه السلام) در نزد ستون پنجم نماز می کرد و چون امیرالمؤمنین (علیه السلام) حاضر نبود امام حسن (علیه السلام) در جای او نماز می خواند (و هِیَ مِنْ بَابِ كِنْدَه) (و آن از در کنده است). و بالجمله اخبار در فضیلت این ستون بسیار و بنای ما بر اختصار است. **عمل ستون پنجم:** بدان که از جمله مواضع ممتازه مسجد کوفه ستون پنجم است که باید نزد آن نماز کنند و حاجات خود را از حق تعالی طلب نمایند زیرا که در روایات معتبره وارد شده است که محل نماز حضرت ابراهیم خلیل الرحمن (علیه السلام) بوده است و منافات ندارد با روایات دیگر زیرا که ممکن است که آن حضرت در همه این مواضع نماز کرده باشد. * و در حدیث معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که ستون پنجم مقام جبرئیل (علیه السلام) است و از حدیث سابق ظاهر است که مقام امام حسن (علیه السلام) است و بالجمله آنچه از احادیث معلوم می شود آن است که نزد ستون هفتم و پنجم اشرف است از سایر جاهای مسجد * و سید بن طاوس (رحمته الله) گفته که: در نزد ستون پنجم دو رکعت نماز کن به حمد و هر سوره که خواهی و چون سلام گفתי و تسبیح نمودی * پس بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ أَسْمَائِكَ كُلِّهَا * مَا عَلِمْنَا مِنْهَا وَمَا لَمْ نَعْلَمْ

بار خدایا من از تو درخواست می کنم به تمام اسماء تو * آنچه را می دانیم از آن اسماء و آنچه را نمی دانیم

* وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْكَبِيرِ الْأَكْبَرِ * الَّذِي مِنْ دَعَاكَ

* و باز درخواست می کنم به اسم اعظم با عظمتت و بزرگترین نام بزرگت * آن نامی که هر کس تو را به آن نام خواند

بِهِ اجَبْتَهُ * وَ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ اعْطَيْتَهُ * وَ مَنْ اسْتَنْصَرَكَ بِهِ نَصَرْتَهُ * وَ

دعایش مستجاب کردی * و هر که سؤال کرد به آن نام او را عطا کردی * و هر کس به آن نام از تو یاری طلبید او را یاری کردی

* وَ مَنْ اسْتَغْفَرَكَ بِهِ غَفَرْتَ لَهُ * وَ مَنْ اسْتَعَانَكَ بِهِ اعْتَنَيْتَهُ * وَ مَنْ

* و هر کس طلب آمرزش بدان نام کرد او را آمرزیدی * و هر کس بدان نام از تو استعانت جست نصرتش دادی * و کسی که

اسْتَرْزَقَكَ بِهِ رَزَقْتَهُ * وَ مَنْ اسْتَعَاثَكَ بِهِ آغَثْتَهُ * وَ مَنْ اسْتَرْحَمَكَ

بدان نام از تو طلب روزی کرد روزی دادی * و هر که استغاثه کند بدان از تو به فریادش رسی * و کسی که از تو بدان نام رحمت

بِهِ رَحِمْتَهُ * وَ مَنْ اسْتَجَارَكَ بِهِ اجْرْتَهُ * وَ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ بِهِ

طلبید به او ترحم کردی * و هر که پناه طلبید به او پناه دادی * و هر که توکل به تو به آن نام کرد او را

كَفَيْتَهُ * وَ مَنْ اسْتَعَصَمَكَ بِهِ عَصَمْتَهُ * وَ مَنْ اسْتَنْقَذَكَ بِهِ مِنْ

کفایت کردی * و هر که عصمت و حفظ از گناه طلب کرد او را محفوظ داشتی * و هر که نجات و رهایی طلبید

النَّارِ أَنْقَذْتَهُ * وَ مَنْ اسْتَعَطَّفَكَ بِهِ تَعَطَّفْتَ لَهُ * وَ مَنْ أَمَلَكَ بِهِ

او را نجات دادی * و هر که به آن نام درخواست عطف و مهربانی کرد به او ملاطفت فرمودی * و هر که به آن نام از تو امید و آرزویی

أَعْطَيْتَهُ * الَّذِي اخْتَذَتْ بِهِ آدَمُ صَفِيًّا * وَ نُوحًا نَجِيًّا * وَ إِبْرَاهِيمَ

داشت به او عطا فرمودی * همان نامی که به واسطه آن نام آدم را برگزیده خود * و نوح را نجات یافته خود * و ابراهیم را

خَلِيلًا * وَ مُوسَى كَلِيمًا * وَ عِيسَى رُوحًا * وَ مُحَمَّدًا حَبِيبًا * وَ عَلِيًّا

خلیل خود * و موسی را کلیم خود * و عیسی را روح قدس خود * و محمد را حبیب خویشتن * و علی را

وَصِيًّا * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ * أَنْ تَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي * وَ تَعْفُو

وصی و ولی خود * که درود خدا بر آنان باد مقرر فرمودی * من هم تو را به آن نام می‌خوانم که حاجت‌هایم برآوری * و گناهان

عَمَّا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي * وَ تَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ * وَ لِجَمِيعِ

گذشته‌ام همه را عفو کنی * و بر من و تمام اهل ایمان * از مرد و زن

الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ لِلدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * يَا مُفْرَجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ *

در دنیا و آخرت کرم و تفضل فرمایی * ای شاد کن خاطر ناشاد اندوهناکان *

وَ يَا غِيَاثَ الْمَلْهُوفِينَ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * سُبْحَانَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ *

و ای پناه شکسته دلان * خدایی جز تو نیست * منزهی ای پروردگار عالمیان. *

مؤلف گوید که: روایت شده از حضرت صادق (علیه السلام) که به بعضی از اصحاب خویش فرمودند که: در نزد ستون پنجم دورکعت نماز گذار که آن مصلاى ابراهيم (علیه السلام) است و بگو **أَسْلَامٌ عَلَيَّ أَيُّهَا آدَمُ وَ أَمِنَا حَوَاءَ** (سلام بر پدر ما آدم و مادر ما حوا) الخ قریب به همان که در نزد ستون هفتم رو به قبله خوانده می‌شد.

عمل ستون سیّم: مقام امام زین العابدین (علیه السلام) آنگاه برو به سوی دگه امام زین العابدین (علیه السلام) و آن در نزد ستون سیّم است از طرف متصل به باب کنده. * مؤلف گوید که: این مقام از طرف قبله مقابل است با دگه باب امیرالمؤمنین (علیه السلام) و از طرف غربی مقابل بوده با باب کنده که مسدود شده و گفته شده که شایسته است آنکه به قدر پنج ذراع متاءخر از ستون به عمل آورده شود زیرا که دگه در آن محل بوده. * و بالجمله پس نماز کن در آنجا دورکعت و بخوان در آن حمد و هر سوره که خواستی پس همین که سلام دادی و تسبیح نمودی * پس بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي قَدْ كَثُرَتْ * وَ لَمْ يَبْقَ لَهَا

به نام خدای بخشنده مهربان * خدایا گناهان من بسیار است * و بر آن گناهان دست آویزی باقی نمانده

الْأَرْجَاءَ عَفْوِكَ * وَقَدْ قَدَّمْتُ ءَالَهَ الْحَرَمَانَ إِلَيْكَ * فَاذَا أَسْأَلُكَ

به جز امیدم به عفو و بخشش تو * و سبب محرومی خود را پیشاپیش نزد تو فرستادم * پس حالی من از تو ای خدا

اللَّهُمَّ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ * وَأَطْلُبُ مِنْكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّهُ * اللَّهُمَّ إِنِّ

درخواست می‌کنم چیزی را که مستوجب آن نیستم * و از تو می‌طلبم آنچه را که استحقاق آن ندارم * ای خدا اگر مرا عذاب کنی

تُعَذِّبُنِي فَبِذُنُوبِي * وَلَمْ تَظْلِمْنِي شَيْئًا * وَإِن تَغْفِرْ لِي فَخَيْرٌ رَّاحِمٍ

پس سبب گناهان من است * و تو بر من هیچ ظلم و ستم نکرده‌ای * و اگر مرا ببخشی و بیامری تو بهترین مهربانانی

أَنْتَ يَا سَيِّدِي * اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ * وَأَنَا أَنَا * أَنْتَ الْعَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ

ای آقای من * تو تویی * و من منم * تو همیشه بر عادت و اعاده آمرزش و مغفرتی

* وَأَنَا الْعَوَادُ بِالذُّنُوبِ * وَأَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْحِلْمِ * وَأَنَا الْعَوَادُ

* و من به گناهان باز می‌گردم * تو به حلم و بردباری تفضل می‌کنی * و من به جهالت به گناه

بِالْجَهْلِ * اللَّهُمَّ فَاإِنِّي أَسْأَلُكَ يَا كَثَرَ الضُّعْفَاءِ * يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ * يَا

باز می‌گردم * پروردگارا من از تو درخواست می‌کنم ای گنج ناتوانان مستمند * و ای امید بزرگ همه عالم * ای

مُنْقَذَ الْغَرَقِيِّ * يَا مُنْجِيَ الْهَلَكِيِّ * يَا مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ * يَا مُحْيِيَ

رهایی بخش غرق شدگان * ای نجات بخش هلاک شونده‌گان * و میراننده زندگان * و زنده کننده

الْمَوْتِيِّ * أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ شَعَاعُ

مردگان * تویی خدای یکتایی که جز تو خدایی نیست * تویی که نور خورشید

الشَّمْسِ وَنُورِ الْقَمَرِ * وَظُلْمَةُ اللَّيْلِ وَضَوْءُ النَّهَارِ * وَخَفْقَانِ الطَّيْرِ

و ماه تو را سجده می‌کند * و ظلمت شب و روشنی روز * و پرواز مرغان به طاعت توست

* فَاسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَا عَظِيمَ * بِحَقِّكَ يَا كَرِيمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَءَالِهِ الصَّادِقِينَ

* پس از تو درخواست می‌کنم ای خدای بزرگ * ای کریم به حق تو بر محمد و آل محمد که صادقانند

* وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَءَالِهِ الصَّادِقِينَ عَلَيْكَ * وَبِحَقِّكَ عَلَى عَلِيٍّ * وَبِحَقِّ

* و به حقی که محمد و آلش که راستگویانند بر تو دارند * و به حق تو بر علی (ع) * و به حق

عَلِيٍّ عَلَيْكَ * وَبِحَقِّكَ عَلَى فَاطِمَةَ * وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ عَلَيْكَ * وَبِحَقِّكَ

علی (ع) بر تو * و به حق تو بر فاطمه * و به حق فاطمه بر تو * و به حق تو

عَلَى الْحَسَنِ * وَبِحَقِّ الْحَسَنِ عَلَيْكَ * وَبِحَقِّكَ عَلَى الْحُسَيْنِ * وَبِحَقِّ

بر حسن * و به حق حسن بر تو * و به حق تو بر حسین * و به حق

الْحُسَيْنِ عَلَيْكَ * فَإِنَّ حُقُوقَهُمْ مِنْ أَفْضَلِ أَنْعَامِكَ عَلَيْهِمْ * وَبِالشَّانِ

حسین بر تو * که حقوق محمد و آلش بر تو هم از بزرگترین انعام و احسان تو بر آن خاندان است * و به حق

الَّذِي لَكَ عِنْدَهُمْ * وَبِالشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ * صَلِّ يَا رَبِّ عَلَيْهِمْ

شأنی که تو را بر آنهاست * و به شأنی که آنها را نزد توست * ای خدا درود فرست بر آنان

صَلَاةً دَائِمَةً مُنْتَهَى رِضَاكَ * وَاغْفِرْ لِي بِهِمُ الذُّنُوبَ الَّتِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ

درود و رحمتی دایم که منتهای رضای تو در آن است * و طفیل آنها گناهان مرا که بین من و توست بخش و ببامرز

* وَاتِمِّمْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ كَمَا أَتِمَمْتَهَا عَلَى آبَائِي مِنْ قَبْلُ * يَا كَهَيْعَصَ

* و نعمتت را بر من چنانکه بر پدران پیشین من تمام کردی تمام و کامل گردان * ای کهیعیص

* اللَّهُمَّ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * فَاسْتَجِبْ لِي دُعَائِي

* خدایا چنانکه درود و رحمت بر محمد و آلش فرستادی * دعای مرا هم در آنچه از تو مسئلت

فِيمَا سَأَلْتُكَ * پس بروبه سجده و جانب راست رورا بر زمین گذار و بگو: يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي

دارم اجابت بفرما * ای سید و آقای من ای سید من

يَا سَيِّدِي * صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاغْفِرْ لِي وَاغْفِرْ لِي * وَ

ای سید من * درود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و ببامرز مرا و ببامرز مرا *

بسیار بگو این کلمه را با خشوع و گریه. * پس جانب چپ رورا بر زمین گذار و این کلمات را بگو پس دعا کن به آنچه

می خواهی. * مؤلف گوید که: در بعض مجامیع غیر معتبره و مشهور بین مردم آن است که در این مقام به جا

می آورند عملی را که حضرت صادق (ع) تعلیم یکی از اصحاب خود نموده و لکن مقید به این مقام نیست و

کیفیت آن چنان است که از آن حضرت نقل شده که به بعضی از اصحاب خود فرمودند که: آیا پی حاجتی

بامداد نمی روی که گذر کنی به مسجد بزرگ کوفه؟ عرض کرد بلی. فرمود که: چهار رکعت نماز بکن در آن مسجد

پس بگو: اَللّٰهُمَّ اِن كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ * فَاِنِّي قَدْ اطَّعْتُكَ فِي اَحَبِّ الْاَشْيَاءِ

ای خدا اگر من تو را بسیار معصیت کردم * اما تو را در بهترین و محبوبترین امور اطاعت کردم

الْيَكَّ لَمْ اتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا * وَ لَمْ اَدْعُ لَكَ شَرِيكًا * وَ قَدْ عَصَيْتُكَ فِي

و برای تو فرزندی اتخاذ نکرده * و کسی را با تو شریک نخواندم * و من که بسیار عصیان

اَشْيَاءَ كَثِيرَةً عَلَيَّ غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ لَكَ * وَ لَا الْاِسْتِكْبَارِ عَنِّ

تو کردم باز ابا آن عصیان از روی مکابره و لجاج نبود * و در مقام سرکشی

عِبَادَتِكَ * وَلَا الْجُحُودَ لِرُبُوبِيَّتِكَ * وَلَا الْخُرُوجَ عَنِ الْعِبُودِيَّةِ

از عبودیتت * و جحود و انکار ربوبیتت نبودم * و نه خارج شدن از بندگیت

لَكَ * وَلَكِنْ اتَّبَعْتُ هَوَايَ * وَازَلَنِي الشَّيْطَانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ وَالْبَيَانِ

* لیکن هوای نفس بر من غالب شد * و فریب شیطان مرا به لغزش افکند بعد از آنکه اتمام حجت و بیان کامل بر من فرمودی

فَإِنْ تَعَذَّبْنِي فَبِذْنُوِي غَيْرِ ظَالِمٍ أَنْتَ لِي * وَإِنْ تَعَفُّ عَنِّي وَتَرْحَمْنِي

* پس اینک اگر عذابم کنی به سبب گناهان من است و تو بر من ابدًا ستم نکرده‌ای * و اگر بر من بخشایی و عفو فرمایی

فَبِجُودِكَ وَكَرَمِكَ يَا كَرِيمٌ * وَمِي گُوئِي نِيْزَ: غَدَوْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ

مقتضای لطف و جود و کرم نامنهای توست ای خدای کریم * می‌گوئی نیز: صبحگاه به حول و قوه خدا برخاستم

غَدَوْتُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ * وَلَكِنْ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ يَا رَبِّ

* بی آنکه از خود حول و قوه‌ای دارا باشم * لیکن به قدرت و قوه الهی بود * پروردگارا

أَسْأَلُكَ بَرَكَهَ هَذَا الْبَيْتِ وَبَرَكَهَ أَهْلِهِ * وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي رِزْقًا

از تو درخواست می‌کنم برکت این خانه و اهل آن را * و از تو درخواست می‌کنم که رزق حلال و پاکیزه

حَلَالًا طَيِّبًا * تَسْوِقُهُ إِلَىٰ بَحْوَلِكَ وَقُوَّتِكَ * وَأَنَا خَائِضٌ (خَائِضٌ) فِي

و نیکویی نصیبم فرمایی * که آن رزق به حول و قوه تو بر من رساند * و من کاملاً در عافیت و

عَافِيَتِكَ * وَ شَيْخِ شَهِيدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْمَشْهَدِيِّ أَيْنَ عَمَلٍ رَأَى صَحْنَ مَسْجِدٍ بَعْدَ عَمَلِ سِتُونِ

آسایش باشم. *

چهارم ذکر نموده‌اند در دو رکعت، حمد و توحید و در دو رکعت دیگر، حمد و قدر گفته‌اند و بعد از سلام تسبیح

زهراء (علیها السلام). * و در حدیث معتبر از ابو حمزه ثمالی منقول است که گفت: روزی در مسجد کوفه نشسته بودم ناگاه

دیدم که شخصی از در کنده داخل شد از همه کس خوش‌تر و خوش‌بوتر و پاک‌تر و جامه‌تر و عمامه به سر بسته و

پیراهن و درآعه پوشیده و دونعل عربی در پای مبارکش بود، پس نعلین را کند و نزد ستون هفتم ایستاد و دستها

را تا برابر گوش بلند کرد و تکبیری گفت که جمیع موهای بدن من از دهشت آن راست ایستاد پس چهار رکعت

نماز گذارد و رکوع و سجودش را نیکو به عمل آورد پس این دعا را خواند: **إِلَهِي إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ وَ**

خواند تا رسید به **يَا كَرِيمُ** پس به سجود رفت و مکرراً **يَا كَرِيمُ** گفت آنقدر که یک نفس وفا کند پس در سجود

گفت: **يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَىٰ حَوَائِجِ السَّائِلِينَ** و خواند تا هفتاد مرتبه **يَا سَيِّدِي** که در اعمال ستون

هفتم ذکر شد چون سر از سجده برداشت و نیک ملاحظه کردم حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) بود پس

دستهای مبارکش را بوسیدم و پرسیدم که از برای چه آمدید به اینجا؟ فرمود: از برای آنچه که دیدی یعنی نماز در مسجد کوفه و در روایتی که در ذیل زیارت هفتم نقل کردیم ابوحمزه را با خود برد به زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام). **اعمال باب الفرج معروف به مقام نوح (علیه السلام):** چون از عمل ستون سیم فارغ شدی برو به دکه باب امیرالمؤمنین (علیه السلام) و آن صفه‌ای است که متصل است به دری که از مسجد به سوی خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) مفتوح می‌شده * پس چهار رکعت نماز کن به حمد و هر سوره که خواستی از قرآن و چون

فارغ شدی تسبیح کن * پس بگو: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاقْضِ**

پروردگارا درود فرست بر محمد و آل محمد * و حاجت

حَاجَتِي يَا اللَّهُ * يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ * وَلَا يَنْفِدُ نَائِلُهُ * يَا

من برآور * ای خدایی که هرگز سائلی را محروم نخواهی کرد * و عطایت بر خلق نفاذ ندارد و ناپود نگرده * ای

قَاضِي الْحَاجَاتِ * يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ * يَا رَبَّ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ

برآورنده حاجتها * و مستجاب کننده دعاهای بندگان * ای خدای زمینها و آسمانها

*** يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ * يَا وَاسِعَ الْعَطِيَّاتِ * يَا دَافِعَ النَّقِمَاتِ * يَا**

* ای برطرف کننده رنج و غمها * ای آنکه عطاهایت وسیع و بی‌نهایت است * ای دفع کننده عقوبت و آزارها * ای

مُبَدِّلِ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ * عُدَّ عَلَى بَطُولِكَ وَفَضْلِكَ وَاحْسَانِكَ

تبدیل کننده گناهان به ثوابها * بر من باز هم به جود و فضل و احسانت کرم فرما

*** وَاسْتَجِبْ دُعَائِي فِيمَا سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ مِنْكَ * بِحَقِّ نَبِيِّكَ**

* و در آنچه از حضرتت مسئلت کردم دعایم مستجاب کن * به حق پیغمبر و جانشین

وَ وَصِيِّكَ وَ أَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ * صفت نماز دیگر در این مقام: و آن دو رکعت است

و اولیاء تو که خاصان و نیکان عالمند. *

همین که فارغ شدی و تسبیح کردی * پس بگو: **اللَّهُمَّ إِنِّي حَلَلْتُ بِسَاحَتِكَ لِعِلْمِي**

پروردگارا من به ساحت قدس تو وارد شدم که

بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَصَمْدَانِيَّتِكَ * وَأَنَّهُ لَا قَادِرَ (قَادِرًا) عَلَيَّ قَضَاءِ حَاجَتِي

یگانگی و یکتائی و استغنائی ذاتی تو را می‌دانم * و به اینکه جز تو کسی قادر بر روا کردن حاجتم نیست

غَيْرِكَ * وَقَدْ عَلِمْتُ يَا رَبَّ أَنَّهُ * كَلَّمَا شَاهَدْتُ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ * اشْتَدَّتْ

آگاهم * و البته باز ای پروردگار من دانسته‌ام که هر چه مشاهده می‌کنم از انواع نعمتهای تو بر من * فقر و نیازم

فَاقْتِ الْيَبْكَ * وَقَدْ طَرَقَنِي يَا رَبِّ مِنْ مَّهِمِّ امْرِي مَا قَدْ عَرَفْتَهُ * لِأَنَّكَ

به حضرتت بیشتر می‌شود * و ای خدا و مرا امر مهمی که تو می‌دانی بی‌پا و سست گردانیده * که تو بدون تعلیم

عَالِمٌ غَيْرُ مُعَلِّمٍ * وَاسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ * عَلَى السَّمَاوَاتِ

به همهٔ امور عالم دانایی * پس از تو درخواست می‌کنم به حق آن اسمی که بر آسمانها که نهادی

فَانشَقَّتْ * وَ عَلَى الْأَرْضِينَ فَاَنْبَسَطْتَ * وَ عَلَى النُّجُومِ فَاَنْتَشَرْتَ

شکافته شد * و بر زمینها نهادی منبسط گردید * و بر ستارگان نهادی در فضای بی‌انتها منتشر گشت

وَ عَلَى الْجِبَالِ فَاسْتَقَرَّتْ * وَاسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ * عِنْدَ

* و بر کوهها نهادی استقرار یافت * و باز درخواست می‌کنم از تو به اسمی که نزد حضرت محمد

مُحَمَّدٍ وَ عِنْدَ عَلِيٍّ * وَ عِنْدَ الْحُسَيْنِ وَ عِنْدَ الْأَئِمَّةِ

مصطفی و نزد علی مرتضی * و نزد حضرت حسن و حسین * و ائمهٔ هدی که

كُلِّهِمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

درود خدا بر همهٔ آنان باد نهادی * تو را به آن اسم قسم که درود فرست بر محمد

مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تَقْضِيَ لِي يَا رَبِّ حَاجَتِي * وَ تَيْسِّرَ عَسِيرَهَا * وَ تَكْفِينِي

و آل محمد * و حاجت مرا برآور * و مشکل و مهم آن را کفایت فرما * و مشکل آن حاجتم را

مُهْمَهَا * وَ تَفْتَحْ لِي قَفْلَهَا * فَإِنَّ فَعَلْتَ ذَلِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ * وَ إِنْ لَمْ

آسان ساز * و قفل آن حاجت را به رویم بگشا * پس اگر از کرم حاجتم برآوردی * یا که برنیاوردی

تَفْعَلَ لَكَ الْحَمْدُ * غَيْرَ جَائِرٍ فِي حُكْمِكَ * وَلَا حَائِفٍ فِي عَدْلِكَ * ❀

حمد و ستایش تو را سزد * که هرگز جویری در حکم تو * و جفائی در عدل تو نخواهد بود * ❀

پس می‌گذاری طرف راست رو را بر زمین و می‌گوئی: **اللَّهُمَّ إِنَّ يُونُسَ بْنَ مَتَّى عَبْدَكَ وَ نَبِيَّكَ**

خدایا یونس بن متی بندهٔ تو و پیغمبرت

دَعَاكَ فِي بَطْنِ الْحُوتِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ * وَ أَنَا أَدْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لِي

* در شکم ماهی به درگاه تو دعا کرد و دعایش مستجاب فرمودی * به حق محمد (ص)

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * ❀ و دعا کن به آنچه می‌خواهی پس طرف چپ را بگذار و بگو:

و آل محمد (ع) دعای مرا هم مستجاب فرما *

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَ بِالْدُعَاءِ * وَ تَكَفَّلْتَ بِالْإِجَابَةِ * وَ أَنَا أَدْعُوكَ كَمَا

پروردگارا تو بندگان را امر به دعا کردی * و به اجابتش متعهد شدی * و من به درگاه تو را به دعا می‌خوانم چنانکه

أَمَرْتَنِي * فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي

امر فرمودی * پس درود فرست بر محمد و آلش * و دعای مرا چنانکه وعده دادی مستجاب گردان

يَا كَرِيمُ * پس پیشانی را بر زمین گذار و بگو: يَا مُعَزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ * وَيَا مُدِّلَ كُلِّ عَزِيزٍ

ای کریم * ای عزت بخش هر ذلیل و خوار * و ذلیل کننده هر عزیز

تَعَلَّمُ كُرْبَتِي * فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ (وَآلِ مُحَمَّدٍ) * وَفَرِّجْ عَنِّي يَا

* تو از رنج و غم آگاهی * پس درود فرست بر محمد و آلش * و رنج و غم را برطرف گردان ای

كَرِيمُ * ذکر نمازی برای حاجت در محل مذکور: و آن چنان است که چهار رکعت نمازی گذاری و چون

خدای کریم. *

فَارِغْ شَدَى وَتَسْبِيحْ گفתי * پس بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْئَلُكَ يَا مَنْ لَا تَرَاهُ الْعَيُّونُ * وَلَا

خدایا از تو درخواست می‌کنم ای آنکه تو را چشمها نبیند * و بر ذات

تُحِيطُ بِهِ الظُّنُونُ * وَلَا يَصِفُهُ الْوَاصِفُونَ * وَلَا تُغَيِّرُهُ الْحَوَادِثُ *

اندیشه‌ها احاطه نکند * و توصیف کنندگان هرگز به حد کامل وصف نرسند * ای ذاتی که حوادث عالم او را تغییر ندهد *

وَلَا تُفْنِيهِ الدُّهُورُ * تَعَلَّمْ مَثاقِيلَ الْجِبَالِ * وَمَكائِيلَ الْبِحَارِ * وَوَرَقَ

و روزگاران و دهرها تو را افنا نتواند کرد * دانایی به وزن کوه‌ها * و پیمانۀ آب دریاها * و عدد برگ

الْأشْجَارِ * وَرَمْلَ الْقِفَارِ * وَمَا أَضَاءَتْ بِهِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ * وَأَظْلَمَ

درختان * و ریگ بیابانها * و آنچه نور خورشید و ماه بر آن افتد * و ظلمت شب تار

عَلَيْهِ اللَّيْلُ * وَوَضَحَ عَلَيْهِ النَّهَارُ * وَلَا تُوَارِي مِنْكَ (مِنْهُ) سَمَاءُ

بر آن احاطه کند * و روز روشن گرداند همه را می‌دانی * نه آسمانی آسمان دیگری را از دیده علمت

سَمَاءُ * وَلَا أَرْضُ أَرْضًا * وَلَا جَبَلٌ مَا فِي أَصْلِهِ * وَلَا بَحْرٌ مَا فِي قَعْرِهِ

بیوشاند * و نه زمینی زمینی را حاجب به دیدار گردد * و نه کوهی آنچه در بن اوست * و نه دریایی آنچه در قعر اوست از تو پنهان دارد

أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَجْعَلَ خَيْرَ أَمْرِي

* از تو درخواست می‌کنم درود و رحمت فرستی بر محمد و آل محمد * و خیر و نیکویی کار مرا آخر کار

أَخْرَهُ * وَخَيْرَ أَعْمَالِي خَوَاتِيمِهَا * وَخَيْرَ أَيَّامِي يَوْمَ الْقَاكِ * إِنَّكَ

قرار دهی * و خاتمۀ اعمالم را نیکو گردانی * و بهترین روز مرا روز ملاقاتم با تو مقرر سازی * که ای خدا

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * اَللّٰهُمَّ مِنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَارِدْهُ * وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ

تو بر هر کار قادری * پروردگارا هر که با من سوء قصدی کند تو او را مجازات کن * و هر که با من مکر و خدعه کند تو با او مکر کن

وَمَنْ بَغَانِي بِهَلَكَةٍ فَاهْلِكُهُ * وَ اكْفِنِي مَا اَهْمَنِي مِمَّنْ دَخَلَ هَمَّهُ * و

* و هر که برای هلاکم به ظلم برخیزد تماش به هلاکت رسان * و مهمات امور مرا مهماتی که از کسان بر دلم فرود آمده

عَلَى * اللَّهُمَّ ادْخِلْنِي فِي دِرْعِكَ الْحَصِينَةِ * وَ اسْتُرْنِي بِسِتْرِكَ الْوَاقِي * و

کفایت فرما * ای خدا مرا در زره محکم خود درآور * و زشتیهایم را در پرده حفظت بپوشان *

يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ * وَ لَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ * اكْفِنِي مَا اَهْمَنِي مِنْ

ای خدایی که تنها از همه کفایت باشی * و هیچ چیز از تو کافی نیست * تو مهمات امور

أَمْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * وَ صَدِّقْ قَوْلِي وَ فَعَلِي * يَا شَفِيقُ يَا رَفِيقُ * فَرَجِّ

دنیا و آخرت مرا کفایت فرما * و قول و فعلم را تو به مقام صدق و حقیقت رسان * ای خدای با شفقت و رفیق * مرا از تنگنای غم

عَنِّي الْمَضِيقَ * وَ لَا تُحْمَلْنِي مَا لَا أُطِيقُ * اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي

و اندوه گشایش و آسایش عطا فرما * و باری فوق طاقتم بر دوش منه * پروردگارا مرا به چشم خود که هرگز به خواب نیفتد

لَا تَنَامُ * وَ ارْحَمْنِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ

محافظت فرما * و به قدرت خویش بر من ترحم کن ای مهربانترین مهربانان عالم * ای خدای بلند مرتبه بزرگ

أَنْتَ عَالِمٌ بِحَاجَتِي * وَ عَلَيَّ قَضَائُهَا قَدِيرٌ * وَ هِيَ لَدَيْكَ يَسِيرٌ * و

* تو به حاجت من دانا * و به برآوردن حاجتم توانایی * و آن حاجت پیش تو چیز ناقابلی است *

وَ أَنَا إِلَيْكَ فَقِيرٌ * فَمَنْ بَهَا عَلَيَّ يَا كَرِيمٌ * إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * و

و من به سوی تو فقیر و محتاجم * پس بر من منت گذار و حاجتم برآور ای خدای کریم * که تو بر هر چیز توانایی *

پس به سجده می روی و می گوئی: اَللّٰهُمَّ قَدْ عَلِمْتَ حَوَائِجِي * فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

ای خدای من تو البته حاجتم را می دانی * پس درود فرست بر محمد

وَ ءَالَ مُحَمَّدٍ وَ اقْضِهَا * وَ قَدْ احْصَيْتَ ذُنُوبِي * فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ ءَالَ

و آلش و حاجتم را برآور * و تو البته گناهانم را به شمار آورده ای * پس درود فرست بر محمد و آلش

وَ اغْفِرْهَا يَا كَرِيمٌ * پس بر زمین می گذاری طرف راست روی خود را و می گوئی: اِنْ كُنْتُ

و گناهانم را ببامرز ای خدای کریم *

بَسُّ الْعَبْدُ فَانْتَ نِعْمَ الرَّبُّ * اِفْعَلْ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ * وَ لَا تَفْعَلْ بِي

بد بنده ای هستم تو نیکو خدایی هستی * پس با من آن کن که سزاوار مقام توست * نه آنچه

مَا اَنَا اَهْلُهُ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * پس بر زمین می گذاری طرف چپ روی خود را و

لایق من است * ای مهربانترین مهربانان عالم *

می گوئی: **اللَّهُمَّ إِنَّ عَظْمَ الذَّنْبِ مِنْ عَبْدِكَ** * فليحسن العفو من عندك

خدایا اگر گناه از من بزرگ است * عفو و بخشش از تو بسیار نیکو است ای

يا كريم * پس پیشانی را بر زمین می گذاری و می گوئی: **ارحم من اساء واقترب** *

خدای کریم * ای خدا ترحم کن در حق کسی که بد کرد و فرو در گناه شد *

واستكان واقترب * مؤلف گوید که: این دعواتا و اغفرها یا کریم همان دعائی است

و باز تضرع کرد و اعتراف نمود *

که در مزار قدیم در اعمال صحن مسجد سهله در مقام امام زین العابدین (علیه السلام) نقل شده.

اعمال محراب امیر المؤمنین (علیه السلام): پس نماز کن در مکانی که ضربت زدند در آنجا حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام)

را دو رکعت به حمد و سوره و هرگاه که سلام دادی و تسبیح کردی * پس بگو: **يا من اظهر الجميل**

ای خدایی که جمال و نیکویی را آشکار می کنی

* **وستراقب** * یا من **لم يواخذ بالجريرة** * **ولم يهتك الستر**

* و زشتی را پنهان می سازی * ای خدائی که به گناه مؤاخذه نمی کنی * و پرده گنهکاران

والسريرة * یا **عظيم العفو** * یا **حسن التجاوز** * یا **واسع المغفرة**

را نمی دری * ای صاحب عفو و بخشش بزرگ * که از بدان به نیکویی درمی گذاری * ای آنکه مغفرتت بسیار

* **يا باسط اليدين بالرحمة** * یا **صاحب كل نجوى** * یا **منتهى كل**

* و دو دستت به لطف و رحمت گشوده است * ای آگه از هر راز نهنان * ای پناه و مرجع شکایت

شكوى * یا **كريم الصفح** یا **عظيم الرجاء** * یا **سيدي صل على**

خلقان * ای بزرگوار گناه بخش مهربان و ای امید بزرگ امیدواران * ای آقای من درود فرست

محمد و آل محمد * **وافعل بي ما انت اهل و يا كريم** * **مناجات**

بر محمد (ص) و آل محمد (ع) * و با من آن کن که سزاوار مقام توست ای خدای کریم *

حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام): اللهم اني اسئلك الامان * **يوم لا ينفع مال**

پروردگارا من از تو درخواست ایمنی می کنم آن روز سختی که مال و فرزند هیچ

ولا بنون * **الا من اتى الله بقلب سليم** * **واسئلك الامان** * **يوم**

نفع نبخشد * و چیزی جز آنکه با قلب پاک و سالم حضور خدا آید سود ندهد * ای خدا من از تو درخواست ایمنی می کنم آن روز

يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ * يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا *

سختی که ظالم از پشیمانی و حسرت انگشت به دندان می‌خاید * و می‌گوید ای کاش من با رسول حق راه طاعت پیش می‌گرفتم *

وَاسْأَلُكَ الْأَمَانَ * يَوْمَ يَعْرِفُ الْمَجْرُمُونَ بِسَيِّئَاتِهِمْ * فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي

و از تو درخواست ایمنی می‌کنم آن روز سختی که گنهکاران به سیمایشان شناخته می‌شوند * که پس موی پیشانی آنها را با

وَ الْأَقْدَامِ * * وَاسْأَلُكَ الْأَمَانَ * يَوْمَ لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ * وَ لَا مَوْلُودٌ

پایه‌اشان بگیرند * و از تو درخواست ایمنی می‌کنم در روز سختی که نه پدری به جای فرزند * و نه فرزندی

هُوَ جَارٌ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا * إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ * وَاسْأَلُكَ الْأَمَانَ * يَوْمَ

به جای پدر جزا و کیفر شود * و البته آن روز وعده خدا حق و حقیقت است * و از تو درخواست ایمنی می‌کنم در روز

لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذرتُهُمْ * وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ * وَاسْأَلُكَ

سختی که مردم ظالم ستمگر را عذرخواهی سود نبخشد * و بر آنان لعن و منزلگاه بد است * و از تو درخواست ایمنی می‌کنم

الْأَمَانَ * يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا * وَ الْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ * وَاسْأَلُكَ

در روز سختی که هیچکس را قدرت بر کس دیگر نیست * و فرمان در آن روز خاص خداست * و از تو درخواست

الْأَمَانَ * يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ * وَ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ * وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ *

ایمنی می‌کنم در روز سختی که هر شخص از برادر * و مادر و پدر * و زن و فرزندانش می‌گریزد *

لِكُلِّ امْرئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَانٌ يُغْنِيهِ * وَاسْأَلُكَ الْأَمَانَ * يَوْمَ يَوَدُّ الْمَجْرِمُ

که هر کس در آن روز توجه به کار خویش از غیرش بی‌نیاز دارد * و از تو درخواست ایمنی می‌کنم در روزی که کافر بدکار

لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ بَنِيهِ * وَ صَاحِبَتِهِ وَ أَخِيهِ * وَ فَصِيلَتِهِ

آرزو کند که ای کاش توانستی فرزندانش را فدای خود سازد و از عذاب برهد * و هم زن و برادر * و قبیله‌اش که همیشه به حمایتش

الَّتِي تُؤْوِيهِ * وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ * كَلَّا إِنَّهَا لَأُظَى نَزَاعَةٌ

برمی‌خواستند * و هر که در روی زمین است همه را فدای خود گرداند تا از عذاب نجات یابد * و هرگز نجات نخواهد یافت که آتش دوزخ بر او شعله‌ور است تا سر

لِلشَّوْىِ * * مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ * أَنْتَ الْمَوْلَى وَ أَنَا الْعَبْدُ * وَ هَلْ يَرْحَمُ

و صورت و اندامش پاک به سوزد * ای آقای من ای آقای من * تویی مولا من و من بنده توام * و آیا در حق بنده جز مولا

الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلَى * مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ * أَنْتَ الْمَالِكُ وَ أَنَا الْمَمْلُوكُ * وَ هَلْ

که ترحم خواهد کرد؟ * ای آقای من ای آقای من * تویی مالک وجود من و من مملوک توام * و آیا در حق مملوک

يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ إِلَّا الْمَالِكُ * مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ * أَنْتَ الْعَزِيزُ وَ أَنَا الذَّلِيلُ

جز مالکش که ترحم خواهد کرد؟ * ای آقای من ای آقای من * تویی با عزت و اقتدار و من بنده ذلیل

وَهَلْ يَرْحَمُ الذَّلِيلَ إِلَّا الْعَزِيزُ * مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا * أَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا

* و آیا در حق شخص ذلیل جز ذات با عزت و اقتدار که ترحم خواهد کرد؟ * ای آقای من ای آقای من * تویی آفریننده من

الْمَخْلُوقُ * وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ إِلَّا الْخَالِقُ * مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا *

* و من مخلوق توام * و آیا در حق مخلوق جز آفریننده او که ترحم خواهد کرد؟ * ای آقای من ای آقای من *

أَنْتَ الْعَظِيمُ وَأَنَا الْحَقِيرُ * وَ هَلْ يَرْحَمُ الْحَقِيرَ إِلَّا الْعَظِيمُ * مَوْلَايَا يَا

تویی خدای بزرگ و من بنده حقیر ناچیز * و آیا در حق بنده ناچیزی جز خدای بزرگ که ترحم خواهد کرد؟ * ای آقای من ای

مَوْلَايَا * أَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ * وَ هَلْ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ إِلَّا الْقَوِيُّ

آقای من * تویی قوی و توانا و من ضعیف و ناتوان * و آیا در حق ضعیفی ناتوان جز شخص قوی توانا که ترحم خواهد کرد؟

مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا * أَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ * وَ هَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلَّا

* ای آقای من ای آقای من * تویی بی‌نیاز و من فقیر * و آیا در حق فقیری محتاج جز غنی بی‌نیاز که ترحم

الْغَنِيُّ * مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا * أَنْتَ الْمُعْطَى وَأَنَا السَّائِلُ * وَ هَلْ يَرْحَمُ

خواهد کرد؟ * ای آقای من ای آقای من * تویی عطا بخش سائلان و من به درگاهت سائلم * و آیا در حق سائل

السَّائِلَ إِلَّا الْمُعْطَى * مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا * أَنْتَ الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ * وَ هَلْ

جز عطا بخشنده که ترحم خواهد کرد؟ * ای آقای من ای آقای من * تویی زنده ابدی و من مرده بی‌روح * و آیا در حق مرده‌ای

يَرْحَمُ الْمَيِّتَ إِلَّا الْحَيُّ * مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا * أَنْتَ الْبَاقِي وَأَنَا الْفَانِي *

بی‌روح جز زنده ابدی که ترحم خواهد کرد؟ * ای آقای من ای آقای من * تویی وجود باقی و من مخلوقی تنباه و فانی و نابودم *

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْفَانِيَ إِلَّا الْبَاقِي * مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا * أَنْتَ الدَّائِمُ وَأَنَا

و آیا در حق فانی نابود شدنی جز ذات باقی سرمدی که ترحم خواهد کرد؟ * ای آقای من ای آقای من * تویی موجود دایم ازلی و من

الزَّائِلُ * وَ هَلْ يَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلَّا الدَّائِمُ * مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا * أَنْتَ الرَّازِقُ

موجودی زوال پذیر * و آیا در حق موجودی زوال پذیر جز ذات دایم ازلی که ترحم خواهد کرد؟ * ای آقای من ای آقای من * تویی روزی دهنده

وَأَنَا الْمَرْزُوقُ * وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْزُوقَ إِلَّا الرَّازِقُ * مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا *

خلق و من روزی خواهم * و آیا در حق روزی خواهان جز رازق و روزی دهنده خلق که ترحم خواهد کرد؟ * ای آقای من ای آقای من *

أَنْتَ الْجَوَادُ وَأَنَا الْبَخِيلُ * وَ هَلْ يَرْحَمُ الْبَخِيلَ إِلَّا الْجَوَادُ * مَوْلَايَا يَا

تویی صاحب جود و احسان و من بخیل * و آیا در حق بخیل جز شخص با جود و احسان که ترحم خواهد کرد؟ * ای آقای من ای

مَوْلَايَا * أَنْتَ الْمُعَافِي وَأَنَا الْمُبْتَلَى * وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُبْتَلَى إِلَّا الْمُعَافِي

آقای من * تویی عافیت بخش و شفا بخش و من مبتلا * و آیا در حق مبتلا جز عافیت و شفا بخش که ترحم خواهد کرد؟

مَوْلَايَا مَوْلَايَا * أَنْتَ الْكَبِيرُ وَأَنَا الصَّغِيرُ * وَهَلْ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ

* ای آقای من ای آقای من * تویی خدای بزرگ و من بنده کوچک * و آیا در حق بنده صغیری جز خدای بزرگ

الْكَابِرُ * مَوْلَايَا مَوْلَايَا * أَنْتَ الْهَادِي وَأَنَا الضَّالُّ * وَهَلْ يَرْحَمُ

که ترحم خواهد کرد؟ * ای آقای من ای آقای من * تویی رهنمای خلق و من بنده گمراه * و آیا در حق بنده گمراه جز

الضَّالَّ الْهَادِي * مَوْلَايَا مَوْلَايَا * أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَأَنَا الْمَرْحُومُ *

رهنمای عالم که ترحم خواهد کرد؟ * ای آقای من ای آقای من * تویی خدای بخشاینده و من بنده قابل ترحم و بخشش *

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْحُومَ إِلَّا الرَّحْمَنُ * مَوْلَايَا مَوْلَايَا * أَنْتَ السُّلْطَانُ

و آیا در حق بنده قابل بخشش جز خدای بخشاینده که ترحم خواهد کرد؟ * ای آقای من ای آقای من * تویی سلطان

وَأَنَا الْمُمْتَحَنُ * وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُمْتَحَنَ إِلَّا السُّلْطَانُ * مَوْلَايَا يَا

و من بنده امتحان شده * و آیا در حق بنده امتحان شده جز سلطان عالم که ترحم خواهد کرد؟ * ای آقای من ای آقای من

مَوْلَايَا * أَنْتَ الدَّلِيلُ وَأَنَا الْمُتَحَيِّرُ * وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُتَحَيِّرَ إِلَّا الدَّلِيلُ

آقای من * تویی رهبر و دلیل و من متحیر و سرگردان * و آیا در حق متحیر سرگردان جز دلیل و رهبر که ترحم خواهد کرد؟

مَوْلَايَا مَوْلَايَا * أَنْتَ الْغَفُورُ وَأَنَا الْمُذْنِبُ * وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُذْنِبَ

* ای آقای من ای آقای من * تویی خدای غفور آمرزنده و من بنده گنهگار * و آیا در حق بنده گنهگار جز خدای غفور

إِلَّا الْغَفُورُ * مَوْلَايَا مَوْلَايَا * أَنْتَ الْغَالِبُ وَأَنَا الْمَغْلُوبُ * وَ هَلْ

که ترحم خواهد کرد؟ * ای آقای من ای آقای من * تویی خدای غالب و قاهر و من بنده عاجز مغلوب * و آیا در حق

يَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ إِلَّا الْغَالِبُ * مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا * أَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا

بنده مغلوب مقهور جز خدای غالب قاهر که ترحم خواهد کرد؟ * ای آقای من ای آقای من * تویی پروردگار پرورنده خلق و من مربوب

الْمَرْبُوبُ * وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْبُوبَ إِلَّا الرَّبُّ * مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا * أَنْتَ

و پرورش یافته توام * و آیا در حق مربوبی جز آنکه پروردگار اوست که ترحم خواهد کرد؟ * ای آقای من ای آقای من * تویی خدای

الْمُتَكَبِّرُ وَأَنَا الْخَاشِعُ * وَ هَلْ يَرْحَمُ الْخَاشِعَ إِلَّا الْمُتَكَبِّرُ * مَوْلَايَا يَا

باکبریا و بزرگی و من بنده فروتن و عاجز * و آیا در حق بنده عاجز فروتن جز خدای باکبریبای بزرگ که ترحم خواهد کرد؟ * ای آقای من ای آقای من

مَوْلَايَا * اِرْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ * وَ اَرْضْ عَنِّي بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ فَضْلِكَ

آقای من * به رحمتت ترحم کن * و به جود و کرمت و فضل و احسانت از من راضی و خشنود باش

* يَا ذَا الْجُودِ وَالْإِحْسَانِ * وَالطَّوْلِ وَالْإِمْتِنَانِ * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

* ای خدای صاحب جود و احسان * و فضل و نعمت * به حق رحمتت ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ * مؤلف گوید که: سید بن طاووس بعد از این مناجات دعاء طولانی از آن حضرت نقل کرده

مهربانان عالم. *

مسمی به دعاء امان، مقام را گنجایش ذکر آن نیست. * و می خوانی نیز در این مقام شریف دعایی را که در مسجد زید ذکر می کنیم انشاء الله. * و بدان که ما در هدیه الزائرین اشاره کردیم به اختلاف در محرابی که محل ضربت خوردن امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که آیا همین محراب معروف است یا آن محراب متروک و گفتیم که نهایت احتیاط در آن است که اعمال محراب را در هر دو جا بکنند یا گاهی در معروف و گاهی در متروک. **اعمال دکه حضرت صادق (علیه السلام):** پس برو به سوی مقام حضرت صادق (علیه السلام) و آن واقع است در نزدیکی مسلم بن

عقیل رضوان الله علیه و آنجا دو رکعت نماز کن و چون سلام دادی و تسبیح نمودی * پس بگو: **يَا صَانِعَ**

ای صانع هر

كُلِّ مَصْنُوعٍ * وَيَا جَابِرَ كُلِّ كَسِيرٍ * وَيَا حَاضِرَ كُلِّ مَلَاٍ * وَيَا شَاهِدَ

ساخته شده * و ای جبران کن هر شکسته * و ای حاضر در هر جمع * و ای شاهد

كُلِّ نَجْوَى * وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ * وَيَا شَاهِدًا (شاهد) غَيْرَ غَائِبٍ * وَيَا

هر راز و نجوی * و ای دانای هر نهان * و ای در همه جا حاضر * و ای

غَائِبًا (غالب) غَيْرَ مَغْلُوبٍ * وَيَا قَرِيبًا (قريب) غَيْرَ بَعِيدٍ * وَيَا مُؤْنَسَ

چیره و غالبی که زیر دست نشود * و ای نزدیکی که دور نشود * و ای مونس

كُلِّ وَحِيدٍ * وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَىَّ غَيْرُهُ * يَا مُجِيبَ الْمَوْتَى * وَ مُمِيتَ

هر تنها * و ای زنده در حینی که زنده ای جز او نیست * ای زنده کننده مرده ها * و میراننده

الْأَحْيَاءِ * أَلْقَائِمَ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * صَلِّ

زندگان * برپا دارنده هر نفسی به آنچه کسب کند * پروردگار و معبودی جز ذات مقدست نیست * درود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * پس بخوان هر چه خواهی. * مؤلف گوید که: ما در پیش از این

فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) . *

گفتیم و در اینجا نیز می گوئیم که در مزار قدیم و مشهور بین مردم در ترتیب اعمال مسجد آن است که بعد از این مقام به جا می آورند اعمال دکه القضاء و بیت الطشت را که ما موافق مصباح الزائر و بحار و دیگران بعد از اعمال ستون چهارم نقل کردیم پس اگر خواستی به نحو مشهور عمل نمایی رجوع کن به آنجا و اعمال این دو مقام را به جا آور انشاء الله تعالی.

ذکر نمازی برای حاجت در جامع کوفه: از حضرت صادق (علیه السلام) روایت است که کسی که دو رکعت نماز گذارد در مسجد کوفه بخواند در هر رکعت حمد و دو قلْ أَعُوذُ وَسُورَةُ إِخْلَاصٍ وَكَافِرُونَ وَنُصْرُو قَدْرُو سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى و چون سلام دهد تسبیح زهراء (علیها السلام) بگوید پس بطلبد از خدا هر حاجتی که بخواهد خدا حاجتش را برآورده و دعایش را مستجاب خواهد فرمود. مؤلف گوید که: این ترتیب در سوره‌ها موافق روایت سید بن طاووس است در مصباح و در روایت شیخ طوسی در امالی سوره قدر بعد از سَبِّحْ اسْمَ است و شاید ترتیب در آنها لازم نباشد همین قدر باید بعد از حمد این هفت سوره را خواند وَاللَّهُ الْعَالِمُ.

زیارت جناب مُسَلِّمِ بْنِ عَقِيلِ قدس الله روحه وَنُورَ ضَرِيحَتِهِ: چون از اعمال مسجد کوفه فارغ شدی برو

به سوی قبر مسلم بن عقیل رضوان الله علیه و بایست نزد او و بگو: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ**

سپاس مخصوص خداست که سلطان و ثابت

الْمُبِينِ * الْأَمْتِصَاغِرِ لِعَظَمَتِهِ جَبَابِرَةُ الطَّاغِينَ * الْمَعْتَرِفِ بِرُبُوبِيَّتِهِ

ازلی و در کمال ظهور است * خدایی که تمام گردنکشان و طاغیان عالم پیش عظمتش خوار و ذلیلند * و جمیع

جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ * الْمَقْرَبِ بِتَوْحِيدِهِ سَائِرِ الْخَلْقِ

اهل آسمانها و زمینها به خداوندیش معترفند * و همه خلقان به توحید و یگانگی او اقرار و ایمان

أَجْمَعِينَ * وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنَامِ * وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْكَرَامِ * صَلَاةً

دارند * درود و رحمت خدا بر سید کائنات * و اهل بیت گرمیش باد * رحمتی که

تَقْرُبُ بِهَا أَعْيُنُهُمْ * وَيَرْغَمُ بِهَا أَنْفُ شَانِئِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ

چشم آنها را روشن کند * و بد خواهانشان را از جن و انس همه را خوار و زبون سازد

*** سَلَامٌ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * وَ سَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقْرَبِينَ * وَ أَنْبِيَائِهِ**

* سلام خدای بلند مرتبه بزرگ * و سلام فرشتگان مقرب حق * و انبیاء و رسولان

الْمُرْسَلِينَ * وَأَئِمَّتِهِ الْمُتَّجِبِينَ * وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ * وَ جَمِيعِ

الهی * و امامان برگزیده * و بندگان شایسته خدا * و تمام شهیدان

الشُّهَدَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ * وَ الزَّكَايَاتِ الطَّيِّبَاتِ فِيمَا تَغْتَدِي وَ تَرُوحُ

راه حق و اهل ایمان * و پاکان و نیکویان عالم و هر چه صبح و شام کند

عَلَيْكَ يَا مُسَلِّمَ بْنَ عَقِيلِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ * وَ رَحْمَةً لِلَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ وَ

سلام تمام آنان بر تو باد ای مسلم بن عقیل فرزند ابی طالب * سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ * وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ * وَآمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ *
 گواهی می‌دهم که تو نماز را بر پا داشتی * و زکوة به فقیران دادی * و امر به معروف *

وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ * وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ * وَقَتَلْتَ عَلَى
 و نهی از منکر فرمودی * و در راه خدا حق جهاد را ادا کردی * تا آنکه به طریق مجاهدان

مِنْهَاجِ الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِهِ * حَتَّى لَقِيتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ * وَهُوَ
 راه دین خدا به درجه رفیعۀ شهادت رسیدی * تا آنکه خدای عز و جل را ملاقات کردی * و او را

عِنْدَكَ رَاضٍ * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بَعْدَ اللَّهِ * وَبَذَلْتَ نَفْسَكَ فِي
 از تو راضی و خشنود بود * و گواهی می‌دهم که تو به عهد خدا وفا کردی * و در راه نصرت و یاری

نُصْرَةِ حُجَّةِ اللَّهِ * وَابْنِ حُجَّتِهِ * حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ * أَشْهَدُ لَكَ
 حجت خدا و فرزند حجت خدا جانان را فدا نمودی * و گواهی می‌دهم که تو به

بِالتَّسْلِيمِ وَالْوَفَاءِ وَالنَّصِيحَةِ * لِخَلْفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ * وَالسَّبْطِ
 مقام تسلیم و رضا و با وفا و خیرخواه بودی * نسبت به سبط پیغمبر مرسل (ص) * که برگزیده

الْمُنْتَجَبِ * وَالِدَلِيلِ الْعَالِمِ * وَالْوَصِيِّ الْمُبْلَغِ * وَالْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ
 بزرگوار بود * و دلیل و رهبر دانای خلق * و وصی پیغمبر مبلغ دین * و مظلوم و شهید و مقهور بود

* فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ رَسُولِهِ * وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * وَعَنْ الْحَسَنِ
 * پس خدایت از خدمت به رسول اکرم (ص) و امیر المؤمنین * و حسن

وَالْحُسَيْنِ * أَفْضَلَ الْجُزْءِ * بِمَا صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ وَاعْتَنَى * فَنِعْمَ
 و حسین (ع) * بهترین پاداش عطا فرماید * به واسطه صبر و شکیبایی و امتحان و یاوریت در راه حق * پس دار عقبی

عَقْبِي الدَّارِ * لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ * وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَمَرَ بِقَتْلِكَ * وَلَعَنَ
 و آخرت نیکو گردید * خدا لعنت کند کسی را که تو را شهید کرد * خدا لعنت کند آن کس را که امر به قتل تو کرد * خدا لعنت

اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ * وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ افْتَرَى عَلَيْكَ * وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهَلَ
 کند آن کس را که به تو ظلم و بیداد کرد * و خدا لعن کند آن را که بر تو افتراء و دروغ بست * و خدا لعن کند آن را که

حَقَّكَ * وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ * وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَايَعَكَ وَغَشَّكَ *
 در حق تو جهالت ورزید * و مقام احترامت را سبک و خوار نمود * و خدا لعن کند آن کسی را که با تو بیعت کرد و نفاق ورزید *

وَ خَذَلَكَ * وَأَسْلَمَكَ * وَمَنْ أَلَبَّ عَلَيْكَ * وَلَمْ يُعِنِكَ * أَلْحَمْدُ لِلَّهِ
 و تو را یاری نکرد و تسلیم دشمن ساخت * و آنکه علیه تو با دشمن همدست شد و یاریت نکرد * ستایش خدای را

الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَثْوَاهُمْ وَبَسَسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ * أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتَلْتَ

که آتش دوزخ را منزلگاه آنان مقرر کرد که بسیار بد منزلگاهی بر واردان است * گواهی می‌دهم که تو

مَظْلُومًا * وَ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ * جِئْتِكَ زَائِرًا عَارِفًا

مظلوم شهید شدی * و محققا خدا آن وعده‌ای که به شما داد کاملا منجز و حتم ادا می‌کند * باری من به زیارتت با معرفت

بِحَقِّكُمْ * مُسْلِمًا لَكُمْ * تَابِعًا لِسُنَّتِكُمْ * وَ نَصْرَتِي لَكُمْ مَعْدَةٌ * حَتَّى

به حق شما آمدم * و خود تسلیم امر شما خاندانم * و پیرو سنت و طریقه شما * و برای نصرت و یاری شما مهیا هستم * تا

يُحْكَمَ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ * فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ *

آنگاه که خدا که بهترین حکمفرما است حکم کند * پس من همیشه عمر با شما و به طریقه شما هستم نه با دشمنان شما *

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ

درود خدا بر شما باد و بر ارواح و اجسام حاضر و غایب شما

وَ غَائِبِكُمْ * وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ * قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً

باد * و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد * خدا لعنت کند امتی را که

قَتَلْتُمْ بِالْأَيْدِي وَ الْأَلْسُنِ * و در مزار کبیر این کلمات را به منزله اذن دخول قرار داده و گفته

با دست و زبان به قتال و جنگ شما برخاستند *

پس داخل شو و بچسبان خود را به قبر و به روایت سابقه است که اشاره کن به ضریح آن جناب و بگو: **السَّلَامُ**

سلام بر

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ * الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ * وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

تو ای بنده شایسته * مطیع فرمان خدا و رسول (ص) * و امیر المؤمنین

وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * أَلْحَمْدُ لِلَّهِ * وَ سَلَامٌ (سَلَامُهُ)

و حسن و حسین علیهم السلام * ستایش مخصوص خداست * و سلام بر

عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى مُحَمَّدٌ وَ عَالِهِ * وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ

بندگان شایسته‌ای که خدا برگزید آنها را محمد و آل او * و سلام بر شما اهل بیت و رحمت

اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ * وَ مَغْفِرَتُهُ * وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ * أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ

و برکات خدا و مغفرت او * و بر روح و بدن تو باد * گواهی می‌دهم که تو از جهان

عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ (بِهِ) الْبَدْرِيُّونَ * الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ *

درگذشتی بدانسان که شهیدان جنگ بدر درگذشتند * که آنان مجاهده شدید در راه خدا کردند *

الْمُبَالِغُونَ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ وَ نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ * فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ

و در جنگ با دشمنان خدا و یاری دوستان و اولیاء خدا کوشش را به انتها رسانیدند * پس خدایت پاداش دهد

الْجُزَاءِ * وَ أَكْثَرَ الْجُزَاءِ * وَ أَوْفَرَ جَزَاءٍ أَحَدٍ مِمَّنْ * وَ فِي بَيْعَتِهِ *

بهترین جزا * و افزونتر * و وافرتر از پاداشی که به احدی از آنان که به عهد و بیعت خدا وفا کردند *

وَ اسْتِجَابَ لَهُ * وَ دَعْوَتَهُ * وَ اطَاعَ وَلاةَ أَمْرِهِ * أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالِغَتَ

و دعوت حق را اجابت نمودند * و امر امام و پیشوایان الهی را اطاعت نمودند عطا می‌کند * گواهی می‌دهم که تو نصیحت

فِي النَّصِيحَةِ * وَ اعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ حَتَّى بَعَثَكَ اللَّهُ فِي الشُّهَدَاءِ

و خیرخواهی * و جهد و کوشش را به انتها رسانیدی تا آنکه خدا تو را به درجه رفیع شهیدان راه خدا مبعوث گردانید

* وَ جَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ السُّعْدَاءِ * وَ اعْطَاكَ مِنْ جَنَانِهِ أَفْسَحَهَا

* و روانت را با روح سعادت‌مندان عالم در پیوست * و از بهشت موعود خود تو را وسیعترین

مَنْزِلًا * وَ أَفْضَلَهَا غَرْفًا * وَ رَفَعَ ذِكْرَكَ فِي الْعَالَمِينَ * وَ حَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ

منزل * و نیکوترین غرفه بهشت عطا فرمود * و در عالم بالا نامت را بلند گردانید * و با پیغمبران

وَ الصِّدِّيقِينَ * وَ الشُّهَدَاءِ * وَ الصَّالِحِينَ * وَ حَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا *

و صدیقان * و شهیدان و بندگان شایسته محشور کرد * و آنان نیکو رفیقانند *

أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهَنْ * وَ لَمْ تَنْكُلْ * وَ أَنَّكَ قَدْ مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ

گواهی میدهم که تو در راه دین سستی نکرده و هیچ تقصیر و کندی روا نداشتی * و محققا تو از جهان درگذشتی در حالیکه

أَمْرِكَ * مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ * وَ مُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّينَ * فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا

در کار خود بر بصیرت بودی * و اقتداء به صالحان * و پیروی از پیغمبران خدا کردی * پس خدا بین ما

وَ بَيْنَكَ * وَ بَيْنَ رَسُولِهِ * وَ أَوْلِيَائِهِ فِي مَنَازِلِ الْمُخْبِتِينَ * فَانَّهُ * وَ أَرْحَمُ

و تو * و رسول خدا و اولیاء حق در منزلهای بندگان خاضع خدا جمع گرداند * به درستی که او مهربانترین

الرَّاحِمِينَ * پس نماز کن در رکعت در طرف سرو آن راهدیه آن جناب کن * پس بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ

مهربانان است. * خدایا درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا * و این همان دعائی است که در حرم

بر محمد و آلش و بر من گناهی باقی نگذار *

حضرت عباس (علیه السلام) خوانده می‌شود و بیاید ذکرش. * و اگر خواستی وداع کنی جناب مسلم را بخوان همان

وداعی که در زیارت جناب عباس (رضی الله عنه) ذکر می شود. **زیارت هانی بن عروه** رحمة الله و رضوانه علیه:

می ایستی در نزد قبر او و سلام می کنی به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) * و می گوئی: **سَلَامُ اللَّهِ الْعَظِيمِ**

سلام خدای بزرگ

و صَلَوَاتُهُ عَلَيْكَ يَا هَانِي بْنَ عُرْوَةَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ

و درود او بر تو ای هانی بن عروه * سلام بر تو ای بنده شایسته خدا

*** النَّاصِحُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ * وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ**

* که در راه خدا و رسول * و امیر المؤمنین و حضرت حسن و حسین علیهم السلام خلق را نصیحت و دعوت

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتَلْتَ مَظْلُومًا * فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ *

به خیر و صلاح کردی * گواهی می دهم که تو مظلوم کشته شدی * پس خدا لعنت کند آن مردم ظالمی را که تو را کشتند *

وَ اسْتَحَلَّ دَمَكَ * وَ حَشَا قُبُورَهُمْ نَارًا * أَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ اللَّهَ وَ هُوَ

و خونت را مباح کردند * خدا گور آنها را پر از آتش عذاب گرداند * گواهی می دهم که تو خدا را ملاقات کردی

رَاضٍ عَنْكَ بِمَا فَعَلْتَ وَ نَصَحْتَ * وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ دَرَجَةَ

در حالی که خدا از تو به آنچه کردی راضی و خشنود بود * و گواهی می دهم که تو به مقام رفیع شهیدان

الشُّهَدَاءِ * وَ جَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ السُّعْدَاءِ * بِمَا نَصَحْتَ لِلَّهِ

نایل شدی * و روح خود را به واسطه نصح و خیرخواهی در دین حق * همنشین با روح

وَ لِرَسُولِهِ مُجْتَهِدًا * وَ بَدَلْتَ نَفْسَكَ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَ مَرْضَاتِهِ *

پاک سعادتمندان گردانیدی * و در راه رضای حق و ذات خدا جانت را فدا کردی *

فَرَحِمَكَ اللَّهُ وَ رَضِيَ عَنْكَ * وَ حَشَرَكَ مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ *

پس خدا تو را رحمت کند و از تو خشنود باشد * و با محمد و آل اطهارش محشور گرداند *

وَ جَمَعْنَا وَ إِيَّاكُمْ (إِيَّاكَ) مَعَهُمْ فِي دَارِ النَّعِيمِ * وَ سَلَامٌ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةٌ

و ما را هم با تو و آن بزرگواران جمع فرماید * و سلام و رحمت و برکات

اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ * پس دورکت نمازکن و هدیه کن آن را به روح هانی و دعاکن از برای خود به آنچه

خدا بر تو باد. *

می خواهی و وداع کن او را به آنچه دروداع مسلم می گفتی.

فصل ششم

در فضیلت و اعمال مسجد سهله و اعمال مسجد زید و صعصعه

بدان که بعد از مسجد کبیر کوفه مسجدی به فضیلت مسجد سهله در آن عرصه نیست و آن خانه حضرت ادریس (علیه السلام) و حضرت ابراهیم و محل ورود حضرت خضر (علیه السلام) و مسکن آن حضرت است. * و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که به ابوبصیر فرمود: ای ابومحمد گویا من می بینم حضرت صاحب الامر (علیه السلام) در مسجد سهله فرود آید با اهل و عیالش و منزل آن حضرت باشد. * و حق تعالی هیچ پیغمبری نفرستاده است مگر آنکه در آن مسجد نماز کرده است * و هر که در آن مسجد اقامت نماید چنان است که در خیمه رسول خدا (ﷺ) اقامت نموده است. و هیچ مرد وزن مؤمنی نیست مگر آنکه دلش مایل است به سوی آن مسجد. * و در آن مسجد سنگی است که در آن صورت هر پیغمبری هست و هیچکس با نیت صادقه نماز و دعا نمی کند در آن مسجد، مگر آنکه برمی گردد با حاجت برآمده شده. و هیچکس در آن مسجد امان نمی طلبد مگر آنکه امان می یابد از هر چه که می ترسد. * گفتم: فضیلت این است که از برای این مسجد است؟ حضرت فرمود: زیادتر بگویم از برایت؟ عرض کردم بلی. فرمود که: آن از جمله بقعه هائی است که خدا دوست می دارد که او را در آنها بخوانند و هیچ شب و روزی نیست مگر آنکه ملائکه می آیند به زیارت آن مسجد و عبادت می کنند خدا را در آن. * پس فرمود که: اگر من نزدیک می بودم به شما همه نماز را در آن مسجد می کردم. پس فرمود که: ای ابا محمد آنچه وصف نکردم از فضیلت این مسجد بیشتر از آن است که گفتم. من عرض کردم فدایت شوم و حضرت قائم (علیه السلام) همیشه در آن مسجد خواهد بود؟ فرمود: بلی. الخ. **و اما اعمال مسجد سهله:** پس دو رکعت نماز میان شام و خفتن سنت است از حضرت صادق (علیه السلام) مروی است که هر غمناکی که چنین کند و دعا کند حق تعالی غمش را زایل کند * و از بعض کتب مزاریه نقل شده که چون خواستی داخل مسجد شوی بایست نزد در و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ * وَ مَا شَاءَ اللَّهُ * وَ خَيْرُ

به نام خدا و به یاری خدا * و از جانب خدا و به سوی خدا * و آنچه خواست خداست * و بهترین

الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ * تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ * وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ

نامها مخصوص خداست * توکل کردم بر خدا * و هیچکس حول و قوه ای الا به واسطه خدای بلند مرتبه

الْعَظِيمِ * اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ عُمَّارِ مَسَاجِدِكَ وَ بِيُوتِكَ * اللَّهُمَّ إِنِّي

بزرگ ندارم * پروردگارا مرا از تعمیر کنندگان مساجد و معابد خود قرار ده * پروردگارا من

اتَّوَجَّهْ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَقْدِمِهِمْ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي *

به درگاه تو به وسیله محمد و آل محمد رو آورده‌ام * و آن بزرگواران را در جلو حوائج خود مقدم داشته‌ام *

فَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقْرَبِينَ

تا ای پروردگار به واسطه آنها مرا نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند گردانی و از مقربان درگاهت قرار دهی

* اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً * وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا * وَرِزْقِي بِهِمْ

* خدایا به واسطه آن بزرگواران نماز مرا مقبول گردان * و گناهانم بیامرز * و رزقم را

مَبْسُوطًا * وَدُعَائِي بِهِمْ مُسْتَجَابًا * وَحَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَّةً * وَانْظُرْ

وسیع * و دعایم را مستجاب * و حاجت‌هایم روا فرما * و به ذات بزرگوار کریمت به من

إِلَى بَوَّجْهِكَ الْكَرِيمِ نَظْرَةً رَحِيمَةً * اسْتَوْجِبْ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ *

از روی لطف و مهربانی نظر فرما * که بدان نظر لطف و عنایت نزد تو مستوجب کرامت شوم *

ثُمَّ لَا تَصْرِفْهُ عَنِّي أَبَدًا * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * يَا مُقَلِّبَ

آنگاه تا ابد آن نظر لطف را از من باز نگردانی * به حق رحمت بی‌انتهایت ای مهربانترین مهربانان عالم * ای خدا

الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ * ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ * وَدِينِ نَبِيِّكَ وَوَلِيِّكَ *

ای برگرداننده دلها و دیده‌ها * تو دلم را بر دین و آیین خود * و رسول و ولی خود ثابت بدار *

وَلَا تَزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي * وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً * إِنَّكَ أَنْتَ

و دلم که به نور هدایت روشن کرده‌ای دیگر هرگز تاریک نگردان * و از جانب خود مرا رحمت کامل عطا فرما * که محققا تویی

الْوَهَّابُ * اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ * وَمَرْضَاتِكَ طَلَبْتُ * وَثَوَابِكَ

بخشنده بی‌عوض * پروردگارا من به درگاه تو رو آوردم * در طلب ثواب و رضا * و خشنودی

ابْتَغَيْتُ * وَبِكَ ءَامَنْتُ * وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ * اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ بَوَّجْهِكَ

تو * و به تو ایمان آوردم * و بر تو توکل کردم * پس تو هم روی به من

إِلَى * وَاقْبَلْ بَوَّجْهِی إِلَيْكَ * پس بخوان آیه‌الکرسی و مُعَوِّذَتَيْنِ را و تسبیح کن خدا را هفت

کن * و پیوسته روی قلب مرا به سوی خود گردان *

مرتبه و تحمید کن هفت مرتبه و تهلیل بگو هفت مرتبه و تکبیر بگو هفت مرتبه یعنی هریک از: سُبْحَانَ

منزه است

اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ * وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ * راهفت مرتبه بگو. * پس بگو:

خدا * و ستایش مخصوص پروردگار است * و خدایی جز ذات مقدس پروردگار نیست * و خدا بزرگتر است *

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا هَدَيْتَنِي * وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَضَّلْتَنِي *

خدایا تو را سپاس می‌کنم که مرا هدایت کردی * و تو را ستایش می‌کنم که مرا افزونی و برتری دادی *

وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا شَرَّفْتَنِي * وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ بَلَاءٍ حَسَنٍ

و تو را ستایش می‌کنم که مرا شرافت دادی * و تو را ستایش می‌کنم که بر هر حادثه و ابتلای نیکو که مرا بدان

اِبْتَلَيْتَنِي * اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ صَلَاتِي وَ دُعَائِي * وَ طَهَّرْ قَلْبِي * وَ اشرحْ لِي

مبتلا کردی * پروردگارا نماز و دعای مرا بپذیر * و دلم را پاک ساز * و مرا شرح صدر و فکر و همت بلند

صَدْرِي * وَ تَبَّ عَلَىٰ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ * و سید بن طاوس فرموده که:

عنايت فرما * و توبه من بپذیر که تو بسیار پذیرنده توبه خلق و به بندگان مهربان هستی. *

چون اراده کردی که به مسجد سهله روی پس ما بین مغرب و عشاء در شب چهارشنبه وارد آن مسجد شو که

افضل اوقات دیگر است. * پس همانکه وارد شدی نماز مغرب و نافله اش را به جا آور، پس برخیز دو رکعت نماز

تحیّت مسجد کن قُرْبَةً اِلَى اللَّهِ و چون فارغ شدی دستها را به سمت آسمان بلند کن * و بگو: اَنْتَ اللَّهُ

توئی خدای یگانه

لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ * مَبْدِئُ الْخَلْقِ وَ مَعِيْدُهُمْ * وَ اَنْتَ اللَّهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ

و یکتایی * که شروع ایجاد خلق از تو و بازگشت خلق به سوی توست * و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست *

* خَالِقُ الْخَلْقِ وَ رَازِقُهُمْ * وَ اَنْتَ اللَّهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ

تو خالق تمام خلق و رازق جمیع بندگانی * تویی خدایی که جز تو خدایی نیست تویی که قبض و بسط عالم به دست توست

* وَ اَنْتَ اللَّهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ مُدَبِّرُ الْاُمُورِ * وَ بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ *

* تویی خدای یکتایی که جز تو خدایی نیست تو تدبیر کننده امور عالمی * و برانگیزنده هر که در قبرهاست *

اَنْتَ وَاَرِثُ الْاَرْضِ وَ مَنْ عَلَيْهَا * اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ

تویی وارث زمین و هر که روی زمین است * از تو درخواست می‌کنم به اسم پنهان و مستور

الْحَيِّ الْقَيُّومِ * وَ اَنْتَ اللَّهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ عَالِمُ السِّرِّ وَ اَخْفَى *

زنده پایندهات * و تویی خدای یکتا که جز تو خدایی نیست دانائی به سر عالم و پنهانتر از سر *

اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي اِذَا دُعِيَ بِهِ اَجَبْتَ * وَ اِذَا سُئِلَ بِهِ اَعْطَيْتَ

از تو درخواست می‌کنم به آن نامت که هرگاه به آن نام تو را بخوانند اجابت کنی * و هرگاه بدان نام از تو درخواست کنند عطا کنی

وَ اسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ * وَ بِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ * وَ

* و از تو درخواست می‌کنم به حق تو بر محمد و اهل بیتش * و به حق آنها بر تو که آن حق را تو خود بر ذات خویش

عَلَى نَفْسِكَ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَالِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تُقْضِيَ لِي

فرض و لازم گردانیدی * درخواست می‌کنم که درود فرستی بر محمد و آلش * و حاجت مرا هم

حَاجَتِي * أَسْأَعَةَ السَّاعَةِ * يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ * يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا

برآور * در همین ساعت در همین ساعت * ای شنونده دعا * ای سید من ای مولای من

غِيَاثَاهُ * اسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَهُ بِهِ نَفْسِكَ * أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي

ای پناه من * از تو درخواست می‌کنم به هر اسمی که تو خود را بدان نام خواندی * و یا آن اسمی که در علم غیب

عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَالِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تُعْجَلَ

خود به خویش اختصاص دادی * که درود و رحمت بر محمد و آلش فرستی * و در فرج و گشایش ما

فَرَجَنَا السَّاعَةَ * يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ * يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ * ﴿١٠﴾

تعمیل فرمایی * ای برگرداننده دلها و دیده‌ها ای اجابت کننده دعای خلق. *

پس به سجده برو و خشوع کن و بخوان خدا را به جهت هر چه که می‌خواهی. * پس نماز می‌گذاری در گوشه‌ای که

طرف مغرب و شمال است دورکت و آن موضع خانه حضرت ابراهیم خلیل (علیه السلام) است که از آنجا به جنگ عمالقه

رفت و چون از نماز فارغ شدی تسبیح بکن * و پس از آن بگو: **اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْبُقْعَةِ الشَّرِيفَةِ**

ای خدا به حق این مسجد شریف

وَ بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهَا * قَدْ عَلِمْتَ حَوَائِجِي * فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

* و به حق هر که در اینجا تو را پرستش کرده * که تو حوائج مرا کاملاً می‌دانی * پس رحمت و درود فرست

وَ عَالِ مُحَمَّدٍ * وَ اقْضِهَا * وَ قَدْ أَحْصَيْتَ ذُنُوبِي * فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

بر محمد و آلش * و حاجت‌هایم برآور * و تو کاملاً بر گناهانم به شماره آگاهی * درود فرست بر محمد

وَ عَالِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْهَا * اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مَا (إِذَا) كَانَتْ الْحَيَاةُ خَيْرًا لِي

و آلش و گناهانم را ببخش و بپامرز * ای خدا مادامی که زندگی من مرا خیر و سعادت است مرا زنده بدار

* وَ أَمْتِنِي (تَوْفَنِي) إِذَا كَانَتْ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي * عَلَيَّ مَوَالَاةِ أَوْلِيَائِكَ * ﴿١١﴾

* و هنگامی که مرگ بر من بهتر است * بر دوستی دوستانت *

و مُعَادَاةِ اَعْدَائِكَ * وَاَفْعَلُ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ * يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

و دشمنی دشمنانت مرا بمیران * و با من آن کن که سزاوار توست ای مهربانترین مهربانان عالم *

پس نمازی گذاری در گوشه دیگر که در سمت مغرب و قبله است دو رکعت و دستها را بلند می کنی * و می گوئی:

اللَّهُمَّ اِنِّي صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ اِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَ طَلَبِ نَائِلِكَ *

بار پروردگارا من این نماز را به جای آوردم برای طلب رضا و خشنودی تو و طلب عطایای تو *

وَ رَجَاءِ رَفْدِكَ وَ جَوَائِزِكَ * فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ تَقَبَّلْهَا

و امیدواری پذیرش و جوایز تو * پس درود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و از من آن را

مِنِّي بِاَحْسَنِ قَبُولٍ * وَ بَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ الْمَامُولِ * وَاَفْعَلُ بِي مَا اَنْتَ

به بهترین وجهی قبول فرما * و مرا به رحمت و لطف که امید دارم برسان * و با من آن کن که سزاوار لطف

اَهْلُهُ * يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

پس به سجده برو و بگذار دو طرف صورت را بر خاک. * پس برو به

و مقام توست * ای مهربانترین مهربانان عالم *

گوشه‌ای که در طرف مشرق است و دو رکعت نماز گذار و دستها را بگشا * و بگو: اللَّهُمَّ اِن كَانَتْ الذُّنُوبُ

خدایا اگر گناهان و خطاهایم

وَ الْخَطَايَا قَدْ اَخْلَقْتَ وَجْهِي عِنْدَكَ * فَلَمْ تَرْفَعْ لِي اِلَيْكَ صَوْتًا *

مرا در نزد تو بی‌آبرو ساخته * که دیگر صدای من به سوی تو بلند نگشت *

وَلَمْ تَسْتَجِبْ لِي دَعْوَةً * فَاِنِّي اَسْئَلُكَ بِكَ يَا اَللَّهُ * فَاِنَّهُ وَاَيْسَ مِثْلَكَ

و دعایم را مستجاب نفرمودی * در این حال از تو درخواست می‌کنم ای خدا به حق ذات پاکت * که بی‌مثل

اَحَدٌ * وَ اَتُوَسَّلُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ * وَ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

و مانند است * و متوسل می‌شوم به محمد و آلش * و درخواست می‌کنم که درود فرستی

مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ اَنْ تُقْبَلَ اِلَيَّ (عَلَيَّ) بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ * وَ تُقْبَلَ

بر محمد و آل محمد * و به ذات با کرم و رحمتت به من توجه و عنایت فرما * و روی دلم را به سوی خود به کلی متوجه گردان * و

بِوَجْهِهِ (اِلَيْكَ) * وَ لَا تُخَيِّبْنِي حِيْنَ اَدْعُوكَ * وَ لَا تُحَرِّمْنِي حِيْنَ اَرْجُوكَ *

هنگامی که تو را به دعا می‌خوانم از کرمت محروم مگردان * و هنگامی که به درگاهت دست امید دراز می‌کنم ناامیدم مساز *

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

مؤلف گوید که: از بعض کتب مزاریه غیر معروفه نقل شده که بعد از آن می‌روی

ای مهربانترین مهربانان عالم. *

به گوشه دیگر که در طرف مشرق واقع شده و دو رکعت نماز گذارد در آنجا * و بگو: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ**

پروردگارا از تو درخواست می‌کنم

بِاسْمِكَ يَا اللَّهُ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تَجْعَلَ

به نام مبارکت ای خدا * که درود فرستی بر محمد و آل محمد * و پایان

خَيْرِ عُمْرِي ءَاخِرَهُ * وَ خَيْرِ أَعْمَالِي خَوَاتِيمَهَا * وَ خَيْرِ أَيَّامِي يَوْمَ

عمر مرا بهتر * و خاتمه کارهایم را نیکو فرمایی * و بهترین ایام مرا روز ملاقات

الْقَاكَ فِيهِ * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ دُعَائِي * وَ اسْمَعْ

خود قرار دهی * که تو البته بر هر چیز توانایی * ای خدا دعای مرا بپذیر * و راز و نیازم

نَجْوَايَ * يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمَ * يَا قَادِرِيَا قَاهِرُ * يَا حَيًّا لَا يَمُوتُ * صَلِّ

را بشنو * ای خدای بلند مرتبه بزرگ * ای توانای قاهر غالب * ای زنده‌ای که هرگز نمیرد * درود

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي بَيْنِي وَ بَيْنَكَ *

فرست بر محمد و آلش * و گناهان مرا که میان من و توست ببخش و بیامرز

وَ لَا تَفْضَحْنِي عَلَى رُءُوسِ الْأَشْهَادِ * وَ احْرُسْنِي بَعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ *

و مرا بدان گناهان، رسوا در حضور جمعیت مگردان * و به چشم عنایتت که هرگز به خواب نرود مرا مراقبت و حفظ فرما *

وَ ارْحَمْنِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا

و به قدرتی که بر من داری بر من ترحم فرما ای مهربانترین مهربانان عالم * و درود خدا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ * يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ * پس نماز می‌گذاری در خانه‌ای که در

آقای ما محمد و آل طاهرینش باد * ای پروردگار عالم *

وسط مسجد است دو رکعت * و می‌گوئی: **يَا (مَنْ هُوَ) أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ * يَا فَعَالًا**

ای آنکه به من از رگ گردن نزدیکترین * ای آنکه هر چه

لَمَّا يُرِيدُ * يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ * صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

بخواهی می‌کنی * ای آنکه میان شخص و قلب او حایل می‌شوی * درود فرست بر محمد و آلش

وَ حُلِّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ مَنْ يُؤْذِنَا بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ * يَا كَافِي (يَا كَافِيًا) مِنْ

* و بین من و گناهانم به قدرت و قوت خود حایل و مانع شو * ای آنکه او کافی از

كُلِّ شَيْءٍ * وَ لَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ * اكْفِنَا الْمُهَمَّ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

هر چیز است * و هیچ چیز از او کافی نتواند بود * ما را در امر دنیا و آخرت کفایت فرما

یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ﴿۱۰۰﴾ پس بگذار دو طرف روی خود را بر خاک. * مؤلف گوید که: این مکان شریف

ای مهربانترین مهربانان عالم *

در این زمان معروف است به مقام امام زین العابدین (علیه السلام). * و در مزار قدیم نقل کرده که بعد از دو رکعت نماز در این مقام، * بخواند دعای اللهم انی اسئلك یا من لا تراہ العیون الخ. و این دعا در اعمال دکه باب امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مسجد کوفه ذکر شد به آنجا رجوع شود. * و در نزدیک همین مکان بقعه‌ای است معروف به مقام مهدی (علیه السلام)، مناسب است زیارت آن حضرت در آن محل شریف * و از بعض کتب مزاریه نقل شده که شایسته است زیارت کنند آن حضرت را در این محل در حالی که ایستاده باشند به این زیارت سلام الله الکامل التام الشامل الخ. و این همان استغاثه‌ای است که ما در فصل هفتم از باب اول از کلم طیب نقل کردیم دیگر تکرار نکنیم و سید بن طاوس آن را یکی از زیارات سرداب مقدس شمرده بعد از دو رکعت نماز. **ذکر نماز و دعاء در مسجد زید (علیه السلام):** پس می‌روی به مسجد زید که نزدیک مسجد سهله است و دو رکعت

نماز در آن می‌گذاری و دستها را می‌گشائی * و می‌گوئی: **الهی قد مدد الیک الحاطی المذنب**

ای خدا این بنده خطا پیشه گنهکار دو دست امیدش را

یدیہ بحسن ظنہ بک الہی قد جلس المسیء بین یدیک مقرأ

به سوی تو دراز کرده و با حسن ظن به درگاه کرمت آمده * ای خدا این بنده زشت بد عمل در پیشگاه حضرتت * مقرأ و

لک بسوء عملہ و راجیا منک الصفح عن زللہ الہی قد رفع الیک

معترف به بدکاری خود * و از لغزش و خطاهایش به عفو تو امیدوار است * ای خدا این بنده ستمکار به

الظالم کفیه راجیا لما لَدَیک فلا تخیبہ برحمتک من فضلک

آن درگاه لطف * و رحمت دو دست امیدواری دراز کرده * پس تواش از کرم محروم مساز

الہی قد جثا العائد الی المعاصی بین یدیک خائفا من یوم تجثو

* ای خدا این بنده که هی به عصیان باز می‌گردد در حضورت آمده * و ترسان

فیہ الخلاق بین یدیک الہی جاءک العبد الحاطی فزعا مشفقا

از روز محشر است * ای خدا این بنده خطاکار ترسان و هراسان به سویت آمده و چشم به سوی تو گشوده *

ورفع الیک طرفه و حذرا راجیا و فاضت عبرته و مستغفرا نادما

با بیم و امید و اشک چشم بر رخ جاری * و به اظهار ندامت از تو آمرزش می‌طلبد

و عزتک و جلالک ما اردت بمعصیتی مخالفتک و ما عصیتک

* و به عزت و جلال تو که عصیانم به قصد مخالفت با تو نبود * در حالی که عصیان

إِذْ عَصَيْتُكَ وَأَنَا بَكَ جَاهِلٌ * وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ * وَلَا لِنَظْرِكَ

تو کردم جاهل به معرفتت نبودم * و غرض تعرض بر عقاب * و استخفاف به عظمتت

مُسْتَخِفٌّ * وَلَكِنْ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي * وَأَعَانْتَنِي عَلَى ذَلِكَ شِقْوَتِي *

نبود * و لیکن نفس مرا به خیال انداخت * و شقاوت بر گناهم مدد کرد *

وَاغْرَبَنِي سِتْرَكَ الْمُرْخَى عَلَيَّ * فَمِنَ الْآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي *

و ستاریت و پرده پوشی تو مرا به گناه مغرور ساخت * پس اکنون از قهر و عذابت مرا که نجات تواند داد؟ *

وَجَبَلٍ مَنْ أَعْتَصِمُ إِنْ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي * فَيَا سَوَاتَاهُ غَدًا مِنْ

و اگر تو رشته امیدم را قطع کنی به کدام رشته دیگر چنگ زخم؟ * پس ای وای از رسوایی فردای من هنگامی که

الْوُقُوفِ (الْمَوْقِفِ) بَيْنَ يَدَيْكَ * إِذَا قِيلَ لِلْمُخْفِينَ جُوزُوا * وَاللِّمَثْقَلِينَ

حضور حضرتت بایستم * و به سبکباران عالم فرشتگان گویند از اینجا زود بگذرید * و به سنگین باران عصیان گویند از اینجا به دوزخ

حَطُّوا * أَفْمَعَ الْمُخْفِينَ أَجُوزُ * أَمْ مَعَ الْمُثْقَلِينَ أَحَطُّ * وَيَلِي كَلَّمَا كَبُرَ

در افتید * و من نمیدانم حال خود را که آیا با سبکباران میگذرم * یا با گرانباران به دوزخ درمی افتم * ای وای بر من که هر چه

سَنِي كَثُرَتْ ذُنُوبِي * وَيَلِي كَلَّمَا طَالَ عُمُرِي كَثُرَتْ مَعَاصِي * فَكَمْ

بر سالم افزوده شد بر گناهانم اضافه گردید * و ای بر من که هر چه عمر من طولانی گردید بر اعمال بدم افزود * چه بسیار

أَتُوبُ وَكَمْ أَعُودُ * أَمَا أَنْ لِي أَنْ أَسْتَحْيِيَ مِنْ رَبِّي * اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ

توبه کردم و باز توبه را شکسته و به عصیان پرداختم * آیا نرسید هنگامی که از خدای خود شرم کنم * ای خدا پس تو را

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * وَخَيْرِ

قسم میدهم به حق محمد و آل محمد که از گناهان من درگذر و بر حالم ترحم کن * ای مهربانترین مهربانان عالم * و

الْغَافِرِينَ * پس گریه کن و صورت به خاک گذار و بگو: إِرْحَمْ مَنْ أَسَاءَ وَاقْتَرَفَ

بهترین آمرزندگان * ای خدا ترحم کن در حق کسی که بد کرد و فرو در گناه شد

وَاسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ * پس بگذار طرف راست رو را و بگو: إِنْ كُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ

و باز تضرع کرد و اعتراف نمود * ای خدا اگر بد بنده ای هستم تو

فَأَنْتَ نِعَمَ الرَّبِّ * پس بگذار طرف چپ را و بگو: عَظَمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ *

نیکو خدایی هستی و نیکو پروردگاری * خدایا اگر گناه از بندهات بزرگ است *

فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ يَا كَرِيمٌ * پس برگرد به حال سجود و بگو: الْعَفْوُ الْعَفْوُ

عفو و بخشش از تو بسیار نیکو است ای خدای کریم *

صد مرتبه. * مؤلف گوید که: این مسجد از مساجد شریفه کوفه است و منسوب است به زید بن صوحان که از بزرگان اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) و از ابدال به شمار می رفته و در جنگ جمل درباری آن حضرت شهید شده. و این دعا که ذکر شد دعای او بوده که در نماز شب می خوانده * و در نزدیکی مسجد او مسجد برادرش صعصعه بن صوحان است که او نیز از اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) و از عارفین به حق آن جناب و از بزرگان اهل ایمان است. و چندان فصیح و بلیغ بوده که امیرالمؤمنین (علیه السلام) او را خطیب شحشح گفته و به مهارت در خطب و فصاحت در لسان او را ثنا فرموده، و هم او را به قلت مؤنه و کثرت معونه مدح نموده و در شبی که آن حضرت از دنیا رحلت فرمود و فرزندان آن جناب جنازه نازنینش را از کوفه به نجف حمل نمودند صعصعه از جمله مشیعیین بود و چون از کار دفن آن حضرت فارغ شدند صعصعه نزد قبر مقدس ایستاد و مشتکی از خاک برگرفت و بر سر خود ریخت و گفت: پدر و مادرم فدای تو باد یا امیرالمؤمنین، گوارا باد تو را کرامتهای خدا ای ابوالحسن، به تحقیق که مولد تو پاکیزه بود و صبر تو قوی و جهاد تو عظیم بود و به آنچه آرزو داشتی رسیدی و تجارت سودمند کردی و به نزد پروردگار خود رفتی و از این نوع کلمات بسیار گفت و گریه کرد گریه سختی و به گریه در آورد سایرین را و در حقیقت سر قبر آن حضرت مجلس روضه شد که در آن شب منعقد گردید و صعصعه به منزله روضه خوان بود و مستمعین جناب امام حسن و امام حسین (علیه السلام) و محمد بن الحنفیه و ابوالفضل العباس و سایر فرزندان و بستگان آن حضرت و چون این کلمات به پایان رسید روی به جانب امام حسن و امام حسین (علیه السلام) و سایر آقا زادگان کردند و ایشان را تعزیت و تسلیت گفتند. پس جملگی به کوفه مراجعت نمودند. * و بالجمله **مسجد صعصعه** از مساجد شریفه کوفه است و جماعتی امام زمان صلوات الله علیه را در ماه رجب در آن مسجد مبارک مشاهده کرده اند که دو رکعت نماز کرده و این دعا را خوانده: **اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَنِينِ السَّابِغَةِ وَالْأَلَاءِ لَوَازِعَةِ الدُّعَاءِ** و ظاهر عمل آن حضرت آن است که این دعاء مخصوص این مسجد شریف و از اعمال اوست نظیر دعاهای مسجد سهله و زید لکن چون در ماه رجب بوده که آن حضرت این دعا را خوانده اند احتمال داده شده که شاید این دعا از دعاهای ایام رجب باشد و لهذا در کتب علماء در اعمال ماه رجب نیز ذکر شده و ما نیز چون آن دعا را در اعمال رجب ذکر کرده بودیم به همان اکتفا کردیم، به تکرار نپرداختیم طالبین به آنجا رجوع کنند انشاء الله.

فصل هفتم

در فضیلت زیارت حضرت ابو عبد الله الحسین صلوات الله علیه و آدابی که زائر آن جناب باید مراعات آنها را نماید در طریق زیارت و در آن حرم مطهر و کیفیّت زیارت آن حضرت و در آن سه مقصد است:

مقصد اول: در فضیلت زیارت آن حضرت است. بدان که فضیلت زیارت امام حسین (علیه السلام) از حیطة بیان بیرون است و در اخبار بسیار وارد شده که معادل حجّ و عمره و جهاد بلکه بالاتر و افضل است به درجات و باعث مغفرت و خفّت حساب و رفع درجات و اجابت دعوات و موجب طول عمر و حفظ بدن و مال و زیادتی روزی و برآمدن حاجات و رفع هموم و کربات است و ترک آن سبب نقصان دین و ایمان و ترک حقّ بزرگی از حقوق پیغمبر (صلی الله علیه و آله) است و کمتر ثوابی که به زائر آن قبر شریف رسد آن است که گناهایش آمرزیده شود و آنکه حق تعالی جان و مالش را حفظ کند تا او را به اهل خود برگرداند و چون روز قیامت شود حق تعالی او را حافظتر خواهد بود از دنیا. * و در روایات بسیار است که زیارت آن حضرت غم را زایل می کند و شدّت جان کندن و هول قبر را برطرف می کند. و آنکه هر مالی که در راه زیارت آن حضرت خرج شود حساب می شود برای او هر دره می به هزار درهم بلکه به ده هزار درهم. و چون رو به قبر آن حضرت برود چهار هزار ملک استقبال او می کنند و چون برمی گردد مشایعت او می نمایند. و آنکه پیغمبران و اوصیاء ایشان و ائمه معصومین و ملائکه سلام الله علیهم اجمعین به زیارت آن حضرت می آیند و دعا برای زواری آن حضرت می کنند و ایشان را بشارتها می دهند و حق تعالی نظر رحمت می فرماید به سوی زائرین امام حسین (علیه السلام) بیش از اهل عرفات. * و آنکه هر کسی در روز قیامت آرزو می کند که کاش زواری آن حضرت بود از بس که مشاهده می کند از کرامت و بزرگواری ایشان در آن روز. * و روایات در این باب بی حدّ است و ما در ضمن زیارات مخصوصه اشاره به پاره ای از فضیلت زیارت آن حضرت خواهیم نمود و در اینجا اکتفا می کنیم به ذکر یک روایت ابن قولویه و کلینی و سید بن طاوس و دیگران روایت کرده اند به سندهای معتبره از ثقة جلیل القدر معاویه بن وهب بجلی کوفی که گفت: یک وقتی به خدمت حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) رفتم دیدم آن حضرت را که در مُصَلّای خویش مشغول نماز است، نشستم تا نمازش تمام شد پس شنیدم که مناجات می کرد با پروردگار خود و می گفت: ای خداوندی که مخصوص گردانیده ای ما را به کرامت و وعده داده ای ما را شفاعت و علوم رسالت را به ما داده ای و ما را وارث پیغمبران گردانیده ای و ختم کرده ای به ما امتهای گذشته را و ما را مخصوص به وصیّت پیغمبر گردانیده ای و علم گذشته و آینده را به ما عطا کرده ای و دلهای مردم را به سوی ما مایل گردانیده ای (اغفر لی و لإخوانی و زواری قبر ابي الحسین بن علی صلوات الله علیهما) بیامرز مرا و برادران مرا و زیارت کنندگان قبر ابي عبد الله الحسین (علیه السلام) را آنکه خرج کرده اند مالهای خود را و بیرون آورده اند از شهرها بدنهای خود را برای رغبت در نیکی ما و امید ثوابهای تو در صله ما و برای شاد گردانیدن پیغمبر تو و اجابت نمودن ایشان امر ما را و

برای خشمی که بردشمنان داخل کرده‌اند و مراد ایشان خوشنودی تو است پس مکافات ده ایشان را از جانب ما به خوشنودی. و حفظ کن ایشان را در شب و روز و خلیفه ایشان باش در اهل و اولاد ایشان که در وطن خود گذاشته‌اند به خلافت نیکو و رفیق ایشان باش و دفع کن از ایشان شرّ هر جبار معاندی را و هر ضعیف و شدید از خلقت را و شرّ شیاطین جنّ و انس را و بده به ایشان زیاده از آنچه امید دارند از تو در دور شدن از وطنهای خود و در اختیار کردن ایشان ما را بر فرزندان و اهالی و خویشان خود خداوند دشمنان ما عیب کردند بر ایشان بیرون آمدن ایشان را به زیارت ما پس این مانع نشد ایشان را از عزم کردن و بیرون آمدن به سوی ما از روی مخالفت ایشان (فَارْحَمِ تِلْكَ الْوُجُوهُ الَّتِي غَيَّرْتَهَا الشَّمْسُ * وَارْحَمِ تِلْكَ الْاُخْدُودَ الَّتِي ثَقَلَتْ عَلَى قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ) پس رحم کن آن رُوها را که آفتاب متغیّر گردانیده است و رحم کن گونه‌های روی ایشان را که می‌گردانند و می‌مالند بر قبر امام حسین (علیه السلام) * و رحم کن آن دیده‌ها را که گریه‌شان جاری شد از ترّحم بر ما و رحم کن آن دلها را که جزع کرده‌اند و سوخته‌اند از برای مصیبت ما و رحم کن آن فغانها را که در مصیبت ما بلند کرده‌اند، خداوند آن جانها و آن بدنها را به تو می‌سپارم تا سیراب گردانی ایشان را از حوض کوثر در روز تشنگی و پیوسته آن حضرت به این نحو دعا می‌کرد در سجده پس چون فارغ شد گفت: آن دعا که من از شما شنیدم اگر در حق کسی می‌کردید که خدا را نمی‌شناخت گمان داشتیم که آتش جهنم به او نرسد هرگز والله که آرزو کردم که زیارت آن حضرت کرده بودم و حجّ نکرده بودم، حضرت فرمود که: چه بسیار نزدیکی تو به آن حضرت چه مانع است تو را از زیارت ای معاویه ترک زیارت مکن. گفتیم: فدای تو شوم نمی‌دانستم که این قدر فضیلت دارد. فرمود که: ای معاویه آنها که برای زیارت کنندگان آن حضرت دعا می‌کنند در آسمان زیاده از آنهایند که دعا می‌کنند برای ایشان در زمین، ترک مکن زیارت آن حضرت را از برای خوف از احدی که هر که از برای خوف ترک زیارت کند آنقدر حسرت برد که آرزو کند که کاش آنقدر می‌ماندم نزد قبر آن حضرت که در آنجا مدفون می‌شدم آیا دوست نمی‌داری که خدا به بیند تو را در میان آنها که دعا می‌کنند برای ایشان رسول خدا و علی و فاطمه و ائمه معصومین (علیهم السلام)؟ آیا نمی‌خواهی از آنها باشی که ملائکه در قیامت با ایشان مصافحه می‌کنند؟ آیا نمی‌خواهی از آنها باشی که در قیامت ببینند و هیچ گناه برایشان نباشد؟ آیا نمی‌خواهی از آنها باشی که در قیامت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) با ایشان مصافحه می‌کند؟

مقصد دویم: در آدابی که زائر حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) باید مراعات آنها را نماید در طریق

زیارت و در آن حرم مطهر و آن چند چیز است. ۱) اول: سه روز روزه دارد پیش از آنکه از خانه بیرون رود

و در روز سیم غسل کند. چنانکه حضرت صادق (علیه السلام) به صفوان دستور العمل دادند و بیاید در ذکر زیارت هفتم. * و شیخ محمد بن المشهدی در مقدمات زیارت عیدین ذکر فرموده که چون اراده کنی زیارت آن حضرت را پس سه روز روزه بدار و روز سیم غسل کن و اهل و عیال خود را به سوی خود جمع کن * و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ الْيَوْمَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي * وَ كُلِّ مَنْ

بار خدایا من امروز به تو سپردم خودم و اهل و عیالم و مال و فرزندانم * و هر که

كَانَ مِنِّي بِسَبِيلِ الشَّاهِدِ مِنْهُمْ وَ الْغَائِبِ * اللَّهُمَّ احْفَظْنَا (بِحِفْظِكَ)

با من راهی دارد حاضرشان باشد یا غایب * بار الهی حفظ فرما ما را به حفظ

بِحِفْظِ الْإِيمَانِ وَ احْفَظْ عَلَيْنَا * اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي حِرْزِكَ * وَ لَا تَسْلُبْنَا

خودت به حفظ ایمان و نگهدار ما باش * بار خدایا ما را در حرز خود گیر * و نعمتت را از ما باز مگیر

نِعْمَتَكَ * وَ لَا تُغَيِّرْ مَا بَنَا مِنْ نِعْمَةٍ وَ عَافِيَةٍ * وَ زِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ إِنَّا

و سلب مفرما * و آنچه از نعمت و عافیت داریم بر ما دگرگون مساز * و بیفزای بر ما از فضل خود زیارا

إِلَيْكَ رَاغِبُونَ * آنگاه از منزل خود بیرون برو با حال خشوع و بسیار بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ *

که ما به تو مشتاقیم * نیست معبود حقی جز خدا *

وَ اللَّهُ أَكْبَرُ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ * و ثنای خداوند و صلوات بر پیغمبر و آل او صلوات الله عليهم

و خدا بزرگتر است * و ستایش خدا راست *

بفرست و راه بیفت به آرامی و وقار. * و روایت شده که حق تعالی خلق می کند از عرق زوآر قبر امام حسین (علیه السلام) از

هر عرقی هفتاد هزار ملک که تسبیح می کنند خدای تعالی را و استغفار می کنند برای او و برای زوآر امام

حسین (علیه السلام) تا آنکه روز قیامت برپا شود. ﴿۲﴾ دویم: از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که چون به زیارت

امام حسین (علیه السلام) بروی زیارت کن آن حضرت را محزون و غمناک و ژولیده مو و غبار آلوده و گرسنه و تشنه که آن

حضرت با این احوال شهید شده است و حاجات خود را طلب نما و برگرد و آن را وطن خود قرار مده. ﴿۳﴾ سیم:

آنکه در سفر زیارت آن حضرت توشه را از چیزهای لذیذ مانند بریانی و حلواها قرار ندهد و خوراک خود را نان با

لبن یعنی شیر یا ماست قرار دهد. * از حضرت صادق (علیه السلام) روایت است که فرمود: شنیده ام که جماعتی به

زیارت امام حسین (علیه السلام) می روند و با خود سُفره ها برمی دارند که در آنها بزغاله های بریان و حلواها هست و اگر

به زیارت قبر پدران یا دوستان خود بروند اینها را با خود برنمی دارند. * و در حدیث معتبر دیگر منقول است که

آن حضرت به مفضل بن عمر فرمود که: زیارت کنید امام حسین (علیه السلام) را بهتر از آن است که زیارت نکنید. و زیارت نکنید بهتر از آن است که زیارت کنید. مفضل گفت: پشت مرا شکستی. فرمود که: والله اگر به زیارت قبر پدران خود بروید اندوهگین و غمناک می‌روید و به زیارت آن حضرت که می‌روید سفره‌ها با خود برمی‌دارید بلکه می‌باید ژولیده مو و گرد آلود بروید. * مؤلف گوید: پس چقدر شایسته است برای اغنیا و تجار که ملاحظه این مطلب را در این سفر بنمایند و هرگاه در بلادی که در بین راه ایشان است تا کربلا بعضی دوستانشان که ایشان را دعوت و میهمانی می‌کنند و در زمان حرکت از منزلشان سفره و ناهار خوریهای آنها را از مطبوخات لذیذه و مرغ بریان و سایر بریانیها مملو می‌کنند قبول نکنند و بگویند که ما مسافر کربلا هستیم و شایسته نیست برای ما تغذی به این نحو غذاها. * شیخ کلینی (رضی الله عنه) روایت کرده که بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) زوجه کلبیه آن حضرت اقامه ماتم نمود برای آن حضرت و گریست و گریستند سایر زنها و خدمتکاران تا حدی که اشکهای آنها خشک شد و دیگر اشکشان نیامد. پس از یک جائی برای آن مخدره هدیه فرستادند جونی که معنی آن را مرغ قطا گفته‌اند برای آنکه از خوردن آن قوتی بگیرند در گریستن بر امام حسین (علیه السلام)، چون آن محترمه آن را دید پرسید این چیست؟ گفتند: هدیه‌ای است که فلانی فرستاده برای شما که استعانت بجوئید به آن در ماتم حسین (علیه السلام) فرمود: (لَسْنَا فِي عُرْسٍ فَمَا نَصْنَعُ بِهَا) ما که در عروسی نیستیم ما را چه به این خوراک پس امر فرمود: آن را از خانه بیرون بردند. ❖ چهارم: از چیزهایی که در سفر زیارت امام حسین (علیه السلام) مندوب است تواضع و فروتنی و خشوع و راه رفتن مانند بنده ذلیل. پس کسانی که در طریق زیارت آن حضرت سوار می‌شوند بر این مراکب جدیده که به قوه بخار به سرعت حرکت می‌نمایند و امثال آن باید خیلی ملتفت خود باشند که تَجَبُّرٌ و تَكَبُّرٌ نکنند و بر سایر زائرین و بندگان خدا که بسختی و مشقت به کربلا می‌روند بزرگی ننمایند و آنها را به چشم حقارت نظر نکنند. * علماء در احوال اصحاب کهف نقل کرده‌اند که آنها از مخصوصین دقیانوس و به منزله وزرای او بودند. وقتی که حق تعالی رحمت خود را شامل حال آنها فرمود و به فکر خداپرستی و اصلاح کار خود برآمدند صلاح خود را در این دیدند که از مردم کناره گیرند و در غاری ماوی گرفته به عبادت خدا مشغول شوند، پس سوار بر اسبها شده و از شهر بیرون آمدند همینکه سه میل راه رفتند تملیخا که یکی از آنها بود گفت: (يَا اِخْوَتَاهُ جَاءَتْ مَسْكَنَةُ الْاٰخِرَةِ * وَ ذَهَبَ مُلْكُ الدُّنْيَا * اَنْزَلُوا عَنْ خِيُولِكُمْ * وَ اَمْشُوا عَلٰى اَرْجُلِكُمْ) ای برادران این راه، راه آخرت است و باید به نحو فقیری و مسکنت رفت و ملک و ریاست دنیا را باید کنار گذاشت اکنون از اسبها باید پیاده شوید و با پای پیاده به درگاه حق تعالی بروید تا شاید

پروردگار شما بر شما رحم نماید و گشایشی در امر شما نصیب شما فرماید. پس همگی از اسبهای خویش پیاده شدند و در آن روز آن محترمین معظّمین با پای پیاده هفت فرسخ راه رفتند تا آنکه پاهای ایشان مجروح شد و خون از آنها متقاطر گردید. * پس زائرین این قبر مطهرّ این مطلب را در نظر داشته باشند و هم بدانند که هر چه در این راه شخص برای خدا تواضع کند باعث رفعت مقام او خواهد شد. و لهذا در آداب زیارت آن جناب از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) منقول است که هر که به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) برود پیاده حق تعالی بنویسد از برای او به عدد هر گامی هزار حسنه و محومی کند از او هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت هزار درجه. * پس چون به شطّ فرات برسی غسل کن و پاهای خود را برهنه کن و نعلهای خود را در دست خود بگیر و راه رو مانند راه رفتن بنده ذلیل. ﴿۵﴾ پنجم: آنکه اگر در بین راه زوّار پیاده دید که وامانده و خسته شده و از او استعانتی خواست تا ممکن شود در کار او اهتمام نموده، و او را به منزل برساند و مبادا به او استخفاف و بی‌اعتنائی نماید. * شیخ کلینی به سند معتبر از ابوهارون روایت کرده که من حاضر بودم در خدمت حضرت صادق (علیه السلام) که فرمود به مردمی که در نزد او بودند: چه شده از برای شما که استخفاف می‌نمائید به ما؟ پس برخاست از بین آنها مردی از اهل خراسان و گفت: پناه می‌برم به خدا از آنکه ما استخفاف کنیم به شما یا به چیزی از امر شما. فرمود: آری تو خودت یکی از آن اشخاص هستی که سبک شمردی و خوار نمودی مرا. آن مرد گفت پناه می‌برم به خدا که من خوار نموده باشم شما را. فرمود: وای بر تو آیا نشنیدی فلان کس را در وقتی که نزدیک به جحفه بودیم با تو گفت: مرا بقدر یک میل سوار کن که به خدا سوگند من خسته شدم. به خدا سوگند که تو سر به سوی او بلند نکردی و استخفاف به او نمودی. و هر کسی که مؤمنی را خوار نماید ما را خوار نموده و حرمت خدا را ضایع کرده. * مؤلف گوید که: ما در آداب زیارت در ادب نهم کلامی با روایتی از علی بن یقظین که مناسب است با این مقام ذکر کردیم به آنجا رجوع کن که در آن موعظه نیکوئی است. و این ادب که در اینجا ذکر شد اختصاص به زوّار امام حسین (علیه السلام) ندارد لکن چون این مطلب در راه زیارت آن حضرت خیلی اتفاق می‌افتد لهذا ما در اینجا ذکر نمودیم. ﴿۶﴾ ششم: از ثقه جلیل القدر محمد بن مسلم مروی است که به حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) عرض کرد که: چون ما به زیارت پدرت حسین بن علی (علیه السلام) می‌رویم آیا چنان است که در حجّیم؟ فرمود: بلی. گفت: پس بر ما لازم است آنچه بر حاجیان لازم است؟ فرمود که: بر تو لازم است که نیکو مصاحبت بنمائی با هر که رفیق تو است و بر تو لازم است که کم سخن بگوئی مگر سخن خیر، و لازم است بر تو که یاد خدا بسیار بکنی و لازم است که جامه‌هایت پاکیزه باشد و لازم است که غسل کنی پیش از آنکه داخل حایر شوی و لازم است که

با خشوع و رقت باشی و نماز بسیار بکنی و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرستی و باید که خود را نگاه داری از چیزهایی که سزاوار نیست تو را و باید که دیده خود را از حرام و شبهه بیوشانی و احسان به برادران مؤمن پریشان خود بکنی و اگر کسی را به بینی که خرجش تمام شده او را دستگیری کنی و خرجی خود را میان خود و ایشان برابر قسمت کنی و لازم است بر تو تقیه که قوام دین تو به آن است و پرهیزکاری از چیزهایی که خدا از آنها نهی کرده است و ترک کنی خصومت و بسیار قسم خوردن و مجادله و منازعه که در آن قسم باشد. پس چون چنین کنی تمام می شود ثواب حج و عمره از برای تو و مستوجب می شوی از جانب آن کسی که طلب ثواب او کرده ای به مال خرج کردن و از اهل خود دور افتادن اینکه برگردی به آموزش گناهان و رحمت و خوشنودی خدا. **۷** هفتم: در روایت ابو حمزه ثمالی از حضرت صادق (علیه السلام) در باب زیارت امام حسین (علیه السلام) منقول است که چون به نینوار رسیدی بارهای خود را در آنجا بگذار و روغن بر خود ممال و سرمه مکش و گوشت مخور مادامی که در آنجا مقیم می باشی. **۸** هشتم: غسل به آب فرات است که روایات در فضیلت آن بسیار است. در حدیثی از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که هر که غسل کند به آب فرات و زیارت کند قبر امام حسین (علیه السلام) را از گناهان خالی شود مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و اگر چه گناهان کبیره بوده باشد. * و روایت شده که خدمت آن حضرت عرض شد که: بسا شود که ما به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) برویم و دشوار باشد بر ما غسل زیارت به سبب سرما یا غیر آن. فرمود که: هر که غسل کند در فرات و زیارت کند حسین (علیه السلام) را نوشته شود برای او از فضیلت آنقدر که به شماره در نیاید. * و از بشیر دهان روایت است که حضرت صادق (علیه السلام) فرمود که: هر که به زیارت قبر حسین بن علی (علیه السلام) برود پس وضو بگیرد و غسل کند در فرات، بر ندارد قدمی و نگذارد قدمی مگر آنکه بنویسد حق تعالی برای او حجّه و عمره. * و در بعضی روایات است که غسل کن از فرات از موضعی که برابر قبر آن حضرت واقع شود و خوبست چنانکه از بعضی روایات استفاده می شود چون به فرات برسد صد مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** و صد مرتبه **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل آن حضرت بفرستد. **۹** نهم: چون خواستی داخل حایر مقدس شوی از دری که در جانب مشرق واقع است داخل شو چنانکه حضرت صادق (علیه السلام) به یوسف کناسی فرمودند. **۱۰** دهم: در روایت ابن قولویه است که حضرت صادق (علیه السلام) به مفضل بن عمر فرمود که: ای مفضل چون برسی به قبر امام حسین (علیه السلام) بر در روضه بایست و

این کلمات را بخوان که تو را به هر کلمه نصیبی از رحمت الهی خواهد بود: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ**

سلام بر تو ای وارث آدم

ءَادَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ * السَّلَامُ

برگزیده خدا * سلام بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا * سلام بر

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى

تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا * سلام بر تو ای وارث موسی سخن گوی

كَلِيمِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ قُدْسِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

با خدا * سلام بر تو ای وارث عیسی روح قدس الهی * سلام بر تو ای

يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ وَصِيِّ

وارث حضرت محمد حبیب (و محبوب) خدا * سلام بر تو ای وارث علی

رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الرَّضِيِّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

وصی رسول خدا * سلام بر تو ای وارث حسن مجتبی صاحب مقام رضا * سلام بر تو

يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ الصِّدِّيقُ

ای وارث فاطمه زهراء دختر رسول خدا * سلام بر تو ای شهید راه خدا با صدق و حقیقت

* السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَارُّ التَّقِيُّ * السَّلَامُ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي

* سلام بر تو ای وصی نیکوکار با تقوای * سلام بر ارواح پاکى که به بارگاه

حَلَّتْ بِفَنَائِكَ * وَ اَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ * السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ

عزت راه یافتند * و به خدمتت رحل اقامت افکندند * سلام بر فرشتگان خدا

الْمُحَدِّقِينَ بِكَ * أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ * وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ *

در گرد روح پاکت * گواهی می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی * و زکوة به مستحقان عطا کردی *

وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ * وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ * وَ عِبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا

و امر به معروف * و نهی از منکر فرمودی * و خدا را با اخلاص کامل تا هنگام

حَتَّىٰ آتَاكَ الْيَقِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ * پس به سوی

رحلت پرستش کردی * سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد. *

قبرروانه می‌شوی و به هر قدمی که برمی‌داری یا می‌گذاری مثل ثواب کسی داری، که در خون خود دست و پا زده

باشد در راه خدا. * پس چون به نزدیک قبر برسی دست بر قبر بمال و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ

سلام بر تو ای حجت

اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ ﴿۱۱﴾ پس می روی و متوجه نماز می شوی و به هر رکعت که می کنی نزد آن

خدای در زمین و آسمانش *

حضرت مثل ثواب کسی داری که حج و عمره هزار مرتبه کرده باشد و هزار بنده آزاد کرده باشد و هزار مرتبه از برای خدا به جهاد ایستاده باشد با پیغمبر مرسل، الخبر. ﴿۱۱﴾ یازدهم: از ابوسعید مدائنی منقول است که گفت: رفتم به خدمت حضرت صادق (علیه السلام) و پرسیدم که بروم به زیارت قبر حسین (علیه السلام)؟ فرمود: بلی. برو به زیارت قبر حسین (علیه السلام) فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیکترین نیکان و پاکیزه ترین پاکیزگان و نیکوکارترین نیکوکاران. و چون آن حضرت را زیارت کنی نزد سر آن حضرت هزار مرتبه تسبیح حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بخوان و نزد پاهای آن حضرت هزار مرتبه تسبیح حضرت فاطمه (علیه السلام) را بخوان پس نزد آن حضرت دو رکعت نماز بکن و در آن دو رکعت سوره یس و الرحمن بخوان. پس چون چنین کنی ثواب عظیم از برای تو خواهد بود گفتم فدای تو شوم

تسبیح علی و فاطمه (علیهما السلام) را به من بیاموز. فرمود: بلی ای ابوسعید تسبیح علی (علیه السلام) این است: **سُبْحَانَ**

منزه است خدایی

الَّذِي لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ * سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ * سُبْحَانَ

که گنجهای (رحمتش) نفاذ و تمامی ندارد * و نشانهای (علم و قدرت و حکمتش) نابود نخواهد شد * منزه است خدایی

الَّذِي لَا يَفْنَى عِنْدَهُ * سُبْحَانَ الَّذِي لَا يُشْرِكُ أَحَدًا فِي حُكْمِهِ *

که آنچه نزد اوست فنا نمیبرد * منزه است خدایی که هیچکس در حکم و فرمانش با او شرکت و مداخله نتواند داشت *

سُبْحَانَ الَّذِي لَا أَضْمَحِلَّ لِفَخْرِهِ * سُبْحَانَ الَّذِي لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ

منزه است خدایی که فخر عزتش تباهی ندارد * و مدتش منقطع نگردد

* سُبْحَانَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ * و تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام) این است: **سُبْحَانَ ذِي**

* منزه است خدایی که جز او خدایی موجود نیست *

الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ * سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ * سُبْحَانَ

صاحب جلال و بزرگی و عظمت * منزه است خدای صاحب عزت بلند مرتبه * منزه است خدای صاحب

ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ * سُبْحَانَ ذِي الْبَهْجَةِ وَالْجَمَالِ * سُبْحَانَ

ملک وجود با فخر و اقتدار و پاینده ازلی * منزه است خدای صاحب حسن و جمال و بهجت * منزه است خدایی

مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ * سُبْحَانَ مَنْ يَرَى آثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا *

که با رداء نور و وقار است * منزه است خدایی که اثر پای موری را بر سنگ خارا می بیند *

و وَقَعَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ ﴿١٢﴾ دوازدهم: آنکه نماز فریضه و نافله را نزد قبر امام حسین (علیه السلام) به جا

و پر زدن مرغ را در هوا مشاهده می‌کند *

آورد زیرا که نماز نزد آن حضرت مقبول است. سید بن طاوس گفته که جدّ و جهد کن که از توفوت نشود فریضه و نافله در حایر شریف، همانا روایت شده که نماز واجبی نزد آن حضرت برابر است با حجّ و نماز نافله با عمره. مؤلف گوید که: در روایت مفضلّ گذشت ثواب بسیاری برای نماز در حایر شریف. * و در روایت معتبری از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که هر که زیارت کند آن حضرت را و دو رکعت نماز یا چهار رکعت نزد آن حضرت بکند ثواب حجّ و عمره برای او نوشته شود. * و آنچه از اخبار ظاهر می‌شود آن است که نماز زیارت و غیر آن را در عقب قبر آن حضرت و در بالا سر کردن هر دو خوب است و اگر در بالا سر کند عقبتر بایستد که محاذی اصل قبر مقدّس نباشد و در روایت ابو حمزه ثمالی است از حضرت صادق (علیه السلام) که در نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بگذارد، در رکعت اول سوره حمد و سوره یس بخوان و در رکعت دوم سوره حمد و سوره الرّحمن بخوان. * و اگر خواهی در پشت قبر نماز را بکن و در بالای سر بهتر است. و چون فارغ شوی نماز کن آنچه خواهی و اما این دو رکعت نماز زیارت ناچار است نزد هر قبری که زیارت کنند. * و ابن قولویه از حضرت باقر (علیه السلام) روایت کرده که به شخصی فرمود: ای فلان چه مانع است تو را که هرگاه حاجتی برای تو رو دهد بروی نزد قبر حسین صلوات الله علیه و چهار رکعت نماز گذاری نزد او پس حاجت خود را بطلبی؟ به درستی که نماز فریضه نزد آن حضرت معادل است با حجّ و نماز نافله معادل است با عمره. ﴿١٣﴾ سیزدهم: بدان که عمده اعمال در روضه مطهره امام حسین (علیه السلام) دعاء است زیرا که اجابت دعا در تحت آن قبّه سامیه یکی از چیزهائی است که در عوض شهادت، حقّ تعالی به آن حضرت لطف فرموده. و زائر باید آن را غنیمت دانسته در تضرّع و انابه و توبه و عرض حاجات کوتاهی نکند و در طیّ زیارات آن حضرت ادعیه بسیاری با مضامین عالیّه وارد شده و اگر بنای اختصار نبود من چند دعائی در اینجا ذکر می‌کردم. * و بهتر آن است که از دعاهای صحیفه کامله آنچه تواند بخواند که بهترین دعاها است و ما در او اخیر این باب بعد از زیارات جامعه دعائی نقل کنیم که در همه حریمهای شریفه خوانده شود* و به جهت آنکه این محلّ را خالی نگذاریم این دعای مختصر را که در ضمن یکی از زیارات نقل شده ذکر می‌کنیم. * و آن دعا این است که می‌گوئی در آن حرم شریف در حالی که دستها را به سوی آسمان بلند کرده باشی:

* - و بدان که در ملحقات این کتاب دعائی ذکر می‌شود که جامع ترین دعاها است که در روضات ائمه (علیهم السلام) خوانده می‌شود، از آن غفلت نکنی. (منه)

اللَّهُمَّ قَدْ تَرَى مَكَانِي * وَ تَسْمَعُ كَلَامِي * وَ تَرَى مَقَامِي (مَكَانِي) وَ تَضَرُّعِي

پروردگارا تو مکان مرا می بینی * و کلامم را می شنوی * و اقامتم و تضرع

* وَ مَلَاذِي بَقْرِ حُجَّتِكَ وَ ابْنِ نَبِيِّكَ * وَ قَدْ عَلِمْتَ يَا سَيِّدِي

* و پناه آوردنم به قبر حجت خود و فرزند پیغمبر گرامیت مشاهده می کنی * و ای آقای من به حواجم

حَوَائِجِي * وَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ حَالِي * وَ قَدْ تَوَجَّهْتَ إِلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِكَ

کاملاً آگاهی * و حال (پرشانم) بر تو پنهان نیست * و من با توسل به فرزند رسولت و حجت و امین

وَ حُجَّتِكَ وَ آمِينِكَ * وَ قَدْ أَتَيْتَكَ مُتَقَرِّبًا بِهِ إِلَيْكَ وَ إِلَى رَسُولِكَ *

حضرتت به درگاه کرمت روی آورده ام * و آمده ام که به وسیله او به سوی تو و رسول گرامیت تقرب جویم *

فَا جَعَلَنِي بِهِ عِنْدَكَ وَ جِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * وَ أَعْطَنِي

پس ای خدا مرا به شفاعت او نزد حضرتت در دنیا و آخرت آبرومند و مقرب گردان * و به سبب

بِزِيَارَتِي أَمَلِي * وَ هَبْ لِي مُنَايَ * وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِشَهْوَتِي (بِسْؤَلِي) وَ رَغْبَتِي

زیارتش امل و آرزویم عطا * و موهبت فرما * و در میل و رغبتم کرم و تفضل کن

* وَ اقْضِ لِي حَوَائِجِي وَ لَا تَرُدَّنِي خَائِبًا وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِي * وَ لَا تَخَيِّبْ

* و حواجمم برآور و مرا از درگاه کرمت محروم برنگردان و قطع امیدم مفرما * و دعایم را مردود

دُعَائِي * وَ عَرَّفَنِي الْجَابِبَةَ فِي جَمِيعِ مَا دَعَوْتُكَ مِنْ أَمْرِ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا

مگردان * و در تمام دعاهایی که به درگاهت کردم در امر دین و دنیا و آخرت اجابتش را بر من معلوم

وَ الْآخِرَةِ * وَ اجْعَلْنِي مِنْ عِبَادِكَ الَّذِينَ صَرَفْتَ عَنْهُمْ الْبَلَايَا

و آشکار ساز * و مرا از آن بندگان قرار ده که بلاها و امراض و فتنه ها و گزند *

وَ الْأَمْرَاضِ وَ الْفِتَنِ * وَ الْأَعْرَاضِ مِنَ الَّذِينَ تُحْيِيهِمْ فِي عَافِيَةٍ * وَ تُمِيتُهُمْ

و آسیبها را دور از آنها کردی * آنان که آنها را در آسایش زنده داشتی * و در آسایش و سعادت

فِي عَافِيَةٍ * وَ تَدْخُلُهُمُ الْجَنَّةَ فِي عَافِيَةٍ * وَ تُجِيرُهُمْ مِنَ النَّارِ فِي عَافِيَةٍ

میراندی * و در آسایش و راحتی در بهشت برین درآوردی * و در آسایش از آتش دوزخ در پناه خود درآوردی

* وَ وَفَّقْ لِي بِمَنْ مِنْكَ صَلَاحٌ مَا أَوْمَلُ فِي نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي

* و مرا موفق به فضل و کرم خاصت بدار بر صلاح و شایستگی هر چه آرزو دارم در شخص خودم و اهل بیت و فرزندان

وَ إِخْوَانِي وَ مَالِي * وَ جَمِيعِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ﴿١٤﴾

و برادران و داراییم * و هر نعمت که بر من عطا کردی ای مهربانترین مهربانان. *

چهاردهم: از جمله اعمال در حرم امام حسین (علیه السلام) صلوات فرستادن بر آن حضرت است و روایت شده که می ایستی پشت سر، نزد کتف شریف آن حضرت و صلوات می فرستی بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و بر حسین صلوات الله علیه و سید بن طاوس در مصباح الزائرین صلوات را برای آن حضرت در ضمن یکی از زیارات نقل کرده:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ

پروردگارا درود فرست بر محمد و آل محمد * و درود فرست بر حسین شهید

الشَّهِيدِ * قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ * وَاسِيرِ الْكُرْبَاتِ صَلَاةً نَامِيَةً زَاكِيَةً

مظلوم * کشته اشک چشم شیعیان * و اسیر رنج مصیبتها درودی فرست که با نشو و نما و افزاینده و

مُبَارَكَةً * يَصْعَدُ أَوْلَاهَا وَلَا يَنْفَدُ آخِرُهَا * أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى

با برکت باشد * و اولش بالا رود و آخرش نفاذ و انقطاع نیابد * بهتر از هر درودی که بر احدی

أَحَدٍ مِنْ أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ * يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ * اللَّهُمَّ صَلِّ

از فرزندان پیغمبران و رسولان فرستادی * ای پروردگار عالمیان * خدایا درود فرست

عَلَى الْإِمَامِ الشَّهِيدِ الْمَقْتُولِ الْمَظْلُومِ الْمَخْذُولِ * وَالسَّيِّدِ الْقَائِدِ *

بر امام شهید که به ظلم و ستم کشته شد و بی یار و یاور ماند * و آن بزرگ

وَالْعَابِدِ الزَّاهِدِ * الْوَصِيِّ الْخَلِيفَةِ * الْإِمَامِ الصِّدِّيقِ الطَّهْرِ الطَّاهِرِ *

و پیشوای اهل زهد و عبادت * وصی و جانشین * امام با صدق و ایمان کامل آن پاک روان قدسی *

الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ * وَالرَّضِيِّ الْمَرْضِيِّ * وَالتَّقِيِّ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ *

پاکیزه و روح مبارک * و پسندیده و مرضی خدا * آن جان با تقوی و زهد رهبر بزرگ عالم *

الزَّاهِدِ الذَّائِدِ الْمُجَاهِدِ الْعَالِمِ * إِمَامِ الْهُدَى * سَبْطِ الرَّسُولِ * وَقِرَّةِ

مجاهد و دفاع کننده از حریم شرع خدا * پیشوای هادی خلق به راه حق * سبط پیغمبر اکرم * و نور چشم

عَيْنِ الْبَتُولِ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِي

زهرای بتول * صلی الله علیه و آله و سلم * پروردگارا درود فرست بر آقا و مولای

وَمَوْلَايَ * كَمَا عَمِلَ بِطَاعَتِكَ * وَنَهَى عَنْ مَعْصِيَتِكَ * وَبَالِغٍ فِي

من * که همیشه به طاعتت اشتغال داشت * و از عصیانت منع می کرد * و در راه رضای تو با منتهای قدرت

رِضْوَانِكَ * وَأَقْبَلَ عَلَى إِيْمَانِكَ غَيْرَ قَابِلٍ فَيْكَ عُدْرًا سِرًّا وَعَلَانِيَةً

می کوشید * و کاملا روی به جانب ایمان و آیین حضرتت آورد و عذر کسی را در مخالفت امرت نمی پذیرفت در باطن و ظاهر

يَدْعُو الْعِبَادَ إِلَيْكَ * وَيَدُلُّهُمْ عَلَيْكَ * وَقَامَ بَيْنَ يَدَيْكَ يَهْدِمُ الْجُورَ

* بندگان را به سوی تو می‌خواند * و به راه تو هدایت می‌فرمود * و در حضور حضرت قیام کرد بنیان جور و ظلم را به طریق صواب

بِالصَّوَابِ * وَيُجِي السُّنَّةَ بِالْكِتَابِ * فَعَاشَ فِي رِضْوَانِكَ مَكْدُودًا *

* ویران و منهدم کرد * و سنت و طریقه حق طبق کتاب خدا احیاء کرد * و عمری در رنج و آلم با رضا و خشودیت زیست کرد *

وَمَضَى عَلَى طَاعَتِكَ وَفِي أَوْلِيَائِكَ مَكْدُوحًا * وَقَضَى إِلَيْكَ مَفْقُودًا *

* و با کوشش سخت در راه طاعت تو و اولیای تو از جهان درگذشت * و جان به سوی تو تسلیم کرد *

لَمْ يَعْصِكَ فِي لَيْلٍ وَلَا نَهَارٍ * بَلْ جَاهَدَ فِيكَ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَفَّارَ *

* لحظه‌ای در شب و روز نافرمانی تو نکرد * بلکه با قوم منافق و کافر در راه تو جهاد سخت کرد *

اللَّهُمَّ فَاجْزِهِ خَيْرَ جَزَاءِ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ * وَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ

* پروردگارا بهترین پاداش اهل صدق و ایمان و نیکوکاران را به او عطا فرما * و بر دشمنانش عذاب سخت و مضاعف

وَلِقَاتِلِيهِ الْعِقَابَ * فَقَدْ قَاتَلَ كَرِيمًا * وَقَتَلَ مَظْلُومًا * وَمَضَى

* و بر قاتلانش عقاب شدید مقرر گردان * که او همانا با حال لطف و مدارا و بزرگواری با دشمن قتال کرد * و به مظلومی کشته شد * و به

مَرْحُومًا * يَقُولُ أَنَا ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ * وَابْنُ مَنْ زَكَّى وَعَبَدَ *

* رحمت از جهان درگذشت * در حالیکه به قاتلان خود می‌فرمود که من فرزند رسول خدا محمد * و پسر آنکه به فقیران زکوة داد و

فَقَتَلُوهُ بِالْعَمْدِ الْمُعْتَمِدِ * قَتَلُوهُ عَلَى الْإِيمَانِ * وَأَطَاعُوا فِي قَتْلِهِ

* خدا را پرستش کرد * باز قوم ترحم نکردند عمدا و به قصد و غرض دشمنی با اسلام و ایمان * او را شهید کردند * در حالی که

الشَّيْطَانَ * وَلَمْ يُرَاقِبُوا فِيهِ الرَّحْمَنَ * اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى سَيِّدِي

* در امر قتلش شیطان را اطاعت کردند * و خدا را در نظر نیاوردند * پروردگارا پس درود فرست بر آقا

وَمَوْلَايَ * صَلَاةً تَرْفَعُ بِهَا ذِكْرَهُ * وَتُظْهِرُ بِهَا أَمْرَهُ * وَتُعَجِّلُ بِهَا

* و مولای من * درودی که به آن درود نامش را بلند گردانی * و بر کارش او را مظفر و منصور گردانی * و به نصرتش

نَصْرَهُ * وَاخْصُصْهُ بِأَفْضَلِ قِسْمِ الْفَضَائِلِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ * وَزِدْهُ شَرَفًا

* تعجیل فرمایی * و او را به نیکوترین انواع فضایل در قیامت مخصوص گردان * و بر مقام شرافتش در

فِي أَعْلَى عَلِيٍّ * وَبَلِّغْهُ أَعْلَى شَرَفِ الْمُكْرَمِينَ * وَارْفَعْهُ مِنْ شَرَفِ

* اعلی علیین بیفزا * و او را به رتبه بلندترین اهل شرافت و کرامت برسان * و از رحمت با شرافت او

رَحْمَتِكَ فِي شَرَفِ الْمُقْرَبِينَ فِي الرَّفِيعِ الْأَعْلَى * وَبَلِّغْهُ الْوَسِيلَةَ *

* را در مقام شریف مقربان درگاهت به عالیترین رتبه رفیع نایل گردان * و او را به مقام وسیله *

وَالْمَنْزِلَةَ الْمَجْلِبَةَ * وَالْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ * وَالْكَرَامَةَ الْمَجْزِبَةَ *

و منزلت با جلال و عزت * و برتری و فضیلت * و کرامت بزرگ برسان *

اللَّهُمَّ فَاجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ مَا جَازَيْتَ إِمَامًا عَن رَعِيَّتِهِ * وَصَلِّ عَلَيَّ

پروردگارا و نیکوتر پاداشی که امامی را از رعیت دهی از ما به آن حضرت عطا فرما * و درود فرست

سَيِّدِي وَمَوْلَايَ * كَلِّمًا ذَكَرَ وَكَلِّمًا لَمْ يَذْكَرْ * يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ *

بر آقا و مولای من * آنچه ذکر شد و آنچه ذکر نشد * ای آقا و مولای من *

ادْخِلْنِي فِي حِزْبِكَ وَزَمْرَتِكَ * وَاسْتَوْهِبْنِي مِنْ رَبِّكَ وَرَبِّي * فَإِنَّ لَكَ

کرم کن و مرا در حزب خود و زمره خویش داخل ساز * و از پروردگار من و پروردگار تو بر من عطا و بخشش درخواست کن * که تو

عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا وَقَدْرًا وَمَنْزِلَةً رَفِيعَةً * إِنْ سَأَلْتَ أُعْطِيتَ * وَإِنْ

بزرگوار را نزد خدا جاه و قدر و منزلت بلندی است * که اگر از خدا درخواست کنی عطا کند * و اگر

شَفَعْتَ شَفَعْتَ * اللَّهُ اللَّهُ فِي عَبْدِكَ وَمَوْلَاكَ * لَا تُخَلِّني عِنْدَ الشَّدَائِدِ

شفاعت کنی بپذیرد * خدا را یاد کن درباره بنده و غلامت * و مرا در شداید و سختیها

وَالْأَهْوَالِ لِسُوءِ عَمَلِي * وَقَبِيحِ فَعْلِي * وَعَظِيمِ جُرْمِي * فَإِنَّكَ أَمَلِي

و امور هولناک که من بر خود * از عمل بد و کار زشت * و گناه بزرگ فراهم کرده‌ام مرا به خود وامگذار * که تمام آرزو

وَرَجَائِي * وَثِقْتِي وَمُعْتَمَدِي * وَوَسَيْلَتِي إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ * لَمْ

و امید * و وثوق و اعتماد * و توسل من به درگاه خدا پروردگار من و تو بزرگواری تو * هیچکس

يَتَوَسَّلُ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ بِوَسِيلَةٍ هِيَ أَعْظَمُ حَقًّا * وَلَا أَوْجَبُ

به درگاه خدا توسل نجسته به کسی که او نزد خدا حقیقش عظیمتر * و احترامش

حُرْمَةً * وَلَا أَجَلُ قَدْرًا عِنْدَهُ * مِنْكُمْ أَهْلُ الْبَيْتِ * لَا خَلْفَنِي اللَّهُ

لازمتر * و قدر و منزلتش بلندتر از شما اهل بیت پیغمبر باشد * خدا مرا دور از شما خاندان و عنایت شما

عَنْكُمْ بِذُنُوبِي * وَجَمَعَنِي وَإِيَّاكُمْ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ الَّتِي أَعَدَّهَا لَكُمْ

به واسطه گناهانم نگرداند * و مرا با شما بزرگواران در بهشت عدن که برای شما اهل بیت و اولیاء خود مهیا گردانیده

وَأَوْلِيَائِكُمْ * إِنَّهُ خَيْرُ الْغَافِرِينَ * وَأَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ أَبْلِغْ

همنشین قرار دهد * که خدا بهترین آمرزندگان * و مهربانترین مهربانان است * پروردگارا از ما

سَيِّدِي وَمَوْلَايَ تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا * وَارْدُدْ عَلَيْنَا مِنْهُ السَّلَامَ *

به آن بزرگوار سلام و تحیت بسیار برسان * و پاسخ تحیات ما سلام از جانب او به ما باز گردان *

إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ * وَصَلِّ عَلَيْهِ كَلَّمَا ذَكَرَ السَّلَامُ وَكَلَّمَا لَمْ يُذْكَرْ *

که تو صاحب جود و کرمی * و درود فرست بر او هر آنچه سلام و تحیت ذکر شد و آنچه ذکر نشد *

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ * مؤلف گوید که ما آن زیارت را در اعمال روز عاشورا نقل کردیم و در اواخر باب

ای پروردگار عالمیان. *

صلواتی بر حجج طاهره (علیهم السلام) نقل خواهیم کرد که صلوات مختصری بر امام حسین (علیه السلام) نیز در آن مندرج خواهد بود و خواندن آن را نیز ترک مکن. ﴿۱۵﴾ پانزدهم: از جمله اعمال این روزه منوره دعای مظلوم است بر ظالم یعنی سزاوار است از برای کسی که از ظلم ظالمی مضطر شده باشد این دعا را در آن حرم منور بخواند و دعا چنان است که شیخ الطائفه (رحمته الله) در مصباح متهجد در اعمال جمعه ذکر نموده فرموده: مستحب است دعای

مظلوم را نزد قبر ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) بخوانند و آن دعا این است: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَرُ بِدِينِكَ

خدایا من عزیز به دین تو شدم

وَ أَكْرَمُ بِهِدَايَتِكَ * وَ فُلَانٌ يَذُلُّنِي بِشَرِّهِ * وَ يَهِينُنِي بِأَذِيَّتِهِ * وَ يَعِيبُنِي

* و گرامی به هدایت و رهبری تو گردیدم * و فلانی به بدی خود مرا خوار * و به اذیت و آزار خود مرا اهانت نماید * و به دوستی

بِوَلَاءِ أَوْلِيَائِكَ * وَ يَبْهَتُنِي بِدَعْوَاهُ * وَ قَدْ جِئْتُ إِلَى مَوْضِعِ الدُّعَاءِ *

دوستانت مرا نکوهش نماید * و به دعوای خود مرا مبهوت سازد * و به تحقیق من به مکان دعا آمده‌ام *

وَ ضَمَانِكَ الْإِجَابَةِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَعِدْنِي

و تو ضمانت کردی اجابت دعا را * بار پروردگارا درود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و بر سر او

عَلَيْهِ السَّاعَةَ السَّاعَةَ * پس خود را بر قبر بیندازد و بگوید: مَوْلَايَ إِمَامِي * مَظْلُومٌ

باز گردان مرا هم اینک هم اینک * ای مولای من امام من * ستم رسیده

إِسْتَعْدَى عَلَى ظَالِمِهِ النَّصْرَ النَّصْرَ * آنقدر مکرر کند النَّصْرَ رَا تَا نَفْسٍ مَنقُوعٍ شُود.

بر ستمکارش شاکی است یاری فرما یاری *

﴿۱۶﴾ شانزدهم: از جمله اعمال در آن حرم دعائی است که ابن فهد (رحمته الله) در عُدَّة الدَّاعِي از حضرت صادق (علیه السلام)

روایت کرده که فرمودند هر که از برای او حاجتی باشد به سوی خداوند عزوجل پس بایستند در نزد سر امام

حسین (علیه السلام) و بگوید: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ تَشْهَدُ مَقَامِي * وَ تَسْمَعُ

ای ابا عبد الله گواهی می‌دهم که تو مقام و مکان مرا می‌نگری * و سخن گفتن

کلامی * وَاِنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ رَبِّكَ تُرْزَقُ * فَاسْئَلْ رَبَّكَ وَرَبِّي فِي قَضَاءِ

مرا می‌شنوی * و اینکه تو زنده‌ای نزد پروردگارت روزی خوری * پس از پروردگار من و پروردگار خودت بخواه برآوردن

حَوَائِجِي * به درستی که حاجت او برآورده می‌شود انشاء الله تعالی. ﴿۱۷﴾ هفدهم: از جمله اعمال دو

حواجج مرا *

رکعت نماز است در آن حرم مطهر نزد سر مقدس با سوره الرَّحْمَن و سوره تَبَارَكَ. سید بن طاوس روایت کرده که

هر که این نماز را بخواند خداوند منان می‌نویسد برای او بیست و پنج حجه مقبوله مبروره که با رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)

به عمل آورده باشد. ﴿۱۸﴾ هیجدهم: از جمله اعمال در آن قبه سامیه استخاره است و کیفیت آن چنان است

که علامه مجلسی (رَحِمَهُ اللهُ) نقل نموده و اصل روایت از کتاب قرب الأسناد حمیری است فرموده به سند صحیح از

حضرت صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) منقول است که هر بنده‌ای که در امری از امور صد مرتبه طلب خیر از خداوند عالمیان بکند

که بایستند نزد سر حضرت امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَام) (وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ * وَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ * وَ سُبْحَانَ اللّٰهِ)

بگوید و خدا را به بزرگواری یاد کند و حمد و ثنای خدا بگوید چنانچه سزاوار او است و صد مرتبه طلب خیر از خدا

بکند البته حق تعالی آنچه خیر او است در آن امر به او می‌نماید و پیش او می‌آورد. * و موافق روایات دیگر طلب

خیر به این نحو می‌کند که صد مرتبه می‌گوید **اَسْتَخِيرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ**. ﴿۱۹﴾ نوزدهم:

شیخ اجل کامل ابوالقاسم جعفر بن قولویه قمی (رَحِمَهُ اللهُ) روایت کرده از حضرت صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) که فرمود: هرگاه زیارت

کردید حضرت ابو عبد الله (عَلَيْهِ السَّلَام) را ملازمت کنید سکوت را مگر از خیر و به درستی که ملائکه شب و روز از حفظه

حاضر می‌شوند نزد ملائکه که در حائرند و مصافحه می‌کنند با ایشان، ملائکه که در حائرند جواب نمی‌دهند

ایشان را از شدت گریستن و پیوسته مشغول گریه و زاری هستند مگر در وقت زوال شمس و وقت طلوع فجر، که

در این دو وقت ساکت می‌شوند پس ملائکه حفظه منتظر می‌شوند تا ظهر شود و تا فجر ظاهر شود که در این دو

وقت با ایشان تکلم می‌نمایند و ایشان سؤال می‌نمایند از چیزهائی از امر آسمان. و اما مابین این دو وقت

ملائکه حائر نطق نمی‌کنند و از دعا و گریستن آرام نمی‌گیرند. * و نیز از آن حضرت روایت کرده که حق تعالی چهار

هزار ملک را موکل کرده است به قبر امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَام) ژولیده مو و گرد آلود به هیأت اصحاب مصیبت می‌گیرند

بر آن حضرت از طلوع صبح تا ظهر و چون ظهر می‌شود چهار هزار ملک فرود می‌آیند و آن چهار هزار ملک بالا

می‌روند پس پیوسته گریه می‌کنند تا طلوع صبح. * و احادیث به این مضمون بسیار است و از این روایات ظاهر

می‌شود که گریستن بر آن حضرت در آن حرم مطهر، محبوب، بلکه شایسته است که شمرده شود از اعمال آن

بقعه مبارکه که بیت الاحزان شیعیان است گریستن و مرثیه خواندن برای آن حضرت و از حدیثی که مروی از

صفوان از حضرت صادق (علیه السلام) است مستفاد می شود که تضرع ملائکه در درگاه خدا در لعنت کردن بر قاتلان امیرالمؤمنین و بر قاتلان امام حسین (علیه السلام) و نوحه کردن جنیان بر ایشان و گریه کردن ملائکه که در دور ضریح امام حسین (علیه السلام) اند و بسیاری اندوه ایشان به نحوی است که اگر کسی آنها را بشنود خوردن و آشامیدن و خواب کردن بر او گوارا نخواهد بود. * در حدیث عبدالله بن حماد بصری است که حضرت صادق (علیه السلام) به او فرمود به من خبر رسیده که گروهی می آیند نزد قبر حسین (علیه السلام) از اطراف کوفه و مردمانی از غیر ایشان و زنانی که برای آن حضرت نوحه گری می کنند و این در نیمه ماه شعبان است پس بعضی قرائت می کنند و بعضی قصه می خوانند، یعنی کیفیت شهادت و سائر مصائب را ذکر می نمایند و پاره ای نوحه گری می کنند و برخی مرتبه می خوانند. پس گفتم: آری فدایت شوم من مشاهده کرده ام پاره ای از آنچه بیان فرمودی. پس فرمود: حمد خداوندی را که قرارداد در میان مردم کسانی را که به نزد ما می آیند و ما را مدح می کنند و مرتبه می خوانند برای ما. و قرارداد دشمن ما را کسانی که طعنه می زنند بر ایشان از خویشان ما یا از غیر ایشان و تهدید می نمایند ایشان را. و زشت می شمارند کارهای ایشان را و در صدر همین حدیث است که هر که به زیارت او می رود بر او می گیرد و هر که به زیارت او نمی رود بر مصیبت او اندوهناک می باشد و دلش می سوزد. هر که او را به یاد می آورد و ترحم می کند هر که نظر می کند به سوی قبر پسرش در پایین پای او افتاده در بیابانی که خویشی و دوستی نزد او نیست و حق او را غصب کردند و جمع شدند جمعی از کافران و مرتدان از دین و یآوری یکدیگر کردند تا او را کشتند و در بیابان دفن نکرده انداختند و منع کردند از او آب فراتی را که سگان می خوردند و ضایع کردند حق رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را و وصیتی را که در حق او و اهل بیتش کرده بود. * و نیز این قولیه روایت کرده از حارث اَعْوَر که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: پدر و مادرم فدای حسین شهید در پشت کوفه. به خدا قسم گویا می بینم جانوران دشتی را از هر نوعی که گردنهای کشیده اند بر قبر او و بر او گریه می کنند شب را تا صبح (فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَيَأْكُمُ وَ الْجَفَاءَ) و اخبار در این باب بسیار است. * بیستم: سید بن طاوس (رحمته الله) فرموده که: مستحب است آدمی را که هر وقت از زیارت آن حضرت فارغ شود و خواهد که از روضه مقدسه بیرون رود خود را به ضریح

بچسباند و بوسد * و بگوید: **السلام عليك يا مولاي * السلام عليك يا حجة**

سلام بر تو ای آقای من * سلام بر تو ای حجت

الله * السلام عليك يا صفوة الله * السلام عليك يا خالصة الله

خدا * سلام بر تو باد ای برگزیده خدا * سلام بر تو ای زبده و خالص برای خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ الظَّمَاءِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَرِيبَ الغُرَبَاءِ

* سلام بر تو ای کشته شده تشنگی * سلام بر تو ای غریب غریبان

السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامٌ مُودِعٍ لَا سَئِمَ وَلَا قَالَ * فَإِنْ أَمَضَ فَلَا عَنْ مَلَالَةٍ

* درود باد بر تو درود وداع کننده نه خسته شده و نه دلتنگ * پس اگر بروم از ملالت نیست

وَإِنْ أَقِمَّ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللهُ الصَّابِرِينَ * لَا جَعَلَهُ

* و اگر بمانم پس از بدگمانی نیست بدانچه خدای به صابران وعده فرموده * خدا

اللهُ آخِرَ العَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ * وَرَزَقَنِي اللهُ العُودَ إِلَى مَشْهَدِكَ

* آخرین دیدار و عهد زیارتت برای من قرار ندهد * و بازگشت به زیارتگاهت و منزل در آستانت *

وَالْمَقَامَ بِفَنَائِكَ * وَالْقِيَامَ فِي حَرَمِكَ * وَإِيَّاهُ أَسْأَلُ أَنْ يُسْعِدَنِي بِكُمْ

و ایستادن در حرم شریف تو را نصیب و روزی من فرماید * و از او درخواست می‌نمایم که به وسیله شما رستگارم فرماید

وَيَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

* و در دنیا و آخرت مرا با شما قرار دهد *

مقصد سیم: در کیفیت زیارت حضرت سید الشهداء (علیه السلام) و زیارت حضرت عباس قدس الله

روحه است. بدان که زیارات منقوله برای جناب امام حسین (علیه السلام) بر دو قسم است یکی مطلقه که مقید به

وقتی نیست و دیگری مخصوصه که عکس آن است و بیاید ذکر این زیارات در ضمن سه مطلب. (۱) مطلب

اول: در زیارات مطلقه حضرت امام حسین (علیه السلام) است و آنها بسیار است و ما در اینجا به ذکر چند زیارت از آنها

اكتفا می‌کنیم. (۱) زیارت اول: شیخ کلینی در کافی به سند خود روایت کرده از حسین بن ثوبان که گفت من و

یونس بن ظبیان و مفضل بن عمرو ابوسلمه سراج نشسته بودیم نزد حضرت ابی عبدالله جعفر بن محمد (علیه السلام)

و سخنگو در میان ما یونس بود که سنش از همه ما بزرگتر بود. پس به حضرت عرض کرد فدایت شوم من حاضر

می‌شوم در مجلس این قوم یعنی اولاد عباس پس چه بگویم؟ فرمود: هرگاه حاضر شدی و ما را به یاد آوردی پس

بگو: (اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا الرِّخَاءَ وَ السُّرُورَ) (خدایا به ما بنما آسایش و شادی را) که آنچه می‌خواهی از ثواب یا

رجوع در رجعت خواهی دریافت. گفت: گفتیم: فدایت شوم من بسیار شود که امام حسین (علیه السلام) را یاد کنم پس در آن

وقت چه بگویم؟ فرمود که: سه مرتبه بگو: صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ که سلام می‌رسد به آن

حضرت از نزدیک و دور. پس حضرت فرمود: زمانی که حضرت ابو عبد الله الحسین (علیه السلام) شهید شد گریه کرد بر

آن حضرت آسمانهای هفتگانه و هفت زمین و آنچه در آنها و آنچه در مابین آنها است و هر که در بهشت و در

آتش است از مخلوق پروردگار ما و آنچه دیده می شود و آنچه دیده نمی شود همه گریستند بر ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) مگر سه چیز که گریه نکرد بر آن حضرت. گفتم: فدایت شوم آن سه چیز کدام است؟ فرمود: نگریست بر آن حضرت بصره و نه دمشق و نه آل عثمان. گفتم: فدای تو شوم می خواهم به زیارت آن حضرت بروم پس چه بگویم و چه بکنم؟ فرمود: چون به زیارت آن حضرت روی پس غسل کن در کنار فرات پس بپوش جامه های پاک خود را پس با پای برهنه روانه شو. پس به درستی که تو در حرمی هستی از حرهای خدا و حرم رسول خدا و بسیار بگو در وقت رفتن (اللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ) و هر ذکری که متضمن تمجید و تعظیم حق تعالی باشد و صلوات بفرست بر محمد و اهلبیت او تا آنکه برسی به در حائر * پس بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ

سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا * سلام بر شما ای فرشتگان

اللَّهُ وَ زُورَ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ اللَّهِ * پس ده گام بردار پس بایست و سی مرتبه بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ

خدا و زائران قبر پسر پیغمبر خدا *

پس برو به جانب قبر از پیش رو و مقابل کن روی خود را با روی آن حضرت و قرار ده قبله را مابین دو کتف خود یعنی

پشت به قبله باش پس بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ * السَّلَامُ

سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا * سلام بر

عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ اللَّهِ وَ ابْنَ قَتِيلِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ

تو ای شهید راه خدا و فرزند شهید راه خدا * سلام بر تو ای ثار الله و ابن

ثَارِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَتَرَ اللَّهُ الْمَوْتُورَ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ * أَشْهَدُ

ثاره * سلام بر تو ای آنکه خون تو و پدر بزرگوارت را در راه خدا ریختند و خدا خونخواه و خونبهای شماست ای فرد بی مانند

أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْمُحَلَّدِ * وَ أَقْشَعَرْتَ لَهُ * وَ أَظْلَمَ الْعَرْشُ * وَ بَكَى لَهُ * وَ

در آسمان و زمین * گواهی می دهم که خون پاک تو در بهشت خلد ساکن شد * و سرادق و سایه افکنان عرش را

جَمِيعَ الْخَلَائِقِ * وَ بَكَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ السَّبْعُ *

بلرزانیید * و تمام خلائق را بگریانید * و هفت آسمان و هفت زمین *

وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ * وَ مَنْ يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ وَ النَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبِّنَا

و هر چه در آنهاست و یا در مابین آنها * و هر که در بهشت و دوزخ است و از خلق خدا

وَمَا يُرَىٰ وَمَا لَا يُرَىٰ * أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ * وَأَشْهَدُ

* هر چه دیده شود و دیده نشود همه در شهادت و مظلومیتت گریستند * گواهی می‌دهم که تو حجت خدا

أَنَّكَ قَتِيلُ اللَّهِ وَابْنُ قَتِيلِهِ * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ تَارُ اللَّهِ وَابْنُ تَارِهِ * (ثَائِرُ اللَّهِ

و فرزند حجت خدایی * و کشته راه خدا و فرزند کشته راه خدایی * و گواهی می‌دهم که تو خون خدا و فرزند

فِي الْأَرْضِ وَابْنُ ثَائِرِهِ) * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَتَرُ اللَّهِ الْمُوتُورُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

خون خدایی * و گواهی می‌دهم که تو فرد متفردی در آسمان و زمین

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ وَنَصَحْتَ * وَوَفَيْتَ وَأَوْفَيْتَ * وَجَاهَدْتَ

* گواهی می‌دهم که تو نصیحت امت و خیرخواهی * و وفای کامل به عهد خدا را به حد نهایت رسانیدی * و در راه

فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَمَضَيْتَ لِلذَّي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيدًا وَمُسْتَشْهِدًا *

خدا جهاد کردی * و به راه آن مقصد که بودی از جهان درگذشتی با رتبه عالی شهادت که طالب آن بودی *

وَشَاهِدًا وَمَشْهُودًا * أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلَاكَ وَفِي طَاعَتِكَ * وَالْوَافِدُ

در حالی که شاهد و گواه و مشهود و منظور بودی * من بنده خدا و غلام تو و در طریق طاعت و فرمان برداری توام * و وارد

إِلَيْكَ * التَّمَسُّ كَمَا لَ الْمَنْزِلَةَ عِنْدَ اللَّهِ * وَثَبَاتَ الْقَدَمِ فِي الْهَجْرَةِ

بر حضرتت * و التماس آن دارم که نزد خدا منزلت رفیع به کمال یابم * و در هجرت به سوی شما ثبات قدم

إِلَيْكَ * وَالسَّبِيلَ الَّذِي لَا يُخْتَلَجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي كِفَالَتِكَ الَّتِي

و رزم * و در راهی که دون تو به خاطرم خلجان نکند ازوارد شدن در کفالت و حمایت تو که به آن

أَمَرْتِ (أَمَرْتِ) بِهَا * مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ * بِكُمْ يَبِينُ اللَّهُ الْكُذْبَ *

مأمورم باز نمانم * هر کس خدا را بخواهد از توجه به شما شروع کند و به واسطه شما خدا دروغگویان را آشکار سازد *

وَبِكُمْ يُبَاعِدُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ * وَبِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ * وَبِكُمْ يَجْتَمِعُ

و به واسطه شما زمان گزنده را سپری گرداند * و به واسطه شما خدا درهای رحمت را به روی خلق می‌گشاید * و به وجود شما خدا

اللَّهُ * وَبِكُمْ يَمْحُو مَا يَشَاءُ * وَ (بِكُمْ) يَثْبُتُ * وَبِكُمْ يَفُكُ الذَّلَّ مِنَ

ختم امور عالم خواهد کرد * و به واسطه شما خدا هر چه خواهد محو و اثبات کند * و به واسطه شما گردن ما از زیر بار ذلت و ظلم

رِقَابِنَا * وَبِكُمْ يُدْرِكُ اللَّهُ تَرَةً كُلِّ مُؤْمِنٍ يُطَلَّبُ بِهَا * وَبِكُمْ تَنْبِتُ

و بیدار رهایی یابد * و به واسطه دولت حق خدا انتقام از خون پاک اهل ایمان کشد که در طلب خونخواهی برآیند * و به واسطه

الْأَرْضِ أَشْجَارَهَا * وَبِكُمْ تُخْرِجُ الْأَرْضُ ثَمَارَهَا * وَبِكُمْ تُنْزِلُ السَّمَاءُ

شما درختان از زمین می‌رویند * و زمین ثمره و میوه‌هایش را بیرون می‌ریزد * و به واسطه شما خدا از آسمان قطرات و رزق را

قَطْرَهَا وَرَزَقَهَا * وَبِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكَرْبَ * وَبِكُمْ يُنْزِلُ اللَّهُ

بر خلق نازل می‌گرداند * و به واسطه شما هر غم و اندوه را خدا برطرف می‌سازد * و به واسطه شما خدا باران را از آسمان

الْغَيْثَ * وَبِكُمْ تُسَبِّحُ (تَسْبِيحُ) الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ * وَتَسْتَقِرُّ

فرو می‌بارد * و به واسطه شما زمین که اجسام شما را به دوش گیرد خدا را تسبیح می‌گوید * و کوههای زمین

جِبَالُهَا عَنْ (عَلَى) مَرَاسِيهَا * إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ

بر مقر خود پایدار می‌گردد * اراده خدا که تقدیر امور خلق کند به سوی شما از آسمان مشیتش فرود آید

* وَ تَصْدُرُ مِنْ بِيُوتِكُمْ * وَ الصَّادِرُ عَمَّا فَضَّلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ

* و از منازل شما صادر برای خلق شود * و احکام بندگان آنچه از مقام اجمال تفصیل یافته از جانب شماست *

لُعْنَتُ أُمَّةٍ قَتَلَتْكُمْ * وَ أُمَّةٌ خَالَفَتْكُمْ * وَ أُمَّةٌ جَحَدَتْ وَ لَايَتَكُمْ

لعنت بر امتی باد که شما را کشتند * و امتی که با شما به مخالفت برخاستند * و امتی که ولایت و سلطنت شما را انکار کردند *

وَ أُمَّةٌ ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ * وَ أُمَّةٌ شَهِدَتْ وَ لَمْ تُسْتَشْهَدْ * الْحَمْدُ لِلَّهِ

و امتی که از هم پشتیبانی بر علیه شما کردند * و امتی که گواه شما بودند و در موقعش گواهی ندادند * سپاس خدای را

الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَأْوَاهُمْ * وَ بئْسَ وَرْدُ الْوَارِدِينَ * وَ بئْسَ الْوَرْدُ

که آتش دوزخ را مسکن و مأوایشان گردانید * که برای واردان و وارد شدگان * بسیار بد منزلگاهی

الْمُورُودُ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * پس بگوسه مرتبه: وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ

است * و ستایش مخصوص پروردگار عوالم آفرینش است * و درود و رحمت خدا

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * پس سه مرتبه بگو: أَنَا إِلَى اللَّهِ مِمَّنْ خَالَفَكَ بَرِيءٌ * پس

بر تو باد ای ابو عبد الله * من به سوی خدای از کسی که تو را مخالفت کرد بی‌زاری می‌جویم و بی‌زارم *

برمی‌خیزی می‌روی نزد قبر فرزند آن حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) که در نزد پای پدرش مدفون است پس می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

سلام بر تو باد ای فرزند فرستاده خدا * سلام بر تو ای پسر امیر المؤمنین

* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحُسَيْنِ وَ الْحُسَيْنِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

* سلام بر تو ای پسر حسن و حسین * سلام بر تو باد ای پسر خدیجه

خَدِيجَةَ وَ فَاطِمَةَ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ * صَلَّى اللَّهُ

و فاطمه زهراء * رحمت خدای بر تو * رحمت و درود خدا بر تو * رحمت خدای

عَلَيْكَ * لَعْنُ اللَّهِ مَنْ قَتَلَكَ * می گوئی این را سه مرتبه * و سه مرتبه اِنَا (اَنَا) اِلَى

بر تو * خدا لعنت کند آنکه تو را شهید کرد * به درستی که ما به سوی خدا از

اللَّهُ مِنْهُمْ بَرِيءٌ * پس برمی خیزی و اشاره می کنی به دست خود به سوی شهداء رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ و

ایشان بیزار می جویم *

می گوئی: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ * فَزْتُمْ وَاللَّهُ

سلام بر شما باد * درود بر شما باد * درود و سلام بر شما باد * فائز شدید به خدا قسم

فَزْتُمْ وَاللَّهُ * فَزْتُمْ وَاللَّهُ * فَلَيْتَ اَنِي مَعَكُمْ فَاَفُوزُ فَوْزًا عَظِيمًا *

* رستگار شدید و الله * به خدا سوگند فائز شدید * پس ای کاش من با شما بودم و رستگار می شدم به فوز بزرگ. *

پس برمی گردی و می گردانی قبر ابو عبد الله (عليه السلام) را مقابل خود یعنی پشت قبر مطهر می ایستی و شش رکعت نماز

می گذاری و چون چنین کردی، زیارت تمام شد، پس اگر خواستی برگردی برگرد. * مؤلف گوید که: شیخ

طوسی در تهذیب و صدوق در کتاب مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَةُ نِزَايِنِ زِيَارَتِ رَانَقْلِ فَرْمُودَهْ اَنْدَ و شیخ صدوق فرموده

که: من در کتاب مزار، و مقتل انواعی از زیارات نقل کردم و برای این کتاب این زیارت را اختیار کردم زیرا که آن به

اعتبار روایت، اصح زیارت است نزد من و همین زیارت شریف ما را کافی و وافی است انتهى. ۲ زیارت دویم:

شیخ کلینی روایت کرده از امام علی نقی (عليه السلام) که فرمود می گوئی نزد حسین (عليه السلام): السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای

يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي اَرْضِهِ * وَ شَاهِدَهُ و

حضرت ابا عبد الله * سلام بر تو ای حجت خدا بر خلق روی زمین * و شاهد و گواه

عَلَى خَلْقِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

خدا بر خلق * سلام بر تو ای فرزند رسول خدا * سلام بر تو ای فرزند

عَلَى الْمُرْتَضَى * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ * اَشْهَدُ اَنَّكَ

علی مرتضی * سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهراء * گواهی می دهم که تو

قَدْ اَقَمْتَ الصَّلَاةَ * وَ اَتَيْتَ الزَّكَاةَ * وَ اَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ * وَ نَهَيْتَ

ارکان نماز را به پا داشتی * و زکوة به مستحقان دادی * و خلق را امر به معروف * و نهی

عَنِ الْمُنْكَرِ * وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى اَتَاكَ الْيَقِيْنُ * فَصَلَّى اللَّهُ

از منکر کردی * و تا هنگام رحلت در راه خدا جهاد کردی * پس درود خدا

عَلَيْكَ حَيًّا وَ مَيِّتًا * پس گونه راست رُورا بر قبر بگذار و بگو: أَشْهَدُ أَنَّكَ عَلَى بَيِّنَةٍ

در حیوة و ممات بر تو باد * گواهی می‌دهم که تو در تمام امور از جانب پروردگارت

مِن رَّبِّكَ * جئتُ مَقْرًّا بِالذُّنُوبِ * لِتَشْفَعَنِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ

با بینه و برهان بودی * من آمدم به درگاه تو با اعتراف به گناهام * برای آنکه نزد خدا از من شفاعت کنی ای فرزند

اللَّهِ * پس یادکن ائمه (علیهم‌السلام) را به نامهای ایشان یک یک و بگو: أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حُجَجُ اللَّهِ

رسول خدا * گواهی می‌دهم که همانا شما حجت‌های خدا هستید *

پس بگو: أَكْتُبُ لِي عِنْدَكَ مِيثَاقًا وَ عَهْدًا * اِنِّي اَتَيْتُكَ مُجَدِّدًا الْمِيثَاقِ

برای من نزد خود عهد و میثاقی نگاشته‌اید * اینک آمدم تا آن عهد را تجدید کنم

* فَاشْهَدْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ * اِنَّكَ اَنْتَ الشَّاهِدُ * زیارت سیم: زیارت مختصری

* پس نزد خدایت بر من گواهی ده * که تو در حقیقت گواه نزد خدایی. *

است که سید بن طاوس در مزار نقل کرده و در آن فضل بسیار است. فرموده به حذف اسناد از جابر جعفی از حضرت صادق (علیه‌السلام) منقول است که فرمود به جابر: چه مقدار مسافت است بین شما و بین قبر حسین (علیه‌السلام)؟

گفت: گفتم یک روز و بعض روز. فرمود: زیارت می‌کنی آن حضرت را؟ گفتم: بلی. فرمود: آیا خوشنود نکنم تو را

آیا بشارت ندهم تو را به ثواب ایشان؟ گفتم: بلی فدایت شوم. فرمود: به درستی که مردی از شما که مهیبا می‌شود برای زیارت او مژده دهند اهل آسمانها یکدیگر را و چون بیرون رود از منزلش سواره یا پیاده موکل

گرداند حق تعالی به او هزار ملک از ملائکه که صلوات بفرستند بر او تا برسد به قبر امام حسین (علیه‌السلام). پس حضرت صادق (علیه‌السلام) فرمود: چون آمدی به سوی قبر حسین (علیه‌السلام) بایست بر در روضه و بگو این کلمات را که از

برای تو خواهد بود مقابل هر کلمه از آن بهره‌ای از رحمت الهی. گفت: گفتم کدام است آن کلمات فدایت شوم؟ فرمود: می‌گوئی: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ اَدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای وارث علم آدم برگزیده خدا * سلام بر تو

يَا وَاْرثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلِ اللَّهِ *

ای وارث حلم نوح پیغمبر خدا * سلام بر تو ای وارث اخلاص ابراهیم خلیل خدا *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ مُوسَى كَلِيْمِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ

سلام بر تو ای وارث جلال موسی سخنگوی با خدا * سلام بر تو ای وارث زهد

عِيْسَى رُوْحِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رُسُلِ اللَّهِ *

عیسی روح پاک الهی * سلام بر تو ای وارث محمد بزرگ پیغمبران خدا *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَخَيْرِ الْوَصِيِّينَ * السَّلَامُ

سلام بر تو ای وارث خلافت علی امیر اهل ایمان و بهترین اوصیاء * سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الرَّضِيِّ الطَّاهِرِ الرَّاضِي الْمَرْضِيِّ * السَّلَامُ

بر تو ای وارث حسن که پسندیده و پاک و منزله از عصیان بود و راضی از خدا و خدا از او راضی بود * سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَرُّ التَّقِيُّ *

بر تو ای بزرگترین اهل ایمان با صدق و حقیقت * سلام بر تو ای وصی نیکوکار متقی *

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ * وَأَنَاخَتْ بِرِحْلِكَ

سلام بر تو و بر ارواح پاک آنان که در حریم حرمت با تو مدفون شدند * و رحل اقامت در آستان قدست افکندند

* السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَافِينَ بِكَ * أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ

* سلام بر تو و بر فرشتگانی که گرد حضرتت حلقه زده‌اند * گواهی می‌دهم که تو نماز را

الصَّلَاةَ * وَءَاتَيْتَ الزَّكَاةَ * وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ * وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ

به پا داشتی * و زکوة به مستحقان عطا کردی * و امت را امر به معروف * و نهی از منکر کردی

* وَجَاهَدْتَ الْمُلْحِدِينَ * وَعَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ * السَّلَامُ

* و با مردم ملحد کافر جهاد کردی * و خدای را همه عمر تا هنگام رحلت پرستش کردی * سلام

عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * پس می‌روی به سوی قبر مطهر و از برای تو خواهد بود به

و رحمت و برکات خدا بر تو باد. *

هر قدمی که برداری و بگذاری ثواب کسی که در راه خدا کشته شده و در خون خود می‌غلطد. پس چون رسیدی

نزد قبر و ایستادی دست خود را بر قبر بمال و بگو: (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ) پس برو

به سوی نماز و از برای تو است به هر رکعتی که به جا آوری نزد آن حضرت مثل ثواب کسی که هزار حج و هزار عمره

به جا آورده باشد و هزار بنده آزاد کرده باشد و مثل کسی که هزار موقف با پیغمبر مرسل ایستاده باشد، الخبر. و

گذشت این روایت به اختلاف کمی در آداب زیارت امام حسین (ع) به روایت مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ. ﴿۴﴾ زیارت

چهارم: از معاویه بن عمار منقول است که به خدمت حضرت صادق (ع) عرض کرد که چون به زیارت حضرت

امام حسین (ع) بروم چه چیز بگویم؟ فرمود که بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * صَلَّى اللَّهُ

سلام بر تو ای ابا عبد الله * درود خدای بر تو باد ای ابا عبد الله * رَحِمَكَ اللَّهُ * رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * درود خدای بر تو باد ای ابا عبد الله * خدا تو را رحمت کند ای ابا عبد الله *

لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ * وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ شَرِكَ فِي دَمِكَ * وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ

خدا لعنت کند آنکه تو را کشت * و لعنت کند خدا آنکه را شرکت کرد در خون تو * و خدا لعنت کند

بَلَّغَهُ * ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ * أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ بَرِيءٌ ﴿٥﴾ زیارت پنجم: به سند

آن کس را که این (خبر) به او رسید پس راضی بود به آن * من به سوی خدا از اینان بیزارم. *

معتبر منقول است که حضرت امام موسی (علیه السلام) فرمود به ابراهیم بن ابی البلاد که: چون به زیارت امام حسین (علیه السلام)

می روی چه می گوئی؟ گفت: می گویم: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * السَّلَامُ

سلام بر تو ای ابا عبد الله * سلام بر

عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ * أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ * وَ أَتَيْتَ

تو ای فرزند رسول خدا * گواهی می دهم که تو نماز را به پا داشتی * و به فقیران زکوة

الزَّكَاةَ * وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ * وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ * وَ دَعَوْتَ إِلَى

دادی * و امت را امر به معروف * و نهی از منکر کردی * و خلق را با حکمت

سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ سَفَكُوا

و موعظه و اندرز نیکو به سوی خدا دعوت کردی * و گواهی می دهم که آن کسانی که خون پاکت

دَمَكَ وَ اسْتَحَلُّوا حُرْمَتَكَ * مَلْعُونُونَ مُعَذَّبُونَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ

را ریختند و هتک حرمتت را مباح دانستند * آنان بر زبان حضرت داود و عیسیای مریم ملعون

وَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ * ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ * حضرت فرمود: بلی

و معذب هستند * به واسطه عصیان و نافرمانی خدا و ظلم و ستمشان *

چنین است. ﴿٦﴾ زیارت ششم: از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) مروی است که به عمار سابطی فرمود که:

چون برسی به قبر امام حسین (علیه السلام) بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ

سلام بر تو ای فرزند پیغمبر خدا * سلام

عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * السَّلَامُ

بر تو ای پسر امیر المؤمنین * سلام بر تو ای ابا عبد الله * سلام

عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ * وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ * (السَّلَامُ

بر تو ای بزرگ جوانان اهل بهشت * سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد * (سلام بر تو)

عَلَيْكَ) يَا مَنْ رَضَاهُ مِنْ رَضَى الرَّحْمَنِ * وَ سَخَطَهُ * مِنْ سَخَطِ الرَّحْمَنِ

ای کسی که رضا و خوشنودی تو از خوشنودی خدای رحمن است * و سخط و خشم تو از غضب و خشم خدای مهربان

* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ * وَ حُجَّةَ اللَّهِ * وَ بَابَ اللَّهِ * وَ الدَّلِيلَ

* سلام بر تو ای امین خدا * و حجت خدا * و درگاه خدا * و رهنمای خلق

عَلَى اللَّهِ * وَ الدَّاعِيَ إِلَى اللَّهِ * أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ حَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ *

به سوی خدا * و دعوت کننده بندگان به درگاه خدا * گواهی می‌دهم که همانا تو حلال خدا را حلال

وَ حَرَمْتَ حَرَامَ اللَّهِ * وَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ * وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ * وَ أَمَرْتَ

و حرام خدا را حرام کردی * و نماز را به پا داشتی * و زکوة را به مستحقان دادی * و امت را

بِالْمَعْرُوفِ * وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ * وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ

امر به معروف * و نهی از منکر کردی * و خلق را با حکمت و موعظه و اندرز نیکو

وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ * وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَ مَنْ قَتَلَ مَعَكَ شُهَدَاءَ أَحْيَاءَ *

به راه خدایت دعوت فرمودی * و گواهی می‌دهم که همانا تو و اصحابت که با تو شهید شدند همه شهیدانی هستی که نزد خدا زنده ابدید *

عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ قَاتِلَكَ فِي النَّارِ * أَدِينُ اللَّهِ بِالْبِرَاءَةِ

و رزق و روزی به شما می‌رسد * و گواهی می‌دهم که قاتل تو در آتش دوزخ است * به دین خدا هستم به سبب بیزاری

مِمَّنْ قَتَلَكَ * وَ مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَ شَايَعَ عَلَيْكَ * وَ مِمَّنْ جَمَعَ عَلَيْكَ *

از قاتل تو * و از آنکه به جنگ تو آمد و بر علیه تو با دشمنان متابعت کرد * و از آنکه بر علیه تو اجتماع با دشمن تو کرد *

وَ مِمَّنْ سَمِعَ صَوْتَكَ وَ لَمْ يُعِنِكَ * يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَافُوزَ فَوْزًا

و از آنکه صدای تو را شنید و تو را یاری نکرد * ای کاش من با شما بودم و به فیروزی بزرگ نایل

عَظِيمًا * مؤلف گوید که: این سه زیارت از مزار ابن قولویه منقول است. ﴿۷﴾ زیارت هفتم: شیخ در

می‌گردیدم. *

مصباح روایت کرده از صفوان جمال که گفت: رخصت طلبیدم از حضرت صادق (علیه السلام) برای زیارت مولایمان

حسین (علیه السلام) و استدعا کردم که ذکر کند برای من دستور العملی در زیارت آن حضرت که به آن نحو رفتار بکنم.

فرمود: ای صفوان روزه بدار سه روز پیش از حرکت خود و غسل کن در روز سیم پس جمع کن اهل و عیال خود را

به نزد خود و بگو: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتُوْدِعُكَ). پس دعائی تعلیم او فرموده که بگوید در وقتی که به فرات

برسد آنگاه فرموده: پس غسل کن از فرات، به درستی که پدرم خبر داد مرا از پدران (علیه السلام) که رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

فرمود: همانا! این پسر من حسین کشته خواهد شد بعد از من در کنار فرات، پس هر که زیارت کند او را و غسل

کند از فرات، بریزد از او گناهان او، مانند روزی که مادر او را متولد کرده، پس هرگاه غسل کنی در اثناء غسل بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ * اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُورًا وَ طَهُورًا وَ حِرْزًا * وَ شِفَاءً مِنْ

بِه نام خدا و به ذات خدا * بار پروردگارا قرار ده آن را نور و طهور و نگهبانی از هر بد * و شفاء از

كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ وَ عَافَةٍ وَ عَاهَةٍ * اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي * وَ اشرحْ بِهِ

هر درد و بیماری و آفت و بدی * بار پروردگارا پاک فرمای بدان دلم را * و بگشای بدان

صَدْرِي * وَ سَهِّلْ لِي بِهِ أَمْرِي * و چون از غسل فارغ شوی بیوش دو جامه طاهر و دورکعت

سینه ام را * و آسان فرما بدان کارم را *

نماز کن در بیرون مشرعه که آن همان مکانی است که حق تعالی در شأن او فرموده: و در زمین قطعه‌ها است نزدیک به یکدیگر و بوستانها است از انگورها و کشتزار است و خرماستانها است دو تا از یک بیخ رسته و غیر دو تا از یک بیخ رسته آب خورده می‌شوند به یک آب و زیادتی می‌دهیم بعضی از آنها را بر بعضی در میوه، پس چون از نماز فارغ شوی روانه شو به جانب حائر به حال آرامی و وقار و کوتاه بردار گامهای خود را پس به درستی که خداوند تعالی می‌نویسد از برای تو به هرگامی که برمی‌داری حج و عمره و راه برو بادل خاشع و دیده‌گریبان و بسیار کن ذکر **اللَّهُ أَكْبَرُ** و **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و ثنا بر خدا و صلوات بر رسول خدا (ﷺ) و صلوات بر حسین صلوات الله علیه بالخصوص. و بسیار کن لعن بر قاتلان آن حضرت و بیزاری جستن از کسانی که در اول پایه

ظلم و جور را بر اهل بیت (علیهم‌السلام) گذاشتند. * پس هرگاه رسیدی به در حائر بایست و بگو: **اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا**

خدا بزرگتر از حد اندیشه و توصیف است

* وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا * وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ آصِيلاً * الْحَمْدُ لِلَّهِ

* و حمد و ثنای بسیار مخصوص خداست * و صبح و شام او را تسبیح و تنزیه می‌کنیم * ستایش خدایی را

الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا * وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ * لَقَدْ جَاءَتْ

که ما را بر این درگاه رهنمایی کرد * که اگر خدا ما را هدایت نمی‌فرمود ما به خود راه نمی‌یافتیم * همانا رسولان

رَسُولُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ * پس بگو: **السلامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ * السلامُ عَلَيْكَ**

پروردگار به حق آمدند * تحیت و سلام بر تو ای رسول خدا * درود و سلام

يَا نَبِيَّ اللَّهِ * **السلامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ * السلامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ**

بر تو ای پیغمبر خدا * سلام بر تو ای خاتم پیغمبران بر حق * سلام بر تو ای سید

الرُّسُلَيْنِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ

رسولان * سلام بر تو ای حبیب خدا * سلام بر تو ای امیر

الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِدَ

اهل ایمان * سلام بر تو ای سید اوصیاء پیغمبران * سلام بر تو ای پیشوای روسفیدان

الْفِرَّاسِ الْمُحَجَّلِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

و آبرومندان عالم * سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهراء بزرگ زنان عالم

* السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ أَمِيرِ

* سلام و تحیت بر تو و بر امامان از فرزندان تو باد * سلام بر تو ای وصی و جانشین

الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

امیر المؤمنین * سلام بر تو ای صدیق شهید * سلام بر شما ای

يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ (رَبِّي) الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَقَامِ الشَّرِيفِ * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

فرشتگان مقیم در این آستان شریف * سلام بر شما ای

يَا مَلَائِكَةَ رَبِّي الْمُحَدِّقِينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ * السَّلَامُ

ملایک پروردگار که به گرد قبر مطهر حسین علیه السلام حلقه زده‌اید * سلام

عَلَيْكُمْ مِنْ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ * پس می‌گوئی: السَّلَامُ

و تحیت ابدی از من بر شما باد مادامی که شب و روز در جهان برقرار است * سلام و

عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ

تحیت بر تو ای ابا عبد الله الحسین (ع) * سلام بر تو ای فرزند رسول خدا * سلام

عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ *

بر تو ای فرزند امیر المؤمنین * من بنده طاعت تو و بنده زاده و کنیز زاده به درگاه تو *

الْمُقَرَّبُ بِالرَّقِّ * وَالتَّارِكُ لِلْخِلَافِ عَلَيْكُمْ * وَالمُوَالِي لَوْلِيَّكُمْ *

مقرب و معترف به بندگی فرمان تو * و بی‌هیچ مخالفت با شما * و دوست دوستان *

والمُعَادِي لِعَدُوِّكُمْ * قَصْدَ حَرَمِكَ * وَاسْتِجَارَ بِمَشْهَدِكَ * وَتَقَرَّبَ

و دشمن دشمنان شما * آمده‌ام به قصد زیارتت در این حرم شریف * و پناه آورده‌ام به مشهد و مدفن مبارکت * و به

إِلَيْكَ بِقَصْدِكَ * أَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ * أَدْخُلُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ * أَدْخُلُ

درگاهت تقرب بدین قصد می‌طلبم * آیا داخل شوم ای رسول خدا (ص) * آیا داخل شوم ای پیغمبر خدا * آیا داخل

يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * اَدْخُلْ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ * اَدْخُلْ يَا فَاطِمَةَ

شوم ای امیر المؤمنین * آیا داخل شوم ای بزرگ اوصیاء پیغمبران * آیا داخل شوم ای فاطمه

سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * اَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ * اَدْخُلْ يَا

زهراء سید زنان عالم * آیا داخل شوم ای مولای من ای ابا عبد الله * آیا داخل شوم ای

مَوْلَايَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ * پس اگر دلت خاشع و دیده‌ات گریان شد آن علامت رخصت است

مولای من ای فرزند گرامی رسول خدا. *

پس داخل شو و بگو: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ * الَّذِي هَدَانِي

سپاس و ستایش مخصوص پروردگار و خدای یگانه و یکتا و فرد و بی‌نیاز است * آن خدایی که مرا به ولایت و دوستی

لَوْلَايَتِكَ * وَ خَصَّنِي بِزِيَارَتِكَ * وَ سَهَّلَ لِي قَصْدَكَ * پس می‌روی تا درقبه

تو رهبری فرمود * و مرا به زیارتت مخصوص گردانید * و توجه به آستانت را برایم آسان گردانید *

مَطْهَرَهُ وَ بَايَسْتُ مَحَاذِي بِالْاِي سِرْوَبْغُو: اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اَدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ *

سلام ما بر تو ای وارث علم آدم برگزیده خدا *

اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ * اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اِبْرَاهِيمَ

سلام ما بر تو ای وارث حلم نوح فرستاده خدا * سلام ما بر تو ای وارث مقام ابراهیم

خَلِيلِ اللَّهِ * اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ * اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ

دوست مقرب خدا * سلام ما بر تو ای وارث جلال موسی کلیم خدا * سلام ما بر تو

يَا وَارِثَ عَيْسَى رُوحِ اللَّهِ * اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ

ای وارث قدس عیسی روح پاک خدا * سلام ما بر تو ای وارث محمد مصطفی محبوب

اللَّهِ * اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ (وَلِيِّ اللَّهِ) *

خاص خدا * سلام ما بر تو ای وارث ولایت امیر المؤمنین *

اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى * اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ

سلام ما بر تو ای فرزند گرامی محمد مصطفی * سلام ما بر تو ای فرزند ارجمند علی

الْمُرْتَضَى * اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ * اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

مرتضی * سلام ما بر تو ای فرزند عزیز فاطمه زهراء * سلام ما بر تو ای زاده پاک

ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى * اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ * وَ الْوَتْرَ

خدیجه کبری * سلام ما بر تو ای خون پاک خدا و فرزند شهید راه خدا * سلام بر تو ای شهیدی که یارانت همه کشته شدند

المَوْتُورُ * أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ * وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ * وَأَمَرْتَ

و کسی برای انتقام خون پاکت باقی نماند * گواهی می‌دهم که تو ارکان نماز را به پا داشتی * و زکات * و امر

بِالمَعْرُوفِ * وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ * وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَحَتَّى

به معروف * و نهی از منکر را استوار ساختی * و خدا و رسول را تا هنگام شهادت

أَتَاكَ الْيَقِينُ * فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ * وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمْتَكَ *

اطاعت کردی * لعنت خدا بر آن گروهی که تو را شهید کردند * لعنت خدا بر آن گروهی که در حق شما ظلم کردند *

وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَّتْ بِهِ * يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

لعنت خدا بر گروهی که ظلم ظالمان را درباره شما شنیدند و راضی شدند * ای مولای من ای ابا عبد الله

* أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ * وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ

* گواهی می‌دهم که شما در اصلااب عالی پاک پدران * و ارحام مطهر مادران نور پاک الهی بودید

* لَمْ تَنْجَسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا * وَ لَمْ تُلْبَسْكَ مِنْ مَدْلِهِمَاتِ

* و هرگز مقام توحید کامل شما آلوده به ناپاکیهای جاهلیت نگردید * و غباری از شرکهای عصر شرک و جهالت بر دامان

ثِيَابِهَا * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَارْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ * وَأَشْهَدُ

شما نشست * و گواهی می‌دهم که شما پندنگهبانان دین و ارکان اهل ایمان * و گواهی می‌دهم

أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبُرِّ التَّقِيُّ * الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ * الْهَادِي الْمَهْدِيُّ * وَأَشْهَدُ

که شما پند امام بزرگوار و منزّه * و پسندیده * و رهبر و راهنمای خلق * و گواهی می‌دهم که

أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى * وَأَعْلَامُ الْهُدَى * وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى

هر یک از امامان فرزندان تو روح زهد و تقوی بودند * و پرچم هدایت * و وسیله محکم

* وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا * وَأَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَانْبِيَاءَهُ وَ

* و حجت کامل خدا برای اهل عالم * من خدا و فرشتگان و پیغمبران و رسولان خدا را گواه

وَرَسُولَهُ * أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ * وَبِأَيَابِكُمْ (بِأَيَاتِكُمْ) مُوقِنٌ * بِشَرَائِعِ دِينِي

می‌گیرم * که به امامت شما ایمان دارم * و به رجعت شما از روی یقین معتقدم * و هر قدمی که در راه دین بردارم

وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي * وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ * وَآمَرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ *

و هر عملی که در زندگانی به انجام رسانم به دوستی شما است * دلم تسلیم قلب پاک شما * و کارم تابع امر

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ * وَ عَلَى أَجْسَادِكُمْ وَ عَلَى

مبارک شما است * درود و رحمت خدای متعال بر روانهای پاک * و ابدان

أَجْسَامِكُمْ * وَ عَلَى شَاهِدِكُمْ وَ عَلَى غَائِبِكُمْ * وَ عَلَى ظَاهِرِكُمْ

شریف * و بر حاضر و غایب * و ظاهر و

وَ عَلَى بَاطِنِكُمْ * پس بینداز خود را بر قبر و بیوس آن را و بگو: بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا ابْنَ

باطن شما * باد * پدرم و مادرم فدای تو ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ * بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * لَقَدْ عَظَمْتَ الرَّزِيَّةَ *

رسول خدا * پدر و مادرم فدایت ای ابا عبد الله * چقدر به واسطه ظلم و ستمهای امت به وجود مبارکت بزرگ عزاداری *

وَ جَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا * وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

و مصیبت و غم و اندوه بر ما شیعیان وارد آمده و بر جمیع اهل آسمانها و زمین

* فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَهَيَّاتُ لِقِتَالِكَ * يَا مَوْلَايَ يَا

* پس خدا لعنت کند امتی را که اسبها را زین و لگام کردند و مهبای جنگ و قتال با تو گشتند * ای مولای من

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَصَدْتُ حَرَمَكَ * وَ آتَيْتُ إِلَى مَشْهَدِكَ * أَسْأَلُ اللَّهَ

ای ابا عبد الله من قصد حرم شریفیت کرده‌ام * و به مشهد و مدفن مقدست روی آورده‌ام * و از خدا به حق

بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ * وَ بِالْمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ * أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ

بشأن و مقامی که تو را نزد اوست درخواست می‌کنم * که درود و رحمت

مُحَمَّدٍ وَ عَالِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ يُجْعَلَ لِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * پس برخیز

بر محمد و آل محمد فرستد * و مرا هم در دنیا و آخرت با شما قرین و همنشین بگرداند. *

و دورکت نماز در بالای سربگذار بخوان در آن دورکت هرسوره‌ای که خواهی پس چون از نماز فارغ شدی بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَ رَكَعْتُ وَ سَجَدْتُ لَكَ * وَ حَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ *

الهی من نماز و رکوع و سجود به درگاه تو * ذات یکتای بی‌شریک به اخلاص به جای آوردم *

لَإِنَّ الصَّلَاةَ وَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ لَا يَكُونُ إِلَّا لَكَ * لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا

زیرا نماز و رکوع و سجود روا جز برای تو نیست * که تویی البته آن یگانه خدایی

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَالِ مُحَمَّدٍ * وَ أَبْلِغْهُمْ عَنِّي

که جز تو خدایی نیست * پروردگارا درود و تحیت فرست بر محمد و آل محمد * و بر آن ارواح پاک

أَفْضَلَ السَّلَامِ وَ التَّحِيَّةِ * وَ ارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ * اللَّهُمَّ وَ هَاتَانِ

از من بهترین سلام و تحیت را برسان * و از آن بزرگواران به من جواب سلامشان را باز گردان * پروردگارا و این دو رکعت

الرَّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى مَوْلَايَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ *

نماز هدیه است از من به سوی مولای من حضرت حسین بن علی علیهما السلام *

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ * وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَاجْرِنِي عَلَى ذَلِكَ بِأَفْضَلِ

پوردهگارا درود و تحیت فرست بر محمد و بر او * و این عمل را از من بپذیر و بر آن اجر و پاداشی بهتر از آنچه امید و آرزو به حضرتت

أَمْلِي * وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي وَلِيِّكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ *

دارم * و امید تولای تو و مولای اهل ایمان حضرت حسین را دارم عطا فرما ای دوستدار اهل ایمان. *

قَبْرِ أَنْ حَضَرَْتَ وَبَايَسْتَ نَزْدَ سِرْعَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) وَبِغَوْ: أَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ

سلام ما بر تو ای فرزند عزیز رسول خدا

أَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ نَبِيِّ اللَّهِ * أَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

* سلام ما بر تو ای زاده پاک پیغمبر خدا * سلام ما بر تو ای فرزند امیر المؤمنین

أَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ * أَسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ

* سلام ما بر تو ای نیکو فرزند حضرت حسین شهید * سلام ما بر تو ای شهید راه خدا

أَسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ وَابْنَ الْمَظْلُومِ * لَعَنَّ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ

* سلام ما بر تو ای مظلوم فرزند امام مظلوم * خدا لعنت کند گروهی که تو را کشتند

وَلَعَنَّ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ * وَ لَعَنَّ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ

* و یا در حق شما ظلم کردند * و یا آنکه آن ظلم را درباره شما شنیدند و راضی

بِهِ * پس بیفکن خود را بر قبرش و ببوس آن را و بگو: أَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ

شدند. * سلام ما بر تو ای ولی خدا و پسر

وَلِيِّهِ * لَقَدْ عَظَمْتَ الْمُصِيبَةَ * وَ جَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى

ولی خدا * چقدر به واسطه ظلم * و ستمهای امت به وجود مبارکت بزرگ عزاداری و مصیبت و غم و اندوه بر ما شیعیان

جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ * فَلَعَنَّ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ * وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكَ

و بر جمیع مسلمانان وارد آمد * پس خدا لعنت کند امتی را که تو را شهید کردند * و به سوی خدای و به سوی تو از آنان

مِنْهُمْ * پس بیرون بیا از دری که پایین پای علی بن الحسین (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) است و متوجه شو به سوی شهداء و بگو:

بیزاری می جویم. *

أَسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ أَحِبَّاءَهُ * أَسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ

سلام ما بر شما ای یاران و دوستداران خدا * سلام ما بر شما ای مشتاقان

اللَّهُ وَ أَوْدَاءَهُ * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
و برگزیدگان خدا * سلام ما بر شما ای ناصران دین خدا * سلام ما بر شما

يَا أَنْصَارَ رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ *
ای یاری کنندگان رسول خدا * سلام ما بر شما ای یاران امیر المؤمنین *

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ
سلام ما بر شما ای ناصران فاطمه زهراء سیده زنان عالم * سلام ما

عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَلِيِّ (الزَّكِيِّ) النَّاصِحِ *
بر شما ای یاوران حسن مجتبی فرزند پاک و مهربان علی مرتضی *

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ * يَا أَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي * طِبْتُمْ وَ طَابَتْ
سلام ما بر شما ای یاوران ابی عبد الله الحسین (ع) * جان من و پدر و مادرم فدای شما باد * خوشا بر احوال

الْأَرْضُ الَّتِي أَنْتُمْ فِيهَا دَفِنْتُمْ * وَ فَرْتُمْ فَوْزًا عَظِيمًا * يَا لَيْتَنِي كُنْتُ
شما خوشا بر آن سرزمین پاکی که در آن مدفون شدید * به خدا قسم شما به فیروزی بزرگ رسیدید * کاش من هم در رکاب شما

مَعَكُمْ فَافُوزَ مَعَكُمْ * پس برگرد به بالاسر حضرت امام حسین (علیه السلام) و دعا بسیار کن از برای خود
بودم و به آن فیروزی بزرگ نایل می شدم. *

و از برای اهل و اولاد و پدر و مادر و برادران خود زیرا که در آن روزه مطهره رد نمی شود دعا دعا کننده و نه سؤال
سؤال کننده. * مؤلف گوید: این زیارت معروف به زیارت وارث است و مأخذش کتاب مصباح المتهدجّد شیخ

طوسی است که از کتب بسیار معتبره معروفه نزد علماء است و من این زیارت را بلا واسطه از همان کتاب شریف
نقل کردم آخر زیارت شهداء همین بود که ذکر شد (يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَافُوزَ مَعَكُمْ) پس این

زیادتی ها که بعضی بعد از این ذکر کرده اند (فِي الْجَنَانِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ * وَ الشُّهَدَاءِ
وَ الصَّالِحِينَ * وَ حَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا * السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ كَانَ فِي الْحَائِرِ مِنْكُمْ * وَ عَلَيَّ

مَنْ لَمْ يَكُنْ فِي الْحَائِرِ مَعَكُمْ الخ) تمامی اینها زیادی و فضولی است شیخ ما در کتاب لؤلؤ مرجان
فرموده: این کلمات که متضمن چند دروغ واضح است علاوه بر جسارت ارتکاب بر بدعت و جسارت افزودن بر

فرموده امام (علیه السلام) چنان شایع و متعارف شده که البته چند هزار مرتبه در شب و روز در حضور مرقد منور ابی عبدالله
الحسین (علیه السلام) و محضر ملائکه مقربین و مطاف انبیاء و مرسلین (علیهم السلام) به آواز بلند خوانده می شود. * و احدی

بر ایشان ایراد نمی کند و از گفتن این دروغ و ارتکاب این معصیت نهی نمی نمایند و کم کم این کلمات در
بر ایشان ایراد نمی کند و از گفتن این دروغ و ارتکاب این معصیت نهی نمی نمایند و کم کم این کلمات در

مجموعه‌هایی که در زیارات و ادعیه احمقان از عوام جمع می‌کنند و گاهی اسمی برای آن می‌گذارند جمع شده و چاپ رسیده و منتشر گشته و از مجموعه این احمق به مجموعه آن احمق نقل گردیده و کار به جایی رسیده که بر بعضی طلبه مشتبه شده. روزی طلبه‌ای را دیدم که آن دروغهای قبیحه را برای شهدا می‌خواند. دست بر کتفش گذاشتم، ملتفت من شد. گفتم: از اهل علم، قبیح نیست چنین اکاذیب در چنین محضری؟! گفت: مگر مروی نیست؟ تعجب کردم. گفتم: نه. گفت: در کتابی دیدم. گفتم: در کدام کتاب؟ گفت: مفتاح الجنان ساکت شدم چه کسی که در بی‌اطلاعی کارش به اینجا رسد که جمع کرده بعضی عوام را کتاب شمرد و مستند قرار دهد قابل سخن گفتن نیست. * پس شیخ مرحوم کلام را در این مقام طول داده و فرموده که: به حال خود گذاشتن عوام در امثال این امور جزئیّه و بدعت‌های مختصره مثل غسل اُویس قرن و آش ابوالدرداء تابع و مخلص حقیقی معاویه و روزه صمت که در روز سخن نگویند و غیر آن که احدی بر مقام نهی برنیامده سبب تجرّی شده که در هر ماه و سال پیغمبر و امام تازه پیدا می‌شود و دسته دسته از دین خدا بیرون می‌روند. انتهی کلامه رُفَعَ مَقَامُهُ. این فقیر گوید: خوب تأمل کن در فرمایش این عالم جلیل که مطلع است بر مذاق شرع مقدس چگونه این مطلب همی عظیم و عقده بزرگ در دل او گردیده چون می‌داند مفساد این کار را بر خلاف آن‌انکه از علوم اهل بیت (علیهم‌السلام) محروم و بی‌بهره ماندند و به دانستن ضغثی از اصطلاحات و الفاظ اکتفا کردند که امثال این مطالب را چیزی ندانند بلکه تصحیح و تصویب نموده و عمل بر وفق آن نمایند. لاجرم کار به جایی رسد که کتاب مصباح‌المتهجّد و اقبال و مهج‌الدّعوات و جمال‌الأسبوع و مصباح‌الزائر و بلد‌الأمین و جنّة‌الواقیة و مفتاح‌الفلاح و مقباس و ربیع‌الأسایع و تحفه و زاد‌المعاد و امثال این کتب متروک و مهجور شود. و این مجموعه‌های احمقانه شایع شود که در دعای مجیر که از دعاهای معتبره مرویه است در هشتاد موضع آن کلمه بِعَفْوِكَ زیاد کنند و کسی انکار نکند. و در دعای جوشن که مشتمل بر صد فصل است برای هر فصلی یک خاصیتی وضع کنند و با بودن این همه زیارات مأثوره زیارت مفجعه جعل کنند. و با بودن این همه دعاهای معتبره مرویه با مضامین عالیّه و کلمات فصیحه بلیغه دعائی بی‌ربط در کمال برودت جعل نمایند، و نام او را دعاء حُبّی گذارند. و از کنگره عرش آن را نازل نمایند و چندان فضیلت برای او وضع نمایند که انسان را متحیّر و سراسیمه نماید از جمله آنکه العیاذ باللّهِ جبرئیل به حضرت رسول صلی الله علیه وآله از جانب حق سبحانه و تعالی گفته باشد که هر بنده‌ای که این دعا را با خود دارد او را عذاب نکنم اگرچه مستوجب جهنّم باشد و عمر خود را به معصیت گذرانده باشد و مرا در هیچوقت سجده نکرده باشد، من آن بنده را ثواب هفتاد هزار پیغمبر

بدهم و ثواب هفتاد هزار زاهد و ثواب هفتاد هزار شهید بدهم و ثواب هفتاد هزار نمازگذار بدهم و ثواب هفتاد هزار برهنه که پوشانیده باشد بدهم و ثواب هفتاد هزار گرسنه که سیر کرده باشد بدهم و ثواب به عدد ریگهای بیابانها بدهم و ثواب هفتاد هزار بقعه زمین بدهم و ثواب مهر نبوت رسالت پناه بدهم و ثواب عیسی روح الله و ابراهیم خلیل الله بدهم و ثواب اسماعیل ذبیح الله و موسی کلیم الله و یعقوب نبی الله و آدم صفی الله و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و فرشتگان بدهم. یا محمد هر که این دعای بزرگوار حُبّی را بخواند یا با خود دارد، بیامرزم او را، و شرم دارم که عذاب کنم. الخ. و شایسته است که انسان از شنیدن اینها عوض خنده، گریه کند، کتب ادعیه شیعه که به مرتبه ای متقن و محکم بوده که غالب آنها که استنساخ می نمودند خودشان از اهل علم بودند و از روی نسخی که به خط اهل علم و تصحیح شده علماء بوده مقابله و تصحیح می نمودند و اگر اختلافی بود در حاشیه اش به آن اشاره می کردند مثلاً در دعای مکارم الأخلاق (وَ بَلِّغْ بایمانی) در حاشیه اش اشاره می کنند در نسخه ابن اثناس (وَ ابْلُغْ بایمانی) است و در روایت ابن شاذان (اللّهُمَّ ابْلِغْ بایمانی) است یا مثلاً فلان کلمه به خط ابن سکون چنین است و به خط شهید چنین. و هکذا کارش به جائی رسیده که منحصر به کتاب مفتاح شده که فی الجمله وصفش را شنیدی و این کتاب مرجع عوام و خواص عرب و عجم گردیده. و این نیست جز از بی اعتنائی اهل علم به حدیث و اخبار و رجوع نکردن به کتب علماء و فقهاء اهل بیت اطهار و نهی نمودن از امثال این بدع و اضافات و دَسِّ و صَاعین و تحریف جاهلین و جلو نرفتن از نا اهلان و از تصرفات بی خردان تا کار به جائی رسیده که دعاها موافق سلیقه ها تلفیق شده و زیارتها و مفعجه ها و صلواتها اختراع شده و مجموعه های بسیار از دعاهای دَسِّ شده چاپ شده و بچّه مفتاحها متولد گشته و کم کم سرایت کرده به سایر کتب رسیده و شایع و رواج گشته. مثلاً کتاب منتهی الآمال این احقر را تازه طبع کردند، بعضی از کُتّاب آن به سلیقه خود در آن تصرفاتی نموده از جمله در احوال مالک بن یُسْر ملعون نوشته از دعای امام حسین (علیه السلام) هر دو دست او از کار افتاده بود الحمدلله، در تابستان مانند دو چوب خشک می گردید الحمدلله، و در زمستان خون از آنها می چکید الحمدلله، و بر این حال خُسران مأل بود الحمدلله، در این دو سطر عبارت چهار لفظ الحمدلله کاتب موافق سلیقه خود جزء کرده. و نیز در بعضی جاها بعد از اسم جناب زینب یا امّ کلثوم به سلیقه خود لفظ خانم زیاد کرده که زینب خانم و امّ کلثوم خانم گفته شود که تجلیل از آن مخدّرات شود. و حمید بن قحطبه را چون دشمن داشته به واسطه بدی او حمید بن قحبه نوشته و لکن احتیاط کرده قحطبه را نسخه بدل او نوشته و عبْدَرَبّه را صلاح دیده عبد الله نوشته شود، و زحر بن قیس که به

حاء مُهْمَلَه است در هر کجا بوده به جیم نوشته. و امّ سَلَمَه را غلط دانسته تا ممکنش بوده اُمّ السَّلَمَه کرده الی غیر ذلک. و غرض از ذکر این مطلب در اینجا دو چیز بود. یکی آنکه: این تصرفاتی را که این شخص کرده به سلیقه خود این را کمال دانسته و خلافتش را ناقص فرض کرده. و حال آنکه همین چیزی که او کمال دانسته باعث نقصان شده. پس از اینجا قیاس کنیم که چیزهایی که ما از روی جهل و نادانی در دعاها و زیارات داخل می‌کنیم یا به سلیقه ناقص خود بعضی تصرفات می‌نمائیم و آن را کمال فرض می‌نمائیم بدانیم که همان چیزها پیش اهلش سبب نقصان و بی‌اعتباری آن دعا یا زیارت خواهد بود. پس شایسته است که ما بهیچوجه در این باب مداخله نکنیم و هر چه دستورات العمل دادند به همان رفتار نموده و از آن تخطی ننمائیم. و دیگر غرض آن بود که معلوم شود هرگاه نسخه‌ای که مؤلفش زنده و حاضر و نگهبان او باشد اینطور کنند با او، دیگر با سایر نسخ چه خواهند کرد و به کتابهای چاپی دیگر چه اعتماد است مگر کتابی که از مُصَنِّفَات مشهوره علماء معروفین باشد و به نظر ثقه از علماء آن فن رسیده و امضاء فرموده باشد. روایت شده در حال ثقه جلیل فقیه مقدم در اصحاب ائمه (علیهم‌السلام) یونس بن عبدالرحمن که کتابی در اعمال شبانه روز نوشته بود، جناب ابوهاشم جعفری آن کتاب را به نظر مبارک حضرت عسکری (علیهم‌السلام) رسانید حضرت تمام آن را مطالعه و تصفح فرمود پس از آن فرمود: **(هَذَا دِينِي وَ دِينُ آبَائِي كُلُّهُ وَ هُوَ الْحَقُّ كُلُّهُ)** (همه این دین من و دین پدران من است و تمامش حق است) ملاحظه کن که ابوهاشم جعفری با آنکه بر کثرت علم و فقاها و جلالت و دیانت جناب یونس مطلع بوده است به همین اکتفا نکرده در عمل کردن از روی کتاب او تا آنکه آن را به نظر مبارک امام خود رسانیده. و نیز روایت شده از بوق شنجانی هراتی که مردی معروف به صدق و صلاح و ورع بوده که در سامره خدمت امام حسن عسکری (علیهم‌السلام) رسید و کتاب یوم و لیله شیخ جلیل القدر فضل بن شاذان نیشابوری را به آن حضرت داد و گفت: فدایت شوم می‌خواهم در این کتاب نظر فرمائی و ورق ورق آن را ملاحظه نمائی، حضرت فرمود: **(هَذَا صَاحِبٌ يَنْبَغِي أَنْ تَعْمَلَ بِهِ)** (این کتاب صحیح است و شایسته است که به آن عمل نمائی) الی غیر ذلک. و این احقر با اینکه می‌دانستم مذاق مردم این زمان و عدم اهتمام ایشان را در امثال این امور، برای اتمام حجت سعی و کوشش بسیار کردم که دعاها و زیارات منقوله در این کتاب حتی الامکان از نسخه‌های اصل نقل شود و بر نسخ متعدده عرضه شود و به قدری که از عهده برآیم تصحیح آن نمایم تا عامل به آن از روی اطمینان عمل نماید انشاء الله به شرط آنکه کاتبین و ناسخین تصرف در آن ننمایند و خواننده‌ها اختراع و سلیقه‌های خود را کنار گذارند. شیخ کلینی رضی الله عنه از عبدالرحیم قصیر نقل کرده که خدمت

حضرت صادق (علیه السلام) رسید و عرض کرد: فدایت شوم من از پیش خود دعائی اختراع کرده‌ام. حضرت فرمود: بگذار مرا از اختراع خود یعنی آن را کنارگذار و برای من نقل مکن و نگذاشت که آن دعاء جمع کرده خود را نقل کند خود حضرت برای او دستورالعملی لطف فرمود و شیخ صدوق عَطَّرَ اللَّهُ مَرْقَدَهُ روایت کرده از عبدالله بن سنان که گفت حضرت صادق (علیه السلام) فرمود که: زود است می‌رسد به شما شبهه‌ای پس می‌مانید بدون نشانه و راهنما و پیشوای هدایت‌کننده و نجات نمی‌یابد در آن شبهه مگر کسی که بخواند دعای غریق را. گفتم چگونه

است دعای غریق؟ فرمود می‌گوئی: **يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ * يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ**

ای خدا ای بخشاینده ای مهربان * ای زیر و رو کن دلها

*** ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ *** پس گفتم: **يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ * ثَبَّتْ**

* ثابت و پابرجا دار دلم را بر دینت * ای زیر و رو کن دلها و دیده‌ها * پابرجا دار

قَلْبِي عَلَى دِينِكَ * حضرت فرمود به درستی که خداوند عزوجل مُقَلِّبُ است قلوب و ابصار را لکن بگو

و ثابت دلم را بر دینت *

چنانکه من می‌گویم: **يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ *** کافی است تأمل در

ای زیر و رو کن دلها * پابرجا دار و ثابت دلم را بر دینت *

این دو حدیث شریف برای تنبّه کسانی که در دعاها به سلیقه خود بعضی کلمات زیاد می‌کنند و پاره‌ای تصرفات می‌نمایند و **اللَّهُ الْعَاصِمُ** (۲) **مطلب دویم: در زیارت حضرت عباس بن علی بن ابیطالب (علیه السلام)**

است. شیخ اجل جعفر بن قولویه قمی به سند معتبر از ابو حمزه ثمالی روایت کرده که حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود که: چون اراده نمائی که زیارت کنی قبر عباس بن علی (علیه السلام) را و آن بر کنار فرات محاذی حایر است

می‌ایستی بر در روضه و می‌گوئی: **سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ * وَ أَنْبِيَائِهِ**

سلام خدا و سلام فرشتگان مقرب خدا * و رسولان

الْمُرْسَلِينَ * وَ عِبَادِهِ الصَّاحِحِينَ * وَ جَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ *

خدا * و بندگان شایسته خدا * و سلام تمام شهیدان راه خدا و صادقان با ایمان کامل *

وَ الزَّكَايَاتُ الطَّيِّبَاتُ فِيمَا تَغْتَدِي وَ تَرُوحُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

و نفوس پاکیزه پاک و نکو سیرت در آنچه صبح و شام است سلام همه آنان بر تو باد ای فرزند امیر المؤمنین

*** أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَ التَّصَدِيقِ * وَ الْوَفَاءِ وَ النَّصِيحَةِ لِخَلْفِ**

* گواهی می‌دهم برای تو که حضرتت مقام تسلیم و تصدیق * و وفاداری و خیرخواهی در حد کمال داشتی * نسبت به

النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُرْسَلِ * وَالسَّبِطِ الْمُنْتَجَبِ * وَالذَّلِيلِ

حضرت حسین فرزند پیغمبر صلی الله علیه و آله * و سبط برگزیده رسول * و رهبر دانای

العالم * وَالْوَصِيِّ الْمُبْلَغِ * وَالْمَظْلُومِ الْمَهْتَضَمِ * فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ

خلق * و وصی پیغمبر و رساننده حکم خدا به خلق * آن امام مظلوم جور و جفا کشیده * پس خدا تو

رَسُولِهِ وَ عَنِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * وَ عَنِ (فَاطِمَةَ وَ) الْحُسَيْنِ وَ الْحُسَيْنِ

را از جانب رسولش و از جانب امیر المؤمنین * و از حضرت حسن و حسین *

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ اجْزَاءِ * بِمَا صَبَرْتَ وَ احْتَسَبْتَ وَ اعْنَتِ

صلوات الله عليهم بهترین پاداش عطا کند * و به واسطه آن صبر و تحمل مصیبتی که در یاری بردارت کردی

* فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ * لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ * وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ

* پس دار سعادت عقبی تو را نیکوست * خدا لعنت کند کسانی که تو را کشتند * خدا لعنت کند کسانی را که حق تو را ندانستند

* وَ اسْتَخَفَّ بِحَرَمَتِكَ * وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَالَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مَاءِ الْفُرَاتِ

* و از جهل هتک احترامت کردند * و خدا لعنت کند کسی را که بین تو و آب فرات حایل گردید

* أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتَلْتَ مَظْلُومًا * وَ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ

* گواهی می‌دهم که تو مظلوم کشته شدی * و خدا آنچه را که وعده داده محققا به تو عطا کند *

* جِئْتُكَ يَا ابْنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * وَ اِفْدَا إِلَيْكُمْ * وَ قَلْبِي مُسَلِّمٌ لَكُمْ

ای فرزند امیر المؤمنین من به زیارت شما آمده‌ام * در حالی که بر شما واردم * و قلبم تسلیم امر شما و تابع

وَ تَابِعٌ * وَ اَنَا لَكُمْ تَابِعٌ * وَ نَصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ * حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَ هُوَ

فرمان شما * و من پیرو شما * و برای یاری شما مهیا هستم * تا هنگامی که فرمان و حکم خدا فرا رسد که او بهترین

خَيْرِ الْحَاكِمِينَ * فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ * اِنِّي بِكُمْ وَ بَايَاكُمْ

حکم‌کنندگان است * پس من با شما هستم و با تمام قوای خود با شما هستم نه با دشمنان شما * من به شما ایمان

(وَ بِبَائِكُمْ) مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * وَ بَمَنْ خَالَفَكُمْ وَ قَتَلَكَ مِنَ الْكَافِرِينَ

دارم و به بازگشت شما نیز ایمان دارم * و به دین و آیین دشمنان و مخالفان شما و قاتلان شما از کافران و منکرانم *

قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتُمْ بِالْأَيْدِي وَ الْأَلْسُنِ * پس داخل روضه شو و خود را به ضریح

خدا بکشد امتی را که به دست و زبان شما را کشتند. *

بِجَسْبَانٍ وَ بَگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ * الْمَطِيعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ

سلام بر تو ای بنده شایسته حق * و مطیع امر خدا و رسول خدا

وَلَا مِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمَ *
* و مطیع امیر المؤمنین * و حضرت حسن و حسین * صلوات الله و سلامه علیهم

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * وَمَغْفِرَتُهُ * وَرِضْوَانُهُ * وَعَلَى
* سلام بر تو و رحمت و برکات خدا و مغفرت و رضا و خوشنودی خدا * بر روح

رُوحِكَ وَبَدَنِكَ * أَشْهَدُ وَأَشْهَدُ اللَّهُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى بِهِ
و جسم شما باد * گواهی می‌دهم و خدا را گواه می‌گیرم که تو از جهان درگذشتی با همان مقام رفیع شهادت که

الْبَدْرِيُّونَ * وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * الْمُنَاصِحُونَ لَهُ * فِي جِهَادِ
شهادی بدر یافتند * و دیگر جهاد کنندگان در راه خدا * که همه خیرخواهان دین خدا بر علیه دشمنان خدا جهاد

أَعْدَائِهِ * الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ * الَّذِينَ عَنْ أَحِبَّائِهِ * فَجَزَاكَ
کامل * و با دوستان خدا و دفاع از محبان خدا * منتهای نصرت و یاری را کردند * پس خدا

اللَّهُ أَفْضَلَ الْجُزَاءِ * وَآكْثَرَ الْجُزَاءِ * وَأَوْفَرَ الْجُزَاءِ * وَأَوْفَى جُزَاءِ أَحَدٍ
به شما بهتر * و بیشتر * و کاملترین پاداشی عطا کند * که به احدی از کسانی که به عهدش

مِمَّنْ وَفَى بَبَيْعَتِهِ * وَاسْتَجَابَ لَهُ * دَعْوَتُهُ * وَأَطَاعَ وَلاةَ أَمْرِهِ * أَشْهَدُ
وفا کردند * و دعوتش را اجابت کردند * و از ولی امر حق و خلفای الهی اطاعت کردند عطا فرماید * گواهی می‌دهم

أَنَّكَ قَدْ بِالْغَتِ فِي النَّصِيحَةِ * وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ * فَبِعَثِّكَ
که تو نهایت کوشش را در نصیحت * و کمال جهد و اهتمام را در راه دین خدا ادا کردی * تا آنکه خدایت در مقام

اللَّهُ فِي الشُّهَدَاءِ * وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ السُّعْدَاءِ * وَأَعْطَاكَ مِنْ
رفیع شهیدان مبعوث کرد * و روح پاکت را با ارواح پاک سعادت‌مندان عالم محشور * و از بهشت

جَنَانِهِ أَفْسَحَهَا مَنَزَلًا * وَأَفْضَلَهَا غُرْفًا * وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عَلِيِّينَ (فِ
بهترین منازل * و نیکوترین غرفه بهشتی عطا کند * و نام شریفیت را در عالم بلند

الْعَالَمِينَ) * وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ * وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ
گرداند * و با پیغمبران و صادقان در ایمان * و شهیدان و صالحان * که اینها

وَ حَسَنَ أَوْلِيَاكَ رَفِيقًا * أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَنْكَلْ * وَأَنَّكَ
بهترین رفیقانند محشور فرماید * گواهی می‌دهم که تو هیچ سستی و کوتاهی نکردی * و در کار خود

مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ * مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ * وَمُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّينَ
با بصیرت و حجت از جهان درگذشتی * و همیشه در اعمال اقتداء به صالحان * و پیروی از رسولان خدا کردی

فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ * وَبَيْنَ رَسُولِهِ وَأَوْلِيَائِهِ فِي مَنَازِلِ الْمُخْبِتِينَ *

* پس خدا بین ما و تو بزرگوار * و بین رسول خدا و اولیاء و دوستان خدا در منزلهای بهشتی اهل خضوع و تقوی جمع گرداند

فَإِنَّهُ * وَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * مؤلف گوید که: خوب است این زیارت را پشت سر قبر رو به قبله

* که خدا مهربانترین مهربانان عالم است. *

بخوانی چنانکه شیخ در تهذیب فرموده (ثُمَّ ادْخُلْ فَانْكَبْ عَلَى الْقَبْرِ * وَقُلْ وَأَنْتَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ). و نیز بدان که زیارت جناب عباس موافق روایت

مذکور همین بود که ذکر شد لکن سید بن طاوس و شیخ مفید و دیگران بعد از این فرموده‌اند که پس برو به

سمت بالا سرو دورکت نماز کن و بعد از آن آنچه خواهی نماز کن و بخوان خدا را بسیار * و بگو در عقب نماز:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَلَا تَدْعُ لِي فِي هَذَا الْمَكَانِ

پروردگارا درود فرست بر محمد و آل محمد * و بر من دیگر در این مکان

الْمُكْرَمِ * وَالْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ * ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ * وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ * وَ

گرامی * و مشهد معظم * گناهی باقی مگذار تمام گناهانم را ببخش و بیماریز * و هم و غم را بر طرف ساز

وَلَا مَرَضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ * وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ * وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ * وَ

* تمام مرض و دردهایم را شفا عنایت فرما * و هر عیب و عار مرا پرده پوشی کن * و رزقم را وسیع ساز

وَلَا خَوْفًا إِلَّا أَمَنْتَهُ * وَلَا شَمْلًا إِلَّا جَمَعْتَهُ * وَلَا غَائِبًا إِلَّا حَفِظْتَهُ * وَ

* و از هر خوف و هراسم ایمنی کامل بخش * پریشانیهایم همه را اصلاح فرما * و غایب مرا محفوظ بدار و لقایش

وَأَدْنَيْتَهُ * وَلَا حَاجَةَ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ * لَكَ فِيهَا رِضَى وَلِي

نزدیک * و تمام حاجتهای دنیا و آخرتم را * که رضای تو و صلاح من در آن

فِيهَا صَلَاحٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * پس برگرد به سوی ضریح و نزد پاهای

است همه را روا گردان * ای مهربانترین مهربانان عالم. *

بایست و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ *

سلام بر تو ای ابا الفضل العباس فرزند امیر المؤمنین *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَوَّلِ الْقَوْمِ

سلام بر تو ای فرزند سید جانشینان پیغمبر * سلام بر تو ای فرزند اول کسی که اسلام اختیار

اسْلَامًا * وَ أَقْدَمَهُمْ إِيْمَانًا * وَ أَقْوَمَهُمْ بِدِينِ اللَّهِ * وَ أَحْوَطَهُمْ عَلَى

کرد * و در رتبه ایمان بر همه امت تقدم و برتری داشت * و در دین خدا از همه کس پایدارتر * و در حفظ اسلام از همه مراقبتش

الإِسْلَامِ * أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَ لِأَخِيكَ * فَنِعْمَ الْإِخُ
 بیشتر بود * گواهی میدهم که تو در راه خدا و رسول و برادرت خیرخواه بودی * و نیکو برادری بودی

الْمُؤَاسِي * فَلَعْنُ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتِكَ * وَ لَعْنُ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمْتِكَ * وَ لَعْنُ
 که با حضرت حسین مساوات و مواسات نمودی * باری خدا لعنت کند امتی را که هتک حرمت شما * و

اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ * وَ انْتَهَكْتَ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ *
 ریختن خون شما * و حرمت اسلام را حلال شمردند * پس شما (در راه

فَنِعْمَ الصَّابِرُ الْمُجَاهِدُ الْمُحَامِي النَّاصِرُ * وَ الْإِخُ الدَّافِعُ عَنْ أَخِيهِ
 وفای با برادرت حسین «ع» نیکو صبر و تحمل و جهاد و حمایت و نصرت * و دفاع کامل از حریم برادر

الْمُجِيبُ إِلَى طَاعَةِ رَبِّهِ * الرَّاعِبُ فِيمَا زَهَدَ فِيهِ غَيْرُهُ * مِنْ الثَّوَابِ
 * و امر پروردگارش را اطاعت کردی * و در راه فداکاری آن حضرت و ثواب بزرگ نصرت و یاری او که دیگران رو گردانیدند تو

الْمُجْزِلُ * وَ الثَّنَاءِ الْجَمِيلِ * وَ الْحَقِّ (فَالْحَقُّ) اللَّهُ بَدْرَجَةِ آبَائِكَ فِي
 مشتاقانه شتافتی * و ثواب عظیم * و نام نیکو در دو عالم یافتی * و خدایت در بهشت نعیم با پدران بزرگوارت

جَنَاتِ النَّعِيمِ * اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لَزِيَارَةِ أَوْلِيَائِكَ رَغْبَةً فِي ثَوَابِكَ *
 ملحق گرداند * پروردگارا من خود را مهیا بر زیارت اولیاء و دوستان تو نموده‌ام به اشتیاق ثواب *

وَ رَجَاءً لِمَغْفِرَتِكَ وَ جَزِيلٍ إِحْسَانِكَ * فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
 و به امید مغفرت و لطف و احسان بزرگ تو * پس از تو درخواستم این است که درود فرستی

وَ عَالِهِ الطَّاهِرِينَ * وَ أَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي بِهِمْ دَارًا * وَ عَيْشِي بِهِمْ قَارًا * وَ زِيَارَتِي
 بر محمد و آلش * و به واسطه آنها همیشه روزی مرا وسیع * و زندگانیم را پایدار و خوش بگردانی * و زیارتم را

بِهِمْ مَقْبُولَةً * وَ حَيَاتِي بِهِمْ طَيِّبَةً * وَ أَدْرَجْنِي إِدْرَاجَ الْمُكْرَمِينَ *
 به شفاعتشان بپذیری * و حیات طیب نصیبم فرمایی * و مرا در صف اهل کرامت درج فرمایی *

وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مِنْ زِيَارَةِ مَشَاهِدِ أَحْبَائِكَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا
 و از آن خوبان و سعادت‌مندان که چون از زیارت مشهد محبان و دوستان باز گردند رستگار و حاجت روا شده

قَدْ اسْتَوْجَبَ غُفْرَانَ الذُّنُوبِ * وَ سَتَرَ الْعُيُوبِ * وَ كَشَفَ الْكُرُوبِ *
 * و مستوجب قطعی آمرزش گناه شده‌اند * و عیوب و زشتیهایشان مستور * و هم و غمشان برطرف گردیده از آنان قرارم دهی

إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ * وَ چُونِ خَوَاهِي وَ دَاعِ كُنِي أَنْ حَضَرْتَ رَأْسِي بِرُوبِهِ
 * که تو ای خدا اهل تقوی و مغفرتی. *

نزد قبر شریف و بگو این را که در روایت اَبُو حمزه ثمالی است و علماء نیز ذکر کرده‌اند: **اَسْتَوْدِعُكَ اللهُ**

از تو ای بزرگوار تقاضای وداع می‌کنم و خدا را از تو

وَ اَسْتَرَعِيكَ * وَ اَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ * ءَامِنًا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِكِتَابِهِ

درخواست توجه و لطف خاص دارم * و بر تو تحیت و سلام خوانده * در حالی که به خدا و رسول و کتاب او آورده

*** وَ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ * اللَّهُمَّ فَاکْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ * اللَّهُمَّ**

* و به هرچه از اوامر و نواهی که از جانب خدا آورده به همه ایمان دارم * پروردگارا تو مرا با گواهان و اهل ایمان ثابت مقدر فرما *

لَا تَجْعَلُهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي قَبْرِ ابْنِ اَخِي رَسُولِكَ * صَلَّى اللَّهُ

پروردگارا این زیارت را آخرین عهدم از قبر مطهر فرزند برادر پیغمبرت * صلی الله علیه

عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ * وَ اَرْزُقْنِي زِيَارَتَهُ وَ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِي * وَ اَحْشُرْنِي مَعَهُ وَ مَعَ

و آله قرار مده * و همیشه تا در حیات مرا باقی داری زیارتش نصیبم گردان * و مرا با آن حضرت و با پدران بزرگوارش

ءَابَائِهِ فِي الْجَنَانِ * وَ عَرَّفْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ * وَ بَيْنَ رَسُولِكَ وَ اَوْلِيَائِكَ *

در بهشت برین محشور گردان * و میان من و او و رسول اکرم و اولیاء دین خود ائمه هدی شناسایی برقرار دار *

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ ءَالِ مُحَمَّدٍ * وَ تَوَفَّنِي عَلٰى الْاِيْمَانِ بِكَ *

پروردگارا درود فرست بر محمد و آل محمد * و بمیران مرا بر ایمان (به وحدانیت) خود *

وَ التَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ * وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ وَ الْاِئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ

و تصدیق به رسالت پیغمبر * و ولایت و دوستی علی (ع) و ائمه طاهرین از فرزندان

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِمْ * فَاِنِّي قَدْ رَضِيتُ يَا رَبِّي بِذَلِكَ

علی علیهم السلام * و بر تبری و بی‌زاری از دشمنان اینها * که من ای خدا به این دین و عقیده خوشنودم

*** وَ صَلَّى اللَّهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ ءَالِ مُحَمَّدٍ *** پس دعاکن از برای خود و از برای پدر و مادر

* و درود خدا بر محمد و آل محمد باد *

و مؤمنین و مسلمین و اختیارکن از دعاها هر دعائی که می‌خواهی. * مؤلف گوید که: روایت شده در خبری از

حضرت سید سجّاد (علیه السلام) آنچه حاصلش آن است که فرمودند: خدا رحمت کند عباس را که ایثار کرد بر خود برادر

خود را و جان خود را فدای آن حضرت نمود تا آنکه دریاری او دو دستش را قطع کردند و حق تعالی در عوض دو

دست او دو بال به او عنایت فرمود که با آن دو بال با فرشتگان در بهشت مانند جعفر بن ابی طالب پرواز می‌کند

و از برای عباس (علیه السلام) در نزد خداوند منزلتی است در روز قیامت که مَغْبُوط جمیع شهداء است و جمیع شهدا را

آرزوی مقام او است و نقل شده که حضرت عباس (علیه السلام) در وقت شهادت سی و چهار ساله بود و آنکه ام البنین مادر عباس (علیه السلام) در ماتم او و برادران اعیانی او بیرون مدینه در بقیع می شد و در ماتم ایشان چنان ندبه و گریه می کرد که هر که از آنجا می گذشت گریان می گشت. گریستن دوستان عجیبی نیست. * مروان بن الحکم که بزرگتر دشمنی بود خاندان نبوت را، چون بر ام البنین عبور می کرد از اثر گریه او گریه می کرد و این اشعار از ام البنین در مرثیه حضرت ابوالفضل (علیه السلام) و دیگر پسرانش نقل شده:

يَا مَنْ رَأَى الْعَبَّاسَ كَرَّرَ عَلَى جَمَاهِيرِ النَّقْدِ

ای کسی که دیدی عباس را که حمله می کرد بر گله های گوسفند

و وَرَاهُ مِنْ أَبْنَاءِ حَيْدَرٍ كُلِّ لَيْثٍ ذِي لَبَدٍ

و فرزندان حیدر همه چون شیران بال دار دنبال او بودند

أُنْبِتُ أَنْ ابْنِي أُصِيبَ بِرَأْسِهِ مَقْطُوعَ يَدٍ

به من خبر رسید که ضربت به سر فرزندم رسید در حالیکه دست نداشت

وَيَلِي عَلَى شِبْلِي أَمَالَ بِرَأْسِهِ ضَرْبُ الْعَمَدِ

وای بر من که سر پسر من از ضرب عمود پیچیده شد

لَوْ كَانَ سَيْفِكَ فِي يَدَيْكَ لَمَا دَنَا مِنْهُ أَحَدٌ

اگر شمشیر در دست تو بود کسی نزدیک تو نمی گردید

وَلَهَا أَيْضًا

تُذَكِّرُنِي بِلِيُوثِ الْعَرِينِ

که مرا به یاد شیران پیشه می اندازی

لَا تَدْعُونِي وَيَكِ امَّ الْبَنِينِ

مرا دیگر مادر پسران مخوان

وَالْيَوْمَ أَصْبَحْتُ وَلَا مِنْ بَنِينِ

و امروز صبح کردم در حالیکه دیگر فرزندی ندارم

كَانَتْ بَنُونَ لِي أَدْعَى بِهِمْ

من پسرانی داشتم و به نام آنها مرا ام البنین می خواندند

قَدْ وَاصَلُوا الْمَوْتَ بِقَطْعِ الْوَتِينِ

که کشته شدند و رگ وتین آنان قطع شد

أَرْبَعَةٌ مِثْلُ نَسُورِ الرَّبِيِّ

چهار تن بودند چون کرکسان کوهسار

فَكَلَّهْمُ أَمْسَى صَرِيحًا طَعِينِ

و همه شان از طعن نیزه به زمین افتادند

تَنَازَعُ الْخَرِصَانُ أَشْلَاءَهُمْ

بر سر نعلش آنان نیزه ها بهم افتاد

يَا لَيْتَ شِعْرِي أَمَا أَخْبَرُوا

ای کاش می دانستم آنچنانکه خبر دادند

بَانَ عَبَّاسًا قَطِيعُ الْيَمِينِ

آیا عباس دست راستش قطع شده بود

۳) **مطلب سیّم:** در زیارات مخصوصه حضرت ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) است و آن چند زیارت است. ۱) **اول:** زیارت اول رجب و نیمه آن و نیمه شعبان است. * از حضرت صادق (علیه السلام) روایت است که هر که زیارت کند امام حسین (علیه السلام) را در روز اول ماه رجب البته حق تعالی بپامرزد او را. * و از ابن ابی نصر منقول است که از حضرت امام رضا (علیه السلام) سؤال کرد که در کدام وقت بهتر است که زیارت کنیم امام حسین (علیه السلام) را؟ فرمود که: در نصف رجب و نصف شعبان. * شیخ مفید و سید بن طاوس ذکر کرده اند که این زیارت که ذکر می شود برای روز اول رجب و نیمه شعبان است و لکن شهید علاوه کرده بر آن شب اول رجب و شب و روز نیمه رجب و روز نیمه شعبان را. پس به حسب فرموده ایشان این زیارت برای شش وقت است و کیفیت آن زیارت این است: هرگاه خواستی زیارت کنی اباعبدالله الحسین (علیه السلام) را در این اوقات غسل کن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و بایست بر در قبه مطهره آن حضرت رو به قبله و سلام کن بر جناب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و بر امیرالمؤمنین و بر حضرت فاطمه و بر امام حسن و امام حسین و بر باقی امامان صلوات الله علیهم اجمعین و بعد از این بیاید دراذن دخول زیارت عرفه کیفیت سلام کردن بر این بزرگواران. * پس داخل شو و بایست نزد ضریح مقدّس و صد مرتبه بگو **اللّهُ أَكْبَرُ** خدا بزرگتر است *

پس بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ** * سلام بر تو ای فرزند رسول خدا * سلام بر تو ای فرزند خاتم النبیین

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ * سلام بر تو ای فرزند سید رسولان حق * سلام بر تو ای پیغمبران

ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ * سلام بر تو ای ابا عبد الله * سلام بر تو ای فرزند سید جانشینان پیغمبران * سلام بر تو ای فرزند سید جهان

يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ * سلام بر تو ای حسین بن علی * سلام بر تو ای فرزند فاطمه سیده نساء

الْعَالَمِينَ * سلام بر تو ای ولی خدا * سلام بر تو ای عالم * سلام بر تو ای ولی خدا * سلام بر تو ای فرزند ولی خدا * سلام بر تو ای

صَفِيَّ اللَّهِ وَابْنَ صَفِيهِ * سلام بر تو ای حجت خدا * سلام بر تو ای فرزند حجت خدا * سلام بر تو ای برگزیده خدا * سلام بر تو ای برگزیده خدا * سلام بر تو ای برگزیده خدا * سلام بر تو ای برگزیده خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ وَابْنَ حَبِيبِهِ * سلام بر تو ای دوست و حبيب خدا * سلام بر تو ای دوست و حبيب خدا * سلام بر تو ای دوست و حبيب خدا * سلام بر تو ای دوست و حبيب خدا

سَفِيرِ اللَّهِ وَابْنِ سَفِيرِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خازِنَ الْكِتَابِ الْمَسْطُورِ

سفير خدا فرزند سفير خدا * سلام بر تو ای خازن و نگهبان مسطور در کتاب آسمانی

* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وارِثَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

* سلام بر تو ای وارث علوم تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود * سلام بر تو

يَا امِينِ الرَّحْمَنِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

ای امین رحمان * سلام بر تو ای شریک با قرآن * سلام بر تو ای

عَمُودَ الدِّينِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ حِكْمَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ

عمود و نگهبان دین اسلام * سلام بر تو ای درگاه علم و حکمت پروردگار عالم * سلام

عَلَيْكَ يَا بَابَ حِطَّةِ الَّذِي مِنْ دَخَلِهِ * كَانَ مِنَ الْأَمِينِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای باب حطه که هر که در آن در وارد شود از هر بلاء ایمن است * سلام بر تو ای

يَا عَيْبَةَ عِلْمِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ * السَّلَامُ

سندوقه و مخزن علم حق * سلام بر تو ای موضع و محل سر خدا * سلام بر تو ای کسی که خدا

عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ * وَالْوَتْرَ الْمَوْتُورَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى

از خون پاک تو و پدر بزرگوارت که به ناحق ریختند انتقام می‌کشد * و از ظلم وارد بر تو دادخواهی می‌کند * سلام بر تو

الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ * وَ أَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ * يَا بِي أَنْتَ وَ أُمِّي

و بر ارواح پاکی که در حرم مطهرت با تو مدفونند * بر جمیع شما از من درود و تحیت و سلام خدا باد * تا من هستم و تا

وَ نَفْسِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * لَقَدْ عَظَمْتَ الْمُصِيبَةَ * وَ جَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ

لیل و نهار در جهان برقرار است ای ابا عبد الله * تعزیتت در عالم بزرگ * و مصیبتت در جهان بر ما شیعیان

عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ * فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ

و تمام اهل اسلام سخت و عظیم و ناگوار و دشوار بود * پس خدا لعنت کند امتی را که اساس ظلم و ستم را

وَ الْجُورِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ * وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ

بر شما خاندان رسالت بنیاد کردند * و خدا لعنت کند امتی را که شما را از مقام و مرتبه (خلافت) خود منع کردند

* وَ أزالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا * يَا بِي أَنْتَ وَ أُمِّي

* و رتبه‌ای که خدا به شما عطا کرده بود از شما گرفتند * پدر و مادرم و جانم فدای

وَ نَفْسِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * أَشْهَدُ لَقَدْ أَقْشَعَرْتَ لِدِمَائِكُمْ أَظْلَةَ الْعَرْشِ

شما اهل بیت باد ای ابا عبد الله * گواهی می‌دهم که برای خون پاک شما که ریخته شد سراقق عرش و ارکان

مَعَ أَظْلَمَةِ الْخَلَائِقِ * وَبَكَتَكُمْ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ * وَسُكَّانُ الْجَنَانِ وَالْبَرِّ

و ارواح خلائق به لرزه درآمد * و برای شما آسمان و زمین * و ساکنان بهشت و خلق بر و بحر

وَالْبَحْرِ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ عَدَدَ مَا فِي عِلْمِ اللَّهِ * لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ

همه گریستند * درود خدا بر تو باد به عدد آنچه در علم خداست * من دعوت خدا را اجابت کردم

إِنْ كَانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَنِي عِنْدَ اسْتِغَاثَتِكَ * وَلسَانِي عِنْدَ اسْتِنصَارِكَ

* اگر به بدنم در هنگام استغاثه تو * و هنگام یاری طلبیدنت به زبانم تو را اجابت نکردم

فَقَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي وَسَمْعِي وَبَصْرِي * سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ

* لیکن قلب و گوش و چشم عالم ارواح من دعوتت را اجابت کرد * منزه است پروردگاری که البته وعده آن ذات اقدس

رَبِّنَا لِمَفْعُولًا * أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهْرٌ طَاهِرٌ * مَطَهَّرٌ مِنْ طَهْرٍ * طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ

منجز و واقع خواهد شد * گواهی می‌دهم که وجود تو در منتهای پاکی است * و از خاندان پاک عصمت و طهارت است * و از کمال

طَهَّرْتَ وَطَهَّرْتَ بِكَ الْبِلَادُ * وَطَهَّرْتَ أَرْضَ أَنْتَ بِهَا (فِيهَا) * وَطَهَّرَ

پاکی * و پاکیزگی تو بلاد همه از لوث کفر و شرک پاک شد * و بلکه سرزمینی که تو در آن بودی * و حریم مطهرت همه

حَرَمُكَ * أَشْهَدُ أَنَّكَ (قَدْ) أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَالْعَدْلِ * وَدَعَوْتَ إِلَيْهِمَا

پاک گردید * گواهی می‌دهم که تو خلق را امر به عدل و داد کردی * و دعوت به این صفات فرمودی

* وَأَنَّكَ صَادِقٌ صَدِيقٌ * صَدَقْتَ فِيمَا دَعَوْتَ إِلَيْهِ * وَأَنَّكَ تَارُ اللَّهِ

* و تو در دعوت خلق به سوی خدا در کمال صدق * و حقیقت و ایمان کامل بودی * و محققا تو خون خدا در روی

فِي الْأَرْضِ * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ * وَعَنْ جَدِّكَ رَسُولَ اللَّهِ

زمین هستی * و گواهی می‌دهم که تو از جانب خدا * و جدت پیغمبر خدا

* وَعَنْ أَبِيكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * وَعَنْ أَخِيكَ الْحُسَيْنِ * وَنَصَحْتَ

* و پدرت امیر المؤمنین * و برادرت حسن مجتبی تبلیغ دین کردی * و در راه خدا نصیحت

وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصًا حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ *

و ارشاد و مجاهده بسیار کردی * و خدای را پرستش و اطاعت کامل نمودی تا هنگام شهادت رسید *

فَجَزَاكَ اللَّهُ خَيْرَ جَزَاءِ السَّابِقِينَ * وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا

پس خدا پاداش تو را بهترین پاداش پیشینیان عطا فرماید * و درود خدا و تحیت و رحمت کامل حق بر تو باد

* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَالِ مُحَمَّدٍ * وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ

* پروردگارا درود فرست بر محمد و آل محمد * و درود و رحمت فرست بر حسین مظلوم

الشَّهِيدِ الرَّشِيدِ * قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ * وَأَسِيرِ الْكُرْبَاتِ * صَلَاةً نَامِيَةً

شهادت رشید شجاع * کشته برای اشک چشم خلق * و اسیر محن * رحمت و درودی بر آن حضرت فرست که دایم در افزایش و

زَاكِيَةً مُبَارَكَةً * يَصْعَدُ أَوْلَاهَا * وَلَا يَنْفَدُ آخِرُهَا * أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ

تکامل و برکت باشد * که اول آن درود به آسمان صعود کند و آخر آن انقطاع نداشته بلکه تا ابد باقی باشد * نیکوترین درود

عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلَادِ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ * يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ * آنگاه قبر مطهر

و رحمتی که بر یکی از فرزندان پیغمبران مرسلت فرستی ای خدای عالم بی‌نهایت وجود *

را ببوس و روی راست خود را بر قبر گذار و بعد از آن روی چپ را آنگاه دور قبر بگرد و طواف کن و چهار جانب قبر را

ببوس. شیخ مفید (رحمته) فرموده آنگاه برو به سوی قبر علی بن الحسین (علیه السلام) و بایست نزد قبر آن جناب و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الطَّيِّبُ * أَلْزَكِيُّ الْحَبِيبُ الْمُقَرَّبُ * وَابْنِ

سلام بر تو ای صدیق کننده دین حق در حد کمال * ای روح پاکیزه مطهر و دوست مقرب نزد خدا * و فرزند

رِيحَانَةِ رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهِيدٍ مُحْتَسِبٍ * وَرَحْمَةً

فاطمه ریحانه رسول خدا * سلام بر تو شهید آزموده راه خدا باد * سلام و رحمت

اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ * مَا أَكْرَمَ مَقَامَكَ * وَ أَشْرَفَ مُنْقَلَبِكَ * أَشْهَدُ لَقَدْ

و برکات خدا بر تو باد * چه اندازه مقام و مرتبهات نزد خدا گرمی * و با شرافت است * گواهی می‌دهم که

شَكَرَ اللَّهُ سَعْيَكَ * وَ أَجَزَلَ ثَوَابَكَ * وَ الْحَقَّكَ بِالذَّرْوَةِ الْعَالِيَةِ *
 خداسعی و کوشش را پاداش عطا کرد * و ثوابت را عظیم فرمود * و تو را به مقام بلند و عالیترین نقطه کمال و سعادت و قرب *

حَيْثُ الشَّرْفُ كُلُّ الشَّرْفِ * وَ فِي الْعُرْفِ السَّامِيَةِ * كَمَا مِنْ عَالِيَتِكَ

و هر چه شرافت و عزت است بدان مقام رسانید * و در قصرهای عالی منزل داد * چنانکه در سابقه وجودت

مِنْ قَبْلُ * وَ جَعَلَكَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ

بر تو منت گذاشت * و تو را از خاندان رسالت و عصمت قرار داد که خدا آنها را کاملاً از هر رجس

* وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا * صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ *
 * و پلیدی پاک و منزّه گردانید * درود و رحمت و برکات خدا و خوشنودی حق

وَ رِضْوَانُهُ * فَاشْفَعْ أَيُّهَا السَّيِّدُ الطَّاهِرُ إِلَى رَبِّكَ فِي حَطِّ الْأَثْقَالِ عَنْ

بر تو باد * ای بزرگ روح پاک الهی مرا نزد پروردگارت شفاعت کن که بار سنگین گناهانم از دوش

ظَهْرِي * وَتَخْفِيهَا عَنِّي * وَارْحَمْ ذُلِّي وَخُضُوعِي لَكَ * وَلا سَيِّدَ

بریزد * و سبکبار شوم * و ذلت و تواضع را به درگاه تو * و پدر بزرگوارت (ص) ببین و به حال

آبِيكَ * صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ * پس بچسبان خود را بر قبر و بگو: زَادَ اللهُ فِي شَرَفِكُمْ

ترحم کن * که درود و رحمت خدای بر شما دو تن باد. * خدا در شرافت عالم آخرت شما بیفزاید چنانکه در

فِي الْآخِرَةِ * كَمَا شَرَفَكُمْ فِي الدُّنْيَا * وَاسْعَدَكُمْ كَمَا اسْعَدَ بِكُمْ *

شرافت و عزت شما در دنیا افزود * و بر سعادت شما پدر و فرزند در دو عالم افزایش چنانکه خلق را به واسطه شما سعادت مند گردانید *

وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَعْلَامُ الدِّينِ * وَنُجُومُ الْعَالَمِينَ * وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ

و گواهی می‌دهم که شما نمایندگان دین خدا * و رخشان ستارگان عالم وجودید * و سلام و رحمت

وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ * پس روکن به سوی شهدا و بگو: اَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا

و برکات خدا بر شما خاندان باد. * سلام بر شما باد ای ناصران

أَنْصَارَ اللهِ * وَأَنْصَارَ رَسُولِهِ * وَأَنْصَارَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ * وَأَنْصَارَ

دین خدا * و یاری کنندگان رسول خدا (ص) * و یاری کنندگان علی بن ابی طالب * و حضرت

فَاطِمَةَ * وَأَنْصَارَ الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ * وَأَنْصَارَ الْإِسْلَامِ * أَشْهَدُ أَنَّكُمْ

فاطمه زهراء * و حسن مجتبی و حسین * و یاری کنندگان دین اسلام * گواهی می‌دهم که شما

لَقَدْ نَصَحْتُمْ لِلَّهِ * وَجَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِهِ * فَجَزَاكُمْ اللهُ عَنِ الْإِسْلَامِ

برای خدا * و در راه دین خدا جهاد و نصیحت و خیرخواهی کامل کردید * از عالم اسلام و اهل اسلام به شما بهترین پاداش را

وَ أَهْلَهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ * فَزَيْتُمْ وَاللَّهُ فَوْزًا عَظِيمًا * يَا لَيْتَنِي كُنْتُ

عطا فرمایید * شما به خدا قسم که به فیروزی و سعادت کامل نایل شدید * ای کاش من هم با شما بودم و به آن سعادت و فیروزی

مَعَكُمْ فَافُوزُ فَوْزًا عَظِيمًا * أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَرْزُقُونَ *

و فوز عظیم شهادت نایل می‌شدم * گواهی می‌دهم که محققا شما نزد خدای متعال زنده ابدید و به روزی و رزق نعمتهای

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الشُّهَدَاءُ وَالسُّعَدَاءُ * وَأَنَّكُمْ الْفَائِزُونَ فِي دَرَجَاتِ

بی‌پایان الهی برخوردار هستید * گواهی می‌دهم که شما شهیدان و سعادت‌مندان * به درجات و مقامات عالی

الْعُلَى * وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ * بعد از آن بازگرد و بیانزدیک

نایل هستید * و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما شهیدان باد. *

سر مبارک آن حضرت و نماز زیارت بکن و دعا کن برای خود و پدر و مادر خود و برای برادران مؤمن و بدان که سید بن طاوس برای حضرت علی اکبر و شهداء قدس الله ارواحهم زیارتی مشتمل بر اسامی آنها نقل کرده ما به

ملاحظه اختصار و شیوع و اشتها را آن را ذکر نمودیم. **۲** دویم: زیارت نیمه رجب غیر از زیارتی که گذشت و آن زیارتی است که شیخ مفید (رحمته الله) در مزار نقل کرده که از زیارات مخصوصه نصف رجب است که آن را غفیله می گویند یعنی نیمه رجب را غفیله می گویند نه زیارت را به سبب غفلت عامه مردم از فضیلت آن * پس چون قصد کردی زیارت آن حضرت را در این وقت و آمدی در صحن شریف پس داخل شو یعنی در حرم مطهر و سه مرتبه بگو **اللَّهُ أَكْبَرُ** * و بایست در نزد قبر منور و بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَالَ اللَّهِ** * **السَّلَامُ**

سلام بر شما ای اهل بیت خدا * سلام بر

عَلَيْكُمْ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ * **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ** * **السَّلَامُ**

شما ای خاصان * و برگزیدگان خدا از خلق * سلام بر شما ای

عَلَيْكُمْ يَا سَادَةَ السَّادَاتِ * **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا لِيُوثَ** (عَلَى لِيُوثَ) **الْغَابَاتِ**

بزرگ بزرگان عالم * سلام بر شما ای شیران بیشه

* **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَفْنَ النِّجَاةِ** * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ**

* سلام بر شما ای کشتیهای نجات * سلام بر شما ای ابا عبد الله

الْحُسَيْنِ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ** * **وَرَحْمَةَ اللَّهِ**

الحسین * سلام بر تو ای وارث علم پیغمبران * سلام خدا و رحمت و برکات

وَبَرَكَاتِهِ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ** * **السَّلَامُ عَلَيْكَ**

او بر تو باد * سلام بر تو ای وارث علم آدم برگزیده خدا * سلام بر تو

يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ** *

ای وارث حلم نوح پیغمبر خدا * سلام بر تو ای وارث اخلاص ابراهیم خلیل خدا *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ**

سلام بر تو ای وارث اسماعیل ذبیح در راه خدا * سلام بر تو ای وارث موسای کلیم

مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ** * **السَّلَامُ**

و سخن گوی با خدا * سلام بر تو ای وارث عیسی صاحب روح کلیه الهیه * سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ**

بر تو ای وارث محمد حبیب خدا * سلام بر تو ای فرزند محمد

الْمُصْطَفَى * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى** * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا**

مصطفی (ص) * سلام بر تو ای پسر علی مرتضی (ع) * سلام بر تو ای

ابن فاطمة الزهراء * السلام عليك يا ابن خديجة الكبرى * السلام

فرزند فاطمه زهراء * سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری * سلام بر تو

عليك يا شهيد ابن الشهيد * السلام عليك يا قتيل ابن القتيل *

ای شهید راه خدا فرزند شهید راه خدا * سلام بر تو ای کشته راه حق فرزند کشته راه حق *

السلام عليك يا ولي الله و ابن وليه * السلام عليك يا حجة الله

سلام بر تو ای ولی خدا فرزند ولی خدا * سلام بر تو ای حجت خدا

و ابن حجته على خلقه * أشهد أنك قد أقمّت الصلاة * و آتيت

فرزند حجت خدا بر خلق * گواهی می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی * و زکوة به فقیران

الزكاة * و أمرت بالمعروف * و نهيت عن المنكر * و رزقت (و بررت)

عطا کردی * و امر به معروف * و نهی از منکر فرمودی * و محزون از مصیبت‌های وارد بر پدر

بوالديك * و جاهدت عدوك * و أشهد أنك تسمع الكلام و ترد

و مادر بودی * و با دشمنان خود جهاد کردی * گواهی می‌دهم که کلام مرا می‌شنوی و مرا

الجواب * و أنك حبيب الله و خليله و نجييه و نجييه و صفيه و ابن

پاسخ می‌دهی * و تو حبیب خدا و دوست خاص و برگزیده حق و فرزند علی (ع) برگزیده

صفيه * يا مولاي و ابن مولاي زرتك مشتاقا * فكن لي شفيعا الى

خدایی * ای آقای من فرزند آقای من من مشتاقانه به زیارت حضرت آمده‌ام * تو نزد خدا مرا شفاعت

الله يا سيدي * و استشفع الى الله بجدك سيد النبيين * و بابيك

کن ای آقای من * من جد بزرگوارت سید انبیاء را به سوی خدا به شفاعت می‌طلبم * و نیز پدر بزرگوارت

سيد الوصيين * و بأمك فاطمة سيده نساء العالمين * الألعن الله

سید اوصیاء را * و مادر گرامیت فاطمه زهراء سیده زنان اهل عالم را نزد خدا به شفاعت می‌طلبم * لعن خدا

قاتليك * و لعن الله ظالميك * و لعن الله ساليك و مبغضيك

بر قاتلان تو * و بر آنان که بر تو ظلم و ستم کردند * و لعنت خدا بر آنان از خلق اولین و آخرین که مقام شما را

من الأولين و الآخرين * و صلى الله على سيدنا محمد و آله

ر بوده و با شما به کینه و دشمنی برخاستند * درود و رحمت خدا بر سید ما محمد و آل او که

الطيبين الطاهرين * آنگاه قبر مطهر را ببوس و متوجه شو به سوی علی بن الحسین (ع) و آن

نکویان و پاکیزگان عالمند. *

ایشان مصافحه کنند با او و با ایشانند پنج پیغمبر اولوالعزم نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله و علیهم اجمعین. راوی گفت: پرسیدم که به چه سبب ایشان را اولوالعزم می نامند؟ فرمود: به جهت آنکه ایشان مبعوث شده اند به مشرق و مغرب و جنّ و انس و اما الفاظ زیارت پس دو نحو نقل شده یکی همان زیارت است که برای اوّل رجب نقل شد، دیگر زیارتی است که شیخ کفعمی در کتاب بلد الامین از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرده * و آن زیارت چنین است، می ایستی نزد قبر آن حضرت و می گوئی: **الْحَمْدُ**

ستایش خدای را

لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الرَّكِي * *

که بلند مرتبه و بزرگ است * و سلام بر تو ای بنده شایسته پاکیزه صفات *

أُودِعُكَ شَهَادَةً مَنِّي لَكَ تُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ فِي يَوْمِ شَفَاعَتِكَ * أَشْهَدُ أَنَّكَ

من ودیعه می گذارم گواهی خود را نزد تو تا به تو روز شفاعت مرا نزدیک گرداند * شهادت می دهم که تو ای

قُتِلْتَ وَ لَمْ تَمُتْ * بَلْ بَرَجَاءِ حَيَاتِكَ حَيَّيْتُ قُلُوبَ شِيعَتِكَ * *

بزرگوار کشته شدی اما نمردی * بلکه زنده جاوید شدی و دل‌های شیعیان هم طفیل حیات ابدت به زندگانی جاوید امیدوار است *

وَبُضِيَاءِ نُورِكَ اهْتَدَى الطَّالِبُونَ إِلَيْكَ * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ نُورُ اللَّهِ الَّذِي

و به روشنی نور جمالت * طالبان حضرتت به سوی تو ره یافتند * و گواهی می دهم که تو آن نور خدایی که از ازل

لَمْ يُطْفَأْ وَلَا يُطْفَأْ أَبَدًا * وَأَنَّكَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي لَمْ يَهْلِكْ وَلَا يَهْلِكْ

روشن بوده و تا ابد هیچکس آن را خاموش نتواند کرد * و تو وجه باقی الهی که آن وجه باقی از ازل تا ابد هرگز نابود و فانی

أَبَدًا * وَأَشْهَدُ أَنَّ هَذِهِ التُّرْبَةَ تُرْبَتِكَ * وَ هَذَا الْحَرَمُ حَرَمُكَ * وَ هَذَا

نخواهد گشت * و گواهی می دهم که این تربت پاک کربلا خاک کوی توست * و این حرم شریف حرم مطهر تو * و این مکان جایی

الْمَصْرَعِ مَصْرَعِ بَدَنِكَ * لَا ذَلِيلَ وَاللَّهِ مُعِزُّكَ * وَلَا مَغْلُوبَ وَاللَّهِ

است که بدن مبارکت در اینجا به خاک افتاده * به خدا قسم که هر کس نزد تو عزیز است هرگز خوار نشود * و یار و ناصر تو

نَاصِرُكَ * هَذِهِ شَهَادَةٌ لِي عِنْدَكَ إِلَى يَوْمِ قَبْضِ رُوحِي بِحَضْرَتِكَ * *

مغلوب نخواهد گشت * این شهادت نزد تو باشد تا هنگام مرگ که روحم را حضور حضرتت قبض کنند *

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * ۴ * چهارم: زیارت شبهای قدر است بدان

و سلام و رحمت و برکات خدا بر جان پاک تو باد. *

که احادیث در فضیلت زیارت امام حسین (علیه السلام) در ماه مبارک رمضان خصوص شب اوّل و نیمه و آخر آن و در

خصوص شب قدر بسیار است * و از حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) منقول است که هر که زیارت کند امام

حسین (علیه السلام) را در شب بیست و سیّم ماه رمضان و آن شبی است که امید هست شب قدر باشد و در آن شب هر امر محکمی جدا و مقدر می شود مصافحه کنند با او روح بیست و چهار هزار ملک و پیغمبر که همه رخصت می طلبند از خدا در زیارت آن حضرت در این شب * و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق (علیه السلام) مروی است که چون شب قدر می شود منادی از آسمان هفتم از بطنان عرش ندا می کند که حق تعالی آمرزید هر که را که به زیارت قبر حسین (علیه السلام) آمده * و در روایت است که هر که شب قدر نزد قبر آن حضرت باشد و دو رکعت نماز گذارد نزد آن حضرت یا آنچه که میسر شود و از حق تعالی سؤال کند بهشت را و پناه برد از آتش، حق تعالی به او عطا فرماید سؤال او را و پناه دهد او را از آتش * و ابن قولویه از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که هر که زیارت کند قبر امام حسین (علیه السلام) را در ماه رمضان و بمیرد در راه زیارت از برای او عرض و حسابی نخواهد بود و به او بگویند که داخل بهشت شو بدون خوف و بیم. * و اما الفاظی که زیارت کرده می شود حضرت امام حسین (علیه السلام) به آن در لیله قدر پس چنان است که شیخ مفید و محمد بن المشهدی و ابن طاوس و شهید (علیه السلام) در کتب مزار ذکر نموده اند و آن زیارت را مختصّ به این شب و عیدین یعنی روز عید فطر و قربان قرار داده اند و شیخ محمد بن المشهدی به اسناد معتبر خود آن را از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده * و گفته که آن حضرت فرمودند: وقتی که اراده کردی زیارت کنی ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) را پس برو به مشهد آن حضرت بعد از آنکه غسل کرده باشی و پوشیده باشی پاکیزه ترین جامه های خود را پس چون ایستادی نزد قبر آن حضرت پس روی خود را به جانب آن حضرت کن و قبله را میان دو کتف خود قرار ده و بگو:

اَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ * اَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا ابْنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا * سلام بر تو ای فرزند امیر المؤمنین

* اَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الصَّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ

* سلام بر تو ای پسر صدیقه طاهره فاطمه زهراء بزرگ زنان اهل

العالمين * اَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ * وَرَحْمَةُ اللَّهِ

عالم * سلام بر تو ای آقای من ای ابا عبد الله * سلام و رحمت و برکات خدا

وَبَرَكَاتِهِ * اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلَاةَ * وَءَاتَيْتَ الزَّكَاةَ * وَامْرَأَتٌ

بر تو باد * گواهی می دهم که تو نماز را به پا داشتی * و زکوة به مستحقان دادی * و امت را

بِالْمَعْرُوفِ * وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ * وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ *

امر به معروف * و نهی از منکر کردی * و کتاب خدا را به حق و حقیقت تلاوت فرمودی *

وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ * وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ مُحْتَسِبًا

و در راه دین خدا حق جهاد و کوشش را به حد کمال فرمودی * و بر اذیت و آزار امت صبر کردی و خالص برای طرفداری دین خدا

حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ * أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ خَالَفُوكَ وَ حَارَبُوكَ * وَالَّذِينَ

مراقبت کامل تمام عمر تا هنگام رحلت و شهادت فرمودی * گواهی می‌دهم که آنان که با تو به مخالفت و جنگ برخاستند * و آنان

خَذَلُوكَ * وَالَّذِينَ قَتَلُوكَ * مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ * وَقَدْ

که تو را یاری نکردند * و آنان که تو را شهید کردند * همه به زبان پیغمبر امی لعن شدند * و زبان و خواری بر کسانی که

خَابَ مَنْ افْتَرَى * لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْأُولَىٰ وَ الْأَخِيرِينَ *

به شما افتراء بستند * خدا لعنت کند آنان که در حق شما ظلم و ستم کردند از خلق اولین و آخرین بر همه لعنت ابد *

وَ ضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ * أَتَيْتَكَ يَا مَوْلَايَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ

و عذابشان مضاعف شدید و دردناک باد * ای آقای من ای فرزند رسول خدا * با معرفت به حق

* زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ * مَوْلِيًا لِأَوْلِيَائِكَ * مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ * مُسْتَبْصِرًا

امامت و خلافت بدین درگاه به زیارت حضرت آمده‌ام * و دوست با دوستانت * و دشمن با دشمنان توام * و بدان راه

بِالْهُدَىٰ الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ * عَارِفًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ * فَاشْفَعْ لِي

هدایت و ایمان که تو بر آن بودی بصیر و معتقدم * و عارف و واقفم به گمراهی مخالفانت * پس مرا نزد

عِنْدَ رَبِّكَ * پس بچسبان خود را بر قبر و روی خود را بر آن گذار پس می‌روی به جانب سر مقدس و

خدا شفاعت فرما *

مِي غَوْنِي: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ * صَلَّى اللَّهُ

سلام بر تو ای حجت خدا در همه زمین و آسمان * درود خدا

عَلَى رُوحِكَ الطَّيِّبِ * وَ جَسَدِكَ الطَّاهِرِ * وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا مَوْلَايَ

بر روح پاک * و جسم مطهرت باد * و بر تو سلام باد ای آقای من و درود

وَ رَحْمَةً اللَّهُ وَ بَرَكَاتِهِ * پس بچسبان خود را به قبر و بیوس آن را و بگذار صورت خود را بر آن

و رحمت و برکات خدای بر تو باد *

و بگرد به جانب سر، پس دو رکعت نماز زیارت گذار و نماز کن بعد از آن دو رکعت آنچه میسر شود تو را پس از آن برو

به سمت پا و زیارت کن علی بن الحسین (علیه السلام) را و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ ابْنَ مَوْلَايَ

سلام بر تو ای آقای من فرزند آقای من (ای علی بن الحسین)

﴿ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ﴾ * لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ * وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ

* رحمت و برکات خدا بر تو باد * خدا لعنت کند آن کس را که در حق تو ظلم و ستم کرد * و خدا لعنت کند آن کس که تو را

قَتَلَكَ * وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿۵﴾ * ودعاکن به آنچه می خواهی پس زیارت کن

به قتل رسانید * خدا عذاب دردناک او را مضاعف و شدید گرداند *

شهدا را در حالیکه میل کنی از سمت پا به طرف قبله پس بگو: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الصِّدِّيقُونَ

سلام بر شما ای راستگویان با ایمان کامل

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الصَّابِرُونَ * أَشْهَدُ أَنَّكُمْ جَاهَدْتُمْ فِي

* سلام بر شما ای شهیدان راه خدا که صبر و شکیبایی کردید * گواهی می دهم که شما در راه خدا

سَبِيلِ اللَّهِ * وَصَبَرْتُمْ عَلَى الْأَذَى فِي جَنبِ اللَّهِ * وَنَصَحْتُمْ لِلَّهِ

جهاد کردید * و بر هر رنج و بلا صبر و تحمل نمودید * در طرفداری دین خدا و در راه رضای خدا و رسولش همیشه نصیحت و

وَلِرَسُولِهِ حَتَّىٰ آتَاكُمْ الْيَقِينَ * أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَرْزُقُونَ

خیرخواهی کردید تا هنگام شهادت و رحلت از دنیا * گواهی میدهم که شما زنده ابدید نزد خدا و به رزق آسمانی منتعم شدید

فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ * أَفْضَلَ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ * وَجَمَعَ

* پس خدا از اسلام و اهل اسلام * به شما پاداش بهترین نیکوکاران عالم را عطا فرماید * و بین ما

بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي مَحَلِّ النَّعِيمِ ﴿۶﴾ * پس می روی به زیارت عباس بن امیرالمؤمنین (علیه السلام)

و شما در محل نعمت ابد جمع گرداند *

همین که رسیدی آنجا و ایستادی نزد آن جناب بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

سلام بر تو ای پسر امیر المؤمنین

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ * أَشْهَدُ

* سلام بر تو ای بنده شایسته مطیع فرمان خدا و رسول خدا * گواهی می دهم که تو در راه خدا

أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ وَنَصَحْتَ وَصَبَرْتَ حَتَّىٰ آتَاكَ الْيَقِينَ * لَعَنَ اللَّهُ

جهاد کردی و نصیحت و خیرخواهی در همه عمر تا هنگام رحلت و شهادت فرمودی و صبر ورزیدی * خدا ظالمان

الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْأُولَىٰ وَالْآخِرِينَ * وَالْحَقَّهُمْ بِدَرَكٍ الْجَحِيمِ ﴿۷﴾ * پس

در حق شما را از خلق اولین و آخرین لعنت کند * و آنها را به قعر دوزخ در افکند *

نماز تطوع کند در مسجد آن جناب هرچه خواهد و بیرون رود. ﴿۵﴾ پنجم: زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام)

است در عید فطر و قربان به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که هر که در یک شب از سه شب قبر

امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود شب عید فطر یا شب عید اَضْحی یا شب نیمه شعبان * و به روایت معتبر از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) منقول است که فرمود: سه شب است که هرکه زیارت کند حضرت امام حسین (علیه السلام) را در آن شبها، گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود، شب نصف شعبان و شب بیست و سیّم ماه رمضان و شب عید یعنی شب عید فطر. * و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که کسی که زیارت کند امام حسین (علیه السلام) را در شب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عرفه در یک سال بنویسد حق تعالی برای او هزار حجّ مبرور و هزار عمره مقبوله و بر آورد از برای او هزار حاجت دنیا و آخرت و از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) مروی است که هرکه شب عرفه در زمین کربلا باشد و بماند آنجا تا زیارت روز عید کند و برگردد، نگاه دارد حق تعالی او را از شرّ آن سال. * بدان که علماء از برای این دو عید شریف دو زیارت نقل کرده اند یکی زیارت سابقه که به جهت لیالی قدر ذکر شد و دیگر این زیارت است و از کلمات ایشان ظاهر می شود که زیارت سابقه مال روزهای عیدین است و این زیارت مال شبهای عیدین. فرموده اند چون اراده کنی زیارت آن حضرت را در این دو شب پس بایست بر درّ قبّه مطهره و نظریه یکن به جانب قبر و بگو به جهت استیدان:

يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ * يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ * عَبْدُكَ وَابْنُ امَّتِكَ

ای آقای من ای ابا عبد الله * ای فرزند رسول خدا * این بنده تو فرزند کنیز تو که به حال

الذَّيْلُ بَيْنَ يَدَيْكَ * وَ الْمَصْغَرُّ فِي عُلُوِّ قَدْرِكَ * وَ الْمَعْتَرِفُ بِحَقِّكَ *
خواری و ذلت در حضور توست * و در مقابل مقام عالی قدرت متواضع و کوچک است * و به حق و حقانیت مقرر و معترف است *

جَاءَكَ مُسْتَجِيرًا بِكَ * قَاصِدًا إِلَى حَرَمِكَ * مُتَوَجِّهًا إِلَى مَقَامِكَ *
به درگاه (کرمت) پناه آورده * و به قصد زیارتت بر درگاه حرم شریف وارد گردیده * با توجه به مقام منیع تو *

مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ * أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ * أَدْخُلْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ *
و با توسل به سوی خدای متعال به واسطه تو * آیا اکنون به حرم شریف در آیم؟ * ای مولای من ای ولی خدا به حرم شریف داخل

أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ * الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا
گردم؟ * ای فرشتگان که گرد این حرم حلقه زده اید * در این حرم شریف

الْمَشْهَدِ * پس اگر دلت خاشع شد و چشمت گریان شد داخل شو و مقدم دار پای راست را بر پای چپ

داخل شوم؟ *

و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ *
به نام خدا و به ذات خدا * و در راه خدا * و بر آیین و طریقه رسول خدا *

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ *

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ *

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ *

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ *

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ *

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ *

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ *

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ *

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ *

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ *

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ *

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ *

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ *

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ *

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ *

اللَّهُمَّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا * وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ * پس بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ

پروردگارا مرا به منزلی با خیر و برکت وارد ساز * که تو بهترین منزل دهنده‌گانی * خدا بزرگتر از آن است

كَبِيرًا * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا * وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا * وَالْحَمْدُ

که ادراک شود * و حمد و ستایش بسیار مخصوص خداست * و صبح و شام خدا را تنزیه می‌کنم * ستایش مخصوص

لِلَّهِ الْفَرْدُ الصَّمَدِ الْمَاجِدِ الْأَحَدِ * أَلْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ

خدای فرد غنی ذات بزرگوار یکتاست * که صاحب فضل و نعمت و احسان و عطوفت است

الَّذِي مِنْ تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لِي زِيَارَةَ مَوْلَايَ بِإِحْسَانِهِ * وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ

* آنکه از جمله نعم و احسانش در حق من این است که زیارت آقایم حسین را بر من سهل و میسر گردانید * و از زیارتش

زِيَارَتِهِ مَمْنُوعًا * وَلَا عَنْ ذِمَّتِهِ مَدْفُوعًا * بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنْحٌ * پس داخل

محرومم نفرمود * و از ذمه عهد ولایتش ممنوعم نمود * بلکه بر من لطف و احسان کرد *

شُو وَچون به میان روضه رسیدی بایست محاذی قبر مطهر با حال خضوع و گریه و تضرع و بگو: السَّلَامُ

سلام بر

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ أَمِينِ

تو ای وارث علم آدم برگزیده خدا * سلام بر تو ای وارث حلم نوح امین

اللَّهُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

خدا * سلام بر تو ای وارث اخلاص ابراهیم خلیل و دوست خاص خدا * سلام بر تو ای

وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ * السَّلَامُ

وارث جلال موسی سخن گوی با خدا * سلام بر تو ای وارث عیسی روح الله * سلام بر

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَبِيبِ اللَّهِ * السَّلَامُ

تو ای وارث مقام جامع محمد صلی الله علیه و آله حبیب خدا * سلام بر

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيٍّ حُجَّةِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ لِبَرِّ التَّقَى

تو ای وارث مقام علی (ع) حجت خدا * سلام بر تو ای وصی نیکوکار با تقوی کامل

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ * وَالْوَتَرَ الْمُوتُورَ * أَشْهَدُ أَنَّكَ

* سلام بر تو ای کسی که خون تو و پدر بزرگوارت در راه خدا ریخته شد و خدا خونهای شما و خونخواه و منتقم از دشمنان شماست * و خدا از ظلم و جور وارد بر

قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ * وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ * وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ * وَنَهَيْتَ

شما دادخواهی می‌کند * گواهی می‌دهم که تو نماز به پا داشتی * و زکوة به مستحقان عطا کردی * و امر را امر به معروف * و نهی

عَنْ الْمُنْكَرِ * وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى اسْتَبِيحَ حَرْمَكَ *

از منکر کردی * همه عمر و در راه خدا به حق جهاد فرمودی تا وقتی که حرمتت را نگاه نداشتند *

وَ قَتَلْتَ مَظْلُومًا * پس بایست در نزد سر مقدس با دل خاشع و چشم گریان و بگو: اَسْلَامُ

و مظلوم شهیدت کردند * سلام بر

عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ * اَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ * اَسْلَامُ

تو ای ابا عبد الله * سلام بر تو ای فرزند رسول خدا (ص) * سلام بر

عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ * اَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ

تو ای پسر سید اوصیاء پیغمبر (ص) * سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهراء

سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * اَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بَطْلَ الْمُسْلِمِينَ * يَا مَوْلَايَ

سیده زنان اهل عالم * سلام بر تو ای یگانه شجاع و سلحشور عالم اسلام * ای آقای من

اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُوْرًا فِي الْاَصْلَابِ الشَّامِخَةِ * وَ الْاَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ *

گواهی می‌دهم که شما در عالی پاک پدران * و ارحام مطهر مادران نور پاک الهی بودید *

لَمْ تَنْجَسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِاَنْجَاسِهَا * وَ لَمْ تَلْبَسْكَ مِنْ مَدْلَهْمَاتِ

و هرگز مقام توحید کامل شما آلوده به ناپاکیهای شرک و جاهلیت نگردید * و غباری از رذایل صفات عصر شرک و جهالت بر دامن

ثِيَابِهَا * وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ * وَ اَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ *

توحید شما نشست * و گواهی می‌دهم که تو از اسطوانه‌های دین * و پایه‌ها و ارکان مسلمانان *

وَ مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ * وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ

و دژ محکم مؤمنان * و گواهی می‌دهم که شما پدید امام بزرگوار و منزه و پسندیده صفات و رهبر و راهنمای

الْهَادِي الْمَهْدِي * وَ اَشْهَدُ اَنَّ الْاِئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى * وَ اَعْلَامُ

خلق به سوی خدا * و گواهی می‌دهم که هر یک از امامان فرزندان همه روح زهد و تقوی بودند * و پرچم

الْهُدَى * وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى * وَ الْحُجَّةُ عَلَى اَهْلِ الدُّنْيَا * پس بچسبان خود

هدایت * و وسیله محکم ایمان * و حجت کامل خداوند بر اهل دنیا بودند *

رَابَهُ قَبْرٍ وَ بَگو: اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ * يَا مَوْلَايَ * اَنَا مُوَالٍ لَوَلِيِّكُمْ

ما از جانب خدا آمده ایم و به سوی او باز می‌گردیم * ای مولای من * من دوستدار دوست شما

* وَ مَعَادٍ لِعَدُوِّكُمْ * وَ اَنَا بِكُمْ مُؤْمِنٌ * وَ بَايَا بَكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي

* و دشمن با دشمنان شما هستم * و نیز من به حقانیت شما ایمان دارم * و به بازگشت شما از روی یقین معتقدم هر قدمی که در

وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي * وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَامٌ * وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ * يَا

راه دین بردارم و هر عمل که بانجام رسانم به دوستی شما خاندان رسالت است * دلم تسلیم قلب پاک شما * و کارم تابع امر مبارک شماست * ای

مَوْلَايَ اَتَيْتَكَ خَائِفًا فَاَمْنِي * وَ اَتَيْتَكَ مُسْتَجِيرًا فَاجْرِنِي * وَ اَتَيْتَكَ

آقای من به درگاهت خائف و ترسان از گناهان آمده‌ام * و به حضرتت پناه آورده‌ام مرا پناه ده * و با حال فقر

فَقِيرًا فَاغْنِنِي * سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ * اَنْتَ مَوْلَايَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيَّ اَلْمَخْلُقِ

و بینوایی آمده‌ام مرا بی‌نیاز گردان * ای سید من ای آقای من * تویی مولای من و حجت خدا

اَجْمَعِينَ * اٰمَنْتُ بِسِرِّكَمَّ وَ عَلَانِيَتِكُمْ * وَ بَظَاهِرِكُمْ وَ بَاطِنِكُمْ *

بر تمام خلق * من به پنهان و آشکار شما * و ظاهر و باطن شما *

وَ اَوَّلِكُمْ وَ اٰخِرِكُمْ * وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ التَّلٰى لِكِتَابِ اللَّهِ وَ اٰمِنُ بِاللَّهِ *

و اول و آخر شما ایمان آورده‌ام * گواهی می‌دهم که تو ای بزرگوار جانشین و تالی مرتبه کتاب خدا هستی و امین وحی خدا *

اَلدَّاعِي اِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ * لَعَنَ اللَّهُ اُمَّةً

و دعوت کننده خلق با حکمت و برهان و موعظه و اندرز نیکو به سوی خدا هستی * خدا لعنت کند امتی را که

ظَلَمْتَكَ * وَ اُمَّةً قَتَلْتَكَ * وَ لَعَنَ اللَّهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ

در حق شما ظلم و ستم کردند * و امتی که تو را کشتند * و لعنت خدا بر امتی که به ظلم و قتل شما چون شنیدند راضی و خوشنود

بِهِ * پس دو رکعت نماز نزد سر آن حضرت بکن و چون سلام گفتی بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِي لَكَ صَلَّيْتُ

شدند * پروردگارا من به جا آوردم نماز

وَ لَكَ رَكَعْتُ * وَ لَكَ سَجَدْتُ * وَ حَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ * فَاِنَّهُ لَا

* و رکوع * و سجود برای تو * خدایی که یگانه و یکتایی و شریک نداری * زیرا نماز

تَجُوزُ الصَّلَاةَ وَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ اِلَّا لَكَ * لِاَنَّكَ اَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا

و رکوع و سجود جز برای تو بر هیچکس روا نیست * که تویی یگانه خدایی که هیچ

اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ اَبْلِغْهُمْ عَنِّي

خدایی جز تو نیست * پروردگارا بر محمد و آل محمد درود فرست * و از من بر آن

اَفْضَلَ السَّلَامِ وَ التَّحِيَّةِ * وَ اَرْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ * اَللّٰهُمَّ وَ هَاتَانِ

ارواح پاک بهترین سلام و تحیت برسان * و از آن بزرگواران هم به من پاسخ سلامم باز گردان * پروردگارا و این

الرَّكَعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِّنِّي اِلَى سَيِّدِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ *

دو رکعت نماز هدیه من به پیشگاه آقایم حسین بن علی علیهما السلام است *

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ * وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي * وَاجْزِنِي عَلَيْهِمَا

خدایا درود فرست بر محمد مصطفی و بر حسین شهید * و این دو رکعت نماز را از من قبول بفرما * و پاداشی بهتر از آنچه

أَفْضَلَ أَمَلِي * وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي وَلِيِّكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ * پس بچسبان

آرزو و امیدم * از لطف و کرم تو و ولی توست به من عطا فرما ای دوستدار اهل ایمان *

خود را بر قبر و بیوس آن را و بگو: السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ *

سلام بر حسین بن علی آن شهید مظلوم *

قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ * وَأَسِيرِ الْكُرْبَاتِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ * وَلِيِّكَ وَابْنُ

آن مظلومی که کشته اشک چشمان * و اسیر رنج و مصایب سخت گردید * ای خدا من گواهی می‌دهم که حضرت حسین ولی تو

وَلِيِّكَ * وَصَفِيكَ الثَّائِرُ بِجُحُكَ * أَكْرَمْتَهُ * وَبَكَرَامَتِكَ * وَخَتَمْتَ لَهُ * وَ

فرزند ولی توست * و برگزیده تو که خشم و غضبش برای حق دین تو بود * و تو در حق او کرم فرمودی * و ختم کارش

بِالشَّهَادَةِ * وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ * وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ *

را شهادت قرار دادی * و او را بزرگی از بزرگان عالم * و پیشوایی از پیشوایان الهی جهان گردانیدی *

وَ أَكْرَمْتَهُ * وَبَطِيبِ الْوَلَادَةِ * وَاعْطَيْتَهُ * وَمَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ * وَجَعَلْتَهُ * وَ

و او را از کرمت طیب ولادت و پاکي نژاد * و میراث علم و صفات کمالیه پیغمبران را به او عطا کردی * و او را حجت

حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ * فَاعْذِرْ فِي الدُّعَاءِ * وَمَنْحِ النَّصِيحَةِ

بر خلقت از اوصیاء رسول قرار دادی * و نیز او هم در دعوت خلق به سوی خدا * از نصیحت و خیرخواهی امت خودداری نکرد

* وَبَدَلِ مَهْجَتِهِ * فِيكَ * حَتَّى اسْتَنْقَذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ

* تا آنکه جان پاکش را در راه تو فدا کرد * تا خلق را از جهل و نادانی و حیرت و گمراهی

(وَخِيْبَةِ) الضَّلَالَةِ * وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مِنْ غَرْتِهِ الدُّنْيَا * وَبَاعَ حَظَّهُ * وَ

نجات داد * و از مردم گروهی بر علیه او همدست شدند که دنیا آنان را فریب داده * و بهره آخرت را به حظ ناچیز

مِنَ الْآخِرَةِ بِالْأَدْنَى * وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ * وَأَسْخَطَكَ * وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ *

پست دنیا فروختند * و در هوای نفس هلاک شدند * و تو را و رسولت را به خشم آوردند *

وَاطَّاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَوْلَى الشَّقَاقِ وَالنِّفَاقِ * وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ

و از آن بندگان که اهل شقاوت و نفاق بودند * و بار گناه بسیار به دوش داشتند و مستوجب آتش دوزخ شدند اطاعت

النَّارِ * فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ * لَا تَأْخُذُهُ * وَ

کردند * پس آن حضرت با آن مردم جهاد کرد در راه رضا و خشنودی تو با صبر و تحمل و آزمون و توجه کامل بدون روگردانی * در

فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّائِمٌ حَتَّىٰ سَفَكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ * وَاسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ *
 حالی که در راه خدا از سرزنش و ملامت پاک نداشت تا آنکه خون پاکش در راه طاعتت ریخته شد * و حرمت خویش مباح گردید *

اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ لَعْنًا وَبِيلاً * وَعَذِبَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا *
 پروردگارا آنها را به لعن ناگوار شدید لعنت کن * و به عذاب دردناک الیم معذب گردان *

بن الحُسَيْنِ (عليه السلام) و آن جناب در طرف پای مبارک حضرت حسین (عليه السلام) است پس بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای

يَا وَلِيَّ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

ولی خدا * سلام بر تو ای فرزند رسول خدا (ص) * سلام بر تو ای فرزند

خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

خاتم پیغمبران * سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهراء سیده زنان عالم

* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ

* سلام بر تو ای پسر امیر المؤمنین * سلام بر تو ای شهید

الشَّهِيدُ * بَابِي أَنْتَ وَآمِي عِشْتَ سَعِيدًا * وَقَتِلْتَ مَظْلُومًا شَهِيدًا

مظلوم * پدر و مادرم فدای تو باد که عمری به سعادت زندگی کردی * و مظلوم کشته شدی و به مقام رفیع شهادت رسیدی

* پس روکن به سوی قبور شهداءِ رِضْوَانِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَبِغَوْ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الذَّابُونَ

* سلام بر شما ای کسانی که برای دفاع از توحید خدا قیام کردید

عَنْ تَوْحِيدِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ

و با دشمنان جهاد نمودید * سلام و تحیت بر شما باد در عوض صبر و تحملی که فرمودید پس نیکو عاقبت در دار آخرت شدید *

بَابِي أَنْتُمْ وَآمِي فُزْتُمْ فَوْزًا عَظِيمًا * پس برو به مشهد عباس بن علی (عليه السلام) و بایست نزد

پدر و مادرم فدای شما که به فوز و سعادت بزرگی کامیاب گردیدید *

ضريح شريف آن جناب و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ * وَ الصِّدِّيقُ

سلام بر تو ای بنده شایسته خدا * و صادق با ایمان کامل که با برادرت حسین (ع) مواسات

الْمُوَاسِي * أَشْهَدُ أَنَّكَ ءَامَنْتَ بِاللَّهِ * وَ نَصَرْتَ ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ *
 و فداکاری کردی * گواهی می‌دهم که تو به خدا کاملا ایمان آوردی * و فرزند پیغمبر خدا را یاری کردی *

وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ * وَ وَاسَيْتَ بِنَفْسِكَ * فَعَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ

و خلق را به راه خدا دعوت کردی * و با جان با برادر بزرگوارت یاری کردی * پس بهترین تحیت

أَفْضَلُ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ ❀ پس بچسبان خود را به قبر و بگو: يَا أَبَا أَنْتَ وَ أُمِّي يَا

و درود خدا بر جان پاک تو باد ❀ پدر و مادرم فدای تو باد ای

نَاصِرِ دِينِ اللَّهِ ❀ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ الْحُسَيْنِ الصِّدِّيقِ ❀ السَّلَامُ

ناصر دین خدا ❀ سلام بر تو ای یاری کننده حسین صدیق ❀ سلام

عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ ❀ عَلَيْكَ مِنِّي السَّلَامُ مَا بَقِيَتْ

بر تو باد ای یاری کننده حسین شهید ❀ بر تو باد از من درود و سلام تا باقی هستم

و بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ ❀ پس نماز کن در نزد سر آن حضرت دو رکعت و بگو بعد از آن آنچه را که

و باقی است شب و روز ❀

می گفתי در نزد سر حضرت حسین (علیه السلام) یعنی بخوان دعاء اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ بِكَ بِسْمِ اللَّهِ

مشهد حسین (علیه السلام) و بمان در نزد آن حضرت آنچه خواهی مگر آنکه مستحب است آنجا را مکان بیتوته یعنی

خوابگاه قرار ندهی ❀ و چون خواهی وداع کنی آن حضرت را بایست در نزد سر و گریه کن و بگو: السَّلَامُ

بر

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُودِعٌ لَا قَالٍ وَلَا سِئَمٌ ❀ فَإِنِ انْصَرَفَ فَلَا عَن

تو ای آقای من سلام وداعی که نه از روی ملال و خستگی است ❀ که اگر از حضور حضرتت بروم نه از

مَلَالَةٍ ❀ وَإِنِ اقِمْتُ فَلَا عَن سَوْءِ ظَنِّ بِنَا وَ عَدَدِ اللَّهِ الصَّابِرِينَ ❀ يَا مَوْلَايَ

ملالت است ❀ و اگر اقامت کنم نه از سوء ظن به آنچه خدا صابران را وعده داده است خواهد بود ❀ ای آقای من

لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ ❀ وَ رَزَقَنِي الْعُودَ إِلَيْكَ ❀

خدا این زیارت را آخرین عهد من به زیارتت قرار نهدد ❀ و بر بازگشت به این درگاه ❀

و الْمَقَامِ الْمَقَامِ) فِي حَرَمِكَ ❀ وَالْكَوْنِ فِي مَشْهَدِكَ ❀ ءَامِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

و اقامت در این حرم شریف ❀ و مشهد مقدست موفقم بدارد ❀ ای پروردگار عالم این دعا را اجابت فرمای.

❀ پس بیوس ضریح را و جمیع بدن خود را بر آن بمال. به درستی که آن باعث امان و حرز تو است و بیرون برو

❀

از نزد آن حضرت به طوری که رویت به جانب قبر باشد و پشت بر او مکن و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای

سَلَامٌ

بر تو ای

سَلَامٌ

بر تو ای

سَلَامٌ

بر تو ای

سَلَامٌ

بر تو ای

سَلَامٌ

بر تو ای

سَلَامٌ

بر تو ای

سَلَامٌ

بر تو ای

سَلَامٌ

بر تو ای

سَلَامٌ

بر تو ای

بَابُ الْمَقَامِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

درگاه و اقامتگاه * سلام بر تو ای شریک قرآن * سلام بر تو ای حجت

حُجَّةَ الْخِصَامِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

بر علیه دشمنان * سلام بر تو ای کشتی نجات دوستان * سلام بر شما ای

يَا مَلَائِكَةَ رَبِّي الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْحَرَمِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ

فرشتگانی که در این حرم شریف اقامت گزیده‌اید * سلام ما بر تو مادامی که

وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ * وَبِئْسَ مَا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * وَلَا حَوْلَ

شب و روز در عالم است * ما از جانب خدا آمده‌ایم و به سوی او باز می‌گردیم * و هیچ قدرت

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * پس برو بیرون و سید بن طاوس و محمد بن المشهدی

و نیروئی در جهان جز به قدرت خدای بلند مرتبه بزرگ نخواهد بود *

گفته‌اند پس در وقتی که چنین کردی مثل کسی مانی که زیارت کرده خدا را در عرش. ﴿۶﴾ ششم: زیارت امام

حسین (علیه السلام) در روز عرفه است. بدان که آنچه از اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) در باب زیارت عرفه رسیده از

کثرت اخبار و بسیاری فضیلت و ثواب زیاده از آن است که احصا شود و ما به جهت تشویق زائرین به ذکر چند

حدیث اکتفا می‌نماییم. * به سند معتبر از بشیر دَهَّان منقول است که گفت عرض کردم به خدمت حضرت

صادق (علیه السلام) که گاه هست حج از من فوت می‌شود و روز عرفه را نزد قبر امام حسین (علیه السلام) می‌گذرانم. فرمود که:

نیک می‌کنی ای بشیر، هر مؤمنی که به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) برود با شناسایی حق آن حضرت در غیر روز

عید، نوشته شود برای او ثواب بیست حج و بیست عمره مبروره مقبوله و بیست جهاد با پیغمبر مرسل یا امام

عادل و هر که زیارت کند آن حضرت را در روز عید بنویسد حق تعالی برای او ثواب صد حج و صد عمره و صد

جهاد با پیغمبر مرسل یا امام عادل و هر که زیارت کند آن حضرت را در روز عرفه با معرفت حق آن حضرت نوشته

شود برای او ثواب هزار حج و هزار عمره پسندیده مقبوله و هزار جهاد با پیغمبر مرسل یا امام عادل. گفتم: کجا

حاصل می‌شود برای من ثواب موقف عرفات؟ پس آن حضرت نظر کرد به سوی من مانند کسی که خشمناک

باشد و فرمود که: ای بشیر هرگاه مؤمنی برود به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه و غسل کند در نهر فرات

پس متوجه شود به سوی قبر آن حضرت، بنویسد حق تعالی از برای او بهر گامی که برمی‌دارد حجی که با همه

مناسک به عمل آورده باشد و چنین گمان دارم که فرمود و عمره (غزوه). * و در احادیث کثیره بسیار معتبره وارد

شده که حق تعالی در روز عرفه، اول نظر رحمت به سوی زائران قبر حسین (علیه السلام) می‌افکند پیش از آنکه نظر به

اهل موقف عرفات کند * و در حدیث معتبر از رفاعه منقول است که حضرت صادق (علیه السلام) به من فرمود که: امسال حجّ کردی؟ گفتیم: فدایت شوم زری نداشتم که به حج روم ولکن عرفه را نزد قبر امام حسین (علیه السلام) گذرانیدم، فرمود که: ای رفاعه هیچ کوتاهی نکردی از آنچه اهل منی در آن بودند اگر نه این بود که کراهت دارم که مردم ترک حجّ کنند هر آینه حدیثی برای تومی گفتیم که هرگز ترک زیارت قبر آن حضرت نکنی پس ساعتی ساکت شد و بعد از آن فرمود که: خبر داد مرا پدرم که هر که بیرون رود به سوی قبر امام حسین (علیه السلام) و عارف به حق آن حضرت باشد و با تکبیر نرود، همراه او می شوند هزار ملک از جانب راست و هزار ملک از جانب چپ و نوشته شود برای او ثواب هزار حجّ و هزار عمره که با پیغمبر یا وصی پیغمبر کرده باشد. * و اما کیفیت زیارت آن حضرت پس چنان است که علماء اجلّه و رؤساء مذهب و ملت فرموده اند چون خواستی آن حضرت را در این روز زیارت کنی پس اگر ممکن شد تو را که از فرات غسل کنی چنان کن و اگر نه از هر آبی که تو را ممکن باشد، و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و قصد زیارت آن حضرت کن در حالتی که به آرامی و وقار و تائی باشی، * پس چون به در حایر برسی بگو: **اللَّهُ أَكْبَرُ** * و بگو:

خدا بزرگتر است *

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا * وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

خدا بزرگتر از هر حد و وصف است * و ستایش بسیار مخصوص خداست * و آن ذات یکتا را صبح و شام تنزیه و تسبیح می گوئیم

*** وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا * وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا**

* و ستایش خدا را که ما را به این درگاه هدایت فرمود * و اگر خدا ما را هدایت نمی فرمود ما به خود راه به این آستان قدس

اللَّهُ * لَقَدْ جَاءَتْ رَسُولُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ * السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى

نمی یافتیم * همانا رسولان پروردگار ما به حق آمدند * سلام بر رسول خدا صلی الله

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ

علیه و آله * سلام بر امیر المؤمنین (ع) * سلام بر فاطمه زهراء

الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ *

سیده زنان عالم * سلام بر حسن و حسین علیهما السلام *

السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ * السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ * السَّلَامُ

سلام بر علی بن الحسین (زین العابدین) * سلام بر محمد بن علی الباقر * سلام

عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ * السَّلَامُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ * السَّلَامُ عَلَى

بر جعفر بن محمد الصادق * سلام بر موسی بن جعفر * سلام بر حضرت

عَلِيَّ بْنِ مُوسَى * السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ * السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ

علی بن موسی الرضا * سلام بر محمد بن علی التقی * سلام بر علی بن محمد

مُحَمَّدٍ * السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ * السَّلَامُ عَلَى الْخَلْفِ الصَّالِحِ

النقی * سلام بر حسن بن علی العسکری * سلام بر خلف صالح امام

الْمُنْتَظَرِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

منتظر * سلام بر تو ای ابا عبد الله * سلام بر تو ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ * عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ * أَلْمَوَالِي لَوْلِيكَ

رسول خدا * من غلام و چاکرت فرزند غلام و کنیز و چاکر درگاهت * دوستدار دوستان *

الْمُعَادِي لِعَدُوِّكَ * اسْتَجَارَ بِمَشْهَدِكَ * وَتَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ بِقَصْدِكَ

و دشمن بد اندیشان توام * به مشهد و حرم مطهرت پناه آورده * و به قصد زیارتت به سوی خدا تقرب می جویم *

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي لَوْلَايَتِكَ * وَخَصَّنِي بِزِيَارَتِكَ * وَسَهَّلَ لِي

ستایش خدای را که مرا به معرفت مقام ولایتت هدایت فرمود * و به زیارت حضرتت مخصوص گردانید * و قصد درگاهت را

قَصْدَكَ * پس داخل روزه شو و بایست محاذی سرو بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ

بر من سهل و آسان داشت * سلام بر تو ای وارث علوم آدم (ع)

صَفْوَةَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ بْنِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

برگزیده خدا * سلام بر تو ای وارث حلم نوح پیغمبر خدا * سلام بر تو ای

وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ

وارث ابراهیم خلیل خدا * سلام بر تو ای وارث شجاعت موسای کلیم و سخنگوی خدا *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

سلام بر تو ای وارث زهد و مقامات عیسی روح پاک الهی * سلام بر تو ای وارث

مُحَمَّدِ حَبِيبِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ

معرفت حضرت محمد حبیب خدا * سلام بر تو ای وارث امیر المؤمنین * سلام بر

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ

تو ای وارث مقام تقرب فاطمه زهراء * سلام بر تو ای فرزند محمد

الْمُصْطَفَى * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

مصطفی (ص) * سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی (ع) * سلام بر تو ای

ابن فاطمة الزهراء * السلام عليك يا ابن خديجة الكبرى * السلام

فرزند فاطمه زهراء * سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری * سلام بر تو ای کسی که از خون پاک تو و پدر بزرگوارت

عليك يا ثار الله و ابن ثاره * و الوتر الموتور * أشهد أنك قد أقت

خدا به شمشیر امام عصر انتقام می‌کشد * و خدا از ظلم و ستم وارد بر تو دادخواهی می‌کند * گواهی می‌دهم که تو

الصلاة * و آتيت الزكاة * و أمرت بالمعروف * و نهيت عن المنكر

نماز را به پا داشتی * و زکوة دادی * و امر به معروف * و نهی از منکر فرمودی

و أطعت الله حتى أتاك اليقين * فلعن الله أمة قتلتك * و لعن

* و خدا را تا هنگام رحلت اطاعت کردی * پس خدا لعنت کند امتی را که تو را مقتول کردند * و امتی را

الله أمة ظلمتك * و لعن الله أمة سمعت بذلك فرضيت به * يا

که به تو ظلم و ستم کردند * و خدا لعنت کند امتی را که شنیدند و بدان راضی و خوشنود شدند * ای

مولاي يا ابا عبد الله * أشهد الله و ملائكته و انبياءه و رسله و

مولای من ای ابی عبد الله * خدا را گواه می‌گیرم و ملائکه و پیغمبران و رسولان خدا را

اني بكم مؤمن * و بايا بكم مؤمن * بشرائع ديني و خواتيم عملي

* که من ایمان قلبی به شما دارم * و به رجعت شما یقین دارم * در همه طریق آیین و خاتمه تمام عملم *

و منقلبي الى ربي * فصلوات الله عليكم * و على ارواحكم و على

و هنگام رفتنم به سوی پروردگارم * پس درود خدا بر شما * و بر ارواح پاک و اجساد

اجسادكم * و على شاهديكم و على غائبكم * و ظاهركم و باطنكم

شریف شما * و افراد حاضر و غایب * و ظاهر و باطن شما باد

السلام عليك يا ابن خاتم النبیین * و ابن سيد الوصیین * و ابن

* سلام بر تو ای فرزند خاتم پیغمبران * و ای فرزند سید اوصیاء پیغمبر * و ای فرزند

امام المتقين * و ابن قائد الغر المحجلين الى جنات النعيم * و كيف

امام اهل تقوی * و قائد و پیشوای روسفیدان عالم به سوی بهشتیهای پر ناز و نعمت ابدی * و چگونه

لا تكون كذلك * و انت باب الهدى * و امام التقى * و العروة الوثقى

به این اوصاف و مقامات مذکور نباشی * در صورتی که تو درگاه هدایت * و امام اهل تقوی * و عروه محکم

و الحجة على اهل الدنيا * و خامس اصحاب اهل الكساء * غدتك

* و حجت آنم خدا بر اهل عالمی * و پنجم آل عبا هستی * تو را دست رحمت ازلی

يَدُ الرَّحْمَةِ * وَرَضَعْتَ (رَضَعْتَ) مِنْ ثَدْيِ الْإِيمَانِ * وَرَبَّيْتَ فِي حَجْرٍ

غذا داد * و از پستان حقیقت ایمان شیر نوشانید * و در دامن اسلام تربیت

الْإِسْلَامِ * فَالْنَفْسُ غَيْرُ رَاضِيَةٍ بِفِرَاقِكَ * وَلَا شَاكَةٌ فِي حَيَاتِكَ

یافتی * باری جان من به فراق تو ناشاد است * و به زنده بودن تو یقین دارم *

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آبَائِكَ وَابْنَائِكَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

درود خدا بر تو و بر پدران و فرزندان پاک تو باد * سلام بر تو ای آنکه

صَرِيعَ الْعِبْرَةِ السَّاكِبَةِ * وَقَرِينَ الْمُصِيبَةِ الرَّاتِبَةِ * لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

اشک چشمان جاری است * و ای کسی که همیشه قرین با مصیبت و رنج مرتب بوده‌ای * خدا لعنت کند امتی

اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ [وَأَنْتَهَكْتَ فِيكَ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ] فَقَتَلْتَ

را که هتک احترام تو را حلال شمردند و تو را که درود حق بر تو باد به قهر و ظلم به قتل

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ مَقْهُورًا * وَأَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

رسانیدند * و به سبب قتل تو جان رسول خدا را * که درود خدا بر او باد سخت محزون و خشمگین

بِكَ مَوْتُورًا * وَأَصْبَحَ كِتَابُ اللَّهِ بِفَقْدِكَ مَهْجُورًا * السَّلَامُ عَلَيْكَ

ساختند * و کتاب خدا را به واسطه فقدان تو به کلی متروک و مهجور گردانیدند * سلام خدا بر تو

وَعَلَىٰ جَدِّكَ وَأَبِيكَ * وَأُمِّكَ وَأَخِيكَ * وَعَلَىٰ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَنِيكَ * وَعَلَىٰ

و بر بزرگوار جد و پدر * و مادر و برادر * و امامان از فرزندان پاکت باد * و بر آنان

الْمُسْتَشْهِدِينَ مَعَكَ * وَعَلَىٰ الْمَلَائِكَةِ الْحَافِينَ بِقَبْرِكَ * وَالشَّاهِدِينَ

که با تو به درجه شهادت رسیدند * و بر فرشتگان که به گرد قبر مطهرت حلقه زده * و بر زواران

لِزُورِكَ * أَلْمُؤْمِنِينَ بِالْقَبُولِ عَلَىٰ دُعَاءِ شِيعَتِكَ * وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

از اهل ایمان * که برای قبولی دعای شیعیان در جوارت حضور یافتند * باز هم سلام

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * يَا أَبَا أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ * يَا أَبَا أَنْتَ

و رحمت و برکات خدا بر تو باد * و پدر و مادرم به فدایت ای فرزند رسول خدا (ص) * پدر و مادرم

وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * لَقَدْ عَظَّمْتَ الرِّزِيَّةَ * وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ

بسه فدایت ای ابا عبد الله * همانا بسیار تعزیتت بزرگ * و مصیبتت در اسلام

عَلَيْنَا * وَعَلَىٰ جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ * فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

بر ما * و تمام اهل آسمانها و زمین عظیم و سخت بود * پس خدا لعنت کند آن جماعتی را که اسبها را برای جنگ

أَسْرَجَتْ وَالْجَمَتْ وَتَهَيَّاتَ لِقِتَالِكَ * يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

با حضرتت زین و لجام کردند و بر تو پناگاه هجوم آوردند و برای قتال با تو مهیا گشتند * ای مولای من ای ابا عبد الله *

قَصَدْتُ حَرَمَكَ * وَآتَيْتُ مَشْهَدَكَ * أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ

من عزم حرم مطهرت کردم * و به مشهد شریفیت آمدم * از خدا به حق شأن و مقامی که

عِنْدَهُ * وَبِالْمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدِيهِ * أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

تو را نزد اوست درخواست می‌کنم * که درود بر محمد و آل اطهارش

مُحَمَّدٍ * وَأَنْ يَجْعَلَ لِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ * بِمَنْنِهِ وَجُودِهِ وَكَرَمِهِ

فرستد * و مرا هم با شما در دنیا و آخرت * به لطف و جود و کرمش همنشین قرار دهد

🌸 پس بیوس ضریح راه، پس دو رکعت نمازکن در بالای سرو در این دو رکعت هر سوره که می‌خواهی بخوان *

و چون فارغ شدی بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ * وَحَدَّكَ لَا

ای پروردگار من نماز خواندم و رکوع و سجود به جای آوردم برای تو * خدای

شَرِيكَ لَكَ * لِأَنَّ الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لَا تَكُونُ إِلَّا لَكَ * لِأَنَّكَ

یکتای بی‌شریک * که هرگز نماز و رکوع و سجود خلق جز برای تو روا نیست * چون تویی

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خدایی که جز تو خدایی نیست * پروردگارا درود فرست بر محمد (ص) و آل اطهارش *

وَ أَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ * وَ ارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ التَّحِيَّةَ

و برسان از من بر روح پاک آن بزرگواران بهترین سلام و تحیت را * و باز گردان به پاسخ از آن بزرگواران بر من

وَ السَّلَامَ * اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ الرَّكَعَتَانِ هَدِيَّةً مِنِّي إِلَى مَوْلَايَ وَسَيِّدِي

تحیت و سلام آنها را * پروردگارا این دو رکعت نماز هدیه‌ای است از من به سوی سید و مولای من *

وَ إِمَامِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و امام و پیشوایم حضرت حسین بن علی علیهما السلام * خدایا درود فرست بر محمد

وَ آئِلِ مُحَمَّدٍ * وَ تَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي * وَ اجْزِنِي عَلَى ذَلِكَ أَفْضَلَ أَمَلِي

و آل محمد * و این را از من بپذیر * و پاداش و ثوابش بیش از آنچه به کرم تو *

وَ رَجَائِي فِيكَ وَ فِي وَلِيِّكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ 🌸 پس برخیز و برو به سوی پای مبارک

و ولی تو آرزو و امید دارم عطا فرمای ای مهربانترین مهربانان عالم. *

حضرت حُسَيْن (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و زیارت کن عَلِيَّ بن الحسين (عَلَيْهِ السَّلَامُ) را و سَرَّ آن جناب در نزد پای ابی عبدالله (عَلَيْهِ السَّلَامُ) است

پس بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ** * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ نَبِيِّ**

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا * سلام بر تو ای زاده پاک پیغمبر

اللَّهُ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ** * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ**

خدا * سلام بر تو ای گرامی فرزند امیر المؤمنین * سلام بر تو ای نیکو فرزند

الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ ابْنَ الشَّهِيدِ** * **السَّلَامُ**

حسین شهید * سلام بر تو ای شهید فرزند شهید * سلام بر

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ ابْنَ الْمَظْلُومِ * **لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ** * **وَلَعَنَ اللَّهُ**

تو ای شهید مظلوم فرزند امام مظلوم * خدا لعنت کند امتی را که به قتل رسانیدند تو را * و لعنت کند

أُمَّةً ظَلَمَتْكَ * **وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ** * **السَّلَامُ**

آنان که در حق تو ظلم و ستم کردند * و لعنت کند قومی که شنیدند و بدان بر شما راضی و شادان گردیدند * سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ** * **لَقَدْ عَظُمَتْ**

بر تو ای مولای من * سلام بر تو ای ولی خدا فرزند ولی خدا * همانا مصیبت وارد بر تو

الْمُصِيبَةُ * **وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ** * **فَلَعَنَ**

بسیار عظیم * و تعزیت سخت جانگداز بود بر ما و بر جمیع اهل ایمان * پس خدا لعنت کند

اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ * **وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ** *

امتی را که تو را به قتل رسانیدند * و من از آن به سوی خدا و به سوی شما در دنیا و آخرت بیزاری می جویم *

پس توجه کن به جانب شهداء و زیارت کن ایشان را و بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ**

سلام بر شما ای یاران و دوستان خدا و مشتاقان

وَ أَحِبَّاءَهُ * **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَ أَوْدَاءَهُ** * **السَّلَامُ**

و محبان حق * سلام بر شما ای خاصان خدا و دوستان خالص حق * سلام

عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ نَبِيِّهِ * **وَ أَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ**

بر شما ای ناصران دین خدا * سلام بر شما ای یاری کنندگان پیغمبر خدا * و ای یاری کنندگان امیر المؤمنین

وَ أَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ**

* و ای یاری کنندگان فاطمه زهراء سیده زنان عالم * سلام بر شما ای یاری کنندگان

أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي

امام حسن مجتبی ولی حق و ناصح خلق * سلام بر شما ای یاری کنندگان ابی

عَبْدِ اللَّهِ * الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ الْمَظْلُومِ * صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

عبد الله * حسین شهید مظلوم * درود و رحمت خدا بر جمیع شما باد

بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي * طِبْتُمْ وَ طَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ * وَ فُزْتُمْ

* پدر و مادرم فدای شما که چه نیکو بودید * و چه خاک پاک شریفی شما را در بر گرفت * و به خدا سوگند

وَ اللَّهُ فَوْزًا عَظِيمًا * يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ * فَافُوزَ مَعَكُمْ فِي الْجَنَانِ

که سعادت و فیروزی بزرگ نصیب شما گردید * ای کاش من هم با شما بودم * تا در بهشت ابد با شما

مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ * وَ حَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا * وَ السَّلَامُ

* و شهیدان و صالحان * و سایر شهیدان و نیکوکاران عالم که نیکو رفیقانی هستند به سعادت ابد می‌رسیدم * و سلام

عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ * پس برگرد به جانب سر امام حسین (علیه السلام) و بسیار دعا

و رحمت و برکات خدا بر شما باد. *

کن از برای خود و از برای اهل و عیال و برادران مؤمن خود * و سید بن طاوس و شهید فرموده اند پس برو به مشهد

جناب عَبَّاسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ هَمِينَ كَمَا رَسِيدِي بِهَ أَنْجَا بَابِي نَزْدَ قَبْرِ أَنْ جَنَابِ وَ بَغُو: السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو

يَا أَبَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسَ بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ

ای ابا الفضل العباس فرزند امیر المؤمنین * سلام بر تو ای فرزند سید

الْوَصِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَوَّلِ الْقَوْمِ إِسْلَامًا * وَ أَقْدَمِهِمْ إِيْمَانًا

اوصیاء * سلام بر تو ای فرزند کسی که در اسلام اول بود * و در ایمان بر همه عالم مقدم بود

* وَ أَقْوَمِهِمْ بِدِينِ اللَّهِ * وَ أَحْوَطِهِمْ عَلَى الْإِسْلَامِ * أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ

* و به دین خدا ثابت قدم تر * و در راه حفظ اسلام با اندیشه تر و مراقبتش بیشتر بود * گواهی می‌دهم که تو بر خلق خالص برای

لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَخِيكَ * فَنِعْمَ الْأَخُ الْمَوَاسِي * فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ

رضای خدا و رسول و برادرت حسین ناصح و خیرخواه بودی * و نیکو برادری بودی که مواسات کردی * پس خدا لعنت کند امتی که

* وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ * وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ

تو را شهید کردند * و خدا لعنت کند امتی را که بر تو ظلم و ستم کردند * و خدا لعنت کند امتی را که هتک احترام تو را روا داشتند

وَ انْتَهَكْتَ فِي قَتْلِكَ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ * فَنِعْمَ الْأَخُ الصَّابِرُ الْمُجَاهِدُ

* و به واسطه قتل تو پرده اسلام را دریدند * پس تو چه نیکو برادر با صبر و شکیبا بودی که مجاهده

الْمُحَامِي النَّاصِرُ * وَالْأَخُ الدَّافِعُ عَنْ أَخِيهِ * الْمُجِيبُ إِلَى طَاعَةِ رَبِّهِ

و حمایت و نصرت * و دفاع کامل از برادرت کردی * و به حقیقت طاعت پروردگارت را اجابت نمودی

الرَّاعِبُ فِيمَا زَهَدَ فِيهِ غَيْرُهُ * مِنَ الثَّوَابِ الْجَزِيلِ * وَالثَّنَاءِ الْجَمِيلِ

* و به آن ثواب بزرگی که دیگران بدان نایل نشدند تو مشتاق بودی * و مدح و ثنای نیکو یافتی

وَالْحَقِّكَ اللَّهُ بِدَرَجَةِ آبَائِكَ فِي دَارِ النِّعَمِ * أَنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

* و خدا تو را به مقام و مرتبه پدران در بهشت نعیم ملحق ساخت * که او خدائی پسندیده صفات و بزرگوار است.

پس بیفکن خود را بر قبر و بگو: اللَّهُمَّ لَكَ تَعَرَّضْتُ * وَ لَزِيَارَةَ أَوْلِيَائِكَ قَصَدْتُ

پروردگارا من به معرض لطف و رحمت تو در آمدم * و برای زیارت اولیاء تو به شوق

رَغْبَةً فِي ثَوَابِكَ * وَ رَجَاءً لِمَغْفِرَتِكَ وَ جَزِيلِ إِحْسَانِكَ * فَاسْأَلُكَ

* و رغبت در ثوابت عزم کردم * و به امید آمرزش و احسان عظیم تو بدین درگاه آمدم * پس از تو درخواست

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي بِهِمْ دَارًا

می‌کنم که درود بر محمد و آل اطهارش بفرستی * و رزق مرا هم به واسطه آن بزرگواران وسیع گردان

وَ عَيْشِي بِهِمْ قَارًا * وَ زِيَارَتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً * وَ ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا

و عیشم را برقرار * و زیارتم را مقبول * و گناهم را مغفور و آمرزیده ساز *

وَ اقْلِبْنِي بِهِمْ مُفْلِحًا مُنْجِحًا * مُسْتَجَابًا دُعَائِي * بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ

و مرا به حرمت مقام آنان رستگار و کامروا * و دعایم مستجاب گردان * با بهترین (ثوابی) که احدی

بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُورِهِ * وَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْهِ * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

از زوار * و قاصدان حرم این بزرگوار را عطا می‌شود * به حق لطف و رحمت و وسعت ای مهربانترین مهربانان عالم. *

پس ببوس ضریح را و نمازگذار نزد آن حضرت نماز زیارت و آنچه خواسته باشی و چون خواستی وداع کنی

آن حضرت را بگو آنچه را که از پیش ذکر کردیم در وداع آن حضرت. ﴿۷﴾ هفتم: زیارت عاشورا است. بدان که

زیارات منقوله در روز عاشورا چند زیارت است و ما در اینجا به ملاحظه اختصار به ذکر دو زیارت اکتفا می‌کنیم و

در باب دوم در اعمال روز عاشورا نیز زیارتی نقل کردیم با مطالبی که مناسب است با این مقام و اما آن دو زیارت.

۱) اول: زیارت عاشورا معروفه است که خوانده می‌شود از نزدیک و دور و شرح آن چنانکه شیخ ابوجعفر

طوسی در مصباح ذکر فرموده چنین است: روایت کرده محمد بن اسماعیل بن بزیع از صالح بن عقبه از پدرش

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که فرمود هر که زیارت کند حسین بن علی (علیه السلام) را در روز دهم محرم تا آنکه نزد قبر آن حضرت گریان شود ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار جهاد که ثواب آنها مثل ثواب کسی باشد که حج و عمره و جهاد کند در خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ائمه طاهرین (علیهم السلام). راوی گفت: گفتم فدایت شوم، چه ثواب است از برای کسی که بوده باشد در شهرهای دور از کربلا و ممکن نباشد او را رفتن به سوی قبر آن حضرت در مثل این روز؟ فرمود: هرگاه چنین باشد بیرون رود به سوی صحرا یا بالا رود بر بام بلندی در خانه خود و اشاره کند به سوی آن حضرت به سلام، و جهد کند در نفرین کردن برقاتلین آن حضرت و بعد از آن دو رکعت نماز کند و بکند این کار را در اوایل روز پیش از زوال آفتاب پس ندبه کند بر حسین (علیه السلام) و بگیرد بر او و امر کند کسانی را که در خانه اش هستند هرگاه از ایشان تقیه نمی کند به گریستن بر آن حضرت و برپا دارد در خانه خود مصیبتی به اظهار کردن جزع بر آن حضرت و تعزیت بگویند یکدیگر را به مصیبت ایشان به حسین (علیه السلام) و من ضامنم برای ایشان بر خدا هرگاه بیاورند این عمل را، جمیع آن ثوابها را. گفتم فدای تو شوم ضامن می شوی این ثوابها را برای ایشان و کفیل می شوی این ثوابها را؟ فرمود که: بلی من ضامنم و کفیلیم از برای کسی که این عمل را به جا آورد. گفتم که: چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند؟ فرمود که می گویند: (اعظم الله أجورنا بمصابنا بالحسين عليه السلام) و جعلنا وإياكم من الطالبين بثاره مع وليه الإمام المهدي من آل محمد عليهم السلام) یعنی بزرگ فرماید خداوند اجرهای ما را به مصیبت ما به حسین (علیه السلام) و قرار دهد ما و شما را از خواهندگان خون او با ولی او امام مهدی از آل محمد (علیهم السلام). * و اگر بتوانی که بیرون نروی آن روز را در پی حاجتی، چنان کن زیرا که آن روز نحسی است که برآورده نمی شود در آن حاجت مؤمن و اگر برآورده شود مبارک نخواهد بود از برای او و نخواهد دید در آن خیری و رشدی، و ذخیره نکند البته هیچ یک از شما برای منزلش در آن روز چیزی را پس هر که ذخیره کند در آن روز چیزی را برکت نخواهد دید در آن چیزی که ذخیره نموده و مبارک نخواهد بود از برای او در اهلس که ذخیره برای آنها نهاده، پس هرگاه به جا آورند این عمل را بنویسد حق تعالی برای ایشان ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد که همه را با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کرده باشد و از برای اوست مزد و ثواب مصیبت هر پیغمبری و رسولی و وصی و صدیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد از زمانی که خلق فرموده حق تعالی دنیا را تا زمانی که به پای شود قیامت * صالح بن عقیبه و سیف بن عمیره گفته اند که گفت علقمه بن محمد حصرمی که گفتم به حضرت باقر (علیه السلام) که تعلیم بفرما مرا دعایی که بخوانم آن را در این روز هرگاه زیارت کنم آن جناب را از نزدیک و دعایی که بخوانم آن را هرگاه زیارت نکنم او را از نزدیک و بخواهم اشاره کنم به سلام به سوی او از

شهرهای دور و از خانه ام فرمود به من: ای علقمه هرگاه توبه جا آوردی آن دو رکعت نماز را بعد از آنکه اشاره کنی به سوی آن حضرت به سلام، پس بگو در وقت اشاره به آن حضرت بعد از گفتن تکبیر این قول را (یعنی زیارت آتیه را) پس به درستی که تو هرگاه گفتی این قول را به تحقیق که دعا کرده‌ای به آن چیزی که دعا می‌کند به آن زائر آن حضرت از ملائکه و بنویسد خداوند از برای تو صد هزار هزار درجه و بوده باشی مثل کسی که شهید شده باشد با امام حسین (علیه السلام) تا مشارکت کنی ایشان را در درجات ایشان و شناخته نشوی مگر در جمله شهیدانی که شهید شده‌اند با آن حضرت و نوشته شود برای تو ثواب زیارت هر پیغمبری و رسولی و ثواب هر که زیارت کرده حسین (علیه السلام) را از روزی که شهید شده است. * سلام خدا بر آن حضرت و بر اهل بیتش می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ *

سلام بر تو ای ابا عبد الله * سلام بر تو ای فرزند رسول خدا *

[السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ] * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ *

* سلام بر تو ای فرزند امیر المؤمنین *

وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ *

و ای فرزند سید اوصیاء * سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهراء *

سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ * وَالْوَتْرَ الْمَوْتورَ *

سیده زنان اهل عالم * سلام بر تو ای کسی که از خون پاک تو و پدر بزرگوارت خدا انتقام می‌کشد * و از ظلم و ستم وارد بر تو دادخواهی می‌کند * سلام بر تو و بر ارواح پاکي که در حرم مطهرت با تو مدفون شدند * بر جمیع شما

مَنْ جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ اَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ * يَا اَبَا

تا ابد از من درود و تحیت و سلام خدا باد تا من هستم و لیل و نهار در جهان برقرار است * ای ابا

عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ * وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ

عبد الله همانا تعزیتت بزرگ * و مصیبتت در جهان بر ما شیعیان و تمام اهل

(بِكُمْ) عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ * وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ

اسلام سخت و عظیم و ناگوار و دشوار بود * و تحمل آن مصیبت بزرگ

فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ * فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةَ أَسَسَتْ

در آسمانها بر جمیع اهل سماوات سخت و دشوار بود * پس خدا لعنت کند امتی که اساس ظلم

در آسمانها بر جمیع اهل سماوات سخت و دشوار بود * پس خدا لعنت کند امتی که اساس ظلم

أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ البَيْتِ * وَلعنَ اللهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ

و ستم را بر شما اهل بیت رسول بنیاد کردند * و خدا لعنت کند امتی را که شما را از مقام و مرتبه (خلافت)

عَنْ مَقَامِكُمْ * وَازالتكم عن مراتبكم التي رتبكم اللهُ فيها * وَلعنَ

خود منع کردند * و رتبه‌ای که خدا مخصوص به شما گردانیده بود از شما گرفتند * خدا لعنت کند امتی را که

اللهُ أُمَّةً قَتَلْتُمْ * وَلعنَ اللهُ الممهدين لهم بالتمكين من قتالكم

شما را مقتول ساختند * و خدا لعنت کند آن مردمی را که از امرای ظلم و جور برای قتال با شما تمکین و اطاعت کردند

* برئتُ الى اللهِ و اليكم منهم * وَ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ اتِّبَاعِهِمْ وَ أوليائِهِمْ

* من به سوی خدا و به سوی شما از آن ظالمان * و شیعیان آنها و پیروان و دوستانشان بیزاری می‌جویم

* يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ اني سلم لمن سالمكم * وَ حَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ الى

* ای ابا عبد الله من تا قیامت سلم و صلحم با هر که با شما صلح است * و در جنگ و جهادم با هر که با شما در جنگ

يَوْمَ القِيَامَةِ * وَلعنَ اللهُ آلَ زيادٍ وَ آلَ مروان * وَلعنَ اللهُ بني أُميَّةَ

است تا روز قیامت * خدا لعنت کند آل زیاد بن ابی سفیان و آل مروان حکم را * و خدا لعنت کند بنی امیه

قَاطِبَةً * وَلعنَ اللهُ ابنَ مَرْجَانَةَ * وَلعنَ اللهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ * وَلعنَ

را بالتمام * و لعنت کند پسر مرجانه را * و لعنت کند عمر سعد را * و خدا لعنت کند

اللهُ شِمْرًا (شِمْرًا) * وَلعنَ اللهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ الْجَمْتُ وَ تَنَقَّبَتْ

شمر را * و خدا لعنت کند گروهی را که اسبها را برای جنگ با حضرتت زین و لگام کردند و برای جنگ

لِقِتَالِكَ * بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي * لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ * فَاسْأَلُ اللهُ الَّذِي

با تو مهیا گشتند * پدر و مادرم فدای تو باد * تحمل مصیبت بر من به واسطه ظلمی که بر شما رفت سخت دشوار است * پس از

أَكْرَمَ مَقَامِكَ وَ أَكْرَمَنِي [بِكَ] * أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ

خدایی که مقام تو را بلند و گرامی داشت و مرا هم به واسطه دوستی تو عزت بخشید * از او درخواست می‌کنم که روزی من گرداند

* مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ * اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي

تا با امام منصور * از اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله خون خواه تو باشم * پروردگارا مرا به واسطه

عِنْدَكَ وَ جِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ * يَا أَبَا

حضرت حسین علیه السلام نزد خود در دو عالم وجیه و آبرومند گردان * ای ابا

عَبْدَ اللهِ اني اتقرب الى اللهِ وَ الى رسوله * وَ الى أمير المؤمنين وَ الى

عبد الله من به درگاه خدا تقرب می‌جویم و به درگاه رسولش * و به نزد حضرت امیر المؤمنین و ای

فَاطِمَةَ * وَ إِلَى الْحَسَنِ وَ إِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ * وَ بِالْبِرَاءَةِ [مِمَّنْ قَاتَلَكَ

حضرت فاطمه * و حضرت حسن و به حضرت تو قرب می‌طلبم به واسطه محبت و دوستی تو * و بیزاری

وَ نَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ * وَ بِالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ آسَسَ آسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيْكُمْ *

وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ [مِمَّنْ آسَسَ آسَاسَ ذَلِكَ * وَ بَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَ

از کسانی که اساس و پایه ظلم و بیداد را بر شما بنا نهادند * و بیزارم از پیروان آنها

وَ جَرَى فِي ظُلْمِهِ وَ جَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَشْيَاعِكُمْ * بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ

* و به درگاه خدا و نزد شما اولیاء خدا از آن مردم ستمکار ظالم بیزاری می‌جویم * و اول به درگاه خدا

وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ * وَ اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَ مُوَالَاةِ

سپس نزد شما * تقرب می‌جویم به سبب دوستی شما و دوستی دوستان

وَلِيِّكُمْ * وَ بِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ النَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ * وَ بِالْبِرَاءَةِ

شما * و به سبب بیزاری جستن از دشمنان شما و بیزاری از مردمی که با شما به جنگ و مخالفت برخاستند * و از

مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ اتَّبَاعِهِمْ * أَنِي سَلَّمُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ * وَ حَرْبٌ لِمَنْ

شیعیان و پیروان آنها هم بیزاری می‌جویم * من سلم و صلحم با هر کس که با شما صلح است * و در جنگ و مخالفتم

حَارَبَكُمْ * وَ وُلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ * وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ * فَاسْأَلُ اللَّهَ

با هر کس که با شما به جنگ است * و دوستم با دوستان شما * و دشمنم با دشمنان شما * پس از کرم حق

الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ * وَ رَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ

درخواست می‌کنم که به معرفت شما و دوستان شما مرا گرامی سازد * و همیشه بیزاری از دشمنان

أَعْدَائِكُمْ * أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * وَ أَنْ يُثَبِّتَ لِي

شما را روزی من فرماید * و مرا در دنیا و آخرت با شما قرار دهد * و در دو عالم به مقام

عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يَبْلُغَنِي الْمَقَامَ

صدق و صفای با شما مرا ثابت بخشد * و باز از خدا درخواست می‌کنم که به مقام محمودی

الْمَحْمُودِ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ * وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي (ثَارِكُمْ) مَعَ إِمَامِ

که خاص شما است مرا برساند * و مرا نصیب کند که در رکاب امام زمان شما اهل بیت که

هُدًى (مَهْدِي) ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ * وَ أَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَ بِالشَّانِ

هادی و ظاهر شونده ناطق به حق است خون خواه باشم * و از خدا به حق شما و به شأن و مقام تقرب شما نزد خدا

الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ * أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطَى مُصَابًا

درخواست میکنم * که ثواب غم و حزن و اندوه مرا به واسطه مصیبت بزرگ شما بهترین ثوابی که به هر مصیبت زده‌ای

بِمُصِيبَتِهِ * مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ

عطا میکند به من آن ثواب را عطا فرماید * و مصیبت شما آل محمد در عالم اسلام بلکه در تمام عالم سماوات و ارض

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (الْأَرْضِينَ) * اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ

چقدر بزرگ بود و بر عزادارانش تا چه حد سخت و ناگوار گذشت * پروردگارا مرا در این مقام که هستم از آنان

تَنَالَهُ * مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ * اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا

قرار ده که درود و رحمت و مغفرت شامل حال آنهاست * پروردگارا مرا به آیین محمد و

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَمَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * اللَّهُمَّ إِنَّ

آل اطهارش زنده بدار * و گاه رحلت هم به آن آیین بمیران * پروردگارا این

هَذَا يَوْمَ تَبَرَّكَتَ بِهِ (فِيهِ) بَنُو أُمِّيَّةَ * وَابْنُ أَكَلَةِ الْأَكْبَادِ * اللَّعِينُ ابْنُ

روز روزی است که بنی امیه * و پسر جگر خوار * و یزید پلید لعین پسر

اللَّعِينِ * عَلَى لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * فِي كُلِّ

معاویه ملعون * در زبان تو و زبان رسول تو صلی الله علیه و آله * در هر مسکن

مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيُّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * اللَّهُمَّ الْعَن

و منزل که رسول تو توقف داشت صلی الله علیه و آله * پروردگارا لعنت فرست

أَبَا سَفِيَانَ وَمُعَاوِيَةَ وَيَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ * عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ

بر ابی سفیان و بر پسرش معاویه و پسرش یزید پلید * بر همه آنان لعن ابدی

الْأَبْدِينَ * وَهَذَا يَوْمَ فَرَحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمْ الْحُسَيْنِ

فرست * و این روز روزی است که آل زیاد بن ابیه لعین و آل مروان بن حکم خبیث به واسطه قتل

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) * اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ

حضرت حسین صلوات الله علیه شادان بودند * پروردگارا تو لعن و عذاب الیم آنان را

وَالْعَذَابَ [الْأَلِيمَ] * اللَّهُمَّ إِنِّي اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي

چندین برابر گردان * پروردگارا من به تو در این روز و در این مکان و در

هَذَا وَآيَامَ حَيَاتِي * بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةَ عَلَيْهِمْ * وَبِالْمُؤَالَاةِ لِنَبِيِّكَ

تمام دوران زندگانی * به بیزاری جستن و لعن بر آن ظالمان و دشمنی آنها * و به دوستی پیغمبر

وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ ﴿١٠﴾ پس می گوئی صد مرتبه: **اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوْلَّ**

و آل اطهار او صلوات الله علیهم اجمعین تقرب می جویم * پروردگارا تو لعنت فرست

ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ﴿١١﴾ وَاٰخِرُ تَابِعٍ لَهُ ﴿١٢﴾ عَلٰی ذٰلِكَ ﴿١٣﴾

بر اول ظالمی که در حق محمد (ص) و آل پاکش ظلم و ستم کرد * و آخرین ظالمی که از آن ظالم نخستین در ظلم تبعیت کرد *

اللَّهُمَّ الْعَنْ الْعِصَابَةَ الَّتِي (الَّذِينَ) **جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ ﴿١٤﴾ وَ شَايَعَتْ**

پروردگارا تو بر جماعتی که بر علیه حسین (ع) به جنگ برخاستند لعنت فرست * و بر شیعانشان

وَ بَايَعَتْ وَ تَابَعَتْ (تَابَعَتْ) عَلٰی قَتْلِهِ ﴿١٥﴾ اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ جَمِيعًا ﴿١٦﴾ پس

و بر هر که با آنان بیعت کرد و از آنها پیروی کرد * پروردگارا بر همه لعنت فرست *

می گوئی صد مرتبه: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﴿١٧﴾ وَ عَلٰی الْاَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ**

سلام بر تو ای ابا عبد الله * و بر ارواح پاکى که در جوار و حریم تو

بِفَنَائِكَ ﴿١٨﴾ عَلَيْكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ اَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ

در آمدند * سلام خدا از من بر تو باد الى الأبد مادامی که لیل و نهار باقی است

﴿١٩﴾ **وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ لِيْزِيَارَتِكُمْ (لِيْزِيَارَتِكَ) ﴿٢٠﴾ السَّلَامُ عَلٰی**

* و خدا این زیارت مرا آخرین عهد با حضرتت قرار ندهد * سلام بر

الْحُسَيْنِ ﴿٢١﴾ وَ عَلٰی عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ﴿٢٢﴾ وَ عَلٰی اَوْلَادِ الْحُسَيْنِ ﴿٢٣﴾ وَ عَلٰی

حسین (ع) * و بر علی بن حسین (ع) * و بر فرزندان حسین * و بر

اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ ﴿٢٤﴾ پس می گوئی: **اللَّهُمَّ خُصَّ اَنْتَ اَوْلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ**

اصحاب حسین (ع) * پروردگارا تو لعن مرا مخصوص گردان به اولین شخص

مِنْ اَوْلَ ظَالِمٍ ﴿٢٥﴾ وَ اَبْدًا بِهٖ اَوْلَا ثُمَّ [الْعَنْ] الثَّانِي وَ الثَّلَاثِ وَ الرَّابِعِ ﴿٢٦﴾ اللَّهُمَّ الْعَنْ

ظالم * و اول در حق اولین ظالم و آنگاه در حق دومین و سومین و چهارمین * پروردگارا و آنگاه لعنت فرست

يَزِيدَ خَامِسًا ﴿٢٧﴾ وَ الْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَ ابْنَ مَرْجَانَةَ ﴿٢٨﴾ وَ عُمَرَ بْنَ

بر یزید پنجم آن ظالمان * و باز لعنت فرست بر عبید الله بن زیاد پسر مرجانه * و عمر سعد

سَعْدٍ وَ شِمْرًا ﴿٢٩﴾ وَ اٰلَ اَبِي سَفِيَانَ وَ اٰلَ زِيَادٍ وَ اٰلَ مَرْوَانَ اِلَى يَوْمِ

و شمر * و آل ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان تا روز

الْقِيَامَةِ ﴿٣٠﴾ پس به سجده می روی و می گوئی: **اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ**

قیامت * خدایا تو را ستایش می کنم به ستایش شکرگزاران تو بر غم و اندوهی که به من

عَلَىٰ مُصَابِهِمْ * الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ عَظِيمِ رِزْيَتِي * اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ

در مصیبت رسید * حمد خدا را بر عزاداری و اندوه و غم بزرگ من * پروردگارا شفاعت حسین (ع) را روزی که

الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ * وَ ثَبَّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ

بر تو وارد می‌شوم نصیبم بگردان * و مرا نزد خود ثابت قدم بدار به صدق و صفا با حضرت حسین (ع)

وَ اصْحَابِ الْحُسَيْنِ * الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

و اصحابش * که در راه خدا جانشان را نزد حسین (ع) فدا کردند باشیم.

🌸 علقمه گفت که فرمود حضرت باقر (علیه السلام) که اگر بتوانی که زیارت کنی آن حضرت را در هر روز به این زیارت در

خانه خود بکن که خواهد بود برای تو جمیع این ثوابها. * و روایت کرده محمد بن خالد طیالسی از سیف بن

عمیره که گفت بیرون رفتم با صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب خودمان به سوی نجف بعد از خروج

حضرت صادق (علیه السلام) از حیره به جانب مدینه، پس زمانی که ما فارغ شدیم از زیارت یعنی زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام)،

گردانید صفوان صورت خود را به جانب مشهد ابو عبدالله (علیه السلام)، پس گفت از برای ما که زیارت کنید حسین (علیه السلام)

را از این مکان از نزد سر مقدس امیرالمؤمنین (علیه السلام) که از اینجا ایما و اشاره کرد به سلام بر آن حضرت جناب

صادق (علیه السلام) و من در خدمتش بودم. سیف گفت: پس خواند صفوان همان زیارتی را که روایت کرده بود علقمه

ابن محمد حضرمی از حضرت باقر (علیه السلام) در روز عاشورا. آنگاه دو رکعت نماز کرد نزد سر امیرالمؤمنین (علیه السلام) و

وداع گفت بعد از آن نماز امیرالمؤمنین (علیه السلام) را و اشاره کرد به جانب قبر حسین (علیه السلام) به سلام در حالتی که

گردانیده بود روی خود را به جانب او و وداع کرد بعد از زیارت او را و از دعاهایی که بعد از نماز خواند این بود:

يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ * يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ * يَا كَاشِفَ

ای خدا ای خدا ای خدا * ای مستجاب کننده دعای بیچارگان * و ای برطرف کن

كُرْبِ الْمَكْرُوبِينَ * يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ * يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ

غم و اندوه پریشان خاطران * ای دادرس دادخواهان * و ای فریادرس فریادخواهان

* وَيَا مَنْ هُوَ اقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ * وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ

* و ای آنکه تو از رگ من به من نزدیکتری * ای آنکه بین شخص و قلب او حایل

وَ قَلْبِهِ * وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلَىٰ وَ بِالْاَفْقِ الْمُبِينِ * وَيَا مَنْ هُوَ

می‌شوی * ای آنکه ذاتت در منظره بلند است و وجودت در افق روشن است * ای آنکه او منحصر

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى * وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ

بخشاینده و مهربان و بر عرش مستقر است * ای آنکه نظر چشم آنان که به خیانت نگرند و آنچه در دلها

وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ * وَيَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ * يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ

پنهان دارند همه را می‌دانی * ای آنکه هیچ امر مستور و سر مخفی بر تو پنهان نیست * ای آنکه اصوات

عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ * وَيَا مَنْ لَا تَغْلُظُهُ (تَغْلِظُهُ) الْحَاجَاتُ * وَيَا مَنْ لَا

بر تو مشتبه نخواهد شد * و حاجات تو را به اشتباه نیفکند * و ای کسی که الحاح و

يُبْرِمُهُ * وَالْحَاحُ الْمَلْحِينُ * يَا مُدْرِكُ كُلِّ فَوْتٍ * وَيَا جَامِعَ كُلِّ شَمَلٍ *

التماس تو را رنج و ملال ندهد * ای مُدرک هر چه فوت شود * و ای جمع آورنده هر چه در جهان متفرق و پریشان شود *

وَيَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ * يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ * يَا قَاضِيَ

ای برانگیزنده جانها پس از موت * ای آنکه تو را در هر روز شأن خاصی است * ای برآورنده

الْحَاجَاتِ * يَا مَنْفَسَ الْكُرْبَاتِ * يَا مُعْطِيَ السُّؤَالَاتِ * يَا وَلِيَّ

حاجات * ای برطرف ساز غم و رنجها * ای عطا بخش سؤالات * ای مالک رغبت

الرَّغْبَاتِ * يَا كَافِيَ الْمَهْمَاتِ * يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ * وَلَا يَكْفِي

و اشتیاقات * ای کفایت کننده مهمات خلائق * ای کسی که تو به تنهایی کفایت از همه می‌کنی * و هیچ چیز

مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ * أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

در آسمان و زمین از تو کفایت نمی‌کند * از تو درخواست می‌کنم به حق محمد خاتم پیغمبران

* وَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ * وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ

* و به حق علی امیر اهل ایمان * و به حق فاطمه دخت پیغمبرت * و به حق حسن

وَ الْحُسَيْنِ * فَإِنِّي بِهِمْ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا * وَ بِهِمْ أَتَوَسَّلُ

و حسین * که من به وسیله آن بزرگواران به درگاه حضرتت رو آورده‌ام * در این مقام و به آنها توسل جسته *

وَ بِهِمْ أَتَشْفَعُ إِلَيْكَ * وَ بِحَقِّهِمْ أَسْأَلُكَ وَ أَقْسِمُ وَ أَعَزُّمُ عَلَيْكَ

و آنان را به درگاهت شفیع می‌آورم * و به حق آن پاکان از تو مسئلت می‌کنم و قسم و سوگند به جد یاد می‌کنم بر تو *

وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ * وَ بِالْقَدْرِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ * وَ بِالذِّي

و به شأن و مقامی که آن بزرگواران را نزد توست * و به قدر و منزلتشان نزد تو * و به آن سر حقیقتی

فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ * وَ بِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ * وَ بِهِ

که موجب افضلیت آنها برعالمیان گردید * و به آن اسم خاصی که تو نزد آنها قرار دادی * از همه

خَصَصْتَهُمْ دُونَ الْعَالَمِينَ * وَ بِهِ أَبْنَتْهُمْ وَ ابْنَتْ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ

خلق به آنها اختصاص دادی * تا آنکه فضل و کمال آنان برتر از تمام عالمیان

الْعَالَمِينَ * حَتَّىٰ فَاقَ فَضْلَهُمْ فَضَّلَ الْعَالَمِينَ جَمِيعًا * أَسْأَلُكَ أَنْ

گردید * (به این امور تو را قسم می‌دهم و) * از تو درخواست می‌کنم که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي

درود فرستی بر محمد و آل محمد * و هم و غم و رنج مرا برطرف

وَكَرْبِي * وَتَكْفِينِي الْمُهَمَّ مِنْ أُمُورِي * وَتَقْضِيَ عَنِّي دِينِي * وَتُجِيرَنِي

سازی * و مهمات امورم را کفایت فرمایی * و دینم را ادا سازی * و از فقر و

مِنَ الْفَقْرِ * وَتُجِيرَنِي مِنَ الْفَاقَةِ * وَتَغْنِينِي عَنِ الْمَسْئَلَةِ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ

مسکنتم نجات دهی * و مرا از سؤال از خلق به لطف و کرمت بی‌نیاز گردانی

* وَتَكْفِينِي هَمَّ مَنْ أَخَافُ هَمَّهُ * وَعُسْرَ مَنْ أَخَافُ عُسْرَهُ *

* و مرا کفایت کنی از هر هم و غمی که از آن می‌ترسم *

وَحُزُونََ مَنْ أَخَافُ حُزُونَتَهُ * وَشَرَّ مَنْ (مَا) أَخَافُ شَرَّهُ * وَمَكْرَ مَنْ

و از هر مشکل و خشونت هر که خایفم * و از هر شر اشاری که ترسانم * و از مکر و ظلم و جور

أَخَافُ مَكْرَهُ * وَبَغْيَ مَنْ أَخَافُ بَغْيَهُ * وَجَوْرَ مَنْ أَخَافُ جَوْرَهُ *

کسانی که خوفناکم * و از تسلط و خدعه و کید * و اقتدار کسانی که از آنها خائفم بر خود *

وَسُلْطَانَ مَنْ أَخَافُ سُلْطَانَهُ * وَكَيْدَ مَنْ أَخَافُ كَيْدَهُ * وَمَقْدَرَةَ

از همه مرا حفظ و کفایت فرمائی * و کید و خدعه

مِنَ أَخَافُ (بَلَاءَ) مَقْدَرَتَهُ عَلَيَّ * وَتَرَدَّ عَنِّي كَيْدَ الْكَيْدَةِ * وَمَكْرَ

حیلت گران * و مکر مکاران را از من بگردانی * پروردگارا هر کس با من اراده شری

الْمَكْرَةِ * اللَّهُمَّ مِنْ أَرَادَنِي فَارِدَهُ * وَمَنْ كَادَنِي فَكِدَهُ * وَاصْرَفْ عَنِّي

دارد شرش را به خود او برگردان * و هر که با من قصد خدعه و فریب دارد آرزو و فریب

كَيْدَهُ * وَمَكْرَهُ * وَبَاسَهُ * وَأَمَانِيَهُ * وَامْنَعَهُ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ * وَأَنِي

و آسیب او را از من برطرف ساز * و به هر طریق و به هرگاه می‌خواهی آزارش را از من منع

شِئْتَ * اللَّهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّي بِفَقْرٍ لَا تَجْبِرُهُ * وَبِبَلَاءٍ لَا تَسْتَرُهُ *

فرما * پروردگارا تو از فکر آزار من او را به فقر و مسکنت و بلا * و مصیبت دائمی که برطرف

وَبِفَاقَةٍ لَا تَسُدُّهَا * وَبِسُقْمٍ لَا تَعَافِيهِ * وَذِلٍّ لَا تُعْزَهُ * وَبِمَسْكَنَةٍ

ابدا از او نگردانی * و به دردی که عافیت نبخشی مشغولش گردان * و به ذلت ابدی * و فقر و مسکنت همیشگی که

لَا تَجْبِرْهَا **اللَّهُمَّ** اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصَبَ عَيْنِيهِ * وَادْخُلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ

هیچ جبران نکنی گرفتار ساز * پروردگارا ذلت نفس را نصب العین او گردان * و فقر و احتیاج را به منزل او

فِي مَنْزِلِهِ * وَالْعَلَّةَ وَالسُّقْمَ فِي بَدَنِهِ * حَتَّى تَشْغَلَهُ * عَنِّي بِشُغْلٍ

داخل ساز * و درد و مرض را به بدن او جای ده * تا او را از من همیشه مشغول درد

شَاغِلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ * وَأَنْسَهُ ذِكْرِي كَمَا أَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ * وَخُذْ عَنِّي

والم و فقر خودش گردانی * و مرا از یاد او ببر چنانکه یاد خود را از خاطرش بردی * و آن دشمن مرا

بِسْمِعِهِ وَبَصَرِهِ * وَلِسَانِهِ وَيَدِهِ وَرِجْلِهِ وَقَلْبِهِ * وَجَمِيعِ جَوَارِحِهِ

تو به کرمت گوش و چشم * و زبان و دست و پا و قلب * و جمیع اعضایش را از آزار و اذیت به من منع فرما

* وَادْخُلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ السُّقْمَ * وَلَا تَشْفِهِ حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكَ

* و دردی به تمام این اعضاء و جوارحش مسلط فرما * که ایدا شفا نبخشی تا از من مشغول شود

لَهُ * شُغْلًا شَاغِلًا بِهِ عَنِّي وَعَنْ ذِكْرِي * وَاكْفِنِي يَا كَافِي مَا لَا يَكْفِي

و یاد من از خاطرش برود * و مهمات مرا کفایت فرما ای کافی مهماتی که غیر تو احدی آن مهمات را کفایت نتواند

سِوَاكَ * فَإِنَّكَ الْكَافِي لَا كَافِي سِوَاكَ * وَ مَفْرَجٌ لَا مَفْرَجَ سِوَاكَ *

کرد * که همانا تویی کفایت کننده در عالم و جز تو کفایت کننده ای نیست * و فرج و گشایش امور منحصر به توست و غیر تو نیست *

وَمُغِيثٌ لَا مُغِيثَ سِوَاكَ * وَجَارٌ لَا جَارَ سِوَاكَ * خَابَ مَنْ كَانَ جَارَهُ

و فریادرس خلق تویی و غیر تو نیست * و پناه بیچارگان تویی و غیر تو نیست * هر کس به جوار غیر تو

سِوَاكَ * وَ مَغِيثُهُ سِوَاكَ * وَ مَفْرَعُهُ إِلَى سِوَاكَ * وَ مَهْرَبُهُ إِلَى سِوَاكَ

پناه برد * و فریادرسی جز تو طلبد * و زاری به درگاه غیر تو کرد * و ملجاء و پناهی

* وَ مَلْجَأُهُ إِلَى غَيْرِكَ (سِوَاكَ) * وَ مَنْجَاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ غَيْرِكَ * فَأَنْتَ ثِقْتِي

غیر تو جست * و نجات بخشی ماسوای تو از مخلوق طلب کرد محروم و ناامید گشت * پس تویی

وَ رَجَائِي وَ مَفْرَعِي * وَ مَهْرَبِي وَ مَلْجَأِي وَ مَنْجَأِي * فَبِكَ اسْتَفْتِحُ

ای خدا اعتماد و امید من * و محل زاری و پناه و ملجاء و نجات بخش من * که به لطف تو گشایش

وَبِكَ اسْتَنْجِحُ * وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اتَّوَجَّهُ * وَ إِلَيْكَ * وَ اتَّوَسَّلُ

و فیروزی می طلبم * و به وسیله محمد و آل محمد (ص) به درگاه تو روی می آورم * و توسل و شفاعت

وَ اتَشْفَعُ * فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ * فَلَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ

می جویم * پس از تو منحصر درخواست می کنم ای خدا ای خدا ای خدا * و تو را شکر و ستایش

الشُّكْرُ * وَالْيَكَّ الْمَشْتَكِي * وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ * فَاسْأَلْكَ يَا اللَّهُ

می‌کنم * و به درگاه تو به شکوه و ناله و زاری می‌آیم * و از تو یار و یاور می‌طلبم * باز از تو تنها مسئله می‌کنم

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ * بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

ای خدا ای خدا ای خدا * به حق محمد و آل محمد * که درود فرستی بر محمد و

وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي فِي مَقَامِي هَذَا

آل اطهارش * و از من هم و غم و رنج و پریشانی را برطرف سازی در همین جا که اقامت دارم

كَمَا كَشَفْتَ عَن نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ * وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ

* چنانکه هم و غم و رنج پیغمبرت را هم تو برطرف فرمودی * و از هول و هراس دشمنش

عَدُوِّهِ * فَاكْشِفْ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ * وَفَرِّجْ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ

کفایت کردی * پس از من برطرف ساز چنانکه از آن حضرت برطرف ساختی * و به من فرج و گشایش بخش چنانکه

عَنْهُ * وَاكْفِنِي كَمَا كَفَيْتَهُ * وَاصْرِفْ عَنِّي هَوْلَ مَا اخَافَ هَوْلَهُ * وَ

به او بخشیدی * و امورم کفایت فرما چنانکه از او کفایت فرمودی * و هر چه از آن هراسانم تو برطرف گردان

وَمَوْؤَنَةَ مَا اخَافَ مَوْؤَنَتَهُ * وَهَمَّ مَا اخَافَ هَمَّهُ * بِلَا مَوْؤَنَةٍ عَلَيَّ

و از من آنچه که از مشقت و زحمتش ترسانم * و آنچه از او اندوهناک و پریشان خاطرم * بدون تحمل

نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ * وَاصْرِفْنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي * وَكَفَايَةِ مَا اَهْمَنِي

مشقت من تو از من کفایت فرما * و مرا برآورده حاجت از اینجا بازگردان * و مهمات

هَمَّهُ * مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ * يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

امور دنیا و آخرت را کفایت فرما * ای امیر المؤمنین و ای ابا عبد الله الحسین

عَلَيْكَ (عَلَيْكُمْ) مَنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

* سلام و تحیت خدا از من بر تو باد همیشه تا من باقیم و تا لیل و نهار باقی است

وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا * وَلَا فَرَّقَ اللَّهُ بَيْنِي

* و خدا این زیارت مرا آخر عهد من در زیارت شما قرار ندهد * و هرگز میان من و شما خدا جدایی

وَبَيْنَكُمَا * اللَّهُمَّ أَحْيِنِي حَيَاةَ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ * وَامْتِنِي مِمَّا تَهُمُّ

نیفکند * پروردگارا مرا به طریق حیات محمد و آل محمد زنده بدار * و به طریق آنان بمیران

وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمْ * وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ * وَلَا تَفْرِقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ

و بر ملت و شریعتشان قبض روحم فرما * و در زمره آن بزرگواران محشورم گردان * و طرفه العینی تا ابد

طَرَفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ * يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا

در دنیا و آخرت میان من و آنها جدایی میفکن * ای امیر المؤمنین و ای ابا

عَبْدَ اللَّهِ * أَتَيْتُكُمْ زَائِرًا وَ مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ *

عبد الله * من آمدم به زیارت شما و برای توسل به سوی خدا پروردگار من و شما *

وَ مُتَوَجِّهًا إِلَيْهِ بِكُمْ وَ مُسْتَشْفِعًا بِكُمْ إِلَى اللَّهِ (تَعَالَى) فِي حَاجَتِي

و برای توجه به درگاه او به وسیله شما و به شفاعت شما و به شفاعت شما به سوی خدا برای برآمدن

هَذِهِ * فَاشْفَعَا لِي فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ * وَ الْجَاهَ

حاجتم * پس برای من به درگاه خدا شفاعت کنید که شما را نزد خدا مقام بلند محمود * و آبرومندی

الْوَجِيهَ * وَ الْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَ الْوَسِيلَةَ * إِنِّي أَنْقَلَبُ عَنْكُمْ مُنْتَظِرًا

رتبه * و منزلت رفیع است و وسیله خدایید * حالیا من از زیارت شما باز می‌گردم و منتظر

لِتَنْجِزَ الْحَاجَةَ وَ قَضَائِهَا وَ نَجَاحَهَا مِنَ اللَّهِ * بِشَفَاعَتِكُمْ لِي إِلَى

برآمدن قطعی حاجتم و روا شدن آن از لطف خدا * به واسطه شفاعت شما به درگاه حق

اللَّهِ فِي ذَلِكَ * فَلَا أَخِيْبُ وَ لَا يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا خَائِبًا خَاسِرًا *

در این حاجت هستم * پس ای خدا ناامید نشوم * و از این سفر زیارت به زیان و حرمان باز نگردم *

بَلْ يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا رَاجِحًا (رَاجِحًا) مُفْلِحًا مُنْجِحًا * مُسْتَجَابًا

بلکه از آن درگاه کرم با فضیلت و رستگاری و فیروزی * و اجابت دعاها و

بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي (الْحَوَائِجِ) * وَ تَشْفَعَا لِي إِلَى اللَّهِ * أَنْقَلَبْتُ عَلَى

برآورده شدن تمام حاجات باز گردم * و با شفاعت به درگاه حق برگردم بر آنچه خدا

مَا شَاءَ اللَّهُ * وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ * مَفُوضًا أَمْرِي إِلَى اللَّهِ *

مشیتش قرار گرفته * و هیچ قدرت و نیرویی الا به حول و قوه خدا نخواهد بود * کارم را به خدا تفویض می‌کنم *

مُلْجِي ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ * مُتَوَكِّلًا عَلَى اللَّهِ * وَأَقُولُ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ كَفَى

و در پناه حق و یاری او * با توکل بر خدا * پیوسته خواهم گفت که خدا مرا بس و کافی است

* سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا * لَيْسَ لِي وَرَاءَ اللَّهِ وَ وَرَاءَ كُمْ يَا سَادَتِي مُنْتَهَى

* که خدا هر که او را به دعا بخواند می‌شنود * و مرا جز درگاه و درگاه شما بزرگانم که اولیاء خدایید دری دیگر نیست

* مَا شَاءَ رَبِّي كَانَ * وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ * وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

* آنچه پروردگارم خواسته وجود یابد * و آنچه نخواسته وجود نیافت * و هیچ حول و قوه‌ای جز به خدا وجود ندارد

اَسْتَوِدُّعُكُمْ اللهُ * وَ لَا جَعَلَهُ اللهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي الْيَوْمَ *

* من شما دو بزرگوار را اینک وداع می‌گویم * و خدا این زیارت را آخرین عهد به زیارت شما قرار ندهد *

انصرفت يا سيدي يا امير المؤمنين و مولاي * و انت (وابت) يا ابا

من بازگشتم ای آقای من ای امیر المؤمنین و ای آقای من *

عبد الله يا سيدي * و سلامي عليكم متصل ما اتصل الليل والنهار

ایا عبد الله * و سلام و تحیت مادام که شب و روز پیوسته به یکدیگرند بر شما باد

واصل ذلك اليكم غير (غير) محجوب عنكم سلامي ان شاء الله

* و همیشه این سلام به شما واصل شود و از شما پوشیده و محجوب هیچگاه نباشد انشاء الله

و اسئله و بحقكم ان يشاء ذلك و يفعل * فانه و حميد مجيد *

* و از خدا به حق شما دو بزرگوار مسئلت می‌کنم که این همیشه با مشیت خدا و عنایت الهی انجام یابد * که او البته خدای بزرگوار ستوده

انقلبت يا سيدي عنكم تائبًا حامدًا لله * شاكرا راجيا للاجابة

صفات است * بازگشتم ای آقای من از زیارت شما در حالی که از هر گناه توبه کرده و به حمد * و شکر و سپاس حق مشغولم و امیدوار اجابت

غير ايس و لا قانط * ائبًا عائدًا راجعًا الى زيارتكم * غير راغب

دعاهايم هستم و ابدا مایوس از لطف خدا نیستم * که باز مکرر رجوع به درگاه شما و بازگشت به زیارت قبور مطهر شما کنم * و هیچ از شما

عنكم و لا من (عن) زيارتكم * بل راجع عائد ان شاء الله * و لا

و زیارت قبور مطهرتان سیر نشوم * بلکه مکرر باز بیایم انشاء الله * و البته هیچ حول

حول و لا قوة الا بالله * يا سادتي رغبت اليكم و الى زيارتكم *

و قوه‌ای جز به خواست خدا نخواهد بود * ای بزرگان من به زیارت شما مشتاق و مایل بودم *

بعد ان زهد فيكم و في زيارتكم اهل الدنيا * فلا خيبني الله ما

بعد از آنکه اهل دنیا را دیدم به شما و زیارت شما بی‌میل و رغبت بودند * پس خدا مرا از امید و آرزویی که دارم

(مما) رجوت * و ما املت في زيارتكم * انه و قريب مجيب * سيف بن

محرور نگرداند * و هم از زیارت شما محروم نسازد * که او به ما نزدیک است و اجابت‌کننده دعا خیلی است. *

عُمَيْرَه گوید که سؤال کردم از صفوان و گفتم که علقمه بن محمد این دعا را برای ما از حضرت باقر (علیه السلام) روایت

نکرد، بلکه همان زیارت را حدیث کرد. صفوان گفت که: وارد شدم با سیّد خودم حضرت صادق (علیه السلام) به این

مکان پس به جا آورد مثل آنچه را که ما به جا آوردیم در زیارت، و دعا کرد به این دعا هنگام وداع بعد از اینکه دو

رکعت نماز گذاشت چنانچه ما نماز گذاشتیم، و وداع کرد چنانچه ما وداع کردیم. پس صفوان گفت که: حضرت

صادق (علیه السلام) به من فرمود که: مواظب باش این زیارت را و بخوان این دعا را و زیارت کن به آن، پس به درستی که من ضامنم بر خدا برای هر که زیارت کند به این زیارت و دعا کند به این دعا از نزدیک یا دور، اینکه زیارتش مقبول شود و سعیش مشکور و سلامش به آن حضرت برسد و محبوب نماید و حاجت او قضا شود از جانب خدای تعالی به هر مرتبه که خواهد برسد و او را نومید برنگرداند. ای صفوان یافتم این زیارت را به این ضمان از پدرم و پدرم از پدرش علی بن الحسین (علیه السلام) به همین ضمان و او از حسین (علیه السلام) به همین ضمان و حسین (علیه السلام) از برادرش حسن (علیه السلام) به همین ضمان و حسن از پدرش امیرالمؤمنین (علیه السلام) با همین ضمان و امیرالمؤمنین (علیه السلام) از رسول خدا صلی الله علیه و آله با همین ضمان و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از جبرئیل با همین ضمان و جبرئیل از خدای تعالی با همین ضمان. * و به تحقیق که خداوند عز و جل قسم خورده به ذات مقدس خود که هر که زیارت کند حسین (علیه السلام) را به این زیارت از نزدیک یا دور و دعا کند به این دعا قبول می کنم از او زیارت او را و می پذیرم از او خواهش او را به هر قدر که باشد و می دهم مسئلتش را. * پس بازگردد از حضرت من با ناامیدی و خسار، و بازش گردانم با چشم روشن به برآوردن حاجت و فوزه به جنت و آزادی از دوزخ و قبول کنم شفاعت او را در حق هر کس که شفاعت کند. حضرت فرماید: جز دشمن ما اهل بیت که در حق او قبول نشود، قسم خورده حق تعالی به این بر ذات اقدسش و گواه گرفته ما را بر آنچه که گواهی دادند به آن ملائکه ملکوت او. پس جبرئیل گفت یا رسول الله خدا فرستاده مرا به سوی تو به جهت سرور و بشارت تو و شادی و بشارت علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از اولاد تو (علیه السلام) تا روز قیامت. پس مستمّر و پاینده باد مسرت تو و مسرت علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان (علیه السلام) و شیعه شما تا روز رستخیز. * پس صفوان گفت که حضرت صادق (علیه السلام) با من فرمود: ای صفوان هرگاه روی داد از برای تو به سوی خدای عز و جل حاجتی پس زیارت کن به این زیارت از هر مکانی که بوده باشی و بخوان این دعا را و بخواه از پروردگار خود حاجتت را که برآورده شود از خدا و خدا خلاف نخواهد فرمود وعده خود را بر رسول خود به جود و امتنان خویش و الحمد لله. * مؤلف گوید که: درنجم ثاقب در ذیل حکایت تشرف جناب حاج سید احمد رشتی به ملاقات امام عصر ارواحنا فداه در سفر حج و فرمایش آن حضرت به او که چرا شما عاشورا نمی خوانید عاشوراء عاشوراء عاشوراء و آن حکایت را ما انشاء الله بعد از زیارت جامعه کبیره نقل خواهیم کرد. * شیخ ما ثقة الاسلام نوری (رحمته الله) فرموده: اما زیارت عاشوراء، پس در فضل و مقام آن بس که از سنخ سایر زیارات نیست که به ظاهر از انشای و املائی معصومی باشد (هر چند که از قلوب مطهره ایشان چیزی جز آنچه از عالم بالا به آنجا رسد بیرون نیاید) بلکه از سنخ احادیث قدسیه است که به همین ترتیب از زیارت و لعن و سلام و دعا از حضرت احدیت جلت عظمته به جبرئیل امین و از او به

خاتم النبیین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) رسیده و به حسب تجربه، مداومت به آن در چهل روز یا کمتر در قضای حاجات و نیل مقاصد و دفع اعدای بی نظیر، و لکن احسن فواید آن که از مواظبت آن بدست آمده فایده‌ای است که در کتاب دارالسلام ذکر کردم و اجمال آن آنکه ثقه صالح متقی حاج ملاحسن یزدی که از نیکان مجاورین نجف اشرف است و پیوسته مشغول عبادت و زیارت، نقل کرد از ثقه امین حاج محمد علی یزدی که مرد فاضل صالحی بود در یزد که دائماً مشغول اصلاح امر آخرت خود بود و شبها در مقبره خارج یزد که در آن جماعتی از صلحا مدفونند و معروف است به مزار به سر می برد و او را همسایه‌ای بود که در کودکی با هم بزرگ شده و در نزد یک معلم می رفتند تا آنکه بزرگ شد و شغل عشاری پیش گرفت تا آنکه مرد و در همان مقبره، نزدیک محلی که آن مرد صالح بیتوته می کرد دفن کردند. پس او را در خواب دید پس از گذشتن کمتر از ماهی که در هیئت نیکوئی است پس به نزد او رفت و گفت: من می دانم مبداء و منتهای کار تو و ظاهر و باطن تو را و نبودی از آنها که احتمال رود نیکی در باطن ایشان و شغل تو مقتضی نبود جز عذاب را پس به کدام عمل به این مقام رسیدی؟ گفت: چنان است که گفتم و من در اشد عذاب بودم از روز وفات تا دیروز که زوجه استاد اشرف حداد فوت شد و در این مکان او را دفن کردند و اشاره کرد به موضعی که قریب صد ذرع از او دور بود و در شب وفات او حضرت ابی عبدالله الحسین (عَلَيْهِ السَّلَام) سه مرتبه او را زیارت کرد و در مرتبه سیم امر فرمود به رفع عذاب از این مقبره، پس حالت ما نیکو شد و در سعه و نعمت افتادیم. پس از خواب متحیرانه بیدار شد و حداد را نمی شناخت و محله او را نمی دانست. پس در بازار حدادان از او تفحص کرد و او را پیدا نمود، از او پرسید برای تو زوجه‌ای بود؟ گفت: آری دیروز وفات کرد و او را در فلان مکان (و همان موضع را اسم برد) دفن کردم. گفت: او به زیارت ابی عبدالله (عَلَيْهِ السَّلَام) رفته بود؟ گفت: نه. گفت: ذکر مصائب او می کرد؟ گفت: نه. گفت: مجلس تعزیه داری داشت؟ گفت: نه. آنگاه پرسید چه

می جوئی؟ خواب را نقل کرد. گفت: آن زن مواظبت داشت به زیارت عاشوراء. **دویم: زیارت عاشوراء**

غیر معروفه است که با زیارت معروفه متداوله در اجر و ثواب شریک است بی مشقت گفتن صد مرتبه لعن و صد مرتبه سلام و این برای آنانکه شغل مهمی دارند فوزی است عظیم * و کیفیت آن به نحوی که در مزار قدیم نقل شده بدون شرح آن چنین است که هرکس دوست دارد زیارت کند آن حضرت را از بلاد دور یا نزدیک پس غسل کند و برود به صحرا یا در بام خانه خود، آنگاه دو رکعت نماز کند و بخواند در آن سوره **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** چون سلام گفت اشاره کند به سوی آن حضرت به سلام و متوجه شود به این سلام و اشاره و نیت به آن جهتی که در آن است ابو عبدالله الحسین (عَلَيْهِ السَّلَام) یعنی رو کند به کربلای معلی، آنگاه با خشوع و استکانت بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْبَشِيرِ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا (ص) * سلام بر تو ای فرزند پیغمبری که بشارت آورده و

النَّذِيرِ * وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ

ترساننده بود * سلام بر تو ای فرزند سید اوصیای پیغمبر اکرم * سلام بر تو ای فرزند فاطمه

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ * السَّلَامُ

سیده زنان عالم * سلام بر تو ای برگزیده خدا فرزند برگزیده خدا * سلام بر تو ای آنکه خون پاکت در راه خدا ریخت و خون خواهی

عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَتْرُ الْمَوْتُورُ *

خدای منتقم است و فرزند کسی که خونش در راه خدا ریخت و خون خواهش خداست * سلام بر تو ای کسی که خونت به انتقام نرسید

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْهَادِي الرَّكِّي * وَ عَلَى أَرْوَاحِ حَلَّتْ بِفَنَائِكَ

و منتقم آن خدا و ولی خداست * سلام بر تو ای پیشوای راهنمای پاکیزه صفات * سلام بر تو و بر ارواح پاکتی که در حرم مطهرت با

* وَ أَقَامَتْ فِي جَوَارِكِ * وَ وَفَدَتْ مَعَ زُورَاكِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مَنِي مَا

تو مدفون شدند * و در جوارت اقامت کردند * و بر کسانی که با زوارت وارد به حرم شریف شدند * سلام از من بر تو باد

بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ * فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِكَ الرَّزِيَّةُ * وَ جَلَّتْ فِي

مادامی که من هستم و لیل و نهار در عالم برقرار است * تعزیتت بزرگ * و مصیبتت

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ * وَ فِي أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِينَ أَجْمَعِينَ

بر اهل ایمان و مسلمانان * و همه اهل آسمانها و زمینها سخت عظیم و ناگوار بود

* فَاِنَّا لِلَّهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاَجِعُونَ * صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ وَ

* باری ما همه از جانب خدا آمده ایم و به سوی خدا باز می گردیم * درود و رحمت و برکات و تحیات

عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ * وَ عَلَى اَبَائِكَ الطَّيِّبِينَ الْمُنتَجِبِينَ

خدا بر تو باد ای ابا عبد الله الحسین * و بر پدران پاکیزه گوهر برگزیده تو باد

* وَ عَلَى ذُرِّيَّاتِكُمُ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ * لَعْنُ اللَّهِ اُمَّةً خَذَلْتَكُ * وَ تَرَكْتَ

* و بر ذریه پاکت که همه رهبر و رهنمای خلق بودند * خدا لعنت کند امتی را که تو را مقهور و مغلوب خواستند * و نصرت

نُصْرَتِكَ وَ مَعُونَتِكَ * وَ لَعْنُ اللَّهِ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَسَاسَ الظُّلْمِ لَكُمْ *

و یاریت نکردند * و لعن خدا بر امتی که اساس ظلم و ستم را بر شما بنیاد کردند *

وَ مَهَّدَتْ اَلْجُورَ عَلَيْكُمْ * وَ طَرَقَتْ اِلَى اَذْيَتِكُمْ وَ تَحِيْفِكُمْ * وَ جَارَتْ

و بساط جور و طغیان را بگسترده * و راه آزار و بیداد را به روی شما باز کردند * و این جور

(وَ حَادَتْ) ذَلِكَ فِي دِيَارِكُمْ وَ أَشْيَاعِكُمْ * بَرَّتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

و ستم را در دیار و شیعیان و تابعان شما نیز تعمیم دادند * من نزد خدای عز و جل و نزد شما سید

وَ الْيَكْمُ يَا سَادَاتِي وَ مَوَالِيَّ وَ أَيْمَتِي مِنْهُمْ * وَ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ اتَّبَاعِهِمْ

و مولا و پیشوایان من از آن مردم ظالم ستمکار * و شیعیان و پیروانشان بیزاری می جویم

* وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ يَا مَوَالِيَّ مَقَامَكُمْ * وَ شَرَّفَ مَنَزَلَتَكُمْ

* و از خدای متعالی که مقام شما را ای آقایان من مکرم داشته * و شأن و منزلت با شرافت به شما عطا فرموده

وَ شَانَكُمْ * أَنْ يُكْرِمَنِي بِوِلَايَتِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ وَ الْإِيْتِمَامَ بِكُمْ *

درخواست می کنم * که به من نعمت ولایت و محبت کامل شما را کرامت فرماید و اقتداء به شما *

وَ بِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ * وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الْبَرَّ الرَّحِيمَ أَنْ يَرْزُقَنِي مَوَدَّتَكُمْ

و بیزاری از دشمنان شما را به من عنایت کند * و باز از خدای بزرگوار مهربان درخواست می کنم که دوستی خالص شما را نصیبم گرداند

* وَ أَنْ يُوفِّقَنِي لِطَلَبِ بَثَارِكُمْ مَعَ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْهَادِي مِنْ آلِ

* و مرا موفق دارد که در طلب خون پاک شما که به ظلم ریختند در رکاب امام زمان با آن امام منتظر مهدی آل محمد

مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ يَجْعَلَ لِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * وَ أَنْ يَبْلِغَنِي الْمَقَامَ

از خونخواهان شما باشم * و مرا در دنیا و آخرت با شما قرار دهد * و به آن مقام محمودی

الْمَحْمُودِ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ * وَ أَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِحَقِّكُمْ * وَ بِالشَّانِ

که شما را نزد خداست برساند * و باز از خدای عز و جل درخواست می کنم به حق شما * و به شأن و منزلتی که

الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ * أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا أَعْطَى

خدا خاص شما خاندان قرار داده * که به من اجری از غم و اندوهم بر مصایب و سوگواری شما عطا کند که افضل اجری باشد که به

مُصَابًا بِمُصِيبَةٍ * اِنَّا لِلَّهِ وَ اِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ

کسی از مصیبت زدگان عالم عطا می فرماید * باری ما همه از جانب خدا آمده ایم و به سوی او باز می گردیم * چقدر مصیبت

مَا أَفْجَعَهَا وَ أَنْكَاهَا لِقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ * فَاِنَّا لِلَّهِ وَ اِنَّا

وارد بر شما بر دل اهل ایمان و مسلمانان جهان دردناک و ناگوار بود * پس ما از جانب خدا آمده

إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ اجْعَلْنِي فِي

و باز به سوی او باز می گردیم * ای خدا درود فرست بر محمد و آل محمد * و مرا در مقامی که

مَقَامِي مِمَّنْ تَنَالَهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَ رَحْمَةٌ وَ مَغْفِرَةٌ * وَ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ

به عنایات و رحمت و مغفرتت نایل شوم قرار ده * و هم در دنیا و

وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ * فَإِنِّي اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ

آخرت مرا نزد خود آبرومند و مقرب گردان * که من به درگاه تو به وسیله محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ * صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ * اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَتَوَسَّلُ

و آل محمد * صلوات الله عليهم اجمعین تقرب می جویم * بار الها من

وَآتُوْجَّهٖ بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ * وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ

به خالصان و برگزیدگان خلقت * که محمد مصطفی و علی مرتضی و ذریه پاک گوهر این دو بزرگوار به

وَالطَّيِّبِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا * اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ *

درگاه تو توسل جسته و روی آوردم * پروردگارا پس درود فرست بر محمد و آل محمد *

وَاجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَاهُمْ * وَمَمَاتِي مَمَاتِهِمْ * وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ

و مرا در حیات و ممات تابع آنان قرار ده * و میان من و آنها در دنیا

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ * إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ * اللَّهُمَّ وَهَذَا يَوْمٌ تَجَدَّدَ فِيهِ

و آخرت جدایی میفکن * که همانا تو اجابت کننده دعای خلقی * پروردگارا و این روز روزی است که

النِّقْمَةُ * وَتَنْزَلَ فِيهِ الْمَغْنَةُ عَلَى اللَّعِينِ يَزِيدُ وَعَلَى آلِ يَزِيدَ * وَعَلَى

رنج و مصیبت * و کینه منافقان امتت بر آل محمد تجدید یافت * و لعنت خدا بر یزید لعین * و آل زیاد

آلِ زِيَادٍ وَعُمَرَ بْنِ سَعْدٍ وَالشَّمْرَ * اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ * وَالْعَنَ مَنْ رَضِيَ

و عمر سعد و شمر نازل گردید * پروردگارا همه آنان را لعنت کن * و نیز هر کس که به قول

بِقَوْلِهِمْ وَفَعَلِهِمْ مِنْ أَوَّلٍ وَآخِرٍ لَعْنَا كَثِيرًا * وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ *

و فعل زشت آنها راضی و خوشنود است از اولین و آخرین اهل دنیا همه را لعنت کن * و در آتش دوزخ بسوزان *

وَاسْكُنْهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا * وَأَوْجِبْ عَلَيْهِمْ وَعَلَى كُلِّ مَنْ

و در جهنم آنان را مسکن ده که آنجا بدترین مسکن و منزلگاه است * و بر آنها و بر تمام شیعیان و پیروانشان

شَايِعَهُمْ وَبَايِعَهُمْ * وَتَابِعَهُمْ وَسَاعَدَهُمْ وَرَضِيَ بِفَعْلِهِمْ * وَافْتَحْ

و هر که با آنها بیعت کرد * و مساعدت نمود و راضی به فعل آنها بود همه را حتم در آن دوزخ درافکن * و بر آنها

لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَعَلَى كُلِّ مَنْ رَضِيَ بِذَلِكَ لَعْنَاتِكَ الَّتِي لَعَنْتَ بِهَا كُلَّ

و بر هر که به کردار ظالمانه آنها راضی باشد دری از لعنتها که بر تمام ظالمان

ظَالِمٍ * وَكُلِّ غَاصِبٍ وَكُلِّ جَاحِدٍ * وَكُلِّ كَافِرٍ وَكُلِّ مُشْرِكٍ * وَكُلِّ

گشودی * و هر غاصب و منکر * و کافر و مشرک * و هر شیطان

شَيْطَانِ رَجِيمٍ * وَكُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ * اللَّهُمَّ الْعَنِ يَزِيدَ وَآلَ يَزِيدَ

مردود * و هر گردنکش عنود به روی آنها نیز آن در لعن و عذاب را بگشا * پروردگارا یزید و آل یزید

وَبَنِي مَرْوَانَ جَمِيعًا * اللَّهُمَّ وَضَعْفَ غَضَبِكَ وَسَخَطِكَ * وَعَذَابِكَ

و بنی مروان همه را لعنت فرست * پروردگارا خشم و غضب * و عذاب و انتقام و قهرت را

وَنَقِمَتِكَ عَلَىٰ أَوَّلِ ظَالِمٍ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ * اللَّهُمَّ وَالْعَنِ جَمِيعَ

بر اول شخص ظالم بر اهل بیت پیغمبرت مضاعف و شدید گردان * پروردگارا و تمام ستمگران و ظالمان به

الظَّالِمِينَ لَهُمْ * وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ إِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمِينَ * اللَّهُمَّ

آل محمد (ع) را لعنت کن * و از آنان سخت انتقام کش که تو از بدکاران و ظالمان عالم به سختی انتقام خواهی کشید * پروردگارا

وَالْعَنِ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ * وَالْعَنِ أَرْوَاحَهُمْ وَدِيَارَهُمْ

لعنت کن اول ظالمی که در حق آل محمد ظلم و تعدی کرد * و لعنت فرست بر جانهای ناپاکشان و بر دیارشان و

وَقُبُورَهُمْ * وَالْعَنِ اللَّهُمَّ الْعِصَابَةَ الَّتِي نَازَلَتْ الْحُسَيْنَ ابْنَ بَنَاتِ

بر گور و قبورشان * و لعنت کن آن جماعتی را که برای جنگ با حسین پسر دختر پیغمبرت فرود

نَبِيِّكَ * وَحَارِبَتَهُ وَقَتَلَتْ أَصْحَابَهُ وَأَنْصَارَهُ * وَأَعْوَانَهُ وَأَوْلِيَاءَهُ وَ

آمدند * و با آن حضرت جنگ کردند و او را با همه اصحاب و انصار * و یاران و خواص

وَشِيعَتَهُ * وَمُحِبِّيهِ وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَذُرِّيَّتَهُ * وَالْعَنِ اللَّهُمَّ الَّذِينَ

* و شیعیان و دوستان و اهل بیت و ذریه اش همه را شهید کردند * و لعنت کن ای خدا آنان را

نَهَبُوا مَالَهُ * وَسَلَبُوا (وَسَبُّوا) حَرِيمَتَهُ * وَلَمْ يَسْمَعُوا كَلَامَهُ وَلَا مَقَالَهُ * وَ

که اموالش را به غارت بردند و حرم محترمش را چپاول و اهل حرم را اسیر کردند * و گوش به سخنانش ندادند

اللَّهُمَّ وَالْعَنِ كُلَّ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ *

* خدایا آنها را و هر که را که ظلم اینان را بشنید و بدان راضی و خوشنود شد از اولین

وَالْمُخَلَّاتِقِ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

و آخرین خلق * تا روز قیامت همه را لعنت کن * سلام بر تو ای ابا عبد الله

الْحُسَيْنِ * وَعَلَىٰ مَنْ سَاعَدَكَ وَعَاوَنَكَ * وَوَأَسَاكَ بِنَفْسِهِ * وَبَدَلَ

الحسین * و بر کسانی که با تو مساعدت و یاری * و به جان فداکاری کردند * و خونشان را در

مُهَجَّتَهُ * فِي الذَّبِّ عَنْكَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَعَلَيْهِمْ * وَعَلَىٰ

رکابت برای دفع دشمن از تو به خاک ریختند * سلام بر تو ای مولای من و بر آن یاران وفادار تو باد * و بر

رُوحِكَ وَ عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ * وَ عَلَىٰ تَرْبَتِكَ وَ عَلَىٰ تَرْبَتِهِمْ * اللَّهُمَّ لَقِهِمْ

روح پاک تو و بر روح آن پاکان * و بر تربت پاک تو و بر تربت پاک آن مردان خدا باد * پروردگارا

رَحْمَةً وَ رِضْوَانًا وَ رَوْحًا وَ رِيحَانًا * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَا أَبَا

و بر آنان رحمت و رضوان و نشاط و شادمانی کرامت فرما * سلام بر تو ای آقای من ای

عَبْدِ اللَّهِ * يَا ابْنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * وَيَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ * وَيَا ابْنَ

ابا عبد الله * ای فرزند خاتم انبیاء * و ای فرزند بزرگ اوصیاء * و ای فرزند

سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدُ يَا ابْنَ الشَّهِيدِ *

فاطمه زهراء سیده زنان عالم * سلام بر تو شهید راه خدا فرزند شهید راه حق *

اللَّهُمَّ بَلِّغْهُ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي هَذَا الْيَوْمِ * وَ فِي هَذَا الْوَقْتِ

ایزدا از من به آن روح پاک در این ساعت و در این روز * و در این وقت

وَ كُلِّ وَقْتٍ تَحِيَّةً وَ سَلَامًا * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ *

و تمام اوقات سلام و تحیت برسان * درود و سلام بر تو ای پسر سید اهل عالم *

وَ عَلَى الْمُسْتَشْهِدِينَ مَعَكَ سَلَامًا مُتَّصِلًا مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ

و بر آنان که با تو به درجه رفیع شهادت رسیدند درود و سلامی که بر دوام بماند مادامی که شب و روز در عالم

(بِالنَّهَارِ) * السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الشَّهِيدِ * السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ

برقرار است * سلام بر حسین بن علی شهید * سلام بر علی بن الحسین

الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ * السَّلَامُ عَلَى الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الشَّهِيدِ *

شهید (علی اکبر) * سلام بر حضرت ابا الفضل فرزند امیر المؤمنین *

السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وَدِدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ

سلام بر تمام شهیدان از فرزندان امیر المؤمنین * سلام بر شهیدان

مِنْ وَدِدِ جَعْفَرٍ وَ عَقِيلِ * السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مُسْتَشْهِدٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ *

از فرزندان حضرت جعفر و عقیل * سلام بر جمیع شهیدان اهل ایمان *

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ بَلِّغْهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً وَ سَلَامًا

پروردگارا درود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و از من به آن خوبان عالم سلام و تحیت برسان

* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ * وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ

* سلام بر تو ای رسول خدا * و درود و رحمت و برکات خدا

وَبَرَكَاتُهُ * أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ *

بر تو باد * خدا بر تو اجر نیکو در مقابل این تعزیت و مصیبت فرزندت حسین علیه السلام به تو مرحمت فرماید *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحُسَيْنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * وَعَلَيْكَ السَّلَامُ *

سلام بر تو ای ابا الحسن ای امیر المؤمنین * درود و رحمت

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ *

و برکات خدا بر تو باد * خدا اجر نیکو در مقابل این تعزیت و مصیبت فرزندت حسین (ع) به تو مرحمت فرماید *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ يَا بِنْتَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَعَلَيْكَ السَّلَامُ *

سلام بر تو ای فاطمه زهراء دختر پیغمبر پروردگار عالم * درود و تحیت

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ *

و رحمت و برکات خدا بر تو باد خدا * اجر نیکو در مقابل تعزیت و مصیبت فرزندت حسین به تو مرحمت فرماید *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ * وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ *

سلام بر تو ای ابا محمد ای حسن مجتبی * درود و رحمت و برکات خدا

وَبَرَكَاتُهُ * أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي أَخِيكَ الْحُسَيْنِ * السَّلَامُ عَلَيَّ *

بر تو باد * و خدا اجر نیکو در مقابل تعزیت و مصیبت برادرت حسین به تو مرحمت فرماید * سلام و

أَرْوَاحِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ * الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ * وَعَلَيْهِمْ *

درود بر ارواح مرد و زن اهل ایمان * از زندگان و مردگان آنها باد * درود

السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُمُ الْعَزَاءَ فِي مَوْلَاهُمْ *

و رحمت و برکات خدا بر آنها باد * خدا اجر نیکو در مقابل تعزیت و مصیبت آقا و مولایشان حسین به آنها

الْحُسَيْنِ * اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الطَّالِبِينَ بَثَارِهِ مَعَ إِمَامٍ عَدْلٍ تَعَزُّ بِهِ *

مرحمت فرماید * پروردگارا ما هم با امام و پیشوای عدل که اسلام و اهلس را به آن حضرت عزیز می‌گردانی در رکاب او

الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ * يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ * پس به سجده برو و بگو: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ *

ما را هم از خونخواهان حسین قرار ده * ای پروردگار عالم. * ای خدا حمد و ستایش تو

عَلَى جَمِيعِ مَا نَابَ (يَأْتِي) مِنْ خُطْبٍ * وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ * وَالْيَكَّ *

را بر آنچه از غم و اندوه و نواب و مصایب بزرگ به ما رسد * و حمد تو را بر جمیع امور و حوادث عالم * و مرجع

الْمُشْتَكَى فِي عَظِيمِ الْمَهْمَاتِ بِخَيْرَتِكَ * وَأَوْلِيَائِكَ * وَذَلِكَ لِمَا *

شکایت در مهمات بزرگ و مصایب سخت که بر دوستان خاص و برگزیدگان حضرتت می‌رسد * درگاه تو خواهد بود

أَوْجِبَتْ لَهُمْ مِنَ الْكِرَامَةِ وَالْفَضْلِ الْكَثِيرِ * اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و این مصایب سخت برای آنست که بر آنها لطف و کرامت و فضل تو بسیار است * پروردگارا درود فرست

وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْوُرُودِ *

بر محمد و آل محمد * و شفاعت حضرت حسین علیه السلام را روزی من بگردان در روزی که وارد بر تو شویم *

وَالْمَقَامِ الْمَشْهُودِ * وَالْحَوْضِ الْمَوْرُودِ * وَاجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ

و به مقام شهود حضرت نایل * و از چشمه کوثر رحمت سیراب گردیم * و مرا از آنان قرار ده که با قدم صدق و صفا

مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ * الَّذِينَ وَأَسْوَهُ بَانْفُسِهِمْ

نزد تو آیند با حضرت حسین علیه السلام و اصحابش * آن اصحاب وفاداری که با او مواسات را به حد جان نثاری رسانیدند

* وَبَدَلُوا دُونَهُ وَمَهْجَهُمْ * وَجَاهِدُوا مَعَهُ * أَعْدَاءَكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ

* و جان را نزد او در راه خدا فدا کرده * و با دشمنانش جهاد کردند برای رضا و خوشنودی تو

وَرَجَائِكَ * وَتَصَدِيقًا بِوَعْدِكَ * وَخَوْفًا مِنْ وَعِيدِكَ * إِنَّكَ لَطِيفٌ

و امیدواری * و ایمان به وعده‌ها * و وعید قهر تو * که همانا تو علمت نافذ و رحمت شامل

لِمَا تَشَاءُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ﴿٨﴾ هشتم: زیارت اربعین است. یعنی: بیستم صفر،

هر چه بخواهی هست ای مهربانترین مهربانان عالم. *

شیخ در تهذیب و مصباح روایت کرده از حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) که فرموده: علامات مؤمن پنج چیز

است: پنجاه و یک رکعت نماز گذاشتن، که مراد هفده رکعت فریضه و سی و چهار رکعت نافله است در هر شب و

روز، و زیارت اربعین کردن، و انگشتر در دست راست کردن، و جبین را در سجده بر خاک گذاشتن، و بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را بلند گفتن. * و کیفیت زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام) در این روزه دو نحو رسیده: یکی

زیارتی است که شیخ در تهذیب و مصباح روایت کرده از صفوان جمال که گفت: فرمود به من مولایم حضرت

صادق (علیه السلام) در زیارت اربعین که زیارت می کنی در هنگامی که روز بلند شده باشد و می گوئی: **السَّلَامُ**

سلام بر

عَلَىٰ وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ * السَّلَامُ عَلَىٰ خَلِيلِ اللَّهِ وَنَجِيبِهِ * السَّلَامُ

تو ای ولی خدا و حبیب خاص خدا * سلام بر تو ای دوستدار و محبوب و برگزیده خدا * سلام

عَلَىٰ صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيهِ * السَّلَامُ عَلَىٰ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ

بر بنده خالص فرزند بنده خاص خدا * سلام بر حسین مظلوم شهید راه خدا

السَّلَامُ عَلَىٰ أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ * وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَ

* سلام بر آن اسیر غم و اندوه و مصایب سخت عالم * و کشته آب چشمان * پروردگارا من گواهی می‌دهم

وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ * وَصَفِيِّكَ وَابْنَ صَفِيِّكَ * أَلْفَايِزُ بَكَرَامَتِكَ * وَ

* که آن حضرت ولی تو و فرزند ولی توست * و برگزیده تو و فرزند برگزیده توست * که به لطف و کرمت رستگار شد

اَكْرَمَتَهُ * بِالشَّهَادَةِ * وَ حَبَوْتَهُ * بِالسَّعَادَةِ * وَ اجْتَبَيْتَهُ * وَ بَطِيبِ

* تو او را به فیض شهادت گرمی داشتی * و به سعادت مخصوص گردانیدی * و به پاکي نسل

الْوَلَادَةِ * وَ جَعَلْتَهُ * سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ * وَ قَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ * وَ ذَائِدًا

* برگزیدی * و او را امام بزرگی از بزرگان عالم * و پیشوایی از پیشوایان الهی جهان قرار دادی * و مدافع از

مِنَ الذَّادَةِ * وَ اعْطَيْتَهُ * مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ * وَ جَعَلْتَهُ * حُجَّةً عَلَىٰ

* اسلام مقرر داشتی * و میراث تمام پیامبران را به او عطا کردی * و او را از جانشینان پیغمبر و حجت خود بر خلق

خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ * فَاعْذِرْ فِي الدُّعَاءِ * وَ مَنَحَ النَّصْحَ * وَ بَدَلَ

* گردانیدی * او هم در اتمام حجت بر خلق رفع هر عذر از امت کرد و اندرز و نصیحت امت را با عطا و مهرمانی انجام داد * و خون

مُهَجَّتَهُ * فِيكَ لَيْسْتَ تَنْقُذُ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ * وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ * وَ قَدْ

* پاکش را در راه تو به خاک ریخت تا بندگان را از جهالت و حسرت * و گمراهی نجات دهد * و

تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنَ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا * وَ بَاعَ حَظَّهُ * بِالْأَرْذَلِ الْأَدْنَىٰ * وَ شَرَىٰ

* مردمی که مغرور دنیا شدند * و بهره آخرتشان را به متاع ناچیز پست دنیا فروختند و ظلم

أَخْرَجَتْهُ * بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ * وَ تَغَطَّرَسَ وَ تَرَدَّىٰ فِي هَوَاهُ * وَ اسْخَطَكَ

* و جور کردند * و در پیروی هوای نفس هلاک شدند * و تو را و پیغمبرت را به خشم

وَ اسْخَطَ نَبِيِّكَ * وَ اطَّاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَ النِّفَاقِ * وَ حَمَلَةَ

* و غضب آوردند * و از آن بندگان که از اهل شقاق و نفاق و دشمنی با تو بودند پیروی کردند * در صورتی که آنها حامل بار سنگین

الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ (النَّارِ) * فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا

* گناه و معاصی و مستوجب آتش دوزخ بودند * پس این امام بزرگوار با آن ستمکاران در راه تو جهاد کرد و به اخلاص کامل صبر و تحمل کرد و مشقت بسیار کشید

حَتَّىٰ سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ * وَ اسْتَبِيحَ حَرِيمَتَهُ * اللَّهُمَّ فَالْعَنَهُمْ

* تا آنجا که در راه طاعتت خون پاکش به خاک ریخت * و حریم مطهر و هتک حرمت خاندان پاکش را مباح شمردند * پروردگارا تو

لَعْنًا وَبِيلاً * وَ عَذَبَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ

* آن قوم ستمکار ظالم را لعن شدید کن * و به عذاب سخت دردناک معذب ساز * سلام بر تو ای فرزند رسول خدا (ص)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ * أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ

* و فرزند سید اولیاء و اوصیاء پیغمبر خدا * گواهی میدهم که تو امین وحی خدایی و فرزند

أَمِينِهِ * عِشْتَ سَعِيدًا وَ مَضَيْتَ حَمِيدًا * وَ مِتَّ فَقِيدًا مَظْلُومًا

امین حق * همه عمر با سعادت در جهان زیستی و با ثنای حق درگذشتی * و از دنیا رحلت کردی و مظلوم و شهید راه حق

شَهِيدًا * وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ * وَ مَهْلِكٌ مَن خَذَلَكَ *

گشتی * و باز گواهی میدهم که خدای متعال وعده‌ای که به تو داده‌است به آن البته وفا کند * و آنان که تو را خوار و مضطر گذاشتند

وَ مُعَذِّبٌ مَن قَتَلَكَ * وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفِيَتْ بِعَهْدِ اللَّهِ * وَ جَاهَدْتَ فِي

همه را هلاک کند * و قاتلانت را عذاب سخت چشاند * و باز گواهی میدهم که تو به عهد خدا وفا کردی * و در راه خدا

سَبِيلِهِ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ * فَلَعَنَ اللَّهُ مَن قَتَلَكَ * وَ لَعَنَ اللَّهُ مَن

همه عمر جهاد کردی تا هنگام رحلت فرا رسید * پس خدا لعنت کند آنان که تو را کشتند * و یا درباره تو ظلم

ظَلَمَكَ * وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي

و ستم کردند * و باز خدا لعنت کند آن کس را که به قتل و ظلم تو چون شنید راضی و خوشنود گشت * پروردگارا من تو را

أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيٌّ لِّمَن وَالَاهُ * وَ عَدُوٌّ لِّمَن عَادَاهُ * بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي

گواه می‌گیرم که من دوست آن حضرت و دوست دوستان او هستم * و دشمن با دشمنان او * پدر و مادرم

يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ * أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ *

خدای تو ای فرزند رسول خدا * گواهی می‌دهم که تو نوری در اصلاّب پدران عالیرتبه *

وَ الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ (الطَّاهِرَةِ) * لَمْ تُنْجَسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا *

و ارحام مادران پاک طینت بودی * و انجاس جاهلیت تو را آلوده نساخت *

وَ لَمْ تُلْبَسْكَ الْمُدْلَهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا * وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ

و جامه‌های تیره ظلمانی اعصار جاهلیت تو را نپوشانید * و باز گواهی می‌دهم که تو محققا از ارکان دین خدایی

* وَ أَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ * وَ مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ * وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ

* و اصل و اساس آیین مسلمین * و پناه و نگهبان اهل ایمان * و باز گواهی می‌دهم که تویی محققا پیشوای

التَّقِيُّ * الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ * الْهَادِي الْمَهْدِيُّ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْأئِمَّةَ مِنْ

نیوکوار با تقوای * پسندیده صفات پاک و پاکیزه ذات * و هدایت کننده خلق و هدایت یافته به حق * و باز گواهی می‌دهم که

وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى * وَ أَعْلَامُ الْهُدَى * وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى * وَ الْحُجَّةُ

نه تن از امامان امت که از فرزندان تواند همه با روح تقوی * و راهنمای طریق حق * و رشته محکم ایمان خلق * و حجت

عَلَىٰ أَهْلِ الدُّنْيَا * وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُّؤْمِنٌ * وَبِأَيَابِكُمْ مُّوقِنٌ بِشَرَائِعِ

خداوند بر تمام اهل دنیا * و شهادت می‌دهم که من به امامت و حقانیت شما ایمان * و به رجعت شما یقین دارم

دینی و خواتیم عملی * وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ * وَآمِرِي لِآمِرِكُمْ مُتَّبِعٌ *

و در شروع به آیین و ختم کارم * و قلبم تسلیم قلب پاک شما * و همه کارم پیرو امر شماست *

و نَصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ * حَتَّىٰ يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ * فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ

و یاریم تا خدا اذن دهد برای شما مهیا است * پس البته با شما هستم نه با دشمنان

عَدْوِكُمْ * صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ * وَ عَلَىٰ أَرْوَاحِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ

شما * درود خدا بر شما * و بر جسم و جان پاک شما باد و درود خدا

(أَجْسَامِكُمْ) * وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ * وَ ظَاهِرِكُمْ وَ بَاطِنِكُمْ * ءَامِينَ

بر شما باد * از حاضر و غایب شما * و بر ظاهر و بر باطن شما باد * ای پروردگار عالمیان عالم

رَبِّ الْعَالَمِينَ * پس دو رکعت نماز می‌کنی و دعا می‌کنی به آنچه می‌خواهی و برمی‌گردی. * و دیگر

این دعا را اجابت فرماید. *

زیارتی است که از جابر منقول است و کیفیت آن چنان است که از عطا روایت شده که گفت: با جابر بن عبدالله

انصاری بودم در روز بیستم ماه صفر، چون به غاضریّه رسیدیم در آب فرات غسل کرد و پیراهن طاهری که با خود

داشت پوشید. پس گفت که: آیا با تو چیزی هست از بوی خوش ای عطا؟ گفتم: با من سُعد هست. پس قدری

از آن گرفت و بر سر و بدن پاشید و پابره‌نه روانه شد تا ایستاد نزد سر مبارک امام حسین (علیه السلام) و سه مرتبه **اللَّهُ**

أَكْبَرُ گفت پس افتاد و بیهوش شد و چون به هوش آمد شنیدم که می‌گفت: **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَالَ**

اللَّهُ الخ که به عینه همان زیارت نیمه رجب است که ما ذکر نمودیم و با آن فرقی ندارد جز چند کلمه که شاید

از اختلاف نسخ باشد چنانچه شیخ مرحوم احتمال داده. پس اگر کسی خواست که آن را نیز بخواند رجوع کند

به زیارت نیمه رجب و همان را بخواند. * مؤلّف گوید که: زیارت امام حسین (علیه السلام) در اوقات شریفه و لیالی و

ایام متبرکه که به غیر از این اوقات که ذکر شد نیز افضل است خصوصاً اوقاتی که به آن حضرت نسبتی داشته باشد

مانند روز مباحله و روز نزول **هَلْ آتَى** و روز ولادت شریف آن حضرت و شبهای جمعه. * و از روایتی مستفاد

می‌شود که حق تعالی در هر شب جمعه نظر مکرمتی بر آن حضرت فرماید و جمیع پیمبران و اوصیای ایشان

را به زیارت او بفرستد * و ابن قولویه از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که هر که زیارت کند قبر امام حسین (علیه السلام)

را در هر جمعه آمرزیده شود البته و از دنیا بیرون نرود با حال حسرت از دنیا و **مَسْكَنَشْ** در بهشت با امام

حسین (علیه السلام) باشد و در خبر اعمش است که همسایه او برای او گفت: در خواب دیدم که رقعها از آسمان فرو می‌ریزد که در آنها امان نوشته‌اند برای هر که زیارت امام حسین (علیه السلام) کند در شب جمعه. * و بعد از این در اعمال کاظمین در حکایت حاجی علی بغدادی اشاره به این مطلب خواهد شد و غیر این از اوقات شریفه دیگر.

* و روایت شده از حضرت صادق (علیه السلام) پرسیدند که آیا زیارت امام حسین (علیه السلام) را وقتی هست که بهتر از وقت دیگر باشد؟ فرمود که: زیارت کنید آن حضرت را در هر وقت و هر زمان. زیرا که زیارت آن حضرت خیر مُقَرَّری است هر که آن را بیشتر به عمل آورد خیر بیشتر خواهد یافت و هر که کمتر کند کمتر خواهد یافت و سعی کنید در زیارت کردن آن حضرت در اوقات شریفه که اعمال صالحه در آنها ثوابش مضاعف است و در آن اوقات شریفه ملائکه از آسمان نازل می‌شوند از برای زیارت آن حضرت الخ و از برای خصوص این اوقات مذکوره زیارت منقولی یافت نشده، بلی در روز سیّم ماه شعبان که روز تولّد حضرت امام حسین (علیه السلام) است دعائی از ناحیه شریفه بیرون آمده که بایست آن را خواند و ما آن را در اعمال ماه شعبان ذکر کردیم * و بدان نیز که زیارت آن حضرت در غیر کربلا از شهرهای دور فضیلت زیادی دارد و ما در اینجا به ذکر دو روایت که در کافی و تهذیب و فقیه است قناعت می‌کنیم. **روایت اول:** ابن ابی عمیر از هشام روایت کرده که حضرت صادق (علیه السلام) فرمود که: هرگاه راه یکی از شما دور و از خانه‌اش تا به قبور ما مسافت بسیار باشد بالا رود به پشت بام بلندتر منزل خود و دو رکعت نماز کند و اشاره کند به سلام کردن به سوی قبرهای ما پس به درستی که آن به ما می‌رسد. **روایت دویم:** از حنان بن سُدَیْر از پدرش منقول است که حضرت صادق (علیه السلام) به من فرمود: ای سدیر زیارت می‌کنی قبر حسین (علیه السلام) را در هر روز؟ عرض کردم که: فدای تو گردم نه. فرمود: شما چه جفا کارید. در هر جمعه زیارت می‌کنید او را؟ گفتم: نه. فرمود: در هر ماهی زیارت می‌کنید؟ گفتم: نه. فرمود: در هر سالی او را زیارت می‌کنید؟ گفتم: گاهی از سالها شده که زیارت کرده‌ام. فرمود: ای سدیر چه جفا کارید شما به امام حسین (علیه السلام)؟ آیا ندانستید که حق تعالی را دو هزار هزار فرشته است (و در تهذیب و فقیه هزار هزار فرشته است) ژولیده مو گرد آلوده که می‌گیرند بر آن حضرت و زیارت می‌کنند و سست نمی‌شوند و چه می‌شود برای تو ای سدیر که زیارت کنی قبر حسین (علیه السلام) را در هر جمعه پنج مرتبه و در هر روزی یک مرتبه؟ گفتم: فدایت شوم بین ما و بین او فرسخهای بسیار است. فرمود به من که، بالا رو به بام خانه‌ات پس نظر کن به جانب راست و چپ پس بلند کن سر خود را به سوی آسمان پس قصد کن جانب قبر آن حضرت را و بگو: **(اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ * اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکَاتُهُ.)** نوشته می‌شود برای تو زیارتی و آن زیارت حجّه و عمره است. سدیر گفت: بسا شد که

به جا آوردم این را در ماه بیشتر از بیست مرتبه، و در صدر زیارت اول از زیارات مطلقه گذشت چیزی که مناسب این مقام بود. **تذییل: در فضیلت و آداب تربت مقدسه امام حسین (علیه السلام):** بدان که روایات بسیار وارد شده که در تربت آن حضرت شفای هر درد و مرض است مگر مرگ، و امان است از بلاها و باعث ایمنی از هر خوف و بیم است و اخبار در این باب متواتر است و معجزاتی که به سبب این تربت مقدسه ظاهر گردیده است زیاده از آن است که ذکر شود و من در کتاب فوائد الرضویه که در تراجم علماء امامیه است در احوال سید محدث متبحر آقا سید نعمه الله جزائری (رحمه الله) نوشتم که آن سید جلیل در تحصیل علم زحمت بسیار کشیده و سختی و رنج بسیار برده و در اوایل تحصیل چون قادر نبوده بر چراغ، به روشنی ماه مطالعه می نموده لاجرم از کثرت مطالعه در ماهتاب و بسیار چیز نوشتن و مطالعه کردن چشمانش ضعف پیدا کرده بود، پس به جهت روشنی چشم خود به تربت مقدسه حضرت سید الشهداء (علیه السلام) و تراب مراقد شریفه ائمه عراق (علیهم السلام) اکتحال می کرد و به برکت آن تربت ها چشمش روشن می گشت و نیز نگاشتم که مبادا اهالی عصر ما بواسطه معاشرت با کفار و ملاحظه این مطلب را استعجاب نمایند. * همانا کمال الدین دمیری در حیوة الحیوان نقل کرده که افعی هرگاه هزار سال عمر کرد چشمانش کور می شود. حق تعالی او را ملهم فرموده که برای رفع کوری خود چشم خود را به رازیانج تر بمالد، لاجرم با چشم کور از بیابان قصد می کند بساتین و جاهائی را که رازیانج در آنجا باشد و اگر چه مسافتی طویل در بین باشد پس خود را می رساند به آن گیاه و چشم خود را بر آن می مالد روشنی چشم او برمی گردد و این مطلب را ز مخشری و غیره نیز نقل کرده اند. پس هرگاه حق تعالی در یک گیاه تری این خاصیت قرار داده باشد که مار کور پی به آن ببرد و بهره خود را از آن بگیرد چه عجب و استبعادی دارد که در تربت پسر پیغمبر صلوات الله علیه و آله که در راه او خودش و عترتش کشته شده شفاء از جمیع امراض و فوائد و برکاتی قرار داده باشد که شیعیان و محبان او از آن بهره ها برند. و ما در این مقام به ذکر چند خبر قناعت می کنیم. **۱** اول:

روایت شده که حوریان بهشت چون یکی از ملائکه را می بینند که از برای کاری بر زمین می آید از او التماس می کنند که برای ما تسبیح و تربت قبر امام حسین (علیه السلام) به هدیه بیاور. **۲** دوم: به سند معتبر منقول است که شخصی گفت: حضرت امام رضا (علیه السلام) برای من از خراسان بسته متاعی فرستاد، چون گشودم در میان آن خاکی بود، از آن مرد که آورده بود پرسیدم که این خاک چیست؟ گفت: خاک قبر امام حسین (علیه السلام) است و هرگز آن حضرت از جامه و غیر جامه چیزی به جایی نمی فرستد مگر آنکه این خاک را در میانش می گذارد و می فرماید این امان است از بلاها به اذن و مشیت خدا. **۳** سیم: روایت است که عبدالله بن ابی یعفور به خدمت حضرت صادق (علیه السلام) عرض کرد که یک شخص از خاک قبر امام حسین (علیه السلام) برمی دارد و منتفع

می شود و دیگری برمی دارد و منتفع نمی شود؟ فرمود که: نه والله هر که بردارد و اعتقاد داشته باشد که به او نفع می بخشد البته منتفع می شود. **۴** چهارم: از ابو حمزه ثمالی روایت است که عرض کردم به حضرت صادق (علیه السلام) که می بینم اصحاب ما می گیرند خاک قبر امام حسین (علیه السلام) را و طلب شفا از آن می کنند، آیا شفا در آن هست؟ فرمود که: طلب شفا می توان کرد از خاکی که بردارند از میان قبر تا چهار میل و همچنین است خاک قبر جدّم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و قبر امام حسن و امام زین العابدین و امام محمّد باقر (علیه السلام)، پس بگیر از آن خاک که آن شفای هر درد است و سپری است برای دفع هر چه از آن ترسی و هیچ چیز به آن برابری نمی کند از چیزهائی که از آن شفا طلب می کنند به غیر از دعا، و چیزی که آن را فاسد می کند آن است که در ظرفها و جاهای بد می گذارند و آنها که معالجه به آن می کنند کم است یقین ایشان. هر که یقین داشته باشد که این از برای او شفا است هرگاه معالجه به آن کند او را کافی خواهد بود و محتاج به دواى دیگر نخواهد شد. و فاسد می گردانند آن تربت را شیاطین و کافران از جنیان که خود را بر آن می مالند و بهر چیز که می گذرد آن تربت، آن را بومی کنند و اما شیاطین و کافران جنّ پس حسد می برند فرزندان آدم را بر آن و خود را بر آن می مالند که اکثر نیکی و بوی خوشش برطرف می شود و هیچ تربت از حایر بیرون نمی آید مگر مهیا می شوند از شیاطین و کافران جنّ از برای آن تربت آن قدر که عدد ایشان را کسی به غیر از خدا احصا نمی تواند کرد و آن تربت در دست صاحبش است و ایشان خود را بر آن می مالند و ملائکه نمی گذارند ایشان را که داخل حایر شوند و اگر تربت سالم از اینها بماند هر بیمار را که به آن معالجه نمایند البته در آن ساعت شفا می یابد. پس چون تربت را برداری پنهان کن و نام خدا بر آن بسیار بخوان و شنیده ام که بعضی از آنها که تربت را برمی دارند آن را سبک می شمارند. حتّی بعضی از ایشان آن را در توبره چهارپایان می اندازند یا در ظرف طعام یا چیزهائی که دست بر آن بسیار مالیده شود از خورجینها و جوالها پس چگونه شفا یابد از آن کسی که به این نوع آن را حرمت دارد و لکن دلی که در آن یقین نیست و سبک می شمارد چیزی را که صلاحش در آن است عمل خود را فاسد می کند. **۵** پنجم: روایت شده که هرگاه یکی از شما خواهد که بردارد تربت را، به اطراف انگشتان بردارد و قدر آن مثل نخود است

پس ببوسد آن را و بر هر دو دیده گذارد و بر سایر بدن بمالد و بگوید: **اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ**

پروردگارا به حق این تربت *

وَبِحَقِّ مَنْ حَلَّ بِهَا وَثَوَى فِيهَا * وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَأَبِيهِ * وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ *

و به حق آنکه در آن وارد شده و آنکه در آن اقامت گزیده * و به حق جدش و پدرش * و مادرش و برادرش *

وَالْإِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ * وَبِحَقِّ الْمَلَائِكَةِ الْحَافِينَ بِهِ * الَّا جَعَلْتَهَا شِفَاءً

و پیشوایان از فرزندان او * و به حق فرشتگانی که گرد او هستند * که آن را درمان و شفاء

مِنْ كُلِّ دَاءٍ * وَ بَرَاءً مِنْ كُلِّ مَرَضٍ * وَ نَجَاةً مِنْ كُلِّ آفَةٍ * وَ حِرْزًا مِمَّا

هر درد قرار دهی * و بهبودی هر مرض * و رهایی از هر آفت * و حرز از آنچه آن را می ترسم و

آخاف و أَحْذَرُ * پس آن را استعمال نماید و روایت شده که مهر کردن تربت امام حسین (علیه السلام) آن

از آن بر حذر م قرار دهی *

است که بر آن سوره اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بخوانی. * و نیز روایت شده که هرگاه تربت را بخوری یا به

کسی بخورانی بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسِعًا * وَ عِلْمًا

به نام خدا و به ذات خدا * خدایا قرار ده آن را روزی وسیع و فراخ * و دانش

نافِعًا * وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * مؤلف گوید که: فوائد

سودمند * و درمان هر درد * به درستی که تو بر هر چیز توانایی. *

تربت شریفه آن حضرت بسیار است از جمله آنکه مستحب است با میت در قبر گذاشتن و کفن را به آن نوشتن، و دیگر سجده کردن بر آن است که روایت شده که سجده بر آن هفت حجاب را می درد یعنی باعث قبولی نماز می شود که به آسمانها بالا می رود * و دیگر تسبیح از تربت آن حضرت ساختن و به آن تسبیح ذکر کردن و در دست داشتن است که فضیلت عظیم دارد و از خاصیتش آن است که در دست آدمی تسبیح می گوید بی آنکه صاحبش تسبیح بگوید و معلوم است که این تسبیح غیر از آن تسبیحی است که در همه اشیاء است.

كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَ اِنْ مِنْ شَيْءٍ اِلَّا يَسْبِيحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ

و چیزی نیست مگر آنکه تسبیح خدا به حمد او گوید و لیکن شما تسبیح آنها را نمی فهمید.

و عارف رومی در معنی آن گفته:

گر تو را از غیب چشمی باز شد	با تو ذرات جهان همراز شد
نطق خاک و نطق آب و نطق گل	هست محسوس حواس اهل دل
جمله ذرات در عالم نهان	با تو می گویند روزان و شبان
ما سَمِيعِمْ وَ بصیر و با هُشِمْ	با شما نامحرمان ما خامشیم
از جمادی سوی جان جان شوید	غلغل اجزای عالم بشنوید
فاش تسبیح جمادات آیدت	وسوسه تألیها بزدایدت

بالجمله این تسبیحی که در این روایت است تسبیحی است که از خصوصیات تربت حضرت سید الشهداء
اَرْوَا حُنَّا لَهُ الْفِدَاءُ است. * ششم: از حضرت امام رضا (علیه السلام) منقول است که هر که بگرداند تسبیح تربت

امام حسین (علیه السلام) را و بگوید: (سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ * وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ) با هر دانه بنویسد حق تعالی از برای او شش هزار حسنه و محو کند از او شش هزار گناه و بلند کند از برای او شش هزار درجه و بنویسد از برای او شش هزار شفاعت. * و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که هر که بگرداند سنگهائی را که از تربت امام حسین (علیه السلام) می سازند یعنی تسبیح پخته پس یکبار استغفار کند هفتاد استغفار از برای او نوشته می شود و اگر تسبیحی را در دست نگاه دارد و تسبیح نکوید به عدد هر حبه هفت مرتبه از برای او نوشته می شود. ﴿۷﴾ هفتم: در حدیث معتبر منقول است که چون حضرت صادق (علیه السلام) به عراق تشریف آوردند، گروهی نزد آن حضرت آمدند و عرض کردند که دانسته ایم تربت امام حسین (علیه السلام) موجب شفای هر درد است، آیا باعث ایمنی از هر خوف هست؟ فرمود: بلی هرگاه کسی خواهد که او را از هر بیمی امان بخشد باید تسبیحی که از تربت آن حضرت ساخته باشند در دست بگیرد و سه مرتبه این دعا را بخواند:

أَصْبَحْتُ (أَمْسَيْتُ) اللَّهُمَّ مَعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ * وَ جِوَارِكَ الْمَنِيعِ * الَّذِي

صبح کردم پروردگارا در حالتی که حفظ خود را از گناه به امان تو * و در جوار منیع و پناه محکم استوار تو * که هیچکس بر آن

لَا يُطَاوِلُ وَلَا يُجَاوِلُ * مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَ طَارِقٍ * مِنْ سَائِرِ مَنْ

دست تطاول نتواند گشود و ذی قدرتی بر آن دست نخواهد یافت * از شر هر ظالم بیدادگر و کاهن * و شر جمیع

خَلَقْتَ * وَ مَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَ النَّاطِقِ * فِي جَنَّةٍ مِنْ

آنکه آفریده ای * و آنچه از گویا و خاموش که خلقت فرموده ای * و از هر چه

كُلِّ مَخُوفٍ * بِلِبَاسِ سَابِغَةِ حَصِينَةَ * وَ هِيَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ

خوفناک است * خود را در می پوشم زیر سپر و جوشن و درع محکم تو * که آن دوستی اهل بیت

(عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * مُحْتَجِّزًا (مُحْتَجِّبًا) مِنْ كُلِّ

پیغمبرت محمد صلی الله علیه و آله است * و از هر که قصد آزار من کند

قَاصِدٍ لِي إِلَى أَدْيَةِ بَجْدَارِ حَصِينِ الْإِخْلَاصِ فِي الْإِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ *

در حصار محکم اخلاص در اعتراف به حق اهل بیت رسولت (ص) پناهنده می شوم *

وَ التَّمَسُّكِ بِجَبَلِهِمْ جَمِيعًا * مُوقِنًا أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَ مَعَهُمْ وَ مِنْهُمْ

و چنگ می زنم به رشته تمام اهل بیت * در حالی که یقین دارم که به حق آنها و با آنها و از آنها و در خاندان آنها و به وجود

وَ فِيهِمْ وَ بِهِمْ * أَوْلَى مِنْ وَالْوَا * وَ أَعَادِي مِنْ عَادُوا * وَ أَجَانِبٍ مَنْ

آنان بسته است * من دوست دارم هر که را آنها دوست دارند * و دشمن دارم هر که را آنها دشمن دارند * و دوری میکنم

جَانِبُوا * فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَاعِدْنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ

از هر که دوری میکنند * پس تو ای خدا درود فرست بر محمد و آلش * و مرا ای پروردگار به واسطه ایشان از هر چه می‌ترسم

مَا اتَّقِيهِ * يَا عَظِيمُ حَجَزَتْ الْأَعَادِي عَنِّي بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

در پناه خود گیر ای بزرگ * من شر دشمنانم را از خود منع کردم به توسل به خدای آفریننده آسمانها و زمین

إِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا * وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا * فَاعْشَيْنَاهُمْ

* ما راه خیر را از پیش و پس بر آنها سد کردیم * و بر چشم‌شان پرده افکندیم

فَهُمْ لَا يَبْصُرُونَ * پس تسبیح را ببوسد و بر هر دو چشم بمالد و بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

که هیچ نبینند * پروردگارا من از تو

بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ * وَبِحَقِّ صَاحِبِهَا * وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَبِحَقِّ أَبِيهِ

درخواست می‌کنم به حق این تربت مبارک * و به حق صاحب این تربت * و به حق جد و پدر

وَ بِحَقِّ أُمِّهِ وَ بِحَقِّ أَخِيهِ * وَ بِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِينَ * اجْعَلْهَا شِفَاءً

* و مادر و برادر * و به حق فرزندان پاکش * که این تربت را شفای هر درد من

مِنْ كُلِّ دَاءٍ * وَ أَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ * وَ حِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ * پس تسبیح را

قرار دهی * و ایمنی از هر مخوف * و حفظ و نگهداری از هر بدی برابم مقرر فرمایی *

بر جبین خود بگذارد. پس اگر در صبح چنین کند در امان خدا باشد تا شام و اگر در شام چنین کند در امان خدا

باشد تا صبح. و در روایت دیگر منقول است که هر که از پادشاهی یا غیر او ترسد چون از خانه بیرون آید چنین

کند تا حرزی باشد او را از شر ایشان. * مؤلف گوید که: مشهور میان علماء آن است که خوردن گل و خاک مطلقاً

جایز نیست مگر تربت مقدسه امام حسین (علیه السلام) به قصد شفا بی قصد لذت به قدر نخودی، بلکه احوط آن

است که به قدر عدسی باشد، و خوب است که تربت را در دهان بگذارد و بعد از آن جرعه‌ای از آب بخورد * و بگوید:

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسِعًا * وَ عِلْمًا نَافِعًا * وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ

پروردگارا قرار ده آن را روزی فراخ * و دانش سودمند * و درمان از هر درد و بیماری. *

* علامه مجلسی (رحمته الله) فرموده: احوط آن است که مهر و تسبیح و تربت آن حضرت را نخرند و بفروشند بلکه به

هدیه و بخشش بدهند و در برابر آنها اگر تراضی کنند بی آنکه اول شرط کرده باشند شاید بد نباشد چنانچه در

حدیث معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که هر که خاک قبر امام حسین (علیه السلام) را بفروشد چنان است که

گوشت آن حضرت را فروخته و خریده باشد. * مؤلف گوید که: شیخ ما محدث متبحر ثقة الاسلام نوری (رحمته الله) در

دارالسلام نقل فرموده که روزی یکی از برادران من به خدمت مرحومه والدهام رسید، مادرم دید که تربت امام حسین (علیه السلام) را در جیب پایین قبای خود گذاشته. مادرم او را زجر کرد که این بی ادبی است به تربت مقدسه چه آنکه بسا شود در زیر ران واقع شود و شکسته گردد. برادرم گفت چنین است که فرمودی و تا به حال دو مهر شکسته ام و لکن عهد کرد که من بعد در جیب پایین نگذارد. پس چند روزی از این قضیه گذشت علامه والد م در خواب دید بدون اینکه از این مطلب اطلاع داشته باشد که مولای ما حضرت ابو عبد الله الحسین (علیه السلام) به زیارت او تشریف آورد و در اطاق کتابخانه نشست و ملاطفت و مهربانی بسیار کرد و فرمود: بخوان پسران خود را بیابند تا آنها را اکرام کنم. پس والد پسرها را طلبید و با من پنج نفر بودند پس ایستادند در نزد در مقابل آن حضرت و در نزد آن حضرت از جامه و چیزهای دیگر بود پس یک یک را می خواند و چیزی از آنها به او می داد، پس نوبت به برادر مزبور سلمه الله رسید. حضرت نظری بر او افکند مانند کسی که در غضب باشد و التفات فرمود به سوی والد مرحوم و فرمود: این پسر تو دو تربت از تربتهای قبر من در زیر ران خود شکسته است پس مثل برادران دیگر او را نخواند بلکه افکند به سوی او چیزی و الان در ذهنم است که گویا قاب شانه ترمه به او داد. پس علامه والد بیدار شد و خواب خود را برای مرحومه والده نقل کرد و والده حکایت را برای ایشان بیان کرد والد تعجب کرد از صدق این خواب (انتهی).

فصل هشتم

در فضیلت و کیفیت زیارت کاظمین یعنی امام موسی کاظم و امام محمد تقی (علیه السلام)

و ذکر مسجد بُراثا و زیارت نَوَاب اربعه رضی الله عنه و زیارت جناب سلمان رضی الله عنه و مشتمل

است بر چند مطلب: **مطلب اول: در فضیلت و کیفیت زیارت کاظمین (علیه السلام) است.**

بدان که از برای زیارت این دو امام معصوم (علیه السلام) فضل بسیاری ذکر شده و در اخبار کثیره وارد شده که زیارت امام موسی (علیه السلام) مثل زیارت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) است * و در روایتی است که هر که او را زیارت کند مثل آن است که زیارت کرده باشد حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و امیر المؤمنین (علیه السلام) را * و در روایت دیگر مثل آن است که امام حسین (علیه السلام) را زیارت کرده باشد * و در حدیث دیگر هر که او را زیارت کند بهشت از برای اوست و شیخ جلیل محمد بن شهر آشوب در مناقب از تاریخ بغداد نقل کرده که خطیب (مؤلف آن کتاب) به سند خود از علی بن خلال نقل نموده که گفت هیچ امر دشواری مرا رُو نداد که بعد از آن بروم به نزد قبر حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) و متوسل به آن جناب شوم مگر آنکه خدا آن را از برای من آسان کرد و نیز گفته که دیده شد در بغداد زنی که می دوید پس به او گفتند که: به کجا می روی؟ گفت: به سوی قبر موسی بن جعفر (علیه السلام) که دعا کنم برای پسرم که او را حبس کرده اند. مردی

حنبلی مذهب در آنجا حاضر بود استهزاء کرد به آن زن و گفت: پسرت در زندان مُرد، آن زن گفت: خداوند از تو سؤال می‌کنم به حق آن کسی که او را در زندان شهید کردند که مرادش همان حضرت است، که قدرت خود را به من بنمائی. ناگاه پسر آن زن را رها کردند و پسر آن مرد حنبلی را که استهزاء کرده بود به جنایت او گرفتند. * و شیخ صدوق از ابراهیم بن عقبه روایت کرده که گفت: نوشتم به خدمت امام علی نقی (علیه السلام) و در نامه سؤال کرده بودم از زیارت ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) و از زیارت امام موسی و امام محمد نقی (علیه السلام) یعنی آنکه کدام یک از این دو زیارت بهتر است؟ پس حضرت در جواب مرقوم فرموده بودند ابو عبدالله (علیه السلام) مقدم است و زیارت این دو معصوم جامع تر و ثوابش بزرگتر است. * و اما کیفیت زیارت کاظمین (علیه السلام): پس بدان که زیارات در آن حرم شریف بعضی مختصّ است به هر یک از آن دو بزرگوار و بعضی مشترک مابین آن دو امام است. * اما زیارت مختص به امام موسی (علیه السلام): پس چنانکه سید بن طاوس در مزار نقل نموده آن است که چون خواستی آن حضرت را زیارت کنی سزاوار است که غسل کنی پس روانه شوی به زیارت با تائی و وقار، همین که به در حرم

رسیدی بایست * و بگو: **اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَاللَّهُ أَكْبَرُ ***

خدا بزرگتر از حد وصف است خدا بزرگتر از حد توهم است خدایی به جز خدای یکتا نیست و خدا بزرگتر از اندیشه است * ستایش

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ هِدَايَتِهِ لِدِينِهِ * وَالتَّوْفِيقَ لِمَا دَعَا إِلَيْهِ مِنْ سَبِيلِهِ

خدای را که ما را به راه دین خود هدایت فرمود * و بر آن طریقه‌ای که دعوت به آن کرد ما را توفیق داد

اللَّهُمَّ أَنْتَ أَكْرَمُ مَقْصُودٍ وَأَكْرَمُ مَاتِي * وَقَدْ أَتَيْتَكَ مُتَقَرِّبًا إِلَيْكَ

* پروردگارا تو بزرگتر و عالیتترین مقصودی و بزرگوارتر کسی که حاجتمندان به درگاهش رو آرند * و من به درگاهت آمده‌ام

بِابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ * وَعَلَىٰ آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ * وَأَبْنَائِهِ

در حالی که بدین درگاه تقرب می‌جویم با توسل به فرزند دختر پیغمبرت که درود خدا بر او * و بر پدران پاک گوهر * و فرزندان

الطَّيِّبِينَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَلَا تَخَيِّبْ سَعْيِي

نیکو سیرتت باد * پروردگارا درود فرست بر محمد و آل محمد (ع) * و سعیم را در این راه حرمان

*** وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي * وَاجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ**

* و امیدم را ناامید مگردان * و مرا نزد خود آبرومند در دنیا و آخرت گردان

الْمُقَرَّبِينَ * * پس داخل شو و مقدم داری خود را و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي

و از مقربین * به نام خدا و با توجه به خدا و

سَبِيلِ اللَّهِ * وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * اللَّهُمَّ

در راه خدا * و بر ملت و آیین رسول خدا صلی الله علیه و آله * پروردگارا

اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ﴿۱۰﴾ پس همین که رسیدی به

مرا و پدر و مادر مرا و تمام مرد و زن اهل ایمان را ببخش و بیمارز *

درقبه شریفه بایست واذن طلب کن و بگو: **أَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ** ﴿۱۱﴾ **أَدْخُلْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ**

آیا در این حرم شریف داخل شوم ای رسول خدا * آیا داخل شوم ای پیغمبر خدا

﴿۱۲﴾ **أَدْخُلْ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ** ﴿۱۳﴾ **أَدْخُلْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ** ﴿۱۴﴾ **أَدْخُلْ**

* آیا داخل شوم ای محمد بن عبد الله (ص) * آیا داخل شوم ای امیر المؤمنین * آیا داخل

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ ﴿۱۵﴾ **أَدْخُلْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنَ** ﴿۱۶﴾ **أَدْخُلْ يَا**

شوم ای حسن مجتبی * آیا داخل شوم ای ابا عبد الله الحسين الشهيد * آیا داخل شوم

أَبَا مُحَمَّدٍ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ﴿۱۷﴾ **أَدْخُلْ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ** ﴿۱۸﴾

ای علی بن الحسين زین العابدین * آیا داخل شوم ای ابو جعفر محمد بن علی الباقر *

أَدْخُلْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ﴿۱۹﴾ **أَدْخُلْ يَا مَوْلَى يَا أَبَا**

آیا داخل شوم ای ابا عبد الله جعفر بن محمد الصادق * آیا داخل شوم ای مولای من

الْحُسَيْنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ﴿۲۰﴾ **أَدْخُلْ يَا مَوْلَى يَا أَبَا جَعْفَرٍ** ﴿۲۱﴾ **أَدْخُلْ يَا**

ابا الحسن موسی بن جعفر * آیا داخل شوم ای مولای من ابا جعفر * آیا داخل شوم

مَوْلَى مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ﴿۲۲﴾ پس داخل شوو چهارمرتبه بگو: **اللَّهُ أَكْبَرُ** ﴿۲۳﴾ پس بایست مقابل

ای مولای من محمد بن علی *

قبر و قبله راپشت کتف خود قرار بده پس بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَليِّهِ** ﴿۲۴﴾

سلام بر تو ای محب و دوستدار خدا و فرزند دوستدار خدا *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ ﴿۲۵﴾ **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ**

سلام بر تو ای دلیل و حجت خدا و فرزند حجت خدا * سلام بر تو ای بنده خاص و خالص

اللَّهِ وَابْنَ صَفِيِّهِ ﴿۲۶﴾ **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ وَابْنَ أَمِينِهِ** ﴿۲۷﴾ **السَّلَامُ**

خدا و فرزند بنده خاص و خالص * خدا سلام بر تو ای امین اسرار خدا و فرزند امین اسرار الهی * سلام

عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ ﴿۲۸﴾ **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى**

بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین * سلام بر تو ای امام و پیشوای راه هدایت

﴿۲۹﴾ **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِلْمَ الدِّينِ وَالتَّقَى** ﴿۳۰﴾ **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خازنَ عِلْمٍ**

* سلام بر تو ای پرچم دین و تقوی و پارسایی * سلام بر تو ای گنجینه علم

النَّبِيِّنَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ عِلْمِ الْمُرْسَلِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

پیغمبران خدا * سلام بر تو ای گنجینه علم رسولان خدا * سلام بر تو ای

نَائِبِ الْأَوْصِيَاءِ السَّابِقِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْوَحْيِ الْمُبِينِ

نایب اوصیاء پیغمبران پیشین * سلام بر تو ای معدن وحی و مبین حقایق الهی

* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْعِلْمِ الْيَقِينِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْبَةَ

* سلام بر تو ای دارای مقام علم یقین * سلام بر تو ای صندوق جواهر

عِلْمِ الْمُرْسَلِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الصَّالِحُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

علم رسولان الهی * سلام بر تو ای پیشوای صالح * سلام بر تو

أَيُّهَا الْإِمَامُ الزَّاهِدُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْعَابِدُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای امام کامل در زهد و ورع * سلام بر تو ای امام کامل در عبادت خدا * سلام بر

أَيُّهَا الْإِمَامُ السَّيِّدُ الرَّشِيدُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَقْتُولُ الشَّهِيدُ *

تو ای امام بزرگ و رهبر شجاع امت * سلام بر تو ای امام مقتول شهید *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنَ وَصِيِّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا و فرزند وصی رسول * سلام بر تو

يَا مَوْلَايَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ * وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ

ای مولای من موسی بن جعفر * و رحمت و برکات خدای بر تو باد * گواهی می‌دهم که تو از جانب خدا

بَلَّغْتَ عَنِ اللَّهِ مَا حَمَلَكَ * وَحَفِظْتَ مَا اسْتَوَدَعَكَ * وَحَلَلْتَ

تبلیغ کردی آنچه بر آن مأمور بودی * و آن اسراری که ودیعه الهی برای حفظ بود همه را محفوظ داشتی * و حلال

حَلَالَ اللَّهِ * وَحَرَّمْتَ حَرَامَ اللَّهِ * وَاقَمْتَ أَحْكَامَ اللَّهِ * وَتَلَوْتَ

خدا را حلال * و حرام خدا را حرام گردانیدی * و احکام خدا را استوار فرمودی * و کتاب الهی

كِتَابَ اللَّهِ * وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِ اللَّهِ * وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ

را تلاوت نمودی * و بر آزار و اذیت مردم جاهل در مقابل اجرای فرمان حق صبر بسیار کردی * و حق جهاد را در راه خدا

حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضِيَّتَ عَلَى مَا مَضَى

به‌جا آوردی تا هنگامی که وقت رحلتت فرا رسید * و باز گواهی می‌دهم که تو البته بر آن صفات و اعمال

عَلَيْهِ ءَابَاؤُكَ الطَّاهِرُونَ * وَأَجْدَادُكَ الطَّيِّبُونَ * الْأَوْصِيَاءُ الْهَادُونَ

بودی و از جهان رفتی * که پدران و اجداد پاکت بودند * همه اوصیاء هدایت کننده خلق

الْأئِمَّةُ الْمَهْدِيُّونَ * لَمْ تُؤْتِرْ عَمِّي عَلَى هُدًى * وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقِّ إِلَى

* و پیشوایان هدایت یافته به حق بودید * و هرگز راه ضلالت را بر هدایت اختیار نکردید * و ابد از حق لحظه‌ای به باطل

بَاطِل * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * وَأَنَّكَ

میل نکردید * و باز گواهی می‌دهم که خلق را به راه خدا و طریق پیغمبر (ص) و امیر المؤمنین البته نصیحت و ارشاد کردی * و

أَدَيْتَ الْأَمَانَةَ * وَاجْتَنَبْتَ الْخِيَانَةَ * وَاقَمْتَ الصَّلَاةَ * وَءَاتَيْتَ

محققا اداء امانت الهی کرده * و ابد در دین حق خیانت نمودی * و نماز را استوار کردی و بر پا داشتی * و وظیفه

الزَّكَاةَ * وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ * وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ * وَعَبَدْتَ اللَّهَ

زکوة * و امر به معروف * و نهی از منکر انجام دادی * و خدا را با خلوص کامل عبادت کردی

مُخْلِصًا مُجْتَهِدًا مُحْتَسِبًا حَتَّىٰ آتَاكَ الْيَقِينَ * فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ

و با جهد و مراقبت تام تا هنگام رحلت از این جهان * پس خدا تو را از اسلام و اهل

الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجُزَاءِ * وَأَشْرَفَ الْجُزَاءِ * أَتَيْتَكَ يَا ابْنَ رَسُولِ

اسلام شریفترین * و نیکوترین پاداش عطا فرماید * من ای فرزند رسول خدا به زیارتت

اللَّهِ * زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ * مُقِرًّا بِفَضْلِكَ * مُحْتَمِلًا لِعِلْمِكَ

آدم * تا معرفت به مقام امامت * و اقرار و اعتراف به فضل و بزرگواریت * و با تحمل اسرار و حفظ علم تو *

مُحْتَجِبًا بِذِمَّتِكَ * عَائِدًا بِقَبْرِكَ * لَأِذَا بَضْرِيحِكَ * مُسْتَشْفَعًا

و متوسل به عهد امامت توام * و به قبر مطهر * و ضریح مقدست پناه آورده‌ام * و حضرتت را

بِكَ إِلَى اللَّهِ * مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ * مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ * مُسْتَبْصِرًا

به درگاه خدا شفیع می‌آورم * و با دوستانت دوست * و با دشمنانت دشمنم * و به شأن و

بِشَانِكَ وَبِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ * عَالِمًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ

مقامت و به مرتبه هدایت کاملی که مخصوص توست بصیرم * و به ضلالت و گمراهی *

وَ بِالْعَمَى الَّذِي هُمْ عَلَيْهِ * بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي

و کوری جهلی که مخصوص آنهاست نیز بصیر و دانا هستم * پدر و مادرم و جان و مال و اهل و فرزندانم

وَ وُلْدِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ * أَتَيْتَكَ مُتَقَرِّبًا بِزِيَارَتِكَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

فدای تو باد ای فرزند رسول خدا (ص) * من به درگاه تو آمده‌ام و به واسطه زیارتت تقرب به خدای متعال می‌جویم *

وَ مُسْتَشْفَعًا بِكَ إِلَيْهِ * فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ * لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي

و تو را به درگاه او شفیع می‌آورم * پس تو هم نزد خدا بر من شفاعت فرما * تا خدا گناهانم را ببخشد *

وَيَعْفُو عَنْ جُرْمِي * وَيَتَجَاوَزُ عَن سَيِّئَاتِي * وَيَمْحُو عَنِّي خَطِيئَاتِي

و جرمم را عفو فرماید * و از اعمال زشتم درگذرد * و خطاهایم را محو فرماید

* وَيُدْخِلْنِي الْجَنَّةَ * وَيَتَفَضَّلُ عَلَيَّ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ * وَيَغْفِرْ لِي وَ لِأَبَائِي

* و در بهشتم از کرم داخل گرداند * و فضل و رحمتش را چنانچه سزاوار است شامل گرداند * و مرا ببخشد و پدران

* وَ لِإِخْوَانِي وَ إِخْوَاتِي * وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ

* و برادران و خواهران مرا * و تمام مرد و زن اهل ایمان را که در مشرق و مغرب عالمند

الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا * بِفَضْلِهِ وَ جُودِهِ وَ مِنْهُ * پس بیانداز خود را بر قبر و بوس آن را و

* همه را به فضل و جود و احسانش مشمول مغفرت و آمرزش خود فرماید *

بگذار دو طرف روی خود را بر آن و دعا کن به آنچه می خواهی * پس برگرد به جانب سر و بگو: **السلام**

سلام بر

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ * وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ * أَشْهَدُ

تو ای مولای من ای موسی بن جعفر * و رحمت و برکات خدا بر تو باد * شهادت می‌دهم که تو محققا امام

أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهَادِي * وَ الْوَلِيُّ الْمُرْشِدُ * وَ أَنَّكَ مَعْدِنُ التَّنْزِيلِ

و پیشوای هدایت کننده امتی * و ولی حق و رهبر خلق * و همانا تویی اصل و منبع تنزیل وحی الهی *

وَ صَاحِبُ التَّوْبِيلِ * وَ حَامِلُ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ * وَ الْعَالِمُ الْعَادِلُ

و صاحب مقام علم تاویل کتب آسمانی * و حامل علم تورات و انجیل * و دارای مقام کامل علم و عدالت *

وَ الصَّادِقُ الْعَامِلُ * يَا مَوْلَايَ أَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ * وَ أَتَقَرَّبُ

و صدق و حقیقت و عمل خالص طاعت خدا * ای مولای من به درگاه خدا، از دشمنان تو بیزار می‌طلبم * و

إِلَى اللَّهِ بِمُؤَالَاتِكَ * فَصَلِّ اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آبَائِكَ * وَ أَجْدَادِكَ

به دوستی تو تقرب می‌جویم * پس درود و رحمت و برکات خدا بر تو باد و بر پدران

وَ أَبْنَائِكَ * وَ شِيعَتِكَ وَ مُحِبِّيكَ * وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ * پس دو

* و اجداد و فرزندان * و بر شیعیان و بر دوستان تو باد *

رکعت نماز زیارت بکن، بخوان در آن سوره **يُس** و **الرَّحْمَن** یا هر چه آسان باشد از قرآن، پس دعا کن به

آنچه می خواهی. **زیارت دیگر برای حضرت موسی (علیه السلام):** شیخ مفید و شیخ شهید و محمد بن المشهدی

فرموده‌اند چون خواستی زیارت کنی آن جناب را در بغداد، پس غسل کن برای زیارت و قصد کن حرم شریف را

و بایست بر در حرم و اذن دخول بطلب پس داخل حرم شود در حالی که می گوئی: **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ**
 به نام خدا و به ذات خدا

وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آئِهِ *
 و در راه خدا * و بر ملت رسول خدا که درود خدای بر او و بر آتش باد *

وَ السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ * بعد از آن برو تا آنکه مقابل قبر حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) شوی
 و درود باد بر دوستان خدا *

پس چون ایستادی نزد قبر آن جناب پس بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ**
 سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای

الْأَرْضِ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ** * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ** *
 زمین * سلام بر تو باد ای ولی خدا * سلام بر تو باد ای حجت خدا *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ * **أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ** * **وَ آتَيْتَ**
 سلام بر تو ای باب رحمت خدا * گواهی می‌دهم که تو بر پا داشتی نماز را * و زکوة را به

الزَّكَاةَ * **وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ** * **وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ** * **وَ تَلَوْتَ**
 مستحقان پرداختی * و امر به معروف * و نهی از منکر فرمودی * و قرآن را چنانکه باید

الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ * **وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ** * **وَ صَبَرْتَ عَلَى**
 تلاوت فرمودی * و در راه خدا جهاد نمودی * و بر اذیت و آزار مردم در راه حق

الَّذِي فِي جَنْبِهِ مُحْتَسِبًا * **وَ عَبْدَتَهُ مُخْلِصًا حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ** *
 شکیبایی ورزیدی * به حساب او و خدا را به اخلاص پرستیدی تا هنگام رحلت فرا رسید *

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَوْلَى بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ * **وَ أَنَّكَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ حَقًّا** * **أَبْرًا**
 گواهی می‌دهم که تو به خدا و رسول او اولی و سزاوارتری * و باز گواهی می‌دهم که تو فرستاده به حق خدایی * به سوی

إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ * **وَ اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمُؤَالَاتِكَ** * **أَتَيْتَكَ يَا مَوْلَايَ**
 خدا از دشمنانت بیزاری می‌جویم * و به دوستی تو به او تقرب می‌طلبم * ای مولای من آمده‌ام به زیارتت در حالی که

عَارِفًا بِحَقِّكَ * **مُؤَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ** * **مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ** * **فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ**
 عارف و معترف به حق شما هستم * دوست هستم با دوستانت * و دشمن با دشمنانت می‌باشم * پس مرا نزد پروردگارت

رَبِّكَ * پس خود را بر قبر بیفکن و بوسه کن و گونه‌های خود را بر او بگذار، پس بگرد از آنجا و بیا به جانب
 شفاعت فرمای *

سرو بایست و بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ** * **أَشْهَدُ أَنَّكَ صَادِقٌ** *

سلام بر تو ای فرزند پیغمبر و رسول پروردگار * گواهی می‌دهم که تو به راستگویی خود *

أَدَيْتَ نَاصِحًا * **وَقَلْتَ آمِينًا** * **وَمَضَيْتَ شَهِيدًا** * **لَمْ تُؤْتِرْ عَمِي**

خیر خواهانه اداء امانت امامت فرمودی * و با امانت در گفتار با مردم فرمودی * و با رتبه شهادت درگذشتی * کور دلی را

عَلَى الْهُدَى * **وَلَمْ تَمَلْ مِنْ حَقِّ إِلَى بَاطِلٍ** * **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى**

بر هدایت برنگزیدی * از حق و حقیقت میل به باطل نفرمودی * درود و رحمت خدا بر تو و بر

عَابَائِكَ وَ ابْنَائِكَ الطَّاهِرِينَ * پس بیوس قبر منور را و دورکعت نماز زیارت گذار و بعد از این

پدران پاکت و فرزندان طاهربین و پاکیزهات باد *

دورکعت هر نماز که خواهی بکن پس از آن به سجده برو و بگو: **اللَّهُمَّ إِلَيْكَ اعْتَمَدْتُ** * **وَالِيكَ**

پروردگارا به تو اعتماد دارم * و آهنگ در

قَصَدْتُ * **وَبِفَضْلِكَ رَجَوْتُ** * **وَقَبْرِ إِمَامِي الَّذِي أَوْجَبْتَ عَلَيَّ**

کار تو کردم * و به فضل تو امیدوارم * و قبر امام خود را که اطاعتش را بر من واجب

طَاعَتَهُ زَرْتُ * **وَبِهِ إِلَيْكَ تَوَسَّلْتُ** * **فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ عَلَيَّ**

فرمودی زیارت نمودم * و به واسطه او به تو توسل پیدا کردم * پس تو را سوگند به آن حق که برای آنها

نَفْسِكَ * **أَغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَا كَرِيمٌ** * پس روی راست خود را بگذار

قرار دادی به خود * بیامرزم مرا و پدرم را و بیامرز جمیع مؤمنین را ای خدای کریم *

و بگو: **اللَّهُمَّ قَدْ عَلِمْتَ حَوَائِجِي** * **فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ**

پروردگارا تو به تحقیق حوائج مرا می‌دانی * پس درود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد و آن

وَ اقْضِهَا * پس جانب چپ روی را بگذار و بگو: **اللَّهُمَّ قَدْ أَحْصَيْتَ ذُنُوبِي** * **فَبِحَقِّ**

حوائج را برآور * بار الها به تحقیق تو شمار گناهانم را می‌دانی * پس

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * **صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ** * **وَ اغْفِرْهَا**

به حق محمد و آل محمد * درود فرست بر محمد و آل محمد * و بیامرزم آن

وَ تَصَدَّقْ عَلَيَّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ * پس برگرد به سجده و بگو **شُكْرًا شُكْرًا** صد مرتبه،

گناهان را و بر من بدانچه تو بدان سزاواری ترحم فرمای * شکر خدا را شکر خدا را *

پس سر از سجده بردار و دعا کن به آنچه خواهی از برای هر که می‌خواهی و دوست داری آن را. * مؤلف گوید:

سید جلیل علی بن طاوس رضی الله عنه در مصباح الزائر در یکی از زیارات حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) این

صلوات را بر آن حضرت که محتوی است بر شمه‌ای از فضائل و مناقب و عبادت و مصائب آن جناب نقل کرده،

البته زائر از فیض خواندن آن خود را محروم نکند: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ** *

پروردگارا درود فرست بر محمد (ص) و اهل بیتش *

وَ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَصِيِّ الْأَبْرَارِ * وَ **إِمَامِ الْأَخْيَارِ وَ عَيْبَةِ**

و درود فرست بر موسی بن جعفر وصی و جانشین نیکویان * و پیشوای برگزیدگان عالم و صندوق

الْأَنْوَارِ * وَ **وَارِثِ السَّكِينَةِ وَ الْوَقَارِ** * وَ **الْحَكْمِ وَ الْأَثَارِ** * **الَّذِي**

انوار علم * و وارث مقام وقار و سکینت * و دارای حکمتها و آثار علمی بسیار * آن

كَانَ يُحْيِي اللَّيْلَ بِالسَّهْرِ إِلَى السَّحْرِ بِمُؤَاصَلَةِ الْإِسْتِغْفَارِ * **حَلِيفِ**

بزرگواری که شبها تا صبح بیدار و شب زنده‌دار بود و پیوسته به استغفار * و در

السَّجْدَةِ الطَّوِيلَةِ * وَ **الدَّمُوعِ الْغَزِيرَةِ** * وَ **الْمُنَاجَاةِ الْكَثِيرَةِ** *

سجده طولانی * با چشم اشکبار با خدا * به مناجات و راز و نیاز بسیار *

وَ الضَّرَاعَاتِ الْمُتَّصِلَةِ * وَ **مَقَرِّ النَّهْيِ وَ الْعَدْلِ** * وَ **الْخَيْرِ وَ الْفَضْلِ** *

و پیوسته به تضرع و زاری به درگاه باری اشتغال داشت * و حضرتش مقر و معدن عقل و عدل * و خیرات و فضل *

وَ النَّدَى وَ الْبَذْلِ * وَ **مَالَفِ الْبَلْوَى وَ الصَّبْرِ** * وَ **الْمُضْطَّهِدِ بِالظُّلْمِ**

و عطا و احسان بود * و هم وجود مقدسش محل الفت با بلا و مصیبت‌های عالم و صبر و شکیبایی بود * و به ظلم ظالمان

وَ الْمَقْبُورِ بِالْجُورِ * وَ **الْمُعَذَّبِ فِي قَعْرِ السُّجُونِ** * وَ **ظَلَمِ الْمَطَامِيرِ**

* و در قبور محبسه‌های ستمکاران گرفتار * و معذب در قعر زیر زمینها * و زندانهای تاریک

ذِي السَّاقِ الْمَرَضُوضِ بِحَلْقِ الْقِيُودِ * وَ **الْجُنَازَةِ الْمُنَادِي عَلَيْهَا**

* پاهای مبارکش در حلقه‌های زنجیر مجروح * و هنگام رحلتش بر جنازه‌اش با خفت

بِذَلِّ الْإِسْتِخْفَافِ * وَ **الْوَارِدِ عَلَى جَدِّهِ الْمُصْطَفَى** * وَ **أَبِيهِ الْمُرْتَضَى**

و خواری فریاد می‌کردند * با این حال نزد جدش محمد مصطفی * و پدرش مرتضی

وَ أُمِّهِ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ * **بَارِثِ مَعْصُوبٍ** * وَ **وَلَاءِ مَسْلُوبٍ** * وَ **أَمْرٍ**

* و مادرش بزرگ زنان عالم وارد گردید * در صورتی که ارث خلافتش غصب شده * و مقام ولایتش از او سلب گردیده * و در امر امامت

مَغْلُوبٍ * وَ **دَمٍ مَطْلُوبٍ** * وَ **سَمِّ مَشْرُوبٍ** * **اللَّهُمَّ وَ كَمَا صَبَرَ عَلَى**

مغلوب دشمنان بوده * و به خون پاکش دشمن تشنه بود * و عاقبت به حضرتش زهر سم جفا خوراندند * پروردگارا چنانکه آن

غَلِيظِ الْمِحْنِ * وَ تَجَرَّعَ غُصَصَ الْكُرْبِ * وَ اسْتَسَلَّمَ لِرِضَاكَ *
 بزرگوار در بلا و محنتهای سخت صبر کرد * و جرعه تلخ غصه‌ها و رنجها را نوشید * و پیوسته تسلیم مقام رضا و خوشنودی

وَ اَخْلَصَ الطَّاعَةَ لَكَ * وَ مَحَضَ الْخُشُوعَ * وَ اسْتَشَعَرَ الْخُضُوعَ *
 تو بود * و طاعتت را با اخلاص کامل * و خضوع و خشوع صرف به جا آورد *

وَ عَادَى الْبِدْعَةَ وَ اَهْلَهَا * وَ لَمْ يَلْحَقْهُ فِي شَيْءٍ مِنْ اَوْامِرِكَ وَ نَوَاهِيكَ *
 و با اهل بدعت و ضلالت به عداوت و مخالفت قیام کرد * و در راه انجام اوامر و نواهی تو ملامت خلق ابدی

لَوْمَةً لَانِمَ * صَلَّى عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً مُنِيْفَةً زَاكِيَةً * تُوْجِبُ لَهُ وَ بِهَا *
 در او مؤثر نگشت * رحمت و درود خدا بر او باد درودی با ازدیاد و بلند مرتبه و نیکو * که آن درود و رحمت

شَفَاعَةَ اُمَّمٍ مِنْ خَلْقِكَ * وَ قُرُونٍ مِنْ بَرَايَاكَ * وَ بَلَّغَهُ عَنَا تَحِيَّةً *
 باعث شفاعت امتهایی از خلق تو شود * و قبایلی از اهل زمین را شامل گردد * و به روح پاک آن بزرگوار از ما

وَ سَلَامًا * وَ اَتَيْنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مَوَالَاتِهِ فَضْلًا وَ اِحْسَانًا * وَ مَغْفِرَةً *
 تحیت و سلام برسان * و به ما هم در اثر دوستی و محبت او فضل و احسان * و آمرزش و بهشت رضوان خود را عطا

وَ رِضْوَانًا * اِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَمِيمِ * وَ التَّجَاوُزِ الْعَظِيمِ * بِرَحْمَتِكَ *
 فرما * چون تو همانا صاحب فضل و رحمت واسعه بی حد و نهایت هستی * و عفو و گذشت بسیار از تو درخواست می‌کنم * به مقام

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * وَاَمَّا زِيَارَتُ مَخْتَصَّ بِهٖ اِمَامِ مُحَمَّدٍ تَقِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): * پس همان سه بزرگوار
 رحمتت و مهربانیت ای مهربانترین مهربانان عالم. *

فرموده‌اند که پس متوجه شو به سوی قبرابی جعفر محمد بن علی الجواد (ع) که در پشت سر جد بزرگوار خود

مدفون است و چون ایستادی نزد قبر آن حضرت پس بگو: اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ

سلام بر تو ای ولی خدا

* اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ * اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللّٰهِ فِي ظُلُمَاتِ

* سلام بر تو ای دلیل و حجت خدا بر خلق * سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای

الْاَرْضِ * اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ * اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلٰى

زمین * سلام ما بر تو ای فرزند رسول خدا * سلام ما بر تو و بر پدران

اَبَائِكَ * اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلٰى اَبْنَائِكَ * اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلٰى

تو باد * سلام ما بر تو و بر فرزندان تو باد * سلام ما بر تو و بر دوستان

أُولِيَّائِكَ * أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ * وَءَاتَيْتَ الزَّكَاةَ * وَآمَرْتَ

تو باد * گواهی می‌دهم که تو نماز را استوار کردی و به پا داشتی * و زکوة را به حق اعطا کردی * و امر

بِالْمَعْرُوفِ * وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ * وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ *

به معروف * و نهی از منکر نمودی * و کتاب خدا را حق تلاوتش را به جای آوردی *

وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ * وَ صَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ حَتَّى

و در راه خدا حق جهاد کردی * و بر آزار و اذیت مردم در مقابل ادای وظیفه الهی صبر و شکیبایی کردی تا وقت

اتَاكَ الْيَقِينُ * أَتَيْتَكَ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ * مُوَالِيًا لِأُولِيَّائِكَ * مُعَادِيًا

رحلت بر تو فرا رسید * ای بزرگوار من به زیارتت آمده‌ام در حالتی که عارف به مقام امامت هستم * و با دوستان دوست * و با

لِأَعْدَائِكَ * فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ * پس بیوس قبر را و روی خود را بر آن بنه پس دورکت

دشمنانت دشمنم * پس مرا نزد خدا شفاعت فرمای *

نماز زیارت کن و بعد از آن هر نماز که خواهی بگذار پس برو به سجده و بگو: اِرْحَمْ مِنْ أَسَاءِ

رحم کن آن را که بد کرده

وَ اقْتَرَفَ * وَ اسْتَكَانَ وَ اعْتَرَفَ * پس جانب روی راست را بگذار و بگو: اِنْ كُنْتُ

و جرم نموده * و بیچاره شده و اعتراف کرده * اگر من بد بنده‌ای

بِئْسَ الْعَبْدُ فَانْتَ نِعْمَ الرَّبُّ * پس روی چپ خود را بگذار و بگو: عَظَمَ الذَّنْبُ مِنْ

هستم پس تو چه پروردگار خوبی هستی * بزرگ است گناه و بزه

عَبْدِكَ * فَلِيْحَسُنِ الْعَفْوِ مِنْ عِنْدِكَ يَا كَرِيمُ * پس برگرد به سجده و بگو صد مرتبه

بنده تو * پس عفو و بخشایش از جانب تو ای خدای کریم باید خوب باشد و هست *

شُكْرًا شُكْرًا * پس برو به کار خود. * زیارت دیگر برای حضرت امام محمد تقی (علیه السلام): سید بن

شکر خدا را شکر خدا را *

طاوس در مزار فرموده چون زیارت کردی حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) را می‌ایستی نزد قبر حضرت جواد (علیه السلام)

و می‌بوسی آن را و می‌گوئی: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَرِّ

سلام بر تو ای ابا جعفر ای محمد بن علی که بزرگوار و پرهیزکار

التَّقِيِّ الْإِمَامِ لَوْفِي * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرِّضِيُّ الزَّكِيُّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

و پیشوای وفاداری * سلام بر تو ای شخص پسندیده حق و پاک و منزّه از هر عیب و نقص * سلام بر تو

يَا وَلِيَّ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَجِيَّ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِيرَ

ای ولی خدا * سلام ما بر تو ای نجات یافته خدا * سلام ما بر تو ای سفیر

اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سِرَّ اللَّهِ (سِرِّ اللَّهِ) * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ضِيَاءَ

خدا * سلام ما بر تو ای سر پنهان خدا * سلام ما بر تو ای نور

اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَنَاءَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَلِمَةَ اللَّهِ

خدا * سلام ما بر تو ای روشنی خدا * سلام ما بر تو ای کلمه الهی *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَحْمَةَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النُّورُ السَّاطِعُ

سلام ما بر تو ای رحمت واسعه خدا * سلام ما بر تو ای نور ساطع لامع الهی *

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ الطَّالِعُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّيِّبُ مِنْ

سلام ما بر تو ای ماه تمام طالع * سلام ما بر تو ای بهترین شخص از نسل بهترین

الطَّيِّبِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الظَّاهِرُ مِنَ الْمُطَهَّرِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

مردان عالم * سلام ما بر تو ای روح پاک از نژاد پاکان عالم * سلام ما

أَيُّهَا آيَةُ الْعُظْمَى * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحُجَّةُ الْكُبْرَى * السَّلَامُ

بر تو ای آیت الله اعظم * سلام ما بر تو ای حجت بزرگ خدا بر خلق * سلام ما

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُطَهَّرُ مِنَ الزَّلَّاتِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُنْزَهُ عَنِ

بر تو ای پاک از هر لغزش و گناه * سلام ما بر تو ای منزه و مبرا از هر خشونت

الْمُعْضَلَاتِ (الْمُعْظَلَاتِ) * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلِيُّ عَنِ نَقْصِ الْأَوْصَافِ

و سخت گیری * سلام ما بر تو ای برتر از هر نقصان در اوصاف

* السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّضِيُّ عِنْدَ الْأَشْرَافِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ

* سلام ما بر تو ای محبوب و پسندیده نزد اشراف و بزرگواران عالم * سلام ما بر تو ای ستون و نگهبان

الدِّينِ * أَشْهَدُ أَنَّكَ وَلِيُّ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ * وَأَنَّكَ جَنْبُ اللَّهِ

بنای دین اسلام * شهادت می‌دهم که محققا تو ولی خدایی و حجت بالغه الهی بر خلق زمین * و همانا تو جنب الله

وَ خَيْرَةُ اللَّهِ * وَ مُسْتَوْدَعُ عِلْمِ اللَّهِ وَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ * وَ رَكْنُ الْإِيمَانِ

و برگزیده خلق خدایی * و محل ودیعه اسرار علم خدا و علوم پیغمبران خدایی * و تو اصل و رکن اصیل ایمان *

وَ تَرْجَمَانُ الْقُرْآنِ * وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَنْ اتَّبَعَكَ عَلَى الْحَقِّ وَ الْهُدَى

و مفسر آیات قرآنی * و من گواهی می‌دهم که هر کس پیرو توست به راه حق و هدایت است *

وَأَنَّ مِنْ أَنْكَرِكَ وَنَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ عَلَى الضَّلَالَةِ وَالرَّدَى * أَبْرًا إِلَى

و هر که انکار تو کند و با تو به دشمنی قیام کند آن کس به راه ضلالت و پستی و جهالت است * و من از

اللَّهِ * وَالْيَكِّ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ * وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ مَا بَقِيَتْ

دشمنانت نزد خدا و نزد تو بیزاری می جویم چه در دنیا و چه در عالم آخرت * و سلام بر تو تا من هشتم

وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ * وَبِغُورِ صَلَوَاتِ بَرَّانِ حَضْرَتِ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و شب و روز برقرار است از آنان بیزارم. * پروردگارا درود فرست بر محمد

وَأَهْلَ بَيْتِهِ * وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ التَّقِيِّ * وَالْبِرِّ الْوَفِيِّ

و اهل بیت اطهارش * و درود و رحمت فرست بر محمد بن علی که روح پاک و منزّه * و پرهیزکار و وفادار است

* وَالْمَهْدَبِ النَّقِيِّ * هَادِي الْأُمَّةِ * وَوَارِثِ الْأَئِمَّةِ * وَخَازِنِ الرَّحْمَةِ

* و نفسی مهذب و پاکیزه است * شخص او هادی و رهبر امت است * و وارث ائمه طاهرين * و گنج و رحمت واسعۀ الهی

* وَيَنْبُوعِ الْحِكْمَةِ * وَقَائِدِ الْبُرْكَاتِ * وَعَدِيلِ الْقُرَّانِ فِي الطَّاعَةِ

* و منبع حکمتها * و قائد خیر و برکت بر خلق * و قرین و عدیل با قرآن خداست در وجوب طاعت *

وَوَاحِدِ الْأَوْصِيَاءِ فِي الْإِخْلَاصِ وَالْعِبَادَةِ * وَحُجَّتِكَ الْعُلْيَا وَمِثْلِكَ

و آن بزرگوار یکی از اوصیاء پیغمبر است در مقام اخلاص و عبادت حق * پروردگارا او حجت بلند مقام تو

الْأَعْلَى * وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنَى * الدَّاعِي إِلَيْكَ * وَالِدَالِ عَلَيْكَ * الَّذِي

بر خلق است * و مثل اعلای تو و کلمۀ نیکو است * که دعوت کننده خلق * و راهنمای امت به سوی توست * کسی است که تو او

نَصَبْتَهُ * عَلِمًا لِعِبَادِكَ * وَمُتْرَجِمًا لِكِتَابِكَ * وَصَادِعًا بِأَمْرِكَ

را برای بندگانت منصوب کرده‌ای که تو را به خلق نشان دهد * و کتاب تو را بر امت تفسیر کند * و امر دین تو را آشکار و با صدای

وَنَاصِرًا لِدِينِكَ * وَحُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ * وَنُورًا تَخْرُقُ بِهِ الظُّلَمَ

بلند به خلق برساند * و دین تو را یاری کند * و حجت بالغۀ تو بر خلق باشد * و نور تو باشد که تاریکیهای خلق را برطرف سازد *

وَقُدْوَةً تَدْرِكُ بِهَا الْهُدَايَةَ * وَشَفِيعًا تَنَالُ بِهِ الْجَنَّةَ * اللَّهُمَّ وَكَمَا

و پیشوایی بر مردم باشد که به واسطۀ آن پیشوا خلق به سر منزل هدایت رسند * و شفیع بر خلق باشد که به واسطۀ شفاعتت امت به نعمت بهشت ابد نایل

أَخَذَ فِي خُشُوعِهِ لَكَ حَظَّهُ * وَاسْتَوْفَى مِنْ خَشْيَتِكَ نَصِيبَهُ * وَ

شوند * پروردگارا و چنانکه آن بزرگوار در خشوع به درگاه عزتت حظ وافر خود را گرفت * و از مقام خشیتت نصیب کامل از تو یافت *

فَصَلِّ عَلَيْهِ أَضْعَافَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى وَلِيِّ ارْتَضَيْتَ طَاعَتَهُ * وَ

پس رحمت و درود فرست بر او چندین برابر رحمتی که به یکی از اولیاء خود که طاعتش پسندیده *

وَقَبِلْتَ خِدْمَتَهُ * وَبَلَّغَهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا * وَءَاتَنَا فِي مُوَالَاتِهِ مِنْ

و خدمتش پذیرفته توست عطا کردی * و از ما به روح پاک آن حضرت تحیت و سلام رسان * و بما هم به واسطه دوستی

لَدُنْكَ فَضْلًا وَإِحْسَانًا * وَمَغْفِرَةً وَرِضْوَانًا * إِنَّكَ ذُو الْمَنِّ الْقَدِيمِ

او از لطف و کرمت فضل و احسان * و آمرزش و بهشت رضوان عطا فرما * که همانا تو صاحب عطا و احسان قدیمی

* وَالصَّفْحِ الْجَمِيلِ * پس نماز زیارت به جا آور و بعد از سلام بگو: **اللَّهُمَّ أَنْتَ الرَّبُّ**

* و صاحب عفو و بخشش نیکویی * بار خدایا توئی پروردگار

وَ أَنَا الْمَرْبُوبُ * الدعاء. **زیارت دیگر مختص به آن حضرت:** شیخ صدوق در فقیه روایت کرده

و منم پرورنده *

که چون خواهی زیارت کنی آن حضرت را پس غسل کن و خود را پاکیزه نما و دو جامه پاک بپوش و بگو در زیارت

آن جناب: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ * الْإِمَامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ الرَّضِيِّ**

پروردگارا درود فرست بر حضرت محمد بن علی * پیشوای پاکیزه و پرهیزکار و منزّه که پسندیده حق

الْمَرَضِيِّ * وَ حُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى * صَلَاةٌ

و مرضی حقیقت * و حجت تو بر هر که در روی زمین و زیر و تحت خاک می باشد * درودی فراوان

كَثِيرَةٌ نَامِيَةٌ زَاكِيَةٌ * مُبَارَكَةٌ مُتَوَاصِلَةٌ مُتَوَاتِرَةٌ * كَأَفْضَلِ

فرست با برکت و خوب * و مبارک و پیوست و متصل و دنبال هم و پیایی * از بهترین

مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ * وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ *

آنچه درود و رحمت فرستادی بر یکی از دوستان و اولیائت * و درود بر تو ای ولی خدا *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ * السَّلَامُ

سلام بر تو ای نور خدا * سلام بر تو ای حجت خدا * سلام بر

عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِينَ * وَوَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ * وَ سُلَالَةَ الْوَصِيِّينَ

تو ای پیشوای مؤمنان * و وارث علم پیغمبران * و نژاد اوصیاء

* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ * أَتَيْتِكَ زَائِرًا عَارِفًا

* سلام بر تو باد ای نور خدا در تاریکیهای زمین * آمدم به زیارتت در حالی که عارفم

بِحَقِّكَ * مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ * مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ * فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ

به حقت * و دشمنم با دشمنانت * و دوستدار دوستانت می باشم * پس مرا در نزد پروردگارت شفاعت فرما *

🌟 آنگاه حاجت خود را سؤال کن، بعد از آن نماز کن در قبه‌ای که در آن قبر امام محمد تقی (علیه السلام) است چهار رکعت در نزد سر آن حضرت، دو رکعت برای زیارت امام موسی کاظم و دو رکعت برای امام محمد تقی (علیه السلام) و نماز مکن در نزد سر امام موسی کاظم (علیه السلام) که آن مقابل قبور قریش است و جایز نیست آنها را قبله خود گردانیدن. * مؤلف گوید که: از کلام شیخ صدوق ظاهر می‌شود که در آن زمانها قبر شریف حضرت موسی (علیه السلام) از قبر حضرت جواد (علیه السلام) جدا، و قبه و در علیحه داشته، بعد از زیارت از آنجا بیرون می‌آمدند و در قبه حضرت جواد (علیه السلام) می‌رفتند که آن هم بنای علیحه داشته. **و اما زیارت مشترک میان دو امام همام (علیه السلام):** پس آن هم بردو قسم است: ۱ قسم اول آنکه آن را برای هر کدام علیحه باید خواند. شیخ جلیل جعفرین محمد قولویه قمی در کامل الزیارة از حضرت امام علی نقی (علیه السلام) روایت کرده که در زیارت هریک از آن دو امام

چنین بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ**

سلام بر تو ای ولی خدا * سلام بر تو ای حجت خدا *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ

سلام بر تو باد ای نور خدا در تاریکیهای زمین * سلام بر تو ای که

بَدَأَ اللَّهُ فِي شَانِهِ * أَتَيْتِكَ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ * مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ

خدا درباره‌اش بدا کرد * به زیارت آمده‌ام در حالی که شناسا و عارف به حق تو * و دشمن با دشمنانت *

مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ * فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا مَوْلَايَ 🌟 و این زیارت در

و دوستدار دوستانت هستم * پس ای مولای من مرا در نزد پروردگارت شفاعت فرمای *

نهایت اعتبار است و شیخ صدوق و شیخ کلینی و طوسی نیز به اختلافی آن را ذکر نموده‌اند. ۲ قسم دویم

زیارتی است که به خواندن آن هر دو امام (علیه السلام) زیارت شوند و آن چنان است که شیخ مفید و شهید و محمد بن

المشهدی ذکر کرده‌اند که در زیارت آن دو بزرگوار همین که ایستادی نزد ضریح طاهر می‌گوئی: **السَّلَامُ**

سلام بر

عَلَيْكُمَا يَا وَلِيَّ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا حُجَّتَيَّ اللَّهُ * السَّلَامُ

شما ای دو ولی خدا * سلام بر شما ای دو حجت خدا * سلام بر

عَلَيْكُمْ يَا نُورِي اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ * أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمَا

شما ای دو نور خدا در ظلمات روی زمین * گواهی می‌دهم که شما دو امام بزرگوار آن وظیفه خلافت که خدا

عَنِ اللَّهِ مَا حَمَلَكُمْ * وَ حَفِظْتُمَا مَا اسْتَوَدِعْتُمَا * وَ حَلَلْتُمَا

بر دوش شما نهاد به خلق رسانیدید * و آنچه نزد شما ودیعه گذاشت از اسرار الهی آن را حفظ فرمودید * حلال خدا

حَلَالَ اللَّهِ * وَ حَرَمْتُمَا حَرَامَ اللَّهِ * وَ أَقَمْتُمَا حُدُودَ اللَّهِ * وَ تَلَوْتُمَا

را حلال * و حرام او را حرام حکم کردید * و حدود و احکام الهی را برپا داشتید * و کتاب خدا را

كِتَابَ اللَّهِ * وَ صَبَرْتُمَا عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِ اللَّهِ مُحْتَسِبِينَ حَتَّى

تلاوت فرمودید * و بر آزار و ظلم و جور امت در راه خدا بسیار صبر و تحمل و مراقبت کردید همه عمر تا هنگام

أَتَاكُمْ الْيَقِينَ * أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ * وَ اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ

رحلت و لقای حق * من به درگاه خدا از دشمنان شما بیزاری * و به دوستی شما تقرب

بِوَلَايَتِكُمْ * أَتَيْتُمْ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكُمْ * مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكُمْ *

می‌جویم * و من به زیارت شما آمده‌ام در حالی که عارفم به حق شما * و دوستم با دوستان شما *

مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكُمْ * مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتُمْ عَلَيْهِ * عَارِفًا

و دشمن با دشمنان شما * و راه هدایت که شما دو بزرگوار بر آن راه هستید به حق راه هدایت می‌دانم * و مخالفان

بِضَلَالَةٍ مَنْ خَالَفَكُمْ * فَاشْفَعَالِي عِنْدَ رَبِّكُمْ * فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ

شما را گمراه می‌شناسم * پس مرا نزد خدا شفاعت کنید * که شما را نزد خدا

جَاهًا عَظِيمًا * وَ مَقَامًا مَحْمُودًا * پس بیوس تربت شریف آنجا را و بگذار روی راست

جاه و منزلت بزرگ * و مقام محمود شفاعت است *

رَا بَرَّانِ پَسِ بَرُوبِهِ جَانِبِ سَرْمَقْدَسٍ وَ بَگُو: السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا حُجَّتِي اللَّهِ فِي أَرْضِهِ

سلام بر شما ای دو حجت خدا در زمین و آسمانش

وَ سَمَائِهِ * عَبْدُكُمْ وَ وَلِيُّكُمْ زَائِرُكُمْ * مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ بِزِيَارَتِكُمْ

باد * بنده شما دو تن و دوست شما به زیارت شما آمده * در حالی که به زیارت شما دو امام به سوی خدا تقرب می‌جوید

* اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيَائِكَ الْمُصْطَفِينَ * وَ حَبِّبْ إِلَيَّ

* بار الها قرار ده برایم زبان راستی درباره اولیاء برگزیده‌ات * و محبوب من فرما

مَشَاهِدَهُمْ * وَ اجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

زیارتگاههای آنان را * و مرا همراه ایشان در دنیا و آخرت قرار ده * ای مهربانترین مهربانان عالم *

✿ پس نماز زیارت کن از برای هر امامی دو رکعت و بخوان خدا را به آنچه می خواهی. * مؤلف گوید که: چون در آن زمانها تقیه بسیار شدید بوده است زیارت‌های مختصر برای زیارت این دو امام (علیهم‌السلام) تعلیم می فرمودند که شیعیان از آسیب طاغیان زمان محفوظ باشند و اگر زائر طالب زیارت طولی باشد بخواند زیارت جامعه را که بهترین زیارت است از برای ایشان، خصوصاً یک زیارت از آنها که از حدیثش ظاهر می شود که مزید اختصاصی به حضرت امام موسی (علیه‌السلام) دارد و آن زیارت بعد از این در اول زیارات جامعه مرقوم خواهد شد، رجوع به آنجا شود. * و چون زائر خواست که از بلد آن دو امام (علیهم‌السلام) بیرون رود وداع کند آن دو جناب را به دعاهای وداع که از آن جمله است آنچه شیخ طوسی علیه‌الرحمة در تهذیب ذکر فرموده، که چون خواهی وداع کنی امام موسی (علیه‌السلام)

را بایست نزد قبر و بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ * وَرَحْمَةُ اللَّهِ**

سلام بر تو ای مولای من ای ابا الحسن * و رحمت و برکات خدا

وَبَرَكَاتُهُ * اَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ * ءَامِنًا بِاللَّهِ

بر تو باد * تو را به خدا می سپارم و سلام و درود بر تو می دهم * ایمان داریم به خدا

وَبِالرَّسُولِ * وَبِمَا جِئْتَ بِهِ وَدَلَلْتَ عَلَيْهِ * اللَّهُمَّ اَكْتُبْنَا مَعَ

و رسول * و به آنچه آورده و بدان راهنمایی فرموده ای * بار الهی بنویس ما را

الشَّاهِدِينَ * وَهَمَجِنِينَ در وداع حضرت امام محمد تقی (علیه‌السلام) فرموده می گوئی: **السَّلَامُ عَلَيْكَ**

از شاهدان. * سلام بر تو ای

يَا مَوْلَايَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ * وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * اَسْتَوْدِعُكَ

مولای من ای فرزند رسول خدا * و رحمت و برکات خدای بر تو باد * تو را به خدا

اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ * ءَامِنًا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ * وَبِمَا جِئْتَ بِهِ

می سپارم و به تو سلام می دهم * ایمان داریم به خدای و به رسولش * و به هر چه آورده

وَدَلَلْتَ عَلَيْهِ * اللَّهُمَّ اَكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ * پس سؤال کن از خدا که این آخر

و بدان راهنمایی فرموده ای * بار الهی ما را از گواهان بنویس. *

زیارت تو نباشد و دیگر توفیق برگشتن بیابی و قبر را ببوس و رویهای خود را بر قبر گذار. * مؤلف گوید: از چیزهایی که مناسب است در اینجا نقل شود حکایت سعید صالح صفی متقی حاجی علی بغدادی است که شیخ ما، در جنة المأوی و نجم الثاقب نقل کرده و در نجم ثاقب فرموده که: اگر نبود در این کتاب شریف مگر این حکایت مُتَقَنَّهُ صحیحه که در آن فواید بسیار است و در این نزدیکیها واقع شده، هر آینه کافی بود در شرافت و نفاست

آن پس بعد از مقدماتی فرموده که: حاجی مذکور ایده‌الله نقل کرد که در ذمه من هشتاد تومان مال امام (علیه السلام) جمع شد. پس رفتم به نجف اشرف بیست تومان از آن را دادم به جناب علم الهدی و التقی شیخ مرتضی اعلی الله مقامه و بیست تومان به جناب شیخ محمد حسین مجتهد کاظمینی و بیست تومان به جناب شیخ محمد حسن شروقی و باقی ماند در ذمه من بیست تومان که قصد داشتم در مراجعت بدهم به جناب شیخ محمد حسن کاظمینی آل یس ایده الله. پس چون مراجعت کردم به بغداد خوش داشتم که تعجیل کنم در ادای آنچه باقی بود در ذمه من. پس در روز پنجشنبه بود که مشرف شدم به زیارت امامین همامین کاظمین (علیه السلام) و پس از آن رفتم خدمت جناب شیخ سلمه الله و قدری از آن بیست تومان را دادم و باقی را وعده کردم که بعد از فروش بعضی از اجناس به تدریج بر من حواله کنند که به اهلش برسانم و عزم کردم بر مراجعت به بغداد در عصر آن روز و جناب شیخ خواهش کرد بمانم. متعذر شدم که باید مزد عمله کارخانه شغربافی را که دارم بدهم. چون رسم چنین بود که مزد هفته را در عصر پنجشنبه می دادم، پس برگشتم. چون ثلث از راه را تقریباً طی کردم سید جلیلی را دیدم که از طرف بغداد رو به من می آید. چون نزدیک شد سلام کرد و دستهای خود را گشود برای مصافحه و معانقه و فرمود: اهلاً و سهلاً و مرا در بغل گرفت و معانقه کردیم و هر دو یکدیگر را بوسیدیم و بر سر عمامه سبز روشنی داشت و بر رخسار مبارکش خال سیاه بزرگی بود. پس ایستاد و فرمود: حاجی علی خیر است به کجا می روی؟ گفتم: کاظمین (علیه السلام) را زیارت کردم و برمی گردم به بغداد، فرمود: امشب شب جمعه است برگرد. گفتم: یا سیدی متمکن نیستم. فرمود: هستی برگرد تا شهادت دهم برای تو که از موالیان جد من امیر المؤمنین (علیه السلام) و از موالیان مائی و شیخ شهادت دهد زیرا که خدای تعالی امر فرموده دو شاهد بگیرید، و این اشاره بود به مطلبی که در خاطر داشتم که از جناب شیخ خواهش کنم نوشته‌ای به من دهد که من از موالیان اهل بیت علیهم السلام و آن را در کفن خود بگذارم. پس گفتم: تو چه می دانی و چگونه شهادت می دهی؟ فرمود: کسی که حق او را به او می رسانند چگونه آن رساننده را نمی شناسد، گفتم: چه حق؟ فرمود: آنچه رساندی به وکیل من. گفتم: وکیل تو کیست؟ فرمود: شیخ محمد حسن، گفتم: وکیل تو است؟ فرمود: وکیل من است و به جناب آقا سید محمد گفته بود که در خاطر من خطور کرد که این سید جلیل مرا به اسم خواند با آنکه او را نمی شناسم. پس به خود گفتم شاید او مرا می شناسد و من او را فراموش کردم باز در نفس خود گفتم که این سید از حق سادات از من چیزی می خواهد و خوش دارم که از مال امام (علیه السلام) چیزی به او برسانم. پس گفتم که ای سید در نزد من از حق شما چیزی مانده بود، رجوع کردم در امر آن به جناب شیخ محمد حسن برای آنکه ادا کنم حق شما یعنی سادات را به اذن او. پس در روی من تبسمی کرد و فرمود: آری رساندی بعضی از حق

ما را به سوی وکلای ما در نجف اشرف. پس گفتم: آنچه ادا کردم قبول شد؟ فرمود: آری. پس در خاطرم گذشت که این سید می گوید بالنسبة به علماء اعلام وکلای ما، و این در نظرم بزرگ آمد و گفتم علماء، وکلایند در قبض حقوق سادات؟ و مرا غفلت گرفت (انتهی). آنگاه فرمود: برگرد جدّم را زیارت کن. پس برگشتم و دست راست او در دست چپ من بود چون به راه افتادیم دیدم در طرف راست ما نهر آب سفید صاف جاری است و درختان لیمو و نارنج و انار و انگور و غیر آن همه با ثمر در یک وقت با آنکه موسم آنها نبود بر بالای سر ما سایه انداخته. گفتم: این نهر و این درختها چیست؟ فرمود: هرکس از موالیان ما که زیارت کند جدّم ما را و زیارت کند ما را اینها با او هست، پس گفتم می خواهم سؤال کنم فرمود: سؤال کن. گفتم: شیخ عبدالرزاق مرحوم مردی بود مدرّس، روزی نزد او رفتم شنیدم که می گفت کسی که در طول عمر خود روزها روزه باشد و شبها به عبادت به سر برد و چهل حجّ و چهل عمره به جای آرد و در میان صفا و مروه بمیرد و از موالیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) نباشد برای او چیزی نیست. فرمود: آری واللّه برای او چیزی نیست. پس از حال یکی از خویشان خود پرسیدم که او از موالیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. فرمود: آری او و هر که متعلق است به تو، پس گفتم: سیدنا برای من مسئله ای است. فرمود: بپرس. گفتم: قرآء تعزیه امام حسین (علیه السلام) می خوانند که سلیمان اعمش آمد نزد شخصی و از زیارت سید الشهداء (علیه السلام) پرسید گفت بدعت است. پس در خواب دید هودجی را میان زمین و آسمان، پس سؤال کرد که کیست در آن هودج؟ گفتند به او فاطمه زهرا و خدیجه کبری (علیهما السلام). پس گفت به کجا می روند؟ گفتند به زیارت امام حسین (علیه السلام) در امشب که شب جمعه است و دید رقعتهائی را که از هودج می ریزد و در آن مکتوب

پس سؤال کن از خدا که این آخر زیارت تو نباشد و دیگر توفیق برگشتن بیابی و قبر را بیوس و روی های خود را بر قبر گذار *

است: **أَمَانٌ مِنَ النَّارِ لِرُؤَاةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ * أَمَانٌ**

امان است از آتش برای رؤا زوار حسن علیه السلام در شب جمعه * امان است

مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ * این حدیث صحیح است؟ فرمود آری راست و تمام است. گفتم: سیدنا

از آتش روز رستخیز *

صحیح است که می گویند هرکس زیارت کند حسین (علیه السلام) را در شب جمعه پس برای او امان است؟ فرمود: آری واللّه و اشک از چشمان مبارکش جاری شد و گریست. گفتم سیدنا مسئله. فرمود: بپرس گفتم سینه هزار و دویست و شصت و نه، حضرت رضا (علیه السلام) را زیارت کردم و در ذرّود یکی از عربهای شروقیّه را که از بادیه نشینان طرف شرقی نجف اشرفند ملاقات کردیم و او را ضیافت کردیم و از او پرسیدیم که چگونه است ولایت رضا (علیه السلام)؟ گفت: بهشت است. امروز پانزده روز است که من از مال مولای خود حضرت رضا (علیه السلام) خورده ام چه حدّ دارد منکر و نکیر که در قبر نزد من بیایند، گوشت و خون من از طعام آن حضرت روئیده در مهمانخانه آن جناب. این

صحيح است؟ علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می آید و او را از منکر و نکیر خلاص می کند؟ فرمود: آری واللّه جدّ من ضامن است. گفتم: سیدنا مسئله کوچکی است می خواهم بپرسم. فرمود: بپرس. گفتم: زیارت من حضرت رضا (علیه السلام) را مقبول است؟ فرمود: قبول است انشاءالله. گفتم: سیدنا مسئله. فرمود: بسم الله. گفتم: حاجی محمد حسین بزّازباشی پسر مرحوم حاجی احمد بزّازباشی زیارتش قبول است یا نه؟ و او با من رفیق و شریک در مخارج بود در راه مشهد رضا (علیه السلام). فرمود: عبد صالح زیارتش قبول است. گفتم: سیدنا مسئله. فرمود: بسم الله. گفتم: فلان که از اهل بغداد همسفر ما بود زیارتش قبول است؟ پس ساکت شد. گفتم: سیدنا مسئله. فرمود: بسم الله. گفتم: این کلمه را شنیدی یا نه؟ زیارت او قبول است یا نه؟ جوابی نداد. حاجی مذکور نقل کرد که ایشان چند نفر بودند از اهل مترفین بغداد که در این سفر پیوسته به لهو و لعب مشغول بودند و آن شخص مادر خود را نیز کشته بود. پس رسیدیم در راه به موضعی از جاده وسیعه که دو طرف آن بساتین و مواجه بلده شریفه کاظمین است و موضعی از آن جاده که متصل است به بساتین از طرف راست آن که از بغداد می آید و آن مال بعضی از ایتم سادات بود که حکومت آن را به جور داخل در جاده کرد و اهل تقوی و ورع سکنه این دو بلد همیشه کناره می کردند از راه رفتن در آن قطعه از زمین. پس دیدم آن جناب را که در آن قطعه راه می رود. گفتم: ای سید من، این موضع مال بعضی از ایتم سادات است تصرف در آن روا نیست. فرمود: این موضع مال جدّ ما امیر المؤمنین (علیه السلام) و ذریّه او و اولاد ما است. حلال است برای موالیان ما تصرف در آن. و در قرب آن مکان در طرف راست باغی است مال شخصی که او را حاجی میرزا هادی می گفتند و از متمولین معروفین عجم بود که در بغداد ساکن بود. گفتم: سیدنا راست است که می گویند زمین باغ حاجی میرزا هادی مال حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) است؟ فرمود: چه کار داری به این و از جواب اعراض نمود. پس رسیدیم به ساقیه آب که از شطّ دجله می کشند برای مزارع و بساتین آن حدود و از جاده می گذرد و آنجا دو راه می شود به سمت بلد، یکی راه سلطانی است و دیگری راه سادات و آن جناب میل کرد به راه سادات. پس گفتم: بیا از این راه یعنی راه سلطانی برویم. فرمود: نه از این راه خود می رویم. پس آمدیم و چند قدمی نرفتیم که خود را در صحن مقدّس در نزد کفشداری دیدیم و هیچ کوچه و بازاری را ندیدیم. پس داخل ایوان شدیم از طرف باب المراد که از سمت شرقی و طرف پایین پا است و در درّ رواق مطهر مکتب نفرمود و اذن دخول نخواند و داخل شد و در درّ حرم ایستاد. پس فرمود: زیارت بکن. گفتم: من قاری نیستم. فرمود: برای تو بخوانم؟ گفتم: آری. پس فرمود: **أَدْخُلُ يَا**

آیا داخل شوم

اللَّهُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ *
 ای خدا * سلام بر تو ای رسول خدا * سلام بر تو ای امیر مومنان *

و همچنین سلام کردند بر هریک از ائمه (علیهم‌السلام) تا رسیدند در سلام به حضرت عسکری (علیه‌السلام) و فرمود: **السَّلَامُ**

سلام بر

عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ * آنگاه فرمود: امام زمان خود را می‌شناسی؟

تو ای ابا محمد ای حسن عسکری *

گفتم: چرا نمی‌شناسم، فرمود: سلام کن بر امام زمان خود، گفتم: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ**

سلام بر تو ای حجت خدا

* **يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا بَنَ الْحُسَيْنِ** * پس تبسم نمود و فرمود: **عَلَيْكَ السَّلَامُ**

* ای صاحب زمان ای فرزند حسن * بر تو باد سلام

و **رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ** * پس داخل شدیم در حرم مطهر و ضریح مقدس را چسبیدیم و

و رحمت خداوند و برکاتش *

بوسیدیم. پس فرمود: به من زیارت کن. گفتم: من قاری نیستم. فرمود: زیارت بخوانم برای تو؟ گفتم: آری. فرمود:

کدام زیارت را می‌خواهی گفتم هر زیارت که افضل است مرا به آن زیارت ده. فرمود: زیارت امین‌الله افضل است.

آنگاه مشغول شد به خواندن و فرمود: **السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا أَمِينِي اللَّهِ فِي أَرْضِهِ** *

سلام بر شما ای امانتداران خدا در روی زمینش *

و **حُجَّتَيْهِ عَلَى عِبَادِهِ** * الخ و چراغهای حرم را در این حال روشن کردند پس شمعها را دیدم

و حجت او بر بندگانش *

روشن است و لکن حرم روشن و منور است به نوری دیگر مانند نور آفتاب و شمعها مانند چراغی بودند که روز در آفتاب روشن کنند و مرا چنین غفلت گرفته بود که هیچ ملتفت این آیات نمی‌شدم. چون از زیارت فارغ شد از سمت پایین پا آمدند به پشت سر و در طرف شرقی ایستادند و فرمودند: آیا زیارت می‌کنی جدّم حسین (علیه‌السلام) را؟ گفتم: آری زیارت می‌کنم، شب جمعه است. پس زیارت وارث را خواندند و مؤذّن‌ها از اذان مغرب فارغ شدند. پس به من فرمود: نماز کن و ملحق شو به جماعت. پس تشریف آورد در مسجد پشت سر حرم مطهر و جماعت در آنجا منعقد بود و خود به انفراد ایستادند در طرف راست امام جماعت محاذی او و من داخل شدم در صف اول و برایم مکانی پیدا شد. چون فارغ شدم او را ندیدم پس از مسجد بیرون آمدم و در حرم تفحص کردم او را ندیدم و قصد داشتم او را ملاقات کنم و چند قرانی به او بدهم و شب او را نگاه دارم که مهمان باشد. آنگاه به

خاطر من آمد که آن سید که بود؟ و آیات و معجزات گذشته را ملتفت شدم از انقیاد من امر او را در مراجعت با آن شغل مهم که در بغداد داشتم و خواندن مرا به اسم با آنکه او را ندیده بودم و گفتن او موالیان ما و اینکه من شهادت می‌دهم و دیدن نهر جاری و درختان میوه‌دار در غیر موسم و غیر از اینها از آنچه گذشت که سبب شد برای یقین من به اینکه او حضرت مهدی (علیه السلام) است خصوص در فقره اذن دخول و پرسیدن از من بعد از سلام بر حضرت عسکری (علیه السلام) که امام زمان خود را می‌شناسی؟ چون گفتم می‌شناسم فرمود: سلام کن چون سلام کردم تبسم کرد و جواب داد. پس آمدم در نزد کفشدار و از حال جنابش سؤال کردم گفت: بیرون رفت، و پرسید که این سید رفیق تو بود؟ گفتم: بلی پس آمدم به خانه مهماندار خود و شب را به سر بردم. چون صبح شد رفتم به نزد جناب شیخ محمد حسن و آنچه دیده بودم نقل کردم. پس دست خود را بر دهان خود گذاشت و نهی نمود از اظهار این قصه و افشاء این سر و فرمود: خداوند تو را موفّق کند. پس آن را مخفی می‌داشتم و به احدی اظهار ننمودم تا آنکه یک ماه از این قضیه گذشت. روزی در حرم مطهر بودم سید جلیلی را دیدم که آمد نزدیک من و پرسید که چه دیدی؟ و اشاره کرد به قصه آن روز. گفتم: چیزی ندیدم باز اعاده کرد آن کلام را به شدت انکار کردم. پس از نظر من ناپدید شد دیگر او را ندیدم، انتهى.

مطلب دوم: رفتن به مسجد شریف برائا و نماز کردن در آن است.

بدان که مسجد برائا از مساجد معروفه متبرکه است و واقع شده در بین بغداد و کاظمین در راه زوار و غالباً از فیض آن محروم و اعتنائی به آن ندارند با همه فضایل و شرافتی که برای او نقل شده. * حموی که از مورّخین سنه ششصد است در معجم البلدان گفته: برائا محله‌ای بود در طرف بغداد در قبله کرخ و جنوبی باب محول و برای آن مسجد جامعی بوده که شیعیان در آن نماز می‌گذاشتند و خراب شده و گفته که قبل از زمان راضی بالله خلیفه عباسی شیعیان در آن مسجد جمع می‌گشتند و سبّ صحابه می‌نمودند. راضی بالله امر کرد که ناگهانی در آن مسجد ریختند و هر که را یافتند بگرفتند و حبس نمودند و مسجد را خراب کرد و با زمین هموار نمود. شیعیان این خبر را به امیرالامراء بغداد بحکم ماکانی رسانیدند. بحکم حکم کرد به اعاده بنا و وسعت و احکام آن و نوشت در صدر آن اسم راضی بالله را و پیوسته آن مسجد معمور و محلّ اقامه نماز بود تا بعد از سنه چهارصد و پنجاه که معطل مانده تا الآن. * و برائا پیش از بنای بغداد قریه‌ای بوده که گمان مردم آن است که علی (علیه السلام) مرور کرده به آن در زمانی که به مقاتله خوارج نهروان می‌رفت و در جامع مذکور نماز خوانده و داخل شده در حمّامی که در آن قریه بوده. و به این برائا منسوب است ابوشعبان برائی عابد و او اول کسی است که در برائا ساکن شد در کوخی یعنی خانه‌ای که از نی ساخته بود و عبادت خدا می‌کرد در آن، تا آنکه گذشت به کوخ

او دختری از اولاد مستوفیان کبار از ابناء روزگار که تربیت شده بود در قصرها، همینکه نظرش به ابوشعیب افتاد و حال او را دید از آن حال خوشش آمد و جذبه ابوشعیب او را کشید به حدی که اسیر او گردید. لاجرم نزد آن عابد زاهد آمد و گفت: من اراده کرده‌ام که خادم تو باشم. گفت: تو را قبول می‌کنم به شرط اینکه از این زی و هیئت مجرد شوی. آن سعادت‌مند قبول نمود و از آنچه مالک بود تجرد اختیار کرد و متلبس شد به لباس نَساک. ابوشعیب او را تزویج نمود، همینکه آن دختر داخل کوخ شد قطعه حصیری دید که ابوشعیب برای حفظ از رطوبت زمین آن را در زیر بدن خود افکنده، گفت من نزد تو نخواهم ماند مگر وقتی که این قطعه حصیر را از زیر خود دور افکنی. زیرا که از تو شنیدم که می‌گفتی زمین می‌گوید: (يَا بَنَ آدَمَّ تَجَلُّ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ حِجَابًا وَ أَنْتَ غَدَا فِي بَطْنِي؟) یعنی ای پسر آدم مابین من و خود حجاب قرار می‌دهی و حال آنکه فردا در شکم من خواهی بود؟ پس ابوشعیب آن حصیر را دور افکند و آن دختر چند سالی نزد او مکث نمود و با هم به نیکوتر وجهی عبادت می‌کردند تا هر دو وفات نمودند. * مؤلف گوید که: ما در کتاب هدیه الزائرین جمله‌ای از روایات که در فضیلت این مسجد شریف است ذکر کردیم و گفتیم که از مجموع این اخبار چند فضیلت برای این مسجد معلوم می‌شود که اگر هر کدام از آن در هر مسجدی باشد سزاوار است که انسان شدد رحال نماید و طی منازل کند تا به فیض نماز و دعای در آن مستفیض و متبرک شود. ۱ اول: مقرر نمودن حق تعالی که در آن زمین فرود نیاید رئیسی بالشرکش جز پیغمبر یا وصی او. ۲ دویم: آنکه خانه حضرت مریم است. ۳ سیّم: آنکه زمین حضرت عیسی (علیه السلام) است. ۴ چهارم: بودن چشمه در آنجا که برای مریم ظاهر شده. ۵ پنجم: ظاهر کردن حضرت امیر (علیه السلام) آن چشمه را به اعجاز خود. ۶ ششم: بودن سنگ سفید متبرک که مریم حضرت عیسی را بر آن گذاشته در آنجا. ۷ هفتم: بیرون آوردن حضرت آن سنگ را از آنجا به اعجاز و نصب نمودن آن را به سمت قبله و نماز کردن به سوی آن. ۸ هشتم: نماز کردن حضرت امیر المؤمنین و دو نوباوه او حضرت مجتبی و سید الشهداء (علیه السلام) در آنجا. ۹ نهم: توقف حضرت در آنجا چهار روز به جهت شرافت مکان و مقدس بودن زمین آن. ۱۰ دهم: نماز کردن پیغمبران خصوص حضرت خلیل الرحمن (علیه السلام) در آنجا. ۱۱ یازدهم: بودن قبر پیغمبری در آنجا و شاید آن پیغمبر حضرت یوشع باشد که شیخ مرحوم فرموده که قبرش در خارج کاظمین در قبلی مسجد برائا است. ۱۲ دوازدهم: برگشتن آفتاب برای حضرت امیر (علیه السلام) در آنجا و با این شرافت و فضایل و بروز آیات الهیه و معجز حیدریه در آن معلوم نیست از هزار نفر زائریکی آنجا برود با آنکه در سر راهشان است و مکرر از آنجا می‌گذرند و اگر اتفاقاً کسی بخواهد درک آن فیضها را نماید چون به آنجا رسد و ببیند در مسجد بسته است از دادن جزئی پولی به جهت

بازکردن در آن مضایقه کند و خود را از این همه فیوضات عظیمه محروم نماید و حال آنکه گاه شود برای محض تماشای بغداد و عمارات جبارین در آن مصرفها کند چه رسد به مصارف عظیمه قیمت فضول معاش و امتعه نحسه نجسه یهودیان آن، که گرفتن آن از متممات زیارت غالب از زوار است. واللّٰه المستعان.

مطلب سوّم: در زیارت نَوّاب اربعه است رضی الله عنهم.

اعنی: جناب ابوعمرو عثمان بن سعید اسدی و جناب ابو جعفر محمد بن عثمان و شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی و شیخ جلیل ابوالحسن علی بن محمد سمری رضی الله عنهم. * بدان که از جمله تکالیف زوّار در ایّام توقّف در بلده طیبه کاظمین، رفتن به بغداد است به جهت زیارت این چهار نایب خاصّ امام عصر صلوات الله علیه که اگر هر یک از آنها در بلاد بعیده بودند سزوار بود که انسان منازل بعیده طیّ کند و رنج و تعب سفر کشد و به فیض زیارت آنها نایل گردد. زیرا که در میان تمام اصحاب خاصّ ائمّه (علیهم السلام) به بزرگی و جلالت قدر ایشان کسی نمی رسد. قریب هفتاد سال به منصب سفارت و وساطت میان امام (علیهم السلام) و رعیت فائز شدند و بر دست ایشان کرامات بسیار و خوارق عادات بی شمار جاری گردید و گفته شده که بعضی از علماء قائل به عصمت ایشان شده و مخفی نیست که همچنانکه این بزرگواران در حیات خود واسطه بودند میان ولیّ عصر صلوات الله علیه و رعیت و از جمله مناصب ایشان رسانیدن عرایض و رقعهای حاجت خلق بود به آن حضرت، حال نیز به همان منصب شریف مفتخرند و باید رفاع حاجت که در شدائد و سختیها نوشته می شود به توسط ایشان به آن حضرت برسد چنانکه در جای خود معلوم گردیده و بالجمله فضایل و مناقب ایشان زیاده از آن است که ذکر شود و همین قدر برای ترغیب زوّار به زیارتشان کافی است. * و اما کیفیت زیارت ایشان: پس به نحوی است که شیخ طوسی (رحمته الله) در تهذیب و سید بن طاوس (رحمته الله) در مصباح الزائر ذکر کرده اند و نسبت داده اند آن را به جناب ابوالقاسم حسین بن روح (رحمته الله) که فرموده در باب زیارت ایشان که سلام می کنی بر رسول خدا و بعد از او به امیر المؤمنین و بر خدیجه کبری و بر فاطمه زهراء و بر امام حسن و امام حسین و بر هر یک از ائمّه (علیهم السلام) تا صاحب الزّمان

صلوات الله علیه. پس می گویی: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ** (و به جای فلان بن فلان،

سلام بر تو ای فلان بن فلان)

اسم صاحب قبر و پدرش را می بری) * **أَشْهَدُ أَنَّكَ بَابُ الْمَوْلَى * أَدَيْتَ عَنْهُ وَأَدَيْتَ**

* گواهی میدهم که تو باب مولایی * از جانب او اداء کردی و به او

إِيَّاهُ * مَا خَالَفْتَهُ * وَلَا خَالَفْتَ عَلَيْهِ * قُمْتَ خَاصًّا * وَانْصَرَفْتَ

پرداختی * مخالفت او نکردی و اختلافی بر علیه او پدید نیاوردی * به نیابت خاصه قیام کردی * و در هنگام انصراف

سَابِقًا * جِئْتُكَ عَارِفًا بِالْحَقِّ الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ * وَ أَنْكَ مَا خُنْتَ

پیشرو بودی * به نزد تو آمده‌ام در حالیکه شناسای حقی هستم که تو بدان معتقد بودی * و به اینکه تو در ادای

فِي التَّادِيَةِ وَ السَّفَارَةِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ بَابٍ مَا أَوْسَعَهُ * (أَوْسَعَكَ) *

وظیفه خیانت نوزیدی و نیز در مقام سفارتت * سلام بر تو چه باب واسعی بودی *

وَمِنْ سَفِيرٍ مَا أَمَّنَكَ * وَ مِنْ ثِقَةٍ مَا أَمَّكَ * أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَصَّكَ

و چه نیکو سفیر امینی بودی * و چه پا برجا مورد وثوقی بودی * گواهی میدهم که خدای تو را به نور خود

بِنُورِهِ * حَتَّى عَايَنْتَ الشَّخْصَ * فَادَيْتَ عَنْهُ وَ ادَيْتَ إِلَيْهِ * پس برمی‌گردی

مخصوص گردانید * تا آن شخص شخصی را مشاهده کردی * پس از جانب او اداء وظیفه کردی و به او پرداختی *

و باز سلام می‌کنی بر رسول خدا تا صاحب الزمان (عجل الله فرجه). پس از آن می‌گوئی: جِئْتُكَ مُخْلِصًا

آدمم به نزدت با اخلاص

بِتَوْحِيدِ اللَّهِ * وَ مَوْلَاةِ أَوْلِيَائِهِ * وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ (أَعْدَائِهِ) * وَ مِنْ

به یکتا پرستی خدا * و دوستداری دوستانش * و بیزاری از اعداء و دشمنانش * و از آنان که

الَّذِينَ خَالَفُوكَ يَا حُجَّةَ الْمَوْلَى * وَ بِكَ إِلَيْهِمُ (اللَّهُمَّ) تَوَجَّهِي * وَ بِهِمْ

خلاف تو کردند ای حجت مولی * و به تو به سوی ایشان روی آرم * و

إِلَى اللَّهِ (إِلَيْكَ) تَوَسَّلِي * پس دعا می‌کنی و سؤال می‌کنی از حق تعالی آنچه را که می‌خواهی که

به آنان به خدا متوسلم.

اجابت می‌شود انشاء الله. * مؤلف گوید: و سزاوار است نیز آنکه زیارت شود در بغداد شیخ اجل عالی مقام

ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی عطرالله مرقده که شیخ و رئیس شیعه و اوثق و اثبت ایشان بود در حدیث و کتاب

شریف کافی را که روشنی چشم شیعه است در مدت بیست سال تألیف نمود و الحق منت عظیم بر شیعه خصوص

بر اهل علم نهاد و به جهت جلالت و عظمت شأن آن معظم، ابن اثیر او را مجدد مذهب امامیه در رأس مائة الثالثة

شمرده بعد از آن که مولای ما حضرت ثامن الائمه صلوات الله علیه را مجدد این مذهب در مائة ثانیة شمرده و ما

در کتاب هدیه ذکر کردیم بیشتر علمایی که در مشاهد مشرفه مدفونند هر که طالب است به آنجا رجوع نماید.

مطلب چهارم: در زیارت جناب سلمان رضی الله عنه است

بدان که از تکالیف زوار در کاظمین رفتن به مدائن است به جهت زیارت عبد صالح الهی جناب سلمان محمدی

رضوان الله علیه که اول ارکان اربعه و مخصوص به شرافت (سَلْمَانٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ) و مَنْخَرَطٌ دَرَسَلَكُ

اهل بیت نبوت و عصمت است و در فضیلت او جناب رسول خدا (ﷺ) فرموده: **سَلْمَانٌ بَجْرٌ لَا يُتْرَفُ**

سلمان دریایی است که نمی خشکد

*** وَ كَثْرًا لَا يَنْفَدُ * سَلْمَانٌ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ * يَمْنَحُ الْحِكْمَةَ وَيُوتِي**

* و گنجی است که تمام نشود * سلمان از ما اهل بیت است * حکمت بخشد و برهان

الْبُرْهَانَ * و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) او را مثل لقمان حکیم بلکه حضرت صادق (علیه السلام) او را بهتر از

دهد *

لقمان فرموده و حضرت باقر (علیه السلام) او را از متوسمین شمرده * و از روایات مستفاد شده که آن جناب اسم اعظم می دانست و از محدثین (به فتح) بوده و از برای ایمان ده درجه است و او در درجه دهم بوده و عالم به غیب و منایا بوده و از تحف بهشت در دنیا میل فرموده و بهشت مشتاق و عاشق او بوده و خدا و رسول (ﷺ) او را دوست می داشتند * و حق تعالی پیغمبر (ﷺ) را امر فرموده به محبت چهار نفر که سلمان یکی از ایشان است و آیاتی در مدح او و اقران او نازل شده و جبرئیل هر وقت بر حضرت رسول (ﷺ) نازل می شده امر می کرده از جانب پروردگار که سلمان را سلام برساند و مطلع گرداند او را به علم منایا و بلایا و انساب. * و شبها برای او در خدمت پیغمبر (ﷺ) مجلس خلوتی بوده و حضرت رسول و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما و آلهما چیزهایی تعلیم او فرمودند از مخزون و مکنون علم الله که احدی غیر او قابل و قوه تحمل آن را نداشته و رسید به مرتبه ای که حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: **(أَدْرَكَ سَلْمَانُ الْعِلْمَ الْأَوَّلَ وَالْعِلْمَ الْآخِرَ * وَ هُوَ بَجْرٌ لَا يُتْرَحُ * وَ هُوَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ)** سلمان درک کرد علم اول و آخر را و او دریایی است که هرچه از او برداشته شود تمام نشود و او از ما اهل بیت است. * و برای شوق زائرین و رغبتشان به زیارت آن جناب کافی است تأمل در اختصاص و امتیازش در میان تمام صحابه و جمیع امت به اینکه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در یک شب از مدینه به مدائن رفت و بدست مبارک او را غسل داد و کفن نمود و نماز کرد بر او با صفوی بسیار از ملائکه و همان شب به مدینه مراجعت فرمود. زهی شرافت مودت و محبت به خانواده رسالت که انسان را به این مرتبه از جلال و عظمت رساند. **و اما کیفیت زیارت آن جناب:** پس بدان که سید بن طاوس در مصباح الزائر چهار زیارت برای آن بزرگوار نقل کرده و ما در اینجا اکتفا می کنیم به همان زیارت اول آن و در هدیه نقل کردیم زیارت چهارم آن را که شیخ در تهذیب ذکر فرموده، پس چون خواستی زیارت کنی آن جناب را می ایستی نزد قبر او و به قبله

و می گویی: **السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ***

سلام و تحیت بر رسول خدا حضرت محمد بن عبد الله (ص) خاتم پیغمبران *

السَّلَامُ عَلَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَىٰ الْأَئِمَّةِ

سلام بر حضرت علی (ع) امیر المؤمنین سید اوصیاء پیغمبران * سلام بر امامان صاحب

الْمَعْصُومِينَ الرَّاشِدِينَ * السَّلَامُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ * السَّلَامُ

مقام عصمت و پیشوایان ارشاد خلق * سلام بر فرشتگان مقرب حق * سلام بر

عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ الْأَمِينِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ أَمِيرِ

تو ای هم صحبت و صاحب رسول خدا امین وحی الهی * سلام بر تو ای ولی و دوست حقیقی خاص

الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُودِعَ أَسْرَارِ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ * السَّلَامُ

امیر المؤمنین * سلام بر تو ای مخزن ودایع و اسرار بزرگ اهل خیر و سعادت * سلام بر

عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الْبَرَّةِ لِمَاضِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا

تو ای باقیمانده از نیکویان عالم در همه ادوار گذشته * سلام بر تو ای ابا عبد الله

عَبْدِ اللَّهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ * أَشْهَدُ أَنَّكَ اطَّعْتَ اللَّهَ كَمَا أَمَرَكَ

و رحمت و برکات خدا بر تو باد * گواهی می‌دهم که تو بدانسان که مأمور بودی خدا را اطاعت کردی

* وَ اتَّبَعْتَ الرَّسُولَ كَمَا نَدَبَكَ * وَ تَوَلَّيْتَ خَلِيفَتَهُ * كَمَا الزَّمَكَ *

* و بدانسان که رسول خدا تو را دعوت کرد او را اجابت کردی * و پیروی نمودی و خلیفه پیغمبر خدا را آنسان که بر تو فرض و لازم

وَ دَعَوْتَ إِلَى الْإِهْتِمَامِ بِذُرِّيَّتِهِ كَمَا وَقَفَكَ (وَقَفَكَ) * وَ عَلِمْتَ الْحَقَّ

گردانید یاری کردی * و امت را چنانکه دانستی به اهمیت و احترام ذریه پیغمبر دعوت نمودی * و طریق حق را چنانکه خدا

يَقِينًا وَ اعْتَمَدْتَهُ * كَمَا أَمَرَكَ * (وَ) أَشْهَدُ أَنَّكَ بَابُ وَصِيِّ الْمُصْطَفَى

امر فرمود بطور یقین دانستی و بر آن استوار بودی * گواهی می‌دهم که تو درگاه وصی مصطفی

* وَ طَرِيقُ حُجَّةِ اللَّهِ الْمُرْتَضَى * وَ آمِينَ اللَّهُ فِيمَا اسْتَدْعَتْ مِنْ

* و طریق حجت خدا علی مرتضائی * و در آنچه به تو ودیعه سپردند از علوم و اسرار خاصان حق

عُلُومِ الْأَصْفِيَاءِ * أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ * النَّجَبَاءِ الْمُخْتَارِينَ

امانت خدا را نگاه داشتی * و گواهی می‌دهم که تو از اهل بیت برگزیده با شرافت پیغمبر بودی * که برای یاری

لِنُصْرَةِ الْوَصِيِّ * أَشْهَدُ أَنَّكَ صَاحِبُ الْعَاشِرَةِ * وَ الْبَرَاهِينِ وَ الدَّلَائِلِ

وصی او مهیا بودند * و نیز گواهی می‌دهم که تو صاحب مقام دهم (ایمان) * و صاحب ادله و براهین بسیار محکم

الْقَاهِرَةِ * وَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ * وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ * وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ

و روشن و قاهر * و تو ارکان نماز را به پا داشتی * و زکوة به مستحقان دادی * و امر به معروف

و نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ * وَ اَدَيْتَ الْاِمَانَةَ * وَ نَصَحْتَ لِلّٰهِ وَ لِرَسُوْلِهِ *

و نهی از منکر نمودی * و امانت الهی را ادا کردی * و برای خدا و رسول امت را ناصح و خیرخواه بودی *

وَ صَبَرْتَ عَلٰی الْاَذٰی فِیْ جَنْبِهِ حَتّٰی اَتَاكَ الْیَقِیْنُ * لَعَنَ اللّٰهُ مَنْ جَحَدَكَ *

و برای طرفداری دین خدا همه عمر صبر بر آزار کردی تا هنگام رحلت و شهود عالم آخرت * خدا لعن کند آنان که حق تو را

حَقَّكَ * وَ حَطَّ مِنْ قَدْرِكَ * لَعَنَ اللّٰهُ مَنْ اَازَاكَ فِیْ مَوَالِیْكَ * لَعَنَ اللّٰهُ *

انکار کردند * و قدر و شأن تو را پست گردانیدند * خدا لعنت کند آنان را که تو را دربارهٔ دوستان و محبوبانت بیازدند * خدا لعنت کند

مَنْ اَعْنَتَكَ فِیْ اَهْلِ بَیْتِكَ (نَبِیِّكَ) * لَعَنَ اللّٰهُ مَنْ لَامَكَ فِیْ سَادَاتِكَ *

آنان را که در دوستی اهل بیت پیغمبر تو را آزار کردند * خدا لعنت کند کسانی را که بر دوستی سادات و بزرگان دین تو را ملامت کردند *

لَعَنَ اللّٰهُ عَدُوَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ مِنْ الْجَنِّ وَ الْاِنْسِ مِنَ الْاَوَّلِیْنَ وَ الْاٰخِرِیْنَ *

خدا لعنت کند دشمن آل محمد را از جن و انس و اولین و آخرین بشر *

وَ ضَاعَفَ عَلَیْهِمُ الْعَذَابَ الْاَلِیْمَ * صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ *

و عذاب آنان را مضاعف و سخت و دردناک گرداندی * درود خدا بر تو ای ابا عبد الله

* صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْكَ يَا صَاحِبَ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ *

* سلام بر تو ای هم صحبت رسول خدا درود خدا بر رسول و آلش *

وَ عَلَیْكَ يَا مَوْلىَ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ * وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰی رُوْحِكَ الطَّیْبَةِ *

و بر تو باد ای دوست و یار و یاور امیر المؤمنین علی (ع) * و درود و تحیت خدا بر روح پاک تو *

وَ جَسَدِكَ الطَّاهِرِ * وَ الْحَقْنَا بِمَنْهٖ وَ رَافَتْهٖ اِذَا تَوَفَّانَا بِكَ * وَ بِمَحَلِّ *

و جسم پاک تو باد * و خدا ما را هم هنگام مرگ و رحلت به کرم و رافتش با تو ملحق گرداند و در آن جایگاه

السَّادَةِ الْمِیَامِیْنَ * وَ جَمَعْنَا مَعَهُمْ بِجَوَارِهِمْ فِیْ جَنَّاتِ النَّعِیْمِ * صَلَّى *

(بهشت عدن) به بزرگان اهل خیر و سعادت ملحق سازد * و ما را در بهشتهای پر نعمت به جوار آنان با آنها جمع فرماید * درود

اللّٰهُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ * وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰی اِخْوَانِكَ الشِّیْعَةِ *

و رحمت خدا بر تو باد ای ابا عبد الله * و رحمت و تحیت خدا بر برادران تو از شیعیان نیکوکار

الْبَرَّةِ مِنَ السَّلْفِ الْمِیَامِیْنَ * وَ اَدْخَلَ الرُّوْحَ وَ الرِّضْوَانَ عَلٰی الْخَلْفِ *

و اهل یمن و سعادت گذشته باد * و روح و نشاط و خشنودی بر آیندگان اهل ایمان

مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ * وَ الْحَقْنَا وَ اِیَّاهُمْ بِمَنْ تَوَلَّاهُ * مِنَ الْعِترَةِ الطَّاهِرِیْنَ *

وارد سازد * و ما و آنها را همه به آنان که دوستشان می‌داریم که عترت پاک پیغمبرند ملحق فرماید *

وَعَلَيْكَ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * پس بخوان اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو و بر همه آنان باد *

فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ هفت مرتبه، پس به جا بیاور نماز مندوب آنچه خواهی. * مؤلف گوید که: چون خواستی

برگردی از زیارت سلمان پس بایست نزد قبر برای وداع و بگو این وداع را که سید در آخر زیارت چهارم ذکر

فرموده: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ * اَنْتَ بَابُ اللَّهِ الْمُوْتَى مِنْهُ *

سلام بر تو ای ابا عبد الله * تو درگاه هدایت خدایی که باید خلق بدان درآیند *

وَالْمَاخُوذُ عَنْهُ * اَشْهَدُ اَنَّكَ قُلْتَ حَقًّا * وَنَطَقْتَ صِدْقًا * وَدَعَوْتَ

و اخذ علم و معرفت کنند * گواهی می‌دهم که تو به حق سخن گفتی * و همیشه به صدق و حقیقت گویا بودی * و خلق را

اِلَى مَوْلَايَ وَ مَوْلَاكَ عَلَانِيَةً وَ سِرًّا * اَتَيْتَكَ زَائِرًا وَ حَاجَاتِي لَكَ

به سوی مولای من و مولای خود آشکار و پنهان دعوت کردی * باری من به زیارت حضرت آمده‌ام و حوایجم را

مُسْتَوْدِعًا * وَ هَا اَنَا ذَا مَوْدِعِكَ * اَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَ اَمَانَتِي وَ خَوَاتِيمَ

نزد تو به ودیعت می‌گذارم * اکنون تو را وداع می‌کنم * و حفظ دین و امانت عهد و ختم خیر

عَمَلِي * وَ جَوَامِعَ اَمَلِي اِلَى مُنْتَهَى اَجَلِي * وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ

اعمالم * و جمیع آرزوهایم را تا آخر عمر به تو می‌سپارم * و سلام بر تو و رحمت

اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ * وَ صَلَّى اللَّهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ الْاَخْيَارِ * آنگاه خدا را

و برکات خدا * و درود و رحمت الهی بر محمد و آل نیکویش باد. *

بسیار بخوان و برگرد. * مؤلف گوید که: چون زائریه زیارت سلمان مشرف شد پس از زیارت دو تکلیف دیگر دارد:

اول: نماز کردن در طاق کسری در رکعت یا زیادتر، چون آنجا مصلای حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. روایت

شده از عمار سابطی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مدائن آمد و نزول فرمود در ایوان کسری و با او بود دُلف ابن بحیر

پس نماز کرد در آنجا بعد از آن برخاست و به دُلف فرمود: برخیز با من، و در خدمت آن حضرت بود جماعتی از

اهل سابط پس گردش کرد در منازل کسری و به دُلف می‌فرمود از برای کسری در این مکان چنین و چنان بوده

و دُلف می‌گفت به خدا قسم چنین است که می‌فرمایی پس با آن جماعت در تمام آن مواضع گردش کرد و دُلف

می‌گفت ای سید و مولای من چنان شما به اینجاها مطلعید که گویا شما این چیزها را در اینجاها نهاده‌اید. *

و روایت شده که در آن وقتی که حضرت بر مدائن مرور می‌فرمود و آثار کسری و خرابی آن را مشاهده می‌نمود

یکی از آن اشخاص که در خدمت آن حضرت بود از روی عبرت این شعر را خواند:

جَرَّتِ الرِّيحُ عَلَى رُسُومِ دِيَارِهِمْ فَكَانَهُمْ كَانُوا عَلَى مِيعَادِ

باد می‌وزد بر ویرانه‌های منازلشان پس گویی که اینان به میعاد معینی بودند

حضرت فرمود چنان خواندی: ﴿كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَاتٍ وَعَيْونَ * وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ﴾

چه بسیار از باغها و چشمه‌سازها * و زراعتها و مقام گرامی

و نِعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ * كَذَلِكَ وَ أَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخِرِينَ * فَمَا

* و نعمت که در آن خوش داشتند و گذاردند * چنین است و آنها را به دیگران ارث دادیم * پس نگریست

بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنْظَرِينَ * پس از آن فرمود: اِنَّ

بر ایشان آسمان و زمین و مهلتی نیافتند * به درستی

هَؤُلَاءِ كَانُوا وَاِثْرِينَ * فَاصْبَحُوا مَوْرُوثِينَ * لَمْ يَشْكُرُوا النِّعْمَةَ

که اینان وارثها بودند * پس شدند ارث‌گذار و ارث‌دهنده * سپاس و شکر نعمت ننمودند

فَسَلِبُوا دُنْيَاهُمْ بِالْمَعْصِيَةِ * اِيَّاكُمْ وَ كَفَرُوا النِّعْمَ * لَا تَحِلُّ بِكُمْ النِّقْمَ

پس دنیا به نافرمانی از آنان ربوده شد * مبادا کفران نعمت کنید * که نعمت به شما فرود آید. *

❁ فقیر گوید: حاصل این مقام را حکیم خاقانی به شعر در آورده آنجا که فرموده:

هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان ایوان مدائن را آیینه عبرت دان

پرویز که بنهادی بر خوان، تره زرین زرین تره کو بر خوان؟ رو کم ترگو بر خوان

دویم: زیارت کردن جناب حذیفه بن الیمان که از بزرگان اصحاب رسول خدا (ﷺ) و خاصان امیرالمؤمنین (علیه السلام)

است و در میان صحابه مخصوص بود به شناختن منافقین و دانستن نامه‌های ایشان و اگر در نماز جنازه کسی

حاضر نمی شد خلیفه ثانی بر او نماز نمی کرد و از جانب او سالها در مدائن والی بود پس او را عزل کرد و جناب

سلمان والی آنجا شد، چون وفات کرد دوباره حذیفه والی آنجا شد و مستقر بود تا نوبت خلافت به شاه

ولایت (علیه السلام) رسید. پس از مدینه رقمی مبارک به او و فرمان همایونی به اهل مدائن صادر شد و از خلافت خود

و استقرار حذیفه در آنجا به نحوی که بود اطلاع دادند و لکن حذیفه بعد از حرکت آن حضرت از مدینه به جانب

بصره به جهت دفع شر اصحاب جمل و قبل از نزول موبک همایون به کوفه وفات کرد و در همان مدائن مدفون

شد. * از ابو حمزه ثمالی روایت است که چون حذیفه خواست وفات کند فرزند خود را طلبید و وصیت کرد او را به

عمل کردن به این نصیحت‌های نافع. فرمود: ای پسر جان من، ظاهر کن مایوسی از آنچه که در دست مردم

است که در این یأس غنی و توانگری است و طلب مکن از مردم حاجات خود را که آن فقر حاضر است و همیشه چنان باش که روزی که در آن هستی بهتر باشی از روز گذشته‌ات و هر وقت نماز می کنی چنان نماز کن که گویا نماز وداع و نماز آخر تو است و مکن کاری را که از آن عذر بخواهی. * و بدان که در جنب حرم سلمان مسجد جامع مدائن است که منسوب است به حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) که آن را ساخته یا در آنجا نماز خوانده معلوم نیست از فیض دو رکعت نماز تحیت در آن محل شریف خود را محروم نکند.

فصل نهم

در بیان فضیلت و کیفیت زیارت امام الأنس والجنّة المدفون بأرض الغربة بضعة سيّد الوری مولانا ابوالحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه و علی آباءه و اولاده ائمة الهدی.

اما فضیلت زیارت آن حضرت: پس بیشتر از آن است که احصا شود و ما در اینجا تبرک می جویم به ذکر چند خبر و نقل می کنیم اکثر آن را از تحفة الزائر. ۱ اول: از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) منقول است که فرمود: زود باشد که پاره‌ای از تن من در خراسان مدفون گردد و هیچ مؤمنی زیارت نکند او را مگر آنکه حق تعالی بهشت را از برای او واجب گرداند و بدنش را بر آتش جهنم حرام گرداند * و در حدیث معتبر دیگر فرموده: که پاره‌ای از بدن من در خراسان مدفون خواهد شد. هر غمناکی که او را زیارت کند البته حق تعالی غمش را زایل گرداند و هر گناهکاری که او را زیارت کند البته خدا گناهانش را بپامزد. ۲ دوم: به سند معتبر منقول است که حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود که: هر که زیارت کند قبر فرزند من علی را، او را نزد خدای تعالی ثواب هفتاد حج مقبول بوده باشد. راوی استبعاد کرد و گفت هفتاد حج مقبول؟! حضرت فرمود که: بلی هفتاد هزار حج. گفت هفتاد هزار حج؟! فرمود که چه بسیار حجی باشد که مقبول نباشد. هر که آن حضرت را زیارت کند یا یک شب نزد آن حضرت بماند چنان باشد که خدا را در عرش زیارت کرده باشد. گفت چنانچه خدا را در عرش زیارت کرده باشد؟! فرمود: بلی چون روز قیامت می شود بر عرش الهی چهار کس از پیشینیان و چهار کس از پسینیان خواهند بود. اما پیشینیان پس: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی (علیه السلام) اند و اما پسینیان پس محمد و علی و حسن و حسین (علیه السلام) اند، پس ریسمانی می کشند در پای عرش پس می نشیند با ما زیارت کنندگان قبور ائمه و به درستی که زیارت کنندگان قبر فرزندم علی درجه ایشان از همه بلندتر و عطایشان از همه بیشتر خواهد بود. ۳ سیّم: از حضرت امام رضا (علیه السلام) روایت است که فرمود: در خراسان بقعه‌ای هست که بر آن زمانی خواهد آمد که محل رفتن و آمدن ملائکه خواهد بود، پس پیوسته فوجی از ملائکه از آسمان فرود خواهند آمد و فوجی بالا خواهند رفت تا در صور بدمند. پرسیدند یابن رسول الله کدام بقعه است؟ فرمود که: آن در زمین

طوس است و آن والله باغی است از باغهای بهشت هر که مرا زیارت کند در آن بقعه چنان است که رسول خدا (ﷺ) را زیارت کرده است و بنویسد حق تعالی از برای او به سبب آن زیارت ثواب هزار حجّ پسندیده و هزار عمره مقبوله و من و پدرانم شفیعان او باشیم در روز قیامت. **۴** چهارم: به چندین سند صحیح از ابن ابی نصر منقول است که گفت: خواندم نامه امام رضا (علیه السلام) را که نوشته بود که برسانید به شیعیان من که زیارت من نزد خدا برابر است با هزار حجّ. پس من این حدیث را به خدمت امام محمد تقی (علیه السلام) عرض کردم. فرمود: بلی والله هزار هزار حجّ هست از برای کسی که آن حضرت را زیارت کند و حقّ او را شناسد. **۵** پنجم: به دو سند معتبر منقول است که حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمود: هر که مرا زیارت کند با این دوری قبر، من بیایم به نزد او در سه موطن روز قیامت تا او را خلاصی بخشم از أهوال آنها در وقتی که نامه‌های نیکوکاران در دست راست ایشان و نامه‌های بدکاران در دست چپ ایشان پرواز کند و نزد صراط و نزد ترازوی اعمال. **۶** ششم: در حدیث معتبر دیگر فرمود که: زود باشد که کشته شوم به زهر با ظلم و ستم و مدفون شوم در پهلوی هارون الرشید و بگرداند خدا تربت مرا محلّ تردّد شیعیان و دوستان من. پس هر که مرا در این غربت زیارت کند واجب شود برای او که من او را زیارت کنم در روز قیامت. و سوگند می‌خورم به خدایی که محمد (ﷺ) را گرامی داشته است به پیغمبری و برگزیده است او را بر جمیع خلائق که هر که از شما شیعیان نزد قبر من دو رکعت نماز کند البته مستحقّ شود آموزش گناهان را از خداوند عالمیان در روز قیامت و به حقّ آن خداوندی که ما را گرامی داشته است بعد از محمد (ﷺ) به امامت و مخصوص گردانیده است ما را به وصیّت آن حضرت، سوگند می‌خورم که زیارت کنندگان قبر من گرامی تر از هر گروهی اند بر خدا در روز قیامت و هر مؤمنی که مرا زیارت کند پس بر روی او قطره‌ای از باران برسد البته حق تعالی جسد او را بر آتش جهنّم حرام گرداند. **۷** هفتم: به سند معتبر منقول است که محمد بن سلیمان از امام محمد تقی (علیه السلام) پرسید که شخصی حجّ واجب خود را کرده است به عنوان حجّ تمتّع پس به مدینه رفت و زیارت حضرت رسول (ﷺ) را کرد پس رفت به نجف و زیارت پدرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را کرد و حقّ او را می‌شناخت و می‌دانست که او حجّت خدا است بر خلق او و او درگاه خدا است که از آن در به خدا باید رسید. پس سلام کرد بر آن حضرت پس رفت به کربلا و حضرت امام حسین (علیه السلام) را زیارت کرد پس رفت به بغداد و حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) را زیارت کرد پس به شهر خود برگشت و در این وقت خدا آنقدر مال به او روزی کرده است که به حجّ می‌تواند رفت، کدام بهتر است از برای این مرد که حجّ واجب خود را کرده است که برگردد و باز حجّ بکند یا برود به خراسان و پدرت امام رضا (علیه السلام) را زیارت کند؟ فرمود که: بلکه برود بر پدرم سلام کند افضل است و باید که در ماه رجب باشد و در این زمان مکنید که بر ما و شما از خلیفه

خوف تشنیع هست. **۸** هشتم: شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه از حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: در میان دو کوه طوس قطعه‌ای از زمین است که از بهشت برداشته شده است. هر که داخل شود در آن ایمن خواهد بود در روز قیامت از آتش. **۹** نهم: و نیز از آن حضرت روایت کرده که فرمود: من ضامنم از جانب حق تعالی بهشت را از برای هر که زیارت کند قبر پدرم را به طوس در حالی که عارف به حق آن حضرت باشد. **۱۰** دهم: شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا روایت کرده که مردی از صالحین دید در خواب حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) را. عرض کرد به خدمت آن حضرت که یا رسول الله از فرزندان تو کدامیک را من زیارت کنم؟ فرمود بعضی از فرزندان من زهر خورده آمد نزد من و بعضی کشته شده آمد. گفتم: کدامیک از آنها را زیارت کنم با پراکنده شدن مشاهده ایشان؟ فرمود: زیارت کن آن کسی را که به تو نزدیکتر است یعنی محلّ تو به قبر او نزدیکتر است و او مدفون است به زمین غربت. گفتم: یا رسول الله از این فرمایش رضا را قصد کردید؟ فرمود: بگو **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ بگو: صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ بگو: صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ**. سه مرتبه این را فرمود. * مؤلف گوید که: در وسائل و مستدرک ابوابی ذکر شده در استحباب تبرک به مشهد امام رضا (علیه السلام) و مشاهد ائمه (علیهم السلام) و استحباب اختیار زیارت حضرت رضا بر زیارت امام حسین (علیه السلام) و بر زیارت هریک از ائمه (علیهم السلام) و بر حجّ مندوب و عمره مندوبه. و چون این کتاب گنجایش تطویل ندارد ما به همین چند خبر که عشره کامله است اکتفا کردیم. **و اما کیفیت زیارت آن حضرت:** پس بدان که از برای آن بزرگوار زیارات چندی نقل شده و زیارت مشهور آن حضرت زیارتی است که در کتب معتبره مذکور است و به شیخ جلیل القدر محمد بن الحسن بن الولید که از مشایخ جناب صدوق است منسوب گردانیده‌اند و از مزار ابن قولویه (رحمته الله) معلوم می‌شود که از ائمه (علیهم السلام) مروی بوده باشد و کیفیت آن موافق کتاب من لایحضره الفقیه چنان است که چون اراده نمایی زیارت کنی قبر امام رضا (علیه السلام) را در طوس پس غسل کن پیش از آنکه از خانه بیرون روی * و بگو در وقتی که غسل می‌کنی:

اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي وَ طَهِّرْ لِي قَلْبِي * وَ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَ اجْرِ عَلَيَّ لِسَانِي

بارالها مرا پاک کن و دلم را طاهر گردان * و سینه‌ام را بگشا و بر زبانه

مَدْحَتَكَ * وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ * فَانَّهُ * لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ * اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي

مدح * و ستایش بر تو را جاری گردان * زیرا که نیرویی نباشد جز به وجود تو * پروردگارا آن را وسیله

طَهُورًا وَ شِفَاءً * * * وَ مِي گویی در وقت بیرون رفتن: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ * * *

پاکی و درمانم قرار ده * * * به نام خدا و به ذات خدا و به سوی خدا * * *

وَإِلَى ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ * حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ * اللَّهُمَّ إِلَيْكَ

و به سوی فرزند رسول خدا * بس است مرا خدا بر خدا توکل کردم * بارالها به سوی تو

تَوَجَّهْتُ * وَإِلَيْكَ قَصَدْتُ * وَمَا عِنْدَكَ أَرَدْتُ * پس چون بیرون روی بردر

رو کردم * و به سوی تو آهنگ نمودم * و آنچه را نزد توست خواسته و اراده کردم *

خانه خود بایست و بگو: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي * وَعَلَيْكَ خَلَفْتُ أَهْلِي

بارالها به سوی تو روی خود را نمودم * و بر عهده تو اهل خانه و مالم

و مَالِي وَمَا خَوَّلْتَنِي * وَبِكَ وَثِقْتُ * فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا مَنْ لَا يُجِيبُ مَنْ

و آنچه به من دادی بهجا نهدام * و به تو اطمینان و وثوق دارم * پس مرا تهی دست مساز ای که هر که او را اراده کرد

أَرَادَهُ * وَلَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ * صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ *

تهی دستش نسازد * و آن را که در حفظ خود دارد ضایع نسازد * درود فرست بر محمد و آل محمد *

وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ * فَإِنَّهُ لَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظْتَ * پس هرگاه رسیدی به سلامت

و مرا در پناه حفظ خود نگهداری فرما * زیرا که هر که را تو نگهداری فرمودی ضایع نشود *

ان شاء الله پس هرگاه خواهی به زیارت بروی غسل بکن و بگودر وقتی که غسل می کنی: اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي

بارالها مرا پاک ساز

وَ طَهِّرْ لِي قَلْبِي * وَ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَ اجْرْ عَلَيَّ لِسَانِي مِدْحَتِكَ

و قلب و دلم را طاهر گردان * و سینهام را بگشا * و بر لسان و زبان من مدح و ثناء

و مَحَبَّتِكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ * فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ * وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قَوَامَ

و محبت خود را جاری گردان * زیرا که هیچ نیرو و قوتی جز به تو نخواهد بود * و محققا من دانسته ام که

دِينِي التَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ * وَ الْإِتْبَاعِ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ * وَ الشَّهَادَةَ عَلَيَّ جَمِيعَ

بجا بودن و قوام دینم سر نهادن به فرمان توست * و پیروی از سنت پیغمبرت * و گواهی بر همه

خَلْقِكَ * اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي شِفَاءً وَ نُورًا * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ *

خلق تو * بارالها آن را برای من درمان و نور قرار ده * به درستی که تو بر هر چیز توانایی.

پس بیوش پاکیزه ترین جامه های خود را و برو با پای برهنه به آرامی و وقار و دلت بیاد خدا باشد و: اللَّهُ

خدا

أَكْبَرُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ ، بگو و گامهای خود را کوتاه بردار

بزرگتر است - خدایی جز ذات پروردگار نیست - منزه است خدا - ستایش مخصوص خداست *

و چون داخل روضه مقدسه شوی بگو: بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ * وَ عَلٰی مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ

به نام خدا و به ذات خدا * و بر آیین و ملت رسول الله

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ ءَالِهٖ * اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ * وَ حُدَّهُ وَ لَا شَرِيكَ

که درود خدای بر او و بر آلش باد * گواهی می‌دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست * که بی‌شریک و انباز

لَهُ * وَ اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ * وَ اَنْ عَلِيًّا وَلِيَّ اللّٰهِ * پس

است * و باز شهادت می‌دهم که محققا حضرت محمد (ص) بنده او و فرستاده او بر خلق است * و اینکه حضرت علی (ع) ولی خداست *

برو به نزد ضریح و قبله را در پشت خود بگیر و روبروی آن حضرت بایست و بگو: اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا

شهادت می‌دهم که خدایی جز خدای

اللّٰهُ * وَ حُدَّهُ وَ لَا شَرِيكَ لَهُ * وَ اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ * و

یکتا نیست * که بی‌شریک و انباز است * و باز شهادت می‌دهم که محمد (ص) بنده او و فرستاده او بر خلق است *

وَ اَنْهُ سَيِّدُ الْاَوَّلِيْنَ وَ الْاٰخِرِيْنَ * وَ اَنْهُ سَيِّدُ الْاَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِيْنَ * و

همانا او بزرگ نسبت به خلق اولین و آخرین است * و او سید پیغمبران و فرستادگان خداست *

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُوْلِكَ وَ نَبِيِّكَ * وَ سَيِّدِ خَلْقِكَ

پروردگارا درود فرست بر محمد (ص) بنده و فرستاده و پیغام آور * و سید و بزرگ

اَجْمَعِيْنَ * صَلَاةٌ لَا يَقْوٰی عَلٰی اِحْصَائِهَا غَيْرُكَ * اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی اَمِيْرِ

تمام خلق تو * درودی که کسی غیر تو قادر بر حساب و ثوابش نباشد * پروردگارا درود فرست بر

الْمُؤْمِنِيْنَ عَلٰی بَنِ اَبِي طَالِبٍ * عَبْدِكَ وَ اَخِي رَسُوْلِكَ * الَّذِي اَنْتَجَبْتَهُ * و

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) * بنده تو و برادر رسول تو * که او را به علم و حکمت خود از

بِعِلْمِكَ * وَ جَعَلْتَهُ وَ هَادِيًّا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ * وَ الدَّلِيْلَ عَلٰی

تمام خلق برگزیدی * و بر هر کس از خلق خواستی راهنما گردانیدی * و دلیل و رهبر بر پیمبرانی که به رسالت‌های خود

مَنْ بَعَثْتَهُ * وَ بِرِسَالَاتِكَ * وَ دِيَانَ الدِّيْنِ بَعْدَكَ * وَ فَصْلَ قَضَائِكَ بَيْنَ

به خلق مبعوث کردی * هم او را دلیل امت بر حقانیت آنان قرار دادی * و حاکم در امر دین خود به عدل برگماشتی و برای

خَلْقِكَ * وَ الْمُهَيِّمِنَ عَلٰی ذٰلِكَ كُلِّهٖ * وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ

قطع حکومت بین خلق حاکم گردانیدی * و مقام او را عالیت از همه مقرر داشتی * سلام و رحمت و برکات خدا بر آن

وَ بَرَكَاتِهِ * اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ * وَ زَوْجَةَ وَّلِيِّكَ * و

بزرگوار باد * پروردگارا درود فرست بر فاطمه زهرا دختر پیغمبرت * و همسر ولایت *

وَأُمِّ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ * سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ * الطُّهْرَةَ

و مادر دو سبط رسالت حسن و حسین * که دو سید جوانان اهل بهشتند * آن پاک گوهر

الطَّاهِرَةَ الْمُطَهَّرَةَ * اتَّقِيَةَ النَّقِيَّةِ الرَّضِيَّةِ الزَّكِيَّةِ * سَيِّدَةَ نِسَاءِ

طاهر و مطهر * و با تقوای کامل و پاکیزه خدا از او خوشنود و نفس مقدسش مبرا * و بزرگ تمام

أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ * صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى احْصَائِهَا غَيْرُكَ * اللَّهُمَّ

زنان اهل بهشت است * خدایا بر او درود و رحمتی فرست که کسی غیر تو قادر بر حساب ثوابش نباشد * پروردگارا

صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سِبْطِي نَبِيِّكَ * وَ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ

درود فرست بر حسن و حسین دو سبط پیغمبرت * و دو سید جوانان اهل

الْجَنَّةِ * أَلْقَائِمِينَ فِي خَلْقِكَ * وَ الدَّلِيلِينَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَ (بِعَثَّتِهِ)

بهشت * آن دو بزرگواری که در میان خلق قیام کردند * و هر دو دلیل و رهنما بودند بر آنکه تو مبعوث به رسالت‌های

بِرِسَالَاتِكَ * وَ دِيَانِي الدِّينِ بَعْدَكَ * وَ فَصَلِي قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ *

فرمودی * و حاکم در امر دین خود به عدل برگماشتی * و برای قطع حکومت بین خلق حاکم گردانیدی *

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ * عَبْدِكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ * وَ الدَّلِيلِ

پروردگارا درود و رحمت فرست بر علی بن الحسین * بنده تو که در میان خلق قیام کرد * و دلیل بود

عَلَى مَنْ بَعَثْتَ بِرِسَالَاتِكَ * وَ دِيَانِ الدِّينِ بَعْدَكَ * وَ فَصَلِي قَضَائِكَ

بر آنکه تو مبعوث به رسالت‌های فرمودی * و حاکم در امر دین خود به عدل برگماشتی * و برای قطع حکومت

بَيْنَ خَلْقِكَ * سَيِّدِ الْعَابِدِينَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

بین خلق حاکم گردانیدی * و او سید و بزرگ اهل عبادت بود * پروردگارا درود و رحمت فرست بر محمد بن علی

* عَبْدِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ * بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

* بنده تو و خلیفه تو در روی زمین * و مبین علم پیغمبران * خدایا درود و رحمت فرست

جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ * عَبْدِكَ وَ وَلِيِّ دِينِكَ * وَ حُجَّتِكَ عَلَى

بر جعفر بن محمد الصادق * بنده خاص تو و حافظ دین تو * و حجت تو

خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ * الصَّادِقِ الْبَارِّ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ

بر خلق عالم * آن امام صادق نیکوکار * خدایا درود فرست بر موسی بن جعفر

* عَبْدِكَ الصَّالِحِ * وَ لِسَانِكَ فِي خَلْقِكَ * أَلِنَّا طِقَ بِحُكْمِكَ (بِحِكْمَتِكَ)

* بنده شایسته تو * و لسان بیان تو در میان خلق * و ناطق به حکم تو

وَالْحُجَّةَ عَلَى بَرِيَّتِكَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الْمُرْتَضَى

* و حجت الهی بر تمام خلق تو * پروردگارا درود و رحمت فرست بر علی بن موسی که در مقام رضا به حد کمال بود

عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ * أَلْقَائِمَ بَعْدِكَ * وَالِدَاعِيَ إِلَى دِينِكَ وَدِينِ

* او بنده تو و حافظ دین تو * و قیام کننده به حکم عدل تو * و دعوت کننده به سوی دین تو و دین پدران

ءَابَائِهِ الصَّادِقِينَ * صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى احْصَائِهَا غَيْرُكَ * اللَّهُمَّ صَلِّ

با صدق و حقیقت خود بود * بر آن بزرگوار درود و رحمتی فرست که کسی غیر تو قادر بر حساب ثوابش نباشد * خدایا درود

عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ * عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ أَلْقَائِمَ بِأَمْرِكَ * وَالِدَاعِيَ إِلَى

و رحمت فرست بر محمد بن علی * بنده تو و سلطان قائم به امر تو * و دعوت کننده خلق

سَبِيلِكَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ * عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ

بسه راه تو * پروردگارا درود و رحمت فرست بر علی بن محمد بنده تو * و حافظ و نگهبان دین تو *

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ * الْعَامِلِ بِأَمْرِكَ * أَلْقَائِمَ فِي خَلْقِكَ

پروردگارا درود و رحمت فرست بر حسن بن علی * که عامل به فرمان تو * و قیام کننده در میان خلق تو

وَ حُجَّتِكَ الْمُؤَدَّى عَنْ نَبِيِّكَ * وَ شَاهِدِكَ عَلَى خَلْقِكَ * أَلْمَخْصُوصِ

* و حجت تو که از جانب پیغمبرت ادای فریاض دین و تعلیم حق می فرمود * و شاهد بر حقانیت بر خلق بود * و به کرامت

بِكِرَامَتِكَ * أَلِدَاعِيَ إِلَى طَاعَتِكَ * وَ طَاعَةَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ

و لطف تو اختصاص داشت * و دعوت خلق به راه طاعت و بندگی تو * و طاعت رسول تو نمود درود و رحمتهای تو بر جمیع

عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ أَلْقَائِمَ فِي خَلْقِكَ

آن بزرگواران باد * پروردگارا درود فرست بر حجت خود بر اهل عالم و ولی قائم در میان خلق خود

صَلَاةً تَامَةً نَامِيَةً بَاقِيَةً * تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ * وَ تَنْصُرُهُ بِهَا

* درود و رحمتی که تام و کامل و با افزایش و باقی تا ابد باشد * و آن رحمت موجب تعجیل در فرج و ظهور او شود * و هم به آن رحمت او

وَ تُجَعِّلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ

را یاری کنی * و ما را هم با او در دنیا و آخرت همنشین گردانی * پروردگارا من به درگاه تو به واسطه دوستی این بزرگواران تقرب می جویم *

وَ أَوْلِيَ وَ لِيَهُمْ * وَ أَعَادِي عَدُوَّهُمْ * فَارْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

و دوست آنها را دوست * و دشمنانشان را دشمن می دارم * تو هم به واسطه حب آنها خیر دنیا و آخرت را نصیب من بگردان

وَ اصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * وَ أَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ *

* و شر دنیا و آخرت * و احوال روز قیامت را به واسطه کرامت آن بزرگواران از من دور بگردان *

می نشینی نزد سر آن حضرت و می گوئی: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ** * **السَّلَامُ عَلَيْكَ**

سلام ما بر تو ای ولی خدا * سلام ما بر تو

يَا حُجَّةَ اللَّهِ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ** * **السَّلَامُ**

ای حجت بالغه خدا بر خلق * سلام ما بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین * سلام ما

عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةَ اللَّهِ** *

بر تو ای ستون عمارت دین * سلام ما بر تو ای وارث علم آدم برگزیده خدا *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ**

سلام ما بر تو ای وارث حلم نوح پیغمبر خدا * سلام ما بر تو ای وارث ابراهیم

خَلِيلِ اللَّهِ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ** * **السَّلَامُ**

دوست خاص خدا * سلام ما بر تو ای وارث اسماعیل ذبیح خدا * سلام ما

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ**

بر تو ای وارث کمالات موسای متکلم با خدا * سلام ما بر تو ای وارث عیسیای روح قدسی

اللَّهِ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ** * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا**

خدا * سلام ما بر تو ای وارث حضرت محمد فرستاده خدا * سلام ما بر تو ای

وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ وَوَلِيِّ اللَّهِ * **وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** *

وارث امیر المؤمنین ولی خدا * و وصی رسول پروردگار عالم *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ**

سلام ما بر تو ای وارث فاطمه زهراء * سلام ما بر تو ای وارث

الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ * **سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ** * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا**

حسن و حسین * دو سید جوانان اهل بهشت * سلام ما بر تو ای

وَارِثَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدِ**

وارث علی بن الحسین سید اهل عبادت * سلام ما بر تو ای وارث محمد

بْنِ عَلِيِّ بَاقِرِ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ جَعْفَرِ**

بن علی باقر کاشف و مبین علوم اولین و آخرین * سلام ما بر تو ای وارث علم جعفر

بْنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ الْبَارِ * **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ** *

بن محمد صادق نیکوکار * سلام ما بر تو ای وارث مظلومیت موسی بن جعفر *

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ

سلام ما بر تو ای با صدق و حقیقت و ای شهید راه خدا * سلام ما بر تو ای وصی و جانشین رسول (ص)

الْبَارِئِ التَّقِيِّ * أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ * وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ *

و نیکوکار و متقی * گواهی می‌دهم که همانا تو نماز را استوار کردی و به پا داشتی * و زکوة عطا کردی *

وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ * وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ * وَ عِبَدْتَ اللَّهَ (مُخْلِصًا)

و به وظیفه امر به معروف * و نهی از منکر پیوسته قیام کردی * تا هنگام رحلت که مقام شهود و عین الیقین

حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ *

قیامت است فرا رسید * سلام ما بر تو ای ابا الحسن الرضا و رحمت و برکات الهی بر روح پاک تو باد

❁ پس خود را برضریح می‌چسبانی و می‌گوئی: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ مِنْ أَرْضِي

* پروردگارا من قاصد درگاه تو از سرزمین خود و وطن خویش گردیدم

* وَقَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءً رَحْمَتِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي * وَلَا تُرَدِّنِي بِغَيْرِ قَضَاءٍ

* تا قطع بلاد و مسافت بسیار به امید رحمت تو * پس مرا از آن درگاه کرم ناامید

حَاجَتِي * وَ أَرْحَمِ تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ ابْنِ أَخِي رَسُولِكَ * صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ

مَسَاز * و تا حاجتم روا مسازی باز مگردان و به روی آوردن به قبر مطهر فرزند علی برادر رسولت * صلی الله علیه و آله

وَ ءَالِهِ * يَا أَبَتِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا مَوْلَايَ * أَتَيْتُكَ زَائِرًا وَافِدًا عَائِدًا مِمَّا

در حقم ترحم فرما * ای مولای من پدر و مادرم فدای تو باد * من به عزم زیارتت آمدم و به درگاه شما وارد شده و

جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي * وَ احْتَطَبْتُ عَلَى ظَهْرِي * فَكُنْ لِي شَافِعًا إِلَى

پناه آورده‌ام به شما از شر و عذاب آنچه بر خود خیانت کرده‌ام * و بار سنگین گناه را به دوش کشیده‌ام * تا تو به درگاه

اللَّهِ يَوْمَ فَقْرِي وَ فَاقَتِي * فَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامُ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْتَ عِنْدَهُ *

خدا روز فقر و بینواییم مرا شفاعت کنی * که تو را نزد خدا مقام محمود شفاعت است * و نزد حق محبوب

وَ جِيهِ ❁ پس دست راست را بلند می‌کنی و دست چپ را بر قبر می‌گشائی و می‌گوئی: اللَّهُمَّ إِنِّي

و آبرومندی * پروردگارا من همانا

أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَ بَوْلَايَتِهِمْ * أَتَوَلَّى ءَاخِرَهُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ

به درگاه حضرتت تقرب می‌جویم به واسطه محبت و دوستی اهل بیت * و اول و آخرین این خاندان رسالت

أَوْلَاهُمْ * وَ أَبْرًا مِنْ كُلِّ وَ لِيَجَّةٍ دُونَهُمْ * اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا

را یک یک دوست می‌دارم * و از همه وسیله‌ای غیر اینها بیزارم * خدایا لعنت کن کسانی را

نِعْمَتِكَ * وَ اتَّهَمُوا نَبِيَّكَ * وَ جَحَدُوا بِآيَاتِكَ * وَ سَخِرُوا بِإِمَامِكَ

که نعمتت را مبدل کردند * و پیغمبرت را متهم داشته * و آیات تو را انکار کردند * و مردم را بر علیه

* وَ حَمَلُوا النَّاسَ عَلَىٰ اَكْتَاْفِ اٰلِ مُحَمَّدٍ * اَللّٰهُمَّ اِنِي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ

آل محمد وادار کردند * پروردگارا من به درگاه تو تقرب می جویم به

بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ * وَ الْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا رَحْمَنُ * پس

لعن کردن * و بیزاری جستن از آن مردم در دنیا و آخرت ای خدای مهربان *

برمی گردی و به نزد پای آن حضرت می روی و می گوئی: صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا اَبَا الْحَسَنِ *

درود و رحمت خدا بر تو ای ابا الحسن الرضا *

صَلَّى اللهُ عَلَى رُوْحِكَ وَ بَدَنِكَ * صَبَرْتَ وَ اَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدَّقُ

درود و رحمت حق بر روح و جسم پاک تو باد * تو صبر کردی و تو در دین خدا با صدق و حقیقت و تصدیق کامل بودی

* قَتَلَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْاَيْدِي وَ الْاَلْسُنِ * پس تضرع و مبالغه کن در لعنت کردن بر

* خدا بکشد آنان را که تو را کشتند و به دست و زبان تو را آزدند *

گشوده امیرالمؤمنین و قاتلان حسن و حسین (علیهم السلام) و قاتلان جمیع اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، * پس از پشت

قبر برو و نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بکن، در رکعت اول سوره یس و در رکعت دویم سوره الرحمن بخوان و

جهد کن در دعا و تضرع و بسیار دعا کن از برای خود و پدر و مادر خود و جمیع برادران مؤمن خود و آنچه خواهی

نزد سر آن حضرت بمان و باید که نمازهای خود را نزد قبر بکنی. * مؤلف گوید که: این زیارت بهترین زیارات

آن حضرت است و در فقیه و عیون و کتب علامه مجلسی و غیره و سَخِرُوا بِإِمَامِكَ که در آخر زیارت است

با دو میم است یعنی: و لعنت کن خداوندا کسانی را که استهزاء نمودند به امامی که تو از جهت ایشان مقرر

فرمودی و لکن در مصباح الزائر سَخِرُوا بِإِيْمَانِكَ است و این نیز درست بلکه شاید از جهتی اولی باشد چه

آنکه مراد از ایام، ائمه (علیهم السلام) است چنانکه در خبر صفربن ابی دُلف در فصل پنجم از باب اول معلوم شد. * و بدان

نیز که لعنت کردن بر قاتلان ائمه (علیهم السلام) به هر زبانی که کرده شود خوب است و اگر این عبارت را که از بعضی ادعیه

اخذ شده بخواند شاید انسب باشد: اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ * وَ قَتْلَةَ

خدا یا لعنت کن قاتلان امیر المؤمنین * و قاتلان و

الْحُسَيْنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * وَ قَتْلَةَ اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ * اَللّٰهُمَّ

کشندگان حسن و حسین علیهم السلام را * و همچنین قاتلان اهل بیت پیغمبرت را * بارالها

لَعْنُ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ قَتْلَتَهُمْ * وَ زِدَّهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ *

لعنت کن دشمنان آل محمد را و کشتندگان آنها را * و بیفزای عذاب آنها را روی عذاب *

وَ هَوَانًا فَوْقَ هَوَانٍ * وَ ذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ * وَ خِزْيًا فَوْقَ خِزْيٍ * اللَّهُمَّ

و خواری و زبونی * روی خواری و زبونی * و رسوایی فوق رسوایی * پروردگارا

دُعُهُمْ إِلَى النَّارِ دَعَا * وَ أَرْكَسَهُمْ فِي أَلِيمٍ عَذَابِكَ رَكْسًا * وَ أَحْشَرَهُمْ

آنان را به سوی آتش به سختی بران * و در عذاب دردناک و الیمت سرنگونشان فرمای یکباره * و با اتباع و پیروانشان

وَ اتَّبَاعَهُمْ إِلَى جَهَنَّمَ زَمْرًا * وَ در تحفة الزائر است که شیخ مفید ذکر کرده که مستحب است

به سوی دوزخ گروه گروه محشورشان فرمای. *

که بعد از نماز زیارت امام رضا (علیه السلام) این دعا بخوانند: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ الدَّائِمَ فِي

پروردگارا همانا از تو درخواست می‌کنم ای خدایی که سلطنتش

مُلْكِهِ * الْقَائِمَ فِي عِزِّهِ * الْمُطَاعَ فِي سُلْطَانِهِ * الْمُتَفَرَّدَ فِي كِبْرِيَاءِهِ *

ابدی است * و در مقام عزت به ذات خود قائم * و حکمش در همه عالم مطاع * و در عظمت و کبرایی یکتا است *

الْمُتَوَحِّدَ فِي دَيْمُومِيَّةِ بَقَائِهِ * الْعَادِلَ فِي بَرِّيَّتِهِ * الْعَالِمَ فِي قَضِيَّتِهِ *

و یگانه و بی‌شریک در وجود سرمدی است * با عدل در کار خلق خود * و دانا در قضاء و قدر خویش است *

الْكَرِيمَ فِي تَأْخِيرِ عُقُوبَتِهِ * إِلَهِي حَاجَاتِي مَصْرُوفَةَ إِلَيْكَ * وَ أَمَالِي

و کریم و مهربان در تأخیر عقوبت بندگان است * ای خدای من حاجت‌هایم از هر در منصرف به درگاه کرم توست * و آرزوهایم

مَوْقُوفَةً لَدَيْكَ * وَ كَلَّمَا وَفَّقْتَنِي مِنْ خَيْرٍ (بِخَيْرٍ) فَانْتَ دَلِيلِي عَلَيْهِ *

همه متوقف نزد توست * و هر گاه مرا بر کار خیری موفق داشتی پس راهنمایم به خیر تو شدی * بلکه راهم تویی *

وَ طَرِيقِي إِلَيْهِ * يَا قَدِيرًا لَا تَوُودُهُ لِمَطَالِبٍ * يَا مَلِيًّا يَلْجَأُ إِلَيْهِ كُلُّ

ای قادری که خلق هر قدر از او طلب و درخواست کنند بر اعطای آن مطلب توانائی و از کثرت مطالب خلق خستگی و ملال نخواهی یافت * ای دارایی که هر

رَاغِبٍ * مَا زِلْتَ مَصْحُوبًا مِنْكَ بِالنِّعَمِ جَارِيًا عَلَى عَادَاتِ الْإِحْسَانِ

محتاجی پناه به درگاه تو آورد و راغب عطای توست * من همیشه با نعمت‌هایت قرین بوده‌ام و عادات احسان و لطف و کرمت بر من

وَ الْكَرَمِ * أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ النَّافِذَةِ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ * وَ قَضَائِكَ

پی در پی است * ای خدا از تو درخواست می‌کنم به حق قدرت کامل و نافذت در جمیع موجودات * و قضای

الْمُبْرَمِ الَّذِي تَحْجُبُهُ وَ بَأْيَسَرِ الدُّعَاءِ * وَ بِالنَّظَرَةِ الَّتِي نَظَرْتَ بِهَا إِلَى

مقطوعت که به دعایی آسان مستور می‌گردانی * و بدان نظر عنایتی که به کوهها کردی آنها

الْجِبَالِ فَتَشَامَخَتْ * وَالِى الْأَرْضِينَ فَتَسَطَّحَتْ * وَالِى السَّمَاوَاتِ

را رفیع ساختی * و به زمین نمودی آن را مسطح گردانیدی * و به آسمانها نمودی و رفعت بدانها

فَارْتَفَعَتْ * وَالِى الْبِحَارِ فَتَفَجَّرَتْ * يَا مَنْ جَلَّ عَنْ أَدْوَاتِ لِحَظَاتِ

بخشیدی * و به دریاها انداختی و به جریان و نموج آوردی * ای آنکه بزرگتری از قوای

الْبَشَرِ * وَ لَطْفَ عَنْ دَقَائِقِ خَطَرَاتِ الْفِكْرِ لَا تُحْمَدُ يَا سَيِّدِى الْإِلَٰه

ادراکی بشر * و لطیفتری از آنکه به فکر و اندیشه احدی خطور کنی کسی ثناء و حمد تو را

بِتَوْفِيقِ مَنْكَ يَقْتَضِى حَمْدًا * وَ لَا تُشْكِرُ عَلَى أَصْغَرِ مَنَّةٍ إِلَّا

جز به توفیق تو نتواند و آن توفیق باز مستوجب حمد دیگری است * و کسی شکر تو بر کوچکترین نعمت نتواند مگر

اسْتَوْجِبَتْ بِهَا شُكْرًا * فَمَتَى تُحْصِى نِعْمَاؤُكَ يَا إِلَهَى * وَ تُجَازِى

آنکه مستوجب شکر دیگری باشی * باری ای خدای من کی توان نعمتهای بی حد و نهایتت را به شمار آورد * و بر آن نعم و آلاء

ءَالَاؤُكَ يَا مَوْلَاى * وَ تَكْفَاؤُ صَنَائِعُكَ يَا سَيِّدِى * وَ مِنْ نِعْمِكَ يَحْمَدُ

سپاسگزاری کرد * و صنایع و عطایای تو را کی تواند خلق از عهده عوض و تکفای آن برآید ای سید من * در صورتی که

الْحَامِدُونَ * وَ مِنْ شُكْرِكَ يَشْكُرُ الشَّاكِرُونَ * وَ أَنْتَ الْمَعْتَمِدُ

به نعمتهای تو حمد و ستایش گزارانند حمد و ستایش تو گویند * تویی که بر عفو و بخششت

لِلذُّنُوبِ فِي عَفْوِكَ * وَ النَّاشِرُ عَلَى الْخَاطِئِينَ جَنَاحَ سِتْرِكَ * وَ أَنْتَ

معصیت کاران اعتماد دارند * و تویی که پر و بال پرده پوشی و عفو تو بر سر خطا کاران گسترده است * و تو غم و رنج

الْكَاشِفُ لِلضَّرِّ بِبَيْدِكَ * فَكَمْ مِنْ سَيِّئَةٍ أَخْفَاهَا حِلْمُكَ حَتَّى

و آلام خلق را به دست لطف برطرف می سازی * و چه بسیار گناهان را حلم تو پنهان کرده تا محو و نابود

دَخَلَتْ * وَ حَسَنَةٌ ضَاعَفَهَا فَضْلُكَ حَتَّى عَظُمَتْ عَلَيْهَا مُجَازَاتُكَ

گردانید * و چه حسناتی را که تو چندین برابر کردی تا آنکه پاداش تو بر آن عظیم گشت

* جَلَلَتْ أَنْ يُخَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلُ * وَ أَنْ يُرْجَى مِنْكَ إِلَّا الْإِحْسَانُ

* و از آن بزرگتر و برتری که از غیر عدالت ترسان باشند * و تو کریمتر از آنی که خلق جز فضل و احسان

وَ الْفَضْلُ * فَا مَنُّ عَلَى بِنَاؤُجِبَهُ وَ فَضْلُكَ * وَ لَا تُخَذِّلُنِي بِمَا يَحْكُمُ

از تو امید دارند * پس ای خدا بر من منت گذار به چیزی که مقتضای فضل و کرم توست * و به عدل خود مرا

بِهِ عَدْلُكَ * سَيِّدِى لَوْ عَلِمْتَ الْأَرْضُ بِذُنُوبِى لَسَاخَتْ بِي * أَوْ الْجِبَالُ

خوار مگردان * ای آقای من اگر زمین آگه از گناهان من بود مرا در قعر خود فرو می برد * و اگر کوهها

لَهْدَتْنِي * أَوْ السَّمَاوَاتُ لَا خَتَطَفْتَنِي * أَوْ الْبَحَارُ لَا غَرَقْتَنِي * سَيِّدِي

مطلع بود بر سر من خراب می‌شد * و اگر آسمانها مرا قطعه قطعه * و اگر دریاها مرا غرق می‌کرد * ای آقای من

سَيِّدِي سَيِّدِي * مَوْلَايَ مَوْلَايَ مَوْلَايَ * قَدْ تَكَرَّرَ وَقُوفِي لِضِيَاْفَتِكَ *

ای آقای من ای آقای من * ای مولای من ای مولای من ای مولای من * چه بسیار به درگاهت به مهمانی آمدم *

فَلَا تَحْرِمْنِي مَا وَعَدْتَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَسْئَلَتِكَ * يَا مَعْرُوفَ الْعَارِفِينَ

پس مرا از آنچه به سائلان درگاهت که به سؤال متعرض احسان تو اند و وعده فرمودی محروم مساز * ای مشهود عارفان

* يَا مَعْبُودَ الْعَابِدِينَ * يَا مَشْكُورَ الشَّاكِرِينَ * يَا جَلِيسَ الذَّاكِرِينَ *

* و ای معبود اهل عبادت و معرفت * و مشکور سپاسگزاران * ای همشین یاد کنندگان از تو *

* يَا مَحْمُودَ مَنْ حَمَدَهُ * يَا مَوْجُودَ مَنْ طَلَبَهُ * يَا مَوْصُوفَ مَنْ وَحَدَهُ *

و ای پسند خاطر آنکه تو را حمد و ثنا گوید * ای موجود حاضر برای هر که تو را طلبد * ای شناخته شده نزد آنکه تو را به وحدانیت

* يَا مَحْبُوبَ مَنْ أَحَبَّهُ * يَا غَوْثَ مَنْ أَرَادَهُ * يَا مَقْصُودَ مَنْ أَنَابَ

شناخت * و ای محبوب آنکه تو را دوست دارد * ای پناه آنکه تو را خواهد * ای مقصود آنکه به درگاه تو رجوع و

إِلَيْهِ * يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا هُوَ * يَا مَنْ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا هُوَ *

انابه کند * ای خدایی که به علم غیب عالم کس جز تو آگاه نیست * ای خدایی که جز تو کسی برطرف کننده رنج و آلام خلق نیست *

* يَا مَنْ لَا يَدْبِرُ الْأَمْرَ إِلَّا هُوَ * يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلَّا هُوَ * يَا مَنْ لَا

ای کسی که تدبیر امور عالم تنها به دست توست * ای کسی که گناه خلق را جز تو کسی نتواند بخشید * ای کسی که

يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلَّا هُوَ * يَا مَنْ لَا يَنْزِلُ الْغَيْثَ إِلَّا هُوَ * صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

خلق عالم را بیافرید * ای کسی که جز تو کسی باران را نیارد * درود فرست بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ * وَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ * رَبِّ انِّي أَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفَارَ

و آل اطهارش * و مرا ببامرز ای بهترین آمرزندگان * پروردگارا همانا من از تو آمرزش می‌طلبم از راه حیا

حَيَاءٍ * وَ أَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفَارَ رَجَاءٍ * وَ أَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفَارَ انَابَةٍ *

و شرمساری * و باز آمرزش می‌طلبم به طریق رجا و امیدواری * و باز آمرزش می‌طلبم از روی توبه و انابه و بازگشت به درگاه تو *

* وَ أَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفَارَ رَغْبَةٍ * وَ أَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفَارَ رَهْبَةٍ * وَ أَسْتَغْفِرُكَ

و آمرزش می‌طلبم با حال شوق و رغبت * و آمرزش می‌طلبم با حال خوف و ترس * و استغفار می‌کنم از روی

أَسْتَغْفَارَ طَاعَةٍ * وَ أَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفَارَ إِيمَانٍ * وَ أَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفَارَ

طاعت و بندگی تو * و آمرزش می‌طلبم از روی ایمان به تو * و آمرزش می‌طلبم با حال اقرار و

اِقْرَارٍ * وَاسْتِغْفَرِكَ اسْتِغْفَارَ اِخْلَاصٍ * وَاسْتِغْفَرِكَ اسْتِغْفَارَ تَقْوَى

اعتراف به گناه * و آمرزش می‌طلبم از روی اخلاص * و آمرزش می‌طلبم از روی تقوی و پارسایی

*** وَاسْتِغْفَرِكَ اسْتِغْفَارَ تَوَكُّلٍ * وَاسْتِغْفَرِكَ اسْتِغْفَارَ ذَلَّةٍ * وَاسْتِغْفَرِكَ**

* و آمرزش می‌طلبم از روی توکل به خدا * و آمرزش می‌طلبم از روی ذلت و مسکنت * و استغفار می‌کنم

اسْتِغْفَارَ عَامِلٍ لَكَ * هَارِبٍ مِنْكَ اِلَيْكَ * فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ

استغفار کسی که برای تو به کار پرداخته * و از تو به سوی تو می‌گریزد * پس خدایا درود فرست بر محمد

مُحَمَّدٍ * وَتَبَّ عَلَيَّ وَ عَلَي وَالِدَيَّ بِمَا تَبَّتْ وَ تَتَوَّبُ عَلَي جَمِيعِ خَلْقِكَ

و آل محمد * و بر من و والدینم به قبول توبه و مغفرت و آمرزش باز گرد بدان قسمی که توبهٔ جمیع خلق خود را می‌پذیری

*** يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * يَا مَنْ يُسَمِّي بِالْغُفُورِ الرَّحِيمِ * يَا مَنْ يُسَمِّي**

* ای مهربانترین مهربانان عالم * ای آنکه به نام غفور و رحیم نامیده می‌شوی * ای آنکه به نام

بِالْغُفُورِ الرَّحِيمِ * يَا مَنْ يُسَمِّي بِالْغُفُورِ الرَّحِيمِ * صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ

غفور و رحیم نامیده می‌شوی * ای آنکه به نام غفور و رحیم نامیده می‌شوی * درود فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاَقْبَلْ تَوْبَتِي * وَزَكِّ عَمَلِي * وَاشْكُرْ سَعْيِي * وَاَرْحَمَ

و آل او * و توبه مرا بپذیر * و عملم را پاکیزه دار * و بر سعی و کوششم پاداش عطا فرما * و به تضرع

ضِرَاعَتِي * وَ لَا تَحْجُبْ صَوْتِي * وَ لَا تُخَيِّبْ مَسْئَلَتِي * يَا غَوْثَ

و زاریم ترحم کن * و صدای دعايم را از سمع قبول خود دور و مستور مساز * و سؤال و درخواستم را عطا کن * و محروم و ناامیدم

الْمُسْتَعِيثِينَ * وَ اَبْلِغْ اُمَّتِي سَلَامِي وَ دُعَائِي * وَ شَفِّعْهُمْ فِي جَمِيعِ مَا

مگردان ای پناه بخش فریاد خواهان * و سلام و دعايم را به امامان و پیشوایانم برسان * و در آنچه از تو درخواست کردم آن بزرگواران

سَأَلْتُكَ * وَ اَوْصِلْ هَدِيَّتِي اِلَيْهِمْ كَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ * وَ زِدْهُمْ مِنْ ذَلِكَ

را شفیع من گردان * و هدیه مرا به آن بزرگواران چنانکه لایق آنهاست واصل ساز * و بر آن هدیه آنچه سزاوار

مَا يَنْبَغِي لَكَ بِاَضْعَافٍ لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ * وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّهِ

کرم توست هم چندین برابر که جز تو کسی شمارش نداند بجز خدا * که هیچ قدرت و نیرویی جز به واسطهٔ خدای

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * وَ صَلَّى اللهُ عَلَي اَطْيَبِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

بلند مرتبهٔ بزرگ نخواهد بود * و خدا درود و رحمت فرستد بر نیکوترین پیغمبران محمد (ص)

الطَّاهِرِينَ * * مؤلف گوید که علامه مجلسی در بحار از بعض مؤلفات قدمای اصحاب زیارتی برای

و آل اطهار او. *

حضرت امام رضا (علیه السلام) نقل کرده که معروف است به جوادیّه و در آخر آن زیارت است که نماز زیارت به جا آور و تسبیح کن و هدیه نما آن را به آن حضرت پس بگو: **(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ الدَّائِم)** و این دعا را تا به آخر نقل کرده پس هرگاه در آن مشهد مقدس آن زیارت را خواندی این دعا را ترک مکن. * زیارت دیگر زیارتی است که ابن قولویه از بعضی ائمه (علیهم السلام) روایت کرده که فرمودند چون به نزد قبر امام رضا (علیه السلام) بروی بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الْمُرْتَضَى * الْإِمَامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ

بارالها درود و رحمت فرست بر علی بن موسی الرضا * پسندیده پیشوای پارسا و منزّه

*** وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى * الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ**

* و حجت تو بر هر که روی زمین است و هر که زیر خاک * بسیار راستگو و شهید

*** صَلَاةً كَثِيرَةً تَامَةً زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً * كَأَفْضَلِ مَا**

* درود و رحمتی فراوان و کامل و با برکت و متصل و پیوست و پیایی و دنبال هم * همچون

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ * ❀ زیارت دیگر زیارتی است که شیخ مفید در مُقْنَعِه نقل

بهترین رحمتی که بر یکی از اولیائت فرستادی. *

کرده، فرموده می ایستی نزد قبر آن حضرت بعد از آنکه غُسل زیارت کرده باشی و پاکیزه ترین جامه های خود را

پوشیده باشی و می گوئی: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَليِّهِ * السَّلَامُ**

سلام بر تو ای ولی خدا فرزند ولی خدا * سلام بر

عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى

تو ای حجت خدا فرزند حجت خدا * سلام بر تو ای پیشوای هدایت

وَالْعُرْوَةَ الْوُثْقَى * وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ * ❀ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى

و رشتۀ محکم * و درود و رحمت و برکات خدا بر تو باد * گواهی می دهم همانا تو

مَا مَضَى عَلَيْهِ ءَابَاؤُكَ الطَّاهِرُونَ * صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ * لَمْ تُؤْتِرْ

درگذشتی بر آنچه درگذشتند بر آن پدران پاکان تو * که درود خدا بر ایشان باد * برنگزیدی

عَمِّي عَلَى هُدَى * ❀ وَلَمْ تَمَلْ مِنْ حَقِّ الْبَاطِلِ * ❀ وَأَنَّكَ نَصَحْتَ لِلَّهِ

کوری بر هدایت * و از حق به جانب باطل میل نکردی * و همانا تو خیر خواهی نمودی

و لِرَسُولِهِ * وَ أَدَيْتَ الْأَمَانَةَ * فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ أَهْلِهِ خَيْرَ

برای خدا و رسول او * و ادای امانت کردی * پس خدا تو را پاداش دهد از اسلام و مسلمانان بهترین

الْجُزَاءِ * أَتَيْتَكَ بِأَبِي وَ أُمِّي * زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ * مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ *

پاداش * به زیارتت آمدم پدر و مادرم به فدایت * در حالی که شناسای حق تو هستم * و دوستدار دوستان تو *

مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ * فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ * پس بچسبان خود را به قبر و بیوس آن را

و دشمنم با دشمنان تو * پس در پیشگاه پروردگارت از من شفاعت فرما *

و بگذار دو طرف روی خود را بر آن پس بگرد به جانب سرو بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَا يَا ابْنَ

سلام بر تو ای مولای من ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ * وَ رَحْمَةً اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ * أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهَادِي *

رسول خدا * و درود و رحمت و برکات خدا بر تو باد * گواهی می‌دهم به درستی که تویی پیشوای هدایت کننده *

وَ الْوَلِيُّ الْمُرْشِدُ * أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ * وَ اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ

و سرپرست ارشاد کننده به سوی خدا * از دشمنانت بی‌بزاری می‌جویم * و به دوستی حضرتت به درگاه حق

بِوَلَايَتِكَ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةً اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ * پس دو رکعت نماز

تقرب می‌طلبم * درود خدای بر تو باد و رحمت و برکات خدا بر تو باد *

زیارت به جا آور و بعد از آن هر چه خواستی نماز کن و بگرد به طرف پا، پس دعا کن به آنچه می‌خواهی انشاء الله.

* مؤلف گوید که: زیارت آن حضرت در ایام و اوقات شریفه مختصه به آن حضرت فضیلت بسیار دارد خصوصاً

در ماه رجب و بیست و سیّم ذی القعدة و بیست و پنجم آن و ششم ماه رمضان چنانکه در محلّ خود در اعمال

ماهها ذکر شد و غیر این روزها از ایام دیگر که به آن حضرت اختصاصی دارد. * و چون خواستی وداع کنی

آن حضرت را پس بگو آنچه را که در وداع حضرت رسول (ﷺ) می‌گفتی: لَا جَعَلَ اللَّهُ آخِرَ

خدای این را آخر درود من

تَسْلِيمِي عَلَيْكَ * وَ اِذَا خَوَّسْتِي بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ * وَ رَحْمَةً

بر تو قرار ندهد * سلام بر تو ای ولی خدا * و درود و رحمت

اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ * اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي ابْنَ نَبِيِّكَ *

و برکات خدای بر تو باد * بارالها این را آخرین زیارت من از فرزند پیغمبرت *

وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ * وَ اجْمَعْنِي وَ إِيَّاهُ فِي جَنَّتِكَ * وَ احْشُرْنِي

و حجت تو بر خلقت قرار مده * و مرا با او در بهشت جمع گردان * و در قیامت با او

مَعَهُ وَ فِي حِزْبِهِ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنٌ أَوْلِيكَ رَفِيقًا

و حزیبش که از شهداء و شایستگان هستند محشور فرمای * و چه نیکو رفیقانی هستند *

وَ اسْتَوْدِعَكَ اللَّهُ وَ اسْتَرْعِيكَ وَ اقْرَأْ عَلَيْكَ السَّلَامَ ؕ ءَامِنًا بِاللَّهِ

و تو را به خدا می سپارم و طلب رعایت فرمان تو نمایم * و بر تو سلام گویم * به خدای بزرگ ایمان

وَ بِالرَّسُولِ ؕ وَ بِمَا جِئْتَ بِهِ وَ دَلَلْتَ عَلَيْهِ ؕ فَاکْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

داریم و به رسولش * و بدانچه آمدی بدان و دلالت بر آن فرمودی پس ما را از گواهان بنویس. *

❁ مؤلف گوید که: در اینجا چند مطلب است که شایسته و مناسب است ذکرش. ❶ اول: به سند معتبر از حضرت امام علی نقی (علیه السلام) منقول است که هر که را به سوی خدا حاجتی بوده باشد پس زیارت کند قبر جدّم حضرت امام رضا (علیه السلام) را در شهر طوس و حال آنکه غسل کرده باشد و نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بکند و در قنوت نماز، حاجت خود را بطلبد پس به درستی که مستجاب می شود مگر آنکه از برای گناهی یا قطع رحمی سؤال کند. به درستی که موضع قبر آن حضرت بقعه ای است از بقعه های بهشت و هیچ مؤمنی او را زیارت نمی کند مگر آنکه حق تعالی او را از آتش جهنّم آزاد می کند و داخل بهشت می گرداند. ❷ دوّم: علامه مجلسی نقل کرده از خطّ شیخ جلیل شیخ حسین بن عبدالصمد والد شیخ بهایی که شیخ ابوالطیب حسین بن احمد فقیه رازی (رحمه الله) ذکر نموده که هر کس زیارت کند حضرت امام رضا یا دیگر از ائمه (علیهم السلام) را، پس در نزد آن امام به جای آورد نماز جعفر را، برای او نوشته شود به هر رکعتی ثواب کسی که هزار حجّ و هزار عمره به جا آورده باشد و هزار بنده در راه خدا آزاد کرده باشد و هزار مرتبه به جهاد ایستاده باشد با پیغمبر مرسل و برای اوست به هر گامی که برمی دارد ثواب صد حجّ و صد عمره و صد بنده آزاد کردن در راه خدای تعالی و نوشته شود برای او صد حسنه و محو شود از او صد سیئه. و کیفیت نماز جعفر در اعمال روز جمعه گذشت. ❸ سیّم: روایت شده از محوّل سجستانی که چون مأمون طلب کرد امام رضا (علیه السلام) را از مدینه به خراسان، حضرت به جهت وداع با قبر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) داخل مسجد شد و مکرّر با قبر آن حضرت وداع می کرد و بیرون می آمد و برمی گشت نزد قبر و در هر دفعه صدای مبارکش به گریه بلند بود. من نزدیک آن حضرت رفتم و سلام کردم براو، جواب داد، پس تهنیت گفتم او را به آن سفر. فرمود: مرا زیارت کن همانا من بیرون می شوم از جوار جدّم و می میرم در غربت و دفن می شوم در پهلوی هارون. و شیخ یوسف بن حاتم شامی در درّ النّظیم فرموده که روایت کردند جماعتی از اصحاب امام رضا (علیه السلام) که آن حضرت فرمود: زمانی که من خواستم بیرون بیایم از مدینه به سوی خراسان جمع کردم عیال خود را و امر نمودم ایشان را که بر من گریه کنند تا بشنوم گریه ایشان را، پس تقسیم کردم در بین ایشان دوازده هزار دینار

و گفتم به ایشان که من بر نمی‌گردم به سوی عیالم هرگز. پس گرفتم ابو جعفر جواد را و بردم او را به مسجد پیغمبر (ﷺ) و گذاشتم دست او را بر کنار قبر و چسبانیدم او را به آن قبر شریف و خواستم حفظ او را به سبب رسول خدا (ﷺ) و امر کردم جمیع و کیلان و حشم خود را به شنیدن و اطاعت فرمایش او و آنکه مخالفت او را نمایند و فهمانیدم ایشان را که او قائم مقام من است. و سید عبدالکریم بن طاوس روایت کرده که زمانی که مأمون حضرت امام رضا (ﷺ) را طلبید از مدینه به خراسان حضرت حرکت فرمود از مدینه به سوی بصره و به کوفه رفت و از بصره توجه فرمود بر طریق کوفه به بغداد و از آنجا به قم و داخل قم شد. اهل قم پیشباز آن حضرت آمدند و با هم مخاصمه می‌کردند در باب ضیافت آن حضرت و هر کدام میل داشتند که آن بزرگوار بر او وارد شود. حضرت فرمود که: شتر من مأمور است یعنی هر کجا او فرود آمد من آنجا وارد می‌شوم. پس آن شتر آمد تا در یک خانه خوابید و صاحب آن خانه در شب آن روز در خواب دیده بود که حضرت امام رضا (ﷺ) فردا میهمان او خواهد بود. پس چندی نگذشت که آن محل مقام رفیعی گشت و در زمان ما مدرسه معموره است. * و شیخ صدوق به سند خود از اسحق بن راهویه نقل کرده که گفت چون امام رضا (ﷺ) به نیشابور آمد و خواست از آنجا حرکت نماید جمع شدند خدمت آن حضرت اصحاب حدیث و عرض کردند یا بن رسول الله تو از نزد ما می‌روی و برای ما یک حدیثی نمی‌فرمایی که ما استفاده کنیم آن را از جناب تو، آن حضرت در عماری نشسته بود سر خود را بیرون نمود و فرمود: شنیدم پدرم موسی بن جعفر فرمود: شنیدم پدرم جعفر بن محمد فرمود: شنیدم پدرم محمد بن علی فرمود: شنیدم پدرم علی بن الحسین فرمود: شنیدم پدرم حسین بن علی فرمود: شنیدم پدرم امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (ﷺ) فرمود: شنیدم رسول خدا (ﷺ) فرمود: شنیدم جبرئیل می‌گفت: شنیدم خداوند عزوجل فرمود:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي * فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي * این حدیث شریف

لا اله الا الله قلعه محکم و حصن من است پس آنکه داخل به حصن من شود در امن است از عذاب من *

را فرمود و حرکت نمود چون شتر راه افتاد صدازد ما را و فرمود: بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا *

به شروط آن و من از شروط آنم *

* و ابوالصلت روایت کرده که چون امام رضا (ﷺ) به ده سرخ رسید در وقتی که به نزد مأمون می‌رفت گفتند یا بن رسول الله ظهر شده است نماز نمی‌کنید؟ پس فرود آمد و آب طلبید گفتند آب همراه نداریم پس به دست مبارک خود زمین را کاوید. آنقدر آب جوشید که آن حضرت و هر که با آن حضرت بود وضو ساختند و اثرش تا امروز باقی است. و چون داخل سناباد شد پشت مبارک خود را گذاشت به کوهی که دیگرها از آن می‌تراشند و

فرمود که خداوند انفع ببخش به این کوه و برکت ده در هر چه در ظرفی گذارند که از این کوه تراشند و فرمود که: از برای آن حضرت دیگرها از سنگ تراشیدند و فرمود که طعام آن حضرت را نپزند مگر در آن دیگرها، پس از آن روز مردم دیگرها و ظرفها از آن تراشیدند و برکت یافتند. ﴿۴﴾ چهارم: صاحب مطلع الشمس نقل کرده که در بیست و پنجم ذی الحجّه سنه هزار و شش شاه عباس اول وارد مشهد مقدّس گردید، دید که حرم مطهر را عبدالمؤمن خان اوزبکی غارت کرده و سوای محجر طلا دیگر چیزی در آنجا نگذاشته و در بیست و هشتم ذی الحجّه از مشهد به هرات رفت و هرات را استرداد کرده بعد از نظم آنجا رجعت به مشهد نمود یک ماه در آنجا توقّف نموده و صحن مقدّس را مرمت کرده و خدام بقعه مبارکه را احسان و رعایت فرموده معاودت به عراق فرمود در اواخر سنه هزار و هشت مجدداً شاه عباس به مشهد مقدّس رفته زمستان را در آنجا گذرانید و خدمت خادم باشی گری آستانه مقدّسه را خود متقلّد و مشغول بود چنانچه شبی با مقرض سر شمعها را می گرفت شیخ بهایی علیه الرّحمه بالبدیهه این رباعی را انشاد کرد:

پیوسته بود ملائک علیین پروانه شمع روضه خلد آیین

مقرض به احتیاط زن ای خادم ترسم ببری شهپر جبریل امین

* و در سنه هزار و نه بنا به نذری که شاه عباس کرده بود که پیاده به مشهد برود پیاده به مشهد مشرف گشت و در بیست و هشت روز آن مسافت بعیده را قطع فرمود. صاحب تاریخ عالم آرا این اشعار در این باب نگاشته:

غلام شاه مردان شاه عباس شه والاگهر خاقان امجد

به طوف مرقد شاه خراسان پیاده رفت با اخلاص بیحد

تا آنکه گفت:

پیاده رفت، شد تاریخ رفتن ز اصفاهان پیاده تا به مشهد (۱۰۰۹)

* و چون به مشهد مقدّس رسید صحن مبارک را وسعت داد و ایوان علی شیر که درگاه روضه متبرکه از آنجا بوده و در یک گوشه صحن اتفاق افتاده بود و بدنما بود در وسط قرار داد و ایوانی مقابل آن در طرف دیگر بساخت و خیابانی از دروازه غربی شهر تا شرقی طرح کردند که از هر طرف به صحن رسیده از میان ایوانها بگذشت و چشمه ها و قنوات احداث کرده به شهر آورد و نهری از میان خیابان و حوضی بزرگ در وسط صحن احداث نمود که آب از حوض گذشته به خیابان شرقی جاری شود و در بناهای مذکور کتیبه ها به خط میرزا محمد رضای صدرالکتاب و علیرضای عباسی و محمد رضای امامی رسم شد و هم شاه عباس قبه مطهره را به طلا تذهیب کرد چنانچه در کتیبه قبه مطهره به آن اشاره شده و صورت آن کتیبه چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * مِنْ عَظَائِمِ تَوْفِيقَاتِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ * أَنْ

به نام خدای بخشاینده مهربان * از توفیقات عظیم خدای سبحانه و منزه * اینکه

وَفَقَّ السُّلْطَانَ الْأَعْظَمَ * مَوْلَى مُلُوكِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ * صَاحِبِ

توفیق داد سلطان بزرگ * آقای شاهان تازی و پارسی * دارای

النَّسَبِ الطَّاهِرِ النَّبَوِيِّ * وَالْحَسَبِ الْبَاهِرِ الْعَلَوِيِّ * تُرَابِ أَقْدَامِ

نژاد پاک نبوی (ص) * و دوده روشن علوی (ع) * خاک قدمهای

خُدَّامِ هَذِهِ الْعَتَبَةِ الْمُطَهَّرَةِ اللَّاهُوتِيَّةِ * غِبَارِ نَعَالِ زُورِ هَذِهِ الرَّوْضَةِ

خادمین این آستانه پاک لاهوتیه * و گرد گفشهای زانران این روضه

الْمُنَوَّرَةِ الْمَلِكُوتِيَّةِ * مَرُوجِ آثَارِ أَجْدَادِهِ الْمَعْصُومِينَ * السُّلْطَانَ

نورانی ملکوتیه * ترویج کنندة آثار نیاکان پاکش * پادشاه

بَنِ السُّلْطَانَ أَبُو الْمُظْفَرِ شَاهِ عَبَّاسِ الْحُسَيْنِيِّ الْمَوْسَوِيِّ الصَّفْوِيِّ

فرزند پادشاه صاحب ظفر شاه عباس حسینی موسوی صفوی

بِهَادِرِ خَانَ * فَاسْتَسَعَدَ بِالْمَجِيءِ مَا شِئَا عَلَى قَدَمِيهِ مِنْ دَارِ

بهادرخان * پس آماده شد به پیاده رفتن با قدمهایش از

السُّلْطَنَةِ إِصْفَهَانَ إِلَى زِيَارَةِ هَذَا الْحَرَمِ الْأَشْرَفِ * وَقَدْ تَشَرَّفَ بِزِينَةِ

پایتخت اصفهان برای زیارت این حرم شریف * و به تحقیق شرف پیدا کردن

هَذِهِ الْقَبَةِ مِنْ خُلْصِ مَالِهِ فِي سَنَةِ الْفِ وَ عَشْرِ * وَ تَمَّ فِي سَنَةِ الْفِ

و تشرف جست به آرایش این قبه از مال خالص خودش در سال هزار و ده * و به پایان آورد در

وَسِتِّ عَشْرَةَ ۵ * پنجم: شیخ طبرسی در اعلام الوری بعد از ذکر جمله ای از معجزات حضرت امام

سال هزار و شانزده. *

رضا (علیه السلام) گفته: واما آنچه ظاهر شده برای مردم از بعد از شهادت آن حضرت تا زمان ما از برکت مشهد مقدس آن حضرت و علامات و عجایبی که مشاهده کردند خلق بسیار و عام و خاص تصدیق آن نمودند و مخالف و مؤلف اقرار به آن نمودند بسیار، بلکه از حد حصر خارج است و همانا در آن مشهد مقدس کور مادرزاد و ابرص شفا یافتند و دعاها مستجاب شده و حاجات برآورده شده و شدائد و مُلِمَّاتِ برطرف شده و ما بسیاری از اینها را خود مشاهده کردیم و علم و یقینی که شک در آن راه نیابد پیدا نمودیم. * و شیخ اجل شیخ حر عاملی در اثبات الهداة بعد از نقل این کلام از شیخ طبرسی فرموده که: مؤلف این کتاب محمد بن الحسن الحرّمی گوید که من

دیدم و مشاهده کردم بسیاری از این معجزات را همچنانکه شیخ طبرسی مشاهده نموده و یقین برای من حاصل شد همچنانکه برای او یقین حاصل شده بود در مدت مجاورت من در مشهد مقدس که بیست و شش سال می شود و شنیدم چیزهایی در این باب که از حد تواتر گذشته و در خاطر ندارم که من دعا کرده باشم در این مشهد و از خدا حاجتی خواسته باشم مگر آنکه برآورده شده الحمدلله و تفصیل را مقام گنجایش ندارد لهذا اکتفا کردیم به اجمال. * مؤلف این کتاب عباس قمی گوید که: در هر زمان آنقدر کرامات و معجزات از این روضه مقدسه ظاهر می شود که احتیاج به نقل وقایع گذشته نیست و ما در باب دویم در اعمال شب بیست و هفتم رجب اشاره کردیم به چیزی که مناسب این مقام بود و فعلاً مقام را گنجایش تطویل نیست، بهتر آنکه این فصل را به همین جا ختم کنیم و این چند شعر را که از جامی نقل شده در مدح آن حضرت نقل نماییم:

سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ طِهٍ وَ يَسٍ سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ خَيْرِ النَّبِيِّينَ

سلامم باد بر دوده طه و یس سلام بر آل بهتر پیامبران

سَلَامٌ عَلَىٰ رَوْضَةٍ حَلَّ فِيهَا إِمَامٌ بِيَاهِي بِهِ الْمَلِكُ وَالِدَيْنُ

سلامم بر روضه ای باد که در آن است پیشوایی که می بالد و می نازد ملک و دین به وجود او

امام به حق شاه مطلق که آمد	حریم درش قبله گاه سلاطین
شه کاخ عرفان، گل شاخ احسان	دُر دُر ج امکان مه بُرج تمکین
علی بن موسی الرضا کز خدایش	رضا شد لقب چون رضا بودش آیین
ز فضل و شرف بینی او را جهانی	اگر نبودت تیره چشم جهان بین
پی عطر رو بند حوران جنت	غبار درش را به گیسوی مشکین
اگر خواهی آری به کف دامن او	برودامن از هر چه جز اوست بر چین

فصل دهم در زیارت ائمه سرّ من رآی (علیهم السلام)

و اعمال سرداب مطهر و در آن دو مقام است. ① مقام اول: در زیارت دو امام معصوم حضرت امام علی نقی و حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیهما. چون وارد شدی به سرّ من رآی انشاء الله و خواستی زیارت کنی آن دو امام همام (علیهم السلام) را پس غسل کن و بعد از آن رعایت آداب دخول حریمهای شریفه با تائی و وقار روانه شو تا به در حرم مطهر و اذن دخول عمومی را که در اوایل این باب ذکر شد بخوان * پس داخل حرم شو و

زیارت کن آن دو بزرگوار را به این الفاظ که اصح زیارت است: **السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيَّيَ اللّٰهِ** *

سلام بر شما ای دو امام ولی خدا *

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا حُجَّتَيِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا نُورِي اللَّهِ

سلام بر شما ای دو حجت خدا * سلام بر شما ای دو نور حق

فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ * السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا مَنْ بَدَأَ لِلَّهِ فِي شَانِكُمَا

در ظلمات زمین * سلام بر شما ای دو بزرگوار ای کسانی که در شأن شما بدها حاصل شد * من به زیارت شما

* اتَيْتُكُمَا زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكُمَا * مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكُمَا * مُوَالِيًا

دو بزرگوار آمدم در صورتی که به مقام امامت و خلافت شما عارف هستم * و با دشمنان شما دشمن * و با دوستان

لِأَوْلِيَاءِكُمَا * مُؤْمِنًا بِمَا ءَامَنْتُمَا بِهِ * كَافِرًا بِمَا كَفَرْتُمَا بِهِ * مُحَقِّقًا

شما دوستم * و به هر چه شما ایمان دارید ایمان آورده * و به هر چه بدان کافرید من هم بدان کافریم * هر چه نزد شما محقق است

لِمَا حَقَّقْتُمَا * مُبْطِلًا لِمَا أَبْطَلْتُمَا * أَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمَا أَنْ

من هم آن را محقق دانسته * و تصدیق دارم و هر چه نزد شما باطل است من هم آن را باطل می‌شناسم * و از خدا که پروردگار من

يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِكُمَا الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ ءَالِهِ * وَ أَنْ يَرْزُقَنِي

و شماست درخواست می‌کنم که بهره و ثواب مرا از زیارت شما درود بر محمد و آلش قرار دهد * و رفاقت شما را

مُرَافَقَتِكُمَا فِي الْجَنَانِ مَعَ ءَابَائِكُمَا الصَّالِحِينَ * وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يَعْتَقَ

با پدران صالح شما را در بهشت نصیب من گرداند * و باز از او درخواست می‌کنم که مرا از

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ * وَ يَرْزُقَنِي شَفَاعَتِكُمَا وَ مُصَاحَبَتِكُمَا * وَ يُعْرِفَ

آتش دوزخ آزاد و گردنم را رها سازد * و شفاعت و رفاقت شما را نصیبم گرداند * و میان من و شما

بَيْنِي وَ بَيْنِكُمَا * وَ لَا يَسْلُبْنِي حُبَّكُمَا وَ حُبَّ ءَابَائِكُمَا الصَّالِحِينَ *

معارفه و دوستی ابدی باشد * و هرگز محبت شما و پدران شما را از من سلب نفرماید *

وَ أَنْ لَا يَجْعَلَهُ وَ ءَاخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا * وَ يَجْشُرَنِي مَعَكُمْ فِي الْجَنَّةِ

و این زیارت را آخر عهد زیارتم با شما قرار ندهد * و به کرم و رحمتش مرا با شما در بهشت محشور

بِرَحْمَتِهِ * اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّهُمَا * وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتَهُمَا * اللَّهُمَّ الْعَن

گرداند * پروردگارا دوستی این دو بزرگوار را همیشه نصیبم گردان * و مرا بر آیینشان بمیران * پروردگارا

ظَالِمِي ءَالَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ * وَ انْتَقِمْ مِنْهُمْ * اللَّهُمَّ الْعَنِ الْأَوَّلِينَ مِنْهُمْ

لَعْنَتِ كُن ظالمان در حق آل محمد را * از اولین و آخرین همه را لعنت

وَ الْآخِرِينَ * وَ ضَاعِفٌ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ * وَ ابْلُغْ بِهِمْ وَ بِأَشْيَاعِهِمْ

کن * و از ایشان انتقام بکش * و عذابت را بر آنان مضاعف و افزون گردان * و آن ظالمان را با شیعیان

و مُحِبِّهِمْ وَ مُتَّبِعِيهِمْ أَسْفَلَ دَرَكٍ مِّنَ الْجَحِيمِ * إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آن ظالمان و دوستان و پیروان آن ظالمان همه را در پست‌ترین درجات جهنم فرست * که همانا تو بر هر چیز توانایی

* اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَ ابْنِ وَلِيِّكَ * وَ اجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ

* پروردگارا در فرج و ظهور ولی خود و فرزند ولی خود تعجیل فرما * و به گشایش و فرج آل محمد ما را هم فرج و

(فَرَجِهِ) يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * و جهد می‌کنی در دعا کردن از برای خود و پدر و مادر خود و هر دعا

گشایش عطا فرما ای مهربانترین مهربانان عالم *

که خواهی بکن * و اگر توانی به نزدیک قبر ایشان بروی دو رکعت نماز نزد قبر بکن و اگر نتوانی داخل مسجد شو و دو رکعت نماز بکن و هر دعا که خواهی بکن که مستجاب است و این مسجد پهلوئی خانه ایشان است و

حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری (علیه السلام) در آن نماز می‌کرده‌اند. * مؤلف گوید که: این زیارت موافق روایت کامل الزیارة بود و شیخ محمد بن المشهدی و شیخ مفید و شهید نیز این زیارت را در مزار خود نقل

کرده‌اند با اختلاف جزئی و بعد از فقره (فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ) فرموده‌اند آنگاه برو و ببیند از خود را بر هریک از

آن دو قبر و بیوس آن را و بگذارد طرف راست و چپ روی خود را بر قبر و بعد از آن سر بردارد و بگو: (اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّهُمْ وَ تَوْفَقِي عَلَىٰ مِلَّتِهِمْ) تا آخر زیارت که گذشت. * پس گفته‌اند که چهار رکعت نماز بگذار نزدیک سر

مقدس و بعد از نماز زیارت هر قدر نماز که خواهی بگذار (الخ) * و مستور نماند که آن دو بزرگوار در خانه خود دفن شدند و برای آن دری بود که گاهی باز می‌کردند و شیعیان داخل می‌شدند و در نزد قبر زیارت می‌کردند و گاهی

بسته بود و از بیرون مقابل شبّاکه که در دیوار مقابل قبر مطهر بود زیارت می‌کردند * و در صدر همین خبر زیارت مذکور است که غسل می‌کنی و به نزد قبر ایشان می‌روی اگر توانی رفت و اگر نه اشاره می‌کنی به سلام مقابل

شبکه که باز می‌شود به سوی قبر و چنین زائر نماز زیارت خود را در مسجد بکند و چون به همّت موالیان، آن خانه برداشته شد و به جای آن قبّه و حرم و رواق و ایوان ساخته شد آن مسجد داخل در حرم شد و الآن معروف

است که ایوان مستطیل که در صحن پشت سر عسکریین (علیه السلام) است متصل است به رواق، همان مسجد مذکور است. (بلکه نقل شده که رواق پشت سر مقدّس و یک ذرع از حرم مطهر نیز مسجد است) بهر حال زوّار از این

جهت آسوده شدند و برای آن دو بزرگوار زیارت مخصوصه به هر کدام و مشترک میان هر دو بزرگوار در کتب مزاریه مذکور است. اگر راغب شدند نسخه آن بسیار است * و اگر زائر را حالی و مجالی باشد مناسب است که زیارت

جامعه کبیره را که بعد از این مذکور گردد انشاء الله تعالی بخواند زیرا که صدور آن کلمات بلیغه دارای تمام مراتب اظهار بندگی و تذلل و اعتراف به عظمت و جلالت ائمه از مصدر جلال حضرت هادی (علیه السلام) است. * و سیّد بن

طاوس در مصباح الزائر برای هریک از این دو بزرگوار زیارت مبسوطه با صلوات بر ایشان و دعای بعد از نماز زیارت نقل کرده که شایسته است نقل آن اگر چه موجب تطویل است زیرا که فواید بسیار در آن مندرج است. فرمود: هرگاه رسیدی به سُرْمَنْ رَأَى غَسْلَکَ کن در وقت رسیدن، غسل زیارت و بیوش پاکیزه‌ترین جامه‌های

خود را و روانه شو با تائنی و وقار تا برسی بر در حرم شریف آنگاه که رسیدی طلب رُخْصَتِ کن و بگو: **أَدْخُلْ**

آیا داخل شوم

يَا نَبِيَّ اللَّهِ * **أَدْخُلْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ** * **أَدْخُلْ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ**

ای پیغمبر خدا * آیا داخل شوم ای امیر مؤمنان * آیا داخل شوم ای فاطمه زهرا

سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * **أَدْخُلْ يَا مَوْلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ** * **أَدْخُلْ يَا**

سیده و بزرگ زنان عالم * آیا داخل شوم ای آقای من حسن بن علی * آیا داخل شوم

مَوْلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ * **أَدْخُلْ يَا مَوْلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ** * **أَدْخُلْ**

ای آقای من حسین فرزند علی * آیا داخل شوم ای آقای من علی بن الحسین * آیا داخل شوم

يَا مَوْلَى مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ * **أَدْخُلْ يَا مَوْلَى جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ** *

ای آقای من محمد بن علی * آیا داخل شوم ای آقای من جعفر بن محمد *

أَدْخُلْ يَا مَوْلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ * **أَدْخُلْ يَا مَوْلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى** *

آیا داخل شوم ای آقای من موسی بن جعفر * آیا داخل شوم ای آقای من علی فرزند موسی *

أَدْخُلْ يَا مَوْلَى مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ * **أَدْخُلْ يَا مَوْلَى يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيٍّ**

آیا داخل شوم ای آقای من محمد بن علی جواد * آیا داخل شوم ای مولای من ابو الحسن علی

بْنَ مُحَمَّدٍ * **أَدْخُلْ يَا مَوْلَى يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ** * **أَدْخُلْ**

بن محمد نقی * آیا داخل شوم ای مولای من ای ابا محمد ای حسن بن علی العسکری * آیا داخل

يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ الشَّرِيفِ * پس داخل شو و در وقت داخل

شوم ای فرشتگانی که به این حرم پر شرافت و مقام گماشته شده‌اید. *

شدن پای راست را مقدم دار و بایست نزد ضریح حضرت علی هادی (علیه السلام) روبرو به قبر و پشت به قبله * و صد مرتبه

اللَّهُ أَكْبَرُ بگو * و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الزَّكِيِّ

سلام بر تو باد ای ابو الحسن امام علی نقی که پاکیزه روح و

الرَّاشِدَ * النُّورَ الثَّقِيبَ * وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ * وَالسَّلَامَ عَلَيْكَ يَا

هادی خلق * و نور ثاقب خدایی * سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد * سلام بر تو ای

صَفِيَّ اللَّهِ * السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا سِرَّ اللَّهِ * السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللَّهِ

برگزیده خدا * سلام بر تو ای سر خدا * سلام بر تو ای رشتۀ محکم خدا

* السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ءَالَ اللَّهِ * السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ * السَّلَامَ

* سلام بر تو ای خاندان خدا * سلام بر تو ای اختیار شده از جانب خدا * سلام بر

عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ * السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ * السَّلَامَ عَلَيْكَ

تو ای بنده خاص خالص خدا * سلام بر تو ای امین خدا * سلام بر تو

يَا حَقَّ اللَّهِ * السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ * السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا نُورَ

ای حق خدا بر خلق * سلام بر تو ای دوست خاص خدا * سلام بر تو ای نور الأنوار

الْأَنْوَارِ * السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْأَبْرَارِ * السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا سَلِيلَ

الهی * سلام بر تو ای زیب و زینت نیکوکاران عالم * سلام بر تو ای ذریه خوبان

الْأَخْيَارِ * السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا عُنْصَرَ الْأَطْهَارِ * السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ

عالم * سلام بر تو ای عنصر پاکان جهان * سلام بر تو ای حجت خدای

الرَّحْمَنِ * السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا رُكْنَ الْإِيمَانِ * السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا مَوْلَى

رحمان * سلام بر تو ای اصل و اساس ایمان * سلام بر تو ای مولای

الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الصَّالِحِينَ * السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا عِلْمَ

مؤمنان * سلام بر تو ای محبوب صالحان * سلام بر تو ای راهنمای

الْهُدَى * السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا حَلِيفَ التَّقَى * السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ

هدایت * سلام بر تو ای ملازم قدس و تقوی * سلام بر تو ای قائمه دین

الدِّينِ * السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

خدا * سلام بر تو ای فرزند خاتم انبیاء (ص) * سلام بر تو ای فرزند

سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ * السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ

سید اوصیاء * سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهراء و بزرگ

الْعَالَمِينَ * السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمِينُ الْوَفِيُّ * السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا

زنان عالم * سلام بر تو ای امین وحی خدا و وفا کننده به عهد الهی * سلام بر تو ای

الْعَلَمُ الرَّضِيُّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الزَّاهِدُ التَّقِيُّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

پیشوای پسندیده حق * سلام بر تو ای زاهد پرهیزکار * سلام بر تو ای

أَيُّهَا الْحُجَّةُ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّالِي لِلْقُرْآنِ

حجت خدا بر تمام خلق * سلام بر تو ای تلاوت کننده قرآن

* السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُبِينُ لِلْحَلَالِ مِنَ الْحَرَامِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

* سلام بر تو ای مبین حلال و حرام * سلام بر تو ای

أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّرِيقُ الْوَاضِعُ * السَّلَامُ

ولی حق و ناصح خلق * سلام بر تو ای راه واضح خدا * سلام بر

عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّجْمُ اللَّائِحُ * أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَنَّكَ حُجَّةٌ

تو ای ستاره رخشان * گواهی می‌دهم ای مولای من ای ابا الحسن که محققا تو حجت

اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ * وَخَلِيفَتُهُ فِي بَرِّيَّتِهِ * وَآمِينُهُ فِي بِلَادِهِ * وَشَاهِدُهُ وَ

خدا بر خلقی * و خلیفه حق در میان مخلوق * و امین در ملک حق * و شاهد و گواه حق

عَلَى عِبَادِهِ * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى * وَبَابُ الْهُدَى * وَالْعُرْوَةُ

بر بندگان او هستی * و باز گواهی می‌دهم که تو به حقیقت روح تقوی * و درگاه هدایت خدا هستی * و رشته

الْوَثْقَى * وَالْحُجَّةُ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى * وَأَشْهَدُ

محکم ایمان * و حجت حق بر هر کس که در بالا و زیر کره زمین است * و باز گواهی می‌دهم

أَنَّكَ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ الْمُبْرَأُ مِنَ الْعُيُوبِ * وَالْمُخْتَصُّ بِكَرَامَةِ

که تو پاک و منزهی از هر گناه و مبرایی از هر نقص و عیب * و به کرامت و لطف خاص خدا

اللَّهِ * وَالْمَحْبُوبُ بِحُجَّةِ اللَّهِ * وَالْمَوْهُوبُ لَهُ كَلِمَةُ اللَّهِ * وَالرُّكْنُ

اختصاص یافته‌ای * و به مرتبه حجت الهی مخصوص گردیده‌ای * و کلمه خدا به تو اعطا گردید * و تو آن رکن و نگهبان دینی که

الَّذِي يَلْجَأُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ * وَتَحِيًّا بِهِ الْبِلَادُ * وَأَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنِّي بَك

بندگان به سوی تو پناه آرند * و حیا و زندگی حقیقی خلق بلاد بسته به وجود توست * و باز گواهی می‌دهم ای مولای من که من

وَبِأَبَائِكَ وَابْنَائِكَ مُوقِنٌ مُقِرٌّ * وَلَكُمْ تَابِعٌ فِي ذَاتِ نَفْسِي * وَشَرَائِعَ

به امامت و عصمت تو و پدران بزرگوار و فرزندان گرامیت یقین داشته و اقرار میکنم * و در ذات و شخصیت خود * و در بدو

دِينِي * وَخَاتِمَةَ عَمَلِي * وَمُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ * وَأَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُم

شرع و دینم * و خاتمه کار ایمانم * و در همه حرکات و سکناتم از تو و پدران بزرگوار پیروی میکنم * و من دوست دوستان

وَ عَدُوٍّ لِمَنْ عَادَاكُمْ * مُؤْمِنٍ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ * وَ أَوْلِيكُمْ

و دشمن دشمنان شمایم * و به پنهان و آشکار * و اول و آخر شما ایمان

وَ آخِرِكُمْ * بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

دارم * پدر و مادرم فدای تو باد * و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد

❁ پس بیوس ضریح را و بگذار روی راست را بر آن پس طرف چپ زورا بگذار و بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

* پروردگارا درود فرست

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ الْوَفِيِّ * وَ وَلِيِّكَ الزَّكِيِّ *

بر محمد و آل محمد * و درود فرست بر حجت با وفای توست بر خلق * و ولی پاک گوهر توست *

وَ أَمِينِكَ الْمُرْتَضَى * وَ صَفِيكَ الْهَادِي * وَ صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ *

و امین پسندیده * و برگزیده * و راه مستقیم توست *

وَ الْجَادَةِ الْعُظْمَى * وَ الطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى * نُورِ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ *

و شاهراه هدایت خلق * و طریق عدل * و نور قلوب اهل ایمان *

وَ وَليِّ الْمُتَّقِينَ * وَ صَاحِبِ الْمُخْلِصِينَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا

و محبوب متقیان * و دوست و همنشین مخلصان خداست * پروردگارا رحمت و درود فرست بر سید ما

مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ * وَ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّاشِدِ الْمَعْصُومِ

حضرت محمد (ص) و اهل بیت اطهارش * و درود فرست بر علی بن محمد النقی که راهنمای معصوم

مِنَ الزَّلَلِ * وَ الطَّاهِرِ مِنَ الْخَلَلِ * وَ الْمُنْقَطِعِ إِلَيْكَ بِالْأَمَلِ * الْمَبْلُوءِ

از گناه و لغزش * و پاک و منزّه از نقص و عیب است * و منقطع از خلق به سوی تو در همه آمال و آرزو * و مبتلا به انواع فتنه‌ها

بِالْفِتَنِ * وَ الْمُخْتَبَرِ بِالْمَحَنِ * وَ الْمُتَمَتِّحِنِ بِحَسَنِ الْبَلْوَى * وَ صَبْرِ

بود * و امتحان شده و آزموده به رنج و محنتها * و ابتلاهایی که با همه سختی او را نیکو بود و ابتلاء به مصایبی نیکو بود * و به

الشُّكْوَى * مُرْشِدِ عِبَادِكَ * وَ بَرَكَةِ بِلَادِكَ * وَ مَحَلِّ رَحْمَتِكَ *

صبر و شکوای به درگاه تو می‌پرداخت * او راهنمای بندگان بود * و برکت بر اهل بلاد تو بود * و محل آفاضه رحمت خاص

وَ مُسْتَوْدِعِ حِكْمَتِكَ * وَ الْقَائِدِ إِلَى جَنَّتِكَ * الْعَالِمِ فِي بَرِيَّتِكَ *

و مخزن و گنجینه حکمت * و آورنده خلق به بهشت تو بود * و عالم ربانی خلائق *

وَ الْهَادِي فِي خَلِيقَتِكَ * الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ * وَ انْتَجَبْتَهُ * وَ اخْتَرْتَهُ

و هادی خلق بود * آن کسی است که تو او را برگزیدی و انتخاب کردی * و اختیار نمودی

لِمَقَامِ رَسُولِكَ فِي أُمَّتِهِ * وَالزَّمْتَهُ * وَحِفْظِ شَرِيعَتِهِ * فَاسْتَقَلَّ بِأَعْبَاءِ

برای مقام جانشینی رسولت در امت * و او را ملازم حفظ شریعت پیغمبر (ص) قرار دادی * پس او استقلال یافت به خلعت خلافت و

الْوَصِيَّةِ نَاهِضًا بِهَا * وَمُضْطَلَعًا بِحَمْلِهَا * لَمْ يَعْثُرْ فِي مُشْكِلٍ * وَلَا

جانشینی رسول اکرم و به امر وصایت قیام کرد * و آن بار سنگین سلطنت الهی را تحمل نمود * و در مشکلات این وظیفه بزرگ * و در

هَفَا فِي مُعْضَلٍ * بَلْ كَشَفَ الْغُمَّةَ * وَسَدَّ الْفُرْجَةَ * وَآدَى الْمُفْتَرَضِ

معضلات و سختیهای آن لغزش نداشت * بلکه امور مشکل و سخت همه را اصلاح * و راه خلل و فساد را سد میکرد * و فرائض الهی

* اللَّهُمَّ فَكَمَا أَقَرَّرْتَ نَاطِرَ نَبِيِّكَ بِهِ فَرَقَهُ (فَرَفَع) دَرَجَتَهُ * وَاجْزَلُ

را کاملا ادا میفرمود * پروردگارا چنانکه او را تو روشنی چشم رسول خود قرار دادی پس مقام او را رفیع گردان * و بزرگترین پاداش

لَدَيْكَ مَثُوبَتَهُ * وَصَلَّ عَلَيْهِ * وَبَلَغَهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا * وَءَاتِنَا

را نزد خود به او عطا فرما * و بر او رحمت و درود فرست * و تحیت و سلام ما را به آن بزرگوار برسان * و به ما به واسطه

مِن لَدُنْكَ فِي مَوْلَاتِهِ فَضْلًا وَإِحْسَانًا * وَمَغْفِرَةً وَرِضْوَانًا * إِنَّكَ ذُو

دوستی او به فضل و کرم و احسان * رضوان خود را عطا فرما * که توئی همانا دارای

الْفَضْلِ الْعَظِيمِ * پس نماز زیارت بگذار و چون سلام دادی بگو: يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ *

فضل و رحمت بی‌پایان * ای خدای صاحب اختیار بر جمیع خلق *

وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ * وَالْمِنَّةِ الْمُتَتَابِعَةِ * وَالْأَلَاءِ الْمُتَوَاتِرَةِ * وَالْإِيَادِي

و صاحب رحمت واسعة شامل کلیه اهل عالم * و عطای پی در پی به همه بندگان * و نعمتهای متواتر * و انعام

الْمَجْلِيلَةِ * وَالْمَوَاهِبِ الْجَزِيلَةِ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِينَ

و احسانها * و موهبتهای بزرگ * درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) که صادقان عالمند

* وَاعْطِنِي سُؤْلِي * وَاجْمَعْ شَمْلِي * وَلَمْ شَعْتِي * وَزَكِّ عَمَلِي * وَلَا

* و درخواست مرا هم عطا فرما * و پریشانی امورم را اصلاح کن * و تفرقه‌هایم جمع آور * و عملم را پاک و خالص گردان * و قلبم

تُرْغِ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي * وَلَا تَزَلْ (تَزَلْ) قَدَمِي * وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي

را بعد از آنکه هدایتیم فرمودی غافل و تاریک مگردان * و قدمم را ملغزان * و مرا یک لحظه

طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا * وَلَا تُخَيِّبْ طَمَعِي * وَلَا تُبَدِّ عَوْرَتِي * وَلَا تَهْتِكْ

به خود ابدا و مگذار * و طمع و امیدی که به کرم تو دارم ناامید مساز * و عیوبم را پنهان گردان * و پرده از

سِتْرِي * وَلَا تُوْحِشْنِي وَلَا تُؤْيِسْنِي * وَكُنْ بِي رَعُوفًا رَحِيمًا * وَاهْدِنِي

زشتی‌هایم برمदार * و مرا به حال وحشت و یأس مدار * و به من رئوف و مهربان باش * و به راه خود هدایتیم فرما

وَزَكِّي * وَطَهِّرْنِي وَصَفِّني وَاصْطَفِنِي * وَخَلِّصْنِي وَاسْتَخْلِصْنِي *

و پاک * و پاکیزه ام گردان و دلم را با صدق و صفا * و اخلاص کامل گردان *

وَاصْنَعْنِي وَاصْطَنْعْنِي * وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ وَلَا تُبَاعِدْنِي مِنْكَ * وَالطَّفَّ

و مرا به کار خود کامل وادار کن * و به خود نزدیک ساز و دورم از خود مگردان * و در حقم لطف فرما

بِي وَلَا تَجْفِنِي * وَاکْرَمْنِي وَلَا تُهِنِّي * وَ مَا أَسْأَلُكَ فَلَا تُحْرِمْنِي * وَ مَا لَا

و جفا و کم لطفی به من روا مدار * و مرا گرامی ساز و خوار مگردان * و از آنچه درخواست کردم محروم مگردان * و آنچه را که

أَسْأَلُكَ فَاجْمَعْهُ لِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ

از تو درخواست نکردم برای آخرتم جمع و ذخیره ساز به حق رحمتت ای مهربانترین مهربانان عالم * و باز از تو درخواست

وَجْهَكَ الْكَرِيمِ * وَ بِحُرْمَةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ *

می‌کنم به حق ذات کریم بزرگوارت * و به حرمت پیغمبر گرامیت محمد صلواتک علیه و آله *

وَ بِحُرْمَةِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ * وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ

و به حرمت اهل بیت رسولت امیر المؤمنین علی * و حسن و حسین

وَعَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ * وَ جَعْفَرَ وَ مُوسَى * وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ * وَ عَلِيٍّ

* و علی بن الحسین و محمد بن علی باقر * و جعفر صادق و موسی بن جعفر * و علی بن موسی الرضا و محمد بن علی جواد * و

وَالْحَسَنَ * وَ ائْخَلْفِ الْبَاقِي صَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ * أَنْ تُصَلِّيَ

امام علی النقی و امام حسن عسکری * و خلف باقی که درود و رحمت و برکاتت بر ارواح پاک تمام آن بزرگواران باد * درخواست دارم

عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ * وَ تُعَجِّلَ فَرَجَ قَائِمِهِمْ بِأَمْرِكَ * وَ تَنْصُرَهُ * وَ تَنْتَصِرَ

که به آن بزرگواران درود و رحمت فرستی * و به فرمان خود در فرج آل محمد تعجیل فرما * او را نصرت و یاری کن

بِهِ لِدِينِكَ * وَ تَجْعَلَنِي فِي جُمْلَةِ النَّاجِينَ بِهِ * وَ الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَتِهِ

و مظفر و منصور گردان * و مرا هم در جمله اهل نجات * و اخلاص در طاعتش مقرر فرما

* وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّهِمْ لَمَّا اسْتَجَبْتَ لِي دَعْوَتِي * وَ قَضَيْتَ لِي حَاجَتِي

* و از تو درخواست می‌کنم به حق آن بزرگواران که دعایم را مستجاب گردانی * و حاجتم را برآوری

* وَ اعْطَيْتَنِي سُؤْلِي * وَ كَفَيْتَنِي مَا أَهْمَنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي *

* و هر چه درخواست کردم عطا کنی * و مهمات امور دنیا و آخرتم را کفایت فرمایی *

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * يَا نُورِيَا بُرْهَانِي * يَا مُنِيرِيَا مُبِينِي * يَا رَبَّ اكْفِنِي

ای مهربانترین مهربانان عالم * ای خدا ای نور عالم وجود و ای برهان خلق * ای نور بخش ای روشن کن امور * ای پروردگار من

شَرَّ الشُّرُورِ * وَ آفَاتِ الدُّهُورِ * وَ أَسْأَلُكَ النَّجَاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي

شر شرور * و آفات و آلام روزگار را از من کفایت فرما * و از تو به روز سخت نفخ صور قیامت نجات

الصُّورِ * وَ دَعَاكُنْ بَرَى هِرْجَه خَوَاهِي وَ بَسِيَارِ بَگُو: يَا عُدَّتِي عِنْدَ الْعُدَدِ (الْعُدَدِ) * وَيَا

می طلبم * ای خدا ای کسی که تو ذخیره من هستی وقتی خلق ذخیره های خود را بشمرند * و ای

رَجَائِي وَ الْمُعْتَمَدِ * وَيَا كَهْفِي وَ السَّنَدِ * يَا وَاحِدًا يَا أَحَدًا * وَيَا قَلَّ

امید من و ای اعتماد من * و ای پناه و نگهبان من * ای ذات یگانه و یکتا * ای قل

هُوَ اللَّهُ أَحَدًا * أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ * وَ لَمْ

هو الله احد * از تو درخواست می کنم ای خدای من به حق کسی که از خلق خود آفریدی * و هیچکس

تَجْعَلَ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَدًا * صَلِّ عَلَيَّ جَمَاعَتِهِمْ * وَ أَفْعَلْ بِي كَذَا

را مثل و مانند شان نیافریدی * که درود و رحمت فرست بر جماعت آنان * و با من آن بخواه که چنین

وَ كَذَا * وَ بَه جَايِ اَيْنِ كَلِمَه حَاجَتِ بَخَوَاه * هَمَانَا رَوَايَتِ شَدَه اَزْ اَنْ حَضْرَتِ كَه فَرَمُودِ مِنْ اَزْ خَدَاوَنْدِ

و چنان باشم *

عَزَّوَجَلَّ خَوَاسْتَهَامِ كَه نَا اَمِيْدِ بَرَنْگَرْدَانْدِ كَسِي رَا كَه بَخَوَآنْدِ اَيْنِ دَعَا رَا دَر رُوضَه مِنْ بَعْدِ اَزْ مِنْ.

زیارت حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام):

شیخ به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده که فرمود: قبر من در سرمن رأی امان است از برای اهل دو جانب از

بلاها و عذاب خدا. مجلسی اول اهل دو جانب را به شیعه و سنی معنی کرده و فرموده که: برکت آن حضرت

دوست و دشمن را احاطه فرموده است چنانکه قبر کاظمین (علیهم السلام) سبب امان بغداد شد الخ. * و سید بن طاوس

فرموده: چون خواستی زیارت کنی حضرت عسکری (علیه السلام) را به جا آور جمیع آنچه را که در زیارت پدرش حضرت

هادی (علیه السلام) به جا می آوردی پس بایست نزد ضریح آن حضرت و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ

سلام بر تو ای مولای من

يَا اَبَا مُحَمَّدٍ * الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ * الْهَادِيَ الْمُهْتَدِيَّ * وَ رَحْمَةَ اللَّهِ

ای ابا محمد * حسن بن علی * ای هادی خلق و هدایت یافته به حق * سلام و رحمت و

و بَرَكَاتِهِ * اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَ ابْنَ اَوْلِيَائِهِ * اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

برکات خدا بر تو باد * سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند اولیاء خدا * سلام بر تو ای

يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَجِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ وَابْنَ

حجت خدا و فرزند حجت‌های الهی * سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند

أَصْفِيَاءِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَابْنَ خُلَفَائِهِ وَابَا خَلِيفَتِهِ

برگزیدگان حق * سلام بر تو ای خلیفه حق و فرزند خلفای الهی و پدر خلیفه خدا

* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ

* سلام بر تو ای فرزند خاتم پیغمبران خدا * سلام بر تو ای فرزند سید جانشینان

الْوَصِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

پیغمبر خدا * سلام بر تو ای فرزند امیر المؤمنین * سلام بر تو ای

ابْنَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْأَئِمَّةِ الْهَادِينَ *

فرزند فاطمه زهراء سیده زنان عالم * سلام بر تو ای فرزند پیشوایان هدایت امت *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْأَوْصِيَاءِ الرَّاشِدِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ

سلام بر تو ای فرزند جانشینان رهبر خلق * سلام بر تو ای نگهبان

الْمُتَّقِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْفَائِزِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رُكْنَ

اهل تقوی * سلام بر تو ای امام سعادتمندان * سلام بر تو ای رکن اهل

الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَرَجَ الْمَلْهُوفِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

ایمان * سلام بر تو ای گشایش قلب اندوهناکان * سلام بر تو ای وارث

الْأَنْبِيَاءِ الْمُتَجَبِّينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ عِلْمٍ وَوَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ

انبیاء برگزیده خدا * سلام بر تو ای گنجینه وصی رسول خدا

* السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي بِحُكْمِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاطِقُ

* سلام بر تو ای دعوت کننده خلق به حکم خدا * سلام بر تو ای ناطق

بكِتَابِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ الْمُحْجَجِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

کتاب خدا * سلام بر تو ای حجت حجت‌های خدا * سلام بر تو ای

هَادِيَ الْأُمَّمِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ النَّعْمِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْبَةَ

راهنمای امته * سلام بر تو ای صاحب نعمتها * سلام بر تو ای صندوق

الْعِلْمِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ الْحِلْمِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْإِمَامِ

علم * سلام بر تو ای کشتی حلم * سلام بر تو ای پدر بزرگوار امام منتظری

الْمُنْتَظَرِ الظَّاهِرَةَ لِلْعَاقِلِ حُجَّتُهُ * وَ الثَّابِتَةِ فِي الْيَقِينِ مَعْرِفَتُهُ * و

که حجت وجود و امامتش بر خردمندان عالم آشکار * و معرفتش در اهل یقین ثابت است *

الْمُحْتَجِبِ عَنْ أَعْيُنِ الظَّالِمِينَ * وَ الْمَغِيبِ عَنْ دَوْلَةِ الْفَاسِقِينَ * و

و از چشم اهل ظلم و ستم مستور است * و از دولت و حکومت فاسقان غایب و پنهان است *

وَ الْمُعِيدِ رَبَّنَا بِهِ الْإِسْلَامُ جَدِيدًا بَعْدَ الْإِنطِمَاسِ * وَ الْقُرْءَانَ غَضًّا

آن امام منتظری که خدا دین اسلام را به وجود حضرتش پس از آنکه محو و متروک شده از نو برمی گرداند * و درخت قرآن را بعد از

بَعْدَ الْإِنْدِرَاسِ * أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ إِنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ * وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ

اندراس و پژمردن سبز و خرم می سازد * گواهی می دهم ای مولای من که محققا تو نماز و سایر ارکان دین را به پا داشتی * و زکوة را

* وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ * وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ * وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ

اعطا کردی * و امر به معروف * و نهی از منکر فرمودی * و خلق را با حکمت و برهان و اندرز

بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ * وَ عِبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى آتَاكَ

و وعظ نیکو به راه خدا خواندی * و به اخلاص کامل تا وقت رحلتت خدا را عبادت

الْيَقِينِ * أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ * أَنْ يَتَقَبَّلَ زِيَارَتِي

کردی * از خدا درخواست می کنم به آن شأن و مقامی که نزد او دارید * که زیارت مرا قبول

لَكُمْ * وَيَشْكُرَ سَعْيِي إِلَيْكُمْ * وَيَسْتَجِيبَ دُعَائِي بِكُمْ * وَ يَجْعَلَنِي

فرماید * و سعیم را در راه شما پاداش عطا کند * و به واسطه شما دعایم را مستجاب گرداند * و مرا از

مِنْ أَنْصَارِ الْحَقِّ وَ اتِّبَاعِهِ * وَ أَشْيَاعِهِ وَ مَوَالِيهِ وَ مُحِبِّبِهِ * وَ السَّلَامِ

یاران و پیروان حق * و از دوستان و شیعیان و محبان قرار دهد * و سلام و

عَلَيْكَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ * پس بیوس ضریحش را و بگذار طرف راست صورت خود

رحمت و برکات خدا بر تو باد *

را بر آن پس طرف چپ را گذار و بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ * و

پروردگارا درود و رحمت فرست بر سید ما محمد (ص) و اهل بیت او *

وَ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَادِي إِلَى دِينِكَ * وَ الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ

و درود و رحمت فرست بر حسن بن علی که راهنمای دین تو * و دعوت کننده خلق به راه توست

* عِلْمِ الْهُدَى وَ مَنَارِ التَّقَى * وَ مَعْدِنِ الْحُجْبَى وَ مَاوَى النُّهَى * وَ غَيْثِ

* و نشانه های او طریق تقوی و هدی و چراغ راه تقوی * و محل و معدن گوهر خردمندی و عقل کامل * و باران

الْوَرَىٰ وَ سَحَابِ الْحِكْمَةِ * وَ بَجْرِ الْمَوْعِظَةِ وَ وَاثِ الْاِئِمَّةِ * وَ الشَّهِيدِ

رحمت و سحاب حکمت * و دریای موج وعظ و نصیحت است اوست وارث ائمه هدی * و گواه

عَلَى الْاُمَّةِ * الْمَعْصُومِ الْمُهَذَّبِ * وَ الْفَاضِلِ الْمُقَرَّبِ * وَ الْمَطْهَرِ مِنْ

امت * که معصوم از هر گناه و مهذب و منزه است * و با فضیلت و شرافت قرب خداست * و پاک و مبرا

الرَّجْسِ * الَّذِي وَرَّثَهُ * وَ عَلِمَ الْكِتَابِ * وَ الْهَمَّتَهُ * فَصَلَ الْخِطَابِ *

از هر رجس * آن کسی است که تو او را وارث علم کتاب آسمانی گردانیدی * و تمییز و فیصل بین حق و باطل را به او الهام فرمودی *

وَ نَصَبْتَهُ * عَلِمًا لِاهْلِ قَبْلَتِكَ * وَ قَرَنْتَ طَاعَتَهُ * بِطَاعَتِكَ *

و برای اهل قبله به امامت منصوب کردی * و طاعت او را با طاعت خود قرین ساختی *

وَ فَرَضْتَ مَوَدَّتَهُ * عَلَى جَمِيعِ خَلِيقَتِكَ * اَللّٰهُمَّ فَكَمَا اَنَابَ بِحُسْنِ

و محبتش را بر همه خلق فرض و لازم گردانیدی * پروردگارا چنانکه او در توحید تو

الْاِخْلَاصِ فِي تَوْحِيدِكَ * وَ اَرَدَى مِنْ خَاضٍ فِي تَشْبِيهِكَ * وَ حَامَى عَنْ

با اخلاص کامل به سوی تو باز آمد * و با آنان که به شرک و تشبیه در افتادند جدا مخالفت فرمود * و از اهل

اهْلِ الْاِيْمَانِ بِكَ * فَصَلِّ يَا رَبِّ عَلَيْهِ صَلَاةً يَلْحَقُ بِهَا مَحَلَّ الْخَاشِعِينَ

ایمان حمایت کرد * پس ای پروردگار بر او درود و رحمت فرست رحمتی که او را به درجه اهل خشوع رساند

* وَ يَعْلُو فِي الْجَنَّةِ بِدَرَجَةِ جَدِّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * وَ بَلَّغَهُ مِنَّا تَحِيَّةً

* و در بهشت رتبه اش را به مقام جدش خاتم الانبیاء بالا برد * و به روح پاکش تحیت

وَ سَلَامًا * وَ اَتَيْنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مَوَالَاتِهِ فَضْلًا وَ اِحْسَانًا * وَ مَغْفِرَةً

و سلام ما را برسان * و به واسطه دوستی او به ما هم فضل و احسان * و آمرزش و رضوان خود را به لطف

وَ رِضْوَانًا * اِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ وَ مِنْ جَسِيمٍ * پس نماز زیارت به جا آور و چون

و کرمت عطا فرما * که همانا تویی صاحب فضل و رحمت بی حد و عطای بزرگ *

فارغ شدی بگو: يَا دَائِمُ يَا دَيْمُومُ (یا دایم) * يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ * يَا كَاشِفَ

ای خدای دائم سرمدی * و ای زنده و پاینده ابدی * ای برطرف کننده

الْكُرْبِ وَ الْهَمِّ * وَ يَا فَارِجَ الْغَمِّ * وَ يَا بَاعِثَ الرُّسُلِ * وَ يَا صَادِقَ

رنج * و اندوه و غم * ای آنکه رسولان را مبعوث فرمودی * ای که وعده هایت همه صدق

الْوَعْدِ * وَ يَا حَيُّ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ * اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ *

است * ای زنده ای که جز تو خدایی نیست * متوسل می شوم به درگاه تو به وسیله حبيب تو محمد (ص) *

و وَصِيهِ عَلِيِّ بْنِ عَمِّهِ * وَ صِهْرِهِ عَلِيَّ ابْنَتِهِ * الَّذِي (الَّذِينَ) خَتَمَتْ

و وصی او علی پسر عم * و همسر دخت پیغمبر (ص) * که تمام شرایع و ادیان انبیاء سلف را

بِهِمَا الشَّرَائِعَ * وَ فَتَحَتْ بِهِمَا التَّأْوِيلَ وَ الطَّلَائِعَ * فَصَلِّ عَلَيْهِمَا

به آن دو بزرگوار ختم کردی * و در فهم تأویل به روی آن دو بزرگوار گشودی * پس خدایا درود و رحمت فرست بر آن دو بزرگوار

صَلَاةً يَشْهَدُ بِهَا الْأَوْلُونَ وَ الْأُخْرُونَ * وَ يَنْجُو بِهَا الْأَوْلِيَاءُ وَ الصَّاحُونَ

رحمتی که تمام خلق اولین و آخرین شاهد و گواه آن باشند * و به آن رحمت اولیاء و دوستان و بندگان صالح خدا نجات یابند

* وَ اتَّوَسَّلْ إِلَيْكَ بِفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ الْوَالِدَةِ الْأَيُّمَةِ الْمَهْدِيِّينَ * وَ سَيِّدَةَ

* و باز متوسل می شوم به درگاه تو به وسیله حضرت فاطمه زهراء مادر امامان و پیشوایان هدایت یافته * که سیده

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * الْمَشْفَعَةَ فِي شَيْعَةِ أَوْلَادِهَا الطَّيِّبِينَ * فَصَلِّ عَلَيْهَا

زنان عالم است * و درباره شیعیان فرزندان پاکش شفیع خواهد بود * پروردگارا درود فرست

صَلَاةً دَائِمَةً أَبَدَ الْأَبْدِينَ وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ * وَ اتَّوَسَّلْ إِلَيْكَ بِالْحَسَنِ

بر آن بزرگوار درودی که تا ابد و مادام الدهر باقی بماند * و باز متوسل می شوم به درگاهت به وسیله حضرت

الرَّضِيِّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ * وَ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الْمَرْضِيِّ الْبَرِّ التَّقِيِّ *

حسن مجتبی که پسندیده و پاک و منزّه * و به وسیله حضرت حسین مظلوم که با مقام رضا و بزرگواری و تقوی است *

سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ * الْأَمَامِينَ الْخَيْرِينَ * الطَّيِّبِينَ التَّقِيِّينَ *

که این هر دو سید جوانان اهل بهشتند * و دو امام خیرخواه * نیکوی پرهیزکار *

النَّقِيِّينَ الطَّاهِرِينَ * الشَّهِيدِينَ الْمَظْلُومِينَ الْمَقْتُولِينَ * فَصَلِّ

پاک و پاکیزه اند * و شهید و مظلوم و کشته راه خدا * پس درود و رحمت

عَلَيْهِمَا مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَ مَا غَرَبَتْ * صَلَاةً مُتَوَالِيَةً مُتَتَالِيَةً *

فرست بر آن دو بزرگوار رحمتی که با خورشید طلوع و غروب می کند * دائم و متوالی و پی در پی باقی باشد *

وَ اتَّوَسَّلْ إِلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ * الْمَحْجُوبِ مِنْ

و باز متوسل می شوم به درگاهت به واسطه علی بن الحسین سید اهل عبادت * و مستور و محجوب

خَوْفِ الظَّالِمِينَ * وَ بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ الطَّاهِرِ * النُّورِ الزَّاهِرِ *

از بیم ظالمان و ستمکاران امت * و به محمد بن علی باقر * آن نور پاک فروزنده *

الْإِمَامِينَ السَّيِّدِينَ * مِفْتَاحِي الْبَرَكَاتِ * وَ مِصْبَاحِي الظُّلُمَاتِ *

که این هر دو امام امت و بزرگ انام * و مفتاح برکات الهی * و چراغ شب ظلمانی عالمند *

فَصَلِّ عَلَيْهِمَا مَا سَرَى لَيْلٌ وَمَا أَضَاءَ نَهَارٌ * صَلَاةٌ تَغْدُو وَتَرُوحُ *

پس ای خدا بر این دو امام درود فرست مادمی که شب تار می‌گردد و روز جهان را روشن می‌کند * درود و رحمتی که صبح و شام برقرار

وَاتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَنِ اللَّهِ * وَالنَّاطِقِ فِي عِلْمٍ

باشد * و باز به درگاه تو متوسل می‌شوم به جعفر بن محمد که از جانب حق صادق در کلام * و ناطق به علم خدای علام

اللَّهُ * وَبِمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ فِي نَفْسِهِ * وَالْوَصِيِّ النَّاصِحِ

است * و به موسی بن جعفر (ع) که بنده شایسته و صالح به ذات خود * و وصی رسول و ناصح و خیرخواه امت است

الْأَمَامِينَ الْهَادِيَيْنِ الْمَهْدِيِّينَ * الْوَافِيِّينَ الْكَافِيَيْنِ * فَصَلِّ عَلَيْهِمَا

* که این هر دو امام راهنمای خلق و هدایت یافته حق * و با وفا و کفایت کننده امور امتند * پس خدایا درود فرست

مَا سَبَّحَ لَكَ مَلَكٌ * وَتَحَرَّكَ لَكَ فَلَكَ * صَلَاةٌ تَنْمُو وَتَزِيدُ * وَلَا

بر این دو امام مادمی که فرشته تو را تسبیح می‌گوید * و فلک حرکت می‌کند * درودی که همیشه در افزایش و فزونی باشد * و ابدا

تَفْنَى وَلَا تَبِيدُ * وَاتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا * وَبِمُحَمَّدِ بْنِ

فنا و زوال نپذیرد * و باز به درگاه تو متوسل می‌شوم به حضرت علی بن موسی الرضا (ع) * و فرزند امام

عَلِيِّ الْمُرْتَضَى * الْأَمَامِينَ الْمُطَهَّرِينَ الْمُتَجَبِّينَ * فَصَلِّ عَلَيْهِمَا مَا

محمد تقی پسندیده صفات * که این هر دو امام بزرگوار پاک و منزهند * خدایا بر هر دو درود فرست مادمی که

أَضَاءَ صُبْحٍ وَدَامَ * صَلَاةٌ تَرْقِيهِمَا إِلَى رِضْوَانِكَ فِي الْعَالَمِينَ مِنْ

صبح روشن و دائم و باقی است * درودی که آن هر دو بزرگوار را تا به مقام رضای تو در اعلیٰ علین بهشت تو بلند مرتبه

جَنَانِكَ * وَاتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّاشِدِ * وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

گرداند * و باز به درگاه تو متوسل می‌شوم به حضرت امام علی بن محمد * و فرزندش امام حسن عسکری (ع) که هر دو ارشاد کننده

الْهَادِي * الْقَائِمِينَ بِأَمْرِ عِبَادِكَ * الْأَمْخْتَبَرِينَ بِالْمَحَنِ الْهَائِلَةِ *

و راهنمای امتند * و قائم و نگهبان امور بندگان تواند * و هر دو به رنج و محن هولناک عالم با صبر و شکیبایی کامل ممتحن شدند *

وَالصَّابِرِينَ فِي الْأَحْنِ الْمَائِلَةِ * فَصَلِّ عَلَيْهِمَا كِفَاءً أَجْرَ الصَّابِرِينَ *

و صبر و حلم در فتن و شبهات خلفای جور، خدا آنها را بیازمود * پس ای خدا درود و رحمت فرست بر آن دو بزرگوار در مقابل پاداش صابران *

وَإِذَا تَوَابَ الثَّوَابُ الْفَائِزِينَ * صَلَاةٌ تَمَهِّدُ لَهُمَا الرَّفْعَةَ * وَاتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يَا

و ثواب سعادت‌مندان عالم * درودی فرست که مقام رفعت بر آنان مهیا سازد * و باز به درگاه تو توسل می‌جویم ای پروردگار من

رَبِّ بَامَانِنَا * وَمُحَقِّقِ زَمَانِنَا * الْيَوْمَ الْمَوْعُودِ * وَالشَّاهِدِ الْمَشْهُودِ

به امام زمان که اینک پیشوای ما * و نگهبان حق است در زمان ما * تا روز موعود ظهورش فرا رسد * که او شاهد خلق و مشهود اهل عالم

و النُّورِ الْأَزْهَرِ * وَ الضِّيَاءِ الْأَنْوَرِ * الْمَنْصُورِ بِالرُّعْبِ * وَ الْمُظْفَرِ

* و روشنترین انوار الهی است * که منصور خداست به ترس از آن حضرت * و مظفر و فیروز به

بِالسَّعَادَةِ * فَصَلِّ عَلَيْهِ عَدَدَ الثَّمَرِ * وَ أَوْرَاقِ الشَّجَرِ * وَ أَجْزَاءِ

سعادت مطلق * پس پروردگارا درود و رحمت فرست بر آن بزرگوار به شمار اثمار * و برگ درختان * و تعداد اجزاء

الْمَدَرِ * وَ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبْرِ * وَ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَ أَحْصَاهُ

ریگهای بیابان * و عدد مویها و کرکها * و عدد آنچه علم تو بر آن احاطه کرده و کتاب آفرینش احصاء و شمار

كِتَابِكَ * صَلَاةً يَغِيبُهُ بِهَا الْأَوْلُونَ وَ الْأَخْرُونَ * اللَّهُمَّ وَ احْشُرْنَا فِي

نموده * درود و رحمتی که خلق اولین و آخرین بر آن رشک برند * پروردگارا و ما را در زمره اصحاب آن بزرگوار

زَمْرَتِهِ * وَ احْفَظْنَا عَلَى طَاعَتِهِ * وَ احْرُسْنَا بِدَوْلَتِهِ * وَ اتَّحِفْنَا

محشور ساز * و برای طاعتش محفوظ دار * و برای رسیدن به دولت آن حضرت ما را باقی دار و محافظت فرما * و به ولایتش

بِوَلَايَتِهِ * وَ انصُرْنَا عَلَى أَعْدَائِنَا بِعِزَّتِهِ * وَ اجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنَ التَّوَابِينَ

بهرمند گردان * و ما را به عزتش بر محو دشمنانش یاری و نصرت عطا کن * و ما را ای پروردگارا از توبه کنندگان حقیقی قرار ده

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ وَ انِّ ابْلِيسَ الْمُتَمَرِّدِ اللَّعِينِ * قَدْ

* ای خدا ای مهربانترین مهربانان عالم * پروردگارا و شیطان متمرّد برای اغواء و گمراهی خلقت از تو نظر عنایت و رعایت

اسْتَنْظَرَكَ لِإِغْوَاءِ خَلْقِكَ فَانظُرْتَهُ * وَ اسْتَمَهَلَكَ لِإِضْلَالِ عِبِيدِكَ

خواست * تو هم به او نظر فرمودی * و برای ضلالت بندگان مهلت خواست مهلتش

فَامَهَلْتَهُ * بِسَابِقِ عِلْمِكَ فِيهِ * وَ قَدْ عَشَشَ وَ كَثُرَتْ جُنُودُهُ *

دادی * به علم سابق ازلی خود * و او همانا آشیانه کرد و لشکرش بسیار *

وَ اَزْدَحَمَتْ جِيُوشُهُ * وَ انْتَشَرَتْ دُعَاتُهُ فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ * فَاضْلُوا

و سپاهش مجتمع گردید * و داعیان آن شیطان به اطراف عالم منتشر شدند * و به اضلال و گمراه کردن

عِبَادِكَ * وَ أَفْسَدُوا دِينَكَ * وَ حَرَفُوا الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ * وَ جَعَلُوا

بندگان پرداختند * و دین را فاسد * و کلمه را از جایگاهش منحرف ساختند * و بندگان را متفرق در

عِبَادِكَ شِيَعًا مُتَفَرِّقِينَ * وَ أَحْزَابًا مُتَمَرِّدِينَ * وَ قَدْ وَعَدْتَ نَقْضَ

دین * و مردم را فرقه‌های متمرّد از حق و احزاب مخالف با یکدیگر گردانیدند * و تو ای خدا وعده دادی که اساس و بنیان آن شیطان را

بُنْيَانِهِ * وَ تَمْزِيقَ شَانِهِ * فَاهْلِكَ أَوْلَادُهُ وَ جِيُوشُهُ * وَ طَهَّرْ بِلَادَكَ

در هم شکنی * و شئونانش را پایمال و متلاشی سازی * پس ای خدا اولاد شیاطین و جیش و سپاهش را هلاک و نابود ساز * و از

مِنْ اخْتِرَاتِهِ وَ اخْتِلَافَاتِهِ * وَ اَرَحَّ عِبَادَكَ مِنْ مَذَاهِبِهِ وَ قِيَاسَاتِهِ *

مذاهب و قیاس و شبهات آن شیاطین * بندگانت را راحت و آسوده دار *

وَ اجْعَلْ دَائِرَةَ السَّوِّءِ عَلَيْهِمْ * وَ ابْسُطْ عَدْلَكَ * وَ اَظْهَرِ دِينَكَ *

و روزگار بد * و بخت نامساعد را بر آنها قرار ده * و دینت را آشکار * و اولیاء و دوستانت را

وَ قَوِّ اَوْلِيَاءَكَ * وَ اَوْهِنْ اَعْدَاءَكَ * وَ اَوْرِثْ دِيَارَ ابْلِيسَ وَ دِيَارَ اَوْلِيَاءِهِ *

قوی و نیرومند گردان * و دشمنانت را خوار و ذلیل ساز * و شهر و دیار شیطان و دیار دوستان شیطان را به

اَوْلِيَاءَكَ * وَ خَلِدْهُمْ فِي الْجَحِيمِ * وَ اَذِقْهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْاَلِيمِ * وَ اجْعَلْ *

دوستان خود به ارث عطا فرما * و آن شیاطین را به دوزخ مخلص * و به عذاب دردناک معذب گردان * و لعنتهای

لِعَائِكَ الْمُسْتَوْدَعَةِ فِي مَنَاحِسِ (مَنَاحِسِ) الْخَلْقَةِ * وَ مَشَاوِيهِ الْفِطْرَةِ *

خود را که در نحوستههای خلقت * و زشتیهای فطرت وجود دارد همه را در طالع نحس روزگار بد

دَائِرَةَ عَلَيْهِمْ * وَ مُوَكَّلَةً بِهِمْ * وَ جَارِيَةً فِيهِمْ كُلَّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ وَ غَدُو *

آن شیاطین قرار ده * و موکل آنها ساز * و جاری در زندگانی آن ناپاکان هر روز و شب و صبح و عصر

وَ رَوَاجٍ * رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً * وَ قِنَا *

قرار ده * پروردگارا به ما در دنیا و آخرت نیکویی عطا فرما * و از رنج و عذاب آتش

بِرَحْمَتِكَ عَذَابِ النَّارِ * يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * پس دعاکن به آنچه خواهی از برای

دوزخ قهر به لطف و رحمت نگاهدار * ای مهربانترین مهربانان عالم. *

خود و برادرانت، * آنگاه زیارت کن ملکه دنیا و آخرت والده امام قائم (عجل الله فرجه) را و قبر آن معظمه پشت ضریح مولای

ما امام حسن عسکری (عجل الله فرجه) است پس بگو: اَلسَّلَامُ عَلٰی رَسُوْلِ اللّٰهِ * صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

سلام بر رسول خدا * صلی الله علیه و آله

وَ ءَالِهِ الصَّادِقِ الْاَمِينِ * اَلسَّلَامُ عَلٰی مَوْلَانَا اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * اَلسَّلَامُ *

که راستگو و امین خدا بود * سلام بر مولای ما امیر المؤمنین * سلام بر

عَلٰی الْاِئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ الْحُجَّجِ الْمِيَامِينِ * اَلسَّلَامُ عَلٰی وَالِدَةِ الْاِمَامِ *

پیشوایان پاک گوهر الهی و حجتیهای با برکات خدا * سلام بر والده امام قائم *

وَ الْمُوَدَّعَةِ اسْرَارِ الْمَلِكِ الْعَلَامِ * وَ الْحَامِلَةِ لِاشْرَفِ الْاَنَامِ * اَلسَّلَامُ *

که محل ودیعه اسرار خدا سلطان دانای عالم * و حامل فرزندی که اشرف خلق عالم است * سلام

عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَبِيهَةَ أُمِّ مُوسَى

بر تو ای آنکه دارای ایمان کاملی و مقام رضا و خشنودی خدا * سلام بر تو ای آنکه مانند مادر موسی

* وَ ابْنَةَ حَوَارِيٍّ عَيْسَى * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ * السَّلَامُ

* و دختر حواری عیسی * سلام بر تو ای نفس قدسی با تقوای مهذب پاکیزه صفات * سلام بر تو

عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَنْعُوتَةُ فِي

ای آنکه خدا از تو راضی و خشنود و تو از خدا راضی بودی * سلام بر تو ای کسی که ذکر صفات کمالیهات در کتاب

الْإِنْجِيلِ * الْمَخْطُوبَةُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ الْأَمِينِ * وَ مَنْ رَغِبَ فِي وَصَلَتِهَا

انجیل عیسی مذکور بود * و خطبه نکاح تو را روح الامین برخواند * و سید رسولان حق راغب به

مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ * وَ الْمُسْتَوْدَعَةَ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ

وصلت تو با فرزندش بود * و وجودت محل ودیعه اسرار خدای رب العالمین بود * سلام بر تو

عَلَيْكَ وَ عَلَى آبَائِكَ الْحَوَارِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى بَعْلِكَ وَ وَلَدِكَ

و بر پدرانت که از حواریین عیسی بودند * سلام بر تو و بر شوهر بزرگوار تو و بر فرزند گرامی تو باد

* السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ الطَّاهِرِ * أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتِ

* سلام بر تو و بر جسم و جان پاک تو باد * گواهی می‌دهم که تو نیکو کفالت امام زمان

الْكَفَالَةَ * وَ آدَيْتِ الْأَمَانَةَ * وَ اجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ * وَ صَبَرْتِ

کردی * و خوب امانت و عهد خدا را ادا کردی * و در راه رضای خدا نهایت جهد و کوشش کردی * و هر چه رنج

فِي ذَاتِ اللَّهِ * وَ حَفَظْتِ سِرَّ اللَّهِ * وَ حَمَلْتِ وَلِيَّ اللَّهِ * وَ بِالْغَتِ فِي

در راه رضای خدا دیدی صبر و تحمل کردی * و سر خدا را حفظ کردی * و به ولی خدا حمل * و در حفظ حجت خدا

حَفَظِ حُجَّةَ اللَّهِ * وَ رَغَبْتِ فِي وَصَلَةِ أَبْنَاءِ رَسُولِ اللَّهِ * عَارِفَةٌ

جهد بالغ داشتی * و در وصلت با خاندان رسول خدا کمال رغبت داشتی * در حالتی که عارف و شناسای حق آنها

بِحَقِّهِمْ * مُؤْمِنَةٌ بِصَدَقِهِمْ * مُعْتَرِفَةٌ بِمَنْزِلَتِهِمْ * مُسْتَبْصِرَةٌ بِأَمْرِهِمْ *

بودی * و ایمان به صدق و راستی و حقیقت آنها * و اعتراف به مقام و منزلتشان داشتی * و به امر خلافتشان بصیر و آگاه

مُشْفِقَةٌ عَلَيْهِمْ * مُؤَثَّرَةٌ هَوَاهِمَ * وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَصِيرَةٍ

و بر آن خاندان مشفق و مهربان بودی * و میل آنها را بر میل خود مقدم داشتی * و گواهی میدهم که از جهان رحلت کردی در حالیکه در امر دینت با بصیرت

مِنْ أَمْرِكَ * مُقْتَدِيَةٌ بِالصَّاحِحِينَ * رَاضِيَةٌ مَرْضِيَّةٌ * تَقِيَّةٌ نَقِيَّةٌ زَكِيَّةٌ *

و معرفت بودی * و اقتداء به صالحان عالم کردی * و از خدا خشنود و خدا از تو خشنود بود * و با تقوای کامل پاک و پاکیزه صفات بودی

فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ وَارْضَاكَ * وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنزِلِكَ وَمَاوَاكَ * فَلَقَدْ

پس خدا از تو راضی باد و تو را خشنود گردانید * و در بهشت برین منزلت و مأوی دهد * که همانا خدا به تو

أَوْلَاكَ مِنَ الْخَيْرَاتِ مَا أَوْلَاكَ * وَأَعْطَاكَ مِنَ الشَّرَفِ مَا بِهِ أَغْنَاكَ *

آن نعمت بزرگ که از حد تصور بیرون است انعام فرمود * و از مقام شرافت مرتبه‌ای که تو را از همه بی‌نیاز کرد اعطاء فرمود *

فَهَنَّاكَ اللَّهُ بِمَا مَنَحَكَ مِنَ الْكِرَامَةِ وَ أَمْرَاكَ * پس بالامی کنی سر خود را و

پس گوارا باد تو را آن عطا و بخششی که خدا به تو کرامت و گوارا کرد *

مِیْ گُوئِی: اللَّهُمَّ اِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ * وَ لِرِضَاكَ طَلَبْتُ * وَ بِاَوْلِيَايَاكَ اِلَيْكَ

پروردگارا تمام اعتماد من به تو * و در طلب رضای و خشنودی توست * و توسل به

تَوَسَّلْتُ * وَ عَلٰی غَفْرَانِكَ وَ حِلْمِكَ اَتَكَلْتُ * وَ بِكَ اَعْتَصَمْتُ *

اولیای توست * و به مغفرت و حلم تو توکل کرده * و به لطف تو عصمت و حفظ می‌طلبم *

وَ بِقَبْرِ اُمِّ وَلِيِّكَ لُدْتُ * فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ اَنْفَعْنِي

و به قبر مطهر مادر بزرگوار ولی تو پناه آورده‌ام * پس ای خدا درود فرست بر محمد و آل محمد * و مرا به زیارت

بِزِيَارَتِهَا * وَ ثَبَّتْنِي عَلٰی مَحَبَّتِهَا * وَ لَا تَحْرَمْنِي شَفَاعَتَهَا وَ شَفَاعَةَ

این بی‌بی منتفع ساز * و بر محبتش ثابت بدار * و از شفاعتش و شفاعت فرزندش محروم

وَلَدِهَا * وَ اَرْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا * وَ اَحْشُرْنِي مَعَهَا وَ مَعَ وَاَلِدِهَا * كَمَا

مگردان * و مرافقت و پیروی او را نصیب گردان * و مرا با او و با فرزند بزرگوارش در قیامت محشور فرما * چنانکه

وَ فَتَنِّي لِزِيَارَةِ وَاَلِدِهَا وَ زِيَارَتِهَا * اللَّهُمَّ اِنِي اَتُوْجَّهُ وَاِلَيْكَ بِالْاِئْمَةِ

به زیارت او و فرزندش موفقم داشتی * پروردگارا من به درگاه تو به واسطه ائمه طاهرین

الطَّاهِرِينَ * وَ اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِالْحُجَجِ الْمِيَامِينَ مِنْ اٰلِ طِهٍ وَ اِيْسَ *

رو آورده‌ام * و به آن حجتهای با خیر و یمن و سعادت که آل طه و یاسین‌اند متوسل گردیدم *

اَنْ تَصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ * وَ اَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ الْمُطْمَئِنِّينَ

که نخست درود فرستی بر محمد (ص) و آل پاکش * و مرا هم از بندگان که صاحب مقام و اطمینان

الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبَشِرِينَ * الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ

و یقین و سعادت و فیروزیند و شاد خاطر و بشارت یافته‌ای * که دیگر هیچ خوف و هیچ اندوهی ندارند

يُجْزَنُونَ * وَ اَجْعَلْنِي مِمَّنْ قَبِلَتْ سَعِيَهُ * وَ يَسَّرَتْ اَمْرَهُ * وَ كَشَفَتْ

قرار دهی * و از آن بندگان مرا مقرر فرمایی که سعی آنها را پذیرفته‌ای * و کارشان را سهل و آسان کرده‌ای * و بدحالیشان را

ضَرَّهُ * وَ ءَامَنْتَ خَوْفَهُ * **اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ ءَالِ مُحَمَّدٍ** * صَلِّ

برطرف کردی * و از هر خوفشان ایمن ساخته‌ای * پروردگارا به حق محمد و آل محمد * درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ ءَالِ مُحَمَّدٍ * وَلَا تَجْعَلْهُ ءَاخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي أَيَّهَا *
 بر محمد و آل محمد * و این زیارت مرا آخرین عهدم به زیارت این بی‌بی قرار مده *

وَ ارْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبَقَيْتَنِي * وَ إِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي

بلکه باز هم همیشه زیارت حضرتش را روزیم بگردان مادامی که زنده‌ام داری * و چون قبض روحم فرمودی در زمرة آن حضرت

زَمْرَتِهَا * وَ ادْخُلْنِي فِي شَفَاعَةِ وَلَدِهَا وَ شَفَاعَتِهَا * وَ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ

محشور گردان * و مرا در شفاعت فرزند پاکش و شفاعت خود او داخل گردان * و مرا و والدینم را

وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ * وَ ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ

و تمام مردان و زنان با ایمان را ببخش و ببامرز * و ما را در دنیا خیر و حسنه و در آخرت خیر

حَسَنَةً * وَ قِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ * وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَاتِي

و سعادت عطا فرما * و از عذاب دوزخ نگهدار * و بر شما بزرگان دین من

وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ * مؤلف گوید روایت شده از حضرت صادق (علیه السلام) که زید شحام عرض

سلام و رحمت و برکات خدا باد. *

کرد به خدمتش که چه ثواب است از برای کسی که زیارت کند یکی از شما امامان را؟ فرمود: مثل آن است که

زیارت کرده حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را و ما در سابق نقل کردیم روایتی از حضرت صادق (علیه السلام) نقل شده که

هرکه زیارت کند امام مفترض الطاعة را و نماز گذارد نزد او چهار رکعت، نوشته شود برای او حجه و عمره. * و در

هدیة الزائرین نقل کردیم فضائل جناب حکیمه دختر امام محمد تقی (علیه السلام) را که قبر شریفش پایین پا چسبیده

به ضریح عسکریین (علیه السلام) است و گفتیم که در کتب مزار زیارت مخصوصی برای آن معظمه ذکر نشده با آن مرتبه

رفیعه که از برای او است. پس سزاوار است او را زیارت کنند به الفاظی که در زیارت اولاد ائمه (علیه السلام) نقل شده یا

زیارت کنند او را به این الفاظ که در زیارت عمه مکرمه اش حضرت فاطمه بنت موسی (علیه السلام) وارد شده و آن چنان

است که می ایستی روبرو به قبله و می گویی: **السَّلَامُ عَلَى ءَادَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ** * **السَّلَامُ عَلَى**

سلام بر آدم ابو البشر برگزیده خدا * سلام بر

نُوحَ نَبِيِّ اللَّهِ * **السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ** * **السَّلَامُ عَلَى مُوسَى**

نوح پیغمبر خدا * سلام بر ابراهیم خلیل و دوست خاص خدا * سلام بر موسی بن عمران

كَلِمِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَى عَيْسَى رُوحِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ

سخنگوی با خدا * سلام بر عیسی بن مریم روح قدسی الهی * سلام بر تو ای رسول

اللَّهُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفَى

خدا * سلام بر تو ای بهترین خلق خدا * سلام بر تو ای دوست خاص و خالص

اللَّهُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ * السَّلَامُ

خدا * سلام بر تو ای محمد بن عبد الله خاتم پیغمبران خدا * سلام

عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ * وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ *
بر تو ای امیر اهل ایمان ای علی بن ابی طالب * وصی فرستاده خدا *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا

سلام بر تو ای فاطمه زهراء سیده زنان اهل عالم * سلام بر شما دو سبط پیغمبر (ص)

سِبْطِي الرَّحْمَةِ * وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

که رحمت خدا بر اهل عالم * و دو سید جوانان اهل بهشتید * سلام بر تو ای

عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ * وَقُرَّةَ عَيْنِ النَّاظِرِينَ * السَّلَامُ

علی بن الحسین که سید اهل عبادت * و نور چشم صاحب نظران عالمی * سلام

عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بَاقِرَ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بر تو ای محمد بن علی شکافنده علوم بعد از پیغمبر خدا * سلام بر تو ای

جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْبَارِّ الْأَمِينِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ

جعفر بن محمد امام صادق آن نیکوکار امین اسرار الهی * سلام بر تو ای موسی بن جعفر (ع)

جَعْفَرَ الطَّاهِرِ الطُّهَرِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا

ای روح پاک و پاکیزه صفات * سلام بر تو ای علی بن موسی الرضا صاحب مقام کامل رضا

الْمُرْتَضَى * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيِّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

و تسلیم * سلام بر تو ای محمد بن علی امام اهل تقوی * سلام بر تو ای

يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ النَّاصِحِ الْأَمِينِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ

علی بن محمد نقی و منزه و ناصح خلق و امین اسرار حق * سلام بر تو ای حسن بن

بْنَ عَلِيٍّ * السَّلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نُورِكَ

علی العسکری * سلام بر وصی پیغمبر بعد از او * خدایا درود فرست بر نور جمالت

وَسِرَاجِكَ * وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ * وَوَصِيِّ وَصِيِّكَ * وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ

و چراغ تو * و ولی ولی تو * و وصی وصی تو * و حجت تو بر خلق عالم

* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ

* سلام بر تو (ای حکیمه) ای دختر رسول خدا * سلام بر تو ای دختر فاطمه زهراء

وَ خَدِيجَةَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

و خدیجه کبری * سلام بر تو ای دختر امیر المؤمنین (ع) * سلام بر تو

يَا بِنْتَ الْحُسَيْنِ وَ الْحَسَنِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ * السَّلَامُ

ای دختر حسن و حسین * سلام بر تو ای دختر ولی خدا * سلام

عَلَيْكَ يَا اخْتَ وَلِيِّ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ * السَّلَامُ

بر تو ای خواهر ولی خدا * سلام بر تو ای عمه ولی خدا * سلام بر

عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ * وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ *

تو ای دختر محمد بن علی امام اهل تقوی * سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد *

السَّلَامُ عَلَيْكَ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ * وَ حَشَرْنَا فِي

سلام بر تو خدا میان ما و شما خاندان در بهشت برین ارتباط و آشنایی مقرر فرماید * و ما را در زمره شما

زَمْرَتِكُمْ * وَ اَوْرَدْنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ * وَ سَقَانَا بِكَاسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ

اهل بیت محشور گرداند * و بر حوض کوثر پیغمبرتان وارد سازد * و از کاسه جد بزرگوارتان از دست

عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ * صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ * اَسْأَلُ اللَّهَ اَنْ يُرِينَا

علی بن ابی طالب (ع) از آن شراب کوثر بنوشاند * که درود خدا بر شما باد * من از خدا درخواست می‌کنم

فِيكُمْ السُّرُورَ وَ الْفَرَجَ * وَ اَنْ يَجْمَعَنَا وَ اِيَّاكُمْ فِي زَمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ

که خدا سرور و فرج شما را به ما بنمایاند * و ما را با شما اهل بیت در زمره جد بزرگوارتان حضرت محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ * وَ اَنْ لَا يَسْلُبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ * اِنَّهُ وَ وَلِيُّ قَدِيرٍ *

صلی الله علیه و آله جمع گرداند * و معرفت شما را از قلب ما سلب نفرماید * که صاحب اقتدار و با قدرت کامل است *

اتَّقِرْبُ اِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ * وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ اَعْدَائِكُمْ * وَ التَّسْلِيمِ اِلَى اللَّهِ

من به دوستی شما اهل بیت به درگاه خدا تقرب می‌جویم * و به بیزاری از دشمنان شما * و در مقام رضا و تسلیم به درگاه خدا

* رَاضِيًا بِهِ غَيْرِ مُنْكَرٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ * وَ عَلَيَّ يَقِينٍ مَا آتَى بِهِ مُحَمَّدٌ

* بدون انکار و تکبر و گردنکشی * و با مرتبه یقین به آنچه محمد (ص) از جانب خدا آورده و به آنچه وحی رسیده به همه راضی و

وَبِهِ رَاضٍ * نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي * اللَّهُمَّ وَرِضَاكَ وَالِدَارَ

خشنودم * و به ایمان خود که اظهار میدارم شهود روی تو را و توجه و التفات تو را از خدا می طلبم ای سید و مولای من * پروردگارا و رضا

الْآخِرَةَ * يَا حَكِيمَةً شَفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ * فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا

و خشنودی تو را و سعادت عالم آخرت را میخواهم * ای حکیمه خاتون مرا به دخول بهشت نزد خدا شفاعت فرما * چون تو را نزد خدا

مِنَ الشَّانِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَحْتَمَ لِي بِالسَّعَادَةِ * فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي

مقام و شأن و مرتبه بلند است * پروردگارا از تو درخواست می کنم که خاتمه امرم را سعادت ابد گردانی * و ایمانی که اکنون

مَا أَنَا فِيهِ * وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ

دارم سلب نگردانی * و البته هیچ توانایی و قدرتی الا به واسطه خدای بلند مرتبه بزرگ نخواهد بود * پروردگارا دعاهای

لَنَا وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ * وَبِرَحْمَتِكَ وَعَافِيَتِكَ * وَصَلَّى اللَّهُ

ما را مستجاب فرما و به کرم و عزت * و رحمت و مهربانیت عرض نیاز ما را بپذیر * و درود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ * وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

خد بر محمد و آل محمد جمیعا باد * و تحیت کامل تو * ای مهربانترین مهربانان عالم. *

❁ مؤلف گوید: معروف است که در نزد قبر عسکریین (علیهم السلام) قبور جمله ای از سادات عظام است که از جمله آنها

است حسین پسر امام علی نقی (علیه السلام) و من بر حال حسین مطلع نشدم لکن آنچه به نظرم می رسد آن است

که سیدی جلیل القدر و عظیم الشأن بوده، زیرا که من از بعضی روایات استفاده کردم که از مولای ما حضرت امام

حسن عسکری (علیه السلام) و برادرش حسین بن علی تعبیر به سبطین می کردند و تشبیه می کردند این دو برادر را به

دو جدشان دو سبط پیغمبر رحمت امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) و در روایت ابوالطیب است که صدای

حضرت حجة صلوات الله علیه شبیه بود به صدای حسین * و در شجرة الاولیاء تألیف سید فقیه محدث حکیم

السید احمد اردکانی یزدی در ذکر اولاد حضرت امام علی نقی (علیه السلام) است که حسین فرزند آن حضرت از زهاد و

عباد بود و به امامت برادر خود اعتراف داشت و شاید متتبع ماهر بیابد غیر از آنچه ذکر شد چیزی که دلالت کند

بر جلالتش و نیز بدان که امامزاده سید محمد فرزند حضرت امام علی نقی (علیه السلام) را در نزدیکی بلد یک منزلی

سامره مزاری است مشهور، و به جلالت شأن و بروز کرامات معروف، عامه مردم به زیارتش مشرف می شوند و

نذرها و هدایای بسیار به آنجا می برند و حاجات می طلبند و اعراب آن حدود تمامی از او خوف دارند و حساب

می برند. * کرامات بسیار از آن بزرگوار نقل شده که مقام ذکرش نیست و بس است در جلالت آن جناب که قابلیت

و صلاحیت امامت را داشت و فرزند بزرگ هادی (علیه السلام) بود و در فوت او حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) گریبان

خود را چاک فرمود و شیخ ما ثقة الاسلام نوری نورالله مرقده اعتقاد عظیمی به زیارت آن بزرگوار داشته و در

تعمیر بقعه و ضریح مبارکش سعی فرموده و صورت کتیبه که بر ضریح شریفش نوشته است این است: **هَذَا**

این

مَرَقَدُ السَّيِّدِ الْجَلِيلِ * أَبِي جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ الْإِمَامِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ

آرامگاه آقای با جلالت * ابی جعفر محمد پسر امام ابی الحسن علی

الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ * عَظِيمِ الشَّانِ جَلِيلِ الْقَدْرِ * كَانَتْ الشَّيْعَةُ

هادی علیه السلام است * مقامی بزرگ و قدری جلیل دارد * شیعه را گمان

تَزَعَمُ أَنَّهُ الْإِمَامُ بَعْدَ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ * فَلَمَّا تُوُفِّيَ نَصَّ أَبُوهُ عَلِيَّ

بود که او پس از پدرش علیه السلام امام است * پس چون وفات کرد پدرش

أَخِيهِ أَبِي مُحَمَّدٍ الزُّكِّيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ * وَقَالَ لَهُ وَأَحْدَثَ لِلَّهِ شُكْرًا

برادر او ابو محمد زکی (ع) را به جای او معین فرمود * و او را گفت سپاس خدا را تازه کن

فَقَدْ أَحْدَثَ فِيكَ أَمْرًا * خَلَفَهُ أَبُوهُ فِي الْمَدِينَةِ طِفْلًا * وَقَدَّمَ عَلَيْهِ

پس به تحقیق درباره تو امری را حادث کرد * پدرش او را در هنگام طفولیت در مدینه گذاشت * و او در سامراء

فِي سَامِرَاءَ مُشْتَدًّا * وَنَهَضَ إِلَى الرَّجُوعِ إِلَى الْحِجَازِ * وَلَمَّا بَلَغَ بَلَدَ

جوانی نیرومند بود * که به خدمت پدر رسید و قاصد بازگشت به حجاز بود * و چون به بلد

عَلَى تِسْعَةِ فَرَاسِخَ مَرِضٌ وَتُوُفِّيَ * وَمَشَّهَدَهُ هُنَاكَ * وَلَمَّا تُوُفِّيَ

نه فرسنگی رسید بیمار شد و درگذشت * و قبرش آنجا است * و چون وفات یافت

شَقَّ أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ ثَوْبَهُ * وَقَالَ فِي جَوَابِ مَنْ عَابَهُ عَلَيْهِ * قَدْ

پدر در مرگش جامه درید * و در پاسخ آن کس که در این کار او را عیب کرد فرمود * موسی

شَقَّ مُوسَى عَلَى أَخِيهِ هَارُونَ * وَكَانَتْ وَفَاتُهُ فِي حُدُودِ اثْنَيْنِ

بر برادر خود هارون جامه درید * وفاتش در حدود دو سال دویست

وَخَمْسِينَ بَعْدَ الْمَاتَيْنِ * وَبِالْجُمْلَةِ چُونِ خَوَاسْتِي وَدَاعِ كُنِي عَسْكَرِيِّينَ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) رَا بَايَسْتِ نَزْدِ

و پنجاه و دو بود.

قَبْرِ مَطْهَرٍ وَبِگُو: السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيَّيَ اللّٰهِ * اسْتَوْدِعُكُمْ اللّٰهُ وَاقْرَأُوا

سلام بر شما ای دو ولی خدا * شما را به خدا می سپارم

عَلَيْكُمْ السَّلَامُ * ءَامِنًا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمَا بِهِ * وَدَلَلْتُمَا

و به شما سلام می‌دهم * به خداوند و به رسول و به آنچه شما آورده‌اید ایمان داریم * و بدانچه بر آن

عَلَيْهِ * اَللّهُمَّ اَكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ * اَللّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ

دلالت فرمودید * بارالها ما را از گواهان بنویس * پروردگارا قرار مده آن را آخرین

مِنْ زِيَارَتِي اَيَّاهُمَا * وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ اِلَيْهِمَا * وَاحْشُرْنِي مَعَهُمَا وَمَعَ

زیارت من و آخر دفعه دیدار من از آن دو * و بازگشت به سوی آن دو را روزی من گردان * و مرا با آن دو

ءَابَائِهِمَا الطَّاهِرِينَ * وَ الْقَائِمِ الْحُجَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا * يَا اَرْحَمَ

محشور فرما و با پدران پاکشان * و با قائم حجت از ذریه آن دو * ای مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ ﴿٢﴾ **مقام دوم:** در آداب سرداب مطهر و کیفیت زیارت حجة الله على العباد و بقیة الله في

مهربانان عالم. *

البلاد الامام المهدي حضرت حجة بن الحسن صاحب الزمان صلوات الله عليه و على آباءه و قبل از شروع تنبيه كنيم برامرى كه در كتاب هديه از كتاب تحييه نقل كرديم و آن امر اين است كه اين سرداب مطهر داخل در خانه آن بزرگواران بوده و راه دخول در آن سرداب در قدیم قبل از بناء جدید و ساختن صحن و قبه و حرم از پشت سر نزدیک به قبر نرجس خاتون بود و شاید حال در رواق باشد. از آنجا پایین می‌رفتند و دالان دراز تاریکی داشت. چون از آنجا می‌گذشتند به در سرداب غیبت می‌رسیدند که حال آیینه‌کاری شده و پنجره از طرف قبله به صحن عسکریین (علیه السلام) باز می‌شود و آن در از وسط این سرداب باز می‌شد که حال کاشی دیوار به جای آن را به شکل محرابی ساخته‌اند و همه اعمال این سه امام (علیه السلام) از یک حرم می‌شد. و لهذا شهید اول در مزار بعد از زیارت عسکریین (علیه السلام) زیارت سرداب را ذکر کرده، پس از آن زیارت نرجس خاتون را. * و در یکصد سال و چیزی قبل مؤید مسدّد احمد خان دُنْبلی مبلغی خطیر اقدام کرد و صحن آن دو امام (علیه السلام) را به نحوی که الآن موجود است جدا نمود و برای آن روضه و رواق و قبه عالیه برپا نمود و برای سرداب مطهر صحنی علی حده و ایوانی و راهی و پله‌ای جدا و دهلیزی و سردابی مستقل برای زنان ساخت چنانچه حال دیده می‌شود و آن راه اول و پله‌ها و در سرداب بالمره مسدود شد و نشانی از آنها نیست (مگر آن مقداری که فعلاً در خانه معروف به خانه اخباریها مشاهده می‌شود [منه]) و محلی برای به جا آوردن بعضی از آداب وارده نماند و لکن محلّ جمله‌ای از زیارات که اصل سرداب شریف است تغییری نکرده و اما استیذان و خواندن اذن دخول پس به حسب استقراء در همه زیارات و تصریح علماء بر هر دری که از آنجا مرسوم شده دخول در آن حرم از هر امامی که باشد بایست

رعایت کرد و در آن حرم محترم بی اذن داخل نباید شد. * الحال شروع کنیم در کیفیت زیارت: بدان که اذن دخول خاص سرداب مطهر همان زیارتی است که بعد از این بیاید و اول آن (السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِیْفَةُ اللَّهِ) است و در آن استیذان می شود و بایست آن را در در سرداب پیش از پایین رفتن از پله ها خواند. * و اذن دخولی دیگر سید بن طاوس نقل کرده قریب به همان اذن دخول اول که در فصل دویم از باب زیارات نقل کردیم و اذن دخولی دیگر، علامه مجلسی از نسخه تقدیمه نقل کرده که اول آن (اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ بُقْعَةٌ طَهَّرْتَهَا وَ عَقْوَةٌ شَرَّفْتَهَا) است که ما نیز آن را بعد از آن اذن دخول عمومی نقل کردیم پس به آنجا رجوع نما و به آن کلمات استیذان کن. * پس از آن برو و داخل سرداب مطهر شو و زیارت کن آن حضرت را به آنچه خود دستور العمل داده اند. چنانچه شیخ جلیل احمد بن ابیطالب طبرسی (رحمته الله) در کتاب شریف احتجاج روایت کرده که از ناحیه مقدسه بیرون آمد به سوی محمد حمیری بعد از جواب از مسائلی که از آن حضرت سؤال کرده بود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * لَا لِأَمْرِهِ تَعْقُلُونَ * وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ

به نام خداوند بخشاینده مهربان * نه خود در امر او تعقل می کنند * و نه از دوستانش پذیرند

* حَكْمَةٌ بِالْغَةِ فَمَا تُغْنِي النَّذْرَ (عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ) * السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى

* حکمتی است بالغه و رسا ولی کفایت نکنند نذیران و ترسانندگان * سلام بر ما و بر

عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ * هرگاه خواستید توجه کنید به وسیله ما به سوی خداوند تبارک و تعالی و به

بندگان شایسته خدا *

سوی ما پس بگویید چنانکه خدای تعالی فرموده: سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَسٍّ * السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا

سلام بر آل یاسین * سلام بر تو ای دعوت کننده خلق

دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِيَّ آيَاتِهِ * السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دِيَانَ دِينِهِ *

به سوی خدا و مظهر آیات الهی و مرآت صفات ربانی * سلام بر تو ای درگاه خدا و حاکم و حافظ دین خدا *

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِیْفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ * السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ

سلام بر تو ای خلیفه الله و نصرت بخشنده دین خدا * سلام بر تو ای حجت خدا

اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ * السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجَمَانَهُ وَ

و راهنمای بندگان به مقاصد الهیت * سلام ما بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و مفسر آن *

السَّلَامُ عَلَیْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَ أَطْرَافِ نَهَارِكَ * السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا

سلام ما بر تو در تمام ساعات شب و روز * سلام ما بر تو ای حضرت بقیة الله

بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ وَ

در خلق زمین * سلام ما بر تو ای عهد و پیمان که خدا آن عهد را از خلق گرفت و محکم و مؤکد بر امت گردانید

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

* سلام ما بر تو ای وعده خدا که آن وعده را ضمانت کرده * سلام ما بر تو ای پرچم

الْعِلْمِ الْمَنْصُوبِ * وَالْعِلْمِ الْمَصْبُوبِ * وَالغَوْثِ وَالرَّحْمَةَ الْوَاسِعَةَ

افراشته عدل خدا * و علم و حکمت موهوب حق * و پناه خلق و رحمت واسعة الهی بر تمام عالمیان

وَعَدًا غَيْرَ مَكْذُوبٍ * السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

* که ابدًا خلاف نخواهد گشت * سلام ما بر تو وقتی که به امر خدا قیام و ظهور فرمائی * و وقتی که در

حِينَ تَقْعُدُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ

پرده غیبت بنشینی * سلام ما بر تو هنگامی که قرائت و تفسیر کنی * سلام ما بر تو حینی که

تُصَلِّي وَتَقْنَتُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

به نماز و قنوت پردازی * سلام ما بر تو هنگامی که رکوع و سجود به جای آری * سلام ما بر تو

حِينَ تَهْلِلُ وَتَكْبِرُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ * السَّلَامُ

وقتی که حق را تهلیل و تکبیر گویی * سلام ما بر تو هنگامی که به ستایش و استغفار یاد پروردگار باشی * سلام

عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي * السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى *

ما بر تو به صبح و عصر * سلام ما بر تو در شب تار *

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ * السَّلَامُ

و روز روشن * سلام ما بر تو ای امام محفوظ * سلام ما بر تو ای کسی که مقدم

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَقْدَمُ الْمَأْمُولُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ * أَشْهَدُكَ

بر همه عالم و آرزوی تمام خلایقی * سلام ما بر تو به جمیع سلام و تحیت * ای مولای من

يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * وَأَنَّ

تو را گواه می‌گیرم بر اینکه من شهادت می‌دهم که هیچ خدایی جز خدای یکتای بی‌نیاز نیست * و گواهی می‌دهم

مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَرَسُولَهُ * لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَآهْلَهُ * وَأَشْهَدُكَ يَا

که البته محمد (ص) بنده خاص خدا و رسول گرامی اوست * و دوست و حبیبی غیر او و اهل بیتش خدا را نیست * و باز ای

مَوْلَايَ أَنْ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَجَّتَهُ * وَالْحُسَيْنَ حَجَّتَهُ * وَالْحُسَيْنَ

مولای من تو را گواه می‌گیرم که علی امیر المؤمنین حجت خداست * و حسن حجت خداست * و حسین

حُجَّتُهُ و * وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ و * وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ و *

حجت خداست * و علی بن الحسین حجت خداست * و محمد بن علی حجت خداست *

وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ و * وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ و * وَ عَلِيَّ بْنَ

و جعفر بن محمد حجت خداست * و موسی بن جعفر حجت خداست * و علی بن موسی

مُوسَى حُجَّتُهُ و * وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ و * وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ و *

حجت خداست * و محمد بن علی حجت خداست * و علی بن محمد حجت خداست *

وَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ و * وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ * أَنْتُمْ الْأَوَّلُ

* و حسن بن علی حجت خداست * و گواهی می‌دهم که تو حجت خدایی * شما اول موجود و آخر

وَ الْآخِرُ * وَ أَنْ رَجَعْتُمْ حَقَّ لَا رَيْبَ فِيهَا * يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا

در اجسام هستید * و محققا رجعت شما حق است و در آن هیچ شک و ریب نیست * در روزی که هیچکس را ایمانش

لَمْ تَكُنْ ءَامِنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا * وَ أَنَّ الْمَوْتَ

* اگر پیش از آن روز ایمان نیاورد و در ایمانش کسب خیر نکرده ابد در آن روز ایمانش سودمند نباشد * و نیز شهادت می‌دهم که

حَقَّ * وَ أَنَّ نَاكِرًا وَ نَكِيرًا حَقَّ * وَ أَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقَّ * وَ الْبَعْثَ

مرگ حق است * و فرشتهٔ ناکبر و منکر حق است * و روز قیامت روز نشر و برانگیختن مردگان حق است * و

حَقَّ * وَ أَنَّ الصِّرَاطَ حَقَّ * وَ الْمِرْصَادَ حَقَّ * وَ الْمِيزَانَ حَقَّ * وَ الْحِشْرَ

روز حساب حق است * و صراط * و میرصاد حق * و میزان حق است * و نعمت بهشت

حَقَّ * وَ الْحِسَابَ حَقَّ * وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ حَقَّ * وَ الْوَعْدَ وَ الْوَعْدَ

* و آتش جهنم حق است * و وعدهٔ نعیم الهی و وعید قهر و عذابش در بهشت و دوزخ همه حق

بِهِمَا حَقَّ * يَا مَوْلَايَ شَقِيٍّ مَنْ خَالَفَكَ * وَ سَعِدَ مَنْ أَطَاعَكَ *

است * ای مولای من شقاوت‌مند کسی است که با شما مخالفت کند * و سعادت‌مند کسی است که از امر شما اطاعت کند *

فَأَشْهَدُ عَلَيَّ مَا أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ * وَ أَنَا وَ لِي لَكَ * بَرِيءٌ مِنْ عَدُوِّكَ *

پس تو گواهی ده بر آنچه شما را بر آن گواه گرفتیم * و من دوست شما * و دشمن دشمنان شمایم *

فَأَلْحَقُ مَا رَضِيْتُمُوهُ * وَ الْبَاطِلُ مَا اسْخَطْتُمُوهُ * وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ

حق آن است که آن را شما پسندیده * و باطل آنچه شما از آن خشمگین باشید * و کار نیکو آن است که شما به آن

بِهِ * وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ * فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَ حُدَّهُ * لَا شَرِيكَ

امر کنید * و عمل منکر و زشت آنکه شما از آن نهی کنید * پس من به خدای یکتای بی‌شریک و انباز ایمان

لَهُ * وَ بِرَسُولِهِ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * وَ بِكُمْ يَا مَوْلَايَ * أَوْلَكُمْ

دارم * و به رسول او و به امیر المؤمنین * و به همه شما ای مولای من * که اول و آخر شما

وَ آخِرِكُمْ * وَ نَصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ * وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ * ءَامِينَ

هستید * به همه گرویدهام و نصرت و یاریم برای شما مهیا است * و دوستیم به شما خالص است * مستجاب فرما

ءَامِينَ * و بعد از آن این دعا خوانده شود: **اللَّهُمَّ** إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

مستجاب فرما. * پروردگارا درود و رحمت فرست بر محمد (ص)

نَبِيِّ رَحْمَتِكَ * وَ كَلِمَةَ نُورِكَ * وَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ * وَ صَدْرِي

پیغمبر رحمتت * و کلمه تام نور وجودت * و قلب مرا مملو از نور یقین فرما * و سینهام را به نور ایمان

نُورَ الْإِيمَانِ * وَ فِكْرِي نُورَ النِّيَّاتِ * وَ عَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ * وَ قُوَّتِي

روشن ساز * و فکر و اندیشهام را به نور نیت خیر * و عزم و ارادهام را به نور علم منور گردان * و قوت مرا

نُورَ الْعَمَلِ * وَ لِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ * وَ دِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ *

به نور عمل * و زبانهام را به نور صدق * و راستی و دینم را نور بصیرتها از جانب خود عطا کن *

وَ بَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ * وَ سَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ * وَ مَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالَاةِ

و به چشمم نور دیدن * و به گوشم نور حکمت * و به قلبم که محل محبت است نور محبت

لِمُحَمَّدٍ وَ ءَالِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * حَتَّى الْقَاكِ * وَ قَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ

و ولایت محمد (ص) و آل محمد علیهم السلام را عطا فرما * خدایا تو را ملاقات کنم * در حالتی که وفا به عهد و

وَ مِيثَاقِكَ * فَتُغَشِّبِنِي رَحْمَتِكَ (رَحْمَتِكَ) يَا وَلِيَّيَا حَمِيدُ * اللَّهُمَّ صَلِّ

پیمان تو کرده باشم * که مرا غرق رحمت خود گردانی ای مولای ستوده صفات * پروردگارا درود و رحمت فرست

عَلَيَّ (مُحَمَّدٍ) حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ * وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ * وَ الدَّاعِيَ إِلَى

بر محمد (ص) که حجت و دلیل توست بر خلق روی زمین * و خلیفه الله در ملک و بلاد تو * و دعوت کننده

سَبِيلِكَ * وَ الْقَائِمَ بِقِسْطِكَ * وَ الثَّائِرَ بِأَمْرِكَ * وَ لِيَّ الْمُؤْمِنِينَ * وَ بَوَارِ

خلق به راه تو * و قیام کننده بر اجرای عدل تو * و برانگیزه خلاق به امر تو * که او دوست و مولای اهل ایمان است * و محو

الْكَافِرِينَ * وَ مُجَلِّي الظُّلْمَةَ * وَ مُنِيرَ الْحَقِّ * وَ النَّاطِقَ بِالْحِكْمَةِ

و نابود کن کافران * و روشنی بخش ظلمت عالم * و آشکار کننده حق * و گویا به حقایق حکمت و صدق و

وَ الصِّدْقِ * وَ كَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ * الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ * وَ الْوَلِيِّ

حقیقت * و کلمه تام در خلق زمین آن بنده خاص است * که مراقب فرمان تو و خائف و هراسان از جبروت و جلال تو * و مولای

النَّاصِحِ * سَفِينَةِ النَّجَاةِ * وَعَلَمِ الْهُدَى * وَنُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى * وَخَيْرِ

ناصح و مهربان امت * و کشتی نجات خلق * و نماینده راه خدا * و روشنی چشم خلق بود * و بهتر کسی که

مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَى * وَ مُجَلَّى الْعَمَى (الْغَمَاءِ) * الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ

قمیص و ردا به تن پوشید * و بینا کننده نابینایان * آن کسی که زمین را

عَدْلًا وَ قِسْطًا * كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

پر از عدل و داد می‌کند * پس از آنکه مملو از ظلم و جور باشد * که تو بر هر چیز توانایی

* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَ ابْنِ أَوْلِيَّائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ *

* پروردگارا درود و رحمت فرست بر ولی قائم خود فرزند اولیاء تو که طاعت آنان را بر خلق فرض و لازم گردانیدی *

وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ * وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا *

و حق آنها را به ذمه مردم واجب کردی * و رجس را از وجود آن پاکان عالم دور گردانیدی و آنان را پاک و منزه و معصوم از هر عیب و گناه فرمودی *

* اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَ انْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ * وَ انصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ * وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ

ای خدا به وجود او دینت را یاری کن * و دوستان تو * و شیعیان و یاران و دوستان

وَ شِيعَتَهُ وَ انصَارَهُ * وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ اللَّهُمَّ اعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاعٍ

او را نصرت عطا فرما * و ما را هم از آن دوستان و شیعیان قرار ده * پروردگارا تو آن بزرگوار را از شر هر ظالم

وَ طَاعٍ * وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ * وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ

و طاعی * و از شر جمیع خلق خود در پناحت حفظ کن * و هم آن حضرت را از پیش رو و از پشت سر

* وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ * وَ احْرُسْهُ وَ امْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ

* و طرف راست و چپ از همه محفوظ دار * و از رسیدن هر ناملایم و آسیبی او را

بِسُوءٍ * وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ * وَ اظْهَرْ بِهِ الْعَدْلَ

نگاهدار * و در حفظ وجود او رسول (ص) و آل رسولت را محفوظ گردان * و به واسطه او حکم عدل خود را ظاهر و آشکار گردان *

وَ اَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ * وَ انصُرْ ناصِرِيهِ * وَ اخْذُلْ خاذِلِيهِ * وَ اقْصِمْ

و او را مؤید به نصرت خود بدار * و یاوران و انصار او را یاری کن * و مخالفان او را محروم و خوار گردان * پشت دشمنانش

قاصِمِيهِ * وَ اقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ * وَ اَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ

را بشکن * و پشت جباران و ستمکاران کفر را به وجود او در هم شکن * و کافران و منافقان را به شمشیر او هلاک ساز

* وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا *

* و تمام ملحدان و دشمنان دین را در مشارق و مغارب عالم *

بَرِّهَا وَبَجْرَهَا * وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا * وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى

و بر و بحر جهان پست گردان * و به ظهورش زمین را پر از عدل و داد ساز * و حقیقت دین پاک پیغمبرت

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَاعْوَانِهِ * وَاتَّبَاعِهِ

صلی الله علیه و آله را به واسطه او آشکار فرما * پروردگارا مرا هم از یاران و انصار * و پیروان و شیعیان

وَ شِيعَتِهِ * وَارِنِي فِي ءَالِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ * وَ فِي

آن حضرت قرار ده * و آنچه را که آل محمد (ع) آرزومندند * و آنچه در دشمنانشان امید دارند به چشم من

عَدُوِّهِمْ مَا يَجْذِرُونَ * إِلَهَ الْحَقِّ ءَامِينَ * يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ * يَا

همه را آشکار گردان * ای خدای حق ای موجود ابدی دعایم مستجاب ساز * ای صاحب جلال و بزرگواری * ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * **زیارت دیگر منقول از کتب معتبره علماء:** بایست بر درحرم آن حضرت و

مهربانترین مهربانان عالم. *

بِغَوْ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ خَلِيفَةَ ءَابَائِهِ الْمَهْدِيِّينَ * السَّلَامُ

سلام بر تو ای خلیفه خدا و خلیفه و جانشین پدران خود که همه رهبران خلق به سوی خدا بودند * سلام

عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ الْمَاضِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ اسْرَارِ

بر تو ای وصی امامان گذشته * سلام بر تو ای نگهبان و حافظ اسرار پروردگار

رَبِّ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الصَّفْوَةِ الْمُنتَجَبِينَ *

عالم آفرینش * سلام بر تو ای باقیمانده از بندگان خاص و برگزیده خدا *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْأَنْوَارِ الزَّاهِرَةِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْأَعْلَامِ

سلام بر تو ای فرزند نورهای رخشان * سلام بر تو ای فرزند مردان بزرگ عالم و شخصیت‌های بارز

الْبَاهِرَةِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْعَتَرَةِ الطَّاهِرَةِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

عالم انسانیت * سلام بر تو ای فرزند عترت پاک پیغمبر (ص) * سلام بر تو ای

مَعْدِنَ الْعُلُومِ النَّبَوِيَّةِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا

معدن علوم وحی و نبوت * سلام بر تو ای درگاه خدا که هیچکس جز از آن درگاه به سوی قرب خدا نایل

مِنْهُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ

نگردد * سلام بر تو ای راه خدا که هر کس به غیر از آن طریق رود هلاک می‌شود *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاطِرَ شَجَرَةِ طُوبَى * وَ سِدْرَةَ الْمُنْتَهَى * السَّلَامُ

سلام بر تو ای که درخت طوبی * و سدره المنتهای بهشت را به چشم مشاهده می‌کنی * سلام

عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الَّتِي

بر تو ای نور ازلی خدا که هرگز خاموش نخواهد شد * سلام بر تو ای حجت خدا که هرگز مخفی

لَا تَخْفَى * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ *

نخواهد شد * سلام بر تو ای حجت خدا بر تمام خلق آسمان و زمین *

السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامٌ مِّنْ عَرَفِكَ بِمَا عَرَفَكَ بِهِ اللَّهُ * وَنَعْتِكَ بِبَعْضِ

سلام بر تو باد سلام و تحیت کسی که تو را بشناسد به آن مقام که خدا تو را معرفی فرموده است * و به آن نعت و صفتی که

نُعُوتِكَ الَّتِي أَنْتَ أَهْلُهَا وَفَوْقَهَا * أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى

خدا برخی از آن اوصاف را بیان کرده که تو شایسته آن و فوق آن صفاتی * گواهی می‌دهم که همانا تویی حجت خدا بر گذشته

وَمَنْ بَقِيَ * وَ أَنَّ حِزْبِكَ هُمُ الْغَالِبُونَ * وَ أَوْلِيَاءَكَ هُمُ الْفَائِزُونَ *

و باقیمانده امت * و حزب تو بر عالم غالب است و سپاه تو فاتح خواهد بود * و تنها دوستان تو در جهان فیروز و مظفرد

وَ أَعْدَاءَكَ هُمُ الْمُخَاسِرُونَ * وَ أَنَّكَ خَازِنُ كُلِّ عِلْمٍ * وَ فَاتِقُ كُلِّ رَتَقٍ *

و دشمنان تو زیانکاران عالمند * و نیز گواهی می‌دهم که تویی گنجینه هر علم و دانش * و گشاینده هر بستگی *

وَ مُحَقِّقُ كُلِّ حَقٍّ * وَ مُبْطِلُ كُلِّ بَاطِلٍ * رَضِيْتِكَ يَا مَوْلَايَ إِمَامًا

و اثبات هر حق * و باطل کننده هر باطل * من ای مولای من راضی و خشنودم به امامت

وَ هَادِيًا وَ وَليًا وَ مُرْشِدًا * لَا أَسْتَعِينُ بِكَ بَدَلًا * وَ لَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِكَ

و هدایت و ولایت و پیشوایی و رهبری تو بر خلق * و به جای تو احدی را نمی‌خواهم * و جز تو کسی را امام و پیشوای خود

وَلِيًّا * أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ * وَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ

انتخاذ نخواهم کرد * گواهی می‌دهم که تو حق ثابت ابدی که پاک و منزّه از هر نقص و عیب خواهی بود * و نیز گواهم که وعده‌ای که خدا به تو

فِيكَ حَقٌّ * لَا أَرْتَابُ لِطُولِ الْغَيْبَةِ وَ بَعْدِ الْأَمَدِ * وَ لَا أَتَحَيَّرُ مَعَ مَنْ

داده حق و صدق است * و هیچ شک در آن ندارم به واسطه طول زمان غیبت و بعد مدت * و ابدا در حیرت و گمراهی با گروهی که تو را نشناختند

جَهْلِكَ وَ جَهْلِ بَيْتِكَ * مُنْتَظِرٌ مُتَوَقِّعٌ لِأَيَّامِكَ * وَ أَنْتَ الشَّافِعُ الَّذِي لَا

و به وجود تو جاهل بودند ملحق نخواهم شد * بلکه همیشه متوقع و منتظر دوران ظهور دولت تو بزرگوار هستم * تویی آن شفاعت کننده که

يُنَازِعُ (تَنَازَعٌ) * وَ الْوَلِيُّ الَّذِي لَا يُدَافِعُ (تُدَافِعُ) * ذَخَرَ اللَّهُ لِنُصْرَةِ الدِّينِ

هیچکس با تو نزاع نکند * و تو آن پیشوایی غالب که احدی با تو مقاومت نتواند کرد * خدا تو را ذخیره کرده برای نصرت و یاری

* وَ إِعْزَازِ الْمُؤْمِنِينَ * وَ الْإِنْتِقَامِ مِنَ الْمُجَاحِدِينَ الْمَارِقِينَ * أَشْهَدُ أَنَّ

دین خود * و عزت و اقتدار اهل ایمان * و انتقام از دشمنان سرکش * گواهی می‌دهم که به واسطه ولایت و دوستی تو

بِوَلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ * وَتُرَكَّى الْأَفْعَالُ * وَتُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ *
 اعمال بندگان مقبول و پذیرفته می‌شود * و کردار خلق نیکو می‌گردد * و اعمال حسنه مضاعف و زیاد *

وَتُمَحَى السَّيِّئَاتُ * فَمَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِكَ * وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قَبْلَتْ
 و اعمال سیئه محو و آمرزیده می‌شود * پس هر کس با ایمان به ولایت تو * و اعتراف به امامت محشور شود

أَعْمَالُهُ * وَصَدِقتْ أَقْوَالُهُ * وَتُضَاعَفَتْ حَسَنَاتُهُ * وَمُحِيتْ
 اعمالش مقبول و پذیرفته است * و گفتارش تصدیق شود * و حسناتش مضاعف * و گناهانش محو و

سَيِّئَاتُهُ * وَ مَنْ عَدَلَ عَنْ وِلَايَتِكَ * وَ جَهَلَ مَعْرِفَتَكَ * وَ اسْتَبَدَلَ
 بخشیده میشود * و هر کس از ولایت و عهد امامت برگردد * و جاهل به مقام معرفت باشد * و غیر تو را

بِكَ غَيْرِكَ * كَبَّهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ * وَ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا
 به جای تو بگزیند * خدا او را به رو در آتش دوزخ بیفکند * و هیچ عمل او را نپذیرد

وَ لَمْ يَقْمِ لَهُ * يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا * أَشْهَدُ اللَّهَ * وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَهُ *
 * و در روز قیامت در میزان حساب عملش را وزنی نباشد * و خدا را گواه می‌گیرم و فرشتگان را *

وَ أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ بِهَذَا ظَاهِرُهُ * وَ كِبَائِنُهُ * وَ سِرُّهُ * كَعَلَانِيَتِهِ *
 و تو را نیز ای مولای من گواهی می‌گیرم بر این عقیده که به حضرتت عرضه داشتم * که ظاهر او مانند باطن آن *

وَ أَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَى ذَلِكَ * وَ هُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ * وَ مِيثَاقِي لَدَيْكَ * إِذْ
 و سر و علنش یکسان است * و تو خود بر این عرضم گواهی که این است عهد و پیمان من با تو * زیرا

أَنْتَ نِظَامُ الدِّينِ * وَ يَعْسُوبُ الْمُتَّقِينَ * وَ عِزُّ الْمُؤَحِّدِينَ * وَ بِذَلِكَ
 تو نظام بخش دین * و پیشوای متقین * و عزت و شرافت بخش موحدان عالمی * و مرا به این ایمان

أَمَرَنِي رَبُّ الْعَالَمِينَ * فَلَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ وَ تَمَادَتِ الْأَعْمَارُ (الْأَعْصَارُ)
 و عهد به ولایت خدای عالم امر فرموده * پس هرگاه روزگارا طولانی شود و عمرها بگذرد بر دوران

لَمْ أزدَدْ فِيكَ الْإِيقِينَ * وَ لَكَ الْإِحْبَابُ * وَ عَلَيْكَ الْأَمْتَكَلَا * وَ مُعْتَمَدًا
 غیبت در من جز آنکه بر یقینم بیفزاید * و بر محبتم به تو * و توکل و اعتمادم بر تو کاملتر شود

تَوَكَّلًا وَ اعْتِمَادًا) * وَ لِظُهُورِكَ الْإِمْتَوَقَعًا * وَ مُنْتَظَرًا (تَوَقُّعًا وَ انْتِظَارًا) *
 تأثیری نخواهد داشت * و توقع و انتظارم به حضور حضرتت بیشتر گردد *

وَ لِجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَرَقِّبًا (الْأَتْرَقِبًا) * فَابْذُلْ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وِلْدِي *
 و برای جهاد در رکاب ظفر انتسابت حاضر و آماده‌ام * به بذل جان و مال و فرزند *

وَأَهْلِي وَجَمِيعَ مَا خَوْلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ * وَالتَّصَرَّفَ بَيْنَ أَمْرِكَ

و اهل و جمیع دارابیم که همه را پیش رویت فدا کنم * و به تصرف امر و نهی

و نَهَيْكَ * مَوْلَايَ فَإِنْ أَدْرَكْتُ أَيَّامَكَ الزَّاهِرَةَ * وَ أَعْلَامَكَ الْبَاهِرَةَ *

تو دهم * پس هرگاه دوران درخشان * و پرچمهای نمایان تو را دریابم *

فَهَا أَنَا ذَا عَبْدِكَ الْمُتَصَرَّفِ بَيْنَ أَمْرِكَ وَ نَهَيْكَ * أَرْجُو بِهِ الشَّهَادَةَ

من بنده مطیع امر و نهی تو خواهم بود * و به آن اطاعت امید و انتظار مقام رفیع شهادت در رکاب

بَيْنَ يَدَيْكَ * وَ الْفَوْزَ لَدَيْكَ * مَوْلَايَ فَإِنْ أَدْرَكْنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظُهُورِكَ

حضرت * و سعادت و فیروزی در پیشگاه حضورت دارم * ای مولای من پس هرگاه مرا مرگ فرا رسد پیش از ظهور وجود مبارکت

* فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ بِكَ وَ بِأَبَائِكَ الطَّاهِرِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى * وَ أَسْأَلُهُ أَنْ

* باز هم متوسل به حضرتت و به پدران بزرگوار پاکت هستم به درگاه خدای بزرگ * و از او درخواست

يُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ يُجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظُهُورِكَ

می‌کنم که درود فرستد بر محمد و آل محمد * و مرا هم در زمان ظهورت باز زنده گرداند *

وَ رَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ * لِأَبْلُغَ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي * وَ أَشْفِي مِنْ أَعْدَائِكَ

و به دوران سلطنتت به دنیا باز گرداند * تا در حضورت از اطاعتت به آن مقصود عالی که دارم نایل شوم * و به انتقام کشیدن

فَوَادِي * مَوْلَايَ وَقَفْتُ فِي زِيَارَتِكَ مَوْقِفَ الْمُخَاطِبِينَ النَّادِمِينَ *

از دشمنانت باطن قلبم را شفا دهم * ای مولای من من در حال زیارتت ایستاده‌ام مانند خطا کاران و پشیمان *

الْخَائِفِينَ مِنْ عِقَابِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَقَدْ اتَّكَلْتُ عَلَى شَفَاعَتِكَ

و ترسناکان از عقاب پروردگار عالم * و در نجاتم از عقاب خدا اعتماد همه بر شفاعت تو بزرگوار است *

وَ رَجَوْتُ بِمَوَالَاتِكَ * وَ شَفَاعَتِكَ مَحُو ذُنُوبِي وَ سَتْرَ عِيُوبِي * وَ مَغْفِرَةَ

و امید دارم به دوستی * و شفاعتت که گناهانم محو گردد و عیوب و زشتیهاییم پوشیده * و لغزش‌هایم

زَلِّي * فَكُنْ لَوْلِيكَ يَا مَوْلَايَ عِنْدَ تَحْقِيقِ أَمَلِهِ * وَ أَسْأَلُ اللَّهَ غَفْرَانَ

آمرزیده شود * پس تو ای مولای من دوستت را به آرزویش برسان و آمالش را محقق واقع ساز * و از خدا آمرزش

زَلِّهِ * فَقَدْ تَعَلَّقَ بِجَبَلِكَ * وَ تَمَسَّكَ بِوَلَايَتِكَ * وَ تَبَرَّأَ مِنْ أَعْدَائِكَ

گناهانش را بخواه * که او به رشته‌ات چنگ زده * و در آویخته * و از دشمنانت بی‌بازی جسته است *

* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ * وَ أَنْجِزْ لَوْلِيكَ مَا وَعَدْتَهُ * اللَّهُمَّ

* پروردگارا درود فرست بر محمد و آلش * و وعده‌ ولی خود را منجز گردان * پروردگارا

أَظْهَرَ كَلِمَتَهُ * وَأَعْلَى دَعْوَتَهُ * وَأَنْصَرَهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَ عَدُوِّكَ يَا رَبَّ

کلمه حقه در جهان ظاهر ساز * و آوازه دعوت او را بلند گردان * و بر دشمنانش که دشمنان خدایند ای خدای عالم

الْعَالَمِينَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَظْهَرَ كَلِمَتَكَ

مظفر و منصورش بفرما * پروردگارا درود فرست بر محمد و آل محمد * و کلمه تامه خود را که

التَّامَةَ * وَ مَغِيبَكَ فِي أَرْضِكَ الْخَائِفِ الْمُتَرَقِّبِ * اللَّهُمَّ أَنْصَرَهُ نَصْرًا

در روی زمین از بیم رقیبان در پرده غیبت پنهان داشتنی ظاهر فرما * پروردگارا او را به عزت و اقتدار

عَزِيزًا * وَ افْتَحْ لَهُ وَ فَتْحًا يَسِيرًا * اللَّهُمَّ وَ اعِزِّ بِهِ الدِّينَ بَعْدَ الْخُمُولِ

یاری کن * و فتح و فیروزی کامل به آسانی به او عطا فرما * پروردگارا و دین اسلام را پس از خمول عزت و سلطنت کامل بخش

* وَ أَطْلِعْ بِهِ الْحَقَّ بَعْدَ الْأَفْوَلِ * وَ أَجَلْ بِهِ الظُّلْمَةَ * وَ اكْشِفْ بِهِ

* و بعد از غروب آن شمس حق را طالع ساز * و ظلمت را * و ابرهای تاریک را برطرف

الْغُمَّةَ * اللَّهُمَّ وَ آمِنْ بِهِ الْبِلَادَ * وَ اهْدِ بِهِ الْعِبَادَ * اللَّهُمَّ امْلَأْ بِهِ

گردان * پروردگارا و شهر و بلاد عالم را امن و امان گردان * و بندگان را به وجود او هدایت فرما * پروردگارا و زمین را

الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا * كَمَا مِلْتَّ ظُلْمًا وَ جَوْرًا * إِنَّكَ سَمِيعٌ

به وجودش پر از عدل و داد ساز * چنانکه اکنون پر از ظلم و جور گردیده * که تویی شنونده و مستجاب کننده

مُجِيبٌ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِذْنٌ لَوْلِيكَ فِي الدُّخُولِ إِلَى

دعای خلق * سلام بر تو ای ولی خدا مرا که دوستدار توام به حرم شریفیت اجازه

حَرَمِكَ * صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ * وَ رَحْمَةٌ

ورود بفرما * درود و رحمت و برکات خدا بر تو * و بر پدران بزرگوار

اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ * پس برو به نزد سرداب غیبت آن حضرت و میان دو در بایست و درها را به دست خود

پاک گوهرت باد. *

بگیر و تَتَحَنَّنْ کن مانند کسی که رخصت داخل شدن طلبد و بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بگو و پایین رو

به تَأَنِّي و حضور قلب * و دور کعت نماز در عرصه سرداب بکن * پس بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است خدا

أَكْبَرُ * لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ * وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

بزرگتر است * خدایی جز ذات مقدس پروردگار نیست و خدا بزرگتر است * و ستایش مخصوص خداست * ستایش مخصوص خداست

هَدَانَا لِهَذَا * وَ عَرَفْنَا أَوْلِيَاءَهُ * وَ أَعْدَاءَهُ * وَ وَفَّقْنَا لَزِيَارَةِ أَيْمَتِنَا *

که ما را هدایت فرمود * و دوستان و دشمنان خود را به ما شناسانید * و ما را به زیارت امامان و پیشوایان دینمان موفق گردانید *

وَ لَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْمُعَانِدِينَ النَّاصِبِينَ * وَ لَا مِنَ الْغُلَاةِ الْمَفْوضِينَ *

و ما را معاند و دشمن بدخواه آنها قرار نداد * و نیز از کسانی که در حق آن امامان غلو کردند و امر عالم وجود را مفوض به آنها دانستند *

وَ لَا مِنَ الْمُرْتَابِينَ الْمُقْصِرِينَ * السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ أَوْلِيَاءِهِ *

و هم از کسانی که درباره امامت آنها شک داشتند و در حق آنها تقصیر و کوتاهی کردند قرار نداد * سلام بر ولی خدا فرزند اولیاء خدا *

السَّلَامُ عَلَى الْمُدَّخِرِ لِكِرَامَةِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ بَوَارِ أَعْدَائِهِ * السَّلَامُ

سلام بر آن کسی که خدا او را برای عزت و بزرگواری دوستانش و ذلیل و نابود کردن دشمنانش ذخیره گردانید * سلام

عَلَى النُّورِ الَّذِي أَرَادَ أَهْلُ الْكُفْرِ اطْفَاءَهُ * فَابِى اللَّهِ إِلَّا أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ *

بر آن نوری که اهل کفر خواستند آن نور را خاموش کنند * اما خدا ایا کرد و امتناع فرمود مگر آنکه آن نور الهی را به حد کمال رساند با آنکه کافران

بِكَرْهِهِمْ * وَ أَيْدِهِ * بِالْحَيَاةِ حَتَّى يُظْهَرَ عَلَى يَدِهِ الْحَقُّ بِرَغْمِهِمْ * أَشْهَدُ

مخالف آن بودند * و خدا او را مؤید گردانید و با عمر طولانی زنده پداشت تا آنکه به دست آن امام به رغم دشمنان دین حق را آشکار سازد * من

أَنَّ اللَّهَ صَطْفَاكَ صَغِيرًا * وَ أَكْمَلَ لَكَ عُلُومَهُ كَبِيرًا * وَ أَنْكَ حَى

گواهی می‌دهم که خدا تو را از کودکی برگزید * و در بزرگی علوم الهی را در تو به حد کمال رسانید * و تو همانا زنده

لَا تَمُوتُ حَتَّى تَبْطَلَ الْجَبْتُ وَ الطَّاغُوتُ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى

و پاینده هستی تا آنکه بتهای جبت و طاغوت را روزی به دست تو نابود گرداند * پروردگارا رحمت و درود فرست بر او و بر

خُدَامِهِ * وَ أَعْوَانِهِ عَلَى غَيْبَتِهِ وَ نَائِيهِ * وَ اسْتَرْهَ سِتْرًا عَزِيزًا * وَ اجْعَلْ

خدمتگزاران او * و یاوران او در حال غیبت و دوری آن حضرت * و او را در پرده عزت مستور بدار * و برای او

لَهُ * مَعْقَلًا حَرِيزًا * وَ اشْدُدِ اللَّهُمَّ وَطَاكَ عَلَى مُعَانِدِيهِ * وَ احْرُسْ

جایگاه محفوظی مقرر گردان * و پروردگارا تو او را که آماده ساخته‌ای بر دفع معاندانش سخت و نیرومند ساز * و دوستان

مَوَالِيَهُ * وَ زَائِرِيهِ * اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا * فَاجْعَلْ

و زائرانش را محفوظ گردان * پروردگارا چنانکه قلب مرا به یاد او معمور ساختی * شمشیر و سلاح

سِلَاحِي بِنُصْرَتِهِ مَشْهُورًا * وَ اِنْ حَالِ بَيْنِي وَ بَيْنَ لِقَائِهِ الْمَوْتُ الَّذِي

مرا برای یاری آن حضرت از نیام بیرون آور * و چنانچه میان من و ملاقات

جَعَلْتَهُ * عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا * وَ أَقْدَرْتَ بِهِ عَلَى خَلِيقَتِكَ رَغْمًا *

آن بزرگوار مرگ حتمی * که به رغم همه بندگان مقدر گردانیدی جدایی انداخت *

فَابْعَثْنِي عِنْدَ خُرُوجِهِ ظَاهِرًا مِنْ حُفْرَتِي * مُؤْتَرًا كَفْنِي * حَتَّى

پس مرا در زمان خروج او از قبر برانگیز * تا کفن را ازار کنم * و در آن

أَجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الصَّفِّ الَّذِي أَثْنَيْتَ عَلَى أَهْلِهِ فِي كِتَابِكَ *

صفی که تو در کتاب آسمانیت اهل آن صف را ثنا گفتی *

فَقُلْتُ * كَانَهُمْ بَنِيَانٌ مَرْصُوصٌ * اللَّهُمَّ طَالَ الْإِنْتِظَارُ * وَ شِمْتَ

که فرمودی مانند سد آهنین هستند در رکاب آن حضرت جهاد کنم * پروردگارا انتظار ما طولانی شد * و مردم

مِنَّا (بنا) الْفَجَّارُ * وَ صَعِبَ عَلَيْنَا الْإِنْتِصَارُ * اللَّهُمَّ ارْنَا وَجَهَ وَلِيِّكَ

فاسق فاجر بر ما شماتت کردند * و بر ما یاری کردن یکدیگر مشکل گردید * پس ای خدا تو طلعت مبارک

الْمَيِّمُونَ فِي حَيَاتِنَا وَ بَعْدَ الْمُنُونِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ

ولی خود را هم در حال حیات و هم پس از مرگ به ما بنما * پروردگارا من به رجعت در حضور

يَدِي صَاحِبِ هَذِهِ الْبُقْعَةِ * الْغَوْثُ الْغَوْثُ الْغَوْثُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

صاحب این بقعه مبارکه ایمان دارم * پناه آوردم پناه آوردم پناه آوردم ای صاحب الزمان

* قَطَعْتُ فِي وَصْلَتِكَ الْخُلَّانَ * وَ هَجَرْتُ لِزِيَارَتِكَ الْأَوْطَانَ * وَ أَخْفَيْتُ

* من در راه وصال تو از همه دوستان بریدم * و از وطن خود برای زیارتت هجرت کردم * و کارم را

أَمْرِي عَنْ أَهْلِ الْبُلْدَانِ * لِتَكُونَ شَفِيعًا عِنْدَ رَبِّكَ * وَ إِلَى

از اهل شهرو دیار پنهان داشتم * تا توام نزد پروردگار خدای من و تو شفاعت کنی * و نزد

أَبَائِكَ وَ مَوَالِيٍّ فِي حَسَنِ التَّوْفِيقِ لِي * وَ إِسْبَاغِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ * وَ سَوْقِ

پدران خود و دوستان و آقایانم تا بر حسن توفیق * و فراوانی نعمت بر من * و فرستادن عطا

الْإِحْسَانِ إِلَيَّ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَصْحَابِ الْحَقِّ

و احسان به سوی من آن بزرگواران عنایت فرمایند * پروردگارا درود بر محمد و آل محمد که اهل حق

* وَ قَادَةَ الْخَلْقِ * وَ اسْتَجِبْ مِنِّي مَا دَعَوْتُكَ * وَ اعْطِنِي مَا لَمْ أَنْطِقْ

* و پیشوای خلقت * و دعاها مرا هم به کرم مستجاب فرما * و حاجتهایی را از مصالح دین و دنیا

بِهِ فِي دُعَائِي مِنْ صَلَاحِ دِينِي وَ دُنْيَايَ * إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ * وَ صَلَّى

که در دعا به زبان نیاوردم آنها هم عطا فرما * که همانا تو بسیار ستوده صفات و بزرگواری * و درود

اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ * پس داخل صُفَّهُ شو و دو رکعت نماز کن و بگو:

خدا بر محمد و آل پاک او باد *

اللَّهُمَّ عَبْدُكَ الزَّائِرُ فِي فِنَاءٍ وَلَيْكَ * الْمَزُورِ الَّذِي فَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَ

پروردگارا بنده تو برای زیارت به درگاه ولی تو ایستاده * آن ولی تو که طاعتش را بر همه

عَلَى الْعَبِيدِ وَالْأَحْرَارِ * وَ أَنْقَذْتَ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ *

بندگان از بنده و آزاد واجب کردی * و دوستانت را به واسطه او از آتش عذاب دوزخ نجات دادی *

اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا زِيَارَةً مَقْبُولَةً ذَاتَ دُعَاءٍ مُسْتَجَابٍ * مِنْ مُصَدِّقِ

پروردگارا تو زیارتش مقبول درگاهت گردان و صاحب دعای مستجابش قرار ده * از آنان که بی هیچ شک تصدیق

بَوْلِيِّكَ غَيْرِ مُرْتَابٍ * اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِهِ وَلَا بِزِيَارَتِهِ *

به امامت و حقانیت ولایت کردند * پروردگارا این زیارت را آخر عهدهم به آن بزرگوار و زیارت آن حضرت قرار مده *

وَلَا تَقْطَعْ أَثْرِي مِنْ مَشْهَدِهِ وَ زِيَارَةِ أَبِيهِ وَ جَدِّهِ * اللَّهُمَّ أَخْلَفْ عَلَيَّ

و پای مرا هرگز از مشهد او میر و از زیارت پدر و جد بزرگوار او * پروردگارا خرجی که در این راه کردم به من عوض

نَفَقَتِي * وَ أَنْفَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي لِي * وَ لِأَخْوَانِي وَ أَبَوِي

آن عطا فرما * و به ثواب این زیارت که نصیب کردی مرا در دنیا و آخرت منتفع گردان * هم مرا از این ثواب و هم برادران و پدر و

وَ جَمِيعِ عِزَّتِي * اسْتَوْدِعْكَ اللَّهُ أَيُّهَا الْإِمَامُ الَّذِي يَفُوزُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ

مادر و تمام خاندانم را بهره مند ساز * نزد خدا از حضرتت ودیعه می طلبم ای امامی که اهل ایمان به نعمت وجودت مستفیض و رستگار

* وَ يَهْلِكُ عَلَى يَدَيْهِ الْكَافِرُونَ الْمُكْذِبُونَ * يَا مَوْلَايَ يَا ابْنَ الْحَسَنِ

می شوند * و کافران و مکذبان به دست قهرت هلاک می شوند * ای مولای من ای فرزند امام

بْنِ عَلِيٍّ * جِتُّكَ زَائِرًا لَكَ وَ لِأَبِيكَ وَ جَدِّكَ * مُتَيْقِنًا الْفَوْزَ بِكُمْ *

حسن عسکری * من به زیارت تو و پدر و جد بزرگوارت آمدم * و یقین دارم که رستگاری ما به وجود شما است *

مُعْتَقِدًا إِمَامَتَكُمْ * اللَّهُمَّ اكْتُبْ هَذِهِ الشَّهَادَةَ وَ الزِّيَارَةَ لِي عِنْدَكَ فِي

و معتقدم که شما امام و پیشوای امتید * پروردگارا این شهادت و زیارت مرا برایم نزد خود در دفتر علیین

عَلِيِّينَ * وَ بَلِّغْنِي بِلَاغِ الصَّاحِحِينَ * وَ أَنْفَعْنِي بِحُبِّهِمْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

خویش ثبت فرما * و مرا به رتبه صالحان نائل ساز * و به دوستی آنها مرا منتفع گردان ای پروردگار عالم.

🌸 زیارت دیگر زیارتی است که سید بن طاوس نقل کرده و آن چنان است که می گوئی: السَّلَامُ عَلَيَّ

* سلام بر امام به حق *

الْحَقُّ الْجَدِيدُ * وَ الْعَالِمُ الَّذِي عَلَّمَهُ * لَا يَبِيدُ * السَّلَامُ عَلَيَّ مُجِي

که مجدد است * و عالمی است که دریای علمش بی حد و پایان است * سلام ما بر زنده کننده

المؤمنين * و مبير الكافرين * السلام على مهدي الأمم * و جامع
 اهل ايمان * و هلاك كنده كافران * سلام بر مهدي امته * و جامع تمام كلمات

الكلم * السلام على خلف السلف * و صاحب الشرف * السلام
 وحى الهى * سلام بر جانشين اولياء گذشته * كه صاحب مجد و شرافت است * سلام بر

على حجة المعبود * و كلمة محمود * السلام على معز الاولياء
 حجت خداي معبود * و بر كلمه محمود او باد * سلام بر عزت بخشنده دوستان خدا

و مذل الأعداء * السلام على وارث الانبياء * و خاتم الاوصياء
 * و ذليل كنده دشمنان خدا * سلام بر وارث انبياء الهى * و بر خاتم اوصياء پيغمبران

* السلام على القائم المنتظر * و العدل المشتهر * السلام على
 * سلام بر امام قائم منتظر خلق * و بر سلطان عادل مشهور عالم * سلام بر

السيف الشاهر * و القمر الزاهر * و النور الباهر * السلام على
 صاحب شمشير كشيده * و بر ماه تابان * و نور درخشان * سلام بر آفتاب شام

شمس الظلام * و بدر (البدر) التمام * السلام على ربيع الانام *
 ظلمانى جهان * و ماه تمام ايمان * سلام بر بهار اهل عالم *

و نضرة (فطرة) الايام * السلام على صاحب الصمصام * و فلاق الهام
 و صفا و شادى بخش روزگار * سلام بر صاحب شمشير قدرت * و شكافنده فرق

* السلام على الدين الماثور * و الكتاب المسطور * السلام على
 * سلام بر آن دين ماثور * و كتاب رقم شده * سلام بر حضرت

بقية الله في بلاده * و حجته على عباده * المنتهى اليه مواريث
 بقية الله در ديار خدا * و حجت او بر بندگان خدا * آن كسى كه ميراث تمام پيغمبران به او

الانبياء * و لديه موجود آثار الاصفياء * (السلام على) المؤمن
 منتهى شود * و آثارو شعار پاكان عالم نزد او موجود باشد * سلام بر آنكه امين است بر

على السر * و الولي للأمر * السلام على المهدي الذي وعد الله
 سر حق * و ولي امر است * سلام بر امام مهدي آن كسى كه خداى عز و جل

عز و جل به الأمم * ان يجمع به الكلم * و يلم به الشعث * ويملا
 به امته وعده داده * كه عقايد مختلف مردم را به وجود او جمع كند * و خلق را از تفرقه برهاند * و به وجود او خداى متعال

بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا * وَيُمْكِنُ لَهُ * وَيُنْجِزُ بِهِ وَعَدَّ الْمُؤْمِنِينَ

زمین را پر از عدل و داد گرداند * و همه قوای عالم از او تمکین کنند * و وعده خدا به عزت اهل ایمان به وقوع پیوندد

* أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنْكَ وَالْأئِمَّةَ مِنْ آبَائِكَ أُمَّتِي * وَ مَوَالِيَّ فِي الْحَيَاةِ

* گواهی می‌دهم ای مولای من که تو و ائمه طاهرین پدران بزرگوار تو امامان من و آقای منند * و در دنیا

الدُّنْيَا * وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ * أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ تَبَارَكَ

و در آخرت * که شاهدان خلق به گواهی برخیزند * ای مولای من از تو درخواست می‌کنم که از خدای تبارک

وَ تَعَالَى فِي صَلَاحِ شَأْنِي * وَقَضَاءِ حَوَائِجِي * وَ غُفْرَانِ ذُنُوبِي * وَ الْأَخْذِ

و تعالی بخواهی که امور مرا اصلاح کند * و حاجت‌هایم را برآورد * و گناهانم را ببخشد * و در امر دین

بِيَدِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي لِي * وَ لِإِخْوَانِي وَ أَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ

و دنیا و آخرتم از من دستگیری کند * و از همه برادران و خواهران اهل ایمان من

وَ الْمُؤْمِنَاتِ كَافَّةً * إِنَّهُ وَ غُفُورٌ رَحِيمٌ * پس به جا آور نماز زیارت را به نحوی که پیش از

تمام را دست گیرد * که خدای متعال بسیار آمرزنده و مهربان است *

این ذکر نمودیم یعنی دوازده رکعت، بعد از هر دو رکعت سلام دهد و تسبیح زهرا (علیها السلام) بگوید و هدیه کند به سوی

آن حضرت * و چون از نماز زیارت فارغ شدی بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ *

پروردگارا درود و رحمت فرست بر حجت *

وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ * الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ * وَ الْقَائِمِ بِقِسْطِكَ *

و خلیفه تو بر اهل زمین تو * در تمام بلاد دعوت کننده خلق است به راه تو * و نگهبان عدل

وَ الْفَائِزِ بِأَمْرِكَ * وَ لِيّ الْمُؤْمِنِينَ * وَ مُبِيرِ الْكَافِرِينَ * وَ مُجَلِّي الظُّلْمَةِ

و فیروز و ناجح به فرمان توست * ولی و دوستدار اهل ایمان * و هلاک کننده کافران * و برطرف کننده ظلمت کفر و عصبان

* وَ مُنِيرِ الْحَقِّ * وَ الصَّادِعِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ الصِّدْقِ *

* و روشن کن طریق حق است * خلق را به صدای رسا به علم و حکمت الهی دعوت کند و به موعظه نیکو و سخن صدق پند دهد *

وَ كَلِمَتِكَ وَ عَيْبَتِكَ * وَ عَيْنِكَ فِي أَرْضِكَ * الْمُتَرَقِّبِ الْخَائِفِ * الْوَلِيِّ

و او کلمه تامه توست و صندوق (اسرار و علوم) تست * و نماینده تو در روی زمین است * آن امامی که دایم مراقب و نگران و خائف و ترسان بود * آن ولی ناصح

النَّاصِحِ * سَفِينَةِ النَّجَاةِ * وَ عِلْمِ الْهُدَى * وَ نُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى * وَ خَيْرِ

و خیرخواه امت * و کشتی نجات * و پیشوای هدایت خلق * و نور دیدگان خلائق است * و بهترین کسی است

مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَى * وَ الْوَتْرَ الْمَوْتُورَ * وَ مَفْرَجَ الْكَرْبِ * وَ مَزِيلَ الْهَمِّ

که در تن پیراهن و ردا کند * و او منتقم و خونخواه مظلومان عالم است * و گشایش بخش دلها * و برطرف کننده هم و غم

* وَ كَاشِفِ الْبَلَوَى * صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَىٰ آبَائِهِ الْأَيْمَّةِ الْهَادِينَ

* و بلیات خلق است * پروردگارا رحمت و درود فرست بر او و بر پدران بزرگوار او که امان هدایت

* وَ الْقَادَةَ الْمِيَامِينَ * مَا طَلَعَتْ كَوَاكِبُ الْأَسْحَارِ * وَ أَوْرَقَتِ

* و پیشوایان با میمنت و برکت امت هستند * درود فرست بر آنان مادامی که ستارگان طلوع می‌کنند * و درختان

الْأَشْجَارِ * وَ آيِنَعَتِ الْأَثْمَارُ * وَ اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ * وَ غَرَدَتِ

برگ برآورد * و میوه‌ها برسد * و شب و روز در عالم رفت و آمد کند * و مرغان چمن نغمه‌سرای

الْأَطْيَارِ * اللَّهُمَّ انْفَعْنَا بِحُبِّهِ * وَ احْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَ تَحْتَ لَوَائِهِ * إِلَهَ

کنند * پروردگارا ما را به دوستی آن بزرگوار منتفع گردان * و در زمره اصحاب او زیر لوی او ما را محشور ساز * ای خدای

الْحَقِّ ءَامِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ * **ذکر صلوات بر آن حضرت: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ**

به حق، ای پروردگار عالمیان این دعا را مستجاب گردان. *

مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ * وَ صَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّ الْحَسَنِ * وَ وَصِيِّهِ وَ وَاثِرِهِ *

بر محمد و اهل بیت او * و درود فرست بر ولی و جانشین حسن (عسکری) * و وصی و وارث او *

الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ * وَ الْغَائِبِ فِي خَلْقِكَ * وَ الْمُنْتَظَرِ لِأَذْنِكَ * اللَّهُمَّ صَلِّ

که به امر و فرمان تو قیام خواهد کرد * و اکنون در میان خلق تو پنهان است * و برای ظهورش منتظر اذن توست * پروردگارا درود

عَلَيْهِ * وَ قَرِّبْ بَعْدَهُ * وَ أَنْجِزْ وَعْدَهُ * وَ أَوْفِ عَهْدَهُ * وَ اكْشِفْ

فرست بر او * و بُعد فراقش را بدل به قرب وصال گردان * و وعده او را محقق گردان * و به عهدش وفا کن * حجاب غیبت

عَنْ بَاسِهِ حِجَابَ الْغَيْبَةِ * وَ أَظْهَرِ بظُهُورِهِ صَحَائِفَ الْمِحْنَةِ *

حضرتش که بلای سخت است برطرف بفرما * و به ظهور آن بزرگوار صحیفه دفترهای رنج و محنت را پدیدار ساز *

وَ قَدِّمِ أَمَامَهُ الرُّعْبَ * وَ ثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ * وَ أَقِمْ بِهِ الْحَرْبَ * وَ أَيْدِهِ

و پیش از ظهورش دشمنان را از او مرعوب و ترسان * و دوستان را ثبات و آرامش قلب اعطا کن * و جنگ و جهاد را به ظهورش برانگیز * و او را

بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ * وَ سَلِّطْهُ عَلَىٰ أَعْدَاءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ

با سپاهی از فرشتگان با نشان * بر همه دشمنان دینت او را مسلط و غالب ساز

* وَ الْهَمَّهُ أَنْ لَا يَدَعَ مِنْهُمْ رُكْنًا إِلَّا هَدَّهُ * وَ لَا هَامًا إِلَّا قَدَّهُ * وَ لَا

* و به او الهام کن که از آن دشمنان دین هیچ رکنی نگذارد جز آنکه ویران سازد * و هیچ رئیسی در آنها نباشد جز آنکه قطع و نابود ساز * و هیچ

كَيْدًا اِلَّا رَدَّهُ و * وَا فَا سِقًا اِلَّا حَدَّهُ و * وَا فِرْعَوْنَ اِلَّا اَهْلَكَه و * وَا

مکر و کیدی نکنند جز آنکه شر آن را به خود آنها برگرداند * و هر فاسقی را حد زند * و هر فرعون گردنکشی را هلاک سازد * و هر

سِتْرًا اِلَّا هَتَكَه و * وَا عِلْمًا اِلَّا نَكَسَه و * وَا سُلْطَانًا اِلَّا كَسَبَه و *

پرده بردرد * و هر پرچم را سرنگون سازد * و هیچ حکومت و سلطنتی نگذارد جز آنکه در تصرف آرد *

وَا رُمْحًا اِلَّا قَصَفَه و * وَا مِطْرَدًا اِلَّا خَرَقَه و * وَا جُنْدًا اِلَّا فَرَقَه و *

و هر سر نیزه و قدرتی را در هم بشکند * و هر سبب را پاره سازد * و هر سپاهی را متفرق و مقهور گرداند *

وَا مِنْبَرًا اِلَّا اَحْرَقَه و * وَا سَيْفًا اِلَّا كَسَرَه و * وَا صِنْمًا اِلَّا رَضَه و *

و منبری نگذارد جز آنکه همه را به سوزاند * و هر شمشیری بشکند * و هر بت را خرد سازد *

وَا دِمًّا اِلَّا اَرَاقَه و * وَا جَوْرًا اِلَّا اَبَادَه و * وَا حِصْنًا اِلَّا هَدَمَه و * وَا

و خون همه بریزد * و هر جور و ستم را نابود گرداند * و هر سنگر و حصن محکم را ویران کند * و هر درگاه را ببندد

بَابًا اِلَّا رَدَمَه و * وَا قَصْرًا اِلَّا خَرَبَه و (اخریه و) * وَا مَسْكَنًا اِلَّا فَتَشَه و *

و به کلی مسدود کند * و هیچ کاخی نگذارد جز آنکه همه را خراب و ویران سازد * و هیچ مسکن و منزل نباشد جز آنکه تفتیش کند

وَا لَسَهْلًا اِلَّا اَوْطَاه و * وَا جَبَلًا اِلَّا صَعَدَه و * وَا كَثْرًا اِلَّا اَخْرَجَه و *

* و هر زمین هموار زیر پا آرد * و بر هر کوه بالا رود * و هر گنج در زمین پنهان است همه را بیرون آرد

* بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * مؤلف گوید که: شیخ مفید بعد از نقل زیارت سابق که اوّل

* ای مهربانترین مهربانان به کرم و رحمت اجابت فرما.

اَنَ اللّٰهُ اَكْبَرُ اللّٰهُ اَكْبَرُ * لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ * بود فرموده که به روایت دیگر منقول است که

می گویی بعد از داخل شدن در سرداب مقدّس (اَلسَّلَامُ عَلٰی اَحَقِّ الْمَجْدِيْدِ). پس زیارت را نقل کرده تا نماز

زیارت آنگاه فرموده: پس دوازده رکعت نماز زیارت می کنی هر دو رکعت به یک سلام * و می خوانی بعد از آن دعایی

را که از آن حضرت روایت شده: اَللّٰهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ * وَ بَرَحَ الْخِفَاءِ * وَ اَنْكَشَفَ

خدایا بلا و مصایب ما عظیم و سخت گردید * و بیچارگی ما بسی آشکار است * و پرده از روی

الْغَطَاءِ * وَ ضَاقَتِ الْاَرْضُ * وَ مَنَعَتِ السَّمَاءُ * وَ اِلَيْكَ يَا رَبِّ

کار ما بر افتاد * و زمین وسیع بر ما تنگ شد و آسمان رحمتش را از ما منع کرد * و تنها درگاه لطف تو

المُشْتَكِي * وَ عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

مرجع شکایت ماست * و تویی یاور و معین ما و اعتماد ما در هر سختی و آسانی به کرم توست * خدایا پس درود فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ * فَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ

بر محمد و آل محمد * که بر ما اطاعتشان را واجب فرمودی * و به واسطه این مطاع بودن ما را عارف به مقامشان کردی

مَنْزِلَتَهُمْ * فَرَجَّعْنَا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا كَلِمَاحِ الْبَصْرِ * أَوْ هُوَ أَقْرَبُ

تا به امامت آنها را شناختیم * پس به حق قدر و منزلت آنها که به ما فرج و گشایش زود و نزدیک مانند چشم بهم زدن * یا زودتر

مِنْ ذَلِكَ * يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ * يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ * أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمْ

عطا فرما * ای محمد (ص) و ای علی (ع) * ای علی (ع) و ای محمد (ص) * شما امور مرا کفایت کنید

نَاصِرَايَ * وَ أَكْفِيَانِي فَإِنَّكُمْ كَافِيَايَ * يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

که شما کافی هستید * و مرا یاری کنید که شما یاران منید * ای مولای من ای صاحب الزمان

الْغَوْتِ * الْغَوْتِ * الْغَوْتِ * أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي * مؤلف گوید که: این

* به فریادم رس * به فریادم رس * به فریادم رس * مرا دریاب مرا دریاب مرا دریاب.

دعای شریفی است و سزاوار است خواندن آن در آنجا مکرر و در غیر آن مکان و ما در باب اول ذکر کردیم این دعا

را با اختلاف جزئی. **زیارت دیگر:** زیارتی است که سید بن طاوس نقل کرده فرموده دو رکعت نماز گذارد و

بگوید بعد از آن (سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ) الخ و ما این زیارت را در فصل هفتم از باب اول به

عنوان استغاثه به آن حضرت از کَلِمِ طَيِّبِ نقل کردیم به آنجا رجوع شود. * مؤلف گوید که: سید بن طاوس در

مصباح الزائر فصلی در اعمال سرداب مقدس ایراد کرده و در آن شش زیارت نقل کرده، پس از آن فرموده: و

ملحق می شود به این فصل دعاء ندبه و زیارتی که مولای ما صاحب الامر (علیه السلام) هر روز به آن زیارت کرده می شود

بعد از نماز صبح و آن زیارت هفتم حساب می شود. * و دعای عهد که امر شده به تلاوت آن در حال غیبت و دعایی

که آن را بخوانند در وقتی که از آن حرم شریف می خواهند برگردند، پس شروع کرده به ذکر این چهار امر. ما هم

در این کتاب مبارک متابعت آن بزرگوار نموده و آن چهار امر را ذکر می نماییم: (۱) **دعای ندبه** است که

مستحب است در چهار عید یعنی عید فطر و قربان و غدیر و روز جمعه بخوانند و آن دعا این است: **الْحَمْدُ**

و ستایش و

لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ

سپاس مخصوص خداست که آفریننده جهان است * و درود خدا بر سید ما و پیغمبر خدا حضرت محمد مصطفی «ص»

وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا * اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي

و آل اطهارش باد و تحیت کامل بر او باد * پروردگارا تو را ستایش می‌کنم برای هر چه که در قضا و قدر تقدیر کردی

أُولِيَائِكَ * الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ دِينِكَ * إِذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ

بر خاضان و محبانت * یعنی بر آنان که وجودشان را برای حضرتت خالص و برای دینت قرار دادند * بر آنان

جَزِيلٍ مَا عِنْدَكَ مِنَ النِّعَمِ الْمُقِيمِ * الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ * وَلَا اضْمِحْلَالَ

اختیار کردی بیشتر آنچه از نعمت پایدار نزد توست * آنچه که بی‌زوال ابدی است

بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّنِيَّةِ *

* بعد از آنکه بر آنها شرط فرمودی زهد در مقامات دنیای پست را *

و زُخْرُفِهَا وَ زِبْرَجِهَا * فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ * وَ عَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ

و لذات و زیب و زیور (این دنیا را) * آنها هم بر این شرط متعهد شدند * و تو هم می‌دانستی که به عهد خود وفا خواهند کرد

فَقَبِلْتَهُمْ وَ قَرَّبْتَهُمْ * وَ قَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيَّ * وَ الثَّنَاءَ الْجَلِيَّ *

* پس آنان را مقبول و مقرب خود فرمودی * و بالاترین ذکر یعنی قرآن را بر آنها از پیش عطا کردی * با بلندی نام و ثناء خاص و عام *

وَ أَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ * وَ كَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ * وَ رَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ

و فرشتگان را بر آنها وارد ساختی * و با وحی خود به آنها کرامت دادی * و به علم خویش آنها را برقرار کردی

وَ جَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ (الذَّرَائِعَ) إِلَيْكَ * وَ الْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ *

* و آنها را واسطه (هدایت خلق به توحید و معرفت) به خود گردانیدی * و وسیله دخول بهشت رضوان کردی *

فَبَعْضُ أَسْكَنْتَهُ * وَ جَنَّاتِكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا * وَ بَعْضُ حَمَلْتَهُ * وَ فِي

پس بعضی از آنها را در بهشت منزل دادی تا هنگامی که او را از بهشت بیرون کردی * و برخی را که در کشتی با او درآمده بودند

فُلُوكَ * وَ نَجِيَّتَهُ * وَ (مَعَ) مَنْ آمَنَ مَعَهُ * مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ *

و نجات دادی * و با هر کس که ایمان آورده و همه را از هلاکت به رحمت خود (نجات دادی) *

وَ بَعْضُ اتَّخَذْتَهُ * وَ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا * وَ سَأَلَكَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْأَخْرَبِ

و بعضی را به مقام دوستی خود برگزیدی * و درخواستش را که وی لسان صدق در اُمم آخر باشد

فَاجَبْتَهُ * وَ جَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا * وَ بَعْضُ كَلَّمْتَهُ * وَ مِنْ شَجَرَةٍ تَكَلِّمًا

(پس) اجابت کردی * و به مقام بلند رسانیدی * و بعضی را از شجره طور با وی سخن گفتی (حضرت موسی «ع»)

وَ جَعَلْتَ لَهُ * مِنْ أَخِيهِ رَدًّا * وَ وَزِيرًا * وَ بَعْضُ أَوْلَدْتَهُ * مِنْ غَيْرِ آبٍ

* و برادرش را وزیر و یاور وی گردانیدی * و بعضی را به غیر پدر تنها از مادر ایجاد کردی (حضرت عیسی «ع»)

وَءَاتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ * وَآيَدْتَهُ وَبُرُوحِ الْقُدُسِ * وَكُلِّ (وَكَلًّا) شَرَعْتَ

* و به او معجزات عطا فرمودی * و او را به روح پاک الهی مؤید داشتی * و همه آن پیمبران
له و شریعة * وَنَهَجْتَ لَهُ وَمِنْهَا جَا * وَتَخَيَّرْتَ لَهُ وَأَوْصِيَاءَ (أَوْصِيَاءَهُ) *

را شریعت * و طریقه و آیینی عطا کردی * و برای آنان وصی و جانشینی برای آنکه یکی بعد از دیگری

مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ * مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ * أَقَامَةَ لِدِينِكَ وَحُجَّةً

مستحفظ دین و نگهبان آیین قرار گیرند * از مدتی تا مدت معین دیگر * و شریعت و حجت بر

عَلَى عِبَادِكَ * وَ لِيَلَّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ * وَيَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ

بندگان تو باشد * تا آنکه دین حق از قرارگاه خود خارج نشود * و اهل باطل غلبه نکنند

وَ لَا (لِيَلَّا) يَقُولَ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا * وَ أَقَمْتَ لَنَا

* و تا کسی نتواند گفت که ای خدا چرا رسول به سوی ما نفرستادی که ما را از جانب تو به نصیحت ارشاد کند * و چرا

عِلْمًا هَادِيًا * فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنُحْزَى * إِلَى أَنْ

پیشوا نگماشتی * که ما از آیات و رسولانت پیروی کنیم پیش از آنکه به گمراهی و ذلت در افتیم * لذا در هر

انْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَ نَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

زمانی رسول فرستادی تا آنکه امر رسالت منتهی گردید به حبیب گرامیت محمد «ص» که درود خدا بر او و خاندانش باد

فَكَانَ كَمَا أَنْتَجَبْتَهُ * سَيِّدًا مِنْ خَلْقَتِهِ * وَ صَفْوَةً مِنْ اصْطَفَيْتَهُ * وَ

* و او چنانکه تو به رسالت برگزیدی اش سید و بزرگ خلایق بود * و خاصه پیمبرانی که به رسالت انتخاب فرمودی

وَ أَفْضَلَ مِنْ اجْتَبَيْتَهُ * وَ أَكْرَمَ مِنْ اعْتَمَدْتَهُ * قَدَمْتَهُ * عَلَى أَنْبِيَائِكَ

* و افضل از هر کسی که برگزیده نوست * و گرامیتر از تمام رُسُلی که معتمد تو بودند * بدین جهت او را بر همه رسولانت مقدم داشتی

وَ بَعَثْتَهُ * إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ * وَ أَوْطَاتَهُ * مَشَارِقَكَ وَ مَغَارِبَكَ

* و بر تمام بندگان از جن و انس مبعوث گردانیدی * و شرق و غرب عالمت را زیر قدم فرمان رسالتش گستردی

وَ سَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ * وَ عَرَجْتَ بِرُوحِهِ (بِهِ) إِلَى سَمَائِكَ * وَ أَوْدَعْتَهُ * وَ

* و بُرَاقَ را مسخر او فرمودی * و روح پاک وی را به سوی آسمان خود به معراج بردی * و علم گذشته

عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ * ثُمَّ نَصَرْتَهُ * بِالرُّعْبِ

و آینده تا انقضاء خلقت را به او به ودیعت سپردی * و آنگاه او را به واسطه ترس دشمن از او، بر دشمنان پیروز گردانیدی *

وَ حَفَفْتَهُ * بِجِبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ * وَ الْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

و جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان * با اسم و رسم و مقام را گرداگردش فرستادی *

و وَعَدْتَهُ أَنْ تَظْهَرَ دِينَهُ وَعَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ * وَذَلِكَ

و به او آشکاری دینش را بر تمام ادیان عالم وعده فرمودی هرچند که مشرکان را خوش نیاید * و این ظفر پس از آن بود که

بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبَوَّأَ صَدَقٍ مِنْ أَهْلِهِ * وَجَعَلْتَ لَهُ * وَ لَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ

رسول اکرم «ص» را باز تو او را با فتح و ظفر به خانه کعبه، مکان صدق اهل بیت باز گردانیدی * و برای او و اهل بیتش آن خانه مکه

وَضَعَ لِلنَّاسِ لِلَّذِي بَبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ * فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ

را نخستین خانه برای عبادت بندگان مقرر فرمودی و وسیله هدایت عالمیان گردانیدی * که در آن خانه آیات و نشان‌های آشکار ایمان

مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ * كَانَ آمِنًا * وَقُلْتَ * إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ

و مقام ابراهیم خلیل بود و محل امن و امان بر هر کس که در آن داخل می‌شد * و درباره خاندان رسول فرمودی البتة خدا از شما

عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا * ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ

اهل بیت رسول هر رجز و ناپاکی را دور می‌سازد و کاملاً پاک و میزای می‌گرداند * آنگاه تو ای پروردگار، در قرآنت

مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَالِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ * فَقُلْتَ * قُلْ لَا

اجر و مزد رسالت پیغمبرت صلی الله علیه و آله را محبت و دوستی امت نسبت به اهل بیت قرار دادی * آنجا که فرمودی بگو ای

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى * وَقُلْتَ * مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ

رسول ما که من از شما امت، اجر رسالتی جز محبت اقارب و خویشاوندانم نمی‌خواهم * و باز فرمودی همان اجر رسالتی را که خواستم،

أَجْرٌ فَهُوَ لَكُمْ * وَقُلْتَ * مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ

باز به نفع شما خواستم * و باز فرمودی بگو ای رسول ما، من از شما امت، اجر رسالتی نمی‌خواهم جز آنکه

يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا * فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ * وَالْمَسْلُوكَ إِلَىٰ

شما راه خدا را پیش گیرید * پس اهل بیت رسول، طریق و رهبر به سوی تو هستند * و راه بهشت رضوان

رِضْوَانِكَ * فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ وَأَقَامَ وَلِيُّهُ * عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتِكَ

تو هستند * و هنگامی که دوران عمر پیغمبرت سپری گشت وصی و جانشین خود علی بن ابی طالب صلوات الله

عَلَيْهِمَا * وَاللَّهُمَا هَادِيًا * إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرُ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ * فَقَالَ

علیهما و آلهما را به هدایت امت برگماشت * و چون او منذر و برای هر قوم، هادی امت بود * پس رسول اکرم «ص» در حالی که امت همه در

وَالْمَلَأَ أَمَامَهُ * مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ * اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ * وَالْآه *

پیش بودند فرمود هر کس که من دوست و ولی او بودم پس از من علی مولا او خواهد بود * بارالها دوست بدار هر که علی را دوست بدارد *

وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ * وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ * وَاخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ * وَقَالَ مَنْ

و دشمن بدار هر که علی را دشمن بدارد * و یاری کن هر که علی را یاری کند * و خوار ساز هر که علی را خوار سازد * و باز فرمود

كُنْتُ اَنَا نَبِيَّهُ وَفَعَلِيْ اَمِيْرُهُ * وَ قَالَ اَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَّاحِدَةٍ *

هر کس من پیغمبر او هستم علی «ع» امیر و فرماندار اوست * و باز فرمود من و علی هر دو شاخه‌های یک درختیم *

وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى * وَ اَحَلَّهُ وَ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى

و سایرین از درخت‌های مختلف هستند * و پیغمبر «ص» علی «ع» را نسبت به خود به مقام هارون نسبت به موسی نشانید

فَقَالَ لَهُ * اَنْتَ مِنْنِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى * اِلَّا اَنَّهُ * لِاَنِّي بَعْدِي *

* پس فرمود که برای تو نسبت به من، جایگاهی همچون هارون نسبت به موسی است * جز آنکه پس از من پیغمبری نیست *

وَ زَوْجَهُ ابْنَتَهُ * وَ سَيِّدَةَ زَنَانِ الْعَالَمِيْنَ * وَ اَحَلَّ لَهُ * مِنْ مَسْجِدِهِ مَا

و باز رسول اکرم دختر گرامیش که سیده زنان عالم است به علی تزویج فرمود * و باز حلال کرد بر علی آنچه بر خود پیغمبر

حَلَّ لَهُ * وَ سَدَّ الْاَبْوَابَ اِلَّا بِابِهِ * ثُمَّ اَوْدَعَهُ * وَ عَلِمَهُ * وَ حِكْمَتَهُ *

حلال بود * و باز تمام درهای منازل اصحاب را که به مسجد رسول باز بود به حکم خدا بست غیر در خانه علی * آنگاه رسول اسرار حکمتش را نزد علی ودیعه

فَقَالَ اَنَا مَدِيْنَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا * فَمَنْ اَرَادَ الْمَدِيْنَةَ وَ الْحِكْمَةَ

گذاشت * که فرمود من شهر علمم و علی دروازه آن شهر علم است * پس هر که بخواهد در این شهر علم و حکمت وارد شود *

فَلِيَّاتِهَا مِنْ بَابِهَا * ثُمَّ قَالَ اَنْتَ اَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَاْرثِي * لِحُمْكَ مِنْ

از درگاهش باید وارد گردد * آنگاه فرمود تو برادر من و وصی من و وارث من هستی * گوشت تو گوشت

لِحْمِي * وَ دَمِكُ مِنْ دَمِي * وَ سَلْمُكَ سَلْمِي * وَ حَرْبُكَ حَرْبِي * وَ الْاِيْمَانُ

من * و خون تو خون من است * صلح با تو صلح با من * و جنگ با تو جنگ با من است * و ایمان (به خدا و حقایق الهیه)

مُخَالَطُ لِحْمِكَ وَ دَمِكَ * كَمَا خَالَطُ لِحْمِي وَ دَمِي * وَ اَنْتَ غَدَا عَلِيٌّ

چنان با گوشت و خون تو آمیخته شده * که با گوشت و خون من آمیخته‌اند * و تو فردا جانشین من بر

الْحَوْضِ خَلِيْفَتِي * وَ اَنْتَ تَقْضِي دِيْنِي * وَ تَنْجِزُ عِدَاتِي * وَ شِيْعَتَكَ

حوض کوثر خواهی بود * و پس از من تو اداء قرض من می‌کنی * و وعده‌هایم را انجام خواهی داد * و شیعیان تو

عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُوْرٍ * مُبِيْضَةٌ وَ جَوْهَهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ * وَ هُمْ جِيْرَانِي

در قیامت بر کرسی‌های نور * با روی سفید در بهشت ابد، گرداگرد من قرار گرفته‌اند * و آنها در آنجا همسایه من هستند

وَ لَوْ لَا اَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يَعْرِفِ الْمُؤْمِنُوْنَ بَعْدِي * وَ كَانَ بَعْدَهُ وَ هُدًى

* اگر تو یا علی، بعد از من میان امتم نبودی اهل ایمان به مقام معرفت نمی‌رسیدند * و همانا علی بود که بعد از رسول اکرم امت را

مِنَ الضَّلَالِ * وَ نُورًا مِّنَ الْعَمَى * وَ حَبْلَ اللّٰهِ الْمَتِيْنَ * وَ صِرَاطَهُ

از ضلالت و گمراهی و کفر و نابینایی * به مقام هدایت و بصیرت می‌رسانید * او رشته محکم خدا * و راه مستقیم

الْمُسْتَقِيمِ * لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةِ فِي رَحِمٍ * وَلَا بِسَابِقَةِ فِي دِينٍ * وَلَا

حق برای امت است * هیچکس به قرابت با رسول «ص» بر او سبقت نیافته * و در اسلام و ایمان بر او سبقت نگرفته * و نه کسی

يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ * يَجْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا

به او در مناقب و اوصاف کمال خواهد رسید * تنها علی، قدم به قدم از پی رسول اکرم، راه پیمود که درود خدا بر هر دو

وَأَالِهِمَا * وَيَقَاتِلُ عَلَى التَّوِيلِ * وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ * قَدْ

و بر آل اطهارشان باد * و علی است که بر تأویل جنگ می‌کند * و در راه رضای خدا از ملامت و سرزنش بدگویان باک ندارد * و در

وَتَرَفِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ * وَقَتْلَ أَبْطَالِهِمْ * وَنَاوَشَ (نَاهَشَ) ذُؤَبَانَهُمْ

راه خدا خون‌های گردنکشان عرب را به خاک ریخت * و شجاعان و پهلوانانشان را کُشت * و سرکشان را مطیع و منقاد کرد

* فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا * بَدْرِيَّةَ وَخَيْبَرِيَّةَ وَحَنِينِيَّةَ وَغَيْرَهُنَّ *

* و دل‌هایشان را پر از حقد و کینه * از واقعه جنگ بدر و حنین و خیبر و غیره ساخت *

فَاضَبَّتْ (فَاضَتْ) (فَاضَتْ) عَلَى عَدَاوَتِهِ * وَكَبَّتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ * حَتَّى

و در اثر آن کینه پنهانی در دشمن، بر او قیام کردند * و به مبارزه و جنگ با او هجوم آوردند * تا آنکه ناگزیر او هم

قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ * وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ * وَقَتْلَهُ * وَ

با عهد شکنان امت و با ظالمان و ستمکاران و با خوارج مرتد از دین در نهروان به قتل برخاست * و چون نوبت اجلش

أَشَقَى الْأَخْرِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ (أَشَقَى الْأَشْقِيَاءِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْأَخْرِينَ) * لَمْ

فرا رسید * و شقی‌ترین خلق آخر عالم به پیروی شقی‌ترین خلق اول * فرمان رسول اکرم

يُمَثِّلُ أَمْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ

صلی الله علیه و آله را پیروی نکردند و درباره هادیان خلق یکی بعد از دیگری

* وَالْأُمَّةُ مُصْرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ * مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ * وَاقْصَاءِ

* و امت، همه کمر بر دشمنی آنها بسته * و متفق شدند بر قطع رحم پیغمبر «ص» * و دور کردن اولاد

وَلَدِهِ (وُلْدِهِ) * إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفِي لِرِعَايَةِ أَحَقَّ فِيهِمْ * فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ *

طاهرینش * جز قلیلی از مؤمنان حقیقی که حق اولاد رسول را رعایت کردند * تا آنکه به ظلم ستمکاران امت، گروهی کشته *

وَسَبِيٍّ مِنْ سَبِيٍّ * وَأَقْصَى مِنْ أَقْصَى * وَجَرَى الْقَضَاءِ لَهُمْ بِمَا يَرْجَى

و جمعی اسیر * و فرقه‌ای دور از وطن شدند * و قلم قضا بر آنها جاری شد به چیزی که امید از آن حسن ثواب

لَهُ * حَسَنُ الْمَثُوبَةِ * إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُوْرَثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

و پاداش نیکو است * چون زمین ملک خداست و هر که از بندگان را بخواهد وارث ملک زمین خواهد کرد

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿۱۰﴾ وَسُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ﴿۱۱﴾

* عاقبت نیک عالم، با اهل تقوی است * و پروردگار ما از هر نقص و آرایش پاک و منزّه است و وعده او قطعی و محقق الوقوع است *

وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۲﴾ فَعَلَى الْأَطْيَابِ (الْأَطْيَابِ)

و ابداء در وعده پروردگار خلاف نیست و در هر کار در کمال اقتدار و علم و حکمت است * پس

مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبِكِ

باید بر پاکان اهل بیت پیغمبر و علی صلی الله علیهما و آلهما گریه

الْبَاكُونَ ﴿۱۳﴾ وَآيَاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ ﴿۱۴﴾ وَ لِمِثْلِهِمْ فَلْتَذْرِفِ (فَلْتَذْرِفِ)

کنند * و بر آن مظلومان عالم، ندبه و افغان کنند * و برای مثل آن بزرگواران، اشک

(فَلْتَذْرِفِ) الدَّمُوعُ ﴿۱۵﴾ وَ لِيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ ﴿۱۶﴾ وَ يَضِجُ (يَضِجُ) الضَّاجُونَ ﴿۱۷﴾

از دیدگان بیارند * و ناله و زاری * و ضجه و شیون *

وَ يَعْجُ (يَعْجُ) الْعَاجُونَ ﴿۱۸﴾ آيِنَ الْحُسَيْنِ آيِنَ الْحُسَيْنِ ﴿۱۹﴾ آيِنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ

از دل برکشند * که کجاست حسن بن علی کجاست حسین بن علی * کجايند فرزندان حسین

صَالِحٍ بَعْدَ صَالِحٍ ﴿۲۰﴾ وَ صَادِقٍ بَعْدَ صَادِقٍ ﴿۲۱﴾ آيِنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ

* آن پاکان عالم * آن راستگویان * که هر یک بعد از دیگری، رهبر راه خدا

آيِنَ الْخَيْرَةِ بَعْدَ الْخَيْرَةِ ﴿۲۲﴾ آيِنَ الشَّمْسِ الطَّالِعَةِ ﴿۲۳﴾ آيِنَ الْأَقْمَارِ الْمُنِيرَةِ

* و برگزیده از خلق خدا بودند * کجا رفتند خورشیدهای تابان * کجا رفتند ماههای فروزان

آيِنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ ﴿۲۴﴾ آيِنَ أَعْلَامِ الدِّينِ وَ قَوَاعِدِ الْعِلْمِ ﴿۲۵﴾ آيِنَ بَقِيَّةِ

* کجا رفتند ستارگان درخشان * کجا رفتند آن رهنمایان دین و ارکان علم و دانش * کجاست حضرت بقیة الله

اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُومِنَ الْعَتْرَةَ الْهَادِيَةِ ﴿۲۶﴾ آيِنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ ﴿۲۷﴾

که عالم خالی از عترت هادی امت نخواهد بود * کجاست آنکه برای برکندن ریشه ظالمان و ستمگران عالم مهیا گردید *

آيِنَ الْمُنْتَظَرِ الْإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَ الْعَوْجِ ﴿۲۸﴾ آيِنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجُورِ

کجاست آنکه منتظریم اختلاف و کج رفتاریها را به راستی اصلاح کند * کجاست آنکه امید داریم اساس ظلم و عدوان

وَ الْعُدْوَانَ ﴿۲۹﴾ آيِنَ الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَايِضِ وَ السُّنَنِ ﴿۳۰﴾ آيِنَ الْمُتَخَيَّرِ

را از عالم براندازد * و کجاست آنکه برای تجدید فرایض و سنن ذخیره است * کجاست آنکه برای

(الْمُتَّخَذِ) لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَ الشَّرِيعَةِ ﴿۳۱﴾ آيِنَ الْمُؤَمَّلِ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ

برگردانیدن ملت و شریعت مقدس اسلام اختیار گردیده * کجاست آنکه آرزومندیم کتاب آسمانی قرآن و حدود

وَحُدُودِهِ * اَيْنَ مَحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ اَهْلِهِ * اَيْنَ قَاصِمِ شَوْكَةِ

آن را احیا سازد * کجاست آنکه دین و ایمان و اهل ایمان را زنده گرداند * کجاست آنکه شوکت ستمکاران را

المُعْتَدِينَ * اَيْنَ هَادِمِ اَبْنِيَةِ الشَّرِكِ وَ النِّفَاقِ * اَيْنَ مَبِيدِ اَهْلِ الفُسُوقِ

درهم می‌شکنند * کجاست آنکه بنا و سازمان‌های شرک و نفاق را ویران می‌کند * کجاست آنکه اهل فسق و عصیان

وَ العِصْيَانِ وَ الطُّغْيَانِ * اَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الغَى وَ الشِّقَاقِ (النِّفَاقِ) *

و ظلم و طغیان را نابود می‌گرداند * کجاست آنکه نهال گمراهی و دشمنی و عناد را از زمین بر می‌کند *

اَيْنَ طَامِسِ اَثَارِ الزَّيْغِ وَ الِاهْوَاءِ * اَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ الكَذِبِ (الكَذِبِ)

کجاست آنکه آثار اندیشه باطل و هواهای نفسانی را محو و نابود می‌سازد * کجاست آنکه رشته و دسیسه‌های دروغ و افتراء را از

وَ الافتراءِ * اَيْنَ مَبِيدِ العُتَاةِ وَ المَرَدَةِ * اَيْنَ مُسْتَاصلِ اَهْلِ العِنَادِ

ریشه قطع خواهد کرد * کجاست آنکه متکبران سرکش عالم را هلاک و نابود می‌گرداند * کجاست آنکه مردم ملحد معاند با حق را و

وَ التَّضْلِيلِ وَ الاحْزَادِ * اَيْنَ مُعْزِ اَوْلِيَاءِ وَ مُذِلِّ اَعْدَاءِ * اَيْنَ جَامِعِ

گمراه کننده خلق را ریشه کن خواهد کرد * کجاست آنکه دوستان خدا را عزیز و دشمنان خدا را ذلیل خواهد کرد * کجاست آنکه

الكَلِمَةِ (الكَلِمِ) عَلَى التَّقْوَى * اَيْنَ بَابِ اللّٰهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى * اَيْنَ

مردم را بر وحدت کلمه تقوی و دین مجتمع می‌سازد * کجاست باب الهی که از آن درگاه وارد می‌شوند * کجاست

وَجْهَ اللّٰهِ الَّذِي اِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ اَوْلِيَاءِ * اَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلِ بَيْنَ

آن وجه الهی که دوستان خدا به سوی او روی آورند * کجاست آن وسیله حق که بین آسمان و

الْاَرْضِ وَ السَّمَاءِ * اَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الفَتْحِ وَ نَاشِرِ رَايَةِ الهُدَى * اَيْنَ

زمین پیوسته است * کجاست صاحب روز فتح و برافرازننده پرچم هدایت در جهانیان * کجاست آنکه

مُؤَلِّفِ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَ الرِّضَا * اَيْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الانْبِيَاءِ وَ اَبْنَاءِ

پریشانی‌های خلق را اصلاح و دلها را خشنود می‌سازد * کجاست آنکه از ظلم و ستم امت بر پیغمبران و اولاد

الانْبِيَاءِ * اَيْنَ الطَّالِبِ (المُطَلِّبِ) بِدَمِ المَقْتُولِ بِكِرْبَلَاءِ * اَيْنَ المَنْصُورِ

پیغمبران دادخواهی می‌کند * کجاست آنکه از خون شهید کربلا انتقام خواهد کشید * کجاست آن پیروز که خدا بر

عَلَى مَنْ اَعْتَدَى عَلَيْهِ وَ افْتَرَى * اَيْنَ المُضْطَرِّ الَّذِي يُجَابُ اِذَا دَعَا *

متعدیان و مفتربیان و ستمکارانش او را مظفر و منصور می‌گرداند * کجاست آنکه دعای خلق پریشان و مضطر را اجابت می‌کند *

اَيْنَ صَدْرِ المَخْلَاقِ (المَخْلَافِ) ذُو البرِّ وَ التَّقْوَى * اَيْنَ ابْنِ النَّبِيِّ المُصْطَفَى

کجاست امام قائم و صدرنشین عالم، دارای نیکوکاری و تقوی * کجاست فرزند پیغمبر محمد مصطفی «ص»

وَ ابْنِ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَىٰ * وَ ابْنَ خَدِيجَةَ الْغُرَّاءِ * وَ ابْنَ فَاطِمَةَ

* و فرزند علی مرتضی * و فرزند خدیجه بلند مقام * و فرزند فاطمه زهرا بزرگترین

الْكُبْرَى * يَا اَبِي اَنْتَ وَ اُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ وَ الْحَمِي * يَا ابْنَ السَّادَةِ

زنان عالم * پدر و مادرم فدای تو و جانم نگهدار و حامی ذات پاک تو باد * ای فرزند بزرگان

الْمُقَرَّبِينَ * يَا ابْنَ النُّجَبَاءِ الْاَكْرَمِينَ * يَا ابْنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ

مقربان خدا * ای فرزند اصیل و شریف و بزرگوارترین اهل عالم * ای فرزند هادیان

(الْمُهْتَدِينَ) * يَا ابْنَ الْخَيْرَةِ الْمُهْدَبِينَ * يَا ابْنَ الْغَطْرِفَةِ الْاَنْجَبِينَ * يَا

هدایت یافته * ای فرزند بهترین مردان مهذب * ای فرزند بزرگان شرافتمندان خلق * ای

ابْنَ الْاَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ (الْمُسْتَظْهَرِينَ) * يَا ابْنَ الْخَضْرَاءِ الْمُنْتَجَبِينَ

فرزند نیکوترین پاکان عالم * ای فرزند جوانمردان برگزیدگان

* يَا ابْنَ الْقِمَاقِمَةِ الْاَكْرَمِينَ (الْاَكْبَرِينَ) * يَا ابْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ * يَا ابْنَ

* ای فرزند مهتر گرامی‌تران * ای فرزند ماه‌های تابان * ای فرزند

السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ * يَا ابْنَ الشُّهْبِ الثَّاقِبَةِ * يَا ابْنَ الْاَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ *

چراغ‌های فروزان * ای فرزند روشنایی‌های درخشان * ای فرزند ستارگان زیبا *

يَا ابْنَ السَّبِيلِ الْوَاضِحَةِ * يَا ابْنَ الْاَعْلَامِ الْلَاثِحَةِ * يَا ابْنَ الْعُلُومِ

ای فرزند راه‌های روشن خدا * ای فرزند نشانه‌های آشکار حق * ای فرزند علوم

الْكَامِلَةِ * يَا ابْنَ السَّنَنِ الْمَشْهُورَةِ * يَا ابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ * يَا ابْنَ

کامل الهی * ای فرزند سنن و قوانین معروف آسمانی * ای فرزند معالم و آثار ایمان که مذکور است * ای

الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ * يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ (الْمَشْهُورَةِ) * يَا ابْنَ

فرزند معجزات محقق و موجود * ای فرزند راهنمایان محقق و مشهود خلق * ای

الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ * يَا ابْنَ النَّبَا الْعَظِيمِ * يَا ابْنَ مَنْ هُوَ فِي امِّ الْكِتَابِ

فرزند صراط مستقیم خدا * ای فرزند خبر بزرگ * ای فرزند کسی که در ام کتاب

لَدَى اللَّهِ عَلَى حَكِيمٍ * يَا ابْنَ الْاَيَاتِ وَ الْبَيِّنَاتِ * يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ

نزد خدای علی و حکیم است * ای فرزند آیات روشن * ای فرزند ادله

الظَّاهِرَاتِ * يَا ابْنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ * يَا ابْنَ الْحُجُجِ

روشن حق * ای فرزند برهان‌های واضح و آشکار خدا * ای فرزند حجت‌های

الْبَالِغَاتِ * يَا ابْنَ النِّعَمِ السَّابِغَاتِ * يَا ابْنَ طَهٍ وَالْمَحْكَمَاتِ * يَا

بالغه الهی * ای فرزند نعمت‌های عام الهی * ای فرزند طه و محکمت قرآن * ای

ابْنَ یَسٍّ وَالذَّارِيَاتِ * يَا ابْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ * يَا ابْنَ مَنْ دَنَا

فرزند یاسین و ذاریات * ای فرزند سوره طور و عادیات * ای فرزند مقام

فَتَدَلِّي فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى * دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى *
 ختمی مرتبت «ص» آنکه بسیار نزدیک به‌خدایش بود * که نسبت به حضرت علی اعلاى الهی، مقربترین مقام است *

لَيْتَ شِعْرِي إِنْ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى * بَلْ أَىْ أَرْضٍ تُقَلِّدُكَ أَوْ تُرَى *
 کاش می‌دانستم که کجا دل‌ها به ظهور تو قرار و آرام خواهد یافت * آیا به کدام سرزمین اقامت داری *

أَبْرَضَوِي أَوْ غَيْرَهَا * أَمْ ذِي طُوًى * عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْمُخْلَقَ وَلَا تُرَى *
 آیا به زمین رضوا یا غیر آن * یا به دیار ذو طوی متمکن گردیده‌ای * بسیار سخت است بر من که خلق را همه ببینم، و تو را نبینم

وَلَا أَسْمَعُ (أَسْمَعُ) لَكَ حَسِيْسًا وَلَا نَجْوَى * عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيْطَ بِكَ *
 * و هیچ از تو صدایی حتی آهسته هم به گوش من نرسد * بسیار سخت است بر من به واسطه فراق تو، نزدیک من رنج

دُونِي الْبَلْوَى * وَلَا يِنَالُكَ (يِنَالُكَ) مِنِّي ضَجِيحٌ وَلَا شَكْوَى * بِنَفْسِي *
 و بلوی احاطه کند * و ناله زار من به حضرتت نرسد - و شکوه به تو نتوانم * به جانم قسم

أَنْتَ مِنْ مُغِيْبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا * بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ (يَنْزَحُ) عَنَّا *
 که تو آن حقیقت پنهانی که دور از ما نیستی * به جانم قسم که تو آن شخص جدا از مایی که ابدًا جدا نیستی

بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةٌ شَائِقٌ (شَائِقٌ) يَتَمَنَّى * مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرَا *
 * به جانم قسم که تو همان آرزوی قلبی خواسته شده هستی * از سوی مرد و زن اهل ایمانی که از یادت

فَحَنَّا * بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزَّ لَا يُسَامَى * بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ *
 ناله شوق می‌زند * به جانم قسم که تو از سرشت عزتی که بر شما هیچکس برتری نخواهد یافت * و رکن اصیل مجد و شرافت هستی

مَجْدٍ لَا يُجَارَى (لَا يُجَادَى) * بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نِعَمٍ لَا تُضَاهَى * بِنَفْسِي *
 که هیچکس همانند شما نخواهد گردید * به جانم قسم که تو از آن نعمت‌های خاص خدایی که مثل و مانند نخواهد داشت * به جانم

أَنْتَ مِنْ نَصِيْفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوَى * إِلَى مَتَى أَحَارُ (أَجَارُ) فَيْكَ يَا مَوْلَايَ *
 قسم که تو از آن خاندان عدالت و شرفی که احدی برابری با شما نتواند کرد * ای مولای من تا کی در شما حیران و سرگردان باشم

* وَ إِلَى مَتَى وَ أَىْ خِطَابٍ أَصْفُ فَيْكَ * وَ أَىْ نَجْوَى * عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ *
 * تا به کی و به چگونه خطابی درباره تو توصیف کنم * و چگونه راز دل گویم * ای مولای من، بر من

أَجَابَ دُونَكَ وَ (أَوْ) أَنَاغِي * عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَ يَخْذُكَ الْوَرَى *

بسی سخت است و مشکل که پاسخ از غیر تو یابم * سخت و مشکل است بر من که بگیرم از تو و خلق تو را واگذارند *

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى * هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَاطِيلَ مَعَهُ

سخت و مشکل است بر من که بر تو دون دیگری این جریان پیش آمد * آیا کسی هست که مرا یاری کند تا بسی ناله

الْعَوِيلِ وَالْبُكَاءِ * هَلْ مِنْ جَزْوَعٍ فَاسَاعِدْ جَزْعَهُ وَإِذَا خَلَا * هَلْ قَدَيْتَ

فراق و فریاد و فغان طولانی از دل برکشم * کسی هست که جزع و زاری کند * آیا چشمی می‌گرید

عَيْنٌ فَسَاعِدْتَهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى * هَلْ إِلَيْكَ يَا ابْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ

تا چشم من هم با او مساعدت کند و زار زار بگیرد * ای پسر پیغمبر آیا به سوی تو، راه ملاقاتی

فَتَلْقَى * هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمًا مِنْكَ بَعْدَهُ (بَعْدِهِ) فَنَحْظِي * مَتَى نَرُدُّ مَنَا هَلْكَ

هست * آیا امروز به فردایی می‌رسد که به دیدار جمالت بهره‌مند شویم * آیا کی شود که بر جویبارهای رحمت

الرَّوِيَّةِ فَنَرَوْى * مَتَى نَنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى * مَتَى

درآییم و سیراب شویم * کی شود که از چشمه آب زلال تو ما بهره‌مند شویم که عطش ما طولانی گشت * کی شود

نُعَادِيكَ وَ نُرَاوِحُكَ فَنَقِرَّ عَيْنًا * مَتَى تَرَانَا وَ نَرَاكَ * وَ قَدْ نَشَرْتَ لِرِوَاءِ

که ما با تو صبح و شام کنیم تا چشم ما به جمالت روشن شود * کی شود که تو ما را ببینی و ما تو را * و هنگامی که پرچم نصرت و

النَّصْرِ تَرَى * أَتْرَانَا نَحْفُ بِكَ وَ أَنْتَ تَأْمُ الْمَلَا * وَ قَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ

فیروزی در عالم برافراشته‌ای را ببینیم * آیا خواهی دید که ما به گرد تو حلقه زده و تو با سپاه، پُر کرده باشی * تمام زمین را

عَدْلًا * وَ أَدَقَّتْ أَعْدَانُكَ هَوَانًا وَ عِقَابًا * وَ أَبْرَتِ الْعَتَاةَ وَ جَحْدَةَ

سرشار از عدل و داد * و دشمنانت را کیفر خواری و عقاب بچشانی * و سرکشان و کافران و منکران خدا را

الْحَقِّ * وَ قَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ * وَ اجْتَثَّتْ أَصُولَ الظَّالِمِينَ *

نابود گردانی * و ریشه متکبران عالم را قطع کنی * و پایه‌های ستمکاران جهان را از بیخ برکنی *

وَ نَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَافُ الْكَرْبِ

و ما با خاطر شاد به الحمد لله رب العالمین لب برگشاییم * ای خدا، تو برطرف کننده

(الْكَرْبِ) وَ الْبَلْوَى * وَ إِلَيْكَ اسْتَعْدَى فَعِنْدَكَ الْعَدْوَى * وَ أَنْتَ رَبُّ

غم و اندوه دل‌هایی * من از تو داد دل می‌خواهم که تویی دادخواه * و تو خدای

الْآخِرَةِ وَ الدُّنْيَا (وَالْأُولَى) * فَاعِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ عُبَيْدَكَ

دنیا و آخرتی * باری به داد ما برس ای فریادرس فریادخواهان بندگان ضعیف بلا و ستم رسیده

الْمُبْتَلَىٰ * وَارِهِ سَيِّدَهُ * يَا شَدِيدَ الْقُوَى * وَازِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَىٰ وَالْجَوَىٰ

را دریاب * و سید او را برای او ظاهر گردان ای خدای بسیار مقتدر و توانا * لطف کن و ما را به ظهورش از غم و اندوه و سوز دل برهان

* وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ * يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى * وَمَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعَىٰ

* و حرارت قلب ما را فرو نشان ای خدایی که بر عرش، استقرار ازلی داری * و رجوع همه عالم به سوی توست و

وَالْمُنْتَهَىٰ * اللَّهُمَّ * وَنَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِقُونَ (الشَّاكِقُونَ) إِلَىٰ وَوَلِيِّكَ

منتهی به حضرت توست * ای خدا، ما بندگان حقیرت مشتاق ظهور ولی توایم که

الْمُذَكَّرِ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ * خَلَقْتَهُ * لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا * وَأَقَمْتَهُ * لَنَا

او یادآور تو و رسول توست * تو او را آفریده ای برای عصمت و نگاهداری و پناه دین و ایمان ما * و او را برانگیخته ای

قَوَامًا وَمَعَاذًا * وَجَعَلْتَهُ * لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا * فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً

تا قوام و حافظ و پناه خلق باشد * و او را برای اهل ایمان، از ما بندگانت پیشوا قرار دادی * پس تو از ما به آن حضرت

وَسَلَامًا * وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ أَكْرَامًا * وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ * لَنَا مُسْتَقَرًّا

سلام و تحیت برسان * و بدین واسطه مزید کرامت ما گردان * و مقام آن حضرت را مقام

وَمُقَامًا * وَاتِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ يَا هَ إِهَامَانًا * حَتَّىٰ تُوْرِدَنَا جَنَّاتِكَ

و منزل شیعیان قرار ده * و به واسطه پیشوایی او بر ما نعمت را تمام گردان * تا آن بزرگوار به هدایتش ما را

(جَنَاتِكَ) * وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

در بهشت های تو داخل سازد * و با شهیدان راه تو و دوستان خاص تو رفیق گرداند * ای خدا درود فرست بر محمد «ص»

وَأَلِ مُحَمَّدٍ * وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَرَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ *

و آل محمد «ع» * و باز هم درود فرست بر محمد «ص» جد امام زمان که رسول تو و سید و بزرگترین پیغمبران است *

وَعَلَىٰ (عَلَىٰ) أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ * وَجَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةِ الْكُبْرَىٰ فَاطِمَةَ

و بر علی جد دیگرش که سید سلحشور حمله ور در راه جهاد توست * و بر جدّه او صدیقۀ کبری فاطمه دختر

بِنْتِ مُحَمَّدٍ * وَعَلَىٰ مِنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةِ * وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ

حضرت محمد «ص» * و بر آنان که تو برگزیدی، از پدران نیکوکار او، بر همه آنان و بر او * بهتری

وَأَكْمَلُ وَآتَمُّ * وَادْوَمُ وَأَكْثَرُ * وَأَوْفَرُ مَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْ

و کاملتر و پیوسته * و دائمی و بیشتر * و وافرترین درود و رحمتی فرست که بر احدی

أَصْفِيَانِكَ * وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ * وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا غَايَةَ

از برگزیدگان * و نیکان خلقت چنین رحمتی کامل عطا کردی * و باز رحمت و درود فرست بر او، رحمتی که شمارش

لَعَدَدِهَا * وَلَا نِهَآيَةَ لِمَدَدِهَا * وَلَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا * **اللَّهُمَّ** وَاقِمْ بِهِ

بی حد باشد * و انبساطش بی انتها باشد * و زمانش بی پایان باشد * ای خدا و به واسطه وجود آن حضرت، دین حق را

الْحَقِّ * وَادْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ * وَادِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ * وَادْزِلْ بِهِ أَعْدَاءَكَ

پاینده دار * و اهل باطل را محو و نابود ساز * و دوستانت را با آن حضرت هدایت فرما * و دشمنانت را به واسطه او ذلیل و خوار گردان

* وَصِلِ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ * وَصَلَّةٌ تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ *
* و ای خدای منان، ما و او را پیوند * و اتصالی کامل ده که منتهی شود به رفاقت ما با پدران

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ * وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ * وَاعْنَأْ عَلَيَّ

و ما را از آن کسان قرار ده که چنگ به دامان آن بزرگواران زده است * و در سایه آنان زیست می کند * و ما را یاری کن

تَأْدِيَةَ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ * وَالْأَجْتِهَادَ فِي طَاعَتِهِ * وَاجْتِنَابَ مَعْصِيَتِهِ *
بر اداء حقوق آن حضرتش * و جهد و کوشش در طاعتش * و دوری از عصیان

وَآمِنُ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ * وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ * وَرَحْمَتَهُ * وَدُعَائِهِ *
و بر ما به رضا و خشنودی آن حضرت منت گذار * و رأفت و مهربانی و دعاء خیر و برکت وجود مقدسش را به ما موهبت فرما

وَخَيْرُهُ * مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ * وَفَوْزًا عِنْدَكَ * وَاجْعَلْ

تا بدین واسطه ما به رحمت واسعه * و فوز سعادت نزد تو نایل شویم * و به واسطه آن حضرت

صَلَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً * وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً * وَدُعَائِنَا بِهِ مُسْتَجَابًا *
نماز ما را مقبول * و گناهان ما را آمرزیده * و دعای ما را مستجاب ساز *

وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً * وَهُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً * وَحَوَائِجَنَا بِهِ

و روزی های ما را به واسطه او وسیع * و هم و غم ما را برطرف * و حاجت های ما را

مَقْضِيَةً * وَاقْبَلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ * وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ *
برآورده گردان * و بر ما به وجه کریمت، اقبال و توجه فرما * و تقرب و توسل ما را به سوی خود بپذیر *

وَانْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ * نَسْتَكْمِلُ (نَسْتَكْمِلُ) بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ

و بر ما به رحمت و لطف، نظر فرما * تا ما بدان نظر لطف، کرامت نزد تو را به حد کمال رسانیم

* ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَلَيْنَا بِجُودِكَ * وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ

* آنگاه دیگر هرگز نظر لطف را از ما به کرمّت باز مگیر * و ما را سیراب کن از حوض کوثر جدش پیغمبر

عَلَيْهِ وَآلِهِ * بِكَاسِهِ وَبِيَدِهِ * رِيًّا رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِعًا * لَا ظَمًا

صلی الله علیه و آله * به کاسه او و به دست او * سیرابی کامل گوارایی خوش * که بعد از آن سیراب شدن

بَعْدَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ﴿۲﴾ پس نماز زیارت به جا می آوری به نحوی که گذشت و دعا می کنی

دیگر تشنه نشویم ای مهربانترین مهربانان عالم *

به آنچه خواهی، که به اجابت خواهد رسید ان شاء الله. ﴿۲﴾ امر دویم: زیارتی است که هر روز بعد از نماز صبح

مولای ما صاحب الزمان (عجل الله فرجه) به آن زیارت کرده می شود و آن زیارت این است: **اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ**

پروردگارا بر آقای ما

صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ * عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه * از تمام مرد و زن اهل ایمان

فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا * وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا

که در مشرق و مغربهای عالمند * و در بر و بحر و کوه و بیابان جهانند *

حَيْهَمَ وَ مَيَّتَهُمْ * وَ عَنِ الْوَالِدِي وَ وُلْدِي وَ عَنِّي * مِنَ الصَّلَوَاتِ

و از همه زندگان و مردگان * و از جانب پدر و مادر و فرزندان من * تحیتی و درودی فرست

وَ التَّحِيَّاتِ زَنَةَ عَرْشِ اللَّهِ * وَ مَدَادِ كَلِمَاتِهِ * وَ مُنْتَهَى رِضَاهُ * وَ عَدَدِ

که به وزن عرش خدا * و به مقدار مداد کلمات خدا باشد * و به منتهای خشنودی و رضای او * و به عدد

مَا أَحْصَاهُ كِتَابَهُ * وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ لَهُ فِي هَذَا

آنچه در کتاب او به شمار آمده * و علم او احاطه بر آن کرده * پروردگارا من باز تجدید می کنم

الْيَوْمِ وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ * عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً فِي رِقَبَتِي * اللَّهُمَّ كَمَا شَرَفْتَنِي

عهد و عقد بیعتی را که * از آن حضرت بر گردن جان من است * پروردگارا چنانکه مرا به این

بِهَذَا التَّشْرِيفِ * وَ فَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ * وَ خَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ

شرافت سرفراز فرمودی * و به این فضیلت گرامی داشتی * و به این نعمت بزرگم اختصاص

النِّعْمَةِ * فَصَلِّ عَلَيَّ مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ * وَ اجْعَلْنِي مِنْ

دادی * پس پروردگارا درود فرست بر مولای من و آقای من حضرت صاحب الزمان * و مرا هم از یاران

أَنْصَارِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ الذَّابِّينَ عَنْهُ * وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ

آن بزرگوار و پیروان و مدافعین و نصرت کنندگانش قرار ده * و از آنان که در رکاب حضرتش به درجه رفیع شهادت می رسند با کمال

يَدِيهِ * طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَ أَهْلَهُ * فِي كِتَابِكَ

شوق * و بی هیچ گونه کراهت بگردان در آن صف لشکر آن بزرگوار که در کتاب مجید خود اهل آن صف را مدح و توصیف کردی *

فَقُلْتُ ﴿صَفَاكَانَهُمْ بِنْيَانٍ مَرَّصُوصٍ﴾ عَلَى طَاعَتِكَ ﴿وَطَاعَةِ رَسُولِكَ﴾

که فرمودی در قرآن، آنها صفا باشند که در راه اطاعت تو * و اطاعت رسول تو و اهل بیت پیغمبرت علیهم السلام گویی

وَأَلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ﴿اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ وَفِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾

در استقامت به مانند سد آهن ایستاده‌اند * پروردگارا این بیعت و عهد در گردن جان من تا قیامت از او خواهد بود. *

❁ مؤلف گوید که: علامه مجلسی در بحار فرموده که من در بعض کتب قدیمه دیده‌ام که بعد از این زیارت دست

راست را به دست چپ بزند مثل زدن در بیعت. و بدان نیز که ما در اعمال سرداب مقدس چهار زیارت نقل کردیم

و این زیارت، زیارت پنجم کتاب ما محسوب می‌شود. و در باب اول در ذکر زیارات حجج طاهره در ایام هفته

زیارتی نیز برای آن حضرت نقل کردیم که در روزهای جمعه به آن نیز زیارت کرده شود. ﴿۳﴾ امر سیم: **دعای**

عهد است از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و

اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر

کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند و آن عهد این است: **اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ**

پروردگارا ای رب نور حقیقی

الْعَظِيمِ ﴿وَرَبِّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ﴾ ﴿وَرَبِّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ﴾ ﴿وَمُنْزَلِ

وجود کامل * و خداوند کرسی با رفعت * و خداوند دریای احسان * و ای نازل کننده

التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ ﴿وَرَبِّ الظِّلِّ وَ الْحُرُورِ﴾ ﴿وَمُنْزَلِ الْقُرْآنِ

کتاب آسمانی تورات موسی (ع) و انجیل عیسی (ع) و زبور داود (ع) * و ای پروردگار سایه و آفتاب گرم * و ای نازل کننده

(الْفُرْقَانِ) الْعَظِيمِ ﴿وَرَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ﴾ ﴿وَالْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ﴾

قرآن عظیم الشأن * و ای پروردگار ملائک مقرب * و پیغمبران و رسولان *

﴿اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ (بِاسْمِكَ) الْكَرِيمِ﴾ ﴿وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ﴾

پروردگارا همانا از حضرتت درخواست می‌کنم به حق ذات بزرگواریت * و به نور جمال بی‌مثالت که عالم به آن روشن است *

﴿وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ﴾ ﴿يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ﴾ ﴿أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ

و به ملک قدیم و سلطنت ازلیت * ای زنده ابدی و ای پاینده سرمد * از تو درخواست می‌کنم به حق آن اسمی که

السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ﴾ ﴿وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلَحُ بِهِ الْأَوَّلُونَ

آسمانها و زمینها را به آن اسم نور وجود بخشیدی * و به آن اسمی که اولین و آخرین اهل عالم را به آن

وَ الْآخِرُونَ﴾ ﴿يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ﴾ ﴿وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ﴾ ﴿وَيَا حَيًّا

اصلاح و تربیت دادی * ای زنده پیش از هر زنده ای زنده ابدی بعد از هر زنده * ای زنده

حِينَ لَا حَيَّ * يَا مُحْيِي الْمَوْتَى * وَ مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ * يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا

هنگامی که احدی زنده نبود * ای زنده کننده مردگان * و میراننده زندگان عالم * ای زنده بالذات که غیر تو

أَنْتَ * اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ * الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ *
خدايي نيست * پروردگارا تو بر مولای ما حضرت امام عصر هادی امت و مهدی آل محمد * قیام کننده به فرمان تو *

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ * عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ
که درود خدا بر او و بر پدران پاک گوهر او باد * از تمام مرد و زن

وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا * سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا * وَ بَرِّهَا
اهل ایمان که در مشرق و مغربهای زمین هستند * و در صحرا و کوه * و بر و بحر

وَ بَجْرِهَا * وَ عَنِّي وَ عَنِّ وَالدِّيَّ مِنَ الصَّلَوَاتِ زَنَةَ عَرْشِ اللَّهِ * وَ مَدَادَ
عالمند * از من و پدر و مادر من بر او درود و تحیتی فرست برابر عرش خدا * و به قدر مداد

كَلِمَاتِهِ * وَ مَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ * (كِتَابَهُ) * وَ أَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ * (عِلْمُهُ) *
کلمات حق * و آنچه که علم خدا احصاء * و کتاب آفرینش حق احاطه بر آن نموده است *

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَهُ * فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا * وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي *
پروردگارا من در صبح همین روزم و تمام ایامی که در آن زندگانی کنم با او تجدید می‌کنم *

عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ * فِي عُنُقِي * لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أَزُولُ أَبَدًا *
عهد خود و عقد بیعت او را که بر گردن من است * که هرگز از این عهد و بیعت برنگردم و تا ابد بر آن ثابت قدم باشم *

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ * وَ الذَّابِّينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ
پروردگارا مرا از انصار و یاران آن بزرگوار قرار ده * و از آنان که از او دفاع می‌کنند

إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ * وَ الْمُتَمَثِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ * وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ *
و از پی انجام مقاصدش می‌شتابند * و اوامرش را امثال * و از وی حمایت کرده *

وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ * وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ * اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ
و به‌جانب اراده‌اش مشتاقانه سبقت می‌کنند * و در حضور حضرتش به درجه رفیع شهادت می‌رسند مرا از آنان مقرر فرما * پروردگارا

بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتَ الَّذِي جَعَلْتَهُ * عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا *
اگر میان من و او موت که بر تمام بندگان قضای حتمی قرار داده‌ای جدایی افکند *

فَاخْرَجْنِي مِنْ قَبْرِي مُوتِرًا كَفَنِي * شَاهِرًا سَيْفِي * مُجْرَدًا قِنَاتِي *
پس مرا از قبر برانگیز در حالی که کفنم را ازار خود کرده * و شمشیرم را از نیام برکشیده * و لبیک گویمان *

پس مرا از قبر برانگیز در حالی که کفنم را ازار خود کرده * و شمشیرم را از نیام برکشیده * و لبیک گویمان *

مَلْبِيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي * اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلَعَةَ

دعوتش را که بر تمام مردم شهر و دیار عالم لازم الاجابه است اجابت کنم * ای خدا به ما آن طلعت زیبای

الرَّشِيدَةَ * وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ * وَ اكْحُلْ نَاضِرِي بِنُظْرَةٍ مَنِيَّ إِلَيْهِ *

رشید را بنما * و از پرده غیب پدیدار کن * و سرمه نور و روشنی ابد به یک نظر بر آن جمال مبارک به چشم من درکش *

وَ عَجَلْ فَرْجَهُ * وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ * وَ أَوْسِعْ مَنَهَجَهُ * وَ اسْلِكْ بِي

و فرج آن حضرت را نزدیک * و خروجش را آسان ساز * و توسعه در طریق وی عطا فرما * و مرا به طریقۀ با حجت و بیان

مَحَجَّتَهُ * وَ أَنْفِذْ أَمْرَهُ * وَ اشْدُدْ أَرْزَهُ * وَ اعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ *

او سلوک ده * و فرمان آن حضرت را نافذ گردان * و پشت او را قوی ساز * و ای خدا شهر و دیارت را به وجود او معمور ساز *

وَ أَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ * فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلِكَ الْحَقُّ * ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ

و بندگانت را به واسطه او زنده ساز * چون تو خود فرمودی و کلام تو حق و حقیقت است * فرمودی (ظهر الفساد

وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ) * فَازْهَرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَ لِيكَ وَ ابْنِ

فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس) * پس تو ای پروردگار ولی خود و پسر

بِنْتِ نَبِيِّكَ * الْمَسْمُومِ بِاسْمِ رَسُولِكَ * حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِّنْ

دختر پیغمبرت را * که مسمومی به نام پیغمبرت است بر ما از پرده غیب ظاهر فرما * تا آنکه بر هر باطل ظفر یابد

الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَهُ * وَ يَجِزْ الْحَقُّ وَ يُحَقِّقَهُ * وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا

و آن را محو و نابود سازد * و حق را ثابت و محقق گرداند * و آن حضرت را ای پروردگار فریادرس

لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ * وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ وَ نَاصِرًا غَيْرِكَ * وَ مَجِدِّدًا

بندگان مظلومت قرار ده * و ناصر و یاور آنان که جز تو ناصر و یاری ندارند * و مجدد احکامی

لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ * وَ مُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ *

از قرآن مجیدت که تعطیل شده * و رفعت و استحکام بخش کاخ شعایر آیینت *

وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ * وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَمَّنْ حَصَّنَتْهُ *

و سنن پیغمبر اکرمت صلی الله علیه و آله * و او را ای پروردگار از بیداد ستمکاران

مَنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ * اللَّهُمَّ وَ سِرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

در حفظ و امان خود بدار * پروردگارا و پیغمبر اکرمت حضرت محمد صلی الله علیه و آله را شاد و مسرور گردان

وَ آلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ * وَ مَنْ تَبِعَهُ * عَلَى دَعْوَتِهِ * وَ ارْحَمْ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ *

به دیدار او * و پیروانش که دعوت حضرتش را اجابت کردند * و ای خدا بر حال زار پریشان ما بعد از او ترحم فرما

اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغَمَّةَ عَن هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ * وَ عَجِّلْ لَنَا

* ای خدا غم و اندوه دوری آن بزرگوار را به ظهورش از قلوب این امت برطرف گردان * و برای آرامش دل‌های ما

ظُهُورِهِ * انْهَمْ يَرُونَهُ وَ بَعِيدًا وَ نَرَاهُ قَرِيبًا * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

به ظهورش تعجیل فرما * که مخالفان بعید دانند و ما فرج و ظهورش را نزدیک می‌دانیم * ای خدا ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ * پس سه مرتبه دست بر ران راست خود می‌زنی و در هر مرتبه می‌گویی: الْعَجَلِ

مهربانان عالم * و تعجیل و

الْعَجَلِ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ﴿٤﴾ امر چهارم: سید بن طاوس فرموده که چون

شتاب فرما ای مولای من ای صاحب الزمان.

خواستی مرخص شوی از حرم شریف آن حضرت، برگرد به سوی سرداب منیف و نماز کن در آن هرچه خواهی

پس بایست رو به قبله و بگو: اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَ لِيكَ وَ این دعا را تا به آخر ذکر نموده آنگاه فرموده پس

بخوان خدا را بسیار و برگرد با سعادت انشاء الله تعالی. * مؤلف گوید که: شیخ در مصباح این دعا را در اعمال

روز جمعه از حضرت امام رضا (علیه السلام) نقل کرده و ما نیز این دعا را به نحوی که شیخ از آن حضرت نقل کرده نقل

می‌نماییم، فرموده: روایت کرده یونس بن عبدالرحمن که حضرت امام رضا (علیه السلام) امر می‌فرمودند به دعا کردن

از برای حضرت صاحب الامر (علیه السلام) به این دعا: اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَ لِيكَ وَ خَلِيفَتِكَ * ای پروردگار تو هر بلا را دفع کن از ولی خود

و حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ * وَ لِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ عَنكَ * النُّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ

و خلیفه خویش و حجت بر خلق عالمت * و زبانت که از تو به سخن آید * و به حکمت بالغه تو گویا باشد

وَ عَيْنِكَ النَّاطِرَةِ بِأَذْنِكَ * وَ شَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ * الْجَحْجَاحِ

* و چشم بینای تو که به امر تو می‌نگرد * و گواه بندگان تو * و بزرگترین مجاهدان

الْمُجَاهِدِ * الْعَائِدِ بِكَ * الْعَابِدِ عِنْدَكَ * وَ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا

در راه تو * و پناه آورنده به حضرتت * و بندگی حضور حضرتت کند * و او را ای خدا از شر جمیع

خَلَقْتَ * وَ بَرَاتَ وَ انْشَاتَ وَ صَوَّرْتَ * وَ أَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ

مخلوقات * که انشاء و ایجاد فرمودی در پناه خود حفظ کن * و از شرور پیش رو و پشت

خَلْفِهِ * وَ عَنِ يَمِينِهِ وَ عَنِ شِمَالِهِ * وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ * بِحِفْظِكَ

سر * و طرف راست و چپ * و از فوق و تحت از همه آنها او را حفظ کن * که هر کس را

الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ * وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ ءَابَاءَهُ * ائِمَّتَكَ

تو حفظ کنی مصون از هر فساد و نابودی است * و نیز به وجود مبارک او پیغمبر اکرم و پدران او ائمه هدی را که ارکان دین تو

وَ دَعَائِمَ دِينِكَ * وَ اجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ * وَ فِي جَوَارِكَ

هستند همه را حفظ فرما * و او را قرار ده در مخزن ودایع خود * که هرگز ضایع در جوار

الَّذِي لَا يُخْفَرُ * وَ فِي مَنَعِكَ وَ عَزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ * وَ ءَامِنَهُ بِأَمَانِكَ

تو نخواهد شد * و در آن محیط قوت و عزتت که هرگز کسی مقهور نمی‌گردد * و او را در پناهگاه محکم

الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مِنْ ءَامْنَتِهِ بِهِ * وَ اجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ

و استوار خود ایمن بدار که هر کس آنجا درآید در امان از هر خذلان است * و او را در کنف حمایت خود بدار که هر کس در

مَنْ كَانَ فِيهِ * وَ أَنْصَرَهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ * وَ آيِدَهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ *

آنجاست بی‌آرام و ناشاد نگردد * و او را به نصرت با عزت خود منصور دار * و به سپاه غالب و قاهر خویش مؤید فرما *

وَ قُوَّهُ بِقُوَّتِكَ * وَ أَرْدِفَهُ بِمَلَائِكَتِكَ * وَ وَاوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ

و به قوت و نیروی (نامتناهی) خود قوی و نیرومند گردان * و فرشتگانت را با او همراه ساز * و دوستانش را دوست دار و دشمنانش

* وَ الْبَسَهُ دِرْعَكَ الْمُحْصِنَةَ * وَ حَفَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ حَفًّا * اللَّهُمَّ

را دشمن دار * و جوشن حفظ خود را بر او بپوشان * و گرداگرد وجود مبارکش فرشتگان را برای محافظت بدار * پروردگارا

اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ * وَ ارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ * وَ أَمْتْ بِهِ الْجُورَ * وَ أَظْهِرْ بِهِ

تفرقه و پیریشانیهای خلق را به وجود او جمع گردان * و رخنه‌های خلق را مسدود ساز * و جور و ظلم را نابود * و حکومت عدل و عدالت کامل را به وجود حضرتش

الْعَدْلَ * وَ زَيْنَ بَطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ * وَ آيِدَهُ بِالنَّصْرِ * وَ أَنْصَرَهُ بِالرُّعْبِ

در جهان ظاهر ساز * و اهل زمین را به طول بقای او زینت و کمال بخش * و به یاری خود آن حضرت را مؤید فرما * و به رعب و ترس دشمنان از او او را منصور بر

* وَ قَوِّ نَاصِرِيهِ * وَ اخْذُلْ خَاذِلِيهِ * وَ دَمِّمْ مَنْ نَصَبَ لَهُ * وَ دَمِّرْ

دشمنان ساز * یاوران او را قوی و نیرومند * و آنانکه ترک یاری او کنند آنها را مخدول و مغلوب ساز * و آنانکه به دشمنی او قیام کنند هلاک گردان * و کسانی

مَنْ غَشَهُ * وَ اقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ عَمَدَهُ * وَ دَعَائِمَهُ * وَ

که با او مکر و دغل ورزند نابود ساز * و ستمگران اهل کفر و سرکشان و رؤسای آنها را به شمشیر آن حضرت به خاک هلاک انداز *

وَ اقْصِمْ بِهِ رُءُوسَ الضَّلَالَةِ * وَ شَارِعَةَ الْبِدْعِ * وَ مُمِيتَةَ السُّنَّةِ *

و پشت رؤسای ضلالت را به واسطه او بشکن * و کسانی که وضع بدعت * و محو سنت الهی کنند *

وَ مَقْوِيَةَ الْبَاطِلِ * وَ ذَلِّلْ بِهِ الْجُبَّارِينَ * وَ اَبْرِ بِهِ الْكَافِرِينَ * وَ جَمِيعَ

و باطل را قوی سازند در هم شکن * و به وجود آن بزرگوار جباران ظالم را ذلیل گردان * و کافران * و ملحدان

الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا * وَبَرِّهَا وَبَجْرِهَا * وَسَهْلِهَا

بی‌دین را از تمام روی زمین از مشرق و مغرب * و بر و بحر * و صحرا و کوه ریشه کن

وَجَبَلِهَا * حَتَّى لَا تَدْعَ مِنْهُمْ دِيَارًا * وَلَا تَبْقَى لَهُمْ آثَارًا * اللَّهُمَّ طَهِّرْ

ساز * که دیگر دیاری از کافران * و اثری از آثار ملحدان در جهان باقی نگذاری * پروردگارا دیار خود را پاک

مِنْهُمْ بِلَادَكَ * وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ * وَأَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ * وَأَحْيِ بِهِ

از آن پلیدان ساز * و دل‌های بندگان را از هلاک آنها شاد گردان * و اهل ایمان را به وجودش عزت بخش * و سنن

سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ * وَدَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ * وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ

و احکام رسولان الهی * و پیغمبران خدا را که مندرس شده به واسطه او زنده ابد ساز * و آنچه از کاخ دین و حکم شرع تو را که

دِينِكَ * وَبَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ * حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ * وَ عَلَى يَدَيْهِ

ویران ساخته * و تغییر و تبدیل داده‌اند به وجودش از نو بنیاد کن * تا آنکه به واسطه او * و به دست او

جَدِيدًا غَضًّا مُحَضًّا صَحِيحًا لَا عِوَجَ فِيهِ * وَلَا بَدْعَةَ مَعَهُ * وَ حَتَّى

شرعی جدید و آیینی کاملاً تازه که با آن هیچ ناراستی * و بدعت نباشد برای امت باز آید * و تا آنکه

تُنِيرَ بَعْدْلَهُ ظُلْمَ الْجُورِ * وَ تَطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ * وَ تُوَضِّحَ بِهِ

به عدل او بنیان ظلم و جور را نابود سازی * و آتش کفر را به کلی خاموش گردانی * و عهد و پیمان حق را

مَعَاقِدَ الْحَقِّ * وَ مَجْهُولَ الْعَدْلِ * فَإِنَّهُ وَعَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ وَ

آشکار * و اساس عدل که مجهول گردیده مبین و معلوم سازی * زیرا آن حضرت آن بنده با خلوص توسل که او را

لِنَفْسِكَ * وَاصْطَفَيْتَهُ * وَ عَلَى غَيْبِكَ * وَ عَصَمْتَهُ * مِنَ الذُّنُوبِ *

کاملاً خالص برای خود گردانیده‌ای * و برای غیبت خویش برگزیده‌ای * و او را مقام عصمت از گناه *

وَبَرَاتِهِ * مِنَ الْعُيُوبِ * وَ طَهَّرْتَهُ * مِنَ الرَّجْسِ * وَ سَلَّمْتَهُ * مِنَ الدَّنَسِ

و مبرا از هر نقص و عیب * و پاک و منزه از هر رجس و پلیدی * و سالم و پاکیزگی از هر ناپاکی عطا فرمودی

* اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ * وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ * وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ * أَنَّهُ * لَمْ

* پروردگارا پس ما بر او گواهی می‌دهیم در روز قیامت * و روز ورود حادثه بزرگ محشر * که او هیچ گناهی

يُذْنِبُ ذَنْبًا * وَلَا آتَى حُوبًا * وَ لَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً * وَ لَمْ يُضَيِّعْ لَكَ

ابدا نکرده * و جرمی هرگز اتیان ننموده * و مرتکب هیچ معصیتی نشده * و هیچ از طاعتت را ابدًا

طَاعَةً * وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً * وَ لَمْ يَبْدِلْ لَكَ فَرِيضَةً * وَ لَمْ يَغَيِّرْ

ضایع نداشته * و هیچ از حرمتت را هتک ننموده * و ابدًا فریضه‌ای را از فریضت مبدل نساخته * و حکمی از

لَكَ شَرِيعَةً * وَ أَنَّهُ الْهَادِي الْمَهْتَدِي الطَّاهِرُ * أَلْتَقَى النَّقِي الرَضِي

شریعتت را تغییر نداده است * و اوست البته امام هادی خلق رهبر پاک سیرت * با تقوای پاکیزه صفات پسندیده آراسته

الزَّكِي * اَللّٰهُمَّ اَعْطِهْ فِي نَفْسِهِ وَ اَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ * وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ اُمَّتِهِ *
به هر کمال * پروردگارا تو به خود آن حضرت و اهل بیتش و فرزند * و ذریه و امت *

وَ جَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرِّبُهُ بِعَيْنِهِ * وَ تَسْرُبُهُ بِنَفْسِهِ * وَ تَجْمَعُ لَهُ *
و جمیع رعیتش عطایی مرحمت فرما که به آن عطا دیده‌اش روشن * و روانش شاد و مسرور شود * و کشور

مُلْكِ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا * قَرِيبَهَا وَ بَعِيدَهَا * وَ عَزِيزَهَا وَ ذَلِيلَهَا *
تمام مملکت داران عالم * از قریب و بعید آنها * و عزیز و ذلیلشان همه را به او عطا فرما *

حَتَّى تُجْرِيَ حُكْمَهُ * عَلَى كُلِّ حُكْمٍ * وَيَغْلِبَ (تَغْلِبُ) بِحُجَّتِهِ (عَلَى كُلِّ) كَلِّ *
تا آنجا که حکمش بر هر حاکمی نافذ * و حق او را بر هر باطلی غالب

بَاطِلٍ * اَللّٰهُمَّ اسْأَلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى * وَ الْمَحْجَةِ
گردان * پروردگارا تو ما را بر دست مبارک او به راه هدایت بر * و به طریق شرع

الْعُظْمَى * وَ الطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى * الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْغَالِي * وَيَلْحَقُ
عظیم الشأن * و طریقت عدل و درستی * که هر غالی * و هر تالی باید به آن طریق باز گردد

بِهَا التَّالِي * وَ قَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ * وَ ثَبَّتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ * وَ اَمْنُنْ
رهبری فرما * و ما را بر طاعت آن حضرت قوت عطا فرما * و بر پیرویش ثابت قدم بدار * و بر نعمت

عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ * وَ اجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ * الصَّابِرِينَ
متابعتش بر ما منت گذار * و ما را از سپاه آن حضرت که به فرمانش کاملاً قیام کنند * و با او شکیبا

مَعَهُ * الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ * حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي
و صابرنده * و در یاری و مددکاری او صرف رضا و خشنودی تو را طالبند قرار ده * تا آنکه ما را در روز قیامت

أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ * وَ مُقَوِّبَةَ سُلْطَانِهِ * اَللّٰهُمَّ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا
در صف یاران و مددکاران او * و تقویت سلطنتش محسوس سازی * پروردگارا این (درخواست و دعا را)

خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شُبْهَةٍ * وَ رِيَاءٍ وَ سَمْعَةٍ * حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ
برای ما خالص از هر گونه شک و ریب * و ریا و دو رنگی قرار ده * تا آنکه بر او ما به غیر تو اعتماد

غَيْرِكَ * وَ لَا نَطْلُبُ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ * وَ حَتَّى تَحْلُلْنَا مَحَلَّهُ * وَ تَجْعَلْنَا
نکنیم * و جز لقای تو را طالب و مشتاق نباشیم * و تا آنکه ما را به مقام او وارد کنی * و در بهشت

نکنیم * و جز لقای تو را طالب و مشتاق نباشیم * و تا آنکه ما را به مقام او وارد کنی * و در بهشت

فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ * وَاعِدْنَا مِنَ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ * وَاجْعَلْنَا

رضوان با او قرارگاه دهی * و ای خدا ما از خستگی و بی‌میلی و کسالت و سستی در طاعت به تو پناه می‌بریم * و ما را از

مَمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ * وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ * وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا

کسانی که برای احیاء دین خود از او نصرت خواهی * و موفق به اعزاز ولی و حجتت گردانی مقرر فرما * و ما را به غیر ما

غَيْرِنَا * فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرِنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ * وَهُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ

مبدل مگردان * که البته این تبدیل ما به غیر بر تو آسان است * اما برای ما بسیار (گران) است

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وِلَاةِ عَهْدِهِ وَالأئمةِ مِنْ بَعْدِهِ * وَبَلِّغْهُمْ أَمَالَهُمْ *

* پروردگارا درود و رحمت فرست بر والیان عهد او و پیشوایان بعد او * و آن بزرگواران را به آمل و آرزوهای بلندشان نایل ساز *

وَزِدْ فِي أَعْجَابِهِمْ * وَاعِزِّ نَصْرَهُمْ * وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ

و بر عمرشان بیفزای * و نصرت با عزت به آنها عطا فرما * و آنچه به آن پیشوایان الهی از امر دین خود مربوط به آنان فرمودی

أَمْرِكَ لَهُمْ * وَثَبَّتْ دَعَائِمَهُمْ * وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا * وَعَلَى دِينِكَ

در حقشان به حد کمال رسان * و اساس و ارکان آنها را ثبات و دوام بخش * و ما را از یاران آنها * و از انصار دین

أَنْصَارًا * فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ * وَخُزَّانُ عِلْمِكَ * وَارْكَانُ تَوْحِيدِكَ

خود قرار ده * که البته آن بزرگواران معدن کلمات روحانی * و گنجینه علم * و ارکان توحید

* وَدَعَائِمُ دِينِكَ * وَوِلَاةُ أَمْرِكَ وَخَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ * وَصَفْوَتُكَ

* و معرفت و استنهای دین تو * و صاحب اختیاران امر شرع تواند و از بندگان خاص و خالص تو * و برگزیده

مِنْ خَلْقِكَ وَأَوْلِيَاءُوكَ * وَسَلَائِلُ أَوْلِيَائِكَ * وَصَفْوَةُ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ *

از خلق تو و دوستان خاص * و فرزندان محبان خاص * و برگزیده اولاد پیغمبر تواند *

وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ * وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ *

و سلام و تحیت و رحمت خدا بر او و بر پدران بزرگوارش باد. *

فصل (در زیارات جامعه)

و دعایی که بعد از زیارات خوانده می‌شود و صلوات بر حجج طاهره (علیهم‌السلام) و محتوی بر چند مقام است.

① مقام اول: در زیارات جامعه که هر امامی را به آن زیارت می‌توان نمود و آنها بسیار است و ما به ذکر چند

زیارت از آنها اکتفا می‌نماییم. ① زیارت اول: شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه روایت نموده که

از حضرت امام رضا (علیه‌السلام) سؤال کردند در باب آمدن به نزد قبر امام موسی (علیه‌السلام)، فرمودند که: نماز بگذارید

در مسجدهایی که در اطراف قبر آن حضرت است و مجزی است در همه مواضع یعنی در زیارت هر یک از

اِنَّهُمُ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) يَا مُطْلِقَ مَزَارِهَاي شَرِيْفَه مَقْدَسَه مَانَد مَرَاقِدِ اَنْبِيَاءِ وَ سَايِرِ اَوْصِيَاءِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) (كَمَا هُوَ الظَّاهِرُ) اِيْنَكِه بَكُوِيِي:

السَّلَامُ عَلَى اَوْلِيَاءِ اللّٰهِ وَ اَصْفِيَاءِهِ * السَّلَامُ عَلَى اَمْنَاءِ اللّٰهِ وَ اَحْبَابِهِ

سلام بر اولياء خدا و برگزيدگان او باد * سلام بر آنان که امين خدا هستند سلام بر دوستان (خاص) خدا

السَّلَامُ عَلَى اَنْصَارِ اللّٰهِ وَ خُلَفَائِهِ * السَّلَامُ عَلَى مَحَالِ مَعْرِفَةِ اللّٰهِ

* سلام بر ياری کنندگان (دين) خدا و جانشينان و خلفای الهی * سلام بر دلهاي محل معرفت خدا

السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِنِ ذِكْرِ اللّٰهِ * السَّلَامُ عَلَى مُظْهَرِي اَمْرِ اللّٰهِ

* سلام بر قلوب پاک که منزلگاه ذکر خداست * سلام بر آشکار کنندگان امر و نهی

وَ نَهْيِهِ * السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ اِلَى اللّٰهِ * السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقْرِبِينَ فِي

وحي خدا * سلام بر داعيان خلق به سوی خدا * سلام بر آنان که در راه رضای خدا

مَرْضَاةِ اللّٰهِ * السَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللّٰهِ * السَّلَامُ عَلَى

ثابت قدم و پايدارند * سلام بر آنان که در طاعت خدا با اخلاصند * سلام بر رهبران

الْاَدْلَاءِ عَلَى اللّٰهِ * السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مَنَّ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللّٰهِ *

خلق به سوی خدا * سلام بر آنان که هر که آنها را دوست دارد خدا را دوست داشته *

وَ مَنَّ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللّٰهِ * وَ مَنَّ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللّٰهِ * وَ مَنَّ

و هر که با آنها دشمن است با خدا دشمن است * و هر که آنان را شناخت خدا را شناخته * و هر که آن بزرگواران را

جَهَلَهُمْ فَقَدْ جَهَلَ اللّٰهِ * وَ مَنَّ اَعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اَعْتَصَمَ بِاللّٰهِ * وَ مَنَّ

نشناخت خدا را نشناخته است * و هر کس در امان آنها رفت و به آنها چنگ زد در حفظ و امان خدا رفته * و هر کس

تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ * وَ اَشْهَدُ اللّٰهُ اَنِي سَلِمْتُ لِمَن

آنها را وا گذاشت خدای عز و جل را وا گذاشته * و خدا را گواه می گیرم که من صلحم با هر که شما صلح

سَالَمْتُمْ * وَ حَرَبٌ لِمَن حَارَبْتُمْ * مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ * مَفُوضٌ

باشید * و در جنگ و مخالفتم با هر که شما در جنگ و خلاف باشید * و من در ظاهر و باطن به شما ايمان دارم * و کارم را

فِي ذَلِكَ كُلِّهِ اَلَيْكُمْ * لَعْنَةُ اللّٰهِ عَدُوَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ *

در همه حال به شما تفويض کرده ام * خدا لعنت کند دشمنان آل محمد (ع) را از جن و انس *

وَ اَبْرَأُ اِلَى اللّٰهِ مِنْهُمْ * وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ * وَ اِيْنِ زِيَارَتِ دَرْ كِتَابِ

و من به سوی خدا از آنها بيزاری می جويم * و درود خدا بر محمد (ص) و آلش باد. *

کافی و تهذیب و کامل الزیارة نقل شده و در همه کتب بعد از اتمام زیارت مذکور است که این یعنی این کلماتی که ذکر شد مجزی است در همه زیارتها و بسیار صلوات می فرستی بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) و نام می بری یک یک را به نامهای ایشان و بیزاری می جویی از دشمنان ایشان و اختیاری می نمایی هر دعایی را که خواهی از برای خود و مؤمنین و مؤمنات. * مؤلف گوید که: ظاهر آن است که تتمه مذکوره جزء حدیث بوده باشد و بر تقدیری که عبارت بعضی از محدثین باشد چون اعظم مشایخ حدیث چنین فهمیده اند که در همه زیارتها کافی است چنانچه ظاهر اول حدیث بر آن دلالت دارد و در باب زیارات جامعه نقل نموده اند و الفاظ زیارت همه از صفات جامعه است که اختصاص به بعضی ندارد بنابراین خاطر از جامعه بودن این زیارت جمع و خواندن آن در همه مشاهد حتی در مشاهد انبیاء و اوصیاء (علیهم السلام) چنانچه جمعی از علماء در مشهد جناب یونس (علیه السلام) نقل کرده اند مناسب است و چون در ذیل زیارت امر به صلوات بر هر یک بخصوص وارد شده است اگر صلوات منسوبه به ابوالحسن ضراب اصفهانی را که در آخر اعمال روز جمعه نقل کردیم بخوانی بسیار مناسب است. ﴿۲﴾ زیارت دویم: ایضاً شیخ صدوق در فقیه و عیون روایت کرده از موسی بن عبدالله نخعی که گفت عرض کردم به خدمت حضرت امام علی النقی (علیه السلام) که یابن رسول الله مرا تعلیم فرما زیارتی با بلاغت که کامل باشد که هرگاه خواستم زیارت کنم یکی از شما را آن را بخوانم. فرمود که: چون به درگاه رسیدی بایست و بگو شهادتین را یعنی بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَحْدَهُ * لَا شَرِيكَ لَهُ * وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا

گواهی می دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست * که او را شریک و انبازی نیست * و گواهی دهم که محمد (ص)

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدَهُ * وَرَسُولَهُ * و با حال غسل باشی و چون داخل حرم

که بر او و آلش درود باد بنده و فرستاده اوست *

شوی و قبر را ببینی، بایست * و سی مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** بگو، پس اندکی راه برو به آرام دل و آرام تن و گامها را

نزدیک یکدیگر گذار پس بایست * و سی مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** بگو، پس نزدیک قبر مطهر رو * و چهل مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ**

بگو تا صد تکبیر تمام شود، و شاید چنانکه مجلسی اول گفته وجه تکبیر این باشد که اکثر طباع مایلند به غلّو مبادا از عبارات امثال این زیارت به غلّو افتند یا از بزرگی حق سبحانه و تعالی غافل شوند یا غیر اینها، پس بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ * وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ * وَ مُخْتَلَفِ

سلام بر شما ای خاندان نبوت * و موضع ودایع رسالت * و محل نزول

الْمَلَائِكَةِ * وَ مَهْبَطِ الْوَحْيِ * وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ * وَ خَزَانِ الْعِلْمِ *

ملائک * و هیوط انوار وحی خدا * و معدن رحمت حق * و گنجهای علم و معرفت الهی *

وَ مُنْتَهَى الْحِلْمِ * وَ أَصُولِ الْكُرَمِ * وَ قَادَةَ الْأُمَمِ * وَ أَوْلِيَاءَ النَّعْمِ *

و صاحبان منتهای مقام حلم * و اصول صفات کریمه * و پیشوای امم و ممالک * و ولی نعمتهای روحانی *

وَ عُنَاصِرَ الْأَبْرَارِ * وَ دَعَائِمَ الْأَخْيَارِ * وَ سَاسَةَ الْعِبَادِ * وَ أَرْكَانَ

و ارکان بزرگواری و نیکوکاری * و عماد نیکویان عالم * و بزرگ و قائد بندگان * و ستونهای محکم

الْبِلَادِ * وَ أَبْوَابَ الْإِيمَانِ * وَ أَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ * وَ سُلَالَةَ النَّبِيِّينَ *

شهرهای علم * و درهای ایمان * و امین اسرار خدای رحمان * و فرزندان پیغمبران *

وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ * وَ عِتْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ رَحْمَةَ اللَّهِ

و برگزیده از رسولان * و عترت رسول خاتم (ص) که برگزیده خدای جهان است * و بر شما باد رحمت

وَ بَرَكَاتِهِ * وَالسَّلَامُ عَلَى أئِمَّةِ الْهُدَى * وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى * وَ أَعْلَامِ

و برکات خدا * سلام بر شما امامان و راهنمایان طریق هدایت * و چراغهای تاریکیهای امت * و پرچمداران

التَّقَى * وَ ذَوِي النَّهْيِ * وَ أَوْلِيَ الْحِجَى * وَ كَهْفِ الْوَرَى * وَ وَرَثَةِ

علم و تقوی * و خردمندان بزرگ * و صاحبان عقل کامل * و پناه خلق عالم * و وارثان

الْأَنْبِيَاءِ * وَ الْمَثَلِ الْأَعْلَى * وَ الدَّعْوَةِ الْحُسْنَى * وَ حُجَجِ اللَّهِ عَلَى

پیغمبران حق * و مثل اعلاى الهی * و صاحب دعوت به بهترین کمال و نیکوترین اعمال * و حجتهای بالغه

أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى * وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ * وَالسَّلَامُ عَلَى

الهی بر تمام اهل دنیا و آخرت * و رحمت و برکات خدا بر شما باد * سلام بر شما

مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ * وَ مَسَاكِنِ بَرَكَاتِ اللَّهِ * وَ مَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ *

که دلهایتان محل معرفت خداست * و مسکن برکت حق * و معدن حکمت الهی *

وَ حَفْظَةِ سِرِّ اللَّهِ * وَ حَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ * وَ أَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ * وَ ذُرِّيَّةِ

و حافظان سرّ خداييد * و حامل علم کتاب خدا * و اوصیاء پیغمبر خدا * و اولاد

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ * وَالسَّلَامُ

رسول خدا که درود * و رحمت و برکات الهی بر او و بر آل او باد * سلام بر شما

عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ * وَ الْأَدْلَاءِ عَلَى مَرْضَاةِ اللَّهِ * وَ الْمُسْتَقْرِينَ

که داعیان به سوی خدا هستيد * و راهنمایان طریق رضا و خشنودی حضرت احدیت * و ثابت قدمان

وَ الْمُسْتَوْفِرِينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ * وَ التَّامِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ * وَ الْمُخْلِصِينَ فِي

در اجرای فرمان خدا * و تام و کامل در عشق و محبت خدا * و صاحبان مقام اخلاص

تَوْحِيدِ اللَّهِ * وَ الْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ * وَ عِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ

در توحید حضرت حق * و آشکار کنندگان امر و نهی ایزد متعال * و شما یید بندگان گرامی

الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ * وَ رَحْمَةَ اللَّهِ

و مقرب الهی که هرگز بر حکم او سبقت نگرفته و کاملاً مطابق فرمانش عمل می‌کنند * سلام و رحمت خدا

وَ بَرَكَاتِهِ * وَ السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدُّعَاةِ * وَ الْقَادَةِ الْهُدَاةِ * وَ السَّادَةِ

و برکات الهی بر شما باد * سلام بر پیشوایان خلق که داعیان به سوی حق * و رهبر و رهنمای بزرگ * و الویان

الْوَلَاةِ * وَ الذَّادَةِ الْحُمَاةِ * وَ أَهْلَ الذِّكْرِ * وَ أَوْلِيَ الْأَمْرِ * وَ بَقِيَّةَ اللَّهِ

* و حامیان دین خدایید * و اهل ذکر * و فرمانداران از جانب خدا * و آیات باقی

وَ خَيْرَتِهِ وَ حَزْبِهِ * وَ عَيْبَةَ عِلْمِهِ وَ حُجَّتِهِ * وَ صِرَاطِهِ وَ نُورِهِ

و برگزیدگان خاص ربوبی و سپاه * و نیروی الهی و مخزن علم ربانی و حجت‌های بالغه * و طریق روشن حضرت حق

وَ بُرْهَانِهِ * وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ * أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

و نور خدا و برهان او * سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد * گواهی می‌دهم که جز خدای یکتا خدایی نیست

وَ حُدَّهُ * لَا شَرِيكَ لَهُ * كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ * وَ شَهِدَتْ لَهُ

و او از شرک و شریک منزّه است * چنانکه خدا به یکتایی خود شهادت داده * و

مَلَائِكَتُهُ * وَ أَوْلُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ * لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

فرشتگان * و دانشمندان عالم شهادت دادند * که جز آن خدای یکتای مقتدر حکیم خدایی نیست

وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ * وَ رَسُولُهُ الْمُرْتَضَى * أَرْسَلَهُ

و نیز شهادت می‌دهم که محمد (ص) بنده خاص برگزیده * و رسول پسندیده اوست * که برای هدایت خلق و به دین و آیین

بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ * لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ * وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

ثابت حق فرستاد * تا آنکه دین پاکش را مسلط و غالب بر تمام ادیان گرداند هر چند مشرکان ناپاک را آیین توحید ناگوار باشد

وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ * الْأَمْعَصُومُونَ الْمُكْرَمُونَ

و شهادت میدهم که محققاً شما پیشوایان و امامان راهنما * و راه‌دان و دارای عصمت و نزد خدا گرامی

* الْمُقْرَبُونَ الْمُتَّقُونَ * الْأَصَادِقُونَ الْمُصْطَفُونَ * الْأَمْطِيعُونَ لِلَّهِ

* و مقرب هستید و اهل تقوی * و صدق و حقیقت * و برگزیدگان و مطیعان خدا

الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ * الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ * الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ * اصْطَفَاكُمْ

و نگهداران فرمان او * و کارکنان به اراده او * فیروزمند به کرامت و لطف او هستید * خدا شما را به علم ازلی برای کشف

بِعِلْمِهِ * وَ ارْتِضَاكُمْ لَغَيْبِهِ * وَ اخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ * وَ اجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ

عالم غیب خود برگزید * و بر حفظ اسرار غیبی خویش انتخاب کرد * و به توانائی و قدرت کامله مخصوص گردانید

وَ اعَزَّكُمْ بِهِدَاةِهِ * وَ خَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ * وَ انْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ (بنوره) *

* و به هدایت خود عزت بخشید * و به برهان * و اشراق نور خود تخصیص داد *

وَ اَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ * وَ رَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي اَرْضِهِ * وَ حُجَّجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ

و به روح کلی الهی مؤید فرمود * و شما را به خلافت الهیه در زمین پسندیده * و حجت

وَ اَنْصَارًا لِدِينِهِ * وَ حَفِظَةَ لِسِرِّهِ * وَ خَزَنَةَ لِعِلْمِهِ * وَ مُسْتَوْدَعًا

* و یاوران دین حق * و حافظان سر * و گنج علم لدنی * و محل ودایع

لِحِكْمَتِهِ * وَ تَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ * وَ اَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ * وَ شُهَدَاءَ عَلَى

حکمت * و مفسران وحی * و ارکان علم توحید خود مقرر فرمود * و گواه

خَلْقِهِ * وَ اَعْلَامًا لِعِبَادِهِ * وَ مَنَارًا فِي بِلَادِهِ * وَ اَدِلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ *

خلق * و نماینده خود برای بندگان * و علامت روشن در بلاد عالم * و راهنمایان صراط مستقیم خود گردانید *

عَصَمَكُمْ اللّٰهُ مِنَ الزَّلَلِ * وَ اَمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ * وَ طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ

و شما خانواده را معصوم از لغزش * و ایمن از فتنه * و پاک و منزّه از هر خلق ناشایسته گردانید

وَ اَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ * وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا * فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ *

* و از شما به کلی رجس و ناپاکی را زایل فرمود * پاک و پاکیزه گردانید * تا آنکه شما جلال خدا را به عظمت یاد کردید *

وَ اكْبَرْتُمْ شَانَهُ * وَ مَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ * وَ اَدَمْتُمْ (ادمنتم) ذِكْرَهُ * وَ وَكَّدْتُمْ

و شأن او را به کبریایی * و لطف و کرمش را به مجد و بزرگی ستودید * و ذکر خدا را بر دوام * و عهد و

ذِكْرْتُمْ (ذکرتم) مِيثَاقَهُ * وَ اَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ * وَ نَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ

ميثاقش را برقرار داشتید * و پیمان طاعتش را محکم نمودید * و پنهان و آشکارا خلق را نصیحت

وَ الْعَلَانِيَةَ * وَ دَعَوْتُمْ اِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ *

کردید * و به راه حق با برهان و حکمت و پند و موعظه نیکو دعوت کردید *

وَ بَدَلْتُمْ اَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ * وَ صَبَرْتُمْ عَلَى مَا اَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ

و در راه رضای او از جان گذشتید * و بر هر مصیبتی که از امت به شما رسید برای خدا صبر

﴿حَبِّهِ﴾ * وَ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ * وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ * وَ أَمَرْتُمُ بِالْمَعْرُوفِ *
 کردید * نماز را به پا داشتید * و زکوة را ادا نمودید * و امر به معروف

وَ نَهَيْتُمُ عَنِ الْمُنْكَرِ * وَ جَاهَدْتُمُ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ * حَتَّىٰ أَعْلَنْتُمْ
 و نهی از منکر فرمودید * و حق جهاد را در دین خدا به جا آوردید * تا آنکه دعوت دین را

دَعْوَتَهُ * وَ بَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ * وَ أَقَمْتُمْ حُدُودَهُ * وَ نَشَرْتُمْ (وَ فَسَّرْتُمْ)
 آشکار ساخته * و فرایض و احکامش را مبین * و حدود را مقرر * و شرایع و

شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ * وَ سَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ * وَ صَرَّيْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرَّضَا
 احکام * و سنن آسمانی را استوار گردانیدید * تا آنکه در اقامه دین، خدا را از خود خوشنود ساختید

وَ سَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ * وَ صَدَقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَىٰ * فَالرَّاعِبُ
 * و تسلیم قضا شده * و هر حکمی از رسولان الهی درگذشت همه را تصدیق کردید * پس هر کس از طریق شما برگشت

عَنْكُمْ مَارِقٌ * وَ اللَّازِمُ لَكُمْ لِأَحِقِّ * وَ الْمُقْصِرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ *
 از دین خدا خارج شده * و هر کس ملازم امر شما بود ملحق گشت * و هر کس در حق شما مقصر شد محو و باطل گردید *

وَ الْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ * وَ أَنْتُمْ أَهْلُهُ * وَ مَعْدِنُهُ *
 و حق با شما و در خاندان شما و مبداءش از شما و مرجعش به سوی شماست * و اهل حق و معدن حق و حقیقت شماست *

وَ مِيرَاثُ النَّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ * وَ آيَاتُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ * وَ حِسَابُ خَلْقِكُمْ
 و میراث نبوت نزد شماست * و بازگشت خلق به سوی شما * و حساب خلائق بر شماست

وَ فَصْلُ الْخُطَابِ عِنْدَكُمْ * وَ آيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ * وَ عَزَائِمُهُ فِيكُمْ *
 * و فیصل حق از باطل نزد شما خواهد شد * و آیات عظمت الهی نزد شما * و عزایم اسرار نبوت در خاندان شما

وَ نُورُهُ وَ بُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ * وَ أَمْرُهُ إِلَيْكُمْ * مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى
 * و نور خدا و برهان او نزد شما * و امر خدای تعالی مربوط به امر شماست * هر که شما را مولای خود شناخت خدا را

اللَّهِ * وَ مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ * وَ مَنْ أَحْبَبَكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ *
 مولای خویش دانسته * و هر که شما را دشمن داشت خدا را دشمن داشته * و هر که شما را دوست داشت خدا را دوست داشته

وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ * وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ
 * و کسی که با شما کینه و خشم ورزید با خدا خشم و کینه ورزیده * و هر که چنگ به دامان شما زد به ذیل

بِاللَّهِ * أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ (السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ) * وَ شَهْدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ *
 عنایت خدا چنگ زده است * شماست راه راست خدا * و گواهان دار دنیا *

و شَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ * وَ الرَّحْمَةَ الْمَوْصُولَةَ * وَ الْآيَةَ الْمَخْزُونَةَ *

و شفیعیان عالم قیامت شمایید * رحمت سرمد * و آیت و نشان مستور در گنجینه *

وَ الْإِمَانَةَ الْمَحْفُوظَةَ * وَ الْبَابَ الْمُبْتَلَىٰ بِهِ النَّاسُ * مِنْ آتَاكُمْ نَجًّا * وَ مَنْ

و امانت و ودیعه لوح محفوظ الهی * و درگاه امتحان خلق * هر کس رو به سوی شما آمد نجات یافت * و آنکه

لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكٌ * إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ * وَ عَلَيْهِ تَدُلُّونَ * وَ بِهِ تَوْمِنُونَ *

از این درگاه دور شد به هلاکت رسید * شما خلق را به خدا می‌خوانید * و بر طریق او دلالت می‌کنید * و به خدا ایمان دارید *

وَ لَهُ تُسَلِّمُونَ * وَ بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ * وَ إِلَىٰ سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ * وَ بِقَوْلِهِ

و تسلیم او * و مطیع فرمان او بید * و به راه خدا خلق را هدایت کرده * و به کلام او حکم

تُحْكَمُونَ * سَعِدَ مَنْ وَالَاكُمْ * وَ هَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ * وَ خَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ

می‌کنید * هر که به ولایت شما گروید به سعادت رسید * و آنکه با شما دشمنی کند هلاک شود * و هر که منکر شما است نومید است

وَ ضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ * وَ فَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ * وَ آمِنَ مَنْ بُجَا إِلَيْكُمْ

* و هر که از شما جدا است گمراه است * و هر که به شما تمسک جست فیروز گردید * و هر که به شما پناه آورد ایمن گردید *

وَ سَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ * وَ هُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ * مَنْ اتَّبَعَكُمْ

* و هر که مقام شما را تصدیق کرد سلامت یافت * و هر که به دامان طاعت شما دست زد هدایت یافت * و هر که شما را پیروی کرد

فَأَجْنَتَ مَاوَاهُ * وَ مَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ * وَ مَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ *

در بهشت ابد منزل یافت * و هر که به راه خلاف شما شتافت به آتش دوزخ مسکن کرد * و هر که منکر شما گردید کافر است *

وَ مَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ * وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ *

و هر که با شما به جنگ برخاست مشرک است * و هر که رد حکم شما کرد در پست‌ترین درکات جهنم است *

أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَىٰ * وَ جَارٌ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ * وَ أَنَّ

گواهی می‌دهم که این مقام برای شما همیشه در سابق * و لاحق زمان بوده و خواهد بود * و نیز گواهی می‌دهم

أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ * طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ

بر اینکه ارواح عالیه شما و نورانیت و طینت پاک شما ائمه طاهرین یکی است * و آن ذوات طیب و طاهر عین

بَعْضٍ * خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا * فَجَعَلَكُمْ بَعْرَشَهُ مُحَدِّقِينَ * حَتَّىٰ مِنْ

یکدیگرند * خدا شما را آفرید * و محیط به عرش خود گردانید * تا این زمان که به نعمت وجود شما

عَلَيْنَا بِكُمْ * فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ آذِنِ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ *

بر ما منت گذاشت * پس شما را در خاندانهای قرار داد که امر به رفعتش فرمود و به ذکر نام خدا در آن خاندانها فرمان داد

وَجَعَلَ صَلَاتِنَا (صَلَوَاتِنَا) عَلَيْكُمْ * وَ مَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وِلَايَتِكُمْ

* و درود و صلوات ما را بر شما حکم گردانید * و آنچه را که مخصوص ما کرد از نعمت ولایت شما برای نیکویی

طَيِّبًا لِحَلْقِنَا (لِحَلْقِنَا) * وَ طَهَارَةَ لِأَنْفُسِنَا * وَ تَزَكِيَةَ (بِرَكَّة) لَنَا * وَ كَفَّارَةَ

فطرت و خلقت ما * و پاکی نفوس ما بود * و برای تزکیه و پاکیزگی ما * و کفاره گناهان

لِذُنُوبِنَا * فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْلِمِينَ بِفَضْلِكُمْ * وَ مَعْرُوفِينَ بِتَصَدِيقِنَا

ما * پس ما نزد خدا به فضیلت و برتری شما بر خلق از این پیش معترف و تسلیم * و به تصدیق مقام شما

أَيَّاكُمْ * فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمَكْرَمِينَ * وَ أَعْلَى مَنَازِلِ

معروف بودیم * که خدای شما را به اشرف مقام اهل کرامت * و عالیترین منزلت

الْمُقَرَّبِينَ * وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ * حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ وَ لَاحِقُ

مقربان * و رفیعترین درجات پیغمبران خود نایل گرداند * همان بلند مقامی که از سابقین و لاحقین کسی بدان نخواهد رسید *

وَ لَا يَفُوقُهُ وَ فَائِقُ * وَ لَا يَسْبِقُهُ وَ سَابِقُ * وَ لَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعُ

و فوق آن مرتبه احدی راه نیابد * و ابتدا پیشروی بدان پیش نرود * و ابتدا طمع نیل به آن مقام را هم کسی نکند *

حَتَّى لَا يَبْقَى مَلِكٌ مُقَرَّبٌ * وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ * وَ لَا صَدِيقٌ وَ لَا شَهِيدُ

تا آنجا که هیچ ملک مقرب * و نبی مرسل * و هیچ صدیق و شهید *

وَ لَا عَالِمٌ وَ لَا جَاهِلٌ * وَ لَا دَنِيٌّ وَ لَا فَاضِلٌ * وَ لَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ * وَ لَا

و عالم و جاهل * و پست و بلند * و مؤمن صالح * و

فَاجِرٌ طَالِحٌ * وَ لَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ * وَ لَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ * وَ لَا خَلْقٌ فِيمَا

فاجر طالح * و جبار سرکشی * و هیچ دیو گمراه * و خلقی بین

بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ * إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ * وَ عِظَمَ خَطْرِكُمْ * وَ كِبَرَ

آنها نیست * جز آنکه خدا همه آنها را به جلالت قدر * و عظمت شأن و بزرگواری * و مقام رفیع شما

شَانِكُمْ * وَ تَمَامَ نُورِكُمْ * وَ صِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ * وَ ثَبَاتَ مَقَامِكُمْ

شناسا گردانید * و نور تام تمام * و منزلتهای نیکو * و ثابت بودن مقام *

وَ شَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَ مَنَزَلَتِكُمْ عِنْدَهُ * وَ كَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ * وَ خَاصَّتَكُمْ

و شرافت رتبه و منزلت نزد خدا * و کرامت مجد شما نزد حق * و اختصاص و تقرب شما به حضرت احدیت

لَدَيْهِ * وَ قَرَبَ مَنَزَلَتِكُمْ مِنْهُ * بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ أَسْرَتِي

و عزت * و کرامت شما نزد حق همه را بر تمام روشن ساخت * پدر و مادرم و اهل و مال و خویشانم به فدای شما باد

أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا ءَامَنْتُمْ بِهِ * كَافِرٌ بَعْدُكُمْ

* خدای متعال را گواه می‌گیرم و شما را نیز * که من به ولایت الهیه شما و به هر چه شما ایمان دارید من هم ایمان دارم * و به دشمنان شما و به هر چه شما کافر

وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ * مُسْتَبْصِرٌ بِشَانِكُمْ وَبِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ * مَوَالٍ

به آن و منکر هستید من هم کافر و منکر آن هستم * و من به جلالت شأن شما و به گمراهی مخالفان شما بصیر و معتقدم * شما و

لَكُمْ وَ لِأَوْلِيَاءِكُمْ * مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَ مُعَادٍ لَهُمْ * سَلِمٌ لِمَنْ

دوستداران شما را دوست دارم * و دشمنان شما را دشمن داشته و با آنها عداوت می‌کنم * هر که تسلیم امر شما است

سَأَلَمَكُمْ * وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ * مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ * مُبْطِلٌ لِمَا

با او تسلیم * و با هر کس که با شما بچنگد جنگ خواهم کرد * هر چه را شما حق دانید حق می‌دانم * و آنچه را باطل

أَبْطَلْتُمْ * مُطِيعٌ لَكُمْ * عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ * مُقَرَّبٌ بِفَضْلِكُمْ * مُحْتَمِلٌ

گردانید ابطال می‌کنم * من فرمانبردار شمایم * و عارف به حق شما * و اقرار به فضیلت و برتری شما دارم * و متحمل

لِعِلْمِكُمْ * مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ * مُعْتَرِفٌ بِكُمْ * مُؤْمِنٌ بِبَيَابِكُمْ

و معتقد به مقام علم و دانش شما * و متلبس به عهد ولایت شما * و معترف به حقانیت شما هستم *

مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ * مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ * مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ * آخِذٌ

و تصدیق و ایمان به رجعت و بازگشت شما دارم * و منتظر امر و فرمان شما * و چشم به راه دولت حقه شما هستم * و سخن شما

بِقَوْلِكُمْ * عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ * مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ * زَائِرٌ لَكُمْ * لَائِذٌ عَائِذٌ

را اخذ کرده * و امر شما را کار می‌بندم * و به درگاه شما پناه آورده * و به زیارت شما شتافته * و به قبور و مرقد مطهر شما پناه

بِقُبُورِكُمْ * مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِكُمْ * وَ مُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ

آورده و بدان توسل به حق می‌جویم * و شما را شفیع خود به درگاه خدا می‌گردانم * و به واسطه شما به خدا تقرب می‌جویم *

وَ مُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي * وَ حَوَائِجِي وَ إِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَ أُمُورِي

و در تمام احوال * و جمیع امور حوایج و درخواستی که از خدا دارم شما را مقدم داشته و به واسطه شما از خدای خود هر حاجت و مراد می‌طلبم

* مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ * وَ شَاهِدُكُمْ وَ غَائِبِكُمْ * وَ أَوْلَكُمْ

* من به ظاهر و باطن شما * و به حاضر و غایب * و اول و آخر شما ایمان

وَ آخِرِكُمْ * وَ مُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ * وَ مُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ

دارم * و در تمام امور مذکور تفویض * و تسلیم فرمان شمایم *

وَ قَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ * وَ رَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ * وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ * حَتَّى

و قلبم تسلیم شما * و رأیم تابع رأی شما * و نصرتم به تمام قوای اختیاری مهبای نصرت شماست همیشه * تا روزگاری که خدایتعالی

يُحْيِي اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ وَبِكُمْ وَيُرِدُّكُمْ فِي أَيَّامِهِ وَيُظْهِرْكُمْ لِعَدْلِهِ

دین خود را به ولایت و حکومت شما زنده گرداند * و در آن ایام ربوبی شما را به عالم باز گرداند * و به شما برای اجرای عدل الهی *

وَيُمْكِنُكُمْ فِي أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ غَيْرَكُمْ (عَدُوِّكُمْ) ؕ ءَامَنْتُ

تمکین و اقتدار در همه روی زمین بخشد * پس من همه هنگام با شما بوده و خواهم بود نه با دشمنان شما * به شما

بِكُمْ ؕ وَتَوَلَّيْتُ أَخْرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ ؕ وَبَرَّتُ إِلَى اللَّهِ

ایمان دارم * و به آن دلیل که اول شما را دوست می‌دارم به همان دلیل آخر شما را دوست می‌دارم * و به سوی

عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ ؕ وَمِنْ الْجَبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ

خدا عز و جل از دشمنان شما براءت می‌جویم * و از بت جبت و طاغوت و شیاطین

وَ حَزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ ؕ الْجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ ؕ وَالْمَارِقِينَ مِنْ

و حزب آنها که به شما ظلم کرده * و حق شما را انکار کردند * و کسانی که سرکشی از عهد ولایت

وَلَايَتِكُمْ ؕ وَالْغَاصِبِينَ لِأَرْثِكُمْ ؕ الْأَشَاكِينَ فِيكُمْ ؕ الْمُنْحَرِفِينَ

شما کردند * و ارث شما را غصب کردند * و در مقام شما شک و ریب داشته * و منحرف از طریقه شما

عَنكُمْ ؕ وَمِنْ كُلِّ وَّلِيَّةٍ دُونَكُمْ ؕ وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ وَمِنَ الْأَئِمَّةِ

گردیدند از همه بیزارم * و از هر وسیله و پیشوایی غیر شما * و از پیشوایانی که خلق را به آتش دوزخ

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ ؕ فَثَبَّتَنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّيْتُ عَلَى مَوَالِيَتِكُمْ

می‌خوانند از آنان تمام نیز بیزاری می‌جویم * پس خدا مادامی که زنده‌ام مرا در ولایت و دوستی

وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ ؕ وَوَفَّقَنِي لَطَاعَتِكُمْ ؕ وَرَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ

و دین و آیین شما ثابت بدارد * و مرا موفق به طاعت شما * و بهره‌مند از شفاعت شما گرداند *

وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيِكُمْ ؕ أَتَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ ؕ وَجَعَلَنِي

و از خوبان دوستداران شما * که به هر چه دعوت کردید پیروی کردند قرار دهد * و از آنان که

مِمَّنْ يَقْتَصُّ أَثَارَكُمْ ؕ وَيَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ ؕ وَيَهْتَدِي بِهَدَايِكُمْ

در پی آثار شما رفتند * و سالک طریق شما بودند * و به رهبری شما هدایت یافتند *

وَيُحْشِرُنِي فِي زَمْرَتِكُمْ ؕ وَيَكْرِفُنِي رَجْعَتِكُمْ ؕ وَيَمْلِكُنِي فِي دَوْلَتِكُمْ

و به قیامت در زمره شما محشور شدند * و در رجعت شما به جهان بازگشتند * و در دولت و سلطنت شما به حکومت و ملک رسیدند *

وَيُشْرِفُنِي فِي عَافِيَتِكُمْ ؕ وَيُمْكِنُنِي فِي أَيَّامِكُمْ ؕ وَتَقَرُّ عَيْنُهُ وَغَدَا

و به شرف عافیت به واسطه شما رسیدند * و در ایام پادشاهی شما تمکن و اقتدار یافتند * و فردای قیامت چشمان روشن

بِرُؤْيَتِكُمْ * بَابِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَاهْلِي وَمَالِي * مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ

به جمال شما گردید * خدا مرا از آنها مقرر فرماید پدر و مادرم و جان و اهل و مالم به فدای شما باد * هر کس که اراده خدا شناسی و اشتیاق به

بِكُمْ * وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنَّا * وَمَنْ قَصَدَهُ وَتَوَجَّهَ بِكُمْ * مَوْلَى لَا

خدا در دل یافت به پیروی شما یافت * و هر کس خدا را به یگانگی شناخت به تعلیم شما پذیرفت * و هر کس خدا طلب گردید به توجه به شما گردید * ای

أَحْصَى ثَنَاءَكُمْ * وَلَا أَبْلَغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ * وَمِنْ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ

پیشوایان من صفات کمالیه شما آنقدر است که ثنای شما را شمار نتوانم کرد * و به کنه مدح * و توصیف قدر و منزلت شما نتوانم رسید

* وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ * وَهُدَاةُ الْأَبْرَارِ * وَحُجَجُ الْمَجْبَرِ * بِكُمْ فَتَحَ

* و شما یید نور قلب خوبان * و هدایت کنندگان نیکوکاران * و حجت‌های خدای مقتدر جبار * خدا به شما افتتاح عالم ایجاد

اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتَمُ [اللَّهُ] * وَبِكُمْ يَنْزِلُ الْغَيْثُ * وَبِكُمْ يَمْسِكُ السَّمَاءُ

کرد و به شما نیز ختم کتاب آفرینش فرمود * و به واسطه شما خدا بر ما باران رحمت نازل کرد * و به واسطه شما آسمان

أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ الْبَادِنَةُ * وَبِكُمْ يَنْفَسُ الْهَمُّ * وَيَكْشِفُ الضَّرَّ

را به پاداشت تا بر زمین جز به امرش فرو نیاید * و به واسطه شما غم و اندوه * و رنجها از دلها برطرف می‌گردد

* وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ * وَهَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ * وَالْإِلَى

* و اسرار نازل بر پیغمبران * و نزول فرشتگان * نزد شما بر جد

جَدِّكُمْ * وَآرِزِيَارِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) * وَالْإِلَى جَدِّكُمْ بَغْو: وَالْإِلَى أَخِيكَ

بزرگوار شما * و اگر زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد به جای: و ای جدکم بگو: و ای اخیک

(بر برادرت) *

بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ * أَتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ * طَاطَا

روح الامین نازل گردید * خدا به شما مقامی عطا کرد که به احدی از اهل عالم عطا نکرد * و هر شخص

كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ * وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لَطَاعَتِكُمْ * وَخَضَعَ كُلُّ

با شرافتی پیش شرف مقام شما سر فرود آورد * و هر سرکش متکبری به اطاعت شما سر نهاد * و هر جبار گردن فرازی

جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ * وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ * وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ * وَفَازَ

در مقابل فضل و کمال شما خاضع * و همه چیز پیش شما فروتن گشت * و زمین به نور شما روشن گردید * و رستگاران

الْفَائِزُونَ بِوَلَايَتِكُمْ * بِكُمْ يَسْلُكُ إِلَى الرِّضْوَانِ * وَعَلَى مَنْ جَحَدَ

عالم به ولایت و محبت شما رستگار شدند * پیروی شما سلوک راه بهشت و رضوان * و انکار ولایت شما

وَلَايَتِكُمْ غَضَبُ الرَّحْمَنِ * بَابِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَاهْلِي وَمَالِي

خشم و غضب خدای رحمان است * پدر و مادر و جان و اهل و مالم همه فدای شما باد *

ذَكَرْكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ * وَأَسْمَاءَكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ * وَأَجْسَادَكُمْ فِي الْأَجْسَادِ

در حلقهٔ ذاکران عالم از سموات و ارض همه جا ذکر خیر شماست * نامهای شما در میان نامها * و جسد پاک شما در میان اجساد

* وَأَرْوَاحَكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ * وَأَنْفُسَكُمْ فِي النَّفُوسِ * وَأَثَارَكُمْ فِي الْأَثَارِ

* و روح بزرگ شما در میان ارواح * و نفوس قدسی شما در میان نفوس * و آثار وجودی شما در میان آثار

* وَقُبُورَكُمْ فِي الْقُبُورِ * فَمَا أَحَلَّى أَسْمَاءَكُمْ * وَآكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ * وَأَعْظَمَ

* و قبور مطهر شما در میان قبرها * پس چقدر نامهای شما شیرین * و نفوس شما با کرامت * شأن و مقامتان

شَانَكُمْ * وَاجَلَ خَطْرَكُمْ * وَأَوْفَى عَهْدَكُمْ * وَأَصْدَقَ وَعْدَكُمْ *

بزرگ * و قدر و منزلت شما با جلال * و عهد شما با وفاترین عهد * و وعد و پیمان شما راست و با حقیقت *

كَلَامَكُمْ نُورٌ * وَأَمْرُكُمْ رَشْدٌ * وَوَصِيَّتُكُمْ تَقْوَى * وَفِعْلُكُمْ خَيْرٌ

سخن شما نوربخش دلها * و امر و فرمان شما هدایت * و ارشاد خلق * کار شما نیکو

* وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ * وَسَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ * وَشَانُكُمْ الْحَقُّ

* و عادت شما نیکی و احسان * فطرت شما کرم و بخشش * و شأن ذاتی شما حق

وَالصِّدْقُ وَالرَّفْقُ * وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ * وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ

و صدق و مرافقت و شفقت * قول و دستور شما حکم حتمی لازم الاجراء * رای و اندیشهٔ شما علم و دانش و بردباری و

وَحَزْمٌ * إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ * وَأَصْلُهُ وَفِرْعَاهُ * وَمَعْدِنُهُ

مأل اندیشی است * اگر ذکر از خیر و نیکویی شود اول مقام نیکي را دارابید * و اصل و فرع * و معدن و محل و مبداء

وَمَا وَاوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ * بَابِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي * كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ

و منتهای هر خیر و نیکویی شماست * پدر و مادر و جانم نثار شما باد * چگونه مدح و ثنای شما را توان وصف کرد

* وَأُحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ * وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ * وَفَرَّجَ

* و شعونات رفیع و جمیلتان را توان به شمار آورد * در صورتی که به واسطهٔ شما خدا ما را از ذلت نجات داد * و غم

عَنَا غَمْرَاتِ الْكُرُوبِ * وَانْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ

و اندوههای شدید ما را برطرف ساخت * و از وادی مهالک عالم و آتش دوزخ رهانید

* بَابِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي * بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا

* پدر و مادر و جانم فدای شما * به واسطهٔ ولایت و پیشوایی شما خدا معالم دین را به ما آموخت *

وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدًا مِنْ دُنْيَانَا * وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ

و هر آنچه از امور دنیای ما فاسد و پریشان بود اصلاح فرمود * و به واسطهٔ ولایت و پیشوایی شما کلمه به حد کمال رسید *

وَعَظَمْتَ النِّعْمَةَ * وَاتَّלَفْتَ الْفِرْقَةَ * وَبِمَوَالِئِكُمْ تَقْبَلُ الطَّاعَةَ

و نعمت بزرگ دین به خلق عطا گردید * و پراکندگی امت به الفت و اتحاد مبدل گشت * و به ولایت و دوستی شما

الْمُفْتَرَضَةَ * وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ * وَالدرجاتُ الرَّفِيعَةُ * وَالْمَقَامُ

طاعت فریضه خلق پذیرفته میشود * و خدا دوستی شما را بر خلق واجب کرد * و به شما درجات رفیع * و مقام

الْمَحْمُودُ * وَالْمَكَانُ (وَالْمَقَامُ) الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ * وَالْجَاهُ

محمود * و منزلت عالی معلوم نزد خدای عز و جل * و جاه و عزت

الْعَظِيمُ * وَالشَّانُ الْكَبِيرُ * وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ * رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا

بزرگ * و شأن عظیم * و مقام شفاعت مقبول اعطا گردید * پروردگارا ما به آنچه نازل فرمودی

أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ * رَبَّنَا لَا تَزُغْ

ایمان آوردیم و رسول تو را پیروی کردیم پس تو ما را از گواهان ثبت فرما * پروردگارا دلهای ما را که به حق

قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا * وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً * إِنَّكَ أَنْتَ

هدایت فرمودی دیگر به باطل مایل نگردان * و به ما از لطف ازلی خود رحمتی کامل عطا فرما * که همانا تویی عطا بخش

الْوَهَّابُ * سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا * يَا وَلِيَّ اللَّهِ

بسیار بی عوض و منت * منزهی پروردگارا محققا وعده پروردگار ما انجام خواهد یافت * ای ولی خدا

(يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ) إِنْ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا * لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ

همانا بین من و خدای عز و جل گناهی هست * که جز رضا و شفاعت شما آن گناهان را محو نخواهد ساخت

فَبِحَقِّ مَنْ أَيْتَمَّنَا عَلَى سِرِّهِ * وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ * وَقَرْنَ

* پس قسم به حق آن کس که بر سر خود شما را امین گردانید * و سرپرست امور بندگان خود قرار داد * و اطاعت شما

طَاعَتِكُمْ بِطَاعَتِهِ * لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ شَفَعَائِي * فَإِنِّي لَكُمْ

را به طاعت خود مقرون ساخت * که شما از خدا بر من بخشش و آموزش طلبید و شفیع من باشید * که من مطیع

مُطِيعٌ * مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ * وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ

فرمان شمایم * و هر کس شما را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده * و کسی که شما را نافرمانی کند معصیت خدا را کرده

* وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ * وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ *

* و کسی که شما را دوست دارد خدا را دوست داشته * و کسی که با شما خشم و دشمنی دارد با خدا دشمنی داشته *

اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ

پروردگارا من اگر شفیعیانی به تو نزدیکتر از محمد (ص) و آل محمد (ع) که همه

الْأَخْيَارِ * الْأئِمَّةِ الْأَبْرَارِ * جَعَلْتَهُمْ شُفَعَائِي * فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ

اخیار * و پیشوایان نیکوکار هستند می‌یافتم * آنها را به درگاه تو شفیع قرار می‌دادم * پس تو را قسم به حق

لَهُمْ عَلَيْكَ * أَسْأَلُكَ أَنْ تَدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ *

آنها که آن را تو بر خود لازم گردانیدی * از تو درخواست می‌کنم که مرا داخل در جمله عارفان به مقام آنها و به حق آنها کرده *

وَ فِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ * إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * وَ صَلَّى

و در زمره رحمت شدگان به شفاعتشان قرار دهی * که تویی ای خدا مهربانترین مهربانان عالم * و درود

اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ * وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا * وَ حَسَبْنَا

خدا بر محمد (ص) و آل طاهربینش * و سلام و تحیت بسیار باد * و ما را خدا کفایت است

اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ * مؤلف گوید که این زیارت را شیخ نیز در تهذیب نقل کرده و بعد از این دعای

و نیکو وکیل و نگهبانی است. *

و داعی نقل کرده‌اند که ما به ملاحظه اختصار آن را ذکر نمودیم و این زیارت چنانکه علامه مجلسی فرموده:

بهترین زیارات جامعه است از جهت متن و سند و فصاحت و بلاغت، و والد ماجدش در شرح فقیه فرموده که:

این زیارت احسن و اکمل زیارات است و من تا در عتبات عالیات بودم زیارت نکردم ائمه (علیهم السلام) را مگر به این

زیارت * و شیخ ما در نجم ثاقب حکایتی نقل کرده که از آن ظاهر می‌شود که باید به این زیارت مواظبت کرد و از

آن غفلت نمود و آن حکایت چنین است: جناب مستطاب تقی صالح سید احمد بن سید هاشم بن سید

حسن موسوی رشتی تاجر ساکن رشت ایده الله در هفده سال قبل تقریباً به نجف اشرف مشرف شد و با عالم

ربانی و فاضل صمدانی شیخ علی رشتی طاب ثراه که در حکایت آینده مذکور خواهند شد انشاءالله، به منزل

حقیر آمدند و چون برخاستند شیخ از صلاح و سداد سید مرقوم اشاره کرد و فرمود که قضیه عجیبه دارد و در آن

وقت مجال بیان نبود. پس از چند روزی ملاقات شد. فرمود که سید رفت و قضیه را با جمله‌ای از حالات سید

نقل کرد، بسیار تأسف خوردم از نشنیدن آنها از خود او اگر چه مقام شیخ (علیه السلام) اجل از آن بود که اندکی خلاف در

نقل ایشان برود و از آن سال تا چند ماه قبل این مطلب در خاطر بود تا در ماه جمادی الآخره این سال از نجف

اشرف برگشته بودم. در کاظمین سید صالح مذکور را ملاقات کردم که از سامره مراجعت کرده عازم عجم بود،

پس شرح حال او را چنانکه شنیده بودم پرسیدم از آن جمله قضیه معهوده، همه را نقل کرد مطابق آن و آن

قضیه چنان است که گفت در سنه هزار و دویست و هشتاد به اراده حج بیت الله الحرام از دارالمرز رشت آمدم به

تبریز و در خانه حاجی صفر علی تاجر تبریزی معروف منزل کردم، چون قافله نبود متحیر ماندم تا آنکه حاجی

جبار جلودار سدهی اصفهانی بار برداشت به جهت طرابوزن، تنها از او مالی کرایه کردم و رفتم. چون به منزل اول رسیدیم سه نفر دیگر به تحریص حاجی صفر علی به من ملحق شدند، یکی حاجی ملا باقر تبریزی حجه فروش معروف علماء و حاجی سید حسین تاجر تبریزی و حاجی ملا علی نامی که خدمت می کرد. پس به اتفاق روانه شدیم تا رسیدیم به ارزنة الروم و از آنجا عازم طرابوزن و در یکی از منازل مابین این دو شهر حاجی جبار جلودار به نزد ما آمد و گفت: این منزل که در پیش داریم مخوف است قدری زود بار کنید که به همراه قافله باشید، چون در سایر منازل غالباً از عقب قافله به فاصله می رفتیم. پس ما هم تخمیناً دو ساعت و نیم یا سه به صبح مانده به اتفاق حرکت کردیم به قدر نیم یا سه ربع فرسخ از منزل خود دور شده بودیم که هوا تاریک شد و برف مشغول باریدن شد بطوری که رفقا هر کدام سر خود را پوشانیده تند راندند، من نیز آنچه کردم که با آنها بروم ممکن نشد، تا آنکه آنها رفتند من تنها ماندم. پس از اسب پیاده شدم در کنار راه نشستم و به غایت مضطرب بودم چون قریب ششصد تومان برای مخارج راه همراه داشتم. بعد از تأمل و تفکر بنا بر این گذاشتم که در همین موضع بمانم تا فجر طالع شود به آن منزل که از آنجا بیرون آمدیم مراجعت کنم و از آنجا چند نفر مستحفظ به همراه برداشته به قافله ملحق شوم. در آن حال در مقابل خود باغی دیدم و در آن باغ باغبانی که در دست بیلی داشت که بر درختان می زد که برف از آنها بریزد، پس پیش آمد به مقدار فاصله کمی ایستاد فرمود: تو کیستی؟ عرض کردم رفقا رفتند و من ماندم راه رانمی دانم گم کرده ام، فرمود: به زبان فارسی نافله بخوان تا راه را پیدا کنی. من مشغول نافله شدم، بعد از فراغ از تهجد باز آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتیم: واللّه راه رانمی دانم. فرمود: جامعه بخوان. من جامعه را حفظ نداشتم و تاکنون حفظ ندارم با آنکه مکرر به زیارت عتبات مشرف شدم، پس از جای برخاستم و جامعه را بالتّمّام از حفظ خواندم، باز نمایان شد فرمود: نرفتی هستی؟ مرا بی اختیار گریه گرفت، گفتم: هستم راه رانمی دانم. فرمود: عاشورا بخوان و عاشورا را نیز حفظ نداشتم و تاکنون ندارم، پس برخاستم و مشغول زیارت عاشورا شدم از حفظ تا آنکه تمام لعن و سلام و دعای علقمه را خواندم، دیدم باز آمد و فرمود: نرفتی هستی؟ گفتم: نه هستم تا صبح. فرمود: من حال تو را به قافله می رسانم، پس رفت و بر الاغی سوار شد و بیل خود را به دوش گرفت و فرمود: به ردیف من بر الاغ سوار شو. سوار شدم، پس عنان اسب خود را کشیدم تمکین نکرد و حرکت ننمود، فرمود: جلو اسب را به من ده، دادم پس بیل را به دوش چپ گذاشت و عنان اسب را به دست راست گرفت و به راه افتاد، اسب در نهایت تمکین متابعت کرد، پس دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود: شما چرا نافله نمی خوانید؟ نافله نافله نافله، سه مرتبه فرمود و باز فرمود: شما چرا عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا عاشورا عاشورا، سه مرتبه و بعد فرمود: شما چرا جامعه نمی خوانید؟ جامعه جامعه جامعه، و در وقت طیّ مسافت به نحو

استداره سیر می نمود یک دفعه برگشت و فرمود: آن است رفقای شما که در لب نهر آبی فرود آمده مشغول وضو به جهت نماز صبح بودند. پس من از الاغ پایین آمدم که سوار اسب خود شوم و نتوانستم پس آن جناب پیاده شد و بیل را در برف فرو کرد و مرا سوار کرد و سراسب را به سمت رفقا برگردانید. من در آن حال به خیال افتادم که این شخص کی بود که به زبان فارسی حرف می زد و حال آنکه زبانی جز ترکی و مذهبی غالباً جز عیسوی در آن حدود نبود و چگونه به این سرعت مرا به رفقای خود رساند، پس در عقب خود نظر کردم احدی را ندیدم و از او آثاری پیدا نکردم پس به رفقای خود ملحق شدم. **۳** زیارت سیّم: زیارتی است که علامه مجلسی آن را در تحفة الزّائر زیارت هشتم جوامع قرار داده و فرموده که این زیارتی است که سیّد بن طاوس در ضمن ادعیه عرفه روایت کرده از حضرت صادق (علیه السلام) و در هر وقت و هر موضع که باشد می توان کردن خصوصاً در روز عرفه و زیارت این است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ * السَّلَامُ

سلام بر تو ای فرستاده گرامی خدا * سلام بر تو ای پیغمبر (رحمت) خدا * سلام

عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ * وَآمِينَهُ عَلَى وَحْيِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای بهترین خلق خدا * و امین بر وحی الهی * سلام بر تو ای

يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ * أَنْتَ حُجَّةُ

مولای من ای امیر اهل ایمان * سلام بر تو ای آقای من * توی حجت خدا

اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ * وَبَابُ عِلْمِهِ * وَوَصِيُّ نَبِيِّهِ * وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِهِ

بر خلق عالم و ای در شهر علم پیغمبر * و وصی او * و جانشین بعد از رسول اکرم در

فِي أُمَّتِهِ * لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً غَضَبْتَكَ حَقَّكَ * وَقَعَدْتَ مَقْعَدَكَ * أَنَا بَرِيءٌ

میان امت * خدا لعنت کند امتی را که حق خلافتت را غضب کردند * و در مقام تو غاصبانه بنشستند * من از آنان

مِنْهُمْ وَمِنْ شَيْعَتِهِمُ الْيَتِيمِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ الْبَتُولِ * السَّلَامُ

و از شیعیانشان نزد تو بیزاری می جویم * سلام بر تو ای فاطمه زهراى بتول (ع) * سلام

عَلَيْكَ يَا زَيْنَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ

بر تو ای زینت زنان اهل عالم * سلام بر تو ای دختر رسول خدای

رَبِّ الْعَالَمِينَ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ

رب العالمین * درود و رحمت خدا بر تو و بر پدر بزرگوارت باد * سلام بر تو ای مادر حضرت حسن

وَالْحُسَيْنِ * لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً غَضَبْتَكَ حَقَّكَ * وَمَنْعَتِكَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ

و حسین * خدا لعنت کند امتی را که حق تو را غضب نمودند و ارثی که خدا بر تو حلال کرده بود

لِكَ حَلَالًا * اَنَا بَرِيءٌ اِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شَيْعَتِهِمْ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

از تو منع کردند * من از آنها و از شیعیانشان نزد تو بیزار می‌جویم * سلام بر تو ای

مَوْلَايَا اَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الزَّكِيَّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَا * لَعَنَ

آقای من ای حضرت حسن مجتبی ای ابا محمد پاکیزه صفات * سلام بر تو ای آقای من * خدا لعنت کند

اللَّهُ اُمَّةً قَتَلْتَكُ * وَبَايَعْتَ فِي اَمْرِكَ وَشَايَعْتَ * اَنَا بَرِيءٌ اِلَيْكَ مِنْهُمْ

امتی را که تو را به قتل رسانیدند * و بر دشمنی با تو بیعت و متابعت (با معاویه) کردند * من از آنها و از شیعیانشان

وَمِنْ شَيْعَتِهِمْ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَا يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ

نزد تو بیزار می‌جویم * سلام بر تو ای مولای من ای حضرت ابا عبد الله الحسین فرزند عزیز

عَلِيَّ * صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَى اَبِيكَ وَ جَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

امیر المؤمنین * درود و رحمت خدا بر تو باد و بر پدر گرامی و جد بزرگوارت حضرت محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ * لَعَنَ اللَّهُ اُمَّةً اِسْتَحَلَّتْ دَمَكَ * وَ لَعَنَ اللَّهُ اُمَّةً قَتَلْتَكُ

علیه و آله * خدا لعنت کند امتی را که خون پاک تو را حلال شمردند * و خدا لعنت کند کسانی که تو را شهید نمودند

* وَ اِسْتَبَاحَتْ حَرِيْمَكَ * وَ لَعَنَ اللَّهُ اَشْيَاعَهُمْ وَ اَتْبَاعَهُمْ * وَ لَعَنَ

* و هتک حرمت حریمت را مباح کردند * و خدا لعنت کند شیعیان و پیروان آنان را * و خدا لعنت کند

اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالْتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ * اَنَا بَرِيءٌ اِلَى اللَّهِ وَ اِلَيْكَ

کسانی را که بساط تمکین مردم را در قتال با شما بر آنها بگستردند * من نزد خدای متعال و نزد تو بزرگوار از

مِنْهُمْ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَا * يَا اَبَا مُحَمَّدٍ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

آنان بیزار می‌جویم * سلام ما بر تو ای مولای من * ای ابا محمد حضرت علی بن الحسین

* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَا * يَا اَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ * السَّلَامُ

* سلام ما بر تو ای آقای من * ای ابا جعفر حضرت امام محمد بن علی الباقر * سلام بر

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَا * يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

تو ای آقای من * ای ابا عبد الله امام جعفر بن محمد الصادق * سلام بر تو ای

يَا مَوْلَايَا * يَا اَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَا *

آقای من * ای ابا الحسن حضرت موسی بن جعفر * سلام بر تو ای آقای من *

يَا اَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَا * يَا اَبَا جَعْفَرٍ

ای ابا الحسن ای علی بن موسی الرضا * سلام بر تو ای آقای من * ای ابا جعفر

مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ * يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ

ای امام محمد تقی فرزند علی * سلام بر تو ای آقای من * ای ابا الحسن امام علی بن محمد

مُحَمَّدٍ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ * يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ *

النقی الهادی * سلام بر تو ای مولای من * ای ابا محمد امام حسن عسکری *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ * يَا أَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ صَاحِبَ

سلام بر تو ای مولای من * ای ابوالقاسم محمد بن حسن ای حضرت

الزَّمَانِ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى عِترَتِكَ الطَّاهِرَةِ الطَّيِّبَةِ * يَا مَوْالِيَّ

صاحب الزمان * درود و رحمت خدا بر تو و عترت پاک گوهر نیکو طینت شما باد * ای آقایان

كُونُوا شَفَعَائِي فِي حَطِّ وِزْرِي وَخَطَايَايَ * ءَامَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا أَنْزَلَ

و امامان من شما بزرگواران در محو گناهان من مرا شفاعت کنید * من به خدا ایمان آورده‌ام و به آنچه به شما

الْيَوْمِ * وَآتَوَالِيَّ ءَاخِرَكُمْ بِمَا آتَوَالِيَّ أَوْلَكُمْ * وَبَرَّئْتُ مِنَ الْجَبْتِ

نازل گردیده * از اول شما تا آخر شما ولی عصر به همه ایمان دارم * و از بت‌های جبت و طاغوت

وَ الطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى * يَا مَوْالِيَّ أَنَا سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ *

ولات و عزی از همه بیزاری می‌جویم * ای آقایان و پیشوایان من من صلح و سلمم با هر کس که با شما صلح و صفاست *

وَ حَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ * وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ * وَ وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ إِلَى

و در جنگ و مخالفت با هر که با شما در جنگ و خلاف است * و دشمنم با دشمنان * و دوستم با دوستان شما

يَوْمَ الْقِيَامَةِ * وَلَعْنُ اللَّهِ ظَالِمِيكُمْ وَغَاصِبِيكُمْ * وَلَعْنُ اللَّهِ

اهل بیت تا روز قیامت * خدا لعنت کند ظالمان و غاصبان حق شما را * و خدا لعنت کند

أَشْيَاعَهُمْ وَاتَّبَاعَهُمْ وَأَهْلَ مَذْهَبِهِمْ * وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَالْيَوْمِ مِنْهُمْ

تمام شیعیان و پیروان و اهل مذهب و مرام آنها را * و من به درگاه خدا نزد شما از همه آن ستمگران بیزاری می‌جویم. *

۴ زیارت چهارم: زیارت معروفه به امین الله است که اولش این است: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ

سلام بر تو ای امین خدا

اللَّهُ فِي أَرْضِهِ * وَ حُجَّتَهُ * عَلَى عِبَادِهِ * أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ

در زمین او * و حجت او بر بندگانش * گواهی میدهم که محققا تو در راه خدا جهاد کردی

* تا آخر زیارت که گذشت در زیارات حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) زیرا که ما آن را زیارت دویم حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

قرار دادیم. ﴿۵﴾ زیارت پنجم: زیارت **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدْنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي**

ستایش خدای راست که ما را به حضور اولیاء و دوستانش در ماه

رَجَبٍ است که در اعمال ماه رجب گذشت. پس آنچه از زیارات جامعه در این کتاب مبارک است پنج زیارت رجب رسانید *

است و کفایت می کند انشاء الله. ﴿۲﴾ **مقام دویم:** در دعائی که **بعد از زیارت هر یک از ائمه (علیهم السلام)** خوانده

می شود سید بن طاوس (رحمته الله) فرموده که مستحب است این دعا خوانده شود عقب زیارت ائمه (علیهم السلام): **اللَّهُمَّ**

ای خدا

إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ أَخْلَقْتَ وَجْهِي عِنْدَكَ * وَ حَجَبْتَ دُعَائِي عِنْدَكَ

گناهان من آبروی مرا نزد تو سخت فرسوده * و حاجب و مانع قبول دعای من گردیده

*** وَ حَالَتْ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ * فَاسْأَلُكَ أَنْ تُقْبَلَ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ***

* و میان من و تو جدایی انداخته است * پس از تو درخواست می کنم که تو به لطف ذات خود به من توجه فرمایی *

وَ تَنْشُرَ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ * وَ تَنْزِلَ عَلَيَّ بَرَكَاتِكَ * وَ إِنْ كَانَتْ قَدْ مَنَعَتْ

و رحمت را بر من منتشر و منبسط گردانی * و برکاتت را بر من نازل فرمایی * و هر چند گناهانم مانع است که

أَنْ تَرْفَعَ لِي إِلَيْكَ صَوْتًا * أَوْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبًا * أَوْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَةَ

صدای من به سوی حضرتت بالا رود * یا گناهی را از من عفو کنی * و یا از خطای مهلکی

مُهْلِكَةٍ * فَهَا أَنَا ذَا مُسْتَجِيرٍ بِكَرَمِ وَجْهِكَ * وَ عِزِّ جَلَالِكَ * مُتَوَسِّلٌ

درگذری * پس من اکنون باز به ذات کریم * و عزت و جلال تو پناه جسته * و توسل به

إِلَيْكَ * مُتَقَرِّبٌ إِلَيْكَ بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ * وَ أَكْرَمِهِمْ عَلَيْكَ *

حضرتت * و تقرب به درگاهت می جویم به وسیله بهترین و محبوبترین خلقت پیش تو * و گرامیترین *

وَ أَوْلَاهُمْ بِكَ * وَ أَطْوَعَهُمْ لَكَ * وَ أَعْظَمَهُمْ مَنزِلَةً وَ مَكَانًا عِنْدَكَ

و مخصوصترین بندگان به تو * و مطیعترین * و بلند مرتبه و عالی مقامترین خلق نزد تو یعنی حضرت

مُحَمَّدٍ * وَ بَعِثْتَهُ الطَّاهِرِينَ * الْأَئِمَّةَ الْهُدَاةَ الْمَهْدِيِّينَ * الَّذِينَ

محمد (ص) * و عترت پاک او * که پیشوایان هدایت امت و ره یافتگان سوی تو هستند * که بر خلق

فَرَضْتَ عَلَيَّ خَلْقَكَ طَاعَتَهُمْ وَ أَمَرْتَ بِمُؤَدَّتِهِمْ * وَ جَعَلْتَهُمْ وِلَاةَ

اطاعت آنها را واجب فرمودی و خلق را امر به محبت و دوستی آنان فرمودی * و آنها را فرمانداران

الْأَمْرُ مِنْ بَعْدِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * يَا مُدِلَّ كُلَّ جَبَّارٍ

بعد از پیغمبرت صلی الله علیه و آله مقرر فرمودی * ای خدایی که هر جبار سرکش معاند با حق را ذلیل خواهی

عَنَيْدٍ * وَيَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ * بَلَغَ مَجْهُودِي * فَهَبْ لِي نَفْسِي السَّاعَةَ

کرد * و اهل ایمان را عزیز و سرفراز خواهی فرمود * رنج و مجاهده من به انتها رسیده * پس در حق من رحمت خاصت را موهبت فرما

* وَرَحْمَةً مِنْكَ تَمُنُّ بِهَا عَلَيَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * پس ضریح را ببوس و هردو

* و به آن رحمت بر من منت گذار ای مهربانترین مهربانان عالم *

طرف رو را بر ضریح بگذار و بگو: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا مَشْهَدٌ لَا يَرْجُو مَنْ فَاتَتْهُ فِيهِ

ای خدا این مشهد و حرم مبارک مقام شریفی است که هر کس رحمت و لطف تو از او در اینجا فوت شود

رَحْمَتِكَ أَنْ يَنَالَهَا فِي غَيْرِهِ * وَلَا أَحَدٌ أَشَقَى مِنْ أَمْرِي قَصْدَهُ وَمَوْلَا

در غیر اینجا امید به نایل شدن رحمت ندارد * و هیچکس از آن کس که به امید و آرزویی قصد این درگاه کرده و از آرزو و امید خود

فَأَبَّ عَنْهُ خَائِبًا * اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْإِيَابِ وَخَيْبَةِ الْمُنْقَلَبِ

محروم باز گردد شقی تر و بدبخت تر نخواهد بود * پروردگارا من به حضرتت پناه می برم از اینکه در روز بازگشت و تحول از دنیا به آخرت

* وَالْمُنَاقَشَةَ عِنْدَ الْحِسَابِ * وَحَاشَاكَ يَا رَبِّ أَنْ تَقْرَنَ طَاعَةَ وَوَلِيِّكَ

از کرمت محروم شوم * و در حسابم مناقشه و سختگیری شود * و حاشا از کرمت ای پروردگار من که طاعتت را به طاعت ولی خود

بِطَاعَتِكَ * وَمَوْلَاتِهِ وَمَوْلَاتِكَ * وَمَعْصِيَتَهُ وَمَعْصِيَتِكَ * ثُمَّ تَوَيْسَ

ائمه طاهرین مقرون سازی * و محبت خود را به محبت * و معصیتت را به معصیت او * و با وجود آن زواری که

زَائِرُهُ * وَالْمُتَحَمِّلَ مِنْ بَعْدِ الْبِلَادِ إِلَى قَبْرِهِ * وَعِزَّتِكَ يَا رَبِّ لَا يَنْعَقِدُ

از شهر * و دیار دور تحمل رنجها کرده تا به زیارت قبر شریف او نایل گردیده تو او را مأیوس و ناامید برگردانی * هرگز

عَلَى ذَلِكَ ضَمِيرِي * إِذْ كَانَتْ الْقُلُوبُ إِلَيْكَ بِالْجَمِيلِ تُشِيرُ * پس نماز

باطنم بر این عقیدت نیست * زیرا دلها به درگاه حضرتت به نیکویی اشاره کنند *

زیارت کن و چون خواهی وداع کنی و برگردی بگو: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ

سلام بر شما اهل بیت پیغمبر

* وَمَعْدِنَ الرِّسَالَةِ * سَلَامٌ مُودِعٌ لَا سَئِمَ وَلَا قَالَ * وَرَحْمَةَ اللَّهِ

* و معدن رسالت * وداعی که نه از ملال و قبل و قال است * و سلام و رحمت و برکات خدا

وَبَرَكَاتِهِ * و شیخ مفید نیز این دعا را نقل کرده و لکن بعد از بِالْجَمِيلِ تُشِيرُ فرموده پس بگو: يَا

بر شما باد. *

ای

وَلِيَ اللَّهُ إِنْ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكَ

ولی خدا میان من و جل گناهان بسیاری است که جز خشنودی شما چیزی دفع عذاب آن نکند

فَبِحَقِّ مَنْ أَيْتَمَّنَكَ عَلَى سِرِّهِ * وَاسْتَرَعَاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ * وَقَرَنَ

* پس تو را قسم می‌دهم به حق آن خدایی که تو را بر سر خود امین گردانید * و امر خلق را به تربیت و رعایت شما گذاشت * و طاعت

طَاعَتِكَ بِطَاعَتِهِ * وَ مَوَالَاتِكَ بِمَوَالَاتِهِ * تَوَلَّ صَلَاحَ حَالِي مَعَ اللَّهِ

تو را مقرون به طاعت خود گردانید * و دوستی تو را به دوستی خود قرین کرد * تو از کرم صلاح حالم را با خدای عز و جل

عَزَّ وَجَلَّ * وَاجْعَلْ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِكَ تَخْلِيطِي بِجَالِصِي زُورَارِكَ *

در تصرف و حمایت خود بدار * و بهره مرا از ثواب زیارتت به اینکه من با زوار با اخلاص تو باشم قرار ده *

الَّذِينَ تَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي عِتْقِ رِقَابِهِمْ * وَتَرْغَبُ إِلَيْهِ فِي حُسْنِ

آنهايي که تو از خدای عز و جل درخواست آزادی آنها را از آتش دوزخ کرده * و راغبی به درگاه حق حسن ثواب

ثَوَابِهِمْ * وَهَا أَنَا الْيَوْمَ بِقَبْرِكَ لِأَنْدُ * وَبِحُسْنِ دِفَاعِكَ عَنِّي عَائِدُ *

و سعادت آنان را * پس من اکنون در همین روز به قبر مطهرت پناه آوردم * و برای دفاع نیکویت از من پناهنده‌ام *

فَتَلَفَنِي يَا مَوْلَايَ وَادْرَكَنِي * وَاسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَمْرِي * فَإِنَّ

پس تو ای مولای من تلافی و تدارک کارم فرما و مرا دریاب * و از خدای عز و جل در امورم مسئلت فرما * زیرا

لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا كَرِيمًا * وَجَاهًا عَظِيمًا * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ

تو را نزد خدا مقام کرامت * و رتبه عظیم است * درود و تحیت و سلام خاص

وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا * مؤلف گوید که: بهتر آن است که زائر چون خواهد دعا کند در مشاهد مشرفه بلکه

خدا بر تو باد. *

هر دعاکننده در هر کجا که باشد برای هر مطلب و حاجتی آنکه مقدم دارد بر دعای خود دعا بر سلامتی وجود

مقدس حجت عصر حضرت صاحب الامر (علیه السلام) را و این مطلب بسیار مهم و دارای فواید مهمه است که شرحش

مناسب اینجا نیست، * و شیخ مرحوم در باب دهم کتاب نجم ثاقب این مطلب را مشروحاً ذکر نموده و بعضی

از ادعیه مخصوص به این مقام را ذکر فرموده هر که خواهد به آنجا رجوع کند و مختصرترین آنها دعائی است که

در اعمال شب بیست و سیّم ماه رمضان در ضمن دعاهای شبهای دهه آخر ذکر شد و ما در ذکر آداب زائر امام

حسین (علیه السلام) دعائی نقل کردیم که در همه مشاهد مشرفه خوانده می‌شود. (۳) مقام سیّم: در صلوات بر

حجج طاهره (علیهم السلام) است * شیخ طوسی در مصباح در اعمال روز جمعه فرموده: خبر داد ما را جماعتی از اصحاب

ما از ابوالفضل شیبانی که گفت: حدیث کرد ما را از لفظ خود ابو محمد عبدالله بن محمد عابد بدالیه، گفت سؤال کردم از مولای خود امام حسن عسکری (علیه السلام) در منزل آن حضرت به سر من رأی سنه دویست و پنجاه و پنج که املاء فرماید بر من یعنی کلمه کلمه بفرماید کیفیت صلوات فرستادن بر پیغمبر و اوصیاء آن حضرت صلوات الله علیهم را و حاضر کرده بودم با خود کاغذ بزرگی پس املاء کرد بر من از لفظ خود بدون اینکه از کتابی ببیند فرمود:

صلوات بر پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ):

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلْتَ وَحْيِكَ * وَبَلَّغَ رِسَالَاتِكَ * وَصَلِّ

خدا یا درود فرست بر محمد (ص) زیرا او بار سنگین رسالت را به دوش جان گرفت * و به خلق تبلیغ کرد * چنانکه

عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَحَلَّ حَلَالِكَ * وَحَرَّمَ حَرَامَكَ * وَعَلَّمَ كِتَابَكَ *

حلال تو را حلال * و حرام تو را بر امت حرام کرد * و کتاب آسمانی تو قرآن را به مردم تعلیم داد *

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَقَامَ الصَّلَاةَ * وَآتَى الزَّكَاةَ * وَدَعَا إِلَى دِينِكَ *

و باز بر محمد درود فرست زیرا نماز را در عالم برپا داشت * و زکوة را اعطا کرد * و بندگان را به دین تو خواند *

* وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا صَدَّقَ بِوَعْدِكَ * وَأَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ *

* و باز ای خدا درود فرست بر محمد (ص) زیرا وعده تو را تصدیق کرد * و از وعده عذاب تو ترسید و امت را ترسانید *

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ * وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ *

و باز درود فرست بر محمد (ص) زیرا به واسطه او گناهان بندگان را آمرزیدی * و عیوب و زشتیهای امت را مستور فرمودی *

وَفَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ * وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ *

و غم و رنج خلق را به وجود گرامی او برطرف ساختی * و باز درود فرست ای خدا بر محمد (ص) چنانکه شقاوت و بدبختیهای خلق را به واسطه او دفع کردی *

وَكَشَفْتَ بِهِ الْغَمَّاءَ * وَاجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ * وَنَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ *

و اندوه و پریشانی را برطرف ساختی * و به واسطه او دعای بندگان را مستجاب فرمودی * و خلق را به حرمت او از بلا نجات دادی *

* وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ * وَأَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ *

* و باز درود فرست بر محمد چنانکه طفیل او به خلق ترحم کردی * و شهر و بلاد عالم را به واسطه او زنده و آبادان ساختی *

وَاقْصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ * وَأَهْلَكَتَ بِهِ الْفِرَاعِنَةَ * وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ *

و پشت جباران و گردنکشان را به قدرت او شکستی * و فرعونان جهان را هلاک ساختی * باز ای خدا بر محمد (ص) درود فرست *

كَمَا أضعَفْتَ بِهِ الْأَمْوَالَ * وَأَحْرَزْتَ بِهِ مِنَ الْأَهْوَالِ * وَكَسَرْتَ بِهِ *

چنانکه به واسطه وجود گرامی او بر ثروت و مال مردم افزودی * و از حوادث هول انگیز عالم امت را نجات دادی * و بتهای مشرکان

الْأَصْنَامَ * وَرَحِمْتَ بِهِ الْأَنَامَ * وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ وَبِخَيْرِ

را در هم شکستی * و بر خلائق ترحم فرمودی * و باز ای خدا درود فرست بر محمد چنانکه او را بر بهترین آیین حق

الْأَدْيَانَ * وَاعْزَزْتَ بِهِ الْإِيمَانَ * وَتَبَّرْتَ بِهِ الْأَوْثَانَ * وَعَظَّمْتَ بِهِ

مبعوث کردی * و اهل ایمان را به واسطه او عزت بخشیدی * و بتها را هلاک نمودی * و بیت الحرام کعبه

الْبَيْتِ الْحَرَامِ * وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ *

را عظمت بخشیدی * و باز ای خدا بر حضرت محمد (ص) و اهل بیتش که همه پاکان و خوبان و برگزیدگان عالمند *

وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا * **صلوات بر امیر المؤمنین (علیه السلام): اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ**

دروود و تحیت کامل فرست. * پروردگارا درود فرست بر

الْمُؤْمِنِينَ عَلَى بَنِ أَبِي طَالِبٍ أَخِي نَبِيِّكَ * وَوَلِيِّهِ وَصَفِيهِ (وَوَصِيِّهِ)

امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) برادر پیغمبر اکرم * و دوست خاص و برگزیده او

وَزَيْرِهِ * وَمُسْتَوْدِعِ عِلْمِهِ * وَمَوْضِعِ سِرِّهِ * وَبَابِ حِكْمَتِهِ *

و وزیر او * و محل ودیعه علم او * و درگاه حکمت او *

وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ * وَالِدَّاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ * وَخَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ *

و گویا به حجت و برهان او * و دعوت کننده خلق به شریعت و آیین او * و جانشین آن حضرت در میان امت او *

وَمُفْرَجِ الْكُرْبِ (الْكُرْبِ) عَنْ وَجْهِهِ * قَاصِمِ الْكُفْرَةِ * وَمُرْغِمِ الْفَجْرَةِ

و برطرف سازنده غم و اندوه از وجود مبارک او * و درهم شکننده حزب کافران * و به خاک هلاک کننده فاجران

الَّذِي جَعَلْتَهُ * مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى * اللَّهُمَّ وَالٍ مَنْ

* آن بزرگواری که او را نسبت به پیغمبرت به منزله هارون نسبت به موسی قرار دادی * پروردگارا تو دوست بدار هر که

وَالْأَهْ * وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ * وَانصُرَ مَنْ نَصَرَهُ * وَاخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ *

او را دوست دارد * و دشمن دار هر کس او را دشمن دارد * و یاری کن هر که او را یاری کند * و خوار کن هر که او را خوار کند *

وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ * مِنْ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * وَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا

و لعنت کن بر اولین و آخرین مردمی که به دشمنی او برخاستند * و درود فرست بر آن بزرگوار

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ * يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ * **صلوات**

بهترین درودی که بر احدی از جانشینان پیغمبرانت می فرستی * ای پروردگار عالم. *

بر سیده نسوان فاطمه (علیها السلام): اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّدِيقَةِ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ

پروردگارا درود فرست بر صدیقه فاطمه دارای نفس زکیه

حَبِيبَةَ حَبِيبِكَ وَ نَبِيَّكَ * وَ اُمَّ اَحْبَابِكَ وَ اَصْفِيَاءِكَ * اَلَّتِي

* مورد علاقه و محبت و دوستی حبیب تو و پیغمبر اکرم توست * و مادر دوستان خاص تو و امامان برگزیده * و او

اَنْتَجَبْتَهَا وَ فَضَّلْتَهَا وَ اَخْتَرْتَهَا عَلٰى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * اَللّٰهُمَّ كُنْ

منتخب توست که وی را برگزیدی و فضیلت دادی و برتری بر تمام زنان عالم دادی * پروردگارا تو از ظلم

الطَّالِبِ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا * وَ اسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا * وَ كُنِ الثَّائِرَ اَللّٰهُمَّ بَدَمِ

و بیدادی که امت جاهل در حق او کردند * و اهانت نمودند دادخواهی کن * و از آن مردم بی‌رحم که خون پاک فرزندانش

اَوْلَادِهَا * اَللّٰهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهَا اُمَّ الْاِئِمَّةِ الْهُدٰى * وَ حَلِيْلَةَ صَاحِبِ

را به خاک ریختند خونخواهی کن و انتقام بکش * پروردگارا چنانکه آن حضرت را مادر ائمه هدی * و همسر علی مرتضی

الْبِوَاءِ * وَ الْكَرِيْمَةَ عِنْدَ الْمَلَا الْاَعْلٰى * فَصَلِّ عَلَيْهَا وَ عَلٰى اُمَّهَا *

صاحب بواء و بیرق فتح * و شفاعت آنکه در ملاء اعلی گرامی است * پس تو ای خدا درود فرست بر آن حضرت و بر مادرش

صَلَاةً تُكْرَمُ بِهَا وَجْهَ مُحَمَّدٍ [اَبِيهَا] صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ * وَ تُقْرَأُ

درودی که وجه پدر بزرگوارش حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به آن درود اکرام می‌کنی * و چشم

بِهَا اَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا * وَ اَبْلِغْهُمْ عَنِّي فِيْ هَذِهِ السَّاعَةِ اَفْضَلَ التَّحِيَّةِ

ذریه او را روشن می‌گردانی * و از من هم ای خدا در این ساعت بهترین سلام و تحیت را به آن

وَ السَّلَامِ * صَلَوَاتُ بَرِّ حَسَنِ وَ حَسِينٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ): اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى الْحَسَنِ

بزرگواران برسان. * پروردگارا درود و رحمت فرست بر حسن

وَ الْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ * وَ وَلِيِّكَ وَ ابْنِي رَسُوْلِكَ * وَ سِبْطِي الرَّحْمَةِ *

و حسین دو بنده خاص * و دوست خاص تو * که دو فرزند رسول اکرم *

وَ سَيِّدِيْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ * اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِّنْ اَوْلَادِ

و دو سید جوانان اهل بهشتند * که آن درود افضل از هر رحمتی باشد که بر فرزند

النَّبِيِّنَ وَ الْمُرْسَلِيْنَ * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى الْحَسَنِ بَنِ سَيِّدِ النَّبِيِّنَ *

پیغمبران و رسولان فرستی * پروردگارا درود فرست بر حضرت حسن فرزند سید رسولان *

وَ وَصِيْ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُوْلِ اللهِ * السَّلَامُ

و جانشین امیر اهل ایمان * سلام بر تو ای پسر رسول خدا * سلام بر

عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّيْنَ * اَشْهَدُ اَنَّكَ يَا ابْنَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَمِيْنٌ

تو ای فرزند سید جانشینان رسول * گواهی می‌دهم که تو ای پسر امیر المؤمنین امین خدا

اللَّهُ وَابْنِ أَمِينِهِ * عِشْتَ مَظْلُومًا وَمَضَيْتَ شَهِيدًا * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ

و پسر امین هستی * در جهان عمری به مظلومیت زیستی و شهید از عالم رفتی * و نیز گواهی می‌دهم که محققا تو امام و پیشوای

الْإِمَامِ الزَّكِيِّ الْهَادِي الْمَهْدِي * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ * وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَ

خلقی که ستوده صفات و هادی امت و هدایت یافته به حق و حقیقتی * پروردگارا درود فرست بر او * بهترین

وَجَسَدَهُ * عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلِ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ * اللَّهُمَّ صَلِّ

سلام و تحیت را از من به روح و جسم پاک او برسان * پروردگارا درود فرست بر

عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ * قَتِيلِ الْكُفْرَةِ * وَطَرِيحِ

حسین بن علی مظلوم و شهید * و کشته شمشیر کافران منافق * و مطرود فاجران

الْفَجْرَةِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

معاند * سلام بر تو ای حضرت ابا عبد الله * سلام بر تو ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * أَشْهَدُ مُوقِنًا أَنَّكَ

رسول خدا * سلام بر تو ای پسر امیر المؤمنین * گواهی می‌دهم به طور یقین که تو ای بزرگوار

أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ * قَتَلْتَ مَظْلُومًا وَمَضَيْتَ شَهِيدًا * وَأَشْهَدُ

امین خدا و پسر امین الهی هستی * و مظلوم کشته شدی و با مقام رفیع شهادت از جهان درگذشتی * و باز گواهی می‌دهم

أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى الطَّالِبُ بِثَارِكَ * وَمُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَالتَّأْيِيدِ

که خدای متعال خونخواه توست * و وعده نصرت و فیروزی که به تو داده است بر هلاک و انتقام دشمنان

فِي هَلَاكِ عَدُوِّكَ * وَإِظْهَارِ دَعْوَتِكَ * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ

آن وعده را البته به انجام رساند * و دعوتت آشکار سازد * و نیز گواهی می‌دهم که کاملا به عهد خدا وفا کردی

* وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ

* و در راه خدا جهاد فرمودی * و خدا را با اخلاص کامل پرستش کردی تا هنگام رحلت که به عین یقین آخرت را شهود نمودی

* لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتِكَ * وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَذَلْتِكَ * وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

* خدا لعنت کند امتی را که تو را کشتند * و خدا لعنت کند امتی را که تو را مخدول و خوار و بی‌یار و یاور کردند * و خدا لعنت کند امتی را که بر ظلم و بیداد درحقت

الْبَتِّ عَلَيْكَ * وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِمَّنْ أَكْذَبَكَ * وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّكَ

اجتماع کردند * من به درگاه خدای متعال از آن بیدادگران بی‌بزاری میجویم که تو را تکذیب کردند * و حقت را پایمال و اهانت نمودند

* وَاسْتَحَلَّ دَمَكَ * يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ

* و ریختن خون پاکت را حلال شمردند * پدر و مادرم به فدایت ای ابا عبد الله * خدا لعنت کند قاتل تو را

وَلَعَنَ اللَّهُ خَاذِلَكَ * وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ وَأَعْيَتَكَ فَلَمْ يُجِبِكَ وَلَمْ

* و خدا لعنت کند واگذاران تو را در دست دشمن * و خدا لعنت کند آنان را که صدای تو را شنیدند و دعوتت را بر طلب یاری اجابت

يَنْصُرُكَ * وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَبَا نِسَاءَكَ * أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ *

نکردند * و خدا لعنت کند کسانی را که زنان حرم محترمت را به اسیری بردند من از آن مردم ظالم بیدادگر نزد خدا بیزار می‌جویم *

وَمِمَّنْ وَالَاهُمْ وَمَالَاهُمْ وَأَعَانَهُمْ عَلَيْهِ * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَالْأُمَّةَ مِنْ

و از هر که آنان را دوست دارد و یاری آنها کند در ظلم بر تو از همه بیزارم * و گواهی میدهم که تو ای ابا عبد الله و همه امامان

وَلَدِكَ كَلِمَةَ التَّقْوَى * وَبَابُ الْهُدَى * وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى * وَالْحُجَّةَ عَلَى

از فرزندان پاکت روح تقوی و خدا پرستی بودند * و درگاه هدایت خلق * و حلقه محکم ایمان * و حجت خدا

أَهْلِ الدُّنْيَا * وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ * وَبِمَنْزِلَتِكُمْ مُوقِنٌ * وَلَكُمْ

بر خلق عالم * و نیز گواهی می‌دهم که من به شما ایمان دارم * و به مقام و منزلت رفیع شما به یقین معتقدم * و به حقیقت

تَابِعُ بَدَاثِ نَفْسِي * وَشَرَائِعِ دِينِي * وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي * وَمُنْقَلَبِي فِي

جان خودم * و به شرایع و وظایف دینیم * و خاتمه کارم * تابع امر در انقلاب احوال در دنیا و آخرتم

دُنْيَايَ وَآخِرَتِي * **صلوات بر علی بن الحسین (علیه السلام): اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى**

پیرو فرمان شما هستم. * پروردگارا درود فرست بر

عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ * الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ وَنَفْسِكَ *

حضرت علی بن الحسین سید و بزرگ اهل عبادت * آن کس که تو او را برای خود خالص گردانیدی *

وَجَعَلْتَ مِنْهُ أُمَّةَ الْهُدَى * الَّذِينَ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ * وَبِهِ يَعْدِلُونَ *

و از نسل پاکش پیشوایان هدایت را * که آنها خلق را به حق هدایت کنند * و به حق باز رجوع کنند قرار دادی *

اخْتَرْتَهُ وَنَفْسِكَ وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ * وَاصْطَفَيْتَهُ وَجَعَلْتَهُ وَ

و او را برای خویش اختیار فرمودی و او را از هر رجس و ناپاکی پاک و مطهر ساختی * و او را برگزیدی و هادی خلق به سوی خدا و

هَادِيًا مَهْدِيًا * اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَةِ

هدایت یافته به حق قرار دادی * پروردگارا پس درودی و رحمتی بر او فرست که بهترین درودهایی باشد که بر ذریه

أَنْبِيَائِكَ * حَتَّى يَبْلُغَ بِهِ مَا تَقَرَّبُ بِهِ عَيْنُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ * إِنَّكَ

پیغمبران فرستادی * تا به آن درود در دنیا و آخرت دیده‌اش روشن فرمایی * که تو ای خدای مقتدر کامل و

عَزِيزٌ حَكِيمٌ * **صلوات بر محمد بن علی (علیه السلام): اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ**

به حقایق امور آگاهی. * پروردگارا درود فرست بر محمد بن علی

بْنِ عَلِيٍّ بِأَقْرِ الْعِلْمِ * وَآمَامِ الْهُدَى * وَقَائِدِ أَهْلِ التَّقْوَى * وَالْمُنْتَجَبِ

حضرت باقر العلوم * و پیشوای هدایت * و رهبر اهل تقوی * و برگزیده از بندگان

مِنْ عِبَادِكَ * اللَّهُمَّ * وَكَمَا جَعَلْتَهُ * عَلِمًا لِعِبَادِكَ * وَمَنَارًا لِّبِلَادِكَ *

خاص تو * پروردگارا و چنانکه او را علم و مرجع رشد و هدایت بندگان * و چراغ روشن شهر و دیار خود گردانیدی *

وَ مُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِكَ * وَ مُتَرْجِمًا لَوْحِيكَ * وَ أَمْرَتِ بِطَاعَتِهِ *

و محل ودیعه علم و گنجینه حکمت خویش * و ترجمان و مبین حقایق وحی خود قرار دادی * و خلق را امر به طاعت او کردی *

وَ حَذَرْتِ مِنْ مَعْصِيَتِهِ * فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبِّ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى

و نهی و تحذیر از عصیان و مخالفتش فرمودی * پس ای خدا درود فرست بر او درودی افضل از آنچه

أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّةِ أَنْبِيَائِكَ * وَ أَصْفِيَاءِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَمْنَائِكَ * يَا رَبِّ

بر احدی از ذریه پیغمبران * و خاصان و رسولان و امنای وحیت فرستادی * ای پروردگارا

الْعَالَمِينَ * **صلوات بر جعفر بن محمد (علیه السلام): اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ**

عالم. * پروردگارا درود فرست بر حضرت جعفر بن

مُحَمَّدِ الصَّادِقِ * خَازِنِ الْعِلْمِ * الدَّاعِي إِلَيْكَ بِالْحَقِّ * النُّورِ الْمُبِينِ

محمد امام صادق * که گنجینه علم تو * و خواننده خلق با نور علم * و حجت روشن به سوی حق است

* اللَّهُمَّ * وَكَمَا جَعَلْتَهُ * مَعْدِنَ كَلَامِكَ وَ وَحْيِكَ * وَ خَازِنَ عِلْمِكَ *

* پروردگارا چنانکه تو او را معدن اسرار کتاب وحی خود * و مخزن علم *

وَ لِسَانَ تَوْحِيدِكَ * وَ وَليِّ أَمْرِكَ * وَ مُسْتَحْفَظَ (مُسْتَحْفَظًا) دِينِكَ *

و زبان گویای به توحید و معرفت * و ولی امر خود * و نگهبان دین خویش قرار دادی *

فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَاءِكَ وَ حُجَجِكَ *

پس درود فرست بر او بهترین درودی که بر احدی از خاصان و حجت‌های خود فرستادی *

إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ * **صلوات بر موسی بن جعفر (علیه السلام): اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى**

که البته تو ای خدا در صفات و ذات پسندیده و بزرگواری. * پروردگارا درود فرست بر

الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْبَرِّ الْوَفِيِّ * الظَّاهِرِ الزَّكِيِّ * النُّورِ

امام امین و معتمد خلق حضرت موسی بن جعفر * که نیکوکار و وفادار * و پاک و مهذب است * نور علمش مبین

الْمُبِينِ (الْمُنِيرِ) * الْمُجْتَهِدِ الْمُحْتَسِبِ * الصَّابِرِ عَلَى الْأَذَى فَيْكَ *

احکام الهی * آن کس که همه عمر با کمال کوشش و اجتهاد در انجام وظایف امامت * بر آزار امت در راه رضای تو صبور و شکیبا بود *

اللَّهُمَّ وَكَمَا بَلَغَ عَنْ أَبِيهِ مَا اسْتَوْدَعَ مِنْ أَمْرِكَ وَنَهَيْكَ * وَحَمَلَ

ای خدا چنانکه از پدران آن امام آنچه نزد او ودیعه بود از امر و نهی دین تو همه را به خلق رسانید * و بار فرمان الهی را

عَلَى الْمَحَجَّةِ * وَكَابَدَ أَهْلَ الْعِزَّةِ وَالشَّدَّةِ فِيمَا كَانَ يَلْقَى مِنْ جُهَالِ

به راه شرع و طریق مستقیم برد * و با اهل غرور و سختگیران و در آنچه از جهال قومش میکشید مقاومت کرد

قَوْمِهِ * رَبِّ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ وَ أَكْمَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِمَّنْ

و رنج برد * پس ای خدا تو بر آن بزرگوار درودی فرست بهتر و کاملتر از هر درود و رحمت که بر احدی از بندگان

أَطَاعَكَ * وَ نَصَحَ لِعِبَادِكَ * إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ * صلوات بر علی بن

مطیع خود * و ناصحان بندگان فرستی * که البته تو خدای آمرزنده گناه خلق و مهربان در حق بندگان.

موسى (عليه السلام): اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى * الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ وَ

پروردگارا درود فرست بر علی بن موسی * آنکه او را محبوب و پسندیده خود قرار دادی و از هر کس از

وَرَضَيْتَ بِهِ مِنْ شَيْءٍ مِنْ خَلْقِكَ * اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى

خلقت خواستی او را به مقام رضا و خشنودی خود مخصوص گردانیدی * پروردگارا و چنانکه آن حضرت را حجت خود

خَلْقِكَ * وَقَائِمًا بِأَمْرِكَ * وَ نَاصِرًا لِدِينِكَ * وَ شَاهِدًا عَلَى عِبَادِكَ

بر خلق * و نگهدار * و ناصر و یاور دین و شرع خود قرار دادی * و گواه و مثل اعلا بر بندگان گردانیدی

* وَ كَمَا نَصَحَ لَهُمْ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ * وَ دَعَا إِلَى سَبِيلِكَ بِالْحِكْمَةِ

* و چنانکه ای خدا او بندگان را پنهان و آشکار نصیحت و اندرز کرد * و خلق را با حکمت و موعظه

وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ * فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ

و اندرز به راه تو دعوت کرد * پس درود فرست بر او بهترین درودی که بر احدی

أَوْلِيَائِكَ * وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ * صلوات بر محمد

از اولیاء * و خالصان و برگزیدگان از خلقت فرستادی * که تو خدای با وجود و کرم و احسانی.

بن علی بن موسى (عليه السلام): اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى *

پروردگارا درود فرست بر محمد بن علی (حضرت امام جواد)

* عِلْمِ التَّقْوَى * وَ نُورِ الْهُدَى * وَ مَعْدِنِ الْوَفَاءِ * وَ فِرْعِ الْأَرْكَبِيَاءِ *

که نشانه و مثل اعلاى تقوى و خدا پرستى است * و نور هدايت و ارشاد خلق * و معدن اهل وفا * و پیرو سایر صاحبان تزکیه نفس *

وَ خَلِيفَةِ الْأَوْصِيَاءِ * وَ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ * اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَ بِهِ

و جانشین اوصیای پیغمبر اکرم * و امین بر اسرار وحی توست * پروردگارا پس چنانکه خلق را تو به واسطه او از گمراهی

مِنَ الضَّلَالَةِ * وَ اسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ الْحَيْرَةِ * وَ ارشَدْتَ بِهِ مَنْ اهْتَدَى

به راه هدایت آوردی * و از وادی حیرت جهالت نجات دادی * و هر که لایق هدایت بود به واسطه او ارشاد کردی

* وَ زَكَّيْتَ بِهِ مَنْ تَزَكَّى * فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ

* و هر کس قابل تزکیه نفس بود روحش را تزکیه و صفا دادی * پس ای خدا درود فرست بر او بهترین درودی که بر احدی از اولیاء

مِنَ أَوْلِيَائِكَ * وَ بَقِيَّةَ أَوْصِيَائِكَ * إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ * صلوات بر علی

و دوستان خاصت * و سایر اوصیای پیغمبر اکرمت فرستادی * که تو ای خدا صاحب عزت و اقتدار و حکمت بی‌نهایتی. *

بن محمد (علیه السلام): اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ * وَصِيِّ الْأَوْصِيَاءِ *

پروردگارا درود فرست بر علی بن محمد (حضرت امام علی النقی) * جانشین اوصیای پیغمبر *

وَ إِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ * وَ خَلْفِ أئِمَّةِ الدِّينِ * وَ الْحُجَّةِ عَلَى الْخَلَائِقِ

و پیشوای اهل تقوی * و خلف صالح امامان دین * و حجت تمام

أَجْمَعِينَ * اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَهُ نُورًا يَسْتَضِيءُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ * فَبَشِّرْ

خلق * پروردگارا چنانکه تو او را چراغ روشن برای اهل ایمان قرار دادی * پس او خلق را به

بِالْجَزِيلِ مِنْ ثَوَابِكَ * وَ أَنْذِرْ بِالْأَلِيمِ مِنْ عِقَابِكَ * وَ حَذِّرْ بِأَسْكَ *

ثواب و پاداش بزرگ تو بشارت داد * و از عقاب و کیفر سخت تو ترسانید * و تحذیر کرد *

وَ ذَكَرَ بَأْيَاتِكَ * وَ أَحَلَّ حَلَالَكَ * وَ حَرَّمَ حَرَامَكَ * وَ بَيَّنَّ شَرَائِعَكَ

و بندگان را به آیات یادآور گردید * و احکام حلال * و حرام * و راه شرایع و فرایض دینت را

وَ فَرَائِضَكَ * وَ حَضَّ عَلَى عِبَادَتِكَ * وَ أَمَرَ بِطَاعَتِكَ * وَ نَهَى عَنْ

بر مردم روشن ساخت * و خلق را ترغیب و تحریص بر عبادتت کرد * و امر به طاعت و بندگیت * و نهی از معصیت

مَعْصِيَتِكَ * فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ *

و نافرمانیت فرمود * پس ای خدا تو بر او بهترین درودی که بر احدی از اولیاء و دوستان خاص خود *

وَ ذُرِّيَّةِ أَنْبِيَائِكَ * يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ * راوی این صلوات ابو محمد یمنی گفت که چون

و ذریه پیغمبران خویش فرستادی بر آن بزرگوار بفرست * ای خدای تمام عوالم وجود. *

حضرت عسکری (علیه السلام) از ذکر صلوات بر پدرش فارغ شد و نوبت بر خود آن جناب رسید ساکت ماند. عرض کردم

که کیفیت صلوات بر باقی را بفرمائید. فرمود: اگر نه این بود که ذکر این از معالم دین است و خدا امر فرموده ما را

که به اهلش برسائیم هر آینه دوست داشتم که ساکت مانم و لکن چون در مقام دین است بنویس.

صلوات بر حسن بن علی بن محمد (علیه السلام): اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ

ای خدا درود فرست بر حسن فرزند

عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ * الْبِرِّ التَّقِيِّ الصَّادِقِ الْوَفِيِّ * النُّورِ الْمُضِيِّ * خازن

علی بن محمد (ع) * که آن بزرگوار نیکوکار و پرهیزکار و صادق و وفادار بود * نور فروزنده * و خزینه دار

عِلْمِكَ * وَ الْمُذَكَّرِ بِتَوْحِيدِكَ * وَ وَلِيِّ أَمْرِكَ * وَ خَلْفِ أئِمَّةِ الدِّينِ

علم تو * و یاد آورنده مقام توحید و یکتایی * و صاحب فرمان تو * و جانشین پیشوایان دین

الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ * وَ الْحُجَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا * فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبِّ

و هادیان و رهبران خلق * و حجت خدا بر اهل دنیا بود * پس خدایا بر او درودی فرست

أَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَاءِكَ * وَ حُجَجِكَ وَ أَوْلَادِ

بهتر از هر درودی که بر احدی از خاصان و بندگان خالص * حجت‌های خود بر خلق و فرزندان

رُسُلِكَ * يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ * صلوات بر ولی الامر المنتظر (علیه السلام): اللَّهُمَّ

رسولانت فرستادی * ای خدای تمام عوالم وجود. * ای خدا

صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَ ابْنِ أَوْلِيَاءِكَ * الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ * وَ أَوْجَبْتَ

درود فرست بر ولی خود فرزند دوستان خاص خود * آنان که طاعت و حقوق آنها را بر خلق فرض * و واجب گردانیدی * و از آن ارواح

حَقَّهُمْ * وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ * وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا * اللَّهُمَّ أَنْصِرْهُ

قدسی الهی هر رجس و پلیدی شرک را دور ساختی * و آنان را کاملا پاک و منزه از هر عیب و عصبان گردانیدی * پروردگارا تو او را

وَ أَنْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ * وَ أَنْصِرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ أَوْلِيَاءَهُ * وَ شِيعَتَهُ * وَ

یاری کن و به وجود او اهل دین خود را منصور و مظفر فرما * و دوستان خود را و دوستان * و شیعیان و یاران او را به واسطه او ظفر

وَ أَنْصَارَهُ * وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ * اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاعِعٍ وَ طَاعِعٍ

و فیروزی عطا کن * و ما را هم از آن یاران و شیعیانش قرار ده * ای خدا آن بزرگوار را از شر و آزار هر ظالم و طاعی سرکش

وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ * وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ * وَ عَنْ

در پناه خود گیر * و از شر جمیع اهل شر * که پیش روی او یا از پشت سر وی * یا از راست و چپ او

يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ * وَ احْرُسْهُ وَ امْنَعْهُ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ

درآیند محفوظش بدار * و از آنکه دست آزار و سوء قصد کسی باو رسد آن وجود مبارک را نگهداری کن و منع فرما *

وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ عَالَ رَسُولِكَ * وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ * وَ أَيْدَهُ

و هم به واسطه سلطنت الهیة او حق رسول و آل رسول را محفوظ گردان * و حکومت عدل کامل را به وجود او آشکار گردان * و تو

بِالنَّصْرِ * وَ انْصُرْنَا صِرِيه * وَ اخْذُلْ خَاذِلِيه * وَ اقْصِمْ بِه جَبَابِرَةَ

او را مؤید و منصور فرما * و یاران او را هم نصرت فرما * و دشمنانش را مخدول و ذلیل ساز * و به قدرت او پشت

الْكَفْرِ * وَ اقْتُلْ بِه الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ * وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ

جباران و سرکشان عالم را بشکن * و کفار و منافقان و جمیع ملحدان را * از مشرق و مغرب روی

كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا * وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا * وَ اَمْلَأْ بِه

زمین و بر و بحر دنیا * همه به شمشیر قهر او به خاک هلاک انداز * و زمین در سلطنتش

الْأَرْضَ عَدْلًا * وَ اَظْهَرْ بِه دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ آلهِ السَّلَامُ * وَ اجْعَلْنِي

پیر از عدل گردان * و دین پیغمبر اکرمت علیه و آله السلام را ظاهر و غالب فرما * و پروردگارا مرا هم از انصار

اللَّهُمَّ مِنْ اَنْصَارِهِ وَ اَعْوَانِهِ * وَ اتَّبَاعِهِ وَ شِيعَتِهِ * وَ اَرِنِي فِي اٰلِ مُحَمَّدٍ

و یاوران * و پیروان و شیعیان آن بزرگوار قرار ده * و آنچه آرزوی آل محمد است از ظهور سلطنت عدل الهی درباره آنها بمن بنما *

مَا يَأْمُلُونَ * وَ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ * اِلَهَ الْحَقِّ ءَامِينَ

و درباره دشمنان آل رسول هم آن هلاکت و ذلت و انتقامی که از آن میترسیدند بمن بنما * ای خدای حق این دعای مرا مستجاب فرما. *

خاتمه: در بیان زیارت انبیاء عظام (علیهم السلام) و زیارت امامزادگان عالی مقام و زیارت قبور مؤمنین اَسْكَنَهُمُ

اللَّهُ دَارَ السَّلَامِ و مشتمل است بر سه مطلب. (۱) **مطلب اول:** در زیارت پیغمبران عظام (علیهم السلام) است. * بدان که

تکریم و تعظیم انبیاء (علیهم السلام) عقلاً و شرعاً لازم است: (لَا نَفْرَقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ) و زیارت ایشان راجح

و پسندیده و علماء تصریح فرموده اند به استحباب زیارت ایشان و عدد آن بزرگواران اگر چه خیلی بسیار است

لیکن قبور معلومه ایشان بسیار کم است و قبور آنهایی که نقداً مستحضر هستیم از این قرار است: حضرت آدم و

حضرت نوح در مرقد منور حضرت امیرالمؤمنین (علیهم السلام) مدفونند و حضرت ابراهیم (علیهم السلام) در قدس خلیل که در

نزدیکی بیت المقدس است مدفون است و در جوار آن حضرت جناب ساره زوجه آن حضرت و جناب اسحق و

یعقوب و یوسف (علیهم السلام) مدفونند و حضرت اسماعیل (علیهم السلام) و مادرش هاجر در مسجد الحرام در حجر مدفونند و در

اواست قبور انبیاء (علیهم السلام) * و از حضرت باقر (علیهم السلام) منقول است که ما بین رکن و مقام مملو است از قبور پیغمبران.

* و از حضرت صادق (علیهم السلام) مروی است که ما بین رکن یمانی و حجر الاسود هفتاد پیغمبر مدفون است و در

بیت المقدس قبور جمله ای از پیغمبران واقع است مانند حضرت داود و سلیمان و غیرهما سلام الله علیهم

اجمعین که در نزد اهل آنجا معروفند، و قبر جناب زکریا (علیهم السلام) در حلب معروف است و از برای جناب یونس (علیهم السلام)

در شریعه کوفه بقعه و قبه ای است معروف، و قبر حضرت هود و صالح در نجف اشرف مشهور، و مرقد حضرت

ذی الکفل در کنار شطّ فرات در نزدیکی کوفه به مسافت چند فرسخ معروف است، و در شهر موصل است قبر جرجیس پیغمبر و در بیرون شهر قبر شیث هبة الله، و در شوش قبر دانیال پیغمبر، و در قبلی این به حسب آن چیزی است که در سابق در باب مسجد برائا ذکر شد و الأفعال آن قبر شریف مشهور نیست (منه) [مسجد برائا قبر جناب یوشع (علیه السلام) و غیر اینها سلام الله علیهم اجمعین. **و اما در باب کیفیت زیارت ایشان:** پس در اخبار زیارت مخصوصی برای ایشان بنظر نرسیده مگر زیارت حضرت آدم و نوح (علیهم السلام) که در باب زیارت حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) به شرح رفت لکن از روایت زیارات جامعه که ما آن را اول زیارات جامعه قرار دادیم ظاهر می شود که انبیاء (علیهم السلام) نیز به آن زیارات کرده می شوند. شاهد بر این آنکه شیخ جلیل محمد بن المشهدی در مزار و سید اجل علی بن طاوس در مصباح الزائر و غیر ایشان رضوان الله علیهم در آداب دخول کوفه همین زیارت شریفه را از برای مشهد حضرت یونس (علیه السلام) ذکر کرده اند و مظنون آن است که نقل ایشان زیارت مذکوره را از روی همان کلیه ای باشد که از خبر ظاهر می شود به هر حال اگر کسی آن زیارت جامعه را در مراقد شریفه انبیاء (علیهم السلام) بخواند مناسب است و چون زیارت در سابق مذکور شد محتاج به نقل آن در اینجا نیستیم. هر که خواهد به زیارت اول زیارات جامعه رجوع کند و از فیض عظیم آن خود را بهره مند نماید. **۲** **مطلب دویم:** در زیارت امامزادگان عظام و شاهزادگان عالی مقام که قبورشان محلّ فیوضات و برکات و موضع نزول رحمت و عنایت الهیه است و علمای اعلام تصریح فرموده اند به استحباب زیارت قبور ایشان و بحمد الله تعالی در غالب بلاد شیعه قبورشان موجود بلکه در قری و بریه و اطراف کوهها و درّه ها پیوسته ملاذ درماندگان و ملجاء واماندگان و پناه مظلومین و موجب تسلّی دل های پژمردگان بوده و خواهند بود تا یوم قیامت. و از بسیاری از ایشان کرامات و خوارق عادات مشاهده شده، لکن مستور نماند که امامزاده ای که انسان به اطمینان خاطر محض درک فیوضات و کشف کربات بار سفر بندد و شدّ رحال کند به سمت قبر شریفش باید دو مطلب را اول درست کرده آنگاه قصد مقصد کند. **۱** **اول:** جلالت قدر و عظمت شأن صاحب آن مرقد علاوه بر شرافت نسب آنچه از کتب احادیث و انساب و تواریخ معلوم شود. **۲** **دویم:** معلوم بودن قبر آن سید جلیل و صحت نسبت قبر به او و جمع بین این دو بسیار کم است و ما در کتاب هدیه الزائر به ذکر جمعی از ایشان اشاره نمودیم و در نفثة المصدور و منتهی الامال اشاره به محسن بن حسین (علیه السلام) نمودیم و چون این کتاب را گنجایش ذکر نیست اقتصار می کنیم به ذکر دو نفر از ایشان: **۱** **اول:** سیده جلیله معظّمه حضرت فاطمه بنت موسی بن جعفر (علیه السلام) که به حضرت معصومه سلام الله علیها شهرت دارد قبر شریفش در بلده طیبه قم معروف و مشهور

است و دارای قبه عالیه و ضریح و صحنهای متعدده و خدمه بسیار و موقوفات کثیره است و روشنی چشم اهل قم و معاذ و ملاذ عامه خلق است، و در هر سال جماعت بسیار از بلاد بعیده شد رحال کنند و تعب سفر کشند به جهت درک فیوضات از زیارت آن معظمه و فضیلت و جلالت آن حضرت از اخبار بسیار ظاهر می شود. شیخ صدوق به سند حسن کالصحیح از سعد بن سعد روایت کرده که از حضرت امام رضا (علیه السلام) سؤال نمود از فاطمه بنت موسی بن جعفر (علیه السلام)؟ فرمود که: هر که او را زیارت کند از برای اوست بهشت، * و به سند معتبر دیگر از فرزند آن حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) منقول است که هر که عمه مرا در قم زیارت کند پس از برای اوست بهشت. * علامه مجلسی (رحمته الله) از بعض کتب زیارات نقل کرده که علی بن ابراهیم از پدرش از سعد اشعری قمی از حضرت امام رضا (علیه السلام) روایت کرده که آن حضرت فرمود: ای سعد نزد شما قبری هست از ما. سعد گفت: گفتیم فدای تو شوم قبر فاطمه دختر امام موسی (علیه السلام) را می فرمائی؟ فرمود: بلی (مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ) هر که او را زیارت کند و حق او را بشناسد از برای اوست بهشت. چون به نزد قبر آن حضرت برسی نزد سرش رو به قبله بایست و سی و چهار مرتبه: **اللَّهُ أَكْبَرُ** و سی و سه مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ** و سی و سه مرتبه: **الْحَمْدُ لِلَّهِ** بگو * پس بگو:

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ * السَّلَامُ

سلام بر آدم ابو البشر برگزیده خدا * سلام بر نوح پیغمبر خدا * سلام بر

عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَى

ابراهیم خلیل و دوست خاص خدا * سلام بر موسی بن عمران سخنگوی با خدا * سلام بر

عِيسَى رُوحِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

عیسی بن مریم روح قدسی الهی * سلام بر تو ای رسول خدا * سلام بر تو ای

خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بهترین خلق خدا * سلام بر تو ای برگزیده خدا * سلام بر تو ای

مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

محمد بن عبد الله خاتم رسولان خدا * سلام بر تو ای علی بن ابی طالب

عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ * وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ

امیر اهل ایمان * و وصی رسول خدا * سلام بر تو ای فاطمه زهراء

سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سِبْطِي نَبِيَّ الرَّحْمَةِ *

سیده زنان عالم * سلام بر شما دو سبط پیغمبر رحمت *

و سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ

و دو سید جوانان اهل بهشت * سلام بر تو ای حضرت علی بن الحسین سید

الْعَابِدِينَ * وَقَرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ

اهل عبادت * و روشنی چشم اهل بصیرت * سلام بر تو ای محمد بن علی شکافنده

بِاقْرِ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ

اسرار علم آسمانی بعد از رسول خدا * سلام بر تو ای جعفر بن محمد صادق و نیکوکار

الْبَارِّ الْأَمِينِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ الطَّاهِرِ الطُّهَرِ *

و بزرگوار امین اسرار الهی * سلام بر تو ای موسی بن جعفر ای روح قدسی پاک و مطهر *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا الْمُرْتَضَى * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای علی بن موسی الرضا صاحب مقام تسلیم و رضا * سلام بر تو ای

مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيِّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ

محمد بن علی تقی * سلام بر تو ای امام علی بن محمد النقی ای ناصح

النَّاصِحِ الْأَمِينِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ * السَّلَامُ عَلَيَّ

و خیرخواه امت و امین اسرار الهی * سلام بر تو ای حسن بن علی * سلام بر

الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نُورِكَ وَ سِرَاجِكَ * وَ وَلِيِّ وَ لِيكَ *

وصی بعد از عسکری * پروردگارا درود فرست بر نور تابان و چراغ فروزان خود * و ولی خویش *

وَ وَصِيِّ وَصِيِّكَ * وَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ

و جانشین جانشینانت * و حجت تو بر آفریدگانت * سلام بر تو ای دختر

رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

رسول خدا * سلام بر تو ای دختر فاطمه زهرا و خدیجه کبری * سلام بر تو ای

يَا بِنْتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ *

دختر امیر المؤمنین (ع) * سلام بر تو ای فرزند معنوی و حقیقی حسن و حسین *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ اللَّهِ *

سلام بر تو ای دختر ولی خدا * سلام بر تو ای خواهر ولی خدا *

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنَ

سلام بر تو ای عمه ولی خدا * سلام بر تو ای دختر عزیز موسی بن جعفر

جَعْفَرُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا

سلام و رحمت و برکات خدا بر جان پاک تو باد * سلام بر تو باد خدا بین ما و شما خاندان عصمت در بهشت ابد

وَ بَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ * وَ حَشَرْنَا فِي زُمْرَتِكُمْ * وَ أوردْنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ *

رابطه و شناسایی برقرار دارد * و ما را در زمره شما محشور گرداند * و بر حوض کوثر پیغمبر شما وارد سازد *

وَ سَقَانَا بِكَاسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

و به کاسه جد شما از دست ساقی کوثر علی بن ابی طالب صلوات الله عليكم سیراب گرداند

* أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا فِيكُمْ السُّرُورَ وَالْفَرَجَ * وَ أَنْ يَجْمَعَنَا وَ إِيَّاكُمْ فِي

* از خدا درخواست می‌کنم که دوران سرور و فرج شما اهل بیت را به ما بنماید * و ما را با شما خاندان طهارت در زمره

زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَ أَنْ لَا يَسْلُبْنَا مَعْرِفَتَكُمْ

جد بزرگوارتان حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله جمع و محشور فرماید * و هرگز معرفت شما را از قلوب ما باز نگیرد

* إِنَّهُ وَ وَلِيُّ قَدِيرٌ * اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ * وَ الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ *

* که البته او خدای با سلطنت و قدرت است * من به درگاه خدا به محبت شما اهل بیت رسالت تقرب می‌جویم * و از دشمنان شما

وَ التَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ رَاضِيًا بِهِ غَيْرِ مُنْكَرٍ * وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ * وَ عَلَى يَقِينٍ

بیزاری می‌جویم * و به فرمان خدا تسلیم با رضای خاطر * نه با انکار و غرور و تکبر * و با مقام یقین به آنچه

مَا آتَى بِهِ مُحَمَّدٌ وَ بِهِ رَاضٍ * نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي * اللَّهُمَّ

محمد به وحی آورده است و به آن راضی و خشنودم * و به این ایمان و یقین خود دیدار تو را مشتاقم ای مولای من * ای پروردگار

وَ رِضَاكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ * يَا فَاطِمَةَ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ * فَإِنَّ لَكَ

و رضا و خشنودی تو را و سعادت عالم آخرت را می‌طلبم * ای فاطمه معصومه مرا در دخول بهشت شفاعت کن * که تو را

عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّانِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَحْتَمَّ لِي بِالسَّعَادَةِ

نزد خدای متعال شأن و مقام بلند است * پروردگارا من از تو درخواست می‌کنم که عاقبت مرا به سعادت ختم کنی

* فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ * وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

* و ایمانی که اکنون بر آنم هرگز از من سلب نکنی * و می‌دانم که هیچ قوه و قدرتی جز به واسطه خدای بلند مرتبه بزرگ نخواهد بود

* اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا * وَ تَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَ عِزَّتِكَ * وَ بِرَحْمَتِكَ

* پروردگارا دعاهای ما را پذیرفته و مستجاب فرما * به حق کرم و بزرگواریت و عزت و جلال * و رحمت

وَ عَافِيَتِكَ * وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ * وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا

و بخشایش * و درود و تحیت کامل بر حضرت محمد * و تمام اهل بیت آن بزرگوار

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ﴿٢﴾ دویم: امامزاده لازم التعظیم جناب شاهزاده عبدالعظیم که نسب شریفش

ای مهربانترین مهربانان عالم. *

به چهار واسطه به سبط جلیل حضرت خیرالوری امام حسن مجتبی (علیه السلام) منتهی می شود بدین طریق: عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابیطالب (علیه السلام) و قبر شریفش در ری معلوم و مشهور و ملاذ و معاذ عامه مخلوق است و علو مقام و جلالت شأن آن حضرت اظهر من الشمس است چه آن جناب بعلاوه آنکه از دودمان حضرت خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله) است از اکابر محدثین و اعظم علماء و زهاد و عبّاد و صاحب ورع و تقوی است و از اصحاب حضرت جواد و حضرت هادی (علیه السلام) است و نهایت توسل و انقطاع به خدمت ایشان داشته و احادیث بسیار از ایشان روایت کرده و اوست صاحب کتاب خطب امیرالمؤمنین (علیه السلام) و کتاب یوم و لیلة و اوست که دین خود را بر امام زمانش حضرت هادی (علیه السلام) عرض کرد و حضرت تصدیق او نمود

و فرمود: يَا اَبَا الْقَاسِمِ هَذَا وَاللَّهِ دِينُ اللَّهِ * الَّذِي ارْتَضَاهُ لِعِبَادِهِ فَاثَبَتْ

ای ابوالقاسم این به خدا دین خداست * که پسندیده برای بندگانش ثابت باش

عَلَيْهِ * ثَبَّتَكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * و صاحب بن عبّاد

بر آن * ثابت دارد خدا تو را به قول پابرجا در دنیا و آخرت. *

رساله مختصره در احوال آن جناب نوشته که شیخ ما مرحوم ثقة الاسلام نوری در خاتمه مستدرک آن را نقل فرموده و در آنجا * و در رجال شیخ نجاشی است که حضرت عبدالعظیم از سلطان زمان خویش ترسید و گریخت و در شهرها گردش می کرد بعنوان آنکه قاصد و پیک است تا به ری آمد و مخفی شد در ساربانان و به روایت نجاشی در سردابی در خانه مردی از شیعیان در سکه الموالی، و در آنجا عبادت خدا می کرد و روزها روزه می داشت و شبها به نماز می ایستاد و پنهان بیرون می آمد و زیارت می کرد قبری را که در مقابل قبر او است و راه در میان است و می گفت این قبر مردی از فرزندان حضرت امام موسی (علیه السلام) است و پیوسته در آنجا می بود و یک دو از شیعه خبر می شدند از احوال او تا آنکه اکثر مردم ری او را شناختند. پس شخصی از شیعه حضرت رسالت پناه (علیه السلام) را در خواب دید که فرمود: مردی از فرزندان مرا از سکه الموالی برخوردار است و مدفون خواهند کرد نزد درخت سیب در باغ عبدالجبار بن عبدالوهّاب و اشاره فرمود به همان مکان که در آنجا مدفون شد. پس آن شخص رفت که آن درخت و مکان را از صاحب باغ بخرد، صاحب باغ گفت از برای چه می خری این درخت و جای آن را؟ آن شخص خواب خود را نقل کرد، صاحب باغ گفت من نیز چنین خواب دیده ام و موضع این

درخت را با جمیع باغ وقف کرده‌ام بر آن سید و سایر شیعیان که در آنجا مرده‌های خود را دفن کنند. پس عبدالعظیم بیمار شد و به رحمت ایزدی واصل گشت. چون او را برهنه کردند که غسل بدهند در جیبش رقعهای یافتند که در آنجا نسب شریف خود را نوشته بود که منم ابوالقاسم عبدالعظیم پسر عبدالله پسر علی پسر حسن پسر زید پسر امام حسن پسر علی بن ابیطالب (علیه السلام). * و نیز صاحب بن عبّاد در وصف علم عبدالعظیم گفته که روایت کرده ابوتراب رویانی که گفت شنیدم از ابوحمّاد رازی که می‌گفت وارد شدم بر حضرت امام علی نقی (علیه السلام) در سرّ من رأی پس سؤال کردم از آن حضرت جمله‌ای از مسائل حلال و حرام خود و جواب فرمود مسائل مرا، پس زمانی که وداع کردم با آن حضرت برای بیرون آمدن از آنجا، حضرت با من فرمود: ای حمّاد هرگاه مشکل شد بر تو چیزی از امور دینت در ناحیه خود یعنی در بلد ری پس سؤال کن آن را از عبدالعظیم بن عبدالله حسنی و سلام مرا به او برسان. * و محقق داماد در کتاب رواشح گفته که احادیث بسیار در فضیلت زیارت عبدالعظیم روایت شده و وارد شده که هر که زیارت کند قبر او را بهشت بر او واجب شود و شیخ شهید ثانی (رحمته الله) در حواشی، خلاصه همین روایت را از بعضی نسّابین نقل فرموده و ابن بابویه و ابن قولویه به سند معتبر روایت کرده‌اند که مردی از اهل ری به خدمت حضرت امام علی نقی (علیه السلام) رفت. حضرت از او پرسید که کجا بودی؟ عرض کرد که به زیارت امام حسین (علیه السلام) رفته بودم، فرمود که: اگر زیارت می‌کردی قبر عبدالعظیم را که نزد شما است هر آینه مثل کسی بودی که زیارت امام حسین (علیه السلام) کرده باشد. فقیر گوید که: علماء از برای آن بزرگوار زیارتی نقل نکردند مگر آنکه فخرالمحققین آقا جمال الدین در مزار خود فرموده که زیارت آن حضرت به این

نحو مناسب است: **السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَى نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ**

سلام بر آدم ابو البشر برگزیده خدا * سلام بر نوح پیغمبر خدا

* **السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ**

* سلام بر ابراهیم خلیل و دوست خدا * سلام بر موسی بن عمران سخنگوی با خدا *

* **السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ * السَّلَامُ**

سلام بر عیسی بن مریم روح قدس الهی * سلام بر تو ای رسول خدا (ای ختم پیغمبران الهی) * سلام

عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ * السَّلَامُ

بر تو ای بهترین خلق خدا * سلام بر تو ای برگزیده خدا * سلام بر

عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ الرُّسُلِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

تو ای محمد بن عبد الله خاتم رسولان خدا * سلام بر تو ای علی بن ابی طالب

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ * وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

امیر اهل ایمان * و وصی رسول خدا * سلام بر تو ای فاطمه زهراء

يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سِبْطِي الرَّحْمَةَ

سیده زنان عالم * سلام بر شما (حضرت حسن و حسین) دو سبط پیغمبر رحمة للعالمین

* وَ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ

* و دو سید جوانان اهل بهشت * سلام بر تو ای حضرت علی بن الحسین

سَيِّدِ الْعَابِدِينَ * وَقَرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ

سید اهل عبادت * و روشنی چشم اهل بصیرت * سلام بر تو ای محمد بن علی

عَلِيٍّ بِأَقْرَبِ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ

شکافته اسرار علوم آسمانی پس از رسول خدا * سلام بر تو ای جعفر بن محمد صادق

الصَّادِقِ الْبَارِ الْأَمِينِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ الطَّاهِرِ

و نیکوکار و بزرگوار امین اسرار حق * سلام بر تو ای موسی بن جعفر ای روح قدس پاک

الطَّهْرِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا الْمُرْتَضَى * السَّلَامُ

و مطهر * سلام بر تو ای علی بن موسی الرضا صاحب مقام تسلیم و رضا * سلام

عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيِّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ

بر تو ای محمد بن علی تقی * سلام بر تو ای علی بن محمد النقی ای ناصح

النَّقِيِّ النَّاصِحِ الْأَمِينِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ * السَّلَامُ

و خیرخواه امت و امین اسرار الهی * سلام بر تو ای حسن بن علی * سلام بر (امام عصر)

عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نُورِكَ وَسِرَاجِكَ * وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ

وصی بعد از عسکری * پروردگارا درود فرست بر نور تابان و چراغ فروزان خود * آن امام که ولی ولی تو

* وَوَصِيِّ وَصِيِّكَ * وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

* و جانشین جانشینان تو * و حجتت بر آفریدگان توست * سلام بر تو ای آقای بزرگوار

السَّيِّدِ الزَّكِيِّ * وَالطَّاهِرِ الصَّفِيِّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ السَّادَةِ

صاحب تزکیه نفس قدسی * و روح پاک با صفا و حقیقت * سلام بر تو ای فرزند بزرگان و پیشوایان

الْأَطْهَارِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمُصْطَفِيِّنَ الْأَخْيَارِ * السَّلَامُ عَلَى

پاک گوهر * سلام بر تو ای فرزند برگزیدگان حق و نیکویان عالم * سلام بر

رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَى ذُرِّيَةِ رَسُولِ اللَّهِ * وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ * أَسْلَامٌ

رسول خدا و بر ذریه پاک رسول خدا * سلام و رحمت و برکات حق بر آنان باد * سلام

عَلَى الْعَبْدِ الصَّالِحِ * الْمُطِيعِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَمِيرِ

بر بنده شایسته خدا * و مطیع فرمان پروردگار عالم * و رسول او و جانشین پیغمبر

الْمُؤْمِنِينَ * أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ ابْنَ السَّبْطِ الْمُنْتَجَبِ

امیر المؤمنین * سلام بر تو ای ابو القاسم فرزند سبط برگزیده حق

الْمُجْتَبَى * أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَزِيَارَتِهِ ثَوَابُ زِيَارَةِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ

امام مجتبی * سلام بر تو ای کسی که در زیارتت رجای ثواب زیارت حضرت سید الشهداء

يُرْتَجَى * أَسْلَامٌ عَلَيْكَ عَرَّفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ * وَ حَشَرْنَا

است * سلام بر روح پاک تو باد خدا بین ما و شما خاندان عصمت در بهشت ابد رابطه و شناسایی برقرار دارد * و ما را در زمره

فِي زُمَرَتِكُمْ * وَ أَوْرَدْنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ * وَ سَقَانَا بِكَاسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ

شما خاندان محشور گرداند * و بر حوض کوثر پیغمبر شما وارد سازد * و به کاسه جد بزرگوار شما علی بن

عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ * أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَرِيْنَا فِيكُمْ

ابی طالب که درود خدا بر او باد، سیراب گرداند * از خدا درخواست می‌کنم که دوران سرور و فرج شما

السُّرُورِ وَ الْفَرَجِ * وَ أَنْ يَجْمَعَنَا وَ آيَاكُمْ فِي زُمَرَةٍ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى

اهل بیت را به ما بنماید * و ما را با شما اهل بیت رسول در زمره جد بزرگوارتان حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله جمع و

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ * وَ أَنْ لَا يَسْلُبْنَا مَعْرِفَتَكُمْ * إِنَّهُ وَ لِي قَدِيرٌ * اتَّقَرَّبُ

محشور فرماید * و هرگز معرفت (و محبت) شما را از قلوب ما باز نگیرد * که محققا او خدای با سلطنت و قدرت است * من به درگاه

إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ * وَ الْبَرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ * وَ التَّسْلِيمَ إِلَى اللَّهِ رَاضِيًا

خدا به محبت شما اهل بیت طهارت تقرب میجویم * و از دشمنان شما بیزاری میطلبم * و به فرمان خدا تسلیمم با رضای خاطر

بِهِ غَيْرِ مُنْكَرٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ * وَ عَلَى يَقِينٍ مَا آتَى بِهِ مُحَمَّدٌ نَطْلُبُ

نه با انکار و تکبر و غرور * و با مقام یقین به آنچه محمد به وحی از جانب خدا آورده است و به آن راضی و خشنودم و به این ایمان

بِذَلِكَ وَ جَهَّكَ يَا سَيِّدِي * اللَّهُمَّ وَ رِضَاكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ * يَا سَيِّدِي

و یقین خود دیدار تو را مشتاقم ای مولای من * ای پروردگار عالم و رضا و خشنودی ترا و سعادت عالم آخرت را میطلبم * ای آقای

وَ ابْنَ سَيِّدِي * اشْفَعْ لِي فِي الْجَنَّةِ * فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنَا مِنْ الشَّانِ

من و فرزند آقای من * مرا در دخول بهشت ابد شفاعت فرما * که برای تو نزد خدا شأن و مقام بلند است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَحْتَمِلَ لِي بِالسَّعَادَةِ * فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ

* پروردگارا از تو درخواست میکنم که عاقبت مرا به سعادت ختم کنی * و ایمانی که اکنون بر آن معتقدم از من سلب نگردانی

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا *

* و می دانم که در عالم هیچ قوت و قدرتی جز به واسطه خدای بلند مرتبه بزرگ نخواهد بود * پروردگارا دعای مرا پذیرفته و مستجاب فرما *

وَتَقَبَّلْهُ بِكْرَمِكَ وَعِزَّتِكَ * وَبِرَحْمَتِكَ وَعَافِيَتِكَ * وَصَلَّى اللَّهُ

به حق کرم و بزرگواریت و عزت و جلال * و رحمت و بخشایش * و درود و تحیت کامل

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ * وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بر حضرت محمد (ص) و تمام اهل بیت آن بزرگوار * ای خدا ای مهربانترین مهربانان عالم. *

پس محقق مذکور فرموده که در بعضی اخبار مذکور است که امامزاده عبدالعظیم در اوقات توقف در ری از منزل پنهان بیرون می آمد و قبری که در مقابل قبر او است و راه در میان است زیارت می کرد و می فرمود که: این قبر

مردی از اولاد موسی بن جعفر (علیه السلام) است و الحال قبری در آنجا است که به امامزاده حمزه فرزند امام موسی (علیه السلام)

منسوب است و ظاهر آن است که همان قبری باشد که امامزاده عبدالعظیم زیارت آن می نمود، انشاء الله او را

نیز زیارت باید نمود و همین زیارت را می توان خواند و فقره (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ) و فقره بعد

از آن را نباید خواند. انتهی. * مخفی نماند که در صحن امامزاده حمزه قبر شیخ جلیل سعید قدوة المفسرین

جمال الدین ابوالفتوح حسین بن علی خزاعی (علیه السلام) صاحب تفسیر معروف است باید آن جناب را زیارت نمود

همچنین از زیارت جناب شیخ صدوق رئیس المحدثین معروف به ابن بابویه که در نزدیکی بلد شاهزاده

عبدالعظیم است غفلت نباید نمود. (۳) مطلب سیّم: در زیارت قبور مؤمنین رضی الله عنهم اجمعین است.

شیخ ثقه جلیل القدر جعفر بن قولویه قمی از عمرو بن عثمان رازی روایت کرده که گفت: شنیدم از حضرت

موسی بن جعفر (علیه السلام) که می فرمود: هر که قادر نباشد بر زیارت ما پس زیارت کند صلحاء از موالیان ما را تا نوشته

شود برای او ثواب زیارت ما و کسی که قادر نباشد بر صله و نیکی به ما پس صله و نیکی کند با صالحان موالیان

ما تا از برای او نوشته شود ثواب صله و نیکی به ما. * و نیز به سند صحیح روایت کرده از محمد بن احمد بن

یحیی الأشعری که گفت: من در فید که اسم منزلی است در طریق مکه با علی بن بلال روانه شدیم سر قبر محمد

بن اسماعیل بن بزیع، پس علی بن بلال برای من گفت که صاحب این قبر برای من روایت کرد از حضرت امام

رضا (علیه السلام) که فرمودند: هر که بیاید به نزد قبر برادر مؤمن خود و دست بر قبر گذارد و هفت مرتبه بخواند سوره اِنَّا

انزلناه را، ایمن گردد در روز فرع اکبر یعنی از ترس بزرگ روز قیامت و در روایت دیگر مثل همین را نقل کرده

مگر آنکه وارد و رو به قبله کند. فقیر گوید: این ایمن بودن که حدیث دلالت بر آن دارد ممکن است از برای خواننده باشد چنانچه ظاهر حدیث است و محتمل است که از برای صاحب قبر باشد چنانچه تأیید می‌کند آن را حدیثی که بعد از این از سید بن طاوس نقل می‌شود * و نیز در کامل الزیارة به سند معتبر منقول است که عبدالرحمن بن ابی عبدالله به حضرت صادق (علیه السلام) عرض کرد که چگونه بگذارم دست خود را بر قبور مسلمین؟ پس حضرت به دست خود اشاره به زمین فرمود و دست را بر زمین گذاشت و خود مقابل قبله بودند * و نیز به سند صحیح منقول است که عبدالله بن سنان به حضرت صادق (علیه السلام) عرض کرد که چگونه سلام باید کرد بر اهل

قبور فرمود که می‌گوئی: **السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ** *

سلام بر شما اهل دیار (عالم ملکوت و نشانه برزخ) سلام بر همه مؤمنان و مسلمانان آن دیار *

أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ * **وَنَحْنُ أَنْشَاءُ اللَّهِ بِكُمْ لِأَحْقُونَ** * و از حضرت امام حسین (علیه السلام)

شما بر ما سبقت گرفتید * ما هم انشاءالله به شما ملحق خواهیم شد. *

روایت شده که هر که داخل قبرستان شود و بگوید: **اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الْأَرْوَاحِ الْفَانِيَةِ** *

پروردگارا ای آفریننده و مربی این ارواح که از این دنیای فانی *

وَالْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ * **وَالْعِظَامِ النَّخِرَةِ الَّتِي خَرَجَتْ مِنَ الدُّنْيَا وَهِيَ**

به عالم باقی رفتند * و بدنهایشان کهنه و متلاشی گشت و استخوانشان پوسیده گردید آنان که از دنیا رفتند در حالیکه

بِكَ مُؤْمِنَةٌ * **أَدْخَلَ عَلَيْهِمْ رَوْحًا مِنْكَ** * **وَسَلَامًا مِنِّي** * بنویسد حق تعالی

به تو ایمان داشتند * تو ای خدا بر آن ارواح پاک نشاط و سرور * و سلام مرا برسان. *

از برای او حسنات به عدد خلق از زمان آدم تا قیام قیامت * و از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) منقول است که هر

که داخل قبرستان شود و بگوید: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** * **السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ لَا**

به نام خدای بخشنده مهربان * سلام بر اهل توحید گویندگان

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * **مِنْ أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** * **يَا أَهْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** * **بِحَقِّ لَا إِلَهَ**

لا اله الا الله * از جانب ما موحدان گویندگان لا اله الا الله * ای اهل توحید لا اله الا الله * به حق لا اله

إِلَّا اللَّهُ * **كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** * **مِنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** * **يَا لَا**

الا الله * شما چگونه یافتید ثواب و پاداش کلام لا اله الا الله را * از خدای یکتای وجود * ای خدا

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * **بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** * **اغْفِرْ لِمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** *

به حق لا اله الا الله * گناهان گویندگان لا اله الا الله را بخش و ببامرز *

وَ أَحْشَرْنَا فِي زُمْرَةٍ مِّنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ * عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ

و ما را هم در زمرهٔ قائلین و معتقدین لا اله الا الله * محمد رسول الله * علی ولی الله

وَلِيُّ اللَّهِ * حق سبحانه و تعالی ثواب پنجاه سال عبادت برای او بنویسد و گناه پنجاه ساله را از او و پدر و

محشور فرما. *

مادرش محوگرداند * و در روایت دیگر وارد شده که بهتر سخنی که در قبرستان بگوئی چون از آنجا بگذری آن

است که بایستی و بگوئی: اللَّهُمَّ وَلِّهِمْ مَا تَوَلَّوْا * وَ أَحْشَرْهُمْ مَعَ مَنْ أَحَبُّوْا *

پروردگارا دوست آنها دار هر که را دوست گرفتند * و با هر که دوستدارش بودند برانگیزشان. *

و سید بن طاوس در مصباح الزائر گفته که چون قصد کنی زیارت مؤمنین را سزاوار است که روز پنجشنبه باشد و

اگر نه هر وقت که خواستی و کیفیت زیارت ایشان چنین است که رو به قبله کنی و بگذاری دست خود را بر قبر و

بگوئی: اللَّهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ * وَ صَلِّ وَحْدَتَهُ * وَ اَنْسِ وَحْشَتَهُ *

بار الها به غربت او رحم کن * و تنهایی او را بپیوند * و انیس وحشت او باش *

وَ اَمِنْ رَوْعَتِهِ * وَ اَسْكِنِ الْيَهَّ مِنْ رَحْمَتِكَ * رَحْمَةً يَسْتَعْنِي بِهَا عَن

و هراسش را بمبدل به ایمنی گردان * و رحمت بی‌انتهایت را به سوی او قرار ده * تا بی‌نیاز از ترحم هر که

رَحْمَةً مِّنْ سِوَاكَ * وَ الْحَقُّهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ * پس می‌خوانی سوره انا انزلناه

جز توست باشد * و او را ملحق گردان به هر که دوستدار و پیروش بوده *

را هفت مرتبه، * و روایت شده در صفت زیارتشان و ثواب او حدیث دیگری از فضیل که گفت هر که بخواند سوره

اَنَا اَنْزَلْنَاهُ را هفت مرتبه نزد قبر مؤمنی حق تعالی ملکی به سوی قبر او فرستد که عبادت کند خدا را نزد قبر

او و بنویسد حق تعالی از برای میّت ثواب این عمل ملک را پس چون از قبرش مبعوث شود به هیچ هولی از

اهوال قیامت نگذرد مگر آنکه حق تعالی بگرداند آن هول را از او به سبب آن ملک تا خدا او را داخل بهشت

گرداند و با هفت مرتبه اَنَا اَنْزَلْنَاهُ سوره حمد و دو سوره قُلْ اَعُوْذُ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ و آیه الکرسی

را هریک سه مرتبه بخواند * و نیز روایت شده در صفت زیارت آنها روایت دیگری از محمد بن مسلم که گفت به

خدمت حضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم که مردگان را زیارت بکنیم؟ فرمود: بلی. گفتم آیا آنها می‌دانند که ما به

زیارت آنها رفته‌ایم؟ فرمود: بلی، قسم به خدا می‌دانند و شاد می‌شوند و انس می‌گیرند به شما. عرض کردم که

چه بگوئیم وقتی که به زیارت ایشان برویم؟ فرمود بگو: **اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَن جُنُوبِهِمْ** *

بار الها زمین را از پهلوهاشان نهی کن *

وَ صَاعِدِ إِلَيْكَ أَرْوَاحَهُمْ * و **وَلَقِهِمْ مِنْكَ رِضْوَانًا** * و **وَ اسْكِنِ إِلَيْهِمْ مِنْ**

و روانشان را به درگاه خود بالا بر * و با رضوان و خشنودی خود با آنها برخورد فرمای * و از رحمت بیکرانت

رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِ وَحَدَّتْهُمْ * و **وَ تَوَسَّسْ بِهِ وَحَشَّتْهُمْ** * **إِنَّكَ عَلَى كُلِّ**

همنشین ایشان ساز تا تنهایی آنان را بدان پیوند فرمایی * و ترس و وحشت آنان را به آرامش و انس مبدل فرمایی * که تو بر

شَيْءٍ قَدِيرٌ * پس سید فرموده: و در وقتی که بوده باشی بین قبرهای مؤمنین بخوان یازده مرتبه **قُلْ**

هر چیزی قادر و توانایی. *

هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را و هدیه کن آن را از برای ایشان، به تحقیق که روایت شده که حق تعالی به عدد مُردگان

ثواب می دهد. * و در کامل الزیاره از حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود: مردگان را چون پیش از طلوع

آفتاب زیارت کنید می شنوند و جواب می دهند شما را و اگر بعد از طلوع آفتاب زیارت کنید می شنوند و جواب

نمی دهند * و در دعوات راوندی حدیثی مروی است از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در کراهت زیارت اموات در شب چنانچه

فرمود حضرت به ابی ذر: **وَ لَا تَزُرْهُمْ أَحْيَانًا بِاللَّيْلِ** و در مجموعه شیخ شهید از حضرت

و زیارت مکن ایشان را هیچگاه در شب

رسول (صلی الله علیه و آله) منقول است که هیچکس نمی گوید نزد قبر میتی سه مرتبه: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ**

خداوندا من از تو درخواست می کنم

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * **أَنْ لَا تُعَذِّبَ هَذَا الْمَيِّتَ** * مگر آنکه خداوند تعالی دور

به حق محمد (ص) و آل محمد * که عذاب نکن این میت را *

گرداند از او عذاب را در روز قیامت. * از جامع الأخبار نقل است که بعضی از صحابه از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) نقل

کرده که آن حضرت فرمود هدیه بفرستید برای مردگان خود، پس گفتیم که چیست هدیه مرده ها؟ فرمود:

صدقه و دعا، و فرمود: ارواح مؤمنین می آیند هر جمعه به آسمان دنیا مقابل خانه ها و منزلهای خود و فریاد

می کنند هریک از ایشان به آواز حزین با گریه، ای اهل من و اولاد من، ای پدر من و مادر من و خویشان من،

مهربانی کنید بر ما به آنچه بود در دست ما و عذاب و حساب او بر ما است و نفعش برای غیر ما، و هریک فریاد

می کنند خویشان خود را، مهربانی کنید ما را به دره می یا به قرص نانی یا به جامه ای که خداوند پیوشاند شما

را از جامه بهشت، پس گریست رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و گریه کردیم ما و آن جناب از زیادی گریستن قدرت بر سخن

گفتن نداشت، پس فرمود: اینها برادران دینی شما هستند که خاک پوسیده شده‌اند بعد از سرور و نعمت، پس ندا می‌کنند به عذاب و هلاکت بر جانهای خود و می‌گویند وای بر ما اگر انفاق می‌کردیم آنچه را که در دست ما بود در طاعت و رضای خداوند محتاج نبودیم به سوی شما، پس برمی‌گردند با حسرت و پشیمانی و فریاد می‌کنند زود بفرستید صدقه مردگان را. * و ایضاً از آن جناب روایت کرده که فرمود: هر صدقه که برای مرده داده می‌شود می‌گیرد آن را ملکی در طبقی نور که درخشان است شعاع آن و می‌رسد به هفت آسمان پس می‌ایستد بر لب

قبر و فریاد می‌کند: **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ**. اهل شما فرستادند این هدیه را به سوی سلام بر شما ای اهل گورستان

شما، پس آن را می‌گیرد و داخل در قبر خود می‌کند و به آن خوابگاهش فراخ می‌شود. پس فرمود: آگاه باشید هر کس مهربانی کند مرده را به صدقه پس برای او است نزد خداوند از اجر مانند اُحُد و می‌باشد روز قیامت در سایه عرش خدا، روزی که نیست سایه جز سایه عرش خدا، زنده و مرده نجات می‌یابند به این صدقه. * و حکایت شده که امیر خراسان را در خواب دیدند که می‌گفت: بفرستید برای من آنچه را که می‌اندازید برای سگان خود که من محتاجم به آن. * و بدان که زیارت قبور مؤمنین ثواب بسیار دارد و علاوه فواید عظیمه بر آن مترتب است، باعث عبرت و آگاهی و زهد و بی‌میلی به دنیا و رغبت در آخرت می‌شود و در وقت اندوه بسیار و شادی بسیار باید به قبرستان رفت پس عاقل آن است که در قبرستان عبرت بگیرد از اموات تا حلاوت دنیا از دلش بیرون رود و شاهد کالای دنیوی در کامش تلخ شود و تفکر کند در فنای دنیا و تقلب احوال آن و بخاطر بیاورد که او نیز عنقریب مثل ایشان خواهد گشت و دستش از عمل کوتاه و باعث عبرت دیگران شود.

وَلَقَدْ أَجَادَ الشَّيْخُ النَّظَامِيُّ فِي قَوْلِهِ

راستی که زیبا سرود شیخ نظامی در گفته‌اش

زنده دلی در صف افسردگان	رفت به همسایگی مُردگان
حرف فنا خواند ز هر لوح پاک	روح بقا جُست ز هر روح پاک
کارشناسی پی تفتیش حال	کرد از او بر سر راهی سؤال
کین همه از زنده رمیدن چرا است	رخت سوی مرده کشیدن چرا است
گفت پلیدان به مفاک اندرند	پاک نهادان تَه خاک اندرند

مرده دلانند به روی زمین	بهر چه با مُرده شوم همنشین
همدمی مرده دهد مردگی	صحبت افسرده دل افسردگی
زیرِ گل آنانکه پراکنده‌اند	گر چه به تن مرده به دل زنده‌اند
مرده دلی بود مرا پیش از این	بسته هر چون و چرا پیش از این
زنده شدم از نظر پاکشان	آب حیات است مرا خاکشان

رَوَى أَنَّهُ وَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى عَيْسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ) * يَا عَيْسَى هَبْ لِي مِنْ

روایت شده که خدای تعالی وحی فرمود به سوی عیسی (ع) * ای هِیسی به من واگذار از

عَيْنِكَ الدَّمُوعَ * وَ مِنْ قَلْبِكَ الْخُشُوعَ * وَ أَكْحَلْ عَيْنَيْكَ بِمِيلِ

چشم خود اشک * و از دلت خشوع * و سرمه کن دو چشمت را با میل حزن

الْحُزْنَ إِذَا ضَحِكَ الْبَطَّالُونَ * وَ قُمْ عَلَى قُبُورِ الْأَمْوَاتِ * فَنادِهِمْ

هنگامی که بیهوده‌کاران بخندند * و بایست بر قبور مردگان * پس ندا کن آنان را

بِالصَّوْتِ الرَّفِيعِ * لَعَلَّكَ تَأْخُذُ مَوْعِظَتَكَ مِنْهُمْ * وَ قُلْ إِنِّي لِأَحَقُّ بِهِمْ

به صدای بلند * شاید بگیری پند خود را از آنان * و با خود بگو که من هم با سایرین و دیگر مردم

فِي اللَّاحِقِينَ * تمام شد آنچه مقدر شده بود ثبت آن در این کتاب شریف در عشیه یکشنبه دهم

به آنها ملحق خواهیم شد. *

ذی القعدة الحرام سنه یک هزار و سیصد و چهل و چهار، شب ولادت با سعادت حضرت ثامن الائمه مولانا

ابوالحسن الرضا صلوات الله عليه و چون در این روز کاغذ فوت مادرم به من رسید از برادران ایمانی که از این کتاب

منتفع می‌گردند التماس دعا و زیارت دارم و برای آن مرحومه مغفوره و برای خودم و والدین در حیات و ممات

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ أَوَّلًا وَ آخِرًا وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آئِهِ الطَّاهِرِينَ

نویسنده و مترجم نیز رجاء دعاء دارند.

ملحقات مفاتیح الجنان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ * چنین گوید این گنه کار و سیاه عباس قمی عَفَى اللَّهُ عَنْهُ بعد از آنکه به عون الله تعالی کتاب مفاتیح الجنان را تألیف نمودم و در اقطار منتشر گشت به خاطر رسید که در طبع دویم آن بر آن زیاد کنم دعای وداعی برای ماه رمضان و خطبه روز عید فطر و زیارت جامعه ائمه المؤمنین و دعای (اللَّهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هَذَا الْإِمَامَ) که در عقب زیارات خوانده می شود و زیارت وداعی که هریک از ائمه (علیهم السلام) را به آن وداع کنند و رُقعۀ ای که برای حاجت می نویسند و دعائی که در غیبت امام عصر عجل الله فرجه باید خوانده شود و آداب زیارت به نیابت بواسطه کثرت حاجت به اینها. لکن دیدم هرگاه این کار را کنم فتح بابی شود برای تصرف در کتاب مفاتیح و بسا شود بعضی از فضولان بعد از این در آن کتاب بعضی از ادعیه دیگر بیفزایند یا از آن کم کنند و به اسم مفاتیح الجنان در میان مردم رواج دهند چنانکه در مفتاح الجنان مشاهده می شود، لاجرم کتاب را به همان حال خود گذاشتم و این هشت مطلب را بعد از تمام شدن مفاتیح ملحق به آن نمودم و به لعنت خداوند قهار و نفرین رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و ائمه اطهار (علیهم السلام) و اگذارو حواله نمودم کسی را که در مفاتیح تصرف کند. اینک شروع کنیم به ذکر آن هشت مطلب. (۱) **اول: دعای وداع ماه مبارک رمضان** است. شیخ کلینی رضوان الله علیه در کتاب کافی روایت کرده از ابوبصیر از حضرت

صادق (علیه السلام) این دعا را برای وداع ماه رمضان: **اللَّهُمَّ إِنَّكَ قَلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ** *

ای خدا تو خود در کتابی که نازل کردی فرمودی *

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ * وَ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ

ماه رمضان آن ماهی است که در آن قرآن نازل شده * و این شهر مبارک رمضان به پایان

تَصَرَّمٌ * فَاسْأَلْكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ * وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ * إِنْ كَانَ بَقِيَ

رسید * پس از تو درخواست می کنم به حق ذات بزرگوار کریمت * و به حق کلمات تامه خاصانت * که اگر تا اکنون

عَلَى ذَنْبٍ لَمْ تَغْفِرْهُ لِي * أَوْ تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي عَلَيْهِ * أَوْ تُقَايِسَنِي بِهِ أَنْ

بر من گناهی باقی است که هنوز نبخشیده‌ای * و ارادهٔ عذاب و رنج مرا به آن گناه داری * ای خدا آن گناه را

لَا يَطَّلِعُ فَجْرُهُ هَذِهِ اللَّيْلَةَ * أَوْ يَتَصَرَّمْ هَذَا الشَّهْرَ إِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَهُ لِي

پیش از آنکه صبح این شب آخر رمضان طلوع کند * و این ماه تمام به پایان رسد کرم کن و از آن گنه درگذر

* يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا * وَأَوْلَهَا

* ای مهربانترین مهربانان عالم * ای خدا تو را ستایش می‌کنم به جمیع صفات کمالت * از اول تا به

وَأَخْرِهَا * مَا قُلْتَ لِنَفْسِكَ مِنْهَا * وَمَا قَالَ الْخَلَائِقُ الْحَامِدُونَ

آخر * آنچه را تو خود در ستایش خویش فرموده‌ای * و آنچه خلایقی که با کمال

الْمُجْتَهِدُونَ * الْمَعْدُودُونَ (الْمُعَدِّدُونَ) الْمَوْفِرُونَ (الْمُؤَثِّرُونَ) ذِكْرَكَ

جهد و توجه پس به حمد و ستایشت * و با تعظیم به ذکر و شکر

وَالشُّكْرَ لَكَ * الَّذِينَ اعْتَنَهُمْ عَلَى آدَاءِ حَقِّكَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ *

می‌پردازند * یعنی آن کسانی که تو آنان را بر اداء حق بندگیت یاری کردی *

مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ * وَالنَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ * وَأَصْنَافِ النَّاطِقِينَ

از انواع خلق از ملائکهٔ مقرب * و پیامبران و رسولان * و اصناف ناطقین به ذکر و تسبیح گویان حضرتت

وَالْمُسَبِّحِينَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ * عَلَى أَنَّكَ بَلَّغْتَنَا شَهْرَ رَمَضَانَ

تمام عالمیان به همهٔ این حمدها تو را ستایش می‌کنیم * که تو ما را به این ماه رمضان رسانیدی در حالی که

وَعَلَيْنَا مِنْ نِعْمِكَ * وَعِنْدَنَا مِنْ قِسْمِكَ وَإِحْسَانِكَ * وَتَظَاهِرُ

نعمتهایت بر ما وافر * و نزد ما از قسمت روزیت و کرم و احسان * و امتنانت متظاهر

إِمْتِنَانِكَ * فَبِذَلِكَ لَكَ مُنْتَهَى الْحَمْدِ * الْخَالِدِ الدَّائِمِ الرَّاكِدِ الْمُخَلَّدِ

بود * پس در مقابل این نعمتها تو را حمد کنیم ستایش شایسته در منتهای حد * حمدی همیشگی و بر دوام و ثبات و مخلد و

السَّرْمَدِ * الَّذِي لَا يَنْفَدُ طَوْلُ الْأَبَدِ * جَلَّ ثَنَاؤُكَ اعْتَنَّا عَلَيْهِ * حَتَّى

سرمدی * که طول ابدیت آن حمد را پایان ندهد * ای خدا ثنای تو بزرگ است تو ما را یاری کردی بر اداء وظیفهٔ این ماه شریف * تا

قَضَيْتَ عَنَّا صِيَامَهُ * وَقِيَامَهُ * مِنْ صَلَاةٍ * وَمَا كَانَ مِنْهُ فِيهِ مِنْ بَرٍّ أَوْ

آنکه روزهٔ آن و اقامهٔ نماز * و آنچه از اعمال خیر و شکر و ذکر تو کردیم تو از ما

شُكْرًا أَوْ ذِكْرًا * اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ * وَتَجَاوَزْكَ

ادا فرمودی * پروردگارا پس تو از کرم اعمال خیر ما را به حد کامل بپذیر و مقبول درگاهت بگردان * و از ما به کرمت

وَعَفْوِكَ وَصَفْحِكَ وَغُفْرَانِكَ * وَحَقِيقَةَ رِضْوَانِكَ * حَتَّى تُظْفِرَنَا

درگذر و ما را مشمول عفو و ملاطفت و آمرزش خود * و حقیقت خوشنودی خویش قرار ده * تا ما را در این ماه

فِيهِ بِكُلِّ خَيْرٍ مَطْلُوبٍ * وَجَزِيلٍ عَطَاءٍ مَوْهُوبٍ * وَتَوْقِينًا فِيهِ مِنْ كُلِّ

فیروز و موفق بر هر کار نیکوی مطلوب * و عطای بزرگ موهبت گردانی * و هم از کرم از هر چه مخوف و

مَرْهُوبٍ * أَوْ بِلَاءٍ مَجْلُوبٍ * أَوْ ذَنْبٍ مَكْسُوبٍ * اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ

ترسناک است * و هر بلا که به سوی ما می‌کشند * و هر گناه که به عمل آریم ما را از آن محفوظ دار * ای خدا از تو

بِعَظِيمِ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ كَرِيمِ اسْمَائِكَ * وَجَمِیلِ

درخواست می‌کنم به عظیم امری که احدی از خلقت درخواست کنند از اسماء کریم * و ثنای

ثَنَائِكَ * وَخَاصَّةً دُعَائِكَ * اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ *

جمیل * و دعای خاص تو * که نخست درود فرستی بر محمد و آل محمد (ع)

وَ اَنْ تَجْعَلَ شَهْرَنَا هَذَا اَعْظَمَ شَهْرٍ رَمَضَانَ مَرَّ عَلَيْنَا * مُنْذُ اَنْزَلْتَنَا

و این ماه رمضان ما را بزرگترین و با برکت‌ترین ماه مبارکی قرار ده که از هنگامی که ما را به دار دنیا آوردی * تا کنون

اِلَى الدُّنْيَا بَرَكَةً فِي عِصْمَةِ دِينِيْ * وَخِلَاصِ نَفْسِيْ * وَقَضَاءِ حَوَائِجِيْ

بر ما گذشته است هم از جهت حفظ دین * و خلاص و نجات جانم * و هم از جهت برآوردن حاجت‌هایم

* وَتَشْفَعَنِيْ فِيْ مَسَائِلِيْ * وَتَمَامِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ * وَصَرَفِ السُّوْءِ عَنِّيْ *

* و مرا تو خود شفیع باش در مسئله‌هایم از درگاهت * و اعطای نعمت کامل * و برطرف شدن بدیها از من *

وَلِبَاسِ الْعَافِيَةِ لِيْ فِيْهِ * وَ اَنْ تَجْعَلَ لِيْ بِرَحْمَتِكَ مِمَّنْ خِرْتَ (خِرْتَ) (ادْخِرْتَ)

و پوشیدن لباس بیخوشی و عافیت برایم در این ماه شریف * و هم در این ماه از لطف و رحمت مرا از آنان قرار ده که

لَهُ وَّلَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَجَعَلْتَهَا لَهُ خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ فِيْ اَعْظَمِ الْاَجْرِ

ثواب لیلۃ القدر را * که بهتر در اجر از هزار ماه است بر آنها اختیار و ذخیره کرده‌ای

* وَكَرَائِمِ الذُّخْرِ * وَحُسْنِ الشُّكْرِ * وَطُولِ الْعُمْرِ * وَدَوَامِ الْيُسْرِ

* و هم ذخیره‌های پر بهای دیگر * و شکرگزاری نیکو * و طول عمر * و آسایش دائم

اَللّٰهُمَّ وَ اَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَطَوْلِكَ وَعَفْوِكَ * وَنِعْمَائِكَ وَجَلَالِكَ

ای خدا و از تو سؤال می‌کنم به حق رحمت واسعه و احسان و عفو * و بخشش نعمت‌هایت و به حق جلال

* وَ قَدِيمِ اِحْسَانِكَ وَ اَمْتِنَانِكَ * اَنْ لَا تَجْعَلَ لِيْ اَخْرَ الْعَهْدِ مِنْ اَشْهُرِ

* و عظمت عطاء و احسان قدیم ازلیت * که این رمضان را آخر عهد عمر من با ماه مبارک رمضان

رَمَضَانَ * حَتَّى تَبْلُغَنَاهُ مِنْ قَابِلٍ عَلَى أَحْسَنِ حَالٍ * وَتَعْرِفَنِي هِلَالَهُ * وَ

قرار ندهی * تا در سال آتیه هم بر بهترین حال مرا نایل سازی به ثواب ماه مبارک * و هلال ماه رمضان را به من نشان دهی با سایر

مَعَ النَّاطِرِينَ إِلَيْهِ * وَ الْمُعْتَرِفِينَ لَهُ * فِي أَعْفَى عَافِيَتِكَ * وَ أَنْعَمَ

مؤمنانی که به نظاره ماه شب اول پرداخته * و مقرر و معترف به احترام این ماهند در حالی که در عافیت و آسایش کامل باشم * و بهترین

نِعْمَتِكَ * وَ أَوْسَعَ رَحْمَتِكَ * وَ أَجْزَلَ قَسْمِكَ * يَا رَبِّي الَّذِي لَيْسَ لِي

نعمتها * و وسیعترین رحمت * و عظیمتر قسمت * ای پروردگار من که جز تو مرا

رَبٌّ غَيْرُهُ * لَا يَكُونُ هَذَا الْوَدَاعُ مِنِّي لَهُ * وَ وِدَاعٍ فَنَاءٍ * وَ لَا آخِرَ الْعَهْدِ

پروردگاری نیست * این وداعی که با ماه رمضان کردم وداع فنا و مرگ * و آخرین عهد ملاقاتم با ماه مبارک

مِنِّي لِلِقَاءِ * حَتَّى تُرِينِيهِ مِنْ قَابِلٍ فِي أَوْسَعِ النِّعَمِ * وَ أَفْضَلِ الرَّجَاءِ * وَ

رمضان نباشد * تا آنکه به من در سال آتیه باز ماه رمضان را بنمایی در حالی که در وسیعترین نعمت باشم * و بهترین امید

وَ أَنَا لَكَ عَلَى أَحْسَنِ الْوَفَاءِ * إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ * اللَّهُمَّ سَمِعْ

و با تو در بهترین عهد وفاداری باشم * البته تو مستجاب کننده دعای خلقی * ای خدا دعای مرا

دُعَائِي * وَ أَرْحَمَ تَضَرُّعِي وَ تَذَلُّلِي لَكَ * وَ اسْتِكَانَتِي وَ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ

اجابت کن * و به تضرع و زاریم ترحم فرما و بر ذلت و خواریم * و اعتماد و توکلم بر حضرتت رحم آر

* وَ أَنَا لَكَ مُسَلِّمٌ * لَا أَرْجُو نَجَاحًا وَ لَا مُعَافَاةً وَ لَا تَشْرِيفًا * وَ لَا

* و من تسلیم فرمان توام * و امید نجات و رستگاری و سلامت و شرافت * و نیل به مقصد جز به حضرتت

تَبْلِيغًا إِلَّا بِكَ وَ مِنْكَ * وَ أَمُنُّ عَلَى جَلِّ ثَنَائِكَ * وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ

و از درگاه کرمت ندارم * و بر من منت گذار ای خدایی که ثنایت بزرگ * و نامهای مبارکت مقدس است

* بِتَبْلِيغِي شَهْرَ رَمَضَانَ وَ أَنَا مُعَافَى مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ * وَ مَحْذُورٍ وَ مِنْ

* و عمر مرا تا به رمضان دیگر برسان در حالی که مرا سلامتی و آسایش از هر امر ناگوار و ترسناک * و عافیت از هر سختی

جَمِيعِ الْبَوَائِقِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي آعَانَنَا عَلَى صِيَامِ هَذَا الشَّهْرِ

و بلاء عطا فرما * شکر و ستایش خدای را که ما را برای روزه این ماه شریف یاری فرمود و بر

وَ قِيَامِهِ * حَتَّى بَلَّغَنِي آخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ ۞ ۲ ۞ دَوِّيمَ: **خطبه روز عید فطر** است که امام

قیام نماز * تا آخرین لیلۀ ماه مبارک مرا نایل گردانید. *

جماعت بعد از به جا آوردن نماز عید می خواند و آن به نحوی که شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه از

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل فرموده چنین است: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ

ستایش مخصوص خدای راست که آسمان و

وَالْأَرْضِ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ۚ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ۙ﴾

زمین را آفرید * و روشنی و تاریکی را مقرر داشت * باز کافران به خدای خود شرک می آورند

﴿لَا نُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا ۚ وَلَا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيًّا ۚ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

* و ما هیچ به خدا شرک نیاوریم * و غیر او کسی را ولی خود نگیریم * و باز ستایش و سپاس مخصوص خداست

لَهُ ۚ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ ۚ وَهُوَ

که هر آنچه در آسمان و زمین است همه ملک اوست * و در عالم آخرت نیز شکر و سپاس مخصوص اوست * و او به نظم آفرینش

الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ۙ﴾ يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا ۚ وَمَا يَنْزِلُ

حکیم و به همه امور عالم آگاه است * و او هر چه درون زمین رود و هر چه از زمین به درآید * و هر چه از آسمان فرود آید

مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۚ وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ۙ﴾ كَذَلِكَ اللَّهُ لَا

و هر چه بر آسمان بالا رود همه را می داند * و اوست که بر بندگان مهربان و بخشاینده است * این است خدایی که هیچ جز او خدایی

إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ۚ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ

نیست و بازگشت همه موجودات به سوی اوست * و باز ستایش مخصوص خداست که آسمان را از سقوط بر زمین نگاه دارد

عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرءُوفٌ رَحِيمٌ ۙ﴾ اَللَّهُمَّ ارْحَمْنَا

جز آنکه مشیتش تعلق گیرد * و البته خدا بر مردم عالم بسیار رؤوف و مهربان است * ای خدا تو به رحمتت بر ما

بِرَحْمَتِكَ ۙ وَاعْمَمْنَا بِمَغْفِرَتِكَ ۙ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۙ وَالْحَمْدُ

ترحم فرما * و آمرزشت را شامل حال ما ساز * که تویی خدای بلند مرتبه بزرگ * باز ستایش

لِلَّهِ الَّذِي لَا مَقْنُوطَ مِنْ رَحْمَتِهِ ۙ لَا مَخْلُوفَ مِنْ نِعْمَتِهِ ۙ وَلَا مُؤَيَّسَ مِنْ

مخصوص خداست که هیچکس از رحمتش ناامید * و از نعمتش محروم نیست * و احدی مأیوس از لطف و عنایتش

رَوْحِهِ ۙ وَلَا مُسْتَنْكَفٍ (مُسْتَنْكَفٌ) عَنْ عِبَادَتِهِ ۙ﴾ [الَّذِي] بِكَلِمَتِهِ

نخواهد بود * و هیچکس استنکاف و سرکشی از بندگیش نتواند کرد * آن خدایی که به کلمه او

قَامَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ ۙ وَاسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُ الْمِهَادُ ۙ وَثَبَّتْ

آسمانهای هفتگانه بر پا خاسته * و مهد زمین قرار یافته * و کوههای محکم

الْجِبَالُ الرَّوَاسِي ۙ وَجَرَّتِ الرِّيحُ اللِّوَاقِحُ ۙ وَ سَارَ فِي جَوِّ السَّمَاءِ

استوار گردیده * و بادهای حامله کننده به گردش داشته * و ابر به فرمانش در فضای آسمان

السَّحَابُ * وَقَامَتْ عَلَى حُدُودِهَا الْبِحَارُ * وَهُوَ إِلَهُ لَهَا * وَقَاهِرُ

در سیر و حرکت آمده * و دریاها در حدود خود ایستاده‌اند * و اوست خدای تمام این مخلوقات * و خدای قاهری است که تمام عزت

يَذُلُّ لَهُ الْمُتَعَزِّزُونَ * وَيَتَضَاءَلُ لَهُ الْمُتَكَبِّرُونَ * وَيَدِينُ لَهُ * وَطَوْعًا

و شوکت‌مندان عالم در مقابلش حقیر و ذلیل * و همه متکبران و مغروران جهان نزدش خوار و ضعیفند * و تمام عوالم هستی خواه

وَ كَرَهَا الْعَالَمُونَ * نَحْمَدُهُ * كَمَا حَمِدَ نَفْسَهُ * وَ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ *

و ناخواه تابع حکم و فرمان اوست * حمد و ستایش می‌کنیم او را چنانکه آن ذات مقدس خود را ستایش فرموده * و به حمدی که او را شایسته است *

وَ نَسْتَعِينُهُ * وَ نَسْتَغْفِرُهُ * وَ نَسْتَهْدِيهِ * وَ نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ *

و از او یاری می‌طلبیم و طلب آموزش و بخشش می‌کنیم و از او هدایت به سوی او می‌جوییم * و گواهی می‌دهیم که هیچ خدایی

وَ حُدَّهُ * لَا شَرِيكَ لَهُ * يَعْلَمُ مَا تَخْفَى النُّفُوسُ * وَ مَا تُجِنُّ الْبِحَارُ *

جز آن خدای یکتای بی‌شریک نیست * او آنچه در نفوس خلق پنهان است * و آنچه در قعر دریاها

وَ مَا تَوَارَى مِنْهُ ظُلْمَةٌ * وَ لَا تَغِيبُ عَنْهُ غَائِبَةٌ * وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرْقَةٍ

و آنچه در ظلمت مستور است همه را می‌داند * و هیچ غایبی از او پنهان نیست * و هیچ برگ‌ی از درخت نیفتد *

مِنْ شَجَرَةٍ * وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا * لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ * وَ لَا رَطْبٌ

و هیچ دانه‌ای در زیر تاریکیهای زمین نیست جز آنکه به علم ازلی ذاتی از او آگاه است * هیچ خدایی جز آن ذات یکتا نیست * و هیچ تر و

وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ * وَيَعْلَمُ مَا يَعْمَلُ الْعَامِلُونَ وَ أَى مَجْرَى

خشکی به عالم وجود ندارد جز آنکه در کتاب مبین مسطور است * و آنچه را که کارکنان عالم می‌کنند و به هر مجرا

يَجْرُونَ * وَ إِلَى أَى مَنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ * وَ نَسْتَهْدِي اللَّهُ بِالْهُدَى *

و طریق می‌روند * و به کجا باز می‌گرداند همه را می‌داند * و ما از خدا هدایت کامل می‌طلبیم *

وَ نَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ * وَ نَبِيُّهُ * وَ رَسُولُهُ * وَ إِلَى خَلْقِهِ * وَ أَمِينُهُ *

و گواهی می‌دهیم که محققا محمد بنده او * و فرستاده او به سوی خلق * و امین بر وحی

عَلَى وَحْيِهِ * وَ أَنَّهُ * قَدْ بَلَغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ * وَ جَاهَدَ فِي اللَّهِ الْمُحَادِدِينَ

و اسرار الهی است * و البته او رسالت‌های خدا را به خلق رسانید * و در راه رواج و تبلیغ دین خدا همه گونه جهاد

عَنْهُ الْعَادِلِينَ بِهِ * وَ عَبْدَ اللَّهِ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

با گمراهان و مشرکان کرد * و خدا را تا هنگام رحلت اطاعت نمود * درود و تحیت خدا بر او و بر

وَ ءَالِهِ وَ سَلَّمَ * أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّذِي لَا تَبْرَحُ مِنْهُ نِعْمَةٌ * وَ لَا

آل اطهارش باد * ای مردم وصیت می‌کنم شما را به تقوی و خدا ترسی که البته خداست که نعمتش را زوال * و رحمتش را نفاذ

تَنْفَعُ مِنْهُ رَحْمَةٌ * وَلَا يَسْتَعْنِي الْعِبَادُ عَنْهُ * وَلَا يَجْزِي أَنْعَمَهُ الْأَعْمَالُ

و پایان نخواهد بود * و هیچ بندگان از او بی‌نیاز نیستند * و ابداء اعمال و طاعات خلق در مقابل نعمتهایش پاداشی نتواند بود

الَّذِي رَغِبَ فِي التَّقْوَى * وَ زَهَّدَ فِي الدُّنْيَا * وَ حَذَرَ الْمَعَاصِي *

* آن خدایی که شما را در تقوی ترغیب کرد * و امر به زهد در دنیا فرمود * و از نافرمانی خود بندگان را ترسانید *

وَ تَعَزَّزَ بِالْبَقَاءِ * وَ ذَلَّلَ خَلْقَهُ بِالْمَوْتِ وَ الْفَنَاءِ * وَ الْمَوْتَ غَايَةَ

خدایی که او را تنها عزت و سلطنت بقا و ابدیت است * و خلق را همه به دست مرگ و فنا خوار و منقاد گردانید * و مرگ پایان

الْمَخْلُوقِينَ * وَ سَبِيلَ الْعَالَمِينَ * وَ مَعْقُودَ بِنَوَاصِي الْبَاقِينَ * لَا يُعْجِزُهُ

هر مخلوقی است * و راه همه اهل عالم است * هرگز به فرار مردم از مرگ * بر مرگ غلبه

إِبَاقُ الْهَارِبِينَ * وَ عِنْدَ حُلُولِهِ يَأْسُرُ أَهْلَ الْهَوَى * يَهْدِمُ كُلَّ لَذَّةٍ

نتوانند کرد * و هنگام فرا رسیدن اجل اهل هوای نفس را اسیر و ذلیل خواهد کرد * و بنای هر لذت را ویران

وَ يُزِيلُ كُلَّ نِعْمَةٍ * وَ يَقْطَعُ كُلَّ بَهْجَةٍ * وَ الدُّنْيَا دَارَ كَتَبَ اللَّهُ لَهَا

و هر نعمت را زایل * و هر بهجت و نشاط را منقطع خواهد ساخت * و خلاصه دنیا خانه‌ای است که خدا فنا را بر آن حکم حتمی

الْفَنَاءِ * وَ لِأَهْلِهَا مِنْهَا الْجَلَاءُ * فَكَثُرَتْ مِنْهُ بَقَاءُهَا * وَ يُعْظَمُ

فرموده * و برای اهلهش جلای وطن و بیرون شدن از این خانه را لازم گردانیده * باز بیشتر مردم بقای دنیا را قصد دارند * و دنیا به چشمشان

بِنَاءِهَا * وَ هِيَ حُلُوةٌ خِصْرَةٌ قَدْ عَجَلَتْ لِالطَّالِبِ * وَ التَّبَسُّتُ بِقَلْبِ

بنایی با عظمت و عزت * و طعمه‌ای شیرین و باغی سبز و خرم است اما با عجله و شتاب از کف طالبانش بیرون میبرد * و ناظران را به

النَّاظِرِ * وَ يُضْنِي (تَضْنِي ذَا) ذُو الثَّرْوَةِ الضَّعِيفِ * وَ يَجْتَوِيهَا (يَجْتَوِيهَا)

شبهه کاری میافکند * ثروتمندان از حب مال دنیا بر ضعیفان و مسکینان بخل میورزند * و مردم خدا ترس و هراسان

الْمُخَائِفُ الْوَجِلُ * فَارْتَحِلُوا مِنْهَا يَرْحَمُكُمْ اللَّهُ بِأَحْسَنِ مَا بَحَضَرْتُمْ

از آن متنفرند و مکروهش شمارند * پس خدا شما را رحمت کند از حب دنیای دنی به نیکوتر چیزی که نزد شماست دوری و رحلت گزینید

* وَ لَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَكْثَرَ مِنَ الْقَلِيلِ * وَ لَا تَسْأَلُوا مِنْهَا فَوْقَ الْكَفَافِ

* و از دنیا به کمتر چیزی اکتفا کرده و افزون نطلبید * و بیش از کفاف، طالب دنیا نباشید

* وَ أَرْضُوا مِنْهَا بِالْيَسِيرِ * وَ لَا تَمُدَّنَّ أَعْيُنَكُمْ مِنْهَا إِلَى مَا مَتَّعَ

* و به ناز و نعمت متنعمان دنیا چشم ندرید * دنیا را خوار

الْمُتْرَفُونَ بِهِ * وَ اسْتَهِنُوا بِهَا وَ لَا تَوَطَّنُوهَا * وَ اضْرَبُوا بِأَنْفُسِكُمْ

شمارید * و وطن خود ندانید * و دنیا را بر خود مضر و زبان آور دانید و

فِيهَا * وَ إِيَّاكُمْ وَ التَّنَعُّمَ وَ التَّلَهِّيَّ وَ الْفَاكِهَاتِ * فَإِنَّ فِي ذَلِكَ غَفْلَةً

دوری کنید * و حذر از تن پروری و از لهو و لعب و خوشگذرانی * که عمر پر بها به غفلت و غرور

وَ اغْتِرَارًا * الْإِنِّ الدُّنْيَا قَدْ تَنَكَّرَتْ * وَ ادْبَرَتْ وَ احْلَوْلَتْ * وَ ءَاذَنْتْ

زنهار نگذرد * مردم آگاه باشید که دنیا با همه دوستانش سخت بیگانگی و بی‌وفایی کرده * و پشت به آنها نموده * و رخصت وداع

بِوَدَاعٍ * أَلَا وَ إِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ رَحَلَتْ فَاقْبَلْتِ * وَ أَشْرَفَتْ وَ ءَاذَنْتِ

از همه خواسته * باز هم آگاه باشید و متذکر شوید که عالم آخرت محققاً رحلت به سوی شما کرده و بر شما روی آورده است * و وارد گردید و از همه رخصت ورود

بِاطْلَاعٍ * أَلَا وَ إِنَّ الْمَضْمَارَ الْيَوْمَ وَ السِّبَاقَ غَدًا * أَلَا وَ إِنَّ السَّبْقَةَ

خواسته * و باز هم آگاه باشید که امروز در طاعت خدا میدان آزمایش و اسب تازی مسابقه است و فردا نتیجه بردن مسابقه است * و آگاه باشید که هر که در

الْجَنَّةِ * وَ الْغَايَةَ النَّارِ * الْأَفَلَاتَا بٌ مِنْ خَطِيئَتِهِ قَبْلَ يَوْمِ مَنِيَّتِهِ *

طاعت سبقت یافت در بهشت ابد شتافت * و هر که راه مخالفت پیمود غایت و نتیجه دوزخ است * آگاه باشید آیا کسی هست که پیش از روز مرگ از خطا و

الْأَعْمَلِ لِنَفْسِهِ قَبْلَ يَوْمِ بُؤْسِهِ وَ فَقْرِهِ * جَعَلْنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ مِمَّنْ

عصیان توبه کند * آیا کسی هست که برای خود عمل چیزی انجام دهد پیش از آنکه روز سختی و بینوایی او فرا رسد * و ای مردم خدا ما و شما را از

يَخَافُهُ وَ يَرْجُو ثَوَابَهُ * أَلَا إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ جَعَلَهُ اللَّهُ لَكُمْ عِيدًا *

آنکه خدا ترسند و به ثواب خدا امید دارند قرار دهد * آگاه باشید که البته این روزی است که خدا بر شما عید قرار داده است *

وَ جَعَلَكُمْ لَهُ أَهْلًا * فَذَكِّرُوا اللَّهَ يَذْكُرْكُمْ * وَ ادْعُوهُ يَسْتَجِبْ لَكُمْ

و شما را اهل و لایق ثوابهای این روز مبارک گردانیده * پس در این روز دایم به یاد خدا باشید تا خدا هم نظر عنایت به شما کند * و به درگاهش دعا کنید تا

وَ آدُوا فِطْرَتَكُمْ فَإِنَّهَا سَنَةٌ نَبِيِّكُمْ * وَ فَرِيضَةٌ وَاجِبَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ *

مستجاب گرداند * و زکوة فطره را به فقرا ادا کنید که آن سنت پیغمبر شماس است * و فرض و واجب از فرمان خدای شما *

فَلْيُؤَدِّهَا كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ عَنْ نَفْسِهِ * وَ عَنْ عِيَالِهِ كُلِّهِمْ * ذَكَرَهُمْ

پس هر فردی از شما از شخص خودش * و از هر فرد عیالش * از پسر

وَ انْثَاهُمْ * وَ صَغِيرَهُمْ وَ كَبِيرَهُمْ * وَ حُرَّهُمْ وَ مَمْلُوكَهُمْ * عَنْ كُلِّ

و دختر * و کوچک و بزرگ * و آزاد و بنده * از برای هر یک از آنها

إِنْسَانٍ مِنْهُمْ صَاعًا مِنْ بُرٍّ * أَوْ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ * أَوْ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ

یک صاع از گندم * یا یک صاع از خرما * یا یک صاع از جو به فقیران ادا کند

* وَ اطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا فَرَضَ عَلَيْكُمْ * وَ أَمْرَكُمْ بِهِ مِنْ إِقَامِ الصَّلَاةِ *

* و خدا را اطاعت در آنچه بر شما واجب فرموده * و به آن فرمان داده است از بر پاداشتن نماز *

وَ اِيتَاءِ الزَّكَاةِ * وَ حِجِّ الْبَيْتِ * وَ صَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ * وَ الْاَمْرِ

و اداء زکوة * و حج بیت الله * و روزه ماه مبارک رمضان * و امر به

بِالْمَعْرُوفِ * وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ * وَ الْاِحْسَانِ اِلَى نِسَائِكُمْ * وَ مَا

معروف * و نهی از منکر * و در حق زنانتان * و غلام و کنیز و کلفت و نوکران

مَلَكَتْ اِيْمَانَكُمْ * وَ اطِيعُوا اللّٰهَ فَيَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ مِنْ قَذْفِ الْمُحْصَنَةِ

به همه احسان کنید * و نیز اطاعت کنید خدا را در آنچه شما را از آنها نهی فرموده است مانند

وَ اتِيَانِ الْفَاحِشَةِ * وَ شُرْبِ الْخَمْرِ * وَ بَخْسِ الْمِكْيَالِ وَ نَقْصِ

نسبت به زنا دادن زنان مؤمنه نجیب * و عمل زنا * و شرب خمر * و کم فروشی

الْمِيزَانِ * وَ شَهَادَةِ الزُّورِ * وَ الْفِرَارِ مِنَ الرَّحْفِ * عَصَمْنَا اللّٰهَ وَايَاكُمْ

* و شهادت دروغ * و فرار از جهاد با کفار * خدا ما و شما را به واسطه تقوی از معاصی و خطایا

بِالتَّقْوَى * وَ جَعَلَ الْاٰخِرَةَ خَيْرًا لَّنَا وَ لَكُمْ مِنَ الْاُولٰى * اِنْ اَحْسَنَ

محفوظ دارد * و دار آخرت را برای ما و شما بهتر از دار دنیا قرار دهد * بهترین سخن

الْحَدِيثِ وَ اَبْلَغَ مَوْعِظَةِ الْمُتَّقِينَ كِتَابِ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ * اَعُوْذُ

و بلیغ تر و مؤثرترین کلام برای پند و اندرز اهل تقوی همانا کتاب خدای مقتدر حکیم است * پناه می برم

بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * قُلْ هُوَ اللّٰهُ

به خدا از شر شیطان مردود * به نام خدای بخشنده مهربان * ای رسول ما به خلق بگو او خدای یکتاست * آن خدایی

اَحَدٌ * اللّٰهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَ كُفُوًا اَحَدٌ

که از همه بی نیاز و همه عالم به او نیازمند است * نه کسی فرزند او و نه او فرزند کسی است * و نه هیچکس مثل و همتای اوست

✽ پس می نشیند اندکی بعد از فراغ از خطبه مانند کسی که تعجیل داشته باشد پس برمی خیزد و خطبه دویم

*

را می خواند و آن همان خطبه ای است که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روز جمعه بعد از نشستن و برخاستن

از خطبه اول می خواندند و آن خطبه چنین است: الْحَمْدُ لِلّٰهِ نَحْمَدُهُ وَ نَسْتَعِينُهُ وَ

حمد و ستایش مخصوص خداست ما او را ستایش می کنیم و از او یاری می طلبیم *

وَ نُوْمِنُ بِهِ وَ نَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ * وَ نَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ * وَ حَدَّهُ لَا

و به او ایمان آورده و بر حضرتش توکل و اعتماد داریم * و گواهی می دهیم که خدایی جز خدای * یکتای

شَرِيكَ لَهُ * وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَ رَسُولَهُ * صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ *

بی شریک نیست * و نیز گواهی دهیم که محمد (ص) بنده و فرستاده اوست * درود و تحیت خدا بر او

عَلَيْهِ وَ آلِهِ * وَ مَغْفِرَتُهُ وَ رِضْوَانُهُ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

و بر آل پاکش * و مغفرت و رضا و خوشنودی حق بر آن بزرگواران باد * پروردگارا درود و رحمت فرست بر بنده خود و رسول

وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ * صَلَاةً نَامِيَةً زَاكِيَةً تَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتَهُ * وَ تَبَيِّنُ

و پیغام آورد حضرت محمد * درود و رحمتی که دایم در افزایش و ازدیاد باشد و به آن رحمت درجه و مقامش را بلند گردانی * و

بِهَا فَضْلَهُ * وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ

برتریش را هویدا کنی * و باز هم درود فرست بر محمد و آل محمد * و برکت به آنان

وَ آلِ مُحَمَّدٍ * كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ

عطا فرما * چنانکه درود و رحمت و برکت بر ابراهیم و آل ابراهیم

إِبْرَاهِيمَ * إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ * اللَّهُمَّ عَذِّبْ كَفْرَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ الَّذِينَ

فرستادی * که تو ای خدا بسی پسندیده صفات و بزرگواری * پروردگارا کافران اهل کتاب را عذاب و عقاب فرما

يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ * وَ يَجْحَدُونَ آيَاتِكَ * وَ يُكْذِبُونَ رُسُلَكَ *

آنان که راه تو را بر خلق بستند * و آیات الهی را انکار نمودند * و پیغمبران تو را تکذیب کردند *

اللَّهُمَّ خَالَفَ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ * وَ أَلْقَ الرَّعْبَ فِي قُلُوبِهِمْ * وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِمْ

پروردگارا در میان آنان اختلاف کلمه ایجاد کن * و از مسلمانان رعب و ترس در دلهاشان بیفکن * و عذاب

رَجْزِكَ وَ نِقْمَتِكَ * وَ بَأْسَكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ * عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ *

و عقاب و بلایی بر آنها نازل ساز * که از قوم مجرم بدکار دفع نمی گردانی *

اللَّهُمَّ أَنْصُرْ جَيْشَ الْمُسْلِمِينَ وَ سَرَايَاهُمْ * وَ مُرَابِطِيهِمْ فِي مَشَارِقِ

پروردگارا سپاه اسلام و لشکریان * و سرحد دارانشان را در مشرق و مغربهای عالم

الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ

همه جا یاری کن * که تو ای خدا بر کلیه امور عالم توانایی * پروردگارا مردان

وَ الْمُؤْمِنَاتِ * وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ * اللَّهُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى

و زنان مؤمنان * و مسلمانان را بیخس و بیامرز * پروردگارا تقوی را زاد و توشه آنها

زَادَهُمْ * وَ الْإِيمَانَ وَ الْحِكْمَةَ فِي قُلُوبِهِمْ * وَ أَوْزِعَهُمْ أَنْ يَشْكُرُوا

قرار ده * و ایمان و حکمت را در دلهایشان اعطا فرما * و نعمتت را که به آنها عطا فرمودی

نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ * وَ أَنْ يُوفُوا بِعَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَهُمْ

شکر و سپاسش را هم به آنان بیاموز * و به عهدهت که بر آنان پیمان گرفته‌ای به آن عهد وفاداریشان

عَلَيْهِ * إِلَهَ الْحَقِّ وَ خَالِقَ الْخَلْقِ * اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِمَنْ تُوْفِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

الهام فرما * ای خدای بر حق و ای خالق عالم آفرینش * پروردگارا آنان که از مرد و زن

وَ الْمُؤْمِنَاتِ * وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ * وَ لِمَنْ هُوَ لِأَحَقِّ بِهِمْ مِنْ

اهل ایمان * و مسلمانان وفات کردند * و آنهایی که زنده‌اند و بعدا به آن اموات ملحق خواهند شد

بَعْدِهِمْ مِنْهُمْ * إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ

همه را بیخش و بیامرز * که تویی ای خدا به حقیقت صاحب عزت و اقتدار و حکمت * (ای مردم) خدا امر می‌کند

وَ الْإِحْسَانَ * وَ آيَتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ * وَ يَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ

به عدل و احسان * و ادای حق اقارب و خویشان * و نهی می‌فرماید از عمل زشت و فحشاء و منکر و ستم به

وَ الْبَغْيِ * يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ * اذْكُرُوا اللَّهَ يَذْكُرْكُمْ * فَانَّهُ وَ

خلقان * و شما را به این امر و این نهی پند و اندرز می‌دهد باشد که متذکر شوید * خدا را یاد کنید تا خدا از شما یاد کند * چون

ذَاكِرٍ لِمَنْ ذَكَرَهُ * وَ اسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ فَضْلِهِ * فَانَّهُ وَ لَا

خدا یاد می‌کند از آن کس که از خدا یاد کند * و شماندگان هر چه می‌خواهید از فضل و رحمت خدا درخواست کنید * که البته هرگز

يَخِيبُ عَلَيْهِ دَاعٍ دَعَاهُ * رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ

او کسی را محروم از اجابت دعا نخواهد کرد * ای پروردگار ما به ما در دنیا حسنه و نیکوییها عطا فرما و در آخرت هم حسنه

حَسَنَةً * وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٣﴾ سیم: زیارت جامعه ائمه المؤمنین است که هر امامی

و نیکوییها مرحمت فرما * و از عذاب آتش دوزخ نگاه دار.

را در هر وقت از شهور و ایام به آن زیارت می‌توان کرد و این زیارت را سید بن طاوس در مصباح الزائر از ائمه (علیهم السلام)

روایت کرده با مقدماتی از دعاء و نماز در وقت رفتن به سفر زیارت، پس فرموده چون خواستی غسل زیارت کنی

بگو در وقتی که غسل می‌کنی: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَىٰ مِلَّةِ

شروع می‌کنم به نام خدا و به ذات خدا * و در راه خدا * و بر ملت و آیین

رَسُولِ اللَّهِ * اللَّهُمَّ اغْسِلْ عَنِّي دَرَنَ الذُّنُوبِ * وَ وَسَخِ الْعُيُوبِ *

رسول خدا * پروردگارا تو پلیدی گناهان * و چرکینی عیوب و معاصی را از من دور ساز *

وَ طَهَّرَنِي بِمَاءِ التَّوْبَةِ * وَ الْبَسْنِي رِدَاءَ الْعِصْمَةِ * وَ أَيْدِنِي بِلُطْفٍ

و مرا به آب توبه از معصیت پاکیزه گردان * و لباس عصمت بر من بیوشان * و به لطف و کرم خاص خود مرا

مِنْكَ يُوَفِّقُنِي لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ * إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ * پس هرگاه نزدیک در

مؤید بدار و بر نیکوکاری موفقم گردان * که ای خدا تو صاحب فضل و رحمت بی نهایت و بزرگ هستی *

حَرَمٍ مَطْهَرٍ شَدِي بَغْوٍ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَفَّقَنِي لِقَصْدِ وَلِيِّهِ * وَ زِيَارَةِ حُجَّتِهِ

ستایش مخصوص خداست که مرا برای قصد آستان ولی خود موفق داشت * و به زیارت حجت خود توفیق داد

* وَ أَوْرَدَنِي حَرَمَهُ * وَ لَمْ يَبْخَسْنِي حَظِّي مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِهِ * وَ النُّزُولِ

* و به حرم شریفش وارد گردانید * و مرا از زیارت قبر مطهرش * و نزول به عتبه

بِعَقْوَةِ مُغَيَّبِهِ * وَ سَاحَةِ تَرْبَتِهِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَسْمِنِي

سنيه اش * و ساحت مقدس آستانش بهره کامل عطا فرمود * ستایش خدای را که به آنچه آرزو و امید به حضرتش داشتم

بِحِرْمَانٍ مَا أَمَلْتَهُ * وَ لَا صَرَفَ عَنِّي مَا رَجَوْتَهُ * وَ لَا قَطَعَ رَجَائِي

مرا نامزد حرم آن ساخت * و از امیدی که به درگاه کرمش داشتم ناامیدم نرگردانید * و از انتظاری که به او داشتم منقطع

فِيمَا تَوَقَّعْتَهُ * بَلَّ الْبَسْنِي عَافِيَتَهُ * وَ أَفَادَنِي نِعْمَتَهُ * وَ ءَاتَانِي

و محرومم نکرد * بلکه بر من لباس عافیتش بپوشانید * و افاضه نعمت * و اعطاء کرامت

كِرَامَتَهُ * پس هرگاه وارد حرم شدی بایست برابر ضریح مقدس و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ

فرمود * سلام و تحیت بر شما پیشوایان

الْمُؤْمِنِينَ * وَ سَادَةَ الْمُتَّقِينَ * وَ كِبْرَاءَ الصِّدِّيقِينَ * وَ أَمْرَاءَ الصَّالِحِينَ

اهل ایمان * و بزرگان اهل تقوی * و صدق و حقیقت * و امیران بندگان شایسته خدا

* وَ قَادَةَ الْمُحْسِنِينَ * وَ أَعْلَامَ الْمُهْتَدِينَ * وَ أَنْوَارَ الْعَارِفِينَ * وَ وَرَثَةَ

* و قائد نیکوکاران عالم * و علمدار طالبان هدایت * و نوربخش دلهای اهل معرفت * و وارث علوم

الْأَنْبِيَاءِ * وَ صَفْوَةَ الْأَوْصِيَاءِ * وَ شَمُوسَ الْأَتْقِيَاءِ * وَ بَدُورَ الْمُخْلِفَاءِ

انبیاء * و خاص و خالص اوصیاء * و خورشید رخشان آسمان اتقیاء و پرهیزکاران * و ماه تابان خلفای رسولان

* وَ عِبَادَ الرَّحْمَنِ * وَ شُرَكَاءَ الْقُرْآنِ * وَ مَنْهَجَ الْإِيمَانِ * وَ مَعَادِنَ

* بندگان خاص خدای رحمان * و شریک علوم وحی قرآن * و رهنمای اهل ایمان * و معدن و

الْحَقَائِقِ * وَ شَفْعَاءَ الْخَلَائِقِ * وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ * أَشْهَدُ أَنَّكُمْ

منبع حقایق * و شفیعان خلق عالم * سلام و تحیت و برکات خدا بر شما باد * گواهی می دهم که

أَبْوَابُ اللَّهِ * وَ مَفَاتِيحُ رَحْمَتِهِ * وَ مَقَالِيدُ مَغْفِرَتِهِ * وَ سَحَائِبُ

شما درهای معرفت خدا * و کلید رحمتهای خدا * و وسیله مغفرت و آمرزش خدا هستید * شما ابر گوهر بار

رِضْوَانِهِ * وَ مَصَابِيحُ جَنَانِهِ * وَ حَمَلَةٌ فُرْقَانِهِ * وَ خَزَنَةُ عِلْمِهِ *

رضا و خشنودی خدا * و چراغهای بهشت * و حمله علم فرقان خدا * و گنجینه علم حق *

وَ حَفَظَةُ سِرِّهِ * وَ مَهْبِطُ وَحْيِهِ * وَ عِنْدَكُمْ أَمَانَاتُ النَّبُوءَةِ * وَ وَدَائِعُ

و نگهدار سر الهی * و محل وحی خدا * و امانتهای نبوت * و ودایع اسرار

الرِّسَالَةِ * أَنْتُمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ * وَ أَحِبَّاءُ اللَّهِ * وَ عِبَادُهُ * وَ أَصْفِيَاءُ اللَّهِ *

رسالت * شما ایید امین دربار عز ربوبیت و محبان حقیقی * و بندگان خاص و دوستان خالص حضرت احدیت * و یاران و خاصان

وَ أَنْصَارُ تَوْحِيدِهِ * وَ أَرْكَانُ تَمَجِيدِهِ * وَ دُعَاتُهُ إِلَى كِتَابِهِ * وَ حَرَسَةُ

مقام توحید * و ارکان حریم مجد و عظمت * و داعیان احدیت شما بزرگوارانید که خلق را به طریق کتاب خدا می خوانید * و شما

خَلَائِقِهِ * وَ حَفَظَةُ وَدَائِعِهِ * لَا يَسْبِقُكُمْ ثَنَاءُ الْمَلَائِكَةِ فِي الْإِخْلَاصِ

نگهبان خلقید * و حافظ ودایع رسولان الهی * فرشتگان مقرب حق در اخلاص ثنای الهی و خشوع بر شما

وَ الْخُشُوعِ * وَ لَا يُضَادُّكُمْ ذُو ابْتِهَالٍ وَ خُضُوعٍ * أَنِي وَ لَكُمْ الْقُلُوبُ

هرگز سبقت نگیرند * و هیچ صاحب تضرع و خضوع به درگاه حق با شما مقابل نتواند شد * کجا تواند و حال آنکه متصدی

الَّتِي تَوَلَّى اللَّهُ رِيَاضَتَهَا بِالْخَوْفِ وَ الرَّجَاءِ * وَ جَعَلَهَا أَوْعِيَةً لِلشُّكْرِ

تربیت و تزکیه دلهای پاک شما به خوف و رجاء خود حضرت ربوبیت است * و آن دلهای پاک را خدا محل شکر و سپاس

وَ الثَّنَاءِ * وَ ءَامَنَّا مِنْ عَوَارِضِ الْغَفْلَةِ * وَ صَفَّاهَا مِنْ سُوءِ [شَوَاغِلِ]

و حمد و ثنای خود گردانید * و ایمن از عوارض غفلت و فراموشی ساخت * و از مشاغل ناپسند فتور و نسیان پاکیزه

الْفَتْرِ * بَلْ يَتَقَرَّبُ أَهْلُ السَّمَاءِ بِحُبِّكُمْ * وَ بِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ *

و مصفا کرد * بلکه اهل آسمان به دوستی شما خاندان به حضرت حق تقرب می جویند * و از دشمنان شما بیزاری می طلبند *

وَ تَوَاتُرِ الْبُكَاءِ عَلَى مُصَابِكُمْ * وَ الْاسْتِغْفَارِ لِشِيْعَتِكُمْ وَ مُحِبِّبِكُمْ

و بر مصایب شما پیوسته می گیرند * و برای شیعیان و دوستان شما اهل بیت طلب مغفرت می کنند

* فَاَنَا أَشْهَدُ اللَّهَ خَالِقِي * وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَهُ * وَ أَنْبِيَاءَهُ * وَ أَشْهَدُكُمْ

* پس من خدای آفریننده ام را گواه می گیرم * و فرشتگان و پیغمبران خدا * و شما را ای

يَا مَوَالِي * أَنِي مُؤْمِنٌ بِوَلَايَتِكُمْ (بِوَلَايَتِكُمْ) * مُعْتَقِدٌ لِأَمَانَتِكُمْ * مُقَرَّرٌ

امامان من * که من به ولایت و امامت * و خلافت شما ایمان و اعتقاد دارم * و مقرر

بِخِلَافَتِكُمْ * عَارِفٌ بِمَنْزِلَتِكُمْ * مُوقِنٌ بِعِصْمَتِكُمْ * خَاضِعٌ

و معترفم * و عارفم به منزلت رفیع شما * و یقین کامل به مقام عصمت و طهارت شما * در مقابل سلطنت

لَوْلَايَتِكُمْ (لَوْلَايَتِكُمْ) * مُتَقَرِّبٌ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ * وَ بِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ

الهیة شما خاضع و مطیع * و به درگاه خدا به محبت شما خاندان * و بی‌زاری از دشمنان تقرب می‌جویم

* عَالِمٌ بِأَنَّ اللَّهَ قَدْ طَهَّرَكُم مِّنَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ *
* و می‌دانم که خدا شما را از هر زشتی ظاهر و باطن * و از هر شائبه و ریب

وَ مِنْ كُلِّ رِيْبَةٍ وَ نَجَاسَةٍ * وَ دَنِيَّةٍ وَ رَجَاسَةٍ * وَ مَنَحَكُمْ رَايَةَ الْحَقِّ الَّتِي

و پلیدی * و پست همتی و آلودگی شما اهل بیت را پاک و منزّه گردانیده * و پرچم حق را به شما عطا کرد همان پرچمی

مَنْ تَقَدَّمَهَا ضَلَّ * وَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا زَلَّ * وَ فَرَضَ طَاعَتَكُمْ عَلَى كُلِّ

که هر که بر او تقدم جوید گمراه شده * و هر که از آن باز پس ماند لغزش نموده * و نیز حضرت احدیت اطاعت شما را بر

أَسْوَدٍ وَ أَيْضٍ * وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ وَفَيْتُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ ذِمَّتِهِ * وَ بِكُلِّ

سیاه و سفید واجب و لازم گردانیده * و من گواهی دهم که شما کاملا به عهد و پیمان خدا وفا کردید * و به هر چه

مَا اشْتَرَطَ (اشْتَرَطَهُ) عَلَيْكُمْ فِي كِتَابِهِ * وَ دَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ * وَ أَنْفَذْتُمْ

در کتابش بر شما شرط کرد به حد کامل انجام دادید * و خلق را به راه او دعوت کردید * و به تمام

طَاقَتِكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ * وَ حَمَلْتُمْ الْخَلَائِقَ عَلَى مِنْهَاجِ النُّبُوَّةِ *
طاققت خود در راه رضای او کوشش کردید * و خلائق را در شاهراه شرع نبوت *

وَ مَسَالِكِ الرِّسَالَةِ * وَ سِرَّتُمْ فِيهِ بَسِيرَةَ الْأَنْبِيَاءِ * وَ مَذَاهِبَ

و طریقه رسالت به راه آوردید * و در این کار شما به سیرت انبیاء * و طریقه اوصیاء انبیاء

الْأَوْصِيَاءِ * فَلَمْ يُطِعْ لَكُمْ أَمْرٌ * وَ لَمْ تُصَعِّغِ الْيَكْمُ أذن * فَصَلَّوْا لِلَّهِ

رفتار کردید * اما امت فرمان شما را اطاعت نکردند * و به سخنان حق شما ابدا گوش فرا ندادند * باری درود

عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ * پس خود را به قبر منور می‌چسبانی و می‌گوئی: **بِأَبِي**

بر روانهای پاک شما و جسم شریفتان باد *

أَنْتَ وَ أُمِّي يَا حُجَّةَ اللَّهِ * لَقَدْ أَرْضِعْتَ بِثَدْيِ الْإِيمَانِ * وَ فُطِمْتَ

مادرم فدای شما ای حجت خدا * تو همانا از پستان ایمان شیر خورده * و به نور مشعشع حقیقت اسلام

بِنُورِ الْإِسْلَامِ * وَ غَذِيَتْ بِبَرْدِ الْيَقِينِ * وَ الْبَسْتُ حُلَّ الْعِصْمَةِ *
از شیر گرفته شدی * و به غذای برد یقین تغذیه نمودی * و لباس حله‌های عصمت و طهارت در پوشیدی *

وَاصْطَفَيْتَ وَوَرَّثْتَ عِلْمَ الْكِتَابِ * وَ لَقِنْتَ فَصْلَ الْخُطَابِ *

و برگزیده شدی و علم کتاب آسمانی را به ارث یافتی * و به فصل الخطاب ملهم شدی *

وَ أَوْضَحَ بِمَكَانِكَ مَعَارِفَ التَّنْزِيلِ * وَ غَوَامِضَ التَّأْوِيلِ * وَ سَلَّمْتَ

و به واسطه مقام علم تو معارف عالیله تنزیل * و مشکلات حقایق تأویل قرآن بر امت واضح و روشن گردید * و ببرق حق

الْيَكُ رَايَةَ الْحَقِّ * وَ كَلَّفْتَ هِدَايَةَ الْخَلْقِ * وَ نَبَذَ إِلَيْكَ عَهْدَ الْإِمَامَةِ

و حقیقت به شما تسلیم گردید * و به هدایت خلق مکلف شدید * و عهد امامت و خلافت الهیه به تو رسید

وَ الزَّمْتَ حِفْظَ الشَّرِيعَةِ * وَ أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنْكَ وَفَيْتَ بِشَرَائِطِ

* و حفظ شریعت بر تو به امر حق فرض گردید * و باز گواهی می‌دهم که تو ای مولای من به شرایط وصیت پیغمبر خدا

الْوَصِيَّةِ * وَ قَضَيْتَ مَا لَزَمَكَ مِنْ حَدِّ الطَّاعَةِ * وَ نَهَضْتَ بِأَعْبَاءِ

کاملا وفا کردی * و حد طاعت الهی هر چه بر تو فرض و لازم بود همه را انجام دادی * و به وظایف مقام امامت

الْإِمَامَةِ * وَ أَحْتَدَيْتَ مِثَالَ النَّبُوَّةِ فِي الصَّبْرِ وَ الْجِتْهَادِ * وَ النَّصِيحَةِ

قیام کردی * و در صبر و اجتهاد و کوشش در نصیحت * و ارشاد بندگان

لِلْعِبَادِ * وَ كَظَمَ الْغَيْظَ * وَ الْعَفُوَّ عَنِ النَّاسِ * وَ عَزَمْتَ عَلَى الْعَدْلِ

خدا * و فرو بردن خشم و غضب * و عفو و بخشش از اعمال زشت مردم کاملاً طبق مقام نبوت رفتار کردی * و بر عدل

فِي الْبَرِيَّةِ * وَ النَّصْفَةِ فِي الْقَضِيَّةِ * وَ وَكَّدْتَ الْحُجَجَ عَلَى الْأُمَّةِ

و داد میان خلق تصمیم گرفتی * و در قضایای عالم حکم به انصاف فرمودی * و با حجت‌های مؤکد

بِالدَّلَائِلِ الصَّادِقَةِ * وَ الشَّرِيعَةِ النَّاطِقَةِ * وَ دَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ

محکم و دلایل حق * و لسان شریعت ناطق بر امت اتمام حجت کردی * و خلق را به سوی خدا به حکمت

الْبَالِغَةِ * وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ * فَمَنْعْتَ مِنْ تَقْوِيمِ الزَّبَعِ * وَ سَدَّ الثَّلَمَ

کامل * و موعظه و اندرز نیکو دعوت فرمودی * اما از دست ظلم دشمن ممنوع از

وَ إِصْلَاحِ الْفَاسِدِ * وَ كَسْرِ الْمَعَانِدِ * وَ أَحْيَاءِ السُّنَنِ * وَ إِمَامَةِ

راست کردن کجیها * و سد کردن رخنهها * و احیای سنتهای الهی * و نابود کردن بدعتها ممنوع

الْبِدْعِ * حَتَّى فَارَقْتَ الدُّنْيَا وَ أَنْتَ شَهِيدٌ * وَ لَقِيتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى

گشتی * تا هنگامی که از دار دنیا رحلت فرمودی در حالی که شهید راه خدا شدی * و رسول خدا صلی الله

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ * وَ أَنْتَ حَمِيدٌ * صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ تَرَادُفٌ

علیه و آله را ملاقات کردی * و نزد خدا بنده پسنیده بودی * درود خدا پیوسته و با افزایش دائمی بر

و تَزِيدُ ﴿﴾ بعد برو بطرف پایین پای مبارک و بگو: يَا سَادَتِي يَا آلَ رَسُولِ اللَّهِ ﴿﴾ اِنِّي

روان تو باد * ای آقایان من ای آل رسول خدا * من

بِكُمْ اَتَقَرَّبُ اِلَى اللَّهِ جَلَّ وَ عَلَا ﴿﴾ بِالْخِلَافِ عَلَى الَّذِينَ غَدَرُوا بِكُمْ

به وسیله شما به درگاه خدای بزرگ بلند مرتبه تقرب می جویم * و به واسطه مخالفت با دشمنان شما که مکر و غدر با شما کردند

﴿﴾ وَ نَكثُوا بَيْعَتَكُمْ ﴿﴾ وَ جَحَدُوا وَ لَايَتَكُمْ ﴿﴾ وَ اَنكَرُوا مَنَزَلَتَكُمْ ﴿﴾

* و بیعت امامت شما را شکستند * و مقام ولایت * و عالی منزلت شما را انکار کردند *

وَ خَلَعُوا رِبْقَةَ طَاعَتِكُمْ ﴿﴾ وَ هَجَرُوا اَسْبَابَ مَوَدَّتِكُمْ ﴿﴾ وَ تَقَرَّبُوا اِلَى

و علاقه اطاعت شما را از خود برکنند * و از محبت شما با تمام اسباب دوری کردند * و به فرارنده

فِرَاعِنْتَهُمْ ﴿﴾ بِالْبَرَاءَةِ مِنْكُمْ ﴿﴾ وَ الْاِعْرَاضِ عَنْكُمْ ﴿﴾ وَ مَنَعُوكُمْ مِنْ اِقَامَةِ

شما خاندان تقرب * و از شما بیزاری جستند * و اعراض کردند * و از اقامه حدود

الْحُدُودِ ﴿﴾ وَ اسْتِيصَالَ الْجُحُودِ ﴿﴾ وَ شَعَبَ الصَّدْعِ ﴿﴾ وَ لَمَّ الشَّعَثِ ﴿﴾

الهی * و استیصال و ریشه کن ساختن منکران دین حق * و رفع تفرقه و تشعب و جمع آوری مسلمین از تفرقه و خلاف * و

وَسَدِّ الْخَلَلِ ﴿﴾ وَ تَثْقِيفِ الْاَوْدِ ﴿﴾ وَ اِمْضَاءِ الْاِحْكَامِ ﴿﴾ وَ تَهْذِيبِ الْاِسْلَامِ

اصلاح و به راست آوردن کجیها * و اتمام نواقص امور امت * و اجراء احکام خدا * و تهذیب و آراستن قوانین شرع

﴿﴾ وَ قَمْعِ الْاِثَامِ ﴿﴾ وَ اَرْهَجُوا عَلَيْكُمْ نَقْعَ الْحُرُوبِ وَ الْفِتَنِ ﴿﴾ وَ اَنحَوْا

* و قلع و قمع گناهان شما را منع کردند * و دایم بر دیده شما گرد و غبار میدان جنگ و فتنه و فساد برانگیختند * و شمشیرهای

عَلَيْكُمْ سِوْفِ الْاِحْقَادِ ﴿﴾ وَ هَتَكُوا مِنْكُمْ السُّتُورِ ﴿﴾ وَ اَبْتَاعُوا

حقد و کینه را بر علیه شما از غلاف کشیدند * و پردههای حرمت و جلالت شما را بردیدند * و به نقد خمس شما

بِخُمْسِكُمُ الْخُمُورِ ﴿﴾ وَ صَرَفُوا صَدَقَاتِ الْمَسَاكِينِ اِلَى الْمُضْحِكِينَ

آل رسول شرابها خریدند و خوردند * و حق صدقات مسکینان و فقیران را به مسخره چیان

وَ السَّاخِرِينَ ﴿﴾ وَ ذَلِكَ بِمَا طَرَقَتْ لَهُمُ الْفَسَقَةُ الْغَوَاةُ ﴿﴾ وَ الْحَسَدَةُ

دادند * و این قدرت را دشمنان شما از آن یافتند که مردم فاسق و گمراه * و حسودان

الْبُغَاةُ ﴿﴾ اَهْلُ النَّكْثِ وَ الْغَدْرِ وَ الْخِلَافِ وَ الْمَكْرِ ﴿﴾ وَ الْقُلُوبِ الْمُنْتَنَةِ

ظالم * و اهل مکر و خلاف قوم بی وفای حیلت گر * دلهای ناپاک پر عفونت

مِنْ قَدْرِ الشَّرِكِ ﴿﴾ وَ الْاَجْسَادِ الْمُسْحَنَةِ مِنْ دَرَنِ الْكُفْرِ ﴿﴾ الَّذِينَ

و پلیدی و شرک * و تنهای مملو از کثافت و کفر * آنان که

أَضْبُوا عَلَى النِّفَاقِ * وَ أَكْبُوا عَلَى عَلَاقِ الشَّقَاقِ * فَلَمَّا مَضَى

بر خوی نفاق استوار بودند * و بر علایق و اسباب تفرقه و شقاق اسلام سخت فرو رفته و به رو دریافتندد * پس

الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آئِهِ * اخْتَطَفُوا الْغُرَّةَ * وَ انْتَهَزُوا

هنگامی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله * از جهان درگذشت * فرصت را غنیمت شمردند * و عزت و خلافت

الْفُرْصَةَ * وَ انْتَهَكُوا الْحُرْمَةَ * وَ غَادَرُوهُ عَلَى فِرَاشِ الْوَفَاةِ * وَ أَسْرَعُوا

و سلطنت را در ربوندند و از حرمت اهل بیت پرده‌ری کردند * و در حالی که جسد رسول (ص) بر بستر وفات بود مهلت نداده * مکر

لِنَقْضِ الْبَيْعَةِ * وَ مُخَالَفَةِ الْمَوَاقِيقِ الْمَوْكَدَةِ * وَ خِيَانَةِ الْأَمَانَةِ

و حیلت انگیختند و بیعت را شکستند * و آن عهد محکم و پیمانهای اکید پیغمبر را نقض کردند * و امانت را که

الْمَعْرُوضَةِ عَلَى الْجِبَالِ الرَّاسِيَةِ * وَ ابْتَأَنَ تَحْمِلَهَا * وَ حَمَلَهَا

بر کوه‌های سخت عرضه داشتند * و از حملش آنها ایا و امتناع نمودند * و انسان حمل آن بار امانت کرد که ظلوم و جهول

الْإِنْسَانَ الظَّلُومَ الْجَهُولَ * ذُو الشَّقَاقِ وَ الْعِزَّةَ بِالْأَثَامِ الْمَوْلِمَةِ *

بود در آن امانت خیانت کردند * که همه آنها اهل شقاق و نفاق و تفرقه بودند به گناهان مؤلم تکبر و نخوت و مباحات داشتند *

وَ الْأَنْفَةَ عَنِ الْأَنْقِيَادِ حَمِيدِ الْعَاقِبَةِ * فَحُشِرَ سَفْلَةُ الْأَعْرَابِ وَ بَقَايَا

به جای آنکه اطاعت و انقیاد برای حسن عاقبت خود کنند * پس مردم پست سفله طبیعت اعراب

الْأَحْزَابِ إِلَى دَارِ النُّبُوَّةِ وَ الرِّسَالَةِ * وَ مَهَبَطِ الْوَحْيِ وَ الْمَلَائِكَةِ *

و بقایای جنگ احزاب کفار را به در خانه نبوت و رسالت * و محل هبوط وحی *

وَ مُسْتَقَرِّ سُلْطَانِ الْوَلَايَةِ * وَ مَعْدِنِ الْوَصِيَّةِ وَ الْخِلَافَةِ وَ الْأِمَامَةِ *

و فرشتگان و بارگاه سلطان ولایت * و معدن وصیت امامت و خلافت رسول (ص) برانگیختند *

حَتَّى نَقَضُوا عَهْدَ الْمُصْطَفَى فِي أَخِيهِ عِلْمِ الْهُدَى * وَ الْمُبِينِ طَرِيقِ

تا آنکه عهد محمد مصطفی (ص) را در خلافت برادرش (علی (ع)) که پرچم هدایت امت * و مبین راه نجات

النَّجَاةِ مِنْ طَرُقِ الرَّدْيِ * وَ جَرَحُوا كَبِدَ خَيْرِ الْوَرَى فِي ظَلَمِ ابْنَتِهِ *

از طرق فاسد باطل بود آن عهد را شکستند * و جگر بهترین خلق را از ظلم و بیداد جور *

وَ اضْطَهَادِ حَبِيبَتِهِ * وَ اهْتِضَامِ عَزِيزَتِهِ * بَضْعَةِ لَحْمِهِ * وَ فِلْدَةِ

و جفای بسیار که بر فاطمه * پاره تن * و جگر گوشه او وارد آوردند * سخت مجروح

كَبِدِهِ * وَ خَذَلُوا بَعْلَهَا * وَ صَغَرُوا قَدْرَهُ * وَ اسْتَحَلُّوا مَحَارِمَهُ *

کردند * و شوهر او تنها و بی‌کس گذاشتند * و قدر و منزلتش را خوار شمردند * و هتک احتراماتش را مباح *

وَقَطَعُوا رَحِمَهُ * وَانْكُرُوا اخْوَتَهُ * وَهَجَرُوا مَوَدَّتَهُ * وَنَقَضُوا

و قطع رحمش کردند * و برادریش را با پیغمبر (ص) انکار نمودند * و دوستیش را ترک گفتند * و عهد طاعتش

طَاعَتَهُ * وَجَحَدُوا وَايَتَهُ * وَأَطْمَعُوا (أَطْعَمُوا) الْعَبِيدَ فِي خِلَافَتِهِ *
 را شکستند * و خلافت و ولایتش را منکر شدند * و حتی بندگان او طمع در مقام شاهی و خلیفه الهی او کردند *

وَقَادُوهُ إِلَى بَيْعَتِهِمْ مُصَلَّتَةً سَيْوفِهَا * مُقَدِّعَةً (مُشْرِعَةً) أَسْنَتَهَا * وَهُوَ
 و او را به سوی بیعت خودشان به زور شمشیر * و سرنیزه کشیدند * در حالی که او به دل

سَاخِطُ الْقَلْبِ * هَائِجُ الْغَضَبِ * شَدِيدُ الصَّبْرِ * كَاطِمُ الْغَيْظِ *
 خشمگین * و سخت بر آنها غضبناک بود * اما از صبر * و فرو بردن خشم چاره نداشت *

يَدْعُونَهُ * إِلَى بَيْعَتِهِمُ الَّتِي عَمَّ شَوْمُهَا الْإِسْلَامَ * وَزَرَعَتْ فِي قُلُوبِ
 آنها آن حضرت را به عهد بیعت خود خواندند آن بیعتی که شومی آن عالم اسلام را فرا گرفت * و تخم گناهان در دلهای

أَهْلِهَا الْأَثَامَ * وَعَقَّتْ (وَعَنْتْ) سَلْمَانَهَا * وَطَرَدَتْ مَقْدَادَهَا * وَنَفَتْ
 مسلمانان بکشت * بیعتی که سلمان * و مقداد * و اباذر را از آن امتناع

جُنْدُوبَهَا * وَفَتَقَتْ بَطْنَ عَمَارِهَا * وَحَرَفَتْ الْقُرْآنَ * وَبَدَّلَتْ
 بود * و درون عمار یاسر را از غم بشکافت * و قرآن را آن بیعت از طریق تربیت امت منحرف کرد * و احکام الهی

الْأَحْكَامَ * وَغَيَّرَتْ الْمَقَامَ * وَأَبَاحَتْ الْخُمْسَ لِلطُّلُقَاءِ * وَسَلَّطَتْ
 را تغییر و تبدیل داد * و مقام خلافت را به غیر اهل سپرد * و خمس پیغمبر و آل او به طلقاء رسید * و اولاد آنان که

أَوْلَادَ اللَّعْنَاءِ عَلَى الْفُرُوجِ وَالدِّمَاءِ * وَخَلَّطَتْ الْحَلَالَ بِالْحَرَامِ *
 به زبان رسول (ص) لعن شدند بر عرض و خون مسلمانان حکمفرما ساخت * و حلال و حرام را در هم آمیخت *

وَاسْتَخَفَّتْ بِالْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ * وَهَدَمَتِ الْكَعْبَةَ * وَأَغَارَتْ عَلَى
 و ایمان و اسلام را خوار و خفیف ساخت * و کعبه را ویران کرد * و مدینه را که

دَارَ الْهَجْرَةِ يَوْمَ مُحَرَّةٍ * وَأَبْرَزَتْ بَنَاتِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ لِلنَّكَالِ
 شهر هجرت بود روز حره به غارت داد * و دختران مهاجر و انصار پیغمبر (ص) را برای عقوبت و ظلم و بیداد

وَالسُّورَةَ (وَالسُّوءَةَ) * وَالْبَسْتَهْنَ ثَوْبَ الْعَارِ وَالْفُضِيحَةَ * وَرَخَّصَتْ
 از پرده استتار به در کشیدند * و بر آنان لباس عار و افتضاح پوشانیدند * و اهل شبهه و نفاق

لِأَهْلِ الشُّبْهَةِ فِي قَتْلِ أَهْلِ بَيْتِ الصَّفْوَةِ * وَابَادَةِ نَسْلِهِ * وَاسْتِيصَالَ
 را بر قتل اهل بیت برگزیده حق * و هلاک آن نسل پاک عالی * و استیصال

از اهل شبهه و نفاق

را

را

را

را

را

را

را

را

را

را

را

را

شَافَتِهِ * وَسَبَى حَرَمِهِ * وَقَتَلَ أَنْصَارَهُ * وَكَسَرَ مِنْبَرَهُ * وَقَلَّبَ مَفْخَرَهُ

محترمان * و سبی حرم و اسیری اهل بیت * و کشتن انصار او * و شکستن منبر آن حضرت * و شکستن قلب مفاخر او

* وَ اخْفَاءَ دِينِهِ * وَقَطَعَ ذِكْرَهُ * يَا مَوَالِيَ فَلَوْ عَايَنَكُمُ الْمُصْطَفَى *

* و اخفاء و محو دین مقدس آن بزرگوار * و قطع اثر و نام مبارکش برخاستند * ای ائمه هدی آقایان من اگر رسول اکرم حضرت مصطفی (ص) حال شما را

وَسِهَامِ الْأُمَّةِ مُغْرَقَةً فِي آبَادِكُمْ * وَرَمَاحَهُمْ مُشْرَعَةً فِي نُحُورِكُمْ *

مشاهده می کرد * در آن هنگام که تیرهای امت ظالم غرق در خون پاک جگرهای مجروح شما بود * و نیزه هایشان آب از گلوئی شریف شما مینوشید *

و سَيُوفُهَا مُوَلَّغَةٌ (مُوَلَّغَةٌ) فِي دِمَائِكُمْ * يَشْفِي أَبْنَاءَ الْعَوَاهِرِ غَلِيلَ

و شمشیرهایشان حریص به ریختن خون پاک شما بود * و فرزندان زنا شفاى عطش فسق

الْفَسِقِ مِنْ وَرَعِكُمْ * وَغَيْظَ الْكُفْرِ مِنْ إِيْمَانِكُمْ * وَأَنْتُمْ بَيْنَ صَرِيحِ

و فجورشان * و خشم کفر و نفاقشان را از خونهای پاک با ورع و ایمان شما می دادند * و شما اهل بیت رسول (ص) بعضی

فِي الْمِحْرَابِ قَدْ فَلَقَ السَّيْفُ هَامَتَهُ * وَ شَهِيدٌ فَوْقَ الْجَنَازَةِ قَدْ

در محراب عبادت به تیغ دشمن می غلطیدید در حالی که شمشیر فرق مبارکش را شکافته * و برخی شهید بالای جنازه

شَكَتْ أَكْفَانَهُ * بِالسَّهَامِ (شَبَكَتْ بِالسَّهَامِ أَكْفَانَهُ) * وَ قَتِيلٌ بِالْعِرَاءِ قَدْ

کفنش از تیرهای دشمن سوراخ سوراخ گشته * و برخی قتیل به عراء کربلا در حالی که سرش بعد از

رَفَعَ فَوْقَ الْقَنَاةِ رَأْسَهُ * وَ مُكَبَّلٌ فِي السِّجْنِ قَدْ رَضَّتْ بِالْحَدِيدِ

شهادت به بالای نی می رفت * و برخی بسته به زنجیر در قید زندان حلقه های زنجیر اعضای بدنش

أَعْضَاؤُهُ * وَ مَسْمُومٌ قَدْ قَطَعَتْ (قَطَعَتْ) بَجَرَعِ السَّمِّ أَمْعَاؤُهُ *

را نرم ساخته * و برخی از زهر ستم امت، امعاء و اندرونش قطعه قطعه می گشت *

وَ شَمَلِكُمْ عِبَادِيْدُ تُفْنِيهِمُ الْعَبِيدُ وَ أَبْنَاءُ الْعَبِيدِ * فَهَلِ الْمَحْنُ يَا

و حال آنکه شمل مخالفان شما آزادگان عالم بنده و بنده زادگانی بودند که حتی بندگان پست آنان رانابود می کردند * پس ای امامان من ای آقایانم آیا

سَادَتِي إِلَّا الَّتِي لَزِمْتَكُمْ * وَ الْمَصَائِبُ إِلَّا الَّتِي عَمَّتَكُمْ * وَ الْفَجَائِعُ

بر شما خاندان رسول * تمام مصیبتی که وارد شده غیر از آن مصیبت وارد بر شما در عالم محنت و مصیبتی وجود دارد * آیا فجایع و

إِلَّا الَّتِي خَصَّتْكُمْ * وَ الْقَوَارِعُ إِلَّا الَّتِي طَرَقَتْكُمْ * صَلَوَاتُ اللَّهِ

ظلم و بیدادی غیر آنکه از این امت به شما بزرگواران اختصاص یافت در عالم هست * و حادثه ناگوار سختی جز آنچه بر شما

عَلَيْكُمْ * وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ اجْسَادِكُمْ * وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ *

فرا رسید در جهان هست؟ درود و رحمت خدا و برکاتش * بر ارواح پاک و اجسام شریف شما باد *

بعد قبر منورا ببوس و بگو: **بَابِي أَنْتُمْ وَأُمِّي يَا أَالَ الْمُصْطَفَى** * اِنَّا لَا نَمْلِكُ إِلَّا أَنْ

ای آل مصطفی پدر و مادرم فدای شما باد * ما مالک چیزی نیستیم جز آنکه با اخلاص و محبت

نَطُوفَ حَوْلَ مَشَاهِدِكُمْ * وَ نُعْزِي فِيهَا أَرْوَاحَكُمُ عَلَى هَذِهِ الْمَصَائِبِ

گرد مشاهد مشرفه و حرم مطهر شما طواف کنیم * و در آنجا به روح پاک شما تسلیت گوئیم بر مصایب و آلام

الْعَظِيمَةِ الْحَالَةِ بِفَنَائِكُمْ * وَالرَّزَايَا الْجَلِيلَةَ النَّازِلَةَ بِسَاحَتِكُمْ الَّتِي

عظیمه که به درگاه شما وارد شد و رنج و محن سخت که از امت ظالم به ساحت مقدس شما رسید * چنان

أَثَبْتَتْ فِي قُلُوبِ شِيعَتِكُمُ الْقُرُوحَ * وَأَوْرَثَتْ أَكْبَادَهُمُ الْجُرُوحَ

مصیبت‌هایی که دل‌های شیعیان شما را پر خون * و جگرهایشان را مجروح ساخت *

وَزَرَعَتْ فِي صُدُورِهِمُ الْغُصَصَ * فَحَنُّ نَشْهُدُ اللَّهَ أَنَا قَدْ شَارَكْنَا

و نهال غم و اندوه در سینه‌هایشان بنشانند * بدین روی ما شیعیان خدا را گواه می‌گیریم که با یاران

أَوْلِيَاءِكُمْ وَ أَنْصَارِكُمْ * الْمُتَقَدِّمِينَ فِي أِرَاقَةِ دِمَاءِ النَّكَثِينَ

و دوستانان گذشته شما شریک هستیم * در ریختن خون آنان که عهد بیعت و خلافت شما را شکستند *

وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ * وَ قَتَلَةَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ

و آنان که به ظلم و بیداد بر شما و سرکشی از فرمان شما پرداختند * و قاتلانی که در سرزمین کربلاء ابی عبد الله (ع)

الْجَنَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ * يَوْمَ كَرْبَلَاءَ بِالنِّيَّاتِ وَ الْقُلُوبِ * وَ التَّاسَفِ

سید جوانان اهل بهشت را شهید کردند * اما با یاران شما از روی عقیده قلبی و ایمان خالص شریک خواهیم بود * و تأسف

عَلَى فَوْتِ تِلْكَ الْمَوَاقِفِ الَّتِي حَضَرُوا لِنُصْرَتِكُمْ * وَ عَلَيْكُمْ مِنْهَا

و حسرت بر فوت شدن و در نیافتن آن زمان و آن موقعی‌هایی که یاران و دوستانتان حاضر بودند * و سلام ما

السَّلَامُ * وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ * بعد قبر شریف را بین خود و قبله قرار بده و بگو:

شیعیان * و رحمت و برکات الهی بر شما اهل بیت باد *

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الَّتِي صَدَرَ عَنْهَا الْعَالَمُ مَكُونًا مَبْرُوءًا عَلَيْهَا

ای خدا ای صاحب قدرتی که از آن قدرت عالم ایجاد تکوین یافت در آن قدرت پدید آمد *

مَفْطُورًا تَحْتَ ظِلِّ الْعِظْمَةِ * فَنَطَقْتَ شَوَاهِدَ صُنْعِكَ فِيهِ * بِأَنَّكَ

و زیر سایه عظمت مفسور شد * و شواهد و علامات صنع تو در آن ناطق است * که تویی

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * مَكُونُهُ وَ بَارئُهُ وَ فَاطِرُهُ * ابْتَدَعْتَهُ وَ لَا

خدای عالم و جز تو ابدی نیست * تو تکوین کننده و آفریننده و فطرت بخشنده به اهل عالمی * هر چیز را تو در عوالم هستی

مِنْ شَيْءٍ وَلَا عَلَى شَيْءٍ وَلَا فِي شَيْءٍ * وَلَا لَوْحِشَةً دَخَلَتْ عَلَيْكَ * إِذْ

ابداع فرمودی بی آنکه محتاج باشد از ماده بوجود آید یا بر روی چیزی قرار یا در مکانی استقرار گیرد * از وحدت و فردانیت و تنهایی

لَا غَيْرِكَ وَلَا حَاجَةً بَدَتْ لَكَ فِي تَكْوِينِهِ * وَلَا لِاسْتِعَانَةٍ مِنْكَ عَلَى

خود وحشت نداشتی * که عالم را برای استیناس خود خلق کرده * و به خلقت محتاج باشی یا به استعانت

الْمَخْلُوقِ (مَا تَخْلُقُ) بَعْدَهُ * بَلْ أَنْشَأْتَهُ لِيَكُونَ دَلِيلًا عَلَيْكَ * بِأَنَّكَ بَائِنٌ

و کمک خلق بعدا نیازمند باشی * بلکه برای آن عالم را آفریدی * که دلیل مبیانت از

مِنَ الصَّنْعِ * فَلَا يُطِيقُ الْمُنْصِفُ لِعَقْلِهِ انْكَارَكَ * وَالْمَوْسُومُ بِصِحَّةِ

مصنوعات باشد * پس عقل هیچ منصف منکر تو نشود * و فهم هیچ شخص با معرفت صحیح فکرت

الْمَعْرِفَةِ جُحُودَكَ * أَسْأَلُكَ بِشَرَفِ الْإِخْلَاصِ فِي تَوْحِيدِكَ * وَحُرْمَةِ

انکار تو نتواند کرد * از تو ای خدا درخواست می‌کنم به حق شرافت اخلاص توحیدت * و به حرمت

التَّعَلُّقِ بِكِتَابِكَ وَأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ أَدَمَ بَدِيعِ فِطْرَتِكَ

علاقه‌مندان به کتاب آسمانیت و به حق اهل بیت پیغمبرت * که درود فرستی بر آدم صفی آفریده بدیع

* وَبِكُرْحُجَّتِكَ * وَلِسَانِ قُدْرَتِكَ * وَالْمُخْلِيفَةَ فِي بَسِيطَتِكَ * وَعَلَى

* و حجت بی‌مانند * و لسان بیان قدرت * و خلیفه تو در بسیط زمین * و نیز درود و رحمت فرستی

مُحَمَّدٍ الْخَالِصِ مِنْ صَفْوَتِكَ * وَالْفَاحِصِ عَنِ مَعْرِفَتِكَ * وَالْغَائِصِ

بر حضرت محمد (ص) بنده خاص خالص از برگزیدگانت * و بالغ به حد کمال امکان از مقام معرفتت * و شناور دریای

الْمَأْمُونِ عَلَى مَكْنُونِ سِرِّيرَتِكَ * بِمَا أَوْلَيْتَهُ * مِنْ نِعْمَتِكَ بِمَعُونَتِكَ

حکمت و امین بر مکنونات و اسرار غیب هویتت * به واسطه نعمت و عطای بزرگی که تو به حضرتش به عون خود عنایت فرمودی

* وَعَلَى مَنْ بَيْنَهُمَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُكْرَمِينَ * وَالْأَوْصِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ

* و هم درود بر تمام پیامبران و مکرمان و مقربان * و اوصیای رسولان و اهل ایمان که ما بین آدم و خاتم بودند

* وَأَنْ تَهْبِنِي لِإِمَامِي هَذَا * پس پهلوی روی خود را بر ضریح مبارک بگذار و بگو: اَللّٰهُمَّ

* و بر این امام که من به زیارتش مشغولم هم موهبت و عنایت فرمایی * ای خدا

بِمَحَلِّ هَذَا السَّيِّدِ مِنْ طَاعَتِكَ * وَبِمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكَ لَا تَمْتَنِي فُجَاءَةً *

به مقام و مرتبه این آقا در طاعتت * و به منزلت او نزد حضرتت که مرا به مرگ ناگهانی نمیران *

وَلَا تَحْرِمْنِي تَوْبَةً * وَارْزُقْنِي الْوَرْعَ عَنْ مَحَارِمِكَ دِينًا وَدُنْيَا * وَاشْغَلْنِي

و از توبه کامل محرومم مگردان * و در دنیا و دین از آنچه حرام فرمودی مرا پرهیز و ورع عطا فرما * و به جای

بِالْآخِرَةِ عَنْ طَلَبِ الْأُولَى * وَوَفَّقَنِي لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى * وَجَنَّبَنِي

طلب دنیا همیشه به کار آخرتم مشغول دار * و بر آنچه تو دوستداری و می‌پسندی مرا توفیق ده * و از پیروی هوای

اتِّبَاعِ الْهَوَى * وَالْإِغْتِرَارِ بِالْأَبَاطِيلِ وَالْمَنَى * اللَّهُمَّ اجْعَلِ السَّدَادَ فِي

نفس * و غرور به کارهای باطل و آرزوهای دور و دراز دنیای فانی دورم ساز * ای خدا تو در گفتارم

قَوْلِي * وَالصَّوَابَ فِي فِعْلِي * وَالصَّدَقَ وَالْوَفَاءَ فِي ضَمَانِي وَوَعْدِي *

راستی * و حقیقت و در کردارم * درستی و صواب و در وعده و میثاقم صدق و وفا قرار ده *

وَالْحِفْظَ وَالْإِيْنَانَ مَقْرُونَيْنِ بَعْدِي وَوَعْدِي * وَالْبِرَّ وَالْإِحْسَانَ مِنْ

و حفظ و توجه و مراقبت در عهد و میثاقم * و نیکویی و احسان از شئون و

شَانِي وَخَلْقِي * وَاجْعَلِ السَّلَامَةَ لِي شَامِلَةً * وَالْعَافِيَةَ بِي مُحِيطَةً

اخلاقم مقرر گردان * و سلامت و آسایشی که شامل تمام شئونم گردد * و عافیتی که به جمیع جوانب وجودم

مُلْتَفَةً * وَلَطِيفَ صُنْعِكَ وَعَوْنِكَ مَصْرُوفًا إِلَيَّ * وَحَسَنَ تَوْفِيقِكَ

احاطه کند و از هر جهت فرا گیرد مرا عنایت فرما * و صنع و یاری و نصرتت را * و حسن توفیق خویش

وَيُسْرَكَ مَوْفُورًا عَلَيَّ * وَاحِينِي يَا رَبِّ سَعِيدًا * وَتَوَفَّنِي شَهِيدًا *

و سهل و آسان گرفتنت و نعم وافر را بر من کرم فرما * و ای پروردگار مرا سعید، زنده بدار * و شهید بمیران *

وَطَهَّرْنِي لِلْمَوْتِ وَمَا بَعْدَهُ * اللَّهُمَّ وَاجْعَلِ الصِّحَّةَ وَالنُّورَ فِي سَمْعِي

و مرا برای هنگام مرگ و بعد از مرگ پاک و پاکیزه گردان * ای خدا صحت و سلامت و نورانیت در گوش و چشمم

وَبَصْرِي * وَالْجِدَّةَ وَالْخَيْرَ فِي طُرُقِي وَالْهُدَى * وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي

قرار ده * و جدیت و خیرخواهی در راه و روشم و هدایت * و بصیرت در امر دینم و مذهبم

وَمَذْهَبِي * وَالْمِيزَانَ أَبَدًا نَصَبَ عَيْنِي * وَالذِّكْرَ وَالْمَوْعِظَةَ شِعَارِي

مقرر بدار * و میزان شرع را همیشه نصب العینم گردان * و متذکر بودن و موعظه و اندرز را

وَدِثَارِي * وَالْفِكْرَةَ وَالْعِبْرَةَ أَنْسَى وَعِمَادِي * وَمَكْنَ الْيَقِينِ فِي قَلْبِي

شعارم ساز * و فکرت و عبرت گرفتن را انس و اساس کارم قرار ده * و یقین را در قلبم ثابت و مستقر فرما

* وَاجْعَلْهُ أَوْثَقَ الْأَشْيَاءِ فِي نَفْسِي * وَاغْلِبْهُ عَلَيَّ رَأْيِي وَعَزْمِي * وَاجْعَلِ

* و آن یقین به خدا را موثق و مطمئنترین چیزها در روان من قرار ده * و آن یقین را بر رأی و عزمم غالب و حاکم ساز * و

الْإِرْشَادَ فِي عَمَلِي * وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ مِهَادِي * وَالرِّضَا

درستی در عمل * و تسلیم فرمان امرت را مهد آسایش و نقطه اتکاء من مقرر فرما * و رضا

بِقَضَائِكَ وَقَدْرِكَ أَقْصَى عَزْمِي وَنِهَائِي * وَأَبْعَدَ هَمِّي وَغَايَتِي * حَتَّى

و خشنودی به قضا و قدرت را بلندترین عزم و منتهای آرزویم * و عالیترین همتم قرار ده * تا

لَا أَتَقَى أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ بَدِينِي * وَلَا أَطْلُبُ بِهِ غَيْرَ آخِرَتِي * وَلَا

در کار دینم ابداء از احدی نترسم * و به دین جز عالم آخرت هیچ نطلبم * و از آن

أَسْتَدْعِي مِنْهُ اطْرَائِي وَمَدْحِي * وَاجْعَلْ خَيْرَ الْعَوَاقِبِ عَاقِبَتِي *

دین ستایش و مدح مردم را نخواهم * و ای خدا عاقبتم را بهترین عواقب *

وَخَيْرِ الْمَصَائِرِ مَصِيرِي * وَانْعَمَ الْعَيْشَ عَيْشِي * وَأَفْضَلَ الْهُدَى

و بازگشتم را در آخرت به بهترین منازل * و روزگارم را خوشترین روزگار مقرر ساز * و هدایتم

هُدَايَ * وَأَوْفَرَ الْحُظُوظِ حَظِّي * وَأَجْزَلَ الْأَقْسَامِ قِسْمِي وَنَصِيبِي

نیکوتر هدایت * و حظ و بهره‌ام را وافرترین بهره‌ها * و نصیب و قسمتم را بزرگترین نصیب از رحمتت قرار ده

* وَكُنْ لِي يَا رَبِّ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَلِيًّا * وَإِلَى كُلِّ خَيْرٍ دَلِيلًا وَقَائِدًا *

* و ای خدای من مرا از هر بدی و زشتی نگهدار باش * و به هر خیر و نیکی رهبری کن و بدان جانب کشان *

وَمِنْ كُلِّ بَاعٍ وَحَسُودٍ ظَهِيرًا وَمَانِعًا * اللَّهُمَّ بِكَ اعْتِدَادِي وَعِصْمَتِي

و بر جور و بیداد هر ظالم و حسود یاریم کن و از من منع فرما * ای خدا همه تهبیه و مایه امیدم و حفظم

* وَوَثُوقِي وَتَوْفِيقِي * وَحَوْلِي وَقُوَّتِي * وَلَكَ مَحْيَايَ وَمَمَاتِي * وَفِي

* و وثوق و اطمینانم و توفیق * و توانایی و قدرتم همه به ذات یکتای توست * و حیات و ممات من برای تو * و

قَبْضَتِكَ سَكُونِي وَحَرَكَتِي * وَإِنَّ بَعْرُوتَكَ الْوَثْقَى اسْتِمْسَاكِي

جنبش و آرامشم در قبضه قدرت توست * پیوند و تمسک و دست آویزم رشته محکم

وَوُصْلَتِي * وَعَلَيْكَ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا اعْتِمَادِي وَتَوَكُّلِي * وَمِنْ عَذَابِ

از کتاب توست * و در تمام امور اعتماد و توکلم به حضرتت * و از عذاب جهنم

جَهَنَّمَ وَمَسِّ سَقَرِ نَجَاتِي وَخَلَاصِي * وَفِي دَارِ أَمْنِكَ وَكَرَامَتِكَ مَثْوَايَ

و آتش دوزخ تویی نجات بخش من * و در دار امن و بهشت کرامتت تو منزل و مأوی

وَمُنْقَلَبِي * وَعَلَى أَيْدِي سَادَتِي وَمَوَالِي عَالِ الْمُصْطَفَى فَوْزِي وَفَرَجِي

من هستی * و به دست آقایان و امیران من اهل بیت مصطفی (ص) فیروزی و گشایش کار من است *

* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَالِ مُحَمَّدٍ * وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

* پروردگارا درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) * و مردان و زنان اهل ایمان

وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ * وَاغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدْنَا * وَأَهْلَ

* و مسلمانان را ببخش و بیامرزش * و مرا و پدر و مادرم را و فرزندانم را * و اهل بیتم

بَيْتِي وَجِيرَانِي * وَلِكُلِّ مَنْ قَلَدَنِي يَدًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ * إِنَّكَ

و همسایگانم * و هر که را به گردن من حقی است و علاقه‌ای از مرد و زن اهل ایمان همه را ای خدا ببخش

ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ (و السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ) ﴿٤﴾ چهارم: دعائی است با

و بیامرزش * که همانا تویی صاحب فضل و رحمت نامتناهی. *

مضامین عالیه که بعد از زیارت هریک از ائمه (علیهم السلام) خوانده می‌شود و این دعا را سید بن طاوس در مصباح

الزائر بعد از زیارت جامعه مذکوره نقل فرموده و آن دعای شریف این است: اللَّهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هَذَا

پروردگارا من به قصد زیارت این

الْإِمَامَ مَقْرًا بِإِمَامَتِهِ * مُعْتَقِدًا لِفَرْضِ طَاعَتِهِ * فَقَصَدْتُ مَشْهَدَهُ وَ

پیشوای بزرگ دین که به امامتش مقر و معترفم * و به فرض وجوب اطاعتش معتقدم آمده‌ام * به جانب مشهد او (و حرم شریفش)

بذُنُوبِي وَ عِيُوبِي * وَ مَوْبِقَاتِ آثَامِي * وَ كَثْرَةِ سَيِّئَاتِي وَ خَطَايَايَ *

با گناه بسیار و عیوب * و مهلکات معاصی * و سیئات و خطاهای بیشمار * و آنچه از اعمال زشتم

وَ مَا تَعَرَّفَهُ مِنِّي * مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ * مُسْتَعِيدًا بِحِلْمِكَ * رَاجِيًا

که همه را تو می‌دانی آمده‌ام * در حالی که به عفو و بخشایش تو ملتجی شده * و به حلم و بردباریت پناه آورده‌ام * به امید کرم

رَحْمَتِكَ * لِاجْتِئَاكِ إِلَى رُكْنِكَ * عَائِدًا بِرَأْفَتِكَ * مُسْتَشْفِعًا بِوَلِيَّتِكَ

و رحمت نامنتهای تو ای خدا * و التجاء به رکن رکن تو جستهم * و پناهنده به رأفت و مهربانی تو شدم * و شفیع خود آوردم

وَ ابْنَ أَوْلِيَائِكَ * وَ صَفِيَّكَ وَ ابْنَ أَصْفِيَائِكَ * وَ أَمِينِكَ وَ ابْنَ أَمْنَائِكَ

ولی تو را فرزند اولیاء * و دوست خاص تو فرزند خاصان درگاهت را * و امین اسرار تو و فرزند امنای حضرتت

وَ خَلِيفَتِكَ وَ ابْنَ خُلَفَائِكَ * الَّذِينَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَى رَحْمَتِكَ

* و خلیفه تو و فرزند خلفای تو * که آنان را وسیله رحمت و

وَ رِضْوَانِكَ * وَ الذَّرِيعَةَ إِلَى رَأْفَتِكَ وَ غُفْرَانِكَ * اللَّهُمَّ وَ أَوَّلُ حَاجَتِي

خشنودی * و ذریعه رأفت و مهربانی و بخشایش خود قرار داده‌ای * پروردگارا و اول حاجت من

إِلَيْكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي عَلَى كَثْرَتِهَا * وَ أَنْ تَعْصِمَنِي فِيمَا

در این درگاه لطف و کرم تو آن است که گناهان گذشته‌ام را که بسیار است همه ببخشی و بیامرزی * و در باقی عمرم

بَقِيَ مِنْ عُمْرِي * وَ تَطَهَّرَ دِينِي مِمَّا يَدْنِسُهُ * وَيَشِينُهُ * وَيُزْرِي بِهِ *

از ارتکاب گناه حفظ کنی * و دین مرا از هر پلیدی و زشتی و رسوایی و آنچه به دین زبان دارد پاک و پاکیزه گردانی *

وَ تَحْمِيهِ * مِنَ الرَّيْبِ وَ الشَّكِّ وَ الفَسَادِ وَ الشَّرِكِ * وَ تُثَبِّتَنِي عَلَى

و از شک و ریب و فساد کاری و شرک و ریاء نگهبان باشی * و بر کار طاعت خود

طَاعَتِكَ وَ طَاعَةَ رَسُولِكَ * وَ ذُرِيَّتِهِ النُّجَبَاءِ السُّعْدَاءِ * صَلَوَاتِكَ

و طاعت رسول * و ذریه پاک با شرافت و سعادت رسولت * که درود و رحمت و تحیت

عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَتِكَ وَ سَلَامِكَ وَ بَرَكَاتِكَ * وَ تُحْيِيَنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَى

و برکاتت بر روان پاکشان باد مرا ثابت قدم بداری * و مادامی که زنده‌ام بر اطاعت آنها

طَاعَتِهِمْ * وَ تُمَيِّتَنِي إِذَا أَمَتَّنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ * وَ أَنْ لَا تَمَحُو مِنْ قَلْبِي

زنده‌ام دار * و چون بمیرانی با طاعت آنها بمیران * و دوستی و محبت این

مُودَتِهِمْ وَ مَحَبَّتِهِمْ * وَ بُغْضَ أَعْدَائِهِمْ * وَ مُرَافَقَةَ أَوْلِيَائِهِمْ وَ بَرَّهُمْ

بزرگواران را * و عداوت با دشمنانشان را * و رفاقت و انس با دوستانشان و نیکیی با آنان را هرگز از دلم دور مگردان

* وَ أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ مِنِّي * وَ تُحَبِّبَ إِلَيَّ عِبَادَتَكَ

* و از تو درخواست می‌کنم ای پروردگار من این ثنا و دعا را از من قبول فرمایی * و عبادت

* وَ الْمُواظَبَةَ عَلَيْهَا * وَ تَنْشِطَنِي لَهَا * وَ تَبْغِضَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ

* و طاعتت را محبوبم گردان * و به آن با توجه * و با شوق و نشاطم ساز * و از هر چه معصیت و حرام توست

وَ مَحَارِمِكَ * وَ تَدْفَعَنِي عَنْهَا * وَ تُجَنِّبَنِي التَّقْصِيرَ فِي صَلَوَاتِي

مبغوض و متفرم ساز * و در نمازم از تقصیر و سستی و کاهلی دور ساز *

وَ الْإِسْتِهَانَةَ بِهَا * وَ التَّرَاخِي عَنْهَا * وَ تَوْفِقَنِي لِتَادِيَتِهَا كَمَا فَرَضْتَ

و بر اداء نماز صحیح * و مقبول بدانگونه که فریضه کردی

* وَ أَمَرْتَ بِهِ عَلَى سُنَّةِ رَسُولِكَ * صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ * وَ رَحْمَتِكَ

* و امر فرمودی به آن طبق سنت و طریقه رسول اکرمت * که درود و رحمت و برکاتت بر او و آل او باد * با خضوع

وَ بَرَكَاتِكَ خُضُوعًا وَ خُشُوعًا * وَ تَشْرَحْ صَدْرِي لِإِيْتَاءِ الزَّكَاةِ *

و خشوع مرا توفیق عطا فرما * و برای ادای زکوة *

وَ اعْطَاءِ الصَّدَقَاتِ * وَ بَدَلِ الْمَعْرُوفِ وَ الْإِحْسَانِ إِلَى شَيْعَةِ آلِ

و اعطای صدقات و خیرات * و احسان و مواسات با شیعیان آل محمد

مُحَمَّدَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ مُوَأَسَاتِهِمْ * وَلَا تَتَوَفَّانِي إِلَّا بَعْدَ أَنْ تَرَزُقَنِي

علیهم السلام شرح صدر و سعه نظرم کرامت فرما * و مرا نمیران مگر بعد از زیارت

حَجِّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ * وَ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَ قَبُورِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ *

حج بیت الحرام * و قبر پیغمبر اکرم (ص) و ائمه علیهم السلام * و از تو درخواست می‌کنم

وَ أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ تَوْبَةَ نَصُوحًا تَرْضَاهَا * وَ نِيَّةً تَحْمَدُهَا * وَ عَمَلًا

ای پروردگار من توبه نصح با حقیقت که تو به آن توبه خشنود باشی * و نیت خالصی که تو بپسندی * و عمل صالح

صَالِحًا تَقْبَلُهُ * وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي وَ تَرْحَمَنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي * وَ تَهَوَّنَ عَلَيَّ

و شایسته‌ای که تو ببذیری * و نیز درخواست می‌کنم که مرا ببخشی و بیامیزی و هنگامی که مرا بمیرانی بر من ترحم کنی * و سکران

سَكَرَاتِ الْمَوْتِ * وَ تَحْشُرَنِي فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَ ءَالِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ

مرگ را بر من آسان سازی * و در زمره محمد و آتش که درود خدا بر او و آنان باد

عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ * وَ تَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ * وَ تَجْعَلِ دَمْعِي غَزِيرًا

محشور فرمایی * و در بهشت ابدم به رحمتت داخل گردانی * و اشک چشمم را در طاعتت

فِي طَاعَتِكَ * وَ عِبْرَتِي جَارِيَةً فِيمَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ * وَ قَلْبِي عَطُوفًا عَلَيَّ

بسیار * آب دیدگانم را پیوسته در عملی که موجب قرب توست جاری سازی * و دلم را با

أَوْلِيَائِكَ * وَ تَصُونَنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا مِنَ الْعَاهَاتِ وَ الْأَفَاتِ * وَ الْأَمْرَاضِ

دوستانان عطف و مهربان گردانی * و در این دنیا مرا از بلاها و آفات * و امراض سخت

الشَّدِيدَةِ * وَ الْأَسْقَامِ الْمُزْمِنَةِ * وَ جَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَ الْحَوَادِثِ *

صعب العلاج * و دردهای مزمن * و جمیع بلاها و حوادث ناگوار عالم مصون و محفوظ داری *

وَ تَصْرِفَ قَلْبِي عَنِ الْحَرَامِ * وَ تَبْغِضَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ * وَ تَحَبِّبَ إِلَيَّ

و قلبم را از فعل حرام منصرف گردانی * و از معصیتت مبغوض و متنفر سازی * و دوستدار و محب

الْحَلَالَ * وَ تَفْتَحَ لِي أَبْوَابَهُ * وَ تُثَبِّتَ نِيَّتِي وَ فَعَلِي عَلَيْهِ * وَ تَمُدَّ فِي

حلال گردانی * و درهای حلال را به رویم باز فرمایی * و نیت و عملم را بر آن حلال ثابت بداری * و عمرم را

عُمْرِي * وَ تَغْلِقَ أَبْوَابَ الْمِحْنِ عَنِّي * وَ لَا تَسْلُبْنِي مَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ

دراز گردانی * و درهای رنج و محتتها را بر من ببندی * و عطایی که بر من منت نهادی هرگز سلب نگردانی

* وَ لَا تَسْتَرِدَّ شَيْئًا مِمَّا أَحْسَنْتَ بِهِ إِلَيَّ * وَ لَا تَنْزِعْ مِنِّي النِّعَمَ الَّتِي

* و احسانی که در حقم فرمودی باز نستانی * و هر نعمت که مرا مرحمت فرمودی

انعمت بها علی * و تزید فیما خولتني * وتضاعفه * و اضعافا مضاعفة

از من نگیری * و مرا در هر چه دارا کردی بر آن بیفزای * و به اضعاف مضاعف هم بیفزای

و ترزقنی مالا کثیرا و اسعا سائعا * هنیئا نامیا و افیا * و عزئا

* و مال بسیار با وسعت نصیبم فرما که صاف * و پاک و گوارا و با افزایش وافی و کامل باشد * و عزتی به من عطا کن که

باقیا کافیا * و جاها عریضا منیعا * و نعمة سابعة عامة * و تغنیني

باقی ماند * و جاه و منزلتی مرحمت فرما که پهناور و با مناعت و جلال باشد * و نعمتی وسیع و شامل * و به آن نعمت مرا

بذلك عن المطالب المنكدة * و الموارد الصعبة * و تخلصني منها

از طلب و اکتساب پر مشقت دور * و در کارهای مشکل و پر زحمت بی‌نیاز گردانی * و مرا از آن نعمت اخلاص

معافی فی دینی و نفسی و ولدی * و ما اعطیتني و منحتني * و تحفظ

با عافیت در دین و نفس و اولاد و در هر چه به من اعطا کردی * و انعام فرمودی عافیت بخشی * و مال مرا

علی مالی و جمیع ما خولتني * و تقبض عني ایدی الجبابة * و تردني

و آنچه به من دادی همه را حفظ کنی * و دست جباران و بیدادگران را از تعدی به من ببندی * و مرا به وطنم

الی وطنی * و تبليغنی نهاییه املی فی دنیای و اخرتی * و تجعل عاقبة

باز گردانی * و به منتهای آرزویم در دنیا و آخرت برسانی * و عاقبت کار مرا

امری محمودة حسنة سليمة * و تجعلني رحيب الصدر * واسع

پسندیده و نیکو و سالم قرار دهی * و مرا به لطف وسیع الصدر * با توسعه

الحال * حسن الخلق * بعيدا من البخل و المنع و النفاق * و الکذب

احوال * و اخلاق نیکو گردانی * و از بخل و حسد و لثامت و نفاق * و دروغ و بهتان و گفتار لغو

و البهت و قول الزور * و ترسخ فی قلبی محبة محمد و آل محمد

و باطل به کرم‌دور سازی * و محبت محمد و آل محمد و شیعیانشان را در قلبم ثابت

و شیعتهم * و تحرسني یا رب فی نفسی و اهلی و مالی و ولدی * و اهل

و راسخ گردانی * و مرا به جود و رحمت ای پروردگارم حراست و محافظت فرمایی در جسم و جان و اهل و مال

حزانتی و اخوانی * و اهل مودتی و ذریعتی * برحمتک و جودک * اللهم

و فرزندان * و خاندانم و برادران * و دوستانم و تمام ذریه‌ام * ای خدای من این است

هذه حاجاتي عندک * و قد استکثرتها للومی و شحی * و هی عندک

حاجاتم که نزد تو معروض داشتم * و من از بس لثیم و خسیس و گدا طبیعتم بسیار حاجت از تو خواستم * و آنها نزد تو

صَغِيرَةً حَقِيرَةً * وَ عَلَيْكَ سَهْلَةٌ يَسِيرَةٌ * فَاسْئَلْكَ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَ ءَالِ

حقیر و ناچیز است * و بر آوردن آن حاجات برای تو سهل و آسان است * پس از تو درخواست می‌کنم به جاه محمد و آل

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَكَ * وَ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ * وَ بِمَا أَوْجَبْتَ

محمد که درود بر آنان باد * و به حق محمد و آل او بر حضرتت * و آن حقی که تو خود بر آنها لازم

لَهُمْ * وَ بِسَائِرِ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ * وَ أَصْفِيَاءِكَ وَ أَوْلِيَاءِكَ الْمُخْلِصِينَ

گردانیدی * و به حق همه پیغمبران و رسولان * و خاصان و برگزیدگان و دوستان و بندگان با اخلاص

مِنْ عِبَادِكَ * وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ لِمَا قَضَيْتَهَا كُلَّهَا * وَ أَسَعَفْتَنِي

در عبادتت * و به حق بزرگترین اسم اعظمت که حاجات مرا همه را برآوری * و از برآمدن حاجاتم امیدوارم

بِهَا * وَ لَمْ تُخَيِّبْ أَمَلِي وَ رَجَائِي * اللَّهُمَّ وَ شَفَعَ صَاحِبَ هَذَا الْقَبْرِ

کنی * و در آرزوها و امیدها که به لطف و کرمت دارم محروم و ناامید نگردانی * پروردگارا و صاحب این قبر مطهر را شفیع

فِي * يَا سَيِّدِي يَا وَلِيَّ اللَّهِ يَا أَمِينَ اللَّهِ * أَسْئَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لِي إِلَى اللَّهِ

من گردان * ای امام و سید من ای ولی خدا ای امین خدا * از تو درخواست می‌کنم که برای من نزد خدای عز و جل

عَزَّ وَ جَلَّ فِي هَذِهِ الْحَاجَاتِ كُلِّهَا * بِحَقِّ ءَابَائِكَ الطَّاهِرِينَ * وَ بِحَقِّ

در تمام این حاجتها که از درگاه خدا درخواست کردم شفاعت کنی * به حق پدران پاک گوهر * و

أَوْلَادِكَ الْمُتَجَبِّينَ * فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ * الْمَنْزِلَةَ

فرزندان برگزیده با شرافت * زیرا که تو را نزد خدا مقام * و منزلتی

الشَّرِيفَةَ * وَ الْمَرْتَبَةَ الْجَلِيلَةَ * وَ الْجَاهَ الْعَرِيضَ * اللَّهُمَّ لَوْ عَرَفْتُ

با شرافت * و رتبه‌ای با جلال * و رفعت و جاه و مرتبه‌ای بسیار وسیع است * ای خدا اگر من کسی را

مَنْ هُوَ أَوْجَهُ عِنْدَكَ مِنْ هَذَا الْإِمَامِ * وَ مِنْ ءَابَائِهِ وَ أَبْنَائِهِ الطَّاهِرِينَ

آبرومندتر نزد تو از این امام * و از پدران و فرزندان پاکش

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ الصَّلَاةُ * بَجَعَلْتَهُمْ شَفَعَائِي * وَ قَدَّمْتَهُمْ أَمَامَ حَاجَتِي

می‌شناختم * همانا او را شفیع نزد تو می‌آوردم * و برای انجام این حوایج و مطالبم مقدم

وَ طَلِبَاتِي هَذِهِ * فَاسْمَعْ مِنِّي * وَ اسْتَجِبْ لِي * وَ أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * وَ

به درگاه تو می‌داشتم * پس ای خدا دعایم که می‌شنوی * مستجاب بفرما * و با من آن کن که لایق توست

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ وَ مَا قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْئَلَتِي * وَ عَجَزَتْ

ای مهربانترین مهربانان عالم * ای خدا و آنچه را در مسئله از درگاه حضرتت تقصیر رفت * و فکرتم از

عَنْهُ قُوَّتِي * وَ لَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِي مِنْ صَالِحِ دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي *

درخواست آن عاجز ماند * و هوشم بدانجا نرسید از امور شایسته دنیا و آخرتم *

فَأَمِّنْ بِهِ عَلَيَّ * وَ احْفَظْنِي وَ احْرُسْنِي * وَ هَبْ لِي وَ اغْفِرْ لِي * وَ مَنْ

آنها را هم بر من منت گذار و همه را عطا فرما * و مرا حفظ و حراست فرما * و بر من ببخش و بیامرز * و هر کس

أَرَادَنِي بِسُوءٍ أَوْ مَكْرُوهٍ * مِنْ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ * أَوْ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ * أَوْ

به من قصد آزار و آسیب دارد * چه از شیطان و دیو گمراه * و چه از سلطان معاند * یا

مُخَالَفٍ فِي دِينٍ * أَوْ مُنَازِعٍ فِي دُنْيَا * أَوْ حَاسِدٍ عَلَيَّ نِعْمَةً * أَوْ ظَالِمٍ

مخالف در دین * یا منازع در مال دنیا * یا حسودی که بر من نعمتی را رشک می برد * یا هر ظالم

أَوْ بَاعٍ * فَاقْبِضْ عَنِّي يَدَهُ * وَ اصْرَفْ عَنِّي كَيْدَهُ * وَ اشْغَلْهُ عَنِّي

و ستمکار دیگر * دست همه را از ظلم به من ببند * و مکر و حیله او را از من برطرف گردان * و او را از من به خودش

بِنَفْسِهِ * وَ اكْفِنِي شَرَّهُ * وَ شَرَّ اتِّبَاعِهِ وَ شَيْطَانِيهِ * وَ اجْرِنِي مِنْ كُلِّ

مشغول ساز * و شر او و شر پیروانش و شر شیاطین او را از سر من دور گردان * و از هر چه مرا زیان دارد

مَا يَضُرُّنِي وَ يَجْحَفُ بِي * وَ اعْطِنِي جَمِيعَ الْخَيْرِ كُلِّهِ (كُلَّهُ) * مِمَّا أَعْلَمُ

و به هلاکت اندازد از آن مرا در پناه خود حفظ کن * و هر چه خیر از آنچه می دانم و آنچه نمی دانم

وَ مِمَّا لَا أَعْلَمُ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ اغْفِرْ لِي

همه را به من عطا فرما * پروردگارا درود فرست بر محمد و آل محمد * و مرا و پدر

وَ لِوَالِدِي * وَ لِإِخْوَانِي وَ إِخْوَاتِي * وَ أَعْمَامِي وَ عَمَّاتِي * وَ إِخْوَالِي وَ خَالَاتِي

و مادرم را * و برادران و خواهرانم را * و عمو و عمه هایم را * و خالو و خاله هایم را

* وَ أَجْدَادِي وَ جَدَّاتِي * وَ أَوْلَادِهِمْ وَ ذُرَّارِيهِمْ * وَ أَزْوَاجِي وَ ذُرِّيَّاتِي *

* و اجداد و جدّه هایم را * و فرزند ایشان و فرزند زادگانشان را * و زنان و ذریه ام را *

وَ أَقْرَبَائِي وَ أَصْدِقَائِي * وَ جِيرَانِي وَ إِخْوَانِي فَيْكَ مِنْ أَهْلِ الشَّرْقِ

و خویشان و دوستان * و همسایگان و برادران ایمانیم را هر جا در شرق و غرب

وَ الْغَرْبِ * وَ لِجَمِيعِ أَهْلِ مَوَدَّتِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ * وَ الْأَحْيَاءِ

عالم هستند * و تمام کسانی که با من محبت خالص دارند از مرد و زن اهل ایمان * از زنده

مَنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ * وَ لِجَمِيعِ مَنْ عَلَّمَنِي خَيْرًا * أَوْ تَعَلَّمَنِي عِلْمًا *

و مرده آنها * و تمام کسانی که به من امر خیری را آموختند * یا از من علمی فرا گرفتند *

اللَّهُمَّ اشْرِكْهُمْ فِي صَالِحِ دُعَائِي وَزِيَارَتِي لِمَشْهَدِ حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ

ای خدا همه را در دعای صالح من و ثواب زیارتم از مشهد شریف و حرم مطهر حجت و ولی خود شریک فرما *

وَ اشْرِكْنِي فِي صَالِحِ ادْعِيَّتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ بَلِّغْ

و مرا هم در دعاهاى صالح آنها شریک ساز * به حق رحمت و اسعت ای مهربانترین مهربانان عالم * و از آنان

وَلِيِّكَ مِنْهُمْ السَّلَامُ وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ يَا

هم سلام به ولی خود برسان * و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو * ای

سَيِّدِي يَا مَوْلَايَ يَا فُلَانَ بْنَ فُلَانَ (به جای این کلمه، نام امامی را که زیارت می کند و نام

سید و مولای من *

پدر آن بزرگوار را بگوید) صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ أَنْتَ

* درود خدا بر تو و بر روح مقدس و جسم پاک تو باد * تو

وَسَيَّلْتِي إِلَى اللَّهِ وَ ذَرَبْتَنِي إِلَيْهِ وَ لِي حَقُّ مَوْلَاتِي وَ تَأْمِينِي فَكُنْ

وسیله من * و شفیع من به سوی خدایی * و برای من حق دوستی و امیدواری به لطف توست * پس مرا

شَفِيعِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْوُقُوفِ عَلَى قِصَّتِي هَذِهِ وَ صَرَّفِي عَنْ

به درگاه خدای عز و جل شفیع باش که بر حکایت حالم واقفی * و تا از این موقف شریف که باز می گردم

مَوْقِفِي هَذَا بِالنُّجْحِ بِمَا سَأَلْتَهُ وَ كَلِّهِ بِرَحْمَتِهِ وَ قُدْرَتِهِ اللَّهُمَّ

با انجام مقاصد در تمام آنچه از خدا درخواست کردم به وطن خود باز گردم * به رحمت عام و قدرت ازلی او * پروردگارا

ارْزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً وَ لُبّاً رَاجِحاً وَ عِزّاً بَاقِياً وَ قَلْباً زَكِياً

مرا عقل کامل * و خرد افزون * و عزت باقی * و قلبی پاک مهذب *

وَ عَمَلاً كَثِيراً وَ اَدَباً بَارِعاً وَ اجْعَلْ ذَلِكَ كَلِمَةً لِي وَ لَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ

و عمل خیر بسیار * و ادب عالی عطا فرما * و تمام این نعمتها را بر نفع من قرار ده * نه بر زیان

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ﴿٥﴾ پنجم: در ذکر زیارت وداع که هریک از

به حق رحمت نامنتهایت ای مهربانترین مهربانان عالم. *

ائمه (علیهم السلام) آن وداع کرده به شوند. بدان که از جمله آداب زیارت چنانچه در محل خود ذکر شده وداع کردن زائر

است مَزُور را در وقت بیرون رفتن از بلد آن بزرگوار به آنچه از ایشان رسیده چنانچه در غالب زیارات مشاهده

می شود و ما در مفاتیح در ابواب زیارات ائمه (علیهم السلام) برای هریک از ایشان صلوات الله علیهم و داعی نقل کردیم

و در وداع حضرت سید الشهداء (علیه السلام) اکتفا کردیم به همان زیارت و داعی که در آداب بیستم از آداب زائر آن

حضرت ذکر شد. و بالجمله در اینجا ذکر می کنیم این زیارت وداع را که شیخ محمد بن المشهدی آن را در باب وداع مزار کبیر نقل کرده و سیّد بن طاوس (رحمته الله) بعد از زیارت جامعه مذکوره و ما نقل می کنیم آن را از مصباح الزائر. فرموده: چون خواستی وداع کنی و برگردی یعنی در هر یک از مشاهد مشرفه که هستی، پس بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ * وَ مَعْدِنِ الرَّسَالَةِ * سَلَامٌ مُودِعٍ

سلام بر شما باد ای خاندان پیغمبر اکرم * و ای معدن رسالت * سلام وداع بدون ملال

لَا سَمَّ وَلَا قَالٍ * وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ * عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ * إِنَّهُ وَ

و خستگی و به زبان تنها * سلام و رحمت و برکات خدای متعال بر شما خاندان باد * که خداوند

حَمِيدٌ مُجِيدٌ * سَلَامٌ وَلِيٍّ غَيْرِ رَاغِبٍ عَنْكُمْ * وَ لَا مُنْحَرِفٍ عَنْكُمْ *

ستوده صفات و بزرگوار است * سلام دوستی که هرگز از شما مایل به غیر نشود * و منحرف از طریق شما نگردد *

وَ لَا مُسْتَبَدِّلٍ بِكُمْ * وَ لَا مُؤَثِّرٍ عَلَيْكُمْ * وَ لَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكُمْ * لَا

و کسی را به جای شما نگزیند * و احدی را بر شما اختیار نکند * و ابدا در تقرب به شما زهد نوزد * و خدا

جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قُبُورِكُمْ * وَ اِتِّيَانِ مَشَاهِدِكُمْ *

این زیارت را آخر عهد من به زیارت قبور مطهر شما * و آمدن به مشاهد شریفه شما قرار ندهد *

وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ * وَ حَشَرَنِي اللَّهُ فِي زَمْرَتِكُمْ * وَ أَوْرَدَنِي حَوْضَكُمْ *

و باز سلام بر شما * و خدا مرا در زمره شما اهل بیت محشور سازد * و به حوض کوثر شما وارد گرداند *

وَ أَرْضَاكُمْ عَنِّي * وَ مَكَّنِّي فِي دَوْلَتِكُمْ * وَ أَحْيَانِي فِي رَجْعَتِكُمْ *

و شما را خدا از من خشنود کند * و در دولت و حکومت حقه شما مرا تمکین و اقتدار بخشد * و در زمان رجعت شما مرا زنده گرداند *

وَ مَلَكْنِي فِي أَيَّامِكُمْ * وَ شَكَرَ سَعْيِي لَكُمْ * وَ غَفَرَ ذُنُوبِي بِشَفَاعَتِكُمْ *

و در ایام سلطنت حقه شما مرا دارا کند * و سعیم را در راه محبت و زیارت شما پاداش عطا کند * و گناهانم را به شفاعت شما ببامزد *

وَ أَقَالَ عَثْرَتِي بِحُبِّكُمْ * وَ أَعْلَى كَعْبِي بِمُؤَالَاتِكُمْ * وَ شَرَفَنِي

و از لغزشهایم به واسطه محبتم به شما اهل بیت درگذرد * و اصل رتبه و مقامم را به ولایت و دوستی شما عالی گرداند * و به طاعت

بِطَاعَتِكُمْ * وَ أَعَزَّنِي بِهِدَاكُم * وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مُفْلِحًا مُنْجِحًا *

شما مرا شرافت بخشد * و به هدایت شما عزت عطا کند * و مرا به وطن باز گرداند در حال فلاح و رستگاری و نیل به مقصود

* سَالِمًا غَانِمًا مُعَافًا غَنِيًّا * فَائِزًا بِرِضْوَانِ اللَّهِ * وَ فَضْلِهِ وَ كِفَايَتِهِ *

* و سلامتی و با غنیمت و عافیت و دارایی * و فیروزی و سعادت مندی به رضوان * و فضل و احسان خدا و کفایت او

بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُورِكُمْ * وَ مَوَالِيكُمْ وَ مُحِبِّكُمْ *
 * و از هر کس که به وطن باز می‌گردد از زواران * و دوستان و شیعیان بهتر و کاملتر

وَ شِيعَتِكُمْ * وَ رَزَقْنِي اللَّهُ الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ مَا أَبْقَانِي رَبِّي *
 به وطنم باز آیم * و خدا باز نصیبم گرداند که بدین زیارت مشهد شریف مکرر در مکرر تا خدا در این جهانم زنده می‌دارد *

بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ * وَ إِيْمَانٍ وَ تَقْوَى وَ إِخْبَاتٍ * وَ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ *
 با صدق نیت * و ایمان و تقوی و خضوع * و با رزق وسیع و حلال و طیب به زیارت باز آیم

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ وَ ذِكْرِهِمْ * وَ الصَّلَاةَ عَلَيْهِمْ *
 * پروردگارا کرم کن و این زیارت را آخرین عهد من به زیارت این بزرگواران و ذکر و ثنا * و تحیت بر آنان قرار مده

وَ أَوْجِبْ لِي الْمَغْفِرَةَ وَ الرَّحْمَةَ * وَ الْخَيْرَ وَ الْبُرْكَهَ * وَ النُّورَ وَ الْإِيْمَانَ *
 * و ای خدا بر من آمرزش و مغفرت و رحمت * و خیر و برکت * و نور و ایمان

وَ حَسْنَ الْإِجَابَةِ * كَمَا أُوجِبَتْ لِأَوْلِيَائِكَ الْعَارِفِينَ بِحَقِّهِمْ *
 * و اجابت دعا به حسن و کمال بر من لازم همیشگی قرار ده * چنانکه برای دوستان و اولیاء خود و عارفان به مقام ائمه *

الْمُوجِبِينَ طَاعَتَهُمْ * وَ الرَّاغِبِينَ فِي زِيَارَتِهِمْ * الْمُتَقَرِّبِينَ إِلَيْكَ *
 و ملازمین طاعتشان * و مشتاقان زیارتشان * و تقرب جوینان به حضرتت و به آن امامان این مرحمتها

وَ إِلَيْهِمْ * يَا أَبَتِي أَنْتُمْ وَ أُمَّي وَ نَفْسِي وَ مَالِي وَ أَهْلِي * اجْعَلُونِي مِنْ هَمِّكُمْ *
 را فرمودی * پدر و مادرم و جان و مالم و اهل بیتم فدای شما * مرا هم از همت بلند خود بهره‌مند سازید

وَ صَيِّرُونِي فِي حِزْبِكُمْ * وَ ادْخِلُونِي فِي شَفَاعَتِكُمْ * وَ اذْكُرُونِي عِنْدَ *
 * و هم در حزب منصور خود آورید * و در شفاعت کبرای خود داخل گردانید * و نزد خدای خود

رَبِّكُمْ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَبْلِغْ أَرْوَاحَهُمْ *
 مرا یاد کنید * پروردگارا درود فرست بر محمد و آل محمد * و به ارواح عالی

وَ اجْسَادَهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَ سَلَامًا * وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةٌ *
 و اجسام پاکشان از من درود و تحیت بسیار برسان * و سلام و رحمت و برکات

اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ * ۶ ششم: در تحفة الزائر است که از حضرت صادق (ع) منقول است که هرگاه تو
 خدای بر شما اهل بیت باد. *

را حاجتی به سوی خدای تعالی باشد یا از امری خائف و ترسان باشی در کاغذی بنویس: بِسْمِ اللَّهِ
 به نام خدای

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * اللَّهُمَّ اِنِّي اَتُوْجَّهُ اِلَيْكَ بِاَحَبِّ اَسْمَاءِ اِلَيْكَ

بخشنده مهربان * پروردگارا من به درگاه حضرتت روی آوردم به نیکوترین اسماء

* وَاَعْظَمُهَا لَدَيْكَ * وَاتَّقَرَّبُ وَاتَّوَسَّلُ اِلَيْكَ بِمَنْ اَوْجَبَتْ حَقَّهُ وَا

* و بزرگترین آن اسماء نزد حضرتت * و تقرب می‌جویم به درگاهت به کسی که حق او را تو خود بر خویش فرض

عَلَيْكَ * بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ * وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ * وَعَلِيَّ بْنَ

و لازم قرار دادی * به حق محمد (ص) و علی (ع) و فاطمه (س) * و حسن (ع) و حسین (ع) * و علی بن

الْحُسَيْنِ * وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ * وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ * وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ

الحسین (ع) * و محمد بن علی (ع) * و جعفر بن محمد (ع) * و موسی بن جعفر (ع)

* وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى * وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ * وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ * وَالْحُسَيْنِ

* و علی بن موسی (ع) * و محمد بن علی (ع) * و علی بن محمد النقی (ع) * و حسن بن

بْنِ عَلِيٍّ * وَالْحُجَّةَ الْمُنْتَظِرَ * صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ * اِكْفِنِي

علی (ع) * و حجت بن الحسن (ع) امام منتظر * که درود خدا بر همگی آنان باد * مرا حاجت روا و از این اموری که ترسانم

كَذَا وَكَذَا * یعنی حاجت خود را ذکر کنی پس رقعہ را به پیچ و دربند قه‌ای از گل بگذارد و در میان آب

به کرم‌ت کفایت فرمایی *

جاری یا چاهی بینداز که حق تعالی بزودی فرج کرامت فرماید. ۷ هفتم: به سند معتبر مروی است که شیخ

ابوعمر و نائب اول امام عصر صلوات الله علیه این دعا را املا فرمود به ابوعلی محمد بن همّام و امر فرمود او را که

آن را بخواند و سید بن طاوس در جمال الاسبوع بعد از ذکر دعاهای وارده بعد از نماز عصر جمعه و صلوات کبیره

این دعا را ذکر کرده و فرموده و اگر برای تو عذری باشد از جمیع آنچه ذکر کردیم پس حذر کن از آنکه مهمل

گذاری خواندن این دعا را پس به درستی که ما شناختیم این را از فضل خداوند جل جلاله که مخصوص فرموده

ما را به آن، پس اعتماد کن به آن و آن دعا این است: اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَفْسَكَ * فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ

ای خدا تو مرا به خود شناسا کن * که اگر تو

تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ اَعْرِفْ رَسُوْلَكَ * اللَّهُمَّ عَرَفْنِي رَسُوْلَكَ * فَاِنَّكَ

شناسایم به خویش نفرمایی رسولت را نخواهم شناخت * ای خدا تو رسولت را به من بشناسان * و گرنه

اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُوْلَكَ لَمْ اَعْرِفْ حُجَّتَكَ * اللَّهُمَّ عَرَفْنِي حُجَّتَكَ *

حجنت را نخواهم شناخت * خدایا تو حجنت را به من بشناسان *

فَانْكَ اِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي * اَللّٰهُمَّ لَا تَمْتِنِيْ مِيْتَةً

و گرنه از دین خود گمراه خواهم شد * ای خدا مرا به مرگ جاهلیت

جَاهِلِيَّةً * وَلَا تُزِغْ قَلْبِيْ بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِيْ * اَللّٰهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِيْ لِوَلَايَةِ

نمیران * و از قلبم پس از آنکه مرا هدایت کردی ظلمت گمراهی دور دار * پروردگارا چنانکه مرا به ولایت و دوستی

مَنْ فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ مِنْ وِلَايَةِ وَّلَاةِ اَمْرِكَ بَعْدَ رَسُوْلِكَ * صَلَوَاتِكَ

آن کسانی که طاعتشان را بر من فرض و لازم کردی هدایت فرمودی یعنی آنان که از جانب تو بعد از رسولت * که درود خدا

عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ * حَتَّى وَاٰلِيَّتْ وَّلَاةِ اَمْرِكَ اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيَّ بْنَ اَبِي

بر او و آلش باد صاحب فرمان خلافتند * تا آنکه من به هدایتت دوستدار والیان امر تو شدم که آن والیان امر امیر المؤمنین

طَالِبٍ * وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ * وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا * وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى

علی بن ابی طالب است * و حسن و حسین * و علی و محمد * و جعفر و موسی

* وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا * وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ * وَ الْحُجَّةَ لِقَائِمِ الْمَهْدِيِّ

* و علی و محمد * و علی و حسن عسکری * و حجت قائم مهدی

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ * اَللّٰهُمَّ فَثَبَّتْنِيْ عَلَيَّ دِيْنِكَ * وَ اسْتَعْمَلْنِيْ

که درودت بر همگی آنان باد * پس ای خدا مرا بر این دین خود ثابت قدم گردان * و به کار طاعتت مشغول

بِطَاعَتِكَ * وَ لِيْنِ قَلْبِيْ لَوْلِيٍّ اَمْرِكَ * وَ عَافِنِيْ مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ

دار * و قلبم را برای ولی امرت مطیع ساز * و عافیت و حسن عاقبت در آنچه خلقت را به امتحان آن آزمودی مرا به کرمات عطا فرما

* وَ ثَبَّتْنِيْ عَلَيَّ طَاعَةِ وَّلِيٍّ اَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ * عَنْ خَلْقِكَ * وَ بِاِذْنِكَ

* و به طاعت ولی امرت ثابت قدم بدار آن ولی امری که از چشم خلق پنهان داشته‌ای * و به اذن تو

غَابَ عَنْ بَرِيَّتِكَ * وَ اَمْرِكَ يَنْتَظِرُ * وَ اَنْتَ الْعَالَمُ غَيْرُ الْمَعْلَمِ بِالْوَقْتِ

غایب از مردم گردیده * و در ظهور و قیامش منتظر فرمان توست * و تو ای خدا به ذات خود بی‌تعلیم دانایی

الَّذِي فِيْهِ صَلَاحُ اَمْرٍ وَّلِيِّكَ * فِي الْاِذْنِ لَهُ * وَ بِاِظْهَارِ اَمْرِهِ * وَ كَشْفِ

که چه هنگامی مصلحت * در اذن به ظهور امر سلطنت الهیة اوست * و پرده از جمال او برداشتن چه وقت صلاح عالم

سِتْرِهِ * فَصَبْرُنِيْ عَلَيَّ ذٰلِكَ حَتَّى لَا اُحِبَّ تَعْجِيْلَ مَا اٰخَرْتُ * وَ لَا تَاخِيْرَ

است * پس ای خدا مرا صبر و شکیبایی ده در امر غیبت آن حضرت که آنچه را تو تأخیرش خواهی من تعجیل آن نخواهم * و آنچه تو تعجیل آن

مَا عَجَّلْتَ * وَ لَا كَشَفَ مَا سَتَرْتَ * وَ لَا الْبَحْثَ عَمَّا كَتَمْتَ * وَ لَا

خواهی من تأخیرش نطلبم * و آنچه تو مستور میداری کشف آن نخواهم * و آنچه امر به کتمان و نهان داشتن فرمودی بحث در آن نکنم * و در

انَا زَعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ * وَلَا أَقُولُ لِمَ وَكَيْفَ * وَمَا بَالُ وَاوَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ

تدبیر امور عالم با تو تنازع نکنم * و هرگز چون و چرا نکنم * و نگویم چه شده است که ولی امر امام غایب ظاهر نمیشود

* وَقَدْ اَمْتَلَاتِ الْأَرْضَ مِنَ الْجَوْرِ * وَأَفْوِضْ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ * اللَّهُمَّ

* در صورتی که هم اکنون زمین پر از جور گردیده است * و تمام امورم را به حضرتت تفویض کنم * پروردگارا از تو درخواست میکنم

إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرَبِّنِي وَوَلِيَّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ * مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ

که جمال ولی امرت امام زمان را به من ظاهر و آشکار بنمایانی در حالی که امر و فرمانش در جهان نافذ باشد * با علم و معرفتم به

السُّلْطَانَ * وَالْقُدْرَةَ وَالْبُرْهَانَ * وَالْحُجَّةَ وَالْمَشِيَّةَ * وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ

اینکه تمام سلطنت * و قدرت و برهان کامل * و حجت بالغه و مشیت نافذه * و توانایی و قوت خاص توست

* فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ * حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى وَوَلِيِّ أَمْرِكَ صَلَوَاتِكَ

* ای خدا این لطف را در حق من و جمیع اهل ایمان بفرما * تا ما جمال مبارک ولی امر تو را که درودت بر او باد

عَلَيْهِ * ظَاهِرِ الْمَقَالَةِ * وَاضِحِ الدَّلَالَةِ * هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ * شَافِيًا

به چشم ببینیم * و با سخن آشکار و دلالت واضح * ما را از راه ضلالت و گمراهی * به طریق

مِنَ الْجَهَالَةِ * اَبْرَازِيَا رَبِّ مُشَاهِدَتَهُ * وَثَبَّتْ قَوَاعِدَهُ * وَاجْعَلْنَا

هدایت آورد * و ارکان سلطنتش را ثابت بدار * و ما را از آنان که چشم روشن به شهود جمالش

مِمَّنْ تَقَرَّرَ عَيْنُهُ * بِرُؤْيَيْتِهِ * وَاقْمِنَا بِخِدْمَتِهِ * وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ *

شوند بگردان * و ما را به خدمت حضرتش پایدار ساز * و بر آیین آن بزرگوار بمیران *

وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ * اللَّهُمَّ اَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ * وَذَرَاتَ

و در زمره او و شیعیانش در قیامت محشور گردان * پروردگارا تو آن امام غایب را از شر جمیع آنچه خلقت کردی * و به حرکت

وَبَرَاتَ * وَانْشَأَتْ وَصَوَّرَتْ * وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ

آوردی و بیافریدی * و ایجاد کردی و بر نگاشتی در پناه خود محفوظ دار * و از هر شر که در مقابل رویش و پشت سر او

* وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ * وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ * بِحِفْظِكَ الَّذِي

* و از سمت راست و چپ * و از بالا و پایین بر وجود مبارکش رو آرد از همه محفوظش بدار * به حفظ خود که هر کس

لَا يَضِيعُ مِنْ حَفِظْتَهُ * بِهِ * وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ * وَوَصِيَّ رَسُولِكَ

در حفظ و پناه توست هرگز آسیبی به او نرسد * و هم به وجود او آیین و شرع رسالت * و وصی رسالت

عَلَيْهِ وَءَالِهِ السَّلَامُ * اللَّهُمَّ وَمُدِّي فِي عُمُرِهِ * وَزِدْ فِي أَجَلِهِ وَأَعِنَهُ عَلَى

که تحیت حق بر او و آل او باد حفظ فرمایی * پروردگارا و تو عمر آن حضرت را طولانی کن * و بر مدت زندگانش بیفزای و بر

مَا وَلِيَّتَهُ وَ اسْتَرَعَيْتَهُ وَ زِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ وَ * فَإِنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ

ولایت و سلطنتی که به او عطا کرده‌ای او را یاری فرما و بر لطف و کرامت نسبت به او بیفزای * که اوست هادی خلق و مهدی موعود عالم

وَ الْقَائِمُ الْمُهْتَدِيُّ وَ الطَّاهِرُ التَّقِيُّ الزَّكِيُّ * أَلَنْقَى الرِّضَى الْمَرْضَى

* و قیام کننده برای رهبری خلقان * و اوست آن گوهر پاک با تقوای کامل پاکیزه صفات * و منزّه و صاحب مقام رضا و خشنودی خدا

أَلصَّابِرُ الشَّكُورُ الْمُجْتَهِدُ * اللَّهُمَّ وَ لَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ

* صابر سپاسگزار ایزد متعال مجاهد در راه خدا * پروردگارا یقین ما را به واسطه وجود مبارکش به واسطه

فِي غَيْبَتِهِ * وَ انْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا * وَ لَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَ انْتِظَارَهُ وَ *

طول مدت غیبتش * و انقطاع خبرش از ما سلب مگردان * و ذکر آن حضرت را و انتظار ظهورش *

وَ الْإِيمَانَ بِهِ * وَ قُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ * وَ الدُّعَاءَ لَهُ * وَ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ

و ایمان به وجودش * و یقین کامل به ظهورش را هرگز از یاد ما میر * و دعای به آن بزرگوار * و درود و تحیتش را هرگز فراموش ما مگردان

حَتَّى لَا يَقْنَطُنَا طُولُ غَيْبَتِهِ مِنْ قِيَامِهِ * وَ يَكُونَ يَقِينًا فِي ذَلِكَ

* تا اینکه طولانی شدن غیبتش ما را ناامید از قیام او نگرداند * و بلکه یقین ما به حضرتش و قیام دولتش

كَيْقِينَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ * صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ * وَ مَا جَاءَ بِهِ مِنْ

مثل یقین ما به قیام رسول تو * که درودت بر او و آتش باد * و آنچه بر او از وحی و تنزیل کتاب آسمانی تو آمد چنین یقینی هم به

وَحْيِكَ وَ تَنْزِيلِكَ * فَقَوِّ قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ * حَتَّى تَسْلِكَ بِنَا

وجود امام غایب ثابت و کامل باشد * پس تو ای خدا دلهای ما را در ایمان به او قوت یقین عطا فرما * تا آنکه ما را

عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى * وَ الْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى * وَ الطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى

به واسطه وجود او به سر منزل هدایت سلوک دهی * و به شاهراه حقیقت * و بهترین طریقت رسانی

وَ قَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ * وَ ثَبَّتْنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ (مُشَايَعَتِهِ) * وَ اجْعَلْنَا فِي

* و ای خدا ما را بر طاعتش قوی بدار * و بر متابعتش ثابت قدم گردان * و ما را از حزب او

حِزْبِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ * وَ الرَّاظِينَ بِفِعْلِهِ * وَ لَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي

و از یار و یاوران آن حضرت * و راضی و خشنودان به فعل آن بزرگوار قرار ده * و این موهبت را از ما در

حَيَاتِنَا * وَ لَا عِنْدَ وَفَاتِنَا * حَتَّى تَتَوَفَّانَا وَ نَحْنُ عَلَى ذَلِكَ لَا شَاكِينَ

حیات دنیا * و هنگام وفات مگردان * تا آنکه در حالی که ما را قبض روح کنی بر این ایمان و یقین باقی باشیم که هیچ شک

وَ لَا نَاكِثِينَ * وَ لَا مُرْتَابِينَ وَ لَا مُكْذِبِينَ * اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ * وَ آيِدِهِ

و ریب * و سستی عقیدت در ما راه نیابد و ابدًا از تکذیب کنندگان او نباشیم * ای خدا فرج آن حضرت را زود مقرر فرما * و او را به

بِالنَّصْرِ * وَ انْصُرْ ناصِرِيهِ * وَ اخْذُلْ خاذِلِيهِ * وَ دَمِّمْ عَلَيَّ مَنْ

نصرت خود یاری کن * و یارانش را هم یاری فرما * و مخالفانش را مخدول و ذلیل ساز * و آنان که به دشمنی او برخیزند و تکذیب

نَصَبَ لَهُ * وَ كَذَّبَ بِهِ * وَ اَظْهَرَ بِهِ الْحَقَّ * وَ امْتَبَهَ الْجَوْرَ * وَ اسْتَنْقَذَ

او کنند همه را هلاک گردان * و دین حق را به وجود او آشکار ساز * و رسم جور و ظلم را به دستش نابود گردان * و بندگان

بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذَّلِّ * وَ انْعَشَ بِهِ الْبِلَادَ * وَ اقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ

با ایمانت را در دولتت از ذلت و خواری نجات ده * و شهر و دیار عالم را به وجودش آباد ساز * و سرکشان کفر و ضلالت

الْكُفْرَ (الْجَبَابِرَةَ وَ الْكُفْرَةَ) * وَ اقْصِمْ بِهِ رُءُوسَ الضَّلَالَةِ * وَ ذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ

را به شمشیر قهرش به قتل رسان * و پشت رؤسای گمراهان عالم را در هم شکن * و جباران و کافران را به

وَ الْكَافِرِينَ * وَ اَبْرِ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَ النَّاكِثِينَ * وَ جَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ

حکومتش ذلیل گردان * و منافقان و عهد شکنان * و تمام مخالفان و ملحدان

وَ الْمُلْحِدِينَ * فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ * وَ مَغَارِبِهَا * وَ بَرِّهَا * وَ بَحْرِهَا * وَ كَوْنِهَا

بی‌دین * که در مشرق و مغرب عالمنده * و در بر و بحر * و صحرا و کوه

وَ سَهْلِهَا * وَ جَبَلِهَا * حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَارًا * وَ لَا تَبْقَى لَهُمْ آثَارًا *

همه را هلاک و نابود ساز * تا آنکه دیگر دیاری از آن ناپکاران * و اثری از آن خدانشناسان در جهان باقی نگذاری *

طَهَّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ * وَ اشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ * وَ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى

شهر و بلاد خود را از وجود ناپاک آنان پاک ساز * و دلهای پر غم و اندوه بندگان را به هلاکت آنها شادمان گردان * و آنچه که از

مِنْ دِينِكَ * وَ اصْلَحْ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ * وَ غَيْرَ مَنْ سُنَّتِكَ * حَتَّى

دین تو محو گردیده در دولت حضرتت از تو تجدید ساز * و آنچه از احکام * و سنت تبدیل دادند همه را اصلاح فرما * تا آنکه دین

يَعُودَ دِينِكَ بِهِ * وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضًا جَدِيدًا صَحِيحًا * لَا عِوَجَ فِيهِ

تو ای خدا به وجود او * و به دست سلطنت الهیه او به مقام خود از نو باز گردد * و تمام و کامل از روی یقین بدون بدعت و کجروی میان

وَ لَا بَدْعَةَ مَعَهُ * حَتَّى تَطْفِئَ بَعْدَ نِيرَانِ الْكَافِرِينَ * فَانَّهُ * عَبْدُكَ

بندگان مورد عمل قرار گیرد * تا آنکه به حکومت عدل او آتش کافران خاموش شود * که البته آن امام غایب و قائم آل محمد (ع) یگانه

الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ * وَ لِنَفْسِكَ * وَ ارْتَضَيْتَهُ * وَ لِنَصْرِ دِينِكَ * وَ اصْطَفَيْتَهُ * وَ

شخصی است که تواش خاص و خالص برای خود گردانیده‌ای * و برای یاری دینت او را پسند و منتخب کردی * و به علم ازلی

بِعِلْمِكَ * وَ عَصَمْتَهُ * مِنَ الذُّنُوبِ * وَ بَرَّاتَهُ * مِنَ الْعُيُوبِ * وَ اطَّلَعْتَهُ * وَ

خود برگزیدی * و از هر گناه او را معصوم * و منزّه و از هر نقص و عیب مبرا ساخته‌ای * و او را بر اسرار

عَلَى الْغُيُوبِ وَانْعَمْتَ عَلَيْهِ * وَطَهَّرْتَهُ * مِنَ الرَّجْسِ * وَنَقَيْتَهُ * مِنْ

علم غیب مطلع و آگاه فرمودی و در حقیقت انعام فرمودی * و او را از هر ناپاکی شرک و ریا پاک * و از هر پلیدی جهل و عصبان

الدَّنَسِ * اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ * وَ عَلَى

مبرا ساختی * پروردگارا پس ای خدا درود فرست بر او و بر پدرانش که همه امامان پاک گوهرند * و هم بر شیعیان

شِيعَتِهِ الْمُنتَجِبِينَ * وَ بَلِّغْهُمْ مِنْ أَمَالِهِمْ مَا يَأْمُلُونَ * وَ اجْعَلْ ذَلِكَ

برگزیده او درود و رحمت فرست * و آنها را به هر امید و آرزویی دارند کاملاً نایل فرما * و این دعا

مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ * وَ شُبُهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سَمْعَةٍ * حَتَّى لَا نُرِيدَ بِهِ

خالص از هر شک * و شائبه و ریا و خودنمایی بگردان * تا در آن غیر تو را اراده

غَيْرِكَ * وَ لَا نَطْلُبُ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ * اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِينَا

نکنیم * و جز رضا و خشنودی ذات را نطلبیم * بارالها به درگاه تو شکایت می‌کنم از فقدان پیغمبر اکرم (ص)

* وَ غَيْبَةَ إِمَامِنَا (وَلِيِّنَا) * وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا * وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا

* و غیبت امام زمان ما * و سختی فتنه دور زمان بر ما شیعیان * و وقوع فتن

وَ تَظَاهَرَ الْأَعْدَاءَ عَلَيْنَا * وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا * وَ قَلَّةَ عَدَدِنَا * اللَّهُمَّ فَافْرَجْ

و فساد پشتیبانی نیروی دشمنان بر علیه ما * و بسیاری دشمن * و کمی عده ما * بارالها تو به فتح و گشایشی از جانب خود

ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحٍ مِنْكَ تَعْجَلْهُ * وَ نَصْرٍ مِنْكَ تَعَزَّهُ * وَ إِمَامٍ عَدَلٍ تَظْهَرُهُ * وَ

از این غم و اندوهها فرج عاجل بما عطا فرما * و به یاری با عزت * و ظهور امام و پیشوای عادل از جانب خود ما را به کرم نصرت

إِلَهُ الْحَقِّ ءَامِينَ * اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذِنَ لَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ

بخش * ای خدای به حق این دعا را اجابت فرما * بارالها ما از تو درخواست میکنیم که اذن و اجازه فرمایی در ظهور ولی خود برای

فِي عِبَادِكَ * وَ قَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ * حَتَّى لَا تَدْعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبِّ

اظهار سلطنت عدل در بین بندگان * و قتل دشمنان در شهر و بلاد مملکت * تا آنجا که دیگر پایگاه و نیرویی بر اهل ظلم و جور

دَعَامَةَ إِلَّا قَصَمْتَهَا * وَ لَا بَقِيَّةَ إِلَّا أَفْنَيْتَهَا * وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا أَوْهَنْتَهَا *

نگذاری جز آنکه تمام را در هم بشکنی * و بقیه‌ای از بیدادگران عالم نماند جز آنکه نابود گردانی * و قدرتی نباشد جز آنکه ضعیف

وَ لَا رُكْنَ إِلَّا أَهْدَمْتَهُ * وَ لَا حَدًّا إِلَّا أَفْلَتَهُ * وَ لَا سِلَاحًا إِلَّا أَكَلْتَهُ * وَ

و ناتوان سازی * و هر حدت و صولت اهل جور را محو و بی‌اثر * و هر سلاح و نیروی آنها را فاسد عاقل گردان

وَ لَا رَايَةَ إِلَّا نَكَسْتَهَا * وَ لَا شِجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ * وَ لَا جِيْشًا إِلَّا

* و پرچمهای آنان را سرنگون ساز * و تمام ابطالشان را به قتل رسان * و لشکرهایشان همه را مخدول

خَذَلْتَهُ * وَ ارْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجْرِكَ الدَّامِعِ * وَ اضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ

و مغلوب ساز * و ای خدا به سنگ مهلکت آنها را سنگباران مذلّت گردان * و به شمشیر برای انتقامت

* وَ بِأَسْكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ * عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ * وَ عَذَبُ أَعْدَائِكَ

* و بأس و عقابی که از قوم نابکار ابد بر نگردانی آنان را به هلاکت رسان * و دشمنان خود و دشمنان

وَ أَعْدَاءُ وَلِيِّكَ * وَ أَعْدَاءُ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ * بِيَدِ وَلِيِّكَ

و لی خود * و دشمنان رسولت که درودت بر او و آنان باد * همه را به دست ولی قائم خود و به دست

وَ أَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ * اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيِّكَ وَ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ

بندگان با ایمانت معذب گردان * بارالها تو ولی خود و حجتت بر خلق زمین را از هول و ترس

هَوْلَ عَدُوِّهِ * وَ كَيْدِ مَنْ أَرَادَهُ * (كَادُهُ) * وَ امْكُرْ بِنَمْرِ مَكْرِبِهِ * وَ اجْعَلْ

دشمنش کفایت فرما * و از مکر و حیلۀ آنان که با او قصد مکر و خیانت دارند محفوظ دار * و هر که با او مکر کند تو او را به کیفر

دَائِرَةَ السُّوءِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا * وَ اقْطَعْ عَنْهُ مَا دَتَّهُمْ * وَ ارْعَبْ

رسان * و حوادث بد را بر بدخواهانش مقرر گردان * و از وجود مبارکش ماده و ریشۀ فساد آنها را نابود ساز * و دلپاشان را

لَهُ * قُلُوبَهُمْ * وَ زَلْزَلْ أَقْدَامَهُمْ * وَ خُذْهُمْ جَهْرَةً وَ بَغْتَةً * وَ شَدِّدْ عَلَيْهِمْ

از او ترسان و هراسان * و قدمپایشان را لرزان و ناتوان گردان * و آن مردم فاسد را آشکار و ناگهان به دست قهر بگیر * و به عذاب

عَذَابِكَ * وَ أَخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ * وَ الْعَنْهُمْ فِي بِلَادِكَ * وَ اسْكِنْهُمْ

سخت معذب ساز * و در میان بندگان آن دشمنان را خوار و ذلیل گردان * و در شهر و دیار عالم بر آنها لعنت کن * و در اسفل

أَسْفَلَ نَارِكَ * وَ أَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ * وَ أَصْلِحْ نَارًا * وَ أَحْشُ

السَّافِلِينَ جَهَنَّمَ جَايَ دِهِ * و اشد عذابت را بر آنها محیط ساز * و به آتش سخت انتقام کن * و قبور مردگانشان

قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا * وَ أَصْلِحْ حَرَّ نَارِكَ * فَانْهَمُ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ

را پر از آتش سوزان کن * و خود آنها را به آتش سوزان قهرت واصل ساز * که آنها مردمی هستند که نماز را ضایع گذاشتند *

وَ اتَّبِعُوا الشَّهَوَاتِ * وَ اضْلُوا عِبَادَكَ * وَ اخْرَبُوا بِلَادَكَ * اللَّهُمَّ وَ أَحْيِ

و پیرو شهوت نفس خود شدند * و بندگان را گمراه کردند * و شهر و دیارت را ویران ساختند * پروردگارا قرآن را به وجود

بَوْلِيكَ الْقُرْآنَ * وَ أَرْنَا نُورَهُ * سَرْمَدًا لَا لَيْلَ فِيهِ * وَ أَحْيِ بِهِ الْقُلُوبَ

و لی خود باز زنده ساز * و نور جمالش را بما بنما آن نوری که سرمدی است و هرگز ظلمت گرد او نگردهد * و دلپای مرده خلق را به

الْمَيِّتَةَ * وَ اشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوُغْرَةَ * وَ اجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ

لطف آن بزرگوار زنده ساز * و دلپای اندوهناک را شفا مرحمت فرما * هواهای نفسانی متفرق و آراء مختلف را به رأی مبارکش بر حق

عَلَى الْحَقِّ * وَاقِمِ بِهِ الْحُدُودَ الْمَعْظَلَةَ * وَالْأَحْكَامَ الْمَهْمَلَةَ * حَتَّى

مجمع گردان * و حدود الهی را که به کلی تعطیل شده * و احکام شرع محمدی که همه متروک گردیده باز در دوران سلطنت آن حضرت

لَا يَبْقَى حَقُّ الْأَظْهَرِ * وَلَا عَدْلُ الْأَزْهَرِ * وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ

همه را اجرا فرما * تا به وجود مبارکش هر حق و حقیقتی آشکار شود * و هر عدل و داد روشن گردد * و ای خدا ما را هم از یاران او

* وَ مُقَوِّبَةِ سُلْطَانِهِ * وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ * وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ *
* و نیروی سلطنتش * و فرمانبران حکمش قرار ده * و از آنان که خشنوداز فعلش هستند *

و الْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ * وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ *
و تسلیم فرمانهایش * و از آن بندگان که ایدا به تقیه نیازمند نیستند از آنان مقرر فرما *

وَ أَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ الضَّرَّ * وَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ *
و ای خدا ای پروردگار ما تویی که هر زیان و غم و حسرت و جور را برطرف می‌سازی * و دعای هر بنده مضطر را اجابت می‌کنی *

وَ تُنَجِّي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ * فَاكْشِفِ الضَّرَّ عَنِّي وَ لِيكَ * وَ اجْعَلْهُ
و از رنج و بلای سخت نجات می‌دهی * پس ای خدا تو از ولی خود امام غایب (ع) * هر ضرر را برطرف ساز و او را

خَلِيفَةً فِي أَرْضِكَ * كَمَا ضَمَنْتَ لَهُ * اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلَنِي مِنْ خُصَمَاءِ
آشکار در زمین بر همه خلقت خلیفه خود قرار داده * چنانکه بر این کار خود تضمین فرموده‌ای * ای خدا مرا از

أَهْلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * وَ لَا تَجْعَلَنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ
اهل نزاع و مجادله با آل محمد (ع) * و از دشمنان آل محمد (ع) * و از

السَّلَامُ * وَ لَا تَجْعَلَنِي مِنْ أَهْلِ الْحَنْقِ وَالْغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ
اهل کینه و خشم با آل محمد که درود بر آنان باد قرار مده * که به تو

السَّلَامُ * فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَاعْزِنِي * وَ اسْتَجِيرُ بِكَ فَاجْرِنِي *
پناه می‌برم از این صفت شقاوت مرا در پناه خود گیر * و به درگاه کرم تو پناهنده می‌شوم مرا پناه ده *

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ اجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزًا عِنْدَكَ فِي
پروردگارا درود فرست بر محمد و آل محمد * و به وجود آنها مرا نزد خود در دنیا و آخرت سعادتمند و

الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * ءَامِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٨﴾ هشتم: در
فیروز گردان * و از مقربان درگاهت قرار ده * و ای خدا ای پروردگار عالم این دعا را از من به کرمت مستجاب فرما. *

آداب زیارت به نیابت است، بدان که ثواب زیارت هریک از رسول خدا و ائمه هدی (علیهم السلام) را هدیه روح مقدس

هریک از ایشان می‌توان کرد و همچنین به روح هریک از مؤمنان هدیه می‌توان کرد و زیارت به نیابت ایشان

می توان کرد چنانکه به سند معتبر منقول است که داود صرمی به حضرت امام علی نقی (علیه السلام) عرض کرد که من پدر تو را زیارت کردم و ثوابش را از برای تو قرار دادم، فرمود که: تو را از جانب خدا اجر و ثواب عظیم هست و از جانب ما حمد و ثنا. * و در حدیث دیگر منقول است که امام علی نقی (علیه السلام) شخصی را فرستاد به حایر امام حسین (علیه السلام) که از برای آن حضرت زیارت و دعا کند * و به سند معتبر از حضرت امام موسی بن جعفر (علیه السلام) منقول است که چون به زیارت مرقد منور رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بروی و از اعمال زیارت فارغ شوی دو رکعت نماز بکن و

بایست نزد سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مِنْ أَبِي**

سلام بر تو ای پیغمبر خدا از طرف پدر

وَأُمِّي * وَزَوْجَتِي وَوَلَدِي وَحَامَتِي * وَمِنْ جَمِيعِ أَهْلِ بَلَدِي * حُرِّهِمْ

و مادرم * و عیالم و فرزندانم و کسانی * و از جانب همه اهل شهرم * از آزاد

وَعَبْدِهِمْ * وَابْيَضِهِمْ وَاسْوَدِّهِمْ * پس به هر کس از اهل بلد خود بگویی که من به نیابت

و بنده شان * و سفیدشان و سیاهشان. *

تو به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) سلام دادم صادق خواهی بود و در بعضی از روایات وارد است که از بعضی از ائمه طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين سؤال نمودند از مردی که دو رکعت نماز می کند یا یک روز، روزه می دارد یا حج یا عمره به جامی آورد یا زیارت می کند رسول خدا صلی الله علیه و آله یا یکی از ائمه طاهرين (علیهم السلام) را و ثواب آن را از برای پدر و مادر خود یا برادر مؤمن خود هدیه می کند، آیا او را ثوابی هست؟ فرمود که: ثواب آن عمل به آن شخص می رسد بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و شیخ طوسی (رحمته الله) در تهذیب فرموده است کسی که به نیابت برادر مؤمن به زیارت رود به اجرت، چون فارغ شود از غسل زیارت و موافق بعضی از نسخ از عمل زیارت بگوید:

اللَّهُمَّ مَا أَصَابَنِي مِنْ تَعَبٍ * أَوْ نَصَبٍ أَوْ شَعَثٍ أَوْ لُغُوبٍ * فَاجْرُ

بارالها آنچه به من رسیده است از رنج و سختی * و یا گرد و غبار و خستگی * پس فلان پسر

فُلَانٍ بَنِ فُلَانٍ فِيهِ * وَاجْرُنِي فِي قَضَائِي عَنْهُ * پس چون زیارت کند در آخر زیارت

فلان را در این مزد و اجر ده * و مرا هم در قضا کردن از او اجر کرامت فرما. *

بگوید: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ عَنِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ * اتَيْتُكَ زَائِرًا عَنْهُ ***

سلام بر تو ای مولای من از فلان پسر فلان * از جانب او برای زیارت آمده ام *

فَاشْفَعْ لَهُ * وَعِنْدَ رَبِّكَ * پس هر دعا که خواهد از برای او بکند و نیز فرموده است که چون کسی

پس برای او نزد پروردگارت شفاعت نمای. *

خواهد که به نیابت دیگری زیارت کند بگوید: **اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَانًا بَنَ فُلَانَ أَوْ فَدَنِي إِلَى مَوَالِيهِ**

ایها همانا فلان شخص پسر فلان کس مرا فرستاده برای زیارت موالی و ائمه من

وَمَوَالِيٍّ * لِأَزُورَ عَنْهُ رَجَاءً لِحَزِيلِ الثَّوَابِ * وَفِرَارًا مِنْ سُوءِ الْحِسَابِ

علیهم السلام * که از جانب او زیارت کنم به امید اجر عظیم این زیارت * و برای فرار و نجات از حساب سخت قیامت

اللَّهُمَّ إِنَّهُ * يَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِأَوْلِيَائِهِ (بِأَوْلِيَائِكَ) الدَّالِّينَ عَلَيْكَ فِي

* پروردگارا او به واسطه توسل به اولیاء خود که رهنمایان او به سوی تو است تواند به درگاه تو رو آورده

غُفْرَانِكَ ذُنُوبَهُ * وَحَطَّ سَيِّئَاتِهِ * وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهِمْ عِنْدَ مَشْهَدِ

تا گناهانش بیامری * و سیئاتش محو گردانی * و به درگاه حضرتت توسل جسته است نزد مشهد

إِمَامِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ * اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنْهُ * وَاقْبَلْ شَفَاعَةَ

و قبر امامش صلوات الله علیهم * بارالها تو این توسل را به کرمت از او قبول فرما * و شفاعت

أَوْلِيَائِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فِيهِ * اللَّهُمَّ جَازِهِ عَلَى حَسَنِ نِيَّتِهِ *

امامانش صلوات الله علیهم را در حق او ببذیر * ای خدا تو او را بر حسن نیت *

وَصَحِيحِ عَقِيدَتِهِ * وَصِحَّةِ مُوَالَاتِهِ * أَحْسَنَ مَا جَازَيْتَ أَحَدًا مِنْ

و درستی عقیدت * و صحت و خلوص ولایت پاداش نیکو ده * نیکوترین پاداشی که به احدی از

عِبِيدِكَ الْمُؤْمِنِينَ * وَأَدِمَّ لَهُ * مَا خَوَّلْتَهُ * وَاسْتَعْمَلَهُ صَاحِحًا فِيمَا

بندگان با ایمانت عطا فرمودی * و نعمی که به او مرحمت کردی بر او پاینده دار * و در آنچه به او دادی به صرف در

ءَاتَيْتَهُ * وَلَا تَجْعَلْنِي ءَاخِرَ وَاوْفِدٍ لَهُ * وَيُوفِدُهُ * اللَّهُمَّ اعْتَقِ رَقَبَتَهُ * وَمِنْ

عمل صالح موفقش گردان * و مرا آخر وارد از طرف او به زیارت امام (ع) قرار مده * بارالها او را از آتش دوزخ

النَّارِ * وَأَوْسَعِ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالَ الطَّيِّبِ * وَاجْعَلْهُ مِنْ رُفَقَاءِ

آزاد ساز * و از رزق حلال و پاکیزه خود روزی او وسیع فرما * و او را از دوستان و رفیقان

مُحَمَّدٍ وَءَالِ مُحَمَّدٍ * وَبَارِكْ لَهُ * فِي وُلْدِهِ وَمَالِهِ وَآهْلِهِ * وَمَا مَلَكَتْ

محمد (ص) و آل محمد (ع) قرار ده * و در فرزند و مال و اهل بیت * و آنچه داراست در همه برکت

يَمِينِهِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَءَالِ مُحَمَّدٍ * وَحُلِّ بَيْنَهُ * وَبَيْنَ

به او عطا فرما * پروردگارا درود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد (ع) * و بین او و بین

مَعَاصِيكَ حَتَّى لَا يَعْصِيكَ * وَاعْنَهُ عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ أَوْلِيَائِكَ

معصیتهايت حایل و مانع برانگیز * و او را بر طاعت خود و طاعت اولیای خود یاری کن و توفیقش ده

حَتَّى لَا تَفْقِدَهُ وَ حَيْثُ أَمَرْتَهُ وَ لَا تَرَاهُ حَيْثُ نَهَيْتَهُ وَ **اللَّهُمَّ صَلِّ**

* تا آنکه او را هر جا امر فرمودی در اطاعتت حاضر ببینی و هر جا که نهی فرمودی او را در معصیت نبینی * خدایا درود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لَهُ وَ اِرْحَمْهُ وَ اعْفُ عَنْهُ وَ عَن

فرست بر محمد و آل محمد (ص) * و او را ببخش و ببامرز و در حقش ترحم کن * و از گناه او و از

جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ**

جميع مرد و زن اهل ایمان عفو فرما * خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد (ع)

وَ اَعِزَّهُ مِنْ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَ مِنْ فَرْعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سُوءِ الْمُنْقَلَبِ

* و از هول و وحشت مرگ * و قیامت او را در پناه خود آور * و از سوء بازگشت

وَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ وَ مِنْ مَوَاقِفِ الْحَزْبِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

* و از تاریکی قبر و هراس آن * و از موقف‌های خواری و شقاوت در دنیا و آخرت او را پناه ده

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ جَائِزَتَهُ فِي مَوْقِفِي

* خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد (ع) * و در این موقف من جایزه او را آموزش و

هَذَا غُفْرَانِكَ وَ تَحْفَتَهُ فِي مَقَامِي هَذَا عِنْدَ إِمَامِي **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ**

بخشایش خود قرار ده * و تحفه او را در این مقام نزد امام من * صلی الله علیه

أَنْ تَقِيلَ عَثْرَتَهُ وَ تَقْبَلَ مَعْدْرَتَهُ وَ تَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِهِ وَ تَجْعَلَ

عفو از لغزشهای او گردان * و معذرتش را بپذیر * و از خطایش درگذر * و تقوی را زاد

التَّقْوَى زَادَهُ وَ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لَهُ وَ فِي مَعَادِهِ وَ تَحْشُرَهُ فِي زُمْرَةِ

و توشه سفر آخرتش گردان * و اعمالی که نزد تو دارد در عالم معاد و آخرت خیر و سعادتش قرار ده * و او را

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ** وَ تَغْفِرْ لَهُ وَ لِوَالِدَيْهِ

در زمره محمد و آل محمد * صلی الله علیه و آله قرار ده * و او را و پدر و مادر او را ببخش و ببامرز

فَإِنَّكَ خَيْرٌ مَرغُوبٍ إِلَيْهِ وَ أَكْرَمُ مَسْئُولٍ اِعْتَمَدَ الْعِبَادُ عَلَيْهِ

* که ای خدا تو بهترین ذات مقدسی که خلق به او راغب و مشتاق و امیدوارند * و کریمترین شخص که بندگان با اعتماد کامل از او

اللَّهُمَّ وَ لِكُلِّ مُؤَفِدٍ جَائِزَةٌ وَ لِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتَهُ فِي

درخواست حاجت کند * بارالها و هر کس وارد بر کسی شود و به زیارت بزرگی رود او را جایزه و لطف و کرمی است * ای خدا تو جایزه

مَوْقِفِي هَذَا غُفْرَانِكَ وَ الْجَنَّةَ لَهُ وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ

او را در این مقام زیارت من، مغفرت و آموزش خود * و بهشت خویش بر او و بر جمیع مرد و زن اهل ایمان مقرر فرما

اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الْخَاطِئُ الْمَذْنِبُ الْمَقْرِبُ بِذُنُوبِهِ * فَاسْأَلُكَ يَا

* و ای خدا من بنده توام که خطاکار و گنهکار * و مقرر و معترف به گناهانم هستم * پس از لطف و کرمت

اللَّهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * أَنْ لَا تَحْرِمَنِي بَعْدَ ذَلِكَ الْأَجْرَ وَالثَّوَابَ

درخواست می‌کنم ای خدا به حق محمد و آل محمد (ع) * که بعد از اجر و ثواب او مرا هم از

مِنْ فَضْلِ عَطَائِكَ * وَكَرَمِ تَفَضُّلِكَ * پس برود به نزد ضریح مقدس و دستها را به سوی

فضل عطای خود * و کرم احسانت محروم نگردانی. *

آسمان بلند کند روبه قبله و بگوید: يَا مَوْلَايَ يَا إِمَامِي * عَبْدُكَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ أَوْ فِدَنِي

ای مولای من ای امام من * بنده شما فلان شخص پسر فلان کس مرا به زیارت مشهد

زَائِرًا لِمَشْهَدِكَ * يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ وَ إِلَى رَسُولِهِ

شریف و قبر مطهر شما فرستاده * که به این زیارت به نیابت به درگاه خدای عز و جل تقرب جوید و نزد رسول خدا

وَإِلَيْكَ * يَرْجُو بِذَلِكَ فَكَأَنَّ رَقَبَتَهُ مِنَ النَّارِ مِنَ الْعُقُوبَةِ * فَاغْفِرْ لَهُ وَ

و نزد شما که امام او ببید متقرب شود * به امید آنکه از آتش و عقاب دوزخ آزاد گردد * ای خدا تو او را

وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ * يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ * يَا اللَّهُ يَا

و جمیع مرد و زن اهل ایمان را ببخش و بیامرزش * ای خدا ای خدا ای خدا * ای خدا ای

اللَّهُ يَا اللَّهُ * يَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ * لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

خدا ای خدا ای خدا * هیچ خدایی جز آن یگانه خدای بردبار بزرگوار نیست * خدایی جز آن یکتا خدای

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ *

بلند مقام بزرگ نیست * ای خدا از تو درخواست می‌کنم که درود فرستی بر محمد (ص) و آل محمد (ع) *

وَتَسْتَجِيبَ لِي فِيهِ * وَفِي جَمِيعِ إِخْوَانِي وَ إِخْوَاتِي * وَوَلَدِي وَ أَهْلِي

و دعاهای مرا درباره او * و در حق جمیع برادران و خواهران * و فرزندانم و اهل بیتم

* بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

* به جود و کرمت مستجاب فرمایی ای مهربانترین مهربانان عالم. *

ملحقات دویم مفاتیح

مخفی نماند که این نسخه شریفه از جهت خط و چاپ و صحّت از سایر چاپها امتیاز دارد به علاوه آنکه مصنف در مفاتیح چند دعا را به واسطه طول آن، اول آن را ذکر کرده و بقیه‌اش را نقل ننموده، و ما در اینجا آن بقیه را ذکر می‌نماییم تا اشخاصی که این کتاب را دارند محتاج به کتاب دیگر نشوند و چون در مفاتیح برای امام زاده‌ها زیارتی نقل نشده در اینجا یک زیارتی برای امامزاده‌ها نقل می‌کنیم. امید که منظور نظر اهل معرفت و دعا واقع شود و قدر آن را دانسته، احترام و شکر مؤلف و کاتب و بانی طبع آن را به جا آورده باشند والله الموفق. اما دعاهای:

۱* اول: **دعای نماز حضرت امام حسین (علیه السلام)** که در مفاتیح اول آن ذکر شده و تمامش این است:

اللَّهُمَّ (يا الله) أَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِأَدَمَ وَ حَوًّا * إِذْ (حِينَ) قَالَ رَبَّنَا

ای خدا تویی که دعای آدم و حوا را مستجاب کردی * هنگامی که عرض کردند پروردگارا

ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ *

ما در حق نفس خود ستم کردیم اکنون اگر تو ما را نیامرزی و بر ما ترحم نفرمایی همانا از زیانکاران عالم خواهیم بود *

وَ نَادَاكَ نُوحٌ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ * وَ نَجَّيْتَهُ وَ أَهْلَهُ وَ مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ

و همچنین نوح پیغمبر تو را ندا کرد و تو اجابت فرمودی * و از طوفان خطرناکش نجات دادی

* وَ أَطْفَاتٍ نَارٍ نُمْرُودَ عَنْ خَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ * فَجَعَلْتَهَا (عَلَيْهِ) بَرْدًا

* و تو آتش نمروود را بر خلیل خود ابراهیم خاموش کردی * و سرد و سالم

وَ سَلَامًا * وَ أَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِأَيُّوبَ * إِذْ (حِينَ) نَادَى مَسْنَى الضُّرِّ

گردانیدی * و تویی که دعای ایوب را مستجاب کردی * هنگامی که ندا کرد تو را که ای پروردگار مرا ضر و آسیب سخت رسیده

وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * فَكَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ * وَ آتَيْتَهُ وَ أَهْلَهُ وَ

و تو مهربانترین مهربانان عالمی * پس تو رنج و آسیبش را برطرف ساختی * باز اهل او و فرزندان را به او و مانند آن

وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَ ذِكْرِي لِأُولِي الْأَلْبَابِ * وَ أَنْتَ الَّذِي

اهل بیت را به او عطا فرمودی از لطف و رحمت ذاتی خویش و برای آنکه خردمندان متذکر لطف و رحمتت شوند * و باز تویی

اسْتَجَبْتَ لِذِي النُّونِ * حِينَ نَادَاكَ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ *

خدایی که یونس در ظلمتها تو را ندا کرد * که ای خدایی که هیچ جز تو خدایی نیست *

سُبْحَانَكَ اِنِّى كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ * فَنجَيْتَهُ * مِنْ الغَمِّ * وَاَنْتَ الَّذِى

تو پاک و منزهی، من خود بر خویش ظلم و ستم کردم * در آن حال سخت تو دعایش مستجاب کردی و از غم و اندوهش نجات دادی * باز تویی

اَسْتَجَبْتَ لِمُوسَى وَ هَارُونَ دَعَوَتَهُمَا * حِينَ قُلْتَ قَدْ اُجِيبَتْ

خدایی که دعای موسی و هارون را مستجاب کردی * وقتی که فرمودی دعای شما

دَعَوَتُكُمْ فَاَسْتَقِيمَا * وَاغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ * وَ غَفَرْتَ لِدَاوُدَ

هر دو مستجاب شد * پس راه مستقیم را پیش گیرید و فرعون و قومش همه را به دریای هلاک غرق کردی * و تویی که گناه داود را

ذَنْبَهُ * وَ تَبَّتْ عَلَيْهِ رَحْمَةٌ مِنْكَ وَ ذِكْرِي * وَ فَدَيْتَ اِسْمَاعِيْلَ (الذَّبِيحِ)

بخشیدی * و توبه اش پذیرفتی برای ظهور لطف و رحمت خود و برای آنکه خلق متذکر شوند * و تویی که برای اسماعیل ذبیح الله

بِذَبِيحٍ عَظِيمٍ بَعْدَ مَا اَسْلَمَ (اَسْلَمَا) * وَ تَلَّهِ لِلْجَبِيْنَ * فَنَادَيْتَهُ بِالْفِرَجِ

ذبح عظیم به فدا بر او فرستادی پس از آنکه تسلیم فرمان تو شد و برای کشته شدن جبین به خاک نهاد * در آن حال تو او را به

وَ الرُّوحِ * وَاَنْتَ الَّذِى نَادَاكَ زَكَرِيَّا نِدَاءً خَفِيًّا * فَقَالَ رَبِّ اِنِّى وَهَنَ

مژده فرح و راحتی او را ندا فرمودی * و تویی که چون زکریا تو را پنهانی و از صمیم قلب ندا کرد * و عرضه داشت که پروردگارا استخوان

العَظْمُ مِنِّى * وَ اَشْتَعَلَ الرَّاسُ شَيْبًا * وَ لَمْ اَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا *

و ارکان حیات من سست گردیده * و فروغ پیری بر سرم بتافت * و من با وجود این ضعف و سستی از دعا خود را هرگز از عطا و لطف

* وَ قُلْتَ يَدْعُونَنَا رَغَبًا وَ رَهَبًا وَ كَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ * وَاَنْتَ الَّذِى

تو محروم ندانستهم * و درباره او فرمودی او ما را به امید و بیم می خواند و به درگاه ما خاضع و خاشع بود * و باز تویی

اَسْتَجَبْتَ (تَسْتَجِيبُ) لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَ عَمِلُوا الصَّالِحٰتِ * لِتَرْيَدَهُمْ مِنْ

که برای آنانکه ایمان آوردند و نیکوکار شدند دعایشان مستجاب کردی * تا بر آنان از فضل خود

فَضْلِكَ * فَلَا تَجْعَلْنِىْ مِنْ اَهْوَنِ الدَّاعِيْنَ لَكَ * وَ الرَّاٰغِبِيْنَ اِلَيْكَ *

بیفزایی * پس تو ای خدا به رحمتت مرا هم از دعاکنندگان به درگاهت * و مشتاقان و امیدواران به حضرتت از همه خوارتر مگردان

وَ اَسْتَجَبْ كَمَا اَسْتَجَبْتَ لَهُمْ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ * فَطَهَّرْنِىْ بِتَطْهِيرِكَ

و چنانکه دعای آن بندگان را مستجاب فرمودی دعای مرا هم مستجاب فرما به حق آنان بر تو دعای مرا هم به اجابت رسان * و مرا به پاکی

(بِطَهْرِكَ) * وَ تَقَبَّلْ صَلَاتِىْ وَ دُعَاىَّ بِقَبُوْلِ حَسَنِ * وَ طَيِّبْ بَقِيَّةَ حَيَاتِىْ

ذاتت، پاک و منزه ساز * و نماز و نیاز و دعایم را به حسن قبول بپذیر * و بقیه زندگانیم را خوش بدار

* وَ طَيِّبْ وَفَاتِىْ * وَ اَخْلَفْنِىْ فَيَمِّنْ اَخْلَفُ * وَ اَحْفَظْنِىْ (فَيَمِّنْ اَخْلَفُ)

* و وفاتم خوش گردان * و پس از وفات جانشینانم را تو خود ولی و نگهدارشان باش * و ای خدا مرا به دعایی که

وَ احْفَظْهُمْ يَا رَبِّ بِدُعَائِي * وَ اجْعَلْ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً * تَحَوُّطُهَا

به درگاہت کردم محفوظ گردان * و ذریه‌ام را پاک مقرر ساز * و همان حفاظت

بِحَيَاتِكَ بِكُلِّ مَا حُطَّتْ بِهِ ذُرِّيَّةٌ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ

و نگهبانی که از ذریه هر یک از دوستان خود و اهل طاعتت فرمودی با ذریه من همانگونه مرحمت فرما

* بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ * وَ لِكُلِّ

* به حق رحمتت ای مهربانترین مهربانان عالم * ای کسی که او بر همه موجودات عالم مراقب و نگهبان است * و از مخلوقات

دَاعٍ مِنْ خَلْقِكَ مُجِيبٌ * وَ مِنْ كُلِّ سَائِلٍ قَرِيبٌ * أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا

هر دعاکننده را اجابت میکنی * و به هر سائل که از حضرتت درخواست چیزی کند نزدیکی * از تو درخواست میکنم ای آنکه هیچ خدایی جز ذات

أَنْتَ * الْحَيُّ الْقَيُّومُ * الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ

پاک تو * که زنده ابد و قائم بالذات و مقوم و نگهدار همه موجوداتی * و فردیکتای از همه بی نیازی آن خدایی که نه او را فرزندی است و نه فرزند کسی است * و او

يَكُنْ لَهُ وَ كُفُوًا أَحَدٌ * وَ بِكُلِّ اسْمٍ رَفَعْتَ بِهِ سَمَائِكَ * وَ فَرَشْتَ بِهِ

را در عالم وجود مثل و ماندنی نیست * و به هر اسمی از نامهای مبارکت که آسمان را رفیع گردانیدی * و زمین را

أَرْضَكَ * وَ أَرَسَيْتَ بِهِ الْجِبَالَ * وَ أَجَرَيْتَ بِهِ الْمَاءَ * وَ سَخَّرْتَ بِهِ

بگستریدی * و کوهها را محکم برپا داشتی * و آبها را جاری * و ابرها را در جو مسخر

السَّحَابَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ وَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ * وَ خَلَقْتَ

ساختی و خورشید و ماه و ستارگان و شب تاریک و روز روشن را مسخر کردی * و خلایق همه را

الْمَخْلُوقَاتِ كُلَّهَا * أَسْأَلُكَ بِعَظْمَةِ وَجْهِكَ الْعَظِيمِ * الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ

بدان نام بیافریدی * از تو درخواست می‌کنم به عظمت نور ذات بزرگت * که به اشراق آن نور آسمان

السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ * فَاضَاءَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ * الْأَصْلِيَّتِ عَلَى مُحَمَّدٍ

و زمین را روشن ساختی * و به آن نور به ظلمات نور هستی دادی * و به آن نور ذات بزرگت قسم که بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ كَفَيْتَنِي أَمْرَ مَعَاشِي وَ مَعَادِي * وَ أَصْلَحْتَ لِي شَأْنِي

و آل محمد درود و رحمت فرستی * و امور معاش و معاد مرا کفایت فرمایی * و تمام شئون وجودی و حیاتیتم را

كُلَّهُ * وَ لَمْ تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ * وَ أَصْلَحْتَ أَمْرِي وَ أَمْرَ

اصلاح فرمایی * و مرا طرفه العینی به خود وامگذاری * و تمام امور خودم و عیالاتم

عِيَالِي * وَ كَفَيْتَنِي هَمَّهُمْ * وَ أَغْنَيْتَنِي وَ آيَاهُمْ مِنْ كُنُوزِكَ (كُنُوزِكَ)

را اصلاح * و هم و غم معاش و معادشان را از من کفایت فرمایی * و مرا و عیالاتم همه را از گنج و

وَ خَزَائِنِكَ * وَ سَعَةِ فَضْلِكَ الَّذِي لَا يَنْفَدُ أَبَدًا * وَ أَثْبَتَ فِي قَلْبِي

خزینہ‌های خود * و فضل و رحمت واسع ابدی خویش بی‌نیاز گردانی * و در قلب من چشمه‌های

يُنَابِعِ الْحِكْمَةِ الَّتِي تَنْفَعُنِي بِهَا * وَ تَنْفَعُ بِهَا مَنْ ارْتَضَيْتَ مِنْ عِبَادِكَ

حکمت الهی ثابت ساز که بدان حکمت مرا * و هر که از بندگانت را که از او خشنودی منتفع به خیر کثیر بگردانی

* وَ اجْعَلْ لِي مِنَ الْمُتَّقِينَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ إِمَامًا * كَمَا جَعَلْتَ إِبْرَاهِيمَ

* و برای من در آخر زمان پیشوایی از اهل تقوای کامل مقرر فرما * چنانکه ابراهیم خلیل را امام و پیشوای

الْمُحْلِلِ إِمَامًا * فَإِنَّ بِتَوْفِيقِكَ يَفُوزُ الْفَائِزُونَ * وَ يَتُوبُ التَّائِبُونَ *

بندگان قرار دادی * زیرا اهل فوز و سعادت به توفیق و لطف تو به فوز و سعادت ابد رسیدند * و توبه‌کنندگان به توبه قبول *

وَ يَعْبُدُكَ الْعَابِدُونَ * وَ بِتَسْجِيدِكَ يَصْلِحُ الصَّالِحُونَ * أَلْمُحْسِنُونَ

و اهل عبادت به عبادت خالص مقبول موفق شدند * و صالحان عالم * و نیکوکاران و اهل خضوع

الْمُخْبِتُونَ * أَلْعَابِدُونَ لَكَ * أَلْخَائِفُونَ مِنْكَ * وَ بَارِشَادِكَ نَجَا

و خشوع * و اهل عبادت * و آنان که از جلال تو ترسان و هراسانند همه به تائبید و یاری تو به مقام شایسته رسیدند * و هم به ارشاد

النَّاجُونَ مِنْ نَارِكَ * وَ أَشْفَقَ مِنْهَا الْمُشْفِقُونَ مِنْ خَلْقِكَ * وَ بَخَذَلَانِكَ

و هدایت و لطف تو اهل نجات از آتش قهرت نجات یافتند * و خداترسان از خلق تو خداترس شدند * و به ترک لطف و خذلانت

خَسِرَ الْمُبْطِلُونَ * وَ هَلَكَ الظَّالِمُونَ * وَ غَفَلَ الْغَافِلُونَ * اللَّهُمَّ اِنَّا

اهل باطل زیانکار * و ظالمان هلاک شدند * و اهل غرور و غفلت از تو غافل گردیدند * بارالها تو به نفس

نَفْسِي تَقْوَاهَا (مُنَاهَا) * فَانْتَ وَلِيِّهَا وَ مَوْلَاهَا * وَ اَنْتَ خَيْرٌ مِنْ زَكَاهَا

من تقوای او را عطا کن * که مالک او و مولای او هستی * و بهتر از همه نفس مرا تزکیه توانایی کرد

* اللَّهُمَّ بَيْنَ لَهَا هُدَاهَا * وَ اَلْهَمَّهَا تَقْوَاهَا * وَ بَشَّرَهَا بِرَحْمَتِكَ

* ای خدا تو راه هدایت نفس مرا روشن ساز * و تقوای او را به او الهام کن * و به رحمت و سعادت او را بشارت ده

حِينَ تَتَوَفَّاها * وَ نَزَّلَهَا مِنَ الْجَنَانِ عَلَيْهَا * وَ طَيَّبَ وِفَاتَهَا وَ مَحْيَاهَا

هنگامی که مرگش فرا رسد * و در بهشت برینش منزل بخش * و در وفات و حیات جانم و نفس قدسیم را خوش دار

* وَ اَكْرَمَ مُنْقَلَبِهَا وَ مَثْوَاهَا * وَ مُسْتَقَرَّهَا وَ مَاوَاهَا * فَانْتَ وَلِيِّهَا (رَبُّهَا)

* و محل بازگشت نفس ناطقه‌ام را * و مسکن و مأوای او و قرارگاه ابدی او را به کرم نیکو گردان * که این خدا تو مالک

وَ مَوْلَاهَا ﴿۲﴾ دَوِّيم: دعای بعد از نماز زیارت حضرت جواد (علیه السلام) دعا این است: اللَّهُمَّ اِنْتَ

و مولای او هستی. *

ای خدا تو

الرَّبُّ وَأَنَا الْمَرْبُوبُ * وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ * وَأَنْتَ الْمَالِكُ

رب من و من تربیت شده توام * و تو آفریننده من و من مخلوق توام * و تو مالک من

وَأَنَا الْمَمْلُوكُ * وَأَنْتَ الْمُعْطَى وَأَنَا السَّائِلُ * وَأَنْتَ الرَّازِقُ وَأَنَا

و من بنده و مملوک توام * و تو عطابخش من و من سائل و گدای توام * و تو روزی بخش من و من

الْمَرْزُوقُ * وَأَنْتَ الْقَادِرُ وَأَنَا الْعَاجِزُ * وَأَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ

روزی خوار توام * و تو همه گونه توانا و قادری و من عاجز و ناتوانم * و تو قوی و من ضعیفم

* وَأَنْتَ الْمُغِيثُ وَأَنَا الْمُسْتَغِيثُ * وَأَنْتَ الدَّائِمُ وَأَنَا الزَّائِلُ *

* و تو فریادرسی و من فریادخواهم * تو موجود ازلی و من زوال پذیر و نابودم *

وَأَنْتَ الْكَبِيرُ وَأَنَا الْحَقِيرُ * وَأَنْتَ الْعَظِيمُ وَأَنَا الصَّغِيرُ * وَأَنْتَ

تو خدای بزرگی و من بنده حقیر و ناچیزم * تو خدای عظیم الشانی و من بنده کوچک و بی قدرم * تو ای خدا

الْمَوْلَى وَأَنَا الْعَبْدُ * وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ * وَأَنْتَ الرَّفِيعُ وَأَنَا

مولای منی و من بنده توام * تو عزیز و من ذلیل * تو خدای بلندمرتبه ای و من

الْوَضِيعُ * وَأَنْتَ الْمُدَبِّرُ وَأَنَا الْمُدَبَّرُ * وَأَنْتَ الْبَاقِي وَأَنَا الْفَانِي *

بنده پست * تو مدبر وجود و امور من هستی و من تحت تدبیر توام * تو خدای باقی ابدی و من بنده فانی *

وَأَنْتَ الدِّيَانُ وَأَنَا الْمُدَانُ (الْمُدَانُ) * وَأَنْتَ الْبَاعِثُ وَأَنَا الْمَبْعُوثُ

و تو خدای خیر و پاداش دهنده و من بنده پاداش گرفته * و تو برانگیزنده ارواح و من برانگیخته شده

* وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ * وَأَنْتَ الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ * تَجِدُ مَنْ

* و تو غنی بالذات و من بنده فقیر * و تو زنده ابد و من مرده عاجز بی قدرت * ای خدا کسی را که

تُعَذِّبُ يَا رَبِّ غَيْرِي * وَلَا أَجِدُ مَنْ يَرِحْمَنِي غَيْرَكَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

عذابش کنی غیر از من داری * و من کسی که به من ترحم کند غیر تو ندارم * پروردگارا درود فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَقَرِّبْ فَرَجَهُمْ * وَارْحَمْ ذَلِي بَيْنَ يَدَيْكَ *

بر محمد و آل محمد (ع) * و فرج آنها را نزدیک ساز * و بر ذلت و خواریم در حضور حضرت *

وَتَضَرَّعِي إِلَيْكَ * وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ * وَأَنْسِي بِكَ * يَا كَرِيمُ تَصَدَّقْ

و تضرعم به درگاهت * و وحشتم از خلق * و آنسم * ای خدای کریم ترحم فرما و آنگاه بر من

عَلَى هَذِهِ السَّاعَةِ * بِرَحْمَةٍ مِنْ عِنْدِكَ تَهْدِي بِهَا قَلْبِي * وَتَجْمَعُ بِهَا

در این ساعت * به رحمتی از جانب خود عطا فرما که آن رحمت قلب مرا به سوی تو هدایت کند * و پریشانیم را

أَمْرِي * وَتَلَّمُ بِهَا شَعْتِي * وَتَبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي * وَتُكْرِمُ بِهَا مَقَامِي *

مجموع * و تفرقه خاطر را مجتمع گرداند * و نزد تو روسفیدم سازد * و مقامم را بلند و گرامی گرداند *

وَ تَحْطُّ بِهَا عَنِّي وَزْرِي * * وَ تَغْفِرُ بِهَا مَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِي * وَ تَعْصِمُنِي

و گناهم را محو سازد * و به آن رحمت گناهان گذشته‌ام را بیماری را * و در باقیمانده عمرم

فِي مَا بَقِيَ مِنْ عَمْرِي * وَ تَسْتَعْمَلُنِي فِي ذَلِكَ كُلِّهِ بِطَاعَتِكَ وَ مَا

هم از گناه محفوظ داری * و همه را به کار طاعتت مصروف گردانی و به آنچه تو را

يُرْضِيكَ عَنِّي * وَ تَحْتَمُّ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ * وَ تَجْعَلُ لِي ثَوَابَهُ الْجَنَّةِ *

از من خشنود سازد بداری * و عملم را به بهترین اعمال ختم سازی * و ثواب آن را بهشت ابد قرار دهی *

وَ تَسْلُكُ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ * وَ تُعِينُنِي عَلَى صَالِحٍ مَا أَعْطَيْتَنِي *

و مرا ای خدا به راه صالحان سلوک دهی * و مرا به عمل صالحی که به آنان عطا فرمودی

كَمَا أَعَنْتَ الصَّالِحِينَ عَلَى صَالِحٍ مَا أَعْطَيْتَهُمْ * وَ لَا تَنْزِعْ مِنِّي صَالِحًا

یاری کنی * و موفقم سازی * و هرگز از کار شایسته نیک دورم

أَبَدًا * وَ لَا تَرُدَّنِي فِي سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ أَبَدًا * وَ لَا تُشْمِتْ بِي عَدُوًّا

مگردان * و از شر و کار بدی که نجاتم دادی دیگر به آن عملم ابداً برنگردان * و ابداً به شتمت دشمن

وَ لَا حَاسِدًا أَبَدًا * وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا * وَ لَا أَقْلَّ

و حسودم گرفتار مکن * و یک چشم به هم‌زدن * و کمتر و

مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثِرْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

بیشتر مرا به خودم و امگزار ای پروردگار عالم * بارالها درود فرست بر محمد

مُحَمَّدٍ * وَ آرِنِي الْحَقَّ حَقًّا فَاتَّبِعْهُ * وَ الْبَاطِلَ بَاطِلًا فَاجْتَنِبْهُ *

و آل محمد (ع) * و به من حق را حق بنمای تا از آن پیروی کنم * و باطل را باطل بنما تا از آن دوری کنم *

وَ لَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ مُتَشَابِهًا فَاتَّبِعْ هَوَايَ بَغَيْرِ هُدًى مِنْكَ * وَ اجْعَلْ

و بر من حق و باطل را مشتبه قرار مده تا پیرو هوای نفس شوم و از جانب تو هدایت نشوم * و هوای نفسم

هَوَايَ تَبَعًا لَطَاعَتِكَ * وَ خُذْ رِضَا نَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي * وَ اهْدِنِي لِمَا

را تابع طاعت خود بگردان * و از نفس من رضای خود را مأخوذ دار * و به هدایت خود و تعلیم خویش

اخْتَلَفَ فِيهِ مِنْ الْحَقِّ بِأَذْنِكَ * إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطِ

در آن حکم حق که مردم اختلاف انداخته‌اند مرا رهنما باش * که همانا تویی که هر که را خواهی به راه مستقیم حق هدایت

مُسْتَقِيمٌ * پس حاجات خود را از خدا بطلب که برآورده خواهد شد انشاء الله تعالی. **و زیارت دیگر** از می فرمایی *

برای آن حضرت روایت شده: **السَّلَامُ عَلَى الْبَابِ الْأَقْصَدِ * وَالطَّرِيقِ الْأَرْشَدِ ***

سلام و تحیت بر درگاه عزتی که عالیترین مقصد خلق است * و طریق بهترین هدایت یافتگان عالم است *

وَالْعَالِمِ الْمُؤَيَّدِ * يَنْبُوعِ الْحِكْمِ * وَ مِصْبَاحِ الظُّلْمِ * سَيِّدِ الْعَرَبِ

و سلام بر عالم مؤید الهی * که سرچشمه حکمت * و چراغ شب تار امت است * و سید و بزرگ عرب

وَالْعَجْمِ * الْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ * الْمَوْفِقِ بِالتَّايِيدِ وَالسَّدَادِ * مَوْلَايَ

و عجم * رهبر خلق به راه رشد و هدایت * و به تایید و تقویت الهی موفق و منصور * آقای من

أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ * أَشْهَدُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَنْكَ أَقَمْتَ

حضرت ابی جعفر امام محمد بن علی امام جواد * گواهی می دهم ای ولی خدا که تو نماز را

الصَّلَاةَ * وَءَاتَيْتَ الزَّكَاةَ * وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ * وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ

به پا داشتی * و زکات را به مستحقان عطا کردی * و خلق را امر به معروف * و نهی از منکر فرمودی

*** وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ * وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى**

* و در راه خدا به حق و حقیقت کامل جهاد کردی و حق جهاد را ادا کردی * و با اخلاص تمام خدا را عبادت

أَتَاكَ الْيَقِينُ * فَعِشْتَ سَعِيدًا * وَمَضَيْتَ شَهِيدًا * يَا لَيْتَنِي كُنْتُ

تا دم رحلت کردی * پس به سعادت زندگی نمودی * و شهید از جهان درگذشتی * کاشکی من هم با شما بودم

مَعَكُمْ فَافُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا * وَرَحْمَةً اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ * پس بیوس تربت شریف

تا به فوز و سعادت بزرگ نایل می شدم * سلام و رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت باد. *

را و بگذار صورت راست را بر آن و دو رکعت نماز زیارت را به جا آور و دعاکن بعد از آن هر چه بخواهی. **﴿ ۳ ﴾ سُوْمُ:**

سید اجل علی بن طاوس (رضی الله عنه) در مصباح الزائر دو زیارت از برای امام زادگان نقل نموده که به آن زیارت کرده

می شوند و نقلش در اینجا مناسب است. فرموده که چون قصد کردی زیارت کنی یکی از ایشان را مثل قاسم

فرزند حضرت کاظم (علیه السلام) یا عباس فرزند امیرالمؤمنین (علیه السلام) یا علی بن الحسین (علیه السلام) را که مقتول به طف

است و هر که جاری مجرای ایشان باشد در حکم. پس بایست بر سر قبرشان و بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكَ**

سلام ما بر تو

أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ * الظَّاهِرُ الوَلِيُّ * وَالدَّاعِي الحَفِيُّ * أَشْهَدُ أَنْكَ

ای آقای پاکیزه سیرت * پاک گوهر دوست حق * و دعوت کننده به سوی خدا به مهربانی * گواهی می دهم

قُلْتَ حَقًّا * وَ نَطَقْتَ حَقًّا وَ صِدْقًا * وَ دَعَوْتَ إِلَى مَوْلَايَ وَ مَوْلَاكَ

که تو سخن گفتی به حق * و بیان کردی به حق و راستی * و خلق را به سوی خدا مولای من و مولای خود خواندی

عَلَانِيَةً وَ سِرًّا * فَازَ مَتَّبِعُكَ * وَ نَجِي مُصَدِّقُكَ * وَ خَابَ وَ خَسِرَ

در آشکار و پنهان * سعادت یافت و فیروزی هر که تو را پیروی کرد * و نجات یافت هر که تو را تصدیق نمود * و محروم و زیانکار

مُكَذِّبِكَ * وَ الْمُتَخَلِّفُ عَنْكَ * إِشْهَدُ لِي بِهَذِهِ الشَّهَادَةِ * لِأَكُونَ مِنَ

شد هر که به تکذیب * و مخالفت برخاست * گواهی ده به این شهادت من نزد تو * تا من به واسطه

الْفَائِزِينَ بِمَعْرِفَتِكَ وَ طَاعَتِكَ * وَ تَصَدِّيقِكَ وَ اتِّبَاعِكَ * وَ السَّلَامُ

معرفت و طاعتت * و تصدیق و پیرویت از اهل فوز و سعادت گردم * و سلام بر

عَلَيْكَ يَا سَيِّدِي وَ ابْنَ سَيِّدِي * أَنْتَ بَابُ اللَّهِ الْمَوْتَى مِنْهُ *


تو ای آقای من و فرزند آقای من * تو درگاه رحمت خدایی که از آن درگاه امت باید درآیند *

وَ الْمَأْخُودُ عَنْهُ * أَتَيْتَكَ زَائِرًا * وَ حَاجَاتِي لَكَ مُسْتَوْدِعًا * وَ هَا أَنَا

و از آن درگاه مأخوذ شوم * من به زیارت حضرتت آمدم * و حاجت‌هایم را نزد تو ودیعه نهادم * و من اینک

ذَا اسْتَوْدَعْتُ دِينِي وَ أَمَانَتِي وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِي * وَ جَوَامِعَ أَمَلِي إِلَى

دینم را نزد شما و امانتم را به ودیعت می‌سپارم * تا هنگام فرا رسیدن

مُنْتَهَى أَجَلِي * وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ *  زیارت دیگر

اجلم * سلام و تحیت و رحمت و برکات خدا بر تو باد. *

از برای اولاد ائمه (علیهم‌السلام) می‌گوئی: السَّلَامُ عَلَى جَدِّكَ الْمُصْطَفَى * السَّلَامُ عَلَى

سلام و تحیت بر جد بزرگوارت محمد مصطفی (ص) * سلام بر

أَبِيكَ الْمُرْتَضَى الرَّضَا * السَّلَامُ عَلَى السَّيِّدِينَ الْحُسَيْنِ وَ الْحُسَيْنِ *

پدر بزرگوارت علی مرتضی (ع) که صاحب مقام کامل رضاست * سلام بر دو سید حسن و حسین (ع) *

السَّلَامُ عَلَى خَدِيجَةَ أُمِّ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ

سلام بر حضرت خدیجه مادر سیده زنان عالم * سلام بر حضرت فاطمه زهرا

أُمِّ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ * السَّلَامُ عَلَى النَّفُوسِ الْفَاخِرَةِ * بِحُورِ الْعُلُومِ

مادر بزرگوار ائمه طاهرین * سلام بر نفوس با فخر و شرافت * که دریای موج علوم

الزَّاهِرَةِ * شَفَعَائِي فِي الْآخِرَةِ * وَ أَوْلِيَائِي عِنْدَ عَوْدِ الرُّوحِ إِلَى الْعِظَامِ

الهی‌اند * و شفیعان من در عالم آخرتند * و یاران و دوستان من در بازگشت روح در استخوانهای پوسیده

النَّاحِرَةِ * ائِمَّةِ الخَلْقِ * وَوَلَاةِ الحَقِّ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّخْصُ

مردگان * و پیشوایان خلق * و صاحب امر خلافت از جانب حق * سلام بر تو ای شخص با شرافت

الشَّرِيفِ الطَّاهِرِ الكَرِيمِ * أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ * وَأَنَّ مُحَمَّدًا

پاک گوهر و بزرگوار کریم * گواهی می‌دهم که خدایی یکتا نیست * و محمد بنده خاص و رسول اوست به سوی خلق

عَبْدُهُ * وَمُصْطَفَاهُ * وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّهُ * وَمُجْتَبَاهُ * وَأَنَّ الْإِمَامَةَ فِي وَدِهِ

و برگزیده اوست از تمام عالم * و گواهی می‌دهم که علی ولی خدا و حجت حق بر خلق است و برگزیده از خلق نزد خداست * و گواهی می‌دهم

إِلَى يَوْمِ الدِّينِ * نَعْلَمُ ذَلِكَ عِلْمَ اليَقِينِ * وَنَحْنُ لَذَلِكَ مُعْتَقِدُونَ *

که مقام امامت منحصر در فرزندان اوست تا روز قیامت * این علم یقینی من است * و بر این عقیدت هستیم *

وَفِي نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ ﴿٤﴾ چهارم: در اعمال روز عرفه در ذیل تسبیح سُبْحَانَ اللهِ

و در یاری آنها کمال جهد و کوشش دارم. *

قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ * وَسُبْحَانَ اللهِ بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ * كَمَا أَنَّ تَبَارَكَ اللهُ

أَحْسَنُ المَخْلُوقِينَ بخوان: وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بَعْدَ كُلِّ

و حمد مخصوص و از آن خداست پیش از هر کس * و حمد مخصوص و از آن خداست پس از

أَحَدٍ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مَعَ كُلِّ أَحَدٍ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ يَبْقَى رَبَّنَا وَيَفْنَى كُلُّ

هر موجودی * و حمد مخصوص خداست با وجود هر کس * و حمد مخصوص خداست باقی می‌ماند پروردگار ما و فنا

أَحَدٍ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَفْضُلُ حَمْدَ المَحْمُودِينَ حَمْدًا كَثِيرًا قَبْلَ

می‌گردد هر موجودی * و حمد از آن و مخصوص خداست حمدی که برتر است از حمد حمدکنندگان حمدی بسیار،

كُلِّ أَحَدٍ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَفْضُلُ حَمْدَ المَحْمُودِينَ حَمْدًا كَثِيرًا

پیش از هر کس * و حمد از آن و مخصوص خداست حمدی که برتر است از حمد حمدکنندگان حمدی بسیار

بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَفْضُلُ حَمْدَ المَحْمُودِينَ حَمْدًا

پس از هر کس * و حمد از آن و مخصوص خداست حمدی که برتر است از حمد حمدکنندگان حمدی

كَثِيرًا مَعَ كُلِّ أَحَدٍ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَفْضُلُ حَمْدَ المَحْمُودِينَ

بسیار و فراوان با هر کس * و حمد مخصوص خداست حمدی که برتر است از حمد حمدکنندگان

حَمْدًا كَثِيرًا رَبَّنَا الباقِي * وَيَفْنَى كُلُّ أَحَدٍ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا لَا

حمدی بسیار از برای پروردگار ما که باقی است * و هر موجودی فانی می‌شود * و حمد مخصوص خداست حمدی که

يُحْصِي وَلَا يُدْرِي * وَلَا يُنْسِي وَلَا يَبْلِي * وَلَا يُفْنِي وَلَا لَيْسَ لَهُ * مُنْتَهَى

احصاء نشود و در فهم نگنجد * و فراموش نشود و کهنه نشود * و فانی نگردد و برایش انتها نباشد

* وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَدُومُ بَدْوَامِهِ * وَيَبْقَى بَبَقَائِهِ فِي سِنِي الْعَالَمِينَ

* و حمد مخصوص خداست حمدی که دوام یابد به دوام او * و باقی ماند به بقایش در سالهای جهانیان

* وَشُهُورِ الدُّهُورِ * وَأَيَّامِ الدُّنْيَا * وَسَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ * وَالْحَمْدُ

* و ماههای روزگارا * و روزهای دنیا * و ساعات شب و روز * و حمد مخصوص

لِلَّهِ أَبَدَ الْأَبَدِ وَمَعَ الْأَبَدِ * مِمَّا لَا يُحْصِيهِ الْعَدَدُ * وَلَا يُفْنِيهِ الْأَمَدُ *

خداست تا همیشه همیشه و پایان پایان * و با ابد از آنسان که شمار بشمارد آن را * و مدت فانی ننماید آن را *

وَلَا يَقْطَعُهُ الْأَبَدُ * وَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ * بعد بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا

و ابد دنباله اش را قطع نکند * و بزرگوار خدایی که بهترین آفریننده است. * نیست معبودی

اللَّهُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ * وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ * وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَعَ

به حق جز خدا پیش از هر کس * و نیست معبودی به حق جز خدا پس از هر کس * و نیست معبودی به حق جز ذات

كُلِّ أَحَدٍ * وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَبْقَى رَبَّنَا وَيَفْنَى كُلُّ أَحَدٍ * وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

پروردگار با هر کس * و نیست معبودی به حق جز خدا که بماند پروردگار ما و فنا شود هر کس * و نیست معبودی به حق جز خدا

تَهْلِيلًا يَفْضُلُ تَهْلِيلَ الْمُهْلِلِينَ فَضْلًا كَثِيرًا قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ * وَلَا إِلَهَ إِلَّا

با تهلیلی که برتر است از تهلیل تهلیل گویندگان برتری بسیاری پیش از هر کس * و نیست معبودی به حق

اللَّهُ تَهْلِيلًا يَفْضُلُ تَهْلِيلَ الْمُهْلِلِينَ فَضْلًا كَثِيرًا بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ * وَلَا

جز خدا با تهلیلی که برتر است از تهلیل تهلیل گویندگان برتری بسیاری با هر کس * و نیست

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَهْلِيلًا يَفْضُلُ تَهْلِيلَ الْمُهْلِلِينَ فَضْلًا كَثِيرًا مَعَ كُلِّ أَحَدٍ *

معبودی به حق جز خدا با تهلیلی که برتر است از تهلیل تهلیل گویندگان برتری بسیاری با هر کس *

وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَهْلِيلًا يَفْضُلُ تَهْلِيلَ الْمُهْلِلِينَ فَضْلًا كَثِيرًا لِرَبَّنَا

و نیست معبودی به حق جز خدا با تهلیلی که برتر است از تهلیل تهلیل کنندگان برتری بسیاری از برای پروردگار ما

الْبَاقِي وَيَفْنَى كُلُّ أَحَدٍ * وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَهْلِيلًا لَا يُحْصَى وَلَا يُدْرَى *

که باقی است و هر موجودی فانی می شود * و نیست معبودی به حق جز خدا با تهلیلی که احصاء نشود و در فهم نگنجد *

وَلَا يُنْسِي وَلَا يَبْلِي وَلَا يُفْنِي * وَلَا لَيْسَ لَهُ * مُنْتَهَى * وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

و فراموش نشود و کهنه نشود و فانی نگردد * و برایش انتها نباشد * و نیست معبودی به حق جز خدا

تَهْلِيلًا يَدُومٌ بَدَوَامِهِ * وَ يَبْقَى بَبْقَائِهِ فِي سِنِي الْعَالَمِينَ * وَ شُهُورِ

تهلیلی که دوام یابد به دوام او * و باقی ماند به بقایش در سالهای جهانیان * و ماههای

الدُّهُورِ * وَ أَيَّامِ الدُّنْيَا * وَ سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ * وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

روزگارها * و روزهای دنیا * و ساعات شب و روز * و نیست خدایی و معبودی به حق جز خدا

أَبَدَ الْأَبَدِ وَ مَعَ الْأَبَدِ * مِمَّا لَا يُحْصِيهِ الْعَدَدُ * وَ لَا يُفْنِيهِ الْأَمَدُ * وَ لَا

تا همیشه همیشه و پایان پایان * و با ابد از آنسان که شمار نشمارد آن را * و مدت فانی ننماید آن را * ابد

يَقْطَعُهُ الْأَبَدُ * وَ تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ * پس بگو: وَ اللَّهُ أَكْبَرُ قَبْلَ

دنباله‌اش را قطع نکند * و بزرگوار خدایی که بهترین آفریننده است. * و خدا بزرگتر است پیش

كُلِّ أَحَدٍ * وَ اللَّهُ أَكْبَرُ بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ * وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مَعَ كُلِّ أَحَدٍ * وَ اللَّهُ

از هر کس * و خدا بزرگتر است بعد از هر کس * و خدا بزرگتر است با هر کس * و خدا

أَكْبَرُ يَبْقَى رَبَّنَا وَ يَفْنَى كُلُّ أَحَدٍ * وَ اللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا يَفْضُلُ تَكْبِيرَ

بزرگتر است که بماند پروردگار ما و فنا شود هر کس * و خدا بزرگتر است با تکبیری که برتر است از تکبیر

الْمُكَبِّرِينَ فَضْلًا كَثِيرًا قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ * وَ اللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا يَفْضُلُ

تکبیرگویندگان برتری بسیاری پیش از هر کس * و خدا بزرگتر است با تکبیری که برتر است از

تَكْبِيرِ الْمُكَبِّرِينَ فَضْلًا كَثِيرًا بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ * وَ اللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا

تکبیر تکبیرگویندگان برتری بسیاری بعد از هر کس * و خدا بزرگتر است با تکبیری که

يَفْضُلُ تَكْبِيرِ الْمُكَبِّرِينَ فَضْلًا كَثِيرًا مَعَ كُلِّ أَحَدٍ * وَ اللَّهُ أَكْبَرُ

برتر است از تکبیر تکبیرگویندگان برتری بسیاری با هر کس * و خدا بزرگتر است

تَكْبِيرًا يَفْضُلُ تَكْبِيرِ الْمُكَبِّرِينَ فَضْلًا كَثِيرًا لِرَبَّنَا الْبَاقِي وَ يَفْنَى كُلُّ

با تکبیری که برتر است از تکبیر تکبیرگویندگان برتری بسیاری از برای پروردگار ما که باقی است و هر موجودی

أَحَدٍ * وَ اللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا لَا يُحْصَى وَ لَا يُدْرَى * وَ لَا يُنْسَى وَ لَا يَبْلَى

فانی می‌شود * و خدا بزرگتر است با تکبیری که احصاء نشود و در فهم ننگند * و فراموش نشود و کهنه نشود

وَ لَا يَفْنَى * وَ لَيْسَ لَهُ وَ مُنْتَهَى * وَ اللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا يَدُومٌ بَدَوَامِهِ *

و فانی نگردد * و برایش انتها نباشد * و خدا بزرگتر است تکبیری که دوام یابد به دوام او *

وَ يَبْقَى بَبْقَائِهِ فِي سِنِي الْعَالَمِينَ * وَ شُهُورِ الدُّهُورِ * وَ أَيَّامِ الدُّنْيَا *

و باقی ماند به بقایش در سالهای جهانیان * و ماههای روزگاران * و روزهای دنیا *

و سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ * وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَبَدًا أَبَدًا وَمَعَ الْأَبَدِ * مِمَّا لَا

و ساعات شب و روز * و خدا بزرگتر است تا همیشه همیشه و پایان پایان * و با ابدیت

يُحْصِيهِ الْعَدَدُ * وَلَا يَفِينِيهِ الْأَمَدُ * وَلَا يَقْطَعُهُ الْأَبَدُ * وَتَبَارَكَ اللَّهُ

از آنسان که شمار شمارد آن را * و مدت فانی ننماید آن را * و ابد دنباله اش را قطع نکند * و بزرگوار خدایی که

أَحْسَنُ الْمُحَالِقِينَ * دعای مکارم الأخلاق:

بهترین آفریننده است. *

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَبَلِّغْ بَايْمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ * وَاجْعَلْ

پروردگارا درود فرست بر محمد و آل او * و مقام ایمان مرا به حد اکمل برسان * و مقام یقینم را

يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ * وَأَنْتَ بِنِيَّتِي إِلَى أَحْسَنِ النِّيَّاتِ * وَبِعَمَلِي إِلَى

برترین مقام یقین قرار ده * و نیتم را به بهترین نیت ختم کن * و عملم را نیکوترین

أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ * اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نِيَّتِي * وَصَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ

اعمال مقرر فرما * و به لطف و کرمتم، نیتم را وافر * و مقام یقینم را صحیح

يَقِينِي * وَاسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بدار * و به قدرت (کامله خویش) هر عمل فاسدی از من سر زده اصلاح فرما * پروردگارا درود فرست بر محمد

وَآلِهِ * وَاكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْأَهْتِمَامُ بِهِ * وَاسْتَعْمَلْنِي بِمَا تَسْأَلُنِي

و آل او * و تو اموری که اهتمام به آنها مرا مشغول می‌سازد کفایت فرما * و در مقابل مرا به کاری که فردای قیامت از من

غَدًا عَنْهُ * وَاسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيمَا خَلَقْتَنِي لَهُ * وَاعْغِنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ

خواستاری مشغول دار * و در ایام عمرم فراغتت بخش تا به کاری که برای آنم آفریده‌ای پردازم * و مرا از خلق بی‌نیاز گردان

فِي رِزْقِكَ * وَلَا تَفْتِنِّي بِالنَّظَرِ (بِالْبَطْرِ) وَاعْزِنِي * وَلَا تَبْتَلِينِي بِالْكِبَرِ

و رزق وسیع عطا فرما * و مرا عزت بخش * و به فکر و مرض تکبر و خودپسندی مبتلا نگردان و به عبادت خالص

وَعِبْدَتِي لَكَ * وَلَا تَفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ * وَاجْرِلْ لِنَاسٍ عَلَى يَدِي

خود مشغولم دار * و عبادتم را به عجب و غرور باطل مساز * و به دستم کارهای خیر برای مردم

الْخَيْرِ * وَلَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنْ * وَهَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ * وَاعْصِمْنِي مِنَ

جاری ساز * و آن کار خیر را به واسطه منت ضایع و نابود نگردان * و مرا عالیترین اخلاق کرامت فرما * و از فخر و مباهات

الْفَخْرِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَلَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً

نیز محفوظم دار * پروردگارا درود فرست بر محمد و آل او * و به هر درجه که مرا نزد خلق رفعت و بلندی عطا می‌کنی

الْأَحْطَطَتْنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا * وَلَا تُحْدِثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا

به همان درجه مرا نزد خودم پست و ذلیل گردان * و به هر عزت که در ظاهر به من عطا

أَحْدَثَتْ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدْرِهَا * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

فرمودی همانقدر ذلت و حقارت به باطن ذاتم کرم فرما * پروردگارا درود فرست بر محمد

وَ ءَالَ مُحَمَّدٍ * وَ مَتَّعْنِي بِهَدْيٍ صَالِحٍ لَا اسْتَبَدِلُ بِهِ * وَ طَرِيقَةَ حَقِّ

و آل او * و مرا به هدایت شایسته ای بهره مند ساز که هرگز به هیچ چیز مبدل نسازم * و به طریقه حق و حقیقی رهبری کن که ابدًا

لَا أَزِيعُ عَنْهَا * وَ نِيَّةٍ رُشِدٍ لَا أَشْكُ فِيهَا * وَ عَمَّرْنِي مَا كَانَ عُمُرِي بِذِلَّةٍ

از آن طریقه تخطی و لغزش نکنم * و نیت خیر با رشد عطا کن که در آن هرگز شک راه ندهم * و مرا عمر طویل ده مادامی که عمرم

فِي طَاعَتِكَ * فَإِذَا كَانَ عُمُرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ * فَاقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ

در راه طاعتت صرف شود * پس هرگاه عمرم چراگاه شیطان گردد آن زمانم قبض روح کن * پیش از آنکه

أَنْ يَسْبِقَ مَقْتِكَ إِلَيَّ * أَوْ يَسْتَحْكِمَ غَضَبَكَ عَلَيَّ * اللَّهُمَّ لَا تَدَعُ

خشم تو بر من سبقت گیرد * و غضبت حتم گردد * پروردگارا بر من هیچ صفت ناپسند باقی

خَصَلَةً تُعَابُ مِنِّي إِلَّا أَصْلَحْتَهَا * وَلَا عَائِبَةً أَوْنُبُ بِهَا إِلَّا حَسَنْتَهَا

مگذار جز آنکه اصلاح فرمایی * و هیچ عیب و نقص که مستوجب سرزنش و ملامت شوم مگر آنکه نیکو سازی و کامل گردانی

* وَلَا أَكْرُومَةً فِي نَاقِصَةٍ إِلَّا أَتَمَّمْتُهَا * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ ءَالَ

* و هیچ صفت و خصلت ناقص و ناتمام در من نماند جز آنکه به حد تمام و کمال رسانی * پروردگارا درود فرست بر محمد

مُحَمَّدٍ * وَ أَبْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَائِنِ الْمَحَبَّةَ * وَ مِنْ حَسَدِ

و آل او * و عداوت دشمنان را با من به مهر و محبت * و حسد ستمکاران را به لطف

أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ * وَ مِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الثِّقَّةَ * وَ مِنْ عَدَاوَةِ

و مودت مبدل ساز * و بدگمانی صالحان را در حق من به حسن ظن و اطمینان خاطر بدل فرما * و دشمنی نزدیکان را

الْأَذْنَيْنِ الْوَلَايَةَ * وَ مِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبْرَةَ * وَ مِنْ خِذْلَانِ

با من به دوستی * و عاق و آزار ارحام را به نیکی و احسان بدل گردان * و خذلان و بی اعتنائی خویشانم را بدل

الْأَقْرَبِينَ النُّصْرَةَ * وَ مِنْ حُبِّ الْمُدَارِينِ تَصْحِيحَ الْمِقَّةِ * وَ مِنْ رَدِّ

به نصرت و یابوری فرما * و محبت ظاهری اهل مکر و مدارا را با من به محبت حقیقی مبدل ساز * و رد و انکار

الْمُلَابِسِينَ كَرَمَ الْعِشْرَةِ * وَ مِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْأَمْنَةِ

معاشرت را با من به حسن رفتار * و تلخی هر کس از ظالمان را به شیرینی امن و امان مبدل گردان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَاجْعَلْ لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي *

* پروردگارا درود فرست بر محمد و آل محمد * و هر که در حقم ظلم و ستم کرد مرا بر او دست قدرت و نیروی انتقام عطا فرما *

وَلِسَانًا عَلَى مَنْ خَاصَمَنِي * وَظَفْرًا بِمَنْ عَانَدَنِي * وَهَبْ لِي مَكْرًا *

* و زبان مرا با خصم من گویا گردان * و هر که با من عناد و لجاج کند مرا بر او فیروز گردان * و هر که با من مکر و خدعه کند تو مگری که بر او

عَلَى مَنْ كَايَدَنِي * وَقُدْرَةً عَلَى مَنْ اضْطَهَدَنِي * وَتَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي *

* غالب شوم به من عطا فرما * و هر که با من به قهر و غلبه برخیزد مرا بر او قدرت بخش * و بر آنکه عیب جویی و نکوهش کند مرا بر ابطال کلامش

وَسَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي * وَوَفْقِي لَطَاعَةِ مَنْ سَدَدَنِي * وَمُتَابَعَةً مِّنْ *

* قادر ساز * و از تهدید و توعیید مردمم سلامت بدار * و مرا به اطاعت و پیروی کسی که به راه سداد و صلاحم خواند * و طریق هدایت

أَرْشَدَنِي * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَسَدِّدْنِي لِأَنْ أَعَارِضَ مَنْ *

* بنمود موفق ساز * پروردگارا درود فرست بر محمد و آل او * و مرا تایید کن که با هر کس که با من غش و خیانت کند در عوض

غَشِّنِي بِالنُّصْحِ * وَأَجْزِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبُرِّ * وَأَثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي *

* با او مهربانی و راستی کنم * و هر کس از من دوری کند به نیکویی تلافی کنم * و به هر کس که مرا محروم کرد بذل

بِالْبَدْلِ * وَكَافِيَّ مَن قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ * وَأُخَالَفَ مَن اغْتَابَنِي إِلَى *

* عطا کرده * و با هر کس از من قطع پیوند کند در مقابل با او بپیوندم * و به محبت پردازم و هر کس مرا غیبت و بدگویی

حُسْنِ الذِّكْرِ * وَأَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ * وَأَغْضَى عَنِ السَّيِّئَةِ * اللَّهُمَّ *

* کند * در مقابل به ذکر خیرش یاد کنم * و توفیقم عطا کن که در مقابل نیکویی (خلق و خالق) سپاسگزاری و از بدی چشم پوشی کنم * پروردگارا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَحَلِّئِي بِحَلِيَّةِ الصَّالِحِينَ * وَالْبَسْنِي زِينَةَ *

* درود فرست بر محمد و آلش * و مرا به زینت و زیور صالحان بیارای * و به جامه زینت اهل تقوی بپوشان

الْمُتَّقِينَ فِي بَسْطِ الْعَدْلِ * وَكَظْمِ الْغَيْظِ * وَإِطْفَاءِ النَّائِرَةِ * وَضَمِّ *

* که بساط عدل و داد را بگسترانم * و خشم خود را فرو نشانم * و آتش فتنه را خاموش سازم * و تفرقه

أَهْلِ الْفُرْقَةِ * وَإِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ * وَافْشَاءِ الْعَارِفَةِ * وَسِتْرِ الْعَائِبَةِ *

* امت را جمع * و اختلاف بین مسلمین را اصلاح گردانم * و نیکوکاری را فاش * و اعمال زشت خلق را مستور سازم

وَلَيْنِ الْعَرِيكَةِ * وَخَفْضِ الْجُنَاحِ * وَحُسْنِ السَّيْرِ * وَسُكُونِ الرِّيحِ *

* و با خلق خوش رفتار و آسان گیر * و متواضع * و خوش سیرت * و بی تکبر

وَطَيْبِ الْمُخَالَقَةِ * وَالسَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ * وَإِثَارِ التَّفَضُّلِ *

* و نیکو خلق باشم * و به هر فضل و کمال سبقت گیرم * زیادی مال دنیا را به مستحقان

وَتَرَكَ التَّعْبِيرَ * وَالْإِفْضَالَ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ * وَالْقَوْلَ بِالْحَقِّ *

اینثار و اعطاء کنم * و اعطاء به غیرمستحق و ملامت و سرزش مردم نکنم * و سخن به حق و حقیقت گویم *

وَإِنْ عَزَّ وَاسْتَقْلَالَ الْخَيْرَ * وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي * وَاسْتَكْثَرَ

هر چند مردم کمتر پذیرند * و عمل خیرم را هرچند در قول و فعلم بسیار

الشَّرَّ * وَإِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي * وَاكْمَلَ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ

باشد * اندک و ناچیز در نظر شمارم * و باز این اوصاف مرا تکمیل فرما به دوام طاعت خود

وَلِزُومِ الْجَمَاعَةِ * وَرَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ وَ مُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ *

و ملازمت با جماعت مسلمین * و دوری از اهل بدعت و اهل آزار مخترع *

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَاجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ

پروردگارا درود فرست بر محمد و آل او * و وسیع‌ترین رزق خود را بر من مقرر بدار هنگامی که پیری بر من روی آرد

* وَاقْوَى قُوَّتِكَ فِي إِذَا نَصَبْتُ * وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ

* و قویترین نیرو به من عطا فرما هنگامی که به رنج و زحمت درافتم * و مرا به کسالت و مسامحه در عبادتت مبتلا مگردان

* وَلَا الْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ * وَلَا بِالْتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ * وَلَا

* و نیز به نابینایی از طریق خود * و به تعرض بر خلاف دوستی خود مبتلا مساز * و هرگز مرا

مُجَامَعَةٍ مَنِ تَفَرَّقَ عَنْكَ * وَلَا مُفَارَقَةٍ مَنِ اجْتَمَعَ إِلَيْكَ * اللَّهُمَّ

با آنان که از درگاه تو دور شدند معاشر مساز * و از آنان که به درگاهت روی آوردند دور مگردان * پروردگارا

اجْعَلْنِي أَصُولُ بَكَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ * وَأَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ * وَاتَضَرَّعُ

بر من مقرر فرما که هنگام ضرورت تنها به تو متوجه شوم * و وقت حاجت و نیازمندی از تو حاجت خواهم * و هنگام فقر

إِلَيْكَ عِنْدَ الْمَسْكِنَةِ * وَلَا تَفْتِنَنِي بِالْإِسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطَرَّرْتُ

و پریشانی به درگاه تو تضرع و زاری کنم * و مرا هنگام اضطرار به اعانت خواستن از غیر ذات اقدس خویش امتحان مکن

* وَلَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ * وَلَا بِالْتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ

* و به خضوع و ذلت سوال از درگاه غیر خود وقت فقر و درماندگی مبتلا مگردان * و هنگام ترس و هراس نزد

دُونِكَ إِذَا رَهَبْتُ * فَاسْتَحِقْ بِذَلِكَ خِذْلَانِكَ وَ مَنَعَكَ وَاعْرَاضَكَ

غیر خود زار و نالان مساز * که اینها مرا موجب خذلان و قهر و اعراض تو و منع از لطف و احسانت خواهد ساخت

* يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنْ

* ای مهربانترین مهربانان عالم * پروردگارا آنچه که شیطان به قلب من القا می‌کند که تمنایا و

التَّمَنِّي وَالتَّظَنِّي وَالحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ * وَتَفَكَّرًا فِي قُدْرَتِكَ *

پندارهای باطل و حسد بر خلق است * تو بدل بگردان به تذکر عظمت * و تفکر در قدرت خود *

وَ تَدْبِيرًا عَلَى عَدُوِّكَ * وَ مَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فَحْشٍ * أَوْ

و فکر و تدبیر محو دشمنان خویش * و آنچه که خواهد بر زبانه جاری شود از فحش * و لغو

هُجْرًا أَوْ شَتْمَ عَرَضٍ أَوْ شَهَادَةَ بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابَ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ * أَوْ

و بدگویی و ریختن آبروی مردم و یا شهادت دادن به باطل و غیبت از مؤمنی غایب * یا بدگویی

سَبِّ حَاضِرٍ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ * نَطْقًا بِالحَمْدِ لَكَ * وَ اغْرَاقًا فِي الشَّنَاءِ

به مؤمنی حاضر یا مانند اینگونه آفات و معاصی زبان * همه را تو بدل گردان به ذکر حمد و ثنای خود * و استغراق در

عَلَيْكَ * وَ ذَهَابًا فِي تَمَجِيدِكَ وَ شُكْرًا لِنِعْمَتِكَ * وَ اعْتِرَافًا بِاحْسَانِكَ

ستایش حضرتت * و گرویدن بر مجد و عظمت و شکر و سپاس نعمت * و اعتراف به احسان

وَ احْصَاءَ لِمَنِكَ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ * وَ لَا أَظْلَمَنَّ

و شمار نعم بی پایانت * پروردگارا درود فرست بر محمد و آل او * و از تو درخواست میکنم که به من هرگز از خلق

وَ أَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي * وَ لَا أَظْلَمَنَّ وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ

ستمی نرسد در صورتیکه تو قادر بر دفع آن ظلمی * و نیز من در حق احدی ظلم نکنم در صورتیکه تو قادری که مرا از ظلم کردن

مَنِّي * وَ لَا أَضِلَّنَّ وَ قَدْ أَمَكَّنْتَنِي هِدَايَتِي * وَ لَا أَفْتَقِرَنَّ وَ مِنْ عِنْدِكَ

نگهداری * و ابدًا به راه گمراهی نروم با آنکه تو توانایی که مرا هدایت فرمایی * و هرگز محتاج به خلق نشوم با وجود آنکه وسعت و

وُسْعِي * وَ لَا أَطْغَيْنَنَّ وَ مِنْ عِنْدِكَ وَجَدِي * اللَّهُمَّ اِلَى مَغْفِرَتِكَ وَفَدْتُ

برکت از جانب توست * و هرگز طغیان نکنم با آنکه همه دارایی من از توست * ای خدای من به سوی آمرزش تو وارد شدم

* وَ اِلَى عَفْوِكَ قَصَدْتُ * وَ اِلَى تَجَاوُزِكَ اشْتَقْتُ * وَ بِفَضْلِكَ وَثَقْتُ *

* و به درگاه عفو تو عزم کردم * و به درگذشت و بخشش تو مشتاقانه شتافتم * و به فضل و کرم تو وثوق و اطمینان یافتم *

وَ لَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي مَغْفِرَتَكَ * وَ لَا فِي عَمَلِي مَا اسْتَحِقُّ بِهِ

و با من چیزی که مستوجب آمرزش تو شوم نیست * و در اعمالم کاری که به آن مستحق بخشایش تو گردم

عَفْوِكَ * وَ مَا لِي بَعْدَ اَنْ حَكَمْتُ عَلَى نَفْسِي الْاَفْضَلَ * فَصَلِّ عَلَيَّ

وجود ندارد * و برای نجات من بعد از آنکه بر بدکاری نفس خود حکم کردم ابدًا دستاویزی جز فضل تو نخواهد بود * پس پروردگارا

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ * اللَّهُمَّ وَ انْطِقْ بِلِهُدَى * وَ اَلْهَمْنِي

درود فرست بر محمد و آل او و در حق من کرم و تفضل فرما * ای خدای من و زبانه را به هدایت گویا ساز * و به قلبم خدا ترسی

التَّقْوَى * وَوَفَّقَنِي لِلتِّي هِيَ اَزْكَى * وَاسْتَعْمَلَنِي بِمَا هُوَ اَرْضَى * **اللَّهُمَّ**

تقوی را الهام کن * و به آن عملی که نیکو و پاکیزه تر است موفق بدار * و مرا به کاری که رضا و خوشنودی تو در آن بیشتر است

اسْأَلُكَ بِبِي الطَّرِيقَةَ الْمَثَلِي * وَاجْعَلْنِي عَلَى مِلَّتِكَ اَمُوتُ وَ اَحْيَا *

برگمار * پروردگارا مرا به نیکوترین راه ببر * و در مرگ و زندگانی بر آیین خود بدار *

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ * وَ مَتَّعْنِي بِالاِقْتِصَادِ * وَ اجْعَلْنِي مِنْ

خدایا درود فرست بر محمد آل او * و مرا به خلق اقتصاد و میانه روی بهره مند ساز * و از اهل صواب

اَهْلِ السَّدَادِ * وَ مِنْ اَدِلَّةِ الرَّشَادِ * وَ مِنْ صٰلِحِ الْعِبَادِ * وَ ارْزُقْنِي فَوْزَ

و صلاح * و از راهنمایان طریق رشد و هدایت * و از بندگان شایسته خود قرار ده * و در روز قیامت و معاد فوز و

الْمَعَادِ * وَ سَلَامَةَ الْمَرْصَادِ * **اللَّهُمَّ** خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يَخْلُصُهَا

سعادت نصیبم فرما * و در فراخ راه سلامت بدار * پروردگارا برای آنکه نفسم همه کارش خالص برای تو شود آنچه از صفات و اعمال

* وَ اَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يَصْلِحُهَا * فَاِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ اَوْ تَعْصِمُهَا

نفس ناشایسته است نابود ساز * و آنچه شایسته است باقی گذار * که نفس من را تا تو نگه نداری و محافظتش نکنی هالک است

اللَّهُمَّ اَنْتَ عِدَّتِي اِنْ حَزَنْتُ * وَ اَنْتَ مُنْتَجَبِي اِنْ حُرِمْتُ * وَ بِكَ

* پروردگارا تو ساز و برگ منی هرگاه محزون باشم * و پناه تو جایگاه آسایش من است هنگامی که محروم شوم * و استعانت و زاریم

اسْتِغَاثَتِي اِنْ كَرِهْتُ * وَ عِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفُ * وَ لِمَا فَسَدَ صٰلِحُ

به درگاه توست وقتی که کار من سخت شود * که ای خدا هرچه از من فوت * و فاسد و محو و نابود شود

* وَ فِيمَا اَنْكَرْتَ تَغْيِيرُ * فَاَمُنُّ عَلَى قَبْلِ الْبَلَاءِ بِالْعَافِيَةِ * وَ قَبْلَ

* نزد تو عوض آن شایسته و نیکویش خواهد بود * و در هر چه تو دگرگون کنی تغییری است

الطَّلَبِ بِالْجِدَّةِ * وَ قَبْلَ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ * وَ اَكْفِنِي مَوْئِنَةَ مَعْرَةِ الْعِبَادِ

پس ای خدا پیش از آنکه گمراه شوم ارشادم به راه حق فرما * و مرا از مؤنه تحکم و مشقت بندگان کفایت فرما

* وَ هَبْ لِي اَمْنًا يَوْمَ الْمَعَادِ * وَ اَمْنًا حَسَنًا اِلِرَّشَادِ * **اللَّهُمَّ** صَلِّ

* و از هول روز معاد ایمنی بخش * و به ارشاد نیکو در حقم عطوفت و مهربانی فرما * پروردگارا درود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ * وَ اَدْرَأْ عَنِّي بِلَطْفِكَ * وَ اَغْذِنِي بِنِعْمَتِكَ *

فرست بر محمد و آل او * و به لطف و عنایت از من دفاع فرما * و به من نعمت و قوت بخش *

وَ اَصْلِحْ بِي كَرَمِكَ * وَ دَاوِنِي بِصُنْعِكَ * وَ اَظْلِنِي فِي ذَرَاكَ * وَ جَلِّئِنِي

و به کرمت مرا شایسته و صالح گردان * و امراض را به توجه کاملت شفا عنایت کن * و در مقام بلند در سایه رحمت خود بدار * و لباس

رِضَاكَ * وَوَفَّقَنِي إِذَا اشْتَكَلْتُ عَلَى الْأُمُورِ لِأَهْدَاها * وَإِذَا تَشَابَهَتْ

خوشنودیت را در من بیوشان * و هنگامیکه امور مشتبه شود مرا به نیکوترین طریق هدایت موفق بساز * و چون اعمال بهم متشابه گردد به

الْأَعْمَالِ لِأَزْكَاهَا * وَإِذَا تَنَاقَضَتْ الْمَلَلُ لِأَرْضَاهَا * اللَّهُمَّ صَلِّ

پاک و پاکیزه‌ترین عملم توفیق ده * و چون ملل عالم با هم به تناقض و اختلاف برخیزند مرا بر آنچه بهترین راه رضای توست موفق

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَتَوَجَّعْنِي بِالْكَفَايَةِ * وَسَمِّنِي حُسْنَ الْوَلَايَةِ *

گردان * پروردگارا درود فرست بر محمد و آل او * و بر سر من تاج کفایت و لیاقت بنه * و به حسن دوستی خود نام گذار *

وَهَبْ لِي صَدَقَ الْهُدَايَةِ * وَلَا تَفْتِنَنِي بِالسَّعَةِ * وَأَمْنِحْنِي حُسْنَ الدَّعَةِ *

و طریق صدق و هدایت ببخش * و مرا به وسعت و ثروت مفتون نگردان * و به کرمت مرا زندگانی خوش عطا فرما

* وَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا * وَلَا تَرُدَّ دُعَائِي عَلَى رَدًّا * فَاِنِّي لَا أَجْعَلُ

* و به رنج و تعب شدید در زندگی میفکن * و دعاایم رد مکن * که ای خدا من بر تو صدی

لَكَ ضِدًّا * وَلَا أَدْعُو مَعَكَ نِدًّا * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

قائل نشدم * و با تو شریک و مانندی قرار ندام * پروردگارا درود فرست بر محمد (ص) و آل او

* وَامْنَعْنِي مِنَ السَّرْفِ * وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ * وَوَفِّرْ مَلَكَتِي

* و مرا از اسراف مال باز دار * و روزیم را از تلف محفوظ گردان * و دارائیم را

بِالْبَرَكَةِ فِيهِ * وَأَصِبْ بِي سَبِيلَ الْهُدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقُ مِنْهُ * اللَّهُمَّ

به برکت وافر ساز * و در آنچه انفاق و احسان به خلق می‌کنم به راه حق و صواب هدایت فرما * پروردگارا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَاكْفِنِي مَوْوَنَةَ الْاِكْتِسَابِ * وَارْزُقْنِي مِنْ

درود فرست بر محمد و آل او * و مرا بدون مشقت و زحمت اکتساب * و از آنجا که گمان نمی برم

غَيْرِ احْتِسَابِ * فَلَا اشْتَغَلْ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ * وَلَا احْتَمَلْ

روزی عطا فرما * تا به اشتغال به کسب روزی از راه عبادتت باز نمانم * و با رنج و تعبهای طلب

اَصْرَتِبَعَاتِ الْمَكْسَبِ * اللَّهُمَّ فَاطْلِبِنِي بِقُدْرَتِكَ مَا اطْلُبُ * وَاجْرِنِي

رزق را به دوش نکشم * پروردگارا پس تو به قدرت کامله خود آنچه را من به کوشش و طلب می خواهم به من عطا فرما * و از آنچه

بِعِزَّتِكَ مِمَّا ارْهَبُ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَصُنْ وَجْهِي

ترس و بیم دارم مرا به عزت خود پناه ده * پروردگارا درود فرست بر محمد و آل او * و آبروی مرا به واسطه وسعت و دارایی محفوظ

بِالْيَسَارِ * وَلَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْاِقْتَارِ * فَاسْتَرْزُقْ اَهْلَ رِزْقِكَ *

دار * و جاه و مقامم را به واسطه تنگدستی خوار و مبتذل مساز * تا در اثر تهی‌دستی از خلق که روزی خوار تواند طلب روزی *

وَاسْتَعْطَى شِرَارَ خَلْقِكَ * فَافْتَنَّ بِجَمْدٍ مِّنْ اعْطَانِي * وَابْتَلَىٰ بَدْمٍ

و از مردم شریر تقاضای عطا کنم * تا مبتلا شوم به ستایش آنکه به من چیزی عطا کرده * و به مذمت آنکه مرا

مِّنْ مَّنْعِي * وَانْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيٌّ الْاِعْطَاءِ وَالْمَنْعِ * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

از عطا منع نموده * در صورتی که تو بدون همه کس صاحب منع و اعطایی * پروردگارا درود فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَارْزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةٍ * وَفِرَاغًا فِي زَهَادَةٍ وَعِلْمًا

بر محمد و آل محمد * و مرا صحت و سلامت در راه عبادتت نصیب فرما * و فراغت و آسایش در عین زهد و علمی که به عمل مقرون

فِي اسْتِعْمَالٍ * وَوَرَعًا فِي اجْمَالٍ * اَللّٰهُمَّ اخْتِمْ بَعْفُوكَ اَجَلِي * وَحَقِّقْ

باشد * و ورع و پارسایی در اجمال و عدم توجه به امور دنیوی * پروردگارا خاتمه عمرم را به عفو و بخشش مقرر فرما * و امیدوی

فِي رَجَاءٍ رَحْمَتِكَ اَمَلِي * وَسَهْلًا اِلَىٰ بُلُوغِ رِضَاكَ سَبَلِي * وَحَسَنًا فِي

که به رحمت تو دارم محقق ساز * و راه وصول مرا به مقام رضا و خوشنودی خود سهل و آسان گردان * و در همه احوال

جَمِيعِ اَحْوَالِي عَمَلِي * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَنَبِّهْنِي لِذِكْرِكَ

عمل مرا نیکو و شایسته ساز * پروردگارا درود فرست بر محمد و آل او * و در اوقات غفلت مرا به

فِي اَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ * وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي اَيَّامِ الْمُهَلَّةِ * وَانْهَجْ لِي

یاد خود آگاه و متذکر فرما * و مرا به راه طاعت خود هنگام مهلت عمر موفق بدار * و به راه محبت

اِلَىٰ مَحَبَّتِكَ سَبِيلاً سَهْلاً اَكْمَلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ * اَللّٰهُمَّ

و دوستی خود راهم را آسان ساز تا به محبت خود خیر دنیا و آخرتم را به حد کمال رسانی * پروردگارا

وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * كَاَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِّنْ خَلْقِكَ

رحمت و درود فرست بر محمد (ص) و آل او * مانند بهترین درود و رحمتی که به خلق پیش از او فرستاده‌ای از اول

قَبْلَهُ * وَانْتَ مُصَلِّ عَلٰى اَحَدٍ بَعْدَهُ * وَءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

تا آخر آنها * و نیز آنچه رحمت به خلق بعد از او خواهی فرمود * و ما را هم در دنیا حسنه و سعادت بخش و در آخرت

الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً * وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ * لازم به تذکر نیست که ملحقات

حسنة و جنت ابد عطا فرما * و به رحمتت ما را از آتش عذاب نگهدار. *

دوم مفاتیح و همچنین سوره‌های مبارکه عنکبوت و روم و دُخان و حدیث شریف کساء جزء مفاتیح نبوده و

طبع کنندگان در آخر آن اضافه کرده‌اند و ما نیز برای استفاده خوانندگان محترم در پایان کتاب ضمیمه کردیم.

آیاتها ۶۹

سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ - مَكِّيَّةٌ

ترتیبها ۲۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الم ﴿۱﴾ أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

الم (اشاره به اسماء الهی یا اسرار). (۱) آیا مردم چنین پنداشتند که به صرف اینکه گفتند ما ایمان (به خدا) آورده ایم رهانشان کنند و هیچ امتحانشان نکنند؟

﴿۲﴾ وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا

(۲) و محققاً ما اممی را که پیش از اینان بودند به امتحان و آزمایش آوردیم، و همانا خدا دروغگویان و راستگویان

و لَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ ﴿۳﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ

را کاملاً می شناسد. (۳) آیا آنان که کار زشت و اعمال ناشایسته مرتکب می شوند پنداشتند که بر ما سبقت گیرند (و از عقاب ما

يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿۴﴾ مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنْ أَجَلَ اللَّهُ

خلاصی یابند)؟ بسیار بد حکم می کنند. (۴) هرکس که به لقاء خدا امیدوار و مشتاق است (بداند که) هنگام اجل و وعده معین خدا

لَاتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۵﴾ وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ

البته فرا رسد و او (به گفتار و کردار خلق) شنوا و داناست. (۵) و هر که (در راه ایمان) جهد و کوشش کند به سود خود کند که خدا از

لَغْنِي عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿۶﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ

(طاعت و عبادت) عالمیان البته بی نیاز است. (۶) و آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند البته

عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۷﴾

ما هم گناهانشان را محو و مستور کنیم و بهتر از آن اعمال نیکشان، به آنها پاداش دهیم. (۷)

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ

و ما به آدمی سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کند، و اگر آنها (خود مشرک باشند و) کوشند تا تو، به من (که خدای یگانه ام) از روی جهل

لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۸﴾

و نادانی شرک آوری هرگز اطاعت امر آنها نکن، که رجوع شما به سوی من است و من شما را به پاداش هر عمل که به جای آورده اید آگاه می گردانم. (۸)

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ ﴿۹﴾ وَمِنَ

و آنان که ایمان آورده و کار نیکو کردند آنان را البته (به بهشت) در صف صالحان (و رتبه نیکان) آریم. (۹) و بعضی مردم (از راه نفاق)

النَّاسِ مِنْ يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةً لِلنَّاسِ

می گویند: ما به خدا ایمان آوردیم، و چون رنج و آزاری در راه خدا ببینند، فتنه و عذاب خلق را با عذاب خدا برابر شمرند (یعنی همان قدر که ترس عذاب خدا آنها

كَعَذَابِ اللَّهِ ز وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ

را از کفر به ایمان می خواند ترس عذاب مردم هم از ایمان به کفر می کشد) و هرگاه ظفر و نصرتی از جانب خدایت (به مؤمنان) رسید (آن منافقان) گویند: ما هم

اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ﴿١٠﴾ وَ لَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا

باشما (و هم آیین شما) بودیم. آیا خدا بر آنچه در دلهای خلائق است داناتر نیست؟ (۱۰) و البته خدا هم به احوال اهل ایمان داناست

و لَيَعْلَمَنَّ الْمُنْفِقِينَ ﴿١١﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبِعُوا

و هم از درون منافقان آگاه است. (۱۱) و کافران به اهل ایمان گفتند: شما طریقه ما را پیروی کنید (اگر به خطا رفتید)

سَبِيلَنَا وَ لَنَحْمِلَ خَطَايَكُمْ وَ مَا هُمْ بِحَمِلِينَ مِّنْ خَطَايَهُمْ مِّنْ شَيْءٍ ز

بار خطاهای شما را ما به دوش می گیریم، در صورتی که هیچ از بار گناهشان را به دوش نگیرند،

إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٢﴾ وَ لَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَ أَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ وَ لَيَسْئَلُنَّ

آنها دروغ می گویند. (۱۲) و آنها علاوه بر بار سنگین گناهان خود، بار گناهان هر که را همراه کرده اند نیز به دوش می گیرند

يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتُرُونَ ﴿١٣﴾ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ

و روز قیامت از آنچه دروغ می بستند سخت مؤاخذه می شوند. (۱۳) و همانا نوح را (به رسالت) به سوی قومش فرستادیم

فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَ هُمْ

و او هزار سال-پنجاه سال کم، میان قوم درنگ کرد، و چون همه ستمگر و ظالم بودند همه را طوفان هلاک فرا

ظَلَمُونَ ﴿١٤﴾ فَأَنجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَ جَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿١٥﴾

گرفت. (۱۴) و تنها خود نوح را با اصحاب کشتی او (از غرق) نجات دادیم و آن کشتی را برای خلق عالم آیتی (از قدرت و رحمت خویش) قرار دادیم. (۱۵)

وَ إِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ

و ابراهیم را (نیز فرستادیم) که به قوم خود گفت: خدا را بپرستید و از او بترسید که پرستش و ترس خدا، اگر بدانید (از هر چیز) برای

تَعْلَمُونَ ﴿١٦﴾ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَوثَانًا وَ تَخْلُقُونَ أَفْكَارًا

شما بهتر است. (۱۶) و بدانید که شما به جای خدا بتهایی (جماد و بی اثر) را می پرستید و دروغی می سازید (که نام خدا

الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ

بر آنها می نهید، اینک بدانید که) آنچه را جز خدا می پرستید قادر بر رزق شما نیستند، پس روزی را از نزد خدا طلبید و او را

الرِّزْقَ وَ اعْبُدُوهُ وَ اشْكُرُوا لَهُ ز إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿١٧﴾ وَ إِن تَكْذِبُوا فَقَدْ

پرستید و شکر (نعمت) وی به جای آرید (و بدانید که باز) رجوع شما به سوی اوست. (۱۷) و اگر شما (مردم مکه، رسالت این پیامبر را) تکذیب

كَذَّبَ أُمَّم مِّن قَبْلِكُمْ وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ ﴿١٨﴾ أَوْ لَمْ

می کنید (عجبی نیست زیرا) پیش از شما هم بسیاری از امم (پیامبران خود را) تکذیب کردند، و بر رسول جز آنکه به آشکار تبلیغ رسالت کند تکلیفی نیست. (۱۸) آیا

﴿۲۷﴾ وَ لُوطًا اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اِنَّكُمْ لَتَاتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ

خواهد بود. (۲۷) و لوط را (به رسالت فرستادیم) که به قوم خود گفت: شما به عمل زشتی اقدام می‌کنید که هیچ کس در عالم، پیش

اَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿۲۸﴾ اِنَّكُمْ لَتَاتُونَ الرَّجَالَ وَ تَقَطُّعُونَ السَّبِيلَ

از شما مرتکب نشده است! (۲۸) آیا شما به شهوترانی با مردان خلوت کرده و راه (فطرت زناشویی) را قطع می‌کنید

وَ تَاتُونَ فِي نَادِيكُمْ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ اِلَّا اَنْ قَالُوا اِنَّنَا

و در مجامع خود (بی هیچ خجلت) به کار قبیح می‌پردازید؟! قوم لوط جز آنکه (به طعنه) گفتند: اگر راست می‌گویی

بِعَذَابِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿۲۹﴾ قَالَ رَبِّ اَنْصُرْنِيْ عَلٰى الْقَوْمِ

عذاب خدا را بر ما نازل کن به او ابدأ جوابی ندادند. (۲۹) لوط گفت: پروردگارا، مرا بر (محو) این قوم

الْمُفْسِدِيْنَ ﴿۳۰﴾ وَ لَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا اِبْرٰهِيْمَ بِالْبَشْرٰى قَالُوا اِنَّا

فاسد یاری کن. (۳۰) و چون رسولان ما (فرشتگان عالم قدس) به ابراهیم بشارت (فرزند) آوردند گفتند: ما (به امر خدا) اهل این دیار

مُهَلِّكُوْا اَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ اِنْ اَهْلُهَا كَانُوْا ظٰلِمِيْنَ ﴿۳۱﴾ قَالَ اِنْ فِيْهَا لُوطًا

را که قومی سخت ظالم و بدکارند هلاک می‌کنیم. (۳۱) ابراهیم به فرشتگان گفت: لوط هم (که بنده صالح موحد پاکی است) در این

قَالُوْا نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَنْ فِيْهَا لَنَنْجِيْنَهُ وَ اَهْلَهُ وَ اِلَّا امْرَاَتُهُ وَ كَانَتْ مِنَ

دیوار است! پاسخ دادند که ما به احوال آن که در این دیوار است بهتر آگاهیم، ما او را با همه اهل بیتش غیر زن وی، که در میان اهل

الْغٰبِرِيْنَ ﴿۳۲﴾ وَ لَمَّا اَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِٔءًا بِهِمْ وَ ضَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا

هلاکت باقی ماند البته نجات خواهیم داد. (۳۲) و چون رسولان ما نزد لوط آمدند، لوط از آمدن آنها (که ناشناس و با صورت زیبا

وَ قَالُوْا لَا تَخَفْ وَ لَا تَحْزَنْ اِنَّا مُنْجُوْكَ وَ اَهْلَكَ اِلَّا امْرَاَتُكَ كَانَتْ مِنَ

بودند) اندوهگین و دل‌تنگ گردید، و فرشتگان گفتند: هیچ بیمناک و غمگین مباش که ما تو را با همه اهل بیتت غیر آن زن کافر

الْغٰبِرِيْنَ ﴿۳۳﴾ اِنَّا مُنْزِلُوْنَ عَلٰى اَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَآءِ بِمَا

که در میان اهل هلاک واماند، نجات می‌دهیم. (۳۳) ما بر اهل این دیوار که فاسق و بدکارند از آسمان عذابی سخت

كَانُوْا يَفْسُقُوْنَ ﴿۳۴﴾ وَ لَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا اٰيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُوْنَ ﴿۳۵﴾ وَ اِلٰى

نازل کنیم. (۳۴) و همانا از آن دیار لوط، آثار خرابی را و گذاشتیم تا آیتی روشن برای (عبرت) عاقلان باشد. (۳۵) و شعیب را که برادر

مَدِيْنَ اَخَاهُمْ شَعِيْبًا فَقَالَ يَقُوْمُ اَعْبُدُوْا اللّٰهَ وَ اَرْجُوْا الْيَوْمَ الْاٰخِرَ

مهربانی برای قومش بود (به رسالت) به سوی اهل مدین (فرستادیم)، او با قوم گفت که ای قوم، همیشه خدا را پرستید و به روز قیامت (و سعادت آخرت) امیدوار

وَ لَا تَعْثُوْا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِيْنَ ﴿۳۶﴾ فَكَذَّبُوْهُ فَآخَذَتْهُمْ الرِّجْفَةُ

باشید و هرگز روی زمین فساد و تبهکاری مکنید (که آسایش دو گیتی در این نصایح است). (۳۶) قوم شعیب او را تکذیب کردند و (به کيفر

فَاصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَثِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَعَادًا وَثَمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ

آن، شبی) زلزله‌ای سخت آنان را در گرفت و صبحگاه همه را در خانه‌هاشان، مرگ به زانو در آورد. (۳۷) و قوم عاد و ثمود را که منازل (خراب و ویران

مَسْكِنِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ

شان را به چشم می‌بینید آنها نیز با آنکه بینا و هوشیار بودند چون شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان نیکو جلوه داد و از راه (حق)

وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ ﴿٣٨﴾ وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَدْ جَاءَهُمْ

آنها را باز داشت، همه را هلاک و نابود گردانیدیم. (۳۸) و قارون و فرعون و هامان را هم که موسی (علیه السلام) با معجزات روشن به هدایت آنها آمد

مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ ﴿٣٩﴾ فَكَلَّا

(و به او نگرویدند و) باز در زمین تکبر و ظلم و طغیان کردند (همه را هلاک کردیم) و (بر قهر حق) سبقت نگرفتند (و راه نجاتی نیافتند). (۳۹) ما هر

أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ

طایفه‌ای را به کیفر گناهش مؤاخذه کردیم، بعضی را بر سرشان سنگ بلا فرو باریدیم و برخی را صیحه عذاب آسمانی

الصَّيْحَةَ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ

در گرفت و برخی را به زلزله زمین و گروهی دیگر را به غرق دریا به هلاکت رسانیدیم، و خدا به آنان

اللَّهُ لِيُظْلَمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٠﴾ مِثْلَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا

هیچ ستم نکرد لیکن آنها خود در حق خویش ستم می‌کردند. (۴۰) مثل حال آنان که خدا را فراموش کرده و غیر خدا را به دوستی و

مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ

سرپرستی برگرفتند (در سستی و بی‌بنیادی)، حکایت خانه‌ای است که عنكبوت بنیاد کند و اگر

لَبَيْتِ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ

بدانند سست‌ترین بنا، خانه عنكبوت است. (۴۱) خدا بر آنچه که به غیر او بخوانند (و پرستش کنند) آگاه است و او (بر انتقام اهل شرک

دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤٢﴾ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ

و (ربا) مقتدر و (به دقایق امور عالم) داناست. (۴۲) و ما این همه مثلها را برای مردم می‌زنیم (تا حقایق برای آنها روشن شود) و لیکن

وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ ﴿٤٣﴾ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ

به جز مردم دانشمند، کسی تعقل در آنها نخواهد کرد. (۴۳) خدا آسمانها و زمین را به حق (و در کمال حکمت) آفریده (نه بر باطل و لغو و عبث) و در این خلقت

فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٤﴾ أَتَلُّ مَا أَوْحَى إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ

آسمان و زمین آیت و نشانه‌ای (از ربوبیت) برای اهل ایمان کاملاً پدیدار است. (۴۴) (ای رسول ما) آنچه را که از کتاب (آسمانی قرآن) بر تو وحی شد (بر خلق)

الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ

تلاوت کن و نماز را (که بزرگ عبادت خداست) به جای آر، که همانا نماز است که (اهل نماز را) از هر کار زشت و منکر باز می‌دارد و همانا ذکر خدا بزرگتر (و برتر از حد

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ الْبَالِغِي هِيَ

اندیشهٔ خلق) است، و خدا به هر چه (برای خشنودی او و به یاد او) کنید آگاه است. (۴۵) و شما مسلمانان با اهل کتاب (یهود و نصاری و مجوس)

أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ

جز به نیکوترین طریق، بحث و مجادله نکنید مگر با ستمکاران از آنها، و (با اهل کتاب) بگویید که ما به کتاب آسمانی قرآن که بر ما نازل

إِلَيْكُمْ وَالْهِنَا وَالْهَيْكُمُ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿٤٦﴾ وَكَذَلِكَ

شده و به کتاب آسمانی شما، به همه ایمان آورده ایم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اویم. (۴۶) و ما هم چنان (که بر سولان پیشین،

أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ

کتاب آسمانی تورات و انجیل و زبور فرستادیم) بر تو هم (ای رسول) کتاب (آسمانی قرآن) را نازل کردیم، پس آنان که به آن کتاب که بر ایشان فرستادیم ایمان

هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ ﴿٤٧﴾ وَمَا كُنْتَ

آوردند به این کتاب نیز ایمان آرند و از این گروه (اهل مکه) هم بعضی به آنان ایمان آورند و به جز کافران، هیچ کس آیات ما را انکار نخواهد کرد. (۴۷) و تواز این

تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ

پیش نه توانستی کتابی خواند و نه خطی نگاشت که در آن صورت مبطلان (منکر قرآن) در نبوتت شک و ریبی می کردند (و می گفتند این کتاب به وحی خدا

﴿٤٨﴾ بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ

نیست و خود از روی کتب سابقین جمع و تألیف کرده است). (۴۸) بلکه این قرآن، آیات روشن الهی است در لوح سینه آنان که (از خدا نور) علم و دانش

بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ ﴿٤٩﴾ وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا

یافتند، و آیات ما را جز مردم ستمکار انکار نکنند. (۴۹) و کافران گفتند: (این مرد اگر رسول خداست) چرا بر او آیات و معجزاتی از جانب خدایش نازل نشد؟ بگو:

الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٥٠﴾ أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَا أَنْزَلْنَا

آیات نزد خدا (و به امر خدا) است، من (که رسولم) جز آنکه (خلق را از انتقام خدا) بترسانم وظیفه ندارم. (۵۰) آیا اینان را (که تقاضای معجزه می کنند) این

عَلَيْكَ الْكِتَابُ يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَى لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

معجزه کفایت نکرد که چنین کتاب بزرگ را که بر آنان تلاوت می شود، ما بر تو فرستادیم؟ و همانا در آن برای اهل ایمان البته رحمت و یادآوری و پندی خواهد بود.

﴿٥١﴾ قُلْ كَفَى بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

(۵۱) بگو: میان من و شما، خدا گواهی کافی است، که او به هر چه در آسمانها و زمین است آگاه است.

وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَ كَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٥٢﴾

و آنان که به باطل گرویدند و به خدا کافر شدند، هم آنان به حقیقت زیانکاران عالمند. (۵۲)

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ

منکران (به تمسخر) از تو تقاضای تعجیل در نزول عذاب می کنند، و اگر وقت معین آن (در علم ازلی، قیامت) نبود عذاب حق بر آنها می رسید،

وَلَيَاتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٣﴾ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ

و البته ناگهانی در حالی که غافل و بی خبر باشند بر آنان خواهد آمد. (۵۳) (و این کافران) از تو به تعجیل عذاب می طلبند در صورتی

جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿٥٤﴾ يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ

که شراره عذاب جهنم به کافران احاطه نموده است. (۵۴) (اینان را متذکر ساز به آن) روزی که عذاب خدا از بالا و زیر پا، آنها را فرو

تَحْتَ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٥﴾ يُعْبَادِي الَّذِينَ ءَامَنُوا

گیرد، و (خدا یا منادی حق) گوید: (امروز) بچشید کیفر آنچه (در دنیا) عمل می کردید. (۵۵) ای بندگان با ایمان من، زمین من بسیار وسیع است در این صورت

إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِنَّا

(اگر به تنگ آمده و به کفر مجبور شوید از آنجا به دیار دیگر هجرت کنید و هر کجا باشید) مرا منحصرأ به اخلاص پرستش کنید. (۵۶) هر نفسی (طعم ناگوار) مرگ

تَرْجِعُونَ ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ

را خواهد چشید، و پس از مرگ، شما را به سوی ما بازگردانند. (۵۷) و آنان که ایمان آوردند و به اعمال نیکو پرداختند، البته آنها را به عمارات عالی بهشتی که زیر

غُرْفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعَمَ أَجْرِ الْعَمِلِينَ ﴿٥٨﴾ الَّذِينَ

درختانش نهرها جاری است منزل دهیم که در آن زندگانی ابدی کنند، آنجا پاداش نیکویی برای نیکوکاران عالم است. (۵۸) آنان که (در راه دین خدا) صبر

صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٥٩﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ

و شکیبایی پیشه کردند و بر پروردگار خود توکل می نمودند. (۵۹) و چه بسیار حیوانات که خود بار روزی خود نکشند، خدا (بدون هیچ

يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٠﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ

کوشش) به آنها و هم به شما روزی می رساند، و او شنوا و دانا است. (۶۰) و اگر از این کافران مشرک سؤال کنی که آسمانها

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِيَقُولَنَّ اللَّهُ فإني يُوَفِّكُونَ

و زمین را که آفریده و خورشید و ماه مسخر فرمان کیست؟ به یقین جواب دهند که خدا، پس چگونه رویگردان می شوند؟

﴿٦١﴾ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ

(۶۱) خداست که هر کس از بندگان را خواهد وسیع روزی و یا تنگ روزی می گرداند، که همانا او به هر چیزی (از مصالح خلائق) داناست.

شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٢﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ

(۶۲) و اگر از این کافران مشرک سؤال کنی که آن کیست که از آسمان باران نازل سازد تا زمین را به آن، پس از مرگ (گیاهان، باز به نسیم جانبخش بهار) زنده

مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لِيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٣﴾

گرداند؟ به یقین جواب دهند که آن خداست. بگو: ستایش مخصوص خدای یکتاست. آری و لیک اکثر این مردم، عقل خود را به کار نگیرند. (۶۳) این زندگانی

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ

چند روزه دنیا (اگر نه در پرستش حق و سعادت آخرت صرف شود) افسوس و باز بچه ای بیش نیست، و زندگانی اگر مردم بدانند به حقیقت دار آخرت است (که)

لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٦٤﴾ فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِّ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ

حیاتش جاوید و نعمتش بی رنج و زوال است. (۶۴) این مردم مشرک چون به کشتی نشینند (و به دست امواج خطر افتند در آن حال) تنها خدا را به

الَّذِينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿٦٥﴾ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ

اخلاص کامل در دین می خوانند، و چون از خطر دریا به ساحل نجاتشان رساند (باز به خدای یکتا) مشرک می شوند. (۶۵) تا هر نعمتی را که ما به آنها عطا

وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا

کرده ایم کفران کنند و (تا مدتی) بهره مند باشند، اما به زودی خواهند دانست. (۶۶) آیا (کافران اهل مکه) ندیدند که آن شهر را حرم امن و امان

وَيَتَخَفُّ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ

قرار دادیم در صورتی که از اطرافشان مردم (ضعیف) را به قتل و غارت می ربایند؟ آیا باز به باطل می گروند و به نعمت خدا کافر

يَكْفُرُونَ ﴿٦٧﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ

می شوند؟ (۶۷) آیا هیچ کس از آن که بر خدا دروغ بست و (رسول) حق را که برای (هدایت) او آمد تکذیب کرد

لَمَّا جَاءَهُ الْيَسْرُ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا

(در عالم) ستمکارتر هست؟ آیا جایگاه کافران (ستمکار) در آتش دوزخ نیست؟ (۶۸) و آنان که در (راه) ما (به جان و مال)

لِنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٦٩﴾

جهد و کوشش کردند محققاً آنها را به راه های خویش هدایت می کنیم، و همیشه خدا یار نیکوکاران است. (۶۹)

ترتیبها ۳۰ سُورَةُ الرَّوْمِ - مَكِّيَّةٌ آیاتها ۶۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْمِ ﴿١﴾ غَلَبَتِ الرَّوْمُ ﴿٢﴾ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ

الم. (۱) رومیان، مغلوب (فارسیان) شدند. (۲) در (جنگی که به) نزدیکترین زمین (به دیار عرب) و آنها پس از مغلوب شدن فعلی، به

سَيَغْلِبُونَ ﴿٣﴾ فِي بَضْعِ سِنِينَ ط لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلِ وَمِنْ بَعْدِ وَيَوْمَئِذٍ

زودی (بر فارسیان) غلبه خواهند کرد. (۳) (این غلبه رومیان) دراندسالی خواهد شد (و بدانید که) کلیه امور عالم از قبل از این و بعد

يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٤﴾ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

از این همه به دست خداست، و آن روز مؤمنان شاد می شوند. (۴) به یاری خدا، که خدا هر که را بخواهد نصرت و فیروزی می بخشد و

﴿٥﴾ وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦﴾

اوست که مقتدر و مهربان است. (۵) این وعده خداست که خدا هرگز خلاف وعده نکند، و لیکن اکثر مردم (از این حقیقت) آگاه نیستند. (۶)

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غٰفِلُونَ ﴿٧﴾ اَوْ

(اکثر) آنان به امور ظاهری از زندگی دنیا آگاهند و از عالم آخرت (و وعدهٔ ثواب و عقاب حق) به کلی بی‌خبرند. (۷) آیا در پیش نفوس

لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِيْ اَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

خود تفکر نکردند (تا بدین حکمت پی‌برند) که خدا آسمانها و زمین و هر چه در بین آنهاست همه را جز به حق (و برای حکمت و مصلحت)

الْاَبَاحِقِّ وَاَجَلٍ مُّسَمًّى ﴿٨﴾ وَاِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكٰفِرُوْنَ

و به وقت (و حد) معین نیافریده است؟ و بسیاری از مردم به شهود و لقای خدا (در عالم غیب و وعدهٔ ثواب و عقاب بهشت و دوزخ و

﴿٨﴾ اَوْ لَمْ يَسِيْرُوْا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عٰقِبَةُ الَّذِيْنَ مِنْ

قیامت) به کلی کافر و بی‌عقیده‌اند. (۸) آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند که عاقبت کار پیشینیانشان (چون قوم عاد و ثمود) چه

قَبْلَهُمْ كَانُوْا اَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَاثَارُوْا الْاَرْضَ وَاَعْمَرُوْهَا اَكْثَرُ مِمَّا

شد؟ در صورتی که از اینها بسیار توان‌تر بودند و بیش از اینها در زمین، کشتزار ساختند و کاخ و عمارت برافراشتند و پیامبرانشان با

عَمَرُوْهَا وَاَجَاءَتْهُمْ رَسٰلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيْظْلِمَهُمْ وَلٰكِنْ

آیات و معجزات برای (هدایت) آنان آمدند (لیکن چون نپذیرفتند همه به کیفر کفر هلاک شدند). و خدا دربارهٔ آنها هیچ ستم نکرد

كَانُوْا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ ﴿٩﴾ ثُمَّ كَانَ عٰقِبَةُ الَّذِيْنَ اَسَءُوْا السَّوْاىَ اَنْ

بلکه آنها خود در حق خویش ستم می‌کردند. (۹) آخر سرانجام کار آنان که بسیار به اعمال زشت و کردار بد پرداختند، این شد که آیات

كَذَّبُوْا بِآيٰتِ اللّٰهِ وَكَانُوْا بِهَا يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿١٠﴾ اَللّٰهُ يَبْدُوْا الْاَخْلَاقَ ثُمَّ

خدا را تکذیب و تمسخر کردند (زیرا معصیت، دل را تاریک کند و چون بسیار شود به ظلمت کفر انجامد). (۱۰) خداست که خلق را نخست (از عدم) پدید

يُعِيْدُهُ ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿١١﴾ وَيَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُوْنَ

آردوباز (پس از مرگ و فنا) باز گرداند و همه به حضرت او بازگردانیده می‌شود. (۱۱) روزی که ساعت قیامت برپا شود بدکاران نومید و اندوهگین شوند.

﴿١٢﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِّنْ شُرَكَائِهِمْ شٰفِعُوْا وَاَكَانُوْا بِشُرَكَائِهِمْ كٰفِرِيْنَ ﴿١٣﴾

(۱۲) و هیچ شفیع و مددکاری بر خود، از آنان که شریک حق گرفتند نمی‌یابند، بلکه به آن شریکان و خدایان باطل کافر می‌شوند. (۱۳)

وَيَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُوْنَ ﴿١٤﴾ فَاَمَّا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا وَعَمِلُوا

و روزی که ساعت قیامت برپا شود در آن روز خلائق (برحسب مراتب طاعت و معرفت و کفر و عصیان) فرقه فرقه شوند. (۱۴) اما آن فرقه که ایمان آوردند و

الصّٰلِحٰتِ فَهَمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُوْنَ ﴿١٥﴾ وَاَمَّا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا

به نیکوکاری پرداختند مسرور (و محترم) به باغ بهشت منزل گیرند. (۱۵) و اما آن فرقه که کافر شدند و آیات ما و دیدار

بِآيٰتِنَا وَّلِقَاءِ الْاٰخِرَةِ فَاُولٰٓئِكَ فِي الْعَذٰبِ مُحْضَرُوْنَ ﴿١٦﴾ فَسَبْحٰنَ اللّٰهِ

آخرت را تکذیب کردند، آنان را (برای کیفر) در عذاب دوزخ حاضر کنند. (۱۶) پس خدا را هنگام شام و صبحگاه

حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ ﴿١٧﴾ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ

(در نماز مغرب و صبح) تسبیح و ستایش گوید. (۱۷) و سپاس (اهل عالم) در آسمانها و زمین مخصوص اوست و شما نیز در تاریکی شب و نیمه روز

وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ ﴿١٨﴾ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ

(در نماز عشاء و ظهر و عصر) به ستایش او مشغول شوید. (۱۸) (آن خدایی را تسبیح و ستایش گوید که) زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون آورد و زمین را پس

الْحَيَّ وَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿١٩﴾ وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ

از (فصل خزان و) مرگ (گیاهان باز به نسیم جانبخش بهارش) زنده گرداند، و همین گونه شما را هم (پس از مرگ) بیرون آرند. (۱۹) و یکی از نشانه‌های او این

خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ ﴿٢٠﴾ وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ

است که (پدر) شما آدمیان را از خاک خلق کرد سپس (به توالد) بشری (منشعب و نژادهایی مختلف) شدید که (در همه روی زمین) منتشر گشتید. (۲۰) و باز

لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً

یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته و با هم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار

وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾ وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَوَاتِ

فرمود. در این امر نیز برای مردم بافکرت، ادله‌ای (از علم و حکمت حق) آشکار است. (۲۱) و یکی از آیات (قدرت) او خلقت آسمانها و زمین

وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافَ السَّنَتِكُمْ وَ الْوَأْنِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالِمِينَ

است و یکی دیگر اختلاف زبانها و رنگهای شما آدمیان، که در این امور نیز ادله‌ای (از صنع و حکمت حق) برای دانشمندان عالم آشکار است.

﴿٢٢﴾ وَ مِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ ابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي

(۲۲) و یکی از آیات او همین است که شما در شب و روز به خواب رفته (و بیدار می شوید) و از فضل خدا (یعنی روزی) طلب می کنید. در این امر هم ادله‌ای (از

ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَ مِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ لَبْرِقَ خَوْفًا وَ طَمَعًا

قدرتش) برای قومی که (سخن حق) بشنوند پدیدار است. (۲۳) و یکی از آیات او آن است که (رعد و) برق را به شما می نمایاند که هم شما را (از صاعقه عذاب

وَ يُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

می ترساند و هم (به باران رحمت خود) امیدوار می گرداند، و نیز از آسمان باران می فرستد تا زمین را پس از مرگش باز زنده گرداند. در این امر نیز ادله‌ای (از قدرت

لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٤﴾ وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا

ایزد) برای اهل خرد آشکار است. (۲۴) و یکی از آیات (قدرت) او آنکه آسمان و زمین به فرمان او برپاست، سپس که شما را از

دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرَجُونَ ﴿٢٥﴾ وَ لَهُ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ

خاک برخواند (و زنده گرداند) همگی سر از قبرها بیرون می آورد. (۲۵) و هر کس در آسمانها و زمین است همه بنده و مملوک او و با

وَ الْأَرْضِ كُلُّ لَهُ وَ قَنْتُونَ ﴿٢٦﴾ وَ هُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَ هُوَ

کمال خضوع و خشوع، مطیع فرمان اوست. (۲۶) و او خدایی است که نخست خلایق را بیافریند و آن گاه (به عالم معاد) باز گرداند و

أَهْوَنُ عَلَيْهِ ۚ وَ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ ۚ وَ هُوَ الْعَزِيزُ

این اعاده (مثل ایجاد) بر او بسیار سهل و آسان است و آن ذات بکتا را در آسمانها و زمین مظهر و مثالی عالی تر (از حد وصف و تعقل) است و مقتدر کامل و دانا (به

الْحَكِيمُ ۚ ۲۷) ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ ۚ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ

حقایق امور) تنها اوست. (۲۷) خدا برای (هدایت) شما هم از عالم خود شما مثالی زد: آیا هیچ یک از غلام و کنیزان ملکی شما در آنچه (از مال و حقوق و مقام) که

أَيْمَنَكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ

ما روزی شما گردانیدیم با شما شریک هستند تا شما و آنها در آن چیزی، بی هیچ مزیت مساوی باشید و همان قدر بیمی که شما از یکدیگر دارید هم از آنان دارید؟

كَخَيْفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ ۚ كَذَلِكَ نَفِصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۚ ۲۸) بَلِ اتَّبَعَ

(هرگز ندارید و هیچ آنها را مساوی با خود نمی دانید) ما چنین مفصل و روشن، آیات خود را برای مردم با عقل و هوش بیان می کنیم. (۲۸) بلکه مردم ستمکار

الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ ۚ وَ مَا لَهُمْ

(مشرک) هوای نفس خود را از جهل و نادانی پیروی کردند، پس آن را که خدا (پس از اتمام حجت) به گمراهی واگذارد، که می تواند هدایت کند؟ و آن گمراهان

مِنْ نَصْرِينَ ۚ ۲۹) فَاقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ

ستمکار را (در قیامت) هیچ یار و یآوری نخواهد بود. (۲۹) پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور در حالی که از همه کیشها روی به خدا آری،

النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۚ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّا أَكْثَرَ

و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، و لیکن

النَّاسَ لَا يَعْلَمُونَ ۚ ۳۰) مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَ اتَّقَوْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ لَا

اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند. (۳۰) (شما اهل ایمان با پیروی همین دین فطرت) به درگاه خدا باز آیین و خداترس باشید و نماز به

تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۚ ۳۱) مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا ۚ كُلُّ

پا دارید و هرگز از فرقه مشرکان نباشید. (۳۱) از آنان که دین (فطرت) خود را متفرق و پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند و هر گروهی به آنچه دارند (از اوهام باطل

حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ۚ ۳۲) وَ إِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ

و خیالات فاسد خود) دلشادند. (۳۲) و مردم (عادتشان این است که) هر گاه رنج و المی سخت به آنها رسد در آن حال خدای خود را به دعا می خوانند

إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آذَقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ۚ ۳۳)

به درگاه او با تضرع و اخلاص روی می کنند و پس از آنکه خدا به آنها، رحمت خود را چشانید آن گاه باز گروهی از آنها به خدای خود مشرک می شوند. (۳۳)

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۚ ۳۴) أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ

تا نعمتی را که به آنها عطا کردیم کفران کنند. (باری، ای کافران ناسپاس) اینک (به هوا و هوس) تمتع برید که به زودی به (کیفر اعمال خود) آگاه می شوید. (۳۴) مگر

سُلْطٰنًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ ۚ ۳۵) وَ إِذَا آذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً

ما دلیل و حجتی فرستادیم که درباره شرک و دعوت به بت پرستی ایشان سخن گوید (و برهان بر صحت شرک آورد)؟ (۳۵) و مردم (بر این عادتند که) هر گاه ما

فَرَحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِبَّهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمْتْ أَيْدِيَهُمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ ﴿٣٦﴾

رحمتی به آنها چشاییم شاد شده و اگر رنج و بلایی از کرده خودشان ببینند، در آن حال (به جای توبه به درگاه خدا، از رحمتش به کلی) نومید می شوند. (۳۶)

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

آیا ندیدند که همانا خدا هر که را خواهد وسیع روزی کند و هر که را خواهد تنگ روزی گرداند؟ همانا در این امر ادله روشنی (از حکمت الهی)

لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٣٧﴾ فَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ

برای اهل ایمان پدیدار است. (۳۷) پس حقوق ارحام و خویشان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن که این برای آنان که مشتاق

ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأَوْلِيكَ هُمُ الْمَفْلُحُونَ ﴿٣٨﴾ وَمَا

لقای خدا هستند، بهترین کار است و هم اینان (که نیکی کنند) رستگاران عالمند. (۳۸) و آن سودی که شما به رسم ربا دادید که بر

ءَاتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيُرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يُرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا ءَاتَيْتُمْ

اموال مردم (رباخوار) بیفزاید (و یا هدیه به اغنیاء دهید تا خود نفع زیاد دنیوی برید) نزد خدا هرگز نیفزاید (بلکه محو و نابود شود) و آن زکاتی که از روی شوق و

مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ ﴿٣٩﴾ اللَّهُ الَّذِي

اخلاص به خدا (به فقیران) دادید (ثوابش چندین برابر شود) همین زکات دهندگان هستند که (نزد حق، ثواب و برکات و دارایی) چند برابر دارند. (۳۹) خداست

خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتَكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ

آن کسی که شما را خلق کرده و روزی بخشیده سپس بمیراند و باز (در قیامت) زنده گرداند، آیا آنان را که شریک خدا دانید،

يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكَ مِنْ شَيْءٍ سُبْحٰنَهُ وَتَعٰلٰی عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٠﴾ ظَهَرَ

هیچ از این کارها نتواند کرد؟ خدا از آنچه به او شریک گیرند، پاک و منزهرتر و بالاتر است. (۴۰) فساد و پریشانی

الْفَسَادِ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي

به کرده بد خود مردم در همه بر و بحر زمین پدید آمد تا خدا هم کیفر بعضی اعمالشان را به آنها بچشاند، باشد که (از گنه

عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤١﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ

پشیمان شده و به درگاه خدا) باز گردند. (۴۱) بگو که در زمین سیر کنید پس بنگرید تا عاقبت طوایف پیش از خود

عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ﴿٤٢﴾ فَاقْمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ

که اکثرشان (کافر و) مشرک بودند چه شد؟ (۴۲) پس تو روی به دین استوار (اسلام و خداپرستی) آور پیش از آنکه روزی بیاید که هیچ کس

الْقِيَامِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنْ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ ﴿٤٣﴾ مَنْ

نتواند از امر خدا آن را برگرداند (و) در آن روز (بزرگ قیامت) خلائق فرقه فرقه شوند (گروهی دوزخی و گروهی بهشتی گردند). (۴۳) هر که به راه کفر (و عصیان)

كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ يَمْهَدُونَ ﴿٤٤﴾

رود زیان کفرش بر خود اوست و هر که صالح و نیکوکار شود، چنین کسانی برای شخص خود (در بهشت) آسایشگاهی خوش فراهم می سازند. (۴۴)

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

تا خدا از فضل و کرم به آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند پاداش دهد، که او کافران را دوست

الْكَافِرِينَ ﴿٤٥﴾ وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَ لِيُذِيقَكُمْ مِنْ

ندارد. (۴۵) و از جمله آیات (قدرت) او آن است که بادهای بشارت آور می فرستد (تا شما را مژده آرد) و تا شما را به چیزی از رحمت

رَحْمَتِهِ وَ لِيَجْزِيَ الْفُلْكَ بِأَمْرِهِ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ

(بی انتهای) خود بهره مند گردانند و تا کشتی به فرمان او روان گردد و تا از فضل و کرمش (انواع نعمتها) تحصیل کنید، و باشد که شکر

تَشْكُرُونَ ﴿٤٦﴾ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ

(نعمتش) به جای آرید. (۴۶) و ما پیش از تو پیامبرانی به سوی قومشان فرستادیم و آنها معجزات و ادله روشن

بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ

بر آنان آوردند، پس، از کافران بدار انتقام کشیدیم، و بر ما نصرت و یاری اهل ایمان حتم است.

﴿٤٧﴾ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُبْرِئُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ

(۴۷) خدا آن کسی است که بادهای او می فرستد که ابر را در فضا برانگیزد پس به هر گونه که مشیتش تعلق گیرد در اطراف آسمان متصل

يَشَاءُ وَ يَجْعَلُهُ كَسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ

و منبسط کند و باز متفرق گرداند، آن گاه باران را بنگری که قطره قطره از درونش بیرون ریزد، و چون آن را به (کشتزار و صحرای) هر قومی

مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٨﴾ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ

از بندگانش که بخواهد فرو بارد به یک لحظه آن قوم مسرور و شادمان گردند. (۴۸) و همانا پیش از آنکه باران (رحمت حق) بر آنان

عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ ﴿٤٩﴾ فَانظُرْ إِلَى ءَاثِرِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي

ببارد، به حال یأس و نومیدی می زیستند. (۴۹) پس (ای بشر دیده باز کن) و آثار رحمت (نامنتهای) الهی را مشاهده کن که چگونه زمین را پس از مرگ

الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا أَنْ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾

(و دستبرد خزان، باز به نفس باد بهار) زنده می گرداند! محققاً همان خداست که مردگان را هم (پس از مرگ) باز زنده می کند و او بر همه امور عالم تواناست. (۵۰)

وَ لَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ ﴿٥١﴾ فَإِنَّكَ

و اگر باز بادی فرستیم که آن کشت سبز زرد و پژمرده بنگرند (همه آن نعمتهای گذشته را فراموش کنند) و به کفر (و کفران نعمت حق) بر می گردند. (۵۱) پس تو (این)

لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَ لَا تَسْمَعُ الصَّامِ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ﴿٥٢﴾ وَ مَا

(مردم) مرده (دل بی ایمان) را نتوانی (سخن حق) بشنوانی و دعوت خود را به گوش (این) کران که (مخصوصاً از تو، به کبر و نخوت) رومی گردانند برسانی. (۵۲) و تو

أَنْتَ بَهْدِ الْعَمَى عَنْ ضَلَّاتِهِمْ أَنْ تَسْمَعَ إِلَّا مَنْ يَوْمِنَ بِءَايَاتِنَا فَهُمْ

مردمی را که کور (دل و کافر) هستند نتوانی از ضلالتشان به راه هدایت آری، تنها تو آنان را که به آیات ما ایمان می آورند و در پی آن ایمان تسلیم امر ما شوند

مُسْلِمُونَ ﴿۵۳﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ

توانی (هدایت کنی و سخن خدا را) به گوش هوششان برسانی. (۵۳) خدا آن کسی است که شما را در ابتدا از جسم ضعیف (نطفه) بیافرید، آن گاه پس از ضعف

قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ

و توانائی (کودکی) توانا کرد و باز از توانایی (و قوای جوانی) به ضعف و سستی و پیری برگردانید، که او هر چه خواهد و مشیتش تعلق گیرد می آفریند، و او دانا و

الْقَدِيرُ ﴿۵۴﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ

تواناست. (۵۴) و روزی که ساعت قیامت برپا شود، بدکاران قسم یاد کنند که (در دنیا و قبر و برزخ) ساعتی بیش درنگ نکردند. همین گونه (عاد تشان از دیرین

كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ ﴿۵۵﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ

بود که) از راستی و حقیقت به ناراستی و دروغ می پرداختند. (۵۵) و آنان که مقام علم و ایمان داده شده اند (به آن فرقه بدکار)

لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنتُمْ

گویید: شما تا روز قیامت که هم امروز است، در کتاب خدا (یعنی عالم علم خدا) مهلت یافتید و لکن بر آن

لَا تَعْلَمُونَ ﴿۵۶﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ

آگاه نبودید. (۵۶) پس در آن روز آنان که (در دنیا به خود و به خلق خدا) ستم کردند عذرشان مفید نیفتد و از آنان نخواهند که توبه

يُسْتَعْتَبُونَ ﴿۵۷﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ

و عذرخواهی کنند. (۵۷) البته ما در این قرآن (عظیم) برای (هدایت) مردم هرگونه مثل زدیم و اگر تو بر این مردم هرگونه معجز و آیتی

جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ ﴿۵۸﴾ كَذَلِكَ

بیاوری باز کافران محققاً (از روی عناد) خواهند گفت: شما (مسلمین و رسولتان خلق را) به باطل و اوهام می خوانید. (۵۸) این چنین خدا

يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۵۹﴾ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

بر دلهای اهل جهل (پس از اتمام حجت) مهر (شقاوت) نهد (که هیچ سخن حق را نپذیرند). (۵۹) پس تو صبر پیشه کن، که وعده

وَلَا يَسْتَخْفَنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ﴿۶۰﴾

خدا البته حق و حتمی است و مراقب باش که مردم بی علم و یقین و ایمان (مقام حلم و وقار) تو را به خفت و سبکی نکشاند. (۶۰)

آیاتها ۵۹

سُورَةُ الدُّخَانِ - مَكِّيَّةٌ

ترتیبها ۴۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

حَمِّ ﴿۱﴾ وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿۲﴾ اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبْرَكَةٍ اِنَّا كُنَّا

حم (قسم به حمید و مجید) (۱) قسم به این کتاب روشن بیان. (۲) که ما آن را در شبی مبارک (شب قدر) فرستادیم، که ما بیم کننده ایم (و خلق را آگاه کنیم و

مُنذِرِينَ ﴿٣﴾ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴿٤﴾ أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا

بترسانیم). (۳) در آن شب هر امر استواری (با حکمت و تدبیر نظام احسن) معین و ممتاز می‌گردد. (۴) تعیین آن امر البته از جانب ما که فرستنده پیغمبرانیم

مُرْسَلِينَ ﴿٥﴾ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦﴾ رَبِّ السَّمَوَاتِ

خواهد بود. (۵) (این ارسال رسول از) لطف و رحمت پروردگار توست که شنوا و داناست. (۶) همان پروردگاری که خالق آسمانها

وَ الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ﴿٧﴾ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ

و زمین و هر آنچه میان آنهاست اوست اگر یقین دارید. (۷) هیچ خدایی غیر او نیست، او زنده می‌گرداند و باز می‌میراند، او خدای آفریننده

رَبُّكُمْ وَ رَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ ﴿٨﴾ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ﴿٩﴾ فَارْتَقِبْ

شما و پدران پیشین شماست. (۸) (کافران را ایمان نیست) بلکه با شک و ریب (و استهزاء) به بازیچه (دنیا) مشغولند. (۹) (ای رسول) منتظر

يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ ﴿١٠﴾ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١﴾

باش روزی را که (بر عذاب کافران) آسمان دودی پدید آرد پیدای آشکار. (۱۰) آن دود آسمانی که عذابی دردناک است مردم را احاطه کند. (۱۱)

رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾ أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ

(و کافران فریاد برآوردند که) پروردگارا، این عذاب از ما بر طرف ساز که ما البته ایمان می‌آوریم. (۱۲) کجا متذکر شده و ایمان می‌آورند در صورتی که رسول

جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ ﴿١٣﴾ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مَجْنُونٌ ﴿١٤﴾ إِنَّا

ما با آیات روشن بیان آمد. (۱۳) پس (از مشاهده آیات) باز از او اعراض کردند و گفتند: او شخص دیوانه‌ای است که (مردم قرآن را) به او آموخته‌اند. (۱۴) ما تا

كَاشَفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ﴿١٥﴾ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ

زمانی اندک (که برای امتحان) عذاب را (از شما) برمی‌داریم باز (به کفر خود) بر می‌گردید. (۱۵) (ای رسول) منتظر باش! آن روز بزرگ

الْكُبْرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ ﴿١٦﴾ وَ لَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَ جَاءَهُمْ

که ما (آنها را) به عذاب سخت بگیریم که البته ما (از آنها) انتقام خواهیم کشید. (۱۶) و ما پیش از این امت، قوم فرعون را آزمودیم و رسولی بزرگوار (مانند موسی)

رَسُولٌ كَرِيمٌ ﴿١٧﴾ أَنْ أَدْوَا إِلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٨﴾ وَأَنْ لَا

به سوی آنها فرستادیم. (۱۷) (او گفت) که (ای فرعونیان) امر بندگان خدا را به من واگذارید، که من بر شما به یقین رسول امین پروردگارم. (۱۸) و زنهار

تَعَلَّوْا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتَيْتُكُمْ بِسُلْطَنِ مُبِينٍ ﴿١٩﴾ وَإِنِّي عَذْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ

بر خدا تکبر و طغیان مجوید که من بر شما حجت آشکار آوردم. (۱۹) و من به خدای خود و خدای شما پناه می‌برم از اینکه عزم آزار

أَنْ تَرْجُمُونِ ﴿٢٠﴾ وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاَعْتَرِلُونِ ﴿٢١﴾ فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هُوَ لَا

و سنگسار من کنید. (۲۰) و اگر به (رسالت) من ایمان نمی‌آورید پس مرا به حال خود واگذارید (و در پی قتل و آزارم بر نیایید). (۲۱) (فرعونیان دست از ستمش

قَوْمٌ مُجْرِمُونَ ﴿٢٢﴾ فَاسْرُبْ عِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَ أَتْرِكُ الْبَحْرَ

برنداشتند) پس دعا کرد که ای خدا، اینان مردمی سخت مجرم و بدکارند. (۲۲) (خدا فرمود) پس تو بندگان (با ایمان) مرا شبانه از شهر بیرون بر، چرا که

رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُونَ ﴿٢٤﴾ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّتٍ وَعُيُونٍ ﴿٢٥﴾ وَزُرُوعٍ

فرعونیان شما را تعقیب کنند. (۲۳) آن گاه دریا را (همان گونه که بر تو بشکافتیم) آرام و خشک بگذار و بگذر که فرعون و لشکریانش تمام به دریا غرق شوند.

وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٢٦﴾ وَنِعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَكَيْفَ كَذَبُوا ﴿٢٧﴾ وَآوَرْتُنَا قَوْمًا

(۲۴) چه بسیار باغ و بستانها و چشمه های آب، (۲۵) و کشت و زرعها و مقام و منزلهای عالی رها کردند و رفتند. (۲۶) و ناز و نعمت وافر که در آن غرق بودند و

ءَاخِرِينَ ﴿٢٨﴾ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ

از همه چشم پوشیدند. (۲۷) این چنین بود و ما آن ناز و نعمتها را از قوم گذشته ارث به قوم دیگر دادیم. (۲۸) و بر مرگ گذشتگان هیچ چشم آسمان و زمین

﴿٢٩﴾ وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿٣٠﴾ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ

نگریست و برهلاکشان مهلت ندادند. (۲۹) و البته ما بنی اسرائیل را از عذاب ذلت و خواری نجات دادیم. (۳۰) از شر فرعون که سخت

كَانَ عَالِيًا مِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ وَلَقَدْ اخْتَرْنَهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ

متکبر و ستمکار بود آسوده ساختیم. (۳۱) و آنها را در آن دور بر عالمیان به علم و دانش (کتاب آسمانی تورات) برگزیدیم.

﴿٣٢﴾ وَءَاتَيْنَهُمْ مِنَ الآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ ﴿٣٣﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ﴿٣٤﴾

(۳۲) و آیات و معجزاتی (از رحمت و غضب) بر آنها به دست موسی آوردیم که در آن کاملاً و آشکارا آزمایش شوند. (۳۳) همانا اینان (یعنی مشرکان مانند

إِنَّ هِيَ الأَمْوَاتُ الأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ ﴿٣٥﴾ فَاتُوا بِأَبَائِنَا إِن كُنْتُمْ

دهریان) البته خواهند گفت، (۳۴) که ما جز این مرگ اول (دیگر هیچ مرگ و زندگی) نداریم و هیچ (در قیامت) زنده نخواهیم شد. (۳۵) پس پدران ما را اگر راست

صٰدِقِينَ ﴿٣٦﴾ أَهْمٌ خَيْرٌ أَمْ قَوْمٌ تُبَعُّ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ

می گویند بیاورید. (۳۶) آیا اینان بهترند (و نیرومندتر) یا قوم تبع و اقوام پیش از آنان که چون بسیار مردم بدکار مجرمی بودند

كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعِبَادٍ

ما همه را هلاک کردیم. (۳۷) و ما آسمانها و زمین و آنچه را بین آنهاست به بازیچه خلق نکردیم.

﴿٣٨﴾ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَیْعَلْمُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّ یَوْمَ الفَصْلِ

(۳۸) آنها را جز به حق (و از روی حکمت و مصلحت) نیافریدیم و لیکن اکثر مردم از آن آگاه نیستند. (۳۹) همانا روز قیامت که روز

مِیقاتِهِمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٠﴾ یَوْمٌ لَا یُعْنَىٰ مَوْلَىٰ عَن مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ

فصل و جدایی (مؤمن و کافر) است و عده گاه جمیع خلائق است. (۴۰) روزی که هیچ حمایت خویش و یار و یآوری، کسی را از عذاب

یَنْصُرُونَ ﴿٤١﴾ إِلا مَنْ رَحِمَ اللهُ إِنَّهُ هُوَ العَزِیزُ الرَّحِیمُ ﴿٤٢﴾ إِنَّ شَجَرَتَ

نرهند و احدی را نصرت نکنند. (۴۱) مگر آن که خدا به او رحم کند، که او تنها بر خلق مقتدر و مهربان است. (۴۲) همانا درخت زقوم

الزَّقُومِ ﴿٤٣﴾ طَعَامُ الأَثِیمِ ﴿٤٤﴾ كَالْمُهْلِ یَغْلَىٰ فِی البُطُونِ ﴿٤٥﴾ كغلی الحَمِیمِ

جهنم، (۴۳) قوت و غذای بدکاران است. (۴۴) که آن غذا در شکمهاشان چون مس گداخته در آتش می جوشد. (۴۵) آن سان که آب

﴿۴۶﴾ خذوه فاعتلوه الى سواء الجحيم ﴿۴۷﴾ ثم صبوا فوق راسه من عذاب

به روی آتش جوشان است. (۴۶) (خطاب قهر رسد که) این بدکار را بگیرد و به میان دوزخ افکند. (۴۷) پس از آن آب جوشان بر

الحميم ﴿۴۸﴾ ذق انك انت العزيز الكريم ﴿۴۹﴾ ان هذا ما كنتم به تمترون

سروش فروریزید. (۴۸) (و به استهزاء وی گویند: عذاب دوزخ را) بچش که تو بسیار (نزد خود) توانمند و گرامی هستی. (۴۹) این همان عذابی است که از آن در شک و

﴿۵۰﴾ ان المتقين في مقام امين ﴿۵۱﴾ في جنات و عيون ﴿۵۲﴾ يلبسون من

انکار بودید. (۵۰) همانا (آن روز سخت)، آنان که متقی و خداترس بودند مقام امن و امان یابند. (۵۱) در باغها و کنار چشمه‌ها و نهرها بیارامند. (۵۲) لباس از سندس

سندس و استبرق و استبرق متقبلین ﴿۵۳﴾ كذلك وزوجنهم مجورعين ﴿۵۴﴾ يدعون

و استبرق (حریر نازک و سبتر) پوشند و رو به روی هم بر تختها تکیه زنند. (۵۳) همچنین است و با حوریان زیبا چشمشان، جفت قرار داده‌ایم. (۵۴) در آن بهشت پرنعمت از هر نوع

فيها بكل فاكهة امنين ﴿۵۵﴾ لا يدوقون فيها الموت الا الموتة الاولى

میوه‌ای نخواهند بر آنان حاضر و (از هر درد و رنج و زحمت) ایمن و آسوده‌اند. (۵۵) و جز آن مرگ اول (که از دنیا مردند) دیگر هیچ طعم مرگ رانمی‌چشند و خدا آنها را از عذاب دوزخ

و وقهم عذاب الجحيم ﴿۵۶﴾ فضلا من ربك ذلك هو الفوز العظيم ﴿۵۷﴾

محفوظ خواهد داشت. (۵۶) این به فضل و رحمت خدای توست و همین به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است. (۵۷) و ما این قرآن را (با بیان فصیح) به زبان تو آسان کردیم

فانما يسرناه بلسانك لعلهم يتذكرون ﴿۵۸﴾ فارتقب انهم مرتقبون ﴿۵۹﴾

تا مگر خلاقان متذکر (حقایق آن) شوند. (۵۸) پس (از اتمام حجت بر کافران) منتظر (عذاب بر آنان) باش چنان که آنها هم (بر تو) انتظار (روزگارد و حوادث ناگوار) دارند. (۵۹)

حدیث شریف کساء

[بِسْنَدٍ صَحِيحٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ]

صاحب عوالم به سند خود نقل نموده از جابر بن عبدالله انصاری

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

و او از فاطمه زهرا درود بر او باد دختر رسول خدا که درود خدا بر او و

وَءَالِهِ: قَالَ سَمِعْتُ فَاطِمَةَ أَنَّهَا قَالَتْ: دَخَلَ عَلِيٌّ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ فِي

آلش باد که گفت شنیدم از فاطمه زهرا که آن مخدره فرمود داخل شد به منزل من پدر بزرگوارم رسول خدا

بَعْضِ الْأَيَّامِ * فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ * فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ

در بعضی از روزها * پس فرمود سلام بر تو باد ای فاطمه * پس عرض کردم درود بر تو باد

* قَالَ إِنِّي أَجِدُ فِي بَدَنِي ضَعْفًا * فَقُلْتُ لَهُ * أُعِيدُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَاهُ مِنْ

* فرمود می‌یابم در بدن خود ضعفی را * پس به او گفتم پناه می‌برم تو را به خداوند ای پدر از ضعف

الضُّعْفِ * فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ ائْتِينِي بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِي وَغَطِّينِي بِهِ *
 و ناتوانی * پس فرمود ای فاطمه بیآور کساء یمانی را و بپوشان مرا به آن *

فَاتَيْتَهُ * وَ بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِي فَعَطَّيْتَهُ بِهِ * وَ صَرَّتْ أَنْظُرُ إِلَيْهِ * وَ إِذَا
 فاطمه فرمود پس آوردم کساء یمانی را و پوشانیدم او را با آن * و نظر کردم به او * دیدم که

وَجْهَهُ * وَ يَتَلَاوُ كَأَنَّهُ الْبَدْرُ فِي لَيْلَةٍ تَمَامِهِ وَ كَمَالِهِ * فَمَا كَانَتْ إِلَّا
 صورتش می‌درخشد مانند ماه تمام در شب چهارده که بدر است * نگذشت مگر اندکی

سَاعَةً * وَ إِذَا بَوْلِدِي الْحَسَنَ قَدْ أَقْبَلَ * وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَاهُ *
 که ناگاه فرزندم حسن درآمد و بر من سلام کرد * و گفت ای مادر سلام و درود بر تو *

فَقُلْتُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قَرَّةَ عَيْنِي وَ ثَمْرَةَ فُؤَادِي * فَقَالَ يَا أُمَاهُ إِنِّي
 پس جواب دادم و گفتم سلام بر تو باد ای روشنی دیده من و میوه دل من * پس گفت ای مادر

أَسْمُ عِنْدَكَ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ * كَأَنَّهَا رَائِحَةُ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ * فَقُلْتُ
 من بوی خوشی نزد تو استشمام می‌کنم * گوئیا بوی جدم رسول خدا باشد * گفتم

نَعَمْ إِنَّ جَدَّكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ * فَاقْبَلِ الْحَسَنَ نَحْوَ الْكِسَاءِ * وَ قَالَ
 بلی به درستی که جدت در زیر کساء است * پس حسن نزد کساء آمد * گفت

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ * أَتَأْذِنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكَ تَحْتَ
 سلام بر تو باد ای جد بزرگوار ای رسول پروردگار * آیا به من رخصت می‌فرمائی که داخل شوم با شما در

الْكِسَاءِ؟ * فَقَالَ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَ يَا صَاحِبَ حَوْضِي *
 زیر کساء * پس فرمود بر تو باد سلام ای فرزندم و ای صاحب حوض من *

قَدْ أَذِنْتُ لَكَ * فَدَخَلَ مَعَهُ تَحْتَ الْكِسَاءِ * فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً
 به تحقیق اذن دادم تو را * پس داخل شد با آن حضرت و خدمت آن جناب در زیر کساء * پس نگذشت

وَ إِذَا بَوْلِدِي الْحُسَيْنِ قَدْ أَقْبَلَ * وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَاهُ * فَقُلْتُ
 مگر زمانی ناگاه داخل شد فرزندم حسین * و گفت سلام بر تو ای مادر * پس گفتم

وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَ يَا قَرَّةَ عَيْنِي وَ ثَمْرَةَ فُؤَادِي * فَقَالَ لِي
 و سلام بر تو باد ای پسرم و ای روشنی دیده‌ام و ای میوه دلم * پس به من

يَا أُمَاهُ إِنِّي أَسْمُ عِنْدَكَ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ * كَأَنَّهَا رَائِحَةُ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ *
 گفت ای مادر به درستی که من در پیش تو بوی خوبی استشمام می‌کنم * گوئیا آن بوی جدم رسول خدا است

گفت ای مادر به درستی که من در پیش تو بوی خوبی استشمام می‌کنم * گوئیا آن بوی جدم رسول خدا است

فَقُلْتُ نَعْمَ إِنَّ جَدَّكَ وَ أَخَاكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ * فَدَنَى الْحُسَيْنَ

* پس گفتم آری به درستی که جدت و برادرت در زیر کساء می‌باشند * پس حسین

نَحْوَ الْكِسَاءِ * وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَاهُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

جانب کساء نزدیک آمد * و گفت سلام بر تو باد ای جد (بزرگوار) * سلام بر تو باد ای کسی

يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ * أَتَأْذِنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ * فَقَالَ

که خداوند او را اختیار فرموده * آیا به من رخصت می‌فرمائی که با شما دو تن در زیر کساء باشم * پس

وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا شَافِعَ أُمَّتِي * قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ

فرمود و بر تو باد سلام ای فرزندم و ای شفاعت کننده امت من * به درستی و به تحقیق اذنت دادم پس

مَعَهُمَا تَحْتَ الْكِسَاءِ * فَاقْبَلَ عِنْدَ ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي

با آنان داخل در زیر کساء گردید * پس در این حال ابوالحسن علی بن ابی طالب

طَالِبٍ * وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ * فَقُلْتُ وَ عَلَيْكَ

روی آورد * و گفت سلام بر تو باد ای دختر رسول خدا * پس گفتم و سلام

السَّلَامُ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَيَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ إِنِّي أَشَمُّ

بر تو باد ای ابا الحسن و ای امیرالمؤمنین * پس فرمود ای فاطمه به درستی که من

عِنْدَكَ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ * كَأَنَّهَا رَائِحَةُ أَخِي وَ ابْنِ عَمِّي رَسُولِ اللَّهِ *

پیش تو بوی خوشی استشمام می‌کنم * گویی آن بوی برادرم و پسر عمم رسول خداست *

فَقُلْتُ نَعْمَ هَا هُوَ مَعَ وَلَدِيكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ * فَاقْبَلَ عَلِيُّ نَحْوَ

پس گفتم آری آن است او با دو فرزندت در زیر کساء * پس رو کرد علی جانب

الْكِسَاءِ * وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ * أَتَأْذِنُ لِي أَنْ أَكُونَ

کساء * و عرض کرد که سلام بر تو باد ای رسول خدا * آیا به من رخصت می‌فرمائی که

مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ * قَالَ لَهُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَخِي يَا وَصِيَّ

با شما در زیر کساء باشم * به او فرمود و سلام بر تو باد ای برادرم و ای وصی من

وَ خَلِيفَتِي وَ صَاحِبِ لَوَائِي * قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ عَلِيُّ تَحْتَ الْكِسَاءِ

و جانشین من و صاحب لوائ من * به تحقیق اذنت دادم پس داخل گردید علی در زیر کساء

* ثُمَّ أَتَيْتُ نَحْوَ الْكِسَاءِ * وَقُلْتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَتَاهُ يَا رَسُولَ

* پس من نزد کساء آمده * و گفتم سلام بر تو باد ای پدر جان ای رسول

اللَّهُ * اتَاذِنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ * قَالَ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ

خدا * آیا به من رخصت می‌فرمائی که با شما در زیر کساء باشم * فرمود و سلام بر تو باد

يَا بِنْتِي وَيَا بَضْعَتِي * قَدْ أَذِنْتُ لَكَ * فَدَخَلْتُ تَحْتَ الْكِسَاءِ * فَلَمَّا

ای دخترم و ای پاره تنم * به تحقیق اذنت دادم * پس داخل در زیر کساء گردیدم * پس زمانی

اَكْتَمَلْنَا جَمِيعًا تَحْتَ الْكِسَاءِ * أَخَذَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ بِطَرْفِي الْكِسَاءِ

که جمع ما در زیر کساء کامل شد * گرفت پدرم رسول خدا دو طرف کساء را

* وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ الْيَمْنَى إِلَى السَّمَاءِ * وَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي

* و اشاره کرد به دست راست خود به سوی آسمان * و گفت خداوندا به درستی که اینها اهل بیت من

وَ خَاصَّتِي وَ حَامَّتِي * لِحَمِيمٍ لِحَمِي * وَ دَمِهِمْ دَمِي * يُولِمُنِي مَا يُولِمُهُمْ

و خواص من می‌باشند * گوشت ایشان گوشت من * و خونشان خون من است * اذیت می‌نماید مرا آنچه اذیت می‌کند آنها را

* وَ يَجْزِنِي مَا يَجْزِنُهُمْ * أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ * وَ سَلِمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ

* و غمگین می‌کند مرا آنچه غمگین می‌کند آنها را * من طرفم با هر که طرف است با آنها * و صلحم با هر که صلح است با آنها

* وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ * وَ مُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ * أَنَّهُمْ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُمْ

* و دشمنم با هر که دشمن است با آنها * و دوستم با هر که دوستی کند با آنها * آنها از من و من از آنهایم

* فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ رَحْمَتَكَ * وَ غَفْرَانِكَ وَ رِضْوَانِكَ

* پس قرار ده صلوات و برکات و رحمت خودت * و آمرزشت و رضای خود را

عَلَيَّ وَ عَلَيْهِمْ * وَ أَذِيبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ * وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا * فَقَالَ

بر من و بر آنها * و زایل گردان از آنها پلیدی را * و پاک گردان آنها را پاکی بزرگی * پس

اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا مَلَائِكَتِي وَ يَا سُكَّانَ سَمَاوَاتِي * إِنِّي مَا خَلَقْتُ

خداوند عز و جل فرمود ای ملائکه من و ای سکان آسمانهای من * به درستی که من خلق نکردم

سَّمَاءَ مَبْنِيَّةً * وَ لَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً * وَ لَا قَمَرًا مُنِيرًا * وَ لَا شَمْسًا مُضِيئَةً

آسمان بنا شده را * و نه زمین کشیده شده را * و نه ماه روشنی دهنده را * و نه خورشید درخشنده را

* وَ لَا فَلَكَآ يَدُورٌ * وَ لَا بَحْرًا يَجْرِي * وَ لَا فَلَكَآ يَسْرِي * إِلَّا فِي مَحَبَّةٍ

* و نه فلک دور زنده را * و نه دریای جاری * و نه کشتی سیر کننده را * مگر به جهت دوستی

هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ * فَقَالَ الْأَمِينُ جَبْرَائِيلُ يَا رَبِّ

این پنج تن که در زیر کساء آسوده‌اند * پس جبرئیل امین عرض کرد ای پروردگار من

وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ * فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ * وَ مَعْدِنُ

ایشان که در زیر کساینند کیستند * پس خدای عز و جل فرمود ایشان اهل بیت پیغمبر * و معدن

الرِّسَالَةِ * هُمْ فَاطِمَةُ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا * فَقَالَ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ

رسالتمند * ایشانند فاطمه و پدر او و شوهر او و فرزندان او * پس جبرئیل عرض کرد ای پروردگار من

* أَتَأْذِنُ لِي أَنْ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ لِأَكُونَ مَعَهُمْ سَادِسًا؟ * فَقَالَ اللَّهُ نَعَمْ

* آیا اذن می‌دهی مرا که به سوی زمین فرود آیم تا آنکه ششم آنها باشم * پس فرمود خداوند آری

قَدْ أَذِنْتُ لَكَ * فَهَبَطَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ * وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ

به تحقیق اذن دادم تو را * پس جبرئیل امین فرود آمده * سلام داد به پیغمبر (ص)

اللَّهِ * الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يُقْرُتُكَ السَّلَامَ * وَ يَخُصُّكَ بِالتَّحِيَّةِ وَ الْأِكْرَامِ *

و عرض کرد * خدای علی اعلی سلامت می‌رساند * و مخصوص می‌گرداند تو را به تحیت و اکرام *

وَ يَقُولُ لَكَ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً * وَ لَا أَرْضًا

و می‌فرماید به شما که سوگند به عزت و جلالم به درستی که من خلق نکردم آسمان بنا شده را * و نه زمین

مَدْحِيَّةً * وَ لَا قَمَرًا مُنِيرًا * وَ لَا شَمْسًا مُضِيئَةً * وَ لَا فَلَكَا يَدُورَ *

کشیده شده را * و نه ماه نور بخشنده * و نه خورشید روشنی دهنده * و نه فلک دور زنده *

وَ لَا بَحْرًا يَجْرِي * وَ لَا فَلَكَا يَسْرِي * إِلَّا لِأَجْلِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ * وَ قَدْ

و نه دریای روان * و نه کشتی سیار را * مگر برای خاطر شما و دوستی شما * و به تحقیق

أَذِنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكُمْ * فَهَلْ تَأْذِنُ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ * فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ

اذن داد مرا که داخل شوم با شما در زیر کساء * پس اذن می‌دهی مرا ای رسول خدا * پس فرمود رسول خدا

وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَمِينَ وَ حَى اللَّهُ * إِنَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ * فَدَخَلَ

و بر تو باد سلام ای امین وحی خدا * به درستی که چنین است به تحقیق اذن دادم تو را * پس داخل شد

جِبْرَائِيلُ مَعَنَا تَحْتَ الْكِسَاءِ * فَقَالَ لِأَبِي إِنْ اللَّهَ قَدْ أَوْحَى

جبرئیل با ما در زیر کساء * پس عرض کرد به پدرم به درستی که خداوند وحی فرستاد به شما

إِلَيْكُمْ يَقُولُ: * إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ

می‌فرماید این است جز این نیست اراده فرمود خدا بر طرف فرماید از شما اهل بیت پلیدی را

* وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا * فَقَالَ عَلِيُّ لِأَبِي يَا رَسُولَ اللَّهِ * أَخْبَرَنِي مَا

* و پاک گرداند شما را پاک گردانیدنی * پس عرض کرد امیرالمؤمنین (ع) به پدرم ای رسول خدا * خبر ده

لَجُلُوسِنَا هَذَا تَحْتَ الْكِسَاءِ مِنَ الْفَضْلِ عِنْدَ اللَّهِ؟ * فَقَالَ النَّبِيُّ

مرا که چه فضیلت و شرافت است در بودن ما زیر کساء از فضل نزد خدای تعالی * پس فرمود پیغمبر (ص)

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا * وَاصْطَفَانِي بِالرِّسَالَةِ نَجِيًّا * مَا ذَكَرَ خَبْرَنَا

قسم به آن خدائی که مرا به حق پیامبری برانگیخت * و مرا به رسالت و منجی بشریت برگزید * ذکر نمی‌شود

هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ * وَ فِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا

این خبر ما در مجلسی از مجالس روی زمین * که در آن جمعی از شیعیان و دوستان

و مُحِبِّينَا * الْأَوْ نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ وَ حَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ *

ما باشند * مگر آنکه نازل می‌شود بر آنها رحمت و احاطه نماید ملائکه اطراف آنها را *

وَ اسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ إِلَى أَنْ يَتَفَرَّقُوا * فَقَالَ عَلِيٌّ إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَ فَازَ

و طلب آمرزش کنند برای ایشان تا زمانی که متفرق گردند * پس گفت علی (ع) در این هنگام سوگند به خدا که ما رستگار شدیم

شِيعَتِنَا وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ * فَقَالَ النَّبِيُّ ثَانِيًّا يَا عَلِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ

و رستگار شدند شیعیان ما به پروردگار کعبه * پس فرمود پیغمبر (ص) ای علی قسم به آن خدائی که مرا به حق پیغمبری برانگیخت

نَبِيًّا * وَ اصْطَفَانِي بِالرِّسَالَةِ نَجِيًّا * مَا ذَكَرَ خَبْرَنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ

* و مرا به رسالت و منجی بشریت برگزید * ذکر نمی‌شود این خبر ما در مجلسی از مجالس

مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ * وَ فِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَ مُحِبِّينَا * وَ فِيهِمْ

اهل زمین * و در آن بوده باشند جمعی از شیعیان و محبان ما * و در میان ایشان

مَهُمُومٌ إِلَّا وَ فَرَجَ اللَّهُ هَمَّهُ * وَ لَا مَغْمُومٌ إِلَّا وَ كَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ *

صاحب هم و غمی بوده باشد * مگر آنکه خداوند متعال هم و غم او را بر طرف گرداند *

وَ لَا طَالِبُ حَاجَةٍ إِلَّا وَ قَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ * فَقَالَ عَلِيٌّ إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا

و نه صاحب حاجتی مگر آنکه خداوند حاجت او را برآورده گرداند * پس گفت علی (ع) در این هنگام قسم به خدا رستگار شدیم

وَ سَعَدْنَا * وَ كَذَلِكَ شِيعَتُنَا فَازُوا وَ سَعَدُوا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

و سعادت یافتیم * و همچنین رستگار شدند و سعادت یافتند شیعیان ما در دنیا و آخرت

وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ *

* قسم به پروردگار کعبه.

مقدمه

رسالةُ الباقياتِ الصالحاتِ في الأدعيةِ و الصلواتِ المندوباتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَمَّاكَ السَّمَاءَ * وَ نَدَبَ عِبَادَهُ إِلَى الدُّعَاءِ *

حمد از آن خدائی است که برافراشت آسمان را * و خواند بندگانش را برای دعا و رحمت *

و الصَّلَاةِ وَ السَّلَامِ عَلَى مَنْ قَدَّمَهُ فِي الإِصْطِفَاءِ * مُحَمَّدٍ خَاتَمِ

و درود و سلام بر کسی که او را پیشوای برگزیدگان ساخت * که محمد خاتم پیغمبران

الأنبياء * وَ عَلَى آلهِ الطَّاهِرِينَ مَصَابِيحِ الدُّجَى * سَيِّمًا عَلَى قَائِمِهِمْ

است * و بر خاندان پاکش چراغهای شب تاریک * خصوصا بر قائم آنها که

خَاتَمِ الأَوْصِيَاءِ * و بعد چنین گوید این گنه کار روسیاه و مقصر درگاه اله عباس بن محمد رضا القمّی

خاتم اوصیاء است. *

سامحهما الله که این مجموعه ای است مشتمل بر مختصری از اعمال شبانه روز و ذکر بعضی از نمازهای مأثوره و نبذی از عوذات و احراز و اذکار و ادعیه موجزه و خواص بعضی از سوره آیات و مجملی از آداب اموات، و جمع کردم آن را تا به مفاتیح الجنان منضم گردد و آن کتاب شریف از هر جهتی کامل و نفعش اتم شود، و نامیدم آن

را به الباقياتِ الصالحاتِ في الأدعيةِ و الصلواتِ المندوباتِ. قال الله

و خداوند فرموده:

تعالى: ﴿وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرًا مَلًّا﴾ و مرتب

و باقیات صالحات خوب است نزد پروردگار تو از حیث ثواب و خوب است از جهت آرزو. *

گردانیدم آن را برشش باب و یک خاتمه:

باب اول: در مختصری از اعمال شب و روز.

باب دوم: در ذکر بعضی از نمازهای مستحبّه.

باب سیم: در ادعیه و عوذات آلام و اسقام و علل اعضا و تب و غیره.

باب چهارم: در ادعیه‌ای که منتخب شده از کتاب شریف کافی.

باب پنجم: در ذکر بعضی احراز و ادعیه مोजزه که منتخب شده از مهج الدعوات و مجتبی.

باب ششم: در ذکر خواصّ بعضی سُوْر و آیات و ذکر بعضی ادعیه و مطالب متفرقه.

خاتمه: در جملی از احکام اموات.

رجاء واثق و امید صادق که اخوان مؤمنین و شیعیان حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) این مجرم عاصی را از دعا و طلب مغفرت در حال حیات و بعد از ممات فراموش نفرمایند.

باب اول: در مختصری از اعمال شب و روز و مشتمل است بر چند فصل:

فصل اول: در اعمالی که متعلق است به مابین طلوع فجر تا طلوع آفتاب

بدان که از جمله اوقات شریفه وقت بین الطلوعین است و اخبار بسیاری از اهل بیت (علیهم السلام) در فضیلت این وقت و تحریر بر عبادت و ذکر و تسبیح در آن وارد شده است * و در بعضی اخبار تعبیر شده از این وقت به ساعت غفلت چنانکه از حضرت باقر (علیه السلام) منقول است که ابلیس لعین لشکرهای خودش را متفرق و پهن می‌کند در دو وقت: در حین غروب آفتاب و حین طلوع آن، پس بسیار یاد کنید خدا را در این دو ساعت و پناه بجوئید به خدا از شرّ ابلیس و لشکرش و در پناه خدا در آورید کودکان خود را در این دو ساعت زیرا که آن دو ساعت غفلت است. * و بدان که خواب در این وقت مکروه است. * و نیز از حضرت باقر (علیه السلام) مروی است که خواب در وقت صبح شوم است و روزی را منع می‌کند و رنگ را زرد و متغیّر می‌کند و این خواب هر مشومی است، به درستی که حق تعالی روزیها را در مابین طلوع فجر تا طلوع آفتاب قسمت می‌کند پس بپرهیزید از خواب کردن در این وقت. * و شیخ طوسی در مصباح این دعا را نقل کرده که در وقت طلوع فجر صادق بخوانند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ صَاحِبُنَا فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَ أَفْضَلْ عَلَيْنَا *
 بارالها توئی یار ما پس رحمت فرست بر محمد و آل او * و بده به ما *

اللَّهُمَّ بِنِعْمَتِكَ تَتَمُّ الصَّالِحَاتُ * فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَآتِمِّمْهَا

بارالها از نعمتت تماش و صالحات * و رحمت فرست بر محمد و آل او * تمام کن آنها را

عَلَيْنَا * عَائِدًا بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ * عَائِدًا بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ * عَائِدًا بِاللَّهِ

بر ما * پناه به خدا از آتش * پناه به خدا از آتش * پناه به خدا

مِنَ النَّارِ * پس می‌گوئی: يَا فَالِقَهُ * مِنْ حَيْثُ لَا أَرَى * وَ مُخْرِجَهُ * مِنْ

از آتش * ای شکافنده‌اش از آنجا که نبینم * و درآورنده از آنجا

حَيْثُ أَرَى * صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَ اجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِنَا هَذَا

که بینم * رحمت فرست بر محمد و آل او * و قرار ده اول این روز ما

صَالِحًا * وَ أَوْسَطَهُ * وَ فَلَاحًا * وَ آخِرَهُ * وَ نَجَاحًا * (انتهی) پس ده مرتبه می‌گوئی:

را صلاح * و وسط آن را فلاح * و آخرش را کامیابی *

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ * مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ * أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ

بارالها به درستی من گواهی دهم که هر چه هر صبح یابم از نعمتی * یا سلامتی در دین یا

دُنْيَا فَمِنْكَ * وَ حَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ * لَكَ الْحَمْدُ * وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهَا

دنیا از توست * تنهائی و شریک نداری * برای توست حمد و برای توست شکر بر من

عَلَيَّ حَتَّى تَرْضَا وَ بَعْدَ الرِّضَا * وَ اذْكَارُ وَ اذْكَارُ وَ اذْكَارُ وَ اذْكَارُ وَ اذْكَارُ وَ اذْكَارُ

تا راضی شوی و پس از رضا * و اذکار و اذکار و اذکار و اذکار و اذکار و اذکار

بِهَيْبَتِهِ * وَ اذْكَارُ وَ اذْكَارُ وَ اذْكَارُ وَ اذْكَارُ وَ اذْكَارُ وَ اذْكَارُ

پاکیزه است خدا و حمد از آن خداست * و نیست معبودی جز خدا خدا بزرگ است *

است که تعبیر شده از آن به باقیات الصالحات و نیز خواندن این دعا است: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَ حُدَّهُ *

نیست معبودی جز خدا * یگانه است

لَا شَرِيكَ لَهُ * لَهُ الْمُلْكُ * وَ لَهُ الْحَمْدُ * يُحْيِي وَيُمِيتُ * وَيُمِيتُ

و شریک ندارد * ملک از اوست و حمد هم از اوست * زنده کند و میراند * و میراند

وَ يُحْيِي * وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ * بِيَدِهِ الْخَيْرُ * وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ *

و زنده کند * و او زنده‌ای است که نمیرد * به دست او است خیر * و او بر هر چیز توانا است *

وَ چُونِ نَدَايِ اذْكَارِ صَبْحِ رَاشْنِيدِي مِي‌گوئی: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاقْبَالِ نَهَارِكَ * وَ اذْكَارِ

بارالها به درستی من می‌خواهم از تو به آمدن روز تو * و رفتن

لَيْلِكَ * وَ حُضُورِ صَلَوَاتِكَ * وَ أَصْوَاتِ دُعَائِكَ * وَ تَسْبِيحِ مَلَائِكَتِكَ

شب تو * و در رسیدن رحمتهايت * و صداهاي خواندنت * و تسبيح فرشتگان

* أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ * إِنَّكَ أَنْتَ

* اينكه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد * و اينكه توبه‌پذير شوی بر من * زيرا كه

التَّوَابُ الرَّحِيمِ * و چون خواستی متوجه به نماز شوی و حاجت داری به رفتن به بيت الخلا پس ابتدا

تو تَوَاب و رحیمی. *

کن به آن و آداب بيت الخلا بسيار است و جمله‌ای از آن بطور اختصار آن است كه مقدم داری در وقت داخل

شدن پای چپ را و می‌گوئی: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ

به نام خدا و به خدا * پناه می‌برم به خدا از پليد ناپاک

النَّجِثِ الْمُخْبَثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * و چون كشف کردی، بِسْمِ اللَّهِ می‌گویی و واجب

بدرشت بدپورش شیطان رانده شده. *

است در این حال بلکه در تمام حالات مستور کردن عورت را از ناظر محترم و حرام است در این حال رو به قبله و

پشت به قبله نشستن و مستحب است آنكه بگوئی در حال قضاء حاجت: اللَّهُمَّ أَطْعِمْنِي طَيْبًا فِي

بارالها بخورانم پاك با

عَافِيَةٍ * وَ أَخْرِجْهُ مِنِّي خَبِيثًا فِي عَافِيَةٍ * و وقتی كه نظرت افتاد بر آنچه از تودفع شده

تندرستی * و بیرونش کن او را از من ناپاک در تندرستی *

می‌گوئی: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْحَلَالَ * وَ جَنِّبْنِي الْحَرَامَ * و چون خواستی استنجا کنی اول

بارالها روزی ده به من از حلال * و از حرام بر کنار دار *

استبراء می‌کنی پس دعای رؤیت آب را می‌خوانی: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا

حمد برای آن خدا كه قرار داد آب را پاك

وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا * و در وقت استنجا می‌گوئی: اللَّهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَ أَعْفِهِ وَ

* و نگردانید آن را ناپاک * بارالها مصون دار فرجم را و عفيف کن آن را

وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي * وَ حَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ * و چون از جای خود برخاستی دست راست را

* و بپوش عورتم را * و آتش را بر من حرام کن. *

برشکم می کشی و می گوئی: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي** **أَمَّا طَعْنِي الْأَذَى** * وَ هَنَانِي

حمد خدائی راست که برد از من آزار را * و گوارایم نمود

طَعَامِي وَ شَرَابِي * وَ عَافَانِي مِنَ الْبَلْوَى * پس بیرون می آیی و مقدم می داری پای

خوردنم و نوشیدنم * و حفظ کرد مرا از بلاها. *

راست را برپای چپ و این دعا را می خوانی: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنِي لَذَّتَهُ** * وَ أَبْقَى

حمد خدا را که لذتش به من بخشید * و نیرویش

فِي جَسَدِي قُوَّتَهُ * وَ أَخْرَجَ عَنِّي آذَاهُ * يَا لَهَا نِعْمَةٌ يَا لَهَا نِعْمَةٌ * يَا

در تنم نهاد * و بیرون کرد از من آزارش را * زهی نعمتی زهی نعمتی * زهی

لَهَا نِعْمَةٌ لَا يَقْدِرُ الْقَادِرُونَ قَدْرَهَا * وَ چون خواستی **وَضُو** بگیري ابتداء می کنی به

نعمتی که نتوانند اندازه گیرانش بسنجند. *

مسواک نمودن که دهان را پاکیزه می کند و بلغم را برطرف و حفظ را زیاد می کند و باعث زیادتى حَسَنَات و خوشنودی حق تعالی است و دو رکعت نماز با مسواک افضل است از هفتاد رکعت به غیر از مسواک و اگر مسواک نباشد انگشت مُجَزَى است از آن، و سزاوار است که در وقت وضو گرفتن رو به قبله بنشینى و ظرف آب را در جانب

راست خود می گذاری و چون نگاهت بر آب فتاد این دعا می خوانی: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ**

حمد خدائی را که قرار داد

الْمَاءَ طَهُورًا * وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا * پس می شوئی دست خود را پیش از آنکه داخل ظرف

آب را پاک کننده * و نگردانید آن را ناپاک. *

آب کنی و می گوئی در وقت داخل کردن دست در ظرف آب: **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ** * **اللَّهُمَّ**

به نام خدا و به ذات خدا * بارالها

اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ * وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ * پس سه دفعه مزمزه می کنی

قرار ده مرا از توبه کنندگان * و از پاکیزگان. *

با سه کف آب و می گوئی: **اللَّهُمَّ لَقِنِي حُجَّتِي يَوْمَ الْقَاكَ** * وَ أَطْلِقْ لِسَانِي

بارالها به دهنم گذار دلایم را روز ملاقات تو * و گویا کن زبانم

بِذِكْرِكَ * پس سه دفعه استنشاق می کنی و می گوئی: **اللَّهُمَّ لَا تُحَرِّم عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ**

را به ذکرت. * بارالها حرام مکن بر من بوی بهشت را

وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشْمُ رِيحَهَا وَ رَوْحَهَا وَ طَيِّبَهَا * پس شروع کن به شستن

* و قرار ده مرا از کسانی که بویند بویش را و نسیمش را و عطرش را. *

صورت و می گوئی: **اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوُدُ فِيهِ الْوُجُوهُ** * وَ لَا تَسْوُدْ

بارالها سفید کن رویم را روزی که سیاه شود روها * و سیاه مکن

وَ جْهِي يَوْمَ تَبْيِضُ فِيهِ الْوُجُوهُ * پس بردار یک مشت آب به جهت شستن دست راست و در

رویم را روزی که سفید شود روها. *

وقت شستن می گوئی: **اللَّهُمَّ اعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي** * وَ اخْلُدْ فِي الْجَنَانِ

بارالها بده نامه ام را به دست راستم * و جاودانی در بهشت

بِيسَارِي * وَ حَاسِبْنِي حِسَابًا يَسِيرًا * پس دست چپ را بشوی و در آن وقت می گوئی:

را بگذار در اختیارم * و حسابم را برس به آسانی. *

اللَّهُمَّ لَا تَعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي وَ لَا مِنْ وَّرَاءِ ظَهْرِي * وَ لَا تَجْعَلْهَا

بارالها مده مرا نامه ام را به دست چپم و نه از پشتم * و قرار مده آن را

مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِي * وَ اعُوذُ بِكَ مِنْ مَقْطَعَاتِ النَّيْرَانِ * پس مسح کن جلو

بسته شده به گردنم * و پناه برم به تو از تکه های آتش. *

سر را به رطوبت دست راست خود و می گوئی در این حال: **اللَّهُمَّ غَشِّنِي رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ**

بارالها فراگیر مرا در رحمت و برکات.

* پس مسح کن پاهای خود را و می خوانی در این حال: **اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَنْزِلُ**

بارالها ثابت کن مرا بر صراط روزی که می لغزد

الْأَقْدَامُ * وَ اجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرِضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ *

گامها * و قرار ده کوشش مرا در آنچه پسندی از من ای صاحب جلال و اکرام. *

و چون فارغ شدی از وضو می گوئی: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَمَامَ الْوُضُوءِ وَ تَمَامَ الصَّلَاةِ**

بارالها به راستی من می خواهم از تو درستی وضو و درستی نماز

* وَ تَمَامَ رِضْوَانِكَ وَ الْجَنَّةِ * و می گوئی نیز: **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ***

* و کمال رضوان تو و بهشت را. * حمد برای خدا که پروردگار جهانیان است. *

و می خوانی سوره قدر را سه مرتبه، پس بعد از فراغ از وضو بوی خوش بکاری بری، پس روانه می شوی به جانب

مسجد با حالت سکینه و وقار و می گوئی در وقت بیرون شدن از خانه به جهت **رفتن به مسجد**: **بِسْمِ اللَّهِ**

نام به

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ * وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ * وَإِذَا

خداوندی * که آفرید مرا پس رهنمائی کرد * و آنکه او خوراک داد مرا و آب نوشانیدم * و وقتی که

مَرَضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ * وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ * وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ

بیمار شدم پس او صحت داد مرا * و آنکه بمیراندم پس زنده دارم * و آنکه آرزومندم

يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ * رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ

اینکه بیامرزد گناهانم را روز جزا * پروردگارا بخشش به من دانشی و پیوند کن مرا به نیکان

*** وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ * وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ**

* و قرار ده بر من زبان راستگوئی در پسینان * و بگردان مرا از وارثان بهشت

النَّعِيمِ * وَاغْفِرْ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * و چون خواستی داخل مسجد شوی اول ملاحظه تَه کفش خود می نمائی

نعمت * و بیامرز پدرم را.

که نجاستی با آن نباشد، پس پای راست را مقدم می داری پس می خوانی این دعا را: **بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ وَاللَّهُ**

به نام خدا و به ذات خدا

*** وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ * وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ كُلِّهَا لِلَّهِ * تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ**

* و از خدا و به سوی خدا * و بهتر نامها همه اش خدای راست * توکل کنم بر خدا

*** وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَالِ مُحَمَّدٍ ***

* و نیست قدرت و نه قوت جز از خدا * بارالها رحمت فرست بر محمد و آل محمد *

وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَتَوْبَتِكَ * وَأَغْلِقْ عَنِّي أَبْوَابَ مَعْصِيَتِكَ

و باز کن بر من درهای رحمت خودت و توبهات * و ببند از من درهای گناهت

*** وَاجْعَلْنِي مِنْ زُورِكَ وَعُمَّارِ مَسَاجِدِكَ * وَمَنْ يَنَاجِيكَ فِي اللَّيْلِ**

* و قرار ده مرا از زائرین خودت و آباد کنندگان مسجدهای خودت * و از آنان که راز گویند با تو در شب

وَالنَّهَارِ * وَمِنَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ * وَادْحَرْ عَنِّي

و روز * و از آنهایی که در نماز خود ترسانند * و بران از من

الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ * وَجُنُودَ إِبْلِيسَ أَجْمَعِينَ * و چون اراده کردی که **نماز** کنی

شیطان رانده شده را * و لشکر ابلیس را همه اش.

می گوئی: **اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَقْدَمُ اِلَیْكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَ يَدَیْ**

بارالها به راستی من پیش می آورم به سوی تو محمد رحمت خدا بر او و آل او در پیش حاجت

حَاجَتِی * وَ اَتَوَجَّهُ بِهٖ اِلَیْكَ * فَاجْعَلْنِیْ بِهٖ وَجِیْهًا عِنْدَكَ فِی الدُّنْیَا

خودم * و متوجه میشوم به او به سوی تو * پس قرار ده مرا به او زیبا در نزد خودت در دنیا

وَ الْاٰخِرَةِ * وَ مِنْ الْمُقْرَبِیْنَ وَ اجْعَلْ صَلَاتِیْ بِهٖ مَقْبُوْلَةً * وَ ذَنْبِیْ بِهٖ مَغْفُوْرًا

و آخرت * و از نزدیکان و قرار ده نماز مرا به او پذیرفته شده * و گناهانم به او آمرزیده

*** وَ دُعَائِیْ بِهٖ مُسْتَجَابًا * اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُوْرُ الرَّحِیْمُ *** پس اذان و اقامه می گوئی

* و دعایم به او قبول شده * که تو آمرزنده و مهربانی.

به جهت نماز و مابین اذان و اقامه فاصله می کنی به یک سجده یا نشستن و این دعا را می خوانی: **اللَّهُمَّ**

بار الها

اجْعَلْ قَلْبِیْ بَارًا * وَ عِیْشِیْ قَارًا * وَ رِزْقِیْ دَارًا * وَ اجْعَلْ لِیْ عِنْدَ قَبْرِ

قرار ده دل مرا خوش پندار * و زندگی مرا برقرار * و روزیم پر نفع * و قرار ده مرا در نزد قبر

رَسُوْلِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُسْتَقْرًا وَ قَرَارًا * و آنچه خواهی دعا می کنی

رسولت رحمت خدا بر او و آل او جایگاه و قرارگاه.

و حاجت خود را از حق تعالی طلب می کنی زیرا که دعا در بین اذان و اقامه رد نمی شود و بعد از گفتن اقامه

می خوانی: **اللَّهُمَّ اِلَیْكَ تَوَجَّهْتُ * وَ مَرْضَاتِكَ طَلَبْتُ * وَ ثَوَابِكَ اَبْتَغَيْتُ**

بارالها به سویت رو کردم * و خوشنودی تو را می جویم * و ثوابت را می خواهم

*** وَ بِكَ اٰمَنْتُ * وَ عَلَیْكَ تَوَكَّلْتُ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ**

* و به تو ایمان آوردم * و بر تو توکل کردم * بارالها رحمت فرست بر محمد و

مُحَمَّدٍ * وَ افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِیْ لِذِكْرِكَ * وَ ثَبِّتْنِیْ عَلٰی دِیْنِكَ وَ دِیْنِ

آل محمد * و باز کن گوشهای دل مرا به ذکر خودت * و ثابت کن مرا بر دین خودت و دین

نَبِیِّكَ * وَ لَا تَرِغْ قَلْبِیْ بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِیْ * وَ هَبْ لِیْ مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً *

پیغمبرت * و ملغزان دلم را پس از آنکه رهنمائی کردی مرا * و ببخش بر من از نزد خودت رحمتی *

اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ * پس مهیا می شوی به جهت نماز و حاضر می کنی قلب خود را و ملاحظه

به راستی تو بسیار بخشنده ای.

می‌کنی ذلت مقام خود را و عظمت و جلالت مولای خود را که در مقام مناجات با او درآمده‌ای و چنان باش که گویا او را می‌بینی و حیا کن از آنکه با او تکلم کنی و دلت به جانب دیگر متوجه باشد، پس می‌ایستی با وقار و خشوع در حالتی که دستهایت را بر رانهای خود مقابل سرزانو گذاشته باشی و مابین قدمهایت به قدر سه انگشت تا یک شبر باز کرده فرجه می‌گذاری و نظرت را به موضع سجده می‌افکنی، پس نیت فریضه صبح بکن قربه الی الله و تکبیر الاحرام بگو، و مستحب است که شش تکبیر دیگر بر او اضافه کنی و در هر تکبیری دستها را بلند کنی تا محاذی نرمه گوش در حالی که کف دستها رو به قبله باشد و انگشتها غیر از انگشت بزرگ به هم چسبیده باشد و بخوانی **دعاهای تکبیرات** را به این طریق که بعد از تکبیر سیّم بگوئی: **اللّهُمَّ اَنْتَ**

بارالها توئی

الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي * ملک حق و آشکارا * نیست معبودی جز تو * پاکیزه‌ای تو به راستی من ستم کردم بر خود *

فَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ * و بعد از تکبیر پنجم می‌گوئی: * پس ببخش به من گناهانم * به راستی نمی‌بخشد گناهان را جز تو. *

لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ وَالْمَهْدِيُّ * آماده‌ام و سعادت دارم * و خیر از توست * و بدی نیست از نزد تو * و هدایت شده

مَنْ هَدَيْتَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ ذَلِيلٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مِنْكَ وَبِكَ * کسی است که هدایت کرده‌ای * بنده توست و فرزند بندگان تو * زبون است در پیش تو * از توست و با توست

وَلَكَ وَالإِيكَ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنجَا وَلَا مَفْرَمٌ مَكَ إِلَّا إِلَيْكَ سُبْحَانَكَ * و برای تو و به سوی توست * نیست پناهی و نیست نجاتی * و نه گریزگاهی از تو جز به سوی تو * پاکیزه‌ای تو

وَ حَنَانِيكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ * و * و مهربانی * برتری و علوی * پاکیزه‌ای تو پروردگار بیت الحرامی. *

بعد از تکبیر هفتم می‌گوئی: **وَجْهَتْ وَجْهِي لِلذِّي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ** * رو گردانیدم به طرف کسی که آفریده آسمانها و زمین *

عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ * دانای پنهان و آشکار است * خداپرست و مسلمان، و نیستم من از مشرکان * به راستی

صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ * نمازم و عبادتم و زندگیم و مرگم برای خداست که پروردگار عالمیان است * شریک نیست برای او

﴿ وَبِذَلِكَ أَمَرْتُ ﴾ ﴿ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴾ و چون خواهی شروع کنی به **قِرَاءَت**، کلمه

* و به این دستور داده شدهام * و من از مسلمانانم. *

استعاذه را آهسته می‌گوئی پس بخوان سوره حمد را با آداب تمام و حضور قلب و تفکر در معانی آن و بعد از فراغ بقدریک نفس ساکت می‌شوی، پس بخوان سوره‌ای از قرآن و خوب است که امثال سوره **عَمَّ** و **هَلْ أَتَى** و **لَا أُقْسِمُ** بوده باشد. پس از آن نیز به قدریک نفس ساکت می‌ایستی پس دستها را بلند می‌کنی به جهت گفتن تکبیر به طریقی که سابق ذکر شد پس برو به رکوع و می‌گذاری دست راست را بر سر زانوی راست پیش از گذاشتن دست چپ بر زانوی چپ و انگشتان کف دست را از هم بازمی‌کنی و پُرمی‌کنی آنها را از زانوهای خود و کمر

را خم نموده و گردن را کشیده و مساوی با کمر و نظر را به مابین قدمها می‌افکنی و بگو: **سُبْحَانَ رَبِّيَّ**

پاکیزه است پروردگار من

الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ ﴿ و سزاوار است که این ذکر را هفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه بگوئی و پیش از

بزرگ است و حمد او را گویم *

گفتن ذکر این دعا را بخوانی: **اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ** ﴿ **وَلَكَ أَسَلَمْتُ** ﴿ **وَبِكَ أَمَنْتُ**

بارالها به تو رکوع کردم * و به تو تسلیم شدم * و به تو ایمان آوردم

﴿ **وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ** ﴿ **وَأَنْتَ رَبِّي** ﴿ **خَشَعْتُ لَكَ سَمْعِي وَبَصْرِي**

* و بر تو توکل کردم * و تو پروردگار منی * و خشوع کرده بر تو گوشم و چشم من

وَشَعْرِي وَبَشْرِي ﴿ **وَلِحَمِي وَدَمِي** ﴿ **وَمُخِّي وَعَصْبِي وَعِظَامِي**

و مویم و تنم * و گوشتم و خونم * و مخم و رگم و استخوانم

وَمَا أَقْلَتَهُ قَدَمَائِي غَيْرَ مُسْتَنَكِفٍ ﴿ **وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ** ﴿

و آنچه نوردد قدم‌های من نه رو گردان * و نه متکبر و نه خسته

پس برخیز از رکوع و بایست و در این حال می‌گوئی: **سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ** ﴿ پس تکبیر

می‌شنود خدا هر کس را که حمدش کند. *

می‌گوئی و برو به سجده با نهایت خضوع و خشوع و کفها را پهن کرده پیش از زانوها بر زمین می‌گذاری و سجده

می‌کنی بر تربت امام حسین (علیه السلام) و ذکر سجود را بگو و بهتر آنکه هفت یا پنج یا سه مرتبه بگوئی و پیش از ذکر

این دعا را بخوانی: **اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ** * **وَبِكَ ءَامَنْتُ** * **وَلَكَ أَسَلَمْتُ** *

بارالها به تو سجده کردم * و به تو ایمان آوردم * و به تو دل دادم *

وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ * **وَأَنْتَ رَبِّي سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ** * **وَشَقَّ**

و بر تو توکل کردم * و تو پروردگار منی سجده کرد رویم بر آنکه آفرید آن را * و باز کرد

سَمْعَهُ * **وَبَصَرَهُ** * **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** * **تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ**

گوش و چشم آن را * حمد برای خدائی که پروردگار عالمیان است * مبارک باد خدائی که بهترین

الْمُخَالِقِينَ * پس ذکر را بگو و سراز سجده بردار و بنشین و مستحب است که تکبیر بگویی و متورکاً بنشینی

آفرینندگان است. *

و بگویی: **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ** * و نیز می گویی: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي**

طلب آمرزش کنم از خدا که پروردگار من است و توبه می کنم به او * بارالها بیامرز مرا

وَارْحَمْنِي * **وَأَجْبِرْنِي وَادْفَعْ عَنِّي وَعَافِنِي** * **إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ**

و رحم کن مرا * و جبران کن مرا و دفع کن از من و نگهداری کن مرا * زیرا من به آنچه فرو فرستی به سوی من

خَيْرٍ فَقِيرٌ * **تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ** * پس تکبیر می گویی و برو به سجده دوم و به عمل

از نیکی محتاجم * مبارک باد خداوند که پروردگار عالمیان است. *

می آوری آنچه راکه در سجده اول به جامی آوردی پس سراز سجده بردار و جلسه استراحت را به جامی آوری پس

برخیز و در حال برخاستن می گویی: **بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ** * چون قرارگرفتی بخوان

به نیروی خدا و توانائی دادن او برخیزم و می نشینم *

حمد و سوره و بهتر آنکه سوره توحید بخوانی و مستحب است گفتن سه مرتبه: **كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي** *

همچنین است خدا پروردگارم *

بعد از فراغ از سوره توحید پس تکبیر می گویی و دستها را به جهت قنوت بلند می کنی تا به مقابل صورت و شکم کف

دستها را به سوی آسمان می کنی و انگشتها را بهم می چسبانی سوای انگشت بزرگ و خوب است آنکه اختیار کنی

به جهت قنوت خواندن کلمات فرج را و بخوانی بعد از آن: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا**

بارالها بیامرز ما را و رحم کن بر ما و سلامتی ده ما را

وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۰﴾ پس می‌گوئی:

* و ببخش از ما در دنیا و آخرت * به راستی تو بر همه چیز توانائی. *

اللَّهُمَّ مَنْ كَانَ صَبْحًا وَ لَهٗ وَثِقَةٌ أَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ ﴿۱۱﴾ فَانْتَثِقْتِي وَ رَجَائِي

بارالها هر که صبح کند و برای اوست پناهی یا امیدی جز تو * پس تو پناه و امید منی

يَا أَجُودَ مَنْ سُئِلَ ﴿۱۲﴾ وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرِحِمَ ﴿۱۳﴾ صَلَّىٰ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ

* ای بخشنده‌تر کسی که سوال شود * و ای رحیم‌تر کسی که طلب رحم بشود * رحمت فرست بر محمد و

مُحَمَّدٍ ﴿۱۴﴾ وَ أَرْحَمَ ضَعْفَىٰ وَ مَسْكَنَتِي وَ قِلَّةَ حِيلَتِي ﴿۱۵﴾ وَ أَمِنُّ عَلَىٰ

آل محمد * و رحم کن بر سستی من و بیچارگی من و کمی چاره جوئیم * و احسان کن بر من

بِالْجَنَّةِ طَوَّلًا مِنْكَ ﴿۱۶﴾ وَ فَكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ ﴿۱۷﴾ وَ عَافِنِي فِي نَفْسِي وَ فِي

به بهشت به احسان خودت * و خلاصی ده مرا از آتش * و نگهداری کن مرا در نوبه خودم

جَمِيعِ أُمُورِي ﴿۱۸﴾ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ﴿۱۹﴾ و سزاوار است طول دادن قنوت، و

و در همه کارهایم به رحمت خود * ای رحیم‌تر رحم‌کنندگان. *

دعاهائی که در قنوت خوانده می‌شود بسیار است، پس تکبیر می‌گوئی و رکوع و سجود را به جا بیاور به همان نحو که مذکور شد و بعد از فراغ از دو سجده بنشین از برای تشهد و سلام و مستحب است آنکه مَتَوَرِّكًا بنشینی و

پیش از تشهد بگوئی: بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ ﴿۲۰﴾ وَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ ﴿۲۱﴾ كَلَّمَهَا لِلّٰهِ ﴿۲۲﴾

به نام خدا و به ذات خدا * و نامهای زیبا * همه برای خداست *

وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلّٰهِ ﴿۲۳﴾ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ﴿۲۴﴾ تَأْخِرُ وَ

و سپاس مر خدائی را و بهتر نامها برای خدا است * گواهی دهم به اینکه نیست معبودی جز خدا *

فارغ شدی از نماز شروع می‌کنی به خواندن تعقیب که تأکید و امر بسیار به آن شده و حق تعالی فرموده:

﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿۲۵﴾ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴿۲۶﴾﴾ و روایت شده در تفسیر آیه یعنی

پس اگر فارغ شدی روی به خدا آر * و به پروردگارت توجه کن. *

چون فارغ شوی از نماز، خود را به تعب انداز در دعا و به سوی پروردگار خود رغبت کن و حاجات خود را از او بطلب و امید خود را از غیر او قطع کن. * و از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) منقول است که: هر که از شما فارغ گردد از نماز

پس باید دستها را بلند کند به سوی آسمان و خود را به تعب افکند در دعا، و از روایات استفاده شده که **تعقیب**،

زیاد کننده روزی است و مؤمن در نماز است و ثواب نماز دارد مادام که به ذکر حق تعالی مشغول است و دعا بعد

از نماز واجب بهتر است از نماز سنت، * و علامه مجلسی (رحمته الله علیه) فرموده که: تعقیب ظاهرش آن است که قرآن و دعا

و ذکر که متصل باشد به نماز عرفاً تعقیب می باشد و لکن افضل آن است که با وضو باشد و نشسته باشد رو به قبله و بهتر آن است که بر طریق تشهّد نشسته باشد و سخن نگوید در اثنای تعقیب خصوصاً در تعقیب نماز شام و بعضی گفته اند که جمیع شرایط نماز را در تعقیب رعایت کنند و ظاهر آن است که به هر حالی که بعد از نماز مشغول قرآن و ذکر و دعا باشد ثواب تعقیب فی الجمله داشته باشد اگر چه در راه رفتن باشد. * مؤلف گوید که: از ائمه اطهار (علیهم السلام) دعاهای بسیار برای دین و دنیا در تعقیب نمازها وارد شده و چون اشرف عبادات بدنیه نماز است و تعقیبات ماثوره را در تکمیل نمازها مدخلیتی عظیم است و ایضاً موجب رفع درجات و حطّ سیئات و حصول مطالب و حاجات می گردد بخاطر داعی رسید که جمله ای از آنها را در این رساله ایراد کنم، و نقل کنم اکثر آن را از کتاب بحار و مقباس علامه مجلسی عطرالله مرقدّه الشریف، پس گوئیم تعقیبات بر دو قسم است: تعقیبات مشترکه و تعقیبات مختصّه، **اما مشترکه** و آن تعقیباتی است که بعد از هر نماز خوانده شود و آن بسیار است و ما در اینجا به چند امر از آن اکتفا می نمائیم: **۱** **اول**: تسبیح حضرت فاطمه زهراء صلوات الله علیها است و احادیث در فضیلت این زیاده از حدّ و احصاء است. از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که ما امر می کنیم کودکان خود را به تسبیح فاطمه (علیها السلام) چنانکه امر می کنیم ایشان را به نماز، پس آن را ترک مکن که هر که مداومت نماید بر آن شقی و بدبخت نمی شود. و در روایات معتبره وارد شده که ذکر کثیر که خدا در قرآن مجید به آن امر فرموده تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام) است و هر که بعد از هر نماز بر آن مداومت نماید خدا را بسیار یاد کرده و به آیه کریمه: **﴿وَاذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾** عمل نموده. * و به سند معتبر از امام محمد

یاد کنید خدا را یاد کردن بسیار *

باقر (علیه السلام) مروی است که هر که تسبیح فاطمه (علیها السلام) را بگوید و بعد از آن استغفار کند خدا او را بیامزد، و آن بر زبان صد هست و در میزان عمل هزار، و شیطان را دور می کند، و خدا را خوشنود می گرداند. * و به سندهای صحیح از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که هر که تسبیح فاطمه (علیها السلام) را بعد از نماز بگوید پیش از آنکه پاها را از هیئت نماز بگرداند آمرزیده شود و بهشت او را واجب گردد. * و در حدیث معتبر دیگر فرمود که: تسبیح فاطمه (علیها السلام) را بعد از هر نماز خواندن بهتر است نزد من از آنکه هزار رکعت نماز بگذارد در هر روزی. * و در روایت معتبر از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) مروی است که عبادت الهی کرده نشده است به چیزی از تسبیح و تمجید که بهتر از تسبیح فاطمه (علیها السلام) باشد و اگر چیزی از آن بهتر می بود حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) آن را به حضرت فاطمه (علیها السلام) عطا می فرمود. * و احادیث در فضل آن زیاده از آن است که در این رساله ایراد توان کرد و در کیفیت آن اختلافی در احادیث هست و اشهر و اظهر آن است که سی و چهار مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** و سی و سه مرتبه

الْحَمْدُ لِلَّهِ و سی و سه مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ** بگوید. و در بعضی روایات **سُبْحَانَ اللَّهِ** پیش از **الْحَمْدُ لِلَّهِ** وارد شده و بعضی از علماء جمع به این نحو کرده‌اند که بعد از نماز به طریق اول بخواند و در هنگام خواب رفتن بطریق ثانی، و ظاهراً مطلقاً به طریق اول که مشهور است اولی باشد. * و سنت است که بعد از اتمام کردن یک نوبت **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** بگوید، چنانکه از حضرت صادق (علیه السلام) مروی است که هر که بعد از هر نماز فریضه تسبیح فاطمه (علیها السلام) را بگوید و در عقب آن یک مرتبه **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** بگوید خدا او را بیامرزد. * و بهتر آن است که به **تسبیح تربت** حضرت امام حسین (علیه السلام) حساب آن را نگاه دارد، و در جمیع اذکار سنت است، و پیوسته تسبیح تربت آن حضرت را با خود داشتن مستحب است و حرز از بلاها است و مورث ثواب بی انتها است. * و منقول است که در ابتدا حضرت فاطمه (علیها السلام) رشته‌ای از پشم تابیده بودند و بر آن گره‌ها زده بودند و به آن تسبیح می‌گفتند تا آنکه حضرت حمزه بن عبدالمطلب رضی الله عنه شهید شد پس حضرت فاطمه (علیها السلام) از تربت قبر آن شهید بزرگوار خاک برگرفت و تسبیح ساخت و به آن تسبیح می‌کرد، مردم نیز چنان کردند. * و چون سیدالشهداء حسین بن علی (علیه السلام) شهید شد سنت شد که از تربت آن امام مظلوم تسبیح سازند و با آن ذکر گویند. * از حضرت صاحب الامر (علیه السلام) مروی است که هر که تسبیح تربت امام حسین (علیه السلام) در دست داشته باشد و ذکر را فراموش کند ثواب ذکر برای او نوشته می‌شود. * و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که تسبیح تربت آن حضرت ذکر می‌کند و تسبیح می‌گوید بی آنکه آدمی بگوید. * و فرمود که: یک ذکر یا استغفار که با آن گفته می‌شود برابر است با هفتاد ذکر که با چیز دیگر گفته شود، و اگر بی ذکر بگرداند به هر دانه هفت تسبیح برای او نوشته می‌شود، * و به روایت دیگر اگر با ذکر بگرداند به هر دانه چهل حسنه برای او نوشته می‌شود. * و مروی است که حوریان بهشت چون ملکی را می‌بینند که به زمین می‌آید از او التماس می‌کنند که تسبیح و تربت حضرت حسین (علیه السلام) را برای ما بیاور، * و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی (علیه السلام) منقول است که مؤمن می‌باید خالی نباشد از پنج چیز: مسواک و شانه و سجاده که بر روی آن نماز کند و تسبیحی که در آن سی و چهار دانه باشد و انگشتر عقیقی، و ظاهر آن است که خام و پخته هر دو خوب است و خام بهتر است. * و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که هر که به تسبیح تربت قبر امام حسین (علیه السلام) یک تسبیح بگوید حق تعالی برای او چهار صد حسنه بنویسد و چهار صد گناه از او محو کند و چهار صد حاجت او را بر آورد و چهار صد درجه برای او بلند کند، * و مروی است که مستحب است که رشته‌اش کبود باشد به رنگ آسمان، * و از بعضی روایات مستفاد می‌شود که زنان را به انگشتان شمردن افضل است و لکن احادیث فضیلت تربت مطلقاً اکثر و اقوی است. * **دویم:** مستحب است که بعد از سلام نماز فریضه سه مرتبه دست بردارد تا محاذی روی

و برگرداند تا به زانو یا نزدیک زانو و با هر مرتبه یک **اللَّهُ أَكْبَرُ** بگوید، * چنانکه علی بن ابراهیم و سید بن طاوس و ابن بابویه به سندهای معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده اند که: مفضل بن عمر از آن حضرت پرسید که به چه علت نماز گذارنده بعد از سلام سه مرتبه **تکبیر** می گوید و دست برمی دارد؟ فرمود: برای آنکه چون حضرت رسالت پناه (صلی الله علیه و آله) فتح مکه نمود نزد حجرالاسود نماز ظهر با اصحاب گذارد و چون سلام نماز داد سه نوبت تکبیر گفت و با هر نوبت دست برداشت پس گفت:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعَدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ

نیست معبودی جز خدای * یگانه تنها و یک، * وفا کرده به وعده اش * و کمک نمود بنده اش

وَاعَزَّ جُنْدَهُ وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ

* و عزیز کرده لشکرش را * و غلبه کرده بر گروه ها به تنهایی * پس بر اوست ملک و برای او حمد

يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس روبه جانب اصحاب گردانید و فرمود:

* زنده کند و بمیراند * و او بر هر چیز توانا است. *

ترک مکنید این تکبیر را و این دعا را بعد از هر نماز فریضه زیرا که هر که بعد از سلام چنین کند ادا کرده است شکر نعمت خدا را بر تقویت اسلام و لشکر اسلام، * و در حدیث صحیح منقول است که چون حضرت صادق (علیه السلام) از نماز فارغ می شدند دستها را بالای سر مبارک خود بلند می کردند و دعاء می نمودند. * و از امام محمد باقر (علیه السلام) مروی است که هر بنده ای که دستها را به سوی خدا بلند کند حق تعالی شرم می کند که دستهای او را خالی برگرداند، پس چون دعا کنید دستها را فرو میاورید مگر آنکه بر سر و روی خود بکشید. **۳** سیّم: کلینی به سند معتبر از حضرت باقر (علیه السلام) روایت کرده است که هر کس بعد از نماز فریضه پیش از آنکه پاهای خود را بگرداند سه مرتبه این دعا را بخواند خدا گناهان او را ببامزد اگرچه مانند کف دریا باشد در بسیاری:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

طلب آمرزش می کنم از خدائی که نیست معبودی جز او که زنده و پاینده * و صاحب جلال و کرامت *

وَآتُوبُ إِلَيْهِ و در روایت دیگر وارد شده است که هر که این استغفار را در هر روز بخواند حق تعالی چهل

و توبه نمایم به سوی او. *

کبیره او را ببامزد. **۴** چهارم: کلینی به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که ترک مکن بعد

از هر نماز این دعا را: **أُعِيذُ نَفْسِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ الَّذِي**

پناه می‌دهم خودم را و آنچه روزی کرده مرا پروردگارم به خدای یگانه بی‌نیازی * که

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَكُفْوًا أَحَدٌ * وَأُعِيذُ نَفْسِي وَمَا رَزَقَنِي

نزاده و زاده نشده * و نبوده برای او همتائی یک نفر * و پناه می‌دهم به خودم و به آنچه روزی کرده مرا

رَبِّي بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ * وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ * وَمِنْ

پروردگار من به خدای شکافنده سپیده * از شر آنچه آفریده * و از شر تاریکی زمانی که خزیده * و از شر

شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ * وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ * وَأُعِيذُ نَفْسِي

دمندگان در گره جادو * و از شر حسود زمانی که حسد ورزد * و پناه می‌دهم خود

وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ * مِنْ شَرِّ

و آنچه روزی کرده به من پروردگارم به پروردگار * و پادشاه مردم * معبود مردم * از شر

الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ

و سوسه‌کنندگان کمین‌گیری * که وسوسه کند در سینه‌های مردم * از جن شود

وَالنَّاسِ ❖ **۵** پنجم: شیخ کلینی به سند معتبر از علی بن مهزیار روایت کرده است که محمد بن ابراهیم

یا از مردم. *

به حضرت امام علی نقی (علیه السلام) نوشت که اگر مصلحت دانی ای سید من تعلیم نما برای من دعائی که بعد از

همه نمازها بخوانم تا حق تعالی به سبب آن جمع نماید برای من خیر دنیا و آخرت را پس آن حضرت نوشت

که می‌گوئی: **أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ * وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ * وَقُدْرَتِكَ**

پناه می‌برم به روی کریمت * و عزت تو که قصد کرده نشود * و توانائیت

الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ * مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ * وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ

که امتناع نپذیرد از آن چیزی از بدی دنیا و آخرت * و از بدی دردها

كُلِّهَا * و در بعضی از روایات این تتمه را دارد: **وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**

همه‌اش. * و نیست قدرت و نه قوت جز از خدای والا و بزرگ. *

❖ **۶** ششم: کلینی وابن بابویه به سندهای صحیح و غیر صحیح از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق (علیه السلام)

روایت کرده‌اند که کمتر چیزی که تو را مجزی است از دعاء بعد از نماز واجب آن است که بگوئی: **اللَّهُمَّ اِنِّی**

بارالها به راستی

اَسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ * وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ اَحَاطَ

من می‌خواهم از تو از هر خیر که فرا گرفته آن را دانش تو * و پناه برم به تو از هر شر که فرا گرفته آن را

بِهِ عِلْمُكَ * اللَّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي اُمُورِي كُلِّهَا * وَ اَعُوذُ بِكَ

دانش تو * بارالها به راستی از تو خواهم سلامتی تو را در کارهایم هم‌هاش * و پناه می‌برم

مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْاٰخِرَةِ * وَ در روایت ابن بابویه چنین است: اللَّهُمَّ صَلِّ

به تو از لغزش دنیا و عذاب آخرت. *

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * اللَّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ * تا آخر دعا. ۷ هفتم: سنّت است

فرست بر محمد و آل محمد * بارالها به راستی می‌خواهم از تو. *

که چون از نماز فارغ شود بگوید: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ اجْرِنِي**

بارالها رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و امان ده

مِنَ النَّارِ * وَ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ * وَ زَوِّجْنِي الْحُورَ الْعَيْنِ * چنانکه در حدیث معتبر

مرا از آتش * و وارد کن مرا به بهشت * و تزویج کن مرا حور العین را. *

از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) منقول است که باید بنده از نماز فارغ نشود تا آنکه از حق تعالی سؤال کند بهشت

را و پناه برد به خدا از دوزخ و سؤال کند که تزویج کند او را با حورالعین. ۸ هشتم: به سند موثق از حضرت

صادق (علیه السلام) مروی است که چون حق تعالی امر کرد که این آیات را به زمین آورند چنگ زدند به عرش الهی و

گفتند: پروردگارا ما را به سوی اهل خطا و گناهکاران می‌فرستی؟ پس حق تعالی وحی کرد به سوی ایشان که

بروید به سوی زمین به عزت و جلال خودم سوگند یاد کنم که تلاوت نکند شما را احدی از آل محمد (صلی الله علیه و آله)

شیعیان ایشان مگر آنکه نظر رحمت کنم به سوی ایشان از رحمت‌های پنهان خود هر روز هفتاد نظر، در هر نظری

هفتاد حاجت او را برآورم و او را قبول کنم هر چند معصیت بسیار کرده باشد. * و به روایت دیگر: هر که این آیات

را بعد از هر نماز بخواند او را ساکن گردانم در حظیره قدس با هر گناهی که داشته باشد، و اگر نکنم، نظر کنم

به سوی او به نظر رحمت خاص خود در هر روز هفتاد نظر کردن و اگر نکنم، هر روز هفتاد حاجت او را برآورم که

کمتر آنها آمرزیدن گناهان باشد، و اگر نکنم، او را پناه دهم از شر شیطان و از شر دشمنی و یاری دهم او را بر

ایشان و مانع نشود او را از داخل شدن بهشت غیر از مرگ، و آن آیات اینها است: * سوره فاتحه تا آخر، * و

آیه الكرسي تا **هَمْ فِيهَا خَالِدُونَ** بخواند بهتر است * و آیه شهادت یعنی:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا

گواهی دهد خدا به راستی که نیست معبودی جز او * و فرشتگان و اربابان دانش * پاینده

بِالْقِسْطِ ۖ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۖ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ

به عدل * نیست معبودی جز او که عزیز و حکیم است * به درستی که دین در نزد خدا اسلام است

﴿وَمَا خْتَلَفَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا

* و ننموده‌اند اختلاف آنان که داده شده به آنها کتاب جز از پس آنچه آمدشان دانش به ستمگری

بَيْنَهُمْ ۖ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ و آیه ملک

میان خودشان * و هر که کفر ورزد به آیات خدا پس به راستی خدا زود حساب است. *

﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمَلِكِ ۖ تُؤْتِي الْمَلِكَ مَنْ تَشَاءُ ۖ وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ

بگو خداوند پادشاه ملک است * دهی ملک را به هر که خواهی * و بازگیری ملک را

مَنْ تَشَاءُ ۖ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ ۖ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ ۖ بِيَدِكَ الْخَيْرُ ۖ إِنَّكَ

از هر که خواهی * و عزیز کنی هر که را خواهی * و خوار گردانی هر که را بخواهی * در دست توست خیر * زیرا که

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۖ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ ۖ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ۖ

تو بر هر چیز توانائی * درآوری شب را از روز * و برآوری روز را از شب *

وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ ۖ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ۖ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ

و بیرون آوری زنده را از مرده * و بیرون آوری مرده را از زنده * و روزی دهی هر که را خواهی

بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ و به سند معتبر از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) منقول است که هر که آیه الکرسی را

بدون حساب. *

بعد از هر نماز فریضه بخواند او را گزنده ضرر نرساند. * و در حدیث معتبر دیگر فرمود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود

که: یا علی بر تو باد به تلاوت کردن آیه الکرسی بعد از هر نماز فریضه، به درستی که محافظت نکند بر آن مگر

پیغمبری یا صدیقی یا شهیدی، * و از حضرت رسالت پناه (علیه السلام) منقول است که هر که آیه الکرسی را بعد از هر

نماز بخواند مانعی نباشد او را از داخل شدن به بهشت به غیر مرگ، * و به روایت دیگر: هر که آیه الکرسی را بعد از

هر نماز فریضه بخواند نمازش مقبول گردد و در امان خدا باشد و خدا او را از بلاها و گناهان نگاه دارد. ﴿۹﴾ **نهم:**

کلینی و ابن بابویه و دیگران به سندهای معتبر از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده‌اند که **شبیبه هذلی**

به خدمت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) من پیر شده‌ام و قوه‌ام وفا نمی‌کند به اعمالی

که قبل از این خود را به آن عادت داده بودم از نماز و روزه و حج و جهاد پس تعلیم کن مرا کلامی که خدا مرا به آن

نفع بخشد و بر من سبک و آسان باشد، حضرت فرمود که: بار دیگر بگو، اوسه مرتبه این سخن را اعاده کرد، پس حضرت فرمود که نماند بر دُور تو درختی و کلوخی مگر اینکه گریست بر تو برای ترحّم بر تو، هرگاه از نماز صبح

فارغ شوی ده مرتبه بگو: **سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ * وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا**

پاکیزه است خدای بزرگ و حمد او را * و نیست قدرت و توانا جز از

بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * تا خدا تورا عافیت دهد به برکت این دعا از کوری و دیوانگی و خوره و پیسی
خدای والا و بزرگ.

و پریشانی و خرف شدن، شبیه گفت: یا رسول الله (ﷺ) این برای دنیای من است، برای آخرت من چیزی

بفرما، فرمود که: می گوئی بعد از هر نماز: **اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ * وَافِضْ عَلَيَّ مِنْ**

بارالها رهنمائی کن مرا از نزد خودت * و برسان بر من

فَضْلِكَ * وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ * وَانْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ * پس

از احسان خودت * و بپاش بر من از رحمتت * و فرود آور بر من از برکت های خودت.

حضرت فرمود که: اگر بر این مواظبت نماید و عمداً ترک نکند تا وقت مردن چون به صحرای محشر درآید هشت در بهشت برای او گشوده گردد که از هر در که خواهد داخل شود. و دعای آخر به اسناد معتبره دیگر وارد شده.

۱۰ دهم: خواندن **تسبیحات اربع** است، چنانچه شیخ طوسی و ابن بابویه و حمیری به سندهای صحیح از

حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده اند که روزی حضرت رسالت پناه (ﷺ) به اصحاب خود فرمود: اگر جمع کنید آنچه دارید از جامها و ظرفها و بر روی هم گذارید آیا به آسمان می رسد؟ گفتند: نه یا رسول الله (ﷺ) فرمود که: می خواهید تعلیم کنم شما را چیزی که اصلش در زمین است و شاخه هایش در آسمان؟ گفتند: بلی یا رسول الله.

فرمود که: بعد از هر نمازی نوبت بگوئید: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ * وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**

پاکیزه است خدا و حمد مر خدائی را * و نیست معبودی جز خدا

وَاللَّهُ أَكْبَرُ * که اصل اینها در زمین است و فرعیانشان در آسمان و دفع می کند از آدمی خانه فرود آمدن

و خدا بزرگتر است.

و غرق شدن و سوختن و در چاه افتادن و دریدن درندگان و به مرگهای بد مردن و هر بلائی که در آن روز از آسمان

نزول کند، و اینها بقیات صالحات که حق تعالی در قرآن فرموده، * و به سندهای صحیح دیگر از حضرت

صادق (علیه السلام) منقول است که هر که این تسبیحات را بعد از هر نماز فریضه چهل نوبت بخواند پیش از آنکه از

جای نماز حرکت کند هر حاجت که از خدا سؤال کند روا گردد. * و به سند صحیح از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام)

منقول است که هر که بعد از نماز فریضه سی مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ** بگوید بر بدنش گناهی نماند مگر بریزد. * و در حدیث صحیح دیگر از آن حضرت منقول است که ذکر بسیار که حق تعالی در کلام مجید مدح کرده است این است که سی مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ** بعد از هر نماز فریضه بگوید. * و قطب راوندی روایت کرده است که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به براء بن عازب گفت که: می خواهی دلالت کنم تو را بر امری که چون به جا آوری به حق و راستی دوست خدا باشی؟ گفت: بلی. فرمود که: بعد از هر نماز هریک از تسبیحات اربع را ده مرتبه بگو، چون چنین کنی هزار بلیّه در دنیا از تو دور گردد که یکی از آنها مرتد شدن باشد، و هزار مرتبه در آخرت برای تو ذخیره کنند که یکی آن باشد که در جوار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) باشی. **۱۱** یازدهم: کلینی به سند حسن از حضرت

صادق (علیه السلام) روایت کرده است که هر که بعد از نماز فریضه سه مرتبه بگوید: **يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ** * ای آنکه کند آنچه را که خواهد *

وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ أَحَدٌ غَيْرَهُ * هر حاجت سؤال کند روا شود. **۱۲** دوازدهم: شیخ برقی و نکند آنچه را که خواهد یک نفر جز او. *

به سند موثق از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که هر که بعد از فارغ شدن از نماز پیش از آنکه زانوهای خود را از جای خود حرکت دهد ده مرتبه این **تهلیل** را بخواند حق تعالی چهل هزار گناه او را محو کند و چهل هزار حسنه برای او بنویسد و چنان باشد که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد. و فرمود که من صد

مرتبه می خوانم و شما را ده مرتبه کافی است: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ** * گوهم بر اینکه نیست معبودی جز خدای یگانه، نیست

لَهُ * و **إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا صَمَدًا** * لم يتخذ صاحبة ولا ولدا * و فضیلت شریک به او * معبود یگانه است و تنها است و بی نیاز * نگیرد یاوری و نه فرزندی. *

این تهلیل بسیار وارد شده است خصوصاً در تعقیب نماز صبح و شام و هنگام طلوع و غروب آفتاب. **۱۳** سیزدهم: کلینی و ابن بابویه و دیگران بهنده های صحیح از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده اند که جبرئیل به نزد حضرت

یوسف (علیه السلام) آمد در زندان و گفت بعد از هر نماز بگو: **اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا** * بارالها قرار ده به من گشایشی و وسعتی *

وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ * چهاردهم: **۱۴** در روزی ده به من از جائی که گمان دارم و از جائی که گمان ندارم. *

بلد الامین از حضرت رسول (ﷺ) روایت کرده است که هر که خواهد که خدا او را در قیامت بر اعمال بد او مطلع

نگرداند و دیوان گناهان او را ننگشاید باید که بعد از هر نماز بخواند: **اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَرْجَى**

بارالها به راستی آمرزش تو امید بخش تر است

مِنْ عَمَلِي * وَإِنَّ رَحْمَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ ذَنْبِي * اللَّهُمَّ إِنَّ كَانِ ذَنْبِي عِنْدَكَ

از عمل من * و رحمت تو وسیع تر است از گناهم * بارالها اگر هست گناهم نزد تو

عَظِيمًا * فَعَفْوُكَ أَعْظَمُ مِنْ ذَنْبِي * اللَّهُمَّ إِنَّ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا أَنْ تَرْحَمَنِي

بزرگ * پس آمرزشت بزرگتر است از گناهم * بارالها اگر نمی باشم لایق اینکه رحم کنی به من

*** فَرَحْمَتُكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَتَسْعَنِي * لِأَنَّهَا وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ**

* پس رحمتت لایق است بر اینکه برسد به من و احاطه کند مرا * زیرا آن احاطه کرده هر چیز را

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱۵ پانزدهم: کفعمی از حضرت رسالت پناه (ﷺ) روایت

به رحمت تو ای رحیم تر رحم کنندگان. *

کرده است که مردی به آن حضرت شکایت کرد بیماری و تنگدستی را، فرمود که: بعد از هر نماز فریضه بگو:

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ

توکل کرده ام بر زنده ای که نمیرد * و حمد مر خدائی را که اخذ

صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

نکرده یاری و نه فرزندی * و نیست برای او شریک در ملک * و نیست برای او نگهداری

وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكِبْرَهُ تَكْبِيرًا * ۱۶ و به روایت دیگر فرمود که: هیچ شدنی مرا و نداد مگر آنکه

از خواری و بزرگ شمار او را بی نهایت. *

جبرئیل برای من مُتمثل شد و گفت که: این دعا بخوان. * و در احادیث معتبره وارد شده است که برای وسوس سینه

و قرض و پریشانی و بیماری مکرر این دعا را باید خواند و در بعضی روایات در اولش **لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ**

نیست قدرت و نه

إِلَّا بِاللَّهِ است. ۱۶ شانزدهم: شیخ مفید در مقنعه در تعقیب هر نماز این دعا را آورده است: **اللَّهُمَّ**

توانایی جز از خدا. * بارالها

انْفَعْنَا بِالْعِلْمِ * وَ زَيْنًا بِالْحِلْمِ * وَ جَمِلْنَا بِالْعَافِيَةِ * وَ كَرَمْنَا

سود ده ما را به دانش * و زینت بخش ما را به حلم * و زیبا گردان ما را به تندرستی * و گرمی دار

بِالتَّقْوَى * اِنَّ وِلِيَّ اللّٰهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ * وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصّٰحِحِينَ

ما را با تقوی * به درستی که صاحب من خدائی است که فرستاده کتاب را * و او دوست دارد نیکوکاران را.

۱۷ هفدهم: ابن بابویه و شیخ طوسی و غیر ایشان به سندهای معتبر از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت کرده‌اند که هر که خواهد بیرون رود از دنیا و حال آنکه پاک شده باشد از گناهان چنانچه پاک می شود طلا از غش و از او احدی بازخواست مظلّمه نماید در قیامت، پس بخواند بعد از نمازهای پنجگانه نسبت پروردگارا یعنی سوره قل **هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ** را دوازده مرتبه، پس دستها را به سوی آسمان بگشاید و این دعا را بخواند، پس حضرت فرمود که: این از **رازهای مکنون** است که تعلیم کرد مرا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امر کرد مرا که تعلیم به

حسن و حسین (علیه السلام) نمایم و دعا این است: **اللّٰهُمَّ اِنِيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ**

بارالها به راستی من سؤال می‌کنم تو را به نام تو که پنهان

الْمَخْزُونِ * اَلطّٰهَرِ الطّٰهَرِ الْمُبَارَكِ * وَ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيْمِ *

و مخزون * و پاک و پاکیزه و مبارک است * و سؤال کنم تو را به نامت که بزرگ است *

وَ سُلْطٰنِكَ الْقَدِيْمِ * يَا وَاهِبِ الْعَطَايَا * يَا مُطْلِقَ الْاَسَارِي * يَا

و سلطنت تو که قدیم است * ای دهنده عطاها * ای رها ساز اسیران * ای

فَكَاكَ الرَّقَابِ مِنَ النَّارِ * صَلَّى عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ فُكَّ رَقَبَتِيْ

جدا کننده گردنها از آتش * رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و رها کن تنم

مِنَ النَّارِ * وَ اَخْرِجْنِيْ مِنَ الدُّنْيَا اٰمِنًا * وَ ادْخُلْنِيْ الْجَنَّةَ سَالِمًا *

را از آتش * و بیرونم کن از دنیا در امان * و واردم کن به بهشت سالم *

وَ اجْعَلْ دُعَايَ اَوَّلِهِ وَ فَلَاحًا * وَ اَوْسَطَهُ وَ نَجَاحًا * وَ اٰخِرَهُ وَ صَلَاحًا

و قرار ده آغاز دعایم رستگاری * و میانه اش کامیابی * و آخر آن صلاح

اِنَّكَ اَنْتَ عَلٰمُ الْغُيُوْبِ * در بعضی نسخ معتبره دعا چنین است: يَا فَكَاكَ الرَّقَابِ

* به درستی که تو دانای غیبهای. * ای رهانده مردم

مِنَ النَّارِ * اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ اَنْ تُعْتِقَ

از آتش * سؤال می‌کنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد * و اینکه

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ * وَ أَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا * وَ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ

آزاد کنی مرا از آتش * و اینکه بیرونم کنی از دنیا سلامت * واردم کنی به بهشت

ءَامِنًا * وَ أَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي أَوَّلَهُ * وَ فَلَاحًا * وَ أَوْسَطَهُ * وَ نَجَاحًا * وَ ءَاخِرَهُ * وَ

ایمن * و اینکه قرار دهی دعای مرا اول آن را رستگاری * و میانه آن را کامیابی * و آخر آن را

صَلَاحًا * إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ * و کلینی به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت

صلاح * به درستیکه تو داننده غیب‌هایی *

کرده است که هر که ایمان دارد به خدا و روز قیامت باید که ترک نکند بعد از هر نماز فریضه خواندن سوره قل

هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را، به درستی که هر که بخواند آن را خدا جمع کند برای او خیر دنیا و آخرت را و می‌آمزد او را

و پدر و مادر او را و هر که از پدر و مادر او به هم رسیده‌اند. * و در حدیث دیگر وارد شده است که هر که بعد از هر

فریضه ده مرتبه سوره قل هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند حق تعالی از حورالعین به او تزویج نماید. * و سید بن طاوس

از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) روایت کرده است که هر که بعد از هر نماز سوره قل هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند رحمت از

آسمان بر سرش فروریزد و سکینه بر او نازل گردد و خدا نظر رحمت به سوی او افکند و گناهانش را ببامزد و هر

حاجت که سؤال کند بر آورد و در امان خدا باشد. ﴿۱۸﴾ هجدهم: کلینی و دیگران به سند معتبر از اهل بیت (علیهم السلام)

روایت کرده‌اند که هر که بعد از هر نماز ریش خود را به دست راست خود بگیرد و دست چپ را به سوی آسمان

بگشاید و سه مرتبه بگوید: يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ * اِرْحَمْنِي مِنَ النَّارِ * پس سه مرتبه

ای صاحب جلال و اکرام * رحم کن بر من از آتش *

بگوید: اَجْرُنِي مِنَ الْعَذَابِ الْاَلِيمِ * پس دست راست را از ریش بردارد و هر دو دست را به سوی

پناه ده مرا از عذاب دردناک. *

آسمان بگشاید و سه مرتبه بگوید: يَا عَزِيزُ يَا كَرِيمُ * يَا رَحْمَنُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ *

ای عزیز ای کریم * ای بخشاینده ای آمرزنده ای مهربان. *

پس دستها را بگرداند و پشت دستها را به جانب آسمان کند و سه مرتبه بگوید: اَجْرُنِي مِنَ الْعَذَابِ

پناه ده مرا از

الْاَلِيمِ * پس بگوید: وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ ءَالِهِ * وَ الْمَلَائِكَةَ وَ الرُّوحَ

عذاب دردناک. * و رحمت خدا بر محمد و آل او * و ملائکه و روح.

* پس حضرت فرمود که: هر که این دعا را بخواند خدا جمیع گناهان او را ببامزد و از او راضی شود و استغفار

*

کند برای او جمیع خلائق به غیر از جنّ و انس تا هنگام مردن او. ﴿۱۹﴾ نوزدهم: شیخ مفید در کتاب مجالس از محمد بن الحنفیّه روایت کرده است که روزی پدرم حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در دور کعبه طواف می کرد ناگاه مردی را دید که چنگ در پرده های کعبه زده و این دعا می خواند پس حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) گفت: این است دعای تو؟ گفت: بلی، مگر شنیدی؟ حضرت فرمود: بلی شنیدم، گفت: پس بخوان این دعا را بعد از هر نماز، به خدا سوگند که هر مؤمنی که این دعا بخواند بعد از هر نماز البته حقّ تعالی می آمرزد گناهان او را هر چند به عدد ستاره های آسمان و قطره های باران و ریگ زمین و ذره های خاک باشد. پس حضرت امیر (علیه السلام) گفت که: من می دانم این دعا را و حقّ تعالی واسع العطايا و کریم است. آن مرد گفت: راست گفتم یا امیرالمؤمنین و بالای هر دانائی داناتری است و آن مرد حضرت خضر (علیه السلام) بود. و کفعمی نیز این دعا را در کتاب بلد الامین

روایت کرده است و دعا این است: **يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ * يَا مَنْ لَا**

ای آنکه باز ندارد او را شنیدنی از شنیدنی * ای آنکه

يُغْلِظُهُ السَّائِلُونَ * وَيَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ وَالْحَاحُ الْمَلْحِينَ * اَذْقَنِي بَرْدَ

به خطا نیندازد سائلانش * و ای آنکه خسته نکند او را اصرار اصرارکنندگان * بچشام سردی

عَفْوِكَ وَمَغْفِرَتِكَ * وَحَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ ﴿۲۰﴾ بیستم: دیلمی در اعلام الدین از ابن عباس

عفو و آمرزش * و شیرینی رحمت خودت. *

روایت کرده که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود که: هر که سه مرتبه این آیات را بعد از نماز مغرب بخواند آنچه از ثواب در روز گذشته از او فوت شده باشد دریابد و نمازش مقبول گردد، و اگر بعد از هر نماز فریضه و سنّت بخواند نوشته شود برای او حسنات به عدد ستارگان آسمان و قطرات باران و برگ درختان و ذرات خاک زمین و چون بمیرد به

هر حسنه ده حسنه در قبر به او داده شود و این است آیات: ﴿فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ

پس پاکیزه است خدا وقتی که شب کنید

وَحِينَ تَصْبِحُونَ * وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ * وَعَشِيًّا

و وقتی که صبح کنید * و حمد مر او را در آسمانها و زمین * و هنگام شب

وَحِينَ تَطْهَرُونَ * يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ * وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ *

و زمانی که نپوشید * برون آرد زنده را از مرده * و برون آرد مرده را از زنده *

وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا * وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ * ﴿سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ

و زنده می کند زمین را پس از مردنش * و بدینسان برون آورده شوید * پاکیزه است پروردگار تو

الْعِزَّةَ عَمَّا يَصِفُونَ * وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

پروردگار عزت از آنچه می‌ستایند * و سلامی بر فرستادگان * و حمد برای خدا که پروردگار

الْعَالَمِينَ ﴿۲۱﴾ بیست و یکم: سید بن طاوس به سند معتبر از جمیل بن درّاج روایت کرده است که

عالمیان است. *

مردی به خدمت حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) آمد و گفت: ای مولای من سنّم بالا رفته است و خویشان من مُردند و مونسى ندارم و مى‌ترسم که مرا نیز مرگ دریا بد، حضرت فرمود که: برادران مؤمن صالح برای انس گرفتن بهترند از اقارب، و اگر درازی عمر خود و خویشان را دوستان را خواهی این دعا را بعد از هر نماز بخوان:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آءَالِ مُحَمَّدٍ * اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ

بارالها رحمت فرست بر محمد و آل محمد * بارالها به درستی که رسول راستگوی

الْمُصَدِّقَ * صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آءَالِهِ * قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ

و تصدیق شده تو * رحمت‌های تو بر او و آل او * گفته به درستی که تو گفته‌ای تردید نکردم در چیزی که

أَنَا فَاعِلُهُ * كَتَرَدَّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ *

من کننده آنم * مانند تردید در قبض روح بنده مؤمن خودم که بد دارد مرگ را *

وَ أَكْرَهُهُ وَ مَسَائَتَهُ * اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آءَالِ مُحَمَّدٍ * وَ عَجِّلْ

و بد می‌دارم بدی او را * بارالها پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و زود کن

لِوَلِيِّكَ الْفَرَجَ * وَ الْعَافِيَةَ وَ النَّصْرَ * وَ لَا تَسْؤُنِي فِي نَفْسِي وَ لَا فِي أَحَدٍ

برای ولی خودت فرج * و عافیت و یآوری را * و بد مدار مرا در خودم و نه درباره

مَنْ أَحَبَّتِي * وَ أَكْرَهُهُ وَ مَسَائَتَهُ * اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آءَالِ مُحَمَّدٍ * وَ عَجِّلْ

یک نفر از دوستانم. *

راوی گفت: چون بر این دعا مداومت کردم چندان عمر یافته‌ام که از زندگانی ملول شده‌ام، و این دعا بسیار معتبر

است و در جمیع کتب دعا نقل شده است. **ذکر تعقیبات مختصه به نماز صبح:**

بدان که تعقیب نماز صبح زیادت‌تر از سایر نمازها است و احادیث در فضیلت خصوص این تعقیب بسیار است. از

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) منقول است که ذکر خدا بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب کاملتر است در تحصیل

روزی از سفر کردن در زمین، و از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) منقول است که هر که از طلوع صبح تا طلوع آفتاب در

مصلاى خود قرار گیرد و به تعقیب مشغول باشد خدا او را از آتش دوزخ مستور گرداند. * و از حضرت امام محمد

باقر (علیه السلام) منقول است که شیطان لشکر روز را از طلوع صبح تا طلوع آفتاب پهن می‌کند و لشکر شب را از غروب آفتاب تا ذهاب حمره مغربی، پس خدا را در این دو ساعت بسیار یاد کنید که در این دو ساعت شیطان آدمی را از ذکر خدا غافل می‌سازد. * و به سند صحیح منقول است که حضرت امام رضا (علیه السلام) در خراسان چون نماز صبح می‌کردند تا طلوع آفتاب در مصلاهی خود می‌نشستند و مشغول تعقیب بودند پس خریطه برای آن حضرت می‌آوردند که مسواکها در آن بود و به یک یک از آنها مسواک می‌کردند، پس اندک گُندر می‌خواستند، پس قرآن مجید را برمی‌گرفتند و تلاوت می‌کردند. و از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) منقول است که هر که از طلوع صبح تا طلوع آفتاب مشغول تعقیب باشد ثواب حجّ برای او نوشته می‌شود. و در حدیث قدسی وارد شده است که حق تعالی می‌فرماید: ای فرزند آدم یاد کن مرا بعد از صبح یک ساعت و بعد از عصر یک ساعت تا کفایت کنم جمیع مهمّات تو را. * اما تعقیبات مختصه به صبح: ۱ * اول: ابن بابویه به سند معتبر از امام محمد باقر (علیه السلام)

روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه: **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ** بگوید

طلب آمرزش می‌کنم از خدا و به سوی او توبه می‌کنم. *

خدا او را بیامرزد هر چند در آن روز هفتاد هزار گناه بکند، و به روایت دیگر هفتصد گناه. ۲ * دویم: ایضاً ابن بابویه به سند صحیح و سندهای معتبر از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح یازده مرتبه سوره **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** بخواند در آن روز گناهی بر او نوشته نشود به رُغم آنف شیطان. * و در بلد الامین از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) روایت کرده است که هر که سوره **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را هر روز ده مرتبه بخواند در آن روز هر چند شیطان سعی کند گناهی بر او نوشته شود، نشود. ۳ * سیّم: کلینی به سند صحیح روایت کرده است از حضرت صادق (علیه السلام) که هر که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید:

مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ * وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * در آن روز

آنچه خدا خواهد می‌شود * نیست قدرت و نه قوت جز از خدای برتر و بزرگ. *

هیچ مکروهی نبیند. و شیخ طوسی و دیگران نیز در کتب دعا ذکر کرده‌اند. ۴ * چهارم: کفعمی و غیر او از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده‌اند که هر که سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** را بعد از صبح ده مرتبه و نزد زوال شمس ده مرتبه و بعد از عصر ده مرتبه بخواند به تعب اندازد دو هزار کاتب را سی سال. * و نیز از آن حضرت مروی است که هر که هفت مرتبه آن را بعد از طلوع فجر بخواند هفتاد صف از ملائکه هفتاد صلوات بر او بفرستند و هفتاد مرتبه بر او ترحم کنند. * و از امام محمد تقی (علیه السلام) ثواب بسیار منقول است برای کسی که سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** را در شبانه روزی هفتاد و شش مرتبه بخواند، بعد از طلوع صبح پیش از نماز صبح هفت

مرتبه و بعد از نماز صبح ده مرتبه و بعد از زوال شمس پیش از نافله ده مرتبه و بعد از نوافل زوال بیست و یک مرتبه و بعد از نماز عصر ده مرتبه و بعد از نماز عشاء هفت مرتبه و در وقت خواب یازده مرتبه و از جمله ثوابش آن است که حق تعالی هزار ملک خلق کند که در سی و شش هزار سال ثواب آن را برای او بنویسند. ﴿۵﴾ پنجم: ابن بابویه و سایر علماء رضوان الله علیهم به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده اند که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود که هر که هر روز عقب نماز صبح ده مرتبه بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ * وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

پاکیزه است خدای بزرگ و به حمد او * و نیست قدرت و نه قوت جز از خدای والا و بزرگ. * حق تعالی او را عافیت دهد از کوری و دیوانگی و خوره و پریشانی و خانه برسرش فرود آمدن یا خرافات در هنگام پیری. ﴿۶﴾ ششم: در بلد الامین از حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود هر که خواهد که خدا در اجل او تأخیر کند و او را بر دشمنان یاری دهد و از مرگهای بد او را نگاه دارد باید که هر بامداد و پسین بر این دعا مداومت نماید سه مرتبه بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ مِلاَ الْمِيزَانِ * وَ مُنْتَهَى الْعِلْمِ * وَ مَبْلَغِ الرِّضَا * وَ زِنَةَ

پاکیزه است خدا پر سنجش * و نهایت دانش * و رسائی رضا * و سنگینی

الْعَرْشِ * وَ سَعَةِ الْكُرْسِيِّ * وَ سَهِّ مَرْتَبَةٍ بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ مِلاَ الْمِيزَانِ *

عرش * و وسعت کرسی. * حمد از برای خدا با پری ترازو *

وَ مُنْتَهَى الْعِلْمِ * وَ مَبْلَغِ الرِّضَا * وَ زِنَةَ الْعَرْشِ * وَ سَعَةِ الْكُرْسِيِّ *

و نهایت دانش * و رسائی رضا * و سنگینی عرش * و فراخی کرسی. *

و سه مرتبه بگوید: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِلاَ الْمِيزَانِ * وَ مُنْتَهَى الْعِلْمِ * وَ مَبْلَغِ الرِّضَا**

نیست معبودی جز خدا با پری میزان * و نهایت دانش * و رسائی رضا

وَ زِنَةَ الْعَرْشِ * وَ سَعَةِ الْكُرْسِيِّ * وَ سَهِّ مَرْتَبَةٍ بگوید: اللَّهُ أَكْبَرُ مِلاَ الْمِيزَانِ *

و برابری عرش * و وسعت کرسی. * خدا بزرگتر است پری میزان *

وَ مُنْتَهَى الْعِلْمِ * وَ مَبْلَغِ الرِّضَا * وَ زِنَةَ الْعَرْشِ * وَ سَعَةِ الْكُرْسِيِّ *

و نهایت دانش * و رسائی رضا * و سنگینی عرش * و وسعت کرسی. *

﴿۷﴾ هفتم: سید بن طاوس به سند معتبر از حضرت امام رضا (علیه السلام) روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح صد مرتبه

بگوید: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**

به نام خدای بخشاینده و مهربان * نیست قدرت و نه قوت مگر از خدای والا و بزرگ. *

* به اسم اعظم خدا نزدیکتر باشد از سیاهی چشم به سفیدی آن * و به سندهای معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) و حضرت کاظم (علیه السلام) منقول است که بعد از نماز صبح و مغرب پیش از آنکه سخن بگوید و حرکت کند هفت مرتبه این دعا بخواند هفتاد نوع بلا از او دور گردد که سهلتر آنها خوره و پیسی و شرّ شیطان و شرّ پادشاهان باشد، * و در بعضی روایات معتبره سه مرتبه نیز وارد شده و بعضی ده مرتبه و اقلّش سه مرتبه و اکثرش صد مرتبه و هر چه بیشتر بگوید ثوابش بیشتر است. ﴿۸﴾ هشتم: شیخ احمد بن فهد و دیگران روایت کرده اند که مردی به خدمت حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) شکایت کرد که کار من بسته شده است و به هر کاری که متوجّه می شوم سودی نمی یابم و به هر حاجت که رُو می نهم بر آورده نمی شود حضرت فرمود که بعد از نماز صبح ده مرتبه بگو:

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ * اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَاسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ *

پاکیزه است خدای بزرگ و حمد او راست * و طلب آمرزش کنم از خدا و سؤال می کنم از فضل او. *

راوی گفت که: اندک زمانی که بر این مداومت کردم جمعی از بادیه آمدند و خبر دادند مرا که مردی از اقوام تو مُرده و به غیر از تو وارثی ندارد، پس مال بسیار به دست من آمد و تا حال بی نیازم. * و در کافی و مکارم روایت کرده اند که مردی هلقام نام به آن حضرت عرض کرد که دعائی مرا تعلیم کن که جامع باشد برای دنیا و آخرت و آسان باشد، حضرت این دعا را تعلیم او کرد که بعد از نماز صبح بخواند تا آفتاب طلوع کند و مداومت کرد او بر این دعا و حالش نیکو شد. ﴿۹﴾ نهم: عیاشی از عبدالله بن سنان روایت کرده است که: به خدمت حضرت

صادق (علیه السلام) رفتم حضرت فرمود که: می خواهی تو را دعائی تعلیم کنم که چون بخوانی حق تعالی **قرض** تو را

ادا کند و حال تو نیکو شود؟ گفتم: چه بسیار محتاجم به چنین دعا، حضرت فرمود که بعد از نماز صبح بگو:

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يَمُوتُ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ

توکل کرده ام بر زنده پاینده که نمیرد * و حمد برای خدائی که فرزند

وَلَدًا * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ

نگیرد * و نیست برای او شریکی در ملک * نباشد برای او نگهداری از خواری

*** وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا * اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُؤْسِ وَالْفَقْرِ * وَمِنْ غَلْبَةِ**

* و بزرگ شمار او را بسیار * بارالها به درستی من پناه می برم به تو از تنگی و بی چیزی * و از استیلا

الذَّيْنِ وَالسُّقْمِ * وَاسْأَلُكَ أَنْ تُعِينَنِي عَلَى آدَاءِ حَقِّكَ إِلَيْكَ وَإِلَى

قرض و ناخوشی * و سؤال کنم از تو اینکه یاری کنی مرا به پرداخت حق تو به تو و به سوی

النَّاسِ * و به روایت شیخ طوسی و دیگران چنین است: وَمِنْ غَلْبَةِ الدَّيْنِ * فَصَلِّ عَلَيَّ

مردم. * و از غلبه قرض * پس رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ ءَاٰلِهِ * وَ اَعِنِّي عَلٰى اَدَاةِ حَقِّكَ الْيَلْبَ و اِلَى النَّاسِ ﴿۱۰﴾

محمد و آل او * و یاری کن مرا بر دادن حق تو به تو و به مردم. *

دهم: کفعمی (رضی الله عنه) روایت کرده است که مردی به حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) شکایت کرد از **تنگدستی و پریشانی** و بیماری، حضرت فرمود که: هر صبح و شام ده مرتبه این دعا را بخواند، او سه روز بر این مداومت کرد حال او به صحت و توانگری و رفاهیت برگشت. و شیخ طوسی و دیگران در تعقیب نماز صبح ذکر کرده اند و دعا این است:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ * تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ * وَالْحَمْدُ

نیست قدرت و نه قوت جز از خدا * توکل دارم بر زنده‌ای که نمیرد * و حمد برای

لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ * وَ لَمْ

خدائی که فرزندی نگیرد * و نیست برای او شریک در ملک * و نیست

يَكُنْ لَهُ وُلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ * وَ كَبْرُهُ تَكْبِيرًا ﴿۱۱﴾ یازدهم: شیخ طبرسی و کفعمی و دیگران

بر او نگهبانی از خواری * و بزرگ شمار او را بسیار. *

از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) روایت کرده اند که به اصحاب خود گفت که: آیا عاجزید از آنکه هر صبح و شام نزد خداوند عالمیان عهدی بگیرید؟ گفتند: چگونه عهدی بگیریم؟ فرمود که: این دعا بخوانید هر که این دعا بخواند مهری بر او می‌زند و در زیر عرش الهی می‌گذارند، چون روز قیامت شود منادی ندا می‌کند که کجایند آنانکه نزد خداوند رحمن عهدی دارند؟ پس آن **عهد** را به ایشان دهند و با آن عهد داخل بهشت شوند و شیخ

طوسی (رضی الله عنه) این دعا را در تعقیب نماز صبح ایراد کرده: اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ *

بارالها آفریننده آسمانها و زمین *

عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ * اَلرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ * اَعْهَدُ اِلَيْكَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا

دانای پنهان و آشکار * بخشاینده مهربان * عهد می‌بندم به سویت در این دنیا

اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ * وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ * وَ اَنَّ مُحَمَّدًا

به راستی تو خدائی، نیست معبودی جز تو * که یگانه‌ای، نیست شریک برای تو * و اینکه محمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ ءَاٰلِهِ عَبْدُكَ وَ رَسُوْلُكَ * اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

رحمت کند خدا بر او و آل او بنده تو و پیغمبر توست * بارالها پس رحمت فرست بر محمد

وَأَلِهِ * وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا * وَلَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

و آل او * و وامگذار مرا به حال خودم یک چشم به هم زدن هیچ وقت * و نه به سوی یک نفر از خلقت

* فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَيْهَا تَبَاعَدْنِي مِنَ الْخَيْرِ * وَتَقْرِبْنِي مِنَ الشَّرِّ * أَيْ

* پس به راستی تو هر گاه واگذاری مرا به سوی نفسم دور نماید مرا از خیر * و نزدیکم کند به شر * ای

رَبِّ لَا أَتِقُ إِلَّا بِرَحْمَتِكَ * فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ * وَاجْعَلْ

پروردگارم ندارم اطمینان جز به رحمت تو * پس رحمت فرست بر محمد و آل او که پاکیزه‌اند * و قرار ده

لِي عِنْدَكَ عَهْدًا تُؤَدِّيهِ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ * إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿۱۲﴾

مرا در نزدت عهدی که برسانی او ا به من در روز قیامت * به راستی تو نکنی خلاف وعده. *

دوازدهم: در عدة الدّاعی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح پیش از آنکه تکلم

کند بگوید: رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ * حق تعالی روی او را از آتش جهنم نگاه دارد.

پروردگارم رحمت فرست بر محمد و اهل بیت او. *

* وابن بابویه در ثواب الأعمال به سند معتبر روایت کرده است که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ

بارها رحمت

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * تا حق تعالی روی تو را از آتش جهنم نگاه دارد * و به روایت دیگر

فرست بر محمد و آل محمد. *

صد مرتبه پیش از سخن گفتن بگو: يَا رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاعْتِقْ

ای پروردگارم رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و رهائی ده

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ ﴿۱۳﴾ در سجده شکر است

تنم را از آتش. *

و چون از تعقیب نماز فارغ شدی پس سجده شکر به جامی آوری. و اجماعی علماء شیعه است که سجده شکر

سنت است در وقت متجدد شدن نعمتی یا دفع شدن بلائی، و بهترین افرادش سجده بعد از نماز است برای

شکر توفیق اداء نماز. * به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت است که پدرم امام زین العابدین (علیه السلام)

هیچ نعمتی از خدا یاد نکرد مگر آنکه به شکر آن سجده کرد و هیچ آیه‌ای نخواند که در آن سجده باشد مگر آنکه

سجده می‌کرد، و دفع نکرد خدا از او بدی را که از آن می‌ترسید مگر آنکه سجده کرد، و از هر نماز واجب که فارغ

می‌شد بعد از آن سجده می‌کرد و هر وقت که توفیق می‌یافت که میان دو کس اصلاح کند برای شکر آن سجده

می‌کرد و در جمیع مواضع سجود آن حضرت اثر سجود بود، به این سبب آن حضرت را سجّاد می‌نامیدند. * و
 ایضاً به سند صحیح از حضرت صادق (علیه السلام) روایت است که هر مؤمن که از برای خدا سجده کند برای شکر
 نعمتی در غیر نماز حق تعالی برای او ده حسنه بنویسد و ده سیئه محو کند و ده درجه در بهشت بلند گرداند. *
 و به سندهای معتبره بسیار از آن حضرت منقول است که نزدیکترین احوال بنده به خدا در حالتی است که در
 سجده باشد و گریان باشد. * و در حدیث صحیح دیگر فرمود که: سجده شکر واجب است بر هر مسلمانی، تمام
 می‌کنی به آن نماز خود را و خوشنود می‌گردانی به آن پروردگار خود را و ملائکه را از خود به عجب می‌آوری. به
 درستی که هرگاه که بنده نماز کند و بعد از آن سجده شکر کند پروردگار عالمیان حجاب را از میان بنده و ملائکه
 بگشاید، پس گوید: ای ملائکه من نظر کنید به سوی بنده من که ادا کرد فرض مرا و تمام کرد عهد مرا پس سجده
 کرد نزد من برای شکر آنچه من بر او انعام کرده‌ام، ای ملائکه من او را چه باید داد؟ گویند: پروردگارا رحمت تو،
 پس فرماید که: دیگر چه باید داد؟ گویند: پروردگارا بهشت تو، باز فرماید که: دیگر چه باید داد؟ گویند: کفایت
 مهمّات او و بر آوردن حاجات او، پس حق تعالی مکرّر سؤال نماید و ملائکه جواب گویند، تا آنکه ملائکه گویند:
 پروردگارا دیگر ما چیزی نمی‌دانیم آنگاه خداوند کریم فرماید که: من او را شکر کنم چنانچه او مرا شکر کرد و
 اقبال کنم به سوی او به فضل خود و رحمت عظیم خود را در قیامت به او بنمایم. * و به سند صحیح از حضرت
 صادق (علیه السلام) منقول است که خداوند عالمیان ابراهیم (علیه السلام) را برای آن خلیل خود گردانید که سجده بر زمین
 بسیار می‌کرد. * و در حدیث معتبر دیگر فرمود که: چون نعمتی از نعمتهای خدا را به یاد آری و در موضعی باشی
 که کسی از مخالفان تو را نبیند پهلوی روی خود را بر زمین نه، و اگر در جائی باشی که ایشان باشند و نتوانی
 سجده کرد دست بر پایین شکم خود گذار و خم شو برای تواضع و شکستگی نزد خدا و دست بر شکم گذاشتن
 برای آن است که مخالفان گمان کنند که پیچی در شکم تو بهم رسیده است. * و در روایت بسیار وارد شده است
 که حق تعالی به حضرت موسی (علیه السلام) خطاب کرد که می‌دانی چرا تو را برگزیدم و از میان خلق تو را کلیم خود
 گردانیدم؟ موسی گفت: نمی‌دانم ای پروردگار من، فرمود: برای آنکه بر احوال بندگان خود مطلع شدم، در
 میان ایشان کسی ندیدم که نزد من نفسش از تو ذلیل تر باشد به درستی که چون تو از نماز فارغ می‌شوی دو
 طرف روی خود را بر خاک می‌گذاری. * و به سند موثق از حضرت امام رضا (علیه السلام) منقول است که سجده بعد از نماز
 واجب شکر خدا است بر آنکه توفیق داد بنده خود را بر آنکه ادا کرد فرض او را، و کمتر آنچه در این سجده گویند
 آن است که سه مرتبه بگوید: **شُكْرًا لِلَّهِ**، راوی پرسید که چه معنی دارد **شُكْرًا لِلَّهِ**؟ حضرت فرمود که:
 معنیش آن است که این سجده از من شکر خدا است بر آنکه مرا توفیق داد که به خدمت او قیام نمودم و فرض

او را ادا کردم، و شکر خدا موجب مزید نعمت و توفیق طاعت است، و اگر در نماز تقصیری مانده باشد که به نافله‌ها تمام نشده باشد به این سجده تمام می‌شود. **و اما کیفیت این سجده** به هر نحو که واقع شود به عمل می‌آید. و احوط آن است که اگر بر زمین باشد و تواند مانند سجده نماز بر هفت عضو سجده کند و پیشانی را بر چیزی گذارد که در نماز بر آن می‌گذارد، و افضل آن است که برخلاف سجده نماز دستها را بر زمین بخواباند و شکم را بر زمین برساند. * و سنت است که اول پیشانی را بر زمین گذارد پس طرف راست رو را پس طرف چپ رو را، پس باز پیشانی را بر زمین گذارد و به این سبب دو سجده شکر می‌گویند. و ظاهراً بدون ذکر نیز به عمل می‌آید، و سنت است که ذکر ی بکند، و بهتر آن است که از اذکار و ادعیه باشد که مذکور خواهد شد. * و مستحب است که این سجده را طول دهد چنانچه منقول است که حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) بعد از طلوع صبح سجده می‌کرد تا وقت زوال و بعد از عصر تا شام. * و در حدیث دیگر وارد شده که آن حضرت زیاده از ده سال هر روز بعد از طلوع آفتاب تا وقت زوال در سجده بودند. * و به سند صحیح منقول است که حضرت امام رضا (علیه السلام) آنقدر در سجود می‌ماند که سنگ ریزه مسجد از عرق او ترمی شد و دو طرف روی خود را بر زمین مسجد می‌چسبانید. * و در رجال کشی مذکور است که فضل بن شاذان به نزد ابن ابی عمیر آمد و او در سجده بود و سجده را بسیار طول داد چون سر برداشت و طول سجده او را مذکور ساختند، گفت: اگر سجود جمیل بن درّاج را می‌دیدید سجود مرا طویل نمی‌شمردید. و گفت: روزی به نزد جمیل رفتم و او سجده را بسیار طول داد چون سر برداشت من گفتم که: سجده را طول دادید؟! گفت که: اگر طول سجده معروف بن خربوذ را می‌دیدید سجده مرا سهل می‌شمردی. * و ایضاً از فضل بن شاذان روایت کرده است که: حسن بن علی بن فضال به صحرا می‌رفت برای عبادت و سجده را چندان طول می‌داد که مرغ می‌آمد و بر پشتش می‌نشست به گمان آنکه جامه‌ای است افتاده و وحشیان بر دور او چرا می‌کردند و از او وحشت نمی‌کردند. * و ایضاً روایت کرده است که علی بن مهزیار (رضی الله عنه) چون آفتاب طلوع می‌کرد به سجده می‌رفت و سر بر نمی‌داشت تا برای هزار نفر از برادران خود دعا می‌کرد مثل آنچه از برای خود دعا کرده بود، و بر پیشانی او پینه بود مانند زانوی شتر از بسیاری طول سجود. * و ایضاً روایت کرده است که ابن ابی عمیر بعد از نماز صبح به سجده شکر سر می‌گذاشت و بر نمی‌داشت مگر وقت ظهر، و افضل آن است که سجده شکر بعد از جمیع تعقیبات باشد و پیش از نوافل، و در نماز مغرب اکثر گفته‌اند که بعد از نوافل به جا آورد و بعضی پیش از نوافل گفته‌اند و ظاهراً هر دو خوب است و پیش از نوافل به جا آوردن افضل است چنانچه حمیری از حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) روایت کرده است، و اگر هر دو را به عمل آورد شاید بهتر باشد. **اما دعاهای این سجده** بسیار است و آسانتر آنها این چند امر است: **۱** اول: به سند معتبر از

حضرت امام رضا (علیه السلام) منقول است که اگر خواهی صد مرتبه **شُكْرًا شُكْرًا** بگو، و اگر خواهی صد مرتبه **عَفْوًا عَفْوًا** * و در عیون اخبار الرضا از رجاء بن ابی الضحاک روایت کرده است که حضرت امام رضا (علیه السلام) در راه خراسان هرگاه از تعقیب نماز ظهر فارغ می شد به سجده شکر می رفت و صد مرتبه می گفت: **شُكْرًا لِلَّهِ** و چون از تعقیب عصر فارغ می شد صد مرتبه در سجده می گفت: **حَمْدٌ لِلَّهِ**. ۲ دویم: شیخ کلینی به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که نزدیکترین احوال بنده به سوی خدای تعالی وقتی است

که بنده در سجود باشد و خدای خود را بخواند، چون به سجده روی بگو: **يَا رَبَّ الْأَرْيَابِ** * و **يَا**

ای پروردگار پرورش دهندگان * و ای

مَلِكِ الْمُلُوكِ * و **يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ** * و **يَا جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ** * و **يَا إِلَهَ**

پادشاه پادشاهان * و ای آقای آقایان * و ای جبار جباران * و ای معبود

الْإِلَهَةِ * **صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** * پس حاجت خود را بطلب، پس بگو: **فَإِنِّي**

عبادت شدگان * رحمت فرست بر محمد و آل محمد. * پس به درستی

عَبْدُكَ نَاصِيتِي فِي قَبْضَتِكَ * پس هر دعا که خواهی بکن که خدا بخشنده است و بر آوردن

من بنده توام پیشانیم در کف توست. *

هیچ حاجت بر او دشوار نیست. ۳ سیّم: ایضاً کلینی به سند موثّق از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است

که شنیدم شبی پدرم در مسجد به سجود رفته می گریست و این دعا می خواند: **سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ**

پاکیزه ای تو بارالها

أَنْتَ رَبِّي حَقًّا حَقًّا * **سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا** * **اللَّهُمَّ إِنَّ**

تو پروردگار من هستی به راستی و به درستی * سجده کردم بر تو ای پروردگار به بندگی و رقیّت * بارالها به راستی

عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعَفَهُ لِي * **اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ** *

کارم ناچیز است پس بیفزای آن را بر من * بارالها نگهدار عذابت از من روزی که مبعوث کنی بندگانت را *

وَتُبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۴ چهارم: ایضاً کلینی به سند معتبر روایت کرده

و قبول کن توبه ام را زیرا تو پذیرای توبه و مهربانی. *

است که حضرت امام موسی (علیه السلام) در سجده این دعا را می خواند: **أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِ حَرِّهَا لَا**

پناه می برم به تو از آتشی که سوزش آن

يُطْفِئُ * وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ جَدِيدِهَا لَا يَبْلَى * وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ

فرو نشیند * و پناه می‌برم به تو از آتشی که تازگیش کهنه نشود * و پناه می‌برم به تو از آتشی که

عَطْشَانُهَا لَا يَرْوِي * وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ مَسْلُوبُهَا لَا يَكْسِي * پنجم:

تشنگی آن سیرابی ندارد * و پناه می‌برم به تو از آتشی که برهنه آن پوشیده نشود. *

ایضاً کلینی به سند معتبر روایت کرده است که شکایت کرد مردی به حضرت صادق (علیه السلام) که امّ ولدی دارم و او

علیل است حضرت فرمود که: به او بگو بعد از هر نماز واجب در سجده شکر بگوید: يَا رَعُوفُ يَا رَحِيمُ

ای مهربان ای رحم کن

يَا رَبِّ يَا سَيِّدِي * پس حاجت خود را بطلبد. * ششم: در روایات معتبره بسیار منقول است که

ای پروردگار ای آقایم. *

حضرت صادق و کاظم (علیه السلام) در سجده شکر بسیار می‌فرمودند: أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ

می‌خواهم از تو راحتی را در وقت مرگ

* وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ * هفتم: به سند صحیح از حضرت صادق (علیه السلام) مروی است که در

* و آمرزش در وقت حساب. *

سجده می‌گفتند: سَجَدَ وَجْهِي لِلَّيْمِ لَوْجِهِ رَبِّي الْكَرِيمِ * هشتم: در بعضی از

سجده کند رویم که پست است به روی پروردگارم که کریم است. *

کتب معتبره از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت شده که بهترین سخنان نزد حق تعالی آن است که بنده در

سجده سه مرتبه بگوید: اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي * نهم: در جعفریات به سند صحیح

به راستی من ستم کردم به خودم پس بیا مرز مرا. *

از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) چون سر به سجده می‌گذاشت این دعا را

می‌خواند: اَللّٰهُمَّ مَغْفِرَتِكَ اَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي * وَ رَحْمَتِكَ اَرْجَى عِنْدِي مِنْ

بارالها آمرزیدن تو وسیعتر است از گناهانم * و رحمت تو امیدتر است در نزد من

عَمَلِي * فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ * دهم: قطب راوندی از حضرت صادق (علیه السلام)

از کردارم * پس بیا مرز مرا گناهانم ای زنده‌ای که نمیرد. *

روایت کرده است که هرگاه تورا شدتی و غمی عارض شود و به نهایت برسد سجده کن بر زمین و بگو: **يَا مُدَلَّ**

ای خوار کننده

كُلِّ جَبَّارٍ * يَا مُعَزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ * قَدْ وَحَقَّكَ بَلَعُ مَجْهُودِي * فَصَلِّ عَلَيَّ

هر جبار * ای عزیز کننده هر خوار * به تحقیق به حق تو تمام شد طاقت من * پس رحمت فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَفَرِّجْ عَنِّي * وَدَرَعَةَ الدَّاعِي از آن حضرت روایت کرده است که

بر محمد و آل محمد * و بگشا از من. *

هرگاه به مردی نازله یا امرشیدیدی یا کربی و غمی نازل شود زانوها و دستهای خود را تا مرفق برهنه کند و بر زمین بچسباند و سینه خود را بر زمین برساند و حاجت خود را طلب کند. **۱۱** یازدهم: ابن بابویه به سند معتبر

از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که هرگاه بنده در سجده سه مرتبه بگوید: **يَا اللَّهُ يَا رَبَّاهُ يَا**

ای خدا ای پروردگار

سَيِّدَاهُ خداوند کریم جواب او گوید: **لَبَّيْكَ** بنده من حاجت خود را بطلب. * و در مکارم الأخلاق روایت

ای آقا. * بلی. *

کرده است که هر که در سجده بگوید: **يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ** آنقدر که نفس منقطع شود حق تعالی فرماید

ای پروردگار ای آقا. *

که حاجت خود را بخواه. **۱۲** دوازدهم: در مکارم الأخلاق از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که حضرت

رسول (صلی الله علیه و آله) به مردی گذشت و او در سجده بود می گفت: **يَا رَبِّ مَاذَا عَلَيْكَ أَنْ تُرْضِيَ عَنِّي**

ای پروردگارم چه شود بر تو اینکه راضی کنی

كُلِّ مَنْ كَانَ لَهُ وَعِنْدِي تَبَعَةٌ * وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي * وَأَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ

از من هر آنکه هست نزد من مسؤلیتی * و اینکه بیامری به من گناهانم * و اینکه وارد کنی مرا به بهشت

بِرَحْمَتِكَ فَإِنَّمَا عَفْوُكَ عَنِ الظَّالِمِينَ * وَأَنَا مِنَ الظَّالِمِينَ * فَلْتَسْعِنِي

به رحمت خودت پس هر آینه عفو تو از ستمکاران است * و من از ستمکارانم * پس باید

رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس حضرت فرمود که: سر بردار که دعایت مستجاب شد، به

احاطه کند مرا رحمت تو ای ارحم الراحمین. *

درستی که دعای پیغمبری را خواندی که در زمان قوم عاد بود. * مؤلف گوید که: ما در مفاتیح در ضمن اعمال

مسجد کوفه و مسجد زید بعضی دعاها نقل کردیم که در سجده خوانده می شود و شیخ طوسی در مصباح

المتهجّد در ذکر سجده شکر فرموده و مستحب است که دعا کند از برای برادران خود در سجده پس بگوید:

اللَّهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ * وَاللَّيَالِي الْعَشْرِ * وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ * وَاللَّيْلِ إِذَا

ای پروردگار بامداد * و شب‌های ده‌گانه * و جفت و تک * و به شب، گاهی

يَسِرُّ * وَرَبِّ كُلِّ شَيْءٍ * وَإِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ * وَخَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ * وَمَلِكَ (مَلِيكَ)

که بگذرد * و پروردگار هر چیز و معبود هر چیز * و آفریننده هر چیز * و صاحب

كُلِّ شَيْءٍ * صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَافْعَلْ بِي وَبِفُلَانٍ وَفُلَانٍ مَا أَنْتَ

هر چیز * رحمت فرست بر محمد و آل او * و بکن به من و فلان و فلان آنچه تو

أَهْلُهُ * وَلَا تَفْعَلْ بِنَا مَا نَحْنُ أَهْلُهُ * فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَ أَهْلُ

اهل آنی * و مکن با ما آنچه ما اهل آنیم * پس به درستی تو اهل تقوی و

الْمَغْفِرَةِ * و چون سراز سجده برداشتی می مالی دست خود را بر موضع سجود خود و می مالی به صورت

اهل آمرزشی. *

خود از طرف چپ صورت، پس می مالی به پیشانی پس به جانب راست سه مرتبه و در هر مرتبه می گوئی:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ *
بارالها برای توست حمد * نیست معبودی جز تو * که دانای نهنان و آشکار *

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي الْهَمَّ وَالْحُزْنَ * وَالْغَيْرَ وَالْفِتْنَ

بخشاینده و مهربانی * بارالها ببر از من هم و حزن * و دگرگونی‌ها و فتنه‌ها

* مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ *

* آنچه آشکار شود از آنها و آنچه پنهان است. *

فصل دویم: در مختصری از اعمالی که متعلق به مابین طلوع آفتاب و غروب آن است.

چون آفتاب خواهد طلوع کند می خوانی در آن وقت دعاهائی را که در فصل پنجم خواهد آمد انشاء الله تعالی.

و سزاوار است که در ابتدای روز تصدقی دهی اگر چه چیز کمی باشد و آنکه پیش از ظهر مهیا شوی برای نماز

ظهر و مقدم داری خواب قیلوله را، و خواب قیلوله معین است برای عبادت در شب و روزه روز. و جدّ و جهد

می کنی که برای ظهر بیدار شوی، پس وضو می گیری و می روی به جانب مسجد و نماز تحیّت مسجد را به جا

می آوری و منتظر دخول وقت می شوی اگر وقت داخل نشده و مستحب است آنکه نماز در اوّل وقت خوانده

شود و چون زوال محقق شد اول کاری که می‌کنی آن است که می‌گوئی: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**

پاکیزه است خدا و نیست معبودی

اللَّهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

جز خدا * و حمد مر خدائی را که نگرفته است همسر و نه فرزندی * و نیست برای او

شَرِيكَ فِي الْمُلْكِ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ * وَلِيٌّ مِّنَ الذَّلِّ * وَكِبْرَهُ تَكْبِيرًا * و

شریکی در ملک * و نیست برای او نگهداری از خواری * و بزرگ شمار او را بی نهایت. *

روایت شده که حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) به محمد بن مسلم فرمود که: محافظت کن براین چنانکه محافظت

می‌کنی بر چشمهای خود و اگر با وضو نیستی مبادرت کن به وضو گرفتن و آدابی که در سابق ذکر شد به عمل

می‌آوری. پس شروع می‌کنی به خواندن نوافل ظهریه و آنها هشت رکعت است، پس نیت می‌کنی از برای دو

رکعت اول و هفت تکبیری که در سابق ذکر شد با دعاهایش به جامی آوری و کلمه استعاذه را می‌گوئی و می‌خوانی

سوره حمد و توحید در رکعت اول و سوره حمد و **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** در رکعت دویم و بعد از فراغ از این

دو رکعت سه تکبیری که در تعقیبات ذکر شد با تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام) می‌گوئی پس می‌خوانی:

اللَّهُمَّ اِنِّي ضَعِيفٌ فَقَوِّ فِي رِضَاكَ ضَعْفِي * وَ خُذْ اِلَيَّ الْخَيْرَ بِنَاصِيَتِي

بارالها به درستی من ناتوانم نیرو ده در رضایت به ناتوانیم * و بکش به سوی خیر از پیشانیم

*** وَ اجْعَلِ الْاِيْمَانَ مُنْتَهَى رِضَايَ * وَ بَارِكْ لِي فِيمَا قَسَمْتَ لِي ***

* و قرار ده ایمان را نهایت رضای من * و برکت ده به من در هر چه روزی کرده‌ای به من *

وَ بَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كُلَّ الَّذِي اَرْجُو مِنْكَ * وَ اجْعَلْ لِي وِدًّا وَ سُرُورًا

و برسان به من به رحمت خودت هر چه را که امید می‌دارم از تو * و قرار ده برابم دوستی و شادی

لِلْمُؤْمِنِينَ * وَ عَهْدًا عِنْدَكَ * پس برمی‌خیزی و دو رکعت دیگر به جامی آوری به همین طریق

جهت مؤمنان * و پیمانی در نزد خودت. *

مگر آنکه شش تکبیر افتتاح رانمی‌گوئی و نیز برمی‌خیزی و دو رکعت دیگر به همین کیفیت به جامی آوری و تسبیح

و دعای مذکور را در عقب این چهار رکعت نیز می‌خوانی و دو رکعت دیگر از این نوافل را مابین اذان و اقامه می‌کنی و

بعد از اقامه نماز می‌گوئی: **اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ * وَ الصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ**

بارالها پروردگار این خواندن تامه * و نماز بر پا شده *

بَلِّغْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الدَّرَجَةَ * وَ الْوَسِيلَةَ وَ الْفَضْلَ

برسان به محمد که رحمت کند خدا بر او و آل او درجه * و وسیله فضل

وَالْفَضِيلَةَ * بِاللَّهِ اسْتَفْتِحُ وَبِاللَّهِ اسْتَنْجِحُ * وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

و فضیلت را * و جهت خدا وارد نماز می‌شوم و از خدا رستگاری می‌خواهم * و به محمد که درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ اتَّوَجَّهُ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاجْعَلْنِي

بر او و آل او باد روی کنم * بارالها رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و قرار ده

بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ * وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ * پس مشغول شو به

مرا به آنها در نزد خودت با آبرو در دنیا و آخرت * و از نزدیکان. *

خواندن نماز ظهر و مراعات می‌کنی آنچه را که در نماز صبح مذکور شد و در اینجا در مسواک بِسْمِ اللَّهِ آهسته بخوان و بهتر آنکه بخوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** را و در رکعت دوم سوره توحید را و چون دو رکعت از آن را خواندی و از تشهد فارغ شدی می‌گوئی بعد از صلوات تشهد:

وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ * وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ * پس بر خیز و بخوان تسبیحات اربع را سه مرتبه و اگر

و قبول کن شفاعت او را و بلند کن درجه او. *

اضافه کنی استغفاری قربةً الی الله نیز خوب است. پس رکوع و سجود را به جا آور به همان آدابی که در سابق به شرح رفت. پس بر خیز از رکعت سیم و رکعت چهارم را نیز به همین کیفیت به جا آور، پس تشهد و سلام بخوان. پس از نماز شروع می‌کنی به خواندن تعقیب و آن سه تکبیری که در اول تعقیبات بود می‌گوئی، پس می‌خوانی:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْهَاءُ وَاحِدًا * تا آخر دعا که سابق مذکور شد، پس تسبیح زهرا (علیها السلام) را می‌گوئی

نیست معبودی جز خدای معبود یگانه. *

و می‌خوانی آنچه خواهی از تعقیبات مشترکه که بعد از نماز صبح می‌خواندی، پس می‌خوانی تعقیبات مختصه نماز ظهر را و آنها بسیار است و ما بعضی از آنها را در هدیه و مفاتیح ذکر نمودیم و این مختصر گنجایش ذکر ندارد. پس سجده شکر به جا می‌آوری. * و چون از تعقیب نماز ظهر فارغ شدی مهیا می‌شوی به جهت نماز عصر، پس به جا می‌آوری نافله آن را و آن نیز هشت رکعت است و بعد از فراغ از نوافل، نماز عصر به جا می‌آوری به همان آداب که مذکور شد و سزاوار است آنکه بخوانی در رکعت اول بعد از حمد، سوره **إِذَا جَاءَ يَا سِرَّةَ إِلَهُيْكُمْ التَّكَاثُرُ** یا امثال آن را، و در رکعت دوم می‌خوانی سوره توحید را و بعد از فراغ از نماز می‌خوانی از تعقیبات مشترکه آنچه را که بخوای پس به عمل می‌آوری آنچه را که مختص به نماز عصر است که از جمله هفتاد مرتبه استغفار و ده مرتبه سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** است. پس سجده شکر به جا می‌آوری * و چون خواستی از مسجد بیرون آئی این دعا را می‌خوانی:

اللَّهُمَّ دَعَوْتِي فَاجِبْتُ دَعْوَتَكَ * وَصَلَّيْتُ مَكْتُوبَتَكَ * وَانْتَشَرْتُ

خدایا خواندی مرا پس قبول کردم دعوت را * و نماز خواندم که واجب کرده‌ای * و پی روزی

فِي أَرْضِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي * فَاسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَمَلَ بِطَاعَتِكَ *
رفتم در زمین تو چنانکه به من امر نموده‌ای * پس سؤال می‌کنم از جودت عمل را به اطاعت تو *

وَأَجْتَنِبُ مَعْصِيَتَكَ * وَالْكَفَافَ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ *
و دوری کردن از نافرمانیت * و کافی از روزی به رحمت تو. *

فصل سیّم: در اعمالی که متعلق به مابین غروب آفتاب تا وقت خواب است *

بدان که آنچه سزاوار است از برای تو در نزدیکی غروب آن است که تعجیل کنی به رفتن به جانب مسجد، و آنکه

دروقت زردی آفتاب بگوئی: اَمْسِي ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ * وَ اَمْسَتْ ذُنُوبِي

شام نموده ستم من پناه آورنده به عفو تو * و شام نموده گناهانم

مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ * وَ اَمْسِي خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِاَمَانِكَ * وَ اَمْسِي ذُلِّي

پناه آورنده به آمرزش تو * و شام نموده ترسم پناه آورنده به امن تو * و شام نموده ذلم

مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ * وَ اَمْسِي فَقْرِي مُسْتَجِيرًا بِغِنَاكَ * وَ اَمْسِي وَجْهِي

پناه آورنده به عزت تو * و شام نموده فقرم پناه آورنده به دارائی تو * و شام نموده روی

الْبَالِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي * اللَّهُمَّ الْبَسْنِي عَافِيَتَكَ *
پوسیده‌ام پناه آورنده به روی تو * که دائمی و باقی است * بارالها بیوشان مرا عافیت خودت *

وَ غَشْنِي بِرَحْمَتِكَ * وَ جَلَلْنِي كِرَامَتِكَ * وَ قَنِ شَرَّ خَلْقِكَ مِنَ الْجِنِّ

و فرو بر مرا در رحمت خودت * در برم کن کرامت خودت را * و نگهدار مرا از بدی آفریده‌ات از جن

وَ الْإِنْسِ * يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمٌ * و سزاوار است که در این وقت مشغول باشی به

و از انس * ای خدا ای بخشنده ای مهربان *

تسبیح کردن و استغفار نمودن زیرا که فضیلت این وقت مثل فضیلت پیش از طلوع است و حق تعالی فرموده:

﴿ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلِ الْغُرُوبِ ﴾ * و از حضرت

و تسبیح کن پروردگار خود پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب. *

صادق (علیه السلام) منقول است که چون آفتاب تغییر کرد یعنی مشرف بر غروب شد پس ذکر کن خدای عز و جل را و اگر با مردمی هستی که تو را مشغول دارند برخیز و دعا کن یعنی از نزد آنها برخیز و مشغول دعا شو و می گوئی در

وقت غروب: **يَا مَنْ خَتَمَ النُّبُوَّةَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * اخْتَمَ لِي**

ای آنکه پایان داده نبوت را به محمد، رحمت کند خدا بر او و آل او * تمام کن

فِي يَوْمِي هَذَا بِخَيْرٍ * وَ شَهْرِي بِخَيْرٍ * وَ سَنَتِي بِخَيْرٍ * وَ عُمْرِي بِخَيْرٍ * وَ

برایم این روز را به خوبی * و ماهم را به خوبی * و سالم را به خوبی و عمرم را به خوبی. *

می خوانی تهلیل و استعاذه مأثوره را که در ادعیه صباح و مساء بیاید، پس می گذاری دست خود را بر بالای سرت و می کشی بر صورت خود و می گیری ریش خود را به دست و می گوئی: **أَحَطْتُ عَلَى نَفْسِي**

در بستم بر خودم

وَ أَهْلِي * وَ مَالِي وَ وَلَدِي مِنْ غَائِبٍ وَ شَاهِدٍ * بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

و عائله‌ام * و دارائیم و فرزندم از غائب و حاضر * به خدائی که نیست معبودی

هُوَ * عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ * الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * الْحَيُّ الْقَيُّومُ * لَا

جز او * دانای نهان و آشکار * بخشاینده مهربان * زنده پاینده * نگیرد

تَأْخُذُهُ وَ سَنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ * می خوانی تا: **الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ *** پس مبادرت می کنی به خواندن

او را چرت و نه خواب * که والا و بزرگ است. *

نماز مغرب، و سزاوار نیست تأخیر افکندن نماز مغرب را از اول وقت آن و در احادیث کثیره تأکید بسیار شده به تأخیر نینداختن آن از اول وقتش، و چون خواستی مشغول نماز شوی اذان و اقامه می گوئی به همان آدابی

که در سابق گذشت و نیز در مابین اذان و اقامه می گوئی: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاقْبَالِ لَيْلِكَ ***

بارالها به درستی من می خواهم از تو به روی آوردن شبت *

وَ ادِّبَارِ نَهَارِكَ * وَ حُضُورِ صَلَوَاتِكَ * وَ أَصْوَاتِ دُعَائِكَ * وَ تَسْبِيحِ

و رفتن روزت * و رسیدن وقت نمازها برایت * و آوازه‌های خواندن تو * و تسبیح

مَلَائِكَتِكَ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تُتُوبَ عَلَيَّ *

ملائکه‌های تو * اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد * و اینکه قبول کنی توبه مرا *

إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ * پس برمی خیزی و نماز مغرب را با آداب و شرایط به جامی آوری و

به درستی تو قبول کن توبه و مهربانی. *

بعد از فراغ از نماز سه تکبیر و تسبیح زهراء (علیها السلام) را می گوئی پس می خوانی: **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ**

به درستی خدا و ملائکه های

يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا

او صلوات فرستند بر پیغمبر * ای آنانی که ایمان آورده اید صلوات فرستید بر او و درود

تَسْلِيمًا * **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ** * **وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِ وَعَلَى أَهْلِ**

بسیار * بارالها رحمت فرست بر محمد پیغمبر * و بر ذریه او و بر اهل بیت

بَيْتِهِ * و هفت مرتبه می گوئی: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** * **وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ**

او. * به نام خداوند بخشنده و مهربان * و نیست قدرت و نه

إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * پس سه مرتبه می گوئی: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا**

توانائی جز از خدای اعلا و بزرگ. * حمد مر خدائی را که به جا آرد هر چه را

يَشَاءُ * **وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرَهُ** * پس می گوئی: **سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ**

خواهد * و به جا نیورد آنچه خواهد دیگری * پاکیزه ای تو، نیست معبودی جز تو

إِغْفِرْ لِي ذُنُوبِي جَمِيعًا * **فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعًا إِلَّا أَنْتَ**

* بیامرز بر من همه گناهانم * پس به درستی نیامرزد گناهان همه و تمامی را جز تو. *

* **و اگر دوست داشته باشی که تعقیب بیشتر از این بخوانی افضل آن است که بعد از نافله مغرب بخوانی، پس**

برمی خیزی به جهت خواندن نافله و آن چهار رکعت است به دو سلام و مکروه است تکلم مابین نماز مغرب و نافله

آن و می خوانی در رکعت اول سوره **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** و در رکعت دوم توحید و در دو رکعت دیگر هر

سوره که خواسته باشی، و سزاوار است که در رکعت سیم بخوانی اول سوره حدید تا **عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ**

و در رکعت چهارم آخر سوره حشر (**لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ**) تا آخر سوره، و اگر به حمد تنها خواهی اکتفا

کنی جایز است مثل سایر نوافل، و سزاوار است بلند خواندن قرائت در آن و هم چنین در سایر نافله های شب. *

پس چون از نافله مغرب فارغ شدی مانعی نیست از آنکه بخوانی از تعقیبات مشترکه آنچه که خواهی پس

سجده شکر به جا می آوری به نحوی که در سابق گذشت. * و اقل چیزی که در سجده شکر مجزی است آن است

که بگوئی: **شُكْرًا شُكْرًا شُكْرًا**. * و شیخ کلینی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که فرمود: هرگاه

از نماز مغرب فارغ شدی دست بکش بر جبین خود و بگو سه مرتبه: **بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا**

به نام خدائی که نیست معبودی جز

هُوَ * عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ * الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * اللَّهُمَّ اذْهَبْ عَنِّي

او * دانای نهان و آشکار * بخشاینده * مهربان * بارالها دور کن از من

اللَّهُمَّ وَالْحُزْنَ * و شایسته است آنکه بخوانی نماز غفیله را و کیفیت آن در مفاتیح و غیره مذکور است.

اندوه و غم را. *

و چون شفق پنهان شود اذان و اقامه می‌گوئی از برای نماز عشاء به همان آدابی که در سابق گذشت، پس شروع کن به خواندن فریضه عشاء با آداب و شرایط و سزاوار است آنکه طول دهی قنوت و تعقیب آن را زیرا که وقت وسعت دارد. پس می‌خوانی در تعقیب دعاء مشترکه بین صبح و شام را پس از آن می‌خوانی دعاهاى مختصه به شام را و آنها بسیار است، از جمله دعائی است که برای طلب روزی وارد شده و در مفاتیح نقل شده و مستحب

است آنکه بخوانی هفت مرتبه سوره قدر را پس می‌گوئی: اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ

بارالها پروردگار هفت آسمان و آنچه

وَمَا أَظَلَّتْ * وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا أَقَلَّتْ * وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ

سایه افکند * و پروردگار هفت زمین و آنچه بردارند * و پروردگار شیاطین

وَمَا أَضَلَّتْ * وَرَبَّ الرِّيَّاحِ وَ مَا ذَرَّتْ * اللَّهُمَّ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ * وَ إِلَهَ كُلِّ

و آنچه گمراه کنند * و پروردگار باده‌ها و آنچه ببرند * بارالها پروردگار هر چیز * و معبود همه

شَيْءٍ * وَ مَلِيكَ كُلِّ شَيْءٍ * أَنْتَ اللَّهُ الْمُقْتَدِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ * أَنْتَ اللَّهُ

چیز * و صاحب همه چیز * تو خدائی توانا بر هر چیز * تو خدای اولی

الْأَوَّلُ فَلَاشَيْءَ قَبْلَكَ * وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَاشَيْءَ بَعْدَكَ * وَأَنْتَ الظَّاهِرُ

هستی پس نیست چیزی پیش از تو * و تو پایانی پس نباشد چیزی پس از تو * و تو بر بلندئى

فَلَاشَيْءَ فَوْقَكَ * وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَاشَيْءَ دُونَكَ * رَبَّ جِبْرِئِيلَ

پس نیست چیزی بالاتر از تو * و تو درونى پس نباشد چیزی پایین‌تر از تو * پروردگار جبرئیل

وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ * وَ إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ [وَ إِسْمَاعِيلَ] وَ إِسْحَاقَ

و میکائیل و اسرافیل * و معبود ابراهیم (و اسماعیل) و اسحاق

وَ يَعْقُوبَ [وَ الْأَسْبَاطَ] * أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

و یعقوب (و اسباط) * سؤال می‌کنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

* وَ أَنْ تَوْلَانِي بِرَحْمَتِكَ * وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ مِمَّنْ لَا

* و اینکه نگهاری مرا به رحمتت * و غلبه ندهی بر من کسی را از خلقت از آنکه نیست

طَاقَةَ لِي بِهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَحَبَّبُ إِلَيْكَ فَحَبِّبْنِي * وَفِي النَّاسِ فَعَزَّزْنِي

تاب مرا به او * بارالها به درستی دوستی ورزم به سوی تو پس دوست دار مرا * و میان مردم پس عزیز کن مرا

* وَ مِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي * يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ *

* و از شر شیاطین جن و انس پس سالم دار مرا * ای پروردگار جهانیان *

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * پس دعا می‌کنی به آنچه دوست می‌داری، پس سجده شکر به جا

و رحمت فرست بر محمد و آل او. *

می‌آوری پس نماز و تیره را به جا می‌آوری و آن دو رکعت نافله نشسته است بعد از نماز عشاء، و مستحب است آنکه در این نماز خوانده شود صد آیه از قرآن، و خوب است آنکه در رکعت اول بعد از حمد خوانده شود سوره واقعه و در دویم سوره توحید، و می‌خوانی بعد از سلام هر دعایی که خواستی. و چون خواستی بخوابی سزاوار است که مہیای موت شوی و با طهارت باشی و توبه از گناهان نمایی و قلب خود را از هموم دنیا فارغ سازی و یاد کنی وقت مرگ و خوابیدن در لحد را تنها و بی‌کس و وصیت خود را نوشته در زیر و ساده خود گذاری و عازم باشی بر آنکه برای نماز شب برخیزی، زیرا که فخر مؤمن و زینت او در دنیا و آخرت نماز در آخر شب است. و می‌خوانی در وقت خوابیدن سوره قل هو الله احد و سوره الہیکم التکاثر و آیه الکرسی را پس سه دفعه می‌خوانی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَنَ فَخَبَرَ * وَالْحَمْدُ

حمد مر خدائی را که برتر است پس تسلط دارد * و حمد مر خدائی را که نهان است و آگاه * و حمد

لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَ يُمِيتُ

مر خدائی را که مالک است و توانا * و حمد مر خدائی را که زنده کند مرده‌ها را و بمیراند

الْأَحْيَاءَ * وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * پس می‌گویی تسبیح حضرت زهراء (علیها السلام) را و

زنده‌ها را * و او بر هر چیز توانا است. *

می‌خوابی بر طرف راست به هیئت میّت که در قبر گذاشته می‌شود اما خوابیدن به هیئت محتضر شیخ ماثقة الاسلام نوری در دار السلام فرموده که: نیافتم آن را در هیچ خبر و اثری، بلی غزالی آن را ذکر کرده و شک نیست که رشد در خلاف اوست. انتہی. * و اگر خواستی آنکه بیدار شوی از برای نماز شب یا غیر آن و بترسی از غلبه خواب،

می‌خوانی آخر سوره کھف را که این آیه است: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ

بگو همانا من بشری هستم مثل شما که وحی شود به سوی من *

أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ * فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا

که همانا معبود شما یکی است * پس هر که باشد امیدوار ملاقات پروردگار خود باید انجام دهد

صَاحِبًا * وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا * و روایت شده از حضرت صادق (علیه السلام) که

کار شایسته * و شریک قرار ندهد در عبادت پروردگار خود کسی را. *

هیچکس نمی خواند این آیه را در وقت خوابیدن مگر آنکه بیدار می شود در آن ساعتی که می خواهد بیدار

شود در آن ساعت و اگر از عقرب و جانوران دیگری ترسی بخوان این دعا را که حضرت امام محمد باقر (علیه السلام)

ضامن شده سلامتی خواننده آن را از شر عقرب و هوام تا وقت صبح و دعا این است: **أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ**

پناه می برم به کلمات

اللَّهِ التَّامَّاتِ * الَّتِي لَا يَجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ * وَ مِنْ

خدا که تامه است * نه گذرد از آنها خوب و نه بد از شر آنچه آفرید * و از شر

شَرِّ مَا بَرَأَ * وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا * إِنَّ رَبِّي عَلَى

آنچه پدید آورد * و از شر هر جنبنده که او گیرنده از مهارشان است * به درستی پروردگار من

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * و اگر از احتلام ترسی این دعا را بخوان: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ**

بر راه راست است. * خدا من پناه می برم به تو

الْإِحْتِلَامِ * وَ مِنْ سُوءِ الْأَحْلَامِ * وَ مِنْ أَنْ (وَ أَنْ) يَتَلَاعَبَ (يَلْعَبُ) بِي

از احتلام * و از بدی خواب * و از اینکه بازی کند با من

الشَّيْطَانِ فِي الْيَقَظَةِ وَ الْمَنَامِ * و اگر بترسی از خراب شدن خانه و مکانی که در آنجا

شیطان در بیداری و خواب. *

می خوابی پس می خوانی این آیه را: **إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا**

به درستی خدا نگه می دارد آسمانها و زمین را از اینکه فانی شوند

*** وَ لَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ * إِنَّهُ وَ كَانَ حَلِيمًا**

* و هرگاه از جا کنده شوند نگه ندارد آنها را هیچکس بعد از آن * زیرا که او هست بردبار

غَفُورًا * و اگر از دزد ترسی آخر سوره بنی اسرائیل را بخوان که اولش این است: **قُلْ ادْعُوا اللَّهَ**

و آمرزنده. * بگو خدا را بخوانید

أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ * و در وقت خواب سرمه بکش هفت میل، چهار میل در چشم راست و سه میل

یا بخوانید رحمن را. *

در چشم چپ و در وقت سرمه کشیدن می خوانی این دعا را: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ**

بارالها به درستی می خواهم از تو به حق

وَأَإِلِ مُحَمَّدٍ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَجْعَلَ النُّورَ

محمد و آل محمد * اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد * و نور را در چشم

فِي بَصْرِي * وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي * وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي * وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي

قرار دهی * و بصیرت در دین من * و یقین در دلم * و خلوص در کردارم

*** وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي * وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي * وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي**

* و سلامتی در تنم * و وسعت در روزیم * و شکر برای تو همیشه مادامی که نگهم داری

*** إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ *** و سزاوار است آنکه ترک کنی خواب بین الطلوعین و خواب بعد از

* به راستی تو بر هر چیز توانائی.

عصر را و چون خواستی بخوابی چراغ را خاموش می کنی و رو به قبله می خوابی و در بامی که اطرافش دیوار نداشته باشد نمی خوابی و خوابی که دیدی برای هرکس نقل مکن مگر آنکه عالم و ناصح و مهربان باشد.

فصل چهارم: در برخاستن از خواب و نماز شب خواندن

بدان که روایات بسیار وارد شده است از اصحاب عصمت (علیهم السلام) در باب برخاستن شب و بیان فضیلت آن و روایت شده که آن شرف مؤمن است و آنکه نماز شب باعث صحت بدن و کفاره گناهان روز و برطرف کننده وحشت قبر است. روی را سفید و بوی را پاکیزه و روزی را جلب می نماید. و آنکه، مال و پسران زینت حیات دنیایند و هشت رکعت نماز در آخر شب با نماز وتر زینت آخرت است و گاهی حق تعالی جمع می فرماید این دو زینت را برای بعضی از مردمان. و آنکه دروغ گفته کسی که بگوید من نماز شب می کنم و روزگرسنگی می برم زیرا که نماز شب ضامن روزی روز است. * و از حضرت صادق (علیه السلام) روایت است که فرموده بود در وصیت رسول خدا به علیّ علیه السلام و آلِهِمَا السَّلَامُ: یا علی وصیت می کنم ترا در باب نفس خودت به چند خصلت پس حفظ کن آنها را، بعد از آن فرمود: خداوند یاری کن او را، و ذکر فرمود جمله ای از خصلتها تا اینکه فرمود:

وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ * وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ * وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ

و بر تو باد نماز شب * و بر تو باد نماز شب * و بر تو باد نماز شب

*** وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ الزَّوَالِ * وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ الزَّوَالِ * وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ**

* و بر تو باد نماز زوال * و بر تو باد نماز زوال * و بر تو باد نماز

الزَّوَالُ و ظاهر این است که حضرت اراده کردند به نماز شب سیزده رکعت را و به نماز زوال هشت رکعتی

زوال *

که نافله زوال است * و از انس روایت است که گفت: شنیدم حضرت پیغمبر (ﷺ) فرمود: دو رکعت نماز در دل شب بهتر است به سوی من از دنیا و آنچه در دنیا است. * و روایت شده که از امام زین العابدین (علیه السلام) سؤال کردند که چه شده که کسانی که در شب تهجد می کنند رویشان از همه کس نیکوتر است؟ فرمود: برای آنکه ایشان خلوت می کنند با خدا، حق تعالی می پوشاند به ایشان از نور خویش. * و بالجمله روایات در این باب بسیار است، و مکروه است ترک برخاستن شب * و شیخ به سند صحیح از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که فرمود: نیست بنده ای مگر اینکه بیدار می شود در هر شب یک مرتبه یا دو مرتبه یا چند مرتبه، پس اگر برخاست که برخاست و اگر نه می گشاید شیطان میان پاهای خود را پس بول می کند در گوش او، آیا نمی بیند آن کسی که برنخاسته است از برای نماز شب صبح که برمی خیزد گران و مکدر و سنگین و کسل است؟ * و شیخ برقی به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: از برای شب شیطانی است که او را رها می گویند. پس هرگاه بنده ای از خواب بیدار شود و اراده کند برخاستن برای نماز شب را آن شیطان به او گوید: حالا وقت برخاستن تو نیست پس دفعه دیگر که بیدار شود و خواهد برخیزد آن شیطان گوید که: وقت برخاستن نشده، یعنی زود است. پس پیوسته او را از برخاستن زایل کند و حبس کند او را تا فجر طلوع کند و چون فجر طالع شود بول کند در گوش او، آن وقت بگذرد از او در حالیکه دم خود را می جنباند از ناز و بخود می بالد. * و ابن ابی جمهور از رسول خدا (ﷺ) نقل کرده که آن حضرت روزی به اصحاب خود فرمود که: احدی از شما هرگاه خوابید شیطان گره می زند بر پس سر او سه گره، بزند مکان هر گرهی: **عَلَيْكَ لَيْلٌ طَوِيلٌ فَارْقُدْ** یعنی شبت دراز است بخواب. پس هرگاه بیدار شد و ذکر خدا کرد یک گره گشوده شود و اگر وضوء گرفت یک گره دیگر گشوده گردد و اگر نماز خواند یک گره دیگر گشوده گردد. پس داخل صبح شود به حال نشاط، پاکیزه نفس و الا صبح کند خبیث النفس کسلان. و این روایت در کتب اهل سنت نیز مذکور است. * و قطب راوندی روایت کرده از امیر المؤمنین (علیه السلام) که فرمود: طمع مکن در سه چیز با سه چیز: طمع مکن در بیداری شب با پر خوردن، و در نور صورت با خوابیدن در جمیع شب، و در امان از دنیا با صحبت فساق. * و نیز قطب راوندی روایت کرده که حضرت عیسی (علیه السلام) صدا زد مادر خود مریم (علیه السلام) را بعد از مردنش و گفت: ای مادر با من تکلم کن، آیا می خواهی به دنیا برگردی؟ گفت: بلی برای آنکه نماز گذارم برای خدا در شب بسیار سرد و روزه بگیرم در روز بسیار گرم. ای پسر جان من این راه بیمناک است.

و اما کیفیت نماز شب: به نحو آسان و مختصر که همه کس بتواند به جا آورد انشاء الله تعالی آن است که چون از خواب برخاست سجده کند برای خداوند تعالی و نیکو است در این حال یا در حال برداشتن سر از سجده بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي * وَإِلَيْهِ النُّشُورُ * الْحَمْدُ

ستایش مر خدائی را که زنده کرد مرا پس از آنکه میراند مرا * و به سوی او است رستاخیز * ستایش

لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدِهِ * وَاعْبُدْهُ * و چون برخاست و ایستاد بگوید:

مر خدائی را که برگرداند روحم را تا به ستایش و عبادت او قیام کنم. *

اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى هَوْلِ الْمُطَّلَعِ * وَوَسِّعْ عَلَيَّ الْمَضْجِعَ * وَارْزُقْنِي خَيْرَ

بارالها یاریم ده بر هراس آن جهان * و وسعت ده بر من قبر را * و روزی کن مرا خیر

مَا بَعْدَ الْمَوْتِ * و چون صدای خروس شنید بگوید: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ * رَبُّ الْمَلَائِكَةِ

آنچه پس از مرگ است. * بسیار منزّه و بسیار پاک است * پروردگار فرشتگان

وَالرُّوحِ * سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * عَمِلْتُ سُوءًا

و روح * پیش است رحمتت بر خشم تو * نیست معبودی جز تو * بد کردم

وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي * إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ * فَتُبَّ عَلَيَّ

به خود و ستم نمودم پس بیامرز مرا * زیرا نیامرزد گناهان را جز تو * توبه‌ام بپذیر

إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ * و چون نگاه کند به اطراف آسمان بخواند: اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا

زیرا تو بسیار توبه پذیر و مهربانی. *

يُؤَارِي مِنْكَ لَيْلٌ سَاجٍ * وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ * وَلَا أَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ

نکند از تو شب تار * و آسمان پر از برج * و نه زمین گسترده *

وَلَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ * وَلَا جَبْرٌ لَجِي * تَدْلِجُ بَيْنَ يَدَيَّ

و نه تاریکیهایی که بعضی آنها بالای بعضی دیگرند * و نه دریای ژرف تو * شب روی پیش

الْمُدْلِجِ مِنْ خَلْقِكَ * تَدْلِجُ الرَّحْمَةَ عَلَيَّ مِنْ تَشَاءٍ مِنْ خَلْقِكَ * تَعْلَمُ

شبروان از خلقت * شبانه رحمت دهی بر هر که از خلقت خواهی * می‌دانی

خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ * غَارَتِ النُّجُومُ * وَنَامَتِ الْعُيُونُ

خیانت دیده‌ها را و آنچه نهان است در سینه‌ها * غروب کردند ستاره‌ها * و در خوابند دیده‌ها

* وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ * لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ * سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ

* و تو زنده و پاینده‌ای * نگیردت چرت و نه خواب * منزّه است خدا پروردگار

العالمین * وَاِلٰهِ الْمُرْسَلِينَ * وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * پس بخواند پنج

جهانیان * و معبود رسولان * و ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است. *

آیه آل عمران: ﴿ اِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

به راستی در آفرینش آسمانها و زمین * و رفت و آمد شب و روز

لَاٰیٰتٍ لِّاُولٰٓئِ الْاَلْبَابِ * الَّذِيْنَ يَذْكُرُوْنَ اللّٰهَ قِيَامًا وَّ قُعُوْدًا وَّ عَلٰی

* آیاتی است برای خردمندان * که یاد کنند خدا را ایستاده و نشسته

جَنُوْبِهِمْ * وَيَتَفَكَّرُوْنَ فِي خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ

و بر پهلو * و بیندیشند در خلق آسمانها و زمین * پروردگار ما نیافریدی

هٰذَا باِطْلًا * سُبْحٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ رَبَّنَا اِنَّكَ مِنْ تَدْخِلِ النَّارِ

اینها را بیهوده * منزهی تو، نگهدار ما را از عذاب آتش * پروردگار ما هر که را تو به آتش بری

فَقَدْ اَخْرَجْتَهُ * وَاَمَّا لِلظَّالِمِيْنَ مِنْ اَنْصَارٍ * رَبَّنَا اِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا

رسوا کردی * و نیست برای ستمکاران یآوری * پروردگار ما به راستی ما شنیدیم فریاد کنی را

يُنَادِي لِلْاِيْمَانِ اَنْ اٰمِنُوْا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنَّا * رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا *

برای ایمان که ایمان آورید به پروردگار خود پس گرویدیم * پروردگار ما بیامرز برای ما گناهان ما را *

وَكَفَرْنَا عَنَّا سَيِّئَاتِنَا * وَتَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ * رَبَّنَا وَاَتِنَا مَا وَعَدْتَنَا

و بریز از ما بدکاریهامان را * و بمیران ما را با نیکان * پروردگار ما بده به ما آنچه وعده کردی

عَلٰی رُسُلِكَ * وَاَلْتَحِزْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ * اِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيْعَادَ * پس

بر رسولانت * و مکن رسوا ما را روز قیامت * زیرا تو خلف وعده نداری. *

هرگاه خواست که متوجه شود به سوی عبادت و او را حاجتی به تخیلی بوده باشد ابتدا کند به آن، و چون بیرون

آید از خلاء ابتدا کند به مسواک، بعد از آن وضو بسازد وضوء کامل و خود را خوشبو سازد. پس برخیزد به نماز شب

و اوّل وقت آن از نصف شب است و هر چه نزدیکتر شود به طلوع صبح صادق افضل است و اگر طلوع کند صبح و

چهار رکعت آن را به جا آورده باشد، بقیّه را بخواند به حمد تنها بی سوره. پس چون برخاست برای نماز شب شروع

می کند به هشت رکعت نماز شب و بعد از هر دو رکعت سلام می دهد، و خوب است که در دو رکعت اوّل بعد از حمد

شصت مرتبه توحید بخواند در هر رکعتی سی مرتبه تا منصرف شود از نماز و نبوده باشد میان او و خدای عزّ و جلّ

گاهی، و یا آنکه در رکعت اوّل آن توحید و در رکعت دوّم قُلْ يَا اَيُّهَا الْكَافِرُونَ بخواند، و در شش رکعت

دیگر حمد و هر سوره که خواهد بخواند و کافی است حمد و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ در هر رکعتی و جایز است

اکتفا به حمد تنها و چنانکه سنت است قنوت در نمازهای واجبی، سنت است نیز در هر رکعت دویمی از نوافل،

و کافی است سه **سُبْحَانَ اللَّهِ** گفتن و یا آنکه گفته شود: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا** *

خدایا بیامرز ما را و رحم کن بر ما *

وَ عَافِنَا وَ اعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * **إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** *

و عافیت ده ما را و بخش از ما در دنیا و آخرت * زیرا تو بر هر چیز توانائی *

و یا آنکه بگوید: **رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ** * **وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمُ** * **إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ**

پروردگارا بیامرز و رحم کن * و بگذر از آنچه دانی * زیرا تو عزیزتر

الْأَجَلُ الْأَكْرَمُ * و روایت شده که حضرت امام موسی (علیه السلام) چون شب در محراب عبادت می ایستاد

و جلیتر و گرامیتری. *

می خواند **اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا** * و این دعاء پنجاهم صحیفه کامله است. و چون

خدایا تو آفریدی مرا درست *

فارغ شود از هشت رکعت نماز شب پس به جا می آورد دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر، و می خواند در این سه رکعت بعد از حمد **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** تا به منزله آن باشد که یک ختم قرآن کرده باشد زیرا که سوره توحید ثلث قرآن است و یا آنکه بخواند در نماز شفع در رکعت اول حمد و **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ** و در رکعت دوم حمد و **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ**. و چون از نماز شفع فارغ شد مستحب است آنکه بخواند:

إِلَهِي تَعَرَّضْ لَكَ فِي هَذَا اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ * و این دعائی است که در اعمال شب

خدایا اظهار احتیاج کردند در این شب به درگاہت نیازمندان *

نیمه شعبان در مفاتیح الجنان مذکور شده. و چون از دو رکعت شفع فارغ شد برمی خیزد به جهت یک رکعت وتر و می خواند در آن حمد و سوره توحید و یا آنکه می خواند بعد از حمد **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** سه مرتبه و **مُعَوِّذَتَيْنِ** یعنی **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ** و **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ**. پس دست برمی دارد برای قنوت و دعا می خواند آنچه بخوهد شیخ طوسی فرموده که: دعاهائی که در این محل خوانده می شود از بسیاری احصا نمی شود و لکن چیز موقتی نیست که خلاف آن جایز نباشد. * و مستحب است که انسان در قنوت آن گریه کند از خوف خدا و ترس از عقاب خدا یا تباکی کند و دعا کند برای برادران مؤمن، و مستحب است که ذکر شود چهل نفر. پس به درستی که کسی که دعا کند برای چهل مؤمن، دعایش مستجاب می شود انشاء الله. * و دعا کند به آنچه خواسته باشد، و شیخ صدوق در فقیه فرموده که: حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در قنوت وتر می خواند:

اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ * وَ عَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ * وَ تَوَلَّنِي فِيمَنْ

خدایا رهنمایم با هر که رهنمودی * و عافیتم ده با هر که عافیت دادی * و سرپرستم باش با هر که

تَوَلَّيْتَ * وَ بَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَ * وَ قِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ * فَإِنَّكَ

سرپرستی کردی * و برکت ده مرا به هر چه به من دادی * و نگهم دار از شر آنچه مقدر کردی * زیرا

تَقْضِي وَ لَا يُقْضَى عَلَيْكَ * سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ * أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ

حکم از توست نه از دیگری بر تو * منزهی تو پروردگار کعبه * آمرزشت جویم و به تو

إِلَيْكَ * وَ أُوْمِنُ بِكَ وَ أَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ * وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ يَا رَحِيمٌ

باز گردم * و به تو معتقدم و توکل دارم بر تو * و نیست جنبش و نه توانی جز به تو ای مهربان. *

🌸 و سزاوار است آنکه هفتاد مرتبه بگوید: **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ** 🌸 و سزاوار است که

طلب آمرزش می‌کنم از خدا پروردگارم و برگشتم به سوی او. *

دست چپ را به دعاء بلند کرده باشد و استغفار را به دست راست بشمارد، و روایت شده که حضرت رسول (ﷺ)

استغفار می‌کرد. در نماز وتر هفتاد مرتبه و هفت مرتبه می‌گفت: **هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ**

این مقام پناه بر توست از آتش *

🌸 و نیز روایت شده که حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) در سحر در نماز وتر سیصد مرتبه می‌گفت: **الْعَفْوُ الْعَفْوُ**

و بگوید بعد از این: **رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي * وَ تَبَّ عَلَىٰ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ**

پروردگارم بیامرز مرا و رحم کن * و توبه‌ام بپذیر زیرا تو توبه پذیر

الْغَفُورُ الرَّحِيمُ 🌸 و سزاوار است آنکه طول دهد قنوت را و چون فارغ شد از قنوت به رکوع رود و چون

و آمرزنده و مهربانی. *

سراز رکوع برداشت بخواند این دعا را که شیخ در تهذیب از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) نقل کرده: **هَذَا**

این مقام

مَقَامٌ مِّنْ حَسَنَاتِهِ وَ نِعْمَةٌ مِّنْكَ * وَ شُكْرُهُ وَ ضَعِيفٌ * وَ ذَنْبُهُ وَ عَظِيمٌ

کسی است که حسنات او نعمت است از تو * و شکر او ضعیف است * و گناهش بزرگ

*** وَ لَيْسَ لِدَلِيلِكَ إِلَّا رِفْقُكَ وَ رَحْمَتُكَ * فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ**

* و چاره ندارد بر این جز نرمش تو و رحمت تو * زیرا تو گفتی در قرآنت که فرو فرستادی

عَلَىٰ نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ * كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ

بر پیغمبر مرسلت * که درود خدا بر او و آلش باد * بودند کمی از شب را

مَا يَهْجَعُونَ * وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ * طَالَ هُجُوعِي وَقَلَّ

نمی خوابیدند * و در سحرها ایشان آمرزش می خواستند * خوابم دراز است و کم

قیامی * وَ هَذَا السَّحَرُ وَأَنَا اسْتَغْفِرُكَ لِذُنُوبِي * اسْتَغْفَارُ مَنْ لَا يَجِدُ

است قیامم * و این سحر است و من آمرزش خواهم از تو برای گناهانم * چون کسی که نیابد برای

لِنَفْسِهِ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا * وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا * پس به سجده رود

خود زیان و نه سود * و نه مرگ و نه زندگی و نه رستاخیز *

و نماز را تمام کند و بعد از سلام تسبیح زهراء (علیها السلام) بخواند، پس بگوید: **الْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّبَاحِ** *

ستایش از پروردگار صبح *

الْحَمْدُ لِفَالِقِ الصَّبَاحِ * و بگوید: **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ**

و از شکافنده سپیده دم * منزه باد پروردگار ملک قدوس عزیز

الْحَكِيمِ * سه مرتبه پس بگوید: **يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ * يَا بَرُّ يَا رَحِيْمُ * يَا غَنِيُّ يَا**

حکیم * ای زنده ای پاینده * ای نکوکار ای مهربان * ای غنی ای

كَرِيْمُ * اَرْزُقْنِي مِنَ التِّجَارَةِ اعْظَمَهَا فَضْلًا وَاَوْسَعَهَا رِزْقًا * وَ خَيْرَهَا

کریم * روزیم ده مرا از تجارت که بزرگتر فضل و وسیعتر روزی است * و خوش عاقبت تر

لِي عَاقِبَةٌ * فَاِنَّهُ وَاخَيْرُ فِيمَا لَا عَاقِبَةَ لَهُ * و شایسته است که بخواند بعد از این

است * زیرا خوشی ندارد آنچه عاقبت خوبی ندارد. *

دعای حزین را: **اِنَا جِيكَ يَا مَوْجُودًا فِي كُلِّ مَكَانٍ** * (الخ) پس به سجده رود و بگوید پنج

به تو راز گویم ای موجود در هر مکان *

مرتبه: **سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ** * پس بنشیند و بخواند آیه الکرسی را دگر باره

منزه است پاک است پروردگار فرشتگان و روح *

به سجده رود و ذکر سابق را پنج مرتبه بخواند. پس برخیزد به جهت نافله صبح و آن دو رکعت است در رکعت اول

بعد از حمد سوره **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** و در رکعت دوم بعد از حمد سوره توحید بخواند و چون سلام داده

بخواهد برپهلوی راست روبه قبله به هیئت میّت در لحد و بگذارد گونه راست خود را بر روی دست راست و بگوید:

اسْتَمْسَكْتُ بِعُرْوَةِ اللَّهِ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا * وَ اعْتَصَمْتُ

چسبیدم به حلقه خدا که محکمتر است و ندارد گسستی * و دست زدم به

جَبَلِ اللَّهِ الْمَتِينِ * وَاعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ *

رشته محکم خدا * و پناه بردم به خدا از شر فاسقان عرب و عجم *

وَاعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ * پس سه مرتبه بگوید: **سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعَزَّةِ عِزِّ مَحَبَّةِ مَوْلَاكَ قَدِيرِ**

و پناه بردم به خدا از شر فاسقان جن و انس. * منزه است

رَبِّ الصَّبَاحِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ * و بخواند پنج آیه آل عمران: **إِن فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ**

پروردگار صبح و شکافنده صبح * به راستی در آفریدن آسمانها

وَالْأَرْضِ * پس برخیزد و بنشیند و تسبیح زهراء (علیها السلام) بگوید و در کتاب من لایحضره الفقیه است که روایت

و زمین *

شده هر که صلوات بفرستد بر محمد و آل محمد صد مرتبه مابین دو رکعت نافله صبح و نماز صبح، نگاه دارد حق

تعالی روی او را از حرارت آتش و کسی که بگوید صد مرتبه:

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ * اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ *

منزه است پروردگار من که بزرگ است و ستایش او راست * و آمرزش می جویم از پروردگارم و بازگشت می کنم به سوی او *

بنا کند خداوند تعالی از برای او خانه ای در بهشت، و کسی که بخواند بیست و یک مرتبه **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ**

بنا کند حق تعالی برای او خانه ای در بهشت، و اگر بخواند آن را چهل مرتبه بیامزد حق تعالی او را، و سزاوار

است آنکه خوانده شود بعد از فراغ از نماز شب دعای سی و دوم صحیفه کامله: **اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ**

الْمُتَّابِدِ بِالْخُلُودِ * پس سجده شکر کند و سزاوار است که دعا کند در آن از برای برادران مؤمن خود و

بخواند دعای **اللَّهُمَّ رَبِّ الْفَجْرِ** را که در ادعیه سجده شکر گذشت رجاء واثق از برادران دینی که از برای

این گنه کار رؤسیاه نیز دعا کنند که بسیار محتاجم به دعاء **وَاللَّهُ الْمَوْفِقُ**.

فصل پنجم: در ذکر بعض اذکار و دعاها که در صبح و مساء باید خواند

بدان **أَيُّدِكَ اللَّهُ** که تحریص و ترغیب بی شمار بر محافظت این دو وقت در آیات و اخبار شده است لهذا در این

دو وقت ادعیه و اذکار بسیار از رسول خدا و ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین مأثور گردیده، و ما در این رساله

به ذکر مختصری از اینها تبرک می جوئیم: **۱** اول: ابن بابویه به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

روایت کرده است که هر که پیش از طلوع آفتاب **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَأَيُّهُ الْكُرْسِيُّ** هر کدام رایزده

مرتبه بخواند خدا منع کند مال او را از آنچه ترسد. و فرموده که: هر که **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** پیش از

طلوع آفتاب بخواند در آن روز گناهی به او نرسد هر چند شیطان جهد کند. **۲** دوم: کلینی و ابن بابویه و

شیخ طوسی و دیگران به سندهای معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده‌اند که فریضه و واجب است بر هر

مسلمان که ده مرتبه پیش از طلوع آفتاب و ده مرتبه پیش از غروب این دعا بخواند: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**

نیست معبود حقی جز خدا

وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * و برای اوست ملک و ستایش * زنده می‌کند و می‌میراند * و او

یگانه است نیست شریک او را * و برای اوست ملک و ستایش * زنده می‌کند و می‌میراند * و او

حَيٌّ لَا يَمُوتُ * بیدار است و خیر و هو علی کل شیء قدير * و در بعضی از روایات چنین

زنده است نمیرد * به دست او است خیر و او بر هر چیز توانا است *

وارد است که: **يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي**، و در چند روایت: **وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ**

نیست و در بعضی هست و ظاهراً همه خوب است و اگر همه قسم را بگوید بهتر است و در بعضی از روایات وارد

شده است که اگر ترک شود قضا کنید که لازم است و در بعضی از روایات کفاره گناهان اوست در آن روز. ﴿۳﴾

سیم: ابن بابویه و دیگران به سندهای معتبر بسیار از حضرت امام زین العابدین و حضرت صادق (علیه السلام) روایت

کرده‌اند که هر که در شام صد مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** بگوید چنان است که صد بنده آزاد کرده باشد. * و به سند

صحیح دیگر از امام محمد باقر (علیه السلام) منقول است که هر که صد مرتبه پیش از طلوع آفتاب و صد مرتبه پیش از

غروب آفتاب **اللَّهُ أَكْبَرُ** بگوید خداوند کریم برای او مثل ثواب صد بنده آزاد کردن بنویسد، و هر که ده مرتبه

سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ بگوید خدا ده حسنه برای او بنویسد و هر که زیاده بگوید زیاده برای او نوشته

شود. ﴿۴﴾ چهارم: ایضاً ابن بابویه به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که حضرت

رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود که: در بهشت غرفه‌ای چند هست که ظاهر آنها از اندرون آنها و اندرون آنها از بیرون آنها

نمایان است و از امت من کسی در آنها ساکن می‌شود که سخن نیک گوید و طعام به مردم بخوراند و به هر که رسد

سلام کند و در شب نماز کند در هنگامی که مردم در خواب باشند، پس فرمود: کلام نیک آن است که در صبح و

شام ده مرتبه بگوید: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ**

منزه است خدا و ستایش از آن خداست و نیست معبودی جز خدا و خدا بزرگتر است. *

* و در محاسن برقی به سند صحیح منقول است از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به

مردی گذشت که باغی برای خود غرس می‌کرد، ایستاد و فرمود که: می‌خواهی تو را دلالت کنم بر باغی که

اصلش از این باغ ثابت‌تر و میوه‌اش زودرس‌تر و نیکوتر و باقی‌تر باشد؟ گفت: بلی یا رسول الله. فرمود که: در

صبح و شام بگو: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ** * که به عدد هر تسبیحی در بهشت درختها برای تو غرس می نمایند از انواع میوه‌ها، و اینهاست باقیات صالحات که خدا در قرآن فرموده است که نیکوتر و باقی ترند از مال دنیا. **۵** پنجم: ابن بابویه به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت کرده است که هر که نزدیک به شام یا بعد از شام سه مرتبه این آیه را بخواند در آن شب چیزی از او فوت نشود و جمیع شرور از او دور گردد و هم چنین است هرگاه در هنگام صبح بگوید و آیه این است:

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تَصْبِحُونَ * وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي

منزه است خدا چون شام کنید و چون صبح کنید * و از او است ستایش در

السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ * وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ * ششم: برقی در محاسن به

آسمانها و زمین * و شب و هنگام نیمه روز شما. *

سند موثق از حضرت امام رضا (علیه السلام) روایت کرده است که هر که در صبح سه مرتبه و در شام سه مرتبه بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ *

به نام خدای بخشنده مهربان * نیست جنبش و توانائی جز از خدای والا و بزرگ *

نترسد از شیطان و نه از پادشاهی و نه از خوره و نه از پیسی. و حضرت فرمود که: من صد مرتبه می گویم، و در تعقیب نماز صبح و شام هفت مرتبه نیز گذشت. **۷** هفتم: به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که مردی از انصار چند روز به خدمت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) نرسید و حضرت از او پرسید که به چه سبب در این چند روز از ما غایب بودی؟ گفت: به سبب تنگدستی و طول بیماری. فرمود: می خواهی تورا دعائی تعلیم نمایم که چون بخوانی فقر و بیماری از تو زایل گردد؟ گفت: بلی یا رسول الله. فرمود که: در صبح و شام این دعا بخوان:

لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ * تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ الَّذِي لَا يَمُوتُ * وَ الْحَمْدُ

نیست جنبش و نه توانائی جز از خدا * توکل کردم بر زنده‌ای که نمیرد * و ستایش

لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ * وَ لَمْ

از آن خدا است که فرزند نگیرد * و شریکی در ملک خود نپذیرد * لازم نباشد

يَكُنْ لَهُ وَ لِي مِنَ الدُّلِّ وَ كِبْرَهُ تَكْبِيرًا * هشتم: در روایات معتبره بسیار از حضرت

برایش نگهداری از خواری و بزرگش شمار بی اندازه. *

صادق (علیه السلام) منقول است که پیش از طلوع و غروب آفتاب ده مرتبه بگو: **أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ**

پناه می‌برم به خدای شنوا

الْعَلِيمِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ * وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ * إِنَّ اللَّهَ

و دانا از وسوسه شیاطین * و پناه می‌برم به خدا که گرد من آیند * زیرا خدا

هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ

شنوا و دانا است * و در بعضی از روایات چنین است: و پناه می‌برم به تو پروردگارم از اینکه شیاطین گرد من آیند

*** وَ أَسْتَعِذُّ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ***

* پناه برم به خدای شنوا و دانا از شیطان رجیم *

وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ * تا آخر. ۹ نهم: در فلاح السائل از حضرت صادق (علیه السلام) روایت

و پناه می‌برم به خدا که گردم آیند *

کرده است که چه مانع است شما را که در هر صبح و شام این دعا را سه مرتبه بخوانید: **اللَّهُمَّ مَقْلَبَ**

بار خدایا زیر و رو کن

الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ * ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ * وَ لَا تَزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ

دلها و دیده‌ها * بر جا دار دلم را بر دین خود * و کج مکن دلم را پس از آنکه

هَدَيْتَنِي * وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً * إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ * وَ اجْرِنِي

رهمودی * و ببخش مرا از نزد خود رحمت * زیرا توئی بسیاربخش * و پناهم ده

مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ * اللَّهُمَّ امدد لي في عمري * وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي (مِنْ)

از آتش به رحمت خود * خدایا مدد بده بر من در عمرم * و فراوان کن به من

رِزْقِي * وَ انْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ * وَ إِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي أَمِّ الْكِتَابِ

روزیم را * و فروبار بر من از رحمت خود * و اگر باشم نزد تو در دفتر کل

شَقِيًّا فَاجْعَلْنِي سَعِيدًا * فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ * وَ عِنْدَكَ

بدبخت پس مقرر دارم خوشبخت * زیرا تو محو کنی هر چه را خواهی و ثبت کنی * و نزد توست

أَمِّ الْكِتَابِ ۱۰ دهم: شیخ طوسی و سید بن طاوس از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) روایت کرده‌اند که هر که

دفتر کل.

در صبح و شام یک مرتبه بگوید: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ * سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ ***

منزه می‌دانم خدا را با ستایش او * منزه است خدای بزرگ *

حق تعالی ملکی بفرستد به سوی بهشت با بیلی از نقره که برای او در زمین بهشت که از مشک ناب است درختان غرس کند و دیواری بر دور آنها بکشد و دری بر آن نصب کند و بر آن در بنویسد که این بستان فلان پسر فلان است. و سید به روایت معتبر دیگر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که هر که این تسبیح را بگوید در غیر مقام تعجب حق تعالی هزار گناه او را محو کند و هزار حسنه برای او ثبت نماید و هزار شفاعت برای او بنویسد و هزار درجه برای او بلند کند و برای او از این کلمه مرغ سفید خلق کند که تا روز قیامت این تسبیح را گوید و ثوابش برای او نوشته شود. **۱۱** یازدهم: قطب راوندی از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت کرده است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود که: هر که صبح کند و چهار نعمت خدا را یاد نکند می ترسم که نعمت خدا از او زایل گردد:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَفَنِي نَفْسَهُ * وَ لَمْ يَتْرُكْنِي عَمِيَانَ الْقَلْبِ *

ستایش خدا را که خود را به من شناساند * و مرا کور دل نگذاشت *

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ *

ستایش خدا را که قرار داد مرا در میان امت محمد که درود خدا بر او و آتش باد *

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ رِزْقِي فِي يَدَيْهِ * وَ لَمْ يَجْعَلْ رِزْقِي فِي آيِدِي النَّاسِ *

ستایش خدا را که قرار داد روزیم را در دست خودش * و ننهاده روزیم را در دست مردم *

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَتَرَ ذُنُوبِي وَ عِيُوبِي * وَ لَمْ يَفْضَحْنِي بَيْنَ الْخَلَائِقِ *

* ستایش خدا را که پوشاند گناهانم را و عیوبم را * و رسوا نکرد مرا در میان مردم.

(النَّاسِ) یعنی سپاس خداوندی را سزاست که خود را به من شناسانید و مرا کور دل نگذاشت، سپاس

خداوندی را رواست که مرا از امت محمد (صلی الله علیه و آله) گردانید، حمد می کنم خداوندی را که روزی مرا خود متکفل شد و به دست مردم نگذاشت، ستایش می کنم خداوندی را که گناهان مرا پوشانید و مرا میان خلائق رسوا نگردانید.

۱۲ دوازدهم: در بلد الامین از سلمان فارسی روایت کرده است که هر بنده که داخل صبح شود بگوید سه مرتبه:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا *

ستایش از خدا پروردگار جهانیان * ستایش از خدا ستایش بسیار پاکیزه و

مبارک. **۱۳** سیزدهم: شیخ کلینی به سند

معتبر از حضرت باقر (علیه السلام) روایت کرده است که چون صبح کنی بگو: **أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا**

صبح کردم به خدا معتقد

عَلَى دِينَ مُحَمَّدٍ وَ سُنَّتِهِ * وَ دِينَ عَلِيٍّ وَ سُنَّتِهِ * وَ دِينَ الْأَوْصِيَاءِ

بر دین محمد (ص) و سنت او * و دین علی (ع) و سنتش * و دین اوصیاء

وَ سُنَّتِهِمْ * ءَامَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ * وَ شَاهِدِهِمْ وَ غَائِبِهِمْ *

و سنت آنها * مؤمنم به نهن آنها و آشکارشان * و شاهدشان و غائبشان *

وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ *

و پناه می‌برم به خدا از آنچه پناه برده از آن رسول خدا درود خدا بر او و آتش باد *

وَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ * وَ الْأَوْصِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * وَ أَرْغَبُ إِلَى اللَّهِ

و علی درود بر او باد * و اوصیاء درود بر آنان باد * و توجه کنم به سوی خدا

فِي مَا رَغَبُوا إِلَيْهِ * وَ لِأَحْوَالٍ وَ لِأَقْوَةِ الْأَبَالَةِ ۱۴ * چهاردهم: شیخ کلینی از حضرت

در آنچه توجه کردند به سوی او * و نیست جنبش و نه توانی جز به خدا. *

امام محمد باقر (علیه السلام) فضیلت بسیاری نقل کرده برای خواندن این دعا بعد از صبح پیش از طلوع آفتاب:

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا * وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً * وَ الْحَمْدُ

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است بسیاری * و منزه است خدا صبح و پسمین * و ستایش

لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا * لَا شَرِيكَ لَهُ * وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

از خدا است پروردگار جهانیان بسیار * شریک ندارد او را * و رحمت کند خدا بر محمد

وَ ءَالِهِ (وَ ءَالِ مُحَمَّدٍ) ۱۵ * پانزدهم: در بلد الامین از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که هر که در

و آتش. *

صبح سه مرتبه این دعا بخواند تا شام به او بلائی نرسد و اگر در شام بگوید تا صبح به او بلائی نرسد: بِسْمِ

به نام

اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّهُ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ * وَ هُوَ

خدا که زیان نرساند با نامش چیزی در زمین و نه در آسمان * او است

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۱۶ * شانزدهم: کلینی وابن بابویه و دیگران به سندهای موثق و معتبر از حضرت امام

شنونده و دانا. *

محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده اند که حق تعالی حضرت نوح (علیه السلام) را بنده بسیار شکر کننده نامید برای آنکه هر

صبح و شام این دعا می‌خواند: **اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَشْهَدُکَ اَنَّهُ وَاَمْسِیْ وَاصْبَحَ بِيْ مِنْ**

خدایا من گواहत گیرم که در شام و بامداد هر چه به من برسد

نِعْمَةً * اَوْ عَافِيَةً فِيْ دِيْنٍ اَوْ دُنْيَا * فَمِنْکَ وَحَدَّکَ لَا شَرِيْکَ لَکَ * لَکَ

نعمتی * یا عافیتی در دین یا دنیا * از توست یگانه‌ای شریک نداری * از توست

الْحَمْدُ وَ لَکَ الشُّکْرُ بِهَا عَلٰی حَتّٰی تَرْضٰی اِلَیْهَا * و در بعضی روایات است:

ستایش و از توست شکر بدان بر من تا راضی شوی معبودا *

اللَّهُمَّ اِنَّهٗ وَاَصْبَحَ بِيْ مِنْ نِعْمَةٍ * اَوْ عَافِيَةٍ فِيْ دِيْنٍ اَوْ دُنْيَا فَمِنْکَ *

خدایا به راستی صبح کند به من هر نعمت * و عافیتی در دین یا دنیا از توست *

وَ حَدَّکَ لَا شَرِيْکَ لَکَ * لَکَ الْحَمْدُ وَ لَکَ الشُّکْرُ بِهَا عَلٰی * حَتّٰی تَرْضٰی

یگانه‌ای شریک نداری * از توست ستایش و از توست شکر بدان * تا راضی شوی

وَ بَعْدَ الرِّضَا * و ده مرتبه می‌خواند و هر دو خوب است. **۱۷** هفدهم: کلینی و برقی به سندهای

و باز هم *

معتبر از حضرت صادق و کاظم (علیهما السلام) روایت کرده‌اند که چون نزدیک شود به غروب آفتاب این دعا بخوان تا

ایمن گردی از شر هر دُرَنده و از شر شیطان لعین و فرزندان او و از هر گزنده و صاحب زهری و از دزدان و غولان:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا * وَ لَمْ

به نام خداوند بخشاینده مهربان * ستایش از آن خدا است که فرزند نگیرد * و

یَکُنْ لَهُ وِ شَرِيْکٌ فِی الْمَلٰٓئِکَةِ * وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ یَصِفُ وَ لَا یُوصَفُ

شریکی در ملک او نپذیرد * و ستایش از آن خدا که وصف کند و وصف نشود

*** وَ یَعْلَمُ وَ لَا یُعْلَمُ * یَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِی الصُّدُوْرُ * اَعُوْذُ**

* و می‌داند و دانسته نشود * می‌داند خیانت چشمها را و آنچه نهان است در سینه‌ها * پناه برم

بِوَجْهِ اللّٰهِ الْکَرِیْمِ * وَ بِاسْمِ اللّٰهِ الْعَظِیْمِ * مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَ بَرَأَ *

به وجه خدای کریم * و به نام خدای بزرگ * از شر هر چه آفرید و درآورد *

وَ مِنْ شَرِّ مَا تَحْتَ الثَّرٰی * وَ مِنْ شَرِّ مَا ظَهَرَ وَ مَا بَطَنَ * وَ مِنْ شَرِّ مَا

و از شر آنچه در زیر زمین است * و از شر آنچه عیان است و نهان است * و از شر آنچه

کَانَ فِی الْیَلِیْلِ وَ النَّهَارِ * وَ مِنْ شَرِّ اَبِی قَتْرَةَ (مُرَّةً) * وَ مِنْ شَرِّ

در شب است و روز * و از شر ابی قتره و آنچه زاید * و از شر

الرَّسِيسِ * وَ مِنْ شَرِّ مَا وَصَفْتُ وَ مَا لَمْ أَصِفْ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

رسیس * و از شر آنچه وصف کردم و آنچه وصف نکردم * و ستایش از آن خداست پروردگار

الْعَالَمِينَ ﴿۱۸﴾ هیجدهم: کلینی به سند معتبر از حضرت باقر (علیه السلام) روایت کرده است که هر که در صبح

عالمیان. *

این دعا را بخواند در آن روز هیچ چیز به او ضرر نرساند و هر که در شام بخواند در آن شب چیزی او را ضرر نرساند

انشاء الله تعالی: اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ فِي ذِمَّتِكَ وَ جِوَارِكَ * اللَّهُمَّ إِنِّي

خدایا به راستی من صبح کردم در امانت و پناهت * خدایا به تو

أَسْتَوِدُّكَ دِينِي وَ نَفْسِي * وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي * وَ أَهْلِي وَ مَالِي * وَ أَعُوذُ

می‌سپارم دینم را و خودم را * و دنیای و آخرتم را * و اهل و مالم را * و به تو

بِكَ يَا عَظِيمُ مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ جَمِيعًا * وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يُبْلِسُ

پناه می‌برم ای بزرگ از شر خلقت همه * و به تو پناه می‌برم از شر اشتباهکاری

بِهِ ابْلِيسُ وَ جُنُودُهُ ﴿۱۹﴾ نوزدهم: ایضاً کلینی به سند کالصحیح روایت کرده است که مردی به

شیطان و لشکرش *

خدمت حضرت صادق (علیه السلام) عرض کرد که مرا دعائی تعلیم فرما که هر صبح و شام بخوانم. حضرت فرمود که:

این دعا را بخوان: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ * وَ لَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ

ستایش خدا را که بکند هر چه خواهد * و نکند هر چه دیگری

غَيْرُهُ * الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ * الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا هُوَ

خواهد غیر از * او ستایش خدا را که چنانچه دوست دارد که ستایش شود * ستایش خدا را چنانچه او

أَهْلُهُ * اللَّهُمَّ ادْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ ادْخَلْتِ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ

سزاوار آن است * خدایا در آورم در هر خیری که در آوردی در آن محمد (ص) را و آل محمد را

* وَ أَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ * صَلَّى

* و برآورم از هر بدی که بر آوردی از آن محمد (ص) و آل محمد را * رحمت

اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ﴿۲۰﴾ بیستم: در بلد الامین از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت کرده

خدا بر محمد و آل محمد. *

است که هر که در صبح هفت مرتبه بخواند این دعا را در آن روز از بلاها محفوظ باشد: ﴿فَاللَّهُ خَيْرٌ﴾

پس خدا بهترین

حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿۲۰﴾ ﴿إِنَّ وِليَّ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ

نگهدار است و اوست رحیمتر رحم کنندگان * به راستی پرستارم خدائی است که فرو فرستاد کتاب

وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴿۲۱﴾ ﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

و او سرپرست صالحان است * پس اگر پشت کنند بگو بس است مرا خدائی که نیست معبودی جز او *

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿۲۲﴾ بیست و یکم: در بعضی از کتب معتبره

بر او توکل دارم و او پروردگار عرش بزرگ است. *

مروی است که هر که سه مرتبه در بامداد و سه مرتبه در آخر روز این صلوات را بخواند گناهانش آمرزیده شود و

شادی او همیشه باشد و دعایش مستجاب گردد و روزیش فراخ شود و بردشمن یاری یابد و در بهشت از رفیقان

محمد (ﷺ) باشد این است صلوات: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ

خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد در اولین

﴿وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ ﴿وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

* و رحمت فرست بر محمد و آل محمد در آخرین * و رحمت فرست بر محمد

﴿وَأَلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى﴾ ﴿وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي

و آل محمد در ملا اعلی * و رحمت فرست بر محمد و آل محمد

الْمُرْسَلِينَ ﴿اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالشَّرْفَ وَالْفَضِيلَةَ﴾

در رسولان * خدایا بده به محمد (ص) وسیله را و شرف و فضیلت را *

﴿وَالدَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ﴾ ﴿اللَّهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَمْ أَرَهُ﴾ ﴿فَلَا

و درجه بزرگ * خدایا به راستی من معتقدم به محمد و آلش و ندیدمش * محروم

تَحْرَمَنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ رُؤْيَتَهُ﴾ ﴿وَأَرْزُقْنِي صُحْبَتَهُ﴾ ﴿وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ

مکن مرا روز قیامت از دیدنش * و روزی کن به من صحبتش را * و بمیران بر ملتش

﴿وَاسْقِنِي مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَبًا رَوِيًّا سَائِغًا هَنِئًا﴾ ﴿لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ﴾

* و بنوشان مرا از حوضش نوشیدن سیر و گوارا و کامل * که تشنه نشوم پس از آن

أَبَدًا ﴿إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ ﴿اللَّهُمَّ كَمَا آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلِّ

هرگز * زیرا تو بر هر چیز توانائی * خدایا چنانچه معتقدم به محمد که درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَ لَمْ آرَهُ * فَأَرِنِي فِي الْجَنَانِ وَجْهَهُ * اللَّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ

خدا بر او و آتش باد * و او را ندیدم به من بنما در بهشت رویش را * خدا یا برسان روح

مُحَمَّدٍ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَ سَلَامًا * مؤلف گوید که این صلوات همان صلواتی است که

محمد (ص) را از من زنده باد بسیار و درود. *

کفعمی از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرده که هر که بخواند مسرور کند محمد و آل محمد (علیهم السلام) را در صلوات بر ایشان آن را بخواند، و ما در مفاتیح در اعمال روز عرفه آن را ذکر نمودیم. و بدان که دعاهای وارده در صبح و شام بسیار است و این مختصر را گنجایش بیش از این نیست. و بیاید در باب چهارم ذکر ده دعا از کافی که در وقت صبح و شام خوانده می شود و اگر وقت داشتی بخوان دعای عشرات و دعای معروف به یستشیر و دعای نور و

دعای عهد اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ * را و این دعاها را در مفاتیح ما ذکر نمودیم و در آداب تربت

بار خدا یا پروردگار نور عظیم. *

نیز ذکر نمودیم دعای أَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ * را که تسبیح تربت بر دست

صبح کردم بار خدا یا و معتصم هستم به امان تو. *

گرفته و آن دعا را در صباح و مساء برای ایمنی از هر خوف بخوانند.

فصل ششم: در دعاهایی که در ساعات روز باید خواند

و دعاهای هر روز که خصوصیتی به ساعتی ندارد

بدان که شیخ طوسی و سید بن باقی و شیخ کفعمی هر روز را به دوازده ساعت منقسم ساخته اند و هر ساعتی را به امامی از ائمه اثنی عشر صلوات الله علیهم اجمعین نسبت داده اند و برای هر ساعتی دعائی که مشتمل بر توسل به آن امام عالی مقام است ذکر کرده اند و اگر چه روایتش را بخصوص ایراد نکرده اند اما معلوم است که چنین امری را بدون روایت ذکر نمی کنند، و ما در این رساله اکتفا می کنیم به آنچه در مصباح المتهجد است فرموده: **ساعت اول:** از طلوع فجر است تا طلوع آفتاب منسوب است به امیرالمؤمنین (علیه السلام)، و دعای آن این است:

اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَهَاءِ وَ الْعَظْمَةِ * وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ السُّلْطَانِ * أَظْهَرْتَ

خدا یا پروردگار خرمی و بزرگی * و کبریاء و سلطنت * نمودی

الْقُدْرَةَ كَيْفَ شِئْتَ * وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ عِبَادِكَ بِمَعْرِفَتِكَ * وَ تَسَلَّطْتَ

نیرومندی را هر طور خواستی * و منت نهادی بر بندگانت به معرفتت * و مسلطی

عَلَيْهِمْ بِجَبْرُوتِكَ * وَ عَلَّمْتَهُمْ شُكْرَ نِعْمَتِكَ * اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ عَلِيٍّ

بر آنها به جبروتت * و آموختی به آنها شکر نعمت خودت را * خدایا به حق علی

الْمُرْتَضَى لِلدِّينِ * وَالْعَالِمِ بِالْحُكْمِ * وَمَجَارِي التَّقَى * إِمَامِ الْمُتَّقِينَ

پسندیده برای دین * و دانا به حکم * و مجاری تقوی * امام متقیان

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * وَأَقْدِمَهُ بَيْنَ يَدَيَّ

* رحمت فرست بر محمد و آلش در اولین و آخرین * و پیش دارم او را جلو

حَوَائِجِي * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَفْعَلَ بِي

حاجت‌هایم * که رحمت فرستی بر محمد و آلش * و بکنی با من

كَذَا وَ كَذَا * **ساعت دوم:** از طلوع شمس است تا ذهاب حُمره و منسوب است به حضرت امام حسن

چنین و چنان.

مَجْتَبَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ): اللَّهُمَّ لَبَسْتَ بِهَائِكَ فِي أَعْظَمِ قُدْرَتِكَ * وَ صَفَا نُورَكَ فِي

خدایا در بر داری خرمی خود در بزرگترین نیرو * و برآمد نورت در

أَنْوَارِ ضَوْوِكَ * وَ فَاضَ عِلْمُكَ حِجَابَكَ * وَ خَلَصْتَ فِيهِ أَهْلَ الثِّقَةِ

روشنترین تابش * و سرازیر شد دانشت بر حجابت * و خاص آن کردی موثقان

بِكَ عِنْدَ جُودِكَ * فَتَعَالَيْتَ فِي كِبْرِيَاءِكَ عَلَوًّا * عَظَمْتَ فِيهِ مِنتَكَ

خود را هنگام بخشش خود * برتری یافتی در کبریائیت * بسیار بزرگ است در آن منت

عَلَى أَهْلِ طَاعَتِكَ * فَبَاهَيْتَ بِهِمْ أَهْلَ سَمَاوَاتِكَ بِمِنتِكَ (بِمِنتِكَ)

تو بر اهل طاعتت * و نازیدی بدانها بر اهل آسمانهایت به منت خود

عَلَيْهِمْ * اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ * وَ بِهِ اسْتَعِيثُ

بر آنها * خدایا به حق حسن بن علی بر تو از تو خواهم * و به او دادرسی خواهم

إِلَيْكَ * وَأَقْدِمَهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

به سوی تو * و مقدمش دارم جلو حوائج‌م * که رحمت فرستی بر محمد و

مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا * **ساعت سیم:** از ذهاب شعاع است تا ارتفاع نهار و

آل محمد * و اینکه عمل کنی با من چنان و چنان.

منسوب است به حضرت امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَا مَنْ تَجَبَّرَ فَلَا عَيْنَ تَرَاهُ * يَا مَنْ تَعَظَّمَ

ای که بزرگی داری تا اینکه دیده نبیندت * ای که عظیمی

فَلَا تَحْطُرْ الْقُلُوبُ بِكُنْهِهِ * يَا حَسَنَ الْمَنِّ * يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ * يَا

تا آنجا که خطور به دلها نکنی در کنه خود * ای نیک منت * ای نیک درگذشت * ای

حَسَنَ الْعَفْوِ * يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ * يَا مَنْ لَا يُشْبِهُهُ شَيْءٌ مِنْ خَلْقِهِ *
نیک عفو * ای جواد ای کریم * ای که مانندش نباشد چیزی از خلقش *

يَا مَنْ مَنَّ عَلَى خَلْقِهِ بِأَوْلِيَائِهِ إِذْ ارْتَضَاهُمْ لِدِينِهِ * وَادَّبَ بِهِمْ عِبَادَهُ *
ای که منت نهد بر خلقش به اولیائش که پسندیده برای دینش * و ادب کند به آنها بندگان را

وَجَعَلَهُمْ حُجَجًا مَنَا مِنْهُ عَلَى خَلْقِهِ * أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ بْنِ

* و آنها را حجت کند به منت بر خلقش * خواهمت به حق حسین بن

عَلِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ * السَّبْطِ التَّابِعِ لِمَرْضَاتِكَ * وَ النَّاصِحِ فِي

علی که درود بر آن دو باد * سبط تابع پسندت * و خیر خواه

دِينِكَ * وَ الدَّلِيلِ عَلَى ذَاتِكَ * أَسْأَلُكَ بِحَقِّهِ وَ أَقْدَمِهِ * بَيْنَ يَدَيِ

دینت * و رهبر به ذاتت * از تو خواهم به حق او و مقدمش دارم برای

حَوَائِجِي * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا

حوائج من * که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد * و بکنی با من چنان

وَ كَذَا * **ساعت چهارم:** منسوب است به علی بن الحسین (علیهما السلام) و آن از ارتفاع نهار است تا زوال شمس:

و چنان. *

اللَّهُمَّ صَفَا نُورِكَ فِي أُمَّ عَظَمَتِكَ * وَ عَلَا ضِيَاؤُكَ فِي أَبِي ضَوْئِكَ *
خدایا با صفا است نورت در تمام بزرگیت * و برآمده تابشت در خرمترین پرتوت *

أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ الَّذِي نَوَّرْتَ بِهِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ * وَ قَصَمْتَ بِهِ

از تو خواهم به نورت که روشن کردی بدان آسمانها و زمینها را * و شکستی بدان

الْجَبَابِرَةَ * وَ أَحْيَيْتَ بِهِ الْأَمْوَاتَ * وَ آمَتَّ بِهِ الْأَحْيَاءَ * وَ جَمَعْتَ بِهِ

جباران را * و زنده کردی بدان مردهها را * و میرانی بدان زندهها را * و جمع کنی بدان

الْمُتَفَرِّقَ * وَ فَرَّقْتَ بِهِ الْمُجْتَمِعَ * وَ أَتَمَّمْتَ بِهِ الْكَلِمَاتَ * وَ أَقَمْتَ

پراکندهها را * و پراکنده سازی بدان جمعها را * و تمام کنی بدان کلمات را * و برپا داشتی

بِهِ السَّمَاوَاتِ * أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

بدان آسمانها را * از تو خواهم به حق ولیت علی بن الحسین درود بر آن دو باد

أَلَذَابٌ عَنِ دِينِكَ * وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ * وَأَقْدَمَهُ * وَبَيْنَ يَدَيَّ

* که دفاع کرد از دینت * و جهاد کرد در راهت * و مقدم دارم او را پیش

حَوَائِجِي * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا

حوائج خود * که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد * و بکنی با من چنان

وَكَذَا * **ساعت پنجم:** منسوب است به امام محمد باقر (علیه السلام) و آن از زوال شمس است تا مقدار چهار

و چنان. *

رَكَعَتِ أَزَانَ: اللَّهُمَّ رَبَّ الضِّيَاءِ وَالْعِظْمَةِ * وَالنُّورِ وَالْكَبْرِيَاءِ وَالسُّلْطَانَ

خدایا پروردگار تابش و بزرگی * و روشنی و کبریاء و سلطان

تَجَبَّرْتَ بِعِظْمَةِ بَهَائِكَ * وَمَنْتَ عَلَيَّ عِبَادِكَ بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ

* بزرگی گرفتی به عظمت بهایت * و منت نهادی بر بندگانت به مهرت و رحمت

وَدَلَّلْتَهُمْ عَلَيَّ مَوْجُودِ رِضَاكَ * وَجَعَلْتَ لَهُمْ دَلِيلًا يَدُلُّهُمْ عَلَيَّ

* و رهنمودی آنها را به موجود رضای خود * و نهادی برای آنها دلیلی که دلالت کند بر

مَحَبَّتِكَ * وَيَعْلَمُهُمْ مَحَابَّتِكَ * وَيَدُلُّهُمْ عَلَيَّ مَشِيَّتِكَ * اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ

دوستیت * و بیاموزدشان وسیله های محبتت را * و رهنمایدشان بر خواستهات * به حق

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَيْكَ * وَأَقْدَمَهُ * وَبَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي

محمد بن علی که درود بر آن دو باد بر تو * و مقدمش دارم جلو حوائج خود

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا * 

* که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد * و بکنی با من چنان و چنان. *

ساعت ششم: منسوب است به حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) و آن از مقدار چهار رکعت از زوال گذشته است تا

نماز ظهر: يَا مَنْ لَطْفٍ عَنِ ادْرَاكِ الْأَوْهَامِ * يَا مَنْ كَبُرَ عَنِ مَوْجُودِ الْبَصْرِ

ای که لطیفی از ادراک اوهام * ای که بزرگتری از موجود دیدنی

يَا مَنْ تَعَالَى عَنِ الصِّفَاتِ كُلِّهَا * يَا مَنْ جَلَّ عَنِ مَعَانِي اللَّطْفِ * 

* ای که برتری از صفات همه آنها * ای که والاتری از معانی لطف *

وَلَطْفٍ عَنِ مَعَانِي الْجَلَالِ * أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ * وَضِيَاءِ كِبْرِيَاءِكَ

و لطیفتری از معانی جلال * از تو خواهم به نور وجهت * و تابش کبریائت

وَ اسْأَلُكَ بِحَقِّ عَظَمَتِكَ الْعَافِيَةَ مِنْ نَارِكَ * وَ اسْأَلُكَ بِحَقِّ جَعْفَرِ

* و از تو خواهم به عظمتت عافیت را از دوزخت * و از تو خواهم به حق جعفر

بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ * وَ اقْدِمَهُ وَ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي * اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

بن محمد بر تو * و او را وسیله کنم نزد تو برای حوائجم * که رحمت فرستی

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ اَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا * **ساعت هفتم:** منسوب است

بر محمد و آل محمد * و بکنی با من چنان و چنان *

به موسی بن جعفر (علیه السلام) و آن از نماز ظهر است تا مقدار چهار رکعت قبل از عصر: يَا مَنْ تَكَبَّرَ عَنْ

ای که برتر است از

الْاَوْهَامِ صُورَتُهُ * يَا مَنْ تَعَالَى عَنِ الصِّفَاتِ نُورُهُ * يَا مَنْ قَرَّبَ عِنْدَ

اوهام تصورش * ای که برتر است از صفات نورش * ای که نزدیک باشد نزد

دُعَاءِ خَلْقِهِ * يَا مَنْ دَعَاهُ لِمُضْطَرُونَ * وَ لَجَا إِلَيْهِ الْمُخَائِفُونَ * وَ سَأَلَهُ

دعای خلق خود * ای که خواندش بیچارگان * و پناهندش ترسویان * و بخواهندش

الْمُؤْمِنُونَ * وَ عَبَدَهُ الشَّاكِرُونَ * وَ حَمَدَهُ الْمُخْلِصُونَ * اسْأَلُكَ بِحَقِّ

مؤمنان * و پرستندش شاکران * و سپاسندش مخلصان * از تو خواهم به حق

نُورِكَ الْمُضِيِّ * وَ بِحَقِّ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْكَ * وَ اتَّقَرَّبُ بِهِ إِلَيْكَ

نور تابندهات * و به حق موسی بن جعفر بر تو * و تقرب جویم بدو نزد تو

وَ اقْدِمَهُ وَ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي * اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

* مقدم دارمش جلو حوائجم * که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

* وَ اَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا * **ساعت هشتم:** منسوب است به علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و

* و بکنی با من چنان و چنان. *

آن از مقدار چهار رکعت بعد از ظهر است تا نماز عصر: يَا خَيْرَ مَدْعُو * يَا خَيْرَ مَنْ اَعْطَى

ای بهتر خوانده شده * ای بهتر عطا بخش *

يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ * يَا مَنْ اَضَاءَ بِاسْمِهِ ضَوْءَ النَّهَارِ * وَ اَظْلَمَ بِهِ ظُلْمَةَ

ای بهتر سؤال شده * ای که به نامش روشن است روز * و تار است بدو سیاهی

اللَّيْلِ * وَ سَأَلَ بِاسْمِهِ وَاِبِلِ السَّيْلِ * وَ رَزَقَ اَوْلِيَائَهُ كُلَّ خَيْرٍ * يَا مَنْ

شب * و روان است به نامش فراوانی سیلاب * و روزی داده دوستانش هر خیر را * که

عَلَا السَّمَاوَاتِ نُورُهُ * وَالْأَرْضِ ضَوْؤُهُ * وَالشَّرْقِ وَالْغَرْبِ رَحْمَتُهُ *
و برآمده بر آسمانها نورش * و بر زمین فروزش * و بر شرق و غرب رحمتش

و برآمده بر آسمانها نورش * و بر زمین فروزش * و بر شرق و غرب رحمتش

يَا وَاسِعَ الْجُودِ * أَسْأَلُكَ بِحَقِّ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ *
ای واسع بخشش * از تو خواهم به حق علی بن موسی الرضا که درود بر آن دو باد

ای واسع بخشش * از تو خواهم به حق علی بن موسی الرضا که درود بر آن دو باد

وَأَقْدَمَهُ * (فَأَقْدَمَهُ) * بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ *
و پیشش دارم جلو حوائجم * که رحمت فرستی بر محمد و

و پیشش دارم جلو حوائجم * که رحمت فرستی بر محمد و

مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا *  **ساعت نهم:** منسوب است به حضرت امام محمد
آل محمد * و بکنی با من چنان و چنان. *

آل محمد * و بکنی با من چنان و چنان. *

تقی (ع) و آن از نماز عصر است تا دو ساعت بعد می گوئی: يَا مَنْ دَعَاهُ الْمُضْطَرُونَ فَاجَابَهُمْ *
ای که خوانندش پریشانها و اجابت کند

ای که خوانندش پریشانها و اجابت کند

والتَّجَا إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ فَأَمَنَهُمْ * وَعَبْدَهُ الطَّائِعُونَ فَشَكَرَهُمْ *
و پناه برند به او ترسانها و آسوده کند آنها را * و پرستند او را مطیعان قدر آنها را داند *

و پناه برند به او ترسانها و آسوده کند آنها را * و پرستند او را مطیعان قدر آنها را داند *

و شَكَرَهُ الْمُؤْمِنُونَ فَحَبَاهُمْ * وَأَطَاعُوهُ فَعَصَمَهُمْ * وَسَأَلُوهُ فَأَعْطَاهُمْ *
و شکر گزارندش مؤمنان و بخشنده به آنها * و اطاعت کنند او را و نگهشان دارد * و بپرسند از او و به آنها بدهد

و شکر گزارندش مؤمنان و بخشنده به آنها * و اطاعت کنند او را و نگهشان دارد * و بپرسند از او و به آنها بدهد

و نَسُوا نِعْمَتَهُ * فَلَمْ يَخُلْ شُكْرَهُ * مِنْ قُلُوبِهِمْ * وَامْتَنَّ عَلَيْهِمْ فَلَمْ *
و از یاد برند نعمتش را و بی شکرش نگذارد دل آنها را * و منت نهد بر آنها

و از یاد برند نعمتش را و بی شکرش نگذارد دل آنها را * و منت نهد بر آنها

يَجْعَلُ اسْمَهُ * مَنْسِيًّا عِنْدَهُمْ * أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا *
و نامش را نبرد از یاد آنها * و از تو خواهم به حق محمد بن علی که درود بر


و نامش را نبرد از یاد آنها * و از تو خواهم به حق محمد بن علی که درود بر

السَّلَامِ * حُجَّتِكَ الْبَالِغَةَ * وَنِعْمَتِكَ السَّابِغَةَ * وَمَحَجَّتِكَ *
آن دو باد * حجت بالغه * و نعمت فراوان * و حجت

آن دو باد * حجت بالغه * و نعمت فراوان * و حجت

الْوَاضِحَةَ * وَأَقْدَمَهُ * بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ *
روشت * و پیش دارمش برابر برای حوائجم * که رحمت فرستی بر محمد

روشت * و پیش دارمش برابر برای حوائجم * که رحمت فرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا *  **ساعت دهم:** منسوب است به امام علی
و آل محمد * و اینکه بکنی با من چنان و چنان. *

و آل محمد * و اینکه بکنی با من چنان و چنان. *

نقی (ع) و آن از دو ساعت بعد از نماز عصر است تا پیش از زرد شدن آفتاب: يَا مَنْ عَلَا فَعَظَمَ * يَا *
ای که بلندی و بزرگواری * ای که

ای که بلندی و بزرگواری * ای که

مَنْ تَسَلَطَ فَتَجَبَّرَ * وَتَجَبَّرَ فَتَسَلَطَ * يَا مَنْ عَزَّ فَاسْتَكْبَرَ فِي عِزِّهِ *

مسلطی و جبار * و جباری و مسلط * ای که عزیزی و کبیری در عزت خود *

يَا مَنْ مَدَّ الظِّلَّ عَلَى خَلْقِهِ * يَا مَنْ اَمْتَنَّ بِالْمَعْرُوفِ عَلَى عِبَادِهِ * يَا

ای که کشیدی سایه را بر خلق خود * ای که منت نهد به احسان بر بندگانش * ای

عَزِيزًا ذَا اِنْتِقَامٍ * يَا مُنْتَقِمًا بِعِزَّتِهِ مِنْ اَهْلِ الشَّرِكِ * اَسْأَلُكَ بِحَقِّ

عزیز انتقام جو * ای انتقام کش به عزت خود از اهل شرک * از تو خواهم به حق

عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ * وَاَقْدَمَهُ وِبَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي * اَنْ

علی بن محمد که درود بر آن دو باد * و پیش دارمش جلو حاجت‌هایم * که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ اَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا * **ساعت**

رحمت فرستی بر محمد و آل محمد * و بکنی با من چنان و چنان. *

یازدهم: منسوب است به حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) و آن پیش از زرد شدن آفتاب است تا زرد شدن

أَنْ: يَا أَوَّلَ بِلَا أَوَّلِيَّةٍ * وَآخِرًا بِلَا آخِرِيَّةٍ * يَا قِيَوْمًا بِلَا مُنْتَهَى لِقَدَمِهِ

ای آغاز که آغاز ندارد * و ای آخر که آخر ندارد * ای پایدار که نهایت ندارد قدمش

* يَا عَزِيزًا بِلَا اِنْقِطَاعِ لِعِزَّتِهِ * يَا مُتَسَلِّطًا بِلَا ضَعْفٍ مِنْ سُلْطَانِهِ

* ای عزیزی که عزتش قطع نشود * ای مسلطی که ناتوان نگردد از سلطنتش

* يَا كَرِيمًا بَدَوَامِ نِعْمَتِهِ * يَا جَبَّارًا وَ مُعِزًّا لِأَوْلِيَائِهِ * يَا خَيْرًا بِعِلْمِهِ

* ای کریمی که همیشه است نعمتش * ای جبار و عزیز کن دوستانش * ای آگاه به دانشش

* يَا عَلِيمًا بِقُدْرَتِهِ * يَا قَدِيرًا بِذَاتِهِ * اَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

* ای دانا به قدرتت * ای توانا به ذاتش * از تو خواهم به حق حسن بن علی

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ * وَاَقْدَمَهُ وِبَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي * اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

که درود بر آن دو باد * و مقدم دارمش جلو حوائج خود * که رحمت فرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ اَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا * **ساعت دوازدهم:** منسوب است به امام

و آل محمد * و بکنی با من چنان و چنان. *

عصر (الغلام) و آن از زرد شدن شمس است تا غروب آن: يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِنَفْسِهِ عَنِ خَلْقِهِ * يَا

ای که به خود یگانه‌ای از خلقت * ای که

مَنْ غَنِيَ عَنْ خَلْقِهِ بِصُنْعِهِ * يَا مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ وَخَلَقَهُ وَبَلَطَفِهِ * يَا

بی‌نیازی از خلقت به کار خود * ای که شناساندی خود را به خلقت از لطف * ای که

مَنْ سَلَكَ بِأَهْلِ طَاعَتِهِ مَرْضَاتَهُ * يَا مَنْ أَعَانَ أَهْلَ مَحَبَّتِهِ عَلَى

بردی مطیعان خود را به پسندت * ای که یاری کردی اهل محبت را

شُكْرِهِمْ * يَا مَنْ مَنَّ عَلَيْهِمْ بِدِينِهِ * وَلَطَفَ لَهُمْ بِنَائِلِهِ * أَسْأَلُكَ

بر شکرست * ای که منت نهادی بر آنها به دینت * و لطف کردی به آنها به جائزات * از تو خواهم

بِحَقِّ الْخَلْفِ الصَّالِحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ * وَاتَّضَرَّعُ إِلَيْكَ بِهِ *

به حق خلف صالح که درود بر او باد بر تو * و زاری کنم به درگاهت به او *

وَاقْدِمْهُ * وَبَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ *

و مقدم دارم او را جلو حوائجم * که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد *

وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ (أَهْلِ بَيْتِ)

و اینکه بکنی با من چنان و چنان * خدایا رحمت فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ * أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ أَمَرَتْ بِطَاعَتِهِمْ * وَأُولَى الْأَرْحَامِ الَّذِينَ

محمد * اولی الامرانی که فرمان دادی به اطاعتشان * و اولی الارحامی که

أَمَرَتْ بِصَلَّتِهِمْ * وَذَوَى الْقُرْبَى الَّذِينَ أَمَرَتْ بِمُودَّتِهِمْ * وَالْمَوَالِ الَّذِينَ

دستور دادی به پیوست به آنها * و ذوی القربی که دستور دادی به دوستی آنها * و آقایی که

أَمَرَتْ بِعِرْفَانِ حَقِّهِمْ * وَأَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ *

دستور دادی به حق شناسی آنها * و اهل بیتی که بردی از ایشان پلیدی را *

وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَفْعَلَ

و پاکیزه‌شان کردی بسیار * که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد * و بکنی با من

بِي كَذَا وَكَذَا * علامه مجلسی (رحمته الله) در مقباس المصابیح فرموده و به سندهای معتبر از حضرت امام

چنان و چنان. *

جعفر صادق (علیه السلام) منقول است که حق سبحانه و تعالی در سه ساعت شب و سه ساعت روز خود را به مجد و

بزرگواری یاد می‌کند و سه ساعت روز از وقت چاشت تا اول ظهر است و سه ساعت شب ثلث آخر شب است تا

صبح، پس هر بنده مؤمن که این تمجید را بخواند و دلش با خدا باشد البته حق تعالی حاجت او را بر آورد، و اگر

شقی و بد عاقبت باشد امیدوارم که سعادت مند و نیکو عاقبت گردد. * مؤلف گوید که: اگر در این ساعت‌های روز و

شب این دعا را بخواند مناسبتر خواهد بود این است دعا: **أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ**

توئی خدا که نیست خدائی جز تو پروردگار

الْعَالَمِينَ * أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

جهانیان * توئی خدا که نیست معبود حقی جز تو بخشاینده و مهربان * توئی خدا که نیست

الْأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ * أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَلِكٌ (مَلِكٌ) يَوْمَ الدِّينِ

معبود حقی جز تو والا و بزرگ * تو خدائی که نیست معبود حقی جز تو پادشاه روز جزا

*** أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ * أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ**

* توئی خدا نیست معبود حقی جز تو آمرزنده و مهربان * تو خدائی نیست معبود حقی جز تو

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ بَدَأَ كُلُّ شَيْءٍ (بَدَأَ اَخْتَلَقَ)

عزیز و حکیم * توئی خدا نیست معبود حقی جز تو از تو آغاز شده هر چیزی و

وَإِلَيْكَ يَعُودُ * أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَلَا تَزَالُ * أَنْتَ

به سوی تو برگردد * توئی خدائی که نیست معبود حقی جز تو همیشه بودی و باشی * توئی

اللَّهُ (الَّذِي) لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ * أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

خدائی که نیست معبود حقی جز تو خالق خیر و شر * توئی خدائی که نیست معبود حقی جز تو

خَالِقُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ * أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ (هُوَ) الْأَحَدُ الصَّمَدُ *

توئی خالق بهشت و دوزخ * توئی خدائی که نیست معبود حقی جز تو یگانه و بی‌نیاز *

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَكُفُوا أَحَدٌ * أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

فرزند ندارد و فرزند نباشد * و نباشد برایش احدی همتا * توئی خدا نیست معبود حقی جز تو

الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ * السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ * الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ

ملک و قدوس * و سلام مؤمن مهیمن * عزیز جبار متکبری

*** سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ * أَنْتَ (هُوَ) اللَّهُ اَخْلَقَ الْبَارِئِ الْمَصُورِ**

* منزّه است خدا از آنچه شرک آورند * توئی خدا خالق و باری و مصور

*** لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى * يُسَبِّحُ لَكَ (لَهُ) مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ***

* از توست نامهای بهتر * تنزیه کنندت آنچه در آسمانها و زمین است *

وَأَنْتَ (وَهُوَ) الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ

و توئی عزیز و حکیم * توئی خدا نیست معبود حقی جز تو بزرگی برتری

وَالْكَبِيَاءُ رِدَاؤُكَ * و این بابویه به سند صحیح از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که هر

* و کبریاء در بری. *

بنده‌ای که هر روز هفت مرتبه بگوید: **أَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ**

می‌خواهم از خدا بهشت و پناه برم به خدا از دوزخ *

جهنم گوید: خدایا او را از من پناه ده. و به سند معتبر دیگر از آن حضرت روایت کرده است که اگر مؤمنی در یک روز چهل گناه کبیره بکند پس از روی ندامت و پشیمانی این استغفار را بخواند خدا گناهان او را بیامزد:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ * بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ

آمرزش جویم از خدائی که نیست معبود حقی جز او زنده و پاینده * و آفریننده آسمانها

وَالْأَرْضِ * ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ * وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ *

و زمین * صاحب جلالت و کرم * و از او خواهم که توبه‌ام بپذیرد *

و ایضاً به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده است هر که هر روز هفت مرتبه بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ كَانَتْ أَوْ هِيَ كَانَتْ * ادای شکر نعمتهای گذشته و

ستایش از آن خدا است بر هر نعمتی که بوده و هست *

آینده کرده است. * و ایضاً به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده است که هر که هر روز بیست و پنج مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ * وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ *

خدایا بیمارز مؤمنین و مؤمنات * و مسلمین و مسلمات را *

حق تعالی به عدد هر مؤمن که گذشته و هر مؤمن که بیاید تا روز قیامت حسنه در نامه اعمال او بنویسد و به آن عدد گناه از او محو کند و درجه‌ای در بهشت برای او بلند کند، * و ایضاً به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده است

که هر که هر روز صد مرتبه بگوید: **لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ *** حق تعالی هفتاد نوع بلا از او دور

نیست جنبش و توانی جز به خدای متعال *

گرداند که کمتر آنها هم و غم باشد. * و به روایت دیگر هرگز پریشان نشود. و کلینی و شیخ طبرسی و دیگران به

سندهای حسن و معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده‌اند که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) هر روز هفتاد مرتبه می‌گفت: **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ** و هفتاد مرتبه **أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ**. * و در کشف الغمّه و امالی شیخ طوسی به سند

معتبر روایت شده است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر که هر روز صد مرتبه بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَمَلِكُ الْحَقِّ الْمُبِينِ * امان یابد از فقر و وحشت قبر و توانگری به او روی آورد

نیست معبود حقی جز خدای ملک حق مبین *

و درهای بهشت بر روی او گشوده شود و درامالی (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ) است. * و در ثواب الأعمال و محاسن برقی سه مرتبه روایت کرده اند. و قطب راوندی در دعوات خود روایت کرده است از حضرت امام رضا (علیه السلام) که حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر که خواهد که او را زیاده از مجاهدین در ملاء اعلی ثنا گویند پس هر روز این دعا بخواند. اگر حاجتی داشته باشد برآورده شود و اگر دشمنی داشته باشد بر او غالب گردد، و اگر قرضی داشته باشد ادا شود، و اگر غمی و همی داشته باشد زایل گردد. و این دعا از هفت آسمان بالا رود تا در لوح محفوظ برای او نوشته شود، این است دعاء:

سُبْحَانَ اللَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ * وَلَا إِلَهَ

منزه باد خدا چنانچه باشدش * سزاوار ستایش از خدا چنانچه شایان اوست * و نیست

إِلَّا اللَّهُ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ * وَاللَّهُ أَكْبَرُ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ * وَلَا حَوْلَ وَلَا

معبود حقی جز خدا چنانچه شایدش * و خدا بزرگتر است چنانچه شایدش * و نیست جنبشی

قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ * وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ * وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ *

و توانائی جز از خدا * و رحمت خدا بر محمد (ص) پیغمبر * و بر خاندانش *

وَ جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ وَ النَّبِيِّينَ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ * وَ بِهِ سُنْدٌ مَعْتَبَرٌ مِنْ حَضْرَةِ إِمَامِ

و جمیع رسولان و پیغمبران تا پسندد خدا. *

رضا (علیه السلام) منقول است که شخصی از اصحاب حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) نامه ای را یافت و به خدمت آن حضرت آورد پس حضرت فرمود ندا کردند که همه اصحاب حاضر شوند پس بر منبر برآمد و فرمود که: این نامه ای است که یوشع بن نون وصی موسی (علیه السلام) نوشته است و مضمون نامه این بود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به درستی که پروردگار شما به شما دوست و مهربان است، به درستی که بهترین بندگان پرهیزکار گمنام است و بدترین خلق کسی است که انگشت نمای مردم باشد به ریاست باطل، پس کسی که خواهد به او ثواب کامل داده شود و

شکر نعمتهای خدا کرده باشد پس در هر روز این دعا بخواند: سُبْحَانَ اللَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ *

منزه است خدا چنانچه شایدش *

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ * وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ * وَلَا

و ستایش از آن خدا است چنانچه شایدش * و نیست معبود حقی جز خدا چنانچه شایدش * و نیست

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ * وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ النَّبِيِّ

جنبش و توانی جز به خدا * و رحمت خدا بر محمد و اهل بیتش پیغمبر

الْأَمِّيُّ * وَ عَلَى جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ وَ النَّبِيِّينَ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ * و در بلد الأَمِين

امی * و بر جمیع رسولان و پیغمبران تا پسندد خدا *

از حضرت رسول (ﷺ) روایت کرده است که هر که هر روز ده مرتبه بگوید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

به نام خداوند بخشاینده

الرَّحِيمِ * لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * از گناهان بیرون آید مانند روزی

مهربان * نیست جنبش و توانی جز به خدای والا و بزرگ *

که از مادر متولد شده و خدا دفع کند از او هفتاد نوع بلا را که از جمله آنها دیوانگی و خوره و پیسی و فالج بوده باشد و حق تعالی هفتاد هزار ملک موکل گرداند که برای او استغفار نمایند * و از حضرت صادق (ع) منقول است که هر که هر روز صد مرتبه بگوید (لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) تنگدستی و فقر او را در نیابد و هر که هر روز صد مرتبه بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ * وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ * حق تعالی بدنش را بر آتش جهنم حرام گرداند. * و در بلد الأَمِين از حضرت رسول (ﷺ) روایت کرده است که هر که هر روز ده مرتبه این دعا بخواند حق تعالی چهار هزار گناه کبیره او را بیامزد و او را از سكرات مرگ و فشار قبر و صد هزار هول قیامت نجات دهد و از شر شیطان و لشکرهای او محفوظ گردد و قرضش ادا شود و هم و غمش زایل گردد. این است دعا:

أَعَدَدْتُ لِكُلِّ هَوْلٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَ لِكُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ مَا شَاءَ اللَّهُ *

آماده کردم برای هر هراسی لا اله الا الله * و برای هر اندوه و غمی ماشاء الله *

وَ لِكُلِّ نِعْمَةٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ * وَ لِكُلِّ رَخَاءٍ الشُّكْرُ لِلَّهِ * وَ لِكُلِّ عَجُوبَةٍ

و برای هر نعمت الحمد لله * و برای هر راحتی الشکر لله * و برای هر عجبی

سُبْحَانَ اللَّهِ * وَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَغْفِرُ اللَّهُ * وَ لِكُلِّ مُصِيبَةٍ أَنَا لِلَّهِ

سبحان الله * و برای هر گناهی استغفر الله * و برای هر مصیبتی انا لله

وَ أَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * وَ لِكُلِّ ضَيْقٍ حَسْبِيَ اللَّهُ * وَ لِكُلِّ قَضَاءٍ وَ قَدَرٍ

و انا اليه راجعون * و برای هر تنگی حسبی الله * و برای هر قضاء و قدر

تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ * وَ لِكُلِّ عَدُوٍّ اِعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ * وَ لِكُلِّ طَاعَةٍ

توکلنت علی الله * و برای هر دشمنی اعتصمت بالله * و برای هر طاعت

وَ مَعْصِيَةٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * و کلینی وابن بابویه و برقی

و معصیتی لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم *

رحمة الله عليهم به سندهای معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده اند که هر که هر روز ده مرتبه این دعاء بخواند حق تعالی چهل و پنج هزار حسنه برای او بنویسد و محو فرماید از او چهل و پنج هزار سیئه و چهل و پنج هزار درجه در بهشت برای او بلند کند و حرزی باشد برای او از شر شیطان و ظالمان و متصرف نشود او را و احاطه به او نکند گناه کبیره. و به روایت دیگر چنان باشد که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد و خدا در بهشت خانه ای برای او بنا کند و در روایت ابن بابویه ده بار نیست، این است دعا: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**

گوایم که نیست معبود حقی جز خدا

وَحَدَهُ وَلَا شَرِيكَ لَهُ * وَالْهَا وَاحِدًا أَحَدًا صَمَدًا * لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً

یگانه است شریک ندارد * معبود یکتا است تنها بی نیاز * نگیرد همسر

وَلَا وَلَدًا * و در ثواب الأعمال و محاسن و کافی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده اند که حضرت

و نه فرزند *

رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود که هر که هر روز پانزده مرتبه بگوید: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا * لَا إِلَهَ إِلَّا**

نیست معبود حقی جز خدا حق است حق است * نیست معبود حقی

اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَصَدِيقًا * لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عِبُودِيَّةً وَرِقًّا * حق تعالی روی رحمت

جز خدا با ایمان و باور * نیست معبود حقی جز خدا با بندگی و عبودیت *

خود را از او نگرداند تا داخل بهشت گرداند او را. * و در محاسن از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) روایت کرده است که هر که هر روز صد مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ** بگوید بهتر باشد از صد شتر برای کعبه قربانی کردن و هر که صد مرتبه **الْحَمْدُ لِلَّهِ** بگوید بهتر باشد از صد بنده آزاد کردن، و هر که صد مرتبه بگوید **اللَّهُ أَكْبَرُ** بهتر باشد از آنکه صد اسب با زین و لجام در راه خدا بفرستد و هر که صد مرتبه **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** بگوید کسی از او عملش نیکوتر نباشد مگر کسی که بیشتر بگوید. * و قطب راوندی روایت کرده است که در بنی اسرائیل عابدی بود که سالها عبادت حق تعالی کرده بود، روزی دعا کرد که: پروردگارا می خواهم حال خود را نزد تو بدانم. اگر عملهای مرا پسندیده باشی دیگر از این اعمال بسیار کنم و الا پیش از مرگ توبه کنم. حق تعالی ملکی به نزد او فرستاد و گفت: تو را نزد خدا هیچ عمل خیر نیست، گفت: پروردگارا عبادت های من چه شد؟ ملک گفت: هر کار خیری که می کردی به مردم خبر می دادی و می خواستی مردم تو را نیک دانند و به نیکی یاد کنند، اکنون ثواب تو همان است که خود برای عمل خود راضی شدی. این سخن بر عابد بسیار گران آمد و محزون و نالان شد. پس بار دیگر ملک آمد و گفت حق تعالی می فرماید که: الحال خود را از من بخر و بعد از این هر روز به عدد هرگی از رگهای بدن خود تصدق بکن. گفت: چگونه توانم چنین کاری بکنم؟ فرمود که: هر روز سیصد و شصت مرتبه به عدد

رگهای بدن خود بگو: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ** * **وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ**

منزه باد خدا و ستایش از آن خداست * و نیست معبود حقی جز خدا و خدا بزرگتر است

* **وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ** * گفت: پروردگارا زیاده بفرما، فرمود: اگر زیاده بگوئی ثوابت بیشتر

* و نیست جنبش و توان جز به خدای تعالی. *

است. * و کلینی به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که حضرت رسالت پناه (صلی الله علیه و آله) هر روز به

عدد رگهای بدن، سیصد و شصت مرتبه می گفت: **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا عَلَى**

حمد از آن خداست پروردگار جهانیان بسیار

كُلِّ حَالٍ * و به روایت دیگر از آن حضرت منقول است که هر که در دو ماه پیاپی هر روز چهارصد مرتبه این در هر حال *

دعا بخواند خدا علم بسیاریا مال بسیار او را کرامت فرماید. این است دعا: **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا**

آمزش جویم از خدائی که نیست

إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ * **الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ** * **بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ**

معبود حقی جز او زنده است پاینده * بخشاینده و مهربان * برآرنده آسمانها و زمین

مَنْ جَمِيعٍ ظَلَمِي وَجُرْمِي * **وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَآتُوبُ إِلَيْهِ** * و شیخ

از همه ظلم و جرم * و اسرافی که بر خود کردم و به او بازگردم. *

طوسی و دیگران روایت کرده اند که سنت است هر روز این دعا بخواند: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِ**

خدایا من از تو خواهم به نور

وَجْهِكَ الْمُشْرِقِ الْحَيِّ الْبَاقِي الْكَرِيمِ * **وَ أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ**

وجه پاکت که تابنده و زنده و باقی و کریم است * و از تو خواهم به نور وجه

الْقُدُّوسِ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ * **وَ أَنْكَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ** *

پاکت که تابنده بدان آسمانها * و برطرف شده بدان تاریکیها *

وَ صَلِّحْ عَلَيْهِ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ وَ الْأَخْرِينَ * **أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ ءَالِهِ** *

و به شده به آن امر اولین و آخرین * که رحمت فرستی بر محمد و آلش *

وَ أَنْ تُصَلِّحَ لِي شَأْنِي كُلَّهُ * و کفعمی از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده است که هر

و اصلاح کنی کار مرا همه اش. *

که هر روز این دعا بخواند حق تعالی امور دنیا و آخرت او را کفایت کند: **بِسْمِ اللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ** *

* به نام خدا بس است مرا خدا *

تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا * وَأَعُوذُ بِكَ

توکل دارم بر خدا * خدایا من از تو خواهم خوبی کارهایم همه را * و پناه برم به تو

مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الآخِرَةِ * و ایضاً روایت کرده است که هر که هر روز این دعا

از رسوائی دنیا و عذاب آخرت. *

بخواند هفت مرتبه امور دنیا و عقبای او کفایت شود: **حَسْبِيَ اللَّهُ رَبِّي * اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ**

بس است مرا پروردگرم * خدائی که نیست معبودی جز او

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ * و ایضاً روایت کرده است که هر که در عرض

* و بر او توکل دارم و او پروردگار عرش عظیم است. *

یک سال هر روز یک مرتبه این دعا بخواند نمیرد تا جای خود را در بهشت ببیند: **سُبْحَانَ الدَّائِمِ**

منزه است دائم

الْقَائِمِ * سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ * سُبْحَانَ الْوَاحِدِ الْوَاحِدِ * سُبْحَانَ

پاینده * منزه است پاینده دائم * منزه است یگانه یکتا * منزه است

الْفَرْدِ الصَّمَدِ * سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ * سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ

تنهای بی نیاز * منزه است زنده و پاینده * منزه است خدا و به حمدش اندرم *

سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ * سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ * سُبْحَانَ

منزه است زنده‌ای که نمیرد * منزه است ملک قدوس * منزه است

رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ * سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى * سُبْحَانَهِ وَ تَعَالَى *

پروردگار فرشتگان و روح * منزه است علی‌اعلی * منزه است او و بلند است. *

باب دوم: در ذکر نمازهای مستحبّه که در مفاتیح الجنان ذکر نشده

نماز اعرابی: سید بن طاوس در جمال الأسبوع از شیخ تلعبیری نقل کرده که او به سند خود از زید بن ثابت

روایت کرده که گفت: مردی از بادیه‌نشینان به خدمت حضرت رسالت پناه (ﷺ) ایستاد و گفت: پدر و مادرم

فدای تو باد یا رسول الله (ﷺ). ما در بادیه می‌باشیم و دوریم از مدینه و نمی‌توانیم هر جمعه به نماز جمعه

حاضر شویم پس دلالت کن مرا بر عملی که چون آن را به جا آورم فضیلت نماز جمعه را دریابم و چون به اهل و

قبیله خود برگردم ایشان را نیز بیاموزم. حضرت فرمود که: چون روز بلند شود دو رکعت نماز بکن، در رکعت اول بعد از حمد هفت مرتبه **قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْاِنْسَانِ** بخوان و بعد از سلام هفت مرتبه آیه الکرسی بخوان، پس برخیز و هشت رکعت دیگر بکن به دو سلام و بنشین بعد از هر دو رکعت از آن و تشهد بخوان و سلام مگو و چون چهار رکعت را تمام کردی سلام بگو و چهار رکعت دیگر نیز بدین طریق به جا آور و بخوان در هر رکعتی حمد یک مرتبه و **اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللّٰهِ** یک مرتبه و **قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ** بیست و پنج مرتبه و چون از تشهد و سلام فارغ شدی هفت مرتبه بخوان این دعا را:

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ يَا اِلَهَ الْاَوَّلِيْنَ وَالْاٰخِرِيْنَ * ای زنده ای پاینده * ای صاحب جلال و اکرام * ای معبود ای اولین و آخرین * ای

اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَرَحِيْمَهُمَا * ای پروردگار ای

رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ * ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار

اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَالِهِ وَاغْفِرْ لِيْ * پس

حاجت خود را ذکر کن و هفتاد مرتبه بگو: **لَا حَوْلَ وَّلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ** * و

بگو: **وَسُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيْمِ** * پس حضرت فرمود: به حق آن خداوندی که

مرا به راستی فرستاده سوگند که هر مؤمن و مؤمنه که این نماز را بکند در روز جمعه من ضامنم بهشت را برای او و از جای خود برنخیزد تا گناهانش و گناهان پدر و مادرش آمرزیده شود و عطا فرماید حق تعالی به او ثواب هر که نماز کرده در این روز در شهرهای مسلمانان و بنویسد از برای او اجر کسی که روزه گرفته و نماز کرده در این روز در مشرق و مغرب عالم و حق تعالی به او عطا فرماید آنچه را که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی شنیده باشد. مؤلف گوید که: شیخ طوسی در مصباح نیز این نماز را نقل کرده و لکن در روایت ایشان دعای مذکور نیست،

بلکه فرموده چون فارغ شدی از نماز بگو: **سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيْمِ** *

منزه است خدا پروردگار عرش کریم

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * هفتاد مرتبه.

و نیست جنبش و توانی جز به خدای والا و بزرگ *

نماز هدیه: روایت شده از معصومین (علیهم‌السلام) که آدمی که در روز جمعه هشت رکعت نماز بگذارد یعنی بعد از هر دو رکعت سلام بگوید چهار رکعت آن را هدیه حضرت رسول (ﷺ) بکند و چهار رکعت دیگر را هدیه حضرت فاطمه صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا. و در روز شنبه چهار رکعت بکند و هدیه حضرت امیرالمؤمنین صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ گرداند. و همچنین هر روز از هفته را چهار رکعت بکند و هدیه امامی کند به ترتیب آنها تا آنکه در روز پنجشنبه چهار رکعت کند و هدیه امام جعفر صادق (علیه‌السلام) گرداند و باز در روز جمعه هشت رکعت کند چهار رکعت آن را هدیه حضرت رسول خدا (ﷺ) و چهار رکعت دیگر هدیه حضرت فاطمه (علیها‌السلام) گرداند و در روز شنبه چهار رکعت هدیه حضرت امام موسی (علیه‌السلام) کند و همچنین هر روز چهار رکعت بگذارد و هدیه امامی نماید به ترتیب تا روز پنجشنبه چهار رکعت را هدیه امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ گرداند، و مابین هر دو رکعت یعنی بعد از هر دو رکعت از این نمازها این دعاء بخواند:

بار خدایا توئی سلام * و از توست سلام * و به سوی تو

يَعُودُ السَّلَامُ * حِينَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ * اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرَّكْعَاتِ

برگردد سلام * ارزانی دار به ما پروردگارا از خود سلام * بار خدایا این رکعتها

هِدِيَّةٌ مِنَّا إِلَىٰ وَلِيِّكَ [فُلَان] * فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَبَلِّغْهُ أَيَّاهَا

هدیه است از ماها به دوستت (فلان) * رحمت فرست بر محمد و آتش * و برسان به او این را

* وَاعْطِنِي أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ * وَفِي رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ

* و بده به من بهترین آرزویم را و امید مرا از خودت * و از رسولت رحمت تو بر او

وَآلِهِ وَفِيهِ * پس هر دعا که می خواهد بکند و به جای فلان اسم آن امام (علیه‌السلام) را بگوید که نماز را برای

و آتش و از او *

او به جامی آورد. **نماز لیلة الدفن:** دو رکعت است در رکعت اوّل حمد و آیه الکرسی و در رکعت دویم حمد و

ده مرتبه اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ و چون سلام دهد بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

خدایا رحمت فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَىٰ قَبْرِ فُلَان * و به جای فلان نام میت را ذکر کند.

و آل محمد * و بفرست ثوابش را به قبر فلان *

نماز دیگر: ایضاً سید بن طاوس از حضرت رسول (ﷺ) روایت کرده است که فرمود: نمی‌گذرد بر میت ساعتی سخت‌تر از شب اول قبر، پس رحم نمایند مُردگان خود را به صدقه، و اگر نیافتنی چیزی که صدقه بدهی پس یکی از شماها دو رکعت نماز کند بخواند در رکعت اول فاتحه‌الکتاب یک مرتبه و **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** دو مرتبه

و در رکعت دویم فاتحه یک مرتبه و **اَللّٰهُمَّ صَلِّ** ده مرتبه و سلام دهد و بگوید: **اَللّٰهُمَّ صَلِّ**

خدایا رحمت فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَى قَبْرِ ذَلِكَ الْمَيِّتِ * فُلَانٍ

بر محمد و آل محمد * و برسان ثواب آن را به قبر این میت * فلان

بْنِ فُلَانٍ * پس حق تعالی می‌فرستد همان ساعت هزار ملک به سوی قبر آن میت با هرملکی جامه‌ای و پسر فلان *

حله‌ای، و تنگی قبر او را وسعت دهد تا روز نفخ صور و عطا کند به نمازگزار به عدد آنچه آفتاب بر آن طلوع می‌کند حسنات و بالا برده شود برای او چهل درجه. * مؤلف گوید که: کفعمی نیز این نماز را به همین کیفیت نقل کرده پس از آن فرموده که در بعض کتب دیدم که در رکعت اول بعد از حمد آیه‌الکرسی یک مرتبه و توحید دو مرتبه بخواند. * و علامه مجلسی (رحمته‌الله) در زادالمعاد فرموده که: باید مردگان را فراموش نکنند زیرا که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و از جانب فرزندان و خویشان و برادران مؤمن امیدوارند و احسان ایشان را چشم براهند خصوصاً دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه. * و در مشاهد مشرفه پدر و مادر را زیاده از دیگران باید دعا کرد و اعمال خیر برای ایشان به عمل آورد. * و در خبر است که بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر عاقّ ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد به سبب اعمال خیری که از برای ایشان به عمل آورد و بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر نیکوکار باشد و بعد از فوت ایشان عاق گردد به سبب آنکه اعمال خیری که باید از برای ایشان به عمل آورد کم به عمل آورد. * و عمده خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان آن است که قروض ایشان را ادا کند و ایشان را از حقوق خدا و خلق بری گرداند و حج و سایر عبادات که از ایشان فوت شده باشد سعی کند به استیجار یا به تبرّع به جا آورد. * و در حدیث صحیح منقول است که حضرت صادق (علیه‌السلام) در هر شب از برای فرزند خود و در هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز می‌کردند و در رکعت اول **اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ** و در رکعت دوم **اِنَّا اَعْطَيْنَا** می‌خواندند. * و به سند صحیح از حضرت صادق (علیه‌السلام) منقول است که بسا باشد که میت در تنگی و شدتی بوده باشد و حق تعالی به او وسعت دهد و تنگی از او بردارد پس به او گویند: این فرج که تو را روی داد به سبب نمازی است که فلان برادر مؤمن برای تو کرد. راوی پرسید: دو میت را در دو رکعت نماز

شریک می‌توانم کرد؟ فرمود: بلی. فرمود که: میّت شاد می‌شود و فرّج می‌یابد به دعا و استغفاری که از برای او کنند چنانچه زنده شاد می‌شود به هدیه که برای او برند. و فرمود که: بر میّت داخل می‌شود در قبرش نماز و روزه و حجّ و تصدق و سایر اعمال خیر و دعا. و ثواب آن اعمال برای کسی که کرده و برای مرده هر دو نوشته می‌شود. و در حدیث دیگر فرمود که: هر که از مسلمانان برای میّتی عمل صالحی بکند خدا ثواب آن را مضاعف می‌گرداند و میّت به آن عمل منتفع می‌گردد. و در روایتی وارد شده است که هرگاه شخصی به نیت میّتی تصدّقی بکند حق تعالی جبرئیل را امر می‌نماید که با هفتاد هزار ملک به نزد قبر او می‌روند و هر یکی طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی و هر یک به او می‌گویند: **اَسْلَامٌ عَلَيْكَ** ای دوست خدا این هدیه فلان مؤمن است برای تو. پس قبر او روشن می‌شود و حق تعالی هزار شهر در بهشت به او کرامت می‌فرماید و هزار حوری به او تزویج می‌فرماید و هزار حُلّه به او می‌پوشاند و هزار حاجت او را روا می‌کند.

نماز فرزند برای پدر و مادر: دو رکعت است در رکعت اول فاتحه و ده مرتبه: **رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ**

پروردگارا ببخش مرا و پدر و مادرم

﴿ **وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ** ﴾ و در رکعت دوم فاتحه و ده مرتبه: **رَبِّ اغْفِرْ لِي**

پروردگارا بیامرز مرا

* و مؤمنان را روزی که بر پا شود حساب *

وَلِوَالِدَيَّ ﴿ **وَلَمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا** ﴾ **وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ** ﴿ **و** چون

و پدر و مادرم را * و هر که در خانه‌ام درآید با ایمان * و مؤمنین و مؤمنات *

سلام دهد ده مرتبه بگوید: **رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا** ﴿

پروردگارا رحم کن به آنها چنانچه پروریدند مرا در کودکی *

نماز گرسنه: از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که هر که گرسنه باشد وضو بگیرد و دو رکعت نماز گذارد و بگوید:

يَا رَبِّ اِنِّي جَائِعٌ فَاطْعَمْنِي ﴿ و در روایت دیگر بگوید: **رَبِّ اطْعَمْنِي فَاِنِّي جَائِعٌ** ﴿

پروردگارا من گرسنه‌ام خوراکم ده من گرسنه‌ام

* پروردگارا من گرسنه‌ام خوراکم ده *

پس به درستی که حق سبحانه و تعالی او را در ساعت طعام دهد.

نماز حدیث نفس: از حضرت صادق (علیه السلام) روایت است که نیست هیچ مؤمنی که بگذرد بر او چهل صباح مگر

آنکه عارض شود او را حدیث نفس، پس هرگاه او را حدیث نفس عارض شود دو رکعت نماز گذارد و پناه برد به خدا

از آن و از آن حضرت منقول است که فرمود: شکایت کرد حضرت آدم (علیه السلام) به سوی خداوند عزّوجلّ از حدیث نفس

پس جبرئیل نازل شد و گفت بگو: **لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ** * حضرت آدم (عَلَيْهِ السَّلَامُ) این ذکر را گفت

نیست جنبش و توانی جز از خدای *

حدیث نفس از او برطرف شد، پس حضرت فرمود این است اصل: **لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ** * و

نیست جنبش و توانی جز از خدای *

از حضرت باقر (عَلَيْهِ السَّلَامُ) روایت است که مردی خدمت حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) آمد و شکایت کرد به آن حضرت از **وسوسه** و حدیث نفس و دَیْنی که او را سنگین کرده بود و از درویشی، حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) به او فرمود بگو:

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا

توکل کنم بر زنده‌ای که نمیرد * و ستایش از آن خدا است که فرزند نگیرد

*** وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِوَالِيٌّ مِنَ الذُّلِّ ***

* و شریک در ملکش نپذیرد * و نباشد برایش سرپرستی از خواری *

وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا * و این را مکرر بگو، پس چندی نگذشت که آن مرد آمد خدمت آن حضرت و گفت:

و بزرگش شمار بی اندازه *

یا رسول الله خداوند وسوسه مرا برد و قرض مرا ادا کرد و مرا از درویشی توانگر کرد. و نیز روایت شده که از برای دفع

وسوسه شیطان بگو هنگامی که در سینه‌ات شکّی پیدا شد: **هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ * وَالظَّاهِرُ**

او است اول و آخر * و بیرون

وَالْبَاطِنُ * وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ * و نیز از برای دفع وسوسه شیطان از حضرت صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

و درون * و او بر هر چیز دانا است *

مروی است که دست بر سینه خود بکش و بگو: **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ * مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ**

به نام خدا و به ذات خدا * محمد رسول خدا است

*** وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَحْذَرُ**

* و نیست جنبش و توانی جز به خدای والا و بزرگ * خدایا بریز از من آنچه را که حذر دارم *

* پس دست بر شکم خود می‌کشی و سه مرتبه می‌گویی که انشاء الله برطرف خواهد شد و نیز از برای دفع

وسوسه، نافع است شستن سربه سدر و مسواک کردن و انار خوردن و آب نیسان آشامیدن و روزه سه روز از هر

ماه، پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه وسط و نیز بگوید: **أَعُوذُ بِاللَّهِ الْقَوِيِّ مِنَ الشَّيْطَانِ**

پناه به خدای توانا از شیطان

الْغَوِيُّ * وَاعُوذُ بِمُحَمَّدٍ الرَّضِيِّ مِنْ شَرِّ مَا قَدَرَ وَقُضِيَ * وَاعُوذُ بِاللَّهِ

گمراه * و پناه برم بر محمد پسندیده از شر آنچه که مقدر است و مقضی * و پناه برم به خدای

النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ * نماز استخاره ذات الرقاع: وکیفیت آن

مردم از شر جن و انس و همه *

چنان است که هرگاه اراده کردی امری را، می‌گیری شش رقعۀ را و می‌نویسی در سه رقعۀ از آن: بِسْمِ اللّٰهِ

به نام خداوند

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * خَيْرَةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ * لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةٍ

بخشاینده و مهربان * خیرخواهی است از خدای عزیز حکیم * جهت فلان پسر فلان

افْعَلْ * ودر سه رقعۀ دیگر می‌نویسی لا تَفْعَلْ به جای اِفْعَلْ پس می‌گذاری آنها را در زیر مصلاّی خود

بکن * مکن * بکن *

و دو رکعت نماز می‌گذاری و چون فارغ شدی سجده می‌کنی و می‌گوئی در سجود صد مرتبه: اسْتَخِيرُ

خیر می‌جویم

اللَّهِ بِرَحْمَتِهِ * خَيْرَةٌ فِي عَافِيَةٍ * پس می‌نشینی و می‌گوئی: اَللّٰهُمَّ خَيْرُ لِيْ وَ اَخْتَرُ

از خدا به رحمت خود * عاقبت خوشی در عافیت * خدایا خیر خواه برایم و خوش

لِيْ فِيْ جَمِيْعِ اُمُوْرِيْ * فِيْ يَسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ * پس دست می‌زنی به رقعۀها و آنها را

اختیار کن در همه کارم * در آسانی از تو و عافیت *

به هم مخلوط می‌کنی و یکی یکی بیرون می‌آوری پس هرگاه سه اِفْعَلْ پشت سر هم بیرون آمد آن امر را

به جا می‌آوری که اراده کرده‌ای و اگر سه لا تَفْعَلْ بیرون آمد به جا نیاور آن امر را که نیت کرده‌ای و اگر یکی

اِفْعَلْ بیرون آمد و دیگری لا تَفْعَلْ پنج رقعۀ بیرون آور و به آن نگاه کن هرگاه سه اِفْعَلْ است و دو لا تَفْعَلْ

به جا آور آن امر را و اگر به عکس است به جا نیاور. * مؤلف گوید که: معنی استخاره طلب خیر کردن است، پس هر

کاری که می‌خواهی بکنی طلب کن خیر خود را از حق تعالی. و روایت شده که در سجده آخر نماز شب طلب خیر

کن و صد و یک مرتبه بگو: اسْتَخِيرُ اللّٰهُ بِرَحْمَتِهِ * و در سجده آخر نافله صبح و در هر رکعت از

خیرخواهی می‌کنم از خدا به رحمت او *

نافله‌های زوال نیز استخاره مندوب است. * و بدان که علامه مجلسی (رحمته) از والد ماجدش نقل کرده که روایت

کرده از استادش شیخ بهائی (رحمته) که گفت: شنیدم از مشایخ که مذاکره می‌کردند از حضرت قائم عَجَلُ اللّٰهِ فرجه

در استخاره با تسبیح، آنکه تسبیح را به دست گیرد و سه مرتبه صلوات بفرستد بر محمد و آل محمد صلوات اللّٰهِ

علیهم اجمعین و یک قبضه از تسبیح را بگیرد و دو تا دو تا بشمرد پس اگر یکی باقی ماند به جا آورد و اگر دو تا باقی ماند به جا نیاورد. * و شیخ فقیه اجل صاحب جواهر فرموده در جواهر استخاره‌ای است معمول نزد بعضی اهل زمان ما و بسا هست که نسبت داده می‌شود به مولای ما حضرت قائم عجل الله فرجه. و او آن است که بعد از قرائت و دعا یک قبضه از تسبیح را بگیرد و هشت هشت طرح کند پس اگر یکی باقی ماند فی الجمله نیک است و اگر دو تا باقی ماند، یک نهی از آن است و اگر سه تا ماند، اختیار دارد چون فعل و ترک آن مساوی است و اگر چهار تا ماند، دو نهی است از آن و اگر پنج تا ماند، بعضی گفته‌اند که تعب و رنج دارد و بعضی گفته‌اند که در آن ملامت است و اگر شش تا ماند، نهایت خوب است و باید تعجیل در آن کرد و اگر هفت تا ماند، حکمش مثل پنج است و اگر هشت تا ماند، چهار نهی از آن است. * و بدان که ما در باب ششم بعضی از استخارات را ذکر خواهیم کرد و بدان نیز که مرحوم محدث کاشانی در تقویم المحسنین برای استخاره به قرآن مجید در ایام هفته ساعتی نقل کرده و گفته: اختیار این مطلب بنا بر مشهور است و اگر چه یافت نشده بر آن حدیثی از اهل بیت (علیهم‌السلام)، پس گفته: روز یکشنبه نیک است تا ظهر پس از عصر تا مغرب، روز دوشنبه نیک است تا طلوع شمس پس از ناهار تا ظهر و از عصر تا عشاء آخر، روز سه شنبه نیک است از اول وقت ناهار تا ظهر پس از عصر تا عشاء آخر، روز چهارشنبه نیک است تا ظهر پس از عصر تا عشاء آخر، روز پنجشنبه نیک است تا طلوع آفتاب پس از ظهر تا عشاء آخر، روز جمعه نیک است تا طلوع آفتاب پس از زوال تا عصر، روز شنبه نیک است تا وقت ناهار پس از زوال تا عصر. و این جدول مأخوذ است از مدخل منظوم محقق طوسی طاب ثراه.

ذکر نماز برای قضای دین و کفایت ظلم سلطان: شیخ طوسی روایت کرده است که مردی خدمت حضرت صادق (علیه‌السلام) رسید و گفت: شکایت می‌کنم به سوی تو ای آقای من از قرضی که مرا فراگرفته و از سلطانی که ستم به من می‌کند. می‌خواهم تعلیم فرمائی مرا دعائی که تحصیل کنم به آن غنیمتی که ادا نمایم به آن قرض خود را و باز دارم به آن ستم سلطان را. فرمود: هرگاه تاریکی شب تو را فراگرفت پس دو رکعت نماز گذار. بخوان در رکعت اول آن حمد و آیه‌الکرسی و در رکعت دویم حمد و آخر سوره حشر **لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ** تا آخر سوره پس بگیر قرآن مجید را و بگذار بر سر خود و بگو:

بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ * وَ بِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ * بِهِ * وَ بِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ * وَ

به حق این قرآن * و به حق کسی که به او پیش فرستادی * و به حق هر مؤمنی که در آن مدح

فِيهِ * وَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدًا عَرَفَ بِحَقِّكَ مِنْكَ * بگو: يَا اللَّهُ *

کردی * و به حق تو بر آنها که نیست احدی اعراف به حق تو از تو * با تو ای خدا *

ده مرتبه، **یا مُحَمَّدٌ** * ده مرتبه، **یا عَلِيٌّ** * ده مرتبه، **یا فَاطِمَةُ** * ده مرتبه، **یا حَسَنٌ**

ای محمد * ای علی * ای فاطمه * ای حسن

ده مرتبه، **یا حُسَيْنٌ** * ده مرتبه، **یا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ** * ده مرتبه، **یا مُحَمَّدَ بْنَ**

ای حسین * ای علی بن الحسین * ای محمد بن

عَلِيٍّ * ده مرتبه، **یا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ** * ده مرتبه، **یا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ** * ده مرتبه،

ای علی * ای جعفر بن محمد * ای موسی بن جعفر *

یا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى * ده مرتبه، **یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ** * ده مرتبه، **یا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ**

ای علی بن موسی * ای محمد بن علی * ای علی بن محمد

* **یا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ** * ده مرتبه، **بِالْحُجَّةِ (یا أَيُّهَا الْحُجَّةُ)** * ده مرتبه، پس

* ای حسن بن علی * یا حجت خدا *

حاجت خود را بطلب. راوی گفت آن مرد رفت و بعد از مدتی آمد در حالی که قرضش ادا شده بود و امر سلطانش اصلاح شده بود و مالش زیاد گشته بود. مؤلف گوید که: ظاهر آن است که این عمل بعد از نماز به جا آورده می شود.

نماز حاجت: از دعوات راوندی نقل است که حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) گذشتند به مردی که بر در خانه

مردی نشسته بود. فرمود با وی که برای چه بر در منزل این ستمکار جبار نشسته‌ای؟ گفت: به جهت محنت و

سختی که مرا عارض شده. فرمود: برخیز تا من تو را راهنمایی کنم به دری که بهتر از در او است و به سوی ربّی که

بهتر است برای تو از او. پس گرفت دست او را و آورد او را تا به مسجد پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و فرمود که: رو به قبله کن و دو

رکعت نماز کن به درگاه خدا، پس ثناگو خدا را و صلوات بفرست بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و بخوان آخر سوره حشر و

شش آیه اول سوره حدید و دو آیه که در آل عمران است. پس سؤال کن حاجت خود را از خدا که خدا عطا

می فرماید تو را. جناب راوندی فرموده: شاید دو آیه، آیه **قُلْ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ** باشد یعنی تا **بِغَيْرِ**

حِسَابٍ علامه مجلسی قدس سره فرموده شاید آیه **قُلْ اللَّهُمَّ** باشد با آیه **شَهِدَ اللَّهُ** و بدان که روایت

شده از امیر المؤمنین (علیه السلام) که فرمود هرگاه یکی از شما اراده حاجتی کند پس صبح پنجشنبه در طلب آن بیرون

رود و بخواند در وقتی که از منزل بیرون می رود آخر سوره آل عمران و آیه الکرسی و **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ**

الْقَدْرِ و سوره حمد زیرا که در اینها است حوائج دنیا و آخرت.

نماز در مهمّات: چهار رکعت می گذاری و قنوت و ارکان آن را نیکو به جا می آوری و می خوانی در رکعت اوّل

حمد یک مرتبه و **حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ** * هفت مرتبه، و در رکعت دوم حمد یک مرتبه

بس است ما را خدا و چه خوب وکیلی است *

و آیه مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ * اِنْ تَرَنْ اَنَا اَقْلَ مِنْكَ مَالًا وَّوَلَدًا *

آنچه که خواهد خدا، نیست توانی جز به خدا * اگر ببینی مرا کمتر از تو مال و فرزند دارم *

هفت مرتبه، و در رکعت سیّم حمد یک مرتبه و قوله تعالی: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * سُبْحَانَكَ اِنِّی

نیست معبود حقیقی جز تو * منزهی تو

كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ * هفت مرتبه، و در چهارم حمد یک مرتبه: وَ اَفْوُضْ اَمْرِي اِلَى

من به راستی بدم از ستمکاران * واگذارم کارم را به

اللَّهِ * اِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ * هفت مرتبه، پس حاجت بخواه.

خدا * زیرا خدا بینا است بر بندگان *

نماز رفع عُسْرَت و سَخْتی: از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که چون دشوار شود بر تو کاری دو رکعت نماز

بگذار وقت زوال، بخوان در رکعت اول فاتحه و قُلْ هُوَ اللَّهُ وَاَنَا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا تَا وَيَنْصُرَكَ

اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا و در رکعت دوم فاتحه و قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ وَاَلَمْ نَشْرَحْ و این نماز به تجربه رسیده است.

نماز برای زیاد شدن روزی: روایت است که مردی نزد حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: یا رسول الله من

صاحب عیالم و قرض دارم و حالم سخت است تعلیم فرما مرا دعائی که بخوانم خداوند عزوجل را به آن تا روزی

کند مرا آن قدری که قرض خود را ادا کنم و استعانت بجویم با آن بر عیال خویش. فرمود: ای بنده خدا وضو بگیر

و وضوی کاملی پس دو رکعت نماز کن و رکوع و سجود آن را تمام به جا آور. پس بگو:

يَا مَاجِدُ يَا وَاَحِدُ يَا كَرِيمُ * اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيَّ الرَّحْمَةِ

ای بزرگوار یگانه کریم * رو به تو آمدم به محمد پیغمبرت پیغمبر رحمت

* صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ * يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ * اِنِّي اَتَوَجَّهُ بِكَ

* که درود خدا بر او و آتش باد * ای محمد رسول خدا * من به تو رو آورم

اِلَى اللَّهِ * رَبِّي وَرَبِّكَ وَرَبِّ كُلِّ شَيْءٍ * وَ اَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

به درگاه خدا * پروردگار من و پروردگار تو و پروردگار همه چیز * و از تو خواهم خدایا که رحمت فرستی

مُحَمَّدٍ وَاَهْلَ بَيْتِهِ * وَ اَسْأَلُكَ نَفْحَةً كَرِيمَةً مِنْ نَفْحَاتِكَ * وَ فَتْحًا

بر محمد و خاندانش * و از تو خواهم لطف با کرامتی از الطافت * و پیروزی

يَسِيرًا * وَ رِزْقًا وَاَسْعًا * اَلْمُ بِهٖ شَعْتِي * وَ اَقْضِيْ بِهٖ دِيْنِي * وَ اَسْتَعِيْنُ

آسان * و روزی فراوان * که شویدگی خود را فراهم کنم * و بپردازم بدان وامم را * و کمک گیرم

به علی عیالی ﴿﴾ نماز دیگر برای زیاد شدن روزی: چون خواستی به دگان خویش بروی ابتدا

به آن بر عیالم را *

کن به مسجد و دو رکعت نماز یا چهار رکعت به جا آور و بگو: **غَدَوْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ** ﴿﴾

صبح کردم به حول خدا و قوه او *

وَ غَدَوْتُ بِلا حَوْلٍ مِنِّي وَ لا قُوَّةٍ ﴿﴾ وَ لَكِنِّ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ يَا رَبِّ ﴿﴾

و صبح کردم نه به جنبش خودم و توانم * ولی به جنبش تو و توانت ای پروردگار *

اللَّهُمَّ اِنِّي عَبْدُكَ التَّمِسُّ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا اَمَرْتَنِي ﴿﴾ فَيَسِّرْ لِي ذَلِكْ وَ اَنَا

خدایا من بنده توام خواهش دارم از فضل تو طبق امر تو * آن را برابم میسر کن و من

خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ ﴿﴾ نماز دیگر: دو رکعت است در رکعت اول حمد یک مرتبه و اِنَّا اَعْطَيْنَاكَ

آسوده‌ام در عافیت تو *

الْكُوْتَرُ سه مرتبه، و در رکعت دوم حمد یک مرتبه و هریک از دو قُلْ اَعُوْذُ سه مرتبه. **نماز حاجت:** منقول از

مکارم: هرگاه نصف شب شود غسل کن و دو رکعت نماز به جا آور، بخوان در هر دو رکعت حمد و پانصد مرتبه

سوره توحید و لکن در رکعت دویم چون از خواندن توحید فارغ شدی بخوان آخر سوره حشر که **لَوْ اَنْزَلْنَا**

هَذَا الْقُرْآنَ عَلٰی جَبَلٍ (ترجمه: اگر فرو فرستادیم این قرآن را بر کوه) باشد تا آخر سوره و شش آیه اول

سوره حدید. و بگو بعد از آن به همان حال که ایستاده‌ای هزار مرتبه **اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ**،

(ترجمه: به تو بندگی می‌کنیم و از تو یاری می‌جوئیم) پس نماز را تمام کن و ثنا کن حق تعالی را، پس اگر

حاجت برآورده شد فیهما و الا دفعه دیگر به جا آور. و اگر در دفعه دوم برآورده نشد دفعه سیم به عمل آور که

انشاء الله تعالی برآورده شود. **نماز دیگر:** ثقة الاسلام کلینی در کافی به سند معتبر روایت کرده از عبدالرحیم

قصیر که گفت: وارد شدم بر حضرت صادق (علیه السلام) و عرض کردم: فدای تو شوم از پیش خود دعائی اختراع کرده‌ام.

فرمود: واگذار مرا از اختراع خود، هرگاه تو را حاجتی روی دهد پس پناه بر به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و دو رکعت نماز

کن و هدیه کن آن را به سوی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله). عرض کردم: به چه نحو کنم این نماز را؟ فرمود: غسل

می‌کنی و دو رکعت نماز می‌گذاری مثل نماز فریضه در افتتاح و اختتام، و چون سلام گفتی می‌گویی:

اللَّهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ ﴿﴾ وَ مِنْكَ السَّلَامُ ﴿﴾ وَ اِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ ﴿﴾ اللَّهُمَّ

خدایا تویی سلام * و از توست سلام * و به سوی تو برگردد سلام * خدایا

صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ﴿﴾ وَ بَلِّغْ رُوْحَ مُحَمَّدٍ مِنِّي السَّلَامُ ﴿﴾

رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و برسان به روح محمد (ص) از من سلام *

وَأَرْوَاحِ الْأَئِمَّةِ الصَّادِقِينَ سَلَامِي * وَارْدَدَ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ * وَالسَّلَامَ

و به ارواح امامان راستگو سلامم را * و برگردان از آنها به من سلام * و سلام

عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ * اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ

بر آنها و رحمت خدا و برکاتش * خدایا این دو رکعت هدیه من

مِنِّي * إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * فَاثْبِنِي عَلَيْهِمَا مَا أَمَلْتُ

است * به سوی رسول خدا که درود خدا بر او و آتش باد * ثوابم ده بر آنها آنچه آرزو دارم

و رَجَوْتُ فِيكَ وَفِي رَسُولِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ * پس به سجده می‌روی و چهل

* و امیدوارم به تو و رسول تو ای سرپرست مؤمنان *

مرتبه می‌گوئی: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ * يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ * يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ *

ای زنده ای پاینده * ای زنده که نمیرد * ای زنده‌ای که نیست معبود حقی جز تو *

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * پس جانب راست روی را بر زمین

ای صاحب جلال و اکرام * ای مهربانترین مهربانان *

می‌گذاری و این دعا را چهل مرتبه می‌گویی، پس جانب چپ روی را بر زمین می‌گذاری و باز چهل مرتبه

می‌گوئی، پس سر از سجده بر می‌داری و دست راست را بلند می‌کنی و چهل مرتبه می‌خوانی، پس دستها را به

گردن خود می‌گذاری و التجا می‌بری به انگشت شهادت خود و چهل مرتبه می‌خوانی، پس می‌گیری ریش

خود را به دست چپ و گریه یا تباهی می‌کنی یعنی اگر گریه‌ات نیاید خود را به گریه می‌داری و می‌گوئی:

يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ * أَشْكُرُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكَ حَاجَتِي * وَإِلَى أَهْلِ

ای محمد ای رسول خدا * شکایت کنم به سوی خدا و به سوی تو حاجتم را * و به

بَيْتِكَ الرَّاشِدِينَ حَاجَتِي * وَبِكُمْ أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ فِي حَاجَتِي * پس به

خاندان تو که رهبرند حاجت خودم را * به وسیله شما رو کنم به سوی خدا در حاجتم *

سجده می‌روی و می‌گوئی: يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ * آنقدر که نفس منقطع شود پس می‌گوئی:

ای خدا ای خدا ای خدا *

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا * و به جای و افعل

رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و بکن با من چنان و چنان *

بِ كَذَا حاجت خود را می‌خواهی پس حضرت صادق (علیه السلام) فرمود که من ضامنم برخدای عزوجل که از جای خود حرکت نمی‌کنی مگر آنکه حاجت تو برآورده شود. * مؤلف گوید که: در باب چهارم، ادعیه بسیاری برای

حوائج دنیا و آخرت ذکر نمائیم. و شیخ کفعمی در بلد الامین برای حاجت مهمّه ذکر کرده که بنویسد این کلمات

رادر کاغذی و بیندازد در آب: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * مِنْ الْعَبْدِ الذَّلِیْلِ اِلٰی

به نام خدای بخشاینده مهربان * از بنده خوار به سوی

المَوْلٰی الْجَلِیْلِ * رَبِّ اِنِیْ مَسْنِی الضُّرِّ * وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ * بِحَقِّ

آقای بزرگوار * پروردگارا به راستی رسیده به من زیان * و تو مهربانترین مهربانی * به حق

مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ * صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ * وَاكْشِفْ هَمِّیْ * وَفَرِّجْ عَنِّیْ

محمد و آلش * رحمت فرست بر محمد و آلش * و بر طرف کن هم مرا * و بگشا از من

غَمِّیْ * بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ * وَاِیضاً نَمَازُ حَاجَتِ: سید بن طاوس در مزار

غمّ را * به رحمت خودت ای مهربانترین مهربانان *

در باب اعمال مسجد کوفه در ذیل اعمال محراب حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده: ذکر نماز حاجتی که در

خصوص این مکان باید به عمل آورد، و آن چهار رکعت است یعنی به دو سلام. می خوانی در رکعت اول حمد و

ده مرتبه قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ و در رکعت دوم حمد و بیست و یک مرتبه توحید، و در رکعت سیّم حمد و سی و

یک مرتبه توحید، و در رکعت چهارم حمد و چهل و یک مرتبه توحید، و چون سلام نماز دادی و تسبیح خواندی

بخوان پنجاه و یک مرتبه توحید و پنجاه مرتبه استغفار کن و پنجاه مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل آن حضرت

بفرست و پنجاه مرتبه بگو: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ * پس بگو: يَا

ای نیست جنبش و توانی جز به خدای والا و بزرگ *

اللّٰهُ لِمَآنِعِ قُدْرَتِهِ وَخَلْقِهِ * وَاَلْمَالِكُ بِهَا سُلْطَانَهُ * وَاَلْمُتَسَلِّطُ

خدائی که نیرویش جلوگیری خلق او است * و مالک بدان تسلط خود را * و مسلط است

بِمَا فِیْ یَدَیْهِ عَلٰی كُلِّ مَوْجُودٍ * وَغَیْرُكَ یَخِیْبُ رَجَآءُ رَاجِیِّهِ * وَرَاجِیِّكَ

بدانچه در دست دارد بر هر موجودی * جز تو تهی است امید امیدوارانش * و امیدوارت

مَسْرُورٌ لَا یَخِیْبُ اَسْئَلُكَ بِكُلِّ رِضٰی لَكَ * وَبِكُلِّ شَیْءٍ اَنْتَ فِیْهِ

خرم است نومید نیست از تو خواهم به هر پسندت * و به هر چه ذات خود باشی *

وَبِكُلِّ شَیْءٍ تَحِبُّ اَنْ تُذَكَّرَ بِهِ * وَبِكَ يَا اللّٰهُ فَلَیْسَ یَعْدِلُكَ شَیْءٌ

و به هر چه دوست داری یادآور شود * و به ذات تو ای خدا نیست برابر تو چیزی *

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَتَحْفَظَنِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَمَالِي

که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد * و نگهداری مرا و فرزندانم را و کسانم را و مالم را

* وَتَحْفَظَنِي بِحِفْظِكَ * وَأَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي فِي كَذَا وَكَذَا * وَذَكَرَكَ حَاجَتِ

* و حفظم کنی به حفظ خود * و برآوری حاجتم را در چنان و چنان *

خود را. **ایضاً نماز حاجت:** روایت شده که هر که را به سوی خدا حاجتی باشد و بخواهد برآورده شود چهار

رکعت نماز گذارد و بخواند در هر رکعت فاتحة الكتاب و انعام و در عقب نماز بگوید: **يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا**

ای کریم ای کریم ای

كَرِيمُ * يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ * يَا أَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ * يَا سَمِيعَ

کریم * ای عظیم ای عظیم ای عظیم * ای بزرگتر از هر بزرگ * ای شنونده

الدُّعَاءِ * يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامُ * صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ *

دعا * ای که تغییر ندهند شبها و روزها * رحمت فرست بر محمد و آلش *

وَ أَرْحَمَ ضَعْفَى وَ فَقْرَى وَ فَاقَتِي وَ مَسْكَنَتِي * فَإِنَّكَ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّي *

و رحم کن ناتوانی و فقر و نداری و مستمندیم را * زیرا تو داناتری بدان از من *

وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِحَاجَتِي * يَا مَنْ رَحِمَ الشَّيْخَ يَعْقُوبَ حِينَ رَدَّ عَلَيْهِ

و تو داناتری به حاجتم * ای که رحم کردی پیرمرد یعقوب را وقتی که بازش

يُوسُفَ قُرَّةَ عَيْنِهِ * يَا مَنْ رَحِمَ أَيُّوبَ بَعْدَ طُولِ بَلَائِهِ * يَا مَنْ رَحِمَ

گردانیدی یوسف را نور چشمش * ای که رحم کردی بر ایوب پس از بلای طولانی * ای که رحم کردی

مُحَمَّدًا وَ مِنَ الْيَتَمِ أَوَاهُ * وَ نَصْرَهُ * عَلَيَّ جَبَابِرَةَ قُرَيْشٍ وَ طَوَاغِيثَهَا

بر محمد که درود خدا بر او و آلش باد و از یتیمی ماواش دادی * و یاریش کردی بر جباران قریش و طاغیهای آن را

*** وَ أَمَكْنَهُ مِنْهُمْ * يَا مُغِيثُ يَا مُغِيثُ يَا مُغِيثُ * * می گوئی این را مکرر پس**

* و استوار کردی از آنها * ای پناه دهنده ای پناه دهنده ای پناه دهنده *

سؤال می کنی از خداوند تعالی حاجات خود را که حق تعالی عطا می فرماید آن را. **ایضاً نماز حاجت:** سید

بن طاوس (رحمته علیه) روایت کرده فرموده که در شب جمعه و شب عید اضحی دو رکعت نماز بکن و در هر رکعت سوره

فاتحه بخوان و آیه **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** (به تو عبادت می کنیم و از تو یاری می جوئیم) را صد مرتبه

بگو پس حمد را تمام کن و بعد از حمد بخوان دویست مرتبه سوره توحید را، و چون سلام گفتی هفتاد مرتبه بگو:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ﴿۱۰۰﴾ پس به سجده برو و دو بیست مرتبه بگو **يَا رَبِّ**

نیست جنبش و توانی جز به خدای والا و بزرگ *

يَا رَبِّ پس هر حاجت که داری بطلب که انشاء الله برآورده است. **ایضاً نماز حاجت:** که جماعت بسیاری از علماء مانند شیخ مفید و طوسی و سید بن طاوس و دیگران آن را نقل کرده اند از حضرت صادق (علیه السلام) و کیفیت آن موافق روایت سید چنان است که هرگاه تو را حاجت مهمّی روی دهد به سوی خداوند عزّوجلّ، پس سه روز متوالی که چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه باشد روزه بگیر و چون روز جمعه شد غسل کن و جامه نو و نظیف بپوش، پس بالا رو به بامی که بلندترین بامهای خانهات باشد و دو رکعت نماز به جا آور، پس دستها را به سوی

آسمان بلند کن و بگو: **اللَّهُمَّ اِنِّي حَلَلْتُ بِسَاحَتِكَ لِمَعْرِفَتِي بِوَحْدَانِيَّتِكَ**

خدایا به راستی من وارد شدم در آستانت برای شناختن یگانگیت

وَ صَمَدَانِيَّتِكَ * وَ اَنَّهُ وَا لَا قَادِرًا عَلٰی قَضَائِ حَاجَتِي غَيْرُكَ * وَ قَدْ

و بی نیازیت * و اینکه توانائی بر برآوردن حاجتم جز تو نیست * دانستم

عَلِمْتُ يَا رَبِّ اَنَّهُ وَا كَلَّمَا تَظَاهَرْتَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ * اِسْتَدَّتْ فَاقَتِي

پروردگارا که هر آنچه به بار نعمت بر من سخت شود * احتیاجم به

الْيَكِ * وَ قَدْ طَرَقَنِي هَمٌّ كَذَا وَ كَذَا * (به جای کذا و کذا حاجت خود را ذکر کند) وَ اَنْتَ

تو * و اکنون گرفتاری چنان رخ داده * و تو بر

بِكَشْفِهِ عَالِمٌ غَيْرُ مَعْلَمٍ * وَ اَسِعَ غَيْرُ مَتَكَلِّفٍ * فَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

برطرف کردنش دانائی نیاموخته * و توانائی بی تکلف * از تو خواهم به نامت

الَّذِي وَضَعْتَهُ وَا عَلٰى اَجْبَالِ فَنَسِفتْ * وَ وَضَعْتَهُ وَا عَلٰى السَّمَاوَاتِ

که گذاری بر کوه از هم بپاشد * و گذاری بر آسمانها

فَانشَقَّتْ * وَ عَلٰى النُّجُومِ فَاَنْتَثَرَتْ * وَ عَلٰى الْاَرْضِ فَسُطِحَتْ *

پرتکند * و بر ستارهها فرو ریزد * و بر زمین هموار گشته *

وَ اَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ وَا عِنْدَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ

و از تو خواهم به حقی که نهادی آن را نزد محمد که درود خدا بر او و آلش باد

*** وَ عِنْدَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ * وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ * وَ جَعْفَرٍ**

* و نزد علی (ع) و حسن و حسین * و علی و محمد * و جعفر

و مُوسَىٰ * وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ * وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ * وَ الْحُجَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

و موسی * و علی و محمد * و علی و حسن * و حجت که درود بر آنان باد

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ * وَ أَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي * وَ تُبَسِّرَ

* که رحمت فرستی بر محمد و اهل بیت او * و برآوری حاجتم را * و آسانم کنی

لِي عَسِيرَهَا * وَ تَكْفِينِي مُهَمَّهَا * فَإِنْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ * وَ إِنْ لَمْ

دشواریش را * و کفایت کنی مهمش را * و اگر بکنی ستایش از توست * و اگر هم نکنی

تَفْعَلَ فَلَكَ الْحَمْدُ غَيْرَ جَائِرٍ فِي حُكْمِكَ * وَ لَا مُتَّهَمٍ فِي قَضَائِكَ * وَ لَا

ستایش از توست حکم خلاف نکردهی * و متهم در قضای خود نیستی * و

حَائِفٍ فِي عَدْلِكَ * پس رخسار خود را می چسبانی به زمین و می گویی: **اللَّهُمَّ إِنَّ يُونُسَ**

عدول از حق ننمودی * خدا به راستی یونس

بَنَ مَتًى عَبْدَكَ * دَعَاكَ فِي بَطْنِ الْحُوتِ وَ هُوَ عَبْدُكَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ * وَ

بن متی بندهات * دعایت کرد در شکم ماهی و او بندهات بود پس اجابتش کردی *

وَ أَنَا عَبْدُكَ أَدْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لِي * حضرت صادق (علیه السلام) فرمود بسا حاجتی از برای من

و من هم بنده توام دعایت کنم اجابتم کن *

پیدا می شود و من می خوانم این دعا را، پس مراجعت می کنم و حاجتم برآورده شده است. * مؤلف گوید که:

سید بن طاوس در جمال الأسبوع کلامی فرموده که حاصلش این است که هرگاه از خدای تعالی حاجتی

خواستنی لااقل چنان باشد حال تو مثل آنکه هرگاه حاجت مهمه بطلبی از یکی از پادشاهان دنیا، چه هرگاه

حاجتی به ایشان داشته باشی طلب رضا و خوشنودی ایشان می نمائی به هر چه ممکنت شود، پس همچنین

در وقت حاجت خواستن از خدا کوشش کن در تحصیل رضای او و مبادا که اقبالت به خدا کمتر باشد از اقبالت بر

ملوک دنیا که اگر چنین باشد حال تو پس تو از مستهزئین هالکین خواهی بود و چگونه جایز خواهد بود که

اهتمام تو به رضای خدا کمتر باشد از اهتمام بر رضای مخلوقین، پس هرگاه منزلت خدا نزد تو کمتر باشد از

منزلت ملوک دنیا که ایشان بندگان خدای تواند پس تو استخفاف و استهزاء کرده ای به خدا و حقیر شمرده ای

عظمت و جلالت او را و از او اعراض کرده ای و هیهات که در این صورت ظفریابی به حاجت خود به سبب نماز یا

روزه خود، و باید روزه و نماز تو که به جهت حاجت به جا می آوری از روی تجربه نباشد، چه آنکه انسان تجربه

نمی کند مگر کسی را که بدگمان است در حق او و حق تعالی مذمت فرموده آنها را که گمان بد در حق او

بردند به قوله تعالی: **يُظُنُّونَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ ذَاتُ السَّوْءِ**  بلکه باید در

گمان می‌برند به خدا گمان بد بر ایشان است دائرة بد *

کمال اطمینان و اعتماد باشی به رحمت خدا و به وعده‌های او و امید تو به خدا در طلب حاجت خود زیادتر باشد از آنکه قصد کنی حاتم را به جهت طلب یک قیراط، چه اگر به جهت یک قیراط قصد حاتم کنی یقین داری که به تو عطا خواهد کرد به هر نحو که باشد، پس بدان که حاجت تو نزد حق تعالی پست‌تر و کمتر است از یک قیراط نزد حاتم، پس البته مبادا که اعتمادت به حق تعالی کمتر باشد. * و نیز سزاوار است از برای تو که هرگاه به جهت حاجتی روزه یا نمازی به جا آوری نیّت کنی آن عمل خود را به جهت الأهمّ فالأهمّ از حاجات دینیّه خود، و بدان که اهمّ آنها حوائج آن کسی است که تو در پناه هدایت و حمایت اوئی و آن امام زمان تو صلوات الله علیه است. پس باید نماز و روزه تو اوّل به جهت قضاء حاجات آن حضرت باشد و بعد به جهت حوائج دینیّه تو و بعد به جهت آن حاجتی که عارض تو شده و قصد آن را داشته. مثلاً هرگاه ظالمی در صدد کشتن و هلاکت تو باشد و تو روزه حاجت‌گرفتی برای خلاصی از شرّ او، و بدان که اهمّ از آن حاجت دینیّه تو است که آن عفو و رضای حق تعالی باشد از تو و آنکه بر تو اقبال فرماید و عمل تو را قبول خود کند زیرا که در کشته شدن تو دنیای تو فاسد شود هرگاه دین تو سالم باشد به علاوه آنکه اگر کشته نشوی لابد خواهی مرد و لکن اگر عفو و رضای خدا برای تو حاصل نشود در دنیا و آخرت هلاک خواهی شد و هولها و شدائدی برای تو حاصل خواهد شد که به خیال تو نخواهد رسید. و اما اینکه گفتیم مقدّم مدار حاجت امام زمان خود را بر حوائج خود پس به جهت آن است که بقای دنیا و اهل آن به واسطه وجود اوست. پس هرگاه وجود تو محفوظ باشد به وجود یک نفر دیگر چگونه مقدّم بداری حوائج و مراد خود را بر حوائج او، بلکه واجب است مقدّم داری حوائج او را بر حوائج خود و مراد او را بر مراد خود. و بدان که آن جناب در حاجات خودش از روزه و نماز تو مستغنی است و حاجتی به تو ندارد لکن مقتضای بندگی و وظیفه تو، آن است که چنین کنی، چنانکه استفتاح می‌کنی دعاهای خود را به صلوات بر ایشان صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

نماز استغاثه: در مکارم است که چون خواستی در شب بخوابی بگذار نزد سر خود ظرف نظیفی که در آن آب طاهر باشد و بیوشان آن را به پارچه نظیفی و چون بیدار شدی در آخر شب از برای نماز شب از آن آب بیاشام سه جرعه پس وضو بگیر به باقی آن آب و رُو به قبله کن و اذان و اقامه بگو و دو رکعت نماز کن و بخوان در آن هر سوره که خواهی از قرآن و چون از قرائت فارغ شدی به رکوع می‌روی و می‌گوئی در رکوع بیست و پنج مرتبه:

يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِيثِينَ * پس سر از رکوع برمی داری و بیست و پنج مرتبه می گوئی و همچنین

ای پناه ده پناه جویندگان *

در سجده اول و بعد از سر برداشتن و در سجده دویم و بعد از سر برداشتن در هر کدام بیست و پنج مرتبه می گوئی و برمی خیزی و رکعت دوم را نیز به همین کیفیت به جا می آوری که مجموع سیصد مرتبه گفته شود پس تشهد می خوانی و سلام می دهی و بعد از نماز سر به سوی آسمان می کنی و سی مرتبه می گوئی:

مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ * و حاجت می طلبی همانا به زودی حاجت روا

از بنده ذلیل و خوار به سوی مولای بزرگوار *

خواهد شد انشاء الله تعالی.

نماز استغاثه به حضرت بتول صلی الله علیها: روایت شده که هرگاه تو را حاجتی باشد به سوی حق تعالی

و سینهات از آن تنگ شده باشد، پس دو رکعت نماز بکن و چون سلام نماز گفتی سه مرتبه تکبیر بگو و تسبیح

حضرت فاطمه (علیها السلام) بخوان، پس به سجده برو و بگو صد مرتبه: **يَا مَوْلَاتِي يَا فَاطِمَةَ اَغِيثِي**

ای مولایم ای فاطمه پناه ده مرا *

* پس جانب راست رو را بر زمین گذار و همین را صد مرتبه بگو، پس به سجده برو و همین را صد مرتبه بگو، پس

جانب چپ رو را بر زمین گذار و صد مرتبه بگو، پس باز به سجده برو و صد و ده مرتبه بگو، و حاجت خود را یاد کن.

به درستی که خداوند برمی آورد آن را انشاء الله تعالی. * مؤلف گوید که: شیخ حسن بن فضل طبرسی در

مکارم الأخلاق فرموده: نماز استغاثه به بتول (علیها السلام) دو رکعت نماز می کنی پس به سجده می روی و می گوئی **يَا**

فَاطِمَةَ صد مرتبه پس جانب راست رو را بر زمین می گذاری و صد مرتبه می گوئی، پس جانب چپ می گذاری

و صد مرتبه می گوئی، پس دوباره به سجده می روی و صد و ده مرتبه می گوئی پس از آن می گوئی:

يَا اٰمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ * وَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ * اَسْأَلُكَ بِاَمْنِكَ

ای ایمن کن از هر چیز * و هر چیز از تو ترسان و هراسان * از تو خواهم به آسوده کردنت

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ * وَ خَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ * اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ * وَ اَنْ

از هر چیز * و خوف هر چیز از تو * که رحمت فرستی بر محمد * و اینکه

تُعْطِيَنِي اٰمَانًا لِنَفْسِي وَ اَهْلِي وَ مَالِي وَ وِلْدِي * حَتَّى لَا اَخَافُ اَحَدًا *

به من بدهی امنی برای خودم و اهلیم و مال و فرزندم * تا نترسم از احدی *

وَ لَا اَحْذِرُ مِنْ شَيْءٍ اَبَدًا * اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * و نیز در این کتاب شریف از

و حذر نکنم از چیزی هرگز * زیرا تو بر هر چیز توانائی *

حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود هرگاه یکی از شما خواهد استغاثه کند به سوی خداوند پس دو رکعت

نماز کند پس به سجده رود و بگوید: **يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ * يَا عَلِيُّ يَا سَيِّدِي**

ای محمد ای رسول خدا * ای علی ای آقای

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ * بِكُمَا اسْتَعِثُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى * يَا مُحَمَّدُ

مؤمنین و مؤمنات * به شما استغاثه کنم به سوی خدای تعالی * ای محمد

يَا عَلِيُّ اسْتَعِثُّ بِكُمَا يَا غوثَاهُ * بِاللَّهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ

ای علی استغاثه کنم به شما ای فریادرس * به خدا و به محمد و به علی و به فاطمه *

وَمِي شِمَارِي هَرِيكْ اَز اَمَامان رَا پَس مِي گوئی: بِكُمْ اتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى * پَس به

به شما توسل می‌جویم به سوی خدای بلند مرتبه *

درستی که در همان ساعت به فریاد تو خواهند رسید انشاء الله تعالی.

نماز حضرت حجت (علیه السلام): در مسجد جمکران که در یک فرسخی بلده طیبه قم می‌باشد. شیخ مرحوم در

نجم ثاقب کیفیت بناء این مسجد شریف را به امر امام صاحب الزمان (علیه السلام) نقل کرده در حکایت اول از باب

هفتم آن کتاب، و در آن حکایت است که آن جناب فرمود به حسن مثله جمکرانی: مردم را بگو تا رغبت کنند

بدین موضع و عزیز دارند و چهار رکعت نماز اینجا بگذارند. دو رکعت تحیّت مسجد در هر رکعتی یک بار الحمد و

هفت بار **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و تسبیح رکوع و سجود هفت بار بگویند. و دو رکعت نماز امام صاحب الزمان (علیه السلام)

بگذارند بر این نسق: چون فاتحه خواند به **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** رسد صد بار بگوید و بعد از آن

فاتحه را تا آخر بخواند، و در رکعت دویم نیز به همین طریق بگذارد و تسبیح در رکوع و سجود هفت بار بگوید و

چون نماز تمام کرده شد تهلیل بگوید و تسبیح فاطمه زهرا (علیها السلام) و چون از تسبیح فارغ شود سر به سجده نهد

و صد بار صلوات بر پیغمبر و آلش صلوات الله عليهم بفرستد و این نقل از لفظ مبارک امام (علیه السلام) است که: **فَمَنْ**

صَلَّاهُمَا فَكَانَمَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ * یعنی هر که این دو رکعت نماز را بگذارد همچنین

باشد که دو رکعت نماز در کعبه گذارده باشد. **ايضاً نماز آن حضرت:** و نیز در نجم ثاقب از کتاب کنوز النّجاح

شیخ طبرسی نقل کرده که بیرون آمد از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الزمان علیه الصلوة والسلام که هر کس را

به سوی حق تعالی حاجتی باشد پس باید که بعد از نصف شب جمعه غسل کند و به جای نماز خود رود و دو

رکعت نماز گذارد، در رکعت اول بخواند سوره حمد را و چون به **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** برسد صد

مرتبه آن را مکرر کند و بعد از آنکه صد مرتبه تمام شود تتمّه سوره حمد را بخواند و بعد از تمام شدن سوره حمد

سوره قل هو الله احد را یک مرتبه بخواند و رکوع و دو سجده به جا آورد و **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ**

منزه است پروردگار من بزرگ

و **بِحَمْدِهِ** * راهفت مرتبه در رکوع بگویند و **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَبِحَمْدِهِ** * را در هر یک

و حمد او راست * منزه است پروردگار من که بالا است و ستایش او راست *

از دو سجده هفت مرتبه بگویند و بعد از آن رکعت دویّم را نیز مانند رکعت اوّل به جا آورد، و بعد از تمام شدن نماز

این دعا را بخواند، پس به درستی که حق تعالی البته حاجت او را برمی آورد هرگونه حاجتی که باشد مگر آنکه

حاجت او در قطع کردن صلّه رحم باشد و دعا این است: **اللَّهُمَّ إِنْ أَطَعْتُكَ فَالْمَحْمَدَةُ لَكَ**

خدایا اگر فرمانت برم ستایش از توست

وَ إِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ * **مِنْكَ الرَّوْحُ وَ مِنْكَ الْفَرْجُ** * **سُبْحَانَ**

* و اگر نافرمانیت کردم حجت از توست * نسیم راحت از توست و فرج از توست * منزه است

مَنْ أَنْعَمَ وَ شَكَرَ * **سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ وَ غَفَرَ** * **اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ**

کسی که نعمت داد و قدر دانست * منزه است کسی که تقدیر کرد و آمرزید * خدایا اگر

عَصَيْتُكَ * **فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَ هُوَ الْإِيمَانُ بِكَ**

نافرمانیت کردم * پس من به تحقیق فرمانت بردم در دوست‌ترین چیزها نزد تو که آن ایمان به توست

لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا * **وَ لَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا** * **مِنَّا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ** * **لَا**

* فرزند به تو نیستم * و برای تو شریکی نگرفتم * منت از توست بدان بر من * نه

مِنَّا مِنْنِي بِهِ عَلَيْكَ * **وَ قَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَىٰ غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ**

آنکه مننی دارم به تو * من تو را نافرمانی کردم ای معبودم بدون مکابره

وَ لَا الْخُرُوجَ عَنْ (مِنْ) عِبُودِيَّتِكَ * **وَ لَا الْجُحُودَ لِرَبُّوبِيَّتِكَ** * **وَ لَكِنْ**

* و بی خروج از بندگیست * و بی انکار پروردگاریت * و لکن

أَطَعْتُ هَوَايَ وَ أَزَلَنِي الشَّيْطَانُ * **فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَ الْبَيَانُ** * **فَإِنْ**

فرمان هوای نفس بردم و شیطانم لغزاند * از توست حجت بر من و بیان * اگر

تُعَذِّبُنِي فَبِذْنُوِي غَيْرِ ظَالِمٍ لِي * **وَ إِنْ تَغْفِرْ لِي وَ تَرْحَمْنِي** * **فَإِنَّكَ جَوَادٌ**

عذابم کنی به گناهانم ستم نکردی بر من * و اگر بیامرزیم و رحم کنی * به راستی تو جوادی

کَرِيمٌ * و بعد از آن تا نفس او وفا کند **يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ** * را مکرر بگوید و بعد از آن بگوید: **يَا**
و کريمی * ای کريم ای کريم *

ءَامِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ * وَكُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ * اَسْأَلُكَ بِءَامِنِكَ

ایمن کن از هر چیز * و هر چیز از تو ترسان و در حذر است * از تو خواهم به امنیت

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ * وَخَوْفٍ (خَوْفٍ) كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ * اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

تو از هر چیز * و ترس از هر چیز از توست * که رحمت فرستی بر محمد

وَءَالِ مُحَمَّدٍ * وَ اَنْ تُعْطِيَنِي اَمَانًا لِنَفْسِي وَ اَهْلِي وَ وُلْدِي * وَ سَائِرِ مَا

و آل محمد * و اینکه به من بدهی امان برای خودم و اهلیم و فرزندم * و همه آنچه

اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتَّى لَا اَخَافَ * وَ لَا اَحْذَرُ مِنْ شَيْءٍ اَبَدًا * اِنَّكَ عَلَيَّ

به من نعمت دادی بدان تا نترسم * و هم نهراسم از چیزی هرگز * زیرا تو

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * وَ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ * يَا كَافِي اِبْرَاهِيمَ نُمْرُودَ

بر هر چیز توانائی * و بس است ما را خدا و چه خوب وکیلی است * ای کفایت کن ابراهیم از نمروود

*** وَ يَا كَافِي مُوسَى فِرْعَوْنَ * اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ ءَالِ مُحَمَّدٍ**

* و ای کفایت کن موسی از فرعون * از تو خواهم اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

*** وَ اَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ * به جای فلان بن فلان نام شخصی را که از ضرر او**

* و کفایت کنی مرا شر فلان پسر فلان *

می ترسد و نام پدر او را بگوید و از حق تعالی طلب کند که ضرر او را دفع نماید و کفایت کند، پس به درستی که

حق تعالی البتّه کفایت ضرر او خواهد کرد انشاء الله تعالی. و بعد از آن به سجده رود و حاجت خود را مسئلت

نماید و تضرّع و زاری کند به سوی حق تعالی، پس به درستی که نیست مرد مؤمنی و نه زن مؤمنه ای که این نماز

را بگذارد و این دعا را از روی اخلاص بخواند مگر آنکه گشوده می شود برای او درهای آسمان برای برآمدن

حاجات او و دعای او مستجاب می گردد در همان وقت و در همان شب هرگونه حاجتی که باشد، و این به سبب

فضل و انعام حق تعالی است بر ما و بر مردمان (انتهی). * مؤلف گوید که: نجل جلیل شیخ طبرسی رضی

الدین حسن بن فضل نیز این نماز را در مکارم الأخلاق نقل کرده و در اول دعا به جای **اللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتُ**

عَصِيْبَتِكَ، اِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ ذکر کرده و بعد از **حَتَّى لَا اَخَافَ** کلمه **اَحَدًا** اضافه کرده و

بعد از **فِرْعَوْنَ، اَسْأَلُكَ** و بقیّه مثل همنند.

نماز خوف از ظالم منقول از مکارم: غسل می کنی و دو رکعت نماز می گذاری و زانوهای خود را برهنه

می‌کنی در نزد جانماز خود و صد مرتبه می‌گوئی: **يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ**

ای زنده پاینده * ای زنده‌ای که نیست معبودی جز تو

* **بِرَحْمَتِكَ اسْتَغِيثُ * فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاعْنِي**

* به رحمتت استغاثه کردم * رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و به دادم رس

السَّاعَةِ السَّاعَةِ * پس چون فارغ شدی از این بگو: **اللَّهُمَّ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ**

الساعة اکنون * از تو خواهم بار خدایا که رحمت فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَلْطِفَ لِي وَأَنْ تَغْلِبَ لِي * وَأَنْ تَمَكِّرَ لِي

محمد و آل محمد * و اینکه لطف کنی به من و به نفع من غلبه کنی * و توطئه کنی

*** وَأَنْ تُخَدِّعَ لِي * وَأَنْ تُكَيِّدَ لِي * وَأَنْ تُكْفِيَنِي مَرُوءَةَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ * * * * * وَهُمْ بَفْرِيْبِي * وَدَامَ نَهْيِي * وَكَفَايَتِي كُنِي زَحْمَتِي فُلَانِ بِنْتِ فُلَانِ رَا * * ***

* و هم بفریبی * و دام نهی * و کفایت کنی زحمت فلان پسر فلان را * * *

و این دعای حضرت رسول (ﷺ) است در روز اُحد.

نماز به جهت تیزی ذهن و قوت حافظه: در مکارم الاخلاق روایت شده از صادقین (عليهم السلام) که می‌نویسی

با زعفران در ظرف نظیفی حمد و آیه‌الکرسی و **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** ویس و واقعه و سوره حشر و تبارک و **قُلْ هُوَ**

اللَّهُ أَحَدٌ و دو **قُلْ أَعُوذُ** را پس این سوره‌ها را می‌شویی به آب زمزم یا به آب باران یا آب نظیفی، پس

می‌اندازی در آن آب دو مثقال کُندر و ده مثقال شکر و ده مثقال عسل، پس بگذار آن را شب در زیر آسمان و

بگذار بر روی آن آهنی، پس آخر شب که می‌شود دورکعت نماز می‌خوانی در هر رکعت حمد و پنجاه بار **قُلْ هُوَ**

اللَّهُ أَحَدٌ و چون فارغ شدی از نماز آب را می‌آشامی که نیکو و مُجَرَّب است برای حفظ انشاءالله. و بیاید در

اواخر باب ششم چیزهایی که سبب کثرت حافظه خواهد بود.

نماز برای آموزش گناهان: دو رکعت به جا آورد، در هر رکعت شصت مرتبه **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** بخواند

چون از نماز فارغ شود گناهایش آمرزیده شود. **نماز دیگر:** شیخ طوسی در مصباح در اعمال روز جمعه گفته:

روایت شده از عبدالله بن مسعود که گفت: فرمود رسول خدا (ﷺ) هر کسی که در روز جمعه بعد از نماز عصر دو

رکعت نماز گذارد بخواند در رکعت اول فاتحه و آیه‌الکرسی و **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ** بیست و پنج مرتبه، و در

رکعت دوم فاتحه و **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ** بیست و پنج مرتبه و چون از نماز فارغ

شود بیست و پنج مرتبه بگوید: **لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ** * از دنیا بیرون

نیست جنبش و توانی جز به خدای والا و بزرگ *

نرود تا بنمایاند حق تعالی بهشت را در خواب به او و ببیند مکان خود را در بهشت. * مؤلف گوید که: سید بن طاوس در فصل سی و سیّم جمال الأسبوع نماز برای آمرزش گناهان نقل کرده و فرموده: این نمازی است جلیل القدر و عظیم الشأن حامل اسرار الهی می شناسد آن را و مبادا که در حق آن سُستی کنی، هر که طالب است به آن کتاب رجوع کند.

نماز وصیّت: که حضرت رسول (ﷺ) به آن وصیّت فرموده دو رکعت است بین مغرب و عشاء، در رکعت اوّل حمد و سیزده مرتبه **إِذَا زُلْزِلَتْ** و در دوّم حمد و پانزده مرتبه **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ**، اگر هر شب به جا آورد ثوابش را غیر از خدا کسی نتواند شماره نماید.

نماز عفو: دو رکعت است در هر رکعت حمد و یک مرتبه **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** و بعد از قرائت **رَبِّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ** پانزده مرتبه و در رکوع ده مرتبه، تمام می کنی مثل نماز جعفر. مؤلف گوید: نماز استغفار مثل نماز عفو است مگر آنکه عوض **رَبِّ عَفْوَكَ** باید **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ** گفته شود، و این نماز برای توسعه معاش نافع است انشاء الله تعالی.

ذکر نمازهای ایّام هفته: نماز روز شنبه: سید بن طاوس از حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: خواندم از کتابهای پدرانم (علیهم السلام) که هر که روز شنبه چهار رکعت نماز گذارد بخواند در هر رکعتی حمد و **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و آیه الکرسی، بنویسد خداوند عزّوجلّ او را در درجه پیغمبران و شهداء و صالحین و نیکو رفیقانند ایشان. **نماز روز یکشنبه:** و نیز از آن حضرت مروی است که فرمود: هر که روز یکشنبه چهار رکعت نماز بخواند در هر رکعت حمد و سوره **تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ** حق تعالی مکان دهد او را در بهشت هر کجائی که خواسته باشد. **نماز روز دوشنبه:** و نیز فرمود که: هر که روز دوشنبه ده رکعت نماز به جا آورد، بخواند در هر رکعت حمد و توحید ده مرتبه، حق تعالی در روز قیامت برای او نوری قرار دهد که روشنائی دهد موقوف را تا غبطه برند بر او جمیع خلق خدا در آن روز. **نماز روز سه شنبه:** و نیز از آن حضرت مروی است که هر که در روز سه شنبه شش رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعت بعد از حمد آیه **أَمِنَ الرَّسُولُ** را تا به آخر سوره **إِذَا زُلْزِلَتْ** را یک مرتبه، حق تعالی گناهان او را بیامزد و از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده. **نماز روز چهارشنبه:** و نیز از آن حضرت مروی است که هر که روز چهارشنبه چهار رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعت بعد از حمد یک مرتبه سوره **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** خداوند قبول فرماید توبه او را از هر گناهی و تزویج فرماید به او حوریّه در بهشت. **نماز روز پنجشنبه:** و فرمود آن حضرت که هر که روز پنجشنبه ده رکعت نماز گذارد و بخواند در هر رکعتی سوره حمد و **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را ده مرتبه، ملائکه به او گویند که هر

حاجتی داری بخواه که برآورده خواهد شد. **نماز روز جمعه:** و نیز فرمود که هر که روز جمعه چهار رکعت نماز کند و بخواند در هر رکعتی سوره حمد و **تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَحَمَّ سَجْدَهُ** حق تعالی او را داخل بهشت کند و شفاعت او را در حق اهل بیت او قبول فرماید و نگهدارد او را از فشار قبر و هولهای روز قیامت. راوی سؤال کرد از آن حضرت که در چه وقت از روزها این نمازها را باید به جا آورد؟ فرمود: از مابین طلوع آفتاب تا وقت زوال.

باب سیّم: در ادعیه و عوذات آلام و اسقام و علل اعضا و تب و غیره

سید بن طاوس در مَهَجِ الدَّعَوَاتِ نقل کرده از سعید بن ابی الفتح قمی که در واسط ساکن بود، گفت: مرا مرضی عظیم بود که طبیبان از علاج آن عاجز بودند و پدرم مرا به دار الشفا برد و طبیبان و ساعور که مقدم ترسایان باشد در طب جمع کرد برای معالجه من، پس ایشان فکر کردند و گفتند که این مرض را غیر از خدا کسی نمی تواند علاج کند. از این سخن شکسته دل و غمناک شدم و کتابی از کتابهای پدرم برداشتم که چیزی از آن مطالعه نمایم، در پشت آن کتاب دیدم نوشته که از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) مروی است که

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود که: هر که را مرضی باشد بعد از نماز صبح چهل بار بگوید: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ**
به نام خدای بخشاینده

الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ *
* مهربان * حمد از آن خدا است پروردگار جهانیان * بس است ما را خدا و چه خوب وکیلی است *

تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ * وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
* مبارک است خدا بهتر آفریننده * و نیست جنبش و توانی جز به خدای بزرگ و والا *

* و دست بر آنجا که علت باشد بمالد از آن صحت یابد و حضرت عزّت او را شفا بخشد. پس من صبر کردم چون صبح شد فریضه را به جا آوردم و چهل نوبت این دعا را خواندم و دست بر آن محل می مالیدم، پس خدای تعالی آن مرض را از من دفع نمود، و من نشسته بودم و می ترسیدم که مبادا برگردد. تا سه روز بدین حال بودم باز نگردید، بعد از آن پدرم را خبر دادم به این قصّه، پس شکر خدا را به جا آورد و برای بعضی از اطباء که ذمی بود آن را نقل کرد، پس آن طبیب نزد من آمد و مرض را دید که برطرف شده، در همان حال مسلمان شد و کلمه شهادت گفت و اسلامش نیکو گردید. * شیخ کفعمی در مصباح فرموده که: هرگاه در تو علتی باشد دست بمال به

موضع سجده خود و بمال آن را بر موضع علت هفت مرتبه در عقب هر نماز فریضه و بگو: **يَا مَنْ كَبَسَ**
ای که فشرده

الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ * وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ * وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ

زمین را بر آب * و بند کرد هوا را به آسمان * و انتخاب کرد برای خود بهترین

الْأَسْمَاءِ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَفْعَلُ بِي كَذَا وَ كَذَا *

نامها را * رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و بکن بر من چنان و چنان *

وَ ارزُقْنِي وَ عَافِنِي مِنْ كَذَا وَ كَذَا * **دعای عافیت:** کفعمی از متهجد نقل کرده که هر کسی

و روزیم کن و عافیتم ده چنان و چنان *

که طلب عافیت بکند از دردی که با اوست، پس بگوید در سجده دوم از دو رکعت اول نماز شب: يَا عَلِيُّ يَا

ای والا ای

عَظِيمٍ * يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمٍ * يَا سَمِيعٍ (سَامِعٍ) الدَّعَوَاتِ * يَا مُعْطَى

بزرگ * ای بخشاینده ای مهربان * ای شنونده دعاها * ای عطا کن

الْخَيْرَاتِ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ * وَ أَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

خیرات * رحمت فرست بر محمد و آلش * و بده به من از خیر دنیا و آخرت

مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * وَ أَصْرَفْ عَنِّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ *

آنچه تو اهل آنی * و بگردان از من شر دنیا و آخرت را که تو اهل آنی

* وَ أَذْهَبْ عَنِّي هَذَا الْوَجَعِ * (و نام برد آن درد را) فَإِنَّهُ * قَدْ غَاظَنِي وَ أَحْزَنَنِي

* و ببر از من این درد را * زیرا آن اذیتم دهد و محزونم نماید *

* **و الحاح کند در دعا که عافیت به تعجیل به او می رسد انشاء الله تعالی. و از عدة الداعی از حضرت صادق (علیه السلام)**

نقل کرده که بگو در نزد علت در حالی که خود را ظاهر کنی در زیر آسمان و دستها را بلند کنی: **اللَّهُمَّ إِنَّكَ**

خدایا تو سرزنش

عَيَّرْتَ أَقْوَامًا فِي كِتَابِكَ * فَقُلْتَ * قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ *

کردی مردمی را در قرآن * و فرمودی بگو بخوانید معبودان موهوم خود را *

فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَ لَا تَحْوِيلًا * فَيَا مَنْ لَا يَمْلِكُ

جز او نتوانند برطرف کنند سختی را از شما و نه جنبشی دهند * ای که نتوانند

كَشْفَ ضُرِّي * وَ تَحْوِيلَهُ * عَنِّي أَحَدٌ غَيْرُهُ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

برطرف کردن سختی را * و نه نقل آن را از من احدی جز او * رحمت فرست بر محمد و آلش

وَ اكْشِفْ ضُرِّي وَ حَوْلَهُ اِلَى مَنْ يَدْعُو مَعَكَ اِلَهًا اٰخَرَ * فَاِنِّي اَشْهَدُ

* و برطرف کن سختی‌ام و نقلش کن به آنکه می‌خواند با تو معبودی دیگر * زیرا من گواهم که

اَنْ لَا اِلَهَ غَيْرُكَ * و روایت شده که هر مؤمنی که هر بیماری و علتی پیدا کند دست بمالد به موضع درد

نیست معبود حقی جز تو *

و بگوید با خلوص نیت: ﴿ وَ نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ *

و نازل کنیم از قرآن آنچه شفاء و رحمت است برای مؤمنان *

وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ اِلَّا خَسَارًا * عافیت یابد از آن هر نحو علتی باشد و مصداق این در

و نیفزاید ظالمان را مگر زیان و خسارت *

خود آیه است که فرموده: شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ * **ایضاً برای دفع مرض:** یک صاع گندم بخرد و

شفاء و رحمت برای مؤمنان *

قفا بخوابد و آن گندم‌ها را بر روی سینه خود بریزد و بگوید: **اللَّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِی**

خدایا من از تو خواهم به نامت که

اِذَا سَأَلَكَ بِهِ الْمَضْطَرُ كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ * وَ مَكَنْتَ لَهُ وَ فِي

چون خواهد تو را به آن مضطر برطرف کنی آنچه سختی دارد * و تمکنش دهی

الْأَرْضِ * وَ جَعَلْتَهُ وَ خَلِيفَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى

در زمین * و بگردانیش خلیفه بر خلق خود اینکه رحمت فرستی بر محمد

أَهْلِ بَيْتِهِ * وَ اَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي * پس برخیزد و بنشید و گندم‌ها را از اطراف خود جمع

و بر اهل بیتش * و عافیتم دهی از مرضم *

کند و این دعا را بخواند، پس آن را قسمت کند به چهار قسمت و هر چارک آن را که یک مد باشد به مسکینی

دهد و این دعا را بخواند که انشاء الله تعالی از مرض بهبودی حاصل کند * و ایضاً از امیرالمؤمنین (علیه السلام) منقول

است که دست بگذار بر موضع درد و بگو سه مرتبه: **اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي حَقًّا * لَا اِشْرَكَ بِهِ**

خدا خدا خدا پروردگارم حق است * شریک او ندانم

شَيْئًا * اللَّهُمَّ اَنْتَ لَهَا وَ لِكُلِّ عَظِيمَةٍ * فَفَرَجْهَا عَنِّي * و از حضرت

چیزی * خدایا توئی برای آن و هر بلای بزرگ * آن را بگشای از من *

صادق (علیه السلام) منقول است که دست بر موضع درد گذار و بگو: **بِسْمِ اللَّهِ** پس دست بکش بر آن و بگو هفت

بنام خدای متعال *

مرتبہ: **أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ** * **وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ** * **وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ** * **وَأَعُوذُ**

پناه برم به عزت خدا * و پناه برم به قدرت خدا * و پناه برم به جلال خدا * و پناه برم

بِعِزْمَةِ اللَّهِ * **وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ** * **وَأَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ**

به بزرگی خدا * و پناه برم به جمع خدا * و پناه برم به رسول خدا که درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ * **وَأَعُوذُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ** * **مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ** * **وَمِنْ شَرِّ مَا**

بر او و آلش باد * و پناه برم به نامهای خدا * از شر آنچه حذر دارم * و از شر

أَخَافُ عَلَى نَفْسِي * و روایت شده که هرگاه فرزند مریض شد مادرش بالای بام رود و مقنعه از سر برگیرد

آنچه بر خود می‌ترسم *

که موی او در زیر آسمان ظاهر شود پس به سجده رود و بگوید: **اللَّهُمَّ رَبِّ أَنْتَ أَعْطَيْتَنِيهِ** *

خدایا پروردگارا تو او را دادی *

وَأَنْتَ وَهَبْتَهُ لِي * **اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ هِبَتَكَ الْيَوْمَ جَدِيدَةً** * **إِنَّكَ قَادِرٌ**

و تو باش بخشیدی به من * خدایا بگردان بخشش خود را امروز تازه * زیرا تو توانا

مُقْتَدِرٌ * پس سر بلند نکند تا آنکه خوب شود فرزند او. * و شیخ شهید (رحمه الله) نقل کرده که هر که درد شدیدی

و با اقتداری *

دارد بخواند بر قَدَحِ آبی چهل مرتبه سوره حمد، پس آن آب را بریزد بر خود و بگذارد مریض نزد خود زنبیلی که

در آن گندم باشد، پس بدست خود از آن گندم به سائل دهد و امر کند او را که دعا کند برای او تا شفاء یابد

انشاء الله تعالی. * و به اسانید معتبره وارد شده که دوا کنید بیماران خود را به تصدق. * و نیز شیخ شهید نقل

کرده برای رفع مرض آنکه دست بگذارد بر بازوی راست مریض و بخواند حمد هفت مرتبه و بخواند این دعا را:

اللَّهُمَّ أزلْ عَنْهُ الْعِلْلَ وَالْدَاءَ * **وَأَعِدْهُ إِلَى الصِّحَّةِ وَالشِّفَاءِ** * **وَأَمِدْهُ**

خدایا بردار از او علتها و بیماری * و برگردانش به تندرستی و شفاء * و امدادش کن

بِحُسْنِ الْوَقَايَةِ * **وَرُدَّهُ إِلَى حُسْنِ الْعَافِيَةِ** * **وَأَجْعَلْ مَا نَالَهُ فِي مَرَضِهِ**

به خوش نگهداشتن * و برش گردان به خوشی عافیت * و بگردان هر درد و مرض به او رسیده

هَذَا مَادَّةَ حَيَاتِهِ * **وَكَفَّارَةَ لِسَيِّئَاتِهِ** * **اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ**

ماده زندگانی او * و کفاره گناهانش * خدایا رحمت فرست بر محمد و

مُحَمَّدٍ * پس اگر اثر نکرد در خوب شدن او مکرر کند حمد را هفتاد مرتبه که اثر خواهد کرد انشاء الله تعالی.

آل محمد *

از حضرت باقر (علیه السلام) روایت است که هر کس را که سوره حمد و **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** خوب نکند چیز دیگر او را خوب نکند. و هر علتی را این دو سوره نیکو می کند. و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که هر مؤمنی که علتی داشته باشد از روی اخلاص بگوید:

﴿وَنَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ و مسح کند موضع

نازل کردیم از قرآن آنچه شفاء و رحمت بر مؤمنان است *

علت را حق تعالی او را شفا دهد. و از حضرت امام رضا (علیه السلام) مروی است که برای رفع تمامی امراض بخوان بر آنها:

يَا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ * وَ مُذْهِبَ الدَّاءِ * صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ ءَالِهِ * وَ اَنْزِلْ

ای نازل کننده شفا * و برنده درد * رحمت فرست بر محمد و آلش * و نازل

عَلٰى وَجَعِ الشِّفَاءِ * و سید بن طاوس در مهج از ابن عباس روایت کرده که گفت: من در نزد

کن بر دردم شفاء *

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نشسته بودم پس شخصی در آمد رنگ او رفته و گفت: یا امیرالمؤمنین من همیشه بیمارم و دردهای بسیار دارم پس مرا دعائی بیاموز که به آن استعانت بجویم بر امراضم. حضرت فرمود که: می آموزم تو را دعائی که جبرئیل آن را به حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) آموخت در وقتی که حسن و حسین بیمار بودند،

و آن دعا این است: **اَللّٰهُمَّ كَلِّمْنَا اَنْعَمْتَ عَلٰى نِعْمَةٍ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِيْ ***

خدایا هر نعمتی به من دادی شکر اندکی بدان نهادم *

وَ كَلِّمْنَا اَبْتَلَيْتَنِيْ بِبَلِيَّةٍ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا صَبْرِيْ * فَيَا مَنْ قَلَّ شُكْرِيْ

و چون به بلایم گرفتار کردی کم بود صبر من برای تو * ای که شکر نعمتش

عِنْدَ نِعْمِهِ فَلَمْ يَحْرَمْنِيْ * وَ يَا مَنْ قَلَّ صَبْرِيْ عِنْدَ بَلَائِهِ فَلَمْ يَخْذُلْنِيْ *

کم کردم و محروم نکرد * ای که اندک شد صبرم بر بلایش و وانگذارد مرا *

وَ يَا مَنْ رَأَانِيْ عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَفْضَحْنِيْ * وَ يَا مَنْ رَأَانِيْ عَلَى الْخَطَايَا

ای که دید مرا بر گناهی و رسوایم نکرد * ای که مرا دید در خطا

فَلَمْ يَعْاقِبْنِيْ عَلَيْهَا * صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ ءَالِ مُحَمَّدٍ * وَ اغْفِرْ لِيْ ذَنْبِيْ

و عقوبتم نکرد بر آن * رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و بیمارز برایم گناهانم

وَ اشْفِنِي مِنْ مَرَضِي * اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * ابن عباس گفت: پس دیدم آن

* و شفاء ده از مرضم * زیرا تو بر هر چیز توانائی *

مرد را بعد از یک سال در حالی که رنگش نیکو و قرمز شده بود و گفت: در هیچ دردی نخواندم این دعا را مگر آنکه شفا یافتم، و داخل نشدم بر سلطانی که از او می ترسیدم مگر آنکه خداوند عزوجل رد کرد شر او را از من. * منقول است که به نجاشی از پدراناش کلاهی به ارث رسیده بود از چهارصد سال که بر هر دردی که نهاده می شد ساکن

می گشت، پس آن کلاه را شکافتند که ببینند چه در آن است دیدند که در آن این دعا است: بِسْمِ اللّٰهِ

به نام خدا

الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ * شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ وَاَلَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلٰٓئِكَةُ وَاُولُو

الملك حق مبین * گواه است خدا بر اینکه نیست معبود حقی جز او و گواهند فرشتگان

الْعِلْمِ * قَائِمًا بِالْقِسْطِ * لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * اِنَّ الدِّينَ عِنْدَ

و دانشمندان * خدا قائم به عدل است * نیست معبود حقی جز او که عزیز و حکیم است * به راستی دین

اللّٰهِ الْاِسْلَامُ * لِلّٰهِ نُورٌ وَ حِكْمَةٌ * وَ حَوْلٌ وَ قُوَّةٌ وَ قُدْرَةٌ * وَ سُلْطٰنٌ

نزد خدا اسلام است * برای خدا نور است و حکمت است * جنبش و توان و نیرو است * و سلطنت

وَ بُرْهَانٌ * لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ * اٰدَمُ صَفِيُّ اللّٰهِ * لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ * اِبْرٰهِيْمُ

و برهان است * نیست معبود حقی جز خدا * آدم صفی خداست * نیست معبود حقی جز خدا * ابراهیم

خَلِيْلُ اللّٰهِ * لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ * مُوسٰى كَلِيْمُ اللّٰهِ * لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ * مُحَمَّدٌ

خلیل خداست * نیست معبود حقی جز خدا * موسی کلیم خداست * نیست معبود حقی جز خدا * محمد (ص)

الْعَرَبِيُّ رَسُوْلُ اللّٰهِ * وَ حَبِيْبُهُ وَ وَ خَيْرَتُهُ وَ مِنْ خَلْقِهِ * اَسْكُنْ يَا جَمِيْعَ

عربی رسول خداست * و حبیب خدا و بهتر خلق خدا * ساکن شوید ای همه

الْاَوْجَاعِ وَ الْاَسْقَامِ وَ الْاَمْرَاضِ * وَ جَمِيْعِ الْعِلَلِ وَ جَمِيْعِ الْحُمَمِيَّاتِ *

دردها و بیماریها و امراض * و همه علتها و همه تبها *

سَكَنْتَكَ بِالَّذِي سَكَنْ لَهُ * مَا فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ * وَ هُوَ السَّمِيْعُ

آرامت کردم به آنکه آرام شود برایش آنچه در شب و روز است * و اوست شنوا

الْعَلِيْمُ * وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ اَجْمَعِيْنَ * درمکارم

و دانا * و رحمت خدا بر بهتر خلق او محمد (ص) و آتش همه *

الأخلاق است که نجاشی ملک صداعی داشت، مرض خود را برای حضرت رسول (ﷺ) نوشت، حضرت این حرز

را برای او فرستاد، او در کلاه خود گذاشت دردش ساکن شد و آن حرز این است: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ**

به نام خدای بخشاینده

الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَمَلِكٍ أَحَقُّ الْمَبِينِ شَهِدَ اللَّهُ (تا آخر آیه) **لِلَّهِ**

و مهربان * نیست معبود حقی جز خدا ملک حق مبین * شاهد الله * از خدا است

نُورٌ وَ حِكْمَةٌ وَ عِزٌّ وَ قُوَّةٌ وَ بُرْهَانٌ وَ قُدْرَةٌ وَ سُلْطَانٌ وَ رَحْمَةٌ يَا

نور و حکمت و عزت و قوت * و برهان و قدرت * و سلطنت و رحمت * ای

مَنْ لَا يَنَامُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُوسَى

که نخواهد * نیست معبود حقی جز خدا * ابراهیم خلیل خداست * نیست معبود حقی جز خدا * موسی

كَلِيمِ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

کلیم خداست * نیست معبود حقی جز خدا * عیسی روح خداست و کلمه او * نیست معبود حقی جز خدا

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ صَفِيُّهُ وَ صَفْوَتُهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

* محمد رسول خدا * و برگزیده اش و صفوتش * رحمت خدا بر او و آتش

وَ سَلَّمَ أَسْكُنْ سَكْنَتِكَ بِمَنْ يَسْكُنُ لَهُ وَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

و درود باد * آرام شو آرامت کردم به آنکه آرام است برایش هر چه در آسمانها و زمین است

وَ بِمَنْ سَكَنَ لَهُ وَ مَا فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

* و به آنکه آرام است برایش هر چه در شب و روز است * و اوست شنوا و دانا *

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ وَ الشَّيَاطِينَ

و مسخر کردیم برایش باد را روان است به امر او هموار هر جا برسد * و شیطانها را

كُلَّ بِنَاءٍ وَ غَوَاصٍ * **إِلَّا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ** *

از بنا و غواص * همانا به سوی خدا برگردند امور *

تعویذ به جهت درد سر و درد گوش: از حضرت باقر العلوم (علیه السلام) مروی است که به جهت تسکین درد سر،

سر را مسح کند و هفت مرتبه بگوید: **أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي سَكَنَ لَهُ وَ مَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ**

پناه برم به خدائی که ساکن است به او آنچه در بیابان و دریا است

﴿ وَمَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴾ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿﴾ واین دعا از برای درد

* و آنچه در آسمانها و زمین است * و او شنوا و داناست *

گوش نیز از حضرت صادق (علیه السلام) هفت مرتبه نقل شده. و نیز از آن حضرت وارد شده که پنیر بسیار کهنه را قدری بگیر و نرم بکوب و با شیر ممزوج کن و بر روی آتش گرم و نرم کن و چند قطره در گوش که درد می کند بریز.

ایضاً برای درد سر: بخواند بر قدح آبی:

﴿ أَوْ لَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا ﴾

آیا ندیدند آنان که کافر شدند که آسمانها و زمین هر دو بسته بودند و آنها را گشودیم

﴿ وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ﴾ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿﴾ پس بیاشامد آن را. و روایت

* و از آب زنده کردیم هر چیز را * آیا ایمان ندارند *

شده که هرگاه کسالت یا صداع عارض حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) می گشت دستها را می گشود و فاتحه و معوذتین می خواند و به صورت می کشید پس بر طرف می شد از آن حضرت درد. و نیز از برای رفع صداع، دست بکشد بر

سَرِّ او و بگوید: ﴿ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا ﴾ وَلَئِنْ زَالَتَا

به راستی که خدا نگهدار آسمانها و زمین را که کنده شوند * و اگر کنده شوند

﴿ إِنَّ أَمْسَكُهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ ﴾ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿﴾ واز

نگهدار آنها نیست احدی پس از وی * زیرا او باشد بردبار و آمرزنده *

ربیع الأبرار نقل است که مأمون را در طرطوس صداعی عارض شد و به هیچ وجه علاج آن نشد، قیصر روم کلاهی برای او فرستاد و نوشت برای او: شنیدم خبر صداع تو را، این کلاه را فرستادم که بر سر گذاری تا درد ساکن شود.

مأمون ترسید که در آن زهری تعبیه کرده باشد، امر کرد که بر سر حملش نهند. دید ضرری به او نرسانید، پس امر کرد بر سر کسی دیگر که صداع داشت نهند در دوش ساکن شد، آن وقت مأمون آن کلاه را بر سر خود

گذاشت دردش ساکن گشت، تعجب نمود. او را شکافت دید که در آن نوشته است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿﴾ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لَلَّهِ فِي عَرَقِ سَاكِنِ حَمِّ عَسَقِ

به نام خداوند بخشنده مهربان * چه بسیار نعمت خدا در رگی آرام حم عسق

﴿ لَا يَصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ ﴾ مِنْ كَلَامِ الرَّحْمَنِ خَمَدَتِ النَّيْرَانُ ﴿﴾

* در دسر نکشد از آن و خونریزی ندارد * از سخن خدا خاموش شد آتش *

﴿ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ﴾ وَجَالَ نَفْعُ الدَّوَاءِ فِيكَ ﴿﴾ كَمَا يَجُولُ مَاءٌ

و نیست جنبش و نه توانی جز به خدا * و روان شود سود دواء در تو * چنانچه روان شود باران

الرَّبِيعِ فِي الْغُصْنِ * تعویذ به جهت درد شقیقه: بگذار دست بر محلّ درد و سه دفعه بگوید: یا

بهار در شاخهٔ درخت *

ظَاهِرًا مَوْجُودًا * وَيَا بَاطِنًا غَيْرَ مَفْقُودٍ * أَرُدُّ عَلَى عَبْدِكَ الضَّعِيفِ

پدیدار موجود * و ای نهان غیر مفقود * برگردان به بندهٔ ناتوانت

أَيَادِيكَ الْجَمِيلَةَ عِنْدَهُ * وَ أَذْهَبَ عَنْهُ مَا بِهِ مِنْ أَدَى * إِنَّكَ رَحِيمٌ

نعمتهای نیکت را که داشت * و ببر از او آنچه به او است از آزار * زیرا تو مهربان

قَدِيرٌ * به جهت کری گوش: از حضرت باقر العلوم (علیه السلام) وارد شده که بگذار دست بر آن و بخوان: لَوْ

و توانائی *

أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ * تا آخر سوره. به جهت درد دهان: از حضرت صادق (علیه السلام)

ما نازل کردیم این قرآن را بر کوه *

مَرُورِي * بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي

به نام خدای بخشاینده و مهربان * به نام خدائی که

لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ * أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ الَّتِي لَا يَضُرُّ مَعَهَا شَيْءٌ *

زیان ندارد با نامش دردی * پناه برم به کلمات خدا که زیان ندارد با آنها چیزی *

قُدُوسٌ قُدُوسٌ قُدُوسٌ * أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِاسْمِكَ الطَّاهِرِ الْمُقَدَّسِ

قدوس قدوس قدوس * از تو خواهم ای پروردگار به نامت پاک مقدس

الْمُبَارَكِ * الَّذِي مَنْ سَأَلَكَ بِهِ أَعْطَيْتَهُ * وَ مَنْ دَعَاكَ بِهِ أَجَبْتَهُ * وَ

مبارک * که هر که بدان خواهشت کرده عطایش دادی * و هر که بدان دعایت کرده اجابت نمودی *

أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ أَهْلِ

از تو خواهم ای خدا ای خدا ای خدا * اینکه رحمت فرستی بر محمد پیغمبر

بَيْتِهِ * وَ أَنْ تُعَافِيَنِي مِمَّا أَجِدُ فِي فَمِي وَ فِي رَأْسِي * وَ فِي سَمْعِي وَ فِي

و خاندانش * و عافیت دهی مرا از آنچه دریا بم در دهانم و در سرم * و در گوشم و در

بَصْرِي * وَ فِي بَطْنِي وَ فِي ظَهْرِي * وَ فِي يَدِي وَ فِي رِجْلِي * وَ فِي جَوَارِحِي

چشمم * و در شکمم و در پشتم * و در دستم و در پایم * و در اعضايم

كُلِّهَا * که شفا می یابی انشاء الله تعالی. به جهت درد دندان: از حضرت صادق (علیه السلام) مروی است که

همه اش *

بخواند بر آن بعد از گذاشتن دست بر آن حمد و توحید و قدر و این آیه مبارکه: ﴿وَتَرَى الْجِبَالَ

می بینی تو کوهها را

تَحْسِبُهَا جَامِدَةً ۚ وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي اتَّقَنَ كُلَّ

و گمان کنی بر جای خشکیده اند * با آنکه آنها بگذرند چون ابر کار خدا است که محکم ساخته هر

شَيْءٍ ۚ إِنَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ ﴿﴾ * ایضاً از امیرالمؤمنین (علیه السلام) مروی است که دست بکش

چیز را * زیرا او آگاه است به هر چه می کنی *

به موضع سجده خود، پس مسح کن دندان دردکن را و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَالشَّافِي [وَ الْكَافِي]

به نام خدا و شافی و خدا

اللَّهُ ۚ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ﴿﴾ عوده مجربۀ برای

است * و نیست جنبش و نه توانی جز به خدای والا و بزرگ *

درد دندان: می خوانی حمد و دو قل آعوذ و قل هو الله احد را می خوانی با هر سوره بِسْمِ اللَّهِ

به نام خدای

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ و بعد از قل هو الله احد می گوئی: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۚ

بخشاینده و مهربان * بگو (ای محمد) خدا یکی است * به نام خدای بخشاینده مهربان *

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۚ قُلْنَا يَا نَارُ

و از اوست آنچه ساکن است در شب و روز * اوست شنوا و دانا * گفتیم ای آتش

كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ۚ وَآرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمْ

بوده باش سرد و سلامت بر ابراهیم * و خواستند به او دامی نهند آنها را

الْأَخْسَرِينَ ۚ نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا ۚ وَسُبْحَانَ اللَّهِ

زبون کردیم * فریاد شد که مبارک است هر که در آتش و هر که گرد آن است * و منزه است خدا

رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿﴾ * پس می گوئی: اَللّهُمَّ يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَلَا يَكْفِي

پروردگار عالمیان * خدایا ای کافی از هر چیز * و نیست کافی

مِنْكَ شَيْءٌ ۚ أَكْفِ عَبْدَكَ وَابْنَ أُمَّتِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَخَافُ (يُخَافُ) وَيَجْزُرُ

از تو چیزی * کفایت کن بندهات و کنیز زادت را از شر آنچه ترسد و حذر

(يَجْزُرُ) ۚ وَمِنْ شَرِّ الْوَجَعِ الَّذِي يَشْكُوهُ الْبَيْكُ ﴿﴾ * و نیز روایت شده که کاردی یا برگ

کند * و از شر دردی که شکایت دارد از آن به سوی تو *

خرمائی بگیرد و بمالد بر آن جانب که درد می‌کند و بگوید هفت مرتبه: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

به نام خدای بخشاینده * مهربان

* **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ * وَ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ اللَّهِ ***

* به نام خدا و به ذات خدا * محمد (ص) رسول خدا * و ابراهیم (ع) خلیل خدا *

أَسْكُنْ بِالَّذِي سَكَنْ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِأَذْنِهِ * وَ هُوَ عَلَى كُلِّ

آرام شو به حق آنکه آرام است برایش آنچه در شب و روز به اجازه‌اش * و او بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ * و ایضاً وارد شده که چوبی یا آهنی بگذارد بر دندان درد کن و افسون کند آن را از جانب آن

چیز توانا است *

هفت مرتبه: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ * دُودَةٌ**

به نام خدای بخشاینده * مهربان * عجب بسیار عجب * کرمی

تَكُونُ فِي الْفَمِ تَأْكُلُ الْعَظْمَ * وَ تُنَزِّلُ (تَتْرِكُ) الدَّمَ * أَنَا الرَّاقِي وَ اللَّهُ

در دهان می‌خورد استخوان * و می‌مکد خون را * من دعا دهم و خدا

الشَّافِي وَ الْكَافِي * لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ إِذَا

شفا و کفایت کند * نیست معبود حق جز خدا * و ستایش از خداست که پروردگار جهانیان است * و هرگاه

قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَاذْرَأْتُمْ فِيهَا * بِخَوَانِدَاتٍ: لَعَلَّكُمْ تَعْقَلُونَ * (آیه ۷۲ بقره) * هفت

کشتید کسی را و خونش را به گردن هم گذاشتید * شاید شما به خرد بیایید *

مرتبه این را به جا آورد. **به جهت درد سینه:** وارد شده آیه: **وَ إِذَا قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَاذْرَأْتُمْ** تا:

و هرگاه کشتید کسی را و خونش را به گردن هم گذاشتید *

لَعَلَّكُمْ تَعْقَلُونَ * و روایت شده که استشفا کن به قرآن زیرا که حق تعالی فرموده: **فِيهِ**

شاید شما به خرد بیایید * در آن

شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ * **وَ از برای سرفه:** دعاء جامعه وارد شده: **اللَّهُمَّ أَنْتَ رَجَائِي**

شفاست به آنچه در سینه‌ها است * خدایا تو امید منی

وَ أَنْتَ ثِقَّتِي وَ عِمَادِي * و این دعای طویلی است طالبین رجوع کنند به مأخذ آن کتاب

* و تو محل وثوق منی و پشت منی *

دعای بحار، ص ۲۰۹. **به جهت درد شکم:** از حضرت رسول (ﷺ) مروی است که بیاشامد شربت عسل به آب

گرم و تعویذ کند آن را به فاتحه‌الکتاب هفت مرتبه. * ایضاً از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) مروی است که بیاشامد

آب گرم و بگوید: **يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ** * یا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ * **يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ**

ای خدا ای خدا ای خدا * ای بخشاینده ای مهربان * ای پرورنده پرورندگان

* **يَا إِلَهَ الْأَلِهَةِ** * **يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ** * **يَا سَيِّدَ السَّادَةِ** * **إِشْفِنِي بِشِفَائِكَ**

* ای معبود معبودان * ای پادشاه پادشاهان * ای آقای آقایان * شفایم ده به شفاء خود

مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ * **فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِيكَ** * **اتَّقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ**

از هر درد و بیماری * زیرا من بنده تو و پسر بنده و کنیز توام * زیر و رو شوم در کف تو

🌸 و نیز به جهت درد شکم و غیره بگذارد دست بر آن و بگوید هفت مرتبه: **أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ**

* پناه برم به عزت خدا

وَ جَلَالِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ 🌸 و بگذارد دست راست بر موضع درد و بگوید سه مرتبه **بِسْمِ اللَّهِ**.

و جلال او از شر آنچه می‌یابم *

به جهت قولنج: بنویسد بر لوحی یا کتفی حمد و توحید و دو **قُلْ أَعُوذُ** و در زیر آنها بنویسد: **أَعُوذُ**

پناه برم

بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظِيمِ * **وَ بِعِزَّتِهِ الَّتِي لَا تُرَامُ** * **وَ بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا يَمْتَنَعُ**

به آبروی خدای بزرگ * و به عزتش که قصد آن نشود * و به توانش که چیزی از آن سر نتابد

مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ هَذَا الْوَجَعِ * **وَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ** * **وَ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ**

از شر این درد * و از شر آنچه در آن است * و از شر آنچه درک کنم

مِنْهُ 🌸 پس بشوید آن را به آب باران و در وقتی که ناشتا است و در وقت خواب بیاشامد که انشاء الله مبارک و

از آن *

نافع است. **به جهت درد شکم و قولنج:** روایت شده که شخصی خدمت حضرت رسول (ﷺ) شکایت کرد

از درد شکم، برادرش حضرت فرمود: امر کن برادرت را که بیاشامد شربتی از عسل با آب گرم. آن مرد رفت و

فردای آن روز خدمت آن حضرت آمد و عرض کرد که آن شربت را به او آشامانیدم و فایده نبرد فرمود:

صَدَقَ اللَّهُ وَ كَذَبَ بَطْنُ أَخِيكَ 🌸 برو او را شربت عسل بده و تعویذ کن آن را به سوره حمد

راست فرمود خدا و دروغ گفت شکم برادرت *

هفت مرتبه. پس چون آن مرد رفت حضرت فرمود به امیرالمؤمنین (علیه السلام): یا علی به درستی که برادر این مرد

منافق است و از این جهت است که آن شربت او را نفع نمی‌بخشد. **به جهت نالول:** و آن میخچه‌ای است که

غالباً در دست پیدا می‌شود، وارد شده بگیر برای هر یک از آن هفت دانه جو و بخوان بر هر دانه جو اول سوره:

إِذَا وَقَعَتْ تَاهِبًا مُنْبَثًا * و: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ * فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي

از تو پرسند از کوهها * بگو گردشان کند

نَسْفًا * فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا * لَا تَبْقَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا ﴿* هفت

خدا * و بنماید آنها بیابانی هموار * که نه بینی در آن کجی و نه بلندی *

مرتب، پس بگیریک یک دانه‌های جورا و بمال به ثالول، پس ببند آنها را در خرقة و به آن سنگی ببند و ببند از آن را در چاهی. * و بعضی گفته‌اند که شایسته است این عمل در آخر ماه باشد که ماه در آن پنهان است. و نیز نقل شده که صاحبش قطعه نمکی بگیرد و بمالد به ثالول و بخواند بر آن سه مرتبه: **لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ** تا آخر سوره حشر و ببند از آن را در تنوری و به شتاب بگذرد که بر طرف خواهد شد انشاء الله. * و در خزائن است که مالیدن نوره بر ثالول بر طرف خواهد کرد آن را. **به جهت ورمهای بدن:** روایت شده که چون وضو سازی

برای نماز فریضه بخوان بر آن پیش از نماز و بعد از آن **لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ** *

اگر نازل کردیم ما این قرآن را بر کوهی *

تا آخر سوره و تدبر کن در وقت خواندن آن که انشاء الله ورم ساکن خواهد شد. **به جهت رفع دشواری زائیدن**

زنان: بنویسد در پوستی: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * كَانَهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا**

به نام خدای بخشاینده و مهربان * گویا آنان روزی که ببینند

يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ * كَانَهُمْ يَوْمَ يَرُونَهَا لَمْ

آنچه وعده دارند نپایندند مگر یک ساعت از روز * گویا آنان روزی که ببینند

يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا * إِذْ قَالَتْ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي

نپایندند جز شامی یا چاشتی * آنگاه که گفت زن عمران پروردگارا من

نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا * فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * ﴿*

نذر کردم برایت آنچه را در درون دارم آزاد * بپذیرش از من * زیرا تو شنوا و دانائی *

﴿* پس ببند آن را بران راست او و چون فرزندش متولد شد آن را باز کند. و نیز روایت شده که بخواند بر آن:

فَاجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ تَا: رَطْبًا جَنِيًّا * ﴿* (تا آیه ۲۵ سوره مریم)

آوردش درد زایش کنار تنه درخت خرما * خرمای تازه *

پس صدا بلند کند به این آیه: ﴿وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ اُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ

و خدا بیرون آورد شما را از شکم مادرانتان نمی دانستید

شَيْئًا ۚ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْاَبْصَارَ وَ الْاَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾

چیزی * و قرار داد برای شما گوش و چشم و دل شاید شما شکر گزارید

كَذٰلِكَ اَخْرَجَ اِيَّهَا الطَّلُقُ ۚ اَخْرَجَ بِاِذْنِ اللّٰهِ ۚ وَنِيزَازِ حَضْرَتِ صَادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) رَوَايَتُ

* همچنین بیرون آی ای جنین * بیرون آی به اذن خدا *

شده که برای آسان شدن ولادت بنویسد در پوستی یا کاغذی: اَللّٰهُمَّ فَارِجَ الْهَمِّ ۚ وَ كَاشِفَ

خدایا گشاینده هم * و برطرف کن

الْغَمِّ ۚ وَ رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ وَ رَحِيْمَهُمَا ۚ اِرْحَمْ فُلَانَةَ بِنْتَ

غم * و بخشنده در دنیا و آخرت و مهربان در هر دو * رحم کن فلانه

فُلَانَةَ رَحْمَةً تُغْنِيهَا بِهَا عَنْ رَحْمَةِ جَمِيْعِ خَلْقِكَ ۚ تَفْرِجُ بِهَا كُرْبَتَهَا

زاد فلانه رحمتی که بی نیازش کنی بدان رحمت از رحمت دیگران * و بگشایی بدان گرفتاری او را

ۚ وَ تَكْشِفُ بِهَا غَمَّهَا ۚ وَ تَيْسِّرُ بِهَا وِلَادَتَهَا ۚ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ

* و زایل کنی غمش را * و آسان کنی زائیدنش را * و حکم شد میان آنها به حق

وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۚ وَ قِيلَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۚ **به جهت باز کردن**

و آنها ستم نشدند * و گفته شد ستایش از آن خدای جهانیان است *

بسته شده: بنویسد اول سوره اِنَّا فَتَحْنَا تَا مُسْتَقِيْمًا و سوره اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللّٰهِ و این آیات را:

﴿وَمِنْ اٰيَاتِهِ اَنْ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوْا اِيَّهَا ۚ

و از آیات اوست که قرار داده برای شما از جنس خودتان همسر تا بیارامید با آنها *

وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً ۚ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾

و نهاده است میان شما دوستی و مهر * به راستی در این موضوع نشانه‌هایی است برای متفکران *

ثُمَّ اَدْخَلُوْا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَاِذَا دَخَلْتُمُوْهُ فَاِنَّكُمْ غٰلِبُوْنَ﴾

سپس وارد دروازه شهر آنها شوید و چون وارد آن شوید شما غالبید *

﴿فَفَتَحْنَا اَبْوَابَ السَّمٰوٰتِ بِمَآءٍ مِنْهَمْرٍ ۚ وَ فَجَّرْنَا الْاَرْضَ عُيُوْنًا

گشودیم درهای آسمان را به آب فرو ریزنده * و گشودیم در زمین چشمه‌ها

فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدِ قَدِرَ ﴿۱﴾ * ﴿رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾ * وَيَسِّرْ لِي

آب برخورد کرد به دستوری مقرر * پروردگارا شرح صدرم بده * و آسان کن

أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿۲﴾ * وَتَرَكَنَا بَعْضُهُمْ

کارم را * و بگشا گره زبانم را * تا بفهمند گفتارم را * و واگذارديم روی هم

يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ * وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ﴿۳﴾ * كَذَلِكَ

موج زند * و دمیده شد در صور و به خوبی جمعشان کردیم * چنین

حَلَلْتُ فُلَانٌ بِنِ فُلَانٍ عَنِ بِنْتِ فُلَانَةٍ ﴿۴﴾ * لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ

گشودیم فلان پسر فلان را از دختر فلانه * به تحقیق آمد برای شما رسولی از

أَنْفُسِكُمْ * عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ * حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ * بِالْمُؤْمِنِينَ

خودتان * که سخت است بر او آنچه رنج کشید * حریص است به آسایش شما * به مؤمنان

رَءُوفٌ رَحِيمٌ * فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ * لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ * عَلَيْهِ

مهر و رز و دوست است * اگر پشت کردند بگو بس است مرا خدا * نیست معبود حقی جز او * بر او

تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿۵﴾ * پس این نوشته را همراه او نموده و بر او آویزان کنند.

توکل دارم و اوست پروردگار عرش بزرگ *

و در طَبِّ الْأُمَمَةِ دَعَائِي مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نِيْزِ نَقْلِ شَدِيحٌ كِي تَعْلِيْمِ اسْحَاقِ صَحَافِ فَرْمُوْدِهِ، چوْن

طولانی بود ذکر ننمودیم. **تعویدت تب: ۱** بخواند این تعوید را که رسول خدا (ﷺ) تعلیم امیرالمؤمنین (علیه السلام)

فرموده: **اللَّهُمَّ ارْحَمْ جِلْدِي الرَّقِيقَ * وَعَظْمِي الدَّقِيقَ * وَاعْوِذُ بِكَ**

خدایا رحم کن پوست نازکم را * و استخوان باریکم را * پناه برم به تو

مِنْ فَوْرَةِ الْحَرْبِ * يَا أُمَّ مَلْدَمٍ إِنْ كُنْتَ أَمَنْتَ بِاللَّهِ * فَلَا تَأْكُلِي اللَّحْمَ

از جوش آتش سوزان * ای ام ملامم اگر تو به خدا ایمان داری * مبادا بخوری گوشت را

وَلَا تَشْرَبِي الدَّمَ * وَلَا تَفُورِي مِنَ الْفَمِ * وَانْتَقِلِي إِلَى مَنْ يَزْعَمُ أَنْ مَعَ

و بنوشی خون را و بجوشی از دهان * منتقل شو به جان کسی که گمان برد با خدا

اللَّهُ إِلَهًا آخَرَ * فَإِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ * لَا شَرِيكَ لَهُ ﴿۶﴾ *

معبود دیگری است * زیرا من گواهم که نیست معبود حقی جز خدای یگانه است شریک ندارد *

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ * وَرَسُولُهُ ﴿۷﴾ * مواظبت کند در صبح و شام به خواندن

و گواهم که محمد بنده او و رسول او است *

دعای نور که سلمان از حضرت فاطمه صلوات الله علیها نقل کرده و در مفاتیح ذکر شده. **۳** روایت شده که ائمه (علیهم السلام) تب را به آب سرد معالجه می کردند. پیوسته یک جامه را در آب ترمی کردند و بر جسد می چسباندند.

۴ به خط امام رضا (علیه السلام) دیده شد که برای تب به سه قطعه کاغذ بنویسند بر قطعه اول: **بِسْمِ اللَّهِ**

به نام خدای

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * لَا تَخَفُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى * و بردوم: **بِسْمِ اللَّهِ**

بخشاینده * مهربان * نترس زیرا توئی برتر * به نام خدای

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * لَا تَخَفُ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * و برسوم:

بخشاینده * مهربان * نترس نجات یافتی از قوم ستمکاران *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْإِلَهُ الْخَلْقِ وَالْأَمْرِ * تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ

به نام خدای بخشاینده مهربان * همانا از اوست آفرینش و فرمان * مبارک است خدا پروردگار

الْعَالَمِينَ * پس بخواند بر هر قطعه ای سه مرتبه توحید و ببلعد آن را در سه روز هر روزی یکی از آنها را

جهانیان است *

که خوب خواهد شد انشاء الله. **۵** تکمه های پیراهن را بگشاید و سر را در پیراهن داخل کند و اذان و اقامه

گوید و هفت مرتبه حمد بخواند که انشاء الله خوب خواهد شد. **۶** روایت است از ائمه (علیهم السلام) که بنویسد در پوستی

و آویزان کند بر تب دار این عودّه را: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَسُلْطَانِكَ**

خدایا من از تو خواهم به عزت و نیرویت و سلطنت

*** وَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ**

* و آنچه فرا گیرد او را دانشت * که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد * اینکه

لَا تُسَلِّطَ عَلَيَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ شَيْئًا مِمَّا خَلَقْتَ بِسُوءٍ * وَارْحَمْ جِلْدَهُ

تسلط نکنی بر فلان پسر فلان چیزی را از آنچه آفریدی که بد نکند * و رحم کن پوست

الرَّقِيقِ * وَ عِظْمَهُ الدَّقِيقِ مِنْ فُورَةِ الْحَرِيقِ * أَخْرِجِي يَا أُمَّ مِلْدَمِ *

نازکش را * و استخوان باریکش را از سوزش آتش گرفتن * بیرون رو ای ام ملدم *

يَا أَكَلَةَ اللَّحْمِ * وَ شَارِبَةَ الدَّمِ * حَرُّهَا وَ بَرْدُهَا مِنْ جَهَنَّمَ * إِنْ كُنْتَ

گوشتخوار * و خون خوار * که گرمی و سردیت از دوزخ است * اگر ایمان داری

ءَامَنْتَ بِاللَّهِ الْأَعْظَمِ * أَنْ لَا تَأْكُلِي لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةٍ لَحْمًا * وَلَا تُمَصِّي

به خدای اعظم * نباید بخوری از فلان پسر فلان گوشت * و نه بمکی

لَهُ وَدَمًا * وَ لَا تَنْهَكِي لَهُ وَ عَظْمًا * وَ لَا تُثَوِّرِي عَلَيْهِ غَمًّا * وَ لَا تُهَيِّجِي

خون او را * و تهی نکنی استخوانش * و نشورانی بر او اندوه * و به هیجان نیآوری

عَلَيْهِ صُدَاعًا * وَ أَنْتَقِلِي عَنْ شَعْرِهِ وَ بَشْرِهِ وَ حِمِّهِ * وَ دَمِهِ إِلَى مَنْ

برایش دردسر * و منتقل شو از مویش و تنش و گوشتش * و خونسش به آنکه گمان

زَعَمَ * أَنْ مَعَ اللَّهِ الْهَاءُ آخِرَ * لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ * سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى

دارد با خدا معبود دیگری است * نیست معبود حقّی جز او * منزه است و برتر

عَمَّا يُشْرِكُونَ * وَ بَنُويسِدْ بَعْدَ از عَمَّا يُشْرِكُونَ اسم یک نفر از اهل ذمه یا یکی از دشمنان

از آنچه شریک او دانند *

خدا را. ﴿۷﴾ بَنُويسِدْ از برای تب و بیندد بر بازوی راست تب دار: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده و مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * تا آخر سوره: ﴿بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * أَعُوذُ

* حمد خدا را پروردگار جهانیان * به نام خدا و به ذات خدا * پناه برم

بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّمَامَاتِ كُلِّهَا * الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ * مِنْ شَرِّ

به کلمه تامه خدا همه آنها * که نگذردت از آن بر و نه فاجر * از شر

مَا خَلَقَ وَ ذَرَأَ وَ بَرَأَ * وَ مِنْ شَرِّ الْهَامَةِ وَ السَّامَةِ * وَ الْعَامَةِ

آنچه آفریده و برآورده و پدید کرده * و از شر گزنده و هر زهردار * و هر سوء نیت دار

وَ اللَّامَةِ * وَ مِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ * وَ مِنْ شَرِّ فُسَّاقِ الْعَرَبِ

و هر لمنده * و از شر واردان شب و روز * و از شر فاسقان عرب

وَ الْعَجَمِ * وَ مِنْ شَرِّ فُسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ * وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ

و عجم * و از شر فاسقان جن و انس * و از شر شیطان

وَ شَرِّكَهٖ * وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ * وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ * هُوَ آخِذٌ

و دامش * و از شر هر صاحب شر * و از شر هر جنبنده که او

بِنَاصِيَتِهَا * إِنْ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * رَبَّنَا عَلَيكَ تَوَكَّلْنَا

مهارش دارد * زیرا پروردگار من بر صراط مستقیم است * پروردگارا بر تو توکل داریم

وَ إِلَيْكَ أَنْبَأْنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ * يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَى

و به سویت بازگردیم و به سویت رجوع است * ای آتش باش سرد و سلامت بر

إِبْرَاهِيمَ * وَ أَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ * ﴿۱۰﴾ بَرْدًا وَ سَلَامًا

ابراهیم * خواستند بر او توطئه کنند و نمودیم آنها را زبونتر * سرد و سالم باش

عَلَىٰ فُلَانِ بْنِ فُلَانَةٍ * ﴿۱۱﴾ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا * ﴿۱۲﴾ (تا آخر

بر فلان پسر فلانه * پروردگار ما از ما مؤاخذه مکن اگر فراموش کردیم یا خطا کردیم *

سوره) حَسْبِيَ اللَّهُ * ﴿۱۳﴾ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ * فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا * ﴿۱۴﴾ وَ تَوَكَّلْ عَلَىٰ

بس است مرا خدا، نیست معبود حقی جز او * بگیرش وکیل * و توکل کن بر

الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ * وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ * وَ كَفَىٰ بِهِ بَذُنُوبٍ عِبَادَهُ

زنده‌ای که نمیرد * و تسبیح گو به حمدش * و کافی است او به گناهان بندگانش

خَيْرًا بَصِيرًا * ﴿۱۵﴾ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * ﴿۱۶﴾ صَدَقَ وَعْدُهُ وَ

آگاه باشد بینا باشد * نیست معبود حقی جز او * یگانه است شریک ندارد * راست بود وعده‌اش

وَ نَصَرَ عَبْدَهُ * ﴿۱۷﴾ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ * ﴿۱۸﴾ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا

* یاری کرد بنده‌اش * و شکست داد احزاب را تنها * آن شود که خواهد خدا نیست توانائی جز

بِاللَّهِ * ﴿۱۹﴾ كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِي * إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ * ﴿۲۰﴾

به خدا * نوشته خدا که پیروز شوم من و رسولانم * زیرا خدا توانا و عزیز است *

إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ * ﴿۲۱﴾ وَ مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ

به راستی حزب خدا هم آنها پیروزند * هر که در حفظ خدا باشد رهبری شده

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * ﴿۲۲﴾ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

به راه راست * و رحمت خدا بر محمد و آلش که پاک و پاکیزه‌اند.

﴿۸﴾ بر سه قطعه شکر بنویسد و هر قطعه را صبح ناشتا بخورد تا سه روز، در قطعه اول: عَقَدْتُ بِأَذْنِ

* بستم به اذن

اللَّهِ وَ دَرَدُومٌ: شَدَدْتُ بِأَذْنِ اللَّهِ وَ دَرَسِيْمٌ: سَكَنْتُ بِأَذْنِ اللَّهِ ﴿۱﴾

خدا * محکم کردم به اذن خدا * ساکن کردم به اذن خدا *

دعاء زحیر: روایت شده که شخصی شکایت کرد به حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) و گفت مرا زحیری است که

ساکن نمی شود، فرمود: هرگاه فارغ شدی از نماز شب بگو: اللَّهُمَّ مَا كَانَ مِنْ خَيْرٍ فَمِنْكَ ﴿۲﴾

خدایا آنچه باشد از خیر از توست *

لَا حَمْدَ لِي فِيهِ * وَ مَا عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ فَقَدْ حَذَرْتَنِي * لَا عُدْرَ لِي فِيهِ

من ستایشی ندارم در آن * و هر چه بد کردم تو مرا از آن حذر دار * و عذری در آن ندارم

* اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَتَّكِلَ عَلَىٰ مَا لَا حَمْدَ لِي فِيهِ * أَوْ أَمَّنَ مِمَّا

* خدایا من به تو پناه برم از تکیه کردن بر آنچه از من خوشایند نیست * و از ایمن بودن از

لَا عُدْرَ لِي فِيهِ * **دعاء قرقره شکم:** و نیز روایت است که شخصی شکایت کرد به آن حضرت و گفت

آنچه عذری در آن ندارم *

شکم من پیوسته صدا می کند و من حیا می کنم با مردم تکلم کنم زیرا که آن صدا از شکم من بیرون می آید و مردم می شنوند، پس دعا کنید از برای من به شفاء، آن حضرت فرمود هرگاه فارغ شدی از نماز شب بگو:

* اللَّهُمَّ مَا عَمِلْتُ مِنْ خَيْرٍ فَهُوَ مِنْكَ لَا حَمْدَ لِي فِيهِ * تا آخر آنچه که گذشت. و

خدایا آنچه کردم از خیر آن از توست از من خوشایند نیست *

نیز از حضرت صادق (علیه السلام) وارد شده برای قرقره شکم که سیاه دانه با عسل بخورد.

دعای برص یعنی پیسی اندام: از یونس روایت است که گفت: سپیدی در مابین دیدگان من عارض شده

بود، شکایت کردم آن را به حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: وضو بگیر و دو رکعت نماز گذار و بگو: **يَا اللَّهُ يَا**

ای خدا ای

رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ * يَا سَمِيعَ الدَّعَوَاتِ * يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ * أَعْطِنِي

بخشاینده ای مهربان * ای شنوای دعاها * ای دهنده خیرات * به من بده

خَيْرَ الدُّنْيَا وَ خَيْرَ الْآخِرَةِ * وَ قِنِي شَرَّ الدُّنْيَا وَ شَرَّ الْآخِرَةِ * وَ أَذْهِبْ

خیر دنیا و خیر آخرت را * و نگهم دار از شر دنیا و شر آخرت * و ببر از من

عَنِّي مَا أَجْدُ * فَقَدْ غَاظَنِي الْأَمْرُ وَ أَحْزَنَنِي * یونس گفت چنان کردم که آن حضرت

آنچه دریابم * زیرا کارم درهم کرده و اندوهناکم نموده *

فرموده بود، حق تعالی آن پیسی را از من زایل کرد وَ لَهُ الْحَمْدُ * و در روایت عده الداعی است که حضرت با وی فرمود: چون ثلث آخر شب می شود برخیز در اول آن وضو بگیر و مشغول نماز شب خود بشو و بگو در سجده

آخردر رکعت اول: **يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ * يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ * يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ**

ای والا ای بزرگ * ای بخشاینده ای مهربان * ای شنوای دعاها

* **يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ * صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَعْطِنِي مِنْ**

* ای عطا کن خیرات * رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و بده به من از

خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * وَاصْرِفْ عَنِّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا

خیر دنیا و آخرت آنچه تو اهل آنی * و بگردان از من شر دنیا

وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * وَأَذْهَبْ عَنِّي هَذَا الْوَجَعِ * فَإِنَّهُ قَدْ غَاظَنِي

و آخرت را آنچه تو اهل آنی * و ببر از من این درد را * که به خشم آورده

وَ أَحْزَنِي * والحاح و مبالغه کن در دعاء. یونس گفت من به جا آوردم آنچه فرموده بود، به کوفه هنوز

و محزونم کرده *

نرسیده بودم که خوب شدم. * و نیز برای آن نوشتن سوره یس با غسل در جامی و شستن و خوردن وارد است،

چنانکه برای بواسیر نیز وارد شده، * و همچنین تربت امام حسین (علیه السلام) با آب باران برای پیسی وارد شده، و

حنار با نوره مخلوط کردن و بر روی آن مالیدن نیز روایت شده. **به جهت جَرَب و دُمَل و قوباء:** و آن جوشی

است در بدن یا خارش بسیار که آن را داد گویند، روایت شده که بخوانند بر او و بنویسند و بر او آویزان کنند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * * وَ مِثْلُ كَلِمَةِ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ

به نام خدای بخشاینده و مهربان * نمونه کلمه خبیثه چون درخت بد بنیادی است

اجْتَثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ * (تا آخر آیه ۲۷ سوره ابراهیم) * مِنْهَا

که ریشه اش در روی زمین است و استقراری ندارد * از آن

خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نَعِيدُكُمْ * وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى * اللَّهُ أَكْبَرُ

آفریدیم شما را و در آن برگردانیم * و از آن بیرون آریم بار دیگر * خدا بزرگتر است

وَ أَنْتَ لَا تُكَبِّرُ * اللَّهُ يَبْقَى وَ أَنْتَ لَا تَبْقَى * وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و تو بزرگ نیستی * خدا باقی و تو نمی‌مانی * خدا بر همه چیز توانا است *

* **به جهت درد عورت:** روایت شده که یکی از اصحاب ائمه (علیهم السلام) عورت خود را گشوده بود در موضعی که

شایسته نبود، مبتلا شده بود به درد آن خدمت حضرت صادق (علیه السلام) شکایت کرد. حضرت تعلیم فرمود او را این

عوده، فرمود: دست چپ خود را بر آن بگذار و بگو: **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * بَلَى مَنْ أَسْلَمَ**

به نام خداوند و به خدا * آری هر که رو نهاد

وَ جِهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ * فَلَهُ وَ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ * وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

به سوی خدا و او نیکوکار باشد * پس مزدش نزد پروردگار اوست * و نه ترسی دارند

وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ وَ جِهِي إِلَيْكَ وَ فَوَّضْتُ أَمْرِي

و نه ایشان را غمی * خدایا من تسلیم کردم رویم را به سویت و واگذاردم کارم را

إِلَيْكَ * لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنَاجَا [مِنْكَ] إِلَّا إِلَيْكَ * این راسه مرتبه بگو که عافیت خواهی

به تو * و پناه و نجاتی نیست مگر به تو *

یافت انشاءالله تعالی. **به جهت درد زانو:** از طب الائمه نقل است که جابر جعفی از امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده که گفت: من نزد امام حسین (علیه السلام) بودم که مردی از شیعیان او از بنی امیه آمد به خدمتش و عرض کرد: یابن رسول الله من نمی توانم به خدمت شما بیایم به جهت درد پائی که دارم، حضرت فرمود: چرا غافلگی از تعویذ امام حسن (علیه السلام)؟ گفت: یابن رسول الله چیست آن؟ فرمود: ﴿أَنَا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا﴾ تا ﴿وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ * پس به جا آورد آن مرد آنچه فرموده بود آن حضرت، پس از آن

احساس نکرد درد پا را. و نیز برای درد زانو وارد شده که چون نماز گذاردی بگو: **يَا أَجُودَ مَنْ أَعْطَى**

ای بخشنده تر کسی که عطا کنی

يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ * وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ * اِرْحَمِ ضَعْفَى وَقَلَّةَ

* ای بهتر کسی که درخواست شود * ای رحیمتر استرحام شده * رحم کن به ناتوانیم

حَيْلَتِي * وَاعْفِنِي مِنْ وَجَعِي * **و برای درد ساقها:** وارد شده هفت مرتبه بخوانند این آیه

و بیچارگیم * و معافم کن از دردم *

شریفه را: ﴿وَآتِلْ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ﴾ * لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ *
تلاوت کن آنچه که وحی شود به تو از کتاب پروردگارت * بدل کننده ندارد کلماتش *

وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحِدًا * **به جهت درد چشم:** روایات بسیار وارد شده که بعد از نماز

و نیایی جز او پشت و پناهی *

صبح و نماز مغرب بخواند: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ**

خدایا من از تو خواهم به حق محمد و آل محمد بر تو *

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصْرِي *
که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد * و نهدی روشنی در چشمم *

وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي * وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي * وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي *
و بینائی در دینم * و یقین در دلم * و خلوص در کردارم *

و السَّلَامَةَ فِي نَفْسِي * وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي * وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي *
و سلامت در خاطرم * و وسعت در روزیم * و شکر بر توست همیشه تا زنده ام گذاری *

✽ و بزنی از یونس بن ظبیان روایت کرده که گفت: وارد شدیم بر حضرت صادق (علیه السلام)، دیدیم آن حضرت را که درد چشم سختی کرده به حدی که ما مغموم شدیم از جهت آن حضرت، روز دیگر که خدمتش رسیدیم دیدیم که چشمش دردی ندارد و خوب شده. گفتیم: فدایت شویم آیا معالجه فرمودید چشمان خود را به چیزی؟ فرمود: بلی به چیزی که او از جمله معالجات بود. گفتیم چه بود آن؟ فرمود تعویذی بود، پس ما نوشتیم آن تعویذ را، و آن تعویذ این است:

أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ * وَأَعُوذُ بِقُوَّةِ اللَّهِ * وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ

پناه برم به عزت خدا * و پناه برم به توان خدا * و پناه برم به نیروی خدا

* وَأَعُوذُ بِنُورِ اللَّهِ * وَأَعُوذُ بِعِظْمَةِ (بِعِصْمَةِ) اللَّهِ * وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ

* و پناه برم به نور خدا * و پناه برم به بزرگی خدا * و پناه برم به جلال خدا

* وَأَعُوذُ بِجَمَالِ اللَّهِ * وَأَعُوذُ بِبِهَاءِ اللَّهِ * وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ * گفتیم

* و پناه برم به جمال خدا * و پناه برم به بهاء خدا * و پناه برم به جمع خدا *

ما: چیست جَمْعُ اللَّهِ؟ فرمود: بِكُلِّ اللَّهِ * وَأَعُوذُ بِعَفْوِ اللَّهِ * وَأَعُوذُ بِغُفْرَانِ

به همه خدا * و پناه برم به عفو خدا * و پناه برم به آمرزش

اللَّهِ * وَأَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ * وَأَعُوذُ بِالْأئِمَّةِ * و نام برد یک یک ایشان را، آنگاه گفت:

خدا * و پناه برم به رسول خدا * و پناه برم بر امامان *

عَلَى مَا تَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ * اللَّهُمَّ رَبِّ الْمُطِيعِينَ * و نیز برای درد چشم

بر آنچه خواهی از شر آنچه یابم * خدایا پروردگار مطیعان *

وارد شده که بخواند بر آن آیه الکرسی و در دل گیرد خوب شدن آن را، و اگر پیش از آن دست بر چشم نهد و بگوید: أَعِيذُ نُوْرَ بَصْرِي نُوْرَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفَأُ * وارد شده برای ضعف باصره نافع

پناه دهم نور چشمم را به نور خدا که خاموش نشود *

است. و برای ضعف چشم و شب‌کوری وارد شده است که بنویسد آیه نور را مکرر در جامی و به آب محو کند و آن آب را در شیشه کند و از آن آب با میل به چشم کشد. و روایت شده که هر که قرآن را از روی قرآن بخواند بهره‌ای برد از چشم خود. * و نیز روایت شده که هر که در هر روز بگوید: ﴿فَجَعَلْنَا سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ * چشمانش از آفات سالم بماند. * شیخ کفعمی فرموده که: به تجربه رسیده برای درد چشم و جمیع دردهای اعضاء توسل

جستن به حضرت امام موسی (علیه السلام). **برای خون دماغ:** آب یخ بر سر و پیشانی‌ش بریزد. **تعویذ بطلان**

سحر: از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) مروی است که بر پوست آهو بنویسد و با خود نگاه دارند: **بِسْمِ اللَّهِ**

به نام خدا

و بِاللّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَ مَا شَاءَ اللّٰهُ ۝ بِسْمِ اللّٰهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا

و ذات خدا * به نام خدا و آنچه خدا خواهد * به نام خدا و نیست جنبش و نه توانی جز

بِاللّٰهِ ۝ قَالَ مُوسٰى ﴿ مَا جِئْتُمْ بِهٖ السِّحْرٰنِ اللّٰهُ سَيَبْطِلُهُ ۝ اِنَّ اللّٰهَ لَا

به خدا * گفت موسی آنچه آوردید سحر است به راستی خدا آن را بیهوده سازد * زیرا خدا

يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِيْنَ ۝ ﴿ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ۝

راست نیارد کار مفسدان را * و واقع شد حق و بیهوده شد آنچه که عمل می‌کردند *

فَغَلِبُوْا هُنَالِكَ وَ انْقَلَبُوْا صٰغِرِيْنَ ۝ ﴿ وَ نِيْزًا لِّرَاسِ اللّٰهِ لِيُضِلَّ رِجْلَكَ ۝ وَ نِيْزًا لِّرَاسِ اللّٰهِ لِيُضِلَّ رِجْلَكَ ۝

مغلوب شدند آنجا و گرویدند زبون * و نیز از برای دفع شیاطین و جادوگران: از

حَضْرَتِ رَسُوْلِ اللّٰهِ ﷺ وَ اُوْدِيَّتِهِ ۝ ﴿ اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِي

به راستی پروردگار شما آن است

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضَ فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ ۝ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلٰى الْعَرْشِ ۝

که آفرید آسمانها و زمین در شش روز * سپس استوار شد بر عرش *

يُغْشِي الْلَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا ۝ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُوْمُ

فراگیرد شب را روز بجویدش تند * و آفتاب و ماه و ستاره‌ها

مُسَخَّرٰتٍ بِاَمْرِهٖ ۝ اِلٰهَ الْخَلْقِ وَ الْاَمْرِ ۝ تَبٰرَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ ۝

مسخر اویند * همانا از اوست خلق و امر * تبارک است خداوند پروردگار جهانیان *

اَدْعُوْا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً ۝ اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِيْنَ ۝ وَ لَا تُفْسِدُوْا

بخوانید پروردگار خود را به زاری در نهان * زیرا او دست ندارد تجاوزکاران را * و فساد نکنید

فِي الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلٰحِهَا ۝ وَ اَدْعُوْهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا ۝ اِنَّ رَحْمَةَ اللّٰهِ

در زمین پس از اصلاحش * و بخوانید او را از ترس و طمع خیر * زیرا رحمت خدا

قَرِيْبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِيْنَ ۝ ﴿ وَ دَرَبُكَ رَاحِمٌ ۝ ﴿ وَ دَرَبُكَ رَاحِمٌ ۝ ﴿ وَ دَرَبُكَ رَاحِمٌ ۝ ﴿

نزدیک است به نیکوکاران * تبارک است خدا پروردگار جهانیان *

* و از حضرت رسول ﷺ نقل شده که بر هر یک از برگ و دانه درخت اسفند، ملکی موکل است که با آنها هست

تا آنکه پیوسد و ریشه‌اش و شاخش غم و سحر را برطرف می‌کند و در دانه‌اش شفا‌ی هفتاد درد است، پس مداوا

کنید به اسفند و کندر. * و از حضرت امام رضا (علیه السلام) منقول است که مصروعی را دید پس طلب کرد قدحی از آب و

خواند بر آن حمد و معوذتین و دمید در قدح پس امر فرمود که از آن آب بر سر و صورتش ریختند تا به هوش آمد

و فرمود: دیگر عود نخواهد کرد به سوی تو هرگز. * و روایت شده از حضرت رسول (ﷺ) که اگر جن سنگی افکند آن سنگ را بگیرد و بیافکند به همان موضعی که سنگ از آنجا آمده و بگوید:

حَسْبِيَ اللَّهُ وَ كَفَى * وَ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا * لَيْسَ وَرَاءَ اللَّهِ مُنْتَهَى

خداوند مرا بس است و کافی * و شنید خداوند سخن کسی که او را بخواند * و برتر از خدا حد و غایتی نیست *

* و نیز از برای شرّ جنیان، نگاه داشتن مرغ و خروس و کبوتر و بزغاله در خانه نافع است. * و نیز از برای شرّ جنیان در سفر و بیابان و مواضع هولناک آن: از حضرت صادق (ع) مروی است که دست بر بالای سر گذارد و به صدای بلند بخواند:

﴿ أَفْغَيْرِ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ * وَ لَهُوَ أَسْلَمَ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ

آیا غیر دین خدا را جوئید * و به او تسلیم است آنکه در آسمانها

وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا * وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴾ * و نیز در بیابان در مواضع موحشه و

و زمین است با دلخواه یا نخواه * و به سوی او برگردند *

هولناک وارد شده است که بلند اذان گویند. **حرز چشم زخم:** وارد شده آیه **وَ إِنْ يَكَادُ** بخوانند و نیز از حضرت صادق (ع) مروی است که چون ترسد که چشم او در کسی یا چشم کسی در او تأثیر کند سه مرتبه بگوید:

مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * و وارد شده که هرگاه احدی خود را به

آنچه خدا خواست نیست قوت جز به خدای والا و بزرگ *

هیأت نیکو آراست پس بخواند وقتی که از منزل بیرون می شود دو **قُلْ أَعُوذُ** را تا ضرر نرساند به او چیزی باذن الله تعالی. و نیز از برای دفع چشم زخم وارد شده که دستها را برابر رو بلند کند و سوره حمد و توحید و دو **قُلْ أَعُوذُ**

را بخواند و دست بر پیش سر بکشد. **ایضاً تعویذ چشم زخم: اَللّهُمَّ رَبَّ مَطَرٍ حَابِسٍ** *

بار خدایا پروردگار باران حبس شده *

وَ حَجَرٍ يَابِسٍ * وَ لَيْلٍ دَامِسٍ * وَ رَطْبٍ وَ يَابِسٍ * رُدَّ عَيْنَ الْعَايِنِ

و سنگ خشک * و شب تار * و هر تر و خشک * برگردان چشم چشم زن را

عَلَيْهِ فِي كَبِدِهِ وَ نَحْرِهِ وَ مَالِهِ * فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ * ثُمَّ

بر او در جگرش و گلویش و مالش * و برگردان دیده را آیا می بینی شکافی * سپس

ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ * يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا * وَ هُوَ حَسِيرٌ *

برگردان دیده را دوباره * تا برگردد به سویت چشمت رانده * و هم خسته و هم درمانده

تعوید دیگر بگوید: **اللَّهُمَّ** ذَا السُّلْطَانِ الْعَظِيمِ * وَالْمَنْ لَقْدِيمِ * وَالْوَجْهَ

* خدایا صاحب سلطنت بزرگ * و منت قدیم * و وجه

الْكَرِيمِ * ذَا الْكَلِمَاتِ التَّامَّاتِ * وَالِدَعَوَاتِ الْمُسْتَجَابَاتِ * عَافِ

کریم * صاحب کلمات تامه * و دعاهای مستجاب * معاف کن

فُلَانًا مِنْ أَنْفُسِ الْجَنِّ وَاعْيُنِ الْإِنْسِ * واین تعویذی است که رسول خدا (ﷺ) برای

فلان را از نفس جن و چشم انسان *

حسنین (علیهم السلام) خواند و اصحاب خویش را فرمود که زنها و اولاد خویش را به این کلمات تعویذ کنید. **تعوید**

چشم زخم برای حیوانات و غیره: مروی از امیرالمؤمنین (علیه السلام): **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

به نام خدای بخشاینده و مهربان

* **بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ** * عَبَسَ عَابِسٍ * وَشَهَابٌ قَابِسٍ * حَجَرِيَابِسٍ

* به نام خدای بزرگ * بر ترشروئی * و شهاب تابنده * و سنگ سخت

* رَدَدْتُ عَيْنَ الْعَايِنِ عَلَيْهِ مِنْ رَأْسِهِ إِلَى قَدَمِيهِ * أَخَذَ عَيْنَاهُ قَابِضٌ

* برگردانم چشم زن را بر او از سرش تا قدمش * بگیرد و چشمش را آنکه هر دو را

بِكَلَاهُ * وَ عَلَى جَارِهِ وَأَقَارِبِهِ * جَلْدُهُ دَقِيقٌ * وَ دَمُهُ رَقِيقٌ * وَ بَابُ

برگرفته * و بر همسایه و خویشانش * پوستش نازک * و خوش کم رنگ * و باب

الْمَكْرُوهِ تَلِيقٌ * فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ * ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ

بدی سزای او * برگردان دیده را آیا بینی شکافی * سپس برگردان دیده را

كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبُ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا * وَ هُوَ حَسِيرٌ * **به جهت دفع**

دوبار تا برگردد به تو دیده رانده * و آن خسته و مانده باشد *

وسوسه شیطان: روایت شده که استعاذه کند به خدای تعالی، پس بگوید: **ءَاَمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ**

ایمان آوردم به خدا و رسولش

مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ * و شیخ شهید از حضرت رسول (ﷺ) نقل کرده که فرمودند: شیطان برد و قسم

با اخلاص برایش در دین *

است: شیطان جنی و آن دورمی شود به گفتن: **لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**

نیست جنبش و توانی جز به خدای والا و بزرگ *

❖ و شیطان انسی و آن دور می شود به فرستادن صلوات بر محمد و آل آن جناب (علیهم السلام). مؤلف گوید که: در باب نمازها گذشت نماز حدیث نفس و ذکر بعضی عودات، به جهت دفع وسوسه به آنجا مراجعه شود. **به جهت ایمنی از دزد: بخواند بر حلقه‌ها و قفل: ﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ﴾** تا آخر سوره.

عوذه عقرب: روایت شده که تیز نظر کن به ستاره سهی و آن ستاره کوچکی است نزدیک ستاره وسطی بنات نعش، و بگوید سه مرتبه: **اللَّهُمَّ رَبِّ اسْلَمَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**

خدایا پروردگار اسلم * رحمت فرست بر محمد و آل محمد *

وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَسَلِّمْنَا مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ * و نیز روایت شده که بر آن نظر افکند و تعجیل کن در فرج آنها * و سالم دار ما را از شر هر صاحب شری *

و سه مرتبه بگوید: **اللَّهُمَّ رَبِّ هُودِ ابْنِ أَسِيَّةَ ؕ أَمِنِي شَرِّ كُلِّ عَقْرَبٍ وَحَيَّةٍ** * خدایا پروردگار هود پسر اوسیه * در امانم دار از شر هر عقرب و مار *

هر شب که چنین گوید از شر مار و عقرب محفوظ ماند. و نیز **به جهت دفع شر عقارب و مارها:** از حضرت

صادق (علیه السلام) مروی است که بخواند در نزد شب: **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ** * به نام خدا و ذات خدا * و رحمت خدا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ؕ أَخَذْتُ الْعَقْرَبَ وَ الْحَيَّاتِ كُلَّهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَبَارَكَ * محمد و آلش * گرفتم عقربها و مارها را همه به اذن خدای تبارک

وَتَعَالَى ؕ بِأَفْوَاهِهَا وَأَذْنَابِهَا ؕ وَأَسْمَاعِهَا وَأَبْصَارِهَا ؕ وَقَوَاهَا عَنِّي * و تعالی * به دهانشان و دمشان * و گوششان و چشمشان * و نیروهایشان از من

وَعَمَّنْ أَحَبَّبْتُ إِلَى ضَحْوَةِ النَّهَارِ ؕ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى * و نیز به جهت شر * و از هر که دوست دارم تا برآمدن روز * انشاء الله تعالی *

عقرب بخواند: **﴿سَلَامٌ عَلَى نُوْحٍ فِي الْعَالَمِينَ ؕ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾** درود بر نوح در جهانیان * ما چنین جزا دهیم نیکوکاران را

إِنَّهُ وَمِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ * و روایت شده که وقتی حضرت نوح (علیه السلام) سوار کشتی شد * به راستی او از بندگان مؤمن ما است *

منع فرمود عقرب را از سوار شدن بر کشتی، عقرب گفت: من مُعَاهِدَه می‌کنم با تو که نگزم کسی را که بگوید:

سَلَامٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ * ودر

درد بر محمد و آل محمد * و بر نوح در جهانیان *

چند حدیث وارد شده است که مالیدن نمک، رفع زهر عقرب و گزندگان می‌کند.

باب چهارم: در ادعیه‌ای که منتخب شده از کتاب شریف کافی و آن مشتمل بر چند فصل است:

فصل اول: در بعضی دعاهاى وارده در وقت صبح و شام غیر آنچه در سابق گذشت

و آن ده دعا است: **۱** اول از حضرت صادق (علیه السلام) روایت است که حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) چون داخل

صبح می‌شد می‌گفت: **أَبْتَدِئُ يَوْمِي هَذَا بَيْنَ يَدَي نِسْيَانِي وَ عَجَلْتِي * بِسْمِ**

آغاز کنم این روزم را در معرض فراموشی و با عجله * به نام

اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ * ۲ دویم: از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که هر کس این کلمات را سه

خدا و آنچه خواهد خدا *

مرتبه بگوید در وقتی که داخل شب می‌شود پوشیده شود به بالی از بالهای جبرئیل تا آنکه داخل صبح شود:

أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الْعَلِيَّ الْأَعْلَى الْجَلِيلَ الْعَظِيمَ * نَفْسِي وَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرَهُ وَ

می‌سپارم به خدای علی اعلی جلیل و عظیم * خودم و هر که را که توجه دارم به امرش

*** أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ نَفْسِي الْمَرْهُوبِ الْمَخُوفِ * الْمَتَضَعِعِ لِعَظَمَتِهِ كُلِّ**

* می‌سپارم به خدا خودم را هراسان و ترسان که لرزد برای بزرگیش هر

شَيْءٍ * ۳ سیّم: و نیز از آن حضرت مروی است که چون داخل شام شوی بگو: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ**

چیز * خدایا من از تو خواهم

عِنْدَ إِقْبَالِ لَيْلِكَ * وَ إِدْبَارِ نَهَارِكَ * وَ حُضُورِ صَلَوَاتِكَ * وَ أَصْوَاتِ

در پیش آمدن شب * و رفتن روزت * و حضور نمازهایت * و آواز

دُعَائِكَ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ دَعَاكَ بِعَظَمَتِهِ * ۴

دعایت * که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد (ص) *

چهارم: از حضرت صادق (علیه السلام) مروی است که پدرم (علیه السلام) چون داخل صبح می‌شد می‌گفت: بِسْمِ اللَّهِ

به نام خدا

و بِاللَّهِ * وَ إِلَى اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ * صَلَّى

و به ذات خدا * و به سوی خدا و در راه خدا * و بر کیش رسول خدا * که درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ * اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَسَلْتُ نَفْسِي * وَ إِلَيْكَ فَوَّضْتُ

خدا بر او و آتش باد * خدایا به تو تسلیم کردم خود را * و به درگاهت واگذاشتم

أَمْرِي * وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ * اللَّهُمَّ احْفَظْنِي بِحِفْظِ

کارم را * و بر تو توکل کردم ای پروردگار جهانیان * خدایا نگهم دار به حفظ

الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ * وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي * وَ مِنْ

ایمان از پیش رو * و دنبال سر و از راست و از چپ * و بالای

فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ مِنْ قَبْلِي * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

سر و از زیر پا و از پیش خودم * نیست معبود حقی جز تو * نیست جنبش و توانی جز به خدا

* نَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ شَرِّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ *

* از تو خواهم عفو و عافیت از هر بدی و شر در دنیا و آخرت *

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ * وَ مِنْ ضَغْطَةِ الْقَبْرِ * وَ مِنْ

خدایا من پناه برم به تو از عذاب قبر * و فشار قبر * و از

ضَيْقِ الْقَبْرِ * وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَوَاتِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ * اللَّهُمَّ رَبَّ

تنگی قبر * و پناه برم به تو از یورشهای شب و روز * خدایا پروردگار

الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ * وَ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ * وَ رَبَّ الْحِلِّ وَ الْأَحْرَامِ * أَبْلِغْ

مشعر الحرام * و پروردگار شهر محترم * و پروردگار حل و احرام * برسان

مُحَمَّدًا وَ ءَالَ مُحَمَّدٍ عَنِّي السَّلَامَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِدِرْعِكَ الْحَصِينَةِ

محمد (ص) و آل محمد را از من درود * خدایا من پناه برم به زره محکم

* وَ أَعُوذُ بِجَمْعِكَ أَنْ تُمِيتَنِي غَرَقًا أَوْ حَرَقًا * أَوْ شَرَقًا أَوْ قُودًا * أَوْ

* و پناه برم به فراهم کردن که مرا بمیرانی به غرق یا سوختن * یا گلوگیری یا قصاص * یا

صَبْرًا أَوْ مُسَمًّا * أَوْ تَرْدِيًّا فِي بئرٍ * أَوْ أَكِيلَ السَّبْعِ * أَوْ مَوْتَ الْفَجَاءَةِ

دست بسته یا مسموم * یا پرت شدن در چاهی * یا دریدن درنده * یا مرگ ناگهانی

* أَوْ بَشِيءٍ مِنْ مِيتَاتِ السُّوءِ * وَ لَكِنْ أَمْتَنِي عَلَى فِرَاشِي فِي طَاعَتِكَ

* یا به یکی از مردنهای بد * ولی بمیرانم در بسترم در حالت طاعت تو

وَ طَاعَةَ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * مُصِيبًا لِلْحَقِّ غَيْرَ

* و طاعت رسالت که درود خدا بر او و آلش باد * به حق رسیده و

مُخْطِئًا * أَوْ فِي الصَّفِّ الَّذِينَ (الَّذِي) نَعْتَهُمْ فِي كِتَابِكَ كَانَهُمْ بِنِيَانٍ

بی‌خطا * یا در صف آنها که وصفشان کردی در کتابت که چون ساختمان پیوستی

مَرَّصُوصٌ * أَعِيذُ نَفْسِي وَوَلَدِي * وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي * بِقَلِّ أَعُوذُ بِرَبِّ

باشند * پناه دهم خودم و فرزندم را * و آنچه روزیم کرده پروردگارم * به قل اعوذ برب

الْفَلَقِ * (تَا آخِر سوره) وَ أَعِيذُ نَفْسِي وَوَلَدِي * وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي * بِقَلِّ أَعُوذُ

الفلق * و پناه دهم خودم و فرزندانم * و آنچه روزیم کرده پروردگارم * به قل اعوذ

بِرَبِّ النَّاسِ * (تَا آخِر سوره) وَ مِیْ گویی: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ اللَّهُ *

برب الناس * ستایش خدا را به شماره آنچه آفریده است *

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ مَا خَلَقَ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ مَا خَلَقَ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ

و ستایش خدا را مثل آنچه که آفریده * و ستایش خدا را پر آنچه آفریده * و ستایش خدا را

مِدَادَ كَلِمَاتِهِ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ زِنَةَ عَرْشِهِ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رِضَا نَفْسِهِ *

به کشش کلماتش * ستایش خدا را به وزن عرشش * و ستایش خدا را به رضای خودش *

وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ * وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ *

و نیست معبود حقی جز خدای حلیم و کریم * و نیست معبود حقی جز خدای والا و بزرگ *

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ مَا بَيْنَهُمَا * وَ رَبِّ الْعَرْشِ

و منزّه است خدا پروردگار آسمانها و زمینها و آنچه در بین آنها * و پروردگار عرش

الْعَظِيمِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ * وَ مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ

بزرگ * خدایا من پناه برم به تو از دریافت بدبختی * و از شماتت دشمنان

* وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ الْوَقْرِ * وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ

* و پناه برم به تو از فقر و بار سنگین * و پناه برم به تو از دیدار زشت در اهل

وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ * و صلوات بفرست بر محمد و آل محمد ده مرتبه. ۵ پنجم: و نیز از حضرت

و مال و فرزند *

صادق (علیه السلام) منقول است که چون نماز مغرب و صبح به جا آوردی بگو هفت مرتبه: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

به نام خداوند بخشنده

الرَّحِيمِ * لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * پس به درستی که هرکس این
و مهربان * نیست جنبش و نه توانی جز به خدای والا و بزرگ *

را بگوید نرسد به او جذام و پیسی و دیوانگی و نه هفتاد نوع از انواع بلاها. * و می گوئی چون داخل صبح و

داخل شام شدی: الْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّبَاحِ * الْحَمْدُ لِفَالِقِ الْإِصْبَاحِ * دو مرتبه،

ستایش از پروردگار صبحدم * ستایش از شکافنده سپیده دم *

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ اللَّيْلَ بِقُدْرَتِهِ * وَجَاءَ بِالنَّهَارِ بِرَحْمَتِهِ *

ستایش از خدائی که ببرد شب را به نیرویش * و بیاورد روز را به رحمتش *

و نَحْنُ فِي عَافِيَةٍ * و می خوانی آیه الکرسی و آخر حشر و ده آیه از صفات: وَ سُبْحَانَ رَبِّكَ

و ما در عافیت هستیم * منزّه است پروردگارت

رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ * وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

پروردگار عزت از آنچه آیند * و درود بر رسولان * و ستایش از آن خدا پروردگار

الْعَالَمِينَ * فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ * وَ حِينَ تَصْبِحُونَ * وَلَهُ

جهانیان * منزّه است خدا در گاه شام کردن شما * و گاه بام کردن شما * و از

الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ * وَ عَشِيًّا * وَ حِينَ تَضَاهُونَ * يُخْرِجُ الْحَيَّ

اوست ستایش در آسمانها و زمین * هنگام عشاء و هنگام ظهر شما * برآرد زنده را

مِنَ الْمَيِّتِ * وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ * وَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا *

از مرده * و برآرد مرده از زنده * و زنده کند زمین را پس از مرگش *

وَ كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ * سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ * رَبُّنَا وَ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ *

و همچنان بیرون شوید * بسیار منزّه است و بسیار پاک است * پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و روح *

سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبِكَ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ

پیش است رحمت بر خشمت * نیست معبود حق جز تو * منزهی تو به راستی من ستم کردم

نَفْسِي * فَاعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي * وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

به خودم * بیامرزم مرا و رحم کن * و توبه ام بپذیر زیرا تو توبه پذیر و مهربانی

ششم: و نیز از حضرت صادق (علیه السلام) این دعا برای وقت صبح روایت شده: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ *

* بار خدایا از توست ستایش *

أَحْمَدُكَ وَاسْتَعِينُكَ * وَأَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ * أَصْبَحْتُ عَلَى

ستایشت کنم و یاریت جویم * و تو پروردگار منی و من بنده تو * صبح کردم

عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ * وَأَوْمِنُ بِوَعْدِكَ * وَأَوْفِي بِعَهْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ *

بر عهد و وعدهات * و ایمان دارم به وعدهات * و وفا کنم به عهدهات تا توانم *

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ * وَحَدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا

و نیست جنبش و نه توان جز به خدای * یگانه شریک نیست او را * و گواهم که محمد (ص)

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ * أَصْبَحْتُ عَلَى فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ * وَكَلِمَةَ الْإِخْلَاصِ

بنده و رسول اوست * گردیدم به فطرت اسلام * و کلمه اخلاص

وَمِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ * وَدِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا * عَلَى

و کیش ابراهیم * و دین محمد درود خدا بر آن دو و آلشان باد * بر

ذَلِكَ أَحْيِي وَآمُوتُ أَنْشَاءَ اللَّهُ * اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي * وَآمِتْنِي

این زندهام و بمیرم انشاءالله * خدایا زندهام دار تا زندهام داری * و بمیرانم

إِذَا آمَتْنِي عَلَى ذَلِكَ * وَابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَى ذَلِكَ * ابْتَغِي بِذَلِكَ

تا بمیرانم بر این * و مبعوثم کن وقت بعثم * بر آن جویم بدان

رِضْوَانِكَ * وَاتَّبَاعِ سَبِيلِكَ * إِلَيْكَ الْجَاتُ ظَهْرِي * وَالْيَكُ فَوْضْتُ

رضوانت را * و پیروی روش را * به تو تکیه دادم پشتم را * و به تو واگذاردم

أَمْرِي * أَلْ مُحَمَّدٍ أُمَّتِي * لَيْسَ لِي أُمَّةٌ غَيْرُهُمْ بِهِمُ أَتَمُّ * وَإِيَاهُمْ

کارم را * آل محمد امامان منند * نیست برایم امامانی جز آنها * بدانها پیروم * و آنها را

أَتَوَلَّى * وَبِهِمُ اقْتَدَى * اللَّهُمَّ اجْعَلْهُمْ أَوْلِيَاءِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ *

دوست دارم * و به آنها اقتدا کنم * خدایا آنها را اولیاء من گردان در دنیا و آخرت *

وَاجْعَلْنِي أَوْلَى أَوْلِيَاءِهِمْ * وَأَعَادِي أَعْدَائِهِمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ *

و مرا توفیق ده که دوست دارم دوستانشان را * و دشمن دارم دشمنان ایشان را در دنیا و آخرت *

وَالْحَقُّنِي بِالصَّالِحِينَ وَآبَائِي مَعَهُمْ ﴿٧﴾ هفتم: و نیز از آن حضرت مروی است که هر چه

و برسان مرا به شایستگان و هم پدرانم را با آنها *

راترک کردی خواندن این دعا راترک مکن در هر صبح و شام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ * اسْتَغْفِرُكَ

بار خدایا به درستی من صبح کردم * آمرزش جویم

فِي هَذَا الصَّبَاحِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ لِأَهْلِ رَحْمَتِكَ * وَابْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَهْلِ

از تو در این بامداد و در این روز برای اهل رحمتت * و بیزارم به تو از مستحقان

لِعَنْتِكَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ * اِبْرَأُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذَا الصَّبَاحِ

لعنتت * خدایا من صبح کردم * و بیزارم به تو در این روز و در این صبح

* مِمَّنْ نَحْنُ بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ * وَ مِمَّا كَانُوا يَعْبُدُونَ *

* از آنها که ما میان آنهائیم از مشرکان * و از آنچه پرستند *

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمٌ سَوَاءٍ فَاسْقِينِ * اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا أَنْزَلْتَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى

زیرا آنها مردم بد و فاسقند * خدایا مقرر کن آنچه را بفرستی از آسمان به سوی

الْأَرْضِ فِي هَذَا الصَّبَاحِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ * بَرَكَةً عَلَى أَوْلِيَائِكَ * وَعِقَابًا

زمین در این صبح و در این روز * برکت برای دوستانت * و عقاب

عَلَى أَعْدَائِكَ * اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَ الْآكَ * وَ عَادِ مَنْ عَادَكَ * اللَّهُمَّ اخْتِمْ

بر دشمنانت * خدایا دوست دار دوست خود را * و دشمن دار هر که دشمنت دارد * خدایا ختم کن

لِي بِالْأَمْنِ وَ الْإِيمَانِ كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ * اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي

برایم به امن و ایمان هر آنگاه که برآید خورشید یا فرود رود * خدایا ببامرز برای من

وَ لِوَالِدِي * وَ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا * اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ

و والدینم * و رحم کن بر آنها چنانچه مهر ورزیدند به من در کودکی * خدایا ببامرز مؤمنین

وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ * الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ *

و مؤمنان و مسلمین و مسلمات * زنده و مرده آنها را *

[اللَّهُمَّ] إِنَّكَ تَعْلَمُ مَقَلْبَهُمْ وَ مَثْوَاهُمْ * اللَّهُمَّ احْفَظْ إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ

زیرا تو می دانی حرکت و اقامتگاه آنها را * خدایا حفظ کن امام مسلمین را

بِحِفْظِ الْإِيمَانِ * وَ أَنْصُرَهُ نَصْرًا عَزِيزًا * وَ افْتَحْ لَهُ * وَ فَتْحًا يَسِيرًا *

به حفظ ایمان * و یاریش کن به عزت * و پیروزش ده به آسانی *

وَ اجْعَلْ لَهُ * وَ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا * اللَّهُمَّ الْعَنْ فَلَانًا

و مقرر کن برای او و برای ما از پیش خود سلطانی با نصرتی * خدایا لعن کن فلان

وَ فَلَانًا * وَ الْفِرْقَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى رَسُولِكَ * وَ وِلَاةَ الْأَمْرِ بَعْدَ رَسُولِكَ

و فلان را * و فرقه‌هایی را که خلاف دارند با رسولت * و والیان امرت پس از رسولت

و الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ وَ شِيعَتِهِمْ * وَ أَسْأَلُكَ الزِّيَادَةَ مِنْ فَضْلِكَ *
 * و امامان بعد او و شیعیان آنها * و از تو خواهم مزید از فضلت *

وَ الْإِقْرَارَ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِكَ * وَ التَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ * وَ الْمَحَافِظَةَ *
 و اقرار بدانچه آورده از پیشت * و تسلیم به امرت * و محافظت

عَلَى مَا أَمَرْتُ بِهِ * لَا أَبْتَغِي بِهِ بَدَلًا * وَ لَا أَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا *
 بر آنچه بدان دستور دادی * نجویم عوض از آن * و نفروشمش به بهای کم *

اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ * وَ قِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ * إِنَّكَ تَقْضِي وَ لَا
 خدایا رهنمایم با هر که ره نمودی * و حفظم کن از شر آنچه مقدر کردی * زیرا تو قضاوت کنی

يُقْضَى عَلَيْكَ * وَ لَا يَزِلُّ مَنْ وَالَيْتَ * تَبَارَكَتَ وَ تَعَالَيْتَ * سُبْحَانَكَ *
 و بر تو قضاوت نشود * و خوار نشود آنکه تو دوستش داری * تبارکی و برتری * و منزهی

رَبِّ الْبَيْتِ * تَقَبَّلْ مِنِّي دُعَائِي * وَ مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ مِنْ خَيْرٍ *
 پروردگار کعبه * بپذیر از من دعایم را * و آنچه تقرب جویم با آن به تو از خیر *

فَضَاعَفُهُ لِي أَضْعَافًا كَثِيرَةً * وَءَاتَانَا مِنْ لَدُنْكَ أَجْرًا عَظِيمًا * رَبِّ مَا
 و دو برابرش کن برایم هر چه بیشتر * و بده به ما از نزد خود مزد بزرگ * پروردگارا

أَحْسَنَ مَا أَبْلَيْتَنِي (أَبْتَلَيْتَنِي) * وَ أَعْظَمَ مَا أَعْطَيْتَنِي * وَ أَطْوَلَ مَا عَافَيْتَنِي *
 چه خوش مرا آزمودی و مبتلا کردی * و چه بزرگ عطائی به من بخشیدی * و چه اندازه عافیتم دادی

وَ أَكْثَرَ مَا سَتَرْتَ عَلَيَّ * فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا *
 * و چه بسیار پوشیدی بر من * از توست ستایش ای معبودم بسیار و پاکیزه و با برکت *

عَلَيْهِ مَلَأَ السَّمَاوَاتِ وَ مَلَأَ الْأَرْضِ * وَ مَلَأَ مَا شَاءَ رَبِّي وَ رَضِيَ * وَ كَمَا
 پر آسمانها و پر زمین * و پر آنچه خواهد پروردگارم و بپسندد * و چنانچه

يَنْبَغِي لِرَبِّي ذِي الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ ﴿٨﴾ هشتم: از حضرت امام محمد باقر (ع) *
 شایسته روی پروردگار من است که صاحب جلال و اکرام است *

روایت است که هرکس بگوید در وقت طلوع فجر: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَ حُدَّهُ * لَا شَرِيكَ لَهُ *
 نیست معبود حقیقی جز خدا یگانه است و شریک نیست او را *

لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ * يُحْيِي وَ يُمِيتُ * وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ * بِيَدِهِ الْخَيْرُ *
 از آن او است ملک و از آن او است ستایش * زنده کند و بمیراند * و او زنده است نمیرد * به دست او است خیر

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * ده مرتبه و صلوات بفرستد بر محمد و آل محمد ده مرتبه، و تسبیح

* و او بر هر چیز توانا است *

کند سی و پنج مرتبه و تهلیل گوید سی و پنج مرتبه و تحمید گوید خدا را سی و پنج مرتبه، نوشته نشود در آن روز از غافلین و اگر در شب بگوید نیز نوشته نشود در آن شب از غافلین. **۹** نهم: از محمد بن فضیل روایت است که: نوشتیم به خدمت حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) و از آن حضرت درخواستیم که مرا تعلیم فرماید دعائی، پس

نوشت آن حضرت در جواب من که می گوئی در وقت صبح و شام: **اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي الرَّحْمَنُ**

خدا خدا خدا * پروردگارم بخشاینده

الرَّحِيمُ لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا * پس دعای کنی برای حاجت خود که این کلمات مقدمه است برای

مهربان * چیزی را شریک او ندانم *

سؤال هر حاجتی به اذن خدا. **۱۰** دهم: از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که به داود رقی فرمود که: ترک مکن

این دعا را سه مرتبه در وقت صبح و سه مرتبه در وقت شام: **اللَّهُمَّ جَعَلَنِي فِي دِرْعِكَ الْحَصِينَةَ**

خدایا * قرارم ده در قلعه محکم خود

الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تُرِيدُ * پس به درستی که پدرم (علیه السلام) می فرمود که: این از دعاهای مخزون است.

* که قرار دهی در آن هر که را خواهی *

فصل دویم: در بعضی دعاهای وارده در وقت خوابیدن و بیدار شدن

و آن هفت دعا است. **۱** اول: از حضرت صادق (علیه السلام) مروی است که کسی که بگوید سه مرتبه در وقتی که در

خوابگاه خود درآید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَّنَ**

ستایش از آن خدائی است که فراز است و مقهور کند * و ستایش از آن خدائی است که نهان است

فَخَبَّرَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي

و خبردار * و ستایش از آن خدائی است که مالک است و قدرت دارد * و ستایش از آن خدائی است که زنده کند مرده‌ها

الْمَوْتَى وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ * وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * بیرون آید از گناهان خود

را و بمیراند زنده‌ها را * و او بر هر چیز توانا است *

مانند روزی که زائیده او را مادر او، و این روایت را صدوق و شیخ نیز نقل کرده‌اند، و در عده‌الداعی از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرده که این ادنی چیزی است که مجزی است از تحمید، و لکن در آن روایت حمد دویم بعد از

حمد سیّم است. ﴿۲﴾ دویم: و نیز از آن حضرت مروی است که حضرت رسول (ﷺ) چون در رختخواب خود

جامی گرفت می خواند آیه الکرسی و می گفت: **بِسْمِ اللّٰهِ * ءَامَنْتُ بِاللّٰهِ وَ كَفَرْتُ**

به نام خدا * مؤمنم به خدا و کافر

بِالطَّاغُوتِ * اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِيْ فِيْ مَنَامِيْ وَ فِيْ يَقَظَتِيْ ﴿۳﴾ سیّم: از مفضل بن عمر

به طاغوت * خدایا حفظ کن در خواب و بیداریم *

منقول است که حضرت صادق (علیه السلام) به من فرمود که: اگر نتوانی شب نغم مگر آنکه تعویذ کنی خود را به یازده

حرف، گفتم: خیر ده مرا به آنها، فرمود بگو: **اَعُوْذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ * وَ اَعُوْذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ ***

پناه برم به عزت خدا * و پناه برم به قدرت خدا *

وَ اَعُوْذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ * وَ اَعُوْذُ بِسُلْطٰنِ اللّٰهِ * وَ اَعُوْذُ بِجَمَالِ اللّٰهِ *

و پناه برم به جلال خدا * و پناه برم به سلطنت خدا * و پناه برم به جمال خدا *

وَ اَعُوْذُ بِدَفْعِ اللّٰهِ * وَ اَعُوْذُ بِمَنْعِ اللّٰهِ * وَ اَعُوْذُ بِجَمْعِ اللّٰهِ * وَ اَعُوْذُ

و پناه می برم به دفاع خدا * و پناه می برم به جلوگیری خدا * و پناه می برم به فراهم آری خدا * و پناه می برم

بِمَلِكِ اللّٰهِ * وَ اَعُوْذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ * وَ اَعُوْذُ بِرَسُوْلِ اللّٰهِ * صَلَّى اللّٰهُ

به ملک خدا * و پناه می برم به آبروی خدا * و پناه می برم به رسول خدا * که درود خدا

عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ بَرًا وَ ذَرًا * و تعویذ کن خود را به این هر وقت که

بر او و آلش باد * از شر آنچه آفریده و پدید کرده و نشر داده *

خواهی. ﴿۴﴾ چهارم: از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که کسی که بخواند صد مرتبه **قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ**

در وقتی که در خوابگاه خود رود آرزیده شود از گناهان پنجاه ساله خود. و نیز از آن حضرت مروی است که کسی

که بخواند در وقتی که در رختخواب خود رود **قُلْ يَا اَيُّهَا الْكَافِرُونَ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ** بنویسد حق

تعالی برای او بیزاری از شرک را. ﴿۵﴾ پنجم: از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که حضرت رسول (ﷺ)

فرمود: کسی که بخواند برخیزد برای نماز شب و در رختخواب خود جا کرده باشد بگوید: **اَللّٰهُمَّ لَا تُؤْمِنِيْ**

خدایا مرا از مکر خود

مَكْرَكَ * وَ لَا تُنْسِنِيْ ذِكْرَكَ * وَ لَا تَجْعَلْنِيْ مِنَ الْغٰفِلِيْنَ * اَقُوْمُ سَاعَةً

ایمن مکن * و فراموش مکن یاد خود را * و مگردانم از غافلان * بیدار شوم ساعت

كَذَا وَ كَذَا * هرگاه چنین گفت حق تعالی موکل فرماید به او ملکی که او را بیدار کند در آن ساعت.

چنان و چنان *

۶ ششم: و نیز از آن حضرت مروی است که فرمود: هرگاه یکی از شما برخاست در شب از خواب بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ النَّبِيِّينَ * وَ آيَاتِهِ الْمُرْسَلِينَ * وَ رَبِّ الْمُسْتَضْعِفِينَ

منزه است خدا پروردگار پیغمبران * و معبود رسولان * و پروردگار ناتوان شمرده شدگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى * وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * پس به

* و ستایش از آن خدائی است که زنده کند مردگان را * و او بر هر چیز تواناست *

درستی که چون این را گفت، می گوید خدای تبارک و تعالی: راست گفت بنده من و شکر نمود. ۷ هفتم: از

عبدالرحمن بن حجاج روایت است که حضرت صادق (علیه السلام) در آخر شب که از خواب بر می خاست صدا را بلند

می فرمود به حدی که اهل خانه بشنوند و می گفت: **اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى هَوْلِ الْمَطَّلَعِ * وَ وَسَّعْ**

خدایا کمکم کن بر هراس در آن دنیا * و وسعت ده

عَلَى ضَيْقِ الْمَضْجَعِ * وَ ارْزُقْنِي خَيْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ * وَ ارْزُقْنِي خَيْرَ

بر من تنگی آرامگاه را * و روزیم کن خیر هر چه پیش از مرگ است * و روزیم کن خیر

مَا بَعْدَ الْمَوْتِ *

آنچه پس از مرگ است *

فصل سیم: در ذکر چند دعائی که در وقت بیرون آمدن از منزل خوانده می شود

و آن هشت است: ۱ اول: از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که آدمی هرگاه خواست از منزل خود بیرون رود

بگوید سه مرتبه در وقتی که اراده دارد: **اللَّهُ أَكْبَرُ** * و سه مرتبه: **بِاللَّهِ أَخْرَجُ * وَ بِاللَّهِ**

خدا بزرگتر است * به خدا بیرون آیم * و به خدا

أَدْخُلُ * وَ عَلَى اللَّهِ اتَّوَكَّلُ * پس بگوید: **اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِي وَجْهِ هَذَا بِخَيْرٍ**

درون روم بر خدا توکل می کنم * خدایا بگشا به رویم همین خیر را

وَ اخْتَمْ لِي بِخَيْرٍ * وَ قِنِي شَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا * اِنْ رَبِّي

* و ختم کن برایم به خیر * و حفظم کن از شر هر جانوری که تو داری مهارش را * زیرا پروردگارم

عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * پیوسته در ضامن خداوند عزوجل باشد تا برگردد به همان مکانی که در

به راه راستی است *

آن بوده. ۲) دویم: از حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) مروی است که در وقت بیرون شدن از در منزل بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ * ءَامَنْتُ بِاللَّهِ * وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ * ۳) سیّم: از حضرت امام محمد
به نام خدا * ایمان دارم به خدا * و توکل دارم به خدا *

باقر (علیه السلام) منقول است که هر کس بگوید در وقتی که از منزل خود بیرون می شود: بِسْمِ اللَّهِ * حَسْبِيَ
به نام خدا * بس است مرا

اللَّهُ * تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا * وَ أَعُوذُ
خدا * توکل دارم بر خدا * خدایا من از تو خواهم خیر در کارهایم * و پناه برم

بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الآخِرَةِ * کفایت فرماید حق تعالی آنچه را که اندوهگین
به تو از رسوائی دنیا و عذاب آخرت *

سازد او را از امر دنیا و آخرت او. ۴) چهارم: از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که بگوید در وقتی که از منزل خود

بیرون روی: بِسْمِ اللَّهِ * تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ * لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ * اللَّهُمَّ
به نام خدا * توکل بر خدا * نیست جنبش و نه توانی جز به خدا * خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا خَرَجْتُ لَهُ * وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَرَجْتُ لَهُ *
من از تو خواهم خیر آنچه بیرون شدم برایش * و پناه برم به تو از شر آنچه بیرون شدم برایش

* اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ * وَ اَتِمِّمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ * وَ اسْتَعْمِلْنِي
* خدایا وسعت ده بر من از فضل خود * و تمام کن بر من نعمت خود را * و بگمارم

فِي طَاعَتِكَ * وَ اجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ * وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِكَ وَ مِلَّةِ
به طاعت خود * و بنه اشتیاقم را در آنچه نزد توست * و بمیران مرا بر ملت تو و ملت

رَسُولِكَ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ * ۵) پنجم: از حضرت امام رضا (علیه السلام) منقول است که
رسولت * که درود خدا بر او و آتش باد *

پدرم (علیه السلام) این کلمات را می گفت در وقتی که از منزل بیرون می شد: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خدای بخشاینده و مهربان

* خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ * لَا بِحَوْلِ (بِلا حَوْلٍ) مِنِّي وَ لَا قُوَّتِي * بَلْ بِحَوْلِكَ
* بیرون شدم به جنبش خدا و توانش * نه به جنبش از خودم و توانم * بلکه به جنبش تو

و قُوَّتِكَ يَا رَبِّ * مُتَعَرِّضًا لِرِزْقِكَ * فَاتِنِي بِهِ فِي عَافِيَةٍ ﴿٦﴾ ششم: از حضرت

و توانت ای پروردگارم * متعرض شدم روزیت را * پس آن را برای من بیاور قرین عافیت *

امام جعفر صادق (علیه السلام) مروی است که هر که بخواند قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ده مرتبه هنگامی که از منزل خود بیرون می رود پیوسته در حفظ خداوند عزوجل باشد و حق تعالی نگهبان او باشد تا برگردد به منزل خود. ﴿٧﴾

هفتم: از حضرت امام موسی (علیه السلام) مروی است که هرگاه خواستی سفر روی بایست بر در خانهات و بخوان فاتحة الكتاب را از پیش رو و از جانب راست و از جانب چپ و همچنین قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را و همچنین قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ را پس بگو: اللَّهُمَّ احْفَظْنِي * وَ احْفَظْ

بار خدایا نگهدار مرا * و نگهدار

مَا مَعِيَ * وَ سَلِّمْنِي وَ سَلِّمَ مَا مَعِيَ * وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ بِلَاغًا

آنچه با من است * و سالم دار مرا و سالم دار آنچه با من است * و برسان مرا و برسان آنچه با من است

حَسَنًا ﴿٨﴾ هشتم: و نیز از آن حضرت مروی است که هرگاه بیرون شدی از منزل خود در سفر یا در حضر

رساندن خوبی *

پس بگو: بِسْمِ اللَّهِ * ءَامَنْتُ بِاللَّهِ * وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ * مَا شَاءَ اللَّهُ

به نام خدا * ایمان دارم به خدا * و توکل دارم بر خدا * آنچه خواهد خدا

لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ﴿٩﴾

نیست جنبش و نه توانی جز به خدا *

فصل چهارم: در ذکر بعض دعاهاى وارده پیش از نماز و بعد از نماز و بعد از آن

و آن پنج دعا است: ﴿١﴾ اول: از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: هر که بگوید این دعا را وقتی که برمی خیزد برای نماز پیش از آنکه افتتاح نماز کند با محمد و آل محمد (علیه السلام) خواهد بود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَقْدِمُهُمْ بَيْنَ يَدَيَّ

خدایا من رو کنم به سوی تو به محمد و آل محمد * و پیش دارم آنان را جلو

صَلَوَاتِي * وَ أَتَقَرَّبُ بِهِمْ إِلَيْكَ * فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

نمازم * و تقرب جویم به آنها به درگاهت * بدار مرا به آنها آبرومند در دنیا و آخرت

وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * مَنَنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ * فَاخْتَمْ لِي بِطَاعَتِهِمْ

و از مقربان * منت نهادی به من به شناختن آنان * و ختم کن عملم به طاعت

و مَعْرِفَتِهِمْ وَ وِلَايَتِهِمْ * فَانْهَا السَّعَادَةَ * وَ اخْتِمَ لِي بِهَا * فَاِنَّكَ عَلَيَّ

و معرفت آنان و ولایت آنها * زیرا که آن سعادت است * و ختم کن عاقبتم را بدان * زیرا تو

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * پس نماز را به جامی آوری، و چون فارغ شدی می گوئی: **اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مَعَ**

بر هر چیز توانائی * خدایا مقرر کن مرا با

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ عَافِيَةٍ وَ بَلَاءٍ * وَ اجْعَلْنِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

محمد و آل محمد در هر عافیت و بلا * و مقرر کن مرا با محمد و آل

مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ مَثْوَى وَ مُنْقَلَبٍ * **اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَاهُمْ**

محمد در هر بدی و بازگشت * خدایا مقرر کن زندگی مرا زندگی آنها *

وَ مَمَاتِي مَمَاتِهِمْ * وَ اجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا * وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي

و مردن آنها * و مقرر کن مرا با آنها در همه جاها * و جدا مکن مرا

وَ بَيْنَهُمْ * اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * **دویم:** روایت شده از صفوان جمّال که دیدم

از آنها * زیرا تو بر هر چیز توانائی *

حضرت صادق (علیه السلام) رو به قبله کرد پیش از تکبیر و گفت: **اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنْ رَوْحِكَ * وَ لَا**

خدایا نومید مکن مرا از نسیم جان بخش خود * و نومیدم

تُقَنِّطْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ * وَ لَا تُؤْمِنِي مَكْرِكَ * فَاِنَّهُ * لَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ اِلَّا

مکن از رحمت خود * و ایمنم مکن از مکرمت * زیرا در امان نیست از مکر خدا

الْقَوْمِ الْخَاسِرُونَ * **سیم:** از حضرت صادق (علیه السلام) مروی است که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می گفت

مگر قوم زیانکار *

بعد از آنکه فارغ از زوال می گشت: **اللَّهُمَّ اِنِّي اتَّقَرَّبُ اِلَيْكَ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ ***

خدایا به راستی من تقرب جویم به درگاهت برای جود و کرمت *

وَ اتَّقَرَّبُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ * وَ اتَّقَرَّبُ اِلَيْكَ بِمَلَائِكَتِكَ

و تقرب جویم به درگاهت به محمد بندهات و رسولت * و تقرب جویم به درگاهت به

الْمُقَرَّبِينَ * وَ اَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ بِكَ * **اللَّهُمَّ اَنْتَ الْغَنِيُّ عَنِّي * وَ بِي**

فرشتگان مقرب * و پیغمبران مرسلت و به خودت * خدایا تو بی نیازی از من * و من

الْفَاقَةُ اِلَيْكَ * اَنْتَ الْغَنِيُّ وَ اَنَا الْفَقِيرُ اِلَيْكَ * اَقْلَتْنِي عَثْرَتِي * وَ سَتَرْتَ

نیازمند توام * تو توانگری و من درویشم به درگاهت * گذشتی از لغزشم * و پوشیدی

عَلَى ذُنُوبِي * فَاقْضِ الْيَوْمَ حَاجَتِي * وَلَا تَعَذِّبْنِي بِقَبِيحِ مَا تَعَلَّمْتُ مِنِّي

بر من گناهانم * برآور امروز حاجتم را * و کیفرم مده به زشتی آنچه می‌دانی از من

بَلْ عَفْوِكَ وَجُودِكَ يَسَعُنِي * آنگاه حضرت به سجده می‌افتاد و می‌گفت: يَا أَهْلَ

* بلکه عفو و جودت فراگیرد مرا *

التَّقْوَى وَيَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ * يَا بَرِّ يَا رَحِيمٍ * أَنْتَ اَبْرَأُ مِنِّي مِنْ أَبِي وَأُمِّي

تقوی و ای اهل آمرزش * ای نیکوکار و مهربان * تو از پدر به من نیکوکاری و از مادرم

وَمِنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ * اِقْلَبْنِي بِقَضَاءِ حَاجَتِي * مُجَابَاً دُعَائِي * مَرْحُومًا

و از همه خلق * برگردانم با روا شدن حاجتم * و اجابت دعایم * و رحمت شدن

صَوْتِي * قَدْ كَشَفْتَ أَنْوَاعَ الْبَلَاءِ عَنِّي * چهارم: از حضرت امام محمد تقی (علیه السلام)

آوازم * تو انواع بلا از من رفع کردی *

منقول است که چون از نماز فریضه فارغ شدی بگو: رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا * وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا

خوشنودم به خدا که پروردگار من است * و به محمد برای پیغمبری

وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا * وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا * وَبِفُلَانٍ وَفُلَانِ أَيْمَةً * اللَّهُمَّ

* و به اسلام از نظر دین * و به قرآن از نظر کتاب * و به فلان و فلان برای امامت * خدایا

وَلِيكَ فُلَانٌ * فَا حَفِظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ * وَ عَنْ يَمِينِهِ

دوستت فلان را * پس نگه دار از پیش رو و دنبال سرش * و از راست

وَ عَنْ شِمَالِهِ * وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ * وَ اَمْدُدْ لَهُ فِي عُمُرِهِ * وَ اجْعَلْهُ

و از چپش * و از بالای سر و زیر پایش * و دراز کن عمرش * و بگردانش

الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ * وَ الْمُنْتَصِرَ لِدِينِكَ * وَ آرِهِ مَا يُحِبُّ * وَ مَا يُقْرَهُ (تَقْرًا) بِهِ

قائم به امر خودت * و یاور دینت * و به او بنما آنچه را دوست دارد * و آنچه چشمش را

عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ * وَ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ * وَ فِي شِيعَتِهِ وَ فِي عَدُوِّهِ

روشن کند درباره خودش و نژادش * و خاندانش و مالش * و در شیعه‌اش و درباره دشمنانش

* - به جای فُلَانٍ وَ فُلَانٍ بگو: وَ اَلْحَسَنِ وَ اَلْحُسَيْنِ * وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ

و موسی * و علی و محمد * و علی و الحسن و الحجة (منه)

* - به جای فُلَانٍ بگو: الْقَائِمَ الْحُجَّةَ (منه)

وَأَرْهَمَ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ * وَأَرَهَ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ * وَيَقِرُّ (تَقَرُّ) بِهِ عَيْنُهُ *
 * و بنما به آنها آنچه از او حذر دارند * و بنما به او درباره آنها آنچه خواهد * و روشن شود بدان چشمش

وَ أَشْفِ صُدُورَنَا * وَ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ * وَ فرمود که چون حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) *
 * و شفا ده سینه‌های ما را * و سینه‌های مردم مؤمن را *

فارغ می‌شد از نماز می‌گفت: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَ مَا أَخَّرْتُ * وَ مَا أَسْرَرْتُ**
 خدایا بیا مرز برایم آنچه پیش داشتم و آنچه دنبال است * و آنچه نهان است

وَ مَا أَعْلَنْتُ * وَ إِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي * وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي * **اللَّهُمَّ**
 و آنچه عیان است * و اسراف بر خودم * و آنچه را تو بدان داناتری از من * خدایا

أَنْتَ الْمَقْدَمُ وَ الْمُؤَخَّرُ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * بَعْلَمِكَ الْغَيْبُ * وَ بِقُدْرَتِكَ
 تو مقدمی و مؤخری * نیست معبود حقی جز تو * به دانشت غیب را * و توانایت

عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ * مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي فَاحْنِنِي * وَ تَوَفَّنِي
 بر خلق همه * تا بدانی زندگی را بهتر برایم زنده‌ام دار * و جانم بگیر

إِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِي * **اللَّهُمَّ** إِنِّي أَسْأَلُكَ خَشْيَتِكَ فِي السِّرِّ
 وقتی دانستی وفاتم بهتر است * خدایا من از تو خواهم ترس تو را در نهان

وَ الْعَلَانِيَةِ * وَ كَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الْغَضَبِ وَ الرِّضَا * وَ الْقَصْدَ فِي الْفَقْرِ
 و آشکار * و کلمه حق را در حال خشم و پسند * و میانه روی در فقر

وَ الْغِنَا * وَ أَسْأَلُكَ نَعِيمًا لَا يَنْفَدُ * وَ قُرَّةَ عَيْنٍ لَا تَنْقَطِعُ * وَ أَسْأَلُكَ
 و توانگری * و از تو خواهم نعمتی تمام نشدنی * و روشنی چشم که نبرد * و از تو خواهم

الرِّضَا بِالْقَضَاءِ * وَ بَرَكَةَ الْمَوْتِ بَعْدَ الْعَيْشِ * وَ بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ
 رضا به قضاء * و برکت مرگ پس از زندگی * و خنکی زندگانی بعد از

الْمَوْتِ * وَ لَذَّةَ الْمَنْظَرِ إِلَى وَجْهِكَ * وَ شَوْقًا إِلَى رُؤْيَتِكَ * وَ لِقَائِكَ
 مرگ * و لذت نظر به رویت * و اشتیاق دیدارت * و ملاقات

مِنْ غَيْرِ ضَرَاءٍ مُضِرَّةٍ * وَ لَا فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ * **اللَّهُمَّ** زَيِّنَا بِزِينَةِ الْإِيمَانِ *
 بدون زیان سخت * و بی‌فتنه گمراه کننده * خدایا به زیور ایمان بیارا ما را *

وَ اجْعَلْنَا هُدَاةً مُهْتَدِينَ * **اللَّهُمَّ** اهْدِنَا فِيمَنْ هَدَيْتَ * **اللَّهُمَّ** إِنِّي
 و بگردان ما را از رهبران ره یافته * خدایا راه نما به ما در ضمن هر که هدایت شده * خدایا من

أَسْأَلُكَ عَزِيمَةَ الرَّشَادِ * وَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ وَ الرَّشْدَ * وَ أَسْأَلُكَ

از تو خواهم تصمیم رهجویی * و ایستادگی در کار و در راه حق * و از تو خواهم

شُكْرَ نِعْمَتِكَ * وَ حَسْنَ عَافِيَتِكَ * وَ آدَاءَ حَقِّكَ * وَ أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ

شکر نعمتت * و حسن عافیتت * و ادای حق تو * و از تو خواهم پروردگارا

قَلْبًا سَلِيمًا * وَ لِسَانًا صَادِقًا * وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا تَعَلَّمُ * وَ أَسْأَلُكَ

دلی درست * و زبانی راست * و آمرزش جویم از تو برای هر چه دانی * و از تو خواهم

خَيْرَ مَا تَعَلَّمُ * وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعَلَّمُ * فَإِنَّكَ تَعَلَّمُ وَ لَا نَعْلَمُ *

خیر آنچه دانی * و پناه برم به تو از شر آنچه دانی * زیرا تو دانائی و من ندانم *

وَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ ﴿٥﴾ پنجم: از حضرت صادق (علیه السلام) روایت است که هر کس این کلمات را

و تو دانای نهانی *

بگوید نزد هر نماز فریضه محفوظ ماند خودش و خانه اش و مالش و اولادش: أَجِيرُ نَفْسِي وَ مَالِي

پناه دهم خودم و مالم

وَ وَالِدِي وَ أَهْلِي وَ دَارِي * وَ كُلِّ مَا هُوَ مِنِّي * بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ

و فرزندم و اهلیم و خانهم * و هر چه از من است * به خدای یگانه یکتا بی نیازی

الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَ كُفُوًا أَحَدٌ * وَ أَجِيرُ نَفْسِي

* که فرزند نیاورده و فرزند نبوده * و نباشد برایش همتا احدی * و پناه دهم خودم

وَ مَالِي وَ وَالِدِي * وَ كُلِّ مَا هُوَ مِنِّي * بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ * تَأْخِرُ

و مالم و فرزندم و هر چه از من است به پروردگار سپیده از شر آنچه آفریده *

سوره، وَ أَجِيرُ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وَالِدِي * وَ كُلِّ مَا هُوَ مِنِّي * بِرَبِّ النَّاسِ * تَأْخِرُ

پناه دهم خودم و مالم و فرزندم * و هر چه او از من است به پروردگارم مردم ملک مردم *

سوره، وَ أَجِيرُ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وَالِدِي * وَ كُلِّ مَا هُوَ مِنِّي * بِاللَّهِ * لَا إِلَهَ إِلَّا

پناه دهم خودم و مالم و فرزندم * و هر چه او از من است به خدا * نیست معبود حقی

هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ * لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ * تَأْخِرُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ.

جز او زنده و پاینده * نگیردش چرت و نه خواب *

فصل پنجم: در بعض دعاهای وارده به جهت رزق

و آنها پنج است: **۱** اول: از معاویه بن عمار منقول است که از حضرت صادق (علیه السلام) در خواستم که دعائی مرا تعلیم فرماید برای رزق پس آن حضرت این دعا را تعلیم من فرمود و من ندیدم چیزی برای زیاد شدن رزق بهتر

از این، فرمود بگو: **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ** * رزقاً

خدایا روزیم ده از فضل خود با وسعت حلال و پاکیزه * روزی

وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا * **بِأَنَّكَ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ** * **صَبَّأً صَبَّأً هَنِئًا**

وسیع حلال پاکیزه * که کافی باشد در دنیا و آخرت * ریزان ریزان گوارا

مَرِيئًا * **مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا مِنْ مَنْ مِنْ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ** * **الْإِسْعَةَ مِنْ فَضْلِكَ**

خوشمزه * بدون رنج و نه منت از مخلوق تو * تنها از سعه فضل که

الوَاسِعِ * **فَإِنَّكَ قُلْتَ** * **وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ** * **فَمِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ**

واسع است * زیرا خودت فرمودی بخواهید خدا را از فضل او * پس از فضل خواستارم

وَمِنْ عَطِيَّتِكَ أَسْأَلُ * **وَمِنْ يَدِكَ الْمَلَأَ أَسْأَلُ** * **دَوِيمٌ**: از حضرت امام محمد

* و از عطایت خواستارم * و از دست پرت خواستارم *

باقر (علیه السلام) مروی است که به زید شحام فرمود که: بگو به جهت طلب روزی در سجده نماز فریضه: **يَا خَيْرَ**

ای بهتر

الْمَسْئُولِينَ * **وَيَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ** * **ارْزُقْنِي وَارْزُقْ عِيَالِي مِنْ فَضْلِكَ** *

درخواست شده * ای بهتر عطا بخش * روزیم ده و روزی ده عیالم را از فضل *

فَإِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ * **سِيمٌ**: از ابوبصیر منقول است که شکایت کردم به سوی حضرت

زیرا تو صاحب فضل بزرگی *

صادق (علیه السلام) از حاجت خود و خواستم از آن حضرت که مرا تعلیم فرماید دعائی به جهت رزق پس حضرت این دعا را تعلیم من فرمود، که از زمانی که من خواندم آن را دیگر محتاج نشدم، فرمود: بگو در نماز شب در حال سجده:

يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ * **وَيَا خَيْرَ مَسْئُولٍ** * **وَيَا أَوْسَعَ مَنْ أَعْطَى** * **وَيَا خَيْرَ**

ای بهتر خوانده شده * و ای بهتر درخواست شده * ای وسیع تر عطا بخش * و ای بهتر

مُرْتَجَى * **ارْزُقْنِي وَ أَوْسَعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ** * **وَسَبِّ لِي رِزْقًا مِنْ قَبْلِكَ**

امید بخش * روزیم ده و وسعت ده بر من از روزیت * و سبب روزیم ساز از پیش خودت

(فَضْلِكَ) * اِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * مؤلف گوید که: شیخ طوسی این دعا را در سجده آخر

* زیرا تو بر هر چیز توانائی *

رکعت هشتم نافله شب در مصباح ذکر فرموده. ۴ * چهارم: روایت شده که حضرت رسول (ﷺ) این دعا را

برای طلب روزی تعلیم فرمود: يَا رَازِقَ الْمُقْلِينَ * وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ * وَيَا وَلِيَّ

ای روزی ده مستمندان * و ای رحم کن بر گدایان * و ای سرپرست

الْمُؤْمِنِينَ * وَيَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ *

مؤمنان * و ای صاحب نیروی محکم * درود فرست بر محمد و اهل بیتش *

وَارْزُقْنِي وَعَافِنِي * وَاكْفِنِي مَا اَهْمَنِي * ۵ * پنجم: ابوبصیر این دعا را به جهت طلب

و روزیم ده و عافیتم بخش * و کفایت کن آنچه مهم من است *

روزی از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرده و آن حضرت فرموده که: این دعای علی بن الحسین (علیه السلام) است که خدا

را به آن می خوانده: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ حُسْنَ الْمَعِيْشَةِ * مَعِيْشَةً اَتَقْوِيْ بِهَا

خدایا من از تو خواهم معاش خوب * معاشی که نیرومند شوم بدان

عَلَىٰ جَمِيْعِ حَوَائِجِيْ * وَ اَتَوَصَّلُ بِهَا فِي الْحَيَاةِ اِلَىٰ اٰخِرَتِيْ * مِنْ غَيْرِ

بر همه حوائج * و پیوست دهم بدان در زندگی به آخرتم * بی آنکه نعمت خواهی

اَنْ تُتْرَفَنِي فِيْهَا فَاطْغَىٰ * اَوْ تُقْتَرَبَهَا عَلَيَّ فَاشْقَىٰ * اَوْ سَعَّ عَلَيَّ مِنْ

کنم در دنیا و سرکشی کنم * یا به خود تنگ گیرم و بدبخت شوم * وسعت ده بر من

حَلَالِ رِزْقِكَ * وَ اَفْضَلَ عَلَيَّ مِنْ سَيِّبِ فَضْلِكَ * نِعْمَةً مِنْكَ سَابِغَةً

از روزی حلال * و تفضل کن بر من از ریزش فضلت * به نعمت شایانت

* وَ عَطَاءً غَيْرَ مَمْنُونٍ * ثُمَّ لَا تُشْغَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ بِاَكْثَارٍ مِنْهَا

* و عطای تمام نشدنیست بی منت * سپس غافلم مکن از شکر نعمت به فزونی آن تا بازدارد

تُلْهِيْنِي بِهَجْتِهِ * وَ تَفْتِنُنِي زَهْرَاتُ (زَهْرَتِهِ) زَهْوَتِهِ * وَلَا بِاِقْلَالٍ عَلَيَّ

مرا خرمی آن * و فتنه کند به من نمایشهای سرمستی آن * و نه به کم کردن آنها

مِنْهَا يَقْصُرُ بَعْمَلِي كَدَّهُ * وَ يَمَلَأُ صَدْرِي هَمَّهُ * اَعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ يَا

که دسترس کارم نباشد * و پر کند سینهام را هم آن * عطا کن مرا از آن ای

الهِ غِنَى عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ * وَبَلَاغًا اُنَالُ بِهِ رِضْوَانَكَ * وَاعُوذُ بِكَ

معبود بی‌نیازی از بدترین خلقت * و به اندازه باشد که برسم به رضایت * و پناه برم به تو

يَا اِلٰهِي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ مَا فِيهَا * وَلَا تَجْعَلْ عَلَيَّ الدُّنْيَا سِجْنًا

ای خدا از شر دنیا و از شر آنچه در آن است * و نگردان دنیا را بر من زندان

* وَلَا فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا * اَخْرِجْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا مَرْضِيًّا عَنِّي مَقْبُولًا

* و نه جدائیش را بر من اندوه * بیرون بر مرا از فتنه آن پسندیده و مقبول العمل

فِيهَا عَمَلِي اِلَى دَارِ الْحَيٰوَانِ * وَمَسَاكِنِ الْاٰخِيَارِ * وَابْدِلْنِي بِالدُّنْيَا

در آن به سوی خانه زندگی * و مسکن نیکان * و عوض ده به من از دنیای

الْفَانِيَةِ نَعِيمِ الدَّارِ الْبَاقِيَةِ * اَللّٰهُمَّ اِنِيْ اَعُوذُ بِكَ مِنْ اَزْلٰهَا وَزَلْزَلِهَا

فانی نعمت دار باقی را * خدایا من پناه برم به تو از سختی و تزلزل آن

* وَمِنْ سَطَوَاتِ شَيَاطِينِهَا * وَسَلَاطِينِهَا وَنَكَالِهَا * وَمِنْ بَغْيٍ مِّنْ

* و از حمله شیاطین * و سلاطین آن و از عقاب آن * و از ظلم هر که کند

بَغْيٍ عَلَيَّ فِيهَا * اَللّٰهُمَّ مَنْ كَادَنِيْ فَكِدْهُ * وَمَنْ اَرَادَنِيْ فَاَرِدْهُ * وَفَلَّ

بر من در آن * خدایا هر که دام نهد برایم دامش نه * و هر که قصد من دارد قصد او کن * و کند کن

عَنِّيْ حَدًّا مِّنْ نَّصَبٍ لِّيْ حَدَّهُ * وَاطْفِئْ عَنِّيْ نَارَ مَنْ شَبَّ لِيْ وَقُوْدَهُ *

از من دم تیغ آنکه دم تیغ به من کشیده * و خاموش کن از من آتش کسی که افروخته به من هیزمش را *

وَاَكْفِنِيْ مَكْرَ الْمَكْرَةِ * وَافْقًا عَنِّيْ عِيُونَ الْكُفْرَةِ * وَاَكْفِنِيْ هَمًّا مِّنْ

و کفایت کن از من مکر مکاران * و ببند از من چشم کفار را * و کفایت ده هم هر که

اَدْخَلَ عَلَيَّ هَمَّهُ * وَادْفَعْ عَنِّيْ شَرَّ الْحُسَدَةِ * وَاعْصِمْنِيْ مِنْ ذٰلِكَ

هم خود به دلم انداخته * و دفع کن از من شر حسودان * و نگهدارم از آن به من

بِالسَّكِيْنَةِ * وَالْبَسْنِيْ دِرْعَكَ الْمُحْصِيْنَةِ * وَاحْيِنِيْ فِي سِتْرِكَ الْوَاقِي

آرامش * و به برم کن زره نگهدار خود را * و زنده‌ام دار در پوشش نگهدار خود *

وَاصْلِحْ لِيْ حَالِي * وَصَدِّقْ قَوْلِيْ بِفِعَالِي * وَبَارِكْ لِيْ فِيْ اَهْلِيْ وَمَالِيْ *

و اصلاح کن حال مرا * و تصدیق کن گفتم را به کارهایم * و برکت ده به من در خاندانم و مالم *

مؤلف گوید که: در باب دویم در ذکر نمازها گذشت نمازهایی به جهت زیاد شدن روزی.

فصل ششم: در ذکر دو دعا به جهت دین

۱* اول از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که فرمود بگو: **اللَّهُمَّ حُظَّةً مِنْ لِحَظَاتِكَ تُيسِرُ**

بار خدایا یک نظر تو آسان کند

عَلَى غُرْمَائِي بِهَا الْقَضَاءُ * وَتُيسِرُ لِي بِهَا الْاِقْتِضَاءُ * اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

بر من ادای غرامت‌هایم را * و آسان کند برایم دریافت آنها را * زیرا تو بر هر چیز

قَدِيرٌ * دُويم: این دعا است که از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) روایت شده: **اللَّهُمَّ ارُدِّ اِلَى**

خدایا رد کن به

توانائی *

جَمِيعِ خَلْقِكَ مَظَالِمَهُمُ الَّتِي قَبَلِي * صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا فِي يُسْرِ مِنْكَ

همه خلقت آنچه مظلومه بر من دارند * خرد و بزرگ به آسانی و

وَ عَافِيَةٍ * وَ مَا لَمْ تَبْلُغْهُ قُوَّتِي * وَ لَمْ تَسْعَهُ ذَاتُ يَدِي * وَ لَمْ يَقْوِ عَلَيْهِ

عافیت از تو * و هر چه را دستم نرسد * و دارائیم وفا نکند * و تنم نیروی ادای آن را ندارد

بَدَنِي وَ يَقِينِي وَ نَفْسِي * فَادِهِ عَنِّي مِنْ جَزِيلٍ مَا عِنْدَكَ مِنْ فَضْلِكَ * ثُمَّ

یقین بدن ندارم و خودم نتوانم * تو از من بپرداز از فضل شایانی که داری * و

لَا تُخَلِّفْ عَلَيَّ مِنْهُ شَيْئًا تَقْضِيهِ مِنْ حَسَنَاتِي * يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

چیزی از من بر من نگذار که از حسناتم بپردازی * ای مهربانترین مهربانان

*** اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ * لَا شَرِيكَ لَهُ * وَ اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا**

* گواهم که نیست معبود حقی جز خدا یگانه است شریک ندارد * و گواهم که محمد

عَبْدُهُ * وَ رَسُوْلُهُ * وَ اَنَّ الدِّينَ كَمَا شَرَعَ * وَ اَنَّ الْاِسْلَامَ كَمَا وَصَفَ *

بنده و رسول اوست * و اینکه دین طبق شرع او است * و اسلام همان است که او گفته *

وَ اَنَّ الْكِتَابَ كَمَا اَنْزَلَ * وَ اَنَّ الْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ * وَ اَنَّ اللهَ

و اینکه قرآن چنان است که نازل کرده * و گفته همان است که بازگو کرده * و اینکه خدا

هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ * ذَكَرَ اللهُ مُحَمَّدًا وَ اَهْلَ بَيْتِهِ بِخَيْرٍ * وَ حَيًّا

همان حق آشکار است * یاد کند خدا محمد (ص) و اهل بیتش را به خیر * و زنده دارد

مُحَمَّدًا وَ اَهْلَ بَيْتِهِ بِالسَّلَامِ *

محمد (ص) را و اهل بیتش را به سلامتی *

فصل هفتم: در ذکر بعض دعاهاى وارده برای دفع اندوه و غم و خوف و غیره

و مشتمل است بر دوازده دعا: **۱** اول: روایت شده از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) که چون نازل شد به تو امری که از آن ترسانی روکن به سوی قبله و دو رکعت نماز گذار، پس بگو:

يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ * وَيَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ * وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ *
ای بیناتر بینایان * و شنواتر شنوندگان * و سریعتر محاسبان *

و يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * بگو این کلمات را هفتاد مرتبه و در هر مرتبه که گفتی حاجت خود را با آن ذکر
و مهربانترین مهربانان *

ک. **۲** دویم: از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) مروی است که فرمود: هر که را برسد همی یا غمی یا اندوهی یا بلائی یا شدتی

پس بگوید: اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا * تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ *
خدا پروردگار من است شریک او نسازم چیزی را * توکل دارم بر زنده‌ای که نمیرد *

۳ سیّم: از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که چون برادران یوسف حضرت یوسف را در چاه افکندند جبرئیل (علیه السلام) آمد نزد او و گفت چه می کنی در اینجا ای پسر؟ جناب یوسف (علیه السلام) گفت: برادرانم مرا افکندند در این چاه، گفت: دوست داری که بیرون آیی از آن؟ گفت این بسته به مشیت خداوند عزوجل است اگر خواست بیرون خواهد آورد مرا، جبرئیل گفت که: حق تعالی می فرماید: بخوان مرا به این دعا تا تو را از چاه بیرون آورم. گفت: کدام است آن دعا؟ گفت بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ *
خدایا من از تو خواهم به اینکه از تو ستایش * نیست معبود حقی جز تو که پر مننی *

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ * ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ *
پدیدار آسمان و زمین * صاحب جلال و اکرام * که رحمت فرستی بر محمد *
و آلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِمَّا أَنَا فِيهِ فَرَجًا وَمَخْرَجًا * پس کاروان آمد
و آل محمد * و مقرر کنی برای من از آنچه در آنم فرجی و راهی *

و او را بیرون آورد همچنانکه حق تعالی قصه او را در قرآن مجید ذکر فرموده. **۴** چهارم: از حضرت صادق (علیه السلام)

منقول است که هرگاه ترسیدی از امری پس بگو: اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَا يَكْفِي مِنْكَ أَحَدٌ *
خدایا توئی کسی که نتواند کفایت از تو کند احدی *

وَ أَنْتَ تَكْفِي مِنْ كُلِّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ * فَاكْفِنِي كَذَا وَ كَذَا * و در حدیث دیگر

و تو کفایت از بندگان کنی * کفایت کن از من چنان و چنان را *

فَرَمُودِ مِی گویی: يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ * وَ لَا يَكْفِي مِنْكَ شَيْءٌ فِي السَّمَاوَاتِ

ای کافی از هر چیز * و کافی نیست جز او چیزی در آسمانها

وَ الْأَرْضِ * اِكْفِنِي مَا اَهْمَنِي مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ * وَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ

و زمین * کفایت کن و مرا آنچه مهم من است از امر دنیا و آخرت * و رحمت فرست بر محمد (ص)

وَ اٰلِهِ * و فرمود حضرت صادق (علیه السلام) که هر کسی که داخل شود بر سلطانی که از او بترسد پس بگوید:

و آتش *

بِاللّٰهِ اسْتَفْتِحُ * وَ بِاللّٰهِ اسْتَنْجِحُ * وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

به خدا آغاز جویم * و به خدا کامیابی جویم * و به محمد که درود خدا بر او

وَ اٰلِهِ اتَوَجَّهُ * اَللّٰهُمَّ ذَلِّلْ لِيْ صَعُوْبَتَهُ * وَ سَهِّلْ لِيْ حَزُوْنَتَهُ * فَاِنَّكَ

و آتش باد رو آورم * خدایا رام کن برایم دشواری آن را * و هموار کن سختی آن را * زیرا تو

تَمْحُو مَا تَشَاءُ * وَ تُثَبِّتُ وَ عِنْدَكَ اُمُّ الْكِتَابِ * و بگوید نیز: حَسْبِيَ اللّٰهُ

محو کنی آنچه خواهی * و اثبات کنی و نزد توست دفتر کل * بس است مرا خدا

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ * وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ * وَ اَمْتَنَعُ بِحَوْلِ

نیست معبود حق جز او بر او توکل دارم * و او پروردگار عرش بزرگ است * و امتناع کنم به حول

اللّٰهِ وَ قُوَّتِهِ * مِنْ حَوْلِهِمْ وَ قُوَّتِهِمْ * وَ اَمْتَنَعُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا

خدا و نیرویش * از حول آنان و نیرویشان * و امتناع کنم به پروردگار سپیده از شر آنچه

خَلَقَ * وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ * پنجم: روایت شده که این دعای حضرت باقر (علیه السلام)

آفریده * و نیست جنبش و نه توانی جز به خدا *

است در امری که حادث شود: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ اغْفِرْ لِيْ

خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و ببخش مرا

وَ اَرْحَمْنِي * وَ زَكِّ عَمَلِي * وَ يَسِّرْ مُنْقَلَبِي * وَ اِهْدِ قَلْبِي * وَ اَمِنْ خَوْفِي

و رحم کن بر من * و پاک کن عملم را * و هموار کن بازگشتم را * و هدایت کن دلم را * و امن کن ترسم را

* وَ عَافِنِي فِي عُمْرِي كُلِّهِ * وَ ثَبَّتْ حُجَّتِي * وَ اغْفِرْ خَطَايَايَ * وَ بَيِّضْ

* و عافیت به عمرم ده همهاش * و ثابت کن حجتم را * و بیامرز خطاهایم * و سفید کن

وَجْهِي * وَ اعْصِمْنِي فِي دِينِي * وَ سَهِّلْ مَطْلَبِي * وَ وَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي *

رویم * و نگهدارم در دینم * و آسان کن مطالبم * و وسعت ده بر من در روزیم *

فَإِنِّي ضَعِيفٌ * وَ تَجَاوَزْ عَنِّي سَيِّئُ مَا عِنْدِي بِحَسْنِ مَا عِنْدَكَ * وَ لَا

زیرا من ناتوانم * و بگذر از بدی هر چه در نزد من است به خوبی هر چه در نزد توست *

تَفْجَعْنِي بِنَفْسِي * وَ لَا تَفْجَعْ لِي حَمِيمًا * وَ هَبْ لِي يَا إِلَهِي مُحَظَّةً مِّنْ

داغدار منما خودم را * و خویشانم را داغدار مکن * و ببخش به من ای معبود من یک نظر

لِحَظَاتِكَ * تَكْشِفُ بِهَا عَنِّي جَمِيعَ مَا بِهِ ابْتَلَيْتَنِي * وَ تَرُدُّ بِهَا عَلَيَّ

لطف خود * و برطرف کن از من همه آنچه را به آن گرفتارم * و بازگردانی بدان بر من

مَا هُوَ أَحْسَنُ عَادَتِكَ عِنْدِي * فَقَدْ ضَعُفَتْ قُوَّتِي * وَ قَلَّتْ حِيلَتِي

آنچه بهترین شیوه توست با من * زیرا توانم سست شده * و کم شده چاره‌ام

* وَ انْقَطَعَ مِنْ خَلْقِكَ رَجَائِي * وَ لَمْ يَبْقِ إِلَّا رَجَاؤُكَ * وَ تَوَكَّلْ عَلَيَّكَ

* و بریده از خلقت امیدم * و امیدم نمانده جز امید به تو * و توکل بر تو

* وَ قُدْرَتِكَ عَلَيَّ يَا رَبِّ أَنْ تَرْحَمَنِي وَ تُعَافِيَنِي * كَقُدْرَتِكَ عَلَيَّ أَنْ

* و قدرت تو بر من پروردگارا که به من رحم کنی و به من عافیت دهی * چون قدرت توست بر من

تُعَذِّبَنِي وَ تَبْتَلِيَنِي * إِلَهِي ذِكْرُ عَوَائِدِكَ يُؤْنَسُنِي * وَ الرَّجَاءُ لِإِنْعَامِكَ

که عذابم کنی و مبتلایم سازی * معبودا یاد عوائد تو آرامم کند * و امید به نعمت تو

يُقَوِّبُنِي * وَ لَمْ أَخُلْ مِنْ نِعْمِكَ مُنْذُ خَلَقْتَنِي * فَانْتَ رَبِّي وَ سَيِّدِي *

نیرومندم سازد * و فارغ نیستم از نعمت تو از وقتی که مرا آفریدی * تو پروردگار من و سید من *

وَ مَفْزَعِي وَ مَلْجَأِي * وَ الْمُحَافِظُ لِي وَ الذَّابُّ عَنِّي * وَ الرَّحِيمُ بِي وَ الْمُتَكَفِّلُ

و پناه من و دادرس من * و نگهدار من و دافع از من * و مهربان بر من و کفیل

بِرِزْقِي * وَ فِي قَضَائِكَ وَ قُدْرَتِكَ كُلُّ مَا أَنَا فِيهِ * فَلْيَكُنْ يَا سَيِّدِي

روزی من * و در قضا و قدر توست هر چه من در آنم * و باید ای سید

وَ مَوْلَايَ * فِيمَا قَضَيْتَ وَ قُدِّرْتَ وَ حَتَمْتَ * تَعْجِيلُ خُلَاصِي مِمَّا أَنَا

و مولایم * در ضمن قضا و قدر تو و حتم تو * شتاب در خلاص من باشد از آنچه من در

فِيهِ جَمِيعِهِ * وَ الْعَافِيَةُ لِي * فَإِنِّي لَا أَجِدُ لِدَفْعِ ذَلِكَ أَحَدًا غَيْرَكَ *

آن گرفتارم همه آن را * و عافیت برایم * زیرا من نیایم برای دفع آن احدی جز تو *

وَلَا أَعْتَمِدُ فِيهِ إِلَّا عَلَيْكَ * فَكُنْ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ عِنْدَ أَحْسَنِ

اعتماد ندارم در آن جز بر تو * بوده باش ای صاحب جلال و اکرام طبق خوشترین

ظَنِّي بِكَ * وَرَجَائِي لَكَ * وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَاسْتِكَانَتِي * وَضَعْفَ

گمانم به تو * و امیدم بر تو * رحم کن به زاریم و بیچارگیم * و سستی

رُكْنِي * وَآمَنْ بِذَلِكَ عَلَيَّ * وَعَلَى كُلِّ دَاعٍ دَعَاكَ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ستونم * و منت نه بدان بر من * و بر هر دعوت کننده که تو را دعا کرده * ای مهربانترین مهربانان

* وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * ششم: از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) منقول

* و رحمت فرست خدایا بر محمد و آتش *

است که فرمود: حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) می فرمود: باکی ندارم هرگاه بگویم این کلمات را اگر جمع

شوند برای ضرر من جن وانس: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ * وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَفِي

به نام خدا و به ذات خدا * و به سوی خدا و

سَبِيلِ اللَّهِ * وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * اللَّهُمَّ

در راه خدا * و بر کیش رسول خدا * که درود خدا بر او و آتش باد * خدایا

إِلَيْكَ أَسَلْتُ نَفْسِي * وَإِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي * وَإِلَيْكَ الْجَاثُ

به تو تسلیم کردم خودم را * و به درگاهت روی آوردم * و به تو پشت و پناه

ظَهْرِي * وَإِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي * اللَّهُمَّ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ *

گرفتم * و به تو واگذاردم کارم را * خدایا نگهدار مرا به نگهداشتن ایمان *

مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ * وَمِنْ خَلْفِي * وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي * وَمِنْ فَوْقِي

از جلو رویم * و از پشت سرم * و از راست و چپم * و از بالای سر

وَمِنْ تَحْتِي وَمَا قَبْلِي * وَادْفَعْ عَنِّي بِجَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ * فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ

و زیر پایم و آنچه در کنار خود دارم * و دفع کن از من به حول خود و نیروی خود * زیرا نیست جنبش

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ (بِاللَّهِ) * هفتم: برای دفع کربت و خوف از سلطان وارد شده بخوانند دعاء اهل

و نه توانی جز به تو *

بیت (علیه السلام): يَا كَانِنَا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ * وَيَا مَكُونُ كُلِّ شَيْءٍ * وَيَا بَاقِيَا بَعْدَ

ای که بودی پیش از هر چیز * ای که به وجود آوردی هر چیز را * و باشی پس از

كُلِّ شَيْءٍ * صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا * به

هر چیز * رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و بکن با من چنان و چنان *
جای کذا و کذا حاجت خود را بخواه. ۸ هشتم: از حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) مروی است که برای فرج و گشایش امر مواظبت کن به خواندن:

يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ * وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ * اِكْفِنِي مَا اَهَمَّنِي ۹

ای که کفایت کند از هر چیز * و کفایت نکند از او چیزی * کفایت کن مرا آنچه مهم است *
نهم: از حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) منقول است که می فرمود به فرزند خود ای پسرک من، هرگاه برسد مصیبتی به یکی از شماها یا نازل شود به او ناله ای، وضوی کامل بگیرد و دو رکعت نماز گذارد یا چهار رکعت و بگوید در آخر آن:

يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى * وَيَا سَامِعَ كُلِّ نَجْوَى * وَيَا شَاهِدَ كُلِّ مَلَأٍ *

ای مرجع هر شکایت * و ای شنوای هر راز * و ای گواه هر جمع *

وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ * وَيَا دَافِعَ مَا يَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ * يَا خَلِيلَ اِبْرَاهِيمَ

و ای دانای هر نهان * و ای دفع کن هر چه می خواهی از بلا * ای خلیل ابراهیم

* وَيَا نَجِيَّ مُوسَى * وَيَا مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ *

* و ای همراز موسی * و ای برگزیننده محمد که درود خدا بر او و آلش باد *

ادْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ * وَقَلَّتْ حِيلَتُهُ * وَضَعْفَتْ قُوَّتُهُ * و

تو را خوانم خواندن کسی که سخت است ندریش * و کم است چاره اش * و سست است نیرویش

دُعَاءَ الْغَرِيبِ * الْغَرِيقِ الْمُضْطَرِّ الَّذِي لَا يَجِدُ لِكَشْفِ مَا هُوَ فِيهِ

* دعاء غریب * و غریق و بیچاره ای که نیابد برای رفع آنچه او در آن است

الْاَنْتَ * يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * پس به درستی که نمی خواند این دعا را احدی مگر آنکه

جز تو را * ای مهربانترین مهربانان *

برطرف می کند حق تعالی از او ناله را انشاء الله تعالی. ۱۰ دهم: از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) منقول

است که برای رفع هم و غم غسل می کنی و دو رکعت نماز می گذاری و می گوئی: يَا فَارِجَ الْهَمِّ * وَيَا

ای گشاینده هم * و ای

كَاشِفَ الْغَمِّ * يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا * فَرِّجْ هَمِّي *

زداینده غم * ای بخشنده دنیا و آخرت و مهربان هر دو * بگشا همم را *

وَ اكْشِفْ غَمِّي * يَا اَللّٰهُ الْوَاحِدُ الْاَحَدُ الصَّمَدُ * الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ

و رفع کن غمّم را * ای خدای یگانه یکتا بی‌نیازی * که فرزند نیاورده و

يُولَدُ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وُكُوْفًا اَحَدًا * اِعْصَمْنِي وَطَهِّرْنِي * وَ اَذْهَبْ بَبَلِيَّتِي

فرزند نبوده * و نبوده برایش همتا احدی * نگهم دار و پاکم کن * و ببر بلایم را *

❁ و بخوان آیه‌الکرسی و معوذتین را. ۱۱ یازدهم: روایت شده که برای رفع همّ می‌گوئی در سجده صد

مرتبّه: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ * يَا اِلٰهَ الْاِنَانِ * بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغِيْثُ * فَاكْفِنِي

ای زنده و پاینده * نیست معبود حقی جز تو * به رحمتت استغاثه دارم * کفایتم کن

مَا اَهْمَنِي * وَ لَا تَكْلِنِي اِلَى نَفْسِي ۱۲ دوازدهم: از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) منقول

آنچه را که مهم من است * و به خودم وا نگذار *

است که به سماعه فرمود که: ای سماعه هر وقت که از برای تو حاجتی باشد نزد حق تعالی پس بگو: اَللّٰهُمَّ

خدایا

اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ * فَاِنَّ لَهُمَا عِنْدَكَ شَانًا مِّنَ الشَّانِ *

به راستی من از تو خواهم به حق محمد و علی * که درود بر آن دو باد زیرا برای آنها پیش تو مقامی است از مقامها *

وَ قَدْرًا مِّنَ الْقَدْرِ * فَبِحَقِّ ذَلِكَ الشَّانِ * وَ بِحَقِّ ذَلِكَ الْقَدْرِ * اَنْ

و قدری است از قدرها * پس به حق این مقام * و به حق این قدر * رحمت

تُصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ اَنْ تَفْعَلَ بِيْ كَذَا وَ كَذَا * پس

فرست بر محمد و آل محمد * و بکن با من چنان و چنان *

به درستی که چون روز قیامت شود نماند ملک مقربّی و نه پیغمبر مرسلّی و نه مؤمن ممتحنی مگر آنکه او

محتاج است به سوی محمد و علی صلوات الله علیهما و آلهما در آن روز. * فقیر گوید: که ابن ابی الحدید نقل

کرده از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که فرمود: وقتی سؤال کردم از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) که دعا کند برای من به

مغفرت، فرمود: دعا خواهم کرد. پس برخاست و نماز گذاشت و دست به دعا برداشت، گوش دادم به دعای آن

حضرت شنیدم می‌گوید: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ عَلِيٍّ عِنْدَكَ * اِغْفِرْ لِعَلِيٍّ * یعنی خدایا به حقّ علیّ نزد تو

ببیمرز علیّ را. من گفتم: یا رسول الله این چه دعائی بود که کردی؟ فرمود: آیا کسی گرامی تر از او هست نزد خدا

که من او را شفیع خود کنم نزد او؟ * مؤلف گوید که: ما در باب اول در ذکر ادعیه سجده شکر ذکر کردیم بعض

دعاهائی که مناسب با این فصل داشت.

فصل هشتم: در ذکر چند دعائی برای علتها و مرضها

۱ اول: از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که می گوئی از برای دردها:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلَّهِ فِي عِرْقٍ سَاكِنٍ * وَ غَيْرِ سَاكِنٍ *

به نام خدا و به ذات خدا * چه بسیار نعمتی از خدا در رگی آرام * و غیر آرام *

عَلَى عَبْدٍ شَاكِرٍ وَ غَيْرِ شَاكِرٍ * وَ مِیْ گِیرِی رِیشِ خُودِ رَا بَهِ دَستِ رَاسِطِ خُودِ بَعْدَ اَز نَمازِ فَرِیضَهِ

بر بنده شاکر و غیر شاکر *

وَ مِیْ گِوئی سَه مَرْتَبَه: اَللّهُمَّ فَرِّجْ عَنِّي كُرْبَتِي * وَ عَجِّلْ عَافِيَتِي * وَ اَكْشِفْ

خدايا بگشا از من گرفتاريم را * و تعجيل کن در عافيتم * و برطرف کن

ضُرِّي * وَ حَرِیصِ بَاشْ كَهِ اَینِ عَمَلِ بَا اَشْكَ وَ گَرِیبه بَاشْ. ۲ دَوْم: اَز حَضْرَتِ صَادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَنقُولِ اسْتِ كَهِ

زيانم را *

بِگِذارِ دَستِ بَر مَوضِعِ دَرْدِ وَ بَگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ * صَلَّى

به نام خدا و به ذات خدا * و محمد رسول خدا * که درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آءَالِهِ * وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ * اَللّهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا

خدا بر او و آتش باد * نیست جنبش و نه توانی جز به خدا * خدايا پاک کن از من آنچه درک

اَجَدُ * وَ مَسْحِ مِیْ كَنِی بَهِ دَستِ رَاسِطِ مَوضِعِ دَرْدِ رَا سَه مَرْتَبَه. ۳ سَیِّم: اَز حَضْرَتِ اِمَامِ مُحَمَّدِ باقِرِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

کنم *

مَروى اسْتِ كَهِ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَرِیضِ شَد. رَسولِ خُدا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بَهِ دِیدَنِ او رَفْتِ وَ فَرَمُودِ بَهِ او كَهِ بَگو: اَللّهُمَّ

خدايا

اِنِّی اَسْئَلُكَ تَعَجِیلَ عَافِيَتِكَ * وَ صَبْرًا عَلٰی بَلِيَّتِكَ * وَ خُرُوجًا اِلٰی

من از تو خواهم تعجيل عافيت تو را * و صبر بر بلايت را * و بيرون شدن به سوی

رَحْمَتِكَ ۴ چَهارم: اَز حَضْرَتِ صَادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَروى اسْتِ كَهِ فَرَمُود: مِیْ گِذارِی دَستِ خُودِ رَا بَر مَوضِعِ دَرْدِ

رحمت را *

وَ مِیْ گِوئی سَه مَرْتَبَه: اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ * الَّذِي نَزَلَ بِهِ

خدايا من از تو خواهم به حق قرآن عظيم * که نازل کرد آن را

الرُّوحِ الْأَمِينِ * وَ هُوَ عِنْدَكَ فِي أَمِّ الْكِتَابِ عَلٰی حَكِيمٍ * اَنْ تَشْفِيَنِي

روح الامين * و او نزد تو بود در دفتر كل والا و حكيمانه * که شفایم دهی

بَشْفَائِكَ * وَتُدَاوِينِي بِدَوَائِكَ * وَتُعَافِينِي مِنْ بَلَائِكَ * و صلوات می فرستی

به شفایت * و درمانم کنی به دارویت * و عافیتم بخشی از بلایت *

بر محمد و آل محمد (علیهم السلام). **۵** پنجم: از ابو حمزه روایت است که مرا عارض شد دردی در زانویم پس شکایت

کردم آن را به حضرت امام محمد باقر (علیه السلام)، فرمود: هرگاه نماز گذاردی پس بگو: **يَا اَجُودَ مَنْ اَعْطَى**

ای بخشنده بر هر که عطا کرده

*** وَيَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ * وَيَا اَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحِمَ * اِرْحَمْ ضَعْفِي وَقِلَّةَ**

* و ای بهترین درخواست شده * و رحیمترین استرحام شده * رحم کن ناتوانیم و

حِيلَتِي * وَاَعْفِنِي مِنْ وَجَعِي * گفت خواندم آن را و عافیت یافتم. مؤلف گوید که: ما در اول

بیچارگییم را * و معافم کن از دردم *

باب سیّم دعاهائی برای عِلل و اسقام ذکر نمودیم.

فصل نهم: در بعض احراز و عوذات است

و آنچه ذکر می شود در اینجا پنج چیز است: **۱** اول: روایت شده که شخصی خدمت حضرت صادق (علیه السلام)

شکایت از وحشت کرد، حضرت فرمود: آیا خبر ندهم شما را به چیزی که اگر بگوئید آن را وحشت نخواهید کرد

در شب و نه در روز؟

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ * وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ * اِنَّهُ وَاَنْتَ تَتَوَكَّلُ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ

به نام خدا و به ذات خدا * توکل بر خدا * زیرا هر که توکل بر خدا کند او را

حَسْبُهُ * اِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ اَمْرِهِ * قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا * اَللّٰهُمَّ

بس است * زیرا خدا رسا است به کارش * خدا قرار داده برای هر چیزی اندازه ای * خدایا

اجْعَلْنِي فِي كَنْفِكَ وَفِي جِوَارِكَ * وَاجْعَلْنِي فِي اَمَانِكَ وَفِي مَنَعِكَ *

قرارم ده در آستانت و در جوارت * و قرارم ده در امانت و در حفظت *

روایت شده که مردی سی سال این را می خواند، شبی آن را ترک کرد عقرب او را در آن شب گزید. **۲** دویم:

روایت شده کسی که شب به روز آورد در خانه یا اطاقی تنها، بخواند آیه الکرسی را و بگوید: **اَللّٰهُمَّ اِنْسَ**

خدایا آرام کن

وَحَشْتِي * وَءَامِنٌ رُوْعَتِي * وَاعْنِي عَلَى وَحْدَتِي ﴿۳﴾ سیّم: روایت است که حضرت

وحشتم را * و آسوده نما ترسم را * و کمکم کن تنهاییم *

رسول (ﷺ) تعویذ فرمود حسن و حسین (علیهم السلام) را به این کلمات: **أُعِيذُكُمْ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ**

پناه دهم شما را به کلمات

**التَّامَّةِ * وَأَسْمَاءِهِ الْحُسْنَى كُلِّهَا عَامَّةً * مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ *
تام خدا * و نامهای بهترش همه عموماً * از شر هر گزنده و دمنده ***

**وَمِنْ شَرِّ كُلِّ عَيْنٍ لَأُمَّةٍ * وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ *
و از شر هر چشم شو * و از شر حسود حسدورز ***

و از شر هر چشم شو * و از شر حسود حسدورز *

تعویذ می کرد حضرت ابراهیم (علیه السلام)، اسماعیل و اسحاق را. ﴿۴﴾ چهارم: روایت شده که در بعضی غزوات اصحاب

حضرت رسول (ﷺ) خدمت آن حضرت شکایت کردند از اذیت کیکها، فرمود: در وقتی که به خوابگاه خود روند

بگویند: **أَيُّهَا الْأَسْوَدُ الْوَثَّابُ * أَلَّذِي لَا يُبَالِي غَلَقًا وَلَا بَابًا * عَزَمْتُ**

ای سیاه جهنده * که باک نداری از قفل و دری * قسم

**عَلَيْكَ بِأَمِّ الْكِتَابِ * أَنْ لَا تُؤْذِنِي وَأَصْحَابِي إِلَى أَنْ يَذْهَبَ اللَّيْلُ *
می دهمت به دفتر کل * که نیازی مرا و یارانم را تا شب برود ***

می دهمت به دفتر کل * که نیازی مرا و یارانم را تا شب برود *

**وَيَجِيءُ الصُّبْحُ بِمَا جَاءَ *
و صبح برآید بدانچه آورد ***

و صبح برآید بدانچه آورد *

چون دیدی سُبُعُ را یعنی جانور درنده را مانند شیرو پلنگ و گرگ و امثال آنها بگو: **أَعُوذُ بِرَبِّ دَانِيَالَ**

پناه برم به پروردگار دانیال

**وَالْجُبِّ * مِنْ كُلِّ أَسَدٍ مُسْتَأْسَدٍ *
و چاه * از هر شیر درنده ***

و چاه * از هر شیر درنده *

درنده دیدی بخوان در صورت او آیه الکرسی و بگو مرّ او را: **عَزَمْتُ عَلَيْكَ بِعَزِيمَةِ اللَّهِ *
تو را بستم به تصمیم خدا ***

تو را بستم به تصمیم خدا *

**وَعَزِيمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَعَزِيمَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ *
و تصمیم محمد که درود خدا بر او و آلش باد * و تصمیم سلیمان پسر داود ***

و تصمیم محمد که درود خدا بر او و آلش باد * و تصمیم سلیمان پسر داود *

و عَزِيمَةَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ * وَ الْاِئِمَّةَ

* و تصمیم امیر مؤمنان علی بن ابی طالب درود بر او باد * و ائمه

الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ بَعْدِهِ * پس به درستی که منصرف خواهد شد از تو انشاء الله

طاهرین درود بر آنان باد پس از او *

تعالی. ﴿۶﴾ ششم: روایت شده که حضرت رسول (ﷺ) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: یا علی هرگاه واقع

شدی در ورطه‌ای یا بلیه‌ای بگو: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

به نام خدای بخشاینده مهربان * و نیست جنبش و نه توانی جز

بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * پس به درستی که خداوند عزوجل بر طرف می‌کند از تو آنچه بخواهد از انواع بلا.

به خدای والا و بزرگ *

فصل دهم: در ذکر چند دعای موجز است که برای حوائج دنیا و آخرت نافع است

و آنچه در اینجا ذکر می‌شود سی دعا است: ﴿۱﴾ اول: از حضرت صادق (علیه السلام) مروی است که بگو: اَللّٰهُمَّ

خدایا مرا

اجْعَلْنِيْ اَخْشَاكَ كَانِيْ اَرَاكَ * وَ اَسْعِدْنِيْ بِتَقْوَاكَ * وَ لَا تَشْقِنِيْ بِنَشْطِيْ

از خود چنان ترسان که گویا بینمت عیان * و سعادت‌مند کن به تقوایت * و بدبختم مکن به نشاط

لِمَعَاصِيْكَ * وَ خِرْلِيْ فِيْ قَضَائِكَ * وَ بَارِكْ لِيْ فِيْ قَدْرِكَ * حَتّٰى لَا اُحِبَّ

در نافرمانیت * و خوب فرما برایم قضای خود را * و مبارک کن برایم قدرت را * تا دوست ندارم

تَاخِيْرَ مَا عَجَّلْتَ * وَ لَا تَعْجِيْلَ مَا اَخَّرْتَ * وَ اجْعَلْ غِنَايَ فِيْ نَفْسِيْ

تاخیر آنچه پیش داری * و نه تعجیل در آنچه پس اندازی * و به خود بی‌نیازم کن

* وَ مَتَّعْنِيْ بِسَمْعِيْ وَ بَصْرِيْ * وَ اجْعَلْهُمَا الْوَارِثِيْنَ مِنِّيْ * وَ اَنْصُرْنِيْ

* و بهره‌ورم کن به گوشم و چشمم * و آن دو را وارثم کن * و یاریم کن

عَلٰى مَنْ ظَلَمْنِيْ * وَ اَرِنِيْ فِيْهِ قَدْرَتَكَ يَا رَبِّ * وَ اقْرَبْ ذٰلِكَ عَيْنِيْ ﴿۲﴾

بر هر که ستم کند * و بنما به من درباره او نیرویت را پروردگارا * و روشن کن بدان دیده‌ام را

دویم: و نیز از آن حضرت منقول است که بگو: اَللّٰهُمَّ اَعِنِّيْ عَلٰى هَوْلِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

بار خدایا کمکم کن بر هراس روز قیامت *

* بار خدایا کمکم کن بر هراس روز قیامت *

وَ أَخْرَجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا * وَ زَوَّجَنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ * وَ أَكْفَنِي

و به درآرم از دنیا سالم * و زنم ده از حور العین * و کفایتم کن هزینه

مَوْوِنَتِي * وَ مَوْوِنَةَ عِيَالِي * وَ مَوْوِنَةَ النَّاسِ * وَ ادْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي

خودم * و هزینه عیالم * و هزینه مردم را * و درآورم به رحمت در

عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴿٣﴾ سیم: این دعاء شریف است که نگاه می‌دارد از گناهان و جامع دنیا و آخرت

ضمن بندگان شایستهات *

است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ * وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ

به نام خداوند بخشنده و مهربان * ای که پدید کنی نیکی را * و بپوشی زشتی را

* وَ لَمْ يَهْتِكِ السِّرَّ عَنِّي * يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ * يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ * يَا

* و نداری پرده را از من * ای کریم گذشت * ای خوش گذشت * ای

وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ * وَ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ * يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى

و واسع المغفره * و گشاده از دو دست به رحمت * ای همراه هر راز

* وَ يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى * يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ * يَا عَظِيمَ الْمَنِّ * يَا مُبْتَدِئَ

* و ای نهایت هر شکایت * ای چشم پوش * بزرگ منت * ای آغاز کن

كُلِّ نِعْمَةٍ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا * يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ * يَا مَوْلِيَاهُ (مَوْلَاهُ) يَا

هر نعمت پیش از لیاقت آن * ای خدا ای آقا * ای مولا ای نهایت

غَايَتَاهُ * يَا غِيَاثَاهُ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَسْأَلُكَ أَنْ لَا

آرزو * ای دادرس * رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و از تو خواهم که

تَجْعَلَنِي فِي النَّارِ * آنگاه می‌طلبی از حق تعالی هر چه بخواهی. ﴿٤﴾ چهارم: از حضرت صادق (ع)

مرا به دوزخ نبری *

منقول است که این دعا را خواند: اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كَرْبَةٍ * وَأَنْتَ رَجَائِي فِي

خدایا تو اعتماد منی در هر گرفتاری * و تو امید منی در

كُلِّ شِدَّةٍ * وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَ عُدَّةٌ * كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعَفُ

هر سختی * و تو برای منی در هر امری که به من نازل شود ثقه و ذخیره‌ای * چه گرفتاریهایی که ناتوان

عَنْهُ الْفَوَادُ * وَ تَقَلُّ فِيهِ الْحَيْلَةُ * وَ يَجْذُلُ عَنْهُ الْقَرِيبُ وَ الْبَعِيدُ *

می‌شد از آن دل * و کم چاره بود خویش * و بیگانه از آن کناره می‌گرفت *

وَيَشْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ * وَتُعَيِّنِي فِيهِ الْأُمُورُ * أَنْزَلْتَهُ وَبِكَ * وَشَكْوَتُهُ *

و دشمن شمات می‌کند * و در هر کار وامانده می‌کند * به تواش حواله کردم * و به تو شکایت

الْيَكِ رَاغِبًا فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ * ففَرَجْتَهُ * وَ كَشَفْتَهُ * وَ كَفَيْتَنِيهِ *

کردم مشتاقان تو از دیگران آن را * بر گشودی و دفع کردی و کفایت کردی *

فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ * وَ صَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ * وَ مُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ *

تو سرپرست هر نعمت * و صاحب هر حاجتی * و نهایت هر اشتیاق *

فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيرًا * وَ لَكَ الْمَنْ فَاضِلًا * مؤلف گوید که: این دعا همان دعای حضرت

از توست ستایش بسیار * و از توست منت خوب *

رسول (ﷺ) است در یوم بدر و احزاب و نیز دعای حضرت سید الشهداء (علیه السلام) است که در روز عاشورا در کربلا

خواند * و غیر از این نیز دو دعای دیگر از آن حضرت مروی است که در آن روز خواندند که یکی این دعاء است که

تعلیم حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود در آن وقتی که او را به سینه خود چسبانید و خونها در بدن مبارکش

می جوشید برای حاجت و مهم و اندوه و بلاهای سخت و امر عظیم و دشوار: بِحَقِّ يَسِّ وَ الْقُرْآنِ

به حق یس و قرآن

الْحَكِيمِ * وَ بِحَقِّ طِهِ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ * يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ

حکیم * و به حق طه و قرآن عظیم * ای که توانا است بر حاجتهای

السَّائِلِينَ * يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ * يَا مَنْفَسًا عَنِ الْمَكْرُوبِينَ *

سائلان * ای که می‌داند آنچه در نهاد است * ای رد کننده از گرفتاران *

يَا مُفْرَجًا عَنِ الْمَغْمُومِينَ * يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ * يَا رَازِقَ الطِّفْلِ

ای گشاینده مغمومین * ای رحم کننده پیر مرد * ای روزی ده کودک

الصَّغِيرِ * يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خرد * ای که نیازی ندارد به تفسیر * رحمت فرست بر محمد و آل محمد

* وَ أَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا * و حاجت خود را بخواه. ۵ پنجم: از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است

* و بکن با من چنان و چنان *

که دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: رَبِّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ

پروردگارا و امگذار مرا بر خودم یک چشم بهم زدن

أَبَدًا * لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ ﴿٦﴾ ششم: و نیز از آن حضرت مروی است که این کلمات را

هرگز * نه کمتر از آن و نه بیشتر *

می‌گفت: اِرْحَمْنِي مِمَّا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ * وَلَا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ ﴿٧﴾ هفتم: از حضرت

رحم کن از آنچه ندارم طاقتش * و نتوانم صبر بر آن *

صادق (علیه السلام) منقول است که بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِجَلَالِكَ * وَ جَمَالِكَ وَ كَرَمِكَ

خدایا من از تو خواهم به جلالت * و جمالت و کرمت

اَنْ تَفْعَلَ بِيْ كَذَا وَ كَذَا ﴿٨﴾ هشتم: از فضل بن یونس منقول است که حضرت امام موسی (علیه السلام)

* که بکنی با من چنان و چنان *

به من فرمود که بسیار بگو: اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْنِيْ مِنَ الْمُعَارِبِيْنَ * وَلَا تُخْرِجْنِيْ مِنَ التَّقْصِيْرِ * یعنی

خدایا قرار مده مرا از کسانی که ایمانشان عاریه و غیر ثابت است یا آنکه قرار مده مرا از کسانی که آنها را به

خودشان وا گذاشته مانند ستوری که مهارش را به گردنش افکنند و او را رها کنند به چرکه هر کاری که خواهد

بکند و هر کجا خواهد برود، و بیرون مکن مرا از تقصیر یعنی چنان مکن که من خود را مقصّر ندانم بلکه چنان

باشم که همیشه خود را مقصّر درگاه تو بدانم. ﴿٩﴾ نهم: از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) مروی است که حقّ

تعالی آمرزید مردی از اهل بادیه را به سبب این دو کلمه که دعا کرد به آن: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ تَعَذَّبْتَنِيْ فَاهْلُ

خدایا اگر عذابم کنی

لِذَلِكَ (ذَلِكَ) اَنَا * وَ اِنِّیْ تَغْفِرْ لِيْ فَاهْلُ لِذَلِكَ (ذَلِكَ) اَنْتَ ﴿١٠﴾ دهم: از داود رقی

من لایق آنم * و اگر بیامری مرا آن لایق توست *

مروی است که گفت: می شنیدم از حضرت صادق (علیه السلام) که بیشتر چیزی که الحاح می‌کرد به آن در دعا می خواند

خدا را به حقّ پنج تن یعنی رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم. ﴿١١﴾

یازدهم: از یزید صایغ روایت است که گفتم به حضرت صادق (علیه السلام) که بخوان خدا را برای ما، حضرت این دعا را

نمود برای ما: اَللّٰهُمَّ رِزْقَهُمْ صِدْقَ الْحَدِيثِ * وَ اِدَاءَ الْاَمَانَةِ * وَ الْمَحَافِظَةَ

خدایا روزی کن ایشان را راستی حدیث * و اداء امانت * و محافظت

عَلَى الصَّلَاةِ * اَللّٰهُمَّ اِنَّهُمْ اَحَقُّ خَلْقِكَ اَنْ تَفْعَلَ بِهِمْ * اَللّٰهُمَّ

بر نمازها * خدایا به راستی آنها سزاوارتر خلق توند که عمل کنی آن را با آنها * خدایا بکن

أَفْعَلُهُ بِهِمْ ۱۲ دوازدهم: بخواند این دعا را که امیرالمؤمنین (علیه السلام) می خواند: **اللَّهُمَّ مَنْ عَلَيَّ**

آن را با آنها * خدا یا منت نه بر من

بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ * وَ التَّفْوِيزِ إِلَيْكَ * وَ الرِّضَا بِقُدْرِكَ * وَ التَّسْلِيمِ

به توکل بر تو * و واگذاری به تو * و رضا به مقدرت * و تسلیم

لِأَمْرِكَ * حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخْرَتَ * وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ * يَا

برای امرت * تا دوست ندارم تعجیل آنچه پس انداختی * و نه تاخیر آنچه تعجیل کردی * ای

رَبِّ الْعَالَمِينَ ۱۳ سیزدهم: روایت شده که جبرئیل خدمت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) آمد و عرض کرد که

پروردگار جهانیان *

پروردگارت می فرماید: هرگاه خواستی مرا عبادت کنی روز و شبی حق عبادت مرا، دستهای خود را بلند کن

بِهِ سَوَى مَنْ وَبِغَوْ: **اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا مَعَ خُلُودِكَ * وَ لَكَ الْحَمْدُ**

خدای از آن توست حمد، حمدی که جاوید است با خلود تو * و از آن توست حمد،

حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لَهُ وَ دُونَ عِلْمِكَ * وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا أَمَدَ لَهُ وَ دُونَ

حمدی که بی نهایت است جز در علم تو * و از آن توست حمد، حمدی که موعدی ندارد

مَشِيَّتِكَ * وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا جَزَاءَ لِقَائِهِ إِلَّا رِضَاكَ * **اللَّهُمَّ لَكَ**

جز خواست تو * و از آن توست حمد، حمدی که پاداش ندارد به گوینده اش جز رضای تو * خدا یا از آن توست

الْحَمْدُ كُلَّهُ * وَ لَكَ الْمَنْ كُلَّهُ * وَ لَكَ الْفَخْرُ كُلَّهُ * وَ لَكَ الْبِهَاءُ كُلَّهُ * وَ

حمد همه اش * و منت همه اش از آن توست * و افتخار همه اش * و از آن توست همه بهاء

وَ لَكَ النُّورُ كُلَّهُ * وَ لَكَ الْعِزَّةُ كُلُّهَا * وَ لَكَ الْجَبْرُوتُ كُلُّهَا * وَ لَكَ

* و همه نور * و از آن توست همه عزت * و همه جبروت * و از آن توست

الْعِظْمَةُ كُلُّهَا * وَ لَكَ الدُّنْيَا كُلُّهَا * وَ لَكَ الْآخِرَةُ كُلُّهَا * وَ لَكَ اللَّيْلُ

همه عظمت * و از آن توست همه دنیا * و از آن توست همه آخرت * و از توست شب

وَ النَّهَارُ كُلَّهُ * وَ لَكَ الْخَلْقُ كُلَّهُ * وَ بِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلَّهُ * وَ إِلَيْكَ

و روز همه * و از توست خلق همه * و به قدرت توست همه خیر * و به سوی تو

يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلَّهُ * وَ عَلَانِيَتُهُ * وَ سِرُّهُ * **اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا أَبَدًا**

برگردد همه امور * از آشکار و نهان * خدا یا از توست حمد، حمدی که همیشه است

أَنْتَ حَسَنُ الْبَلَاءِ * جَلِيلُ الشَّنَاءِ * سَابِغُ النَّعْمَاءِ * عَدْلُ الْقَضَاءِ *

* تو خوش آزمایشی * بزرگ ستایش * شایان نعمتی * عدل قضائی

جَزِيلُ الْعَطَاءِ * حَسَنُ الْأَلَاءِ * إِلَهٌ فِي الْأَرْضِ وَإِلَهٌ فِي السَّمَاءِ * اللَّهُمَّ

* شایان عطائی * نیکو نعمتی * معبودی در زمین و معبودی در آسمان * خدایا

لَكَ الْحَمْدُ فِي السَّبْعِ الشَّدَادِ * وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْأَرْضِ الْمِهَادِ * وَلَكَ

از توست حمد در هفت آسمان * و از توست حمد در زمین گسترده * و از توست

الْحَمْدُ طَاقَةُ الْعِبَادِ * وَلَكَ الْحَمْدُ سَعَةَ الْبِلَادِ * وَلَكَ الْحَمْدُ فِي

حمد به توان بندگان * و از توست حمد به وسعت بلاد * و از توست حمد در

الْمَجَالِ الْأَوْتَادِ * وَلَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى * وَلَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ

کوههای محکم * و تو را است حمد در شب وقتی که فراگیرد * و تو را است حمد در روز

إِذَا تَجَلَّى * وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى * وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْمَثَانِ

گاهی که بتابد * و از توست حمد در آخرت و اولی * و از توست حمد در مثانی

وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ * وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ * وَالْأَرْضِ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ

و قرآن عظیم * و منزه است خدا و به حمد اندرم * همه زمین در کف او است

و يَوْمَ الْقِيَامَةِ * وَالسَّمَاوَاتِ مَطْوِيَّاتٍ بِيَمِينِهِ * سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى

روز قیامت * و آسمانها نور دیده است به قدرتش * منزه باد و برتر

عَمَّا يَشْرِكُونَ * سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ * كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ *

از آنچه شریک آورند * منزه باد خدا و به حمدش اندرم * هر چیز نابود است جز جلوه او *

سُبْحَانَكَ رَبَّنَا * وَتَعَالَيْتَ وَتَبَارَكْتَ وَتَقَدَّسْتَ * خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ

منزهی تو پروردگارا * و برتری و مبارکی و مقدس * آفریدی هر چیز را

بِقُدْرَتِكَ * وَقَهَرْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِعِزَّتِكَ * وَعَلَوْتَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ بَارْتِفَاعِكَ

به نیروی خودت * و مقهور کردی هر چیز را به عزتت * و فرازی بر هر چیز به بلندیت

وَ غَلَبْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِقُوَّتِكَ * وَابْتَدَعْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِحِكْمَتِكَ وَعِلْمِكَ

* و چیره‌ای بر هر چیز به نیرویت * و آفریدی هر چیز را به حکمتت و علمت

وَ بَعَثْتَ الرَّسُلَ بِكُتُبِكَ * وَهَدَيْتَ الصَّالِحِينَ بِأَذْنِكَ * وَآيَدْتَ

* و فرستادی رسولان را با کتب خود * و رهنمودی صالحان را به اذن خود * و کمک کردی

الْمُؤْمِنِينَ بِنَصْرِكَ * وَقَهَرْتَ الْخَلْقَ بِسُلْطَانِكَ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ *

مؤمنان را به یاریت * و مقهور کردی خلق را به تسلط خود * نیست معبود حقی جز تو *

وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ * لَا نَعْبُدُ غَيْرَكَ * وَلَا نَسْأَلُ إِلَّا إِيَّاكَ * وَلَا

یگانه‌ای شریک نداری * نه پرستیم جز تو را * و نه خواهیم جز از تو * و اشتیاق

نَرْغَبُ إِلَّا إِلَيْكَ * أَنْتَ مَوْضِعُ شَكْوَانَا * وَمُنْتَهَى رَغْبَتِنَا * وَالْهِنَا

نداریم جز به سوی تو * توئی مرجع شکایت ما * و نهایت رغبت ما * و معبود ما

وَمَلِيكُنَا ﴿۱۴﴾ چهاردهم: روایت شده که مردی خدمت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) شکایت کرد از دیر

و مالک ما *

شدن جواب دعایش فرمود چرا نمی خوانی دعای سریع‌الاجابه را، پرسید که آن کدام دعا است؟ فرمود بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ * الْأَجَلِ الْأَكْرَمِ * الْمَخْزُونِ

خدایا من از تو خواهم به نام عظیم و اعظم * اجل اکرم * مخزون

الْمَكْنُونِ * الْأَنْوَارِ الْحَقِّ * الْبُرْهَانِ الْمُبِينِ * الَّذِي هُوَ نُورٌ مَعَ نُورٍ *

مکنون * نور حق * برهان مبین * که آن نور است با نور *

وَنُورٌ مِنْ نُورٍ * وَنُورٌ فِي نُورٍ * وَنُورٌ عَلَى كُلِّ نُورٍ * وَنُورٌ فَوْقَ كُلِّ نُورٍ *

و نور است از نور * و نور است در نور * و نور بر هر نوری است * و نوری بالای هر نوری *

وَنُورٌ تُضِيءُ بِهِ كُلُّ ظُلْمَةٍ * وَيُكْسِرُ بِهِ كُلُّ شِدَّةٍ * وَكُلُّ شَيْطَانٍ

تابان شود بدان هر تاریکی * و نرم شود بدان هر سختی * و هر شیطان

مَرِيدٍ * وَكُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ * لَا تَقْرُبُهُ أَرْضٌ * وَلَا يَقُومُ بِهِ سَمَاءٌ * وَيَأْمَنُ

ولگرد * و هر سرکش جبار * حملش نکند زمینی * و برپا نداردش آسمانی و آسوده شود

بِهِ كُلُّ خَائِفٍ * وَيَبْطُلُ بِهِ سِحْرُ كُلِّ سَاحِرٍ * وَبَغْيُ كُلِّ بَاغٍ *

بدان هر ترسانی * و باطل شود بدان جادوی هر جادوگر * و شورش هر شورشی *

وَحَسَدُ كُلِّ حَاسِدٍ * وَيَتَصَدَّعُ (يَنْصَدَعُ) لِعَظَمَتِهِ الْبَرُّ وَالْبَحْرُ *

و حسد هر حسود * و بلرزد از عظمتش هر بیابان و هر دریا *

وَيَسْتَقِلُّ بِهِ الْفَلَكَ حِينَ (حَقِّ) يَتَكَلَّمُ بِهِ الْمَلَكُ * فَلَا يَكُونُ لِلْمَوْجِ

و استوار باشد بدان کشتی گاهی که سخن گوید بدان فرشته * و نباشد برای موج

عَلَيْهِ سَبِيلٌ * وَهُوَ اسْمُكَ الْأَعْظَمُ الْأَعْظَمُ * الْأَجَلُ الْأَجَلُ * وَأَنْ نُورُ الْأَكْبَرِ

بر آن راهی * و آن نام اعظم اعظم * اجل اجل * و نور اکبر

الْأَكْبَرِ * الَّذِي سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ * وَاسْتَوَيْتَ بِهِ عَلَى عَرْشِكَ *

است * که خود را بدان نامیدی * و استوار شدی بدان بر عرشت *

وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ * وَأَسْأَلُكَ بِكَ وَبِهِمْ * أَنْ تَصَلِّيَ

و رو کنم به سویت به محمد و خاندانش * و از تو خواهم به تو و به آنان * که رحمت

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا * بِه جَای كَذَا وَكَذَا حَاجَتِ

فرستی بر محمد و آل محمد * و بکنی با من چنان و چنان *

بخواهد. ﴿۱۵﴾ پانزدهم: از عمرو بن ابی المقدم مروی است که حضرت صادق (علیه السلام) املاء کرد بر من این دعا را

و این دعا جامع دنیا و آخرت است. می گویی بعد از حمد و ثنای خداوند عزوجل: اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا

خدا یا توئی خدا که نیست

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ * وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

معبود حقی جز تو حلیم کریم * و توئی خدا نیست معبود حقی جز تو عزیز و حکیم

* وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ * وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

* و توئی خدا نیست معبود حقی جز تو یگانه قهار * و توئی خدا نیست معبود حقی

أَنْتَ الْمَلِكُ الْجَبَّارُ * وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفَّارُ * وَأَنْتَ

جز تو ملک جبار * و توئی خدا نیست معبود حقی جز تو مهربان پر آمرزش * و توئی

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الشَّدِيدُ الْمِحَالُ * وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

خدا نیست معبود حقی جز تو سخت انتقام * و توئی خدا نیست معبود حقی جز تو

الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ * وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ * وَأَنْتَ

بزرگ و برتر * و توئی خدا نیست معبود حقی جز تو شنوا و بینا * توئی

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنِيعُ الْقَدِيرُ * وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ

خدا نیست معبود حقی جز تو منیع و توانا * و توئی خدا نیست معبودی جز تو آمرزنده

الشَّكُورُ * وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ * وَأَنْتَ اللَّهُ

و قدران * و توئی خدا نیست معبود حقی جز تو ستوده بزرگوار * و توئی خدا

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ * وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ

نیست معبود حقی جز تو بی‌نیاز و ستوده * و توئی خدا نیست معبود حقی جز تو آمرزنده و دوست

* وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ * وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

* و توئی خدا نیست معبود حقی جز تو مهر پر منت * و توئی خدا نیست معبود حقی

أَنْتَ الْحَلِيمُ الدَّيَّانُ * وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْجَوَادُ الْمَاجِدُ *

جز تو بردبار و جزا دهنده * و توئی خدا نیست معبود حقی جز تو بخشنده و بزرگوار *

وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ * وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

و توئی خدا نیست معبود حقی جز تو یگانه یکتا * و توئی خدا نیست معبود حقی جز

الْغَائِبُ الشَّاهِدُ * وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ *

تو نهانی آشکار * و تو خدائی نیست معبود حقی جز تو پدید پنهانی *

وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ * تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ *

و توئی خدا نیست معبود حقی جز تو به هر چیز دانائی * تمام است نور تو که رهبری کردی *

وَبَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ رَبَّنَا وَجْهَكَ أَكْرَمَ الْوُجُوهِ * وَجَهْتِكَ خَيْرُ

و دست گشودی و عطا بخشیدی * پروردگار ما آبرویت گرامیتر آبرو است * و سویت بهترین

الْجِهَاتِ * وَعَطِيَّتِكَ أَفْضَلُ الْعَطَايَا وَأَهْنَاهَا * تَطَاعَ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ

سویها است * و عطایت برترین عطاها و گواراتر آنها * اطاعت شوی و قدر دانی

* وَتُعْصِي رَبَّنَا فَتَغْفِرُ لِمَنْ شِئْتَ * تُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ * وَتَكْشِفُ

* و نافرمانی شوی پروردگارا و بگذری * اجابت کنی بیچارگان را * و برطرف کنی

السُّوءَ * وَتَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَتَعْفُو عَنِ الذُّنُوبِ * لَا تُجَازِي أَيَادِيكَ * وَلَا

بدی را * و بپذیری توبه را و بگذری از گناهان * پاداش داده نشوند نعمتهایت * و به شماره

تُحْصِي نِعْمَكَ * وَلَا يَبْلُغُ مَدْحَتَكَ قَوْلٌ قَائِلٌ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

نباید نعمتهای تو * و رسا نباشد به مدح تو گفتار گوینده‌ای * خدایا رحمت فرست بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ * وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ * وَرَوْحَهُمْ وَرَاحَتَهُمْ وَسُرُورَهُمْ *

و آل محمد * و شتاب کن در فرج آنها * و روح و راحت و سرورشان *

وَأَذِقْنِي طَعْمَ فَرَجِهِمْ * وَأَهْلِكَ أَعْدَائَهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ * وَءَاتِنَا

و به من بچشان مزه فرج آنان را * و نابود کن دشمنانشان را از جن و انس * و بده به ما

فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً * وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً * وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ * وَاجْعَلْنَا

در دنیا حسنه * و در آخرت حسنه * و نگهدار ما را از عذاب آتش * و مقرر کن

مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ

ما را از آنان که بیمی بر آنها نیست و نه ایشان غمنده شوند * و بگردانمان از آنان که

صَبَرُوا * وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * وَثَبَّتَنِي بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ

بردارند و بر پروردگار خود توکل دارند * و ثابت دار مرا به گفتار ثابت در زندگی

الدُّنْيَا * وَفِي الْآخِرَةِ * وَبَارِكْ لِي فِي الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ * وَالْمَوْقِفِ

دنیا و در آخرت * و مبارک کن به من در زندگی و مرگ * و موقف

وَالنُّشُورِ * وَالْحِسَابِ * وَالْمِيزَانِ * وَأَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ * وَسَلِّمْنِي عَلَى

و نشور و حساب * و میزان و هراسهای روز قیامت * و سالمم دار

الصِّرَاطِ * وَاجْزِنِي عَلَيْهِ * وَارْزُقْنِي عِلْمًا نَافِعًا * وَيَقِينًا صَادِقًا *

بر صراط * و بگذرانم از آن * و روزیم کن علمی سود بخش * و یقینی راست *

وَتَقَى وَبِرًّا * وَوَرَعًا وَخَوْفًا مِنْكَ * وَفَرَقًا يَبْلُغُنِي مِنْكَ زُلْفَى *

و تقوی و نیکی * و ورع و بیم از تو * و دلهرهای که برساندم به قرب تو *

وَلَا يَبَاعِدُنِي عَنْكَ * وَاحْبِبْنِي وَلَا تَبْغِضْنِي * وَتَوَلَّنِي وَلَا تَخْذُلْنِي *

و دورم نسازد از تو * و دوستم دار و دشمنم مدار * و سرپرستم باش و وامگذارم *

وَاعْطِنِي مِنْ جَمِيعِ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ * مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ

و به من بده از همه خیر دنیا و آخرت * آنچه دانم از آن و آنچه

أَعْلَمُ * وَاجْرِنِي مِنَ السُّوءِ كُلِّهِ بِجَدَائِفِهِ * مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ

ندانم * و پناهم ده از بدی همه اش سراسر * آنچه دانم از آن و آنچه

أَعْلَمُ ﴿١٦﴾ شانزدهم: از معاویه بن عمار منقول است که به حضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم که: آیا تخصیص

ندانم *

نمی دهی مرا به آموختن دعائی؟ فرمود بلی، بگو: يَا وَاحِدُ يَا مَا جُدُ * يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ

ای یگانه ای بزرگوار * ای یکتا ای بی نیاز

* يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ * يَا عَزِيزُ يَا كَرِيمُ

* ای که فرزند نداشته و فرزند نبوده * و نباشد برایش همتا احدی * ای عزیز ای کریم

يَا حَنَّانُ يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ * يَا اَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ * وَيَا خَيْرَ مَنْ

* ای پر مهر ای شنوای دعاها * ای بخشنده‌تر درخواست شده * و بهتر کسی که

اَعْطَى * يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ * قُلْتَ ﴿ وَ لَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ

عطا کرده * ای خدا ای خدا ای خدا * فرمودی که نوح ندا کرد ما را و چه خوب

الْمُجِيبُونَ ﴿ * پس حضرت فرمود که رسول خدا (ﷺ) می‌گفت: نِعْمَ لِنِعْمِ الْمُجِيبِ

پاسخ‌گویانی بودیم * آری چه خوب اجابت کنی

اَنْتَ * وَ نِعْمَ الْمَدْعُوُّ * وَ نِعْمَ الْمَسْئُولُ * اَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ

تو * و چه خوب خوانده شده‌ای * و چه خوب درخواست شده‌ای * از تو خواهم به نور وجه تو

وَ اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ جَبْرُوتِكَ * وَ اَسْئَلُكَ بِمَلَكُوتِكَ

و از تو خواهم به عزت و نیرویت و جبروتت * و از تو خواهم به ملکوتت

وَ دِرْعِكَ الْحَصِيْنَةِ * وَ بِجَمْعِكَ وَ اَرْكَانِكَ كُلِّهَا * وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

و دژ محکمت * و جمعت و همه ارکانت * و به حق محمد (ص)

وَ بِحَقِّ الْاَوْصِيَاءِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ * اَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ

و به حق اوصیاء پس از محمد * که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

وَ اَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا ﴿ ۱۷﴾ هفدهم: روایت شده که شخصی معروف به ابو جعفر از اهل کوفه

و بکنی با من چنان و چنان *

به حضرت صادق (علیه السلام) عرض کرد که: مرا دعائی بیاموز که بخوانم آن را حضرت فرمود بگو: يَا مَنْ اَرْجُوهُ

ای که امید او را دارم

لِكُلِّ خَيْرٍ * وَيَا مَنْ اَمِنُ سَخَطَهُ * وَ عِنْدَ كُلِّ عُسْرَةٍ * وَيَا مَنْ يَعْطَى

برای هر خیری * و آسوده‌ام از خشمش نزد هر سختی * و ای که می‌دهی

بِالْقَلِيلِ الْكَثِيْرَ * يَا مَنْ اَعْطَى مَنْ سَاَلَهُ * وَ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَ رَحْمَةً * يَا

در برابر اندک بسیاری * ای که عطا کند هر که از او خواهد از مهر و رحمت خود * ای

مَنْ اَعْطَى مَنْ لَمْ يَسْئَلْهُ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ * صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ

که عطا کند هر که هم از او نخواهد و او را نشناسد * رحمت فرست بر محمد و آل

﴿ وَاٰلِهِ ﴾ * وَ اَعْطَنِي بِمَسْئَلَتِي مِنْ جَمِيْعِ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ جَمِيْعِ خَيْرِ الْاٰخِرَةِ

محمد * و به من بده به خواهم از جمیع خیر دنیا و جمیع خیر آخرت

فَانَهُ وَ غَيْرَ مَنْقُوصٍ مَا اَعْطَيْتَنِي * وَ زِدْنِي مِنْ سَعَةِ فَضْلِكَ يَا كَرِيمُ

* زیرا کمی ندارد از آنچه به من بدهی * و بیفزایم از وسعت فضل خود ای کریم

۱۸ هیجدهم: روایت شده که حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) این دعا را تعلیم برادرش عبدالله بن علی فرمود:

اللَّهُمَّ ارْفَعْ ظَنِّي صَاعِدًا * وَلَا تَطْمَعِ فِي عَدُوٍّ وَلَا حَاسِدًا * وَ احْفَظْنِي

پروردگارا بالا برگمانم را به فراز * و دشمن به طمع مینداز و نه حسود را * و حفظ کن

قَائِمًا وَقَاعِدًا * وَيَقْظَانَ وَرَاقِدًا * اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي * وَ اِهْدِنِي

ایستاده باشم یا نشسته * بیدار باشم یا خواب * پروردگارا بیامرزم و رحم کن * و رهنمایم

سَبِيلَكَ الْأَقْوَمَ * وَ قِنِي حَرَّ جَهَنَّمَ * وَ احْطُطْ عَنِّي الْمَغْرَمَ وَ الْمَأْتَمَ *

به راه راست خود * و نگهدارم از سوز دوزخ * و بنه از دوشم بدهی و گناه را *

وَ اجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ الْعَالَمِ ۱۹ نوزدهم: روایت شده که این دعاء الحاح است: اللَّهُمَّ

و بگردانم از خوبان جهان * خدایا

رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا بَيْنَهُنَّ * وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ * وَ رَبِّ

پروردگار هفت آسمان و آنچه در میانشان است * و پروردگار عرش بزرگ * و پروردگار

جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ * وَ رَبِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ * وَ رَبِّ مُحَمَّدٍ

جبرئیل و میکائیل و اسرافیل * و پروردگار قرآن بزرگ * و پروردگار محمد

خَاتَمِ النَّبِيِّينَ * اِنِّي اَسْأَلُكَ بِالَّذِي تَقُومُ بِهِ السَّمَاءُ * وَ بِهِ تَقُومُ

خاتم پیغمبران * من از تو خواهم به آنچه برپا است بدان آسمان * و برپا است

الْأَرْضُ * وَ بِهِ تَفَرَّقُ بَيْنَ الْجُمُعِ * وَ بِهِ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ * وَ بِهِ تَرْزُقُ

بدان زمین * و بدان جدائی اندازی میان جمع * و به آن جمع کنی میان پراکندهها * و به آن روزی دهی

الْأَحْيَاءَ * وَ بِهِ أَحْصَيْتَ عَدَدَ الرَّمَالِ * وَ وَزْنَ الْجِبَالِ * وَ كَيْلَ الْبُحُورِ

زندهها را * و بدان برشمردی عدد ریگها را * و وزن کوهها را * و پیمانه دریاها را *

* پس صلوات می فرستی بر محمد و آل محمد و سؤال می کنی حاجت خود را و الحاح و اصرار می کنی در طلب

حاجت خود. ۲۰ بیستم: از ثقه جلیل ابن ابی یعفور روایت شده که حضرت صادق (علیه السلام) این دعا را می خواند:

اللَّهُمَّ امْلَأْ قَلْبِي حُبًّا لَكَ * وَ خَشْيَةً مِنْكَ * وَ تَصَدِيقًا وَ اِيْمَانًا بِكَ

خدایا پر کن دلم را از دوستی خود * و ترس از خودت * و آوردن ایمان به تو

وَفَرَقًا مِّنكَ * وَشَوْقًا إِلَيْكَ * يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ * اللَّهُمَّ حَبِّبْ

* و هراس از تو * و اشتیاق به سوی تو * ای صاحب جلال و اکرام * خدایا محبوبم کن

إِلَى لِقَاءِكَ * وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ خَيْرَ الرَّحْمَةِ وَالْبَرَكَةِ * وَالْحَقْنِي

ملاقاتت را * و مقرر دار برایم در لقایت بهترین رحمت و برکت * و برسانم

بِالصَّالِحِينَ * وَلَا تُؤَخِّرْنِي مَعَ الْأَشْرَارِ * وَالْحَقْنِي بِصَالِحٍ مِّنْ مَّضَىٰ

به خوبان * و دنبال منم با بدان * و برسانم به خوبان گذشته *

وَاجْعَلْنِي مَعَ صَالِحٍ مِّنْ بَقِيٍّ * وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ * وَأَعِنِّي عَلَىٰ

و هم قطارم مکن با خوبانی که مانده اند * و بکشانم به راه خوبان * و کمک کن بر

نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ * وَلَا تُرِدْنِي فِي سَوْءٍ

خودم بدانچه کمک کنی بدان خوبان را بر خودشان * و برگردانم بدان بدی

اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ * يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ * أَسْأَلُكَ إِيمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ وَدُونَ

که نجاتم دادی از آن * ای پروردگار جهانیان * از تو خواهم ایمانی که به سر نرسد

لِقَائِكَ تَحِيْنِي * وَتُمِيتُنِي عَلَيْهِ وَتَبْعُنِي عَلَيْهِ إِذَا بَعَثْتَنِي * وَأَبْرَأَ

پیش از ملاقاتت * زنده داری و بمیرانم با آن و برانگیزانم بر آن گاهی که مبعوثم کنی * و پاک کن

قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالسَّمْعَةِ * وَالشَّكِّ فِي دِينِكَ * اللَّهُمَّ اعْطِنِي نَصْرًا

دل را از ریا و خود نمائی و شهرت طلبی * و شک در دینت * خدایا به من بده پیروزی

فِي دِينِكَ * وَقُوَّةً فِي عِبَادَتِكَ * وَفَهْمًا فِي خَلْقِكَ * وَكَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ

در دینت * و نیرو در پرستشت * و فهم در آفرینشت * و دو بهره از رحمتت

* وَبَيْضٌ وَجْهِي بِنُورِكَ * وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ * وَتَوَفَّنِي فِي

* و سپید کن رویم را به پرتوت * و قرار ده شوقم را در آنچه نزد توست * و جانم بگیر در

سَبِيلِكَ عَلَىٰ مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ رَسُولِكَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ

راحت * و بر کیشت و کیش رسولت * خدایا من پناه می برم به تو از تنبلی

وَالْهَرَمِ * وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ * وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ * وَالْفِتْرَةِ وَالْمَسْكَنَةِ

و پیری * و ترسوئی و بخل * و غفلت و سخت دلی * و وافتگی و بیچارگی

* وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبَّ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ * وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَجْشَعُ * وَمِنْ

* و پناه برم به تو ای پروردگار از شکمی که سیر نشود * و دلی که بیم نکند * و از

دُعَاءٍ لَا يَسْمَعُ * وَمِنْ صَلَاةٍ لَا تَنْفَعُ * وَأَعِيذُ بِكَ نَفْسِي وَاهْلِي

دعائی که شنوده نگردد * و از نمازی که سود ندهد * و به تو پناه دهم خودم و خاندانم

و ذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ اَحَدٌ * وَلَا

و نژادم را از شیطان رجیم * خدایا حق این است که نگیرم در پناه از تو کسی * و نیامم

اَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِداً * فَلَا تُخَذِّلْنِي وَلَا تُرَدِّدْنِي فِي هَلَاكَةٍ * وَلَا تُرَدِّدْنِي

جز تو وسیله آسایش * و امگذار مرا و بر مگردان به هلاکت * و برمگردان

بِعَذَابٍ * اَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ عَلَى دِينِكَ * وَالتَّصَدِيقَ بِكِتَابِكَ * وَاتِّبَاعَ

به شکنجه * از تو خواهم پایداری بر دینت * و تصدیق به قرآنت * و پیروی

رَسُولِكَ * اَللّٰهُمَّ اذْكُرْنِي بِرَحْمَتِكَ * وَلَا تَذْكُرْنِي بِخَطِيئَتِي * وَتَقَبَّلْ

رسولت * خدایا یاد کن مرا به رحمتت * و یادم مکن به خطایم * و بپذیر

مِنِّي * وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ * اِنِّي اِلَيْكَ رَاغِبٌ * اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ ثَوَابَ

از من * و بیفزایم از فضل خود * زیرا من به تو مشتاقم * خدایا بگردان ثواب

مَنْطِقِي * وَثَوَابَ مَجْلِسِي رِضَاكَ عَنِّي * وَاجْعَلْ عَمَلِي وَدُعَائِي

گفتار * و ثواب مجلس مرا رضایت از من * و بگردان کردار و دعایم را

خَالِصًا لَكَ * وَاجْعَلْ ثَوَابِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ * وَاجْمَعْ لِي جَمِيعَ مَا

خالص برای خود ساز * و ثوابم را بهشت بده از رحمت خود * و جمع کن برایم هر چه

سَأَلْتُكَ * وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ * اِنِّي اِلَيْكَ رَاغِبٌ * اَللّٰهُمَّ غَارَتِ النُّجُومُ

از تو خواستم * و بیفزایم از فضل خود * زیرا به تو مشتاقم * خدایا ستاره‌ها فرو شدند

* وَنَامَتِ الْعُيُونُ * وَانْتَ اَحْيَى الْقِيُومُ * لَا يُوَارِي مِنْكَ لَيْلٌ سَاجٍ *

* و دیده‌ها بخوابند * و توئی زنده و پاینده * نماند از تو شب تار *

وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ اَبْرَاجٍ * وَلَا اَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ * وَلَا بَحْرٌ لَجْجِي * وَلَا

و نه آسمان برج دار * و نه زمین گسترده * و نه دریای ژرف * و نه

ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ * تُدَلِّجُ الرَّحْمَةَ عَلَى مَنْ تَشَاءُ مِنْ خَلْقِكَ

تاریکیهای بر هم * رحمت شبانه فرستی بر هر که خواهی از خلقت

* تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ * اَشْهَدُ بِمَا شَهِدْتَ بِهِ عَلَيَّ

* و میدانی خیانت دیده‌ها را و آنچه نهان کنند سینه‌ها * گواهم بدانچه خودت گواهی

نَفْسِكَ * وَ شَهِدْتَ مَلَائِكَتَكَ وَ أَوْلُوا الْعِلْمَ * لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ

بر خود * و گواهند فرشتگانت و دانشمندان * نیست معبود حقی جز تو عزیز

الْحَكِيمُ * وَ مَنْ لَمْ يَشْهَدْ عَلَى مَا شَهِدْتَ عَلَى نَفْسِكَ * وَ شَهِدْتَ

و حکیم * هر که گواه نشود بر آنچه گواهی بر خودت * و گواهند

مَلَائِكَتَكَ وَ أَوْلُوا الْعِلْمَ * فَكُتِبَ شَهَادَتِي مَكَانَ شَهَادَتِهِ * اللَّهُمَّ

فرشتگانت و دانشمندان * بنویس گواهی مرا به جای گواهی آنان * خدایا

أَنْتَ السَّلَامُ * وَ مِنْكَ السَّلَامُ * أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ * أَنْ

توئی سلام * از توست سلامتی * از تو خواهم ای صاحب جلال و اکرام * که

تَفَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ * مؤلف گوید که: این دعا را شیخ طوسی در مصباح بعد از رکعت چهارم نافله

رها کنی تنم از آتش *

شب ذکر فرموده، و علامه مجلسی روایتی از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرموده: این دعا را در نماز وتر

بخوان. ﴿۲۱﴾ بیست و یکم: روایت شده که این دعای ابوذر است که جبرئیل (علیه السلام) به حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)

عرض کرده که آن معروف است نزد اهل آسمان: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَ الْإِيمَانَ *

خدایا من از تو خواهم امن و ایمان *

وَ التَّصَدِيقَ بِنَبِيِّكَ * وَ الْعَافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ * وَ الشُّكْرَ عَلَى

و تصدیق به پیغمبرت * و عافیت از هر بلاء * و شکر بر

الْعَافِيَةَ * وَ الْغِنَى عَنْ شِرَارِ النَّاسِ ﴿۲۲﴾ بیست و دویم: از ابو حمزه روایت است که گفت:

عافیت * و بی نیازی از اذیت مردم بد *

گرفتم این دعا را از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) و آن حضرت این دعا را جامع می نامید: بِسْمِ اللَّهِ

به نام خدای

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَ حُدَّهُ * لَا شَرِيكَ لَهُ * وَ

بخشاینده مهربان * گواهم که نیست معبود حقی جز خدای * یگانه بی شریک *

وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ * وَ رَسُولُهُ * وَ آمَنْتُ بِاللَّهِ * وَ بِجَمِيعِ رُسُلِهِ

و گواهم که محمد (ص) بنده و رسول اوست * معتقدم به خدا و به همه رسولان

* وَ بِجَمِيعِ مَا أَنْزَلَ بِهِ عَلَى جَمِيعِ الرُّسُلِ * وَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ *

* و به همه آنچه نازل کرده بر همه رسولانش * و به اینکه وعده خدا درست است *

وَلِقَاءَهُ حَقٌّ * وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ بَلَغَ الْمُرْسَلُونَ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

و لقایش حق است * و خدا راست گفته و رسولان رسانیده‌اند * و حمد از آن پروردگار

الْعَالَمِينَ * وَ سُبْحَانَ اللَّهِ كَلِمًا سَبَّحَ اللَّهُ شَيْءٌ * وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ

جهانیان است * منزه است خدا به هر گاه تسبیح کند خدا را چیزی * و چنانچه خواهد خدا

يُسَبِّحَ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَلِمًا حَمِدَ اللَّهُ شَيْءٌ * وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ

تسبیح شود * و حمد از آن خدا است هر آنگاه حمد کند او را چیزی * چنانچه خواهد که

يُحْمَدَ * وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَلِمًا هَلَّلَ اللَّهُ شَيْءٌ * وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يَهْلَلَ

حمد شود * و نیست معبود حقی جز خدا هر آنگاه تهلیل کند خدا را چیزی * و چنانچه دوست دارد که تهلیل شود

* وَ اللَّهُ أَكْبَرُ كَلِمًا كَبَّرَ اللَّهُ شَيْءٌ * وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يَكْبِرَ * اللَّهُمَّ

* و خدا بزرگ‌تر است هر آنگاه بزرگش شمارد چیزی * و چنانچه خواهد که بزرگ یاد شود * خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ مَفَاتِيحَ الْخَيْرِ * وَ خَوَاتِيمَهُ * وَ سَوَابِغَهُ * وَ فَوَائِدَهُ * وَ

من از تو خواهم کلیدهای خیر * و انجامهای آن را و شایانهایش * و فوائد

و بَرَكَاتِهِ * وَ مَا بَلَغَ عِلْمَهُ * وَ عِلْمِي * وَ مَا قَصَرَ عَنْ أَحْصَائِهِ حِفْظِي

و برکاتش * و تا آنجا که دانشم بدان رسد * و تا آنجا که کوتاه باشد از شمردنش حفظ من

* اللَّهُمَّ انْهَجْ لِي أَسْبَابَ مَعْرِفَتِهِ * وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَهُ * وَ غَشِّنِي

* خدایا ردیف کن برایم اسباب معرفت او را * و بگشا برایم درهایش را * و فرا گیرم

بَرَكَاتِ رَحْمَتِكَ * وَ مِنْ عَلَيَّ بِعِصْمَةٍ عَنِ الْإِزَالَةِ عَنِ دِينِكَ * وَ طَهِّرْ

برکت‌های رحمتت * و به من منت نه به نگهداریم از بیرون رفتن از دینت * و پاک کن

قَلْبِي مِنَ الشَّكِّ * وَ لَا تَشْغَلْ قَلْبِي بِدُنْيَايَ * وَ عَاجِلْ مَعَاشِي عَنِ

دلم را از شک * و مشغول مکن دلم را به دنیایم * و زندگی حاضرم از

عَاجِلِ ثَوَابِ آخِرَتِي * وَ اشْغَلْ قَلْبِي بِحِفْظِ مَا لَا تَقْبَلُ مِنِّي جَهْلَهُ *

آینده ثواب آخرتم * و وادار دلم را به حفظ آنچه نپذیری نادانی مرا در آن *

وَ ذَلِّلْ لِكُلِّ خَيْرٍ لِسَانِي * وَ طَهِّرْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ * وَ لَا تَجْرِهِ فِي

و رام کن برایم هر خیر زبانم را * و پاک کن دلم را از خودبینی * و روان مکن آن را

مَفَاصِلِي * وَ اجْعَلْ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ

در مفاصلم * و کردارم را خالص خودت کن * خدایا من به تو پناه برم از شر

وَ أَنْوَاعِ الْفَوَاحِشِ كُلِّهَا * ظَاهِرِهَا وَ بَاطِنِهَا وَ غَفَلَاتِهَا * وَ جَمِيعِ

* و انواع هرزگیها * همه عیان و نهان آن و غفلتهای آن * و هر چه

مَا يُرِيدُنِي بِهِ الشَّيْطَانُ الرَّجِيمُ * وَ مَا يُرِيدُنِي بِهِ السُّلْطَانُ الْعَنِيدُ *

شیطان رجیم مرا بدان جلب کند * و آنچه قصد من دارد بدان سلطان لجباز *

مِمَّا أَحْطَتْ بِعِلْمِهِ * وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى صَرْفِهِ عَنِّي * اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ

از آنچه فراخور دانش توست * تو توانائی به گردانیدنش از من * خدایا من به تو پناه برم

بِكَ مِنْ طَوَارِقِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ * وَ زَوَابِعِهِمْ وَ بَوَائِقِهِمْ وَ مَكَائِدِهِمْ *

از واردین بد جن و انس * و دنبالهای آنها و بد منشی آنها و توطئه های آنها *

وَ مَشَاهِدِ الْفَسَقَةِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ * وَ أَنْ أَسْتَرَلَ عَن دِينِي * فَتَفْسُدَ

و مشاهد فاسقان جن و انس * و از اینکه بلغزم از دینم * و تباه شود

عَلَيَّ آخِرَتِي * وَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ مِنْهُمْ ضَرَرًا عَلَيَّ فِي مَعَاشِي * أَوْ يَعْرِضَ

بر من آخرتم * و اینکه باشد این از آنها زیان بر من در زندگیم * یا رخ دهد

بَلَاءٌ يُصِيبُنِي مِنْهُمْ لَا قُوَّةَ لِي بِهِ * وَ لَا صَبْرَ لِي عَلَى احْتِمَالِهِ * فَلَا

بلائی که برسدم از آنها تابش ندارم * و صبر ندارم آن را تحمل کنم * گرفتار

تَبْتَلِيَنِي يَا إِلَهِي بِمُقَاسَاتِهِ * فَيَمْنَعُنِي ذَلِكَ عَن ذِكْرِكَ * وَيَشْغَلُنِي

مکن مرا معبودم به رنج آن * تا جلوگیری شود از ذکرت * و بازم دارد

عَن عِبَادَتِكَ * أَنْتَ الْعَاصِمُ الْمَانِعُ الدَّافِعُ الْوَاقِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ *

از عبادتت * توئی نگهدار جلوگیری دفع کن حفظ کن از همه اینها *

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الرَّفَاهِيَةَ فِي مَعِيشَتِي مَا أَبْقَيْتَنِي * مَعِيشَةً أَقْوَى بِهَا

از تو خواهم خدایا رفاه در معاش من تا زندهام داری * معاشی که بدان نیرومند شوم

عَلَى طَاعَتِكَ * وَ أَبْلُغُ بِهَا رِضْوَانَكَ * وَ أَصِيرُ بِهَا إِلَى دَارِ الْمَحْيَوَانِ

بر طاعتت * و برسم بدان به رضوانت * و بروم به سوی خانه زندگی ابد

غَدًا * وَ لَا تَرْزُقْنِي رِزْقًا يُطْغِيَنِي * وَ لَا تَبْتَلِيَنِي بِفَقْرٍ أَشْقَى بِهِ مُضِيْقًا

فردا * و به من مده روزی سرکشی آور * و گرفتار فقری نسازم که بدبختی و تنگی

عَلَيَّ * أَعْطِنِي حَظًّا وَافِرًا فِي آخِرَتِي * وَ مَعَاشًا وَاسِعًا هَنِيئًا مَرِيدًا

کشم * به من بده بهره وافر در آخرتم * و معاشی فراوان و گوارا و خوشمزه

فِي دُنْيَايَ * وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا * وَلَا تَجْعَلْ فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُرْنًا

در دنیایم * و دنیای را زندان من مساز * و جدائیش را به من اندوه نکن

* أَجْرَنِي مِنْ فِتْنَتِهَا * وَ اجْعَلْ عَمَلِي فِيهَا مَقْبُولًا * وَ سَعْيِي فِيهَا

* پناهم ده از فتنه‌اش * و عملم را در آن بپذیر * و کوششم را در آن

مَشْكُورًا * اَللّٰهُمَّ * وَ مَنْ ارَادَنِيْ بِسُوْءٍ فَاَرِدْهُ بِمِثْلِهِ * وَ مَنْ كَادَنِيْ فِيهَا

قدر دانی کن * خدایا هر که بدم خواهد بدش خواه به مانند آن * و هر که دامم نهد در آن

فَكِدْهُ * وَ اصْرَفْ عَنِّيْ هَمَّ مَنْ اَدْخَلَ عَلَيَّ هَمَّهُ * وَ اَمْكُرْ بِمَنْ

دامش نه * و بگردان از من هم کسی همش در دلم انداخته * و مکر کن با هر که

مَكْرَبِيْ * فَاِنَّكَ خَيْرُ الْمَاكِرِيْنَ * وَ اَفْقَا عَنِّيْ عُيُوْنَ الْكُفْرَةِ الظُّلْمَةِ *

مکرم کند * زیرا تو بهتر مکرکنانی * بکن از من دیده کافران و ظالمان *

وَ الطُّغَاةِ الْمُحْسَدَةِ * اَللّٰهُمَّ * وَ اَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْكَ السَّكِيْنَةَ * وَ الْبَسْنِي

و سرکشان حسود را * خدایا به من نازل کن از خود آرامش * و به برم کن

دِرْعَكَ الْمُحْصِيْنَةَ * وَ احْفَظْنِيْ بِسِرِّكَ الْوَاقِي * وَ جَلِّلْنِيْ عَافِيَتِكَ

زره محکمت را * و حفظم کن به سرّ نگهدارت * و فرا گیرم به عافیت

النَّافِعَةِ * وَ صَدِّقْ قَوْلِيْ وَ فِعَالِي * وَ بَارِكْ لِيْ فِيْ وُلْدِيْ وَ اَهْلِيْ وَ مَالِي *

سودمندت * و راستی گفتار و کردارم * و برکت ده به من در فرزند و خاندانم و مالم *

اَللّٰهُمَّ مَا قَدَّمْتُ وَ مَا اَخَّرْتُ * وَ مَا اَغْفَلْتُ وَ مَا تَعَمَّدْتُ وَ مَا

خدایا آنچه پیش داشتم و آنچه دنبال آوردم * و آنچه غفلت کردم و آنچه تعمد کردم و آنچه

تَوَانَيْتُ * وَ مَا اَعْلَنْتُ وَ مَا اَسْرَرْتُ * فَاغْفِرْهُ لِيْ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

سستی کردم * و آنچه آشکار کردم و آنچه نهان کردم * بیامرز برایم ای مهربانترین مهربانان

۲۳ بیست و سیّم: از محمّد بن مسلم روایت است که حضرت امام محمّد باقر(علیه السلام) فرمود بخوان: اَللّٰهُمَّ

خدایا

* اَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِيْ * وَ اَمُدِّدْ لِيْ فِي عُمُرِيْ * وَ اغْفِرْ لِيْ ذَنْبِيْ * وَ اجْعَلْنِي

و سعتم ده در روزیم * و دراز کن عمرم * و بیامرز به من گناهیم * و بگردانم

مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِيْنِكَ * وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِيْ غَيْرِيْ ۲۴ بیست و چهارم: روایت

از آنها که یاری کنی بدانها دینت را * و کسی را به جایم مگیر *

شده که حضرت صادق (علیه السلام) این دعا را می خواندند: **يَا مَنْ يَشْكُرُ الْيَسِيرَ * وَيَعْفُو عَنِ**

ای که قدر دانی اندک را * و بگذری از

الْكَثِيرِ * وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ * اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي ذَهَبَتْ لَذَّتْهَا

بسیار * و او آمرزنده و مهربان است * بیامرز برایم گناهی که لذتش رفته

*** وَبَقِيَتْ تَبَعْتَهَا ۲۵** بیست و پنجم: و نیز روایت شده که آن حضرت این دعا را می خواندند: **يَا**

* و مسئولیتش مانده * ای

نُورِ يَا قُدُوسُ * يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ * وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ * يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ

نور ای قدوس * ای سرآغاز * و ای پایان هر آخری * ای بخشاینده مهربان

*** اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُحِلُّ النَّقْمَ**

* بیامرز گناهم را که نعمت را برگردانند * ببخش گناهم را که عذاب آرند

*** وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ**

* و ببخش مرا گناهی را که پرده بردند * و ببخش گناهم را که بلا نازل

الْبَلَاءَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

کنند * و ببخش مرا گناهی که چیره کند دشمنان را * و ببخش مرا گناهی که

تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ * وَ اغْفِرْ لِي

شتاب کند در فناء من * و ببخش مرا گناهی که ببرند امید را * و ببخش مرا

الذُّنُوبَ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغَطَاءَ

گناهی که تاریک کند هوا را * و ببخش مرا گناهی که برگیرند پرده را

*** وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُرَدُّ الدُّعَاءَ * وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي**

* و ببخش مرا گناهی که بازگرداند دعا را * و ببخش مرا گناهی که

تُرَدُّ غَيْثَ السَّمَاءِ ۲۶ بیست و ششم: و نیز این دعا از آن حضرت منقول است: **يَا عِدَّتِي فِي**

جلو گیرد از باران آسمان * ای ذخیره من

كُرْبَتِي * وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي * وَيَا وَلِيَّيْ فِي نِعْمَتِي * وَيَا غِيَاثِي

در گرفتاری * و ای یار من در سختی * و ای سرپرست من در نعمتم * و ای دادرس

فِي رَغْبَتِي ۲۷ فرموده: و این دعا، دعای امیرالمؤمنین (علیه السلام) است: **اللَّهُمَّ كَتَبْتَ الْأَثَارَ**

من در اشتیاقم * بار خدایا نوشتی آثار را *

وَعَلِمْتَ الْأَخْبَارَ * وَاطَّلَعْتَ عَلَى الْأَسْرَارِ * فَحَلَّتْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ

و دانستی اخبار را * و مطلع شدی بر اسرار * و پرده شدی میان ما

الْقُلُوبِ * فَالْسِّرُّ عِنْدَكَ عَلَانِيَةٌ * وَالْقُلُوبُ إِلَيْكَ مَفْضَاةٌ * وَإِنَّمَا

و دلها * هر نهانی نزد تو عیان است * و دلها به سوی تو سر به آستانند * و همان که

أَمْرُكَ لَشَيْءٍ إِذَا أَرَدْتَهُ * أَنْ تَقُولَ لَهُ * كُنْ فَيَكُونُ * فَقُلْ بِرَحْمَتِكَ

فرماندهی چیزی را که خواهی و بفرمائی باش می‌باشد * از رحمت طاعت خود

لِطَاعَتِكَ أَنْ تَدْخُلَ فِي كُلِّ عَضْوٍ مِنْ أَعْضَائِي * وَلَا تَفَارِقْنِي حَتَّى الْقَاكَ

را بگو که در هر عضو من درآید از اعضايم * و از من جدا نشود تا اینکه تو را ملاقات کنم

* وَقُلْ بِرَحْمَتِكَ لِمَعْصِيَتِكَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ كُلِّ عَضْوٍ مِنْ أَعْضَائِي * فَلَا

* و بگو به رحمت برای معصیت بر تو در بر آید از هر عضو از اعضايم * و به من

تُقَرِّبْنِي (تَقَرَّبْنِي) حَتَّى الْقَاكَ * وَارْزُقْنِي مِنَ الدُّنْيَا * وَزَهِّدْنِي فِيهَا * وَلَا

نزدیک نشود تا تو را ملاقات کنم * و روزیم ده از دنیا * و بی‌رغبتم کن بدان * و او

تَزُوها عَنِّي وَرَغْبَتِي فِيهَا يَا رَحْمَنُ ﴿٢٧﴾ بیست و هفتم: علی بن ابراهیم از پدرش از ابن

را از من روگردان مکن ای بخشاینده *

محبوب از علاء بن رزین از عبدالرحمن بن سیبانه روایت کرده که گفت: عطا کرد حضرت صادق (علیه السلام) به من این

دعاء: الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلِيَّ الْحَمْدِ وَ أَهْلِهِ * وَ مِنْتَهَاةً وَ مَحَلَّهُ * أَخْلَصَ مَنْ

ستایش از آن خداست که ولی ستایش است و اهل آن * و نهایت آن است و محلش * مخلص است آنکه

وَ حَدَّهُ * وَ أَهْتَدَى مِنْ عَبْدِهِ * وَ فَازَ مَنْ أَطَاعَهُ * وَ أَمِنَ الْمُعْتَصِمُ

یگانه‌اش دانست * و رهجو است آنکه او را پرستید * کامروا است آنکه فرمانش برده * و آسوده است هر که به او

بِهِ * اللَّهُمَّ يَا ذَا الْجُودِ وَ الْمَجْدِ * وَ الشَّانِ الْجَمِيلِ وَ الْحَمْدِ * أَسْأَلُكَ

چسبید * خدایا ای صاحب جود و بزرگواری * و ستایش نیک و ستایش * از تو خواهم

مَسْئَلَةً مِنْ خَضَعٍ لَكَ بِرَقَبَتِهِ * وَ رَغَمَ لَكَ أَنْفَهُ * وَ عَفَرَ لَكَ وَجْهَهُ * وَ

خواهش کسی که خاضع توست و سراپا * و به خاک نهد برایت بینی خود را * و چهره هم به خاک نهد

* وَ ذَلَّلَ لَكَ نَفْسَهُ * وَ فَاضَتْ مِنْ (عَنْ) خَوْفِكَ دُمُوعَهُ * وَ تَرَدَّدَتْ

* و خوار کند برایت خود را * و اشک ریزد از ترس تو * و اشکش بر گونه‌اش

عَبْرَتُهُ * وَ اعْتَرَفَ لَكَ بِذُنُوبِهِ * وَ فَضَحْتَهُ عِنْدَكَ خَطِيئَتَهُ * وَ

بگردد * و اعتراف دارد برایت به گناهانش * و رسوایش کرده پیش تو خطایش *

وَ شَانَتْهُ عِنْدَكَ جَرِيرَتُهُ * وَ فَضَعَتْ عِنْدَ ذَلِكَ قُوَّتَهُ * وَ قَلَّتْ

و بد نمایش کرده نزد تو جرمش * و از این رو توانش سست شده * و بیچاره

حِيلَتُهُ * وَ انْقَطَعَتْ عَنْهُ اسْبَابُ خَدَائِعِهِ * وَ اضْمَحَلَّ عَنْهُ كُلُّ

شده * و بریده گشته از او اسباب نیرنگش * و از دست داده هر باطلی

بَاطِلٍ * وَ الْجَاثَةُ ذُنُوبُهُ * وَ اِلَى ذَلِّ مَقَامِهِ بَيْنَ يَدَيْكَ * وَ خُضُوعِهِ لَدَيْكَ

را * و رانده است او را گناهانش به موقوف ذیلانہ در برابرت * و فروتنی در حضرتت

وَ ابْتِهَالِهِ إِلَيْكَ * أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ سُؤَالَ مَنْ هُوَ بِمَنْزِلَتِهِ * أَرْغَبُ

* و زاری به درگاهت * از تو خواهم خدایا خواهش کسی که به مانند اوست * و رغبت

إِلَيْكَ كَرَغْبَتِهِ * وَ اتَضَرَّعُ إِلَيْكَ كَتَضَرَّعِهِ * وَ ابْتَهَلُ إِلَيْكَ كَأَشَدِّ

مانند او را به تو دارم * و بنالم به درگاهت چون ناله او * و زاری کنم به درگاهت چون

ابْتِهَالِهِ * اللَّهُمَّ فَارْحَمِ اسْتِكَانَةَ مَنْطِقِي * وَ ذُلَّ مَقَامِي وَ مَجْلِسِي *

سوزتر زاری او را * خدایا پس رحم کن به بیچارگی گفتارم * و ذل مقامم و مجلسم *

وَ خُضُوعِي إِلَيْكَ بِرَقَبَتِي * أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الْهُدَى مِنَ الضَّلَالَةِ *

و خضوعم به درگاهت سراپا * از تو خواهم خدایا رهبری از ضلالت *

وَ الْبَصِيرَةَ مِنَ الْعَمَى * وَ الرَّشِدَ مِنَ الْغَوَايَةِ * وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَكْثَرَ

و بینائی از کوری * و رشد از گمراهی * و از تو خواهم خدایا ستایش

الْحَمْدَ عِنْدَ الرَّخَاءِ * وَ أَجْمَلَ الصَّبْرِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ * وَ أَفْضَلَ الشُّكْرِ

بیشتر در خوشی حال * و صبر بهتر در وقت مصیبت * و شکر برتر

عِنْدَ مَوْضِعِ الشُّكْرِ * وَ التَّسْلِيمَ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ * وَ أَسْأَلُكَ الْقُوَّةَ فِي

هنگام شکر * و تسلیم نزد شبهات * و از تو خواهم نیرو در

طَاعَتِكَ * وَ الضَّعْفَ عَنِ مَعْصِيَتِكَ * وَ الْهَرَبَ إِلَيْكَ مِنْكَ * وَ التَّقَرُّبَ

طاعت تو * و سستی از نافرمانیت * و گریز به درگاهت از خودت * و تقرب

إِلَيْكَ * رَبِّ لِتَرْضَى * وَ التَّحَرِّيَ لِكُلِّ مَا يَرْضِيكَ عَنِّي فِي إِسْخَاطِ

به حضرتت * پروردگارا تا راضی شوی * و جستجوی از هر چه راضیت کند از من گو به خشم

خَلَقَكَ * التَّمَاسَا لِرِضَاكَ * رَبِّ * مَنْ أَرْجُوهُ إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي * أَوْ مَنْ

مردم باشد * به التماس رضای تو * پروردگارا به که امید برم اگر توام رحم نکنی * یا که

يَعُودُ عَلَيَّ إِنْ أَقْصَيْتَنِي * أَوْ مَنْ يَنْفَعُنِي عَفْوُهُ إِنْ عَاقَبْتَنِي * أَوْ مَنْ

از من احوال گیرد اگر توام دور کنی * یا که سود دهمد گذشتش اگر تو کیفرم کنی * و به عطایای

أَمْ لِعَطَايَاهُ إِنْ حَرَمْتَنِي * أَوْ مَنْ يَمْلِكُ كِرَامَتِي إِنْ أَهَنْتَنِي * أَوْ مَنْ

که آرزو برم اگر تو محرومم کنی * یا که تواند گرامیم کند اگر تو خوارم کنی * یا خواری که

يَضُرُّنِي هَوَانُهُ إِنْ أَكْرَمْتَنِي * رَبِّ * مَا أَسْوَأَ فِعْلِي * وَ أَقْبَحَ عَمَلِي *

زیانم رساند اگر گرامیم داری * پروردگارا چه بد است کار * و کردارم *

وَ أَقْسَى قَلْبِي وَ أَطْوَلَ أَمَلِي * وَ أَقْصَرَ أَجَلِي * وَ أَجْرَانِي عَلَى عِصْيَانِ

و سخت است دلم و دراز است آرزویم * و کوتاه است عمرم * و دلیرم کرد بر معصیت

مَنْ خَلَقَنِي * رَبِّ * وَ مَا أَحْسَنَ بَلَاءَكَ عِنْدِي * وَ أَظْهَرَ نِعْمَاءَكَ عَلَيَّ *

آنکه آفرید مرا * پروردگارا چه خوش است بلایت نزد من * و پدید است نعمتهایت بر من *

كَثُرَتْ عَلَيَّ مِنْكَ النِّعْمُ فَمَا أَحْصِيهَا * وَقَلَّ مِنِّي الشُّكْرُ فِيمَا أَوْلَيْتَنِيهِ

بسیار است بر من از تو نعمت که نتوانم شمرد * و کم است از من شکر آنچه دادی

* فَبَطَرْتُ بِالنِّعْمِ * وَ تَعَرَّضْتُ لِلنِّقَمِ * وَ سَهَوْتُ عَنِ الذِّكْرِ * وَ رَكِبْتُ

* تا سر مست نعمتها شوم * و به نعمت آویختم * و از یاد تو غفلت کردم * و به مرکب

الْجَهْلِ بَعْدَ الْعِلْمِ * وَ جُرْتُ مِنَ الْعَدْلِ إِلَى الظُّلْمِ * وَ جَاوَزْتُ الْبِرَّ إِلَى

نادانی برآمدم دانسته * و منحرف شدم از عدالت به ستم * و درگذشتم از نیکوکاری به

الْإِثْمِ * وَ صِرْتُ إِلَى اللَّهِ مِنْ الْخَوْفِ وَ الْحُزْنِ * فَمَا أَصْغَرَ حَسَنَاتِي

کینه ورزی * و گردیدم به سوی بازگیری از ترس و اندوه * چه کوچک است حسناتم

* وَ أَقَلَّهَا فِي كَثْرَةِ ذُنُوبِي * وَ أَعْظَمَهَا عَلَيَّ قَدْرَ صِغَرِ خَلْقِي وَ ضَعْفِ

* و کم در برابر کثرت گناهانم * و بزرگی آنها با این خردی خلقم و این سستی

رُكْنِي * رَبِّ * وَ مَا أَطْوَلَ أَمَلِي فِي قِصْرِ أَجَلِي * وَ أَقْصَرَ أَجَلِي فِي بَعْدِ أَمَلِي

بنیادم * پروردگارا چه دراز است آرزویم نسبت به عمر کوتاهم * و کوتاه است عمرم در برابر آرزویم

* وَ مَا أَقْبَحَ سَرِيرَتِي فِي عَلَانِيَتِي * رَبِّ * لَا حُجَّةَ لِي إِنْ احْتَجَجْتُ *

* چه زشت است نهادم در برابر ظاهرم * پروردگارا حجتی ندارم اگر حجت خواهم *

وَلَا عُدْرَ لِي إِنْ اِعْتَذَرْتُ * وَلَا شُكْرَ عِنْدِي إِنْ اِبْتَلَيْتُ (أَبْلَيْتُ)

و عذر مسموعی ندارم اگر عذر جویم * و شکر نگذارم اگر بلا بینم یا عطا

وَأُولَيْتُ * إِنْ لَمْ تُعْنِي عَلَى شُكْرٍ مَا أَوْلَيْتُ * رَبِّي مَا أَخَفَّ مِيزَانِي

گیرم * اگر توجه نکنم بر شکر آنچه عطایم کند * پروردگارم چه سبک است میزانم

غَدَا إِنْ لَمْ تُرَجِّحْهُ * وَ أَزَلَّ لِسَانِي إِنْ لَمْ تُثَبِّتْهُ * وَ أَسْوَدَ وَجْهِي إِنْ

فردای قیامت اگر سنگینش نکنی * و چه لغزان است زبانم اگر پابرجایش نداری * و سیاه است رویم اگر

لَمْ تُبَيِّضْهُ * رَبِّ كَيْفَ لِي بِذُنُوبِي الَّتِي سَلَفَتْ مِنِّي * قَدْ هَدَّتْ لَهَا

سفیدش نکنی * پروردگارا چه کنم با گناهای که پیش کردم * و خرد شده زیر آن

أَرْكَانِي * رَبِّ كَيْفَ أَطْلُبُ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا * وَ أَبْكِي عَلَى خِيْبَتِي فِيهَا

بنیادم * پروردگارا چطور دنبال شهوات دنیا می‌روم * و بر نومیدی از آنها می‌گیرم

وَلَا أَبْكِي وَ تَشْتَدُّ حَسْرَاتِي عَلَى عِصْيَانِي وَ تَفْرِيطِي * رَبِّ دَعْتَنِي

* و نمی‌گیرم و حسرت نمی‌خورم بر گناهام و تقصیرم * پروردگارا دعوتم

دَوَاعِي الدُّنْيَا فَاجَبْتَهَا سَرِيعًا * وَ رَكَنتُ إِلَيْهَا طَائِعًا * وَ دَعْتَنِي

کردند داعیان دنیا و زود اجابت کردم * و بدان اعتماد کردم به طوع * و دعوتم کردند

دَوَاعِي الْآخِرَةِ فَتَشَبَّطْتُ عَنْهَا * وَ أَبْطَأْتُ فِي الْإِجَابَةِ وَ الْمُسَارَعَةِ

داعیان آخرت و وارفتم * و نسبت به آنها کندی کردم و شتابی نداشتم

إِلَيْهَا * كَمَا سَارَعْتُ إِلَى دَوَاعِي الدُّنْيَا * وَ حُطَّامِهَا الْهَامِدِ

بدانها * چنانچه شتاب داشتم برای داعیان دنیا * و کالای پوسیده‌اش

وَ هَشِيمِهَا الْبَائِدِ * وَ سَرَابِهَا الذَّاهِبِ * رَبِّ خَوَّفْتَنِي وَ شَوَّقْتَنِي

و نشخوار نابود * و سراب بی حقیقتش * پروردگارا بیم دادی و تشویقم کردی

وَ اِحْتَجَجْتَ عَلَيَّ بِرِقِي * وَ تَكَفَّلْتَ لِي بِرِزْقِي * فَاَمَنْتُ خَوْفَكَ

و حجت آوردی که بنده‌ام * و کفیل رزقم شدی * تا آسوده شوم از ترس

وَ تَشَبَّطْتُ عَنْ تَشْوِيقِكَ * وَ لَمْ أَتَّكِلْ عَلَى ضَمَانِكَ * وَ تَهَاوَنْتُ

و وارفتم از تشویقت * و اعتماد نکردم بر ضمانتت * و سست شمردم

بِاحْتِجَاجِكَ * اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ أَمْنِي مِنكَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا خَوْفًا * وَ حَوْلَ

دلالت * خدایا بگردان آسودگیم را از تو در این دنیا ترس از خود * و بدل کن

تَشْبُطِي شَوْقًا * وَ تَهَاوِنِي بِحُجَّتِكَ فَرَقًا مِّنْكَ * ثُمَّ رَضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ

وارفتگیم را به شوق * و سست گرفتن دلیلت را هراس از تو * و سپس راضیم دار بدانچه

لِي مِنْ رِزْقِكَ يَا كَرِيمٌ * أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ * رِضَاكَ عِنْدَ

بهرام کردی از روزیت ای کریم * از تو خواهم به نام بزرگت * رضای تو را موقع

السُّخْطَةِ * وَالْفُرْجَةَ عِنْدَ الْكُرْبَةِ * وَالنُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ * وَالْبَصِيرَةَ

خشم * و گشایش در گرفتاری * و روشنی در موقع تاریکی * و بینائی

عِنْدَ تَشْبِهِهِ (تَشْبِيهِهِ) الْفِتْنَةِ * رَبِّ اجْعَلْ جُنَّتِي مِنْ خَطَايَايَ حَصِينَةً *

در موقع اشتباه و فتنه * پروردگارا مقرر کن سپر مرا از خطاهایم محکم *

وَ دَرَجَاتِي فِي الْجَنَانِ رَفِيعَةً * وَ أَعْمَالِي كُلَّهَا مُتَقَبَّلَةً * وَ حَسَنَاتِي

و درجاتم را در بهشت بلند * و کردارم همه را پذیرفته * و حسناتم را

مُضَاعَفَةً زَاكِيَةً * أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتَنِ كُلِّهَا * مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ

دو چندان و پاک * پناه برم به تو از همه فتنه‌ها * آنچه عیان است و آنچه نهان است

* وَ مِنْ رَفِيعِ الْمَطْعَمِ وَ الْمَشْرَبِ * وَ مِنْ شَرِّ مَا أَعْلَمُ وَ مِنْ شَرِّ مَا لَا

* و از خوراک فوق‌العاده و نوشیدن آن * و از شر آنچه دانم و از شر آنچه

أَعْلَمُ * وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَشْتَرِيَ الْجَهْلَ بِالْعِلْمِ * وَ الْجُفَا بِالْحِلْمِ *

ندانم * و پناه برم به تو از اینکه بخرم نادانی را به دانش * و جفا به بردباری *

وَ الْجُبُورَ بِالْعَدْلِ * وَ الْقَطِيعَةَ بِالْبِرِّ * وَ الْجُزْعَ بِالصَّبْرِ * أَوْ الْهُدَى

و ستم را به عدالت * و قطع رحم را به خوش رفتاری * و بیتابی را بر شکیبائی * و هدایت را

بِالضَّلَالَةِ * أَوْ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ * مؤلف گوید که: این دعاء مشتمل است بر مضامین عالیه.

به گمراهی * و کفر را به ایمان *

و عبد الرحمن بن سیّابه همان کس است که حضرت صادق (علیه السلام) او را وصیّت نافعه فرموده که شایسته است

نقلش در اینجا. و آن چنان است که عبد الرحمن نقل کرده که: چون پدرم سیابه وفات کرد مردی از دوستان او

آمد در منزل ما را کوبید من به سوی او رفتم مرا تعزیت گفت، پس پرسید که پدرت چیزی گذاشته برای شما؟

گفتم: نه، پس کیسه‌ای که هزار درهم داشت به من داد و گفت: این را نیکو محافظت کن و از کسب آن معاش کن.

من خوشحال شدم و به نزد مادرم رفتم و او را به این خبر دادم، پس در آخر آن روز رفتم به نزدیکی از اصدقاء

پدرم که برای من کسی مهیّا کند، او برای من سرمایه از جامه‌های سابری خرید. پس در دکانی نشستیم و

مشغول کسب شدم پس حق تعالی از آن کسب مرا خیر بسیاری روزی فرمود، پس وقت حج رسید در دلم افتاد که به حج روم، به نزد مادرم رفتم و گفتم: می خواهم به حج روم، مادرم گفت که: هزار درهم پول آن مرد را بده، عبدالرحمن گفت: پول آن مرد را تهیه کردم و بُردم به او دادم او خوشحال شد مثل آنکه آن پول را به او بخشیدم، پس گفت: شاید این پول کم بوده تورا اگر می خواهی بیشتر بدهم به تو، گفتم: نه در دلم افتاده که به حج مشرف شوم و خواستم که پول شما را به خودت رد کنم. پس به مکه رفتم و اعمال حج را به جا آوردم و برگشتم به مدینه و با جمعی از مردم به خدمت حضرت صادق (علیه السلام) مشرف شدم و در آن اوقات حضرت اذن عام می داد، پس من نشستم در آخر جمعیت مردم و من در آن وقت جوان بودم پس مردم شروع کردند در سؤال کردن از آن حضرت و آن جناب جواب آنها را می داد و می رفتند تا آنکه جمعیت کم شد. حضرت به سوی من اشاره کرد، من نزدیک آن جناب شدم، فرمود: آیا حاجتی داری؟ گفتم: فدایت شوم من عبدالرحمن پسر سیاه هستم، احوال پدرم را پرسید، گفتم: پدرم وفات کرد. فتَوَجَّعَ وَ تَرَحَّمَ یعنی حضرت محزون و غمگین شد و گویا دردی او را عارض شد و فرمود: خدا او را رحمت کند، پس پرسید که: ترکه گذاشت؟ گفتم: نه، فرمود: پس از کجا توانستی به حج بیائی؟ پس شروع کردم به قصه آن مردی که آمد و هزار درهم به من داد، عبدالرحمن گفت که حضرت فرصت نداد تا من قصه ام را تمام کنم که به من فرمود: تو آمدی حج، هزار درهم آن مرد را چه کردی؟! گفتم: رد کردم آن را به صاحبش، فرمود: أَحْسَنْتَ، پس فرمود: آیا وصیّتی نکنم تورا؟ گفتم: چرا بفرمائید، فرمود: ملازمت کن به راستی در گفتار و اداء امانت تا شریک شوی مردم را در اموال ایشان، همچنین و جمع فرمود ما بین دو انگشت خود یعنی اگر قولت درست شد و دروغ نگفتی و خلاف وعده نکردی و سر موعد که طلبکار را وعده کرده بودی مال را ردّ کردی و مال مردم را نخوردی از مردم هر چه بخواهی بگیری به تو می دهند پس تو شریک مردم می شوی در مال ایشان به واسطه امانت و صداقت که در تو هست. عبدالرحمن گفت: من این وصیّت را از آن حضرت حفظ کردم، یعنی رفتار به آن نمودم و چندان مال پیدا کردم که زکات دادم سیصد هزار درهم را، و در روایت دیگر وارد شده که این دعای حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) است و در آخرش این زیادت است **ءَامِیْنَ رَبَّ الْعَالَمِیْنَ** ۲۸ بیست و هشتم: از ابن محبوب روایت شده که حضرت صادق (علیه السلام) این دعا را تعلیم شخصی فرمود که بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي لَا تَنَالُ مِنْكَ إِلَّا بِرِضَاكَ * وَالْخُرُوجِ

خدایا من از تو خواهم بدان رحمت تو که بدان نرسند جز به رضای تو * و بیرون شدن

مِنْ جَمِيعِ مَعَاصِيكَ * وَالْدُّخُولِ فِي كُلِّ مَا يُرِضِيكَ * وَالنَّجَاةِ مِنْ كُلِّ

از همه معاصی تو * و دخول در هر چه رضای توست * و نجات از هر

وَرَطَّةٌ * وَ الْمَخْرَجِ مِنْ كُلِّ كَبِيرَةٍ آتَى بِهَا مِنْنِي عَمْدٌ * أَوْزَلَّ بِهَا مِنْنِي خَطَا

پرتگاه * و برایش از هر گناه بزرگ که عمدا از من صادر شده * یا لغزیدم بدان از خطا

* أَوْ خَطَرَ بِهَا عَلَيَّ خَطَرَاتُ الشَّيْطَانِ * أَسْأَلُكَ خَوْفًا تَوْقِفُنِي بِهِ

* یا به خاطرم آورده است آن را وسوسه‌های شیطان * از تو خواهم بیمی که مرا وا دارد

عَلَى حُدُودِ رِضَاكَ * وَ تَشَعَّبَ بِهِ عَنِّي كُلُّ شَهْوَةٍ خَطَرَ بِهَا هَوَايَ *

بر مرزهای رضای تو * و بپرازد از من هر خواهش نفسی را که به خاطرم آرد هوس من *

وَ اسْتَزَلَّ بِهَا رَأْيِي لِيُجَاوِزَ حَدَّ حَلَالِكَ * أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الْأَخْذَ بِأَحْسَنِ

و خردم بلغزاند و وری حلالیت کشاندم * از تو خواهم خدایا ماخوادم داری بهترین

مَا تَعَلَّمُ * وَ تَرَكْتُ سَيِّئًا كُلَّ مَا تَعَلَّمُ * أَوْ أَخْطَى مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ *

چیزی که دانی * و صرف نظر کنی بدیهای آنچه می‌دانی * یا خطائی که دانسته

أَوْ مِنْ حَيْثُ أَعْلَمُ * أَسْأَلُكَ السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ * وَ الزُّهْدَ فِي الْكِفَافِ

یا ندانسته کرده‌ام * از تو خواهم وسعت در روزی * و زهد با کفایت معاش

* وَ الْمَخْرَجَ بِالْبَيَانِ مِنْ كُلِّ شُبْهَةٍ * وَ الصَّوَابَ فِي كُلِّ حُجَّةٍ * وَ الصَّدَقَ

* و خروج به وسیله روشن شدن موضوع از هر شبهه * و درستی در هر دلیل * و راستی

فِي جَمِيعِ الْمَوَاطِنِ * وَ انْصَافَ النَّاسِ مِنْ نَفْسِي فِيمَا عَلَيَّ وَ لِي

در همه جا * و انصاف با مردم از طرف خودم در سود و زیان

* وَ التَّدْلِيلَ فِي اعْطَاءِ النِّصْفِ مِنْ جَمِيعِ مَوَاطِنِ السَّخَطِ وَ الرِّضَا

* و رام بودن در انصاف دادن در همه موارد خشم و خوشنودی *

وَ تَرَكْتُ قَلِيلَ الْبَغْيِ * وَ كَثِيرَةَ فِي الْقَوْلِ مِنْنِي وَ الْفِعْلِ * وَ تَمَامَ نِعْمِكَ فِي

و ترک کم و بیش ستم * در گفتار و کردار * و تمام بودن نعمت تو

جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ * وَ الشُّكْرَ لَكَ عَلَيْهَا لِكَيْ تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا

در همه چیز * و شکر تو بر همه آنها تا راضی باشی و فوق رضا *

وَ أَسْأَلُكَ الْخَيْرَ فِي كُلِّ مَا يَكُونُ فِيهِ الْخَيْرُ * بِمَيْسُورِ الْأُمُورِ كُلِّهَا لَا

و از تو خواهم خیر در هر چه در آن خیر می‌باشد * در کارهای آسان و

بِمَعْسُورِهَا * يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ * وَ افْتَحْ لِي بَابَ الْأَمْرِ الَّذِي فِيهِ

نه دشوار * ای کریم ای کریم ای کریم * بگشا برایم پروردگارا باب هر کاری که در آن

الْعَافِيَةُ وَالْفَرْجُ * وَافْتَحْ لِي بَابَهُ * وَيَسِّرْ لِي مَخْرَجَهُ * وَ مِنْ قَدَرْتِ

عافیت است و فرج * و بگشا بابش را برابیم * و آسان کن برابیم خروج از آن * و به وسیله

لَهُ * عَلَيَّ مَقْدَرَةٌ مِنْ خَلْقِكَ * فَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرَهُ * وَ لِسَانَهُ

هر کدام خلقت که برابیم تقدیر به وی شده * ببند از من گوش و چشم * و زبان و

وَيْدِهِ * وَ خُذْهُ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ يَسَارِهِ * وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ مِنْ قَدَامِهِ *

دستش را * و بگیرش از راست و چپش * و از دنبال و از برابرش *

وَ اَمْنَعُهُ اَنْ يَصِلَ اِلَى سَوْءٍ عَزَّ جَارُكَ * وَ جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ * وَ لَا اِلَهَ

و بازش دار از اینکه بدی به من رساند عزیز است پناهندهات * والا است ستایش جلوهات * نیست معبود

غَيْرِكَ * اَنْتَ رَبِّي وَ اَنَا عَبْدُكَ * اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ كَرْبَةٍ *

حقّی جز تو * توئی پروردگار من و منم بنده تو * خدایا تو امید منی در هر گرفتاری *

وَ اَنْتَ ثِقَّتِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ * وَ اَنْتَ لِي فِي كُلِّ اَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَ عِدَّةٌ * فَكَمْ

و تو پشت منی در هر سختی * و تو برابیم در هر حادثه که بر من آید پشتی و ذخیره‌ای * چه

مَنْ كَرَّبَ يَضْعَفُ عَنْهُ الْفُؤَادُ * وَ تَقَلُّ فِيهِ الْحَيْلَةُ * وَ يَشْمَتُ بِهِ

گرفتاری که ناتوان بود از آن دل * و کمیاب بود در آن چاره * و شماتت می‌نمود

الْعَدُوُّ * وَ تَعْبِي (تُعِينِي) فِيهِ الْاُمُورُ * اَنْزَلْتَهُ وَ بَكَ * وَ شَكْوَتُهُ اِلَيْكَ *

بر آن دشمن * و درمانده بود از آن وسائل * به تو حواله کردم * و از آن به تو شکایت کردم *

رَاغِبًا اِلَيْكَ فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ * قَدْ فَرَجْتَهُ وَ كَفَيْتَهُ * فَ اَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ

رو به تو نمودم درباره آن نه به دیگران * تواس برطرف کردی و کفایت نمودی * تو سرپرست

نِعْمَةٍ * وَ صَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ * وَ مُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ * فَلَكَ الْحَمْدُ

هر نعمت * و صاحب اختیار هر حاجتی * و نهایت هر اشتیاق * از آن توست حمد

كَثِيْرًا * وَ لَكَ الْمَنْ فَاضِلًا ﴿٢٩﴾ بیست و نهم: به سند معتبر روایت شده که حضرت صادق (علیه السلام)

بسیار * و از آن توست ممت برتر *

این دعا را به ابو بصیر یاد داد که بخواند: اَللّٰهُمَّ اِنِيْ اَسْئَلُكَ قَوْلَ التَّوَابِيْنِ وَ عَمَلَهُمْ *

خدایا من از تو خواهم گفتار توبه کاران و کردارشان را *

وَ نُوْرَ الْاَنْبِيَاءِ وَ صِدْقَهُمْ * وَ نَجَاةَ الْمُجَاهِدِيْنَ وَ ثَوَابَهُمْ * وَ شُكْرَ

و روشنی پیغمبران و راستیشان را * و نجات مجاهدان و پاداششان * و شکر

الْمُصْطَفَيْنَ وَ نَصِيحَتَهُمْ * وَ عَمَلِ الذَّاكِرِينَ وَ يَقِينَهُمْ * وَ اِيْمَانِ

برگزیده‌ها و خیرخواهی آنها * و کردار ذاکرین و یقین آنها * و ایمان

الْعُلَمَاءِ وَ فَقَهُهُمْ * وَ تَعَبُدِ الْخَاشِعِينَ وَ تَوَاضُعِهِمْ * وَ حَكْمِ الْفُقَهَاءِ

دانشمندان و فهم آنها * و پرستش خاشعان و فروتنی آنان * و حکم فقیهان

وَ سِيْرَتَهُمْ * وَ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ وَ رَغْبَتَهُمْ * وَ تَصَدِيقِ الْمُؤْمِنِينَ

و روش آنان * و ترس پرهیزکاران و شوق آنان * و باور مؤمنان

وَ تَوَكُّلِهِمْ * وَ رَجَاءِ الْمُحْسِنِينَ وَ بَرَّهُمْ * اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ ثَوَابَ

و توکل آنان * و امید دلدادگان و خوش رفتاریشان * خدایا من از تو خواهم ثواب

الشَّاكِرِينَ * وَ مَنَزَلَةِ الْمُقْرَبِينَ * وَ مُرَافَقَةِ النَّبِيِّنَ * اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ

شاکران * و مقام مقربان * و رفاقت پیغمبران * خدایا من از تو خواهم

خَوْفِ الْعَامِلِينَ لَكَ * وَ عَمَلِ الْخَائِفِينَ مِنْكَ * وَ خُشُوعِ الْعَابِدِينَ لَكَ

بیم عاملان برایت * و عمل بیم‌داران از تو * و خشوع عابدان به تو

* وَ يَقِينِ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ * وَ تَوَكُّلِ الْمُؤْمِنِينَ بِكَ * اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ

* و یقین متوکلان بر تو * و توکل مؤمنان به تو * خدایا تو

بِحَاجَتِيْ عَالِمٌ غَيْرٌ مَّعْلَمٌ * وَ اَنْتَ لَهَا وَّاسِعٌ غَيْرٌ مَّتَكَلِّفٌ * وَ اَنْتَ الَّذِيْ

به حاجتم دانائی نگفته * و تو آن را توانی بی‌رنج برآوری * و توئی که

لَا يُحْفِيْكَ سَائِلٌ * وَ لَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ * وَ لَا يَبْلُغُ مَدْحَتَكَ قَوْلٌ قَائِلٌ

خسته‌ات نکند درخواست کننده * و کمت نکند عطا بخشی * و نرسد به ستایشت گفته هیچ گوینده‌ای

* اَنْتَ كَمَا تَقُوْلُ وَ فَوْقَ مَا نَقُوْلُ * اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِيْ فَرَجًا قَرِيْبًا * وَ اَجْرًا

* تو چنانکه خود گوئی و برتر از آنی که بگوئیم * خدایا مقرر کن برایم گشایش نزدیک * و مزد

عَظِيْمًا * وَ سِتْرًا جَمِيْلًا * اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ اِنِّىْ عَلٰى ظَلْمِيْ لِنَفْسِيْ

بزرگ * و پرده پوشی زیبا * خدایا تو می‌دانی من بر خودم ستم کردم *

وَ اِسْرَافِيْ عَلَيَّهَا * لَمْ اَتَّخِذْ لَكَ ضِدًّا وَ لَا نِدًّا * وَ لَا صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا

و آن را بی‌اندازه بردم * من برایت نگرفتم ضدی و همتائی * و همسری و نه فرزندی

* يَا مَنْ لَا تُغْلِطُهُ الْمَسَائِلُ * وَ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَيْءٌ عَنِ شَيْءٍ * وَ لَا

* ای که مسائل مختلفه‌اش به غلط نیندازد * و بازش ندارد چیزی از چیز دیگر * و نه

سَمِعَ عَنْ سَمِعٍ * وَلَا بَصَرَ عَنْ بَصَرَ * وَلَا يَبْرِمَهُ * وَالْحَاحُ الْمَلْحِينِ *

شنیدن از شنیدن دیگر * و نه دیدنی از دیدن دیگر * و به تنگش نیورد اصرار کسان *

أَسْأَلُكَ أَنْ تَفْرِجَ عَنِّي فِي سَاعَتِي هَذِهِ * مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ * وَمِنْ

از تو خواهم که فرج دهی به من در این ساعت * از آنجا که گمان برم و از

حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ * إِنَّكَ تَحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

آنجا که گمان نبرم * زیرا تو زنده کنی استخوانهای پوسیده را * و چونکه تو بر هر چیز

قَدِيرٌ * يَا مَنْ قَلَّ لَهُ * وَشُكْرِي فَلَمْ يَحْرَمْنِي * وَعَظَمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ

توانائی * ای که کم شکرتم کردم و دریغم نکردی * و خطایم بزرگ بود و رسوایم

يَفْضَحْنِي * وَرَأَانِي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَجْهَنِّي * وَخَلَقَنِي لِلذِّ

نساختی * به نافرمانی و به رخم نکشیدی * و آفریدی مرا برای

خَلَقَنِي لَهُ * فَصَنَعْتُ غَيْرَ الَّذِي خَلَقَنِي لَهُ * فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ أَنْتَ يَا

آنچه آفریدی * و به کار بستم جز آنکه مرا برایش آفریدی * چه خوب سرور باشی تو

سَيِّدِي * وَبِئْسَ الْعَبْدَانَا وَجَدْتَنِي * وَنِعْمَ الطَّالِبُ أَنْتَ رَبِّي * وَبِئْسَ

ای آقای من * و چه بد بنده‌ای مرا یافتی * و چه خوب جویائی هستی تو پروردگارا * و چه بد یافته‌ای

الْمَطْلُوبُ الْفَيْتَنِي * عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ بَيْنَ يَدَيْكَ * مَا

برخوردی مرا * بنده‌ات و زاده بنده‌ات و کنیز زاده‌ات برابر توست * هر چه

شِئْتَ صَنَعْتُ بِئِ * اللَّهُمَّ هِدَاتِ الْأَصْوَاتِ * وَسَكَتِ الْحَرَكَاتِ *

خواهی با من توانی کرد * خدایا آوازاها خموش شدند * و جنبشها آرام گردیدند *

وَخَلَا كُلُّ حَبِيبٍ بِحَبِيبِهِ * وَخَلَوْتُ بِكَ أَنْتَ الْمَحْبُوبُ إِلَيَّ * فَاجْعَلْ

و خلوت گزید هر دوستی با دوستش * و من با تو خلوت گزیدم توئی محبوب من * خلوت مرا

خَلَوْتُ مِنْكَ اللَّيْلَةَ الْعَتَقَ مِنَ النَّارِ * يَا مَنْ لَيْسَتْ لِعَالَمٍ فَوْقَهُ صِفَةٌ

با خودت وسیله کن که امشب مرا آزاد کنی از دوزخ * ای که هیچ دانشمندی بر او وصف نتواند

* يَا مَنْ لَيْسَ لِمَخْلُوقٍ دُونَهُ مَنَعَةٌ * يَا أَوَّلَ قَبْلِ كُلِّ شَيْءٍ * وَيَا آخِرًا

* و هیچ مخلوقی در برابرش مناعتی ندارد * ای سر آغاز قبل از هر چیز * و ای پس از

بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ * يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَعُنْصُرٌ * وَيَا مَنْ لَيْسَ لِأَخْرِهِ فَنَاءٌ *

پایان هر چیز * ای که نیست برایش ماده‌ای * ای که پایش نیستی نباشد *

وَيَا أَكْمَلَ مَنَعَاتٍ * وَيَا أَسْمَحَ الْمُعْطِينَ * وَيَا مَنْ يَفْقَهُ بِكُلِّ لُغَةٍ

و ای کاملترین ستوده شده * و پر بخششترین عطا دهنده ای * ای که می فهمد به هر زبانی

يُدْعَى بِهَا * وَيَا مَنْ عَفْوُهُ قَدِيمٌ * وَبَطْشُهُ شَدِيدٌ * وَمُلْكُهُ

که او را بخوانند * ای که گذشتش دیرین است * و گرفتش سخت * و ملکش

مُسْتَقِيمٌ * أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَافَهْتَ بِهِ مُوسَى * يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ

استوار * تو را خوانم بدان نامت که با آن روبرو با موسی سخن گفتی * ای خدا ای بخشاینده

يَا رَحِيمٌ * يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّمَدُ * أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

مهربان * ای که نیست معبود حقی جز تو * خدایا تو بی نیازی * از تو خواهم که رحمت

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ ﴿۳۰﴾ سی ام: از

فرستی بر محمد و آل محمد * و درآوری مرا به بهشت به رحمت خود *

يونس روایت است که به حضرت امام رضا (علیه السلام) عرض کردم: مرا تعلیم فرما دعای کوچکی، فرمود بگو: يَا مَنْ

ای کسی که

دَلَّنِي عَلَى نَفْسِهِ * وَذَلَّلَ قَلْبِي بِتَصَدِيقِهِ * أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَالْإِيمَانَ ﴿۳۱﴾

مرا رهنمودی بر خود * و رام کردی دلم را به باورت * می خواهم از تو آسودگی و ایمان *

باب پنجم: در ذکر بعض احراز و ادعیه مोजزه

که منتخب شده از کتاب مهج الدعوات و مجتبی که هر دو از مصنفات رضی الدین سید بن طاوس قدس سره است و آن چند امر است: ﴿۱﴾ اول: از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) مروی است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)

فرمود به امیرالمؤمنین (علیه السلام) هرگاه تو را امر دشواری پیش آید بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ

خدایا من از تو خواهم به حق

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ

محمد و آل محمد * که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد * و

تُنَجِّنِي مِنْ هَذَا الْغَمِّ ﴿۲﴾ دویم: حرز حضرت فاطمه (علیه السلام): بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

نجاتم دهی از این غم * به نام خداوند بخشاینده

الرَّحِيمِ * يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ * بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ فَاعْثِنِي * وَلَا تَكِلْنِي

مهربان * ای زنده ای پاینده * به رحمتت استغاثه کنم به دادم رس * و به خودم وامگذار

إِلَى نَفْسِي طَرْفَةً عَيْنٍ أَبَدًا * وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ * **و** **سَيِّم**: حِرْز حضرت امام

یک چشم به همزدن هرگز * و اصلاح کن همه کارهایم را *

زین العابدین (علیه السلام): **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ * سَدَدَتْ**

به نام خداوند بخشاینده مهربان * به نام خدا و به ذات خدا * بستم

أَفْوَاهَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ * وَالشَّيَاطِينِ وَالسَّحَرَةِ * وَالْأَبَالِسَةِ مِنَ الْجِنِّ

دهانهای جن و انس را * و شیاطین و جادوگران * و ابلیسان را از جن

وَالْإِنْسِ * وَالسَّلَاطِينِ وَمَنْ يَلُودُ بِهِمْ * بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْأَعَزِّ * وَبِاللَّهِ

و انس * و سلاطین را و هر که پناهد به آنها * به خدای عزیز اعز * و به خدای

الْكَبِيرِ الْأَكْبَرِ * بِسْمِ اللَّهِ الظَّاهِرِ الْبَاطِنِ * أَلْمَكْنُونِ الْمَخْرُوزِ *

کبیر اکبر * به نام خدای برون درون * مکنون مخزون *

الَّذِي أَقَامَ بِهِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ * ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ * بِسْمِ

که برپا داشت بدان آسمانها و زمین را * سپس استوار شد بر عرش * به نام

اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * **وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ**

خدای بخشاینده مهربان * واقع شد بر آنها گفتار به ستمشان و آنها دم ندارند

* قَالَ اخْسَوْوا فِيهَا وَلَا تَكْلُمُونَ * **وَوَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ**

* گفت رانده باشید در آن و دم ننزید * روی همه به سوی زنده و پاینده است

* **وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا * وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ**

* نوמיד است آنکه بار ستم با خود آورده * و ترسان است آوازاها در برابر رحمن

* **فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا * وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ**

و نشنوی جز همس * و نهادیم بر دلشان سرپوشها تا نفهمند *

وَفِي أَعْيُنِهِمْ وَقْرًا * **وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ * وَلَوْ عَلَى**

و در گوششان سنگینی * گاهی که نام بری پروردگارت را در قرآن تنها * بدهند پشت

أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا * **وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا**

بر تو از روی نفرت * و گاهی که بخوانی قرآن بنهیم میان تو و میان آنان که

يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا * وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا

ایمان به آخرت ندارند پرده پوشنده * و نهادیم در برابرشان سد

وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا * فَاعْشَيْنَاهُمْ فَهَمْ لَا يَبْصُرُونَ * ﴿۴﴾ الْيَوْمَ نَخْتِمُ

* و در دنبالشان سدّی * و پرده بر دیده‌شان کشیدیم و نه بینند * امروز دهان

عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ * وَتَكَلَّمْنَا أَيْدِيَهُمْ فَهَمْ لَا يَنْطِقُونَ * ﴿۵﴾ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا

آنها را مهر کنیم * و به سخن آوریم دستهایشان را و دم نزنند * اگر خرج کنی آنچه

فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا آفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ * وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ *

در زمین است همه را نتوانی دل آنها را با هم الفت داد * ولی خدا الفت داد میان آنها *

إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ * ﴿۶﴾ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ ﴿۴﴾

زیرا او عزیز و حکیم است * و رحمت خدا بر محمد و خاندان پاکش باد *

چهارم: حرز حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام): بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * يَا خَالِقَ

به نام خدای بخشاینده مهربان * ای آفریننده

الْمَخْلُوقِ * وَيَا بَاسِطَ الرِّزْقِ * وَيَا فَالِقَ الْحَبِّ * وَيَا بَارِئَ النَّسَمِ *

خلق * و گشاینده روزی * ای شکافنده دانه * و پدید آورنده نفس کشان *

وَمُحْيِيَ الْمَوْتِ * وَمُمِيتَ الْأَحْيَاءِ * وَدَائِمَ الثَّبَاتِ * وَمُخْرِجَ النَّبَاتِ

و زنده کن مرده‌ها * و میراننده زندگان * و همیشه بر جا * و برآورنده گیاه

* اِفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ * وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ * وَأَنْتَ أَهْلُ

* بکن با من آنچه تو اهل آنی * و مکن با من آنچه من اهل آنم * و تو

التَّقْوَىٰ وَاهْلُ الْمَغْفِرَةِ ﴿۵﴾ پنجم: حرز حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام): روایت است از علی بن

اهل تقوی و آمرزشی *

یقطین که گفت: خبر دادند به ابوالحسن موسی بن جعفر (علیه السلام) و در نزد او جماعتی از اقوام او بودند به آنچه

قصد کرده است موسی بن مهدی در کار او، پس گفت به اقوام خود چه رأی دارید در این باب؟ گفتند: رأی ما این

است که از او دور شوی و شخص خود را مخفی کنی که ایمن از شر او نتوان شد. پس حضرت تبسم فرمود و تمثّل

جست به شعر کعب بن مالک:

زَعَمْتَ سَخِينَةً أَنْ سَتَغْلِبَ رَبِّهَا * فليغلبن مغالب الغلاب

گمان دارد سخینه که به پروردگارش چیره گردد * باید چیره گردد خدا به چرخش همه چیرگان

پس بلند کرد دست خود را به سوی آسمان و گفت: **الهي كم من عدو شحذ لي ضبة مديته**

خدایا چه بسیار از دشمنی که تیز کرد برایم دم کاردش را

وَ ارْهَفْ لِي شَبَا حَدِّهِ * وَ دَافِ لِي قَوَاتِلَ سُمُومِهِ * وَ لَمْ تَنْمَ عَنِّي

* و کشید برایم دم تبخ * و درآمیخت برایم زهره‌های کشنده خود * و دیده پاسداری او

عَيْنُ حِرَاسَتِهِ * فَلَمَّا رَأَيْتَ ضَعْفِي عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَاحِجِ * وَ عَجَزِي

از من به خواب نرفت * چون دیدی تو ناتوانیم را از تحمل ناگواریها * و درماندگیم را

عَنْ مِلْمَاتِ الْجَوَائِحِ * صَرَفْتَ ذَلِكَ عَنِّي بِجَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ * لَا بِجَوْلِ مَنْ

از پیش آمدهای بنیان کن * دفع کردی آن را از من به نیروی خود و توانائیت * نه به جنبش من

وَ لَا قُوَّةَ * فَالْقِيَّتَهُ وَ فِي الْحَفِيرِ الَّذِي احْتَفَرَهُ لِي * خَائِبًا مِمَّا أَمَّلَهُ وَ فِي

و توان من * و او را در همان چاهی افکندی که برای من کنده بود * نومید از آرزوی

الدُّنْيَا * مُتَبَاعِدًا مِمَّا رَجَاهُ فِي الْآخِرَةِ * فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ قَدْرَ

دنیا * و دور از امیدی که برای آخرتش داشت * از آن توست حمد بر این نعمت

اسْتِحْقَاقِكَ سَيِّدِي * اللَّهُمَّ فَخِذْهُ بِعِزَّتِكَ * وَ أَفْلِلْ حَدَّهُ عَنِّي

به اندازه سزایت آقایم * خدایا بگیرش به عزتت * و کند کن دم تیغش را از من

بِقُدْرَتِكَ * وَ اجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ * وَ عَجْزًا عَمَّا يُنَاوِيهِ *

به نیرویت * و او را مشغول کن بدانچه پهلوی او است * و درمانده کن از آنچه جار می‌کشید *

اللَّهُمَّ وَ أَعِدْنِي عَلَيْهِ عَدُوِّي حَاضِرَةً * تَكُونُ مِنْ غِيْظِي شِفَاءً *

خدایا مرا بر او بشوران شورش فوری * که بوده باشد از خشم درمانی *

وَ مِنْ حَنْقِي عَلَيْهِ وَقَاءً * وَ صَلِّ اللَّهُمَّ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ * وَ انْظَمْ

و از گلوگیریم بر او نگهداری * و پیوست کن خدایا دعایم را به اجابت * و شکایتم

شكَايَتِي بِالتَّغْيِيرِ * وَ عَرَفَهُ عَمَّا قَلِيلَ مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِينَ * وَ عَرَفْنِي

را منظم دار به دیگرگونی * و به او بفهمان به همین زودی آنچه را با آن تهدید کردی ظالمان را * و به من

مَا أَوْعَدْتَ فِي إِجَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ * إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ * وَ الْمَنَّانِ

عبان کن آنچه وعده دادی در اجابت بیچارگان * زیرا تو صاحب فضل بزرگی * و من

الْكَرِيمِ * گفت: پس متفرق شدند قوم و جمع نشدند مگر برای قرائت خبر موت موسی بن مهدی. ۶

کریم *

ششم: رقعة الجیب حرز حضرت امام رضا (علیه السلام): روایت است از یاسر خادم مأمون که گفت: زمانی که وارد شد

ابوالحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به قصر حمید بن قحطبه بیرون کرد از تن لباس را و داد به حمید و حمل

کرد حمید و داد به جاریه خود که بشوید آن را، پس نگذشت زمانی که آن جاریه آمد و با او رقعۀ ای بود و داد به حمید و گفت: یافتم این رقعۀ را در گریبان لباس ابوالحسن (علیه السلام)، پس حمید به آن حضرت گفت: فدای تو گردم به درستی که این جاریه یافته است رقعۀ ای در گریبان پیراهن تو، چیست آن؟ فرمود: تعویذی است که آن را از خود دور نمی‌کنم. حمید گفت: ممکن است که ما را مشرف کنی به آن؟ پس فرمود که: این تعویذی است که هر که نگاه دارد در گریبان خود دفع می‌شود بلا از او، و می‌باشد برای او حرزی از شیطان رجیم. پس خواند تعویذ را بر حمید و آن این است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * بِسْمِ اللّٰهِ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ * اِنْ

به نام خدای بخشاینده مهربان * به نام خدا من پناه برم به رحمن از تو * اگر

كُنْتَ تَقِيًّا اَوْ غَيْرَ تَقِيٍّ * اَخَذْتُ بِاللّٰهِ السَّمِیْعِ الْبَصِیْرِ عَلٰی سَمْعِكَ

تو پرهیزکاری یا بی تقوائی * بستم به خدای شنوا و بینا گوش

وَبَصْرِكَ * لَا سُلْطٰنَ لَكَ عَلٰی * وَلَا عَلٰی سَمْعِیْ وَلَا عَلٰی بَصْرِیْ *

و چشمت را * تسلطی نباشد برای تو بر من * و نه بر گوشم و نه بر چشمم *

وَلَا عَلٰی شَعْرِیْ وَلَا عَلٰی بَشْرِیْ * وَلَا عَلٰی حُمٰی * وَلَا عَلٰی دَمِیْ *

و نه بر مویم و نه بر تنم * و نه بر گوشتم * و نه بر خونم *

وَلَا عَلٰی مَخٰی * وَلَا عَلٰی عَصَبِیْ * وَلَا عَلٰی عِظَامِیْ * وَلَا عَلٰی مَالِیْ

و نه بر مغزم * و نه بر پییم * و نه بر استخوانهایم * و نه بر مالم

* وَلَا عَلٰی مَا رَزَقْنِیْ رَبِّیْ * سَتَرْتُ بَیْنِیْ وَبَیْنِكَ بَسِیْرَ النَّبُوَّةِ الَّذِیْ

* و نه بر آنچه روزیم کرده پروردگارم * پرده افکندم میان خودم و تو با پرده نبوتی * که

اَسْتَتْرَ اَنْبِیَآءَ اللّٰهِ بِهٖ مِنْ سَطْوَاتِ الْجَبَابِرَةِ وَ الْفِرَاعِنَةِ * جَبْرَیْلُ عَنْ

خود را پوشیدند بدان پیغمبران خدا از یورش جباران و فرعونها * جبرئیل از

یَمِیْنِیْ * وَ مِیْكَائِیْلُ عَنْ یَسَارِیْ * وَ اِسْرَافِیْلُ عَنْ وِرَآئِیْ * وَ مُحَمَّدٌ

سمت راستم * و میکائیل از سمت چپم * و اسرافیل از پشت سرم * و محمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهٖ اَمَامِیْ * وَ اللّٰهُ مُطَّلِعٌ عَلٰی یَمْنَعُكَ مِنِّیْ *

که درود خدا بر او و آلش باد برابرم * و خدا هم مرا منظور دارد و تو را از من باز دارد *

وَ یَمْنَعُ الشَّیْطٰنَ مِنِّیْ * اَللّٰهُمَّ لَا یَغْلِبُ جَهْلُهُ * اَنَا تَكَ اَنْ یَسْتَفْزِنِیْ

و شیطان را هم باز دارد از من * خدایا چیره نسازد نادانیش حوصله تو را که مرا بجهاند

وَيَسْتَخْفِي * اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التَّجَاتُ * اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التَّجَاتُ * اللَّهُمَّ

و خوار کند * خدايا به تو پناهندهام * خدايا به تو پناهندهام * خدايا

إِلَيْكَ التَّجَاتُ * واز برای این حرز حکایت عجیبی است که روایت کرده آن را ابوالصّلت هروی که گفت:

به تو پناهندهام *

مولای من علی بن موسی الرضا (علیه السلام) روزی نشسته بود در منزل خود، داخل شد بر او رسول مأمون و گفت که: تورا امیر می طلبد، پس امام برخاست و مرا گفت: نمی طلبد مرا مأمون در این وقت مگر به جهت کاری سخت و به خدا که نمی تواند با من کاری بد کردن جهت این کلمات که از جدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من رسیده. ابوالصّلت گفت: همراه امام (علیه السلام) بیرون رفتم نزد مأمون، چون نظر حضرت بر مأمون افتاد این حرز را تا آخر خواند، پس زمانی که حضرت ایستاد مقابل مأمون نظر کرد به سوی او مأمون و گفت: ای ابوالحسن امر کرده ام که صد هزار درهم به جهت تو بدهند و بنویس هر حاجتی که داری. پس چون امام پشت گردانید مأمون نظر در قفای امام کرد و گفت: اراده کردم من و اراده کرده است خدا و آنچه اراده کرده است خدا بهتر بوده است. **۷** هفتم: حرز حضرت جواد (علیه السلام):

يَا نُورُ يَا بُرْهَانَ * يَا مَبِينُ يَا مُنِيرُ * يَا رَبِّ اكْفِنِي الشُّرُورَ * وَءَافَاتِ

ای نور ای برهان * ای پدید کن ای تابنده * ای پروردگارا کفایت بدیها کن * و آفات

الدَّهُورِ * وَ أَسْأَلُكَ النِّجَاةَ يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ * **۸** هشتم: حرز امام علی

روزگارها * و از تو خواهم نجات در روز نفخ صور *

نقی (علیه السلام): بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * يَا عَزِيزَ الْعِزِّ فِي عِزِّهِ * مَا أَعَزَّ

به نام خداوند بخشاینده و مهربان * ای عزیز با عزت در عزت خود * چه عزیز است

عَزِيزَ الْعِزِّ فِي عِزِّهِ * يَا عَزِيزُ أَعَزَّنِي بَعْزِكَ * وَ أَيْدَنِي بِنَصْرِكَ * وَ أَدْفَعُ

عزیز با عزت در عزت خود * ای عزیز عزیزم کن به عزت خود * و کمکم کن به نصرت خود * و دفع کن

عَنِّي هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ * وَ أَدْفَعُ عَنِّي بَدْفِعِكَ * وَ أَمْنَعُ عَنِّي بِصُنْعِكَ

از من شیاطین را * و دفع کن از من به دفاع خود * و باز دار از من به کار خود

* وَ اجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ خَلْقِكَ * يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ * يَا فَرْدُ يَا صَمَدُ

* و بگردانم از بهترین خلقت * ای یگانه یکتا * تنها بی نیاز

۹ نهم: حرز حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام): بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * يَا عُدَّتِي

* به نام خدای بخشاینده مهربان * ای ذخیره من

عِنْدَ شِدَّتِي * وَيَا غَوْثِي عِنْدَ كُرْبَتِي * وَيَا مُونِسِي عِنْدَ وَحْدَتِي *

در سختی * و پناهم در گرفتاری * ای مونسیم در تنهایی *

أَحْرُسُنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ * وَ أَكْفُنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ ﴿۱۰﴾ دهم:

پاسم دار به دیده‌ات که نخوابد * و مرا در پناهت گیر که قصد آن نشود *

حرز مولانا القائم (علیه السلام): بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * يَا مَالِكَ الرَّقَابِ * وَيَا

به نام خدای بخشاینده مهربان * ای مالک رقاب * و

هَازِمِ الْأَحْزَابِ * يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ * يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ * سَبَبَ لَنَا

گریزاننده احزاب * و گشاینده درها * ای سبب ساز برای ما * فراهم کن سببی

سَبَبًا لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ * وَ طَلَبًا * بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ

که نتوانیم آن را جست * به حق لا اله الا الله * محمد فرستاده خدا

* صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آئِهِ أَجْمَعِينَ ﴿۱۱﴾ یازدهم: قنوت امام حسین (علیه السلام): اَللّٰهُمَّ

* درود بر او و بر همگی آتش باد * خدایا

مَنْ أَوْىٰ إِلَىٰ مَأْوَىٰ فَانْتَ مَأْوَاىَ * وَ مَنْ جَا إِلَىٰ مَلْجَا فَانْتَ مَلْجَاىَ *

هر که به ماوایی گراید و توئی ماوای من * و هر که پناهی گیرد توئی پناه من *

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَ اسْمِعْ نِدَائِي * وَ اجِبْ دُعَائِي

خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و بشنو فریادم * و اجابت کن دعایم

* وَ اجْعَلْ مَعَابِي عِنْدَكَ وَ مَثْوَاىَ * وَ احْرُسْنِي فِي بَلْوَاىَ مِنْ افْتِتَانِ

* و مقرر کن برگشتم را نزد خودت و اقامتگاهم را * و پاسم دار در آزمونم به فتنه

الْامْتِحَانِ * وَ لَمَّةِ الشَّيْطَانِ * بَعْظَمَتِكَ الَّتِي لَا يَشُوْبُهَا وَلَعُ نَفْسِ

آزمایش * و انگشت گذاری شیطان * به بزرگی خودت که نیامیزد با آن از نفس

بِتَفْتِينِ * وَ لَا وَّارِدُ طَيْفٍ بِتَطْنِينِ * وَ لَا يَلْمُ بِهَا فَرْحٌ * حَتَّىٰ تَقْلِبَنِي

به فتنه گری * و نه خواطره خوابی به بدگمانی * و نلمد بدان سرمستی * تا برگردانی مرا

إِلَيْكَ بِارَادَتِكَ غَيْرَ ظَنِينٍ وَ لَا مَظْنُونٍ * وَ لَا مُرَابٍ وَ لَا مُرْتَابٍ * إِنَّكَ

به سویت با خواستت نه بد گمان و نه متهم * و نه مشکوک و نه مورد تردید * زیرا

أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿۱۲﴾ مؤلف گوید که: سیّد بن طاوس قنوتات ائمه (علیهم السلام) را جمع کرده در مهج الدعوات

تو ارحم الراحمینی *

و چون طولانی بود آنها من اکتفا به همین یک قنوت کردم. ﴿۱۲﴾ دوازدهم: دعاء حضرت رسول (ﷺ) که امان

است از جنّ و انس: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * لَا اِلهَ اِلَّا اللّٰهُ * عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ

به نام خدای بخشاینده مهربان * نیست معبود حقی جز خدا * بر او توکل دارم

وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ * مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ وَ مَا لَمْ یَشَأْ لَمْ یَكُنْ *

و او است پروردگار عرش عظیم * آنچه خواهد خدا باشد و آنچه را نخواهد نمی باشد *

أَشْهَدُ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ * وَ اَنَّ اللّٰهَ قَدْ اَحَاطَ بِكُلِّ شَیْءٍ

گواهم که خدا بر هر چیز توانا است * و به راستی خدا از دانش همه چیز را

عِلْمًا * اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِیْ * وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ

فرا گرفته * خدایا من پناه برم به تو از شر خودم * و از شر هر جانوری که تو

ءَاخِذٌ بِنَاصِیْتِهَا * اِنَّ رَبِّیْ عَلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ ﴿۱۳﴾ سیزدهم: دعاء مجرب:

مهارش را داری * به راستی پروردگارم به راه راستی است *

روایت است از انس که گفت: حضرت رسول خدا (ﷺ) فرمود که: هر کس این دعا را در هر صبح و شام بخواند

موکل فرماید حق تعالی به او چهار فرشته که او را حفظ کنند از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف

چپش و در امان خداوند عزوجل باشد و اگر سعی کنند خلائق از جنّ و انس که ضرر به او برسانند نتوانند، آن

دعاء این است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * بِسْمِ اللّٰهِ خَیْرِ الْاَسْمَاءِ * بِسْمِ

به نام خدای بخشاینده مهربان * به نام خدا بهترین نامها * به نام

اللّٰهِ رَبِّ الْاَرْضِ وَ السَّمَاوٰتِ * بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ لَا یُضُرُّ مَعَ اِسْمِهِ سَمٌّ

خدا پروردگار زمین و آسمان * به نام خدا که زیان ندارد با نامش زهری

وَ لَا دَاءٌ * بِسْمِ اللّٰهِ اَصْبَحْتُ وَ عَلٰی اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ * بِسْمِ اللّٰهِ عَلٰی

و نه دردی * به نام خدا صبح کردم و بر خدا توکل کردم * به نام خدا بالای

قَلْبِیْ وَ نَفْسِیْ * بِسْمِ اللّٰهِ عَلٰی دِیْنِیْ وَ عَقْلِیْ * بِسْمِ اللّٰهِ عَلٰی اَهْلِیْ

دل و جانم * به نام خدا بالای دینم و خردم * به نام خدا بالای اهلم

وَ مَالِیْ * بِسْمِ اللّٰهِ عَلٰی مَا اَعْطٰنِیْ رَبِّیْ * بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ لَا یُضُرُّ مَعَ

و مالم * به نام خدا بالای هر چه داده به من پروردگارم * به نام خدا که زیان ندارد با

اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ * وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ

نامش چیزی در زمین و نه در آسمان * و اوست شنوا و دانا * خدا خدا خدا است

رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا * اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ * وَأَعِزُّ وَأَجَلُّ مِمَّا أَخَافُ

پروردگارم شریک او ندانم چیزی را * خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است * و عزیز و والاتر است از آنچه بیم دارم

وَأَحْذَرُ * عِزِّ جَارِكِ وَجَلِّ ثَنَائِكَ * وَلَا إِلَهَ غَيْرِكَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ

و حذر دارم * عزیز است پناهنده‌ات والا است ستایشت * معبودی نیست جز تو * خداوندا من

بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي * وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ شَدِيدٍ * وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ

پناه برم به تو از شر خودم * و از بدی هر سلطان سخت * و از بدی هر

شَيْطَانٍ مَرِيدٍ * وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ * وَ مِنْ شَرِّ قِضَاءِ السُّوءِ *

شیطان سخت * و از بدی هر سرکش لجباز * و از بدی هر پیش آمد بد *

وَ مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا * إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ *

و از هر جانوری که تو مهارش را داری * زیرا تو بر راه استواری *

وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ * ﴿١٤﴾ إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ

و تو بر هر چیز حافظی * به راستی سرپرستم خدائی است که قرآن را فرو فرستاده *

وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ * ﴿١٥﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

و اوست سرپرست شایستگان * اگر رو برگردانند بگو بس است مرا خدا نیست معبود حقی جز او *

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿١٤﴾ چهاردهم: دعاء حضرت رسول (ﷺ):

بر او توکل کردم و اوست پروردگار عرش بزرگ *

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَقِرَ فِي غِنَاكَ * أَوْ أَضِلَّ فِي هُدَاكَ * أَوْ أَذِلَّ فِي

خدایا من پناه برم به تو از اینکه بینوا شوم با توانگری تو * یا گمراه شوم در راهبریت * یا خوار شوم در

عِزِّكَ * أَوْ أَضَامَ فِي سُلْطَانِكَ * أَوْ أَضْطَهَدَ وَ الْأَمْرَ إِلَيْكَ * اللَّهُمَّ إِنِّي

عزت تو * یا ستم شوم در سلطنت تو * یا فشار کشم و کار به دست تو باشد * خدایا من

أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَقُولَ زُورًا * أَوْ أَغْشَى فُجُورًا * أَوْ أَكُونَ بِكَ مَغْرُورًا ﴿١٥﴾

پناه برم به تو از اینکه بگویم دروغ * یا درآیم در هرزگی * یا به تو فریفته باشم *

پانزدهم: دعائی است از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام): از ابو حمزه ثمالی روایت است که گفت: از حضرت امام

محمد باقر (علیه السلام) اجازه خواستم که به خدمتش مشرف شوم، پس حضرت از خانه بیرون آمد و لبهای مبارکش

می جنبید و فرمود: دانستی تکلم مرا؟ گفتم: بلی فدایت شوم، فرمود: تکلم کردم به کلامی که تکلم نکرده به آن احدی هرگز مگر آنکه کفایت کرده حق تعالی آنچه مهمّ او است از امر دنیا و آخرت او. گفتم: فدایت شوم خبرده مرا به آن، فرمود: بلی هر که این کلمات را در حال بیرون رفتن از خانه بخواند مهمّات او میسر می شود: بِسْمِ اللّٰهِ

به نام خدای

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * حَسْبِيَ اللّٰهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ * اللّٰهُمَّ اِنِي اَسْئَلُكَ

بخشاینده و مهربان * بس است مرا خدا توکل دارم به خدا * خدایا من از تو خواهم

خَيْرَ اُمُورِي كُلِّهَا * وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْاٰخِرَةِ ﴿١٦﴾

خیر در کارهایم همه * و پناه برم به تو از رسوائی دنیا و عذاب آخرت *

شانزدهم: از ادعیه الوسائل الی المسائل: از محمد بن حارث نوفلی خادم حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) منقول است که وقتی تزویج کرد مأمون دختر خود را به حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) نوشت حضرت برای او که از برای هرزنی صدافی است از شوهرش و حق تعالی اموال ما را در آخرت ذخیره نهاده همچنانکه اموال شما را در دنیا به شما داده و من به کابین دختر تو دادم وسائل الی المسائل را و آن مناجاتی است که به من داده پدرم و به او رسیده از پدرش جناب موسی بن جعفر و به او رسیده از پدرش جعفر و به او رسیده از پدرش محمد و به او رسیده از پدرش علی بن الحسین و به او رسیده از پدرش حسین و به او رسیده از برادرش حسن و به او رسیده از پدرش امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیهم و به او رسیده از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که به آن حضرت داد جبرئیل (علیه السلام) و گفت یا محمد ربّ العزّه تو را سلام می رساند و می فرماید: این مفاتیح گنجهای دنیا و آخرت است آن را وسیله خود ساز به سوی مطالب خود تا بررسی به مراد خود و سرانجام گردد مطلب تو و ایثار مکن آن را در حاجتهای دنیا که کم می گرداند حظّ آخرت را و آن ده وسیله است که به واسطه آن درهای رغبات گشوده می شود و طلب کرده می شود به سبب آنها حاجات و به انجام می رسد و این است نسخه آن:

مناجات استخاره:

اللّٰهُمَّ اِنَّ خَيْرَتَكَ فِيمَا اسْتَخَرْتُكَ فِيهِ تَنْبِيلُ الرِّغَائِبِ * وَ تُجْزِلُ

خدایا پسند تو در آنچه استخاره کنم در آن می رساند به آرزوهای بلند * و مواهب

الْمَوَاهِبِ * وَ تُغْنِمُ الْمَطَالِبَ * وَ تُطَيِّبُ الْمَكَاسِبَ * وَ تَهْدِي اِلَى اَجْمَلِ

شایان * و مطالب پر فایده * و کسبهای خوب * و رهنمائی کند به روشهای

الْمَذَاهِبِ * وَتَسُوْقَ اِلَى اَحْمَدِ الْعَوَاقِبِ * وَتَقِي مَخُوْفَ النَّوَابِ

نیک * و سوق دهد به ستوده‌ترین انجامها * و بهره‌یزم از ناگواریهای بیمناک *

اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَخِيْرُكَ فِیْمَا عَزَمَ رَاۤیِیْ عَلَیْهِ * وَقَادِنِیْ عَقْلِیْ اِلَیْهِ * وَسَهِّلْ

خدایا من خیر جویم از تو در هر چه بر آن تصمیم گرفتم * و خردم مرا بدان کشانید * آسان کن

اللّٰهُمَّ فِیْهِ (مِنْهُ) مَا تَوَعَّرَ * وَیَسِّرْ مِنْهُ مَا تَعَسَّرَ * وَاکْفِنِیْ فِیْهِ الْمَهْمَ

خدایا آنچه دشوار است از آن * و هموار کن آنچه سخت است * و کفایت کن مهم مرا

* وَادْفَعْ بِهٖ عَنِّیْ کُلَّ مُلَمٍّ * وَاجْعَلْ لِیْ رَبِّ عَوَاقِبَهُ وَغَنْمًا * وَمَخُوْفَهُ

* و دفع کن از من هر بد آمدی * و بگردان پروردگارا عاقبتش را بهره * و بیمناکش را

سَلْمًا * وَبَعْدَهُ قَرِیْبًا * وَجَدْبَهُ وَخِصْبًا * وَارْسِلِ اللّٰهُمَّ اِجَابَتِیْ

سلامتی * و دورش را نزدیک * و تنگی آن را فراوانی * و بفرست خدایا اجابت مرا *

وَانْجِحْ طَلِبَتِیْ * وَاَقْضِ حَاجَتِیْ * وَاَقْطَعْ عَنِّیْ عَوَاقِبَهَا * وَامْنَعْ عَنِّیْ

و برآور خواهمش را * و انجام ده حاجتم را * و ببر از من جلوگیریها را * و بازدار از من

بَوَاقِبَهَا * وَاعْطِنِیْ اللّٰهُمَّ لَوَاءَ الظَّفْرِ * وَاخْیِرَ فِیْمَا اسْتَخَرْتُكَ

بدیهای آن را * و عطا کن خدایا پرچم پیروزی * و خیره در آنچه از تو خیر خواستم *

وَوَفُوْرَ الْمَغْنَمِ (الْغَنَمِ) فِیْمَا دَعَوْتُكَ * وَعَوَائِدَ الْاِفْضَالِ فِیْمَا رَجَوْتُكَ

و فور بهره در آنچه دعا کردم * و فوائد نیک در آنچه امید داشتم *

* وَاقْرِنْهُ اللّٰهُمَّ بِالنَّجَاحِ * وَخِصَّةٍ وَبِالصَّلَاحِ * وَارِنِیْ اَسْبَابَ الْخَیْرِ

* و مقرونش کن خدایا به کام بخشی * و مخصوصش کن به صلاح * و بنما به من اسباب خوشی

فِیْهِ وَاَضْحَةً * وَاعْلَامَ غُنْمِهَا لِاِثْحَةٍ * وَاشْدُدْ خِنَاقَ تَعْسِیْرِهَا

آن را آشکارا * و نشانه‌های بهره‌وریشان عیان باشد * و بسند گلوی دشواری آنها را *

وَانْعَشْ صَرِیْعَ تَیْسِیْرِهَا * وَبَیْنَ اللّٰهُمَّ مُلْتَبَسَهَا * وَاطْلُقْ مُحْتَبَسَهَا

و به نشاط آزموده آسانیشان را * روشن کن خدایا مبهم آنها را * و رها کن بسته آنها را *

* وَمَكِّنْ اَسْهًا حَتّٰی تَكُوْنَ خَیْرَةً مُّقْبَلَةً بِالْغَنَمِ * مُزِیْلَةً لِلْغُرْمِ

* و بر جا کن بنیادش را تا خیری باشد رو آور به بهره * و بر کن زیان *

عَاجِلَةً لِلنَّفْعِ * بَاقِیَةِ الصُّنْعِ * اِنَّكَ مَلِیٌّ بِالْمَزِیْدِ * مُبْتَدِئٌ بِالْجُوْدِ

و شتابان به سود * و باقی در عمل * زیرا تو دارای * و افزودن آغاز کن به جودی *

مناجات استقاله:

اللَّهُمَّ إِنَّ الرَّجَاءَ لِسَعَةِ رَحْمَتِكَ أَنْطَقَنِي بِاسْتِقَالَتِكَ * وَ الْأَمَلَ

خدایا به درستی که امید به فراوانی رحمتت مرا گویا کرده و به خواهش گذشت تو * و آرزو

لِأَنَاتِكَ وَ رَفَقِكَ شَجَعَنِي عَلَى طَلَبِ أَمَانِكَ وَ عَفْوِكَ * وَ لِي يَا رَبِّ

به مهلت و رفق تو مرا دلیر کرده بر طلب امان تو و عفو تو * مرا پروردگارا

ذُنُوبٌ قَدْ وَاجَهَتَهَا أَوْجُهُ الْإِنْتِقَامِ * وَ خَطَايَا قَدْ لَاحَظَتَهَا أَعْيُنُ

گناهانی است که مواجهه وجوه انتقام است * و خطاهایی است در دیدرس

الْأَصْطِلَامِ * وَ اسْتَوْجِبْتُ بِهَا عَلَى عَدْلِكَ أَلِيمِ الْعَذَابِ * وَ اسْتَحَقَقْتُ

ربودن است * و من بدانها بایستم طبق عدل تو عذابی دردناک * و سزاوارم

بِاجْتِرَاحِهَا مُبِيرِ الْعِقَابِ * وَ خِفْتُ تَعْوِيقَهَا لِاجَابَتِي * وَ رَدَّهَا إِيَّايَ

به سبب ارتکاب آنها شکنجه نابودی * و ترسم که پس اندازند اجابت مرا * و بازدارند از

عَنْ قَضَاءِ حَاجَتِي * بِإِبْطَالِهَا (وَإِبْطَالِهَا) لَطَلْبَتِي * وَ قَطَعَهَا لِأَسْبَابِ

برآمدن حاجتم * به سبب بیهوده کردن طلبم * و قطع اسباب

رَغْبَتِي * مِنْ أَجْلِ مَا قَدْ أَنْقَضَ ظَهْرِي مِنْ ثِقَلِهَا * وَ بَهْظَنِي مِنَ الْإِسْتِقْلَالِ

رغبتم * به خاطر آنکه پشتم شکسته است از سنگینی آنها * و زیر بار حمل آنها

بِحَمْلِهَا * ثُمَّ تَرَاوَعْتُ رَبِّ إِلَى حِلْمِكَ عَنِ الْخَاطِئِينَ * وَ عَفْوِكَ عَنِ

گرفتارم * ولی چون نظر کردم پروردگارا به حلم تو از خطاکاران * و گذشتت از

الْمُذْنِبِينَ * وَ رَحْمَتِكَ لِلْعَاصِينَ * فَأَقْبَلْتُ بِثِقَتِي مُتَوَكِّلًا عَلَيْكَ *

گناهکاران * و مهرت با عاصیان * رو آوردم به تو به اعتماد به توکل بر تو *

طَارِحًا نَفْسِي بَيْنَ يَدَيْكَ * شَاكِيًا بَنِي إِلَيْكَ * سَأَلًا [رَبِّ] مَا لَا

و پرتاب کردم خودم را به آستانت * و درد دلم را به تو شکایت کردم * و خواستم آنچه را نشایدم

اسْتَوْجِبُهُ مِنْ تَفْرِيجِ اللَّهُمَّ * وَلَا اسْتَحِقُّهُ * مِنْ تَنْفِيسِ الْغَمِّ * مُسْتَقْبِلًا

از برطرف کردن هم * و آنچه سزاوارش نیستم از زدودن غم * طالب

لَكَ [رَبِّ] إِيَّايَ * وَاثِقًا مَوْلَايَ بِكَ * اللَّهُمَّ فَاْمُنُّ عَلَى بِالْفَرْجِ * وَ تَطَوَّلُ

گذشتت از من * واثق به تو برای مولایم * خدایا منت نه بر من به گشایش * و تفضل کن

عَلَى [بِسُهُولَةٍ الْمَخْرَجِ * وَ ادْلُنِي بِرَأْفَتِكَ عَلَى سَمْتِ الْمَنْهَجِ *

به آسانی خروج از مشکلات * و ره نمایم به مهرت به سوی راه راست *

وَ اَزَلِقْنِي بِقُدْرَتِكَ عَنِ الطَّرِيقِ الْأَعْوَجِ * وَ خَلِّصْنِي مِنْ سِجْنِ الْكَرْبِ

و برگردانم به نیرویت از راه کج * و رهایم کن از زندان گرفتاری

بِاقَالَتِكَ * وَ اَطْلِقْ أَسْرِي بِرَحْمَتِكَ * وَ طَلِّ (وَتَطَوَّلْ) عَلَى بَرِضْوَانِكَ

به گذشت خود * و رها کن اسیریم را به مهرت * و ببخش به من از رضوانت

وَ جُدْ عَلَيَّ بِإِحْسَانِكَ * وَ اَقْلِنِي [رَبِّ] عَثْرَتِي * وَ فَرِّجْ كُرْبَتِي *

* و جود کن به من به احسانت * و بگذر از لغزش من * و بگشا اندوه من *

وَ اَرْحَمْ عِبْرَتِي * وَ لَا تَحْجُبْ دَعْوَتِي * وَ اَشْدُدْ بِالْإِقَالَةِ أَزْرِي * وَ قَوِّ

و رحم کن به اشک من * و محجوب مکن دعایم * و بازویم محکم کن به گذشت از من * و نیرومند کن

بِهَا ظَهْرِي * وَ اصْلِحْ بِهَا أَمْرِي * وَ اَطْلُبْ بِهَا عُمْرِي * وَ اَرْحَمْنِي

بدان پشت مرا * و اصلاح کن بدان کار مرا * و طولانی کن به آن عمرم را * و رحم کن به من

يَوْمَ حَشْرِي * وَ وَقْتُ نَشْرِي * إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ * غَفُورٌ رَحِيمٌ *

روز محشر * و وقت برآمدن از گور * زیرا تو جواد و کریمی * آمرزنده و مهربان *

مناجات سفر:

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ سَفْرًا فَخِرًا لِي فِيهِ * وَ أَوْضَحَ لِي فِيهِ سَبِيلَ الرَّأْيِ

خدایا من می‌خواهم سفر کنم برای من در آن خیر آور * و روشن کن در آن راه تصمیم گرفتن را

وَ فَهْمَنِيهِ * وَ افْتَحْ لِي عِزْمِي بِالْإِسْتِقَامَةِ * وَ اَشْمَلْنِي فِي سَفْرِي

و بفهمان به من * و آغاز کن تصمیم را به راستی * و فرا گیرم در این سفرم

بِالسَّلَامَةِ * وَ اَفِدْنِي [بِهِ] جَزِيلَ الْحُظِّ وَ الْكَرَامَةِ * وَ اَكْلَانِي بِحُسْنِ

به تندرستی * و جائزه‌ام ده به بهره شایان و کرامت * و تحت نظرم گیر به خوب

الْحِفْظِ وَ الْحِرَاسَةِ * وَ جَنِّبْنِي اللَّهُمَّ وَعَثَاءَ الْأَسْفَارِ * وَ سَهِّلْ لِي

حفظ کردن و پاسداری * بر کنارم دار خدایا از رنج سفرها * و هموار کن برایم

حُزُونََ الْأَوْعَارِ * وَ اَطْوِلْ لِي بِسَاطِ الْمَرَاحِلِ * وَ قَرِّبْ مِنِّي بَعْدَ نَائِي

سختی بیابانها را * و در نورد جلویم منزلهای دراز * و نزدیک کن به من آبگاههای

الْمَنَاهِلُ * وَبَاعِدَ فِي الْمَسِيرِ بَيْنَ خَطَى الرَّوَاحِلِ * حَتَّى تُقَرَّبَ نِيَابَ

او را * و بلند کن در راه رفتن گامهای بارکشان را * تا نزدیک کنی مناقبهای

الْبُعِيدِ * وَتَسَهَّلْ وَعُورَ الشَّدِيدِ * وَلَقِّنِي اللَّهُمَّ فِي سَفَرِي نَجْحَ طَائِرِ

دور را * و آسان کن بیابانهای سخت را * و تلقین کن مرا خدایا در این سفر طائر میمون

الْوَأْقِيَةِ * وَهَبْنِي (هِنِّي) فِيهِ غَنَمَ الْعَافِيَةِ * وَخَيْرَ الْأَسْتِقْلَالِ *

محفوظی را * و به من بخش در آن بهره عافیت را * و نگهبان استقلال را *

وَ دَلِيلَ مُجَاوِزَةِ الْأَهْوَالِ * وَبَاعِثْ وَفُورَ الْكِفَايَةِ * وَ سَانِحَ خَيْرِ

و رهنمای گذشتن از هراس و بیم را * و انگیزنده کفایت فراوان * و برخوردار نگهبان

الْوَلَايَةِ * وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ سَبَبَ عَظِيمِ السَّلْمِ * حَاصِلَ الْغَنَمِ *

ولایت * و بگردانش خدایا وسیلهٔ صلحی بزرگ * و بهره‌ای در دست *

وَاجْعَلِ اللَّيْلَ عَلَيَّ سِتْرًا مِنَ الْأَفَاتِ * وَ النَّهَارَ مَانِعًا مِنَ الْهَلَكَاتِ *

و شب را سپر من ساز از آفات * و روز را مانع من از مهالک *

وَاقْطَعْ عَنِّي قِطْعَ لُصُوصِهِ بِقُدْرَتِكَ * وَاحْرُسْنِي مِنْ وَحُوشِهِ بِقُوَّتِكَ

و ببر از من دسته‌های دزدان آن به نیرویت * و پاسم دار از دام و ددش به توانائیت

* حَتَّى تُكُونَ السَّلَامَةَ فِيهِ مُصَاحِبَتِي * وَ الْعَافِيَةَ فِيهِ مُقَارِنَتِي

* تا سلامت در آن همراه من باشد * و عافیت در آن قرینم

* وَ الْيَمْنَ سَائِقِي * وَ الْيُسْرَ مُعَانِقِي * وَ الْعُسْرَ مُفَارِقِي * وَ الْفَوْزَ

* و برکت جلو دارم * و آسانی هم‌آغوشم * و سختی دور از دورم * و کامیابی

مُؤَافِقِي * وَ الْأَمْنَ مُرَافِقِي * إِنَّكَ ذُو الطَّوْلِ وَالْمَنْ * وَ الْقُوَّةَ وَالْحَوْلَ

برابرم * و آسودگی در کنارم * زیرا تو صاحب بخشش و من * و توان و جنبشی

* وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * وَ بَعِبَادِكَ بَصِيرٌ خَيْرٌ *

* و تو بر هر چیز توانا * و به بندگانت بینا و آگاهی *

مناجات طلب رزق:

اللَّهُمَّ ارْسِلْ عَلَيَّ سِجَالَ رِزْقِكَ مَدْرَارًا * وَ امْطُرْ عَلَيَّ سَحَابَ

خدایا بفرست بر من باران روزیت را پی در پی * و ببار بر من ابرهای

افْضَالِكَ غِزَارًا * وَ اِدْمَ غَيْثٍ نَيْلِكَ اِلَى سِجَالًا * وَ اَسْبَلَ مَزِيدَ

فضل خود فراوان * و بیای باران عطایت را به من بیایی * و بیابیز فزونی

نِعْمِكَ عَلَى خَلْتِي اِسْبَالًا * وَ اَفْقِرُنِي بِجُودِكَ اِلَيْكَ * وَ اَغْنِنِي عَمَّنْ

نعمتت را بر نیازم به خوبی * و نیازمندم کن به جود خود به درگاهت * و بی نیازم کن از کسی

يَطْلُبُ مَا لَدَيْكَ * وَ دَاوِ دَاءَ فَقْرِي بِدَوَاءِ فَضْلِكَ * وَ اَنْعَشْ صِرْعَةَ

که جوید آنچه نزد توست * و درمان کن درد نداریم را به داروی فضلت * و به هوش آر

عَيْلَتِي بِطَوْلِكَ * وَ تَصَدَّقْ عَلَى اِقْلَالِي بِكَثْرَةِ عَطَائِكَ * وَ عَلَى

غش حاجتم را به بخشش * و صدقه ده به تنگدستیم به بسیاری عطایت * و بر

اِخْتِلَالِي بِكَرِيمِ حَبَائِكَ * وَ سَهِّلْ رَبِّ سَبِيلَ الرِّزْقِ اِلَى * وَ ثَبَّتْ

بی نوائیم به جائزه گرامیت * و آسان کن پروردگارا راه روزی را بر من * و بر جا کن

قَوَاعِدَهُ لَدَيَّ * وَ بَجِّسْ لِي عِيُونَ سَعَتِهِ بِرَحْمَتِكَ * وَ فَجِّرْ اَنْهَارَ

بنیادش را برایم * و بجوشان برایم چشمه های وسعتش را به رحمتت * و روان کن جویهای

رَغْدِ العَيْشِ قَبْلِي بِرَأْفَتِكَ * وَ اَجْدِبْ اَرْضَ فَقْرِي * وَ اَخْصِبْ

خوشی زندگی را برابرم به مهت * و قحط آور بر زمینۀ فقرم * و فراوانی آور

جَدْبَ ضُرِّي * وَ اَصْرِفْ عَنِّي فِي الرِّزْقِ العَوَاقِقَ * وَ اَقْطَعْ عَنِّي مِنْ

بر قحطی سخت حالیم * و بگردان از من موانع روزی را * و ببر از من

الضِّيْقِ العَلَّاقِ * وَ اَرْمِنِي مِنْ سَعَةِ الرِّزْقِ اللّٰهُمَّ بِاَخْصَبِ سِهَامِهِ *

آویزه های تنگدستی را * و مرا هدف وسعت رزق کن خدایا به فراوانترین تیرهایش *

وَ اِحْبِنِي مِنْ رَغْدِ العَيْشِ بِاَكْثَرِ دَوَامِهِ * وَ اَكْسِنِي اللّٰهُمَّ سَرَابِيلَ

و بچشم از خوشی زندگی به دوامتر آن را * و به برم کن خدایا پیراهن

السَّعَةِ * وَ جَلَابِيبَ الدَّعَةِ * فَاِنِي يَا رَبِّ مُنْتَظِرٌ لِاَنْعَامِكَ بِحَذْفِ

وسعت * و روپوش راحت * زیرا من پروردگارا منتظر انعام توام برای رفع

المُضْيِقِ * وَ لِتَطْوَلِكَ بِقَطْعِ التَّعْوِيقِ * وَ لِتَفْضُلِكَ بِاِزَالَةِ التَّقْتِيرِ *

تنگدستی * و بخشش تو برای قطع تاخیر * و فضل تو برای رفع کمی روزی *

وَ لَوْصُولِ حَبْلِي بِكَرَمِكَ بِالتَّيْسِيرِ * وَ اَمْطِرْ اللّٰهُمَّ عَلَيَّ سَمَاءَ رِزْقِكَ

و برای پیوست رشته ام به کرمت به حصول دارائی * و بباران خدایا بر من آسمان روزیت را

بِسْجَالِ الدِّيمِ * وَ اغْنِنِي عَنْ خَلْقِكَ بِعَوَائِدِ النِّعَمِ * وَ اِرْمِ مَقَاتِلَ

به باران پیاپی * و بی‌نیازم کن از خلقت به بهره‌های نعم * و به تیر زن

الْاِقْتَارِ مِنِّي * وَ اِحْمِلْ كَشْفَ الضَّرِّ عَنِّي عَلَى مَطَايَا الْاِعْجَالِ *

گلگاه نداریم را * و بار کن رفع سختی را از من بر بارکشهای شتاب *

وَ اضْرِبْ عَنِّي الضِّيْقَ بِسَيْفِ الْاِسْتِيْصَالِ * وَ اتَّحِفْنِي رَبِّ مِنْكَ بِسَعَةِ

و بزن گردن تنگدستی مرا به تیغ نابودی * و تحفه ده مرا پروردگارا از طرف خودت به

الْاِفْضَالِ * وَ اَمُدُّنِي بِنُمُوِّ الْاَمْوَالِ * وَ اَحْرُسْنِي مِنْ ضَيِّقِ الْاِقْلَالِ *

وسعت نعمتها * و مدد کن به نمو اموال * و پاسم دار از تنگی فقر *

وَ اقْبِضْ عَنِّي سُوءَ الْجَدْبِ * وَ ابْسُطْ لِي بِسَاطِ الْخِصْبِ * وَ اسْقِنِي

و بگیر از من بدی قحط را * و بگشا به رویم بساط نعمت را * و بنوشانم

مِنْ مَاءِ رِزْقِكَ غَدَقًا * وَ اَنْهَجْ لِي مِنْ عَمِيمٍ بِذَلِكَ طَرَقًا * وَ فَاجِّنِي

از آب روزیت گوارا * و روش گذار برایم از عموم بذلت راههای بسیار * و به ناگهانم

بِالْثَّرْوَةِ وَ الْمَالِ * وَ اَنْعَشْنِي بِهِ مِنْ صَرَعَةِ الْاِقْلَالِ * وَ صَبِّحْنِي

ثروت و مال بده * و برانگیزم بدان از تنگدستی * و بامدادان پشتیبان

بِالْاِسْتِظْهَارِ * وَ مَسِّنِي بِالتَّمَكُّنِ مِنَ الْيَسَارِ * اِنَّكَ ذُو الطَّوْلِ الْعَظِيمِ

من باش * و تمکن و دارائی به من عطا کن آسان * زیرا تو صاحب بخشش عظیم

* وَ الْفَضْلِ الْعَمِيمِ * وَ الْمَنْ الْجَسِيمِ * وَ اَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ *

* و فضل عمیم * و من جسیمی * و تو جواد و کریمی *

مناجات استعاذه:

اللَّهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ مُلِمَّاتِ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ * وَ اَهْوَالِ عِظَائِمِ الضَّرَّاءِ

خدایا من به تو پناه برم از فرود بلاهای نازله * و هراس سختیهای بزرگ

* فَاعِذْنِي رَبِّ مِنْ صَرَعَةِ الْبِاسَاءِ * وَ اَحْجِبْنِي مِنْ سَطَوَاتِ الْبَلَاءِ *

* پناه ده پروردگار من از خاک نشینی سختی * و محفوظم دار از یورش بلا *

وَ نَجِّنِي مِنْ مُفَاجَاةِ النَّقْمِ * وَ اَجْرِنِي مِنْ زَوَالِ النِّعَمِ * وَ مِنْ زَلْلِ الْقَدَمِ

و نجاتم بخش از نقمتهای ناگهانی * و پناهم ده از زوال نعمتها * و لغزش قدمها

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ فِي حَيَاةٍ عِزِّكَ * وَ حِفَاظٍ حِرْزِكَ مِنْ مُبَاغْتَةِ

* و بگردانم خدایا در محوطه عزتت * و حفاظ نگهداریت از گرفتاریهای

الدَّوَائِرِ * وَ مُعَاجَلَةِ الْبُؤَادِرِ * اللَّهُمَّ رَبِّ وَ أَرْضِ الْبَلَاءِ فَاخْسِفْهَا *

ناگهانی * و پیشامدهای بد شتابان * خدایا پروردگارا سرزمین بلا را فرو بر *

وَ عَرَصَةَ الْمَحْنِ فَارْجِفْهَا * وَ شَمْسَ النَّوَائِبِ فَاكْسِفْهَا * وَ جِبَالَ

و عرصه محنت را بر هم ریز * و خورشید بد آمدها را تیره ساز * و رشته‌های

السُّوءِ فَانْسِفْهَا * وَ كُرْبَ الدَّهْرِ فَاكْشِفْهَا * وَ عَوَائِقَ الْأُمُورِ فَاصْرِفْهَا

بدی را بگسلان * و گرفتاریهای زمانه را برطرف کن * و موانع کارها را جلوگیر

* وَ أَوْرِدْنِي حِيَاضَ السَّلَامَةِ * وَ احْمِلْنِي عَلَى مَطَايَا الْكِرَامَةِ *

* و مرا در حوزه‌های سلامتی درآور * و بر پاکشهای کرامت حمل کن *

وَ اصْحَبْنِي بِاقَالَةِ الْعَثْرَةِ * وَ اشْمَلْنِي بِسِتْرِ الْعَوْرَةِ * وَ جُدْ عَلَيَّ يَا

و به گذشت از لغزش همراهی کن * و فراگیرم به ستر عورت * و ببخشم پروردگارا

رَبِّ بِأَبَائِكَ * وَ كَشْفِ بَلَائِكَ * وَ دَفْعِ ضَرَائِكَ * وَ ادْفَعْ عَنِّي كَلَّاكِلَ

به مهربانیهای * و رفع کن بلایت * و دفع سختیهای * و بگردان از من خرطومهای

عَذَابِكَ * وَ اصْرِفْ عَنِّي أَلِيمَ عِقَابِكَ * وَ اعْذِنِي مِنْ بَوَائِقِ الدُّهُورِ *

عذابت * و به یک سو کن از من عقاب دردناکت * و پناه ده مرا از بد کیشهای روزگار *

وَ انْقِذْنِي مِنْ سُوءِ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ * وَ احْرُسْنِي مِنْ جَمِيعِ الْمَحْذُورِ *

و نجات بخش مرا از بد انجامیهای هر کار * و پاسم دار از همه محذور *

وَ اصْدَعْ صَفَاةَ الْبَلَاءِ عَنْ أَمْرِي * وَ اشْلُ يَدَهُ عَنِّي مَدَى عُمْرِي *

و بشکن سنگ سخت بلا را از کارهایم * و شل کن دستش را از من تا زنده‌ام *

إِنَّكَ الرَّبُّ الْمَجِيدُ الْمُبْدِيُّ الْمُعِيدُ * الْفَعَالُ لِمَا تُرِيدُ *

زیرا توئی پروردگار بزرگواری آغاز کن و بازگردان * و فعال آنچه خواهی *

مناجات طلب توبه:

اللَّهُمَّ إِنِّي قَصِدْتُ إِلَيْكَ بِاخْلَاصٍ تَوْبَةَ نَصُوحٍ * وَ تَثَبِيتِ عَقْدِ

خدایا من آهنگ درگاهت کردم به اخلاص توبه پاک * و تثبیت نیت پیمان

صَحِيحٌ * وَ دُعَاءِ قَلْبٍ قَرِيحٍ * وَ اِعْلَانِ قَوْلٍ صَرِيحٍ * اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ

درست برجا * و درخواست دلی ریش * و اعلان گفته صریح * خدایا از من بپذیر

مِنِّي مُخْلِصِ التَّوْبَةِ * وَ اِقْبَالَ سَرِيْعِ الْاَوْبَةِ * وَ مَصَارِعَ تَخَشُّعِ الْحُبُوْبَةِ

خلوص توبه * و روآوردن با شتاب بازگشت را * و به خاک افتادن از ترس گناه را

وَ قَابِلِ رَبِّ تَوْبَتِي بِجَزِيْلِ الثَّوَابِ * وَ كَرِيْمِ الْمَثَابِ * وَ حَطِّ الْعِقَابِ *

* و استقبال کن پروردگارا توبه‌ام را به ثواب شایان * و بازگشت گرامی * و فروهشت کیفر *

وَ صَرَفِ الْعَذَابِ * وَ غَنَمِ الْاَيَابِ * وَ سِتْرِ الْحِجَابِ * وَ اَمْحِ اَللّٰهُمَّ مَا

و درگشت شکنجه * و بهره برگشت * و پوشش حجاب عفو * و محو کن بار خدایا

ثَبَتَ مِنْ ذُنُوْبِي * وَ اَغْسِلْ بِقَبُوْلِهَا جَمِيْعَ عِيُوْبِي * وَ اجْعَلْهَا جَالِيَةً

آنچه ثبت شده از گناهانم * و بشوی به پذیرش توبه‌ام همه عیوبم را * و بساز آن را پرتو بخش

لِقَلْبِي * شَاخِصَةً لِّبَصِيْرَةِ لُبِّي * غَاسِلَةً لِدِرْنِي * مُطَهَّرَةً لِنَجَاسَةِ بَدْنِي

دل * و مورد توجه بصیرت خردم * شست و شو کن چرکم * پاک کن پلیدی تنم

مُصَحِّحَةً فِيْهَا ضَمِيْرِي * عَاجِلَةً اِلَى الْوَفَاءِ بِهَا بِصِيْرَتِي * وَ اَقْبَلْ

* درست کن در آن نهادم * و شتابنده بدان بصیرتم * و بپذیر

يَا رَبِّ تَوْبَتِي * فَاِنَّهَا تَصْدُرُ مِنْ اِخْلَاصِ نِيَّتِي * وَ مَحْضِ مِنْ تَصْحِيْحِ

ای پروردگارم توبه‌ام را * زیرا که برآید از اخلاص نیتم * و محض درستی

بَصِيْرَتِي * وَ اِحْتِفَالِ فِيْ طَوِيْبَتِي * وَ اجْتِهَادِ فِيْ نَقَاءِ سَرِيْرَتِي * وَ تَثْبِيْتِ

بصیرتم * و توجه همه جانبۀ نهادم * و کوشش در پاکی درونم * و بر جا بودن

لِاِنَابَتِي * وَ مُسَارَعَةِ اِلَى اَمْرِكَ بِطَاعَتِي * وَ اَجَلِ اَللّٰهُمَّ بِالتَّوْبَةِ عَنِّي

بازگشتم به درگاهت * و شتاب در فرمانت به فرمانبریم * و تابان کن خدایا بوسیله توبه از من

ظَلْمَةَ الْاِصْرَارِ * وَ اَمْحُ بِهَا مَا قَدَّمْتَهُ مِنْ الْاَوْزَارِ * وَ اَكْسِنِي لِبَاسِ

تاریکی اصرار بر گناه * و محو کن بدان آنچه پیش داشتم از بارهای گناه * و به برم کن

التَّقْوَى * وَ جَلَابِيْبَ الْهُدَى * فَقَدْ خَلَعْتُ رِبْقَ الْمَعَاصِي عَنْ جِلْدِي *

جامه تقوی * و روپوش هدایت * زیرا من مهار نافرمانی را از خود کندم *

وَ نَزَعْتُ سَرِبَالَ الذُّنُوْبِ عَنْ جَسَدِي * مُسْتَمْسِكًا رَبِّ بِقُدْرَتِكَ *

و بیرون آوردم پیراهن گناه را از پیکرم * چسبیده پروردگارا به نیروی تو *

مُسْتَعِينًا عَلَى نَفْسِي بِعِزَّتِكَ * مُسْتَوْدَعًا تَوْبَتِي مِنَ النَّكَثِ بِمَجْفَرَتِكَ *

و کمک جو برای خود به عزتت * سپارنده به تو بازگشت خودم را از شکست به حمایت تو *

مُعْتَصِمًا مِنَ الْخُذْلَانِ بِعِصْمَتِكَ * مُقَارِنًا بِهِ * لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ *

محفوظ از خذلان به نگهداریت * با اقتران جمله * لا حول و لا قوت الا بک *

مناجات طلب حج:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْحَجَّ الَّذِي افْتَرَضْتَهُ عَلَيَّ مِنْ اسْتِطَاعِ إِلَيْهِ سَبِيلًا *

خدایا به من روزی کن آن حجی که فرض کردی برای هر که تواند بدان راه یابد *

وَ اجْعَلْ لِي فِيهِ هَادِيًا * وَ إِلَيْهِ دَلِيلًا * وَ قَرِّبْ لِي بَعْدَ الْمَسَالِكِ *

و بگردان به من وسیله برای هدایت من بدان * و رهنمائی بر آن * و نزدیک کن برایم راه دور را *

وَ اعِنِّي عَلَى تَأْدِيَةِ الْمَنَاسِكِ * وَ حَرِّمْ بَاحِرَامِي عَلَى النَّارِ جَسَدِي *

و یاریم کن بر ادای مناسک * و حرام کن به محرم شدنم تنم را بر آتش *

وَ زِدْ لِسَفَرِ قُوَّتِي وَ جَلْدِي * وَ ارْزُقْنِي رَبِّ الْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ *

و بیفزای برای سفر توانم را و تابم را * و روزیم کن پروردگارا وقوف برابر تو را *

وَ الْإِفَاضَةَ إِلَيْكَ * وَ أَظْفِرْنِي بِالنُّجْحِ بِوَافِرِ الرِّيحِ * وَ اصْدِرْنِي رَبِّ مِنْ

و کوچ به درگاهت را * و فیروزمندم کن و کامیابی به سود وافر * و بگردانم پروردگارا از

مَوْقِفِ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ إِلَى مُزْدَلِفَةَ الْمَشْعَرِ * وَ اجْعَلْهَا زُلْفَةً إِلَى رَحْمَتِكَ

موقف حج اکبر به تقربگاه مشعر * و بگردانش وسیله تقربم به رحمت تو

* وَ طَرِيقًا إِلَى جَنَّتِكَ * وَ قَفِّنِي مَوْقِفَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ * وَ مَقَامَ وَقُوفِ

* و راهی به بهشت * و بازدار مرا در موقف مشعر حرام * و مقام وقوف

الْأَحْرَامِ * وَ أَهْلِنِي لِتَأْدِيَةِ الْمَنَاسِكِ * وَ نَحْرِ الْهَدْيِ التَّوَامِكِ بِدَمِ يَتِيمِ

احرام * و اهلم کن به ادای مناسک * و قربانی کردن شترهای کوهان بزرگ با خون جوشان

* وَ أَوْدَاجِ تَمُجٍّ * وَ أَرَاقَةِ الدِّمَاءِ الْمَسْفُوحَةِ * وَ الْهَدَايَا الْمَذْبُوحَةِ *

* و اوداجی خونفشان * و ریختن خونهای روان * و کشتن قربانیهای فراوان *

وَ فَرِي أَوْدَاجِهَا عَلَى مَا أَمَرْتُ * وَ التَّنْفُلِ (وَ التَّنْقُلِ) بِهَا كَمَا وَسَمَتْ

و بریدن رگهای گردنشان طبق فرمانت * و انجام وظیفه کردن چنانچه مقرر

(رَسَمَتْ) * وَاَحْضِرْنِي اللَّهُمَّ صَلَاةَ الْعِيدِ رَاجِيًا لِلْوَعْدِ * خَائِفًا مِّنْ

کردی * و حاضر دار مرا خدایا برای نماز عید به امید وعدهات * و بیم دار

الْوَعِيدِ * حَالِقًا شَعْرَ رَأْسِي وَمُقَصِّرًا * وَمُجْتَهِدًا فِي طَاعَتِكَ مُشْمِرًا

از تهدیدت * با تراشیدن موی سرم و تقصیر کرده * و کوشا در فرمانبری تو دامن به کمر زده

* رَامِيًا لِلْجِمَارِ بِسَبْعِ بَعْدَ سَبْعِ مِنَ الْأَحْجَارِ * وَادْخِلْنِي اللَّهُمَّ

* برای رمی جمره به هفت سنگریزه و هفت دیگر از همان سنگهای مقرر * و درآور مرا خدایا

عَرَصَةَ بَيْتِكَ وَ عَقْوَتِكَ * وَ مَحَلَّ أَمْنِكَ وَ كَعْبَتِكَ * وَ مَسَاكِينِكَ

در عرصه خانهات و بیت * و محل آسایش و کعبهات * و مساکینت

وَ سُؤْأَلِكَ وَ مَحَاوِيجِكَ * وَ جُدَّ عَلَيَّ اللَّهُمَّ بِوَأْفِرِ الْأَجْرِ مِنَ الْإِنْكَفَاءِ

و خواهشمندانت و محتاجانت * و ببخش به من خدایا مزد فراوانت در برگشتن

وَ النَّفْرِ * وَ اخْتِمِ اللَّهُمَّ مَنَاسِكَ حَجِّي * وَ انْقِضَاءَ عَجْبِي بِقَبُولِ

و کوچ * و به پایان بر خدایا مناسک حج مرا * و گذشتن شیونم را به درگاہت به پذیرش

مِنْكَ لِي * وَ رَافَةً مِنْكَ بِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

از طرف خود * به مهت به من ای مهربانترین مهربانان *

مناجات کشف ظلم:

اللَّهُمَّ إِنَّ ظُلْمَ عِبَادِكَ قَدْ تَمَكَّنَ فِي بِلَادِكَ * حَتَّى آمَاتَ الْعَدْلَ * وَقَطَعَ

خدایا ستم بندگانت به تحقیق پابرجا شد در بلادت * تا آنجا که کشته است عدل را * و بریده شده

السُّبُلَ * وَ مَحَقَّ الْحَقَّ * وَ أَبْطَلَ الصِّدْقَ * وَ أَخْفَى الْبِرَّ * وَ أَظْهَرَ

راهها * و نابودش حق * و از میان رفته راستی * و ناپدید شده نیکو رفتاری * و پدید شده

الشَّرَّ * وَ أَحْمَدَ التَّقْوَى * وَ أزالَ الْهُدَى * وَ أَزَاحَ الْخَيْرَ * وَ أَثْبَتَ

بد کاری * چراغ تقوی خاموش * و هدایت نابود * و رفته است خیر * و شر پابرجا

الضَّرَّ * وَ أَنْمَى الْفُسَادَ * وَ قَوَّى الْعِنَادَ * وَ بَسَطَ الْجُورَ * وَ عَدَى

است * و فساد در فزونی * و عناد نیرو گیرد * و بیداد در انبساط * و تجاوز از حد

الطَّوْرَ * اللَّهُمَّ يَا رَبَّ لَا يَكْشِفُ ذَلِكَ إِلَّا سُلْطَانُكَ * وَ لَا يَجِيرُ مِنْهُ

اشکار * خدایا پروردگارا برطرف نکند این را جز سلطان تو * و پناه از آن ندهد

إِلَّا امْتِنَانِكَ اللَّهُمَّ رَبِّ فَا بْتِرِ الظُّلْمَ * وَبَثَّ جِبَالَ الغَشْمِ * وَآخَمِدْ

جز منت گزاریت * خدایا پروردگارا بر کن ستم را * و گرد ساز کوههای زورگوئی * و بیند

(أَخْمِلْ) سَوْقَ الْمُنْكَرِ * وَاعْزَمَنَّ عَنْهُ يَنْزَجِرُ * وَاحْصِدْ شَافَةَ أَهْلِ

بازار منکر را * و عزیز کن هر که از او جلو گیرد * و درو کن بیخ اهل

الْمُجُورِ * وَالْبَسْهُمْ أَحْوَرَ بَعْدَ الْكُورِ * وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ إِلَيْهِمُ اللَّيَّاتَ

بیداد را * و سرگردانشان کن پس از آوارگی * و شتاب ده خدایا بر سر آنها شبیخونی *

وَ أَنْزِلْ عَلَيْهِمُ الْمَثَلَاتِ * وَ أَمّتَ حَيَاةِ الْمُنْكَرِ لِيُؤْمِنَ الْمَخُوفُ *

و فرود آر بر آنها مثلهها * و بمیران زندگی منکر را تا آسوده شود ترسان *

وَ يَسْكُنُ الْمَلْهُوفُ * وَ يَشْبَعُ الْجَائِعُ * وَ يَحْفَظُ الضَّائِعُ * وَ يَأْوِي

و آرام شود بیچاره * و سیر شود گرسنه * و حفظ شود گمشده * و ماوی گیرد

الطَّرِيدُ * وَ يَعُودُ الشَّرِيدُ * وَ يَغْنَى الْفَقِيرُ * وَ يُجَارُ الْمُسْتَجِيرُ * وَ يُوقَرُ

رانده * و بازگردد گریخته * و بی‌نیاز شود فقیر * و پناه گیرد پناه‌جو * و احترام شود

الْكَبِيرُ * وَ يُرْحَمُ الصَّغِيرُ * وَ يُعَزَّ الْمَظْلُومُ وَ يَذَلُّ الظَّالِمُ * وَ يَفْرَجُ

بزرگ * و رحم شود خرد * و عزیز شود ستمدیده و خوار شود ستمکار * و گشایش شود

الْمَغْمُومُ * وَ تَنْفَرُجُ الْغَمَاءُ * وَ تَسْكُنُ الدَّهْمَاءُ * وَ يَمُوتُ الْإِخْتِلَافُ

بر غمزه * و بازگردد تیرگی * و آرام شود جنجال * و از میان برود اختلاف

* وَ يَعْلُو الْعِلْمُ * وَ يَشْمَلُ السَّلْمُ * وَ يَجْمَعُ الشَّتَاتُ * وَ يَقْوَى الْإِيمَانُ

* و فراز گردد دانش * و عمومی شود صلح * و فراهم گردد پراکندهها * و نیرومند شود ایمان

* وَ يُتْلَى الْقُرْآنُ * إِنَّكَ أَنْتَ الدَّيَّانُ الْمُنْعَمُ الْمَنَّانُ *

* و تلاوت شود قرآن * زیرا توئی جزا بخش نعمت ده منت نه *

مناجات شکر خدا:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَرَدِّ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ * وَ مِلْمَاتِ الضَّرَّاءِ * وَ كَشْفِ

خدایا از آن توست حمد بر رد بلاهای نازل * و ناگواریهای سخت * و برطرف کردن

نَوَائِبِ اللَّوَاءِ * وَ تَوَالِي سُبُوحِ النِّعْمَاءِ * وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى هَبِيئِ

پیش آمدهای ناگوار * و پیوست شیوع نعمتها * و از توست حمد بر عطای

عَطَائِكَ * وَ مَحْمُودِ بَلَائِكَ * وَ جَلِيلِ أَلْيَاكَ * وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى

گوارایت * و بلای ستودهات * و مهربانی‌های والایت * و از توست حمد بر

إِحْسَانِكَ الْكَثِيرِ * وَ خَيْرِكَ الْغَزِيرِ * وَ تَكْلِيفِكَ الْيَسِيرِ * وَ دَفْعِ الْعَسِيرِ

احسان بسیار * و خیر جوشانت * و تکلیف آسانت * و دفع سختی

وَ لَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ عَلَى تَثْمِيرِكَ قَلِيلِ الشُّكْرِ * وَ اعْطَائِكَ وَافِرَ

* و از آن توست حمد پروردگارا بر ثمر رساندن تو شکر کم را * و عطا کردن تو اجر

الْأَجْرِ * وَ حَطِّكَ مُثْقَلِ الْوِزْرِ * وَ قَبُولِكَ ضَيْقَ الْعُذْرِ * وَ وَضْعِكَ

فراوان را * و فروهستن تو بار سنگین گناه را * و پذیرفتن عذر بی‌مورد * و از دوش نهادن

بَاهِضِ الْأَصْرِ * وَ تَسْهِيلِكَ مَوْضِعِ الْوَعْرِ * وَ مَنَعِكَ مَفْطَعِ الْأَمْرِ * وَ لَكَ

تکلیف سنگین را * و آسان کردن دشواری را * و جلوگیری از امر دل‌گداز * و از توست

الْحَمْدُ عَلَى الْبَلَاءِ الْمَصْرُوفِ * وَ وَافِرِ الْمَعْرُوفِ * وَ دَفْعِ الْمَخُوفِ *

حمد بر بلایی که منصرف شده * و خیرات فراوان * و دفع بیمناک *

وَ إِذْلَالِ الْعُسُوفِ * وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى قِلَّةِ التَّكْلِيفِ * وَ كَثْرَةِ التَّخْفِيفِ

و رام کردن سرکشها * و از آن توست حمد بر کمی تکلیف * و بسیاری تخفیف

وَ تَقْوِيَةِ الضَّعِيفِ * وَ إِغَاثَةِ الْهَيْفِ * وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى سَعَةِ امْهَالِكَ

* و نیرو بخشی بر ناتوان * و دادرسی بیچاره * و از توست حمد بر وسعت مهلت

وَ دَوَامِ إِفْضَالِكَ * وَ صَرْفِ امْحَالِكَ * وَ حَمِيدِ أَعْمَالِكَ * وَ تَوَالِي نَوَالِكَ

* و ادامه نعمت تو * و جلوگیری از عقوبت * و افعال ستودهات * و پیایی بودن عطایت

وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى تَأْخِيرِ مُعَاجَلَةِ الْعِقَابِ * وَ تَرْكِ مُغَافَصَةِ الْعَذَابِ

* و از توست حمد بر تأخیر فوریت عقوبت * و ترک تعجیل در عذاب

وَ تَسْهِيلِ طَرِيقِ الْمَاءِ * وَ أَنْزَالِ غَيْثِ السَّحَابِ * إِنَّكَ الْمَنَّانُ لَوْهَابُ

* و تسهیل راه توبه * و فرو فرستادن باران از ابر رحمت * زیرا توئی پر منت و پر بخشش *

مناجات طلب حوائج:

جَدِيرٌ مِّنْ أَمْرَتِهِ * وَ بِالِدُّعَاءِ أَنْ يَدْعُوكَ * وَ مَن وَعَدْتَهُ * بِالْإِجَابَةِ أَنْ

سزاوار است کسی که دستور دعایش دادی تو را بخواند * و آنکه وعده‌اش دادی به اجابت به تو

يَرْجُوكَ * وَ لِي اللّٰهُمَّ حَاجَةٌ قَدْ عَجَزْتَ عَنْهَا حِيلَتِي * وَ كَلَّتْ فِيهَا

امید دار باشد * و برایم خدایا حاجتی است که من از آن درمانده‌ام * و تاب شده در آن

طَاقَتِي * وَ ضَعْفَ عَنْ مَرَامِهَا قُوَّتِي * وَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي الْاِمَارَةَ بِالسُّوءِ

توانم * و سست شده از طلبش نیرویم * و آرایش داده برایم نفس بد کیش من

* وَ عَدُوِّي الْغُرُورُ الَّذِي اَنَا مِنْهُ مَبْلُوٌّ (مُبْتَلَى) اِنْ اَرَّغَبَ اِلَيْكَ فِيهَا *

* و دشمن فریبنده‌ای که من بدو آزموده‌ام که دل به تو دهم نه او *

اللّٰهُمَّ وَ اَنْجِحْهَا بِاَيْمَنِ النَّجَاحِ * وَ اَهْدِهَا سَبِيْلَ الْفَلَاحِ * وَ اَشْرَحْ

خدایا کامجویش ساز با میمنت * و رهبریش کن به راه رستگاری * و باز کن

بِالرَّجَاءِ لِاسْعَافِكَ صَدْرِي * وَ يَسِّرْ اَسْبَابَ الْخَيْرِ اَمْرِي * وَ صَوِّرْ اِلَيَّ

به امید برآوردنش سینه‌ام * و میسر کن به اسباب خیر کار مرا * و نقش کن

الْفَوْزَ بِبُلُوْغِ مَا رَجَوْتُهُ * بِالْوُصُوْلِ اِلَى مَا اَمَلْتَهُ * وَ وَفَّقْنِي اللّٰهُمَّ فِي

در دلم فوز به رسیدن بدانچه امیدوارم * به دریافت آنچه آرزومندم * و توفیقم ده خدایا

قَضَاءِ حَاجَتِي بِبُلُوْغِ اَمْنِيَّتِي * وَ تَصْدِيْقِ رَغْبَتِي * وَ اَعِزَّنِي اللّٰهُمَّ

به برآوردن حاجتم با رسیدن به آرزویم * به تصدیق اشتیاقم * و پناهم ده خدایا

بِكْرَمِكَ مِنَ الْخَبِيْثَةِ وَ الْقَنُوْطِ * وَ الْاَنَاةِ وَ التَّشْبِيْطِ * اللّٰهُمَّ اِنَّكَ مَلِيٌّ

به کرم خود از نومیدی و یاس * و تاخیر و عقب کشیدن * خدایا تو دارای عطیه‌های

بِالْمَنَاحِ الْجُزْئِيَّةِ وَ فِيْهَا * وَ اَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ * بَعْبَادِكَ خَيْرٌ

شایانی و پرداخت کن آنها * و تو بر هر چیز توانائی * و به بندگانت آگاه

بَصِيْرٌ ﴿۱۷﴾ هفدهم: حجاب حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام): يَا مَنْ اِذَا اسْتَعَدْتُ بِهٖ اَعَاذَنِي

و بینا * ای که چون پناهش جویم پناهم دهد

* وَ اِذَا اسْتَجَرْتُ بِهٖ عِنْدَ الشَّدَائِدِ اَجَارَنِي * وَ اِذَا اسْتَغْتْتُ بِهٖ عِنْدَ

* و چون دادرش طلبم نزد بدآمدها به دادم رسد * و چون دادرش طلبم نزد

النَّوَابِ اَغَاثَنِي * وَ اِذَا اسْتَنْصَرْتُ بِهٖ عَلٰى عَدُوِّي نَصَرَنِي وَ اَعَانَنِي

بدآمدها به دادم رسد * و چون یاریش جویم بر دشمن یاریم کند و کمکم دهد

* اِلَيْكَ الْمَفْرَعُ وَ اَنْتَ الثَّقَةُ * فَاقْمَعْ عَنِّيْ مَنْ اَرَادَنِي * وَ اَغْلِبْ لِي مَنْ

* به درگاه توست مفزع و توئی مورد اعتماد * از بن بر کن هر که قصد من دارد * و مغلوب کن هر که

كَادَنِي * يَا مَنْ قَالَ * اِنْ يَنْصُرْكُمْ اللهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ * يَا مَنْ نَجَّاهُ

دامم نهد * ای که گفתי اگر خدایتان یار باشد چیره‌ای بر شما نباشد * ای که نجات داد

نُوحًا مِنْ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * يَا مَنْ نَجَّاهُ لُوطًا مِنْ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ * يَا

نوح را از قوم ستمکار * ای که نجات داد لوط را از قوم بزهکار * ای که

مَنْ نَجَّاهُ هُودًا مِنْ الْقَوْمِ الْعَادِيْنَ * يَا مَنْ نَجَّاهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

نجات داد هود را از قوم تجاوز کار * ای که نجات داد محمد که درود خدا بر او

وَأَهْلِهِ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ * نَجِّنِي مِنْ أَعْدَائِي وَأَعْدَائِكَ بِأَسْمَائِكَ

و آتش باد را از قوم کفار * نجاتم ده از دشمنانم و دشمنانت به نامهایت

يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ * لَا سَبِيلَ لَهُمْ عَلَيَّ مِنْ تَعَوُّذٍ بِالْقُرْآنِ * وَ اسْتَجَارَكَ

ای بخشاینده مهربان * راهی ندارد بر هر که پناه برد به قرآن * و پناه تو گیرد

بِالرَّحْمَنِ الرَّحْمَنِ * الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى * اِنْ بَطَشَ رَبِّكَ

به عنوان رحیم و رحمن * رحمن بر عرش استوار است * به درستی که کوبش پروردگارت

لَشَدِيدٍ * اِنَّهُ هُوَ يُبَدِّئُ وَيُعِيدُ * وَ هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ * ذُو الْعَرْشِ

سخت است * زیرا او آغاز کند و باز زنده کند * و او است آمرزنده مهرورز * صاحب عرش

الْمَجِيدِ * فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ * اِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللهُ * لَا اِلَهَ اِلَّا

ارجمند * فعال هر چه خواهد * اگر پشت کنند بگو بس است مرا خدا * نیست معبود حق

هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ * وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ * ۱۸ * هِجْدَهَم: حِجَابُ حَضْرَتِ

جز او * بر او توکل دارم * و او است پروردگار عرش بزرگ * ۱۸ * هجدهم: حجاب حضرت

امام موسی کاظم (علیه السلام): تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ * وَ تَحَصَّنْتُ بِذِي

توکل دارم بر زنده‌ای که نمیرد * قلعه بندی کنم به صاحب

الْعِزَّةِ وَ الْجَبْرُوتِ * وَ اسْتَعَنْتُ بِذِي الْكِبْرِيَاءِ وَ الْمَلَكُوتِ * مَوْلَايَ

عزت و جبروت * یاری جویم به صاحب کبریا و ملکوت * مولایم

اسْتَسَلَّمْتُ إِلَيْكَ فَلَا تُسَلِّمْنِي * وَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فَلَا تَخْذَلْنِي *

خود را به تو واگذاردم مرا تسلیم دیگران مکن * و توکل کردم بر تو مرا وانگذار *

وَ لِحَاثٍ إِلَى ظِلِّكَ الْبَسِيطِ فَلَا تَطْرَحْنِي * أَنْتَ الْمَطْلَبُ وَ إِلَيْكَ

و پناهنده شدم به سایه تو که همه جا کشیده است دورم مکن * توئی مطلوب و به درگاه توست

المَهْرَبُ * تَعَلَّمَ مَا أُخْفِيَ وَ مَا أُعْلِنَ * وَ تَعَلَّمَ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا

گریز * می‌دانی آنچه نهان است و آنچه آشکار است * می‌دانی خیانت چشمها و آنچه

تُخْفَى الصُّدُورُ * فَاْمَسِكْ عَنِّي اللَّهُمَّ أَيْدِيَ الظَّالِمِينَ مِنَ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ

نهان دارند سینه‌ها * نگهدار از من خدایا دستهای ستمکاران را از جن و انس

أَجْمَعِينَ * وَ اشْفِنِي وَ عافِنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ﴿١٩﴾ نوزدهم: حجاب حضرت

همه * و شفایم بده و عافیتم بخش ای مهربانترین مهربانان *

امام محمد تقی (علیه السلام): الخَالِقُ اعْظَمُ مِنَ المَخْلُوقِينَ * وَ الرَّازِقُ ابْسَطُ يَدًا

آفریننده بزرگتر است از آفریده شده * و روزی ده دست باز تر است

مِنَ المَرْزُوقِينَ * وَ نَارُ اللَّهِ المَوْصَدَةُ فِي عَمَدٍ مَمْدُودَةٍ * تَكِيدُ أَفئِدَةَ

از روزی خورها * و آتش خدا زبانه کش است درستونهای بلند * که دامی است برای دلهای

المُردَةِ * وَ تَرُدُّ كَيْدَ الحُسَدَةِ بِالْأَقْسَامِ بِالْأَحْكَامِ * بِاللَّوْحِ المَحْفُوظِ

متمردان * و برگرداند توطئه حسودان را به سوگندها به حکمها * و لوح محفوظ

* وَ المَحْجَابِ المَضْرُوبِ * بعرش رَبِّنَا العَظِيمِ احْتَجَبْتُ * وَ اسْتَتَرْتُ

* و سرا پرده برپا شده * به عرش پروردگار ما که بزرگ است پرده برگرفتم * و پنهان شدم

وَ اسْتَجَرْتُ * وَ اعْتَصَمْتُ وَ تَحَصَّنْتُ * بِالْمِ * وَ بَكهَيْعَصَ * وَ بَطْهَ

و پناهنده شدم * و خود را نگهداشتم و متحصن شده * به الم * و کهیعیص * و به طه

* وَ بَطْطَسَمَ * وَ بَجَمَّ * وَ بجمَعَسَقَ * وَ نُونِ * وَ بَطْطَسِينَ * وَ بَقَ * وَ القُرْآنِ

* و طسم * و به حم * و به جمعسق * و به ن * و به طسین * و به ق * و به قرآن

المَجِيدِ * ﴿وَ إِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ﴾ * وَ اللَّهُ وَلِيٌّ وَ نِعَمَ الوَكِيلِ

مجید * و به راستی آن سوگندی است اگر بدانید بزرگ است * و خدا سرپرست من است و چه خوب وکیلی است *

﴿٢٠﴾ بیستم: از کتاب تعبیر الرؤیا تصنیف شیخ کلینی منقول است که و شأ از حضرت امام رضا (علیه السلام) روایت کرده

که فرمود: دیدم پدرم را در خواب که فرمود: ای فرزند من هرگاه در شدتی واقع شدی بسیار بگو یا رءوف یا

رَحِيمٌ . پس حضرت فرمود آنچه ما در خواب می بینیم همچنان است که در بیداری بینیم. ﴿٢١﴾ بیست و

یکم: دعاء رزق و غیره منقول از کتاب مُجْتَنَى تصنیف سید بن طاوس (علیه السلام): اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي لَمْ يَبِقْ

خدایا به راستی گناهانم به جا نگذاشته‌اند

لَهَا إِلَّا رَجَاءٌ عَفْوِكَ * وَقَدْ قَدَّمْتُ ءَالََةَ الْحَرْمَانِ بَيْنَ يَدَيَّ * فَاِنَا

برایم جز امید گذشتت را * و من هم ابزار محرومیت را پیش خودم دارم * و من از

أَسْأَلُكَ مَا لَا اسْتَحِقُّهُ * وَأَدْعُوكَ مَا لَا اسْتَوْجِبُهُ * وَاتَّضَرَّعُ إِلَيْكَ

تو خواهم آنچه را که مستحق آن نیستم * و از تو درخواست کنم آنچه را بایستم نیست * و زاری کنم به درگاهت

بِمَا لَا اسْتَاهِلُهُ * وَلَمْ يَخْفَ عَلَيْكَ حَالِي * وَإِنْ خَفِيَ عَلَى النَّاسِ

برای آنکه اهلش نیستم * و پوشیده نیست بر تو حال من * و اگر نماند بر مردم

كُنْهُ مَعْرِفَةِ أَمْرِي * اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ رِزْقِي فِي السَّمَاءِ فَاهْبِطْهُ * وَإِنْ كَانَ

کنه معرفت امر من * خدایا اگر روزی من در آسمان است فرودش آور * و اگر در

فِي الْأَرْضِ فَاطْهَرْهُ * وَإِنْ كَانَ بَعِيدًا فَقَرِّبْهُ * وَإِنْ كَانَ قَرِيبًا فَيَسِّرْهُ *

زمین باشد آشکار کن * و اگر دور است نزدیکش آور * و اگر نزدیک است آسانش کن *

وَإِنْ كَانَ قَلِيلًا فَكَثِّرْهُ * وَبَارِكْ لِي فِيهِ ﴿٢٢﴾ بَيِّسْتُ وَدَوِّمُ: دَعَاءُ دَفْعِ شَرِّ ابْلِيسَ مَنقُولُ

و اگر کم است زیادش کن * و مبارک کن برای من در آن *

از مجتنی: اللَّهُمَّ إِنَّ ابْلِيسَ عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِكَ * يَرَانِي مِنْ حَيْثُ لَا أَرَاهُ *

خدایا به راستی ابلیس بنده‌ای است از بندگانت * می‌بیند مرا از آنجا که نبینمش *

وَإِنَّتَ تَرَاهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَرَاكَ * وَأَنْتَ أَقْوَى عَلَى أَمْرِهِ كَلْبُهُ * وَهُوَ لَا

و تو او را می‌بینی از ناحیه‌ای که تو را نبیند * و تو نیرومندتری بر هر کارش * و او

يَقْوَى عَلَى شَيْءٍ مِنْ أَمْرِكَ * اللَّهُمَّ فَاِنَا اسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِ * يَا رَبِّ فَاِنِّي

نیرو ندارم بر هیچ چیزی از کار تو * خدایا من کمک جویم به تو بر او * پروردگارا راستی

لَا طَاقَةَ لِي بِهِ * وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَيْهِ إِلَّا بِكَ يَا رَبِّ * اللَّهُمَّ إِنْ أَرَادَنِي

من تاب او را ندارم * و نیست جنبش و نه توانی برایم بر او جز به تو پروردگارا * خدایا اگر قصدم کرده

فَارَدَهُ * وَإِنْ كَادَنِي فَكِدْهُ * وَاكْفِنِي شَرَّهُ * وَاجْعَلْ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ *

قصدش کن * و اگر دامم نهاده دامش نه * و کفایت کن از من شر او را * و دامش را در گلویش نه *

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَءَالِهِ الطَّاهِرِينَ

به رحمت تو ای مهربانترین مهربانان * و رحمت خدا بر محمد و خاندان پاکش *

بَيِّسْتُ وَ سَيِّمُ: وَ نِيْزَ دَرِ مَجْتَنِیْ اسْتِ كِهْ شَخْصِیْ دَرِ خَوَابِ حَضْرَتِ پِيْغَمْبَرِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) رَا دِيْدِ وَا زَانَ حَضْرَتِ

خواست که مرادعائی تعلیم فرمائید که دلم را زنده گرداند، حضرت این کلمات را تعلیم او فرمود: **يَا حَيُّ يَا**

ای زنده ای

قِيَوْمٌ يَا لَإِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ۖ أَسْأَلُكَ أَنْ تُحْيِيَ قَلْبِي ۖ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

پاینده * ای که نیست معبود حق جز تو * از تو خواهم که زنده کنی دلم را * خدایا رحمت فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ ۖ آن شخص گفت: پس سه مرتبه این کلمات را خواندم، پس خدا قلبم را زنده گردانید.

و خاندان پاکش *

۲۴ بیست و چهارم: از حضرت رسول (ﷺ) منقول است که هر که بخواهد اجلش تأخیر بیفتد و نصرت پیدا کند بر دشمنان خود و از مردن بد محفوظ بماند پس بگوید سه مرتبه در وقت دخول در شب و سه مرتبه در وقت دخول

در صبح: **سُبْحَانَ اللَّهِ مِلاَ الْمِيزَانِ ۖ وَ مَنَّتْهُي الْحَلْمِ ۖ وَ مَبْلَغِ الرِّضَا ۖ**

منزه است خدا پر میزان * و نهایت بردباری * و به رسائی رضایت *

وَ زَنَةَ الْعَرْشِ ۲۵ بیست و پنجم: نقل است از کتاب نثر اللغالی تألیف سیّد سعید علی بن فضل الله

و به وزن عرش *

الحسینی راوندی که مردی به حضرت عیسی بن مریم (علیه السلام) شکایت کرد از دین خود، فرمود بگو: **اللَّهُمَّ**

خدایا

يَا فَارِجَ الْهَمِّ ۖ وَ مُنْفِسَ الْغَمِّ ۖ وَ مُذْهِبَ الْأَحْزَانِ ۖ وَ مُجِيبَ دَعْوَةِ

ای گشاینده گره اندوه * و زداینده غم * و برنده اندوهها * و اجابت کن دعای

الْمُضْطَّرِّينَ ۖ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا ۖ أَنْتَ رَحْمَنِي

بیچارگان * ای بخشاینده در دنیا و آخرت و مهربان در هر دو * تو بخشاینده منی

وَ رَحْمَنُ كُلِّ شَيْءٍ ۖ فَارْحَمْنِي رَحْمَةً تُغْنِينِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ ۖ

و بخشنده هر چیزی * پس رحمتی ده که بی‌نیازم کنی بدان از رحمت هر کسی دیگر *

وَ تَقْضِي بِهَا عَنِّي الدِّينَ ۖ پس هرگاه به قدرپری زمین طلا مدیون باشد حق تعالی ادا فرماید از تو.

و بهردازی بدان وام مرا *

باب ششم: در ذکر خواص بعضی سوره و آیات و ذکر بعض ادعیه و مطالب متفرقه

و آن مشتمل بر چهار امر است: ۱) اول: شیخ کلینی در کافی از حضرت باقر (علیه السلام) روایت کرده که هر کس

بخواند مَسْبَحَاتِ یعنی سوره حدید و حشر و صف و جمعه و تغابن و اعلی را پیش از خواب نمیرد تا درک نماید

حضرت قائم (علیه السلام) را و اگر مُرد در جوار حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) خواهد بود. **۲** دویم: و نیز در آن کتاب است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود هر که بخواند چهار آیه از اوّل سوره بقره و آیه الکرسی و دو آیه بعد از آن و سه آیه آخر بقره را نبیند در جان و مال خود چیزی را که مکروه او باشد و نزدیک نشود به او شیطان و فراموش نکند قرآن را.

۳ سیّم: و نیز روایت کرده از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) که هر که سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** را بخواند و صدا به آن بلند کند مثل کسی باشد که شمشیر از نیام کشیده در راه خدا جهاد کند، و اگر آهسته بخواند مثل کسی باشد که در راه خدا در خون خود طپیده باشد، و کسی که ده مرتبه بخواند محو کند از او هزار گناه از گناهانش را.

۴ چهارم: و نیز شیخ کلینی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: پدرم می فرمود: **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** ثلث قرآن است و **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** ربع قرآن. **۵** پنجم: از حضرت امام موسی (علیه السلام) نقل کرده که هر که بخواند آیه الکرسی را در وقت خواب نترسد از فلج انشاء الله، و کسی که بخواند آن را در عقب هر فریضه ضرر نرساند به او صاحب زهری، و فرمود: کسی که مقدّم دارد **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را بین خود و بین شخص جبار منع فرماید حق تعالی او را از شرّ او به خواندن آن سوره را از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ خود، پس هرگاه چنین کرد حق تعالی روزی کند او را از خیر او و منع کند او را از شرّ او، و فرمود هرگاه ترسیدی از امری بخوان صد آیه از قرآن از هر جای قرآن که باشد پس بگو: **اللَّهُمَّ اكْشِفْ عَنِّي الْبَلَاءَ** سه مرتبه. **۶** ششم: و نیز شیخ کلینی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: هر که ایمان به خدا و روز قیامت دارد و نگذارد خواندن **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را در عقب فریضه، پس به درستی که کسی که بخواند آن را جمع فرماید حق تعالی برای او خیر دنیا و آخرت را و بیمارزد او را و پدر و مادر و اولاد او را. **۷** هفتم: و نیز از آن حضرت روایت کرده که هر که سوره **التَّكْوِيْنِ** را بخواند نزد، خواب نگاه داشته شود از عذاب قبر.

۸ هشتم: و نیز از آن حضرت روایت کرده که اگر خوانده شود سوره حمد بر مرده هفتاد مرتبه پس ردّ کرده شود روح به او، عجبی نخواهد داشت. **۹** نهم: از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) خاصیت بسیار وارد شده برای خواندن کودک در هر شب سه مرتبه **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ** و سه مرتبه **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ** و صد مرتبه توحید و اگر نتواند پنجاه مرتبه و هرگاه مواظبت داشته باشد به آن محفوظ بماند از بلاها تا روزی که وفات کند. **۱۰** دهم: و نیز شیخ کلینی از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود به مفضّل: ای مفضّل منع و حفظ کن خود را از تمام مردم به **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** و به **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** که بخوانی آن را از طرف راست و طرف چپ و از پیش رو و از پشت سر و از بالای سر و پایین پای خود، و هرگاه داخل شدی بر سلطان جائری بخوان سه مرتبه آن را در وقتی که نظر به او افکنی و بشمار به دست چپ خود و دست

خود را به همان حال که انگشتان را جمع کرده‌ای برای شماره بگذار باشد تا از نزد او بیرون شوی، و بعضی گفته‌اند که خواندن سوره را ترک مکن تا از نزد او بیرون شوی. ﴿۱۱﴾ یازدهم: در حدیثی از امیرالمؤمنین (علیه السلام)

منقول است که برای ایمنی از سوختن و غرق شدن بخواند: ﴿اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ

خدائی که فرو فرستاد قرآن را *

وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ﴾ * ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ﴾ * وَ الْأَرْضِ

و او دوست دارد صالحین را * و نکردند قدر دانی از خدا به اندازه‌ای که حق اوست * و زمین

جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ * وَ السَّمَاوَاتِ مَطْوِيَّاتٍ بِيَمِينِهِ﴾ *

همه در قبضه او است روز قیامت * و آسمانها نور دیده‌اند در دست او *

سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ * و برای دلیل شدن اسب سرکش در گوش راستش

منزه است و برتر از آنچه شریک او دانند *

بخوانند: ﴿وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾ * وَ إِلَيْهِ

برای او تسلیم شوند هر چه در آسمانها و زمین است خواهی نخواهی * و به سوی

يُرْجَعُونَ﴾ * و در زمین مسبعه یعنی زمینی که جانوران درنده داشته باشد به جهت ایمنی از آنها بخواند:

او برگردند *

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ

به تحقیق برای شما رسولی آمد از خودتان * که ناگوار است بر او هر چه سختی کشید * حریص است

عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ * ﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا

بر شما و به مؤمنین مهر ورز و مهربان است * پس اگر پشت دهند بگو بس است مرا خدا

إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾ * و برای پیدا شدن

نیست معبود حق جز او * بر او توکل دارم و او پروردگار عرش عظیم است *

گمشده بخواند پس را در دورکت و بگوید: يَا هَادِيَ الضَّالَّةِ رُدِّ عَلَيَّ ضَالَّتِي﴾ * و برای

ای هدایت کن گمراهان برگردان به من گمشده‌ام را *

رجوع عبد فرار کرده بخواند: ﴿أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرِ لَجِّي﴾ * يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ

یا چون تاریکیها در دریای ژرف * که فراگرفته موج روی

مَوْجٍ﴾ * (الی قوله عَزَّوَجَلَّ) ﴿وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا﴾ * فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾ *

موج * و هر که خدایش نور نداده نوری نخواهد داشت *

و برای ایمنی از دزد در وقتی که به رختخواب رود بخواند: ﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ﴾

بگو بخوانید خدا را یا بخوانید رحمن را *

تا ﴿وَكَبْرَهُ تَكْبِيرًا﴾ ۱۲ دوازدهم: و نیز شیخ کلینی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود:

و بزرگش دارید *

مُلُود نشوید از قرائت اِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا زیرا که هر که این سوره را در نوافل خود بخواند نرساند حق تعالی به او زلزله ابداً و نمیرد به زلزله و نه به صاعقه و نه به آفتی از آفات دنیا تا بمیرد و در وقت مردن او ملکی کریم از نزد حق تعالی بر او نازل شود و بنشیند نزد سراو و بگوید: ای ملک الموت رفیق و مداراکن به ولی الله زیرا که او بسیار مرا یاد می کرد. الخبر. و در آخر خبر است که پرده از جلو چشمش برداشته شود و منازل خود را در بهشت ببیند و قبض روح او شود به نرم تر و جهی و مشایعت کنند روح او را هفتاد هزار فرشته که ببرند او را به سوی بهشت. ۱۳ سیزدهم: و نیز کلینی از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: سوره مُلُک مانعه است منع می کند از عذاب قبر. الخبر. ۱۴ چهاردهم: و نیز از آن حضرت مروی است که قرآنی در دریا افتاد چون او

رایافتند دیدند رفته بود کلمات او جز این آیه: ﴿الْأَلَىٰ اللَّهُ تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾ ۱۵ پانزدهم: و نیز

همانا به سوی خدا برگردد کارها *

شیخ کلینی از زراره روایت کرده که گفت: می گیری قرآن را در ثلث دویم ماه رمضان و می گشائی و می گذاری

مقابل خود و می گوئی: اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِکِتَابِکَ الْمُنَزَّلِ وَ مَا فِیهِ وَ فِیهِ

خدایا من می خواهم از تو به کتابت که فرستاده شده و آنچه در آن است * و در آن

اسْمُکَ الْاَعْظَمُ الْاَکْبَرُ وَ اَسْمَاؤُکَ الْحُسْنٰی وَ مَا یُخَافُ وَ یَرْجٰی

است نام اکبر اعظم * و نامهای زیباتر * و آنچه بیم و امید است *

اَنْ تَجْعَلَنی مِنْ عَتَقَائِکَ مِنَ النَّارِ * و دعا می کنی به آنچه حاجت داری. ۱۶ شانزدهم:

که مقرر کنی مرا از آزاد شده های خود از آتش *

شیخ کفعمی در مصباح و محدث فیض در خلاصه الأذکار فرموده که: دیدم در بعض کتب اصحاب امامیه که هر کس خواسته باشد در خواب ببیند یکی از پیغمبران و امامان (علیهم السلام) را یا یکی از مردمان یا والدین خود را بخواند سوره شمس و لیل و قدر و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و سوره اخلاص و مَعُوذَتین را پس بخواند صد مرتبه سوره اخلاص و صلوات بفرستد بر پیغمبر و آل او صد مرتبه و بخوابد با وضو به جانب راست، خواهد دید هر که

را اراده کرده انشاء الله و تکلم خواهد کرد با او انشاء الله هر چه بخواهد. و در نسخه دیگر دیدم که این عمل را

به جا آورد در هفت شب بعد از آنکه این دعا را بخواند: **اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يُوصَفُ**

خدایا توئی زنده‌ای که وصفش نتوان *

وَ الْإِيمَانُ يُعْرِفُ مِنْهُ * مِنْكَ بَدَتِ الْأَشْيَاءُ وَ إِلَيْكَ تَعُودُ * فَمَا أَقْبَلَ

و ایمان از آن معروف گردد * از تو آغاز شده هر چیز و به تو برگردد * بدانچه که

مِنْهَا كُنْتَ مَلْجَأَهُ وَ مَنجَاهُ * وَ مَا أَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ وَ مَلْجَأُ

به تو رو کند تو پناه و نجات اوئی * و آنچه برگردد نه پناهی دارد *

وَ لَا مَنجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ * فَاسْأَلْكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * وَ أَسْأَلُكَ

و نه نجاتی از تو جز به تو * از تو خواهم به لا اله الا انت * و از تو خواهم

بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

به بسم الله الرحمن الرحيم * و به حق دوست محمد که درود خدا بر او

وَ آله سَيِّدِ النَّبِيِّينَ * وَ بِحَقِّ عَلِيِّ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ * وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ

و آتش باد سید پیغمبران * و به حق علی خیر اوصیاء * و به حق فاطمه

سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ * الْمَذِينِ جَعَلْتَهُمَا

بانوی زنان جهانیان * و به حق حسن و حسین * که قرار دادی آنان را

سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ * عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

سید جوانان اهل بهشت * بر همه ایشان درود * که رحمت فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَ آله مُحَمَّدٍ * وَ أَنْ تُرَبِّيَنِي مَيْتِي فِي الْحَالِ الَّتِي هُوَ فِيهَا ۱۷ هفدهم:

محمد و آل محمد * و به من بنمائی میت مرا در حالتی که او دارد *

و نیز در خلاصه است نقلاً عن بعض الكتب که یافتیم در کتاب آداب الحميدة تألیف محمد بن جریر طبری از

حارث بن روح از پدر از جدش نقل کرده که گفت به فرزندان خویش: هرگاه اندوهگین ساخت شما را امری پس

شب را به سر نیاورد احدی از شماها مگر در حالی که طاهر باشد و در فراش و لحاف طاهر باشد و با او نباشد زنی

پس بخواند هفت مرتبه **وَ الشَّمْسُ** و هفت مرتبه **وَ اللَّيْلُ** پس بگوید: **اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مِنْ**

خدایا قرار ده مرا در

أَمْرِي هَذَا فَرْجًا وَ مَخْرَجًا * هرگاه این عمل را به جا آورد بیاید در خواب او شخصی در همان

این کار خودم فرجی و پایان خوب *

شب، یا شب سیّم یا پنجم، و گمان می‌کنم گفت: یا در شب هفتم و بگوید برای او طریق بیرون شدن از آن غصّه و اندوه را. فقیر گوید: که بعضی گفته‌اند که: سوره **وَ الضُّحَى** و **الْم نَشْرَح** را نیز بخواند. و در جواهر المنثوره است که کسی که بخوابد در خواب ببیند مطلب خود را، بخواند وقت خوابیدن هر یک از این سوره‌ها را هفت مرتبه: **وَ الشَّمْسِ، وَ اللَّيْلِ، وَ التِّينِ** و اخلاص و **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ** و بخوابد با طهارت در مکان پاکی در جامه پاکی رو به قبله بردست راست خود یعنی به هیئت مرده که در لحد گذاشته می‌شود بخوابد و نیت کند مطلب خود را اگر در شب اول ندید در شبهای بعد و از هفت شب

تجاوز نمی‌کند گفته شده مجرب است. **۱۸** **هیجدهم:** و نیز در خلاصه الأذکار است که از حضرت زهراء صلوات الله علیها روایت است که حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بر من وارد شد در وقتی که رختخواب خود را پهن کرده بودم و می‌خواستم بخوابم. فرمود: ای فاطمه مخواب مگر آنکه چهار عمل به جای آوری، ختم قرآن کنی و پیغمبران را شفیع خود گردانی و مؤمنین را از خود خوشنود گردانی و حجّ و عمره بکنی، این را فرمود و داخل نماز شد من توقّف کردم تا نماز خود را تمام کرد، گفتم یا رسول الله امر فرمودی به چهار چیز که من قدرت ندارم در این وقت آنها را به جا آورم، آن حضرت تبسّم کرد و فرمود هرگاه بخوانی **قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ** را سه مرتبه پس گویا ختم قرآن کرده‌ای و هرگاه صلوات بفرستی بر من و بر پیغمبران قبل از من ما شفیعان تو خواهیم بود در روز قیامت و هرگاه استغفار کنی از برای مؤمنین پس تمامی ایشان از تو خوشنود شوند و هرگاه بگویی:

سُبْحَانَ اللهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَ اللهُ اَكْبَرُ * پس حج و عمره

منزه است خدا و حمد از آن خدا است و نیست معبود حقی جز خدا و خدا بزرگتر است *

کرده‌ای. * مؤلف گوید که: کفعمی روایتی نقل کرده که هر کس در وقت خواب بگوید سه مرتبه: **يَفْعَلُ اللهُ**

می‌کند خدا

مَا يَشَاءُ بِقُدْرَتِهِ وَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ بِعِزَّتِهِ * مثل آن است که هزار رکعت نماز کرده.

هر چه خواهد به نیرویش * و حکم کند هر چه خواهد به عزتش *

۱۹ **نوزدهم:** و نیز در خلاصه الأذکار است که در وقت مطالعه بخواند: **اللّٰهُمَّ اَخْرِجْنِي مِنْ**

خدایا درآور مرا از

ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَ اَكْرِمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ * **اللّٰهُمَّ فَتَحْ عَلَيْنَا اَبْوَابَ**

تاریکیهای وهم * و گرامیم دار به نور فهم * خدایا بگشا بر ما درهای

رَحْمَتِكَ * وَ انْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ * بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ

رحمتت را * و نشر کن بر ما خزینه‌های دانشت را * به رحمتت ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ ﴿۲۰﴾ بیستم: روایت شده که شخصی به خدمت حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) نوشت که

مهربانان *

قرض بسیار دارم، حضرت نوشتند که استغفار بسیار بکن و زیانت را تَر بدار به خواندن سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ .

﴿۲۱﴾ بیست و یکم: در حدیث است که مفضل به خدمت حضرت صادق (علیه السلام) شکایت کرد از تنگی نفس و

گفت: اندک راهی که می‌روم نفسم تنگ می‌گیرد و می‌نشینم، فرمود که: بول شتر بخور تا ساکن شود. * و در

حدیث دیگر است که شخصی به آن حضرت شکایت کرد از سرفه، فرمود که: قدری از انجدان رومی با همان قدر

از نبات سُفوف کن و یک روز یا دو روز بخور، آن شخص گفت که: یک مرتبه خوردم و برطرف شد. ﴿۲۲﴾ بیست و

دویم: از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) منقول است که حضرت عیسی (علیه السلام) به شهری گذشتند، دیدند که مردم

آن شهر روهای ایشان زرد و چشمهای ایشان کبود است و از بسیاری مرض به آن حضرت شکایت کردند. فرمود:

که شما گوشت را نشسته می‌پزید و هیچ حیوانی از دنیا به در نمی‌رود مگر آنکه جنابتی با او هست، بعد از آن

گوشت را پیش از پختن شستند بیماریشان برطرف شد. * و حضرت عیسی (علیه السلام) به شهر دیگر گذشتند دندانهای

ایشان ریخته بود و روهایشان باد کرده بود، فرمود که: در وقت خواب دهان را باز کنی و برهم مگذاری، چنان کردند

آن علتها از ایشان زایل شد. ﴿۲۳﴾ بیست و سیّم: از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) منقول است که چون کسی

از صاحبان بلا را ببینی سه مرتبه آهسته بگو که او نشود: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا

حمد از آن خدائی است که به من عافیت داد

اَبْتَلَاكَ بِهِ * وَ لَوْ شَاءَ فَعَلَّ * که هر که چنین کند هرگز آن بلا به او نرسد. * و در روایت دیگر است

از بلای تو * و اگر می‌خواست مرا هم مبتلا می‌کرد *

که بگو: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا اَبْتَلَاكَ بِهِ * وَ فَضَّلَنِي عَلَيْكَ وَ عَلَيَّ

حمد خدا را که عافیتم داد از آنچه تو را بدان مبتلا کرد * و تفضیلی داد مرا بر تو و بر

كثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقَ * و آهسته بگو که او نشود. ﴿۲۴﴾ بیست و چهارم: از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام)

بسیاری از آنکه آفریده *

منقول است که: هرگاه زنی را حملی باشد و چهار ماه بر او بگذرد روی او را به قبله کن و آیه الکرسی بخوان و

دست بر پهلوی او بزن و بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّي قَدْ سَمَيْتُهُ مُحَمَّدًا * یعنی خدایا من او را محمد نام کردم، چون

چنین کند خدا آن فرزند را پسرگرداند پس او را اگر محمد نام کند مبارک باشد، و اگر نام نکند، خدا اگر خواهد از او بگیرد و اگر خواهد به او بخشد. ﴿۲۵﴾ بیست و پنجم: مروی است که در وقت کشتن گوسفند عقیقه این دعا

را بخواند: **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * اللَّهُمَّ عَقِيقَةٌ عَنْ فُلَانٍ** (و نام او بگوید) * **حَمَّهَا**

به نام خدا و به ذات خدا * خدایا این عقیقه از طرف فلانی است * گوشتش

بَلَحْمِهِ * وَ دَمُّهَا بِدَمِهِ * وَ عَظْمُهَا بِعَظْمِهِ * اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وَقَاءً لَأَلِّ

به گوشت او * و خونسش به خون او * و استخوانش به استخوان او * خدایا آن را وسیله حفظ آل

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ آءِالِهِ السَّلَامُ * و در حدیث دیگر فرمود که این دعا بخواند: ﴿ **يَا قَوْمِ اِنِّي**

محمد فرما و بر او و خاندانش درود * ای قوم به راستی

بَرِيٍّ مِمَّا تُشْرِكُونَ * اِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ

من بیزارم از آنچه شما شریک خدا قرار دهید * من روی خود به سوی آن کسی دارم که آفریده آسمانها

وَ الْاَرْضِ * حَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ * اِنِّ صَلَاتِي

و زمین را * یک دل و تسلیم و نیستم من از مشرکان * به راستی نمازم

وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي * لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُ وَ

و عبادتم و زندگیم و مرگم * از آن خدا پروردگار جهانیان است * شریک ندارد

وَ بِذَلِكَ اُمِرْتُ * وَ اَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ * اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ بِسْمِ

و بدان مامورم * و من از مسلمانانم * خدایا از تو و برای تو * به نام

اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ اللَّهُ اَكْبَرُ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آءِالِ مُحَمَّدٍ

خدا و به ذات خدا * و خدا بزرگتر است * خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد *

وَ تَقَبَّلْ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ * و نام فرزند را ببرد پس آن را بکشد. * علامه مجلسی در حلیه فرموده:

و بپذیر از فلان پسر فلان *

بدان که عقیقه فرزند سنت مؤکد است برای کسی که قادر بر آن باشد و بعضی از علماء واجب می دانند و بهتر آن است که در روز هفتم واقع شود و اگر تأخیر کند تا بلوغ طفل بر پدر سنت است و بعد از بلوغ تا آخر عمر بر خودش سنت است. * و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که عقیقه واجب است بر کسی که او را فرزندی به هم رسد.

و در احادیث بسیار منقول است که هر فرزندی در گرو عقیقه است یعنی اگر نکند او در معرض مُردن و انواع بلاها است. * و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که عقیقه لازم است بر کسی که غنی باشد و کسی که فقیر باشد بعد از آنکه به هم رساند بکند، اگر به هم نرساند بر او چیزی نیست. و اگر عقیقه برای او نکنند تا وقتی که قربانی برای

او بکنند قربانی از عقیقه مجزی است. * و در حدیث دیگر منقول است که از آن حضرت پرسیدند که ما طلب کردیم گوسفندی برای عقیقه و بدست نیامد، چه می فرمائید تصدّق کنیم قیمتش را؟ فرمود که: طلب کنید تا بیابید، خدا دوست می دارد خوراندن طعام و ریختن خون را. * و در حدیث دیگر پرسیدند که فرزندی که در روز هفتم بمیرد عقیقه اش می باید کرد؟ فرمود که: اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه بکنند. * و در حدیث معتبر از عمر بن یزید منقول است که به خدمت آن حضرت عرض کرد که نمی دانم که پدرم برای من عقیقه کرده است یا نه؟ فرمود که: عقیقه بکن. پس او در پیروی خود را عقیقه کرد. * و در حدیث حسن از آن حضرت منقول است که فرزند را در روز هفتم نام می گذارند و عقیقه می کنند و سر می تراشند و موی سرش را با نقره می کشند و آن نقره را تصدّق می کنند و پا و ران عقیقه را برای قابله که مدد کرده در زائیدن می فرستند و باقی را به خورد مردم می دهند و تصدّق می کنند. * و در حدیث موثّق دیگر فرمود که: هرگاه پسری یا دختری برای تو متولّد شود عقیقه می کنی در روز هفتم گوسفند یا شتری و نام بگذار و سرش را تراش در روز هفتم و به وزن موی سرش طلا یا نقره تصدّق کن. * و در حدیث دیگر وارد شده است که رُبّع گوسفند را به قابله می دهد و اگر بی قابله زائیده باشد آن را به مادر می دهد که به هر که خواهد بدهد و اقلّاً بخورد ده کس از مسلمانان می دهد و هر چند زیاده باشند بهتر است و خود از گوشت عقیقه نمی خورد. و اگر قابله زن یهودیّه باشد قیمت رُبّع گوسفند به او می دهد. * و در روایت دیگر وارد شده است که به قابله ثلث گوسفند را می دهند، و مشهور میان علماء آن است که عقیقه یا شتر یا گوسفند یا بز می باید باشد. * و از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) منقول است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در روز ولادت اذان در گوش حسنین صلوات الله علیهما گفتند و حضرت فاطمه (علیها السلام) در روز هفتم از ایشان عقیقه کردند و به قابله پای گوسفند را دادند با یک اشرفی. * و باید که اگر شتر باشد پنج ساله یا درشش باشد یا بیشتر، و اگر بز باشد یک سال یا در دو باشد یا بیشتر، و اگر گوسفند باشد اقلّاً شش ماهه یا در هفت باشد و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است، و می باید که خُصیه اش را نکشیده باشند و بهتر آن است که نمالیده باشند و مغز شاخش نشکسته باشد و گوشش نبریده باشد و بسیار لاغر نباشد و کور نباشد و لنگ بسیار لنگ نباشد که بر آن راه رفتن دشوار باشد. * اما در حدیث معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که عقیقه از باب قربانی نیست، هر گوسفندی که باشد خوب است غرض گوشت است هر چند فربه تر باشد بهتر است. * و مشهور میان علماء آن است که سنّت است که عقیقه پسر، نر باشد و عقیقه دختر، ماده باشد، و گمان فقیر این است که از برای هر دو گوسفند نر بهتر است موافق احادیث معتبره بسیار و از برای هر دو گوسفند ماده هم خوب است * و سنّت است که پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند بلکه بهتر آن است که از طعامی که در آن پخته باشد

نخورند و خوردن مادر کراهیتش بیشتر است، * و بهتر آن است که عیال پدر و مادر هم که در خانه ایشان می باشند از آن گوشت و طعام نخورند و سنت است که بپزند و خام تصدق نکنند و اقلش آن است که با آب نمک بپزند بلکه محتمل است که این بهتر باشد، و اگر خام تصدق کنند هم خوب است * و اگر حیوان عقیقه به هم نرسد قیمتش را تصدق کردن فایده ندارد بلکه باید صبر کنند تا به هم رسد. * و شرط نیست که جماعتی که به خوردن عقیقه حاضر می شوند فقیر باشند اما صلحاء و فقراء را طلبیدن بهتر است، انتهی. * فقیر گوید که مشهور کراهت شکستن استخوانهای عقیقه است و روایت:

يُكْسِرُ عَظْمَهَا * وَيَقْطَعُ لَحْمَهَا * وَ تَصْنَعُ بِهَا بَعْدَ الذَّبْحِ مَا شِئْتَ

شکسته شود استخوانش * و بریده شود گوشتش * و می کنی با آن پس از ذبح آنچه خواهی *

* منافات با کراهت ندارد. * و صاحب جواهر فرموده: اما آنچه مشهور شده بین مردم عراق از استحباب، پیچیدن استخوانهای آن را در خرقة سفید و دفن کردن آن، واقف نشدم بر نصی در آن والله العالم. ﴿۲۶﴾ بیست و ششم: از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) منقول است که در وقت ختنه کردن پسر این دعا بخوانند و اگر در آن وقت میسر نشود تا بالغ شدن طفل هر وقت که میسر شود بر آن طفل بخوانند که از او حرارت آهن را ازگشتن و

غیر آن رفع می کند، دعا این است: **اللَّهُمَّ هَذِهِ سُنَّتُكَ وَ سُنَّةُ نَبِيِّكَ * صَلَوَاتِكَ**

خدایا این روش توست و روش پیغمبرت * رحمت تو

عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ * وَ اتِّبَاعُ مَنْ لَكَ وَ لِنَبِيِّكَ بِمَشِيَّتِكَ * وَ بَارَادَتِكَ

بر او و خاندانش * و پیروی ما از تو و از پیغمبرت به خواست خودت * و به ارادهات

وَ قَضَائِكَ لِأَمْرِ آرَدْتَهُ * وَ قَضَاءِ حَتْمَتِهِ * وَ أَمْرِ أَنْفَذْتَهُ * وَ أَذَقْتَهُ * وَ

و قضایات برای امری که خواستی * و قضائی که حتم کردی * و امری که اجرا کردی * و چشاندی

حَرَّ الْحَدِيدِ فِي خِتَانِهِ وَ حِجَامَتِهِ * بِأَمْرِ أَنْتَ أَعْرَفُ بِهِ مِنِّي * اللَّهُمَّ

به او سوزش آهن را در بریدنش و حجامتش * به امری که تو اعرف به آنی از من * خدایا

فَطَهَّرَهُ مِنَ الذُّنُوبِ * وَ زَدَّ فِي عُمُرِهِ * وَ أَدْفَعَ الْأَفَاتِ عَنْ بَدَنِهِ * وَ الْأَوْجَاعِ

پاکش دار از گناهان * و بیفزای در عمرش * و دفع کن آفات را از بدنش * و دردها را

عَنْ جِسْمِهِ * وَ زَدَّهُ مِنَ الْغِنَى * وَ أَدْفَعَ عَنْهُ الْفَقْرَ * فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَ لَا

از تنش * و بیفزای بر توانگریش * و دور کن از او فقر را * زیرا تو دانی و

نَعْلَمُ ﴿۲۷﴾ بیست و هفتم: سید بن طاوس از دعوات خطیب مستغفری نقل کرده که او از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)

ما ندانیم *

نقل کرده که فرمود: هرگاه خواستی تفأل بزنی به کتاب الله عزوجل پس بخوان سوره اخلاص سه مرتبه پس

صلوات بفرست بر پیغمبر و آل آن حضرت سه مرتبه پس بگو: **اللَّهُمَّ اِنِّیْ تَفَالْتُ بِكِتَابِكَ** *

خدایا من فال زدم به کتابت *

وَتَوَكَّلْتُ عَلَیْكَ * **فَارِنِیْ مِنْ كِتَابِكَ مَا هُوَ مَكْتُومٌ مِنْ سِرِّكَ الْمَكْنُونِ**

و توکل کردم به تو * پس بنما به من از کتاب خود آنچه که نهان است از سرت و زیر

فِیْ غَیْبِكَ * پس باز کن جامع را یعنی قرآنی که جامع تمام سوره آیات باشد و بگیر فال را از خط اول از

پرده غیب توست *

جانب اول بدون آنکه بشمری اوراق و سطور * و بدان که علامه مجلسی از بعض مؤلفات اصحاب از خط شیخ یوسف قطیفی نقل کرده و او از خط آیه الله علامه که روایت شده از حضرت صادق (علیه السلام) که فرمود: هرگاه اراده

کردی که استخاره کنی از کتاب عزیز بگو بعد از بسمله: **اِنْ كَانَ فِیْ قَضَائِكَ وَقَدْرِكَ** * **اَنْ تَمَنَّ**

اگر باشد در قضاء و قدرت * که منت گذاری

عَلِیْ شِیْعَةِ اٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ * **بِفَرَجٍ وَّلَیِّكَ وَ حُجَّتِكَ عَلِی**

بر شیعه آل محمد که درود خدا بر آنان باد * به فرج ولایت و حجت

خَلْقِكَ * **فَاخْرِجِ الْیْنَآءِیَّةَ مِنْ كِتَابِكَ** * **نَسْتَدِلُّ بِهَا عَلِیْ ذَلِكِ** * پس

بر خلقت * برآور بر ما آیه ای از قرآنت * که دلیل ما باشد بر آن *

می گشائی مصحف شریف را و می شمری شش ورق و از ورق هفتم می شمری شش سطر و نظر می کنی در آن و مطلب را از آن بیرون می آوری. * و شیخ شهید قدس سره در ذکری فرموده: و از جمله استخاره ها، استخاره به

عدد است و این مشهور نبوده در عصرهای گذشته پیش از زمان سید کبیر عابد رضی الدین محمد بن محمد الایوی الحسینی مجاور مشهد غروی رضی الله عنه، و ما روایت می کنیم این استخاره را با جمیع مرویات او را از

جماعتی از مشایخ خودمان از شیخ کبیر فاضل جمال الدین بن المطهر از والدش رضی الله عنهما از سید رضی الدین مذکور از حضرت صاحب الامر علیه الصلوة والسلام. می خوانی فاتحه رده مرتبه و اقلش سه مرتبه و کمتر

از آن یک مرتبه پس می خوانی سوره قدر را ده مرتبه پس می خوانی این دعا را سه مرتبه: **اللَّهُمَّ اِنِّیْ**

خدایا من

اَسْتَخِرُكَ لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ * **وَ اَسْتَشِيرُكَ حَسْنَ ظَنِّیْ بِكَ فِی**

خیر از تو جویم برای آنکه می دانی انجام کارها را * و از تو مشورت کنم برای حسن ظنم به تو

الْمَامُولِ وَالْمَحْذُورِ * اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ الْأَمْرُ الْفُلَانِي مِمَّا قَدْ نَيْطَتْ

در آنچه آرزو شود و بیمناک است * خدایا اگر فلان امر از آنها است که دنبالش

بِالْبُرْكََةِ أَعْجَازُهُ وَ بَوَادِيهِ * وَ حُفَّتْ بِالْكَرَامَةِ أَيَّامُهُ وَ لِيَالِيهِ *

با برکت است و هم آغازش * و پر از کرامت روز و شبی دارد *

فَخِرْلِي اللَّهُمَّ فِيهِ خَيْرَةٌ تَرُدُّ شَمُوسَهُ ذُلُولًا * وَ تَقْعُضُ أَيَّامَهُ سُرُورًا

برایم اختیار کن خدایا در آن حسن اختیاری باد که سرکش آن را رام کند * و روزگارش را شاد گرداند

* اللَّهُمَّ إِمَّا أَمْرٌ فَاتَّمِرْ * وَ إِمَّا نَهْيٌ فَانْتَهِي * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ

* خدایا اگر دستور است من مامورش شوم * و اگر نهی است از آن باز گیرم * خدایا من خیر از تو جویم

بِرَحْمَتِكَ خَيْرَةٌ فِي عَافِيَةٍ * پس می گیری یک قبضه از تسبیح را و نیت می گیری حاجت را. اگر

به رحمتت خیری قرین عافیت *

عدد آن قبضه جفت است پس آن اِفْعَلْ است یعنی به جا آور و اگر طاق است لا تَفْعَلْ است یعنی مکن آن

کار را، یا به عکس یعنی طاق خوب است و جفت بد، و این بسته است به قصد استخاره کننده. * فقیر گوید:

تَقْعُضُ بِه ضاد معجمه است به معنی تَرُدُّ وَ تَعَطَّفُ. و ما در باب نمازها استخاره ذات الرِّقَاع و بعضی از

اقسام استخاره و ساعات آن را ذکر کردیم بدانجا رجوع شود، * و بدان که سید بن طاوس فرموده کلامی که

حاصلش این است که من نیافتم حدیث صریحی در آنکه انسان استخاره کند برای غیر خود و لکن یافتم

احادیث بسیار که امر شده در آن بر قضاء حاجات اخوان به دعوات و سایر توسلات بلکه در اخبار از فوائد دعا بر

اخوان چندان ذکر شده که محتاج به ذکر نیست و استخاره نیز از جمله حاجات و از جمله دعوات است زیرا که

انسان را که تکلیف کرد شخصی به استخاره کردن برای او پس حاجتی برای او وارد کرده پس آن شخصی که

مباشر استخاره می شود می خواهد استخاره برای خود کند که آیا صلاح است که بگوید بکن یا نه و می خواهد

برای آن شخص که به او گفته استخاره کند که آیا مصلحت است در فعل یا در ترک و این از چیزهایی است که

داخل است در تحت عموم روایات به استخارات و به قضاء حاجات. * علامه مجلسی (رحمته) فرموده که: کلام سید

در جواز استخاره برای غیر، خالی از قوت نیست به جهت عمومات، خصوص در وقتی که قصد کند نایب از برای

خود که بگوید به شخص مستخیر بکن یا مکن چنانکه سید به آن اشاره فرموده و این حیلای است برای داخل

کردن استخاره را در تحت اخبار خاصه لکن اولی و احوط آن است که صاحب حاجت خودش استخاره کند برای

خود زیرا که ما ندیدیم خبری که وارد شده باشد در جواز وکالت در استخاره و اگر این جایز یا راجح بود اصحاب

سؤال می کردند از ائمه (علیهم السلام) و اگر سؤال کرده بودند نقل می شد برای ما لا اقل در یک روایتی بعلاوه آنکه مُضْطَرُّ

سؤال می کردند از ائمه (علیهم السلام) و اگر سؤال کرده بودند نقل می شد برای ما لا اقل در یک روایتی بعلاوه آنکه مُضْطَرُّ

سؤال می کردند از ائمه (علیهم السلام) و اگر سؤال کرده بودند نقل می شد برای ما لا اقل در یک روایتی بعلاوه آنکه مُضْطَرُّ

سؤال می کردند از ائمه (علیهم السلام) و اگر سؤال کرده بودند نقل می شد برای ما لا اقل در یک روایتی بعلاوه آنکه مُضْطَرُّ

سؤال می کردند از ائمه (علیهم السلام) و اگر سؤال کرده بودند نقل می شد برای ما لا اقل در یک روایتی بعلاوه آنکه مُضْطَرُّ

سؤال می کردند از ائمه (علیهم السلام) و اگر سؤال کرده بودند نقل می شد برای ما لا اقل در یک روایتی بعلاوه آنکه مُضْطَرُّ

سؤال می کردند از ائمه (علیهم السلام) و اگر سؤال کرده بودند نقل می شد برای ما لا اقل در یک روایتی بعلاوه آنکه مُضْطَرُّ

اولی است به اجابت و دعای او اقرب است به خلوص نیت، انتهی. ﴿۲۸﴾ بیست و هشتم: از حضرت رسول (ﷺ)

منقول است که هر کس یهود یا ترسا یا گبری را به بیند و بگوید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنِي**

حمد خدا را که مرا برتری داد

عَلَيْكَ بِالإِسْلَامِ دِينًا * وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا * وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا * وَ بِعَلِيٍّ

بر تو به اسلام از نظر دین * و به قرآن کتاب دینی * و به محمد در پیغمبری * و به امامت

إِمَامًا * وَ بِالْمُؤْمِنِينَ إِخْوَانًا * وَ بِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً * خدایان او و آن کافر در جهنم

علی * و برادری مؤمنان * و قبله گاه کعبه *

جمع نکند. * مؤلف گوید که: از آیات و اخبار بسیار استفاده می شود که مسلمان باید از دوستی کفار و محبت

و میل به ایشان و تشبّه به ایشان اجتناب کند و بر مسلک آنها سلوک نکند. **قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : قَدْ**

خداوند متعال فرموده: برای

كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ * إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ

شما همکاری خوبی است نسبت به ابراهیم و آنان که با او بودند * گاهی که به مردم خود گفتند

إِنَّا بَرَاءٌ مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ * وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ

ما بیزاریم از خود شما و از آنچه می پرستید در برابر خدا * و پدید شده میان ما

الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ أَبَدًا * ﴿۱۰﴾ شیخ صدوق روایت کرده از حضرت صادق (ع) که فرمود وحی

و شما دشمنی و خشم همیشه *

فرستاد حق تعالی به سوی پیغمبری از پیغمبران خود که بگو به مؤمنین نپوشید لباس دشمنان مرا و نخورید

مطاعم دشمنان مرا و نروید بر مسلکها یعنی راههای دشمنان من پس دشمنان من خواهید بود همچنانکه

ایشان دشمنان منند. * و لهذا در بسیاری از خبرها وارد شده که فلان عمل را به جا آورید و خود را به کفار شبیه

نگردانید مانند روایتی که از حضرت رسول (ﷺ) منقول است که فرمود: شارب را از ته بگیرید و ریش را بلند

بگذارید و به یهودان و گبران، خود را شبیه مگردانید و نیز فرمود گبران ریشهای خود را چیدند و سبیلان خود را

زیاد کردند و ماها شارب خود را می چینیم و ریش را می گذاریم و چون نامه دعوت آن جناب به ملوک رسید

کسری به باذان که عامل یمَن بود نوشت که آن حضرت را نزد او فرستد و او کاتب خود بانویه و مردی که او را

خرخسک می گفتند به مدینه فرستاد و آن دو ریشها را تراشیده و شارب را گذاشته بودند، پس آن جناب را

ناخوش آمد که به ایشان نظر کند و فرمود: وای بر شما که امر کرده شما را به این؟ گفتند: رَبِّ مَا يَعْنِي كَسْرِي، فرمود: لکن پروردگار من امر کرده مرا به گذاشتن ریش و چیدن شارب. و بدان که حق تعالی در سوره هود فرموده:

﴿وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ ۖ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ

پشتیبان نباشید بر آنان که ستم کنند پس مس کند شما را آتش * و نیست بر شما

اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ﴾ * مفسرین در معنی آن فرموده‌اند: که یعنی میل اندک

غیر از خدا دوستی پس کمک نشوید *

نکنید چه جای بسیار به سوی آنانکه ستم کردند پس برسد به شما آتش جهنم، و بعضی گفته‌اند: که رُكُونُ

مَنْهَى عَنْهُ دُخُولُ بَا اِيشَانِ اسْتِ دِرْظَلْمِ اِيشَانِ وَاظْهَارِ رِضَايْتِ بِهْ كَارِ اِيشَانِ وَاظْهَارِ مَوَالَاتِ اِيشَانِ، و در

روایت اهل بیت (علیهم‌السلام) است که رُكُونُ مَوَدَّتْ وَنَصِيحَتْ وَطَاعَتِ اِيشَانِ اسْتِ. ﴿۲۹﴾ بیست و نهم: نوزده حرف

است که اسباب فرج است برای داعی آن از آفات، تعلیم کرده آن را حضرت رسول خدا به امیرالمؤمنین صلوات

اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا وَنَقَلَ كَرْدِهْ اَنْ رَا شَيْخَ صَدُوقِ دَرْ كِتَابِ خِصَالِ دَرْ اَبْوَابِ تِسْعَةِ عَشَرَ فَرَمُودِهْ مِي كُوْتِي: يَا

ای

عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ ۖ وَيَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ ۖ وَيَا سِنْدَ مَنْ لَا

پشت کسی که پشتی ندارد * و ای ذخیره کسی که ذخیره ندارد * و ای سند کسی که

سِنْدَ لَهُ ۖ وَيَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ ۖ وَيَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ ۖ

سند ندارد * و ای پناه کسی که پناه ندارد * و ای دادرسی کسی که دادرسی ندارد *

وَيَا كَرِيمَ الْعَفْوِ ۖ وَيَا حَسَنَ الْبَلَاءِ ۖ وَيَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ ۖ وَيَا عِزَّ

و ای کریم گذشت * و ای خوش آزمایش * و ای امید بخش بزرگ * ای عزت

الضُّعْفَاءِ ۖ وَيَا مُنْقِذَ الْغَرَقَى ۖ وَيَا مُنْجِيَ الْهَلَكَى ۖ يَا مُحْسِنُ يَا

ناتوانها * ای نجات بخش غریقان * ای نجات دهنده هلاکان * ای نیکو کن ای

مُجْمَلٌ ۖ يَا مُنْعَمٌ يَا مُفْضَلٌ ۖ أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ ۖ

خوش رفتار * ای نعمت ده ای عطا بخش * تویی که سجده کند برایت سیاهی شب *

وَنُورُ النَّهَارِ ۖ وَضَوْءُ الْقَمَرِ ۖ وَشُعَاعُ الشَّمْسِ ۖ وَدَوِيُّ الْمَاءِ ۖ

و روشنی روز * و تابش ماه * و پرتو خورشید * و شرشر آب *

وَحَفِيفُ الشَّجَرِ ۖ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ ۖ أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ

و هوهوی درختان * ای خدا ای خدا ای خدا * تویی یگانه نیست شریکی

لَكَ * پس می گوئی: **اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا** * به جای این حاجت خود را ذکر می کنی

خدا یا با من چنین و چنان کن *

پس به درستی که از جای خود برخواهی خاست که مستجاب می شود انشاء الله تعالی. ﴿۳۰﴾ سی ام: شیخ کفعمی از مفاتیح الغیب نقل کرده که هر که بنویسد لفظ **بِسْمِ اللَّهِ** را بر در بیرون از منزل خود ایمن از هلاک خواهد گشت و اگر چه کافر باشد، و گفته که: فرعون را خداوند زود هلاک نکرد و مهلت داد او را با ادعای او ربوبیت را به جهت آنکه نوشته بود بر در منزل خود **بِسْمِ اللَّهِ** را و حق تعالی وحی فرمود به موسی وقتی که از خدا خواست سرعت هلاک او را، تو نظر می کنی به کفر او و من نظر می کنم به آنچه نوشته بر در خود. ﴿۳۱﴾ سی و یکم: شیخ ابن فهد روایت کرده است که روزی ابوالدرداء را خبر دادند که خانه ات سوخته است، گفت: نسوخته است، دیگری خبر داد باز چنین گفت تا سه مرتبه، پس معلوم شد که خانه های اطراف همه سوخته، خانه او نسوخته. گفتند: از چه راه دانستی که خانه تو نسوخته است؟ گفت: زیرا که شنیدم از رسول خدا (ﷺ) که هر که در صبح این دعا بخواند در آن روز بدی به او نمی رسد و اگر در شام بخواند در آن شب بدی به او نمی رسد

و من این دعا را خوانده بودم. **اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ * عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ** *

خدا یا توئی پرورنده ام نیست معبود حقی جز تو * بر تو توکل دارم *

و أَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ * وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

و تو پروردگار عرش بزرگی * و نیست جنبش و نه توانی جز به خدای والا و بزرگ

* مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ * وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ * أَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

* آنچه خواهد خدا باشد * و آنچه نخواهد نباشد * بدانم که خدا بر هر چیز توانا

قَدِيرٌ * وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا * اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ

است * و خدا به تحقیق فراگرفته به دانش خود هر چیز را * خدا یا من پناه برم به تو

شَرِّ نَفْسِي * وَمِنْ شَرِّ قِضَاءِ السُّوءِ * وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ * وَمِنْ شَرِّ

از شر خودم * و از شر مقدر بد * و از شر هر صاحب شر * و از شر

الْجِنِّ وَالْإِنْسِ * وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا * إِنَّ رَبِّي

جن و انس * و از شر هر جانوری که تو گرفته ای مهارش را * به درستی که

عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۳۲﴾ سی و دویم: شیخ کلینی و غیر او روایت کرده اند از حضرت امام جعفر

پروردگار بر راه راست است *

صادق (علیه السلام) که این دعا را تعلیم زراره فرمود که در زمان غیبت و امتحان شیعه بخواند: **اللَّهُمَّ عَرَفَنِي**

خدایا به من بشناسان

نَفْسَكَ * فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ * اللَّهُمَّ عَرَفَنِي

خود را * که اگر خود را به من شناسانی نتوانم رسول تو را بشناسم * خدایا به من بشناسان

رَسُولَكَ * فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ * اللَّهُمَّ

رسولت را * اگر تو شناسانی رسولت را به من نتوانم شناخت حجت تو را * خدایا

عَرَفَنِي حُجَّتَكَ * فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي ﴿۳۳﴾

به من بشناسان حجت تو را * زیرا اگر شناسانی حجتت را به من گمراه شوم از دین خود *

سی و سیّم: در عده الدّاعی است که از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) مروی است که هرگاه یکی از شما اراده کرد

بخواهد بگذارد دست راست خود را در زیر صورت راست خود و بگوید: **بِسْمِ اللَّهِ وَضَعْتُ جَنبِي**

به نام خدا پهلو نهادم

لِلَّهِ * عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) * وَ وَلايَةِ مَنْ افْتَرَضَ اللَّهُ

برای خدا * بر کیش ابراهیم و دین محمد (ص) * و ولایت هر که خدا طاعتش

طَاعَتَهُ * مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ * پس هرکسی که بگوید این

بر من فرض کرده * آنچه خدا خواهد باشد و آنچه نخواهد نباشد *

را در نزد خواب حفظ کند حق تعالی او را از دزد غارت کننده و از خراب شدن و طلب آموزش کند برای او ملائکه.

﴿۳۴﴾ سی و چهارم: و نیز در عده الدّاعی است که خواندن **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** بر هر چیزی که

ذخیره و پنهان می کنند حرز است از برای او بنابر آنچه روایت شده از ایشان (علیه السلام). ﴿۳۵﴾ سی و پنجم: و نیز از

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل کرده که هر که بخواند صد آیه از قرآن از هر آیه که باشد پس بگوید هفت مرتبه

يَا اللَّهُ پس اگر بخواند بر سنگی خدا بشکافد آن را. ﴿۳۶﴾ سی و ششم: و نیز از آن حضرت نقل کرده که کسی

که بخواند **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را در وقتی که به خوابگاه خود رود سه مرتبه موکل فرماید حق تعالی به او

پنجاه هزار فرشته که پاسبانی کنند او را در آن شب * و از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که هر که بگذرد بر او یک

روز و در نماز خود **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** بخواند روز قیامت به او گویند: ای بنده خدا نیستی تو از نماز گذارندگان

* و نیز از آن حضرت منقول است که کسی که بگذرد بر او جمعه یعنی هفته و بخواند در آن **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ**

پس بمیرد به دین ابی لهب. * و نیز از آن جناب مروی است که کسی که برسد به او مرضی یا شدتی و بخواند در آن

پس بمیرد به دین ابی لهب. * و نیز از آن جناب مروی است که کسی که برسد به او مرضی یا شدتی و بخواند در آن

حال قل هو الله احد و بمیرد در آن مرض یا شدت پس او از اهل آتش است. ﴿۳۷﴾ سی و هفتم: و نیز در عده الداعی نقل کرده که این رقعہ را برای حفظ زراعت خربزہ و خیار و سایر زراعتها از ضرر کرم و جانوری که آن را فاسد می کند و کیفیت آن چنان است که بنویسد بر چهار پارچه نی یا چهار رقعہ و بگذارد در چہار نی و بگذارد

آنها را در چہار طرف مزرعہ: **أَيُّهَا الدُّودُ أَيُّهَا الدَّوَابُّ وَ الْهُوَامُ وَ الْحَيَوَانَاتُ**

ای کرمها ای جانورها و چرندہ ها و جاندارها *

أَخْرَجُوا مِنْ هَذِهِ الْأَرْضِ وَ الزَّرْعِ إِلَى الْخَرَابِ * کَمَا خَرَجَ ابْنُ مَتَّى مِنْ

بیرون روید از این زمین و این زراعت بہ ویرانہ * چنانچہ بیرون شد پسر متی

بَطْنِ الْحَوْتِ * فَإِنْ لَمْ تَخْرُجُوا أَرْسَلْتُ عَلَيْكُمْ شَوْاطِئَ مِنْ نَارٍ وَ نَحَاسٍ

از شکم ماهی * اگر بیرون نروید بفرستم بہ شما شعله ای از آتش و آهن

(نَحَاسًا) فَلَا تَنْتَصِرَانِ * **أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ هُمْ**

و یاری نشوید * آیا ندیدی آنان کہ بیرون شدند از خانمان خود * هزارها

الْوَفَّ حَذَرَ الْمَوْتِ * فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ **مُوتُوا فَمَاتُوا** * **أَخْرَجُوا مِنْهَا**

از ترس مرگ * و خدا بہ آنها فرمود بمیرید و همه مردند * بیرون روید از آن

فَإِنَّكَ رَجِيمٌ * **فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ** * **سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى**

زیرا تو رانده ای * بیرون رفت از آن ترسان خود را می پائید * منزہ است آنکہ شبانہ

بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى * **كَانَهُمْ يَوْمَ**

برد بندہ خود را از مسجد حرام بہ سوی مسجد اقصی * گویا روزی کہ

يُرَوْنَهَا لَمْ يَلْبِثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا * **فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ**

آنها بیندش درنگ نکردند جز شبی یا ظهر آن * بیرونشان آوردیم از بهشتها

وَ عَيْونٍ وَ زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ * **وَ نِعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَكَاهِنٍ** *

و چشمہها * و زراعتها و مقام گرامی * و نعمتی کہ بودند در آن خرسند *

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ * **وَ مَا كَانُوا مُنْظَرِينَ** * **أَخْرَجَ**

گریہ نکرد بر آنها آسمان و زمین * و نبودند مهلت یافته * بیرون رو

مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا * **فَأَخْرَجَ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ** *

از آن حق نداری کہ بزرگی فروشی در آنها * بیرون رو زیرا تو از زبونہائی *

﴿ اَخْرَجَ مِنْهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا ﴾ * ﴿ فَلَنَاتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ ﴾ *

بیرون رو از آن زشت و رانده * باید بیاریم بر سر آنها لشکری که توانش ندارند *

﴿ وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا اَذَلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴾ ﴿ ۳۸ ﴾ سی و هشتم: سید بن طاوس از

و بیرونشان کنیم از آن خوار و کوچک *

حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده است که هر که صبح کند و در دستش انگشتر عقیقی باشد و در انگشت دست راست کرده باشد و پیش از آنکه نظرش بر کسی بیفتد نگین آن را به جانب کف دست بگرداند و به آن نظر کند و سوره اَنَا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ تا آخر بخواند پس بگوید: **ءَاَمَنْتُ بِاللّٰهِ**

ایمان آوردم به خدای

وَحَدَّهُ و لا شَرِيكَ لَهُ و كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ و ءَاَمَنْتُ

یگانه * شریک نیست او را * و کافرم به جبت و طاغوت * و ایمان دارم

بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ و عَلَانِيَتِهِمْ و ظَاهِرِهِمْ و بَاطِنِهِمْ و اَوَّلِهِمْ

به سر آل محمد (ص) و آشکار آنها * و ظاهر آنها و باطن آنها * و اول

و ءَاخِرِهِمْ * پس چون چنین کند خداوند عالمیان او را نگاه دارد در آن روز از شر آنچه از آسمان نازل

و آخرشان *

می شود و آنچه بالا می رود به سوی آسمان و آنچه در زمین فرو می رود و آنچه بیرون می آید از زمین و در حرز و حمایت خدا و دوستان خدا باشد تا شام. ﴿ ۳۹ ﴾ سی و نهم: شیخ کفعمی از کتاب جمع الشنات از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرده که هرگاه خواستی از ما حدیثی نقل کنی و شیطان تو را فراموشی داده بگذار دست خود

را بر جبهه خود و بگو: **صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ و ءَاٰلِهٖ ۞ اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْأَلُكَ يَا**

رحمت کند خدا بر محمد و آلش * خدایا من از تو خواهم ای

مَذْكُرَ الْخَيْرِ و فَاعِلَهُ و ۞ و الْاَمْرِ بِهِ ۞ ذِكْرِنِي مَا اَنْسَانِيَهُ الشَّيْطَانُ ۞ و

یادآور خیر و عمل کن به آن * و دستور ده به آن به یادم آور آنچه فراموش کرده شیطان *

در کتاب من لایحضره الفقیه از حضرت صادق (علیه السلام) نقل است که کسی که بسیار باشد سهو او در نماز پسر بگوید

در وقتی که داخل خلاء شود: **بِسْمِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ الْحَبِيْثِ**

به نام خدا پناه می برم به خدا از پلید نجس و خبیث

الْمُخْبِتِ الشَّيْطَانَ الرَّجِيمِ * مؤلف گوید که: کسی که می خواهد حافظه اش زیاد شود

آلوده کننده که شیطان رانده است *

مسواک کند و روزه بگیرد و قرآن بخواند و خصوص آیه الکرسی و اِدَمَان خوردن مویز ناشتا خصوص اگر سرخ و بیست و یک دانه باشد برای فهم و ذهن و حافظه نافع است و خوردن حلوا و گوشت نزدیک گردن و غسل و عدس نیز مورث حفظ است، * و نقل شده که از دواهایی که به تجربه رسیده است آن است که گُندرو سَعْد و شکر طبرزد را مساوی با هم گرفته و نرم بکوبند و سُفوف کرده روزی پنج درهم بخورند لکن سه روز متوالی بخورند و پنج روز ترک کنند * و هَكَذَا و بگویند هر روزی بعد از نماز صبح پیش از آنکه تَكَلَّم کنند: **يَا حَىُّ يَا قَيُّوْمُ** *

ای زنده و پاینده *

فَلَا يَفُوتُ شَيْئًا عِلْمُهُ وَلَا يُوَدُّهُ * و هم بخوانند عقب نمازها دعای: **سُبْحَانَ مَنْ**

که فوت نشود چیزی از دانشش و بر او سنگین نباشد * منزّه است کسی

لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ * را و بخوانند نمازی را که در باب دوّم به جهت قوّت حافظه

که ستم بر اهل کشور او نکند *

نقل کردیم و غیر ذلک. * و اجتناب کنند از چیزهایی که سبب نسیان می شود و آن خوردن سیب ترش و گشنیز سبز و پنیر و پس خورده موش و بول در آب ایستاده و خواندن الواح قیرها و رفتن از بین دوزن و دور افکندن شپش زنده و نچیدن ناخنها و ترک قیلوله و کثرت معاصی و کثرت هموم و احزان در امر دنیا و کثرت اشتغال و علائق و نظر افکندن به دار کشیده و مُرور از بین قطار شتر. ﴿۴۰﴾ چهلم: شیخ ابن فهد نقل کرده از حضرت صادق (علیه السلام) که فرمود: هر دعائی که پیش از آن تمجید نباشد پس آن ابراست، اوّل تمجید است پس ثنا، راوی گفت: کمتر

چیزی که کفایت می کند از تمجید چیست؟ فرمود: می گوئی: **اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ**

خدایا توئی اول که نیست

قَبْلَكَ شَيْءٌ * و **أَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ** * و **أَنْتَ الظَّاهِرُ**

پیش از تو چیزی * و توئی آخر نیست پس از تو چیزی * و توئی ظاهر

فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ * و **أَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ** *

و نیست برتر از تو چیزی * و توئی باطن و نیست فروتر از تو چیزی *

وَأَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ *

و توئی عزیز و حکیم *

خاتمه

در بعضی از آداب و ادعیه متعلق به موت است

بدان که چون بر کسی آثار موت ظاهر شود اول کسی که باید به احوال او بپردازد آن شخص خودش است که سفر ابدی آخرت در پیش دارد و در خُورِ آن سفر او را توشه می باید پس اول چیزی که او را ضرور است اقرار به گناه و اعتراف به تقصیر و ندامت از گذشته ها و توبه کامل کردن است و تضرع و زاری به جناب مقدس ایزدی کردن که از گناهان گذشته او درگذرد و در احوال و اهوالی که در پیش دارد او را به خود و دیگران وانگذارد * پس متوجه وصیت شود و حقوق خدا و خلق آنچه در ذمه او باشد ادا کند و به دیگران وانگذارد که بعد از مردن اختیار از دستش به دررود و به حسرت در اموال خود نگرد و شیاطین جن و انس و سوسه ها کنند اوصیاء و وارثان او را، و مانع شوند که ذمه او را بری سازند و او را چاره ای نباشد و گوید که: برگردانید مرا آنقدر که آنچه از اعمال شایسته خواهم در مال خود بکنم، و از او نشنوند و حسرت و ندامت سود نبخشد پس به قدر ثلث مال خود از برای خویشان و تصدقات و خیرات و آنچه مناسب حال خود داند وصیت کند که زیاده از ثلث را اختیار ندارد، * پس ابراء ذمه از برادران مؤمن خود بطلبد و هر که را که غیبت کرده باشد یا اهانتی یا آزاری به او رسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان التماس کند که او را حلال کنند و اگر حاضر نباشند از برادران مؤمن التماس کند که برای او ابراء ذمه بخواهند، * پس امور اطفال و عیال خود را بعد از توکل بر جناب مقدس الهی به امینی بگذارد و وصی برای اولاد صغیر خود تعیین کند، * پس کفن خود را مهیا نماید و از شهادتین و عقاید و اذکار و ادعیه و آیات آنچه در کتب مبسوطه مذکور است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد به تربت حضرت امام حسین (علیه السلام) بفرماید بنویسند و این در صورتی است که پیشتر غافل شده باشد و کفن را مهیا نکرده باشد و اگر نه مؤمن می باید که همیشه کفنش مهیا باشد و نزد او حاضر باشد چنانچه از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که هر که کفنش با او باشد در خانه اش او را از غافلان بنویسند و هرگاه که نظر کند به آن کفن ثواب یابد * و باید که بعد از آن دیگر در فکر زن و فرزند و مال نباشد و متوجه جناب مقدس ایزدی شود و به یاد او باشد و تفکر کند که این امور فانی بکار او نمی آید و به غیر لطف و رحمت پروردگار در دنیا و آخرت چیزی به فریاد او نمی رسد * و بدانند که چون توکل بر حق تعالی کند امور بازماندگان او به احسن و جوه صورت خواهد یافت و بدانند که اگر خود باقی بماند بدون مشیت الهی نفعی به ایشان نمی تواند رسانید و از ایشان ضرری دفع نمی تواند کرد و آن خداوندی که ایشان را آفریده است از او به ایشان مهربانتر است * و باید که در آن حال در مقام رجاء و امید باشد و از رحمت الهی بسیار امیدوار باشد و از شفاعت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و حضرات ائمه معصومین (علیهم السلام) امید عظیم داشته

باشد و منتظر قُدوم شریف ایشان باشد و بداند که همگی در آن وقت حاضر می شوند و شیعیان خود را بشارت‌ها می دهند و ملک موت را سفارشها می کنند. * شیخ طوسی در مصباح متعجّد فرموده: مستحب است برای انسان وصیّت و اخلال نکردن به آن، چه آنکه روایت شده که سزاوار است برای آدمی که شب به روز نیاورد مگر آنکه وصیّت نامه اش زیر سرش باشد و مؤکد است در حال مرض و نیکو وصیّت کند و خلاص کند خود را از حقوقی که مابین او و خدا است و از مظالم عباد، * و به تحقیق روایت شده از رسول خدا (ﷺ) که هر که نیکو نکند وصیّت را در نزد مرگ خود، این نقص در عقل و مروّت او بوده است. گفتند: یا رسول الله (ﷺ) چگونه است آن وصیّت نیکو؟ فرمود: چون حاضر شود وفات او و جمع شده باشند مردم نزد او بگوید:

اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ * عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ * الرَّحْمَنَ

خدا آفریننده آسمانها و زمین * دانای نهای و عیان * بخشاینده

الرَّحِيمَ * اِنِّیْ اَعۡهَدُ اِلَیۡكَ * اِنِّیْ اَشۡهَدُ اَنَّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ * (اَنْتَ) وَحَدُّهُ و

مهربان * من با تو عهد کنم * من گواهی دهم نیست معبود حقّی خدای * که یگانه

(وَحَدِّكَ) لَا شَرِیۡكَ لَهٗ * (لَكَ) * وَ اَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَیۡهِ وَ اٰلِهٖ

است شریک ندارد * و محمد که درود خدا بر او و آلش باد *

عَبۡدُهُ * (عَبۡدُكَ) وَ رَسُوْلُهُ * (رَسُوْلُكَ) * وَ اَنَّ السَّاعَةَ اٰتِیۡةٌ لَا رَیۡبَ فِیۡهَا

بنده و رسول او است * و اینکه ساعت آید شکی در آن نیست *

وَ اَنَّ اللّٰهَ (اَنَّكَ) یَبۡعَثُ مَنْ فِی الْقُبُوْرِ * وَ اَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ * وَ اَنَّ الْجَنَّةَ

و خدا زنده کند هر که در گورها است * و حساب حق است * و بهشت

حَقٌّ * وَ اَنَّ مَا وُعِدَ (وَعَدَت) فِیۡهَا مِنَ النَّعِیۡمِ مِنَ الْمَاكِلِ وَ الْمَشْرَبِ

حق * و آنچه در آن وعده شده از نعمت از خوردن و نوشیدن

وَ النَّكَاحِ حَقٌّ * وَ اَنَّ النَّارَ حَقٌّ * وَ اَنَّ الْاِیۡمَانَ حَقٌّ * وَ اَنَّ الدِّیۡنَ كَمَا

و نکاح حق * و دوزخ حق * و ایمان حق * و دین چنان

وَصَفَ (وَصَفَت) * وَ اَنَّ الْاِسْلَامَ كَمَا شَرَعَ (شَرَعَت) * وَ اَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قَالَ

است * و اسلام چنانکه دستور داده شد * و گفته همان است که

(قُلْتَ) * وَ اَنَّ الْقُرْءَانَ كَمَا اَنْزَلَ (اَنْزَلْتَ) * وَ اَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِیۡنُ

گفت * و قرآن چنان است که نازل کرده * و خدا حق است بیان کننده *

وَ اِنِّي اَعَهْدُ الْيَكْفِي دَارِ الدُّنْيَا * اِنِّي رَضِيْتُ بِكَ رَبًّا * وَ بِالْاِسْلَامِ دِينًا

و من با تو عهد کردم در دار دنیا * که راضیم به خدا که پروردگارم باشد * و به اسلام که دینم باشد

* وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ نَبِيًّا * وَ بَعَلِيَّ وَ لِيًّا (امامًا) *

* و به محمد که درود خدا بر او و آتش باد برای پیغمبری * و به علی به امامت *

وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا * وَ اَنْ اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اُمَّتِي

و به قرآن برای کتاب دینی * و خاندان پیغمبرت بر او و بر ایشان درود امامان منند

* اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتِي عِنْدَ شِدَّتِي * وَ رَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي * وَ عُدَّتِي عِنْدَ

* خدایا تو پشت منی در هر سختی * و امید منی در هر گرفتاری * و ذخیره منی

الْاُمُورِ الَّتِي تَنْزِلُ بِي * وَ اَنْتَ وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي * وَ اِلٰهِی وَ اِلٰهَ اَبَائِي * صَلِّ

در هر اموری که پیش آیند برابم * و تو ولی نعمت منی * و معبود منی و معبود پدرانم * رحمت

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ * وَ لَا تَكِلْنِي اِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا * وَ اَنْسَ

فرست بر محمد و خاندانش * و مرا به خودم وامگذار یک چشم به همزدن هرگز * و انیس من

فِي قَبْرِي وَ حَشْتِي * وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ الْقَاكِ مَنشُورًا * پس

باش در وحشت قبرم * و منظور کن برابم نزد خود سفارشی روزی که ملاقاتت کنم در قیامت *

این عهد میّت است در روزی که وصیّت می کند به حاجت خود و وصیّت حق است بر هر مسلمانی. فرمود: حضرت

صادق (علیه السلام) که تصدیق این در سوره مریم است قول خداوند تبارک و تعالی: ﴿ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ

اِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمٰنِ عَهْدًا ﴾ * یعنی مالک نمی شوند شفاعت را مگر کسی که فرا گرفته از نزد

خدای بخشنده عهد و پیمان را، و این همان عهد است. * و فرمود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) که

بیاموز آن را و تعلیم کن آن را به اهل بیت و شیعه خود، فرمود آن حضرت که آموخت آن را به من جبرئیل، پس

شیخ فرموده: نسخه آن نوشته که گذارده می شود با میّت در نزد جریده بگوید پیش از نوشتن:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ * وَ حْدَهُ وَ لَا شَرِیْكَ

به نام خداوند بخشنده مهربان * گواهم که نیست معبود حقی جز خدا * یگانه است شریک

لَهُ * وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ * وَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ

ندارد * و گواهم که محمد بنده و فرستاده او است * رحمت خدا بر او و بر خاندانش

* وَ اَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ * وَ اَنَّ النَّارَ حَقٌّ * وَ اَنَّ السَّاعَةَ حَقٌّ * اَتِيَةٌ لَا رَيْبَ

* و اینکه بهشت حق است * و دوزخ حق * و قیامت حق است * و آینده شکی در آن

فِيهَا * وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ * آنگاه بنویسد: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ

نیست * و خدا برانگیزد هر که در گورها است * به نام خدای بخشاینده

الرَّحِيمِ * شَهِدَ الشُّهُودَ الْمُسَمَّوْنَ فِي هَذَا الْكِتَابِ * اَنَّ اٰخَاهُمْ فِي

مهربان * گواهند گواهان نامبرده در این نوشته * که برادر دینی آنها

اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ (فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ) به جای این اسم آن شخص ذکر شود * اَشْهَدُهُمْ

به خاطر خدای بزرگ (به نام فلان پسر فلان) * گواهشان نموده

وَ اسْتَوَدَعْتَهُمْ وَ اٰقَرَّ عِنْدَهُمْ * اَنَّهُ يَشْهَدُ اَنَّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ * وَ حُدَّهُ وَ

و به آنها سپرده و اعتراف کرده نزد آنها * که گواهی می‌دهد نیست معبود حق جز خدا * یگانه است

لَا شَرِيكَ لَهُ * وَ اَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ * وَ

شریک ندارد * و گواهی می‌دهد که محمد که درود خدا بر او و آتش باد بنده او و رسول اوست

* وَ اَنَّهُ مُقَرَّبٌ بِجَمِيْعِ الْاَنْبِيَاءِ وَ الرُّسُلِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * وَ اَنَّ عَلِيًّا وَّلِيُّ

* و اینکه او مُقَرَّبٌ به جمیع پیغمبران است و رسولان که درود بر همه آنان باد * و اینکه علی ولی

اللّٰهِ وَ اِمَامُهُ * وَ اَنَّ الْاِئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ اِئِمَّتُهُ * وَ اَنَّ اَوْلَاهُمْ الْاِحْسَنُ

خدا است و امام او * و اینکه امامان از اولادش امامان اویند * و اول آنها حسن است

وَ الْاِحْسَيْنُ * وَ عَلِيُّ بْنُ الْاِحْسَيْنِ * وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ * وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ

و حسین * و علی بن حسین * و محمد بن علی * و جعفر بن محمد

* وَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ * وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى * وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ * وَ عَلِيُّ بْنُ

* و موسی بن جعفر * و علی بن موسی * و محمد بن علی * و علی بن

مُحَمَّدٍ * وَ الْاِحْسَنُ بْنُ عَلِيٍّ * وَ الْقَائِمُ الْحُجَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * وَ اَنَّ

محمد * و الحسن بن علی * و القائم الحجه درود بر همگی آنان باد * و اینکه

الْجَنَّةَ حَقٌّ * وَ النَّارَ حَقٌّ * وَ السَّاعَةَ اَتِيَّةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا * وَ اَنَّ اللَّهَ

بهشت حق است * و آتش حق است * و قیامت بیاید شک نیست در آن * و اینکه خداوند

يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ * وَ اَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ عَبْدُهُ * وَ

مبعوث کند هر که در گورها است * و اینکه محمد که درود خدا بر او و آتش باد بنده او

وَ رَسُوْلُهُ * جَاءَ بِالْحَقِّ * وَ اَنَّ عَلِيًّا وَّلِيُّ اللّٰهِ * وَ الْخَلِيْفَةُ مِنْ بَعْدِ رَسُوْلٍ

و رسول او است حق را آورده * و علی ولی خدا * و خلیفه پس از رسول

اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَمُسْتَخْلَفُهُ * فِي أُمَّتِهِ * مُؤَدِّيًّا لِأَمْرِ رَبِّهِ

خدا که درود خدا بر او و آتش باد * و خلیفه گذار در امتش * ادا کن دستور پروردگارش

تَبَارَكَ وَتَعَالَى * وَ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ * وَ ابْنَيْهَا الْحَسَنَ

تبارک و تعالی * و اینکه فاطمه دختر رسول خدا * و دو پسرش حسن

وَالْحُسَيْنَ * ابْنَا رَسُولِ اللَّهِ وَسِبْطَاهُ * وَ إِمَامَا الْهُدَى * وَقَائِدَا الرَّحْمَةِ

و حسین * دو پسر رسول خدا و دو سبط او * و دو امام هدایت * و پیشوای رحمت

وَ أَنَّ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا * وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى * وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا *

* و اینکه علی و محمد * و جعفر و موسی * و علی و محمد *

وَ عَلِيًّا وَ حَسَنًا * وَ الْحُجَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أئِمَّةً وَ قَادَةَ * وَ دُعَاةً إِلَى

و علی و حسن * و حجت درود بر آنان باد امامانند و رهبران * و داعیان به سوی

اللَّهُ جَلَّ وَ عَلَا * وَ حُجَّةً عَلَى عِبَادِهِ * پس بگوید: نَسْتُوْدِعُكَ اللَّهُ

خدا جل و علا * و حجت بر بندگانش * تو را به خدا سپردیم *

وَ الشَّهَادَةَ وَ الْإِقْرَارَ * وَ الْإِخَاءَ مُودُّوعَةً (وَ مَوْعِدُهُ) * عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ

با این گواهی و اقرار * و برادری سپرده نزد رسول خدا *

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَ نَقَرْنَا عَلَيْكَ السَّلَامَ * وَ رَحْمَةَ اللَّهِ

درود خدا بر او و آتش باد * و به تو سلام گوئیم * و رحمت خدا

وَ بَرَكَاتِهِ * پس به هم بیچند آن صحیفه را و مهر کنند او را و باید مختوم شود به مهر شهود و مهر میّت

و برکات او *

و گذاشته شود در طرف راست میّت با جریده و نوشته شود صحیفه با کافور با سر چوبی و معطر و خوشبو نباشد.

* و سزاوار است که در وقتی که مرگ حاضر می شود باطن قدمهای محتضر را رو به قبله کنند و بوده باشد نزد او

کسی که بخواند سوره یس و صافات و ذکر کند خدا را و تلقین کند او را شهادتین و اقرار به یک یک از امامان (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)

و تلقین کند او را کلمات فرج: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ * لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ

نیست معبود حقی جز خدای بردبار کریم * نیست معبود حقی جز خدای والی

الْعَظِيمُ * سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ * وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ

عظیم * منزّه است خدای پروردگار هفت آسمان * و پروردگار هفت زمین

وَمَا فِيهِنَّ وَبَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ * وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ * وَالْحَمْدُ

* و آنچه در آنها و میان آنها است و آنچه زیر آنها است * و پروردگار عرش عظیم * و سپاس

لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ * و حاضر نشود

از آن خدا پروردگار جهانیان است * و رحمت بر محمد و خاندان پاکش *

نزد او جُنُب و حایض و چون از دنیا گذشت فرو خوابانند چشمانش را و بکشند دستهایش را و به هم گذارند دهانش را و بکشند ساقهایش را و ببندند چانه اش را و شروع کنند در تحصیل کفن او، و کفن واجب او سه پارچه است لُنگ و پیراهن و ازار که سرتاسری باشد. * و مستحب است که زیاد شود بر این پارچه ها حَبْرَه یَمَنِيَه و آن جامه ای است که از یمن می آورند، یا ازار دیگر و زیاد کنند پارچه پنجمی که بیچند به آن رانه ای میّت را * و مستحب است که علاوه بر اینها عمامه برای او قرار دهند، * پس تحصیل کنند برای او مقداری از کافور که آتش به آن نرسیده باشد و افضل آن وزن سبزه درهم و ثلث است و اوسط آن چهار مثقال و اقل آن یک درهم است و اگر دشوار باشد هر قدر که ممکن است تحصیل کنند. * و سزاوار است که بنویسد بر همه کفنها یعنی بر هر

پارچه ای از آن: **فُلَانٌ يَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَحْدَهُ * لَا شَرِيكَ لَهُ * وَ أَنْ**

فلان گواهی دهد که نیست معبود حقی جز خدا * یگانه است شریک ندارد * و

مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ * وَ أَنْ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَوَلَدِهِ * *

محمد (ص) رسول خدا است * و علی (ع) امیر مؤمنان است * و امامان از اولادش *

(و یک یک امامان را ذکر کند) پس بنویسد: **أَئِمَّتَهُ * وَ أئِمَّةَ الْاَبْرَارِ * *** و بنویسد این را به

امامان او امامان هدایت و خوش رفتارند *

تربت امام حسین (علیه السلام) یا به انگشت و ننویسند به سیاهی * و باید غسل دهند میّت را به سه غسل: **أَوَّلُ**: به آب سِدْر، **دوِيْم**: به آب کافور، **سِيْم**: به آب خالص، * و کیفیت غسلش مثل غسل جنابت است: ابتدا می کند **أَوَّل** به شستن دستهای میّت سه مرتبه پس می شوید عورت او را به کمی از ایشان سه مرتبه پس غسل می دهد **سَرَاو** را با کف سدر سه مرتبه پس جانب راست و بعد جانب چپ را به همین نحو و می کشد دست خود را بر جمیع بدن میّت و باید این شستن را به آب سدر باشد. پس بشوید ظرفها را تا اثر سدر برود و بریزد در ظرف، آب دیگری و بیندازد در آن کمی از کافور پس غسل دهد او را به آب کافور مثل غسل به آب سدر و بریزد بقیه آب را و بشوید ظرفها را، پس آب خالص بیاورد و غسل سیّم بدهد به همان نحو و بایستد غسل دهنده بر جانب راست او و بگوید هر زمانی که غسل دهد از او عضوی را **عَفْوًا عَفْوًا** * و چون از غسل دادن فارغ شود بخشکاند بدن

میت را به جامه نظیفی و واجب است بر غسل دهنده غسل در این حال یا در مابعد * و مستحب است مقدم داشتن وضو بر غسلهای میت، پس کفن کند او را و حاضر کند آن پارچه پنجمی را که ران پیچ باشد و پهن کند و بگذارد بر روی آن مقداری از پنبه و بپاشد بر آن مقداری زیره و بگذارد آن را بر قُبُل و دُبُر میت و بر سوراخ دُبُر او پنبه بگذارد، پس آن پارچه را ببندد بر رانهای او و محکم ببندد رانهای او را پس لنگش را ببندد از نافش تا هر کجا که برسد و بپوشاند بر او پیراهنش و بالای آن سرتاسری را و بالای آن حیره و یا چیزی که قایم مقام آن باشد و بگذارد با او دو جریده از چوب خرما یا از درخت دیگری و باید تر و تازه باشد و درازی آن به مقدار استخوان ذراع باشد، می گذارد یکی از آن دور در جانب راست چسبیده به بدن از آن محلی که موضع بستن لنگ است و دیگری را در جانب چپ مابین پیراهن و سرتاسری و بگذارد کافور را بر مواضع سجده میت که پیشانی و باطن کفها و سر زانوها و اطراف انگشتان پاها باشد و اگر از کافور چیزی زیاد آمد بگذارد بر سینه او و بپیچد بر او کفنهایش را و ببندد او را از جانب سر و پاهایش تا او را به خاک سپرد و در آن وقت گره کفن را بگشاید، * و چون از امر کفن فارغ شدند او را سوار بر تابوت کنند و ببرند او را تا مصلی پس بر او نماز بخوانند. * علامه مجلسی در زادالمعاد در باب نماز میت فرموده آنچه که مُلَخَّصش این است: این نماز واجب است بر همه مسلمانان که علم به فوت شخصی به هم رسانند و اگر یکی از ایشان به جا آورد از دیگران ساقط می شود. * و واجب است نماز بر شیعه اثنی عشری که بالغ باشد بی خلاف و اشهر و اقوی آن است که بر طفلی که شش سالش تمام شده باشد نماز واجب است و ظاهراً به قصد قربت اکتفا می توان کرد، و کمتر از شش ماهه را اگر زنده متولد شده باشد بعضی سنّت دانسته اند و بعضی بدعت و احوط نماز نکردن است. * و سزاوارترین مردم به نماز میت وارث او است بنا بر مشهور و شوهر اولی است به زن خود، * و واجب است که نماز گذارنده رو به قبله بایستد و سر جنازه به جانب راست او باشد و میت بر پشت خوابیده باشد و در این نماز طهارت از حدث شرط نیست و جنب و حیض و بی وضو این نماز را می توانند کرد و سنّت است که با وضو باشد و اگر آب بهم نرسد یا مانعی داشته باشد یا وقت تنگ باشد سنّت است که تیمم کند، و ظاهر بعضی احادیث است که بدون عذر نیز تیمم مستحب است * و سنّت است که پیش نماز برابر میان مرد بایستد و سینه زن، * بنا بر مشهور و سنّت است که کفش را بکنند، و واجب است که نیت نماز کنند و پنج تکبیر بگویند و سنّت است که در هر تکبیر دستها را بردارند تا محاذی گوشها، و مشهور آن است که بعد از تکبیر اول بگویند:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ * و بعد از تکبیر دوم

گواهم که نیست معبود حقّی جز خدا * و گواهم که محمد رسول خدا است *

بگوید: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** * و بعد از تکبیر سیّم بگویند: **اللَّهُمَّ**

خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد * خدایا

اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ * و بعد از تکبیر چهارم بگویند: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا**

بیمارز مؤمنین و مؤمنات را * این بیمارز خدا

الْمَيِّتِ * پنجم را بگویند و فارغ شوند مجزی است و موافق مشهور بهتر آن است که چنین کند بعد از نیت

مرده را *

بگوید: **اللَّهُ أَكْبَرُ** * **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** * **وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ** * **وَأَشْهَدُ**

خدا بزرگ است * گواهم که نیست معبود حقّی جز خدا * یگانه است و شریک ندارد * و گواهم

أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ * **أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا** * **بَيْنَ**

که محمد بنده و رسول او است * فرستاده او را به درستی مژده بخش و بیم ده * جلو

يَدَيِ السَّاعَةِ * پس بگوید: **اللَّهُ أَكْبَرُ** * **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ**

قیامت * خدا بزرگتر است * خدایا رحمت فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ * **وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** * **وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ**

محمد * و برکت ده بر محمد و آل محمد * و رحم کن به محمد و آل

مُحَمَّدٍ * **كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ**

محمد * چه بهتر صلوات و برکت و ترحمی که بر ابراهیم و آل

إِبْرَاهِيمَ * **إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ** * **وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ**

ابراهیم کردی * زیرا تو ستوده و بزرگواری * و رحمت فرست بر همه پیغمبران و رسولان

* پس بگوید: **اللَّهُ أَكْبَرُ** * **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ** * **وَالْمُسْلِمِينَ**

* خدا بزرگتر است * خدایا بیمارز مؤمنین و مؤمنات * و مسلمین

وَالْمُسْلِمَاتِ * **الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ** * **تَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ**

و مسلمات را * از زنده و مرده آنها * و پیوست کن میان ما و آنها

بِالْخَيْرَاتِ * **إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ** * **إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** * پس

به خیرات * زیرا تو اجابت کن دعاهائی * و تو بر هر چیز توانائی *

بگوید: **اللَّهُ أَكْبَرُ** * **اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ** * **وَابْنُ أُمَّتِكَ**

خدا بزرگتر است * خدایا به راستی این بنده تو و زاده بنده تو * و زاده کنیز توست *

نَزَلَ بِكَ * وَ أَنْتَ خَيْرٌ مَّنْزُولٍ بِهِ * اللَّهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا *

به تو نازل شده * و تو بهترین میزبانی * خدایا ما جز خوبی او را نمی دانیم *

وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا * اللَّهُمَّ اِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ * وَ اِنْ

و تو داناتری بدو از ما * خدایا اگر خوش رفتار است بیفزای در احسان او * و اگر

كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ وَ اغْفِرْ لَهُ * اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَكَ فِي أَعْلَى

بد رفتار است بگذر از او و بیامرز او را * خدایا قرارش ده نزد خودت در اعلا

عَلِيِّينَ * وَ اخْلُفْ عَلَى أَهْلِ فِي الْغَابِرِينَ * وَ أَرْحَمَهُ بِرَحْمَتِكَ يَا

علیین * و خلف او باش بر خاندانش در آینده * و رحم کن به او به رحمت ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * پس بگوید: اللَّهُ أَكْبَرُ و فارغ می شود. و اگر زن باشد می گوید: اللَّهُمَّ

مهربانترین مهربانان * خدا بزرگتر است * خدایا

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكَ وَ ابْنَةُ عَبْدِكَ * نَزَلَتْ بِكَ * وَ أَنْتَ خَيْرٌ مَّنْزُولٍ بِهِ *

به راستی این کنیز توست و دختر بنده توست * و زاده کنیزت و مهمان تو شد * و تو بهترین میزبانی *

اللَّهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا إِلَّا خَيْرًا * وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنَّا * اللَّهُمَّ اِنْ

خدایا ما نمی دانیم از او جز خوبی * و تو داناتری به او از ما * خدایا اگر

كَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فِي إِحْسَانِهَا * وَ اِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْهَا

خوش رفتار است به احسانش بیفزای * و اگر بد رفتار است بگذر از او

وَ اغْفِرْ لَهَا * اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عَلِيِّينَ * وَ اخْلُفْ عَلَى

و بیامرز برای او * خدایا قرارش ده نزد خودت در اعلا علیین * و جانشین او باش

أَهْلِهَا فِي الْغَابِرِينَ * وَ أَرْحَمَهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * و اگر میت

بر خاندانش در آینده * و رحمش کن به رحمت خود ای مهربانترین مهربانان عالم *

مستضعف باشد بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبِيلَكَ * وَ قِهِمْ

خدایا بیامرز آنان را که توبه کردند و پیرو راه تو شدند * و محفوظشان

عَذَابَ الْجَحِيمِ * و اگر میت طفل نابالغ باشد بگوید: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِأَبَوَيْهِ وَ لَنَا

دار از عذاب دوزخ * خدایا او را قرار ده برای پدر و مادرش

سَلَفًا وَ فَرَطًا وَ أَجْرًا * و سنت است که برجای خود بایستد تا جنازه را بردارند خصوصاً پیش نماز

و برای ما گذشته و ذخیره و اجر *

* و در روایتی وارد شده است که بعد از فارغ شدن از نماز بگوید: **رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً**

پروردگارا عطا کن به ما در دنیا حسنه *

وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً * **وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ** * از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که

و در آخرت حسنه * و نگهدار ما را از عذاب آتش *

سزاوار آن است که برادران مؤمن را خبر کنند به مردن اوتا به جنازه او حاضر گردند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند و میّت و ایشان همه ثواب ببرند. * و در حدیث حسن از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که چون مؤمن را به قبر می گذارند او را ندا می کنند که اوّل عطائی که تو را دادیم بهشت است و اوّل عطائی که دادیم آنها را که با جنازه تو آمده اند آموزش گناهان است. * و در حدیث دیگر فرمود که اوّل تحفه ای که به مؤمن می دهند در قبر آن است که می آموزند هر کس را که همراه جنازه او بوده است. * و در حدیث دیگر فرموده که هر که همراهی جنازه مؤمنی بکند تا او را دفن بکنند حق تعالی در قیامت هفتاد ملک بر او بگمارد که همراهی نمایند و استغفار برای او کنند از قبر تا موقوف حساب، * و فرمود که هر که یک طرف جنازه را بگیرد بیست و پنج گناه کبیره اش آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان بیرون آید، * و باید که جنازه را چهار کس بردارند و بهتر آن است که از برای کسی که تشییع جنازه کند اوّل دست راست میّت را که جانب چپ جنازه است به دوش راست خود بردارد، پس پای راست میّت را باز به دوش راست بردارد پس از پشت جنازه برود و پای چپ میّت را به دوش چپ خود بردارد پس دست چپ میّت را که در جانب راست جنازه است به دوش چپ بردارد و چون خواهد که بار دیگر تربیع کند از پیش جنازه نرود بلکه از جانب پشت جنازه برگردد و باز به همان روش تربیع کند و اکثر علماء برعکس گفته اند که اوّل ابتداء به دست راست جنازه می کند پس به پای راست پس به پای چپ پس به دست چپ، و اوّل موافق احادیث معتبر اولی است و اگر هر دو رابه عمل آورند بهتر است و افضل آن است که عقب جنازه یا پهلوها راه رود و پیش جنازه نرود، * و ظاهر اکثر احادیث آن است که اگر جنازه مؤمن باشد پیش آن راه رفتن خوب است و در جنازه خلاف مذهب خوب نیست زیرا که ملائکه او را استقبال به عذاب می کنند و با جنازه، سواره رفتن مکروه است. * و از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) منقول است که هر که جنازه ای را به بیند این دعا را بخواند:

اللَّهُ أَكْبَرُ * **هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ** * **وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ** *

خدا بزرگتر است * این است آنچه وعده داده به ما خدا و رسولش * و راست گویند خدا و رسولش *

اللَّهُمَّ زِدْنَا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا * **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ** *

پروردگارا بیفزای ایمان و تسلیم ما را * حمد خدائی را که عزیز کرد ما را به نیروی خود *

وَقَهَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ ﴿۱۰﴾ هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه کند از برای ترحم به او. * و

و مقهور گردانید بندگان را به مرگ *

از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) منقول است که در حال برداشتن جنازه این دعا را بخواند: بِسْمِ اللَّهِ

به نام خدا

وَبِاللَّهِ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ

و به ذات خدا * خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و ببامرز مؤمنین

وَالْمُؤْمِنَاتِ ﴿۱۱﴾ و منقول است که حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) هرگاه جنازه ای را می دید می گفت:

و مؤمنات را *

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي مِنَ السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ ﴿۱۲﴾ و زنان را تشییع جنازه سنت

حمد خدائی را که قرار نداد مرا از سیاهی هلاک شده *

نیست. * و بعضی گفته اند که جنازه را بسیار تند بردن مکروه است، و مکروه است کسی را که به جنازه حاضر شود

خندیدن و حرف باطل گفتن * و نیز علامه مجلسی در حلیه فرموده: از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) منقول است که

هر که بر جنازه ای نماز کند هفتاد هزار ملک بر او نماز کنند و گناهان گذشته اش آمرزیده شود، پس اگر همراهی

کند تا او را دفن کنند به هر قدمی که بردارد قیراطی از ثواب به او بدهند که قیراطی مانند کوه احد باشد * و در حدیث

دیگر فرمود که: هر مؤمنی بر جنازه ای نماز کند بهشت او را واجب می شود مگر آنکه منافق یا عاقد پدر و مادر باشد.

* و به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که چون مؤمنی بمیرد و در جنازه او چهل نفر از مؤمنان

حاضر شوند و بگویند: اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا * یعنی خداوند ما

از او به غیر از نیکی چیزی نمی دانیم و تو داناتری به احوال او از ما. چون این را بگویند حق تعالی فرماید که من

شهادت شما را قبول کردم و آمرزیدم آن گناهی را که می دانم و شما نمی دانید. * و در حدیث معتبر دیگر از

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) منقول است که اول چیزی که در عنوان نامه مؤمن می نویسند بعد از مرگش آن چیزی

است که مردم در حق او می گویند اگر نیک می گویند نیک می نویسند و اگر بد می گویند بد می نویسند. * فقیر

گویند که: شیخ طوسی در مصباح متعجّد فرموده: و مستحبّ است تربیع جنازه یعنی به دوش بگیرد جانب کتف

راست میّت را پس از آن بیاید به طرف پا به دوش بگذارد پای راست او را پس از آن پای چپ او را و بعد از آن کتف

چپ او را حاصل آنکه چهار گوشه جنازه را به این ترتیب بر دوش کشد که تعبیر از آن به دَوْرَ حَىٰ کنند یعنی مثل

سنگ آسیا گردیدن او باشد. * و چون جنازه را نزد قبر آورند اگر مرد است بگذارند او را به طرف پاهای قبر و بیاورند

او را تالب قبر در سه دفعه، و اگر جنازه زن است او را بگذارند طرف پیش قبر که جانب قبله است پس داخل در قبر

شود ولی میت یا کسی که امر کند و نازل شود در قبر از طرف پای قبر که آن باب قبر است * و چون نازل شد بگوید:

اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ * وَلَا تَجْعَلْهَا حُفْرَةً مِنْ حُفْرِ

خدایا بگردانش بستانی از بستانهای بهشت * و مگردانش گودالی از گودالهای

النَّارِ * و سزاوار است که شخص نازل سر برهنه و پا برهنه باشد با بندهای گشاده پس بگیرد میت را و از سر

دوزخ *

او داخل در قبر کند و بگوید در آن حال: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ * وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ عَلَى

به نام خدا و به ذات خدا * و در راه خدا * و بر کیش

مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ * اللَّهُمَّ اِيْمَانًا بِكَ * وَ تَصَدِيقًا بِكِتَابِكَ * هَذَا مَا

رسول خدا * خدایا با ایمان به تو * و تصدیق به کتابت * این است که

وَ عَدْنَا اللَّهُ وَ رَسُولَهُ * وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولَهُ * اللَّهُمَّ زِدْنَا

و عده داده به ما خدا و رسولش * و راست گفته خدا و رسولش * خدایا بیفزای

اِيْمَانًا وَ تَسْلِيمًا * پس بخواباند او را بر جانب راست و روی او را به قبله کند و بگشاید بندهای کفن

ما را ایمان و تسلیم *

را از جانب سر و پای او و بگذارد صورت میت را بر خاک و مستحب است که بگذارد با او چیزی از تربت امام

حسین (علیه السلام) پس بچیند بر او خشت و بگوید آن کسی که می چیند خشت را: اللَّهُمَّ صَلِّ وَ حُدِّثْهُ وَ

خدایا پیوست ده تنهائیش را

* وَ اِنْسٍ وَ حَشْتَهُ * وَ اَرْحَمِ غُرْبَتَهُ * وَ اَسْكِنِ اِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ * و آرام کن وحشتش را * و رحم کن غریبی او را * و با او هم نشین کن از رحمت خود *

رَحْمَةً يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ * وَ اَحْشُرْهُ مَعَ مَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ

به اندازه ای که بی نیاز شود از رحمت دیگری * و محشورش کن با هر که او را دوست دارد

مِنَ الْاِئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ * و مستحب است که تلقین کرده شود میت به شهادتین و اسماء ائمه (علیهم السلام)

از ائمه طاهرين *

وقت گذاشتن در قبر پیش از چیدن خشت بر او پس می گوید تلقین کننده: يَا فَلَانَ بْنِ فَلَانَ (و به جای

این اسم می برد آن میت و پدر او را): **أَذْكُرُ الْعَهْدَ الَّذِي خَرَجْتَ عَلَيْهِ مِنْ دَارِ**

یاد کن عهدی را که بیرون شدی بدان از دار

الدُّنْيَا * شَهَادَةَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَحَدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * وَأَنَّ مُحَمَّدًا

دنیا * که شهادت به این است که نیست معبود حقی جز خدا * یگانه است شریک ندارد * و اینکه محمد

عَبْدُهُ * وَرَسُولُهُ * وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * وَالْحُسَيْنَ وَالْحُسَيْنَ

بنده و رسول او است * و اینکه علی امیر مؤمنان * و حسن و حسین علیهم السلام *

و ذکر کند ائمه را یک به یک تا آخر: **أَيْمَتِكَ أئِمَّةَ الْهُدَى الْأَبْرَارِ** * پس وقتی که فارغ شد

امامان تواند امامان هدایت خوش رفتار *

از چیدن خشت بریزد خاک بر او و مستحب است که خاک بریزند کسانی که حاضر شده اند با پشت دستهای

خودشان و بگویند در آن حال: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** * **هَذَا مَا وَعَدَنَا**

ما از خدائیم و ما به سوی او بازگردیم * این است آنچه وعده داده

اللَّهُ وَرَسُولُهُ * وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ * **اللَّهُمَّ زِدْنَا إِيمَانًا**

به ما خدا و رسولش * و راست گفته اند خدا و رسولش * خدایا بیفزای برای ما ایمان

وَتَسْلِيمًا * پس چون اراده کند بیرون آمدن از قبر را بیرون بیاید از طرف پاهای میت پس پر کند قبر را و بلند

و تسلیم را *

کند از زمین به قدر چهار انگشت و نریزد در قبر غیر از خاک قبر و گذارده شود نزد سر او خشتی یا لوحی پس بریزد

آب بر قبر و ابتداء کند به ریختن آب از جانب سر پس دُور داده شود آب ریختن بر چهار طرف قبر تا برگردد نزد سر

آنجائی که اول شروع کرده است به آب ریختن پس اگر از آن آب چیزی زیاد بیاید بریزد بر وسط قبر، پس وقتی

که پوشانید قبر را بگذارد دست خود را بر قبر هر کسی که می خواهد و بگشاید انگشتان خود را و فرو ببرد در خاک

قبر و دعا کند برای میت پس بگوید: **اللَّهُمَّ اِنْسِ وَحَشْتَهُ** * **وَ اَرْحَمِ غُرْبَتَهُ** *

خدایا مانوس دار وحشت او را * و رحم کن به غربت او *

وَ اَسْكِنِ رَوْعَتَهُ * **وَ صَلِّ وَحَدَّتَهُ** * **وَ اَسْكِنِ** (وَ اَمِنْ) **إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ**

و آرام کن هراس او را * و جبران کن تنهائی او را * و رحمت خود را همنشین او کن

* **رَحْمَةً يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ** * **وَ احْشُرْهُ مَعَ مَنْ كَانَ**

* رحمتی که بی نیاز شود بدان از رحمت دیگری * و محشورش کن با هر که

يَتَوَلَّاهُ پس وقتی که برگشتند مردم از نزد قبر تأخیر بیندازد برگشتن خود را کسی که سزاوارتر است به

دوستدار اوست *

آن میت و مهربانی کند به او و بگوید به صدای بلند اگر مقام تقیّه نباشد: **يَا فُلَانُ بَنَ فُلَانٍ** (اسم میت

و پدر او را ببرد) **اللَّهُ رَبُّكَ** * **وَمُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ** * **وَالْقُرْآنُ كِتَابُكَ** * **وَالْكَعْبَةُ**

خدا پروردگار توست * و محمد (ص) پیغمبر تو * و قرآن کتاب تو * و کعبه

قَبْلَتُكَ * **وَعَلَى إِمَامِكَ** * **وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ** * (و نام ببرد ائمه را یک یک)

قبله توست * و علی امام توست * و حسن و حسین *

أَئِمَّتِكَ * **أَيُّمَّةَ الْهُدَى الْأَبْرَارِ** مؤلف گوید که: غیر از وقت احتضار از برای میت دو جاتلقین

امامان توست * امامان رهنما و نیکو کردار *

مستحب است: یکی وقتی که او را در قبر گذارند، و بهتر آن است که به دست راست دوش راست او را و به دست

چپ دوش چپ او را بگیرند و او را حرکت دهند و تلقین کنند، و دیگر وقتی که او را دفن کردند سنت است که ولی

میت یعنی اقرب خویشان او بعد از آنکه مردم از سر قبر او برگردند نزد سر میت بنشینند و به صدای بلند او را

تلقین کند و خوب است که دو کف دست را روی قبر گذارد و دهان را نزدیک قبر برد و اگر دیگری را نایب کند نیز

خوب است و در اخبار وارد شده است که چون این تلقین را بکنند منکر به نکیر می گوید: بیا برویم تلقین

حجتش کردند احتیاج به پرسیدن نیست پس برمی گردند و سؤال نمی کنند. * علامه مجلسی علیه الرحمه

فرموده و تلقین کننده به این نحو بگوید جامع تر است: **إِسْمِعْ أَفْهَمَ يَا فُلَانُ بَنَ فُلَانٍ** * (و نام

بشنو و بفهم ای فلان پسر فلان *

او و پدرش را بگوید) **هَلْ أَنْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ أَنْ**

آیا تو بر همان عقیده هستی که با آن از ما جدا شدی که عبارت از گواهی به این بود که

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * **وَحْدَهُ** * **وَلَا شَرِيكَ لَهُ** * **وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ**

نیست معبود حق جز خدا * یگانه است شریک ندارد * و محمد که درود خدا بر او

وَأَلِهِ * **عَبْدُهُ** * **وَرَسُولُهُ** * **وَسَيِّدُ النَّبِيِّينَ** * **وَخَاتَمُ الْمُرْسَلِينَ** * **وَأَنَّ**

و آتش باد * بنده و رسول او است * و سید پیغمبران و خاتم رسولان * و اینکه

عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * **وَسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ** * **وَإِمَامًا افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ** *

علی امیر مؤمنین * و سید اوصیاء است * امامی است که واجب کرده خدا طاعتش را

عَلَى الْعَالَمِينَ * وَأَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ * وَعَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ * وَمُحَمَّدَ

بر جهانیان * و اینکه حسن و حسین * و علی بن حسین * و محمد

بَنِي عَلِيٍّ * وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ * وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ * وَعَلَى بْنَ مُوسَى *

بن علی * و جعفر بن محمد * و موسی بن جعفر * و علی بن موسی *

و مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ * وَعَلَى بْنَ مُحَمَّدٍ * وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ * وَالْقَائِمَ

و محمد بن علی * و علی بن محمد * و حسن بن علی * و قائم

الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أئِمَّةَ الْمُؤْمِنِينَ * وَحُجَجَ اللَّهِ

حجت مهدی صلوات خدا بر آنها امامان مؤمنان * و حجت‌های خدا

عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ * وَأئِمَّتِكَ أَئِمَّةَ هُدَىٰ أَبْرَارٍ * يَا فَلَانَ بْنَ فَلَانَ

بر همه خلق * و امامان تو امامان هدایت خوش رفتار * ای فلان ابن فلان

إِذَا آتَاكَ الْمَلَكُ الْمَقْرَبَانَ * رَسُولَيْنِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى *

چون آمدند نزد تو دو فرشته مقرب * و دو رسول از پیشگاه خدای تبارک و تعالی *

و سَأَلَاكَ عَنْ رَبِّكَ * وَعَنْ نَبِيِّكَ * وَعَنْ دِينِكَ * وَعَنْ كِتَابِكَ * وَعَنْ

و بپرسند از تو نسبت به پروردگارت و از پیغمبرت * و از دینت * و از کتابت * و از

قَبْلَتِكَ * وَعَنْ أئِمَّتِكَ * فَلَا تَخَفْ وَقُلْ فِي جَوَابِهِمَا اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ وَ

قبلت * و از امامانت * نترس در جواب آنها بگو خدای جل جلاله پروردگار من

رَبِّي * وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيٌّ * وَالْإِسْلَامُ دِينِي * وَالْقُرْآنُ

است * و محمد که درود خدا بر او و آتش باد پیغمبر من است * و اسلام دین من است * و قرآن

كِتَابِي * وَالْكَعْبَةُ قَبْلَتِي * وَامِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِمَامِي

کتاب من است * و کعبه قبله من است * و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب امام من است

* وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَجْتَبِي إِمَامِي * وَالْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الشَّهِيدُ

* و حسن بن علی مجتبی امام من است * و حسین بن علی شهید

بِكُرْبَلَاءِ إِمَامِي * وَعَلِيُّ زَيْنِ الْعَابِدِينَ إِمَامِي * وَمُحَمَّدٌ بَاقِرُ عِلْمِ

در کربلاء امام من است * و علی زین العابدین امام من است * و محمد باقر علم

النَّبِيِّينَ إِمَامِي * وَجَعْفَرُ الصَّادِقُ إِمَامِي * وَمُوسَى الْكَاطِمُ إِمَامِي

انبیاء امام من است * و جعفر صادق امام من است * و موسی کاظم امام من است *

وَعَلَىٰ الرِّضَا إِمَامِي * وَ مُحَمَّدٌ الْجَوَادُ إِمَامِي * وَعَلَىٰ الْهَادِي إِمَامِي *

و علی رضا امام من است * و محمد جواد امام من است * و علی هادی امام من است *

وَ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ إِمَامِي * وَ الْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ إِمَامِي * هُوَ لِأَنَّ

و حسن عسکری امام من است * و حجت منتظر امام من است * ایناند

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَيْمَتِي * وَ سَادَتِي وَ قَادَتِي وَ شَفَعَائِي *

رحمت و صلوات خدا بر ایشان همه امامان من * و آقایانم و رهبرانم و شفیعیانم هستند *

بِهِمْ اتَوَلَىٰ * وَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ اتَّبَرَأُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * ثُمَّ أَعْلَمَ يَا فُلَانُ

به آنان پیرو و دوستم * و از دشمنانشان بیزارم در دنیا و آخرت * پس از این بدان ای فلان

بَنَ فُلَانٌ * أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَىٰ نِعَمَ الرَّبِّ * وَ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ

این فلان * که خدای تبارک و تعالی چه خوب پروردگاری است * و محمد که درود خدا

عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ نِعَمَ الرَّسُولِ * وَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ *

بر او و آتش باد چه خوب پیغمبری است * و امیر المؤمنین علی بن ابیطالب *

وَ أَوْلَادَهُ الْأَيْمَةَ * الْوَاحِدَ عَشَرَ نِعَمَ الْأَيْمَةِ * وَ أَنَّ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ

و اولادش * امامان یازده‌گانه چه خوب امامانی هستند * و آنچه که آورده است محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ حَقٌّ * وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ * وَ سُؤَالَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ

که درود خدا بر او و آتش باد حق است * و مرگ حق است * و سوال منکر و منکر

فِي الْقَبْرِ حَقٌّ * وَ الْبَعْثَ حَقٌّ * وَ النَّشُورَ حَقٌّ * وَ الصِّرَاطَ حَقٌّ *

در قبر حق است * و بعث حق است * و نشور حق است * و صراط حق است *

وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ * وَ تَطَائُرَ الْكُتُبِ حَقٌّ * وَ الْجَنَّةَ حَقٌّ * وَ النَّارَ حَقٌّ

و میزان حق است * و پرش نامه اعمال حق است * و بهشت حق است * و دوزخ حق

* وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا * وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ *

* و قیامت بیاید شکی در آن نیست * و به راستی خدا برانگیزاند هر که در گورها است *

پس بگوید: أَفْهَمْتَ يَا فُلَانُ * در حدیث است که میت در جواب می گوید: بلی فهمیدم، پس بگوید:

آیا فهمیدی ای فلان *

ثَبَّتَكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ * هَذَاكَ اللَّهُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * عَرَفَ

پابرجا دارد خدایت به گفتار ثابت * رهت نماید خدا به راه راست * معرفی کند

اللَّهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَوْلِيَاءِكَ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ * پس بگوئید: اللَّهُمَّ

خدا میان تو و میان اولیاء تو در قرارگاه رحمتش * خدایا

جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنْبِيهِ * وَاصْعِدْ بَرُوحَهُ إِلَيْكَ * وَتَلَقَّهُ مِنْكَ

تهی کن زمین را از دو پهلویش * و روحش را نزد خود بالا بر * و تلقین کن به او

بُرْهَانًا * اللَّهُمَّ عَفْوُكَ عَفْوُكَ * به کلمه شریفه عفو ختم کردم این رساله را. رجاء واثق که

از طرف خود برهان * خدایا عفو تو بایست عفو تو *

عفو الهی شامل گردد حال این روسیاه و کسانی که به این رساله (عمل می نمایند). وَ كَانَ ذَلِكَ فِي

پایان این کتاب آخر

ءَاخِرِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ * التَّاسِعَ عَشَرَ مِنْ شَهْرِ مُحَرَّمِ الْحَرَامِ * سَنَةِ (۱۳۴۵)

روز جمعه * نوزدهم ماه محرم الحرام * سنه (۱۳۴۵) هزار

أَلْفٍ وَثَلَاثُمِائَةٍ وَخَمْسٍ وَارْبَعِينَ * فِي جَوَارِ إِمَامِنَا الْمَسْمُومِ *

و سیزد و چهل و پنج * در جوار امام مسموم ما *

مَوْلَانَا الْغَرِيبِ الْمَظْلُومِ * أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا * عَلَيْهِ

مولای ما غریب و مظلوم * ابی الحسن علی بن موسی الرضا * بر او

وَ عَلَى ءَابَائِهِ السَّلَامِ مِنَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ أَوْلًا وَ ءَاخِرًا *

و بر پدراناش درود باد از خداوند حی و قیوم * و سپاس از خدا است در آغاز و انجام *

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ ءَالِهِ *

و رحمت خدا بر محمد و آتش باد *

كُتِبَهُ وَ بَيَّنَّاهُ الْوَاظِرَةَ * عَبَّاسُ بْنُ مُحَمَّدِ رِضَا الْقُمِّي عَفَى عَنْهُمَا

نوشت آن را با دست آلوده به گناه * عباس بن محمد رضای قمی که درگذرد از آن دو

ملحقات باقیات صالحات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ذکر چند دعای موجز و عَوَده‌های مختصره که نقل شده از کتاب بحار و ملحق شده به کتاب باقیات صالحات:

۱) **اول:** از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) منقول است که مردی را دید که می‌خواند از روی دفتری دعای طولانی، حضرت فرمود: ای مرد آن خدائی که می‌شنود کثیرا جواب می‌دهد از قلیل، آن شخص عرض کرد ای

مولای من می‌فرمائی چه کنم؟ فرمود: بگو: **الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ كُلِّ نِعْمَةٍ * وَ أَسْأَلُ اللَّهَ**

حمد خدا را بر هر نعمتی * و از خدا خواهم

مِنْ كُلِّ خَيْرٍ * وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ * وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ

هر خیر را * و پناه برم به خدا از هر شری * و آمرزش جویم خدا را از هر گناه *

۲) **دویم:** دعائی است که حضرت صادق (علیه السلام) تعلیم فرمود آن را به بعضی از اصحاب خود که برای دفع هول

و غم بخواند: **أَعَدَدْتُ لِكُلِّ عَظِيمَةٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَ لِكُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ لَا حَوْلَ**

آماده کردم برای هر بزرگ حادثه لا اله الا الله * و برای هر هم و غم لا حول

وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ * مُحَمَّدٌ النُّورُ الْأَوَّلُ * وَ عَلِيُّ النُّورِ الثَّانِي * وَ الْأَئِمَّةُ

و لا قوه الا بالله را * محمد (ص) است نور نخست * و علی (ع) نور دوم * و امامان

الْأَبْرَارِ عُدَّةٌ لِلِقَاءِ اللَّهِ * وَ حِجَابٌ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ * ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ

ابرار برای ملاقات خداوندگار * و سپر در برابر دشمنان خدا * خوار است هر چیز

لِعَظْمَةِ اللَّهِ * وَ أَسْأَلُ اللَّهَ عِزًّا وَ جَلًّا الْكِفَايَةِ ۳ سیّم: دعائی است برای رفع

برای بزرگی خدا * خواهم از خدای عز و جل کفایت کار خود را *

بیماریها و ناخوشیها سید بن طاوس (رحمته الله) فرموده که ما تجربه کردیم آن را، می‌نویسی در رقعته‌ای: **يَا مَنْ**

ای که

اسْمُهُ وَ دَوَاءٌ * وَ ذِكْرُهُ وَ شِفَاءٌ * يَا مَنْ يَجْعَلُ الشِّفَاءَ فِيمَا يَشَاءُ مِنْ

نامش دواء است * و ذکرش درمان است * ای که شفا نهد در هر چه خواهد از همه

الْأَشْيَاءِ * صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ اجْعَلْ شِفَائِي مِنْ هَذَا

چیزها * رحمت فرست بر محمد و آل محمد * و بنه شفایم را از

الدَّاءِ فِي اسْمِكَ هَذَا * پس می نویسی ده مرتبه **يَا اللَّهُ** ده مرتبه **يَا رَبِّ** ده مرتبه **يَا**

این درد در این نام خود * ای خدا * ای پروردگار * ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ﴿٤﴾ چهارم: برای بثر یعنی آبله ریزی که بر اندام برآید از حضرت صادق (علیه السلام) روایت

مهربانترین * مهربانان *

شده که چون احساس کردی به آن بگذار انگشت سبّابه را بر آن و بگردان دور آن و بگو هفت مرتبه: **لَا إِلَهَ**

نیست معبود

إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ * و دفعه هفتم بچسبان انگشت سبّابه را بر روی آن و فشار بده آن را. ﴿٥﴾

بر حق جز خدای حلیم و کریم *

پنجم: روایت شده که برای خنازیر مکرر بگوئید: **يَا رَعُوفُ يَا رَحِيمُ * يَا رَبِّ يَا سَيِّدِي ***

ای رئوف ای مهربان * ای پروردگار ای مولای من *

﴿٦﴾ ششم: از برای درد کمر روایت شده که دست بگذارد بر موضعی که درد می کند و سه دفع بخواند: **وَمَا**

هیچ

كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ * كِتَابًا مُؤَجَّلًا * وَ مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ

نفسی نتواند که بمیرد جز به اجازه خدا * سرنوشتی است که موعدی دارد * هر که پاداش

الدُّنْيَا نُؤْتَهُ مِنْهَا * وَ مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتَهُ مِنْهَا * وَ سَنَجْزِي

دنوی خواهد بدهیم از آن * و هر که ثواب آخرت خواهد از آن بدهیمش * و پاداش دهیم

الشَّاكِرِينَ * پس هفت مرتبه **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** بخواند انشاء الله عافیت یابد. ﴿٧﴾ هفتم: برای درد ناف

شکر گزاران را *

روایت شده که دست بگذار بر موضع درد و بگو سه مرتبه: **وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ * لَا يَأْتِيهِ**

به راستی آن کتابی است با عزت * نیامدش

الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ * وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ * تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ *

بیهودگی از پیش آن * و نه از دنبالش * نازل شده از حکیم که ستوده است *

عافیت یابی انشاء الله. ﴿٨﴾ هشتم: تعویذی است برای هر درد مروی از حضرت رضا (علیه السلام): **أُعِذُ نَفْسِي**

پناه دهم خود را

بِرَبِّ الْأَرْضِ وَرَبِّ السَّمَاءِ * أُعِذُ نَفْسِي بِالَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ

به پروردگار زمین و پروردگار آسمان * پناه دهم خود را بدان که زیان ندارد با نامش دردی

﴿۹﴾ نهم: برای درد خاصه یعنی

﴿۹﴾ نهم: برای درد خاصه یعنی * پناه دهم خود را به خدائی که نامش برکت و شفاء است *

تهیگاه روایت شده که چون فارغ شدی از نماز بگذار دست خود را بر موضع سجود خود پس بکش بر روی

خاصه و بخوان آخر سوره **قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ** را: ﴿۱۰﴾ **أَفْحَسِبْتُمْ أَنْما خَلَقْنَاكُمْ**

به تحقیق رستگار شدند مؤمنان * آیا گمان دارید که همانا شما را

عَبَثًا * تا آخر سوره مبارکه. ﴿۱۰﴾ دهم: برای درد شکم و قولنج و نحو آن می خوانی: ﴿۱۰﴾ **بِسْمِ اللّٰهِ**

بیهوده آفریدیم * به نام خداوند

الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * و صاحب ماهی را هنگامی که رفت خشمگین * تا آخر آیه پس می خوانی

بخشنده مهربان * و صاحب ماهی را هنگامی که رفت خشمگین *

سوره حمد را هفت مرتبه و این مجرب است. ﴿۱۱﴾ یازدهم: دعای شخص مهموم و آن کسی که بلیه به او

رسیده و چاره اش قطع گشته. در شب جمعه چون از نماز عشاء فارغ شود بگوید: ﴿۱۱﴾ **لَا اِلهَ اِلَّا اَنْتَ**

نیست معبود حق جز تو

سُبْحٰنَكَ اِنِیْ كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِیْنَ ﴿۱۲﴾ دوازدهم: دعای حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام)

منزهی تو به راستی من بودم از ستمکاران *

به جهت خلاصی از زندان: **يَا مُخْلِصَ الشَّجَرِ مِنْ بَيْنِ رَمْلِ وَ طِينِ وَ مَاءٍ** * و **يَا**

ای برآور درخت از میان ریگ و گل و آب * و برآورنده

مُخْلِصَ اللَّبَنِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ * و **يَا مُخْلِصَ الْوَلَدِ مِنْ بَيْنِ مَشِيمَةٍ**

شیر از میان سرگین و خون * و ای برآورنده فرزند از میان پرده

وَ رَحِمٍ * و **يَا مُخْلِصَ النَّارِ مِنْ بَيْنِ الْحَدِيدِ وَ الْحَجَرِ** * و **يَا مُخْلِصَ**

و رحم * و ای برآورنده آتش از میان آهن و سنگ * و ای برآورنده

الرُّوحِ مِنْ بَيْنِ الْأَحْشَاءِ وَ الْأَمْعَاءِ * **خَلِّصْنِي مِنْ يَدِي هَارُونَ** * به جای

روح از میان درونیهها و رودهها * خلاصم کن از دست هارون *

اسم هارون اسم آن ظالمی را ببرد که او را در زندان کرده. روایت شده که چون حضرت در حبس هارون این دعا

را خواند بعد از آنکه شب درآمد وضو تازه کرد و چهار رکعت نماز گذاشت هارون خواب هولناکی دید بترسید امر

کرد تا آن حضرت را از زندان رها کردند. ﴿۱۳﴾ سیزدهم: دعاء فَرَج: **اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ**

خدایا اگر گناهانم پوسیده کرده

أَخْلَقْتَ وَجْهِي عِنْدَكَ * فَإِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ *

چهره‌ام را نزد تو * من رو آوردم به درگاهت به وسیله پیغمبرت پیغمبر رحمت *

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ * وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ

محمد که درود خدا بر او و آلش باد * و علی و فاطمه * و حسن و حسین

وَ الْأئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * * * * * و بدان که ادعیه فَرَج بسیار است و از ادعیه فَرَج است دعای

* و امامان درود بر همه آنان باد *

إِلَهِي طُمُوحُ الْأَمْالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَيْكَ * الخ و این دعا در مفاتیح در اعمال شب

خدایا سرکشی آرزوها نومید گردیده است جز نزد تو *

جمعه ذکر شد. ﴿۱۴﴾ چهاردهم: دعای شریفی که در نماز وتر خوانده می شود، علامه مجلسی (رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ) در بحار

آن را از کتاب اختیار نقل نموده فرموده: می کشی دست خود را به جانب آسمان و می گوئی: **إِلَهِي كَيْفَ**

معبودا چگونه

أَصْدُرُ عَنْ بَابِكَ بِخَيْبَةٍ مِنْكَ * وَقَدْ قَصَدْتُهُ * وَعَلَى ثِقَةٍ بِكَ * إِلَهِي

برگردم از درگاهت تهیدست از طرف تو * با اینکه آهنگ تو کردم از روی اعتماد به تو * معبودا

كَيْفَ تُوَيْسِنِي مِنْ عَطَائِكَ * وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِدُعَائِكَ * صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ

چطور نومیدم کنی از عطایت * و فرمانم دادی به دعایت * رحمت فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَرْحَمْنِي إِذَا اشْتَدَّ الْأَيْنُ * وَ خُطِرَ عَلَيَّ الْعَمَلُ * * * * *

و آل محمد * و رحم کن گاهی که سخت بنالم * و کارم از دست رفته *

وَ انْقَطَعَ مِنِّي الْأَمَلُ * وَ أَفْضَيْتُ إِلَى الْمُنُونِ * وَ بَكَتْ عَلَيَّ الْعْيُونُ * * * * *

و آرزویم بریده * و به آستان مرگ افتادم * و بگریند بر من دیده‌ها *

وَ وَدَّعَنِي الْأَهْلُ وَ الْأَحْبَابُ * وَ حَتَّى عَلَيَّ التُّرَابُ * وَ نُسِيَ اسْمِي * * * * *

و وداعم کنند خانواده و دوستان * و ریخته شود بر من خاک * و فراموش شود نامم *

وَبَلِيَّ جِسْمِي * وَانْطَمَسَ ذِكْرِي * وَهَجَرَ قَبْرِي * فَلَمْ يَزُرْنِي زَائِرٌ *

و بیوسد تنم * و گم شود یادم * و متروک ماند گورم * کسی از من دیدن نکند *

وَلَمْ يَذْكُرْنِي ذَاكِرٌ * وَظَهَرَتْ مِنِّي الْمَآثِمُ * وَاسْتَوْلَتْ عَلَيَّ الْمَظَالِمُ *

و کسی یاد من نباشد * و پدید گردد از من گناهان * و مستولی شود بر من مظالم *

وَطَالَتْ شِكَايَةُ الْخُصُومِ * وَاتَّصَلَتْ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ * صَلَّى اللَّهُمَّ *

* و به طول انجام شکایت مدعیان * و ادامه یابد دعاء مظلوم * رحمت فرست خدایا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَارْضِ خُصُومِي عَنِّي بِفَضْلِكَ وَاحْسَانِكَ *

بر محمد و آل محمد * و راضی کن از من مدعیان به فضل تو و احسانت *

وَجِدْ عَلَيَّ بَعْفُوكَ وَرِضْوَانِكَ * إِلَهِي ذَهَبَتْ أَيَّامُ لِدَاتِي * وَبَقِيَتْ *

* و ببخش مرا به عفو و رضوانت * معبودا روزگار کامجویی گذشته * و گناه

مَآثِمِي وَتَبَعَاتِي * وَقَدْ آتَيْتَكَ مُنِيبًا تَائِبًا * فَلَا تَرُدَّنِي مَحْرُومًا *

و مسئولیتش بجا ماند * و من به درگاهت آمدم بازگرد و توبه کار * مرا بر مگردان محروم *

وَلَا خَائِبًا * اللَّهُمَّ أَمِنْ رَوْعَتِي * وَاغْفِرْ لِي * وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ *

و نومید * خدایا آسوده کن هراسم را * و بیامرز لغزشم را * و بپذیر توبه‌ام را زیرا تو

التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱۵﴾ پانزدهم: دعاء حزین: دعائی است شریف بعد از نماز شب خوانده می‌شود و آن

پیر توبه پذیر و مهربانی *

دعاء مطابق آنچه در مصباح متعهد است این است: اَنَا جِيكَ يَا مَوْجُودًا فِي كُلِّ مَكَانٍ *

با تو راز گویم ای موجود در هر مکان *

لَعَلَّكَ تَسْمَعُ نِدَائِي * فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي * وَقَلَّ حَيَاتِي * مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ *

شاید تو بشنوی فریاد مرا * بزرگ شد جرمم * و کم است شرمم * مولایم ای مولایم

أَيُّ الْأَهْوَالِ اتَذَكَّرُ * وَآيَهَا أَنْسَى * وَلَوْلَمْ يَكُنْ إِلَّا الْمَوْتُ لَكَفَى *

* کدام هراسها را یادآور شوم * و کدام را از یاد ببرم * و اگر نباشد جز همان مرگ

كَيْفَ * وَمَا بَعْدَ الْمَوْتِ أَعْظَمُ وَأَدْهَى * مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ * حَتَّى مَتِي *

بس است * با اینکه آنچه پس از مرگ است بزرگتر است و ناگوارتر * مولایم ای مولایم * تا کی

وَإِلَى مَتِي أَقُولُ لَكَ الْعُتْبَى مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى * ثُمَّ لَا تَجِدُ عِنْدِي صِدْقًا *

و به امید کی می‌گویم به حضرتت معذرت خواهم یکبار * پس از بار دیگر و تو نیابی نزد من راستی

وَلَا وِفَاءَ * فَيَا غَوَاثَهُمْ وَ غَوَاثَهُ * بَكَ يَا اَللّٰهُ مِنْ هَوٰى قَدْ غَلَبَنِى *

و نه وفاداری * وا غوثاه باز هم وا غوثاه * به تو ای خدا از هوسى که بر من چیره است *

وَمِنْ عَدُوِّ قَدْ اسْتَكَلَبَ عَلٰى * وَ مِنْ دُنْيَا قَدْ تَزَيَّنَّتْ لِي * وَ مِنْ نَفْسِ

و از دشمنى که بر من چنگ انداخته * و از دنیائى که برایم آرایش کرده * و از نفس

اِمَارَةٍ بِالسُّوْءِ اِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّى * مَوْلَاى يَا مَوْلَاى * اِنْ كُنْتَ رَحِمْتَ

اماره به بدى جز آنکه رحم کند پروردگارم * مولایم ای مولایم * اگر تو رحم کنی

مِثْلِى فَا رَحِمْنِى * وَ اِنْ كُنْتَ قَبِلْتَ مِثْلِى فَا قَبَلْنِى * يَا قَابِلَ السَّحْرَةِ

به چون منى به من رحم کن * و اگر مانند مرا می پذیری مرا بپذیر * ای پذیرای جادوگران مصر

اِقْبَلْنِى * يَا مَنْ لَمْ اَزَلْ (اِزَالَ) اَتَعْرِفُ مِنْهُ الْحُسْنٰى * يَا مَنْ يُغْذِنِى

مرا بپذیر * ای که همیشه از او خوشی شناختم * ای که خوراکم دهی

بِالنِّعَمِ صَبَاحًا وَ مَسَاءً * اِرْحَمْنِى يَوْمَ اَتَيْكَ فَرْدًا شَاخِصًا اِلَيْكَ

به نعمت هر بامداد و پسين * به من رحم کن روزى که نزدت آیم تنها و دیده به درگاهت دوزم

بَصْرِى * مُقَلِّدًا عَمَلِى * قَدْ تَبَرَّأَ جَمِيعُ الْخَلْقِ مِنِّى * نَعْمَ وَ اَبِى وَ اُمِّى

و چشم به تو دارم * و کردارم بر گردن * ببازند همه خلق از من * آری و حتی پدرم و مادرم

وَ مَنْ كَانَ لَهُ وَ كَدِّى وَ سَعِى * فَاِنْ لَمْ تَرْحَمْنِى فَمَنْ يَّرْحَمْنِى * وَ مَنْ

و آنچه بوده است به خاطر او رنج کشیدنم و تلاشم * اگر رحم نکنی تو بر من کی رحم کند * و کی

يُونِسُ فِى الْقَبْرِ وَ حَشْتِى * وَ مَنْ يَنْطِقُ لِسَانِى اِذَا خَلَوْتُ بِعَمَلِى

در گور انیسم باشد از هراس * و کی زبانم را گویند سازد اگر خلوت کنم به کردارم *

وَ سَأَلْتَنِى (وَ سَأَلْتَنِى) عَمَّا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّى * فَاِنْ قُلْتَ نَعْمَ * فَاِنَّ

و تو از من باز پرسى از آنچه خود بدان داناترى از من * اگر بگویم آری * کجا

الْمَهْرَبُ مِنْ عَدْلِكَ * وَ اِنْ قُلْتَ لَمْ اَفْعَلْ قُلْتَ اَلَمْ اَكُنِ الشَّاهِدَ

بگریزم از عدل تو * و اگر گویم که نکردم فرمائى که مگر من خود گواه نیستم

عَلَيْكَ * فَعَفْوِكَ عَفْوِكَ (فَعَفْوِكَ عَفْوِكَ) * يَا مَوْلَاى قَبْلَ سَرَابِىلِ الْقَطْرَانِ

بر تو * گذشت تو گذشت * ای مولایم پیش از پوشیدن پیراهن قطران

* عَفْوِكَ عَفْوِكَ (عَفْوِكَ عَفْوِكَ) * يَا مَوْلَاى قَبْلَ جَهَنَّمَ وَ النَّيْرَانِ * عَفْوِكَ

* گذشتت گذشتت ای مولای من پیش از دوزخ و آتش * گذشتت

عَفْوُكَ (عَفْوُكَ عَفْوُكَ) يَا مَوْلَايَ قَبْلَ أَنْ تَغْلَّ الْأَيْدِي إِلَى الْأَعْنَاقِ * يَا أَرْحَمَ

گذشتت ای مولای من پیش از آنکه بسته شود دستها بر گردنها * ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ * وَ خَيْرَ الْغَافِرِينَ ﴿١٦﴾ شانزدهم: روایت شده از ثقه جلیل عالم عابد عبدالله بن

مهربانان * و بهتر آمرزندگان *

جندب که از بزرگان اصحاب حضرت موسی و امام رضا (علیه السلام) و وکیل ایشان می باشد آنکه وقتی عریضه ای خدمت

حضرت ابوالحسن یعنی امام موسی (علیه السلام) نوشت و در آن عرض کرد که: فدایت شوم من پیر شدم و ضعف و عجز پیدا

کردم از بسیاری از آنچه قوت داشتم بر آن و دوست دارم فدایت شوم که تعلیم فرمائی مرا کلامی که مرا به خداوند

تعالی نزدیک کند و فهم و علم مرا زیاد کند، حضرت در جواب او، او را امر فرموده بود که بسیار بخواند این ذکر شریف را:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان * نیست جنبش و توانی جز به خدای والا و بزرگ *

﴿١٧﴾ هفدهم: در حدیث قدسی است که: ای محمد (صلی الله علیه و آله) بگو به کسانی که می خواهند تقرب بجویند

به سوی من بدانید از روی یقین که این کلام افضل است از هر چیزی که تقرب می جویند به سبب آن به سوی

من بعد از فرائض و آن کلام این است که می گوئی: اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَمْ يَمَسْ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ

خدایا به راستی که شام نکرده احدی از خلقت

أَنْتَ إِلَيْهِ أَحْسَنُ صَنِيعًا * وَلَا لَهُ وَاَدْوَمُ كَرَامَةً * وَلَا عَلَيْهِ أْبَيْنُ

که تو از من خوش رفتارتر * و نه دائم الکرامتتر * و نه بر او روشن

فَضْلًا * وَلَا بِهِ أَشَدُّ تَرْفُّقًا * وَلَا عَلَيْهِ أَشَدُّ حَيَاطَةً * وَلَا عَلَيْهِ أَشَدُّ

عطارتتر * و نه بر او سازگرتتر * و نه بر او نگهدارترتر * و نه بر او مهربانتر

تَعَطُّفًا مِنْكَ عَلَيَّ * وَإِنْ كَانَ جَمِيعُ الْمَخْلُوقِينَ يُعَدُّ دُونَ مِنْ ذَلِكَ

باشی از من * و اگر چه همه مخلوقات در حساب خود آورند در این باره مانند

مِثْلَ تَعْدِيدِي * فَاشْهَدْ يَا كَافِيَ الشَّهَادَةِ * بَأَنِّي أَشْهَدُكَ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ *

آنچه بر شمردم * گواه باش ای گواه کافی * که من تو را با نیت درست گواه گیرم *

بَأَنَّ لَكَ الْفَضْلَ وَالطَّوْلَ فِي أَنْعَامِكَ عَلَيَّ * مَعَ قَلَّةِ شُكْرِي لَكَ فِيهَا *

که از آن توست فضل و بخشش در نعمت دادن تو بر من * با کمی شکر من برایت در آن *

يَا فَاعِلَ كُلِّ إِرَادَةٍ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ * وَ طَوْقِي أَمَانًا مِنْ حُلُولِ

ای عمل کن هر اراده خود رحمت فرست بر محمد و آلش * و طوقم ساز امانی از حلول

السَّخَطِ لِقَلَّةِ الشُّكْرِ * وَ أَوْجِبْ لِي زِيَادَةً مِنْ اِتِّمَامِ النِّعْمَةِ بِسَعَةِ

خشم جهت کم شکر * و لازم دار برایم فزونی از اتمام نعمت به وسعت

الْمَغْفَرَةِ * اَمْطَرْنِي خَيْرَكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ ءَالِهِ * وَ لَا تُقَايِسْنِي

آمزش * ببار بر من از خیر خود رحمت فرست بر محمد و آلش * و مسنجم

بِسُوءِ سَرِيرَتِي * وَ اَمْتَحِنْ قَلْبِي لِرِضَاكَ * وَ اجْعَلْ مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ اِلَيْكَ

با بد فطرتیم * و بیازما دلم را برای رضای خود * و مقرر دار آنچه را که تقرب جستم به آن

فِي دِينِكَ لَكَ خَالِصًا * وَ لَا تَجْعَلْهُ لِلزُّومِ شَبْهَةً اَوْ فخرًا اَوْ رِيَاءً يَا كَرِيمُ

به درگاهت در دینت برای خود خالص * و مبادا برای ملازمت اشتباه یا به خود بالیدن و ریا باشد ای کریم *

* فقیر گوید که این دعا از ادعیه سر قدسیه است و آن سی و یک دعاء است که برای حوائج دنیا و آخرت است و مشایخ آن را با اسانید متصله نقل کرده اند و بعضی از ادعیه آن در مصباح متعجّد و مصباح کفعمی ذکر شده و هر که طالب تمام آن است رجوع کند به کتاب بلد الامین یا کتاب دعای بحاریا جواهر السنیه و ما در اینجا یک دعای دیگر از آن نقل می کنیم. ﴿۱۸﴾ هیجدهم: و نیز در ادعیه سراسر است که هر که اراده کرده که بیرون رود از اهل خود پی حاجتی یا سفری و دوست داشته باشد که او را برگردانم سالم با بر آوردن حاجتش پس بگوید وقتی که

بیرون می شود از خانه اش: بِسْمِ اللّٰهِ مَخْرَجِي * وَ بِاِذْنِهِ خَرَجْتُ * وَ قَدْ عَلِمَ

به نام خدا برآیم * و با اجازه اش درآمد * و می دانست

قَبْلَ اَنْ اَخْرَجَ خُرُوجِي * وَ قَدْ اَحْصَى عِلْمُهُ مَا فِي مَخْرَجِي *

پیش از آنکه بیرون آیم خروجم را * و شماره کرده علمش آنچه در بیرون شد *

وَ مَرْجِعِي تَوَكَّلْتُ عَلَى الْاِلٰهِ الْاَكْبَرِ تَوَكَّلْ مَفْوُضِ اِلَيْهِ اَمْرُهُ * وَ مُسْتَعِينِ

و برگشت من است توکل بر معبود اکبر دارم توکل کسی که کار خود به او گذاشت * و بر همه امورش

بِهِ عَلَى شَأُونِهِ * مُسْتَزِيدٍ مِنْ فَضْلِهِ * مُبْرَأٍ نَفْسَهُ مِنْ كُلِّ حَوْلٍ وَ مِنْ

از او کمک خواسته * و از فضلش فزونی جسته * و بر کنار داند خود را از هر جنبش و از

كُلِّ قُوَّةٍ اِلَّا بِهِ * خُرُوجِ ضَرِيرٍ خَرَجَ بِضُرِّهِ اِلَى مَنْ يَكْشِفُهُ * وَ خُرُوجِ

هر توانی جز به او * بیرون شدن سخت حالی که بیرون شده به سوی آنکه کشف آن کند * و بیرون شدن

فَقِيرٍ خَرَجَ بِفَقْرِهِ اِلَى مَنْ يَسُدُّهُ * وَ خُرُوجِ عَائِلٍ خَرَجَ بِعَيْلَتِهِ اِلَى مَنْ

بی چیزی که نداریش را نزد کسی برده که علاج کند * و بیرون شدن عیال داری که عیال خود را نزد کسی برده که

يُغْنِيهَا * وَ خُرُوجَ مَنْ رَبِّهِ * وَ أَكْبَرُ ثِقَّتِهِ * وَ أَعْظَمُ رَجَائِهِ * وَ أَفْضَلُ

توانگرش سازد * و خروج آنکه پروردگارش بزرگترین اعتماد * و بزرگترین امید او است * و برترین

أَمْنِيَّتِهِ * اللَّهُ ثِقَّتِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي كُلِّهَا * بِهِ فِيهَا جَمِيعًا اسْتَعِينُ

آرزویش * خدا است ثقت من است در همه کارم * و همایش را به او در همه یاری جویم

* وَ لَا شَيْءَ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ فِي عِلْمِهِ * اسْأَلُ اللَّهَ خَيْرَ الْمَخْرَجِ

* و نیست چیزی جز آنکه خدا خواهد در علم خود * از خدا خواهم خیر خروج

وَ الْمَدْخَلِ * لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٩﴾ نوزدهم: در ذکر نماز و دعاء در شب زفاف:

و دخول را * نیست معبود حقی جز او به سوی او است بازگشت *

از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) منقول است که: چون عروس را به نزد تو بیاورند بگو که پیش از آن وضو بسازد و تو وضو بساز و دو رکعت نماز بکن و بگو که او را نیز امر کنند که دو رکعت نماز بگذارد. پس حمد الهی کن و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست پس دعا کن و امر کن آن زنان را که با او آمده اند آمین بگویند و این دعا بخوان:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْفَهْمَ وَ وُدَّهَا وَ رِضَاهَا * وَ أَرْضِنِي بِهَا * وَ اجْمَعْ بَيْنَنَا

خدایا روزیم کن الفت او و دوستی او و رضای او را * و خوشنود دار مرا بدان * و جمع کن میان ما

بِأَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ * وَ أَنْسِ إِيْتِلَافٍ * فَإِنَّكَ تَحِبُّ الْحَلَالَ * وَ تَكْرَهُ

به اجتماع خوش * و انسی با کمال الفت * زیرا تو دوست داری حلال را * و بد داری

الْحَرَامَ * و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که چون در شب زفاف به نزد عروس بروی پیشانیش

حرام را *

را بگیر و روبه قبله آور و بگو: اللَّهُمَّ بِأَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا * وَ بِكَلِمَاتِكَ اسْتَحَلَلْتُهَا

خدایا به امانت از طرف تو او را گرفتم * و به سخنان تو حلالش کردم بر خود

* فَإِنَّ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَلَدًا * فَاجْعَلْهُ مُبَارَكًا تَقِيًّا مِنْ شَيْعَةِ آلِ

* اگر مقدر کردی برایم از او فرزندی * او را مقرر کن با برکت و با تقوی از شیعیان

مُحَمَّدٍ * وَ لَا تَجْعَلْ لِالشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكًَا وَ لَا نَصِيبًا ﴿٢٠﴾ بیستم: دعای رهبه

آل محمد * و مگردان برای شیطان در او شرتکی و نه بهره ای *

است: روایت شده که حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) چون شب در محراب عبادت می ایستاد آن را می خواند و

آن دعای پنجاهم صحیفه است، و این است: **اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا * وَ رَبَّيْتَنِي**

خدایا به راستی تو آفریدی مرا کامل * و پروریدی

صَغِيرًا * وَ رَزَقْتَنِي مَكْفِيًّا * اللَّهُمَّ إِنِّي وَجَدْتُ فِيمَا أَنْزَلْتَ مِنْ

از کودکی * و روزی دادی به حد کفایت * خدایا من یافتم در آنچه نازل کردی از

كِتَابِكَ * وَ بَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَكَ أَنْ قُلْتَ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ

کتابت * و مژده دادی بدان به بندگان که فرمودی ای بندگان من که اسراف کردید

أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ * إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا *

بر خود نباشید نومید از رحمت خدا * زیرا خدا می‌آمرزد گناهان را همه *

*** وَ قَدْ تَقَدَّمَ مِنِّي مَا قَدْ عَلِمْتَ * وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي يَا سَوَاتَاهُ**

و گذشته از من آنچه تو می‌دانی * و آنچه که تو بهتر از خود می‌دانی چه رسوائی است

مِمَّا أَحْصَاهُ عَلَىٰ كِتَابِكَ * فَلَوْلَا الْمَوَاقِفُ الَّتِي أَوْمَلُ مِنْ عَفْوِكَ الَّتِي

از آنچه ثبت کرده بر من دفتر تو * اگر نبود ایستگاههایی که آرزو دارم از عفو تو که

شَمِلَ كُلَّ شَيْءٍ * لَا لَقِيْتُ بِيَدِي * وَ لَوْ أَنَّ أَحَدًا اسْتَطَاعَ الْهَرْبَ مِنْ رَبِّهِ

شامل هر چیز است * خود را هلاک می‌کردم * و اگر احدی توانست که بگریزد از پروردگارش

*** لَكُنْتُ أَنَا أَحَقُّ بِالْهَرْبِ مِنْكَ * وَ أَنْتَ لَا تَحْفَىٰ عَلَيْكَ خَافِيَةٌ فِي**

من بودم شایسته‌تر به گریز از حضرت تو * و توئی و چیزی بر تو پوشیده نماند در

الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ * إِلَّا أَتَيْتَ بِهَا * وَ كَفَىٰ بِكَ جَازِيًّا * وَ كَفَىٰ بِكَ

زمین و نه در آسمان * جز آنکه آن را بیاوری * و بس است که تو مجازات کنی * و بس است که تو

حَسِيبًا * اللَّهُمَّ إِنَّكَ طَالِبِي إِنْ أَنَا هَرَبْتُ * وَ مُدْرِكِي إِنْ أَنَا فَرَرْتُ

حساب رسی * خدایا به راستی تو مرا طلب کنی اگر گریزم * و دریابی اگر من فرار کنم

*** فَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ رَاغِمٌ * إِنْ تُعَذِّبْنِي فَإِنِّي لَذَلِكَ**

* پس من هم اکنون در برابر توام خاضع و خوار و سر به زیر * اگر عذابم کنی به راستی من

أَهْلٌ * وَ هُوِيَ رَبٌّ مِنْكَ عَدْلٌ * وَ إِنْ تَعَفَّ عَنِّي فَقَدِيمًا شَمَلْنِي عَفْوُكَ

شایسته‌آئم * و آن از طرف تو پروردگارا عدالت است * و اگر بگذری از من از دیرین گذشتت شامل من بوده

*** وَ الْبَسْتَنِي عَافِيَتَكَ * فَاسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِكَ ***

* و در برم کردی جامه عافیت را * از تو خواهم خدایا به نامهای مخزونت *

وَبِمَا وَاَرْتَهُ الْحُجْبُ مِنْ بَهَائِكَ * اِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ *

و به بهای نهان در حجت * که ترحم کنی بر این نفس بی تاب *

وَ هَذِهِ الرَّمَّةُ الْهَلُوعَةُ الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِكَ * فَكَيْفَ

و این اسکت بی مقاومت که توانای حرارت خورشیدت ندارد * پس چطور

تَسْتَطِيعُ حَرَّ نَارِكَ * وَ الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ صَوْتَ رَعْدِكَ * فَكَيْفَ

حرارت دوزخت دارد * و آنکه توانای آواز رعدت ندارد * پس چگونه

تَسْتَطِيعُ (صَوْتَ) غَضَبِكَ * فَارْحَمْنِي اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَمْرٌ وَ حَقِيرٌ * وَ خَطَرِي

تحمل توانای خشمت دارد * ترحم کن خدایا که مردی ام کوچک * و قدرم

يَسِيرٌ * وَ لَيْسَ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ * وَ لَوْ أَنَّ عَذَابِي

اندک است * و نیست عذابم مایه افزایش ملک تو به اندازه ذره‌ای * و اگر شکنجه من

مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ * لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ * وَ أَحَبَبْتُ أَنْ يَكُونَ

مایه فزونی ملک تو بود * خواهش می‌کردمت صبر بر آن را * و دوست داشتم که بوده باشد

ذَلِكَ لَكَ * وَ لَكِنْ سُلْطَانُكَ اللَّهُمَّ أَعْظَمُ * وَ مُلْكُكَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ

آن از آن تو * ولی تسلط تو بار خدایا بزرگتر * و ملکت پایای تر از آنکه

تَزِيدَ فِيهِ طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ * أَوْ تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْمُذْنِبِينَ *

ببفزاید بدان طاعت مطیعان * یا بکاهد از آن معصیت گناهکاران *

فَارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * وَ تَجَاوَزْ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ *

رحم کن به من ای مهربانترین مهربانان * و بگذر از من ای صاحب جلال و اکرام *

وَ تَبَّ عَلَىٰ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ *

و بپذیر توبه‌ام را زیرا توئی پر توبه‌پذیر و مهربان *

ملحقات دویم باقیات صالحات

دعاء حضرت سجاد (ع)

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ التَّوْبَةِ وَ طَلِبِهَا:

و بوده است از دعاهای او علیه السلام که درود بر او باد در ذکر توبه و درخواست آن:

اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصِفُهُ وَ نَعْتُ الْوَاصِفِينَ * وَيَا مَنْ لَا يُجَاوِزُهُ وَ رَجَاءُ

خدایا ای کسی که به وصفش نرسد ستایش واصفان * و ای آنکه نگذرد از او امید

الرَّاجِينَ * وَيَا مَنْ لَا يَضِيعُ لَدَيْهِ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ * وَيَا مَنْ هُوَ

امیدواران * و ای که نگردد ضایع نزد او مزد نیکی کنندگان * و ای که او

مُنْتَهَى خَوْفِ الْعَابِدِينَ * وَيَا مَنْ هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ * هَذَا

نهایت بیم عابدان است * و ای که او است نهایت ترس متقیان * این است

مَقَامٌ مَنْ تَدَاوَلَتْهُ أَيْدِي الذُّنُوبِ * وَقَادَتْهُ أَرْمَةُ الْخَطَايَا * وَ اسْتَحْوَذَ

مقام کسی که دست به دستش دادند گناهان * و رهبریش کردند زمامهای خطاها * و چیره شد

عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ * فَقَصَرَ عَمَّا أَمَرَتْ بِهِ تَفْرِيطًا * وَ تَعَاطَى مَا نَهَيْتَ

بر او شیطان * تقصیر کرد از آنچه دستورش دادی به کاهلی * و برگرفت از آنچه قدغن کرده

عَنْهُ تَعْزِيرًا * كَأَجْهَلٍ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ * أَوْ كَالْمُنْكَرِ فَضْلَ إِحْسَانِكَ

بودی از غرور * چون نادان به نیرویت بر او * یا چون منکر فضل احسانت به سوی

إِلَيْهِ * حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ وَ بَصُرَ الْهُدَى * وَ تَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحَابٌ

او * تا چون برگشاد برایش چشم رهنمائی * و برطرف شد از او ابرهای

الْعَمَى * أَحْصَى مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ * وَ فَكَّرَ فِيمَا خَالَفَ بِهِ رَبَّهُ *

گمراهی * برشمرد آنچه ستم کرده بود به او نفس او * و اندیشه کرد در آنچه خلاف کرد به او پروردگارش را *

فَرَأَى كَبِيرَ عَصِيَانِهِ كَبِيرًا * وَ جَلِيلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا * فَاقْبَلْ نَحْوَكَ

و دید عصیان بزرگش را بزرگ * و مخالفت ترکش را سترگ * و رو آورد به سویت

مُؤْمَلًا لَكَ * مُسْتَحْيِيًا مِنْكَ * وَ وَجَّهُ رَغْبَتَهُ إِلَيْكَ ثِقَةً بِكَ * فَا مَكَ

آرزومند تو * اجابت خواه از تو * و متوجه کرد شوق خود را به درگاہت به اعتماد به تو * و آهنگ تو کرد

بَطْمَعِهِ يَقِينًا * وَقَصْدِكَ بِخَوْفِهِ إِخْلَاصًا * قَدْ خَلَا طَمَعُهُ وَمِنْ كُلِّ

به طمع تو به یقین * و قصد تو کرد به ترس از تو از اخلاص * بریده است طمعش را از هر

مَطْمُوعٍ فِيهِ غَيْرِكَ * وَافْرَخَ رَوْعَهُ وَمِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ مِنْهُ سِوَاكَ * فَمَثَلُ

مورد طمعی جز تو * و فرو ریخته هراس خود را از هر چه مورد حذر است جز تو * و بار یافته

بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَضَرِّعًا * وَغَمَّضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِّعًا * وَطَاطَأَ

برابر حضرت تو فکار * و چشم به زیر و به سوی زمین با خشوع * و سر به زیر افکنده

رَأْسَهُ * وَلِعِزَّتِكَ مُتَذَلِّلًا * وَأَبْثَكَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا

برای عزتت به خواری * و اسرارش را به تو فاش کرده که تو خود داناتر با آنهایی از او خاضعانه

* وَعَدَدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَحْصَى لَهَا خُشُوعًا * وَاسْتِغَاثَ بِكَ مِنْ

* و بر شمرده از گناهانش آنچه را تو بهتر شمردی خاشعانه * و استغاثه کرده به تو از

عَظِيمٍ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ * وَقَبِيحٍ مَا فَضَحَهُ فِي حَكْمِكَ مِنْ ذُنُوبِ

جرمهای بزرگ که تو دانی * و از زشتی و رسوائی در محکمه تو برای گناهایی که

أَدْبَرْتَ لذَاتِهَا فَذَهَبَتْ * وَأَقَامَتْ تَبِعَاتِهَا فَلَزِمَتْ * لَا يُنْكِرِيَا إِلَهِي

رفته است لذات آنها * و بجا مانده است مسؤولیت آنها و به وی چسبیده * انکار نکند معبودا

عَدْلِكَ إِنْ عَاقَبْتَهُ * وَلَا يَسْتَعْظِمُ عَفْوَكَ إِنْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَرَحِمْتَهُ *

عدالت را اگر کیفرش دهی * و بزرگ نمی‌داند گذشتت را اگر از او بگذری و رحمش کنی

* لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَتَعَاطَمُهُ * وَغُفْرَانُ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ *

* زیرا تو پروردگار کریمی که بزرگ نیاید به نظرش آمرزش گناه بزرگ *

اللَّهُمَّ فَهَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ

خدایا هم اکنون به درگاهت آمدم مطیع فرمانت در آنچه دستور دادی از دعا

* مُتَنَجِّزًا وَعَدَدَكَ فِيمَا وَعَدْتَهُ مِنَ الْإِجَابَةِ * إِذْ تَقُولُ * أَدْعُونِي

* و عمل به وعدهات خواهانم در آنچه وعده دادی از اجابت * که فرمودی دعایم کنید

أَسْتَجِبْ لَكُمْ * اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَالْقَنِي بِمَغْفِرَتِكَ

تا اجابت کنم * برای شما خدایا رحمت فرست بر محمد و آتش * و برخوردم کن به آمرزشت

كَمَا لَقَيْتَكَ بِاِقْرَارِي * وَارْفَعْنِي عَنْ مَصَارِعِ الذُّنُوبِ كَمَا وَضَعْتَ لَكَ

چنانچه برخوردت کردم به اعتراف * و برم دار از قتلگاه گناهان چنانچه خود را به آستانت

نَفْسِي * وَ اسْتُرْتَنِي بِسِتْرِكَ كَمَا تَأْنَيْتَنِي عَنِ الْاِنْتِقَامِ مِنِّي * اَللّٰهُمَّ

انداختم * و بپوشانم به پرده عفت و چنانچه مهلتم دادی از انتقام * خدا

وَ ثَبَّتْ فِي طَاعَتِكَ نَيْتِي * وَ اَحْكَمَ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيْرَتِي * وَ وَفَّقَنِي مِنْ

بر جا دار در طاعتت قصد مرا * و محکم کن در عبادتت بینایم را * و توفیقم ده

الْاَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَايَا عَنِّي * وَ تَوْفِنِي عَلٰى مِلَّتِكَ وَ مِلَّةِ

به اعمالی که بشوئی بدان چرک خطاها را از من * و جانم بگیر بر کیش خود و کیش

نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ اِذَا تَوَفَّيْتَنِي * اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتُوْبُ اِلَيْكَ فِي مَقَامِي

پیغمبرت محمد که درود بر او باد چون جانم را بگیری * خدا یا من بازگردم به درگاهت در این مقام

هَذَا مِنْ كِبَائِرِ ذُنُوْبِيْ وَ صَغَائِرِهَا * وَ بَوَاطِنِ سَيِّئَاتِيْ وَ ظَوَاهِرِهَا *

از گناهان بزرگم و کوچکم * و بواطن بد کرداریهایم و ظواهرش *

وَ سَوَالِفِ زَلَّاتِيْ وَ حَوَادِثِهَا * تَوْبَةٌ مِّنْ لَا يَجِدُثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِيَةٍ * وَ لَا

و پیشهای لغزشم و تازه‌های آن * توبه کسی که با خود اندیشه گناه نکند * و در دل

يُضْمِرُ اَنْ يَّعُوْدَ فِيْ خَطِيْئَةٍ * وَ قَدْ قُلْتَ يَا اَلٰهِيْ فِيْ مُحْكَمِ كِتَابِكَ *

نگیرد که به گناه بازگردد * و به تحقیق فرمودی ای معبود من در محکم کتاب خود *

اِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ * وَ تَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ * وَ تَحِبُّ التَّوَابِيْنَ

که تو می‌پذیری توبه را از بندگانت * و می‌گذری از بدکرداری * و دوست داری پر توبه کننده‌ها را

* فَاقْبَلْ تَوْبَتِيْ كَمَا وَعَدْتَ * وَ اَعْفُ عَنِ سَيِّئَاتِيْ كَمَا ضَمَنْتَ *

* پس بپذیر توبه‌ام را چنانچه وعده دادی * و بگذر از بدکرداریم چنانچه ضمانت کردی *

وَ اَوْجِبْ لِيْ مَحَبَّتَكَ كَمَا شَرَطْتَ * وَ لَكَ يَا رَبِّ شَرْطِيْ اِلَّا اَعُوْدَ فِيْ

و بایستم کن محبت خود را چنانچه قرار کردی * و من هم پروردگارا شرط کنم با تو که برنگردم در

مَكْرُوْهِكَ * وَ ضَمَانِيْ اِلَّا اَرْجِعَ فِيْ مَذْمُوْمِكَ * وَ عَهْدِيْ اَنْ اَهْجُرَ

بدآمد حضرتت * و متعهد گردم که بازنگردم در آنچه نکوهش کردی * و عهد کنم که ترک کنم

جَمِيْعَ مَعَاصِيْكَ * اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ * فَاغْفِرْ لِيْ مَا عَلِمْتَ

همه نافرمانیها را * خدا یا تو می‌دانی آنچه کرده‌ام * بیامرز برایم آنچه می‌دانی

* وَ اَصْرَفْنِيْ بِقُدْرَتِكَ اِلَىٰ مَا اَحْبَبْتَ * اَللّٰهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبَعَاتٌ قَدْ

* و متوجهم کن به نیرویت بدانچه دوست داری * خدا یا بر من مسئولیتها است که

حَفِظْتَهُنَّ * وَ تَبَعَاتٍ قَدْ نَسِيتُهُنَّ * وَ كَلْهَنَ بَعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ *

حفظ کردم * و مسئولیتها که فراموش کردم * و همه برابر دیده بی خواب توست *

وَ عِلْمِكَ الَّذِي لَا يَنْسِي * فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا * وَ احْطُطْ عَنِّي وَ زُرَّهَا *

و دانش تو که فراموشی ندارد * عوض آنها را عطا کن به صاحبانش * و ببخش به من گناهانش را *

وَ خَفَّفْ عَنِّي ثِقَلَهَا * وَ اعْصِمْنِي مِنْ أَنْ أَقَارِفَ مِثْلَهَا * اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ وَ

و سبک کن از دوشم بار آنها را * و نگهم دار از آنکه آلوده امثال آنها گردم * خدایا به درستی

لَا وَفَاءَ لِي بِالتَّوْبَةِ إِلَّا بِعِصْمَتِكَ * وَ لَا اسْتِمْسَاكَ بِي عَنِ الخَطَايَا إِلَّا

توبه نگهم ندارد جز به نگهداری تو * و باز نایستم از خطاها جز

عَنْ قُوَّتِكَ * فَقَوِّنِي بِقُوَّةِ كَافِيَةٍ * وَ تَوَلَّنِي بِعِصْمَةِ مَانِعَةٍ * اللَّهُمَّ أَيُّمَا

به توان حضرتت * مرا توانی کافی بده * و سرپرستم باش با عصمتی مانع از گناه * خدایا هر

عَبْدٍ تَابَ إِلَيْكَ * وَ هُوَ فِي عِلْمِ الغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ * وَ عَائِدٌ

بنده‌ای که به تو بازگردد * و او در علم غیب نزد تو شکننده توبه است * و بازگردد

فِي ذَنْبِهِ وَ خَطِيئَتِهِ * فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ كَذَلِكَ * فَاجْعَلْ تَوْبَتِي

به گناه و خطای خود * من به تو پناه برم که بوده باشم چنین * این توبه مرا

هَذِهِ تَوْبَةً لَا أَحْتَاجُ بَعْدَهَا إِلَى تَوْبَةٍ * تَوْبَةً مُوجِبَةً لِمَحْوِ مَا سَلَفَ *

توبه‌ای ساز که نیازی نباشد پس از آن به توبه‌ای * توبه‌ای که باعث محو گذشته باشد *

وَ السَّلَامَةَ فِيمَا بَقِيَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ جَهْلِي * وَ اسْتَوْهَبُكَ

و سلامت در آینده * خدایا من به تو پوزش آرم از نادانی خود * و بخشش جویم

سَوْءِ فِعْلِي * فَاضْمِنِّي إِلَى كَنْفِ رَحْمَتِكَ تَطَوُّلاً * وَ اسْتُرْنِي بِسِتْرِ

از بدکاری خود * مرا در ضمن آستان رحمت خود گیرد به فضل * و بپوشم با پرده

عَافِيَتِكَ تَفَضُّلاً * اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ

عافیتت از تفضل * خدایا من بازگردم به تو از هر چه مخالف خواست توست

* أَوْ زَالَ عَنِ مَحَبَّتِكَ مِنْ خَطَرَاتِ قَلْبِي * وَ لِحَظَاتِ عَيْنِي وَ حِكَايَاتِ

* یا کنار از دوستی توست از آنچه در نهادم گذرد * و یا به دیده‌ام آید یا برآید

لِسَانِي * تَوْبَةً تَسْلُمُ بِهَا كُلُّ جَارِحَةٍ عَلَى حِيَالِهَا مِنْ تَبَعَاتِكَ * وَ تَأْمَنُ

به زبانه * توبه‌ای که بدان سالم شود هر عضوی به جای خودش از کیفر تو * و آسوده گردد

مِمَّا يَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنَ الْإِيمِ سَطَوَاتِكَ * اللَّهُمَّ فَارْحَمْ وَحَدِّتِي بَيْنَ

از آنچه متعدیهایم دارند از سطوت دردناکت * خدایا رحم کن تنهایی مرا

يَدَيْكَ * وَوَجِيبَ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ * وَاضْطْرَابِ أَرْكَانِي مِنْ هَيْبَتِكَ

در برابرت * و لرزش دلم را از ترست * و پریشانی سر تا پایم را از هیبت خود

* فَقَدْ أَقَامْتَنِي يَا رَبِّ ذُنُوبِي مَقَامَ الْحَزِي بِفَنَائِكَ * فَإِنْ سَكَتُ لَمْ

* به تحقیق که پروردگارا گناهانم مرا وا داشته‌اند در مقام رسوائی در آستانت * اگر دم نزنم کسی

يَنْطِقَ عَنِّي أَحَدٌ * وَإِنْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِأَهْلِ الشَّفَاعَةِ * اللَّهُمَّ صَلِّ

باز طرف من سخنی نگوید * و اگر شفیع آورم شفیع پذیر نباشم * خدایا درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَشَفِّعْ فِي خَطَايَايَ كَرَمَكَ * وَعُدْ عَلَيَّ سَيِّئَاتِي

بر محمد و آل او * و شفیع کن در خطاهای من کرم خود را * و سرکشی کن به بدکرداریم

بِعَفْوِكَ * وَلَا تَجْزِنِي جَزَائِي مِنْ عِقُوبَتِكَ * وَأَبْسُطْ عَلَيَّ طَوْلَكَ * وَجَلِّلْنِي

به عفو * و پاداشم مکن جزائم را از کیفرت * و بگشا بر من از بخشش خود * و بپوشم با پرده

بِسِتْرِكَ * وَافْعَلْ بِي فِعْلَ عَزِيزٍ تَضَرَّعَ إِلَيْهِ عَبْدٌ ذَلِيلٌ فَرَحِمَهُ * أَوْ غَنِيٌّ

عفو خود * و با من کار کسی کن که عزیز است زاری کرده به درگاهش بنده خواری و به او رحم آورده * یا کار توانگری

تَعَرَّضَ لَهُ * عَبْدٌ فَقِيرٌ فَنَعَشَهُ * اللَّهُمَّ لَا خَفِيرَ لِي مِنْكَ فَلِيْخْفِرْنِي

که به او درآویخته بنده فقیری بر سر لطفش آورده * خدایا پناهگاهی نیست جز از تو مرا در پناه گیر

عِزِّكَ * وَلَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ فَلِيْشَفِّعْ لِي فَضْلَكَ * وَقَدْ أَوْجَلْتَنِي

و عزتت * و مرا شفיעی نباشد به درگاهت شفیعم گردد فضل تو * و به تحقیق خطاهایم

خَطَايَايَ فَلْيُؤْمِنِّيْ عَفْوِكَ * فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلِ مَنِّيْ بِسُوءِ

مرا سخت ترسانیده باید آسوده‌ام کند عفو * نیست هر آنچه سخن کردم از نادانیم به

أَثْرِي * وَلَا نَسِيَانَ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمٍ فِعْلِي * لَكِنْ لَتَسْمَعَنَّ سَمَاوُكَ

بدکاریم * و نه از فراموش کردن آنچه کرده‌ام از زشت کاری * بلکه برای آنکه آسمانت

وَمَنْ فِيهَا * وَأَرْضُكَ وَمَنْ عَلَيْهَا * مَا أَظْهَرْتُ لَكَ مِنَ النَّدَمِ * وَوَجَّاتُ

و هر که در آن است * و زمینت و هر که بر آن است * بشنوند اظهار ندانمتم را که نموده‌ام * و بفهمند

إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ التَّوْبَةِ * فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِي لِسُوءِ مَوْقِفِي

که پناه به تو آورده‌ام برای توبه * شاید برخی از آنها به رحمتت بر من ترحم کند که بد وضعی دارم

أَوْ تُدْرِكُهُ الرَّقَّةُ عَلَى لِسْوَةٍ حَالِي * فَيُنَالَنِي مِنْهُ بِدَعْوَةٍ هِيَ أَسْمَعُ

* و یا دلش به من بسوزد که چه بد حالی دارم * و یا درباره‌ام دعائی کند که به درگاهت مسموع‌تر

لَدَيْكَ مِنْ دُعَائِي * أَوْ شَفَاعَةٍ أَوْ كَدِّ عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي * تَكُونَ بِهَا

باشد از دعای خودم * یا شفاعتی کند که مؤثرتر از شفاعت خودم باشد * و محقق شود بدان

نَجَاتِي مِنْ غَضَبِكَ * وَ فَوْزَتِي بِرِضَاكَ * اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنِ النَّدَمُ تَوْبَةً إِلَيْكَ

نجات من از خشم تو * و کامیاب شدنم به رضایت * خدایا اگر پشیمانی توبه باشد به درگاهت

فَإِنَّا أَنْدَمُ النَّادِمِينَ * وَإِنْ يَكُنِ التَّرْكُ لِمَعْصِيَتِكَ إِنَابَةً فَإِنَّا

پس من پشیمان‌تر از هر پشیمانم * و اگر ترک نافرمانی تو بازگشت است پس من

أَوَّلُ الْمُنِيبِينَ * وَإِنْ يَكُنِ الْأَسْتِغْفَارُ حِطَّةً لِلذُّنُوبِ فَإِنِّي لَكَ مِنْ

اول بازگشت‌کنندگانم * و اگر آمرزش جوئی ریزش گناهان است پس من برایت از

الْمُسْتَغْفِرِينَ * اللَّهُمَّ فَكَمَا أَمَرْتَ بِالتَّوْبَةِ وَ ضَمِنْتَ الْقَبُولَ *

آمرزش جویانم * خدایا چنانچه فرمان توبه دادی و تعهد کردی پذیرفتن را *

وَ حَثَّتْ عَلَى الدُّعَاءِ وَ وَعَدْتَ الْإِجَابَةَ * فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و تشویق کردی به دعاء و وعده اجابت دادی * رحمت فرست بر محمد و آل محمد

* وَ اقْبَلْ تَوْبَتِي وَ لَا تَرْجِعْنِي مَرْجِعَ الْحَيْبَةِ مِنْ رَحْمَتِكَ * إِنَّكَ أَنْتَ

* و بپذیر توبه‌ام را و برگردانم تهیدست از رحمتت * زیرا تویی

التَّوَّابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ * وَ الرَّحِيمُ لِلْخَاطِئِينَ الْمُنِيبِينَ * اللَّهُمَّ صَلِّ

توبه پذیر از گنهکاران * و مهربان بر خطاکاران بازگشته * خدایا رحمت فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ * وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا

بر محمد و آلش * چنانچه ما را بدو رهبری کردی * و رحمت فرست بر محمد و آلش چنانچه

اسْتَنْقَذْتَنَا بِهِ * وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

ما را بدو رهائی دادی * و رحمت فرست بر محمد و آلش * رحمتی که شفیع ما باشد روز قیامت

* وَ يَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * وَ هُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ *

* و روز نیاز به درگاهت * زیرا تو بر هر چیز توانائی * و همانا بر تو آسان است *

﴿ قَدْ تَمَّتْ بِعَوْنِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْمَنَّانِ ﴾

ویژگی‌های نگارشی مجموعه حاضر:

مجموعه‌ای از قواعد مجاز نگارشی (رسم‌الخطی) و رنگ‌بندی‌های زیبا که موجب آسان‌تر شدن قرائت و زیباتر شدن صفحات شده تا موجب سرعت و صحت بیشتر قرائت شده و خستگی کمتری برای چشم‌ها بیاورد. «نگارش آسان» نام گذاشته‌ایم و آن را به محضراهل قرائت قرآن و ادعیه هدیه می‌کنیم. با برخی از ویژگی‌های آن در نگارش این مجلد، آشنا شویم:

۱- موارد مربوط به رسم‌الخط

- شیوه رسم‌الخط این مجموعه بر اساس «رسم‌الاملاء» است. یعنی اغلب کلمات همانطوری نگارش شده که خواننده می‌شود. مانند نگارش «الْقِيَامَةِ» به: «أَتَيْكَ» - «الصَّلَاةُ» به: «الصَّلَاةُ» - «الزَّكَاةُ» به: «الزَّكَاةُ»
- حروفی که خواننده نمی‌شوند به صورت کمرنگ‌تر نگارش شده است تا از قرائت اشتباه جلوگیری شود. همچون ﴿وَأَجْعَلِ النُّورَ﴾ بر این اساس، حروفی که فاقد حرکت می‌باشند مگر در موارد استثناء زیر، به صورت کمرنگ درج شده‌اند:
 - حرف بعد از «فتحه مدّی - او - ی»، «کسره مدّی - ی» و «ضمّه مدّی - و» چون به سهولت خواندن کمک می‌کند، به صورت پررنگ درج شده‌اند. مانند کلمات: «الْعَالَمِينَ - عَلِي - الَّذِي - تَمُوتُ»
- برای مشخص کردن اشباع «هاء ضمیر مضموم» و «واوهای اشباعی» از یک علامت (واو کوچک رنگی «و») استفاده شده است مانند: «سَتَرْتَهُ وَ - فَرَجَّتَهُ وَ - مَعَهُ وَ - دَاوُدَ - يَسْتَوُونَ»
- «الف» تنوین‌هایی که در حالت عادی خوانده نمی‌شوند، به صورت کمرنگ (ناخوانا) درج شده و آنهایی که در پایان هر عبارت تقطیعی هستند، به صورت پررنگ درج شده تا با صدای «آ» خوانده شوند. مانند:
 - حالت عادی: «أَبَدًا - وَجِبْهًا» - و وقتی در داخل عبارت باشند، تنوین آخر با صدای «آ» تلفظ می‌شود

و حرف «الف» نیز به صورت پرننگ خواهد آمد مانند: **عَدَلًا وَقِسْطًا** - **حَقًّا حَقًّا** *

● مدهای لازم (یا متصل) که با علامت «=» نشان داده می‌شود، برای قرائت صحیح و کامل کلمات درج شده است. مانند: **تَامَةً - الْبَارِ - عَائِدًا - زَائِرًا - نَعْمًا وَك - السُّوءَ**

● برای مشخص کردن محل تلاقی تنوین با همزه وصل، از یک علامت (نون مکسوره) در زیر کلمه تنوین دار یا بین دو کلمه استفاده شده است مانند: **عَادًا الْأُولَى - مُحَمَّدٍ الْصَادِقِ - عَلِيٍّ الْهَادِي**

● هرگاه ابتدای تقطیع بعدی را بتوان به نوعی با عبارت قبلی به صورت پیوسته نیز خواند، همزه وصل (آ) و اعراب آن به صورت کم‌رنگ‌تر درج شده است. مانند: **وَلِيٍّ دِينِكَ * الْقَائِمِ بَعْدِكَ ***

۲- موارد مربوط به محتوای متن




● سعی شده تا عباراتی که به طور اخص از آیات قرآنی است در میان دو علامت ﴿﴾ آورده شود تا خواننده بتواند ارتباط سریع‌تر و معنوی با آنها برقرار کند. مانند:



فَإِنَّكَ قُلْتَ ﴿وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ﴾ * فَمِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ *


● روایات مختلف کلماتی که در سایر نسخه‌ها بوده نیز به صورت کوچک‌تر در ^(۱) آمده و به عبارتی از جمله‌ی کامل‌ترین متون از نظر محتوا می‌باشد. مانند: **وَ حَشْدُهُ (حَشْدُهُ) - حِبَالَتِهِ (حِبَالَتِهِ) الَّتِي**




● بعضی از روایات مختلف کلمات یا عباراتی که در نسخه‌های دیگر بوده و ترجیح (یا احتیاط) بر قرائت آنهاست، کمی کوچک‌تر و در علامت [] درج شده است. مانند: **وَ [عَلِيٍّ] عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ**




● در عربی، حرف «و» مرتبط به کلمه بعدی می‌باشد. لذا سعی شده در هنگام نگارش رعایت شود تا این حرف، همواره همراه کلمه‌ی مرتبط با خودش قرارگیرد که اشکالی در قرائت ایجاد نشود. مانند: **وَ كَيْفَ**




- در توضیحات فارسی ادعیه و مناسک، سعی شده با استفاده از علائم متفاوت ( *  )، تفکیک و تبیین خوبی از جزئیات ایجاد شود تا ضمن آسانی در خواندن این توضیحات، تفکیک و تنوعات نیز به سرعت تشخیص داده شوند. ضمناً اندازه این حروف نیز به قدر کافی درشت و خوانا می باشند. مانند متن زیر:

{... و هریک از این سوره‌ها را بخواند: * نساء * هود * کهف * صافات * الرحمن  ششم: سوره أَحْقَاف و مؤمنین بخواند از حضرت صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) مروی است که: هر که در هر شب جمعه یا هر روز جمعه سوره أَحْقَاف بخواند ترسی در دنیا به او نرسد و از فزع اکبر قیامت ایمن گردد  و نیز فرموده: هر که...}

- برای کمک به صحیح خواندن عبارات از نظر معنا، و حفظ آهنگین عبارات از علامت وقف  استفاده شده است. این علامت، غیر از آنکه رنگ مناسبی برای تلطیف چشم دارد، باعث می شود تا فاصله‌ی بین قطعات به گونه‌ای باشد که آنها به خوبی از همدیگر متمایز شوند. مانند:

وَقَرَبٌ بَعْدَهُ  وَأَنْجَزٌ وَعَدَةٌ  وَأَوْفٍ عَهْدُهُ 

- همچنین رنگ این علامت در پایان ادعیه و اذکار یا قطعات (اگر منتهی به علامت دیگری مانند   نشده باشد)، به رنگ بنفش  درج شده است تا پایان آن قسمت را سریعتر نشان دهد. مانند:

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ  وَآلِ مُحَمَّدٍ  پس بخوان هر چه خواهی.

- با توجه به حساسیت مؤلف ارزشمند کتاب (یعنی شیخ عباس قمی) سعی شده امانتداری لازم در متون رعایت و حتی برای حفظ فضای سنتی نگارشی آن، عباراتی مانند دَوْم و سَوْم به همان صورت «دویم» و «سیم» آورده شود. بدیهی است که خوانندگان محترم می توانند متوجه منظور مؤلف باشند. همچنین سعی شده برای تلفظ صحیح اسامی یا عبارات ثقیل، تا حد امکان اعراب گذاری شود. مانند عبارات: مسجد صَعَصَعَه - خداوند عَزَّوَجَلَّ - نمازوتر - ابن اَشِيْم - بشیر دَهان - سُرْمَنْ رَأَى

۳- موارد مربوط به ترجمه

- ترجمه‌ها با حروف خوانا و حدوداً زیر هر عبارت است. این شیوه باعث می‌شود تا خواننده بهتر با متن ارتباط برقرار کند و سریعتر به معنا برسد. اندازه حروف ترجمه در حدی است که نه خیلی متن عربی را تحت الشعاع قرار دهد و نه خیلی کوچک و نامناسب برای خواندن باشد. رنگ آن نیز کمی متفاوت تر شده است.
- قسمت‌هایی از ترجمه که توضیحات مترجم است و عین متن نمی‌باشد، به صورت کم‌رنگ‌تر در داخل پرانتز آمده است تا تفاوت آن مشخص باشد. مانند متن زیر:

فَكَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ بِي * - يَا: وَأَنْ تَعْطِينِي مِنْ عَطَائِكَ مَا يَسْعُنِي *

تا تو (به لطف و احسان) با من چه کنی * و به من از عطای (بی حساب) خود آنقدر عطا کنی که مرا به وسعت آرد *

- سعی شده نحوه تنظیم ترجمه به گونه‌ای باشد که تا حد امکان، حروفش به متون عربی نچسبد و با رعایت فواصل کافی میان کلمات، به صورت شلوغ و پیچیده در نیاید. مانند:

وَلَا تَفْضَحْنِي عَلَى رُءُوسِ الْأَشْهَادِ * وَاحْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ *

و مرا بدان گناهان، رسوا در حضور جمعیت مگردان * و به چشم عنایتت که هرگز به خواب نرود مرا مراقبت و حفظ فرما *

۴- موارد مربوط به طراحی بصری

- اسامی جل جلاله به رنگ سبز نگارش شده است تا ارتباط معنوی بهتری برقرار شود. سبز به عنوان رنگ مذهبی در اغلب فرهنگ‌ها شناخته می‌شود. مانند: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ - اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي - يَا إِلَهِي - يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ *
- نگارش کلمات سخت به گونه‌ای است تا بهتر خوانده شوند و اعراب‌های آنان در بهترین محل ممکن قرار گیرد. همچون: بِالْعَطِيَّةِ - شَفَعَهُمْ - وَشَحَذَ لِي ظَبَةَ مَدْيَنَةِ *

● در توضیحات سرصفحات، متنی که با رنگ مشکی آمده اشاره به «سرفصل»ها دارد و متنی که با رنگ آبی آمده، اشاره به محتوای اولین عبارت در هر صفحه دارد تا نیازی به رجوع صفحات پیشین نباشد. مانند:

شب نهم، شب عرفة ۵۰۱

فصل ششم: در اعمال ماه ذی الحجه

● اعراب هر حرف، دقیقاً روی همان حرف است و از آشفتگی در نگارش آنها پرهیز شده است. این مساله باعث کمک بسیار بزرگی به روان خوانی و صحیح خوانی می‌کند. ضمن آنکه چشم را نیز کمتر خسته خواهد کرد. همچنین سعی شده تا سطرها طوری نگارش شوند که شلوغ دیده نشوند.

به تفاوت جمله: **أَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاك** و مشابه آن در نگارش‌های

دیگر توجه کنید: **أَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاك**

● رنگ‌بندی حروف و اعراب، حواشی صفحات و زمینه آن، تیتراهای اصلی و فرعی به‌گونه‌ای است که چشم را دیرتر خسته کند.

● اندازه حروف و متون فارسی و عربی در حدی است که می‌شود نسخه قطع وزیری (یا بزرگتر را) نسخه‌ای نسبتاً «درشت‌خط» محسوب کرد. همچنین نمای کلی یک صفحه به‌گونه‌ای طراحی شده که ملایم و چشم‌نواز باشد. در بعضی خطوط یک صفحه، از حروف کشیده و ایجاد فواصل بین کلمات طوری استفاده شده که ضمن رعایت اصول خوشنویسی، زیبایی بصری لازم را داشته باشد. مانند:

● **وَ أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي * وَ تَسْتُرَ عَلَيَّ ذُنُوبِي وَ تَغْفِرَ لِي * وَ تَقْضِيَ لِي**

* و اینکه از لغزش من درگذری * و گناهانم را مستور گردانی و ببخشی * و حاجتهای

● **حَوَائِجِي * وَ لَا تُعَذِّبَنِي بِقَبِيحِ كَانٍ مِنِّي * فَإِنَّ عَفْوَكَ وَ جُودَكَ**

مرا برآوری * و مرا به اعمال قبیح معذب نگردانی * که ای خدا عفو و بخشش تو مرا هم

يَسَعْنِي * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ *

فرا می‌گیرد * که البته تو بر همه چیز قادر هستی. *

به نام زیباترین

به حول و قوه الهی، طراحی اولیه این خط در روز اول ماه مبارک رمضان سال ۱۴۲۴ هـ.ق (دوشنبه پنجم آبان ۱۳۸۲ هـ.ش) شروع شد و و پس از آن تا این لحظه، ۹ نسخه متفاوت از قرآن و چندین نسخه از کتب ادعیه با این سبک آسان، منتشر گردید. نگارش کتاب حاضر نیز از سال ۱۳۹۴ آغاز و در آخرین روز سال ۱۳۹۷ مصادف با ولادت حضرت علی «ع» پایان یافت. به عنایت «او» امید دارم.

ابوالحسن مظفری